نور فاطمه زهرا سلام الله علیها

کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

پرسی و جو با موضوع

مهدویت



www.noorfatemah.org



www.noorfatemah.org

مهدویت

نویسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

www.noorfatemah.org

فهرست

فهرست ----- ۵
مهدویت ----- ۲۳۲
مشخصات کتاب ----- ۲۳۲
ادیان و مهدویت ----- ۲۳۲
ادیان الهی ----- ۲۳۲
مسیحیت و مهدویت ----- ۲۳۲
آرماگدون که غربی‌ها به آن معتقدند یا دامن می‌زنند چیست؟ ----- ۲۳۲
پرسش ----- ۲۳۲
پاسخ ----- ۲۳۲
آیا عقیده به ظهور یک رهایی بخش در میان غربیها نیز مطرح بوده است؟ ----- ۲۳۳
پرسش ----- ۲۳۳
پاسخ ----- ۲۳۳
دیدگاه اسلام (قرآن، نهج البلاغه...) ادیان الهی، بودا... درباره صلح جهانی(عج) چیست؟ ----- ۲۳۳
پرسش ----- ۲۳۳
پاسخ(قسمت اول) ----- ۲۳۳
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۲۳۶
پاسخ(قسمت سوم) ----- ۲۴۰
پاسخ(قسمت چهارم) ----- ۲۴۳
پاسخ(قسمت پنجم) ----- ۲۴۷
پاسخ(قسمت ششم) ----- ۲۵۰
پاسخ(قسمت هفتم) ----- ۲۵۳
منجی نزد مسیحیان کیست؟ ----- ۲۵۵
پرسش ----- ۲۵۵

پاسخ ----- ۲۵۵
ظهور منجی در اناجیل در چه وقتی معین شده است؟ ----- ۲۵۵
پرسش ----- ۲۵۵
پاسخ ----- ۲۵۶
اوصاف یاران منجی در اناجیل چیست؟ ----- ۲۵۶
پرسش ----- ۲۵۶
پاسخ ----- ۲۵۶
آیا در اناجیل به علائم ظهور منجی اشاره شده است؟ ----- ۲۵۶
پرسش ----- ۲۵۶
پاسخ ----- ۲۵۶
یهودیت و مهدویت ----- ۲۵۷
آیا اعتقاد به ظهور منجی در ادیان دیگر همانند دین زردتشت و موسی(ع) وجود دارد؟ ----- ۲۵۷
پرسش ----- ۲۵۷
پاسخ ----- ۲۵۷
کدام پیامبر تعبیر خواب های زیادی درباره امام زمان (عج) در کتابهایش آمده است؟ ----- ۲۵۸
پرسش ----- ۲۵۸
پاسخ ----- ۲۵۸
آیا در کتاب مقدس یهود سخن از انتظار فرج به میان آمده است؟ ----- ۲۵۸
پرسش ----- ۲۵۸
پاسخ ----- ۲۵۹
منجی نزد یهود چه کسی است؟ ----- ۲۵۹
پرسش ----- ۲۵۹
پاسخ ----- ۲۵۹
مهدویت در سایر ادیان الهی ----- ۲۵۹

آیا ادیان دیگر چون مسیحیت و یهودی به ظهور مصلح آخرالزمان اعتقاد دارند؟ آیا منظور آن‌ها از مصلح آخرالزمان حضرت مهدی(عج) است؟
پرسش ---- ۲۵۹
پاسخ ---- ۲۶۰
زردشتی، بودایی - هندی، یهودی، مسیحی و سنی هر کدام چه طور اعتقادی به مصلح دارند؟ ---- ۲۶۱
پرسش ---- ۲۶۱
پاسخ ---- ۲۶۱
نظر یهودیان , مسیحیان , زرتشتیان و اهل سنت در باره امام زمان (عج) چیست ؟ ---- ۲۶۲
پرسش ---- ۲۶۲
پاسخ ---- ۲۶۲
با توجه به معنی سوشیانت در آئین زرتشت آیا می توان گفت زرتشتیان نیز به مهدی (عج) اعتقاد دارند؟ ---- ۲۶۲
پرسش ---- ۲۶۲
پاسخ ---- ۲۶۳
مقوله «مهدویت» در سایر ادیان الهی چگونه است ؟ آیا آنان نیز به ظهور ایشان که جهان را پُر از عدل و داد می‌کند، معتقدند؟ و چرا اهل تسنر
پرسش ---- ۲۶۳
پاسخ ---- ۲۶۳
موعود از دیدگاه زردشتیان کیست؟ ---- ۲۶۴
پرسش ---- ۲۶۴
پاسخ ---- ۲۶۴
نام امام زمان(ع) در مصحف حضرت ابراهیم(ع) چیست؟ ---- ۲۶۵
پرسش ---- ۲۶۵
پاسخ ---- ۲۶۵
سایر موارد ---- ۲۶۵
اعتقاد به مهدویت و اهداف آن در ادیان دیگر چگونه است؟ ---- ۲۶۵
پرسش ---- ۲۶۵

پاسخ ----- ۲۶۵
آیا ادیان آسمانی و پیامبران با اصل مهدویت موافقاند؟ ----- ۲۶۷
پرسش ----- ۲۶۷
پاسخ ----- ۲۶۷
آیا مسأله مصلح بزرگ در میان ادیان دیگر نیز مطرح بوده است؟ ----- ۲۶۷
پرسش ----- ۲۶۷
پاسخ ----- ۲۶۸
آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان وملل دیگر نیز وجود دارد؟ ----- ۲۶۹
پرسش ----- ۲۶۹
پاسخ ----- ۲۶۹
هر یک از صاحبان ادیان، منجی را از دین خود می‌داند راه حلّ این اختلاف چیست؟ ----- ۲۶۹
پرسش ----- ۲۶۹
پاسخ ----- ۲۶۹
منجی ورهبر در حکومت عدل توحیدی جهانی کیست؟ ----- ۲۷۰
پرسش ----- ۲۷۰
پاسخ ----- ۲۷۰
آیا اعتقاد به وجود مصلح جهانی، مخصوص مسلمانان است یا اینکه ملل دیگر نیز به آن عقیده دارند؟ خصوصیات مصلح موعود در احادیث اسلا
پرسش ----- ۲۷۱
پاسخ ----- ۲۷۱
آیا در مورد امام زمانغ و حکومت عدل او، در ادیان مذاهب و فرقه‌های دیگر نیز آمده است از معرفی کتاب هم تشکر می‌کنم ----- ۲۷۳
پرسش ----- ۲۷۳
پاسخ ----- ۲۷۳
۳- حضرت مهدی در ادیان دیگر چگونه توصیف شده اند ----- ۲۷۵
پرسش ----- ۲۷۵

پاسخ ----- ۲۷۵
چرا واقعه‌ی طول عمر امام زمان(عج) در کتابهای آسمانی پیشین نیامده است و همچنین نام علی‌علیه السلام؟ ----- ۲۷۵
پرسش ----- ۲۷۵
پاسخ ----- ۲۷۵
ادیان غیر الهی ----- ۲۷۵
منجی در آیین هندو کیست؟ ----- ۲۷۵
پرسش ----- ۲۷۶
پاسخ ----- ۲۷۶
منجی در آیین بودا کیست؟ ----- ۲۷۶
پرسش ----- ۲۷۶
پاسخ ----- ۲۷۶
ادیان و پایان تاریخ ----- ۲۷۷
نظر" تافلر "درباره پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۷۷
پرسش ----- ۲۷۷
پاسخ ----- ۲۷۷
نظر" تافلر "درباره پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۷۸
پرسش ----- ۲۷۸
پاسخ ----- ۲۷۸
دیدگاه" هانتینگتون "راجع به پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۷۹
پرسش ----- ۲۷۹
پاسخ ----- ۲۷۹
دیدگاه" هانتینگتون "راجع به پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۷۹
پرسش ----- ۲۷۹
پاسخ ----- ۲۷۹

آیا تک قطبی کردن جهان می‌تواند نجات‌بخش بشر باشد؟ ---- ۲۸۰
پرسش ---- ۲۸۰
پاسخ ---- ۲۸۰
سایر مباحث ---- ۲۸۱
اعتقاد به مهدویت از چه زمانی در تاریخ بشر مطرح بوده است ؟ ---- ۲۸۱
پرسش ---- ۲۸۱
پاسخ ---- ۲۸۱
چند انقلاب که نشان دهندهٔ قانون عکس العمل، در مسائل اجتماعی و نشان دهندهٔ وقوع یک انقلاب جهانی (حضرت مهدی(ع)) در آینده هستند.
پرسش ---- ۲۸۲
پاسخ ---- ۲۸۲
قانون عکس‌العمل که بیانگر وجود یک عکس‌العمل در برابر هر عملی است، در مورد آینده جهان، چه می‌گوید؟ ---- ۲۸۲
پرسش ---- ۲۸۲
پاسخ ---- ۲۸۳
آیا مکاتب فلسفی نیز انتظار فرج را امری ارزشی می‌دانند؟ ---- ۲۸۳
پرسش ---- ۲۸۳
پاسخ ---- ۲۸۳
از چه زمانی خطوط کلّی برای روز موعود جهانی ترسیم شده است؟ ---- ۲۸۳
پرسش ---- ۲۸۳
پاسخ ---- ۲۸۳
چگونه با وجود تحریف در تورات وانجیل در مسئله ی مهدویت به آن دو استشهاد می‌شود؟ ---- ۲۸۴
پرسش ---- ۲۸۴
پاسخ ---- ۲۸۴
آیا عقیده به منجی ومهدویت عقیده‌ای شرقی است؟ ---- ۲۸۵
پرسش ---- ۲۸۵

پاسخ ----- ۲۸۵
آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟ ----- ۲۸۵
پرسش ----- ۲۸۵
پاسخ ----- ۲۸۵
آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟ ----- ۲۸۶
پرسش ----- ۲۸۶
پاسخ ----- ۲۸۶
امروزه فعالیتهایی بر علیه مهدویت در جریان است بفرمایید در جهان غرب و رسانه ها و مطبوعات و منشورات غرب چه فعالیتهایی در خصوص مه
پرسش ----- ۲۸۶
پاسخ ----- ۲۸۶
چرا کافران مسئله ظهور حضرت مهدی را قبول ندارند؟ ----- ۲۸۷
پرسش ----- ۲۸۷
پاسخ ----- ۲۸۷
مهدویت در آیات و روایات ----- ۲۸۷
آیات ----- ۲۸۷
حکومت الهی در آیات ----- ۲۸۷
کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟ ----- ۲۸۷
پرسش ----- ۲۸۷
پاسخ ----- ۲۸۷
کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟ ----- ۲۸۸
پرسش ----- ۲۸۸
پاسخ ----- ۲۸۸
دیدگاه قرآن درباره تشکیل حکومت جهانی اسلامی، بسط دین اسلام و زمامداری صلحاء چگونه است؟ ----- ۲۸۸
پرسش ----- ۲۸۸

پاسخ ----- ۲۸۸
دیدگاه قرآن نسبت به حاکمیت بندگان شایستهٔ خدا بر زمین چیست؟ ----- ۲۸۹
پرسش ----- ۲۸۹
پاسخ ----- ۲۹۰
در قرآن کریم، ضرورت وجود حکومت امام زمان ع چگونه بررسی و توصیف شده است؟ ----- ۲۹۰
پرسش ----- ۲۹۰
پاسخ ----- ۲۹۰
اگر مراد از آیاتی که وارثین زمین موءمنین می باشد همانند آیات وارث شدن بنی اسرائیل بعد از فرعون باشد دیگر ربطی به ظهور حضرت ندارد
پرسش ----- ۲۹۱
پاسخ ----- ۲۹۱
در آیهٔ ۵۵ / نور: ، «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ...» طبق نظر مفسران در
پرسش ----- ۲۹۲
پاسخ ----- ۲۹۲
منظور از وارث زمین شدن توسط صالحان چیست؟ ----- ۲۹۳
پرسش ----- ۲۹۳
پاسخ ----- ۲۹۴
امام زمان در آیات ----- ۲۹۴
در قرآن از امام مهدی (ع) چگونه یاد شده است ؟ ----- ۲۹۴
پرسش ----- ۲۹۴
پاسخ ----- ۲۹۴
مهمترین آیات مربوط به مهدویت کدام است؟ ----- ۲۹۴
پرسش ----- ۲۹۴
پاسخ ----- ۲۹۵
چرا از این امام محجوب نام و نشانی در قرآن کریم نیست ؟ مگر ایمان بوجود این امام از ایمان بوجود مردان گذشته که در جهان میزی

پرسش ---- ۲۹۵
پاسخ ---- ۲۹۵
آیا در قرآن کریم آیاتی در مورد حضرت امام زمان(عج) وجود دارد؟ ---- ۲۹۶
پرسش ---- ۲۹۶
پاسخ ---- ۲۹۶
چگونه پیامبران و امامان ما در جذب اکثر مردم به آئین اسلام و تشکیل حکومت عدل جهانی موفقیت حاصل نکردند در حالی که امام زمان ایز
پرسش ---- ۲۹۶
پاسخ ---- ۲۹۶
چند آیه نام ببرید که مربوط به ظهور آن حضرت باشد. ---- ۲۹۷
پرسش ---- ۲۹۷
پاسخ ---- ۲۹۷
چند آیه از قرآن کریم بر وجود نازنین امام زمان (عج) دلالت می کند و در سوره نباء کلمهٔ اوتاد آیا به یاران امام زمان اشاره دارد؟ ---- ۲۹۷
پرسش ---- ۲۹۷
پاسخ ---- ۲۹۸
چرا" سَلَـمٌ هِیَ حَتَّیَ مَطْـلَعِ الْفَجْر "را به ولی عصر نسبت میدهند؟ ---- ۲۹۸
پرسش ---- ۲۹۸
پاسخ ---- ۲۹۸
چه مطالبی دربارهٔ امام زمانغ در قرآن کریم آمده است ---- ۲۹۹
پرسش ---- ۲۹۹
پاسخ ---- ۲۹۹
آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که دربارهٔ حضرت مهدیغ باشند به طوری که دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز آن را قبول داشته باشند؟ ـ ۳۰۰
پرسش ---- ۳۰۰
پاسخ ---- ۳۰۰
همهٔ جزئیات در مورد حضرت مهدیرا بیان کنید؟ ---- ۳۰۰

پرسش ----- ۳۰۰
پاسخ ----- ۳۰۱
آیا در قرآن آیه‌ای بدین مضمون وجود دارد که همه باید انتظار قیامت را داشته باشند ;اگر این گونه است پس انتظار ظهور حضرت مهدیغ چ
پرسش ----- ۳۰۲
پاسخ ----- ۳۰۲
در قرآن کریم آیه و سوره‌ای مانند سورهٔ نصر دربارهٔ امام زمان‌وجود دارد ;لطفاً بفرمایید آیا نام مولا هم در قرآن کریم آمده است ----- ۳۰۳
پرسش ----- ۳۰۳
پاسخ ----- ۳۰۳
چرا در قرآن کریم به صورت صریح وروشن درباره حضرت مهدی (ع)سخن گفته نشده است ؟کجای قرآن درباره ایشان صحبت شده است ؟با ت
پرسش ----- ۳۰۴
پاسخ ----- ۳۰۴
آیا در قران کریم به امام زمان اشاره ای شده است ضمنی چطور؟ ----- ۳۰۵
پرسش ----- ۳۰۵
پاسخ(قسمت اول) ----- ۳۰۶
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۳۰۸
چرا قرآن به طور رسمی به مسأله ولادت ووجود امام مهدی‌علیه‌السلام ----- ۳۱۰
اشاره ----- ۳۱۰
پرسش ----- ۳۱۰
پاسخ ----- ۳۱۰
چرا نام امام قائم (عج) در قرآن نیامده است؟ ----- ۳۱۰
پرسش ----- ۳۱۰
پاسخ ----- ۳۱۱
در کجای قرآن از امام زمان(یاد شده است؟ لطفاً نام سوره وآیه آن را بنویسید؟ ----- ۳۱۲
پرسش ----- ۳۱۲

پاسخ ----- ۳۱۳
آیا واسطه فیض بودن امام زمان (ع) در نعمت ها و در عالم کون غیر از روایات آیا ریشه قرآنی هم دارد یا نه؟ ----- ۳۱۳
پرسش ----- ۳۱۳
پاسخ ----- ۳۱۳
منظور از آیه «قل فلِلّهِ الحجة البالغه چیست و آیا به امام زمان (عج مربوط می‌شود؟ و آیا صلوات فرستادن هنگام تلاوت آیه برای سلامتی آن ـ
پرسش ----- ۳۱۴
پاسخ ----- ۳۱۴
آیهٔ شریفه" بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین را چگونه به حضرت مهدی ۷ ارتباط می‌دهند در حالیکه شأن نزول آن موضوع دیگری است ۴
پرسش ----- ۳۱۴
پاسخ ----- ۳۱۵
ظهور در آیات ----- ۳۱۵
روز فتح چه روزی است؟ ----- ۳۱۵
پرسش ----- ۳۱۶
پاسخ ----- ۳۱۶
مفهوم آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء و روایات پیرامون قیام حضرت مهدی چیست؟ ----- ۳۱۶
پرسش ----- ۳۱۶
پاسخ ----- ۳۱۶
دلالت آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور در مورد قیام ولی عصر (ع) چگونه است؟ ----- ۳۱۷
پرسش ----- ۳۱۷
پاسخ ----- ۳۱۷
دلالت آیهٔ ۳۳ سورهٔ توبه و احادیثی که در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) آمده چیست؟ ----- ۳۱۸
پرسش ----- ۳۱۸
پاسخ ----- ۳۱۸
بهترین و محکم‌ترین آیه‌ای از قرآن که بر ظهور حتمی آقا امام زمانغ وجود دارد کدام است ----- ۳۱۹

اشاره ----- ۳۱۹
پرسش ----- ۳۱۹
پاسخ ----- ۳۱۹
آیا خصوصیات دوران امام زمان ع در قرآن یا روایات آمده است لطفاً توضیح دهید. ----- ۳۲۰
پرسش ----- ۳۲۰
پاسخ ----- ۳۲۰
آیه" وعد "چگونه بر ظهور موعود جهانی دلالت دارد؟ ----- ۳۲۱
پرسش ----- ۳۲۱
پاسخ ----- ۳۲۱
آیه" ارسال رسول "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۳۲۲
پرسش ----- ۳۲۲
پاسخ ----- ۳۲۲
آیه" وراثت "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۳۲۲
پرسش ----- ۳۲۲
پاسخ ----- ۳۲۳
آیه" استضعاف "چگونه بر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۳۲۳
پرسش ----- ۳۲۳
پاسخ ----- ۳۲۳
آیه" ارتداد "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۳۲۴
پرسش ----- ۳۲۴
پاسخ ----- ۳۲۴
آیه" قتال "چگونه بر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۳۲۴
پرسش ----- ۳۲۵
پاسخ ----- ۳۲۵

چه آیه‌ای از قرآن اشاره یا بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) داده است؟ ---- ۳۲۵
پرسش ---- ۳۲۵
پاسخ ---- ۳۲۵
آیا خداوند در قرآن فرموده است که در آخر الزمان کشورهای فراوانی هستند که بر ضرر اسلام فعالیت می‌کنند؟ ---- ۳۲۶
پرسش ---- ۳۲۶
پاسخ ---- ۳۲۶
سایر روایات نبوی ---- ۳۲۷
آیا در روایات است که موقع سلام به آقا امام زمان(عج) سر را تا اندازهٔ رکوع یا کمتر خم کنیم؟ ---- ۳۲۷
پرسش ---- ۳۲۷
پاسخ ---- ۳۲۷
بحث مهدویت در قرآن کریم به چه صورت آمده است؟ ---- ۳۲۷
پرسش ---- ۳۲۷
پاسخ ---- ۳۲۸
چند نمونه از علائم مصلح بزرگ در آیات قرآن چیست؟ ---- ۳۲۸
پرسش ---- ۳۲۸
پاسخ ---- ۳۲۸
منظور از پیروزی دین حق که در قرآن از آن سخن به میان آمده است، چه نوع پیروزی است و آیا تحقق یافته است؟ ---- ۳۲۹
پرسش ---- ۳۲۹
پاسخ ---- ۳۲۹
با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل درظهور ولی عصر (عج) وارد شده را توجیه می کنید؟ ---- ۳۳۰
پرسش ---- ۳۳۰
پاسخ ---- ۳۳۰
آیا در قرآن کریم دربارهٔ این که پیروان حضرت مهدی ع باید ۳۱۳ نفر باشند تا ظهور کنند، و نیز دربارهٔ قاتل آن حضرت آیه یا آیاتی وجود دار
پرسش ---- ۳۳۳

پاسخ ----- ۳۳۳
روایات نبوی ----- ۳۳۳
معروفترین روایاتی که در مورد قیام حضرت مهدی (ع) آمده است چیست؟ ----- ۳۳۳
پرسش ----- ۳۳۳
پاسخ ----- ۳۳۳
رسول الله(ص) در مورد عدالت گستری حضرت مهدی(عج) چه فرموده‌اند؟ ----- ۳۳۴
پرسش ----- ۳۳۴
پاسخ ----- ۳۳۴
اینکه می گویند پیامبر اسلام((صلی الله علیه وآله)) فرمود مهدی در آخرالزمان متولّد می شود و ظهور می فرماید درست است یا خیر؟ ---- ۳۳۵
پرسش ----- ۳۳۵
پاسخ ----- ۳۳۵
آیا رسول خداصلی الله وعلیه وآله از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۳۵
پرسش ----- ۳۳۵
پاسخ ----- ۳۳۵
آیا رسول اکرم‌صلی الله وعلیه وآله خبر از غیبت امام زمان‌علیه‌السلام داده است؟ ----- ۳۳۵
پرسش ----- ۳۳۵
پاسخ ----- ۳۳۶
به حدیث": اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی "چگونه پاسخ می‌گویید؟ ----- ۳۳۶
پرسش ----- ۳۳۶
پاسخ ----- ۳۳۶
به حدیث": اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی "چگونه پاسخ می‌گویید؟ ----- ۳۳۷
پرسش ----- ۳۳۷
پاسخ ----- ۳۳۷
به حدیث": المهدی من ولد الحسن "چگونه پاسخ می‌گویید؟ ----- ۳۳۷

پرسش ----- ۳۳۷
پاسخ ----- ۳۳۷
به حدیث": المهدی من ولد الحسن "چگونه پاسخ می‌گویید؟ ----- ۳۳۸
پرسش ----- ۳۳۸
پاسخ ----- ۳۳۸
آیا جمله" کما ملئت ظلماً وجوراً "با صالح بودن مردم منافات دارد؟ ----- ۳۳۸
پرسش ----- ۳۳۸
پاسخ ----- ۳۳۹
روایات ائمه اطهار ----- ۳۳۹
روایات درمورد غیبت امام ----- ۳۳۹
نمونه ای از روایات اهل بیت (ع) درباره غیبت حضرت مهدی (عج) را بیان کنید ؟ ----- ۳۳۹
پرسش ----- ۳۳۹
پاسخ ----- ۳۳۹
آیا امام علی‌علیه‌السلام به غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام اشاره کرده است؟ ----- ۳۳۹
پرسش ----- ۳۳۹
پاسخ ----- ۳۴۰
آیا امام حسن‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۰
پرسش ----- ۳۴۰
پاسخ ----- ۳۴۰
آیا امام حسین‌علیه‌السلام از غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۱
پرسش ----- ۳۴۱
پاسخ ----- ۳۴۱
آیا امام سجادعلیه‌السلام از غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۱
پرسش ----- ۳۴۱

پاسخ ----- ۳۴۱
آیا امام باقرعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۱
پرسش ----- ۳۴۲
پاسخ ----- ۳۴۲
آیا امام صادق‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۲
پرسش ----- ۳۴۲
پاسخ ----- ۳۴۲
آیا امام کاظم‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۲
پرسش ----- ۳۴۳
پاسخ ----- ۳۴۳
آیا امام رضاعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۳
پرسش ----- ۳۴۳
پاسخ ----- ۳۴۳
آیا امام جوادعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۴
پرسش ----- ۳۴۴
پاسخ ----- ۳۴۴
آیا امام هادی‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ----- ۳۴۴
پرسش ----- ۳۴۴
پاسخ ----- ۳۴۴
آیا امام عسکری‌علیه‌السلام برای غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام ----- ۳۴۵
اشاره ----- ۳۴۵
پرسش ----- ۳۴۵
پاسخ ----- ۳۴۵
روایات در مورد ولادت امام ----- ۳۴۶

آیا روایات ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ضعیف است؟ ---- ۳۴۶
پرسش ---- ۳۴۶
پاسخ ---- ۳۴۶
آیا روایات ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ضعیف است؟ ---- ۳۴۷
پرسش ---- ۳۴۷
پاسخ ---- ۳۴۷
آیا حضرت علی‌علیه‌السلام از ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۴۸
پرسش ---- ۳۴۸
پاسخ ---- ۳۴۸
آیا امام حسن‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۴۸
پرسش ---- ۳۴۸
پاسخ ---- ۳۴۸
آیا امام حسین‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۴۸
پرسش ---- ۳۴۸
پاسخ ---- ۳۴۹
آیا امام سجادعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۴۹
پرسش ---- ۳۴۹
پاسخ ---- ۳۴۹
آیا امام باقرعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۴۹
پرسش ---- ۳۵۰
پاسخ ---- ۳۵۰
آیا امام صادق‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۵۰
پرسش ---- ۳۵۰
پاسخ ---- ۳۵۰

آیا امام کاظم‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۵۱
پرسش ---- ۳۵۱
پاسخ ---- ۳۵۱
آیا امام رضاعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۵۱
پرسش ---- ۳۵۱
پاسخ ---- ۳۵۱
آیا امام جوادعلیه‌السلام از ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۵۲
پرسش ---- ۳۵۲
پاسخ ---- ۳۵۲
آیا امام هادی‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۵۲
پرسش ---- ۳۵۲
پاسخ ---- ۳۵۳
آیا امام عسکری‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟ ---- ۳۵۳
پرسش ---- ۳۵۳
پاسخ ---- ۳۵۳
سایر روایات ---- ۳۵۴
در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟ ---- ۳۵۴
پرسش ---- ۳۵۴
پاسخ ---- ۳۵۴
آیا در زیارت (آل یاسین) ، عبارت (یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن ...) درباره زمان ظهور امام زمان (عج) است ؟ ---- ۳۵۴
پرسش ---- ۳۵۴
پاسخ ---- ۳۵۴
لطفاً این حدیث از امام رضا(ع) که در منتخب الاثر (صافی) آمده توضیح دهید لا یری جسمه و لا یسمی باسمه (مهدی(ع) دیده نمی شود به ا
پرسش ---- ۳۵۵

پاسخ ----- ۳۵۵
اینکه حضرت امام جعفر صادق(ع) پیرامون حضرت مهدی(عج) می فرماید: «اگر او را درک می کردم، تمام عمر به خدمت او می پرداختم» چه
پرسش ----- ۳۵۵
پاسخ ----- ۳۵۵
مبنای مؤلّفان حدیثی مصادر مهدویت چه بوده است؟ ----- ۳۵۶
پرسش ----- ۳۵۶
پاسخ ----- ۳۵۶
چرا هیچ یک از امامان‌علیهم‌السلام، هویت شخصی حضرت مهدی‌علیه‌السلام ----- ۳۵۷
اشاره ----- ۳۵۷
پرسش ----- ۳۵۷
پاسخ ----- ۳۵۷
آیا اخبار مهدی‌علیه‌السلام غامض وپیچیده است؟ ----- ۳۵۷
پرسش ----- ۳۵۸
پاسخ ----- ۳۵۸
آیا نصّ متواتر بر امامت امام زمان‌علیه‌السلام از امام عسکری‌علیه‌السلام رسیده است؟ ----- ۳۵۸
پرسش ----- ۳۵۸
پاسخ ----- ۳۵۸
آیا حدیث" لو أدرکته لخدمته ایام حیاتی "دلیل برتری امام زمان‌علیه‌السلام بر سایر ائمه است؟ ----- ۳۵۹
پرسش ----- ۳۵۹
پاسخ ----- ۳۵۹
مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی‌علیه‌السلام در یک شب چیست؟ ----- ۳۵۹
پرسش ----- ۳۵۹
پاسخ ----- ۳۵۹
امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بدین جدید "یعنی چه؟ ----- ۳۶۰

پرسش ---- ۳۶۰
پاسخ ---- ۳۶۰
امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بسلطان جدید "یعنی چه؟ ---- ۳۶۱
پرسش ---- ۳۶۱
پاسخ ---- ۳۶۱
امام زمان‌علیه‌السلام به" امر جدید "قیام می‌کند یعنی چه؟ ---- ۳۶۱
پرسش ---- ۳۶۱
پاسخ ---- ۳۶۱
امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بقضاء جدید "یعنی چه؟ ---- ۳۶۲
پرسش ---- ۳۶۲
پاسخ ---- ۳۶۲
امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بسنهٔ جدیدهٔ "یعنی چه؟ ---- ۳۶۲
پرسش ---- ۳۶۲
پاسخ ---- ۳۶۲
آیا امام مهدی‌علیه‌السلام قیام کننده به کتاب جدید است؟ ---- ۳۶۳
پرسش ---- ۳۶۳
پاسخ ---- ۳۶۳
مفاد روایات در مورد مدت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۳۶۳
پرسش ---- ۳۶۳
پاسخ ---- ۳۶۳
چند حدیث درباره‌ی امام زمان(عج) بیان نمائید؟ ---- ۳۶۴
پرسش ---- ۳۶۴
پاسخ ---- ۳۶۴
اینکه قرآنی می‌آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟ ---- ۳۶۴

پرسش ----- ۳۶۵
پاسخ ----- ۳۶۵
دعای ندبه ----- ۳۶۵
چند موضوع از دعای ندبه اختصاص به حضرت مهدی عج) دارد؟ ----- ۳۶۵
پرسش ----- ۳۶۵
پاسخ ----- ۳۶۵
در دعـای نـدبـه بـه این مساله اشاره شده است که می پرسد : نمی دانم کدام سرزمین تو را در بر گـرفته است ؟ قرارگاهت کجاست ؟ در کوه رض
پرسش ----- ۳۶۶
پاسخ ----- ۳۶۶
چگونه ممکن است دعای ندبه به یکی از امامان معصوم منسوب باشد که همه عاقل و کامل بودند ولی یکی از آنان خطاب به نوادهاش (امام زمان«
پرسش ----- ۳۶۸
پاسخ ----- ۳۶۸
سؤال مذکور را خدمت چندین استاد گرانقدر بیان نمودیم اما متأسفانه جوابی قانع کننده نگرفتیم حتی چندین نفر این ادعا را رد کردند سؤال مذک
اشاره ----- ۳۶۹
پرسش ----- ۳۶۹
پاسخ ----- ۳۶۹
من همیشه به امام زمان سلام می کنم باایشان صحبت می کنم و مطمئنم که ایشان صدای مرا می شنوند و منتظرند که به سوی ایشان بروم و با ،
پرسش ----- ۳۷۰
پاسخ ----- ۳۷۰
ندبه یعنی چه؟ (در دعا می خوانیم فلیندب النادبون) ----- ۳۷۰
پرسش ----- ۳۷۱
پاسخ ----- ۳۷۱
آیا دعای ندبه نزد علما معتبر است؟ ----- ۳۷۱
پرسش ----- ۳۷۱

پاسخ ----- ۳۷۱
نظر بزرگان علما درباره دعای ندبه چیست؟ ----- ۳۷۱
پرسش ----- ۳۷۱
پاسخ ----- ۳۷۱
چه کسانی دعای ندبه را نقل کرده‌اند؟ ----- ۳۷۲
پرسش ----- ۳۷۲
پاسخ ----- ۳۷۲
راوی دعای ندبه که معاصر امام نبوده چگونه دعا را نقل می‌کند؟ ----- ۳۷۲
پرسش ----- ۳۷۲
پاسخ ----- ۳۷۳
"محمّد بن مشهدی "راوی با واسطه دعای ندبه کیست؟ ----- ۳۷۳
پرسش ----- ۳۷۳
پاسخ ----- ۳۷۳
"محمّد بن علی بن ابی قرّه "راوی دیگر دعای ندبه کیست؟ ----- ۳۷۳
پرسش ----- ۳۷۳
پاسخ ----- ۳۷۳
ابن مشهدی دعای ندبه را چگونه از محمّد بن‌أبی‌قره نقل‌کرده است؟ ----- ۳۷۳
پرسش ----- ۳۷۴
پاسخ ----- ۳۷۴
آیا درباره محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری معروف به ابن مشهدی توثیقی رسیده است؟ ----- ۳۷۴
پرسش ----- ۳۷۴
پاسخ ----- ۳۷۴
دعای ندبه از کدامین امام است؟ ----- ۳۷۴
پرسش ----- ۳۷۴

پاسخ ----- ۳۷۴
آیا دعای ندبه انشای برخی از علمای شیعه است؟ ----- ۳۷۵
پرسش ----- ۳۷۵
پاسخ ----- ۳۷۵
چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟ ----- ۳۷۵
پرسش ----- ۳۷۵
پاسخ ----- ۳۷۵
آیا جمله" وعرجت بروحه "مخالف با معراج جسمانی است؟ ----- ۳۷۶
پرسش ----- ۳۷۶
پاسخ ----- ۳۷۶
چه تألیفاتی درباره دعای ندبه نوشته شده است؟ ----- ۳۷۶
پرسش ----- ۳۷۶
پاسخ ----- ۳۷۶
سایر موارد ----- ۳۷۷
زیارت امام زمان(ع) که می خوانند، چرا دست روی سر می گذارند؟ ----- ۳۷۷
پرسش ----- ۳۷۷
پاسخ ----- ۳۷۷
مصلح بزرگ جهانی از نظر احادیث دارای چه مشخصاتی است؟ ----- ۳۷۷
پرسش ----- ۳۷۷
پاسخ ----- ۳۷۷
ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟ ----- ۳۷۷
پرسش ----- ۳۷۷
پاسخ ----- ۳۷۸
آیا از راه براهین فلسفی می‌توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟ ----- ۳۷۸

پرسش ----- ۳۷۸
پاسخ ----- ۳۷۸
ضرورت حکومت عدل جهانی را از راه تکامل چگونه می‌توان تبیین کرد؟ ----- ۳۷۹
پرسش ----- ۳۷۹
پاسخ ----- ۳۷۹
آیا با دلیل عقلی می‌توان ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را اثبات نمود؟ ----- ۳۷۹
پرسش ----- ۳۷۹
پاسخ ----- ۳۷۹
آیا واقعیّت‌های تاریخی می‌تواند ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟ ----- ۳۷۹
پرسش ----- ۳۷۹
پاسخ ----- ۳۷۹
چه ضرورتی در تحقق حکومت عدل جهانی در این دنیا است؟ ----- ۳۸۰
پرسش ----- ۳۸۰
پاسخ ----- ۳۸۰
رهبری در حکومت عدل جهانی چه اهمّیتی دارد؟ ----- ۳۸۱
پرسش ----- ۳۸۱
پاسخ ----- ۳۸۱
برپا کننده عدل جهانی چه شرایطی باید داشته باشد؟ ----- ۳۸۱
پرسش ----- ۳۸۱
پاسخ ----- ۳۸۱
مهدویت در سایر فرق اسلامی ----- ۳۸۲
سایر فرق اسلامی و اصل اعتقاد به مهدویت ----- ۳۸۲
آیا اعتقاد به مهدویت درمیان مذاهب اسلامی مورد اتفاق می باشد؟ ----- ۳۸۲
پرسش ----- ۳۸۲

پاسخ ----- ۳۸۲
آیا همه فرق اسلامی بر ایمان به ظهور مهدی اهلبیت(ع) اجتماع و اتفاق نظر دارند؟ ----- ۳۸۲
پرسش ----- ۳۸۲
پاسخ ----- ۳۸۲
آیا مسئله ظهور حضرت مهدی از مسائل اجماعی بین مسلمین است؟ ----- ۳۸۳
پرسش ----- ۳۸۳
پاسخ ----- ۳۸۳
آیا احادیث معتبر و متواتری نسبت به عقیده مهدویت وجود دارد؟ ----- ۳۸۳
پرسش ----- ۳۸۳
پاسخ ----- ۳۸۳
آیا عقیده به مهدویت تنها اختصاص به شیعه دارد؟ یا مورد اتفاق اهل سنت و شیعه میباشد؟ ----- ۳۸۴
پرسش ----- ۳۸۴
پاسخ ----- ۳۸۴
نظر علمای اهل سنّت پیرامون مصلح جهانی چیست؟ ----- ۳۸۴
پرسش ----- ۳۸۴
پاسخ ----- ۳۸۵
آیا کسی از علمای اهل سنّت، منکر احادیث مهدویت شده است؟ ----- ۳۸۵
پرسش ----- ۳۸۵
پاسخ ----- ۳۸۵
چرا بخاری ومسلم احادیث مهدویت‌را در صحاح خود ذکر نکرده‌اند؟ ----- ۳۸۶
پرسش ----- ۳۸۶
پاسخ ----- ۳۸۶
آیا احادیث مهدویت تنها از طرق شیعه بوده ودر سند همه آنها شیعه وجود دارد؟ ----- ۳۸۸
پرسش ----- ۳۸۸

پاسخ ----- ۳۸۸
آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟ ----- ۳۸۸
پرسش ----- ۳۸۸
پاسخ ----- ۳۸۸
آیا کسی از علمای اهل سنّت ادعای تواتر در احادیث مهدویت کرده است؟ ----- ۳۸۹
پرسش ----- ۳۸۹
پاسخ ----- ۳۸۹
چه کسانی قائل به صحّت احادیث مهدویت شده‌اند؟ ----- ۳۹۰
پرسش ----- ۳۹۰
پاسخ ----- ۳۹۰
چه کسانی از صحابه احادیث مهدویت را نقل کرده‌اند؟ ----- ۳۹۱
پرسش ----- ۳۹۱
پاسخ ----- ۳۹۱
حکم منکر حضرت مهدی(ع) وظهور او، در نزد اهل سنّت چیست؟ ----- ۳۹۱
پرسش ----- ۳۹۱
پاسخ ----- ۳۹۱
آیا مذاهب اسلامی بر اصل ظهور امام زمان‌علیه‌السلام اتفاق نظر دارند؟ ----- ۳۹۲
پرسش ----- ۳۹۲
پاسخ ----- ۳۹۲
آیا مذاهب اسلامی بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی(ع)اتفاق نظر دارند؟ ----- ۳۹۲
پرسش ----- ۳۹۲
پاسخ ----- ۳۹۲
دیدگاه مذاهب اسلامی درباره حکومت عدل‌گستر حضرت مهدی ع) چیست؟ ----- ۳۹۳
پرسش ----- ۳۹۳

پاسخ ----- ۳۹۳
مسأله قبول منجی از طرف مسیحیان و شیعیان و چندین دین جهان واضح است، اما آیا سنی‌ها مسلمان نیز به چنین منجی اعتقاد دارند؟ ۳۹۴
پرسش ----- ۳۹۴
پاسخ ----- ۳۹۴
نظر اهل تسنن در مورد ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ آن را با نظر شیعیان مقایسه کنید. ----- ۳۹۴
پرسش ----- ۳۹۵
پاسخ ----- ۳۹۵
سایر فرق اسلامی و مصداق مهدویت ----- ۳۹۵
آیا سنی ها به غیبت امام زمان اعتقاد دارند، به چه دلیل؟ ----- ۳۹۵
پرسش ----- ۳۹۵
پاسخ ----- ۳۹۵
چرا بین شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت مهدی(عج) اختلاف وجود دارد؟ ----- ۳۹۶
پرسش ----- ۳۹۶
پاسخ ----- ۳۹۶
نمونه ای از روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) را ذکر کنید ؟ ----- ۳۹۷
پرسش ----- ۳۹۷
پاسخ ----- ۳۹۷
آیا از اهل سنّت احادیث و روایاتی درباره ظهور حضرت مهدی(عج) نقل شده است؟ ----- ۳۹۷
پرسش ----- ۳۹۷
پاسخ ----- ۳۹۷
چه مشخصات و ویژگیهائی برای حضرت مهدی در کتب اهل سنت آمده است؟ ----- ۳۹۷
پرسش ----- ۳۹۷
پاسخ ----- ۳۹۸
تعدادی از احادیث روایت شده توسط سنی درباره امام مهدی، ظهور ایشان، و دیگر مسائل مربوط به ظهور را بیان کنید. ----- ۳۹۸

پرسش ---- ۳۹۸
پاسخ ---- ۳۹۸
آیا در میان روایات نقل شده توسط اهل سنت، احادیثی که مؤیّد اعتقاد شیعه بر امامت دوازده امام بعد از پیامبر باشد وجود دارد؟ ---- ۳۹۹
پرسش ---- ۳۹۹
پاسخ ---- ۴۰۰
دیدگاه علمای اهل سنت و علمای شیعه در مورد امام مهدی(ع) چیست؟ ---- ۴۰۱
پرسش ---- ۴۰۱
پاسخ ---- ۴۰۱
آیا این اعتقاد اهل سنت که امام زمان (عج) فرزند عبداله و آمنه است صحت دارد؟ ---- ۴۰۲
پرسش ---- ۴۰۲
پاسخ ---- ۴۰۲
آیا صحیح است که سنّتها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی((علیه السلام)) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟ ---- ۴۰۲
پرسش ---- ۴۰۲
پاسخ ---- ۴۰۲
آیا اهل سنّت به امامت امام دوازدهم معتقدند؟ ---- ۴۰۳
پرسش ---- ۴۰۳
پاسخ ---- ۴۰۳
آیا اهل سنت به حضرت مهدی (عج) اعتقاد دارند؟ ---- ۴۰۳
پرسش ---- ۴۰۳
پاسخ ---- ۴۰۳
نظر اهل سنت و ادیان مختلف درباره امام زمان چیست ؟ ---- ۴۰۳
پرسش ---- ۴۰۳
پاسخ ---- ۴۰۴

تفاوت شیعه و سنی در مسئله مهدویت چگونه است. به عنوان مثال شیعه اعتقاد دارد مصلح متولد شده و امام است اما سنی بیان می کند که مصلح

پرسش ---- ۴۰۴
پاسخ ---- ۴۰۴
دیدگاه مذاهب اسلامی درباره لقب منجی چیست؟ ---- ۴۰۶
پرسش ---- ۴۰۶
پاسخ ---- ۴۰۶
دیدگاه مذاهب اسلامی درباره نزول حضرت عیسی‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۴۰۶
پرسش ---- ۴۰۶
پاسخ ---- ۴۰۶
آیا کسی از علمای اهل سنّت به ولادت مهدی‌علیه‌السلام اعتراف کرده است؟ ---- ۴۰۷
پرسش ---- ۴۰۷
پاسخ ---- ۴۰۷
آیا کسی از اهل سنّت فرزند امام عسکری‌علیه‌السلام (مهدی) را ---- ۴۰۸
اشاره ---- ۴۰۸
پرسش ---- ۴۰۸
پاسخ ---- ۴۰۸
اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی‌علیه‌السلام واضح بوده، چرا عده‌ای به مهدویت غیر او معتقد شدند؟ ---- ۴۰۹
پرسش ---- ۴۰۹
پاسخ ---- ۴۰۹
نظر فرقه" شیخیّه "درباره امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۴۰۹
پرسش ---- ۴۱۰
پاسخ ---- ۴۱۰
شیعیان می‌گویند امام مهدی(عج) زنده است ولی اهل‌سنت می‌گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/ ---- ۴۱۰
پرسش ---- ۴۱۰
پاسخ ---- ۴۱۰

چرا اهل تسنن معتقدند که هنوز امام زمان (عج) به دنیا نیامده است ؟ ---- ۴۱۱
پرسش ---- ۴۱۱
پاسخ ---- ۴۱۱
چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و می گویند امام زمان وجود ندارد. ---- ۴۱۳
پرسش ---- ۴۱۳
پاسخ ---- ۴۱۴
آیا صحیح است که سنّیها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی«علیه السلام» ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند؟ ---- ۴۱۴
پرسش ---- ۴۱۴
پاسخ ---- ۴۱۴
شیعیان می گویند امام مهدی (عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/ ---- ۴۱۵
پرسش ---- ۴۱۵
پاسخ ---- ۴۱۵
چند گروه از مردم معتقد به وجود حضرت مهدی (عج)هستند؟ ---- ۴۱۵
پرسش ---- ۴۱۵
پاسخ ---- ۴۱۶
اعتقاد مفوضه در خصوص ظهور امام زمان (عج) چیست؟ ---- ۴۱۶
پرسش ---- ۴۱۶
پاسخ ---- ۴۱۶
آیا زیدیّه منکر مهدی ع) هستند؟ ---- ۴۱۷
پرسش ---- ۴۱۷
پاسخ ---- ۴۱۷
دیدگاه مذاهب اسلامی راجع به توسعه حکومت حضرت مهدی چیست؟ ---- ۴۱۸
پرسش ---- ۴۱۸
پاسخ ---- ۴۱۸

منظور از مهدویت نوعی وشخصی چیست؟ ---- ۴۱۸
اشاره ---- ۴۱۸
پرسش ---- ۴۱۸
پاسخ ---- ۴۱۸
آیا ما در عصر فترت قرار داریم؟ ---- ۴۱۹
پرسش ---- ۴۱۹
پاسخ ---- ۴۱۹
شیعه اثنی عشری و مهدویت ---- ۴۱۹
زندگانی امام زمان ع ---- ۴۱۹
ولادت ---- ۴۱۹
ویژگهای زمان حمل ---- ۴۱۹
حضرت مهدی در بدو تولد کدامین آیه را تلاوت فرمود؟ ---- ۴۱۹
پرسش ---- ۴۲۰
پاسخ ---- ۴۲۰
سورهای که امام زمانغ با مادرش در دوران بارداری میخواند، چه بود؟ ---- ۴۲۰
پرسش ---- ۴۲۰
پاسخ ---- ۴۲۰
تولد ---- ۴۲۰
چرا مادر امام زمان ۷او را پنهان کرد؟ ---- ۴۲۰
پرسش ---- ۴۲۰
پاسخ ---- ۴۲۰
در مورد پدر و مادر امام زمان(ع) و نحوهٔ تولد و زندگی و غیبت و علایم ظهور او توضیح دهید. ---- ۴۲۱
پرسش ---- ۴۲۱
پاسخ ---- ۴۲۱

لطفاً در خصوص تولد، غیبت صغری، غیبت کبری ، طول عمر و علائم ظهور امام زمان (ع) و کسانی که با او در ارتباط بودند را توضیح دهی
پرسش ----- ۴۲۳
پاسخ ----- ۴۲۳
چرا ولادت امام زمان(ع) مخفی بود، ولی در مورد ولادت امام های دیگر(ع) با وجود فشارهای زیاد چنین حالتی نبود؟ ----- ۴۲۵
پرسش ----- ۴۲۵
پاسخ ----- ۴۲۵
در خصوص ولادت امام زمان (ع) توضیح دهید. ----- ۴۲۵
پرسش ----- ۴۲۶
پاسخ ----- ۴۲۶
نحوۀ ولادت حضرت مهدی (عج) در روایات اسلامی چگونه است؟ ----- ۴۲۶
پرسش ----- ۴۲۶
پاسخ ----- ۴۲۶
چه عواملی در حصول تواتر ویقین به ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام مؤثر است؟ ----- ۴۲۸
پرسش ----- ۴۲۸
پاسخ ----- ۴۲۸
آیا در بین احادیث ولادت حضرت، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد؟ ----- ۴۲۸
پرسش ----- ۴۲۸
پاسخ ----- ۴۲۸
آیا خبر ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام تنها از طریق حکیمه نقل شده است؟ ----- ۴۳۰
پرسش ----- ۴۳۰
پاسخ ----- ۴۳۰
آیا با اجماعی که شیعه قبول ندارد می‌توان دلیل ولادت حضرت را اجماع قرار داد؟ ----- ۴۳۱
پرسش ----- ۴۳۱
پاسخ ----- ۴۳۱

آیا بزرگان طایفه امامیه بعد از وفات امام عسکری‌علیه‌السلام بر ولادت حضرت اتفاق داشتند؟ ---- ۴۳۱
پرسش ---- ۴۳۱
پاسخ ---- ۴۳۲
مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه گفته‌اند؟ ---- ۴۳۲
پرسش ---- ۴۳۲
پاسخ ---- ۴۳۲
آیا علمای‌انساب به ولادت فرزند امام‌عسکری‌علیه‌السلام اعتراف نموده‌اند؟ ---- ۴۳۲
پرسش ---- ۴۳۲
پاسخ ---- ۴۳۲
آیا جعفر عموی امام مهدی‌علیه‌السلام منکر ولادت ایشان بوده است؟ ---- ۴۳۳
پرسش ---- ۴۳۳
پاسخ ---- ۴۳۳
دلیل به دنیا آمدن حضرت مهدی(عج) را توضیح دهید؟ ---- ۴۳۳
پرسش ---- ۴۳۳
پاسخ ---- ۴۳۳
محل تولد امام زمان(ع) کجاست؟ ---- ۴۳۴
پرسش ---- ۴۳۴
پاسخ ---- ۴۳۴
ویژگیهای جسمانی نوزاد ---- ۴۳۵
نام و القاب ---- ۴۳۵
نام ---- ۴۳۵
نام و کنیه و نام مادر حضرت مهدی ۷چیست ؟ ---- ۴۳۵
پرسش ---- ۴۳۵
پاسخ ---- ۴۳۵

از امام زمان(ع) برایم بنویسید. ---- ۴۳۵
پرسش ---- ۴۳۵
پاسخ ---- ۴۳۵
نام حضرت مهدی(عج) چیست و چرا مردم آن را بر زبان جاری نمی کنند؟ ---- ۴۳۶
پرسش ---- ۴۳۶
پاسخ ---- ۴۳۶
چرا امام زمان(ع) هم نام و هم کنیه پیامبر است؟ چرا حضرت از کعبه ظهور می‌کند؟ ---- ۴۳۶
پرسش ---- ۴۳۶
پاسخ ---- ۴۳۶
درمورد امام زمان اطلاعات مفید در اختیار من قرار دهید؟ ---- ۴۳۷
پرسش ---- ۴۳۷
پاسخ(قسمت اول) ---- ۴۳۸
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۴۴۰
پاسخ(قسمت سوم) ---- ۴۴۴
پاسخ(قسمت چهارم) ---- ۴۴۷
پاسخ(قسمت پنجم) ---- ۴۵۰
پاسخ(قسمت ششم) ---- ۴۵۳
در مورد شخصیت امام زمان (عج) توضیح دهید؟ ---- ۴۵۴
پرسش ---- ۴۵۴
پاسخ ---- ۴۵۴
سایر موارد ---- ۴۵۶
آیا مادر امام زمان(ع) غیر از نرجس نام های دیگری دارد؟ ---- ۴۵۶
پرسش ---- ۴۵۶
پاسخ ---- ۴۵۶

مهدی آل محمد کیست و چرا در انتظار آمدن وی به سر می برید ؟ ---- ۴۵۶
پرسش ---- ۴۵۶
پاسخ ---- ۴۵۶
حضرت قائم چندمین فرزند امام حسین(ع) است؟ ---- ۴۵۷
پرسش ---- ۴۵۷
پاسخ ---- ۴۵۷
آیا امام زمان(عج) از غذای این جهان تغذیه می کند؟ ---- ۴۵۷
پرسش ---- ۴۵۷
پاسخ ---- ۴۵۸
آیا ادعای اینکه امام زمان صورت وجودی خداست درست است ؟ ---- ۴۵۸
پرسش ---- ۴۵۸
پاسخ ---- ۴۵۸
در خصوص امام زمان و ظهور امام عصر توضیحاتی لازم را برایم ارسال فرمایید. ---- ۴۵۹
پرسش ---- ۴۵۹
پاسخ(قسمت اول) ---- ۴۵۹
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۴۶۲
آیاروایت بشر بن سلیمان در باره نحوه وصال حضرت نرگس خاتون با مولایمان امام عسکری روایت صحیحی است و قابل استناد؟ ---- ۴۶۴
پرسش ---- ۴۶۴
پاسخ ---- ۴۶۴
مهدی موعودعلیه‌السلام از ذریّه چه کسی است؟ ---- ۴۶۵
پرسش ---- ۴۶۵
پاسخ ---- ۴۶۵
وضعیت سیاسی در عصر امام عسکری‌علیه‌السلام وولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه بوده است؟ ---- ۴۶۵
پرسش ---- ۴۶۵

پاسخ ----- ۴۶۵
اولین مالک نرجس خاتون چه شخصی بوده است؟ ----- ۴۶۶
پرسش ----- ۴۶۶
پاسخ ----- ۴۶۶
آیا امام عسکری‌علیه‌السلام قبل از شهادت خود به مادرش وصیّت کرده است؟ ----- ۴۶۶
پرسش ----- ۴۶۶
پاسخ ----- ۴۶۶
حکم کسی که ایمان به ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام ندارد چیست؟ ----- ۴۶۷
پرسش ----- ۴۶۷
پاسخ ----- ۴۶۷
چرا جعفر به" دروغگو "معروف شده است؟ ----- ۴۶۷
پرسش ----- ۴۶۸
پاسخ ----- ۴۶۸
کارهای ناشایست جعفر چه بوده است؟ ----- ۴۶۸
پرسش ----- ۴۶۸
پاسخ ----- ۴۶۸
چرا امام زمان‌علیه‌السلام عمویش جعفر را به برادران یوسف‌علیه‌السلام تشبیه کرد؟ ----- ۴۶۸
پرسش ----- ۴۶۸
پاسخ ----- ۴۶۸
آیا مهدی‌علیه‌السلام از اولاد ونسل عباس است؟ ----- ۴۶۹
پرسش ----- ۴۶۹
پاسخ ----- ۴۶۹
آیا مهدی، همان عیسی بن مریم است؟ ----- ۴۷۰
پرسش ----- ۴۷۰

پاسخ ----- ۴۷۰
-امام زمان (عج) چه کاره حضرت رضا« علیه السلام » می شوند ؟ ----- ۴۷۰
پرسش ----- ۴۷۰
پاسخ ----- ۴۷۱
آیا امام زمان(عج) مثل ما خداوند را عبادت می‌کنند؟ ----- ۴۷۱
پرسش ----- ۴۷۱
پاسخ ----- ۴۷۱
چرا درباره نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و سایر خصوصیاتشان تحقیق کاملی انجام نمی‌گیرد با آنکه اصول عقاید مان بر اینگونه مطالب ا
پرسش ----- ۴۷۱
پاسخ ----- ۴۷۱
امامت حضرت ----- ۴۷۲
می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد م
پرسش ----- ۴۷۲
پاسخ ----- ۴۷۲
آیا نظام امامت با پایان یافتن غیبت صغری پایان یافته و پس از ظهور حضرت مهدی از نو برقرار میشود و یا اینکه نظام امامت استمرار دارد ۴۷۳
پرسش ----- ۴۷۳
پاسخ ----- ۴۷۳
چگونه توحید در امامت حضرت مهدی تجلی مییابد؟ ----- ۴۷۳
پرسش ----- ۴۷۳
پاسخ ----- ۴۷۳
با توجّه به اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقع وفات پدر بزرگوارش ۵ ساله بود آیا صحیح است که رهبری جامعه به دست کودک ۵ ساله بیفتد؟
پرسش ----- ۴۷۴
پاسخ ----- ۴۷۴
چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار

پرسش ---- ۴۷۴
پاسخ ---- ۴۷۴
وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام چگونه بوده است؟ ---- ۴۷۴
پرسش ---- ۴۷۵
پاسخ ---- ۴۷۵
آیا برخی از شیعیان بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام قائل به توقّف شدند؟ ---- ۴۷۵
پرسش ---- ۴۷۵
پاسخ ---- ۴۷۵
آیا بعد از وفات امام عسکری‌علیه‌السلام عصر حیرت بوده است؟ ---- ۴۷۶
پرسش ---- ۴۷۶
پاسخ ---- ۴۷۶
آیا شیعیان بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام به جعفر تعزیت وتهنیت گفتند؟ ---- ۴۷۶
پرسش ---- ۴۷۶
پاسخ ---- ۴۷۶
چه کسانی در امامت در سنین کودکی شک کرده‌اند؟ ---- ۴۷۷
پرسش ---- ۴۷۷
پاسخ ---- ۴۷۷
آیا اعتقاد به امامت وولایت امامان در کودکی با تهدید وتحمیل بزرگان شیعه بوده است؟ ---- ۴۷۸
پرسش ---- ۴۷۸
پاسخ ---- ۴۷۸
آیا خلفا بر امامت امامان در سنین کودکی اذعان داشتند؟ ---- ۴۷۹
پرسش ---- ۴۷۹
پاسخ ---- ۴۷۹
آیا از امامان قبل، نصّی بر امامت امامان کودک بوده است؟ ---- ۴۷۹

پرسش ----- ۴۷۹
پاسخ ----- ۴۷۹
آیا اهل بیت‌علیهم‌السلام در زمینه‌سازی برای امامت کودک اقدامی انجام داده‌اند؟ ----- ۴۷۹
پرسش ----- ۴۸۰
پاسخ ----- ۴۸۰
آیا حضرت مهدی‌علیه‌السلام برای اثبات امامتش در کودکی ----- ۴۸۰
اشاره ----- ۴۸۰
پرسش ----- ۴۸۰
پاسخ ----- ۴۸۰
آیا خداوند برای امامت حضرت مهدی‌علیه‌السلام زمینه‌سازی کرده است؟ ----- ۴۸۰
پرسش ----- ۴۸۱
پاسخ ----- ۴۸۱
کدام آیه از آیات قرآن کریم امامت حضرت مهدیغ در سن کودکی را امری ممکن می‌داند؟ ----- ۴۸۱
پرسش ----- ۴۸۱
پاسخ ----- ۴۸۱
چرا انبیای بزرگ الهی در سن چهل سالگی به پیامبری برگزیده می‌شدند، با این که آن‌ها نیز امام بودند، ولی حضرت حجت بن الحسن‌در سن پنج
پرسش ----- ۴۸۱
پاسخ ----- ۴۸۱
از چه راهی امامت امام زمان«علیه السلام» قابل اثبات است؟ ----- ۴۸۲
پرسش ----- ۴۸۲
پاسخ ----- ۴۸۲
ازدواج ----- ۴۸۳
پرسش: ایا حضرت مهدی فرزند و همسری دارد؟ ----- ۴۸۳
پرسش ----- ۴۸۳

پاسخ ----- ۴۸۳

آیا امام زمان ۷ازدواج کرده اند و دارای زن و بچه هستند آیا داستان جزیره خضرا واقعیت داشته و حضرت حجت ۷در میان آب زندگی می کنند؟

پرسش ----- ۴۸۴

پاسخ ----- ۴۸۴

آیا امام زمان ۷دارای همسر و فرزند هستند؟ ----- ۴۸۵

پرسش ----- ۴۸۵

پاسخ ----- ۴۸۵

آیا قصه جزیره خضرا دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟ ----- ۴۸۵

پرسش ----- ۴۸۵

پاسخ ----- ۴۸۶

در برخی از روایات بر اهل وعیال حضرت اشاره شده،آیا این دلالت بر ازدواج دارد؟ ----- ۴۸۶

پرسش ----- ۴۸۶

پاسخ ----- ۴۸۶

آیا کنیه" اباصالح "دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟ ----- ۴۸۶

پرسش ----- ۴۸۶

پاسخ ----- ۴۸۶

۲- آیا امام زمان"ع "ما که تا به حال هزار وچندی سال ازعمرایشان می گذرد آیا همسر ویا فرزند ویا نوه ای هم دارند؟ ----- ۴۸۷

پرسش ----- ۴۸۷

پاسخ ----- ۴۸۷

آیا امام زمان زن وفرزند دارد؟ درصورتی که ندارد آیا خداوند غریزه جنسی را درهمه قرار نداده وآیا ازروایات استفاده نمی شود که مردم باید ازدواج

پرسش ----- ۴۸۸

پاسخ ----- ۴۸۸

آیا حضرت مهدی"ع "همسر وفرزند دارد؟چند تا وچگونه؟ ----- ۴۸۹

پرسش ----- ۴۸۹

پاسخ ----- ۴۸۹
آیا اطلاعاتی در مورد نحوه‌زندگی ابا صالح عج و جود دارد اینکه چگونه زندگی می کنند، تنهاست یا با خانواده ای زندگی میکند خود را و خوراکش
پرسش ----- ۴۸۹
پاسخ ----- ۴۸۹
۱-آیا امام زمان «عج» دارای زن و فرزند می باشند ؟ اگر جواب مثبت است آیا آنها می دانند که ایشان(حضرت مهدی) صاحب الزمان است ؟ ۹۰
اشاره ----- ۴۹۰
پرسش ----- ۴۹۰
پاسخ ----- ۴۹۰
آیا امام زمان ازدواج نموده اند چون ازدواج سنت پیامبر است . ----- ۴۹۱
پرسش ----- ۴۹۱
پاسخ ----- ۴۹۱
آیا همسر ایشان (امام زمان) از انس است یا جن. ----- ۴۹۲
پرسش ----- ۴۹۲
پاسخ ----- ۴۹۲
برای اینکه فردی به همسری امام زمانش درآید باید چگونه باشد.با توجه به اینکه علاوه بر روح عالی امام جسم ایشان نیز جسم ویژه ای است. ۹۲
پرسش ----- ۴۹۲
پاسخ ----- ۴۹۳
موقع شروع غیبت کبری، حضرت مهدی(عج) مجرد بود یا متأهل؟ ----- ۴۹۳
پرسش ----- ۴۹۳
پاسخ ----- ۴۹۳
آیا امام زمان ازدواج کرده و فرزند دارد؟ ----- ۴۹۴
پرسش ----- ۴۹۴
پاسخ ----- ۴۹۴
آیا حضرت ولی عصر۷دارای زن و فرزند می باشد؟ ----- ۴۹۴

پرسش ---- ۴۹۴
پاسخ ---- ۴۹۴
آیا امام زمان ۷ازدواج نموده اند و دارای فرزند هستند؟ ---- ۴۹۵
پرسش ---- ۴۹۵
پاسخ ---- ۴۹۵
در خصوص ازدواج یا عدم ازدواج امام زمان(عج) توضیح دهید. ---- ۴۹۵
پرسش ---- ۴۹۵
پاسخ ---- ۴۹۵
با وجودی که پیامبر اسلام(ص) فرمود": النکاح سنتی، "و مردم را به این سنت حسنه تشویق نمود، چرا حضرت مهدی (عج) به این فرمایش پیامبر
پرسش ---- ۴۹۶
پاسخ ---- ۴۹۶
آیا امام زمان دارای زن و فرزند و نوه می باشد؟ ---- ۴۹۷
پرسش ---- ۴۹۷
پاسخ ---- ۴۹۷
آیا امام زمان(عج) در طول دوران غیبت همسری انتخاب کرده و فرزندی دارند؟ نام آنان چیست؟ آیا آنان هم از نظرها غایبند؟ ---- ۴۹۷
پرسش ---- ۴۹۷
پاسخ ---- ۴۹۷
آیا زن امام زمان(عج) هم طول عمر دارد؟ ---- ۴۹۸
پرسش ---- ۴۹۸
پاسخ ---- ۴۹۸
آیا امام زمان (عج) ازدواج نموده است، آیا فرزندی دارد؟ ---- ۴۹۹
پرسش ---- ۴۹۹
پاسخ ---- ۴۹۹
آیا زندگی حضرت ولی عصر فرشته گونه است یا طبیعی و تجربی (ازدواج و تولید مثل)؟ ---- ۴۹۹

پرسش ---- ۴۹۹
پاسخ ---- ۵۰۰
آیا امام زمان (عج) ازدواج کرده است و در صورت ازدواج فرزندی دارد و آنان میان مردم هستند؟ ---- ۵۰۰
پرسش ---- ۵۰۰
پاسخ ---- ۵۰۰
آیا حضرت مهدی(ع) ازدواج کرده و همسر و بچه دارد؟ اگر چنین است، با چه خانواده‌ای ازدواج کرده است؟ ---- ۵۰۱
پرسش ---- ۵۰۱
پاسخ ---- ۵۰۱
مسئله ازدواج امام زمان (عج) را توضیح دهید؟ ---- ۵۰۲
پرسش ---- ۵۰۲
پاسخ ---- ۵۰۲
آیا امام زمان(عج) ازدواج نموده و زن و فرزند دارد؟ ---- ۵۰۳
پرسش ---- ۵۰۳
پاسخ ---- ۵۰۳
آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟ ---- ۵۰۴
پرسش ---- ۵۰۴
پاسخ ---- ۵۰۴
آیا حضرت صاحب الامر(ع) همسر دارند و صاحب عائله و فرزند می باشند؟ اگر دارند کجا اقامت دارند و آیا آنها شناخته شده‌اند یا به طور ناشناس
پرسش ---- ۵۰۴
پاسخ ---- ۵۰۵
آیا امام عصر(عج) زندگی جمعی و خانوادگی دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب، همسر ایشان چه قشر از مردم هستند؟ ---- ۵۰۵
پرسش ---- ۵۰۵
پاسخ ---- ۵۰۵
آیا امام زمان(ازدواج کرده اند یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان توضیح دهید. ---- ۵۰۶

پرسش ----- ۵۰۷
پاسخ ----- ۵۰۷
آیا امام عصر (عج) دارای زن و فرزند است اگر هست چرا تاکنون کسی خود رافرزند امام معرفی نکرده و اگر نیس ----- ۵۰۸
پرسش ----- ۵۰۸
پاسخ ----- ۵۰۸
شخصی یکی از نوادگان امام زمان(عج) را دیده که او گفته من نه صدای امام را شنیده ام و نه خود ایشان را دیده ام. به نظر شما دلیل اینکه نواده
پرسش ----- ۵۰۸
پاسخ ----- ۵۰۸
آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟تعداد فرزندان آنها را بنویسید؟ ----- ۵۰۹
پرسش ----- ۵۰۹
پاسخ ----- ۵۰۹
علما بر این باورند که حضرت ولی عصر (ع) فرزند و همسر ندارند؛ ولی کنیه ایشان اباالقاسم(پدر قاسم) می باشد. توجیه کنید. ----- ۵۰۹
پرسش ----- ۵۰۹
پاسخ ----- ۵۰۹
آیا امام زمان دارای زن و فرزند می‌باشند؟ ایشان چگونه وفات می‌یابند؟ ----- ۵۱۰
پرسش ----- ۵۱۰
پاسخ ----- ۵۱۰
آیا طبق قاعده، امام زمان‌علیه‌السلام ازدواج کرده است؟ ----- ۵۱۱
پرسش ----- ۵۱۱
پاسخ ----- ۵۱۱
در صورت قول به عدم ازدواج، به روایت مفضّل بن عمر چگونه پاسخ می‌دهید؟ ----- ۵۱۱
پرسش ----- ۵۱۱
پاسخ ----- ۵۱۲
لقب و کنیه ----- ۵۱۲

یازده لقب از لقب های حضرت مهدی ۷را نام ببرید. ---- ۵۱۲
پرسش ---- ۵۱۲
پاسخ ---- ۵۱۲
یا أباصالح، گل نرگس و گل زهرا یعنی چه و به چه کسی گفته می‌شود؟ ---- ۵۱۲
پرسش ---- ۵۱۲
پاسخ ---- ۵۱۳
با توجه به این که پیغمبر اسلام(ص) به آیات وحی نزدیک‌تر است هم چنین خدمات و نزول قرآن از پیامبر(ص) می‌باشد، چطور حضرت صاحب الزمار
پرسش ---- ۵۱۳
پاسخ ---- ۵۱۳
لقب قائم منسوب به کدام یک از معصومین است؟ ---- ۵۱۳
پرسش ---- ۵۱۳
پاسخ ---- ۵۱۴
چرا برای امام مهدی اسم و لقب هایی گذاشته اند؟ ---- ۵۱۴
پرسش ---- ۵۱۴
پاسخ ---- ۵۱۴
منظور از این جمله که «السلام علیک یا حجة الله التی لاتخفی» چیست؟ ---- ۵۱۴
پرسش ---- ۵۱۴
پاسخ ---- ۵۱۴
چرا امام زمان((علیه السلام)) را صاحب الزمان می گویند در صورتی که صاحب اصلی زمان خداست؟ ---- ۵۱۵
پرسش ---- ۵۱۵
پاسخ ---- ۵۱۵
معنی کلمه ی «بقیة الله» چیست؟ ---- ۵۱۵
پرسش ---- ۵۱۵
پاسخ ---- ۵۱۵

چرا امام زمان((علیه السلام)) به خورشید تشبیه شده است؟ ---- ۵۱۶
پرسش ---- ۵۱۶
پاسخ ---- ۵۱۶
چرا اسم امام مهدی را (صاحب الزمان) نامیده اند؟ ---- ۵۱۶
پرسش ---- ۵۱۶
پاسخ ---- ۵۱۶
چرا کنیه امام زمان (عج) ابوالقاسم است ؟ ---- ۵۱۶
پرسش ---- ۵۱۶
پاسخ ---- ۵۱۶
چرا به حضرت مهدی (عج)ابا صالح می گویند ؟لطفا با استدلال و به تفصیل پاسخ دهید ؟ ---- ۵۱۶
پرسش ---- ۵۱۶
پاسخ ---- ۵۱۷
در یکی از دعاهای امام عصر آمده : السلام علیک یا باب الله و دیان دینه در این باره بفرمایید: کلمه باب الله به چه معنی است؟ امامزمان علیه السلام ؛
پرسش ---- ۵۱۹
پاسخ ---- ۵۱۹
«یا عین اللّه فی خلقه» درباره امام زمان«علیه السلام» چه معنی دارد؟ ---- ۵۱۹
پرسش ---- ۵۱۹
پاسخ ---- ۵۱۹
لقب شریف مهدی به چه معناست؟ ---- ۵۲۰
پرسش ---- ۵۲۰
پاسخ ---- ۵۲۰
منع از ذکر نام خاص ---- ۵۲۰
چرا نام مبارک حضرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به صورت نوشته می شود؟ در صورت امکات کتاب یا جزوه هایی دربارهء موضوع سؤا
پرسش ---- ۵۲۰

پاسخ ----- ۵۲۰

در عصر پیشوایان معصوم علیهم السلام آوردن نام حضرت ولی عصر۷کفر محسوب می شد آیا الاءن هم چنین است اگر دلیل مخفی نمودن نام آن بز

پرسش ----- ۵۲۱

پاسخ ----- ۵۲۱

علت این که جائز نیست نام مبارک امام زمان(ع) را بر زبان جاری کنیم چیست؟ ----- ۵۲۱

پرسش ----- ۵۲۱

پاسخ ----- ۵۲۱

چرا نباید تا ظهور امام زمان نام ایشان (م، ح، م، د) را صدا بزنیم و نام ببریم؟ ----- ۵۲۲

پرسش ----- ۵۲۲

پاسخ ----- ۵۲۲

علت نهی از نام بردن امام زمان(ع) چیست و آن کدام اسم است؟ ----- ۵۲۲

پرسش ----- ۵۲۲

پاسخ ----- ۵۲۲

چرا نام امام زمان((علیه السلام)) در وصیّت نامه امام حسن عسگری((علیه السلام)) نیامده است؟ ----- ۵۲۳

پرسش ----- ۵۲۳

پاسخ ----- ۵۲۳

ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟ ----- ۵۲۳

پرسش ----- ۵۲۳

پاسخ ----- ۵۲۳

چرا نباید نام اصلی حضرت مهدی (عج) که هم نام حضرت محمد (ص) است را به کار برد آیا دارای اشکال شرعی است؟ ----- ۵۲۴

پرسش ----- ۵۲۴

پاسخ ----- ۵۲۴

علت منع از ذکر اسم خاص امام زمان چیست ----- ۵۲۵

پرسش ----- ۵۲۵

پاسخ ----- ۵۲۵
آیا این روایت (هر که مرا نام برد در مجمعی از مردم به اسم من پس بر او باد لعنت خدا) که از امام زمان (عج) نقل شده صحیح است ؟ ----- ۵۲۵
پرسش ----- ۵۲۵
پاسخ ----- ۵۲۵
آیا نام بردن اسم حضرت (محمّد) جایز است؟ ----- ۵۲۵
پرسش ----- ۵۲۵
پاسخ ----- ۵۲۵
علت نهی در بردن نام امام زمان (عج) مربوط به عصر خاصی است یا زمان حاضر را نیز شامل می شود؟ ----- ۵۲۶
پرسش ----- ۵۲۶
پاسخ ----- ۵۲۶
نهی از ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟ ----- ۵۲۷
پرسش ----- ۵۲۷
پاسخ ----- ۵۲۷
چرا در کتاب‌ها نام حضرت مهدی را به صورت «م ح م د» می‌نویسند و از بردن نام آن حضرت پرهیز می‌نمایند؟ ----- ۵۲۷
پرسش ----- ۵۲۷
پاسخ ----- ۵۲۷
پی نوشتها ----- ۵۲۸
دلایل وجود ----- ۵۳۳
ادله عقلی ----- ۵۳۳
آیا دلیل عقلی بر وجود امام زمان(عج) وجود دارد؟ ----- ۵۳۳
پرسش ----- ۵۳۳
پاسخ ----- ۵۳۳
دلیل عقلی بر زنده بودن حضرت ولی عصر چیست؟ ----- ۵۳۴
پرسش ----- ۵۳۴

پاسخ ----- ۵۳۴
وجود امام زمان"عج "و عمر طولانی حضرت آیا عقلاً ممکن است؟ ----- ۵۳۵
پرسش ----- ۵۳۵
پاسخ ----- ۵۳۵
از کجا می توان اثبات کرد که امام زمان(عج) وجود دارد؟ ----- ۵۳۶
پرسش ----- ۵۳۶
پاسخ(قسمت اول) ----- ۵۳۶
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۵۳۹
کدام دلایل عقلی و نقلی لزوم وجود حجّت الهی را اثبات می‌کند؟ ----- ۵۴۱
پرسش ----- ۵۴۱
پاسخ ----- ۵۴۱
اگر دلیل قطعی به وجود امام زمان((علیه السلام)) وجود دارد چرا سعی می شود از حیث علمی طول عمر آن حضرت ثابت شود؟ ----- ۵۴۲
پرسش ----- ۵۴۲
پاسخ ----- ۵۴۲
چطور می توان وجود حضرت مهدی (عج) را اثبات کرد؟ ----- ۵۴۲
پرسش ----- ۵۴۲
پاسخ ----- ۵۴۲
چه دلایل عقلی صرف نظر از بحث کلامی و احادیث می توان برای اثبات وجود امام و حجت اقامه کرد و این را اثبات کرد که انسان ها به امام و ح
پرسش ----- ۵۴۳
پاسخ ----- ۵۴۳
آیا ایمان به وجود امام زمان‌علیه‌السلام وولادت او فرضیه‌ای فلسفی وظنّی است؟ ----- ۵۴۶
پرسش ----- ۵۴۶
پاسخ ----- ۵۴۶
آیا ممکن است که ولادت ووجود شخصی را در خارج با دلیل فلسفی اثبات نمود؟ ----- ۵۴۶

پرسش ----- ۵۴۶
پاسخ ----- ۵۴۶
برهان لطف چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۵۴۶
پرسش ----- ۵۴۶
پاسخ ----- ۵۴۷
برهان عنایت چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۵۴۷
پرسش ----- ۵۴۷
پاسخ ----- ۵۴۷
برهان فطرت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام را چگونه تقریر می‌کنید؟ ----- ۵۴۸
پرسش ----- ۵۴۸
پاسخ ----- ۵۴۸
برهان واسطه در فیض چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۵۴۸
پرسش ----- ۵۴۸
پاسخ ----- ۵۴۸
برهان علت غایی چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ----- ۵۴۹
پرسش ----- ۵۴۹
پاسخ ----- ۵۴۹
با برهان امکان اشرف چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام ----- ۵۵۰
اشاره ----- ۵۵۰
پرسش ----- ۵۵۰
پاسخ ----- ۵۵۰
برهان مظهر جامع بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام را چگونه تقریر می‌نمایید؟ ----- ۵۵۰
پرسش ----- ۵۵۰
پاسخ ----- ۵۵۱

برهان تجلّی اعظم چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۵۱
پرسش ---- ۵۵۱
پاسخ ---- ۵۵۱
برهان تقابل قطبین چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۵۱
پرسش ---- ۵۵۲
پاسخ ---- ۵۵۲
قانون عدم‌تبعیض در فیض چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام ---- ۵۵۲
اشاره ---- ۵۵۲
پرسش ---- ۵۵۲
پاسخ ---- ۵۵۲
برهان لزوم عقل بالفعل چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۵۲
پرسش ---- ۵۵۳
پاسخ ---- ۵۵۳
آیا می‌توان از راه حساب احتمالات، وجود امام زمان‌علیه‌السلام را به اثبات رساند؟ ---- ۵۵۳
پرسش ---- ۵۵۳
پاسخ ---- ۵۵۳
آیا ادله عقلی، وجود امام زمان معینی را اثبات می‌کند؟ ---- ۵۵۳
پرسش ---- ۵۵۳
پاسخ ---- ۵۵۴
آیا باید اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» را با عقل بررسی کرد یا با روایت و احادیث؟ ---- ۵۵۴
پرسش ---- ۵۵۴
پاسخ ---- ۵۵۵
ادله نقلی ---- ۵۵۵
دلیل وجود امام زمان ۷چیست ؟ ---- ۵۵۵

پرسش ----- ۵۵۵
پاسخ ----- ۵۵۵
چه دلایلی بر وجود امامت حضرت مهدی(ع) اقامه شده است؟ ----- ۵۵۵
پرسش ----- ۵۵۵
پاسخ ----- ۵۵۵
همانطوری که مستحضرید یکی از دلایل مهدویت و وجود حجت خدا در حال حاضر روایت زیر است" لو لا الحجه لساخت الارض باهلها "گذشته ا
پرسش ----- ۵۵۶
پاسخ ----- ۵۵۶
دلیل شیعه بر اینکه امام دوازدهم آن‌ها هنوز زنده است چیست؟ در حالیکه در همان سردابی که مدعی‌اند غیبت صغری از آن‌جا شروع شده است
پرسش ----- ۵۵۶
پاسخ ----- ۵۵۷
اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوان
اشاره ----- ۵۵۸
پرسش ----- ۵۵۸
پاسخ ----- ۵۵۸
آیا ممکن است با سرّی بودن ولادت حضرت، ادعای تواتر واجماع در موضوع ولادت نمود؟ ----- ۵۵۹
پرسش ----- ۵۵۹
پاسخ ----- ۵۵۹
ازآیات سوره" قدر "چگونه وجود امام زمان‌علیه‌السلام استفاده می‌شود؟ ----- ۵۵۹
پرسش ----- ۵۵۹
پاسخ ----- ۵۵۹
از آیه" امام "چگونه وجود امام زمان‌علیه‌السلام استفاده می‌شود؟ ----- ۵۶۰
پرسش ----- ۵۶۰
پاسخ ----- ۵۶۰

آیه" انذار "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۱
پرسش ---- ۵۶۱
پاسخ ---- ۵۶۱
آیات" شهادت "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۲
پرسش ---- ۵۶۲
پاسخ ---- ۵۶۲
آیه" نذیر "چگونه دلالت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دارد؟ ---- ۵۶۳
پرسش ---- ۵۶۳
پاسخ ---- ۵۶۳
آیه" هدایت "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۳
پرسش ---- ۵۶۳
پاسخ ---- ۵۶۳
آیه" صادقین "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۳
پرسش ---- ۵۶۳
پاسخ ---- ۵۶۴
آیه" اولی الامر "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۴
پرسش ---- ۵۶۴
پاسخ ---- ۵۶۴
وجود امام مهدی‌علیه‌السلام را از روایات شیعه چگونه می‌توان به اثبات رسانید؟ ---- ۵۶۵
پرسش ---- ۵۶۵
پاسخ ---- ۵۶۵
ابواب حدیثی که دلالت بر وجود امام مهدی‌علیه‌السلام دارد کدام است؟ ---- ۵۶۶
پرسش ---- ۵۶۶
پاسخ ---- ۵۶۶

حدیث" ثقلین "چگونه دلالت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دارد؟ ---- ۵۶۶
پرسش ---- ۵۶۶
پاسخ ---- ۵۶۶
چگونه احادیث وجوب معرفت‌امام بروجود امام‌زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۷
پرسش ---- ۵۶۷
پاسخ ---- ۵۶۷
حدیث" امان "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۷
پرسش ---- ۵۶۸
پاسخ ---- ۵۶۸
حدیث" سفینه "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۸
پرسش ---- ۵۶۸
پاسخ ---- ۵۶۸
حدیث (عدم خلو زمان از امام قرشی) چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۸
پرسش ---- ۵۶۸
پاسخ ---- ۵۶۸
احادیث دوازده خلیفه، چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟ ---- ۵۶۹
پرسش ---- ۵۶۹
پاسخ ---- ۵۶۹
امام مهدی‌علیه‌السلام برای اثبات وجود خود در عصر غیبت صغرا ---- ۵۷۰
اشاره ---- ۵۷۰
پرسش ---- ۵۷۰
پاسخ ---- ۵۷۰
دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه درباره حجت‌های مخفی و پنهان خداوند چیست و این دیدگاهها چگونه ما را به وجود امام مهدی(عج) رهنمون می‌کند؟
پرسش ---- ۵۷۰

پاسخ ----- ۵۷۱
گروهی اعتقاد دارند امام زمان(ظهور کرده و سپس کشته شده، با چند دلیل سعی در قانع کردن ما داشتند. ----- ۵۷۳
اشاره ----- ۵۷۳
پرسش ----- ۵۷۴
پاسخ ----- ۵۷۴
دلایل وجود حضرت مهدی (ع) چیست و آیا آیه ای درباره حضرت مهدی (ع) وجود دارد؟ ----- ۵۷۵
پرسش ----- ۵۷۵
پاسخ ----- ۵۷۵
سایر موارد ----- ۵۷۶
وعده ی ظهور امام مهدی(ع) حقیقت دارد یا فقط برای امید آفرینی است؟ ----- ۵۷۶
پرسش ----- ۵۷۶
پاسخ ----- ۵۷۶
آیا حقیقت دارد که امام زمان(ع) به دنیا نیامده و زمانی به دنیا می آید که ظهور کند؟ ----- ۵۷۷
پرسش ----- ۵۷۷
پاسخ ----- ۵۷۷
آیا واقعاً امام زمان (عج) وجود دارد؟(پ) ----- ۵۷۸
پرسش ----- ۵۷۸
پاسخ(قسمت اول) ----- ۵۷۸
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۵۸۱
آیا زمین از حجّت الهی خالی می‌ماند؟ ----- ۵۸۳
پرسش ----- ۵۸۳
پاسخ ----- ۵۸۴
اگر امام زمان (عج) حضور دارند چرا به داد فقرا و بیچارگان نمی رسند؟ ----- ۵۸۴
پرسش ----- ۵۸۴

پاسخ ----- ۵۸۴
آیا اختلاف در امر ولادت حضرت سبب وهن در آن می‌شود؟ ----- ۵۸۵
پرسش ----- ۵۸۵
پاسخ ----- ۵۸۵
آیا ممکن است گروهی، اخباری را در موضوع ولادت حضرت جعل کرده باشند؟ ----- ۵۸۶
پرسش ----- ۵۸۶
پاسخ ----- ۵۸۶
چه اشکالاتی نسبت به اعتقاد شیخیه درباره کیفیت وجود امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت وجود دارد؟ ----- ۵۸۶
پرسش ----- ۵۸۶
پاسخ ----- ۵۸۶
حکم کسی که منکر امام زمان‌علیه‌السلام است چیست؟ ----- ۵۸۶
پرسش ----- ۵۸۷
پاسخ ----- ۵۸۷
دلایل وجود یک منجی برای عالم بشریت چیست. ----- ۵۸۷
پرسش ----- ۵۸۷
پاسخ ----- ۵۸۷
چرا نام امام زمان«علیه السلام» در وصیّت نامه امام حسن عسگری«علیه السلام» نیامده است؟ ----- ۵۸۷
پرسش ----- ۵۸۷
پاسخ ----- ۵۸۷
محل اقامت ----- ۵۸۸
در روایات ----- ۵۸۸
مکان حضرت مهدی ۷کجا است ؟ ----- ۵۸۸
پرسش ----- ۵۸۸
پاسخ ----- ۵۸۸

امام زمان(ع) هم اکنون در کجا می‌باشد؟ ---- ۵۸۸
پرسش ---- ۵۸۸
پاسخ ---- ۵۸۸
مکان و مسکن امام زمان(ع) کجاست؟ ---- ۵۸۹
پرسش ---- ۵۸۹
پاسخ ---- ۵۹۰
امام زمان(عج) بر اساس احادیث، در کجا زندگی می کند؟ ---- ۵۹۰
پرسش ---- ۵۹۰
پاسخ ---- ۵۹۰
امام زمان(عج) درچه مکانی زندگی می کند؟ ---- ۵۹۱
پرسش ---- ۵۹۱
پاسخ ---- ۵۹۱
ارتباط امام زمان(ع) با ذی طوی و رضوی چیست؟ و چرا این دو مکان بالخصوص در دعا ذکر شده است؟ ---- ۵۹۲
پرسش ---- ۵۹۲
پاسخ ---- ۵۹۲
اینکه در دعای ندبه اشاره به کوه رضوی یا ذی طوی شده است. آیا امام(عج) در آنجا استقرار دارند؟ ---- ۵۹۳
پرسش ---- ۵۹۳
پاسخ ---- ۵۹۳
محل زندگی امام (ع) کجاست ؟ ---- ۵۹۳
پرسش ---- ۵۹۳
پاسخ ---- ۵۹۳
مکان حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت کبرا کجا است؟ ---- ۵۹۴
پرسش ---- ۵۹۴
پاسخ ---- ۵۹۴

۱-امام زمان کجا هستند ؟ ---- ۵۹۴
پرسش ---- ۵۹۴
پاسخ ---- ۵۹۵
امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - کجا زندگی می‌کند؟ ---- ۵۹۵
پرسش ---- ۵۹۵
پاسخ ---- ۵۹۵
اکنون امام زمان(عج) کجا زندگی می‌کنند؟ آیا آن حضرت زن و بچه دارد؟ ---- ۵۹۶
پرسش ---- ۵۹۶
پاسخ ---- ۵۹۶
دردوره غیبت صغری ---- ۵۹۷
اقامتگاه حضرت مهدی (عج در زمان غیب کجا است ؟ ---- ۵۹۷
پرسش ---- ۵۹۷
پاسخ ---- ۵۹۷
آیا امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت، در سرداب خانه خود مخفی وغایب شده است؟ ---- ۵۹۸
پرسش ---- ۵۹۸
پاسخ ---- ۵۹۸
جزیره خضراء ---- ۵۹۹
آیا جزیرهء خضرا صحّت دارد؟ ---- ۵۹۹
پرسش ---- ۵۹۹
پاسخ ---- ۵۹۹
جزیرهٔ خضرا در چه محلّی می باشد؟ ---- ۵۹۹
پرسش ---- ۵۹۹
پاسخ ---- ۵۹۹
آیا همان طور که در کتاب‌های نوشته شده است امام زمان(ع) در جزیره خضرا زندگی می‌کند و هیچ کس نمی‌تواند به آن جا نزدیک شود؟ ۶۰۰

پرسش ----- ۶۰۰
پاسخ ----- ۶۰۰
مثلث برمودا چیست؟ آیا حرف هایی که مطرح است، صحت دارد؟ ----- ۶۰۱
پرسش ----- ۶۰۱
پاسخ ----- ۶۰۱
این که امام زمان (عج در جزیرۀ خضرا زندگی می‌کنند صحت دارد ؟ ----- ۶۰۲
پرسش ----- ۶۰۲
پاسخ ----- ۶۰۲
رابطۀ جزیرۀ خضرا با مثلث برمودا چیست اگر مباحثی وجود دارد بیان کنید؟ ----- ۶۰۲
پرسش ----- ۶۰۲
پاسخ ----- ۶۰۲
آیا قرار گرفتن حضرت مهدی(عج) در جزیرۀ خضراء یا مثلث برمودا حقیقت دارد؟ لطفاً در این زمینه توضیح دهید. ----- ۶۰۲
پرسش ----- ۶۰۲
پاسخ ----- ۶۰۳
منظور از مثلث برمودا چیست؟ می گویند این مثلث در اقیانوس اطلس قرار دارد و هیچ کس مگر افرادی خاص اجازه ورود به این محدوده را ندارند
پرسش ----- ۶۰۳
پاسخ ----- ۶۰۳
منظور از جزیره خضراء چیست؟ آیا چنین مکانی در کره خاکی وجود دارد؟ ----- ۶۰۴
پرسش ----- ۶۰۴
پاسخ ----- ۶۰۴
منظور از قبه سفید که به امام زمان(عج) نسبت می دهند چیست؟ آیا امکان عکس برداری از این قبه وجود دارد؟ ----- ۶۰۴
پرسش ----- ۶۰۴
پاسخ ----- ۶۰۵
در مورد جزیره الخضراه و ارتباط احتمالی آن با آقا بقیه الله (عج) توضیح فرمایید. و اینکه در مورد ازدواج و فرزندان آقا امام زمان (عج) در زمان ک

پرسش ----- ۶۰۵
پاسخ ----- ۶۰۵
چه رازهایی در مثلث برمودا نهفته است ؟ ----- ۶۰۶
پرسش ----- ۶۰۶
پاسخ ----- ۶۰۶
آیا امام زمان (عج) در جزیره برمودا زندگی می کند؟ تا چه حد می توان به کتاب های آقای ابطحی در این مو ----- ۶۰۶
پرسش ----- ۶۰۶
پاسخ ----- ۶۰۶
داستان جزیره خضرا تا چه حد صحت دارد نظر علماء امروزی چیست؟ ----- ۶۰۷
پرسش ----- ۶۰۷
پاسخ(قسمت اول) ----- ۶۰۷
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۶۱۰
۱-آیا حقیقت دارد که امام زمان «عج» در منطقه ای به نام« خضراء» در حوالی «مثلث برمودا » زندگی می کنند و اتفاقاتی در آنجا می افتد و افراد
پرسش ----- ۶۱۱
پاسخ ----- ۶۱۱
درباره زندگانی حضرت مهدی (عج) و محل سکونت ایشان و جزیره خضرا توضیح دهید. ----- ۶۱۲
پرسش ----- ۶۱۲
پاسخ ----- ۶۱۲
آیا مثلث برمودا همان جزیره خضراء است. ----- ۶۱۳
پرسش ----- ۶۱۳
پاسخ ----- ۶۱۳
آیا مثلث برمودا که یک جزیزه اسرارآمیزی است و نیز اینکه گفته می‌شود محل اقامت امام زمان(عج) در آنجا وجود دارد، صحت دارد یا خیر؟ ۱۴
پرسش ----- ۶۱۴
پاسخ ----- ۶۱۴

اشاره ----- ۶۱۴
جریان جزیره خضراء چیست؟ آیا این جزیره در مورد امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) صحت دارد و اگر صحت دارد خلاصه‌ای از ق
پرسش ----- ۶۱۵
پاسخ ----- ۶۱۵
پاسخ ----- ۶۱۶
طول عمر ----- ۶۱۶
امکان عمر طولانی ----- ۶۱۶
آیا طول عمر در حد هزار سال و بیش از آن عقلاً ممکن است ؟ ----- ۶۱۶
پرسش ----- ۶۱۶
پاسخ ----- ۶۱۶
امکان طول عمر از نظر دین اسلام چگونه است؟ ----- ۶۱۷
پرسش ----- ۶۱۷
پاسخ ----- ۶۱۷
امکان طول عمر از نظر تاریخی چگونه است؟ ----- ۶۱۸
پرسش ----- ۶۱۸
پاسخ ----- ۶۱۸
آیا داشتن طول عمر زیاد برای حضرت مهدی (عج) امکان دارد؟ ----- ۶۱۸
پرسش ----- ۶۱۸
پاسخ ----- ۶۱۸
امکان طول عمر از نظر ادیان آسمانی چگونه است؟ ----- ۶۱۹
پرسش ----- ۶۱۹
پاسخ ----- ۶۱۹
طول عمر از نظر دانش و علم امروزی چگونه است؟ ----- ۶۱۹
پرسش ----- ۶۱۹

پاسخ ----- ۶۱۹
نظر بعضی از دانشمندان غربی درباره امکان طول عمر را بیان کنید؟ ----- ۶۱۹
پرسش ----- ۶۱۹
پاسخ ----- ۶۱۹
آیا امکان دارد انسانی حداقل ۱۲ قرن عمر نماید؟ ----- ۶۲۰
پرسش ----- ۶۲۰
پاسخ ----- ۶۲۰
طول عمر یک انسان به این اندازه چگونه ممکن است؟ ----- ۶۲۰
پرسش ----- ۶۲۰
پاسخ ----- ۶۲۱
راز طولانی شدن عمر امام زمان (ع) چیست؟ و آیا از افراد عادی کسی می‌تواند چنین عمری طولانی داشته باشد؟ ----- ۶۲۱
پرسش ----- ۶۲۱
پاسخ ----- ۶۲۱
لطفاً افرادی را که از دیده‌ها غایب هستند نام ببرید؟ ----- ۶۲۲
پرسش ----- ۶۲۲
پاسخ ----- ۶۲۲
حیات حضرت ولی عصر چگونه با قوانین علمی توجیه می شود. ----- ۶۲۲
پرسش ----- ۶۲۲
پاسخ ----- ۶۲۲
آیا خداوند می‌تواند عمر کسی را به این حدّ طولانی کند؟ ----- ۶۲۳
پرسش ----- ۶۲۳
پاسخ ----- ۶۲۳
آیا طول عمر به این حد، از حیث علمی امکان دارد؟ ----- ۶۲۳
پرسش ----- ۶۲۳

پاسخ ----- ۶۲۴
آیا طول عمر امکان فلسفی ومنطقی دارد؟ ----- ۶۲۴
پرسش ----- ۶۲۴
پاسخ ----- ۶۲۴
از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی(عج) چه‌مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این‌همه عمر کند؟ ----- ۶۲۵
پرسش ----- ۶۲۵
پاسخ ----- ۶۲۵
زنده ماندن امام زمان(عج) از لحاظ علمی چگونه است؟ ----- ۶۲۶
پرسش ----- ۶۲۶
پاسخ ----- ۶۲۶
ادله ----- ۶۲۶
طول عمر امام زمان ۷چگونه توجیه می شود؟ ----- ۶۲۶
پرسش ----- ۶۲۷
پاسخ ----- ۶۲۷
چگونه امام زمان(ع) این همه عمر کرده است؟ ----- ۶۲۷
پرسش ----- ۶۲۷
پاسخ ----- ۶۲۷
مسئله طول عمر امام زمان را توضیح دهید. ----- ۶۲۸
پرسش ----- ۶۲۸
پاسخ ----- ۶۲۸
خـداوند در سوره یس آیه ۶۸ می فرماید : هر کس را طول عمر دهیم , در آفرینش واژگونه اش مـی کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم) ا
پرسش ----- ۶۲۹
پاسخ ----- ۶۲۹
آیا عمر طولانی خاص امام زمان((علیه السلام)) است یا خداوند به افراد دیگر هم اینرا عطا کرده است؟ ----- ۶۳۰

پرسش ----- ۶۳۰
پاسخ ----- ۶۳۰
چگونه حضرت مهدیغ می‌تواند دارای عمر طولانی باشد؟ ----- ۶۳۰
پرسش ----- ۶۳۰
پاسخ ----- ۶۳۰
چه دلایل علمی حدیثی و قرآنی بر طول عمر حضرت ولی عصرغ وجود دارد؟ ----- ۶۳۱
پرسش ----- ۶۳۱
پاسخ ----- ۶۳۱
از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی (عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟ ----- ۶۳۲
پرسش ----- ۶۳۲
پاسخ ----- ۶۳۲
متفرقات ----- ۶۳۳
امام زمان(ع) چند سال سن دارد؟ ----- ۶۳۳
پرسش ----- ۶۳۳
پاسخ ----- ۶۳۳
آیا مسأله طول عمر امام زمان‌علیه‌السلام مورد اعتراض اهل سنّت واقع شده است؟ ----- ۶۳۴
پرسش ----- ۶۳۴
پاسخ ----- ۶۳۴
آیا در روایات اهل سنّت به طول عمر اشخاص اشاره شده است؟ ----- ۶۳۴
پرسش ----- ۶۳۴
پاسخ ----- ۶۳۴
آیا کسانی در امت‌های پیشین عمر طولانی داشته‌اند؟ ----- ۶۳۵
پرسش ----- ۶۳۵
پاسخ ----- ۶۳۵

۲-عمر شریف آقا امام زمان «عج» چند سال است ؟ ---- ۶۳۵
پرسش ---- ۶۳۵
پاسخ ---- ۶۳۵
ملاقات ---- ۶۳۵
کسانی که در خردسالی حضرت را دیده اند ---- ۶۳۵
چه کسانی هنگام ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام او را زیارت کرده‌اند؟ ---- ۶۳۶
پرسش ---- ۶۳۶
پاسخ ---- ۶۳۶
چه کسانی در مدت پنج سال آخر حیات امام عسکری‌علیه‌السلام، امام زمان‌علیه‌السلام را دیده‌اند؟ ---- ۶۳۶
پرسش ---- ۶۳۶
پاسخ ---- ۶۳۶
چه کسانی در عصر غیبت صغرا حضرت را ملاقات نموده‌اند؟ ---- ۶۳۶
پرسش ---- ۶۳۶
پاسخ ---- ۶۳۷
کسانی که حضرت را در خرد سالی مشاهده کرده اند. ---- ۶۳۷
پرسش ---- ۶۳۷
پاسخ ---- ۶۳۷
مکان و زمان تولد امام زمان(ع) و نیز افرادی را که شاهد تولد ایشان بوده‌اند، ذکر کنید. ---- ۶۳۷
پرسش ---- ۶۳۷
پاسخ ---- ۶۳۸
امکان تشرف ---- ۶۳۸
آیا حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصّی رابطه دارد؟ این افراد چگونه به این درجه رسیده اند؟ ---- ۶۳۸
پرسش ---- ۶۳۸
پاسخ ---- ۶۳۸

آیا تشرف در دوران غیبت کبری امکان دارد؟ ---- ۶۳۹
پرسش ---- ۶۳۹
پاسخ ---- ۶۳۹
ملاقات امام زمان(عج) ---- ۶۴۰
اشاره ---- ۶۴۰
پرسش ---- ۶۴۰
پاسخ ---- ۶۴۰
چگونه می توانیم امام زمان(ع) را ببینیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟ ---- ۶۴۲
پرسش ---- ۶۴۲
پاسخ ---- ۶۴۲
آیا در دورهٔ غیبت کبری می توان امام زمان رامشاهده کرد؟ در آخرین توقیع صادره از ناحیهٔ مقدسه آمده است: از این پس مشاهده امکان ندارد. م
پرسش ---- ۶۴۳
پاسخ ---- ۶۴۳
در مورد دیدن امام زمان(عج) و صحبت کردن با ایشان چه نظری دارید؟ آیا این درست است که ایشان به یکی از نوّاب خود گفته" اگر کسی بگوی
پرسش ---- ۶۴۴
پاسخ ---- ۶۴۴
آیا می شود روزی چشمان گناهکارم به جمال نورانی مولا اباصالح المهدی (ع) روشن شود؟ چه مراحلی را باید طی نمود؟ خواهشمند است راهنم
پرسش ---- ۶۴۴
پاسخ ---- ۶۴۴
آیا ملاقات با امام زمان (ع) امکان دارد؟ و اگر امکان دارد برای توفیق تشرف چه باید کرد؟ ---- ۶۴۶
پرسش ---- ۶۴۶
پاسخ ---- ۶۴۶
آیا درست است که می‌گویند: ما انسان‌ها روزی چند مرتبه امام زمان(عج) را ملاقات می‌کنیم و او را نمی‌شناسیم؟ ---- ۶۴۶
پرسش ---- ۶۴۶

پاسخ ---- ۶۴۶
آیا می توانیم در زمان غیبت، امام زمان را ببینیم؟ ---- ۶۴۷
اشاره ---- ۶۴۷
پرسش ---- ۶۴۷
پاسخ ---- ۶۴۷
به نظر من همه حق دارند امام زمان (ع) را ببینند، پس چرا در دنیای امروز فقط نیکوکاران واقعی امام زمان (ع) را می بینند؟ در زمان امامان دیگر
پرسش ---- ۶۴۸
پاسخ ---- ۶۴۸
با توجه به قطعیّت این امر که عده ای از اشخاص جلیل القدر شرفیاب حضور امام مهدی(عج) شده‌اند، توقیع صادر شده به نام «علی بن محمد سم
پرسش ---- ۶۴۹
پاسخ ---- ۶۴۹
آیا در زمان غیبت ارتباط با حضرت مهدی امام زمان((صلی الله علیه وآله)) ممکن است با این که در پایان آخرین توقیعی که شش روز پیش از مرً
پرسش ---- ۶۴۹
پاسخ ---- ۶۵۰
بحث دیدن امام زمان و میزان واقعی بودن آن؟ ---- ۶۵۰
پرسش ---- ۶۵۰
پاسخ ---- ۶۵۰
آیا هر کسی می تواند امام زمان" ع "را ببیند (به غیر از افراد صالح و پرهیزگار) مثلاً در خواب می تواند با امام ملاقات کند و حقیقت دارد؟ ۶۵۱
پرسش ---- ۶۵۱
پاسخ ---- ۶۵۱
آیا می‌توان امام زمان‌غرا دید و با ایشان رابطه برقرار کرد؟ ---- ۶۵۲
پرسش ---- ۶۵۲
پاسخ ---- ۶۵۲
منظور از جمله (فمن ادعی المشاهده ...) در توضیح شریف چیست ؟ ---- ۶۵۳

پرسش ----- ۶۵۳
پاسخ ----- ۶۵۴
چگونه می‌توان دیدار صالحان با امام مهدی‌علیه‌السلام را اثبات نمود؟ ----- ۶۵۴
پرسش ----- ۶۵۴
پاسخ ----- ۶۵۴
آیا تشرف به لقای امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت کبرا ممکن است؟ ----- ۶۵۵
پرسش ----- ۶۵۵
پاسخ ----- ۶۵۵
چه کسانی از علما قائل به جواز وامکان تشرّف بوده‌اند؟ ----- ۶۵۵
پرسش ----- ۶۵۵
پاسخ ----- ۶۵۵
مطابق توقیع امام زمان‌علیه‌السلام به علی بن محمد سمری،آیا در عصر غیبت کبرا ملاقات حضرت ممنوع است؟ ----- ۶۵۶
پرسش ----- ۶۵۶
پاسخ ----- ۶۵۶
آیا می‌توان طبق قاعده سدّ ذرایع، ادعای ملاقات با حضرت را دروغ دانست؟ ----- ۶۵۶
پرسش ----- ۶۵۷
پاسخ ----- ۶۵۷
مطابق برخی از روایات، حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت شناخته نمی‌شود، پس آیا رؤیت ممکن نیست؟ ----- ۶۵۷
پرسش ----- ۶۵۷
پاسخ ----- ۶۵۷
ببخشید آیا درست است که ما هر روز امام زمان"عج "را می بینیم اما نمی شناسیم؟ ----- ۶۵۷
پرسش ----- ۶۵۷
پاسخ ----- ۶۵۷
آیا ما در این جهان در بین مردم امام زمان(را می بینیم؟ او به چه شکل است؟ ----- ۶۵۸

پرسش ----- ۶۵۸
پاسخ ----- ۶۵۸
ما شیعیان می‌گوییم امام زمانغ تنها با پنج نفر در زمان غیبت صغری ارتباط داشته است و پیش از مرگ نفر پنج به او می‌فرمایند: برای خود جای
پرسش ----- ۶۵۹
پاسخ ----- ۶۵۹
شرایط تشرف ----- ۶۵۹
افرادی که به خدمت امام زمان ۷رسیدند, بیش تر چه اعمالی را انجام دادند؟ ----- ۶۵۹
پرسش ----- ۶۶۰
پاسخ ----- ۶۶۰
برای دیدن امام زمان ۷چه باید کرد؟ ----- ۶۶۰
پرسش ----- ۶۶۰
پاسخ ----- ۶۶۰
۱- آقا امام زمان (عج) به چشم چه کسانی می آید و ما باید چکار کنیم تا حداقل بوی خوش محمدی او را که رایحه بهشتی است حس کنیم ؟ ۱
پرسش ----- ۶۶۱
پاسخ ----- ۶۶۱
با توجه با این که به دیدن امام عصر۷بسیار علاقه مند هستم و بارها دعاهای موجود در مفاتیح الجنان را خوانده ام , حتی شایستگی نیافته ام که -
پرسش ----- ۶۶۲
پاسخ ----- ۶۶۲
می‌خواهم امام زمان(ع) را ببینم چه باید بکنم؟ ----- ۶۶۲
پرسش ----- ۶۶۲
پاسخ ----- ۶۶۲
اگر بخاطر دیدار با امام زمان(ع) بخواهیم گوشه‌نشینی اختیار کنیم آیا رفتن به مسجد و رفت و آمد دوستان لازم است؟ ----- ۶۶۳
پرسش ----- ۶۶۳
پاسخ ----- ۶۶۳

چگونه می توان امام زمان (عج) را دیدارنمود؟ ---- ۶۶۴
پرسش ---- ۶۶۴
پاسخ ---- ۶۶۴
چگونه می‌توانیم با امام زمان(ع) ملاقات کنیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟ ---- ۶۶۴
پرسش ---- ۶۶۴
پاسخ ---- ۶۶۵
ما عقیده داریم که امام زمان(ع) در زمان غیبت صغری با چهار نایب خود ارتباط مستقیم داشته و بعد از غیبت صغری این ارتباط قطع می شود. پ
پرسش ---- ۶۶۵
پاسخ ---- ۶۶۵
چه شاخاصی لایق دیدار امام زمان(ع) می باشند؟ ---- ۶۶۷
پرسش ---- ۶۶۷
پاسخ ---- ۶۶۷
لیاقت حضور در محضر امام زمان(ع) چه شرایطی دارد؟ ---- ۶۶۸
پرسش ---- ۶۶۸
پاسخ ---- ۶۶۸
چطور می توان یک بار هم که شده، موفق به دیدار صاحب الزمان(عج) شویم؟ ---- ۶۶۹
پرسش ---- ۶۷۰
پاسخ ---- ۶۷۰
چگونه می توان صورت زیبای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نمود؟ ---- ۶۷۱
پرسش ---- ۶۷۱
ملاقات با امام زمان"عج "در نتیجه پرهیز و دوری از گناهان و انجام اعمال خاص امکان‌پذیر است. ما که شیعه گناهکاری هستیم، آیا حقی بر وجو
پرسش ---- ۶۷۱
پاسخ ---- ۶۷۲
مهم‌ترین کارهایی که می‌توان انجام داد تا در زمان کوتاه به امام زمان (ع) رسید، چیست؟ ---- ۶۷۳

پرسش ---- ۶۷۳
پاسخ ---- ۶۷۳
آیا شخصی که گناه کرده ، می تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟ ---- ۶۷۴
پرسش ---- ۶۷۴
پاسخ ---- ۶۷۴
برای رسیدن به درجه یقین و ملاقات با امام زمان (عج) چه کار کنیم ؟ ---- ۶۷۵
پرسش ---- ۶۷۵
پاسخ ---- ۶۷۵
چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان((علیه السلام)) را پیدا کنیم؟ ---- ۶۷۶
پرسش ---- ۶۷۶
پاسخ ---- ۶۷۶
چرا عدهٔ افرادی که امام زمان را دیده‌اند تا این اندازه کم است؟ آیا واقعاً تا این اندازه چشمهای ما آلوده‌اند که شایستگی دیدن ایشان را ندارند؟ اصلاً
پرسش ---- ۶۷۶
پاسخ ---- ۶۷۶
دیدار با امام زمان(عج) چگونه ممکن است و چه تأثیری در مسیر زندگی انسان دارد؟ ---- ۶۷۷
پرسش ---- ۶۷۷
پاسخ ---- ۶۷۷
ما چگونه می توانیم به فیض زیارت امام مهدی(عج) برسیم؟ ---- ۶۷۷
پرسش ---- ۶۷۷
پاسخ ---- ۶۷۸
چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟ ---- ۶۷۹
پرسش ---- ۶۷۹
پاسخ ---- ۶۷۹
پاسخ ۵ - منظور دیدن همراه آگاهی و آگاهانه است. اگر سند دارید لطفاً بنویسید این موضوع برای چه کسانی رخ داده است. ---- ۶۸۲

پرسش ----- ۶۸۲
پاسخ ----- ۶۸۳
راه رسیدن به لقای حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟ ----- ۶۸۴
پرسش ----- ۶۸۴
پاسخ ----- ۶۸۴
چرا وقتی عدّه‌ای امام زمان‌علیه‌السلام را می‌بینند از ابتدا او را نمی‌شناسند؟ ----- ۶۸۴
پرسش ----- ۶۸۴
پاسخ ----- ۶۸۴
چرا ما نمی‌توانیم خدمت امام خود برسیم؟ ----- ۶۸۵
پرسش ----- ۶۸۵
پاسخ ----- ۶۸۵
۲-برای دیدار امام زمان « عج » چه کارهایی را باید انجام داد ؟ ----- ۶۸۵
پرسش ----- ۶۸۵
پاسخ ----- ۶۸۵
اثر تشرف ----- ۶۸۶
مگر امام زمان نگفته که هر کس بگوید با امام زمان ارتباط دارم، کذب است، پس چگونه امام خمینی با امام زمان ارتباط داشت؟ ----- ۶۸۶
پرسش ----- ۶۸۶
پاسخ ----- ۶۸۶
آیا امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) ارتباط داشته است؟ ----- ۶۸۶
پرسش ----- ۶۸۶
پاسخ ----- ۶۸۶
در زمان غیبت، امام زمان((علیه السلام)) با چه کسی تماس دارد؟ ----- ۶۸۷
پرسش ----- ۶۸۷
پاسخ ----- ۶۸۷

در رابطه با امام زمان (ع) در زمان غیبت در حدیث موثقی آمده هرکسی ادعای رؤیت کند تکذیب کنید در حالی که علمای طراز اولی بوده‌اند که ه
پرسش ----- ۶۸۷
پاسخ ----- ۶۸۸
آیا گفته کسانی که ادعایی ملاقات با امام زمان را دارند صحیح است ؟ ----- ۶۸۸
پرسش ----- ۶۸۸
پاسخ ----- ۶۸۸
چند مورد از ملاقات های آقا با امام زمان را بیان کنید؟ ----- ۶۸۹
پرسش ----- ۶۸۹
پاسخ ----- ۶۸۹
علی بن مهزیار در کجا امام زمان را ملاقات کرد؟ ----- ۶۸۹
پرسش ----- ۶۸۹
پاسخ ----- ۶۸۹
با سلام با توجه به اینکه برخی از بزرگان ما با امام زمان ارتباط داشتند ... پس چرا از ایشان سئوالاتی را که شبهه برانگیز است را از ایشان نمیپرس
پرسش ----- ۶۸۹
پاسخ ----- ۶۹۰
چه کسانی به ملاقات حضرت در غیبت کبرا مشرّف شده‌اند؟ ----- ۶۹۱
پرسش ----- ۶۹۱
پاسخ ----- ۶۹۱
کیفیت ملاقات مردم با حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه است؟ ----- ۶۹۱
پرسش ----- ۶۹۱
پاسخ ----- ۶۹۲
امام زمان‌علیه‌السلام چه اهداف کلی و عمومیخاصی از ملاقات با مردم داشته است؟ ----- ۶۹۲
پرسش ----- ۶۹۲
پاسخ ----- ۶۹۲

آیا ممکن است کسی در ملاقاتش باحضرت مهدی‌علیه‌السلام او را بشناسد؟ ---- ۶۹۲
پرسش ---- ۶۹۲
پاسخ ---- ۶۹۳
آیا جدیداً کسی حضرت مهدی"عج "را دیده است که پیامی از جانب ایشان داشته باشد؟ ---- ۶۹۳
پرسش ---- ۶۹۳
پاسخ ---- ۶۹۳
بعضی ها می گویند ما امام زمان"عج "را دیده ایم فلان عالم یا فلان مرجع، پس دستور غیبت کبری چه می شود؟ ---- ۶۹۴
پرسش ---- ۶۹۴
پاسخ ---- ۶۹۴
در مورد ارتباط امام زمان"عج "با آیت ا... کشمیری، آقای مجتهدی تهرانی توضیح دهید؟ ---- ۶۹۵
پرسش ---- ۶۹۵
پاسخ ---- ۶۹۵
آیا ملاقات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری با امام زمان (عج) صحت دارد؟ ---- ۶۹۵
پرسش ---- ۶۹۵
پاسخ ---- ۶۹۵
ما در حدیث داریم که امام مهدی (عج) می فرماید هر کس بگوید که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آن طرف دیگر می بینیم که ب
پرسش ---- ۶۹۶
پاسخ ---- ۶۹۶
آیا کسی از فقها، و مراجع تقلید ارتباط خاص با امام زمان«علیه السلام» دارند؟ ---- ۶۹۶
پرسش ---- ۶۹۶
پاسخ ---- ۶۹۶
آیا آنان که در این جهان نیستند به دیدار امام زمان«علیه السلام» نایل می‌شوند؟ ---- ۶۹۷
پرسش ---- ۶۹۷
پاسخ ---- ۶۹۷

اگر امام زمان«علیه السلام» در زمان غیبت نائب ندارند پس چگونه بعضی‌ها بدیدن ایشان مشرّف می‌شوند؟ ---- ۶۹۷
پرسش ---- ۶۹۷
پاسخ ---- ۶۹۷
آداب و اعمال جهت ملاقات ---- ۶۹۷
دختری هستم ۱۷ ساله. دلم می‌خواهد با امام زمان(ع) ملاقات کنم اما میسر نمی شود. مرا راهنمایی کنید که چه کار هایی انجام دهم تا او را ببین
پرسش ---- ۶۹۷
پاسخ ---- ۶۹۸
در زمان پیامبر۶با امامان : مردم در ارتباط با آنان بودند وبه دست آنان مشکلات خود را حلّ می کردند, ولی در عصر حاضر چرا امام زمان ۷با شیع
پرسش ---- ۶۹۹
پاسخ ---- ۶۹۹
چه کاری انجام دهیم تا مثل علما و افراد خوب بتوانیم با امام زمان ملاقاتی یا ارتباط داشته باشیم؟ ---- ۷۰۰
پرسش ---- ۷۰۰
پاسخ ---- ۷۰۰
دعایی که رزق و روزی را زیاد می کند و دعای معتبری که برای نزدیک شدن به آقا امام عصر(ع) و رؤیت ایشان داریم، بنویسید. ---- ۷۰۱
پرسش ---- ۷۰۱
پاسخ ---- ۷۰۱
از امام صادق(ع) روایت شده اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند در رکاب او از یاران امام زمان(ع) خواهد بود. شرایط آن چیست، آیا فقط ب
پرسش ---- ۷۰۱
پاسخ ---- ۷۰۱
بعضی از امامان(ع) یا پیامبر(ص) در مورد درک امام زمان(ع) روایاتی فرموده اند، مثلاً با انجام فلان عمل مستحب و خواندن سوره ای مخصوص. ای
پرسش ---- ۷۰۲
پاسخ ---- ۷۰۲
کسی که در دوران زندگی انسانی متدین بوده و نسبت به امام زمان((علیه السلام))علاقه بسیار داشته و آرزویش این بود که هنگام ظهور آن حضرت
پرسش ---- ۷۰۳

پاسخ ----- ۷۰۳
چگونه می توانیم امام زمان را در همین دنیا دیدار کنیم؟ ----- ۷۰۳
پرسش ----- ۷۰۳
پاسخ ----- ۷۰۳
چطور می توان ایشان را ملاقات کرد آیا می توان نامه ای به ایشان نوشت و جوابش را دریافت کرد دلم می خواهد موضوعی را به ایشان عرض کن
پرسش ----- ۷۰۴
پاسخ ----- ۷۰۴
در روایتی از یک بزرگوار که موفق شده بودند چندین بار امام زمان"عج "را ملاقات کنند فرموده بودند چهل شبانه روز اعمال مشخصی انجام داده ا
پرسش ----- ۷۰۸
پاسخ ----- ۷۰۸
آقا امام زمان"عج "در چه صورتی از دعاها حتماً مشرف می شوند؟منظورم این است که چه دعایی را بخوانیم که حتماً ایشان را ببینیم؟ --- ۷۰۸
پرسش ----- ۷۰۹
پاسخ ----- ۷۰۹
خیلی سعی کرده ام تا گناه را به کنار بگذارم و خوشبختانه خیلی موفق شده ام تا حدی که گاهی اوقات خداوند را احساس می کنم و حس می کن
پرسش ----- ۷۰۹
پاسخ ----- ۷۱۰
چگونه می توان امام زمان ?را در خواب دید و با او حرف زد؟ ----- ۷۱۱
پرسش ----- ۷۱۱
پاسخ ----- ۷۱۱
۱ـ برای ملاقات با امام عصر (عج) ما جوانان چه برنامه هایی و اعمالی را باید رعایت کنیم و چگونه باشیم؟ ----- ۷۱۱
پرسش ----- ۷۱۱
پاسخ ----- ۷۱۲
۱- چه باید انجام دهیم تا امام زمان عج» را ملاقات کنیم ؟ ----- ۷۱۲
پرسش ----- ۷۱۲

پاسخ ----- ۷۱۲
چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» را پیدا کنیم؟ ----- ۷۱۳
پرسش ----- ۷۱۳
پاسخ ----- ۷۱۳
کدام دعا را اگر چهل روز بخوانیم با امام زمان ملاقات می‌کنیم و در زمان ظهور آن حضرت، زنده می‌شویم؟ اگر کسی ترجمه آن را بخواند صحیح ا
پرسش ----- ۷۱۳
پاسخ ----- ۷۱۳
شهادت ----- ۷۱۴
آیا قاتل امام زمان(ع) زن است؟ ----- ۷۱۴
پرسش ----- ۷۱۴
پاسخ ----- ۷۱۴
پایان کار امام زمان ۷چه خواهد شد؟ ----- ۷۱۴
پرسش ----- ۷۱۴
پاسخ ----- ۷۱۴
حضرت مهدی ۷پس از ظهور چگونه از دنیا می رود؟ ----- ۷۱۵
پرسش ----- ۷۱۵
پاسخ ----- ۷۱۵
آیا امام زمان (عج) به مرگ طبیعی از دنیا می رود یا کسی او را می کشد؟ ----- ۷۱۵
پرسش ----- ۷۱۵
پاسخ ----- ۷۱۵
آیا امام زمان تا پایان زنده می‌ماند؟ ----- ۷۱۶
پرسش ----- ۷۱۶
پاسخ ----- ۷۱۶
گفته شده بعد از آنکه حضرت ولی عصر(عج) ظهور نمود ایشان شهید می شوند. آیا این سخن صحیح است؟ چگونه بعد از ظهور حضرت جهان پر

پرسش ---- ۷۱۶
پاسخ ---- ۷۱۷
آیا کشته شدن امام زمان(ع) به دست زنی که مانند مردها ریش دارد است، صورت می گیرد و نام زن سعیده است؟ حدیثی معتبر در این باره وجو
پرسش ---- ۷۱۸
پاسخ ---- ۷۱۸
در مورد قاتل امام زمان(ع) که یک خانم است، توضیحاتی بدهید و کتاب هایی را معرفی کنید: ---- ۷۱۸
پرسش ---- ۷۱۸
پاسخ ---- ۷۱۸
امام زمان(ع) به دست چه کسی به شهادت می رسند؟ ---- ۷۱۹
پرسش ---- ۷۱۹
پاسخ ---- ۷۱۹
قاتل امام زمان(ع) کیست؟ آیا او به دنیا آمده است؟ ---- ۷۱۹
پرسش ---- ۷۱۹
پاسخ ---- ۷۱۹
چگونگی کشته شدن امام زمان را بیان کنید؟ ---- ۷۲۰
اشاره ---- ۷۲۰
پرسش ---- ۷۲۰
پاسخ ---- ۷۲۰
حضرت مهدی(را چه کسی به قتل خواهد رسانید؟ ---- ۷۲۱
پرسش ---- ۷۲۱
پاسخ ---- ۷۲۱
آیا امام زمان (عج)بعد از ظهور به شهادت می رسند چرا و چگونه و در صورت مثبت بودن پاسخ بعد از آن قیامت برپا خواهد شد یا نه؟ ---- ۷۲۲
پرسش ---- ۷۲۲
پاسخ ---- ۷۲۲

اگر حکومت حضرت، حکومت عدل جهانی است،پس چرا به شهادت می‌رسد؟ ---- ۷۲۲
پرسش ---- ۷۲۲
پاسخ ---- ۷۲۲
۱- آیا حقیقت دارد که امام زمان (عج) پس از ظهور و بعد از مدتی به دست زنی حیله گر کشته می شود؟ ---- ۷۲۳
اشاره ---- ۷۲۳
پرسش ---- ۷۲۳
پاسخ ---- ۷۲۳
آیا این که وقتی امام زمان ظهور می کند یک زن او را خواهد کشت خرافات است و آیا بعد از ظهور امام زمان مردم عمر طبیعی خود را سپری خو
پرسش ---- ۷۲۳
پاسخ ---- ۷۲۴
سرانجام زندگی امام زمان چه خواهد شد و چه کس آن حضرت را به شهادت می‌رساند؟ ---- ۷۲۵
پرسش ---- ۷۲۵
پاسخ ---- ۷۲۵
ویژگیها ---- ۷۲۵
سیرت وصورت ---- ۷۲۵
شباهت حضرت به انبیاء ---- ۷۲۵
طبق حدیثی از امام سجاد (ع) امام زمان (عج) شباهت‌هایی با تنی چند از پیامبران الهی داشته است. کدام پیامبران با چه شباهت‌هایی با امام
پرسش ---- ۷۲۵
پاسخ ---- ۷۲۵
درباره حضرت مهدی(عج) امام حسن عسکری فرمود": قائم ما به خضر نبی و ذوالقرنین شباهت دارد "شباهتش را توضیح دهید. ---- ۷۲۶
پرسش ---- ۷۲۶
پاسخ ---- ۷۲۶
آیا امام عصر (عج) از هر رسول و نبی , نشانه ای با خود دارد؟ آنها را نام ببرید. ---- ۷۲۷
پرسش ---- ۷۲۷

پاسخ ----- ۷۲۷
امام زمان(عج) شبیه کدام پیامبرند و شمه‌ای از اخلاق و رفتار ایشان را بیان کنید/ ----- ۷۲۸
پرسش ----- ۷۲۸
پاسخ ----- ۷۲۸
اوصاف ظاهری ----- ۷۲۸
آیا امام زمان (عج) نیز مانند سایر مردم بیمار می شوند؟ ----- ۷۲۸
پرسش ----- ۷۲۸
پاسخ ----- ۷۲۹
آیا امام زمان ۷از لحاظ جسمی شبیه به ما است , یعنی نوع گوشت , پوست و خون و بدنش به ماشباهت دارد؟ ----- ۷۲۹
پرسش ----- ۷۲۹
پاسخ ----- ۷۲۹
می گویند امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، در گونهٔ راست خود خال هاشمی دارند، آیا این مطلب صحیح است؟ ----- ۷۳۰
پرسش ----- ۷۳۰
پاسخ ----- ۷۳۰
اگر در خواب یا بیداری امام زمان(عج) را مشاهده کردیم، حضرت را با چه علائمی بشناسیم؟ ----- ۷۳۰
پرسش ----- ۷۳۰
پاسخ ----- ۷۳۰
امامان همه چشم و ابرو مشکی هستند، غیر از امام زمان(عج) که چشم آبی است. چرا؟ ----- ۷۳۱
پرسش ----- ۷۳۱
پاسخ ----- ۷۳۱
حتماً امام زمان(ع) در میان مردم راه می رود و زندگی می‌کند. آیا با همان ویژگی هایی که نام برده شد، مثلاً با خال هاشمی و با موهای فِرّ ظاه
پرسش ----- ۷۳۱
پاسخ ----- ۷۳۱
سرّ خال چیست و اگر در سینه باشد، نشانه چیست؟ ----- ۷۳۲

اشاره ----- ۷۳۲
پرسش ----- ۷۳۲
پاسخ ----- ۷۳۲
چرا شناخت ویژگیهای حضرت مهدی برای ما لازم است و منابع شناخت ما در این زمینه چیست؟ ----- ۷۳۳
پرسش ----- ۷۳۳
پاسخ ----- ۷۳۳
آیا امام زمان" ع "هم اکنون با پوشش قدیمی یعنی لباسهای قدیم عرب را می پوشد؟ ----- ۷۳۳
پرسش ----- ۷۳۳
پاسخ ----- ۷۳۴
امام زمان دارای چه صفاتی هستند؟ ----- ۷۳۴
پرسش ----- ۷۳۴
پاسخ ----- ۷۳۴
سیمای ظاهری حضرت ----- ۷۳۴
اشاره ----- ۷۳۴
پرسش ----- ۷۳۴
پاسخ ----- ۷۳۵
مشخصات ظاهری حضرت چیست و آیا کسی می‌تواند خودش رابه صورت حضرت درآورد؟ ----- ۷۳۶
پرسش ----- ۷۳۷
پاسخ ----- ۷۳۷
۲-کمی در مورد خصوصیات اخلاقی حضرت مهدی توضیح دهید ؟ ----- ۷۳۷
پرسش ----- ۷۳۷
پاسخ ----- ۷۳۷
مشخصات ظاهری امام زمان چیست. ----- ۷۳۸
پرسش ----- ۷۳۸

پاسخ ----- ۷۳۸
در روز ظهور ----- ۷۳۸
آیا امام زمان(ع) جوان هستند یا پیر؟ ----- ۷۳۸
پرسش ----- ۷۳۸
پاسخ ----- ۷۳۹
زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، چه نشانه هایی در چهره ایشان وجود دارد تا شناخته شود؟ ----- ۷۳۹
پرسش ----- ۷۳۹
پاسخ ----- ۷۳۹
آیا پیری و کهولت در حضرت مهدی(عج) ظاهر می‌شود؟ ----- ۷۳۹
پرسش ----- ۷۳۹
پاسخ ----- ۷۳۹
آیا در روایات، اخباری که دلالت بر عدم کهولت و پیری حضرت مهدی در هنگام ظهور داشته باشد وجود دارد؟ ----- ۷۴۰
پرسش ----- ۷۴۰
پاسخ ----- ۷۴۰
آیا امام زمان (عج) در موقع ظهور جوان می باشند یا پیر؟ ----- ۷۴۰
پرسش ----- ۷۴۰
پاسخ ----- ۷۴۰
امام زمان(عج) چطور با عمر طولانی به شکل ۴۰ ساله ظاهر می شود؟ ----- ۷۴۰
پرسش ----- ۷۴۰
پاسخ ----- ۷۴۱
امام زمان‌علیه‌السلام در ظاهر با چه سنّی ظهور می‌کنند؟ ----- ۷۴۱
پرسش ----- ۷۴۱
پاسخ ----- ۷۴۱
خصوصیات جسمی امام زمان‌علیه‌السلام هنگام ظهور چگونه است؟ ----- ۷۴۱

پرسش ---- ۷۴۲
پاسخ ---- ۷۴۲
شکل و شمایل حضرت مهدی(عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟ ---- ۷۴۲
پرسش ---- ۷۴۲
پاسخ ---- ۷۴۲
کرامات حضرت ---- ۷۴۳
خاطراتی از کرامات امام زمان(ع) را بنویسید. ---- ۷۴۳
پرسش ---- ۷۴۳
پاسخ ---- ۷۴۳
چند معجزه از امام زمان(ع) بنویسید. ---- ۷۴۳
پرسش ---- ۷۴۳
پاسخ ---- ۷۴۳
چگونه ماجرای قرآنی انتقال تخت بلقیس، پذیرش قدرت فوق‌العاده حضرت صاحب الزمان (ع) را آسان می‌کنند. ---- ۷۴۴
پرسش ---- ۷۴۴
پاسخ ---- ۷۴۴
آیا حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور اعمال خارق‌العاده انجام می‌دهد؟ ---- ۷۴۵
پرسش ---- ۷۴۵
پاسخ ---- ۷۴۵
علم حضرت ---- ۷۴۶
امام زمان ۷در زمینهء دین اسلام و استنباط احکام اسلامی از چه نوع کتاب هایی استفاده می کند؟ ---- ۷۴۶
پرسش ---- ۷۴۶
پاسخ ---- ۷۴۶
آیا امام زمان ۷دارای علم لدنی است و دیگر نیاز به مطالعه ندارد؟ ---- ۷۴۶
پرسش ---- ۷۴۶

پاسخ ----- ۷۴۶
آیا امام زمان عج) اطلاعات کامل درخصوص دنیای مردم مظلوم افغانستان، فلسطین و لبنان‌دارند؟ ----- ۷۴۷
پرسش ----- ۷۴۷
پاسخ ----- ۷۴۷
آیا امام زمان (عج) از هنگام برپایی قیامت و تاریخ آن آگاهی دارد؟ ----- ۷۴۷
پرسش ----- ۷۴۷
پاسخ ----- ۷۴۸
آیا امام زمان می‌داند کی ظهور خواهد کرد؟ ----- ۷۴۸
پرسش ----- ۷۴۸
پاسخ ----- ۷۴۸
در روایات آمده که امام زمان(عج) در هنگام ظهورشان مامور به غیب می باشند. ----- ۷۴۹
اشاره ----- ۷۴۹
پرسش ----- ۷۴۹
پاسخ ----- ۷۴۹
چرا به امام وحی نمی‌شود و اگر وحی نمی‌شود پس چگونه امام زمان (ع) می‌خواهد ظهور کند؟ ----- ۷۵۰
پرسش ----- ۷۵۰
پاسخ ----- ۷۵۰
پرسش: چرا سورهٔ قدر، بعد از تولّد" امام زمان غ خوانده شد؟ ----- ۷۵۱
پرسش ----- ۷۵۱
پاسخ ----- ۷۵۱
آیا امام زمان (عج) از کارهای خوب و بدی که ما انجام می دهیم آگاهی دارد؟ ----- ۷۵۱
پرسش ----- ۷۵۱
پاسخ ----- ۷۵۲

آیا اکنون حضرت مهدی(علیه السلام) به زمان ظهورشان علم دارند؟ یعنی آیا از آغاز غیبت، حضرت می دانستند چه زمانی ظهور خواهند فرمو

پرسش ----- ۷۵۳
پاسخ ----- ۷۵۳
امام زمان‌علیه‌السلام چگونه از زمان مناسب ظهور خود آگاهی می‌یابد؟ ----- ۷۵۳
پرسش ----- ۷۵۳
پاسخ ----- ۷۵۴
در روایات آمده که امام زمان(در زمان ظهورشان مأمور به غیب می باشند، محدودهٔ مأموریت ایشان به غیب چقدر است؟(کمی توضیح دهید) با
پرسش ----- ۷۵۴
پاسخ ----- ۷۵۵
آیا امام زمان (عج) از زمان ظهور اطلاع دارند؟ ----- ۷۵۵
پرسش ----- ۷۵۵
پاسخ ----- ۷۵۵
آیا امام زمان«علیه السلام» از وضع ما انسانها آگاه است؟ ----- ۷۵۶
پرسش ----- ۷۵۶
پاسخ ----- ۷۵۶
قدرت حضرت ----- ۷۵۶
آیا امام زمان در همه جا هستند یا در مکان های خاص؟ ----- ۷۵۶
پرسش ----- ۷۵۶
پاسخ ----- ۷۵۶
آیا امام زمان می تواند در یک زمان خاص در چند مکان مختلف باشند؟ ----- ۷۵۷
پرسش ----- ۷۵۷
پاسخ ----- ۷۵۸
درباره اینکه امام زمان می توانند در هر لحظه در چند جای مختلف حضور داشته باشند با ذکر دلیل عقلی توضیح دهید. (سنت خداست که هر
پرسش ----- ۷۵۸
پاسخ ----- ۷۵۸

طبق عقیده شیعه امام زمان(عج) زنده است و بر روی کره زمین زندگی می‌کند. پس قاعدتاً مانند انسان‌های دیگر نیازهایی از قبیل خواب و غیر
پرسش ---- ۷۵۹
پاسخ ---- ۷۶۰
آیا امام زمان«علیه السلام» می‌تواند در یک زمان در چند جای مختلف حضور یابد؟ اگر به چطور؟ و آیا وجه مشترکی بین او و بین خداوند وجو
پرسش ---- ۷۶۱
پاسخ ---- ۷۶۱
توقیعات حضرت ---- ۷۶۱
راجع به توقیع مارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری و همین طور راجع به تأیید کتاب کافی از طرف آن حضرت توضیح دهید. ۷۶۱
پرسش ---- ۷۶۱
پاسخ ---- ۷۶۲
روایتی از حضرت مهدی(ع) را برایم بنویسید. ---- ۷۶۲
پرسش ---- ۷۶۲
پاسخ ---- ۷۶۲
اگر ممکن است در مورد" دعای عهد "شرحی بنویسید، و فهرستی از دعاهای نقل شده از حضرت مهدی(عج) را بیان کنید. ---- ۷۶۳
پرسش ---- ۷۶۳
پاسخ ---- ۷۶۳
چه دعاهایی منسوب به امام مهدی(ع) است؟ چگونه می‌توان از طریق دعا با حضرت رابطه برقرار کرد؟ ---- ۷۶۳
پرسش ---- ۷۶۳
پاسخ ---- ۷۶۴
توقیعات یعنی چه ، آیا در این مورد می‌توانید مرا راهنمایی کنید تا دربارهٔ این مطلب تحقیق کنم آیا در قرآن و تفسیرها مطالبی در این‌باره آمد
پرسش ---- ۷۶۶
پاسخ ---- ۷۶۶
چه پیامهایی در دعاها و نامه های رسیده از حضرت حجت(عج) برای ما منظور شده؟ ---- ۷۶۷
پرسش ---- ۷۶۷

پاسخ ----- ۷۶۷
توقیع به چه معناست؟ ----- ۷۶۸
پرسش ----- ۷۶۸
پاسخ ----- ۷۶۸
در چه مدت زمانی توقیع از طرف حضرت صادر می‌شده است؟ ----- ۷۶۸
پرسش ----- ۷۶۸
پاسخ ----- ۷۶۹
آیا توقیعات به خطّ خود حضرت مهدی‌علیه‌السلام بوده است؟ ----- ۷۶۹
پرسش ----- ۷۶۹
پاسخ ----- ۷۶۹
چه مقدار توقیع از ناحیه مقدسه صادر شده است؟ ----- ۷۷۰
پرسش ----- ۷۷۰
پاسخ ----- ۷۷۰
آیا در عصر غیبت کبرا نیز نامه‌ای از ناحیه مقدّسه صادر شده است؟ ----- ۷۷۱
پرسش ----- ۷۷۱
پاسخ ----- ۷۷۱
سند دو توقیع صادر شده از امام مهدی‌علیه‌السلام بر ----- ۷۷۲
اشاره ----- ۷۷۲
پرسش ----- ۷۷۲
پاسخ ----- ۷۷۲
اینکه حضرت زهراعلیهاالسلام الگوی حضرت مهدی‌علیه‌السلام است، یعنی چه؟ ----- ۷۷۳
پرسش ----- ۷۷۳
پاسخ ----- ۷۷۳

این سخن امام زمان«علیه السلام» درباره امام حسین«علیه السلام» که، «برایت گریه می‌کنم و اگر اشکم تمام شود خون می‌گریم»، در کدام زیا

پرسش ----- ۷۷۳
پاسخ ----- ۷۷۴
حضرت و مساجد ----- ۷۷۴
مسجد جمکران ----- ۷۷۴
دختری ۲۸ ساله هستم در ازدواج خیلی سخت‌پسند هستم و به قیافه راضی نمی‌شوم هر چه دعا می‌کنم قبول نمی‌شود. می‌فرمایند در قم (جـ
پرسش ----- ۷۷۴
پاسخ ----- ۷۷۴
رفتن به مسجد جمکران، جهت دیدن امام زمان(عج) در شب‌های چهارشنبه توصیه شده یا شبهای جمعه؟ ----- ۷۷۴
پرسش ----- ۷۷۴
پاسخ ----- ۷۷۵
آیا معیار قرار دادن چهل چهارشنبه برای رؤیت امام زمان در مسجد جمکران و... سندیت دارد؟ ----- ۷۷۵
پرسش ----- ۷۷۵
پاسخ ----- ۷۷۵
عده ای می گویند رفتن به مسجدجمکران شب های چهارشنبه ارجحیت بیشتری دارد آیا این گفته صحت دارد,کی وقت خواندن نماز شب اسـ
پرسش ----- ۷۷۵
پاسخ ----- ۷۷۶
در مورد نامه هایی که در مسجد جمکران نوشته می شود, توضیح دهید. ----- ۷۷۶
پرسش ----- ۷۷۶
پاسخ ----- ۷۷۶
این جانب معاون پرورشی یکی از هنرستان های شهرضا هستم , خواهشمندم بفرمایید آیا خبر مربوطبه مسجد مقدس جمکران موثق است یا ـ
پرسش ----- ۷۷۶
پاسخ ----- ۷۷۶
آیا اگر کسی چهل شب چهارشنبه به جمکران مشرّف شود به زیارت آقا نایل می‌گردد؟ ----- ۷۷۷
پرسش ----- ۷۷۷

پاسخ ----- ۷۷۷
اگر امام زمان‌علیه‌السلام به همه جا احاطه دارد،پس چرا به جمکران می‌رویم؟ ----- ۷۷۷
پرسش ----- ۷۷۷
پاسخ ----- ۷۷۸
۱- آیا اینکه می گویند مسجد جمکران را خود آقا امام زمان (عج) کُلنگ آن را به زمین زده و دستور ساخت آن را داده اند صحت کامل دارد یا
پرسش ----- ۷۷۸
پاسخ ----- ۷۷۸
مختصری در مورد مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟ ----- ۷۷۹
پرسش ----- ۷۷۹
پاسخ ----- ۷۷۹
در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟ ----- ۷۷۹
پرسش ----- ۷۷۹
پاسخ ----- ۷۷۹
بنیاد مسجد جمکران بر چه اساسی است؟ ----- ۷۸۰
پرسش ----- ۷۸۰
پاسخ ----- ۷۸۰
لطفاً به طور مختصر تاریخچه مسجد جمکران و حوزه علمیه قم را بنویسید. ----- ۷۸۱
پرسش ----- ۷۸۱
پاسخ ----- ۷۸۱
در مورد مسجد جمکران و ارتباط آن با امام زمان(عج) و تاریخ تأسیس و مؤسس آن توضیحاتی ارائه نمایید. ----- ۷۸۱
پرسش ----- ۷۸۱
پاسخ ----- ۷۸۱
در خصوص چاه مقدس مسجد جمکران توضیح دهید و این که با وجود خشک بودن این چاه نامه هایی که در آن انداخته می شود اعتبار دارد؟
پرسش ----- ۷۸۲

پاسخ ---- ۷۸۲
دربارهٔ بنای مبارک مسجد جمکران توضیح مختصری دهید. ---- ۷۸۲
پرسش ---- ۷۸۲
پاسخ ---- ۷۸۲
آیا صحت دارد امام زمان(ع) در مسجد جمکران ظاهر شده و افراد مریضی شفا گرفته اند؟ ---- ۷۸۳
پرسش ---- ۷۸۳
پاسخ ---- ۷۸۳
چگونه نامه هایی که در مسجد جمکران به چاه می اندازند، به دست امام زمان(ع) می‌رسد؟ آیا این چاه پر نمی شود؟ ---- ۷۸۳
پرسش ---- ۷۸۳
اشاره ---- ۷۸۳
پاسخ ---- ۷۸۳
آیا در کنار مسجد جمگران چاهی است که نامه حاجت در آن بیندازند که به دست امام زمان(ع) برسد؟ ---- ۷۸۴
پرسش ---- ۷۸۴
پاسخ ---- ۷۸۴
مسجد جمکران چه ارتباطی با حضرت مهدی (عج) دارد؟ ---- ۷۸۴
پرسش ---- ۷۸۴
پاسخ ---- ۷۸۴
مسجد جمکران .....K...Лъ.....اش چیست؟ در این باره اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید. ---- ۷۸۵
پرسش ---- ۷۸۵
پاسخ ---- ۷۸۵
در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟ ---- ۷۸۶
پرسش ---- ۷۸۶
پاسخ ---- ۷۸۶

درباره مسجد جمکران توضیح بدهید مگر مسجد جای ذکر و عبادت خدا نیست پس مسجد امام زمان"ع "چیست و چه کسی و چه زمانی و به

پرسش ---- ۷۸۶
پاسخ ---- ۷۸۶
شفا یافتن بیماران در مسجد جمکران و کراماتی که به این مسجد نسبت داده می شود آیا حقیقت دارد؟ ---- ۷۸۸
پرسش ---- ۷۸۸
پاسخ ---- ۷۸۸
کمی درباره ء تاریخچه ء مسجد جمکران , شرح دهید؟ ---- ۷۸۸
پرسش ---- ۷۸۸
پاسخ ---- ۷۸۹
اخیرا بنده در جهت بازسازی معنوی بار فرهنگی اردوهای زیارتی امان را بیشتر کرده ام فقط راجع به موردی اطلاعات کمتری دارم و آنهم چاه
پرسش ---- ۷۸۹
پاسخ ---- ۷۸۹
قضیه چاه مسجد جمکران چیست. شنیده ام آمریکاییها برای یافتن نفت آن را کنده اند؟ آیا درست است؟ ---- ۷۸۹
پرسش ---- ۷۸۹
پاسخ ---- ۷۹۰
با سلام، در مورد جمکران و صحت آن چه دلایلی مطرح است؟ با تشکر ---- ۷۹۰
پرسش ---- ۷۹۰
پاسخ(قسمت اول) ---- ۷۹۰
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۷۹۳
مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟ ---- ۷۹۷
پرسش ---- ۷۹۷
پاسخ ---- ۷۹۷
مدرک نماز خاصّ مستحبی در مسجد جمکران چیست؟ ---- ۷۹۷
پرسش ---- ۷۹۷
پاسخ ---- ۷۹۷

آیا سند قضیه بنای مسجد جمکران معتبر است؟ ---- ۷۹۸
پرسش ---- ۷۹۸
پاسخ ---- ۷۹۸
چرا در کتاب" تاریخ قم "که پنج باب دارد اثری از قضیه جمکران نیست؟ ---- ۷۹۸
پرسش ---- ۷۹۸
پاسخ ---- ۷۹۸
مسجد جمکران از چه اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است؟ ---- ۷۹۸
پرسش ---- ۷۹۸
پاسخ ---- ۷۹۹
آیا چهل بار رفتن به جمکران برای قضای حاجت مدرکی دارد؟ ---- ۷۹۹
پرسش ---- ۷۹۹
پاسخ ---- ۷۹۹
آیا شب چهارشنبه به مسجد جمکران رفتن مدرکی دارد؟ ---- ۸۰۰
پرسش ---- ۸۰۰
پاسخ ---- ۸۰۰
مساجد دیگر ---- ۸۰۰
اگر می شود نام چندمسجد را نام ببرید که امام زمان(موقع ظهور خود خراب می کند. آیا همین مسجد ما هم احتمال دارد؟ ما می توانیم بحث
پرسش ---- ۸۰۰
پاسخ ---- ۸۰۰
مسجد سهله چه ارتباطی با حضرت مهدی‌علیه‌السلام دارد؟ ---- ۸۰۱
پرسش ---- ۸۰۱
پاسخ ---- ۸۰۱
در مورد حضور در مسجد سهله چه سفارشی شده است؟ ---- ۸۰۱
پرسش ---- ۸۰۱

پاسخ ----- ۸۰۱
آیا در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه مدرکی وجود دارد؟ ----- ۸۰۲
پرسش ----- ۸۰۲
پاسخ ----- ۸۰۲
در زمان ظهور حضرت با مساجد نفاق چه می‌کنند؟ ----- ۸۰۲
پرسش ----- ۸۰۲
پاسخ ----- ۸۰۲
سایر موارد ----- ۸۰۳
در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟ ----- ۸۰۳
پرسش ----- ۸۰۳
پاسخ ----- ۸۰۳
می گویند یزید بعد از به شهادت رساندن امام حسین ۷به شکل سگ در آمد و تا ظهور امام مهدی ۷زنده است . آیا این مطلب حقیقت دارد؟ ۳
پرسش ----- ۸۰۳
پاسخ ----- ۸۰۳
می خواستم بدانم اگر توفیق داشتیم که در عصر آقا(امام زمان) زندگی کنیم، آیا ایشان به سید ها محرم هستند؟ ----- ۸۰۴
پرسش ----- ۸۰۴
پاسخ ----- ۸۰۴
چرا می گویند ایران کشور امام زمان(عج) است؟ ----- ۸۰۴
پرسش ----- ۸۰۴
پاسخ ----- ۸۰۴
پیدایش مؤمنان از صُلْب کفار یعنی چه و چه ربطی با ظهور حضرت مهدی دارد؟ ----- ۸۰۵
پرسش ----- ۸۰۵
پاسخ ----- ۸۰۵
در زمان غیبت اگر فقیهی با اشکال روبرو شد تکلیفش چیست؟ ----- ۸۰۶

پرسش ----- ۸۰۶
پاسخ ----- ۸۰۶
مجله ای در کشور منتشر می شود به نام" خورشید مکه "که مختص امام زمان" ع "است و بعضی از مسائل ارتباط با امام را طوری مطرح می
پرسش ----- ۸۰۶
پاسخ ----- ۸۰۶
علت تفضیل حضرت قائم (ع) بر سایر ائمه چه می باشد؟ ----- ۸۰۶
پرسش ----- ۸۰۷
پاسخ ----- ۸۰۷
چرا عدالت موجود در زمان امام زمان (عج) در زمان صدر اسلام برقرار نشد؟ ----- ۸۰۷
پرسش ----- ۸۰۷
پاسخ ----- ۸۰۷
گفته می شود (بر اساس احادیث اسلامی) که ظرفیت انسان ۲۷ حرف است که در زمان ظهور امام زمان(عج) انسانها بهتدریج به آنها خواهند ر
پرسش ----- ۸۰۸
پاسخ ----- ۸۰۸
این نکته خیلی برایم مهم است چراکه هرچه فکر می کنم درباره غربت وتنهایی امام زمان (عج) آنطور که دلم می خواهد نمی فهم ودرک نمی
پرسش ----- ۸۰۹
پاسخ ----- ۸۰۹
امام زمان و غیبت ----- ۸۰۹
پرسش ----- ۸۰۹
پاسخ ----- ۸۱۰
آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان«علیه السلام» در زمان ظهور هم وجود دارد؟ ----- ۸۱۰
پرسش ----- ۸۱۰
پاسخ ----- ۸۱۰
انتظار ----- ۸۱۱

چیستی انتظار ----- ۸۱۱
مفهوم انتظار ----- ۸۱۱
آیا عقیده به مهدویت معقول است؟ ----- ۸۱۱
پرسش ----- ۸۱۱
پاسخ ----- ۸۱۱
آیا معنی انتظار حضرت حجت، سقوط تکالیف فردی و اجتماعی است؟ ----- ۸۱۱
پرسش ----- ۸۱۱
پاسخ ----- ۸۱۱
مفهوم انتظار چیست؟ ----- ۸۱۲
پرسش ----- ۸۱۲
پاسخ ----- ۸۱۲
انتظار در زمان غیبت امام زمان (عج) چه معنایی دارد و مقصود از انتظارفرج چیست ؟ ----- ۸۱۲
پرسش ----- ۸۱۳
پاسخ ----- ۸۱۳
انتظار چیست؟ انتظار یعنی چه؟ ----- ۸۱۳
پرسش ----- ۸۱۳
پاسخ ----- ۸۱۳
آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان((علیه السلام))پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در ا
پرسش ----- ۸۱۴
پاسخ ----- ۸۱۴
انتظار فرج یعنی چه ؟ مقصود از انتظار فرج چیست ؟ ----- ۸۱۵
پرسش ----- ۸۱۵
پاسخ ----- ۸۱۵
حقیقت انتظار چیست؟ حقیقت انتظار فرج چیست؟ ----- ۸۱۶

پرسش ---- ۸۱۶
پاسخ ---- ۸۱۶
انتظار چه ویژگی‌های خاصی دارد؟ ---- ۸۱۶
پرسش ---- ۸۱۶
پاسخ ---- ۸۱۷
عناصر تشکیل دهنده انتظار چیست؟ ---- ۸۱۷
پرسش ---- ۸۱۷
پاسخ ---- ۸۱۸
مقصود از روایات مطلق در باب انتظار فرج چیست؟ ---- ۸۱۸
پرسش ---- ۸۱۸
پاسخ ---- ۸۱۸
آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان«علیه السلام» پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در ا
پرسش ---- ۸۱۹
پاسخ ---- ۸۱۹
اقسام انتظار ---- ۸۲۰
چه نوع انتظاری برترین عبادت و مصداق کامل جهاد فی سبیل اللّه است؟ ---- ۸۲۰
پرسش ---- ۸۲۰
پاسخ ---- ۸۲۰
چه نوع انتظاری راجح است؟ ---- ۸۲۱
پرسش ---- ۸۲۱
پاسخ ---- ۸۲۱
تاریخچه انتظار ---- ۸۲۱
درباره مهدویت توضیح دهید. ---- ۸۲۱
پرسش ---- ۸۲۱

پاسخ ----- ۸۲۲
اساس عقیده به مهدویّت و نتیجهٔ آن چیست؟ ----- ۸۲۲
پرسش ----- ۸۲۲
پاسخ ----- ۸۲۲
فلسفهٔ انتظار جامعهٔ شیعه چیست؟ ----- ۸۲۳
پرسش ----- ۸۲۳
پاسخ ----- ۸۲۳
منشاء اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ، چیست؟ ----- ۸۲۴
پرسش ----- ۸۲۴
پاسخ ----- ۸۲۴
در مورد فلسفه انتظار توضیحاتی بفرمایید؟ ----- ۸۲۵
پرسش ----- ۸۲۵
پاسخ ----- ۸۲۵
مقصود از انتظار مسیحا چیست؟ ----- ۸۲۶
پرسش ----- ۸۲۶
پاسخ ----- ۸۲۶
آیا اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی بوده است؟ ----- ۸۲۷
پرسش ----- ۸۲۷
پاسخ ----- ۸۲۷
آیا عقیده به مهدویت ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام بوده است؟ ----- ۸۲۸
پرسش ----- ۸۲۸
پاسخ ----- ۸۲۸
فرجام اندیشی چه ضرورتی دارد؟ ----- ۸۲۹
پرسش ----- ۸۲۹

پاسخ ---- ۸۲۹
آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟ ---- ۸۳۰
پرسش ---- ۸۳۰
پاسخ ---- ۸۳۰
فضیلت و آثار انتظار ---- ۸۳۰
انتظار وآثار آن ---- ۸۳۱
پرسش ---- ۸۳۱
پاسخ ---- ۸۳۱
چرا با وجود این که معتقدیم در زمان ظهور امام زمان"ع "ظلم و ستم جهان را فرا می‌گیرد، همیشه تعجیل در فرج حضرت را از خداوند برای
پرسش ---- ۸۳۱
پاسخ ---- ۸۳۲
آیا پدید آمدن مدعیان مهدویت از آثار سوء اعتقاد به مهدویت است؟ ---- ۸۳۳
پرسش ---- ۸۳۳
پاسخ ---- ۸۳۳
آیا اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل باز می‌دارد؟ ---- ۸۳۳
پرسش ---- ۸۳۳
پاسخ ---- ۸۳۳
آیا اعتقاد به ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ووجود او تا این زمان از ضروریات ایمان است؟ ---- ۸۳۴
پرسش ---- ۸۳۴
پاسخ ---- ۸۳۴
دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟ ---- ۸۳۴
پرسش ---- ۸۳۴
پاسخ ---- ۸۳۴
جشن‌های میلاد چه آثاری دارد؟ ---- ۸۳۵

پرسش ---- ۸۳۵
پاسخ ---- ۸۳۵
چه آثار و نتایج قابل مشاهده ای در شخصی که منتظر امام زمان عج است دیده می شود. ---- ۸۳۵
پرسش ---- ۸۳۵
پاسخ ---- ۸۳۵
فواید فرجام اندیشی چیست؟ ---- ۸۳۶
پرسش ---- ۸۳۶
پاسخ ---- ۸۳۶
عقیده‌ی به امام زمان«علیه السلام» باید چه اثری در ما بگذارد؟ ---- ۸۳۷
پرسش ---- ۸۳۷
پاسخ ---- ۸۳۷
چرا خداوند مردم را منتظر ظهور امام زمان نگه داشته است؟ ---- ۸۳۷
پرسش ---- ۸۳۸
پاسخ ---- ۸۳۸
باور داشتن مهدویّت چه ثمراتی را در پی دارد؟ ---- ۸۳۹
پرسش ---- ۸۳۹
پاسخ ---- ۸۳۹
نقش عملی مهدویت در پاسداری از اسلام چیست؟ ---- ۸۴۰
پرسش ---- ۸۴۰
پاسخ ---- ۸۴۰
انتظار در زندگی اجتماعی و فردی انسان چه جایگاهی دارد؟ ---- ۸۴۰
پرسش ---- ۸۴۰
پاسخ ---- ۸۴۱
دیدگاه اسلام نسبت به انتظار چیست؟ ---- ۸۴۱

پرسش ---- ۸۴۱
پاسخ ---- ۸۴۱
عقیده به ظهور حضرت مهدی چه تأثیری در فکر و اندیشه دارد؟ ---- ۸۴۱
پرسش ---- ۸۴۲
پاسخ ---- ۸۴۲
عقیده به ظهور حضرت مهدی(عج) با عدل و قسط چه رابطه‌ای دارد؟ ---- ۸۴۲
پرسش ---- ۸۴۲
پاسخ ---- ۸۴۲
اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه‌دار حلول کند، چه واکنشی به دنبال خواهد داشت؟ ---- ۸۴۳
پرسش ---- ۸۴۳
پاسخ ---- ۸۴۳
منتظران واقعی اگر در دعوی خود صادق باشند چه آثاری در آنها آشکار خواهد شد؟ ---- ۸۴۳
پرسش ---- ۸۴۳
پاسخ ---- ۸۴۳
در چه صورت انتظار ظهور ارزشمند است؟ ---- ۸۴۴
پرسش ---- ۸۴۴
پاسخ ---- ۸۴۴
با اینکه اسلام انسان را به تحقیق در مسائل رهنمون ساخته چرا خواسته شده بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول گردد؟ ---- ۸۴۵
پرسش ---- ۸۴۵
پاسخ ---- ۸۴۵
عقیده ی به امام زمان((علیه السلام)) باید چه اثری در ما بگذارد؟ ---- ۸۴۵
پرسش ---- ۸۴۵
پاسخ ---- ۸۴۵
چرا انتظار فرج افضل اعمال است ؟ ---- ۸۴۶

پرسش ---- ۸۴۶
پاسخ ---- ۸۴۶
درباره انتظار فرج امام زمان (عج) و دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان توضیح دهید. ---- ۸۴۶
پرسش ---- ۸۴۶
پاسخ ---- ۸۴۶
چه تناسبی میان انتظار موعود و حیات پویا، کسب علم، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد وجود دارد؟ ---- ۸۴۸
پرسش ---- ۸۴۸
پاسخ ---- ۸۴۸
آیا بدون ظهور امام زمان مردم می توانند خود متحد شوند چیزی شبیه گفتگوی جهانی ؟ ---- ۸۴۹
پرسش ---- ۸۴۹
پاسخ ---- ۸۴۹
چه آثار وفوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتّب است؟ ---- ۸۵۰
پرسش ---- ۸۵۰
پاسخ ---- ۸۵۰
بحث از مهدویت در این عصر وزمان دارای چه آثار وفوایدی م با شد؟ ---- ۸۵۰
پرسش ---- ۸۵۱
پاسخ ---- ۸۵۱
انتظار، چه تأثیری در بعد اجتماعی دارد؟ ---- ۸۵۱
پرسش ---- ۸۵۱
پاسخ ---- ۸۵۲
عنصر انتظار چگونه در آمادگی نظامی منتظران تأثیر دارد؟ ---- ۸۵۲
پرسش ---- ۸۵۲
پاسخ ---- ۸۵۲
عنصر صبر در تحقّق انتظار تا چه مقدار مؤثّر است؟ ---- ۸۵۳

پرسش ---- ۸۵۳
پاسخ ---- ۸۵۳
آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می‌شود؟ ---- ۸۵۳
پرسش ---- ۸۵۳
پاسخ ---- ۸۵۳
آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده وملالت‌آور است؟ ---- ۸۵۴
پرسش ---- ۸۵۴
پاسخ ---- ۸۵۴
چه آثاری بر انتظار منجی مترتّب است؟ ---- ۸۵۴
پرسش ---- ۸۵۴
پاسخ ---- ۸۵۴
منتظران ---- ۸۵۵
ویژگیها ---- ۸۵۵
منتظران واقعی حضرت مهدی(ع)چه کسانی هستند؟ چه نشانه‌ها وخصوصیاتی دارند؟ آیاسربازان حضرت اکنون وجود دارند یا بعداً خواهند آمد
پرسش ---- ۸۵۵
پاسخ ---- ۸۵۵
ویژگیهای منتظران ---- ۸۵۷
اشاره ---- ۸۵۷
پرسش ---- ۸۵۷
پاسخ ---- ۸۵۷
منتظران واقعی چه خصوصیاتی باید داشته باشند؟ ---- ۸۵۸
پرسش ---- ۸۵۸
پاسخ ---- ۸۵۸
روایات، منتظران ظهور مهدی(عج) را به چه افرادی تشبیه کرده‌اند؟ ---- ۸۶۰

پرسش ---- ۸۶۰
پاسخ ---- ۸۶۰
منتظر واقعی حضرت مهدیغ دارای چه خصوصیاتی است ---- ۸۶۰
پرسش ---- ۸۶۰
پاسخ ---- ۸۶۰
پیرو امام زمانغ شدن چه شرایطی دارد؟ ---- ۸۶۱
پرسش ---- ۸۶۱
پاسخ ---- ۸۶۱
خصوصیات منتظر واقعی و بهترین عمل در زمان غیبت چیست ؟ ---- ۸۶۳
پرسش ---- ۸۶۳
پاسخ ---- ۸۶۳
این که می گویند ظهور امام زمان (عج) نزدیک است , وظیفه ما چیست ؟ آیا باید اقدام به یادگیری معارف اسلامی بکنیم ؟ ---- ۸۶۴
پرسش ---- ۸۶۴
پاسخ ---- ۸۶۴
می خواهم از منتظران فرج باشم و فعالیت های غیر رسمی و مخفیانه بر آن انجام دهم به نظر شما چگونه باشم ؟ ---- ۸۶۵
پرسش ---- ۸۶۵
پاسخ ---- ۸۶۵
چگونه می شود منتظر و پیرو واقعی برای امام زمان(بود؟ ---- ۸۶۶
پرسش ---- ۸۶۶
پاسخ ---- ۸۶۷
۱- چگونه می توان منتظر واقعی حضرت ولی عصر «عج » بود ؟ ---- ۸۶۸
پرسش ---- ۸۶۸
پاسخ ---- ۸۶۸
۱- آیا عمل به واجبات و دوری از محرمات، برای درک زمان ظهور آقا امام زمان (علیه السلام) کافی است ؟ ---- ۸۶۸

پرسش ----- ۸۶۸
پاسخ ----- ۸۶۸
۱- چگونه باشیم تا بتوانیم از منتظران واقعی آن وجود پربرکت(امام زمان) باشیم ؟ ----- ۸۶۹
پرسش ----- ۸۶۹
پاسخ ----- ۸۶۹
منتظران حضرت مهدی«علیه السلام» چه کسانی هستند؟ ----- ۸۷۰
پرسش ----- ۸۷۰
پاسخ ----- ۸۷۰
چگونه می‌توانیم از منتظران واقعی حضرت ولی عصر باشیم؟ ----- ۸۷۳
پرسش ----- ۸۷۳
پاسخ ----- ۸۷۳
چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟ ----- ۸۷۴
پرسش ----- ۸۷۴
پاسخ ----- ۸۷۴
وظایف ----- ۸۷۶
وظایف عمومی ----- ۸۷۶
وظیفه مادر عصر غیبت چیست وچه کنیم که امام زمان از ما راضی شوند و ما را مورد شفاعت خود قرار دهند ؟ ----- ۸۷۶
پرسش ----- ۸۷۶
پاسخ ----- ۸۷۶
در این دنیای نا بسامان تکلیف ما چیست ؟ ----- ۸۷۸
پرسش ----- ۸۷۸
پاسخ ----- ۸۷۸
۱- آیا اینکه ما ساکت بنشینیم و درون خود تحولی ایجاد نکنیم و از خود حرکتی در زمینه مبارزه با این ظلم وجور شروع نکنیم تا دنیا پر از ظ
پرسش ----- ۸۸۰

پاسخ ---- ۸۸۰
وظایف منتظران در عصر غیبت را بیان کنید. ---- ۸۸۰
پرسش ---- ۸۸۰
پاسخ ---- ۸۸۰
اکنون که امام عصر۷از نظرها غایب است و نمی توان با ایشان مستقیماً رابطه برقرار کرد, وظیفه ءمردم به خصوص جوان ها برای تعجیل ظهور
پرسش ---- ۸۸۱
پاسخ ---- ۸۸۱
وظایف یک فرد مسلمان در زمان غیبت امام زمان(ع) چیست؟ ---- ۸۸۲
پرسش ---- ۸۸۲
پاسخ ---- ۸۸۲
در عصر غیبت کبری امام زمان(عج) چه وظیفه ای بر عهده دارد و شیعیان و مریدان حضرت چه وظایفی بر عهده دارند؟ ---- ۸۸۲
پرسش ---- ۸۸۲
پاسخ ---- ۸۸۳
تکلیف یک منتظر امام زمان (عج) در عصر حاضر چه می باشد؟ ---- ۸۸۳
پرسش ---- ۸۸۳
پاسخ ---- ۸۸۳
مهم ترین وظایف و مسئولیت های جوانان در عصر غیبت چیست؟ ---- ۸۸۴
پرسش ---- ۸۸۴
پاسخ ---- ۸۸۴
چگونه نسل جوان را با امام زمان(ع) بیشتر آشنا کنیم؟ ---- ۸۸۵
پرسش ---- ۸۸۵
پاسخ ---- ۸۸۵
وظیفه جوانان نسبت به آماده کردن زمینه ظهور امام زمان (عج) چیست؟ ---- ۸۸۶
پرسش ---- ۸۸۶

پاسخ ----- ۸۸۶
وظیفه ما در عصر غیبت امام زمان (عج) مخصوصا. در این زمان چیست؟ ----- ۸۸۷
پرسش ----- ۸۸۷
پاسخ ----- ۸۸۷
وظایف ما نسبت به امام زمان(ع) در دوران غیبت چیست؟ ----- ۸۸۸
پرسش ----- ۸۸۸
پاسخ ----- ۸۸۸
دوست دارم وظیفه‌ام را به عنوان یک زن مسلمان درباره زمان ظهور و انتظار فرج امام زمان(عج) بدانم. ----- ۸۸۸
پرسش ----- ۸۸۸
پاسخ ----- ۸۸۹
وظیفه نوجوانان در عصر غیبت چیست؟ ----- ۸۹۰
پرسش ----- ۸۹۰
پاسخ ----- ۸۹۰
وظیفه منتظر امام زمان (عج) چیست ؟ ----- ۸۹۰
پرسش ----- ۸۹۰
پاسخ ----- ۸۹۰
در مورد مساله مهدویت توضیحی دهید و علایم ظهور و ظایف منتظران را نیز بنویسید؟ ----- ۸۹۳
پرسش ----- ۸۹۳
پاسخ(قسمت اول) ----- ۸۹۳
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۸۹۶
پاسخ(قسمت سوم) ----- ۸۹۹
مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان‌علیه‌السلام دارند؟ ----- ۹۰۱
پرسش ----- ۹۰۱
پاسخ ----- ۹۰۲

وظیفه ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان(عج) چیست؟ ۹۰۳
پرسش ۹۰۳
پاسخ ۹۰۳
وظائف اصلی یک مسلمان درزمان غیبت حضرت بقیه ا...وشرائط حساس کنونی کدامست؟(لطفاً بصورت خلاصه وتیتروار اشاره فرمائید) ۹۰۴
پرسش ۹۰۴
پاسخ ۹۰۴
- وظایف یک منتظر واقعی چیست ؟ مخصوصا یک زن. ۹۰۴
پرسش ۹۰۴
پاسخ ۹۰۵
نسبت به امام زمان ۹۰۵
شناخت امام ۹۰۶
چه اهمیتی دارد که بخواهیم حضور امام در جامعه را برای خود و دیگران ملموس تر و عینی تر سازیم ؟ ۹۰۶
پرسش ۹۰۶
پاسخ ۹۰۶
دعابرای شناخت امام زمان ۷یعنی چه ؟ این شناخت چگونه حاصل می شود؟ آیانشانه ای مبنی بر شناختن یا نشناختن امام عصر۷جود دارد؟
پرسش ۹۰۶
پاسخ ۹۰۶
روایت هر کس بدون معرفت به امام زمانش بمیرد مرگ او مرگ جاهلی است , آیا در زمان غیبت در مورد ولی فقیه هم صدق می کند و یا مراد
پرسش ۹۰۷
پاسخ ۹۰۷
با توجه به حدیث" من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة "مقصود از شناخت امام زمان(ع) چیست؟ ۹۰۷
پرسش ۹۰۷
پاسخ ۹۰۷
راه‌های آشنایی کودکان و نوجوانان و آشنا ساختن آنان با امام زمان(ع) چیست؟ ۹۰۹

پرسش ----- ۹۰۹
پاسخ ----- ۹۰۹
برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟ ----- ۹۱۱
پرسش ----- ۹۱۱
پاسخ ----- ۹۱۱
معرفت و شناخت امام زمان در چه صورت تحقق پیدا می کند؟ ----- ۹۱۳
پرسش ----- ۹۱۳
پاسخ ----- ۹۱۳
"هر کس امام زمان خویش (رهبر) را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است با استناد به این حدیث ما چگونه می‌توانیم رهبر خود را بش
پرسش ----- ۹۱۴
پاسخ ----- ۹۱۴
راههای شناخت و انس با امام زمان (ع) چیست ----- ۹۱۵
پرسش ----- ۹۱۵
پاسخ ----- ۹۱۵
چطور می توانم با امام زمانم بیشتر آشنا بشوم نه آشنایی که سطحی باشد طوری که بشود به این حدیث پیامبر که فرموده اند هر کس امام زما
پرسش ----- ۹۱۵
پاسخ ----- ۹۱۶
راه شناخت و نزدیکی به امام زمان(عج) چیست؟ ----- ۹۱۸
پرسش ----- ۹۱۸
پاسخ ----- ۹۱۸
آیا غیبت امام(علیه السلام) دلیل و عذر بر عدم شناخت آن حضرت می تواند باشد ? نظر به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتهٔ ج
پرسش ----- ۹۱۹
پاسخ ----- ۹۱۹
با غیبت امام‌زمان‌علیه‌السلام چگونه می‌توان امام‌زمان خودرا شناخت؟ ----- ۹۲۰

پرسش ----- ۹۲۰
پاسخ ----- ۹۲۰
چه کنیم که ایمانمان به وجود حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیشتر شود؟ ----- ۹۲۱
پرسش ----- ۹۲۱
پاسخ ----- ۹۲۱
چرا اگر امام زمان خود را نشناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته‌ایم؟ ----- ۹۲۱
پرسش ----- ۹۲۱
پاسخ ----- ۹۲۱
۱- لطفا در خصوص معرفت صحیح به مقام عظمای امام عصر« علیه السلام » و حضرت زهراء «سلام علیها » و سایر ائمه «علیهم السلام » تو
پرسش ----- ۹۲۲
پاسخ ----- ۹۲۲
۱-چگونه می توان معرفت خود را نسبت به امام زمان «عج» زیاد کنیم ؟ ----- ۹۲۲
پرسش ----- ۹۲۲
پاسخ ----- ۹۲۲
مراد از مرگ جاهلیت در صورت عدم شناخت امام چیست؟ ----- ۹۲۳
پرسش ----- ۹۲۳
پاسخ ----- ۹۲۳
ارتباط امام زمان ----- ۹۲۳
در خیلی از احادیث اشاره شده است که هر کس امام زمان(خود را نشناسد هیچ یک از عباداتش قبول نیست، آیا منظور از این احادیث فقط د
پرسش ----- ۹۲۳
پاسخ ----- ۹۲۳
برای ارتباط قلبی با امام زمان (۷) چه باید کرد؟ ----- ۹۲۴
پرسش ----- ۹۲۴
پاسخ ----- ۹۲۴

من ارادت ویژه‌ای به امام زمان دارم به گونه‌ای که در خیال خود تصور می‌کنم حضرت را می‌بینم و او با من حرف می‌زند، روزی در همین خیال

پرسش ----- ۹۲۵

پاسخ ----- ۹۲۵

اگر آیاتی از قرآن قرائت کرده آن را به یکی از امامان مثلاً امام زمانغ هدیه نماییم آیا این کار اشکالی دارد؟ ----- ۹۲۶

پرسش ----- ۹۲۶

پاسخ ----- ۹۲۶

لطفا این سؤال هم از آقای خامنه ای و هم از آقای بهجت پرسیده شود :چگونه انسان می تواند در همه حال در محضر آقا امام زمان ،خود را بـ

پرسش ----- ۹۲۶

پاسخ ----- ۹۲۷

چطور و چگونه با امام زمان(عج) رابطه بر قرار کنیم؟ ----- ۹۲۷

پرسش ----- ۹۲۷

پاسخ ----- ۹۲۷

چگونه می توان با امام زمان(ع) ارتباط بر قرار کرد؟ ----- ۹۲۸

پرسش ----- ۹۲۸

پاسخ ----- ۹۲۹

یک فرد چطور می‌تواند این شایستگی را پیدا کند که در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) با او در ارتباط باشد و بتواند از وجود مبارک او بهره بـ

پرسش ----- ۹۳۰

پاسخ ----- ۹۳۰

ارتباط با امام زمان(ع) از چه روش هایی امکان پذیر است؟ ----- ۹۳۰

پرسش ----- ۹۳۱

پاسخ ----- ۹۳۱

این که گفته شده است که مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع) مشرف شده اند صحت دارد؟ ----- ۹۳۲

پرسش ----- ۹۳۲

پاسخ ----- ۹۳۳

یک جوان مسلمان که علاقه‌مند است با حضرت مهدی(عج) رابطه داشته باشد و در قیام حضرت، یکی از سربازان ایشان باشد، چه کارهایی باید
پرسش ----- ۹۳۳
پاسخ ----- ۹۳۳
برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟ ----- ۹۳۵
پرسش ----- ۹۳۵
پاسخ ----- ۹۳۵
چرا امام زمان (عج) با افرادی مثل من در ارتباط نیست ؟ علت غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ وظیفه ما در زمان غیبت چیست ؟ ۹۳۶
پرسش ----- ۹۳۷
پاسخ ----- ۹۳۷
چگونه می توان با امام زمان (عج) صحبت کرد؟ ----- ۹۳۷
پرسش ----- ۹۳۷
پاسخ ----- ۹۳۷
چه کنیم تا رابطه ما با امام زمان (عج) قوی تر شود و دوستدار واقعی ایشان شویم ؟ ----- ۹۳۸
پرسش ----- ۹۳۸
پاسخ ----- ۹۳۸
چگونه می توان با امام زمان ارتباط برقرار کرد؟ ----- ۹۳۸
پرسش ----- ۹۳۸
پاسخ ----- ۹۳۹
راه افزایش عشق به امام زمانغ و ارتباط با آن حضرت چیست ----- ۹۳۹
پرسش ----- ۹۳۹
پاسخ ----- ۹۴۰
چگونه ارتباطم را با امام زمان (عج) بیشتر و عمیق تر کنم ؟ ----- ۹۴۰
پرسش ----- ۹۴۰
پاسخ ----- ۹۴۰

برای نوشتن نامه به امام زمان(عج) شرایط خاصی لازم است؟ ---- ۹۴۲
پرسش ---- ۹۴۲
پاسخ ---- ۹۴۲
راه های ارتباط با امام زمان (عج) چگونه است ؟ ---- ۹۴۳
پرسش ---- ۹۴۳
پاسخ ---- ۹۴۳
اعتقاد ما شیعیان این است که هر گاه ائمه را صدا بزنیم و حاجت خود را با خلوص نیت از آنها بخواهیم به ما پاسخ می دهند پس فلسفه نوشتر
پرسش ---- ۹۴۵
پاسخ ---- ۹۴۵
آیا اینکه کسی حرف دلش را بر روی کاغذی بیاورد و به امید آنکه به دست امام زمان وی خواهد رسید از نظر علمای ما چگونه است.آیا خرافه ا
پرسش ---- ۹۴۵
پاسخ ---- ۹۴۶
آیا سوال کردن از امام زمان و جواب شنیدن غیر ممکن است. ---- ۹۴۶
پرسش ---- ۹۴۶
پاسخ ---- ۹۴۶
آیا عریضه نویسی به امام زمان‌علیه‌السلام مدرک معتبری دارد؟ ---- ۹۴۶
پرسش ---- ۹۴۷
پاسخ ---- ۹۴۷
آیا این مطلب درست است که نامه هایی که در آب روان انداخته می شود به دست امام زمان (عج) می رسد؟ ---- ۹۴۷
پرسش ---- ۹۴۷
پاسخ ---- ۹۴۷
چطور می توان با آقا صاحب الزمان ارتباط برقرار کرد و او را ببینیم و کلا چطور با اهل بیت ارتباط برقرار کنیم. ---- ۹۴۷
پرسش ---- ۹۴۸
پاسخ ---- ۹۴۸

می توان امام و رهبر خود را در حال حاضر بدون رابطه رو در رو از طریق رسانه ها شناخت(امام علی اکثرا با مردم تحت ولایتش رابطه مستقیم

پرسش ----- ۹۵۰

پاسخ ----- ۹۵۰

دعا برای امام ----- ۹۵۲

شنیده‌ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده ش

پرسش ----- ۹۵۲

پاسخ ----- ۹۵۲

آیا آنچه مرحوم آقای قوچانی در کتاب سیاحت غرب آورده واقعیت دارد؟ آیا اگر کسی در عالم برزخ آن مراحل را بگذراند، پاک شده و یک باره

پرسش ----- ۹۵۳

پاسخ ----- ۹۵۳

علت عدم استجابت دعا از محضر مولا و آقا امام زمان ۷چیست ؟ هر چقدر حضرت را صدامی زنم , پاسخی نمی شنوم و کم کم به مرحلهء ناامی

پرسش ----- ۹۵۴

پاسخ ----- ۹۵۴

برای سلامتی امام زمان(ع) چرا صدقه می‌دهیم؟ مگر ایشان در سلامت نیستند؟ ----- ۹۵۵

پرسش ----- ۹۵۵

پاسخ ----- ۹۵۵

همیشه می‌گویند برای سلامتی یا تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کنیم. با توجه به این که حضرت در حفاظت خداوند است و تا موعد مقرر

پرسش ----- ۹۵۵

پاسخ ----- ۹۵۶

با توجه به حدیث : دنیا برای مؤمن زندان است دعا برای سلامتی امام زمان"عج "چه معنایی دارد؟ ----- ۹۵۷

پرسش ----- ۹۵۷

پاسخ ----- ۹۵۷

شنیده‌ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده ش

پرسش ----- ۹۵۸

پاسخ ----- ۹۵۸
برای عده‌ای این پرسش مطرح است که با گناهان بسیاری که تا کنون انجام داده‌اند و در درگاه خداوند شرمنده‌اند، با این وجود، نوعی ترس در
پرسش ----- ۹۵۸
پاسخ ----- ۹۵۸
چرا برای سلامتی آقا امام زمانغ دعا می‌کنیم ----- ۹۵۹
پرسش ----- ۹۵۹
پاسخ ----- ۹۵۹
دعایی که برای امام زمانغ می‌کنیم اگر از صمیم قلب نباشد، قبول می‌شود؟ ----- ۹۵۹
پرسش ----- ۹۶۰
پاسخ ----- ۹۶۰
با توجه به اینکه آمدن امام زمان حتمی است فلسفه دعا کردن برای سلامتی آن حضرت چیست؟ ----- ۹۶۰
پرسش ----- ۹۶۰
پاسخ ----- ۹۶۰
اگر علم ائمه (ع) مربوط به امور محتوم است , پس دستور دعا برای ظهور امام زمان (عج) چیست و آیا تذکر این امر دلیل دیگری می توا
پرسش ----- ۹۶۱
پاسخ ----- ۹۶۱
من امام زمان را دوست دارم ولی از آنجایی می دانم در صورت ظهور آن حضرت ایشان انتقام مظلومان را می گیرد و انسانهای بد را به سزای ا
پرسش ----- ۹۶۱
پاسخ ----- ۹۶۲
دعا برای سلامتی حضرت ولی عصر (اللهم کن لولیک) را تفسیر کنید و توضیح دهید که چرا این شش صفت را از خدا می خواهیم برای ایشان
پرسش ----- ۹۶۲
پاسخ ----- ۹۶۳
صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان‌علیه‌السلام چه حکمی دارد؟ ----- ۹۶۴
پرسش ----- ۹۶۴

پاسخ ---- ۹۶۴
چه دعاهایی در عصر غیبت امام زمان‌علیه‌السلام درباره حضرت مستحب است؟ ---- ۹۶۵
پرسش ---- ۹۶۵
پاسخ ---- ۹۶۵
در چه مکان‌هایی سفارش دعا برای امام زمان‌علیه‌السلام شده است؟ ---- ۹۶۵
پرسش ---- ۹۶۵
پاسخ ---- ۹۶۵
آیا دعا برای ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام با نهی از عجله در ظهور منافات دارد؟ ---- ۹۶۶
پرسش ---- ۹۶۶
پاسخ ---- ۹۶۶
۱.- معمولا می گویند برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کنید چطور دعا کنیم که با عقیده کامل و خالصانه باشدچطور از ته دل دوست داشته
پرسش ---- ۹۶۶
پاسخ ---- ۹۶۶
با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل در ظهور ولی عصر(عج) وارد شده را توجیه می کنید؟ ---- ۹۶۷
پرسش ---- ۹۶۷
پاسخ ---- ۹۶۷
با آنکه می‌دانیم که خداوند امام زمان(عج) را از گزند دشمنان و بلاها محفوظ نگه می‌دارد چرا در بسیاری از روایات آمده است که برای سلامتی
پرسش ---- ۹۷۰
پاسخ ---- ۹۷۰
توسل به امام ---- ۹۷۰
برای اینکه در امر تحصیل و رسیدن به کمال و سعادت واقعی خودمان را به امام زمانمان نزدیکتر کنیم و بیشتر به ایشان توسل جوئیم چه پیش
پرسش ---- ۹۷۰
پاسخ ---- ۹۷۰
نماز امام زمان (ع چگونه است ---- ۹۷۳

پرسش ---- ۹۷۳
پاسخ ---- ۹۷۳
برای سلام دادن به امام زمان (ع به چه دلیلی به طرف راست قبله کمی متمایل می‌شویم ---- ۹۷۳
پرسش ---- ۹۷۳
پاسخ ---- ۹۷۳
اگر بخواهم در کارهایم از مهدی (عج) کمک بگیرم، ایشان به من کمک می‌کند؟ آیا کمک ایشان شامل حال من می‌شود؟ ---- ۹۷۴
پرسش ---- ۹۷۴
پاسخ ---- ۹۷۴
آیا زمانی که جمله" یا قائم آل محمد "را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟ ---- ۹۷۵
پرسش ---- ۹۷۵
پاسخ ---- ۹۷۵
مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت((علیه السلام)) توضیح دهید.؟ ---- ۹۷۵
پرسش ---- ۹۷۵
پاسخ ---- ۹۷۵
در کرمان چاهی هست به نام چاه صاحب الزمان , آیا این امر حقیقت دارد؟ در ضمن نماز امام زمان (عج) چگونه است ؟ ---- ۹۷۶
پرسش ---- ۹۷۶
پاسخ ---- ۹۷۶
آیا باید ذکر رکوع و سجود نماز امام زمان (عج) را هفت مرتبه بخوانیم عریضه نویسی به حضرت و انداختن در چاه مسجد جمکران چه حکمی
پرسش ---- ۹۷۷
پاسخ ---- ۹۷۷
در زیارت صبحگاهی و دعای عهد می خوانیم« انی اجدد له عهدا و عقدا و بیعتا له فی عنقی » مفهوم واضح و روشن از عهد و پیمان یاد شده چ
پرسش ---- ۹۷۷
پاسخ ---- ۹۷۷
فلسفه توسّل به امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۹۷۷

پرسش ----- ۹۷۸
پاسخ ----- ۹۷۸
نحوه سلامی که به حضرت امام زمان«علیه السلام» داده می‌شود چگونه است؟ ----- ۹۷۸
پرسش ----- ۹۷۸
پاسخ ----- ۹۷۹
مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت«علیه السلام» توضیح دهید.؟ ----- ۹۷۹
پرسش ----- ۹۷۹
پاسخ ----- ۹۷۹
علت توسل به امام زمان چیست؟ ----- ۹۸۰
پرسش ----- ۹۸۰
پاسخ ----- ۹۸۰
سایر موارد ----- ۹۸۲
چه کنیم که امام زمان(ع) از دست ما راضی و خرسند باشد؟ ----- ۹۸۲
پرسش ----- ۹۸۲
پاسخ ----- ۹۸۲
چه کاری باید انجام دهم تا بتوانم سربازی امام زمان(عج)را به خوبی به پایان برسانم؟ (لطفاً توصیهٔ آیتا... خامنه ای و امام خمینی(را قید بفر
پرسش ----- ۹۸۳
پاسخ ----- ۹۸۴
فلسفه دست گذاشتن بر سر هنگام ایستادن برای امام زمان (ع) چیست؟ فلسفه صلوات چیست؟ آیا قبل از پیامبر اسلام صلوات وجود داشت؟
پرسش ----- ۹۸۵
پاسخ ----- ۹۸۵
چرا روز جمعه را متعلق به امام زمان می نامند؟ ----- ۹۸۶
پرسش ----- ۹۸۶
پاسخ ----- ۹۸۶

روزهای جمعه که دلمان می گیرد برای این است که امام زمان(عج) آن هفته از دست ما ناراحت بوده و در آن هفته گناه زیاد انجام داده ایم. آ

پرسش ----- ۹۸۷

پاسخ ----- ۹۸۷

ما برای نیمه شعبان جشنی در شهرمان برگزار می کنیم. بنده قصد دارم با دوستانم برنامهٔ نمایشی و تئاتر برای خوشحالی مردم ترتیب بدهم. آ

پرسش ----- ۹۸۸

پاسخ ----- ۹۸۸

چرا وقتی نام امام زمان(ع) می آید بلند می شوند؟ ----- ۹۸۸

پرسش ----- ۹۸۸

پاسخ ----- ۹۸۸

امام عصر سلام اللّه علیه شیعیان و محبّان خود را دعا می‌فرمایند، مثلاً برای ما از خدا توفیق طاعت و ترک معصیت را خواستارند و دعای امام ،

پرسش ----- ۹۸۹

پاسخ ----- ۹۸۹

چرا بعد از آمدن نام حضرت مهدی(عج) بر می خیزیم و دست را روی سر می گذاریم؟ اگر برای احترام است، چرا برای بقیه امامان چنین نمی‌ک

پرسش ----- ۹۸۹

پاسخ ----- ۹۹۰

آیا زمانی که جمله" یا قائم آل محمد "را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟ ----- ۹۹۰

پرسش ----- ۹۹۰

پاسخ ----- ۹۹۰

چرا موقعی که نام امام زمان(عج) برده می شود بلند می شویم؟ ----- ۹۹۰

پرسش ----- ۹۹۱

پاسخ ----- ۹۹۱

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟ ----- ۹۹۱

پرسش ----- ۹۹۱

پاسخ ----- ۹۹۱

فلسفه اینکه در مواقعی که زیارتنامهٔ امام زمان(را می خوانند، بعضی ها دستشان را روی سر می گذارند چیست؟ ---- ۹۹۱
پرسش ---- ۹۹۲
پاسخ ---- ۹۹۲
از دعاهای اکثر مردم درخواست آمادگی برای فرج آقا امان زمان(عج) از خداوند می باشد؛ از طرفی در موقع ظهور آقا فساد در خشکی و دریا ف
پرسش ---- ۹۹۲
پاسخ ---- ۹۹۲
چه کنیم که در غروب جمعه دلمان بگیرد و به فکر مولایمان امام زمان(عج) باشیم؟ ---- ۹۹۴
پرسش ---- ۹۹۴
پاسخ ---- ۹۹۴
چرا با شنیدن نام" قائم "از جا بر می‌خیزیم؟ ---- ۹۹۶
پرسش ---- ۹۹۶
پاسخ ---- ۹۹۶
منتظران وامام زمان ---- ۹۹۶
ما که در جامعه امام زمان (عج) هستیم چرا برنامه های ما به سمت ظهور امام زمان (عج) نیست و مجالس مداحی و مولودی ما برای اهل بیت
پرسش ---- ۹۹۶
پاسخ ---- ۹۹۶
چگونه عشق به امام زمان(ع) و اولیای خدا را به دور از ریا در زندگیم اثر دهم و رضایت خاطر آنان را جلب نمایم؟ ---- ۹۹۷
پرسش ---- ۹۹۷
پاسخ ---- ۹۹۷
محبت امام زمان علیه السلام به شیعیان طبق چه معیاری است؟ ---- ۱۰۰۰
پرسش ---- ۱۰۰۰
پاسخ ---- ۱۰۰۰
برای انس و الفت با امام زمان(ع) چه باید کرد؟ ---- ۱۰۰۱
پرسش ---- ۱۰۰۱

پاسخ ----- ۱۰۰۱
در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟ ----- ۱۰۰۲
پرسش ----- ۱۰۰۲
پاسخ ----- ۱۰۰۲
چگونه می توان رضایت امام زمان(عج) را جلب نمود؟ ----- ۱۰۰۲
پرسش ----- ۱۰۰۲
پاسخ ----- ۱۰۰۲
می دانید، دلم می خواهد امام زمان(ع) را از دست خودم راضی کنم. ولی فکر می کنم برخی از رفتارهایم درست نیست (ولی خودم نمی دانم ک
اشاره ----- ۱۰۰۳
پرسش ----- ۱۰۰۳
پاسخ ----- ۱۰۰۳
دل بستن به کسی بخاطر رفتار و کردارش آیا با این سخن منافات دارد اگر می خواهی محبت آقا امام زمان(ع) را بدست بیاوری محبت دیگری
پرسش ----- ۱۰۰۴
پاسخ ----- ۱۰۰۴
آیا با توبه های پی در پی ما حرمت امام زمان پائین نمی اید؟ ----- ۱۰۰۵
پرسش ----- ۱۰۰۵
پاسخ ----- ۱۰۰۵
چگونه می توان با دل و جان حضور حضرت مهدی (عج) را درک کرد؟ ----- ۱۰۰۶
پرسش ----- ۱۰۰۶
پاسخ ----- ۱۰۰۶
بهترین هدیه برای امام زمان (عج) چیست ؟ ----- ۱۰۰۶
پرسش ----- ۱۰۰۶
پاسخ ----- ۱۰۰۶
می خواهم عاشق ائمه مخصوصا حضرت مهدی (عج) شوم و در رثای حضرت ابا عبدالله الحسین زار زار بگریم لطفا مرا راهنمایی کنید؟ ۱۰۰۶

پرسش ----- ۱۰۰۶
پاسخ ----- ۱۰۰۷
چگونه می توان به صورت عملی به امام عصر(عج) نزدیک شده و حضور ایشان را بیشتر درک کرد؟ ----- ۱۰۰۷
پرسش ----- ۱۰۰۷
پاسخ ----- ۱۰۰۷
عشق امام زمان « علیه السلام » یعنی چه ؟ ----- ۱۰۰۸
پرسش ----- ۱۰۰۸
پاسخ ----- ۱۰۰۸
۱۰- امام زمان(عج) از چه کارهای غصه می خورند ؟ لطفا بطور کامل توضیح دهید ؟ ----- ۱۰۰۹
پرسش ----- ۱۰۰۹
پاسخ ----- ۱۰۰۹
چگونه می توان رضایت امام زمان (عج) را جلب کرد؟ ----- ۱۰۱۰
پرسش ----- ۱۰۱۰
پاسخ ----- ۱۰۱۰
سایر مباحث ----- ۱۰۱۰
دلایل دلتنگی در عصرهای روز جمعه چیست ----- ۱۰۱۰
پرسش ----- ۱۰۱۰
پاسخ ----- ۱۰۱۰
چرا در موقع سلام به امام زمان(عج)،دست خود را برروی سر می گیریم؟ ----- ۱۰۱۱
پرسش ----- ۱۰۱۱
پاسخ ----- ۱۰۱۱
آیا عقیده به مهدویت با فطرت و سنن عالم خلقت سازگار است؟ ----- ۱۰۱۱
پرسش ----- ۱۰۱۱
پاسخ ----- ۱۰۱۱

تفاوت رفتارهای سیاسی امامان (ع) و اختلاف روش های آنان را چگونه می توان تحلیل کرد؟ ---- ۱۰۱۲
پرسش ---- ۱۰۱۲
پاسخ ---- ۱۰۱۲
آیا انتظار فرج و مصلح حقیقی انسان برای نجات انسان از شر و پلیدی ها و ترسیمی که از بعد فرج حضرت داریم را می توان مساوی ایام زمام
پرسش ---- ۱۰۱۴
پاسخ ---- ۱۰۱۵
برایم از وجود مقدس آقا امام زمان(عج) بگویید و کتاب یا کتابهایی را که در این مورد لازم می دانید تا بهتر پی به وجودشان ببرم معرفی کنید
پرسش ---- ۱۰۱۵
پاسخ ---- ۱۰۱۶
عده ای از یهودیان برای رهائی از حمله رومی ها به قدس به حرّهٔ غربی طائف مهاجرت و در آنجا ساکن شدند (قبل از بعثت پیامبر) به هنگام نز
پرسش ---- ۱۰۱۹
پاسخ ---- ۱۰۱۹
زمان ظهور حضرت حجت(عج) قضای الهی محسوب می شود یا قدر؟ چون چندی پیش از یکی از علمای شهرمان شنیدم که فرموده بودند: «
پرسش ---- ۱۰۲۰
پاسخ ---- ۱۰۲۱
غیبت ---- ۱۰۲۲
چیستی غیبت ---- ۱۰۲۲
معنای غیبت ---- ۱۰۲۲
کیفیّت غیبت حضرت صاحب الامر چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است یا اینکه جسم آن حضرت دیده میشود ولی کسی
پرسش ---- ۱۰۲۲
پاسخ ---- ۱۰۲۲
معنای غیبت چیست و ایا تمام پیروزیهای حضرت حجۀ((علیه السلام)) با امداد غیبی است؟ ---- ۱۰۲۲
پرسش ---- ۱۰۲۲
پاسخ ---- ۱۰۲۳

غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام به چه کیفیتی است؟ ---- ۱۰۲۳
پرسش ---- ۱۰۲۳
پاسخ ---- ۱۰۲۳
فلسفه و علل غیبت ---- ۱۰۲۳
چرا باید پیامبراکرم ۶زود از دنیا برود و قرن ها مسلمانان ازفیض وجودش محروم باشند؟ چرا باید شیعه از فیض وجود حضرت امام زمان ۷بی ؛
پرسش ---- ۱۰۲۳
پاسخ ---- ۱۰۲۴
علّت و ریشهء غیبت امام زمان را بیان کنید. ---- ۱۰۲۴
پرسش ---- ۱۰۲۴
پاسخ ---- ۱۰۲۴
چرا امام زمان‌علیه‌السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟ ---- ۱۰۲۵
پرسش ---- ۱۰۲۵
پاسخ ---- ۱۰۲۵
فلسفه غیبت امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۱۰۲۶
پرسش ---- ۱۰۲۶
پاسخ ---- ۱۰۲۶
چرا برای امامان دیگر، غیبت مقرّر نگردیده است؟ ---- ۱۰۲۷
پرسش ---- ۱۰۲۷
پاسخ ---- ۱۰۲۷
۱-چرا آنقدر امام زمان « عج » خود را پنهان می کند !!؟ ---- ۱۰۲۸
پرسش ---- ۱۰۲۸
پاسخ ---- ۱۰۲۸
مگر نمی گوییم خداوند بر همه چیز قادر است با این وجود می تواند از وجود مبارک امام زمان هم محافظت نماید به طوری که هیچ صدمه ای
پرسش ---- ۱۰۲۸

پاسخ ----- ۱۰۲۸
می‌دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری«علیه السلام» به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار ، ----- ۱۰۳۰
پرسش ----- ۱۰۳۰
پاسخ ----- ۱۰۳۰
علل و حکمت‌های غیبت امام مهدی(ع) چیست؟ ----- ۱۰۳۲
پرسش ----- ۱۰۳۲
پاسخ ----- ۱۰۳۲
دلیل غیبت حضرت (عج) را بیان کنید، حال که دوستان زیادی دارد، چرا ظهور نمی‌کند؟ ----- ۱۰۳۴
پرسش ----- ۱۰۳۴
پاسخ ----- ۱۰۳۵
علت غیبت امام زمان ۷در زمان خود و حال را توضیح دهید؟ ----- ۱۰۳۶
پرسش ----- ۱۰۳۶
پاسخ ----- ۱۰۳۶
در اعصار گذشته با این که اکثر مردم و سردمداران آن ها با امام ۷دشمنی داشتند و او رانمی خواستند ;امام ۷بین آن ها بود و مردم از فیض و ----- ۱۰۳۶
پرسش ----- ۱۰۳۶
پاسخ ----- ۱۰۳۷
آیا در کتاب اصول کافی , باب امامت آمده که خداوند ظهور حضرت مهدی ۷را در سال ۷۰ه. ق قرار داده بود, ولی به علت شهادت امام حسین ----- ۱۰۳۸
پرسش ----- ۱۰۳۸
پاسخ ----- ۱۰۳۸
برای این که امام دوازدهم را مردم نکشند، خداوند وی را از دیده‌ها پنهان کرد. آیا خدا تحت تأثیر کار مردم قرار نگرفته است؟ ----- ۱۰۳۸
پرسش ----- ۱۰۳۸
پاسخ ----- ۱۰۳۸
فایده غیبت امام زمان(ع) چیست؟ آیا فقط برای امتحان انسان‌ها است، در صورتی که می‌توان امتحانات بسیاری را در نظر گرفت؟ آیا هنوز زم ----- ۱۰۳۹
پرسش ----- ۱۰۳۹

پاسخ ----- ۱۰۳۹
چرا نباید ما همانند گذشتگان از وجود امامی که راهنمای بشریت باشد، برخوردار باشیم؟ ----- ۱۰۴۰
پرسش ----- ۱۰۴۰
پاسخ ----- ۱۰۴۰
چرا در زمان گذشته که امام زمان در غیبت صغری به سر می برد و مردم می توانند با حضرت ارتباط داشته باشند، امّا الآن؛ یعنی در دورهٔ غیبه
پرسش ----- ۱۰۴۲
پاسخ ----- ۱۰۴۲
فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را توضیح دهید . ----- ۱۰۴۳
پرسش ----- ۱۰۴۳
پاسخ ----- ۱۰۴۳
چرا حضرت مهدی(عج) غیبت مینمایند و فایده این غیبت چیست؟ ----- ۱۰۴۵
پرسش ----- ۱۰۴۵
پاسخ ----- ۱۰۴۵
آیا خوف از قتل و بیم از کشته شدن میتواند یکی از موجبات غیبت امام زمان(عج) باشد؟ و آیا با بقاء غیبت ارتباطی دارد؟ ----- ۱۰۴۶
پرسش ----- ۱۰۴۶
پاسخ ----- ۱۰۴۶
چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟ ----- ۱۰۴۶
پرسش ----- ۱۰۴۶
پاسخ ----- ۱۰۴۶
چرا حضرت مهدی برای رفع ظلم و ارشاد مردم تا حدودی که ممکن است ظاهر نمیشوند و هر زمان که خطری برای ایشان پیش آمد و یا مص
پرسش ----- ۱۰۴۷
پاسخ ----- ۱۰۴۷
خواجه نصیرالدین طوسی در مورد سبب غیبت امام دوازدهم چه گفته است؟ ----- ۱۰۴۷
پرسش ----- ۱۰۴۷

پاسخ ----- ۱۰۴۷
چرا امتحان به «غیبت حضرت مهدی» از شدیدترین امتحانات است؟ ----- ۱۰۴۸
پرسش ----- ۱۰۴۸
پاسخ ----- ۱۰۴۸
آیا با جستجو و کاوش به حکمت و فلسفه غیبت می‌رسیم و آیا نرسیدن به این امر دلیل نفی آن است؟ ----- ۱۰۴۹
پرسش ----- ۱۰۴۹
پاسخ ----- ۱۰۴۹
می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری((علیه السلام)) به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزا
پرسش ----- ۱۰۵۰
پاسخ ----- ۱۰۵۰
غیبت امام زمان(عج) چه سودی دارد؟ ----- ۱۰۵۲
پرسش ----- ۱۰۵۲
پاسخ ----- ۱۰۵۲
ما معتقدیم که امام عصر (عج) مانند خورشیده پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می‌رسد اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سو
پرسش ----- ۱۰۵۳
پاسخ ----- ۱۰۵۳
۱.آیا نمی شد امام علی(غایب شوند تا بعد از آمدنشان جهان را از ظالمان و گنهکاران پاک کند؟ ----- ۱۰۵۴
اشاره ----- ۱۰۵۴
پرسش ----- ۱۰۵۵
پاسخ ----- ۱۰۵۵
چرا امام زمان(عج) غایب هستند؟ ----- ۱۰۵۶
پرسش ----- ۱۰۵۶
پاسخ ----- ۱۰۵۶
چرا خداوند حضرت مهدی(عج) را غایب کرد و چرا یکی دیگر از امامها را غایب نکرد؟ ----- ۱۰۵۷

پرسش ----- ۱۰۵۷
پاسخ ----- ۱۰۵۷
چرا امام زمان (عج) غایب است؟ ----- ۱۰۵۸
پرسش ----- ۱۰۵۸
پاسخ ----- ۱۰۵۸
فلسفه غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ ----- ۱۰۶۰
پرسش ----- ۱۰۶۰
پاسخ ----- ۱۰۶۰
با وجود ضعف دولت عباسی، چگونه مسأله خوف بر جان حضرت مهدی‌علیه‌السلام توجیه می‌شود؟ ----- ۱۰۶۱
پرسش ----- ۱۰۶۱
پاسخ ----- ۱۰۶۱
کارکردهای امامت در زمان غیبت ----- ۱۰۶۲
فوائد وجودی امام ----- ۱۰۶۲
علت تولد امام قرنها قبل از ظهور چه بود و فایده امام غائب چیست؟ ----- ۱۰۶۲
پرسش ----- ۱۰۶۲
پاسخ ----- ۱۰۶۲
امام مهدی(ع) در غیبت کبری چه مسؤولیتهایی را بر عهده دارند و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی میگذرانند؟ ----- ۱۰۶۲
پرسش ----- ۱۰۶۲
پاسخ ----- ۱۰۶۳
وجود نامرئی امام(ع) هنگامی که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای چه آثاری است؟ ----- ۱۰۶۳
پرسش ----- ۱۰۶۳
پاسخ ----- ۱۰۶۳
فواید گوناگون امام زمان(عج) در زمان غیبت برای امت اسلامی چیست؟ ----- ۱۰۶۴
پرسش ----- ۱۰۶۴

پاسخ(قسمت اول) ---- ۱۰۶۵
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۱۰۶۷
نقش و فائده امام غائب در بقاء مکتب چیست؟ ---- ۱۰۶۹
پرسش ---- ۱۰۶۹
پاسخ ---- ۱۰۶۹
فلسفه وجود امام (ع) در زمان غیبت چیست ؟ ---- ۱۰۷۱
پرسش ---- ۱۰۷۱
پاسخ ---- ۱۰۷۱
ما معتقدیم که امام عصر(مانند خورشید پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد. اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی
پرسش ---- ۱۰۷۲
پاسخ ---- ۱۰۷۲
فوائد امام غایب را توضیح دهید در غیبت که کسی نمی توانند خدمت حضرت برسند؟ ---- ۱۰۷۳
پرسش ---- ۱۰۷۳
پاسخ ---- ۱۰۷۳
حضرت حجّت(عج) چه سودی برای جهان هستی دارند؟ ایشان که غایبند و حکومتی هم که تشکیل نداده‌اند؛ درست است که در آینده حکومه
پرسش ---- ۱۰۷۵
پاسخ ---- ۱۰۷۵
چه فایده‌ای در وجود امامی است که حافظ شرع وملّت نبوده واجرای احکام الهی نمی‌کند؟ ---- ۱۰۷۷
پرسش ---- ۱۰۷۷
پاسخ ---- ۱۰۷۷
وجود امام زمان‌علیه‌السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟ ---- ۱۰۷۷
پرسش ---- ۱۰۷۷
پاسخ ---- ۱۰۷۷
چه تناسبی بین خورشید پشت ابر و غیبت امام زمان‌علیه‌السلام وجود دارد؟ ---- ۱۰۷۸

پرسش ---- ۱۰۷۸
پاسخ ---- ۱۰۷۸
آیا موضوع غیبت با وظیفه هدایت‌گری امام‌علیه‌السلام سازگاری دارد؟ ---- ۱۰۷۸
پرسش ---- ۱۰۷۸
پاسخ ---- ۱۰۷۹
امام زمان‌علیه‌السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می‌کند؟ ---- ۱۰۷۹
پرسش ---- ۱۰۷۹
پاسخ ---- ۱۰۷۹
راههای کسب معرفت و تشنه شدن چیست ما امام زمان را برای چه می خواهیم . ---- ۱۰۸۰
پرسش ---- ۱۰۸۰
پاسخ(قسمت اول) ---- ۱۰۸۰
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۱۰۸۲
آیا نیازهای فیزیولوژیک امام زمان(عج)نظیر خواب ،مانع از فیض بخشی ایشان نمی شود؟ ---- ۱۰۸۴
پرسش ---- ۱۰۸۴
پاسخ ---- ۱۰۸۴
اگر جهان به سوی جامعه انسانی تکامل می‌یابد پس چه نیازی به وجود امام‌زمان«علیه السلام» است؟ ---- ۱۰۸۵
پرسش ---- ۱۰۸۵
پاسخ ---- ۱۰۸۵
در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی‌آید؟ ---- ۱۰۸۵
پرسش ---- ۱۰۸۶
پاسخ ---- ۱۰۸۶
چگونگی بهره‌وری از امام ---- ۱۰۸۶
با یک مثال توضیح دهید این جمله در بعضی روایات که" وقتی حضرت مهدی(عج) در غیبت به سر می‌برد مثل ماه پشت ابر می‌توان از وجود ا
پرسش ---- ۱۰۸۶

پاسخ ----- ۱۰۸۶
در زمان غیبت , مردم چه بهره هایی می توانند از آن حضرت ببرند ؟ ----- ۱۰۸۸
پرسش ----- ۱۰۸۸
پاسخ ----- ۱۰۸۸
اکنون که زمان غیبت امام است چگونه می توان از امام برای تفسیر قرآن استفاده نمود؟ ----- ۱۰۸۸
پرسش ----- ۱۰۸۸
پاسخ ----- ۱۰۸۸
وجود مبارک امام زمانغ به خورشید پشت ابر تشبیه شده است لطفاً مصداق عملی این مثال را در مورد" هدایت به امر "توضیح دهید. ۱۰۸۹
پرسش ----- ۱۰۸۹
پاسخ ----- ۱۰۸۹
آیا امام زمان (عج) در زمان غیبت امر به معروف و نهی از منکر می کند؟ ----- ۱۰۹۰
پرسش ----- ۱۰۹۰
پاسخ ----- ۱۰۹۰
پیرامون درسهائیکه از عاشورای حسینی می گیریم درسهای بسیاری است . لطفاً در خصوص درسهائیکه در دوران غیبت امام زمان (عج) می ش
پرسش ----- ۱۰۹۱
پاسخ ----- ۱۰۹۱
چگونه می‌توان از امامی که (بنا به جهات و مصالحی) فعلا از نظرها غائب است استفاده کرد؟ ----- ۱۰۹۱
پرسش ----- ۱۰۹۱
پاسخ ----- ۱۰۹۲
سایر مباحث ----- ۱۰۹۲
امام زمان ۷شبانه روز چه فعالیتی دارد؟ ----- ۱۰۹۲
پرسش ----- ۱۰۹۲
پاسخ ----- ۱۰۹۲
امام زمان ۷بیش تر وقت خود را صرف چه می کند؟ ----- ۱۰۹۲

پرسش ---- ۱۰۹۲
پاسخ ---- ۱۰۹۳
وضعیت لباس، غذا، و خوابگاه امام زمان(عج) چگونه است؟ ---- ۱۰۹۳
پرسش ---- ۱۰۹۳
پاسخ ---- ۱۰۹۳
امام زمان‌علیه‌السلام چه تدابیری برای اختفای خود از دشمنان داشته است؟ ---- ۱۰۹۳
پرسش ---- ۱۰۹۳
پاسخ ---- ۱۰۹۴
حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می‌دهند؟ ---- ۱۰۹۴
پرسش ---- ۱۰۹۴
پاسخ ---- ۱۰۹۴
چگونه ممکن است که امام در میان ما باشد ولی او را نشناسیم؟ ---- ۱۰۹۵
پرسش ---- ۱۰۹۵
پاسخ ---- ۱۰۹۵
آیا امام زمان‌علیه‌السلام به تمام نقاط جهان سر می‌زنند؟ ---- ۱۰۹۵
پرسش ---- ۱۰۹۵
پاسخ ---- ۱۰۹۵
۱- درمورد کیفیت زندگی امام زمان«عج » و اینکه آیا در بین مردم هستند یا نه ؟ و در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیح دهید ؟ ---- ۱۰۹۵
پرسش ---- ۱۰۹۶
پاسخ ---- ۱۰۹۶
آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟ ---- ۱۰۹۷
پرسش ---- ۱۰۹۷
پاسخ ---- ۱۰۹۸
غیبت صغری ---- ۱۰۹۸

مقصود از غیبت صغری و کبری چیست ؟ آیا غیبت درگذشته سابقه دارد؟ علت و فلسفهء غیبت امام زمان ۷چیست ؟ آیا مردم درعصر غیبت

پرسش ---------- ۱۰۹۸

پاسخ ---------- ۱۰۹۸

مراحل مختلف زندگی امام زمان ۷و نحوهء زندگی حضرت را در زمان غیبت بیان کنید. ---------- ۱۰۹۹

پرسش ---------- ۱۰۹۹

پاسخ ---------- ۱۰۹۹

چرا حضرت مهدی (عج) از اوّل غیبت کبری را شروع نکرد و بعد غیبت صغری را شروع کند؟ ---------- ۱۱۰۰

پرسش ---------- ۱۱۰۰

پاسخ ---------- ۱۱۰۰

غیبت صغری چند سال به طول انجامید، و رسالت حضرت در آن زمان چه بود، و بعد از آن در چه سرزمینی فرود آمد؟ ---------- ۱۱۰۱

پرسش ---------- ۱۱۰۱

پاسخ ---------- ۱۱۰۱

چرا امام عصر غیبت صغری داشته‌اند؟ ---------- ۱۱۰۲

پرسش ---------- ۱۱۰۲

پاسخ ---------- ۱۱۰۲

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان(عج) نسبت به غیبت کبرای ایشان کم‌تر است؟ ---------- ۱۱۰۳

پرسش ---------- ۱۱۰۳

پاسخ ---------- ۱۱۰۳

مقصود از غیبت صغری و غیبت کبری چیست ؟ ---------- ۱۱۰۴

پرسش ---------- ۱۱۰۴

پاسخ ---------- ۱۱۰۴

چرا برای امام مهدی(ع) دو گونه غیبت معیّن شده و از همان اول غیبت کبری آغاز نشد؟ ---------- ۱۱۰۵

پرسش ---------- ۱۱۰۵

پاسخ ---------- ۱۱۰۵

پس از آنکه غیبت صغری پیش آمد و نائبان خاص تعیین شدند، چرا دوران غیبت صغری پایان یافت و اگر همان برنامه غیبت صغری ادامه مییا
پرسش ----- ۱۱۰۵
پاسخ ----- ۱۱۰۵
تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت((علیه السلام)) را مرقوم دارید؟ ----- ۱۱۰۶
پرسش ----- ۱۱۰۶
پاسخ ----- ۱۱۰۶
چرا امام زمان((علیه السلام)) به غیبت صغری ادامه نداد و پس از گذشتن غیبت صغری غیبت کبری واقع شد؟ ----- ۱۱۰۶
پرسش ----- ۱۱۰۶
پاسخ ----- ۱۱۰۶
در مورد غیبت صغری و کبری امام مهدی(عج) بیشتر می خواهم بدانم. ----- ۱۱۰۷
پرسش ----- ۱۱۰۷
پاسخ ----- ۱۱۰۷
مبدأ غیبت صغرا از چه زمانی به حساب می‌آید؟ ----- ۱۱۰۷
پرسش ----- ۱۱۰۷
پاسخ ----- ۱۱۰۷
حکمت غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا چه بوده است؟ ----- ۱۱۰۸
پرسش ----- ۱۱۰۸
پاسخ ----- ۱۱۰۸
امتیاز عصر غیبت صغرا بر غیبت کبرا چیست؟ ----- ۱۱۰۸
پرسش ----- ۱۱۰۸
پاسخ ----- ۱۱۰۸
در صورت امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا، چه فرقی بین این غیبت با غیبت صغرا است؟ ----- ۱۱۰۹
پرسش ----- ۱۱۰۹
پاسخ ----- ۱۱۰۹

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت«علیه السلام» را مرقوم دارید؟ ---- ۱۱۰۹
پرسش ---- ۱۱۰۹
پاسخ ---- ۱۱۰۹
غیبت کبری ---- ۱۱۰۹
با استناد به روایات صحیح توضیح دهید غیبت کبرای امام زمان ۷چگونه آغاز گشت ؟ ---- ۱۱۰۹
پرسش ---- ۱۱۰۹
پاسخ ---- ۱۱۱۰
آیا امام زمان ۷بیش تر به کارهای شخصی می پردازند یا عمومی و حل مسایل دینی و مذهبی ؟ ---- ۱۱۱۰
پرسش ---- ۱۱۱۰
پاسخ ---- ۱۱۱۰
درباره زندگی نامه حضرت امام زمان(ع)و غیبت کبری و صغری توضیح دهید. ---- ۱۱۱۱
پرسش ---- ۱۱۱۱
پاسخ ---- ۱۱۱۱
غیبت صغری چگونه تبدیل به غیبت کبری شد؟ ---- ۱۱۱۲
پرسش ---- ۱۱۱۲
پاسخ ---- ۱۱۱۲
غیبت کبری امام مهدی(عج) از چه سالی آغاز شد؟ ---- ۱۱۱۳
پرسش ---- ۱۱۱۳
پاسخ ---- ۱۱۱۳
امام زمان(ع) در چند سالگی غایب شد؟ ---- ۱۱۱۳
پرسش ---- ۱۱۱۳
پاسخ ---- ۱۱۱۴
تا کنون از غیبت امام زمان(عج) چند سال می گذرد؟ ---- ۱۱۱۴
پرسش ---- ۱۱۱۴

پاسخ ----- ۱۱۱۴
امام زمان(عج) چند سال در حضور بود و در چه تاریخی به غیبت رفت و تا کنون حدود چند سال است که درغیبت است؟ ----- ۱۱۱۴
پرسش ----- ۱۱۱۴
پاسخ ----- ۱۱۱۵
چرا مدت غیبت صغرای امام زمان (عج) نسبت به غیبت کبرا کم تر بود؟ ----- ۱۱۱۵
پرسش ----- ۱۱۱۵
پاسخ ----- ۱۱۱۵
آیا غیر از حضرت مهدی(عج) پیامبری هست که غایب باشد (به اعتقاد اسلام و شیعه)؟ ----- ۱۱۱۶
پرسش ----- ۱۱۱۶
پاسخ ----- ۱۱۱۶
در روایت و تفاسیر آمده که حضرت مهدی در چاهی در بغداد و چاهی در جمکران غایب شده است. بالاخره حضرت در کجا پنهان شده است؟
پرسش ----- ۱۱۱۷
پاسخ ----- ۱۱۱۷
غیبت صغری و کبری و فرق میان آنها را بیان کنید ؟ ----- ۱۱۱۷
پرسش ----- ۱۱۱۷
پاسخ ----- ۱۱۱۷
آیا امام زمان(عج) در سن ۷۵ سالگی به شکل و هیأت یک فرد ۷۵ ساله، غیبت کبرای خویش را آغاز نموده اند؟ ----- ۱۱۱۸
پرسش ----- ۱۱۱۸
پاسخ ----- ۱۱۱۸
آیا موضوع غیبت امام زمان‌علیه‌السلام ساخته عثمان بن سعید است؟ ----- ۱۱۱۸
پرسش ----- ۱۱۱۸
پاسخ ----- ۱۱۱۸
عصر غیبت کبرا چه خصوصیات ویژه‌ای دارد؟ ----- ۱۱۱۹
پرسش ----- ۱۱۱۹

پاسخ ----- ۱۱۱۹
آیا این گونه غیبت در بین انبیا هم سابقه داشته است؟ ----- ۱۱۱۹
پرسش ----- ۱۱۱۹
پاسخ ----- ۱۱۲۰
اداره جامعه در زمان غیبت ----- ۱۱۲۰
آیا راویان حدیث که درنامه امام زمان (عج) به نائب ایشان قید شده است وشرائط فقیه جامع الشرایط می تواند دریک زمان ویک مکان برچند ن
پرسش ----- ۱۱۲۰
پاسخ ----- ۱۱۲۱
با توجه به احتمال خطای مراجع تقلید، چرا ما از داشتن امام حاضر در زمان غیبت محروم هستیم؟ ----- ۱۱۲۱
پرسش ----- ۱۱۲۱
پاسخ ----- ۱۱۲۲
آیا روایات مستندی مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت داریم؟ ----- ۱۱۲۳
پرسش ----- ۱۱۲۳
پاسخ ----- ۱۱۲۳
اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم«علیه السلام» در رأس حکومت
پرسش ----- ۱۱۲۴
پاسخ ----- ۱۱۲۴
همان دلیلی که ایجاب می‌کرد خداوند پس از پیامبر یک رهبر معصوم برای امّت اسلامی قرار دهد پس از غیبت امام زمان نیز ایجاب می‌کند بنا
پرسش ----- ۱۱۲۵
پاسخ ----- ۱۱۲۵
با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان«علیه السلام» در این مدّت طولانی نقشی
پرسش ----- ۱۱۲۵
پاسخ ----- ۱۱۲۶
آیا لازمهٔ رهبریت جامعه اسلامی ارتباط با آقا امام زمان(عج) است. یعنی ولی فقیه و رهبر جامعه مسلمانان را خداوند از قبل منصوب کرده اند؟

پرسش ----- ۱۱۲۶
پاسخ ----- ۱۱۲۶
در خصوص مهدویت و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام توضیح دهید.؟ ----- ۱۱۲۷
پرسش ----- ۱۱۲۷
پاسخ ----- ۱۱۲۷
طبق روایات حکومت ایران قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت فعلی ایران تا ظهور امام زمان(ع) خواهد ماند؟ ۲۸
پرسش ----- ۱۱۲۸
پاسخ ----- ۱۱۲۹
آیا بر امام مهدی (ع) لازم است که بدون واسطه در امور دخالت نمایند؟ ----- ۱۱۲۹
پرسش ----- ۱۱۲۹
پاسخ ----- ۱۱۲۹
چگونه در بحث ولایت فقیه به توقیع شریف که از نظر سند مخدوش است تمسّک می‌شود؟ ----- ۱۱۲۹
پرسش ----- ۱۱۲۹
پاسخ ----- ۱۱۳۰
در تاریخ خوانده ایم که هر حکومت و تمدنی روزی سقوط می کند، آیا امکان ندارد که حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم ر
پرسش ----- ۱۱۳۰
پاسخ ----- ۱۱۳۰
اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکوم
پرسش ----- ۱۱۳۱
پاسخ ----- ۱۱۳۱
با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان((علیه السلام)) در این مدّت طولانی نقشی
پرسش ----- ۱۱۳۲
پاسخ ----- ۱۱۳۲
با توج به احادیث که ظهور حضرت را در زمانی می دانند که جهان پر از ظلم و و ستم باشد حال آیا هدف انقلاب اسلامی (ریشه کنی ظلم) آ

پرسش ---- ۱۱۳۳
پاسخ ---- ۱۱۳۳
پیروی و اطاعت از ولی فقیه در عصر غیبت تا چه میزان است ؟ ---- ۱۱۳۳
پرسش ---- ۱۱۳۳
پاسخ ---- ۱۱۳۳
چرا رهبر انقلاب را نائب بر حق امام زمان (عج) می گویند؟ ---- ۱۱۳۴
پرسش ---- ۱۱۳۴
پاسخ ---- ۱۱۳۴
هر قیامی قبل از قائم باطل و هر بیعتی حیله و نیرنگ است. (امام باقر یا صادق(ع) / روزگار رهایی) ---- ۱۱۳۶
پرسش ---- ۱۱۳۷
پاسخ ---- ۱۱۳۷
آیا در روایات توصیه و سفارشی بوده است که در زمان غیبت کبری تشکیل حکومت اسلامی واجب است؟ آیا این روایات مستدل است؟ ۱۱۳۸
پرسش ---- ۱۱۳۸
پاسخ ---- ۱۱۳۹
آیا این حدیث صحت دارد که زمان ظهور مهدی موعود حکومت ها همه ظالم هستند حتی مملکت ما باز هم پوزش می طلبم موفق باشین دو
پرسش ---- ۱۱۳۹
پاسخ ---- ۱۱۴۰
باسمه تعالی سلام علیکم با احترام به استحضار می رساند به تازگی بعضی ها شبهه ای را مطرح کرده اند و مطلب خود را به این گونه احادیث ا
پرسش ---- ۱۱۴۰
پاسخ ---- ۱۱۴۱
آیا قیام قبل از ظهور حجّت صحیح است؟ ---- ۱۱۴۳
پرسش ---- ۱۱۴۳
پاسخ ---- ۱۱۴۴
نیابت ---- ۱۱۴۴

مدعیان دروغین ---- ۱۱۴۴

اگر کسی توفیق پیدا کند برخوردی با امام زمان (ع) داشته باشد چه ایشان را ببیند یا صدای آقا را بشنود و در تشخیص خویش مطمئن باشد ،

پرسش ---- ۱۱۴۴

پاسخ ---- ۱۱۴۵

نظر انجمن حجتیه و شاخه‌های آن را بیان کرده و آیا همه افکار آنها قابل رد است؟ ---- ۱۱۴۵

پرسش ---- ۱۱۴۵

پاسخ ---- ۱۱۴۵

نظر شما در مورد انجمن حجتی چیست؟ آیا این گروه با گروه فرقان فرق می کند؟ ---- ۱۱۴۶

پرسش ---- ۱۱۴۶

پاسخ ---- ۱۱۴۶

اهداف انجمن حجتیه چه بود ؟ ---- ۱۱۴۷

پرسش ---- ۱۱۴۷

پاسخ ---- ۱۱۴۷

با توجه به حدیث تکذیب ملاقات کنندگان امام زمان (عج) چرا بعضی ادعای رویت حضرت را می نمایند؟ ---- ۱۱۴۷

پرسش ---- ۱۱۴۷

پاسخ ---- ۱۱۴۷

در عصر غیبت می توان از خطر سامریان سخن راند؟ ---- ۱۱۴۷

پرسش ---- ۱۱۴۷

پاسخ ---- ۱۱۴۷

چه کسانی ادعای مهدویت کرده یا در حقّ آنها ادّعای مهدویت شده است؟ ---- ۱۱۴۸

پرسش ---- ۱۱۴۸

پاسخ ---- ۱۱۴۸

چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟ ---- ۱۱۴۹

پرسش ---- ۱۱۴۹

پاسخ ----- ۱۱۴۹
مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده‌اند؟ ----- ۱۱۴۹
پرسش ----- ۱۱۴۹
پاسخ ----- ۱۱۴۹
وظیفه ما نسبت به کسانی که مدّعی دائمی یا غالبی رؤیتند چیست؟ ----- ۱۱۵۰
پرسش ----- ۱۱۵۰
پاسخ ----- ۱۱۵۰
گروه حجتیه رابرای ما تعریف کنید؟ چه عقائدی دارند، برحقند یاخیر،آیا در مشهد هم فعالیت دارند .ازکجا شروع به فعالیت کرده اند ؟ ۱۱۵۰
پرسش ----- ۱۱۵۰
پاسخ ----- ۱۱۵۰
در موردگروه حجتیه اطلاعات کاملی می خواهم خواهشمندم اگر می شود نام سردمداران آنها را قید کنید ودلایل کامل آنها بر مبنای حجتی بر
پرسش ----- ۱۱۵۲
پاسخ ----- ۱۱۵۲
آیا حضرت امام زمان(منصور حلاج را لعنت کرده اند؟ و اگر کرده اند از چه جهت بوده است؟ ----- ۱۱۵۴
پرسش ----- ۱۱۵۴
پاسخ ----- ۱۱۵۴
درباره (انجمن حجتیه) توضیح دهید. ----- ۱۱۵۵
پرسش ----- ۱۱۵۵
پاسخ ----- ۱۱۵۵
اگر کسی ادعا کرد که صاحب الزمان«علیه السلام» است چگونه پی ببریم که راست می‌گوید یا دروغ؟ ----- ۱۱۵۶
پرسش ----- ۱۱۵۶
پاسخ ----- ۱۱۵۶
نیابت در دوره غیبت صغری ----- ۱۱۵۶
نواب اربعه ----- ۱۱۵۶

ماجرای درگذشت آخرین نائب امام زمان ۷چیست و نامش چه بود؟ ---- ۱۱۵۶
پرسش ---- ۱۱۵۶
پاسخ ---- ۱۱۵۶
پس از وفات علی بن محمد سمری حضرت نایب خاص ندارد و کسی نمی‌تواند ادعا کند نایب خاص امام است. دوران ۷۴ ساله را غیبت صغری
پرسش ---- ۱۱۵۷
پاسخ ---- ۱۱۵۷
نواب خاص حضرت مهدی(ع) چه کسانی بودند؟ ---- ۱۱۵۸
پرسش ---- ۱۱۵۸
پاسخ ---- ۱۱۵۸
در مورد امام زمان (ع) بیشتر توضیح دهید و بفرمایید اولین جایی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند کجا است؟ تعدادی کتاب قابل دسترسی در
پرسش ---- ۱۱۵۸
پاسخ ---- ۱۱۵۸
می گویند حضرت ولی عصر((علیه السلام)) در غیبت صغری سفیران مخصوصی داشته که مطالب لازم و وقایع را حضور امام می رسانیدند، برای
پرسش ---- ۱۱۵۹
پاسخ ---- ۱۱۵۹
سفیر اول امام مهدی‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ---- ۱۱۶۰
پرسش ---- ۱۱۶۰
پاسخ ---- ۱۱۶۰
آیا روایتی که تصریح به سفارت عثمان بن سعید دارد، ضعیف السند نیست؟ ---- ۱۱۶۱
پرسش ---- ۱۱۶۱
پاسخ ---- ۱۱۶۱
سفیر دوم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ---- ۱۱۶۱
پرسش ---- ۱۱۶۱
پاسخ ---- ۱۱۶۱

سفیر سوم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ۱۱۶۲
پرسش ۱۱۶۲
پاسخ ۱۱۶۲
سفیر چهارم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ۱۱۶۳
پرسش ۱۱۶۳
پاسخ ۱۱۶۳
نیابت چهار سفیر حضرت‌علیه‌السلام چگونه اثبات می‌گردد؟ ۱۱۶۳
پرسش ۱۱۶۳
پاسخ ۱۱۶۴
ملاک ومعیار انتصاب نوّاب اربعه چه بوده است؟ ۱۱۶۴
پرسش ۱۱۶۴
پاسخ ۱۱۶۴
آیا امام زمان‌علیه‌السلام غیر از سفرا، وکیل نیز داشته است؟ ۱۱۶۵
پرسش ۱۱۶۵
پاسخ ۱۱۶۵
چه مصلحتی در وجود وکلای ناحیه مقدسه بوده است؟ ۱۱۶۵
پرسش ۱۱۶۵
پاسخ ۱۱۶۵
در مورد نائبان حضرت مهدی(ع) در زمان غیبت صغرا و کبرا توضیح دهید؟ ۱۱۶۵
پرسش ۱۱۶۶
پاسخ ۱۱۶۶
کیفیت ارتباط نواب با حضرت ۱۱۶۷
ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) چگونه بوده است؟ ۱۱۶۷
پرسش ۱۱۶۷

پاسخ ----- ۱۱۶۷
نواب اربعه چگونه با امام زمان ارتباط داشتند؟ آیا ایشان را می‌دیدند؟ ----- ۱۱۶۷
پرسش ----- ۱۱۶۷
پاسخ ----- ۱۱۶۷
وظایف نواب ----- ۱۱۶۸
وقتی حسین بن روح نوبختی التادیب را نوشت به قم فرستاد جهت دیدن علماء در آن زمان علمای قم چه کسانی بودند آیا این کتاب قابل دس
پرسش ----- ۱۱۶۹
پاسخ ----- ۱۱۶۹
ارتباط نوّاب اربعه با شیعیان چگونه بوده است؟ ----- ۱۱۶۹
پرسش ----- ۱۱۶۹
پاسخ ----- ۱۱۶۹
وظایف ومسئولیت‌های نوّاب اربعه چه بوده است؟ ----- ۱۱۷۰
پرسش ----- ۱۱۷۰
پاسخ ----- ۱۱۷۰
سازمان وکالت چه وظایف ومسئولیت‌هایی را برعهده داشته است؟ ----- ۱۱۷۰
پرسش ----- ۱۱۷۱
پاسخ ----- ۱۱۷۱
نقش سفیر در توقیعات چه بوده است؟ ----- ۱۱۷۱
پرسش ----- ۱۱۷۱
پاسخ ----- ۱۱۷۱
نیابت دردوره غیبت کبری ----- ۱۱۷۱
چرا امام زمان ۷در حال حاضر نائبی ندارد؟ پس مردم چطوربا آن حضرت ارتباط برقرار کنند؟ ----- ۱۱۷۱
پرسش ----- ۱۱۷۱
پاسخ ----- ۱۱۷۱

آیا امام زمان(عج) در میان ما نماینده ای دارد؟ ---- ۱۱۷۲
پرسش ---- ۱۱۷۲
پاسخ ---- ۱۱۷۲
چرا امام زمان(عج) برای خود نایب تعیین نکرده است؟ آیا به جهت بالا رفتن سطح و آگاهی مردم است یا این که اگر تعیین می کرد، مورد سو
پرسش ---- ۱۱۷۳
پاسخ ---- ۱۱۷۳
آیا امام زمان (عج) در حال حاضر نوابی دارند که مستقیما با مردم در تماس باشند؟ ---- ۱۱۷۳
پرسش ---- ۱۱۷۳
پاسخ ---- ۱۱۷۳
با اینکه امام زمان((علیه السلام))فرموده اند که نیابت به پایان رسیده پس چرا در کتابها نوشته که محمّد بن عیسی خدمت آن حضرت رسیده ا
پرسش ---- ۱۱۷۴
پاسخ ---- ۱۱۷۴
مراد از(من مات ولم یعرف امام زمانه) امام (ع) است یا مجتهد جامع الشرایط؟ این حدیث چگونه دلالت بر وجوب تقلید از مجتهد جامع الشرا
پرسش ---- ۱۱۷۴
پاسخ ---- ۱۱۷۴
بعد از اینکه چهارمین نائب خاص امام زمان(عج) رحلت فرمود، مردم در زمینه امور دینی باید به مجتهدین مراجعه فرمایند، ایشان مجتهد (ین)
پرسش ---- ۱۱۷۵
پاسخ ---- ۱۱۷۵
آیا در حال حاضر و در عصر ما نایبان خاص امام عصر(ع) وجود دارند؟ ---- ۱۱۷۶
پرسش ---- ۱۱۷۶
پاسخ ---- ۱۱۷۷
مقصود از نیابت عامّه در عصر غیبت کبرا چیست؟ ---- ۱۱۷۷
پرسش ---- ۱۱۷۷
پاسخ ---- ۱۱۷۷

چگونه می توان نایب امام زمان (عج) را در زمان غیبت شناخت ؟ ---- ۱۱۷۸
پرسش ---- ۱۱۷۸
پاسخ ---- ۱۱۷۸
یاران ---- ۱۱۷۸
ویژگیهای یاران ---- ۱۱۷۸
در زندگی چگونه رفتار کنیم و چه اعمالی انجام دهیم که از یاران حضرت مهدی عج باشیم ---- ۱۱۷۸
پرسش ---- ۱۱۷۹
پاسخ ---- ۱۱۷۹
چگونه می توان از یاران حضرت ولی عصر(شد؟ ---- ۱۱۷۹
پرسش ---- ۱۱۷۹
پاسخ ---- ۱۱۷۹
آیا یاران امام زمان الان می دانند جزء یاران امام ۷هستند و او را یاری خواهند کرد؟ چگونه ؟ ---- ۱۱۸۱
پرسش ---- ۱۱۸۱
پاسخ ---- ۱۱۸۱
در مورد ویژگی های زنانی که از یاران امام زمان ۷محسوب می شوند, توضیح دهید. امام از یاوران زن برخوردار است ؟ ---- ۱۱۸۱
پرسش ---- ۱۱۸۱
پاسخ ---- ۱۱۸۱
آیا در میان یاران خاص امام زمان (عج) کسانی از ایران نیز هستند؟ تعداد آنها و محل زندگیشان را ذکر کنید. ---- ۱۱۸۲
پرسش ---- ۱۱۸۲
پاسخ ---- ۱۱۸۲
اصحاب امام زمان(ع) در هنگام ظهور شیعه‌اند یا سنی؟ ---- ۱۱۸۲
پرسش ---- ۱۱۸۲
پاسخ ---- ۱۱۸۲
ویژگی‌های یاران حضرت را هنگام ظهور بیان کنید/ ---- ۱۱۸۳

پرسش ---- ۱۱۸۳
پاسخ ---- ۱۱۸۴
یاران امام زمان (ع) چند تا در کدام مناطق هستند؟ نشانه‌های آن‌ها را بنویسید. ---- ۱۱۸۴
پرسش ---- ۱۱۸۴
پاسخ ---- ۱۱۸۴
اصحاب امام زمان(ع) بیشتر از کدام شهر خواهند بود؟ ---- ۱۱۸۵
پرسش ---- ۱۱۸۵
پاسخ ---- ۱۱۸۵
یاران امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه‌هایی خواهد داشت ؟ ---- ۱۱۸۶
پرسش ---- ۱۱۸۶
پاسخ ---- ۱۱۸۶
یاران امام زمان چه کسانی هستند؟--خصوصیات ---- ۱۱۸۶
پرسش ---- ۱۱۸۶
پاسخ ---- ۱۱۸۷
آیا ۳۱۳ نفر یار امام زمان در زمان ظهور همه زنده اند و یا افرادی از آنان فوت کرده و زنده خواهد شد که مجموع ۳۱۳ نفر می‌شوند؟ - ۱۱۸۸
پرسش ---- ۱۱۸۸
پاسخ ---- ۱۱۸۸
چه کسانی از یاران امام زمان(می شوند؟ آیا کسی آن موقع می تواند توبه کند؟ ---- ۱۱۸۸
پرسش ---- ۱۱۸۸
پاسخ ---- ۱۱۸۹
پیروان و یا سربازان امام زمان(چه کسانی هستند؟ در مورد خصوصیاتشان توضیحاتی بدهید. ---- ۱۱۹۰
پرسش ---- ۱۱۹۰
پاسخ ---- ۱۱۹۰
کسانی که جزء یاران امام زمان(عج) هستند چه کارهایی به غیر از واجبات انجام دادند که به این درجه رسیده اند؟ ---- ۱۱۹۱

پرسش ----- ۱۱۹۱
پاسخ ----- ۱۱۹۲
ما برای اینکه انشاء الله از یاران امام زمان (عج) شویم چه کارهایی باید انجام دهیم؟ ----- ۱۱۹۵
پرسش ----- ۱۱۹۵
پاسخ ----- ۱۱۹۵
آیا یاران امام زمانغ به علوم قرآن و تفسیر قرآن تسلط کامل دارند؟ ----- ۱۱۹۶
پرسش ----- ۱۱۹۶
پاسخ ----- ۱۱۹۶
اگر کسی بخواهد از اصحاب آقا امام زمان(ع) بشود چه کار باید بکند آیا در خودسازی نیاز به استاد دارد و آیا می تواند بدون استاد این راه را ط
پرسش ----- ۱۱۹۶
پاسخ ----- ۱۱۹۷
چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ یاران ایشان چه ویژگیهایی دارند؟ ----- ۱۱۹۸
پرسش ----- ۱۱۹۸
پاسخ ----- ۱۱۹۸
آیا می توان با دعا به پیشگاه خداوند پس از مرگ به هنگام ظهور حضرت مهدی زنده شد و یا تا ظهور آن حضرت برای یاری ایشان زنده ماند ه
اشاره ----- ۱۲۰۰
پرسش ----- ۱۲۰۰
پاسخ ----- ۱۲۰۰
در برخی از روایات که زمان ظهور امام منتظر را بیان می دارد دارد: ۱. یصیر للرجل منهم (اصحاب المهدی) قوة اربعین رجلا ۲. لو قد قام قائمنا
پرسش ----- ۱۲۰۱
پاسخ ----- ۱۲۰۱
امام زمانعلیه‌السلام با اصحاب خود بر سر چه اصولی پیمان می‌بندد؟ ----- ۱۲۰۲
پرسش ----- ۱۲۰۲
پاسخ ----- ۱۲۰۲

اصحاب امام زمان‌علیه‌السلام در شجاعت چگونه‌اند؟ ---- ۱۲۰۳
پرسش ---- ۱۲۰۳
پاسخ ---- ۱۲۰۳
آیا اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام از منطقه خاصی هستند؟ ---- ۱۲۰۳
پرسش ---- ۱۲۰۳
پاسخ ---- ۱۲۰۳
اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه ویژگی‌هایی دارند؟ ---- ۱۲۰۴
پرسش ---- ۱۲۰۴
پاسخ ---- ۱۲۰۴
لطفاً بفرمائید چگونه می شود از یاران حضرت مهدی"عج "به حساب آمد وچگونه می شود از جذبات وجود مبارک ایشان بهره برد؟ -- ۱۲۰۴
پرسش ---- ۱۲۰۴
پاسخ ---- ۱۲۰۴
چگونه می توانیم ازیاران حضرت مهدی(عج) شویم؟ ---- ۱۲۰۶
پرسش ---- ۱۲۰۶
پاسخ ---- ۱۲۰۶
- می گویند اگر ۴۰ تا مؤمن توی جهان باشد آقا امام زمان «عج » ظهور می کند. با وجود این همه مؤمن ۴۰ تا توی این جهان وجود ندارد !؟
پرسش ---- ۱۲۰۷
پاسخ ---- ۱۲۰۷
۲-خصوصیات و ویژگیهای خاص یاران امام و غربال شدن یاران ایشان چیست؟ ---- ۱۲۰۸
پرسش ---- ۱۲۰۸
پاسخ ---- ۱۲۰۹
چگونه می توان جز اصحاب حضرت قائم بود با توجه به اینکه شهداء و صلحاء تاریخ ما تا کنون بسیار بیشتر از ۳۱۳ نفر بوده اند و این تعداد تع
پرسش ---- ۱۲۰۹
پاسخ ---- ۱۲۰۹

چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) مرد می باشند؟ ---- ۱۲۱۰
پرسش ---- ۱۲۱۰
پاسخ ---- ۱۲۱۰
یاران خاص ---- ۱۲۱۱
تعداد ---- ۱۲۱۱
تعداد یاران امام زمان ۷چند نفرند؟ چه تعدادی از آن ها مرد و چند نفر زن هستند؟ ---- ۱۲۱۱
پرسش ---- ۱۲۱۱
پاسخ ---- ۱۲۱۱
آیا در میان اصحاب حضرت مهدی(ع) زنان نیز حضور دارند؟ آیا در احادیث اشاره‌ای به نام آن‌ها و نیز وظایف ایشان شده است؟ ---- ۱۲۱۱
پرسش ---- ۱۲۱۱
پاسخ ---- ۱۲۱۱
اشاره ---- ۱۲۱۱
پرسش ---- ۱۲۱۲
یاران امام زمان(ع) در روایت ۳۱۳ نفر هستند. پس بقیهٔ مردم چه نقشی دارند؟ ---- ۱۲۱۲
پاسخ ---- ۱۲۱۲
چه تعداد از یاران امام زمان(عج) از طالقان و قم می باشند و آن وجود گرامی را همراهی می کنند؟ ---- ۱۲۱۳
پرسش ---- ۱۲۱۳
پاسخ ---- ۱۲۱۳
منظور از این که یاران امام زمان(عج) فقط ۳۱۳ نفر می‌باشند چیست و چه تعداد از این یاران مرد، زن، یا جوان می‌باشند؟ ---- ۱۲۱۳
پرسش ---- ۱۲۱۳
پاسخ ---- ۱۲۱۳
یاران امام زمان (عج) چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟ ---- ۱۲۱۴
اشاره ---- ۱۲۱۴
پرسش ---- ۱۲۱۵

پاسخ ----- ۱۲۱۵
چرا قرآن کریم تعداد یاران حضرت مهدیغ را ۳۱۳ نفر اعلام کرده است ----- ۱۲۱۶
پرسش ----- ۱۲۱۶
پاسخ ----- ۱۲۱۶
آیا امام زمان‌علیه‌السلام غیر از ۳۱۳ نفر اصحاب دیگری نیز دارند؟ ----- ۱۲۱۶
پرسش ----- ۱۲۱۶
پاسخ ----- ۱۲۱۶
۱ـ صفات۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج) چیست؟ ----- ۱۲۱۷
اشاره ----- ۱۲۱۷
پرسش ----- ۱۲۱۷
پاسخ ----- ۱۲۱۷
آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟ ----- ۱۲۱۸
پرسش ----- ۱۲۱۸
پاسخ ----- ۱۲۱۸
آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید. ----- ۱۲۱۹
پرسش ----- ۱۲۱۹
پاسخ ----- ۱۲۱۹
مصادیق ----- ۱۲۲۰
حضرت عیسی ----- ۱۲۲۰
الآن حضرت عیسی (ع) در کجایند؟ آیا در موقع ظهور امام زمان (عج) از یاران حضرتند؟ ----- ۱۲۲۰
پرسش ----- ۱۲۲۰
پاسخ ----- ۱۲۲۰
در روایات آمده است که حضرت عیسی‌علیه‌السلام پس از ظهور مهدی (عج) به ایشان اقتدا می‌نماید. آیا الان نیز حضرت عیسی‌علیه‌السلام از اه
پرسش ----- ۱۲۲۱

پاسخ ---- ۱۲۲۱
ظهور امام زمان(ع) و حضرت مسیح(ع) چگونه است؟ ---- ۱۲۲۱
پرسش ---- ۱۲۲۱
پاسخ ---- ۱۲۲۱
ما مسلمانان اعتقاد داریم که نجات دهندهٔ عالم بشریت امام زمان است ، نیز عقیده داریم که حضرت عیسی به امر خداوند زنده است. آیا این دو
پرسش ---- ۱۲۲۲
پاسخ ---- ۱۲۲۲
آیا حضرت مسیح همزمان با حضرت مهدی(عج) ظهور می کند، چرا؟ ---- ۱۲۲۳
پرسش ---- ۱۲۲۳
پاسخ ---- ۱۲۲۳
می گویند: هنگام ظهور امام زمان(عج) حضرت عیسی به ایشان اقتدا می کند. آیا حضرت مسیح مسلمان می‌شود؟ ---- ۱۲۲۳
پرسش ---- ۱۲۲۳
پاسخ ---- ۱۲۲۳
۱- اینکه حضرت عیسی((علیه السلام)) در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّهٔ است یا خیر؟ ---- ۱۲۲۴
پرسش ---- ۱۲۲۴
پاسخ ---- ۱۲۲۴
اگر امام زمان(عج) ظهور کند، حضرت عیسی(ع) هم ظهور خواهد کرد؟ ---- ۱۲۲۴
پرسش ---- ۱۲۲۵
پاسخ ---- ۱۲۲۵
آیا عیسی بن مریم ع) با صاحب‌الزمان ع) ظهور می‌کند؟ ---- ۱۲۲۵
پرسش ---- ۱۲۲۵
پاسخ ---- ۱۲۲۵
در زمان ظهور امام زمان (عج) نقش و برنامه حضرت عیسی (ع) در حکومت چیست ؟ ---- ۱۲۲۶
پرسش ---- ۱۲۲۶

پاسخ ----- ۱۲۲۶

از نظر اسلام آیا حضرت عیسی با توجه به اینکه زنده است و با حضرت مهدی ظهور خواهد کرد بر پیروان کنونی مسیحی خود ولایت و شفاعت

اشاره ----- ۱۲۲۶

پرسش ----- ۱۲۲۶

پاسخ ----- ۱۲۲۷

با توجه به اینکه ما حضرت عیسی(ع) را پیامبر و آورنده آیین مسیحیت می دانیم، آیا این درست است که وقتی حضرت مسیح با حواریون بر زه

پرسش ----- ۱۲۲۷

پاسخ ----- ۱۲۲۷

آیا ممکن است که حضرت عیسی(ع) برای مسیحیان به مثابه حضرت مهدی برای مسلمانان باشند و پیروانشان را از غیب بصورت درونی مورد

اشاره ----- ۱۲۲۸

پرسش ----- ۱۲۲۸

پاسخ ----- ۱۲۲۹

چرا حضرت مسیح‌علیه‌السلام تاکنون زنده مانده است؟ ----- ۱۲۲۹

پرسش ----- ۱۲۲۹

پاسخ ----- ۱۲۳۰

حکمت مشارکت حضرت مسیح(ع) در تشکیل حکومت جهانی چیست؟ ----- ۱۲۳۰

پرسش ----- ۱۲۳۰

پاسخ ----- ۱۲۳۰

آیا حضرت عیسی ع) به زمین باز می‌گردد؟ ----- ۱۲۳۰

پرسش ----- ۱۲۳۰

پاسخ ----- ۱۲۳۱

حضرت عیسی (ع) در کجا فرود خواهد آمد؟ ----- ۱۲۳۱

پرسش ----- ۱۲۳۱

پاسخ ----- ۱۲۳۱

وظایف حضرت عیسی‌علیه‌السلام بعد از نزول از آسمان چیست؟ ---- ۱۲۳۲
پرسش ---- ۱۲۳۲
پاسخ ---- ۱۲۳۲
۱- باتوجه به این که در روایات گفته شده حضرت عیسی هم در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ظهور میکنند و پشت سر امام زمان (عج) نما
اشاره ---- ۱۲۳۲
پرسش ---- ۱۲۳۲
پاسخ ---- ۱۲۳۲
اینکه حضرت عیسی«علیه السلام» در آخر زمان ظهور می‌کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّهٔ است یا خیر؟ ---- ۱۲۳۳
پرسش ---- ۱۲۳۳
پاسخ ---- ۱۲۳۳
آیا حضرت مهدی(عج) و حضرت عیسی(ع) با هم ظهور می‌کنند؟ ---- ۱۲۳۳
پرسش ---- ۱۲۳۳
پاسخ ---- ۱۲۳۴
سایر مصادیق ---- ۱۲۳۴
پیامبرانی که زنده هستند و با حضرت مهدی ۷می آیند, در حکومت آن بزرگوار چه سمتی خواهند داشت و کیانند؟ ---- ۱۲۳۴
پرسش ---- ۱۲۳۴
پاسخ ---- ۱۲۳۴
اگر حضرت مهدی (عج) یک روز قبل از قیامت ظهور کنند، در این صورت چه خواهد شد؟ آیا یاران امام به غیر از حضرت عیسی(ع) کسی دیگ
پرسش ---- ۱۲۳۴
پاسخ ---- ۱۲۳۵
آیا حضرت مسیح یا خضر و الیاس که اکنون زنده اند و در عصر ظهور حضرت مهدی(ع) در رکاب حضرت قرار می گیرند، در آن هنگام هم عنو
پرسش ---- ۱۲۳۵
پاسخ ---- ۱۲۳۵
آیا حضرت خضر (ع) زنده است و با امام زمان (ع) به این عالم خواهد آمد؟ ---- ۱۲۳۶

پرسش ---- ۱۲۳۶
پاسخ ---- ۱۲۳۶
آیا امامان هم جز ۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج)هستند؟ ---- ۱۲۳۶
پرسش ---- ۱۲۳۷
پاسخ ---- ۱۲۳۷
آیا در روایات و احادیث از حضرت ادریس و الیاس(ع) به عنوان یاران امام مهدی (عج) یاد شده است یا خیر؟ ---- ۱۲۳۷
پرسش ---- ۱۲۳۷
پاسخ ---- ۱۲۳۷
آیا به هنگام قیام حضرت مهدی(عج) شهدا برای یاری آن حضرت زنده می شوند؟ ---- ۱۲۳۷
اشاره ---- ۱۲۳۸
پرسش ---- ۱۲۳۸
پاسخ ---- ۱۲۳۸
آیا در میان اصحاب امام زمان‌علیه‌السلام عرب وجود ندارد؟ ---- ۱۲۳۸
پرسش ---- ۱۲۳۸
پاسخ ---- ۱۲۳۸
آیا یاران زن حضرت از جمله ۳۱۳ نفرند؟ ---- ۱۲۳۹
پرسش ---- ۱۲۳۹
پاسخ ---- ۱۲۳۹
سایر مباحث ---- ۱۲۳۹
آیا امام زمان(ع) کسی و یا کسانی را پیش خود دارد؟ نام و یا نام های آن ها چیست؟ ---- ۱۲۳۹
پرسش ---- ۱۲۳۹
پاسخ ---- ۱۲۴۰
با توجه به خصوصیات و ویژگی های یاران امام زمان(ع) آیا می توان افرادی را نام برد که در این زمان وجود داشته باشد؟ ---- ۱۲۴۰
پرسش ---- ۱۲۴۰

پاسخ ----- ۱۲۴۰
آیا کسانی جزء یاران آقا امام زمان(عج) هستند، در حال حاضر با او ارتباط دارند و با یکدیگر در یک مکان جمع می شوند و در مورد برنامه های
پرسش ----- ۱۲۴۰
پاسخ ----- ۱۲۴۱
با توجه به این که امام زمان(عج) دارای سیصد و سیزده یار می باشد، آیا یاران با هم زندگی می‌کنند و نسبت به این امر آگاهی دارند؟ - ۱۲۴۱
پرسش ----- ۱۲۴۱
پاسخ ----- ۱۲۴۲
آیا یاران امام زمان (عج) (۳۱۳ نفر) همه مسلمان و شیعه هستند یا از ادیان دیگر نیز جزو این افراد هستند؟ ----- ۱۲۴۲
پرسش ----- ۱۲۴۲
پاسخ ----- ۱۲۴۲
اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه وارد مکه می‌شوند؟ ----- ۱۲۴۳
پرسش ----- ۱۲۴۳
پاسخ ----- ۱۲۴۳
بیشتر یاران حضرت از شرق هستند، چگونه با عقب‌ماندگی شرق می‌توان بر غرب پیروز شد؟ ----- ۱۲۴۳
پرسش ----- ۱۲۴۳
پاسخ ----- ۱۲۴۴
یاران عام ----- ۱۲۴۴
آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) همهٔ مردم در رکاب او جنگ خواهند کرد یا فقط یارانش و یا کسانی که دعای عهد را خوانده اند؟ ----- ۱۲۴۴
پرسش ----- ۱۲۴۴
پاسخ ----- ۱۲۴۴
نقل شده که هر کس تا چهل صباح دعای عهد را بخواند یکی از یاران امام زمان خواهد شد و اگر قبل از ظهور بمیرد در زمان ظهور زنده خواه
پرسش ----- ۱۲۴۴
پاسخ ----- ۱۲۴۵
در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: لشگریان حضرت صاحب الزمان سه دسته‌اند که او را یاری می کنند. لطفاً بفرمایید این سه دسته چه کسا

پرسش ---- ۱۲۴۵
پاسخ ---- ۱۲۴۵
آیا حتماً باید ۳۱۳ نفر ا فراد پاک پیدا شوند تا حضرت حجّه(ع) قیام کنند؟ آیا در زمان ما یا در زمان های قبل این تعداد افراد پاک وجود نداش
پرسش ---- ۱۲۴۶
پاسخ ---- ۱۲۴۶
در مورد این که گفته شده یاران واقعی امام زمان (عج) کسانی هستند که در زمان غیبت با مردم به گونه‌ای رفتار می‌کنند که به راحتی در جیب
پرسش ---- ۱۲۴۷
پاسخ ---- ۱۲۴۷
آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟ ---- ۱۲۴۸
پرسش ---- ۱۲۴۸
پاسخ ---- ۱۲۴۸
آیا یاران امام زمان (عج) فقط هنگام ظهور امام به یاری او می شتابند یا اینکه قبل از ظهور زمینه را برای ظهور آقا فراهم می سازند؟ - ۱۲۴۸
پرسش ---- ۱۲۴۸
پاسخ ---- ۱۲۴۸
آیا وجود سیصد و سیزده نفر فرد مؤمن برای یاری امام زمان برای ظهور ایشان کافی است؟ ---- ۱۲۴۹
پرسش ---- ۱۲۴۹
پاسخ ---- ۱۲۴۹
ظهور ---- ۱۲۵۰
علائم ونشانه های ظهور مهدی موعود (ع) چیست؟ ---- ۱۲۵۰
پرسش ---- ۱۲۵۰
پاسخ ---- ۱۲۵۰
عوامل زمینه ساز ---- ۱۲۵۱
حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می‌دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح«علیه السلام»
پرسش ---- ۱۲۵۱

پاسخ ----- ۱۲۵۱
آیا اصلاحات فرهنگی -اجتماعی در جهان کنونی قادر به زمینه سازی جامعه موعود می باشد ؟چگونه؟ ----- ۱۲۵۱
پرسش ----- ۱۲۵۱
پاسخ ----- ۱۲۵۱
دنیا و مردم چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان ظهور کنند؟ ----- ۱۲۵۳
پرسش ----- ۱۲۵۳
پاسخ ----- ۱۲۵۳
یکی از پرسشهایی که از ابتدای شکل‌گیری بحث مهدویت ذهن من را به خود مشغول ساخت، زمان پدیدار شدن آن تحول بزرگ جهانی به رهبری
پرسش ----- ۱۲۵۳
پاسخ ----- ۱۲۵۴
بعد از ظهور اسلام خطوط کلّی برای روز موعود چگونه ترسیم شد؟ ----- ۱۲۵۶
پرسش ----- ۱۲۵۶
پاسخ ----- ۱۲۵۶
چه عواملی زمینه‌ساز حکومت واحد جهانی است؟ ----- ۱۲۵۶
پرسش ----- ۱۲۵۶
پاسخ ----- ۱۲۵۶
ظرفیت کلّی برای ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟ ----- ۱۲۵۷
پرسش ----- ۱۲۵۷
پاسخ ----- ۱۲۵۷
آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟ ----- ۱۲۵۷
پرسش ----- ۱۲۵۷
پاسخ ----- ۱۲۵۷
چه کارها و وظایفی را ما باید در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) انجام دهیم تا زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنیم و همچنین یکی از یاراز
پرسش ----- ۱۲۵۹

پاسخ ----- ۱۲۵۹
۱- بهترین عمل فردی در دوران غیبت برای پیش انداختن وتعجیل فرج امام زمان«علیه السلام » کدام است ؟ بهترین عمل جمعی ؟ ---- ۱۲۶۱
پرسش ----- ۱۲۶۱
پاسخ ----- ۱۲۶۱
۲-آیا وقتی آقا ظهور کنند تمام دنیا را فساد گرفته است یا نه ،همه انسانها منتظر واقعی اند ؟ ----- ۱۲۶۲
پرسش ----- ۱۲۶۲
پاسخ ----- ۱۲۶۲
آیا با این همه فساد و حق کشی موقع ظهور امام زمان«علیه السلام» نرسیده است و چه باید کرد تا آن حضرت زودتر ظهور کند؟ ۱۲۶۲
پرسش ----- ۱۲۶۲
پاسخ ----- ۱۲۶۲
احادیث متواتر(۲) اسلامی می‌گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حـ
پرسش ----- ۱۲۶۳
پاسخ ----- ۱۲۶۳
چرا باید برای ظهور امام زمان زمینه سازی کرد؟ ----- ۱۲۶۵
پرسش ----- ۱۲۶۵
پاسخ ----- ۱۲۶۵
حضور ایرانیان در عصر ظهور و زمینه سازی برای ظهور حضرت چگونه است ؟ ----- ۱۲۶۷
پرسش ----- ۱۲۶۷
پاسخ ----- ۱۲۶۷
سفارش بزرگان را دربارهء فراهم کردن زمینهء ظهور امام زمان ۷بیان کنید. ----- ۱۲۶۷
پرسش ----- ۱۲۶۷
پاسخ ----- ۱۲۶۷
برای مهیا نمودن زمینهء ظهور حضرت مهدی ۷ شیعیان چه وظایفی بر عهده دارند؟ ----- ۱۲۶۸
پرسش ----- ۱۲۶۸

پاسخ ----- ۱۲۶۸
چرا باید جهان پر از ظلم و ستم شود تا امام زمان (عج) ظهور کند؟ و چطور می توان زمینه ء ظهور حضرت را فراهم نمود؟ ----- ۱۲۶۸
پرسش ----- ۱۲۶۸
پاسخ ----- ۱۲۶۹
آیا روند فعلی جامعه ی شیعه به نحوی تأثیر گذار است که زمان ظهور حضرت مهدی ۷را جلوتر و یاعقب تر بیاندازد؟ اگر شیعیان وظایف خود را د
پرسش ----- ۱۲۷۰
پاسخ ----- ۱۲۷۰
آیا ظلم به حد کامل خود رسیده است که امام زمان(ع) ظهور کند؟ ----- ۱۲۷۰
پرسش ----- ۱۲۷۱
پاسخ ----- ۱۲۷۱
هنگام ظهور از کجا و چگونه و چه تحولاتی روی می‌دهد؟ ----- ۱۲۷۱
پرسش ----- ۱۲۷۱
پاسخ ----- ۱۲۷۱
شرایط و نشانی و کیفیت ظهور امام زمان(ع) چیست؟ ----- ۱۲۷۲
پرسش ----- ۱۲۷۲
پاسخ ----- ۱۲۷۲
چرا خداوند دسترسی به امام زمان"عج "را سخت کرده است؟ آن هم در این دوره وانفسا که عده‌ای خود را امام زمان بنامند و چنین کفر و گناه، ج
پرسش ----- ۱۲۷۵
پاسخ ----- ۱۲۷۵
چرا امام زمان(ع) هنگامی ظهور می کند که همه جا را ظلم و فساد بگیرد؟ ----- ۱۲۷۶
پرسش ----- ۱۲۷۶
پاسخ ----- ۱۲۷۶
چه شرایط اجتماعی زمینهساز ظهور حضرت مهدی(عج) میباشد؟ ----- ۱۲۷۷
پرسش ----- ۱۲۷۷

پاسخ ----- ۱۲۷۷
برای اینکه دنیا حکومت حضرت مهدی(عج) را پذیرا گردد چند نوع آمادگی لازم است؟ ----- ۱۲۷۸
پرسش ----- ۱۲۷۸
پاسخ ----- ۱۲۷۸
چند نوع آمادگی برای پذیرش انقلاب مهدی(ع) لازم است؟ ----- ۱۲۷۹
پرسش ----- ۱۲۷۹
پاسخ ----- ۱۲۷۹
آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟ ----- ۱۲۸۰
پرسش ----- ۱۲۸۰
پاسخ ----- ۱۲۸۰
با توجّه به مضمونی که در بسیاری از احادیث مربوط به امام زمان((علیه السلام)) آمده که آن حضرت وقتی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور
پرسش ----- ۱۲۸۲
پاسخ ----- ۱۲۸۲
احادیث متواتر(۱) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا ح
پرسش ----- ۱۲۸۳
پاسخ ----- ۱۲۸۳
اگر زمینه ظهور آن حضرت ظلم و جور است پس چرا ما وجود این همه ظلم و جور حضرت ظهور نمی کنند؟ ----- ۱۲۸۵
پرسش ----- ۱۲۸۵
پاسخ ----- ۱۲۸۵
حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح((علیه السلام)
پرسش ----- ۱۲۸۶
پاسخ ----- ۱۲۸۶
در خصوص ظهور امام زمان(عج) گفته اند که باید فساد در جامعه زیاد شود ما که قبول نداریم لطفاً توضیح دهید. ----- ۱۲۸۶
پرسش ----- ۱۲۸۶

پاسخ ----- ۱۲۸۶
اسلام باید چگونه باشد که امام زمان"ع "ظهور کند؟ ----- ۱۲۸۷
پرسش ----- ۱۲۸۷
پاسخ ----- ۱۲۸۸
می دانیم که از جمله زمینه های ظهور امام زمان" ع "پر شدن ظلم و فساد در زمین می باشد و سبب پیدایش نیاز مردم در اثر این ظلم و فساد با
پرسش ----- ۱۲۸۸
پاسخ ----- ۱۲۸۸
جامعه چگونه باید باشد تا امام زمان (ع) ظهور کند؟ بعضی می گویند که درجامعه زیاد گناه و ناحقی باید شود، آیا این موضوعات صحیح است؟ راه
پرسش ----- ۱۲۸۹
پاسخ ----- ۱۲۸۹
آیا انسان‌ها می‌توانند با دعا و درخواست از خدا، بر ظهور امام زمانغ تأثیر بگذارند؟ ----- ۱۲۹۰
پرسش ----- ۱۲۹۰
پاسخ ----- ۱۲۹۰
با توجه به حدیثی که می فرماید امام زمان (عج) وقتی ظهور می کند که ملئت الارض ظلما و جورا پس اصلاح جامعه معنا ندارد* آیا این نظریه د
پرسش ----- ۱۲۹۱
پاسخ ----- ۱۲۹۱
با سلام چرا اطلاع رسانی شیعه و ایران در مورد مذهب خود و تشریح ظهور امام زمان این قدر ضعیف است ؟؟؟ یقینا ایران میتواند زمینه ظهور را
پرسش ----- ۱۲۹۲
پاسخ ----- ۱۲۹۲
در زمان ظهور جهان باید پر از ظلم شود و از طرفی ما باید خود را اصلاح نمائیم آیا این تناقض ندارد؟ ----- ۱۲۹۴
پرسش ----- ۱۲۹۴
پاسخ ----- ۱۲۹۴
با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های ظهور است پس چرا مردم را برای زمینه سازی ظهور دعوت به صلح و ترک ظلـ
پرسش ----- ۱۲۹۵

پاسخ ----- ۱۲۹۵
موانع ظهور ----- ۱۲۹۶
چرا امام زمان(ع) تا حال ظهور نکرده است؟ ----- ۱۲۹۶
پرسش ----- ۱۲۹۶
پاسخ ----- ۱۲۹۶
چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند و دنیا را از خواب غفلت بیدار نمی کند؟ ----- ۱۲۹۷
پرسش ----- ۱۲۹۷
پاسخ ----- ۱۲۹۷
چرا با وجود اینکه جامعه نیاز به رهبر و امام دارد، امام زمان(عج) ظهور نمی‌کند؟ ----- ۱۲۹۸
پرسش ----- ۱۲۹۸
پاسخ ----- ۱۲۹۸
بـا ایـن هـمـه عـلاقـه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان علیه السلام اظهار می شود ,چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است ؟ ----- ۱۲۹۹
پرسش ----- ۱۲۹۹
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۲۹۹
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۳۰۲
مهمترین و بزرگترین مانع سر راه حضور امام زمان (عج) در جامعهٔ کنونی و در جهان و عصر حاضر چیست؟ ----- ۱۳۰۴
پرسش ----- ۱۳۰۴
پاسخ ----- ۱۳۰۴
چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ ----- ۱۳۰۵
پرسش ----- ۱۳۰۵
پاسخ ----- ۱۳۰۵
موانع ظهور آقا امام زمان و یا به تاخیر افتادن آن چیست ؟ ----- ۱۳۰۷
پرسش ----- ۱۳۰۷
پاسخ ----- ۱۳۰۷

چرا امام زمان‌علیه‌السلام خود را برای مؤمنان مورد وثوق ظاهر نمی‌سازد؟ ---- ۱۳۰۸
پرسش ---- ۱۳۰۸
پاسخ ---- ۱۳۰۹
چه محذوری داشت اگر امام زمان‌علیه‌السلام در بین مردم ظاهر می‌بود؟ ---- ۱۳۰۹
پرسش ---- ۱۳۰۹
پاسخ ---- ۱۳۰۹
علت تأخیر فرج حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۱۳۰۹
پرسش ---- ۱۳۰۹
پاسخ ---- ۱۳۰۹
چرا با اینکه ظلم سراسر جهان را فرا گرفته امام زمان (عج) ظهور نمی‌کند؟ ---- ۱۳۱۰
پرسش ---- ۱۳۱۰
پاسخ ---- ۱۳۱۰
با این همه علاقه‌ای که از جانب ارادتمندان امام زمان (عج) اظهار می‌شود چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است؟ ---- ۱۳۱۰
پرسش ---- ۱۳۱۰
پاسخ ---- ۱۳۱۰
چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟ ---- ۱۳۱۳
پرسش ---- ۱۳۱۳
پاسخ ---- ۱۳۱۳
۱- علتهای مهم تأخیر ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست ؟ ---- ۱۳۱۳
پرسش ---- ۱۳۱۳
پاسخ ---- ۱۳۱۳
مگر نمی‌گویند امام زمان وقتی ظهور می‌کند که جهان پر از فساد شود پس چرا ظهور نمی‌کند؟ ---- ۱۳۱۴
پرسش ---- ۱۳۱۴
پاسخ ---- ۱۳۱۴

نشانه های ظهور ---- ۱۳۱۵
علائم حتمی ---- ۱۳۱۵
کلیات ---- ۱۳۱۵
علایم ظهور امام زمان ۷چیست ؟ و تا به حال چه علایمی مشخص شده است ؟ ---- ۱۳۱۵
پرسش ---- ۱۳۱۵
پاسخ ---- ۱۳۱۵
نشانه های ظهور امام زمان (عج) را بیان کنید؟ ---- ۱۳۱۶
پرسش ---- ۱۳۱۶
پاسخ ---- ۱۳۱۶
معتبرترین نشانه‌های ظهور حضرت مهدی"عج "کدامند؟ ---- ۱۳۱۶
پرسش ---- ۱۳۱۶
پاسخ ---- ۱۳۱۷
علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟ ---- ۱۳۱۸
پرسش ---- ۱۳۱۸
پاسخ ---- ۱۳۱۸
ویژگیهای آخر الزمان چیست و آیا هم اکنون دوره آخر الزمان است؟ ---- ۱۳۱۹
پرسش ---- ۱۳۱۹
پاسخ ---- ۱۳۱۹
الف چند مورد از علائم ظهور امام زمان (عج را بیان نمایید. ب چگونگی وفات امام زمان عج را بیان فرمایید. ---- ۱۳۲۰
پرسش ---- ۱۳۲۰
پاسخ ---- ۱۳۲۰
در کتاب مهدی موعود که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار است مطالبی را در خصوص علائم ظهور حضرت مهدی مطالعه کرده ام اما از آنجا ً
پرسش ---- ۱۳۲۲
پاسخ ---- ۱۳۲۲

نشانه های آخر الزمان را بنویسید؟ ---- ۱۳۲۴
پرسش ---- ۱۳۲۴
پاسخ ---- ۱۳۲۴
در مورد علائم و نشانه های ظهور امام زمان(عج) توضیحاتی بفرمائید. ---- ۱۳۲۵
پرسش ---- ۱۳۲۵
پاسخ ---- ۱۳۲۵
امروزه صحبت در باره علائم ظهور حضرت مهدی و پیش بینی های آن زیاد شده؟ وظیفه ما در مقابل چنین مسائلی چیست. و برخورد ما با افر
پرسش ---- ۱۳۲۷
پاسخ ---- ۱۳۲۷
۱- علائم ظهور امام زمان (علیه السلام) ---- ۱۳۳۱
اشاره ---- ۱۳۳۱
پرسش ---- ۱۳۳۱
پاسخ ---- ۱۳۳۱
۱-برخی از علائم ظهور امام زمان را بنویسید ؟ ---- ۱۳۳۳
پرسش ---- ۱۳۳۳
پاسخ ---- ۱۳۳۳
۱- آیا علائم حتمیه ظهور، مشمول « بداء » واقع می شوند ؟ ---- ۱۳۳۵
پرسش ---- ۱۳۳۵
پاسخ ---- ۱۳۳۵
علائم ظهور امام زمان (عج) کدامند و چگونه می توان آن حضرت را از مدعیان دروغین تشخیص داد؟ ---- ۱۳۳۵
پرسش ---- ۱۳۳۵
پاسخ ---- ۱۳۳۵
گفته می شود که در آخر الزمان مردم و بطور کلی جهان به فساد کشیده شده و همه جا از ظلم و جور پر خواهدشد و در آن حال خواهد بود
پرسش ---- ۱۳۳۷

پاسخ ----- ۱۳۳۷
علائم ظهور در عصر کنونی بر اساس آیات و روایات چه می باشد ؟ضمنا اگر کتاب خاصی است معرفی نمایید. ----- ۱۳۳۸
پرسش ----- ۱۳۳۸
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۳۳۸
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۳۴۱
لطفاً کمی در مورد نشانه‌های ظهور برایم بنویسید؟ ----- ۱۳۴۳
پرسش ----- ۱۳۴۳
پاسخ ----- ۱۳۴۳
سفیانی ----- ۱۳۴۶
از علائم ظهور حضرت ولی عصر۷خروج سفیانی و یمانی و قتل نفس زکیه است . لطفاً آن را توضیح دهید. ----- ۱۳۴۷
پرسش ----- ۱۳۴۷
پاسخ ----- ۱۳۴۷
آیا اسامه بن لادن یا اریل شارون همان سفیانی هستند؟ ----- ۱۳۴۷
پرسش ----- ۱۳۴۸
پاسخ ----- ۱۳۴۸
علائم سفیانی چیست؟ ----- ۱۳۴۸
پرسش ----- ۱۳۴۸
پاسخ ----- ۱۳۴۸
آقای بهلول درسفری که به سوریه داشتند فرمودند با فردی به نام سفیانی ملاقات کرده آیا می تواند این فرد همان باشد که در روایات ذکر شد
پرسش ----- ۱۳۴۸
پاسخ ----- ۱۳۴۹
در بعضی از روایات در علائم آخر الزمان اسامی همانند سفیانی مفهومی ندارند در این رابطه توضیح فرمایید. ----- ۱۳۴۹
پرسش ----- ۱۳۴۹
پاسخ ----- ۱۳۴۹

خواستار اطلاعات در مورد سفیانی می باشم. ---- ۱۳۴۹
پرسش ---- ۱۳۴۹
پاسخ ---- ۱۳۴۹
سفیانی کیست؟ ---- ۱۳۵۰
پرسش ---- ۱۳۵۰
پاسخ ---- ۱۳۵۰
سید حسنی ویمانی و نفس زکیه و ... ---- ۱۳۵۰
علائم ظهور امام زمان ۷چند تا است و تا به حال چند علامت مشخص شده است ؟ علایم ظهور حضرت صاحب الزمان بر دو قسم است : حتمی
پرسش ---- ۱۳۵۰
پاسخ ---- ۱۳۵۱
شنیده ام قبل از ظهور امام زمان ۷دو سیّد حسنی و خراسانی قیام می کنند و این دو از یاران امام زمان ۷هستند. می گویند: این دو سیّد در قم
پرسش ---- ۱۳۵۲
پاسخ ---- ۱۳۵۳
یکی از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی(عج") خسف بیداء "است. در این خصوص توضیح دهید. ---- ۱۳۵۳
پرسش ---- ۱۳۵۳
پاسخ ---- ۱۳۵۳
در مورد سیّد خراسانی که لشکری را از مشرق زمین به طرف عراق جمع آوری می کندو با دشمنان حضرت مهدی(ع) می جنگد، توضیح دهید
پرسش ---- ۱۳۵۴
پاسخ ---- ۱۳۵۴
در بعضی از روایات از علائم ظهور امام زمان(عج) خروج طالقانی و قمی و خراسانی بیان شده است؛ آیا این ها اتفاق افتاده؟ آیا سید حسنی و ح
پرسش ---- ۱۳۵۴
پاسخ ---- ۱۳۵۴
سید حسنی کیست، در کجا ظهور می کند و چگونه قیام می کند؟ ---- ۱۳۵۶
پرسش ---- ۱۳۵۶

پاسخ ----- ۱۳۵۶
با سلام و عرض ادب به ساحت امام عصر عج آیا نفس زکیه ای که در روایات در زمان ظهور مهدی موعود ع حضور دارد همان است که از اولاد
پرسش ----- ۱۳۵۶
پاسخ ----- ۱۳۵۷
آیا آقا سید حسنی هستند؟ ----- ۱۳۵۷
پرسش ----- ۱۳۵۷
پاسخ ----- ۱۳۵۷
با سلام سید یمانی کیست؟ چه مشخصاتی دارد؟ اگر کسی چنین ادعایی کند از کجا به صدق یا کذب بودن اعای او پی ببریم. ----- ۱۳۵۸
پرسش ----- ۱۳۵۸
پاسخ ----- ۱۳۵۸
مقصود از" نفس زکیه "که قبل از ظهور کشته خواهد شد کیست؟ ----- ۱۳۵۹
پرسش ----- ۱۳۵۹
پاسخ ----- ۱۳۵۹
مقصود از صیحه وفزع آسمانی در علایم ظهور چیست؟ ----- ۱۳۵۹
پرسش ----- ۱۳۵۹
پاسخ ----- ۱۳۵۹
مقصود از ندای آسمانی در علایم ظهور چیست؟ ----- ۱۳۶۰
پرسش ----- ۱۳۶۰
پاسخ ----- ۱۳۶۰
دجال ----- ۱۳۶۰
منظور از دجّال که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام ظاهر می‌شود کیست؟ ----- ۱۳۶۰
پرسش ----- ۱۳۶۰
پاسخ ----- ۱۳۶۱
دجال کیست یا چیست ؟ ----- ۱۳۶۱

پرسش ---- ۱۳۶۱
پاسخ ---- ۱۳۶۱
در برخی از روایات ، علائمی مانند خروج دجال برای ظهور امام زمان(ع) بیان شده است. آیا بدون تحقق این نشانه ها امکان دارد حضرت ظهور
پرسش ---- ۱۳۶۲
پاسخ ---- ۱۳۶۲
دجال کیست؟ ---- ۱۳۶۳
پرسش ---- ۱۳۶۳
پاسخ ---- ۱۳۶۳
آیا سفیانی همان دجال است که قبل از حضرت مهدی حکومت می‌کند؟ ---- ۱۳۶۴
پرسش ---- ۱۳۶۴
پاسخ ---- ۱۳۶۴
آیا جرج بوش همان دجالی است که به دست امام زمان(عج) کشته می شود؟ ---- ۱۳۶۴
پرسش ---- ۱۳۶۴
پاسخ ---- ۱۳۶۵
با توجه به روایات، آیا می توانند اشخاصی مانند صدام و بوش، همان دجال و سفیانی باشند؟(پ) ---- ۱۳۶۵
پرسش ---- ۱۳۶۵
پاسخ ---- ۱۳۶۵
علت اینکه خداوند متعال چنین قدرتی به دجال داده است چیست؟ ---- ۱۳۶۶
پرسش ---- ۱۳۶۶
پاسخ ---- ۱۳۶۶
با وجود روایات زیاد در مورد خروج دجال و سفیانی , چگونه ممکن است مردم با آنها همراه شوند؟ ---- ۱۳۶۷
پرسش ---- ۱۳۶۷
پاسخ ---- ۱۳۶۷
با ذکر منابع مشخصات دجال و سفیانی را ذکر نمائید. ---- ۱۳۶۹

پرسش ----- ۱۳۶۹
پاسخ ----- ۱۳۶۹
این که می گویند وقتی امام زمان(عج)می آید ایشان با شمشیر می جنگد و تمام سلاحهای پیشرفته دنیا از کار می افتد چگونه است؟می گویند
پرسش ----- ۱۳۷۰
پاسخ ----- ۱۳۷۰
در بعضی از روایات اشاره شده است که در آخرالزمان دجال خواهد آمد. منظور از دجال چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟ ۱۳۷۲
پرسش ----- ۱۳۷۲
پاسخ ----- ۱۳۷۲
مسیح دجال کیست؟ ----- ۱۳۷۳
پرسش ----- ۱۳۷۳
پاسخ ----- ۱۳۷۳
مقصود از خروج دجال که از علایم ظهور به حساب آمده چیست؟ ----- ۱۳۷۳
پرسش ----- ۱۳۷۳
پاسخ ----- ۱۳۷۳
۱۰- دجال چه کسی است ، و چه کارهایی انجام می دهد ؟ ----- ۱۳۷۴
پرسش ----- ۱۳۷۴
پاسخ ----- ۱۳۷۴
علائم غیر حتمی ----- ۱۳۷۵
این که می گویند اگر ۲۵ ما رمضان روز جمعه باشد، یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان(عج) ظهور می کند، صحت دارد؟ ----- ۱۳۷۵
پرسش ----- ۱۳۷۵
پاسخ ----- ۱۳۷۵
در برخی از کتاب ها مطرح شده است که امام زمان(ع) روز جمعه که مصادف با روز عاشورا و نوروز است ظهور می کند آیا این واقعیت دارد؟ ۵
پرسش ----- ۱۳۷۵
پاسخ ----- ۱۳۷۶

آیا بعد از حمله امریکا به عراق و اوضاع فعلی جهان غرب می شود گفت این امر و حوادث آینده زمینه را برای ظهور امام زمان(ع) فراهم کرده
پرسش ---- ۱۳۷۶
پاسخ ---- ۱۳۷۶
آیا تا کنون علائمی از وعدهٔ ظهور روی داده است و چند وعده باقی مانده است؟ ---- ۱۳۷۷
پرسش ---- ۱۳۷۷
پاسخ ---- ۱۳۷۷
نشانه های ظهور امام زمان (عج) و روز ظهور امام چه زمانی است؟ و پیشگویی هایی را که در مورد امام زمان (عج) گفته اند را بیان نمایید. ۷۸
پرسش ---- ۱۳۷۸
پاسخ ---- ۱۳۷۸
آیا صبح روز ظهور امام مهدی ع خورشید ـ مرکز منظومه شمسی ـ از غرب طلوع می کند یا این یک کنایه است؟ به دلایل علمی متقن خورد
پرسش ---- ۱۳۷۹
پاسخ ---- ۱۳۷۹
درباره این که می گویند از نشانه های ظهور موعود طلوع خورشید از مغرب است یعنی چه؟ آیا اوضاع گردش زمین دور خورشید تغییر می کند
پرسش ---- ۱۳۸۰
پاسخ ---- ۱۳۸۰
مقصود از خسوف وکسوف که از علایم ظهور است چیست؟ ---- ۱۳۸۰
پرسش ---- ۱۳۸۱
پاسخ ---- ۱۳۸۱
۱- علائم ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ ---- ۱۳۸۱
پرسش ---- ۱۳۸۱
پاسخ ---- ۱۳۸۱
علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟ ---- ۱۳۸۱
پرسش ---- ۱۳۸۲
پاسخ ---- ۱۳۸۲

علائم ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟ ---- ۱۳۸۳
پرسش ---- ۱۳۸۳
پاسخ ---- ۱۳۸۳
سایر علائم ---- ۱۳۸۵
طبق روایات ظلم و گناه در دنیا زمینه ظهور است , از سویی دیگر وظیفه ما عبادت و اخلاص است این دو چگونه قابل جمع است ؟ -- ۱۳۸۵
پرسش ---- ۱۳۸۵
پاسخ ---- ۱۳۸۵
با توجه به این که بسیاری از مردم به انواع موسیقی ها روی آورده اند آیا ظهور حضرت مهدی ۷نزدیک نیست ؟ ---- ۱۳۸۶
پرسش ---- ۱۳۸۶
پاسخ ---- ۱۳۸۶
امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه‌هایی خواهد داشت ؟ ---- ۱۳۸۶
پرسش ---- ۱۳۸۶
پاسخ ---- ۱۳۸۶
چه آثاری در نقل علایم ظهور است؟ ---- ۱۳۸۷
پرسش ---- ۱۳۸۷
پاسخ ---- ۱۳۸۷
آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟ ---- ۱۳۸۷
پرسش ---- ۱۳۸۸
پاسخ ---- ۱۳۸۸
آیا علایم ظهور متعلّق بدا واقع می‌شود؟ ---- ۱۳۸۸
پرسش ---- ۱۳۸۸
پاسخ ---- ۱۳۸۸
چه راه صحیحی در بررسی علایم ظهور پیشنهاد می‌کنید؟ ---- ۱۳۸۸
پرسش ---- ۱۳۸۹

پاسخ ----- ۱۳۸۹
آیا روایات علایم ظهور اشکال سندی ومتنی دارد؟ ----- ۱۳۸۹
پرسش ----- ۱۳۸۹
پاسخ ----- ۱۳۸۹
معرکه هرمجدّون چیست؟ ----- ۱۳۸۹
پرسش ----- ۱۳۹۰
پاسخ ----- ۱۳۹۰
مراد از ظهور اصغر واکبر چیست؟ ----- ۱۳۹۰
پرسش ----- ۱۳۹۱
پاسخ ----- ۱۳۹۱
آیا علایم قریب برای ظهور، با اینکه حضرت به طور ----- ۱۳۹۱
اشاره ----- ۱۳۹۱
پرسش ----- ۱۳۹۱
پاسخ ----- ۱۳۹۱
۱- نشانه های آخر الزمان که کاملا روشن و آشکار هستند و تا بحال اتفاق افتاده چیست ؟ ----- ۱۳۹۲
پرسش ----- ۱۳۹۲
پاسخ ----- ۱۳۹۲
۱- نشانه های امام زمان چیست ؟ ظهور !! یا خود حضرت ؟ ----- ۱۳۹۳
پرسش ----- ۱۳۹۳
پاسخ ----- ۱۳۹۳
۲- در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیحاتی بدهید ؟ ----- ۱۳۹۵
پرسش ----- ۱۳۹۵
پاسخ ----- ۱۳۹۵
دیگر علائم ظهور نورهایی که در شهرهای شمال غربی یعنی اردبیل ،تبریز که نوری در آسمان مشاهده شده است چگونه می باشد. --- ۱۳۹۶

پرسش ---- ۱۳۹۶
پاسخ ---- ۱۳۹۶
آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟ ---- ۱۳۹۷
پرسش ---- ۱۳۹۷
پاسخ ---- ۱۳۹۷
دنیا بعد از ظهور امام زمان(عج) چه طور خواهد شد و وضعیت دنیا قبل از ظهور آن حضرت چگونه است؟ ---- ۱۳۹۷
پرسش ---- ۱۳۹۷
پاسخ ---- ۱۳۹۸
در مورد ظهور امام زمان (عج) و علائم ظهورش، و چگونگی ارتباط با آن حضرت توضیح دهید. ---- ۱۳۹۸
پرسش ---- ۱۳۹۸
پاسخ ---- ۱۳۹۹
سلسله حوادث و اتفاقاتی که پیش زمینه ظهور حضرت صاحب الامر است، تا چه مقدار تحقق یافته و کدام یک محّقق شده است؟ ---- ۱۳۹۹
اشاره ---- ۱۴۰۰
پرسش ---- ۱۴۰۰
پاسخ ---- ۱۴۰۰
حکومتی که قبل از ظهور امام زمان(عج) در یکی از کشورهای عربی تشکیل می‌شود و حکومتی شبیه حکومت عباسیان است، چه نوع حکومتی
پرسش ---- ۱۴۰۲
پاسخ ---- ۱۴۰۲
در برخی جزوات چاپ شده که شواهدی برای ظهور امام عصر(ع) دیده شده است، مثلاً زلزله‌های مکرر و جنگ. آیا در متون اسلامی چنین چیز
پرسش ---- ۱۴۰۲
پاسخ ---- ۱۴۰۳
از علائم ظهور کدام یک تا کنون به وقوع پیوسته است؟(پ) ---- ۱۴۰۵
پرسش ---- ۱۴۰۵
پاسخ ---- ۱۴۰۵

آیا این مطلب که در احادیث شریفه آمده که: ظاهر نمی‌شود مهدی(عج) مگر آنکه دو سوم مردم جهان در اثر جنگها از بین بروند، دور از ذهن
پرسش ---- ۱۴۰۷
پاسخ ---- ۱۴۰۷
علایم ظهور حضرت ولی عصر (ع) چیست؟ ---- ۱۴۰۷
پرسش ---- ۱۴۰۷
پاسخ ---- ۱۴۰۸
مفاسد دوران آخرالزمان بر چند قسم است؟ ---- ۱۴۱۰
پرسش ---- ۱۴۱۰
پاسخ ---- ۱۴۱۰
آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟ ---- ۱۴۱۰
پرسش ---- ۱۴۱۰
پاسخ ---- ۱۴۱۰
هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای ظالم و ستمکار چه می شود؟ ---- ۱۴۱۱
پرسش ---- ۱۴۱۱
پاسخ ---- ۱۴۱۱
هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای گناهکار چه می شود؟ ---- ۱۴۱۲
پرسش ---- ۱۴۱۲
پاسخ ---- ۱۴۱۳
احادیث، روایات و مستندات زیادی دربارهٔ ظهور حضرت حجه (عج) آمده است. از جمله حوادث عراق و ...، آیا انشاء الله امید زیادی به ظهور آق
پرسش ---- ۱۴۱۴
پاسخ ---- ۱۴۱۴
آیا سخنانی که دربارهٔ ظهور امام زمانغ گفته می‌شود، حقیقت دارد؟ ---- ۱۴۱۵
پرسش ---- ۱۴۱۵
پاسخ ---- ۱۴۱۵

مهم‌ترین مسایل امنیتی در آخرالزمان از سوی قرآن چه معرفی گشته است ---- ۱۴۱۵
پرسش ---- ۱۴۱۵
پاسخ ---- ۱۴۱۵
در رابطه با ظهور امام زمان (عج) روایاتی هست که اشاره به بعضی قیامها نموده است در حالیکه در شرایط فعلی غیر ممکن است چگونه توجی
پرسش ---- ۱۴۱۷
پاسخ ---- ۱۴۱۷
می دانیم از نشانه های ظهور امام زمان(عج) این است که زنان شبیه مردان می شوند و دنیاطلب می شوند. خیلی می ترسم که یکی از این افرا
پرسش ---- ۱۴۱۷
پاسخ ---- ۱۴۱۷
درروایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است چرا دینداری در آخرالزمان سخت تر از زمان های دیگر است ؟ ۴۱۸
پرسش ---- ۱۴۱۸
پاسخ ---- ۱۴۱۸
معنای این جمله که می گویند زمان ظهور از اسلام و قرآن چیزی جز نام باقی نمانده است چیست ؟ ---- ۱۴۱۹
پرسش ---- ۱۴۱۹
پاسخ ---- ۱۴۱۹
آیا در عصر نزدیک به ظهور همه مردم از دین فاصله می گیرند یا اینکه بطرف دین بیشتر می آیند؟ ---- ۱۴۱۹
پرسش ---- ۱۴۱۹
پاسخ ---- ۱۴۱۹
با وجود جنگ امریکا و عراق فکر نمی کنید دوره آخرالزمان است و آیا قبلاً در این مورد حدیثی یا آیه ای نازل نشده است؟ ---- ۱۴۲۰
پرسش ---- ۱۴۲۰
پاسخ ---- ۱۴۲۰
آیا به نظر شما نیز نشانه های ظهور نزدیک است یا این تصوراتی است که ما داریم ؟ ---- ۱۴۲۲
پرسش ---- ۱۴۲۲
پاسخ ---- ۱۴۲۲

آیا بعد از امام خامنه ای رهبرمان امام زمان است و او در این نزدیکی ها ظهور خواهد کرد و چشم ما به جمالش روشن خواهد شد یا نه و اگر ا
پرسش ----- ۱۴۲۳
پاسخ ----- ۱۴۲۳
آخرالزمان یعنی چه؟ اوضاع جهان و مردم جهان در دوره آخرالزمان چگونه است؟ ----- ۱۴۲۴
پرسش ----- ۱۴۲۴
پاسخ ----- ۱۴۲۴
در مورد ظهور امام زمان چه استدلال عقلی یا آیات و روایات وجود دارد؟ ----- ۱۴۲۴
پرسش ----- ۱۴۲۴
پاسخ ----- ۱۴۲۵
با توجه به آیهٔ ۳۸ سورهٔ حجر": یوم الوقت المعلوم چه روزی است اگر روز قیام امام زمانغ است مگر بعد از ظهور حضرت دیگر گنه‌کار یافت نم
پرسش ----- ۱۴۲۵
پاسخ ----- ۱۴۲۶
وقایع روز ظهور ----- ۱۴۲۶
تاریخ ومحل ----- ۱۴۲۶
چرا روز جمعه اختصاص به امام زمان(ع) دارد؟ و چرا می‌گویند: امام زمان در روز جمعه ظهور می‌کند؟ ----- ۱۴۲۷
پرسش ----- ۱۴۲۷
پاسخ ----- ۱۴۲۷
چرا امام زمان(ع) در ایران ظهور نمیکند و چرا محل ظهور او در مکه است؟ ----- ۱۴۲۷
پرسش ----- ۱۴۲۷
پاسخ ----- ۱۴۲۷
امام زمان(ع) کی ظهور خواهد کرد؟ امام زمان کیست و کجا است؟ ----- ۱۴۲۸
پرسش ----- ۱۴۲۸
پاسخ ----- ۱۴۲۸
ظهور امام زمان(ع) در مکّه صورت می گیرد، برای افرادی که در کشورهای دور هستند چگونه اطلاع حاصل می شود آیا رسانه ها در این زمینه

پرسش ----- ۱۴۳۰
پاسخ ----- ۱۴۳۰
در خصوص چگونگی و مکان ظهور امام زمان(ع) توضیح بفرمایید. اگر حضرت مهدی ظهور کند، همهٔمردم می میرند و قیامت فرا می رسد؟ آیا
پرسش ----- ۱۴۳۱
پاسخ ----- ۱۴۳۱
امام زمان(ع) در وقت ظهور به کدام رکن از ارکان کعبه تکیه خواهد زد؟ ----- ۱۴۳۲
پرسش ----- ۱۴۳۲
پاسخ ----- ۱۴۳۲
آیا در زمان ما امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد و سعادت دیدار حضرت را خواهیم داشت؟ ----- ۱۴۳۲
پرسش ----- ۱۴۳۲
پاسخ ----- ۱۴۳۳
آیا امام زمان (عج) از هند ظهور خواهد کرد ؟ ----- ۱۴۳۳
پرسش ----- ۱۴۳۳
پاسخ ----- ۱۴۳۳
آیا این ادعا که امام زمان (عج) در سرداب که محل غیبت ایشان است باقی است و از آنجا ظهور خواهد کرد صحیح است؟ ----- ۱۴۳۳
پرسش ----- ۱۴۳۴
پاسخ ----- ۱۴۳۴
مصلحی که جهان در انتظار اوست چه موقعی ظهور می‌کند؟ و پس از آن چه خواهد کرد؟ ----- ۱۴۳۴
پرسش ----- ۱۴۳۴
پاسخ ----- ۱۴۳۵
حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره خضرا زندگی می کنند صحیح اس
پرسش ----- ۱۴۳۵
پاسخ ----- ۱۴۳۵
چرا ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان رخ می دهد؟ ----- ۱۴۳۵

پرسش ---- ۱۴۳۵
پاسخ ---- ۱۴۳۶
امام زمان (عج) از کجا ظهور خواهند کرد و در کجا کلمه الله اکبر را ادا خواهند نمود که تمام جهانیان بشنوند؟ ---- ۱۴۳۶
پرسش ---- ۱۴۳۶
پاسخ ---- ۱۴۳۶
آیا ظهور امام زمان(عج) قبل از قیامت است؟ در مورد نحوه ظهور و جامعه و مردم آن زمان مختصراً توضیح دهید. ---- ۱۴۳۶
پرسش ---- ۱۴۳۶
پاسخ ---- ۱۴۳۷
امام زمان در چه روزی و در چه زمانی و در چه ماهی ظهور می‌کند؟ ---- ۱۴۳۷
پرسش ---- ۱۴۳۷
پاسخ ---- ۱۴۳۷
امام زمان چگونه و در کجا ظهور می‌کند؟ ---- ۱۴۳۸
پرسش ---- ۱۴۳۸
پاسخ ---- ۱۴۳۸
امام دوازدهم عج) چه زمان ظهور خواهند کرد؟ ---- ۱۴۳۸
پرسش ---- ۱۴۳۹
پاسخ ---- ۱۴۳۹
آیا تعیین وقت برای ظهور و اینکه علماء گفته اند ظهور نزدیک است صحیح است ؟ ---- ۱۴۳۹
پرسش ---- ۱۴۳۹
پاسخ ---- ۱۴۳۹
امام زمان ۷چه مو قع ظهور می کند؟ ---- ۱۴۴۰
پرسش ---- ۱۴۴۰
پاسخ ---- ۱۴۴۰
چرا زمان ظهور امام زمان ۷بر هیچکس معلوم نیست ؟ ---- ۱۴۴۰

پرسش ---- ۱۴۴۰
پاسخ ---- ۱۴۴۰
آیا امام زمان‌علیه‌السلام از سرداب مقدس ظهور خواهد کرد؟ ---- ۱۴۴۱
پرسش ---- ۱۴۴۱
پاسخ ---- ۱۴۴۱
حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟ ---- ۱۴۴۱
پرسش ---- ۱۴۴۱
پاسخ ---- ۱۴۴۱
آیا تعیین وقت ظهور صحیح است؟ ---- ۱۴۴۲
پرسش ---- ۱۴۴۲
پاسخ ---- ۱۴۴۲
اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می‌کند کجاست؟ ---- ۱۴۴۳
پرسش ---- ۱۴۴۳
پاسخ ---- ۱۴۴۳
آیا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - از هند ظهور خواهد کرد؟ ---- ۱۴۴۳
پرسش ---- ۱۴۴۳
پاسخ ---- ۱۴۴۳
آیا قیامت که در قرآن توصیف آن آمده زودتر اتفاق می‌افتد یا ظهور حضرت ولی عصرغ زیرا در روایات آمده که یاران آن حضرت که از دنیا رفت
پرسش ---- ۱۴۴۴
پاسخ ---- ۱۴۴۴
۱۰- زمان ظهور امام زمان (عج) چه وقت است ؟ ---- ۱۴۴۵
پرسش ---- ۱۴۴۵
پاسخ ---- ۱۴۴۵
مکان و نحوه ظهور امام زمان(عج)چگونه خواهد بود؟ ---- ۱۴۴۶

پرسش ----- ۱۴۴۶
پاسخ ----- ۱۴۴۶
حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره ء خضرا زندگی می کنند صحیح ا
پرسش ----- ۱۴۴۷
پاسخ ----- ۱۴۴۷
آیا امام زمان (عج) روز جمعه ظهور می کنند؟ ----- ۱۴۴۷
پرسش ----- ۱۴۴۷
پاسخ ----- ۱۴۴۷
با توجه به بعضی گفته ها آیا می توان زمان ظهور را مشخص کرد؟ ----- ۱۴۴۷
پرسش ----- ۱۴۴۸
پاسخ ----- ۱۴۴۸
نظر شما در مورد افرادی که برای ظهور آقا امام زمان وقت تعیین می کنند چیست. آیاافراد از تاریخ ظهور ایشان اطلاع دارند. ----- ۱۴۴۸
پرسش ----- ۱۴۴۸
پاسخ ----- ۱۴۴۸
چرا امام زمان روز جمعه را برای ظهور انتخاب کرده اند می توانست روزهای دیگر هفته باشد حتی می توانست روز چهارشنبه باشد جوابی غیر
پرسش ----- ۱۴۴۹
پاسخ ----- ۱۴۴۹
آیا از وقت ظهور اطّلاع دادن صحیح است؟ ----- ۱۴۴۹
پرسش ----- ۱۴۴۹
پاسخ ----- ۱۴۴۹
چگونگی اعلان ----- ۱۴۵۰
نخستین اقدام حضرت مهدی ۷پس از ظهور چه خواهد بود؟ ----- ۱۴۵۰
پرسش ----- ۱۴۵۰
پاسخ ----- ۱۴۵۰

امام زمان(ع) وقتی که ظهور می کند ابتدائاً چه کارهایی را انجام می دهد؟ ---- ۱۴۵۰
پرسش ---- ۱۴۵۰
پاسخ ---- ۱۴۵۰
آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) دستگاه های اطلاع رسانی از کار خواهد افتاد. در این صورت امام زمان(ع) چگونه از کعبه صدای خویش را به جه
پرسش ---- ۱۴۵۱
پاسخ ---- ۱۴۵۱
اوّلین جمله‌ای که امام زمان(عج اللّه فرجه) پس از ظهور خواهند فرمود، چیست؟ ---- ۱۴۵۲
پرسش ---- ۱۴۵۲
پاسخ ---- ۱۴۵۲
آیا روز ظهور امام زمان"عج "همه عالم صدای حضرتش را می‌شنوند؟ روال دنیا پس از آن چگونه خواهد بود؟ ---- ۱۴۵۲
پرسش ---- ۱۴۵۲
پاسخ ---- ۱۴۵۲
زمانی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند، در دنیا چه اتفاقی می‌افتد؟ ---- ۱۴۵۴
پرسش ---- ۱۴۵۴
پاسخ ---- ۱۴۵۴
آیا زمانی که حضرت مهدی((علیه السلام)) ظهور کرد سخن وی را تمام مردمان کره زمین می شنوند؟ ---- ۱۴۵۵
پرسش ---- ۱۴۵۵
پاسخ ---- ۱۴۵۶
در زمان ظهور حضرت حجّة((علیه السلام)) مؤمنین از راه دور چگونه با حضرت ارتباط برقرار می کنند؟ ---- ۱۴۵۶
پرسش ---- ۱۴۵۶
پاسخ ---- ۱۴۵۶
در عصر ظهور حضرت مهدی چه حوادثی اتفاق می افتد ---- ۱۴۵۶
پرسش ---- ۱۴۵۶
پاسخ ---- ۱۴۵۷

آیا امام زمان هنگام ظهور از طریق معجزه با همه مردم ارتبات بر قرار میکند یا ممکن است با استفاده از شبکه اینترنت؟ ---- ۱۴۵۷
پرسش ---- ۱۴۵۷
پاسخ ---- ۱۴۵۷
می‌گویند: وقتی امام زمانغ ظهور می‌فرماید، تمام" دستگاه‌های جدید "از کار می‌افتد. آیا در این‌باره در قرآن سخنی به میان آمده و یا حدیثی از
پرسش ---- ۱۴۵۸
پاسخ ---- ۱۴۵۸
آیا در قرآن کریم و احادیث امامان معصوم ، در مورد چگونگی انتقال پیام امام زمانغ از کعبه و رسیدن این پیام به گوش جهانیان مطلبی آمده
پرسش ---- ۱۴۵۹
پاسخ ---- ۱۴۵۹
بیعت ---- ۱۴۵۹
هنگام ظهور امام زمان(ع) چه کسی اول با خبر می‌شود؟ ---- ۱۴۵۹
پرسش ---- ۱۴۵۹
پاسخ ---- ۱۴۶۰
در موقع ظهور امام زمان(عج) اولین کسی که با او بیعت می کند، کیست؟ ---- ۱۴۶۰
پرسش ---- ۱۴۶۰
پاسخ ---- ۱۴۶۰
امام زمان(ع) چگونه با امت خود بیعت خواهد کرد؟ ---- ۱۴۶۰
پرسش ---- ۱۴۶۱
پاسخ ---- ۱۴۶۱
اوّل کسی که با حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیعت می‌کند چه کسی است؟ ---- ۱۴۶۱
پرسش ---- ۱۴۶۱
پاسخ ---- ۱۴۶۱
آیا جبرئیل بعد از وفات رسول خداصلی الله وعلیه وآله عهد کرده که بر زمین نازل نشود؟ ---- ۱۴۶۲
پرسش ---- ۱۴۶۲

پاسخ ----- ۱۴۶۲
آیا با امام زمان‌علیه‌السلام از روی اکراه بیعت می‌شود؟ ----- ۱۴۶۲
پرسش ----- ۱۴۶۲
پاسخ ----- ۱۴۶۲
چه کسانی با حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیعت خواهند کرد؟ ----- ۱۴۶۳
پرسش ----- ۱۴۶۳
پاسخ ----- ۱۴۶۳
راه شناخت حضرت ----- ۱۴۶۳
آیا وقتی امام زمان (ع) ظهور می‌کند، چهره او را می‌شناسیم؟ ----- ۱۴۶۳
پرسش ----- ۱۴۶۳
پاسخ ----- ۱۴۶۳
وقتی که امام زمان (عج) ظهور می کنند مردم از کجا بفهمند که او امام است ؟ ----- ۱۴۶۴
پرسش ----- ۱۴۶۴
پاسخ ----- ۱۴۶۴
هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) چگونه مردم، می فهمند که آن حضرت مهدی((علیه السلام)) است در صورتی که وی غائب بوده و
پرسش ----- ۱۴۶۴
پاسخ ----- ۱۴۶۴
امام زمان(عج) وقتی ظهور می کنند می گویند یک پرچم در دست دارند و روی پرچم جمله ای نوشته شده است آن جمله چیست؟ -- ۱۴۶۵
پرسش ----- ۱۴۶۵
پاسخ ----- ۱۴۶۵
مخالفین حضرت ----- ۱۴۶۵
هنگام ظهور امام زمان چه کسانی علیه ایشان به پا می‌خیزند؟ ----- ۱۴۶۵
پرسش ----- ۱۴۶۵
پاسخ ----- ۱۴۶۵

چرا علمای بزرگ در کتاب های خود از امام زمان(عج) به یک صورت سخن نرانده اند یکی می گوید امام زمان(عج) خیلی از مردم را می کشد

پرسش ---- ۱۴۶۶

پاسخ ---- ۱۴۶۶

گویند هنگامی که امام ظهور کند تمامی فقهای آن دوره با ایشان دشمن می شوند، آیا چنین چیزی صحت دارد؟ روایتی موجود است؟ ۱۴۶۷

پرسش ---- ۱۴۶۷

پاسخ ---- ۱۴۶۷

تجهیزات حضرت ---- ۱۴۶۹

وقتی حضرت امام زمان ۷ظهور می کند, با کمی جمعیت و جنگ افزارهای قدیمی و از رده خارج شده , چگونه می تواند باآن همه دشمن و دار

پرسش ---- ۱۴۶۹

پاسخ ---- ۱۴۶۹

آیا امام زمان(عج) با اسب و شمشیر ظهور خواهد کرد یا با پیشرفته‌ترین سلاح؟ ---- ۱۴۶۹

پرسش ---- ۱۴۶۹

پاسخ ---- ۱۴۷۰

آیا امام زمان(عج) وقتی که ظهور می کند، با سلاح های امروزی قیام می کند یا با سلاح های قدیمی؟ اگر با سلاح های قدیمی مانند شمشیر با

پرسش ---- ۱۴۷۱

پاسخ ---- ۱۴۷۱

بهترین سلاح امام زمان(عج) در هنگام مبارزه چه سلاحی است؟ ---- ۱۴۷۲

پرسش ---- ۱۴۷۲

پاسخ ---- ۱۴۷۲

در هنگام ظهور, امام زمان (عج) از چه سلاح هایی برای مبارزه با دشمن بهره می گیرد؟ ---- ۱۴۷۳

پرسش ---- ۱۴۷۳

پاسخ ---- ۱۴۷۳

امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟ ---- ۱۴۷۳

پرسش ---- ۱۴۷۳

پاسخ ----- ۱۴۷۳
امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟ ----- ۱۴۷۵
پرسش ----- ۱۴۷۵
پاسخ ----- ۱۴۷۵
امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟ ----- ۱۴۷۸
پرسش ----- ۱۴۷۸
پاسخ ----- ۱۴۷۸
۱- امام مهدی(ع) در برابر سلاحهای مخوف چگونه مانند جدش با شمشیر قیام خواهد کرد؟ ----- ۱۴۷۹
پرسش ----- ۱۴۷۹
پاسخ ----- ۱۴۷۹
آیا شمشیر حضرت علی(ع) نزد حضرت مهدی موجود می‌باشد؟ ----- ۱۴۸۰
پرسش ----- ۱۴۸۰
پاسخ ----- ۱۴۸۰
آیا آن حضرت در جنگ با کفار و مشرکین از ابزار جنگی جدید در جهان استفاده خواهند کرد؟ ----- ۱۴۸۰
پرسش ----- ۱۴۸۰
پاسخ ----- ۱۴۸۰
آیا جنگ امام زمان(عج) در موقع ظهور با سلاح‌های قدیمی است یا سلاح جدید؟ ----- ۱۴۸۱
پرسش ----- ۱۴۸۱
پاسخ ----- ۱۴۸۱
در احادیث آمده که حضرت صاحب الزمان(عج) با شمشیر می آیند و مردم ظالم را می کشند می خواهم بپرسم در زمان حال که این قدر سلاح
پرسش ----- ۱۴۸۲
پاسخ ----- ۱۴۸۲
۲- سلاح حضرت و یاران در هنگام ظهور , شمشیر و اسلحه ی قدیمی است یا سلاحهای جدید و اگر سلاحهای جدید است، چطور با احادیث ت
پرسش ----- ۱۴۸۳

پاسخ ----- ۱۴۸۳
ابزار دفاع امام زمان (عج) هنگام ظهور چیست ؟ ----- ۱۴۸۴
پرسش ----- ۱۴۸۴
پاسخ ----- ۱۴۸۴
هدف وچگونگی ظهور ----- ۱۴۸۵
وقتی که امام زمان(عج) ظهر می‌کند، چه برنامه هایی دارد؟ ----- ۱۴۸۵
پرسش ----- ۱۴۸۵
پاسخ ----- ۱۴۸۵
اولین جایی که بوسیله امام زمان(ع) فتح خواهد شد کجا است؟ ----- ۱۴۸۶
پرسش ----- ۱۴۸۶
پاسخ ----- ۱۴۸۶
می گویند لشکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهد گذشت و برترین و امن ترین شهر ها بیت المقدس خواهد بود. آیا این مطالب صحّت دارد؟
پرسش ----- ۱۴۸۷
پاسخ ----- ۱۴۸۷
چرا وقتی صحبت از امام زمان می شود، او را شمشیر به دست و اسب سواری عنوان می کنند که از مکّه قیام می کند و پی انتقام و خونریزی م
پرسش ----- ۱۴۸۷
پاسخ ----- ۱۴۸۷
قیام امام زمان چگونه است؟(پ) ----- ۱۴۸۸
پرسش ----- ۱۴۸۸
پاسخ ----- ۱۴۸۸
ظهور امام زمان(عج) به صورت معنوی است و یا جسمانی؟ ----- ۱۴۸۹
پرسش ----- ۱۴۸۹
پاسخ ----- ۱۴۸۹
قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟ ----- ۱۴۹۰

پرسش ---- ۱۴۹۰
پاسخ ---- ۱۴۹۰
آیا می توانید به ترسیم زمان ظهور و زمان آن بپردازید؟ ---- ۱۴۹۲
پرسش ---- ۱۴۹۲
پاسخ ---- ۱۴۹۲
حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور چه عملی انجام می‌دهند؟ ---- ۱۴۹۴
پرسش ---- ۱۴۹۴
پاسخ ---- ۱۴۹۴
پس از ظهور ---- ۱۴۹۴
رجعت ---- ۱۴۹۴
مفهوم رجعت ---- ۱۴۹۴
رجعت از دیدگاه شیعه چیست ؟ ---- ۱۴۹۵
پرسش ---- ۱۴۹۵
پاسخ ---- ۱۴۹۵
رجعت را توضیح دهید. ---- ۱۴۹۵
پرسش ---- ۱۴۹۵
پاسخ ---- ۱۴۹۵
رجعت و هدف از آن را بیان نمایید. ---- ۱۴۹۶
پرسش ---- ۱۴۹۶
پاسخ ---- ۱۴۹۷
رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟ ---- ۱۴۹۹
پرسش ---- ۱۴۹۹
پاسخ ---- ۱۴۹۹
سیر منطقی مسئله رجعت را بیان کنید ؟ ---- ۱۵۰۰

پرسش ----- ۱۵۰۰
پاسخ ----- ۱۵۰۰
رجعت یعنی چه؟رجعت معصومین به چه صورت می باشد؟ ----- ۱۵۰۱
پرسش ----- ۱۵۰۱
پاسخ ----- ۱۵۰۱
رجعت چیست؟ ----- ۱۵۰۲
پرسش ----- ۱۵۰۳
پاسخ ----- ۱۵۰۳
مساءله رجعت امام زمان (عج) را کاملا توضیح بفرمایید. ----- ۱۵۰۳
پرسش ----- ۱۵۰۳
پاسخ ----- ۱۵۰۳
مسأله رجعت و بداء را توضیح دهید. ----- ۱۵۰۵
پرسش ----- ۱۵۰۵
پاسخ ----- ۱۵۰۵
از آن جا که رجعت , از نشانه ها و دلائل صحت نبوت است , بایستی مانند دیگر معجزات , در زمان حیات پیغمبر (ص) رخ دهد. و حال ان ک
پرسش ----- ۱۵۰۶
پاسخ ----- ۱۵۰۶
آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست , زیراباعث اغرا به جهل مردم می گردد, و عده ای کم ایمان را به گ
پرسش ----- ۱۵۰۸
پاسخ ----- ۱۵۰۸
سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟ ----- ۱۵۰۹
پرسش ----- ۱۵۰۹
پاسخ ----- ۱۵۱۰
آیا رجعت از ضروریات تشیع است؟ ----- ۱۵۱۰

پرسش ----- ۱۵۱۰
پاسخ ----- ۱۵۱۰
چرا متکلمین بحث از رجعت را در علم کلام مطرح می‌کنند؟ ----- ۱۵۱۱
پرسش ----- ۱۵۱۱
پاسخ ----- ۱۵۱۱
درباره رجعت چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟ ----- ۱۵۱۱
پرسش ----- ۱۵۱۱
پاسخ ----- ۱۵۱۱
درباره رجعت و احادیث مربوط به آن در قرآن واحادیث توضیح بفرمایید؟ ----- ۱۵۱۱
پرسش ----- ۱۵۱۱
پاسخ ----- ۱۵۱۲
رجعت چیست؟ ----- ۱۵۱۳
پرسش ----- ۱۵۱۳
پاسخ ----- ۱۵۱۳
در مورد مسئله رجعت و اتفاقاتی که در زمان ظهور امام زمان می افتد چگونه می توان ایمان و معرفت مناسب پیدا کرد؟همچنین در مورد ظهو
پرسش ----- ۱۵۱۴
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۵۱۴
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۵۱۸
نظر صحیح درباره رجعت چیست؟ ----- ۱۵۱۹
پرسش ----- ۱۵۱۹
پاسخ ----- ۱۵۱۹
رجعت کنندگان ----- ۱۵۲۰
آیا کسانی که عاشقان واقعی آقا امام زمان(عج) هستند، پس از مرگ در هنگام ظهور آقا امام زمان(عج) سر از خاک بیرون می آوردند؟ ۱۵۲۰
پرسش ----- ۱۵۲۰

پاسخ ----- ۱۵۲۰
آیا بعد از آمدن حضرت مهدی(عج) پیامبران می‌آیند؟ ----- ۱۵۲۱
پرسش ----- ۱۵۲۱
پاسخ ----- ۱۵۲۱
آیا ائمه(ع) به کمک آن حضرت می‌آیند؟ ----- ۱۵۲۱
پرسش ----- ۱۵۲۱
پاسخ ----- ۱۵۲۱
آیا همه امامان در ظهور حضرت مهدی (عج) زنده خواهند شد و بعد از عدل و داد در دنیا آیا آنهائی که ایمانشان ضعیف است آنها را شفاعت خ
پرسش ----- ۱۵۲۲
پاسخ ----- ۱۵۲۲
آیا رجعت از امام حسین (ع) شروع و به امام حسن عسکری (ع) ختم می شود یا غیر این است؟ ----- ۱۵۲۳
پرسش ----- ۱۵۲۳
پاسخ ----- ۱۵۲۳
در بحث رجعت دوباره انسان در هنگامه ظهور امام زمان که به قول علامه مجلسی بیش از(و یا در حدود)۲۰۰ آیه و ۵۰۰ روایت موجود می باش
پرسش ----- ۱۵۲۴
پاسخ ----- ۱۵۲۴
در آیهٔ ۵۵ سورهٔ مبارکه آل‌عمران آمده است" إِنّی مُتَوَفّیکَ وَرَافِعُکَ إِلَیَّ "آیا به واسطهٔ این آیه می‌توان فرود آمدن حضرت عیسیغ به زمین در ز
پرسش ----- ۱۵۲۶
پاسخ ----- ۱۵۲۶
آیا صحیح است که درزمان ظهور امام زمان (عج) افرادصالحی مانند مالک اشتر و شیخ عباس قمی و غیره زنده می شوند, و جزء یاران آن حضر
پرسش ----- ۱۵۲۶
پاسخ ----- ۱۵۲۶
آیا حقیقت دارد که بعد از ظهور امام زمان(عج) و دوران امامت ایشان حضرت علی(ع) دوباره رجعت می کند و یک دوره خلافت در زمین دارد؟
پرسش ----- ۱۵۲۷

پاسخ ----- ۱۵۲۷

آیا رجعت در مورد پیامبر اکرم نیز صادق است ؟اگر پاسخ مثبت است پس عقلا در هنگام حضور نبی رهبری وصی نقض می شود آیا بدین گونه

پرسش ----- ۱۵۲۸

پاسخ ----- ۱۵۲۸

اگر باید امام را امام دیگر غسل دهد، حضرت را چه کسی غسل خواهد داد؟ ----- ۱۵۲۸

پرسش ----- ۱۵۲۸

پاسخ ----- ۱۵۲۸

آیا رجعت عمومی وهمگانی است؟ ----- ۱۵۲۹

پرسش ----- ۱۵۲۹

پاسخ ----- ۱۵۲۹

رجعت مربوط به چه کسانی است ----- ۱۵۲۹

پرسش ----- ۱۵۲۹

پاسخ ----- ۱۵۳۰

۱-آیا حکومت امامان «علیهم السلام » بعد از امام عصر عج » وجود دارد؟ ----- ۱۵۳۰

پرسش ----- ۱۵۳۰

پاسخ ----- ۱۵۳۰

پس از رجعت کدام امام بر حکومت شایسته تر است؟ امام حسین یا امام زمان(ع)؟ ----- ۱۵۳۱

پرسش ----- ۱۵۳۱

پاسخ ----- ۱۵۳۱

آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند

پرسش ----- ۱۵۳۱

پاسخ ----- ۱۵۳۱

آیا حضرت عیسی(ع) و اصحاب کهف در زمان امام زمان(عج) زنده می‌شوند؟ ----- ۱۵۳۳

پرسش ----- ۱۵۳۳

پاسخ ----- ۱۵۳۳
فلسفه رجعت ----- ۱۵۳۵
فلسفه رجعت چیست؟ بعد از ظهور امام زمان وقتی جهان پر از عدل شود، دیگر چه لزومی به رجعت و حکومت یک یک امامان (ع) است؟(پ)
پرسش ----- ۱۵۳۵
پاسخ ----- ۱۵۳۵
هدف از رجعت قبل از رستاخیز عمومی انسانها چیست ؟ ----- ۱۵۳۷
پرسش ----- ۱۵۳۷
پاسخ ----- ۱۵۳۷
رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟ ----- ۱۵۳۷
پرسش ----- ۱۵۳۷
پاسخ ----- ۱۵۳۸
فلسفه رجعت چیست و برای کیست؟ ----- ۱۵۳۹
پرسش ----- ۱۵۳۹
پاسخ ----- ۱۵۳۹
دلایل رجعت ----- ۱۵۳۹
دلایل رجعت ----- ۱۵۳۹
اشاره ----- ۱۵۴۰
پرسش ----- ۱۵۴۰
پاسخ ----- ۱۵۴۰
برخی برای نفی و انکار رجعت چنین اقامه دلیل کرده اند : خداوند از آنجا که مهربانترین است و کمال بندگان خود را می خواهد وقتی کسی
پرسش ----- ۱۵۴۱
پاسخ ----- ۱۵۴۱
قرآن کریم کدام بازگشت به دنیا را نفی می کند ؟ و آیا نفی این بازگشت , منافاتی با اعتقاد به رجعت دارد ؟ چرا ؟ ----- ۱۵۴۱
پرسش ----- ۱۵۴۱

پاسخ ----- ۱۵۴۱
چه روایاتی از معصومین رسیده که دلالت بر رجعت دوباره شهیدان به دنیا می کند؟ ----- ۱۵۴۲
پرسش ----- ۱۵۴۲
پاسخ ----- ۱۵۴۲
با توجه به این که در روایات آمده است، نخستین رجعت کننده امام حسین است، آیا دلیل قرآنی نیز بر تأیید این مطلب وجود دارد؟ -- ۱۵۴۳
پرسش ----- ۱۵۴۳
پاسخ ----- ۱۵۴۳
رجعت را با استناد به کدام آیات اثبات می کنید؟ ----- ۱۵۴۳
پرسش ----- ۱۵۴۳
پاسخ ----- ۱۵۴۳
آیا رجعت برهان و دلیل عقلی دارد ؟ ----- ۱۵۴۴
پرسش ----- ۱۵۴۴
پاسخ ----- ۱۵۴۴
آیا چنین نیست که همه مردم اعم از خوب و بد در قیامت به سزا و جزای عمل خویش می رسند؟ پس چگونه است که مومنان خالص و ممحض
پرسش ----- ۱۵۴۵
پاسخ ----- ۱۵۴۵
آیا کسانی که به قیام در رجعت آورده می شوند کسانی هستند که مشکل نزاع و تعارض در مورد امامت و رهبری داشته اند؟ به عنوان مثال حض
پرسش ----- ۱۵۴۶
پاسخ ----- ۱۵۴۶
آیا دلیل عقلی بر ضرورت رجعت وجود دارد؟ ----- ۱۵۴۶
پرسش ----- ۱۵۴۶
پاسخ ----- ۱۵۴۶
آیا قرآن به رجعت کسانی به این دنیا اشاره نموده است؟ ----- ۱۵۴۷
پرسش ----- ۱۵۴۷

پاسخ ----- ۱۵۴۷
آیا رجعت با عقل وفلسفه سازگاری دارد؟ ----- ۱۵۴۸
پرسش ----- ۱۵۴۸
پاسخ ----- ۱۵۴۸
آیا اعتقاد به رجعت برگرفته از یهود است؟ ----- ۱۵۴۹
پرسش ----- ۱۵۴۹
پاسخ ----- ۱۵۴۹
آیا تمام احادیث رجعت از طرق شیعه وارد شده است؟ ----- ۱۵۴۹
پرسش ----- ۱۵۴۹
پاسخ ----- ۱۵۴۹
آیا قول به رجعت مستلزم تناسخ باطل است؟ ----- ۱۵۴۹
پرسش ----- ۱۵۴۹
پاسخ ----- ۱۵۵۰
آیا قرآن مخالف قول به رجعت است؟ ----- ۱۵۵۰
پرسش ----- ۱۵۵۰
پاسخ ----- ۱۵۵۰
آیا اعتقاد به رجعت با قیامت و حشر مردگان سازگار است ----- ۱۵۵۰
پرسش ----- ۱۵۵۰
پاسخ ----- ۱۵۵۱
اگر رجعت برای آن است که امامان و صالحان به پاداش زحمات‌شان برسند ;پس بهشت برای چیست ----- ۱۵۵۱
پرسش ----- ۱۵۵۱
پاسخ ----- ۱۵۵۱
آیا رجعت صحیح است ؟ آیا بازگشت ائمه «علیهم السلام » بعد از شهید شدن امام مهدی (عج) میباشد ؟ ----- ۱۵۵۲
پرسش ----- ۱۵۵۲

پاسخ ----- ۱۵۵۲

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست زیرا باعث اغرا به جهل مردم می‌گردد و عده‌ای کم ایمان را به گناه

پرسش ----- ۱۵۵۳

پاسخ ----- ۱۵۵۳

از آن جا که رجعت از نشانه‌ها و دلایل صحت نبوت است، ضرورت دارد رجعت همانند دیگر معجزات، در زمان حیات پیامبر(ص) رخ دهد، حال

پرسش ----- ۱۵۵۴

پاسخ ----- ۱۵۵۴

اینکه می گویند در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) عدهایاز مردگان دوباره به دنیا بر می گردند و زنده می شوند آیا چنین چیزیممکن است؟

پرسش ----- ۱۵۵۶

پاسخ ----- ۱۵۵۶

منظور از این آیه سوره نمل آیه: ۸۳ که می فرماید مافوجی از شما را زنده می کنیم چیست؟ ----- ۱۵۵۷

پرسش ----- ۱۵۵۷

پاسخ ----- ۱۵۵۷

چگونه می‌توان با استدلال به آیهٔ ۱۱ سورهٔ غافر]=مؤمن رجعت را اثبات کرد، چنان‌که برخی مفسّران چنین تفسیر نموده‌اند؟ ----- ۱۵۵۸

پرسش ----- ۱۵۵۸

پاسخ ----- ۱۵۵۸

چگونه آیهٔ ۲۸ سورهٔ بقره بر وقوع رجعت دلالت دارد؟ ----- ۱۵۵۸

پرسش ----- ۱۵۵۸

پاسخ ----- ۱۵۵۸

سایر مواد ----- ۱۵۵۹

بعد از امام زمان عده ای از افراد صالح , از عالم برزخ فراخوانده می شوند و جزء یاران حضرت می گردند. آیااعمال این افراد دوباره ثبت می گرد

پرسش ----- ۱۵۵۹

پاسخ ----- ۱۵۵۹

آن چنان که می‌گویند در موقع ظهور امام زمان(ع) ایشان از بعضی افراد، مانند دشمنان اسلام و قاتلان فاطمه زهرا(س) و قاتلان کربلا انتقام م

پرسش ----- ۱۵۶۰
پاسخ ----- ۱۵۶۰
همه می‌گویند انتقام گیرنده خون امام حسین(ع)، امام زمان(ع) است. امام زمان(ع) از چه کسی انتقام خواهد گرفت؟ مگر قاتلان امام حسین(ع
پرسش ----- ۱۵۶۱
پاسخ ----- ۱۵۶۱
روایت شده که انتقام خون پدران خود را از کافران که به آنها ظلم کردند خواهم گرفت آیا مردگان آن زمان دوباره زنده می شوند و یا مقصود از
پرسش ----- ۱۵۶۱
پاسخ ----- ۱۵۶۲
اینکه میفرمایند امام زمان (عج) تشریف خواهند آورد و ظهور خواهند کرد و انتقام حضرت سید الشهداء و... و ائمه طاهرین را می گیرند خوب
پرسش ----- ۱۵۶۳
پاسخ ----- ۱۵۶۳
هدف از مخالفت اهل سنت با اعتقاد به رجعت چیست ----- ۱۵۶۳
پرسش ----- ۱۵۶۳
پاسخ ----- ۱۵۶۳
آیا دوره ولایت بعد از امام زمان (عج)به پایان می رسد ؟ ----- ۱۵۶۴
پرسش ----- ۱۵۶۴
پاسخ ----- ۱۵۶۴
ما خود را باید از قیامت خیلی دور بدانیم زیرا می گویند که قیام حضرت مهدی قبل از قیامت است و ایشان سالها حکومت می کنند و بعد مسئ
پرسش ----- ۱۵۶۶
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۵۶۶
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۵۶۹
در رجعت اهل بیت تکلیف قبور و بارگاه و زیارت آنها چه می شود؟ ----- ۱۵۷۰
پرسش ----- ۱۵۷۰
پاسخ ----- ۱۵۷۱

آیا امام زمان‌علیه‌السلام بعد از ظهور، از ابوبکر وعمر انتقام خواهد گرفت؟ ----- ۱۵۷۱
پرسش ----- ۱۵۷۱
پاسخ ----- ۱۵۷۱
دعوت جهانیان به اسلام ----- ۱۵۷۲
این که گفته میشود: قرآن کامل نزد حضرت بقیۀ اللّه الاعظم ۷می باشد چیست ؟ آیا این قرآن ,تکاملی خاص از لحاظ علوم و اسرار نهانی قرآ
پرسش ----- ۱۵۷۲
پاسخ ----- ۱۵۷۲
چرا قرآنی که به دست امام عصر(عج) است بین مسلمانان وجود ندارد؟ ----- ۱۵۷۲
پرسش ----- ۱۵۷۳
پاسخ ----- ۱۵۷۳
آیا بعد از ظهور، چهرۀ واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟ ----- ۱۵۷۳
پرسش ----- ۱۵۷۳
پاسخ ----- ۱۵۷۳
آیا بعد از ظهور، چهرۀ واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟ ----- ۱۵۷۴
پرسش ----- ۱۵۷۴
پاسخ ----- ۱۵۷۴
چگونه امکان دارد دین اسلام در زمان حضرت مهدی عالمگیر شود؟ ----- ۱۵۷۴
پرسش ----- ۱۵۷۵
پاسخ ----- ۱۵۷۵
اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟ ----- ۱۵۷۵
پرسش ----- ۱۵۷۵
پاسخ ----- ۱۵۷۵
آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد یعنی چه؟ ----- ۱۵۷۶
پرسش ----- ۱۵۷۶

پاسخ ----- ۱۵۷۶

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع

پرسش ----- ۱۵۷۶

پاسخ ----- ۱۵۷۶

تجدید دین توسط امام زمان چگونه است ؟ ----- ۱۵۷۷

پرسش ----- ۱۵۷۷

پاسخ ----- ۱۵۷۷

اینکه می‌گویند وقتی امام زمان (عج) ظهور می‌کنند، آنچنان دین اسلام را از پیرایه‌ها پاک می‌کنند که گویی دین جدیدی آورده‌اند، با وجود مرا

پرسش ----- ۱۵۷۸

پاسخ ----- ۱۵۷۸

وقتی که امام زمانغ ظهور می‌کند، آیا مانند امامان دیگر، به تبلیغ دین می‌پردازد یا بدون هیچ فرصتی تمام بدکاران را از بین می‌برد و جایی برا

پرسش ----- ۱۵۷۸

پاسخ ----- ۱۵۷۹

آیا صحیح است که امام زمانغبا دین جدید و قرآن کامل ظهور می‌کند؟ ----- ۱۵۷۹

پرسش ----- ۱۵۷۹

پاسخ ----- ۱۵۷۹

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع

پرسش ----- ۱۵۸۰

پاسخ ----- ۱۵۸۰

با امکان هدایت بشر از راه دعوت اخلاقی وتربیت انسانی، چرا امام زمان‌علیه‌السلام از شمشیر استفاده می‌کند؟ ----- ۱۵۸۰

پرسش ----- ۱۵۸۱

پاسخ ----- ۱۵۸۱

امام مهدی‌علیه‌السلام با کدام دین بر عالم حکومت می‌کند؟ ----- ۱۵۸۱

پرسش ----- ۱۵۸۱

پاسخ ----- ۱۵۸۱
در عصر ظهور کدامین مذهب حاکم است؟ ----- ۱۵۸۲
پرسش ----- ۱۵۸۲
پاسخ ----- ۱۵۸۲
۱- بعضی افراد متأسفانه فکر میکنند که امام زمان (عج) در هنگام ظهور شمشیر به دست همه را از دم تیغ می گذرانند این موضوع آیا دلیلی ب
پرسش ----- ۱۵۸۳
پاسخ ----- ۱۵۸۳
دشمنان حضرت ----- ۱۵۸۳
اشاره ----- ۱۵۸۳
پرسش ----- ۱۵۸۳
پاسخ ----- ۱۵۸۴
چه کسانی با حضرت مهدی(عج) به مبارزه بر می خیزند؟ ----- ۱۵۸۴
پرسش ----- ۱۵۸۵
پاسخ ----- ۱۵۸۵
آخرین نفری که امام از دشمنانش را خواهد کشت چه کسی است و آخرین نفری که از آدمیان می‌میرد چه کسی است مرد هست یا زن؟ ۱۵۸۵
پرسش ----- ۱۵۸۵
پاسخ ----- ۱۵۸۵
آیا در زمان حضرت ولیعصر (عج) دشمنی با آن حضرت وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است پس آن حضرت توسط چه کسی شهید می‌شود؟
پرسش ----- ۱۵۸۶
پاسخ ----- ۱۵۸۶
آیا نابودی اسرائیل قبل از ظهور امام زمانغ رخ می‌دهد یا به دست آن حضرت صورت می‌گیرد؟ ----- ۱۵۸۷
پرسش ----- ۱۵۸۷
پاسخ ----- ۱۵۸۷
منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت (امام زمان (عج)) چیست؟ ----- ۱۵۸۷

اشاره ----- ۱۵۸۷
پرسش ----- ۱۵۸۷
پاسخ ----- ۱۵۸۸
با توجه به روایاتی که طبق آنها امام زمان پس از ظهور جناب شیطان را می کشند پس این چگونه عدالتی است که مردمان پس از ظهور از فریبها;
پرسش ----- ۱۵۸۸
پاسخ ----- ۱۵۸۸
کشتاری که در روایات مهدویت به آن اشاره شده به چه وقتی اشاره دارد؟ ----- ۱۵۸۹
پرسش ----- ۱۵۸۹
پاسخ ----- ۱۵۸۹
حجم کشتارها وخونریزی‌ها در هنگام قیام حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه مقدار است؟ ----- ۱۵۸۹
پرسش ----- ۱۵۸۹
پاسخ ----- ۱۵۸۹
مطابق روایات شیعه، قتل‌ها در چه وقتی خواهد بود؟ ----- ۱۵۹۰
پرسش ----- ۱۵۹۰
پاسخ ----- ۱۵۹۰
آیا بیشتر قتل‌ها که توسط حضرت انجام می‌گیرد از مسلمانان است؟ ----- ۱۵۹۱
پرسش ----- ۱۵۹۱
پاسخ ----- ۱۵۹۲
اینکه امام زمان‌علیه‌السلام هنگام‌ظهوربر عرب شدید است به چه معناست؟ ----- ۱۵۹۲
پرسش ----- ۱۵۹۲
پاسخ ----- ۱۵۹۲
آیا امام زمان‌علیه‌السلام در مقابله خود با منحرفان، از منحرفان شیعه شروع می‌کند؟ ----- ۱۵۹۳
پرسش ----- ۱۵۹۳
پاسخ ----- ۱۵۹۳

حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور با انحرافات فکری ---- ۱۵۹۳
اشاره ---- ۱۵۹۳
پرسش ---- ۱۵۹۴
پاسخ ---- ۱۵۹۴
۱-ابلیس و شیاطین هنگام ظهور چه وضعیتی دارند ؟ ---- ۱۵۹۵
پرسش ---- ۱۵۹۵
پاسخ ---- ۱۵۹۵
امام زمان، به چه شکلی به مبارزه خواهند پرداخت؟ ---- ۱۵۹۶
پرسش ---- ۱۵۹۶
پاسخ ---- ۱۵۹۶
امدادهای غیبی ---- ۱۵۹۷
چگونه ممکن است حضرت صاحب الزمان با سیصد و سیزده نفر دنیا را مسخر کند؟ آیا غلبه آن حضرت به طور اعجاز و خرق عادت است یا ع
پرسش ---- ۱۵۹۷
پاسخ ---- ۱۵۹۷
آیا انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) به سهولت به پیروزی می رسد؟ ---- ۱۵۹۸
پرسش ---- ۱۵۹۸
پاسخ ---- ۱۵۹۸
آیا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)، همه سلاحها از کار می افتد؟ ---- ۱۵۹۸
پرسش ---- ۱۵۹۸
پاسخ ---- ۱۵۹۸
خداوند متعال چه عنایتی به جهت پیروزی حضرت مهدی‌علیه‌السلام ---- ۱۵۹۹
اشاره ---- ۱۵۹۹
پرسش ---- ۱۵۹۹
پاسخ ---- ۱۵۹۹

غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟ ---- ۱۶۰۰
پرسش ---- ۱۶۰۰
پاسخ ---- ۱۶۰۰
آیا پیروزی حضرت مهدی‌علیه‌السلام بر مخالفان وگسترش حکومتش همراه با اعجاز است؟ ---- ۱۶۰۰
پرسش ---- ۱۶۰۰
پاسخ ---- ۱۶۰۰
آیا انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» به سهولت به پیروزی می‌رسد؟ ---- ۱۶۰۱
پرسش ---- ۱۶۰۱
پاسخ ---- ۱۶۰۱
امدادهای غیبی چیست؟ ---- ۱۶۰۲
پرسش ---- ۱۶۰۲
پاسخ ---- ۱۶۰۲
حکومت حضرت ---- ۱۶۰۲
روش حکومت داری حضرت ---- ۱۶۰۲
با توجه به کمبود افراد صالح در همهٔ زمان ها چگونه امام مهدی (ع) عدالت را گسترش خواهد داد؟ ---- ۱۶۰۲
پرسش ---- ۱۶۰۲
پاسخ ---- ۱۶۰۲
آیا در دورهٔ ظهور، اساساً نیاز به حکومت هست، زیرا عقل های مردم تکمیل شده و علم پیشرفت کرده و عدالت فراگیر شده است؟ حکومت برا
پرسش ---- ۱۶۰۳
پاسخ ---- ۱۶۰۳
چرا امام زمان‌علیه‌السلام بعد از ظهور به حکم داوود عمل می‌کند؟ ---- ۱۶۰۴
پرسش ---- ۱۶۰۴
پاسخ ---- ۱۶۰۴
مقرّ حکومت امام مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور کجاست؟ ---- ۱۶۰۵

پرسش ---- ۱۶۰۵
پاسخ ---- ۱۶۰۵
مقتضای قاعده عمومی در رابطه با مدت حکومت عدل توحیدی امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۱۶۰۶
پرسش ---- ۱۶۰۶
پاسخ ---- ۱۶۰۶
روایات مختلف در مورد مدت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام را چگونه توجیه می‌کنید؟ ---- ۱۶۰۶
پرسش ---- ۱۶۰۶
پاسخ ---- ۱۶۰۶
وسعت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه مقدار است؟ ---- ۱۶۰۷
پرسش ---- ۱۶۰۷
پاسخ ---- ۱۶۰۷
روش حکومت امام زمان(عج) چگونه خواهد بود؟ رای مردم چه جایگاهی خواهد داشت؟ ---- ۱۶۰۷
پرسش ---- ۱۶۰۷
پاسخ ---- ۱۶۰۸
قیام مهدی (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه امکان‌پذیر است و این حکومت چه ویژگیهائی دارد؟ ---- ۱۶۰۸
پرسش ---- ۱۶۰۹
پاسخ ---- ۱۶۰۹
آیا خلافت بعضی کشورها دردوران دولت حجت"ارواحنافداه "به وسیلهٔ اصحاب ایشان اداره می شود؟اگر چنین است پس چرا درحکمت۱۹۰ نه
پرسش ---- ۱۶۱۰
پاسخ ---- ۱۶۱۰
آیا حجت ثانی عشر بر طبق دموکراسی جهانی، جهان را اداره خواهند کرد؟ ---- ۱۶۱۱
پرسش ---- ۱۶۱۱
پاسخ ---- ۱۶۱۱
با تکمیل عقول در دوره امام زمان(ع) چه نیازی به حکومت می‌باشد؟ ---- ۱۶۱۱

پرسش ---- ۱۶۱۲
پاسخ ---- ۱۶۱۲
روش حکومت امام زمان(ع) چگونه خواهد بود؟ و نیز رأی مردم چه جایگاهی در حکومت آن حضرت خواهد داشت؟ ---- ۱۶۱۲
پرسش ---- ۱۶۱۲
پاسخ ---- ۱۶۱۲
بعد از آن که امام زمان(ع) ظهور کرد، چگونه بین مردم حکم می‌کند و محل حکومت وی کجا است؟ ---- ۱۶۱۳
پرسش ---- ۱۶۱۳
پاسخ ---- ۱۶۱۴
طبق احادیث در دورهٔ آخر الزّمان چه افرادی در جامعه حکومت خواهند کرد و آن افراد در کدام دیار حاکمند؟ ---- ۱۶۱۴
پرسش ---- ۱۶۱۴
پاسخ ---- ۱۶۱۵
ویژگی‌های جامعه امام زمان (عج چیست ---- ۱۶۱۶
پرسش ---- ۱۶۱۶
پاسخ ---- ۱۶۱۶
درباره مقایسه قیام عاشورای حسینی با انقلاب حضرت مهدی(ع) توضیح دهید. ---- ۱۶۱۷
پرسش ---- ۱۶۱۷
پاسخ ---- ۱۶۱۸
آیا واقعاً امام زمان(ع) بعد از ظهور هزار سال عمر می کند؟ ---- ۱۶۱۹
پرسش ---- ۱۶۱۹
پاسخ ---- ۱۶۱۹
امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟ ---- ۱۶۱۹
پرسش ---- ۱۶۱۹
پاسخ ---- ۱۶۲۰
قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟ ---- ۱۶۲۰

پرسش ---- ۱۶۲۰
پاسخ ---- ۱۶۲۰
ویژگیهای جامعه موعود که پس از ظهور حضرت مهدی (عج) ایجاد می‌شود چیست؟ ---- ۱۶۲۱
پرسش ---- ۱۶۲۱
پاسخ ---- ۱۶۲۱
مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی امر(ع) چگونه خواهد بود؟ ---- ۱۶۲۳
پرسش ---- ۱۶۲۳
پاسخ ---- ۱۶۲۴
دامنه حکومت امام زمان(عج) تا کجا می‌باشد؟ آیا همه دنیا مسلمان می‌شود؟ ---- ۱۶۲۴
پرسش ---- ۱۶۲۴
پاسخ ---- ۱۶۲۴
امام زمان(در کجا حکومت می کنند؟ و چند سال حکومت می کنند؟ آیا زمان فرا رسیدن قیامت رابطه ای با ظهور امام زمان(دارد؟ - ۱۶۲۵
پرسش ---- ۱۶۲۵
پاسخ ---- ۱۶۲۵
آقا چند سال بعد از ظهور زنده است ؟ ---- ۱۶۲۶
اشاره ---- ۱۶۲۶
پرسش ---- ۱۶۲۶
پاسخ ---- ۱۶۲۶
آیا به محض ظهور امام زمان (عج) دنیا یکمرتبه متحول می شود یا از یک طرف جهان شروع می شود و به مرور زمان دنیا را متحول می کند؟
پرسش ---- ۱۶۲۸
پاسخ ---- ۱۶۲۸
آیا امام عصرغ، فرصت پیاده کردن تمام احکام نورانی قرآن را خواهد داشت یا خیر؟ ---- ۱۶۲۸
پرسش ---- ۱۶۲۸
پاسخ ---- ۱۶۲۸

با ذکر منبع ویژگی های حکومت مهدوی را بیان کنید. ---- ۱۶۲۹
پرسش ---- ۱۶۲۹
پاسخ ---- ۱۶۲۹
مدت حکومت امام زمان چقدر خواهد بود؟ ---- ۱۶۳۰
پرسش ---- ۱۶۳۰
پاسخ ---- ۱۶۳۰
بعد از ظهور امام زمان(ع) عالم به چه شکلی خواهد بود و ما کجا قرار خواهیم داشت و بعد از آن چه می شود و تا کی این زمین باقی است؟ بعد
پرسش ---- ۱۶۳۱
پاسخ ---- ۱۶۳۲
وزیران دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام غالباً از چه قشری هستند؟ ---- ۱۶۳۴
پرسش ---- ۱۶۳۴
پاسخ ---- ۱۶۳۴
کارگزاران دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه کسانی هستند؟ ---- ۱۶۳۴
پرسش ---- ۱۶۳۴
پاسخ ---- ۱۶۳۴
آیا حکومت امام مهدی‌علیه‌السلام نژادی است؟ ---- ۱۶۳۵
پرسش ---- ۱۶۳۵
پاسخ ---- ۱۶۳۵
آیا نوع حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام همانند سایر حکومت‌ها است؟ ---- ۱۶۳۶
پرسش ---- ۱۶۳۶
پاسخ ---- ۱۶۳۶
امام زمان‌علیه‌السلام در مقابله با ستمگران واجرای حدود واحکام الهی چگونه رفتاری دارند؟ ---- ۱۶۳۶
پرسش ---- ۱۶۳۶
پاسخ ---- ۱۶۳۶

سرلوحه برنامه‌های حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟ ---- ۱۶۳۷
پرسش ---- ۱۶۳۷
پاسخ ---- ۱۶۳۷
حضرت مهدی‌علیه‌السلام در تقسیم اموال چگونه رفتار خواهد کرد؟ ---- ۱۶۳۸
پرسش ---- ۱۶۳۸
پاسخ ---- ۱۶۳۸
ادیان در زمان حکومت حضرت ---- ۱۶۳۸
طبق آیه ۵۵ سوره آل عمران , یهود و نصاری تا دامنه قیامت در جهان خواهند بود وهمواره این دو مذهب به زندگی خود ادامه خواهند داد با ا
پرسش ---- ۱۶۳۸
پاسخ ---- ۱۶۳۸
از آیه ۱۴ سوره مائده برمی آید که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب (و یایهود و نصاری هر دو) تـا پـایـان جهان در دنیا وجود خواه
پرسش ---- ۱۶۳۹
پاسخ ---- ۱۶۳۹
اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آ
پرسش ---- ۱۶۳۹
پاسخ ---- ۱۶۳۹
آیا ادیان دیگر هم در زمان حال واقعاً اعتباری دارند؟ منظور پیروان آنها که مثلًا مسیحیت چند برابر مسلمانان جهان جمعیت دارند راه اشتباه
پرسش ---- ۱۶۴۰
پاسخ ---- ۱۶۴۰
آیا بعد از ظهور امام زمان(عج) تنها دین اسلام باقی می ماند و بقیه ادیان امروزی نابود می شوند؟ ---- ۱۶۴۱
پرسش ---- ۱۶۴۱
پاسخ ---- ۱۶۴۱
آیا در زمان حکومت امام زمان(عج) یهودی و مسیحی و ... هم زندگی می کنند و آیا ایشان مامور به باطنند یا ظاهر؟ ---- ۱۶۴۲
پرسش ---- ۱۶۴۲

پاسخ ---- ۱۶۴۲
بعد از ظهور امام زمانغ جهان چگونه است آیا مردم جهان همه مسلمان می‌شوند؟ ---- ۱۶۴۳
پرسش ---- ۱۶۴۳
پاسخ ---- ۱۶۴۳
وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند آیا تمام مردم مسلمان می شوند یا اینکه کافر و پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهند داشت؟ ۱۶۴۴
پرسش ---- ۱۶۴۴
پاسخ ---- ۱۶۴۴
آیادر حکومت حضرت مهدی (ع)همه مردم جهان مسلمان می شوند؟ ---- ۱۶۴۵
پرسش ---- ۱۶۴۵
پاسخ ---- ۱۶۴۵
آیا در زمان ظهور امام زمان تمام افراد از ادیان غیر از شیعه کافر شناخته می شوند؟ ---- ۱۶۴۶
پرسش ---- ۱۶۴۶
پاسخ ---- ۱۶۴۶
ایا با ظهور امام زمان (ع) همه مسلمان شده و اختیار از مردم صلب می شود? ---- ۱۶۴۷
پرسش ---- ۱۶۴۷
پاسخ ---- ۱۶۴۷
آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده ومرام خواهند داشت؟ ---- ۱۶۴۸
پرسش ---- ۱۶۴۸
پاسخ ---- ۱۶۴۸
آیا در دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام جز مسلمان روی زمین باقی نمی‌ماند؟ ---- ۱۶۴۸
پرسش ---- ۱۶۴۸
پاسخ ---- ۱۶۴۹
آیا در زمان حکومت امام زمان(یهودی و مسیحی و غیره هŠزندگی می کنند؟ و آیا ایشان مأمور به باطن یا مأمور به ظاهرند؟ ---- ۱۶۴۹
پرسش ---- ۱۶۴۹

پاسخ ----- ۱۶۵۰
فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد ، ----- ۱۶۵۱
پرسش ----- ۱۶۵۱
پاسخ ----- ۱۶۵۱
اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می‌کند با این آیا ----- ۱۶۵۲
پرسش ----- ۱۶۵۲
پاسخ ----- ۱۶۵۲
علم و دانش در زمان حضرت ----- ۱۶۵۳
امام صادق(ع) در مورد پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی(عج) چه می‌فرماید؟ ----- ۱۶۵۳
پرسش ----- ۱۶۵۳
پاسخ ----- ۱۶۵۳
در مورد پیشرفت هایی که در زمان امام زمان (عج) انجام می شود چه نظری دارید؟ ----- ۱۶۵۳
پرسش ----- ۱۶۵۳
پاسخ ----- ۱۶۵۴
سرنوشت تکنولوژی، علوم و فنون پس از قیام حضرت ولی عصر(عج) چیست؟ ----- ۱۶۵۴
پرسش ----- ۱۶۵۴
پاسخ ----- ۱۶۵۴
رشد تکنولوژی پس از ظهور امام زمان(عج) به چه نحوه خواهد بود؟ ----- ۱۶۵۴
پرسش ----- ۱۶۵۴
پاسخ ----- ۱۶۵۴
آیا امام زمان به مردم علم مطلق را یاد می دهد و مردم بی نهایت را متوجه می شوند و یا باز هم مجهولاتی باقی می ماند. ----- ۱۶۵۶
پرسش ----- ۱۶۵۶
پاسخ ----- ۱۶۵۶
منابع فقه عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع نقش امام زمان (عج) در تبیین احکام فقهی چیست؟ در دوره ایشان منابع فوق دگرگونی ای ه

پرسش ----- ۱۶۵۷
پاسخ ----- ۱۶۵۷
در عصر ظهور، رشد عقلی وتکامل علمی انسان چگونه است؟ ----- ۱۶۵۷
پرسش ----- ۱۶۵۷
پاسخ ----- ۱۶۵۷
می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می
پرسش ----- ۱۶۵۸
پاسخ ----- ۱۶۵۸
وضعیت مردم در زمان حکومت حضرت ----- ۱۶۵۹
با ظهور امام زمان ۷جهان پر از عدل و داد می شود. آیا در این دوره کسی مرتکب افعال قبیح و یا گناه می شود؟ امنیت , آرامش و راحتی انسا
پرسش ----- ۱۶۵۹
پاسخ ----- ۱۶۵۹
هنگامی که امام زمان(ع) ظاهر شوند، باز مردم گناه خواهند کرد؟ ----- ۱۶۶۰
پرسش ----- ۱۶۶۰
پاسخ ----- ۱۶۶۱
در زمان حکومت حضرت مهدی(ع)زندگی مردم چگونه است؟ ----- ۱۶۶۱
پرسش ----- ۱۶۶۱
پاسخ ----- ۱۶۶۱
بهرهٔ مردم دورهٔ ظهور از اجتهاد چگونه و به چه میزان است؟ آیا صحیح است بگوییم با توجه به تکمیل عقول و تهذیب نفوس، مردم و یا برخی
پرسش ----- ۱۶۶۲
پاسخ ----- ۱۶۶۲
درحدیث است وقت ظهور، امام زمان"عج "دست بر سر بندگان خدا می‌کشد و عقولشان کامل می‌شود. آیا ایمانشان نیز کامل می‌شود؟ آیا تماه
پرسش ----- ۱۶۶۳
پاسخ ----- ۱۶۶۳

درخصوص پیروزی مستضعفان در آخرالزمان توضیح دهید. ---- ۱۶۶۴
پرسش ---- ۱۶۶۴
پاسخ ---- ۱۶۶۴
دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می‌دانند مقصود از این تکامل چیست؟ ---- ۱۶۶۴
پرسش ---- ۱۶۶۵
پاسخ ---- ۱۶۶۵
آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان((علیه السلام)) در زمان ظهور هم وجود دارد؟ ---- ۱۶۶۶
پرسش ---- ۱۶۶۶
پاسخ ---- ۱۶۶۶
آیا مردمان زمان مهدی((علیه السلام)) همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟ ---- ۱۶۶۷
پرسش ---- ۱۶۶۷
پاسخ ---- ۱۶۶۷
در زندگی امروز ما برای کسب لذات معنوی باید از یک سری لذات مادی و جسمی بگذریم، اگر این امر لازمهٔ وجود انسان است پس در دورهٔ ح
پرسش ---- ۱۶۶۷
پاسخ ---- ۱۶۶۷
اقتصاد، عدالت و مدینه فاضله مهدوی چه ویژگیهایی دارد؟ ---- ۱۶۶۸
پرسش ---- ۱۶۶۸
پاسخ ---- ۱۶۶۸
آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه می کند؟ اختیار چه می شود؟ به امید ظهور دولت حق ---- ۱۶۶۹
پرسش ---- ۱۶۶۹
پاسخ ---- ۱۶۶۹
در حکومتی که امام زمان به وجود خواهد آورد وضعیت زنان چگونه خواهد بود آیا بر اساس اسلامی است که علماء قدیم آن را تبلیغ می کردند
پرسش ---- ۱۶۷۱
پاسخ ---- ۱۶۷۱

آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی هم گرایی دارد یا واگرایی؟ ---- ۱۶۷۱
پرسش ---- ۱۶۷۱
پاسخ ---- ۱۶۷۲
آیا در عصر ظهور، زندگی بشر سامان می‌یابد؟ ---- ۱۶۷۲
پرسش ---- ۱۶۷۳
پاسخ ---- ۱۶۷۳
وضعیت امنیت اجتماعی در عصر ظهور چگونه است؟ ---- ۱۶۷۳
پرسش ---- ۱۶۷۳
پاسخ ---- ۱۶۷۳
عصر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام از حیث رشد تربیتی چگونه است؟ ---- ۱۶۷۳
پرسش ---- ۱۶۷۳
پاسخ ---- ۱۶۷۴
وضعیت مردم در عصر ظهور از حیث رفاه اقتصادی چگونه است؟ ---- ۱۶۷۴
پرسش ---- ۱۶۷۴
پاسخ ---- ۱۶۷۴
کثرت اموال در عصر ظهور از چه راهی حاصل می‌شود؟ ---- ۱۶۷۵
پرسش ---- ۱۶۷۵
پاسخ ---- ۱۶۷۵
آیا در حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟ ---- ۱۶۷۵
پرسش ---- ۱۶۷۵
پاسخ ---- ۱۶۷۵
دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می‌دانند مقصود از این تکامل چیست؟ ---- ۱۶۷۶
پرسش ---- ۱۶۷۶
پاسخ ---- ۱۶۷۶

موضوع پرسش: ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله ها
اشاره ----- ۱۶۷۸
پرسش ----- ۱۶۷۸
پاسخ ----- ۱۶۷۸
زمانی که امام مهدی ظهور نماید و بعد از آن حکومت جهانی تشکیل دهند دو مقوله امنیت و صلح جهانی چه وضعیتی پیدا می کنند به عبارت
پرسش ----- ۱۶۷۹
پاسخ ----- ۱۶۷۹
آیا مردمان زمان مهدی«علیه السلام» همه براساس عقل و فکر عمل می‌کنند؟ ----- ۱۶۸۰
پرسش ----- ۱۶۸۰
پاسخ ----- ۱۶۸۰
آیا حکومت جهانی امام زمان«علیه السلام» منافی با اراده و اختیار انسانها نیست؟ ----- ۱۶۸۰
پرسش ----- ۱۶۸۰
پاسخ ----- ۱۶۸۰
سایر موارد ----- ۱۶۸۰
منظور از این که بعد از ظهور امام زمان ۷زنان در خانه به روش پیامبر عمل می کنند چیست ؟نقش زنان در حکومت امام زمان ۷چیست ؟ ۸۰
پرسش ----- ۱۶۸۰
پاسخ ----- ۱۶۸۱
دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را به چند دوره می توان تقسیم نمود؟ ----- ۱۶۸۱
پرسش ----- ۱۶۸۱
پاسخ ----- ۱۶۸۱
آیا امام زمان بعد از ظهور بر جهان حکمفرمایی می کنند یا بعد از ظهور قیامت بر پا می شود؟ ----- ۱۶۸۲
پرسش ----- ۱۶۸۲
پاسخ ----- ۱۶۸۲
با ظهور حضرت مهدی و شکست دادن باطل آیا زندگی ایشان تا قیامت ادامه دارد یا نه؟ ----- ۱۶۸۳

پرسش ---- ۱۶۸۳
پاسخ ---- ۱۶۸۳
آثار ظهور امام زمان(عج) چیست؟ ---- ۱۶۸۵
پرسش ---- ۱۶۸۵
پاسخ ---- ۱۶۸۵
چرا در عصر انبیای گذشته حکومت عدل جهانی تحقق نیافته است؟ ---- ۱۶۸۸
پرسش ---- ۱۶۸۸
پاسخ ---- ۱۶۸۸
آیا حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور، مسجد الحرام ومسجد النبی را تغییر خواهد داد؟ ---- ۱۶۸۹
پرسش ---- ۱۶۸۹
پاسخ ---- ۱۶۸۹
آثار وبرکات ظهور حضرت چیست؟ ---- ۱۶۹۰
پرسش ---- ۱۶۹۰
پاسخ ---- ۱۶۹۰
۱- آیا زمانی که امام زمان «علیه السلام » ظهور کنند، دیگر انسانها نیاز به مادیات ندارند و زمان حکومت چگونه است ؟ اگر نیاز به مادیات نباش
پرسش ---- ۱۶۹۱
پاسخ ---- ۱۶۹۱
حکومت در زما حضرت ول عصر«علیه السلام» و جهان در آن عصر چگونه است؟ ---- ۱۶۹۱
پرسش ---- ۱۶۹۱
پاسخ ---- ۱۶۹۲
جهان پس از حضرت ---- ۱۶۹۲
پس از ظهور امام زمان(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟ ---- ۱۶۹۲
پرسش ---- ۱۶۹۲
پاسخ ---- ۱۶۹۲

آیا بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت بر پا می شود؟ دربارهٔ ظهور و بعد از ظهور مقداری توضیح بفرمایید. ---- ۱۶۹۳
پرسش ---- ۱۶۹۳
پاسخ ---- ۱۶۹۳
بعد از ظهور امام زمان(عج) حکومت دنیا چه وضعیتی دارد و حکومت حضرت و عالم تا چه زمانی بقا و دوام دارد؟ ---- ۱۶۹۴
پرسش ---- ۱۶۹۴
پاسخ ---- ۱۶۹۴
پس از ظهور حضرت مهدی(عج) جهان چگونه سپری خواهد شد؟ آیا پس از این مدت طولانی خواهد بود؟ آیا حکومتی بعد از حکومت حضرت
پرسش ---- ۱۶۹۵
پاسخ ---- ۱۶۹۵
وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند، سرانجام انسان‌های گناهکار چه می‌شود؟ ---- ۱۶۹۶
اشاره ---- ۱۶۹۶
پرسش ---- ۱۶۹۶
پاسخ ---- ۱۶۹۷
آیا بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) زندگی به پایان می‌رسد؟ ---- ۱۶۹۸
پرسش ---- ۱۶۹۸
پاسخ ---- ۱۶۹۸
جهان چگونه به اتمام می رسد؟(پ) ---- ۱۶۹۹
پرسش ---- ۱۶۹۹
پاسخ ---- ۱۶۹۹
امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟ ---- ۱۷۰۰
پرسش ---- ۱۷۰۰
پاسخ ---- ۱۷۰۰
بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) و به شهادت رسیدن ایشان، امامت جامعه به چه شکلی است؟ ---- ۱۷۰۱
پرسش ---- ۱۷۰۱

پاسخ ----- ۱۷۰۱
بعد از شهادت امام عصر(عج) آیا امامان دیگری بعد از ایشان می‌آیند یا پیامبری به همراه ایشان می‌آید. اگر منابعی در این مورد می‌شناسید برا؛
پرسش ----- ۱۷۰۱
پاسخ ----- ۱۷۰۲
با توجه به اینکه زمین خالی از معصوم نباید باشد، بنابراین پس از حکومت حضرت مهدی (عج) چه خواهد شد؟ یک نظریه این است که ائمه اط
پرسش ----- ۱۷۰۲
پاسخ ----- ۱۷۰۲
آیا امام زمان ما هم مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارد مهمتر از همه اینکه بعد از شهادت امام زمان چه می‌شود و تکلیف این
پرسش ----- ۱۷۰۴
پاسخ ----- ۱۷۰۴
چند مدت بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (ع) قیامت می‌شود؟ ----- ۱۷۰۵
پرسش ----- ۱۷۰۵
پاسخ ----- ۱۷۰۵
درباره مقام امامان در روایات اهل سنت چه مطالبی آمده است ؟بعد از مرگ امام زمان(عج) چه اتفاقی می افتد؟ بر پیکر ایشان چه کسی نماز م
پرسش ----- ۱۷۰۶
پاسخ ----- ۱۷۰۶
شنیدم که ما انسانهای کنونی (از آدم به بعد) از نسل هشتم انسانها هستیم آیا این مطلب صحیح است و آیا بعد از ظهور آقا امام زمان و تشکیل
پرسش ----- ۱۷۰۷
پاسخ ----- ۱۷۰۷
برطبق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه واله » که فرموده اند { من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیت } بسیاری از علمای شیعه تواند
پرسش ----- ۱۷۰۸
پاسخ ----- ۱۷۰۸
پس از ظهور ولی‌عصر(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می‌شود؟ ----- ۱۷۰۹
پرسش ----- ۱۷۰۹

پاسخ ----- ۱۷۰۹
دنیا بعد از ظهور آن حضرت چه طور خواهد شد؟ وضعیت دنیا قبل از ظهور حضرت چگونه است؟ ----- ۱۷۱۱
پرسش ----- ۱۷۱۱
پاسخ ----- ۱۷۱۱
منظور از" مدت شمرده شده در آیه ۱۰۴ سورهٔ هود چیست آیا اشاره به مدت بعد از ظهور امام زمانغ دارد؟ ----- ۱۷۱۱
پرسش ----- ۱۷۱۲
پاسخ ----- ۱۷۱۲
سایر موارد ----- ۱۷۱۲
قیام و ایستادن به هنگام شنیدن لقب امام زمان ۷واجب است ؟ ----- ۱۷۱۲
پرسش ----- ۱۷۱۲
پاسخ ----- ۱۷۱۲
در روایت‌های متعددی آمده است که آخر زمان زمانی است که خاتم پیامبران به پیامبری مبعوث شود، در حالی که این رسالت هزار و چهارصد
پرسش ----- ۱۷۱۳
پاسخ ----- ۱۷۱۳
آخرالزمان چیست و چه ارتباطی با ظهور حضرت مهدی(عج) دارد؟ ----- ۱۷۱۴
پرسش ----- ۱۷۱۴
پاسخ ----- ۱۷۱۴
به چه دلیل این زمان، آخرالزمان است؟ ----- ۱۷۱۶
پرسش ----- ۱۷۱۶
پاسخ ----- ۱۷۱۶
مطابق‌قواعد، مدت حیات بشریّت بعداز ظهور چه‌مقداری باید باشد؟ ----- ۱۷۱۷
پرسش ----- ۱۷۱۷
پاسخ ----- ۱۷۱۷
شبهات ----- ۱۷۱۷

کسانی هستند در جامعه که هیچ گونه روایات را قبول ندارند به نظر شما ما از چه طرقی وجود امام زمان را برای آنها اثبات کنیم.مثلا بهانه می آور

پرسش ----- ۱۷۱۸

پاسخ ----- ۱۷۱۸

در روایت آمده , هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) دنیا از ظلم و جور پر است و در جایی دیگر آمده است که حضرت ظهور نمی کند جز آن که زه

پرسش ----- ۱۷۱۹

پاسخ ----- ۱۷۱۹

از طرفی گفته می شود: منتظران مصلح باید صالح باشند، و از طرفی دیگر گفته می شود: امام زمان(عج) زمانی ظهور می کند که جهان پر از ظلم

پرسش ----- ۱۷۲۰

پاسخ ----- ۱۷۲۰

همچنین اگر همه مومنان خالص و مشرکان سرسخت به قیام پس از مرگ کشانده می شوند (و یا فرصت قیام به آنها داده می شود کدامیک صحی

پرسش ----- ۱۷۲۱

پاسخ ----- ۱۷۲۱

شیخ ابن محمود در صفحه ۶ و ۱۲ رساله خود می‌نویسد: « یکی از علل ردّ احادیث مهدی این است که اینها با یکدیگر تناقض، تضاد، تفاوت و ناهم

پرسش ----- ۱۷۲۲

پاسخ ----- ۱۷۲۲

از برخی شنیده ام که اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف بـا عـقل و وحی هر دو پیه

پرسش ----- ۱۷۲۳

پاسخ ----- ۱۷۲۴

اول کسی که از مسلمانان در عقیده مهدویت تشکیک کرد چه کسی بود؟ ----- ۱۷۲۵

پرسش ----- ۱۷۲۵

پاسخ ----- ۱۷۲۵

آیا اعتقاد به مهدویت مردم را از عمل خیر باز می‌دارد؟ ----- ۱۷۲۵

پرسش ----- ۱۷۲۵

پاسخ ----- ۱۷۲۵

چه ضرورت دارد انسانی در گذشته دور برای آینده‌ای دورتر به دنیا آمده باشد؟ ---- ۱۷۲۶
پرسش ---- ۱۷۲۶
پاسخ ---- ۱۷۲۶
آیا خداوند نمی‌توانست حضرت‌مهدی‌علیه‌السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟ ---- ۱۷۲۶
پرسش ---- ۱۷۲۶
پاسخ ---- ۱۷۲۶
اگر امام ظاهر بود وبا ظالمان زمان خود مصالحه کرده وپیمان عدم تعرّض می‌بست، چه می‌شد؟ ---- ۱۷۲۷
پرسش ---- ۱۷۲۷
پاسخ ---- ۱۷۲۷
آیا این سخن ابن جوزی درست است که می‌گوید: « یهود می‌گوید: تا ظهور مسیح دجّال جهاد ساقط است و شیعه می‌گوید: تا خروج مهدی جهاد
پرسش ---- ۱۷۲۷
پاسخ ---- ۱۷۲۷
در روایات آمده است که حضرت مهدی(عج) با کتابی جدید(قرآن مجید) می آیند و کلاسهای تعلیم قرآن دایر می کنند. آیا این امر، بحث تحریف
پرسش ---- ۱۷۲۸
پاسخ ---- ۱۷۲۸
اگر این درست است که در زمان غیبت امام عصر (عج) وظایف ما توسط علما و مجتهدین جامع الشرایط مشخص می شود پس دیگر نیازی به ام
پرسش ---- ۱۷۲۹
پاسخ ---- ۱۷۲۹
چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار
پرسش ---- ۱۷۳۰
پاسخ ---- ۱۷۳۰
یکی از نشانه های ظهور امام زمان فساد و تهاجم فرهنگی است، پس چرا با تهاجم فرهنگی مبارزه می شود؟ توضیح دهید. ---- ۱۷۳۰
پرسش ---- ۱۷۳۰
پاسخ ---- ۱۷۳۰

خدای جهان حجت خود را غیب فرموده و در صحنه زندگی دیگر مردم را ملامت می فرمایدکه با وجود حجت من چرا ایمان نیاوردید ؟ مگر من بش
پرسش ----- ۱۷۳۱
پاسخ ----- ۱۷۳۱
می دانیم که یکی از وظائف مهم امام , هدایت و رهبری است . و این در صورتی تحقق می پذیرد که امام در اختیار مردم باشد . حال اگر از دیده ه
پرسش ----- ۱۷۳۳
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۷۳۳
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۷۳۷
پاسخ(قسمت سوم) ----- ۱۷۴۰
مدتی است که در تمام دنیا گفتگو از خطرات جنگ سوم در میان است و این که اگر جنگ اتمی شروع شود , موجود زنده ای در جهان باقی نمی
پرسش ----- ۱۷۴۲
پاسخ ----- ۱۷۴۲
هرگاه شرط ظهور حضرت مهدی (عج) گسترش فساد در روی زمین است , چرا با فسادمبارزه کـنـیـم ؟ بـلـکه باید در گسترش فساد کوشش ن
پرسش ----- ۱۷۴۲
پاسخ ----- ۱۷۴۳
می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد م
پرسش ----- ۱۷۴۴
پاسخ ----- ۱۷۴۴
اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف بـا عـقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می
پرسش ----- ۱۷۴۵
پاسخ ----- ۱۷۴۵
خدائی که بتایید خود اراده دارد که در آینده جهان را از نور عدالت پر کند چه حاجت داشته که از هزار سال پیش کسی را ذخیره برای قرنهای بعد
پرسش ----- ۱۷۴۶
پاسخ ----- ۱۷۴۶
آیا امام زمان همان غلام احمد قادیانی نیست ؟ ----- ۱۷۴۷

پرسش ----- ۱۷۴۷
پاسخ ----- ۱۷۴۷
آیا وجود و عدم امام ناپیدا و غایب برابر است؟ ----- ۱۷۴۸
پرسش ----- ۱۷۴۸
پاسخ ----- ۱۷۴۸
آیا ایمان به ظهور مهدی باعث ضعف و شکست روحیه، واگذاری امور به آینده، قبول تسلط کفار و سستی در انجام تکلیف است؟ ----- ۱۷۴۹
پرسش ----- ۱۷۴۹
پاسخ ----- ۱۷۴۹
پاسخ ما به ادعای بعضی از مستشرقین مبنی بر طی کردن دورانهای مختلف قوت و ضعف توسط شیعه (مانند عصر آل بویه و صفویه و جنگهای س
پرسش ----- ۱۷۴۹
پاسخ ----- ۱۷۴۹
ایرادهائی که مخالفان احادیث مهدی می‌گیرند چیست؟ و چه نقطه ضعفهایی دارد؟ ----- ۱۷۵۰
پرسش ----- ۱۷۵۰
پاسخ ----- ۱۷۵۰
آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟ ----- ۱۷۵۱
پرسش ----- ۱۷۵۱
پاسخ ----- ۱۷۵۱
آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقعی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد با انقلاب اسلامی ما منافاتی ندارد؟ با اینکه امید می رو
پرسش ----- ۱۷۵۲
پاسخ ----- ۱۷۵۲
آیا لازمه این که وقتی جهان پر از ظلم وجود شد امام زمان((علیه السلام)) ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد می کند این نیست که ما امر ب
پرسش ----- ۱۷۵۲
پاسخ ----- ۱۷۵۲
در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟ ----- ۱۷۵۳

پرسش ----- ۱۷۵۳
پاسخ ----- ۱۷۵۳
این که حدیثی آمده که امام زمان((علیه السلام)) پس از ظهورش کتب آسمانی را از غاری بیرون می آورد و براساس آنها میان اهل آنها حکم می ک
پرسش ----- ۱۷۵۴
پاسخ ----- ۱۷۵۴
اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت
پرسش ----- ۱۷۵۴
پاسخ ----- ۱۷۵۴
در جایی خوانده ام هنگامی که امام زمان ظهور می کند از هر ۱۰۰۰ پسر یک دختر بدنیا خواهد آمد می خواستم بپرسم که چرا آمدن امام زمان ا
پرسش ----- ۱۷۵۵
پاسخ ----- ۱۷۵۵
در روایت آمده زمانی که امام زمان (عج)ظهور میکند هر کسی که ایمان نیاورد را از دم تیغ شمشیر میگذراند. در این صورت این مطلب با" لاَ إِکْرَا
پرسش ----- ۱۷۵۶
پاسخ ----- ۱۷۵۶
امام زمان عج) اگر بیاید، حکومت اسلامی برقرار خواهد کرد. مراجع تقلید نیز حکومت ایران را اسلامی معرفی می‌کنند ;بنابراین این حکومت اسلا
پرسش ----- ۱۷۵۷
پاسخ ----- ۱۷۵۷
اگر وقتی امام زمان ظهورمی کند دین جدیدی می آورد که علامت حقانیت اوست پس چطورمی شود گفت اشخاصی مثل علی محمد باب هم که
پرسش ----- ۱۷۵۹
پاسخ ----- ۱۷۶۰
آیا در نماز میت سن تکلیف شرط نیست و اگر هست پس چطور امام زمان (عج) بر پدر خویش نماز خواندند؟ ----- ۱۷۶۰
پرسش ----- ۱۷۶۰
پاسخ ----- ۱۷۶۰
کتابشناسی ----- ۱۷۶۰

مهم‌ترین کتاب هایی که بتوان از آن‌ها درخصوص آرا و اندیشه‌های بزرگان و عالمان دین، چون سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله بهبهانی، شیخ فـ
پرسش ---- ۱۷۶۱
پاسخ ---- ۱۷۶۱
پیرامون ظهور امام زمان(ع) آیا روایت یا حدیثی که صریحاً به اصلاحات آن امام همام اشاره داشته باشد، موجود است؟ در صورت وجود، در کدام کتاـ
پرسش ---- ۱۷۶۱
پاسخ ---- ۱۷۶۱
منابع مفید در مورد امام مهدی (عج) معرفی کنید؟ ---- ۱۷۶۱
پرسش ---- ۱۷۶۱
پاسخ ---- ۱۷۶۲
در داستان حضرت نرجس بعد از آمدن ایشان نزد امام هادی و عدم حضور ایشان در خانواده با چه عکس العملی مواجه شد؟ و سرنوشت خانواده ایشـ
پرسش ---- ۱۷۶۲
پاسخ ---- ۱۷۶۲
کتابشناسی مهدویت کدام است؟ ---- ۱۷۶۳
پرسش ---- ۱۷۶۳
پاسخ ---- ۱۷۶۳
کتابشناسی مهدویت ---- ۱۷۶۴
پرسش ---- ۱۷۶۴
پاسخ ---- ۱۷۶۴
کتاب هایی در خصوص امام زمان ۷و انسان های با کرامت مرتبط با آن حضرت معرفی نمایید. ---- ۱۷۶۴
پرسش ---- ۱۷۶۴
پاسخ ---- ۱۷۶۴
کتاب هایی که در مورد امام زمان علیه‌السلام نوشته شده چقدر قابل اعتمادند؟ ---- ۱۷۶۴
پرسش ---- ۱۷۶۴
پاسخ ---- ۱۷۶۵

در خصوص شناخت شخصیت امام زمان(ع) کتابی جامع، با قلمی شیوا و جذّاب معرفی نمایید. ---- ۱۷۶۵
پرسش ---- ۱۷۶۵
پاسخ ---- ۱۷۶۵
تعدادی از تألیفات و کتابهای محدّثین بزرگ شیعه در مورد امام مهدی و ظهور ایشان را ذکر کنید. ---- ۱۷۶۵
پرسش ---- ۱۷۶۵
پاسخ ---- ۱۷۶۵
آیا رجعت ایمه (ع) در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) صحت دارد؟ ---- ۱۷۶۶
پرسش ---- ۱۷۶۶
پاسخ ---- ۱۷۶۶
درباره علت غیبت امام زمان (عج) چند کتاب معرفی کنید؟ ---- ۱۷۶۶
پرسش ---- ۱۷۶۶
پاسخ ---- ۱۷۶۶
لطفاً کتابهای در رابطه با امام زمان (جهت شناخت بیشتر نسبت به آن حضرت، بویژه وقایع پس از ظهور آن حضرت را معرفی بفرمایید. ---- ۱۷۶۶
پرسش ---- ۱۷۶۶
پاسخ ---- ۱۷۶۷
در حدیث است کسی که امام زمانش (عج) را نشناسد بدین جاهلیت مرده. حال ما امام زمان(عج) را باید بهتر بشناسیم. آیا می شود کمی در مورد زند
پرسش ---- ۱۷۶۷
پاسخ ---- ۱۷۶۷
لطفاً کتابی راجع ویژگیهای منتظران که به زبان ساده نوشته شده باشد معرفی نمایید؟ ---- ۱۷۶۷
پرسش ---- ۱۷۶۷
پاسخ ---- ۱۷۶۷
لطفاً کتابی دربارهٔ ظهور امام زمانغ معرفی کنید. در مورد یارانی که از ایران انتخاب خواهند شد را بگویید. ---- ۱۷۶۸
پرسش ---- ۱۷۶۸
پاسخ ---- ۱۷۶۸

کتابهایی در رابطه با رجعت امامان معرفی کنید ---- ۱۷۶۸
پرسش ---- ۱۷۶۸
پاسخ ---- ۱۷۶۹
محل زندگی امام زمان کجاست ---- ۱۷۶۹
پرسش ---- ۱۷۶۹
پاسخ ---- ۱۷۶۹
آیا کتاب" ملاقات با امام زمان (عج "را تایید می کنید, دراین صورت چه مقدماتی برای این ملاقات ها لازم است ؟ ---- ۱۷۶۹
پرسش ---- ۱۷۶۹
پاسخ ---- ۱۷۶۹
چند کتاب درباره امام مهدی (عج) در قرآن معرفی کنید. ---- ۱۷۶۹
پرسش ---- ۱۷۶۹
پاسخ ---- ۱۷۷۰
چه کسانی در طول تاریخ اسلام مهدویت را به شعر درآورده‌اند؟ ---- ۱۷۷۰
پرسش ---- ۱۷۷۰
پاسخ ---- ۱۷۷۰
تألیفات درباره مهدویت با چه روش‌هایی بوده است؟ ---- ۱۷۷۰
پرسش ---- ۱۷۷۰
پاسخ ---- ۱۷۷۰
برای رفع حیرت از جامعه شیعی، علما واصحاب چه کارهایی انجام دادند؟ ---- ۱۷۷۱
پرسش ---- ۱۷۷۱
پاسخ ---- ۱۷۷۱
آیا در عصرهای مختلف، در جهت رفع حیرت در امر ولادت ووجود حضرت‌علیه‌السلام کتاب تألیف شده است؟ ---- ۱۷۷۲
پرسش ---- ۱۷۷۲
پاسخ ---- ۱۷۷۲

۱-لطفا چند کتاب تخصصی در رابطه با یاران حضرت مهدی «عج » ،خصال و ویژگیهای آقا «عج» معرفی فرمایید. (به غیر از جزوه خصال یاوران مهد
اشاره ---- ۱۷۷۳
پرسش ---- ۱۷۷۳
پاسخ ---- ۱۷۷۳
۲برای شناخت آقایمان امام زمان باید چه اعمالی انجام دهیم آیا فقط کتاب مطالعه کنیم یا نه؟ و چند کتاب در این مورد معرفی کنید. ---- ۱۷۷۳
پرسش ---- ۱۷۷۳
پاسخ ---- ۱۷۷۴
۱-از طریق چه کتابهای می توانیم در مور...امام زمان «عج » اطلاعاتی بدست آوریم ؟ ---- ۱۷۷۴
اشاره ---- ۱۷۷۴
پرسش ---- ۱۷۷۴
پاسخ ---- ۱۷۷۴
۱-آیا کتابهای که در مورد جزیزه خضراء نوشته شده است، کتابهای معتبری هستند یا غیر معتبر ؟ ---- ۱۷۷۵
پرسش ---- ۱۷۷۵
پاسخ ---- ۱۷۷۵
موضوع کتاب نجم الثاقب چیست ؟ و مولف آن کیست ؟ و آیا مطالب آن صحیح است ؟ ---- ۱۷۷۶
پرسش ---- ۱۷۷۶
پاسخ ---- ۱۷۷۶
مؤسسه نور فاطمه زهرا سلام الله علیها ---- ۱۷۷۷

مهدویت

مشخصات کتاب

نویسنده : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی ناشر : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ادیان و مهدویت

ادیان الهی

مسیحیت و مهدویت

آرماگدون که غربی‌ها به آن معتقدند یا دامن می‌زنند چیست؟

پرسش

آرماگدون که غربی‌ها به آن معتقدند یا دامن می‌زنند چیست؟

پاسخ

آرماگدون (Armageddon) یک عقیده مذهبی - تاریخی است که مبتنی بر اعتقاد به پایان رسیدن دنیا و رودررویی دو گروه خیر و شر است؛ چنان که فرهنگ ادوانس لزنر آن را چنین معنا کرده است (۱"The final conflict between good and evil at the end of the world" یعنی رویارویی و نبرد نهایی میان خیر و شر در پایان جهان (آخرالزمان). تقریباً همه ادیان (با اختلاف در تعابیر) اتفاق دارند که در این روز نیروهای خیر بر نیروهای شر برتری یافته و خیر و نیکی برای همیشه پیروز خواهد شد. آرماگدون را مجازاً در هر نوع مبارزه و نبردی که جنبه اسطوره‌ای داشته باشد و نیروهای خیر و شر در آن مقابل هم قرار گرفته باشند، به کار می‌برند. جنگ دوم جهانی را که به شکست آلمان‌ها منتهی شد، نیروی آرماگدون‌وار می‌نامند. از این رو در فرهنگ عامه انگلیسی زبانان آرماگدون معنای مبارزه سرنوشت ساز، برخورد نهایی و آخرین رویارویی می‌دهد. از این جهت نبرد شوالیه‌های پادشاه ریچارد با نیروهای پرنس جان در تاریخ انگلستان می‌تواند آرماگدون‌وار باشد، نیز مسابقه دو تیم فوتبال در مرحله نهایی مسابقات می‌تواند آرماگدون لقب بگیرد! معنای حقیقی آرماگدون، به لحاظ تطبیقی، مرادف با ظهور امام عصر(ع) در فرهنگ اسلامی و بازگشت عیسی مسیح(ع) در فرهنگ مسیحی و پیروزی اهورامزدا بر اهریمن در فرهنگ زرتشتی است. این اعتقاد در صنعت سینمای آمریکا مورد توجه قرار گرفته است، منتهی با نگره‌ای منفی؛ بدین معنا که تلاش می‌شود ظهور منجی و موعود، نه مسئله‌ای برای نجات انسانیت از ظلم و پایان خون ریزی در عالم و پیدایش صلح باشد، بلکه رویه‌ای تازه در جنگ و خون ریزی تلقی شود، یا با ساختن آرماگدون‌هایی، حقیقت را به صورت افسانه معرفی کرده یا آن را تحریف کنند. فیلم هایی از قبیل" نسترآداموس "شخصیت موعود را فردی خونریز و جنگجو معرفی می‌کند که با قساوت تمام به کشتار می‌پردازد. مسلّما انگیزه‌های سیاسی پشت پرده‌ای در ساخت و ترویج این نوع فیلم‌ها وجود دارد که در این جا نمی‌توان به آن پرداخت. پی‌نوشت‌ها:

۱ - Advancel Lerner,s Dictionary,p.۵۴ ۲ - برای اطلاعات بیشتر ر.ک: خبرنامه دین پژوهان، دوره اول، شماره ۳،

www.noorfatemah.org

هالیوود و مهدویت، گفتگو با آقای حسن بلخاری، شهریور ۱۳۸۰.

آیا عقیده به ظهور یک رهایی بخش در میان غربیها نیز مطرح بوده است؟

پرسش

آیا عقیده به ظهور یک رهایی بخش در میان غربیها نیز مطرح بوده است؟

پاسخ

عقیده به ظهور یک رهایی بخش بزرگ و برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسانها، و حکومت حق و عدالت منحصر به شرقیها و مذاهب شرقی نیست؛ بلکه یک اعتقاد عمومی و جهانی است که چهرههای مختلف آن در عقاید اقوام گوناگون دیده میشود، و همه روشنگر این حقیقت است که این اعتقاد کهن ریشهای در فطرت و نهاد انسانی؛ و در دعوت همهٔ پیامبران، داشته است. در کتاب «دیباچهای بر رهبری» ضمن بیان وجود انتظار ظهور یک منجی بزرگ در میان اقوام مختلف غربی، و بهره برداری پارهای از افراد از یک چنین انتظار عمومی، نام پنج نفر از مدّعیان را که از انگلستان برخاستند به عنوان «جیمز نایلور» و «یوحنا سوثکات» و «ریچارد برادرز» و «جان نیکولز تام» و «هنری جیمز پرینس» را ذکر میکند، و از «برنارد باربر» جامعه شناس آمریکایی در رساله «نهضت منجی گری» وجود چنین اعتقادی را، حتّی در میان سرخپوستان آمریکایی نقل کرده میگوید: «در میان قبائل سرخ پوست آمریکائی... این عقیده شایع است که روزی گرد سرخ پوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد شد...» تنها تا پیش از سال ۱۸۹۰ بالغ بر بیست نوع از این نهضتها در تاریخ آمریکا ضبط شده است. در بحثی از کتاب «علائم الظّهور» تصریح شده که آثار این عقیده را در میان اهالی اسکاندیناوی و بومیان مکزیک و نظایر آنها نیز میتوان یافت. از مجموع آنچه گفتیم ـ و مطالب و شواهد فراوان دیگری که به خاطر رعایت اختصار ناگفته ماند ـ نتیجه میگیریم که این انتظار جنبهٔ منطقهای ندارد؛ انتظاری است همهگیر و گسترده و در سطح جهانی، و سرانجام شاهدی است بر فطری بودن این اعتقاد.

دیدگاه اسلام (قرآن، نهج البلاغه...) ادیان الهی، بودا... درباره صلح جهانی(عج) چیست؟

پرسش

دیدگاه اسلام (قرآن، نهج البلاغه...) ادیان الهی، بودا... درباره صلح جهانی(عج) چیست؟

پاسخ(قسمت اول)

عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از نظر اقوام و ادیان انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملّتی اختصاص ندارد. از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که

جهان بشریّت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و نا امنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای نایل آیند. به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحی ــ که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانتهای ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد ــ سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده اند. در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد: «موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صَرفِ نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریّت، و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه نا امید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقّیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسّفانه، بشریّت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند ;بنا به فطرت ذاتی خود متوجّه درگاه خداوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید. از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دلهای خداپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتّی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتّی مکزیک و نظایر آنها نیز می توان یافت».([۱]) ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار باهم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر(علیه السلام)»، و پیروان سایر ادیان ومکتبها و ملّتها و توده های محروم، وی را «مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی»، یا «رهاننده بزرگ» یا «نجات بخش آسمانی» و یا «منجی اعظم» می نامند ;ولی در باره اوصاف کلّی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتّفاق نظر دارند. امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نیز عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی، زندگی ماشینی، رقابت های نا سالم نظامی، بازیهای خطرناک سیاسی، و احساس یأس و نا امیدی در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نا بسامان کنونی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است. بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسانها پیوسته در میان همه ملّتها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده، و حتّی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمنها، اسنها و سلتها، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، بی عدالتی ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده، و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند. آنچه از تاریخ اُمّتها استفاده می شود این است که: مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام مُنجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملّتها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریّت، انسانها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و نا امیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند. سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان مانند: مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و نگرش به افسانه های دیگر اقوام مختلف بشری، این حقیقت را به خوبی روشن و مسلّم می سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آرا، عقاید و اندیشه های متضادّی که با یکدیگر دارند، در انتظار مصلح موعود جهانی، بسر می برند. اینک فهرست مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مختلف جهان در اینجا می آوریم: ۱ ـ ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گرزا سپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید. ۲ ـ گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که: «کیخسرو» پس از تنظیم

کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند. ۳ـ نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متّحد سازد و آنها را بر دنیا مسلّط گرداند. ۴ـ نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند. ۵ـ اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کرالیویچ» را داشتند. ۶ـ برهمائیان از دیر زمانی براین عقیده بودند که در آخر زمان «ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت، و تمام دنیا «برهمن» گردد و به این سعادت برسد. ۷ـ ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «ارتور» روزی از جزیره «آوالون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد. ۸ـ اسن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود. ۹ـ سلت ها می گویند: پس از بروز آشوبهایی در جهان، «بوریان بور ویهیم» قیام کرده، دنیا را به تصرّف خود درخواهد آورد. ۱۰ـ اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد، آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود. ۱۱ـ اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می باشند. ۱۲ـ اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: «کوتزلکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد. ۱۳ـ چینی ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می دهد. ۱۴ـ زرتشتیان معتقدند که: «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند. ۱۵ـ قبایل «ای پوور» معتقدند که: روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است. ۱۶ـ گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، در شهر «ممفیس» زندگی می کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلّط می شود، اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند. ۱۷ـ گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخر الزمان، در کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می کند. ۱۸ـ ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتاب های مقدّس خود، در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد. ۱۹ـ یونانیان می گویند: «کالوبیرگ» نجات دهنده بزرگ، ظهور خواهد کرد، و جهان را نجات خواهد داد. ۲۰ـ یهودیان معتقدند که در آخر زمان «ماشیع» (مهدی بزرگ) ظهور می کند و ابد الآباد در جهان حکومت می کند، او را از اولاد حضرت اسحاق می پندارند، در صورتی که «تورات»، کتاب مقدّس یهود، او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است. ۲۱ـ نصارا نیز به وجود حضرت مهدی(علیه السلام) قایلند ومی گویند: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت، ولی در اوصافش اختلاف دارند.([۷]) آنچه از نظر گرامی شما گذشت، ـ گرچه همه آنها با حضرت مهدی(علیه السلام)کاملاً تطبیق نمی کند و حتّی برخی از آنها اصلاً با مهدی موعود اسلام وفق نمی دهد. ـ از یک حقیقت مسلّم حکایت می کند و آن این که: این افکار و عقاید و آرا که همه آنها با مضمون های مختلف، از آینده ای درخشان و آمدن مصلحی جهانی در آخر الزمان خبر می دهند، نشانگر این واقعیّت است که همه آنها در واقع از منبع پر فیض وحی سرچشمه گرفته است، و لکن در برخی از مناطق دور دست که شعاع حقیقت در آنجا کمتر تابیده است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده، و فقط کلّیاتی از نویدهای مهدی موعود و «مصلح جهانی» در میان ملّتها به جای مانده است. البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، خود بر اهمیّت موضوع می افزاید، و مسأله «مهدویّت» و ظهور مصلح جهانی را قطعی تر می کند. بنابراین، عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) در آخر الزمان یک عقیده عمومی است و اگر کلمه «مهدی» و واژه های دیگر را ـ که پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف جهان بر آن حضرت اطلاق می کنند ـ از قالب اصطلاح اختصاصی آنها درآوریم، و آن حضرت را «نجات بخش بزرگ آسمانی» یا «مصلح جهانی» و یا «رهایی بخش غیبی» بنامیم، اختلاف اسمی هم رفع می شود. اسامی مقدّس حضرت

مهـدی(علیه السـلام) در کتب مـذهبی اهل ادیان ۱ ـ «صـاحب» در صـحف ابراهیم(علیه السـلام ;)۲ ـ «قـائم» در زبور سیزدهم ;۳ ـ «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم ;۴ ـ «ماشیع» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی ;۵ ـ «مهمید آخر» در انجیل ;۶ ـ «سروش ایزد» در زمزم زرتشت ;۷ ـ «بهرام» در ابستاق زند و پازند ;۸ ـ «بنـده یزدان» هم در زند و پازند ;۹ ـ «لنـد بطاوا» در هزار نامه هندیان ;۱۰ ـ «شماخیل» در ارماطس ;۱۱ ـ «خورانـد» در جاویدان ;۱۲ ـ «خجسته» (احمد) در کندرال فرنگیان ;۱۳ ـ «خسـرو» در کتاب مجوس ;۱۴ ـ «میزان الحق» در کتـاب اثری پیغمبر ;۱۵ ـ «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان ;۱۶ ـ «فردوس اکبر» در کتاب قبروس رومیان ;۱۷ ـ «کلمةُ الحقّ» در صـحیفه آسمانی ;۱۸ ـ «لِسانِ صدق» هم در صـحیفه آسمانی ;۱۹ ـ «صـمصام الاکبر» در کتاب کندرال ;۲۰ ـ «بقیـة اللّه» در کتـاب دوهر ;۲۱ ـ «قـاطع» در کتـاب قنطره ;۲۲ ـ «منصـور» در کتـاب دیـد براهمه ;۲۳ ـ «ایسـتاده» (قـائم) در کتاب شاکمونی ;۲۴ ـ «ویشنو» در کتـاب ریگ ودا ;۲۵ ـ «فرخنـده» (محمّـد) در کتاب وشن جوک ;۲۶ ـ «راهنمـا» (هادی و مهـدی) در کتاب پاتیکل ;۲۷ ـ «پسـر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن ;)۲۸ ـ «سوشـیانس» در کتاب زند و هومو من یسن، از کتب زردتشیان ;۲۹ ـ در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس «مانویه» ترجمه «مولر» نام «خود شـهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند، و عدالت را در جهان آشـکار سازد ;۳۰ ـ «فیروز» (منصور) در کتاب شـعیای پیامبر.([۸]) علاوه بر این ها اسامی دیگری نیز برای حضـرت مهدی(علیه السـلام)در کتب مقدّسه اهل ادیان ذکر شده است که ما به جهت اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم.([۹]) اسـامی مقدّسـی چون: «صـاحب، قائم، قاطع، منصور و بقیـة اللّه» که در کتب مـذهبی ملل مختلف آمـده است، از القاب خاصّ وجود مقـدّس حضـرت حجّت بن الحسن العسـکری ـ عجّـل اللّه تعـالی فرجه الشـریف ـ است که در بیشتر روایـات اسـلامی، به آنها تصـریح شـده و ائمّه معصومین(علیهم السـلام) در اکثر روایات، از آن حضـرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیـة اللّه» یاد کرده اند. نگاهی کوتاه به کتابهای مـذهبی اهل ادیان این امر را به خوبی نشان می دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و بیـدادگری همه جهـان را فراگیرد، و جنگهـای خانمـان سوز و ویرانگر مردمان جهان را به سـتوه آورد و زمامـداران جهان از اداره اُمور کشورهـا عـاجز و نـاتوان گردنـد و برای خـاموش کردن آتش فتنه هـا و جنگها راه چاره ای نیابنـد، در چنین موقعیّت حساس و بحرانی یـک مصلح بزرگ جهـانی، با اتّکا به قـدرت لایزال الهی قیام خواهـد کرد، و به یک اصـلاح عمومی در تمام جهان دسـت خواهـد زد و زورگویان، زورمـداران و قـدرت طلبان افسار گسـیخته عالم را سـر جای خود خواهـد نشانـد و به همه بـدبختیها و تیره روزی ها و گرفتاری های بشریّت خاتمه خواهد داد.

پاسخ(قسمت دوم)

خوشـبختانه هنگامی که به ادیان آسـمانی مراجعه می کنیم، کتب آسـمانی را سراسـر مملوّ از امیـد، و سـرشار از نویدهای بهروزی و وعده های ظهور آن «مصـلح جهانی» می بینیم، و شاید برای برخی کمی تعجّب آور باشد که در تمام ادیان و مذاهب بزرگ جهان، اعم از وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و آیین مبین اسلام . . . از مصلحی که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهـد داد و شالوده حکومت واحـد جهانی را، بر اساس عـدالت و آزادی بنیان خواهد نهاد، گفتگو شده و برتر و بالاتر از همه، نوید ظهور آن مصلح بزرگ جهان، به خصوص در اسلام و قرآن نیز، به صورتی جامع تر، کامل تر، عمیق تر و جـدی تر، مطرح شده است. و جای بسـی خرسـندی است که اکثریّت قریب به اتّفاق نویدهایی که در رابطه با ظهور «مصـلح بزرگ جهانی» در کتابهای آسـمانی آمـده است ـ اگر نگوییم همه آنها ـ تنها با وجود مقـدّس مهدی موعود(علیه السـلام)، آخرین بازمانده حجت الهی از امامـان معصوم شـیعه مطابقت دارد. آری ای عزیز ! نویـدهای مصـلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور مبارک حضـرت مهدی(علیه السـلام) علاوه بر قرآن مجید در تمام کتب مذهبی اهل ادیان مانند: کتاب زند، کتاب جاماسب، کتاب شاکمونی، کتاب

جوک، کتاب دید براهمه، کتاب باسک، کتاب پاتیکل، کتاب دادنگ، کتاب ضفینای نبی، کتاب اشعیاء، کتاب وحی کودک، کتاب حُکی نبی، کتاب مکاشفات یوحنای لاهوتی، کتاب دانیال نبی، انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، و سایر کتابها و الواح ذکر شده، و در همه این کتابها نویدها و بشارتهای ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) به عبارات و مضامینی که همه اصالت و حقیقتِ «مهدویّت» را تأیید می کنند، و آن را یک عقیده عمومی مشترک بین همه اُمّتها و ملّتها می دانند، به روشنی بیان شده است. اگر چه غیر از قرآن مجید، همه کتابهای دیگر آسمانی مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته است، ولی باز هم مطالبی در آنها دیده می شود که از دستبرد دگران مصون مانده، و در آنها عبارات و جملاتی از آمدن «مصلح جهانی» به چشم می خورد. جالب توجّه این که: در تمام کتابهای مقدّسی که در میان اهل ادیان، به عنوان کتابهای آسمانی شناخته شده و آورندگان آن کتابها به عنوان پیامبر، شناخته می شوند، تصریحات زیادی به «مهدی موعود» شده است. هر چند که ما این کتابها را به عنوان «کتاب آسمانی» نمی دانیم، و یقین نداریم که آورندگان آنها پیامبر بوده اند، بلکه معتقدیم که آنها یا «پیامبر» بوده اند، یا این مطالب را از کتابها و تعلیم پیامبران گذشته اقتباس کرده اند، ولی شگفت آور است که در برخی از این کتابها، بعضی از القاب خاص و اسامی مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) و حتّی سلسله «نسبی» آن حضرت و این که وی از سلاله پاک پیغمبر آخر الزمان، و از فرزندان دختر آن پیغمبر، و آخرین جانشین آن حضرت است، نیز مشخص گردیده است. اینک برای اثبات این مدّعا قسمتی از نویدها و بشارتهای ظهور مهدی موعود(علیه السلام) را که در کتب مذهبی اهل ادیان آمده است، از کتب مقدّسه هندیان، یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتابهایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده، نقل می کنیم، تا اصالت مسأله «مهدویت» و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) به خوبی روشن شود. مهدی موعود(علیه السلام) در کتب مقدسه هندیان در کتابهای مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته می شوند، تصریحات زیادی به وجود مقدّس مهدی موعود(علیه السلام) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آنها از نظر خوانندگان گرامی می گذرد. الف) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب اوپانیشاد در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود(علیه السلام) چنین آمده است: «این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلّی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود، و شریران را تماماً هلاک می سازد، و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد . . . این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد».([۱۰]) با اندک تأملی در جملات بشارت فوق، ظاهر می شود که مقصود از «مظهر ویشنو» همان وجود مقدّس حجه بن الحسن العسکری(علیه السلام) است ;زیرا طبق روایات متواتر اسلامی آن حضرت در آخر الزمان و در پایان جهان، ظهور خواهد نمود و با شمشیر قیام خواهد کرد، و تمامی جباران و ستمگران روی زمین را از بین خواهد برد، و در دوران حکومت آن مظهر قدرت خداوندی، جهان، آفرینش نوینی خواهد یافت. « مهدی(علیه السلام) بر اسب دست و پا سفیدی سوار است» این عنوان که در دومین فراز بشارت کتاب «اوپانیشاد» آمده است، در اخبار معصومین(علیهم السلام) بدان اشاره شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می آوریم: در حدیثی از حضرت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) روایت شده که در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) و به هنگام حرکت آن حضرت از نجف به سوی مسجد سهله فرموده است: «کَأنِّی بِهِ وَ قَدْ عَبرَ مِنْ وادِی السّلام إلی مَسْجِدِ السَّهْلَهِ عَلی فَرَس مُحَجَّل لَهُ شِمْراخٌ یُزهِو وَ هُوَ یَدْعُو و یقول فی دعائِهِ...».([۱۱]) «گویی او را با چشم خود می بینم که در نزدیکی نجف از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله پیش می رود در حالی که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است که پیشانی سفید و درخشنده ای دارد، و همه درخشندگی آن را چون چراغ و ستاره می بینند و او در آن حال دعا می خواند . . .» ب) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «باسک» در کتاب «باسک» که از کتب مقدّسه آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) چنین آمده است. «دور دنیا تمام

شود به پادشاه عادلی در آخر الزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را بدست آورد، و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید».([۱۲]) ج) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «پاتیکل» در کتاب «پاتیکل» که از کتب مقدّسه هندیان می باشد و صاحب این کتاب از اعاظم هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) چنین آمده است: «چون مدّت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر». یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد. و نام آن صاحب ملک تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود، و خلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام». و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سراندیب و قبر بابا آدم(علیه السلام) و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بتخانه «سومنات» را خراب کند. و «جگرنات»([۱۳]) بفرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند».([۱۴]) از آنجا که در این بشارت، الفاظ و تعابیری به کار رفته است که امکان دارد برای بعضی از خوانندگان نا مفهوم باشد بعضی از آنها را جهت روشن تر شدن مطلب توضیح می دهیم: ۱ ـ مقصود از «ناموس آخر الزمان»، ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم حضرت محمّد بن عبدالله(صلی الله علیه وآله وسلم) است. ۲ ـ پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام) است. ۳ ـ صاحب ملک تازه، آخرین حجّت خداوند حضرت ولی عصر(علیه السلام) است و راهنما، نام مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) است که بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نام مقدّس وی نیز، هادی و مهدی و قائم به حق است. ۴ ـ کلمه «رام» به لغت «سانسکریتی» نام اقدس حضرت احدیت (خدا) است. ۵ ـ این جمله «هر که به او پناه برد، و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد» صریح است در این که، حضرت مهدی(علیه السلام) جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش، اسلام، دعوت می کند. ۶ ـ سومنات ـ بنا به نوشته علاّمه دهخدا، در کتاب لغت نامه بتخانه ای بوده است در «گجرات». و گویند: سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد، و «منات» را که از بتهای مشهور است و در آن بتخانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندوی است که مفرّس شده و آن نام بتی بود، و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است: نمونه قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر را گویند، و نات، تعظیم است. برای اطلاع بیشتر به لغت نامه دهخدا، ماده «سومنات» مراجعه فرمایید. ۷ ـ و اما «جگرنات» به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند. د) بشارت ظهور حضرت بقیة اللّه(علیه السلام) در کتاب «وشن جوک» در کتاب «جوک» که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می دانند، در باره بشارت ظهور حضرت «بقیة الله»- ارواحنا فداه - و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، چنین آمده است: «آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزادهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند».([۱۵]) دو کلمه «فرخنده» و «خجسته» در عربی به (محمّد و محمود) ترجمه می شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه - می باشد، و شاید هم اشاره به «محمّد» و «احمد» باشد ;زیرا در روایات اسلامی وارد شده است که حضرت مهدی- ارواحنا فداه - دو نام دارد، یکی مخفی و دیگری ظاهر است، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است «محمّد» می باشد. هـ) بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) در کتاب «دید» در کتاب مقدسه هندیان است بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه - چنین آمده است: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود در آورد، و همه کس را از

مؤمن و کافر بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد بر آید».([۱۶]) در برخی از روایات اسلامی، ائمّه معصومین(علیهم السلام) «منصور» را یکی از اسامی مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه - خوانده، و آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً فَلا يُسرِفْ فِي القَتلِ اِنَّهُ كانَ مَنْصوراً»([۱۷]) (هر انکه مظلوم کشته شود ما برای ولیاو حق - قصاص - قرار دادیم ،پس در کشتن اسراف نمیکند ، همانا او یاری شده است .) را به آن حضرت تفسیر نموده اند که آن یگانه باز مانده حجج الهی، ولیّ خون مظلومان و منصور و مؤیّد من عند الله است. و در همین رابطه در ضمن حدیثی از امام باقر(علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «القائِمُ مِنّا مَنصُورٌ بالرُّعْبِ، مُؤيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطوى لَهُ الأرضُ، وَ تَظهَرُ لَهُ الكُنُوزُ، وَيبلغ سُلطانُهُ المَشرِقَ وَ المَغرِبَ».([۱۸]) «قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری می شود، و با نصرت الهی تأیید می گردد، زمین زیر پایش پیچیده می شود، و گنجهای زمین برای او ظاهر می شود، ودولت او به شرق و غرب عالم می رسد». و) بشارت ظهور حضرت قائم(علیه السلام) در کتاب «دادتگ» در کتاب «دادتگ» که از کتب مقدّسه برهمائیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت «قائم- ارواحنا فداه - » چنین آمده است: «بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدّی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی رحم شوند، و رعیّت بی انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتاطا»([۱۹]) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا (همه جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و خلایق را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و]او[غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند».([۲۰]) آنچه در این بشارت و بشارتهای قبلی در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه - آمده است، اکثر آنها بدون کم و کاست با روایات اسلامی منطبق است، و ممکن است ;برخی تصوّر کنند که شاید بعضی از مطالب این پیشگویی کمی اغراق آمیز است، ولی باید توجّه داشت که همه فرازهای این پیشگویی که در ضمن، تعدادی از علایم ظهور را نیز بر شمرده است در بسیاری از روایات اسلامی آمده و حتّی در دو حدیث بسیار مفصّل و طولانی که از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق(علیه السلام) در مورد حوادث قبل از ظهور از آن دو بزرگوار نقل شده به تفصیل سخن رفته است که ما به جهت اختصار از نقل آنها صرف نظر می نماییم، و علاقه مندان می توانند به منابعی که در پاورقی آورده ایم، مراجعه فرمایند.([۲۱]) ز) بشارت ظهور حضرت حجة اللّه(علیه السلام) در کتاب «ریگ ودا» در کتاب «ریک ودا» که یکی از کتب مقدّسه هند است، بشارت ظهور حضرت حجة الله- ارواحنا فداه - چنین آمده است: «ویشنو، در میان مردم ظاهر می گردد . . . او از همه کس قوی تر ونیرومندتر است . . . در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید».([۲۲]) در این بشارت، از ظهور انسانی ممتاز و با عظمت و برخی از نشانه های ظهور وی سخن رفته است که در وقت ظهور با شمشیر آتشبار که بسان ستاره دنباله دار است، قیام می کند. و این تعبیر (یعنی: قیام با شمشیر) تعبیر دقیق و لطیفی است که مضمون آن در رابطه با ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) در احادیث اسلامی نیز آمده است. ح) بشارت ظهور آخرین حجّت خدا(علیه السلام) در کتاب «شاکمونی»: در کتاب «شاکمونی» که از کتب مقدّسه هندیان می باشد و به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است، بشارت ظهور آخرین حجّت خدا حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه - چنین آمده است: «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سیّد خلایق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جنّ و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «استوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد، و نام او «ایستاده» باشد، و خداشناس باشد».([۲۳]) «گشن» در لغت هندی نام پیامبر اسلام(صلی

الله علیه وآله وسلم) است که در این بشارت فوق، فرزند برومند وی را به نام «ایستاده» و «خدا شناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم(علیه السلام)» و حضرت مهدی- ارواحنا فداه - می خوانند.

پاسخ(قسمت سوم)

و امّا موضوع سوار شدن آن حضرت بر ابرهای آسمان که در این بشارت آمده است، یکی از بزرگترین امتیازات آن موعود مسعود است که نه تنها در بشارت فوق و مکرّراً در بشارتهای انجیل از آن سخن رفته است ;بلکه در روایات متواتره اسلامی نیز به صورت یک امر جدّی و خارق العاده مطرح گردیده است. زیرا پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان معصوم(علیهم السلام) در مواردی که از ظهور مبارک آن ولی مطلق الهی سخن رانده اند، سیر و حرکت آن مصلح بزرگ جهانی را در ایّام ظهور خارق العاده دانسته، و به پیروان خود مژده داده اند که حضرت مهدی(علیه السلام) با قدرت و جلال در حالی که بر ابرهای آسمان سوار است، ظهور خواهد فرمود. اینک برای اثبات این مدّعا و دلگرمی منتظران ظهور آن یگانه منجی عالم، به چند نمونه از احادیث وارده اشاره می کنیم: ۱ ـ علاّمه مجلسی در ضمن حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده که آن حضرت فرمود: خداوند در شب معراج خطاب به من کرد و فرمود: . . . «. . . وَ لاَُطَهِّرَنَّ الأَرْضَ بِآخِرِهِمْ من أَعْدائی، وَ لاَُمَلِکَنَّهُ مَشارِقَ الأَرْضِ وَ مَغارِبَها، وَ لاُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّیاحَ، وَ لاَُذَلِلَنَّ لَهُ السَّحابَ الصِعاب، ولأرقینّهُ فی الأسباب، ولأنصرنّهُ بجندی، وَ لاُمِدَّنَّهُ بِمَلائِکَتِی، حتّی یُعْلِنَ دَعْوَتِی، وَیَجْمَعَ الخَلْقَ عَلی تَوحیدِی، ثُمَّ لاُدیمنّ مُلکَهُ، وَلاُداوِلَنَّ الأیّامَ بَیْنَ أوْلِیائِی إلی یَوْم القِیامَةِ».([۲۴]) «. . . و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم ;شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم ;بادها را به تسخیر او در می آورم ;ابرهای سخت و نا آرام را برای او رام می گردانم، برترین ابزارها را در اختیار او می گذارم، با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشتگانم او را مدد و تقویت می نمایم، تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. آنگاه دولت او را پایدار نموده و دوران حکومتش را تا پایان روزگار بین دوستانم جاودانه می سازم». ۲ ـ در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «أما إنّ ذا القَرْنَیْنِ قَدْ خُیِّرَ السَّحابَیْنِ، فَاختارَ الذَّلُولَ وَ ذَخَرَ لِصاحِبِکُمُ الصَّعْبَ. فَقِیلَ لَهُ: وَ ما اَلصَّعْبُ؟ فَقالَ: ما کانَ مِنْ سَحاب فِیهِ رَعْدٌ وَصاعِقَةٌ وَ بَرْقٌ، فَصاحِبُکُمْ یَرْکَبُهُ!. أما إنَّهُ سَیَرْکَبُ السَّحابَ، وَ یَرْقَی فِی الأسبابِ: أسبابِ السَّماوات السَّبْعِ وَ الأَرَضِینَ السَّبع».([۲۵]) «ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری ابر نا آرام، و او ابر رام را برای خود بر گزید و ابر نا آرام را برای صاحب شما نگه داشت. گفته شد: ابر نا آرام چیست؟ فرمود: ابری که با رعد و برق و غرّش باشد، که صاحب شما سوار بر آن خواهد شد. آری ! صاحب شما سوار ابر می شود، همه اسبابها و ابزارها را زیر پا می گذارد، اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را». بشارات ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «تورات» در کتاب «تورات» که از کتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آنها است، بشارات زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخر الزمان آمده است که چون مضمونهای آن بشارات در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسلامی به صورت گسترده ای وارد شده و نشان می دهد که مسأله «مهدویّت» اختصاص به اسلام ندارد، قسمتی از آن بشارات را در اینجا می آوریم، و برخی از نکات آنها را توضیح می دهیم تا موضوع تشکیل حکومت واحد جهانی، و تبدیل همه ادیان و مذاهب مختلف به یک دین و آیین مستقیم، برهمگان روشن شود. گفتنی است که چون در کتاب «عهد عتیق» (یعنی: تورات و ملحقات آن) همچون کتاب انجیل، از بازگشت و رجعت حضرت عیسی (علیه السلام)سخن به میان آمده است و این مطلب، رابطه مستقیم با ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)دارد، در ضمن بشارات ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)، فرازهایی از «تورات» را آورده ایم تا دانسته شود که قوم یهود نیز بر اساس آنچه در کتابهای مذهبی خودشان آمده است همچون مسلمانان به «رجعت» و بازگشت حضرت مسیح(علیه السلام)معتقدند. و در این باره تردید

ندارنـد که بالاـخره روزی فرا می رسـد که حضـرت عیسای روح الله(علیه السـلام)به زمین باز می گردد و برخی از آنها را تنبیه و از برخی دیگر انتقـام می گیرد، هر چنـد کـه بسـیاری از آنـان بر اثر آیـات و معجزاتی کـه از حضـرت مهـدی(علیـه السـلام)و عیسـای مسیح(علیه السلام)می بینند ایمان آورده و تسلیم می شوند و در برابر حق خاضع و خاشع می گردند. اینک به قسمتی از بشاراتی که در «تورات» و ملحقـات آن آمـده است، توجّه فرماییـد: الف) بشـارت ظهور حضـرت مهـدی(علیه السـلام) در «زبور داوود» در زبور حضـرت داود(علیه السـلام) که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی در باره ظهور حضرت مهدی(علیه السـلام) به بیانهـای گونـاگون داده شـده است و می توان گفت: در هر بخشـی از «زبور» اشـاره ای به ظهور مبـارک آن حضـرت، و نویـدی از پیروزی صالحان بر شـریران و تشـکیل حکومت واحـد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاویـد و مسـتقیم، موجود است. و جالب توجّه این که، مطالبی که قرآن کریم در باره ظهور حضـرت مهدی(علیه السـلام) از «زبور» نقـل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود و از دست برد تحریف و تفسـیر مصون مانـده است. قرآن کریم چنین می فرمایـد: (وَلَقَدْ کَتَبْنـا فِی الزَّبورِ مِنْ بَعْـدِ الـذِّکْرِ أَنَّ الاَـرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحوُنَ).([۲۶]) «مـا علاـوه بر ذکر (تـورات) در «زبور» نوشـتیم که]در آینـده[بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد». مقصود از «ذکر» در این آیه شـریفه، تورات موسـی(علیه السـلام) است که زبور داود(علیه السـلام)پیرو شـریعت تورات بوده است. این آیه مبارکه از آینده درخشانی بشارت می دهد که شـرّ و فساد به کلّی از عالم انسانی رخت بر بسته، و اشـرار و سـتمکاران نابود گشـته اند، و وراثت زمین به افراد پاک و شایسـته منتقل گردیده است. زیرا کلمه «وراثت و میراث» در لغت، در مواردی اسـتعمال می شود که شـخص و یـا گروهی منقرض شونـد و مال و مقام و همه هستی آنها به گروهی دیگر به وراثت منتقل شود. به هر حال، طبق روایات متواتره اسـلامی ـ از طریق شیعه و سنّی ـ این آیه شریفه مربوط به ظهور مبارک حضـرت مهدی(علیه السـلام) می باشد، و قرآن کریم این مطلب را از زبور حضـرت داود (علیه السلام) نقل می کند، و عین همین عبـارت در زبور موجود است. و اینک متن زبور: «(۹) زیرا که شـریران منقطع می شوند. امّا متوکّلان به خداوند، وارث زمین خواهنـد شد. (۱۰) و حـال انـدکست که شـریر نیست می شـود که هر چنـد مکـانش را جسـتجو نمـایی ناپیـدا خواهـد بـود (۱۱) امّا متواضـعان وارث زمین شـده از کثرت سـلامتی متلـذّذ خواهند شد (۱۲) شـریر بخلاف صادق افکار مـذمومه می نمایـد، و دندانهای خویش را بر او می فشـارد (۱۳) خداونـد به او متبسّم است چون که می بینـد که روز او می آیـد (۱۴) شـریران شمشیر را کشیدند و کمـان را چلّه کردنـد تـا آن که مظلوم و مسـکین را بیندازنـد، و کمانهای ایشان شکسـته خواهـد شـد (۱۶) کمی صـدّیق از فراوانی شریران بسـیار بهتر است. (۱۷) چـون که بازوهـای شـریران شکسـته می شود و خداونـد صـدّیقان را تکیه گـاه ا ست (۱۸). خداوند روزهای صالحان را می دانـد و میراث ایشان ابـدی خواهد بود (۱۹) در زمان «بلا» خجل نخواهندشـد، و در ایّام قحطی سـیر خواهند بود (۲۰) لکن شـریران هلاـک خواهنـد شـد، و دشـمنان خداونـد، مثـل پیه برّه ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهنـد شـد (۲۲;) زیرا متبرّکان خداونـد، وارث زمین خواهنـد شـد، امّا ملعونان وی منقطع خواهند شد (۲۹) صـدّیقان وارث زمین شـده، ابداً در آن ساکن خواهند شد (۳۴) به خداونـد پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شـریران این را خواهی دید (۳۸) امّا عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد».([۲۷]) در فصل دیگر می فرماید: «. . . قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجـد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنّم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آیـد. ربع مسـکون را به انصـاف داوری خواهـد کرد. و قومهـا را به امـانت خود».([۲۸]) و از جملـه در مزمـور ۷۲ در مورد پیـامبر بزرگوار اسلام و فرزند دادگسترش حضرت مهدی(علیه السلام)، چنین می فرماید: «(۱) ای خدا ! شرع و احکام خود را به «ملک»، و عـدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما (۲) تـا این که قوم تو را به عـدالت و فقرای تو را به انصاف حکم نمایـد (۳) به قوم کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند (۴) فقیران قوم را حکم نماید، و پسران مسکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند (۵) تا باقی ماندن

ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند (۶) بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار ـ که زمین را سیراب می گرداند ـ خواهد بارید (۷). و در روزهایش صدّیقان شکوفه خواهد نمود، و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود (۸) از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود (۹) صحرا نشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید (۱۰). ملوک طرشیش و جزیره ها، هدیه ها خواهند آورد، و پادشاهان شبا و سبا پیشکشها تقریب خواهند نمود (۱۱) بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود، و تمامی اُمم او را بندگی خواهند کرد (۱۲) زیرا فقیر را وقتی که فریاد می کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد (۱۳) و به ذلیل و محتاج ترحّم خواهد فرمود و جانهای مسکینان را نجات خواهد داد (۱۴) جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود (۱۵) و زنده مانده از شبا به او بخشیده خواهد شد (۱۶) در زمین به سر کوهها مشت غلّه کاشته می شود که محصول آن مثل اسنان متحرّک شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود (۱۷). اسم او ابداً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت (۱۹) بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود (۲۰) دعای داود پسر یسیّ تمام شد».([۲۹]) ب) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «اشعیای نبی» در کتاب «اشعیای نبی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارت فراوانی در مورد ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) آمده است که جهت استدلال به کتاب مزبور، نخست فرازی از آن بشارت ها را نقل نموده، و برخی از نکات آن را توضیح می دهیم تا معلوم شود که مسلمانان در باره عقیده به ظهور یک مصلح جهانی تنها نیستند، بلکه همه اهل کتاب در این عقیده با مسلمانان اشتراک نظر دارند. در فرازی از بشارت کتاب اشعیا چنین آمده است: «و نهالی از تنه «یسیّ»([۳۰]) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد نمود و بر وفق سمع گوشهای خویش، تنبیه نخواهد نمود ;بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود . . . کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت. و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد، و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت، و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد ;زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند».([۳۱]) منظور از «نهالی که از تنه یسیّ خواهد رویید» ممکن است یکی از چهار نفر از شخصیّت های بزرگ روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی و حضرت حجّت بن الحسن العسکری(علیهم السلام)باشند ;ولی دقّت و بررسی کامل آیات فوق نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیست ;بلکه همه آن بشارتها ویژه قائم آل محمّد(علیهم السلام)است ;زیرا حضرت داوود و سلیمان(علیهما السلام)فرزندان پسری یسیّ، و حضرت عیسی بن مریم(علیه السلام)نواده دختری وی، و قائم آل محمّد(علیه السلام)نیز از جانب مادرش جناب نرجس خاتون ـ که دختر یشوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی(علیه السلام) بوده، و نسب شریفش به شمعون صفا، وصیّ حضرت عیسی(علیه السلام)می رسد ـ نواده دختری «یسیّ» می باشد. در فرازی از این بشارت چنین آمده است: «موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خود تنبیه نخواهد نمود» و این جمله، اشاره به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می کند و نیازی به شاهد و بیّنه ندارد و از کسی گواهی نمی طلبد چنان که در روایات اسلامی آمده است که: «یحکم بحکم داود ومحمّد(صلی الله علیه وآله وسلم)» یعنی به حکم حضرت داود و دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حکم می کند و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می نماید.([۳۲]) و در فراز

دیگری از آن بشارت آمده است که، در زمان حکومت حقه و دوران حکومت عدالت پیشه او «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید ... و گوساله و شیر پرواری با هم، و ... ضرر و فسادی نخواهند کرد»، این جمله نشان می دهد که در زمان ظهور مبارک آن موعود آسمانی، عدل و داد آن چنان گسترش می یابد که جانوران و درندگان با هم سازش می کنند و در کنار یکدیگر قرار می گیرند و خوی بهیمیّت و درندگی را از دست می دهند، و زیان و ضرر به هیچ یک از موجودات نمی رسانند چنان که در اخبار و احادیث آمده است: «وَ تَصْطَلِحُ فِی مُلْکِهِ السِّباع، وَ اصْطَلَحَتِ السِّباع، و تأمَنُ الْبَهائم».([۳۳]) در حکومت او درندگان خوی توحش رها کرده و با یکدیگر سازش می کنند و حیوانات اهلی احساس امنیت می نمایند. و در آخرین فراز از بشارت مزبور آمده است: «جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند»، این مطلب نشانگر این واقعیّت است که در عهد با سعادت آن موعود آسمانی چنان تحوّل عظیم علمی و فرهنگی به وجود می آید که همه مردمان به خدای یگانه ایمان می آورند. درهای رشته های گوناگون علوم و دانش به روی انسانها گشوده می شود، سطح معلومات بشری بالا می رود، راهی را که بشریّت در طول تاریخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده در زمان کوتاه می پیماید، عقلها کامل و اندیشه ها شکوفا می گردد، و کوته بینی ها و تنگ نظری ها از بین می رود، و انسانها به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می رسند و به تمام ناکامیها، شکستها، ستمها، نادانیها و بدبختی ها پایان می دهند، و زندگی شرافتمندانه تازه ای را آغاز می نمایند. در بشارت دیگری نیز در کتاب «اشعیاء» در مورد ظهور قائم آل محمّد(علیه السلام)چنین آمده است: «و در ایّام آخر واقع خواهد شد . . . جمیع اُمّتها به سوی آن روان خواهند شد . . . او اُمّتها را داوری خواهد نمود، و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد . . . اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت».([۳۴]) آنچه از این بشارت فهمیده می شود این است که پس از قیام شکوهمند مهدی موعود(علیه السلام) جمیع اُمّتها به سوی او روی خواهند آورد. و او همه مردم جهان را از هر رنگ و نژادی که باشند و هر دین و مذهبی که داشته باشند در زیر یک پرچم که دین اسلام و توحید باشد گرد خواهد آورد، و گروه بسیاری را تنبیه خواهد نمود، و در پرتو اجرای عدالتش، و در میان مردم به قضاوت داودی داوری خواهد نمود، و بر اساس حق و واقع قضایا را حل و فصل خواهد کرد، که سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت دیگر اُمّتی بر اُمّتی شمشیر نخواهد کشید، و بار دیگر جنگ و خونریزی و ناامنی بر جهان حکمفرما نخواهد بود، و همه مردمان در صلح، صفا، صمیمیّت و آسایش و آرامش در کنار هم زندگی خواهند نمود. در فرازی از بشارت های کتاب اشعیا آمده که در زمان آن حضرت، عدالت اجتماعی برقرار خواهد گردید و امنیّت عمومی به وجود خواهد آمد به گونه ای که مردم در صلح و صفا و صمیمیّت زندگی کنند و بهایم با هم سازش نمایند و در کنار هم با آسودگی بیاسایند: «آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد، و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید. و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابد الآباد. و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد».([۳۵])

پاسخ(قسمت چهارم)

در فراز دیگری از بشارت های کتاب اشعیای نبی آمده که در آن زمان، بساط ظلم و ستم برچیده خواهد شد، و عدالت گسترش خواهد یافت، و فقر اقتصادی از میان خواهد رفت و نیازمندیهای مادی و معنوی مردم تأمین خواهد گردید، و همگان به اخلاق حمیده اسلامی آراسته خواهند شد، و پرده های ظلمت و تاریکی به کنار خواهد رفت، و مردمان در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد: «برگزیدگان من، از عمل دستهای خود تمتّع خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید; زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریّت ایشان با ایشان اند. و قبل از آن که بخوانند من جواب خواهم داد، و پیش از

آن که سخن گویند من خواهم شنید. گرگ و برّه با هم خواهند چرید، و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد، و خوراک مار خاک خواهد بود، خداوند می گوید که در تمامی کوه مقدّس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد».([۳۶]) ج) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب بوئیل نبی در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) و نزول حضرت عیسی(علیه السلام) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز، چنین آمده است: «آن گاه جمیع امّت ها را جمع کرده به وادی «یهوشافاظ»([۳۷])فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل]را[محاکمه خواهم نمود، زیرا که ایشان را در میان امّت ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند».([۳۸]) و در جای دیگر از همین کتاب چنین آمده است: «ای همه اُمّتها ! بشتابید و بیایید و از هر طرف جمع شوید ای خداوند شجاعان ! خود را به آنجا فرود آور. اُمّتها بر انگیخته شوند. به «وادی یهوشافاظ» بر آیند ;زیرا که من در آنجا خواهم نشست تا بر همه اُمّتهایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم».([۳۹]) و در همین زمینه در کتاب «عاموس نبی» آمده است که می گوید: «بنابر این، ای اسرائیل ! به این طور با تو عمل خواهم نمود، و چون که به این طور با تو عمل خواهم نمود پس ای اسرائیل ! خویشتن را مهیّا ساز تا با خدای خود ملاقات نمایی».([۴۰]) این فرازها ـ همچنان که ملاحظه می شود ـ از نزول حضرت عیسی(علیه السلام) و داوری آن حضرت در «یوم الله ظهور» خبر می دهند. و در همین رابطه، در کتاب «هوشیع نبی» در مورد بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام)خطاب به قوم یهود آمده است: «و من برای افرایم([۴۱]) مثل شیر و برای خاندان یهودا ([۴۲])مانند شیر ژیان خواهم بود. من خودم خواهم درید و رفته خواهم ربود و رهاننده نخواهد بود. من روانه شده به مکان خود خواهم برگشت تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند، در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید».([۴۳]) د) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «زکریای نبی» در کتاب زکریای نبی ـ که یکی از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی عالم چنین آمده است: «اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد. و جمیع اُمّتها را به ضدّ اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد، و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود، و زنان را بی عصمت خواهند کرد، و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت، و بقیّه قوم از شهر منقطع خواهند شد. و خداوند بیرون آمده با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنان که در روز جنگ مقاتله نمود، و در آخر آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد . . . و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود . . . و یَهْوه (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یَهْوهٔ واحد خواهد بود و اسم او واحد».([۴۴]) در اینجا لازم است این نکته را توضیح دهیم که در کتب عهدین (یعنی تورات و انجیل) کلمه «خداوند» بیشتر در مورد حضرت عیسی(علیه السلام) به کار می رود، که در اینجا نیز چنین شده است. و جالب این که در این فراز بشارت که از تورات نقل کردیم، محل فرود آمدن حضرت عیسی و یوم الله بودن آن روز و جهانی شدن اسلام و سقوط رژیم اشغالگر قدس دقیقاً با روایات اسلامی مطابقت دارد. البته باید توجّه داشت که طبق آیات کریمه قرآن مجید، مضمون این پیشگوییها یکبار در دوران گذشته در زمان بخت النصر انجام گرفته و یکبار دیگر طبق وعده های صریح قرآن کریم و نویدهای ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) در «یوم الله ظهور»، انجام خواهد گرفت، و نخستین قبله مسلمانان برای همیشه از اشغال یهودیان رهایی خواهد یافت و در تمامی جهان خدای یکتا را پرستش خواهد نمود، و در تمامی نقاط زمین ندای دلنواز وحدت به گوش خواهد رسید. به هر حال، آنچه در این فراز در مورد سرنوشت یهودیان مغرور آمده است دقیقاً با روایات اسلامی منطبق است ;زیرا از احادیث چنین استفاده می شود که ملّت یهود به علّت طغیان و سرکشی و فسادی که در زمین ایجاد می کنند سرانجام تار و مار خواهند شد به گونه ای که حتّی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند. اینک برای آن که به سرنوشت شوم و ذلّت باری که طبق وعده الهی در انتظار قوم یهود و غدّه سرطانی اسرائیل غاصب است واقف شویم به برخی از روایاتی که در زمینه طغیان و سرکشی قوم

یهود، و هلاکت و نابودی آنها در «بیت المقدس» وارد شده، اشاره می کنیم: سرنوشت یهودیان مغرور ابن کثیر دمشقی در کتاب «البدایهٔ و النهایهٔ» در باره درگیری مسلمانان با یهود و این که این درگیری هر روز شدید و شدیدتر خواهد شد تا جایی که به پیروزی مسلمین و نابودی یهود منجر شود، در حدیثی از پیغمبر اکرم نقل کرده است که فرمود: «لا تقوم السّاعهٔ حتّی یقاتل المسلمون الیهود، فیقتلهم المسلمون حتّی یختبئ الیهودی من وراء الحجر و الشجر فیقول الحجر ـ أو الشجر ـ : یا مسلم ! یا عبدالله! هذا الیهودی من خلفی، فتعال فاقتله، إلّا الغرقد، فإنّه شجر الیهود».([۴۵]) «قیامت بر پا نمی شود تا این که مسلمانان با یهود به مبارزه برخیزند و آنها را بکشند تا جایی که اگر یک نفر یهودی در پشت سنگ یا درختی پنهان شود، آن سنگ یا درخت ـ به قدرت خدای تعالی به زبان آمده ـ بگوید: ای مسلمان ! ای بنده خدا ! این که خود را پنهان کرده است یهودی است، بیا او را به قتل برسان. مگر درخت «غرقد» که درخت یهود است و از معرفی یهودی خودداری می کند». اخراج یهود از سرزمینهای اسلامی علّامه مجلسی ـ اعلی الله مقامه ـ در کتاب نفیس «بحار الانوار» در باب رجعت، در این مورد که یهود و نصاری از سرزمینهای اسلامی اخراج خواهند شد در حدیثی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام)چنین نقل کرده است: «عن عبایهٔ الأسدی قال: سمعت أمیرالمؤمنین(علیه السلام) و هو متّکِئ و أنا قائم علیه: لأبنین بمصر منبراً منیراً، و لأنقضنّ دمشق حجراً حجراً، و لأخرجنّ الیهود و النّصاری من کلّ کور العرب، و لأسوقنّ العرب بعصای هذه. قال: قلت له: یا أمیر المؤمنین! کأنّک تخبر أنّک تحیی بعد ما تموت! فقال: هیهات یا عبایهٔ ! ذهبت فی غیر مذهب، یفعله رجل منّی».([۴۶]) «عبایه اسدی گوید: امیرالمؤمنین(علیه السلام) تکیه داده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم، در این هنگام شنیدم که فرمود: من در آینده در مصر منبری روشنی بخش بنیان خواهم نمود، و دمشق را ویران خواهم نمود، و یهود و نصاری را از سرزمینهای عرب بیرون خواهم راند، و عرب را با این عصای خود ـ به طرف حق ـ سوق خواهم داد. عبایه می گوید: من عرض کردم: یا امیر المؤمنین! گویی شما خبر می دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می شوید و این کارها را انجام می دهید! فرمود: هیهات ای عبایهٔ ! مقصود من از این سخنان آن گونه که تو خیال کردی نیست ;مردی از دودمان من اینها را انجام خواهد داد». از جمله آخر این حدیث که حضرت فرموده است: «این کارها را مردی از دودمان من انجام خواهد داد»، استفاده می شود که مقصود از او شخص امام قائم و حجّت منتظر(علیه السلام) است. صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل نویسنده کتاب «عقائد الامامیّه» در مورد قیام یهود در خاور میانه و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» در سرزمین فلسطین، و بالاخره متلاشی شدن حکومت آنان، با شرکت اعراب و مسلمین به کمک یکدیگر، و به ویژه ارتش نیرومندی که از طریق عراق برای سرکوبی یهود عازم فلسطین می شود. در حدیث بسیار جامع و جالبی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) چنین نقل کرده است: «قال أمیر المؤمنین(علیه السلام): وستأتی الیهود من الغرب لإنشاء دولتهم بفلسطین. قال النّاس: یا أبا الحسن! أنّی تکون العرب؟ أجاب(علیه السلام): أنذاک تکون مفکّکهٔ القوی، مفکّکهٔ العری، غیر متکاتفهٔ وغیر مترادفهٔ. ثمّ سئل(علیه السلام): أیطول هذا البلاء؟ قال: لا، حتّی إذا أطلقت العرب أعنّتها ورجعت إلیها عوازم أحلامها، عندئذ یفتح علی یدهم فلسطین، و تخرج العرب ظافرهٔ و موحّدهٔ، وستأتی النجدهٔ من العراق، کتب علی راياتها القوّهٔ، و تشترک العرب والإسلام کافّهٔ لتخلّص فلسطین، معرکهٔ و أیّ معرکهٔ فی جلّ البحر، تخوض النّاس فی الدماء و یمشی الجریح علی القتیل. ثمّ قال(علیه السلام): و ستفعل العرب ثلاثاً، وفی الرابعهٔ یعلم الله ما فی نفوسهم من الثبات والإیمان، فیرفرف علی رؤوسهم النصر. ثمّ قال: وأیم الله یذبحون ذبح النّعاج حتّی لا یبقی یهودیّ فی فلسطین».([۴۷]) «امیرمؤمنان(علیه السلام) فرمود: یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب ـ به منطقه عربی خاور میانه ـ خواهند آمد. عرضه داشتند: یا اباالحسن! پس عربها در آن موقع کجا خواهند بود؟ فرمود: در آن زمان عربها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آنها از هم گسیخته، و متّحد و هماهنگ نیستند. از آن حضرت سئوال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟ فرمود: نه، تا زمانی که عربها زمام اُمور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیمهای جدّی آنان دوباره تجدید شود آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد، و عربها پیروز و متّحد خواهند گردید، ونیروهای کمکی از ـ طریق ـ سرزمین عراق به آنان

خواهد رسید که بر روی پرچمهایشان نوشته شده: «القوّة»([۴۸]) و عربها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد ـ و با یهودیان خواهند جنگید ـ و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد که در اثر آن مردمان در خون شناور شده و افراد مجروح بر روی اجساد کشته ها عبور کنند. آنگاه فرمود: و عربها سه بار با یهود می جنگند، و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست همای پیروزی بر سرشان سایه می افکند. بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می شوند تا جایی که حتّی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند». هـ) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «حزقیال نبی» در این کتاب در مورد ظهور حضرت حجّت بن الحسن العسکری(علیهما السلام) و سرنوشت رژیم اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید، و اجرای احکام و حدود الهی در آن عصر درخشان، چنین آمده است: «. . . و امّا تو ای پسر انسان! خداوند یَهْوَه چنین می فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آیید. قربانی عظیمی که بر کوههای اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید. و خداوند یهْوه می گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جبّاران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان اُمّتها قرار خواهم داد و جمیع اُمّتها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که برایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود. و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد، خواهند دانست که یهْوه خدای ایشان، من هستم. و اُمّتها خواهند دانست که خاندان اسرائیل به سبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند ;زیرا که به من خیانت ورزیدند».([۴۹]) باید توجّه داشت که منظور از «پسر انسان» مانند کلمه «مسیح»، حضرت عیسی(علیه السلام)نیست; بلکه مراد از آن، حضرت مهدی(علیه السلام)است، زیرا در انجیل بیش از ۸۰ بار کلمه «پسر انسان» آمده است که تنها در ۳۰ مورد آن حضرت مسیح (علیه السلام)اراده شده است.([۵۰]) و) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب حجّی نبی در این کتاب نیز که یکی از کتابهای انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت «بقیة الله»(علیه السلام) بدین گونه آمده است: «یهْوه صبایوت چنین می گوید: یک دفعه دیگر ـ و آن نیز بعد از اندک زمانی ـ آسمانها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت، و تمامی اُمّتها را متزلزل خواهم ساخت، و فضیلت جمیع اُمّتها خواهد آمد . . . این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت . . . جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیمتر خواهد بود، و در این مکان سلامتی را خواهم بخشید».([۵۱]) ز) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «صفینای نبی» در این کتاب که یکی از کتب انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) چنین آمده است: «. . . خداوند در اندرونش عادل است و بی انصافی نمی نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می سازد و کوتاهی نمی کند، امّا مرد ظالم حیا را نمی داند. اُمّتها را منقطع ساخته ام که برجهای ایشان خراب شده است و کوچه های ایشان را چنان ویران کرده ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: کاشکه از من می ترسیدی و تأدیب را می پذیرفتی . . . بنابر این، خداوند می گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم ;زیرا که قصد من این است که اُمّتها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدّت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد ;زیرا که در آن زمان، زبان پاک به اُمّتها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه ـ خدا ـ را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند».([۵۲]) ح) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «دانیال نبی» در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) مطابق بشارات انبیای گذشته، چنین آمده است: «. . . امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که اُمّتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، امّا اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به

راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد. امّا تو ای دانیال ! کلام رامخفی دار و کتاب راتا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردّد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید ... خوشا به حال آن که انتظار کشد».([۵۳]) در این بشارت نکات چندی وجود دارد که برخی از آنها را به طور اختصار توضیح می دهیم: ۱ ـ شخص مورد بشارت که در نخستین فراز بشارت مزبور به عنوان «ایستاده» از او تعبیر شده است، قائم آل محمّد(علیهم السلام) است که بزرگترین نماینده انبیای الهی است، و دعوت تمام پیامبران خدا را یکجا در حکومت حقّه خود آشکار ساخته، آیین الهی را بر سرتاسر کره خاکی حکم فرما می نماید.

پاسخ(قسمت پنجم)

۲ ـ منظور از «زمان تنگی»، زمان بیدادگریها، سختیها، فشارها، ظلم و ستم هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می شود، چنان که در روایات اسلامی آمده است: «یَمْلَأُ الأرضَ قِسطاً و عَدلا کَما مُلِئت جوراً و ظلماً». ۳ ـ منظور از: «آنانی که در خاک زمین خوابیده اند»، گروهی از اموات می باشند که در دولت با سعادت حضرت مهدی(علیه السلام) زنده می شوند، و برخی از آنان از یاران آن حضرت می گردند و در رکاب حضرتش می جنگند و برخی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می رسند. در این زمینه، روایات بسیاری از ائمّه معصومین(علیهم السلام) رسیده است که ما به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می نماییم، و طالبین می توانند به کتابهای مربوطه که در مورد «رجعت» نگاشته شده، مراجعه فرمایند. بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «انجیل» بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح(علیه السلام)به دنبال قیام حضرت قائم (علیه السلام)در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی(علیه السلام)گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی ـ و شاید در طول دوران حیات ـ به یاران و شاگردان خود توصیه ها و سفارشهای اکیدی در باره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدّعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم. اینک متن برخی از آن بشارات که در انجیل آمده است: الف) انجیل متّی «پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی بینید؟ هر آینه به شما می گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این اُمور کی واقع می شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟ عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما راگمراه نکند. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، زنهار مضطرب مشوید ;زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی ها و وباها و زلزله ها در جایها پدید آید . . . آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید ;زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذبه ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی. اینک شما را پیش خبر دادم. پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید ;زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد . . . و فوراً بعد از مصیبت آن ایّام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوّتهای افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوّت و جلال عظیم می آید . . . پس از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه اش

نازک شده برگها می آورد می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک ـ بلکه بر در ـ است. هر آینه به شما می گویم . . . آسمان و زمین زایل خواهد شد ;لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد. امّا از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتّی ملائکه آسمان جز پدر من و بس ;لیکن چنان که ایّام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود . . . پس بیدار باشید ;زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند. لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معیّن خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد».([۵۴]) «امّا چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدّس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امّتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من ! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید».([۵۵]) «عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می گویم: شما که مرا متابعت نموده اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت».([۵۶]) ب) انجیل مَرْقُس «و چون او ـ عیسی ـ از هیکل بیرون می رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد ! ملاحظه فرما چه نوع سنگ ها و چه عمارتها است! عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارتهای عظیمه را می نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن که به زیر افکنده شود. و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود ... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟ آنگاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. امّا چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب مشوید ;زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که اُمّتی بر اُمّتی و مملکتی بر مملکتی خواهند بر خاست، و زلزله ها در جایها حادث خواهد شد و قحطی ها و اغتشاشها پدید می آید، و اینها ابتدای دردهای زه می باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید . . . ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود. مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاصّ مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید ! زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. امّا آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید !».([۵۷]) ج) انجیل لوقا «کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد . . . پس شما نیز مستعد باشید ;زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید».([۵۸]) «و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای اُمّتها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دلهای مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود، زیرا قوّت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می آید».([۵۹]) همان گونه که قبلا توضیح دادیم مقصود از «پسر انسان» حضرت مسیح(علیه السلام)نیست، زیرا مطابق نوشته مستر هاکس آمریکایی در «قاموس کتاب مقدّس» این عبارت ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است

که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسای مسیح(علیه السلام) قابل تطبیق است». و امّا ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی(علیه السلام) نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند ـ تبارک و تعالی ـ کسی اطّلاع ندارد، و او کسی جز حضرت مهدی(علیه السلام) آخرین حجّت خدا نخواهد بود. هـ) انجیل یُوحَنّا «و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند ;زیرا که پسر انسان است. و از این تعجّب مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری».([۶۰]) مکاشفه یُوحَنّا «و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد بر می آورد. و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سرو ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر. و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریخت و اژدها پیش آن زن ـ که می زایید ـ بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زایید که همه اُمّتهای زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهد کرد، و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد . . . و در آسمان جنگ شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند. ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مُسمّی است که تمام ربع مسکون را می فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند».([۶۱]) مفسّرین انجیل در مورد آیات فوق می گویند: شخص مورد بشارت در این آیات تاکنون قدم به عرصه وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آنها نیز موکول به زمان آینده و نامعیّنی است که وی ظاهر گردد. ولی با اندکی دقّت و تأمّل در آیات فوق این نتیجه به دست می آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیّت، و شخص ممتاز و بی نظیری است که به منظور ایجاد حکومت حقّه الهیّه و بر افکندن بنیاد اهریمنان، به ناچار مدّتی از انظار مردمان غایب خواهد گردید، و خداوند عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منجی انسانیّت را از دیدگان اشرار و شیاطین جنّی و انسی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی ـ آنگاه که خواست خداوند است ـ از پشت پرده غیبت ظاهر شده، با «عصای آهنین» بر بشریّت حکومت کند. در قسمت دیگری از مکاشفه یوحنّای لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)چنین آمده است: «و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید و چشمانش چون شعله آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی داند و جامه خون آلود ـ سرخ ـ در بر دارد و نام او را کلمه خدا می خوانند. ولشکرهایی که در آسمانند بر اسبهای سفید، و به کتان سفید و پاک ملبّس از عقب او می آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن اُمّتها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود . . . و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده می گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جبّاران . . .»([۶۲]) با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارده شده است می توان گفت: همه فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است. و) رساله پولس به رومیان «زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است».([۶۳]) «. . . و آن که برای حکمرانی اُمّتها مبعوث شود، امید اُمّتها بر وی خواهد بود».([۶۴]) این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احادیث اسلامی آمده است، و جالب توجّه این که: همان گونه که در بشارات تورات تذکّر دادیم در ترجمه عربی انجیل با تعبیر «قائم» آمده است، و تعبیر «حکمرانی اُمّتها» و «امید اُمّتها» جالب توجّه است. «زیرا این را به شما از کلام خدا می گوییم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست ;زیرا خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسیح اول خواهند بر خاست. آنگاه ما که زنده و باقی

باشیم با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود».([۶۵]) به طوری که خوانندگان عزیز ملاحظه می کنند این فراز از عهد جدید با روایات اسلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است: ۱ ـ نزول حضرت عیسی(علیه السلام) ۲ ـ صیحه آسمانی. ۳ ـ زنده شدن گروهی از افراد صالح. ۴ ـ آمدن او بر فراز ابر. ۵ ـ ربوده شدن یاران حضرت ولی عصر(علیه السلام) از محرابها و رختخوابهای خود، و انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها، همه این موارد در احادیث اسلامی آمده، و با این فقرات انجیل دقیقاً منطبق است.

پاسخ(قسمت ششم)

فراز دیگر از اناجیل را «عبدالله بن سلیمان» نقل کرده است که بسیار جالب است. او می گوید: من در اناجیل خواندم که خداوند به عیسی(علیه السلام) فرمود: «من تو را به سوی خود بالا می برم، سپس تو را در آخر زمان فرو می فرستم تا از اُمّت این پیامبر شگفتیها ببینی، و آنها را در کشتن دجّال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنها نماز بخوانی که آنها اُمّت مرحومه هستند».([۶۶]) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در منابع «زرتشتیان» در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) شده است که قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم: ۱ ـ در کتاب «زند» که از کتب مقدّسه زرتشتیان است در باره انقراض اشرار و وراثت «صلحا» که پس از درهم شکستن شوکت جبّاران و بیدادگران، زمام اُمور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گوید: «لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، امّا نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند ;چه، در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست».([۶۷]) ۲ ـ در بخش «گاتها» که یکی از بخشهای چهارگانه «اوستا» است (بندهای ۸ و ۹) نویدهائی در مورد ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده های أنبیاء در آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است: «و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای «مزدا» ! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند». ۳ ـ باز در همان بخش «گاتها» تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریّت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است: «کی ای «مزدا» ! بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزشهای فزایش بخش پرخرد رهانندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را بر گزیدم ای أهورا». نویسنده کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که این دو بشارت را از «گاتها» نقل کرده است چنین می نویسد: «مترجم «گاتها»، در پاورقی، «بهمن» را ـ که در این دو بشارت پرچمدار نهضت آخرین معرفی شده ـ نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهور مزدا، تفسیر کرده، و روی این اصل، توضیح این دو فراز از «گاتهای زرتشت» از این قرار است: در پایان جهان پیش از رستاخیز عمومی آغاز سزای گناهکاران است که به دست توانای نماینده قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی ـ به سزای این جهانی خود خواهند رسید ـ این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دستهای راستی سپرده، و منش زشت را در بوته فراموشی نهاده اند. حقّاً آن زمان درخشان بامداد روز است که صبح دولت حقّه الهیّه دمیدن گیرد و دین راستین ـ آیین ابدی آخرین ـ سراسر جهان را فرا گیرد، آیینی که تمامی آموزشهای پیامبران الهی در آن نمودار است، و آن یگانه نماینده قدرت و عدالت الهی، تمامی آموزشهای صالح و پسندیده رهبران عالیقدر بشریّت را در سراسر جهان منتشر و

عملی سازد. چنان که روشن است این دو جمله، بشارت از ظهور موعود اسلام حضرت قائم آل محمّد(علیهم السلام) است، گر چه نامی از آن حضرت به میان نیاورده ;ولی سلطنت عمومی و عدالت کلّی جهانی که پیشگویی کرده بهترین نشانه آن بزرگمرد الهی است».([۶۸]) ۴ ـ جاماسب، در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده، و احوالات پادشاهان، انبیا، اوصیا و اولیا را بیان می کند ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می نماید، در مورد پیامبر گرامی اسلام و دولت جاودانه حضرت مهدی(علیه السلام) و رجعت گروهی از اموات ... چنین می گوید: «پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوههای مکّه پیدا شود، و شتر سوار شود، و قوم او شتر سواران خواهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند، و او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو ببیند. و دین او اشرف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتابها را، و دولت او تازیک ـ یعنی پادشاهی ـ عجم را بر باد دهد، و دین مجوس و پهلوی را بر طرف کند، و نار سدیر و آتش کده ها را خراب کند، و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان». آنگاه در باره ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) چنین می گوید: «و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکّه باشد، و دولت او تا به قیامت متّصل باشد، و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود، و آسمان جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوهها برطرف شود، و اهریمن کلان را که ضدّ یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند و او را بکشد. و نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و خلایق را به یزدان بخواند، و زنده گرداند خلق را از بدان و نیکان، و نیکان را جزا دهد، و بدان را سزا دهد و بسیاری از خوبان و پیغمبران زنده شوند، و از بدان گیتی و دشمنان خدا و کافران را زنده گرداند، و از پادشاهان اقوام خود را زنده کند که فتنه ها در دین کرده باشند و خوبان بندگان یزدان را کشته باشند، و همه متابعان اهریمن و تبه کاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد . . . و ظهور او در آخر دنیا باشد . . . و خروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسیان غالب شوند، و شهرهای عمّان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس او خروج کند و جنگ کند و دجّال را ... بکشد. و برود و قسطنطنیّه را بگیرد و علمهای ایمان و مسلمانی در آنجا برپا کند، و عصای سرخ شبانان با هودار (که موسی(علیه السلام)باشد) با او باشد، و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد، و جنّ و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان او خواهند بود . . . و همه جهان را یک دین کند، و دین گبری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا و حکیمان و پری زادان و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بادها و مردان سفید رویان در خدمت او باشند . . .»([۶۹]) «جاماسب» در ادبیات ایران و عرب به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است، و پیش گویی هایی نیز به او نسبت داده اند، و ظاهراً حکیمی ستاره شناس بوده است، و به قول مؤلّف کتاب «حبیب السیر»: وی شاگرد لقمان و برادر «گشتاسب» است، و در علم نجوم مهارت کامل داشته است. علاّمه دهخدا در کتاب «لغت نامه» راجع به وی می نویسد: «نامه ای از او دیده شده که به پارسی قدیم است و نام آن فرهنگ ملوک و اسرار عجم است، و عنوان آن به نام گشتاسب شاه است، و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنات اختران را طالع وقت نهاده و بر آن زایچه حکم نموده. گویند: پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضرت موسی(علیه السلام) سرخ شبان با هودار و حضرت مسیح(علیه السلام) را پیغمبر خرنشین که او را به نام مادر، باز خوانند. و از حضرت رسول عربی به «مهرآزما» تعبیر کرده، و بعضی سخنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف، والله أعلم بالصواب».([۷۰]) مؤلّف کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که بشارتی را از کتاب «جاماسب» نقل می کند ذیل کلمه جاماسب در پاورقی چنین می نویسد: «صاحبان سِیَر و تواریخ می نویسند: ظهور جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبوط]حضرت[آدم(علیه السلام) بوده، وی مدّتی در نزد زرتشت کسب معارف نموده و مدّتی هم شاگرد (چنکرمکهاجه) هندی بوده است. وی در کتاب «جاماسب نامه» از زمان خود تا پنج هزار سال]آینده را [پیش بینی نموده و قبرش در خفرک فارس است».([۷۱]) ۵ ـ باز در کتاب جاماسب، موافق برخی از مضامین بشارات گذشته در مورد دولت با سعادت حضرت مهدی(علیه

السلام) و صلح بهائم و برافکندن ریشه ظلم و فساد، و همچنین حکومت واحد جهانی و اجتماع عموم بشریّت بر دین مبین اسلام، و این که حضرت مهدی(علیه السلام)پیرو اسلام و تابع دین جدّش پیامبر اکرم می باشد، چنین می گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جدّ خویش بود، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند، و زمین پر داد کند، و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد. و مردم بسیار شوند، و عمر دیگر باز، به درازی کشد و باز گردد چنان که مردی بود که او را پنجاه فرزند بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم شود، و پر از حیوان شود، و همچون عروسی شود. و همه کس به دین مهر آزمای (یعنی دین حضرت محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم)) باز آیند، و جور و آشوب از جهان برخیزد، چنان که فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن، و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم».([۷۲]) ۶ ـ در «زند و هومن یسن» از ظهور شخصیّت فوق العاده ای بنام «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ) خبر داده و در باره نشانه های ظهور وی چنین می گوید: «نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند».([۷۳]) آنگاه به مقاومت شریران در برابر او اشاره کرده و نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند. ۷ ـ هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و چگونگی اداره جهان می پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می دهد: «سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و همگفتار و همکردار گرداند».([۷۴]) در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که، اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان ملّت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتّی در موقع شکستهای جنگی و فراز و نشیبهای زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و نا امیدی نجات می دادند. شاهد صادق این گفتار این که، در جنگ قادسیّه پس از درگذشت رستم فرّخ زاد، سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، با افراد خانواده خود آماده فرار می شد، بهنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مجلّل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت: «هان ای ایوان! درود من بر تو باد، من هم اکنون از تو روی برمی تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است به سوی تو برگردم». سلیمان دیلمی می گوید: من به محضر امام صادق(علیه السلام) شرفیاب شدم و مقصود یزدگرد را از جمله «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم، حضرت فرمود: «او مهدی موعود(علیه السلام) و قائم آل محمّد(علیهم السلام) است که به فرمان خداوند در آخر زمان ظهور می کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد».([۷۵]) با توجّه به این که «شاه زنان» معروف به «شهربانو»، مادر امام سجّاد(علیه السلام) ـ بنابر مشهور ـ دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می شود که او واقعاً پدر حضرت ولی عصر(علیه السلام) می باشد. آنچه تا بدینجا گذشت نمونه هایی از نویدها و بشارتهای جاوید کتب مقدّسه اهل ادیان بود که همه آنها با مضامین مختلف خود، آمدن یک مصلح بزرگ جهانی را به نام (مهدی موعود(علیه السلام)) در آخر الزّمان نو□□ه،و...Sروشنی گواهی می دادند که مسأله ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) اختصاص به اسلام ندارد، بلکه از نظر همه اُمّتها و ملّتها یک امر قطعی و مسلّم است که بدون تردید تحقّق خواهد یافت. آری ! مطابق وعده های انبیا و نویدهای کتب مقدّسه آسمانی، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که نماینده قدرت و قدس و عدالت الهی، آخرین جانشین رسول گرامی بنیانگذار حکومت واحد جهانی مهدی موعود منتظر ـ عجّل اللّه تعالی فرجه ـ از پشت پرده غیبت ظهور خواهد فرمود، و با ظهور مبارک آن ولیّ مطلق الهی، همه پرده های ظلمت به کنار خواهد رفت، تاریکیها برچیده خواهد شد، از پلیدیها و ناپاکیها اثری نخواهد ماند، و جهان یکسره نورانی خواهد گشت. بدان امید که در سایه سار پرچم ظفر بخش او نظاره گر تلألوزمین از پرتو انوار پروردگارش باشیم و دیده به جمال عدل مجسم روشن داریم و خدای را بر تحقق وعده هایش سپاس گوییم – انشاء الله – .

پاسخ(قسمت هفتم)

در این باره بطور کلی می‌توان گفت که عقیده به مهدی موعود منجی عالم اختصاص به مسلمانان ندارد؛ بلکه تقریبا تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده شراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهان تیره و تار و تاریک می گردد و جامعه بشری با بحران روبرو می‌شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد؛ در این وقت است که یک منجی با تایید دست غیبی ظهور می کند و ریشه ظلم و فساد را از میان بشریت بر می کند. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب مقدس زرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در کتاب‌های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می‌شود مانند: کتاب‌های مقدس براهمه و بودائیان. و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می‌برند و هر ملتی او را به لقب مخصوص می‌شناسد زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات‌دهنده جهان) جهودان بنام سرور میکائیلی یا مسیحای منجی، مسیحیان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی موعود، و هر ملتی آن نجات‌دهنده غیبی را از خودش می‌داند. زرتشتیان او را ایریانی و از پیروان زردتشت می‌دانند و.. در اسلام منجی موعود بطور کامل معرفی شده، خلاصه اینکه عقیده بر منجی عالم برای ریشه کن کردن ظلم و فساد و شرک در تمام ادیان مطرح است. برای مطالعه تفصیلی منابع ادیان دیگر به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید: www.alimamalmahdi.com /farsi کتابهای مختلفی هم در این زمینه وجود دارد به عنوان نمونه: ۱- امام مهدی در نظر اهل سنت، خسروشاهی، انتشارات اطلاعات ۲- انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، انتشارات مرکز ادیان و مذاهب، قم ۳-در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم (این کتاب در زمینه سؤالات دیگر شما هم بسیار مفید است). پی نوشت ها [۱] ـ مقدّمه کتاب «مهدی موعود» ترجمه سیزدهم بحار، ص ۱۷۷، و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۷، به نقل از کتاب علائم الظهور. [۲] ـ او خواهد آمد، ص ۷۵. [۳] ـ قاموس کتاب مقدّس، ص ۸۰۶، به نقل از کتاب «او خواهد آمد»، ص ۳۲. [۴] ـ او خواهد آمد، ص ۳۳، به نقل از قاموس مقدس، ص ۲۱۹. [۵] ـ دیباچه ای بر رهبری، ص ۹۵ ـ ۹۶. [۶] ـ دیباچه ای بر رهبری، ص ۱۰۱ ـ ۱۰۲. [۷] ـ او خواهد آمد، ص ۸۷ ـ ۸۸. [۸] ـ اسامی مقدس حضرت مهدی(علیه السلام) در کتابهای مربوطه به تفصیل آمده است، و ما اسامی مذکوره را از این کتابها نقل کرده ایم: النجم الثاقب، ص ۳۱ ـ ۷۰، کتاب یأتی علی الناس زمان، ص ۷۰۸ ـ ۷۱۱، اقوال الائمه، ج ۱، ص ۳۲۹، او خواهد آمد، ص ۶۴ ـ ۷۰ و الزام الناصب ج ۱، ص ۴۸۱ ـ ۴۹۱ [۹] ـ ناگفته نماند که نامها، کنیه ها و لقبهای حضرت مهدی(علیه السلام)، در دو کتاب پر محتوای «الزام الناصب»، تألیف مرحوم حائری یزدی، و کتاب بسیار نفیس «نجم الثاقب» تألیف محدّث نوری ـ طاب ثراه ـ به تفصیل ذکر شده است. در کتاب «الزام الناصب»، ۱۸۶ نام، و در کتاب «نجم الثاقب» هم ۱۸۲ نام برای آن حضرت ذکر گردیده است. کسانی که طالب شرح و معانی الفاظ یاد شده و اسامی مبارک آن حضرت می باشند، می توانند به کتاب «نجم الثاقب» از صفحه ۳۱ تا ۷۰ و جلد اوّل کتاب «الزام الناصب» از صفحه ۴۸۱ تا ۴۹۱ مراجعه فرمایند. [۱۰] ـ اوپانیشاد، ترجمه محمّد داراشکوه (از متن سانسکریت) ج ۲، ص ۶۳۷. [۱۱] ـ دلائل الامامة، ص ۲۴۴ ـ منتخب الاثر، ص ۵۱۹ ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۴. [۱۲] ـ بشارات عهدین، ص ۲۴۶ ـ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ ـ لمعات النور فی کیفیه الظهور، ج ۱، ص ۱۹، نور الانوار، ص ۸۶، نور هفتم. [۱۳] ـ جگرنات به لغت سانسکریت نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند. [۱۴] ـ علائم الظهور کرمانی ص ۱۷ ;لمعات شیرازی، ج ۱، ص ۱۸ ; نور الانوار، نور هفتم ; بشارات عهدین، ص ۲۴۶ به نقل از کتاب زبدة المعارف، ذخیرة الالباب و تذکرة الاولیاء. [۱۵] ـ بشارات عهدین، ص ۲۷۲ ـ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸. [۱۶] ـ بشارات عهدین، ص ۲۴۵ ;او خواهد آمد، ص ۶۶ ;علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸. [۱۷] ـ سوره اسراء، آیه ۳۳، جهت اطلاع بیشتر به کتاب المحجّة ص ۱۲۷ ـ ۱۲۹ مراجعه فرمایید.

[۱۸] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴ ; بشارة الاسلام، ص ۹۹ ; و منتخب الاثر، ص ۲۹۲. [۱۹] ـ ممتاطا: در زبان هندی به معنی «محمّد» است. [۲۰] ـ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ ـ او خواهد آمد، ص ۸۰. [۲۱] ـ بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۶ از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و ج ۵۲، ص ۲۵۴ از امام صادق(علیه السلام) ـ کافی، ج ۸، ص ۳۶، ۴۲ ـ مهدی موعود، ص ۱۰۳۶، ۱۰۴۵ و بسیاری از منابع دیگر از تفسیر و حدیث. [۲۲] ـ او خواهد آمد، ص ۶۵ به نقل از کتاب ریگ ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴. [۲۳] ـ بشارات عهدین ، ص ۲۴۲ ـ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۷ ـ او خواهد آمد ص ۶۵. [۲۴] ـ بحار الانوار ،ج ۵۲، ص ۳۱۲. [۲۵] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱. [۲۶] ـ سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. [۲۷] ـ عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹ ـ ۳۸. [۲۸] ـ همان، مزمور ۹۶، بندهای ۱۰ ـ ۱۳، ص ۱۲۴۷، کتاب مقدّس. [۲۹] ـ عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۷۲، بندهای ۱ ـ ۲، به نقل از بشارات عهدین، ص ۲۴۸ و أنیس الاعلام، ج ۵، ص ۹۲، ۹۳. [۳۰] ـ یسیّ به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه «راعوت» است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر «یسیّ» می نامیدند، در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیغمبران بزرگ «بنی اسرائیل» بوده است. (قاموس کتاب مقدس). و اما «راعوت» زنی است از «مؤاب» که سر زمینی است در شرق دریای لوط، که با «یوغی» وصلت کرد و از او صاحب فرزندی بنام عوید ـ عویبد ـ شد که جدّ حضرت داود(علیه السلام) باشد. (لغت نامه دهخدا، حرف راء، ص ۸۶). [۳۱] ـ تورات، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱، پندهای ۱ ـ ۱۰، ص ۱۵۴۸، کتاب مقدّس. [۳۲] ـ به بشارت دوم، عنوان هفتم، مراجعه فرمایید. [۳۳] ـ بشارة الاسلام، ص ۱۹۷، ۲۴۷، منتخب الأثر، ص ۴۷۴، مستدرک حاکم، ج ۴ ص ۵۱۴ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶. [۳۴] ـ تورات، کتاب اشعیای نبی، باب دوم، بندهای ۲ ـ ۴. [۳۵] ـ کتاب مقدّس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۴۶ باب ۳۲، بندهای ۱۶ ـ ۱۸ [۳۶] ـ کتاب مقدّس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۹۰، باب ۶۵، بندهای ۲۳ ـ ۲۵. [۳۷] ـ وادی یهوشافاظ، نام صحرایی در نزدیکی بیت المقدّس است که اکنون وادی «قدرون» نامیده می شود. (لغت نامه دهخدا، حرف قاف، قدرون، ص ۱۷۷). [۳۸] ـ کتاب مقدّس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۷، باب ۳، بندهای ۲ و ۳. [۳۹] ـ کتاب مقدّس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۸، باب ۳، بندهای ۱۲ و ۱۳. [۴۰] ـ کتاب مقدّس، کتاب عاموس نبی، ص ۱۳۳۳، باب ۴، بندهای ۱۲ و ۱۳. [۴۱] ـ افرایم: نام پسر دوم حضرت یوسف(علیه السلام) است. [۴۲] ـ یهودا: نام پسر یعقوب و برادر بزرگ یوسف از مادر دیگر به نام لیا ـ لایالیا ـ است، که حضرت داود و ملوک بنی اسرائیل و حضرت عیسی(علیه السلام) از نسل او می باشند. (لغت نامه دهخدا، حرف یاء، یهودا). [۴۳] ـ تورات، کتاب هوشع نبی، ص ۱۳۱۴، باب ۵، بندهای ۱۴ و ۱۵. [۴۴] ـ همان، کتاب زکریای نبی، ص ۱۳۸۲، باب ۱۴، بندهای ۱ ـ ۱۰. [۴۵] ـ البدایة والنهایة، ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۴۳. [۴۶] ـ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، ح ۴۷ ـ معانی الاخبار، ص ۴۰۷. [۴۷] ـ عقائد الامامیّه، ج ۱ ص ۲۷۰. [۴۸] ـ ظاهراً این کلمه اشاره به همان آیه شریفه: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ)می باشد. [۴۹] ـ کتاب مقدّس، کتاب حزقیال نبی، ص ۱۲۶۵، باب ۳۹، بند ۱۷ ـ ۲۳. [۵۰] ـ قاموس کتاب مقدّس، ماده «پسر خواهر»، ص ۲۱۹. [۵۱] ـ کتاب مقدّس، کتاب حجّی نبی، ص ۱۳۶۷، باب ۲، بندهای ۶ ـ ۹. [۵۲] ـ کتاب مقدّس، کتاب صفینای نبی، ص ۱۳۶۳، باب ۳، بندهای ۵ ـ ۹. [۵۳] ـ کتاب مقدّس، کتاب دانیال نبی، ص ۱۳۰۹، باب دوازدهم، بندهای ۱ ـ ۱۲. [۵۴] ـ کتاب مقدّس، انجیل متی، ص ۴۱، باب ۲۴، بندهای ۱ ـ ۸، ۲۳ ـ ۲۸،۲۹ ـ ۳۷ و ۴۲ ـ ۴۶. [۵۵] ـ کتاب مقدّس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۱ ـ ۳۴. [۵۶] ـ انجیل متی، باب ۱۹، بندهای ۲۸ و ۲۹. [۵۷] ـ کتاب مقدّس، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۳، بندهای ۱ ـ ۹ و ۳۲ الی ۳۷. [۵۸] ـ کتاب مقدّس، انجیل لوقا، ص ۱۱۶ باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ ـ ۴۰. [۵۹] ـ انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۵ ـ ۲۷. [۶۰] ـ کتاب مقدّس، انجیل یوحنّا، ص ۱۵۲، باب ۵، بندهای ۲۶ ـ ۲۸. [۶۱] ـ کتاب مقدّس، مکاشفه یوحنّا، ص ۴۰۸، باب ۱۲، بندهای ۱ ـ ۵ و ۷ ـ ۱۰. [۶۲] ـ کتاب مقدّس، مکاشفه یوحنّای رسول، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۱ ـ ۱۸. [۶۳] ـ رساله پولس رسول به رومیان، ص ۲۵۲، باب ۸، بند ۱۸. [۶۴] ـ رساله پولس رسول به رومیان، ص ۲۶۱، باب ۱۵، بند ۱۲. [۶۵] ـ رساله اول پولس به تسالونیکیان، ص ۳۳۰، باب ۴، بندهای ۱۵ ـ ۱۷ [۶۶] ـ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱. [۶۷] ـ بشارات عهدین، ص

۲۳۷. [۶۸] ـ بشارات عهـدین، استدراکات، بعـد از مقدّمه چاپ دوّم، ص ۱۰ و ۱۱. [۶۹] ـ لمعـات النور، ج ۱ ص ۲۳ ـ ۲۵. [۷۰] ـ لغتنامه دهخـدا، ص ۶۴۶۹، ستون ۱. [۷۱] ـ بشارات عهـدین، ص ۲۴۳. [۷۲] ـ بشارات عهـدین، ص ۲۵۸، به نقـل از جاماسب نامه. [۷۳] ـ او خواهد آمد، ص ۱۰۸. [۷۴] ـ همان، به نقل از جاماسب نامه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲. [۷۵] ـ بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۱۶۴.

منجی نزد مسیحیان کیست؟

پرسش

منجی نزد مسیحیان کیست؟

پاسخ

حضرت مسیح (ع) مبعوث شد تا مردم را بشارت دهد. کلمه" انجیل "از لغت یونانی گرفته شده وبه معنای" خبر خوش "وبشارت به رهـایی آمـده است. این بشـارت همـان قیام ملکوت خداونـد ویا به تعبیر دیگری می‌توان از آن به حکومت توحیـدی در سـطح کره زمین یاد نمود. در کتاب مقّدس می‌خوانیم": بر من واجب است تا تمام شهرها را به ملکوت خدا بشارت دهم وبرای این امر فرستاده شـده‌ام. {"پاورقی . کتاب مقـدس، عهد جدید، ص ۲۰۵، رقم ۴۳. پاورقی} در انجیل متّی آمـده است": حضـرت عیسـی در جمیع شهرها ودهات سیر می‌کرد ودر مجامع آنها مردم را تعلیم وبه ملکوت بشارت می‌داد. {"پاورقی . انجیل متّی، ۳۵/۶۲/۹. پاورقی} در کلمـات حضـرت مسیح کلمه" فرزنـد انسـان "زیـاد به چشم می‌خـورد، در انجیـل متّی آمـده است": به حقّ می‌گـویم که از میـان حاضـرین در این مکـان کسـانی هسـتند که مرگ را نمی‌چشـند تـا اینکه فرزنـد انسـان را مشاهـده نموده که در ملکوتش می‌آیـد." {پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، ص ۸۴-۸۲، رقم ۲۸-۱۳. پاورقی} ونیز می‌خوانیم": همان گونه که برق از مشرق طلـوع کرده وهمـه را روشن می‌کنـد آمـدن فرزنـد انسـان نیز این چنین است. {"پـاورقی . همـان، ص ۱۰۴، رقم ۲۷. پاورقی} ونیز می‌خـوانیم": بـه همین جهت آمـاده باشـید، در سـاعتی که انتظـار آن را نمی‌کشـید فرزنـد انسـان خواهـد آمـد. {"پـاورقی . همـان، ۴۴/۱۰۵/۲۴. پاورقی} مقصود از" فرزنـد انسان "کیست؟ مسیحیان درصـدد آن هسـتند که بر حضـرت مسیح منطبق سازند، ولی از قرائن وشواهد موجود اسـتفاده می‌شود که مقصود از" فرزند انسان "شخصـی غیر از مسیح است که همان حضرت مهدی (ع) باشد: الف) در انجیـل یوحنـا از حضـرت مسیح می‌خوانیم": من طـالب مجـد وعظمت خود نیسـتم در آنجا کسـی است که آن را می‌طلبد وحکم می‌کنـد. {"پـاورقی . همـان، انجیـل یوحنّا، ص ۳۱۷، رقـم ۵۰. پـاورقی} ب) از عبـاراتی که در انجیـل متّی آمـده به خوبی اسـتفاده می‌شـود کـه" فرزنـد انسـان "در آن عبـارات غیر از حضـرت مسیح است که در آخرالزمـان به جهت پیـاده کردن ملکـوت خداوند ظهور کرده وعیسی بن مریم او را متابعت ومشایعت خواهد نمود.

ظهور منجی در اناجیل در چه وقتی معین شده است؟

پرسش

ظهور منجی در اناجیل در چه وقتی معین شده است؟

پاسخ

از برخی عبارات اناجیل به دست می‌آید که وقت ملکوت آسمان‌ها که همان حکومت عدل جهانی توحیدی در روی زمین است، آخرالزمان معین شده است. حضرت عیسی (ع) در مورد مقدمات برپایی ملکوت خداوند می‌گوید": وزود است که خبر از جنگ‌ها وشایعات بشنوید، مبادا که فزع کنید؛ زیرا حدوث آنها حتمی است، ولی نهایت عالم نخواهد بود. {"پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، ص ۱۰۲، رقم ۶. پاورقی} ونیز می‌فرماید..."": آنکه تا نهایت باقی می‌ماند اوست کسی که خلاصی می‌یابد." {پاورقی . همان، ۱۳/۱۰۳/۲۴. پاورقی} واین مطلب موافق روایاتی است که از رسول اکرم (ص) رسیده واشاره دارد به اینکه: "المهدیّ یخرج فی آخر الزمان"؛ "مهدی در آخرالزمان خروج خواهد نمود {".پاورقی . الغیبهٔ، طوسی؛، ص ۱۷۸. پاورقی}

اوصاف یاران منجی در اناجیل چیست؟

پرسش

اوصاف یاران منجی در اناجیل چیست؟

پاسخ

در اناجیل مسیحیان اوصافی برای یاران منجی بشریت ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – اطاعت: در انجیل مرقس آمده است": به حقّ به شما می‌گویم: هرکس که همانند طفل، ملکوت خدا را نپذیرد در آن داخل نخواهد شد. "مثال به طفل اشاره به اطاعت {پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل مرقس، ص ۱۵۷، رقم ۱۵. پاورقی} مطلق است. ۲. عمل به احکام: در انجیل متّی آمده است": این گونه نیست که هر کسی یاربّ یاربّ بگوید داخل در ملکوت آسمان‌ها شود، بلکه هر کس به خواست پروردگار عمل کند در آسمان‌هاست. {"پاورقی . همان، انجیل متّی، ۲۱/۵۶/۷. پاورقی} ۳. استضعاف: در انجیل لوقا آمده است: "خوشا به حال شما ای فقرا، زیرا برای شماست ملکوت خداوند. خوشا به حال شما ای گرسنگان در امروز، زیرا در آینده سیر خواهید شد. خوشا به حال شما ای گریه کنندگان، زیرا در آینده خندان خواهید شد. این در حالی است که در جای خود" ملکوت آسمان "به عصر ظهور تطبیق شده است. {"پاورقی . همان، انجیل لوقا، ص ۲۱۰، رقم ۲۰Ù۲۱. پاورقی}

آیا در اناجیل به علائم ظهور منجی اشاره شده است؟

پرسش

آیا در اناجیل به علائم ظهور منجی اشاره شده است؟

پاسخ

در انجیل متّی آمده است..."": ودر آن هنگام که عیسی در باغ زیتون نشسته بود شاگردانش به نزد او آمده وبا او خلوت کردند واز او سؤال نمودند: به ما بگو: در چه زمانی این امور تحقّق خواهد یافت وعلامت ونشانه آمدن تو وپایان عالم چیست {"؟پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۲، رقم ۳. پاورقی} ونیز می‌خوانیم"": وزود است که خبر از جنگ‌هایی می‌شنوید... مبادا که فزع کنید زیرا وقوع آنها حتمی است. {"پاورقی . انجیل متّی، ۶/۱۰۲/۲۴. پاورقی} ونیز آمده است"": وهنگامی که فرزند انسان در مجد وعظمتش می‌آید ودر حالی که ملائکه او را همراهی می‌کنند بر روی عرش عظمتش می‌نشیند وجمیع امتّها نزد او محشور خواهند شد. {"...پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، اصحاح ۲۵، ص ۱۰۷، رقم ۳۴-۳۱. پاورقی} در انجیل لوقا آمده است"": فریسیّون از او سؤال نمودند: چه زمانی ملکوت خداوند می‌آید؟ او در جواب فرمود: ملکوت خدا غیرمترقّبه می‌آید. {"پاورقی . انجیل لوقا، ۲۰/۲۵۲/۱۷. پاورقی} ونیز می‌خوانیم"": وهنگامی که خبر از جنگ‌ها وفتنه‌ها شنیدید فزع نکنید زیرا این امور باید در ابتدا تحقق یابد ولی این پایان عالم نیست. آن گاه به آنان فرمود: زود باشد که امتی بر امتی ومملکتی بر مملکتی قیام کند وزلزله‌های شدید وگرسنگی‌ها وقحطی‌ها در مکان‌های زیادی به وقوع پیوندد وزود است که امور خوفناک ونشانه‌های بزرگی حادث گردد. {"پاورقی . انجیل لوقا، ۱۱-۹/۲۶۵/۲۱. پاورقی}

یهودیت و مهدویت

آیا اعتقاد به ظهور منجی در ادیان دیگر همانند دین زردتشت و موسی(ع) وجود دارد؟

پرسش

آیا اعتقاد به ظهور منجی در ادیان دیگر همانند دین زردتشت و موسی(ع) وجود دارد؟

پاسخ

آری در دیگر ادیان همانند دین زردتشت و یهود به ظهور منجی و مصلح جهانی اعتقاد وجود دارد. در آیین زرتشت سه منجی به نام های" هوشیندر"، "هوشیذرما "و" سوشیانس "از نسل زرتشت مطرح است. گویند: آن سه به ترتیب و یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل خواهند کرد. از جمله مهم ترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروزگر خوانند.(۱) که پس از ظهور، دین را در جهان رواج خواهد داد، فقر و تنگدستی را ریشه کن می کند و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند. آیین هندو در آیین هندو نیز از نجات دهنده و موعود به نام" آواتا "سخن به میان آمده(۲) و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشا مطرح شده است.(۳) مظهر ویشنو (مظهر دهم) که در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفید ظاهر می شود، در حالی که شمشیر برهنهٔ درخشانی به صورت ستارهٔ دنباله دار در دست دارد. شریران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید می کند و پاکی را رجعت خواهد داد. مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.(۴) در یکی از کتاب های دیگر هندوها آمده است: گردش دنیا به پادشاه عادلی در آخر الزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق همراه او است و آنچه در دریاها و کوه ها پنهان شده باشد، همه را به دست می آورد. از آسمان ها و زمین، آنچه باشد، خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.(۵) در آیین بودایی که یکی از شاخه های کشین هندویی است، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت

مورد انتظار بودای پنجم می باشد.(۶) آیین یهود در آیین یهود نیز از شخص موعود سخن گفته شده است گرچه یهودیان در این که موعود کیست، اختلاف نظر دارند. چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده اند، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. با این حساب انتظار در یهودیت کیفیت ویژه می یابد، ولی آنچه یهودیان بر آن اتفاق دارند، خروج شخص در آخر زمان است که کوکب افروز می باشد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می گرداند... یهودیان به انتظار او زمان می گذرانند.(۷) موعود کسی است که به عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم راند و گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ یا بزغاله خوابد... در تمام کوه مقدس، ضرر و فسادی دیده نشود؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.(۸) آیین مسیحیت مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند و اگر چه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح(ع) است که از آسمان نزول کرده و جهان را پر از عدل خواهد کرد. در انجیل مرقس آمده است": پس بیدار باشید، زیرا نمی دانید در چه وقت صاحب خانه می آید، در شام یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح! مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد.("۹!) پی نوشت ها: ۱. جاماست نامه، ص ۱۲۱، به نقل از فریده گل محمدی، رسالت جهانی حضرت مهدی، ص ۹۹. ۲. ادیان و مهدویت، ص ۱۹. ۳. کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷. ۴. معارف اسلامی در جهان معاصرع ص ۲۴۵. ۵. ادیان و مهدویت، ص ۱۹. ۶. رسالت جهانی مهدی(عج) ص ۱۰۳ ـ ۱۰۴. ۷. ترجمه الملل و النحل، ج ۱، ص ۳۱۲. ۸. رسالت جهانی مهدی، ص ۱۰۶. ۹. همان، ص ۱۰۹.

کدام پیامبر تعبیر خواب های زیادی درباره امام زمان (عج) در کتابهایش آمده است؟

پرسش

کدام پیامبر تعبیر خواب های زیادی درباره امام زمان (عج) در کتابهایش آمده است؟

پاسخ

چنین موضوعی در روایات ما نیست. بله مسلم است که پیامبران الهی – از آدم تا خاتم – از وجود حضرت امام زمان(عج) مطلع بودند و پیروان خود را به وجود ایشان بشارت می داده اند. اما این که پیامبری تعبیرخواب های زیادی در کتابهایش آمده باشد در روایات ما نیست. همچنین اصل کتاب های آن پیامبران در دسترس ما نیست بله در اسفار و کتاب های عهد عتیق (کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان) کتابی با نام دانیال نبی(ع) معروف است که اشاراتی به خواب های وی درباره منجی دارد. اما این که این اشارات به حضرت عیسی(ع) است یا حضرت مهدی(ع) نیاز به بررسی دقیق تری دارد اگر چه برخی تعبیرات، نشان می دهد که وی به حضرت مهدی(عج) اشاره دارد. اگر خواستید بنویسید تا مطالب آن کتاب را برایتان ارسال کنیم.

آیا در کتاب مقدس یهود سخن از انتظار فرج به میان آمده است؟

پرسش

آیا در کتاب مقدس یهود سخن از انتظار فرج به میان آمده است؟

پاسخ

شور والتهاب انتظار موعود آخرالزمان در تاریخ پرفراز ونشیب یهودیت موج می‌زند. در عهد قدیم از کتاب مقدس، سفر مزامیر داوود، مزمور ۳۷ می‌خوانیم": به جهت وجود اشرار وظالمین مأیوس مشو؛ زیرا نسل ظالمین از روی زمین برچیده خواهد شد ومنتظرین عدل الهی وارثان زمین خواهند شد. وکسانی که مورد لعن الهی واقع گردند بینشان تفرقه خواهد افتاد. وانسان‌های صالح کسانی هستند که وارثان زمین شده وتا پایان تاریخ در روی زمین زندگی خواهند کرد. {"پاورقی . کتاب مقدس، سفر مزامیر داوود. پاورقی} تب وتاب انتظار دخالت اعجازآمیز خداوند در دوران سیطره والیان رومی بر فلسطین به اوج خود رسید، وبه همین علّت هنگامی که یحیای تعمید دهنده ندا داد": توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است {".پاورقی . متّی، ۲/۳. پاورقی} توده‌های مردم پیام او را با جان ودل شنیدند، کلمات هیجان‌آور او دل‌های شنوندگان را تکان می‌داد والهام‌بخش گروه‌های ستمدیده وبینوایی بود که همواره آتش شوق انتظار برای قیام" مسح شده خدا "در قلوبشان زبانه می کشید.

منجی نزد یهود چه کسی است؟

پرسش

منجی نزد یهود چه کسی است؟

پاسخ

با مراجعه به کتاب‌های مقدس یهود پی می‌بریم که اشارات وتصریحات فراوانی به مسأله موعود جهانی شده است. واز جمله کتاب‌هایی که در آنها به این موضوع اشاره شده: کتاب دانیال نبی، حجّی نبی، صفینای نبی، اشعیای نبی وزبور داوود است. لذا در قرآن کریم می‌خوانیم: {وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ"}؛ وبه تحقیق در زبور بعد از ذکر نوشتیم که همانا زمین را بندگان{پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی} صالح من به ارث خواهند برد ".در زبور داوود می‌خوانیم": بار خدایا! حکومت خود را به ملک ببخش وعدالتت را به فرزند مَلِک عطا فرما تا به نیکی بین مردم حکم کرده وبر افتادگان انصاف دهد... تمام پادشاهان بر او خضوع کرده وهمه ملت‌ها خدمت‌گذار او گردند. {"...پاورقی . کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، مزمور ۷۲، ص ۱۲۱۲-۱۲۱۰، رقم ۱۷-۱. پاورقی}

مهدویت در سایر ادیان الهی

آیا ادیان دیگر چون مسیحیت و یهودی به ظهور مصلح آخرالزمان اعتقاد دارند؟ آیا منظور آن‌ها از مصلح آخرالزمان حضرت مهدی(عج) است؟

پرسش

آیا ادیان دیگر چون مسیحیت و یهودی به ظهور مصلح آخرالزمان اعتقاد دارند؟ آیا منظور آن‌ها از مصلح آخرالزمان حضرت

www.noorfatemah.org

مهدی(عج) است؟

پاسخ

همه پیروان ادیان الهی و برخی از پیروان غیر ادیان الهی عقیده دارند که در یک عصر بحرانی جهان که فساد و ظلم بیداد می کند، نجات دهنده بزرگ و مصلح جهانی ظهور می کند و اوضاع آشفته جهان را اصلاح نموده و عدل را گسترش می‌دهد.(۱) گرچه در این که مصلح جهانی کیست، دارای چه ویژگی‌هایی است، نام او چیست و منسوب به کدام ملت و دین است، اختلاف نظر دارند.(۲) هر ملتی او را با لقب مخصوص و ویژگی‌هایی می‌شناخته و او را از خودشان می‌دانند. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند.(۳) جهودان، از بنی اسرائیل و عیسویان او را مسیح موعود می‌خوانند . در این جا به برخی از ادیان اشاره می‌شود که در آنها از مصلح جهانی سخن گفته شده است: ۱ - آیین زرتشت در آیین زرتشت سه منجی به نام‌های هوشیذر، هوشیذر ما و سوشیانس (نجات دهنده مرگ) از نسل زرتشت مطرح است. گویند: آنان پس از دیگری جهان را پر از عدل خواهند کرد. از جمله، مهم‌ترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروز گر می‌خوانند(۴) که پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد داد؛ فقر و تنگدستی را ریشه کن کرده و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند.(۵) ۲ - آیین هندی در آیین هندو نیز از نجات دهنده و موعود، به نام" آواتا "سخن به میان آمده و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشا مطرح شده است.(۶) مظهر ویشنو (مظهر دهم) که در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفید ظاهر می‌شود، درحالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد. شریران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید می کند و پاکی را رجعت خواهد داد. مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.(۷) در یکی از کتاب‌های دیگر هندوها آمده است: گردش دنیا به پادشاه عادلی در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق همراه او است و آنچه در دریاها و کوه‌ها پنهان شده باشد، همه را به دست می‌آورد. از آسمان‌ها و زمین، آنچه باشد، خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.(۸) در آیین بودایی که یکی از شاخه‌های کشین هندویی است، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت مورد انتظار بودای پنجم می‌باشد.(۹) ۳ - آیین یهود در آیین یهود نیز از شخص موعود سخن گفته شده است. گر چه یهودیان در این که موعود کیست، اختلاف نظر دارند. چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده‌اند، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. با این حساب انتظار در یهودیت کیفیت ویژه می‌یابد، ولی آنچه یهودیان بر آن اتفاق دارند، خروج شخص در آخر زمان است که کوکب افروز می‌باشد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می گرداند... یهودیان به انتظار او زمان می گذارنند.(۱۰) موعود کسی است که به عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم راند و گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله خوابد... در تمام کوه مقدس، ضرر و فسادی دیده نشود؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.(۱۱) ۴ - آیین مسیحیت مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند و اگر چه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح(ع) است که از آسمان نزول کرده و جهان را پر از عدل خواهد کرد.(۱۲) در انجیل مرقس آمده است: "پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید در چه وقت صاحب خانه می‌آید، در شام، یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح! مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد.("!۱۳) ۵ - آیین اسلام همان طور که می‌دانید و اشاره کرده‌اید، یکی از مسایل بسیار مهمی که در اسلام نیز بدان پرداخته شده، مصلح جهانی است. ما شیعیان عقیده داریم که مصلح جهانی امام زمان(عج) است که در آیات (۱۴) و روایات(۱۵) بدو اشاره شده است. امام زمان(عج) همان مهدی(ع) است که جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم شده است.(۱۶) اعتقاد به مهدی(عج) از بدیهات تفکر شیعی است. اندیشمندان اهل سنت نیز باور دارند که جهان در انتظار حضرت مهدی(عج) است. ابن ابی الحدید که از عالمان اهل سنت است می گوید": میان همه فرقه‌های مسلمان اتفاق قطعی است

که عمر دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر پس از ظهور مهدی(عج(")۱۷) از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که همه ادیان الهی و برخی ادیان غیر الهی درخصوص مصلح جهانی اتفاق نظر دارند؛ ولی نمی‌توان قضاوت نمود که مقصود آنان از مصلح جهانی امام زمان(ع) می‌باشد که در اسلام بدو اشاره شده است. گرچه برخی از نشانه‌ها و مشخصاتی که در سایر ادیان برای مصلح جهانی ذکر شده، درباره امام زمان(ع) نیز هم خوان است.(۱۸) با توجه به این که بشارت به ظهور مصلح جهانی در ادیان الهی بیان شده و مسئله ظهور حضرت مهدی(عج) در ادیان الهی، پیش از تحریف‌شان وجود داشته، مصلح تمام ادیان الهی، مهدی موعود است و مقصود دین‌شان همین است، اما پیروان آنها در تطبیق و تعیین مصداق به خطا رفته‌اند. پی‌نوشت‌ها: ۱ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۷۶. ۲ – همان؛ فریده گل محمدی آرمان، رسالت جهانی حضرت مهدی، ص ۹۸ به بعد. ۳ – ابراهیم امینی، همان. ۴ – جاماسب نامه، ص ۱۲۱، به نقل از فریده گل محمدی، همان، ص ۹۹. ۵ – همان؛ ادیان و مهدویت، ص ۱۹. ۶ – کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷. ۷ – معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵. ۸ – ادیان و مهدویت، ص ۱۹. ۹ – رسالت جهانی مهدی(عج) ص ۱۰۳ – ۱۰۴. ۱۰ – ترجمه الملل و النحل، ج۱، ص ۳۱۲. ۱۱ – رسالت جهانی مهدی، ص ۱۰۶. ۱۲ – رسالت جهانی مهدی(عج)، ص ۱۰۹. ۱۳ – انجیل مرقس، با اقتباس از رسالت جهانی مهدی(ع) ص ۱۰۹. ۱۴ – قصص () آیه ۵. ۱۵ – بحارالانوار، ج۵۱، ص ۶۷ به بعد. ۱۶ – المهدی موعود، ج۲، ص ۷۲؛ کتاب الغیبهٔ نعمانی، ص ۴۲۵. ۱۷ – منتخب الاثر، ص ۱۱ به بعد. ۱۸ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان ۷۶ – ۷۷.

زردشتی، بودایی – هندی، یهودی، مسیحی و سنی هر کدام چه طور اعتقادی به مصلح دارند؟

پرسش

زردشتی، بودایی – هندی، یهودی، مسیحی و سنی هر کدام چه طور اعتقادی به مصلح دارند؟

پاسخ

ظهور یک فرد برگزیده و مصلح بزرگ جهانی، در آخرین دوره های تاریک و بحرانی دنیا، به منظور نجات بشریت از چنگال اهریمن ظلم و فساد و تأمین عدالت عمومی و آزادی فردی در سراسر گیتی موضوعی است که از دیر زمان پیروان ادیان آسمانی بدان ایمان داشته و در انتظار آن بوده اند مطالعه کتب عهدین یعنی تورات و انجیل و کتاب زرتشتیان که هم اکنون در دسترس است و بررسی عقاید هند و مصریان قدیم و برخی از ملل دیگر، این حقیقت را روشن ساخته و سابقه آنرا از قدیم ترین ازمنه تاریخ بشر ثابت می کند ولی آنچه مسلم است در این خصوص دین مقدس اسلام و مذهب شیعه بیش از سائر مذاهب و ادیان است زیرا مسلمانان خواه شیعه و خواه سنی معتقدند که این نجات دهنده و مصلح بزرگ جهانی که بالاخره روزی خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد می کند پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد مهدی قائم از دودمان پیامبر اسلام و فرزندان امیر مؤمنان علی(علیه السلام) و زهرای اطهر دخت والاگهر پیامبر(صلی الله علیه وآله)است. بطوریکه در مذاهب اصلی زردشت می خوانیم زردشت معتقد بود که پیوسته در نیروی تضاد خیر و شر یا نور و ظلمت یکی بنام اورامزدا یا یزدان منبع روشنایی و دانش وسیع و دیگری بنام اهریمن منشأ جهل و تاریکی و فساد دائماً در کشمکش و نزاع هستند تا زمانی که موشیانس یعنی نجات دهنده دنیا که در سر هزاره سوم بعد از زردشت می آید ظهور کند و این زد و خورد سرانجام با شکست کامل اهریمن پایان پذیرد و ظلم و فساد و شر و بدی بکلی از جهان ریشه کن شود. و با اینکه طبق نوشته محققین تمام کتب زردشتی دستخوش تغییر و تحریف شده است مع الوصف

پیشگوییهای زردشت راجع به نجات دهنده دنیا در منابع با جزئی اختلافی که از تصرف بعدی ناشی شده است با اخبار اسلامی و آنچه شیعیان جهان درباره امام زمان(عج) نقل کرده و بدان ایمان دارند، مطابقت کامل دارد. و در کتب عهد قدیم یعنی کتب مقدس مانند زبور داود، کتاب دانیال اشیای نبی و غیر آنها سخن از مصلح مذکور به میان آمده است مثلاً در مزبور ۳۷ از مزامیر حضرت داود پیامبر خداوند به وی تسلی می دهد که از کثرت شریران واهمه نداشته باش زیرا سرانجام همه آنها نابود خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواند بود. حلیمان وارث زمین خواهند شد... خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. و در قرآن مجید هم آمده که ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر الارض یرثها عبادی الصالحون یعنی مادر زبور بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما وارث خواهند شد و منظور از ذکر در آیه تورات دانسته شده است و نمونه های دیگری هم در کتابهای دانیال نبی و در کتاب صفیای نبی و حقوق نبی و زکریا و اشعیای نبی آمده است که برای تفاصیل آنها به کتاب موعودی که جهان در انتظار اوست نوشته آقای علی دوانی مراجعه شود. و از کتب جدید در انجیل متی باب ۲۴ می گوید: چون عیسی(علیه السلام)... لیکن هر که تا به انتها صبر کند نجابت یابد و به این بشارت ملکوت، در تمام عالم موعظه خواهد شد... اینکه شما را از پیش خبر دادم همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد و پسر انسان را ببینند که برابرهای آسمان، باقوت و جلال عظیم می آید... و در برخی دیگر از کتابهای عهد جدید نیز به عنوان پسر انسان و ظهور وی آمده است و در بسیاری از احادیث شیعه و اهل سنت وارد شده که وقتی امام زمان(عج) ظاهر شود حضرت عیسی(علیه السلام) فرود می آید وبا آن حضرت نماز می گزارد. و درباره اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) می توانید به کتابهایی از جمله دادگستر جهان موعودی که جهان در انتظار اوست و مهدی موعود مراجعه فرمائید.

نظر یهودیان , مسیحیان , زرتشتیان و اهل سنت در باره امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

نظر یهودیان , مسیحیان , زرتشتیان و اهل سنت در باره امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

آنچه در ادیان بزرگ الهی به طور قطع و مسلم وجود دارد وعده آمدن مصلح کل جهانی است. البته جزئیات آن درکتب مقدس متفاوت است و تحریفاتی که در آنها انجام گرفته مشکلاتی را در تعیین دقیق مشخصات آن ایجاد کردهاست. ولی در عین حال اصل انتظار مصلح و پدید آمدن حکومت حق و عدل واحد جهانی در ادیان بزرگ الهی وجوددارد. در متون اهل تسنن به آن حضرت اعتقاد دارند. البته برخی معتقدند که آن حضرت هنوز به دنیا نیامدهاند. شایدعلت آن همان مخفی داشتن ولادت آن حضرت از غیر خواص شیعه به خاطر ترس حکام جور بوده است. برای آگاهی بیشتر ر . ک : منتخب الاثر آیت الله صافی.{J

با توجه به معنی سوشیانت در آئین زرتشت آیا می توان گفت زرتشتیان نیز به مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پرسش

با توجه به معنی سوشیانت در آئین زرتشت آیا می توان گفت زرتشتیان نیز به مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پاسخ

در این باره بطور کلی می‌توان گفت که عقیده به مهدی موعود منجی عالم اختصاص به مسلمانان ندارد؛ بلکه تقریبا تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده شراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهان تیره و تار و تاریک می گردد و جامعه بشری با بحران روبرو می‌شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد؛ در این وقت است که یک منجی با تایید دست غیبی ظهور می کند و ریشه ظلم و فساد را از میان بشریت بر می کند. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب مقدسزرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در کتاب‌های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می‌شود مانند: کتاب‌های مقدس براهمه و بودائیان. و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می‌برند و هر ملتی او را به لقب مخصوص می‌شناسد زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات‌دهنده جهان) جهودان بنام سرور میکائیلی یا مسیحای منجی، مسیحیان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی موعود، و هر ملتی آننجات‌دهنده غیبی را از خودش می‌داند. زرتشتیان او را ایریانی و از پیروان زردتشت می‌دانند و.. در اسلام منجی موعود به طور کامل معرفی شده، خلاصه اینکه عقیده بر منجی عالم برای ریشه کن کردن ظلم و فساد و شرک در تمام ادیان مطرح است. برای آگاهی بیشتر ر.ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، صفحه ۶۶.

مقوله «مهدویت» در سایر ادیان الهی چگونه است ؟ آیا آنان نیز به ظهور ایشان که جهان را پُر از عدل و داد می‌کند، معتقدند؟ و چرا اهل تسنن به این مقوله اعتقاد ندارند؟

پرسش

مقوله «مهدویت» در سایر ادیان الهی چگونه است ؟ آیا آنان نیز به ظهور ایشان که جهان را پُر از عدل و داد می کند، معتقدند؟ و چرا اهل تسنن به این مقوله اعتقاد ندارند؟

پاسخ

در این باره بطور کلی می توان گفت که عقیده به مهدی موعود منجی عالم اختصاص به مسلمانان ندارد ;بلکه تقریبا "تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده شراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهان تیره و تار و تاریک می گردد و جامعه بشری با بحران روبرو می شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد ;در این وقت است که یک منجی با تایید دست غیبی ظهور می کند و ریشه ظلم و فساد را از میان بشریت بر می کند. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب مقدس زرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در کتاب های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می شود مانند: کتاب های مقدس براهمه و بودائیان . و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می برند و هر ملتی او را به لقب مخصوص می شناسد زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات دهنده جهان) جهودان بنام سرور میکائیلی یا مسیحای منجی , مسیحیان بنام مسیح موعود, مسلمانان بنام مهدی موعود, و هر ملتی آن نجات دهنده غیبی را از خودش می داند.

www.noorfatemah.org

زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زردتشت می دانند و.. در اسلام منجی موعود بطور کامل معرفی شده , خلاصه اینکه عقیده بر منجی عالم برای ریشه کن کردن ظلم و فساد و شرک در تمام ادیان مطرح است . برای آگاهی بیشتر ر.ک : دادگستر جهان , ابراهیم امینی , صفحه ۶۶. منجی آخر الزمان بشارتی است که در ادیان مختلف به چشم می‌خورد. از صفات بارز دوران ظهور منجی مبارزه با ستم و فساد و پر شدن زمین از عدالی است. مسأله ظهور منجی آخر الزمان در یهودیت، مسیحیت و آیین زردشت با اهتمام بسیار بیشتر مطرح شده است بنابراین، یقریباً همه ادیان بزرگ درباره ظهور منجی اتفاق دارند؛ هر چند درباره شخص منجی اختلاف نظر بسیار است. برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه کنید: ادیان و مهدویت یا آرا و عقائد درباره مهدی (عج)، محمد بهشیت، انتشارات مرآتی، تهران. سوشیانیی یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخر الزمان، علی اصغر مصطفوی، یهران، ۱۳۶۱. انیظار مسیحا در آیین یهود، جوبیوس کرینسیون، یرجمه حسین توفیقی مرکز مطالعای و یحقیقای ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷. مسأله مهدویت در دیدگاه اهل سنّت نیز تقریباً از مسلمات است و آنان روایات مهدویت را متواتر و تردید ناپذیر خوانده‌اند. البتّه آنان معتقدند مهدی(عج) در آخرالزمان به دنیا می‌آید. برای آشنایی با دیدگاه فرقه‌ها و مذاهب مختلف درباره امام مهدی(عج) مطالعه کتاب زیر بسیار سودمند است: مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، سید هادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۴. مجموعه ۲ جلدیِ «کتابنامه حضری مهدی(عج)، نوشته علی اکبر مهدی پور (چاپ الهادی، قم، ۱۳۷۵(علاقه‌مندان را با منابع موجود در این باره آشنا می‌سازد.]کارشناس کلام: حمید هادوی[

موعود از دیدگاه زردشتیان کیست؟

پرسش

موعود از دیدگاه زردشتیان کیست؟

پاسخ

در کتاب معروف زردشتیان به نام" زند "بعد از آنکه سخن از مقابله ومبارزه ابدی بین ایزدان واهریمنان به میان می‌آورد، می گوید: "در این هنگام فتح وپیروزی ونصرت از ناحیه ایزدان واقع می‌شود وبعد از نصرت ویاری ایزدان ونابودی نسل اهریمنان عالم به سعادت اصلی خود می‌رسد وفرزندان آدم بر کرسی سعادت وبرکت خواهند نشست. {"پاورقی . بشارات العهدین، ص ۲۳۷ù۲۳۸ ؛ بشارة الظهور، ص ۳۴. پاورقی} جاماسب در کتاب" جاماسبنامه "از زردشت نقل کرده که فرمود": مردی از سرزمین تازیان از ذریه هاشم خروج خواهد کرد،او مردی بزرگ‌سر، با جسمی عظیم، ساقی طولانی، بر دین جدّش وبا لشکری فراوان رو به ایران خواهد نمود، زمین را آباد کرده وآن را پر از عدل وداد خواهد نمود. {"پاورقی . بشارت العهدین، ص ۲۴۳ù۲۴۴. پاورقی} در همان کتاب بعد از بشارت به نبوّت رسول اکرم (ص) می گوید": واز ذریه دختر آن پیامبر که به (خورشید عالم وشاه زمان) معروف است، مردی به خلافت خواهد رسید که در دنیا به حکم یزدان حکم خواهد نمود، او آخرین خلیفه آن پیامبر در وسط عالم یعنی مکه است، ودولتش تا روز قیامت دوام خواهد داشت. {"...پاورقی . بشارت العهدین، ص ۲۷۳ ؛ بشارة الظهور، ص ۲۰. پاورقی} در کتاب" زند بهمن یسن "شرح کتاب" اوستا "کلام جاماسب را از قول استادش زردشت این چنین نقل می کند": قبل از ظهور سوشیانس خلف وعده، دروغ، بی‌دینی وبی‌بند و باری در عالم گسترش می‌یابد، مردم از خداوند دور شده وظلم وفساد عالم را فرا

می گیرد. این امور، احوال عالم را دگرگون کرده وزمینه را برای ظهور منجی جهانی فراهم می آورد وعلائمی که هنگام ظهور اتفاق می‌افتد عبارت است از حادثه عجیب وغریبی در آسمان ظاهر می‌شود که دلالت بر آمدن "خردشهر ایزد "دارد. ملائکه از طرف مشرق ومغرب به اذن او فرستاده می‌شوند تا خبرها واعلان‌ها را به عالم برسانند. {"...پاورقی . جاماسب‌نامه، ص ۲۵. پاورقی} ونیز در کتاب" زند بهمن یسن "می‌خوانیم...": وبعد از آن، سوشیانس عالم را پاک خواهد نمود، آن گاه قیامت برپا خواهد شد." {پاورقی . زند بهمن یسن، ص ۱۹. پاورقی} در همان کتاب در تفسیر کلمه سوشیانس آمده است": سوشیانس آخرین کسی است که می آید وزردشت را در عالم نجات خواهد داد. {"پاورقی . همان، ص ۱۵۰. پاورقی}

نام امام زمان(ع) در مصحف حضرت ابراهیم(ع) چیست؟

پرسش

نام امام زمان(ع) در مصحف حضرت ابراهیم(ع) چیست؟

پاسخ

از آن جا که اعتقاد به مهدویّت در ادیان و امّتهای پیشین از امور قطعی و مسلّم است، کتاب‌های روایی و تاریخ و عهدین که در دست است، به اخبار مهدویّت پرداخته‌اند و آن‌ها نیز مثل مسلمانان در این اعتقاد مشترک هستند و در این زمینه کتاب‌های مستقلّی نیز نوشته شده است و اسامی حضرت مهدی در امّت‌های پیشین و ادیان دیگر در کتابی مستقل با عنوان به یاد حضرت مهدی آمده. و اسم حضرت در مصحف ابراهیم صاحب ذکر شده است.{۱} [۱].به یاد حضرت مهدی(ع)، احمد قاضی زاهدی گلپایگانی/

سایر موارد

اعتقاد به مهدویت و اهداف آن در ادیان دیگر چگونه است؟

پرسش

اعتقاد به مهدویت و اهداف آن در ادیان دیگر چگونه است؟

پاسخ

در آیین های هند و زردتشت، یهود، مسیحیت و اسلام این باور وجود دارد که در آیندهٔ جهان فرد صالحی ظهور خواهد نمود، و در جهت زدودن ستم و نجات بشر قدم بر می دارد و در این راه موفق خواهد شد. همهٔ این ها در هدف کلّی، یعنی هدایت و ارشاد و نجات بشر از نادانی و گمراهی وحدت نظر دارند. حال ممکن است در امور و اهداف جزیی و برخی از ویژگی ها دیدگاه های متفاوتی داشته باشند. توضیحی دربارهٔ ظهور مهدی و مصلح آخرالزمان از نگاه ادیان بزرگ را به اطلاع شما می رسانیم. همه پیروان

ادیان الهی و برخی از پیروان ادیان غیر الهی عقیده دارند که در یک عصر بحرانی جهان که فساد و ظلم بیداد می‌کند، نجات دهنده بزرگ و مصلح جهانی ظهور می‌کند و اوضاع آشفته جهان را اصلاح نموده و عدل را گسترش می‌دهد.(۱) گرچه در این که مصلح جهانی کیست، دارای چه ویژگی‌هایی است، نام او چیست و منسوب به کدام ملت و دین است، اختلاف نظر دارند.(۲) هر ملتی او را با لقب مخصوص و ویژگی‌هایی می‌شناختند و او را از خودشان می‌دانند. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند.(۳) یهودیان اورا از بنی اسرائیل و عیسویان او را مسیح موعود می‌خوانند . این مهدی و منجی در آیین های بزرگ بدین شرح بیان شده است. ۱ـ در آیین هندو و بودا: در آیین هندو نیز از نجات دهنده و موعود، به نام" آواتا "سخن به میان آمده و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشا دها مطرح شده است.(۴) مظهر ویشنو (مظهر دهم) که در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفید ظاهر می‌شود، درحالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد. شریران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید می‌کند و پاکی را رجعت خواهد داد. مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.(۵) در یکی از کتاب‌های دیگر هندوها آمده است: گردش دنیا به پادشاه عادلی در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق همراه او است و آنچه در دریاها و کوه‌ها پنهان شده باشد، همه را به دست می‌آورد. از آسمان‌ها و زمین، آنچه باشد، خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.(۶) در آیین بودایی که یکی از شاخه‌های کشین هندویی است، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت مورد انتظار بودای پنجم می‌باشد.(۷) ۲ـ آیین زرتشت در آیین زرتشت سه منجی به نام‌های هوشیذر، هوشیذر ما و سوشیانس (نجات دهنده مرگ) از نسل زرتشت مطرح است. گویند: آنان پس از دیگری جهان را پر از عدل خواهند کرد. از جمله، مهم‌ترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروز گر می‌خوانند(۸) که پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد داد؛ فقر و تنگدستی را ریشه کن می کند و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می‌گرداند.(۹) ۳ – آیین یهود در آیین یهود نیز از شخص موعود سخن گفته شده است. گر چه یهودیان در این که موعود کیست، اختلاف نظر دارند. چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده‌اند، به باور آنان موعودشان هنوز ظهور نکرده است. با این حساب انتظار در یهودیت کیفیت ویژه می‌یابد، ولی آنچه یهودیان بر آن اتفاق دارند، خروج شخصی در آخر زمان است که کوکب افروز می‌باشد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می‌گرداند... یهودیان به انتظار او زمان می‌گذارنند.(۱۰) موعود کسی است که به عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم راند و گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله خوابد... در تمام کوه مقدس، ضرر و فسادی دیده نشود؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.(۱۱) ۴ – آیین مسیحیت مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند و اگر چه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح(ع) است که از آسمان نزول کرده و جهان را پر از عدل خواهد کرد.(۱۲) در انجیل مرقس آمده است": پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید در چه وقت صاحب خانه می‌آید، در شام، یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح! مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد.("!۱۳) ۵ – آیین اسلام یکی از مسایل بسیار مهمی که در حوزهٔ اندیشهٔ اسلامی قرار دارد، اعتقاد به مصلح جهانی است. ما شیعیان عقیده داریم که مصلح جهانی امام زمان(عج) است که در آیات (۱۴) و روایات(۱۵) به آن اشاره شده است. امام زمان(عج) همان مهدی(ع) است که جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که پر از ظلم شده است.(۱۶) اعتقاد به مهدویت از معارف قطعی تمامی مذاهب اسلامی است. ابن ابی الحدید که از عالمان اهل سنت است می‌گوید": میان همه فرقه‌های مسلمان اتفاق قطعی است که عمر دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر پس از ظهور مهدی(عج)("۱۷) از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که همه ادیان الهی و برخی ادیان غیر الهی درخصوص مصلح جهانی اتفاق نظر دارند؛ ولی نمی‌توان قضاوت نمود که مقصود آنان از مصلح جهانی امام زمان(ع) می‌باشد که در اسلام بدو اشاره شده است. گرچه برخی از نشانه‌ها و مشخصاتی که در سایر ادیان برای مصلح جهانی ذکر شده، درباره امام زمان(ع) نیز هم خوان است.(۱۸) با توجه به این که بشارت به ظهور مصلح جهانی در ادیان الهی بیان شده و مسئله ظهور حضرت مهدی(عج) در ادیان الهی، پیش از تحریف‌شان وجود داشته، مصلح تمام ادیان الهی، مهدی

موعود است و مقصود دین‌شان همین است، اما پیروان آنها در تطبیق و تعیین مصداق به خطا رفته‌اند و با توجه به آن چه بیان شد تا حدودی هدف های آیین های مذکور از مهدویت نیز روشن می شود. پی‌نوشت‌ها: ۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۷۶. ۲. همان؛ فریده گل محمدی آرمان، رسالت جهانی حضرت مهدی، ص ۹۸ به بعد. ۳. ابراهیم امینی، همان. ۴. کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷. ۵. معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵. ۶. ادیان و مهدویت، ص ۱۹. ۷. رسالت جهانی مهدی(عج) ص ۱۰۳ – ۱۰۴. ۸. جاماسب نامه، ص ۱۲۱، به نقل از فریده گل محمدی، همان، ص ۹۹. ۹. همان؛ ادیان و مهدویت، ص ۱۹. ۱۰. ترجمه الملل و النحل، ج۱، ص ۳۱۲. ۱۱. رسالت جهانی مهدی، ص ۱۰۶. ۱۲. رسالت جهانی مهدی(عج)، ص ۱۰۹. ۱۳. انجیل مرقس، با اقتباس از رسالت جهانی مهدی(ع) ص ۱۰۹. ۱۴. قصص (۲۸) آیه ۵. ۱۵. بحارالانوار، ج۵۱، ص ۶۷ به بعد. ۱۶. المهدی الموعود، ج۲، ص ۷۲؛ کتاب الغیبهٔ نعمانی، ص ۴۲۵. ۱۷. منتخب الاثر، ص ۱۱ به بعد. ۱۸. ابراهیم امینی، دادگستر جهان ۷۶ – ۷۷.

آیا ادیان آسمانی و پیامبران با اصل مهدویت موافقاند؟

پرسش

آیا ادیان آسمانی و پیامبران با اصل مهدویت موافقاند؟

پاسخ

تمام ادیان آسمانی به پیروان خود عمر درخشان و سعادت عمومی و آینده مشعشع و صلح جهانی و دوران پر خیر و برکتی را نوید داده‌اند که در آن نگرانیها و دلهرهها و هراسها مرتفع شود و به یمن ظهور شخص بزرگ و مرد خدایی که به تأییدات الهی مؤید است در روی زمین منطقه و شهر و دهستان و دهی باقی نماند مگر آنکه در آن بانگ دل نواز توحید بلند شود و روشنایی یکتاپرستی، تاریکی شرک را زایل سازد و علم و عدل و راستی و امانت، چهرهٔ جهان آرای خود را بنمایاند و همه جهان را منوّر سازد. این موجود عزیز بر حسب استوارترین و صحیحترین مصادر اسلامی خلیفهٔ دوازدهم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و دوازدهمین رهبر و امام بعد از آن حضرت و همنام و هم کُنیهٔ آن حضرت است و القاب مشهورش در بین مسلمین «مهدی»، «قائم»، «منتظر»، «صاحب الامر»، «صاحب الزمان» و «بقیه الله» است. و در زبانهای دیگر به «گرزاسیه»، «وشینو»، «ارتور»، «مهمید» و نامها و القاب دیگر خوانده شده است. در کتاب زنده و کتاب جاماسب و کتاب شاگمونی و کتاب جوک و کتاب دید و کتاب باسک و کتاب پاتیکل و کتاب دادنگ و کتاب صفنیای نبی و کتاب اشعیاء و کتاب وحی کودک و کتاب حکی نبی و کتاب مکاشفات یوحنای لاهوتی و کتاب دانیال و انجیل متی و انجیل لوقا و انجیل مرقس و کتابها و الواح دیگر این بشارتها به عبارات و مضامینی که همه اصالت عقیدهٔ مهدویّت را تأیید و آن را یک اصل عام و مورد قبول همهٔ ملل و امم و انبیاء و ادیان معرفی مینمایند آمده است و به بعضی صفات و علائمی که در احادیث و بشارات اسلامی برای این ظهور و صاحب آن حضرت مهدی حجه ابن الحسن العسگری(ع) بیان شده اشاره یا صراحت دارند.

آیا مسأله مصلح بزرگ در میان ادیان دیگر نیز مطرح بوده است؟

پرسش

آیا مسأله مصلح بزرگ در میان ادیان دیگر نیز مطرح بوده است؟

پاسخ

بلی، تجلّی این برنامه در کتب زرتشتیان ۱ ـ در کتاب معروف «زند» پس از ذکر مبارزهٔ همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» میخوانیم «... آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان میشود؛ و اهریمنان را منقرض میسازند... پس از پیروزی ایزدان، و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنیآدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست!» ۲ ـ «جاماسب» در کتاب «جاماسب نامه» از زردشت نقل میکند که میگوید «مردی بیرون آید از زمین تازیان... مردی بزرگ سر، و بزرگ تن، و بزرگ ساق، و بر آئین جدّ خویش و با سپاه بسیار، و روی به ایران نهد، و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.» جلوه گاه این عقیده در کتب هندیان و برهمائیان ۱ ـ در کتاب «وشن جوک» از کتب هندوها چنین آمده است «سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاصّ او باشد. و نام او «فرخنده و خجسته» باشد!» ۲ ـ در کتاب دیگری به نام «دیده» آمده است «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد؛ ونام او «منصور» باشد، و تمام عالم را بگیرد؛ وبه آئین خود آورد.» ۳ ـ در کتاب «دداتک» از کتب مقدّسه برهمائیان آمده است «... دست حق درآید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد همه جا؛ و خلایق را هدایت کند.» ۴ ـ در «پاتیکل» از کتب هندوان آمده است چون مدّت روز تمام شد، و دنیای کهنه نو شود؛ و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود؛ از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخر زمان و دیگری و حتّی بزرگ وی که«پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملک تازه «راهنما» باشد؛ بحق پادشاه شود، و خلیفه رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.» ۵ ـ در کتاب «باسک» از کتب هندوها آمده است «دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخر زمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد؛ و راستی حق با او باشد، و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد، و از آسمان و زمین آنچه باشد خبر میدهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید!» پرتوی در کتب عهد قدیم (تورات و ملحقّات آن) ۱ ـ در کتاب «مزامیر داوود» مزمور ۳۷ چنین میخوانیم «... زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و امّا متوکّلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، هان، بعد از اندک مدتی شدید نخواهد بود، در مکانش تأمّل خواهی کرد و نخواهد بود؛ امّا حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد!» ۲ ـ و نیز در همان مزمور ۳۷ (از مزامیر داوود) جملهٔ ۲۲ میخوانیم زیرا «متبرکان خداوند» وارث زمین خواهند شد، امّا ملعونان وی منقطع خواهند شد. ۳ ـ و نیز در جملهٔ ۲۹ در همان مزمور آمده است صدیقان وارث زمین شده ابداً در آن ساکن خواهند شد. ۴ ـ در کتاب «حبقوق» نبی، فصل ۷، میخوانیم «... و اگر چه تأخیر نماید؛ برایش منتظر باش! زیرا که البتّه خواهد آمد و درنگ خواهد نمود، بلکه جمیع امّتها را نزد خویش جمع میکند؛ و تمامی را برای خویشتن فراهم میکند.» ۵ ـ در کتاب «اشعیای نبی»، فصل ۱۱، در بحثی که سراسر تشبیه است میخوانیم «و نهالی از تنه یسی بر آمده شاخهای از شاخههایش قد خواهد کشید... ذلیلان را به عدالت حکم؛ و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود... کمربند کمرش عدالت، و وفا نطاق میانش خواهد بود؛ و گرگ با بره سکونت داشته، ... و طفل کوچک راعی (شبان) ایشان خواهد بود... و در تمامی کوه مقدّس من هیچ ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که زمین از دانش خداوند، مثل آبهایی که دریا را فرو میگیرند، پر خواهد شد.» نشانههایی در کتب عهد جدید (اناجیل و ملحقّات آن) ۱ ـ در انجیل «متی»، فصل ۲۴، میخوانیم «چون که برق از مشرق بیرون میآید و تا به مغرب ظاهر میگردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که میآید با قدرت و جلال عظیم! و فرشتههای خود را (یاران خود را) خواهد فرستاد با صور بلند آواز. و آنان برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود.» ۲ ـ و در

انجیل «لوقا»، فصل دوازدهم، آمده است «کمرهای خود را بسته و چراغهای خود را افروخته دارید، و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود میکشند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بیدرنگ برای او باز کنید!»

آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان وملل دیگر نیز وجود دارد؟

پرسش

آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان وملل دیگر نیز وجود دارد؟

پاسخ

ایمان به ظهور منجی بشریت از وضع موجود واقامه عدل وداد، فطری بشر است ولذا این عقیده در هر ملت ودینی وجود دارد. محمّد امین زین‌الدین می‌گوید": شکی نیست که اعتقاد به اصلاح جامعه از وضعیّت موجود، از ابتدای تاریخ بشر در ذهن مردم وجود داشته است واز عقاید اختصاصی دین اسلام نیست، زیرا در بین ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام مشاهده می‌کنیم که همگی خبر از وقوع این حقیقت داده‌اند وحتی صفات مصلح وراه‌کارهای اصلاحی او را نیز بیان کرده‌اند، گرچه نام او را مهدی ودعوت اصلاحی او را به نام مهدویت نگذاشته‌اند... این عقیده وفکر حتی به ادیان دیگر از قبیل زردشتی وبرهمنی و... نیز سرایت کرده است."... {پاورقی . مع الدکتور احمد امین فی حدیث المهدی والمهدیّه، ص ۱۱. پاورقی} در بین ادیان آسمانی وآیین‌های شبه دینی وملت‌ها، می‌توان از اینها نام برد: ۱ - یهود به بازگشت عزیر یا منحاس بن عازر بن هارون اعتقاد دارد . ۲ - مسیحیت با ایمان به بازگشت عیسی (ع). ۳ - زردشت با ایمان به بازگشت بهرام شاه. ۴ - هندوها با ایمان به بازگشت فیشنوا. ۵ - مجوس با ایمان به بازگشت أوشیدر. ۶ - بودایی‌ها در انتظار ظهور بودا. و.... {پاورقی . الامامهٔ وقیام القیامهٔ، ص ۲۷۰Ù۲۷۱ ؛ العقیده والشریعهٔ فی الاسلام، ص ۱۹۲. پاورقی}

هر یک از صاحبان ادیان، منجی را از دین خود می‌داند راه حلّ این اختلاف چیست؟

پرسش

هر یک از صاحبان ادیان، منجی را از دین خود می‌داند راه حلّ این اختلاف چیست؟

پاسخ

در تشخیص هویّت منجی عالم در پایان تاریخ نزد صاحبان ادیان اختلاف است، هر کسی بزرگی از دین خود را رهبر این نهضت می‌پندارد واو را احیاگر دین خود می‌داند. اهمّ اسباب اختلاف عبارتند از: ۱ - نصوص وبشارت‌های آسمانی از آن جهت که خبر غیبی است لذا هر کسی به جهت تعصب دینی که دارد آن را به رهبر وبزرگ دینی خود حمل می‌کند. ۲ - علمای ادیان ودانشمندان مکاتب مختلف از آن جهت که به هوّیت وشخصیّت مهدی موعود آخرالزمان جاهلند، لذا منجی را بر رهبران خود

حمل نمودند. برای حلّ مشکل وتحدید هویّت منجی بشریّت مراحلی را باید طی نمود: ۱ – تمییز بشارات ونصوص خاصه‌ای که در رابطه با منجی در کتاب‌های مقدس آسمانی اهل کتاب وارد شده است. ۲ – بررسی صفات وخصوصیات منجی در کتاب‌های مقدس بدون تأثیرپذیری از پیش‌فرض‌ها. ۳ – بررسی حقایق تاریخ ومقایسه آن با صفات وخصوصیاتی که در کتاب‌های مقدس درباره منجی آمده است تا مصداق واقعی وهویّت شخصی منجی، معین شود. ۴ – معرفی حضرت مهدی (ع) به دیگران تا قدرت تطبیق برای آنان نیز فراهم گردد. لذا مشاهده می‌کنیم که گروهی از مسیحیان با بررسی صفات وخصوصیات مصلح ومنجی جهانی در کتاب‌های مقدس خود وتطبیق آنها بر منجی ترسیم شده در اسلام، به اسلام وتشیع گرویدند ومهدویت اسلامی را پذیرفتند، اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – قاضی ساباطی مسیحی او بعد از بررسی بشارت اشعیای نبی در شأن مصلح جهانی ومناقشه در تفسیر یهود ونصارا برای آن می‌گوید": در نتیجه مقصود از این کلام همان مهدی موعود اسلامی است؛ زیرا در آنجا درباره منجی می‌گوید: او به مجرّد شنیدن، جزا نمی‌دهد. واین با اجماع مسلمین سازگاری دارد که می‌گویند: این صفت از خصوصیات مهدی موعود است. "ونیز می‌گوید": عقیده امامیه در اینکه منجی، فرزند حسن عسکری است که در سال ۲۵۵ از مادری به نام نرجس متولد شد وسپس غایب گشت وبه اذن خداوند ظهور خواهد نمود، به واقع نزدیک‌تر است. {"پاورقی . البراهین الساباطیهٔ، ص ۲۰۷Ù۲۰۸. پاورقی} ۲ – علامه محمد صادق فخر الاسلام او که شخصی مسیحی بوده وپس از تحقیقات فراوان مسلمان شیعی شده است در کتابی به نام" انیس الاسلام "که در ردّ یهود ونصارا نوشته، در آنجا تمام بشارت‌ها به ظهور منجی را بر حضرت مهدی موعود اسلامی منطبق کرده است. ۳ – علامه محمّد رضا رضایی او نیز که شخصی یهودی بوده واسلام را انتخاب کرده است در کتاب خود به نام" منقول رضایی "بشارات بر منجی را بر مهدی موعود منطبق کرده است.

منجی ورهبر در حکومت عدل توحیدی جهانی کیست؟

پرسش

منجی ورهبر در حکومت عدل توحیدی جهانی کیست؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق سه احتمال وجود دارد: ۱ – منجی ورهبر جهانی همان عیسی بن مریم است، ومنظور از مهدی نیز اوست. ۲ – منجی ورهبر، مهدی موعود اسلامی است، که از او به مسیح نیز تعبیر شده‌است. ۳ – منجی ورهبر، حضرت مهدی است که حضرت عیسی نیز از جانب خداوند به مساعدت او می‌شتابد. ادلّه احتمال اول ۱ – لفظ مسیح که مقصود از آن، نجات بخش ومنجی است لقب حضرت عیسی (ع) می‌باشد. ۲ – در برخی از اناجیل وروایات اسلامی به طول عمر حضرت مسیح در آخرالزمان اشاره شده است. {پاورقی . انجیل متّی، ۲۰–۱۹/۲۸. پاورقی} ۳ – در برخی از روایات آمده": ولا مهدیّ إلّا عیسی بن مریم"؛ "ومهدی به جز عیسی بن مریم نیست ".اولاً: نامگذاری حضرت عیسی (ع) به مسیح بر استقلال او در برپایی حکومت عدل جهانی دلالت ندارد؛ زیرا نام" مسیح "را برخی از کاتبان اناجیل بر حضرت مسیح اطلاق نمودند وقرآن نیز به جهت شهرت آن بر آن حضرت اطلاق کرده است. ودیگر اینکه کافی است در لقب دادن حضرت عیسی به مسیح به جهت آنکه در تأسیس حکومت عدل جهانی مشارکت دارد. ثانیاً: توافق اسلام ومسیحیت در بازگشت حضرت عیسی (ع) در آخرالزمان وطول عمر او دلالت بر استقلال ایشان

در تشکیل حکومت ورهبری ندارد. ثالثاً: در مورد حدیث" ولا مهدیّ إلّا عیسی بن مریم "که ابن ماجه آن را در سنن خود نقل کرده اشکالاتی وجود دارد: الف. این حدیث معارض با روایات متواتری است که مهدی را از ذریه رسول‌خدا (ص) معرفی کرده است. ب. این روایت از منفردات محمّد بن خالد جندی است وتنها اوست که آن را نقل کرده است در حالی که او کسی است که به تعبیر آبری، نزد اهل سنّت معروف نیست. وبه تعبیر حاکم نیشابوری، مجهول بوده ونقل حدیثش به جهت تعجب است. لذا{پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۲۹. پاورقی} قرطبی می گوید": احادیث نبوی که دلالت بر خروج مهدی (ع) از عترت پیامبر (ص) واز اولاد فاطمه (س) دارد اصحّ از این حدیث است وحکم، مطابق آن احادیث است.{"پاورقی . التذکرة، ج ۲، ص ۲۹۹. پاورقی} ابونعیم اصفهانی نیز حدیث را غریب می‌داند. {پاورقی . حلیة الاولیاء، ج ۹، ص ۱۶۱. پاورقی} دلیل احتمال دوم: مسیح در لغت گر چه به معنای مسح شده است ولی این کلمه لقب کسی قرار گرفته که از جانب خداوند مسح شده وقابلیّت برای نجات عالم را دارد، ومطابق روایات این قابلیّت تنها برای حضرت مهدی (ع) است. پاسخ: اولاً: لقب دادن حضرت مهدی (ع) به" مسیح" به معنایی که ذکر شده گر چه امر معقولی است ولی در روایات به آن اشاره نشده است. ثانیاً: از مجموعه احادیث استفاده می‌شود که حضرت مسیح با تشریک مساعی با حضرت مهدی (ع) امر حکومت جهانی را به پیش خواهند برد. ادلّه احتمال سوم: از مجموعه قرائن وادله به دست می‌آید که حکومت جهانی با رهبری حضرت مهدی (ع) وتشریک مساعی حضرت عیسی (ع) بر پا خواهد شد زیرا: ۱ – امام مهدی (ع) وارث طرح کامل حکومت عدل جهانی توحیدی از رسول اکرم (ص) است. ۲ – در روایات اسلامی آمده است که حضرت عیسی از امامت جماعت بر مسلمین امتناع کرده وامام مهدی (ع) را به عنوان امامت معرفی می کند. ۳ – حکمت اقتضا می کند که رهبر حکومت جهانی از امت اسلام باشد. ۴ – در عبارات اناجیل آمده است که حضرت عیسی به کمک شخصی به نام" فرزند انسان "از آسمان فرود آمده وبا مساعدت او این حکومت بر پا خواهد شد.

آیا اعتقاد به وجود مصلح جهانی، مخصوص مسلمانان است یا اینکه ملل دیگر نیز به آن عقیده دارند؟ خصوصیات مصلح موعود در احادیث اسلامی چیست؟

پرسش

آیا اعتقاد به وجود مصلح جهانی، مخصوص مسلمانان است یا اینکه ملل دیگر نیز به آن عقیده دارند؟ خصوصیات مصلح موعود در احادیث اسلامی چیست؟

پاسخ

اعتقاد به وجود مصلح جهانی، هر چند یک عقیده اصیل اسلامی است که ریشه قرآنی دارد، و احادیث اسلامی متواتری درباره آن وارد شده است ولی درعین حال، ملل دیگر نیز مطابق آنچه در کتابهای آنان وارد شده است به آن معتقدند. حتی روی محاسبات اجتماعی باید مادّیها نیز به چنین انقلاب و تکامل همه جانبه عقیده داشته باشند، زیرا تکامل یک بعدی (مادی) نمی‌تواند یک تکامل صحیح و ثمر بخش باشد. ملل دیگر دنیا نیز به وجود مصلح بزرگ جهان، و تکامل همه جانبه جامعه انسانی عقیده دارند که پس از خزان مرگبار فساد، که در آن بساط طراوت و خرمی از گیتی برچیده می‌شود، و چهره شاداب و پرفروغ آن، زرد و افسرده می گردد؛ مجدداً نسیم جان بخش بهار می‌وزد، ابر گهر بار می‌بارد، آفتاب در نهایت اعتدال می‌تابد، خاک سیه، منبع گل و گیاه می‌شود و صحرا و دشت، جامه سبز می‌پوشد. به نظر همه ملل جهان، ظلمت غم افرای شب، پهنه گیتی را تا مدتی می‌پوشاند. ولی

www.noorfatemah.org

پنجه نیرومند خورشید، گریبان افق را شکافته و چهره خورشید، خود را نشان می‌دهد، و اشعه طلائی خود را در سراسر جهان پخش می‌کند. این اصل، اختصاص به عالم طبیعت و جهان گیاهان ندارد، بلکه جهان آفرینش بر چنین اساسی آفریده شده است. مثل «پایان شب سیه سپید است» روشنگر یک اصل کلی و ناموس جهانی است و آشکارا می‌رساند که پس از هر ویرانی، آبادی، و پس از هر نابسامانی، نظم و سامان، و پس از هر اختلاف و فشار، حریّت و آزادی وجود خواهد داشت و این اصل را تجارب تاریخی تأیید وتثبیت می‌کند. روی این اصل، باید وجود امام زمان و مصلح جهانی، منادی عدالت، دادگری، مساوات، برابری، پاکی و پیراستگی را در بخشی از زمان پس از تسلط جوروستم بر جوامع بشری، نتیجه ناموس عمومی تکامل دانست، نه چیزی مغایر آن. مسأله مصلح جهانی، چیزی نیست که به جهان شیعه اختصاص داشته باشد و تنها این گروه از ملل جهان در انتظار چنین قیام بسر برند بلکه این مطلب سخنی است که جمله ملل عالم بر آن اتفاق نظر دارند. البته آگاهی دقیق از خصوصیات مصلح موعود، جز از طریق کتابهای آسمانی واحادیث راستین اسلامی امکان پذیر نیست. ولی اثبات اصل وجود و ظهور یک مصلح در بخشی از زمان که در اصطلاح به آن «آخر الزمان» می‌گویند، از طریق عقل و سائر محاسبات اجتماعی کاملاً امکان پذیر است. عقل بر وجود تکامل همه جانبه ، چنین استدلال می‌کند. جامعه بشری، از نخستین لحضه پیدایش هر روز گامی به پیدایش نهاده و در صنایع و علوم شئون زندگی ـ از مسکن، غذا، و پوشاک ـ پیشرفت چشمگیری نصیب وی شده است. جامعه انسانی زیر پوشش چنین تحولات عمیق، در شئون زندگی و اموز مادی، تکامل چشم گیری پیرا کرده و مشکلاتی را حل کرده است . ولی آیا تکامل از یک نظر و یک جنبه «مادی» را می‌توان تکامل نامید؟ یا این که چنین جهشی ـ به دلیل تک بعدی بودن ـ به قیمت نابودی جامعه تمام می‌شود؟ تکامل صحیح یک موجود، یک جاندار، و یک جامعه، این است که جهش در تمام ابعاد وجود آن پدید آید نه در یک جهت. نوزادی که دیده به جهان می‌گشاید و کم کم را تکامل را می‌پیماید، باید تمام اعضاء آن به نسبت خاصی رشد کند، امّا اگر تنها یک عضو رشد کند و اعضاء دیگر او به همان حالت نخستین باقی بمانند، قطعاً نتیجه معکوس خواهد داشت. از این جهت، تکامل صنعتی و تکنیکی و دیگر مظاهر مادیگری را باید طلیه تکامل روحی و معنوی جامعه دانست، و چنین نظر داد که به وازات این تکامل، باید جهشی در معنویات و در زاه گسترش فضائل و وارستگی از آلودگیها رخ دهد، و جامعه انسانی به تمام معنی یک جامعه ایده‌آل گردد. این منطق، می‌تواند منطق یک فرد مادی و دور از خدا نیز باشد، و او نیز به همان نتیجه‌ای که الهیون و ازباب مذاهب و ملل جهان ـ از طریق کتابهای آسمانی و احادیث متواتر ـ رسیده‌اند، برسد، مشروط بر این که توجه داشته باشد که تبعیض در تکامل و تنها جهش در امور مادی، تکامل صحیح و مفیدی نیست. و تا تکامل همه جانبه، یک فر و یا یک اجتماع را فرا نگیرد، هیچ جامعه‌ای سعادتمند نخواهد شد. اگر مادی، از این طریق به وجود مصلح جهانی معتقد می‌گردد، پیروان مذاهب و کتابهای آسمانی قبل از مادّیون باید به وجود چنین مصلحی معتقد باشد. زیرا علاوه بر عقل و خرد، کتابهای آسمانی آنان، بر وجود چنین جهش و انقلاب عمیقی در کلیه شئون زندگی تصریح می‌کنند. در کتابهای ایران باستان و تورات و انجیل ـ با وجود تحریفاتی که در آنها رخ داده و دستبردهائی که به آنها زده‌اند ـ مسأله مسلح جهانی، به روشنی مطرح است. ما برای اختصار، از نقل همه آنها خودداری می‌نمائیم. علاقمندان می‌توانند به کتابهای ارزنده‌ای که پیرامون امام زمان علیه‌السلام نوشته شده است مراجعه فرمایند. هم اکنون چند فراز از «زبرور» داود نقل می‌کنیم. مصلح جهانی در زبور روشن ترین آیه‌ای که وجود چنین جهش همه جانبه را ثابت می‌کند، این ایه است: «وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ منْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ اْلاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ» انبیاء/۱۰۵ صریح آیه این است : [ما در زبور داود نوشتیم که حکومت زمین به دست افراد صالح خواهد افتاد].وقتی به زبور مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم در زبور چنین نوشته‌است: «در مزمور اوّل از مزامیر حضرت داود پیغمبر، خداوند به وی تسلی می‌دهد که از کثرت شریران واهمه نداشته باش، زیرا سرانجام همه آنها نابود خواهند شد. خود را مشوش مساز، که البته باعث گناه خواهد شد زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود. حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید... صالحون را

خداونـد تأییـد می کنـد. خداونـد روزهای صالحان را می‌دانـد و میراث ایشان ابـدی خواهـد بود. آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند و آنانی که ملعون وی اند منقطع خواهند شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود، عاقبت شـریران منقطع خواهنـد شـد و نجات صالحان از خداونـد است. ...منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تاتو را به وراثت زمین برافرازد». در مزمور (۴۵) که از پیامبر خاتم(ص) سخن گفته است، در پایان می گوید: «به عوض پدرانت پسرانت خواهند بود و ایشان را بر تمامی جهان سـروران خواهم ساخت نام تو را در همه دهرها ذکر خواهم کرد پس قومها تو را احمـد خوانند» و نیز در مزمور (۹۶) می گویـد: «قومها را بانصاب داوری خواهـد نمود آسـمان شادی کنـد و زمین مسـرور گردد، دریا و پریان غرش نمایند، صحرا و هر چه در آن است به وجد آید، آنگاه تمام درختان جنگل تر خواهد نمود به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهـان می‌آیـد.» همچنین در مزمور (۹۷) می گویـد«آسـمانها عـدالت او را اعلام می کننـد و جمیع قومها جلال او را می‌بینند، پرسـتندگانِ بتهای تراشیده خجل می‌شوند». شکر خدا را که دست تحریف، موفق به حذف این قسمت از متن «زبور» نگردیده است. شکی نیست که در طول تاریـخ، حکومت‌های صالحی روی کارآمده‌انـد. اما تاکنون دیـده نشده‌است که حکومتی صالح بر سراسـر جهان فرمانروائی کند، و جهان را زیر پوشـش صـلاح، عفاف، تقوی، و پرهیزگاری قرار دهد. از این جهت باید پیروان زبور و قرآن در انتظار چنین حکومتی صالحی که بر تمام جهان حکومت کند باشـند. در احادیث اسلامی از این مصلح جهانی به مهدی، صاحب العصـر والزمان و...تعبیر شده است و در کمتر موضوعی از موضوعات به اندازه حضـرت مهدی(ع) حدیث و روایت وارد شده است. این احادیث، خصوصـیات امام علیه‌اسلام را به خوبی روشن کرده و راه هر نوع عوام فریبی را برای مدعیان در وغین «مهدویّت» بسته است. و با توجه به این روایات و احادیث که محـدثان اسـلامی اعم از سـنی و شـیعه نقل کرده‌انـد، مشت در وغگویانی مانند مهدی سودانی، غلام احمد قادیانی، و علی محمد باب، کاملا باز می‌شود. اینک فهرست روایاتی که مشخصات منجی موعود در آنها وارد شـده است، باذکر ارقام و تعـداد احادیث آنها. ۱ـ روایـاتی که از ظهور او بشارت می دهـد.۶۵۷ عدد ۲ـ او از اهـل بیت پیامبر است. ۳۸۹عدد ۳ـ او از فرزنـدان علی(ع) است. ۲۱۴عدد ۴ـ او از فرزنـدان فاطمه(س) است. ۱۹۲عدد ۵ـ نهمین فرزند حضـرت حسین بن علی است. ۱۴۸ عدد ۶ـ او از فرزندان امام زین العابدین علیه‌السلام است. ۱۸۵ عدد ۷ـ او از فرزندان امام حسن عسکری صلوات الله علیه است. ۱۴۶ عدد ۸ـ اجـداد امام حسن عسـکری را بیان کرده است. ۱۴۷ عدد ۹ـ جهان را از عـدالت پر می کنـد. ۱۳۲ عدد ۱۰ـ غیبت او طولانـی است.۹۱ عدد ۱۱ـ عمر طولانـی دارد. ۳۱۸ عدد ۱۲ـ دین اسـلام به وسـیله او عـالمگیر می‌شود. ۴۷ عدد ۱۳ـ امام دوازدهم آخر الائمه است. ۱۳۶ عدد ۱۴ـ روایـاتی که حاکی از ولادت او می‌باشـد. ۲۱۴ عـدد مجموع این احـادیث و روایات، در کتابهای اصـیل اسلامی نقل شده و موضوع را به صورت یک امر قطعی و واضح درآورده است [این ارقام و آمار، از کتاب «منتخب الاثر» اخذ شده است].

آیا در مورد امام زمانغ و حکومت عدل او، در ادیان مذاهب و فرقه‌های دیگر نیز آمده است از معرفی کتاب هم تشکر می‌کنم

پرسش

آیا در مورد امام زمانغ و حکومت عدل او، در ادیان مذاهب و فرقه‌های دیگر نیز آمده است از معرفی کتاب هم تشکر می کنم

پاسخ

قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید": وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّـلِحُون(; انبیأ،۱۰۵) در" زبور" بعد از ذکر (تورات نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت زمین خواهند شد. "!در روایتی امام باقر۷ می‌فرماید" هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان ; مقصود از بندگان شایسته‌ای که وارث حکومت زمین می‌شوند، یاران حضرت مهدیغ در آخر الزمان هستند.(تأویل الآیات سید شرف الدین حسینی استر آبادی ص ۳۲۶، انتشارات جامعه مدرسین) بنابراین در کتاب" زبور "حضرت داود بشارت به حکومت عدل حضرت مهدی داده شده است جالب آن که در کتاب" مزامیر داود "که امروز جزء کتاب‌های عهد قدیم است عین تعبیری که در آیهٔ فوق آمده یا مشابه آن در چند مورد دیده می‌شود و نشان می‌دهد با تمام تحریفاتی که در این کتاب‌ها به عمل آمده این قسمت هم چنان از دستبردها مصون مانده است از آن جمله در مزمور ۳۷ جمله ۹ می‌خوانیم زیرا که شریران منقطع می‌شوند، و اما متوکّلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. در جای دیگر همین مزمور جملهٔ ۱۱ می‌خوانیم اما متواضعانه وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. در جمله ۲۷ نیز می گوید: زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...(اقتباس از تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۵۲۰، دارالکتب الاسلامیهٔ) این‌ها عناوینی است که در قرآن مجید از آن تعبیر به بندگان شایسته شده است در کتاب زند (کتاب مذهبی زردشتیان در این‌باره آمده است لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد... آن گاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند... و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست . در کتاب صفینای نبی فصل ۳ در آیهٔ ۶ و ۷ می گوید: به منظور گردآوردن طوایف بشر بر یک دین حق سلاطین دول مختلفه را نابود کنم آن وقت برگردانیم به قوم‌ها لب پاکیزه برای خواندن همه به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش" شاکمونی پیغمبر هندوها در کتاب مذهبی خود می گوید: پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید خلایق دو جهان" کشن بزرگوار تمام شود و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد. در انجیل متی فصل ۲۴ آیه ۲۷ و ۳۰ آمده است..." چون برق که از مشرق بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می‌آید با قدرت و جلال عظیم. " ..باز در انجیل متی فصل ۲۵ آیهٔ ۲۱ گوید: "و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی قرار خواهندگرفت " این بود نمونه‌ای از بشارت‌های ادیان و مذاهب دیگر در مورد مصلح جهانی حضرت مهدیغ البته همهٔ ادیان مصلح جهانی را به نام" مهدی ننامیده‌اند و هر مذهب و کیش او را به نام مورد پذیرش همان آیین معرفی کرده است ولی از قراین و شواهد به خوبی می‌توان فهمید که مقصود همهٔ آن‌ها همان" مهدی از دودمان رسالت اسلامی است (ر.ک مصلح جهانی سید هادی خسروشاهی ص ۵۸ـ۶۱، انتشارات اطلاعات / مهدی در بشارت‌های آسمانی محمد فقیه نیا، نشر بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیا / او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور، نشر مؤسسه انتشارات رسالت) در روایتی از امام باقر۷ نیز نقل شده است که فرمود": حضرت موسیغ در" سِفر اولی نگاه کرد و قدرت و منزلت قائم آل محمد را مشاهده نمود، سپس درخواست نمود تا خداوند او را قائم آل محمد قرار دهد، خداوند به او فرمود که آن حضرت از ذریه و فرزندان احمد۶ است سپس بار دیگر در" سِفر دوم نگریست و دوباره مانند همان مطلب قبلی را دید، و همان درخواست را از خداوند نمود و همان جواب را شنید ;همچنین در" سِفر سوم نظر کرد و("...الغیبه محمد بن ابراهیم نعمانی ص ۲۴۰، مکتبهٔ الصدوق تهران / الصراط المستقیم علی بن یونس نباطی بیاضی ج ۲، ص ۲۵۷، چاپ کتابخانه حیدریه نجف) بنابراین درادیان و کتاب‌های آسمانی سابق نیز بشارت به حکومت عدل امام زمانغ بوده است هر چند بر اثر تحریفاتی که واقع شده این گونه تصریحاتی که در این روایت آمده الان وجود ندارد.

۳- حضرت مهدی در ادیان دیگر چگونه توصیف شده اند

پرسش

۳- حضرت مهدی در ادیان دیگر چگونه توصیف شده اند

پاسخ

ج۳- توصیفات زیادی از این حضرت در ادیان دیگر شده است که می توانید به کتب مربوطه مراجعه کنید و ما به چند تا ازآنها فقط اشاره می کنیم : درانجیل متی از او به عنوان پسرانسان یاد شده است آنجا که می گوید شما نیز حاضرباشید. زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید. (قاموس مقدس, ص ۲۱۹) درتورات کتاب مقدس یهودیان آمده است مسکینان را به عدالت داوری دعوت خواهد کرد . گرگ با بره سکونت خواهد کرد. ودرتمامی کره مقدس من ضرر وفسادی نخواهد کرد. زیرا که جهان از معرفت خداوند پرخواهد شد. (تورات : کتاب اشعیای نبی, فصل ۱۱) درزبور نیز که کتاب آسمانی حضرت داود است وهمچنین درکتب مقدسه هندوها وبرهمائیان وزرتشتیان وجین ها جملات زیبایی درتوصیف آن منجی عالم هستی آمده است که چون مفصل وطولانی است ازآوردن عبارات صرف نظر کرده ایم و میتوانید به کتب مربوطه دراین زمینه برای اطلاع بیشتر مراجعه نمایید ویا اگر طالب تفضیل بیشتر دراین زمینه هستید دومرتبه با ما مکاتبه نمایید. آرزوی توفیق برای شما داریم .

چرا واقعه‌ی طول عمر امام زمان(عج) در کتابهای آسمانی پیشین نیامده است و همچنین نام علی‌علیه السلام؟

پرسش

چرا واقعه‌ی طول عمر امام زمان(عج) در کتابهای آسمانی پیشین نیامده است و همچنین نام علی‌علیه السلام؟

پاسخ

اتفاقاً این مسایل در کتابهای عهدین آمده است و در این زمینه به کتاب بشارات عهدین نوشته‌ی آقای دکتر صادقی و نیز کتاب تقش الله در احیاء دین اثر علامه عسگری که در ان کتاب قسمتهای حذف شده از کتاب عهدین در مورد الله أثنی عشر که مربوط به ۴۰۰ سال پیش می‌باشد آمده است، می‌توانید مراجعه فرمایید. و لازم نیست به نام حضرت علی‌علیه السلام تصریح شده باشد چنانکه در قرآن هم تصریح نشده است ولی مطلب بطور صریح و واضح خبر داده شده است. درباره‌ی امام زمان (عج) و خصوصیات آن گرامی می‌توانید به کتاب دادگستر جهان و نیز کتاب امامت و مهدویت کتاب عصر ظهور مراجعه فرمائید.

ادیان غیر الهی

منجی در آیین هندو کیست؟

پرسش

منجی در آیین هندو کیست؟

پاسخ

بشارت به ظهور منجی در کتاب‌های مقدس هندوها نیز به چشم می‌خورد. در کتاب" ماللهند "از کتاب‌های مقدس هندوها آمده است": در اواخر دوره چهارم اهل زمین به فساد کشیده شده واکثر آنها کافر می‌شوند آنان معصیت‌های بزرگ را انجام داده وحاکم آنها افراد پست خواهد بود. مردم در آن روز به گرگ‌ها شبیه‌اند که همدیگر را می‌درند وغارت می‌کنند. کاهنان ومردان دین فاسد می‌شوند وحقّ با دزدان می‌شود وافراد باتقوا وزاهد را تحقیر می‌کنند... در آن زمان" برهمن‌کلا "یعنی مردی شجاع ودین‌دار ظهور می‌کند وزمین را با شمشیر برنده‌اش از مفسدین وپلیدی‌ها پاک کرده وافراد پاک وطاهر را حفظ خواهد نمود." {پاورقی . ماللهند، ص ۳۲۱. پاورقی} در کتاب" شاکمونی "آمده است": حکومت ودولت جهانی به دست مردی از ذرّیه سیّد خلایق عالمیان" کشن "بزرگ ختم خواهد شد، او کسی است که بر کوه‌های شرق وغرب عالم حکومت خواهد کرد... وتمام ادیان الهی، یک دین خواهد شد، او که اسمش قائم وعارف باللّه است، دین خدا را احیا خواهد نمود. {"پاورقی . بشارت العهدین، ص ۲۴۲ ؛ بشارة الظهور، ص ۱۷. پاورقی} ودر کتاب" وشن جوک "از کتاب‌های هندوها آمده است": ودر آخرالزمان زمین به دست مردی خواهد افتاد که خداوند متعال را دوست دارد واو از خواص بندگان خداست. نام او" فرخنده وخجسته "است. {پاورقی . همان، ص ۲۷۲ ؛ بشارة الظهور، ص ۱۸. پاورقی} ودر کتاب" باسک "از کتاب‌های هندوها آمده است": دوره آخرالزمان به حکومت حاکم عادلی ختم خواهد شد که رهبر ملائکه وجنّ وانس است. حق با اوست . او بر دریا وخشکی وکوه‌ها سیطره پیدا می‌کند واز آنچه در آسمان‌ها وزمین است خبر می‌دهد وکسی بزرگ‌تر از او متولد نشده است. {"پاورقی . بشارة الظهور، ص ۱۸. پاورقی} در کتاب" أوپانیشاد "آمده است": این مظهر (ویشنو) در آخرالزمان ظهور می‌کند در حالی که بر اسبی سفید سوار وبه دست او شمشیری برهنه است، وبه مانند ستاره دنباله‌دار می‌درخشد وهمه افراد پست را به هلاکت می‌رساند وزندگی نوینی را برپا کرده وطهارت وپاکی را بر می‌گرداند. {"پاورقی . اوپانیشاد، ص ۷۳۷. پاورقی}

منجی در آیین بودا کیست؟

پرسش

منجی در آیین بودا کیست؟

پاسخ

مؤسس آیین بودا شخصی است به نام" سدهارتا جوتوما "معروف به" بودا، "او کسی بود که در نپال متولد شد وبودایی‌ها او را فرزند خدا می‌دانند ومعتقدند که در آخرالزمان ظهور کرده، بشریّت را از وضع موجود وگرفتاری‌ها نجات خواهد داد. آنان می‌گویند: بودا با کامل کردن وظیفه خود با جسدش به آسمان رفته وبار دیگر به زمین باز می‌گردد تا صلح وبرکت را به مردم بازگرداند. بودایی‌ها دو مذهب بزرگ دارند: یکی مذهب شمالی که در حق بودا تا به حدّی غلو کرده او را خدای خود می‌دانند. ودیگری مذهب جنوبی که غلوّشان در حقّ بودا کمتر است. وعمدتاً در منطقه آسیای شرقی ساکنند.

ادیان و پایان تاریخ

نظر" تافلر "درباره پایان تاریخ چیست؟

پرسش

نظر" تافلر "درباره پایان تاریخ چیست؟

پاسخ

شکی در انقلاب عظیم اطلاعاتی نیست، ولی نکته اساسی در آن‌است که نظم وسعادت اجتماع بر اساس دسترسی افراد به یکدیگر حاصل نمی‌شود، بلکه دلایل وریشه‌های متعدد ومهم دیگری دارد. لیبرالیسم نیز به خاطر نداشتن بعضی از نیازهای واقعی حکومت جهانی واحد، نمی‌تواند داعی پرچمدار این نوع حکومت باشد. این را تقریباً همه متفکران دنیا قبول دارند که اگر یک مکتبی بخواهد جامعیت داشته باشد پیش از هر چیز احتیاج به یک جهان‌بینی دارد که واقعیت جهان وانسان را ترسیم کند. واگر بخواهد دوام داشته باشد ومنطبق با حقایق خارجی حرکت کند باید در مرتبه اول، جهان وانسان را آن جوری که هست بشناسد وارزیابی درستی از آن داشته باشد. مشکل مکتب لیبرالیسم همانند مارکسیسم این است که این دو مکتب با اصل فطرت انسان سازگار نبوده، بخش اصلی واساسی انسان را نادیده گرفته‌اند ومی‌خواهند از وسط شروع کنند. امروز بحث کردن از اینکه غرب دچار اشکال واقعی است کار آسانی نیست، برای اینکه مظاهر قدرت وپیشرفت غربی‌ها چشم وگوش مردم را پر کرده است. شاید در غرب موفق‌ترین ملت‌ها الآن آمریکا باشد که از لحاظ مادی از کشورهای دیگر پیشرفته‌تر است، آیا جامعه آمریکا واقعاً ایده‌آل است؟ جامعه آمریکا وعموماً جامعه غربی دارای اشکالات متعددی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - پوچ‌گرایی نخستین مسأله‌ای که کشورهای لیبرالیستی وحتی آمریکا به آن معترفند احساس روحیه پوچی در جامعه آمریکا است، یعنی اینها فکر می‌کنند: ما به کجا می‌رویم وبه دنبال چه هستیم؟ از این خورد وخواب چه حاصل خواهد شد؟ واین به جهت بی‌توجهی به زیرساخت‌های جامعه وعدم ارزیابی صحیح از انسان وبی‌توجهی به معنویات است. ۲ - بحران خانواده خانواده که نخستین سلول اجتماعی می‌باشد، در غرب ضعیف‌ترین سلول پیکر جامعه بشری است. خانواده برای آنها بی‌مفهوم است، آنها روی فرد بیشتر حساب می‌کنند تا خانواده، ولذا انهدام این سلول در جامعه غربی باعث ازدیاد فرزندهای نامشروع شده وارقام آن غیر قابل تصور است. ۳ - اعتیاد به دلیل همان پوچی وبی‌هویتی در جامعه غربی، نسل جوان گرفتار اعتیاد بسیار شدیدی شده است. اگر اعتیاد به مشروبات الکلی را ضمیمه کنیم که از بدترین اعتیاد است، این رقم سرسام‌آور می‌شود. اعتیادها درحال بی‌خانمان کردن غرب است. ۴ - خشونت روحیه خشونت وبی‌بندوباری نه تنها در جوانان بلکه در بچه‌ها هم بیداد می‌کند. هرروز خبرهای وحشتناکی از اعمال خشونت‌آمیز در آن جوامع خصوصاً آمریکا مشاهده می‌کنیم، اگر آن حوادث به دنیا نشان داده شود به عمق مشکل آنها پی خواهیم برد. ۵ - ناامنی ناامنی خصوصاً در آمریکا به گونه‌ای است که در اکثر شهرهای بزرگ از اول شب، انسان‌هایی که کمی برای خود شخصیت قائلند در خیابان‌ها حاضر نمی‌شوند. ۶ - تبعیض از لحاظ اجتماعی، در غرب خصوصاً آمریکا، مظاهر تبعیض نژادی بسیار فراوان است. اگر کسی کنار سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان، ومسلمانانی که از کشورهای مختلف به اروپا رفته‌اند بنشیند ودرد دل آنها را بشنود، متوجه می‌شود که چه بلایی این کشورها را فراگرفته وچقدر آلوده‌اند. ۷ - فقر از لحاظ سطح برخورداری از نعمت‌ها وسطح استاندارد، در خصوص جامعه آمریکا چنان که خودشان می‌گویند سیزده یا چهارده درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این رقم در یک جامعه ۲۵۰ میلیونی حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر را در بر می‌گیرد که زیر خطّ فقر هستند، حال

www.noorfatemah.org

چطور این جامعه می‌تواند ایده‌آل باشد. ۸ – بی بند وباری جنسی به دنبال تزلزل در خانواده وحالت پوچی وناامیدی که در اکثریت مردم، خصوصاً جامعه آمریکا دیده می‌شود، بی‌بندوباری جنسی که محصول آن، بچه‌های نامشروع است، زیاد به چشم می‌خورد که آفتی فوق‌العاده کشنده برای غربی‌ها ودر رأس آنها آمریکا است. ۹ – ابتذال رسانه‌ای مشکل بسیار جدّی آمریکا وغرب، رسانه‌های آنهاست که متأسفانه کشورهای دیگر نیز از آن تقلید می‌کنند. الآن رسانه‌های غربی بی‌بندوبار هستند. وضعیت به گونه‌ای است که همه احساس ناامنی می‌کنند ومی‌ترسند که مسائل خصوصی وشخصی‌شان به صورت شایعه، دروغ و جنگ‌های روانی افشا گردد وحریم شخصی آنها شکسته شود. ۱۰ – سیستم آموزشی ناکارآمد سیستم آموزش آنها که می‌خواهند آن را به همه جهان صادر کنند سیستمی ناکارآمد است. بسیاری از کارهای مهم اینها را مهاجرانی با مزد کم انجام می‌دهند، واز آنها مانند ماشین کار می‌کشند. ۱۱ – اقتصاد بیمار از لحاظ اقتصادی فکر می‌شود که غرب بهشت دنیاست. آمریکا مقروض‌ترین کشور دنیا است. بدهی‌های داخلی وخارجی فراوانی دارد که ارقام آن سرسام‌آور است، اما سیستم آنها به گونه‌ای عمل می‌کند که این بدهکاری‌ها را می‌پوشاند. ۱۲ – وابستگی به بازارهای دنیا صنعت در آمریکا به گونه‌ای است که اگر بازار دنیا برایش ناامن شود، صنایع او از حرکت باز می‌ایستد. حال با چنین وضعیتی در غرب به خصوص در آمریکا که مظهر لیبرالیسم است چگونه می‌توان آن را الگو برای جهان دانست؟

نظر" تافلر "درباره پایان تاریخ چیست؟

پرسش

نظر" تافلر "درباره پایان تاریخ چیست؟

پاسخ

آلوین تافلر روزنامه‌نگار آمریکایی صاحب کتاب" موج سوّم "در رابطه با پیش‌بینی پایان تاریخ وسیطره نهایی لیبرالیسم می‌گوید: الف. امروز روزگار" ترین‌ها "است، پربیننده‌ترین فیلم یعنی بهترین فیلم و... . ب. در قرن نوزدهم ونیمه اول قرن بیستم معیار برتری، قدرت سیاسی در صحنه جهانی بوده وبه تدریج جای خود را به توان اقتصادی داده که وضعیت امروز است ودر آینده نیز توان خود را به دانش می‌دهد، ولذا در آینده کشورهایی در صحنه جهانی صاحب قدرت خواهند بود که از توان بالایی در امر دانش واطلاعات دارند. ج. غرب در آینده محور عمده قدرت تکنیک ودانش بشری است. د. دموکراسی لیبرال با همه اشکالاتی که داشته بهترین راه ورسم زندگی اجتماعی است. نتیجه: آینده جهان از آن لیبرالیسم غربی است. پاسخ: ۱ – این نظریه پایان تاریخ نیست، بلکه تاریخ بعد است. ۲ – در مقدمه اول، ملاک برتر بودن هر چیز را خواست انسان می‌داند در حالی که ملاک، حکم عقل ونقل است، نه حتّی مصالح زودگذر. خداوند متعال می‌فرماید: {عَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ}؛ "چه بسا{پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۱۶. پاورقی} چیزی را کراهت دارید در حالی که خیر شما در آن است وچه بسا چیزی را دوست دارید که برای شما شرّ است ".۳ – او در مقدمه دوم خود توان نظامی را معیار قدرت سیاسی در صحنه جهانی می‌داند در حالی که سلطه سیاسی واستعمار مردم از طریق زورگویی جز اغتشاش وگسترش استبداد وظلم چیزی به ارمغان نمی‌آورد. ۴ – آیا رسیدن به محور عمده قدرت به هر قیمتی، با معیارهای عقلی وفطری وانسانی سازگاری دارد؟ ۵ – وظیفه نظریه‌پرداز سیاسی گمانه‌زنی برای آینده تاریخ نیست، بلکه باید با در نظر گرفتن مصالح کلّ جامعه برای بشر برنامه‌ریزی کرده وآینده بهتری را نوید دهد. ۶ – آیا نظام سرمایه‌داری برای جوامع خود خوشبختی به ارمغان آورده، یا نظام طبقاتی فاحش ایجاد کرده است؟ ولذا تافلر

می گوید": فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است تمامی ندارد. {"پاورقی . به سوی تمدن جدید، آلوین وهایدی تافلر، ص ۹۶ù۹۷. پاورقی}

دیدگاه" هانتینگتون "راجع به پایان تاریخ چیست؟

پرسش

دیدگاه" هانتینگتون "راجع به پایان تاریخ چیست؟

پاسخ

۱ – این نظریه پایان تاریخ نیست، بلکه تاریخ بعد است. ۲ – در مقدمه اول، ملاک برتر بودن هر چیز را خواست انسان می‌داند در حالی که ملاک، حکم عقل ونقل است، نه حتّی مصالح زودگذر. خداوند متعال می‌فرماید: {عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَعَسی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَکُمْ "}؛ چه بسا {پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۱۶. پاورقی} چیزی را کراهت دارید در حالی که خیر شما در آن است وچه بسا چیزی را دوست دارید که برای شما شرّ است ".۳ – او در مقدمه دوم خود توان نظامی را معیار قدرت سیاسی در صحنه جهانی می‌داند در حالی که سلطه سیاسی واستعمار مردم از طریق زورگویی جز اغتشاش وگسترش استبداد وظلم چیزی به ارمغان نمی‌آورد. ۴ – آیا رسیدن به محور عمده قدرت به هر قیمتی، با معیارهای عقلی وفطری وانسانی سازگاری دارد؟ ۵ – وظیفه نظریه‌پرداز سیاسی گمانه‌زنی برای آینده تاریخ نیست، بلکه باید با در نظر گرفتن مصالح کلّ جامعه برای بشر برنامه‌ریزی کرده وآینده بهتری را نوید دهد. ۶ – آیا نظام سرمایه‌داری برای جوامع خود خوشبختی به ارمغان آورده، یا نظام طبقاتی فاحش ایجاد کرده است؟ ولذا تافلر می گوید": فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است تمامی ندارد. {"پاورقی . به سوی تمدن جدید، آلوین وهایدی تافلر، ص ۹۶ù۹۷. پاورقی}

دیدگاه" هانتینگتون "راجع به پایان تاریخ چیست؟

پرسش

دیدگاه" هانتینگتون "راجع به پای...تاریخ ...ə.....■

پاسخ

ساموئل هانتینگتون نظریه‌پرداز غربی در رابطه با پایان تاریخ می گوید: الف . تقابل ودرگیری عمده بین ملّت‌ها وگروه‌ها در آینده، فرهنگ‌ها وتمدن‌های مختلف است نه ایدئولوژی واقتصاد. ب . تمدّن‌های زنده جهان هشت تمدن است: تمدن غرب، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدکس وتمدن آمریکای لاتین. ج . برخورد تمدن‌ها اساسی است وتغییرناپذیر. د . خودآگاهی تمدّنی در حال افزایش است. ه . 'رفتار غرب موجب رشد خودآگاهی تمدّنی دیگران گردیده است. و . خصومت ۱۴۰۰ ساله اسلام وغرب در حال افزایش بوده وروابط میان تمدن اسلام وغرب آبستن حوادث خونین است. ز . سرانجام تمدن اسلام وکنفوسیوسی در کنار هم رودرروی تمدن غرب قرار خواهد گرفت. نتیجه: درگیری تمدن‌ها آخرین مرحله تکامل درگیری جهان بوده، تمدن غالب تمدن غرب است. {پاورقی . برخورد تمدن‌ها، ص ۲۲ù۲۳، با تلخیص. پاورقی} ۱ – ایشان تفسیری از تمدن ننموده است. ۲

www.noorfatemah.org

– دلیلی برای برخورد تمدن‌ها بیان نکرده است. ۳ – ایشان بین فرهنگ وتمدن خلط کرده است، در حالی که این دو با یکدیگر متفاوتند. تمدّن جنبه علمی وعینی دارد وفرهنگ بیشتر جنبه ذهنی ومعنوی. هنر، فلسفه وحکمت، ادبیات واعتقادات مذهبی وغیرمذهبی در قلمروفرهنگ هستند، ولی تمدن، بیشتر ناظر به سطح حوایج مادی انسان است در اجتماع. ونیز تمدن بیشتر جنبه اجتماعی دارد وفرهنگ جنبه فردی. تمدن، تأمین کننده پیشرفت انسان در هیئت اجتماع است، ولی فرهنگ، گذشته از این جنبه می‌تواند ناظر به تکامل فردی باشد. تمدن وفرهنگ با هم مرتبطند نه ملازم. ۴ – ایشان بی آنکه تعریف روشنی از غرب ارائه دهد آن را موجودیتی یک‌پارچه با محورّیت آمریکا تصور می‌کند در حالی که خلاف واقع است. برژینسکی، فساد درونی نظام غربی را عامل تهدید کننده قدرت جهانی آمریکا می‌داند نه برخورد تمدن‌ها را. ۵ – ایشان تضاد بین دو فرهنگ را تضادی ماهوی وبرطرف نشدنی وناشی از جبر تاریخی می‌داند ولذا ضرورت استراتژیک آماده شدن غرب را برای مصاف با کشورهایی که درصدد احیای تمدن اسلامی هستند توصیه می‌کند، در حالی که تنش‌ها بین این دو تمدّن از سیاست دولت‌های غربی سرچشمه گرفته نه تمدن مسیحی واسلامی. ویل دورانت می‌گوید": هر چند محمد (ص) پیروان دین مسیح را تقبیح می‌کند، با این همه نسبت به ایشان خوش‌بین است وخواستار ارتباط دوستانه بین آنها وپیروان خویش است. {"پاورقی . تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۳۲۹. پاورقی} روبتسون می‌گوید": تنها مسلمانان هستند که با عقیده محکمی که نسبت به دین خود دارند، یک روح سازگار وتسامحی نیز با ادیان دیگر در آنها وجود دارد. {"پاورقی . تمدن اسلام وغرب، ج ۱، ص ۱۴۱. پاورقی} آدام متز می‌گوید": کلیساها وصومعه‌ها در دوران حکومت اسلامی چنان می‌نمودند که گویی خارج از حکومت اسلامی به سر می‌برند وبه نظر می‌رسید بخشی از سرزمین دیگری هستند، که این به نوبه خود موجب می‌شد چنان فضایی از تسامح برقرار گردد که اروپا در سده‌های میانه با آن آشنایی نداشت. {"پاورقی . چندگونگی وآزادی در اسلام، ص ۶۸. پاورقی}

آیا تک قطبی کردن جهان می‌تواند نجات‌بخش بشر باشد؟

پرسش

آیا تک قطبی کردن جهان می‌تواند نجات‌بخش بشر باشد؟

پاسخ

برخی می‌گویند: تنها راه نجات بشر از ظلم وبی‌عدالتی ورسیدن به سعادت، تک‌قطبی کردن جهان وبه اصطلاح نظم نوین جهانی است. وبرخی از نظریه‌پردازان به جهت اقتدار تمام عیار وهمه جانبه آمریکا این کار را تنها ساخته آمریکایی‌ها می‌دانند. نظریه تک‌قطبی کردن جهان از گذشته‌های بسیار دور بین فلاسفه ودانشمندان عالم مطرح بوده است. فیلسوف یونانی" زیو "۳۵۰ سال قبل از میلاد می‌گوید": بر جمیع مردم عالم است که از یک نظام جهانی واحد پیروی کنند تا سعادت ونجات یابند. "لذا اسکندر که معاصر زیو بود درصدد برآمد تا با اتّکا بر قدرت خویش این نظریه را به اجرا گذارد. بُلتاک نویسنده یونانی صد سال قبل از میلاد با طرح حکومت واحد جهانی می‌گوید": بر مردم است که سعی نموده تا مجتمع واحدی را تشکیل دهند واز قانون واحدی پیروی کنند. "ولیام لوید (۱۸۳۸) از فیلسوفان متأخر آمریکایی می‌گوید": هرگز بشر نمی‌تواند به دوستی وزندگی مسالمت‌آمیز برسد مگر آنکه حکومت واحد جهانی تأسیس نماید. {"پاورقی . اسلام وعقل، ص ۲۱۰. پاورقی} دانتی، ادیب مشهور ایتالیایی می‌گوید: "لازم است تا کلّ مردم زمین نسبت به یک حکومت وحاکم خاضع باشند تا آرامش وصلح به جهان سایه افکند. {"پاورقی . همان. پاورقی} راسل می‌گوید": عالم در انتظار مصلحی است که تمام مردم را تحت یک پرچم وشعار درآورد. "جورج بوش پدر

می گوید": نظم نوین عبارت است از صلح ودموکراسی برای همه جهان تحت رهبری آیالات متحده."او نیز در سخنرانی خود در کنگره می گوید": در میان ملت‌های جهان تنها آمریکاست که هم از ارزش‌های اخلاقی وهم از ابزار لازم برای پشتیبانی از نظم جهانی برخوردار است. "اشکال: ۱ - در خود آمریکا نظریه پردازانی از قبیل کیسینجر ودیگران وجود دارند که اقتدار مطرح آمریکا را مردود می‌شمارند. برژینسکی به گونه‌ای ناتوانی آمریکا را ترسیم کرده ومی گوید": هر چند آمریکا در حال حاضر داعیه پرستیژ جهانی دارد وکمتر کشوری می‌تواند داعیه رقابت با او را داشته باشد... امّا استمرار قدرت وموقعیت آمریکا در صحنه جهانی وداخلی از جنبه‌های زیادی آسیب‌پذیر است. "۲ - زمینه پذیرش تک‌قطبی کردن جهان بسیار کم است خصوصاً آنکه وضعیت بسیار فاجعه‌آمیز اقتصادی آمریکا اجازه چنین بلندپروازی را به او نمی‌دهد. ۳ - این نظریه غافل از آن است که هرگز ملت‌ها زیر بار سلطه بیگانگان نخواهند رفت. گرچه ما اصل نظریه را ردّ نمی کنیم ومعتقدیم که تنها راه نجات ملت‌ها در سایه وحدت حکومت جهانی است ولی آن را با تأییدات الهی ورهبری معصوم که همان امام زمان (ع) است امکان‌پذیر می‌دانیم.

سایر مباحث

اعتقاد به مهدویت از چه زمانی در تاریخ بشر مطرح بوده است ؟

پرسش

اعتقاد به مهدویت از چه زمانی در تاریخ بشر مطرح بوده است ؟

پاسخ

اعتقاد به اختصاص به شیعه یا مسلمانان ندارد, بلکه پیروان ادیان دیگر مانند یهود و نصارا و زردشتیان و هندوها نیز منتظر و بر پادارندهء هستند. به بیان دیگر: یکی از شگفت انگیزترین حقیقتی که در لابه لای ابرهای غلیظ تغییرات و تحریف ها, چون خورشیدن تابان می درخشد و دست تحریف گران تاریخ , یارای دگرگونی آن رانداشت و شدّت درخشش نور آن , چشم خنّاسان خفّاش صفت را کور کرده بود, اخبار است . که در مکتب مقدس ادیان مختلف جهان ثابت و باقی مانده است : . با ذکر بخش هایی از آن چه در برخی کتب دینیِ دنیاموجود است , متوجه می شویم اعتقاد به رهبری که بعد ازغیبتی طولانی ظهور خواهد کرد و یعنی هدایتگر انسان به سوی خدا می گردد و حکومت واحد جهانی تشکیل می دهد و با اجرای قوانین الهی و هلاک نمودن سردمداران کفر و شرک و نفاق و ظلم و استکبار, عرصه رابرای شکوفایی همهء استعدادهای فراوانی که خداوند در درون انسان ها به ودیعه گذاشته , فراهم می سازد و با برقراری عدالت اجتماعی , فقر و فساد و تبعیض و ظلم و جهل از جامعهء جهانی برداشته می شود و آن چنان رفاه اقتصادی و امنیت عمومی ایجاد می گردد که حرص و ولع مالی از میان می رود و احساس بی نیازی به تکاثرطلبی وانباشت ثروت به وجود می آید و میش در کنار گرگ آب می نوشد و احساس خطر نمی کند, از عقاید پیروان همه ءادیان جهانی است . در کتاب که نزد هندویان از کتب آسمانی است آمده : پس از خرابی دنیا, رهبر و سلطانی در آخر الزمان پیداشود که پیشوای خلایق باشد و نام او باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس ازمؤمن و کافر را بشناسد و هر چه از خوا خواهد, برآید. در کتاب شاگرد زردشت پیغمبر۷کر شده : مردی بیرون آید از زمینِ تازیان (عربستان) از فرزندان هشام . مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق , و بردین جدّ خویش بود. با سپاه بسیاری روی به ایران ند و آباد کندو زمین پر داد کند و از داد وی باشد گرگ با میش آب خورد. در تورات , در سفر تکوین از دوازده امام : که از نسل حضرت اسماعیل ۷به

وجود می آینـد, خبر داده شـد.. در کتاب که از کتاب های مذهبی زردشتیان است آمده : آن گاه فیزری بزرگ از طرف ایزدان می شـود واهریمنـان را منقرض می سازنـد و تمـام اقتـدار اهریمنـان در زمیـن اسـت و در آسـمان راه ندارنـد, و بعـد از پیروزی ایزدان وبرانـداختن تبـار اهریمنان , عالم کیهان به سـعادت اصـلی خود رسـیده , بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهنـد نشـست .(۱) (پـاورقی ۱.مطالب شمارهء یک تا چهار جزوهء شماره ۲۲(پیشوای

چنـد انقلاب که نشان دهندهٔ قانون عکس العمل، در مسائل اجتماعی و نشان دهندهٔ وقوع یک انقلاب جهانی (حضـرت مهدی(ع)) در آینده هستند، کدامند؟

پرسش

چنـد انقلاب که نشان دهنـدهٔ قانون عکس العمل، در مسائل اجتماعی و نشان دهندهٔ وقوع یک انقلاب جهانی (حضـرت مهدی(ع)) در آینده هستند، کدامند؟

پاسخ

۱ ـ انقلاب علمی اروپا (رنسانس) ـ واکنشی در برابر یکهزار سال جهل و عقب مانـدگی قرون وسطا، و فشارهـائی که از طرف متولّیان خرافی کلیسا در جهت عقب نگاهداشـتن مردم اعمـال میشـد ـ بود، که یکبـاره عوامـل جهل را کنار زدنـد و مشـعل علم را برافروختنـد و پرچم دانش را در همه جا به اهتزاز درآوردند. ۲ ـ انقلاب کبیر فرانسه به سال ۱۷۸۹ ـ که جهشی فوق العاده در جهت سیاسـی و اجتماعی بود در برابر استبداد و استعمار طبقاتی و زور گویی و خودکامگی رژیمهای حاکم ظاهر گشت که جامعهٔ فرانسه و سپس جوامع دیگر اروپـایی را وارد مرحلـهٔ نوینی از تاریـخ خود سـاخت و حکومت قـانون را ـ البتّه تـا حـدودی ـ جانشـین زور و استبداد نمود. ۳ ـ انقلاب بر ضـدّ بردگی ـ در سـال ۱۸۴۸ که نخست از انگلسـتان آغـاز شـد ـ نتیجـهٔ طرز رفتـار فوق العاده خشن و ضـدّانسانی بردهـداران بـا بردگـان بود که از یک سو آتش انقلاب را در خود بردگان، و از سوی دیگر در عواطف برانگیخته شـده جامعهها به سود بردگان، شـعلهور ساخت و نظام بردگی را در هم پیچید، هر چند شـکل دیگری از بردگی که مرموزتر و وسـیعتر از آن بود جای آن را گرفت و تحت عنوان «کمک به آبادی کشورهای عقب مانده» آیین «استعمار به» وجود آمد! نظام بردگی در هر حـال میبایست برچیـده شود، ولی طرز رفتار با بردگان آن را تسـریع کرد. ۴ ـ انقلاب بر ضدّ اسـتعمار، در عصـر ما، واکنش مستقیم رفتارهای ضدّ انسانی اسـتعمارگران در مسـتعمرات بوده و هست که باعث شـکفتن شعور اجتماعی مردم استعمارزده گردید و پرچم مخالفت را با قدرتهای اسـتعماری بر افراشـتند، هر چند غالباً به اسـتقلال کامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فکری نینجامید، ولی وضع بـا سـابق بسـیار تفاوت پیـدا کرده است. ۵ ـ انقلاب کمونیسـتی ـ در سـال ۱۹۱۷ عکس العمـل مظـالم سـرمایهداران و تجاوز بیحساب آنها به حقوق اکثریّت تودههای زحمتکش و خلقهای به زنجیر کشـیده شـده بود؛ هر چنـد این انقلاب نیز به آزادی طبقات رنجیـده منتهی نگردیـد، و نظـام اسـتبدادی دیگری تحت عنـوان «دیکتـاتوری پرولتاریـا» که در حقیقت دیکتـاتوری تعـداد انگشـت شماری سران حزب بود جای آنرا گرفت. ۶ ـ انقلاب بر ضـدّ تبعیضات نژادی ـ که هم اکنون در دنیا جریان دارد، واکنش فشارهای شدید نژاد سفید بر سیاه پوستان، و محرومیّت فوق العادهٔ آنان از حقوق اجتماعی است.

قانون عکس‌العمل که بیانگر وجود یک عکس‌العمل در برابر هر عملی است، در مورد آینده جهان، چه می‌گوید؟

پرسش

قانون عکس‌العمل که بیانگر وجود یک عکس‌العمل در برابر هر عملی است، در مورد آینده جهان، چه می گوید؟

پاسخ

این قانون به ما میگوید وضع کنونی جهان، آبستن انقلابی است. فشار جنگها، فشار مظالم و بیدادگریها، فشار تبعیضها و بیعدالتیها، توأم با ناکامی و سرخوردگی انسانها از قوانین فعلی برای از بین بردن یا کاستن این فشارها، سرانجام واکنش شدید خود را آشکار خواهد ساخت. سرانجام این خواستهای واپس زدهٔ انسانی، در پرتو آگاهی روز افزون ملّتها، چنان عقدهٔ اجتماعی تشکیل میدهد که از نهانگاه ضمیر باطن جامعه، با یک جهش برق آسا، خود را ظاهر خواهند ساخت و سازمان نظام کنونی جوامع انسانی را به هم میریزند و طرح نوینی ایجاد میکنند. طرحی که در آن نه از مسابقهٔ کمرشکن تسلیحاتی خبری باشد و نه از اینهمه کشمکشهای خسته کننده و پیکارهای خونین و استعمار و استبداد و ظلم و فساد و خفقان.

آیا مکاتب فلسفی نیز انتظار فرج را امری ارزشی می‌دانند؟

پرسش

آیا مکاتب فلسفی نیز انتظار فرج را امری ارزشی می‌دانند؟

پاسخ

انتظار ظهور منجی در آخرالزمان ونجات بشر از وضعیت موجود، اختصاص به اسلام وحتّی ادیان آسمانی ندارد، بلکه مکاتب فلسفی غیردینی ومادّی نیز معتقد به این نظریه می‌باشند. راسل می گوید": انتظار منجی واعتقاد به ظهور نجات‌بخش در آخرالزمان اختصاص به ادیان آسمانی ندارد، بلکه مکاتب غیردینی ومادّی نیز در انتظار ظهور منجی برای جامعه بشریّت وگسترش دهنده عدل وداد به سر می‌برند."

از چه زمانی خطوط کلّی برای روز موعود جهانی ترسیم شده است؟

پرسش

از چه زمانی خطوط کلّی برای روز موعود جهانی ترسیم شده است؟

پاسخ

ترسیم خطوط کلّی برای روز موعود به شروع خلقت باز می گردد؛ زیرا این روز هدف وغرض اساسی برای خلقت است. برای توضیح این مطلب به نکاتی چند اشاره می کنیم: ۱ - برای برپایی حکومت عدل جهانی دو شرط اساسی وجود دارد: یکی شناخت کامل عدل به معنای وسیعش ودیگری آمادگی برای فداکاری در راه پیاده کردن عدالت در سطح جهان، بعد از علم وشناخت عدل. بشر این دو شرط اساسی را از ابتدای خلقت نداشته است، بلکه انبیا متکفّل این دو امر مهم شده ودرصدد تربیت بشر برای رسیدن به آن دو بوده‌اند. گرچه انبیا در شرط اوّل به موفقیّت رسیده وعدل را به معنای وسیع وهمه جانبه‌اش برای مردم تبیین

نموده‌انـد ولی در طول تاریـخ خود نتوانسـتند شـرط دوم را به طور کامل محقق سازند، واین نه به جهت قصور در انجام وظیفه آنان بوده، بلکه به خاطر قصور یا تقصیر از جانب مردم بوده است. ۲ – انبیا در طول تاریخ بعثت خود مردم را به هدف وغرض اساسی از خلقت بشـر که همان رسـیدن به حکومت عـدل توحیدی است گوشـزد می کرده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید: {وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ}؛{پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی"} در زبور بعـد از ذکر [تورات] نوشتیم بنـدگان شایسـته‌ام وراث [حکومت] زمین خواهنـد شـد ".ونیز می‌فرماید: {وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِینَ "}؛ مـا می‌خواهیم بر مستضـعفان زمین منّت نهیم وآنـان را پیشوایان{پاورقی . سوره قصـص، آیه ۵. پاورقی} ووارثـان روی زمیـن قرار دهیـم ".ونیز می‌فرمایـد: {هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ "}؛ او کسـی است که رسول خود را با هـدایت ودین حقّ فرسـتاد تا او را{پاورقی . سوره صف، آیه ۹. پاورقی} بر همه ادیان غالب سازد هر چند مشـرکان کراهت داشته باشند ".۳ – برای هیچ یک از انبیا، شـرایط اساسی وعمومی برای هدایت کلّ بشر وتشـکیل حکومت عدل توحیدی در سطح جهان فراهم نشد، زیرا دو شرط اساسی برای تشکیل چنین حکومتی فراهم نگشت: الف) انبیا گرچه مفهوم عدل کامل وبه معنای وسیع آن را برای مردم تفهیم نمودند ولی بشر به آن درجه از فهم وشعور نرسیده است تا به حقیقت آن در سـطح گسترده‌اش پی برده باشـد. لـذا هـدف انبیـای سابق بر حضـرت موسـی (ع)، ترسـیخ وتثبیت عقیـده مردم بوده، وتکالیف شـرعی فرعی زیادی نداشـته‌اند، تا اینکه از زمان حضـرت موسی (ع) تا عصر بعثت رسول اکرم (ص) خصوصاً در شریعت اسـلام شـرایع به صورت تفصـیل تبیین شـده است. ب) تاکنون هیچ امّتی به حدّی نرسـیده‌است که بتواند در راه پیاده شدن حکومت عدل توحیدی جهانی فداکاری تام وتمام داشته باشد. حضرت نوح ۹۵۰ ۷ سـال قوم خود را به حقّ وحقیقت دعوت کرد ولی به جز انـدکی به او ایمـان نیاوردنـد. قوم حضـرت ابراهیم (ع) به جـای پـذیرش دعوتش او را در آتش انداختنـد. قوم حضـرت موسـی (ع) درخواست او را برای مقابله با حاکمان ظالم فلسـطین رد کرده وگفتنـد: {فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّکَ فَقاتِلا إِنّا هٰهُنا قاعِدُونَ "}؛ تو وخدایت بروید وبا آنان بجنگید ما{پاورقی . سوره مائده، آیه ۲۴. پاورقی} اینجا نشسته‌ایم ".حواریون حضرت عیسی (ع) در قدرت خداوند شـک نمودنـد وبه عیسـی خطـاب کرده، گفتنـد: {یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ هَلْ یَسْتَطِیعُ رَبُّکَ أَنْ یُنَزِّلَ عَلَیْنا مآئِدَةً مِنَ السَّمآءِ}؛{پاورقی . همان، آیه ۱۱۲. پاورقی"} ای عیسـی بن مریم! آیا پروردگارت قـدرت دارد که برای ما سـفره‌ای غذا از آسـمان نازل کند ".نتیجه: گرچه خطوطی کلّی واساسـی روز موعود از ابتـدای خلقت ترسـیم شده است ولی هنوز شـرایط تحقق وپیاده شدن آن فراهم نگشته است.

چگونه با وجود تحریف در تورات وانجیل در مسئله ی مهدویت به آن دو استشهاد می‌شود؟

پرسش

چگونه با وجود تحریف در تورات وانجیل در مسئله ی مهدویت به آن دو استشهاد می‌شود؟

پاسخ

گـاهی سؤال می‌شود که شـما قائـل به وجود تحریف در تورات وانجیل ودیگر کتب غیر از قرآن هستیـد چگونه در قضـیه مهـدویت وسایر موضوعات به آن اسـتدلال می کنید؟ ۱ – در موضوع مهـدویت چنـان آیـات و روایات فراوانی وجود دارد که برای اثبات آن احتیاج به منابعی دیگر غیر قرآن نباشد. ۲ – اسـتناد واستشهاد به بشارات کتاب‌های آسمانی وغیر آسمانی دیگران از باب تأیید است نه اثبات. ۳ – نقل بشارات از کتاب‌های مقدس دیگران به جهت تقارن بین ادیان وهدایت اهل ادیان به دین حق یعنی اسلام است. ۴

- کسی ادعا نکرده که تمام آنچه که در کتاب‌های مقدس ادیان دیگر آمده تحریف شده است، بلکه آنچه مسلّم است اینکه بخشی از آنها مورد تحریف قرار گرفته است. ۵ - در اثبات عدم تحریف در مواردی که به آنها استشهاد می‌شود همین بس که در مصادر اسلامی نیز به آن اشاره بلکه تصریح شده است. ۶ - برخی از بشارات کتاب‌های مقدس ادیان دیگر با واقعیات تاریخی مطابقت داشته است، از قبیل اینکه: مصلح جهانی همان امام دوازدهم از ذریه اسماعیل واز نسل بهترین زنان است که ولادت او در وضع شدید واختناق سیاسی به وقوع خواهد پیوست، وبه همین جهت خداوند او را از ظالمان تا هنگام ظهور محفوظ خواهد داشت.

آیا عقیده به منجی ومهدویت عقیده‌ای شرقی است؟

پرسش

آیا عقیده به منجی ومهدویت عقیده‌ای شرقی است؟

پاسخ

۱ - گرچه در طول تاریخ، مستضعفین ومظلومان اعم از مسلمان وغیرمسلمان، شیعه وغیر شیعه تحت فشارهای سیاسی بوده‌اند، ولی این به آن معنا نیست که این فشارها باعث شد تا مستضعفان اعتقاد به منجی ومهدی را از خود جعل کنند، بلکه خداوند متعال مطابق مصلحت وحکمتی که ملاحظه کرده موضوع منجی وظهور حضرت مهدی (ع) را به جهت اقامه عدل وعدالت در سطح گسترده مطرح کرده است. ۲ - همان گونه که در جای خود بحث کرده‌ایم موضوع مهدویت مقتضای خواست فطری بشر بوده وعقل، قرآن وروایات نیز به طور صریح بر آن اتفاق کرده‌اند ونیز اجماع مسلمین به جز برخی اندک از روشنفکران غرب‌زده معتقد به مهدویت شده‌اند. ۳ - مهدویت وانتظار ظهور مهدی موعود (ع) در صورتی که معنا ومفهوم صحیح آن در نظر گرفته شود نه تنها آثار منفی به بار نخواهد آورد بلکه آثار مثبتی داشته، در ایجاد روحیه امید در جامعه وفراهم کردن زمینه مناسب برای ظهور حضرت مهدی (ع) تأثیر بسزایی داشته ودارد.

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پاسخ

۱ - این عقیده تنها از انسان‌های شرقی نیست، بلکه در بین همه ادیان ومکاتب وآیین‌های شبه دینی یافت می‌شود. ۲ - این عقیده با فطرت انسان عجین است که در همه یکسان است. ۳ - همان گونه که اشاره شد، این عقیده مطابق آیات قرآن وروایات متواتر واجماع مسلمین، بلکه همه ادیان ومکاتب فلسفی وغیر فلسفی است. فیلسوف انگلیسی" برتراند راسل "می گوید": عالم در انتظار مصلحی است که تمام عالم را یکپارچه کرده وآنان را تحت یک پرچم ویک شعار درآورد. {"پاورقی . تأثیر علم بر اجتماع، ص ۵۶. پاورقی"} پرفسور انشتاین -"صاحب نظریه نسبیّت- می گوید": روزی که صلح وصفا تمام عالم را فراگیرد ومردم با دوستی وبرادری با یکدیگر زندگی کنند چندان دور نیست. {"پاورقی . مفهوم نسبیت، ص ۳۵. پاورقی}

www.noorfatemah.org

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پاسخ

برخی عقیده مهدویت را عقیده‌ای غیر اسلامی می‌دانند که وارد جامعه اسلامی شده است. جولد زیهر می گوید": بازگشت عقیده به مهدی، از اصول ومبانی غیراسلامی است ودر حقیقت این عقیده اسطوره واز امور غیرواقعی است. {"پاورقی . العقیده والشریعه، ص ۲۱۸. پاورقی} سائح علی حسین، نویسنده لیبیایی می گوید": عقیده ونظریه غیبت وبازگشت، عقیده‌ای است مشترک بین یهود ونصارا، وتأثرپذیری فکر شیعی از این دو مصدر بعید نیست. {"...پاورقی . تراثنا وموازین النقد، ص ۱۸۴. پاورقی} دکتر عبدالرحمن بدوی می گوید": کعب الاحبار کسی بود که عقیده به مهدی را در بین مسلمین منتشر ساخت. {"پاورقی . مذاهب الاسلامیین، ج ۲، ص ۷۷Ù۷۶. پاورقی} پاسخ: ۱ – مطابق آنچه در قرآن وروایات متواتر اسلامی وارد شده، عقیده به ظهور مهدی موعود عقیده‌ای اصیل واسلامی است که در ادیان دیگر نیز به آن اشاره شده است ولذا هرگز نمی‌توان آن را اسطوره واز عقاید ساختگی قرار داد. ۲ – این عقیده اختصاص به شیعه ندارد بلکه صحابه به تبع آیات قرآن وروایات نبوی معتقد به این عقیده بوده ودر طول تاریخ اسلام عموم علمای اسلامی اعم از شیعی وسنّی به این عقیده معتقد بوده‌اند. ۳ – اشتراک این عقیده بین یهود ونصارا ومسلمین دلیل بر آن نیست که مسلمانان از ادیان دیگر گرفته‌اند، بلکه دلالت بر آن دارد که موضوع انتظار منجی حقیقی مقتضای فطرت بشر بوده ولذا در هر دین وآیینی به آن اشاره شده است. ۴ – این کعب الاحبار نبوده که عقیده به مهدویت را در بین جامعه اسلامی منتشر ساخته است بلکه خدا ورسولان او خصوصاً پیامبر اسلام (ص) واهل بیت معصومش این عقیده را در جامعه منتشر ساخته‌اند.

امروزه فعالیتهایی بر علیه مهدویت در جریان است بفرمایید در جهان غرب و رسانه ها و مطبوعات و منشورات غرب چه فعالیتهایی در خصوص مهدویت و بر علیه مهدویت در جریان است.

پرسش

امروزه فعالیتهایی بر علیه مهدویت در جریان است بفرمایید در جهان غرب و رسانه ها و مطبوعات و منشورات غرب چه فعالیتهایی در خصوص مهدویت و بر علیه مهدویت در جریان است.

پاسخ

۱. یک نوع فعالیت علیه اسلام است زیرا استکبار جهانی، اسلام را دشمن بالقوه خود می داند. ۲. از مخالفت اصلی جهان غرب با تشیع است زیرا تشیع، مذهبی است که هیچ گونه ستم و ظلمی را نمی پذیرد و بنابراین همه حاکمیت غرب را که براساس ستم و خودبزرگ بینی بنا شده است به چالش می کشد. ۳. اما در کنار این مسأله در غرب با آموزه مهدویت نیز مقابله می شود. زیرا مسأله ظهور منجی، تنها در اسلام به عنوان اصل مسلم نیست. در یهودیت ظهور ماشیح (مسیح) و در مسیحیت ظهور مجدد مسیح در صدر

تعـالیم آنهـا قرار دارد و اصولا یکی از ادله حمله آنها به عراق همین زمینه سازی در ظهور مجـدد مسـیح بوده است. همچنین آرمان صهیـونیسم جهـانی ریشـه در آمـوزه ظهـور منجی دارد که براسـاس روایـات مـذهبی از منطقه خاورمیـانه ظهـور می کنـد. ۴. آموزه مهـدویت دقیقا مقابل با آموزه های مـذهبی آنهاست و آنها بنا دارنـد از هر طریق فیلم و کتاب و تبلیغات سیاسـی آن را خراب کنند که نمونهای آن در جهان غرب فراوان است.

چرا کافران مسئله ظهور حضرت مهدی را قبول ندارند؟

پرسش

چرا کافران مسئله ظهور حضرت مهدی را قبول ندارند؟

پاسخ

عقیـده به ظهور حضـرت مهـدی«علیه السـلام» و گسترش عـدل همگانی و تشـکیل حکومت جهانی در پرتو ظهور و آن حضـرت از جملهی عقایـد مـذهبی شـیعه است کـافران که اساساً مـذهب شـیعه را نپذیرفتهانـد طبعاً با عقیـده شـیعه در مورد ظهور امام دوازدهم مخـالف میباشـند. ولی توجّه به این نکته اساسـی لازم است که اعتقاد به ظهور یک مصـلح در پایان جهان و این که حکومت زمین سرانجام در اختیار افراد صالـح و شایسـته قرار میگیرد یک اعتقاد ویژهی اسـلامی نیست بلکه چنانکه قرآن کریم میفرمایند: «و لقد کتبا فی الـذبور من بعد الذکر ان الارض عبادی؛(۲) محقق ما در زبور پس از ذکر(تورات) نوشـتم که زمین را بند آن شایسـته من به ارث خواهد برد» این اعتقاد در کتابهای آسمانی دیگر نیز وجود داشته است. ۲) سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

مهدویت در آیات و روایات

آیات

حکومت الهی در آیات

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پرسش

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پاسخ

آیـاتی مثـل و لقـد کتبنا فی الزبور من بعـد الـذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (انبیاء / ۱۰۵) ترجمه : در زبـور بعـد از ذکر (تورات) نوشتیم :بندگان شایسـته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد . و نیز آیه شریفه : و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین (قصـص / ۵) ترجمه : ما می خواهیم بر مستضـعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و

وارثـان روی زمین قرار دهیم . کـلـمـه نـریـد اشاره به اراده اسـتمراری الهی است , لـذا در بسـیاری از اخبار به حضـرت مهـدی (ع) تـطـبـیق شـده است و نیز آیه شـریفه وعـد اللّه الـذین امنوا منکم و عملواالصالحات لیسـتخلفنهم فی الارض کما اسـتخلف الـذین من قبلهم (نـور / ۵۵) ترجمه :خداونـد به کسانی از شـما که ایمان آورده و کـارهـای شایسـته انجام داده انـد , وعـده می دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهـد کرد همان گونه که به پیشـینیان آنها خلافت روی زمین را بخشـید . در اخبار است که مصـداق کامل این وعده , زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) است .

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پرسش

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پاسخ

آیـاتی مثـل و لقـد کتبنا فی الزبور من بعـد الـذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (انبیاء / ۱۰۵) ترجمه : در زبـور بعـد از ذکر (تورات) نوشتیم :بندگان شایسـته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد . و نیز آیه شریفه : و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین (قـصـص / ۵) ترجمه : ما می خواهیم بر مستضـعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثـان روی زمین قرار دهیم . کـلـمـه نـریـد اشاره به اراده اسـتمراری الهی است , لـذا در بسـیاری از اخبار به حضـرت مهـدی (ع) تـطـبـیق شـده است و نیز آیه شـریفه وعـد اللّه الـذین امنوا منکم و عملواالصالحات لیسـتخلفنهم فی الارض کما اسـتخلف الـذین من قبلهم (نـور / ۵۵) ترجمه :خداونـد به کسانی از شـما که ایمان آورده و کـارهـای شایسـته انجام داده انـد , وعـده می دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهـد کرد همان گونه که به پیشـینیان آنها خلافت روی زمین را بخشـید . در اخبار است که مصـداق کامل این وعده , زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) است .

دیدگاه قرآن درباره تشکیل حکومت جهانی اسلامی، بسط دین اسلام و زمامداری صلحاء چگونه است؟

پرسش

دیدگاه قرآن درباره تشکیل حکومت جهانی اسلامی، بسط دین اسلام و زمامداری صلحاء چگونه است؟

پاسخ

خداونـد در قرآن مجیـد در آیات متعـددی به این موضوع اشاره دارد از جمله: «وَ لَقَدْ کَتَبنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحوُنَ»انبیاء/۱۰۵ [ما بعـد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصـرف خواهند شد] «وَ عَدَ اللهُ الذینَ امَنُوا مِنْکُمْ و عَمِلوُ الصالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ» نور/۵۵ [خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که نیکو

کـار گردد در زمین خلاـفت دهـد] «هُوَ الَّذی أَرْسَـلَ رَسُولَهُ بِالْهُـدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الـدّینِ کُلِّهِ» توبه/۳۳ و فتح/۲۸ [اوست خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد] «یُریدُونَ أَنْ یُطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ یَأْبَی اللهُ اِلّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ» توبه/۳۲ [کافران می‌خواهنـد که نور خدا را بانفس تیره و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند ولی خـدا نمی گـذارد تـا آنکه نور خود را به منتهای ظهور و حـد اعلای کمال برسانـد.] «یُریـدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِأَفْواهِهِم وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِهِ» صف/۸ [کافران می‌خواهنـد تا نور خـدا را با گفتار باطل و طعن مسـخره، خاموش کنند، البته خدا نور خود را تمام و کامل می کند.] «وَیُریـدُ اللهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِمـاتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرینَ» انفال/۷ [و خدا می‌خواست که صدق سـخنان حق را ثابت گردانده و ریشهٔ کـافران را از بیـخ و بن برکنـد.] «وَ قُـلْ جـاءَ الحَقُّ وَ زَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهوقاً» اسـراء/۸۱ [بگو که حق آمـد و باطـل را نابود سـاخت، که باطـل خود لایـق محو و نابودی است.] پ۱ض«اِنَّا لَنَنْصُـرُ رُسُـلَنا وَالَّذینَ آمَنُوا فِی الْحیاةِ الدُّنْیا» غافر/۵۱ [ما البته رسولان خود و کسـانی که ایمـان آورنـد را در حیات دنیا نصـرت و ظفر می‌دهیم.] «کَتَبَ اللهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُـلی اِنَّ اللهَ قَوِیٌّ عَزیزٌ» مجادله/۲۱ [خـدا حتم گردانیـده که البته من و رسولانـم غالب می‌شویم که خداونـد قوی و مقتـدر است.] و آیات دیگری که تأویل آنها هنگام ظهور حضرت ولی عصر ـ عجل الله تعالی فرجه آشکار شود، دلالت دارند بر غلبهٔ اسلام بر سایر ادیان و غلبهٔ اهل حق بر اهل باطل و حتمی بودن غلبه انبیـاء و اتمام نور خـدا که این معانی بطور مطلق تا حال ظاهر نشـده و این آیات تحقق آن را در آخرالزمان بشارت می‌دهد. خداوند وعده داده که البته پیغمبران را غالب سازد و یاری کند و معلوم است که این نصـرت و غلبه فقط نصـرت و غلبه در آخرت نیست، برای اینکه می‌فرماید: «فی الحیاة الدنیا» و نصـرت وغلبه انبیا بر قوم خودشان، پیشـرفت کار آنها در عصر خودشان هم نیست، زیرا دعوت بسیاری از پیغمبران در قومشان اثر نبخشید بلکه بعضـی از آنها کشـته شدنـد. این نصـرت و غلبه، نصـرت و غلبه مقصد و هدف و دعوت آنها است که بر طبق ظاهر آیات مقید به مرتبه‌ای نیست بلکه نصرت و غلبه مطلق است. همچنین است اتمام نور، که معنی اینکه خـدا نور خود را در مقابـل آنهائی که می‌خواهنـد نور او را خاموش کننـد و مانع از پیشـرفت اسـلام شونـد تمام می گرداند این است که دین را جلو می‌برد و بر قلمرو اسـلام می‌افزاید و اتمام آن وقتی است که اسـلام تمام جهان را بگیرد. چنانکه معنی استخلاف و جانشینی مؤمنین در زمین و وارث شدن آنها زمین را نیز به معنی استخلاف در تمام زمین و وارث شدن کره ارض است که برای امـام زمان و یاران و اصـحاب آن حضـرت حاصل می‌شود. معنای غلبه حق بر باطل بطور اطلاق هم غیر از این نیسـت که به تمـام معنی حق بر باطـل پیروز شود اگر از جهت حجت و برهان غالب باشـد (با اینکه به این معنی همیشه غالب است) ولی در ظـاهر غالب نباشـد غلبه مطلق نیست و ظاهر این آیات غلبه مطلق است. و اما آیه: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الـدّینَ کُلِّهِ» که دلالتش بر غلبه اسـلام واضح است. و مؤید مسـتفاد از این آیات است روایاتی که در این خصوص از حضـرت رسول(ص) منقول است، مثل: «لَیَدْخُلَنَّ هذَا الّـدینُ عَلی مـا دَخَـلَ عَلَیْهِ اللَّیْلُ» [البته این دین در هرکجا شب داخل شـده باشـد داخل می‌شود.] و شایـد نکته اینکه فرمود: «عَلی ما دَخَلَ عَلَیْهِ اللَّیْلُ» و نفرمود: «عَلی ما دَخَلَ عَلَیْهِ الْیَوْمُ او الشَّمْسُ» تشبیه دین به آفتاب باشـد که همانطور که روز آفتاب در هر کجا که شب رفته باشد وارد می‌شود، خورشـید عالمتاب اسـلام نیز به تمام اماکن پرتو افکن خواهد شد و تاریکی کفر و شرک و ضلالت را نابود خواهد ساخت، همانطور که آفتاب، تاریکی شب را از میان می‌برد.

دیدگاه قرآن نسبت به حاکمیت بندگان شایستهٔ خدا بر زمین چیست؟

پرسش

دیدگاه قرآن نسبت به حاکمیت بندگان شایستهٔ خدا بر زمین چیست؟

پاسخ

خدا در قرآن می‌فرماید: «وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الارْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» که مفاد ظاهر آن این است که: [و هر آینه ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین می گردند.] این آیه از بشارت حتمی الهی خبر می‌دهد که شایستگان و صلحاء، وارث زمین و صاحب آن می‌شوند و چون در آیات قبل از این آیه از زمین خاصی سخنی به میان نیامده است لذا الف و لام «الأرض»، الف و لام عهد نخواهد بود چون ظاهر این است که مراد تمام زمین است. بنابر این، آیه خبر از روزگاری می‌دهد که زمین و ادارهٔ آن در همهٔ قاره‌ها و همهٔ مناطق و معادن آن در اختیار بندگان شایسته خدا در آید، چنانکه در آیات دیگر نیز همین وعده را فرموده است. مانند آیهٔ: «وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ»... نور/۵۵ [و خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وعده داده که در زمین خلافت دهد .] ...و نیز آیهٔ: «وَ نُرِیدَ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتَضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ» قصص/۵ [و اراده کرده‌ایم که بر کسانی که در زمین ضعیف و ذلیل نگه داشته شده‌اند منت گذارده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم.]

در قرآن کریم، ضرورت وجود حکومت امام زمان ع چگونه بررسی و توصیف شده است؟

پرسش

در قرآن کریم، ضرورت وجود حکومت امام زمان ع چگونه بررسی و توصیف شده است؟

پاسخ

تحقق آفرینش جهان و انسان، لطف و حکمت الهی، ظهور و اجرای تمامیت دین، تحقق قسط و عدل در تمامی جامعهٔ بشری، تحقق عملی تمامی وعدههای الهی، ایجاد مدینهٔ فاضله، تحقق انتظارات بشر در برپایی جامعهای ایدهآل به دور از ظلم و فساد، تحقق جامعهٔ واحد بر مبنای خداخواهی، حقخواهی و خداپرستی و... از جمله مواردی که ضرورت وجود حکومت امام زمانع را ایجاب میکند. از نظر قرآن کریم، جهان با هدف خاص آفریده شده است" ;وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَ الاْ ۤرْضَ وَ مَا بَیْنَهُمَا بَـٰطِلاً ذَ ۤلِکَ ظَنُّ الَّذِینَ کَفَرُواْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُواْ مِنَ النَّار(;ص،۲۷) ما آسمان و زمین و آن چه را در میان آنها است بیهوده نیافریدیم، این گمان کافران است وای بر کافران از آتش (دوزخ ").روشن است، هدفدار بودن جهان هستی، به حکومتِ بر زمین که جزئی از جهان است، جهت میدهد که، حکومت بشری نیز هدفدار است. هنگامی که در جهانبینی پذیرفتیم که این عالَم وسیع از ناحیهٔ خداوند بزرگ، بیهوده آفریده نشده، هدفدار بودن حکومت بر بشر را نیز میپذیریم. به تعبیر دیگر، عالم هستی بر پایهٔ حق و عدالت است، حکومت نیز باید هماهنگ با مجموعهٔ عالَم یعنی منطبق بر موازین حق و عدالت باشد. آفرینش جهان و انسان، فرستادن پیامبر و امام، نزول وحی و تعیین قانون برای سعادت بشر و... جملگی از باب لطف و حکمت الهی است ;و در راستای هدفدار بودن انسان و جامعهٔ بشری است. از آن جا که بشر با پیروی از هوی و هوسها، بر خلاف هدفِ اصلیِ از خلقتِ خود، گام برداشته است و حتی با راهنمایانِ از جانب خداوند نیز سر ستیز برداشته و آنها را یا کشتهاند، و همین هوی و هوسها سبب ظلم و فساد و انحراف در جوامع بشری شده است و... لذا خداوند متعال بر اساس همان قاعدهٔ، لطف و حکمت آخرین امام را در حال غیبت نگه داشته، تا زمانی که

جامعهٔ بشری شایستگی برپایی حکومت جهانی واحد با محوریت رهبری الهی را دارا شود. پس لطف خداوند توأم با حکمت او اقتضأ میکند در همین دنیا با امامت و رهبری امام زمانغ حکومتی بر پا شود تا بهشتِ موعودِ زمینی، علاوه بر بهشت آسمانی، که رؤیای همیشگی انسان بوده است، و هیچ گاه تجربه نکرده است، تحقق یابد. پیامبراکرممیفرماید": در امت من مهدیغ قیام کند... و در زمان او، مردم به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند.]و این رفاه شامل تمامی انسانها خواهد بود چه[نیکوکار چه بدکار. آسمان مکرر بر آنان ببارد]کنایه از وفور مواهب طبیعی[و زمین چیزی از رویدنیهای خود را پنهان نسازد(".بحارالانوار، مجلسی، ;ج ۵۱، ص ۷۸، مؤسسه الوفأ / ر.ک: تفسیر نمونه، آیتالله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۹، ص ۲۶۱ـ۲۶۶، دارالکتب الاسلامیه / کشف المراد، علامه حلی، ;ص ۳۲۴ـ۳۲۹ و ص ۳۶۲ـ۳۶۴، مؤسسه النشر الاسلامی.)

اگر مراد از آیاتی که وارثین زمین موءمنین می باشد همانند آیات وارث شدن بنی اسرائیل بعد از فرعون باشد دیگر ربطی به ظهور حضرت ندارد و این مژده با حاکمیت موءمنین بر حجاز محقق شده است ؟

پرسش

اگر مراد از آیاتی که وارثین زمین موءمنین می باشد همانند آیات وارث شدن بنی اسرائیل بعد از فرعون باشد دیگر ربطی به ظهور حضرت ندارد و این مژده با حاکمیت موءمنین بر حجاز محقق شده است ؟

پاسخ

درباره به ارث رسیدن زمین به بندگان صالح، چند مطلب قابل ذکر است: ۱. خداوند در دو سوره موضوع به ارث رسیدن زمین به صالحان و حکومت آنان را به پیامبر(ص) خبر میدهد: و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادیالصالحون و به راستی در زبور، پس از تورات نوشتهایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث میبرند{M (انبیاء، آیه۱۰۵). در سوره دیگر میفرماید: وعدالله الذین امنوا منکم و عملوالصالحات لیستخلفنهم فی الارض خداوند به کسانی از شما که ایمانآوردهاند و کارهای شایسته کردهاند، وعده داده است که آنان را در این سرزمین جانشین گرداند{M (نور، آیه ۵۵) از این دو آیه، میتوان دو نکته را استفاده کرد: یکی این که این وراثت اطلاق و عمومیت دارد؛ یعنی، هم شامل وراثت دنیایی میباشد و هم شامل وراثت اخروی؛ چرا که خداوند میفرماید: و گویند سپاس خداوندی را که وعدهخود را در حق ما راست گردانید و به ما سرزمین [بهشت] را به میراث داد که از بهشت هر جا که خواهیم سکنا گزینیم{M. (زمر، آیه ۷۴) و درسوره دیگر میفرماید: ایناننـد که میراث برند که فردوس را به ارث میبرند [و [در آن جاودانهاند{M (مؤمنون، آیه ۱۰ و ۱۱) نکته دیگر آن که این وراثت علاوه بر این که، یک وعده حتمی الهی است یک قانون آفرینش و قاعده تکوینی هم محسوب میشود؛ زیرا تمام حکومتهای ظالمان، بر خلاف نوامیس آفرینش و قوانین جهان خلقت بوده و طبق تحلیلهای فلسفی و نظری، ابطال آنها قطعیاست. پس حکومت در آینده، از آن مؤمنان صالح خواهد بود. ۲. خداوند در چندین سوره، موضوع به ارث رسیدن سرزمین را به بنیاسرائیل گوشزد فرموده است؛ از آن جمله میفرماید: و اورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون مشارقالارض و مغاربها التیبارکنا فیها و آن قوم را که مستضعف بودند، وارث مشرقها و مغربهای سرزمین ساختیم که به آن برکت بخشیده بودیم{M.(اعراف، آیه ۱۳۷) در آیه دیگر نیز میفرماید:] موسی] گفت: چه بسا پروردگارتان دشمنتان را نابود کند و شما را در این سرزمین جانشین گرداند{M (همان، آیه۱۲۹). هم چنین ضمن بیان سرگذشت بنیاسرائیل، میفرماید: میخواهیم بر کسانی که در روی زمین به زبونی کشیده شدهاند، منت نهیم [و نعمت دهیم]

www.noorfatemah.org

و ایشـان را پیشواگردانیم و ایشان را وارث گردانیم{M. (قصص، آیه ۵) ۳. واژه «ارض» گرچه به مجموع کره زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را شامل می گردد؛ اما وقتی قرینه خاصی در کار باشد، آن معنای عموم را از دست می‌دهد و معنای خاصی از آن اراده می‌شود. چنان که «ارض» به کار رفته در داستان بنی‌اسرائیل، خصوص سـرزمین شام وفلسطین است. مؤید و دلیل بر این معنا، جمله التی بارکنـا فیها در آیه ۱۳۷ سوره «اعراف» است؛ زیرا خداونـد در قرآن، غیر از سـرزمین مقـدس (همـان نواحی فلسـطین) و غیر از کعبه، هیچ سـرزمینی را به «برکت» یاد نکرده است. پس وعده‌ای که خداوند به پیامبر(ص) داده بود، سرجای خود محفوظ است؛ از این رو در هر زمان و در هر جا، بنـدگان صالح خدا قیام کنند، پیروز خواهند بود. آنچه در روایات درباره قیام حضـرت مهدی(عج) آمـده، بیـان یـک مصـداق عـالی و روشن از آیات است و هرگزعمومیت «مفهوم آیات» را محـدود نمی‌سازد. در خاتمه خاطر نشان می‌شود که طبق تصـریح قرآن پژوهـان، تفسـیر «المیزان» نوشـته علامه طباطبایی، از تفاسـیر عمیق، جامع و پرمحتوا محسوب می‌شود. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۸، ص ۳۲۵، و ج ۱۴، ص ۴۶۵، (نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی)۰

در آیهٔ ۵۵ / نور: ، «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ...» طبق نظر مفسران در مورد خلافت خلفای راشـدین است که در آن زمان ترس و وحشتی را که قبلاً مسـلمانان از ناحیهٔ دشـمنان خارجی احساس می‌کردند و مجبور بو

پرسش

در آیهٔ ۵۵ / نور: ، «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ...» طبق نظر مفسران در مورد خلافت خلفای راشـدین است که در آن زمـان ترس و وحشـتی را که قبلاً ـ مسلمانان از ناحیهٔ دشـمنان خـارجی احسـاس می‌کردنـد و مجبور بودنـد همراه خود اسـلحه حمـل کننـد فرو ریخت؛ و دین اسـلام که ابتـدا مخفی و محـدود بود ظاهر و فراگیر شد و طبق ادعای عالمان شیعه علی الظاهر نباید ربطی به حکومت امام مصلح کل امام مهدی داشته باشد.

پاسخ

علاوه بر برداشـتی که پرسـش‌گر محترم دربـاره آیه شـریفه کرده است، مفسـران دیـدگاه‌های متفـاوت دیگری نیز در این خصوص دارند. بعضـی مفسـرین گفته‌اند: این آیه شـریفه درباره اصـحاب رسول خدا(ص) نازل شده، و خدا وعده‌ای را که به ایشان داده بود منجّز کرد زمیـن را در اختیـار ایشـان قرار داد، دین ایشـان را تکمیـل کرد، ترس ایشـان را مبـدل به امنیت کرد، و پس از درگذشـت رسول خـدا (ص) در ایـام خلافـت خلفـای راشـدین، اسـلام را پیش برد، و عزت داد. پس آن ترسـی که مسـلمین از کفار و منافقین داشـتند، از میان رفت. و مراد از اسـتخلاف ایشان اسـتخلاف خلفای چهارگانه پس از رسول خدا(ص)، ویا تنها خلفای سه گانه اول است.(الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دارالمعرفه، ج ۴، ص ۲۷۲، برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به ترجمه تفسیر المیزان ذیل آیه شـریفه.) بعضـی دیگر گفته‌انـد که : این آیه شامل عموم امت محمد(ص) می شود، و مراد از اسـتخلاف امت وی و تمکین دین ایشان و تبدیل خوفشان به امنیت این است که زمین را به ایشان ارث داد، آن چنان که به امت های قبل از اسـلام ارث داد. یا مراد از اسـتخلاف، استخلاف خلفای پس از رسول خدا(ص) و تمکین اسلام و شکست دادن دشمنان دین می‌باشد، که خدای تعالی بعد از رحلت پیامبر(ص) وعده خود را وفا کرد، و اسلام و مسلمین را یاری نموده و شهرها و اقطار عالم برای آنان فتح شد. بعضی دیگر از مفسـرین گفته‌انـد: این آیه شـریفه مربـوط به مهـدی موعـود(ع) است، که اخبـار متـواتر از ظهورش خبر داده، و فرموده: زمین را پر

ازعـدل و داد می‌کنـد همان طور که پر از ظلم و جور شـده باشد، و مراد از «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» رسول خدا(ص) و ائمه اهلبیت او (علیهم‌السـلام) است.(القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۳، ص ۴۶.) امّا آنچه از سیاق آیه شـریفه به نظر می‌رسد، این است که بدون شک آیه شـریفه درباره بعضـی از افراد امت است نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت، و این افراد عبارتند از کسانی که مصـداق« الـذین آمنوا و عملوا الصالحات» بوده باشـند، و آیه نص در این معنا است، و هیچ دلیلی نه در الفاظ آیه و نه از جهت عقل وجود ندارد که دلالت کند بر اینکه مقصود از «الذین» تنها صـحابه رسول خدا(ص)، یا شـخص خود رسول خدا(ص) یا تنهـا ائمه اهـل بیت(علیهم السـلام) باشـند و نیز هیـچ دلیلی نیست بر اینکه مراد از «الـذین» عمـوم امت بـوده باشـد. از این رو مراد از اسـتخلاف آنان در زمین که نظیر اسـتخلاف نیاکان و امت‌های پیشـین باشـد این است که اجتماعی صالـح از آنان تشـکیل شود، که زمین را ارث ببرنـد، آن طور که امت‌های گذشـته که صاحبان قوت و شوکت بوده‌انـد ارث بردنـد، و این اسـتخلاف قائم به اجتماع صالح ایشان است، نه به افراد معینی از ایشان. اما اینکه مراد از استخلاف، خلافت الهی به معنای ولایت و سلطنت الهی، نظیر سلطنت داوود و سـلیمان و یوسف(علیهم‌السـلام) بوده باشـد، یا مراد برطرف شـدن ترس مسـلمانان صـدر اسـلام از کفار و مشـرکین پس از خلافت خلفای راشـدین باشـد ادعای درستی نیست، و دلیلی بر آن وجود نـدارد، چون لفظ آیه‌مطلق است، و هیچ قرینه ای بر اثبات آن نیست. علاوه بر این آیه شـریفه در مقام امتنان است، و این چه منّتی است که خـدا بر جامعه ای بگـذارد و دشـمن خارجی را بر آنان مسـلط نکرده باشـد، در حالی که داخل آن جامعه را فساد احاطه کرده باشد، و از هر سو بلاهای گوناگون آن جامعه را تهدید کند، و هیچ امنیتی بر جان و عرض و مال خود نداشته باشند و تنها قدرت حاکمه بر آن اجتماع حریت داشته، و طبقه ستمگر در رفاه و پیشـرفت باشـند؟ مراد از اینکه فرمود: «خـدا را عبادت می‌کننـد و چیزی را شـریک او نمی گیرنـد»، همان معنایی است که لفظ به طور حقیقت بر آن دلالـت می‌کنـد، و آن عبـارت است از اینکه اخلاص در عبـادت عمومیت پیـدا کنـد و بنیـان هر کرامـتی غیر از کرامت تقوی منهـدم گردد. نتیجه این شـد که خدای سـبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که بزودی جامعه‌ای بر ایشان تکوین می‌کنـد که به تمام معنا صالـح باشـد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشـد، زمین را به ارث برده و در عقایـد افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسـی از دشـمن داخلی یا خارجی نداشـته باشـند، از کید نیرنگ بازان و ظلم سـتمگران و زور گویی زورگویان آزاد باشند. و این جامعه طیب و طاهر با صفاتی که از فضـیلت و قـداست در خود دارد هرگز تاکنون در دنیا پدیـد نیامـده و دنیا از روزی که پیامبر(ص) مبعوث به رسالت گشـته تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار امام مهدی(ع) خواهد بود. چون اخبار متواتری که از رسول خـدا(ص) و ائمه اهـل بیت (علیهم‌السـلام) در ویژگی‌هـای آن جناب وارد شـده(در این روایات مصـداق کامل این وعـده در زمان ظهور ولی عصـر(عـج) دانسـته شده است. (ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ و ص ۵۴)) از تشـکیل چنین جـامعه ای خبر می دهد. پس حق مطلب این است که آیه شـریفه جز با اجتماعی که به وسـیله ظهور حضرت مهدی(عج) تشکیل می‌شود قابل انطباق با هیچ اجتماع دیگری نیست.

منظور از وارث زمین شدن توسط صالحان چیست؟

پرسش

منظور از وارث زمین شدن توسط صالحان چیست؟

پاسخ

منظور از وارث زمین شدن این است که زمین در اختیار افراد صالح و شایسته قرار گیرد یعنی حکومت عدل در زمین مستقر شود و افراد غاصب و ظالم و ستمگر و عناصر فاسد و حکومتهای جور از جهان ریشه کن و نابود گردند.

امام زمان در آیات

در قرآن از امام مهدی (ع) چگونه یاد شده است ؟

پرسش

در قرآن از امام مهدی (ع) چگونه یاد شده است ؟

پاسخ

آیاتی از قرآن اشاره به قیام حضرت مهدی (ع) دارد, از جمله : در سوره انبیاء آمده است : ((ولقد کتبنافی الز بور من بعد الذکر ان الارض برثها عبادی الصالحون ; در زبور بعد از ذکر (تورات) تور داشتیم که بندگان صالح من حکومت زمین را به ارث می برند.(۱)در ذیل این آیه روایاتی آمده است که ((هم اصحاب لمهدی فی آخر الزمان ,آنان یاران مهدی (ع) در آخر الزمان هستند)). در سوره نور آمده است : ((وغدالله الذین آمنوا منکم . عملوالصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدتنی لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک ماوئک هم الفاسقون ,()خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند, وعده داده (پاورقی ۲ـ نور (۲۴ آیه ۵۵ است که آنان را خلیفه روی زمین کند, آن گونه که پیشینیان را خلافت بخشید و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده است , پا بر جا و ریشه دار سازد و بیم و ترس آنان را به امنیت مبدل کند. آن چنان می شود که تنها مرا می پرستند وچیزی را شریک من نخواهند کرد و کسانی که بعد از آن کافر شوند, از فاسقان اند)). آیه دیگر آه اشاره به قایم حضرت مهدی دارد, آیه طهور حق در سوره توبه است : ((هوالذی الرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون)).(۲)شبیه این آیه در سوره فتح آمده است : ((هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله)).(۳)این آیات بر اساس روایاتی که ذیل و تفسیر آنها آمده ,تطبیق بر حضرت مهدی (ع) شده است . (۴) (پاورقی ۱ـانبیاء (۲۱ آیه ۱۵ (پاورقی ۲ـ توبه (۹ آیه ۳۳. (پاورقی ۳ـ فتح (۴۸ آیه ۲۸. (پاورقی ۴ـ نامه مکارم , پیام قرآن , ج ۹ باتلخیص .

مهمترین آیات مربوط به مهدویت کدام است؟

پرسش

مهمترین آیات مربوط به مهدویت کدام است؟

پاسخ

آیات محوری مهدویت ردیف آیه سوره توضیحات آیه اظهار ـ هو الذی ارسل رسوله ... صف / ۹، فتح / ۲۸، برائت / ۳۳ قاتلوهم حتی لاتکون فتنه انفال / ۳۹ ان اصبح مائکم غورا ملک / ۳۰ فانک من المنظرین الی یوم...حجر / ۳۸ وقضینا الی بنی اسرائیل...اسراء / ۴ ـ ۶ لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر انبیاء / ۱۰۵ الله نور السموات... (آیه نور) نور / ۳۵ وعدالله الذین... (استحذاف) نور / ۵۵ نرید ان نمن علی الذین استضعفوا قصص / ۵ یریدن لیطفوا نور الله... صف / ۸، زمر / ۶۹ آیات اشراط الساعهٔ معارج / ۴۴، قمر / ۱، ق / ۴۱، فرقان / ۱۱ و ۲۶، غاشیه / ۱ ـ ۴ حروف مقطعه / حم عسق شوری / ۱ آیات انتقام / سیعلم الذین... شعراء / ۲۲۷، حج / ۳۹ سوره شمس سوره قمر سوره فجر سوره قدر بقیهٔ الله خیر کلمه... هود / ۸۶ امّن یجیب المضطر اذا دعاه...نمل / ۶۲

چرا از این امام محجوب نام و نشانی در قرآن کریم نیست ؟ مگر ایمان بوجود این امام از ایمان بوجود مردان گذشته که در جهان میزیستند و صدها سال از مرگشان گذشته مثل لقمان و ذوالقرنین ضرورت کمتری داشته که نام و نشان اینها برای عبرت و پند در قرآن کریم ب

پرسش

چرا از این امام محجوب نام و نشانی در قرآن کریم نیست ؟ مگر ایمان بوجود این امام از ایمان بوجود مردان گذشته که در جهان میزیستند و صدها سال از مرگشان گذشته مثل لقمان و ذوالقرنین ضرورت کمتری داشته که نام و نشان اینها برای عبرت و پند در قرآن کریم بتفصیل آمده ولی از نام و نشان امام با عظمت و غیبی مسلمانان که شب و روز باید چشم بظهور دولت او بدوزند در قرآن کریم خبری نیست ؟آیا روش کتاب هدایت این باید باشد که هر چیز که مهمتر است آنرا کمتر بیان فرماید یا بکلی مکتوم نماید و امور کم اهمیت را توضیح مفصل بدهد ؟

پاسخ

آیات زیادی در قرآن کریم هست که وقتی بهمدیگر ضمیمه شوند یا تدبر کافی در آنهابشود خصوصیات ظهور امام غائب عجل اللّه فرجه بطور وضوح بدست می آید . مانند آیه یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه مائده ۵۴ الخ و آیه وعد اللّه الذین آمنوا الخ نور ۵۵ و آیه و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر انبیاء ۱۰۵ و آیه لیظهره علی الدین کله صف ۹ و غیر اینها با تقریباتی که در تفسیر کردیم در احتجاج طبرسی در یکی از احتجاجات امیرالمومنین علی علیه السلام جواب این شبهه را از آنحضرت نقل می کند مبنی بر اینکه خدای متعال می دانست که اگر ائمه هدی رابطور صراحت در قرآن کریم معرفی می فرمود دشمنان اهل بیت (ع) بهر وسیله بود آنرااز قرآن کریم اسقاط می کردند و قرآن تحریف می پذیرفت با اینکه خداوند عزاسمه وعده صریح داده که قرآن را از تحریف حفظ فرماید لذا مسئله امامت را بنحوی بیان فرموده که از راه تدبر در آیات بدست آید نه بطور صراحت . گذشته از اینها اشکالی که نویسنده نامه می کند نه تنها متوجه امامت امام غائب می باشد بلکه شامل امامت همه ائمه هدی است که چرا باید با اهمیتی که امامت دارد نام و نشان شان صریحا در قرآن ذکر نشود . بنابر این اشکالی که کرده مشترک الورود است زیرا نظر به آثار ناگواری که اختلاف شیعه و سنی و مسئله امامت و انشعاب جهان اسلام بدو فرقه سنی و شیعه و دنباله های تلخی که این انشعاب پدید آورد و خونهائی که در اثر فتنه های اختلاف نامبرده ریخته شد و ضربتها و محرومیتهائی

www.noorfatemah.org

که اسلام دید اگر امامت الهی انتصابی در بین نبودایجاب نمی کرد که صریحا در قرآن و بیانات نبوی امامت انتصابی نفی شود ؟ و آیا دراین صورت اهمیت نفی خلافت انتصابی از اهمیت بیان خلافت انتصابی بنا بصحت ومشروعیت آن کمتر بود ؟ و آیا مدعی حق نداشت بگوید که خلیفه اول (معاذاللّه) ازخدا و رسول (ص) عاقل تر بود که خلافت خلیفه دویم را از راه وصیت تثبیت کرد نه ازراه انتخاب مردم و در نتیجه بعد از ابی بکر در خلافت عمر هیچگونه اختلافی در خلافت بوجود نیامد لکن بعد از رحلت رسول خدا در اثر سکوت آنحضرت این اختلاف خانمان سوزپیدا شد . پس اگر در صورت ثبوت خلافت انتصابی بیان آن صریحا در قرآن کریم اهمیت داشت در صورت عدم ثبوت آن بیان آن نظیر و معادل همان اهمیت را داشت .

آیا در قرآن کریم آیاتی در مورد حضرت امام زمان(عج) وجود دارد؟

پرسش

آیا در قرآن کریم آیاتی در مورد حضرت امام زمان(عج) وجود دارد؟

پاسخ

در قرآن مجید درباره این موضوع آیات زیادی وجود دارد ما آنچه را که در تفاسیر آمده است نقل می کنیم. ۱. و عدالله الذین آمنوا منکم و عملوالصالحات لیستخلفهم فی الارض (ینابیع المودة، ص ۴۲۶ و تفسیر غرائب القرآن نیشابوری). ۲. هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه... ۳. و لقد کتبنا فی الذبور ان الارض یرثها عبادی الصالحین ۴. الذین یؤمنون بالغیب... (تفسیر غرائب القرآن و تفسیر کبیر). ۵. و نریدان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض... (شرح ابن الی الحدید، ج ۴، ص ۳۳۶). ۶. و انّه لعلم للساعة... (اسعاف الراغبین، ب ۲، ص ۱۴۱، ینابیع الموده، ص ۱۵۳) و علاوه بر تفاسیر اهل سنت در تفاسیر شیعه دور احادیث وارده تحت آیات قرآنی تعداد کثیری از آیات را ائمه معصومین(علیهم السلام) به حضرت مهدی و ظهور ایشان تفسیر و تأویل فرموده اند که به کتابهای زیر می توان رجوع کرد. پاورقی (۱)۱ – سوره نور آیه ۵۵. (۲)۲ – سوره توبه آیه ۳۳. (۳)۳ – سوره توبه، آیه ۳۳. (۴)۴ – سوره بقره، آیه ۳. (۵)۵ – سوره قصص آیه ۵۵. (۶)۶ – سوره زخرف، آیه ۸۵. ۱. دلائل الامامه ۲. الارشاد ۳. بحارالانوار ۴. البرهان ۵. المحجة ۶. الکافی ۷. البصائر الدرجات

چگونه پیامبران و امامان ما در جذب اکثر مردم به آئین اسلام و تشکیل حکومت عدل جهانی موفقیت حاصل نکردند در حالی که امام زمان این توفیق را پیدا خواهد کرد. و چرا در قرآن مجید درباره امام مهدی (عج) آیه ای وجود ندارد؟

پرسش

چگونه پیامبران و امامان ما در جذب اکثر مردم به آئین اسلام و تشکیل حکومت عدل جهانی موفقیت حاصل نکردند در حالی که امام زمان این توفیق را پیدا خواهد کرد. و چرا در قرآن مجید درباره امام مهدی (عج) آیه ای وجود ندارد؟

پاسخ

آنچه که پیامبران و ائمه(علیه السلام) مأمور به تبلیغ و انجام آن بودند به خوبی از عهده آن برآمده و آن را انجام داده اند دو آن عبارت بود از هدایت مردم و اتمام حجة بر آنها و ایجاد زمینه ای مناسب برای رشد و هدایت انسانها و در این هدف تمام انبیاء(علیهم السلام) و ائمه معصومین(علیهم السلام) موفق بودند لذا در زیارت نامه های این بزرگان می خوانیم اشهد انک قد بلغت الرسالة راقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر... یعنی: من گواهی می دهم که شما تبلیغ کردی رسالت خداوند را و نماز را برپا داشتی و زکوة را ادا کردی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و... پس آنچه در وظیفه اولیاء خداوند بود به نحو کمال مطلوب انجام دادند ولی آن چه را که خداوند بر عهده حضرت حجة(عج) قرار داده است امانتی است که مخصوص ایشان است و ایشان باید این نحوه عمل را که قیام جهانی و ایجاد حکومت عدل الهی است انجام دهند تا تمامی حکمتها و فلسفه های انزال کتب دین در حکومت حضرت حجة(عج) تجلّی و تحقق داشته باشد. و البته لازم به ذکر است که خداوند متعال این زمینه را با امدادهای غیبی و قدرت قابره خود و ارسال ملائکه برای حضرت حجة (عج) انجام می دهند. اما نسبت به نام شریف حضرت مهدی(عج) در قرآن کرمی می توانند به آیاتی را که به این بزرگوار تأویل و تفسیر شده است رجوع کنید: ۱. یستخلفهم فی الارض...، ینابیع الموده، ص ۴۲۶. ۲. لیظهره علی الدین کلّه...، تفسیر فخررازی والبیان، ص ۱۰۹. ۳. و لقد کتبنا فی الزبور...، ینابیع الموده، ص ۴۲۵. ۴. الذین یؤمنون بالغیب غرائب القرآن و تفسیر فخر ۵. وزید ان تمن علی الذین استضعفوا فی الارض، شرح ابن ابی الحدید، ج ۴،ص ۳۳۶. ۶. و انّه لعلم للساعة نورالابصارب ۲، ص ۱۵۳.

چند آیه نام ببرید که مربوط به ظهور آن حضرت باشد.

پرسش

چند آیه نام ببرید که مربوط به ظهور آن حضرت باشد.

پاسخ

آیات زیادی در قرآن هست که به گونه‌ای بر ظهور امام زمان (عج) دلالت دارند. نویسنده کتاب »المحجة فی ما نزل فی قائم الحجة« (سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن) بیش از صد آیه را ذکر کرده که بر اساس روایات معصومان (ع) این آیات مربوط به امام عصر (ع) وقیام آن حضرت است. در اینجا به برخی از این آیات اشاره می‌شود: آیه ۵ سوره قصص؛ آیه ۶۲ سوره نمل؛ آیه ۲۱ و ۲۹ سوره سجده؛ آیات ۵ – ۱ سوره روم؛ آیات ۱۱ و ۲۶ سوره فرقان؛ آیات ۱۱۰، ۱۱۵ و ۱۳۵ سوره طه؛ آیات ۳۹، ۴۱ و ۶۰ سوره حج و آیات دیگری که بر این مطلب دلالت دارند. (در مورد این آیات می‌توانید از تفسیر نمونه یا المیزان {P – سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، سید هاشم بحرانی. P} بهره‌مند شوید.)

چند آیه از قرآن کریم بر وجود نازنین امام زمان (عج) دلالت می کند و در سوره نباء کلمهٔ اوتاد آیا به یاران امام زمان اشاره دارد؟

پرسش

چند آیه از قرآن کریم بر وجود نازنین امام زمان (عج) دلالت می کند و در سوره نباء کلمهٔ اوتاد آیا به یاران امام زمان اشاره دارد؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال خوبتان عرض می شود آیات متعددی از قرآن کریم دلالت بر وجود مبارک ولی عصر (عج) می کند که در اینجا آیاتی را که فهرست موضوعی تفسیر نمونه آنها را در ارتباط با حضرت مهدی (عج) معرفی نمود. به استحضارتان می رسانیم در این کتاب ذیل عنوان حضرت مهدی (عج) و قرآن چنین آمده است: منظور از بقیه الله (۸۶ هود) حضرت مهدی است (تفسیر نمونه، ج۹، ص۲۰۳ و ۲۷۷) از حضرت مهدی تعبیر به یابن طه شد (ج۱۳، ص۱۵۸) تشبیه حضرت مهدی (عج) به ماء معین (آب جاری)، (ج۱۴، ص۱۲۶) مضطر حضرت مهدی است (ج۱۵، ص۵۲۱) آیه دابه الارض کنایه از حضرت مهدی است (ج۱۵، ص۵۵۴) قرآن و مقام مهدی (ج۷، ص۳۷۲) آیه جاء الحق و قیام مهدی (عج) (ج۱۲ ص۲۳۴) منظور از آیه ۴۱ حج حضرت مهدی است (ج۱۴، ص۱۲۱) تفسیر آیات (۴۱ ـ ۴۳) شوری به قیام حضرت مهدی عج (ج۲، ص۴۷۱). آیات (۷ـ۹) صف دلیلی بر ظهور حضرت مهدی (ج۲۴، ص۸۴) تفسیر آیه ۳۰ ملک به ظهور مهدی (ج۲۴، ص۳۵۹) ما یوعدون اشاره به ظهور حضرت مهدی (عج) (ج۲۵، ص۱۳۴) منظور از فجر درخشیدن سپیده صبح) قیام حضرت مهدی است (ج۲۶، ص۴۴۲) در سوره و العصر (عصر) اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) است. (ج۲۷، ص۲۹۴) ... (۱) و در کتاب مهدی موعود تألیف علی دوانی نیز آیاتی که در روایات اهل بیت (ع) تأویل به ظهور امام زمان (عج) شده آمده که مقدار آن به ۶۰ آیه می رسد (۲) که برای اطلاع بیشتر می توانید به این کتاب مراجعه کنید. و در ارتباط با این مسئله که کلمه اوتاد در سوره نباء اشاره به یاران حضرت مهدی (عج) دارد عرض می شود در تفسیر المیزان ج۲۰، ص۴۱۸ و ۴۱۹ به معنای اوتاد پرداخته شده اما اشاره ای به اینکه اوتاد و به معنای یاران حضرت مهدی (عج) باشند نشده است. در تفسیر نمونه نیز ذیل این آیه به این معنا اشاره ای نشده است اما در کتاب عصر ظهور در ارتباط با اوتاد مطلبی عنوان شده که به نظر می رسد اوتاد از یاران حضرت مهدی (عج) می باشند در این کتاب از قول کفعمی در حاشیه مصباح و همچنین سفینه البحار ماده قطب چنین آمده است: گفته اند زمین از قطب و چهار نفر اوتاد (بزرگان) و چهل پرهیزگار و ۷۰ فرد نجیب و سیصد و شصت فرد شایسته خالی نمی ماند و قطب همان مهدی است و اوتاد (بزرگان) از چهار نفر کمتر نیست زیرا دنیا همچون خیمه و مهدی (عج) به منزله ستون و آن چهار تن به منزله طنابهای آن خیمه می باشند و (" ...۳) دوست عزیز برای اطلاع بیشتر در این زمینه می توانید به این کتاب مراجعه بفرمایید. منابع و مآخذ: ۱ـ فهرست موضوعی تفسیر نمونه، زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، ص۵۰۵ ۲ـ مهدی موعود، علی دوانی، ص۲۴۶ـ۲۷۲ ۳ـ عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۸۹

چرا" سَلَـمٌ هِیَ حَتَّیَ مَطْـلَعِ الْفَجْر "را به ولی عصر نسبت میدهند؟

پرسش

چرا" سَلَمٌ هِیَ حَتَّیَ مَطْلَعِ الْفَجْر "را به ولی عصر نسبت میدهند؟

پاسخ

تاویل " حَتَّیَ مَطْلَعِ الْفَجْر "به قیام حضرت مهدیغ طی روایتی از امام صادقنقل شده است.(ر.ک: تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.) برخی از مفسران در توجیه این تاویل گفتهاند که تأویل آیه به قیام قائمغ از این رهگذر است که با آمدن هر دو، تاریکی و ظلم جای خود را به نور و عدل میدهند و نیز ممکن است طلوع فجر در آیه به طلوع فجر از سوی حضرت که از علائم ظهور امام زمانغ میباشد، اشاره داشته باشد.

چه مطالبی دربارهٔ امام زمانغ در قرآن کریم آمده است

پرسش

چه مطالبی دربارهٔ امام زمانغ در قرآن کریم آمده است

پاسخ

در قرآن کریم نام حضرت مهدیغ بیان نشده است همانگونه که نام بقیهٔ امامان بنابر مصلحتهایی در قرآن نیامده است اما آیات بسیاری دربارهٔ قیام حکومت اهداف و... آن حضرت نازل شده است برخی از محققان معتقدند که بیش از دویست آیه از آیههای قرآن در شأن و قیام حضرت مهدیغ تأویل شده و برخی دیگر هم بیش از صدوپنجاه آیه قرآن را در این مورد نقل کردهاند. برخی از این آیات عبارتند از: هود، ۸۶ ;بقره ۲و۳ ;نسأ، ۵۶ ;اعراف ۱۲۸ ;توبه ۳۳ ;قصص ۵ ;نور، ۵۵ و...(برای اطلاعات بیشتر، ر.ک احقاقالحق قاضی نورالله شوشتری ـ غایهٔالمرام مرحوم سید بحرانی ـ حضرت مهدی ـ عجلاللهتعالیفرجهالشریف ـ از دیدگاه قرآن و سنت محمود شریعتزاده خراسانی نشر دارالصادقین) و از آنجا که پرداختن به همه آیات نازل شده در این زمینه در این پاسخ مختصر نمیگنجد ;نمونه چند آیه را در مورد حکومت عدل آن حضرت در ذیل میآوریم ۱". و قل جأ الحق و زهق البَطل إنّ البَطل کان زهوقا (;اسرأ، ۸۱) و بگو که حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایقِ محو و نابودی است " معنای غلبه حق بر باطل این است که به تمام معنا حق بر باطل پیروز شود و این به جز با عدالت میسر نخواهد شد. ۲". و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصـَلحون (انبیا، ۱۰۵) و براستی در زبور، پس از تورات نوشتهایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث میبرند ".در این آیه عبادیالصالحون به حضرت مهدی و یاران ایشان نیز تفسیر شده است دین اسلام دعوتش ایمان به خداوند یگانه و توحید خالص است اسلام میخواهد تمام اختلافات و جداییهایی را که به نامهای گوناگون پدید آمده به وسیله عقیده توحید از میان بردارد. اسلام رسیدن به چنین روزی را برای بشر پیشبینی کرده و در حدودی که وظیفه تشریع است مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را به آماده شدن زمینه کامل آن موکول کرده است که این مهم طبق این آیه با رهبری آسمانی حضرت مهدیغ محقق خواهد شد.(ر.ک امامت و مهدویت آیهٔالله صافی گلپایگانی ص ۸۹، ج ۳، انتشارات حضرت معصومه در مورد چگونگی ظهور آن حضرت باید به روایات مراجعه شود، امّا در قرآن آیه ۵۱، سوره سبأ" ولو تریَ إذ فزعوا فلافوت و أُخذوا من مکان قریب و ای کاش میدیدی هنگامی را که]کافران وحشت زدهاند]آنجا که راه[گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمدهاند ".طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده تطبیق بر خروج سفیانی (گروهی که پیرو مکتب ابوسفیان و تفالههای عصر جاهلیتند و بر ضد طرفداران حق در آستانه قیام حضرت مهدی خروج میکنند) و لشکر او شده است که آنها به هنگام حرکت به سوی مکّه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار میشوند.(ر.ک تفسیر نمونه آیهٔالله مکارم

شیرازی و دیگران ج ۱۸، ص ۱۵۳، دارالکتب الاسلامیهٔ)

آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که دربارهٔ حضرت مهدیغ باشند به طوری که دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز آن را قبول داشته باشند؟

پرسش

آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که دربارهٔ حضرت مهدیغ باشند به طوری که دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز آن را قبول داشته باشند؟

پاسخ

بر اساس روایات اسلامی نقل شده از پیشوایان و دانشمندان شیعه و اهل تسنن بسیاری از آیات قرآن کریم در منزلت و شأن اهل‌بیت به خصوص حضرت مهدیغ نازل شده و یا دست کم یکی از مصادیق کامل آن‌ها، اهل‌بیت هستند. برخی از روایات اسلامی از منابع دانشمندان اهل تسنن که بر تطبیق آیات قرآن بر حضرت مهدیغ دلالت دارد عبارتند از: ۱. اصبغ بن نباته می‌گوید: ابن عباس آیه" فَأُوْلَئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِم (نسأ،۶۹) آن‌ها]اطاعت کنندگان خدا و رسول]همنشین کسانی خواهند بود[که خدا نعمت خود را بر آن‌ها تمام کرده " ..را تلاوت کرد و سپس گفت" منظور از پیامبران]حضرت محمد۶ و مقصود از" صدیقین علی بن ابی طالب و از" شهدأ، "حمزه و جعفر از" صالحین امام حسن و امام حسین‌و مراد از" حَسُنَ أُوْلَئِکَ رَفِیقًا "حضرت مهدیغ است ("ر.ک شواهد التنزیل الحاکم الحسکانی ج ۱، ص ۱۹۸، مجمع احیأ الثقافهٔ الاسلامیهٔ لوزارهٔ الثقافهٔ و الارشاد الاسلامی طهران) ۲. صاحب تفسیر القرطبی در تفسیر آیه" هُوَ الَّذِیَ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَیَ وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِی وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ (;توبه ۳۳) او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند ".از قول" سدی می‌گوید": آیه یاد شده اشاره به خروج حضرت مهدیغ است که کسی خارج از اسلام خارج نمی‌ماند.... و به تواتر وارد شده که]حضرت مهدیغ از خاندان رسول خدا۶ می‌باشد.(ر.ک الجامع لاحکام القرآن محمد بن احمدالانصاری القرطبی ج ۸، ص ۱۲۲، مؤسسه التاریخ العربی بیروت) ۳. ابن جریر طبری در تفسیر آیه..." لَهُمْ فِی الدُّنْیَا خِزْیٌ(;...مائده ۴۱)...برای آن‌ها]منافقان و جاسوسان در دنیا رسوایی است " ..می‌گوید": سدی در تفسیر" لهم آورده است که رسوایی در دنیا به این صورت است که وقتی]حضرت مهدی قیام کند و قسطنطنیه فتح شود، کشته می‌شوند("ر.ک جامع البیان محمد بن جریر الطبری ج ۱، ص ۶۹۹، دارالفکر، بیروت) و... بنابراین در میان فرقه‌های مختلف مسلمانان اعم از شیعه و سنی و روایات آن‌ها اصل بحث مهدویت مطرح شده و به نشانه‌های ظهور و کیفیت حکومت آن حضرت نیز اشاره شده است (ر.ک گفتمان سوم مهدویت مهدویت از دیدگاه مذاهب اسلامی علامه مرتضی عسکری ص ۲۱ـ۲۹، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

همهٔ جزئیات در مورد حضرت مهدیرا بیان کنید؟

پرسش

همهٔ جزئیات در مورد حضرت مهدی‌را بیان کنید؟

پاسخ

تمام جزئیات در مورد حضرت مهدی‌در پاسخ نمی‌توان بیان کرد، لذا به بخش اندکی از آن اشاره می‌شود. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که (در روایات معصومین) به حضرت ولی عصرغ و ظهور آن حضرت تفسیر یا تأویل شده است علامهٔ مجلسی ، بیش از شصت آیه از این آیات را در بحارالانوار(ج ۵۱، ص ۴۴ ـ ۶۴، مؤسسهٔ الوفأ، بیروت) گردآورده است از آن جمله ۱". و لقد کتبنا فی الزّبور (;...انبیأ، ۱۰۵) در" زبور "بعد از ذکر (تورات نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت زمین خواهند شد ".در این آیه" عبادی الصَلحون به حضرت مهدیغ و یارانش تفسیر شده است ۲. آیه‌ای که آن حضرت بعد از تولد قرائت فرمود": و نرید أن نّمنّ علی الذّین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمّهٔ و نجعلهم الوَرثین (قصص ۵) در روایتی از امیرالمؤمنین علی‌نقل شده است که فرمود": اینان که در زمین ضعیف گشته‌اند، آل پیغمبرند که خداوند متعال مهدی آن‌ها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند ".۳". أمّن یجیب المضطرّ إذا دعاه و یکشف السّوَّء و یجعلکم خلفآء الأرض . (نمل ۶۲) از امام صادق‌روایت شده که فرمود": این آیه دربارهٔ" قائم آل محمّد"غ نازل شده به خدا قسم" مضطر "اوست که دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و آن‌ها را در زمین خلیفه خود گرداند.(ر.ک مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار (ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳، چاپ بیروت ، مترجم علی دوانی نشر دارالکتب الاسلامیهٔ ")از آن‌جا که خدای متعال بر هر چیزی قادر است" إنّ الله علیَ کلّ شیء قدیر ("نور، ۴۵)، لذا می‌تواند بر اساس قدرت و مشیّت مطلقه‌اش مقدمات و عوامل زنده ماندن و حفظ و سلامتی آن حضرت را از حوادث طبیعی و... در این عالم فراهم سازد و به حجّت خود بر روی زمین عمر طولانی دهد": إنّ ربّی علیَ کلّ شیء حفیظ ("هود، ۵۷ ;)چنان‌که به حضرت نوح‌عمر طولانی عطا کرد که قرآن تصریح می‌کند حضرتش ۹۵۰ سال فقط قبل از طوفان پیامبر بوده است (عنکبوت ۱۴) و نیز حضرت خضر۷ که هنوز زنده می‌باشد. در برخی روایات آمده است که چون در علم ازلی خداوند مقدار عمر امام زمانغ و طول غیبت او تقدیر شده بود و می‌دانست که بندگانش طول عمر او را انکار می‌کنند، از این رو عمر حضرت خضر را طولانی گردانید تا در اثبات طول عمر امام زمانغ به وسیله آن استدلال شود.(مهدی موعود، علی دوانی ص ۴۸۹ / بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۱، ص ۲۳۲، چاپ بیروت") و لو تریَ إذ فزعوا فلافوت و أُخذوا مِن مّکان قریب (سبأ، ۵۱) اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود، امّا نمی‌توانند (از عذاب الهی بگریزند و آن‌ها را از جای نزدیکی (که حتی انتظارش را ندارند) می‌گیرند از درماندگی آن‌ها تعجب خواهی کرد. "طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده آیه یاد شده بر خروج سفیانی (گروهی که پیرو مکتب ابوسفیان و تفاله‌های عصر جاهلیتند و بر ضد طرفداران حق در آستانه قیام حضرت مهدیغ خروج می‌کنند) و لشکر او تطبیق شده است که آن‌ها به هنگام حرکت به سوی مکّه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می‌شوند و زمین با لرزه شدیدی می‌شکافد و سبب فرو رفتن آن‌ها در قعر زمین می‌شود.(تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی ج ۱۸، ص ۱۵۳، دارالکتب الاسلامیهٔ) و امّا در مورد خانواده (زن و فرزند) داشتن آن حضرت دلیل محکمی وجود ندارد و از روایات نیز خانواده داشتن آن حضرت را نمی‌توان اثبات کرد.(ر.ک چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه ص ۲۵۲ ـ ۲۵۶، نشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ;)از برخی روایات استفاده می‌شود که آن حضرت با مردم حشر و نشر دارد و به گونه ناشناس زندگی می‌کند ;چنان‌که در روایتی امام صادق‌می‌فرماید: "صاحب الامرغ شباهتی نیز به یوسف پیامبرغ دارد... جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد ;آن حضرت در میان مردم رفت و آمد می‌کند، در بازار قدم می‌نهد و گاهی بر فرش منزل‌های دوستان می‌نشیند،

لیکن او را نمی‌شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند ;آن گونه که یوسف‌را اجازه داد، هنگامی که برادرانش گفتند": أءنّک لأنت یوسف قال أنا یوسف (یوسف ۹۰) آیا تو همان یوسفی ! گفت (آری من یوسفم(" همان ص ۳۵۰ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۲، چاپ بیروت) در مورد نشانه‌های ظهور آن حضرت باید به روایات در این زمینه مراجعه شود که طبق آن روایات برخی از آیات قرآن اشاره به این نشانه‌ها دارد که از جمله آنهاست ۱. خروج سفیانی طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل‌سنت نقل شده آیه ۵۱ سوره سبأ تطبیق بر خروج سفیانی شده است" وَ لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُواْ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ;ای کاش می‌دیدی هنگامی را که]کافران وحشت‌زده‌اند]آن‌جا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند "سفیانی و لشگرش در آستانه قیام حضرت مهدیغ بر ضد طرفداران حق خروج می کنند که آن‌ها به هنگام حرکت به سوی مکّه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می‌شوند و هلاک می گردند.(ر.ک تفسیر نمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۸، ص ۱۰۳، دارالکتب الاسلامیة) ۲. طبق فرمایش پیامبراکرم در آستانه ظهور آن حضرت مردم تابع شهوت‌ها و هواهای نفسانی خود می‌شوند و نماز را ضایع می کنند، و پیامبر گرامی به آیه ۵۹ سوره مریم استناد می کنند" ;سپس کسانی جانشین اینان شدند که نماز را ضایع گذاشتند و پیرو شهوات گردیدند و به زودی به غَیّ(وادی در جهنم خواهند افتاد "۳. حضرت صادق‌می‌فرمایند در آستانه ظهور آن حضرت گرانی کساد تجارت گرسنگی و... بر جامعه مستولی خواهد شد و آیه ۱۵۵ سوره بقره را در این زمینه به عنوان شاهد نقل می کنند" ;البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزماییم و شکیبایان را بشارت ده ۴. تکیه دادن بر خانه کعبه و تلاوت آیه ۸۶ سوره هود هنگام ظهور از جانب حضرت مهدی" بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَ مَآ أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ "۵. امام جعفر صادق‌می‌فرمایند ۳۱۳ یار حضرت بعد از ظهور با ایشان بیعت می کنند و آیه ۱۴۸ سوره بقره به آن دلالت دارد". فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا("ر.ک منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، آیةالله صافی گلپایگانی باب نشانه‌های ظهور، انتشارات حضرت معصومه)

آیا در قرآن آیه‌ای بدین مضمون وجود دارد که همه باید انتظار قیامت را داشته باشند ;اگر این گونه است پس انتظار ظهور حضرت مهدیغ چگونه است آیا این مطلب با آیه قرآن منافات دارد؟

پرسش

آیا در قرآن آیه‌ای بدین مضمون وجود دارد که همه باید انتظار قیامت را داشته باشند ;اگر این گونه است پس انتظار ظهور حضرت مهدیغ چگونه است آیا این مطلب با آیه قرآن منافات دارد؟

پاسخ

آیه‌ای که به این مطلب اشاره می‌فرماید، آیه نهم دخان است" فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ; پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد ".این آیه شریف در مقام تهدید کسانی است که در شک به سر می‌برند ;پس این آیه امر به انتظار قیامت نیست بلکه نوعی تهدید و وعده به عذاب می‌باشد(".بر این اساس که یکی از معانی امر، تهدید است / تفسیر المیزان علامه طباطبایی ج ۱۸، ص ۱۳۶.) ولی ما در مورد حضرت مهدیغ به انتظار امر شده‌ایم تا آن جا که بهترین اعمال انتظار فرج معرّفی کرده‌اند. افزون بر این اگر امر به انتظار قیامت نیز می‌شد، با هم منافاتی نداشت چرا که در این صورت هم انتظار قیامت و هم انتظار فرج حضرت مهدیغ هر دو مطلوب بودند و یکدیگر را نفی نمی کردند ;و اگر مراد این است که ما به" لقاءالله امر شده‌ایم و

www.noorfatemah.org

مؤمن انتظار آن را دارد، این مطلب صحیح است و چنان که گذشت با انتظار حکومت مهدوی منافاتی ندارد و انسان می‌تواند منتظر هر دو باشد و در واقع هر دو از یک مقوله‌اند.

در قرآن کریم آیه و سوره‌ای مانند سورهٔ نصر دربارهٔ امام زمان‌وجود دارد ;لطفاً بفرمایید آیا نام مولا هم در قرآن کریم آمده است

پرسش

در قرآن کریم آیه و سوره‌ای مانند سورهٔ نصر دربارهٔ امام زمان‌وجود دارد ;لطفاً بفرمایید آیا نام مولا هم در قرآن کریم آمده است

پاسخ

همان گونه که بیان فرموده‌اید، آیات قابل توجهی دربارهٔ امام زمان ۷ در قرآن کریم آمده است اما آیه‌ای که به نام آن حضرت تصریح کرده باشد، وجود ندارد. از آن جا که شاید دوست داشته باشید بدانید چرا نام امامان معصوم در قرآن کریم نیامده است توجه شما را به مطالب زیر در این باره جلب می‌کنم هر چند در قرآن آیاتی وجود دارد که به گفتهٔ شیعه و اهل سنت جز بر علی‌و برخی دیگر از امامان بر هیچ کس دیگری قابل انطباق نیست همچون آیهٔ ولایت (مائده ۵۵)، آیهٔ مباهله (آل‌عمران ۶۱) و... ولی به خاطر مصالحی نام آن حضرت بصراحت در قرآن نیامده است یکی از دلیل‌های نیامدن نام امامان در قرآن این است که قرآن تنها کلیات مسائل را بیان کرده و تبیین جزئیات آن به پیامبر۹ واگذار شده است شخصی به نام ابی‌بصیر گوید: از امام صادق‌پرسیدم مردم می‌گویند چرا از حضرت علی‌و اهل‌بیت او نامی‌در قرآن کریم نیامده است امام‌فرمودند: به کسانی که چنین اعتراضی می‌کنند، بگویید همان گونه که نماز در قرآن آمده ولی سه یا چهار]رکعت بودن آن مشخص نشده و پیامبر۹ آن را برای مردم تفسیر کرد; همچنین زکات]در قرآن نازل شده ولی مقدار آن مشخص نشده و رسول خدا۹ آن را برای مردم تفسیر کرد و... همین طور در قرآن نازل شده است که " ئگطیعوا اللّه و ئگطیعوا الرسول و ئگولی الأمر منکم از خدا و رسولش و اولی الامر اطاعت کنید (".نسأ، ۵۹) این آیه دربارهٔ علی و حسن و حسین نازل شده و پیامبر۹ فرمود: هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست]یعنی همان گونه که تفسیر جزئیات نماز، زکات و حج به پیامبر۹ واگذار شده که دستورهای الهی را به مردم ابلاغ کنند، معرفی اولی الامر نیز به ایشان واگذار شده و پیامبر۹ نیز آنها را به مردم معرفی کردند.[سپس امام صادق‌سایر آیات و روایاتی را که در این باره آمده فرموده است (ر.ک غایةالمرام محدّث بحرینی ص ۲۶۵، چاپ سنگی حدیث سوم باب ۵۹، فصل دوم از مقصد دوم) یکی دیگر از حکمتهای نیامدن نام علی‌و اهل‌بیت در قرآن این است که در این کتاب الهی آیاتی دربارهٔ اهل‌بیت نازل شده که بسان تصریح به نام آنان و بهتر از تصریح است مانند آیهٔ ۵۵ سورهٔ مائده که می‌فرماید": ولیّ‌و سرپرست شما تنها خداوند و پیامبرش و افراد مؤمن هستند. افراد مؤمنی که نماز برپای داشته و در حال رکوع زکات می‌دهند ".دانشمندان شیعه و اهل‌سنت نقل کرده‌اند که فقط حضرت علی‌در حال رکوع انگشتر خود را به فقیر داد.(ر.ک پیام قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی ج ۹، ص ۲۰۱ ـ ۲۱۳، انتشارات مدرسهٔ امیرالمؤمنین) در نتیجه تفاوتی نداشت که خداوند متعال بفرماید": سرپرست شما خداوند و رسولش و حضرت علی‌هستند یا اینکه صفاتی را از آن حضرت نقل کند که منحصر به فرد و تنها بر حضرت‌علی‌منطبق باشد ".و کسی که به دنبال حقیقت باشد از هر دو گفتار یک مطلب را می‌فهمد ;با این تفاوت که اگر نام حضرت علی‌بصراحت در قرآن می‌آمد، به احتمال قریب به یقین نا اهلان قرآن را تحریف کرده به خاطر دشمنی با آن حضرت و محو و حذف نام ایشان از قرآن در قرآن دست می‌بردند ;چنان‌که تا

مـدتی تـدوین احادیث پیامبر اکرم‌را به همین منظور ممنوع کردند ;ولی در صورتی که با ذکر اوصاف گفته شود، دیگر افراد نا اهل دست به تحریـف آیـات قرآن نزده و ولاـیت امیرمؤمنـان علی‌نیز برای حقیقت جویـان روشن می‌شود. شـیعه و اهل‌سـنت متفقنـد که پیامبر۹ فرمود: من از میان شـما می‌روم و دو چیز گرانبها در بین شما به یادگار می‌گذارم که اگر به آن دو متمسک شوید، هیچ گاه گمراه نمی‌شویـد. کتاب خـدا و اهل بیتم خداونـد دانا به من خبر داده که این دو هیـچ گاه از یکـدیگر جـدا نمی‌شونـد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.(تنها در غایةالمرام ص ۲۱۱ ـ ۲۳۵، ۸۲ منبع از اهل سنت و ۳۹ منبع از شیعه آمده است که این حدیث را نقل کرده‌اند.) ولی عدّه‌ای چون عمربن‌خطاب در مریضـی منجر به وفات پیامبر۹ فریاد برآوردنـد که کتاب خدا ما را کافی است و اجازه ندادنـد وصـیت پیامبر۹ نوشـته شـود ;چـون می‌دانسـتند کـه می‌خواهـد دربـارهٔ اهـل‌بیتش وصـیت کنـد.(اجتهـاد در مقابـل نص سیدعبدالحسین شـرف‌الدین ترجمهٔ علی دوانی ص ۱۶۷ ـ ۱۸۱، نشـر کتابخانـهٔ بزرگ اسـلامی) پس یقین بدانیـد که اگر حتی در یکصـد آیه بصـراحت نام حضـرت علی‌می‌آمـد، این عـدّه آن آیات را از قرآن حذف کرده می‌گفتند: بقیهٔ قرآن ما را کافی است و مردم نادان هم دم برنمی‌آوردنـد ;چنان‌که به حضـرت علی‌و حضـرت زهرا۳ آن همه آزار رساندنـد و مردم چیزی نگفتنـد. وانگهی خلیفـهٔ اوّل و دوم که صدها روایت از پیامبر۹ را جمع‌آوری کرده و همه راسوزاندنـد.(ر.ک اجتهـاد در مقابل نص همان ص ۱۵۶ ـ ۱۶۲.) بعید نبود که جهت مطامع دنیایی خود، بسیاری از آیات قرآن را نیز بسوزانند ;افزون بر آنچه گذشت حکمت‌های دیگری نیز در نیامدن نام اهل‌بیت در قرآن وجود دارد که بیان همهٔ آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

چرا در قرآن کریم به صورت صریح وروشن درباره حضرت مهدی (ع)سخن گفته نشده است ؟کجای قرآن درباره ایشان صحبت شده است ؟با توجه به ذکر واضح و صریح پیامبر بعدی در تورات چرا در قرآن بطور روشن حضرت مهدی (ع)معرفی نشده است ؟

پرسش

چرا در قرآن کریم به صورت صـریح وروشن درباره حضـرت مهدی (ع)سـخن گفته نشده است ؟کجای قرآن درباره ایشان صحبت شده است ؟با توجه به ذکر واضح و صریح پیامبر بعدی در تورات چرا در قرآن بطور روشن حضرت مهدی (ع)معرفی نشده است ؟

پاسخ

نخست باید دانست در قرآن بسیاری از مطالب بنا بر مصالحی به طور آشکار بیان نشده است. به عنوان مثال جزئیات برخی احکام به تفصـیل نیامـده است چه بسـا به خـاطر آن که علاـوه بر تلاوت قرآن ارتباط مردم با پیامبر و امامان(ع) نهادینه شود و یا نام امامان به طور آشـکار در قرآن نیامـده چه بسـا به خـاطر آن که مخالفـان انگیزه ای برای تحریف قرآن پیـدا نکننـد و یا ستیزه گری خود را با اسلام و قرآن علنی نکنند. اگر چه با تصریح «نام» نیز مشکل حق ستیزان حل نمی شود چنان که بشارت پیامبر اسلام(ص) در تورات و انجیـل آمـده امـا بسیاری از اهـل کتاب، اهل حقیقت را کتمان کردنـد و ایمان نیاوردنـد. اما آن چه مهم است اشارات موجود در قرآن و امکان تبیین حق برای حق پـذیران است. آیات مربوط به حضـرت مهـدی(عـج) در قران مجید فراوان است که از بین آنها به ذکر دو آیه اکتفـا می‌شود. آیه اول: ولقـد کتبنـا فی الزبور من بعـد الـذکر ان الاـرض یرثهـا عبادی الصالحون ان فی هـذالبلاغا لقوم عابدین به تحقیق در زبور از پس تورات نوشتیم که مسـلما زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد، به یقین در این سخن پیام رسـایی است برای قومی که بنـدگان خداینـد{M، (انبیـا، آیه ۱۰۵). آیه شـریفه از سـرنوشت نهـایی زمین خبر می‌دهـد که بنـدگان صالـح، آن را بـه ارث خواهنـد برد. قابـل تأمـل در آیـه بالاـ این است که در تـورات حضـرت موسـی و زبـور حضـرت داوود از این

www.noorfatemah.org

حکومت یاد شده است، در حالی که این دو پیامبر الهی خودشان از انبیایی بوده‌اند که حکومت داشتند؛ با این حال به آنها خبر از حکومت صالحان بر روی زمین داده شده است (آن هم با این همه تأکید). مطلب یاد شده، این حقیقت را روشن می‌کند که این وعده الهی، حکومتدیگری است و آن حکومت بر کل زمین می‌باشد. کلمه الارض هم اشاره به همین معنا دارد. گفتنی است که برای همین در کتاب این دو پیامبر، وعده تحقق حکومت جهانی داده شده است و چنین حکومتی تا این زمان نبوده و مخصوص به زمان ظهور امام زمان(عج) است. اختصاص ذکر این وعده جهانی در تورات و زبور (از میان کتاب‌های آسمانی دیگر)، ظاهرا به جهت تجربه حکومت مؤمنان بر بخشی از زمین در زمان حضرت موسی و داوود بوده است. آیه دوم: وعداللّه الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و صالحات را انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعا در زمین به خلافت خواهد گمارد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودندبه خلافت گمارد و قطعا برایشان دینشان را مستقر خواهد نمود؛ دینی که آن را برایشان پذیرفت و قطعا آنان را از پس خوفشان به حالت امنیت، دگرگون می‌کند، به جهت آن که مرا عبادت کنند [و] چیزی را با من شریک نگردانند و هر که بعد از آن کفر ورزد پس قطعا آنان فاسقانند{M، (نور، آیه ۵۵). در این آیه شریفه، خداوند وعده استقرار حکومت الهی بر روی زمین را به مسلمانان می‌دهد؛ حکومتی که در سایه آن هیچ گونه ترسی نیست و در آن عبادت خداوند بدون شرک انجام می‌شود؛ یعنی، حکومتی صد در صد اسلامی که در آن از شرک و نفاق اثری نیست. کاملاً روشن است که حکومتی با این خصوصیات، تا به حال نبوده و تنها حضرت حجت است که حکومت جهانی خواهد داشت و دنیا را پر از عدل و داد نموده و ریشه کفر و نفاق راخواهد کند. تشبیه این حکومت به حکومت پیامبران گذشته، در نوع حکومت (یعنی الهی بودن آن) است؛ نه در خصوصیات آن از جهت جهانی بودن و برچیده شدن کفر و شرک از سراسر جهان. اما دلایل وجود حضرت مهدی غیر از دلیل عقل که حکم می‌کند به این که در هر زمان باید حجتی زنده از طرف خداوند بر مردم باشد، روایات متواتر و فراوانی هست که از شیعه و سنی نقل شده است. حتی چند نفر از علمای اهل سنت کتاب‌هایی در مورد حضرت مهدی و اثبات وجود آن حضرت و این که خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و... نوشته‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صفة المهدی، حافظ ابی نعیم اصفهانی والعرف الوردی فی اخبار المهدی، سیوطی. اطلاعاتی به صورت آماری از روایات در مورد امام زمان(عج) - که از کتب شیعه و سنی استخراج شده است - برای شما ذکر می‌شود: ۱- روایات بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) ۶۷۵ مورد ۲- روایاتی که می‌رساند از اهل بیت پیامبر(ص) است ۳۸۹ مورد ۳- روایاتی که دلالت می‌کند از اولاد علی(ع) است ۲۱۴ مورد ۴- روایاتی که دلالت می‌کند از اولاد فاطمه(س) است ۱۹۲ مورد ۵- روایاتی که دلالت می‌کند نهمین فرزند امام حسین(ع) است ۱۴۸ مورد ۶- روایاتی که دلالت می‌کند از اولاد امام زین‌العابدین(ع) است ۱۸۵ مورد ۷- روایاتی که دلالت می‌کند از اولاد امام حسن عسکری(ع) است ۱۴۷ مورد ۸- روایاتی که دلالت می‌کند زمین را پر از عدل و داد می‌کند ۱۳۲ مورد ۹- روایاتی که دلالت می‌کند عمر حضرت طولانی است ۳۱۸ مورد ۱۰- روایاتی که دلالت می‌کند حکومت حضرت جهانی است ۴۷ مورد ۱۱- روایاتی که دلالت می‌کند امام دوازدهمین است ۱۳۶ مورد در پایان روایتی از یکی از کتاب‌های معتبر اهل سنت ذکر می‌شود. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «اگر از زمانه و روزگار باقی نماند مگر یک روز، خداوند مبعوث خواهد کرد مردی از اهل بیت مرا که زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده بود»، (مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۹۹ - ج ۳، ص ۱۷ و ۷۰).

آیا در قران کریم به امام زمان اشاره ای شده است ضمنی چطور؟

پرسش

آیا در قران کریم به امام زمان اشاره ای شده است ضمنی چطور؟

پاسخ(قسمت اول)

به این پرسش ارزنده، پاسخ‌های متعدد داده شده است که با توجّه به حوصله نوشتار به دو مورد اشاره می‌شود. ۱. «تبیین» قرآن توسط پیامبر(ص)؛ عدم تصریح به خصوصیّت و تعداد و نام امامان موضوعی استثنایی نیست. قرآن خود متکفل بیان تمام مصادیق و جزئیات فروع معارف و دستورالعمل‌ها نیست تا عدم تصریح به نام امامان مورد نظر شیعه امری خلاف انتظار و غیر موافق با سبک ویژه قرآن باشد. نماز نمونه خوبی از این دست است. شاید در بین احکام و دستورهای شریعت مطلبی به اهمّیّت و محوریت نماز وجود نداشته باشد؛ تعابیری نظیر ستون خیمه دین، مرز میان کفر و ایمان، عامل تقرب هر پرهیزکار و نخستین پرسش و اساسی‌ترین عامل پذیرش دیگر اعمال نشان دهنده اهمّیّت این تکلیف الاهی است؛ امّا به راستی آیا در آیات قرآن نشانی از تعداد رکعات و خصوصیات این فریضه وجود دارد؟! قرآن به وجوب نماز و اقامه آن در اوقات خاصّ و طهارت هنگام نماز و چند مورد از این دست اشاره کرده، بیان خصوصیات دیگر این مهم را به «سنت» واگذاشته است. قرآن درباره زکات واجب و حج و خمس و سایر دستورهای شریعت مقدس نیز از همین نظام تبعیت کرده است؛ یعنی فشار اصلی را بر تثبیت این واجبات گذارده و بیان خصوصیات را به دستگاه دیگر (سنت) واگذار کرده است. همین دغدغه و پاسخش بر زبان ابوبصیر و امام صادق(ع) نیز جاری شده است: ابو بصیر که از شاگردان تیزبین امام ششم(ع) است، پیرامون آیه ۵۹ سوره نساء - «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» - که مردم را به اطاعت از خدا و رسول و اولیای امور فرا می‌خواند، به طرح پرسش می‌پردازد. طبیعی است که در خدا و رسول به دلیل انحصارشان در «الله» و ذات مقدس حضرت محمد(ص)، تردید راه نمی‌یابد؛ امّا ذکر واژه «اولیای امور» و اجمالی که در آن نهفته، وی را بر آن داشت تا بپرسید: چرا قرآن نام آنان را نبرده است. اگر واقعاً حق با شیعه است و مراد از «اولیای امور» امام علی(ع) و اهل بیت‌اند، چرا آنان را به نام معرفی نفرمود؛ «ما بالَهُ لم يُسَمِّ عَلِيّاً و اَهْلَ بَيْتِهِ»؟ امام صادق(ع) در پاسΠبه Əşà خاص...قرآن اشاره ...Øjو فرمود: وقتی برای پیامبر آیه نماز نازل شد، خدا در آن سه رکعت و چهار رکعت را نام نبرد تا آن‌که رسول خدا(ص) آن را شرح داد. آیه زکات نازل شد، خدا نام نبرد که باید از چهل درهم یک درهم داد تا رسول خدا(ص) آن را شرح داد و آیه حج نازل شد و نفرمود به مردم که هفت دور طواف کنید تا آن‌که رسول خدا(ص) آن را برای مردم توضیح داد. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » درباره علی و حسن و حسین - علیهم السلام - نازل شد و رسول خدا(ص) درباره علی فرمود: «هر که من مولا و آقای اویم، علی(ع) مولا و آقای او است؛ و فرمود من به شما وصیت می‌کنم درباره کتاب خدا و خاندانم؛ زیرا من از خدای - عزوجل - خواسته‌ام میانشان جدایی نیفکند تا آن‌ها را کنار حوض به من رساند. خدا این خواست مرا برآورد....»۱ از این روایت در می‌یابیم وظیفه بیان مصداق‌ها و موارد و نیز تبیین جزئیات بردوش پیامبر(ص) است. همین جهت شیعه را بر آن داشت تا بر سنت پیامبر(ص) تاکید ورزد؛ بر عدم امکان اکتفا به قرآن در تشخیص امور پای فشارد و تلاش خلفای سده نخستین هجری در ممنوعیت نگارش سنت رسول الله(ص) را اشتباه فاحش بخواند. چنان که می‌دانیم این ممنوعیت سرانجام در اواخر دوران بنی امیه برطرف شد و تدوین کتب روایت نزد تمام فرقه‌های مسلمان مورد توجّه قرار گرفت. قرطبی، از مفسران به نام اهل سنت، در مقدمه تفسیرش چنین روایت می‌کند: عمران بنِ حُصین به مردی که گمان می‌کرد کتاب الله به سنت نیاز ندارد، گفت: «تو احمقی، آیا حکم نماز ظهر را که باید چهار رکعت خواند و حمد و سوره‌اش را آشکار نخواند، در قرآن یافته‌ای؟ و به همین گونه به نماز و زکات و مثل آن‌ها اشاره کرد و گفت: آیا این [امور] را در قرآن روشن شده یافته‌ای؟ همانا کتاب خدا این

امور را مبهم بیان کرد. و سنت آن را تفسیر می‌کند.»۲ در همان تفسیر از «مکحول»، یکی از علمای بنام و مورد قبول اهل سنّت، چنین نقل می‌کند: «القُرآنُ اَحْوَجُ اِلَی السُّنهِ مِنَ السُّنَهِ اِلی القُرانِ». قرآن به سنت از سنت به قرآن نیازمندتر است. البته این تعبیر افراط گونه مور تایید شیعه نیست. بر اساس باورهای شیعه سنّت، مشروعیت و حتّی صحت مندرجات و محتویات خود را از موافقت با قرآن و اصول حاکم بر آن به دست می‌آورد. سند حجیت و اعتبار سنت، قرآن است؛ ولی به هر حال فهم صحیح معارف و وظایف دینی بی عنایت به سنت نبوی(ص) و روایات اهل بیت(ع) ممکن نیست. در این‌جا، پرسشی دیگر رخ می‌نماید: رسول اکرم(ص) این معارف و احکام جزئی و تفسیری را از کجا به دست می‌آورد؟ از آیات قرآن استفاده می‌شود که جمع و قرائت آیات قرآن و نیز بیان مراد و مقاصد و شرح و تبیین آیات از ناحیه خدای متعال است: «إِنَّ عَلَيْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ * فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا بَيانَهُ ۳؛ جمع قرآن - کلمات در آیات، آیات در سوره‌ها و... - و قرائت قرآن بر عهده ما است و هنگامی که بر تو قرآن را خواندیم، تو [پیامبر(ص)] هم پیروی کن و قرآن را همین گونه بخوان. - مرحله بعد «بیان» قرآن است که آن هم وظیفه ما است». بنابراین، بیان و تشریح مقاصد آیات هم از ناحیه خدا است و به وسیله وحی دیگری جز وحی قرآنی در اختیار پیامبراکرم(ص) قرار می‌گیرد. پس ما با دو وحی روبه‌رو هستیم: «وحی قرآنی» و «وحی تبیینی». در وحی قرآنی لفظ و معنا هر دو از ناحیه خدا است؛ امّا در وحی تبیینی معنا از خدا و لفظ از سوی رسول خدا(ص) است. آیات ۴۳ و ۴۴ سوره نحل به این دو گونه وحی اشاره می‌کند: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ما بر تو «ذکر» را نازل کردیم تا قرآنی را که برای مردم نازل شده تبیین و تفسیر کنی و زمینه تفکر آن‌ها را فراهم سازی{M». این ذکر همان «وحی تبیینی» است که درست تجلی یافته است و تمام سخنان پیامبر(ص) در زمینه معارف و دستورالعمل‌های دینی را شامل می‌شود. این مقدمات نشان می‌دهد عدم ذکر مصداق‌ها به نام ائمه اطهار(ع) اختصاص ندارد و غالب معارف و احکام الاهی را شامل می‌شود. بنابراین، برای شناخت نام امامان معصوم(ع) باید سراغ سنت نبوی(ص) رفت؛ همان گونه که در تفسیر و تبیین معارف و دیگر فرائض دینی به «سنت» نیاز مندیم. ۲. تأکید بر روش توصیفی؛ از روش‌های جالب توجّه قرآن تأکید بر صفات و ویژگی‌ها و عدم اصرار بر ذکر نام اشخاص است. شاید حکمت این روش توجّه دادن امت به صفات و ویژگی‌های خوب و بد در طول زمان است تا بر اساس اوصاف ذکر شده به شناخت اشخاص و تطبیق صفات بر آنان بپردازند و اهمّیّت و جایگاه اشخاص را با میزان صفات تجلی یافته در آنان بسنجند. روش بیان «توصیفی»، به قرآن شادابی و تازگی و دوام می‌بخشد؛ زیرا در هر قطعه‌ای از زمان زمینه تطبیق افراد و جوامع بر شاخصه‌های ذکر شده در قرآن فراهم می‌شود و امکان دستیابی به داوری قرآن در مسائل نو و فتنه‌های فردی و اجتماعی تأمین می‌گردد. قرآن «کلام فصل» است - «إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ »۴ - و بین حق و باطل تمیز می‌دهد و راهنمای انسان در فتنه‌ها است؛ چنان که پیامبر(ص) فرمود: «هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تاریک شما را فرا گرفت، به قرآن روی آورید» از سوی دیگر، حکومت شایستگان نیاز همیشگی جوامع دینی است و به بخشی از امت اسلامی و یا قطعه‌ای خاصّ از تاریخ، اختصاص ندارد. برای راهنما و فصل الخطاب شدن در گستره‌ای چنین پهناور، بیان شاخصه‌ها و شایستگی‌ها و ویژگی‌های صالحان و مفسدان و حق و باطل و خوب و بد بهترین راه شمرده می‌شود. بدین سبب، قرآن جز در موارد ضروری از بردن نام مؤمنان، منافقان، حواریون، پادشاهان، مترفان و... صرف نظر کرده است تا مخاطبان قرآن به صفات و ویژگی‌ها و نه نام‌ها توجّه کنند و امکان بهره‌گیری‌های نو از قرآن فراهم شود. بنابراین، شیعه معتقد است مسلمانان در آیات بسیاری به ائمه اطهار(ع) رهنمون شده‌اند و وظیفه دارند با تطبیق ویژگی‌های یاد شده در قرآن، امام خود را بشناسند و پاسخ نیازهای دینی، اجتماعی و سیاسی خود را از درگاه آنان جویا شوند. بر اساس همین نکته مهم، امام باقر(ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ اَمْرَنا مِنَ الْقُرانِ لَمْ يَتَنَكَّبِ الفِتَنْ ». هر کس امر ولایت ما را از قرآن به دست نیاورد؛ نمی‌تواند از فتنه‌ها مصون ماند.» در این روایت دو نکته قابل تأمل می‌نماید: ۱. امر ولایت اهل بیت(ع) در قرآن وجود دارد و توصیفات موجود در قرآن ما را به امامان معصوم رهنمون می‌شود. اگر به راستی از سر تحقیق و بدون هیچ گونه اعوجاج و کج فهمی سراغ آیات رویم،

نشانه‌ها و صفات و ویژگی‌هایی که برای امامان بیان شده ما را به دوازده معصوم(ع) هدایت خواهد کرد. پس امر ولایت امامان شیعه را می‌توان از قرآن استخراج کرد. البته همان گونه که پروردگار در تمام آفریده‌ها تجلی کرده است و تنها شایستگان از توان مشاهده برخوردارند، شناخت امر ولایت اهل بیت(ع) از آیات نیز به خواست و طلب و ذوق و سلامت نیازمند است. ۲. شیعیان ممکن است از راه‌های گوناگون به امر ولایت امامان دست یابند، امّا با توجّه به اهمّیّت و مرجعیت قرآن کسانی از فتنه‌ها و شبهه‌ها و افراط و تفریطها رهایی می‌یابند که معرفت به ولایت و شؤون آن را از قرآن گرفته باشند. در غیر این صورت، در فتنه‌های ناشی از افراط و تفریط سقوط خواهند کرد. به همین جهت مفسران و علمای بزرگ شیعه بخش عمده‌ای از تلاش عالمانه خود را به اثبات ولایت و شؤون آن معطوف داشته‌اند و ولایت امامان شیعه(ع) را به آیات الاهی مستند ساخته‌اند. تلاش و تألیف‌های آنان ذیل آیاتی چون «اولی الامر»، «ذوی القربی» «ولایت»، «اکمال دین»، و... فراوان به چشم می‌خورد. این بحث را با حدیثی از امام صادق(ع) پایان می‌دهیم: «اگر قرآن آن‌گونه که خدا خواسته و نازل کرده تلاوت شود و مورد تدبر قرار گیرد، هر آینه ما را با نشانه‌های ارائه شده‌اش خواهید یافت.»۵ بنابراین، باید با نگاه جست‌وجوگر در آیاتی که صفات و ویژگی‌های رهبران و اولیای امور را بیان می‌کند، نام‌های اهل بیت(ع) را استخراج کرد. شیعه افتخار دارد که رهبرانش را با استناد به اصول قرآنی برگزیده است. شیوه قرآن مجید در رابطه با ائمه هدی(ع) - به ویژه امیرالمومنین(ع) و خانواده آن حضرت - این است که به معرفی «شخصیت» ممتاز و برجستگی‌های آنان بپردازد، نه به معرفی «شخص». این شیوه حکمت‌های متعددی دارد که بعضی از آنها به اختصار بیان خواهد شد. در اینجا دو زمینه برای گفت و گو وجود دارد: موارد و چگونگی معرفی شخصیت اهل بیت(ع) و حکمت و سر این روش. یک. موارد و چگونگی معرفی شخصیت اهل بیت(ع) در قرآن قرآن مجید در موارد متعددی پرده از امتیازات و ویژگی های رفتاری ائمه هدی(ع) به ویژه امیرالمومنین(ع) برداشته است؛ از جمله:

پاسخ(قسمت دوم)

۱. «ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا» (انسان (۷۶)، آیه ۹.) مفسران بزرگ شیعه و سنی آورده‌اند که این آیه در شأن امیرالمؤمنین(ع) و خانواده ایشان است و مسأله روزه‌داری حضرت علی(ع) و... و دادن افطار خود به مسکین، یتیم و اسیر در سه شب متوالی را به طور متواتر نقل کرده‌اند. ۲. «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.) در خصوص این آیه مقالات و کتاب های متعددی نگاشته شده و در اینکه شامل حضرت علی(ع) و فاطمه(س) و حسن و حسین(ع) است، نزد شیعه و سنی هیچ اختلافی نیست، تنها اختلاف در شمول آن نسبت به همسران پیامبر(ص) است که با ادله متعددی علمای شیعه شمول آن را نسبت به همسران پیامبر(ص) رد کرده‌اند. ۳. «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون» (مائده (۵)، آیه ۵۵.) شأن نزول این آیه نیز در تمام تفاسیر معتبر شیعه و سنی، اختصاصا در رابطه با حضرت علی(ع) می‌باشد. البته آیات بسیار دیگری نیز وجود دارد که در اینجا به همین سه مورد اکتفا می‌کنیم. در آیه اول اوج ایثار در شدت نیاز و در آیه دوم طهارت مطلق از هر کژی و کاستی و عیب و گناه و در آیه سوم تلفیق دو عبادت بزرگ با یکدیگر همراه با اوج اخلاص و خدادوستی نمایان شده است. البته در آیه سوم نکته دیگری وجود دارد که در قسمت بعد به آن اشاره خواهیم کرد. دو. حکمت روش قرآن در معرفی اهل بیت(ع) شیوه ذکر شده حکمت های متعددی دارد؛ از جمله: ۱. انگشت گذاشتن روی اشخاص در مواردی، چندان نقشی در روشنگری ندارد؛ بلکه نهایتا به نوعی تبعیت و پیروی کورکورانه می کشاند و البته این مانع آن نیست که در مورد لزوم، افراد نیز معرفی شوند؛ ولی اساساً معرفی شخصیت، معرفی الگوها است و در نتیجه جامعه را به جای گرایش های تعصب آمیز جاهلانه، به سمت تعقل ژرف اندیشی و توجه به ملاک ها، فضایل و امتیازات واقعی سوق می‌دهد. ۲.

معرفی شخصیت، زمینه‌ساز پذیرش معقول است، در حالی که معرفی شخص، در مواردی موجب دافعه می‌شود. این روش به ویژه در شرایطی که شخص از جهاتی تحت تبلیغات سوء قرار گرفته باشد یا جامعه به هر دلیلی آمادگی پذیرش وی را نداشته باشد، بهترین روش است. این مسأله دقیقا در مورد امیرالمؤمنین(ع) و اهل بیت(ع) وجود داشته است. برای شناخت درست این مساله لازم است ابتدا شرایط و ویژگی های جامعه اسلامی زمان نزول قرآن را در نظرگیریم تادر پرتو جامعه شناسی آن زمان و روان شناسی اجتماعی خاص آن جامعه، بتوانیم به درک صحیحی از مساله نایل آییم. واقعیت آن است به استثنای اندکی از مؤمنان برجسته، اکثریت جامعه صدر اسلام نسبت به اهل بیت(ع) به ویژه امیرالمومنین(ع) پذیرش نداشتند و پیامبر(ص) نیز در مقاطع مختلف با دشواری های زیادی آن حضرت را مطرح می‌ساختند و در هر مورد با نوعی واکنش منفی و مقاومت روبه رو می‌شدند، دلایل این امر متعدد است؛ از جمله: الف. بسیاری از آنان کسانی بودند که تا چند صباحی قبل در صف معارضین اسلام قرار داشتند و رویاروی خود شمشیر علی(ع) را دیده و از همان جا کینه وی رابه دل گرفته بودند، چنان که حضرت فاطمه زهرا(س) نیز یکی از علل روی گردانی مردم از آن حضرت را همین نکته (نکیر سیفه) بیان فرمودند. ب . تفکرات و سنن غلط جاهلی هنوز بر اندیشه مردم حاکم بود و اموری مانند سن و... را در امور سیاسی دخیل می‌دانستند و لذا به جهت جوان بودن حضرت علی(ع)، وی را چندان شایسته برای رهبری جامعه نمی‌دانستند. ج . این تفکر خطرناک در سطح جامعه رایج بود و از سوی عده‌ای تبلیغ می‌شد که پیامبر(ص) درصدد آن است که خویشان خود را برای همیشه بر مسند قدرت و حکومت بنشاند و در این راستا خدمات ارزنده پیامبر را نیز نوعی بازی سیاسی تفسیر می‌کردند که برای چنگ اندازی به حکومت برای خود و اهل بیتش انجام داده است. این مساله چنان بالا گرفته بود که روز غدیر، پس از معرفی امیرالمؤمنین(ع) یکی از حاضران صدا زد «خدایا! ما را گفت که از سوی خدا آمده و کتاب الهی آورده‌ام و ما پذیرفتیم و اکنون می‌خواهد داماد و پسرعمش را بر ما حاکم و مستولی سازد، اگر او راست می‌گوید، سنگی از آسمان ببار و مرا بکش!!» اکنون این سوال پدید می‌آید که آیا در چنین وضعیتی تا چه اندازه صلاح بوده است، نام آن حضرت و یا ائمه(ع) بعد از ایشان در قرآن به صراحت ذکر شود؟ ممکن است کسی با خود بیندیشد که اگر چنین شده بود، ریشه اختلافات از بن کنده می‌شد و امت اسلامی یکپارچه و هم‌آوا می‌شدند و راه هدایت را پیشه می‌ساختند؛ زیرا قرآن مورد قبول همه است و بر آن اختلافی نیست. اما آیا واقعیت چنین است؟ خیر؛ زیرا این خطر به طور جدی وجود داشت که بر سر مسأله امیرالمؤمنین(ع)، حتی اساس اسلام و قرآن به خطر افتد و اگر نام آن حضرت به صراحت در قرآن می‌آمد، این مشکل وجود داشت که طیف عظیمی که در جامعه، پایگاه تبلیغاتی وسیعی داشتند و در صدر اطرافیان پیامبر(ص) نیز بودند، اساساً رسالت آن حضرت و قرآن و... را یکسره نفی و انکار کنند و خطر جدی برای اساس اسلام و قرآن بیافرینند. شاید این مساله ابتدا اغراق آمیز جلوه نماید، در حالی که رخدادهای مهم تاریخی به خوبی از این نکته پرده برگرفته‌اند. در اینجا به ذکر دو نمونه که در منابع تاریخی مهم اهل تسنن به تکرار آمده و از مسلمات تاریخی است اکتفا می‌شود: یکم. همه مورخان برجسته آورده‌اند که چون پیامبر(ص) لحظات آخر عمر خویش را می‌گذراندند، درخواست قلم و لوحی نمودند تا سندی برای امت به یادگار نهند که هیچ گاه به انحراف و ضلالت گرفتار نگردند. این درخواست برای اطرافیان کاملا روشن بود و هدف از آن باتوجه به موضع گیری های پیشین پیامبر(ص) واضح بود. در این هنگام عمر صدا زد: «ان الرجل لیهجر»؛ «همانا این مرد بر اثر شدت تب هذیان می‌گوید»!! شگفتا پیامبری که خداوند در وصفش فرموده است: «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی...»، در خانه‌اش و نزد عزیزترین و بهترین حامیانش، این چنین جسارت آمیز مورد طعن قرار گیرد و کار به جایی می‌رسد که آن حضرت از تصمیم خود منصرف می‌شود! زیرا جدا خوف آن وجود دارد که پایداری بر آن، موجب انکار رسالت شود و مسلماً کسانی که در خانه پیامبر خدا با وی چنین برخورد می‌کنند، خود را مستظهر به پشتیبانی وسیع اجتماعی می‌بینند؛ و گرنه هرگز جرات چنین جسارتی به خود نمی‌دادند. از همین جا روشن می‌شود که سر شیوه قرآن چیست؟ یعنی، قرآن هم برای اهل فهم و درک و تعقل حرف خود را زده است و هم کاری کرده

که فاقدان چنان خصوصیتی، یکسره از اصل دین جدا نشوند و انگیزه‌های سیاسی خاصی باعث نشود که به طور کلی مردم را از اصل دین و دیانت جدا سازند. جالب آن است که علاوه بر آیاتی که به گونه‌های مختلف، مسأله ولایت امیرالمؤمنین(ع) را مطرح ساخته‌اند، سومین آیه‌ای که در آغاز این نگاشته آورده‌ایم، بسیار روشن این پیام را داده و همراه با بیان امتیازات خاص آن حضرت، مسأله ولایت و رهبری امت را گوشزد ساخته است. در اینجا یک سؤال باقی می‌ماند و آن اینکه خداوند فرموده است: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»؛ بنابراین باتوجه به این آیه از آن خطرات چه باک؟ پاسخ آن است که حافظ بودن خداوند برای قرآن از راه اسباب و علل خاص آن است و یکی از آنها به کارگیری همین شیوه است که انگیزه کنارزدن قرآن را به جهت یک سری اهداف خاص از بین می‌برد. پی‌نوشت: ۱. «اِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَزَلَتْ علیه الصلوةُ و لَم یُسَمّ لَهُم ثَلاثاً وَ لا ـ اَرْبَعاً حتّی کانَ رَسُولُ اللّهِ هُوَ الَّذی فَسَّرَ لَهُمْ ذلِکَ وَ نَزَلَتْ عَلَیْه. الزَّکاةُ وَ لَمْ یُسَمِّ لَهُمْ مِنْ کُلِّ اَرْبَعینَ درهماً دِرْهَمٌ، حتّی کانَ رَسولُ اللّهِ(ص) هُوَ الَّذی فَسَّرَ ذلِکَ لَهُمْ وَ نَزَلَ الْحَجُّ فَلَمْ یَقُلْ لَهُم طوفُوا اُسْبُوعاً حتّی کانَ رَسُولُ اللّهِ(ص) هُوَ الَّذی فَسَّرَ ذلِکَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ «اَطیعُو اللَّهَ و اطیعُوا الرَّسُولَ وَ اوُلِی الأمْرِ مِنْکُمْ» وَ نَزَلَتْ فی عَلیٍّ والْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ، فَقالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) فی عَلِیٍّ: مَنْ کُنْتُ مُوْلاهُ؛ و قال(ع) اوُصیکُمْ بکتابِ اللّهِ و اهل بیتی فَاِنّی سَأَلْتُ اللَّهَ عزَّوَجَلَّ اَنْ لا ـ یُفَرّقَ بَیْنَهُما حتیَّ یوُرِدَهُما عَلیَّ الحوضُ فَأعْطانی ذلِکَ...»؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۷۱. ۲. «اِنّک رَجُلٌ احمقٌ! اَتَجِدُ الظُّهْرَ فی کتاب الله اربعاً لایُجْهَرُ فیها بالْقَراءَةِ!؟ - ثُمَّ عَدَّدَ علیه الصَّلاةَ و الزَّکاةَ و نَحْو هذا ثُمَّ قال: - اَتَجِد هذا فی کِتابِ اللهِ مُفَسَّراً! اِنَّ کِتابَ اللَّه تَعالی اَبْهَمَ هذا وَ اِنَّ السُّنَةَ تُفَسِّرُ هذا»؛ التفسیر و المفسران، استاد معرفت، ج ۱، ص ۱۸۲. ۳. قیامت (۷۵): ۱۷ - ۱۹. ۴. طارق(۸۶): ۱۴. ۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳.

چرا قرآن به طور رسمی به مسأله ولادت ووجود امام مهدی‌علیه‌السلام

اشاره

اشاره نکرده است؟

پرسش

چرا قرآن به طور رسمی به مسأله ولادت ووجود امام مهدی‌علیه‌السلام اشاره نکرده است؟

پاسخ

اولاً: قرآن به بسیاری از مسائل عقیدتی وعملی اشاره نکرده است، بلکه بیان آن را به پیامبرش واگذار نموده است، گرچه اصول معارف واحکام در قرآن کریم موجود است. ثانیاً: از برخی ازآیات قرآن به طور وضوح ولی کلّی استظهار می‌شود که باید در هر زمانی انسان کامل ومعصومی به نام حجت خدا موجود باشد، که درباره هر یک از اینآیات در جای خود بحث خواهیم کرد.

چرا نام امام قائم (عج) در قرآن نیامده است؟

پرسش

چرا نام امام قائم (عج) در قرآن نیامده است؟

پاسخ

شیوه سئوال حاکی است که گویا معرفی اولیاء الهی که امت باید از آنها پیروی کنند، فقط یک راه دارد، و آن این است که نام آنان در کتاب آسمانی برده شود. در صورتی که آگر به خود قرآن مراجعه کنیم خواهیم دید، که قرآن برای معرفی شخصیت‌های الهی از سه راه وارد می‌شود و در هر موردی طبق مصالحی از شیوه خاصی پیروی می کند. ۱ـ معرفی با اسم پیامبر گرامی در انجیل از طریق اسم برای آیندگان معرفی شده است. «وَمُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَاْتِی مِن بَعْدِی اسْمُهُ اَحْمَدُ» صف/۶ [بشارت دهنده به پیامبری پس از خود هستم که نام او احمد است]. خداوند گاهی پیامبران خود را با نام مورد خطاب قرار می‌دهد، مانند: «یَا داوُدُ اِنّا جَعَلْناکَ خَلِیْفَةً فی الْاَرْضِ» ص/۲۶ [ای داود، ما تو را در روی زمین جانشین قرار دادیم]. قرآن در مواردی از پیامبر اسلام، به اسم یاد می کند، آنجا که می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ اِلّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ» آل عمران/۱۴۴ [محمد پیام آوری بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بوده‌اند]. ۲- معرفی با عدد یکی دیگر از طرق قرآن معرفی با عدد است و لذا نقباء بنی‌اسرائیل را با عدد معرفی کرده است چنانکه می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللهُ مِیثاقَ بَنی اسْرائیلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُم اثْنَیْ عَشَرَ نَقِیباً» مائده/۱۲ [خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده مراقب برانگیختیم.] گروهی که طبق گزینش حضرت موسی قرار شد به کوه بروند، در قرآن با عدد معرفی شده‌اند آنجا که می‌فرماید: «وَاْختارَ مُوسی قَوْمَهُ سَبْعِینَ رَجُلًا لِمِیقاتنا» اعراف/۱۵۵ [موسی، از قوم خود، برای میقات ما هفتاد نفر را برگزید] ۳- معرفی با صفت یکی دیگر از طرق شناسائی شخصیت‌های الهی، با صفت است، چنانکه پیامبر در انجیل و تورات علاوه بر معرفی با نام، با صفات نیز معرفی شده است و قرآن بر این مطلب گواهی می‌دهد. ما نیز نمونه‌هائی را در اینجا می‌آوریم. «اَلّذِنَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبی الْامیَّ الَّذی یَجِدونَهُ مَکْتوباً عِنْدهُمْ فی التَّوراةِ وَ الْاِنْجیل یَاْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ و یَنْهیهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ...» اعراف/۱۵۷ [کسانی که از رسول و نبی درس ناخوانده‌ای، پیروی می کنند که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می‌یابند که آنان را به نیکی دعوت کرده و از بدیها بازشان می‌دارد، پاکیها را برای آنان حلال و ناپاکیها را تحریم می‌نماید، و بارهای گران و زنجیرهائی را که بر آنان بود، از آنان برمی‌دارد.] در این آیه، حضرت محمد با صفات دهگانه معرفی شده است. از سیاق آیه استفاده می‌شود که حضرت در این دو کتاب— تورات و انجیل- با همه و یا اکثر این صفات معرفی گردیده است و مفاد جمله: «مَکْتُوباً عِنْدَهُم فی التَّوراةِ وَ الْاِنْجیل» این است که صفات و خصوصیت او در تورات و انجیل آمده است. خداوند متعال در قرآن، کسانی را که باید مسلمانان از آنها اطاعت کنند، با صفات «اولی الامر» معرفی کرده است آنجا که می‌فرماید: «اَطیعُو اللهَ و اَطیعُوا الرَّسُولَ وَ اولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ» نساء/۵۹ [ازخداوند و رسول و صاحبان فرمان اطاعت کنید]. مردی از بنی‌اسرائیل پس از موسی به پیامبری برانگیخته شده بود. مردم به او گفتند: برای ما فرمانروائی معین کن، تا ما زیر لوای او در راه خدا جهاد کنیم. خداوند به درخواست آنان پاسخ مثبت داد و این فرمانروا را پس از معرفی با اسم، با صفت نیز معرفی کرد (تا هر نوع تشابهی که ممکن است در اسم رخ، دهد، از بین برود) و از طریق پیامبر خود به آنان خبر داد که خدا (طالوت) را به فرمانروائی بر شما نصب کرده است. «إنَّ آیَهَ مُلکه اَنْ یَاتیکُم التَّابُوتُ فیهِ سَکینهٌ مِن رَبِّکُمْ وَ بَقِیَّهٌ مِمّا تَرَکَ آلُ مُوسی وَ آلُ هارُون تَحْمِلُهُ الْمَلائِکَهُ...» بقره/۲۴۸ [نشانه فرمانروائی او این است که صندوقی بسوی شما می‌آید که در آن آرامشی از جانب پروردگار است، و باقیمانده‌ای از آنچه خاندان موسی و هارون به جای گذارده‌اند، فرشتگان آن را حمل می کنند و در این کار برای شما نشانه‌ای است اگر ایمان آورده باشید]. هدف از نقل این آیات، آن است که بدانیم معرفی با صفات، یکی از طرق صحیح معرفی است، لیکن گاهی معرفی با صفت، با ذکر نام نیز همراه است،

مانند آیه طالوت. و گاهی تنها به ذکر صفات اکتفا می گردد. مانند: «فَسَوْفَ یَأْتی اللهُ بِقَومٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونهُ اَذِلَّه عَلَی الْمُؤْمنینَ اَعِزَّهٍ عَلَی الْکافِرینَ یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللهِ و لا یَخافُونَ لَوْمَهَ لا ئم» مائده/۵۴ [بزودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان فروتن و متواضعند و در برابر کافران سرفراز، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت ملامتگران نمی ترسند]. نتیجه این که اگر نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیست، ولی صفات و خصوصیات حکومت او در قرآن وارد شده است. اصولاً قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر می گیرد. گاهی مصالح ایجاب می کند که افراد را با نام معرفی نماید. و گاهی مصالح ایجاب می کند که تنها به صفات افراد بپردازند، چنان که درباره حضرت مهدی علیه السلام جریان از این قرار است، زیرا: اولا: تشکیل چنین حکومتی، در مواردی صریحاً و در مواردی دیگر بطور اشاره در قرآن وارد شده است. آیاتی که در سوره توبه و صف از انتشار و گسترش اسلام در سطح جهانی نوید می دهد، مانند «لیظهره علی الدین کله» [تا آن را بر همه ادیان پیروز سازد] اشاره به تشکیل این حکومت است، زیرا به تصریح مفسران، مضمون این آیه که پیشگوئی از گسترش فراگیر و همه جانبه اسلام در سطح جهان است، هنوز تحقق نپذیرفته است. از این گذشته، در آیه ۱۰۶ سوره انبیاء می فرماید: «ولقد کتبنا فی الزبور مِن بعد الذِکران الارض یرثها عبادی الصالحون» [ما پس از ذکر ، در زبور نوشتیم که بندگان شایسته من، وراث زمین خواهند بود]. این آیه نوید می دهد که صالحان، وارثان زمین خواهند بود و حکومت جهان را به دست خواهند گرفت. و به اتفاق تاریخ بشر، هنوز این وعده الهی تحقق نپذیرفته است. ثانیاً اگر نام امام زمان را نبرده، به خاطر مصلحتی است که برای اهل فضل و درک مخفی نمی باشد، زیرا به همان علت که نام علی علیه السلام را نبرده نام آن حضرت را نیز ذکر ننموده است اگر نام این پیشوایان گرامی را می برد، کینه های دیرینه «بدر و احد و حنین»، بار دیگر زنده می شد، و لذا مطلب را به صورت کلی مطرح کرده و فرموده است: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» بردن نام گذشتگان، مانند لقمان و ذی القرنین، قابل قیاس با افراد آینده نیست. درباره گذشتگان، حسدها و کینه ها تحریک نمی گردد، و افراد سودجو و شهرت طلب نمی توانند از آن سوء استفاده کند، ولی بردن نام آیندگان این محظور را دارد. آیا شما فکر می کنید که تنها ذکر نام دردی را دوا می کند؟ آیا فکر می کنید که اگر نام امام زمان علیه السلام در قرآن برده می شد، امکان نداشت که در طول تاریخ، شیادان، و افراد شهرت طلب از آن سؤء استفاده نکنند یا افرادی روی غرض های خاص وجود او را انکار ننمایند؟ تجربه تاریخی نشان می دهد که اگر هم در قرآن صراحتاً نام امام زمان برده می شد، باز در طول تاریخ، شیادان و مدعیان دروغین مهدویت پیدا می شدند و نام خود را امام زمان می گذاشتند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند و از نام او و انتظار مردم استفاده نادرست کنند. مگر خدا نام پیامبر را در انجیل نبرده است؟ ولی گروههای عنود، از آن بهره برداری ناجوانمردانه کردند. قرآن چنین نقل می کند: «فَلَمّا جَائَهُمْ بِالْبیناتِ قالُوا هَذا سِحْرٌ مُبینٌ» صف/۶ [هنگامی که حضرت عیسی با دلائل و معجزات به سوی آنان آمد، گفتند: این سحر آشکار است]. بنابراین مسأله مهم، بیان خصوصیات دیگر آن حضرت است که افراد دل آگاه، با شناخت آنها، مهدی واقعی را از مدعیان قلابی مهدویت باز شناسند، بخشی از این خصوصیات در قرآن و بخشی دیگر در اخبار آمده است.

در کجای قرآن از امام زمان(یاد شده است؟ لطفاً نام سوره وآیه آن را بنویسید؟

پرسش

در کجای قرآن از امام زمان(یاد شده است؟ لطفاً نام سوره وآیه آن را بنویسید؟

پاسخ

قبل از پاسخ به سؤال شما نکته مهم این است که تطبیق آیات نورانی قرآن بر وجود مقدس امام زمان(و حکومت جهانی آن حضرت تنها از راه روایات رسول گرامی اسلام(و ائمه معصومین(امکان پذیر است. و از جمله آیات قرآن که به مسأله مهدویت و امام زمان(تفسیر شده است این آیات شریفه است. ۱. سوره قصص آیه ۵" :و نرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الارض " ....۲. سوره نمل آیه ۶۲" : امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء "....۳. سوره نور آیه ۵۵" : وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستظفنهم "۴. سوره انبیاء آیه ۱۱" : و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض " ...۵. سوره اسراء آیه ۸۱" : وقل جاء الحق زهق الباطل إن الباطل کان رهوقا "...۶. سوره اسراء آیه ۳۳" : و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً "...۷. سوره حجر آیات ۳۶تا ۳۸" : قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون " ...۸. سوره بقره ۱تا ۳" : الم : ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب " ...که امام صادق (فرمودند" : مراد از غیب حجت غایب است ".۹. سوره حدید آیه ۷۱" : اعلموا أن الله یحیی الارض بعد موتها "...۱۰. سوره بقره آیه ۱۵۵" : و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع "...۱۱. سوره بقره آیه ۱۴۸" : فاستبقوا الخیرات " ...۱۲. سوره آل عمران آیه ۸۳" : وله اسلم من فی السموات " ...۱۳. سوره ابراهیم آیه ۵" : و ذکرهم بایام الله . "سوره آل عمران آیه ۲۰۰" : یا ایها الذین آمنوا اصبروا و " ...۱۵. سوره نساء آیه ۴۷" : یا ایها الذین اوتوا الکتاب " ...۱۶. سوره نساء آیه ۵۹" : یا ایها الذین آمنوا اطیعو الله و " ...۱۷. سوره نساء آیه ۶۹" : و من یصلح الله و الرسول فاولئک " ...۱۸. سوره انعام آیه ۱۵۸ : "هل ینظرون الا ان تاتیهم " ...۱۹. سوره اعراف آیه ۵۳" : ه ل ینظرون الا تأویله یوم " ...۲۰. سوره یونس آیه ۲۰" : و یقولون لو لا انزل علیه آیه " ...۲۱. سوره طه آیه ۱۳۵" : فستعلمون من اصحاب الصراط "...۲۲. سوره انبیاء آیات ۱۱ تا ۱۵" : و کم من قریه" ... ۲۳. سوره توبه آیه ۳۳" : هو الذی ارسل رسوله بالهدی و " ...۲۴. سوره تکویر آیه ۱۵ ـ ۱۶" : فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس" ... ۲۵. سوره حدید آیه ۲۶" : اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها " ...۲۶. سوره مائده آیه ۱۴" : و من الذین قالو انا نصاری " ...۲۷. سوره ذاریات آیات ۲۲ ـ ۲۳" : و فی السماء رزقکم و ماتوعدون " ...۲۸. سوره نساء آیه ۷۷" : الم تر الی الذین " ...۲۹. سوره تبارک آیه ۳۰" : قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غوراً " ...۳۰. سوره صف آیه ۹" : هو الذی ارسل رسوله بالهدی" " ...۱ "نکته : آیات مربوط به امام عصر ارواحنا فداء بیشتر از آنچه هست که بیان کردیم و برای مطالعه بیشتر به کتب معرفی شده مراجعه کنید. ۱. امام مهدی(از دیدگاه قرآن و عترت، علمه مجلسی، ترجمه علی دوانی * مجله مبلغان شماره ۲۲ شعبان ۱۴۲۲، ص۳۴ ـ ۳۰ منابع دیگر جهت مطالعه بیشتر : ۱. سیمای مهدی(در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی ۲. مهدی در قرآن، رضا فیروز

آیا واسطه فیض بودن امام زمان (ع) در نعمت ها و در عالم کون غیر از روایات آیا ریشه قرآنی هم دارد یا نه؟

پرسش

آیا واسطه فیض بودن امام زمان (ع) در نعمت ها و در عالم کون غیر از روایات آیا ریشه قرآنی هم دارد یا نه؟

پاسخ

در این باره گفتنی است که بیان معارف بلند نیاز به تدبر و درک عمیق دارد. شاید بتوان گفت: بنا بر آیه ۳۴ سوره بقره سجده فرشتگان در برابر آدم به عنوان در خدمت بودن و خضوع فرشتگان در برابر انسان کامل بوده است واز آنجا که بنا بر آیه ۵ سوره نازعات «فالمد برات امرا» تدبیر امور جهان به واسطه فرشتگان انجام می گیرد. معلوم می شود نعمت ها و تدبیرات عالم تکوین تحت اراده تکوینی انسان کامل و امام زمان(عج) می تواند باشد.

منظور از آیه «قل فلِلّه الحجة البالغه چیست و آیا به امام زمان (عج مربوط می‌شود؟ و آیا صلوات فرستادن هنگام تلاوت آیه برای سلامتی آن حضرت جایز است

پرسش

منظور از آیه «قل فلِلّه الحجة البالغه چیست و آیا به امام زمان (عج مربوط می‌شود؟ و آیا صلوات فرستادن هنگام تلاوت آیه برای سلامتی آن حضرت جایز است

پاسخ

آیهٔ شریفهٔ «قل فلله الحجة البالغة دلیلی است برای ابطال ادعای مشرکان و فرار از مسئولیت به بهانهٔ جبر و می‌فرماید: بگو خداوند دلایل صحیح و روشن در زمینهٔ توحید و یگانگی خویش و همچنین احکام حلال و حرام اقامه کرده است هم به وسیلهٔ پیامبران خود و هم از طریق عقل به طوری که هیچ گونه عذری برای هیچ کس باقی نماند. بنابراین آنها هرگز نمی‌توانند ادعا کنند در اعمالشان مجبورند، زیرا در صورت اجبار، اقامهٔ دلیل و فرستادن پیامبران و تبلیغ و دعوت آنان بیهوده بوده چرا که اقامهٔ برهان دلیل بر آزادی اراده است در اصول کافی از امام کاظم ۷) نقل شده که حضرت فرمودند: «انالله علی‌النّاس حجّتین حُجةٌ ظاهرةٌ و حجةٌباطنةٌ فامّا الظاهرةٌ فالرسلُ والانبیأُ والائمةُ و امّا الباطنةُ فالعقول» خداوند بر مردم دو حجّت دارد: حجّت آشکار و حجّت پنهان حجّت آشکار، رسولان و انبیأ و امامانند و حجت باطنی عقول و افکار می‌باشند. در امالی شیخ طوسی از امام صادق (۷) چنین نقل شده است که از تفسیر آیهٔ فوق از آن حضرت سؤال کردند. حضرت فرمود: انالله تعالیَ یقول للعبد یوم القیامه «عبدی اکنت عالماً» فَاِنْ قال «نعم ، قال له «افلا ـ عملت بما عملت » وأن قال «کنت جاهلاً» قال له «افلا تعلمت حتی تعمل فیخمصه فتلك الحجّةُ البالغةُ خداوند در روز رستاخیز به بندهٔ خویش می گوید: بندهٔ من آیا می‌دانستی و گناه کردی اگر بگوید: آری می‌فرماید: چرا به آنچه می‌دانستی عمل نکردی و اگر بگوید: نمی‌دانستم می گوید: چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی در این موقع از پاسخ فرو می‌ماند و این است معنی حجت بالغه ۲۳). ب هر چند بر اساس روایتی که نقل شد، ائمه اطهار (:) از جمله حضرت مهدی (۷) همانند انبیأ (:) از حجّتهای الهی بر مردم هستند، لکن ذکر صلوات هنگام تلاوت آیهٔ شریفهٔ مزبور اگر بر مبنای بودن دستوری در این زمینه صورت پذیرد، بدعت به حساب می‌آید و بهتر است در صورت تمایل ذکر صلوات به قصد جلب رضایت الهی و دریافت ثواب صورت گیرد چه اینکه وجود دستوری از اولیأ دین در این خصوص روشن نیست پاورقی: ۲۳ـ تفسیر نورالثقلین جلد ۱، ص ۷۷۶

آیهٔ شریفه" بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین را چگونه به حضرت مهدی ۷ ارتباط می‌دهند در حالیکه شأن نزول آن موضوع دیگری است

پرسش

آیـهٔ شـریفه" بقیـهٔ الله خیر لکم ان کنتم مـؤمنین را چگونه به حضـرت مهـدی ۷ ارتبـاط می‌دهنـد در حـالیکه شأن نزول آن موضوع دیگری است

پاسخ

آیات قرآن مجید دارای معانی و مفاهیم فراوانی است و هر کس به اندازه استعداد و دانش خود می‌تواند به برخی از مفاهیم و معانی دست رسـی پیدا کند. مفسران که تاکنون به قرآن تفسیر نوشته‌اند هر کدام به گوشه‌ای از اقیانوس معارف قرآن دست یافته‌اند قرآن کلام خـداست و کلام ذات الهی تراوشـی از علم بی انتهای اوست از این رو در روایات رسـیده از ائمه اطهار: آمـده که قرآن دارای هفت" بطن و هر" بطنی دارای هفتاد بطن است در آیه ۸۶ هود اگرچه مخاطب قوم شعیبند و منظور از" بقیهٔ الله "سود و سرمایه‌های حلاـل و یا پاداش الهی است ولی هر موجود نافع که از طرف خداونـد برای بشـر باقی مانـده و مایه خیر و سـعادت گردد" بقیـهٔ الله" محسوب می‌شود. از آن جا که حضـرت مهـدیغ آخرین پیشوا و آخرین باقیمانـده بعد از پیامبران و امامان است یکی از روشن‌ترین مصادیق" بقیهٔ الله "هستند. در چندین روایت تعبیر" بقیهٔ الله در مورد امام زمان‌به کار رفته هم خود حضرت خویشتن را به این عنوان معرفی فرموده و هم سایر ائمه از جمله احمـدبن اسـحاق اشـعری می‌گویـد: وارد شدم بر امام عسـکری‌و بنا داشـتم از خلیفه بعد از او سؤال کنم پیش از آن که سـخن بگویم حضـرت فرمود: ای احمد خداوند متعال هیچ گاه زمین را خالی از حجت نمی‌گذارد. سپس از جا برخاست و وارد خانه شـد و بعـد از زمان کوتاهی مراجعت فرمود در حالی که کودکی در سن سه سالگی که ماننـد قرص ماه صورت او می‌درخشـید در کنارش بود فرمود: ای احمد اگر کرامت و ارزش تو در پیشـگاه خدا و ما حجج الهی نبود، هرگز فرزندم را به نزد تو نمی‌آوردم اسم این کودک و کنیه او را جـدّم پیامبراکرم‌معین کرده و این همان کسـی است که زمین را پر از عدل کند بعـد از آن که پر از جور و ظلم شده باشد، اسـحاق بن عمار می‌گوید: عرض کردم علامتی به من نمی‌دهید که قلبم اطمینان بیشتری پیدا کند در همان لحظهٔ کودک به سـخن آمد و فرمود و به من خطاب کرد: ای احمد بن اسـحاق" انا بقیهٔ الله فی الارض منم کسـی که از د شمنان انتقام می‌گیرم (کمال الدین و تمام النعمهٔ شیخ صدوق ص ۳۸۴، نشر جامعه مدرسین) این تعبیر درمورد برخی دیگر از ائمه اطهار نیز آمده از جمله دربارهٔ علی بن موسی الرضا۷ مادرش نجمه می‌گوید: وقتی متولد شد پدرش موسی بن جعفر۷ آمد و فرمود: گوارا باد بر تو کرامتی که از ناحیه خـدا نصیب تو شـد سـپس نوزاد را در حالی که در پارچه سبزی پیچیده شده بود در بغل کرد اذان در گوش راست وی و اقامه در گوش چپ گفت و آن را به من برگردانیـد. فرمود": هو بقیهٔ الله فی ارضه این بقیهٔ خدا در روی زمین است بـا تـوجه به این روایـات به خـوبی اسـتفاده می‌شود که همـهٔ ائمه و پیـامبران الهی مصـادیقی از این عنوان هسـتند و بـارزترین مصـداق برای آیه وجود مقـدس امام زمان‌است که در وقت ظهور نیز به دیوار کعبه تکیه می‌کننـد و آیه ۸۶ سوره هود را تلاـوت می‌کننـد" ;بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ;اگر مـؤمن باشـید باقیمانـده]حلاـل خـدا برای شـما بهـتر اسـت و سـپس می‌فرمایند": منم بقیهٔ الله. و حجت و خلیفه او در میان شما، سپس هیچکس بر او سلام نمی‌کند مگر این که می‌گوید: السلام علیک یا بقیهٔ الله فی ارضه .(بحارالانوار علامه مجلسی ج ۵۲، ص ۱۹۱، مؤسسهٔ الوفأ.)

ظهور در آیات

روز فتح چه روزی است؟

پرسش

روز فتح چه روزی است؟

پاسخ

روز فتح که از ایام الله بزرگ است و در قرآن مجید آمده است ـ بر حسب بعضی تفاسیر ـ روز ظهور و فتح امام زمان (ع) است. روزی است که کفّار را ایمان در آن روز سود نمی‌بخشد و مهلت داده نمی‌شوند. چنانکه در احادیث است: قریه‌ای نمی‌ماند مگر آنکه در آن ندای «لا اله الا الله» بلند شده و اسلام جهانگیر می‌شود و این همه دوئیتهائی که از جهت اختلاف نظامات، و حکومتها و رژیمها و به اسم نژاد و وطن ساخته شده، ملغی می گردد، ومرزهائی که با آنها، زورمندان، دنیا را تقسیم کرده و افراد بشر را از هم جدا و بیگانه ساخته‌اند، از میان برداشته می‌شود. در آن عصر برکات و آثار عقیده و ایمان به خدا آشکار می‌شود، و بر حسب آیهٔ : «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماء وَ الْأَرْضِ» اعراف/۹۶ [و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می گشودیم.] درهای برکات آسمان و زمین به روی مردم و دنیای مؤمن، گشوده می‌شود و به جای نظامات مشرکانه و جنگ و نزاع و کینه توزی، نظام الهی اسلام و دوستی و برادری و صفا و صلح واقعی و عمومی برقرار می‌شود. از جمله احادیث که بر این مطلب دلالت دارد، روایتی است که در کتاب «المحجّهٔ فیما نزل فی القائم الحجهٔ» ا زعیّاشی به اسناد خود ا ز«ابنٌ بکیر» روایت کرده است که ابن بکیر گفت: «از ابی الحسن(حضرت موسی بن جعفر)(ع) سؤال کردم از این قول خدای تعالی: «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً» آل عمران/۸۳ [هر آنچه در آسمان و زمین است، خواه و ناخواه مطیع فرمان خدا است.] حضرت در پاسخ فرمود (قریب به این مضمون) نازل شده است در قائم (ع) که وقتی ظاهر شود، اسلام را بر طوایف کفّار که در شرق و غرب هستند، عرضه نماید. هر کس از روی اطاعت اسلام آورد، امر می کند او را به نماز و زکات و آنچه مسلمانان به آن امر می‌شوند؛ و هر کس اسلام نیاورد، گردن او را می‌زند، تا باقی نماند در مشرقها و مغربها احدی مگر اینکه موحّد گردد. ابن بُکیر می گوید: گفتم: فدایت شوم، خلق بیشتر از این می‌باشند (یعنی بیشتر از این هستند که بتوان اسلام را به همه عرضه کرد و همه را یا مسلمان نمود، یا کشت). حضرت فرمود: «اِنَّ اللهَ اذا أَرادَ أَمْراً قَلَّلَ الْکَثیرَ وَ کَثَّرَ الْقَلیلَ» (منتخب الاثر، ص۴۷۱، به نقل از المحجهٔ) [خداوند وقتی کاری و امری را اراده کند، اندک را بسیار و بسیار را اندک می‌نماید]

مفهوم آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء و روایات پیرامون قیام حضرت مهدی چیست؟

پرسش

مفهوم آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء و روایات پیرامون قیام حضرت مهدی چیست؟

پاسخ

در سوره انبیاء می‌خوانیم «وَلَقَدْ کَتَبْنا فی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ – اِنَّ فی هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدینَ» انبیا/۱۰۵ و ۱۰۶ [ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم (و مقرر داشتیم) که بندگان صالح من (حکومت) زمین را به ارث می‌برند –در این سخن ابلاغ روشنی است برای گروه عبادت کنندگان] این آیات ، به دنبال آیاتی که پاداش اخروی صالحان را بیان می‌کند قرار گرفته ، و در واقع بیانگر پاداش دنیوی آنان است و پاداش بسیار مهمی که زمینه ساز سعادت و اجرای احکام الهی و صلاح و نجات جامعه انسانی است. با توجّه به اینکه «ارض» به طور مطلق تمام کرهٔ زمین و سراسر جهان را شامل می‌شود (مگر اینکه قرینه خاص در میان باشد) این آیه بشارتی است در زمینه حکومت جهانی صالحان، و از آنجا که این معنی درگذشته تحقق نیافته است ، باید در آینده در انتظار آن بود، و این همان چیزی است که به عنوان «حکومت جهانی مهدی» از آن یاد می‌کنیم. در روایات اسلامی – علاوه بر اشاره روشنی که در آیه فوق نسبت به قیام مهدی (ع) شده – نیز این مسأله به طور صریح آمده است ، از جمله مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» در ذیل همین آیه از امام باقر (ع) چنین نقل می‌کند «هُمْ اَصْحابُ الْمَهَدیِّ فی آخِرِ الزَّمانِ» [آنها (بندگان صالحی را که خداوند در این آیه بعنوان وارثان زمین ذکر فرموده است) یاران مهدی (ع) در آخر الزمان هستند]. در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است «قالَ الْقائِمُ وَ اَصْحابُه» منظور از این آیه «مهدی (قائم) و یاران او هستند». شک نیست که بندگان صالح خدا ممکن است بخشی از حکومت روی زمین را در اختیار بگیرند، همانگونه که در عصر رسول الله(ص) و بعضی از اعصار دیگر واقع شد. ولی قرار گرفتن حکومت تمام روی زمین در اختیار صالحان، تنها در عصر مهدی(ع) صورت می‌گیرد، و روایات فراوانی که از طرق اهل سنت و شیعه در این زمینه رسیده است در سر حد تواتر است.

دلالت آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور در مورد قیام ولی عصر (ع) چگونه است؟

پرسش

دلالت آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور در مورد قیام ولی عصر (ع) چگونه است؟

پاسخ

در آیه ۵۵ این سوره می‌خوانیم «وَعَدَاللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فی الاَرْضِ کَما اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَاُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ» [خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده داده که آنها را به یقین خلیفه روی زمین کند، آن گونه که پیشینیان آنها را خلافت (روی زمین) بخشید، و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است پا برجا و ریشه دار سازد ، و بیم و ترس آنها را به آرامش و امنّیت مبدّل کند، آن چنان می‌شود که تنها مرا می‌پرستند ، و چیزی را شریک من نخواهند کرد، و کسانی که بعد از آن کافر شوند آنها فاسقند] . در این آیه با صراحت به مؤمنان صالح بشارت داده شده است که سرانجام حکومت روی زمین را در دست خواهند گرفت ، و دین اسلام فراگیر خواهد شد، و ناامنیها و وحشتها به آرامش و امنّیت مبدّل می‌گردد، شرک از سراسر جهان برچیده می‌شود ، و بندگان خدا با آزادی به پرستش خدای یگانه ادامه می‌دهند ، و نسبت به همگان اتمام حجت می‌شود، به گونه‌ای که اگر کسی بعد از آن بخواهد راه کفر را بپوید مقصر و فاسق خواهد بود. (مخصوصاً در بخش آخر آیه دقت کنید) گرچه این امور مهم که مورد وعده الهی بوده است در عصر پیامبر اکرم (ص) و زمانهای بعد از آن در

مقیاس نسبتاً وسیعی برای مسلمین جهان تحقق یافت و اسلام که روزی در چنگال دشمنان چنان گرفتار بود که مجال کمترین ظهور و بروزی به آن نمی‌دادند ، و مسلمانان دائماً در ترس و وحشت به سر می‌بردند، سرانجام نه فقط شبه جزیره عرب، بلکه بخشهای عظیمی از جهان را فرا گرفت و دشمنان در تمام جبهه‌ها شکست خوردند، ولی با این حال حکومت جهانی اسلام که سراسر دنیا را فرا گیرد و شرک و بت‌پرستی را بکلی ریشه کن سازد، و امنیّت و آرامش و آزادی و توحید خالص را همه جا گسترش دهد، هنوز تحقق نیافته پس باید در انتظار تحقق آن بود. این امر مطابق روایت متواتره در عصر قیام مهدی(ع) تحقق خواهد یافت، بنابراین یکی از مصادیق این آیه در عصر پیامبر (ص) و اعصار مقارن آن حاصل شد و شکل وسیعترش در عصر قیام مهدی (ع) خواهد بود و این دو با هم منافاتی ندارد، و این وعدهٔ در هر دو مرحله باید تحقق یابد. به هر حال، آیه بشارت و نوید حکومت مؤمنان صالح را بر سراسر جهان می‌دهد که در مقیاس وسیعی در عصر پیامبر اسلام (ص) و بعد از آن تحقق یافت ، هر چند همه جهان را فرا نگرفت ، ولی نمونه‌ای از تحقق این وعدهٔ الهی بود ، امّا به صورت حکومت جهانی بر تمام روی زمین، هنوز تحقق نیافته و مصداق نهایی آن با فراهم شدن زمینه‌ها به مشیت الهی با حکومت حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت که طبق روایات پیامبر (ص) و سایر معصومین تمام دنیا را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و ما در انتظار این وعدهٔ قرآنی هستیم.

دلالت آیهٔ ۳۳ سورهٔ توبه و احادیثی که در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) آمده چیست؟

پرسش

دلالت آیهٔ ۳۳ سورهٔ توبه و احادیثی که در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) آمده چیست؟

پاسخ

در آیه ۳۳ سوره توبه می‌خوانیم «هُوَالَّذی اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدی وَ دِیْنِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّیْنِ کُلِّهِ وَ لَوْکَرِهَ الْمُشرِکُوْنَ» [او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همهٔ آیینها غالب گرداند هر چند مشرکان ناخوش دارند]. قابل توجّه اینکه این آیه ، بعد از آیه «یُرِیْدُونَ اَنْ یُطْفِئُوا نُوْرَاللهِ بِاَفْواهِهِمْ وَ یَأْبَی اللهُ اِلا اَنْ یُتِمَّ نُوْرَهُ وَ لَوْکَرِهَ الْکافِرُونَ» [آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خویش خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خدا را کامل کند هر چند کافران کراهت داشته باشند .] قرار گرفته است. در این آیات خداوند وعدهٔ غلبه و پیروزی اسلام را بر تمام ادیان جهان داده است. در اینکه منظور از پیروزی اسلام بر تمام ادیان چیست؟ مفسّران احتمالات زیادی داده‌اند. فخر رازی پنج تفسیر در اینجا ذکر می کند که پاسخی است بر سؤالات مربوط به چگونگی این غلبه ۱ ـ منظور غلبه نسبی و موضعی است چرا که اسلام در هر منطقه‌ای بر هر دین و آیینی پیروز شده است. ۲ ـ منظور پیروزی بر ادیان در جزیره العرب است. ۳ ـ منظور، آگاه ساختن پیامبر (ص) از جمیع ادیان الهی است (در اینجا جمله «لیظهر» به معنی آگاه ساختن تفسیر شده). ۴ ـ منظور پیروزی و غلبه منطقی است، یعنی خداوند منطق اسلام را بر سایر ادیان پیروز می گرداند. ۵ ـ منظور پیروزی نهایی بر تمام ادیان و مذاهب به هنگام نزول عیسی (ع) و قیام مهدی (ع) است که اسلام جهان گیری خواهد شد. بی‌شک تفسیر آیه به پیروزی منطقی آن هم به صورت وعده‌ای برای آینده مفهوم درستی ندارد، زیرا پیروزی منطقی اسلام از همان آغاز آشکار بود ، به علاوه ماده «ظهور» و «اظهار» (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّیْنِ کُلِّهِ) به طوری که از موارد استعمال آن در قرآن مجید استفاده می‌شود ، به معنی غلبهٔ خارجی و عینی است، چنانکه در داستان اصحاب کهف می‌خوانیم «اِنَّهُمْ اِنْ یَظْهَرُوا

عَلَيْكَمْ يَرْجُمُوكُمْ» کهف/۲۰ [اگر آنها بر شما دست یابند و پیروز شوند سنگسارتان خواهند کرد]. از امام صادق(ع) در تفسیر آیه فوق نقل شده است، فرمود «وَاللهِ ما نَزَلَ تَأويلُها بَعْدُ وَ لا يَنْزِلُ تَأويلُها ، حَتّى يَخْرجَ الْقائِمُ فَاذا خَرَجَ الْقائِمُ لَمْ يَبْقَ كافِرٌ بِاللهِ الْعَظيمِ» [به خدا سوگند هنوز مضمون این آیه (در مرحلهٔ نهایی) تحقق نیافته است ، و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که حضرت قائم (ع) خروج کند و به هنگامی که او قیام نماید کافری نسبت به خداوند در تمام جهان باقی نمی‌ماند]. (نورالثقلین ۲/۲۱۲) این نکته نیز حائز اهمّیت است که جمله «هُوَ الَّذی اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدی وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّه» در سه سوره از قرآن آمده است اوّل سوره توبه آیه ۳۳ (چنانکه گذشت) دوّم سوره فتح آیه ۲۸ ، سوم سورهٔ صف آیه ۹. این تکرار نشان می‌دهد که قرآن مجید با تأکید هر چه بیشتر این مسأله را پی گیری کرده است. در حدیث دیگری که در منابع اهل سنّت از ابوهریره نقل شده است می‌خوانیم منظور از جمله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»، خروج عیسی بن مریم (ع) است (و می‌دانیم خروج عیسی بن مریم (ع) طبق روایات اسلامی به هنگام قیام مهدی (ع) است). (الدّرالمنثور ۳/۲۳۱)

بهترین و محکم‌ترین آیه‌ای از قرآن که بر ظهور حتمی آقا امام زمانغ وجود دارد کدام است

اشاره

از دو آیهٔ "بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُم یا آیهٔ " هُوَ الَّذِیَ أَرْسَلَ رَسُولَهُو بِالْهُدَیَ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُو عَلَى الدِّينِ كُلِّهِی

پرسش

بهترین و محکم‌ترین آیه‌ای از قرآن که بر ظهور حتمی آقا امام زمانغ وجود دارد کدام است از دو آیهٔ "بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُم یا آیهٔ "هُوَ الَّذِیَ أَرْسَلَ رَسُولَهُو بِالْهُدَیَ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُو عَلَى الدِّينِ كُلِّهِی وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُون کدام یک بر ظهور حتمی امام زمان دلالت دارند؟

پاسخ

پرسشگر محترم گرچه از برخی روایات بر می‌آید که" بقیة الله "در آیهٔ ۸۶، سورهٔ" هود" "بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُم " ...به حضرت مهدیغ تفسیر شده است از جمله حضرت امام محمد باقر۷ می‌فرماید": نخستین سخنی که]حضرت مهدیغ پس از قیام خود می گوید آیهٔ" بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُم " ..است سپس می گوید بقیة الله و حجت خدا در میان شما من هستم سپس هیچ کس بر او سلام نمی کند مگر آن که می گوید: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه .(بحارالانوار، علامه مجلسی ـ رحمة الله علیه ـ ج ۲۴، ص ۲۱۲، مؤسسه الوفأ، بیروت) در روایات فراوانی نیز آیهٔ ۳۳، سورهٔ توبه به امام زمانغ تفسیر شده است ولی ظاهراً روشن‌ترین آیه که بر ظهور حضرت امام زمانغ دلالت می کند، آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور است که می‌فرماید": خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین]خود[قرار دهد ;همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین]خود[قرار داد، و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند،]تا[مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند ".پیامبر

گرامی‌می‌فرماید": اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن یک روزی را آنقدر طولانی می کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است حاکم بر زمین شود و صفحهٔ زمین را پر از عدل و داد کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد(".بحارالانوار، علامه مجلسی ـ رحمهٔ الله علیه ـ ج ۳۸، ص ۳۰۴، مؤسسهٔ الوفأ، بیروت)

آیا خصوصیات دوران امام زمان ع در قرآن یا روایات آمده است لطفاً توضیح دهید.

پرسش

آیا خصوصیات دوران امام زمان ع در قرآن یا روایات آمده است لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

از قرآن مجید، و نیز روایات معصومین خصوصیات فراوانی برای عصر ظهور استفاده می‌شود که در این جا به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: الف ـ غلبهٔ اسلام بر همهٔ ادیان از جمله ویژگی‌های عصر ظهور امام زمانغ غلبهٔ اسلام بر سایر ادیان و مذاهب است و این وعده‌ای است که قرآن مجید، به صراحت به مسلمانان داده است" هُوَ الَّذِیَ أَرْسَلَ رَسُولَهو بِالْهُدَیَ وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهو عَلَی الدِّینِ کُلِّهِی وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُون(; توبه ۳۳) او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همهٔ آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند ".این آیه با اندکی تفاوت در دو مورد دیگر نیز آمده است (سوره صف آیهٔ ۹) و (فتح آیه ۲۸). در این آیه تصریح شده است که اسلام روزی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و بدیهی است که این وعده تا کنون تحقق پیدا نکرده است از امام صادقدر تفسیر این آیه چنین نقل شده است" به خدا سوگند! هنوز محتوای این آیه تحقّق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند، در وقتی که او قیام کند، کسی که خدا را انکار نماید، در تمام جهان باقی نخواهد ماند(".تفسیر نورالثقلین علامه حویزی ج ۲، ص ۲۱۱ / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۷۳.) مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان از امام باقر۷ در تفسیر آیه چنین نقل می کند": وعده‌ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی از آل‌محمد۶ تحقق پیدا می کند و در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود، مگر این که به حقّانیت محمد۶ اقرار می کند(".تفسیر مجمع البیان علامه طبرسی ، ج ۶ـ۵، ص ۲۵، نشر کتابفروشی اسلامیه) ب ـ حکومت و فرمان روایی زمین به دست بندگان صالح خواهد بود. در عصر ظهور حضرت مهدیغ بندگان صالح در سراسر دنیا حکومت می کنند و این وعده‌ای است که قرآن داده است" وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الاْ? رْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّـلِحُون(; انبیأ،۱۰۵) ما در زبور بعد از ذکر،]تورات نوشتیم که بندگان صالح من وارث]و حاکم زمین خواهند شد ".در روایات این آیه به یاران حضرت مهدیغ تفسیر شده است در مجمع البیان از امام باقر۷ نقل شده است" بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارث زمین یاد می کند، یاران مهدیغ در آخر الزمان هستند(".مجمع البیان همان ص ۸۷، ص ۶۶.) ج ـ عدل و دادگری در زمین اجرا می گردد: از خصوصیات عصر ظهور حضرت مهدیغ برپا داشتن عدل و دادگری است در پرتو عمل به دستورات اسلام امنیت صلح و آرامش در زمین ایجاد می گردد، ظلم و ستم قطع می‌شود، برکت و توسعه روزی در آن زمان برای توده مردم فراهم می گردد، فقیر و مستمند در جامعه پیدا نمی‌شود. قرآن در این‌باره می‌فرماید": اعْلَمُوَّاْ أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الاْ? رْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا(;حدید،۱۷) بدانید که خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند ".امام باقر۷ فرمود": منظور زنده شدن زمین به وسیلهٔ عدالت است بعد از آن که با جور و ظلم مرده باشد(".تفسیر

نور الثقلین علامه حویزی ج ۵، ص ۲۴۳ / به نقل از روضه کافی) در حدیث دیگری آن حضرت فرمود": خداوند زمین را به وسیله حضرت مهدیغ زنده می‌کند، بعد از آن که مرده باشد و منظور از مردن زمین کفر اهل آن است و کافر مرده است(" تفسیر صافی فیض کاشانی ج ۵، ص ۱۳۵، نشر موسسه اعلمی / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۳، ص ۳۴۳.) در واقع زمین دارای دو حیات است حیات مادّی که منظور فراوانی نعمت و برکت در روزی است و حیات معنوی که مراد، اقامه عدل و ایجاد امنیت و آسایش و توجه به خدا و معنویات است که هر دو نوع آن در زمان ظهور امام زمانغ تحقّق می‌پذیرد'. Ûـ غلبه مستضعفان بر مستکبران از جمله وعده‌های خداوند، پیروزی حق بر باطل است در آیه ۵ قصص می‌خوانیم" وَ نُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتُضْعِفُواْ فِی الأَ? رْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَ رِثِینَ ; اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم " در حدیثی از امیرالمؤمنین‌روایت شده که فرمود": این گروه آل‌محمد۶ هستند که خداوند، مهدی آنها بعد از زحمت و فشاری که بر آنها وارد می‌شود، بر می‌انگیزد و به آنها عزّت می‌دهد، و دشمنان آنها را ذلیل و خوار می‌کند(".تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۶، ص ۱۸، نشر دارالکتب الاسلامیهٔ / به نقل از تفسیر نورالثقلین ج ۴، ص ۱۱۰.) در روایات خصوصیات فراوانی برای عصر امام زمانغ آمده که از حوصله این پاسخ خارج است

آیه" وعد "چگونه بر ظهور موعود جهانی دلالت دارد؟

پرسش

آیه" وعد "چگونه بر ظهور موعود جهانی دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می‌فرماید: {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضى لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لایُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الفاسِقُونَ"}؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته{پاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پاورقی} انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیّت و آرامش مبدّل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند ".آیه فوق مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وعصر حکومت جهانی توحیدی است. وشواهد وقرائن آن عبارت است از: ۱ - باآیات دیگر که ظهور در غلبه دین اسلام در آخرالزمان بر سایر ادیان دارد سازگاری ومناسبت دارد. ۲ - کلمه" الأرض "که با الف ولام جنس آمده، بدون قرینه‌ای بر انصراف آن به سرزمین خاص ومعین، حمل بر تمام روی زمین می‌شود. {پاورقی . تفسیر ابن‌کثیر، ج ۲، ص ۶۱۴ ؛ جامع البیان، ذیل آیه. ۳ - تبدیل خوف به امنیّت کامل تاکنون انجام نگرفته است واین تنها با حکومت گسترده مؤمنین بر روی زمین انجام می‌گیرد. ۴ - با مراجعه به روایاتی که در ذیل آیه فوق رسیده، این معنا تأیید می‌گردد. قرطبی در ذیل آیه از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": در آن روز بر روی زمین خانه‌ای نیست جز آنکه خداوند کلمه اسلام را در آن وارد خواهد ساخت. {"پاورقی . تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۲۹ ؛ درالمنثور، ذیل آیه. پاورقی} سدیّ از ابن عباس نقل کرده که آیه در مورد آل محمّد: نازل شده

است. {پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۳. پاورقی} از امام سجاد (ع) نقل شده که فرمود": آیه، در شأن حضرت قائم (ع) است. {"پاورقی . تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۴۴. پاورقی} از امام صادق (ع) نیز نقل شده که فرمود": آیه درباره قائم واصحاب اوست. {"پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۱۲۶. پاورقی} ۵ - در زمان خلافت خلفای اربعه نیز امنیت کامل در سرتاسر جهان پدید نیامد، خصوصاً آنکه دو دشمن قدرتمند ایران وروم، اسلام را تهدید می کردند، ولذا در طول سی سال، جنگ‌های زیادی به وقوع پیوست. فضل می گوید..."": به امام صادق (ع) عرض کردم: این نواصب گمان می کنند که آیه در شأن ابوبکر وعمر وعثمان وعلی (ع) نازل شده است. حضرت فرمود: خداوند قلوب ناصبه را هدایت نمی کند، چه زمانی دین مرضیّ خدا ورسول تثبیت شده است وامر آن انتشار یافته وخوف وشک از قلوب وسینه‌های مردم در عهد یکی از آن سه خلیفه ودر عهد علی (ع) با ارتداد مردم بیرون رفته است. چه فتنه‌هایی که در ایام آنها برانگیخته شد، وچه جنگ‌هایی به آنها نسبت داده شده است که بین آنان وکفار واقع شد." {پاورقی . تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۳۳۵. پاورقی}

آیه" ارسال رسول "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" ارسال رسول "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می‌فرماید: {هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ"}؛ او کسی است که رسولش را با هدایت ودین حقّ {پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۳. پاورقی} فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند ".مقصود از هدایت در آیه، هدایت الهی است که رسول خود را بر آن مبعوث کرده ومراد از" دین حق "نیز همان دین اسلام است. وضمیر در" لیظهره "به دین اسلام برمی گردد نه رسول خدا (ص) زیرا مرجعی نزدیک‌تر از کلمه رسول است. ونیز تناسب بین غالب که دین اسلام است با مغلوب که ادیان دیگر است برقرار می‌شود. فخر رازی می گوید": این بشارت از طرف خداوند است که باید در آینده تحقق یابد وطبق روایات در زمان حضرت عیسی وحضرت مهدی (ع) محقق می‌شود. {"پاورقی . تفسیر فخررازی، ج ۱۲، ص ۱۰۴. پاورقی} طبری می گوید": در زمان نزول حضرت عیسی (ع) تمام ادیان باطل ونابود شده وتنها دین اسلام بر همه ادیان غالب خواهد شد. {"پاورقی . جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۰۹. پاورقی} از سعید بن جبیر روایت شده که آیه مربوط به مهدی (ع) از اولاد فاطمه (س) است که خداوند او را بر همه ادیان غالب خواهد کرد. {پاورقی . الفصول المهمه، ص ۳۰۰. پاورقی} ابوبصیر از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق روایت کرده که فرمود": به خدا سوگند، تأویل آیه هنوز تحقق نیافته ونخواهد یافت تا آنکه قائم خروج کند. وهنگامی که خروج کرد کافر به خدای عظیم در روی زمین باقی نمی‌ماند. {"پاورقی . تفسیر برهان، ج ۳، ص ۴۰۷. پاورقی}

آیه" وراثت "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" وراثت "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداونـد متعال می‌فرمایـد: {وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ"}؛ ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که بنـدگان صالـح من وارث زمین {پـاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی} خواهنـد شـد ".مقصود از" زبور "در آیه، زبور داوود ومراد از" ذکر "تـورات است. در زبور می‌خوانیم": زیرا که شـریران منقطع می‌شونـد ولی متوکلان به خداونـد وارث زمین خواهند شـد، وحال انـدک است که شـریر نیست می‌شود، هر چنـد مکانش را اسـتفسار نمایی ناپدید خواهد شد، امّا متواضـعان وارث زمین شـده واز کـثرت سـلامتی متلـذّذ خواهنـد شـد. {"پـاورقی . مزمور، ۱۱-۹/۳۷. پـاورقی} ودر آیـه ۲۹ از مزمـور داوود آمـده اسـت: "صالحان، وارث زمین خواهند شد ودر آن تا ابد سـکونت خواهند داشت. "مقصود از کلمه" الارض "در آیه فوق، مطلق زمین دنیا وآخرت" بهشت "است؛ زیرا تخصـیص آن به زمین دنیا بـدون وجه است. {پاورقی . المیزان، ج ۱۴، ص ۴۹۳. پاورقی} ومقصود از "عبادی الصالحون "معنای عامی است که شامل هر زمان ومکان وهر قومی خواهـد شـد، ومصـداق اکمل واتم آن -مطابق روایات- زمـانی است که حضـرت مهـدی (ع) ظهـور کرده وزمین را پر از عـدل وداد خواهـد کرد. در آن زمـان است که تمـام کره زمین در اختیار بنـدگان صالح خداوند قرار خواهد گرفت. ابن کثیر می‌گوید": خداوند در آیه شـریفه بشارت می‌دهد بر بندگان صالح خود که در دنیـا وآخرت آنـان را سـعادتمند کرده وآنـان را وارث زمین وبهشت گردانـد. {"پـاورقی . تفسـیر ابن کـثیر، ج ۲، ص ۵۲۴. پـاورقی} آلوسـی می‌گویـد": اگر بگـوییم که این آیه مربوط به عصـر مهـدی ونزول عیسـی است، به اقوال دیگر احتیـاجی نیست." {پاورقی . روح المعانی، ج ۱۷، ص ۹۵. پاورقی} ولذا در ذیل آیه روایاتی نقل شده که دلالت بر انطباق آیه بر عصر ظهور حضرت مهـدی (ع) دارد. ثوبـان از رسـول خـدا (ص) نقـل کرده کـه فرمـود": خداونـد برای مـن زمیـن را جمع نمـود. پس مـن مشـرق‌ها ومغرب‌هـای آن را مشاهـده کردم وامت من زود است که به آن خواهنـد رسـید. {"پـاورقی . همـان. پـاورقی} امـام باقر (ع) فرمود: "مقصود از" عبادی الصالحون "اصحاب مهدی (ع) در آخرالزمان است. {"پاورقی . مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶. پاورقی}

آیه" استضعاف "چگونه بر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" استضعاف "چگونه بر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداونـد متعال می‌فرمایـد: {وَنُرِیـدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِینَ"}؛ اراده ما بر این قرار گرفته که بر مستضـعفین زمین {پاورقی . سوره قصـص، آیه ۵. پـاورقی} منّت بگـذاریم وآنها را پیشوایان ووارثین [روی زمین قرار] دهیم ".مطابق سـیاق آیه فوق، مفسـران اهل سـنّت وشـیعه، شأن نزول آیه را مربوط به قوم بنی‌اسرائیل می‌دانند، آنان بودند که روی زمین به استضـعاف کشیده شده وخداوند {پاورقی . مجمع البیان، ج ۸-۷، ص ۳۷۵ ؛ درّ المنثور، ج ۶، ص ۳۹۲. پاورقی} آنها را بر

www.noorfatemah.org

فرعونیان پیروز گرداند، ولی ظاهر آیه دلالت بر قانون کلّی واراده ومشیّت همیشگی خداوند نسبت به مستضعفین تا روز قیامت دارد. خداونـد اراده کرده که به حسب شـرایط خاص، مستضـعفین را بر مسـتکبرین عالم پیروز گردانـد، که نمونه‌ای از آن، تحقق مشیت الهی نسبت به پیروزی بنی‌اسـرائیل وزوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کامل‌تر آن حکومت پیامبر اسـلام بعد از ظهور اسلام است. ومطـابق روایـات اسـلامی مصـداق کامـل‌تر از همـه حکومت‌هـا، حکـومت حضـرت مهـدی (ع) در عصـر ظهـور است، که خـداوند حکومت او را که همان حکومت مستضـعفین است در سرتاسر گیتی گسترش خواهد داد وکره زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. این معنا را می‌توان از قرائنی به دست آورد: ۱ - اراده خداوند در آیه به صـیغه مضارع" نرید "آمده که دلالت بر استمرار دارد. ۲ - اراده حتمی الهی بر عنوان" مستضعفین "وارد شده، ومستضعفین بنی‌اسرائیل خصوصیّت ندارند. ۳ - روایاتی که از طرق شیعه وسنی در ذیـل آیه وارد شـده دلالت بر عمومیّت این سـنت الهی دارد: امام صادق (ع) فرمود": همانا آیه مخصوص به صاحب امری اسـت که در آخرالزمـان ظهور کرده وجبّاران وفرعونیـان را نـابود خواهـد کرد، او شـرق وغرب زمین را مالک می‌شود پس زمین را پر از عدل می‌کند همان گونه که پر از ظلم شده باشد. {"پاورقی . تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۸. پاورقی} حضرت علی (ع) فرمود" : دنیا بعد از آنکه در برابر ما همچون شتر بد خلق چموشـی وسرکشـی کرد به سوی ما روی می‌آورد ودر برابر ما رام می‌شود. آن گاه این آیه را تلاوت نمود: {وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...}. {پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۵۹ ؛ ینابیع المودة، ص ۴۳۷. پاورقی}

آیه" ارتداد "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" ارتداد "چگونه بر ظهور امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداونـد متعال می‌فرمایـد: {يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكـافِرِينَ يُجاهِـدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلايَخـافُونَ لَوْمَـةَ لآئِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشآءُ وَاللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ"}؛ ای{پاورقی . سوره مائـده، آیه ۵۴. پـاورقی} کسـانی که ایمـان آورده‌ایـد! هر کس از شـما از آیین خود بـازگردد [به خـدا زیانی نمی‌رسانـد] خـداوند جمعیتی را می‌آورد که آنهـا را دوست دارد وآنـان [نیز] او را دوست دارنـد، در برابر مؤمنـان، متواضع ودر برابر کـافران، سرسـخت ونیرومنـد، آنها در راه خـدا جهاد می‌کننـد واز سـرزنش هیـچ ملامتگری نمی‌هراسـند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد [و شایسـته ببیند] می‌دهد، و[فضل] خدا وسـیع است، وخداوند داناست ".آیه فوق اشاره به قانون استبدال دارد، یعنی تبدیل جامعه‌ای به جـامعه‌ای دیگر به جهت آنکه جـامعه قبـل به وظـایف خود عمـل نکرده است. خلیفه رسول خـدا را طرد کرده، ودر جهـاد کوتـاهی نموده است. ونیز در تطبیق دین خـدا در جـامعه سـهل‌انگاری نموده است. بـا مراجعه به روایـات پی می‌بریم که اهـل بیت: آیه را بر اصـحاب امـام زمـان (ع) تأویل نموده‌انـد، از جمله؛ سـلیمان بن هارون عجلی می‌گویـد: از امام صادق (ع) شـنیدم که فرمود": همانا صاحب امر محفوظ است. اگر تمام مردم از بین بروند خداوند متعال اصـحاب او را گرد او جمع می‌کند. آنها هستند که خداوند در موردشان فرمود: {يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ. {"...}پاورقی . تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۷۳. پاورقی}

آیه" قتال "چگونه بر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

www.noorfatemah.org

پرسش

آیه" قتال "چگونه بر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداونـد متعال می‌فرمایـد: {وَقاتِلُوهُمْ حَتّی لاتَکُونَ فِتْنَـةٌ وَیَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ...}؛{پاورقی . سوره انفال، آیه ۳۹. پاورقی"} با آنان پیکار کنیـد تا فتنه برچیـده شود ودین همه‌اش مخصوص خدا باشد ".آیه فوق دلالت دارد بر اینکه باید شـرک وکفر ریشه کن شود ودین همه‌اش مخصوص خدا باشد وهیچ مشـرکی در روی زمین نماند جز آنکه کشـته شده یا داخل در دین اسـلام شود. این هدف هنوز تحقق نیافته است در حالی که بایـد تحقق یابـد وفتنه از روی زمین برچیـده شود ودین خالصِ برای خـدا گردد. مطابق روایات، این هدف در عصـر ظهور حضـرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت. همان گونه که در آیه ۳۳ از سوره توبه به آن اشاره شد. آلوسـی در ذیـل آیه فوق می‌گویـد": مقصود آن است که همه ادیـان باطـل از بین برود، یعنی یا اهل ادیان از بین رفته وهلاک شونـد ویا از ترس وجهات دیگر به دین اسـلام بازگردنـد. {"پاورقی . روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴. پاورقی} آن گاه می‌گویـد": گفته شده که تأویل آیه تاکنون محقق نشـده است، ودر هنگام ظهور حضـرت مهـدی (ع) تأویل آن خواهـد آمـد، ودر آن عصـر هیچ مشـرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند. {"پاورقی . همان. پاورقی} از امام صادق (ع) در مورد آیه فوق سؤال شد، حضـرت فرمود": لم‌یجیء تأویل هـذه الآیـة ولو قـد قام قآئمنا بعـد سیری من یـدرکه ما یکون من تأویل هـذه الآیـة ولیبلغنّ دین محمّـد (ص) ما بلغ اللیل حتی لایکون مشـرک علی ظهر الأرض"؛ "...هنوز تأویل آیه نیامـده است. واگر قائم{پاورقی . تفسـیر صافی، ج ۲، ص ۳۰۳. پاورقی} ما قیام کند زود است کسانی که او را درک می‌کنند تأویل این آیه را ببینند. البته دین محمّد به تمام نقاطی که شب پوشش آرام‌بخش خود را بر آن می‌افکند خواهد رسید تا اینکه در سراسر زمین، شرک وبت‌پرستی باقی نماند ".موضوع: ابتدای ظهور

چه آیه‌ای از قرآن اشاره یا بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) داده است؟

پرسش

چه آیه‌ای از قرآن اشاره یا بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) داده است؟

پاسخ

در جواب این پرسش، فقط به ذکر سه آیه اکتفا می‌کنیم: ۱"- هُوَالَّذی اَرْسَلَ رَسوُلَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینَ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ{"۱} «او خـدایی است که پیامبرش را با هـدایت و آئین حق فرسـتاد، تا آنان را بر همه آئین‌ها غالب گردانـد هرچند مشـرکان کراهت داشته باشند.» ۲"- وَلَقَـدْ کَتَبْنَـا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْـدِ الـذِّکْرِ اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ{"۲} «در زبور بعـداز تـورات نوشـتیم: بنـدگان شایسـته‌ام وارث (حکـومت) زمیـن خواهنـد شـد.» (س") وَعَـدَاللَّهُ الَّذیـنَ آمَنُوا مِنْکُـمْ وَ عَمِلوُالصَّالِحـاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِیالْاَرْضِ{"۳} «خداوند به کسانی از شـما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان

www.noorfatemah.org

را حکمران روی زمین خواهد کرد» از این سه آیه و آیات متعدد دیگر استفاده می‌شود که خداوند بسط و گسترش دین اسلام و غلبه آن بر ادیان دیگر و حکومت بندگان صالح و مؤمنین و نیکوکاران را بر زمین نوید داده است و روشن است که تاکنون این وعده الهی تحقق پیدا نکرده است چون نه اسلام بر سایر ادیان غلبه پیدا کرده و نه حکومت زمین در دست صالحان و ابرار است و براساس اعتقاد مسلمانان این وعده در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) خواهد بود. پس این آیات به ضمیمه روایاتی که در این موضوع موجود است به وضوح وعده آمدن منجی عالم بشریت و حکومت امام مهدی(عج) را بر زمین بشارت داده است/ [۱]. سوره توبه، آیه (س)۲/ [۲]. سوره انبیأ، آیه ۱۰۵/ [۳]. سوره نور، آیه ۵۵/ موضوع: رفت و آمد با کسانی که خمس نمی‌دهند!

آیا خداوند در قرآن فرموده است که در آخر الزمان کشورهای فراوانی هستند که بر ضرر اسلام فعالیت می‌کنند؟

پرسش

آیا خداوند در قرآن فرموده است که در آخر الزمان کشورهای فراوانی هستند که بر ضرر اسلام فعالیت می کنند؟

پاسخ

اگر مقصود شما از آخرالزمان زمان نزدیک به ظهور امام زمانغ است چنان که معمولاً ـ مردم به ایام نزدیک ظهور، آخرالزمان می گویند ـ باید بگوییم در قرآن کریم آیاتی است که ـ بنابه عقیدهٔ برخی مفسران ـ به طغیان برخی ملّت‌ها بر ضدّ کشورهای مسلمان اشاره دارد": وقَضَینا اِلیَ بَنی اِسرَءیلَ فِی الکِتَبِ لَتُفسِدُنَّ فِی‌الاَرضِ مَرَّتَینِ ولَتَعلُنَّ عُلُوًّا کَبیرافَاِذا جأَ وَعدُ اُولهُما بَعَثنا عَلَیکُم عِبادًا لَنا اولی بَأسٍ شَدیدٍ فَجاسوا خِلَلَ الدّیارِ وکانَ وَعدًا مَفعولا ثُمَّ رَدَدنا لَکُمُ الکَرَّهَ عَلَیهِم واَمدَدنَکُم بِاَموَلٍ وبَنینَ وجَعَلنَکُم اَکثَرَ نَفیرا ان اَحسَنتُم اَحسَنتُم لِاَنفُسِکُم وان اَسَأتُم فَلَها فَاِذا جأَ وَعدُ الأَخِرَهِ لِیَسوءوا وُجوهَکُم ولِیَدخُلُوا المَسجِدَ کَما دَخَلوهُ اَوَّلَ مَرَّهٍ ولِیُتَبِّروا ما عَلَوا تَتبیرا(اسرأ۴ـ۷) ما به بنی‌اسرائیل در کتاب]تورات اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود.هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، مردانی پیکارجو را بر شما می‌فرستیم]تا سخت شما را درهم کوبند، حتی برای به دست آوردن مجرمان خانه‌ها را جست‌وجو می کنند، و این وعده‌ای است قطعی سپس شما را بر آن‌ها چیره می کنیم و اموال و فرزندانتان را افزون خواهیم کرد و نفرات شما را بیش‌تر] از دشمن [قرار می‌دهیم .. و هنگامی که وعدهٔ دوم فرا رسد]آن چنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود و داخل مسجد]الاقصی می‌شوند، همان‌گونه که در دفعهٔ اول وارد شدند و آن چه را زیر سلطهٔ خود می گیرند، درهم می کوبند ".برخی مفسران می گویند: این دو حادثه ـ که در آیات بالاـ به آن اشاره شده است ـ مربوط به روی‌دادهای بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل حزبی به نام" صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام" اسرائیل در قلب ممالک اسلامی است منظور از" فساد اول بنی اسرائیل و برتری جویی آن‌ها همین است و منظور از "انتقام اوّلی آن است که ممالک اسلامی زمانی که از این توطئه آگاه شدند، دست به دست هم دادند و توانستند بیت‌المقدس و قسمتی از شهرها و قصبات فلسطین را از چنگال یهود بیرون آورند ;و بدین سان بود که نفوذ یهود از مسجدالاقصی به کلی منقطع شد. و مراد از" فساد دوم ، هجوم بنی‌اسرائیل ـ با اتکای نیروهای استعماری جهان خوار ـ به سرزمین‌های اسلامی و اشغال آن‌ها و بیت المقدس و مسجدالاقصی است و به این ترتیب باید مسلمانان در انتظار پیروزی دوم بر بنی‌اسرائیل باشند، به گونه‌ای که مسجدالاقصی را از چنگال آن‌ها بیرون آورده نفوذشان را از این سرزمین اسلامی به کلی قطع کنند. این همان چیزی است که همهٔ

مسلمانان جهان در انتظار آن هستند و وعدهٔ فتح و نصرت الهی به مسلمانان است با توجه به این که در روایات ائمه آیات بالا، بر حوادث تاریخ مسلمانان تطبیق شده است ; از جمله بر جمعیّتی که قبل از قیام مهدیغ قیام می کنند،با توجه به این روایات ـ می‌توان این آیات را از آیاتی دانست که نظر به تعرّض کفار به مسلمین در آخرالزمان دارند.(تفسیرنمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ص۳۴، نشر دارالکتب‌الاسلامیه) و اگر مقصود شما از"آخرالزمان زمان نزدیک به قیامت است و یا زمان پیامبر آخرالزمان ـ که زمان پیامبراسلام است ـ و یا چیز دیگری در پرسش‌های بعدی مطرح بفرمایید.

سایر روایات نبوی

آیا در روایات است که موقع سلام به آقا امام زمان(عج) سر را تا اندازهٔ رکوع یا کمتر خم کنیم؟

پرسش

آیا در روایات است که موقع سلام به آقا امام زمان(عج) سر را تا اندازهٔ رکوع یا کمتر خم کنیم؟

پاسخ

به نظر می رسد به حالت رکوع قرار گرفتن نوعی عبادت تلقی می شود و عبادت مخصوص خدای یگانه است؛ بنابراین زیارت و عرض ادب به ساحت مقدس حضرت مهدی(عج) بهتر است به این حالت نباشد، و در روایات هم اثری از این گونه احترام برای حضرت دیده نمی شود. گرچه غالباً به اندازه رکوع کسی خم نمی شود، بلکه تنها دست به سینه گذاشته و کمی سرش را خم می کند. رعایت دو نکته نسبت به حضرت (که در کتب تاریخی و روایی آمده) از وظایف شیعیان در دوران غیبت کبری به شمار می رود: ۱ـ آداب زیارت: زیارت امام زمان(ع) همانند زیارت دیگر معصومان(ع) آدای دارد، که نمونه ای از آن به شرح زیر است: پس از اتمام زیارت حضرت هادی و حضرت عسکری(ع) به سمت سرداب برو و کنار در بایست، همانند کسی که می خواهد اذن دخول بگیرد و با وقار وارد سرداب شو و دو رکعت نماز بخوان و بگو... (متن زیارت). ۲ـ احترام ویژه: مورخان نوشته اند: هنگامی که دعبل خزاعی قصیدهٔ معروف خود را برای حضرت رضا(ع) می خواند، وقتی به اسم حضرت حجّت(عج) رسید، حضرت از جای خود بلند شده و با حالت تواضع دست بر سر گذاشتند و برای فرج امام زمان(ع) دعا کردند. بر این اساس هر عملی که جنبهٔ رعایت ادب و احترام نسبت به حضرت مهدی(ع) داشته باشد، همانند: دست بر سر گذاشتن و ایستادن به هنگام ذکر لقب مخصوص حضرت و رعایت آداب و شرایط زیارت، امری مثبت است.

بحث مهدویت در قرآن کریم به چه صورت آمده است؟

پرسش

بحث مهدویت در قرآن کریم به چه صورت آمده است؟

پاسخ

در قرآن کریم این مطلب به صورت یک نوید کلی در کمال صراحت هست، یعنی هر کسی که قرآن کریم را مطالعه کند میبیند قرآن کریم آن نتیجه را که بر وجود مقدس حضرت حجت مترتب میشود، در آیات زیادی به عنوان یک امری که به طور قطع در آینده صورت خواهد گرفت ذکر میکند. از آن جمله است این آیه: «وَ لَقَدْ کَتَبنا فِی الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحونَ.» انبیا/۱۰۵ خدا در قرآن میگوید که ما در گذشته بعد از «ذکر» ـ که گفتهاند یعنی بعد از آنکه در تورات نوشتیم ـ در زبور هم این مطلب را اعلام کردیم، و ما اعلام کردیم، پس شدنی است که: «اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحون» صحبت منطقه و محل و شهر نیست، اصلاً فکر آنقدر بزرگ و وسیع است که سخن از تمام زمین است: زمین برای همیشه در اختیار زورمندان و ستمکاران و جباران نمیماند، این یک امر موقت است، دولت صالحان که بر تمام زمین حکومت کند، در آینده وجود خواهد داشت. در مفهوم این آیه کوچکترین تردیدی نیست. همچنین راجع به اینکه دین مقدس اسلام دین عمومی بشر خواهد شد و تمام ادیان دیگر در مقابل این دین از بین خواهند رفت و تحتالشعاع قرار خواهند گرفت، در قرآن کریم هست، که این یکی دیگر از آثار و نتایج وجود مقدس مهدی موعود است: «هُوَ الَّذی اَرْسَلَ رَسولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» توبه/۳۳ [این دین را به وسیلهٔ این پیامبر فرستاد برای اینکه در نهایت امر آن را بر تمام دینهای عالم پیروز گرداند]، یعنی همهٔ مردم دنیا تابع این دین بشوند.

چند نمونه از علائم مصلح بزرگ در آیات قرآن چیست؟

پرسش

چند نمونه از علائم مصلح بزرگ در آیات قرآن چیست؟

پاسخ

چند نمونه از آیاتی که این بحث را مطرح ساخته ذیلاً از نظر میگذرانیم. ۱ ـ در سوره انبیاء (آیات ۱۰۵ و ۱۰۶) میخوانیم «وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنّ الْاَرضَ یَرِثُها عِبادِی الصّالِحُونَ اِنَّ فِی هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدینَ.» قبلاً به مفهوم این چند لغت باید توجّه کرد «ارض» به مجموع کرهٔ زمین گفته میشود و سراسر جهان را فرامیگیرد؛ مگر اینکه قرینهٔ خاصّی در کار باشد. «ارث» در لغت به معنی چیزی است که بدون معامله و داد و ستد به دست کسی میافتد، ولی در بعضی موارد از قرآن کریم، ارث به تسلّط و پیروزی یک قوم صالح بر ناصالحان؛ و در اختیار گرفتن مواهب و امکانات آنها گفته شده است. «زبور» در اصل به معنی هر گونه کتاب و نوشته است؛ ولی معمولاً ـ به کتاب «داود» که در عهد قدیم از آن تعبیر به «مزامیر داود» شده اطلاق میگردد؛ و آن مجموعهای از مناجاتها و نیایشها و اندرزهای داود پیامبر است؛ این احتمال نیز وجود دارد که زبور تمام کتب آسمانی پیشین (قبل از قرآن) بوده باشد. «ذکر» در اصل به معنی هر چیزی است که مایهٔ تذکّر و یادآوری باشد، ولی در آیهٔ فوق به کتاب آسمانی موسی (ع) «تورات» تفسیر گردیده به قرینهٔ این که قبل از زبور معرّفی شده است، و طبق تفسیر دیگری «ذکر» اشاره به قرآن مجید است، زیرا که در خود آیات قرآن این عنوان به قرآن گفته شده (ان هو الّا ذکر للعالمین) تکویر/۲۷ بنابراین، عبارت «من بعد» به معنی «علاوه بر» خواهد

بود. «صالح» به معنی شایسته و صلاحیتدار است و هنگامی که بطور مطلق گفته شود صلاحیّت و شایستگی از تمام چیزها را فرا میگیرد؛ شایستگی علمی؛ شایستگی اخلاقی؛ شایستگی از نظر ایمان و تقوی و آگاهی و مدیریت. و به این ترتیب مفهوم آیات چنین میشود [ما در کتاب زبور علاوه بر قرآن مجید (یا پس از تورات) نوشتیم که زمین را بندگان صالح و شایسته من در اختیار خواهند گرفت؛ و همین برای گروه عبادت کنندگان (و آنها که در مسیر بندگی خدا گام برمیدارند) برای رسیدن به اهدافشان کافی است.] استخلاف در زمین در سورهٔ نور، آیهٔ ۵۵، میخوانیم «وَعَدَاللهُ الَّذینَ آمَنوُا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ کَما اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنا یَعْبُدُونَنی لایُشْرِکُونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَاُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ» در این آیه سه وعدهٔ صریح به آنها که گروه افراد با ایمان و شایسته را تشکیل میدهند داده شده است. و میدانیم در هر وعده سه رکن وجود دارد وعده دهنده که در اینجا خدا است؛ و وعده گیرنده که «اَلَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» یعنی مؤمنان صالح هستند؛ وموّاد مورد وعده که امور سه گانهٔ زیر است ۱ ـ استخلاف فی الارض ـ «حکومت روی زمین به عنوان نمایندگی خدا»؛ یعنی حکومت حق و عدالت. ۲ ـ تمکین دین ـ «نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنهٔ زندگی» ۳ ـ تبدیل خوف به امنیّت؛ و برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی، و جایگزین شدن امنیّت کامل و آرامش در همهٔ روی زمین. منظور از «تمکین دین» همانطور که از سایر موارد استعمال کلمهٔ تمکین برمیآید این است که تعلیمات الهی بطور ریشهدار و پابرجا در تمام شؤون زندگی نفوذ خواهد داشت، نه همانند الفاظ صلح و آزادی و حقوق بشر که امروز بازیچهٔ دست مدافعان قلّابی آن است و تنها گلوهایشان را برای شعارهای داغ در این زمینه پاره میکنند، و در خارج از آن اثری نیست؛ گوئی الفاظی هستند رؤیایی که جز در عالم خیال نمیتوان به آنها دست یافت. در آن روز تعلیمات حیاتبخش و آزادکنندهٔ اسلام نه بشکل یک سلسله تشریفات خشک و صوری، و نه بگونهٔ یک مشت الفاظ مومیائی شده؛ بلکه به عنوان یک دکترین زندگی در همه جا ریشه خواهد دوانید، و تلاش بازسازی به ریشهها کشیده خواهد شد نه به شاخ و برگها و نقش ایوان.

منظور از پیروزی دین حق که در قرآن از آن سخن به میان آمده است، چه نوع پیروزی است و آیا تحقق یافته است؟

پرسش

منظور از پیروزی دین حق که در قرآن از آن سخن به میان آمده است، چه نوع پیروزی است و آیا تحقق یافته است؟

پاسخ

مفسّران سه تفسیر برای آن ذکر کردهاند. ۱ ـ پیروزی منطقی؛ یعنی با مقایسهٔ اسلام با آئینهای دیگر که غالباً آمیخته با خرافات شده، پیروزی منطق مستدلّ آن بر سایر منطقها آشکار است. طرفداران این تفسیر معتقدند هرگاه توحید خالص اسلامی را با انواع توحیدهای آمیخته با شرک، و یا شرک خالص، مقایسه کنیم برتری مکتب اسلام بر سایر مکاتب روشن میشود، همچنین مباحث دیگر. این وعدهٔ الهی جامهٔ عمل به خود پوشیده است؛ حتّی مقایسهٔ شعار اذان که شعاری گویا و تکاندهنده است با شعار ناقوس و بی شعاری بسیاری از ادیان، روشنگر این پیروزی منطقی است. ۲ ـ منظور، پیروزی عملی و غلبهٔ خارجی بر سایر ادیان است، منتها در یک مقیاس منطقهای نه جهانی و عمومی. این نیز تحقّق یافته؛ چرا که اسلام در عصر پیامبر (ص) بر شبه جزیرهٔ عرب، و پس از آن بر بخش عظیم آبادی از جهان غلبه یافت و پیروان ادیان و مذاهب دیگر در این مناطق که از دیوار چین ـ بلکه ماورای دیوار

چین ـ تا ساحل اقیانوس اطلس امتداد میيافت، غالباً در برابر اسـلام سر تعظیم فرود آوردند. حتّی زمانی که سلطهٔ حکومت اسلامی از این نقاط برچیده شد باز اسـلام به عنوان یک مکتب و آئین پابر جا در این مناطق متوطّن گردید. ۳ ـ منظور، پیروزی و غلبهٔ خارجی و عملی در سـطح جهان و تمامی روی زمین است، که شامل پیروزی فرهنگی، اقتصادی، و سیاسـی میشود، و این تفسـیر را جمعی از مفسّـران اهل تسـنّن علاوه بر مفسّـران شـیعه پذیرفتهاند. مسلماً این وعده تاکنون عملی نشده و تنها بر حکومت جهانی مهدی موعود منطبق میگردد که حکومت حق و عدالت همه جا را فراگیرد و این آئین بر تمام آئینها در مقیاس جهانی غلبه یابد. و قرائنی در دست داریم که اولویّت تفسـیر سوم را بر تفاسـیر دیگر به ثبوت میرسانـد؛زیرا اوّلاً، غلبه و پیروزی که از کلمهٔ «ظهور» اسـتفاده میشود ظاهر در غلبـهٔ حسّـی و عینی و خارجی است، نه غلبه ذهنی و فکری، و لذا در هیچیک از مواردی که از قرآن بر شـمردیم «ظهور» به معنی غلبه ذهنی نیامـده، بلکه اگر به آیـات گذشـته بـازگردیم و دقّت کنیم میبینیم در تمام این موارد به معنی غلبـهٔ عینی و خارجی است. ثانیاً، ذکر کلمـهٔ «کلّه» به عنوان تأکید روشن میکند که غلبه، جنبهٔ منطقهای و محدود ندارد، بلکه شامل عموم ادیان و مذاهب جهان میشود و این جز از طریق فراگیری و شـمول اسـلام نسـبت به جهان ممکن نیست. ثالثاً، روایاتی که در تفسـیر آیـهٔ فوق به ما رسـیده، تفسیر سوم را تقویت میکند.

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل درظهور ولی عصر (عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پرسش

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل درظهور ولی عصر (عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پاسخ

در پاسخ به سوال توجه به نکاتی درباره آیه ضروری است : ۱- شان نزول و یا به عبارتی اسباب النزول یکی از اموری است که باید در فهم و درک آیه بدان تمسک جست ، البته به این شـرط که شان نزول نقل شده از نظرسـند معتبر باشد و یا ناقل در رساندن شان نزول به حـدس و گمان تکیه نکنـد و از روی مشاهـده و حس گزارش کند . ۲- آنچه که دربـاره شان نزول آیات آغاز سوره نحل گفته شـده است ، این است که این آیه باآیات پس از آن در مکه نازل شده است ، در همان ایام که پیامبر (ص) درگیری شدیدی با بت پرسـتان داشت ، آنان هر روز به بهانه هایی متوسل می شدند .مثلاً اینکه هرگاه پیامبر (ص) آنها را به عذاب الهی تهدید می کرد برخی از آنان می گفتند اگر این راست است پس چرا به سـراغ ما نمی آید؟ و یا گاهی می گفتند که اگر فرضاً عذابی در کار باشدما به بتها متوسل می شویم تا در پیشگاه خدا شفاعت بکنند .برای آگاهی بیشتر می توان به کتاب کشف الاسرار ...مراجعه نمود . ۳- ازظاهر سـیاق آیه یعنی از منطوق آن برمی آیـد که خطاب در این آیه به مشـرکین است ، برای اینکه آیات بعدی همه در مقام احتجـاج علیه ایشـان است ، و سـیاق آنهـا تا آیه ۲۹ کـه می فرمایـد ((الهکـم الـه واحـد)) چنین سـیاقی است . لـذا آیه بر بطلاـن پنـدارهای مشـرکین و بی ثمر بودن مساعی ایشان و این که به زودی کیفر ایشان را می دهـد، اسـتدلال واقامه صـحبت می کند . ۴- درباره اینکه منظور از امر در این آیه چیست ؟ بین مفسـران اختلاف است : الف) برخی گفته انـد منظور،فرمان خدا در مورد عذاب مشـرکان است مانند صاحب تفسیر نمونه وتفسیر فی ظلال القرآن و التبیان و مجمع البیان . ب) بعضی نیز گفته اندمنظور به ((امر)) مفرد کلمه ((اوامر)) است ، یعنی امر به معنـای حکم است معنای ((اتی امرالله)) این است که در این سوره احکام خـدا آمـده

است . مانند ضحاک . ج) برخی از مفسران نیز احتمال داده اند که ((امرالله)) اشاره به خود عذاب است نه فرمان عذاب مثل صاحب الکاشف و روح البیان . د) بعضی نیز آن را به معنای روز قیامت گرفته اند مثل صاحب کشف الاسرار و عده الابرار .البته در همین کتاب کشف الاسرار اشاره شده که امر در قرآن بر سیزده وجه در معانی ذیل به کار می رود : دین ، قول ، عذاب ، عیسی (ع) ، قتل ، فتح مکه ، قتل بنی قریظه ، قیامت ، قضا، وحی ، کار، نصرت و ذنب . مانند فخر رازی وزمخشری . ه) برخی هم گفته اند مراد از آن وعده های خداوند برپیامبر (ص) است اعم از عذاب کفار و نصرت مومنین مانند علامه طباطبایی و صاحب تفسیر روحالمعانی . در المیزان علامه طباطبایی چنین آمده است : مقصود از امر آینده در آیه همان وعده ایست که خدا به رسول گرامی خود و به مومنین داده بود، و همان تهدیدهایی است که یکی پس از دیگری به مشرکین داده بود .۵- همچنین در باب این که مخاطب در آیه ((فلا تستعجلوه)) کیست ؟ مفسران به سه احتمال اشاره نموده اند : الف) خطاب به مشرکان و بت پرستان است . ب) خطاب به مو.....ّتنهاست ا.....به معنای حکم باشد . ج) مومنین ومشرکین هر دو مورد خطاب آیه هستند .تقریباً می توان گفت اکثرمفسران احتمال اول را پذیرفته اند و دو احتمال دیگر را منتفی دانسته اند،زیرا : اولاً امر به معنای حکم نمی باشد . ثانیاً در قرآن هیچ جا استعجال به مومنین نسبت داده نشده است . ثالثاً چنانکه گذشت مساله اتیان و استعجال متفرع بر نفی شرک است و چون نفی شرک خطاب به کافرین است استعجال هم خطاب به مشرکین خواهد بود.عجله و نسبت آن با تعجیل در ظهور امام (عج) : استعجال از ریشه عجله است . راغب اصفهانی در معنای آن گوید : عجله طلب شی است پیش از وقت آن ، و از مقتضای شهوت است . استعجال : خواستن با عجله است : ((اتی امر الله فلاتستعجلوه)) . عاجله هم داریم که در مقابل آجل است و مراد از آن در قرآن دنیا است ((کلاـ بل تحبون العاجله و تذرون الاخره)) (قیامت ، آیه ۲۰) . عجل نیز آمده است ((خلق الانسان من عجل ساریکم آیاتی فلما تستعجلون)) ، عجل بر وزن فرس اسم است به معنای عجله . آیه فوق کنایه از مبالغه انسان درعجله است . آیه ۱۱ از سوره اسرا نیز در همین معنا آمده است . ((کان الانسان عجولا)) (اسرا، آیه ۱۱) . در لسان العرب آمده عجل یعنی سرعت ، برخلاف بطی . فرا گوید : ((عجلت الشی یعنی به او سبقت نمودم)) . استعجال در قرآن : درست است که عجله و استعجال در قرآن از مومنین صریحاً نفی شده است . ((یستعجل بها الذین لایومنون بها والذین امنوا مشفقون منها و یعلمون انها الحق ؛ کسانی که به آخرت ایمان ندارند درباره عذاب آن استعجال می کنند و اما آنها که ایمان دارند در ترس از آنند، چون می دانند که حق است)) (شوری ، آیه ۱۸). چیزی که باید بدان توجه کرد این است که این نفی استعجال ازمومنین در صورتی است که به عذاب و موارد شبیه به آن متعلق باشدو یا بر اساس جهل و نادانی بناشده باشد .مانند آیه ۱۰ سوره یونس می خوانیم : ((و لو یعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخیر؛ اگرهمانطوری که مردم با عجله می خواهند خوبی ها و نعمت ها بر ایشان فراهم آید خدا در فرستادن شر یعنی عذاب برای مردم عجله می کردقطعاً بر آنان عذاب نازل می شد)) . در آیه فوق گر چه استعجال به خیرنسبت داده شده است اما چون طبعاً شیوه آدمیان بر این تعلق گرفته است که مسببات و آثار، با عجله و سرعت به دنباله اسباب خودآورده شوند مسلماً اگر سنت الهی از این سنت انسان ها که بر اساس جهل و نادانی بنا شده پیروی کند عذاب قطعاً نازل می گردد .اما درصورتی که متعلق عجله کار نیک باشد و بر اساس آگاهی و عشق صورت بگیرد در قرآن از مومنین نفی نشده و حتی در جریان داستان حضرت موسی (ع) می خوانیم ((و ما اعجلک عن قومک یا موسی ؛ ای موسی چه چیز سبب شد که پیش از قومت به اینجا بیایی و در این راه عجله کنی)) (طه ، آیه ۸۴) . و موسی بلافاصله عرض کرد : پروردگاراآنها به دنبال منند، و من برای رسیدن به میعادگاه و محضر وحی تو،شتاب کردم تا از من خشنود شوی . (قال هم اولا علی اثری و عجلت الیک رب لترضی) یعنی نه تنها عشق مناجات تو و شنیدن سخنت مرابی قرار ساخته بود، بلکه مشتاق بودم هر چه زودتر قوانین و احکام تورا بگیرم و به بندگانت برسانم و از این راه رضایت تو را بهتر جلب کنم. در تایید این مدعا آیات ذیل را هم می توان شاهد آورد : ((سارعوا الی مغفره من ربکم)) (آل عمران ، آیه ۱۳۳)یا ((فاستبقوا الخیرات))(بقره ،آیه ۱۴۸ و مایده ، آیه ۴۸)و آیات دیگر . در راستای مباحث

فوق نتیجه می گیریم که عبارت ((لاتستعجلوه)) اولاً خطاب به کفار است وثانیاً استعجال در کار بد که همان عذاب باشد به کار رفته است . ثالثاًچنانکه گذشت انتساب عجله به افراد مومن در صورت خوبی عمل وآگاهی در آن در قرآن داریم . عجله در احادیث : گفته اند عشق آتشین به یک موضوع و افکار سطحی ، و گاه سیطره هوی و هوس ، وخوش بینی بیش از حد از عوامل شتابزدگی است . تلخی هایی که براثر عجله دامنگیر انسان می شود قابل شمارش نیست . اما نقطه مقابل عجله تثبیت و تانی یعنی درنگ کردن و با تفکر و تامل و بررسی همه جوانب کاری را انجام دادن است . اولی مذموم است اما دومی شایسته و بایسته است به لحاظ اینکه هر دو در احادیث آمده است. پیامبر (ص) می فرماید : مردم را عجله هلاک می کند، اگر مردم با تامل کاری را انجام می دادند کسی هلاک نمی شد (انما اهلک الناس العجل ولو ان الناس تثبتوا لم یهلک احد) . یا امام صادق (ع) می فرماید : ((مع التثبیت تکون السلام و مع العجل تکون الندام؛ با درنگ کردن سلامت است و با عجله ندامت . پیامبر (ص) می فرماید : ((ان الاناه من الله والعجل من الشیطان ؛ درنگ از ناحیه خداست و عجله از شیطان است)). در احادیث اسلامی بابی تحت عنوان تعجیل فعل الخیر در زمینه تعجیل در کار خیر آمده است : از جمله در حدیثی از پیامبر (ص) می خوانیم : ((ان الله یحب من الخیر ما یعجل ؛ خداوند کار نیکی رادوست دارد که در آن شتاب شود)) . امام صادق (ع) هم فرمود : ((من هم به شی من الخیر فلیعجله فان کان شی فیه تاخیر فان للشیطان فیه نظره ؛ کسی که تصمیم به کار خیری گرفت باید عجله کند زیرا هر کاری را که در آن تاخیر کنید شیطان در آن حیله ای می کند)) (سفین البحار، ج ۱، ص ۱۲۹) . منظور از عجله در این روایات همان سرعت است درمقابل اهمال کاری و تاخیرهای بیجا و امروز و فردا کردن که بیشترسبب بروز مشکلات روحی و روانی و موانعی در کارها می گردد .ازاین رو باید گفت سرعت و جدیت در کارهای آری ، اما عجله وشتابزدگی نه . از همین جا می توانیم ادعا کنیم که تقاضای تعجیل درظهور امام عصر (عج) از ساحت حضرت حق هیچ منافاتی با ظهورآیات به خصوص با آیه فوق ندارد .و با کلمات معصومین هم هماهنگ است . سنتی که ریشه در کلمات آن حضرات دارد و دعایی است که می تواند زمینه های ظهور آن حضرت را به طور کامل مهیابکند؛ یعنی ، یکی از اموری که می تواند مساعد کننده ظهور آن حضرت باشد خود تقاضای تعجیل است . اگر زمینه های ظهورامام (عج) مقدمات متعددی داشته باشد این تقاضا و استمداد یکی ازآن مقدمات به حساب می آید .کلام آخر این که اساساً می توان گفت که خود این خواست و طلب از نظر تاثیر روحی و روانی در میان مسلمان ها، می تواند مقدمات لازمه فوق را به فعلیت برساند و یاحداقل کمک موثری در این راه ایفا بکند . منابع و مآخذ : ۱- برای آگاهی بیشتر از شان نزول آیه فوق (در نکته اول سوال) می توان به کتاب کشف الاسرار و عده الابرار مراجعه نمود . ۲- برای آگاهی بیشتردرباره اسباب النزول به کتاب اسباب النزول تالیف دکترمحمدباقرحجتی مراجعه شود . ۳- ترجمه تفسیر المیزان ، جلد ۱۲، ص ۲۹۳ . ۴- تفسیر نمونه ، جلد ۱۲، صفحه ۴۶ - ۴۳ . ۵- سفین البحار، جلد ۱،صفحه ۱۲۹ . ۶- اصول کافی ، جلد ۱، کتاب ایمان و کفر، باب تعجیل فعل الخیر . ۷- ترجمه تفسیر المیزان ، جلد ۱۲، صفحه ۲۹۳ . ۸-ترجمه تفسیر المیزان ، جلد ۱۰، صفحه ۳۴ - ۳۱ . ۹- تفسیر نمونه ،جلد ۱۳، صفحه ۲۶۸ و ۲۶۷ . گزیده ای از منابع اهل تشیع : فی ضلال القرآن نوشته سید قطب ج ۴/۲۱۵۸انتشارات دارالشروق. التبیان نوشته شیخ طوسی ج ۶/۳۵۷انتشارات دارالاندلس . مجمع البیان نوشته طبرسی ج ۶/۱۳۷انتشارات موسسه الاعلی بیروت. المیزان نوشته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۱۴انتشارات دارالکتب الاسلامیه ترجمه نوشته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۹۲ کشف الاسرار وعده الابرارتالیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی ج ۵/۳۵۲انتشارات امیرکبیر . التفسیر الکاشف تالیف محمدجواد مغنیه ج ۴/۴۹۶انتشارات دارالعلم بیروت . تفسیر نورالثقلین تالیف علامه حریزی ج ۳/۳۸انتشارات مطبع الحکم ، قم . تفسیر نمونه تالیف آقای مکارم شیرازی ج ۱۱/۱۵۸انتشارات دارالکتب الاسلامی . گزیده ای ازمنابع اهل تسنن : تفسیر فخررازی ج ۲۰- ۱۹/۲۱۸صحافی ناصر قم. تفسیر الکاشف تالیف زمخشری ج ۲/۵۹۲انتشارات دارالکتب العربی - بیروت . تفسیر روح المعانی تالیف آلوسی ج ۱۴/۹۰انتشارات داراحیا الثرات العربی . تفسیر روح البیان تالیف بروسوی ج ۵/۳انتشارات داراحیا الثرات العربی . تفسیر

القرآن العظیم تالیف ابن کثیرج ۲/۵۸۱انتشارات دارالمعرفه - بیروت;.

آیا در قرآن کریم دربارهٔ این که پیروان حضرت مهدی ع باید ۳۱۳ نفر باشند تا ظهور کنند، و نیز دربارهٔ قاتل آن حضرت آیه یا آیاتی وجود دارد؟

پرسش

آیا در قرآن کریم دربارهٔ این که پیروان حضرت مهدی ع باید ۳۱۳ نفر باشند تا ظهور کنند، و نیز دربارهٔ قاتل آن حضرت آیه یا آیاتی وجود دارد؟

پاسخ

در قرآن کریم به صنف یاران حضرت مهدیغ اشاره نشده است آنچه از روایات بر می‌آید یارانی که حضرت به کمک آنان حرکت را آغاز می‌کند ۳۱۳نفر هستند در میان آنان پنجاه زن است که بعد از ظهور با ایشان بیعت می‌کنند، چنانچه برخی از روایات آیه ۱۴۸ سوره بقره را به این بیعت تطبیق کرده‌اند" ;فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَ تِ أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا(".ر.ک منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، آیةالله صافی گلپایگانی باب نشانه‌های ظهور، انتشارات حضرت معصومه / بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۲، ص ۲۲۳.) آیه‌ای که اشاره به قاتل حضرت کرده باشد یافت نشد. آن چه از کلمات و نظرات بزرگان فهمیده می‌شود امام زمانغ به دست جنایت‌کاران به شهادت می‌رسد. البته برخی قائلند چگونگی مرگ یا شهادت آن عزیز برای ما روشن نیست (ر.ک مجله حوزه ش ۷۰و۷۱، ص ۶۰و۶۱، دفتر تبلیغات اسلامی)

روایات نبوی

معروفترین روایاتی که در مورد قیام حضرت مهدی (ع) آمده است چیست؟

پرسش

معروفترین روایاتی که در مورد قیام حضرت مهدی (ع) آمده است چیست؟

پاسخ

۱ ـ«احمد حنبل» از ائمّه چهارگانه اهل سنّت در کتاب «مسند» خود از «ابوسعید خدری» نقل می‌کند که پیغمبر اکرم (ص) فرمود «لاتَقُوم السّاعَةُ حَتّی تَمْتلاَ الاَرْضَ ظُلْماً وَ عُدْواناً، قال ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُل مِنْ عِتْرَتی اَوْ مِنْ اَهلِ بَيْتی يَمْلاُها قسْطاً وَعَدْلاً کما مُلِئَتْ ظُلماً وَ عُدواناً» [قیامت بر پا نمی‌شود تا آن زمانی که زمین پر از ظلم و ستم گردد، سپس مردی از عترت یا اهل بیت من قیام می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد آن گونه که ظلم و ستم ان را پر کرده بود]. (مستدرک احمد ۳/۳۶). ۳ ـ ترمذی محدّث معروف به سند صحیح (طبق تصریح منصور علی ناصف در التّاج) از عبدالله از پیغمبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيا اِلاّ يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذلِکَ الْيَوْمَ حَتّی يَبْعَثَ رَجُلاً منّی اَوْ مِنْ اَهْلِ بَيْتی يَواطِیءُ اِسْمُهُ اِسْمی وَ اِسْمُ اَبِيهِ اِسْمَ اَبی يَمْلاُ الاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً

کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً» [اگر باقی نماند از عمر دنیا مگر یک روز ، خداوند آن یک روز را چنان طولانی می کند که مبعوث کند مردی را از من یا از اهل بیت من (تردید از راوی روایت است و مفهوم و محتوا یکی است) که اسم او اسم من ، و اسم پدرش، اسم پدر من است زمین را پر از عدل و داد می کند آن گونه که از ظلم و ستم پر شده است]. (التّاج ۵/۳۴۳). ۳ ـ حاکم نیشابوری در مستدرک، حدیث مشروحتری در این زمینه از ابوسعید خدری از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود «یَنْزِلُ بِاُمَّتی فی آخِرِ الزّمانِ بَلاءٌ شَدید مِنْ سُلْطانِهِمْ ، لَمْ یُسْمَعْ بَلاءٌ اَشَدُّ مِنْهُ ، حَتّی تَضیقَ عَنْهُمُ الاَرْضُ الرَّحْبَهُ ، وَ حَتّی یَمْلُاَ الاَرْضَ جَوْراً وَ ظُلْماً ، لایَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَاً یَلْتَجِاُ اِلَیْه مِنَ الظُّلْم فَیَبْعَثُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلاً مِنْ عِتْرَتی، فَیَمْلَاُ الاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً ، یَرْضی عَنْهُ ساکِنُ السَّماءِ و ساکن الاَرض، لاتدخَّر، الارض من بذرها شیئاً الا اَخْرجَتْهُ، وَ لا السَّماءُ مِنْ قَطْرِها شَیْئاً اِلاّ صَبَّهُ اللهُ عَلَیْهِمْ مِدْراراً » [در آخر زمان بلای شدیدی بر امّت من از سوی سلطان آنها وارد می‌شود ، بلایی که شدیدتر از آن شنیده نشده ! تا آنجا که زمین وسیع و گسترده بر آنها تنگ می‌شود ، و تا آنجا که زمین پر از جور و ظلم می گردد، و مؤمن پناهنگاهی برای پناه جستن به آن از ظلم نمی‌یابد در این هنگام خداوند متعال مردی از عترتم را مبعوث می کند که زمین را پر از عدل و داد کند ، آن گونه که از ظلم و ستم پر شده بود ، ساکنان آسمان (فرشتگان) از او خشنود می‌شوند ، و همچنین ساکنان زمین ، زمین تمام بذرهای خود را بیرون می‌فرستد و بارور می‌شود ، و آسمان تمام دانه‌های باران را بر آنها فرو می‌بارد (و همه جا را سیراب و پر برکت می کند)]. (المستدرک علی الصحیحین ۴/۴۶۵) حاکم بعد از ذکر حدیث می گوید این حدیث صحیح است هر چند «بخاری» و «مسلم» آن را در کتاب خود نیاورده‌اند. و این گونه احادیث از راویان مختلف ، در منابع مشهور ، فراوان است و نشان می‌دهد که سرانجام حکومت جهانی به دست با کفایت مهدی (ع) برپا می‌شود، و همه جا پر از عدل و داد می گردد و مضمون آیهٔ فوق «انَّ الاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» تحقق می‌یابد.

رسول الله(ص) در مورد عدالت گستری حضرت مهدی(عج) چه فرموده‌اند؟

پرسش

رسول الله(ص) در مورد عدالت گستری حضرت مهدی(عج) چه فرموده‌اند؟

پاسخ

از ابو سعید خدری چنین نقل شده «قال رسول الله (ص) اُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِی یَمْلَاُ الْاَرْضَ قِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، یَرضی عَنْهُ سُکّان السَّماءِ وَالْاَرْضِ، یُقْسَمُ الْمالَ صِحاحاً، فَقالَ رَجُلُ ما مَعْنی صِحاحاً، قالَ بِالسَّویهِ بَیْنَ النّاسِ؛ وَیَمْلا قُلُوبَ اُمَّهُ مُحَمَّدِ(ص) غَنی؛ وَ یَسَعَهُمْ عَدْلُه، حتّی یَاْمُرُ مُنادِیاً یُنادِی یَقُولُ مَنْ لَهُ بِالْمالِ حاجَهٌ فَلْیَقُمْ فما یَقُومُ مِنَ النّاسِ اِلّا رَجُلٌ واحِدٌ (ثُمَّ یَاْمُرُلَهُ بِالْمالِ فَیَاْخُذُ ثُمَّ یَنْدُمُ وَ یَرُدَّهُ)» (نورالابصار فی مناقب آل بیت النبیّ المختار،/۱۵۶ و ۱۵۷، چاپ مصر) [پیامبر اکرم (ص) فرمود شما را به ظهور مهدی(ع) بشارت میدهم؛ زمین را پر از عدالت میکند همان گونه که از جور و ستم پر شده است؛ ساکنان آسمانها و ساکنان زمین از او راضی میشوند و اموال و ثروتها را به طور صحیح تقسیم میکند. کسی پرسید معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود به طور مساوی در میان مردم! (سپس فرمود) و دلهای پیروان محمّد(ص) را پر از بی نیازی میکند و عدالتش همه را فرا میگیرد، تا آنجا که دستور میدهد کسی با صدای بلند صدا زند هرکس نیاز مالی دارد برخیزد، هیچکس ـ جز یک نفر بر نمیخیزد. (سپس در ذیل حدیث میخوانیم که امام دستور میدهد مال قابل ملاحظهای به او بدهند، امّا او بزودی باز میگردد و پشیمان میشود که چرا آزمند و حریص بوده است.)

اینکه می گویند پیامبر اسلام((صلی الله علیه وآله)) فرمود مهدی در آخرالزمان متولّد می شود و ظهور می فرماید درست است یا خیر؟

پرسش

اینکه می گویند پیامبر اسلام((صلی الله علیه وآله)) فرمود مهدی در آخرالزمان متولّد می شود و ظهور می فرماید درست است یا خیر؟

پاسخ

چنین روایتی در کتابهای مورد اطمینان ذکر نشده و صد در صد دروغ ایت آنچه در روایات وارد شده است مسئله ظهور مهدی در آخرالزمان است و امّا تولّد ایشان چنانکه در منابع حدیثی و تاریخی آمده است: در سال ۲۵۵ هجری قمری واقع شده است.

آیا رسول خداصلی الله وعلیه وآله از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا رسول خداصلی الله وعلیه وآله از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری ، از ۱۰۷ حدیث شهادت به ولادت آن حضرت از ناحیه رسول خدا (ص) استفاده می‌شود. ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": إنّ اللّه تبارک وتعالی أطلع إلی الأرض أطلاعه فاختارنی منها فجعلنی نبیّاً، ثم أطلع الثانیهٔ فاختار منها علیّاً فجعله إماماً، ثم أمرنی أن اتّخذه أخاً ووليّاً ووصیّاً وخلیفهً ووزیراً، فعلیّ منّی وأنا من علیّ وهو زوج ابنتی وأبو سبطی الحسن والحسین. ألا وأنّ اللّه تبارک وتعالی جعلنی وآیاهم حججاً علی عباده وجعل من صلب الحسین أئمّهٔ یقومون بأمری ویحفظون وصیّتی، التاسع منهم قائم أهل بیتی ومهدیّ أمّتی، أشبه الناس بی شمائله وأقواله وأفعاله، یظهر بعد غیبهٔ طویلهٔ وحیرهٔ مضلّهٔ"؛ "...خداوند تبارک {پاورقی . کمال الدین، ص ۲۵۷. پاورقی} وتعالی توجّهی بر زمین کرد ومرا انتخاب نمود و من را نبی قرار داد سپس بار دوم توجهی کرد وعلی را از روی زمین انتخاب نمود واو را امام قرار داد ومرا امر نمود که او را برادر وولیّ ووصیّ وخلیفه ووزیر خود قرار دهم، پس علی از من ومن از علی‌ام، او شوهر دختر من وپدر دو نوه‌ام حسن وحسین است. آگاه باشید! که خداوند تبارک وتعالی من وآنان را حجت‌هایی بر بندگانش قرار داده است. واز صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده ووصیت مرا حفظ خواهند نمود. نهمین از آنها قائم اهل بیت من ومهدی امّت من است. شبیه‌ترین مردم به من در شمایل واقوال وافعال است. بعد از غیبت طولانی وحیرت گمراه کننده ظهور می‌کند."...

آیا رسول اکرم‌صلی الله وعلیه وآله خبر از غیبت امام زمان‌علیه‌السلام داده است؟

پرسش

آیا رسول اکرم‌صلی الله وعلیه وآله خبر از غیبت امام زمان‌علیه‌السلام داده است؟

پاسخ

آری، در بسیاری از روایات به این موضوع اشاره شده است؛ ابن عباس در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود...": وجعل من صلب الحسین أئمّة یقومون بأمری ویحفظون وصیّتی التاسع منهم قآئم أهل بیتی ومهدیّ أمّتی أشبه الناس بی فی شمآئله وأقواله وأفعاله. یظهر بعد غیبة طویلة وحیرة مضلّة فیعلن أمر اللّه ویظهر دین اللّه جلّ وعزّ... "؛ "...واز {پاورقی . کمال‌الدین، ص ۲۵۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۷، ح ۳. پاورقی} صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده ووصیت مرا حفظ خواهند نمود، نهمین از آنها قائم اهل بیت من ومهدی امت من است. او شبیه‌ترین مردم به من در شمایل واقوال وافعال است. بعد از غیبتی طولانی وحیرتی گمراه کننده ظهور خواهد کرد، آن گاه امر خدا را اعلان کرده ودین او را ظاهر خواهد نمود. "...امام علی (ع) نیز از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود": ثمّ یغیب عنهم إمامهم ما شآء اللّه ویکون له غیبتان إحداهما أطول من الأخری..."؛ "... آن گاه امامشان از میان آنها تا هر {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰. پاورقی} زمان که خدا بخواهد غایب خواهد شد. وبرای او دو غیبت مقرر شده که یکی از آن دو از دیگری طولانی‌تر است. "...جابر بن عبداللّه انصاری از رسول خدا (ص) پرسید: "وللقآئم من ولدک غیبة؟ قال: إی وربّی. ثمّ قرأ هذه الآیة: {وَلِیَمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَیَمْحَقَ الکافِرِینَ"؛ "}آیا برای قائم {پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۱۴۱. پاورقی} {پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۸ ؛ کمال‌الدین، ص ۲۸۷. پاورقی} از اولاد تو غیبت است؟ فرمود: آری به خدا سوگند. آن گاه این آیه را قرائت نمود: {وَلِیَمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَیَمْحَقَ الکافِرِینَ"}.

به حدیث": اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی "چگونه پاسخ می‌گویید؟

پرسش

به حدیث": اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی "چگونه پاسخ می‌گویید؟

پاسخ

۱ - بسیاری از صحابه که احادیث مهدویت را از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند مهدیّ را از ذرّیه رسول خدا (ص) می‌دانند. ۲ - این حدیث مورد اعراض علمای حدیث ومتکلّمین بوده وهیچ کسی به آن استناد نکرده است. ۳ - خود ابن ماجه در سنن خود حدیث" المهدیّ حقّ وهو من ولد فاطمة "را نیز نقل کرده است. {پاورقی . همان، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶. پاورقی} ۴ - ابن قیم جوزیه این حدیث را در" المنارالمنیف "نقل کرده وبه طور مبسوط آن را تضعیف نموده است. حاکم نیشابوری نیز که این حدیث را نقل کرده از روی {پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۰، ح ۳۲۵. پاورقی} تعجب بوده نه آنکه به جهت مطابقتش با شروط شیخین آن را نقل کرده باشد. {پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۱. پاورقی} ذهبی می‌گوید...": حدیث (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) خبری است منکر که ابن ماجه آن را نقل کرده است. {"پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵، رقم ۲۰۲، ترجمه محمّد بن خالد جندی. پاورقی} قرطبی می‌گوید": حدیث -ولا- مهدی الاّ عیسی بن مریم- معارض با احادیث این باب است. آن گاه می‌گوید: احادیثی که نصّ بر خروج مهدی از عترت پیامبر واز اولاد فاطمه: است ثابت بوده واصحّ از این حدیث است، پس حکم، مطابق احادیث خروج مهدی از اولاد فاطمه است نه احادیث دیگر. {"پاورقی . التذکرة، قرطبی، ج ۲، ص ۷۰۱. پاورقی} ۵ - این حدیث را طبرانی نیز با سند خود از ابی‌امامه نقل کرده ولی در متن آن جمله (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) نیامده است. {پاورقی . المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۷۷۵۷. پاورقی} ۶ - روایات خروج مهدی از اولاد فاطمه: متواتر است، وهمان گونه که در جای

خود اشاره شد عده زیادی به تواتر آن تصریح کرده‌اند، ولی حدیث (ولامهدی الاّ عیسی بن مریم) بر فرض صحّت سند، خبر واحد است، وهنگام تعارض، خبر متواتر مقدم است. ونیز مشهور بین مسلمین در طول تاریخ اسلام، ظهور شخصی از اهل بیت رسول خدا (ص) واز اولاد فاطمه: است، این شهرت می‌تواند مرجّح احادیث مهدویت اسلامی باشد. ابوالفیض غماری نیز درصدد پاسخ به حدیث فوق برآمده وبا هشت اشکال به آن پاسخ گفته است. {پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۵۳۸. پاورقی}

به حدیث": اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی "چگونه پاسخ می‌گویید؟

پرسش

به حدیث": اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی "چگونه پاسخ می گویید؟

پاسخ

غالب علمای اهل سنّت معتقدند بر اینکه نام پدر حضرت مهدی (ع) عبداللّه است، واین به جهت روایتی است که ابوداوود در سنن خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": اسمه اسمی واسم ابیه اسمی"؛ "نام مهدی همنام من ونام پدرش همنام پدر من{پاورقی . سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۴۲۸۲. پاورقی} است ".واین با اعتقاد علمای امامیه سازگاری ندارد؛ زیرا آنان امام زمان حضرت مهدی (ع) را فرزند امام حسن عسکری (ع) می‌دانند. پاسخ: ۱ - این مضمون در صحیح ترمذی وسنن ابن‌ماجه وکتاب‌های ابونعیم که در مورد امام زمان (ع) تألیف شده ونیز در مسند احمد بن حنبل آمده ولی هرگز این ذیل (اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی) در آنها وجود ندارد. ونیز در روایات اهل بیت: چنین تعبیری وجود ندارد. ۲ - احتمال زیادی داده می‌شود که روایت فوق با ذیلش از مجعولات وموضوعات عبّاسیان باشد، زیرا شکی نیست که دولت عباسی برای تأیید سلطنت خود وتشویق مردم به بیعت با محمّد بن عباس ملقّب به مهدی عباسی، سومین خلیفه دولت عباسی دست به هر کاری از جمله جعل حدیث ونسبت آن به رسول خدا (ص) زدند. منصور عباسی که عبداللّه نام داشت فرزندش محمّد را به عنوان خلیفه وجانشین خود تعیین نمود ومردم را تشویق به بیعت با او کرد. او برای ترغیب بیشتر مردم به این کار لقب فرزندش را مهدی گذاشت، تا مردم به گمان اینکه او مهدی منتظر وموعود است با او بیعت کنند، ولی از آنجا که اسم خودش عبداللّه بود دستور داد تا حدیثی جعل کرده ودر آن اسم پدر مهدی امّت را عبداللّه معرفی کنند. {پاورقی . ر.ک: مجموعه آثار، شهید مطهری؛، ج ۱۸، ص ۱۷۳Ù۱۷۴ ؛ الاغانی، ج ۱۲، ص ۸۱. پاورقی}

به حدیث": المهدی من ولد الحسن "چگونه پاسخ می‌گویید؟

پرسش

به حدیث": المهدی من ولد الحسن "چگونه پاسخ می گویید؟

پاسخ

۱ - این مضمون در صحیح ترمذی وسنن ابن‌ماجه وکتاب‌های ابونعیم که در مورد امام زمان (ع) تألیف شده ونیز در مسند احمد بن حنبل آمده ولی هرگز این ذیل (اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی) در آنها وجود ندارد. ونیز در روایات اهل بیت: چنین تعبیری وجود

www.noorfatemah.org

ندارد. ۲ – احتمال زیادی داده می‌شود که روایت فوق با ذیلش از مجعولات وموضوعات عبّاسیان باشد، زیرا شکی نیست که دولت عباسی برای تأیید سلطنت خود وتشویق مردم به بیعت با محمّد بن عباس ملقّب به مهدی عباسی، سومین خلیفه دولت عباسی دست به هر کاری از جمله جعل حدیث ونسبت آن به رسول خدا (ص) زدند. منصور عباسی که عبداللّه نام داشت فرزندش محمّد را به عنوان خلیفه وجانشین خود تعیین نمود ومردم را تشویق به بیعت با او کرد. او برای ترغیب بیشتر مردم به این کار لقب فرزندش را مهدی گذاشت، تا مردم به گمان اینکه او مهدی منتظر وموعود است با او بیعت کنند، ولی از آنجا که اسم خودش عبداللّه بود دستور داد تا حدیثی جعل کرده ودر آن اسم پدر مهدی امّت را عبداللّه معرفی کنند. {پاورقی . ر.ک: مجموعه آثار، شهید مطهری؛ ج ۱۸، ص ۱۷۳Ù۱۷۴ ؛ الاغانی، ج ۱۲، ص ۸۱. پاورقی}

به حدیث": المهدی من ولد الحسن "چگونه پاسخ می‌گویید؟

پرسش

به حدیث": المهدی من ولد الحسن "چگونه پاسخ می گویید؟

پاسخ

ابوداوود در سنن خود از ابی‌اسحاق نقل می کند که علی (ع) به فرزندش حسن (ع) نظر کرده وفرمود": همانا این فرزندم آقاست همان گونه که پیامبر او را آقا نامید، وزود است که از صلب او مردی خروج کند که هم نام پیامبر شماست. {"پاورقی . سنن ابن داوود، ج ۲، ص ۳۱۱، ح ۴۲۹۰. پاورقی} پاسخ: ۱ – در مقابل این حدیث دهها روایت دیگر وجود دارد که دلالت دارد بر اینکه مهدی از اولاد ونسل امام حسین (ع) است. ۲ – به یک معنا مهدی از ذریه امام حسن (ع) نیز هست، زیرا مادر امام باقر (ع) فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) است ولذا با جمع بین دو دسته روایات، حضرت مهدی (ع) هم حسنی وهم حسینی است. ودر حدیثی پیامبر (ص) فرمود": از این دو –حسن وحسین– مهدی امت است. {"پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵. پاورقی} ۳ – صاحب کتاب" عقد الدرر "همین حدیث را نقل کرده ولی در آن آمده که امام علی (ع) به فرزندش حسین (ع) نظر کرد... ونیز در صحیح ترمذی وسنن نسائی وسنن بیهقی این گونه آمده است. خصوصاً که احتمال تصحیف و جابجایی نیز داده {پاورقی . عقد الدرر، ص ۴۵، باب ۱. پاورقی} می‌شود. ۴ – این نکته قابل توجه است که سادات حسنی به رهبری محمّد بن عبداللّه حسنی که با او در منطقه ابواء بیعت شد بی‌تأثیر در پیدایش این گونه احادیث نبوده‌اند. واز آنجا که سادات حسنی درصدد شورش وقیام بر علیه دولت بنی‌امیه بوده‌اند احتیاج به پشتوانه معنوی داشتند، لذا از روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر وارد شده، بهره‌برداری سیاسی کرده وآن را بر عبداللّه بن حسن منطبق کردند. آنان با جعل روایتی ونسبت آن به پیامبر (ص) مهدی را از نسل امام حسن مجتبی (ع) معرفی کردند. {پاورقی . ر.ک: مجموعه آثار، شهید مطهری؛ ج ۱۸، ص ۱۷۳. پاورقی} موضوع: ملاقات با امام مهدی علیه السلام در غیبت کبرا

آیا جمله" کما ملئت ظلماً وجوراً "با صالح بودن مردم منافات دارد؟

پرسش

آیا جمله" کما ملئت ظلماً وجوراً "با صالح بودن مردم منافات دارد؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق می گوییم: اولاً: در بیشتر روایات جمله "کما ملئت "...به کار رفته نه" بعد ما ملئت، "واین جمله در حقیقت تشبیه حکومت پر از عدل است به حکومتی پر از ظلم، یعنی چگونه حکومتی پر از ظلم می‌شود، همان گونه که حکومت حضرت پر از عدل خواهد بود. ثانیاً: گسترش ظلم وتعدی وتجاوز، به نحو سببیت برای ظهور در این روایات ذکر نشده است، بلکه به عنوان شرط مقارن ظهور است. ثالثاً: در این روایات خبر از واقعیتی خارجی هنگام ظهور می‌دهد، نه اینکه مردم را تشویق به ظلم کند تا با گسترش آن، حضرت ظهور کند، بلکه ما وظیفه داریم گسترش دهنده عدالت، یعنی همان چیزی باشیم که حضرت به جهت آن ظهور می کند ودر این امر بزرگ سهیم شویم.

روایات ائمه اطهار

روایات درمورد غیبت امام

نمونه ای از روایات اهل بیت (ع) درباره غیبت حضرت مهدی (عج) را بیان کنید ؟

پرسش

نمونه ای از روایات اهل بیت (ع) درباره غیبت حضرت مهدی (عج) را بیان کنید ؟

پاسخ

۱ – عبدالعظیم حسنی (ع) از حضرت امام محمد تقی (ع) از پدرانش از علی (ع) نقل کرد . که حضرت فرمودند :قائم ما غیبتی دراز مدت دارد گویا شیعیان را می بینیم که در زمان غیبت او همانندحیوان گرسنه ای که دنبال چراگاه می گردد , در جستجوی اویند ولی او را نمی یابند . آگاه باشید که هر کس از ایشان که بر دینش ثابت بماند و در اثر طول غیبت امامش ,دچار قساوت قلب نگردد در روز قیامت با من در درجه من خواهد بود . سپس فرمود : هنگامی که قائم ما قیام کند , بیعتی از هیچکس بر گردن او نخواهدبود (و هیچ حاکم ستمگری تسلطی بر او نخواهد داشت) و بدین منظور مخفیانه متولدمی شود و از چشم مردم غایب می گردد . (منتخب الاثر , ص ۲۵۵) ۲ – اثر حضرت سجاد (ع) روایت شده که فرمودند : قائم ما دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است و تنها کسانی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشند , برامامت او ثابت می مانند . (منتخب الاثر , ص ۲۵۱)

آیا امام علی‌علیه‌السلام به غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام اشاره کرده است؟

پرسش

آیا امام علی‌علیه‌السلام به غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام اشاره کرده است؟

پاسخ

آری، در بسیاری از روایات به آن اشاره نموده است از جمله؛ صدوق در حدیثی به سند خود از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که فرمود": للقآئم منّا غیبهٔ أمرها طویل کأنّی بالشیعهٔ یجولون جولان النعم فی غیبته یطلبون المرعی فلایجدونه ألا فمن ثبت منهم علی دینه ولم‌یقس قلبه لطول أمد غیبهٔ إمامه فهو معی فی درجتی یوم القیامهٔ؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۰۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ح ۱. پاورقی"} برای قائم از ما غیبتی است که زمان ومدّت آن طولانی خواهد بود. گویا شیعه را می‌بینم که به مانند گوسفندان متحیّر وسرگردان به دنبال چراگاه می گردد ولی آن را نمی‌یابد. آگاه باشید! هرکس که در آن زمان بر دین خود ثابت قدم باشد وقلبش به جهت طولانی شدن مدت غیبت سخت نشود، او با من ودر مرتبه من در روز قیامت خواهد بود".

آیا امام حسن‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام حسن‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

شیخ صدوق؛ به سند خود در حدیثی نقل می کند که امام حسن مجتبی (ع) بعد از مصالحه با معاویه واعتراض برخی به آن حضرت در این جهت فرمود": ویحکم ما تدرون ما عملت، واللّه الّذی عملت خیر لشیعتی مما طلعت علیه الشمس أوغربت، ألا تعلمون أنّی إمامکم مفترض الطاعهٔ علیکم وأحد سیّدی شباب أهل الجنّهٔ بنصّ رسول اللّه (ص) علَیّ؟ قالوا: بلی. قال: أما علمتم أنّ الخضر (ع) لمّا خرق السفینهٔ وأقام الجدار وقتل الغلام کان ذلک سخطاً لموسی بن عمران (ع) إذا خفی علیه وجه الحکمهٔ فی ذلک وکان ذلک عند اللّه تعالی ذکره حکمهٔ وصواباً. أما علمتم أنّه ما منّا أحد إلّا ویقع فی عنقه بیعهٔ لطاغیهٔ زمانه إلّا القآئم الّذی یصلّی روح اللّه عیسی بن مریم (ع) خلفه فإنّ اللّه عزّوجلّ یخفی ولادته ویغیب شخصه لئلّا یکون لأحد فی عنقه بیعهٔ. إذا خرج ذلک التاسع من ولد أخی الحسین بن سیّدهٔ الإماء یطیل اللّه عمره فی غیبته ثمّ یظهره بقدرته فی صورهٔ شآبّ دون أربعین سنهٔ ذلک لیعلم أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر؛ {".پاورقی . کمال الدین، ص ۳۱۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱. پاورقی"} وای بر شما! نمی‌دانید که من چه کردم؟ به خدا سوگند آنچه را من انجام دادم برای شیعیانم از آنچه خورشید بر او طلوع وغروب کرده بهتر است. آیا نمی‌دانید که من امام شما هستم که اطاعتم بر شما واجب است؟آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خدا (ص) نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: آیا نمی‌دانید خضر (ع) هنگامی که کشتی را سوراخ ودیوار را بر پا وغلام را کشت، مورد غضب موسی بن عمران قرار گرفت، به جهت آنکه حکمت آن را نمی‌دانست؟ ولی این امر نزد خداوند متعال مطابق حکمت وصواب بود. آیا نمی‌دانید که هر یک از ما بر گردن خود بیعت طاغوت زمان خود را داریم، جز قائمی که عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز می گزارد. خداوند عزّوجلّ ولادت او را مخفی خواهد نمود، وشخصش را غایب خواهد کرد تا آنکه بر گردن او از جانب هیچ کس هنگام خروج بیعت نباشد. او نهمین از اولاد برادرم حسین وفرزند بهترین زنان است. خداوند عمر او را در غیبتش طولانی خواهد گرداند، آن گاه

او را به قدرت خود در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر خواهد نمود، تا دانسته شود که خداوند بر هر کاری قدرتمند است".

آیا امام حسین‌علیه‌السلام از غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام حسین‌علیه‌السلام از غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق به سند خود از امام حسین (ع) نقل کرده که فرمود": فی التاسع من ولدی سنّهٔ من یوسف وسنّهٔ من موسی بن عمران (ع) وهو قآئمنا أهل البیت یصلح اللّه تبارک وتعالی أمره فی لیلهٔ واحدهٔ؛ {"پاورقی . کمال الدین، ص ۳۱۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲Ù۱۳۳، ح ۲. پاورقی"} در نهمین از فرزندانم سنتی از یوسف وسنتی از موسی بن عمران است. واو قائم ما اهل بیت می‌باشد که خداوند تبارک وتعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود ".ونیز از امام حسین (ع) نقل کرده که فرمود": قآئم هذه الأمّهٔ هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبهٔ؛ {"پاورقی . همان، ص ۳۱۷ ؛ بحارالأنوار ح ۳. پاورقی..."} قائم این امت همان نهمین از اولاد من است، واو صاحب غیبتی‌باشد. "...ونیز فرمود... ": له غیبهٔ یرتدّ فیها أقوام ویثبت علی الدین فیها آخرون؛ {"...پاورقی . همان، بحارالانوار، ح ۴. پاورقی..."} برای او غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شده وگروهی دیگر بر دین ثابت خواهند بود."...

آیا امام سجادعلیه‌السلام از غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام سجادعلیه‌السلام از غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

شیخ صدوق؛ به سندش از امام زین العابدین (ع) نقل کرده که فرمود": تمتدّ الغیبهٔ بولیّ اللّه الثانی‌عشر من أوصیآء رسول اللّه والأئمّهٔ بعده:. یا أباخالد! إنّ أهل زمان غیبته القآئلین بإمامته والمنتظرین لظهوره أفضل من أهل کلّ زمان، لأنّ اللّه تبارک وتعالی أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفهٔ ما صارت به الغیبهٔ عندهم بمنزلهٔ المشاهدهٔ؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۱۹ ؛ بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶. پاورقی"} آن گاه غیبت به ولی خدای عزّوجلّ دوازدهمین از اوصیای رسول خدا وامامان بعد از او امتداد می‌یابد. ای ابا خالد! همانا اهل زمان غیبت او که به امامتش قائلند ومنتظر ظهور او می‌باشند افضل از اهل هر زمان هستند، زیرا خداوند تبارک وتعالی به آنها چنان عقل وفهم ومعرفتی داده که غیبت نزد آنان به منزله حضور ومشاهده است."...

آیا امام باقرعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام باقرعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سند خود از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود": یأتی علی الناس زمان یغیب عنهم إمامهم. فیا طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلک الزمان. إنّ أدنی ما یکون لهم من الثواب أن یناديهم البارئ جلّ جلاله فیقول عبادی وإمائی آمنتم بسرّی وصدقتم بغیبی، فأبشروا بحسن الثواب منّی؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶. پاورقی"} زمانی بر مردم بیاید که امامشان از آنها غایب گردد. پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما در آن زمان ثابت قدم باشند. همانا کمترین ثوابی که برای آنها در نظر گرفته شده این است که خداوند باری جلّ جلاله می‌فرماید: ای بنده‌ها وکنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید، وغیب مرا تصدیق کردید، بشارت باد شما را به حسن ثواب از جانب من."...

آیا امام صادق‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام صادق‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

امام صادق (ع) در حدیثی فرمود": الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه؛ {"پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۴. پاورقی"} پنجمین از اولاد هفتمین، کسی است که شخصش از شما غایب خواهد شد ".ونیز فرمود": أما واللّه لیغیبنّ عنکم مهدیّکم حتی یقول الجاهل منکم ما للّه فی آل محمد حاجة"؛ "آگاه باشید! به خدا سوگند! که مهدی شما از بین شما غایب خواهد شد تا اینکه {پاورقی . همان، ص ۳۴۱، بحارالأنوار، ص ۱۴۵، ح ۱۲. پاورقی} جاهل از شما می‌گوید: خداوند احتیاجی به آل محمّد ندارد. "...ونیز فرمود": إنّ الغیبة ستقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الأئمّة الهداة بعد رسول اللّه (ص)، أوّلهم أمیرالمؤمنین علیّ بن أبی‌طالب وآخرهم القآئم بالحقّ بقیّة اللّه فی الأرض؛ {" ...پاورقی . همان، بحارالأنوار، ح ۱۳. پاورقی..."} همانا غیبت در ششمین از فرزندانم واقع خواهد شد. واو دوازدهمین از امامان هدایت بعد از رسول خداست که اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، وآخر آنها قائم به حقّ، بقیة اللّه در روی زمین است. "...ونیز فرمود": إنّ للقآئم غیبة قبل أن یقوم"؛ "همانا برای قائم غیبتی قبل از قیام است {".پاورقی . همان، ص ۳۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰. پاورقی}

آیا امام کاظم‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام کاظم‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

امام کاظم (ع) فرمود": إذا فقد الخامس من ولد السابع فاللّه اللّه فی أدیانکم لایزیلنّکم أحد عنها، یا بنیّ! إنّه لابدّ لصاحب هذا الأمر من غیبة؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۹ـ۳۶۰ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲. پاورقی"} هنگامی که پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شد پس خدا را خدا را در ادیانتان، کسی شما را از آن جدا نکند، ای فرزندم! همانا به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است. "...یونس بن عبدالرحمن می گوید: من بر موسی بن جعفر (ع) وارد شدم وعرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق می‌باشید؟ فرمود": أنا القآئم بالحقّ ولکنّ القآئم الّذی یطهّر الأرض من أعدآء اللّه عزّوجلّ ویملأها عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً هو الخامس من ولدی له غیبة یطول أمدها خوفاً علی نفسه؛ {"...پاورقی . همان، ص ۳۶۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶. پاورقی"} من قائم به حقّم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خداوند عزّوجلّ پاک کرده وآن را پر از عدالت خواهد نمود آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد همان پنجمین نفر از اولاد من است. برای او غیبتی طولانی است زیرا بر جان او خطر است."... ونیز در بیان قول خداوند متعال {وَأَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَباطِنَةً} {پاورقی . سوره لقمان، آیه ۲۰. پاورقی} فرمود": النعمة الظاهرة الإمام الظاهر والباطنة الإمام الغآئب. فقلت له: ویکون فی الأئمّة من یغیب؟ قال: نعم، یغیب عن أبصار الناس شخصه ولایغیب عن قلوب المؤمنین ذکره وهو الثانی عشر منّا؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۶۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۲. پاورقی"} نعمت ظاهر امام ظاهر ونعمت باطن امام غایب است. راوی می گوید: به حضرت عرض کردم: آیا در میان ائمه کسی غایب می‌شود؟ فرمود: آری شخصش از چشمان مردم غایب می گردد، ولی از قلوب مؤمنان غایب نمی گردد، واو دوازدهمین از ما می‌باشد."...

آیا امام رضاعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام رضاعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سندش از امام رضا (ع) نقل کرده که فرمود": الرابع من ولدی ابن سیّدة الإماء یطهّر اللّه به الأرض من کلّ جور ویقدّسها من کلّ ظلم، وهو الّذی یشکّ الناس فی ولادته وهو صاحب الغیبة قبل خروجه..."؛ "...چهارمین از اولاد من، که فرزند بهترین زنان است، {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹. پاورقی} خداوند به واسطه او زمین را از هر ظلمی پاک وپیراسته خواهد نمود، واو کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد، واوست صاحب غیبت قبل از خروجش."... ونیز به دعبل فرمود... ": یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی وبعد محمد ابنه علی وبعد علیّ ابنه الحسن وبعد الحسن ابنه الحجّة المنتظر

فی غیبته..."؛ "...ای دعبل! امام بعد از من محمّد فرزند من است. وبعد از محمّد، فرزندش علی وبعد از علی، فرزندش حسن وبعد از حسن فرزندش حجّت قائم است. کسی که در غیبتش به انتظار او می‌نشیند. {"...پاورقی . همان، ص ۳۷۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴، ح ۴. پاورقی}

آیا امام جوادعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام جوادعلیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

عبدالعظیم حسنی (ع) می گوید: من بر آقایم محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب: وارد شدم به قصد اینکه از او درباره قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا دیگری، حضرت ابتدائاً فرمود..."یا أباالقاسم! إنّ القآئم منّا هو المهدیّ الّذی یجب أن ینتظر فی غیبته ویطاع فی ظهوره وهو الثالث من ولدی؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱. پاورقی"} ای اباالقاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است در غیبتش انتظار او را کشیده وهنگام ظهورش از او اطاعت شود، واو سومین از اولاد من است. "...صقر بن ابی‌دلف می گوید: به امام جواد (ع) عرض کردم: چرا قائم را منتظر خوانند؟ فرمود..."لأنّ له غیبة تکثر آیامها ویطول أمدها فینتظر خروجه المخلصون وینکره المرتابون؛"... {پاورقی . همان، ص ۳۷۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴. پاورقی"} زیرا برای او غیبتی است که روزهایش زیاد ومدّتش طولانی خواهد بود. مخلصین در انتظار خروج او به سر خواهند برد، وشک‌کنندگان، او را انکار خواهند کرد."...

آیا امام هادی‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام هادی‌علیه‌السلام از غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سندش از ابی هاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می‌کند که از ابوالحسن (امام هادی (ع)) شنیدم که می‌فرمود..."ومن بعدی الحسن ابنی فکیف للنّاس بالخلف من بعده؟ قال: فقلت: وکیف ذاک یا مولای؟! قال: لأنّه لایری شخصه ولایحلّ ذکره باسمه؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۹ù۳۸۰ ؛ اعلام الوری، ص ۴۳۷ù۴۳۸. پاورقی"} جانشین بعد از من فرزندم حسن است، پس چگونه است شما را به خلف بعد از خلف؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدایت گرداند؟ حضرت فرمود: زیرا شخصش دیده نمی‌شود وحلال نیست که نامش برده شود."...

آیا امام عسکری‌علیه‌السلام برای غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام

اشاره

زمینه‌سازی نموده است؟

پرسش

آیا امام عسکری‌علیه‌السلام برای غیبت فرزندش مهدی‌علیه‌السلام زمینه‌سازی نموده است؟

پاسخ

فعّالیت‌های امام عسکری (ع) را در این زمینه می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: ۱ - تعلیمات وبیانات امام عسکری (ع) در حدیث مبسوطی به احمد بن اسحاق فرمود... ": یا أحمد بن إسحاق! مثله فی هذه الأمّة مثل الخضر (ع) ومثله مثل ذی‌القرنین، واللّه لیغیبنّ غیبة لاینجو فیها من الحرکة إلّا من ثبّته اللّه عزّوجلّ علی القول بإمامته، ووفّقه فیها الدعآء بتعجیل فرجه؛{"...پاورقی . کمال‌الدین، ص ۳۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳ù۲۴، ح ۱۶. پاورقی..."} ای احمد بن اسحاق! مَثل او در این امّت مَثل خضر (ع) ومثلش مثل ذی‌القرنین است. به خدا سوگند! هر آینه غیبتی خواهد نمود که تنها کسانی که خداوند آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده، وبه دعا بر تعجیل فرجش موفق ساخته، هلاک نخواهند شد. "...ونیز فرمود... ": أما أنّ لولدی غیبة یرتاب فیها النّاس إلّا من عصمه اللّه عزّوجلّ..."؛ "آگاه{پاورقی . همان، ص ۴۰۹ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶. پاورقی} باشید! همانا برای فرزندم غیبتی خواهد بود که در آن مردم شک خواهند کرد جز کسانی که خداوند عزّوجلّ آنها را حفظ کرده باشد ".۲ - کم کردن ارتباطات خود با شیعیان مسعودی می‌گوید": هنگامی که امر امامت به او رسید با خواص خود وغیر خواص از پشت پرده سخن می‌گفت، مگر در اوقاتی که او را به خانه سلطان می‌بردند. "لذا شیعیان حضرت برای ملاقات با او در راه می‌نشستند تا در آن اوقات{پاورقی . اثبات الوصیة، ص ۲۸۶. پاورقی} حضرت را ملاقات کنند. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۰، ح ۶۳ وص ۲۹۳، ح ۶۷. پاورقی} ۳ - اتخاذ نظام وکالت گر چه امام عسکری (ع) اولین کسی نبود که به نظام وکالت رو آورد، ولی در زمان آن حضرت برای زمینه سازی غیبت فرزندش مهدی (ع) آن را توسعه داد. ولذا در این راستا عثمان بن سعید وفرزندش را به عنوان وکیل مورد اعتماد وثقه خود معرفی فرمود... ": وأشهدوا علی أنّ عثمان بن سعید العَمْری وکیلی وأنّ ابنه محمد وکیل ابنی مهدیّکم؛{"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴، ح ۱. پاورقی"} وشهادت دهید بر اینکه عثمان بن سعید عَمْری وکیل من است وهمانا فرزند او محمد وکیل فرزند من، مهدی شماست ".ونیز از وکلای او محمّد بن احمد بن جعفر وجعفر بن صیقل است. {پاورقی . همان، ج ۵۰، ص ۳۰۹ù۳۱۰، ح ۹. پاورقی} ۴ - قربانی کردن برای فرزندش صدوق به سندش از ابی‌جعفر عَمْری نقل کرده که فرمود: هنگامی که آقا متولد شد، ابومحمّد (عسکری) فرمود": ابعثوا إلی أبی‌عمرو، فبعث إلیه فصار إلیه، فقال: اِشترِ عشرة آلاف رطل خبزاً وعشرة آلاف رطل لحماً وفرّقه -أحسبه قال:- علی بنی‌هاشم، وعقّ عنه بکذا وکذا شاة"؛ "کسی را نزد ابوعمروبفرستید. کسی را فرستادند. هنگامی که آمد، حضرت به او{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۹. پاورقی} فرمود": ده‌هزار پیمانه نان وده هزار پیمانه گوشت بخر وبه گمانم فرمود آن را بین بنی‌هاشم تقسیم کن. واز طرف او فلان تعداد گوسفند عقیقه کن ".ونیز در نامه‌ای به

www.noorfatemah.org

خواصّ خود در قم دستور داد که از طرف فرزندش عقیقه کرده وبه مردم گوشزد کنند که این عقیقه به مناسبت ولادت مولود جدید امام عسکری (ع) محمّد است. ونیز به خواص خود در بغداد وسامرا نیز چنین نوشت. ۵ - ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان امام عسکری (ع) برای تثبیت قلوب شیعیان نسبت به ولادت وامامت فرزندش مهدی (ع) او را به تعداد بسیاری از یارانش نشان داد. آنها نیز از آن فرزند معجزاتی مشاهده کردند که موجب یقین به امامت او شد، که از آن جمله می‌توان به احمد بن اسحاق اشعری اشاره نمود. {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳Ù۲۴، ح ۱۶. پاورقی}

روایات در مورد ولادت امام

آیا روایات ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ضعیف است؟

پرسش

آیا روایات ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ضعیف است؟

پاسخ

۱ - آنچه از قدمای محدثین امامیه می‌دانیم آن است که آنان نهایت سعی وکوشش واحتیاط خود را در جمع ونقل احادیث در کتب خود داشته‌اند، که از آن جمله کلینی؛ است. او نزد اهل فن حدیث، معروف به دقت نظر واحتیاط در نقل اخبار است. ونیز می‌دانیم که بزرگانی امثال شیخ طوسی؛ چه اهتمام وافری به شناخت شیوخ روایی خود داشته‌اند. شخصی مثل شیخ صدوق؛ عادتاً شیوخ خود را می‌شناخته ونیز از حالات آنان از ایمان وعدالت آگاهی داشته است، واز کسی که او را نمی‌شناخته روایت نقل نمی‌کرده است. ۲ - ما اطمینان داریم که این بزرگان به صحت این گونه روایات که در باب امامت ومهدویت وارد شده اطمینان کامل داشته‌اند، ویا لااقلّ به جهت برخی قرائن معتبر که همراه آنها بوده وموجب جبران ضعف برخی از آنها می‌شده، آنها را با اطمینان کامل نقل می‌کردند. وگرنه جای این سؤال باقی است که امثال شیخ صدوق وطوسی ودیگران چه اهدافی غیر از احتجاج واستدلال به آنها، داشته‌اند. مگر این نیست که شیخ صدوق کتابش را برای رفع حیرت در امر حضرت مهدی (ع) نوشته است؟ ۳ - تمام یا بیشتر اصول ومنابع اصلی احادیث مهدویت که در سه قرن اوّل نوشته شده به دست شیخ صدوق، طوسی ونعمانی رسیده واز خود به آن کتاب‌ها استناد داشته‌اند، ولذا به آن روایات استدلال می‌نمودند. ۴ - گرچه تقسیم حدیث به چهار قسم از اصطلاحات متأخرین است ولی قدمای محدثین از آن جمله شیخ طوسی؛ روش خاصی در قبول خبر داشته‌اند. شیخ بهایی بعد از تقسیم حدیث به چهار قسم معروف، می‌گوید": این اصطلاح نزد قدما معروف نبوده بلکه آنان حدیث صحیح را به حدیثی اطلاق می‌کردند که مقرون به قرائن مورد وثوق واطمینان باشد. واین قرائن انواعی دارد: الف . وجود حدیث در اصول ۴۰۰ گانه حدیثی که نزد راویان مشهور بوده است. ب . تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر از این اصول با سندهای متعدد ومعتبر. ج . وجود حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب ائمه ثابت واجماع اصحاب بر صدق او بوده است. د . وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه عرضه شده وآن حضرات، مصنّف آن کتب را تمجید نمودند، از قبیل کتاب: عبیداللّه بن علی حلبی که بر امام صادق (ع) عرضه شد. {پاورقی . رجال نجاشی، ص ۲۳۰. پاورقی} ه . 'وجود حدیث در کتبی که نزد قدما مورد وثوق واطمینان بوده است. {پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۹۷Ù۱۹۸. پاورقی} ۵ - علمای رجال، مجهول را بر دو نوع تقسیم کرده‌اند: الف . مجهول اصصلاحی:

وآن به کسی اطلاق می‌شود که تصریح به جهالت او از سوی رجالیون شده باشد. ب . مجهول لغوی: وآن به کسی اطلاق می‌شود که وضعیت او معلوم نیست ولذا در کتب رجال از او یادی به میان نیامده است. تنها قسم اول از جهالت است که موجب ضعف راوی است، ودر مورد دوم احتیاج به بررسی دقیق دارد که سبب مطرح نشدن او در کتب رجال چیست؟ گاه ممکن است به جهت معروف بودنش درباره او سکوت کرده‌اند. {پاورقی . الرواشح، میرداماد، ص ۶۰ù۶۱. پاورقی} ۶ – احتمالی نیز وجود دارد که بنای قدما بر تمسک به" اصالة الصدق والعدالة "باشد. یعنی اصل اولی بر صدق وعدالت راوی است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. ومقصود به آن، همان اصل عدم ویا استصحاب عدم فسق است. به همین جهت است که ما احتیاجی به اثبات عدالت –خواه به معنای ملکه یا حسن ظاهر– نداریم؛ زیرا احراز آن مستلزم تعطیل امور وتضییع بسیاری از مصالح است. کمتر کسی است که بتوان عدالت او را به اثبات رسانید. این مطلب مورد تأیید عقلا نیز هست. ۷ – برای اثبات اعتبار روایات نباید تنها اعتبار سندی را مطرح ساخت، بلکه باید به همه راه‌ها واسباب اعتبار شخص توجه کرد ودر نظر داشت که مبنای بسیاری از عالمان شیعه، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، حجیّت خبر موثوقٌ به است؛ یعنی خبری که از طرق مختلف به آن اطمینان ووثوق حاصل شود.

آیا روایات ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ضعیف است؟

پرسش

آیا روایات ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ضعیف است؟

پاسخ

برخی می گویند..."؛ مؤلّفان در مورد ولادت حضرت مهدی (ع) به هر روایتی تمسک کرده‌اند در حالی که خود به ضعف سند آنها پی برده‌اند. {"...پاورقی . تطور الفکر السیاسی، ص ۲۰۸. پاورقی} ۱ – احادیث مربوط به ولادت حضرت مهدی (ع) به جهت وجود برخی از سندهای صحیح در میان آنها کافی است که سند روایات دیگر که از ضعف برخوردارند، تقویت کند، واین مسلکی است که مورد قبول محدثین شیعه واهل سنّت واقع شده است. {پاورقی . سلسلة الاحادیث الصحیحه، ناصرالدین البانی، ج ۴، ص ۳۵۸. پاورقی} ۲ – احادیثی که درباره مسائل مسلّم اعتقادی وکلامی است از آن جهت که نزد شیعه ثابت بوده وبه تأیید قطعی عقل نیز رسیده است، راویان آن مورد جرح وتعدیل قرار نگرفته‌اند، وبه طور کلی احتیاجی به آن نبوده است، که از آن جمله می‌توان به احادیث مهدویت اشاره کرد. ۳ – احادیث ولادت حضرت مهدی (ع) که به دلالت مطابقی یا تضمنی یا التزامی دلالت بر ولادت حضرت دارد از حدّ لازم تواتر فراتر رفته است، لذا به جهت آنکه مفید یقین است احتیاج به بررسی سندی ندارد. خبر متواتر، نقل جماعت کثیری است که اتفاقشان بر دروغ، محال است. ومی‌دانیم که در خبر متواتر لازم نیست که هر یک از راویان حدیث از ثقات وعدول باشند، بلکه می‌توان از راه تراکم احتمالات به یقین رسید. ۴ – شخص متتبع بعد از ملاحظه وضع سیاسی عصر امام عسکری (ع) وقبل وبعد از آن پی می‌برد که یکی از عوامل جهالت حال راویان احادیث ولادت حضرت مهدی (ع) همان فشارهای سیاسی بوده که از طریق حاکمان ظلم وجور بر شیعیان وارد شده است، ولذا بسیاری از راویان، خود را با اسامی مستعار معرّفی می کردند تا شناخته نشوند، خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه برخی از راویان از مناطق دور به سامرا می‌آمده ودر مورد حضرت سؤال می کردند وبرای دیگران نقل می‌نمودند.

آیا حضرت علی‌علیه‌السلام از ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا حضرت علی‌علیه‌السلام از ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

اصبغ بن نباته می‌گوید": أتیت امیرالمؤمنین (ع) فوجدته متفکّراً ینکت فی الأرض، فقلت: یا أمیرالمؤمنین! ما لی أراک متفکّراً تنکت فی الأرض، أرغبةً منک فیها؟ فقال: لا واللّه ما رغبتُ فیها ولا فی الدنیا یوماً قطّ، ولکنّی فکّرتُ فی مولودٍ یکون من ظهری الحادی‌عشر من ولدی، وهو المهدیّ الّذی یملأ الأرض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً، تکون له غیبة وحیرة یضلّ فیها أقوام ویهتدی فیها آخرون"؛ "...خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسیدم، دیدم که در فکر فرورفته{پاورقی . کافی ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷ ؛ کمال الدین، ص ۲۸۹. پاورقی} وبا چوب دستی بر زمین می‌زند. عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! چه شده که شما را متفکر می‌بینم وچوب در زمین فرومی‌برید،آیا در آن رغبتی پیدا کرده‌اید؟ حضرت فرمود: نه به خدا سوگند، من حتّی یک روز به زمین ودنیا رغبت ننمودم، ولی در مولودی فکر می‌کردم که از پشت من است، او یازدهمین فرد از اولاد من است. او مهدی‌ای است که زمین را پر از عدل خواهد کرد آن گونه که از جور وظلم پر شده باشد. از برای او حیرت وغیبتی است که اقوامی در آن گمراه وگروهی نیز در آن هدایت می‌یابند."...

آیا امام حسن‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام حسن‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، در حدیثی از امام حسن مجتبی (ع) روایت شده که فرمود": الأئمّة بعد رسول اللّه (ص) اثنی عشر من صلب أخی الحسین ومنهم مهدیّ هذه الأمّة {"؛ "پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳، ح ۱. پاورقی} امامان بعد از رسول خدا (ص) دوازده نفرند، (نه نفر از آنان) از صلب برادرم حسین است، واز آنان مهدی این امت است".

آیا امام حسین‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام حسین‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سندش از امام حسین (ع) نقل کرده که فرمود": فی التاسع من ولدی سنّهٔ من یوسف وسنّهٔ من موسی بن عمران وهو قآئمنا أهل البیت یصلح اللّه تبارک وتعالی أمره فی لیلهٔ واحدهٔ؛ {"پاورقی . کمال‌الدین، ص ۳۱۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲Ù۱۳۳. پاورقی"} در نهمین از فرزندانم سنّتی از یوسف وسنتی از موسی بن عمران (ع) است. او قائم ما اهل بیت است. خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود ".ونیز از آن حضرت روایت شده که فرمود": قآئم هذه الأمّهٔ هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبهٔ وهو الّذی یقسم میراثه وهو حیّ؛ {"پاورقی . همان. پاورقی"} قائم این امت همان نهمین از فرزندان من است، واوست صاحب غیبت. واوست کسی که میراث او در حالی که زنده است تقسیم می‌شود ".عبدالرحمن بن سلیط از امام حسین (ع) نقل کرده که فرمود": ومنّا اثنی عشر مهدیّاً، أوّلهم أمیرالمؤمنین علیّ بن أبی‌طالب وآخرهم التاسع من ولدی وهو القآئم بالحقّ، یحیی اللّه به الأرض بعد موتها؛ {"...پاورقی . همان. پاورقی"} از ما دوازده مهدی است که اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب وآخر آنها نهمین از فرزندانم می‌باشد، واوست امام قائم به حق که خداوند زمین را به واسطه او بعد از هلاکتش زنده خواهد گردانی

آیا امام سجادعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام سجادعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

فرزند امام زین‌العابدین (ع) از حضرت سؤال کرد": یا أبهٔ! ولِمَ سمّیته الباقر؟ قال: فتبسّم وما رأیته یتبسّم قبل ذلک... ثم قال: یا بنیّ! إنّ الإمامهٔ فی ولده إلی أن یقوم قآئمنا (ع) فیملأها قسطاً وعدلاً، کما ملئت ظلماً وجوراً وأنّه الإمام وأبو الأئمّهٔ، معدن الحلم وموضع العلم یبقره بقراً واللّه لهو أشبه الناس برسول اللّه (ص) فقلت: فکم الأئمّهٔ بعده؟ قال: سبعهٔ ومنهم المهدیّ الّذی یقوم بالدین فی آخر الزمان؛ {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۸، ح ۳. پاورقی"} ای پدر! چرا برادرم را باقر نامیدی؟ ایشان تبسمی فرمودند که من پیش از آن چنین ندیده بودم سپس حضرت فرمود": ای فرزندم! همانا امامت در اولاد او خواهد بود تا قائم ما قیام کند وزمین را پر از عدل وداد نماید، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد واوست امام، پدر امامان، معدن حلم وموضع علم، علم را خواهد شکافت. به خدا سوگند! هر آینه او شبیه‌ترین مردم به رسول خدا (ص) است. عرض کردم: امامان بعد از او چند نفرند؟ فرمود: "هفت نفر که از میان آنها مهدی است که در آخرالزمان به دین قیام خواهد کرد".

آیا امام باقرعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام باقرعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

مسعودی در" اثبات الوصیهٔ "به سند خود از علی بن ابی‌حمزه نقل کرده که فرمود: من با ابوبصیر بودم وبا ما نیز یکی از موالیان امام باقر (ع) بود. او برای ما نقل کرد که از امام باقر (ع) شنیده که فرمود": منّا اثنی عشر محدثاً، السابع من ولدی القآئم؛ {"...پاورقی . اثبات الوصیهٔ، ص ۲۸۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۹۵، ح ۱۱. پاورقی"} از ما دوازده محدّث است، هفتمین بعد از من قائم است."...

آیا امام صادق‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام صادق‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، صدوق به سندش در حدیث مفصّلی از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود...": ستقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الأئمّهٔ الهداهٔ بعد رسول اللّه (ص)، أوّلهم أمیرالمؤمنین علیّ بن أبی‌طالب وآخرهم القآئم بالحقّ بقیّهٔ اللّه فی الأرض وصاحب الزمان ؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۴۲، ص ۷۹، ح ۸. پاورقی..."} همانا زود است که ششمین فرزند من غایب شود، واو دوازدهمین نفر از امامان هدایت‌گر بعد از رسول خدا (ص) است که اوّل آنها امیرالمؤمنین وآخر آنها قائم بحقّ بقیهٔاللّه در روی زمین وصاحب‌الزمان است. "...ونیز به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": من أقرّ بجمیع الأئمّهٔ وجحد المهدیّ کان کمن أقرّ بجمیع الأنبیآء وجحد محمّداً۹ نبوّته. فقیل له: یابن رسول اللّه! فمن المهدیّ من ولدک؟ قال: الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه ولایحلّ لکم تسمیته؛ {"پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۳، ح ۱. پاورقی"} هر کس به جمیع ائمه اقرار کند ولی مهدی را انکار کند مثل کسی است که اقرار به جمیع انبیا کرده ولی محمّد (ص) را انکار کرده است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چه کسی از فرزندان تو مهدی است؟ فرمود: پنجمین از اولاد هفتم، کسی که از شما غایب می‌شود ونام بردن او بر شما حلال نیست ".ونیز در حدیثی از ابی‌بصیر نقل می‌کند که فرمود: به امام صادق (ع) عرض کردم": ومن القآئم منکم أهل البیت؟ فقال: یا أبابصیر! هو الخامس من ولد ابنی موسی ذلک ابن سیّدهٔ الإمآء یغیب غیبهٔ یرتاب فیها المبطلون ثمّ یظهره اللّه عزّوجلّ فیفتح علی یده مشارق الأرض ومغاربها؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۴۵، ح ۳۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴. پاورقی} "ای فرزند رسول خدا! قائم از شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: ای ابابصیر! او پنجمین فرزند از اولاد فرزندم موسی است، او فرزند بهترین زنان است، غیبتی دارد که در آن اهل باطل شک خواهند کرد، آن گاه خداوند عزّوجلّ او را ظاهر کرده وبه دست او

مشرق‌ها ومغرب‌های زمین را فتح خواهد نمود."...

آیا امام کاظم‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام کاظم‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

یونس بن عبدالرحمن می گوید: بر حضرت موسی بن جعفر (ع) وارد شدم وعرض کردم": یابن رسول اللّه! أنت القآئم بالحقّ؟! قال: أنا القائم بالحقّ ولکنّ القآئم الّذی یطهّر الأرض من أعدآء اللّه ویملأها عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً، هو الخامس من ولدی، له غیبة یطول أمدها؛ {"...پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۳۳. پاورقی"} ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حقّید؟ حضرت فرمود: من قائم به حقّم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند وآن را از عدل وداد پر می‌نماید آن طوری که از جور پر شده باشد، پنجمین نفر از اولاد من است، برای او غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود. "...ونیز صدوق به سندش از حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل کرده که فرمود": إذا فقد الخامس من ولد السابع فاللّه اللّه فی أدیانکم؛ {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۹، ح ۱. پاورقی"} هر گاه که پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم غایب شد خدا را خدا را در دین‌هایتان."...

آیا امام رضاعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام رضاعلیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

حسین بن خالد در حدیثی می گوید: به امام رضا (ع) عرض شد... ": ومن القآئم منکم أهل البیت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیّدة الإمآء یطهّر اللّه به الأرض من کلّ جور، ویقدّسها من کلّ ظلم، وهو الّذی یشکّ الناس فی ولادته وهو صاحب الغیبة قبل خروجه؛" {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹. پاورقی"} قائم از شما اهل‌بیت کیست؟ حضرت فرمود": چهارمین از اولادم، فرزند بهترین زنان، خداوند به واسطه او زمین را از هر گونه ظلم وجور پاک ومقدس خواهد کرد. واوست است کسی که مردم در ولادتش او شک کنند، واو کسی است که قبل از خروجش غیبت خواهد نمود. "...دعبل خزاعی می گوید: قصیده‌ای را برای مولایم امام علی بن موسی الرضا (ع) انشاد کردم. هنگامی که به این اشعار رسیدم: خروج إمام لا محالة واقع یقوم علی اسم اللّه و البرکات یمیّز فینا کلّ حقّ و باطل و یجزی علی النّعمآء و النقمات" خروج امام به طور حتم واقع خواهد شد. او که بر اسم خدا و برکات قیام خواهد کرد. در بین ما هر حق و باطلی را تمییز خواهد داد. و بر نعمت‌ها و مصیبت‌ها جزا خواهد داد" ".بکی الرضا (ع) بکاءاً

شدیداً، ثمّ رفع رأسه إلیّ، فقال لی: یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الإمام ومتی یقوم؟ فقلت: لا یا مولای إلّا أنّی سمعت بخروج إمام منکم یطهّر الأرض من الفساد ویملأها عدلاً. فقال: یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی، وبعد محمد ابنه علیّ، وبعد علیّ ابنه الحسن، وبعد الحسن ابنه الحجّة القآئم المنتظر فی غیبته المطاع فی ظهوره؛ {"...پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۷. پاورقی"} امام رضا (ع) گریه شدیدی کرد، پس سرش را به سوی من بلند کرد آن‌گاه فرمود: ای خزاعی! روح‌القدس بر زبان تو به نطق درآمد،آیا می‌دانی که این امام کیست؟ و کی قیام می‌کند عرض کردم: خیر، ای مولای من جز آنکه شنیده‌ام که امامی از شما خروج خواهد کرد و زمین را از فساد پاک خواهد نمود و پر از عدل وداد خواهد نمود. حضرت فرمود: همانا امام بعد از من فرزندم محمّد است، وبعد از محمّد فرزندش علی، وبعد از علی فرزندش حسن، وبعد از حسن فرزندش حجت قائم است، او کسی است که در غیبتش منتظر ودر هنگام ظهورش مطاع خواهد بود."...

آیا امام جوادعلیه‌السلام از ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام جوادعلیه‌السلام از ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، در حدود ۹۰ حدیث از امام جواد (ع) اشاره به ولادت حضرت مهدی (ع) شده است. صدوق به سندش از عبدالعظیم حسنی نقل کرده که فرمود: من بر محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب: وارد شدم ومی‌خواستم تا از قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا شخص دیگر؟ حضرت در ابتدا فرمود": یا أباالقاسم! إنّ القآئم منّا هو المهدیّ الّذی یجب أن ینتظر فی غیبته ویطاع فی ظهوره وهو الثالث من ولدی؛ {"پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۷، ح ۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱. پاورقی"} ای اباالقاسم! همانا قائم از ما مهدی است که واجب است در غیبت او به انتظار نشسته شود ودر ظهورش اطاعت شود. واو سومین از اولاد من است ".صدوق؛ به سندش از صقر بن ابی‌دلف نقل کرده که از امام جواد (ع) شنیدم که می‌فرمود: "الإمام بعدی اِبنی علیّ، أمره أمری وقوله قولی وطاعته طاعتی، والإمام بعده ابنه الحسن أمره أمر أبیه وقوله قول أبیه وطاعته طاعة أبیه. ثمّ سکت فقلت له: یابن رسول اللّه! فمن الإمام بعد الحسن؟ فبکی(ع) بکآءً شدیداً، ثم قال: إنّ من بعد الحسن ابنه القآئم الحقّ المنتظر؛ {"...پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۳۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵. پاورقی"} امام بعد از من فرزندم علی است، امر او امر من وقول او قول من وطاعت او طاعت من است. وامام بعد از او فرزندش حسن است. امر او امر پدرش، وقول او قول پدرش، وطاعت او طاعت پدرش می‌باشد. آن گاه ساکت شد. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام بعد از حسن کیست؟ امام گریه شدیدی کرد، سپس فرمود: همانا بعد از حسن فرزندش قائم به حقّ منتظر است."...

آیا امام هادی‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام هادی‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

صقر بن ابی‌دلف می گوید: از امام هادی (ع) شنیدم که می‌فرمود": الإمام بعدی الحسن وبعد الحسن ابنه القآئم الّذی یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً وظلماً؛ {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۹، ح ۳. پاورقی"} امام بعد از من حسن وبعد از حسن فرزندش قائم است، کسی که زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد ".داوود بن قاسم جعفری می گوید: از امام ابوالحسن هادی (ع) شنیدم که می‌فرمود": الخلف من بعدی الحسن، فکیف بکم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولِمَ؟ جعلنی اللّه فداک! فقال: إنّکم لاترون شخصه ولایحلّ لکم ذکر اسمه؛ {"...پاورقی . کشف الغمهٔ، ج ۲، ص ۴۰۶. پاورقی} "جانشین بعد از من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را به جانشین بعد از او؟ عرض کردم: چطور؟ خداوند مرا فدای تو گرداند! فرمود: زیرا شما شخص او را نمی‌بینید ونام بردن اسم او بر شما حلال نیست."...

آیا امام عسکری‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام عسکری‌علیه‌السلام از ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، در روایات زیادی به این موضوع اشاره شده است: موسی بن جعفر بن وهب بغدادی می گوید: از امام عسکری (ع) شنیدم که می‌فرمود": کأنّی بکم وقد اختلفتم بعدی فی الخلف منّی، أما أنّ المقرّ بالأئمّهٔ بعد رسول اللّه المنکر لولدی کمن أقرّ بجمیع أنبیآء اللّه ورسله ثم أنکر بنبوّهٔ محمّد رسول اللّه (ص؛ {")...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶. پاورقی"} گویا شما را می‌بینم که بعد از من در جانشین من اختلاف خواهید نمود. آگاه باشید! همانا کسی که اقرار به امامان بعد از رسول خدا کند ولی منکر فرزندم باشد، همانند کسی است که اقرار به جمیع انبیا ورسولان داشته باشد ولی نبوت رسول خدا (ص) را انکار کند. "...عثمان بن سعید عَمْری می گوید: از امام عسکری (ع) سؤال شد در حالی که من نزد او بودم درباره روایتی که از آباء او نقل شده که زمین خالی از حجت خدا بر خلقش تا روز قیامت نخواهد بود. وهمانا کسی که بمیرد وامام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است؟ حضرت فرمود": إنّ هذا حقّ کما أنّ النهار حقّ. فقیل له: یابن رسول اللّه! فمن الحجّهٔ والإمام بعدک؟ فقال: ابنی محمّد وهو الإمام والحجّهٔ بعدی، من مات ولم‌یعرفه مات میتهٔ جاهلیهٔ؛ {"...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷. پاورقی} "این حق است، همان گونه که روز حق است. به حضرتعرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت وامام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمّد امام وحجّت بعد از من است. هرکس بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است"... احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که می‌فرمود": الحمد للّه الذی لم‌یخرجنی من الدنیا حتی أرانی الخلف من بعدی أشبه الناس برسول اللّه (ص) خَلقاً وخُلقاً؛ {"...پاورقی . کمال‌الدین، ص ۴۰۸، ح ۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۹.

پـاورقی "} سـتایش مخصوص خداونـدی است که مرا از دنیـا خـارج نکرد تا اینکه جانشـین بعـد از مرا به من نشان داد. او شبیه‌ترین مردم به رسول خدا (ص) از حیث خلقت واخلاق است."...

سایر روایات

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟

پرسش

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟

پاسخ

ایسـتادن به موقع شـنیدن نام مبارک امام زمان(عج) خصوصاً اسم مبارک" قائم "مستحب است و از وظایف شیعیان در دوران غیبت امام زمان(ع) می‌باشد.(۱) بهتر است انسان همزمان با شـنیدن نام مبارک حضرت قیام نماید ، نه زودتر ، ولی مقداری زودتر ایستادن اشـکال نـدارد، چون معلوم است که مردم به خاطر احترام به امام دوازدهم (عـج) برمی‌خیزنـد. پی نوشت: ۱ - منتهی الامـال ، ج ۲، (وظایف شیعیان در دوران غیبت) ص ۴۸۸.

آیا در زیارت (آل یاسین) ، عبارت (یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن ...) درباره زمان ظهور امام زمان (عج) است ؟

پرسش

آیا در زیارت (آل یاسین) ، عبارت (یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن ...) درباره زمان ظهور امام زمان (عج) است ؟

پاسخ

میـدانیم که اگر تـا هنگامی که زمان عمل و انتخاب و اختیار باشـد ایمان فایـده دارد آنگاه که زمان انتخاب واختیار و عمل گذشـته باشـد ایمـان فایـده نـدارد اگر ایمان واقعی و از روی صـدق و اخلاص و توبه باشـد حتی عـذاب الهی را متوقف می سازد : ((فلولا کـانت وقریه امنت فنفعها ایمانها الا قوم یونس)) ، (یونس ، آیه ۹۸) . در زیارت آل یاسـین آمده است : ((و ان رجعتکم حق لا ریب فیهـا یوم لاـ ینفع نفسـا "ایمانهـا لم تکن آمنت من قبـل او کسـبت فی ایمانهـا خیرا)) . این قسـمت اززیـارت آل یاسـین درباره رجعت است رجعت دوره ای است پس از ظهورامـام زمان (عـج) و قبل از بر پایی قیامت : ((و یوم نحشـر من کل امه فوجا "ممن یکـذب بایاتنا فهم یوزعون)) ، (نمل ، آیه ۸۳) . ظاهرا "این قسـمت از زیارت آل یاسـین میان (یوم یاتی بعض آیات ربک) در آیه ۱۵۸ سوره انعـام می باشـد : ((هـل ینظرون الا ان تاتیهم الملایکه او یاتی ربک او یاتی بعض آیات ربک یوم یاتی بعض آیات ربـک لاـ ینفع نفسـا ایمانهـا لم تکن آمنت من قبـل او کسـبت فی ایمانهـا خیرا "قل انتظروا انا منتظرون)) بنابراین : ۱- موضوع این

قسمت از زیارت آل یاسین زمان ظهور و قیام وحکومت امام زمان (عج) نیست . ۲- موضوع این قسمت از زیارت آل یاسین دوران رجعت است و زمانی است که دیگر دوران تکلیف و اختیار وانتخاب و عمل منقضی گردیده است . ۳- این قسمت از زیارت آل یاسین مصداق آیه ۱۵۸ سوره انعام می باشد و می گوید در دوران رجعت زمان انتخاب و ایمان نیست بلکه زمان جزا و پاداش است ; .

لطفاً این حدیث از امام رضا(ع) که در منتخب الاثر (صافی) آمده توضیح دهید لا یری جسمه و لا یسمی باسمه (مهدی(ع) دیده نمی شود به اسم نام برده نمی شود) همچنین حدیث مشابهی از امام علی النقی در همین مورد از کمال الدین و تمام النعمه آمده است)

پرسش

لطفاً این حدیث از امام رضا(ع) که در منتخب الاثر (صافی) آمده توضیح دهید لا یری جسمه و لا یسمی باسمه (مهدی(ع) دیده نمی شود به اسم نام برده نمی شود) همچنین حدیث مشابهی از امام علی النقی در همین مورد از کمال الدین و تمام النعمه آمده است)

پاسخ

در کتاب کافی، ج ۱، ص ۳۳۳ آمده است: سؤال شد از حضرت رضا(ع) در مورد قائم(عج) حضرت فرمودند: جسم او دیده نمی شود و به اسم نام برده نمی شود منظور از دیده نشدن جسم حضرت به رؤیت معرفت است یعنی کسی او را به عنوان حجت بن الحسن و امام زمان نمی بیند و الا ممکن است بسیاری حضرت را در زمان غیبت ببینند ولی نشناسند. و اما این که حضرت به اسم نام برده نمی شود براساس روایاتی که در این زمینه وارد شده برخی بزرگان شیعه بردن نام خاص امام زمان که همان نام پیامبر است جایز نمی دانند در برابر عده ای این امر را مخصوص به زمان غیبت صغری دانسته اند که به جهت تقیه نهی شده است از این که نام امام زمان(عج) برده شود ولی در دیگر زمان ها که تقیه نیست بلا اشکال است مؤید این سخن این که در برخی جاها از جمله دعای بعد از سلام علی آل یاسین، تصریح به اسم حضرت شده «اللهم صل علی محمد حجتک فی ارضک...» که اشاره به امام زمان(عج) است. برخی نیز به جهت احتیاط و عمل به روایات نهی از نام بردن در کتاب ها نام حضرت را به این گونه «م ح م د» می نویسند.

اینکه حضرت امام جعفر صادق(ع) پیرامون حضرت مهدی(عج) می فرماید: «اگر او را درک می کردم، تمام عمر به خدمت او می پرداختم» چه مهمی را می رساند و حضرتش چه منظوری داشته اند؟ (معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) جلد ۳، صفحه ۳۸۵).

پرسش

اینکه حضرت امام جعفر صادق(ع) پیرامون حضرت مهدی(عج) می فرماید: «اگر او را درک می کردم، تمام عمر به خدمت او می پرداختم» چه مهمی را می رساند و حضرتش چه منظوری داشته اند؟ (معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) جلد ۳، صفحه ۳۸۵).

پاسخ

روایاتی از ائمه معصومین(ع) به این مضمون وارد شده است که دو امام در یک زمان نخواهند بود مگر این که یکی ناطق است و دیگری صامت. یعنی اگر در یک عصر دو امام باشد یکی قائم به امور امامت است و دیگری دعوت کننده به همان امام است و در خدمت امام ناطق است. بنابراین شاید این سخن امام صادق(ع) بیان این واقعیت باشد که اگر حضرت در آن زمان باشند امام ناطق امام زمان خواهد بود و امام صادق در خدمت امام زمان خواهد بود. نکته دیگر این که این روایت به گونه ای اشاره به رتبه و جایگاه بلند و ممتاز امام زمان(عج) دارد.

مبنای مؤلّفان حدیثی مصادر مهدویت چه بوده است؟

پرسش

مبنای مؤلّفان حدیثی مصادر مهدویت چه بوده است؟

پاسخ

برخی می گویند: معروف نزد قدما چنین بوده که هر روایتی در مسائل تاریخی واز آن جمله موضوع مهدویت را بدون بررسی سند آن نقل می کردند. ولی بعد از آن عصر، حرکت جدیدی پدید آمد وبین روایات تمییز داده شد، تا زمانی که حرکت اصولیین پدید آمد واخبار را به دسته‌های مختلف از قبیل: صحیح، حسن، قوی وضعیف تقسیم نمودند، ولی این پیشرفت وحرکت شامل روایت‌های تاریخی که از آن جمله روایات مهدویت است، نگردید. {"...پاورقی . تطور الفکر السیاسی، ص ۲۰۹. پاورقی} پاسخ: ۱ - آنچه از قدمای محدثین امامیه می‌دانیم آن است که آنان نهایت سعی وکوشش واحتیاط خود را در جمع ونقل احادیث در کتب خود داشته‌اند، که از آن جمله کلینی؛ است. او نزد اهل فن حدیث، معروف به دقت نظر واحتیاط در نقل اخبار است. ونیز می‌دانیم که بزرگانی امثال شیخ طوسی؛ چه اهتمام وافری به شناخت شیوخ روایی خود داشته‌اند. شخصی مثل شیخ صدوق؛ عادتاً شیوخ خود را می‌شناخته ونیز از حالات آنان از ایمان وعدالت آگاهی داشته است، واز کسی که او را نمی‌شناخته روایت نقل نمی کرده است. ۲ - ما اطمینان داریم که این بزرگان به صحت این گونه روایات که در باب امامت ومهدویت وارد شده اطمینان کامل داشته‌اند، ویا لااقلّ به جهت برخی قرائن معتبر که همراه آنها بوده وموجب جبران ضعف برخی از آنها می‌شده، آنها را با اطمینان کامل نقل می کردند. وگرنه جای این سؤال باقی است که امثال شیخ صدوق وطوسی ودیگران چه اهدافی غیر از احتجاج واستدلال به آنها، داشته‌اند. مگر این نیست که شیخ صدوق کتابش را برای رفع حیرت در امر حضرت مهدی (ع) نوشته است؟ ۳ - تمام یا بیشتر اصول ومنابع اصلی احادیث مهدویت که در سه قرن اوّل نوشته شده به دست شیخ صدوق، طوسی ونعمانی رسیده واز خود به آن کتاب‌ها استناد داشته‌اند، ولذا به آن روایات استدلال می‌نمودند. ۴ - گرچه تقسیم حدیث به چهار قسم از اصطلاحات متأخرین است ولی قدمای محدثین از آن جمله شیخ طوسی؛ روش خاصی در قبول خبر داشته‌اند. شیخ بهایی بعد از تقسیم حدیث به چهار قسم معروف، می گوید": این اصطلاح نزد قدما معروف نبوده بلکه آنان حدیث صحیح را به حدیثی اطلاق می کردند که مقرون به قرائن مورد وثوق واطمینان باشد. واین قرائن انواعی دارد: الف . وجود حدیث در اصول ۴۰۰ گانه حدیثی که نزد راویان مشهور بوده است. ب . تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر از این اصول با سندهای متعدد ومعتبر. ج . وجود حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب ائمه ثابت واجماع اصحاب بر صدق او بوده است. د . وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه

عرضه شده وآن حضرات، مصنّف آن کتب را تمجید نمودند، از قبیل کتاب: عبیداللّه بن علی حلبی که بر امام صادق (ع) عرضه شد. {پاورقی . رجال نجاشی، ص ۲۳۰. پاورقی} ه . 'وجود حدیث در کتبی که نزد قدما مورد وثوق واطمینان بوده است. {پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۹۷Ù۱۹۸. پاورقی} ۵ - علمای رجال، مجهول را بر دو نوع تقسیم کرده‌اند: الف . مجهول اصصلاحی: وآن به کسی اطلاق می‌شود که تصریح به جهالت او از سوی رجالیون شده باشد. ب . مجهول لغوی: وآن به کسی اطلاق می‌شود که وضعیت او معلوم نیست ولذا در کتب رجال از او یادی به میان نیامده است. تنها قسم اول از جهالت است که موجب ضعف راوی است، ودر مورد دوم احتیاج به بررسی دقیق دارد که سبب مطرح نشدن او در کتب رجال چیست؟ گاه ممکن است به جهت معروف بودنش درباره او سکوت کرده‌اند. {پاورقی . الرواشح، میرداماد، ص ۶۰Ù۶۱. پاورقی} ۶ - احتمالی نیز وجود دارد که بنای قدما بر تمسک به" اصالة الصدق والعدالة "باشد. یعنی اصل اولی بر صدق وعدالت راوی است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. ومقصود به آن، همان اصل عدم ویا استصحاب عدم فسق است. به همین جهت است که ما احتیاجی به اثبات عدالت -خواه به معنای ملکه یا حسن ظاهر- نداریم؛ زیرا احراز آن مستلزم تعطیل امور وتضییع بسیاری از مصالح است. کمتر کسی است که بتوان عدالت او را به اثبات رسانید. این مطلب مورد تأیید عقلا نیز هست. ۷ - برای اثبات اعتبار روایات نباید تنها اعتبار سندی را مطرح ساخت، بلکه باید به همه راه‌ها واسباب اعتبار شخص توجه کرد ودر نظر داشت که مبنای بسیاری از عالمان شیعه، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، حجیّت خبر موثوقٌ به است؛ یعنی خبری که از طرق مختلف به آن اطمینان ووثوق حاصل شود.

چرا هیچ یک از امامان‌علیهم‌السلام، هویت شخصی حضرت مهدی‌علیه‌السلام

اشاره

را بیان نکرده‌اند؟

پرسش

چرا هیچ یک از امامان‌علیهم‌السلام، هویت شخصی حضرت مهدی‌علیه‌السلام را بیان نکرده‌اند؟

پاسخ

اوّلاً: تا آنجا که ممکن بود هر یک از معصومین: از حضرت رسول اکرم (ص) گرفته تا امام عسکری (ع) درصدد تشخیص هویّت حضرت مهدی (ع) برآمده‌اند، همان گونه که از روایات ذکر شده استفاده شد. ثانیاً: همان گونه که از بسیاری روایات استفاده می‌شود موقعیّت حضرت مهدی (ع) از جهت سیاسی بسیار خطیر بوده است، زیرا حاکمان ظلم وجور از آنجا که می‌دانستند او با ظلم وبی‌عدالتی در سطح گسترده مقابله می‌کند وزمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، لذا از ابتدا درصدد مقابله شدید با او برآمده بودند. به همین جهت، اهل بیت عصمت وطهارت: نیز با احتیاط تمام با نشر قضیه ولادت حضرت برخورد می‌کردند، تا از طرفی زمینه سازی اعتقاد ولادت آن حضرت رابیان کرده باشند واز طرف دیگر کاری نکنند که جان آن حضرت در خطر افتد.

آیا اخبار مهدی‌علیه‌السلام غامض وپیچیده است؟

پرسش

آیا اخبار مهدی‌علیه‌السلام غامض وپیچیده است؟

پاسخ

روایـاتی که از اهـل بیت: در مورد حضـرت مهـدی: وولادت او رسـیده، همگی حکایت از شخصـی معیّن ومحـدود دارد که متولد خواهـد شـد، وپس از مـدتی طولانی که در غیبت به سـر می‌برد ظهور خواهد کرد. لذا مشاهده می‌کنیم که هر یک از امامان به این نکته اشاره کرده‌انـد که او چنـدمین از فرزندانشان است. آنان به موضوع غیبت وانواع آن ومخفی بودن ولادت وحیرت مردم در آن نیز اشـاره نموده‌انـد. گرچه بخشـی از ابهامـات که جزئی است، مقتضای طبیعی وضع اختناق سیاسـی آن عصـر بوده است. آیا با این وضع می‌توان ادعا کرد که موضوع امام مهدی (ع) غامض بوده است.

آیا نصّ متواتر بر امامت امام زمان‌علیه‌السلام از امام عسکری‌علیه‌السلام رسیده است؟

پرسش

آیا نصّ متواتر بر امامت امام زمان‌علیه‌السلام از امام عسکری‌علیه‌السلام رسیده است؟

پاسخ

برای اثبـات امـامت امـام زمـان (ع) از راه‌های مختلف می‌توان وارد شـد وبه نتیجه قطعی ومطلوب در این مسأله رسـید. این بحث در رابطه بـا امامت همه امامان مطرح است. ۱ – همان‌گونه که اشاره شد از طریق امام عسـکری (ع) نصوص متعدی صحیح‌السند در امر امامت فرزندش رسیده است. ۲ – اگر چه در باب اصل امامت واینکه زمین هرگز از حجت خالی نیست احتیاج به ادله قطعی ویقینی اسـت ولی در بحـث اینکـه امـام بعـدی کیسـت از آن جهـت که موضـوع خـارجی است خبر واحـد صحیح‌السـند کـافی است. ۳ – همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شـد نصوص فراوان ودر حـدّ تواتر از پیامبر (ص) وهر یک از امامان: در این رابطه وارد شده است. ۴ – همان‌گونه که یکی از راه‌های اثبات نبوت، بلکه عمده‌ترین راه آن، اعجاز است در مورد اثبات امامت نیز از این راه می‌توانیم امامت هر یـک از امامان را به اثبات برسانیم، زیرا نصّ خاص از جانب امام قبل بر امام بعـد، موضوعیت نـدارد بلکه نصّ، راهی برای اثبات امامت امام بعـد است. ۵ – بر فرض اینکه نصوص وارده دربـاره برخی از ائمه خبر واحـد باشـند ولی بـا قرائن خـارجی، که این گونه روایـات به همراه دارنـد ما را به قطع واطمینان به مفاد آنها می‌رساننـد، هماننـد اقبال شـیعه واجماع اصـحاب امامیه بر امامت شـخص خـاص، با در نظر گرفتن این نکته که وضـعیت خاص سیاسـی وفشارهای شدیـدی که از ناحیه حکام بنی امیه وبنی عباس بر شـیعیان وپیروان اهل بیت وتابعان آنها وارد می‌شـد، چنین وضـعی را اقتضا داشـته است. ۶ – با بررسـی تمام جوانب موضوع، اعم از روایاتی که از امـام عسـکری (ع) در بـاب امامت فرزنـدش امام مهـدی (ع) رسـیده ونیز روایاتی که از جانب پیامبر (ص) وهر یک از امامان وارد شده ونیز معجزاتی که از حضـرت مهدی (ع) صادر شده وقرائن خارجی دیگر، پی خواهیم برد که مسأله امامت حضرت مهدی

www.noorfatemah.org

(ع) از راه تواتر قابل اثبات است.

آیا حدیث" لو أدرکته لخدمته ایام حیاتی "دلیل برتری امام زمان‌علیه‌السلام بر سایر ائمه است؟

پرسش

آیا حدیث" لو أدرکته لخدمته ایام حیاتی "دلیل برتری امام زمان‌علیه‌السلام بر سایر ائمه است؟

پاسخ

از امام صادق (ع) نقل است که در ضمن سخنانی فرمود..."": اگر من زمان او –مهدی (ع)– را درک می‌کردم در طول زندگانی‌ام به او خدمت می‌کردم."

مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی‌علیه‌السلام در یک شب چیست؟

پرسش

مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی‌علیه‌السلام در یک شب چیست؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه وسنّی، خداوند متعال امر حضرت مهدی (ع) را در یک شب اصلاح خواهد کرد؛ ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود"": خداوند عزّوجلّ امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود. "ونیز از امام حسین (ع) نقل است که فرمود: "قائم ما اهل بیت [کسی است که] خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح وآماده خواهد نمود. "ابن ماجه از امام علی (ع) نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود"": مهدی از ما اهل بیت است که خداوند (امر) او را در یک شب اصلاح وآماده خواهد نمود." {پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۷۶. پاورقی} مقصود به اصلاح امر حضرت در یک شب آن است که مقدمات نصر وپیروزی را در اسرع وقت، ودر یک شب فراهم کرده واو را مأمور به ظهور خواهد نمود. واولین اقدامی که برای او خواهد نمود اجتماع اصحاب خاص آن حضرت است. ولی چیزی که باقی می‌ماند اینکه چگونه امر حضرت در یک شب اصلاح وآماده می‌شود در حالی که مطابق روایات، گروهی همانند جیش سفیانی ودجال ودیگران به مبارزه با او خواهند پرداخت. اولاً: ممکن است مقصود از "یک شب "که در روایات آمده کنایه از سرعت اصلاح امر امام زمان (ع) باشد. ثانیاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت (ع) پیروزی در یک شب باشد. ثالثاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت، تنها مقدمه‌سازی برای اعلان ظهور باشد، گر چه پیروزی نهایی به طول انجامد. رابعاً: از آنجا که معارضه با مخالفان به سرعت وبا اعجاز انجام می‌گیرد، لذا تعبیر به یک شب شده است.

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بدین جدید "یعنی چه؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بدین جدید "یعنی چه؟

پاسخ

پاسخ اول ۱- ظاهر روایات آن است که امام زمان (ع) بعد از ظهور به علم خود در هر واقعه‌ای حکم می‌کند نه به بیّنه، بر خلاف آنچه که امامان سابق بر او انجام می‌دادند. شیخ مفید؛ در کتاب المسائل می‌گوید": امام (ع) می‌تواند به علم خود حکم کند همان طوری که به ظاهر شهادت‌ها نیز می‌تواند چنین کند وهر گاه شهادت را باطل ببیند بر علم خود حکم خواهد کرد. {"...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۱۷۷. پاورقی} علامه مجلسی؛ در" مرآة العقول "می‌فرماید": واین اختلاف در سیره اهل بیت: از قبیل نسخ نیست تا کسی اشکال کند که بعد از پیامبر نسخی نیست، بلکه یا به اعتبار تقیه در برخی موارد است ویا به جهت اختلاف اوضاع واحوال در زمان‌ها است. {"...پاورقی . مرآة العقول، ج ۴، ص ۳۰۱. پاورقی} ۲ - از آنجا که وظیفه امام زمان (ع) بعد از ظهور پر کردن زمین از عدل وداد است، لذا طبیعی است که به واقع حکم نماید تا اینکه حقوق به صاحبان اصلی‌اش باز گردد، ومقتضای آن این است که حضرت به علم خود که از جانب خدا به او الهام شده حکم نماید، واین همان حکم داوود است. ۳ - حکم حاکم به علمش، بدون اتکا بر بیّنه وقسم، نه تنها مورد اتفاق علمای شیعه است بلکه برخی از علمای اهل سنّت نیز آن را جایز شمرده‌اند. ابن قدامه می‌گوید..."؛ از احمد بنابر نقلی شنیده شده که حکم حاکم به علمش جایز است، واین قول ابویوسف وابوثور ورأی دوم شافعی واختیار مزنی است، زیرا پیامبر (ص) در موردی که ذکر می‌کند بدون بیّنه واقرار وتنها با علم به گفتار مدعی حکم صادر کرد. آن گاه می‌گوید: حاکم که به قول دو گواه حکم می‌کند به جهت غلبه بر ظن اوست، پس در مورد علم وقطع، اولی به جواز حکم است. ودیگر اینکه حاکم می‌تواند در تعدیل وجرح شهود به علم خود عمل کند، پس در ثبوت حقّ به طریق اولی می‌تواند به علم خود حکم نماید. {"پاورقی . المغنی، ج ۱۱، ص ۴۰۱. پاورقی} نتیجه اینکه: هیچ استبعادی ندارد که حضرت مهدی (ع) در قضایا به علمی که از جانب خداوند به او الهام شده حکم نماید. پاسخ دوم در بین برخی از مردم این مطلب زیاد مطرح می‌شود که حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور، دین جدیدی را عرضه می‌کند، در حالی که ما می‌دانیم مطابق نصّ قرآن، پیامبر اسلام، خاتم انبیا ودین او نیز خاتم ادیان است. با مراجعه به مصادر حدیثی پی خواهیم برد که چنین تعبیری در مجامع حدیثی وجود ندارد وتنها تعبیراتی می‌بینیم که ممکن است کسی از مجموعه آنها چنین استنباط کند که حضرت (ع) دین جدیدی را می‌آورد، لکن در جای خود هر یک از این تعبیرات را مورد بررسی قرار خواهیم داد. طبیعت هر نهضت وقیام وانقلابی، گرچه تجدید نظر کردن در برنامه‌های گذشته بوده ودرصدد پیاده کردن امری جدید است، زیرا نوآوری از ارکان هر نهضت به شمار می‌آید، ولی این بدان معنی نیست که از اصول اوّلی شریعت دست برداشته شود؛ زیرا حضرت، محیی‌الشریعه است ودرصدد احیای همان شریعت جدّ خود می‌باشد، گرچه ممکن است آن را با اسلوب جدیدی پیاده نماید. این مطالب هنگامی بیشتر روشن می‌شود که به نکات زیر توجه شود: ۱ - مطابق برخی روایات، بخشی از احکام به جهت نبود شرایط ومقتضیات در عصر معصومین بیان نشده وتنها علمش نزد اهل بیت: باقی مانده است، ودر عصر ظهور، آن احکام بیان خواهد شد. ۲ - بخشی از احکام به جهت ضایع شدن کتاب‌ها واحادیث تلف شده وبه دست ما نرسیده است که قطعاً نزد امام زمان (ع) موجود است ودر عصر ظهور آنها را بیان کرده وبه اجرا خواهد

گذاشت. ۳ – در عصر غیبت به جهت دوری از امام معصوم، علما وفقها مأمور به اخذ وظیفه از ادله‌ای هستند که غالب آنها ظنّی است ودر نتیجه، احکامی که استخراج می‌شود احکام ظاهری است نه واقعی، گر چه در عصر غیبت مأمور به عمل به آنها هستیم، ولی در عصر ظهور توسط امام زمان (ع) احکام واقعی عرضه می‌شود. ۴ – در طول تاریخ اسلام برخی از احکام کمتر به آنها عمل شده ویا اصلاً در جامعه بیان نشده است همانند گرفتن جزیه با خفّت وخواری از اهل ذمّه در ممالک اسلامی، که به طور حتم این گونه احکام در عصر ظهور به اجرا در خواهد آمد. ۵ – تا عصر ظهور دیدگاه وسطح فکر وتعقل مردم بسیار بالا رفته وآمادگی وقابلیت‌هایی فوق‌العاده در فهم معارف دینی خواهد یافت، که در نتیجه احتیاج به پاسخ‌گویی با انحای مختلف به این خواسته‌ها است.

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بسلطان جدید "یعنی چه؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بسلطان جدید "یعنی چه؟

پاسخ

از امام باقر (ع) وارد شده که فرمود": به خدا سوگند! گویا نظر می‌کنم به مهدی بین رکن ومقام که با مردم به... سلطان جدید از آسمان بیعت می‌کند. {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰، ح ۹۶. پاورقی} در این عنوان احتمالاتی وجود دارد: ۱ – اینکه مقصود از سلطان جدید، اسلوب وروش جدید در اداره حکومت وشؤون اجتماع باشد که بشریّت نظیر آن را در هیچ نوع از حکومت‌ها ودولت‌ها ندی.....است؛ حکومتی در ﷺکل جامعه بشری به تمام معنا اسلامی ومطابق با تمدن وپیشرفت بشری. ۲ – اینکه مقصود سلطنتی است که نسبت به سلطنت‌ها وحکومت‌های سابق بر خود جدید است، ولی تجدیدکننده حکومت وسلطنت رسول خدا (ص) در عصر خلافتشان می‌باشد.

امام زمان‌علیه‌السلام به" امر جدید "قیام می‌کند یعنی چه؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام به" امر جدید "قیام می‌کند یعنی چه؟

پاسخ

امام باقر در روایتی می‌فرماید...": هر گاه که مهدی خروج کند به امر جدید و... قیام خواهد نمود. {"پاورقی . همان. پاورقی} درباره این عنوان چند احتمال وجود دارد: ۱ – مقصود از" امر جدید "طلب جدید است که شامل طلب فعل وطلب ترک می‌شود، یعنی مجموعه‌ای از احکام جدید یعنی از آنجا که حضرت به واقع حکم می‌کند، لذا در حقیقت به امر جدید قیام کرده است. ۲ –

مقصود از" امر جدید "روش وبرنامه فکری وعقیدتی جدید با روش‌های نوین است که در برخی از روایات به آن اشاره شده است. ۳ – مقصود از" امر جدید "امارت، خلافت وامامت باشد، همان گونه که در آیه" اولی الأمر "به آن اشاره شده است. واز آنجا که امارت وخلافت حضرت (ع) با سایر خلافت‌ها متفاوت است لذا نسبت به آنها جدید به حساب می‌آید.

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بقضاء جدید "یعنی چه؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بقضاء جدید "یعنی چه؟

پاسخ

در روایتی از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود...": هر گاه قائم آل محمّد خروج کند به سنت جدید وقضاوت جدید قیام خواهد نمود. {"پاورقی . همان، ص ۳۴۸، ح ۹۹. پاورقی} در اینکه مقصود حضرت از قضاوت جدید در عصر ظهور به توسط حضرت چیست دو احتمال وجود دارد: ۱ – مقصود، خطوط جدید با برنامه‌های بسیار متنوع وپیشرفته برای بشر در عصر ظهور است. ۲ – مقصود داشتن اسلوب جدید در قضاوت وفصل خصومت بین مردم است، همان گونه که در روایات به آن اشاره شده که حضرت به حکم داوود عمل خواهد نمود ودرخواست بیّنه ودو شاهد عادل نمی‌کند.

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بسنة جدیدة "یعنی چه؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام" یأتی بسنة جدیدة "یعنی چه؟

پاسخ

در روایتی از امام باقر (ع) می‌خوانیم که فرمود...": هر گاه مهدی خروج کند به امر جدید وکتاب جدید وسنت جدید... قیام خواهد کرد. {"پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۲۳۰، ح ۹۶. پاورقی} با آنکه مطابق برخی روایات پیامبر اکرم (ص) فرمود": سنت مهدی همانند سنت من است. {"پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۹. پاورقی} در پاسخ این سؤال می‌توان گفت: چون حضرت از طرفی به واقع حکم می‌کند، ونیز حکومت او در سطح گسترده وعالمی است، وبشر نیز در عصر ظهور به مستوای عالی فکری وپیشرفت عقلانی رسیده است، لذا روش حکومتی واسلوب خاص او در حکومت‌داری با دیگر روش‌ها فرق می‌کند، گر چه نسبت به اصول وچهارچوب احکام اسلامی با سنت رسول خدا (ص) فرقی ندارد. همچنین ممکن است مقصود آن باشد که سنت وروش حکومتی حضرت نسبت به روش‌های مردمی که قبل از حکومت حضرت بوده‌اند جدید به حساب می‌آید.

آیا امام مهدی‌علیه‌السلام قیام کننده به کتاب جدید است؟

پرسش

آیا امام مهدی‌علیه‌السلام قیام کننده به کتاب جدید است؟

پاسخ

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود... ": واللّه لکأنّی أنظر إلیه بین الرکن والمقام یبایع الناس علی کتاب جدید"؛ " ...به خدا سوگند! گویا نظر می‌کنم به مهدی در بین {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ح ۴۲. پاورقی} رکن ومقام که با مردم بر کتاب جدید بیعت می‌کند. "...در این تعبیر احتمالاتی وجود دارد: ۱ – مقصود، آوردن قرآن جدید باشد، که قطعاً این احتمال باطل است، زیرا امت اسلامی اتفاق دارند بر اینکه در قرآن نقصان وزیادتی ایجاد نشده ونخواهد شد. ۲ – مقصود این باشد که حضرت (ع) قرآن را آن گونه که در عصر رسول خدا (ص) بوده می‌آورد. یعنی آن را با تقدیم وتأخیر درآیات می‌آورد، این احتمال با قول به اینکه قرآن به امر رسول خدا (ص) تدوین شده سازگاری ندارد. ۳ – ممکن است که مراد همان قرآنی باشد که علی بن ابی‌طالب (ع) تدوین کرده است، قرآنی که متنش همین قرآن موجود است ولی با بیان شأن نزول، تفسیر برخیآیات، ذکر ناسخ ومنسوخ، عام وخاص، مطلق ومقیّد وبرخی خصوصیات دیگر. این احتمال به واقع نزدیک‌تر است. امام باقر (ع) فرمود": إذا قام قآئم آل محمّد ضرب فساطیط ویعلم الناس القرآن علی ما أنزل اللّه عزّوجلّ فأصعب ما یکون علی من حفظه الیوم، لأنّه یخالف فیه التألیف"؛ "هنگامی که قائم {پاورقی . ارشاد مفید، ص ۳۴۴. پاورقی} آل محمّد قیام کند خیمه‌هایی برپا می‌شود ومردم قرآن را آن گونه که خداوند عزّوجلّ نازل کرده فرا می‌گیرند، واین امر برای کسانی که قرآن را امروز حفظ کرده‌اند بسیار دشوار خواهد بود؛ زیرا با آنچه که الفت داشته واز قرآن مأنوس بوده‌اند مخالفت ومغایرت دارد ".۴ – ممکن است که مقصود از" کتاب جدید" معارف ومفاهیم بلند ووالایی است که امام ازآیات برداشت کرده وبه مردم عرضه می‌کند، معانی‌ای که برای آنان تازگی دارد وگویا کتابی با مفاهیمی جدید آورده است.

مفاد روایات در مورد مدت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

مفاد روایات در مورد مدت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

روایات در این زمینه بر دو دسته‌اند: الف. روایاتی که دلالت دارند بر اینکه مدت بقای حکومت حضرت، ده سال یا کمتر است. این قول مشهور بین علما بوده، غالب روایاتش در مصادر اهل سنّت یافت می‌شود. ب. برخی روایات دیگر دلالت دارد بر اینکه مدت حکومت حضرت بیش از ده سال است. روایاتی از نوع اول ۱ – ابوداوود به سندش از ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) نقل کرده

www.noorfatemah.org

که فرمود": مهدی از من است... وهفت سال حکومت خواهد کرد. {"پاورقی . سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۴۲۲. پاورقی} ۲ – ترمذی به سند خود از ابوسعید خدری از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود": همانا در میان امّتم مهدی است که خروج خواهد کرد ودر مدت پنج یا هفت یا نه سال حکومت خواهد نمود. {"پاورقی . صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳. پاورقی} روایاتی از نوع دوم ۱ – قندوزی حنفی از حذیفة بن یمان نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود": مهدی مردی از اولاد من است... بیست سال حکومت خواهد نمود. {"پاورقی . ینابیع المودة، ص ۵۳۷. پاورقی} ۲ – سیوطی به سندش از امام علی (ع) نقل کرده که فرمود": مهدی در مدت سی یا چهل سال متولّی امر مردم خواهد شد. {"پاورقی . الحاوی للفتاوی، ص ۱۵۵. پاورقی} ۳ – شیخ طوسی به سندش از جابر از امام باقر (ع) در حدیثی نقل می‌کند که به حضرت عرض کردم: چه مدت قیام حضرت در جهان طول خواهد کشید؟ حضرت فرمود" : نوزده سال. {"پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۸۶. پاورقی} ۴ – ونیز به سندش از ابن‌ابی‌یعفور نقل کرده که امام صادق (ع) فرمود": حکومت قائم از ما نوزده سال وچند ماه خواهد بود. {"پاورقی . همان، ص ۱۸۱. پاورقی} ۵ – ونیز از عبدالکریم خثعمی نقل می‌کند که به امام صادق (ع) عرض کردم: مدت حکومت قائم (ع) چه مقدار است؟ حضرت فرمود": هفت سال، خداوند روزها وشب‌ها را طولانی خواهد کرد به حدّی که یک سال از سال‌های او به مقدار ده سال از سال‌های شما است. لذا مدت حکومت آن حضرت هفتاد سال از سال‌های شما خواهد بود. {"پاورقی . همان، ص ۴۳۲. پاورقی} ونیز به سندش از ابی‌الجارود از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود": همانا قائم سیصد ونه سال حکومت خواهد نمود همان گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند، زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد. {"پاورقی . همان، ص ۲۸۳. پاورقی}

چند حدیث درباره‌ی امام زمان(عج) بیان نمائید؟

پرسش

چند حدیث درباره‌ی امام زمان(عج) بیان نمائید؟

پاسخ

در پاسخ شما چند حدیث آورده ترجمه می‌کنیم ۱. عن امیرالمؤمنین‌علیه السلام المنتظر لامرناکالمتشحط بدمه فی سبیل الله. ترجمه: از امیر مؤمنان روایت است: کسی که منتظر امر (حکومت عدل) ما باشد (و در این راه از تلاش و پایداری و انجام وظیفه باز نایستد) مانند کسی است که در راه خدا بخون خویش در غلطیده باشد(۱). ۲. یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفواالهدی علی الهوی و یعطف الرای القرآن اذا اعظفوا القرآن علی الرای. ترجمه: (آن گرامی برای تحقق بخشیدن به حکومت عدل جهانی) رغبت‌ها و تمایلات را بر محور هدایت به گردش می‌آورد آنگاه که مردم هوسهای خویش را محور قرار داده هدایت الهی را به دور آن بگردانند. و قرآن را وسیله‌ی سنجش آراء و اندیشه‌ها قرار خواهد داد آنگاه که مردم قرآن را بر محور اندیشه‌ی خویش به گردش درآورند. ۱) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

اینکه قرآنی می‌آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پرسش

اینکه قرآنی می‌آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پاسخ

دربارهٔ قرآنی که امام زمان (عج) می‌آورد سؤال کردید قرآنی که امام زمان (عج) می‌آورد با این قرآن هیچ تفاوتی ندارد جز اینکه آن قرآن همراه با تفسیر و تأویل آیات است بدین لحاظ که طبق روایات معتبر فقط حضرت علی‌علیه السلام کاتب خصوصی پیامبر اکرم بودند با اینکه کاتبان عمومی نیز وجود داشتند حضرت پیامبر اکرم، بر آیه‌ای را که جبرئیل نازل می‌کرد به حضرت علی‌علیه السلام املاء می‌فرمودند و آن چه که پیرامون آن آیه بود مانند تفسیر و توضیح و... حضرت علی‌علیه السلام به دستور پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله می‌نوشتند که در روایت آمده است که مجموع آن به طول ۷۰زارع می‌شد. بعد از وفات رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله حضرت علی‌علیه السلام آن را عرضه کردند و جواب شنیدند که حسبنا کتاب الله یعنی ما نیازی به این کتاب ندرایم و کتاب خداوند برای ما کفایت می‌کند. حضرت علی‌علیه السلام هم فرمودند دیگر این کتاب را نخواهید دید و این کتاب که به کتاب جامعه معروف است پس از حضرت در نزد فرزندان معصومش باقی ماند و اکنون در نزد حضرت ولی عصر(عج) می‌باشد که با ظهور آن حضرت این کتاب بر مؤمنین عرضه شده و با مضامین آن عمل می‌شود. و این همان است که پنداشتند حضرت قرآنی جدید می‌آورد در حالی که حضرت همان قرآن را با تفسیر و توضیح و بیان حکمتها و فلسفه‌های آن و فروعات آن... می‌آورند. « بخش پاسخ به سؤالات »

دعای ندبه

چند موضوع از دعای ندبه اختصاص به حضرت مهدی عج) دارد؟

پرسش

چند موضوع از دعای ندبه اختصاص به حضرت مهدی عج) دارد؟

پاسخ

دعای ندبه، یکی از دعاهای جالب و پر معنا است. از نظر فصاحت بسیار فصیح و روان و حساب‌شده و متین است و از نظر محتوا یک دعای عقیدتی، سیاسی و در عین حال پر احساس و عاطفی است. درآغاز دعا نخست اشاره‌ای به فلسفه بعثت پیامبران، سپس اشاره کوتاهی به تاریخچه آنان و مقامات مختلف هریک، و سپس به طور مشروح‌تر بحثی از قیام پیامبر اسلام و مقامات آن بزرگوار، بعد به طور مشروح خلافت‌بلافصل امیرمؤمنان علی(ع) با دلایل ومدارک زنده و قاطعی از آیات و روایاتی که مورد قبول همه فِرَق اسلامی‌است، مورد بحث قرار گرفته، به علت‌های قیام جمعی از افراد شقاوت پیشه بر ضد اهل بیت و خاندان پیغمبر وشهادت و کشتار و تبعید آنان، سپس به دعوت امامان اشاره رفته است، به طوری که قلوب را کاملاً متوجه قیام‌مهدی عج) می‌نماید. از آن پس با لحنی عاشقانه و آمیخته با هیجان خاص روحی و عمیق‌ترین احساسات‌انسانی خطاب به حضرت ولی عصر

عج) می‌شود و ضمن ابراز اشتیاق شدید به قیام حضرتش برنامه‌اصلاحی و انقلابی او تشریح می گردد. قسمت عمده و اساسی دعای ندبه به وجود نورانی و با برکت امام زمان عج) اختصاص دارد که شیعیان با آن امام بزرگوار ارتباط برقرار می کنند و در حق‌اش دعا می‌نمایند و درخواست تعجیل در ظهورش رامی کنند.

در دعای ندبه به این مساله اشاره شده است که می پرسد : نمی دانم کدام سرزمین تو را در بر گرفته است ؟ قرارگاهت کجاست ؟ در کوه رضوی یا ذی طوی ... ؟ نمی دانم در این دعا چرا سراغ حضرت مهدی را در ذی طوی و کوه رضوی می گیرند که جایگاه محمد حنفیه (امام زمان

پرسش

در دعای ندبه به این مساله اشاره شده است که می پرسد : نمی دانم کدام سرزمین تو را در بر گرفته است ؟ قرارگاهت کجاست ؟ در کوه رضوی یا ذی طوی ... ؟ نمی دانم در این دعا چرا سراغ حضرت مهدی را در ذی طوی و کوه رضوی می گیرند که جایگاه محمد حنفیه (امام زمان فرقه کیسانیه) است که معتقدند در این کوه ازانظار مخفی شده و از آنجا ظهور خواهد نمود . مطالعه دقیق متن دعای ندبه که از ائمه ما به تصریح و ترتیب نام نمی برد و پس از حضرت امیر که به تفصیل از مناقب و فضایل وی سخن می گوید ناگهان و بی واسطه به امام غایب خطاب می کند , باز این سوال را بیشتر در ذهن طرح می کند .

پاسخ

دعای ندبه بحق , یکی از دعاهای جالب و پر معنی است . از نظر فصاحت بسیار فصیح وروان و حساب شده و متین است و از نظر محتوا باید گفت یک دعای علمی , انقلابی ,عقیدتی و سیاسی و در عین حال پر احساس و عاطفی است و اگر درست به مفهوم آن آگاهی حاصل گردد می تواند منبع الهامبخشی برای مبارزات اجتماعی و بر ضد ظلم بوده باشد (البته به شرط آگاهی , نه به صورت تخدیر) . در آغاز دعا نخست اشاره ای به فلسفه بعثت پیامبران و سپس اشاره کوتاهی به تاریخچه آنان و مقامات مختلف هر یک و سپس بطور مشروح تر بحثی از قیام پیامبراسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم و مقامات آن بزرگوار و بعد بطور مشروح خلافت بلافصل امیرمومنان علی علیه السلام با دلایل و مدارک زنده و قاطع از آیات وروایاتی که مورد قبول همه فرق اسلامی است مورد بحث قرار گرفته و به علل قیام جمعی از امت بر خلاف اهل بیت و خاندان پیغمبر و شهادت و کشتار و تبعید آنان وسپس به دعوت امامان یکی بعد از دیگری اشاره شده است , بطوری که قلوب را کاملامتوجه به قیام مهدی (عج) می نماید و از آن پس با لحنی عاشقانه و آمیخته با هیجان خاص روحی و عمیقترین احساسات انسانی , خطاب به ولی عصر (عج) می شود و ضمن ابرازاشتیاق شدید به قیام حضرتش , برنامه اصلاحی و انقلابی او تشریح می گردد و بعد باچند نیایش زنده و موثر دعا پایان می پذیرد . این از نظر محتویات دعا , اما این که بعضی پنداشته اند که این دعا شباهتی باعقاید کیسانیه دارد کاملا مردود است و قبلا لازم است چند جمله کوتاه در معرفی مذهب کیسانیه ذکر کرده و سپس شواهد رد پندار بالا را از خود دعا استخراج کنیم : کیسانیه آنچنان که در کتب عقاید و مذاهب آمده است , یک فرقه شیعه چهارامامی بودند که پس از حضرت علی و امام حسن و امام حسین – علیهم السلام – به امامت محمد حنفیه عقیده دارند و گفته می شود علت این که آنها را کیسانیه می نامند این است که یکی از هوا خواهان سر سخت این مذهب شخصی به نام کیسان بود که خود را از علاقمندان علی علیه السلام معرفی می کرد و بعضی هم کیسان رااز القاب مختار بن ابی عبیده می دانند و او را از پیروان این مذهب ذکرکرده اند . گرچه کیسانیه خود منشعب به شعبه هایی شده اند ولی شعبه مشهور آنها عقیده دارند که محمد حنفیه هم اکنون زنده است و در کوه

رضوی در اطراف مدینه در نقطه دور افتاده ای زندگی می کند و خداوند آب آشامیدنی و عسلهای کوهی در اختیار اوقرار داده و مهدی منتظر اوست . گفته می شود کثیر شاعر معروف عرب از پیروان این فرقه است و در اشعارش چنین می گوید :الا ان الائمه من قریش ولاه الحق اربعه سواءعلی و الثلاثه من بنیه هم الاسباط لیس بهم خفاءو سبط لا یذوق الموت حتی یقود الخیل یقدمها الولاءیغیب لا یری فیهم زمانا برضوی عند عسل و ماءشاعر در این اشعار عدد ائمه را چهار نفر – علی علیه السلام و سه فرزندش – ذکرمی کند و سپس به غیبت محمد بن حنفیه در کوه رضوی اشاره می نماید . امروز این فرقه کمتر پیروان شناخته شده ای دارد و غالبا نام آنها را در کتب تاریخ ادیان می یابیم . اکنون به اصل سخن باز گردیم :دعای ندبه با صراحت تمام مذهب کیسانیه را نفی می کند و با عقاید شیعه اثنی عشری کاملا منطبق است زیرا : ۱ – در سه جمله از دعای ندبه درباره نسب حضرت مهدی (عج) می خوانیم و ابن خدیجه الغراء و ابن فاطمه الکبری و جدته الصدیقه الکبری فاطمه بن محمدصلی اللّه علیه و آله و سلم یعنی او از فرزندان خدیجه و فاطمه – علیهماالسلام است . در حالی که محمد بن حنفیه هیچ گونه نسبتی با خدیجه و حضرت فاطمه دخت پیامبر اسلام ندارد , چه این که مادرش خوله حنفیه , دختر جعفر بن قبس بود ,نه ارتباطی با خدیجه داشت و نه با فاطمه زهرا – علیهماالسلام – با این حال جای تعجب است که کسی برای دعای ندبه شباهتی به عقاید کیسانیه قائل گردد , اگر فرضاکلمه رضوی ایجاد شبهه ای کند (که خواهیم دید نمی کند) این سه جمله صریح ,هرگونه شبهه ای را می تواند برطرف سازد . ۲ – در این دعا بعد از جمله این ابناء الحسین می خوانیم صالح بعد صالح وصادق بعد صادق این السبیل بعد السبیل , این الخیره بعد الخیره , این الشموس الطالعه , این الاقمار المنیره , این الانجم الزاهره , این اعلام الدین و قواعدالعلم این بقیه اللّه ; کجا هستند فرزندان امام حسین علیه السلام صالحی پس ازصالح دیگر و راستگویی پس از راستگوی دیگر , کجا هست راه به سوی خدا پس ازدیگری , انتخاب شده ای (از سوی خدا) پس از دیگری , کجا هستند خورشیدهای درخشان و ماههای تابان و ستارگان فروزان و پرچمهای آیین حق و پایه های علم و دانش سپس جمله را به صورت مفرد آورده و می گوید : کجاست آن کسی که خدا او را ذخیره کرده است ۰۰۰ ؟ این جمله های مکرر به روشنی می گوید بعد از امام حسین علیه السلام امامان متعددی بودند که یکی پس از دیگری برای اصلاح امت و دعوت به سوی خدا و بسط علم و دانش قیام کردند تا می رسد به آخرین ذخیره الهی و او را به صورت مفرد بیان کرده است . با این حال آیا می توان شباهتی برای دعای ندبه با عقاید کیسانیه – آنها که نه برای فرزندان امام حسین علیه السلام منصبی قائل هستند و نه غیر از محمد بن حنفیه امامان دیگری را به رسمیت می شناسند – پیدا کرد ؟آیا جای تعجب نیست که گفته شود پس از ذکر ولایت علی علیه السلام مطلب بریده شده وامامان وسط نادیده گرفته شده اند و تنها سخن از مهدی به میان آمده و این مناسب عقیده فرقه کیسانیه است آیا این ده جمله پی در پی درباره امامان دیگر به خاطراین که اسمشان صریحا برده نشده , کافی به نظر نمی رسد ؟ آیا برای نفی عقایدکیسانیه ده جمله کم است ؟ ۳ – در جمله های بنفسی انت من مغیب لم یخل منا بنفسی انت من نازح ما نزح عنا خطاب به ولی عصر (عج) می گوییم : جانم به فدایت که پنهانی ولی از ما خالی نیستی و دوری هستی که از ما جدا نیستی ۰۰۰ . در این دو جمله مهدی (عج) را در میان خود و نزدیک به خود معرفی می کنیم و این خود می رساند که غیبت او به این معنی نیست که همچون یک موجود نامریی و در مکان خاصی از چشمها پنهان باشد , بلکه به صورت ناشناس در اجتماعات رفت و آمد دارد ومحل ثابتی برای او وجود ندارد . ۴ – از آنچه در بالا گفتیم روشن شد که فقرات این دعا یکی پس از دیگری عقیده فرقه خرافی کیسانیه را نفی می کند و با عقیده شیعه اثنی عشری کاملا منطبق است . تنها چیزی که باقی می ماند وجود کلمه رضوی در یکی از جمله های این دعاست که نکته آن با مراجعه به مدارک و منابع اسلامی روشن می گردد . توضیح این که : یاقوت حموی بغدادی نویسنده معروف در کتاب معجم البلدان درباره رضوی چنین می نویسد : رضوی ۰۰۰ کوهی است در اطراف مدینه و رضوی (بر وزن رجبی) منسوب به آن راگویند , پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم درباره این کوه فرمود : رضوی کوهی است که خدا از آن راضی و خشنود

است . سپس بعد از نام بردن از کوههای مقدس دیگر در ذیل کلام خود می گوید : عرام بن اصبع سلمی گفته است : رضوی کوهی است که از ینبع یک روز فاصله دارد ودر هفت منزلی مدینه است و یکی از کسانی که این کوه را سیر کرده به من اطلاع دادکه آب فراوان و درختان بسیار دارد و این همان کوهی است که طایفه کیسانیه می پندارند محمد بن حنفیه در آن اقامت دارد و زنده است . و اما ذی طوی که بعد از کوه رضوی در دعای ندبه آمده , یکی از کوههای اطراف مکه است که در راه تنعیم قرار دارد و یک فرسخ از مکه فاصله دارد و ازآنجا خانه های مکه دیده می شود . در روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده که : حضرت قائم از طریق ذی طوی وارد سرزمین مکه می شود و نخست با مجاهدانی به تعداد مجاهدان بدر (نخستین برخورد اساسی اسلام و کفر) به کنار خانه کعبه می آید و پرچم انقلاب و پیروزی رادر آنجا برمی افرازد . از آنچه در بالا گفته شد , نتیجه می گیریم که رضوی از کوههای مقدس بوده و درروایات پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم آمده است (مقدس بودن یک سرزمین یا یک کوه یا مثلا حجر الاسود به خاطر جبهه های تاریخی و حوادث مهمی است که در طول تاریخ بشر برای آنها گذشته و مربوط به صحنه های فداکاری مردان خداست که به خود دیده است) . بنابراین کوه رضوی پیش از آنکه در عقاید کیسانیه نقشی پیدا کند در سخنان پیامبروارد شده است , بلکه شاید انتخاب این کوه از طرف کیسانیه برای عقاید خود به خاطر همان قداست آن بوده تا رنگ قداست به معتقدات باطل خود بدهند . با این حال اگر رضوی در دعای ندبه آمده , آن را باید به ریشه اصلی که در گفتارپیامبر است برگردانیم نه به عقیده کیسانیه که جنبه فرعی دارد . شاهد دیگر این سخن ذکر کوه ذی طوی که در نزدیکی مکه است می باشد زیرا ذی طوی به هیچ وجه دخالتی در عقاید کیسانیه ندارد و از همه گذشته کلمه ام غیرهااست - یعنی غیر اینها - که در دعای ندبه آمده و این خود دلیل بر این است که حضرت مهدی (عج) بر خلاف پندار کیسانیه محل خاصی ندارد و در شهرها و کوهها و نقاطمختلف جهان ممکن است رفت و آمد داشته باشد و همچون جدش پیامبر صلی اللّه علیه وآله و سلم که گاهی در جبل النور و غار حرا و زمانی در کنار خانه کعبه و زمانی در میان مردم مکه یا مدینه بود , حضرت مهدی (عج) نیز در نقاط مختلفی ممکن است به سر برد و گاهی نیز در میان ما بوده باشد . ما امیدواریم در آینده کسانی که می خواهند به این گونه مسائل خرده گیری کنندبرای اثبات حسن نیت خود قبلا- آن را با جمعی از متخصصان و اهل فن که عمری درمباحث اسلامی زحمت کشیده اند در میان بگذارند , اگر پاسخی دریافت نکردند کاملاآزادند آن را نشر دهند ولی اگر پاسخ آن را شنیدند افکار عمومی را مشوب نسازند .

چگونه ممکن است دعای ندبه به یکی از امامان معصوم منسوب باشد که همه عاقل و کامل بودند ولی یکی از آنان خطاب به نوادهاش (امام زمان«ع») که هنوز به دنیا نیامده بگوید تو کجائی؟

پرسش

چگونه ممکن است دعای ندبه به یکی از امامان معصوم منسوب باشد که همه عاقل و کامل بودند ولی یکی از آنان خطاب به نوادهاش (امام زمان«ع») که هنوز به دنیا نیامده بگوید تو کجائی؟

پاسخ

کسی نگفته است که امامان گذشته این دعا را میخواندهاند و امام ششم یا دهم به حضرت صاحب الزمان این خطابات را فرموده یا خود امام زمان به خودشان خطاب فرموده و از فراق خود ناله و ندبه کردهاند. علامّه مجلسی میفرماید: این دعا به سند معتبر از امام جعفر صادق منقول است که فرمودند: مستحب است این دعا را در چهار عید بخوانند، از کجای فرمایش او و نیز سید بن طاووس و

شیخ محمدبن المشهدی و محمدبن علی بن ابی قره و بزوفری استفاده میشود که ائمه آن را میخواندند یا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خودشان برای خود آن را خواندهاند. از فرمایش این بزرگان، بیش از این استفاده نمیشود که دستور العمل است برای مؤمنانی که در عصر غیب زندگی میکنند، این دعا را در اعیاد اربعه بخوانند. این چه ربطی دارد به اینکه ائمهٔ هدی(علیهم السلام) هم این دعا را میخوانده یا نمیخواندهاند. ثانیاً: مخاطب قرار دادن کسی که هنوز به دنیا نیامده و معلوم است که به دنیا میآید و نور و حقیقت وجود او آفریده شده، اگر چه هنوز به این بدن عنصری تعلق نیافته توسط کسانی که با آن عوالم ارتباط دارند چه مانعی دارد؟ مگرنه بر حسب قرآن مجید در سوره اعراف آیه ۲۶ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۵، خداوند به بنی آدم، در حالی که هنوز وجود پیدا نکرده بودند خطاب فرموده است. (رجوع شود به تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۰۹ و ۴۱۲ و ۴۱۵ و تفسیر تبیان م ـ ۴، ص ۴۰۷ ـ ۴۰۹ ـ ۴۱۵ ـ ۴۲۱) یا اگر بعضی وجود داشتند، این خطابات که عام است، مثل «یا بنی آدم» شامل همهٔ معدومین و موجودین است. ثالثاً: این دعا، دعای ندبه است و در مقام ندبه مجازاً اینگونه خطابات به جا و موافق با ذوق است. گوینده خود را مانند یکی از کسانی که در دورهٔ غیبت زندگی میکنند و در آتش فراق و هجران ولی عصر میسوزند و از ستمگران ستم و جفا میبینند فرض میکند و این خطابات را مینماید، و برای آن دوران و آن روزگار و آن سختیها و امتحانات که جلو میآید ندبه میکند نه اینکه واقعاً بخواهد جای امام زمان را پیدا کنند. غرض، این جملهها همه تعلیم ندبه و ابراز علاقه به ولیّ عصر و اظهار حالت انتظار است.

سؤال مذکور را خدمت چندین استاد گرانقدر بیان نمودیم اما متأسفانه جوابی قانع کننده نگرفتیم حتی چندین نفر این ادعا را رد کردند سؤال مذکور این است که در دعای ندبه خطاب به امام زمان می شود:

اشاره

نمی دانم که در کدام سرزمین سکنی گزیده ای آیا در سرزمین رضوا یا غیر آن

پرسش

سؤال مذکور را خدمت چندین استاد گرانقدر بیان نمودیم اما متأسفانه جوابی قانع کننده نگرفتیم حتی چندین نفر این ادعا را رد کردند سؤال مذکور این است که در دعای ندبه خطاب به امام زمان می شود: نمی دانم که در کدام سرزمین سکنی گزیده ای آیا در سرزمین رضوا یا غیر آن یا در ذی طوی متمکن گردیده اید. در صورتی که این کوه جایگاه محمد بن حنفیه رهبر فرقه کیسانیه است که معتقدند وی در آن سرزمین غایب شده و پیروان او رو به این کوه دعا می خوانند در صورتیکه این کوه هیچ ارتباطی به زندگانی حضرت قائم(عج) ندارد حتی آن زمانی که ایشان به قولی در مکه زندگی می کرده اند.

پاسخ

این سؤال قبلاـ هم از سوی برخی مطرح شده است و مرحوم ملاـ محمد تقی تستری صاحب قاموس الرجال، پاسخی داده است که اجمال آن را نقل می کنیم: برخی روایات اشاره به این دارد که محل زندگی حضرت در دوران غیبت رضوی و ذی طوی که آن روایات را ذیلا می آوریم: ۱- شیخ طوسی (ره) در کتاب غیبت نقل می کند به اسناد از عبدالله الاعلی مولی آل سام قال خرجت مع ابی عبد الله (ع) فلما نزلنا الروحاء نظر الی جبلها مطلا علیها فقال لی تری هذا الجبل یدعی «رضوی» من جبال فارس احبنا فنقله الله الینا اما ان فیه کل شجره مطعم و نعم امان للخائف مرتین. اما ان لصاحب هذا الامر فیه غیبتین واحده صغیره و اخری طویله. (غیبت شیخ طوسی ۱۶۳، بحار ۵۲/۱۵۳) خلاـصه ترجمه روایت این است که راوی می گوید: با امام صادق علیه السلام بیرون رفتیم به

مکانی به نام روحاء رسیدیم، حضرت به کوهی که در آنجا بود نگاه کردند و فرمودند این کوه رضوی است و در آن هر درخت میوه داری هست و خوب محل امنی است برای خائف حضرت این جمله را دو مرتبه فرمودند و پس از آن فرمودند برای صاحب این امر در این مکان دو غیبت است یکی کوتاه و یکی طولانی. در مجمع البلدان می گوید نزدیک ینبع کوه رضوی است و آن کوهی است که دارای وادی ها و رودها و من شنیده ام که در بین آن آب ها و رودها درختان فراوانی است. ۲- در کتاب غیبت نعمانی آمده است حدثنا احمد بن محمد ... عن اسمعیل بن جابر عن محمد بن علی عن ابی جعفر علیه السلام انه قال یکون لصاحب هذا الامر غیبه فی بعض هذه الشعاب و او ما بیده الی ناحیته ذی طوی ... (غیبت نعمانی ۱۸۲) امام باقر علیه السلام فرمود: برای صاحب این امر غیبتی است که در این دره ها و اشاره فرمودند به ناحیه ذی طوی. ۳- همچنین در کتاب غیبت نعمانی آمده است: عن علی بن حمزه عن ابی بصیر عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال ان القائم یهبط من ثنیه ذی طوی فی عده اهل بدر ثلاثماه و ثلاثه عشر رجلا حتی یسند ظهره الی الحجر الاسود و یهز الرایه الغالبه. (غیبت نعمانی ۸۴، بحار ۵۲/۳۷۰) امام باقر(ع) می فرماید قائم(عج) فرود می آید از ثنیه ذی طوی به همراه عده ای به عدد اهل بدر سیصد و سیزده مرد تا این که می آید و پشتش را تکیه می دهد به حجر الاسود و پرچم پیروزی را به حرکت در می آورد. بنابراین اجمالا ارتباطی بین رضوی و ذی طوی و غیبت آن حضرت وجود دارد و ممکن است محل زندگی حضرت در برهه ای از زمان در زمان غیبت در رضوی و یا ذی طوی باشد و البته این منافاتی ندارد با دیگر روایات که دلالت می کند بر این که حضرت در بین مردم می آید و در اجتماعات و در حج شرکت می کند ندارد. و اما این که کیسانیه محل غیبت محمد حنفیه را این کوه می دانند خود این مطلب می تواند تأیید این باشد که ارتباطی بین این مکان و امام زمان وجود دارد چرا که به احتمال قوی کیسانیه روایاتی که دلالت بر غیبت امام زمان در این مکان داشته را بر محمد بن حنفیه تطبیق کرده اند. یعنی اصل مطلب صحیح بوده و از پیامبر یا دیگر معصومین روایتی بوده در مورد غیبت امام زمان در این مکان و آنها در آن تحریف ایجاد کرده اند.

من همیشه به امام زمان سلام می کنم باایشان صحبت می کنم و مطمئنم که ایشان صدای مرا می شنوند و منتظرند که به سوی ایشان بروم و با هر قدم من ایشان چند قدم بر می دارند اما در فرازی از دعای ندبه می خوانیم عزیز علی ان تحبط بک دونی البلوی و لا ینالک منی صحیحح و لا

پرسش

من همیشه به امام زمان سلام می کنم باایشان صحبت می کنم و مطمئنم که ایشان صدای مرا می شنوند و منتظرند که به سوی ایشان بروم و با هر قدم من ایشان چند قدم بر می دارند اما در فرازی از دعای ندبه می خوانیم عزیز علی ان تحبط بک دونی البلوی و لا ینالک منی صحیحح و لا شکوی (سخت است بر من که تو تنها گرفتار باشی و بلا بر تو احاطه کند و از من به تو ناله و شکایتی نرسد) این فراز دعا منظورش چیست و آیا صدایی از من به حضرت نمی رسد.

پاسخ

این فراز از دعای ندبه اشاره به غایب بودن امام زمان و این که به حسب ظاهر ما مکان حضرت را نمی دانیم که با حضرت درد دل و عرض شکایت کنیم ولی به حسب باطن همان گونه که نوشته اید باب ارتباط با امام زمان گشوده است و حضرت تمامی سخنان ما را می شنوند و ناظر بر تمام اعمال ما می باشد گرچه ما از درک حضور باطنی آن حضرت بدوریم.

ندبه یعنی چه؟ (در دعا می خوانیم فلیندب النادبون)

پرسش

ندبه یعنی چه؟ (در دعا می خوانیم فلیندب النادبون)

پاسخ

نـدبه به معنـای خوانـدن، گریه بر میت همراه بـا ذکر خوبی های او می باشـد. بنابراین معنی این فراز از دعای نـدبه این است که: «بر پاکیزان از اهل بیت پیامبر(ص) گریه کنندگان گریه کنند در حالی که ذکر فضائل و محاسن آنان را می کنند».

آیا دعای ندبه نزد علما معتبر است؟

پرسش

آیا دعای ندبه نزد علما معتبر است؟

پاسخ

روش عرف وعقلا در مسائل تاریخی، قبول هر خبری است که در کتب تاریخی معتبر یا مشـهور نقل شـده باشـد. ولی علمای اسـلام در قبول اخبـار وروایـاتی که مربوط به احکـام شـرع ومعارف دینی است به این مقـدار اکتفا نمی‌کننـد، بلکه درصـدد بحث وتحقیق برآمده ودر سـند احادیث وعدالت ووثاقت راویان حدیث بررسـی کامل می‌کنند، ومادامی که اطمینان کامل ووثوق به احادیث پیدا نکننـد به آن عمل نمی‌نماینـد. این دقت وتحقیق به جهت حصول اطمینان به صـدور حدیث از معصوم در مورد تکالیف الزامی، اعم از وجوب وحرمت دو چندان می‌شود، ولی در مورد مسـتحبات احتیاج مبرم به این گونه بررسی نیست. مورد ادعیه از این قسم است، زیرا به جهت استحباب قرائت آن احتیاج مبرمی به بررسی سندی ندارد، بلکه قرائت آن به رجا وامید مطلوبیّت کافی است، ومی‌توان از قوت متن والفـاظ ومضامین دعا پی به اعتبار آن برد؛ زیرا این مضامین درآیات وروایات معتبر نیز وارد شـده است. خصوصاً آنکه مطابق اخبار" من بلغ "که دلالت بر تسامح در ادله سنن و مستحبات دارد، احتیاج چندانی به بررسی سند ادعیه مستحبّه نیست.

نظر بزرگان علما درباره دعای ندبه چیست؟

پرسش

نظر بزرگان علما درباره دعای ندبه چیست؟

پاسخ

شیخ مرتضـی انصاری؛ در کتاب" المکاسب "در بخش خیارات در ذیل حدیث" المؤمنون عند شـروطهم "می‌گوید: بعید نیست که بگوییم عنوان" شـرط "بر التزامات ابتدائی صادق نیست، بلکه متبادر عرفی از" شرط "همان التزامات تابع عقد است، همان گونه که از موارد اسـتعمال این کلمه در مثل قول امام در دعای نـدبه اسـتفاده می‌شود، آنجا که در ابتدای دعا فرمود": بعد أن شـرطت علیهم

الزهـد فی درجات هذه الدنیا الدنیّهٔ. {"پاورقی . المکاسب، ج ۵، ص ۲۱. پاورقی} شـیخ انصاری؛ گویا این دعا را امر مفروغ عنه از حیث صـحت گرفته ولذا به آن در مجال احکام شـرعیه اسـتدلال کرده است. محشّـین مکاسب شیخ بر او در این نکته هیچ اعتراضی نکرده وسـند آن را نیز مورد منقاشه قرار نداده‌اند. شـیخ عبداللّه مامقانی در حاشیه خود بر مکاسب می گوید": وجه دلالت این جمله از دعـا بر مقصود این است که: کلاـم امـام به این بر می گردد که خداونـد عزّوجلّ به بنـدگان خود فرمود: هر کس در این دنیا زهد پیشه کنـد من به او نعمت مقیم عطـا خواهم کرد. {"...پاورقی . حاشـیه مامقانی بر مکاسب، قسم خیارات، ص ۱۲. پاورقی} ایروانی نیز می گویـد": امّا اطلاق شـرط در دعای نـدبه به اعتبار این است که در ضـمن التزام" جزیل ما عنـده... "آمده است. {"...پاورقی . حاشیه ایروانی بر مکاسب، ج ۲، ص ۵. پاورقی}

چه کسانی دعای ندبه را نقل کرده‌اند؟

پرسش

چه کسانی دعای ندبه را نقل کرده‌اند؟

پاسخ

دعای نـدبه را عـده‌ای از علما ومحـدثین نقل کرده‌اند از آن جمله: ۱ – شـیخ مشـهدی در" المزار "از محمّد بن ابی‌قره واو از کتاب ابی‌جعفر محمـد بن الحسـین بن سـفیان بزوفری نقـل کرده وآن را به امـام زمـان (ع) نسـبت داده است. {پـاورقی . المزار، ص ۵۷۳، دعای ۱۰۷. پاورقی} ۲ – سـید بن طاووس در" مصـباح الزائر "و"اقبال الاعمال "از بعض اصـحاب ما از محمّد بن علی بن ابی‌قرّه به نقل از کتاب محمّد بن حسـین بن سـفیان بزوفری نقل کرده وآن را به امام زمان (ع) نسـبت داده است. {پاورقی . مصباح الزائر، ص ۴۴۶ ؛ اقبـال الاعمال، ص ۲۹۹–۲۹۵. پاورقی} ۳ – علامه مجلسـی؛ در کتاب" زاد المعاد "می گوید": وامّا دعای ندبه که مشـتمل بر عقاید حقّه وتأسّف بر غیبت قائم (ع) است، به سند معتبر از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است. {"...پاورقی . زاد المعاد، ص ۴۸۸. پاورقی} ۴ – قبل از این بزرگان، این دعا را شیخ جلیل ثقه ابوالفرج محمّد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی‌قره قنانی که معاصر شیخ نجاشـی واز اعلام قرن پنجم بوده، نقل کرده است. کسی که شیخ محمّد بن مشهدی در کتاب" المزار "از او زیاد نقل می کند. ۵ – ونیز شـیخ جلیل ثقه ابوجعفر محمّد بن حسـین بن سفیان بزوفری در کتاب" الدعاء "نقل کرده است. او که از مشایخ شیخ مفید؛ به حساب می‌آید مورد تأیید خاص او قرار گرفته است. حاجی نوری در" خاتمهٔ المستدرک "او را از مشایخ شیخ مفید برشمرده وبه وثاقت وجلالت قدر او شـهادت داده است. مرحوم آیت‌اللّه بروجردی می‌فرمود": یکی از راه‌های شـناخت رجال، شناخت شخصیت شاگردان آنان است. وهر گاه مشاهده شد که اشخاصی همچون شیخ مفید؛ از شخص معینی زیاد روایت نقل می کند وهرگز مذمّتی در حق او ندارد این به نوبه خود نشانه این است که آن شخص مورد وثوق واطمینان است."

راوی دعای ندبه که معاصر امام نبوده چگونه دعا را نقل می‌کند؟

پرسش

راوی دعای ندبه که معاصر امام نبوده چگونه دعا را نقل می کند؟

پاسخ

کسی ادعا نکرده که بزوفری این دعا را بدون واسطه از امام نقل کرده است. و آیا لازم است هرکسی که روایتی را از امام نقل می‌کند معاصر با امام باشد. ما اطمینان داریم که این دعا یا با سند در کتاب بزوفری روایت شده ولی دیگران که از آن کتاب نقل کرده‌اند از باب مسامحه آن سند را حذف کرده‌اند، ویا اینکه بزوفری از آنجا که دعا را معروف ومشهور دیده احتیاجی به ذکر سند ندیده است؛ زیرا همان گونه که در این زمان معروف ومشهور است، در عصرهای گذشته نیز چنین بوده است. خصوصاً آنکه متن آن باآیات قرآن وروایات دیگر سازگاری تمام دارد.

"محمّد بن مشهدی "راوی با واسطه دعای ندبه کیست؟

پرسش

"محمّد بن مشهدی "راوی با واسطه دعای ندبه کیست؟

پاسخ

از کلمات آیت اللّه خوئی؛ به نقل از شیخ حرّ عاملی به دست می‌آید که مراد از محمّد بن مشهدی، محمّد بن علی بن جعفر است. {پاورقی . معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۵۹. پاورقی} ولی مرحوم حاجی نوری در" خاتمه مستدرک "در این باره می‌گوید: "مراد از محمّد بن مشهدی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی است که از وی به عنوان" حائری "نیز یاد شده است. ایشان یکی از راویان ابی‌الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است. او همچنین با دو واسطه از شیخ مفید روایت نقل می‌ک {پاورقی . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸. پاورقی} به هر حال او هر که باشد شخصی قابل اعتماد ومورد وثوق وجلیل‌القدر است که توصیف ومدح وی در کتب رجال آمده است.

"محمّد بن علی بن ابی قرّه "راوی دیگر دعای ندبه کیست؟

پرسش

"محمّد بن علی بن ابی قرّه "راوی دیگر دعای ندبه کیست؟

پاسخ

او از جمله راویان صاحب کتاب ومورد اعتماد است. نجاشی درباره وی می‌گوید..."": او ثقه بوده وروایات فراوانی شنیده وکتاب‌های بسیاری تألیف کرده است. وی کسی بود که کتاب‌ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می‌خواند وهمواره در مجالس با ما بود. {"پاورقی . رجال نجاشی، ص ۲۸۳. پاورقی} از آنجا که نجاشی اجازه نقل کتاب‌های ابن ابی‌قرّه را از وی داشته است لذا می‌توان او را از مشایخ اجازه مرحوم نجاشی دانست.

ابن مشهدی دعای ندبه را چگونه از محمّد بن‌أبی‌قره نقل‌کرده است؟

پرسش

ابن مشهدی دعای ندبه را چگونه از محمّد بن أبی‌قره نقل کرده است؟

پاسخ

از آنجا که محمّد بن جعفر مشهدی معاصر محمّد بن ابی‌قره نبوده است لذا می‌توان آن را این گونه توجیه کرد: ۱ – شیخ مشهدی معمّر بوده ولذا محمّد بن ابی‌قره را درک کرده است. ۲ – اگر چه خبر ارسال دارد ولی ابن مشهدی به نقلش از محمّد بن ابی‌قره یقین داشته است. ۳ – ابن مشهدی دعا را از کتاب مزار ابن ابی‌قره نقل کرده است، زیرا مطابق نقل صاحب ریاض ابن ابی‌قره کتابی به نام" مزار "داشته است.

آیا درباره محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری معروف به ابن مشهدی توثیقی رسیده است؟

پرسش

آیا درباره محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری معروف به ابن مشهدی توثیقی رسیده است؟

پاسخ

او از شاگردان احمد بن ادریس به شمار آمده واز او روایت نقل کرده است. واز آنجا که شیخ مفید از او روایت نقل کرده می‌توان او را از مشایخ شیخ مفید دانست. درباره وثاقت وی باید گفت: هر چند پیرامون بزوفری در کتب رجال توثیق خاصی وارد نشده است، ولی از آنجا که از مشایخ روایی شیخ مفید بوده ودر موارد زیادی برای وی رضا ورحمت خداوند را طلب کرده است، می‌توان بدون تردید گفت: قواعد توثیق عام، شامل حال وی می‌گردد.

دعای ندبه از کدامین امام است؟

پرسش

دعای ندبه از کدامین امام است؟

پاسخ

ظاهر این است که این دعا از جانب امام صادق (ع) انشا شده است، همان گونه که مرحوم مجلسی به آن حضرت نسبت می‌دهد. واما اینکه در برخی از مصادر این گونه آمده که این دعا برای صاحب‌الزمان است، ممکن است این گونه توجیه کنیم که: این دعا، دعایی است که برای وجود مقدس امام زمان (ع) انشا شده است نه اینکه این دعا از طرف آن حضرت انشا شده باشد. هر چند برخی خواسته‌اند احتمال اول را به خاطر ناسازگاری برخی از مضامین دعا، با صدور آن از جانب امام صادق (ع) مردود سازند، ولی برای اهل تحقیق روشن است که این اشکالات قابل توجیه است، زیرا نظیر چنین مضامینی در موارد دیگر از امام صادق (ع) ودیگر ائمه: نیز نقل شده است. {پاورقی . منتخب الاثر، ص ۱۴۰. پاورقی} ونیز احتمال دارد که بزوفری از پدرش حسین بن علی بن سفیان

که از علما وراویان بزرگ قرن چهارم که هم عصر وزمان غیبت صغرا بوده نقل کرده واو هم به وسیله نواب اربعه از راه مکاتبه وتوقیع با امام زمان (ع) در ارتباط بوده واین دعا را در کتاب خود آورده وسپس به دست فرزندش ابوجعفر بزوفری رسیده است.

آیا دعای ندبه انشای برخی از علمای شیعه است؟

پرسش

آیا دعای ندبه انشای برخی از علمای شیعه است؟

پاسخ

ممکن است برخی اشکال کنند که این دعا انشای برخی از علمای شیعه بوده است. ولی این احتمال از جهاتی باطل است: ۱ - بزوفری در ادامه روایت این چنین آورده است": ویستحبّ أن یدعی به فی الأعیاد الأربعة. "ظاهر این کلمه می‌رساند که این دعا از جانب معصوم صادر شده است، زیرا محکوم کردن هریک از افعال واذکار به هریک از احکام خمسه (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت واباحه) از امور توقیفی است که فقط باید از جانب اولیای معصوم خداوند صورت پذیرد. ۲ - اینکه برای قرائت این دعا زمان خاص (اعیاد اربعه) ذکر شده خود دلیل بر آن است که از جانب معصوم صادر شده است؛ زیرا در غیر این صورت نمی‌تواند از چنین ویژگی خاصی برخوردار باشد. ۳ - رسم علما چنین بوده که هر گاه دعا یا زیارتی را خود انشا می‌کردند متذکر می‌شدند تا بر مردم مشتبه نگردد، از باب نمونه: الف. شیخ صدوق در" من لایحضره الفقیه "زیارتی را برای فاطمه زهرا (ع) که از انشاهای خود اوست نقل کرده ومی‌گوید: من آن را در سفر حج در مدینه در کنار قبر فاطمه زهرا (ع) قرائت کردم. ولی آن را به این صورت در اخبار نیافتم. {"...پاورقی . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۴-۵۷۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۹۶، ح ۱۳. پاورقی} ب. سید بن طاووس در" الاقبال "می‌گوید": فصلی است درباره آنچه آن را ذکر می‌کنیم از دعایی که آن را انشا کردیم، آن را هنگام تناول طعام ذکر می‌کنیم. {"پاورقی . اقبال الاعمال، ص ۱۱۵. پاورقی} ج. ونیز می‌فرماید": وامّا آنچه هنگام رؤیت هلال شوّال گفته می‌شود ما آن را در کتاب" عمل الشعر "در ضمن دعایی که انشا کردیم آوردیم، واین دعا صلاحیت برای تمام ماه‌ها را دارد. {"...پاورقی . همان، ص ۳۰۵. پاورقی} ودر موارد دیگر نیز در مورد ادعیه‌ای که خود انشا کرده چنین تعبیراتی آورده است. {پاورقی . مهج الدعوات، ص ۳۴۸ù۳۳۶ù۳۰۲ ؛ امان الأخطار، ص ۱۷. پاورقی} ۴ - ابن مشهدی در" المزار "می‌گوید": من در این کتاب خود از فنون زیارات، اخباری را جمع کردم که به واسطه راویان ثقه ومورد اعتماد به سادات متصل شده‌اند. {"پاورقی . المزار، ص ۱۶. پاورقی} ۵ - در صورتی که جمله" انّه الدعاء لصاحب الامر "را به معنای انشا از امام زمان (ع) بدانیم می‌توانیم آن را از توقیعات حضرت به بزوفری بدانیم.

چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟

پرسش

چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟

پاسخ

گاهی گفته می‌شود چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است. تصریح نشدن به اسامی وعدد دوازده امام از قوّت متن آن نمی‌کاهد. در عین حال گر چه تصریح به نام هر یک از آنها نشده ولی به طور کلّی واجمالی به مصائبی که آنها در راه هدایت خلق متحمّل شده‌اند اشاره کرده است. آنجا که می‌گوید": لم‌یمتثل أمر رسول اللّه (ص) فی الهادین بعد الهادین "...یا آنجا که می‌فرماید": فقتل من قتل وسُبی من سُبی وأُقصی من أُقصی. "این عبارات اشاره به مصائبی دارد که هر یک از امامان در راه هدایت خلق متحمّل شده‌اند. ونیز در جایی دیگر می‌فرماید": أین الحسن أین الحسین، أین أبنآء الحسین."...

آیا جمله" وعرجت بروحه "مخالف با معراج جسمانی است؟

پرسش

آیا جمله" وعرجت بروحه "مخالف با معراج جسمانی است؟

پاسخ

برخی می‌گویند: جمله" وعرجت بروحه إلی سمآئک "که در دعای ندبه آمده مخالف با اجماع وآیات وروایاتی است که دلالت بر معراج جسمانی دارد، لذا از این جهت درصدد برآمده‌اند تا در انتساب این دعا به امام خدشه وارد کنند. پاسخ: صحیح در این جمله": عرجت به إلی سمآئک "است نه" بروحه "ولذا دلالت بر معراج روحانی ندارد. شاهد این مطلب چند قرینه است: ۱ – محدّث نوری؛ در کتاب" تحیّة الزائر "می‌گوید: در نسخه‌ای که من از مزار محمّد بن مشهدی دارم": عرجت به إلی سمآئک "ثبت شده است. {پاورقی . تحیه الزائر، ص ۲۶۰. پاورقی} ۲ – شیخ عباس قمی؛ نیز در کتاب" هدیة الزائر "عبارت استاد خود حاجی نوری را نقل کرده وآن را تأیید نموده است. ۳ – الآن نیز نسخه‌ای خطّی ونفیس از کتاب مزار محمّد بن مشهدی موجود است که در آن" وعرجت به "ثبت شده است. ۴ – جمله‌های دیگر در دعا نیز مؤیّد معراج جسمانی است از قبیل": وأوطأته مشارقک ومغاربک "و"سخّرت له البراق. "۵ – بر فرض صحّت نسخه" وعرجت بروحه "این جمله دلالت بر معاد روحانی فقط ندارد، از باب استخدام لفظ موضوع برای جزء واراده کلّ، مقصود معراج جسمانی وروحانی است. از قبیل اینکه گفته می‌شود": روحی لک الفدآء. "مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی می‌گوید": گاهی کلمه روح را در معنای جسم با روح به کار می‌برند به جهت ارتباط بین حالّ ومحلّ یا علاقه ملابست که بین آن دو است. {"...پاورقی . شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ص ۱۰۸. پاورقی}

چه تألیفاتی درباره دعای ندبه نوشته شده است؟

پرسش

چه تألیفاتی درباره دعای ندبه نوشته شده است؟

پاسخ

دانشمندان ومحققان این دعای شریف را مورد توجه خود قرار داده وبر آن شروح وحواشی نوشته‌اند. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱" – شرح دعای ندبه "از صدرالدین محمد حسنی مدرس یزدی. ۲" – عقد الجمان لندبة صاحب‌الزمان "از میرزا عبدالرحیم تبریزی. ۳" – وسیلة القربة فی شرح دعاء الندبة "از شیخ علی خوئی. ۴" – شرح دعای ندبه "از ملا حسن تربتی

سبزواری. ۵" - النخبهٔ فی شرح دعاء الندبهٔ "از سید محمود مرعشی. ۶" - شرح یا ترجمه دعای ندبه "از سردار کابلی. ۷" - معالم القربهٔ فی شرح دعاء الندبهٔ "از محدث ارموی. ۸" - وظائف الشیعهٔ فی شرح دعاء الندبهٔ "از ادیب اصفهانی. ۹" - کشف الکربهٔ "از محدث ارموی. ۱۰" - نوید بامداد پیروزی "از موسوی خرم آبادی. ۱۱" - شرح وترجمه دعای ندبه "از محبّ الاسلام. ۱۲ - "نصرهٔ المسلمین "از عبدالرضا خان ابراهیمی. ۱۳" - فروغ الولایهٔ "از آیت اللّه صافی. ۱۴" - الکلمات النخبهٔ "از عطائی اصفهانی. ۱۵" - رسالهٔ حول دعاء الندبهٔ "از محمّد تقی تستری. ۱۶" - رسالهٔ حول دعاء الندبهٔ "از میرجهانی اصفهانی. ۱۷" - سند دعاء الندبهٔ "از سید یاسین الموسوی. ۱۸" - شرحی بر دعای ندبه "از علوی طالقانی. ودیگر شروح ورساله‌ها در رابطه با دعای ندبه.

سایر موارد

زیارت امام زمان(ع) که می خوانند، چرا دست روی سر می گذارند؟

پرسش

زیارت امام زمان(ع) که می خوانند، چرا دست روی سر می گذارند؟

پاسخ

موقعی که نام حضرت مهدی(ع) برده می شود به خصوص اگر نام مقدّس "قائم "به کار رود، بین شیعیان معمول است که به منظوراحترام و بزرگداشت مقام حضرت، از جای بر می خیزند. نیز نقل شده که حضرت امام رضا(ع) در یکی از مجالس خراسان حضور داشت. هنگامی که کلمهٔ "قائم "گفته شد، حضرت ایستاد و دست مبارکش را بر سر نهاده و فرمود": اللهم عجّل فرجه و سهّل مخرجه.["۲"] روی سر گذاشتن دست نشانهٔ احترام است. [۲] عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۱۳۳.

مصلح بزرگ جهانی از نظر احادیث دارای چه مشخصاتی است؟

پرسش

مصلح بزرگ جهانی از نظر احادیث دارای چه مشخصاتی است؟

پاسخ

از مجموع احادیث روشن میشود که مصلح بزرگ جهانی، مهدی موعود، دارای مشخّصات زیر است الف ـ از خاندان پیامبر اسلام و فرزندان او است. ب ـ از فرزندان امام حسین (ع) است. ج ـ دوازدهمین پیشوا پس از پیامبر است. د ـ فرزند حسن بن علی العسکری است. هـ ـ دنیا را مملو از عدل و داد خواهد کرد. و ـ حکومت جهانی در اختیار او قرار میگیرد. ز ـ مستضعفین و استعمار شدگان، در عصر او از قید و زنجیر اسارت آزاد میشوند، و جنگها برچیده میشود و صلح و آرامش و عمران جای آنرا میگیرد.

ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟

پرسش

ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟

پاسخ

ایمان به حتمیّت ظهور منجی عالم در فکر عموم انسان‌ها وجود دارد، منشأ این فکر یک رشته اصول قوی ومتین است که از سرشت وفطرت اصیل انسانی سرچشمه گرفته است؛ زیرا بشر فطرتاً طالب رسیدن به کمال در تمام زمینه‌های مربوط به خود است واو می‌داند که این کمال، تنها در سایه حکومت عدل توحیدی تحقق می‌یابد. شهید صدر؛ می‌فرماید": اعتقاد به مهدی (ع) تنها نشانه یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست، بلکه افزون بر آن، عنوانی است بر خواسته‌ها وآرزوهای همه انسان‌ها با کیش‌ها ومذاهب گوناگون، ونیز بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف‌هایشان در عقیده ومذهب دریافته‌اند که برای انسانیّت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی ومقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد."... {پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص ۷و۸. پاورقی} برهان فطرت را با بیان‌های مختلف می‌توان تبیین نمود: بیان اول الف. انسان در درون خود میل به‌حکومت عدل جهانی توحیدی را احساس می‌کند. ب. این حکومت باید موجود شود؛ زیرا میل وکشش درونی از امور ذات‌الاضافه است که بدون مضاف الیه امکان‌پذیر نیست. ج. مصداق کامل آن حکومت حضرت مهدی (ع) است. نتیجه: حکومت عدل جهانی ضرورت دارد. بیان دوم الف. انسان با قطع امید از وضعیت موجود جهان احساس نوعی امید به حکومتی برتر دارد. ب. وجود چنین امیدی دلیل بر تحقق آن در عالم خواهد بود. نتیجه: حکومت عدل جهانی ضرورت دارد. بیان سوم الف. انسان فطرتاً از ظلم متنفّر است. ب. انسان آنچه را که از او متنفّر است طبیعتاً نابودی آن را خوش دارد. ج. بشر، خود به تنهایی قادر بر این عمل نیست. نتیجه: برپایی حکومتی که در آن اثری از ظلم نباشد ضرورت دارد.

آیا از راه براهین فلسفی می‌توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پرسش

آیا از راه براهین فلسفی می‌توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پاسخ

فلاسفه اسلامی" قسر دائم "و"قسر اکثری "را در عالم طبیعت محال وامری نشدنی می‌دانند. مقصود از" قسر دائم "آن است که حقیقتی از حقایق هستی در دوره روزگارش از خواسته طبیعی خود محروم باشد. مثلاً آتش هیچ گاه حرارت نداشته باشد یا در جهان نیرویی باشد که از آغاز پیدایش آتش تا هنگامی که آتش در جهان وجود دارد از حرارت‌آتش جلوگیری کند. این امری محال است، که در فلسفه به اثبات رسیده‌است. مقصود از" قسر اکثری "آن است که طبیعت در اکثر دوره عمرش از اقتضای ذاتی خود محروم باشد. این را هم فلاسفه محال می‌دانند. این نظریه فلسفی که به شکل قانون در جهان هستی جاری است به ما می‌گوید که روزگار ظلم وجور در بشر سپری خواهد شد وبه جای آن روزگار عدل وداد خواهد آمد. این نظریه فلسفی می‌گوید: قسر انسانیت در عمر او محال است، چنان که در بیشتر عمر او نیز محال خواهد بود. پس روزگاری خواهد آمد که روزگار انسانیّت باشد. وبه یقین روزی خواهد آمد که بشر از اسارت وبردگی حیوان‌صفتان رهایی یابد ودر سایه مهر انسان‌ها زیست کند وزندگی داشته باشد.

ضرورت حکومت عدل جهانی را از راه تکامل چگونه می‌توان تبیین کرد؟

پرسش

ضرورت حکومت عدل جهانی را از راه تکامل چگونه می‌توان تبیین کرد؟

پاسخ

انسان مانند یک نهال است که استعداد ویژه‌ای برای رسیدن به کمال در او وجود دارد واحتیاج او به عوامل بیرونی برای شکوفایی این استعداد است. انسان در اثر همه جانبه بودن تکاملش، تدریجاً از وابستگی‌اش به محیط طبیعی واجتماعی کاسته وبه نوعی وارستگی که مساوی است با وابستگی به عقیده وایمان وایدئولوژی افزوده می‌شود، ودر آینده به آزادی کامل معنوی یعنی وابستگی کامل به عقیده وایمان ومسلک وایدئولوژی خواهد رسید. برحسب این‌بینش از ویژگی‌های‌انسان، تضادّ درونی‌اوست میان جنبه‌های مادی وجنبه‌های معنوی. نبرد درونی انسان خواه‌ناخواه به نبرد میان گروه‌ها وانسان‌ها کشیده می‌شود، یعنی نبرد میان انسان کمال یافته از یک‌طرف وانسان منحطّ از طرفی دیگر. نتیجه اینکه: بشر احتیاج دارد به نیرویی غیبی ورهبری الهی تا به کمک او عدل وتوحید وکمال را در سرتاسر گیتی گسترش داده ونیروهای مخالف را نابود سازد.

آیا با دلیل عقلی می‌توان ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را اثبات نمود؟

پرسش

آیا با دلیل عقلی می‌توان ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را اثبات نمود؟

پاسخ

مطابق آیات وروایات، انسان عبث وبیهوده آفریده نشده است، بلکه هدف وغرضی خاص برای خلقت او در نظر گرفته شده که همان رسیدن انسان به کمال یعنی لقای الهی است که از راه یقین وعبودیت همه جانبه حاصل می‌گردد. در علم کلام به اثبات رسیده که لطف بر خداوند واجب است. لذا از باب لطف باید خداوند هر امری را که در راستای اهداف خلقت است ایجاد کرده وموانع آن را نیز برطرف سازد. با مراجعه تاریخ گذشته پی می‌بریم که تاکنون این هدف عمومی در سطح کلّ جامعه بشری تحقق نیافته است. لذا به این نتیجه می‌رسیم که: به جهت تحقق هدف کلّی خلقت لازم است خداوند با زمینه‌سازی خاص که همان تشکیل حکومت عدل جهانی توحیدی است مردم را در پیاده کردن این هدف عمومی یاری دهد.

آیا واقعیّت‌های تاریخی می‌تواند ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پرسش

آیا واقعیّت‌های تاریخی می‌تواند ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پاسخ

بـا مراجعه به تاریـخ گذشـته وحال پی می‌بریم که بشـر در طول تاریـخ خود گرفتار انواع عـذاب‌ها وشـقاوت‌ها وقتل وغارت‌ها بوده است، خصوصاً انسان‌های موحّـد که به جرم پاسـداری از حق وحقیقت وتوحیـد، انواع عـذاب‌ها را به جان خریده‌اند. قرآن کریم در رابطه با قضـیه اصـحاب اُخدود که خندق بزرگی حفر کردند ودر آن آتشـی بس عظیم فراهم آوردند تا مؤمنان وموحدان را در آن زنـده زنده بسوزانند سـخن به میان آورده است. {پاورقی . سوره بروج، آیه ۸-۱. پاورقی} در صـفحه‌ای از تاریخ می‌خوانیم فرعون مصـر به مجرد دیـدن رؤیـایی در خواب چه جنایـاتی در طول عمر خود انجـام داد تا وجودش از گزنـد بلیّات محفوظ بمانـد. باز در صفحه‌ای دیگر از تاریـخ جنایـات شخصـی دیگر به نـام" حجـاج بن یوسف سـقفی "را مشاهـده می‌نماییم که در مـدّت بیست سال حکومت بر عراق، چه جنایات هولناکی را انجام داد. {پاورقی . مروج الـذهب، ج ۳، ص ۱۶۶Ù۱۶۷. پاورقی} در جنگ جهانی اوّل چه انسان‌های بی‌گناهی به قتل رسـیدند که بنابر آمار رسـمی تنها تعداد کشته‌شدگان این جنگ به بیست ودو میلیون نفر رسید. پس از مدت کوتاهی آتش جنگ جهانی دوم شـعله ور شد وبا کمال تأسّف آتش آن دامان هفتاد میلیون انسان را گرفت وبه کام مرگ فروبرد. در جریان اشغال الجزایر بیش از دو میلیون مسلمان توسط فرانسوی‌ها به شهادت رسیدند. در جنگ ویتنام نیز صدها هزار نفر از مردم بی‌گناه توسط آمریکایی‌ها قتل عام شدند. ودر نیم قرن گذشته مشاهده می‌کنیم که ملت فلسطین در زیر چکمه‌های اسرائیل غاصب صدها هزار کشـته وزخمی وآواره از خود به جای گذاشـته است. حال با تأمّلی نسـبت به آینده بشر وخصومت‌هایی که میان ملّت‌های مختلف پدید آمده وخصوصاً با در نظر گرفتن تسـلیحات کشـتار جمعی که کشورها برای نابودی یکدیگر فراهم آورده‌اند که می‌تواند ده‌ها بار کره زمین را به نابودی بکشاند، وبالأخص با طرح برخورد تمدن‌ها که از سوی برخی از روشنفکران آمریکایی همچون" ساموئـل هـانتینگتون "داده شـده وامروز، سـیاست‌مداران آمریکایی آن را دنبال می‌کننـد، در می‌یابیم که چه خطر عظیمی جامعه بشـری را تهدیـد می‌کنـد. حال آیا بشـر، امیـدی به آینـده زندگی خود دارد؟ راه حل چیست؟ آیا بشـر خود می‌تواند با طرح برنـامه‌ای که ضـمانت اجرایی نیز داشـته باشـد صـلاح وسـعادت را بر کـلّ عـالم حکم‌فرما سازد؟ قطعاً این چنین نیست ولـذا تاکنون نتوانسـته است چنین کاری بکنـد وبعـدها نیز به تنهایی نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد. لذا ضـرورت اقتضا می‌کند که مصـلحی غیبی از جانب خداوند متعال برای هدایت ونجات بشر ظهور کرده ومردم را از این بلاها نجات بخشد واو کسی غیر از مهدی موعود (ع) نیست.

چه ضرورتی در تحقق حکومت عدل جهانی در این دنیا است؟

پرسش

چه ضرورتی در تحقق حکومت عدل جهانی در این دنیا است؟

پاسخ

برخی بعد از اعتقاد به ضـرورت تشکیل حکومت عدل جهانی می‌گویند: چه ضرورتی برای تشکیل این عدالت در سطح گسترده در این دنیـاست، اگر در عـالم آخرت این عـدالت در سـطح گسترده پیاده شود -که حتماً هم چنین خواهـد بود- غرض وهـدف خلقت تأمین خواهد شد؟ در پاسخ این اشـکال می‌گوییم: ۱ - از آنجا که هـدف از خلقت، عبادت ورسـیدن به یقین ولقای خداوند معرفی شـده است، لـذا باید این حکومت در روی زمین وقبل از انقضای دنیا پیاده شود تا هدف غایی خلقت در برهه‌ای از زمان پیاده شود. ۲ - بشـر مخلوق در این دنیا گرایش فطری به این نوع حکومت دارد، لـذا باید برای او در این عالم با مقدماتش فراهم گردد. ۳ - از

آنجا که قسر دائم واکثری محال است، لذا انسان در این عالم طبیعت باید روزی را به خود ببیند که ظلم وتعدی از بین رفته وعدالت وانسانیت جای آن را در سطح گسترده گرفته است. ۴ - تکامل انسان در این دنیا برای او ارزشمند است نه در عالمی دیگر، واز آنجا که انسان طبیعتاً وفطرتاً کمال‌خواه وکمال‌جو است باید زمینه لازم برای سیر کمالی او در سطح گسترده در این عالم فراهم گردد، که در عصر ظهور مهدی (ع) این خواسته عملی خواهد شد.

رهبری در حکومت عدل جهانی چه اهمّیتی دارد؟

پرسش

رهبری در حکومت عدل جهانی چه اهمّیتی دارد؟

پاسخ

هر حکومت اصلاحی احتیاج به رهبری دارد که در پیشاپیش، قافله‌سالار آن حرکت بوده واز ابتدا تا انتها دنباله‌رو آن قیام ونهضت باشد، زیرا هر نوع قیام وحرکتی گرچه کوچک باشد بدون رهبری وتوجیه او امکان وجود وادامه حیات ندارد ونیز نمی‌تواند مصالح خود را چه در حال وچه در آینده حفظ نماید تا چه رسد به حرکت اصلاحی که قرار است در سطح اصلاح کلّ جامعه باشد. لذا به جهت توجیه نیروهای مستعدّ واداره وکنترل آنها برای پیاده نمودن هدف بزرگ الهی که همان گسترش عدل وتوحید در سراسر گیتی است احتیاج به شخصی است که از همه جهات قابلیّت برای به دست گرفتن آن حکومت را داشته باشد واو غیر از مهدی موعود (ع) نیست.

برپا کننده عدل جهانی چه شرایطی باید داشته باشد؟

پرسش

برپا کننده عدل جهانی چه شرایطی باید داشته باشد؟

پاسخ

عقل می‌گوید: برپا کننده عدل جهانی باید دارای شرایط وصفاتی باشد تا بتواند موفّق به انجام وظیفه خطیر خود گردد: ۱ - در دعوتش راستگو باشد. ۲ - دارای نقشه‌ای صحیح وجامع باشد. ۳ - دارای هیچ گونه نقطه ضعفی نباشد. ۴ - از مقام عصمت برخوردار باشد. ۵ - مورد تأیید خداوند باشد. ۶ - دارای یارانی فداکار باشد. فولتر، ادیب فرانسوی مشهور می‌گوید": اگر بر انسان یک شخص صالح حکومت کند برای او گویا یک وطن است، ولی اگر حاکم بر انسان شخص غیرصالح باشد گویا او هیچ وطنی ندارد. {"پاورقی . اسلام وعقل، ص ۲۱۰. پاورقی} متفکر ایرلندی مشهور (برنارد شو) در رابطه با خصوصیات لازم برای منجی بشر می‌گوید": او انسانی است زنده ودارای نیرویی قوی در بدن او، ودارای عقل کامل وخارق‌العاده، از همه مردم عالی‌تر که می‌تواند مردم را به سوی خود جذب کند. عمر او طولانی بوده، بیشتر از سیصد سال. {" ...پاورقی . برنارد شو، عباس محمود عقاد، ص ۱۲۴Ù۱۲۵. پاورقی}

مهدویت در سایر فرق اسلامی

سایر فرق اسلامی و اصل اعتقاد به مهدویت

آیا اعتقاد به مهدویت درمیان مذاهب اسلامی مورد اتفاق می باشد؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت درمیان مذاهب اسلامی مورد اتفاق می باشد؟

پاسخ

برخی تصور می کنند اعتقاد به قیام حضرت مهدی(ع) و حکومت جهانی او مخصوص شیعه و پیروان مکتب اهل بیت(ع) است. بر خلاف این تصور باید عرض کنیم تمامی فرقه های اسلامی بدون استثنا ظهور مردی از دودمان پیامبر را در آخر الزمان به نام مهدی که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند پذیرفته اند و روایت آن را در کتب خود از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده اند. کتاب های فراوانی در این زمینه به وسیلهٔ دانشمندان اهل سنّت و علمای شیعه نگاشته شده است که به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم. این روایات قطعی و متواتر است که همهٔ محققان اسلامی آن را پذیرفته اند، حتّی متعصّب ترین فرقه های اسلامی یعنی وهّابی ها نیز آن را پذیرفته و به متواتر بودن احادیث آن اعتراف کرده اند. شاهد این مطلب بیانیه ای است که چند سال قبل از طرف "رابطهٔ العالم الاسلامی "که شدیداً زیر نفوذ وهابی ها و دولت سعودی است در پاسخ به سؤالی که از آن‌ها دربارهٔ ظهور حضرت مهدی(ع) شده بود، صادر گردید. این بیانیه در پاسخ یکی از اهالی کنیا به نام "ابومحمد "گفته است: ابن تیمیّه مؤسّس مذهب وهابیان احادیث مربوط به مهدی(ع) را نیز پذیرفته است... . به هنگام ظهور فساد در جهان و نشر کفر وظلم، خداوند جهان را به وسیلهٔ مهدی پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است. او آخرین خلیفهٔ راشدین دوازده گانه است که پیامبر طبق کتاب های صحاح از آن خبر داده است. "در پایان چنین نتیجه گیری می‌کند": بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمانی واجب است و این جزء عقاید اهل سنّت و جماعت است و هیچ کس جز افراد نادان و بی خبر یا بدعتگذار آن را انکار نمی کند.["۱] اکنون با توجه به این روایات به سراغ آیاتی که به ظهور حضرت مهدی(ع) اشاره دارد می پردازیم:

آیا همه فرق اسلامی بر ایمان به ظهور مهدی اهلبیت(ع) اجتماع و اتفاق نظر دارند؟

پرسش

آیا همه فرق اسلامی بر ایمان به ظهور مهدی اهلبیت(ع) اجتماع و اتفاق نظر دارند؟

پاسخ

بله همه به اتفاق کلمه انتظار یک قیام روحانی جهانی و ظهور مصلحی را میکشند که عدالت اجتماعی و نظام جهانی را بر اساس ایمان به خدا و احکام دین اسلام برقرار سازد. ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه الصلاة و السلام و جهانگیر شدن دین اسلام به آیات متعددی از قرآن مجید و متواتر ترین روایات و قویترین اجماعات اتکاء و استناد دارد که هر مسلمان معتقد به قرآن و رسالت

پیغمبر اسلام باید به این ظهور ایمان راسخ و ثابت داشته باشد

آیا مسئله ظهور حضرت مهدی از مسائل اجماعی بین مسلمین است؟

پرسش

آیا مسئله ظهور حضرت مهدی از مسائل اجماعی بین مسلمین است؟

پاسخ

اگر مقصود از اجماع و اتفاق، شیعه باشد که محتاج به ذکر نیست و همه می‌دانند که از ضروریات مذهب امامیه ظهور قائم آل محمد فرزند حضرت امام حسن عسکری(ع) است. و اگر مقصود اتفاق عامّه مسلمین(از شیعه و سنی) باشد برای اثبات آن عبارت یکی از متتبع ترین علمای اهل سنت، علامه معتزله ابن ابی الحدید درشرح نهج البلاغه (طبع مصر، ج۲، ص۵۳۵) کافی است که می گوید: «قَد وَقَعَ اِتفاقُ الفَریقینِ مِنَ المُسلمینَ أَجْمَعین عَلی اَنَّ الدُنیا وَ التکلیف لا یَنْقَضی اِلّا عَلَیهِ» [اتفاق سنی و شیعه بر این است که دنیا و تکلیف، منقضی و تمام نشود مگر بر آن حضرت ـ یعنی بعد از ظهور آن حضرت] کسانی که در تاریخ تتبع دارند می‌دانند که ظهور مصلح منتظر و مهدی آل محمد(ع) آنچنان مورد اتفاق و مسلّم نزد تمام مسلمین بوده که از همان قرن اول هجری تا حال در مقام ردّ ادعای افرادی که ادعای مهدویّت کردند یا این ادعاء را به آنها نسبت دادند، بوده‌اند. اصل ظهور قائم آل محمد (ع) را کسی انکار اخبار نکرد، زیرا بر خلاف اجماع مسلمین و انکار قطعی صادر از پیغمبر(ص) بود. بلکه در مقام ردّ آنها به فاقد بودن اوصاف و علاماتی که برای مهدی موعود در اخبار و احادیث مذکور است استناد می‌جستند. چنانچه چهار نفر از بزرگان علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت، ابن حجر شافعی مؤلف؛ «القول المختصر» و ابوالسرور احمد بن ضیاء الحنفی و محمد بن احمد مالکی و یحیی بن محمد حنبلی در جواب استفتائی که از ایشان شده (در باب ۱۳ از کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» عین فتاوای آنها را نقل شده،) همین روش را انتخاب نموده و به صحت اصل ظهور مهدی در آخر الزمان و اینکه عالم را پر از عدل و داد کند و عیسی به آن حضرت اقتدا نماید و اوصاف دیگر آن حضرت، رسماً فتوای محکم و مستدل و قاطع داده‌اند حتی شاعر بنی امیه حکیم بن عیاش کلبی نیز در ردّ نسبتی که به جناب زید بن علی بدون رضایت آن جناب داده شده بود (و او را مهدی خوانده بودند) گفته: «وَلَمْ أَرَ مَهدیّاً عَلی الجذع یصلب» (الاصابه، ۱/۳۹۵) مقصودش این است که آن مهدی که ظهور می کند مستولی بر ممالک و فاتح کشورها می گردد و عدل و داد را بسط می‌دهد، پس چگونه ممکن است جناب زید که مصلوب شد مهدی باشد.

آیا احادیث معتبر و متواتری نسبت به عقیده مهدویت وجود دارد؟

پرسش

آیا احادیث معتبر و متواتری نسبت به عقیده مهدویت وجود دارد؟

پاسخ

اصالت مهدویت از جهت ابتنای آن بر احادیث معتبر و متواتر در نهایت وضوح است. زیرا کتابهای حدیث و صحاح و جوامع و سنن و مسانید و اصول شیعه و اهل سنت که در آنها احادیث مربوط به این موضوع ضبط و روایت شده است از حد احصاء و شمارش

خارج است و نیز در کتابهای دیگر که در سایر رشتههای علوم اسلامی تألیف شده، مثل تاریخ و لغت و غریب الحدیث و رجال و تراجم و عقاید و کلام و حتی شعر و ادب و شرح قصاید و اشعار معروف علمای فنون مختلف به این احادیث استناد کرده و پیرامون شرح و مضامین آنها اظهار نظر نمودهاند. از عصر رسالت تا زمان ما صحابهٔ حضرت رسول اعظم(ص) و سپس تابعین و تابعین تابعین و سایر طبقات روات، این احادیث را روایت نمودهاند. بسیاری از این احادیث بالخصوص و بالانفراد به واسطهٔ شواهد و مؤیداتی حدیث شناسان ماهر به آن اعتماد دارند و در نهایت صحت و اعتبار میباشند و به مضمون آنها یقین حاصل میشود و علاوه بر این در مسائل مهم مربوط به مهدویّت مثل معرفی شخص حضرت مهدی(ع) و برنامههای مهم انقلابی و اسلامی ایشان، این احادیث در حد تواتر و بالاتری میباشند یعنی در هر یک از اوصاف معروف و مشهور حضرت مهدی(ع) حدیث از پیامبر(ص) و ائمه طاهرین(علیهم السلام) آن قدر زیاد است که قطع نظر از مقام وثاقت و صداقت و امانت روایت کنندگان، احتمال تبانی آنها بر دروغ و جعل این احادیث عقلایی نیست.

آیا عقیده به مهدویت تنها اختصاص به شیعه دارد؟ یا مورد اتفاق اهل سنت و شیعه میباشد؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت تنها اختصاص به شیعه دارد؟ یا مورد اتفاق اهل سنت و شیعه میباشد؟

پاسخ

اهل سنت و شیعه در طی اعصار و مرور قرنها بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان یک نفر از اولاد رسول(ص) و فرزندان علی و فاطمه(علیهما السلام) که صفات و علاماتش در احادیث مذکور است در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند همه او را هم نام و هم کنیهٔ پیامبر(ص) و ملقب به مهدی معرفی نمودهاند و همه اتفاق دارند بر این که تا او ظهور نکند، سیر این عالم و این جامعهٔ بشری به پایان نخواهد رسید و تا این دادگستر بزرگ و رهبر حکومت عدل جهانی قیام نکرده است، بشر باید منتظر ظهور او باشد و بداند که جهان محکوم ظلم ستمگران و فساد اهریمنان نیست و سرانجام همه تباهیها و نگرانیها به راحتی و امنیّت و آسایش مبدل میشود و مستکبرین و مفسدین نابود میگردند. همه چشم براهند و همه منتظرند، چنانکه از مصادر معتبر تاریخ و حدیث استفاده میشود، در تمام اعصار این یک عقیدهٔ عمومی امّت اسلام بوده است و همه بر آن اتفاق داشتهاند و لذا مدعیان دروغین مهدویّت را به اینکه واجد صفات و نشانیهای مهدی موعود نیستند رد میکردند و هرگز در مقام رد آنها صحت اصل و اساس این عقیده را منکر نمیشدند. و خلاصه اتفاق مسلمین بر اصل ظهور مهدی(ع) و برخی از خصوصیات و خصایص آن حضرت همیشه مورد قبول بوده و علمای بزرگ اهل سنت هم آن را مورد تصریح و تاکید قرار دادهاند و به قول دانشمند بزرگ معاصر اهل سنت «شیخ علی ناصب» در کتاب غایه المامول، همه (سَلَفاً و خَلَفاً) بر این عقیده بوده و هستند.

نظر علمای اهل سنّت پیرامون مصلح جهانی چیست؟

پرسش

نظر علمای اهل سنّت پیرامون مصلح جهانی چیست؟

پاسخ

نظر برخی از علمای اهل سنّت ۱ ـ دانشمند معروف شیخ منصور علی ناصف نویسندهٔ کتاب «التاج» در کتاب خود چنین مینویسد «اشتهر بین العلماء ـ سلفاً و خلفاً ـ انه فی آخر الزمان لابد من ظهور رجل من اهل البیت یسمی «المهدی» یستولی علی الممالک الاسلامیهٔ و یتبعه المسلمون و یعدل بینهم و یؤید الدین. تا آنجا که میگوید و قد روی احادیث المهدی جماعهٔ من خیار الصحابهٔ و اخرجها اکابر المحدثین کابی داود؛ و الترمذی و ابن ماجه و الطبرانی، و ابی یعلی، والبزاز، و الامام احمد، و الحاکم؛ رضی الله عنهم اجمعین و لقد اخطأ من ضعف احادیث المهدی کلها کابن خلدون و غیره.» (التّاج، ۵/۳۱۰) [در میان همهٔ دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که سرانجام مردی از اهل بیت پیامبر (ص) ظاهر میشود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلّط میگردد، و مسلمانان از او پیروی میکنند؛ و در میان آنها عدالت را اجرا مینماید، و دین را تقویت میکند... احادیث مهدی را بسیاری از بزرگان صحابه و محدّثین نقل کردهاند... و کسی که همچون ابن خلدون آنها را ضعیف شمرده خطا کرده است.] ۲ ـ خود «ابن خلدون» که معروف به مخالفت با احادیث مهدی است نیز شهرت احادیث مهدی را در میان همهٔ دانشمندان اسلام نتوانسته است انکار کند آنجا که میگوید «مشهور در میان تمام مسلمانان در تمام اعصار و قرون این بوده و هست که در آخر زمان مردی از اهل بیت ظهور میکند که آئین اسلام را تأیید کرده و عدالت را آشکار میسازد و مسلمانان از او پیروی میکنند. (مقدمه ابن خلدون، چاپ بیروت، ص ۳۱۱) ۳ ـ محمد شبلنجی دانشمند معروف مصری در کتاب «نور الابصار» مینویسد «تواترت الاخبار عن النّبی (ص) علی انّ المهدی من اهل بیته و انّه یملأ الارض عدلاً» (نور الابصار/ ۱۵۷) [اخبار متواتری از پیامبر (ص) آمده که مهدی از خاندان او است؛ او همهٔ روی زمین را پر از عدل میکند.] ۴ ـ شیخ محمّد صبان در کتاب «اسعاف الرّاغبین» چنین میگوید «اخبار متواتری که از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده گواهی میدهد که مهدی (سرانجام) قیام میکند و او از خاندان پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. ۵ ـ «ابن حجر» در کتاب «صواعق المحرقهٔ» از ابوالحسن امری چنین نقل میکند اخبار متواتر و فراوانی از پیامبر (ص) نقل شده که سرانجام مهدی ظهور میکند و او از اهل بیت پیامبر (ص) است... و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. (صواعق/۹۹.) ۶ ـ نویسنده کتاب «التّاج» پس از اشاره به کتاب «شوکانی» عالم معروف اهل سنّت که تمام آن پیرامون تواتر احادیث مربوط به مهدی و خروج دجّال و بازگشت مسیح است و بحث مشروحی در زمینهٔ تواتر احادیث مربوط به مهدی (ع) میگوید «هذا یکفی لمن کان عنده ذرّهٔ من الایمان و قلیل من انصاف!» (التّاج، ج۵، ص ۳۲۷.) [آنچه گفته شد برای کسانی که یک ذرّه ایمان و یک جو انصاف دارند کافی به نظر میرسد!]

آیا کسی از علمای اهل سنّت، منکر احادیث مهدویت شده است؟

پرسش

آیا کسی از علمای اهل سنّت، منکر احادیث مهدویت شده است؟

پاسخ

برخی از علمای اهل سنّت درصدد انکار وتوجیه روایات مهدویت برآمده تا این موضوع مهم را در جامعه لوث کنند که از آن جمله می‌توان از افراد زیر نام برد: ۱ – ابن خلدون؛ او گرچه موضوع مهدویت را مشهور بین کافه اهل اسلام در گذر زمان‌ها می‌داند ولی با تمسک به قاعده" جرح، مقدم بر تعدیل است "درصدد ابطال روایات مهدویت برآمده است. {پاورقی . تاریخ ابن خلدون، ج ۱،

ص ۳۲۲-۳۱۱. پاورقی} {پاورقی . مقصود از این قاعده این است که تضعیف یک راوی مقدم بر توثیق آن است. پاورقی} ۲ - محمّد ابوزهره؛ او نیز خطّ ابن خلدون را ادامه داده ومی گوید: علمای اهل سنّت در سندهای این احادیث خدشه کرده‌اند، ولذا این عقیده را نزد اهل سنّت ثابت نمی‌داند. {پاورقی . الامام الصادق (ع)، ص ۲۳۹. پاورقی} ۳ - سعد محمّد حسن از شیوخ ازهر؛ او نیز به دنبال نقّادین احادیث مهدویت رفته وحرف‌های آنها را تکرار می کند. {پاورقی . المهدیة فی الاسلام، ص ۶۹. پاورقی} ۴ - محمّد فرید وجدی؛ او می گوید": بسیاری از امامان حدیث، احادیث مهدویت را تضعیف نموده‌اند. {"...پاورقی . دائرة المعارف قرن عشرین، ج ۱۰، ص ۴۸۱. پاورقی} ۵ - احمد امین مصری؛ او نیز به کلام ابن خلدون رضایت داده است. {پاورقی . المهدی والمهدویة، ص ۱۰۸. پاورقی} ۶ - شیخ جبهان؛ او نیز از جمله کسانی است که گمان کرده احادیث مهدویت همگی باطل است. {پاورقی . تبدید الظلام، ص ۴۷۹Ù۴۸۰. پاورقی} ۷ - شیخ سائح لیبیایی؛ او نیز از جمله کسانی است که احادیث مهدویت را نقد کرده است. {پاورقی . تراثنا وموازین النقد، ص ۱۸۷. پاورقی} پاسخ اجمالی: از آنجا که تکیه‌گاه کلام عموم مخالفین احادیث مهدویت، ابن خلدون است، لذا در نقد کلمات آنها به ردّ کلام ابن خلدون به صورت اجمالی بسنده می کنیم: ۱ - ابن خلدون هنگام نقد احادیث مهدویت تنها به برخی از روایات می‌پردازد، در حالی که روایات دیگری وجود دارد که از صحت سند برخوردار است. لذا دکتر بستوی ۴۶ روایت را با سند صحیح یا حسن در زمینه مهدویت در کتاب خود آورده است. {پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة. پاورقی} ۲ - او تنها اسامی برخی از صحابه را نقل کرده که احادیث مهدویت را نقل کرده‌اند، در حالی که بیش از اینهاست، ولذا شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد اسامی ۲۶ نفر از صحابه را که ناقل احادیث مهدویتند نقل کرده است. {پاورقی . عقیدة اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر، ص ۱۲۸. پاورقی} ۳ - همو می گوید": ابن خلدون شخصی موّرخ است نه رجالی ولذا به تضعیفات او توجهی نمی‌شود. {"...پاورقی . همان. پاورقی} ۴ - اینکه ابن خلدون جرح را مقدم بر تعدیل می‌داند نزد اهل سنّت عمومیت ندارد؛ زیرا عوامل جرح نزد آنان مختلف است. برخی با کوچک‌ترین جهت راوی را جرح می کنند؛ لذا متخصصان فن شرط کرده‌اند که علت جرح باید تفسیر شود که به چه جهتی بوده است. از جمله کسانی که این قاعده را قبول ندارند ابن حجر عسقلانی، قاضی سبکی، خطیب بغدادی، نووی، سخاوی، سیوطی وسندی است. دکتر عبدالحکیم بستوی می گوید": حتی در صورتی که جرح در راوی به اثبات برسد، هر جرحی روایت را از اعتبار ساقط نمی کند، بلکه برخی از جرح‌ها است که شدید بوده ومستلزم ترک روایت است. وبرخی تا این حدّ نیست، بلکه راوی متّصف به جرح با غیر خود از کسانی که دارای اعتبارند تقویت شده وروایتش قابل احتجاج است. {"پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة، ص ۳۶۴Ù۳۶۵. پاورقی} ۵ - ابن خلدون احادیث را احصا نکرده ونمی‌داند که از حدّ تواتر گذشته است ولذا احتیاج به بررسی سندی ندارد.

چرا بخاری ومسلم احادیث مهدویت‌را در صحاح خود ذکر نکرده‌اند؟

پرسش

چرا بخاری ومسلم احادیث مهدویت‌را در صحاح خود ذکر نکرده‌اند؟

پاسخ

از جمله اشکالات برخی بر قضیه مهدویت از سوی اهل سنّت آن است که بخاری ومسلم اشاره‌ای به احادیث مهدویت نکرده وآنها را در صحیح خود نقل نکرده‌اند، واین به نوبه خود می‌تواند سبب وهن وضعف این احادیث باشد. احمد امین مصری می گوید": از افتخارات صحیح بخاری ومسلم آن است که این گونه احادیث در آن دو وارد نشده است، گرچه در غیر این دو کتاب از کتاب‌های

حدیث وارد شده است.{"پاورقی . المهدی والمهدویة، ص ۴۱ ؛ ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۷۷. پاورقی} همین اشکال از ناحیه اشخاصی دیگر از متفکرین غرب‌زده اهل سنّت از قبیل شیخ محمد ابوزهره، سعد محمّد حسن، حسین سائح لیبیایی مغربی، {پاورقی . الامام الصادق (ع)، ص ۲۳۸ù۲۳۹. پاورقی} {پاورقی . المهدیة فی الاسلام، ص ۶۹. پاورقی} {پاورقی . تراثنا وموازین النقد، ص ۱۸۷-۱۸۵. پاورقی} و نیز سید محمد رشید رضا وشیخ بن محمود وارد شده است. {پاورقی . تفسیر المنار، ج ۹، ص ۴۹۹. پاورقی} {پاورقی . لا مهدیّ ینتظر بعد الرسول، ص ۶. پاورقی} پاسخ: این اشکال مورد توجه اهل سنّت واقع شده وشدیداً با آن به مقابله پرداخته‌اند". دکتر بستوی "می‌گوید": اینان گمان می‌کنند که بخاری ومسلم احادیث مهدویت را به جهت ضعف در اسنادشان نقل نکرده‌اند. این گمانی باطل است، زیرا این دو به تمام احادیث صحیح احاطه نداشته وهرگز چنین ادعایی نکرده‌اند. {"پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة. پاورقی} بخاری می‌گوید": آنچه را که در کتاب خود" الجامع الصحیح "آورده‌ام صحیح است ولی چه بسیار احادیث صحیح‌السندی که به جهت طولانی شدن کتابم نقل نکردم. {"پاورقی . مقدمه ابن الصلاح، ص ۲۱ù۲۲. پاورقی} مسلم بن حجاج قشیری می‌گوید": من تمام احادیث صحیح نزد خود را در این کتاب" صحیح "نیاورده‌ام، بلکه درصدد آن بوده‌ام که تنها احادیثی را ذکر کنم که اجماعی است. {"پاورقی . همان. پاورقی} حاکم نیشابوری می‌گوید": بخاری ومسلم حکم به عدم صحت احادیثی که در دو کتابشان نیامده نکرده‌اند. {"پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۲. پاورقی} ابن قیم جوزیه می‌گوید ": آیا بخاری گفته است که هر حدیثی را من در کتابم نیاورده‌ام باطل وغیر حجت وضعیف است؟ چه بسیار احادیثی که بخاری به آنها در غیر کتاب" الجامع الصحیح "احتجاج نموده ولی در این کتاب نیاورده است. وچه بسیار احادیثی که در غیر این کتاب تصحیح نموده ولی در این کتاب نیاورده است. {"پاورقی . زاد المعاد. پاورقی} عبدالمحسن بن حمد العباد می‌گوید": حدیث صحیح همان گونه که در صحیحین موجود است در غیر این دو از کتاب‌های حدیثی نیز وجود دارد، مثل: موطأ، صحیح ابن‌خزیمه، صحیح ابن‌حبّان، مستدرک حاکم، جامع ترمذی، سنن ابی‌داوود، سنن نسائی، سنن ابن‌ماجه، سنن دارقطنی، سنن بیهقی ودیگر کتب، واین امری در نهایت وضوح وآشکار است. {"پاورقی . الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۴۵، به نقل از او. پاورقی} دیگر اینکه چه کسی ادّعا کرده که بخاری ومسلم توجهی به احادیث مهدویت به طور عموم نداشته‌اند؟ این حرف باطل است، زیرا این دو به برخی از احادیث مربوط به خروج مهدی (ع) اشاره کرده‌اند. از قبیل: الف) احادیث خروج دجال بخاری وخصوصاً مسلم احادیث زیادی را در باب خروج دجال از طرق مختلف نقل کرده‌اند. {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، کتاب الانبیاء، باب ما ذکر عن بنی‌اسرائیل ؛ صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۱۸، ص۸۵ù۵۸. پاورقی} ابن حجر عسقلانی با نقل کلامی از آبرّی در تواتر احادیث مهدی (ع) قصه دجال را به خروج حضرت مهدی (ع) ربط می‌دهد. {پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵. پاورقی} ب) احادیث نزول عیسی بن مریم بخاری به سند خود از ابوهریره نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود": کیف انتم إذا نزل ابن مریم فیکم وامامکم منکم"؛ "شما را چه خواهد شد زمانی که فرزند مریم در میان شما{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. پاورقی} فرود خواهد آمد در حالی که امام شما از میان شماست ".مسلم نیز همین مضمون را نقل کرده است. {پاورقی . صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴. پاورقی} مقصود از امام در این روایات کسی جز مهدی (ع) نخواهد بود، ولذا شارحین صحیح بخاری همگی متفق القول" امام "در این روایت را حضرت مهدی (ع) معرفی کرده‌اند. ج) احادیث بخشش مال مسلم به سند خود از جابر بن عبداللّه انصاری نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود": یکون فی آخر امّتی خلیفة یحثی المال حثیاً لا یعدّه عدداً"؛ "در پایان امتم خلیفه‌ای خواهد{پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵. پاورقی} بود که مال فراوان می‌دهد بدون آنکه شماره کند ".با رجوع به روایات دیگر پی خواهیم برد که مقصود از این خلیفه همان حضرت مهدی (ع) است. ابن‌ابی‌شیبه به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": یخرج رجل من أهل بیتی عند انقطاع من الزمان وظهور من الفتن یکون عطاؤه حثیاً"؛ "مردی از اهل بیتم بعد از{پاورقی . المصنّف، ابن ابی‌شیبه، ج ۸، ص ۶۷۸. پاورقی} وقفه‌ای از زمان وظهور فتنه‌ها خروج

خواهد کرد که عطای او ریزان است ".د) احادیث خسف بیداء مسلم در" صحیح "به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": یعوذ عائذ بالبیت فیبعث إلیه بعث فإذا کانوا ببیداء من الأرض خسف بهم"؛ "شخصی به خانه پناه می‌برد، {پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷. پاورقی} لشکری به سوی او فرستاده می‌شود، آن لشکر به سرزمین بیداء که می‌رسد در آنجا به زمین فرومی‌رود ".با مراجعه به سایر روایات پی می‌بریم که فرورفتن زمین بیداء از علائم ظهور حضرت مهدی (ع) است. {پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۲۰. پاورقی}

آیا احادیث مهدویت تنها از طرق شیعه بوده ودر سند همه آنها شیعه وجود دارد؟

پرسش

آیا احادیث مهدویت تنها از طرق شیعه بوده ودر سند همه آنها شیعه وجود دارد؟

پاسخ

پاسخ اول برخی از اهل سنّت گمان کرده‌اند که احادیث مهدویت تماماً از جعل شیعه بوده یا لااقل در سندهای آن، کسانی وجود دارند که متهم به تشیّعند، ولذا مورد قبول آنها واقع نشده است. دکتر بستوی بعد از نقل این اشکال در پاسخ به آن می‌گوید": معیار در قبول روایت راوی عدالت وضابط بودن اوست با قطع نظر از اینکه عقیده او چیست، مگر آنکه از اسلام خارج شده باشد. این روش بسیاری از علمای قدیم وجدید است. آن گاه از علی بن مدینی نقل می‌کند که اگر روایات اهل کوفه به جهت تشیع ترک شود کتاب‌ها ضایع شده ومذهب از هم خواهد پاشید. {"پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة، ص ۳۸۰. پاورقی} او همچنین می‌گوید": در عین حال مدار در روایات مهدی بر کسانی که منسوب به تشیعند نیست. یعنی چه بسیار از کسانی که هیچ نسبت به تشیع ندارند ولی در عین حال این احادیث را نقل کرده‌اند. او در آخر بحث خود می‌گوید": تا به اینجا به دست آمد که بیشتر روایات ثابت در امر مهدی در سندهایش فرد شیعی وجود ندارد، وروایاتی که این چنین است غالباً شواهدی از طرق دیگر دارد، لذا شبهه از این جهت زایل می‌گردد. {"پاورقی . همان. پاورقی} پاسخ دوم اوّلاً: اختلاف، مقتضای طبیعت تفصیل قضایای ثابت است، لذا استدلال به اختلاف تفاصیل یک قضیه بر عدم ثبوت آن، مغالطه‌ای بیش نیست، ودر غیر این صورت نمی‌توان هیچ مسأله اعتقادی را اثبات نمود، زیرا تمام مسائل، مورد اختلاف واقع شده‌اند. ثانیاً: در هر یک از مسائل مورد اختلاف، قول حق به اثبات رسیده است، ولذا در هیچ مسأله‌ای تردید وجود ندارد.

آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟

پرسش

آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟

پاسخ

پاسخ اول گرچه اسلام در عصر رسول اکرم (ص) بر تمام عالم گسترش پیدا نکرد، ولی؛ اولاً: خبر اسلام ودعوت آن به گوش غالب بلاد اسلامی رسید وشخص رسول اکرم (ص) مردم عالم را به اسلام دعوت نمود. ثانیاً: خود قرآن وشخص پیامبر اکرم (ص)

www.noorfatemah.org

خبر از تحقق اسلام در سطح گسترده ودر تمام روی زمین داده است، نه اینکه مسلمانان بعد از یأس از فراگیری اسلام به این عقیده روی آورده باشند. دکتر عبدالجبار شراره می گوید": آنچه جای تعجب است اینکه برخی از مدعیان علم ومعرفت از قدیم الایام ودر این زمان درصدد ایجاد تشکیک در جامعه اسلامی برآمده وموجبات تشویش افکار جامعه را فراهم کرده‌اند، واین تنها به جهت قصور فهم آنان از درک اسرار این عقیده (مهدویت) ومقاصد عالی آن است، ویا اینکه اسباب واغراض دیگری دارند که ما از آن آگاهی نداریم. از جمله این افراد، مستشرقین وشاگردان آنانند از قبیل": جولد زیهر"، "فلهاوزن"، "فان فلوتن"، "مک‌دونالد،" "برنارد لویس"، "مونتگری"، "وات وماسینیون "ودیگران از کسانی که از افکار مستشرقین پیروی کرده‌اند، با وجود آنکه ادعای مسلمان بودن دارند. وخوشبختانه هیچ گونه دلیل بر مدعای خود ندارند، بلکه دلیل بر خلاف مدعای آنان دلالت دارد. ونیز برهان آشکار وقطعی بر صحت عقیده مهدویت قائم است، زیرا به طور متواتر ثابت شده که در آخرالزمان، مهدی (ع) ظهور خواهد کرد، همان گونه که جماعتی از اهل سنّت از قبیل برزنجی وشوکانی ودیگران بر تواتر آن تأکید دارند. {"...پاورقی . بحث حول المهدی، ص ۱۶ù۱۷. پاورقی} پاسخ دوم عقیده به مهدویت از عقایدی است که مسلمانان با اختلافات مذهبی که دارند بر آن اتفاق دارند، وهرگز به مذهب خاصی اختصاص ندارد، زیرا جمیع شیعه امامیه، زیدیه، مالکی‌ها، حنفی‌ها، شافعی‌ها، حنبلی‌ها ووهابیان بر این مسأله اتفاق نظر دارند که شخصی از عترت پیامبر اکرم (ص) قیام کرده وزمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد. جماعتی از علمای اهل سنّت تصریح کرده‌اند که این عقیده مورد اتفاق مسلمین است وحتی برخی از فقهای اهل سنّت به وجوب قتل منکر آن فتوا داده‌اند. احمد امین مصری با آنکه منکر اصل مهدویت است، ولی این عقیده را از عقاید مسلّم اهل سنّت می‌شمارد که به آن ایمان دارند. {پاورقی . المهدی و المهدویة، ص ۱۱۰. پاورقی}

آیا کسی از علمای اهل سنّت ادعای تواتر در احادیث مهدویت کرده است؟

پرسش

آیا کسی از علمای اهل سنّت ادعای تواتر در احادیث مهدویت کرده است؟

پاسخ

گروهی از علمای اهل سنّت که در علم حدیث تخصّص دارند تصریح به تواتر احادیث در موضوع مهدویت نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به افراد زیر اشاره نمود: ۱ – ابن قیّم جوزیه.{پاورقی . المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ص ۱۴۱–۱۳۵. پاورقی} ۲ – جلال الدین سیوطی.{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۸. پاورقی} ۳ – ابوالحسن محمّد بن حسین بن عاصم سحری.{پاورقی . همان. پاورقی} ۴ – علامه مناوی.{پاورقی . فیض القدیر، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۹۲۴۵. پاورقی} ۵ – حافظ ابن حجر عسقلانی.{پاورقی . فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲. پاورقی} ۶ – قاضی شوکانی.{پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۴، به نقل از رساله التوضیح شوکانی. پاورقی} ۷ – ابن حجر هیتمی.{پاورقی . الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱. پاورقی} ۸ – تفتازانی.{پاورقی . شرح مقاصد، ج ۲، ص ۶۲. پاورقی} ۹ – قرمانی دمشقی.{پاورقی . اخبار الدول وآثار الأول، ج ۱، ص ۴۶۳. پاورقی} ۱۰ – مبار کفوری.{پاورقی . تحفة الاحوذی، ذیل حدیث ۲۳۳۱. پاورقی} ۱۱ – احمد بن محمّد بن صدیق.{پاورقی . ابراز الوهم المکنون من کلام ابن‌خلدون، ص ۴۳۳. پاورقی} ۱۲ – سفارینی حنبلی.{پاورقی . الاذاعة، ص ۱۴۶. پاورقی} ۱۳ – سید محمّد صدیق حسن.{پاورقی . همان، ص ۱۲۵. پاورقی} ۱۴ – ابوالخطیب محمّد شمس الحق عظیم آبادی.{پاورقی . عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۴۳. پاورقی} ۱۵ – شیخ ابوالحسین آبری.{پاورقی . نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۲۲۵. پاورقی} ۱۶ – برزنجی.{پاورقی .

الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۳۹. پاورقی} ۱۷ – شیخ محمّد خضر حسین.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی، ج ۱۶، شماره ۳۶ù۳۵. پاورقی} ۱۸ – ابو الاعلی مودودی.{پاورقی . البیّنات، ص ۱۱۶. پاورقی} ۱۹ – احمد زینی دحلان.{پاورقی . الفتوحات الاسلامیة، ص ۳۰۰ù۲۹۹. پاورقی} ۲۰ – شیخ منصور علی ناصف.{پاورقی . التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱. پاورقی} ۲۱ – شیخ ناصرالدین البانی.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی، شماره ۲۲، ص ۶۴۳. پاورقی}

چه کسانی قائل به صحّت احادیث مهدویت شده‌اند؟

پرسش

چه کسانی قائل به صحّت احادیث مهدویت شده‌اند؟

پاسخ

گروهی از علمای اهل سنّت به صحت یا حسن احادیث مهدی (ع) تصریح نموده وبرخی نیز به تواتر آن اعتراف دارند. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ – ترمذی.{پاورقی . سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳. پاورقی} ۲ – ابوجعفر عقیلی.{پاورقی . الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۳۸۰. پاورقی} ۳ – بربهاری.{پاورقی . شرح السنه. پاورقی} ۴ – محمد بن حسین آبری.{پاورقی . مناقب الشافعی. پاورقی} ۵ – حاکم نیشابوری.{پاورقی . المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۵. پاورقی} ۶ – بیهقی.{پاورقی . به نقل المنار المنیف، ص ۱۳۰. پاورقی} ۷ – بغوی.{پاورقی . مصابیح السنة، ج ۳، ص ۴۹۳. پاورقی} ۸ – ابن اثیر.{پاورقی . النهایة، ج ۵، ص ۲۲۰. پاورقی} ۹ – قرطبی.{پاورقی . التذکرة، ج ۲، ص ۲۹۹. پاورقی} ۱۰ – ابن منظور.{پاورقی . لسان العرب، ج ۲۵، ص ۳۵۴. پاورقی} ۱۱ – ابن تیمیه.{پاورقی . المنهاج السنة، ج ۴، ص ۲۱۱. پاورقی} ۱۲ – جمال الدین مزّی.{پاورقی . تهذیب الکمال، ج ۲۵، ص ۱۵۰. پاورقی} ۱۳ – ذهبی.{پاورقی . تلخیص المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۳. پاورقی} ۱۴ – ابن قیم جوزیه.{پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۵–۱۳۰. پاورقی} ۱۵ – ابن کثیر.{پاورقی . النهایة فی الفتن والملاحم، ص ۵۳–۴۵. پاورقی} ۱۶ – تفتازانی.{پاورقی . شرح مقاصد، ج ۵، ص ۳۱۲. پاورقی} ۱۷ – نورالدین هیثمی.{پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴. پاورقی} ۱۸ – شیخ محمد جزری شافعی.{پاورقی . اسنی المطالب، ص ۱۲۹. پاورقی} ۱۹ – احمد بن ابی‌بکر بویصری.{پاورقی . مصباح الزجاجه، ج ۳، ص ۲۶۳. پاورقی} ۲۰ – ابن حجر عسقلانی.{پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵. پاورقی} ۲۱ – سیوطی.{پاورقی . الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۵۳ù۵۲۲. پاورقی} ۲۲ – شیخ عبدالوهاب شعرانی.{پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۵۶۱. پاورقی} ۲۳ – ابن حجر هیتمی.{پاورقی . الصواع المحرقة، ص ۱۶۳ ؛ القول المختصر، ص ۲۶. پاورقی} ۲۴ – متقی هندی.{پاورقی . البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان. پاورقی} ۲۵ – شیخ مرعی بن یوسف مقدسی حنبلی.{پاورقی . فرائد فوائد الفکر، ص ۶۸–۶۰. پاورقی} ۲۶ – محمّد بن عبدالرسول برزنجی.{پاورقی . الاشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۳۹. پاورقی} ۲۷ – محمّد عبدا.....Ęŝزرقانی.{پاورقی . شرح المواهب اللدنیة. پاورقی} ۲۸ – ابوالعلاء عراقی.{پاورقی . شرح احیاء المیت فی فضائل آل‌البیت. پاورقی} ۲۹ – شیخ محمّد بن احمد سفارینی حنبلی.{پاورقی . اللوامع. پاورقی} ۳۰ – سید محمد مرتضی زبیدی.{پاورقی . تاج العروس، ج ۲، ص ۳۳۲. پاورقی} ۳۱ – شیخ محمّد بن علی صبّان.{پاورقی . اسعاف الراغبین، ص ۱۶۱–۱۴۵. پاورقی} ۳۲ – محمّد امین سویدی.{پاورقی . سبائک الذهب، ص ۷۸. پاورقی} ۳۳ – شوکانی.{پاورقی . به نقل از قنوجی در الاذاعة، ص ۱۲۶. پاورقی} ۳۴ – محمّد بن حسن بن مؤمن شبلنجی.{پاورقی . نور الابصاİص ۱۸۵. پاورقی} ۳۵ – احمد بن زینی دحل.....{پاورقی . الفتوحات الاسلامیة، ج ۲، ص ۲۹۰. پاورقی} ۳۶ – .....الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی.{پاورقی . القطر الشهدی، ص ۶۸. پاورقی} ۳۷ – ابوالبرکات آلوسی

حنفی.{پاورقی . علامات الساعه. پاورقی} ۳۸ – محمد بلبسی شافعی.{پاورقی . العطر الوردی، ص ۴۵. پاورقی} ۳۹ – ابوالطیب عظیم‌آبادی.{پاورقی . نظم المتناثر، ص ۲۲۵. پاورقی} ۴۰ – مبارکفوری.{پاورقی . تحفهٔ الاحوذی، ج ۶، ص ۳۹۳. پاورقی} ۴۱ – شیخ منصور علی ناصف.{پاورقی . التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱. پاورقی} ۴۲ – شیخ خضر حسین مصری.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی. پاورقی} ۴۳ – ابو الاعلی مودودی.{پاورقی . البینات، ص ۱۱۶. پاورقی} ۴۴ – ناصرالدین البانی.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی. پاورقی} ۴۵ – شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد.{پاورقی . عقیدهٔ اهل السنهٔ والاثر فی المهدی المنتظر. پاورقی} ۴۶ – شیخ حمود بن عبداللّه تویجری.{پاورقی . الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی، ص ۷۰. پاورقی} ۴۷ – شیخ عبدالعزیز بن عبداللّه بن باز.{پاورقی . الامام المهدی عند اهل‌السنهٔ، ج ۲، ص ۴۳۲، به نقل از او. پاورقی}

چه کسانی از صحابه احادیث مهدویت را نقل کرده‌اند؟

پرسش

چه کسانی از صحابه احادیث مهدویت را نقل کرده‌اند؟

پاسخ

راویان احادیث مهدویت از صحابه بسیارند که از آن جمله می‌توان به این افراد اشاره کرد: امام امیرالمؤمنین (ع)، ابوامامه باهلی، صدیّ بن عجلان، ابوایوب انصاری، ابوسعید خدری، ابوسلمی، ابوالطفیل عامر بن واثله، ابولیلی، ابووائل، ابوهریره، انس بن مالک، ثوبان مولی رسول اللّه (ص)، جابر بن سمره، جابر بن عبداللّه انصاری، جابر بن عبداللّه صدفی، امام حسن بن علی (ع)، امام حسین (ع)، سلمان فارسی، طلحهٔ بن عبیداللّه، عباس بن عبدالمطلب، عبدالرحمن بن عوف، عبدالرحمن بن حرث، عبداللّه بن عباس، عبداللّه بن عمر بن خطاب، عبداللّه بن عمروبن عاص، عبداللّه بن مسعود، عثمان بن عفان، عثمان بن ابی‌العاص، علقمهٔ بن عبداللّه، علی الهلالی، عمار بن یاسر، عمر بن خطاب، عمران بن حصین، عمروبن عاص، عمروبن مرّه جهنی، عوف بن مالک، قتادهٔ بن نعمان، قرّهٔ بن آیاس مزنی، کعب بن علقمه، معاذ بن جبل، فاطمه زهرا (ع)، امّ سلمه، عایشه، ام حبیبه ودیگران.

حکم منکر حضرت مهدی(ع) وظهور او، در نزد اهل سنّت چیست؟

پرسش

حکم منکر حضرت مهدی(ع) وظهور او، در نزد اهل سنّت چیست؟

پاسخ

برخی از علمای اهل سنّت ایمان به خروج حضرت مهدی (ع) را واجب دانسته وبرخی دیگر منکر آن را کافر به حساب آورده‌اند: احمد بن محمّد بن صدیق می گوید": ایمان به خروج مهدی واجب، واعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق پیامبر (ص) حتمی وثابت است. {"...پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۳. پاورقی} همین تعبیر از سفارینی حنبلی، ناصرالدین البانی، عبدالمحسن بن حمد العبّاد، نیز رسیده است. {پاورقی . الاذاعهٔ، ص ۱۴۶. پاورقی} {پاورقی . مجله التمدن الاسلامی، شماره ۲۲، ص ۶۴۳. پاورقی} {پاورقی . مجله الجماعهٔ الاسلامیهٔ، شماره ۳. پاورقی} فقیه شافعی ابن حجر تصریح کرده که انکار مهدی اگر موجب انکار سنت از

www.noorfatemah.org

اصل واساس گردد، سبب کفر می‌شود، وهر کس چنین کند قتلش واجب است. واگر انکار، تنها به جهت عناد ودشمنی با ائمه اسلام است نه سنت، لازم است که او را تعزیر آشکار واهانت نمود تا دست از این کار بردارد. {"...پاورقی . البرهان، ص ۱۷۸. پاورقی} احمد بن محمد بن صدیق غماری ازهری در رابطه با احادیث مهدویت می گوید": این احادیث متواترند ومنکرین آنها بدعت گزار و گمراه به حساب می آیند. {"پاورقی . المهدی المنتظر، ص ۵. پاورقی}

آیا مذاهب اسلامی بر اصل ظهور امام زمان‌علیه‌السلام اتفاق نظر دارند؟

پرسش

آیا مذاهب اسلامی بر اصل ظهور امام زمان‌علیه‌السلام اتفاق نظر دارند؟

پاسخ

تمام مذاهب اسلامی بر اصل مسئله ظهور حضرت مهدی (ع) از ذریّه پیامبر اکرم (ص) اتفاق نظر دارند. همه معتقدند که در آخرالزمان شخصی به نام مهدی (ع) ظهور کرده، زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، همان گونه که از ظلم وجور پر شده است. الف. از علمای شیعه شهید صدر؛ می‌فرماید": به راستی اعتقاد به حضرت مهدی (ع) به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر (ص) به طور عموم و در روایات اهل بیت: به طور خصوص آمده است وبه حدی به این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد. {"...پاورقی . بحث حول المهدی، ص ۱۰۳Ù۱۰۴. پاورقی} شیخ محمد رضا مظفر می‌فرماید ": مسئله بشارت به ظهور مهدی (ع) از اولاد فاطمه (س) در آخرالزمان واینکه زمین را از عدل وداد پر می کند بعد از آنکه از ظلم وجور پر شده باشد، از مسائلی است که به طور متواتر از پیامبر (ص) رسیده است ومسلمانان در کتاب‌های روایی خود آنها را نقل کرده اند. {"پاورقی . عقائد الامامیه، ص ۷۷. پاورقی} ب. از علمای اهل سنّت ناصر الدین البانی می گوید: "اما مسئله مهدی، باید دانسته شود که درباره خروج او احادیث صحیح بسیاری وارد شده است. {"...پاورقی . حول المهدی (ع)، البانی، مجله التمدن الاسلامی، سال ۱۳۷۱ه. پاورقی} شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد می گوید": همانا کثرت احادیث مهدی (ع) وتعدد طرق آنها واثبات آنها در کتاب‌های اهل سنّت به حدی است که بسیار دشوار به نظر می‌رسد که بتوانیم بگوییم حقیقتی ندارند، مگر اینکه کسی جاهل بوده یا اهل جدل باشد، یا دقت در سندهای آنها نکرده باشد وبر کلام بزرگان اهل علم واقف نباشد. {"...پاورقی . عقیدة اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر، مجله جامعة اسلامیة، شماره ۳. پاورقی} شیخ عبدالعزیز بن عبداللّه بن باز می گوید": پس امر مهدی (ع) معلوم واحادیث در آن مستفیض بلکه متواتر وتقویت کننده یکدیگرند، وجماعتی از اهل علم ادعای تواتر آنها را نموده‌اند. {"...پاورقی . همان. پاورقی}

آیا مذاهب اسلامی بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی(ع)اتفاق نظر دارند؟

پرسش

آیا مذاهب اسلامی بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی(ع)اتفاق نظر دارند؟

پاسخ

پاسخ اول همه مذاهب اسلامی بر این امر اتفاق نظر دارند که خروج مهدی(ع) در آخرالزمان از امور غیبی است که باید به آن اعتقاد پیدا کرد. الف. از علمای شیعه شیخ صدوق می‌فرماید": ایمان شخص مؤمن به امام زمان (ع) بدون علم به احوال آن حضرت صحیح نخواهد بود. زیرا ایمان کسی که به قضیه مهدویت اعتقاد دارد به او نفعی نمی‌رساند مگر در صورتی که عارف به شأن آن حضرت در زمان غیبت باشد. {"پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۹. پاورقی} ب. از علمای اهل سنّت ناصرالدین البانی می‌نویسد: "همانا عقیده به خروج حضرت مهدی (ع) عقیده‌ای است ثابت ومتواتر از پیامبر اکرم (ص) که ایمان به آن واجب است، زیرا این عقیده از امور غیب است که ایمان به آن در قرآن کریم از صفات پرهیزکاران شمرده شده است. {"...پاورقی . مجله تمدن اسلامی، چاپ دمشق. پاورقی} عبدالمحسن بن حمد العباد می‌نویسد": تصدیق واعتقاد به قضیه مهدویت، داخل در ایمان به رسالت پیامبر اکرم (ص) است، زیرا از آثار ایمان به پیامبر (ص) تصدیق او است در اموری که به آنها خبر داده ونیز داخل در ایمان به غیبی است که خداوند متعال مؤمنین را به جهت ایمان به آن مدح کرده است. {"...پاورقی . مجله الجماعة الاسلامیه، چاپ حجاز. پاورقی} پاسخ دوم اهل سنّت، از آنجا که موضوع ظهور حضرت مهدی (ع) را از جمله خبرهایی می‌دانند که پیامبر اکرم (ص) به آن بشارت داده است، لذا به جهت وجود روایات صحیح‌السند در این موضوع، اعتقاد وایمان به آن را واجب می‌دانند، گر چه -بر فرض- روآیات در حدّ تواتر نباشد. حمود بن عبداللّه تویجری می گوید": هر چه به طریق صحیح از پیامبر اکرم (ص) به آن خبر داده شده، ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است، زیرا در راستای اعتراف وشهادت به رسالت اوست. "...آن گاه تویجری از احمد بن حنبل وموفق ابومحمّد مقدسی نیز همین ادعا را نقل می کند. {پاورقی . اتحاف الجماعة، ج ۱، ص ۶. پاورقی} او در جای دیگر می گوید: "در ایمان به خبرهای غیبی تواتر شرط نیست... بلکه هر خبر غیبی که به سند صحیح از رسول‌خدا (ص) ثابت شده ایمان به آن واجب است، خواه آن خبر متواتر باشد یا واحد، واین قول اهل سنّت وجماعت است. "...آن گاه برای مدعای خود به آیه نبأ تمسک کرده است. {پاورقی . همان، ص ۷. پاورقی} دکتر محمد احمد اسماعیل مقدّم می گوید": هر حدیثی که به طور صحیح از رسول خدا (ص) رسیده ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است، واین از لوازم شهادت به نبوت ورسالت پیامبر اسلام است. {"...پاورقی . المهدی و فقه اشراط الساعة، ص ۲۳Ù۲۴. پاورقی}

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره حکومت عدل‌گستر حضرت مهدی ع) چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره حکومت عدل‌گستر حضرت مهدی ع) چیست؟

پاسخ

احادیث بسیار زیادی در متون اسلامی اعم از شیعه وسنی بر این امر اتفاق دارند که امام زمان (ع) بعد از ظهور خود زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، همان گونه که از ظلم وجور پر شده باشد. ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: "لاتقوم الساعة حتی تمتلئ الأرض ظلماً وعدواناً. قال: ثمّ یخرج رجل من عترتی (أومن أهل بیتی) یملأها قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وعدواناً"؛ "قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه زمین پر از ظلم وستم گردد. {پاورقی . مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶. پاورقی} سپس فرمود: آن گاه شخصی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] خروج کرده، زمین را از عدل پر خواهد کرد، همان گونه که از ظلم وستم پر شده باشد ".شیخ طوسی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": یظهر صاحبنا وهو من صلب هذا - وأومأ بیده إلی موسی بن جعفر- ویملأها عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً؛ {"پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۴۲. پاورقی"} صاحب ما

ظهور می‌کند، در حالی که از نسل این شخص است (حضرت با دست مبارک خود به موسی بن جعفر (ع) اشاره کرد) آن گاه زمین را پر از عدل وداد می‌کند، همان گونه که از ظلم وجور پر شده باشد ".موضوع: ولادت امام مهدی علیه السلام

مسأله قبول منجی از طرف مسیحیان و شیعیان و چندین دین جهان واضح است، اما آیا سنی‌ها مسلمان نیز به چنین منجی اعتقاد دارند؟

پرسش

مسأله قبول منجی از طرف مسیحیان و شیعیان و چندین دین جهان واضح است، اما آیا سنی‌ها مسلمان نیز به چنین منجی اعتقاد دارند؟

پاسخ

اعتقاد به مهدی موعود(از عقاید مسلم نزد همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی می باشد. همه مسلمانان برآنند که شخصی که مهدی لقب دارد و با حضرت رسول(همنام است، در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، و دین اسلام را رواج داده، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. زیرا احادیث متواتری در این باره از پیامبر اکرم(روایت شده است، به گونه ای که کمتر مسأله ای را می توان یافت که احادیث مربوط به آن در این حد از تواتر باشد. و اعتبار حدیث متواتر مورد قبول همه علمای اسلام (شیعه و سنی)، و اعتبار حدیث متواتر خدشه ناپذیر است، و هیچگونه شک و تردید را برنمی تابد. (۱) و در این خصوص، از کتابهای معتبر حدیث و تاریخ و علمای اهل سنت، که احادیث مربوط به مهدی موعود را نقل کرده اند، عده ای دیگر از علمای اهل سنت، کتابهای مستقلی در این موضوع تألیف کرده اند. مانند مناقب مهدی، نعت مهدی، الاربعین حدیثاً فی المهدی، از ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ ـ ق)؛ والعرف الوردی فی اخبار المهدی، و علامات مهدی، از جلال الدین سیوطی ... اما اختلافی که بین شیعه وسنی در خصوص حضرت مهدی وجود دارد این است که : وجود امام زمان (مورد اتفاق همه شیعیان است، ولی اهل سنت در این مورد دو دسته اند : ۱- گروهی از آنان که اکثریت را تشکیل می دهند، برآنند که امام زمان فعلاً موجود نیست، و قبل از قیامت به دنیا می آید. ۲- جمعی دیگر دراین مسأله با شیعه هم عقیده اند. (۲) اختلاف دیگری در مورد امام زمان(، اینست که از نظر شیعه و عده ای از علمای اهل سنت، آن حضرت از فرزندان امام حسین(است؛ ولی عده ای دیگر از علمای اهل سنت، او را از فرزندان امام حسن(دانسته اند. اما شیعیان در خصوص وجود امام زمان(دلایلی دارند، که از جمله آنها شواهد تاریخی بر صحت این مطلب است. گزارشهایی که ولادت آن حضرت و ایام کودکی او را نقل کرده، و از کسانی یاد کرده اند که در منزل امام حسن عسگری(،فرزندش مهدی(را ملاقات نموده اند، در کتابهای شیعه امری مسلم و بدیهی است. و بعضی علمای اهل سنت چون ابن صباغ مالکی، خواجه محمد پارسا، ابن حجر میثمی شافعی، و حافظ سلیمان حنفی، این مسأله را تأیید کرده اند. حافظ سلیمان حنفی می‌گوید" : خبر معلوم نزد محققان و موثقان اینست که ولادت قائم(در شب پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵، در شهر سامرا واقع شده است ".دلیل دیگری که بر وجود امام زمان اقامه شده است، دلیل عقلی است. وآن اینست که آفرینش بدون وجود انسان کامل، تفسیر صحیح و خرد پسندی ندارد، و به منزله کالبد بدون روح است. علاوه بر آن تا وقتی که تکلیف هست، و مکلّفانی هستند که از خطا و اشتباه مصون نیستند، باید امام و پیشوایی معصوم وجود داشته باشد. (۳) منابع و مآخذ : ۱. عقاید استدلالی۲، علی ربانی گلپایگانی، ص۱۴۹ ۲. در این باره به کتاب نجم الثاقب، باب چهارم، رجوع شود. عقاید استدلالی۲، علی ربانی گلپایگانی، ص۱۵۳ـ۱۵۱

نظر اهل تسنن در مورد ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ آن را با نظر شیعیان مقایسه کنید.

پرسش

نظر اهل تسنن در مورد ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ آن را با نظر شیعیان مقایسه کنید.

پاسخ

اولاً جمع بسیاری از علمای اهل سنت نیز معتقد به ولادت امام زمان در نیمه شعبان سال ۲۵۴ ه.ق هستند و معتقدند ایشان فرزند امام حسن عسکری هستند که نام ۷۰ تن از علمای اهل سنت که به این مطلب تصریح کرده‌اند جمع‌آوری شده است، (ر.ک:منتخب‌الاثر، آیت‌الله‌صافی، فصل سوم، باب اول). ثانیا، اعتقاد به ولادت امام زمان وعمر طولانی ایشان، مستند به ادله قطعی و مسلم است. اگر کسی به روایات بسیار زیادی که در این زمینه وجود دارد مراجعه کند یقین پیدا خواهد کرد و پس از آن توجه به چند مطلب لازم است: ۱- مقصود از غیبت، این است که عموم مردم حضرت را نمی‌شناسند وگرنه در میان مردم حضور دارند و حتی همه ساله در میان خیلی بی‌شمار حاجیان در مراسم حج شرکت می کنند. ۲- مسأله طول عمر حضرت، علاوه بر این که امکان طبیعی دارد و نتایج کاوش‌ها و آزمایشات علمی دانشمندان غربی امکان آن را ثابت می کند، (ر.ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۱۸۳ تا ۲۰۳). با توجه به قطعی بودن ولادت آن حضرت، از قدرت واراده خداوند خارج نیست لااقل مانند معجزات پیامبران امری خارق‌العاده خواهد بود. خداوندی که بر زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی و تبدیل عصا به اژدها توسط حضرت موسی و بیرون آوردن شتر با بچه‌اش ازدل صخره‌های کوه قدرت دارد، بر طولانی کردن عمر یک انسان هم قادر است.{J

سایر فرق اسلامی و مصداق مهدویت

آیا سنی ها به غیبت امام زمان اعتقاد دارند، به چه دلیل؟

پرسش

آیا سنی ها به غیبت امام زمان اعتقاد دارند، به چه دلیل؟

پاسخ

عقیده به مهدویّت از امور مسلّم تاریخ و کلام اسلامی است. جملگی مسلمانان (شیعه و سنی) به" مهدی موعود "باور دارند. اختلاف مذهب شیعه و سنی در مورد تولّد امام مهدی(عج) است. بیشتر عالِمان اهل سنت بر این باورند که" مهدی موعود "هنوز متولد نشده است، لیکن شیعهٔ امامیه می گوید: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری(ع)، در سال ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شده است و اکنون در پس پردهٔ غیبت زندگی می کند و روزی به امر خدا ظهور خواهد کرد. برخی از عالمان اهل سنّت نیز این سخن را قبول دارند و در کتاب های خویش متذکر شده اند، از جمله _: ابوطالب کمال الدین، محمد بن طلحه شافعی قرشی، در کتاب مطالب السؤال _؛ علی بن محمد، ابن صباغ مالکی در الفصول المهمّه _؛ شبلنجی در نورالابصار _؛ ابن حجر شافعی هیتمی مصری در الصواعق المحرقه و ... . بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده اند که در کتاب های خویش ولادت امام مهدی(عج) را متذکر شده اند.[۲] این ها به غیبت امام زمان باور دارند. [۲] مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی، ص ۳۹ - ۲۳؛ سیرهٔ پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۶۷.

چرا بین شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت مهدی(عج) اختلاف وجود دارد؟

پرسش

چرا بین شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت مهدی(عج) اختلاف وجود دارد؟

پاسخ

در پرسش دو احتمال وجود دارد: ۱ـ احتمال اوّل آن است که عالمان شیعی و سنی در تولد و عدم تولد امام زمان(عج) اختلاف دارند؛ بدین معنا که دانشوران شیعی باور دارند امام زمان(ع) متولد شده؛ ولی اندیشمندان اهل سنت می گویند که حضرت هنوز متولد نشده است. اگر مقصود این باشد، باید گفت: اصل ولادت مهدی از واقعیات تاریخ است. به جز ائمه طاهرین، و عالمان و محدّثان شیعه، بسیاری از تاریخ نگاران و محدثان اهل سنت نیز بدین معنا تصریح کرده، و آن را یک واقعیت دانسته اند. برخی از نویسندگان، نام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتب آنان را ذکر نموده اند.(۱) آن عِدّه از عالمان اهل سنت که ولادت امام زمان(ع) را انکار کرده اند، می گویند حضرت در آینده متولد خواهد شد. از آن رو حکومت عباسی با گسترش اخبار مهدویت، به وحشت افتاده بودند و چاره آن کار را در این دیدند که امام هادی و عسکری را در محاصره قرار بدهند تا همانند جریان فرعون و حضرت موسی از ولادت امام مهدی(عج) جلوگیری به عمل آورند، یا در کودکی او را بکشند، برای خنثی سازی این نقشهٔ شوم، امام عسکری(ع) تصمیم گرفت جریان ولادت حضرت مهدی(عج) را مخفی نگه دارد و تنها به شیعیان خاص اطلاع دهد. این سیاست موجب شد برخی در ولادت حضرت شک و تردید داشته باشند، لیکن در دورهٔ ۶۹ سالهٔ غیبت صغری با شواهد و قرائن برای شیعیان ولادت حضرت ثابت شد، امّا دیگر عالمان به جهت عدم ارتباط آنان با سازمان وکالت تا حدودی شک و تردید در بین آنان باقی مانده یا این که مسایل دیگر در رویکرد آنان مؤثر بوده اند. مضافاً بر این که در خیلی از مسایل تاریخی مورخان و اندیشمندان با هم اختلاف نظر دارند. در این جا به دیدگاه چند تن از عالمان اهل سنت اشاره می شود که تصریح کرده اند حضرت حجّت متولد شده است: ۱ـ شمس الدین ابن خلکان می نویسد": ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری بن علیّ الهادی بن محمد الجواد، دوازدهمین امام شیعه است. لقب معروف او حجّت است. شیعیان همو را"، منتظر "و" قائم "و" مهدی "می دانند.(۲) ۲ـ شیخ سلیمان قندوزی می نویسد": خبر معلوم و مسلّم، در نزد موثّقان، این است که ولادت قائم(ع)، در نیمهٔ شعبان واقع شده است، به سال ۲۵۵، در شهر سامرا.("۳) ۳ـ شیخ عبدالوهاب شعرانی می نویسد": مهدی(عج) از اولاد امام حسن عسکری است. در شب نیمهٔ شعبان سال ۲۵۵ متولد شده و زنده است تا این که با عیسی بن مریم ملاقات کند.("۴) ۲. احتمال دوم آن است که اندیشمندان شیعه و سنی در تاریخ تولد امام زمان(ع) اختلاف دارند. اگر مقوصد آن باشد باید گفت: اختلاف دانشمندان اهل سنت و شیعیان در خصوص تاریخ تولد و تاریخ وفات بزرگان دین اختصاص به امام زمان(ع) ندارد. آنان در خیلی از مسایل دیگر نیز اختلاف دارند، مثلاً دانشمندان اهل سنت عقیده دارند که پیامبر(ص) در ۱۲ ربیع الاوّل عام الفیل متولد شده و حال آن که مورخان شیعه بر این باورند که حضرت در ۱۷ ربیع الاول چشم به جهان گشوده است. این گونه اختلافات بان جهت بوده که در آن زمان، وسایل و ابزار علمی ـ مانند امروز وجود نداشته است که تاریخ شفاف ظبط گردد، افزون بر این که گذشت زمان در ابهام سازی برخی از مسایل تاریخی نقش دارد. اختلاف در تاریخ ولادت امام زمان(ع) از این قاعده جدا نبوده و در تاریخ تولد او نیز ناهمگونی جزئی وجود دارد که این گونه تفاوت قابل قبول است. در پایان بیان می داریم که اگر مراد شما جز این است و یا پاسخ سؤال را کافی نیافتید، برای ما بنویسید تا پاسخ دیگر دریافت نمایید. پی نوشت ها: ۱. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب ۱۸؛ محمد کاظم

قزوینی، الامام المهدی، ص ۱۱ ـ ۸. ۲. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۶. ۳. الیواقیت و الجواهر، ص ۱۴۵. ۴. ینابیع الموده، ص ۴۵۲، به نقل از خورشید مغرب، ص ۲۰.

نمونه ای از روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) را ذکر کنید ؟

پرسش

نمونه ای از روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) را ذکر کنید ؟

پاسخ

رسول اللّه (ص) فرمود : اگر یک روز از عمر جهان بیشتر نماند باشد خدای متعال آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من و همنام من به حکومت برسد وزمین را پر از عدل و داد کند , چنانچه پر از ظلم و جور شده است . (صحیح ترمذی , ج ۲ , ص ۴۶) , (صحیح ابی داود , ج ۲ , ص ۲۰۷) (مسند احمد بن حنبل , ج ۱ , ص ۳۷۸) و (ینابیع الموده , ص ۴۹ , ص ۲۸۰ , ص ۴۴۰ و ص ۱۸۶) . از ام سلمه نقل کرده اند که رسول اللّه (ص) فرمود : مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است (اسعاف الراغبین , ص ۱۳۴) از ابن عباس نقل کرده اند که رسول اللّه (ص) فرمود : همانا علی امام امت بعد ازمن است و از فرزندان او قائم منتظر می باشد و هنگامی که ظهور کند زمین را پر ازعدل و داد می سازد , چنانکه پر از ظلم و جور شده اس(ینابیع الموده , ص ۴۹۴)

آیا از اهل سنّت احادیث و روایاتی درباره ظهور حضرت مهدی(عج) نقل شده است؟

پرسش

آیا از اهل سنّت احادیث و روایاتی درباره ظهور حضرت مهدی(عج) نقل شده است؟

پاسخ

بله محدثین بزرگ اهل سنّت نیز احادیثی راجع به ظهور حضرت مهدی تخریج نمودهاند و از جماعتی از صحابه و جمع کثیری از تابعین راجع به ظهور آن حضرت روایات بسیاری نقل کردهاند و بعضی از ایشان در تخریج این احادیث کتاب خاص نوشتهاند و گروه بسیاری از آنان تواتر این روایات را صریحاً تصدیق اضافه است کردهاند و از جمله مسائلی که در کلمات بسیاری از ایشان تصریح شده این است که نه فقط اصل ظهور مهدی به روایات متواتر از پیغمبر اکرم(ص) ثابت و قطعی است بلکه به تواتر ثابت است که آن حضرت زمین را پر از عدل و داد میکند و عیسی از آسمان نزول کرده به آن حضرت اقتدا می‌نماید و تمام جهان را فتح کرده و احکام قرآن را نشر می‌دهد. علاوه بر این بسیاری از محققین علمای عامه در اشعار و قصاید یا کتب و تصنیفاتشان ایمان خود را به اینکه حضرت مهدی(ع) همان یگانه فرزند امام حسن عسگری(ع) است اظهار داشتهاند.

چه مشخصات و ویژگیهائی برای حضرت مهدی در کتب اهل سنت آمده است؟

پرسش

چه مشخصات و ویژگیهائی برای حضرت مهدی در کتب اهل سنت آمده است؟

پاسخ

: ۱ ـ مهدی موعود از عترت پیغمبر و از فرزندان فاطمه(علیهم السلام) است. ۲ ـ مهدی موعود از فرزندان حسین (ع) است. ۳ ـ حضرت مهدی جهان را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد. ۴ ـ حضرت مهدی دارای دو غیبت است، یکی از آن دو غیبت طولانی میشود. ۵ ـ مهدی، خلیفه و رهبر و امام دوازدهم از ائمه اثنی عشر است که پیغمبر، امت را به امامت آنها بشارت داد و بر طبق روایات کثیر مسند احمد، صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و کتابهای معتبر دیگر اهل سنت، امامتشان ثابت است. ۶ ـ حضرت مهدی(ع) بر تمام کشورها و شهرها مستولی میشود و لشکرهای کفر را هزیمت میدهد. ۷ـ دین اسلام و توحید به وسیله آن حضرت عالمگیر خواهد شد و در زمین کسی نماند مگر اینکه به توحید خدا گواهی دهد. ۸ ـ در زمانش آنچنان مردم در نعمت و وسعت خواهند بود که نظیر آن در هیچ عصری نبوده است. ۹ ـ حضرت مهدی(ع) همنام و هم کنیهٔ حضرت رسول(ص) است. ۱۰ ـ حضرت مهدی شبیهترین مردم است به پیغمبر در خلق و خوی. ۱۱ ـ مردم را به سنت و شریعت و ملت پیغمبر اکرم(ص) برگرداند و کتاب و سنت را زنده سازد. ۱۲ ـ پوشاک و خوراک آن حضرت در نهایت سادگی باشد. ۱۳ ـ برکات زمین و آسمان در عصرش فراوان شود. ۱۴ ـ علم و دانائی او به حلال و حرام از همه کس بیشتر باشد. ۱۵ ـ نسبت به فقرا مهربان و بر عُمّال و مأمورین سختگیر باشد که بر مردم ستم نکنند. ۱۶ ـ عیسی بن مریم(ع) فرود آید و در نماز به مهدی(ع) اقتدا کند. ۱۷ ـ پیش از ظهور آن حضرت حوادث بزرگ و فتن عظیم و جنگهای عالمگیر اتفاق افتد که دو ثلث مردم تلف شوند. ۱۸ ـ پیش از ظهور آن حضرت معاصی رایج شود، فروش خمر و قمار علنی شود، عفت و پاکدامنی در زنها کم شود، اسباب لهو و طرب و غنا ظاهر شود، ربا جزء معاملات رایج گردد (مؤسسات ربوی آشکار شود). زنها برهنه و نیم برهنه از خانهها بیرون آیند و در امور و مشاغل مردها وارد شوند و مردها از آنها اطاعت کنند، احکام خدا و حدود، معطل ماند و اجرا نشود، امر به معروف و نهی از منکر ترک شود بلکه امر به منکر و نهی از معروف رایج گردد تا حدی که مردم منکر را معروف و معروف را منکر بدانند. زنها فاسد و جوانان بدکار شوند، کارها به نا اهلان سپرده شود و چیزهای دیگر از این قبیل که شرحش فعلاً میسور نیست.

تعدادی از احادیث روایت شده توسط سنی درباره امام مهدی، ظهور ایشان، و دیگر مسائل مربوط به ظهور را بیان کنید.

پرسش

تعدادی از احادیث روایت شده توسط سنی درباره امام مهدی، ظهور ایشان، و دیگر مسائل مربوط به ظهور را بیان کنید.

پاسخ

۱ـ أخرج أحمد و ابن أبی شیبهٔ، و ابن ماجهٔ، ونعیم بن حمّاد، فی الفتن، عن علیٍّ، قال: قال رسول الله (ص): «المهدی منّ اهل البیت، یصلح الله فی لیلهٔ». (کتاب الفتن ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۱) احمد وابن أبی شیبه و ابن ماجه و نعیم بن حمّاد، در کتاب «فتن» از علی(ع) نقل کردهاند که آن حضرت فرمود: رسول خدا(ص) فرمودند: «مهدی (ع) از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود». ۲ـ أخرج أبو داود و ابن ماجهٔ والطبرانی و الحاکم عن امّ سلمهٔ، قالت: سمعت رسول الله (ص) یقول: «المهدی من عترتی، من ولد فاطمهٔ». (کتاب الفتن ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۲) ابو داود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم، از امّ سلمه

روایت کرده‌اند که گفت: شنیدم رسول الله (ص) می‌فرماید: «مهدی (ع) از سلالهٔ من است، از فرزندان فاطمه(س)». ۳ـ أخرج الحاکم و ابن ماجهٔ و أبو نعیم، عن أنس بن مالک، قال: سمعت رسول الله (ص) یقول: «نحن سبعهٔ ولد عبدالمطّلب سادهٔ أهل الجنهٔ: انا، و حمزهٔ، و علی، و جعفر، والحسن، و الحسین، و المهدی». (کتاب الفتن ص ۸۹، ب ۲، ح ۳) حاکم، و ابن ماجه و ابونعیم ، از انس بن مالک روایت کرده‌اند که وی گفت: شنیدم، رسول الله (ص) می‌فرماید: «ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی» ۴ـ أخرج الترمذی ـ و صحّحه ـ عن أبی هریرهٔ، قال: قال رسول الله (ص): «لولم یبقَ من الدنیا الّا یوم، لطوّل الله ذلک الیوم، حتی یلی المهدی». (کتاب الفتن ص ۹۰، ب ۲، ح ۵) ترمذی به طریق صحیح از ابو هریره، نقل کرده است که گفت: رسول الله (ص) فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند که مهدی (ع) در پی آید». ۵ـ أخرج الطبرانی فی الاوسط من طریق عمر و بن علی، عن علیّ بن أبی طالب انه قال للنبیّ(ص): «أمنّا المهدی أم من غیرنا یا رسول الله؟»، قال« بل منّا، بنا یختم الله کما بنا فتح، و بنا یستنقذون من الشرک، و بنا یؤلِّف الله بین قلوبهم بعد عداوهٔ الشرک». (کتاب الفتن ص ۹۱، ب ۲، ح ۷) طبرانی در«الأوسط» از طریق عمرو بن علی، روایتی را از علی بن ابیطالب(ع) نقل کرده که از پیامبر(ص) سؤال کرد: «مهدی از بین ماست یا از بین دیگران یا رسول الله؟ در جواب فرمود: «بلکه ازماست، خداوند همچنانکه به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد، به وسیلهٔ ماست که مردم از شرک نجات می‌یابند، به وسیلهٔ ماست که خداوند بین دلهای مردم، الفت و پیوند ایجاد میکند، بعد از آنکه به دشمنی حاصله از شرک، بینشان جدای افتاده باشد». ۶ـ أخرج نعیم بن حماد، و أبو نعیم من طریق مکحول عن علی، قال: «قلت: یا رسول الله أمنّا آل محمد المهدی، أم من غیرنا؟» فقال: « لا بل منّا، یختم الله به الدین کما فتح بنا ینقذون من الفتنهٔ کما انقذوا من الشرک، و بنا یؤلَّف الله بین قلوبهم، و بنا یصبحون بعد عداوهٔ الفتنهٔ اخواناً کما أصبحو بعد عداوهٔ الشرک اخواناً فی دینهم» (کتاب الفتن ص ۹۱، ب ۲، ح ۸) نعیم بن حمّاد و ابو نعیم از طریق«مکحول» از علیّ بن ابیطالب(ع) روایت کرده‌اند، که فرمود: «گفتم: ای رسول خدا، آیا مهدی(ع) از بین ما آل محمد(ص) است یا از بین غیر ما؟» فرمود: «نه بلکه از بین ماست، خداوند دین را همچنانکه گشود، به وجود او ختم خواهد کرد، مردم به وسیلهٔ ما از فتنه نجات می‌یابند؛ چنانکه از شرک نجات یافتند و به وسیلهٔ ماست که خداوند بین دلهای مردم، الفت و پیوند ایجاد می‌کند و به وسیلهٔ ماست که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه، با یکدیگر برادر شدند.» ۷ـ أخرج الحارث بن أبی اُسامهٔ و أبو نعیم، عن أبی سعید، قال: قال رسول الله(ص): «لتملأنّ الارض ظلماً و عدواناً، ثمّ لیخرجنّ رجل من اهل بیتی حتّی یملأها قسطاً و عدلاً کما ملئت عدوانا و ظلماً». (کتاب الفتن ص ۹۱ و ۹۲، ب ۲، ح ۱۰) حارث بن أبی اسامه و ابونعیم ، از ابو سعید نقل کرده‌اند که گفت: رسول خدا(ص) فرمود: «زمین پر از ستم و دشمنی می‌شود و به درستی، مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پرکند، چنانکه پر از دشمنی و ستم شده باشد». ۸ـ أخرج الطبرانی فی الکبیر و أبونعیم عن ابن مسعود: قال: قال رسول الله(ص): «یخرج رجل من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی و خلقه خلقی، یملأها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً». (کتاب الفتن ص ۹۲، ب ۲، ح ۱۱) طبرانی در کتاب «الکبیر» و ابونعیم، از ابن مسعود، نقل کرده‌اند که گفت: رسول الله(ص) فرمود: «مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد، اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد».

آیا در میان روایات نقل شده توسط اهل سنت، احادیثی که مؤیّد اعتقاد شیعه بر امامت دوازده امام بعد از پیامبر باشد وجود دارد؟

پرسش

آیا در میان روایات نقل شده توسط اهل سنت، احادیثی که مؤیّد اعتقاد شیعه بر امامت دوازده امام بعد از پیامبر باشد وجود دارد؟

پاسخ

بله و ما فقط متن چند حدیث از این روایات را در اینجا ذکر می‌کنیم، تا معلوم شود که بنیان مذهب شیعه اثنی عشری بر استوارترین مآخذ و مدارک معتبر مورد قبول فِرَق مسلمین قرار دارد و نام «اثنی عشری»، نامی است که از زبان وحی و رسالت یعنی کلام معجز نظام، حضرت خاتم الانبیاء(ص) گرفته شده است. ۱ـ احمد حنبل در مسند که از معتبرترین کتب مسانید و جوامع اهل سنت و معروف‌ترین کتب حدیث مسلمین است، سی‌وپنج حدیث با سندهائی عالی، از پیغمبر روایت کرده است که همه دلالت دارند بر اینکه جانشینان و رهبران امت بعد از آن حضرت دوازده نفرند. از جمله سند را به جابر بن سمره صحابی معروف می‌رساند که گفت: شنیدم پیغمبر(ص) فرمود: «یَکُونُ لِهذِهِ الْأُمَّةِ اِثْنا عَشَرَ خَلیفَةً» (منتخب الاثر/ص۱۲) [برای این امت دوازده نفر خلیفه است.] ۲ـ ابن عدی در کامل و ابن عساکر از ابن مسعود روایت کرده‌اند از پیغمبر اکرم(ص) که فرمود: «اِنَّ عِدَّةَ الْخُلَفاءِ بَعْدی عِدَّةُ نُقَباءِ مُوسی» (الجامع الصغیر، ج۱، ط۴، ص۹۱.) [شمارهٔ جانشینان من به شماره نقباء موسی است.] که به اتفاق دوازده تن بوده‌اند. ۳ـ طبرانی از ابن مسعود روایت کرده که پیامبر خدا(ص) فرمود: «یَکُونُ مِنْ بَعْدی اِثْنی عَشَرَ خَلیفَةً کُلُّهُمْ مِنْ قُرَیْشٍ» (کنز العمال، ج۱/۳۳۸، ۶/۲۰۱) [بعد از من دوازده نفر خلیفه‌اند که همه از قریش می‌باشند.] ۴ـ ابن النجار از انس بن مالک روایت کرده که پیامبر(ص) فرمود: «لَنْ یَزالَ هذَا الدّینُ قائِماً اِلی اِثْنَیْ عَشَرَ مِنْ قُرَیْشٍ فَاِذا هَلَکُوا ماجَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِها» (کنزالعمال ۶/۲۰۱ ح ۳۴۸۳) [این دین همواره بر سر پا است تا دوازده نفر از قریش، پس وقتی آنها مردند زمین به اهلش مضطرب می‌شود.] ۵ـ دیلمی در فردوس الاخبار از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر اعظم(ص) نماز اولی را با ما بجا آورد سپس به طرف ما برگشت و فرمود: ای گروه اصحابم به درستی که مثل اهل بیت من در بین شما مثل کشتی نوح و باب حطه بنی اسرائیل است، پس متمسک شوید به اهل بیت من بعد ازمن که پیشوایان راشدین از ذریهٔ من هستند پس به درستی که شما هرگز گمراه نشوید. «فقیل: یارَسُولَ اللهِ کَمِ الْأَئِمَّةُ بَعْدَکَ؟ قال اِثْنا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَیْتی (أَوْ قال) مِنْ عِتْرَتی» (عبقات الانوار ۲، ۱۲/۲۴۶) [پرسید شد: یا رسول الله امامان بعد ازشما چند نفرند؟ فرمود: دوازده تن اهلبیت من یا فرمود: از عترت من می‌باشند] ۶ـ فاضل قندوزی از ابولفضیل عامر بن واثله از علی(ع) از پیغمبر(ص) روایت کرده که فرمود: یا علی تو وصی منی، جنگ تو، جنگ من و سازش تو، سازش من است، و تو امام و پدر امام و پدر یازده امامی که پاک و معصومند و از ایشان است مهدی که زمین را از قسط و داد پر کند. (ینابیع الموده/۵) ۷ـ و نیز قندوزی روایت کرده که پیغمبر(ص) فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند اول ایشان یا علی توئی و آخر ایشان قائم است که خدا به دستش مشارق و مغارب زمین رامی گشاید. (ینابیع الموده/۴۹۳) ۸ـ حموئی در «فرائد السمطین» و سید علی همدانی در«مودهٔ القربی» از ابن عباس روایت کرده‌اند که رسول خدا(ص) فرمود: «أَنَا سَیِدُّ النَّبِیّینَ، و عَلِیَّ بْنِ أَبی طالِبٍ سَیِّدُ الْوَصِیّینَ وَ أَنَّ أَوْصِیائی اِثْناعَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبی طالِبٍ، وَ آخِرُهُمْ اَلْقائِم» (ینابیع الموده،ص۲۵۸، ۴۴۵ و کشف الاستار، ص۷۴.) [من سید پیامبرانم و علی سید اوصیاء است و اوصیای من دوازده نفرند که اول آنها علی و آخرین ایشان قائم است.] ۹ـ در روضهٔ الاحاب و فرائد المسطین از ابن عباس روایت شده که پیغمبر(ص) فرمود: جانشینان و اوصیاء من و حجتهای خدا بر خلق بعد از من دوازده نفرند که اول ایشان برادر من است و آخر ایشان فرزند من است. پرسیده شد: یا رسول الله برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابیطالب. پرسیده شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی است که زمین را از قسط و عدل پرکند همچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. سوگند به آن کس که مرا به حق بشارت دهنده مبعوث کرد، اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی گرداند تا فرزندم مهدی در آن بیرون آید، پس عیسی بن مریم نزول ندو پشت سر او نماز بخواند و زمین به نورش روشن شود و سلطنتش به مشرق و مغرب برسد. (ینابیع الموده، ص۴۴۷. عبقات، ص۲۳۷، ج۲، ج۱۲) ۱۰ـ خوارزمی در «مقتل الحسین» و «مناقب» و همدانی در «مودهٔ القربی» از سلمان روایت کرده‌اند که گفت: وارد شدم بر پیغمبر(ص) در حالی که حسین بر زانوی او بود چشمهایش را می‌بوسید و دهانش را

می‌بوسید و می‌فرمود: تو آقا، پسر آقایی. تو امام پسر امام، برادر امام، پدر امامانی، تو حجت خدا پسر حجت خدایی و پدر نه حجتی که از صلب تو هستند و نهمین ایشان قائم آنها است. (مقتل‌الحسین، ۱/۹۴، و ینابیع الموده، ص۲۵۸و ۴۹۲.) و مفصلتر از اخباری که نقل شد روایاتی است که در آنها اسامی مبارک دوازده امام از حضرت علی(ع) تا حضرت حجۀابن‌حسن العسکری، امام دوازدهم، مهدی منتظر(عج) نام برده شده‌اند که شارح روایاتی می‌باشند که در آنها فقط عدد ائمه ذکر شده است. این اخبار از طرق شیعه بسیار و متواتر است، و از طرق اهل سنت نیز روایت شده است و اعتبار آنها ب روش اهل سنت با همان روایات مشتمل بر عدد ائمه که در کتاب صحاح تخریج شده تأیید و تضمین می‌شود. این احادیث و روایاتی که نقل کردیم اگر به نام‌های شریف دوازده امام هم تصریح نداشت و فقط به همان عدد دوازده امام اکتفا شده بود جز بر ائمه اثنی عشر(ع) و مذهب شیعه، بر هیچ یک از مذاهب و پیشوایان آنها انطباق ندارد، زیرا فقط شیعۀ امامیه است که قائل به امامت ائمۀ اثنی عشر است و این روایات در قوت و اعتبار و تواتر به پایه‌ای است که احدی از اهل سنت در صحت آنها تردید نکرده است هر چند در تفسیر و توجیه آن بی‌جهت دست و پا کرده و خود را به زحمت انداخته‌اند، ولی نتوانسته‌اند هیچ گونه توجیه قابل قبولی برای این احادیث بنمایند، این احادیث مستقیماً اعلام صحت مذهب شیعه است و با اخبار و روایاتی که نام‌های شریف امامان را دارد، مؤید و معاضد یکدیگرند.

دیدگاه علمای اهل سنت و علمای شیعه در مورد امام مهدی(ع) چیست؟

پرسش

دیدگاه علمای اهل سنت و علمای شیعه در مورد امام مهدی(ع) چیست؟

پاسخ

بر خلاف آنچه بعضی از ناآگاهان تصور می کنند اعتقاد به قیام مهدی (ع) و حکومت جهانی او مخصوص شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیست، بلکه تمام فرق اسلامی بدون استثناء ظهور مردی از دودمان پیامبر را در آخر الزمان به نام مهدی که دنیا را پر از عدل و داد می کند پذیرفته‌اند ، و روایت آن را در کتب خود از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند. کتابهای فراوانی در این زمینه به وسیله دانشمندان اهل سنّت و علمای شیعه نگاشته شده است. این روایات از روایات متواتر و قطعی است که همه محققان اسلامی – صرف نظر از مذهب خاص خود – آن را پذیرفته‌اند ، تنها عده محدودی مانند «ابن خلدون» و «احمد امین مصری» در صدور این روایات از پیامبر(ص) تردید کرده‌اند، و قرائنی در دست داریم که انگیزه آنها از این کار ضعف روایات نبوده، بلکه شاید فکر می کردند که روایات مربوط به قیام مهدی مشتمل بر خارق عاداتی است که به سادگی نمی‌توانند آن را باور کنند. این در حالی است که متعصب ترین فرق اسلامی، یعنی «وهابی‌ها» نیز آن را پذیرفته ، و به متواتر بودن احادیث آن اعتراف کرده‌اند. شاهد این مدّعا بیانیه‌ای است که چند سال قبل از طرف رابطۀ العالم الاسلامی که شدیداً زیر نفوذ وهابیان و دولت سعودی است ، در پاسخ سؤالی که از آنها درباره ظهور حضرت مهدی شده بود صادر گردید. این بیانیه در پاسخ یکی از اهالی «کنیا» به نام «ابومحمد» و به امضای دبیر کل «رابطۀ العالم الاسلامی» «محمد صالح القزاز» بود، در این بیانیه آمده است که «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان احادیث مربوط به مهدی (ع) را نیز پذیرفته است سپس به رساله‌ای که پنج تن از علمای معروف حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند می‌پردازد در قسمتی از این رساله می‌خوانیم «به هنگام ظهور فساد در جهان و نشر کفر و ظلم ، خداوند جهان را به وسیلۀ «مهدی» پر از عدل و داد می کند، آنگونه که از ظلم و ستم پر شده است، او آخرین خلیفۀ راشدین دوازدهگانه است که پیامبر طبق کتب صحاح از آن خبر داده است....»

آیا این اعتقاد اهل سنت که امام زمان (عج) فرزند عبداله و آمنه است صحت دارد؟

پرسش

آیا این اعتقاد اهل سنت که امام زمان (عج) فرزند عبداله و آمنه است صحت دارد؟

پاسخ

در هیچ یک از نصوص معتبر اهل سنت ، نیامده است که امام زمان (عج) فرزند عبدالله و آمنه می باشد .مهم ترین و معتبرترین مجامع روایی اهل سنت ((صحاح سته)) و ((سنن ثلاثه)) می باشد .با بررسی هایی که برروی همه این متون انجام گرفته است ، سه حدیث درباره حضرت مهدی (عج) هست که در هیچ یک از آنها امام زمان (عج) را فرزند آمنه وعبدالله نخوانده است ؛ بلکه در اولی ایشان را از عترت پیامبر (ص) و ذریه فاطمه (س) خوانده است . در حدیث دوم فرموده اند : مهدی از من است و درروایت سوم هیچ اشاره ای به نسب آن حضرت نشده است : ۱- ((حدثنا احمدبن ابراهیم حدثنا عبدالله بن جعفر الرقی حدثنا ابوالملیح الحسن بن عمرعن زیاد بن بیان عن علی بن نفیل عن سعید بن المسیب عن ام سلمه قال سمعت رسول الله (ص) یقول ((المهدی من عترتی من ولد فاطمه)) قال عبدالله بن جعفر و سمعت ابا الملیح یثنی علی علی بن نفیل و یذکر منه صلاحا)) ، ("سنن ابی داود، حدیث ۳۷۳۵) . ۲- ((حدثنا سهل بن تمام بن بزیع حدثنا عمران القطان عن قتاده عن ابی نضره عن ابی سعید الخدری ، قال قال رسول الله (ص) ((المهدی منی اجلی الجبهه ، اقنی الاتف ، یملا الارض قسطا"و عدلاً کما ملیت جورا "و ظلما "یملک سبع سنین)) ، (همان ، حدیث ۳۷۳۶). ۳- سومین روایت در سنن ابن ماجه باب فتن حدیث شماره ۴۰۲۹ می باشدکه به جهت عدم ذکر نسبت نیازی به نقل متن آن نیست . برای آگاهی بیشتردرباره شبهات مرتبط به امام زمان (عج) ر.ک : ((یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) ، علیرضا رجالی تهرانی;)).

آیا صحیح است که سنّتها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی((علیه السلام)) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟

پرسش

آیا صحیح است که سنّتها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی((علیه السلام)) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟

پاسخ

در کتاب سنن ابن ماجه که یکی از صحاح اهل سنّت است(۱) حدیثی روایت شده که این جمله در آخر آن آمده است: «و لا المهدی الا عیسی بن مریم یفی ;مهدی جز عیسی بن مرم نیست». این جمله دلالت می کند بر این که مهدی موعود که جهان را پر از عدل و داد می کند حضرت عیسی بن مریم است. ولی این حدیث از ناحیه کارشناسان رجال اهل سنّت مانند ذهبی منسک(مورد انکار) معرّفی شده است چنان که ذهبی در ترجمه(۲) یونس بن عبدالاعلی که ابن ماجه از او روایت کرده است می گوید: حدیث «لامهدی الاابن مریم جدّاً منکر» (مورد انکار) و همین مطلب را در ج ۳، ص ۵۳۵ کتاب مذکور آورده است. زهرا((علیها السلام))(۴) معرفی می کند. و برای مهدی ویژگیها و صفات و نشانه های بسیار در احادیث شیعه و اهل سنّت ذکر شده است که هیچ کدام از آنها بر حضرت عیسی((علیه السلام))منطق نیست به کتاب منتخب الاثر مراجعه کنید. آری در احادیث شیعه و اهل

سنّت وارد شده است که هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) حضرت عیسی((علیه السلام)) از آسمان نازل می شود و پشت سر امام زمان((علیه السلام)) نماز می گذارد و شاید همین اقتدای حضرت علی((علیه السلام)) به امام زمان یکی از رموز موفقیّت و پیشرفت قیام آن حضرت می باشد زیرا با وجود این اقتدار تمام و مسحیان جهان به حضرت گرایش خواهند یافت. پاورقی ۱ - داراحیاءالکتب العربیه، ج ۲، ص ۱۳۴۰. ۲ - میزان الاعدال، ج ۴، ص ۴۸۱، رقم ۹۹۰۹. ۳ - دار احیاء الکتب العربیهٔ، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷. ۴ - دار احیاء الکتب العربیهٔ، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸.

آیا اهل سنّت به امامت امام دوازدهم معتقدند؟

پرسش

آیا اهل سنّت به امامت امام دوازدهم معتقدند؟

پاسخ

اهل سنّت، معمولا به امامت امام دوازدهم معتقد نیستند ;ولی در منابع حدیثی آنان احادیث بسیاری است که دلالت بر وجود امام زمان(عج) و امامت آن حضرت و ظهور وی می کند.

آیا اهل سنت به حضرت مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پرسش

آیا اهل سنت به حضرت مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پاسخ

اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س)می‌دانند. در «سنن ابی داود» - که از کتاب‌های مهم اهل سنت است - در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمهٔ ؛ شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س) است{M». و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده‌است که: قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبههٔ اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کما ملئت جورا و ظلما ؛ پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است{M».تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می‌پندارند امام‌زمان(عج) هنوز متولد نشده‌اند.

نظر اهل سنت و ادیان مختلف درباره امام زمان چیست ؟

پرسش

نظر اهل سنت و ادیان مختلف درباره امام زمان چیست ؟

پاسخ

اهل سنت نیز به ظهور حضرت مهدی(عج) در آخر الزمان اعتقاد دارند و ده‌ها اثر در این زمینه نوشته‌اند. البته در جزئیات موضوع اختلاف‌هایی با شیعه دارند؛ ولی در اصل، مسأله «مهدویت» از جمله مواردی است که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند. برای توضیح بیشترر.ک: ۱- منتخب الاثر لطف اللّه صافی ۲- کتابنامه امام مهدی(عج) مهدی پور اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س) می‌دانند. در «سنن ابی داود» - که از کتاب‌های مهم اهل سنت است - در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمة ؛ شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س)است{M. و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که: قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبهة اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کماملئت جورا و ظلما ؛ پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند همان‌طور که از ظلم وجور پر شده است{M. تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می‌پندارند امام‌زمان(عج) هنوز متولد نشده‌اند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اتفاق در مهدی موعود(عج)، سید علی اکبر حسینی، دفتر انتشارات اسلامی. کتاب فوق با استناد به روایات اهل سنت و اقوال بزرگان این مذهب به وجود یقینی حضرت صاحب الزمان(عج) به عنوان امام دوازدهم از دیدگاه اهل سنت می‌پردازد. آنچه در ادیان بزرگ الهی به طور قطع و مسلم وجود دارد وعده آمدن مصلح کل جهانی است. البته جزئیات آن در کتب مقدس متفاوت است و تحریفاتی که در آنها انجام گرفته مشکلاتی را در تعیین دقیق مشخصات آن ایجاد کرده است. ولی در عین حال اصل انتظار مصلح وپدید آمدن حکومت حق و عدل واحد جهانی در ادیان بزرگ الهی وجود دارد. در متون اهل تسنن به آن حضرت اعتقاد دارند. البته برخی معتقدند که آن حضرت هنوز به دنیا نیامده‌اند. شاید علت آن همان مخفی داشتن ولادت آن حضرت از غیر خواص شیعه به خاطر ترس حکام جوربوده است. برای نمونه نگا: انتظار مسیحا در آیین یهود، کرینستون، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب قم.

تفاوت شیعه و سنی در مسئله مهدویت چگونه است. به عنوان مثال شیعه اعتقاد دارد مصلح متولد شده و امام است اما سنی بیان می کند که مصلح متولد نشده و امام نیست

پرسش

تفاوت شیعه و سنی در مسئله مهدویت چگونه است. به عنوان مثال شیعه اعتقاد دارد مصلح متولد شده و امام است اما سنی بیان می کند که مصلح متولد نشده و امام نیست.

پاسخ

اصل مسأله مهدویت از مسلمات دین اسلام است و اختصاص به مذهب شیعه ندارد بلکه بالاتر از آن اعتقاد به ظهور منجی عقیده ای است که در کیش های آسمانی یهودیت و زردشتی و مسیحیت به عنوان یک اصل مسلم قبول شده حتی در آیین هندی و بودایی در این زمینه مطالبی نقل شده که جهت تحقیق کامل در این زمینه می توانید به کتاب خورشید مغرب اثر استاد محمد رضا حکیمی و یا سلسله مباحث امامت و مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی مراجعه بفرمایید. اما مسأله تولد امام زمان(عج) چنانچه علماء شیعه اجماع دارند که امام زمان(عج) متولد شده و به صورت کامل تاریخ تولد و مکان تولد حضرت را ضبط نموده اند [در

این رابطه ر.ک: نوید امن و امان، آیت الله صافی، بخش چهارم]. علماء اهل تسنن هم بجز عده انگشت شماری تصریح به تولد حضرت نموده اند و در این زمینه کتاب هایی نوشته اند و به مخالفت با معدودی که تولد حضرت را انکار کرده اند پرداخته اند که آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر، فصل سوم جمع بسیاری از علماء اهل سنت که قائل به امامت و حیات حضرت بوده اند را ذکر نموده و در کتاب نوید امن و امان به ۱۰۶ نفر از علماء اهل تسنن که در رابطه با حضرت کتاب نوشته اند اشاره فرموده و می فرماید گروه بسیاری از مشاهیر علمای اهل سنت نیز ولادت آن حضرت و شرح تفصیلات آن را در کتب ذکر نموده و بعضی به امامت و مهدویت آن سرور اقرار و اشعار بلند به زبان عربی و فارسی در مدح او سروده اند و حتی مدعی شرفیابی به حضور اقدس و استماع حدیث از حضرتش شده اند و بعد از این عبارت ایشان ۷۷ تن از مشاهیر علماء اهل سنت را که تصریح به این مطلب کرده اند نام می برد (نوید امن و امان، ص ۲۳۸). و در کتابی که علماء اهل تسنن اختصاصا درباره حضرت مهدی(عج) نوشته اند که استاد حکیمی به نوزده اثر از بهترین این آثار اشاره دارد آشکارا تصریح به ولادت حضرت شده که به چند مورد اشاره می کنیم: ابن حجر هیثمی شافعی می گوید: ابوالقاسم محمد الحجه عمر او پس از درگذشت پدرش پنج سال بود خداوند در همین عمر به او حکمت ربانی عطا کرد (المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۰۰). صدرالدین قونوی می گوید: پس از مرگ من آنچه از کتاب هایم که درباره طب و حکمت است و همچنین کتاب های فلسفه و فلاسفه همه را بفروشید و پول آن را به فقراء صدقه بدهید ... و در شب اول مرگ من هفتاد هزار بار کلمه توحید را بخوانید و سلام مرا به مهدی برسانید (الامام الثانی عشر، ص ۷۸). و صدها عبارت دیگر مانند این عبارات در کتب اهل سنت می توان پیدا کرد که برای رعایت اختصار صرفنظر می کنیم و اگر مائل باشید در این رابطه شناخت کامل و همه جانبه ای داشته باشید بسیار مناسب است به پنج اثر که توسط علماء بزرگ شیعه با استفاده از کتب و مدارک اهل سنت نوشته شده، مراجعه بفرمایید: ۱. کتاب المهدی، آیت الله سید صدرالدین صدر ۲. منتخب الاثر، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی ۳. المهدی الموعود المنتظر، نجم الدین جعفر العسکری ۴. الامام الثانی عشر، سید محمد سعید موسوی هندی ۵. المنتظر علی ضوء حقائق العامه، محمد حسین الادیب عراقی اما درباره این که آنها حضرت را امام می دانند یا خیر باید گفت این مسأله اختصاص به حضرت حجت ندارد و این مسأله در رابطه با همه ائمه(ع) مطرح است و آنها مسأله امامت را قبول دارند و تصریح به امامت ائمه ۱۲ گانه هم دارند و در این زمینه روایات زیادی در کتب آنها به امامت ائمه ۱۲ گانه ذکر شده حتی حمیدی یکی از علماء اهل تسنن این حدیث را از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده که : «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس از دنیا برود و امام عصر خود را نشناسد با مرگ جاهلیت از دنیا رفته» (کشف الاستار، ص ۷۸). فخر رازی عالم بزرگ و متعصب اهل سنت می گوید پیامبر فرمود «من مات و لم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا و انشاء نصرانیا» (المسائل الخمسون، ص ۳۸۴). لکن نگرش و تصریح که آنها از امامت دارند با شیعه متفاوت است آنها امامت را از فروع دین دانسته و یک مقام ظاهری در حد ریاست حکومت که تبعا می تواند از سوی مردم برگزیده شود و نیاز به تعیین از جانب خداوند و عصمت و مصونیت از خطا و گناه در آن لازم نیست می دانند، لذا یکی از علماء اهل تسنن امامت را اینگونه معنا می کند: «الامامه رئاسه عامه فی امور الدین والدنیا خلافه عن النبی؛ امامت ریاست و سرپرستی عمومی در امور دین و دنیا به عنوان جانشینی از پیامبر است» (شرح تجرید فاضل قوشجی، ص ۴۷۲). و ابن خلدون در مقدمه معروفش همین معنا را دنبال کرده (مقدمه ابن خلدون، ص ۱۹۱). اما به عقیده شیعه امامت چیزی فراتر از ریاست و حکومت بر مردم است و تمام وظائف و خصایص انبیاء (به جز دریافت وحی) برای امامان ثابت است و به همین دلیل شرط عصمت در امام نیز لازم است و چون بجز خداوند متعال کسی از عصمت مطلق خبر ندارد انتصاب و تعینش باید از جانب خداوندباشد و جزء اصول دین محسوب می شود. علامه طباطبایی در این زمینه می فرماید: شیعه از راه بحث و کنجکاوی ... به این نتیجه می رسد که از ناحیه پیامبر اکرم نص کافی در خصوص تعیین امام و جانشین پیغمبر رسیده است آیات و اخبار متواتر قطعی مانند آیه ولایت و حدیث غدیر و حدیث سفینه و حدیث ثقلین و حدیث حق و حدیث منزلت و حدیث دعوت

عشیره اقربین و غیر اینها به این معنی دلالت دارند ولی نظر به پاره ای دواعی تأویل شده و سرپوش روی آنها گذاشته شده (شیعه در اسلام، ص ۱۱۲). و جناب دکتر سید عبدالرضا حجازی در کتاب اصول عقاید اسلامی پنجاه و پنج دلیل بر حقانیت ادعاء شیعه در این زمینه بیان می کند (اصول عقاید اسلامی، ص ۵۰۲ تا ۵۲۷). و مهمتر از آن عالم بزرگ علامه امینی در کتاب گرانسنگ ۱۱ جلدی الغدیر با استناد به منابع خود اهل سنت دعاوی شیعه را در این زمینه به نحو کامل اثبات نموده که این مسأله دامنه ای وسیع دارد که فقط بذکر این نکته بسنده می کنم که به گفته خود فخر رازی که از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده امامتی که عدم شناخت آن موجب می شود انسان به مرگ جاهلیت یا نصرانیت یا یهودیت از دنیا برود یقینا مقامی والاتر از یک خلافت ظاهری و حکومت است که حتی معاویه ها و حجاج ابن یوسف ثقفی ها به آن رسیدند. ولی با این حال این سخن بدین معنا نیست که امامیه غالبشان خود را در مسأله امامت کافر بدانند بلکه آنها تمام فرق مسلمین را مسلمان می شمارند و همچون یک برادر اسلامی به آنها نگاه می کنند هر چند عقیده آنها را در مسأله امامت نمی پذیرند و مناسب است شما برادر عزیز جهت تکمیل تحقیقات در این زمینه به آثار پرباری که در این زمینه نوشته شده که به بعضی از آنها اشاره می کنم مراجعه فرمایید: ۱. سلسله مباحث امامت و مهدویت، آیت الله صافی ۲. امامت ، آیت الله امینی ۳. اصول عقاید اسلامی، دکتر سید عبدالرضا حجازی ۴. خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت نشریه حسینیه ارشاد ۵. امامت و رهبری، محمد حسین مختاری مازندرانی

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره لقب منجی چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره لقب منجی چیست؟

پاسخ

با ملاحظه روایاتی که از شیعه وسنی به دست ما رسیده، پی می‌بریم که همگی بر این اتفاق دارند که لقب منجی جهانی "مهدی" است. حاکم نیشابوری به سند خود از ابن سعید خدری نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود": المهدیّ منّا أهل البیت"؛ "مهدی از ما اهل بیت است {".پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷. پاورقی} پیامبر اکرم (ص) فرمودند": یخرج المهدی وعلی رأسه غمامة فیها مناد ینادی هذا المهدی خلیفة اللّه فاتّبعوه"؛ "مهدی خروج می کند در حالی که بالای سر او ابری است، در میان آن ابر کسی است که ندا می کند: این مهدی خلیفه خدا است، او را پیروی کنید {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱. پاورقی}

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره نزول حضرت عیسی‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره نزول حضرت عیسی‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

از روایات فریقین استفاده می‌شود که هنگام خروج حضرت مهدی (ع) حضرت عیسی (ع) از آسمان فرود آمده، در نماز به امام زمان (ع) اقتدا خواهد کرد. بخاری به سند خود از ابوهریره نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمود": کیف أنتم إذا نزل ابن مریم

فیکم وإمامکم منکم"؛ "چگونه‌اید زمانی که فرزند مریم فرود آید در حالی که {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. پاورقی} امام بر شما فردی از خودتان است ".امام باقر (ع) فرمود": القائم منصور بالرعب مؤیّد بالنصر، تطوی له الأرض وتظهر له الکنوز، ویبلغ سلطانه المشرق والمغرب، ویظهر اللّه عزّوجلّ به دینه ولو کره المشرکون. فلا یبقی فی الأرض خراب إلّا عمر، وینزل روح اللّه عیسی بن مریم فیصلّی خلفه"؛ "قائم توسط ترس {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴. پاورقی} یاری وبه نصرت تأیید می‌شود. زمین برای او خواهد چرخید و گنج‌ها برای او ظاهر خواهد شد وسلطنتش مشرق ومغرب عالم را فرا خواهد گرفت. خداوند عزّوجلّ به واسطه او دینش را ظاهر می‌کند، هر چند که مشرکان بر آن کراهت داشته باشند. در آن هنگام در زمین جای خرابی نیست جز آنکه آباد شود وروح‌اللّه عیسی بن مریم فرود می‌آید وپشت سر او اقامه نماز خواهد کرد".

آیا کسی از علمای اهل سنّت به ولادت مهدی‌علیه‌السلام اعتراف کرده است؟

پرسش

آیا کسی از علمای اهل سنّت به ولادت مهدی‌علیه‌السلام اعتراف کرده است؟

پاسخ

گروهی از علمای اهل سنّت به ولادت فرزندی برای امام حسن عسکری (ع) به نام مهدی (ع) اعتراف نموده‌اند. اینک اسامی برخی از آنها را ذکر می‌نماییم: ۱ – علامه شمس‌الدین قاضی ابن خلکان شافعی. {پاورقی . وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶. پاورقی} ۲ – علامه صلاح الدین خلیل بن أیبک صفدی. {پاورقی . الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۳۳۶. پاورقی} ۳ – ابن اثیر جزری. {پاورقی . الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۵۴. پاورقی} ۴ – علامه میرخواند. {پاورقی . روضة الصفا، ج ۳، ص ۵۹. پاورقی} ۵ – علی بن حسین مسعودی. {پاورقی . مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲. پاورقی} ۶ – محمّد فرید وجدی. {پاورقی . دائرة المعارف، ج ۶، ص ۴۳۹. پاورقی} ۷ – ابوالفداء اسماعیل بن علی شافعی. {پاورقی . المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۳۶۱. پاورقی} ۸ – سبط بن جوزی. {پاورقی . تلبیس ابلیس، ص ۱۱۸. پاورقی} ۹ – محمد بن طلحه شافعی. {پاورقی . مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ج ۲، ص ۱۵۲. پاورقی} ۱۰ – شمس‌الدین محمّد بن طولون حنفی. {پاورقی . الشذرات الذهبیه، ص ۱۱۷. پاورقی} ۱۱ – میرزا محمّد بن رستم بدخشی شافعی. {پاورقی . مفتاح النجا، ص ۱۰۴. پاورقی} ۱۲ – احمد بن حجر هیتمی شافعی. {پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۲۰۸. پاورقی} ۱۳ – محمّد بن یوسف گنجی شافعی. {پاورقی . کفایة الطالب، ص ۳۱۲. پاورقی} ۱۴ – عارف عبدالوهاب شعرانی حنفی. {پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷. پاورقی} ۱۵ – محیی الدین عربی. {پاورقی . فتوحات مکیه، باب ۳۶۶. پاورقی} ۱۶ – مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی. {پاورقی . نورالابصار، ص ۳۴۱. پاورقی} ۱۷ – شیخ سلیمان قندوزی حنفی. {پاورقی . ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۰۶. پاورقی} ۱۸ – شیخ محمّد بن علی صبان شافعی. {پاورقی . اسعاف الراغبین در حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۴. پاورقی} ۱۹ – صفی‌الدین عبدالمؤمن بغدادی. {پاورقی . مراصد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۸۵. پاورقی} ۲۰ – زین‌الدین عمر بن وردی. {پاورقی . تتمة المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۳۱۹. پاورقی} ۲۱ – ابوالعباس احمدبن علی قلقشندی شافعی. {پاورقی . نهایة الارب، ص ۱۱۸. پاورقی} ۲۲ – ابوعبداللّه یاقوت حموی. {پاورقی . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۳. پاورقی} ۲۳ – محمّد امین بغدادی معروف به سویدی. {پاورقی . سبائک الذهب، ص ۷۸. پاورقی} ۲۴ – ابن خلدون. {پاورقی . تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۱. پاورقی} ۲۵ – ابوالفتح محمّد بن عبدالکریم شهرستانی. {پاورقی . ملل ونحل، ج ۱، ص ۱۹۸. پاورقی} ۲۶ – نورالدین ابن صبّاغ مالکی. {پاورقی . الفصول المهمة، ص ۲۷۳. پاورقی} ۲۷ – نورالدین عبدالرحمن جامی حنفی.

{پاورقی . شواهد النبوة، ص ۴۰۴. پاورقی} ۲۸ – ملّا علی قاری حنفی مکّی. {پاورقی . المرقاة فی شرح المشکاة، ج ۱۰، ص ۳۳۶. پاورقی} ۲۹ – فضل بن روزبهان. {پاورقی . دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۷۰. پاورقی} ۳۰ – جمال الدین محمّد بن یوسف زرندی حنفی. {پاورقی . معارج الوصول. پاورقی} ۳۱ – احمدامین مصری. {پاورقی . ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۰. پاورقی} ۳۲ – صدرالدین حموینی. {پاورقی . فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۲. پاورقی} ۳۳ – عطار نیشابوری. {پاورقی . به نقل از ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۵۰. پاورقی} ۳۴ – جلال الدین بلخی رومی. {پاورقی . همان. پاورقی} ۳۵ – صدرالدین قونوی. {پاورقی . همان. پاورقی} ۳۶ – حسین بن محمّد دیاربکری مالکی. {پاورقی . تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۸۸. پاورقی} ۳۷ – احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی. {پاورقی . اخبار الدول وآثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳. پاورقی} ۳۸ – شمس الدین ذهبی شافعی. {پاورقی . العبر فی خبر من غبر، ج ۱، ص ۳۸۱. پاورقی} ۳۹ – فخر رازی شافعی. {پاورقی . الشجرة المبارکة فی انساب الطالبیه، ص ۷۸Ù۷۹. پاورقی} ۴۰ – شیخ عبداللّه بن محمّد شبراوی مصری شافعی. {پاورقی . الاتحاف بحبّ الاشراف، ص ۱۷۹. پاورقی} ۴۱ – ابن عماد دمشقی حنبلی. {پاورقی . شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۶۵. پاورقی} ۴۲ – محمّد بن عبدالرسول برزنجی شافعی. {پاورقی . الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۴۹. پاورقی} ۴۳ – ابوالبرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی. {پاورقی . غالیة الواعظ، ج ۱، ص ۷۸. پاورقی} ودیگران.

آیا کسی از اهل سنّت فرزند امام عسکری‌علیه‌السلام (مهدی) را

اشاره

همان منجی منتظر می‌داند؟

پرسش

آیا کسی از اهل سنّت فرزند امام عسکری‌علیه‌السلام (مهدی) را همان منجی منتظر می‌داند؟

پاسخ

گر چه برخی از علمای اهل سنّت تنها به ولادت فرزندی به نام مهدی از امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده‌اند وحیات او تا این زمان ومنجی وموعود بودن او را به شیعه نسبت می‌دهند، ولی برخی از آنان تصریح به زنده بودن او تاکنون ونیز موعود ومنجی بودن او دارند که می‌توان از میان آنها به افراد ذیل اشاره نمود: ۱ – محمّد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ه 'ق) می‌گوید: "ابو محمّد حسن عسکری (ع) ازخود فرزندی به جای گذاشت که همان امام منتظراست. صلوات‌اللّه علیه. {"پاورقی . کفایة الطالب، ص ۳۱۲. پاورقی} ۲ – عبدالوهاب شعرانی حنفی می‌گوید": در آخرالزمان امید به خروج مهدی است. او از اولاد امام حسن عسکری (ع) است. ولادت او نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. تا به حال زنده است تا با حضرت عیسی (ع) اجتماع کند. عمرش تا این زمان ۷۰۶ سال است. این چنین شیخ حسن عراقی به من خبر داد. {"پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷. پاورقی} ۳ – نورالدین عبدالرحمن جامی حنفی؛ بعد از بیان تاریخ ولادت حضرت مهدی (ع) می‌گوید": او کسی است که زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. {"پاورقی . شواهد النبوه، ص ۴۰۴. پاورقی} ۴ – قاضی بهلول بهجت افندی می‌گوید": ولادت امام دوازدهم در پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری بود واسم مادرش نرجس است. برای او دو غیبت است: یکی صغرا ودیگری کبرا.

هر گاه خداونـد به او اذن دهد ظهور کرده، آن گاه زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. {"پاورقی . المحاکمهٔ فی تاریخ آل محمد (ص)، ص ۲۴۶. پـاورقی} ۵ – صـدر الـدین حمـوینی؛ در ذیـل حـدیثی کـه او از پیـامبر (ص) نقـل کرده آمـده اسـت..."؛ همـانا دوازدهمین از فرزندانم غیبت می کند... تا اینکه خداوند متعال به او اذن خروج می‌دهد. {"پاورقی . فرائد السـطمین، ج ۲، ص ۱۳۲. پاورقی} ۶ – شـیخ فریدالدین عطار نیشابوری؛ او در قصیـده‌ای می گوید: صد هزاران اولیا روی زمین از خدا خواهند مهدی را یقین یـا الهی مهـدی‌ام از غیب آر تا جهان عـدل گردد آشـکار {پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۵۰Ù۳۵۱. پاورقی} ۷ – جلال الدین رومی: او نیز در قصیـده‌ای می گوید: ای سـرور مردان علی! مستان سلامت می کنند وی صفدر مردان علی! مردان سلامت می کنند تا اینکه بدین جا می‌رسد: با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو با آن ولی مهدی بگو: مستان سلامت می کنند {پاورقی . همان، ج ۳، ص ۳۵۱. پاورقی} ۸ – صدرالـدین قونوی؛ او هنگـام وفات در وصـیّت خود به شاگردانش می گویـد..."؛ هفتاد هزار بار ذکر "لااله‌الاـاللّه "را در شب اوّل مرگم بـا حضور قلب بگوییـد وسـلام مرا نیز به حضـرت مهـدی (ع) برسانیـد. {"پـاورقی . همـان، ص ۳۴۰Ù۳۴۱. پاورقی} ۹ – احمـد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی؛ او می گویـد": محمّد حجّت، خلف صالح، عمرش هنگام وفات پـدرش پنـج سال بود. خداونـد در آن سنّ به او حکمت آموخت، همان گونه که در کودکی به حضـرت یحیی (ع) آموخت... علما اتفاق دارند بر اینکه مهدی همان قائم در آخرالزمان است. {"...پاورقی . اخبار الدول وآثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳. پاورقی}

اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی‌علیه‌السلام واضح بوده، چرا عده‌ای به مهدویت غیر او معتقد شدند؟

پرسش

اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی‌علیه‌السلام واضح بوده، چرا عده‌ای به مهدویت غیر او معتقد شدند؟

پاسخ

احمـد کـاتب می گویـد": اگر مهـدویت حضـرت مهـدی (ع) واضـح بوده، چرا قبـل از ولادت حضـرت مهـدی (ع) گروهی قائل به مهدویت امام علی (ع) یا فرزندش محمد بن حنفیه ونفس زکیّه وامام صادق (ع) وامام کاظم (ع) وسیّد محمّد فرزند امام هادی (ع) وحتی امام عسکری (ع) شدند "؟پاسخ: ۱ – اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول‌خـدا (ص) واهل بیت او درباره خروج مهـدی (ع) وارد شـده، تصـریح شـده که او قطعاً فرزنـد امام عسـکری (ع) امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم وتجاوز را زیاد می‌دیدند واز طرفی همه اهل بیت را هدایت شده وهادی می‌دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می‌آمدند وادعای مهدویت در حق او می کردند وجماعتی را نیز به دنبال خود می کشـیدند. این افراد غالباً از انسان‌های ساده اندیش وجاهل بودند، ودر برخی از موارد مسأله سیاسـی نیز در این ادّعا دخالت داشـته است. ۲ – کسانی که چنین ادعایی داشته‌اند هرگز دوام نیاورده وبعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شـیعیان پیوسـته ویا منقرض شده‌اند. ۳ – میزان در عقیده یک مذهب، نظر غالب افراد وعلمای آن مـذهب است. ومی‌دانیم که عقیـده به مهـدویت حضـرت مهدی (ع) فرزند امام عسـکری (ع) عقیده قریب به اتفاق شـیعیان به حساب می‌آیـد. ۴ – در برخی از مـوارد کـه گروهی قائـل به مهـدویت غیر از حضـرت مهـدی (ع) شدنـد به جهت شبهه‌ای بوده که برای آنها پدید آمده است؛ زیرا موقعیّت آن عصر چنین حیرت وتردیدی را اقتضا داشته است، گرچه این حیرت نیز بعد از مدت کوتاهی برطرف گشت.

نظر فرقه" شیخیّه "درباره امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

نظر فرقه" شیخیّه "درباره امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

یکی از مهمترین اندیشه‌های شیخیه به ریاست" شیخ احمد احسائی "اعتقاد به" بدن هورقلیایی "است که این بدن در شهر" جابلقا وجابرسا "قرار دارد. او به گمان خود، با این نظریه، سه مسئله مهم وعمیق فلسفی را تحلیل نموده است؛ یعنی معراج جسمانی رسول خدا (ص) ومعاد جسمانی وحیات امام زمان (ع) را در طول بیش از ده قرن. او معتقد است که امام زمان (ع) با بدنی غیر عنصری وتنها هورقلیایی در شهر جابلقا وجابرسا زندگی می‌کند. شیخ احمد احسائی، امام زمان (ع) را زنده ودر عالم" هورقلیا "می‌داند. {پاورقی . ارشاد العوام، ج ۲، ص ۱۵۱. پاورقی} وی می‌گوید": هورقلیا ملک آخر است که دارای دو شهر جابرسا که در مغرب قرار دارد وجابلقا که در مشرق واقع است می‌باشد. پس حضرت قائم (ع) در دنیا در عالم مثال نیست، اما به گونه‌ای است که به صورت هیکل عنصری می‌باشد، با مثالش در مثال، وبا جسدش در اجساد وبا جسمش در اجسام وبا نفس خود در نفوس وبا روحش در ارواح است. {پاورقی . جوامع الکلم، رساله دمشقیه، قسمت دوم. پاورقی} او همچنین می‌گوید": امام زمان (ع) در هنگام غیبت در عالم هورقلیا است وهر گاه بخواهد به" اقالیم سبعه "تشریف بیاورد، صورتی از صورت‌های اهل این اقالیم را می‌پوشد وکسی او را نمی‌شناسد. جسم وزمان ومکان ایشان لطیف تر از عالم اجسام بوده واز عالم مثال است. {پاورقی . جوامع الکلم، رساله رشیته، قسمت سوم، ص ۱۰۰. پاورقی}

شیعیان می‌گویند امام مهدی(عج) زنده است ولی اهل‌سنت می‌گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/

پرسش

شیعیان می‌گویند امام مهدی(عج) زنده است ولی اهل‌سنت می‌گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/

پاسخ

ظهور حضرت مهدی(عج) و برقراری حکومت اسلامی جهانی به دست ایشان عقیده‌ای اسلامی است و شیعه و سنی به آن معتقدند و از این جهت اختلافی نیست/ اما در رابطه با ولادت آن حضرت شیعه اعتقاد دارد که آن حضرت در سال ۲۵۵ه‘ ق در سامرا متولد شده است و این موضوع از موضوعات قطعی و یقینی نزد شیعه است و روایان و مورخان واقعه ولادت آن حضرت را ثبت نموده‌اند/ علمای اهل سنت در مسأله ولادت حضرت مهدی(عج) اتفاق نظر ندارند - برخی می‌گویند که آن حضرت هنوز متولد نشده است و بعضی می‌گویند در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است/ بسیاری از مورخان و محدثان اهل‌سنت نیز بدین امر تصریح کرده‌اند و آن را یک واقعیت ندانسته‌اند. در کتابهای پژوهشی نام بیش از ۵(ص) تن از این عالمان و نام کتابهای آنان ذکر شده است.{۱} که به برخی اشاره می‌کنیم: ۱- محمد بن طولون مورّخ دمشق: دوازدهمین امام شیعه نامش ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسگری معروف به حجت است همان فردی که شیعه گمان می‌کند که منتظر و قایم و مهدی اوست. ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری واقع شده است به هنگام مرگ پدرش حسن عسگری وی پنج‌ساله بود، نام مادرش خمط یا به قولی نرجس است.{۲} ۲ - شیخ عبدالله شبراوی: دوازدهیمن از ائمه ابوالقاسم محمد حجت است که به قولی همان منتظر و مهدی است. امام

ححمد حجت فرزند امام حسن خالص(رض) در سرّ من رای در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمد به قولی مرگ پدرش در ۵ سالگی وی بود و پدرس حین ولادت وی را مخفی نموده به خاطر ترس از خلفای وقت چرا که ایشان هاشمیان را دستگیر و حبس و یا به قتل می‌رساندند. او ملقب است به مهدی و قایم و منتظر و خلف صالح و صاحب الزمان ولی مشهورترین نام او او مهدی است لذا شعیه معتقد است وی همان شخصی است که احادیث صیححه در مورد ظهورش در آخر زمان وارد شده.{۳} قندوزی در کتاب ینابیع الموده چنین می‌نویسد": اَلْخَبَرُ الْمَعْلُومُ الْمُحَقَّقُ عِنْدَ الثِّقاتِ اَنَّ وِلادَ القائِم کانَتْ لَیْلَ الْخامِس عَشَر مِنْ شَعبان سِنْ خَمْسٍ وَ خَمسینَ وَ مِأَتَیْن فی بَلْدِ سامِرَّأ{"۴} «خبر معلوم و مسلم در نزد موثقان این است که ولادت حضرت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا واقع شده است.» [۱]. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، چاپ دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ۸ ص ۱۸؛ شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، من هو المهدی، موسسه نشر اسلامی ص (ع)۴۲ و منتخب الأثار/ [۲]. مورخ دمشق شمس الدین محمد بن طولون، الأ ئمه الاثنی عشر، تحقیق دکتر صلاح الدین المنجد، منشورات رضی قم، ص (ع)۱۱/ [۳]. شیخ عبدالله بن محمد بن عامر الشبراوی، الاتحاف بحب الاشراف. ص ۹(ع)۱ - ۱۸۰، منشورات رضی قم/ [۴]. ینابیع الموذْ، ص ۵۴، چاپ شریف رضی قم/

چرا اهل تسنن معتقدند که هنوز امام زمان (عج) به دنیا نیامده است ؟

پرسش

چرا اهل تسنن معتقدند که هنوز امام زمان (عج) به دنیا نیامده است ؟

پاسخ

تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی به اصل آمدن مهدی و قیام او اعتقاد دارند و این به سبب روایات بسیار زیادی است که از نبی اکرم(ص) در این زمینه نقل شده است که بشارت به آمدنش را داده و حتی اوصاف و ویژگی‌های جسمی او را نیز ذکر کرده است ـ مانند اینکه بر گونه راستش خال سیاهی دارد و بین دو دندان پیشینش فاصله است ـ و در روایات متعددی نسب آن حضرت ذکر شده است ـ مانند اینکه مهدی از اولاد علی و فاطمه و نهمین از اولاد حسین و ششمین از اولاد جعفر صادق و پنجمین از اولاد موسی بن جعفر و نام پدرش حسن است و حتی نام و کنیه آن حضرت ذکر شده است ـ مهدی همنام و هم کنیه نبی اکرم است ـ که در بخش پایانی پاسخ به این روایات اشاره خواهیم کرد وجود روایات بسیار فراوان در زمینه مهدی موعود، اعتقاد به آمدن به قیام مهدی را در آخر الزمان به عنوان عقیده‌ای مسلّم در میان مسلمین قرار داده است. و امّا در مورد ولادت آن حضرت میان شیعه و اکثریت اهل سنت اختلاف است. یعنی اوّلاً: اعتقاد به ولادت حضرت مهدی اختصاص به شیعه ندارد، عده‌ای از اهل سنت نیز قائل به ولادت آن حضرت هستند. که به عنوان نمونه موارد ذیل بیان می‌شود: ۱ـ محمد بن یوسف شافعی در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» چاپ مؤسسه الهادی قم ـ ۱۳۹۹ ه.ق وی در مقدمه کتاب می گوید «در تألیف کتاب، اخبار و روایات مربوط به مهدی صاحب الزمان را از غیر از طرق شیعه نقل نموده است هر چند آنچه که شیعه در این زمینه معتقد است و پذیرفته است صحیح و نقل آن درست است» ص ۸۶ این کتاب مشتمل بر ۲۵ فصل است که در هر فصل تنها روایاتی را که از دیدگاه اهل سنت معتبر است نقل می کند برخی از فصلهای کتاب عبارتند از: مهدی در آخر الزمان خروج می کند ـ مهدی از نسل فاطمه زهراست ـ حضرت عیسی در آخر الزمان به او اقتدا می کند ـ نامش و کنیه‌اش همانند پیامبر اکرم است ـ صفات و رنگ و چهره حضرت مهدی ـ مهدی امام صالحی است که خلیفهٔ الله است. فصل ۲۵ کتاب در این زمینه است که مهدی از زبان غیبتش که در سراب سامراء اتفاق افتاد

تاکنون زنـده و باقی است و به اشـکالاتی که در زمینه طول عمر حضـرت و غیبت ایشان وجود دارد پاسـخ می‌دهد. (ص ۱۴۸ همان کتاب) ۲ـ محمـد بن طلحه شـافعی در کتـاب «مطـالب السؤول فی منـاقب آل الرسول» چـاپ مؤسـسه البلاـغ بیروت سال ۱۴۱۹ ه.ق می‌گوید: «مهدی منتظر در سال ۲۵۸ هجری در سامرا متولد شد. پدرش حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمـد الباقر بن علی زین العابـدین بن حسـین بن علی المرتضـی است و امّا نامش محمـد و کنیه‌اش ابوالقاسم و از القاب او حجت و خلف صالـح و منتظر است و بعـد روایاتی را از پیامبر در زمینه مهـدی موعود نقل می‌کنـد مبنی بر اینکه: مهدی از نسل من و از فرزنـدان فاطمه و هم نام من است و در آخر الزمان قیام می‌کنـد و زمین را از عدل و داد پر می‌کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شـده است و این قیام حتمی است حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیشتر باقی نمانـده باشد»، (ص ۳۱۳ ـ ۳۱۱) و پس از ذکر این روایـات آنهـا را بر همـان ابوالقـاسم محمـد بن حسن بن علی... بن علی بن ابیطالب متولـد ۲۵۸ تطبیق می‌کنـد و به اشـکالات و شبهـاتی کـه در ایـن زمینه ممکن است مطرح شـود پاسـخ می‌دهـد. (ص ۳۲۰ ـ ۳۱۳) ۳ـ سبط ابن جوزی حنفی در کتـاب «تـذکرة الخواص» چاپ مؤسـسه اهل البیت بیروت سال ۱۴۰۱ ه.ق می‌گویـد: «حضـرت حجّت مهدی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسـی الرضا بن جعفر بن محمـد بن علی بن الحسـین بن علی بن ابیطالب است کنیه او ابوعبدالله و ابوالقاسم است و اوسـت حضـرت حجت و صاحب الزمان و قائم منتظَر» سـپس از عبدالله ابن عمر روایتی نقل می‌کند که از رسول گرامی اسـلام که «در آخر الزمان مردی از فرزندان من قیام می‌کند که نامش همانند نام من و کنیه‌اش همانند کنیه من است و زمین را از عدل و داد پر می‌کند پس از آنکه از ظلم و جور پر شـده است»، (ص ۳۲۵ همان کتاب) ۴ـ عبدالوهاب شـعرانی در کتاب «الیواقیت و الجواهر» چاپ مصر سال ۱۳۷۸ ه.ق که در بیان آراء اکابر و بزرگان علمای اهل سنّت در مسائل مختلف عقیدتی است فصلی را به وقایعی که قبل از روز رسـتاخیز و پایان دنیا حتما اتفاق می‌افتد اختصاص داده است که یکی از آن وقایع قیام حضـرت مهدی است که مفصـلاً پیرامون آن بحث کرده است و از قول برخی از اکابر علمای اهل سـنت نقل می‌کنـد «مهدی فرزند حسن عسـکری است که در نیمه شـعبان سال ۲۵۵ ه.ق متولـد شـد و زنده باقی خواهد ماند تا با عیسـی ظهور کند و اکنون که سال ۹۵۸ هجری است ۷۰۳ سال از عمر شـریف او می‌گـذرد» و نیز از قول شـیخ محی‌الـدین عربی نقل می‌کنـد که «خروج مهدی(ع) حتمی است بعد از آن که زمین از ظلم و جور پر شود به گونه‌ای که حتی اگر یـک روز از عمر دنیـا بیشتر بـاقی نمانـده باشـد حتمـا مهـدی قیـام می‌کنـد و زمین را از عـدل و داد پر می‌کند و او از نسل پیامبر اکرم و فاطمه رضـی‌الله عنها است و جدش حسین بن علی بن ابیطالب است و پدرش حسن عسکری فرزند علی النقی فرزند محمد التقی فرزند علی الرضا فرزند موسی الکاظم فرزند جعفر الصادق فرزند محمد الباقر فرزند زین العابدین علی فرزند حسـین فرزند امام علی ابن ابیطالب رضیالله عنه است اسمش اسم رسول خداست و چهره‌اش شبیه رسول خداست و...»، (همان کتاب، ج ۲، ص ۱۴۳) به ذکر همین چنـد نمونه بسـنده می‌کنیم برای اطلاـع بیشتر مراجعه کنیـد به ۱ـ کفایة الموحدین طبرسـی ۲ـ کشف الاسـتار حسـین بن محمـد تقی موزی ۳ـ الامام المهـدی سـید محمـدکاظم قزوینی ثانیا: عـدم اعتقاد بسـیاری از اهل سـنت به ولادت حضرت مهدی(ع) علل دارد از جمله: ۱ـ مخفی بودن ولادت آن حضرت همانگونه که قبلاً ذکر کردیم آمدن مهدی موعود از همـان زمان نبی اکرم و صـدر اسـلام امری مسـلم و شایع و مورد توجه مسـلمین بود. سـلاطین و حاکمان وقت هم از آن اخبار بی اطلاع نبودنـد و شـنیده بودنـد که مهـدی موعود از نسل فاطمه و حسـین به وجود می‌آیـد و حکومت سـتمکاران به دسـتش منقرض می‌گردد و تمـام زمیـن را از حکـومت حق خـود و عـدل و داد پر خواهـد کرد بـویژه روایـات متعـددی که از را نهمین از فرزنـدان حسـین(ع) معرفی می‌کرد، لـذا از پیـدایش و ظهـور او در بیـم و هراس بودنـد و در صـدد بودنـد هر گـونه کـه شـده ایـن خطر را از حکومت خود دفع کننـد به همین جهت خانه‌هـای بنی هـاشم به ویژه خـانه امـام حسن عسـکری(ع) به شـدت تحت کنترل و مراقبت مأموران مخفی و علنی دولت عباسـی قرار داشت. معتمد عباسـی به عده‌ای از زنان قابله مأموریت سری داده بود که در خانه‌های بنی هـاشم به ویژه خـانه امـام حسن عسـکری رفت و آمـد نماینـد و مراتب را گزارش دهنـد تـا هنگـامی که به امام حسن عسـکری سـم

خورانید و حضرت در بستر بیماری و شهادت قرار گرفت به گروهی از مأموران خویش مأموریت داد که دایما و روز و شب مراقب خانه آن حضرت باشند و با شهادت امام عسکری دستور داد خانه آن حضرت را تفتیش و بازرسی کنند و گروهی از زنان قابله را فرستاد تا تمام کنیزان آن حضرت را معاینه کنند و اگر آبستنی در بین آنان دیده شد بازداشت کنند. حتی به خانه امام عسکری هم اکتفا نکرد و دستور داد تمام خانه‌های شهر را با کمال دقت بازرسی و کنترل کنند، (ارشاد مفید، اعلام الوری طبرسی، اصول کافی کلینی) یعنی مسأله ولادت حضرت مهدی(ع) شبیه ولادت حضرت موسی است که فرعون تمام زنان باردار را کشت تا از ولادت او جلوگیری کند. امّا به اراده و خواست خداوند حضرت موسی در دامان فرعون بزرگ شد. مسأله ولادت حضرت مهدی نیز به خاطر وضعیت سخت آن زمان مخفی بود و در حدود پنج سال قبل پایان عمر حضرت امام عسکری یعنی در سال ۲۵۵ ه.ق در شب نیمه شعبان در حالی که تا روز قبل آثار حمل در مادر حضرت مهدی ظاهر نبود، به دنیا آمد و در طول این مدت پنج سال امام عسکری، این فرزند را تنها به خواص و معتمدین از شیعیان خود نشان می‌داد و او را امام و حجت بعد از خود معرفی می‌کرد. با این وضعیت، طبیعی است، اهل سنّت که از اهل بیت پیامبر فاصله گرفته بودند از ولادت آن حضرت مطلع نشوند هر چند بنابر روایات رسیده از نبی اکرم، حضرت مهدی از اولاد حسن عسکری و نهمین فرزند از نسل امام حسین(ع) معرفی شده بود. ۲ـ اجتناب از برخی لوازم احتمالی پذیرش ولادت حضرت مهدی(ع) گفتیم روایاتی که در زمینه مهدی موعود آمده بسیار زیاد و از نظر مضمون بسیار متنوع است در روایات بسیاری از پیامبر اکرم نقل شده که تعداد ائمه و خلفای بعد از من دوازده نفر است ـ مجموع روایات شیعه و سنی در این زمینه ۹۲۵ حدیث است ـ و در روایات کثیری از همین روایات تصریح شده به نام دوازده نفر و این که اولشان علی و آخرشان مهدی موعود است و اینکه نه نفر از آنان از نسل حسین(ع) هستند و در تعدادی از این روایات تمام دوازده نفر نامشان یک به یک ذکر شده است همچنین در روایات متعددی آمده است که: مهدی از اولاد علی است (۲۱۴ حدیث) مهدی از اولاد فاطمه است (۱۹۲ حدیث) مهدی نهمین از اولاد حسین است (۱۴۸ حدیث) مهدی از اولاد محمد باقر است (۱۰۳ حدیث)، مهدی ششمین اولاد جعفر صادق است (۹۹ حدیث) و... و این که مهدی فرزند حسن عسکری است (۱۴۵ حدیث)، نام پدر مهدی حسن است (۱۴۸ حدیث)، که برای اطلاع تفصیلی مراجعه کنید به کتاب منتخب الاثر آیت الله صافی که این احادیث را به تفصیل با ذکر منابع و مصادر شیعی و سنّی آن نقل کرده است. با توجه به این احادیثی که درزمینه مهدی موعود وجود دارد، چنین به نظر می‌رسد که پذیرش ولادت حضرت مهدی از امام حسن عسکری(ع) توابعی دارد که تأئید عقیده شیعه در امامت و خلافت بلا فصل علی(ع) و یازده فرزندش می‌باشد و اگر اهل سنت آن را بپذیرند می‌بایست خود را به زحمت و تکلّف انداخته و به گونه‌ای در صدد توجیه بر آیند یعنی هر چند پذیرش ولادت حضرت مهدی به طور حتم و لزوم منتهی به پذیرش نظر شیعه در مسأله خلافت و امامت نمی‌شود ـ همچنانکه در بخش نخست پاسخ پذیرش عده‌ای از اهل سنت را نقل کردیم ـ لکن اهل سنت را در مقابل انبوهی از روایات قرار می‌دهد که باید خود را به زحمت و مشقت در جهت توجیه آن روایات بیاندازند. لذا از اصل، ولادت آن حضرت را منکر می‌شوند ـ که در بخش قبل توضیح دادیم اساسا برای اهل سنت که از اهل بیت فاصله گرفته بودند ولادت حضرت مخفی بوده است هر چند روایات آنان را به فرزندی برای امام عسکری راهنمایی می‌کند و به همین دلیل خلیفه عباسی در جستجوی فرزند امام حسن عسکری بوده است برای آگاهی بیشتر ر.ک: امام مهدی و اهل سنت، سید هادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات.

چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و می گویند امام زمان وجود ندارد.

پرسش

چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و می گویند امام زمان وجود ندارد.

پاسخ

اهل سنت نیز به ظهور حضرت مهدی(عج) در آخر الزمان اعتقاد دارند و ده‌ها اثر در این زمینه نوشته‌اند. البته در جزئیات موضوع اختلاف‌هایی با شیعه دارند؛ ولی در اصل، مسأله «مهدویت» از جمله مواردی است که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند. برای توضیح بیشترر.ک: ۱- منتخب الاثر لطف اللّه صافی ۲- کتابنامه امام مهدی(عج) مهدی پور اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س) می‌دانند. در «سنن ابی داود» - که از کتاب‌های مهم اهل سنت است - در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمهٔ ؛ شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س)است{M. و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که: قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبهۀ اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کماملئت جورا و ظلما ؛ پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند همان‌طور که از ظلم وجور پر شده است{M. تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می‌پندارند امام‌زمان(عج) هنوز متولد نشده‌اند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اتفاق در مهدی موعود(عج)، سید علی اکبر حسینی، دفتر انتشارات اسلامی. کتاب فوق با استناد به روایات اهل سنت و اقوال بزرگان این مذهب به وجود یقینی حضرت صاحب الزمان(عج) به عنوان امام دوازدهم از دیدگاه اهل سنت می‌پردازد. آنچه در ادیان بزرگ الهی به طور قطع و مسلم وجود دارد وعده آمدن مصلح کل جهانی است. البته جزئیات آن در کتب مقدس متفاوت است و تحریفاتی که در آنها انجام گرفته مشکلاتی را در تعیین دقیق مشخصات آن ایجاد کرده است. ولی در عین حال اصل انتظار مصلح وپدید آمدن حکومت حق و عدل واحد جهانی در ادیان بزرگ الهی وجود دارد. در متون اهل تسنن به آن حضرت اعتقاد دارند. البته برخی معتقدند که آن حضرت هنوز به دنیا نیامده‌اند. شاید علت آن همان مخفی داشتن ولادت آن حضرت از غیر خواص شیعه به خاطر ترس حکام جوربوده است. برای نمونه نگا: انتظار مسیحا در آیین یهود، کرینستون، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب قم.{J

آیا صحیح است که سنّیها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی«علیه السلام» ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند؟

پرسش

آیا صحیح است که سنّیها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی«علیه السلام» ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟

پاسخ

در کتاب سنن ابن ماجه که یکی از صحاح اهل سنّت است(۹) حدیثی روایت شده که این جمله در آخر آن آمده است: «و لا المهدی الا عیسی بن مریم یفی؛ مهدی جز عیسی بن مرم نیست». این جمله دلالت می کند بر این که مهدی موعود که جهان را پر از عدل و داد می کند حضرت عیسی بن مریم است. ولی این حدیث از ناحیه کارشناسان رجال اهل سنّت مانند ذهبی منسک(مورد انکار) معرّفی شده است چنان که ذهبی در ترجمه(۱۰) یونس بن عبدالاعلی که ابن ماجه از او روایت کرده است می گوید: حدیث «لامهدی الاابن مریم جدّاً منکر» (مورد انکار) و همین مطلب را در ج ۳، ص ۵۳۵ کتاب مذکور آورده است. بر این اساس این

مضمون که بر پا کننده حکومت عدل جهانی در آخر الزمان حضرت عیسی است مورد انکار اهل سنّت نیز می‌باشد آنان احادیث بسیاری در منابع حدیثی خویش آورده‌اند که مهدی را از اهل بیت پیامبر«صلی الله علیه وآله»(۱۱) و یا از فرزندان فاطمه زهرا«علیها السلام»(۱۲) معرفی می کند. و برای مهدی ویژگیها و صفات و نشانه‌های بسیار در احادیث شیعه و اهل سنّت ذکر شده است که هیچ کدام از آنها بر حضرت عیسی«علیه السلام» منطق نیست به کتاب منتخب‌الاثر مراجعه کنید. آری در احادیث شیعه و اهل سنّت وارد شده است که هنگام ظهور حضرت مهدی«علیه السلام» حضرت عیسی«علیه السلام» از آسمان نازل می‌شود و پشت سر امام زمان«علیه السلام» نماز می گذارد و شاید همین اقتدای حضرت علی«علیه السلام» به امام زمان یکی از رموز موفقیّت و پیشرفت قیام آن حضرت می‌باشد زیرا با وجود این اقتدار تمام و مسحیان جهان به حضرت گرایش خواهند یافت. « بخش پاسخ به سؤالات » ۹) داراحیاءالکتب العربیه، ج۲، ص ۱۳۴۰. ۱۰) میزان‌الاعدال، ج ۴، ص ۴۸۱، رقم ۹۹۰۹. ۱۱) دار احیاء الکتب العربیهٔ، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷. ۱۲) دار احیاء الکتب العربیهٔ، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸.

شیعیان می گویند امام مهدی (عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/

پرسش

شیعیان می گویند امام مهدی (عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/

پاسخ

ظهور حضرت مهدی (عج) و برقراری حکومت اسلامی جهانی به دست ایشان عقیده ای اسلامی است و شیعه و سنی به آن معتقدند و از این جهت اختلافی نیست/ اما در رابطه با ولادت آن حضرت شیعه اعتقاد دارد که آن حضرت در سال ۲۵۵ه ق در سامرا متولد شده است و این موضوع از موضوعات قطعیو یقینینزد شیعه استو روایان و مورخان واقعه ولادت آن حضرت را ثبت نمودهاند/ علمای اهل سنت در مسأله ولادت حضرت مهدی (عج) اتفاق نظر ندارند - برخیمی گویند که آن حضرت هنوز متولد نشده است و بعضیمی گویند در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است/ بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز بدین امر تصریح کردهاند و آن را یک واقعیت ندانستهاند. در کتابهایپژوهشینام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتابهایآنان ذکر شده است. که به برخیاشاره می کنیم: ش ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسگریمعروف به حجت است همان فردیکه شیعه گمان می کند که منتظر و قایم و مهدیاوست. ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمریواقع شده است به هنگام مرگ پدرش حسن عسگریوپینجساله بود، نام مادرش خمط یا به قولینرجس است/ لفایوقت چرا که ایشان هاشمیان را دستگیر و حبس و یا به قتل می رساندند. او ملقب است به مهدیو قایم و منتظر و خلف صالح و صاحب الزمان ولیمشهورترین نام او او مهدیاست لذا شعیه معتقد است ویهمان شخصیاست که احادیث صیححه در مورد ظهورش در آخر زمان وارد شده/ قندوزیدر کتاب ینابیع الموده چنین می نویسد": اَلْخَبَرُ الْمَعْلُومُ الْمُحَقَّقُ عِنْدَ الثِّقاتِ اَنَّ وِلادَ القائِمِ کانَتْ لَیْلَهَ الْخامِس عَشَر مِنْ شَعبان سِنَه خَمْس وَ خَمسینَ وَ مِأَتَین فیبَلْدِ سامِرّأ «"خبر معلوم و مسلم در نزد موثقان این است که ولادت حضرت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجریدر شهر سامرا واقع شده است.»

چند گروه از مردم معتقد به وجود حضرت مهدی (عج)هستند؟

پرسش

چند گروه از مردم معتقد به وجود حضرت مهدی (عج)هستند؟

پاسخ

در این باره بطور کلی می‌توان گفت که عقیده به موعود منجی عالم اختصاص به مسلمانان ندارد؛ بلکه تقریبا تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده شراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهان تیره و تار و تاریک می گردد و جامعه بشری با بحران روبرو می‌شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد؛ در این وقت است که یک منجی با تایید دست غیبی ظهور می کند و ریشه ظلم و فساد را از میان بشریت بر می کند. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب مقدس زرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در اکثر کتاب‌های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می‌شود مانند: کتاب‌های مقدس براهمه و بودائیان. و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می‌برند و زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات‌دهنده جهان) جهودان بنام سرور میکائیلی یا مسیحای منجی، مسیحیان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی موعود، برای آگاهی بیشتر ر.ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، صفحه ۶۶. اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س)می‌دانند. در «سنن ابی داود» - که از کتاب‌های مهم اهل سنت است - در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمه»؛ شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س) است. و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که: قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبهۀ اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کما ملئت جورا و ظلما»؛ پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است. تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می‌پندارند امام‌زمان(عج) هنوز متولد نشده‌اند. ولی اصل ظهور مهدی در دیدگاه اهل سنت از مسلمات است. برای مطالعه دیدگاه اهل سنت نگا: اتفاق در مهدی موعود(عج)، سید علی اکبر حسینی، دفتر انتشارات اسلامی.

اعتقاد مفوضه در خصوص ظهور امام زمان (عج) چیست؟

پرسش

اعتقاد مفوضه در خصوص ظهور امامŠزمان (عج) چیست؟

پاسخ

تفویض در لغت به معنای واگذاری کار به دیگری و حاکم گردانیدن او در آن کار است(۱) امّا تفویض در احادیث شیعه(۲) و در علم کلام و آنچه در این نوشتار مورد توجه است بر کسانی اطلاق می‌شود که معتقدند: «خداوند پس از خلق پیامبراکرم(ص) و ائمه علیهم‌السلام همه امور عالم از خلق و رزق وزنده کردن و میراندن را به آنها واگذار کرده است» (۳) با سیر در اعتقادات مفوضه (۴) مطلبی درباره موضوع ظهور امام زمان(عج) دیده نمی‌شود امّا آنچه شایسته دقت و تأمل است، موضع و برخورد شدید ائمه علیهم‌السلام با این گروه بوده است. ــ از امام رضا(ع) درباره غلات و مفوضه سوال شد آن حضرت(ع) در جواب فرمود: غلات کافرند و مفوضه مشرک و هرگون...ارتباط با آنها حتی کمک کردن به وسیله یک کلمه را موجب خروج از ولایت خدا و رسول و

اهل بیت علیهم‌السلام دانستند(۵) امام مهدی(ع) «کامل بن ابراهیم مدنی» را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ... جئت تسأله عن مقالة المفوضة، کذبوا، بل قلوبنا اوعیة لمشیة الله، فاذاشاء شئنا، والله یقول: (و ما تشاون الّا ان یشاء الله) (۶) آمده ای از گفتار مفوضه و اعتقاد آنها بپرسی؟! آنها دروغ می گویند. بلکه دلهای ما ظرفهای مشیّت خداوند است. هنگامی که خدا بخواهد ما نیز می‌خواهیم. چنانکه خدای تبارک تعالی می‌فرماید: آنها اراده نمی کنند، جز آنچه را که خدا بخواهد(۷) خلاصه آنکه: به طور کلی افکار و اعتقادات مفوضه مورد تأیید ائمه علیهم‌السلام نبوده است. پی‌نوشت‌ها: ۱- تاج العروس، ج ۵، ص ۷۱. ۲- بحارالانوار، ج ۲۵- ص ۳۵۰ - ۶۴۷ . مانند تفویض در آفرینش، تفویض در امر دین تفویض در اداره جامعه، تفویض در کیفیت حکم، تفویض در بخشش. ۳- جهت آشنایی بیشتر ر.ک فرق و مذاهب کلامی، علی ربّانی گلپایگانی، ص ۳۵۹ - ص ۳۶۴ . ۴- جهت آشنایی بیشتر با اعتقادات آنان ر.ک المقالات والفرق، ص ۶۰ و مقالات الاسلامیین ص ۱۴ و الفرق بین الفرق، ص ۱۵۳. و غالیان کاوشی در جریانها و برآیندها، نعمت الله صفری فروشانی- ص ۲۲۴. ۵- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۲۸ ح۲. ۶- انسان - ۳۰، تکویر - ۲۹. ۷- غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۷- کشف الغمة ج۳، ص ۲۸۹، منتخب الاثر، ص ۳۴۸ ینابیع المودة ج ۳، ص ۱۲۲.

آیا زیدیّه منکر مهدی ع) هستند؟

پرسش

آیا زیدیّه منکر مهدی ع) هستند؟

پاسخ

احمد امین مصری در کتاب" ضحی الاسلام "ادّعا می کند که زیدیه به طور شدید مهدی (ع) را انکار می کنند. {پاورقی . ضحی الاسلام ج ۳ ص ۲۴۳ پاورقی} ادعای احمد امین به طور حتم باطل است، زیرا با مراجعه به کتاب‌های زیدیّه پی می‌بریم که آنها هم مانند سایر فِرَق اسلامی به ظهور وقیام حضرت مهدی (ع) اعتقاد کامل دارند. مجد الدین بن محمّد بن منصور حسنی مؤیّدی از بزرگان علمای زیدیّه است که در کتاب" لوامع الانوار "بابی را تحت عنوان" اخبار المهدی "بیان کرده و احادیث بسیاری درباره آن حضرت (ع) آورده است. {پاورقی . لوامع الانوار، ج ۱، ص ۶۴-۵۸. پاورقی} او در بخشی از کلمات خود می گوید": امامان از آل‌محمّد که درودهای خداوند متعال بر آنها باد به حضرت مهدی بشارت می‌دادند وفرج او را از خداوند انتظار می کشیدند. اول امامان آخر امامان را به این موضوع وصیت می‌نمودند، وسابق آنان به کسانی که بعد از آنها می‌آمدند موضوع حضرت مهدی (ع) را ابلاغ می‌نمودند. {"پاورقی . همان، ص ۵۸. پاورقی} او نیز بعد از نقل اخبار ورایات بسیار درباره حضرت مهدی (ع) می گوید: "روایات درباره مهدی واینکه او از اهل بیت است به حدّ تواتر می‌باشد. {"پاورقی . همان. پاورقی} ونیز می گوید": خبرهای نبوی وبشارت‌های علوی به امام امّت وخاتمه امامان (مهدی)... بیش از آن است که شماره شود. وامر درباره او همان چیزی است که شارح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) در شرح کلام وصیّ (امام علی) صلوات‌اللّه علیه" قد لبس للحکمة جنتها "گفته است. کلامی که نصّ آن این است. وبه تحقیق اتّفاق تمام فرقه‌های مسلمانان بر این است که دنیا وتکلیف تمام نمی‌شود مگر بر او (ظهور او.") {پاورقی . همان. پاورقی} همین مضامین را امام زیدیّه، ابن حمزه، در کتاب" الشافی "نقل کرده است. {پاورقی . کتاب الشافی، ج ۱، ص ۷۸. پاورقی} از عبارات ابن‌حمزه استفاده می‌شود که او حتّی به ولادت حضرت مهدی (ع) اعتقاد دارد، نه اینکه در آخرالزمان متولد می‌شود. {پاورقی . همان، ص ۷۹. پاورقی} ونیز قاضی حسین بن ناصر مهلا از علمای زیدیه در کتاب" مطمح الآمال "به اصل قضیه مهدویت تصریح کرده است. او می گوید": درباره مهدی احادیثی است که به حد تواتر رسیده است."

{پاورقی . مطمح الآمال، ص ۱۸۵ پاورقی}

دیدگاه مذاهب اسلامی راجع به توسعه حکومت حضرت مهدی چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی راجع به توسعه حکومت حضرت مهدی چیست؟

پاسخ

یکی دیگر از موارد اعتقاد در قضیه مهدویت، موضوع فراگیر بودن دعوت وحکومت حضرت مهدی (ع) است. خداوند متعال می‌فرماید: {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ"...}؛ خداوند به کسانی که از شما بندگان ایمان آورده ونیکوکار{پاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پاورقی} گردند وعده داده است که بر روی زمین خلافت دهد ".احمد بن حنبل به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": تملأ الأرض ظلماً وجوراً ثمّ یخرج رجل من عترتی یملک سبعا أو تسعا فیملأ الأرض قسطا وعدلاً"؛ "زمین پر از{پاورقی . مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸. پاورقی} ستم وظلم می‌شود، در این هنگام شخصی از عترتم خروج می کند ودر مدت هفت یا نه روز مالک کلّ زمین خواهد شد، ودر این هنگام زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد". امام باقر (ع) فرمود": یملک القائم ثلاثمائة سنة ویزداد تسعاً کما لبث أهل الکهف فی کهفهم، یملأ الأرض عدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً فیفتح اللّه له شرق الأرض وغربها"؛ "امام{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲. پاورقی} قائم۳۰۹ ۷ سال مالک زمین می‌شود ودر آن حکومت می کند، همان مقدار که اهل کهف در غارشان درنگ کردند. زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد. خداوند برای او شرق وغرب عالم را فتح خواهد نمود."...

منظور از مهدویت نوعی وشخصی چیست؟

اشاره

گاهی در تعبیرات از مهدویت شخصی ونوعی استفاده می‌شود، مثلاً گفته می‌شود: اهل سنّت مهدویت نوعی را قبول دارند وشیعه امامیه مهدویت شخصی را، مقصود از این دو چیست.

پرسش

منظور از مهدویت نوعی وشخصی چیست؟ گاهی در تعبیرات از مهدویت شخصی ونوعی استفاده می‌شود، مثلاً گفته می‌شود: اهل سنّت مهدویت نوعی را قبول دارند وشیعه امامیه مهدویت شخصی را، مقصود از این دو چیست.

پاسخ

شیعه قائل به مهدویت شخصی است؛ یعنی معتقد است به اینکه مهدی موعود (ع) شخصی است معیّن که متولد شده وتاکنون زنده است ودر آینده ظهور خواهد کرد، واو کسی جز فرزند امام حسن عسکری (ع) نیست. ولی اهل سنّت معتقد به مهدویت نوعی

است؛ یعنی معتقد است که در آخرالزمان شخصی از ذریه پیامبر اکرم (ص) به نام مهدی متولد شده، وظهور خواهد کرد. واوست کسی که زمین را پر از عدل وداد خواهد نمود همان گونه که پر از ظلم وجور شده باشد، گرچه وجود خارجی ندارد. تعبیر مهدی نوعی وشخصی کاربرد دیگری نیز دارد که نزد عرفا متداول است. برخی از عرفای اهل سنّت همچون مولوی معتقدند به اینکه در هر زمانی باید یک مهدی موجود باشد خواه از نسل علی وخواه از نسل عمر. مقصود آنان از مهدی، همان قطب عالم امکان است، ولی شیعه قائل است که در هر زمان باید امام معصوم موجود باشد، زیرا بدون آن زمین مضطرب خواهد شد.

آیا ما در عصر فترت قرار داریم؟

پرسش

آیا ما در عصر فترت قرار داریم؟

پاسخ

احمد کاتب می گوید": برخی از شیعیان قائل به توقّف وانقطاع امامت وقول به فترت، همانند فترت بین انبیا شده‌اند ودر ادعای خود به اخباری تمسّک کرده‌اند که دلالت بر امکان انقطاع امامت دارد، خصوصاً هنگامی که خداوند بر خلقش غضب کند. آنان می گویند": نزد ما الآن همان وقت است. {"پاورقی . تطور الفکر السیاسی، ص ۱۲۳. پاورقی} اولاً: شیخ مفید؛ در" الفصول المختاره "بعد از آنکه به گروه‌های مختلف بعد از امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده، می‌فرماید: ولی در زمانی که الآن ما در آن قرار داریم به جز شیعه دوازده امامی همگی منقرض شده ویا به این‌دسته گرویده‌اند. {پاورقی . الفصول المختاره، ص ۲۵۹. پاورقی} ثانیاً: با مراجعه به روایاتی که مستمسک" احمد الکاتب "در انکار ولادت ووجود حضرت مهدی (ع) شده، پی می‌بریم که آن روایات نه تنها بر عدم ولادت دلالت ندارد بلکه بر وجود وولادت حضرت مهدی (ع) دلالتی صریح دارد. اینک نص روایت را مرور می کنیم: محمد بن فرج می گوید: امام ابوجعفر (ع) در نامه‌ای بر من چنین نوشت": إذا غضب اللّه تبارک وتعالی علی خلقه نحّانا عن جوارهم"؛ "هر گاه خداوند تبارک وتعالی بر خلقش غضب کند ما را از همجواری آنها دور خواهد کرد {".پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۲. پاورقی} این روایت به طور صریح دلالت بر ولادت ووجود حضرت مهدی (ع) دارد، لکن مستفاد آن این است که در عین وجود، از منظر شما غایب است. ثالثاً: روایت از حیث سند ضعیف است، همان گونه که مرحوم مجلسی نیز به آن اشاره کرده است. رابعاً: این روایت مخالف روایات دیگری است که متواتر بوده ودلالت بر خالی نبودن زمین از حجّت دارد.

شیعه اثنی عشری و مهدویت

زندگانی امام زمان ع

ولادت

ویژگهای زمان حمل

حضرت مهدی در بدو تولد کدامین آیه را تلاوت فرمود؟

پرسش

حضرت مهدی در بدو تولد کدامین آیه را تلاوت فرمود؟

پاسخ

:«و نُریـد اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْـعِفُوا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَـةً وَ نَجْعَلَهُمُ الوارِثینَ » قصـص /۵ [و مـا اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف ذلیل در آن سرزمین منت گذارده و آنها را در روی زمین پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان بگردانیم.]

سورهای که امام زمانغ با مادرش در دوران بارداری میخواند، چه بود؟

پرسش

سورهای که امام زمانغ با مادرش در دوران بارداری میخواند، چه بود؟

پاسخ

امام زمانغ، سوره" قـدر "را در رحم مادر میخواندنـد ;در اینباره روایتی آمده است که: حکیمه خاتون گفت:.....، پس در این لحظه در نرجس، اضـطراب مشاهده کردم، او را در برگرفتم و نام الهی را بر او خواندم حضـرت امام حسن عسگریمرا صدا زدند که سوره "انـا انزلنـاه فی لیلـهٔ القـدر "را بر او بخوان، پس از]خانم[پرسـیدم که چه حال داری؟ گفت: آنچه مولایم فرمود، ظاهر شـده است، چـون شـروع کردم بـه خوانـدن سـوره" انّـا انزلنـا، "...شـنیدم کـه آن طفـل در شـکم مـادر بـا مـن در خوانـدن همراهی میکرد"... (بحارالانوار، علامه مجلسـی ;ج، ۵۱، ص ۱۳، نشـر مؤسـسهٔ الوفـأ / ر.ک: منتهی الامال، شـیخ عباس قمی ;ص ۷۵۲ ـ ۷۵۳، مؤسسهٔ انتشارات هجرت.)

تولد

چرا مادر امام زمان ۷او را پنهان کرد؟

پرسش

چرا مادر امام زمان ۷او را پنهان کرد؟

پاسخ

ولادت امام زمان ۷به خاطر دقّت و حساسـیت و تفحص و جاسوس های فراوان خلیفهء عباسـی مخفیانه بود, حتی بعضـی از بستگان آن حضـرت مطلع نبودند. امام حسین عسکری ۷از پیشـگویی هـا آگاه بود واهمیّت و عظمت آن مولود را به درستی می دانست و از حساسیّت دشمنان دربارهء تولد این نوزاد, غافل نبود و اوضاع سیاسی و شرایط اجتماعی را کاملاً می شناخت . از این رو به گونه ای مقـدمات ولادت فرزنـدش را فراهم ساخت که نه تنها دشـمنان بلکه بسـیاری از دوسـتان هم از این امر آگاه نشدنـد, تا دشـمنان در

هـدف های شوم خود ناکام بماننـد. چنین هم شد. به همین جهت شـیخ طوسـی ولادت پنهانی امام زمان ۷را امری عـادی و معمولی دانسـته و می نویسـد: این نخستین و آخرین حادثه نبوده و در طول تاریخ بشـری نمونه های فراوانی داشـته است . مخفی بودن حمل مادر موسی و متولد شدن موسی و او را صندوق انداختن , طبق الهام الهی است . فقط عمهء اما عسکری به نام حکیمه خاتون هنگام ولادت حضـرت حضور داشـته و وقتی از او سؤال می کننـد که حجت خدا پس از امام عسـکری کیست ؟ در پاسخ می گوید: زمین خالی از حجّت نیست و فرزنـد امام حسن عسـکری ۷جانشـین او است . می گویند: شـما او را دیده اید؟می گوید: شـنیده ام . گروه دیگری امـام زمان ۷را در منزل امام عسـکری ۷دیـده انـد و امام به آنان فرمود: این امام شـمابعد از من خواهـد بود. امر او را اطاعت کنیـد و دینتان را تباه نکنید. این را هم بدانید که شـما او را پس از امروز نخواهیددید.() از تأخیر در ارسال پاسخ بسـیار معذرت می خـواهیم شـما می توانیـد سؤالاـت خود را به آدرس صـندوق پسـتی قم (پـاورقی ۱.مجلهء حوزه , شـمارهء ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۴به بعد با تلخیص و اضافات . ۱۹۷بفرستید و جواب دریافت دارید.

در مورد پدر و مادر امام زمان(ع) و نحوهٔ تولد و زندگی و غیبت و علایم ظهور او توضیح دهید.

پرسش

در مورد پدر و مادر امام زمان(ع) و نحوهٔ تولد و زندگی و غیبت و علایم ظهور او توضیح دهید.

پاسخ

دوازدهمین امام معصوم(ع) در نیمه شـعبان ۲۵۵ هجری در شـهر سامرّا دیده به جهان گشود.۱ او همنام پیامبر اسـلام(م ح م د) و هم کنیـهٔ آن حضـرت (ابوالقاسم) است.۲ پـدر او امـام حسن عسـکری(ع) بـوده و مـادرش نرجس است.۳البتـه برخی نرجس را بـه نـام "ریحانه"، "سوسن "و" صـیقل "نیز ذکر کرده اند.۴ در تاریـخ از زبان حکیمه خاتون، دختر امام جواد(ع) در خصوص ولادت امام زمان(ع) چنین آمـده است: ابومحمـد حسن عسـکری(ع) کسـی را دنبال من فرسـتاد که امشب (نیمه شـعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حجب خدا را آشکار می کند. پرسیدم: این مولود چه کسی است؟ حضرت فرمود: از نرجس. عرض کردم: من در نرجس خـاتون هیـچ اثر حـاملگی مشاهـده نمی کنم. امـام فرمـود: موضـوع همین است که گفتم. من در حـالی که نشسـته بودم، نرجس خاتون آمد و کفش از پایم بیرون آورد و فرمود: بانوی من! حالتان چطور است؟ من گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی. او از سـخن من تعجب کرده، ناراحت شـد و فرمود: این چه سـخنی است؟ گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عطا می کند که سرور و آقای دنیا و آخرت خواهد شد. نرجس خاتون از سخن من خجالت کشید. سپس بعد از افطار، نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم. چون پاسـی از نیمهٔ شب گذشت، برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم. در این هنگام، نرجس نیز بیـدار شد و نماز شب به جا آورد. سـپس از اتاق بیرون رفتم، تا از طلوع فجر با خبر شوم. دیدم فجر اوّل طلوع کرده و نرجس در خواب است. در آن حال، این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا حجّت خدا آشـکار نشد. نزدیک بود، شـکی در دلم ایجاد شود که ناگهان حضـرت امام حسن عسگری(ع) از اتاق مجاور صدا زد: ای عمه! شتاب مکن که موعد نزدیک است. من نیز نشسـتم و سورهٔ" الم سـجده و یاسـین ("طبق نقلی دیگر سورهٔ قـدر) را خواندم. هنگامی که مشـغول خواندن قرآن بودم، ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی از خواب بیـدار شد. من با شـتاب خودم را به او رساندم و پرسـیدم چیزی احساس می کنی؟ نرجس فرمود: آری. بـدو گفتم: نـام خـدا را بر زبـان جـاری کن، این همان موضوعی است که اوّل شب به تو گفتم. مضـطرب مباش. در این حال، پردهٔ نوری میان من و او کشـیده شـد. ناگاه متوجه شـدم که کودک ولادت یافته است. چون جامعه را از روی نرجس برداشـتم، آن

www.noorfatemah.org

مولود سر به سجده گذاشته و مشغول ذکر خدا بود. هنگامی که او را بر گرفتم، دیدم پاک و پاکیزه است. در این هنگام، حضرت امام حسن عسکری(ع) صدا زد: عمه! فرزندم را نزد من بیاور. وقتی که نوزاد را خدمت آن حضرت بردم، او را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصل کودک، دست کشید و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و فرمود: فرزندم! سخن بگو. سپس آن طفل گفت ": اشهد ان لا اله الاّ الله و اشهد انّ محمّداً رسول الله "پس از آن به امامت امیرمؤمنان حضرت علی(ع) و سایر ائمه معصومین علیهم السلام شهادت داد.۵ غیبت امام زمان(ع) به دو دوره تقسیم می شود": غیبت صغری "و" غیبت کبری." غیبت صغری از ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام زمان) تا ۳۲۹- یعنی حدود ۶۹ سال بود.۶ امام در سن ۹ یا ۱۰ و یا ۱۹ سالگی در سامرا به سردابی در خانهٔ پدر فرو شد، از انظار غایب گشت۷ و در سال ۳۲۹ با رحلت آخرین نایب امام زمان(ع) غیبت کبری آغاز شد.۸ در عصر غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام زمان به کلی قطع نشد و آنان به گونه ای خاص و محدود با امام زمان(ع) ارتباط داشته اند و در این مدت نائبان خاص با امام زمان در ارتباط بوده و مسایل و مشکلات مردم را با حضرت در میان گذاشته و جواب آن ها را دریافت می کردند. در زمان غیبت کبری فقیهان جامع الشرایط از سوی امام زمان(ع) نیابت عامه دارند و مردم نیز وظیفه دارند که به فقیهان واجد شرایط رجوع نموده و از آنان کسب تکلیف نمایند.۹ در خصوص شرایط و علایم ظهور امام زمان(ع) باید گفت: برای ظهور حضرت نشانه های حتمی و غیر حتمی ذکر شده است.۱۰ مقصود از نشانه های حتمی آن است که با تحقق آن ها امام زمان(ع) ظهور می کند، اما نشانه های غیر حتمی مقیّد و مشروط به امور دیگر هستند. به برخی نشانه های حتمی ظهور اشاره می شود: ۱ ـ خروج سفیانی: پیش از قیام امام زمان(ع) مردی از نسل ابوسفیان در منطقهٔ شام، خروج می کند و با تظاهر به دین داری گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد. امام سجاد(ع) فرمود": ظهور قائم(ع) از ناحیهٔ خداوندقطعی و خروج سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی است."۱۱ ۲ ـ خروج یمانی: سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و عدالت دعوت می کند. امام صادق(ع) فرمود": قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود."...۱۲ ۳ ـ خروج دجال: یکی از نشانه های ظهور امام زمان(ع) خروج دجال ذکر شده است در این که دجال کیست دقیقاً مشخص نیست. البته این احتمال وجود دارد که مراد از دجال سفیانی باشد که در برخی از کتاب های اهل سنت بدان اشاره شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود": قیام بر پا نمی شود تا وقتی که مهدی فرزندانم قیام کند و مهدی قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگوید من پیامبرم."...۱۳ ۴ ـ خسوف و کسوف: از نشانه های ظهور امام زمان(ع) کسوف در نیمهٔ ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اوّل ماه است. امام باقر(ع) فرمود": دو نشانه، پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که در زمان هبوط آدم(ع) در زمینی بی سابقه است؛ گرفتن خورشید نیمهٔ ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن."۱۴ ۵ ـ درآمدن پرچم های سیاه از خراسان: این حادثه نیز، در منابع دینی به عنوان نشانه های ظهور بیان شده است. امام باقر(ع) فرمود": بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت می کنند."۱۵ ۶ ـ فراگیر شده ظلم و جور در جهان: فراگیر شدن ظلم، از نشانه های معروف ظهور امام زمان(ع) به شمار می آید. در روایات، این مطلب با عناوین گوناگون بیان شده تا آن جا که گفته شده است ": یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛۱۶ خداوند، به وسیلهٔ ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده است. "در خصوص محل و چگونه زندگی نمودن حضرت اختلاف نظر است.۱۷ البته این اختلاف نظر ناشی از روایاتی است که در این خصوص وجوددارد. از برخی روایات استفاده می شود که حضرت در مکه زندگی می کند.۱۸ برخی روایات دلالت دارد که امام زمان(ع) مکان معیّن ندارد بلکه در همه جا حضور دارد.۱۹ از برخی روایات استفاده می شود که حضرت در مدینه زندگی می کند.۲۰ در این که امام چگونه زندگی می کند و زن و فرزند دارد، ابهام هست و به گونه ای مشخص نمی توان گفت که کیفیت زندگی امام چگونه است و یا زن و فرزند دارد. ۱ شیخ مفید الارشاد، ص ۳۴۶؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۹۲. ۲ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۲۷. ۳ طبرسی،

اعلام الوری، ص ۴۱۸. ۴ فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۹۲؛ صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲. ۵ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲ - ۱۳. ۶ صدوق، کمال الدین، باب ۴۴، ص ۴۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲؛ صافی گلپایگانی ، منتخب الاثر، ص ۲۶۸. ۷ غلام حسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، ج۱، ص ۲۳۵. ۸ مهدی پیشوایی، سیرهٔ پیشوایان، ص ۶۸۲. ۹ همان، ص ۶۹۰. ۱۰ مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان(ع)، ص ۲۴۰. ۱۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲. ۱۲ کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۵۲. ۱۳ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱. ۱۴ کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۶۲. ۱۵ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۲. ۱۶ کنزل العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴. ۱۷ مجلهٔ حوزه، ویژهٔ امام زمان، ص ۵۰ _ ۵۴. ۱۸ کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۲. ۱۹ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶. ۲۰ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

لطفاً در خصوص تولد، غیبت صغری، غیبت کبری ، طول عمر و علائم ظهور امام زمان (ع) و کسانی که با او در ارتباط بودند را توضیح دهید.

پرسش

لطفاً در خصوص تولد، غیبت صغری، غیبت کبری ، طول عمر و علائم ظهور امام زمان (ع) و کسانی که با او در ارتباط بودند را توضیح دهید.

پاسخ

۱ _تولد: برخی تاریخ نگاران عقیده دارند که دوازدهیمن پیشوای معصوم در نیمهٔ شعبان ۲۵۵ هجری در شهر سامرّا دیده به جهان گشود.[۱] برخی دیگر عقیده دارند که حضرت در نیمهٔ شعبان ۲۵۶ متولد شده است.[۲] ۲ _غیبت صغری و کبری: غیبت امام زمان(ع) به دو دورهٔ صغری و کبری تقسیم می شود.[۳] غیبت صغری از ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا ۳۲۹ هجری، یعنی حدود ۶۹ سال بود و بعد از آن غیبت کبری آغاز می گردد.[۴] ۳ _نحوهٔ برقراری ارتباط با حضرت: در زمان غیبت صغری، نوّاب اربعه با امام زمان ارتباط داشته و مشکلات و مسایل و احکام را با حضرت در میان می گذاردند. این افراد عبارت بودند از: الف) ابوعمر و عثمان بن سعید عمری؛ ب) ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ج) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛ د) ابوالحسن علی بن محمد سمری. وظایف عمدهٔ نواب خاص پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی، اخذ و توزیع اموال متعلق به امام، رسیدگی به وضعیت شیعیان و مبارزه با مدّعیان دروغین که ادعای بابیت و نیابت و وکالت امام زمان (ع) را داشتند.[۵] البته در غیبت صغری مردم می توانستند با امام زمان(ع) ارتباط برقرار کنند، ولی بیشتر ارتباطات از طریق نواب اربعه امکان پذیر بود. در زمان غیبت کبری همه نمی توانند با امام زمان(ع) ارتباط برقرار کنند و امام زمان در همه جا حضور داشته و به همگان نفع رسانده و به هدایت و ارشاد پرداخته و به مردم نفع می رساند؛ اگر چه مردم حضرت را نبینند. در زمان غیبت کبری علمای واجد شرایط از سوی امام نیابت عامه دارند. نیابت عامه این است که امام، شرایط و ضوابط کلی را بیان کند تا در طول زمان هر فردی که آن ضابطه با او تطبیق کند نایب شناخته شود، از این رو فقیهان واجد شرایط، نایب حضرت بوده و وظیفهٔ پاسخگویی به مسایل شرعی را بر عهده داشته و هدایت و رهبری مردم را نیز بر عهده دارند. برخی عقیده دارند که در زمان غیبت کبری، برخی از بزرگان مانند مقدس اردبیلی، امام زمان(ع) را ملاقات نموده و با حضرت ارتباط داشته اند. هر کس دیگری نیز اگر لیاقت داشته باشد می تواند با امام ارتباط برقرار کند؛ واقعیت آن است که به طور قاطع نمی توان گفت: ملاقات با امام زمان امکان دارد یا نه. ۴ _علایم ظهور: علایم ظهور به حتمی و غیر حتمی تقسیم می شود.[۶] با تحقق علایم حتمی امام ظهور می کند. علایم غیر حتمی آن است که مضافاً بر آن، تحقق شرایط دیگر لازم است. علایم حتمی متعدد بوده که جهت رعایت اختصار به برخی اشاره می شود: ۱_۴ _خروج سفیانی: پیش از قیام قائم، مردی از نسل ابوسفیان، در شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه زیادی

www.noorfatemah.org

از مسلمانان را می فریبد.[۷] امام سجاد(ع) فرمود": ظهور قائم(ع) از ناحیهٔ خداوند قطعی و خروج سفیانی نیز، از جانب خداوند قطعی است. در برابر هر قیام کننده و مصلحی، یک سفیانی وجود دارد."[۸] ۲ ـ۴ ـخروج یمانی: یکی از نشانه های ظهور امام، قیام یمانی ذکر شده است که مردم را به حق و عدل دعوت می کند.[۹] امام صادق(ع) فرمود": قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک ماه و یک روز خواهد بود."[۱۰] در برخی از روایات آمده است": ولیمانی من المحتوم؛[۱۱] قیام یمانی حتمی است. "۳ـ۴ـ خروج دجال: پیامبر (ص) فرمود": پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد."[۱۲] ۴ـ۴ ـفراگیر شدن جهان از ظلم: فراگیر شدن ظلم وجور، از نشانه های معروف ظهور مهدی(ع) به حساب آمده است": یملا الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً."[۱۳] ۵ ـ۴ ـجنگ های خونین: در برخی روایات از جنگ های خونین به عنوان نشانه های ظهور یاد شده است.[۱۴] گویا این جنگ ها بین اهل باطل، بر سر رقابت های مادی و سیاسی شکل می گیرند. ۶ـ۴ ـدر آمدن پرچم های سیاه از خراسان: امام باقر(ع) فرمود": بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی ظاهر شد، اینان وی را دعوت به بیعت می کنند."[۱۵] ۵ ـطول عمر: یکی از مباحث مهم دربارهٔ امام زمان(ع) طولانی بودن عمر امام است که از چند جهت می توان بدان پرداخت: ۱ ـبُعد الهی: برخی از مسایل را نمی توان با دید علمی و عادی مورد بررسی قرار داد و باید مصالح و علت آن را مربوط به خداوند دانست. طول عمر امام زمان مربوط به خداوند است؛ خداوندی که حضرت یونس را در شکم ماهی حفظ کند[۱۶] و دریا را برای حضرت موسی می شکافد[۱۷] و آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت می کند.[۱۸] خداوند در زمین حجت قرار داده است و به واسطهٔ امام زمان(ع) جهان را پر از عدل خواهد کرد. او امام را در غیبت قرار داده است، تا حجت خویش را حفظ کند، همان گونه که بزرگان دیگر را از حوادث حفظ نمود. اگر از زوایهٔ ایمان به غیب به این پدیده بنگریم پاسخ همهٔ پرسش ها و اعتراض ها داده شده و نیاز به فلسفه بافی و ارائه شواهد ندارد. تأثیر گذاری عوامل طبیعی، به دست خداوند است. او است که اگر بخواهد شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد، پس چگونه از حفاظت وجود نازنین حجت خدا و ذخیرهٔ عالَم آفرینش ناتوان است؟![۱۹] به قول شیخ طوسی رمز طولانی بودن عمر حضرت به دست کسی است که کلید غیبت و ام الکتاب نزد او است.[۲۰] زیست شناسان عقیده دارند که عمر بشر اندازه و حد ثابتی ندارد. در طبیعت همه گونه عمر بوده و ممکن است باشد.[۲۱] وایزمن، دانشمند آلمانی می گوید": مرگ لازمهٔ قوانین طبیعی نیست، و در عالَم طبیعت، از عمر ابدی گرفته تا عمر یک لحظه ای همه نوعش هست. آنچه طبیعی و فطری است، عمر جاودانی و ابدی است."[۲۲] قوانین و نوامیس طبیعت نیز، بطلان عمر زیاد را به ثبوت نمی رساند. [۲۳] ۳ ـشواهد تاریخی: شواهد تاریخی اثبات می کند که انسان هایی بوده اند که عمر های بس طولانی داشته اند: مثلاً حضرت نوح صدها سال عمر کرد؛ بنابراین بهترین دلیل بر امکان چیزی، واقع شدن آن است. با توجه به مطالب مذکور باید گفت: طولانی بودن عمر امام زمان منافات با مبانی علمی نداشته و شواهد تاریخی، طولانی بودن عمر را تأیید می کند. [۱] شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۹۲؛ شیخ طوسی کتاب الغیبه، ص ۱۳۱. [۲] صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲. [۳] لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۱۲ -۳۱۳. [۴] مهدی پیشوایی، سیرهٔ پیشوایان ۶۷۳. [۵] مهدی پیشوایی، همان، ص ۶۸۳ - ۶۸۹. [۶] مجلهٔ حوزه، ویژهٔ امام زمان(ع)، ص ۲۴۰ - ۲۴۱. [۷] همان، ص ۲۴۸. [۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲. [۹] مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان(ع)، ص ۲۵۴. [۱۰] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲. [۱۱] همان. [۱۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹. [۱۳] کنز العمال، ج ۱۴ ص ۲۶۴. [۱۴] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶. [۱۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۴۵۲. [۱۶] صافات (۳۷) آیهٔ ۱۴۴. [۱۷] بقره (۲) آیهٔ ۵۰. [۱۸] انبیا (۲۱) آیهٔ ۶۹. [۱۹] مجله حوزهٔ ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۴۸. [۲۰] کتاب الغیبه، ص ۴۲۸. [۲۱] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب ۲۴۱؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۷۵ به بعد. [۲۲] همان. [۲۳] همان.

چرا ولادت امام زمان(ع) مخفی بود، ولی در مورد ولادت امام های دیگر(ع) با وجود فشارهای زیاد چنین حالتی نبود؟

پرسش

چرا ولادت امام زمان(ع) مخفی بود، ولی در مورد ولادت امام های دیگر(ع) با وجود فشارهای زیاد چنین حالتی نبود؟

پاسخ

زندگانی بزرگان دین و معصومان(ع) ویژگی هایی دارد که ابعاد زندگانی آنان را از افراد دیگر جامعه متمایز می کند. همین خصوصیات بستر پرسش ها را نیز فراهم می کند. ابعاد زندگانی ائمه(ع) از شاخصه و ویژگی هایی برخوردار است که به طور قطع نمی توان علل آنها را درک نمود. زندگانی امام زمان(ع) نیز ویژگی هایی دارد که به گونهٔ قِطع و جزم نمی توان دربارهٔ آنها اظهار نظر نمود، مانند علل غیبت حضرت. در خصوص مخفی بودن ولادت نیز نمی توان به طور حتمی اظهار نظر نموده و علت آن را بیان کرد، ولی از برخی متون دینی استفاده می‌شود که علت مخفی بودن ولادت، نیز غیبت او به خاطر حفظ جان امام عصر(ع) بود، چرا که دربار عباسی می دانست که طبق احادیث، فرزند امام عسکری، قائم آل محمد است. چندین بار مأموران به خانهٔ امام عسکری ریختند تا حضرت را پیدا کنند و به قتل برسانند![۱] وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر امام حسن عسکری(ع) نشان می‌دهد که خلفای عباسی ـ به ویژه معتمد از امام وحشت داشتند، زیرا امام از جایگاه مهمی برخوردار بوده و مردم برای او احترام خاصی قایل بودند. وجود و حضور امام عسکری در صحنهٔ جامعه با منافع و قدرت معتمد در تضاد بود، از این رو حضرت را سخت تحت فشار قرار داد و به شهادت رساند.[۲] از سوی دیگر معتمد عباسی از فرزندان و نسل امام عسکری(ع) نیز وحشت داشت، زیرا می دانست اگر فرزند او زنده بماند، خطر جدی برای حکومت او خواهد بود؛ از این رو با تدابیر ویژه سعی کرد از ولادت امام زمان(ع) جلوگیری نموده و حضرت را از بین ببرد. یکی از نویسندگان درخصوص مخفی بودن ولادت امام زمان(ع) می نویسد ": در دوران عسکریین(ع) [= امام هادی و امام عسکری] در میان حاکمان بنی عباس نگرانی عمیقی به وجود آمده بود. این نگرانی مربوط به اخبار و احادیث فراوانی بود که توسط پیامبر(ص) و ائمه(ع) بشارت به تولد فرزندی از امام حسن عسکری(ع) می‌داد که بر هم زنندهٔ اساس حکومت های باطل و واژگون کنندهٔ تاج و تخت ها است و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. از این رو، آن دو بزرگوار به ویژه امام حسن(ع) سخت تحت نظر بودند و دستگاه خلافت تلاش می‌کرد از تولد چنین فرزندی جلوگیری کند. به همین علت بود که دوران حمل و تولد امام مهدی(عج) از مردم پنهان داشته می شد. به گفتهٔ امام رضا(ع) از ویژگی های آن حضرت ولادت پنهانی است.["۳] حکمت دیگر اخفای ولادت، پیروی از مشیت حق تعالی بود. چون خواست حضرت حق تعلق گرفته بود که آخرین حجت خدا تا زمان ظهور زنده بماند. به همین دلیل امام عسکری(ع) و حضرت مهدی(ع) مؤظف بودند از چشم دشمن خود را مخفی نگه دارد. چنان که از حمل نرجس خاتون حتی عمه امام عسکری اطلاع نداشت، تا سحرگاه نیمه شعبان در کمال ناباوری حضرت متولد شد. بنابراین فلسفهٔ مخفی بودن ولادت امام مهدی(عج)، و زندگی مخفی حضرت در دورهٔ پدر با زمینه سازی امامان پیشین و اخبار مهدویت توجیه می شود، که این امر دربارهٔ امام پیشین مطرح نبود. حکومت از مهدی موعود که به مقتضای روایات نابود کنندهٔ کاخ ستمگران است، وحشت داشت. [۱] اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲. [۲] مهدی پیشوایی، سیرهٔ پیشوایان، ص ۶۲۱. [۳] سید آقایی ...، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲؛ مهدی پیشوایی، سیرهٔ پیشوایان، ص ۶۲۲.

در خصوص ولادت امام زمان (ع) توضیح دهید.

پرسش

در خصوص ولادت امام زمان (ع) توضیح دهید.

پاسخ

حکیمه خاتون – دختر امام جواد و عمهٔ امام حسن عسکری (ع) کیفیت ولادت امام زمان (ع) را چنین گزارش می کند: امام حسن عسکری (ع) کسی را دنبال من فرستاد که امشب (نیمه شعبان) برای افطار، نزد من بیا، چون خداوند امشب حجت خود را آشکار می کند. پرسیدم! این مولود از کیست؟ حضرت فرمود: از نرجس. عرض کردم. در نرجس خاتون هیچ اثر حمل مشاهده نمی کنم! امام فرمود: موضوع همین است که گفتم. من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و فرمود: بانوی من ! حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی . او از سخن من تعجب کرده، ناراحت شد و فرمود! این چه سخنی است؟ گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عطا می کند که آقا و سرور دنیا و آخرت خواهد شد. نرجس خاتون از سخن من خجالت کشید. پس بعد از افطار ، نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم چون پاسی از نیمه شب گذشت، برخاستم و نماز شب خواندم . بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم. در این هنگام نرجس نیز بیدار شد و نماز شب به جا آورد. پس از اتاق بیرون رفتم تا از طلوع فجر با خبر شوم. در آن حال این سؤال به ذهنم آمد که چرا حجت خدا آشکار نشد که ناگهان امام حسن عسکری (ع) از اتاق مجاوز صدا زد: ای عمه! شتاب مکن که موعد نزدیک است.مشغول قرآن خواندن بودم که ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی بیدار شد و من با شتاب خود را به او رساندم و پرسیدم: چیزی احساس می کنی؟ نرجس گفت: آری . بدو گفتم: نام هدا را به زبان جاری کن. این همان موضوعی است که اوّل شب به تو گفتم. در این هنگام، پردهٔ نوری میان من و او کشیده شد. ناگهان متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. چون جامه را از روی نرجس برداشتم، آن مولود سر به سجده گذاشته و مشغول ذکر خدا بود. او را در برگرفتم ، دیدم پاک و پاکیزه است. در این هنگام ، حضرت امام حسن عسکری (ع) صدا زد: عمه! فرزندم را بیاور. کودک را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصل کودک دست کشیده و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و فرمود: فرزندم سخن بگو. پس آن طفل گفت: اشهد أن لا اله الاّ الله و اشهد انّ محمداً رسول الله ، پس از آن به امامت امیرمؤمنان حضرت علی (ع) و سایر معصومان (ع) شهادت داد و چون به نام خود رسید گفت: پروردگارا! وعدهٔ مرا قطعی گردان و امر مرا به اتمام رسان و مرا ثابت قدم بدار و زمین را به وسیلهٔ من از عدل و داد پر کن. بنابر گزارش عده ای ، هنگام ولادت حضرت مهدی (عج) روی کتفش آیه مبارکه" جاء الحقّ و زهق الباطل "نوشته شده بود.(۱) پی نوشت ها : ۱ – عبدالرضا انصاری، در انتظار خورشید ولایت ، ص ۳۴ – ۳۷.

نحوهٔ ولادت حضرت مهدی (عج) در روایات اسلامی چگونه است؟

پرسش

نحوهٔ ولادت حضرت مهدی (عج) در روایات اسلامی چگونه است؟

پاسخ

گزارش و تفصیلات ولادت سراسر برکت امام ، در کتب معتبر و اخبار، مشروحاً بیان شده است؛ از جملهٔ این اخبار روایتی است که در ینابیع الموده، ص۴۴۹ و ۴۵۱ فاضل قندوزی که از علمای اهل سنّت است و شیخ طوسی در کتاب غیبت و شیوخ دیگر روایت کرده‌اند و صدوق در کتاب کمال الدین به سند صحیح و معتبر ازجناب موسی بن محمد بن قاسم بن حمزهٔ بن موسی بن جعفر (ع) از حضرت حکیمه خاتون دختر والامقام امام محمد تقی(ع) که از بانوان با عظمت و شخصیّت و فضیلت خاندان رسالت است، حدیث کرده است. حکیمه فرمود: امام حسن عسکری(ع) فرستاد(فردی را) نزد من که عمه! امشب در نزد ما افطار کن که شب نیمهٔ شعبان است و خداوند حجت را در این شب ظاهر فرماید و او حجت خدا در زمین است. من عرض کردم : مادرش کیست؟ فرمود: نرجس گفتم: فدایت شوم به خدا سوگند در او اثری نیست. فرمود: همین است که برای تو می گویم. حکیمه گفت: پس آمدم چون سلام کردم و نشستم نرجس خواست پای افزارم را بیرون آورد، گفت: ای سیدهٔ من و سیدهٔ خاندان من، چگونه شب کردی؟ گفتم: بلکه تو سیده من و سیده خاندان منی. گفت: ای عمه این چه سخن است؟! گفتم: ای دخترم، خدا امشب به تو پسری کرامت فرماید که در دنیا و آخرت آقا است؛ پس او خجلت کشید و حیا کرد، وقتی از نماز عشا فارغ شدم افطار کردم و در بستر خوابیدم چون نیمه شب رسید برخاستم برای نماز شب، نماز را خواندم و فارغ شدم و نرجس همچنان در خواب و راحت بود، من نشستم برای تعقیب و سپس خوابیدم و هراسان بیدار شدم، او همچنان خواب بود پس برخاست نماز شب را خواند و خوابید. حکیمه فرمود: برای فحص از صبح بیرون آمدم فجر اوّل ظاهر شده بود، هنوز نرجس در خواب بود، در شک افتادم، امام فریاد زد، عمه شتاب مکن که مطلب نزدیک گردیده. گفت: نشستم و سوره الم سجده و یس خواندم که ناگاه نرجس هراسناک بیدار شد، من به بالینش شتافتم و گفتم: «بسم الله علیک» آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: بله ای عمه. گفتم: آسوده خاطر باش همان است که به تو گفتم. حکیمه گفت: پس مرا سستی و از خود بی خودی فرا گرفت و او نیز چنین شد، وقتی به حس آقایم بیدار شدم، جامه را از روی نرجس به یک سوز دم و آقای خود را دیدم که در حال سجده است و مواضع سجودش را بر زمین گذارده، او را در بر گرفتم دیدم نظیف و پاکیزه است حضرت امام حسن عسکری به من صیحه زد: ای عمه پسرم را به نزد من بیاور. او را نزد امام بردم، امام دستهایش را زیر دو ران و پشت او گذارد و پاهایش را در سینه خود قرار داد و زبانش را در دهان او نهاد و دست بر چشمها و گوش و مفاصلش کشید. پس فرمود: سخن بگو ای پسرم. فرمود: «اَشْهَدُ أَنَّ لا اِلهَ اِلَّاالله وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله» سپس بر امیر المؤمنین و بر امامان تا پدرش صلوات فرستاد و سکوت فرمود. امام فرمود: او را نزد مادرش ببر تا به او سلام کند و به نزد من آور؛ پس او را نزد مادرش بردم، به مادرش سلام کرد، سپس او را برگرداندم در مجلس امام گذاردم. فرمود: ای عمه روز هفتم که شد نزد ما بیا. حکیمه فرمود: بامدادان رفتم که به امام سلام عرض کنم، پرده را بالا زدم تا از آقای خود تفقد کنم او را ندیدم گفتم: فدایت شوم چه شد آقای من؟ فرمود: ای عمه او را به آن کس سپردم که مادر موسی او را به او سپرد. حکیمه گفت: روز هفتم که شد به نزد آن حضرت رفتم و سلام کردم و نشستم. امام فرمود: پسرم را به نزد من بیاور، پس من آقایم را در حالیکه در پارچه‌ای بود به نزد آن حضرت بردم با او مانند روز اول رفتار کرد، پس زبان در دهانش گذارد مثل آنکه شیر و عسل به او می‌دهد سپس فرمود: سخن بگو: گفت: اشهد ان لا اله الاالله و صلوات بر محمد و امیرالمؤمنین و امامان تا پدرش ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ فرستاد و این آیه را تلاوت کرد: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ» موسی بن محمد بن قاسم، راوی حدیث گفت: این سرگذشت را از عقید خادم پرسیدم گفت: حکیمه راست فرموده است. (منتخب الاثر نگارنده، ص۳۲۱ تا ۳۴۱) و در حدیث دیگر شیخ ثقه جلیل فضل بن شاذان که پس از ولادت حضرت ولی عصر و پیش از وفات امام حسن عسکری(ع) (بین ۲۵۵ تا ۲۶۰) وفات کرده، در کتاب غیبت خود از حضرت امام حسن عسکری(ع) به واسطه محمد بن علی بن حمزهٔ بن حسین بن عبیدالله بن عباس بن امیر المؤمنین(ع) روایت کرده است که فرمود: متولد شد ولیّ خدا و حجت خدا بر بندگان خدا و جانشین من بعد از

من، ختنه کرده شده، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هنگام طلوع فجر و نخستین کسی که او را شست، رضوان خازن بهشت بود که با جمعی از ملائکه مقربین او را به آب کوثر و سلسبیل غسل دادند. (منتخبالاثر ص ۳۲۰) و در احادیث دیگر روایت است که وقتی امام عصر متولد شد، حضرت امام حسن عسکری(ع) دستور فرمود: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بین فقرای بنی هاشم تقسیم کنند و سیصد گوسفند عقیقه نمایند.

چه عواملی در حصول تواتر ویقین به ولادت امام مهدیعلیهالسلام مؤثر است؟

پرسش

چه عواملی در حصول تواتر ویقین به ولادت امام مهدیعلیهالسلام مؤثر است؟

پاسخ

از آنجا که اعتبار خبر متواتر به جهت حصول یقین است، در مورد موضوع ولادت امام مهدی (ع) عواملی چند در حصول یقین به این موضوع دخالت داشته است: ۱ - احادیثی که به دلالت مطابقی بر ولادت امام مهدی (ع) وبشارت به آن حضرت دلالت دارد. که مجموع آنها به ۲۱۴ حدیث می‌رسد. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۳-۴۰۷-۴۰۸-۴۲۴ù۴۲۶-۴۳۰و... . پاورقی} ۲ - روایاتی که در مورد سال ولادت حضرت رسیده است. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴و۱۵ù۱۷ù۲۲. پاورقی} ۳ - روایاتی که در رابطه با خصوصیات فردی امام زمان (ع) وارد شده است. {پاورقی . کمالالدین، ص ۴۷۵ ؛ الغیبة، طوسی، ص ۲۵۳ù۲۵۵ù۲۶۳ù۲۶۶ù۲۷۱ù۲۹۸. پاورقی} ۴ - روایاتی که نصّ بر امامت آن حضرت دارد. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۵. پاورقی} ۵ - توقیعاتی که از ناحیه مقدسه صادر شده است که عدد آنها به دهها توقیع می‌رسد، ودر جای خود فهرستی از آنها را آورده‌ایم. ۶ - تضییقات سیاسی که از ناحیه حکومت بنی‌العباس برای مواجهه ومقابله با حضرت وقتل ایشان گذاشته شده بود. ۷ - وجود چهار سفیر در عصر غیبت صغرا وارتباط مردم با حضرت از طریق آنها. ۸ - وکلای ناحیه مقدّسه که در کشورها وشهرهای مختلف وجود داشته‌اند. ۹ - عدّه زیادی که مشرّف به لقا ورؤیت حضرت مهدی (ع) شده‌اند. ۱۰ - معجزاتی که از حضرت مهدی (ع) صادر شده ودر کتاب‌ها مکتوب است. ۱۱ - اعتراف علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری (ع). ۱۲ - اجماع وتبنّی شیعه بر ولادت ووجود امام مهدی (ع). ۱۳ - تصریح مورخان بر ولادت حضرت مهدی (ع). ۱۴ - مدّعیان سفارت دروغین از طرف امام زمان (ع). ۱۵ - شهادت هر یک از معصومین: بر ولادت حضرت مهدی (ع).

آیا در بین احادیث ولادت حضرت، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد؟

پرسش

آیا در بین احادیث ولادت حضرت، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد؟

پاسخ

در بین احادیثی که دلالت بر ولادت حضرت مهدی (ع) دارد پی به روایاتی می‌بریم که از سند صحیح یا حسن یا موثّقی برخوردار

است. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - کلینی به سند صحیح اعلائی از محمّد بن عبداللّه ومحمّد بن یحیی از عبداللّه بن جعفر حمیری نقل می‌کند که فرمود": اجتمعت أنا والشیخ أبوعمرو؛ عند أحمد بن إسحاق فغمزنی أحمد بن إسحاق أن أسأله عن الخلف، فقلت له: یا أباعمرو! إنّی أرید أن أسألک عن شیء وما أنا بشاکٍّ فیما أرید أن أسألک عنه، فإنّ اعتقادی ودینی أنّ الأرض لاتخلو من حجّة إلّا إذا کان قبل یوم القیامة بأربعین یوماً فإذا کان ذلک رفعت الحجّة وأغلق باب التوبة... ولکنّی أحببت أن أزداد یقیناً. ثمّ قال: سل حاجتک؟ فقلت له: أنت رأیت الخلف من بعد أبی‌محمّد (ص) فقال: أی واللّه ورقبته مثل ذا، وأومأ بیده"؛ "...من وشیخ ابوعمرو- عثمان بن سعید عَمْری - خدمت احمد {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۹ù۳۳۰، با تلخیص. پاورقی} ابن اسحاق بودیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ابوعمرودرباره جانشین امام عسکری (ع) سؤال کنم. به ابوعمرو گفتم: از تو سؤالی می‌پرسم که درباره آن شک ندارم، زیرا اعتقادم این است که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی‌ماند مگر چهل روز قبل از برپایی قیامت، که چون آن روز فرا رسد حجت برداشته وراه توبه بسته خواهد شد... ولی من دوست دارم که بر یقینم افزوده شود... سپس گفت خواسته‌ات را سؤال کن، سؤالم این است که: آیا جانشین امام عسکری (ع) را دیده‌ای؟ ابوعمروفرمود: آری به خدا سوگند، گردن او چنین بود، وبا دست اشاره کرد. "...شیخ صدوق؛ نیز این حدیث را با سند صحیح نقل کرده است. {پاورقی . کمال‌الدین، ص ۴۴۱. پاورقی} ۲ - ونیز کلینی به سند صحیح از حسین بن علا نقل کرده که گفت": قلت لأبی‌عبداللّه (ع): تکون الأرض لیس فیها إمام؟ قال: لا"؛ ".به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱. پاورقی} ممکن است که زمین بدون امام باشد؟ حضرت فرمود: هرگز ".۳ - ونیز به سندی دیگر که آن هم صحیح است از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "إنّ الأرض لا تخلو إلّا وفیها إمام"؛ "همانا زمین هرگز از وجود امام خالی نمی‌گردد {".پاورقی . همان، ح ۲. پاورقی} ۴ - ونیز به سند صحیح از حسن بن علی وشاء نقل می‌کند که از امام رضا (ع) سؤال کردم": هل تبقی الأرض بغیر إمام؟ قال: لا. قلت: إنّا نروی أنّها لاتبقی إلّا أن یسخط اللّه عزّوجلّ علی العباد. قال: لاتبقی إذا لساخت "؛ "آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود: {پاورقی . همان، ص ۱۷۹، ح ۱۳. پاورقی} هرگز. عرض کردم: ما چنین روایت می‌کنیم که زمین از حجت خالی نمی‌ماند مگر آنکه خداوند بر بندگانش غضب کند؟ حضرت فرمود: زمین" بدون حجت "باقی نمی‌ماند، ودر غیر این صورت مضطرب می‌شود ".۵ - ونیز به سند صحیح از ابی‌هاشم جعفری نقل می‌کند که‌گفت": قلت لأبی‌محمّد (ص): جلالتک تمنعنی من مسألتک فتأذن لی أن أسألک؟ فقال: سل. قلت: یا سیّدی! هل لک ولد؟ فقال: نعم. فقلت: فإن بک حدث فأین أسال عنه. فقال: بالمدینة؛" "به امام عسکری (ع) عرض کردم: {پاورقی . همان، ص ۳۲۸، ح ۲. پاورقی} جلالت شما مرا مانع شده تا مسأله‌ای را از شما سؤال کنم، آیا اجازه می‌دهید تا از شما بپرسم؟ حضرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. عرض کردم: اگر حادثه‌ای برای شما اتفاق افتاد، کجا از او سؤال کنم؟ فرمود: در مدینه ".۶ - ونیز به سند صحیح از محمّد بن علی بن بلال نقل کرده که فرمود": خرج إلیّ من أبی‌محمّد قبل مضیّه بسنتین یخبرنی بالخلف من بعده ثمّ خرج إلیّ من قبل مضیّه بثلاثةایام یخبرنی بالخلف من بعده"؛ "دو سال قبل از شهادت امام حسن عسکری (ع) نامه‌ای از {پاورقی . همان، ح ۱. پاورقی} حضرت به دستم رسید که در آن خبر از جانشین آن حضرت داده بود. ونیز سه روز قبل از شهادتشان نامه‌ای دیگر رسید که باز خبر از جانشین بعد از خود دادند ".۷ - کلینی نیز به سند صحیح از زراره نقل می‌کند که از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: "إنّ للغلام غیبة قبل أن یقوم. قال قلت: ولِمَ؟ قال: یخاف وأومأ بیده إلی بطنه، ثمّ قال: یا زرارة! وهو المنتظر وهو الّذی یشکّ فی ولادته"؛ "همانا برای آن کودک قبل از قیام غیبتی {پاورقی . همان، ص ۳۳۷، ح ۵. پاورقی} است. عرض کردم: برای چه؟ فرمود: به جهت خوف، واشاره به شکم مبارک کرد. آن گاه فرمود: ای زراره! واو همان منتظری است که در ولادت او شک می‌شود."... ۸ - صدوق به سند تام از داوود بن قاسم جعفری نقل کرده که امام هادی (ع) می‌فرمود": الخلف من بعدی الحسن، فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولِمَ جعلنی اللّه فداک؟ فقال: إنّکم لاترون شخصه ولایحلّ لکم ذکره باسمه. فقلت: فکیف نذکره؟

فقال: قولوا الحجّة من آل محمّد"؛ ":جانشین بعد من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۸۱، ح ۵ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳. پاورقی} نسبت به جانشین از بعد این جانشین؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدای تو گرداند؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی‌بینید، وبرای شما حلال نیست که نام او را ببرید. عرض کردم: پس چگونه نام او را ببریم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل‌محمّد".

آیا خبر ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام تنها از طریق حکیمه نقل شده است؟

پرسش

آیا خبر ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام تنها از طریق حکیمه نقل شده است؟

پاسخ

خیر، این چنین نیست، بلکه عدّه زیادی از اصحاب امام عسکری (ع) ودیگران از ولادت امام زمان (ع) خبر داده‌اند، وبرخی نیز آن حضرت را در غیبت صغرا یا کبرا دیده‌اند. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ - ابوالفضل حسین بن حسن علوی می گوید: "دخلت علی أبی‌محمد الحسن بن علی(ع) بسرّمن‌رأی فهنّأته بولادة ابنه القآئم"؛ "بر امام عسکری (ع) در سامرا وارد شدم تا در{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۷، ح۲۴. پاورقی} ولادت صاحب‌الزمان (ع) به آن حضرت تهنیت بگویم ".۲ - احمد بن محمّد می گوید": خرج عن أبی‌محمد(ع) حین قتل الزبیری: هذا جزآء من افتری علی اللّه تبارک وتعالی فی أولیائه زعم أنّه یقتلنی ولیس لی عقب، فکیف رأی قدرة اللّه عزّوجلّ. وولد له وسمّاه مرحمد سنة ستّ وخمسین ومأتین"؛ "بعد از کشته شدن زبیری{پاورقی . همان، ص ۴، ح ۴. پاورقی} نامه‌ای از امام عسکری (ع) به دستم رسید که در آن نوشته شده بود: این جزای کسی است که بر خدا واولیایش افترا ببندد، وگمان کند که می‌تواند بدون جانشین، مرا بکشد، وقدرت خدا را چگونه دیده است. آن گاه می گوید: فرزندی برای آن حضرت در سال ۲۵۵ زاییده شد که اسم ایشان را" محمّد "گذاشت ".۳ - ابو هاشم جعفری می گوید: "قلت لأبی‌محمّد (ص): جلالتک تمنعنی من مسألتک، فتأذن لی أن أسألک. فقال: سل! قلت: یا سیّدی! هل لک ولد؟ فقال: نعم؛"... "به امام عسکری (ع) عرض{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲. پاورقی} کردم": جلالت شما مانع از سؤال کردن من است، آیا اجازه سؤال به من می‌دهید؟ حضرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی است؟ فرمود: آری. "...۴ - صدوق از نسیم، خادم امام عسکری (ع) نقل می کند": قد دخلت علیه بعد مولده بلیلة فعطست عنده فقال لی: یرحمک اللّه! قالت نسیم: فرحت بذلک، فقال لی: ألا أبشّرک فی العطاس؟! فقلت: بلی یا مولای! فقال: هو أمان من الموت ثلاثةایام"؛ "بر حضرت{پاورقی . کمال‌الدین، ص ۴۳۰، ح ۵. پاورقی} صاحب‌الزمان (ع) بعد از گذشت یک شب از ولادتش داخل شدم، نزد او عطسه کردم، حضرت فرمود: یرحمک اللّه. من از این جمله خوشحال شدم. آن گاه فرمود: آیا می‌خواهی تو را در عطسه بشارت دهم؟ عرض کردم: بلی ای مولای من. فرمود: عطسه تا سه روز انسان را از مرگ در امان می‌دارد ".۵ - شیخ طوسی به سندش از نسیم وماریه نقل کرده است": لمّا خرج صاحب الزمان (ع) من بطن أمّه سقط جاثیاً علی رکبتیه، رافعاً سبابته نحو السمآء ثمّ عطس. فقال: الحمد للّه ربّ العالمین وصلّی اللّه علی محمّد وآله عبداً... زعمت الظلمة أنّ حجّة اللّه داحضة ولو أذن لنا فی الکلام لزال الشکّ"؛ "هنگامی که صاحب‌الزمان (ع) از شکم مادرش بیرون آمد بر دو زانوی{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۴۵. پاورقی} خود قرار گرفت، انگشت سبابه خود را به طرف آسمان اشاره کرد، سپس عطسه‌ای کرد وفرمود": الحمد للّه ربّ العالمین وصلّی اللّه علی محمّد وآله عبداً داخراً غیر مستنکف ولامستکبر. "آن گاه فرمود: ظالمان گمان کرده‌اند که حجّت خدا زایل خواهد شد، واگر برای

www.noorfatemah.org

ما اذن در کلام داده شود به طور حتم شک زایل خواهد شد ".۶ – شیخ طوسی؛ روایتی را از کامل بن ابراهیم مدنی وقصه ملاقات او با امام عسکری (ع) نقل کرده که در آن چنین آمده است": فجاءت الریح فکشفت طرفه فإذا أنا بفتیً کأنّه فلقهٔ قمر من أبنآء أربع سنین أومثلها، فقال لی: یا کامل بن ابراهیم! فاقشعررت من ذلک وألهمت أن قلت: لبیک یا سیدی! فقال: جئت إلی ولیّ اللّه وحجّته وبابه تسأله هل یدخل الجنّهٔ إلّا من عرف معرفتک؟ وقال بمقالتک؟ فقلت: ای واللّه..."؛ "بادی زد وپرده کنار رفت، ناگهان {پاورقی . همان، ص ۲۴۷. پاورقی} کودکی را به مانند پاره ماه با حدود چهار سال سن یا همین اندازه مشاهده کردم. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! بدنم از این خطاب لرزید والهام شدم که بگویم: لبیک ای آقای من! حضرت فرمود: تو نزد ولی خدا وحجت وباب او آمده‌ای تا از او سؤال کنی آیا به جز کسی که مثل معرفت تو را داشته وهمانند تو می گوید داخل بهشت می‌شود؟ عرض کردم: آری. "...۷ – عمرواهوازی می گوید": أرانی أبومحمد(ع) ابنه وقال هذا صاحبکم بعدی"؛ "امام {پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸. پاورقی} عسکری (ع) فرزند خود را به من نشان داد وفرمود: این صاحب شما بعد از من است ".شیخ حرّ عاملی؛ می گوید": کلینی ودیگران به سندهایشان نقل کرده‌اند که جماعت زیادی امام زمان (ع) را بعد از ولادتش ملاقات کردند که از آن جمله عبارتند از: محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، حکیمه دختر محمّد بن علیّ عموی پدرش، ابوعلی بن مطهر، خادم ابراهیم بن عبده، ابو عبداللّه بن صالح، ابراهیم بن ادریس، جعفر بن علی عمویش، عمرواهوازی، ظریف خادم، فارسی، مدائنی ودیگران. {"پاورقی . اثبات الهداهٔ، ج ۳، ص ۴۴۲. پاورقی} ۸ – معاویهٔ بن حکیم ومحمّد بن ایوب بن نوح ومحمّد بن عثمان عَمْری می گویند": عرض علینا أبومحمد الحسن بن علی(ع) ونحن فی منزله وکنّا أربعین رجلاً. فقال: هذا إمامکم من بعدی وخلیفتی علیکم أطیعوه ولاتتفرّقوا من بعدی"؛ "...امام عسکری (ع) در منزل خود {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۵. پاورقی} فرزندش را بر ما که چهل نفر بودیم عرضه داشت وفرمود: این امام شما بعد از من وجانشین من بر شماست، او را اطاعت کنید وبعد از من متفرّق نشوید."...

آیا با اجماعی که شیعه قبول ندارد می‌توان دلیل ولادت حضرت را اجماع قرار داد؟

پرسش

آیا با اجماعی که شیعه قبول ندارد می‌توان دلیل ولادت حضرت را اجماع قرار داد؟

پاسخ

اولاً: شیعه اجماع را در صورتی که کاشف از دلیل معتبر باشد قبول دارد، وآن را یکی از ادله استنباط می‌داند. حتی در مواردی هم می‌تواند انسان را به یقین به مفاد خبر مجمعین برساند واجماعی که در جامعه شیعی وجود دارد از این قبیل اجماع است. ثانیاً: شیعه بر وجود وولادت حضرت مهدی (ع) تنها به اجماع استدلال نمی کند، بلکه به ادله‌ای دیگر از قبیل عقل، قرآن وروایات صحیح‌السند نیز نظر دارد.

آیا بزرگان طایفه امامیه بعد از وفات امام عسکری‌علیه‌السلام بر ولادت حضرت اتفاق داشتند؟

پرسش

آیا بزرگان طایفه امامیه بعد از وفات امام عسکری‌علیه‌السلام بر ولادت حضرت اتفاق داشتند؟

پاسخ

آری، اصحاب وعموم طایفه شیعه امامیه بعد از وفات امام حسن عسکری (ع) در طول قرنها بر ولادت امام زمان (ع) اتفاق داشته‌اند، اگر چه در ابتدا حیرت وشکی در ولادت وامامت آن حضرت در بین گروهی از شیعیان پدید آمد، ولی بعد از گذشت زمان نه چندان طولانی وبه عنایت وتبلیغ بزرگان امامیه، همگی به راه مستقیم هدایت شده وبه امامت امام عصر (ع) اعتقاد پیدا نمودند، همان گونه که شیخ مفید در کتاب "الفصول المختاره "به آن اشاره کرده است. او می گوید": از این فرقه‌هایی که ذکر شد هیچ فرقه‌ای در زمان ما که سال ۳۷۳هجری است باقی نمانده است جز شیعه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن همنام رسول‌خدا (ص) بوده وهمگی بر زنده بودن ایشان قطع داشته ومعتقد به بقای آن حضرت تا زمانی که قیام به شمشیر کند، هستند. {"...پاورقی . الفصول المختاره، ص ۳۲۱. پاورقی}

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه گفته‌اند؟

پرسش

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه گفته‌اند؟

پاسخ

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی (ع) به طور اتفاق آن را در سال ۲۵۵ هجری دانسته‌اند. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ – کلینی؛. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۱۴. پاورقی} ۲ – شیخ مفید؛. {پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰ù۳۳۹. پاورقی} ۳ – اربلی؛. {پاورقی . کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۵. پاورقی} ۴ – شیخ طوسی؛. {پاورقی . مصباح المتهجد، ص ۸۴۲. پاورقی} ۵ – کفعمی؛. {پاورقی . البلد الامین، ص ۱۸۷. پاورقی} ۶ – طبرسی؛. {پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۱۸. پاورقی} ۷ – علامه مجلسی؛. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲. پاورقی} ۸ – شیخ بهائی؛. {پاورقی . توضیح المقاصد، ص ۲۱ù۲۰. پاورقی}

آیا علمای‌انساب به ولادت فرزند امام‌عسکری‌علیه‌السلام اعتراف نموده‌اند؟

پرسش

آیا علمای‌انساب به ولادت فرزند امام‌عسکری‌علیه‌السلام اعتراف نموده‌اند؟

پاسخ

آری، گروهی از آنان معترفند که برای امام حسن عسکری (ع) فرزندی به نام محمّد وبا القاب: حجّت ومهدی و... متولد شده است. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ – نسّابه سهل بن عبداللّه بن داوود بن سلیمان بخاری، که معاصر عصر غیبت صغرا می‌زیسته است. {پاورقی . سرّ السلسلة العلویة، ص۴۰ù۳۹. پاورقی} ۲ – سیّد عمری، نسّابه مشهور در قرن پنجم هجری. {پاورقی . المجدی فی انساب الطالبیین، ص ۱۳۰. پاورقی} ۳ – فخر رازی شافعی، نسّابه قرن پنجم. {پاورقی . الشجرة المبارکة فی انساب

www.noorfatemah.org

الطالبیة، ص۷۸Ù۷۹. پاورقی} ۴ – نسّابه قرن ششم مروزی ازورقانی. {پاورقی . الفخری فی انساب الطالبیین، ص ۸. پاورقی} ۵ – نسّابه جمال‌الدین احمد معروف به ابن عنبه. {پاورقی . عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب، ص ۱۹۹. پاورقی} ۶ – نسّابه ابوالحسن محمّد حسینی یمانی صنعانی زیدی، نسّابه قرن یازدهم. {پاورقی . روضة الألباب لمعرفة الأنساب، ص ۱۰۵. پاورقی} ۷ – محمّد امین سویدی. {پاورقی . سبائک الذهب، ص ۷۸. پاورقی} ۸ – محمّد ویس حیدری سوری. {پاورقی . الدرر البهیّة فی الانساب الحیدریة والاویسیّة، ص ۷۳. پاورقی} ۹ – علامه نسّابه سید محمّد بن حسین بن عبداللّه حسینی سمرقندی مدنی. {پاورقی . تحفة المطالب بمعرفة من ینتسب الی عبداللّه وابی‌طالب، ص ۵۴Ù۵۵، چاپ ریاض. پاورقی} ۱۰ – شریف انس کتبی حسنی در تعلیقه بر کتاب" تحفة المطالب. {"پاورقی . همان، ص ۵۵. پاورقی} ۱۱ – علامه نسّابه سید محمّد بن احمد بن حمید الدین نجفی. {پاورقی . بحر الانساب، ص ۳۹، چاپ ریاض. پاورقی} ۱۲ – علامه نسّابه شریف انس کُتُبی حسنی. {پاورقی . الاصول فی ذریّة البضعة البتول، ص ۱۰۰–۹۷. پاورقی}

آیا جعفر عموی امام مهدی‌علیه‌السلام منکر ولادت ایشان بوده است؟

پرسش

آیا جعفر عموی امام مهدی‌علیه‌السلام منکر ولادت ایشان بوده است؟

پاسخ

جعفر اگر چه انکار چنین مطلبی را داشته است، ولی از جهاتی نمی‌توان به انکار او توجه نمود: ۱ – با ادله متقن ولادت حضرت مهدی (ع) به اثبات رسیده است. ۲ – اتفاق امت بر آن است که جعفر معصوم نبوده است، بلکه از جمله مردم عادی بوده که در او احتمال گمراهی ویا سهو واشتباه رواست. همان گونه که برخی از فرزندان یعقوب به گمراهی کشیده شدند. ۳ – از برخی اخبار استفاده می‌شود که جعفر به سبب انحراف وگمراهی که داشت، ادعای دروغین عدم ولادت فرزند برای امام عسکری (ع) نمود. ۴ – نهایت چیزی را که از روی احتیاط می‌توان گفت اینکه: از آنجا که او کشش وقابلیّت وتحمّل خبر ولادت حضرت مهدی (ع) را نداشته، امام عسکری (ع) فرزندش را به او نشان نداده است. ولذا از آن بی اطلاع بوده است.

دلیل به دنیا آمدن حضرت مهدی(عج) را توضیح دهید؟

پرسش

دلیل به دنیا آمدن حضرت مهدی(عج) را توضیح دهید؟

پاسخ

اعتقاد به ظهور مهدی(عج) و برقراری حکومت جهانی اسلام به دست ایشان، عقیده‌ای اسلامی است و شیعه و سنی به آن معتقداند و از این جهت در بین آن‌ها اختلافی نیست/ در رابطه با ولادت آن حضرت شیعه اعتقاد دارد که آن حضرت در سال ۲۵۵ ه‘ق‘ در سامرا متولد شده و زنده است و روزی که خدا بخواهد ظهور خواهد نمود و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد/ برای ولادت و

حیات آن حضرت دلایل و شواهد زیادی وجود دارد که جای هر گونه شک و شبهه‌ای را برطرف می‌سازد. بنابراین، این موضوع از موضوعات قطعی و یقینی نزد شیعه است و راویان و مورخان، واقعه ولادت آن حضرت را ثبت نموده‌اند/ علمای اهل‌سنّت درباره ولایت حضت مهدی(عج) اتفاق نظر ندارند؛ برخی می‌گویند که آن حضرت هنوز متولد نشده است و بعضی می‌گویند در سال ۲۵۵ ه‌ق به دنیا آمده است/ بسیاری از مورخان و محدثان اهل‌سنّت نیز بدین امر تصریح کرده‌اند و آن را یک واقعیت دانسته‌اند. در کتاب‌های پژوهشی نام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتاب‌های آنان ذکر شده است{۱} که به برخی اشاره می‌کنیم: ۱- محمد بن طولون مورخ دمشقی می‌نویسد: «دوازدهمین امام شیعه، نامش ابوالقاسم محمد، فرزند امام حسن عسگری، معروف به حجت است؛ همان فردی که شیعه گمان می‌کند که منتظر و قائم و مهدی اوست. ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری واقع شده است. او هنگام مرگ پدرش حسن عسگری، پنج ساله بود. نام مادرش خمط یا به قولی نرگس - نرجس - است.{۲} ۲- شیخ عبداله شبراوی: «دوازدهمین از ائمه، ابوالقاسم محمد حجت است که به قولی همان منتظر و مهدی است. امام محمد حجت فرزند امام حسن خالص (رض) در سرّ من رای در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمد. به قولی، مرگ پدرش در ۵ سالگی بود و پدرش حین ولادت به خاطر ترس از خلفای وقت، وی را مخفی نمود؛ چون آنان هاشمیان را دستگیر و زندانی می‌کردند یا به قتل می‌رساندند. او ملقب است به مهدی، قائم، منتظر، خلف صالح و صاحب زمان. مشهورترین نام او مهدی است. شیعه معتقد است وی همان شخصی است که احادیث صحیحه در مورد ظهورش در آخر زمان وارد شده است.{۳} قندوزی در کتاب ینابیع الموده چنین می‌نویسد: «الخبر المعلوم المحقّق عند الثّقات انّ ولادْ القائم کانت لیلْ الخامس عشر من شعبان سنْ خمس و خمسین و مأتین فی بلدْ سامرأ»{۴} خبر معلوم و مسلم در نزد موثقان این است که ولادت حضرت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا واقع شده است/ [۱]. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۱۸؛ من هو المهدی، ابوطالب تجلیل تبریزی، ص ۴۲۷ و منتخب الامر/ [۲]. الائمه الاثنی عشر، مورخ دمشق شمس الدین محمد بن طولون، تحقیق: صلاح الدین المنجد، ص ۱۱۷/ [۳]. شیخ عبدالله بن محمد بن عامر شبراوی، الاتحاف یحب الاشراف، ص ۱۷۹ - ۱۸۰، منشورات رضی قم/ [۴]. ینابیع المودّْ، ص ۵۴/

محل تولد امام زمان(ع) کجاست؟

پرسش

محل تولد امام زمان(ع) کجاست؟

پاسخ

امام زمان(عج) نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شدند. نام ایشان مهدی و (م ح م د) و کنیه‌اش ابوالقاسم است. ایشان از بنی‌هاشم و فرزندان حضرت زهرا(س) و از اولاد امام حسین(ع) و فرزند بلافصل امام حسن عسکری(ع) است. مادرش کنیزی به نام رجس، صیقل و سوسن است. امام زمان(عج) دارای دو غیبت صغرا و کبرا است. غیبت کبرا آن حضرت آن قدر طولانی می‌شود که بسیاری از مردم نسبت به اصل وجود آن حضرت شک می‌کنند. سرانجام مهدی موعود(عج) ظهور می‌کند و آغاز دعوت و محل ظهورش مکه است. ایشان مشرکان و ستمکاران را قتل عام می‌نماید و در این میان، تمام اهل‌کتاب و مسلمین تسلیم‌اش می‌شوند و یک دولت اسلامی و جهانی در سرتاسر سرزمین تشکیل می‌دهد و ظلم و بیدادگری را ریشه کن نموده و جهان را از عدالت سیراب می‌کند. برای آشنایی بیشتر پیرامون امام زمان(ع) می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه فرمایید. ۱. بحارالانوار ۲. وفیات الاعیان، ج ۳،

www.noorfatemah.org

ص ۳۱۶/ ۳. تذکرْ الخواص فی معرفْ الائمْ، ص ۲۰۴/ ۴. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲/

ویژگیهای جسمانی نوزاد

نام و القاب

نام

نام و کنیه و نام مادر حضرت مهدی ۷چیست ؟

پرسش

نام و کنیه و نام مادر حضرت مهدی ۷چیست ؟

پاسخ

آن حضرت هم نام پیامبر اسلام حضرت محمد۶است و کنیهء او همان کنیهء پیامبر۶است . امام محمد تقی ۷فرمود: ولادت قائم ۷بر مردم مخفی می شود و آن حضرت غیبت طولانی خواهد داشت او هم نام و هم کنیهء رسول اللّه ۶خواهد بود. کنیهء پیامبر۶(ابوالقاسم) بوده است .(۱) از امام صادق ۷روایت شده : خلف صالح از فرزندان من است و او مهدی و اسم او م ح م د است و کنیهء اوابوالقاسم و در آخر الزمان خروج می کند, اسم مادر او صیقل است و در نقل دیگر, امّ حکیمه , نرجس , سوسن نام برده شده است .(۲) (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۳۲ (پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۲۴

از امام زمان(ع) برایم بنویسید.

پرسش

از امام زمان(ع) برایم بنویسید.

پاسخ

حضرت مهدی منتظر، صاحب الامر، بقیهٔ الله الأعظم، امام زمان(ع) فرزند امام حسن عسکری و نرجس خاتون است. آن حضرت همنام است با پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) از بردن اسمش نهی شده است، لذا با القاب شریفش از او یاد می کنیم، مثلاً می گوییم یا صاحب الزمان یا مهدی و... حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء که از شهرهای کشور عراق و محل دفن حضرت امام حسن عسکری و امام علی النقی است، متولد شد و الان به قدرت خداوند ۱۱۶۱ سال زندگی کرده است. هنگام وفات پدر بزرگوارش پنج ساله بود و پس از رحلت پدر، به خاطر مصلحت از دید مردم پنهان شد و به مدت ۷۴ سال ارتباط مردم با امام

زمان(ع) به وسیله چهار نماینده خاص آن جناب انجام می گرفت و مردم سؤالات و مشکلات خود را توسط این نمایندگان با امام مطرح می کردند و جواب می گرفتند. نواب خاص حضرت به ترتیب عبارتند از: ۱ - عثمان به سعید ۲ - محمد بن عثمان بن سعید ۳ - حسین بن روح ۴ - علی بن محمد سمری

نام حضرت مهدی(عج) چیست و چرا مردم آن را بر زبان جاری نمی کنند؟

پرسش

نام حضرت مهدی(عج) چیست و چرا مردم آن را بر زبان جاری نمی کنند؟

پاسخ

حضرت مهدی (عج) هم نام پیامبر اسلام(ص) (محمد) و هم کنیهٔ آن حضرت (ابوالقاسم) است.[۱] اما این که چرا نام حضرت را مردم بر زبان جاری نمی کنند، پاسخش این است که اهل بیت پیامبر(ص) مردم را از این کار منع نموده اند. امام صادق(ع) به یکی از یارانش به نام صفوان بن مهران فرمود ": و لا یحل لکم تسمیته؛ بر شما روا نیست که نام امام مهدی (عج) را بر زبان جاری کنید" . در روایتی دیگر امام موسی بن جعفر(ع) همین سخن را به محمد بن زیاد از وی فرمود.[۲] برخی از نویسندگان نوشته اند: این که جایز نیست نام حضرت بر زبان ها جاری گردد، مربوط به شرایط سخت تقیه در آغاز غیبت کبری است، تا دشمنان نتوانند حضرت را شناسایی کنند. برخی از روایات به این سخن دلالت دارد.[۳] [۱] مجلسی، بحار، ج ۵۱، ص ۳۲، خ ۶. ۱[۲] همان، خ ۴ و ۵. ۱[۳] همان، ص ۳۳؛ خ ۸ و ۹.

چرا امام زمان(ع) هم نام و هم کنیه پیامبر است؟ چرا حضرت از کعبه ظهور می‌کند؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) هم نام و هم کنیه پیامبر است؟ چرا حضرت از کعبه ظهور می کند؟

پاسخ

نام گذاری از امور اعتباری است که علت خاصی را نمی‌طلبد. سیره خردمندان بر آن است که فرزند و یا فرزندان خود اسم گزینش می کنند، بدون آن که علت و مناسب خاصی را لحاظ کنند. البته آداب و سنن و فرهنگ‌ها در تأثیرگذاری اسم برای فرزندان نقش بنیادی دارد. گزینش اسم برای امام زمان(ع) علت خاصی را نمی‌طلبد، البته در برخی از روایات تصریح شده است که اسامی ائمه(ع) از سوی پیامبر(ص) گزینش می‌شد. شاید بر همین اساس پیامبر اسلام صریحا فرمود":اسم و کنیه امام زمان همانند اسم و کنیه من است.("۱) جابر تفسیر آیه" اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم "را از حضرت رسول سؤال نمود: اولی الامری که مأموریم از آن‌ها اطاعت کنیم، چه کسانی هستند؟ فرمود: خلفا و متصدیان امر بعد از من. اول آنان برادرم علی است، بعد از و

حسن و حسین(ع)، پس علی بن الحسین، آن گاه محمد باقر بعد از او جعفر صادق، بعد از او موسی کاظم، بعد علی الرضا، بعد از او محمد جواد، بعد از او علی هادی، بعد از او حسن عسکری، بعد از او قائم منتظر مهدی(ع) امام و پیشوا خواهند بود.(۲) ابن عباس نقل می کند که یهودی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: اگر پرسش‌های من را جواب دهید، مسلمان می‌شود. یهودی پرسش‌های خود را مطرح نمود، بعد از وصی پیامبر و امامان بعد از پیامبر پرسش کرد. پیامبر اسلام(ص) اسامی همه ائمه را بیان نمود.(۳) از این دسته روایات استفاده می‌شود که اسامی ائمه(ع) قبلا از سوی شارع مقدس گزینش شده است. از سوی دیگر - همان طور که بیان شد - انتخاب اسامی علت خاصی را نمی‌طلبد. بیان این نکته ضروری است که در برخی از روایات علت گزینش القاب و کنیه امام زمان(ع) بیان شده است. شیخ صدوق در علل الشرایع از ابوحمزه ثمالی روایت می کند: از امام باقر(ع) پرسیدم؟ مگر شما ائمه همه قائم به حق نیستید؟ فرمود: بلی، عرض کردم، پس چرا فقط امام زمان "قائم "نامیده شده است؟ فرمود: چون جدم امام حسین(ع) شهید شد، فرشتگان به درگاه الی نالیدند. آن گاه خداوند فرمود: به قائم از آن‌ها انتقام می گیرم.(۴) در خصوص این که حضرت امام زمان(ع) در مکه ظهور می کند، به نظر می‌رسد عوامل زیر نقش دارند: ۱ - وجود روایات. آنچه از بیشتر روایات استفاده می‌شود آن است که امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند. امام صادق(ع) فرمود": قائم ما منصور و مؤید می‌شود. در همان موقع است که خروج مب کند و با پشت خود بر کعبه تکیه خواهد کرد و سیصد و سیزده نفر در اطراف آن حضرت اجتماع خواهند کرد.(۵) همان طوری که در این روایت اشاره شده است، امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند و باید تعبدا پذیرفت که امام در مکه ظهور می کند. ۲ - محل نزول وحی، مکه معظمه مقدس‌ترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) است؛ زیرا این مکان مقدس مرکز رسالت و محل نزول وحی، بعثت پیامبر(ص)است. طبیعی است که امام زمان(ع)که وارث پیامبر بوده و پاسداری از دین را به عهده دارد، باید در همان مکان تشکیل حکومت داده، و به اجرای احکام الهی بپردازد. ۳ - مناسب‌ترین مکان برای تشکیل حکومت جهانی. از روایات استفاده می‌شود که امام زمان(ع) حکومت جهانی تشکیل می‌دهد. برای تشکیل حکومت جهانی نیاز به مقدس‌ترین مکان است که به عنوان ام القرای جهان، مرکز حکومت باشد. مکه به دلیل این که کعبه در آن وجود دارد همه مردم، به ویژه مسلمان حرمت و قداست خاصی برای آن قایل هستند، بهترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) و اداره حکومت جهانی است. ۴ - محل اجتماع مسلمان. مکه علاوه بر آنکه مقدس‌ترین مکان است، مهم‌ترین جا برای اطلاع رسانی به جهانیان است، زیرا محل اجتماع مسلمانان است. مکه به جهت آن که کعبه در آن وجود دارد، مسلمانان برای انجام فریضه حج در آن حضور پیدا کرده، و به جای جای آن آشنایی دارند. از سوی دیگر مکه مهم‌ترین پایگاه جهت اطلاع رسانی به همگان است. شاید بر همین اساس باشد که امام حسین(ع) مکه را به عنوان پایگاه اطلاع رسانی و آگاهی مسلمانان انتخاب نمود. پی نوشت‌ها: ۱ - ینابیع المودة، ص ۴۹۳؛ تذکرة الخواص، ص ۳۷۷؛ منتخب الاثر، ص ۲۳۶ - ۲۳۸. ۲ - اثبات الهداه، ج ۳، ص ۱۲۳، با اقتباس از: ابراهیم امینی، بررسی مسائل کلی امامت، ص ۱۰۱ - ۱۰۲. ۳ - ینابیع المودة، ص ۴۴۰ - ۴۴۱. ۴ - مهدی موعود، ص ۲۲۸، به نقل از علل الشرایع. ۵ - منتخب الاثر، ص ۵۷۸.

درمورد امام زمان اطلاعات مفید در اختیار من قرار دهید؟

پرسش

درمورد امام زمان اطلاعات مفید در اختیار من قرار دهید؟

پاسخ(قسمت اول)

دوازدهمین پیشوای معصوم، حضرت حجۀ بن الحسن المهدی، امام زمان – عجل الله تعالی فرجه – در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر" سامرأ "دیده به جهان گشود. (۱) او همنام پیامبر اسلام (م ح م د) و همکنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است. (۲) ولی پیشوایان معصوم از ذکر نام اصلی او نهی فرموده‌اند. (۳) از جمله القاب آن حضرت، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان (۴)، بقیۀ الله است (۵) و مشهورترین آنها" مهدی "می‌باشد. (۶) پدرش، پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری – علیه السلام – و مادرش، بانوی گرامی" نرجس" است (۷) که بنام" ریحانه"، "سوسن "و" صقیل "نیز از او یاد شده است. (۸) میزان فضیلت و معنویست نرجس خاتون تا آن حد، والاـ بود که" حکیمه "خواهر امام هادی – علیه السلام – که خود از بانوان عالیقدر خاندان امامت بود، او را سرآمد و سرور خاندان خویش، و خود را خدمتگزار او می‌نامید. (۹) حضرت مهدی دو دوره غیبت داشت: یکی کوتاه مدّت (غیبت صغری) و دیگری دراز مدّت (غیبت کبری). اولی، از هنگام تولد تا پایان دوران نیابت خاصّه ادامه داشته و دومی، با پایان دوره نخست آغاز شد و تا هنگام ظهور و قیام آن حضرت طول خواهد کشید. (۱۰) تولد حضرت مهدی (ع) از دیدگاه علمای اهل سنت چنانکه در صفحات آینده توضیح خواهیم داد، اعتقاد به موضوع مهدویت اختصاص به شیعه ندارد، بلکه بر اساس روایات فراوانی که از پیامبر اکرم (ص) رسیده، علمای اهل سنت نیز این موضوع را قبول دارند. منتها آنان نوعاً تولد حضرت مهدی را انکار می‌کنند و می‌گویند: شخصیتی که پیامبر اسلام از قیام او (پس از غیبت) خبر داده، هنوز متولد نشده است و در آینده تولد خواهد یافت! (۱۱) با این حال تعداد قابل توجهی از مورخان و محدّثان اهل سنت، تولد آن حضرت را در کتب خود ذکر کرده و آن را یک واقعیت دانسته‌اند. بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از آنان را معرفی کرده‌اند. (۱۲) دیدار حضرت مهدی (ع) چنانکه در سیره امام حسن عسکری – علیه السلام – بتفصیل نگاشتیم، از آنجا که حکومت ستمگر عباسی، به منظور دستابی به فرزند آن حضرت و کشتن او، خانه امام را سخت تحت کنترل و مراقبت قرار داده بود، تولد حضرت مهدی – علیه السلام – بر اساس طرح دقیق و منظمی که پیشاپیش، از سوی امام در این مورد ریخته شده بود، کاملاًـ به صورت مخفی و دور از چشم مردم (و حتی شیعیان) صورت گرفت. مستندترین گزارش در این زمینه، از طرف" حکیمه "عمه حضرت عسکری – علیه السلام – رسیده که از نزدیک شاهد تولد حضرت مهدی – علیه السلام – بوده است. اما باید توجه داشت که این پنهانکاری به آن معنا نیست که بعدها یعنی در مدت ۵ – ۶ سال آغاز عمر او، که امام یازدهم در حال حیات بود، کسی آن بزرگوار را ندیده بود، بلکه – چنانکه یک نمونه از آن را در زندگانی حضرت عسکری نوشتیم – افراد خاصی از شیعیان در فرصتهای مناسب و گوناگون به دیدار آن حضرت نائل می‌شدند تا به تولد و وجود وی یقین حاصل کنند و در موقع لزوم به شیعیان دیگر اطلاع دهند. دانشمندان ما جریان این دیدارها را به صورت گسترده گزارش کرده‌اند (۱۳)، ولی شاید مهمترین آنها دیدار چهل تن از اصحاب امام عسکری – علیه السلام – با آن حضرت باشد که تفصیل آن بدین قرار بوده است": حسن بن ایوب بن نوح ("۱۴) می‌گوید: ما برای پرسش درباره امام بعدی، به محضر امام عسکری – علیه السلام – رفتیم. در مجلس آن حضرت چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید (یکی از وکلای بعدی امام زمان) بپا خاست و عرض کرد: می‌خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره آن از من داناتری. امام فرمود: بنشین. عثمان با ناراحتی خواست از مجلس خارج شود. حضرت فرمود: هیچ کس از مجلس بیرون نرود. کسی بیرون نرفت و مدتی گذشت. در این هنگام، امام، عثمان را صدا کرد. او بپا خاست. حضرت فرمود: می‌خواهید به شما بگویم که برای چه به اینجا آمده‌اید؟ همه گفتند: بفرمایید. فرمود: برای این به اینجا آمده‌اید که از حجت و امام پس از من بپرسید. گفتند: بلی. در این هنگام پسری نورانی همچون پاره ماه که شبیه‌ترین مردم به امام عسکری – علیه السلام – بود، وارد مجلس شد. حضرت با اشاره به او فرمود": این، امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این

صورت هلاـک می‌شویـد و دینتان تباه می گردد ("...۱۵). علـل سیاسـی - اجتماعی غیبت شـکی نیست که رهبری پیشوایان الهی به منظور هـدایت مردم به سـر منزل کمـال مطلوب است و این امر در صورتی میّسـر است که آنها آمادگی بهره برداری از این هـدایت الهی را داشـته باشـند. اگر چنین زمینه مساعـدی در مردم وجود نداشـته باشـد، حضور پیشوایان آسـمانی در بین مردم ثمری نخواهد داشت. متأسـفانه فشارهـا و تضـییقاتی که بویژه از زمـان امام جواد - علیه السـلام - به بعـد بر امامان وارد شـد، و محـدودیتهای فوق العاده‌ای که برقرار گردیـد - به طوری که فعالیتهای امام یازدهم و دوازدهم را به حـداقل رسانیـد - نشان داد که زمینه مساعد جهت بهره منـدی از هـدایتها و راهبریهای امامان در جامعه (در حـدّ نصاب لازم) وجود نـدارد. ازینرو حکمت الهی اقتضا کرد که پیشوای دوازدهم، بتفصـیلی که خواهیم گفت، غیبت اختیار کند تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید. البته همه اسرار غیبت بر ما روشن نیست ولی شاید نکته‌ای که گفتیم رمز اساسی غیبت باشد. در روایات ما، در زمینه علل و اسـباب غیبت، روی سه موضوع تکیه شـده است: الف - آزمـایش مردم چنانکه می‌دانیم یکی از سـنتهای ثابت الهی، آزمایش بنـدگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکـان است. صـحنه زنـدگی همواره صـحنه آزمایش است تا بنـدگان از این راه در پرتو ایمان و صبر و تسـلیم خویش در پیروی از اوامر خداونـد تربیت یـافته و به کمـال برسـند و اسـتعدادهای نهفته آنـان شـکوفا گردد. ر اثر غیبت حضـرت مهـدی، مردم آزمایش می‌شونـد: گروهی که ایمـان اسـتواری ندارنـد، باطنشان ظاهر می‌شود و دسـتخوش شک و تردیـد می گردنـد و کسانی که ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانده است، به سـبب انتظار ظهور آن حضـرت و ایسـتادگی در برابر شدائد، پخته‌تر و شایسـته‌تر می گردند و به درجات بلندی از اجرا و پاداش الهی نائل می گردند. امام موسـی بن جعفر - علیه السـلام - فرمود: هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشـید، مبادا کسـی شما را از دین خارج کند. او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیـده خویش بر می گردنـد. خداونـد به وسـیله غیبت، بنـدگان خویش را آزمایش می کنـد...(۱۶) از سـخنان پیشوایان اسـلام بر می‌آید که آزمایش به وسـیله غیبت حضرت مهدی، از سخت‌ترین آزمایشهای الهی است (۱۷). و این سختی از دو جهت است: ۱ ۹ - از جهت اصل غیبت، که چون بسـیار طولانی می‌شود بسـیاری از مردم دسـتخوش شک و تردیـد می گردند. برخی در اصل تولد و برخی دیگر در دوام عمر آن حضـرت شک می کنند و جز افراد آزموده و مخلص و دارای شـناخت عمیق، کسی بر ایمان و عقیده به امامت آن حضـرت باقی نمی‌ماند. پیامبر اسـلام ضـمن حدیث مفصـلی می‌فرماید: مهدی از دیده شیعیان و پیروانش غایب می‌شود و جز کسـانی که خداونـد دلهـای آنـان را جهت ایمـان، شایسـته قرار داده، در اعتقاد به امامت او اسـتوار نمی‌ماننـد (۱۸). ۲ - از نظر سختیهـا و فشارهـا و پیشامـدهای نـاگوار که در دوران غیبت رخ می‌دهـد و مردم را دگرگون می‌سـازد، به طوری که حفـظ ایمان و اسـتقامت در دین، کاری سـخت دشوار می گردد و ایمان مردم در معرض مخاطرات شدید قرار می گیرد. (۱۹) ب - حفظ جان امام خداونـد، به وسـیله غیبت، امام دوازدهم را از قتل حفظ کرده است، زیرا اگر آن حضـرت از همان آغاز زنـدگی در میان مردم ظاهر می‌شـد، او را می کشـتند (چنـانکه تفصـیل آن را نوشتیم). بر این اساس اگر پیش از موعـد مناسب نیز ظاهر شود، باز جان او به خطر می‌افتـد و به انجام مأموریت الهی و اهداف بلند اصـلاحی خود موفق نمی گردد". زراره، "یکی از یاران امام صادق - علیه السـلام - می گوید: امام صادق - علیه السـلام - فرمود: امام منتظر، پیش از قیام خویش مدّتی از چشـمها غایت خواهد شد. عرض کردم: چرا؟ فرمود: بر جان خویش بیمناک خواهد بود .(۲۰) ج - آزادی از یوغ بیعت با طاغوتهای زمان پیشوای دوازدهم، هیچ رژیمی را، حتی از روی تقیه، به رسـمیّت نشـناخته و نمی‌شـناسد. او مـأمور به تقیه از هیـچ حـاکم و سـلطانی نیست و تحت حکومت و سـلطنت هیچ ستمگری در نیامـده و در نخواهـد آمد، چرا که مطابق وظیفه خود عمل می کند و دین خدا را به طور کامل و بی هیچ پرده پوشـی و بیم و ملاحظه‌ای اجرا می کند. بنابراین جای هیچ عهد و میثاق و بیعت با کسـی و مراعات و ملاحظه نسـبت به دیگران باقی نمی‌ماند. "حسن بن فضّال "می گویـد: امام هشـتم فرمود: گویی شـیعیانم را می‌بینم که هنگام مرگ سومین فرزنـدم (امام حسن عسـکری) در جستجوی امام خود، همه جا را می گردند اما او را نمی‌یابند. عرض کردم: چرا غایب می‌شود؟ فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام

می‌کند، بیعت کسی در گردن وی نباشد. (۲۱) غیبت صغری و کبری چنانکه گفتیم، غیبت امام مهدی به دو دوره تقسیم می‌شود: "غیبت صغری "و" غیبت کبری. "غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال در گذشت آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود ۶۹ سال بود. (۲۲) در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام بکلی قطع نبود و آنان، به گونه‌ای خاص و محدود، با امام ارتباط داشتند. توضیح آنکه: در طول این مدّت، افراد مشخصی (که ذکرشان خواهد آمد) به عنوان "نایب خاص "با حضرت در تماس بودند و شیعیان می‌توانستند به وسیله آنان مسائل و مشکلات خویش را به عرض امام برسانند و توسط آنان پاسخ دریافت دارند و حتی گاه به دیدار امام نائل شوند. ازینرو می‌توان گفت در این مدّت، امام، هم غایب بود و هم نبود. این دوره را می‌توان دوران آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرائط و آشنایان به احکام اسلام، رجوع کنند. اگر غیبت کبری یکباره و ناگهان رخ می‌داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهنها آماده پذیرش آن نباشد. اما گذشته از زمینه سازیهای مدبرانه امامان پیشین، در طول غیبت صغری، بتدریج ذهنها آماده شد و بعد، مرحله غیبت کامل آغاز گردید. همچنین امکان ارتباط نایبان خاص با امام در دوران غیبت صغری، و نیز شرفیابی برخی از شیعیان به محضر آن حضرت در این دوره، مسئله ولادت و حیات آن حضرت را بیشتر تثبیت کرد. (۲۳) با سپری شدن دوره غیبت صغری، غیبت کبری و دراز مدّت امام آغاز گردید که تاکنون نیز ادامه دارد و پس از این نیز تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام به آن حضرت بدهد، ادامه خواهد داشت. غیبت دو گانه امام دوازدهم، سالها پیش از تولد او توسط امامان قبلی، پیشگویی شده و از همان زمان توسط راویان و محدثان، حفظ و نقل و در کتابهای حدیث ضبط شده است که به عنوان نمونه به نقل چند حدیث در این زمینه اکتفا می‌کنیم: ۱ – امیر مؤمنان – علیه السلام – فرمود: (امام) غایب ما، دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی‌تر از دیگری خواهد بود. در دوران غیبت او، تنها کسانی در اعتقاد به امامتش پایدار می‌مانند که دارای یقینی استوار و معرفتی کامل باشند. (۲۴) ۲ – امام باقر – علیه السلام – فرمود: (امام) قائم دو غیبت خواهد داشت که در یکی از آن دو: خواهند گفت: او مرده است...(۲۵) ۳ – ابوبصیر می‌گوید، به امام صادق – علیه السلام – عرض کردم: امام باقر می‌فرمود: قائم آل محمد (ص) دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی‌تر از دیگری خواهد بود. امام صادق – علیه السلام – فرمود: بلی، چنین است...(۲۶) ۴ – حضرت صادق – علیه السلام – فرمود: امام قائم دو غیبت خواهد داشت: یکی کوتاه مدّت و دیگری دراز مدّت...(۲۷) سیر تاریخ، صحت این پیشگوییها را تأیید کرد و همچنانکه پیشوایان قبلی فرموده بودند، غیبتهای دو گانه امام عینیّت یافت. نواب خاص (۲۸) نایبان خاص حضرت مهدی در دوران غیبت صغری، چهار تن از اصحاب با سابقه امامان پیشین و از علمای پارسا و بزرگ شیعه بودند که" نوّاب اربعه "نامیده شده‌اند. اینان به ترتیب زمانی عبارت بودند از: ۱ – ابو عَمرو عثمان بن سعید عَمری، ۲ – ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عَمری، ۳ – ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ۴ – ابو الحسن علی بن محمد سَمَری.

پاسخ(قسمت دوم)

البته امام زمان – علیه السلام – وکلای دیگری نیز در مناطق مختلف مانند: بغداد، کوفه، اهواز، همدان، قم، ری آذربایجان، نیشابور و... داشت که یا به وسیله این چهار نفر، که در رأس سلسله مراتب وکلای امام قرار داشتند، امور مردم را به عرض حضرت می‌رساندند (۲۹) و از سوی امام در مورد آنان" توقیع "هایی (۳۰) صادر می‌شده است. (۳۱) و یا – آن گونه که بعضی از محققان احتمال داده‌اند – سفارت و وکالت این چهار نفر، وکالتی عامّ و مطلق بوده ولی دیگران در موارد خاصی وکالت و نیابت داشته‌اند (۳۲). مانند: محمد بن جعفر اسدی، احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزة بن الیسع (۳۳)، محمد

بن ابراهیم بن مهزیار (۳۴)، حاجز بن یزید، محمد بن صالح (۳۵)، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، محمد بن علی بن بلال، عمر اهوازی، و ابو محمد و جنائی (۳۶). ۱ - ابو عَمرو عثمان بن سعید عَمری عثمان بن سعید از قبیله بنی اسد بود و به مناسبت سکونت در شهر سامرّأ"، عسکری "نیز نامیده می‌شد. در محافل شیعه از او به نام" سمّان (= "روغن فروش) یاد می‌شد، زیرا به منظور استتار فعالیتهای سیاسی، روغن فروشی می‌کرد و اموال متعلق به امام را، که شیعیان به وی تحویل می‌دادند، در ظرفهای روغن قرار داده به محضر امام عسکری می‌رساند. (۳۷)او مورد اعتماد و احترام عموم شیعیان بود. (۳۸) گفتنی است که عثمان بن سعید قبلاً نیز از وکلا و یاران مورد اعتماد حضرت هادی و حضرت عسکری - علیهما السلام - بوده است". احمد بن اسحاق "که خود از بزرگان شیعه می‌باشد، می‌گوید: روزی به محضر امام هادی رسیدم و عرض کردم: من گاهی غایب و گاهی (در اینجا) حاضر و وقتی هم که حاضرم همیشه نمی‌توانم به حضر شما برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و از چه کسی فرمان ببرم؟ امام فرمود": این ابو عَمرو (عثمان بن سعید عَمری)، فردی امین و مورد اطمینان من است، آنچه به شما بگوید، از جانب من می‌گوید و آنچه به شما برساند، از طرف من می‌رساند. "احمد بن اسحاق می‌گوید: پس از رحلت امام هادی - علیه السلام - روزی به حضور امام عسکری - علیه السلام - شرفیاب شدم و همان سؤال را تکرار کردم. حضرت مانند پدرش فرمود: این ابو عَمرو مورد اعتماد و اطمینان امام پیشین، و نیز طرف اطمینان من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگوید از جانب من می‌گوید و آنچه به شما برساند از طرف من می‌رساند. (۳۹) پس از رحلت امام عسکری، مراسم تغسیل و تکفین و خاکسپاری آن حضرت را، در ظاهر، عثمان بن سعدی انجام داد.(۴۰) نیز همو بود که روزی در حضور جمعی از شیعیان به فرمان امام عسکری - علیه السلام - و به نمایندگی از طرف آن حضرت، اموالی را که گروهی از شیعیان یمن اورده بودند، از آنان تحویل گرفت و امام در برابر اظهارات حاضران مبنی بر اینکه با این اقدام حضرت، اعتماد و احترامشان نسبت به عثمان بن سعید افزایش یافته است، فرمود: گواه باشید که عثمان بن سعید وکیل من است، و پسرش محمد نیز، وکیل پسرم مهدی خواهد بود. (۴۱) همچنین، در پایان دیدار چهل نفر از شیعیان با حضرت مهدی که شرح آن در اوائل این بخش گذشت - حضرت خطاب به حاضران فرمود: آنچه عثمان (بن سعید) می‌گوید، از او بپذیرید، مطیع فرمان او باشید، سخنان او را بپذیرید، او نماینده امام شماست و اختیار با اوست. (۴۲) تاریخ وفات عثمان بن سعید روشن نیست. برخی احتمال داده‌اند او بین سالهای ۲۶۰ - ۲۶۷ در گذشته باشد و برخی دیگر فوت او را در سال ۲۸۰ دانسته‌اند. (۴۳) ۲ - محمد بن عثمان بن سعید عَمری محمد بن عثمان نیز همچون پدر، از بزرگان شیعه و از نظر تقوا و عدالت و بزرگواری مورد قبول و احترام شیعیان (۴۴) و از یاران مورد اعتماد امام عسکری - علیه السلام - بود، چنانکه حضرت در پاسخ شؤال" احمد بن اسحاق "که به چه کسی مراجعه کند؟ فرمود: عَمری (عثمان بن سعید)، و پسرش، هر دو، امین و مورد اعتماد هستند، آنچه به تو برسانند، از جانب من می‌رسانند، و آنچه به تو بگویند از طرف من می‌گویند. سخنان آنان را بشنو از آنان پیروی کن، زیرا این دو تن مورد اعتماد و امین منند. (۴۵) پس از درگذشت عثمان، از جانب امام غایب توقیعی مبنی بر تسلیت وفات او و اعلام نیابت فرزندش" محمد "صادر شد. (۴۶") عبد الله بن جعفر حِمیَری "می‌گوید: وقتی که عثمان بن سعید در گذشت، نامه‌ای با هما خطی که قبلاً امام با آن با ما مکاتبه می‌کرد، برای ما آمد که در آن ابو جعفر (محمد بن عثمان بن سعید) به جای پدر منصوب شده بود. (۴۷) همچنین اما، ضمن توقیعی در پاسخ سؤالات" اسحاق بن یعقوب، "چنین نوشت: خداوند از عثمان بن سعید و پدرش، که قبلاً می‌زیست، راضی و خشنود باشد. او مورد وثوق و اعتماد من، و نوشته او نوشته من است(۴۸). ابو جعفر تألیفاتی در فقه داشته است که پس از وفاتش، به دست حسین بن روح، سومین نایب امام (و یا به دست ابو الحسن سمری، نایب چهارم) رسیده است. (۴۹) محمد بن عثمان، حدود چهل سال عهده دار سفارت و وکالت امام زمان بود و در طول این مدّت، وکلای محلّی و منطقه‌ای را سازماندهی و بر فعالیتشان نظارت می‌کرد و به اداره امور شیعیان اشتغال داشت. توقیع‌های متعددی از ناحیه امام صادر، و توسط او به دیگران رسید. او سرانجام در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ درگذشت. (۵۰) او پیش از مرگ، از تاریخ وفات خود خبر داد، و دقیقاً در همان تاریخی که گفته

بود، در گذشت. (۵۱) ۳ - ابو القاسم حسین بن روح نوبختی در روزهای آخر عمر ابو جعفر، گروهی از بزرگان شیعه نزد او رفتند. او گفت: چنانچه از دنیا رفتم، به امر امام، جنشین من و نایب امام" ابو القاسم حسین بن روح نوبختی "خواهد بود. به او مراجعه کنید و در کارهایتان به او اعتماد نمایید. (۵۲) حسین بن روح، از دستیاران نزدیک نایب دوم بود و عَمری از مدتها پیش، برای تثبیت امر نیابت او زمینه سازی می کرد و شیعیان را جهت تحویل اموال، به او ارجاع می‌داد و او، رابط بین عثمان بن سعید و شیعیان بود. (۵۳) حسین بن روح، کتابی در فقه شیعه به نام" التأدیب "تألیف کرده بود. آن را جهت اظهار نظر، نزد فقهای قم فرستاد. آنان پس از بررسی، در پاسخ نوشتند، جز در یک مسئله، همگی مطابق فتاوای فقهای شیعه است. (۵۴) بعضی از معاصرین او، عقل و هوش و درایت وی را تحسین کرده و می گفتند: به تصدیق موافق و مخالف، حسین بن روح از عاقلترین مردم روزگار است. (۵۵) نوبختی در دوران حکومت" مقتدر، "خلیفه عباسی، به خدت پنج سال به زندان افتاد و در سال ۳۱۷ آزاد شد. (۵۶) و سرانجام، بعد از بیست و یک سال فعالیّت و سفارت، در سال ۳۲۶ چشم از جهان فرو بست. (۵۷) ۴ - ابو الحسن علی بن محمد سَمَری (۵۸) به فرمان امام عصر (ع) وبا وصیت و معرفی نوبختی، پس از حسین بن روح، علی بن محمد سمری منصب نیابت خاص و اداره امور شیعیان را عهده دار گردید. (۶۰) سمری از اصحاب و یاران امام عسکری - علیه السلام - بوده است. (۶۱) او تا سال ۳۲۹ که دیده از جهان فرو بست، مسئولیت نیابت و وکالت خاص را به عهده داشت. چند روز پیش از وفات او توقیعی از ناحیه امام به این مضمون خطاب به وی صادر شد: ای علی بن محمد سمری! خداوند در سوک فقدان تو پاداشی بزرگ به برادرانت عطا کند. تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را مرتب کن و هیچ کس را به جانشینی خویش مگمار. دوران غیبت کامل فرا رسیده است و من جز با اجازه خداوند متعال ظهور نخواهم کرد و ظهور من پس از گذشت مدتی طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین ازستم خواهد بود. افرادی نزد شیعیان من مدّعی مشاهده من (ارتباط با من به عنوان نایب خاص) خواهند شد. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج" سفیانی "و" صیحه آسمانی ("۶۲) چنین ادعایی بکند، دروغگو و افترا زننده است و هیچ حرکت و نیرویی جز به خداوند عظیم نیست. (۶۳) در ششمین روز پس از صدور توقیع، ابو الحسن سمری از دنیا رفت. (۶۴) پیش از مرگش از وی پرسیدند: نایب بعد از تو کیست؟ پاسخ داد: اجازه ندارم کسی را معرفی کنم. (۶۵) با در گذشت ابو الحسن سمری دوره جدیدی در تاریخ شیعه آغاز گردید که به دوران غیبت کبری معروف است و ما در صفحات آینده پیرامون آن بحث خواهیم کرد. وظایف و فعالیتهای اساسی نوّاب خاص انتخاب نواب خاص از سوی امام دوزدهم، در واقع ادامه و توسعه فعالیت شبکه ارتباطی" وکالت" بود که گفتیم از زمان پیشوای نهم به صورت فعّال در آمده، و در زمان امام هادی و امام عسکری - علیهما السلام - گسترش چشمگیری یافته بود، و اینک در زمان امام قائم به اوج رسیده بود. وظایف و فعالیتهای اساسی نوّاب خاص را می‌توان در چند مورد زیر خلاصه کرد: الف - پنهان داشتن نام و مکان امام گرچه امکارؤیت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - در دوران غیبت صغری برای نوّاب خاص و برخی از شیعیان وجود داشت و گهگاه دیدارهایی صورت می گرفت (۶۶) امّا به دلیل مشکلات سیاسی، هر یک از نواب اربعه در زمان خود موظف بودند از بردن نام حضرت و افشای محل او در سطح عمومی خودداری ورزند. زیرا در غیر این صورت، جان امام از سوی حکومت وقت به خطر می‌افتاد. این سیاست استتار و پنهانکاری، دقیقاً بر اساس دستور و راهنمایی خود امام صورت می گرفت. چنانکه روزی ابتدأاو بدون اینکه سؤالی از حضرت در این باره شده باشد، توقیعی به این مضمون خطاب به محمد بن عثمان (سفیر دوم) صادر شد: کسانی که از اسم (من) می‌پرسند، باید بدانند اگر سکوت کنندبهشت، و اگر حرفی بزنند جهنم (در انتظار آنان) است. چه، اینان اگر بر اسم واقف شوند، آن را فاش می‌سازند و اگر از مکان .....شوند، آن را نشان می‌دهند. (۶۷) همچنین روزی عبید الله بن جعفر حمیر...و احمد بن اسحق اشعری، که هر دو از بزرگان اصحاب امامان و از شیعیان برجسته و صمیمی بودند، در دیداری که با عثمان بن سعید (سفیر اوّل) داشتند از وی پرسیدند: آیا جانشین امام عسکری - علیه السلام - را دیده است؟ وی پاسخ مثبت داد. از نام آن حضرت پرسش کردند، وی از گفتن آن خودداری کرد و گفت: بر شما

حرام است که در این باره پرسش کنید، و من این سخن را از پیش خود نمی‌گویم - چه اختیاری ندارم که حلالی را حرام یا حرامی را حلال کنم - بلکه این، به دستور خود اوست، زیرا حکومت (عباسی) بر این باور است که امام عسکری در گذشته و فرزندی از خود باقی نگذاشته است، و به همین دلیل نیز ارثیه او را بین کسانی تقسیم کردند که وارث آن حضرت نبودند (جعفر کذاب و مادر حضرت عسکری) و این موضوع با صبر و سکوت امام روبرو گردید، و اینک کسی جرأت ندارد با خانواده او ارتباط برقرار کند یا چیزی از آنها بپرسد، و اگر اسم امام فاش شود مورد تعقیب قرار می‌گیرد. زینهار! زینهار! خدا را در نظر بگیرید و از این بحثها خودداری کنید. (۶۸) در زمان نیابت ابوالقاسم حسین بن روح، از ابوسهل نوبختی که از بزرگان شیعیان بود، سؤاتل کردند که چگونه تو، به این سِمَت انتخاب نشدی و حسین بن روح انتاب شد؟ وی پاسخ داد: آنان که او را به این مقام برگزیده‌اند، خود داناترند. کار من، بر خورد و مناظره با مخالفان و دشمنان است. اگر من همانند حسی نبن روح مکان امام را می‌دانستم، شاید اگر در فشار قرار می‌گرفتم، محل او را نشان می‌دادم، ولی اگر اما زیر عبای ابو القاسم پنهان شود، چنانچه او را قطعه قطعه هم کنند، هرگز لباس خود را کنار نمی‌زند! (۶۹) ب - سازماندهی وکلا چنانکه گفتیم نمایندگان و وکلای محلی امام در عصر غیبت - با اختیارات گوناگون و حزه‌های فعالیت متفاوتی که داشتند - در مناطق تمرکز شیعیان مستقر بودند و هر چند در زمان پیشوای دهم و یازدهم این دسته از وکلاـ معمولاً توسط وکیل اوّل با امام تماس می‌گرفتند، امّا در هر حال امکان ارتباط مستقیم با خود امام نیز برای آنان وجود داشت، ولی در عصر غیبت صغری امکان ارتباط مستقیم کلاً قطع گردید و وکلای فرعی و منطه‌ای امام در بلاد مختلف که اسامی گروهی از آنان قبلاً گذشت - (۷۰) ناگزیر منحصراً زیر نظر نایب خاصّ، انجام وظیفه می‌کردند و نامه‌ها و سؤالات و وجوه شرعی شیعیان را توسط نایب خاص به محضر امام غایب می‌رساندند. چنانکه قبلاً اشاره کردمی، در زمان سفارت ابو جعفر محمد بن عثمان، تنها در بغداد حدود ده نفر زیر نظر او فعالیت می‌کردند. (۷۱) نوّاب خاصّ، در مقابل دریافت وجوه و اموال، قبض نمی‌دادند ولی شیعیان از وکلای دیگر قبض مطالبه می‌کردند. بنا به نقل شیخ طوسی، در اواخر عمر محمد بن عثمان، شخصی به توصیه او، اموال مربوط به امام را به حسین بن روح می‌پرداخت، و از او قبض مطالبه می‌کرد. به دنبال شکوه حسین بن روح از این بابت، محمد بن عثمان دستور داد که از وی قبض مطالبه نشود و افزود: هر چه به دست ابو القاسم برسد، به دست من رسیده است. (۷۲) ج - اخذ و توزیع اموال متعلق به امام نوآب خاص امام، هر کدام در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به آن حضرت را که شیعیان مستقیماً یا توسط وکلای محلی می‌پرداختند، تحویل می‌گرفتند و به هر طریقی که ممکن بود به امام می‌رساندند، یا در مواردی که امام دستور می‌داد مصرف می‌کردند. در روزهای شهادت امام عسکری - علیه السلام - گروهی از شیعیان قم و بعضی دیگر از مناطق ایران وارد سامرأ شدند و در آنجا از در گذشت امام آگاه گشتند. این گروه، اموالی را از طرف شیعیان مناطق خود آورده بودند تا تحویل امام بدهند و وقتی از جانشین امام عسکری پرسش کردند، بعضیها جعفر (کذاب)، برادر امام، را نشان دادند. آنان طبق روال معمول، نشانی و خصوصیات پولها و اموال را از جعفر پرسیدند تا معلو شود که وی دارای علم امامت است یا خیر؟ وقتی که جعفر از پاسخ درماند، از تحویل اموال به وی خودداری کردند و ناگزیر به عزم بازگشت به وطن، از سامرّأ خارج شدند. در بیرون سامرأ، پیک سرّی حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آنان را به محضر امام راهنمایی کرد و پس از تشرّف به حضور امام، بعد از آنکه حضرت خصوصیات تمامی پولها و امول را بیان فرمود، اموال را تحویل ایشان دادند. آنگاه امام فرمود: بعد از این چیزی به سامرأ نیاورید. من شخصی را در بغداد معیّن می‌کنم، اموال را به او می‌دهید و توقیع توسط او صادر می‌گردد. (۷۳) از آن به بعد بود که امام، عثمان سعید را به نیابت خاص منصوب کرد و او در بغداد وظایف خود را آغاز کرد. د - پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی حوزه فعالیت نواب اربعه تنها به مواردی که شمردیم محدود نمی‌شد، بلکه دایره فعالیت آنها شامل پاسخگویی به همه گونه سؤالات فقهی و شرعی، حل مشکلات عقیدتی و نیز میارزه علمی با شبهاتی می‌شد که مخالفان مطرح می‌کردند و از این راه در تضعیف عقاید و پریشانی فکری شیعیان می‌کوشیدند. نواب خاصّ، این وظایف را با

استفاده از آموزشهای امام و دانش بسیار بالایی که داشتند، به بهترین وجهی انجام می‌دادند. نگاهی گذرا به کارنامه سفارت این چهار شخصیت بزرگ، ابعاد گسترده کوششها و موفقیهای آنان را در این زمینه نشان می‌دهد.

پاسخ(قسمت سوم)

آنان از یک سو، وسوسه‌های مربوط به انکار وجود امام را، از راههای گوناگون خنثی می‌کردند و در این راستا، گاه ناگزیر، پرده از دیدارهای سرّی خود را امام بر می‌داشتند (۷۴) و گاهی نیز توقیعی از سوی حضرت در این باره صادر می‌شد و امام در دفع شبهات مزبور به کمک آنان می‌شتافت. (۷۵) از سوی دیگر، سؤالات فقهی و شرعی شیعیان را به عرض امام رسانده پاسخ آنها را می‌گرفتند و به مردم ابلاغ می‌کردند. به عنوان نمونه، می‌توان از توقیعی نام برد که توسط محمد بن عثمان صادر شده و طی آن به پرسشهای" اسحاق بن یعقوب "در زمینه‌های گوناگون پاسخ داده شده است. (۷۶) همچنین می‌توان توقیع مفصلی یاد کرد که در پاسخ به سؤالات نماینده مردم قم"، محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، "صادر گردید. (۷۷) از این گذشته، گاه، نواب خاصّ، مناظراتی با مخالفان انجام داده و آنان را محکوم می‌ساختند و تأکید می‌کردند که این پاسخها را از امام آموخته‌اند. چنانکه حسین بن روح، در یک مجلس مناره، پاسخ شخصی را که شبهه‌ای در مورد شهادت امام حسین – علیه السلام – مطرح کرده بود، به صورت گسترده بیان نمود و فردای آن روز با اشارهبه پاسخ مزبور، به یکی از شیعیان – که فکر می‌کرد پاسخها تراوش فکری خود اوست – اظهار داشت: اگر از آسمان سقوط کنم و طعمه مرغان هوا شرم یا باد تندی مرا به محل دروری پرتاب کند، در نظرم بهتر از این است که در دین خدا رأی و نظریه شخصی خود را اظهار کنم. مطالبی که دیروز شنیدی از حجت خدا شنیده شده است. (۷۸) همچنین وی در پاسخ پرسش یکی از متکلّمان وقت در مورد عامل شهادت امام موسی بن جعفر – علیه السلام – و اینکه آیا پیشوایان معصوم همه، با شمشیر یا با مسمومیّت در گذشته‌اند و نیز راز برتری حضرت فاطمه – علیها السلام – نسبت به دختران دیگر پیامبر اسلام (ص)، توضیحات روشن و قانع کننده‌ای داد که تحسین دانشمند مزبور را بر انگیخت و گفت: در این باره پاسخی از این بهتر و کوتاهتر از کسی نشنیده‌ام (۷۹). هـ- مبارزه با مدّعیان دروغین نیابت مبارزه با غلات و مدّعیان دروغین بابیّت و نیابت و وکالت و افشای ادعاهای باطل آنان را نیز باید به فعالیتهای نواب اربعه افزود. چنانکه درسیره امام هادی توضیح دادیم، گروهی از افراد منحرف و جاه طلب با طرح مطالب بی اساس از قبیل ربوبیت والوهیت ائمه، مقاماتی برای خود ادعا می‌کردند و به نام امام از مردم خمس یا وجوه دیگر را می‌گرفتند و این موضوع موجبات بد نامی شیعه را فراهم ساخته و مشکلاتی برای ائمه ایجاد می‌کرد. در عصر غیبت صغری، علاوه بر اینها، افراد دیگری پیدا شدند که به دروغ مدعی سفارت و نیابت خاص امام بودند و در اموال متعلق به امام تصرفات بیمورد نموده و در مسائل فقهی و اعتقادی، سخنان گمراه کننده بر زبان می‌راندند. اینجابود که نواب خاصّ، با رهنمود امام، به مقابله با آنان بر می‌خاستند و گاه رد طرد و لعن آنان از ناحیه حضرت، توقیع صادر می‌شد. ابو محمد شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد هلال کرخی، ابو طاهر محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاّج و محمد بن علی شلمغانی از این گروه بودند. (۸۰) شلمغانی قبلاً از فقهای شیعه شمرده می‌شد و حتی کتابی به نام" تکلیف "نوشته بود، ولی بعدها به غلوّ و انحراف کشده شد و افکاری کفرآمیز مطرح کرد. از آن جمله، بر روی نظریه حلول تأکید می‌کرد و می‌گفت: روحی پیامبر اسلام (ص) در پیکر محمد بن عثمان (سفیر دوم)، روح امیر مؤمنان – علیه السلام – در کالبد حسین بن روح (نایب خاص سوم) و روح حضرت فاطمه – علیها السلام – در بدان ام کلثوم، دختر محمد بن عثمان حلول کرده است. حسین بن روح، این عقیده را کفر و الحاد معرفی کرده آن را از نوع عقاید مسیحیان در مورد حضرت مسیح شمرد و او را طرد نمود و افشار افکار باطلش او را در میان قومش رسوا ساختن. با تو جه به نقش تخریبی شلمغانی بود که در ذیحجه سال سیصد و دوزاده، توقیعی توسط حسین بن روح در

لعن و تکفیر وارتـداد او صادر کردید و سر انجام در سال ۳۲۳ کشته شد. (۸۱) غیبت کبری چنانکه گفتیم، با در گـذشت چهارمین نایب خاص امام دوازدهم، دوران غیبت کبری آغاز گردید. در این دوره، علمای واجد شـرائط، از سوی امام زمان نیابت عامّه دارند چنانکه دیـدیم، نیابت خاصّه عبارت از این است که امام، شـخص خاصـی را با اسم و رسم معرفی کنـد و نایب خود قرار دهـد، ولی نیابت هر فردی که آن ضابطه با او تطبیق کنـد، نایب شـناخته شود و به نیابت از امام، در امر دین و دنیا، مرجع شـیعیان باشـد. امامان معصـوم، بـه ویژه حضـرت حجـهٔ بـن الحسن المهـدی - عجـل الله تعـالی فرجه - در روایـات متعـددی این شـرائط را بیـان فرمـوده و مسـلمانان را در دوران غیبت کبری موظف کرده‌اند که به واجدان شرائط مزبور رجوع نموده و طبق دستو آنان عمل کنند. پاره‌ای از این روایات را ذیلًا از نظر خواننـدگان محترم می گـذرانیم: ۱" - عُمَر بن حنظله "می گوید: از امام صادق - علیه السـلام - پرسـیدم: اگر بین دو نفر از شیعیان بر سر قرض یا ارث اختلافی پیش آید و به حکومت و قضات (وقت) مراجعه کنند آیا این کار جایز است؟ امـام فرمود: هر کس در مورد حق یا باطل به آنان مراجعه کنـد، در حقیقت به طاغوت (۸۲) مراجعه کرده و هر چه را به حکم آنـان بگیرد، به طور حرام گرفته است، هز چنـد حق ثابت او باشد، زیرا آن را به حکم طاغوت گرفته که خداوند امر کرده است به او کفر ورزند، و انکار کنند، چنانکه می فرماید: یُرِیدُونَ أن یَتَحاکَمُواالَی الطّاغوتِ وَقَد أُمِرُوا أن یَکفُرُوا بِهِ (۸۳)": می‌خواهند طاغوت را به داوری بطلبند در حالی که به آنان دسـتور داده شده که به طاغوت کافر شوند. "پرسیدم: پس چه باید بکنند؟ فرمود: باید نگاه کنند ببیننـد چه کسـی از شـما حـدیث مـا را روایت نموده و در حلاـل و حرام مـا نظر افکنـده و صـاحب نظر شـده و احکام و قوانین ما را شنـاخته است، او را به عنوان حـاکم و صاحب رأی بپذیرنـد، زیرا من او را حاکم بر شـما قرار داده‌ام. اگر او بر اساس حکم ما حکم نمایـد و کسـی از او نپذیرد، حکم خدا را سبک شـمرده و ما را رد کرده و کسـی که ما را رد کند، خدا را ردّ کرده است و این، به منزله شرک ورزیدن به خدای متعال است... (۸۴) این فرمان امام صادق - علیه السـلام - یک فرمان کلی و عمومی است و مفاد آن شامل همه فقهای واجد شـرائط می‌شود/ در صورتی که امام راضی نشود در یک اختلاف جزئی به قضات حکومت طاغوتی مراجعه شود، مسـلّماً راضـی نخواهـد بود سایر امور مسـلمانان زیر نظر سـتمگران باشد بلکه اداره این امور را زیر نظر فقهای عادل شـیعه قرار داده است. ۲ - اسـحاق بن یعقوب می گویـد: از محمد بن عثمان (دومین نایب خاص حضـرت مهدی) خواسـتم نامه‌ام را به پیشـگاه امام برساند. در آن نامه مسائل مشـکلی که داشـتم پرسـیده بودم. امام با خط خود جواب نوشـته بود. از جمله سؤالاتم این بود که در پیشامـدها در عصـر غیبت به چه کسـی مراجعه کنم در پاسـخ این سـؤال فرمـوده بـود: و امّـا در حوادثی که رخ می‌دهـد، به راویـان احادیث ما مراجعه کنید. آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا (بر شما) هستم. (۸۵) با آنکه اسحاق بن یعقوب در این نامه در مـورد وظیفه خـو سـؤال کرده، ولی امـام به صورت عمومی پاسـخ داده و وظیفه همه شـیعیان را معیّن نموده است. مهـدی (ع) در منابع شـیعه اخبار و روایات فراوانی از پیامبر اسـلام و هر یک از امامان - علیهم السـلام - درباره تولـد، غیبت، ظهور و قیام جهانی و سایر ویژگیهای حضـرت مهدی نقل شده و در واقع سالها پیش از تولد آن حضـرت، خصوصـیات و ویژگیهای او - از قبیل اینکه: او از خاندان پیامبر (ص)، از فرزندان فاطمه - علیها السـلام - و از نسل حسـین - علیه السلام - است و با قیام جهانی خویش زمین را پر از عـدل و داد خواهـد کرد - پیشـگویی شده است. تعداد این روایات به حدی فراوان است که درباره کمتر موضوعی از موضوعات اسـلامی این اندازه حدیث وارد شده است. ما نخست به تعداد روایات وارد شده از ائمه شیعه درباره حضرت مهدی - علیه السلام - و نیز اسامی کتبی که علمای این مذهب مستقلًا درباره آن حضـرت نوشـته‌اند اشاره می کنیم، سـپس روایات رسـیده از پیامبر اسـلام (ص) از طریق اهـل سـنت و نیز کتب آنهـا را در این باره مورد بررسـی قرار می‌دهیم: در اینجا بی مناسـبت نیست یاد آوری کنیم: با آنکه عصـر هر یـک از ائمه و یژگیهـایی داشـته و توجه آن بزرگواران قاعـدتاً معطوف به مسائـل و موضوعات حادّ روز بوده، امّا در عین حال، موضوع حضـرت مهـدی - عج الله تعالی فرجه الشـریف - همواره مورد نظر آنان بوده و به مناسـبتهای گوناگون بیانات و پیشـگوییهای فراوانی نموده‌انـد که ذیلًا به عنوان نمونه آماری اجمالی از احادیثی که از ائمه در این زمینه رسـیده از نظر خوانندگان

محترم می گذرانیم: ۱ – امیر مؤمنان – علیه السلام – ۵۱ حدیث، ۲ – امام حسن – علیه السلام – ۵ حدیث، ۳ – امام حسین – علیه السلام – ۱۴ حدیث، ۴ – امام زین العابدین – علیه السلام – ۱۱ حدیث، ۵ – امام باقر – علیه السلام – ۶۳ حدیث، ۶ – امام صادق – علیه السلام – ۱۲۴ حدیث، ۷ – امام موسی بن جعفر – علیه السلام – ۶ حدیث، ۸ – امام رضا – علیه السلام – ۱۹ حدیث، ۹ – امام جواد – علیه السلام – ۶ حدیث، ۱۰ – امام هادی – علیه السلام – ۶ حدیث، ۱۱ – امام حسن عسکری – علیه السلام – ۲۲ حدیث. (۸۶)(۸۷) به عنوان نمونه به نقل چند حدیث اکتفا می کنیم: الف – امیر مؤمنان – علیه السلام – می‌فرماید: پیامبر اسلامی فرمود: عمر جهان به پایان نمی‌رسد مگر آنکه مردی از نسل حسین امور امّت مرا در دست می گیرد و دنیا را پر از عدل می کند همچنانکه پر از ظلم شده است. (۸۸) از امیر مؤمنان – علیه السلام – در" نهج البلاغه "سخنان متعددی در این زمینه نقل شده است. (۸۹) از آن جمله می‌فرماید: دنیا، همچون شتر چموشی که از دوشیدن شیرش جلوگیری می کند (و به سراغ بچه‌اش می‌رود) پس از چموشی، به ما روی می‌آورد. (۹۰) خداوند می‌فرماید": ما می‌خواهیم به مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. ("۹۱) ب – حسین بن علی – علیه السلام – می‌فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می کند تا آنکه مردی از نسل من قیام می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده است. از رسول خدا شنیدم چنین می‌فرمود. (۹۲) ج – امام جواد – علیه السلام – به عبد العظیم حسنی – س – فرمود: قائم ما همان مهدی منتظَر است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهور باید اطاعتش نمود. او سومین فرزند من خواهد بود. سوگند به آن خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و امامت را ویژه ما خاندان قرار داد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می گرداند تا مهدی ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده است. خداوند متعال کار وی را یک شبه اصلاح می کند، چنانکه کار موسی کلیم الله را در یک شب اصلاح فرمود: او رفت تا برای همسرش آتش بیاورد اما با منصب نبوت و رسالت برگشت. امام جواد سپس فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما، انتظار ظهور و قیام اوست. (۹۳) کتابهایی که پیش از تولد مهدی (ع) درباره او تألیف شده است موضوع غیبت و قیام حضرت مهدی در اسلام به قدری قطعی و مسلّم بوده که کتابهای متعددی درباره آن تألیف شده و تاریخ نگارش بعضی از آنها سالها پیش از تولد حضرت بوده است. مثلاً ٠حسن بن محبوب زراد ("م ۲۲۴)، یکی از محدثان و مصنفان موثق شیعه، کتاب" المشیخ " را یکصد سال قبل از غیبت کبری نوشته و اخبار مربوط به غیبت امام مهدی را در آن نقل کرده است. (۹۴) مرحوم طبرسی می‌نویسد: محدثان شیعه در زمان امام باقر و امام صدق – علیهما السلام – اخبار غیبت را در تألیفات خویش آورده‌اند. (۹۵) همچنین برخی از اصحاب ائمه درباره آن حضرت و قیام او کتاب نوشته‌اند، مانند ابراهیم بن صالح انماطی (۹۶) (از یاران امام باقر)، حسن بن محمد بن سماعه (۹۷) (از اصحاب امام موسی بن جعفر – علیهما السلام –)، محمد بن حسن بن جمهور (۹۸) (از یاران امام رضا – علیه السلام –)، علی بن مهزیار (۹۹) (از یاران امام جواد – علیه السلام –) و فضل بن شاذان نیشابوری (۱۰۰) (از شاگردان امام رضا و امام جواد و امام هادی – علیهم السلام –) (۱۰۱). مهدی (ع) درمنابع اهل سنت چنانکه قبلاً ـ اشاره کردیم، مهدویت و اعتقاد به وجود مهدی – عجل الله عالی فرجه – و ظهور او، اختصاص به مذهب تشیّع ندارد، بلکه محدثان بزرگ اهل سنت نیز احادیث مربوط به آن حضرت از از طریق گروه بسیاری از صحابه و تابعین در کتابهای خویش نقل کرده‌اند، به طوریکه گذشته از کتب شیعه، کتب و آثار دیگر مذهب اسلامی (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) نیز از روایات نبوی که درباره مهدی و ظهور او رسیده، سرشار است. بر اساس پژوهش برخی از محققان بزرگ، محدثان اهل سنت احادیث مربوط به حضرت مهدی را از ۳۳ نفر از صحابه پیامبر اسلام در کتب خود نقل کرده‌اند (۱۰۲)؛ تعداد ۱۰۶ نفر از مشاهیر علمای بزرگ اهل سنت، اخبار ظهور امام غایب را در کتابهای خود آورده‌اند (۱۰۳)؛ و ۳۲ نفر از آنان مستقلاً درباره حضرت مهدی کتاب نوشته‌اند. (۱۰۴") مسند احمد حنبل("متوفای ۲۴۱ هجری) و" صحیح بخاری ("متوفای ۲۵۶ هجری) از جمله کتب مشهور اهل سنت است که قبل از تولد امام قائم – عجل الله تعالی فرجه – نوشته شده و احادیث مربوط به آن

حضرت در آنها نقل شده است. (۱۰۵) از جمله احادیثی که "احمد حنبل "نقل کرده این حدیث است: پیامبر اسلام (ص) فرمود: "اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند حتماً در آن روز شخصی از ما - خاندان - را بر می‌انگیزدو او جهان را پر از عدل و داد می‌کند همچنانکه پر از ظلم شده باشد. (۱۰۶) احادیث نبوی پیرامون حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - و صفات و علائم ایشان در کتابها و منابع قدیم اهل سنت به قدری زیاد است که دانشمندان علم حدیث و حافظان بزرگ سنّی، احادیث مربوطبه مهدی را" متواتر "دانسته‌اند. (۱۰۷) بر اساس یک بررسی اجمالی، تعداد ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت، به "متواتر "بودن احادیث مهدی در کتابهای خود، تصریح کرده‌اند (۱۰۸). علامه" شوکانی "در خصوص اثبات تواتر این روایات، کتابی به نام" التوضیح فی تواتر ما جأ فی المنتظر والدّجال و المسبح "تألیف کرده است. (۱۰۹)

پاسخ(قسمت چهارم)

بی مناسبت نیست در اینجا، به عنوان نمونه، سخنان چند تن از مشاهیر علمای سنّی را در این زمینه از نظر خوانندگان محترم بگذارانیم: ۱" - شوکانی "در کتاب یاد شده، پس از نقل احادیث مربوط به حضرت مهدی می‌گوید: همه احادیثی که آوردیم، به حدّ تواتر می‌رسد، چنانکه بر مطّلعان پوشیده نیست. بنابر این با توجه به همه احادیثی که نقل کردیم، مسلّم شد که احادیث منقول درباره مهدی منتظر، متواتر است... آنچه گفته شد برای کسانیکه ذره‌ای ایمان و اندکی انصاف دارند، کافی به نظر می‌رسد!(۱۱۰) ۲ - حافظ (۱۱۱) ابو عبد الله گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ ه. 'ق) در کتاب" البیان فی أخبار صاحب الزمان ("باب ۱۱) می‌گوید: "احدیث پیامبر اکرم (ص) درباره مهدی، به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حدّ تواتر رسیده است. ("۱۱۲) ۳ - حافظ مشهور" ابن حجر عسقلانی شافعی ("متوفای ۸۵۲ ه. 'ق) در کتاب" فتح الباری۹۹ که در شرح" صحیح بخاری "نوشته است، می‌گوید: "احادیث متواتری وجود دارد حاکی از اینکه: مهدی، از این امّت است و عیسی - علیه السلام - از آسمان فرود آمده و پشت سر وی نماز خواهد گزارد. ("۱۱۳) ۴" - مؤمن شبلنجی "می‌نویسد": اخبار متواتری از پیامبر رسیده که نشان می‌دهد مهدی از خاندان اوست و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند ("۱۱۴). ۵" - شیخ محمد صبّان "می‌نویسد": اخبار متواتری از پیامبر نقل شده مبنی بر اینکه مهدی (سرانجام) قیام می‌کند و اینکه او از خاندان پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد ("...۱۱۵). ۶ - شیخ منصور علی ناصف، از علمای بزرگ و معاصر" الأزهر "و مؤلف کتاب" التاج الجامع للأُصول ("۱۱۶)، می‌نویسد: در میان دانشمندان گذشته و امروز مشهور است که در آخر الزمان به حتم و یقیم مردی از اهل بیت پیامبر که نام او مهدی است، ظهور خواهد کرد. او بر همه کشورهای اسلامی تسلّط خواهد یافت. مسلمانان، همه پیرو او خواهند شد، او در میان آنان به عدالت رفتار می‌کند، و دین را قوّ می‌بخشد. آنگاه دجّال پیدا می‌شود. عیسای مسیح از آسمان فرود می‌آید و دجّال را می‌کشد، یا با مهدی در کشتن دجّال همکاری می‌کند. سخنان و احادیث پیامبر را درباره مهدی، جماعتی از نیکان اصحاب پیامبر روایت کرده‌اند. محدّثان بزرگی مانند: ابو داود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابو یعلی، بزّاز، امام احمد حنبل و حاکم نیشابوری آن احادیث را در کتابهای خود نقل کرده‌اند. (۱۱۷) ابن ابی الحدید یکی از متتبع‌ترین علمای اهل سنت، در این زمنیه می‌نویسد": تمامی فرق اسلامی، اتفاق نظر دارند که عمر دنیا و تکلیف (بشر به اجرا احکام الهی)، پایان نمی‌پذیرد مگر پس از ظهور مهدی ("۱۱۸). بیانیه رابطة العالم الاسلامی این بخش را با نقل بیانیّه رسمی" رابطة العالم الاسلامی، ""که از بزگرتین مراکز و هابیّت بوده و مقرّ ان در مکه است، به عنوان یک سند زنده بر اعتقاد عموم مسلمانان به موضوع مهدویّت به پایام می‌بریم. یکی از جهات اهمیّت این بیانیه این است که نشان می‌دهد: تندروترین گروهها در ضدیت با شیعه - یعنی وهابیان - نیز این موضوع را پذیرفته‌اند، نه تنها پذیرفته‌اند بلکه به طور جدّی از آن دفاع می‌کنند و آن را از عقاید قطعی و مسلّم اسلامی می‌شمارند و انی، به خاطر کثرت دلائل و اسناد این موضوع

است. به علاوه این مرکز، به عنوان یک مرکز جهانی و روابط بین ملل اسلامی فعالیّت می‌کند. در هر صورت در سال ۱۹۷۶ م شخصی به نام" ابو محمد "از کشور" کنیا "سؤالی درباره ظهور مهدی منتظر از" رابطة العالم الاسلامی ""کرده است. دبیر کل این مرکز در پاسخی که برای او فرستاده، ضمن یاد آوری این نکته که" ابن تیمیه ("مؤسس مذهب و هابیّت) نیز احادیث مربوط به مهدی را پذیرفته، متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف کنونی حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند، برای او ارسال داشته است. در این رسال پس از ذکر نام حضرت مهدی و محل ظهور او یعنی مکّه چنین آمده است: به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. او آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر در کتب صحاح از آنها خبر داده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر نقل کرده‌اند. از آن جمله: عثمان بن عفان، علی بن أبی طالب، طلحة بن عبید الله، عبد الرحمان بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار بن یاسر، عبد الله بن مسعود، ابو سعید خُدری، ثوبان، قرة بن ایاس مزنی، عبدالله بن حارث، ابو هریره، حذیفة بن یمان، جابر بن عبد الله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبد الله بن عمر، انس بن مالک، عمران بن حصین وام سلمه. سپس اضافه می‌کند: هم احادیث یاد شده در بالا که از پیامبر نقل شده و هم گواهی صحابه که در اینا در حکم حدیث است، در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر (ص) اعم از سنن و معاجم و مسانید آمده است. از جمله: سنن: .بی داود، ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر الدانی ؛ مسانید: احمد، أبی یَعلی بزّاز؛ صحیح حاکم؛ معاجم: طبرانی و رویانی و دار قُطنی و ابو نُعَیم د کتاب" اخبار المهدی" و خطیب بغدادی در" تاریخ بغداد "و ابن عساکر در" تاریخ دمشق "و غیر اینها. بعد اضافه می‌کند: بعضی از دانشمندان اسلامی کتبخاصی در این زمینه تألیف کرده‌اند. از جمله: ابو نعمی: کتاب" اخبار المهدی، ""ابن حجر هیتمی": القول المختصر فی علامات المهدی المنتظَر، "شوکانی": التوضیح فی تواتر ماجأ فی المنتظر و الدجّال و المسیح، "ادریس عراقی مغربی": المهدی، ""ابو العباس بن عبد المؤمن مغربی": الوهم المکنون فی الردّ علی ابن خلدون. "آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته رئیس دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است. (۱۱۹) عدّه‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام، از قدیم و جدید، در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث رسیده در زمینه مهدی در حدّ" تواتر "است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست). از جمله: سخاوی در کتاب" فتح المغیث، "محمد بن احمد سفاوینی در کتاب" شرح العقیدة، "ابو الحسن ابری در" مناقب الشافعی، ""ابن تیمیه در فتاوایش، سیوطی در" الحاوی، "ادریس عراقی مغربی در کتابی که پیرامون "مهدی "تألیف کرده، شوکانی در کتاب" التوضیح فی تواتر ما جأ فی المنتظَر، "...محمد بن جعفر کتانیدر کتاب" نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر "و ابو العباس بن عبد المومن در کتاب" الوهم المکنون. "...در پایان بیانیه می‌نویسد: تنها ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به مهدی را با حدیث بی اساس و مجعولی به این مضمون که" مهدی جز عیسی نیست "مورد ایراد قرار دهد. ولی پیشوایان و دانشمندان بزرگ اسلام، گفتار او را رد کرده‌اند، بخصوص" ابن عبد المؤمن "که در ردّ گفتار او کتاب ویژه‌ای نوشته است که از سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته است. حافظان احادیث و محدثان نیز تصریح کرده‌اند که احادیث مهدی مشتمل بر احادیث" صحیح "و" حسن "است و مجموع آن قطعاً" متواتر "و صحیح می‌باشد. بنابر این، اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب بوده و جز عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی خبر یا بدعتگذار، آن را انکار نمی‌کنند. مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی: محمد منتصر کنانی اینها ترجمه قسمتهای حساس این رساله است که از نظر خوانندگان محترم گذشت. (۱۲۰) پدر مهدی کیست؟ در اینجا تذکر این موضوع لازنم است که در بعضی از منابع اهل سنت، پدر حضرت مهدی" عبد الله "معرفی شده است. (۱۲۱) در حالی که در منابع شیعه و سنّی اخبار فراوانی وجود دارد که می‌رساند نام پدر آن حضرت" حسن - "علیه السلام - است. سر چشمه این اختلاف آن است که در بعضی از روایات اهل سنّت پیرامون ویژگیهای آن حضرت، این جمله از پیامبر اسلام نقل شده است... ": یواطئ اسمه اسمی و اسم أبیه اسم أبی. ("....۱۲۲) یعنی، اسم

او (مهدی) اسم من، و اسم پدرش، اسم پدر من است. قرائنی در دست است که نشان می‌دهد جمله اخیر یعنی" اسم پدرش اسم پدر من است "عمداً یا اشتباهاً از طرف راوی به کلام پیامبر افزوده شده است و در گفتار آن حضرت فقط جمله": اسم او اسم من است "وجود داشته است. حافظ گنجی شافعی در این باره می‌گوید": ترمذی ("۱۲۳") این حدیث را نقل کدره ولی جمله اخیر در آن نیست. (۱۲۴) نیز" احمد بن حنبل، "که دارای قدرت ضبط و دقت بوده این حدیث را در چند جا از" مسند "خود نقل کرده ولی جمله اخیر در آنها نیست. (۱۲۵") گنجی "اضافه می‌کند: در اکثر روایاتی که حافظان حدیث و محدثان مورد وثوق اهل سنت در این باره نقل کرده‌اند، جمله اخیر نیست. فقط در حدیثی که شخصی به نام" زائدهٔ "از" عاصم "نقل کرده، این جمله به چشم می‌خورد. و چون" زائده "چیزهایی از خود به حدیث اضافه می‌کرده است، نقل او اعتباری ندارد. گواه این معنا، این است که راوی این حدیث، شخصی به نام" عاصم "است و حافظ ابو نعیم در کتاب" مناقب المهدی، ""سی و یک نفر از راویان این حدیث را نام برده که همگی آن را از" عاصم "شنیده‌اند، و در هیچ کدام جمله اخیر نیست. و فقط در نقل" زائده "این جمله به چشم می‌خورد که طبعاً در مقابل آن همه روایات، فاقد اعتبار است. (۱۲۶) ابن خلدون (۱۲۷) و احادیث مهدی چنانکه ملاحظه شد، اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اهل سنّت، احادیث مربوط به حضرت مهدی را صحیح و مورد قبول می‌دانند. اما تنی چند، آنها را رد نموده یا مورد تشکیک قرار داده‌اند که از آن جمله" ابن خلدون "است. وی می‌گوید: در میان تمام مسلمانان در طول قرون و اعصار مشهور بوده و هست که در آخر الزمان حتماً مردی از خاندان پیامبر ظهور می‌کند و دین را تأیید و عدل و داد را آشکار می‌سازد، مسلمانان از او پیروی می‌کنند، وی بر تمام کشورهای اسلامی تسلّط پیدا می‌کند، این شخص مهدی نامیده می‌وشد و ظهور دجال و حوادث بعدی که از مقدمات مسلّم قیامت است، به دنبال قیام او خواهد بود، عیسی فرود می‌آید و دجّال را می‌کشد یا در قتل دجّال او را یاری م کند و عیسی پشت سر او نماز می‌خواند... گروهی از پیشوایان حدیث، مانند: ترمذی، ابو داود، بزّاز، ابن ماجه، حاکم، طبرانی، ابو یَعلی احادیث مربوط به مهدی را در کتابهای خود به نقل از گروهی از صحابه مانند: علی، ابن عباس، عبد الله بن عمر، طلحه، عبد الله بن مسعود، ابو هریره، أنس، ابو سعید خُدری، اُمّ حبیبه، اُمّ سلمه، ثوبان، قرّهٔ بن اَیاس، علی هلالی، عبد الله بن حارث، آورده‌اند. ولی چه بسا منکران این احادیث، در سند آنها مناقشه کنند در میان دانشمندان اهل حدیث معروف است که" جَرح "بر "تعدیل ("۱۲۸") مقدّم است. بنابراین اگر ما، در بعضی از راویان این احادیث نقطه ظعفی از قبیل: غفلت، کم حافظگی، ضعف یا انحراف عقیده یافتیم، اصل حدیث از درجه اعتبار ساقط می‌شود... (۱۲۹) وی آنگاه به نقل تعدادی از این احادیث و بررسی وضع راویان آنها پرداخته و برخی از آنها را غیر موثق اعلام نموده و اضافه می‌کند: این است مجموع احادیثی که پیشوایان حدیث درباره مهدی و قیام او در آخر الزمان نقل کرده‌اند و چنانکه ملاحظه کردید، همه آنها جز مقدار بسیار کمی مخدوش است. (۱۳۰) این بود خلاصه و فشرده نظریه ابن خلدون درباره احادیث مربوط به مهدی منتظر - عجل الله تعالی فرجه- دانشمندان صاحبنظر و متخصصان علم حدیث اعم از شیعه وسنی، سخنان وی را با دلائل روشن رد کرده و آن را بی پایه دانسته‌اند. (۱۳۱) ولی ما، در اینجا به عنوان نمونه خلاصه سخنان" شیخ عبد المحسن عباد، "استاد و رئیس دانشگاه مدینه را نقل می‌کنیم: وی در کنفرانسی زیر عنوان "عقیدهٔ أهل السنّهٔ والأثر فی المهدی المنتظَر، "در ردّ نظریه ابن خلدون چنین می‌گوید: الف - اگر ابراز شک و تردید در مورد احادیث مهدی از طرف شخصی حدیث شناس بود، یک لغزش به شمار می‌رفت، چه رسد به مورّخانی که اهل تخصّص در علم حدیث نیستند. چه خوب گفته است" شیخ احمد شاکر: "ابن خلدون چیزی را دنبال کرده است که به آن آگاهی ندارد و وارد میدانی شده است که مرد آن نیست. او در فصلی که در مقدمه خود به مهدی اختصاص داده، پریشان گویی عجیبی کرده و مرتکب اشتباهات روشنی شده است. اصولاً- او متوجه نشده است که مقصود محدثان از این جمله که": جرح بر تعدیل مقدّم است" چیست؟! ب - وی در آغاز فضل مربوط به مهدی اعتراف کرده است که: در میان مسلمانان در طول قرون و اعصار مشهور بوده و هست که در آخر الزمان حتماً مردی از خاندان پیامبر ظهور می‌کند با اعتراف به اینکه موضوع قیام مهدی در میان تمام مسلمانان در

طول قرون و اعصار امری مشهور و مورد قبول بوده و هست، آیا صحیح نبود که او نیز این عقیده مشهور را مثل دیگران نپذیرد؟ ایا نظریه وی، با وجود اعتراف به اینکه همه مسلمانان برخلاف او عقیده دارند، نوعی کجروی و تکرروی نیست؟ آیا همه مسلمانان اشتباه کرده‌اند و فقط ابن خلدون درست فهمیده است؟! اصولاً این موضوع یک اجتهادی نیست، بلکه یک موضوع نقلی و غیبی است و جایز نیست کسی آن را با هیچ دلیلی جز با کتاب خدا و سنت پیامبر(ص)اثبات کند و دلیل مزبور در اینجا نظریه مسلمانان را اثبات می‌کند و آنان در این موضوع نقلی دارای تخصص هستند. ج - ابن خلدون پیش از نقد و بررسی این احادیث می‌گوید: "اینک ما در اینجا احادیثی را که در این باره نقل شده، ذکر می‌کنیم. ("۱۳۲) و پس از نقل احادیث می‌گوید": این است مجموع احادیثی که پیشوایان حدیث درباره مهدی و قیام او در آخر الزمان نقل کرده‌اند. "و در جای دیگر می‌گوید": آنچه محدثان از روایات مهدی نقل کرده‌اند، ما همه را به قدر توان در اینجا آوردیم. ("۱۳۳) در حالی که وی بسیاری از احادیث مهدی را ناگفته گذاشت است، چنانکه این معنا با مراجعه به کتاب" العرف الوردی فی أخبار المهدی ""تألیف" سیوطی "روشن می‌گردد. همچنین او از حدیثی که با سند معتبر در کتاب" المناز المنیف "تألیف" ابن قیم "نقل شده، غفلت کرده است. د - ابن خلدون تعدادی از این احادیث را نقل و به خاطر بعضی از راویان آنها در سند آنها اشکال می‌کند، در حالی که راویان یاد شده، کسانی هستند که "بخاری "و" مسلم "یا حداقل یکی از آنها در صحیح خود از آنها نقل حدیث کرده‌اند و دانشمندان در سند آنها ایرادی نکرده‌اند. هـ- ابن خلدون اعتراف می‌کند که تعداد کمی از احادیث مربوط به مهدی جای هیچ نقد و ایرادی از نظر سند ندارد. بنابراین باید بگوییم: آن تعداد کم که به گفته وی مورد قبول است، برای اثبات مطلب کافی است و بقیه احادیث نیز مؤید آن تعداد خواهد بود. (۱۳۴) انتظار مهدی و مدعیان مهدویت نگاهی به تاریخ اسلام نشان می‌دهد که در طول زمان، افرادی جاه طلب و سودجو ادعای مهدویت کرده‌اند، یا گروهی از مردم عوام افرادی را مهدی می‌پنداشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که موضوع مهدویت و اعتقاد به ظهور یک منجی غیبی، در میان مسلمانان امری مسلّم و مورد قبول بوده است، و چون نام یا برخی از نشانه‌های آن حضرت با مشخصات برخی از مدعیان یاد شده تطبیق می‌کرده، آنان از این موضوع سؤ استفاده کرده و خود را مهدی قلمداد نموده‌اند. یا چه بسا خود آنان ادعایی نداشته‌اند لکن برخی از عوام الناس از روی نادانی یا شدّت ستم و بیدادگری حکومتها یا عجله‌ای که در ظهور مهدی داشته‌اند، یا به علل دیگر، بدون آنکه در مجموع نشانه‌های حضرت دقت کنند، به اشتباه، آنان را مهدی موعود تصور کرده‌اند. به عنوان مثال: گروهی از مسلمانان" محمد بن حنفیه "را چون همنام و همکنیه پیامبر اسلام بوده، مهدی پنداشته و بر این باور بوده‌اند که او نمرده است و غایب است و بعداً ظاهر می‌شود و بر دنیا مسلّط می‌گردد. (۱۳۵)

پاسخ(قسمت پنجم)

گروهی از فرقه اسماعیلیه معتقد بودند که اسماعیل فرزند امام صادق - علیه السلام - نمرده، بلکه مرگ او از روی مصلحت اعلام شده است و او نمی‌میرد و همان" قائم "موعود است و قیام می‌کند و بر دنیا مسلّط می‌شود. (۱۳۶") محمد "مشهور به" نفس زکیه" پسر عبد الله بن حسن "در زمان منصور دوانیقی عباسی قیام کرد و به مناسبت نامش، پدرش ادعا کرد که همان مهدی موعود است و با تکیه روی این موضوع، طرفدارانی برای او فراهم آورد. (۱۳۷) در جریان قیام نفس زکیه"، محمد بن عجلان "که از فقیهان و عابدان مدینه بود، به کمک وی برخاست. وقتی که محمد شکست خورد و کشته شد"، جعفر بن سلیمان - "حاکم مدینه - ابن عجلان را احضار کرد و به وی گفت: چرا با آن دروغگو خروج کردی؟ و آنگاه دستور داد دستش را قطع کنند. فقیهان و اشراف مدینه که حضور داشتند از جعفر بن سلیمان، برای ابن عجلان درخواست عفو کردند و گفتند: امیر! محمد بن عجلان فقیه و عابد مدینه است و موضوع برای او مشتبه شده و خیال کرده است که محمد بن عبد الله، همان مهدی موعود است که در روایات آمده

است. (۱۳۸) عین این گرفتاری برای "عبد الله بن جعفر "نیز که از دانشمندان و محدثان بزرگ مدینه بود، پیش آمد و او هم در پاسخِ بازخواست حاکم مدینه، گفت: من به این علّت با محمد بن عبد الله همکاری کردم که یقین داشتم او همان مهدی موعود است که در روایات ما یاد شده است. تا او زنده بود هیچ شکی در این موضوع نداشتم و هنگامی که کشته شد فهمیدم که اومهدی نیست، و بعد از این دیگر فریب کسی را نخواهم خورد. (۱۳۹) منصور نیز، که نامش "عبد الله "و نام پرس "محمد "بود، بر پسر خویش لقب مهدی گذارده و ادعا می‌کرد که مهدی موعود فرزند من است، نه نفس زکیه! (۱۴۰) همچنین می‌بینیم که برخی از فرقه‌ها، به مهدویت بعضی از امامان پیشین اعتقاد داشته‌اند، مثلاً" ناووسیه "حضرت صادق – علیه السلام – را مهدی و امام و زنده و غایب می‌پنداشتند. (۱۴۱") واقفیه "همین اعتقاد را درباره امام موسی بن جعفر – علیه السلام – داشتند. (۱۴۲) و بر این باور بودند که آن حضرت نمی‌میرد تا بر شرق و غرب جهان مسلّط مهدی است. (۱۴۳) و بالأخره گروهی نیز پس از رحلت امام حسن عسکری – علیه السلام – فوت آن حضرت را انکار کردند و گفتند: او زنده و غایب است و همان امام" قائم "می‌باشد. (۱۴۴) اینها نمونه هایی است که نشان می‌دهد موضوع مهدویت در زمان پیامبر اسلام(ص)و بعد از، موضوع مسلّمی بوده است و امت اسلام همواره در انتظار شخصی بوده‌اند که قیام کند و با ظلم و ستم بستیزد و پرچم حاکمیت عدل و داد را در جهان به اهتزاز در آورد. بدیهی است که سؤ استفاده برخی بازیگران از موضوع مهدویت در بعضی از ادوار، هرگز نمی‌تواند مجوّزی برای انکار اصل مسئله مهدویت باشد، زیرا در طول تاریخ، حقایق بسیاری از سوی عناصر بازیگر و فرصت طلب مورد سؤ استفاده قرار گرفته است. مدعیان الوهیت، یا نبوت و سایرمقامات معنوی، در دنیا کم نبوده‌اند ادیان ساختگی نیز در نیا کم نبوده است. ولی انیها هزگز دلیل این نمی‌شود که کسی منکر اصل وجود خدا و نبوت انبیأ گردد. علم و دانش و صنعت نیز در زمان ما مورد سؤ استفاده واقع شده و در راههای ضد بشری به کار می‌رود، ولی آیا این باعث می‌شود که ما اصل علم و صنعت را نفی کنیم؟! سیمای حکومت مهدی در آینه قرآن کریم در زمینه ظهور و قیام حضرت مهدی – مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر – بدون انیکه وارد جزئیات شود، به صورت کلی و اصولی بحث کرده است؛ یعین از تشکیل حکومت عدل جهانی، و پیروزی کامل و نهائی صالحان در روی زمین سخن گفته است. این گونه آیات را مفسران اسلامی، به استناد مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به حضرت مهدی و ظهور و قیام او دانسته‌اند. ما از مجموع آیات قرآنی که دانشمندان آنها را ناظر به این موضوع دانسته‌اند (۱۴۵). و صراحت بیشتری دراند، جهت رعایت اختصار، سه ایه را مورد بررسی قرار می‌دهیم: ۱ – وَلَقَد کتبنا فِی الزَّبُورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ أنّ الأرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ (۱۴۶") ما، در (کتاب) زبور پس از تورات نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد. "در توضیح معنای این آیه یاد آوری می‌کنیم که": ذکر "در اصل به معنای هر چیزی است که مایه تذکر و یاد آوری باشد ولی در آیه یاد شده به کتاب آسمانی حضرت موسی – علیه السلام – یعنی" تورات "تفسیر گردیده است به قرینه اینکه قبل از زبور معرفی شده است. طبق تفسیر دیگری"، ذکر "اشاره به قرآن مجید است زیرا که در خود آیات قران این عنوان به قرآن گفته شده است: اّن هُوَ اّلاّ ذِکرٌ لِلعالَمین (تکویر / ۲۷) بنابراین، کلمه" من بعد "به معنای" علاوه بر "بوده و معنای آیه چنین خواهد بود: ما، علاوه بر قرآن، در زبور نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد(۱۴۷). مرحوم شیخ مفید در آغاز فصل مربوط به حضرت مهدی – عجل الله تعالی فرجه –، به این آیه و آیه بعدی که نقل می‌کنیم، استناد کرده است. (۱۴۸) در تفسیر این آیه از امام باقر – علیه السلام – نقل شده است که فرمود: این بندگان صالح، همان یاران مهدی در آخر الزمانند (۱۴۹). مفسر برجسته قرآن، مرحوم "طبرسی "در تفسیر آیه مزبور پس از نقل حدیث یاد شده می‌گوید: حدیثی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام(ص)نقل کرده‌اند، بر این موضوع دلالت دارد": اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مردی صالح از خاندان مرا بر انگیزد و او جهان را پر از عدل و داد کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. ("۱۵۰) اشاره قرآن به پیشگویی حکومت بندگان شایسته خداوند در روی زمین در کتاب تورات و زبور، نشان می‌دهد که این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار

است که در کتب آسمانی پیامبران پیشین یکی پس از دیگری مطرح می‌شده است. جالب توجه این است که عین این موضوع در کتاب" مزامیر داود "که امروز جز کتب عهد قدیم (تورات) است و مجموعه‌ای از مناجاتها و نیایشها و اندرزهای داود پیامبر – علیه السلام – است، به تعبیرهای گوناگون به چشم می‌خورد.از جمله در مزمور ۳۷ می‌خوانیم... ": شریران منقطع میشوند، اما متوکلانِ به خداوند وارث زمین خواهند شد، و حال اندک است که شریر نیست می‌شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد بود اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. "همچنین در همان مزمور چنین می‌خوانیم... ": متبرکان (خداوند) وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. ("۱۵۱) ۲ – وَنُرِيدُ أن نَمُنّ عَلَى الّذينَ استُضعِفُوا فِي الأرضِ ...(۱۵۲") وارد کرده‌ایم که بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان (زمین) قرار دهیم. "چنانکه در بخش "مهدی در منابع شیعه "نقل کردیم، امیر مؤمنان – علیه السلام – پس از پیشگویی بازگشت و گرایش (مردم) جهان به سوی خاندان وحی، این آیه را تلاوت فرمود. (۱۵۳") محمد بن جعفر، "یکی از علویان، در زمان مأمون بر ضد خلافت عباسی قیام کرد. او می‌گوید: روزی شرح گرفتاریها و فشارهایی را که با آنها روبرو هستیم، برای مالک بن انس نقل کردم. او گفت: صبر کن تا تأویل آیه: وَنُرِيدُ أن نَمُنّ عَلَى الّذين... آشکار گردد. (۱۵۴) ۳ – وَعَدَ اللهُ الّذينَ آمَنُوا مِنكُم وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَستَخلِفَنّهُم فِي الأرضِ كَمَا استَخلَفَ الّذين مِن قَبلِهِم وَلَيُمَكّنَنّ لَهُم دينَهُمُ الّذِي ارتَضى لَهُم وَلَيُبَدِلَنّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمناً يَعبُدُونَنى لايُشرِكُونَ بِى شَيئاً... (۱۵۵). "خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را خلیفه روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید؛ و دین و آیینی را که خود برای آنان پسندیده استقرار خواهد بخشید و بیم و ترس آنان را به ایمنی و آرامش مبدّل خواهد ساخت (آنچنانکه) مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک قرار نمی‌دهند."... مرحوم" طبرسی "در تفسیر این آیه می‌گوید: از خاندان پیامبر روایت شده است که این آیه درباره آل محمد (ص) نازل شده است. "عیّاشی "از حضرت علی بن الحسین – علیه السلام – روایت کرده است که این آیه را خواند و فرمود: به خدا سوگند آنان شیعیان ما خاندان پیامبر هستند. خداوند این کار را در حق آنان به دست مردی از ما به انجا می‌رساند و او مهدی این امت است. او همان کسی است که پیامبر(ص)درباره او فرمود": اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم او اسم من (محمد) است، او زمین را از عدل و داد پر می‌سازد همان گونهکه از ظلم و جور پر شده باشد". "طبرسی "می‌افزاید: این معنا در تفسیر آیه مزبور از امام باقر – علیه السلام – و امام صادق – علیه السلام – نیز روایت شده است. (۱۵۶) فواید وجود امام در دوران غیبت اینک که بحث ما پیرامون حضرت مهدی به اینجا رسید، مناسب است که به یکی از شایعترین پرسشها پیرامون آن حضرت پاسخ گوییم، و آن این است که: فایده وجود امام در عصر غیبت چیست؟ به تعبیر دیگر: زندگی امام در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است نه یک زندگی اجتماعی در نقش یک پیشوا. بنابرانی وجود مقدس او چه اثر عمومی برای مردم می‌تواند داشته باشد و مردم چه نوع بهره‌ای می‌توانند از او ببرند؟ البته باید توجه داشته باشیم که غایب بودن امام هرگز به این معنا نیست که وجود آن حضرت به یک روح نامرئی یا امواج ناپیدا و رؤیایی و امثال اینها تبدیل شده است! بلکه وی یک زندگی طبیعی عینی و خارجی دادر، منتها با عمری طولانی. آن حضرت در میان مردم و در دل جامعه‌ها رفت و آمد دارد و در نقاط مختلف زندگی می‌کند ولی به صورت ناشناس. و فرق بسیار است بین" نامرئی "و" ناشناس. ("۱۵۷) امام صادق – علیه السلام – می‌فرمود: مردم امام خود را گم می‌کنند. او در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند ولی آنان او را نمی‌بینند. (۱۵۸) خورشید پنهان در پاسخ سؤال یاد شده یاد آوری کنیم که این سؤال تازگی نداشته و تنها در عصر ما مطرح نشده است، بلکه از روایات اسلامی بر می‌آید که حتی پیش از تولد حضرت مهدی – علیه السلام – نیز این سؤال مطرح بوده و هنگامی که پیامبر اسلامی و ائمه پیشین – علیهم السلام – از مهدی و غیبت طولانی آن حضرت سخن به میان می‌آوردند، با چنین سؤالی روبرو می‌شدند و به آن پاسخ می‌گفتند. به عنوان نمونه: ۱ – پیامبر اسلام در پاسخ این پرسش که آیا شیعه در زمان غیبت، از وجود

قائم فایده‌ای می‌برد؟ فرمود: بلی، سوگند به پروردگاری که مرا به پیامبری بر انگیخت، در دوران غیبتش از او نفع می‌برند و از نو ولایتش بهره می‌گیرند، همان گونه که از خورشید به هنگام قرار گرفتن در پشت ابرها استفاده می‌کنند. (۱۵۹) ۲ - امام صادق - علیه السلام - فرمود: از روزی که خداوند حضرت آدم را آفریده تا روز رستاخیز، زمین هیچگاه خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، یا حجت ظاهر و آشکار و یا غایب و پنهان، و اگر حجت خدا نباشد، خدا ستایش نمی‌شود. راوی پرسید: مردم چگونه از امام غایب و پنهان استفاده می‌کنند؟ حضرت فرمود: آنچنانکه از خورشید پشت ابر استفاده می‌کنند. (۱۶۰) ۳ - خود حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - نیز روی این معنا تکیه کرده است. در توقیعی که آن حضرت در پاسخ به سؤالات" اسحاق بن یعقوب" صادر فرمود و توسط محمد بن عثمان تحویل اسحاق گردید، چنین نوشت: اما چگونگی استفاده مردم از من همچون استفاده آنهاست از خورشید، هنگامی که در پشت ابرها پنهان می‌شود. (۱۶۱) در توضیح این تشبیه باید یاد آوری کنیم که: خورشید دارای دو نوع نور افشانی است: ۱ - نور افشانی آشکار و مستقیم، ۲ - نور افشانی غیر مستقیم. در نور افشانی آشکار، اشعه خورشید بخوبی دیده می‌شود ولی در تابش غیر مستقیم، ابرها همانند یک شیشه مات، نور مستقیم خورشید را گرفته و پخش می‌کند. اما آثار حیات بخش خورشید در رشد و نمو موجودات و...، مخصوص زمانی نیست که نور آن مستقیماً بر پهنه حیات و طبیعت می‌تابد، بلکه بسیاری از این آثار - مانند: تولید گرما، رویش و رشد گیاهان، تولید انرژی لازم برای حرکت و حیات، به بار نشستن درختان، خندیدن شکوفه‌ها و شکفتن گلها - در زمان تابش نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد. اشعه معنوی وجود امام، هنگامی هم که در پشت ابرهای غیبت پنهان است، دارای آثار گوناگونی است که با وجود متوقف شدن کلاس تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، فلسفه وجودی او را آشکار می‌سازد. اینک برخی از این آثار را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم. ۱ - جان جهان طبق احادیث فراوانی که در موضوع امامت وارد شده، و بر اساس دلائلی است که دانشمندان ارائه کرده‌اند، در بینش اسلامی، امام، جان جهان است و جهان به وجود او بستگی دارد. امام قلب عالم وجود، هسته مرکزی جهان هستی و" واسطه فیض "بین عالم و آفریدگار عالم است و از این جهت حضور و غیبت او تفاوتی ندارد. و اگر او - ولو به صورت ناشناس - در جهان نباشد، جهان هستی در هم فرو می‌ریزد. چنانکه امام صادق - علیه السلام - فرمود: اگر زمین بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد. (۱۶۲). امام چهارم فرمود: در پرتو وجودئ ماست که خداوند آسمان را از فرو پاشی - جز به اذان او - نگه می‌دارد. در پرتو وجو ماست که خداوند زمین را از لرزش و سلب آرامش ساکنانش، نگه می‌دارد. به واسطه ماست که خداوند باران نازل می‌کند و رحمت خود را می‌گستراند و برکات و نعمتهای زمین را بیرون می‌آورد. و اگر آن کس از ما که در زمین است نبود، زمین اهل خود را فرو می‌برد. (۱۶۳) ۲ - پاسداری از آیین خدا امیر مومنان - علیه السلام - در یکی از سخنان خود در مورد لزوم وجود رهبران الهی در هر عصر و زمان می‌گوید": خدایا چنین است، هرگز روی زمین از قیام کننده‌ای با حجت و دلیل، خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد و خواه بیمناک و پنهان، تا دلائلئ و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید"... (۱۶۴).

پاسخ(قسمت ششم)

با گذشت زمان و آمیزش سلیقه‌ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی تعالیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از قوانین الهی از دست می‌رود و دین دستخوش تغییرات زیانبخش می‌گردد. برای آنکه اصالت آیین الهی حفظ گردد و جلوی تحریفات و تغییرها و خرافات گرفته شود، باید این رشته به وسیله یک پیشوای معصوم ادامه یابد. در هر مؤسسه مهم، "صندوق آسیب ناپذیری "وجود دارد که اسناد مهم آن مؤسسه را در آن نگهداری می‌کنند تا از دستبرد دزدان یا خطر آتش

سوزی و امثال اینها محفوظ بمانـد. سـینه امام و روح بلندش نیز صـندوق آسـیب‌ناپذیر حفظ اسـناد آیین الهی است تا همه اصالتهای نخستین و ویژگیهای آسـمانی این تعالیم را در خود نگاهـدار کنـد. (۱۶۵) حافظ" ابن حجر عسـقلانی "در شـرح" صحیح بخاری" پس از نقل احادیث حاکی از نزول حضـرت عیسـی – علیه السام – به زمین هنگام ظهور حضـرت مهدی – عجل الله تعالی فرجه – و اقتدای او به آن حضـرت می‌نویسد: اینکه عیسـی – علیه السـلام – در آخر الزمان و نزدیک قیامت، به مرد از این امّت اقتدا می کند و پشت سر او نمـاز می‌خوانـد، دلیـل بر نظریه صـحیح در میان دانشـمندان اسـلامی است که: زمین هرگز از وجود حجت که با دلائل وبراهین آشـکار، برای خـدا قیام می کنـد، خالی نمی‌مانـد. (۱۶۶) ۳ – امیـد بخشـی در میـدانهای نبرد، تمام کوشـش سـربازان زبده وفـداکار معطوف این امر است که پرچم سپاه، در برابر حملات دشـمن همچنـان در اهـتزاز باشـد، و متقابلاً ـ سـربازان دشـمن دائماً می کوشـند پرچم آنهـا را سـرنگون سازنـد، چرا که برقرار بودن پرچم، مایه دلگرمی سـربازان و تلاش و کوشـش مسـتمر آنها است. همچنین وجود فرمانده لشـگر در مقرّ فرماندهی – هر چند ظاهراً خاموش و ساکت باشد – خون گرم و پر حرارتی در عروق سربازان به گردش در می‌آورد و آنها را به تلاش بیشتر وا می‌دارد که فرمانـده ما زنده است و پرچممان در اهتزاز! امّا هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود، یک لشگر عظیم با کارآیی فوق العاده ،یک مرتبه روحیه خود را می‌بازد و متلاشی می گردد. رئیس یک جمعیت یـا یـک لشـگر، مـادام که زنـده است، هر چنـد مثلاً ـ در سـفر یـا فرضاً در بستر بیماری باشـد، مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آنهاست، ولی شـنیدن خبر از دست رفتن او گرد و غبار یأس و نومیدی را بر سـر همه می‌پاشد. جمعیت شـیعه طبق عقیده‌ای که به وجـود امـام زنـده دارد، هر چنـد او را در میـان خـود نمی‌بینـد، امـا خـود را تنهـا نمی‌دانـد، و اثر روانی این عقیـده در روشـن نگهداشـتن چراغ امیـد در دلهـا ووادار سـاختن افراد به خود سـازی و آمـادگی برای آن قیام بزرگ جهانی، کاملاً قابل درک است. پروفسور" هانری کربن "استاد فلسـفه در دانشـگاه سوربن (فرانسه) و مستشـرق نامدار فرانسوی می گوید: به عقیده من مذهب تشـیّع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگهداشـته است و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و پا برجا می‌دارد. مـذهب یهود، نبوّت راک ه رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی، در حضـرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضـرت مسـیح و حضـرت محمـد(ص)اذعـان ننموده و رابطه مزبور را قطع می کنـد. همچنین مسـیحیان در حضـرت مسـیح متوقف شده‌اند. اهل سـنت از مسـمانان نیز در حضرت محمد(ص)توقف کرده و با ختم نبوّت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و مخلوق، موجود نمی‌داننـد. تنهـا مـذهب تشـیّع است که" نبوّت "را با حضـرت محمّـد(ص)ختم شـده می‌دانـد، ولی" ولایت "را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند (۱۶۷).

در مورد شخصیت امام زمان (عج) توضیح دهید؟

پرسش

در مورد شخصیت امام زمان (عج) توضیح دهید؟

پاسخ

حضـرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمـد، (اصول کافی، چاپ آخونـدی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضـرت امام حسن عسـکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید، (همان، ص ۵۰۳). مادر حضـرت ولی عصـر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صیقل» گفته می‌شود، (جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۶۴، فائدهٔ ثالثهبه نقل از خلاصهٔ علاّمه). حضـرت ولی عصـر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و

www.noorfatemah.org

سرپرستی پدر بزرگوارش می‌زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه‌داشته می‌شد و جز خواصّ ی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقاتنداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می‌توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه‌ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشارة و النص الی صاحب الدار(ع)). یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من شاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسنعسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عَمرو! می‌خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی ندارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجّت خدا خالی نمی‌ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجّت برداشته می‌شود و راه توبهبسته می‌شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می‌خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضرت ابراهیم از خداوند خواست که به او کیفیتزنده کردن مرده‌ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می‌خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امامهادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته‌ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شماگفتند، درست گفته‌اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده‌ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده‌ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می‌پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می‌پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده‌اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیهٔ من رآه(ع)، ح ۱). این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین‌های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند. حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نوّاب خاصّه کسی با او ملاقات نمی کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد. حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند، (کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹). آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبتکبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است. در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد رکد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیةالله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ از مآخذ

گوناگون روایات راآورده است. هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده‌اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است: پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی‌رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶). پیامبر اکرم فرمود: المهدیّ منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیلة ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراهمی کند»، (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸). ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است»، (همان، ص ۱۳۶۸). پیامبر خدا فرمود: یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می کند»، (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸). در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: یکون فی امّتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است»، (همان). ام سلمه می گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷). رسول خدا فرمود: افضل العبادة انتظار الفرج ، (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).

سایر موارد

آیا مادر امام زمان(ع) غیر از نرجس نام های دیگری دارد؟

پرسش

آیا مادر امام زمان(ع) غیر از نرجس نام های دیگری دارد؟

پاسخ

برخی از مورخان وسیره نگاران اسم های دیگر مادر امام زمان(ع) را ریجانه، سوسن و صقیل ذکر کرده اند.۵ یکی از نویسندگان می نویسد": حضرت حجه بن الحسن(ع) پدرش امام حسن عسکری و مادرش زن رومی به نام های سوسن، نرجس، ریحانه و صیقله بود که به احتمال زیاد میان افراد خانوادهٔ امام به نرجس شهرت داشت و امام نیز بیشتر با همین نام صدایش می کرد. گفته یم شود که امام هادی یکی از خاصان خود را به بغداد، جایی که غنایم جنگی در معرض فروش قرار می گرفت فرستاد و او را خریداری کرد و به عقد پسرش حسن(ع) در آورد.۶ ۵ روضه الواعظین، ۲۹۳؛ ارشاد مفید، ص ۴۳۲. ۶ هاشم معروف الحسینی، زندگی دوازده امام، ج۲، ص ۵۳۸ (ترجمهٔ محمد رخشنده).

مهدی آل محمد کیست و چرا در انتظار آمدن وی به سر می برید ؟

پرسش

مهدی آل محمد کیست و چرا در انتظار آمدن وی به سر می برید ؟

پاسخ

از مسائلی که شرایع آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند , مساله مصلح جهانی است که در آخر الزمان ظهور می کند . نه تنها جامعه اسلامی بلکه جامعه های یهود و نصاری نیز منتظر آمدن این عدل گستر جهان هستند . با مراجعه به کتابهای عهد عتیق وعهد جدید , این حقیقت روشن می گردد . (۱)در این مورد , پیامبر گرامی نیز گفتاری دارد که محدثان اسلامی آن را نقل کرده اند . آنجا که می فرماید : لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث اللّه رجلا من اهل بیتی یملاها عدلا کما ملئت جورا . (۲)- اگر از روزگار , بجز یک روز باقی نماند , همانا خداوند مردی از خاندان من برمی انگیزد تا جهان را پر از عدل و داد کند , چنانکه پر از ستم گردیده است . بنابراین , چنانکه در پیش اشاره شد اعتقاد به چنین مصلحی مورد اتفاق صاحبان شرایع آسمانی است و نیز روایات فراوانی پیرامون مهدی موعود , در کتابهای صحاح ومسانید اهل سنت , وارد شده است و محدثان و محققان اسلامی از فریقین (شیعه وسنی) درباره آن حضرت , کتابهای فراوانی به رشته تحریر درآورده اند . (۳)مجموعه این روایات , خصوصیات و نشانه های او را بگونه ای معین نموده که درست برفرزند بلافصل امام حسن عسکری (۴) یازدهمین پیشوای شیعه , تطبیق می نماید . براساس این روایات , آن حضرت همنام پیامبر گرامی (۵) و دوازدهمین پیشوا (۶) و ازنوادگان حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (۷) می باشد . مهدی موعود به امر الهی در سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمد و هم اکنون بسان سایرافراد به زندگانی خود ادامه می دهد البته به صورت ناشناس . لازم به گفتن است که چنین عمر طولانی , نه با علم و دانش ناسازگار است و نه بامنطق وحی . جهان دانش امروز درصدد افزایش عمر طبیعی انسانها است و بر این باوراست که بشر استعداد و شایستگی عمر طولانی را دارد و اگر بخشی از آفات و آسیبهاپیشگیری شود , امکان افزایش آن زیاد است . تاریخ نیز اسامی کسانی را که دارای عمر طولانی بوده اند ضبط نموده است . قرآن مجید درباره نوح پیامبر می فرماید : فلبث فیهم الف سنه الا خمسین عاما . (۸)- نوح در میان قوم خود , هزار سال زندگی کرد , مگر پنجاه سال . و درباره حضرت یونس می فرماید : فلولا انه کان من المسبحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون . (۹)- اگر او از تسبیح کنندگان نبود , تا روز رستاخیز در شکم (ماهی) باقی می ماند . همچنین حضرت خضر پیامبر و حضرت عیسی علیهماالسلام , از دیدگاه قرآن و به اتفاق آرای مسلمانان جهان , هنوز زنده هستند و به حیات خویش ادامه می دهند .

حضرت قائم چندمین فرزند امام حسین(ع) است؟

پرسش

حضرت قائم چندمین فرزند امام حسین(ع) است؟

پاسخ

از سلمان روایت شده است: وارد شدم بر پیامبر در حالی که حسین بر زانوی مرحمت او بود، پیامبر به او روی میکرد و میفرمود: [تو آقا، پسر آقا و پدر آقایانی، تو امام، پسر امام، پدر امامانی، تو حجت، پسر حجت، پدر حجتهای نهگانهای که از صلب تو هستند، نهمین ایشان قائم آنها است.]

آیا امام زمان(عج) از غذای این جهان تغذیه می کند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) از غذای این جهان تغذیه می کند؟

پاسخ

امام زمان(عج) و نوع زندگی و معیشت ایشان تمام از اسرار آنهاست که جز اولیاء خداوند کسی از آن اطلاع ندارد. ولی همانطور که در قرآن کریم می خوانیم خداوند متعال حضرت مریم(علیهم السلام) را بدون اینکه کسی برای او غذا بیاورد تغذیه می کرد آنهم از طعام بهشتی در سوره آل عمران آیه ۳۷ می فرماید: کلما دخل علیاً ذکریا المحراب وجد عندها رزقاً قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عندالله ان الله یرزق من یشاء بغیرحساب. یعنی: هرگاه زکریا(علیه السلام) به محراب عبادت مریم(علیها السلام) می آمد غذای مخصوصی در آنجا می دید، از او پرسید: ای مریم این را از کجا می آورده ای؟! گفت: این از سوی خداست، خداوند به هرکس بخواهد بی حساب روزی می دهد. پس با قبول قدرت لایزال الهی و با پذیرش وقوع این امور نسبت به اولیاء الهی، امام زمان(عج) تحت عنایت حضرت حق به حیات مبارک خود ادامه می دهند و از نعم الهی بهره مندند.

آیا ادعای اینکه امام زمان صورت وجودی خداست درست است ؟

پرسش

آیا ادعای اینکه امام زمان صورت وجودی خداست درست است ؟

پاسخ

مقدمه اول: خداوند را ذاتی است و اسماء و صفاتی و ما بخاطر محدودیت وجودی از شناخت ذات حضرت حق محرومیم ولی از طریق اسماء و صفات در حدّ قابلیت خویش و بهره وجودی‌مان خدا را می‌شناسیم. در قالب یک مثال برای ما امکان شناخت ذات و حقیقت افرادمیسّر نیست بلکه ما آنها را از طریق افعال و حالات و اوصافشان می‌شناسیم چرا که ذات آدمی امری مجرّد و برهنه از مادیّت است و از طریق امور محسوس خارجی نمی‌توان امر مجرد (نَفْس) را شناخت بلکه باید با علم حضوری به روح و نفس معرفت حاصل نمود. آنچنانکه هرکس به خویشتن علم حضوری دارد. مقدمه دوم: همه موجودات عالم امکان آیات و نشانه‌های حضرت حق‌اند. که هیچ هوّیتی از خود ندارند جز اینکه دلالت کننده بر آن وجود مطلق (خداوند) می‌باشند. و هر کس به قدر وسعت وجودی‌اش نشانگر اسماء و صفات خدای سبحان است و در آئینه وجود هر موجودیمی‌توان جلال و جمال حضرت معبود را مشاهده نمود. (هر که را حُسنی بود آئینه‌دار روی اوست) اما بعضی موجودات آیت و نشانه بودنشان بسیار محدود و ضعیف و بعضی دیگر بسیار وسیع و شدید و حضرات معصومین(ع) چون واسطه فیض‌اند و رابطه بین عالم غیب و شهود. و به مضمون زیارت جامعه کبیره: (سلام بر شما ای خاندان نبوت حجت‌های خدا بر اهل دنیا وآخرت... خداوند شما را به جانشینی خود در زمین پسندید... بواسطه شما خداوند هستی را آغاز نمود... شما نشانه‌های خدائید بر بندگانش و نشانه‌های خدا با شماست...) و لذا آئینه تمام نمای اسماء و صفات حضرت حق‌اند. همانگونه که ما در آئینه صورت اشیاء را می‌بینیم. و صورت در این مثال نمایش و جلوه اشیاء است. در آئینه وجود انسان کامل می‌توان حضرت حق را مشاهده نمود. و منظور از مشاهده حضرت حق رؤیت حسی و بصرینیست چرا که پروردگار نه محسوس است و نه مرکب. بلکه غرض اینست که انسان کامل (معصوم)جلوه و مظهر جلال و جمال پروردگار است آنهم به کاملترین وجه از این رو در هیچ آئینه و مرآتی بهتر از مرآت انسان کامل نمی‌توان حق را مشاهده

کرد. از اینرو امام علی(ع) فرمود: برای خداوند هیچ آیت و نشانه‌ای بزرگتر از من نیست. (ر.ک: نورالثقلین ۵/۴۹۱/۵) چون حضرات معصومین(ع) نور واحداند کُلُّهم نورٌ واحد) این حکم حضرت امیر(ع) نسبت به بقیه معصومین نیز جاری است ولذا وجود تابناک و مقدس حضرت صاحب‌الزمان(عج) عظیم‌ترین آیت و نشانه پروردگار است. و اسماء و صفات خداوند را به بهترین صورت می‌توان در مرآت وجودی حضرت ولی عصر(عج) مشاهده نمود. به عبارت دیگر عالی‌ترین و تابناک‌ترین جلوه و ظهور حضرت حق در آئینه‌انسان کامل (معصوم) محقق می‌گردد. نکته حائز اهمیت در این زمینه اینست که به هیچ وجه نباید از لفظ صورت معنای هیئت، شکل، قیافه و یا فعلیت را منظور داشت چرا که این معانی با اطلاق و وجوب وجودی پروردگار سازگار نمی‌باشد.{J

در خصوص امام زمان و ظهور امام عصر توضیحاتی لازم را برایم ارسال فرمایید.

پرسش

در خصوص امام زمان و ظهور امام عصر توضیحاتی لازم را برایم ارسال فرمایید.

پاسخ(قسمت اول)

حضرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد، (اصول کافی، چاپ آخوندی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید، (همان، ص ۵۰۳). مادر حضرت ولی عصر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صیقل» گفته می‌شود، (جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۴، فائده ثالثه به نقل از خلاصه علاّمه). حضرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می‌زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه‌داشته می‌شد و جز خواصّ‌ی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقات نداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می‌گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می‌توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه‌ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)). یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: من و ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسن عسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عمرو! می‌خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی ندارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجت برداشته می‌شود و راه توبه بسته می‌شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می‌خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضرت ابراهیم از خداوند خواست که به او کیفیت زنده کردن مرده‌ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می‌خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته‌ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را

بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شما گفتند، درست گفته‌اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می‌گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده‌ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده‌ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می‌پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می‌پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده‌اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می‌کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱). این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین‌های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند. حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نواب خاصه کسی با او ملاقات نمی‌کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد. حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند، (کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹). آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است. در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد کرد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیةالله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ کتاب یاد شده از مآخذ گوناگون روایات راآورده است. هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده‌اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است: پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی‌رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند{M»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶). پیامبر اکرم فرمود: المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراه می‌کند{M»، (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸). ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است{M»، (همان، ص ۱۳۶۸). پیامبر خدا فرمود: یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می‌کند{M»، (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸). در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: یکون فی امتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است{M»، (همان). ام سلمه می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است{M»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷). رسول خدا فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).{J وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می‌کند، وسایل پذیرایی را آماده می‌کند و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و

بر گزافه‌گویی او خواهند خندید. لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می‌شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید». با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را درراه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به نکات ذکر شده می‌توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش او را می‌شناسند و مقام او رامی‌دانند منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان را نمی‌شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری وصل خورشید به شب بره اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳). ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام

زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظران حضرتش می‌باشد. دعا برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل‌های مختلف؛ اگر انسان منتظر، محبوب خویش را نیابد، سعی می‌کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی‌شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می‌کند. ۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب‌هایی برای آن حضرت ۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه‌افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران. ۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران ۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

پاسخ(قسمت دوم)

از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می‌باشد. ترسیم تفصیلی عصر ظهور امکان‌پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می‌کنیم: روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می‌گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی‌ها و ترکان و یا هواداران آنها به وجود می‌آید تا جایی که منجر به جنگ جهانی می‌گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می‌شوند که سرانجام در آن پیروز می‌گردند. اندک زمانی پیش از ظهور آن بزرگوار شعیب بن صالح در یمن قیام می کند و سید خراسانی در ایران و هر دو زمینه سازی برای ظهور امام زمان می کنند و در برخی روایات خروج شعیب بن صالح از سمرقند بیان شده است (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳). اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می‌آید همکاری می‌نماید. از جمله نشانه‌های ظهور حادثه‌ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد. در این هنگام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می‌شود پس از این ندای آسمانی حضرت

مهـدی(عـج) به طور سـری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می‌نمایـد. درباره آن بزرگوار در سراسـر گیتی سـخن بسـیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشـته و محبتش در دل‌ها جای می گیرد. دشـمنان از حضور آن حضـرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین‌رو سـپاهی وارد مدینه گشـته و به هر مرد هاشمی که دست یابند او را دستگیر و یا می کشند و یا به زندان می‌اندازند آن حضـرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشـاء از حرم شـریف مکی آغـاز می کنـد و پس از درگیری بر مکـه تسـلط می‌یابـد. در صـبح روز دهـم محرم حضـرت مهـدی(عـج) پیام خود را به زبان‌های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کنـد و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می‌دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه‌ای که جد گرامی‌اش حضـرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشـکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکسـتن حرکت آن حضـرت راهی مکه می‌شوند. آن حضـرت پس از این معجزه با سـپاه خود که متشـکل از ده و انـدی هزار تن است از مکه رهسـپار مـدینه می‌شود و پس از نبردی با نیروهای دشـمن مسـتقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مـدینه فتح حجاز و تسـلط بر منطقه خاتمه می‌یابد. وی پس از پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می‌شود و در آنجـا بـا سـپاه ایران و توده‌هـای مردم آن سامان به رهبری خراسانی برمی‌خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکـدیگر با قوای دشـمن در بصـره به پیکار می‌پردازنـد که سـرانجام به پیروزی بزرگ و آشـکاری دست می‌یابنـد. سـپس امام(عـج) وارد عراق گردیـده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کنـد و با درگیری با بقایای نیروهای سـفیانی و گروه‌های متعـدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می‌رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می‌دهد و بدین‌سان یمن، حجـاز،ایران، عراق و کشورهـای خلیـج‌فارس یکپـارچه تحت فرمـانروایی آن حضـرت درمی‌آیـد. بعـد از آن جنگ‌هایی با ترکان و یهودیـان صورت می‌پـذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضـرت(عـج) است. غربیـان مسـیحی از این وقـایع سـخت نگران شـده و با حضـرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاه حضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. فرود آمدن حضـرت عیسـی(ع) برای جهان علامت و نشانه‌ای است که موجب شادی مسـلمانان و ملت‌های مسیحی خواهد گردید. به نظر می‌رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی‌ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می‌شود. اما غربی‌ها بعد از دو سال پیمان صلح را می‌شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سـرباز به سـرزمین شام و فلسـطین یورش می‌آورند. نیروهای اسـلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضـرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضـرت مهـدی(عج) اعلام داشـته و پشت سـر وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنـگ مسـلمانان پیروز می‌شونـد. سـپس غرب توسـط امام فتـح می گردد. پس ازفتـح و اسـلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضـرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه‌ای که دست‌بـافت مـادرش مریم صـدیقه(ع) است کفن نمـوده و در جـوار مزار شـریف مـادرش در قـدس به خـاک می‌سـپارد. پس از این فتوحـات حضـرت مهـدی(عـج) برای تحقق بخشـیدن به اهـداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقـدام می کنـد و برای تعالی بخشـیدن و شـکوفایی زنـدگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگـاهی دینی و دنیـایی مردم می کوشـد. بـه نظر میرسـد کـه جنبش دجـال ملعـون و فتنـه و آشـوب او یـک حرکـت انحرافی بهره گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام(عج) جامعه بشری به آن دست می‌یابد. دجال از روش‌های پیشرفته چشم‌بندی، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشترپیروان او را تشکیل می‌دهند استفاده می کند. ازاین‌رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می‌آورد که فریبکاری‌های او را باور می کننـد اما حضـرت مهدی(عج) نیرنگ‌های وی را آشـکار ساخته و به زنـدگی او و هوادارانش خاتمه می‌بخشـد. این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضـرت مهـدی(عج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عصـر ظهور، علی کورانی، ترجمه عبـاس جلالـی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسـلامی). اما علائم و نشانه‌های ظهور که هر

یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت(عج) است فراوان است که به ذکر مهم‌ترین آنها اکتفا می کنیم: ۱- خروج سفیانی: سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می‌جنگد. امام صادق(ع) فرمود: «ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲). ۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است. علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می‌رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می‌برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷). ۳- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند. امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب‌الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند. ۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک. امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه‌روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴). ۵- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می‌شود. امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده‌ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می‌شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد و اندی نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی‌های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده‌زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است. نشانه‌های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه در این زمینه به کتابهای زیر مراجعه کنید: ۱- ظهور نور، علی سعادت‌پرور، نشر تشیع ۲- علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی ۳- نشانه‌های ظهور، سادات مدنی، نشر منیر ۴- از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق ۵- از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی ۶- کتابنامه امام زمان محمدپور ۷- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی ۸- ترجمه منتخب الاثر آیت اللّه صافی ۹- مهدی موعود ترجمه علی دوانی ۱۰- وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّه صافی ۱۱- امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی ۱۲- علائم ظهور محمد علی علمی

آیاروایت بشر بن سلیمان در باره نحوه وصال حضرت نرگس خاتون با مولایمان امام عسکری روایت صحیحی است و قابل استناد؟

پرسش

آیاروایت بشر بن سلیمان در باره نحوه وصال حضرت نرگس خاتون با مولایمان امام عسکری روایت صحیحی است و قابل استناد؟

پاسخ

برخی راویان این حدیث از جمله بشر بن سلیمان از نظر علم رجال مجهول هستند و نه توثیق شده اند و نه تضعیف. گرچه بشر بن سلیمان در همین روایت از سوی حضرت عسگری (علیه السلام) توثیق شده است ولی توثیقی که ناقل آن خود شخص باشد نمی تواند قابل اعتماد باشد. ولی به نظر می رسد روایت از نظر متن صحیح است و مشکلی ندارد و مضامین آن صحیح است و با روایات دیگر هم مخالف نمی باشد و مورد قبول علمای امامیه بوده است. بنابراین روایت قابل اعتماد و استناد می باشد.

مهدی موعودعلیه‌السلام از ذریّه چه کسی است؟

پرسش

مهدی موعودعلیه‌السلام از ذریّه چه کسی است؟

پاسخ

همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که مهدی موعود (ع) از ذریه پیامبر اکرم (ص) است. سعید بن مسیّب می‌گوید: نزد امسلمه بودم که سخن از مهدی (ع) به میان آمد امسلمه فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود": المهدی من ولد فاطمهٔ"؛ "مهدی از{پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶. پاورقی} اولاد فاطمه است ".ابوسعید خدری می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمود": لاتقوم الساعهٔ حتی تمتلئ الأرض ظلماً وعدواناً. قال: ثمّ یخرج رجل من عترتی (أو من أهل بیتی) یملأها قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وعدواناً"؛ "قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه زمین پر از ظلم وجور شده باشد. فرمود:{پاورقی . مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶. پاورقی} سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] قیام می‌کند وزمین را پر از عدل وداد خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم وجور شده است ".امام باقر (ع) فرمود": المهدیّ رجل من ولد فاطمه"؛ "مهدی مردی از اولاد فاطمه است {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴۳، ح ۳۲. پاورقی}

وضعیت سیاسی در عصر امام عسکری‌علیه‌السلام وولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه بوده است؟

پرسش

وضعیت سیاسی در عصر امام عسکری‌علیه‌السلام وولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه بوده است؟

پاسخ

امام عسکری (ع) در ماه ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری متولد شد. او معاصر با حکومت سه نفر از حاکمان بنی عباس؛ یعنی معتز، مهتدی ومعتمد بوده است. معتمد عباسی تعصّب وکینه خاصی نسبت به اهل بیت: داشت. از جمله کارهای او این بود که بعد از شهادت امام عسکری (ع) دستور داد خانه حضرت را تفتیش کرده، تا از وجود فرزند حضرت آگاه شود، واین به جهت سعایتی بود که جعفر به دستگاه حاکم کرده بود. داوود بن اسود می‌گوید: امام عسکری (ع) عصایی به من داد وفرمود: این را به عَمْری برسان. در بین راه عصا شکست، ناگهان مشاهده کردم که در میان آن نامه‌ای است. خدمت امام که رسیدم جریان را بازگو کردم. حضرت فرمود... ": وإذا سمعت لنا شاتماً فامض لسبیلک الّتی أمرت بها وآیاک أن تجاوب من یشتمنا أوتعرفه من أنت، فأنا ببلد سوء ومصر سوء وامض فی طریقک فإنّ أخبارک وأحوالک ترد إلینا فاعلم ذلک"؛ "هر گاه مشاهده{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۳، ح ۶. پاورقی} کردی که کسی ما را دشنام می‌دهد تو به دنبال مأموریتی که فرستاده شدی برو، ومبادا درصدد پاسخ او برآیی یا خودت را به او معرفی کنی، زیرا ما در بد شهری قرار داریم، تو به راه خودت ادامه بده، زیرا اخبار واحوال تو به ما می‌رسد، این را به خوبی بدان ".وحتی مشاهده می‌کنیم که امام به اصحاب خود دستور می‌دهد تا هیچ کس به او سلام نکند وبا دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در غیر این صورت جانش در امان نخواهد بود. {پاورقی . همان، ص ۲۶۹. پاورقی} حضرت (ع) برای ملاقات با

شیعیان خود مکانی را معین می کرد ومی‌فرمود": صیروا إلی موضع کذا وکذا وإلی دار فلان بن فلان. العشاء والعتمة فی لیلة کذا، فإنّکم تجدونی هناک"؛ "...در فلان مکان وفلان خانه، شب هنگام مراجعه کنید که مرا در آنجا خواهید{پاورقی . همان، ص ۳۰۴. پاورقی} یافت ".محمّد بن عبدالعزیز بلخی می گوید: صبح هنگامی در خیابان گوسفندفروشان نشسته بودم که ناگهان مشاهده کردم امام عسکری (ع) از منزل خود خارج شده وبه سوی خانه عمومی می‌رود. در دلم گفتم: اگر فریاد زنم که این مرد، حجت خداست، بر شما باد که او را بشناسید مرا خواهند کشت؟ هنگامی که حضرت به من نزدیک شد با انگشت سبّابه خود بر دهان خود اشاره فرمود که ساکت باش!. همان شب حضرت را ملاقات کردم، فرمود": إنّه هو الکتمان أوالقتل فاتّقِ اللّه علی نفسک"؛ "یا باید کتمان کنی{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۹. پاورقی} ویا اینکه به قتل خواهی رسید. بر خودت از خدا بترس ".به همین جهت است که مرحوم مقدس اردبیلی می‌فرماید": هرگاه حدیثی از" رجل "نقل شد، مقصود امام حسن عسکری (ع) است." {پاورقی . جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۶۲. پاورقی} این قضایا وضعیت بس دشوار سیاسی عصر امام عسکری (ع) وزمان ولادت امام زمان (ع) را می‌رساند. وبه همین جهت است که ولادت آن حضرت در اختفای تام صورت پذیرفت. در این بین امام عسکری (ع) دو وظیفه را دنبال می کرده است: یکی اینکه حضرت درصدد اثبات ولادت ووجود فرزندش بوده است ودیگر اینکه طوری باید فرزندش را معرفی کند که جانش در خطر نیفتد.

اولین مالک نرجس خاتون چه شخصی بوده است؟

پرسش

اولین مالک نرجس خاتون چه شخصی بوده است؟

پاسخ

در این موضوع سه نظریه وفرضیه وجود دارد: فرضیه اول: اینکه حضرت نرجس خاتون در ملک امام هادی (ع) داخل شد وسپس آن حضرت او را به تزویج فرزندش امام عسکری (ع) درآورد که در روایتی به آن اشاره شده است. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱. پاورقی} فرضیه دوم: آن است که مالک او از خانواده امام، حکیمه دختر امام هادی (ع) بوده است، که از ظاهر برخی روایات دیگر استفاده می‌شود. زیرا حضرت هادی (ع) به خواهرش فرمود": نرجس را به سوی فرزندم بفرست.{"...پاورقی . کمال الدین، ص ۴۲۶Ù۴۲۷. پاورقی} فرضیه سوم: آن است که بین این دو قول جمع شود به اینکه در ابتدا امام هادی (ع) کسی را فرستاده تا برای او بخرد، وبعد از خرید به خواهرش بخشیده است. واین احتمال به جهت جمع بین روایات ترجیح دارد.

آیا امام عسکری‌علیه‌السلام قبل از شهادت خود به مادرش وصیّت کرده است؟

پرسش

آیا امام عسکری‌علیه‌السلام قبل از شهادت خود به مادرش وصیّت کرده است؟

پاسخ

۱پاسخ اول – اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول‌خدا (ص) واهل بیت او درباره خروج مهدی (ع) وارد شده، تصریح

شده که او قطعاً فرزند امام عسکری (ع) امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم وتجاوز را زیاد می‌دیدند واز طرفی همه اهل بیت را هدایت شده وهادی می‌دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می‌آمدند وادعای مهدویت در حق او می‌کردند وجماعتی را نیز به دنبال خود می‌کشیدند. این افراد غالباً از انسان‌های ساده اندیش وجاهل بودند، ودر برخی از موارد مسأله سیاسی نیز در این ادّعا دخالت داشته است. ۲ - کسانی که چنین ادعایی داشته‌اند هرگز دوام نیاورده وبعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شیعیان پیوسته ویا منقرض شده‌اند. ۳ - میزان در عقیده یک مذهب، نظر غالب افراد وعلمای آن مذهب است. ومی‌دانیم که عقیده به مهدویت حضرت مهدی (ع) فرزند امام عسکری (ع) عقیده قریب به اتفاق شیعیان به حساب می‌آید. ۴ - در برخی از موارد که گروهی قائل به مهدویت غیر از حضرت مهدی (ع) شدند به جهت شبهه‌ای بوده که برای آنها پدید آمده است؛ زیرا موقعیّت آن عصر چنین حیرت وتردیدی را اقتضا داشته است، گرچه این حیرت نیز بعد از مدت کوتاهی برطرف گشت. پاسخ دوم شیخ مفید؛ می‌گوید: برخی موضوع وصیّت امام عسکری (ع) به مادرش در امر وقوف وصدقات را دلیل بر انکار ولادت حضرت مهدی (ع) گرفته‌اند در حالی که هرگز چنین دلالتی ندارد؛ زیرا این کار به جهت اخفای ولادت ومستور نمودن امر حضرت از دستگاه حاکم بوده است. اگر در وصیّت نامه حضرت، نام مهدی ذکر می‌شد وصدقات وموقوفات به او نسبت داده می‌شد به طور حتم با غرض حضرت از محافظت فرزندش منافات داشت. خصوصاً آنکه وصیّت، احتیاج به شهادت شهودی از خواص دولت بنی‌عباس بود تا بر اصل وصیّت گواهی داده وبر آن امضا کنند. مگر در عصر امام صادق (ع) نبود که آن حضرت به جهت حفظ فرزندش موسی بن جعفر (ع) از تعرّض دستگاه حکومت، تصریح به امامت ووصایت او در ملأ عام ودر وصیت نامه‌اش نکرد، بلکه به پنج نفر وصیّت نمود که اوّل آنها منصور عباسی وبعد ربیع وقاضی وقت وکنیزش حمیده بربریه، ودر آخر نام فرزندش موسی بن جعفر رإفعع ذکر کرد، تا از این طریق بتواند جان فرزندش را حفظ کند، گرچه امر امامت او را برای خواص از اصحاب واولیای خود روشن ساخته بود تا با مرور زمان بر دیگران واضح سازند. {"...پاورقی . المسائل العشرة، ص ۷۲-۶۹. پاورقی}

حکم کسی که ایمان به ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام ندارد چیست؟

پرسش

حکم کسی که ایمان به ولادت امام مهدی‌علیه‌السلام ندارد چیست؟

پاسخ

از آنجا که ولادت ووجود حضرت مهدی (ع) مبنای شیعه در طول تاریخ بوده وبه تعبیری ضرورت مذهب به حساب می‌آمده است ولذا اجماع شیعه از عوام وخواص بر آن بوده است، بدین جهت کسی که منکر ولادت ووجود امام مهدی (ع) است، از تشیع وجامعه شیعی خارجی می‌شود، گرچه برای خود ادله‌ای وهمی ذکر کند، زیرا امر ضروری، خود بهترین دلیل بر اثبات آن است. بلکه بالاتر از این، مطابق رأی متقدمین ومتأخرین از علمای امامیه که امامت را از اصول دین می‌دانند، کسی که منکر امامت ووجود امام معصوم در برهه‌ای از زمان باشد از دین خارج است، گرچه در ظاهر حکم به اسلام او می‌شود، همان گونه که چنین حکمی درباره اهل سنّت صادق است.

چرا جعفر به" دروغگو "معروف شده است؟

پرسش

چرا جعفر به" دروغگو "معروف شده است؟

پاسخ

در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شد حضرت اشاره به جعفر کرده، می‌فرمایند..."وقد ادّعی هذا المبطل المفتری علی اللّه الکذب بما ادعاه، فلا أدری بأیّة حالة هیی له رجاء أنیتم دعواه، أبفقه فی دین اللّه؟ فواللّه ما یعرف حلالا من حرام ولا یفرق بین خطاء وصواب؛{"...پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۹۰-۲۸۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۵، ح ۲۱. پاورقی..."} به طور حتم این شخص مبطل وتهمت زننده به خدا است ودر آنچه می گوید ادعای دروغ وکذب نموده است، نمی‌دانم که به کدامین حالت امید دارد که ادعای خود را تمام نماید؟آیا به فهم در دین خدا؟ به خدا سوگند که او حلال را از حرام نمی‌شناسد واشتباه وصحیح را تشخیص نمی‌دهد. "...از این توقیع استفاده می‌شود اول کسی که به جعفر لقب دروغگو داد خود حضرت بوده است وبعد از آن این عنوان بر او شهرت یافت. برخی نیز وجه توصیف او را به دروغگو به جهت تمییز بین او وامام جعفر صادق (ع) می‌دانند.

کارهای ناشایست جعفر چه بوده است؟

پرسش

کارهای ناشایست جعفر چه بوده است؟

پاسخ

جعفر فرزند امام هادی (ع) پس از رحلت برادرش امام عسکری (ع) به یک سری اقداماتی روی آورد که در شأن او نبوده است. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ - قصد نماز خواندن بر پیکر مطهّر برادرش امام عسکری (ع). {پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵. پاورقی} ۲ - ادعای امامت ورهبری، زیرا او به وزیر عباسی عبیداللّه بن یحیی بن خاقان گفت": مقام برادرم را به من بدهید، من سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می‌پردازم. {"پاورقی . همان، ج ۲، ص ۳۷۹. پاورقی} ۳ - ادعای ارث، زیرا در اقدامی دیگر کوشید تا اموال امام (ع) را تصاحب نماید وادعا کرد که برادرش ابو محمّد (ص) فرزندی ندارد، وتنها وارث، برادر اوست. حکومت نیز اجازه داد تا بر اموال برادر تسلط یابد. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۰۵. پاورقی} ۴ - تحریک حکومت برای دستگیری امام مهدی (ع).

چرا امام زمان‌علیه‌السلام عمویش جعفر را به برادران یوسف‌علیه‌السلام تشبیه کرد؟

پرسش

چرا امام زمان‌علیه‌السلام عمویش جعفر را به برادران یوسف‌علیه‌السلام تشبیه کرد؟

پاسخ

امام زمان (ع) در ذیل توقیعی که به محمّد بن عثمان عَمْری؛ صادر شد فرمود..."؛ وأمّا سبیل عمّی جعفر وولده فسبیل اِخوة یوسف۷"؛ "...امّا راه عمویم جعفر واولادش{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. پاورقی} همانند راه برادران یوسف است. "...برای نکته تشبیه به وجوهی می‌توان اشاره نمود: ۱ - حکم جعفر عموی امام زمان (ع) را همانند اولاد انبیا، باید به آباء واجدادشان واگذار نمود ودرباره آنها سخنی نگفت. ۲ - همان گونه که برادران یوسف از عمل ناشایست خود توبه کردند، او نیز چنین نموده است. ولذا برخی او را به جعفر توّاب لقب داده‌اند. ۳ - فرزندان یعقوب گرچه گناه مرتکب شدند، ولی خداوند متعال به جهت کرامت یعقوب از آنان عفو نمود. همچنین در مورد جعفر، زیرا او فرزند امام، برادر امام، وعموی امام بود. ۴ - ممکن است که تشبیه، ناظر به اثبات خطا وگناه برای جعفر باشد، همان گونه که اولاد یعقوب مرتکب گناه شدند، بدین معنا که هرگز نمی‌توان ادعا کرد اولاد انبیا واوصیا همانند خود آنها از گناه معصومند، بلکه همان گونه که فرزندان یعقوب مرتکب گناه شدند، فرزند امام نیز ممکن است مرتکب گناه شود. در حقیقت، هدف امام از تمثیل رفع استبعاد از این جهت است.

آیا مهدی‌علیه‌السلام از اولاد ونسل عباس است؟

پرسش

آیا مهدی‌علیه‌السلام از اولاد ونسل عباس است؟

پاسخ

عباسیان برای تثبیت موقعیت سیاسی خود دست به جعل احادیث زده واز احادیث متواتر مهدویت به نفع خود استفاده کرده‌اند. اینک به نقد برخی از این احادیث می‌پردازیم: ۱ - احمد بن حنبل به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": هر گاه مشاهده نمودید که پرچم‌های سیاه از طرف خراسان می‌آید به آنها ملحق شوید؛ زیرا در میان آنها خلیفه خدا مهدی است." {پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷. پاورقی} این حدیث را ابن قیم جوزیه در کتاب خود" المنارالمنیف "تضعیف کرده است، زیرا در سند آن علی بن زید وجود دارد که منفرداتش یعنی روایاتی که تنها او نقل کرده، قابل احتجاج نیست. {پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۷، ذیل حدیث ۳۳۸. پاورقی} ۲ - ابن ماجه در سُننش همین مضمون را نیز نقل کرده است. ولی ابن قیّم نیز آن را{پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۲. پاورقی} به خاطر وجود یزید بن ابی‌زیاد در سلسله سند آن تضعیف نموده است. آن گاه می گوید": این حدیث وحدیث قبلی بر فرض صحّت نمی‌تواند دلیل بر این باشد که متولّی سلطنت وحکومت جهانی مهدی از اولاد عباس است که در آخرالزمان خروج خواهد نمود. {"...پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۷ـ۱۳۸. پاورقی} خصوصاً آنکه مهدی عباسی در آخرالزمان نبوده وبا او بین رکن ومقام بیعت نشده است، ودجال را نکشته ونیز حضرت عیسی (ع) برای مساعدت او از آسمان فرود نیامده است، خصوصیاتی که در روایات برای حضرت مهدی (ع) آمده است. به تعبیر دیگر هیچ یک از علایم وخصوصیات حضرت مهدی موعود (ع) بر او صادق نبوده است. ۳ - عثمان بن عفان از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": مهدی از فرزندان عباس عموی من است. {"پاورقی . کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۳. پاورقی} اولاً: ابن الجوزی پی به وضع این حدیث برده ولذا آن را در کتاب" الموضوعات "آورده است، کتابی که در آن احادیث جعلی جمع‌آوری شده است. ثانیاً: این حدیث توسط سه نفر از صحابه: کعب‌الاحبار، عثمان بن عفّان وعبداللّه بن عمر نقل شده است. سند حدیث کعب که ابن حماد آن را نقل کرده منقطع بوده وحکم این نوع حدیث، حکم حدیث مرسل است که نزد شیعه وسنی اعتباری ندارد مگر مراسیل برخی از افراد خاص. وحدیث عثمان بن عفان را که محب‌الدین طبری نقل کرده در سندش محمّد بن ولید واقع است که

علمای رجال او را تضعیف نموده‌اند. وسند روایت عبداللّه بن عمر نیز ضعیف است.

آیا مهدی، همان عیسی بن مریم است؟

پرسش

آیا مهدی، همان عیسی بن مریم است؟

پاسخ

از جمله ادلّه منکرین مهدویت واعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان حدیث ابن‌ماجه است که به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": ولا مهدیّ إلّا عیسی بن مریم؛ "ومهدی جز عیسی بن مریم نیست. {پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۰، ح ۴۰۳۹. پاورقی} پاسخ: ۱ - بسیاری از صحابه که احادیث مهدویت را از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند مهدیّ را از ذرّیه رسول خدا (ص) می‌دانند. ۲ - این حدیث مورد اعراض علمای حدیث ومتکلّمین بوده وهیچ کسی به آن استناد نکرده است. ۳ - خود ابن ماجه در سنن خود حدیث" المهدیّ حقّ وهو من ولد فاطمهٔ "را نیز نقل کرده است. {پاورقی . همان، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶. پاورقی} ۴ - ابن قیّم جوزیه این حدیث را در" المنارالمنیف "نقل کرده وبه طور مبسوط آن را تضعیف نموده است. حاکم نیشابوری نیز که این حدیث را نقل کرده از روی{پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۰، ح ۳۲۵. پاورقی} تعجب بوده نه آنکه به جهت مطابقتش با شروط شیخین آن را نقل کرده باشد. {پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۱. پاورقی} ذهبی می‌گوید...": حدیث (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) خبری است منکر که ابن ماجه آن را نقل کرده است. {"پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵، رقم ۲۰۲، ترجمه محمّد بن خالد جندی. پاورقی} قرطبی می‌گوید": حدیث -ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم- معارض با احادیث این باب است. آن گاه می‌گوید: احادیثی که نصّ بر خروج مهدی از عترت پیامبر واز اولاد فاطمه: است ثابت بوده واصحّ از این حدیث است، پس حکم، مطابق احادیث خروج مهدی از اولاد فاطمه است نه احادیث دیگر. {"پاورقی . التذکرهٔ، قرطبی، ج ۲، ص ۷۰۱. پاورقی} ۵ - این حدیث را طبرانی نیز با سند خود از ابی‌امامه نقل کرده ولی در متن آن جمله (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) نیامده است. {پاورقی . المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۷۷۵۷. پاورقی} ۶ - روایات خروج مهدی از اولاد فاطمه: متواتر است، وهمان گونه که در جای خود اشاره شد عده زیادی به تواتر آن تصریح کرده‌اند، ولی حدیث (ولامهدی الاّ عیسی بن مریم) بر فرض صحّت سند، خبر واحد است، وهنگام تعارض، خبر متواتر مقدم است. ونیز مشهور بین مسلمین در طول تاریخ اسلام، ظهور شخصی از اهل بیت رسول خدا (ص) واز اولاد ...ŘÅ٬X است، این شهرت می‌تواند مرجّح احادیث مهدویت اسلامی باشد. ابوالفیض غماری نیز درصدد پاسخ به حدیث فوق برآمده وبا هشت اشکال به آن پاسخ گفته است. {پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۵۳۸. پاورقی}

-امام زمان (عج) چه کاره حضرت رضا« علیه السلام » می شوند ؟

پرسش

- امام زمان (عج) چه کاره حضرت رضا« علیه السلام » می شوند ؟

پاسخ

۳- حضرت مهدی (عج) چهاردهمین معصوم ودوازدهمین اخترتابناک آسمان ولایت وامامت می باشند امام مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری « علیه السلام »وامام حسن عسکری فرزند امام هادی « علیه السلام » و امام هادی فرزند امام جواد « علیه السلام » وامام جواد فرزند امام هشتم امام رضا« علیه السلام » می باشد . امام رضا« علیه السلام » درمورد این امام می فرمایند : پدر ومادرم فدای حضرت مهدی(عج) که هم نام جدم رسول خدا « صلی الله علیه واله » وشبیه من وشبیه موسی بن عمران «علیه السلام » می باشد درهنگام ظهورش ندایی بلند می شود که انسانها را از راه دور همانطور می شنوند که اشخاص نزà.....می شنوند وآن ندا این است که حض...jبقیت الله روحی له الفداء بر.....مؤمنین رحمت وبرای کفار عذاب است.

آیا امام زمان(عج) مثل ما خداوند را عبادت می‌کنند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) مثل ما خداوند را عبادت می‌کنند؟

پاسخ

امام زمان هم خدا را عبادت و پرستش می‌کند بهمان گونه که شریعت اسلام دستور داده است و فقط غیبت امام زمان به این معنی است که از انظار مردم غائب است. و هنگام ظهور آن حضرت انشاء الله شیعیان مخلص تحت لوای ایشان گرد آمده است و با آن وجود مقدس نماز جماعت برگزار می‌کنند. « بخش پاسخ به سؤالات »

چرا درباره نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و سایر خصوصیاتشان تحقیق کاملی انجام نمی‌گیرد با آنکه اصول عقاید مان بر اینگونه مطالب استوار است؟

پرسش

چرا درباره نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و سایر خصوصیاتشان تحقیق کاملی انجام نمی‌گیرد با آنکه اصول عقاید مان بر اینگونه مطالب استوار است؟

پاسخ

قبل از ورود در هر مسئله‌ای باید درجه اهمیت آن کاملاً شخص گرد دو معلوم شود که تا چه اندازه‌ای سزاوار است که درباره آن وقت و نیرو صرف گردد. با توجه به این حقیقت به خوبی روشن می‌شود که موضوع نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و تحقیق درباره‌ی سایر خصوصیاتشان به آن درجه از اهمیت که شما تصور نموده‌اید (با که اصول عقایدمان بر روی این پایه استوار نمی‌باشد و خیلی جای شگفتی است که نوشته‌اید (بسا که اصول عقاید مان بر روی این پایه استوار است). ما نمی‌دانیم کدام اصل از اصول عقایدمان بر نام حقیقی نرجس خاتون استوار شده است. مهم این است که خود امام‌علیه السلام و عظمت و مقام رهبری او را دلیلهای روشن اثبات نمائیم و بدانیم که تمام امام‌علیهم السلام از پدر و مادرانی پاک و منزه و با توقی به دنیا آمده‌اند اما اینکه نام

اصلی شان چه بوده و از چه سر زمینی بودند و دارای چه خصوصیاتی بوده‌اند اینها همه مربوط به تاریخ است و ارتباط چندانی با اصول عقاید ندارد و بسیاری از این موضوعات اصلاً قابل تحقیق نیز نمی‌باشد زیرا که مدارک کافی برای اثبات آنها در دست نیست درباره‌ی مادر حضرت‌علیه السلام چند روایت مختلف وجود دارد و در این روایات به نامهای صیقل و ملیکه و مریم و ریحانه و امثال آنها یاد شده است و در یکی از این روایات به نام ملیکه دختر یشوعا پسر قیصر روم یاد شده است و طبق این روایات مادر حضرت نواده‌ی قیصر روم بوده‌اند و نام اصلی خویش را ملیکه یاد نموده ولی به برده فروشان نامش را نرجس گفته است. طبق این روایت حضرت هادی‌علیه السلام (جد حضرت) شخصی را در سالهای بین ۲۵۲ تا ۲۵۴ از سامرا به بغداد فرستادند تا کنیزکی را با علائم و خصوصیات مشخصی برای حضرت عسکری(عج) خریداری نماید آن شخص به بغداد رفت و آن کنیز را خرید و آن کنیز به او گفت که من ملیکه دختر یشوعا پسر قیصر روم و ضمن جریانات مفصلی که نقل می‌کند علت اسارت خویش را چنین ذکر می‌کند که حضرت عسکری(عج) را در خواب دیدم و ایشان به من فرمودند که بزودی جنگی بین مسلمانان و رومیان شروع می‌شود تو بطور ناشناس خود را در میان لشکریان قرار ده تا از طرف مسلمانان اسیر شده و به سرزمینهای اسلامی منتقل شوی اگر این داستان و رومیان همیشه جریان داشت مثلاً در تواریخ آمده است که در سال ۲۵۳ مسلمانان به سرزمین مشرکان حمله کردند ولی چون از نوع جنگهای پراکنده بود لذا تفصیلات آن در تاریخ نیامده است و نظر به اینکه سال آن هم بطور دقیق روشن نیست لذا نام امپراطور روم را به طور دقیق نمی‌توان مشخص نمود و همانطور که عرض کردیم مطلب اهمیت چندانی ندارد که اینهمه درباره آن وقت صرف شود و تحقیق کامل انجام گیرد و اصل چنین داستانی صحتش قطعی نیست و موضوعی که در آن تردیدی نیست این است که مادر حضرت یکی از کنیزهای حضرت عسکری بوده و چه بسا به علت اینکه تولد حضرت به طور پنهانی و خیلی سری انجام گرفت و آثار حمل هم بر مادرشان ظاهر نگشته بود لذا درست معلوم نگشت که مادر حضرت کدامیک از کنیزان حضرت عسکری بوده است و از همین روی در تاریخ به نامهای متعددی یاد شده است.

امامت حضرت

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش م

پرسش

می گویند : لولا-الامام یا لولا-الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش مردم غرضی دارد که آن هدایت شایستگان مردم و تکامل آنها است و اگر راهنمای خدائی میان مردم نباشد این غرض حاصل نمی شود پس خلقت باید منتفی باشد اما اگر مراد از حجت امام غیبی بود در پنهان بودن او چه هدایت و راهنمائی هست که با نبودن آن هدایت زمین و زمان برهم خورد .

پاسخ

این اشکال مشترک الورود و بعینه بخود نویسنده وارد است زیرا اگر معنی حدیث این باشد که حجت نگهبان و حافظ کسانی است که به آن ایمان آورده و از آن پیروی می نماید فرق نمی کند مراد از حجت امام غائب علیه السلام باشد یا قرآن و کتاب

آسمانی می گوید اکر حجت خدا که نگهبان اهل زمین است در حدیث امام غائب بود اهل خراسان و قزوین را از غائله زلزله منهدم کننده خراسان و قزوین که علاقه مندان وپیروان وی بودند حفظ می کرد بالمقابله بایشان گفته می شود : اگر حجت خدا که نگهبان اهل زمین است در حدیث قرآن کریم بود و قطعا حین زلزله صدها و هزارهاقرآن کریم در منازل و خانه های اهل خراسان و قزوین بود آنان را از بلای نابودکننده زلزله حفظ و حراست می کرد . از اینجا معلوم می شود که فرو بردن زمین اهل خودش را کنایه از انقراض بنی نوع بشر و برچیده شدن بساط انسانیت است و اتفاقا خود نویسنده هم ابتدا بهمین معنی تفسیر کرده ولی ذیلا از تفسیر اولی خود غفلت کرده است .

آیا نظام امامت با پایان یافتن غیبت صغری پایان یافته و پس از ظهور حضرت مهدی از نو برقرار میشود و یا اینکه نظام امامت استمرار دارد

پرسش

آیا نظام امامت با پایان یافتن غیبت صغری پایان یافته و پس از ظهور حضرت مهدی از نو برقرار میشود و یا اینکه نظام امامت استمرار دارد

پاسخ

رژیم امامت، رژیمی است الهی و انقطاع ناپذیر و دورهٔ فترت ندارد و در هر زمان و هر عصر وجود دارد؛ از عصر حضرت رسول اعظم(ص) تشکیل شده و تا به حال برقرار بوده و هست و تا دنیا باقی است، برقرار خواهد ماند؛ چنانکه امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ لِلّهِ بِحُجَّةٍ؛ إِمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، وَ اِمّا خائِفاً مَغْمُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷؛ و به تذکره الحفاظ ذهبی، ج ۱، ص ۱۲، نیز مراجعه شود) [زمین از قائمی که برای خدا حجت باشد خالی نخواهد ماند (و این حجت) یا ظاهر و مشهور است و یا بیمناک و مستور، برای اینکه حجتهای خدا و بینات او باطل نگردد و از بین نرود.]

چگونه توحید در امامت حضرت مهدی تجلی میابد؟

پرسش

چگونه توحید در امامت حضرت مهدی تجلی میابد؟

پاسخ

هنگام ظهور حضرت بقیة الله(عج)، اسماء حسنای الهی، مثل: «الولیّ» و «العادل» و «الحاکم» و «السلطان» و «المنتقم» و «المبیر» و «القاهر» و «الظاهر» بطور بیسابقهای متجلی خواهد شد و به عبارت دیگر، آن حضرت مظهر این اسماء و کارگذار و عامل خداوند متعال میباشد و مقام خلیفهٔ الهی او در این ابعاد، ظهور عملی و فعلی خواهد یافت. همهٔ این شوؤن الهی که امام (ع) تجسّم ظهور آن خواهد بود و خدا به حکمت بالغه خود توسط آن حضرت تحقّق میبخشد، اصالت توحیدی دارد و به اذن خدای یکتا و فرمان او انجام میشود. و از جمله اموری که تجلّی توحید را در ظهور حضرت مهدی(ع) روشن میسازد این است که اهداف توحیدی اسلام مثل وحدت حکومت و نظام ، وحدت قانون ، وحدت دین و وحدت جامعه به وسیلهٔ آن حضرت تحقّق میابد و همانگونه که در احادیث وارد شده است، خدا خاور و باختر جهان را به دست آن حضرت فتح مینماید.

www.noorfatemah.org

با توجّه به اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقع وفات پدر بزرگوارش ۵ ساله بود آیا صحیح است که رهبری جامعه به دست کودک ۵ ساله بیفتد؟

پرسش

با توجّه به اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقع وفات پدر بزرگوارش ۵ ساله بود آیا صحیح است که رهبری جامعه به دست کودک ۵ ساله بیفتد؟

پاسخ

آنچه در امامت لازم است داشتن آگاهی و تدبیر و قدرت اداره است و خداوند متعال امامان معصوم((علیهم السلام)) را از علم و آگاهی و قدرت گسترده ای برخوردار ساخته است و بودن آنان در سن کودکی منافاتی با این مقام ندارد چنانکه امام جواد((علیه السلام)) در سن هفت سالگی به امامت رسید. (بخش پاسخ به سؤالات)

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟

پرسش

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟

پاسخ

اولاً اعتقاد به امامت از دید اسلام پس از اعتقاد به علم گسترده و غیر محدود حکمت خداوند است و خداوند براساس حکمتی که دارد امام زمان(عج) را زنده نگاه داشته است هر موقع صلاح بداند وی را ظاهر می سازد و حکومت عدل جهانی را به دست وی در جهان مستقر می سازد ثانیاً اگر ظهور مصلح به گونه ای دیگر انجام شود چون ما احاطه در راه به کمت و مصلحت الهی نداریم باز ممکن است گفته شود چرا به این گونه است به صورت دیگری نیست. ثانیاً: امام(عج) تنها برای این زنده نیست که زمانی خداوند وی را ظاهر سازد و جهان را پر عدل و داد کند بل که در حال حاضر (حال غیبت) نیز امام نقش بزرگی را در جهان از نظر تکوینی از نظر تربیتها معنوی نسبت به افراد مستعد و لایق به عهده دارد چه اینکه او واسطه ی فیض در جهان است و اگر گفته شود چرا خداوند با این روش به افرادی که منتظر فرصت هستند میدان داده است یادآور می شویم که خداوند این جهان را اصولاً وسیله ی تکامل و آزمایش انسانها قرار داده است و تکامل انسانها از این طریق به وجود می آید بنابراین غیبت امام(عج) چنانکه در احادیث آمده وسیله ای برای امتحان و آزمایش الهی می باشد.

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام چگونه بوده است؟

پرسش

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام چگونه بوده است؟

پاسخ

پاسخ اول از آنجا که حاکمان ظلم وجور شنیده بودند که فرزند امام عسکری (ع) مهدی موعود، ذخیره الهی برای رفع ظلم وجور از عالم است، لذا درصدد برآمدند تا به هر نحو ممکن او را دستگیر کرده وبه قتل برسانند. سه بار طرح ترور وقتل حضرت مهدی (ع) ریخته شد ولی در هیچ مرتبه آنان به این عمل شوم موفّق نشدند. یک بار توسط معتمد عباسی، چند روز بعد از شهادت امام عسکری (ع)، ودو بار دیگر توسط معتضد عباسی که بعد از معتمد حکومت را به دست گرفته بود. وخلفای دیگر بعد از آنکه از دستگیری وترور حضرت مأیوس شدند، اقدامی بر ضدّ او انجام ندادند. شیخ طوسی؛ یکی از این موارد را در کتاب "الغیبة "از رشیق نقل کرده که می‌گوید": معتضد عباسی، من ودو نفر دیگر را به جهت دستگیری هر کسی که در خانه امام عسکری (ع) است فرستاد، ما با دیدن معجزه‌ای نتوانستیم حضرت را دستگیر کنیم ولذا از تصمیم خود منصرف شدیم. {"...پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۴۸، با تلخیص. پاورقی} پاسخ دوم ۱ - اگر چه دولت عباسی در آن عصر نسبت به اوّل تأسیس آن از قوت آن چنانی برخوردار نبود ولی فی نفسه دولت مقتدری به حساب می‌آمد. ۲ - از آنجا که کفر همگی یک ملت واحد است، لذا گرچه حکومت عباسی با معارضین داخلی از قبیل اتراک درگیر بودند ولی همگی بر این اتفاق داشتند که باید با اهل بیت: وعلویین مقابله ومبارزه نمود. ۳ - دولت بنی عباس گرچه مشغول مبارزه با معارضین داخلی بوده است ولی همان‌گونه که قبلاً اشاره شد هرگز از مبارزه با اهل بیت غافل نبودند.

آیا برخی از شیعیان بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام قائل به توقّف شدند؟

پرسش

آیا برخی از شیعیان بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام قائل به توقّف شدند؟

پاسخ

احمد کاتب می‌گوید": برخی از مورخین نقل کرده‌اند که بعضی از شیعیان قائل به توقف وانقطاع امامت شدند، آن گونه که بین رسل توقف بود. واز برخی روایات نیز استفاده می‌شود که ممکن است در صورتی که مردم مورد غضب الهی واقع شوند، امامت وامام مرتفع شده ومنقطع گردد. "...پاسخ: ۱ - همان گونه که از کتب تواریخ وملل ونحل استفاده می‌شود اکثر جامعه شیعی در آن زمان، معتقد به ولادت امام زمان (ع) بودند. ۲ - آن گونه که شیخ مفید؛ ودیگران اشاره کرده‌اند، گرچه بعد از وفات امام عسکری (ع) شیعیان در ابتدا به چهارده فرقه متفرق شدند ولی بعد از مدتی کوتاه با ارشادات علما واصحاب، همگی بر اعتقاد به ولادت ووجود امام خود اتفاق نمودند. {پاورقی . ر.ک: الفصول المختاره، ص ۳۲۵. پاورقی} ۳ - در مورد روایتی که ادعا کرده دلالت بر تحقق فترت وانقطاع امامت دارد، با دقت در آن، خلاف آنچه ادعا شده استفاده می‌شود، زیرا در آن روایت از امام باقر (ع) نقل است که فرمود": إذا غضب اللّه تبارک وتعالی علی خلقه نحّانا عن جوارهم"؛ "هر گاه{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱. پاورقی} خداوند تبارک وتعالی بر خلقش غضب کند ما را از جوارشان دور خواهد گرداند ".این حدیث به خوبی دلالت بر وجود

وغیبت امـام زمان (ع) دارد. ۴ - اگر مجرد اختلاـف، دلیـل بر بطلان است، بایـد اختلاف در هر امری از جمله اصل امامت وخلافت ونبوت را نیز دلیل بر بطلان آن دانست، در حالی که هیـچ کس چنین ادعایی نکرده است.آیا پیامبر اکرم (ص) خبر نـداده که امتش بعد از او به ۷۳ فرقه متفرق خواهند شد؟!

آیا بعد از وفات امام عسکری‌علیه‌السلام عصر حیرت بوده است؟

پرسش

آیا بعد از وفات امام عسکری‌علیه‌السلام عصر حیرت بوده است؟

پاسخ

احمـد کـاتب می‌گویـد": بعـد از وفات امام عسـکری (ع) حیرت وشک وتردیـد در جامعه شـیعه در امر امامت بعـد از آن حضـرت وولاـدت فرزنـد او پدیـد آمـد. "او درصـدد آن است که از این موضوع بهره‌برداری کرده واثبات کنـد که موضوع ولادت حضـرت اجماعی نبوده است. اولاً: مسأله حیرت وتردیـد در بین عوام مردم همان گونه که تشـریح شـد امری طبیعی به نظر می‌رسـید، زیرا جوّ خاص سیاسـی واحتمال قتل حضـرت اقتضا داشت که امر ولادت حضـرت مستور باشد، وتنها عده‌ای خاص از اصحاب امام عسکری (ع) از آن مطلع گردنـد، وتوسـط آنهـا این موضوع منتشـر شود. ثانیـاً: وجود حیرت وغموض در امر ولادت حضـرت، دلیل بر وجود اوست نه عـدم آن. یعنی ولادتی بوده ولی از آنجا که مخفی واقع شد، عده‌ای را در حیرت فروبرد. ثالثاً: همان گونه که مکرّراً اشاره شـد، گرچه در ابتـدای غیبت برخی از عـوام مردم در حیرت به سـر می‌بردنـد، ولی بعـد از مـدتی نه چنـدان دور به واسـطه کوشـش فراوانی که بزرگـان امـامیه در روشن سـاختن عموم مردم در امر ولاـدت وامامت حضـرت مهـدی (ع) داشـتند، تمام جامعه شـیعی از حیرت خارج شده وهمگی به امامت آن حضرت معتقد شدند.

آیا شیعیان بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام به جعفر تعزیت وتهنیت گفتند؟

پرسش

آیا شیعیان بعد از شهادت امام عسکری‌علیه‌السلام به جعفر تعزیت وتهنیت گفتند؟

پاسخ

جمهور شـیعه امامیه ومشـهور بلکه متواتر نزد آنان قبل از ولادت امام مهـدی (ع)، قول به عـدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعد از امام حسن و امام حسـین (علیهما السلام) است. اسماعیل بن علی نوبختی می‌گوید": از اخبار متواتر از امامان صادق علم پیدا نمودیم که امامت بعد از حسن وحسـین (علیهما السـلام) تنها در اولاد امام خواهد بود نه در برادر یا اقوام. {"پاورقی . کمال الدین، ص ۹۲. پاورقی} اشـعری قمی وعلی بن حسن نوبختی نیز همین اعتقاد را داشته‌اند. {پاورقی . المقالات والفرق، ص ۱۰۲. پاورقی} {پاورقی . فرق الشیعه، ص ۱۱۰. پاورقی} از برخی روایات نیز این مطالب به خوبی اسـتفاده می‌شود: کلینی به سند صحیح از امام صادق (ع) نقـل کرده که فرمود": لاـتعودُ الإمامـهٔ فی الأـخوین بعـد الحسن والحسـین أبـداً"؛ "بعـد از حسن وحسـین هرگز امـامت در دو برادر نخواهـد بود {".پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱. پاورقی} ونیز به سـند دیگر از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": لاتجتمع

الإمامة فی أخوین بعد الحسن والحسین إنّما هی فی الأعقاب وأعقاب الأعقاب"؛ ".امامت در دو برادر بعد از حسن {پاورقی . همان، ص ۲۸۶، ح ۴. پاورقی} وحسین جمع نخواهد شد. همانا امامت در نسل‌ها ونسل‌های نسل‌هاست ".ونیز از اسماعیل بن بزیع نقل شده که از امام رضا (ع) سؤال شد": أنّه سُئِل: أتکون الإمامة فی عمٍّ أوخالٍ؟ فقال: لا. فقلتُ: ففی أخٍ، قال: لا "؛ "...آیا امامت در عمو یا دایی قرار {پاورقی . همان، ح ۳. پاورقی} خواهد گرفت؟ فرمود: خیر. عرض کردم: دو برادر چطور؟ فرمود: خیر. "...احمد کاتب می‌گوید": مطابق حدیث ابوالأدیان عموم شیعه که در ضمن آنها نایب اول وجود داشت به جعفر در سوگ امام عسکری (ع) تعزیت گفته ونیز به جهت امامت او، تهنیت گفتند. پاسخ: ۱ - با مراجعه به حدیث ابوالأدیان پی می‌بریم که برداشت احمد کاتب به طور {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۵Ù۴۷۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی} عموم صحیح نیست. بلکه آنچه در آن حدیث آمده این است که ابوالأدیان می‌گوید... ": وإذا أنا بجعفر بن علی أخیه بباب الدار والشیعة حوله یعزّونه ویهنّئونه..."؛ "... ناگهان جعفر بن علی برادر امام عسکری (ع) را کنار درب خانه دیدم در حالی که شیعیانی که دور او بودند به او تعزیت وتبریک می‌گفتند ".از این تعبیر استفاده می‌شود که برخی از شیعیان که هنوز امر امامت حضرت مهدی (ع) به جهت اختفای ولادت روشن نشده بود به گمان اینکه او امام است درصدد تهنیت او برآمدند. ۲ - در این روایت اثری از نایب اول عثمان بن سعید که به جعفر تعزیت وتبریک بگوید وجود ندارد. واین نسبتی دروغ است که کاتب به نایب اول داده است. ۳ - با مراجعه به مجموعه روایت ابوالأدیان استفاده می‌شود که جعفر در ادعای خود دروغ‌گو بوده است. ابوالادیان می‌گوید": فلمّا صرنا فی الدار إذا نحن بالحسن بن علی صلوات اللّه علیه علی نعشه مکفّنا فتقدم جعفر بن علی لیصلّی علی أخیه، فلمّا همّ بالتکبیر خرج صبیّ بوجهه سمرة، بشعره قطط، بأسنانه تفلیج، فجبذ برداء جعفر بن علی وقال: تأخّر یا عمّ فأنا أحق بالصلاة علی أبی، فتأخر جعفر، وقد اربد وجهه واصفر فتقدّم الصبی وصلّی علیه ودفن إلی جانب قبر أبیه علیهما السلام ثمّ قال: یا بصری هات جوابات الکتب التی معک، فدفعتها إلیه؛" ..."هنگامی که به خانه {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۵Ù۴۷۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی} حضرت رسیدم مشاهده کردم که نعش حسن بن علی (ع) کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد، همین که خواست تکبیر نماز میّت بگوید، کودکی گندم‌گون، با موهایی فری، دندان‌هایی باز، از پشت پرده بیرون آمد وردای جعفر بن علی را کشید وفرمود": کنار بروای عمو، زیرا من سزاوارترم که بر پدرم نماز گذارم. "جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد وبر جنازه امام عسکری (ع) نماز گزارد وجنازه کنار قبر پدرش(ع) به خاک سپرده شد. آن گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه‌هایی که با توست به من بده. من هم آنها را به حضرت دادم. "...ونیز ابوالادیان می‌گوید": هنگامی که جعفر را چنین دیدم با خود گفتم: اگر این مرد امام است پس در حقیقت امامت باطل شده است، زیرا من او را آن گونه که می‌شناسم شخصی است که شرب نبیذ (مسکر) می‌کند ونیز با جوسق قمار کرده وبا طنبور بازی می‌کند. {"...پاورقی . همان. پاورقی}

موضوع: امامت در سنین کودکی

چه کسانی در امامت در سنین کودکی شک کرده‌اند؟

پرسش

چه کسانی در امامت در سنین کودکی شک کرده‌اند؟

پاسخ

۱ - با مراجعه به حدیث ابوالأدیان پی می‌بریم که برداشت احمد کاتب به طور {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۵Ù۴۷۶ ؛ بحارالأنوار،

ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی} عموم صحیح نیست. بلکه آنچه در آن حدیث آمده این است که ابوالأدیان می گوید... ": وإذا أنا بجعفر بن علی أخیه بباب الدار والشیعة حوله یعزّونه ویهنّئونه... "؛ "...ناگهان جعفر بن علی برادر امام عسکری (ع) را کنار درب خانه دیدم در حالی که شیعیانی که دور او بودند به او تعزیت وتبریک می گفتند ".از این تعبیر استفاده می‌شود که برخی از شیعیان که هنوز امر امامت حضرت مهدی (ع) به جهت اختفای ولادت روشن نشده بود به گمان اینکه او امام است درصدد تهنیت او برآمدند. ۲ – در این روایت اثری از نایب اول عثمان بن سعید که به جعفر تعزیت وتبریک بگوید وجود ندارد. واین نسبتی دروغ است که کاتب به نایب اول داده است. ۳ – با مراجعه به مجموعه روایت ابوالأدیان استفاده می‌شود که جعفر در ادعای خود دروغ گو بوده است. ابوالادیان می گوید": فلمّا صرنا فی الدار إذا نحن بالحسن بن علی صلوات اللّه علیه علی نعشه مکفّنا فتقدم جعفر بن علی لیصلّی علی أخیه، فلمّا همّ بالتکبیر خرج صبیّ بوجهه سمرة، بشعره قطط، بأسنانه تفلیج، فجبذ برداء جعفر بن علی وقال: تأخّر یا عمّ فأنا أحق بالصلاة علی أبی، فتأخر جعفر، وقد اربد وجهه واصفر فتقدّم الصبی وصلّی علیه ودفن إلی جانب قبر أبیه علیهما السلام ثمّ قال: یا بصری هات جوابات الکتب التی معک، فدفعتها إلیه..."؛ "هنگامی که به خانه {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۵ù۴۷۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی} حضرت رسیدم مشاهده کردم که نعش حسن بن علی (ع) کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد، همین که خواست تکبیر نماز میّت بگوید، کودکی گندم‌گون، با موهایی فری، دندان‌هایی باز، از پشت پرده بیرون آمد وردای جعفر بن علی را کشید وفرمود": کنار بروای عمو، زیرا من سزاوارترم که بر پدرم نماز گذارم. "جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد وبر جنازه امام عسکری (ع) نماز گزارد وجنازه کنار قبر پدرش(ع) به خاک سپرده شد. آن گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه‌هایی که با توست به من بده. من هم آنها را به حضرت دادم. "...ونیز ابوالادیان می گوید": هنگامی که جعفر را چنین دیدم با خود گفتم: اگر این مرد امام است پس در حقیقت امامت باطل شده است، زیرا من او را آن گونه که می‌شناسم شخصی است که شرب نبیذ (مسکر) می کند ونیز با جوسق قمار کرده وبا طنبور بازی می کند. {"...پاورقی . همان. پاورقی} موضوع: امامت در سنین کودکی از جمله سؤال‌های مطرح در مورد امام زمان (ع) این است که آیا کسی می‌تواند در سنین کودکی به مقام امامت وخلافت برسد. ابن حجر هیتمی از علمای اهل سنّت می گوید": آنچه در شریعت مطهّر ثابت شده این است که ولایت طفل صغیر صحیح نیست، پس چگونه شیعیان به خود اجازه داده وگمان بر امامت کسی دارند که عمر او هنگام رسیدن به امامت، بیش از پنج سال نبوده است. {"پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۱۶۶. پاورقی} احمد کاتب می‌نویسد": معقول نیست که خداوند طفل صغیری را به رهبری مسلمین منصوب کند. {"پاورقی . تطوّر الفکر السیاسی، ص ۱۰۲. پاورقی}

آیا اعتقاد به امامت وولایت امامان در کودکی با تهدید وتحمیل بزرگان شیعه بوده است؟

پرسش

آیا اعتقاد به امامت وولایت امامان در کودکی با تهدید وتحمیل بزرگان شیعه بوده است؟

پاسخ

این فرضیه به طور حتم باطل است؛ زیرا با ورع وقداست بزرگان طایفه امامیه سازگاری ندارد. هیچ گاه نمی‌توان باور کرد که آنان با تهدید وزور مردم را به اطاعت امامان دعوت کرده باشند. به ویژه آنکه آنان در طول مدت امامت اهل بیت: در شدیدترین وضع –به جهت پذیرش دعوت آنها– به سر می‌بردند. پذیرش دعوت اهل بیت ودعوت به آنان، سود مادی ومقام ظاهری نداشته است تا

توهّم طمع به آن امور باعث شود که چنین دعوتی را داشته باشند. پذیرفتنی نیست که علمای امامیه به نادرستی بر امامت شخصی در کودکی تبانی واتفاق داشته باشند در حالی که این کار سبب ایجاد انواع محرومیّت‌ها برای آنان بود. این نیست مگر آنکه دعوت آنها ناشی از اعتقاد به امامت امامان در سنین کودکی بوده است.

آیا خلفا بر امامت امامان در سنین کودکی اذعان داشتند؟

پرسش

آیا خلفا بر امامت امامان در سنین کودکی اذعان داشتند؟

پاسخ

خلفای معاصر، به فضایل اخلاقی وکمالات معنوی وعلمی امامانی که در سن کودکی بودند اذعان داشتند ولذا آن را زنگ خطری برای خود وخلافت غاصبانه خویش می‌دانستند. بر این اساس، تمام توان خود را برای از بین بردن امامان وفضایلشان به کار می‌گرفتند. با توجه به این مطلب به خوبی روشن می‌شود که مسأله امامت شخص -هر چند در سنین کودکی- امری ثابت بوده است؛ خصوصاً آنکه به طور مکرّر آنها را امتحان کرده، به فضل وکمالاتشان پی برده بودند.

آیا از امامان قبل، نصّی بر امامت امامان کودک بوده است؟

پرسش

آیا از امامان قبل، نصّی بر امامت امامان کودک بوده است؟

پاسخ

در مورد هر یک از امامان که در سنین کودکی به امامت رسیده‌اند از امام قبل خود به طور صریح وضمنی بر امامت آنها اشاره شده است. الف. نصّ بر امام جواد (ع) محمد بن ابی نصر می‌گوید: فرزند نجاشی به من گفت: امام بعد از صاحبت کیست؟ دوست دارم پاسخ آن را بدانم. محمّد بن ابی نصر می‌گوید: نزد امام رضا (ع) رفتم وسؤال فرزند نجاشی را به امام عرض کردم. حضرت فرمود: "الإمام ابنی"؛ "امام،{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۵. پاورقی} فرزند من است ".ب. نصّ بر امام مهدی (ع) محمّد بن علی بن بلال می‌گوید": از ناحیه امام عسکری -دو سال قبل از وفاتش- نامه‌ای به دستم رسید که در آن، خبر از جانشین بعد از خود داده بود، ونیز سه روز قبل از وفاتش نامه‌ای دیگر برای من فرستاد ودر آن از جانشین بعد از خود خبر داد. {"پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱. پاورقی} عمرواهوازی می‌گوید: امام عسکری (ع) فرزند خود را به من نشان داد وفرمود": هذا صاحبکم من بعدی؛" "این صاحب وامام شما بعد از من است {".پاورقی . همان، ح ۳. پاورقی} حمدان قلانسی می‌گوید": به عَمْری عرض کردم: آیا امام عسکری (ع) از دنیا رحلت نمود؟ فرمود: آری، ولی کسی را به جانشینی خود قرار داد که گردنش مثل این بود. اشاره به دست خود نمود. {"پاورقی . همان، ح ۴. پاورقی}

آیا اهل بیت‌علیهم‌السلام در زمینه‌سازی برای امامت کودک اقدامی انجام داده‌اند؟

پرسش

آیا اهل بیت‌علیهم‌السلام در زمینه‌سازی برای امامت کودک اقدامی انجام داده‌اند؟

پاسخ

با مراجعه به روایات پی می‌بریم که اهل بیت: برای هموار کردن وزمینه‌سازی برای امامت کودک، از هیچ نوع اقدام ممکن فروگذار نکردند که از آن جمله تذکّر به تحقق پیدا کردن امامت در سنین کودکی است. مقدسی شافعی در کتاب" عقد الدرر "از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود": یکون هذا الأمر فی اصغرنا سنّا"؛ "امر امامت وخلافت در اشخاصی خواهد بود که کمترین سنّ را در {پاورقی . عقد الدرر، ص ۱۸۸، باب ۶ ؛ الغیبة، نعمانی، ص ۱۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۸، ح ۱۵. پاورقی} میان ما دارند".

آیا حضرت مهدی‌علیه‌السلام برای اثبات امامتش در کودکی

اشاره

اقدامی انجام داده است؟

پرسش

آیا حضرت مهدی‌علیه‌السلام برای اثبات امامتش در کودکی اقدامی انجام داده است؟

پاسخ

حضرت مهدی (ع) در راستای تثبیت امامت ورهبری خود نسبت به جامعه شیعی اقداماتی را انجام داد: ۱ – اقامه معجزات وکرامات در قضیه ابوالادیان –که قبلاً به آن اشاره شد– آمده است..."": کودک جلو آمد وبر حضرت عسکری (ع) نماز گزارد وبعد در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد. کودک –حضرت مهدی (ع)– به من فرمود: ای بصری! جواب نامه‌هایی که با تو است نزد من آر. آنها را به حضرت تقدیم نمودم. در دلم گفتم: این دو نشانه از نشانه‌های امامت است که در این کودک مشاهده کردم. تنها باقی می‌ماند یک نشانه وآن اینکه از آنچه در همیان است خبر دهد... . ابوالادیان می گوید: خادم خارج شد وفرمود: نزد شما نامه‌های فلان شخص وفلان شخص است، ودر خورجین او هزار وده دینار وجود دارد که از آن جمله دینارهایی زرکوب است. آن جماعت نیز نامه‌ها ومال را به او داده وگفتند: کسی که تو را برای گرفتن اینها فرستاده همان امام است. {"...پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۲Ù۵۰۳، ح ۲۴. پاورقی} ۲ – جواب مسائل یکی دیگر از راه‌های اثبات امامت خود، پاسخ به سؤال‌هایی بود که توسط نوّاب اربعه به آن حضرت ارسال می‌شد وحضرت نیز جواب آنها را به صورت توقیع مرقوم می‌داشتند، همانند: جواب به مسائل احمد بن اسحاق اشعری، جواب به مسائل اسحاق بن یعقوب، جواب سؤال‌های حمیری، جواب به مسائل محمّد بن ابراهیم مهزیاری، جواب به مسائل ابی الحسین بن محمّد اسدی ودیگران. موضوع: ولایت امام مهدی علیه السلام

آیا خداوند برای امامت حضرت مهدی‌علیه‌السلام زمینه‌سازی کرده است؟

پرسش

آیا خداوند برای امامت حضرت مهدی‌علیه‌السلام زمینه‌سازی کرده است؟

پاسخ

آری، از جمله موضوعاتی که قبل از ولادت امام مهدی (ع) اتفاق افتاد که آن را می‌توان زمینه‌ساز امامت حضرت مهدی (ع) در کودکی دانست، ولادت امام جواد وامام هادی۸ است؛ زیرا امام جواد در هشت سالگی یا هفت سالگی،وامام هادی در سنّ شش سالگی به امامت رسیدند. ولذا بعد از آنکه شیعه به امامت این دو امام اعتقاد پیدا نمود، این مسأله زمینه‌ساز اعتقاد به امامت حضرت مهدی (ع) ورفع استبعاد از امامت او در سنین پنج سالگی شد.

کدام آیه از آیات قرآن کریم امامت حضرت مهدیغ در سن کودکی را امری ممکن می‌داند؟

پرسش

کدام آیه از آیات قرآن کریم امامت حضرت مهدیغ در سن کودکی را امری ممکن می‌داند؟

پاسخ

قرآن کریم به یکی از مواهب بزرگ الهی یعنی موهبت بزرگ نبوت حضرت عیسی‌در سن کودکی چنین اشاره نموده است "فَاَشارَت اِلَیهِ قالوا کَیفَ نُکَلِّمُ مَن کانَ فِی المَهدِ صَبیّا قالَ اِنّی عَبدُ اللّهِ ءاتـنِیَ الکِتـبَ وجَعَلَنی نَبیّا (;...مریم ۲۹ ـ ۳۲)]مریم اشاره به او کرد، گفتند: چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم !]ناگهان عیسی زبان به سخن گشود[گفت من بنده خدایم به من کتاب]آسمانی داده و مرا پیامبر قرار داده است و مرا وجودی پربرکت قرار داده و در هر کجا باشم و مرا توصیه به نماز و زکات مادام که زنده‌ام کرده است مرا نسبت به مادرم نکیوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است " همین موهبت و تأیید الهی بود که باعث شد امام محمدتقی‌در سن کودکی با دانش و علم خدا دادی خود به تمام مشکلات دینی مردم پاسخ دهد، و از جانب خدا به مقام امامت منصوب شود، به طوری که علم و فضیلت آن حضرت برای عموم طبقات روشن بود و از قدرت علمی او در سن کودکی همه در تعجب بودند. امام زمانغ نیز از همین نور برخوردار هستند.(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۵۶، دارالکتب الاسلامیهٔ)

چرا انبیای بزرگ الهی در سن چهل سالگی به پیامبری برگزیده می‌شدند، با این که آن‌ها نیز امام بودند، ولی حضرت حجت بن الحسن‌در سن پنج سالگی به امامت رسید؟

پرسش

چرا انبیای بزرگ الهی در سن چهل سالگی به پیامبری برگزیده می‌شدند، با این که آن‌ها نیز امام بودند، ولی حضرت حجت بن الحسن‌در سن پنج سالگی به امامت رسید؟

پاسخ

ولایت الهی که در دو جریان نبوت و امامت تبلور می‌یابد، به سن بستگی ندارد. و این که گفته‌اید پیامبران در سن چهل سالگی به نبوت می‌رسیدند نیز، به تصریح قرآن مجید، صحیح نیست که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: الف ـ حضرت یحیی قرآن مجید می‌فرماید": یـَیحیی خُذِ الکِتـَبَ بِقُوَّةٍ وءاتَینـَهُ الحُکمَ صَبیّا (;مریم ۱۲) ای یحیی کتاب]خدا[را با قوّت بگیر و ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم " قوّت معنای وسیعی دارد، که قدرت مادّی و معنوی را شامل می‌شود. نکته‌ای که آیهٔ شریفه بیان می‌کند، نبوت در خردسالی است درست است که دوران شکوفایی عقل معمولاً حدّ و مرز خاصّی دارد، ولی همیشه در انسان‌ها، افراد استثنایی وجود داشته‌اند. چه اشکالی دارد که خدا این دوران را برای بعضی از بندگانش به خاطر مصالحی فشرده‌تر کند، چنان که برای سخن گفتن معمولاً یکی دو سال عمر لازم است در حالی که حضرت عیسی در همان دوران نخست زندگی سخن گفت از این جا روشن می‌شود اشکالی که برخی افراد به امامت بعضی از امامان شیعه می‌گیرند بی‌اساس است در روایتی عیسی بن اسباط از یاران امام جواد۷ نقل می‌کند: خدمت حضرت جواد۷ رسیدیم در حالی که سن امام کم بوده درست در همین هنگام که در چنین فکری بودم حضرت فرمود: ای علی بن اسباط! خداوند، کاری که در مسئله امامت کرده همانند کاری است که در نبوّت کرده است گاهی می‌فرماید": وءاتَینـَهُ الحُکمَ صَبیّا (;مریم ۱۲) به یحیی در کودکی فرمان نبوت دادیم " و گاهی می‌فرماید": اذا بَلَغَ اَشُدَّهُ وبَلَغَ اَربَعینَ سَنَةً (;احقاف ۱۵) هنگامی که انسان به حدّ بلوغ کامل عقل به چهل سال رسید ".بنابراین همان گونه که ممکن است خدا، حکمت را به انسانی در دوران کودکی بدهد، قادر است که آن را در چهل سالگی نیز بدهد.(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۲۸، دارالکتب الاسلامیهٔ به نقل از نورالثقلین ج ۳، آیه ۱۳۲۵.) ب ـ حضرت عیسی نیز چنین وصفی دارد ;قرآن در این باره می‌فرماید": قالوا کَیفَ نُکَلِّمُ مَن کانَ فِی المَهدِ صَبیّا (;مریم ۲۹) گفتند: چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم گفت من بنده خدایم به من کتاب آسمانی داده و مرا پیامبر قرار داده است " ما شاهدیم که حضرت عیسی در گهواره نبوت خویش را اعلام می‌دارد.(همان ص ۵۳.) فخر رازی از دانشمندان اهل سنّت نیز در تفسیر آیهٔ شریفه درباره حضرت یحیی گفته است مراد از حکم در آیه شریفه همان نبوّت است زیرا خداوند متعال عقل او را در سنین کودکی محکم و کامل کرد و به او وحی فرستاد ;این بدان جهت است که خداوند متعال حضرت یحیی و عیسی‌را در سنین کودکی به رسالت مبعوث کرد، بر خلاف حضرت موسی و محمد۹ که آنان را در سنین بزرگ سالی مبعوث کرد.(تفسیر کبیر، فخررازی ج ۷، ص ۵۱۶، داراحیأ التراث العربی) بر این اساس از لحاظ عقلی و عادّی هیچ مشکلی وجود ندارد که شخص در سنین کودکی شایستگی و توانایی‌های بالایی کسب نماید، چنان که نمونه‌هایی از نوابغ خردسال را، در زندگی مشاهده می‌کنیم و افزون بر این باید دانست که امامت عهد الهی است و در عهده داری این منصب سن خاص شرط نیست بکله لیاقت مهم است و نکته دیگر این که تاریخ گواه بوده امامانی که در سن خردسالی به امامت رسیده‌اند، به بهترین صورت از عهدهٔ آن برآمدند و شاهد صدقی بر امکان این جریان شدند.(ر.ک مجله تخصصی انتظار، ش ۳، مقاله‌ای با عنوان امامت کودک نوشته علی اصغر رضوانی)

از چه راهی امامت امام زمان«علیه السلام» قابل اثبات است؟

پرسش

از چه راهی امامت امام زمان«علیه السلام» قابل اثبات است؟

پاسخ

برای اثبات مسئله اعتقادی مانند امامت دوازدهم و غیبت آن حضرت به روایات استناد می‌شود از این لحاظ که روایاتی که در این موضوع وارد شده به قدری زیاد است که مضمون آنها بیشتر از حدّ تواتر است توضیح اینکه خبر برد و قسم است خبر واحد و خبر متواتر، خبر واحد این است که خبر دهنده یکی باشد و خبر واحد در صورتی که تمام راویان آن ثقه و مورد اعتماد باشند در احکام شرعی حجت است و قسم دوم خبر متواتر و آن خبری است که راویان آن آنقدر بسیار باشند که به طوری عادی به هیچ وجه این احتمال در کار نباشد که راویان آن با یکدیگر توطئه کرده و مضمون خبر را به دروغ ساخته باشند چنین خبری را خبر متواتر می‌نامند و این خبر موجب یقین است و در اثبات مسائل اعتقادی خبر واحد کافی نیست هر چند تمام راویان آن مورد اعتماد باشند بلکه برای معتقد شدن به یک اصل اعتقادی یا باید برهان عقلی بر آن اقامه شود و یا خبر متواتر که دلالت آن قطعی است و درباره مسئله امامت امامان دوازده‌گانه مخصوصاً امامت امام دوازدهم و غیبت آن حضرت روایات و احادیث از پیامبر و امامان آن چنان بسیار است که از حدّ تواتر هم افزون است و حتّی در کتب اهل سنّت اخبار زیادی از رسول‌اکرم«صلی الله علیه وآله» وجود دارد که آن حضرت از وجود امام زمان«علیه السلام» و غیبت ایشان و نحوه ظهور ایشان و جهان در عصر ایشان خبر داده است.

ازدواج

پرسش: ایا حضرت مهدی فرزند و همسری دارد؟

پرسش

پرسش: ایا حضرت مهدی فرزند و همسری دارد؟

پاسخ

پاسخ را با ذکر چند نکته بیان می داریم: اوّل: چون امام زمان(عج) از دیده‌ها پنهان است و در پشت پرده غیبت قرار دارد، نمی‌توان از راه حس و مشاهده و به صورت عادی به پاسخ سؤال نایل شد؛ نیز چون سؤال از مباحث عقلی و انتزاعی نیست، از راه برهان عقلی نیز نمی‌توان پاسخ را دریافت نمود. تنها راه پاسخ گویی، روایات پیشوایان معصوم(ع) است که چون آنان از علم برتری بهره‌مند می باشند، می توانند از آینده خبر دهند که از آن جمله حوادث و مسائل مربوط به مهدی منتظر(ع) است. دوم: حال که پاسخ را می بایست از اخبار پیشوایان معصوم(ع) جستجو نمود، به سراغ روایات می رویم. در روایات صحیح و معتبر، پاسخ روشنی به پرسش وجود ندارد؛ بلکه در برخی روایات با ایهام و اشاره در این زمینه سخن به میان آمده است، از جمله: ۱- مفضل بن عمر گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که در مورد امام مهدی(عج) فرمود": صاحب الزمان را دوغیبت است. یکی از آن دو به اندازه‌ای طولانی شود که برخی گویند: حضرت از دنیا رفته و برخی گویند کشته شده است اما کسی جز آنانی که امور حضرت را پی گیری می کنند، از مکان و فرزندان وی آگاه نیستند.("۱) ۲- از امام صادق(ع) آمده است": گویا می بینم حضرت مهدی(عج) با اهل و عیالش در مسجد سهله است.("۲) ۳- از امام هشتم(ع) در دعایی نقل شده است": اللّهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع رعیته ما تقرّ به عینه و تسرّ به نفسه؛(۳) خدایا، مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(عج) را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما. "!۴- نیز از آن حضرت در مورد امام زمان(عج) این دعا نقل شده است": اللهم صل علی ولاۀ عهده و الائمۀ من ولده؛(۴) خدایا، بر والیان و فرزندان وی که امامند، درود فرست. "!ظاهر این این روایات دلالت بر زن و فرزند داشتن است. این روایات به فرض پذیرش و درستی سند و صحت انتساب آن به امام معصوم، از نظر دلالت به روشنی گویا نیست

که امام مهدی(عج) در دوره غیبت همسر و فرزند دارد. در برخی احادیث مشکل سندی و در برخی دیگر مشکل دلالت وجود دارد. افزون بر این روایاتی وجود دارد که با صراحت وجود فرزند را برای حضرت نفی می کند.(۵) سوم: با توجه به روایات مذکور می گوییم: در مورد زن و فرزند امام مهدی(ع) سه احتمال وجود دارد: أ) حضرت ازدواج نکرده است. لازمه این احتمال آن است که امام(ع) یکی از سنت‌های مهم اسلامی را ترک کرده باشد، که با شأن امام سازگار نیست. امّا از سوی دیگر چون غیبت از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ به ناچار امام از سنت چشم پوشی می کند، که اشکالی ندارد. برای حفظ مصلحت بالاتر، از مصلحت پایین‌تر چشم پوشی می گردد. ب) حضرت ازدواج نموده امّا فرزندی ندارد. نداشتن فرزند به سبب غیبت است. پذیرش این فرض، سؤالی را با خود می آورد که آیا همسرش هم از عمر طولانی بهره‌مند است یا این که مدّتی با حضرت زندگی کرده و بعد از دنیا رفته است؟ در این صورت حضرت به سنت ازدواج عمل کرده و بعد بدون زن و فرزند زندگیش را ادامه می دهد. پ) حضرت زن و فرزند دارد. با پذیرش این فرض، این سؤالات مطرح است: آیا آنان نیز عمری طولانی دارند؟ فرزندان حضرت نیز فرزندانی دارند؟ اگر دارند، این همه اولاد، در پی اصل خویش می افتند و همین کنجکاوی، مسئله را به جایی می رساند که با فلسفه غیبت منافات دارد. با توجه به مطالب مذکور، نمی‌توان یکی از این سه احتمال را قاطعانه پذیرفت و این به مقتضای خرد ورزی است که در جایی که دلیل کافی برای اثبات یا انکار چیزی وجود ندارد، از ابراز حکم قطعی خودداری گردد. بنابراین از راه هایی که پیش روی ما است، نمی‌توان وجود زن و فرزندی را برای حضرت مهدی(عج) ثابت نمود. نیز به دیگر پرسش هایی که در مورد زن و فرزند حضرت مهدی(عج) هست، نمی‌توان پاسخ قطعی داد.(۶) پی نوشت‌ها: ۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲. ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷. ۳. سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۰. ۴. همان، ص ۵۱۰. ۵. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۱. ۶. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

آیا امام زمان ۷ازدواج کرده اند و دارای زن و بچه هستند آیا داستان جزیره خضرا واقعیت داشته و حضرت حجت ۷در میان آب زندگی می کنند؟

پرسش

آیا امام زمان ۷ازدواج کرده اند و دارای زن و بچه هستند آیا داستان جزیره خضرا واقعیت داشته و حضرت حجت ۷در میان آب زندگی می کنند؟

پاسخ

دوست عزیز, ضمن تشکر از ارتباط مجدّد شما با این مرکز نکاتی تقدیم می گردد: ۱ حضرت امام زمان ۷نیز مانند اجداد طاهرین خویش ازدواج کرده و به سنت رسول اکرم ۶عمل نموده اند و دارای اولاد و اهل و عیال هستند, دلیل این مدعاعلاوه بر اهتمام معصومان : به سنّت رسول خدا۶روایاتی است که در منابع ما آمده است . در دعاها می خوانیم : سلام بر تو و ذریه و نسل تو ;۲ داستان جزیرهء خضرا در جوامع روایی شیعه به طور مبسوط آمده است , برای مثال علامه مجلسی درجلد ۵۲بحارالانوار, صفحه ۱۵۹ باب مفصّلی تحت عنوان شرح رساله مشهور به جزیره خضراء آورده اند ومی فرمایند ;: یعنی من رساله ای مشهور به داستان جزیره خضرا در دریای سفید یافتم , دوست دارم آن را وارد کنم , چون مشتمل بر ذکر کسی که حضرت حجت را دیده و مطالب عجیبی در آن رساله وجود راد, امااین رساله و اخبار مربوط به جزیره خضرا از اعتبار برخوردار نیست ; ۳ کتاب جزیرهء خضرا که شما به آن اشاره کردید در واقع ترجمه ای است از روایات کتاب بحارالانوار, جلد۵۲ صفحه ۱۵۹ـ ۱۸۰ ۴ برای آشنایی بهتر شما,

چکیده داستان جزیره خضرا را به صورت جزوه تقدیم می نماییم .

آیا امام زمان ۷دارای همسر و فرزند هستند؟

پرسش

آیا امام زمان ۷دارای همسر و فرزند هستند؟

پاسخ

یکی از مسائلی که مورد کنجکاوری و پرس و جوی افراد مختلف قرار می گیرد و با توجه به غیبت طولانی حضرت , جای سؤال فراوانی را به جا می گذارد, همسر و فرزندان حضرت است . آیا با توجه به فلسفهء غیبت و این که حضرت , ناشناس زندگی می کند و کسی که از امکان وی آگاه نیست و نمی تواند مطلع شود, مگر کارگزاران ایشان , ازدواج و داشتن فرزند, با این مسئله سازگار است ؟ مضافاً بر این که ازدواج سنت پیامبر و نیاز جنسی است ونمی شود سنت را شکست و مبارزه کرد. منابع و مآخذی که در اختیار است , از نظر سند مورد شکّ است یا از جهت دلالت نمی تواند موضع روشنی داشته باشد. در عین حال این موضوع دارای سه احتمال است : ۱ اساساً حضرت صاحب الزمان (عج) همسری اختیار نکرده باشند. ۲ همسر داشته , ولی فرزند نداشته باشند. ۳ ازدواج کرده باشند و فرزندانی دارند, اما پدر را به عنوان قائم آل محمد نشناسند. اگر احتمال اوّل را قبول کنیم , لازمه اش این می شود که حضرت یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشند, که این با منزلت امام سازگار نیست , مگر با توجیه اهمیت غیبت که در مقابل مهم قرار گرفته باشد. اصل ازدواج را بپذیریم , بدون داشتن فرزند, که باز هم جای اشکال باقی است که آیا همسر ایشان مانند حضرت دارای عمری طولانی هستند که همپای امام تا وقت موعود باقی باشند و یا به عمر طبیعی از دنیا رفته اند و حضرت دربقیهء عمر تنها زندگی می کنند. وانگهی بدون اجازهء همسر جلوگیری جائز نیست , مگر این که حضرت از زن های عقیم استفاده کند, که آن هم بر خلاف سنت و مستحبات است . ۴ حضرت ازدواج کرده و دارای فرزند نیز هستند. در این صورت اشکالی پیش نمی آید, چرا که آن ها پدر را به عنوان امام زمان نمی شناسند و پس از این که به کمال مطلوب رسیدند و زندگی آن ها سامان گرفت و مادرشان مُرد, حضرت غیبت می کند و گمان می کنند ایشان پدرشان مفقود یا شهید شده است . سپس حضرت همسر دیگری خواهند گرفت و بعضی از اولاد ایشان جزء یاران حضرت خواهند بود. به همین منوال تداوم پیدا می کند و هر کدام ممکن است در کشوری باشند. و از هم مطلع نباشندو هرگز به هم نرسند. مفقود بودن پدر در دنیا زیاد است , مثلاً هواپیما سقوط کرده و همگی مرده اند و امام از قدرت وعلم خدادادی استفاده کرده و از مرگ نجات یافته است دلیل مطلب این است که در دعا می خوانیم : سلام بر تو و ذریه است و نسل شریفت .(۱) (پاورقی ۱.مجلهء حوزه , ش ۷۰ـ ۷۱ ص ۵۴ مهدی موعود, علی دوانی ; دعای عهد.

آیا قصه جزیره خضرا دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پرسش

آیا قصه جزیره خضرا دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پاسخ

مرحوم مجلسی در" بحارالأنوار "از علی بن فاضل روایتی مفصّل نقل کرده ودر آن اشاره به جزیره‌ای دارد که نسل حضرت در آن زندگی می‌کنند. پاسخ: ۱ – از عبارت مجلسی استفاده می‌شود که روایت اعتبار چندانی نزد او نداشته است. او می‌گوید": چون در کتاب‌های معتبر به این حدیث دست نیافتم آن را در فصلی جداگانه آوردم. {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹. پاورقی} ۲ – شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز این داستان را تخیلی برشمرده است. {پاورقی . الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۸. پاورقی} ۳ – در متن تناقضاتی وجود دارد. ۴ – سخنان بی اساس در آن مشاهده می‌شود. ۵ – در سند آن افرادی ناشناخته وجود دارد. {پاورقی . ر.ک: دراسهٔ فی علامات الظهور، جعفر مرتضی عاملی. پاورقی}

در برخی از روایات بر اهل وعیال حضرت اشاره شده،آیا این دلالت بر ازدواج دارد؟

پرسش

در برخی از روایات بر اهل وعیال حضرت اشاره شده،آیا این دلالت بر ازدواج دارد؟

پاسخ

۱پاسخ اول – از عبارت مجلسی استفاده می‌شود که روایت اعتبار چندانی نزد او نداشته است. او می‌گوید": چون در کتاب‌های معتبر به این حدیث دست نیافتم آن را در فصلی جداگانه آوردم. {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹. پاورقی} ۲ – شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز این داستان را تخیلی برشمرده است. {پاورقی . الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۸. پاورقی} ۳ – در متن تناقضاتی وجود دارد. ۴ – سخنان بی اساس در آن مشاهده می‌شود. ۵ – در سند آن افرادی ناشناخته وجود دارد. {پاورقی . ر.ک: دراسهٔ فی علامات الظهور، جعفر مرتضی عاملی. پاورقی} پاسخ دوم محمّد بن مشهدی در مزار از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": گویا نزول قائم در مسجد سهله را با اهل وعیالش مشاهده می‌کنم. {"پاورقی . نجم‌الثاقب، ص ۲۲۵. پاورقی} پاسخ: ۱ – دعاها وروایات قابل جمع با اولاد حضرت هنگام ظهور یا بعد از آن است. سید جعفر مرتضی عاملی می‌گوید": چه بسا مراد، اولاد حضرت بعد از ظهور باشد آن گونه که از سیاق کلام در اکثر روایات استفاده می‌شود. {پاورقی . دراسهٔ فی علائم الظهور، ص ۲۳۲. پاورقی} ۲. تعبیر به آل‌بیت امام زمان (ع) که در برخی از ادعیه وارد شده با آباء واجداد آن حضرت نیز سازگاری دارد.

آیا کنیه" اباصالح "دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پرسش

آیا کنیه" اباصالح "دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پاسخ

۱پاسخ اول – دعاها وروایات قابل جمع با اولاد حضرت هنگام ظهور یا بعد از آن است. سید جعفر مرتضی عاملی می‌گوید": چه بسا مراد، اولاد حضرت بعد از ظهور باشد آن گونه که از سیاق کلام در اکثر روایات استفاده می‌شود. {پاورقی . دراسهٔ فی علائم

الظهور، ص ۲۳۲. پاورقی} ۲. تعبیر به آل‌بیت امام زمان (ع) که در برخی از ادعیه وارد شده با آباء واجداد آن حضرت نیز سازگاری دارد. پاسخ دوم برخی ممکن است برای اثبات ازدواج واولاددار بودن حضرت مهدی (ع) به کنیه "اباصالح "استدلال کنند یعنی پدر صالح، که این، دلالت بر وجود فرزندی به نام صالح برای حضرت دارد. اولاً: ممکن است که تکنّی حضرت به این کنیه به جهت آن باشد که امام زمان (ع) پدر ومجری اصلاح جامعه است، او تنها کسی است که به اذن واراده الهی جامعه بشری را در سطح کره زمین اصلاح خواهد کرد. همان گونه که در روایتی پیامبر (ص) درباره خود علی بن ابی‌طالب (ع) فرمود": من وعلی دو پدر این امّتیم. "ثانیاً: کلمه "اَب "در لغت عرب تنها به معنای پدر نیست بلکه به معنای" صاحب "نیز آمده است". اباصالح" یعنی کسی که صُلحایی در اختیار دارد. ثالثاً: ممکن است که این کنیه از آیه {وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ} گرفته شده باشد. {پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی}

۲– آیا امام زمان"ع "ما که تا به حال هزار وچندی سال ازعمرایشان می گذرد آیا همسر ویا فرزند ویا نوه ای هم دارند؟

پرسش

۲– آیا امام زمان"ع "ما که تا به حال هزار وچندی سال ازعمرایشان می گذرد آیا همسر ویا فرزند ویا نوه ای هم دارند؟

پاسخ

۲) اما سؤال دومی که پرسیدید این بود آیا امام زمان"ع "دارای همسر وفرزند هستند یا نه؟ جواب شما : مانمی توانیم با نظر محکمی بگوئیم که امام زمان"عج "دارای همسر وفرزند هستند یا نه، اگر چه چند تا حدیث ازامامان معصوم"ع "دراین زمینه وارد شده اما نمی توان به آنها تکیه کرد چون معلوم نیست که این احادیث صحیح باشد یا نه؟ اما برای اینکه مسأله برای شما روشن شود چند احتمال را درنظر می گیریم : اول اینکه بگوییم اساساً حضرت مهدی"عج "ازدواج نکرده اند ودوم اینکه بگوییم ازدواج کرده اند ولی فرزندندارند. سوم اینکه هم ازدواج کرده اند وهم فرزند دارند. حالا ـ درمورد احتمال اول اینکه بگوییم اصلاً حضرت مهدی"عج "ازدواج نکرده اند، باعث می شود که امام زمان"عج "یکی ازسنت های مهم اسلامی که ازدواج می باشد را ترک کرده باشد چون می دانی که ازدواج یکی از کارهای بسیار خوب است که پیامبر اکرم"ص "فرموده است" ازدواج سنت من است وهر کس ازسنت من دوری کند ازمن نیست. "پس حضرت مهدی"عج "که امام معصوم است باید به سنت عمل کند واگر ازدواج راترک کند درشأن ومقام آن حضرت نمی باشد. اما احتمال دوم اینکه امام ازدواج کرده ولی دارای فرزند نیست، ولی می توان سؤال کرد که آیا همسر امام زمان"عج "مثل خودحضرت هم عمر طولانی دارد یا نه. واین خودش یک اشکال است زیرا که فقط امام زمان خودش به تنهایی ونیز چند تا از پیامبران مثل حضرت عیسی"ع "وحضرت خضر زنده هستند وعمر طولانی دارند، نه کسانی دیگر واگر همسر امام هم عمر طولانی داشت باید اسم ونام پدرومادرش مشخص بود. واگر بگوییم که امام زمان ازدواج کرده اند وهمسرشان ازدنیا رفته است این احتمال خوب است، زیرا امام زمان به سنت ازدواج عمل کرده اند وپس ازآن بدون همسر وفرزند زندگی را ادامه داده اند. واحتمال سوم اینکه بگوییم هم امام زمان"عج "ازدواج کرده وهم فرزند دارداین چند احتمال اشکال دارد اول اینکه دلیلی محکم دراین زمینه نداریم، ودوم اینکه اگر امام زمان دارای فرزنداست وآن فرزندان هم فرزند دارند وهمین طور این باعث می شود که امام زمان"عج "دارای خانه ومنزل باشد وبچه ها دوست دارند با پدر ومادرشان باشند واین با غیبت حضرت سازگاری ندارد وباعث می شود مردم امام زمان"عج "را بشناسند ومحل زندگی آن حضرت معلوم بشود. منابع(۲)

۱. پرسش هاوپاسخ ها،دفتر سوم،راهنماشناسی، ص۶۳ومجله با معارف اسلامی آشنا نشویم،شماره ۴۹

آیا امام زمان زن وفرزند دارد؟ درصورتی که ندارد آیا خداوند غریزه جنسی را درهمه قرار نداده وآیا ازروایات استفاده نمی شود که مردم باید ازدواج کنند وثواب زیادی دارد ودرمذمتش احادیث فراوان داریم. اگر ازدواج کرده چند تا فرزند دارد وکجا زندگی می کنند؟

پرسش

آیا امام زمان زن وفرزند دارد؟ درصورتی که ندارد آیا خداوند غریزه جنسی را درهمه قرار نداده وآیا ازروایات استفاده نمی شود که مردم باید ازدواج کنند وثواب زیادی دارد ودرمذمتش احادیث فراوان داریم. اگر ازدواج کرده چند تا فرزند دارد وکجا زندگی می کنند؟

پاسخ

خداوند غریزه جنسی را دروجود همه انسانها بلکه حیوانات قرار داده است اما بعضی انسانها با کسب معرفت به حقیقت خود وخالق خود درمی یابند که همه وجود انسان درغریزهٔ جنسی وبرآورده کردن نیازهای جنسی خلاصه نمی شود بلکه غریزهٔ جنسی وسیله ای است برای رسیدن به هدف عالی خلقت انسان که عبادت ومعرفت خداوند است"وما خلقت الجن والانس الالیعبدون ("خلق نکردم جن و انس را مگر که عبادت کنند) ائمه"ع "انسانهایی هستند دراوج معرفت که غریزهٔ جنسی ومادی را بسیار محدود کرده اند، چنانچه امیرالمؤمنین علی"ع "به قرص نانی ازدنیا قناعت می نمود. امام زمان"ع "نیز مانند اجداد بزرگوارشان عمل می کنند واز مادیات درحد وجوب بهره مند می شوند ودرخصوص ازدواج ایشان سه احتمال را بیان می کنیم که اصل جواب شما درقسمت آخر احتمال دوم می باشد. اما سؤالی که پرسیدید این بود آیا امام زمان"ع "دارای همسر وفرزند هستند یا نه؟ جواب شما : مانمی توانیم با نظر محکمی بگوئیم که امام زمان"عج "دارای همسر وفرزند هستند یا نه، اگر چه چند تا حدیث ازامامان معصوم"ع "دراین زمینه وارد شده اما نمی توان به آنها تکیه کرد چون معلوم نیست که این احادیث صحیح باشد یا نه؟ اما برای اینکه مسأله برای شما روشن شود چند احتمال را درنظر می گیریم : اول اینکه بگوییم اساساً حضرت مهدی"عج "ازدواج نکرده اند . دوم اینکه بگوییم ازدواج کرده اند ولی فرزند ندارند. سوم اینکه هم ازدواج کرده اند وهم فرزند دارند. حالا درمورد احتمال اول اینکه بگوییم اصلاً حضرت مهدی"عج "ازدواج نکرده اند، باعث می شود که امام زمان"عج "یکی ازسنت های مهم اسلامی که ازدواج می باشد را ترک کرده باشد چون می داند که ازدواج یکی از کارهای بسیار خوب است که پیامبر اکرم"ص "فرموده است" ازدواج سنت من است وهر کس ازسنت من دوری کند ازمن نیست. "پس حضرت مهدی"عج "که امام معصوم است باید به سنت عمل کند واگر ازدواج راترک کند درشأن ومقام آن حضرت نمی باشد. اما احتمال دوم اینکه امام ازدواج کرده ولی دارای فرزند نیست، ولی می توان سؤال کرد که آیا همسر امام زمان"عج "مثل خودحضرت هم عمر طولانی دارد یا نه. واین خودش یک اشکال است زیرا که فقط امام زمان خودش به تنهایی ونیز چند تا از پیامبران مثل حضرت عیسی"ع "وحضرت خضر زنده هستند وعمر طولانی دارند، نه کسانی دیگر واگر همسر امام هم عمر طولانی داشت باید اسم ونام پدرومادرش مشخص بود. واگر بگوییم که امام زمان ازدواج کرده اند وهمسرشان ازدنیا رفته است این احتمال خوب است، زیرا امام زمان به سنت ازدواج عمل کرده اند وپس ازآن بدون همسر وفرزند زندگی را ادامه داده اند. واحتمال سوم اینکه بگوییم هم امام زمان"عج "ازدواج کرده وهم فرزند دارداین چند احتمال اشکال دارد اول اینکه دلیلی محکم دراین زمینه نداریم، ودوم اینکه اگر امام زمان دارای فرزنداست وآن فرزندان هم فرزند دارند وهمین طور این باعث می شود که امام زمان"عج "دارای خانه ومنزل باشد وبچه ها دوست دارند با پدر ومادرشان باشند واین با غیبت حضرت سازگاری ندارد وباعث می شود مردم امام زمان"عج "را بشناسند ومحل زندگی آن حضرت معلوم بشود.

آیا حضرت مهدی"ع "همسر وفرزند دارد؟چند تا وچگونه؟

پرسش

آیا حضرت مهدی"ع "همسر وفرزند دارد؟چند تا وچگونه؟

پاسخ

مانمی توانیم با نظر محکمی بگوئیم که امام زمان"عج "دارای همسر وفرزند هستند یا نه، اگر چه چند تا حدیث ازامامان معصوم"ع "دراین زمینه وارد شده اما نمی توان به آنها تکیه کرد چون معلوم نیست که این احادیث صحیح باشد یا نه؟ اما برای اینکه مسأله برای شما روشن شود چند احتمال را درنظر می گیریم : اول اینکه بگوییم اساساً حضرت مهدی"عج "ازدواج نکرده اند . دوم اینکه بگوییم ازدواج کرده اند ولی فرزند ندارند. سوم اینکه هم ازدواج کرده اند وهم فرزند دارند. حالا درمورد احتمال اول اینکه بگوییم اصلاً حضرت مهدی"عج "ازدواج نکرده اند، باعث می شود که امام زمان"عج "یکی ازسنت های مهم اسلامی که ازدواج می باشد را ترک کرده باشد چون می داند که ازدواج یکی از کارهای بسیار خوب است که پیامبر اکرم"ص "فرموده است "ازدواج سنت من است وهر کس ازسنت من دوری کند ازمن نیست. "پس حضرت مهدی"عج "که امام معصوم است باید به سنت عمل کند واگر ازدواج راترک کند درشأن ومقام آن حضرت نمی باشد. اما احتمال دوم اینکه امام ازدواج کرده ولی دارای فرزند نیست، ولی می توان سؤال کرد که آیا همسر امام زمان"عج "مثل خودحضرت هم عمر طولانی دارد یا نه. واین خودش یک اشکال است زیرا که فقط امام زمان خودش به تنهایی ونیز چند تا از پیامبران مثل حضرت عیسی"ع "وحضرت خضر زنده هستند وعمر طولانی دارند، نه کسانی دیگر واگر همسر امام هم عمر طولانی داشت باید اسم ونام پدرومادرش مشخص بود. واگر بگوییم که امام زمان ازدواج کرده اند وهمسرشان ازدنیا رفته است این احتمال خوب است، زیرا امام زمان به سنت ازدواج عمل کرده اند وپس ازآن بدون همسر وفرزند زندگی را ادامه داده اند. واحتمال سوم اینکه بگوییم هم امام زمان"عج "ازدواج کرده وهم فرزند دارداین احتمال چند اشکال دارد اول اینکه دلیلی محکم دراین زمینه نداریم، ودوم اینکه اگر امام زمان دارای فرزنداست وآن فرزندان هم فرزند دارند وهمین طور این باعث می شود که امام زمان"عج "دارای خانه ومنزل باشد وبچه ها دوست دارند با پدر ومادرشان باشند واین با غیبت حضرت سازگاری ندارد وباعث می شود مردم امام زمان"عج "را بشناسند ومحل زندگی آن حضرت معلوم بشود.

آیا اطلاعاتی در مورد نحوه‌زندگی ابا صالح عج و جود دارد اینکه چگونه زندگی می کنند، تنهاست یا با خانواده ای زندگی میکند خود را و خوراکش ر ازکجا تأمین میکند یا از آسمان برای او میرسد توضیح فرمائید ؟

پرسش

آیا اطلاعاتی در مورد نحوه‌زندگی ابا صالح عج و جود دارد اینکه چگونه زندگی می کنند، تنهاست یا با خانواده ای زندگی میکند خود را و خوراکش ر ازکجا تأمین میکند یا از آسمان برای او میرسد توضیح فرمائید ؟

پاسخ

بلی : امام زمان (عـج) ماننـد سایر مردم زنـدگی می کنـد ولی پنهان از مردم مثل خورشـیدی که در پشت ابر می باشد امام (عج) مردم را می بینـد وقتی مشـکلی بر خورد کنند به فریادشان می رسد و مشـکلات مردم را حل می کند همانطور که مقدس اردبیلی و علامه حلی ره) داشـتند حل نمودنـد ولی بعضـی امام را می شناسـند و اکثریت مردم نمی شناسـند و در بین مردم زنـدگی می کند. بعنوان مثـال و از جمله حکـایتی است که جماعتی از علماء بمن خبر دادنـد و آنها از جماعت دیگر و آنها از سـید سـند فاضل کامل میرزا محمـد استرآبـاد ی نور الله مرقـده نقل کرده انـد که گفت : من یک شب دور خانـهٔ خـدا طواف می کردم ناگاه دیـدم جوانی خوش سیما آمد شروع بطواف کرد . وقتی بمن نزدیک شد یک دسته گل سرخ که موسم آن نبود بمن داد . من هم از وی گرفتم و آن را بو ئیدم و گفتم آقا ! این گل از کجاست ، گفت: از خرابات است . سـپس از نظرم غایب شد و من او را ندیدم . بحث مفصـل در کتاب مهدی موعود جلد ۱۳ بحار علامه مجلسی ترجمه علی دوانی اما در مورد امام زمان عج) به کتابهای مهدی موعود (عج) و کتابهای دیگر مراجعه شود .

۱–آیا امام زمان «عج» دارای زن و فرزند می باشند ؟ اگر جواب مثبت است آیا آنها می دانند که ایشان(حضرت مهدی) صاحب الزمان است ؟

اشاره

۲–زن و فرزندانشان در بین ما زندگی می کنند یا در جای خاصـی زندگی می کنند ؟ ۳–آیا امام زمان(علیه السلام)هم به آنها(زن و فرزندا

پرسش

۱–آیا امام زمان «عـج» دارای زن و فرزنـد می باشـند ؟ اگر جواب مثبت است آیا آنها می داننـد که ایشان(حضـرت مهدی) صاحب الزمان است ؟ ۲–زن و فرزنـدانشان در بین ما زندگی می کنند یا در جای خاصـی زندگی می کنند ؟ ۳–آیا امام زمان(علیه السلام)هم به آنها(زن و فرزندان) زندگی می کنند ؟

پاسخ

همه سوالاـت شـما چوابش خلاـصه می شود در مطـالبی که در ذیـل می آیـد : دلیل قطعی بر وجود یا عـدم وجود آن نـداریم لکن شواهـدی هست که وجود همسـر و فرزنـدان را اثبات می نمایـد . ۱–قواعد کلی ۲–روایات ۳–دعاها قواعد کلی شـریعت، محمدی ایجاب می کند که حضرت بقیه الله نیز مانند دیگر پیشوایان معصوم «علیهم السلام » تشکیل خانواده داده است ، و از جد بزرگوارش حضـرت محمّـد مصـطفی پیروی نمـوده . مرحـوم محـدث نـوری« ره » می فرمایـد: چگـونه ترک خواهـد نمـود چنیـن سـنت عظیمه جدبزگوار خود را با آن همه ترغیب و تحریص که در انجام آن شده . و نکوهشـی که در ترک تهدید و آن شده است. سزوار ترین کس در انجام سنت پیامبر امام هر عصر است و تا کنون کسی ترک آن را از خصایص آن جناب نشمرده است . روایات در رابطه با همسر و همسران حضرت بقیه الله تنها یک روایت است که سرنخی به دست میدهد و آن روایتی است که، مرحوم کفعمی در کتاب شریف مصـباح نقل کرده است . بر اساس این روایت همسـر حضـرت از نسل عبدالعُزّی پسـر عبدالمطلب می باشد. در رابطه با اولاد آن حضـرت روایاتی هست که وجود آنها را به روشـنی اثبات می کند و این روایات ضـمنا وجود همسر را اثبات می کنند . الف)– سیدبن طاووس در جمال الاسـبوع می فرماید : روایتی با سـندهای متصل یافتم که حضـرت ولی عصـر عج » را اولاد بسیاری هست .

www.noorfatemah.org

ب) مرحوم مجلسی «ره» نیز بابی را به خلفاء و اولاد حضرت مهدی اختصاص داده است . روایت بسیاری دلیل بروجود فرزند برای حضرت مهدی هستند الا یک روایت که منافی و معارض با این روایات است و آن روایت این است ، هر امامی باید فرزند داشته باشد به جز حضرت مهدی که فرزند ندارد ، ولی علماء و برزگان شیعه مانند مرحوم محدث نوری و شیخ طوسی و میر محمد میر لوحی معاصر علامه مجلسی این تنافی را رفع کردند، بدین بیان که امام زمان مانند سایر ائمه پسر امام ندارد، نه آنکه اصلا پسر ندارد و بنابراین از مجموع احادیث استفاده می شود که، برای حضرت مهدی فرزندان بسیاری هست که همه از اولیا ء و صلحاء شرفا هستند ولی سمت امامت ندارند، چرا که امام منحصر در دوازده نفر است . ۳- دعاها، علاوه بر روایات و قواعد کلی برخی دعاها نیز از معصومین« علیهم السلام » صادر شده و یا از ناحیه مقدسه رسیده دلالت دارند بر اینکه برای حضرت اهل و عیالی و فرزندانی هست و در دعاها نامی از آنها برده نشده و در حق آنها دعا شده است . در این دعا وجود همسر و فرزندان را برای حضرت اثبات می کند و در این مورد دعا بسیار است . واینکه آیا حضرت مهدی با فرزند و همسران خود ظهور می کنند، چون ما بشریم و اطلاعات بشر محدود است اطلاعات و دلیل قطعی و یقین محکم به آن تصریح نشده است . منابع: ۱-سیمای آفتاب , دکتر حبیب الله مظاهری ۲- تجسم امید و نجات , عزیز الله حیدری ۳-سیمای مصلح جهان , مراد فیضی ۴-ارتباط معنوی با حضرت مهدی «عج » , حسین گنجی

آیا امام زمان ازدواج نموده اند چون ازدواج سنت پیامبر است .

پرسش

آیا امام زمان ازدواج نموده اند چون ازدواج سنت پیامبر است .

پاسخ

چنانکه خود شما نیز گفتید ازدواج سنت و مستحب است و ممکن است در مواجهه با امر مهمتری ترک شود. اما درباره ازدواج امام زمان(عج) روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده‌اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال‌های غیبت ازدواج‌های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی در دست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی‌شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی که در اختیار است در این باره اطلاعات دقیقی به ما ارائه نداده اند. بنابراین با توجه به روایات، نمی‌شود بطور قاطع در مورد ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همان حکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم). اما مسأله مهمتر درباره شناخت امام زمان(عج) شناخت نورانیت و مقام شامخ امامت آن حضرت و طریقه ارتباط ما با ایشان است وگرنه ازدواج و عدم ازدواج ایشان، مشکلی را از ما حل نمی کند به ویژه این که ایشان در شرایط استثنایی و خاصی هستند که به حکمت الهی از ما پنهان است. برای آگاهی بیشتر رجوع شود: ۱. گفتمان مهدویت جمعی / ۱ / ص ۱۱۸، مؤسسه فرهنگی انتظار نور ۲. چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶ ۳. دادگستر جهان / ابراهیم امینی، ص ۲۰۵ الی ۲۱۶.

آیا همسر ایشان (امام زمان) از انس است یا جن.

پرسش

آیا همسر ایشان (امام زمان) از انس است یا جن.

پاسخ

در رابطه بـا این سؤال چنانچه در سؤال ۴ توضـیح داده شد روایات محدودی داریم که به نحو کلی دلالت بر ازدواج حضـرت و این که فرزنـدانی دارد می کننـد. چنـانچه در کتاب غیبت شـیخ طوسـی مفضل ابن عمر از امام صادق(ع) نقل کرده که حضـرت فرمود: «لایطلع علی موضـعه احـد من ولـده ولا غیره؛ هیچ کس بر مکان ایشان حتی فرزندی از فرزندانش اطلاع ندارد» (کتاب الغیبه، شـیخ طوسی، ص ۱۰۲). لکن گرچه ظاهر این روایت دلالت بر داشـتن فرزند و به تبع ازدواج حضـرت دارد لکن؛ اولا، این روایت و مانند آن از جهت سند و راویان قابل اعتماد نیستند و ثانیا، در خصوص این روایت در کتاب منتخب الاثر از کتاب غیبت نعمانی روایت را این گونه نقل کرده :«من ولی ولا غیره» (منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۲۵۲). با وجود این اختلاف در نقل، دیگر روایت قابل اسـتناد نخواهـد بود و برفرض هم که این روایـات قابـل اسـتناد باشـند، این روایـات به هیـچ یـک از جزئیـات ازدواج و خصوصـیات فرزنـدان اشـاره ای ندارنـد و چون اینهـا مسائـل جزئی و تاریخی هسـتند و در تاریـخ و روایات معتبر در این رابطه چیزی که موجب اطمینـان شود نیامـده بنحو یقین و جزم نمی توان حکمی کرد نه به نفی و نه به اثبـات و جواب این پرسـش در هاله قـدس غیبت امام قرار دارد و خفاء امر امام که یکی از نشانه ها وخصائص آن حضـرت است در پاسخ این سؤال نیز اثر می گذارد، لکن در اینجا چند نکته مسـلم است: ۱. اینکه بر فرض که حضـرت ازدواج کرده باشـند مسـلما همسـر ایشـان از انس بوده یـا هست چنانچه سایر ائمه با انسـان ازدواج کرده انـد واساسـا ازدواج انسـان که موجودی جسـمانی است با جن که جسم لطیف است ممکن نیست و آیات قرآن کریم به نحو کلی دلالت دارد به این که ازدواج انسانها با موجودی از نفس خود آنهاست و آن را از آیات قرار می دهد و من آیاته ان خلق لکم من انفسـکم ازواجـا؛ از نشـانه هـا و آیات الهی این است که از نفس های شـما برای شـما زوج هایی آفریـد» (روم، آیه ۲۱). لذا این که همسـر ایشان از جنس جن بوده باشد یقینا منتفی است. ۲. چنانچه از بعضی روایات استفاده می شود غرض خداوند به این تعلق گرفته که زنـدگی حضـرت در زمان غیبت در هاله ای از ابهام باشـد چنانچه زندگی حضـرت تشبیه به زندگی حضـرت خضر(ع) و حضرت عیسی(ع) شده که زنده اند لکن چگونگی حیات و این که ازدواج کرده اند یا خیر، فرزندانی دارند یا خیر مبهم است. ۳. دانسـتن این مسائل گرچه خوب است، کمال محسوب نمی شود ولکن ندانسـتن آنها هم مانـد هزاران مسأله جزئی تاریخی که ما خبر نـداریم به چیزی ضـرر نمی زنـد چون این امور نه از اصول دین هسـتند و نه از فروع و نه اعتقاد به آنها لازم و نه حکمت آنها بر ما معلوم. انشاءالله حضـرت با ظهورش پرده ابهام از این حقایق بزداید. با توضیحاتی که داده شد جواب سؤال ۶ نیز روشن می شود چون وقتی اصل ازدواج حضرت مسجل و معلوم نباشد اصل فرزند داشتن و خصوصیات آنها به طریق اولی در پرده خفا خواهد بود. برای مطالعه بیشتر در این رابطه علاوه بر منابع فوق می توانیـد به آثار ذیل مراجعه فرمایید: - پاسخ ده پرسـش پیرامون حضـرت مهدی(عج)، آیت الله صافی گلپایگانی - دادگستر جهان، ابراهیم امینی - مهدی موعود، علی دوانی

برای اینکه فردی به همســری امام زمانش درآیــد بایــد چگونه باشد.با توجه به اینکه علاوه بر روح عالی امام جسم ایشان نیز جسم ویژه ای است.

پرسش

برای اینکه فردی به همسری امام زمانش درآید باید چگونه باشد.با توجه به اینکه علاوه بر روح عالی امام جسم ایشان نیز جسم ویژه ای است.

پاسخ

۱. از نگاه قواعد کلی، موضوع ازدواج امام زمان«عج» به یکی از انگاره های زیر تصور شدنی است: الف - به دلایل امنیتی و زندگی مخفی، ایشان ازدواج نکرده است، زیرا این اقدام ممکن است به آشکار شدن اسرار وی بیانجامد. ب - در هر دوره زمانی، با زنی که از نظر رازداری، کاملا مورد اطمینان می باشد، ازدواج می کند به دلیل یافت نشدن چنین فرد صد در صد مطمئن، آن هم در هر نسلی به گونه مکرر، این فرضیه پذیرفتنی نیست. ج - از آنجا که ازدواج، سنتی دینی به شمار رفته و امام معصوم نیز پایبندترین انسان به آداب دینی می باشد، از این رو امام در طول غیبت کبری، ازدواج کرده ولی به عنوان فردی معمولی بوده و موقعیت او حتی برای همسرش شناخته شده نیست. البته با توجه به خطرهایی برای آشکار شدن راز غیبت امام زمان(عج) وجود فرزند از آن حضرت منتفی است. از جمله خطرهای مزبور، مسأله پیر شدن فرزندان و جوان ماندن حضرت و یا در صورت حل این مشکل از سوی خداوند، دنبال پدر گشتن در صورت رها کردن آنها از سوی امام زمان و اشکالاتی از این دست می باشد که در کل، زندگی مخفیانه حضرت را با دشواری جدی روبرو می کند. این دشواری با همسر وی پیدا نمی شود زیرا در صورت احساس خطر از آشکار شدن خود، ایشان از همسر جدا می شود (محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ص ۶۳ - ۶۱ ، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی(ع)، اصفهان). ۲. با رویکرد به مطالب پیش گفته، پاسخ پرسش شما روشن می شود؛ چرا که اولا- با فرض ازدواج کردن حضرت ولی عصر(عج) ایشان به صورت انسانی کاملا- معمولی به زندگی خانوادگی خود ادامه می دهد. از نظر ویژگی های جسمانی نیز گرچه بر پایه روایات و مطالب نقل شده از سوی نمایندگان خاص آن حضرت در غیبت صغری، ایشان ظاهری زیبا و جذاب دارند، ولی ویژگی مزبور تا آن اندازه استثنایی و چشمگیر نیست که موجب بازشناسی امام زمان(عج) از دیگران شده و یا به گفته شما زندگی با چنین فردی با چنان زیبایی و جذابیت را ناممکن سازد.

موقع شروع غیبت کبری، حضرت مهدی(عج) مجرد بود یا متأهل؟

پرسش

موقع شروع غیبت کبری، حضرت مهدی(عج) مجرد بود یا متأهل؟

پاسخ

پاسخ اول نظر به اینکه امام زمان(عج) در حال غیبت بسر می‌برد خصوصیات زندگی خانوادگی آن گرامی از همان مراحل نخستین روشن نیست و یکی از بحثهایی که در مورد آن حضرت مطرح است این است که آیا حضرت ازدواج کرده‌اند یا خیر؟ ولی با توجه به قسمتی از عبارات که در زیارت آن حضرت وارد شده استفاده می‌شود که آن حضرت ازدواج کرده و دارای فرزندان می‌باشند ولی در اسناد بعضی از آن روایات و در دلالت آنها بر فرض صحت سند آنها مشکلاتی وجود دارد. برای اطلاع بیشتر به کتاب جزیره خضراء افسانه یا واقعیت صفحه ۱۷۵ مراجعه شود. پاسخ دوم دلیل معتبری وجود ندارد که آن حضرت (عج) در دوران غیبت ازدواج کرده باشند، گرچه اصل ازدواج در دوره غیبت امری ممکن به نظر می‌رسد ولکن با توجه به محذوراتی که ازدواج با غیبت

آن حضرت دارد مانند پوشیده بودن و مخفی بودن شرایط خاص خود حضرت، وقوع آن امری بعید می‌باشد. البته هم در دعا و هم در چند روایت آمده است که حضرت را با اهل و عیالش دعا کرده‌اند لکن سند بعضی از روایات قطعی نیست و بعضی از روایات و ادعیه هم مشعر به ازدواج حضرت بعد از ظهور ایشان است. در هر صورت اصل مسئله بسیار پوشیده و غامض است و قضاوت صریح در این مورد بسیار مشکل است و نیز از اموری است که تفحص از آن هیچ ضرورت و وجهی ندارد چرا که یک شیعه باید وظیفه خود را در زمان غیبت بشناسد و حقی را که ولی او به گردن او دارد در صدد انجام آن باشد. و سعی کند یک ولی شناسی واقعی و یار مخلص امام خود شود.

آیا امام زمان ازدواج کرده و فرزند دارد؟

پرسش

آیا امام زمان ازدواج کرده و فرزند دارد؟

پاسخ

غیبت امام زمان(ع) یکی از نشانه‌ها و ویژگی‌های آن حضرت است سبب پوشیده ماندن چگونگی آن حضرت است. از این‌رو، نمی‌توان پاسخ روشنی به سؤال شما داد، زیرا احادیث اطمینان آوری در این مورد در دست نداریم/ روایاتی هم که در دسترس است، از نظر سند و متن آن، یا از جهت اختلاف نسخه یا از جهت غرابت متن، ضعیف هستند؛ مانند این روایت که از امام صادق(ع) نقل شده است: «لا یطلع علی موضع احد من ولده و لا غیره{؛»۱} که دلالت بر ازدواج فرزند آن حضرت دارد. در کتاب غیبت نعمانی این روایت چنین آمده است: «لا یطلع علی موضعه احد من ولی و لا غیره».{۲} این روایت از بعضی جهات مانند علو سند و لفظ حدیث، معتبرتر است. احتمال دارد حضرت محمد(ص) دارای همسر و فرزند باشد؛ ولی در این باره حدیث معتبری که موجب اطمینان باشد وجود ندارد. [۱]. غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۰۲/ [۲]. منتخب الاثر، ص ۲۵۲/

آیا حضرت ولی عصر۷دارای زن و فرزند می باشد؟

پرسش

آیا حضرت ولی عصر۷دارای زن و فرزند می باشد؟

پاسخ

سلام خدا بر شما, از این که با ما مکاتبه کرده و پرسش های خود را باما در میان گذاشتید,سپاسگزاریم . درباره زن و فرزند حضرت مهدی ۷سه احتمال وجود دارد: ۱ اساساً حضرا ازدواج نکرده اند و مشیت الهی بر آن تعلق نگرفته است . ۲ ازدواج کرده و یکی از سنت های مهم اسلامی را انجام داده , ولی اولاد ندادند. ۳ ازدواج کرده و صاحب فرزندانی نیز می باشد, ولی بچه ها او را به عنوان مهدی موعود نمی شناسند. برای قول سوم دلایلی ذکر شده است : الف) مفضل بن عمر گوید: از امام باقر۷شنیدم که فرمود: .(۱) استدلال برای اثبات زن و فرزند برای آن بزرگوار, به جملهء اخیر روایت است : .(۲) ب) ابن طاووس از حضرت رضا۷نقل کرده است : .(۳) ج) روایت دیگری نیز از حضرت رضا۷نقل شده که فرمود: .(۴) د) امام صادق ۷می فرماید: .(۵) البته

آن هایی که معتقدند حضرت ازدواج کرده , اما اولاد ندارد, برای عقیده اش دلایلی ذکر کرده اند. برای اطلاع بیش تر مراجعه شود به کتاب تألیف جمعی از نویسندگان , مجلهء حوزه , از ص ۳۵۲ـ ۳۵۵ یکی از محققان می نویسد: .(۶) (پاورقی ۱.کتاب الغیبهٔ, (پاورقی ۲.کتاب الغیبهٔ, شیخ طوسی , ص ۱۶۲ طبق نقل چشم به راه مهدی ۷ ص ۳۵۳ (پاورقی ۳.جمال الاءسبوع , ابن طاووس , ص ۵۲۰ به نقل از همان , ص ۳۵۴ (پاورقی ۴ .ابن طاووس , جمال الاءسبوع ,ص ۵۱۰ (پاورقی ۵.بحارالاءنوار, محمد تقی مجلسی , ج ۵۲ ص ۳۱۷ (پاورقی ۶.ابراهیم امینی , دادگستر جهان , ص ۲۱۶

آیا امام زمان ۷ازدواج نموده اند و دارای فرزند هستند؟

پرسش

آیا امام زمان ۷ازدواج نموده اند و دارای فرزند هستند؟

پاسخ

در خصوص این که حضرت مهدی ۷ازدواج کرده و فرزندانی دارد یا نه , منابع و مستندات قطعی وجود ندارد. منابعی که در اختیار است , یا اشکال سندی دارند و یا ابهام دلایلی , و نظر قاطعی ارایه نمی دهند. در این جا سه احتمال وجود دارد: ۱ حضرت مهدی ۷ازدواج نکرده است ; ۲ ازدواج انجام گرفته , ولی اولاد ندارد ;۳ ازدواج کرده و دارای فرزندانی است . اگر احتمال اول را بپذیریم , لازمه اش این است که امام معصوم ۷یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد و این با شأن امام سازگار نیست . اما از طرفی دیگر چون غیبت , اهم است و ازدواج مهم , ترک ازدواج , با توجه به امر مهم تر, اشکالی ایجاد نمی کند و گاهی برای مصلحت بالاتر, لازم و واجب است .(۱) امام احتمال دوم که اصل ازدواج را بپذیریم بدون داشتن اولاد, جمع می کند بین انجام سنت اسلامی و عدم فاش شدن مکان و موقعیت حضرت . اما باز این اشکال باقی است که اگر قرار باشد حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزیند, یا باید بگوییم که عمراو نیز مانند عمر حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم , یا اینکه بگوییم مدتی با حضرت زندگی کرده و ازدنیا رفته است که در این صورت , حضرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده و پس از آن , تنها و بدون زن و فرزندزندگی را ادامه می دهد. احتمال سوم آن است که حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد است و اولاد حضرت نیز فرزندانی دارند. این مطلب مستند و دلیل محکمی ندارد و نمی شود ادعای درستی در این مورد مطرح نمود.(۲) نتیجه این که با توجه به ضعف ادله و مدارک , نمی توان ادعای قاطعی در خصوص ازدواج و فرزند داشتن حضرت مهدی ۷مطرح نمود. (پاورقی ۱.مجله حوزه , ویره بقیهٔ اللّه الاعظم , شماره ۷۰ـ ۷۱ ص ۵۵ (پاورقی ۲.مجله حوزه , همان , ص ۵۸

در خصوص ازدواج یا عدم ازدواج امام زمان(عج) توضیح دهید.

پرسش

در خصوص ازدواج یا عدم ازدواج امام زمان(عج) توضیح دهید.

پاسخ

درباره ازدواج و عدم ازدواج امام زمان (عج) دو احتمال وجود دارد: احتمال اول: حضرت ازدواج نکرده است، اگر این احتمال را

بپذیریم، این مشکل مطرح می گردد که چرا امام معصوم(ع) به یکی از سنت‌های اسلامی که ازدواج باشد عمل نکرده است؟! پاسخ غیبت امام زمان(ع)از سنت ازدواج اهمیت بیشتری دارد که ترک سنت ازدواج، از سوی امام معصوم(ع) با مقام عصمت منافات نداشته، مشکل ایجاد نمی کند.(۱) احتمال دوم: امام زمان(عج) ازدواج نموده است. در این جا این مشکل پیش می آید که همسر آن حضرت نیزمانند امام عمر طولانی داشته باشد که دلیلی بر آن وجود ندارد، مگر این که بگوییم همسر حضرت بعد از مدتی از دنیا رفته است. برخی احتمال دوم را تقویت نموده‌اند، در برخی روایات تصریح شده است که امام، همسر و فرزند دارد. امام رضا(ع) فرمود": بارالها! مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(ع) را در او و خانواده و فرزند و ذریه و تمام پیروانش عنایت فرما.("۲) برخی دیگر درصدد هستند ثابت کنند که امام زمان(عج) ازدواج نکرده و روایاتی راکه دلالت بر ازدواج امام(ع) دارند ضعیف و قابل استناد ندانسته‌اند. از سوی دیگر رایاتی که دلالت بر همسر داشتن امام زمان(عج) دارد، دلالت ندارند که امام زمان(ع) قبل از ظهور ازدواج نموده است؛ از این رو می‌توان گفت: روایاتی که بر ازدواج امام دلالت دارند، حمل بر بعد از ظهور امام(ع) می‌شوند که بعد از ظهور ازدواج خواهند نمود. هم چنین آن دسته از روایاتی که دلالت بر همسر داشتن امام زمان(ع) دلالت دارند، با آن دسته از روایاتی که ازدواج امام زمان(ع) را نفی می کنند، تعارض دارند. مسعودی نقل می کند: علی بن حمزه ابن سراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شد و به حضرت عرض کرد: از پدرانت نقل کرده‌ایم که هیچ سراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شد و به حضرت عرض کرد: از پدرانت نقل کرده‌ایم که هیچ امامی از دنیا نمی‌رود، تا فرزندش را ببیند. امام رضا(ع) فرمود: "آیا در این حدیث روایت کرده‌اید، مگر قائم("؟۳) واقعیت آن است که به طور قاطع نمی‌توان گفت: امام زمان(عج) همسر دارد. شاید بر همین اساس سیره و تاریخ نگاران نتوانسته‌اند در خصوص داشتن یا نداشتن همسر امام زمان(عج) اظهار نظر کنند. پی نوشت‌ها: ۱ – ر. ک: مجله حوزه ویژه امام زمان(عج)، ص ۵۴ – ۵۵. ۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۲. ۳ – اثبات الوصیه، ص ۲۲۱.

با وجودی که پیامبر اسلام(ص) فرمود": النکاح سنتی، "و مردم را به این سنت حسنه تشویق نمود، چرا حضرت مهدی (عج) به این فرمایش پیامبر(ص) عمل نکرده؟ اگر عمل کرده است، نام همسر و پدرزنش چیست؟

پرسش

با وجودی که پیامبر اسلام(ص) فرمود": النکاح سنتی، "و مردم را به این سنت حسنه تشویق نمود، چرا حضرت مهدی (عج) به این فرمایش پیامبر(ص) عمل نکرده؟ اگر عمل کرده است، نام همسر و پدرزنش چیست؟

پاسخ

پیامبر اسلام(ص) مسلمانان را به ازدواج تشویق نمود و فرمود": ازدواج سنت من است. هر که از آن روی بگرداند، از سنت من روی گردانیده است.["۱] اما چرا امام زمان(عج) ازدواج نکرده است؟ به چه دلیل به طور مسلّم بیان داشته اید که امام زمان(عج) ازدواج نکرده است؟ آن گاه از چرایی این امر پرسیده اید؟ اصل این سخن معلوم نیست. نمی توان قضاوت کرد که امام زمان(عج) ازدواج کرده یا نکرده است. البته طبق دعاهایی که وارد شده، باید ازدواج کرده باشند، اما کسی نمی داند. دلیلش هم امر غیبت امام زمان است. از این که حضرت از دیده ها پنهان است، اطلاعی از چگونگی زندگی حضرت در دست نیست. ممکن است حضرت ازدواج کرده باشند، چون او پیرو سنت پیامبر(ص) است و در سنت پیامبر ازدواج از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بنابراین می توان از این جهت حدس زد که حضرت ازدواج کرده باشد، لیکن همسرش چه کسی می باشد پدر زنش چه شخص است. به جهت امر غیبت، بر ما پوشیده است. ماهیّت غیبت حضرت این است که زندگی او پنهان و ناشناس باشد. ازدواج مانع پنهان و ناشناس

زیستن حضرت است.[۲] اما شواهد ازدواج کردن حضرت، دعاهایی است که به ما رسیده است. به چند نمونه اشاره می شود: "اللّهم أعطه فی نفسه وولده و ذریته و امته و جمیع رعیته ما تقربه عینه و تسرّ به نفسه؛[۳] خدایا، به وی و فرزندانش و خاندانش و امتش و تمامی زیردستانش، آنچه باعث شادی و سرور می شود، عطا بفرماید. "دوم: حدیث مفصل" ولا یطّلع علی موضعه أحد من ولده و لا غیره؛[۴] نه فرزندانش و نه کسی دیگر، جای وی را نمی داند. ["۱] وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹. [۲] برای توضیح بیشتر رجوع شود به مجلهٔ حوزه شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۲۳ تا ۶۴. [۳] بحار، ج ۹۲، ص ۳۳۲. [۴] بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

آیا امام زمان دارای زن و فرزند و نوه می باشد؟

پرسش

آیا امام زمان دارای زن و فرزند و نوه می باشد؟

پاسخ

دربارهٔ این که آیا حضرت مهدی(ع) زن و فرزندی دارد، نظر قاطعی نمی توان ارائه نمود. سه احتمال وجود دارد: ۱- اساساً حضرت مهدی ازدواج نکرده است. ۲- ازدواج کرده، ولی فرزندی ندارد. ۳- ازدواج کرده و فرزند و نوه دارد. احتمال اوّل با استحباب ازدواج و این که از سنّت های پیامبر اسلام ازدواج بوده، منافات دارد. احتمال دوّم که اصل ازدواج را بپذیریم. بدون داشتن اولاد، عمل به سنّت پیامبر شده است، ولی این اشکال باقی است که اگر قرار باشد حضرت همسری داشته باشد، یا باید همسرش مانند حضرت، عمرش طولانی باشد یا پس از مدتی بمیرد. احتمال سوم که حضرت ازدواج کرده و اولاد داشته باشد، باید فرزندانش از هزار سال پیش تا کنون اطلاعی از اوضاع پدر یا پدربزرگ خود نداشته باشند یا اگر اطلاع داشته باشند، در جایگاهی دور از دسترس مردم زندگی کنند. برای اثبات و قطعیت هیچ کدام از احتمالات بالا دلیل متقنی در دست نیست.[۱] در دعاهایی که دربارهٔ امام زمان(عج) رسیده، به ذریه و نسل او اشاره شده است. [۱] مجلهٔ، حوزه، ش ۷۰ - ۷۱، ص ۵۴.

آیا امام زمان(عج) در طول دوران غیبت همسری انتخاب کرده و فرزندی دارند؟ نام آنان چیست؟ آیا آنان هم از نظرها غایبند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) در طول دوران غیبت همسری انتخاب کرده و فرزندی دارند؟ نام آنان چیست؟ آیا آنان هم از نظرها غایبند؟

پاسخ

دربارهٔ امام زمان(ع) پرسش های متعددی مطرح است، مانند مدت عمر، فلسفهٔ غیبت، زمان ظهور و ... یکی از پرسش ها این است که حضرت ازدواج نموده و فرزند دارد. دربارهٔ ازدواج امام و فرزند داشتن حضرت، سه احتمال قابل طرح است: ۱) حضرت ازدواج نکرده است. اگر حضرت ازدواج نکرده باشد، فرزند و ذریه نخواهد داشت. اگر این احتمال را بپذیریم، این مشکل مطرح می گردد که چرا امام معصوم(ع) به یکی از سنت های مهم اسلامی که ازدواج باشد، عمل نکرده است؟ در جواب می توان گفت: غیبت امام زمان(ع) از سنت ازدواج اهمیت بیشتری دارد و ترک سنت ازدواج با مقام عصمت منافات ندارد.[۳۳] ۲) امام ازدواج نموده؛ از این رو به سنت ازدواج عمل کرده است، ولی اولاد و فرزند ندارد. در این جا این مشکل پیش می آید که همسر حضرت مانند حضرت

www.noorfatemah.org

باید عمر طولانی داشته باشد، که بر عمر طولانی همسر حضرت دلیلی نداریم و یا این که بگوییم همسر حضرت بعد از مدتی از دنیا رفته است.[۳۴] ۳) حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد بوده و فرزندان او نیز اولاد داشته اند و حضرت ذریه داشته است.[۳۵] بر اساس این مبنا این مشکل وجود دارد که فرزندان و ذریه های امام کجا هستند؟ برخی خواسته اند احتمال سوم را تقویت کنند و از برخی روایات استفاده کنند که امام همسر و فرزند دارد. امام رضا(ع) فرمود": الها! مایهٔ چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(ع) را در او و خانواده و فرزندان و ذرّیّهٔ و تمام پیروانش عطا فرما.["۳۶] امام صادق(ع) فرمود": کأنّی أری نزول القائم فی مسجد السهله بأهله و عیاله.["۳۷] برخی دیگر در صدد آن هستند ثابت کنند که امام زمان(ع) ازدواج نکرده و فرزندی نیز ندارد. این عده، روایاتی را که بر ازدواج و فرزند داشتن امام(ع) دلالت دارند، ضعیف می شمرند و قابل استناد ندانسته اند. از سوی دیگر روایات فوق که بیان شد، دلالت بر بودن فرزند و همسر امام زمان(ع) دارد، ولی این دسته از روایات دلالت ندارند امام زمان(ع) قبل از ظهور ازدواج نموده و فرزند دارد؛ یعنی این دسته روایات تنها دلالت بر همسر و فرزند داشتن امام زمان(ع) دارند، ولی اثبات نمی کنند امام قبل از ظهور زن و فرزند دارد. از سوی دیگر این طیف از روایات با آن دسته از روایات که داشتن فرزند و همسر را از امام زمان(ع) نفی می کنند، تعارض دارد. برخی از روایات هستند که تصریح دارد امام زمان(ع) همسر و فرزند ندارد. مسعودی نقل می کند: علی بن حمزه، ابن سراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شدند. علی بن حمزه به حضرت عرض کرد: از پدرانت نقل کرده ایم که هیچ امامی از دنیا نمی رود، تا فرزندش را ببیند. امام رضا فرمود": آیا در این حدیث روایت کرده اید: مگر قائم.["۳۸؟] این گونه روایات که بدان اشارت کردیم، در صدد نیستند وجود زن و فرزند را برای امام(ع) پیش از ظهور اثبات کنند. از سوی دیگر، روایاتی داریم که با صراحت وجود فرزند را از حضرت نفی می کند. برخی خواسته اند با تمسک به داستان" جزیرهٔ خضرا "بگویند امام عصر(ع) فرزندانی دارد و بر آن جزیره، زیر نظر وی، جامعهٔ نمونه و تمام عیار اسلامی را تشکیل داده اند، لیکن با بررسی های گسترده ای که انجام گرفته، جزیرهٔ خضرا افسانه بیش نیست.[۳۹] نمی توان به طور قطع گفت: امام زمان(ع) همسر و فرزند داشته است. شاید بر همین اساس باشد که صاحبان اندیشه و تاریخ نگاران به طور قطع در خصوص داشتن و نداشتن همسر و فرزند امام زمان(ع) اظهار نظر نکرده اند. [۳۳] مجله حوزه، ویژه نامهٔامام زمان(ع)، ص ۵۴، ۵۵، با تلخیص. [۳۴] همان. [۳۵] همان. [۳۶] همان، ص ۵۶، به نقل از جمال الاسبوع، ابن طاووس، ص ۵۱۰. [۳۷] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۵۲. [۳۸] مسعودی، اثبات الوصیّه، ص ۲۲۱. [۳۹] مجلهٔ حوزه، ویژهٔ امام زمان، ص ۵۷، با تلخیص.

آیا زن امام زمان(عج) هم طول عمر دارد؟

پرسش

آیا زن امام زمان(عج) هم طول عمر دارد؟

پاسخ

در مورد زن و فرزند داشتن امام زمان(عج) نظر قاطعی نمی توان داد، زیرا منبع اثبات این گونه مسایل یا نقل است یعنی روایات معتبر از امامان معصوم (ع) که در اثبات مانعی مسئله به ما رسیده باشد، که چنین روایاتی در خصوص ازدواج حضرت ولی عصر(ع) نرسیده است؛ یا تشرف بهحضور حضرت و سؤال از آن وجود مبارک دربارهٔ ازدواج حضرتش، که در این خصوص چیزی نقل نشده است. بنابراین به طور صددرصد نمی توان گفت حضرت ازدواج کرده و زن و فرزند دارد، نیز نمی توان گفت زن و فرزند ندارد. می ماند احتمالات ذیل: ۱ _احتمال دارد حضرت فقط در دورهٔ غیبت صغری ازدواج کرده و زن و اولادش (اگر بوده باشد)

از دنیا رفته اند، زیرا لازم نیست حکم طول عمر حضرت دربارهٔ خانواده اش اجرا شود. ۲ _ازدواج کرده ولی اولاد ندارد. ۳_ ازدواج نکرده، زیرا حکمت الهی مقتضی است که امام عصر (ع) مخفیانه زندگی نماید و داشتن زن و فزند باعث می شود که مکان حضرت معلوم باشد و این با حکمت غیبت منافات دارد و مسئلهٔ غیبت مهم تر از ازدواج است. حضرت ب...خاط رمصلحت مهم تر ازدواج را ترک کرده اند. به هر ترتیب در صورتی که حضرت ازدواج کرده باشد، حکم حضرت در طول عمر و غیر آن برای خانواده اش جاری نیست. هیچ اشکالی ندارد که قانون زندگی طبیعی و مرگ طبیعی بر خانوادهٔ حضرت جاری شود.۱[۱] ضمناً باید توجه داشت که دانستن این گونه مسایل بر ما ضرورت ندارد. [۱]مجلهٔ حوزه، سال ۷۰ ۷۱ (مهر _ دی) ص ۵۴؛ گفتمان مهدویت (مؤسسهٔ فرهنگیانتظار نور)، ج ۱، ص ۱۱۸.

آیا امام زمان (عج) ازدواج نموده است، آیا فرزندی دارد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) ازدواج نموده است، آیا فرزندی دارد؟

پاسخ

از این که امام زمان(ع) بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) تا کنون از دیده ها پنهان است و اطلاع چندانی از زنگی حضرت در دورهٔ غیبت صغری و کبری و جود ندارد، نمی‌توان با قاطعیت نظر داد حضرت همسر و فرزندانی دارد. در برخی از روایات امامان پیشین به گونه ای به همسر و فرزندان حضرت اشاره شده است، از جمله امام باقر(ع) به مفضل بن عمر فرمود": إنّ لصاحب هذا الامر غیبتنی أحدهما تطول حتی یقول بعضُهم مات و یقول بعضهم ذهب حتی لا یبقی علی أمره مِن أصحابه إلّا نفرُ یسیرٌ و لا یطّلع علی موضعه أحدٌ مِن ولده و لا غیره إلا المولی الّذی یلی امره؛[۴] صاحب الزمان(ع) را دو غیبت است: یکی از آن دو، به اندازه ای طولانی می شود که برخی گویند: حضرت از دنیا رفته است و برخی گویند: کشته شده است، و برخی بر این بار.....Şکه جز اندکی از یاران بر امامت وی نماندند و کسی هم از مکان و جایگاه زندگی حضرت آگاه نیست؛ نه از فرزندان ...نه دیگری، جز کسی که امور وی را پی می گیرد. "در روایتی امام هشتم(ع) بیان نمود... ": اللهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع رعیته ما تقرّبه عینه و تسّربه نفسه ...؛[۵] خداوندا! مایهٔ چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(عج) را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما. "!در این روایت به زنان و فرزندان حضرت اشاره شده است و به گونه ای دلالت دارد که حضرت همسر و فرزند دارد. البته در این دو روایت و مانند آن از نظر سند و دلالت یک سری کاستی هایی وجود دارد، که به جهت رعایت اختصار از بیان آن ها خودداری می کنیم.۲[۶] [۴]شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲. [۵]سید بن طاووس، جماع الاسبوع، ص ۵۱۰؛ مجلهٔ حوزه، ش ۷۰ و ۷۱، ص ۵۶. [۶]برای اطلاع بیشتر رجوع شود به فصلنامهٔ حوزه، ش ۷۰ و ۷۱، مقالهٔ نگاهیبه تولد و زندگی امام زمان.

آیا زندگی حضرت ولی عصر فرشته گونه است یا طبیعی و تجربی (ازدواج و تولید مثل)؟

پرسش

آیا زندگی حضرت ولی عصر فرشته گونه است یا طبیعی و تجربی (ازدواج و تولید مثل)؟

پاسخ

در زمینه حضرت ولی عصر(عج) دو بحث وجود دارد: ۱ - بحث‌هایی که مربوط به اعتقادات و مبانی اعتقادی شیعه می‌باشد و حیات فکری شیعه به آن بستگی دارد و دانستن آنها نقشی اساسی در اعتقادات دارد. این دو دسته از مسائل را معصومان‌علیهم‌السلام کاملاً- بیان نموده و کوچک‌ترین ابهامی در این مسائل وجود ندارد، چرا که ابهام در این گونه موارد باعث عدم تحکیم مبانی اعتقادی و سست شدن ایمان می‌شود، مانند مسائل مربوط به توصیه، نبوت، معاد، امامت ائمه‌علیهم‌السلام، و امامت حضرت حجت (عج) و مسائل دیگر. ۲ - بحث‌هایی که برخلاف دسته اول دخالتی در مبانی اعتقادی نداشته و دانستن آنها، جنبه اطلاعات عمومی دارد. سؤال شما از قسم دوم است که خدا و ائمه‌علیهم‌السلام به دلیل مطالح و حکمت‌هایی، کم و کیف آنها را مردم مخفی داشته‌اند. در مورد وجود مقدس امام زمان(عج) اصل وجود مدای و زندگی دنیوی حضرت امری مسلّم و حتمی است و حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه'ق از پدر و مادری معیّن متولد شدند و بعد از پدر بزرگوار خویش، زعامت امت را برعهده گرفتند که تا به حال که در زمان غیبت کبری قرار داریم، و وجود دارد. هیچ دلیلی وجود ندارد که از زمان خاصی حیات مادی حضرت به حیات معنوی مبدّل گردیده است. پس همان زندگی مادی تا زمان حاضر ادامه دارد و بسان سایر آدمیان، حیات مادی و انسانی دارند و زندگی ایشان فرشته گونه نمی‌باشد. اصلاً یکی از جهات معجزه بودن وجود مقدس امام زمان، همین است که ایشان ۱۱۶۹ سال زنده می‌باشند که این نشانه عظمت و حکمتی است که اراده الهی به آن تعلّق گرفته است. اما در مورد مسئله ازدواج و فرزند دلیل کاملا. معتبری در اثبات یا نفی قطعی این مسائل وجود ندارد. مسئله اساسی در زمینه زن و فرزند حضرت این است که با توجه به فلسفه غیبت و این که حضرت به شیوه ناشناس زندگی می‌کند و کسی از مکان ایشان آگاه نیست، آیا ازدواج و داشتن فرزند، با این مسئله سازگار است؟ در اینجا سه احتمال وجود دارد: ۱ - حضرت مهدی‌علیه‌السلام ازدواج نکرده‌اند. ۲ - حضرت ازدواج کرده، ولی اولاد ندارند. ۳ - ازدواج کرده‌اند و دارای فرزند می‌باشند. اگر احتمال اوّل را بپذیریم، لازمه‌اش این است که امام معصوم‌علیه‌السلام یکی از سنت‌های اسلامی را ترک کرده باشند و این با شأن امام سازگار نیست، ولی شاید بتوان گفت امر غیبت اهم است و ازدواج مهم، و ترک ازدواج به خاطر آن امر اهم اشکال ندارد. اما در احتمال دوم هم سنت الهی ازدواج حفظ شده و هم تا حدی با مسئله غیبت و علنی نبودن آن سازگار است، ولی برای اثبات احتمال سوم، دلیل محکمی نیست. البته برخی خواسته‌اند از روایات و ادعیه بر این احتمال دلیل اقامه کنند، ولی روایات آن طبق نظر برخی از علما دارای سند معتبری نمی‌باشد. برخی خواسته‌اند به وسیله داستان جزیره خضرا، اثبات کنند که حضرت حجت(عج) دارای فرزند می‌باشند و جزیره خضرا نمونه جامعه نمونه و مدینه فاضله اسلامی است. نجم الثاقب یا زندگی مهدی موعود، محدث نوری، ص ۲۵۲ - ۲۶۰. علامه مجلسی ضمن نقل این داستان می‌گوید": چون در کتاب‌های معتبر بر آن دست نیافتم، آن را در فصلی جداگانه آوردم. "بنابراین داستان جزیره خضرا سند معتبر ندارد. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

آیا امام زمان (عج) ازدواج کرده است و در صورت ازدواج فرزندی دارد و آنان میان مردم هستند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) ازدواج کرده است و در صورت ازدواج فرزندی دارد و آنان میان مردم هستند؟

پاسخ

درباره امام زمان (عج) پرسش‌های متعددی مطرح است، مانند مدت عمر، فلسفه غیبت، زمان ظهور و... یکی از پرسش‌ها این است که حضرت ازدواج نموده و فرزند دارد؟ درباره ازدواج امام و فرزند داشتن حضرت، سه احتمال قابل مطرح است: ۱. حضرت ازدواج نکرده است. اگر حضرت ازدواج نکرده باشد، فرزند و ذریه نخواهد داشت. اگر این احتمال را بپذیریم، این مشکل مطرح می‌گردد که چرا امام معصوم (ع) به یکی از سنت‌های مهم اسلامی که ازدواج باشد، عمل نکرده است؟ در جواب می‌توان گفت: غیبت امام زمان (عج) از سنت ازدواج اهمیت بیشتری دارد و ترک سنت ازدواج با مقام عصمت منافات دارد. مجله حوزه، ویژه‌نامه امام زمان (عج)، ص ۵۴ – ۵۵، با تلخیص. ۲. امام ازدواج نموده؛ از این رو به سنت ازدواج عمل کرده است، ولی اولاد و فرزند ندارد. در این جا این مشکل پیش می‌آید که همسر حضرت مانند ایشان باید عمر طولانی داشته باشد، که بر عمر طولانی همسر حضرت دلیلی نداریم و یا این که بگوییم همسر حضرت بعد از مدت از دنیا رفته است. همان. ۳. حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد بوده و فرزندان او نیز اولاد داشته‌اند و حضرت ذریه داشته است. همان. براساس این مبنا این مشکل وجود دارد که فرزندان و ذریه‌های امام کجا هستند؟ برخی خواسته‌اند احتمال سوم را تقویت کنند و از برخی روایات استفاده کنند که امام همسر و فرزند دارد. امام رضا (ع) فرمود": الهـا! مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان (عج) را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش عطا فرما. "همان، ص ۵۶، به نقل از جمال الاسبوع ابن طاووس، ص ۵۱۰. امام صادق(ع) فرمود": کأنی أری نزول القائم فی مسجد السهلة بأهله و عیاله. "بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۵۲. برخی دیگر درصدد آن هستند ثابت کنند که امام زمان (عج) ازدواج نکرده و فرزندی نیز ندارد. این عده، روایاتی را که بر ازدواج و فرزند داشتن امام (عج) دلالت دارند، ضعیف می‌شمرند و قابل استناد ندانسته‌اند. از سوی دیگر روایات فوق که بیان شد، دلالت بر وجود فرزند و همسر امام زمان (عج) دارد، ولی این دسته از روایات دلالت ندارند امام زمان قبل از ظهور ازدواج نموده و فرزند دارد؛ یعنی این دسته روایات تنها دلالت بر همسر و فرزند داشتن امام زمان دارند، ولی اثبات نمیکنند امام قبل از ظهور زن و فرزند دارد. از سوی دیگر این روایات با آن دسته از روایات که داشتن فرزند و همسر را از امام نفی می‌کنند، تعارض دارد. برخی از روایات هستند که تصریح دارد امام زمان(ع) همسر و فرزند ندارد. مسعودی نقل می‌کند: علی بن حمزه، ابن سراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا (ع) وارد شدند. علی بن حمزه به حضرت عرض کرد: از پدرانت نقل کرده‌ایم که هیچ امامی از دنیا نمی‌رود، تا فرزندش را ببیند. امام رضا فرمود": آیا در این حدیث، روایت کرده‌اید: مگر قائم. "؟مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۱. این گونه روایات که بدان اشارت کردیم، درصدد نیستند وجود زن و فرزند را برای امام (ع) پیش از ظهور اثبات کنند. از سوی دیگر، روایاتی داریم که با صراحت وجود فرزند را از حضرت نفی می‌کند. برخی خواسته‌اند با تمسک به داستان" جزیره خضرا "بگویند امام عصر فرزندانی دارد و بر آن جزیره، زیر نظر وی، جامعه نمونه و تمام عیار اسلامی را تشکیل داده‌اند، لیکن با بررسی‌های گسترده‌ای که انجام گرفته، جزیره خضرا افسانه‌ای بیش نیست. مجله حوزه، ویژه امام زمان (ع)، ص ۵۷، با تلخیص. واقعیت آن است که نمی‌توان به طور قاطع گفت: امام زمان (ع) همسر و فرزند داشته است. شاید بر همین اساس باشد که صاحبان اندیشه و تاریخ نگاران به طور قطع درخصوص داشتن و نداشتن همسر و فرزند امام زمان اظهار نظر نکرده‌اند.

آیا حضرت مهدی(ع) ازدواج کرده و همسر و بچه دارد؟ اگر چنین است، با چه خانواده‌ای ازدواج کرده است؟

پرسش

آیا حضرت مهدی(ع) ازدواج کرده و همسر و بچه دارد؟ اگر چنین است، با چه خانواده‌ای ازدواج کرده است؟

پاسخ

در مورد ازدواج حضرت مهدی(ع) و فرزند داشتن دو نظریه وجود دارد و این دو رأی براساس برداشت از روایات مختلف است. بعضی با استفاده از قرائن و شواهد و روایات معصومین(ع) ازدواج حضرت را تأیید کرده‌اند، مثلاً روایتی از امام رضا(ع) نقل شده که": اللهم صل علی ولاۀ عهده و الائمه من ولده؛ خداوندا! بر حاکمان زمان او و فرزندان فرمانروایش درود بفرست.("۱) ولی بعضی از صاحب نظران روایت فوق را ضعیف دانسته و بر فرض صحت سند بر دلالتش خدشه وارد کرده‌اند، به جهت این که روایت، زمان تولد فرزندان امام را مطرح نمی‌کند.(۲) روایت دیگری از امام صادق(ع) نقل شده که" هیچ کس از فرزندان او و غیر آن‌ها بر جایگاهش آگاه نمی‌شوند مگر خادمی که به کارهای او می‌پردازد.("۳) اما همین روایت را نعمانی نقل کرده، ولی در آن کلمه فرزند نیامده است.(۴) از طرفی روایاتی بر عدم وجود فرزند برای امام زمان(ع) دلالت دارد. علی بن ابی حمزه به امام رضا(ع) عرض کرد: روایت کرده‌ایم از پدران شما که هیچ امامی فوت نمی‌کند تا این که فرزند خود را ببیند. حضرت رضا(ع) فرمود": آیا در این حدیث قید کرده‌اید: غیر از قائم.("۵؟) در روایت دیگر حضرت فرمود": هیچ امامی نیست مگر این که پس از او فرزندی است، غیر از امامی که حسین بن علی(ع) بر او (از قبر) بیرون می‌آید. پس آن امام فرزند نخواهد داشت.("۶) واضح است که مقصود اشاره به رجعت امام حسین(ع) و خروج حضرت از قبر در زمان امام مهدی(ع) است. برخی خواسته‌اند با تمسک به داستان جزیره خضرا بگویند امام زمان(ع) فرزندانی دارد، ولی اصل آن داستان، افسانه‌ای بیش نیست و واقعیت ندارد. شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را تخیلی و رمانتیک شمرده است.(۷) بنابراین نمی‌توان به طور قاطع درباره ازدواج امام زمان(ع) و داشتن فرزند نظر داد.

پی‌نوشت‌ها: ۱ – ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۲. ۲ – علامه مرتضی عاملی، جزیره خضراء، ترجمه ابوالفضل طریقه دار، ص ۱۷۸. ۳ – شیخ طوسی، الغیبۀ، ص ۱۰۲. ۴ – نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲. ۵ – مسعودی، اثبات الوصیۀ، ص ۲۰۱. ۶ – شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۳۴. ۷ – الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۸.

مسئله ازدواج امام زمان (عج) را توضیح دهید؟

پرسش

مسئله ازدواج امام زمان (عج) را توضیح دهید؟

پاسخ

در این مسئله سه احتمال وجود دارد و هیچ یک از این احتمالات قطعی نیست: ۱ – حضرت مهدی (عج) ازدواج نکرده است. ۲ – ازدواج صورت گرفته است، ولی اولاد ندارند. ۳ – ازدواج صورت گرفته و دارای فرزندانی می‌باشند. با وجود این سه احتمال، نمی‌توانند به طور قاطع در مورد ازدواج امام زمان (عج) سخن گفت. لازمه پذیرش احتمال اول این است که امام معصوم (ع) یکی از سنت‌های مهم اسلامی را ترک کرده باشد، که با شأن امام سازگار نیست، ولی از سوی دیگر اگر چه ازدواج امر مهمی است اما با مسئله غیبت و زندگی مخفیانه امام، ظاهراً سازگار نیست، پس اشکالی ندارد که سنت مستحبی ازدواج ترک شود. حتی گاهی مواقع لازم باشد انسان طبق واجب اهم عمل نماید و ازدواج را ترک کند. احتمال دوم می‌تواند جمع بین سنت اسلامی ازدواج و مصلحت غیبت حضرت و مخفی بودن ایشان باشد، اما در این فرض سؤالات متعددی طرح می‌شود، یا این که آن زن نیز همانند حضرتش دارای عمری طولانی است که بر این سخن دلیلی نداریم، یا این که بعد از مدتی رحلت نموده و حضرت بدون زن و فرزند زندگی می‌نمایند. احتمال سوم این که حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد هستند و اولاد حضرت نیز دارای فرزندانی است

و... بعضی خواسته‌اند از دعاها و روایات بر امر سوم دلیل اقامه نمایند که سند بعضی از این روایات صحیح نمی‌باشد. از سوی دیگر مشکل اساسی این است که بالاخره روزی این فرزندان و نوادگان، به جست و جوی اصل و نسب خویش می‌پردازند و این مسئله با فلسفه غیبت سازگار نیست؛ مگر این که از ابتدا بگوییم اراده الهی بر عدم افشای اسرار زندگی و خانواده حضرت قرار گرفته است و کیفیت آن طبق اراده الهی بر همگان مجهول بوده و خواهد ماند.(۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ - مجله حوزه، شماره ۷۱ - ۷۰، سال ۱۳۷۴، صفحه ۲۳.

آیا امام زمان(عج) ازدواج نموده و زن و فرزند دارد؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) ازدواج نموده و زن و فرزند دارد؟

پاسخ

پاسخ را با ذکر چند نکته بیان می داریم: اوّل: چون امام زمان(عج) از دیده‌ها پنهان است و در پشت پرده غیبت قرار دارد، نمی‌توان از راه حس و مشاهده و به صورت عادی به پاسخ سؤال نایل شد؛ نیز چون سؤال از مباحث عقلی و انتزاعی نیست، از راه برهان عقلی نیز نمی‌توان پاسخ را دریافت نمود. تنها راه پاسخ گویی، روایات پیشوایان معصوم(ع) است که چون آنان از علم برتری بهره‌مند می باشند، می توانند از آینده خبر دهند که از آن جمله حوادث و مسائل مربوط به مهدی منتظر(ع) است. دوم: حال که پاسخ را می بایست از اخبار پیشوایان معصوم(ع) جستجو نمود، به سراغ روایات می رویم. در روایات صحیح و معتبر، پاسخ روشنی به پرسش وجود ندارد؛ بلکه در برخی روایات با ایهام و اشاره در این زمینه سخن به میان آمده است، از جمله: ۱- مفضل بن عمر گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که در مورد امام مهدی(عج) فرمود": صاحب الزمان را دوغیبت است. یکی از آن دو به اندازه‌ای طولانی شود که برخی گویند: حضرت از دنیا رفته و برخی گویند کشته شده است اما کسی جز آنانی که امور حضرت را پی گیری می کنند، از مکان و فرزندان وی آگاه نیستند."(۱) ۲- از امام صادق(ع) آمده است": گویا می بینم حضرت مهدی(عج) با اهل و عیالش در مسجد سهله است."(۲) ۳- از امام هشتم(ع) در دعایی نقل شده است": اللّهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع معصیته ما تقرّ به عنیه و تسرّ به نفسه؛(۳) خدایا، مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(عج) را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما. "!۴- نیز از آن حضرت در مورد امام زمان(عج) این دعا نقل شده است": اللهم صل علی ولاهٔ عهده و الائمهٔ من ولده؛(۴) خدایا، بر والیان و فرزندان وی که امامند، درود فرست. "!ظاهر این این روایات دلالت بر زن و فرزند داشتن است. این روایات به فرض پذیرش و درستی سند و صحت انتساب آن به امام معصوم، از نظر دلالت به روشنی گویا نیست که امام مهدی(عج) در دوره غیبت همسر و فرزند دارد. در برخی احادیث مشکل سندی و در برخی دیگر مشکل دلالت وجود دارد. افزون بر این روایاتی وجود دارد که با صراحت وجود فرزند را برای حضرت نفی می کند.(۵) سوم: با توجه به روایات مذکور می گوییم: در مورد زن و فرزند امام مهدی(ع) سه احتمال وجود دارد: أ) حضرت ازدواج نکرده است. لازمه این احتمال آن است که امام(ع) یکی از سنت‌های مهم اسلامی را ترک کرده باشد، که با شأن امام سازگار نیست. امّا از سوی دیگر چون غیبت از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ به ناچار امام از سنت چشم پوشی می کند، که اشکالی ندارد. برای حفظ مصلحت بالاتر، از مصلحت پایین‌تر چشم پوشی می گردد. ب) حضرت ازدواج نموده امّا فرزندی ندارد. نداشتن فرزند به سبب غیبت است. پذیرش این فرض، سؤالی را با خود می آورد که آیا همسرش هم از عمر طولانی بهره‌مند است یا این که مدّتی با حضرت زندگی کرده و

بعد از دنیا رفته است؟ در این صورت حضرت به سنت ازدواج عمل کرده و بعد بدون زن و فرزند زندگیش را ادامه می دهد. پ) حضرت زن و فرزند دارد. با پذیرش این فرض، این سؤالات مطرح است: آیا آنان نیز عمری طولانی دارند؟ فرزندان حضرت نیز فرزندانی دارند؟ اگر دارند، این همه اولاد، در پی اصل خویش می افتند و همین کنجکاوی، مسئله را به جایی می رساند که با فلسفه غیبت منافات دارد. با توجه به مطالب مذکور، نمی‌توان یکی از این سه احتمال را قاطعانه پذیرفت و این به مقتضای خرد ورزی است که در جایی که دلیل کافی برای اثبات یا انکار چیزی وجود ندارد، از ابراز حکم قطعی خودداری گردد. بنابراین از راه هایی که پیش روی ما است، نمی‌توان وجود زن و فرزندی را برای حضرت مهدی(عج) ثابت نمود. نیز به دیگر پرسش هایی که در مورد زن و فرزند حضرت مهدی(عج) هست، نمی‌توان پاسخ قطعی داد.(۶) پی نوشت‌ها: ۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲. ۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷. ۳. سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۰. ۴. همان، ص ۵۱۰. ۵. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۱. ۶. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟

پرسش

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟

پاسخ

در مورد زن و فرزند داشتن امام زمان(عج) نظر قاطعی نمی توان داد، زیرا منبع اثبات این گونه مسایل یا نقل است یعنی روایات معتبر از امامان معصوم (ع) که در اثبات مانعی مسئله به ما رسیده باشد، که چنین روایاتی در خصوص ازدواج حضرت ولی عصر(ع) نرسیده است؛ یا تشرف بهحضور حضرت و سؤال از آن وجود مبارک دربارهٔ ازدواج حضرتش، که در این خصوص چیزی نقل نشده است. بنابراین به طور صددرصد نمی توان گفت حضرت ازدواج کرده و زن و فرزند دارد، نیز نمی توان گفت زن و فرزند ندارد. می ماند احتمالات ذیل: ۱ـ احتمال دارد حضرت فقط در دورهٔ غیبت صغری ازدواج کرده و زن و اولادش (اگر بوده باشد) از دنیا رفته اند، زیرا لازم نیست حکم طول عمر حضرت دربارهٔ خانواده اش اجرا شود. ۲ـ ازدواج کرده ولی اولاد ندارد. ۳ـ ازدواج نکرده، زیرا حکمت الهی مقتضی است که امام عصر (ع) مخفیانه زندگی نماید و داشتن زن و فرزند باعث می شود که مکان حضرت معلوم باشد و این با حکمت غیبت منافات دارد و مسئلهٔ غیبت مهم تر از ازدواج است. حضرت به خاط رمصلحت مهم تر ازدواج را ترک کرده اند. به هر ترتیب در صورتی که حضرت ازدواج کرده باشد، حکم حضرت در طول عمر و غیر آن برای خانواده اش جاری نیست. هیچ اشکالی ندارد که قانون زندگی طبیعی و مرگ طبیعی بر خانوادهٔ حضرت جاری شود.(۱) ضمناً باید توجه داشت که دانستن این گونه مسایل بر ما ضرورت ندارد. پی نوشت ها: ۱. مجلهٔ حوزه، سال ۷۰ ـ ۷۱ (مهر ـ دی) ص ۵۴؛ گفتمان مهدویت (مؤسسهٔ فرهنگی انتظار نور)،ج ۱، ص ۱۱۸.

آیا حضرت صاحب الامر(ع) همسر دارند و صاحب عائله و فرزند می باشند؟ اگر دارند کجا اقامت دارند و آیا آنها شناخته شده‌اند یا به طور ناشناس زندگی می‌کنند و کسی آنها را نمی‌شناسد؟

پرسش

آیا حضرت صاحب الامر(ع) همسر دارند و صاحب عائله و فرزند می باشند؟ اگر دارند کجا اقامت دارند و آیا آنها شناخته شده‌اند یا به طور ناشناس زندگی می کنند و کسی آنها را نمی‌شناسد؟

پاسخ

بایـد متـذکر بود که جواب این پرسـش، در هالـۀ قـدس غیبت امام (ع) قرار دارد و خفاء امر امام (ع) که یکی از نشانه‌ها و خصایص آن حضـرت است، در پاسـخ این سـؤال نیز اثر می گـذارد، لـذا بطـور تحقیـق و یقین نمی‌تـوان به آن پاسـخ داد، چـون در این زمینه احادیث و روایات اطمینان بخشـی در دست نـداریم، یا اینکه به نظر حقیر نرسـیده است؛ و اگر در عصـر ائمه (ع) و در وقت صـدور سایر روایات، اینگونه پرسـش‌ها مطرح شـده باشـد شاید بعضـی از روات احادیث، برای اینکه در جوهر مطلب دخالت نداشـته‌اند، به حفظ و ضبط احادیث آن همّت نگماشته‌اند. بعضی از روایاتی هم که در دسترس است با چشم پوشی از وضع سند و متون آنها یا از جهت اختلاف نسـخه یا غرابت متن، ضعف دارند. مانند روایت شیخ الطائفه (شیخ طوسی(ره)) در کتاب «غیبت» از «مفضل بن عمر» از حضرت صادق(ع) روایت کرده که اگر چه این جملۀ آن: «لایَطَّلِعُ عَلی مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِهِ وَلا غَیْرِهِ» (غیبت شیخ، ص ۱۰۲) [بر مکان ایشان هیچ کس، حتی فرزندی از فرزندانش اطلاع ندارد] که با قطع نظر از مناقشۀ بعضـی در آن، که بر وجود فرزند برای آن حضـرت دلالـت دارد. اما «غیبت نعمانی» این جمله را چنین روایت کرده است: «لایَطَّلِعُ عَلی مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِیٍّ وَلاغَیْرِهِ» (منتخب الاـثر، ص ۲۵۲) [ازمکـان ایشـان هیـچ کس حتی دوسـتدارانشان نیز خبر ندارنـد] با وجود این اختلاف، اسـتناد به نقل «غیبت شـیخ» اطمینـان بخش نیست؛ بلکه نقـل «غیبت نعمـانی» از برخی جهات، ماننـد علوّ سـند و لفظ حـدیث، معتبرتر به نظر می‌رسـد. بعضـی از روایـات، مثل خبر «کمال الـدین انباری» و خبر«زین الـدین مازنـدرانی» از جهت غرابت و ضـعف ظاهری که در متن آنها است، قابل اسـتناد نمی‌باشـند. و بعضـی دیگر، همچـون فقرات برخی از «ادعیـه و زیـارات» نیز صـراحت ندارنـد؛ و قابـل حمـل بر عصـر ظهـور می‌باشـند. علاـوه بر این بـا فرض قبول دلالت، متعرض خصوصـیت و تفصـیلات نبوده، فقط بطور اجمال، اصل متزوج بودن و فرزند داشـتن آن حضـرت را بیان می کنند. خلاصه سـخن اینکه: اگر چه همسـر و فرزند داشـتن آن حضـرت محتمل است، اما در بررسـی اخبار و احادیث به حدیث معتبری که موجب اطمینان باشد، و خصوصاً متضـمن تفاصـیل این موضوع باشد، نرسیدیم، و دنبال کردن و تعقیب این موضوع هم لزومی ندارد.

آیا امام عصر(عج) زندگی جمعی و خانوادگی دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب، همسر ایشان چه قشر از مردم هستند؟

پرسش

آیا امام عصر(عج) زندگی جمعی و خانوادگی دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب، همسر ایشان چه قشر از مردم هستند؟

پاسخ

اگرچه از ظاهر بعضی روایات و ادعیه معصومین، چنین استنباط شده که آن حضرت دارای همسر و اولاد می‌باشد، اما همان طور که خواهد آمد، برخی روایات نیز که از درجه اعتبار زیادی برخوردارند، به فرزند نداشتن آن حضرت تصریح دارند. و اما ابتدا روایاتی که بوسیله آنها می‌توان به فرزند داشتن حضرت مهدی(عج) استدلال نمود، بیان و بررسی می‌شود: ۱ - شیخ طوسی از مفضل بن عمر روایت می کند که امام صادق(ع) فرمود: «هیچ یک از فرزندان او و دیگری از محل وی اطلاع ندارند، مگر خدایی که اختیار او

را در دست دارد« {P – »لا یَطَّلعُ علی موضعه احدٌ من وُلده و لا غیره الا المولی الذی یلی امره« (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۰۲) P} استدلال بر این روایت از چند جهت صحیح نیست: الف) نعمانی همین جمله را چنین روایت کرده است: »لا یُطَّلعُ علی موضعه احدٌ من ولیّ و لا ـ غیره...« {P – محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبهٔ، باب دهم، ص ۲۵۰. P} ب) گفته می‌شود در روایت شیخ طوسی تحریف واقع شده است. زیرا در روایت ضمیر مفرد به جای ضمیر جمع استفاده شده و می گوید »از فرزندان او و دیگری«، در حالی که صحیح این بود که بگوید: »از فرزندان او و دیگران« ج) بر فرض که بپذیریم، باز هم چیزی در روایت وجود ندارد که حاکی از زنان و فرزندان امام(عج) باشد و شاید پس از چند قرن فرزندانش متولد شوند. ۲ – روایت جزیره خضراء را مرحوم مجلسی در بحارالانوار نقل کرده است در صورتی که این روایت دارای سند معتبر {P – علامه مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۱۷۴ – ۱۵۹. P} و قابل اعتماد نیست و بیشتر شبیه یک افسانه و رمان است تا واقعیت. ۳ – روایت »پنج شهر« احمد بن محمد بن یحیی انباری مبنی بر این که امام زمان(عج) فرزندانی دارد که پنج تن از آنان حکومت پنج شهر و پایتخت را بر عهده دارند. این روایت نیز به یک افسانه می‌ماند. ضمن این که سند این داستان بسیار سست و بی اساس است. {P – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۰۷. ۴ {P – روایتی که سید بن طاووس نقل کرده است که امام رضا(ع) در مقام دعا عرض کرد: »اللّهم صلِّ علی وُلاةِ عهدِهِ و الائمهٔ من وُلدِهِ«؛ این روایت نیز قابل اعتماد نیست، زیرا سند آن ضعیف است. ضمناً بنا بر تصریح خود سید بن طاووس دارای {P – سید بن طاووس، جمال الاسبوغ، ص ۵۱۲. P} متن دیگری نیز می‌باشد که به این شکل است: »اللّهم صلّ علی وُلاةِ عهده و الائمّهٔ مِن بعدِهِ« {P – همان، ص ۵۱۲. P} اگر صحت روایت را بپذیریم، باز هم در آن نکته‌ای که حاکی از زمان ولادت فرزندان امام باشد وجود ندارد. روایاتی که در بحث پیش آوردیم نمی‌تواند ثابت کند که امام زمان(عج) فرزند داشته باشد. دلایلی هم وجود دارد که می‌رساند امام زمان(عج) لااقل در حال حاضر فرزند ندارد. از جمله: ۱ – مسعودی روایت کرده است: »علی بن حمزه، ابن السراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شدند. علی بن حمزه، به آن حضرت عرض کرد: از پدرانت روایت کرده‌ایم،... که امام از دنیا نمی‌رود تا فرزندش را ببیند؟ حضرت فرمود: آیا در این حدیث روایت کرده‌اید »الا القائم« عرض کردند: بلی. حضرت فرمود: آری، روایت کرده‌اید، شما نمی‌دانید که چرا گفته شده و معنای آن چیست؟ ابن ابی حمزه گفت: این مطلب در حدیث چیست؟ حضرت به او فرمود: وای بر تو، چگونه جرأت کردی با چیزی بر من استدلال کنی که بعضی از آن با بعضی دیگر در هم آمیخته است و فرمود: خداوند متعال به زودی فرزندم را به من نشان خواهد داد.« {P – مسعودی، اثبات الوصیّه، ترجمه نجفی، ص ۲۰۱. ۲ {P – از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن سلیمان بن رشید، از حسن بن علی خزاز نقل کند که گفت: »علی بن حمزه بر حضرت رضا(ع) وارد شد و عرض کرد: آیا شما امام هستی؟ فرمود: آری، عرض کرد: من از جدت، جعفر بن محمد(ع) شنیدم که فرمود: امامی وجود ندارد مگر این که فرزندی داشته باشد و از خود نسلی بر جای بگذارد. فرمود: ای پیر، فراموش کردی یا خود را به فراموشی زدی؟ جعفر این گونه نگفت، بلکه فرمود: امامی وجود ندارد مگر این که فرزندی دارد، جز امامی که حسین(ع) برای او از قبر بیرون آید؛ او فرزند ندارد. عرض کرد: فدایت شوم، درست فرمودی، شنیدم که جدت چنین گفت.« {P – شیخ طوسی، کتاب الغیبهٔ، ص ۱۳۴. P} روایات دیگری که بر فرزند نداشتن امام تصریح دارد، نیز موجود است که می‌توان برای آگاهی بیشتر به کتاب‌های مربوطه مراجعه کرد. {P – از جمله کتاب: جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت، علامه سید مرتضی جعفر عاملی، ترجمه سپهری، ص ۲۲۱. P} به هر تقدیر، اگر چه همسر و فرزند داشتن آن حضرت محتمل است، اما در بررسی اخبار و احادیث وارده، به روایت معتبری که موجب اطمینان باشد، نرسیدیم و دنبال نمودن این موضوع لزومی هم ندارد. {P – ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت (قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵) ص ۴۶۸. P}

آیا امام زمان(ازدواج کرده اند یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان توضیح دهید.

پرسش

آیا امام زمان(ازدواج کرده اند یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان توضیح دهید.

پاسخ

مسأله ای که پیرامون زندگی شخصی و کیفیت معیشت امام عصر(نیاز به بررسی دارد، مسأله زن و فرزند آن حضرت است، که آیا با توجه به فلسفه غیبت و اینکه آن حضرت به شیوهٔ ناشناس زندگی می‌کنند و کسی از مکان وی آگاه نیست، ازدواج و داشتن فرزند با این مسأله سازگار است؟ منابعی که در اختیار است، یا اشکال سندی دارد و یا ابهام دلیلی و نظر قاطعی را ارائه نمی دهند، در اینجا سه احتمال وجود دارد : ۱-اساساً حضرت مهدی(ازدواج نکرده است. ۲- ازدواج انجام گرفته، ولی اولاد ندارند. ۳- ازدواج کرده اند و دارای فرزندانی نیز می باشند. اگر احتمال اول را بپذیریم، لازمه اش اینست که امام معصوم (یکی از سنتهای مهم اسلامی را ترک کرده باشد و این با شأن امام سازگار نیست. اما از طرفی دیگر چون مسأله غیبت، اهم است، ترک ازدواج، با توجه به آن امر مهمتر، اشکالی را ایجاد نمی‌کند و گاهی برای مصلحت بالاتر، لازم و واجب نیز هست. اما احتمال دوم که اصل ازدواج را بپذیریم بدون داشتن اولاد، جمع می کند بین انجام سنت اسلامی و عدم انتشار مکان و موقعیت حضرت. اما باز این اشکال باقی است که اگر قرار باشد، آن حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزیند، یا باید بگوییم که عمر او نیز مانند عمر حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم، یا این که بگوییم مدتی از آن، تنها و بدون زن و فرزند زندگی را ادامه می دهد. احتمال سوم آن است که آن حضرت ازدواج کرده، و دارای اولاد نیز هست و اولاد آن حضرت نیز فرزندانی دارند. و ... این مسأله افزون بر آن که دلیل محکمی ندارد، اشکال اساسی آن اینست که این همه اولاد و اعتاب بالاخره روزی در جست وجوی اصل خویش می افتند و همین کنجکاوی و جست و جو، مسأله را به جایی باریک می کشاند که با فلسفه غیبت حضرت نمی‌سازد.(۱) البته برخی خواسته اند از روایات و بعضی از ادعیه بر این احتمال اقامه دلیل کنند که در اینجا به دو مورد آن اشاره می کنیم. ۱.مفضل بن عمر گوید از امام باقر(شنیدم که فرمود" : صاحب الزمان(را دو غیبت است : یکی از آن دو به اندازه ای طولانی شود که بعضی گویند آن حضرت از دنیا رفته و برخی گویند کشته شده است، و بعضی نیز بر این باور باشند که جز اندکی از یاران بر امامت وی ماندگار نماندند و کسی هم از مکان و جایگاه زندگی آن حضرت، آگاه نیست؛ نه از فرزندان و نه چیز دیگری، جز آن کسی که امور وی را پی می گیرد(".۲) استدلال برای اثبات زن و فرزند قسمت آخر روایت است، اما این استدلال از چند جهت اشکال دارد. الف : این روایت را نعمانی در کتاب غیبت خود نقل کرده و به جای کلمه ولد (فرزند) کلمه ولی(۳) آورده است. بنابراین اعتمادی بر آن روایت با توجه به این نقل نیست... ب : در روایت نیامده که الآن امام زمان (دارای زن و فرزند است و از این جهت اجمالی دارد، شاید به فرزندانی که بعداً در آستانه ظهور و یا بعد از آن به دنیا خواهد آمد، اشاره داشته باشد. ج : شاید از باب مبالغه در خفا باشد. یعنی اگر بر فرض آن حضرت اولاد هم می داشت، از جایگاه و سرّ غیبت او آگاه نمی‌شدند. با این احتمال نیز استدلال به روایت برای اثبات اولاد برای امام زمان (ناتمام است. ۲. روایت ابن طاووس از امام رضا(که ایشان می فرمایند : "الها! مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما(۴") این روایت نیز نمی توان استدلال کرد چون : الف : از جهت سند قابل اعتماد نیست. ب : به زمان ولادت فرزندان اشاره ندارد که پیش از ظهور است یا بعد از آن. منابع و مآخذ : ۱. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۵۲ ۲. کتاب الغیبه، شیخ طوسی،ص۱۶۲ ۳. کتاب الغیبه، نعمانی،ص۱۷۲ تاریخ الغیبة الکبری، محمد صدر، ج۲، ص۶۵، مکتبة الأم امیرالمؤمنین(، العامة، اصفهان

آیا امام عصر (عج) دارای زن و فرزند است اگر هست چرا تاکنون کسی خود رافرزند امام معرفی نکرده و اگر نیس

پرسش

آیا امام عصر (عج) دارای زن و فرزند است اگر هست چرا تاکنون کسی خود رافرزند امام معرفی نکرده و اگر نیس

پاسخ

جواب این سئوال همچون مسئله غیبت در هاله ابهام قرار دارد و بطور تحقیق نمی‌توان به آن پاسخ داد چون در این رابطه ما احادیث و روایات اطمینان بخشی در دست نداریم. و یا بنظر ما نرسیده است. چنانکه حدیثی را مفضل بن عمر از امام صادق(ع) نقل نموده که آن بزرگوار فرمود: کسی از محل زندگی و اولاد و خانواده‌اش اطلاع ندارد. ((غیبت شیخ طوسی ص:۱۰۲)) خلاصه سخن با توجه به اینکه احتمال دارد آن بزرگوار دارای همسر و فرزندانی باشد ولیکن چون در روایات و کتب و ادعیه و زیارات خصوصیات و محل زندگی و جزئیات آنرا بیان ننموده‌اند لذا به طور یقین نمی‌شود پاسخ داد. چنانکه در اصل زنده بودن حضرت خضر و حضرت عیسی(ع) همه متفق القولند ولی از محل اقامت و نحوه زندگی و جزئیات آنها کسی بحث ننموده است و اگر هم بحث نموده‌اند ما بی خبریم.

شخصی یکی از نوادگان امام زمان(عج) را دیده که او گفته من نه صدای امام را شنیده ام و نه خود ایشان را دیده ام. به نظر شما دلیل اینکه نواده ای از امام نیز محروم از این قضیه باشد چیست؟

پرسش

شخصی یکی از نوادگان امام زمان(عج) را دیده که او گفته من نه صدای امام را شنیده ام و نه خود ایشان را دیده ام. به نظر شما دلیل اینکه نواده ای از امام نیز محروم از این قضیه باشد چیست؟

پاسخ

نخست باید دانست درباره اینکه امام زمان (عج)دارای زن و فرزند باشد یا نباشد اختلاف وجود دارد .در صحت چنین ادعایی باید تردید کرد .نکته بعد بر فرض صحت این گفته، به همان دلایلی که دیگر مومنان از مشاهده حضرت محرومند نوادگان ایشان نیز محروم خواهند بود .زیرا از حکمتهای دوران غیبت است و تفاوتی میان افراد وجود ندارد . البته روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده‌اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال‌های غیبت ازدواج‌های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی در دست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی‌شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی که در اختیار است یا ابهام دلالی دارد یا از نظر سند مشکل دارد. بنابراین با توجه به روایات که بعضی اشکال سندی دارند و بعضی از نظر دلالت مبهم می‌باشند، نمی‌شود بطور قاطع در مورد ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد

انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همان حکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم). برای آگاهی بیشتر رجوع شود: ۱. گفتمان مهدویت جمعی / ۱ / ص ۱۱۸، مؤسسه فرهنگی انتظار نور ۲. چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶ ۳. دادگستر جهان / ابراهیم امینی، ص ۲۰۵ الی ۲۱۶.

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟تعداد فرزندان آنها را بنویسید؟

پرسش

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟تعداد فرزندان آنها را بنویسید؟

پاسخ

برخی صاحب نظران در این باره گفته اند؛ ممکن است که ایشان دارای همسر و فرزندانی باشند. اما روایات معتبری در این باره موجود نیست، (پاسخ ده پرسش. آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۵۳ – ۵۶). اگر ایشان همسری هم اختیار نکرده باشند، امر استثنایی است ، چنانچه طول عمر حضرت امر خلاف عادت است، عدم اختیار همسر هم اینگونه می‌باشد و ازدواج جزو مستحبات مورد تاکید اسلام است و واجب نیست و امکان دارد که این امر مستحب از آن حضرت برداشته شده باشد. و روایت نبوی(ص) که هر کس ازدواج نکند از من نیست، بیان حکم غالبی مسئله است و امکان دارد که درباره حضرت استثناء شده باشد. البته از برخی روایات استفاده می شود که حضرت مهدی- عجل الله فرجه الشریف- دارای اهل و فرزند می باشند. مثلا در روایتی آمده است که حضرت صادق- علیه السلام- می فرماید: « کانی اری نزول القائم- علیه السلام-فی مسجد السهله باهله و عیال» گویا فرود آمدن حضرت قائم-علیه السلام- را در مسجد سهله به همراه خانواده و اهلش می بینم (الشموس المضیئه، علی سعادت پرور، ص۹۷، خ ۵ و۶). در برخی زیارات آن حضرت نیز عباراتی وجود دارد که دلالت بر خانواده داشتن آن عزیز است. مثلا در صلوات معروف به ابوالحسن ضراب اصفهانی که خود حضرت آن را بیان فرموده اند و در مفاتیح الجنان در اعمال روز جمعه آمده است، چنین می خوانیم ": و صل علی ولیک و ولاه عهدک و الائمه من ولده و مد فی اعمارهم و زد فی آجالهم " ... خدایا بر ولی خود و بر والیان امور عهد خود و امامان و پیشوایان از فرزندان مهدی - علیه السلام- درود فرست و عمرشان طولانی و اجلشان را دور گردان... . و در زیارت روز جمعه درباره آن حضرت چنین آمده است": یا مولای صاحب الزمان صلوات الله علیک و علی آل بیک... . ای مولای من! ای مالک عصر و روزگار! درود خداوند برشما و برخانواده شما باد "که این ظهور دارد که ایشان دارای خانواده و اهل بیت می باشد.

علما بر این باورند که حضرت ولی عصر (ع) فرزند و همسر ندارند؛ ولی کنیه ایشان اباالقاسم(پدر قاسم) می باشد. توجیه کنید.

پرسش

علما بر این باورند که حضرت ولی عصر (ع) فرزند و همسر ندارند؛ ولی کنیه ایشان اباالقاسم(پدر قاسم) می باشد. توجیه کنید.

پاسخ

روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران

غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده‌اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال‌های غیبتازدواج‌های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی دردست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی‌شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی که در اختیار است یا ابهام دلالی دارد یا از نظر سند مشکل دارد. بنابراین با توجه به روایات که بعضی اشکال سندی دارند و بعضی از نظر دلالت مبهم می‌باشند، نمی‌شود بطور قاطع در مورد ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همانحکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم). برای آگاهی بیشتر رجوع شود: ۱. گفتمان مهدویت جمعی / ۱ / ص ۱۱۸، مؤسسه فرهنگی انتظار نور ۲. چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶ ۳. دادگستر جهان / ابراهیم امینی، ص ۲۰۵ الی ۲۱۶. درباره کنیه «اباالقاسم» می توان گفت که چه بسا کنایه باشد و منظور از «قاسم» تقسیم کننده مردم به بهشتی و جهنمی است همان طور که درباره امام علی علیه السلام گفته شده است: «قسیم النار و الجنه». لذا این کنیه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به این مناسبت نیز بکار رود. ر.ک: معانی الاخبار، ص ۵۲، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۹۱

آیا امام زمان دارای زن و فرزند می‌باشند؟ ایشان چگونه وفات می‌یابند؟

پرسش

آیا امام زمان دارای زن و فرزند می‌باشند؟ ایشان چگونه وفات می‌یابند؟

پاسخ

در مورد مسأله زن و فرزند آن حضرت که با توجه به منابعی که در اختیار ما هست – که یا اشکال سندی دارند یا از لحاظ محتوا دارای ابهام‌اند – نمی‌توان نظر قاطعی را ارائه کرد. دراین جا سه احتمال مطرح شده است: ۱. اساساً حضرت مهدی(عج) ازدواج نکرده است. ۲. ازدواج انجام گرفته، ولی اولاد ندارد. ۳. ازدواج کرده و دارای فرزندانی نیز هست. لازمه پذیرش احتمال اول، آن است که امام معصوم یکی از سنت‌های مهم اسلامی را ترک کرده باشد که این، با شأن امام سازگاری ندارد. اما می‌توان گفت چون مسأله غیبت مهم‌تر از ازدواج است، می‌توان برای مصلحت بالاتر، مسأله مهم را ترک کرد و اهم را انجام داد. اما احتمال دوم، اشکالش آن است که عمر همسر حضرت نیز مانند عمر خود حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم و یا این که بگوییم مدتی با حضرت زندگی کرده و از دنیا رفته است. در این صورت حضرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده و پس از آن بدون زن و فرزند زندگی را ادامه داده است. اما بر احتمال سوم دلیل محکمی نداریم. علاوه بر آن که اگر حضرت دارای اولاد می‌بود، بالاخره آنها دارای اولاد واعقابی بودند و روزی به دنبال اصل خویش می‌افتادند و همین کنجکاوی و جست و جو، موجب می‌گردد که مکان و منزل حضرت مشخص گردد که این با راز و فلسفه غیبت سازگاری ندارد. اما اگر شنیده‌اید که در پاره‌ای روایات یا برخی از دعاها، کلماتی وجود دارد که دلالت بر وجود اولاد برای آن حضرت می‌کند، باید بگوییم در نقل خود آن واژه‌ها میان اندیشمندان اختلاف است؛ مثلاً در قسمتی از دعایی که امام رضا(ع) امر فرموده در عصر غیبت برای حضرت ولی‌عصر(عج) خوانده شود، چنین آمده است: اللهم صل علی ولاۀ عهده والائمۀ من ولده ؛ «خدایا درود و سلام فرست بر اولیای عهد او و پیشوایان از اولادش» ولی در متن دیگری آمده: اللهم صل علی ولاۀ عهده والائمۀ من بعده . در این متن واژه «اولاد»

نـدارد؛ بلکه پیشوایان پس از او روایت شـده است. به هر حال، این مسأله اختلافی است؛ چه این که در پاره‌ای از دعاهای دیگر واژه «من وُلـده» وارد شـده است که اختلافی در آن مطرح نشـده است. مثـل آخرین عبارت از صـلواتی که از ناحیه مقـدسه صادر شـده است؛ یا دعایی که به هنگام وداع سـرداب مقـدس وارد شده که عبارت «والائمهٔ مِنْ وُلْدِهِ» دارد. احتمال دیگر این است که فرزندان پس از ظهور و ازدواج آن حضـرت به دنیـا بیاینـد و این واژه دلالـت بر فرزنـدان زمان ظهور کنـد، نه زمان غیبت. بنابراین از این راه نمی‌توان زن و اولادی برای حضـرت مهـدی(عـج) ثابت کرد. اما درمورد چگونگی وفات آن حضـرت نیز اختلاف هست. از برخی روایات اسـتفاده می‌شود که ایشان به مرگ طبیعی از دنیا خواهند رفت و بعضـی از احادیث می گویند که وفات آن حضرت، طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکارانی با مشـخصاتی مذکور در روایات، به شهادت خواهند رسید. البته اگر نظر برخی از علمای بزرگ (مانند شیخ صدوق) را بپذیریم که «هر یک از ائمه مسموم یا مقتول خواهند شد»؛ باید بگوییم امام زمان(عج) نیز به شهادت خواهند رسـید. اما اگر بر طبق نظر عـده‌ای دیگر از علما (همچون شـیخ مفیـد)، کلّیت این روایت را برای همه ائمه قائل نباشـیم؛ حـداقل باید بگوییم که چگونگی وفات آن عزیز روشن نیست. با توجه به این دو دیدگاه، به نظر می‌رسد که طرح خصوصیات قاتل آن حضرت فایده چندانی ندارد. برای آگاهی بیشتر نگا: چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

آیا طبق قاعده، امام زمان‌علیه‌السلام ازدواج کرده است؟

پرسش

آیا طبق قاعده، امام زمان‌علیه‌السلام ازدواج کرده است؟

پاسخ

مطـابق نظریه" خفای شـخص، "بایـد ملتزم به عـدم ازدواج شـد؛ زیرا طبق این نظریه او از همه افراد مخفی است، وازدواج احتیاج به ارتبـاط بـا مردم دارد واین به نوبه خود بـا حکمت وفلسـفه غیبت سازگـاری نـدارد. ومطـابق نظریه" خفای عنوان، "می‌توان ملتزم به ازدواج حضـرت شد، خصوصاً آنکه مطابق با سـنّت اسلامی است. آنچه به نظر می‌رسد ترجیح قول اول است، به جهت: ۱ - روایات بسـیار بر خفای شخص. {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و ج ۵۱، ص ۳۲. پاورقی} ۲ - گر چه در روایـت عَمْری اشـاره شـده کـه مردم حضـرت را در مـوسم حـج می‌بیننـد ولی نمی‌شناسـند، امّـا ایـن روایت از امـام نقـل نشـده ونیز اختصاص به موسم حج دارد. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی} ۳ - قرار است که حضرت در غیبت تام به سر برد. ۴ - اگر ازدواج صورت گرفته بود بایـد در یک مورد هم که شـده سـفرا ووکلای ناحیه مقدّسه به آن اشاره می کردند. ۵ - مسعودی از علی بن ابی‌حمزه نقل کرده که فرمود: ما به امام رضا (ع) عرض کردیم: برای ما روایت شده که امام از دنیا نمی‌رود تا آنکه نسل خود را ببینـد؟ امـام رضـا (ع) به او فرمود": آیا در خصوص این حـدیث برای شـما روایت نشـده": إلّا القآئم؛ "به جز قائم. {پاورقی . اثبات الوصیهٔ، ص ۲۰۱. پاورقی}

در صورت قول به عدم ازدواج، به روایت مفضّل بن عمر چگونه پاسخ می‌دهید؟

پرسش

در صورت قول به عدم ازدواج، به روایت مفضّل بن عمر چگونه پاسخ می‌دهید؟

پاسخ

پاسخ اول کسانی که قائل به ازدواج حضرتند به روایت مفضل بن عمر تمسّک کرده‌اند. او از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود..."": از مکان او هیچ یک از اولاد وغیر اولادش اطلاع نمی‌یابد مگر مولایی که متولّی امر اوست. {"پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۱۰۲. پاورقی} پاسخ: ۱ – این روایت را به همین مضمون نعمانی در کتاب" الغیبهٔ "نقل کرده ولی به جای کلمه" ولد "کلمه "ولی "آورده است، به این شکل": ولایطّلع علی موضعه أحد من ولیّ ولاـ غیره"؛ "وبر موضع او کسی از ولی وغیر ولی اطلاع نمی‌یابد {".پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۱۷. پاورقی} ۲ – در روایت نیامده که الأن امام زمان دارای همسر وفرزند است، ولذا از این جهت اجمال دارد، ممکن است که مراد فرزندانی باشند که در آستانه ظهور یا بعد از آن به دنیا می‌آیند. ۳ – ممکن است که این گونه تعبیر از باب مبالغه در خفای شخص باشد، یعنی حتی در صورتی که حضرت فرزند می‌داشت کسی از جایگاه او اطّلاع نداشت. پاسخ دوم برخی برای اثبات ازدواج واولاد حضرت ومکان دائمی او به روایت احمد بن محمد بن یحیی انباری استدلال کرده‌اند. در این روایت که مفصّل است اشاره به پنج شهر شده که محل اقامت فرزندان ونسل امام زمان (ع) است. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۲۱–۲۱۳. پاورقی} روایت انباری را عده زیادی تضعیف نموده وبه صورت جزم ردّ کرده‌اند، از آن جمله می‌توان به این افراد اشاره کرد: ۱. آقا بزرگ تهرانی. {پاورقی . الذریعهٔ، ج ۵، ص ۱۰۷ù۱۰۸ در حاشیه. پاورقی} ۲. سید نعمت اللّه جزایری. {پاورقی . الأنوار النعمانیّه، ج ۲، ص ۶۴ù۶۵. پاورقی} ۳. شیخ محمّد تقی شوشتری. {پاورقی . الأخبار الدخیلهٔ، ج ۱، ص ۱۵۲–۱۴۶. پاورقی} شیخ آقا بزرگ تهرانی می گوید": این حکایت تنها از طریق وجادت به دست ما رسیده وما حکایت کننده قصّه را نمی‌شناسیم جز آنکه او مرد محترمی در آن مجلس بوده است. سند ومتن آن مشتمل بر تناقضات وامور عجیب وغریب است که می‌توان آنها را انکار نمود... وغرض علما در نقل این حکایات مجرد انس گرفتن به یاد حبیب وذکر دیار وشنیدن آثار اوست. {"...پاورقی . الذریعهٔ، ج ۵، ص ۱۰۸. پاورقی}

لقب و کنیه

یازده لقب از لقب های حضرت مهدی ۷را نام ببرید.

پرسش

یازده لقب از لقب های حضرت مهدی ۷را نام ببرید.

پاسخ

القاب حضرت مهدی ۷که در روایات آمده : قائم , مهدی , صاحب الامر, بقیّهٔ اللّه , صاحب الزمان ,الحجّهٔ من آل محمد, منصور, منتظر, خلف صالح , ابوالقاسم , جولیّ عصرح , صاحب الرایات .(۱) ولی عصر و اباصالح درروایات بحارالانوار یافت نشد. (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۲۸ـ ۴۳

یا أباصالح، گل نرگس و گل زهرا یعنی چه و به چه کسی گفته می‌شود؟

پرسش

یا أباصالح، گل نرگس و گل زهرا یعنی چه و به چه کسی گفته می‌شود؟

پاسخ

این جملات هر سه خطاب به صاحب العصر و الزمان(ع) است. جمله "اباصالح "به عنوان یکی از کنیه‌های حضرت به کار می‌رود. گل زهرا به این عنوان که جدّه‌اش حضرت زهرا(س) است و گل نرگس به این عنوان که در دامن نرگس متولد شده است. نرگس در اصل "ملیکا "است و مادر امام زمان(ع) به حساب می‌آید. البته غیر از خطاب به أباصالح دو خطاب دیگر" گل نرگس، گل زهرا "بر زبان مشتاقان حضرت رایج گشته و حضرت به گُل تشبیه شده است.

با توجه به این که پیغمبر اسلام(ص) به آیات وحی نزدیک‌تر است هم چنین خدمات و نزول قرآن از پیامبر(ص) می‌باشد، چطور حضرت صاحب الزمان (عج را شریک القرآن می‌خوانند؟

پرسش

با توجه به این که پیغمبر اسلام(ص) به آیات وحی نزدیک‌تر است هم چنین خدمات و نزول قرآن از پیامبر(ص) می‌باشد، چطور حضرت صاحب الزمان (عج را شریک القرآن می‌خوانند؟

پاسخ

پاسخ اول تعبیر" شریک القرآن اشاره به حدیث معروف" ثقلین است که میان شیعه و اهل سنت متواتر است که پیامبر(ص) فرمود: "من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانمایه به یادگار می گذارم که اگر دست به دامن آن‌ها بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترتم[" ۱] پس بنابراین ائمه أطهار(ع) خصوصاً حضرت ولی عصر(عج در هدایت عامه الهی با قرآن مجید شریک می‌باشند. [۱]آیة الله مکارم شیرازی استفتائات ج اول بخش چهل و هفتم مسائل متفرقه ص ۴۸۶، سؤال ۱۵۸۲. پاسخ دوم احتمالا اینکه آن حضرت به این وصف یاد شده نظر به حدیث ثقلین دارد و چون امام زمان((علیه السلام)) در این زمان امام معصوم و از عترت پیامبر و مبین و همسنگ و عدل قرآن است در این جمله زیارت شریک القرآن خوانده شده است. حدیثی از رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) در کتب شیعه و اهل سنّت نقل شده است که آن حضرت فرمود: «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تفلوا لم تقیرتا حتی یورا علّی الحوض ;من در میان شما دو چیز گرانبها بجا می گذارم کتاب خداوند و عترتم اهل بیتم را». اگر به آن دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید. و آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر به من ملحق شوند. این حدیث شریف عدل بودن و قرین بودن اهل بیت با قرآن را می رساند که همان معنای شریک بودن است زیرا که هدایت کامل و نجات از ضلالت در تمسّک به هر دو است و با تمسک به هر دو و بهره گیری از هدایت هر دو می توان به رستگاری و سعادت کامل دست یافت.

لقب قائم منسوب به کدام یک از معصومین است؟

پرسش

لقب قائم منسوب به کدام یک از معصومین است؟

پاسخ

یکی از القـاب یـا اوصـاف ائمه(ع) کلمه قـائم یا قائم بالحق یعنی قیام کننـده به حق است. به تصـریح امامان این کلمه یکی از القاب حضـرت مهـدی(ع) است که قیـام به حق می کنـد. قیـام او چون جهـانگیر و فراگیر است و به نتیجه می‌رسـد، قیام کننـده حقیقی آن حضرت خواهد بود. یونس به عبدالرحمن می گوید: به امام موسی بن جعفر(ع) گفتم: آیا شما قائم بالحق هستید، فرمود": من قائم به حق هستم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان و ظالمان پاکیزه می گرداند و آن را پر از عدل می کند (همان طور که پر از جور و ظلم شـده بود) پنجمین فرزنـد از نسـل من و امـام دوازدهم خواهـد بود. خداونـد هر دشواری را بر او آسـان خواهـد گردانیـد و هر جبـار ستمگری را ذلیل خواهـد کرد... او فرزنـد بهترین بانوان خواهـد بود که ولادت او بر مردم مخفی خواهد بود.("۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ – مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۲.

چرا برای امام مهدی اسم و لقب هایی گذاشته اند؟

پرسش

چرا برای امام مهدی اسم و لقب هایی گذاشته اند؟

پاسخ

انتخاب اسم و القاب برای انسان ها از سـنت های پذیرفته شدهٔ همه جوامع است، زیرا اسم و لقب از ابزار و نشانه های معرفی انسان و هویت یابی است. اگر انسان اسم نداشـته باشد، چگونه می توان او را شـناخت و زندگینامه اش را در تاریخ ثبت کرد؟! افزون بر این که انتخاب نام برای رهبران جهان و چهره های علمی و سیاسی ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا متعلق به همه انسان ها بوده و باید با ویژگی ها و مشـخصات شـناخته شوند، تا شخصیت آنان تحریف نشده و از نام و موقعیت آنان سوءاستفاده نگردد. گزینش اسم و لقب برای امام زمان (ع) از این قاعده مسـتثنا نبوده و انتخاب نام و لقب برای حضـرت، امری معقول و منطقی است . حضـرت علاـوه بر آنکـه از افراد جـامعه است و بایـد اسم و لقب داشـته باشـد، رهـبر و مصـلح جهـان نیز است، که بایـد اسم و لقب معلـوم و مشـخص داشـته باشد، تا برخی از شخصـیت و مقام او سوء اسـتفاده نکنند، از این رو در روایات متعددی اسامی و القاب حضـرت به طور کامل بیان شـده است.(۱) متأسـفانه به رغم آن که حضـرت با نام و مشـخصات کامل معرفی شده است؛ برخی از عنوان او سوء اسـتفاده کرده و ادعای بابیت نموده و خود را امام زمان (ع) معرفی می نماینـد. پی نوشت ها : ۱ – بحارالانوار، ج۵۱، ص ۲۸ – ۳۱ ؛ مهدی موعود، ص ۲۲۷.

منظور از این جمله که «السلام علیک یا حجهٔ الله التی لاتخفی» چیست؟

پرسش

منظور از این جمله که «السلام علیک یا حجهٔ الله التی لاتخفی» چیست؟

پاسخ

در این جمله که «السـلام علیک یا حجهٔ الله التی لاتخفی» ممکن است مقصود این باشد که امام زمان((علیه السلام)) حجّت خداست

و حجّت بودن او به خاطر ادّله قاطعی که بر وجود او و امامت او است روشن است و پوشیده نمی باشد. مانند آفتابی است گرچه در زیر ابر غایب باشد.

چرا امام زمان((علیه السلام)) را صاحب الزمان می گویند در صورتی که صاحب اصلی زمان خداست؟

پرسش

چرا امام زمان((علیه السلام)) را صاحب الزمان می گویند در صورتی که صاحب اصلی زمان خداست؟

پاسخ

صاحب الزمان یعنی کسی که صاحب اختیار و دارای ولایت از طرف خدا در این زمان است و منافات ندارد خداوند که خود صاحب اختیار و ولیّ حقیقی تمام موجودات است به افرادی سرپرستی و صاحب اختیار بودن و ولایت بدهد و امام زمان((علیه السلام)) در این زمان دارای چنین سرپرستی و ولایت از جانب خداوند است.

معنی کلمه ی «بقیة الله» چیست؟

پرسش

معنی کلمه ی «بقیة الله» چیست؟

پاسخ

پاسخ اول «بقیة الله» یعنی باقی گذارده ی خدا(کسی که خداوند او را باقی گذاشته است برای اینکه واسطه ی بین خدا و خلق و حجت از جانب خدا باشد). در کتاب کمال الدین از امام باقر((علیه السلام)) نقل شده است: «اوّل ما ینطق به القائم((علیه السلام)) حین خرج هذه الآیه بقیة الله خر لکم ان کنتم مؤمنین ثم یقول انا بقیة الله و حجته ;...نخستین سخنی که مهدی((علیه السلام)) پس از قیام خود می گوید این آیه است «بقیة الله...» سپس می گوید من «بقیة الله» و حجت او هستیم...». «بقیة الله» یعنی موجودی که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و یا یک رکعت و خیر و سعادت او گردد. و از آنجا که مهدی موعود((علیه السلام)) آخرین پیشوا است که خداوند او را برای اصلاح کلّی جهان و ایجاد حکومت عدل جهانی ذخیره .....Øjو باقی گذاشته است از وی به لقب «بقیة الله» تعبیر می شود. پاسخ دوم" بقیه "از بقای ضد فنا ونیستی است ودر لغت به معنای ثبات ودوام آمده است. و"بقیة اللّه" یعنی باقی مانده خدا که در روی زمین ثابت است. در دعای ندبه می‌خوانیم": أین بقیّة اللّه التی لاتخلو من العترة الهادیة؛" "کجاست باقی مانده خدا که از غیر عترت طاهره نیست ".در مقصود از این کلمه دو احتمال است: ۱ - اینکه مقصود از" بقیة اللّه" عنوان کلّی بوده واشاره به حجت خدا در روی زمین است که هرگز زمین از آن خالی نبوده ونخواهد بود ودائماً باید در آن ثابت باشد. وانطباق آن بر امام زمان (ع) از باب انطباق کلّی بر یک فرد آن در این زمان است. ۲ - اینکه مقصود از" بقیة اللّه "لقبی برای امام زمان (ع) باشد به اعتبار اینکه در روی زمین ثابت بوده ودوام وجودی دارد". ابن سکیت "می گوید": این جمله در جایی گفته می‌شود که انسان کسی را مراعات کرده وبه انتظار ا...نشسته است. "با در نظر گرفتن این .....ŘÐحضرت مهدی (ع) را" بقیة {پاورقی . معجم مقاییس اللغه، ص ۱۲۸. پاورقی} اللّه "می گویند از آن جهت که تحت رعایت خداوند بوده وبه او مقام وشأنی داده که مردم، انتظار فرج او را در کارهای خود داشته باشند.

چرا امام زمان((علیه السلام)) به خورشید تشبیه شده است؟

پرسش

چرا امام زمان((علیه السلام)) به خورشید تشبیه شده است؟

پاسخ

منظور از تشبیهی که در مورد امام زمان((علیه السلام)) نسبت به خورشید صورت گرفته احتمالا این است که همانگونه که خورشید در زیر ابر با اینکه از نظر افراد غائب است نور و حرارت خویش را به موجودات می دهد امام زمان((علیه السلام)) نیز با اینکه از نظرها غائب است موجودات جهان از فیض وجود آن جناب بهره مند می شوند چون امام واسطه ی فیض خداوند است.

چرا اسم امام مهدی را (صاحب الزمان) نامیده اند؟

پرسش

چرا اسم امام مهدی را (صاحب الزمان) نامیده اند؟

پاسخ

اول اینکه صاحب الزمان، لقب امام مهدی است نه اسم ایشان، و گذاردن چنین لقبی برای ایشان شاید به دلیل زیر باشد : اینکه معنای زمان یعنی دوران و عصر و روزگار و اینکه ایشان را صاحب زمان نامیده اند این است که گردش روزگار و پدید آمدن شب و روز و گذر زمان بواسطه وجود مقدس امام مهدی(است. همان طور که در دعاها می‌خوانیم به یُمن وجود امام مهدی(زمین سرسبز است و رزق و روزی به مردم می رسد. دیگر اینکه : حجت خدا باعث برقرار شدن آسمان ها و زمین است.

چرا کنیه امام زمان (عج) ابوالقاسم است ؟

پرسش

چرا کنیه امام زمان (عج) ابوالقاسم است ؟

پاسخ

چون پیامبر خدا(ص) فرمود: کنیه او مانند کنیه من است، از کنیه‌های مشهور آن حضرت «ابوالقاسم» است؛ اینبدان معناست که آن حضرت فرزندی به نام «قاسم» خواهند داشت و یا آن که قبلاً داشته‌اند.

چرا به حضرت مهدی (عج)ابا صالح می گویند ؟لطفا با استدلال و به تفصیل پاسخ دهید ؟

پرسش

چرا به حضرت مهدی (عج)ابا صالح می گویند ؟لطفا با استدلال و به تفصیل پاسخ دهید ؟

پاسخ

پاسخ اول برای به دست آمدن پاسخ تفصیلی این سوال باید به این چند مطلب توجه کنید. ۱- در این تردیدی نیست که برخی از مردم به هنگام گرفتاری، حضرت امام زمان علیه السلام را با کنیه «اباصالح» به فریادرسی خوانده اند. نویسنده کتاب «النجم الثاقب» می گوید: در بین مردم عرب شهری و بیابانی، امام زمان را در هنگام گرفتاری با «اباصالح» صدا می زدند.(النجم الثاقب، ج۲ ص۴۲۵، باب نهم، چاپ اول، انتشارات انوار المهدی قم، ۱۴۱۵ هجری قمری، تحقیق سید یاسین موسوی) ۲- توجه داشته باشیم که «اباصالح» را در وقت گرفتاری و به خصوص گم کردن راه و کالا- به کار می برند نه در همه حالات و می توان از اسم «صاحب الزمان» اسم مغیث و اسم غوث هم استفاده کرد و در وقت گرفتاری با این نامها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را به فریادرسی خواند. ۳- بر پایه برخی از روایات، موکّل بیابانها «صالح» نام دارد و موکل دریاها حمزه.(فقیه، ج۲، از چهار مجلدیها، کتاب الحج، باب دعا الضال عن الطریق، ص۲۹۸، وسائل الشیعه، چاپ آخوندی، ج۸ ص۳۲۵، کتاب الحج، ابواب آداب السفر، باب ۵۳، باب استحباب التیامن لمن ضل عن الطریق و ان ینادی یا صالح ارشدونا و فی البحر یا حمزه، ح۳، بحار الانوار، چاپ بیروت، ج۷۳ ص۲۵۳) اگر کسی در بیابانها گم شود، بهتر است همین «صالح» را با عبارت «یا صالح» به فریادرسی بخواهد و اگر در دریا گم شود فریاد بزند «یا حمزه». افرادی در طول تاریخ چنین کرده اند و موکل بیابانها به فریاد آنها رسیده است.(در النجم الثاقب، بحار الانوار و مآخذ دیگر مواردی از گم گشتگان نجات یافته را آورده اند.) شیخ صدوق در خصال، در ضمن حدیث اربعماه آورده است: «... و من ضل منکم فی سفر او خاف علی نفسه، فلیناد یا صالح! اغثنی ...»(خصال، ص۶۱۸ س۱۳، چاپ اعلمی، بیروت، یک مجلدی، ۱۴۱۰ قمری، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ اول) این حدیث را در وسایل الشیعه ج۸ ص۳۲۵ ح۴ و بحارالانوار ج۷۳ ص۲۴۳ نیز آورده است. این حدیث می گوید اگر کسی از شما در مسافرت راه را گم کند و یا خطری او را تهدید کند باید فریاد بزند «یا صالح کمکم کن» چون در میان جن های مومن که برادران شما هستند یک نفر به نام «صالح» وجود دارد که در شهرها و کشورها گردش می کند و او خود را وقف شما کرده است و هنگامی که صدای کمک خواهی کسی را بشنود پاسخ می دهد و کسی را که از شما گم شده، راهنمائی می کند و اگر مرکب کسی رم کند آن را می گیرد و برای صاحبش نگه می دارد. ۴- نویسنده کتاب محاسن می گوید: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: «اذا ضللت فی الطریق فناد یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکما الله» هنگامی که راه را گم کردی صدابزن: ای صالح! ای اباصالح! راه را به ما نشان بدهید.(محاسن برقی، ج۲، چاپ دوم، ص۱۱۰، باب ارشاد الضال عن الطریق، حدیث ۱۰۰، انتشارات المجمع العلمی لاهل البیت، قم، ۱۴۱۶، شماره مسلسل حدیث ۱۳۰۰) در محاسن چاپ مجمع علمی آمده است: «یا صالح یا ابا صالح» همین حدیث را صاحب النجم الثاقب در جلد اول باب دوم، ص ۱۶۳، از محاسن نقل کرده و آورده است: «یا صالح و یا ابا صالح» و در بررسی متن حدیث گفته است تردید از راوی است. این سخن می فهماند که باید عبارت النجم چنین باشد: «یا صالح او یا اباصالح» بر این اساس در چاپ النجم الثاقب، الف افتاده است و باید «او یا اباصالح» باشد نه «و یا اباصالح». می توان گفت به قرینه روایاتی که گذشت، عبارت روایت محاسن برقی باید یا صالح باشد و بر این اساس، گم گشتگان بیابانها می توانند موکل بیابانها را که صالح است صدا بزنند و به لطف خدا، صالح به فریاد می رسد. به این نکته توجه شود که همه این روایات به گم گشته ها و موکل بیابان مربوط است و ارتباطی به امام زمان علیه السلام ندارد. ۵- آیا حضرت مهدی علیه السلام، کنیه ای به عنوان اباصالح دارد؟ در جواب این سوال باید گفت شیخ عباس قمی در منتهی الآمال برای حضرت مهدی علیه السلام نامهائی را ذکر کرده ولی سخنی از اباصالح به میان نیاورده است.(منتهی الآمال، ج۲، چاپ هجرت، ص۷۵۷ س۱۲) همین شیخ عباس قمی در سفینه البحار ج۲، کلمه هدی، چاپ سنگی دو جلدی، ص۷۰۰ که درباره امام زمان بحث می کند، از اباصالح سخنی به میان نیاورده است. و در همین سفینه البحار در

کلمه اب، کلمه صحب و صلح هم اشاره ای به اباصالح نکرده است. در اصول کافی، چ۱ ص۳۲۸ باب الاشاره و النص الی صاحب الدار روایات زیادی آورده ولی به اباصالح اشاره ای نکرده است. نویسنده منتخب التواریخ، جاپ قدیم، ص۸۵۵ هم اشاره ای به اباصالح ندارد. در بحار الانوار چاپ بیروت، ج۵۱ ص۲۸ باب دوم، اسماء و القاب و کنیه های امام زمان، اشاره ای به اباصالح نشده است. در این کتابها بر اساس روایات به این نامها اشاره کرده اند: بقیه الله، حجه الله، خلف صالح، قائم، مهدی، صاحب الامر، صاحب الدار، صاحب الزمان، صاحب، ابوالقاسم، صاحب العصر، منتظر. ممکن است برخی چنین فکر کنند که حضرت مهدی علیه السلام فرزندی به نام صالح دارد و برای همین آن حضرت را اباصالح نامیده اند ولی باید در جواب این گفت: نمی توان گفت که حضرت مهدی ازدواج کرده و صاحب اولاد است و اگر فرض کنیم که آن حضرت دارای اولاد است همانطوری که برخی بر این باورند، در این صورت می گوئیم در میان اولادی که برای آن حضرت ذکر کرده اند کسی به نام صالح نیست.(انوار نعمانیه، چاپ تبریز، چهار مجلدی، ج۲ ص۶۳. منتخب التواریخ، یک مجلدی، ص۸۶۱. تاریخ غیبت کبری، نوشته سید محمد صدر، ترجمه دکتر افتخار زاده، چاپ اول ص۹۱) به CD جامع الاحادیث و CD المهدی هم مراجعه کردیم و درباره اباصالح بودن امام زمان علیه السلام چیزی نیافتیم. صاحب النجم الثاقب در ص۴۲۵ ج۲ باب نهم می گوید: «ولم نجد مصدرا ذلک فی الاخبار الخاصه الا ماروا البرقی فی المحاسن» ما برای کنیه بودن اباصالح برای امام زمان علیه السلام روایتی نیافتیم مگر روایت محاسن برقی. و ما در بررسی های گذشته نشان دادیم که متن محاسن یا صالح است نه یا اباصالح. ۶- به این حقیقت باید توجه کرد که در جهان هستی، همه عوامل دست اندرکار، در خدمت حضرت صاحب الامر است. این یک مطلب عرفانی است و اگر کسی به توحید عرفانی رسیده باشد این حقیقت را می یابد که همه حرکات و فعالیت ها در نظام هستی، زیر نظر حضرت صاحب الامر است و از این نظر آن حضرت اصل همه چیز است و فرمان همه به دست او است. بر این پایه، موکل بیابانها، موکل دریاها و عوامل دیگر در اطاعت او هستند. حال اگر گم شدی و یا به خطر افتادی می توانی موکل بیابان یا دریا را صدا بزنی و می توانی سرور همه کائنات و سرور همین صالح را صدا بزنی و اگر دارای ادب بیشتری باشی، صاحب موکل را صدا می زنی و می گوئی: یا اباصالح اغثنی. اگر یا صالح بگوئی یا یا اباصالح بگوئی، به فریاد تو می رسند گرچه یا اباصالح گفتن زیباتر است و با وجود او، مأمورانی از مأموران او را صدا زدن خوب نیست ولی آنکه به فریاد تو می رسد همین صالح است و او از سوی امام زمان مأمور است و ممکن است برای برخی اشخاص، خود حضرت ظاهر شود ولی این امر بسیار کم است. ۷- از آنچه گذشت معلوم شد که کنیه اباصالح را خود مردم گرفتار ابداع کرده اند و از سوی امامان سفارشی در این باره نرسیده است و کلمه صالح به معنای موکل بیابانها است و اب در این عبارت به معنای سرور، پدر، فرمانده و امام است و علت اینکه شیعیان یا صالح نگفته اند و یا اباصالح گفته اند این است که خواسته اند ادب را مراعات کنند و از خود حضرت کمک بخواهند نه از مأموری از مأموران او. بنابراین یا اباصالح همان یا صاحب الامر است. پاسخ دوم کنیه "اباصالح "برای امام زمان(ع) در روایات ذکر نشده است. در کتاب الزام الناصب آمده: کنیه نهم برای آن حضرت "ابوصالح "است، که پیش عرب‌ها معروف است. در موقع توسل و حاجت خواستن، با این کنیه آقا را صدا می‌کنند. پی نوشت‌ها: ۱ - علی حایری، یزدی، الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۸۱. پاسخ سوم اما این که چرا به او اباصالح می‌گویند وجهی نیافتیم اصلا چنین اسمی بین اسم‌ها و کنیه‌ها و لقب‌های آن حضرت یافت نشد و تنها بین عرب‌ها مشهور است و شاید به خاطر آن است که در زمان آن حضرت مردم صالح وارث حکومت زمین می‌شوند و این‌ها در حکم فرزندان حضرت اند چنان که پیامبر اکرم(ص) درباره خودش و علی(ع) می‌فرمود: من و علی(ع) پدر این امتیم و یا به جهت روایاتی است که می گویند پس از حضرت چندتن از فرزندان صالحش حکومت می کنند در هر حال این کنیه بین عرب‌ها متداول است و لازمه‌اش فرزندی به آن نام داشتن نیست.

در یکی از دعاهای امام عصر آمده : السلام علیک یا باب الله و دیان دینه در این باره بفرمایید: کلمه باب الله به چه معنی است؟ امام‌زمان علیه السلام باب خدا است؟ مگر خدا خانه محسوس دارد و او در آن است؟! دیان دارای چه معنی است؟چرا به امام مهدی

www.noorfatemah.org

به‌عبارت دیان دین

پرسش

در یکی از دعاهای امام عصر آمده : السلام علیک یا باب الله و دیان دینه در این باره بفرمایید: کلمه باب الله به چه معنی است؟ امام‌زمان علیه السلام باب خدا است؟ مگر خدا خانه محسوس دارد و او در آن است؟! دیان دارای چه معنی است؟چرا به امام مهدی به‌عبارت دیان دین خدا سلام می کنیم؟ زیرا می دانیم در لغت دیان از نام‌های خدا استو به معنای قهار است / توضیح بفرمایید.

پاسخ

باب به معنای در و یا درگاه می باشد، باب و یا درگاه وسیله و راه ارتباط بین بیرون و درون هر چیزی است اختصاصی هم به خانه، کارخانه و شهر و یا چیزهائی از این قبیل ندارد درب هر چیزی مناسب با همان چیز است، همان گونه گه خانه های دارای درب می باشند و راه ورودی و خروجچی و دست یابی به خانه ها و یا هر چیز دیگری درب آنها می باشد. انبیاء و اوصیای الهی درگاه و باب به سوی خداوند هستند برای رسیدن خلق به خداوند و از سوی دیگر فیض هائی که از خداوند به خلق می رسد از طریق آنان به خلق می رسد به همین جهت آنان درگاه خداوند هستند برای رسیدن خلق به خداوند و رسانیدن آنچه خداوند می خواهد به مردم برسانند به آنان. از آنجا که بین همگان و خداوند مناسبت وجود ندارد به همین جهت آیات و مظاهر خداوند ابواب خداوند و یا به دیگر تعبیرها که در روایات و ادعیه آمده وجه خداوند، طریق به سوی خداوند و یا سبب متصل بین خلق و خداوند می باشند، و به جهت تقریب مطلب شاید بتوان مثال روح و بدن را زد، بدن باب برای ارتباط با روح است. کسانی که با روح شخص می خواهند ارتباط برقرار کنند باید از طریق بدن او ارتباط برقرار کنند، از سوی دیگر روح خواسته های خودش را از راه بدن به دیگران منتقل می کند. دیان به معنای قهار، حاکم، قاضی، سائس، محاسب، جزا دهنده و کسی که خداوند را به دین حق می پرستد آمده است. بنابراین دیان در این زیارت می تواند به معنای حاکم دین الهی، متکفل امور دین، جزا دهنده و یا متعبد به دین الهی می باشد و تمام این معانی بر امام زمان(عج) صادق است.

«یا عین اللّه فی خلقه» درباره امام زمان«علیه السلام» چه معنی دارد؟

پرسش

«یا عین اللّه فی خلقه» درباره امام زمان«علیه السلام» چه معنی دارد؟

پاسخ

آیات آیه قرآن و احادیث پیامبر و امامان«علیهم السلام» استفاده می‌شود که وجود مقدّس امام بر اعمال انسانها نظارت دارد. اعمال آنان را می‌بیند و کارهای آنان به حضورش عرضه می‌شود. بدین جهت به حضرت ولی عصر«علیه السلام» «عین اله» گفته می‌شود. یعنی دیدگاه پروردگار جهان. البته سایر ائمه«علیهم السلام» هم «عین‌اله» هستند. هر امامی در زمان خویش شاهد اعمال پیروانش بوده است. و وجود این مقام(این آگاهی گسترده) برای امام استفاده ندارد قرآن کریم درباره حضرت عیسی«علیه السلام» می‌فرماید: «انبتکم بما تأکلون و ماتدّخرون فی بیوتکم؛(۱) به آنچه می‌خورید و در خانه‌های خود ذخیره می کنید». به شما خبر می‌دهم و این نشان دهنده مقام شهود پیامبران و پیشوایان الهی است. بر این اساس امام زمان«علیه السلام» «عین‌اله» شاهد بر باطن و ظاهر اعمال ما

می‌باشد. ۱) سوره آل‌عمران، آیه ۴۹.

لقب شریف مهدی به چه معناست؟

پرسش

لقب شریف مهدی به چه معناست؟

پاسخ

یکی از القاب امام زمان«علیه السلام» مهدی است. و احتمالاً این لقب به خاطر این است که همواره آن گرامی از هدایتهای ویژه خداوند برخوردار است و به نظر می‌رسد که ایشان به ارتباط ملکوتی آن حضرت با جهان غیب است. و این لقب در حدیث حضرت رسول«صلی الله علیه وآله» است که فرمودند: مهدی موعود از اهل بیت من می‌باشد و خدا اسباب قیامش را در یک شب فراهم می‌سازد. و این که فرمودند: مهدی موعود از عترت من و اولاد فاطمه می‌باشد - بنابراین -(حجة بن الحسن المهدی) یعنی که فرزند امام حسن عسکری است و دارای لقب مهدی می‌باشد در روایتی که از امام باقر«علیه السلام» نقل شده است حضرت فرمودند: «انّما سُمّی المهدی مهدیاً لانه یهدی الی امر خفی...؛ او به این علّت مهدی نامیده شده است که همواره به امور پنهان و مخفی هدایت می‌شود». و این امر مخفی ممکن است همان زمان ظهور آن حضرت باشد که مخفی و پنهان قرار داده شده است.

منع از ذکر نام خاص

چرا نام مبارک حضرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به صورت نوشته می شود؟ در صورت امکات کتاب یا جزوه هایی دربارهء موضوع سؤالات معرفی نمایید.

پرسش

چرا نام مبارک حضرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به صورت نوشته می شود؟ در صورت امکات کتاب یا جزوه هایی دربارهء موضوع سؤالات معرفی نمایید.

پاسخ

مقدمه : سؤالات شما نشان می دهد که معلمی دارای طرح درس هستید که با تلاش و جهاد علمی خویش , مصمم به آموزش صحیح معارف الهی و تبیین درست مطالب می باشید. موفقیت شما را در امر تعلیم و تربیت و هدایت دانش آموزان از خداوند مسئلت داریم . نکتهء دیگری از باب دل سوزی : عوامل موفقیت معلم چند چیز است , از جمله : ۱ قدرت علمی و پاسخ گویی به سؤالات , که شما با مطالعات و طرح سؤالات خویش قدرت و بال پرواز را پیدا می کنید. ۲ قدرت بیان و تفهیم مطالب . ۳ در پایان ترم یا سال برآورد کنید که نتیجهء آموزش چه شد؟ اگر تغییراتی در اخلاق و رفتار دانش آموزان ایجاد شده باشد, آن معلم موفق است . پاسخ سؤال یک : در برخی روایات از ذکر نام امام زمان ۷نهی شده است (۱)و حتی در توقعی و نامه ای که از ناحیهء مقدسه وارد شده , کسی که نام حضرت را ذکر می کند, مورد لعنت قرار گرفته است .() البته از مجموع روایاتی که از ائمه : در مورد نهی از ذکر نام امام (پاورقی ۲.همان , ص ۲۳۵ زمان ۷فرجه نقل شده , استفاده می شد که این ممنوعیت مربوط به زمان بعد

از ولادت امام زمان ۷تا آغاز غیبت کبری بوده که هم امام حسن عسکری ۷و هم خود آن حضرت سعی بلیغ داشتند که حتی شیعیان از ولادت و محل و چگونگی زندگی حضرت مطلع نگردند, زیرا می دانستند خلیفهء وقت کاملاً مراقب است که قائم آل محمد۷به دنیا نیاید. مبادا حکومت های جابر را سرنگون گرداند و بساط عدل و دال را در سراسر جهان بگستراند, وگرنه در دوران بعدی مثلاً عصر ما هیچ گونه حکمتی در منع ذکر نام آن حضرت به نظر نمی رسد.(۲) (پاورقی ۱.علی دوانی , مهدی موعود, ص ۲۳۳ ۲۳۶(ترجمهء ج ۱۳بحارالانوار مجلسی). (پاورقی ۲.همان , ص ۲۳۶

در عصر پیشوایان معصوم علیهم السلام آوردن نام حضرت ولی عصر۷کفر محسوب می شد آیا الاءن هم چنین است اگر دلیل مخفی نمودن نام آن بزرگوار ترس از جان حضرت بوده چرا امروز هم باید مخفی باشد؟

پرسش

در عصر پیشوایان معصوم علیهم السلام آوردن نام حضرت ولی عصر۷کفر محسوب می شد آیا الاءن هم چنین است اگر دلیل مخفی نمودن نام آن بزرگوار ترس از جان حضرت بوده چرا امروز هم باید مخفی باشد؟

پاسخ

اولاً: در عصر ائمه : اگر کسی نام آن بزرگوار را به زبان می آورد کافر خوانده نمی شد, بلکه به عنوان خاطی , عاصی و بی فرهنگ نامیده می شد. ثانیاً: از مجموع روایات و اخباری که در آن از نام بردن امام ۷منع شده استفاده می شود که این ممنوعیت مخصوص عصر حضور و غیبت صغرای آن بزرگوار بوده است نه در هر عصری . بنابراین , امروز نام بردن از آن بزرگوار منعی ندارد.() (پاورقی ۱.علی دوانی , مهدی موعود . اما برای این که به ظاهر روایات عمل شود, بهتر است از باب احتیاط از نام بردن آقا۷خودداری کند.

علت این که جائز نیست نام مبارک امام زمان(ع) را بر زبان جاری کنیم چیست؟

پرسش

علت این که جائز نیست نام مبارک امام زمان(ع) را بر زبان جاری کنیم چیست؟

پاسخ

در اصول کافی۱ روایاتی آمده که از بردن نام حضرت و مشخص کردن مکان ایشان نهی کرده است. امام هادی(ع) فرمود": با جانشین فرزندم حسن، چگونه خواهید بود؟ شما او را نخواهید دید و نام بردن او جائز نیست. پرسیدند : پس چگونه از او یاد کنیم؟ حضرت فرمود: بگویید: حجّت آل محمد(ص. ") ابوعبدالله صالحی می گوید: دوستان ما بعد از شهادت امام عسکری(ع) از من درخواست کردن از اسم و مکان حضرت سؤال کنم. جواب آمد: اگر آنان را بر اسم او راهنمایی کنی، آن را پخش می کنندو اگر مکان او را معیّن کنی، دشمنان رابه آن جا راهنمایی می کنند. از امام رضا(ع) دربارهٔ حضرت قائم(ع) سؤال شد، فرمود" دیده نمی شودو نام برده نمی شود. "این روایات از نام بردن حضرت منع کرده است، ولی آیا نام بردن حضرت فقط در آن زمان ممنوع بود یا بعد از آن نیز ممنوع است؟ اصولاً- وقتی نام نبردن حضرت برای حفظ جان ایشان از دشمنان باشد با غایب شدن حضرت دیگر دسترسی به ایشان ندارند که او را دستگیر کرده و به قتل برسانند. پس وجه ممنوعیّت نام بردن او چیست؟ از این رو برخی از علما

می گویند نام بردن حضرت اشکالی ندارد. برخی از عالمان دینی این احادیث را مخصوص دوران غیبت صغری می دانند و یاد نام ایشان را در غیبت کبری جائز می دانند. اکنون نیز برخی ذکر نام حضرت را جائز نمی دانند زیرا در این روایات از جمله در توقیعی (نامه ای) حضرت حجّت (ع) می فرماید ": هر کس مرا نام ببرد، بین مردم ملعون است. "چون امروزه تمامی افراد نام حضرت را می دانند حتّی علمای اهل سنّت نام ایشان را در کتابهایشان آورده اند نوشتن و گفتن نام حضرت چه به طور خصوصی یا در محافل عمومی اشکالی ندارد.۲ به نظر می رسد روایاتی که از نام بردن حضرت منع کرده، همین طور روایاتی از پیامبر که فرمود": اسمه اسمی و کنیته کنیتی("نام حضرت را نبرده) به جهت احترام و عظم دادن به آن مقام رفیع باشد که تمام بشریت در انتظار او لحظه شماری می کنند. ۱ کلینی، کافی ج ۲، مترجم، ص ۱۲۶. ۲ مجلهٔحوزه، شمارهٔ ۷۰ – ۷۱، ص ۹۰، با تلخیص و اضافات.

چرا نباید تا ظهور امام زمان نام ایشان (م، ح، م، د) را صدا بزنیم و نام ببریم؟

پرسش

چرا نباید تا ظهور امام زمان نام ایشان (م، ح، م، د) را صدا بزنیم و نام ببریم؟

پاسخ

درباره ذکر نام حضرت مهدی(عج) بین فقیهان دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. برخی گفته اند: با تمسک به روایاتی که وارد شده است، ذکر نام خاص حضرت مهدی(عج) جایز نیست، حتی در دورهٔ غیبت کبری. عالِمانی همانند علامهٔ مجلسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، طبرسی، میرداماد، محدّث جزایری، محدّث نوری، میرزای شیرازی و میرزا محمد تقی اصفهانی این نظر را برگزیده اند. دلیل این عده روایاتی است که وارد شده است. ده ها روایت از امام علی(ع) تا امام مهدی(عج) رسیده است مبنی بر این که ذکر نام خاص حضرت جایز نیست.[۱] برخی دیگر از فقیهان بر این دیدگاه خرده گرفته و گفته اند: روایاتی که دربارهٔ حرمت ذکر نام خاص حضرت مهدی(عج) وارد شده، مربوط به دورهٔ تقیه و خوف است. فقیهانی همانند خواجه نصیر الدین طوسی، فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، شیخ بهائی و ناصر مکارم شیرازی گفته اند: ذکر نام خاص حضرت مهدی (عج) در دورهٔ غیبت کبری جایز است. کوتاه سخن: حکم حرمت ذکر نامِ مخصوص حضرت مهدی(عج) مورد اتفاق فقیهان نیست. برخی جایز و برخی حرام می دانند. آنان که حرام می دانند دلیلشان روایات است. آنان که جایز می دانند می گویند: روایات، مربوط به دورهٔ تقیه و خوف است.[۲] [۱] مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱ تا ۳۴. [۲] برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب نجم الثاقب، اثر میرزا حسین طبرسی نوری و فصلنامهٔ انتظار، شمارهٔ ۳، ص ۲۰۳ تا ۲۲۶.

علت نهی از نام بردن امام زمان(ع) چیست و آن کدام اسم است؟

پرسش

علت نهی از نام بردن امام زمان(ع) چیست و آن کدام اسم است؟

پاسخ

حضرت مهدی(عج) همنام پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) می‌باشد و در اخبار از بردن همین نام نهی شده است. اما این که جایز نبودن بردن نام امام عصر(ع) مخصوص به دوران غیبت صغری است یا شامل دوران غیبت کبری هم می‌شود، اختلاف است.(۱)

برخی بر این باورنـد که در دوران غیبت کبری نیز بردن نـام حضـرت ممنوع است، لیکن پس از مرحوم خواجه نصـیر الـدین طوسـی عـده‌ای معتقدنـد که از آن جایی که علت نهی از بردن اسم مبارک آن وجود مقدس برای تقیه و ترس از این بود که مبادا به وسـیله اسم بردن، حضـرت شـناخته شود و مکـانش معلوم گردد و از طرف خلفـای جور مورد تعقیب واقع گردد، اما در دوران غیبت کبری این مسـئله منتفی است، نهی از بردن نام حضـرت مهدی(عج) تنها در زمان غیبت صـغری بوده است و در دوران غیبت کبری اشکال ندارد.(۲) پی نوشت‌ها: ۱. مجله حوزه، ۷۰ – ۷۱، مهر – دی ۱۳۷۴، ویژه امام زمان(ع)، ص ۸۹؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۲۴. ۲. آیت اللّه فاضل لنکرانی، استفتائات، ج ۲، ص ص ۵۷۴، سؤال ۱۶۱۸.

چرا نام امام زمان((علیه السلام)) در وصیّت نامه امام حسن عسگری((علیه السلام)) نیامده است؟

پرسش

چرا نام امام زمان((علیه السلام)) در وصیّت نامه امام حسن عسگری((علیه السلام)) نیامده است؟

پاسخ

حضـرت امام حسن عسـگری((علیه السلام)) از ناحیه ی خلفای زمان خویش سخت در محاصره و فشار بود خلفای عبّاسی که شنیده بودند که از امام حسن عسگری فرزندی متولّد می شود که از، بین رفتن طاغوتها و ستمگران به دست او خواهد بود در صدد برآمده بودند که وی را پیدا کرده دسـتگیر و شهید نمایند از این رو امام حسن عسگری((علیه السلام)) وصی و جانشین خویش امام زمان را جز به افراد خـاص از اصـحاب خویش نشـان نمی داد بنـابراین اگر در وصـیتنامه ی آن حضـرت نامی از امام زمان برده نشـده باشـد ممکن است در رابطه با شـرائط سیاسـی خفقان آمیز زمان آن حضرت باشد. و اصحابی که مورد اعتماد آن حضرت بودند مانند ابی الادیان و احمد بن اسـحق بدیدن امام زمان و معرّفی وی به عنوان جانشـین امام عسگری((علیه السلام)) موفق شدند. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۸ـ

ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پرسش

ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پاسخ

از امام رضا(علیه السـلام) درباره حضـرت قائم(عج) سؤال شد. در پاسخ فرمودند: لایری جسـمه ولایسـمی باسمه:حضرت دیده نمی شود و نـام وی برده نمی شود. و از امـام حسن عسـکری(علیه السـلام) است که می فرمایـد: انکم لاترون شـخصه ولایحل لکم ذکره باسـمه: شـما شـخص او را نمی بینید و برای شما جایز نیست که نام او را ذکر کنید. و جمله ایست در توقیع حضرت حجت(عج) که می فرمایند: ملعون ملعون من سـمانی فی محفل من الناس ;ملعون است، ملعون است کسـی که مرا در محفلی از محافل مردم (عامه) نام ببرد». که شایـد منظور محافضل دشـمنان حضـرت بوده است. شایـد، نهی از حرمت یاد نام حضـرت در بین عموم مردم، به خاطر خوف و تقیه بوده. که البته امروز خوفی وجود نـدارد. مرحوم فیض کاشـانی در وافی، چهـار روایت از کافی در باب نهی از ذکر نام حضـرت آورده اسـت، در روایـت دوم آن آمـده: ان دللتهـم علی الاسـم اذاعـوه و ان عرّفتهم المکـان دلـوا علیه ;اگر اسم را به آنـان

بگوییـد، فاش می کنند و اگر مکان حضـرت را به آنان بشـناسانید، به آن راهنمایی می شوند. این مطلب ظهور دارد در مسأله تقیه و حفظ جان آن حضـرت از شـرّ دشمنان. خلاصه این که علت واقعی و حقیقتی و نبردن نام حضرت قائم(عج) برای ما معلوم نیست، به همین جهت بر ما لازم است که به ظواهر روایات عمل کنیم و از نوشـتن و بردن نام حضـرت که همان نام پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) است، خودداری کنیم.

چرا نباید نام اصلی حضرت مهدی (عج) که هم نام حضرت محمد (ص) است را به کار برد آیا دارای اشکال شرعی است؟

پرسش

چرا نباید نام اصلی حضرت مهدی (عج) که هم نام حضرت محمد (ص) است را به کار برد آیا دارای اشکال شرعی است؟

پاسخ

مهدی (عج) از ذریه و خاندان پیامبر اسـلام است همنام و هم کنیه پیامبر و شبیه‌ترین به آن حضرت است، نام مقدس او محمد، کنیه اش ابوالقاسم و القابش مهـدی، حجت، قائم، صاحب الزمان و... می‌باشد ". لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یبعث الله رجلا من ولدی اسمه اسمی و کنیته لحنیتی یملا الارض قسطاً وعدلاً کما ملیت ظلماً و جوراً) اگر از روزگار دنیا فقط یک روز باقی بمانـده باشـد خداونـد بزرگ آن روز را طولانی می گرداند تا در آن روز خداوند ظهور مردمی را مسـجل سازد که از خانـدان من است نامش هم نام من، (محمد) و کنیه اش هم کنیهٔ من (ابولقاسم). تا عدل و داد در زمین بر قرار ساخته و ظلم و ستم را از بین بـبرد. به مقتضـای اخبـار کثیره معتبره قریب به تواتر، به حسب معنی حرمت بودن این اسم مبـارک است در مجـالس و محافل تا ظهور با سـرور آن حضـرت. و این حکم از حضایص آن حضـرت است و مسـلم در نزد قدمای امامیه از فقهاء و متکلمین و محـدثین می‌باشـد. حتی آنکه شـیخ اقـدم، ابو محمد حسن بن موسـی نوبختی از علماء غیبت صـغری در کتاب" فرق و مقالات "در ذکر فرقهٔ دوازدهم شیعه بعد از وفات امام حسن عسکری(ع) فرموده است که: (ایشان امیامیه‌اند) آنگاه مذهب و عقیدهٔ ایشان را نقل می کنـد می‌فرمایـد ": لاـیجوز ذکر اسـمه و لاـ السؤال عن مکانه حتی یؤمن بـذلک "از این کلام در این مقام معلوم می‌شود که این حکم از خصـایص مـذهب امامیه است و از احـدی از ایشان خلافی نقل نشـده. دلیل سـید نعمت الله جزایری دربارهٔ حرمت بردن نام مخصوص آن حضـرت که ایشـان در شـرح" عیون الاخبـار "قول به حرمت را نسـبت به اکثر علمـاء داده و دلیـل آن نیز اخبار معتبره کثیره است. که ما در اینجا به دو نمونه از آن اشاره می‌نمائیم. ۱ـ حدیث سیزدهم از باب پنجم از نصوص خاصه که شیخ جلیل فضل بن شـاذان در کتـاب" غیبت "خود روایـات کرده از جـابر انصاری که جنـدل بن جناده که از یهودیان خیبر بود خـدمت رسول اکرم (ص) رسـید و بعد از چند سؤال از اسامی و اوصـیای آن جناب پرسید یک یک را اسم بردند تا به نام امام حسن عسکری (ع) آنگاه فرمود: بعـد از آن غـایب گردد از مردمـان امامی از ایشان. جنـدل گفت: یا رسول الله حسن از ایشان غایب گردد؟ فرمود: نه، ولیکن پسـر او، حجت غـایب گردد و غیبتی طولاـنی. جنـدل گفت: نـام او چه باشـد؟ رسول خـدا (ص) فرمود: نـام برده نشود تا زمانی که خداونـد او را ظاهر سازد. ۲ـ حـدیث بیست و هفتم، آنجـا که از ابراهیم بن فارسـی نیشابوری روایت کرده که چون خـدمت حسـن عسـکری (ع) رسـید و حضـرت حجت (عـج) در پهلوی پدر بزرگوارش نشسـته بود و از ضـمیر او خبر داد پس از حالات آن جناب پرسـید. حضـرت فرمود: او فرزند من و خلیفه بعد از من است بعد از من. تا آن که گفت از نام آن حضرت پرسیدم. فرمود: هم نام و هم کنیه پیامبر (ص) است و حلال نیست کسـی را که او را به نام او یا به کنیه او ذکر کنـد تا زمانی که ظاهر سازد. منابع و مآخذ: – امام مهدی و نوابع اربعه، مؤلف: حمید رضا کفاش – نجم الثاقب، تألیف ثقه المحدثین ـ مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری دره

- از فرمایشات پیامبر اکرم به نقل از سنن ترمذی

علت منع از ذکر اسم خاص امام زمان چیست

پرسش

علت منع از ذکر اسم خاص امام زمان چیست

پاسخ

روایات متعددی داریم که از ذکر اسم خاص حضرت نهی فرموده و عده‌ای از علما گفته‌اند این روایات مربوط به زمان خوف قتل حضرت و زمان تقیه می‌باشد لذا در زمان غیبت کبری ذکر نام آن حضرت حرمت ندارد عده‌ای دیگر فرموده‌اند این روایات به خاطر حفظ حرمت واحترام به آن حضرت است و در زمان غیبت هم برای احترام آن حضرت نباید نام خاص (م.ح.م.د) ایشان برده شود. به هرحال احتیاط واجب یا مستحب در ترک ذکر نام آن حضرت است.

آیا این روایت (هر که مرا نام برد در مجمعی از مردم به اسم من پس بر او باد لعنت خدا) که از امام زمان (عج) نقل شده صحیح است ؟

پرسش

آیا این روایت (هر که مرا نام برد در مجمعی از مردم به اسم من پس بر او باد لعنت خدا) که از امام زمان (عج) نقل شده صحیح است ؟

پاسخ

در روایات متعددی بردن نام شخص ایشان منع گردیده و از همین رو سنت بر این است که آن را به صورت مقطع (مح م د) ادأ می کنند. دلیل این منع آن است که نام امام زمان(عج) هم نام پیامبر(ص) است و اگر نام امام زمان(عج) برده شود دستاویزی برای مسیحیان خواهدشد که پیامبر موعود در انجیل هنوز ظهور نکرده است و باقی ماندن بر شریعت مسیح را برای خود توجیه می کنند.{J

آیا نام بردن اسم حضرت (محمّد) جایز است؟

پرسش

آیا نام بردن اسم حضرت (محمّد) جایز است؟

پاسخ

در مورد حکم نام بردن اسم شریف حضرت (ع) بیش از صد روایت وجود دارد که می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱ - روایاتی که به طور مطلق وبدون هیچ قید وشرطی از ذکر نام حضرت نهی کرده است. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۳۲. پاورقی} ۲

– روایاتی که از ذکر نام شریف آن حضرت تا زمان ظهور نهی کرده است. {پاورقی . کمال الدین، ص ۲۱۴. پاورقی} ۳ – روایاتی که علت نهی از ذکر نام شریف آن حضرت را خوف وتقیه وعلل دیگر دانسته است. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۱. پاورقی} ۴ – روایاتی که در آنها به اسم شریف حضرت چه از سوی امام یا راوی تصریح شده است. {پاورقی . همان، ص ۵۰۰. پاورقی} دسته اول ودوم بیانگر یک معناست. برخی با استناد این روایات به حرمت فتوا داده وذکر نام شریف حضرت را تا زمان ظهور حرام دانسته‌اند، از آن جمله می‌توان از علامه مجلسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، طبرسی، میرداماد، محدّث جزایری، محدّث نوری، میرزای شیرازی، میرزا محمّد تقی اصفهانی –رضوان‌اللّه علیهم– نام برد. وبرخی نیز حرمت ذکر نام شریف آن حضرت را مقیّد به صورت خوف وتقیه دانسته‌اند که از آن جمله می‌توان از اربلی، شیخ حرّ عاملی، خواجه نصیرالدین طوسی وفیض کاشانی ودیگران –رضوان‌اللّه علیهم– نام برد. برخی نیز این حکم را به عصر غیبت صغرا اختصاص داده‌اند. به نظر می‌رسد که حق با قول دوم باشد؛ یعنی حرمت مختص به صورت خوف وتقیه است به دلیل: ۱ – در باب تلقین محتضر در حدیثی چنین آمده است": تلقین کن به محتضر کلمات فرج وشهادتین واسم هر یک از امامان را تا هنگام فوتش. "معلوم است که {پاورقی . کافی، ج ۳، ص ۱۳۴. پاورقی} هنگام تلقین به اسم حضرت تصریح می‌شود. ۲ – در مورد تلقین میّت نیز همین دستور آمده که نام هر یک از امامان را بر او ببر وتلقین کن، که از آن جمله نام امام زمان (ع) است. {پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۷۴. پاورقی} ۳ – محمّد بن ابراهیم کوفی می‌گوید: امام عسکری (ع) برای کسی که اسمش را برد به توسط من پولی فرستاد تا گوسفندی از طرف حضرت قربانی کند وفرمود": این به جهت عقیقه برای فرزندم محمّد (ص) است. {"پاورقی . همان، ج ۲۱، ص ۴۴۸. پاورقی} ۴ – کنیه معروف حضرت عسکری (ع) ابومحمّد است ودر این کنیه تصریح به اسم حضرت مهدی (ع) می‌باشد. ۵ – از امام رضا (ع) در مورد زیارت قبر امام حسین (ع) سؤال شد، حضرت فرمود... ": وبسیار بر محمّد وآل او درود می‌فرستی ونام هریک از آنها را می‌بری وبه سوی خدا از دشمنانشان پناه می‌بری. {"پاورقی . همان، ج ۱۴، ص ۵۴۹. پاورقی} محقق اربلی می‌گوید": نظر من چنین است که منع از ذکر نام شریف حضرت به جهت تقیه در دوران خوف وتحت تعقیب بودن وسؤال از نام ومحلّ ایشان بوده است، ولی الآن که خوف وتقیه‌ای نیست منع وحرمتی از ذکر نام شریفش وجود ندارد. {"پاورقی . کشف الغمهٔ، ج ۳، ص ۳۱۰. پاورقی} ۶ – جابر بن عبداللّه انصاری به امام باقر (ع) می‌گوید": وارد بر فاطمه زهرا (ع) شدم تا در ولادت امام حسن (ع) به حضرتش تهنیت بگویم، صحیفه‌ای از درّ سفید در دست مبارکش یافتم، سؤال کردم: ای بهترین زنان عالم! این صحیفه که در دستان شما می‌بینم چیست؟ حضرت فرمود: در آن اسامی امامان از فرزندانم هست... جابر می‌گوید: نگاه کردم واسامی هر یک از امامان را در آن صحیفه مشاهده کردم. {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۰۷. پاورقی} ۷ – در احادیث زیادی از رسول اکرم (ص) وارد شده که حضرت مهدی همنام رسول خداست، واین تصریح ضمنی به نام مبارک امام زمان (ع) است.

علت نهی در بردن نام امام زمان (عج) مربوط به عصر خاصی است یا زمان حاضر را نیز شامل می شود؟

پرسش

علت نهی در بردن نام امام زمان (عج) مربوط به عصر خاصی است یا زمان حاضر را نیز شامل می شود؟

پاسخ

از مجموع روایاتی که در رابطه با حرمت، بردن نام حضرت مهدی(ع) از معصومین(ع) نقل شده استفاده می‌شود که نهی از ذکر نام آن حضرت و تأکیدی که در این مورد شده است مربوط به همان زمان غیبت صغری و ایام بعد از ولادت امام تا آغاز غیبت کبری

بوده که هم امام حسن عسکری(ع) و هم خود آن حضرت سعی بلیغ داشتند که حتی شیعیان نیز از ولادت و محل و چگونگی زندگی حضرت مطلع نگردند. زیرا می‌دانستند خلیفه وقت کاملاً مراقب است که امام دوازدهم شیعیان بوجود نیاید، مبادا حکومت‌های جابر را سرنگون کند و بساط عدل را در جهان بگستراند. اما در دوران بعد مانند عصر ما، هیچگونه حکمتی در منع از ذکر نام آن حضرت به نظر نمی‌رسد، (کتاب مهدی موعود، ص ۲۳۶). در سؤالی که در این رابطه از بعضی فقهاء موجود شده است فرموده‌اند: ظاهرا حکم (حرمت) مخصوص زمان تقیّه بوده است و احتیاط در زمان حاضر این است که با القاب نام آن حضرت برده شود. البته بنا بر نظر برخی محققان مانند آیت الله معرفت اسمی که ذکر آن ممنوع شد –ا ح م د – است زیرا در انجیل بشارت به بعثت پیامبری احمد شده است و لذا اگر شیعیان این وصف حضرت حجت(عج) را به کار ببرند چه بسا دست آویز مسیحیان شود که پیامبر آخر الزمان هنوز مبعوث نشده است. در زمان حاضر بردن نام مخصوص آن حضرت کراهت دارد(طبق سؤال از دفتر آیت الله بهجت)

نهی از ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پرسش

نهی از ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پاسخ

از امام رضاعلیه السلام درباره حضرت قائم(عج) سؤال شد. در پاسخ فرمودند: لایری جسمه ولایسمی باسمه:حضرت دیده نمی‌شود و نام وی برده نمی‌شود. و از امام حسن عسکری‌علیه السلام است که می‌فرماید: انکم لاترون شخصه ولایحل لکم ذکره باسمه: شما شخص او را نمی‌بینید و برای شما جایز نیست که نام او را ذکر کنید. و جمله‌ایست در توقیع حضرت حجت(عج) که می‌فرمایند: ملعون ملعون من سمانی فی محفل من الناس؛ ملعون است، ملعون است کسی که مرا در محفلی از محافل مردم (عامه) نام ببرد». که شاید منظور محافضل دشمنان حضرت بوده است. شاید، نهی از حرمت یاد نام حضرت در بین عموم مردم، به خاطر خوف و تقیه بوده. که البته امروز خوفی وجود ندارد. مرحوم فیض کاشانی در وافی، چهار روایت از کافی در باب نهی از ذکر نام حضرت آورده است، در روایت دوم آن آمده: ان دللتهم علی الاسم اذاعوه و ان عرّفتهم المکان دلوا علیه؛اگر اسم را به آنان بگویید، فاش می کنند و اگر مکان حضرت را به آنان بشناسانید، به آن راهنمایی می‌شوند. این مطلب ظهور دارد در مسأله تقیه و حفظ جان آن حضرت از شرّ دشمنان. خلاصه این که علت واقعی و حقیقتی و نبردن نام حضرت قائم(عج) برای ما معلوم نیست، به همین جهت بر ما لازم است که به ظواهر روایات عمل کنیم و از نوشتن و بردن نام حضرت که همان نام پیامبر اسلام‌صلی الله علیه وآله است، خودداری کنیم.

چرا در کتاب‌ها نام حضرت مهدی را به صورت «م ح م د» می‌نویسند و از بردن نام آن حضرت پرهیز می‌نمایند؟

پرسش

چرا در کتاب‌ها نام حضرت مهدی را به صورت «م ح م د» می‌نویسند و از بردن نام آن حضرت پرهیز می‌نمایند؟

پاسخ

جمعی از علما مانند شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ طبرسی و میرداماد و علامه مجلسی صریحاً فتوا داده‌اند که حرام است نام آن حضرت را در میان اجتماع مردم ببرند، زیرا روایات متواتری بر نهی از این عمل وارد شده است که از جمله روایات این است: ۱. امام حسن عسکری(ع) فرمود: «لا یحل لکم ذکره باسمه»، برای شما حلال نیست که او را به اسمش یاد کنید.{۱} ۲. امام صادق(ع) فرمود: «صاحب این امر (قیام جهانی) مردی است که اسمش را کسی نمی‌برد مگر آنکه آن شخص کافر باشد».{۲} ۳. امام رضا(ع) فرمود: «حضرت قائم مهدی کسی است که جسمش دیده نمی‌شود و اسمش بعد از غیبت برده نمی‌شود».{۳} ۴. در توقیع شریفی خود حضرت فرموده‌اند: «ملعون است کسی مرا در میان محفلی از مردم اسم ببرد».{۴} برخی از علما تصریح کرده‌اند که به خاطر رعایت ادب مؤمنین نباید اسم آن حضرت را در مجالس خود ببرند، بلکه باید به القابی مثل بقیّ الله، حجت، مهدی، صاحب الامر و العصر و الزمان از او یاد کنند و در کتاب نجم الثاقب بحث بسیار مفصلی پیرامون این قضیه آمده است. [۱].بحارالانوار، ج ۵۰، باب ۲، روایت ۵، ص ۲۴۰/ [۲].همان، ج ۵۱، باب ۳، روایت ۱۱، ص ۳۳/ [۳].همان/ [۴].همان، ج ۵۱، ص ۱۵، باب ۱۸، روایت ۱۳/

پی نوشتها

۱- شیخ مفید، الارشاد، قم مکتبهٔ بصیرتی،، ص ۳۴۶ - فتّیال نیشابوری، روضهٔ الواعظین، الطبعهٔ الاولی، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه. 'ق، ص ۲۹۲ - کلینی،، اصول کافی، تهران، مکتبهٔ الصدوق، ۱۳۸۱ ه - ق، ج ۱، ص ۵۱۴ - طوسی، الغیبهٔ، تهران، مکتبهٔ نینوی الحدیثهٔ، ص ۱۴۱ - طبرسی،، اعلام الوری، الطبعهٔ الثالثهٔ، تهران، دار الکتب الاسلامیهٔ، ص ۴۱۸ - ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمهٔ، ط قدیم (بی تا)، ص ۳۱۰. در بعضی از مآخذ، تاریخ تولد حضرت، سال ۲۵۶ هجری ضبط شده است (صدوق، کمال الدین، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی (التابعهٔ) لجماعهٔ المدرسین بقم المشرفهٔ، ۱۴۰۵ ه- ق، ص ۴۳۲ - طوسی،، الغیبهٔ، ص ۱۳۹ و ۱۴۷) و در برخی دیگر، سال ۲۵۸ (علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمّهٔ، تبریز مکتبهٔ بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ه-ق، ص ۲۲۷ - ابن ابی الثلج بغدای، تاریخ الائمهٔ، قم، مکتبهٔ بصیرتی، (ضمن مجموعه نفیسه)، ص ۱۵) ذکر شده است و ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری آن را در سال ۲۵۷ می‌داند (دلائل الامامهٔ، الطبعهٔ الثالثهٔ، قم، منشورات الرضی،، ص ۲۷۱ و ۲۷۲. ۲- شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۴۶ - طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۱۷ - اربلی، همان کتاب، ص ۲۲۷ - ابن صبّاغ، همان کتاب، ص ۳۱۰. ۳- صدوق، همان کتاب، ص ۶۴۸ - کلینی،، همان کتاب، ص ۳۳۲ - مجلسی،، بحارالأنوار، تهران، المکتبهٔ الاسلامیهٔ، ۳۹۳ ه-. ق، ج ۵۱، ص ۳۱ - ۳۴. ولی آیا نهی ائمه از ذکر نام مخصوص آن حضرت، یک اقدام سیاسی مقطعی و مربوط به دوران غیبت صغری بوده یا اینکه حرمت ذکر نام آن حضرت تا هنگام ظهور و قیامش باقی است؟ در میان علمای شیعه مورد اختلاف است (ر. ک به: حاج میرزا حسین طبرسی نوری، النجم الثاقب، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، باب ۲، ص ۴۸ و ۴۹. ۴- مسعودی، همان کتاب، ص ۴۱۸ - ابن صباغ، همان کتاب، ص ۳۱۰. ۵ -مسعودی، اثبات الوصیهٔ، الطبعهٔ الرابعهٔ، نجف، المطبعهٔ الحیدریهٔ، ۱۳۷۴ ه. 'ق، ص ۲۴۸. ۶ - ابن صبّاغ، همان کتاب، ص ۳۱۰. ۷- شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۴۶ - صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۲ - طبرسی، همان کتاب، ص ۴۱۸ مسعودی، همان کتاب، ص ۲۴۸ - فتّیال نیشابوری،، همان کتاب، ص ۲۸۳ - طوسی، همان کتاب، ص ۱۴۳ محمد بن جریر بن رستم طبری، همان کتاب، ص ۲۶۸ - ابن صبّاغ، همان کتاب، ص ۳۱۰. ۸- صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۲ و ر. ک به: روضهٔ الواعظین، ص ۲۹۲. برخی از محققان معاصر، احتمال داده‌اند که نام او همان نرجس باشد، و اسامی دیگر به جز صقیل را بانوی پیشین او حکیمه دختر امام جواد - علیه السلام - به وی داده باشد (بنابر روایاتی، او قبلاً کنیز حکیمه بوده است). مردم آن زمان کنیزان خویش را برای خوشامد گویی، به اسامی گوناگون می‌خواندند و نرجس، ریحانه و سوسن همه اسامی گلها هستند (دکتر حسین جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت اللّهی، چاپ اوّل، تهران، مؤسسه انتشارا امیرکبیر، ۱۳۶۷ ه. 'ش، ص ۱۱۴). ۹- فتّیال نیشابوری، همان کتاب، ص ۲۸۳ - صدوق، همان کتاب، ص ۴۲۷ - مجلسی، همان

کتاب، ج ۵۱، ص .۱۲ ۱۰- شیخ مفید، همان کتاب، ص .۳۴۶ ۱۱- ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغة، قاهره، دار احیاالکتب العربیة، ۱۹۶۰ م، ج ۷، ص ۹۴ و ج ۱۰، ص .۹۶ ۱۲- فقیه ایمانی، مهدی، مهدی، منتظر در نهج البلاغه، اصفهان، کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علی - علیه السلام -، ص ۲۳، .۳۹ تعدادی از این منابع که در دسترس نگارنده است و تولد حضرت مهدی به صراحت در آنها بیان شده، به قرار زیر است: ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ط ۲، قاهره، ۱۳۸۵ ه. 'ق، ص ۲۰۸ - شبراوی، الاتحاف بحبّ الأشراف، ط ۲، قم، منشورات الرضی،، ۱۳۶۳ ه. 'ش، ص ۱۷۹ - محمد امین بغدادی سویدی، سبائک الذهب فی معرفة قبائل العرب،بیروت دارصعب، ص ۷۸ - مؤمن شبلنجی، نور الأبصار، قاهره، مکتبة المشهد الحسینی ،، ص ۱۶۸ - شیخ محمد صبّان، اسعاف الراغبین، (در حاشیه نور الأبصار)، ص ۱۴۱ - ابن أثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ج ۷، ص ۲۷۴ (حوادث سال ۲۶۰) حمدالله مستوفی، تاریسخ برگزیده، چاپ دوّم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ ه. 'ش، ص ۲۰۷ - ابن طولون، الأئمة الاًثنی عشر، قم، منشورات الرضی،، ص ۱۱۷ - ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمة، (بی تا)، ص ۳۱۰ - شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودّة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص .۳۶ ۱۳- صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۴ - .۴۷۸ شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۵۰ و ۳۵۱ - شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودّة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۱۲۳ - .۱۲۵ ۱۴- چنانکه در سیره امام هادی - علیه السلام - نوشتیم، ایوب بن نوح یکی از وکلای آن حضرت بوده است. ۱۵- طوسی، همان کتاب، ص ۲۰۴ ور.ک به: صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۵ - مجلسی، همان کتاب، ج ۵۱، ص ۳۴۶ - شیخ سلیمان قندوزی، همان کتاب، ج ۳، ص ۱۲۳ - (آیت الله) صافی، لطف الله، منتخب الأثر، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۳ ه. 'ق، ص .۳۵۵ ۱۶- شیخ طوسی، همان کتاب، ص ۲۰۴ - نعمانی، الغیبة، تهران، مکتبة الصدوق، ص ۱۵۴ - مجلسی، بحار الأنوار، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۳ ه. 'ق، ج ۵۱، ص ۱۵۰ ور.ک به: اصول کافی، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۸۱ ه. 'ق، ج ۱، ص .۳۳۷ ۱۷- طوسی، همان کتاب، ص ۲۰۳ - ۲۰۷ - صافی، همان کتاب، باب ۴۷، ص ۳۱۴ و .۳۱۵ ۱۸- صافی، همان کتاب، فصل ۱، باب ۸، ص ۱۰۱، ح .۴ ۱۹- (آیت الله) صافی، لطف الله، نوید امن و امان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ص ۱۷۷ و .۱۷۸ ۲۰- کلینی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۳۷ - طوسی، همان کتاب، ص ۲۰۲ - صدوق، همان کتاب، ص ۴۸۱ صافی، منتخب الأثر، فصل ۲، باب ۲۸، ص ۲۶۹ - نعمانی، همان کتاب، ص .۱۶۶ ۲۱- صدوق، کمال الدین، باب ۴۴، ص ۴۸۰، ح ۴ - مجلسی، همان کتاب، ج ۵۱، ص ۱۵۲ - صافی، منتخب الأثر، فصل ۲، باب ۲۵، ص ۲۶۸، ح .۳ ۲۲- مرحوم شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از سال تولد آن حضرت (سال ۲۵۵) حساب کرده است (الاًرشاد، ص ۳۴۶) و با این محاسبه، دوران غیبت صغری، ۷۵ سال می‌شود. طبعاً نظریه مرحوم مفید از این لحاظ بوده است که حضرت مهدی در زمان حیات پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی غایت محسوب می‌شده است. گویا بر اساس همین ملاحظه است که محققانی مانند: طبرسی، سید محسن امین، و آیت الله سید صدر الدین صدر نیز آغاز غیبت صغری را از سال میلاد آن حضرت، و مدّت آن را ۷۴ سال دانسته‌اند (اًعلام الوری، ص ۴۴۴ - اعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ج ۲، ص ۴۶ - المهدی،، بیروت، دار الزهرأ، ۱۳۹۸ ه. 'ق، ص ۱۸۱). ۲۳- صدر، سید صدر الدین، المهدی،، بیروت، دار الزهرأ، ۱۳۹۸ ه. 'ق، ص ۱۸۳ - پیشوای دوازدهم امام زمان، نشریه مؤسسه در راه حق، ص .۳۸ ۲۴- شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودّة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، باب ۷۱، ص .۸۲ ۲۵- نعمانی، همان کتاب، ص .۱۷۳ ۲۶- نعمانی، همان کتاب، ص .۱۷۳ ۲۷- نعمانی، همان کتاب، ص .۱۷۰ نیز ر.ک به: منتخب الأثر، فصل ۲، باب ۲۶، ص ۲۵۱ - .۲۵۳ ۲۸- در آن روزگار، به جای" نیابت "و "نواب "بیشتر تعبیر" سفارت "و" سفرأ "به کار برده می‌شد. ۲۹- چنانکه طبق نقل شیخ طوسی، حدود ده نفر در بغداد به نمایندگی از طرف محمد بن عثمان فعالیّت می‌کردند (الغیبة، ص ۲۲۵). ۳۰- توقیع به معنای حاشیه نویسی است و در اصطلاح علمای شیعه به نامه‌ها و فرمانهایی که در زمان غیبت صغری از طرف امام به شیعیان می‌رسیده توقیع گفته می‌شود. ۳۱- صدر، المهدی،، ص .۱۸۹ ۳۲- امین، سید محسن، أعیان الشیعة، ج ۲، ص .۴۸ ۳۳- طوسی،، الغیبة، ص ۲۵۷، .۲۵۸ ۳۴- کلینی،، اصول کافی،، ج ۱، ص ۵۱۸،

ح .۵ ۳۵- کلینی، همان کتاب، ص ۵۲۱، ح ۱۴ و .۱۵ ۳۶- طبرسی،، أعلام الوری، ص .۴۴۴ ۳۷- طوسی،، الغیبة، تهران، مکتبة نینوی الحدیثة ص .۲۱۴ ۳۸- طوسی، همان کتاب، ص .۲۱۶ ۳۹- طوسی،، الغیبة، ص .۲۱۵ ۴۰- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۱۶ ۴۱- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۱۶ ۴۲- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۱۷ ۴۳- دکتر حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت اللّهی، چاپ اوّل، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه. 'ش، ص ۱۵۵ و .۱۵۶ ۴۴- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۲۱ ۴۵- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۱۹ ۴۶- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۱۹ - .۲۲۰ ۴۷- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۰ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص .۳۴۹ ۴۸- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۰ - مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰ - طبرسی أعلام الوری، الطبعة الثالثة، ص ۴۵۲ - علی بن عیسی اربلی،، کشف الغمة، تبریز، مکتبة بنی هاشمی،، ۱۳۸۱ ه. 'ق، ج ۳، ص .۳۲۲ ۴۹- طوسی، الغیبة، ص .۲۲۱ ۵۰- طوسی،، الغیبة، ص .۲۲۳ ۵۱- طوسی، الغیبة، ص ۲۲۲ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص .۳۵۱ ۵۲- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۶ و ۲۲۷ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص .۳۵۵ ۵۳- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۴ و ۲۲۵ و .۲۲۷ ۵۴- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۰ ۵۵- مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۶، ور.ک به: طوسی،، همان کتاب، ص .۲۳۶ ۵۶- دکتر حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، چاپ اوّل، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه. 'ش، ص .۱۹۹ ۵۷- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۳۸ ۵۸- سَیمَری و صَیْمَری نیز گفته شده است (صدر، محمد، تاریخ الغیبة الصغری، ط ۱، بیروت دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۲ ه. 'ق، ص ۴۱۲). ۵۹- طوسی،، همان کتاب، ص .۴۴۵ ۶۰- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۲ ۶۱- صدر، همان کتاب ص .۴۱۲ ۶۲- چنانکه در بحث علائم ظهور گفته شده، قیام شخصی به نام سفیانی و صدای آسمانی از علامتهایی هستند که در آستانه ظهور امام رخ خواهد داد. ۶۳- طوسی،، الغیبة، ص ۲۴۲ و ۲۴۳ - مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱ - طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۴۵ - صدر همان کتاب، ص- .۱۵ ۶۴- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۳ ۶۵- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۲ ۶۶- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۲ و ۲۴۶ - صدوق، کمال ادین، قم، مؤسسة النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۴۰۵ ه. 'ق، ص .۴۴ ۶۷- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۲۲ ۶۸- طوسی،، همان کتاب، ص ۱۴۶ و .۲۱۹ ۶۹- طوسی،، الغیبة، ص ۲۴۰ - مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص .۳۵۹ ۷۰ مرحوم طبرسی،، فهرست جالبی از این دسته وکلا، با ذکر محل مأموریتشان، ذکر کرده است (أعلام الوری، ص ۴). ۷۱- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۲۵ ۷۲- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۵ و .۲۲۶ ۷۳- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۵ و .۲۲۶ ۷۴- صدوق، کمال الدین، رقم، مؤسسة النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۴۰۵ ه. 'ق، ص ۴۴۰ - .۴۴۱ ۷۵- طوسی،، همان کتاب، ص ۱۷۶ - .۱۷۷ ۷۶- طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۵۲ - .۴۵۳ ۷۷- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۹ - .۲۳۶ ۷۸- طوسی،، همان کتاب، ص ۱۹۸ - .۱۹۹ ۷۹- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۳۸ - .۲۳۹ ۸۰- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۴ ۸۱- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۴۸ - ۲۵۴ ور. ک به: دکتر حسین، جاسم، تارخی سیاسی غیبت امام دوزادهم، ص ۲۰۰ - .۲۰۵ مسعودی، قتل او را در سال ۳۲۲ دانسته است (التنبیه والاشراف، قاهره، دار الصاوی للطبع والنشر و التألیف ص ۳۴۳). ۸۲- طاغوت کسی است که بر خلاف حق حکومت کند و بر اساس موازین اسلامی سزاوار آن مقام نباشد. لفظ" طاغوت "صیغه مبالغه از طغیان است، تو گویی این افراد در طغیان و مرز نشناسی، در بالاترین حدّ قرار گرفته‌اند. ۸۳- نسأ: .۶۰ ۸۴- ینظران من کان منکم ممن روی حدیثنا ونظر فی حلالنا وحرامنا و عرف أحکامنا فارضوا به حکما فانّی قد جعلته علیکم حاکماً فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانّما استخفّ بحکم الله وعلینا ردّ، والرّاد علینا الرّاد علی الله، وهو علی حدّ الشرک بالله (کلینی، اصول کافی، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۸۱ ه. 'ق، ج ۱ ص ۶۷، کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحدیث، ح ۱۰ - شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، بیروت، دار احیأ التراث العربی،، ج ۱۸ ،باب ۱۱ من أبواب صفات القاضی،، ص ۹۹). ۸۵- وأمّا الحوادث الواقعة فارجعوا فیا الی رواة حدیثنا فانّهم حجتی علیکم وأنا حجة الله (طوسی،، همان کتاب، ص ۱۷۷ - طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۵۲ - شیخ حرّ عاملی، همان کتاب، ج ۱۸، ص ۱۰۱، کتاب القضأ، ابواب صفات القاضی،، باب ۱۱، ج ۹ - طبرسی،،

احتجاج، نجف، المطبعة المرتضویة، ج ۲، ص ۱۶۳). ۸۶- امینی،، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ چهارم، قم، انتشارات دار الفکر، ۱۳۵۲ ه. 'ش، ص ۷۴ - ۸۲.این آمار از روی احادیث منقول در کتاب" منتخب الأثر "تهیه شده است و اگر تتبع بیشتری صورت گیرد، طبعاً تعداد احادیث بیش از این خواهد بود.) درباره روایات منقول از پیامبر اسلام، در بخش روایات اهل سنت توضیح خواهیم داد. ۸۸- محمد بن جریر بن رستم طبری،، دلائل الامامة، الطبعة الثالثة، قم، منشورات الرضی،، ص ۲۴۰ ۸۹- ر.ک به: مهدی فقیه ایمانی، مهدی منتظر در نهج البلاغة، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علی - علیه السلام -. ۹۰- لتعطفنّ الدنیا علینا عطف الضروس علی ولدها (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، قاهره، دار احیأ الکتب العربیة، ۱۹۶۰ م، ج ۱۹، ص ۲۹، حکمت ۲۰۵). ۹۱- ونرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض ونجعلهم أئمّة ونجعلهم الوارثین (قصص: ۶). ۹۲- صدوق، کمال الدین، مؤسسة النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۴۰۵ ه. 'ق، ج ۱، ص ۳۱۸ ۹۳- صدوق، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۷۷ - مجلسی،، بحار الأنوار، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۳ ه. 'ق، ج ۵۱، ص ۱۵۶ ۹۴- طبرسی،، أعلام الوری، الطبعة الثالثة، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ص ۴۴۳ - ۴۴۴ ۹۵- طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۴۳ ۹۶- شیخ طوسی،، فهرست، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱ ه. 'ش، ص ۱۴، شماره ۱۹ - نجاشی،، فهرست اسمأ مصنفی الشیعة، قم، مکتبة الداوری،، ص ۱۱ - ابن داود، رجال، قم، منشورات الرضی،، ص ۳۲، شماره ۲۳ ۹۷- نجاشی،، همان کتاب، ص ۲۹ - طوسی،، فهرست، ص ۹۸، شماره ۲۰۵ ۹۸- نجاشی،، همان کتاب، ص ۲۹ - طوسی،، فهرست، ص ۹۸، شماره ۲۰۵ ۹۹- نجاشی،، همان کتاب، ص ۱۷۸ ۱۰۰- نجاشی،، همان کتاب، ص ۱۷ - (آیت الله) صافی،، منتخب الأثر، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۳ ه. 'ق، ص ۴۶۶ و ۴۶۷ ۱۰۱- البته ابراهیم انماطی و حسن بن محمد بن سماعة واقفی بودند و هدفشان از نوشتن چنین کتابی، اثبات دیدگاههای خودشان بوده است، اما رد هر حال این موضوع نشان می‌دهد که غیبت یک موضوع مسلّم بوده است. (دکتر حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، چاپ اوّل، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه. 'ش، ص ۲۱ و ۲۲). ۱۰۲ صافی، لطف اللّه، نوید امن و امان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ص ۹۱ - ۹۲. ۱۰۳- صافی، همان کتاب، ص ۹۲ - ۹۵. ۱۰۴ صافی، همان کتاب، ص ۹۵ - ۹۹. ۱۰۵- ر.ک به: صحیح بخاری، ط ۱، با شرح و تحقیق شیخ قاسم شمّاعی رفاعی، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۷ ه. 'ق، ج ۴، باب ۹۴۵ (نزول عیسی بن مریم)، ص ۶۳۳ و مسند احمد حنبل ،بیروت، دار الفکر (بی تا) ج ۱، ص ۸۴ و ۹۹ و ۴۴۸ و ج ۳، ص ۲۷ و ۳۷ ور.ک به: سنن ابن ماجه (۲۰۷ - ۲۷۵ ه. 'ق) تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی،، بیروت، دار احیأ التراث العربی،، ج ۲، ص ۱۳۶۶ - ۱۳۶۸، کتاب الفتن، باب ۳۴، باب خروج المهدی،، حدیث ۴۰۸۲ - ۴۰۸۸. ۱۰۶- لو لم یبق من الدنیا الا یوم لبعث الله عزّوجلّ رجلاً منزا یملأها عدلاً کما ملئت جوراً (مسند احمد حنبل، بیروت، دار الفکر (بی تا)، ج ۱، ص ۹۹). ۱۰۷- تواتر و متواتر، از اصطلاحات علم الحدیث است و منظور از خبر متواتر، خبر جماعتی است که (فی حدّ نفسه، نه به ضمیمه قرائن) اتفاق آنان بر کذب، محال و در نتیجه موجب علم به مضمون خبر باشد. (ر.ک‌به: مدیر شانه چی، کاظم، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۳، ۱۳۶۲ -. ش، ص ۱۴۴) بدین گونه" تواتر "را می‌توان" ثبوت قطعی "تعبیر کرده و" حدیث متواتر "را" حدیث ثابت و قطعی" خواند؛ حدیثی که راویان بسیار داشته، و در کتابهای بسیار روایت شده است و به وسیله محدثان و مشایخ روایت، سینهبه سینه، و ضبط به ضبط، از نسلی به نسل دیگر رسیده است و ثبوت و صدور آن از پیامبر اکرم، با ائمه طاهرین - علیهم السلام - قطعی است (حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ه. 'ش، ص ۹۹). ۱۰۸- صافی، همان کتاب، ص ۹۰ - ۹۱. ۱۰۹- صافی، همان کتاب، ص ۱۱۰. ۱۱۰- وجمیع ما سقناه بالغ حدّ التواتر کما لایخفی علی من له فضل اطّلاع. فتقّرر بجمیع ما سقناه أنّ الأحادیث الواردة فی المهدی المنتظر متواترة... و هذا یکفی لمن کان عنده ذرّة من أیمان و قلیل من انصاف. (نقل از غایة المأمول فی شرح التاج الجامع للأصول، تألیف شیخ منصور علی ناصف، در حاشیة التاج، ط ۲، قاهره، دار احیأ الکتب العربیة، ج ۵، ص ۳۲۷). ۱۱۱- حافظ، کسی است که بر سنن رسول اکرم احاطه داشته باشد و موارد اتفاق و اختلاف آن را بداند د و به احوال

راویان و طبقات مشایخ حدیث کاملاً مطّلع باشد (مدیر شانه چی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۲). ۱۱۲- تواترت الأخبار و استفاضت بکثرة رواتها عن المصطفی(ص)فی أمر المهدی (منتخب الأثر، ص، پاورقی). ۱۱۳- تواترت الأخبار بأنّ المهدی من هذه الامه وانّ عیسی - علیه السلام - سینزل و یصلّی خلفه (فتح الباری بشرح صحیح البخاری،، بیروت، دار المعرفة، ج ۶، ص ۴۹۳ - ۴۹۴). ۱۱۴- تواترت الأخبار عن النبی (ص)انّه من أهل بیته وانّه یملأ الأرض عدلاً (نور الأبصار، قاهره، مکتبة المشهد الحسینی،، ص ۱۷۱). ۱۱۵- تواترت الأخبار عن النبی (ص)بخروجه و انّه من أهل بیته وانّه یملأ الارض عدلاً (اسعاف الراغبین، در حاشیه نور الأبصار، ص ۱۴۰). ۱۱۶- این کتاب، چنانکه در مقدمه‌اش ذکر شده است، به منظور جمع آوری مجموعه قابل اطمینانی از" اصول پنجگانه "حدیث که مهمترین کتب حدیث اهل سنت است، تألیف گردیده و در پنج جلد چاپ شده است. مؤلف کتاب شرحی به نام" غایة المأمول "در شرح آن نوشته که در حاشیه‌اش چاپ شده است. ۱۱۷- التاج الجامع للأصول، قاهره، ط ۲، دار احیأ الکتب العربیة، ج ۵، ص ۳۱۰. ۱۱۸- قد وقع اتفاق الفرق من المسلمین أجمعین علی انّ الدنیا و التکلیف لاینقضی الاّ علیه (المهدی)) (شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احیأ الکتب العربیة، ۱۹۶۰ م، ج ۱۰ ص ۹۶). ۱۱۹- درصفحات آینده، قسمتهایی از مطالب این مجله را نقل خواهیم کرد. ۱۲۰- متن کامل عربی این بیانیه درک کتاب: مهدی انقلابی بزرگ، از صفحه ۱۵۱ تا ۱۵۵، نقل شده است و ترجمه آن با تغییرات اندکی از این کتاب گرفته شده است. ۱۲۱- در بیانیه یاد شده نیز این منابع پیروی شده است. ۱۲۲- سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ج ۴، ص ۱۰۶، کتاب الفتن و الماحم، کتاب المهدی ،، حدیث ۴۲۸۲ - سیوطی، تاریخ الخلفأ، بغداد مکتبة المثنی، ص ۲۷۲. ۱۲۳- محمد بن عیسی بن سوره ترمذی متوفای ۲۷۹ ه، 'مؤلف یکی از شش کتاب مشهور و معتبر نزد اهل سنت است. ۱۲۴- متن حدیث جنین است: قال رسول الله۹: لاتذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من أهل بیتی یواطئ اسمه اسمی (سنن ترمذی،، بیروت، دار احیأ التراث العربی،، ج ۴، ص ۵۰۵، باب ۵۲ (ماجأ فی الهدی))، ح ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱). ۱۲۵- ر. ک به: مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۴۴۸. ۱۲۶- صافی، ممنتخب الأثر، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۳ ه. 'ق، ص ۲۳۱ - ۲۳۵ - و موسوعة الامام المهدی،، اصفهان، مکتبة الامام أمیر المؤمنین العامّة، ج ۱، ص ۱۳ - ۱۶. در این باره احتمالات دیگری نیز داده‌اند که جهت رعایت اختصار از نقل آنها خود داری شد. ۱۲۷- عبد الرحمان بن محمد بن خلدون مغربی ۷۳۲ - ۸۰۸ ه. '۱۲۸- جر و تعدیل از اصطلاحات علم حدیث‌شناسی است. مقصود از جرح این است که راوی یا راویان یک حدیث از طرف حدیث شناسان با تعبیراتی از قبیل: دروغگو، جاعل حدیث، اهل غلّو و تعبیرات دیگری که در این علم مطرح شده، معرفی شود که طبعاً آن حدیث فاقد اعتبار خواهد بود. و مقصود از تعدیل، این است که راوی به عنوان: شخص عادل، موثق و مانند اینها معرفی شود که طبعاً حدیث او مورد قبول خواهد بود. البته اینها معیارهای جرح و تعدیل از دیدگاه دانشمندان شیعه است. دانشمندان اهل سنت نیز معیارهایی دارند که همه جا با معیارهای شیعه یکسان نیست. ۱۲۹- مقدمه، الطبعة الرابعة، بیروت، دار احیائ التراث العربی،، ص ۳۱۱ - ۳۱۲. ۱۳۰- مقدمه، ص ۳۲۲. ۱۳۱- ر. ک به: دادگستر جهان، ص ۳۰ - ۴۹، مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۵۹ - ۱۶۵، منتخب الأثر، ص ۵ - ۶، پاورقی. ۱۳۲- ص ۳۱۱. ۱۳۳ ص ۳۲۷. ۱۳۴- سخنان مبسوط شیخ عبد المحسن عباد، در مجله الجامعة الاسلامیة چاپ" مدینه "مورخ ذیقعده ۱۳۸۸ ه. 'ق، شماره ۳، سال اوّل منتشر شده و ما آن را از": موسوعة الامام المهدی ""ج ۱ نقل کردیم. ۱۳۵- نوبختی، فرق الشیعة، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۵۵ ه. 'ق، ص ۲۷ - شهرستانی، الملل و النحل، قم، منشورات الرضی،، ج ۱، ص ۱۳۲. ۱۳۶- نوبختی، همان کتاب، ص ۶۷ - ۶۸. ۱۳۷- ابن طقطقا، الفخری،، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۶ ه. 'ق، ص ۱۶۵ - ۱۶۶. ۱۳۸- ابو الفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ -. ق، ص ۱۹۳. ۱۳۹- ابو الفرج الاصفهانی، همان کتاب، ص ۱۹۵. ۱۴۰- ابو الفرج، همان کتاب، ص ۱۶۲. ۱۴۱- شهرستانی، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۴۸. ۱۴۲- شهرستانی، همان کتاب، ص ۱۵۰. ۱۴۳- نوبختی، همان کتاب، ص ۸۰ و ۸۳. ۱۴۴- نوبختی، همان کتاب، ص ۹۶. ۱۴۵- حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ه. 'ش، ص ۱۴۰ - ۱۵۱. ۱۴۶- انبیأ: ۱۰۶. ۱۴۷- (آیت الله) مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، چاپ دوم، قم، مطبوعاتی هدف،

ص ۱۲۱ - .۱۲۲ ۱۴۸- الارشاد، قم، مکتبهٔ بصیرتی،، ص .۳۴۶ ۱۴۹- طبرسی،، مجمع البیان، تهران، شرکهٔ المعارف الاسلامیهٔ، ۱۳۷۹ ه. 'ق، ج ۷، ص .۶۶ ۱۵۰- طبرسی،، همان کتاب، ص .۶۷ ۱۵۱- تورات، ترجمه فارسی توسط وِلیَم کِلِن فسّیس اِکِسّی به دستور مجمع مشهور بِرِتِش فاین بَیبَل سُسَیتی، چاپ لندن، ۱۸۵۶ م، ص .۱۰۳۰ ۱۵۲- قصص: .۶ ۱۵۳- شرح نهج البلاغهٔ، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹، حکمت .۲۰۵ ۱۵۴- ابو الفرج، همان کتاب، ص .۳۵۹ ۱۵۵- نور: .۵۵ ۱۵۶- مجمع البیان، ج ۷، ص .۱۵۲ ۱۵۷- (آیت الله) مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، چاپ دوم، قم، مطبوعاتی هدف، ص .۲۵۰ ۱۵۸- کلینی، اصول کافی، تهران، مکتبهٔ الصدوق، ۱۳۸۱ ه. 'ق، ج ۱، ص .۳۳۸ ۱۵۹- مجلسی، بحار الأنوار، تهران، المکتبهٔ الاسلامیهٔ، ۱۳۹۳ ه. 'ق، ج ۵۲، ص ۹۳ و ج ۳۶، ص .۲۵۰ ۱۶۰- مجلسی، همان کتاب، ص .۹۲ ۱۶۱- طوسی، الغیبهٔ، ص ۱۷۷ - مجلسی، همان کتاب، ص ۹۲ - اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمهٔ، تبریز، مکتبهٔ بنی هاشمی،، ۱۳۸۱ ه. 'ق، ج ۳، ص .۲۲ ۱۶۲- لو بقیت الأرض بغیر امام لساخت (کلینی، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۷۹ ور. ک به: صدوق، کمال الدین، قم مؤسسهٔ النشر الاسلامی التابعهٔ) لجماعهٔ المدرسین بقم المشرفهٔ، ۱۴۰۵ ه.' ق، ج ۱ ص ۲۰۱ - .۲۱۰ ۱۶۳- صدوق، أمالی، قم، مطبعهٔ الحکمهٔ، ص ۱۱۲، مجلس ۳۵ - صدوق، کمال الدین، ص ۲۰۷، باب ۲۱، ح ۲۲ - جوینی خراسانی،، فرائد السمطین، ط ۱، بیروت، مؤسسهٔ المحمودی للطباعهٔ والنشر، ۱۴۰۰ ه. 'ق، ص ۴۵ - .۴۶ ۱۶۴- اللّهمّ بلی لاتخلو الأرض من قائم لله بحجد امّا ظاهراً مشهوراً و خائفاً مغموراً لئلاّ تبطل حجج الله و بیّناته (شرح نهج البلاغهٔ، ابن ابی الحدید، قاهره، دار احیا الکتب العربیهٔ، ۱۹۶۰ م، ج ۱۸، حکمت ۱۴۳، ص ۳۴۷ - المناقب، اخطب خوارزم، نجف، المطبعهٔ الحیدریهٔ، ۱۳۸۵ ه. 'ق، ص ۲۶۴). ۱۶۵ -(آیت الله) مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزگر، چاپ دوم، قم، مطبوعاتی هدف، ص ۲۵۸ -.۲۵۹ ۱۶۶- فتح الباری بشرح صحیح البخاری،، بیروت، دار المعرفهٔ، ج ۶، ص .۴۹۴ ۱۶۷- سالنامه ۲ مکتب تشیّع (مصاحبات استاد علامه طباطبایی با پروفسور هانری کربن درباره شیعه) ۱۳۳۰ ه. 'ش، ص .۲۰ ازسیره پیشوایان

دلایل وجود

ادله عقلی

آیا دلیل عقلی بر وجود امام زمان(عج) وجود دارد؟

پرسش

آیا دلیل عقلی بر وجود امام زمان(عج) وجود دارد؟

پاسخ

امامت امام زمان(ع) و وجود حضرت از مباحث امامت خاصه است. در امامت خاصه، بر خلاف امامت عامه مستقیماً نمی توان از دلیل عقلی بهره گرفت، بلکه می توان از دلیل عقلی برای اثبات امامت عامه و ضرورت وجود امام بهره گرفت. سپس با بهره گیری از روایات و نقل های تاریخی آن را در وجود حضرت مهدی(عج) منحصر کرد. دانشمند عالی قدر، استاد جعفر سبحانی در این باره می گوید": مبانی کلامی مهدویت گاهی مبانی نقلی و گاهی مبانی عقلی است... امّا مبانی کلامی عقلانی، شما می دانید که عقل نمی تواند هیچ وقت فرد مشخصی را برساند. ما نمی توانیم روی فرد برهان عقلی اقامه کنیم. یکی از مبانی برهان عقلی این است که نبوت و امامت یک فیض معنوی است... مسلمانان هم می گویند که این فیض تا وجود پیغمبر اکرم(ص) باقی است. اهل سنت می گویند که این فیض معنوی که در لباس نبوت و امامت بود، با فوت پیغمبر(ص) قطع شد. پس ارتباط بشر با عالَم بالا قطع

شد. حال سؤال این است که مگر خَلَف بدتر از سَلَف است؟ آیا خلف از نظر کمالات، از سلف کمتر است؟ چرا خدا چنین فیضی را به آن ها داده، اما این فیض را به ما نداده است؟ مگر ما از آن ها کم تر هستیم؟ شیعهٔ امامیه این مشکل را حل کرده است. ارتباط به صورت نبوت نیست، که رسالت، تکالیف و دین جدیدی باشد، بلکه فیض الهی به واسطهٔ انسان کاملی برقرار است و از طریق این انسان کامل به بشر می رسد، و امروزه آن واسطه حضرت حجّت (عج) است. "ایشان سپس می افزایند: این برهان را علامهٔ طباطبایی از پروفسور کربُن بیان داشته است.۳۳ فصلنامهٔ انتظار، ج۱، ص ۶۶ - ۷۰.

دلیل عقلی بر زنده بودن حضرت ولی عصر چیست؟

پرسش

دلیل عقلی بر زنده بودن حضرت ولی عصر چیست؟

پاسخ

دلیل عقلی این مسئله، ضرورت وجود انسان معصوم و حجت الهی روی زمین است و با فرض پذیرش تولد امام دوازدهم و آخرین امام و حجت خداوند، این دلیل تکمیل می‌شود. تنها مسئله‌ای که باقی می‌ماند، پذیرش طول عمر یک انسان از نظر عقل است. برای فهم این مسئله باید توجه داشت که مسئله طول عمر، از شاخه‌های مسئله عمومی‌تری به نام حیات است. حقیقت و ماهیت حیات بر بشر مجهول است و شاید بشر، هیچ گاه از این راز سر در نیاورد. اگر پیری را عارض بر حیات بدانیم و یا آن را قانون طبیعی بشناسیم که بر بافت و اندام موجود زنده، از درون، عامل نیستی را نهفته دادن و به مرور زمان، موجود زنده را به مرحله فرسودگی و مرگ می‌رساند، ولی معنایش این نیست که این پدیده، قابل انعطاف پذیری و در نتیجه تأخیر نباشد. بر همین اساس دانش بشری، گام‌های مؤثری درباره درمان پیری برداشته است. در اواخر قرن نوزدهم بر اثر پیشرفت‌های علمی، امید به زندگی طولانی تر رونق بیشتری یافت و شاید در آینده نه چندان دور این رؤیای شیرین به واقعیت بپیوندد. درباره عمر طولانی مهدی موعود (عج) هیچ گونه شگفتی باقی نمانده و امکان علمی و نظری آن جای تردید ندارد. حضرت حجت با دانش خدادادی و با استفاده از روش‌های طبیعی و علمی می‌تواند مدتی دراز در دنیا بماند و آثار فرسودگی و پیری در او پدیدار نگردد. از سوی دیگر اگر مسئله کوتاهی عمر را قانون عمومی یا غالبی بدانیم، وجود استثناها در هر امری، از جمله امور طبیعی این عالم، مسئله‌ای روشن و انکارناپذیر است. گیاهان، درختان و جاندارانی که در دامن طبیعت از سابقه‌ای کهن و عمری طولانی برخوردار می‌باشند، حال چه استبعادی دارد که در عالم انسانی هم برای نگهداری حجت خدا به عنوان ذخیره و پشتوانه اجرای عدالت و نفی و طرد ظلم و ظالمان، قائل به استثناء شویم و او را موجودی فراتر از عوامل طبیعی و اسباب و علل ظاهری بدانیم که قوانین طبیعت در برابرش انعطاف پذیری دارند و او بر آنها برتری دارد؟ این امری ممکن است گرچه عادی و معمولی نباشد. به گفته علامه طباطبائی" نوع زندگی امام غائب را به طریق خرق عادت می‌توان پذیرفت. البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد، زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم یا نفهمیده‌ایم، وجود ندارد، از این رو ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عوامل به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.(۱) از سوی دیگر معمرین زیادی در تاریخ وجود داشته‌اند که مستندترین آنان، حضرت نوح (ع) است. قرآن تصریح می‌کند که ۹۵۰ سال فقط پیامبر بوده (۲) و حتماً عمر وی بیشتر از این بوده است. عمر طولانی حضرت خضر نیز مصداقی از آن می‌باشد. (۳) و (۴)

براساس این مسائل می‌توان عمر طولانی حضرت را پذیرفت و هیچ گونه استبعادی از نظر عقلی در آن راه ندارد. پی‌نوشت‌ها: ۱ - شیعه در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۱۵۱. ۲ - عنکبوت، (۱۴). ۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵. ۴ - مجله حوزه، شماره ۷۱ - ۷۰، ویژه بقیه الله الاعظم (ع)، ص ۴۶ به بعد.

وجود امام زمان"عج "و عمر طولانی حضرت آیا عقلاً ممکن است؟

پرسش

وجود امام زمان"عج "و عمر طولانی حضرت آیا عقلاً ممکن است؟

پاسخ

وجود حجت خدا و امام معصوم(ع) روی زمین واجب است و طبق عقیده شیعه، زمین بدون وجود حجّت الهی نابود می‌شود": لولا الحجة لساخت الأرض بأهلها.("۱) بر اساس قاعده لطف نیز وجود حجت خدا واجب است اما این که چطور می‌شود یک انسان دارای عمری بسیار طولانی باشد و سالیان سال زندگی کند و آیا عقلاً ممکن است، باید عرض شود: اوّلاً اگر چه آنچه در نظام عادی خلقت مشاهده می‌شود عمر حداکثر صد یا صد و چند سال است، ولی بشر، تمامی سنّت‌ها و قوانین آفرینش را نمی شناسد و همین که چیزی بر ضدّ قانون و سنتی که آگاهی دارد مشاهده می‌کند، آن را بر خلاف عقل و قانون خلقت تلقی می‌کند. در بسیاری از موارد آنچه را که به عنوان قانون و سنّت می‌شناسد، ظاهر و قشر قانون است، نه قانون و تمام قانون. مردم می‌پندارند همواره موجود زنده از ازدواج پدر و مادر به وجود می‌آید، ولی این قشر و پوسته قانون است، نه خود قانون و سنّت. آفرینش حضرت عیسی بن مریم(ع) این پوسته را بر هم زده است و به بشر قانون حقیقی را نشان می‌دهد، حال این مسئله در مورد توجیه عقلی طولانی بودن عمر حضرتش صادق است. هم چنین به تصریح قرآن حضرت نوح ۹۵۰ سال فقط پیامبر بوده و یقیناً عمری بیش از این داشته است.(۲) داستان خضر پیغمبر و زنده بودن وی نیز مؤید این اصل کلی است.(۳) از نظر علم زیست‌شناسی و علوم تجربی نیز، امکان چنین مسئله‌ای ثابت شده است. پس عمر نمودن حدّ و مرز خاصی ندارد، ولی به طور عادی، مردم بیشتر از صد سال زندگی نمی‌کنند، ولی عقلاً ممکن است بیشتر از این زندگی کنند، همان طور که واقع شده است. مرحوم طباطبایی (ره) بعد از این که از روایات چنین استنباط نموده که زندگی امام غایب به طریق" خرق عادت("۴) است می‌فرماید": البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم نمی‌توان خرق عادت را نفی نمود، زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آن‌ها را دیده‌ایم و دیگر اسبابی که ما از آن‌ها خبر نداریم یا آثار و اعمال آن‌ها را ندیده‌ایم، یا نفهمیده‌ایم، وجود ندارد، از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان فراهم نماید.("۵) از دیگر سو پیری عبارت است از قانونی طبیعی که بر بافت و اندام‌های موجودات زنده عارض شده و به مرور موجود زنده را به مرحله فرسودگی و مرگ می‌رساند. حال می‌توان با توجه به پیشرفت علم پزشکی و تغذیه، جلو پیری را سدّ نمود و یا حرکت آن را کند نمود. هم چنان که دانش بشر گام‌های مؤثری در این راه برداشته و در اثر رشد علم پزشکی و درمان بیماری‌ها، افراد عمر بیشتری می‌کنند. دانش تغذیه نیز به کمک علم پزشکی شتافته است. این مسئله در بین جانداران دیگر غیر از انسان که از نظر ساختار بدنی همسان هستند نیز وجود دارد. حیواناتی هستند که عمری طولانی دارند. سخن آخر این که اراده الهی در رأس امور است و پس از این که اثبات کردیم این مسئله امری محال نیست، می‌توان گفت: اراده الهی به بقای حضرت ولی عصر(عج) تعلق گرفته است. اراده خداوند به وقوع هر چیزی تعلق بگیرد، یقیناً محقق خواهد شد.

اراده الهی بر این استوار گردیده است که حجت او سالیان سال زنده باشد و در زمان خاصی ظهور نموده و اوامر الهی را در زمین اجرا نماید و قبل از ظهور نیز زمین از حجت خدا خالی نباشد. پی نوشت‌ها: ۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸. ۲. عنکبوت آیه ۱۴. ۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵. ۴". خرق عادت "بدین معنا است که عملی غیر عقلی و ناممکن نیست، بلکه فقط بر خلاف مجرای عادت است که معنایش در اوّل بحث توضیح داده شده است. ۵. علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۵۱.

از کجا می توان اثبات کرد که امام زمان(عج) وجود دارد؟

پرسش

از کجا می توان اثبات کرد که امام زمان(عج) وجود دارد؟

پاسخ(قسمت اول)

عقیده به مهدویت، از امور مسلّم و قطعی تاریخ و کلام اسلامی است. مسلمانان اعم از شیعه و سنی به" مهدی موعود "باور دارند. نقطهٔ اصطکاک شیعه و سنی در" مهدویت "تولد حضرت است. اکثر عالِمان اهل سنت بر این باورند که" مهدی موعود "هنوز متولد نشده است، لیکن همهٔ شیعیان امامیه می گویند: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری(ع) است و در سامراء در سال ۲۵۵ هجری متولد شده است و در پس پردهٔ غیبت زندگی می کند و روزی به امر خداوند ظهور خواهد کرد. این سخن را افزون بر شیعیان، بسیاری از دانشمندان نامدار اهل سنت پذیرفته اند و در کتاب هایشان متذکر شده اند، مانند محمد بن طلحهٔ شافعی در مطالب السؤل؛ ابن صباغ مالکی در الفصول المهمه؛ ابن حجر شافعی در الصواعق المحرقه؛ و ابن خلکان در وفیات الاعیان. برخی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده اند که در تألیفاتشان ولادت امام مهدی(عج) را متذکر شده اند(۱) به طور کلی همه قبول دارند که مهدی موعودی خواهد آمد و جهان را از عدل پر می کند. محل بحث در مهدویت خاصه است؛ یعنی آن مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری(ع) که متولد شده است. سخنی در این زمینه: ـ دلایل ولادت و امامت امام مهدی(عج): بعد از بیان مبانی مهدویت خاصه، به اصل بحث بر می گردیم و آن این است که از چه راهی و چگونه می توان وجود امام مهدی(عج) را اثبات نمود؟ همان گونه که بیان شد، مسلمانان جملگی مهدویت عامه را پذیرفته اند. تنها سخن در مهدویت خاصه است. مهدویت خاصه از جملهٔباورهای شیعهٔ امامیه است و گروهی از عالمان اهل سنت همانند حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی نیز آن را پذیرفته‌اند(۲) مهدویت خاصه یک مشکل دارد و آن این است که به جهت رعایت تقیه، تولد حضرت مهدی(عج) آشکار نشد و حضرت از ولادت مانند موسی بن عمران در خفا و دور از دیدگان عموم زندگی کرد. این امر موجب شد که بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) شک و حیرت بی سابقه ای بین شیعیان باشد؛ این وضع به قدری خطرناک بود که حتی برخی از پیروان امام حسن عسکری(ع) در امامت آن حضرت شک و تردید روا داشتند، چرا که طبق پیش گویی های امامان(ع) می بایست امام حسن عسکری(ع) پسری می داشت تا او وارث امامت و هادی امت و مهدی موعود و منتظر گردد. اختفای ولادت امام مهدی(عج) سبب شد که به نوشتهٔ مسعودی، پیروان امام حسن عسکری(ع) بعد از شهادت حضرت، به بیست فرقه منشعب شدند(۳) برای اولین بار شیعیان با چنین بحرانی رو به رو شدند ستم حاکمان اجازه نمی داد ولادت امام دوازدهم برای همگان آشکار شود، بلکه به ناچار باید در خفا بماند، چون خوف از کشته شدن حضرت وجود داشت. از سوی دیگر شناخته نشدن امام دوازدهم، به تزلزل اعتقادی شیعیان منجر می شد. این مشکل با اقدامات، معجزات، کرامت ها و شواهد، درکم ترین زمان زدوده شد و تمامی پیروان امام حسن عسکری(ع) ولادت امام مهدی(عج) را پذیرفتند. چگونه این امر محقق شد؟ برای تحقق این

امر، پیامبر(ص) و امامان(ع) از پیش برنامه ریزی کردند و با راهکارهای مناسب ارائه شده، تمامی شیعیان به ولادت و امامت امام غایب معتقد شدند. راهکارها بدین شرح است: ۱. پیشگویی امامان پیشین: پیامبر اسلام(ص) و هر یک از امامان پیشین دربارهٔ امام مهدی(عج) ویژگی های حضرت، رهنمودهایی به شیعیان داده و از پیش زمینه سازی کرده بودند که شیعیان بدانند از امام حسن عسکری(ع) پسری متولد خواهد شد اما ولادتش به جهت وضع دشوار سیاسی، در خفا صورت می گیرد. امام سجاد (ع) فرمود: "القائم منایخفی علی النّاس ولادته حتی یقولوا لم یولد بعد؛(۴) قائم ما [مهدی موعود] ولادتش بر مردم مخفی است؛ این موجب می شود که [برخی] بگویند: او هنوز متولد نشده است. - عبدالله بن عطا گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: شیعیان شما در عراق بسیارند، تا کنون سابقه نداشته که فردی از شما اهل اللبیت این اندازه پیرو داشته باشد [،خوب است که شما دست به شمشیر ببری و قیام کنی]. حضرت فرمود": انظروا من تحفی علی النّاس ولادته فهو صاحبکم؛(۵) آن مهدی موعود و قائم منتظر من نیستم. بنگرید آن کسی که ولادتش بر مردم مخفی است. او صاحب الأمر و مهدی موعود است. - "امام صادق(ع) فرمود": صاحب هذاالامر تخفی ولادته عن هذاالخلق؛(۶) ولادت مهدی بر مردم پوشیده است. - "ایوب بن نوح به امام هشتم(ع) عرضه می دارد: امیدوارم که صاحب الامر و مهدی موعود شما باشید. حضرت در پاسخ می‌فرماید": نه آن مهدی موعود من نیستم؛ او یکی از فرزندان من است که ولادتش مخفی است.("۷) - عبدالعظیم حسنی گوید: به امام جواد(ع) عرض کردم: امیدوارم که آن مهدی موعودی که جهان را پر از عدل و داد می کند، شما باشید. حضرت فرمود": همهٔ ما قائم به امر خدا هستیم و همهٔما هادی و راهنمای دین خدا هستیم، لیکن آن قائم و مهدی موعودی که جهان را پر از عدل خواهد کرد، ولادتش مخفی است. وجودش از مردم غایب است. او همنام و هم کنیهٔ رسول خدا است.("۸) ۲ـ بشارت امام حسن عسکری(ع): امام عسکری(ع) قبل از ولادت فرزندش امام مهدی(عج) از ولادت حضرت خبر داده بود، از جمله به عمه اش" حکیمه خاتون "فرمود": در شب پانزدهم شعبان فرزندم مهدی از نرگس خاتون متولد می شود.("۹) ـ احمد بن اسحاق می گوید: از امام ابو محمد حسن عسکری(ع) شنیدم که فرمود": حمد و سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا این که جانشین من و مهدی موعود را به من نشان داد. او از حیث ویژگی های جسمانی و اخلاقی و رفتاری شبیه ترین انسان ها به پیامبر خدا(ص) است. خدا مدتی وی را در حالت غیبت نگهداری می کند و سپس ظاهر می‌شود و جهان را از عدل و داد پر می کند.("۱۰) نیز حضرت عسکری(ع) بعد از ولادت فرزندش، خواص و نزدیکان را از تولد امام مهدی(عج) آگاه نمود. محمد بن علی بن حمزه گوید: از امام عسکری(ع) شنیدم" :حجت خدا بر بندگان و امام و جانشین من در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در هنگامهٔ طلوع فجر متولد شد.("۱۱) احمد بن حسن بن اسحاق قمی می گوید: وقتی که امام مهدی(عج) متولد شد، نامه‌ای از امام عسکری(ع) به من رسید که حضرت مرقوم فرموده بود: فرزندی برایم متولد شده است. این موضوع را مخفی بدار، زیرا جز برای دوستان و نزدیکان ما آن را اظهار نخواهم کرد.("۱۲) ـ ابراهیم بن ادریس می گوید: امام ابو محمد عسکری(ع) گوسفندی را برای من فرستاد و فرمود": این را به جهت ولادت فرزندم" مهدی "عقیقه کن و به خود و خانواده ات بخوران.("۱۳) ۳ـ نشان دادن فرزند به خواص: امام عسکری(ع) افزون بر این که قبل از ولادت امام مهدی بشارت داد و بعد از تولد به خواص خبر داد که مهدی موعود ولادت یافته است، گام دیگری برداشت، و آن این بود که برای افزایش ایمان و اطمینان شیعیان، فرزندش امام مهدی را به تعدادی نشان داد. احمد بن اسحاق می گوید: امام عسکری(ع) کودک سه ساله ای را به من نشان داد و فرمود: ای احمد، اگر تو نزد خدا و امامان گرامی نبودی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. بدان که این کودک همنام و هم کنیهٔ رسول خدا است و همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.(۱۴) ـ معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب و محمد بن عثمان بن سعید عمری می گویند: ما یک گروه چهل نفره در خانهٔ امام حسن عسکری(ع) جمع شده بودیم، حضرت فرزندش امام مهدی را به ما نشان داد و فرمود": این امام شما و جانشین من است.("۱۵) ـ علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب می گویند: ما تعدادی از شیعیان در خانهٔ امام حسن عسکری(ع) تجمع نمودیم. و از حضرت دربارهٔ جانشین وی پرسش نمودیم، پس

از ساعتی حضرت کودکی را به ما نشان داد و گفت": بعد از من این امام شما است.("۱۶) ـ عمر اهوازی می گوید: امام حسن عسکری(ع) فرزندش را به من نشان داد و فرمود": بعد از من این فرزندم امام شما است.("۱۷) ـ ابراهیم بن محمد گوید: در خانهٔ عسکری کودک زیبایی رادیدم، از حضرت پرسیدم: یا ابن رسول الله، این کودک کیست؟ حضرت فرمود": این کودک من است. این جانشین من است.("۱۸) ـ یعقوب بن منفوس می گوید: خدمت امام عسکری(ع) رسیدم و از حضرت دربارهٔ امام بعدی و صاحب الامر جویا شدم. حضرت فرمود: پرده را کنار بزرن؛ کنار زدم، در این هنگام کودک پنج ساله ای را دیدم که به سوی ما می آید. آمد و روی زانوی حضرت عسکری(ع) نشست. حضرت فرمود": این امام شما است.("۱۹) ۴ـ تبیین خواص: بعد از زمینه سازی ها و بشارت های امام عسکری(ع)، نیز نشان دادن فرزندش، مهدی، اینک نوبت خواص است که اقدام نمایند و وجود امام مهدی را به اطلاع دیگر شیعیان برسانند تا آنان را از شک و حیرت نجات دهند. افرادی همانند حکیمه خاتون، دختر محمد بن علی بن موسی الرضا(ع)، عثمان بن سعید عمری، حسن بن حسین علوی، عبدالله بن عباس علوی، حسن بن منذر، حمزه بن ابی الفتح، محمد بن عثمان بن سعید عمری، معاویه بن حکیم، محمد بن معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب بن نوح، حسن بن ایوب بن نوح، علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، یعقوب بن منفوس، عمر اهوازی، خادم فارسی، ابوعلی بن مطهر، ابی نصر طریف خادم، کامل بن ابراهیم، احمد بن اسحاق، عبدالله مستوری، عبدالله جعفر حمیری، علی بن ابراهیم مهزیار، ابوغانم خادم، کوشیدند و ولادت امام مهدی(عج) را به اطلاع شیعیان رساندند. حکیمه خاتون می گوید: امام حسن عسکری(ع) کسی را دنبال من فرستاد که امشب (شب نیمهٔ شعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حجت خود را آشکار می کند. پرسیدم: این مولود از چه کسی است؟ فرمود: از نرجس. گفتم: در نرجس اثر حمل مشاهده نمی شود. فرمود: موضوع همین است که گفتم. من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و کفش مرا از پایم در آورد و فرمود: بانوی من، حالت چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی. او از سخن من تعجب کرد و ناراحت شد و فرمود: این چه سخنی است؟ گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عنایت می کند که سرور دنیا و آخرت است. نرجس از سخن من خجالت کشید. سپس بعد از افطار نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم. بعد از نیمهٔ شب برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم، دیدم نرجس نیز بیدار شد و نماز شب به جا آورد. از اتاق بیرون رفتم تا از طلوع فجر با خبر شوم. دیدم فجر اوّل طلوع کرده و نرجس در خواب است. در این هنگام این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا حجت خدا متولد نشد. ناگهان امام عسکری(ع) از اطاق مجاور صدا زد: عمّه جان، شتاب مکن که موعد نزدیک است. من نشستم و قرآن خواندم. در هنگامی که مشغول خواندن قرآن بودم، ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی از خواب بیدار شد. من با شتاب خودم را به او رساندم و پرسیدم: چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری. گفتم: نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان است که در آغاز شب به تو خبر دادم، مضطرب نباش، دلت را آرام کن. در این هنگام پردهٔ نوری میان من و او حائل شد، ناگهان متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. چون جامه را از روی نرجس برداشتم، دیدم که آن مولود سر به سجده گذاشته و به ذکر خدا مشغول است. در این هنگام امام حسن عسکری(ع) صدا زد: عمه! فرزندم را نزد من بیاور. نوزاد را خدمت حضرت بردم، حضرت او را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصل کودک دست کشید و در گوش راست اذان و در گوش چپ اقامه گفت: و فرمود: فرزندم، سخن بگو. نوزاد لب به سخن گشود و شهادتین بر زبان جاری کرد و سپس به امام علی(ع) و دیگر امامان(ع) به ترتیب درود فرستاد تا رسید به نام پدرش و بر او هم درود فرستاد. سپس امام عسکری(ع) به من فرمود: عمه، فرزند را نزد مادر ببر تا به او سلام کند و بعد نزد من بیاورد. نوزاد را نزد مادر بردم و به مادر سلام گفت، و سپس نزد حضرت برگرداندم. حضرت فرمود: روز هفتم نزد ما بیا، روز هفتم آمدم. حضرت فرمود: عمه جان، فرزندم را بیاور، آوردم. همانند روز اوّل شهادتین و سلام بر امامان را بر زبان جاری کرد. سپس این آیه را تلاوت نمود": و نرید أن نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهٔ و نجعلهم الوارثین. "حکیمه خاتون می گوید: بعد از این روزی خدمت رسیدم.

پرده را کنار زدم و امام مهـدی را ندیدم، گفتم: فدایت شوم امام مهدی چه شد؟ فرمود: عمه جان، او همانند حضـرت موسـی(ع) در خفا نگهداری می‌شود.(۲۰) ۵ـ کرامت ها و شواهـد زنـده: بعـد از شـهادت امام عسـکری(ع)، امام مهدی (عج) از طریق نشان دادن کرامت ها و شواهد صدق معجزه یا شـبه معجزه) وجود و امامت خویش را برای شـیعیان امام عسکری(ع) نمایاند و حجت را بر آنان تمام کرد. در آغاز غیبت صـغری، سازمان مخفی وکالت که از زمان امام صادق(ع) برای چنین دوره ای پایه ریزی شده بود، از مهم ترین وظایفش این بود که شک و حیرت شـیعیان را بزداید و آنان را به امام غایب و نیابت نواب اربعه مطمئن نماید. نائبان و وکیلان حضـرت با ارائهٔ شواهد صدق، کرامت ها و علوم برتر اعطایی از ناحیهٔ مقدسه به این امر اقدام نمودند. کرامت ها و شواهد صدق در برخی موارد مسـتقیماً توسط امام مهدی(عج) و در برخی موارد با واسـطهٔ سفیران به شیعیان عرض می‌شد. تا شیعیان افزون بر این که به وجود امام مهـدی(ع) ایمان داشـته باشـند، به نیابت نواب اربعه نیز مطمئن شونـد. نشان دادن کرامت ها و شواهـد صدق عمدتاً در زمان سفارت اولین سفیر ناحیهٔ مقدسه، عثمان بن سعید عمری صورت گرفت، چون که در این دوره هنوز شیعیان در حیرت بودند و به وجود امام مهدی (عج) پی نبرده بودند.

پاسخ(قسمت دوم)

سید بن طاووس می نویسد": امام زمان(ع) را بسیاری از اصـحاب پسرش امام حسن عسکری(ع) دیده و از وی اخبار واحکام شرعی روایت کرده اند. از این گذشـته حضـرت وکیل هایی داشت که اسم، نسب و وطن آنان معلوم بود و آنان معجزات، کرامات، پاسـخ مسائل مشکل و بسیاری از اخبار غیبی را که حضرت از جدش پیامبر(ص) روایت کرده بود، نقل کرده اند.(۲۱) نمونه ها: در این جا به ذکر چنـد نمونه اکتفـا می‌کنیم: ۱ـ روایت سـعد بن عبـدالله اشـعری قمی: وی می‌گویـد": حسن بن نضـر "که در میان شـیعیان قم جایگاه ویژه ای داشت، بعـد از رحلت امام عسـکری(ع) در حیرت بود. او و" ابوصـدام "و عـده ای دیگر تصـمیم گرفتند که از امام بعدی جویا شوند. حسن بن نضـر نزد ابو صدام رفت و گفت: امسال می خواهم به حج بروم. ابو صدام از او خواست که این سـفر را به تعویق انـدازد، ولی حسن بن نضـر گفت: نه، من خوابی دیده ام و بیمناکم. بنابراین باید بروم. قبل از حرکت به احمد بن یعلی بن حماد دربارهٔ اموال متعلق به (امام) وصـیت کرد که این اموال را نگه دارد تا این که جانشین امام عسکری(ع) مشخص شود. به بغداد رفت و در آن جا از سوی ناحیـهٔ مقـدسه توقیعی به دسـتش رسـید و به امامت امام مهـدی(عج) نیز به وکالت خاصهٔ عثمان بن سـعید عمری مطمئن شد.(۲۲) ۲ـ روایت محمد بن ابراهیم بن مهزیار: می‌گوید پس از وفات امام حسن عسـکری(ع) در مورد جانشـین آن حضرت به شک افتادم. پدرم وکیل حضرت بود و اموال زیادی نزدش بود. پدرم اموال را برداشت و من را به همراهی طلبید و به راه افتادیم، پـدرم بین راه مریض شد و به من در مورد اموال وصـیت نمود و گفت: از خدا بترس و این اموال را به صاحبش برگردان هر که این نشانه را گفت، اموال را به او بسـپار. سـپس وفات کرد. چند روزی در عراق ماندم، سپس نامه ای از سوی عثمان بن سعید به من رسـید که در آن نامه همـهٔ علائم و نشانه های اموال بیان شده بود، نشانه هایی که جز من و پدرم کسـی آن را نمی دانست.(۲۳) محمـد بن ابراهیم بن مهزیـار بـا این کرامت و شاهـد صـدق هم به امامت امام مهـدی وهم به نیابت عثمان بن سـعید مطمئن شـد. ۳ـ روایت احمد دینوری سراج: می‌گوید: یکی دو سال بعد از درگذشت امام حسن عسکری(ع) به قصد حج از اردبیل حرکت کردم و به دینور رسـیدم، مردم در خصوص جانشـین امام عسـکری(ع) متحیر بودنـد، اهل دینور از آمـدن من خشـنود شدند. شـیعیان آن جا سیزده هزار دینـار سـهم امام، به من دادنـد که به سامرا ببرم و به جانشـین حضـرت بسـپارم. گفتم: هنوز جانشـین حضـرت حتی برای خودم روشن نیست. گفتند: تو مورد اعتماد ما هستی. هر وقت جانشـین حضـرت را پیدا کردی، به او بده. سیزده هزار دینار را گرفتم و بـا خود بردم. در کرمانشـاه با احمـد بن حسن بن حسن ملاقات کردم، او هم هزار دینار و چنـد بقچه پارچه به من داد تا به" ناحیهٔ مقـدسه "برسانم. در بغـداد در پی نایب حضرت می گشـتم. به من گفتنـد که سه نفر مدعی نیابت هسـتند. یکی باقطانی است. رفتم

www.noorfatemah.org

نزدش و امتحانش کردم و از او شاهد صدق خواستم، چیزی نداشت که مرا قانع کند. سپس رفتم نزد دومی به نام اسحاق احمر، او را هم به حق نیافتم. رفتم نزد سومی، ابوجعفر یا عثمان بن سعید عمری، بعد از احوال پرسی به او گفتم: اموالی از مردم نزد من است و باید به جانشین امام عسکری(ع) تحویل دهم. در حیرتم و نمی دانم چه کنم. او گفت: برو در سامرا به خانهٔ ابن الرضا (امام حسن عسکری(ع)) در آن جا وکیل امام را خواهی یافت. به سامرا رفتم و در خانهٔ حضرت سراغ وکیل امام را گرفتم. دربان گفت: منتظر باش، الآن بیرون می آید. لحظه ای بعد فردی آمد و دست مرا گرفت و درون خانه برد. بعد از احوال پرسی به او گفتم: مقداری اموال از ناحیهٔ جبل آوردم و به دنبال دلیل هستم. ناچارم از هر کس دلیلی برای اثبات نیابت وی یافتم، اموال را به او تسلیم کنم. در این وقت برای من غذا آوردند، گفت غذایت را بخور و کمی استراحت کن، سپس به کار تو رسیدگی می‌شود. بعد از گذشت پاسی از شب آن مرد نامه ای به من داد که در آن آمده بود: احمد بن محمد دینوری آمده و این مقدار پول و کیسه و بقچه آورده و درون آن کیسه این مقدار پول در آن است، و تمامی جزئیات را بیان داشت. از جمله نوشته بود: در کیسهٔ پسر فلان شخص زره ساز شانزده دینار است. از کرمانشاه نیز یک کیسه از فلان شخص است، و فلان بقچه از احمد بن حسن مادرانی است که برادرش پشم فروش است و ... با این نامه شک و تردیدم بر طرف شد و مشخص شد که عثمان بن سعید عمری نایب حضرت است. حضرت در این نامه به من دستور داد که اموال را به بغداد ببرم و نزد همان فردی که با او ملاقات داشتم، تحویل دهم.(۲۴) ۴ـ روایت محمد بن علی اسود: وی می گوید: در آغاز غیبت صغری پیرزنی پارچه ای به من داد و گفت آن را به ناحیهٔ مقدسه برسان. من آن را با پارچه های بسیاری دیگر همراه خود آوردم. چون به بغداد رسیدم و نزد عثمان بن سعید رفتم، وی گفت: همهٔ اموال را به محمد بن عباس قمی بده. من همه را به او سپردم، جز پارچهٔ پیر زن را. پس از آن عثمان بن سعید از ناحیهٔ مقدسه این پیغام را فرستاد که پارچهٔ پیرزن را نیز به وی تسلیم کن... .(۲۵) ۵ـ روایت اسحاق بن یعقوب: می گوید: از عثمان بن سعید شنیدم که می گفت: مردی از اهل عراق نزد من آمد و مالی را برای امام(ع) آورد، حضرت آن را پس داد و فرمود حق پسر عمویت را که چهارصد درهم است، از آن بپرداز! آن مرد مبهوت و متعجّب شد و حساب اموال خود را بررسی کرد و معلوم شد که پسر عمویش چهارصد درهم از او طلب دارد. آن را برگرداند، سپس مبلغ باقی مانده را تسلیم حضرت نمود و حضرت پذیرفت.(۲۶) ۶ـ روایت محمد بن علی بن شازان: می گوید: اموالی از مردم نزد من جمع شده بود، برای این که به ناحیهٔ مقدسه برسانم، دیدم بیست درهم کمتر از پانصد درهم است. این مقدار را افزودم و با نامه برای عثمان بن سعید نائب امام مهدی(ع) فرستادم. چیزی هم در این نامه قید نکرده بودم، وی در پاسخ نوشت: پانصد درهم رسید. بیست درهم از آن مال تو بود.(۲۷) با این خبرهای برتر، کرامت ها و شواهد صدقی که در آغاز غیبت صغری ارائه شد، شیعیان امام حسن عسکری(ع) تماماً به امامت امام مهدی(ع) و نیابت عثمان بن سعید پی بردند. شک و حیرت شیعیان در امر امامت که ناشی از خفای ولادت و غیبت امام مهدی (عج) بود، با تلاش های خالصانهٔ کارگزاران حضرت در سازمان مخفی وکالت، در چند سالهٔ آغازین دورهٔ غیبت صغری کاملاً برطرف شد. شیعیان با بهره مندی از کرامت ها و علوم غیبیهٔ حضرت مهدی(عج) به دو نکته پی بردند: یکی این که دانستند مسیر اصلی امامت ترسیم شده از زمان پیامبر(ص) و علی(ع) به درستی طی شده و امامت از امام حسن عسکری(ع) به فرزندش امام مهدی(عج) منتقل شده است و در این دورهٔ غیبت صغری، حضرت مهدی(عج) از پشت پرده شیعیان را رهبری می کند. دوم این که سازمان مخفی وکالت که از قبل با رهبری امامان(ع) فعالیت می کرد، اینک در دورهٔ غیبت صغری نیز فعال است و" عثمان بن سعید عمری "از ناحیهٔ مقدسه، مسئولیت و تولیت این سازمان را عهده دار است. بنابراین شیعیان هم به امامت امام مهدی پی بردند و هم به نیابت خاصه مطمئن شدند. بعد از درگذشت عثمان بن سعید عمری، به دستور حضرت مهدی(ع)، پسرش محمد بن عثمان مسئولیت و تولیت آن را بر عهده گرفت، در این هنگام برخی از شیعیان، نه در وجود امام زمان(عج) بلکه در نیابت محمد بن عثمان شک کردند، که امام مهدی(عج) با در اختیار قرار دادن برخی از کرامت ها و شواهد صدق، موجب شد شیعیان به نیابت محمد بن عثمان بن سعید عمری مطمئن شدند و تنها چند

نفر به جهت ریاست طلبی و هواپرستی با محمد به مخالفت برخاستند. این ها به دروغ ادعای نیابت کردند، و محمد بن عثمان با بهره گیری از کرامت ها و شواهد صدق، ادعای آنان را باطل کرد و شیعیان بیشتر به حقانیت محمد بن عثمان پی بردند.(۲۸) سپس در دورهٔ نیابت حسین بن روح هم برخی از خواص با وی به مخالفت برخاستند، ولی با مشاهدهٔ کرامت، از مخالفت دست برداشتند و عذر خواهی نمودند.(۲۹) بعد از حسین بن روح نیابت به ابوالحسن علی بن محمد سمری رسید و آخرین توقیع که در دورهٔ غیبت صغری صادر شد، نیز کرامتی دیگر محسوب می‌شود. امام مهدی(عج) در نهم شعبان سال ۳۲۹ هجری توقیعی صادر می کند و به ابوالحسن علی بن محمد سمری متذکر می شود که": تو شش روز بعد می میری. امور سازمان وکالت را سر و سامان بده و اموال مردم را برگردان بعد از این دیگر نیابت خاصه منتفی است. "راوی می گوید: رفتم نزد ابوالحسن علی بن محمد سمری. او این توقیع را به من نشان داد و در روز موعود رفتم و دیدم ابوالحسن علی بن محمد سمری در حال جان دادن است.(۳۰) این نامه دلیل دیگری است برای حقانیت شیعه و وجود امام زمان(ع). پی نوشت ها: ۱. رک: الزام الناصب، علی یزدی حائری، ج ۱، ص۳۲۱ تا ۳۴۰؛ دادگستر جهان، ابراهیمی امینی، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰؛ سیرهٔ پیشوایان، مهدیپیشوایی، ص ۶۶۷. ۲. رک: ینابیع الموده، ص ۴۴۰ به بعد. ۳. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص۵۷۲. ۴. منتخب الاثر، ص ۳۵۵. ۵. همان. ۶. همان. ۷. همان. ۸. همان، ص ۳۵۳ – ۳۵۴. ۹. منتخب الاثر، ص ۳۹۸ و ۳۹۹. ۱۰. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱. ۱۱. همان، ص ۳۹۷. ۱۲. اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۶؛ دادگستر جهان، ص۱۰۳. ۱۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲. ۱۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴. ۱۵. ینابیع الموده، ص ۴۶۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص۲۶. ۱۶. اثبات الهداه، ج ۶، ص ۳۱۱؛ دادگستر جهان ص۱۰۷. ۱۷. ینابیع الموده، ص ۴۶۱. ۱۸. دادگستر جهان ص ۱۰۷. ۱۹. بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۵. ۲۰. ینابیع الموده، ص ۴۴۹ و ۴۵۰. ۲۱. الطرائف فی معرفه مذهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۸۳ـ ۱۸۴؛ زندگانی نواب خاص امام زمان(عج)، ص ۹۳ و ۹۴. ۲۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۷ – ۵۱۸، ح۴. ۲۳. همان، ص ۵۱۸، ح ۵؛ رجال کشی، ج ۲، ص۸۱۳. ۲۴. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۳۰۰ – ۳۰۲. ۲۵. همان، ص ۳۳۵. ۲۶. همان، ص ۳۲۶. ۲۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۳ و ۵۲۴. ۲۸. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۶ و ۳۳۶؛کمالالدین ، ص ۳۹۸. ۲۹. ر.ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)،جاسم حسینی، ص ۱۹۷. ۳۰. کمال الدین، ص ۵۱۶، بحارالانوار، ج ۵۱، ص۳۶۱.

کدام دلایل عقلی و نقلی لزوم وجود حجّت الهی را اثبات می‌کند؟

پرسش

کدام دلایل عقلی و نقلی لزوم وجود حجّت الهی را اثبات می کند؟

پاسخ

دلیل عقلی آن قاعدهٔ لطف است که می گوید کسی که انسان را برای سعادت و تکامل آفریده ، و تکالیفی بر دوش او افکنده ، لازم است مقدمات هدایت و تربیت انسان را فراهم سازد و وسائل کافی برای رسیدن به این هدف در اختیار او بگذارد ، زیرا اگر چنین نکند نقض غرض کرده است، و خداوند حکیم هرگز چنین کاری نمی کند. شک نیست که وجود عقل برای انسان ، یا وجود رهبران عادی به تنهایی او را از خطاها و اشتباهات و گناهان حفظ نمی کند، و به تعبیر دیگر علم انسان به تنهایی نمی‌تواند وصول او را به سر منزل مقصود، یعنی اطاعت الهی و سعادت همیشگی رهنمون شود، بلکه علاوه بر این، نیاز به وجود کسی دارد که با علم الهی ارتباط داشته باشد و از خطا و اشتباه و گناه مصون باشد، تا بتواند به خوبی اتمام حجت کند و راه را بی کم و کاست به انسانها نشان دهد. این دلیل در هر عصر و زمان و برای هر جامعهٔ بزرگ و کوچک حتی یک جامعه دو نفری نیز صادق است ، بنابراین اگر

در روی زمین جز دو نفر نباشد، باید یکی از آن دو پیامبر الهی یا امام معصوم باشد. در پاره‌ای از آیات قرآنی نیز اشاراتی به این معنی دیده می‌شود. آیه شریفهٔ«اِنَّما اَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» رعد/۷ نشان می‌دهد که هر قومی در هر عصر و زمانی هدایتگری دارند (هدایتگر به معنی واقعی کلمه که هدایت کامل و خالی از هر گونه خطا را ارائه می‌دهد) به همین دلیل در حدیثی از امام باقر (ع) می‌خوانیم که در تفسیر این آیه فرمود «.... وَ فی کُلِّ زَمانٍ اِمامٌ مِنّا یَهْدیهِمْ اِلی ما جاءَ بِهِ رَسُولُ اللّه (ص)» (بحارالانوار ۲۳/۵) [در هر زمانی امامی از ما است که مردم را هدایت می‌کند به سوی چیزی که رسول خدا (ص) آورده است]. و نیز یکی از وظائف امام حفظ آثار نبوت و تعلیمات الهی از هر گونه تحریف است ، و به تعبیر دیگر اگر فرضاً تمام مردم روی زمین کافر شوند باز باید کسی باشد که تعلیمات و آثار نبوت را حفظ کند و به اقوام آینده که می‌خواهند راه هدایت را بپویند منتقل سازد، در غیر این صورت حجتهای الهی محو و نابود می‌شود ، و دلائل روشن و بیّنات او از میان می‌رود.

اگر دلیل قطعی به وجود امام زمان((علیه السلام)) وجود دارد چرا سعی می شود از حیث علمی طول عمر آن حضرت ثابت شود؟

پرسش

اگر دلیل قطعی به وجود امام زمان((علیه السلام)) وجود دارد چرا سعی می شود از حیث علمی طول عمر آن حضرت ثابت شود؟

پاسخ

در مسئله ی طول عمر امام زمان((علیه السلام))، چون ما دلیل قطعی بر وجو آن حضرت داریم اگر طول عمر به عنوان یک مسئله ی علمی مطرح می شود تنها به خاطر این است که امکان آن از نظر علمی و قوانین طبیعی نیز روشن و توضیح داده شود و استبعادی که از نظر علمی هست از بین برود تا طول عمر امام زمان((علیه السلام)) به عنوان یک مسئله ی صرفاً تعبدی مطرح نباشد ;والاّ با اعتقاد به قدرت مطلق الهی و اینکه هر چیز که ممکن است در حیطه قدرت خداوند محقق گردد جایی برای شک در طول عمر و حیات طولانی آن حضرت و افراد بسیار دیگری وجود ندارد چنان که در مورد حضرت خضر((علیه السلام)) و حضرت ادریس((علیه السلام)) این امر اتّفاق افتاده است.

چطور می توان وجود حضرت مهدی (عج) را اثبات کرد؟

پرسش

چطور می توان وجود حضرت مهدی (عج) را اثبات کرد؟

پاسخ

یکی از اصول اساسی مکتب تشیع، این است که جهان هستی هرگز بی امام نخواهد بود. بدون وجود امام جریان فیض الهی در قلمرو تکوین و تشریع امکان ندارد، تا جهان باشد و انسان باشد امام نیز خواهد بود. این مسأله بقدری حائز اهمیت است که امام صادق(ع) فرمود: و لو کان الناس رجلین لکان احدهما الامام... انّ آخر من یموت الامام ؛ اگر تنها دو نفر انسان داشته باشیم یک از آن دو امام خواهدبود و آخرین کسی که می‌میرد امام است{M، (اصول کافی، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، شماره حدیث۴۵۷). این اصل بر مبنای زیر استوار است: ۱. امام واسطه فیض تکوین است؛ اگر امام نباشد، فیض

هستی قطع شده، جهان هستی فرو می‌پاشد، محمد بن فضیل می گوید از حضرت رضا(ع) پرسیدم آیا روزی روی زمین بی امام خواهد بود؟ فرمود: نه، گفتم از امام صادق(ع) روایت شده که اگر روی زمین بی امام باشد، زمینیا بندگان مورد خشم خداوند قرار می گیرند. فرمود: لا، لا تبقی اذا لساخت ؛ نه اصلاً زمینی و بشری نمی‌ماند، همه از بین می‌رفتند {M، (همان، حدیث۴۵۲). از این رو بی وجود امام کائنات بی امداد فیض الهی خواهند بود و بدون این امداد همه چیز عدم محض خواهند بود. به نیم غمزه توانی که قتل عام کنی خدا نکرده اگر غمزه را تمام کنی ۲. امام مخاطب و حامل قرآن و الهام است، چون قرآن کتاب همیشگی و زنده انسانهاست پس مخاطب حقیقی آن نیز باید همیشه وجود داشته باشد و این مخاطب حقیقی که قلب و روحش بستر و جایگاه وحی است، بعد از پیامبر اکرم(ص) جز ائمه و امام نمی‌تواند باشد.جریان زنده و مستمر وحی و الهام و بقای استمرار قرآن و شب با برکت قدر جز با پذیرش وجود کسی که حامل و مهبط و مخاطب آنها باشد، قابل تصور نیست و چنین شخصی همان امام زمان خویش است. ۳. امام واسطه دائمی و عامل دوام فیض معرفت است، چنانکه حضرت حق که فیض بخش مطلق است، هرگز فیض هستی را دریغ نمی‌دارد فیض معرفت را هم هرگز دریغ نخواهد داشت، بنابراین استمرار و دوام فیض معرفت، مستلزم آن است که در هر عصری، کسی که ازبالاترین درجه کمالات بهره‌مند است، گیرنده و واسطه این امر باشد و این واسطه همان وجود امام در هر عصری است، (در باب این موارد نگا: فلسفه امامت، دکتر سید یحیی یثربی، قم، وثوق، چاپ اوّل، ۱۳۷۸ ش،صص ۱۱۲ – ۱۲۷). بر این اساس وجود امام در هر زمانی لازم است، امّا از آنجا که بنابر دلایل موثق تاریخی یازده امام از این جهان رخت بربسته‌اند، و بنابر دلایل معتبر و مستند تاریخی امام دوازدهم پا به عرصه وجود نهاده است، حضور و وجودشان لازم و ضروری است و لو در پردهغیبت. {J

چه دلایل عقلی صرف نظر از بحث کلامی و احادیث می توان برای اثبات وجود امام و حجت اقامه کرد و این را اثبات کرد که انسان ها به امام و حجت نیاز دارند.

پرسش

چه دلایل عقلی صرف نظر از بحث کلامی و احادیث می توان برای اثبات وجود امام و حجت اقامه کرد و این را اثبات کرد که انسان ها به امام و حجت نیاز دارند.

پاسخ

اعتقاد به امام مهدی موعود(عج) از آرای مسلم نزد مسلمانان است. همه مسلمین بر آنند که مهدی(عج) که همنام پیامبر اکرم(ص) است در آخرالزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند. دلیل عقلی بر لزوم وجود حضرت مهدی(عج) و ظهور ایشان: از زمان رحلت پیامبر اسلام(ص) که خاتم الانبیاء است تا قیامت، آخرین دین، دین اسلام است. و تا زمانی که دنیا بر پا است، تکلیف وجود دارد و مکلفان باید طبق حجت‌هایی که خدای متعال بر آنان قرار داده است، دستورات او را اطاعت کنند؛ از طرفی این مکلفان باید احکام خود را از امام و پیشوایی بگیرند که معصوم(ع) باشد و زمین هیچوقت خالی از این حجت معصوم نمی‌باشد. پس آفرینش انسان مکلف بدون وجود انسان کامل معنا ندارد. چه این که امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نیست. حجت خدا یا ظاهر است و آشکارا و یا خائف است و پنهان؛ تا حجت‌ها و برهان‌های خدا باطل نگردد.»(۱) از این رو همواره باید انسان کامل در زمین وجود داشته باشد و از آن جا که شرایط جهان به جایی رسید که حاکمان و مردمان، حضور امام معصوم در جامعه را برنتافتند، تنها راه وجود انسان کامل در زمین و کشته نشدن وی، غیبت او بود. و با آماده شدن شرایط و

انسانهای منتظر، امام غایب ظهور خواهد نمود تا مردم را به کمال برساند. استدلال بر ظهور امام زمان از قرآن کریم: در پاره‌ای از آیه‌های قرآن بشارت‌هایی درباره آینده تاریخ و سرنوشت زمین داده شده است که در تفسیر، امامان معصوم(ع) آن زمان را زمان ظهور امام مهدی(عج) می‌دانند. در برخی آیه‌ها وعده تشکیل حکومت جهانی،(۲) بسط دین اسلام و غلبه آن بر دیگر ادیان(۳)، زمامداری صالحان و شایستگان(۴) داده شده است. اما در روایت‌های زیادی نیز بشارت به ظهور امام مهدی(عج) داده شده است که به حدّ تواتر می‌رسد. به طور کلی معتبرترین روایت‌ها از عصر رسول خدا(ص) تا امام حسن عسکری(ع) درباره ظهور امام زمان(عج)، شرایط وعلایم آن و هنگامه تشکیل حکومت جهانی آن امام روایت شده است که حتی در برخی کتاب‌های نوشته شده در قرن اول و دوم هجری ضبط شده و موجود است. مثلاً کتاب مشیخه حسن بن محبوب(۵) یا کتاب سلیم بن قیس هلالی(۶). این روایت‌ها قرن به قرن در کتاب‌های دانشمندان بزرگ نقل شده تا به قرن حاضر رسیده است. مانند قرن ۳ هجری: کتاب المهدی تألیف عیسی بن مهران مستعطف؛ قرن ۴: ذکر القائم(ع) اثر ابن اخی طاهر(۷)؛ قرن ۵: کتاب الغیبهٔ شیخ مفید(۸) و... حضرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می‌زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه‌داشته می‌شد و جز خواصی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقات نداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می‌گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می‌توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه‌ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲ ، باب الاشارهٔ و النص الی صاحب الدار(ع)). یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: من و ابو عمرو نزد احمد بن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسن عسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عمرو! می‌خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی ندارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجّت خدا خالی نمی‌ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجّت برداشته می‌شود و راه توبه بسته می‌شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می‌خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همان طوری که حضرت ابراهیم از خداو.....خواست که به او کیفیت زنده کردن مرده‌ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می‌خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته‌ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شماگفتند، درست گفته‌اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می‌گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده‌ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده‌ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می‌پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می‌پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده‌اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می‌کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیهٔ من رآه(ع)، ح ۱). این ابو عمرو و پسرش هر دو از جا.....های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند. حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نوّاب خاصّه کسی

با او ملاقات ن...ّکرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد. حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹). آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است. در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد کرد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیه‌الله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ از مآخذ گوناگون روایات راآورده است. هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده‌اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است: پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی‌رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند» (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶). پیامبر اکرم فرمود: «المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراه می‌کند» (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸). ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: «المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است» (همان، ص ۱۳۶۸). پیامبر خدا فرمود: «یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می‌کند» (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸). در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: «یکون فی امّتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است»(همان). ام سلمه می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: «المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است» (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷). رسول خدا فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج ؛ (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید). نکته مهم در پاسخ سؤال شما این است که دلیل وجود هر چیزی دیدن آن توسط عموم مردم نیست. خدا را هم هیچ کس ندیده ولی با ادله عقلی وجود او را می پذیریم – همچنین روز قیامت – بهشت و جهنم و خیلی از امور دیگر. راجع به وجود امام زمان(عج) صدها حدیث از رسول خدا صادر گشته و مسأله را برای ما یقینی می کند. ثانیا، اگر کسی بگوید تا حضرت دیده نشود باور نمی کنیم در پاسخ او می گوییم آیا بعضی ایشان را ببینند کافی است یا باید همه او را ببینند – اگر بعضی ببینند باز هم می توان در صدق ادعای آنها شک کرد و دیدن تعدادی محدود هیچ گاه برای دیگران علم آور نیست و اگر همه ببینند با فلسفه غیبت کبری سازگار نیست پس باید برای علم پیدا کردن به هر چیزی از راه مناسب خودش وارد شد. پیرامون شخصیت امام زمان (عج) و دوران ظهور کتاب های بسیار زیادی نگاشته شده است و کتابهای معرفی شده در ذیل از کتابهای بسیار خوب در این زمینه می باشد: ۱– دادگستر جهان , ابراهیم امینی , انتشارات شفق ۲– عصر ظهور, علی کورانی , چاپ و نشر بین الملل , سازمان تبلیغات اسلامی ۳– در انتظار ققنوس , سید ثامر هاشم العمیدی، مترجم: مهدی علیزاده, مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۴. مهدی موعود(ع)، علی دوانی، ترجمه ج ۵۲ بحارالانوار پی‌نوشت‌ها: ۱. اصول کافی، ج ۱، باب أن الأرض لاتخلو من حجة. ۲. «وقاتلوهم حتی لاتکون فتنة ویکون الدین کلّه للّه؛ با کافران جهاد کنید تا هیچ فتنه‌ای در زمین باقی نماند و آیین همه دین خدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹) ۳. «هوالذی أرسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کلّه؛ اوست خدایی که فرستاده‌اش را با دین حق به هدایت آفریدگان فرستاد تا بر همه ادیان عالم برتری و غلبه دهد.» (سوره توبه، آیه ۳۳) ۴. «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون؛ همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان

نیکوکـار من زمین را به ارث می‌برنـد.» (سوره انبیـاء، آیه ۱۰۵) و نیز «وعـدالله الـذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیسـتخلفنّهم فی الارض؛ خـدا وعـده داده به کسانی که از شـما نیکوکار شود در زمین خلافت دهد.» (سوره نور، آیه ۵۵) ۵. وفات: ۲۲۴ هـ . ق. ۶. وفات: ۷۰ یا ۹۰ هـ . ق. ۷. وفات: ۳۵۸ هـ . ق. ۸. وفات: ۴۱۳ هـ . ق.

آیا ایمان به وجود امام زمان‌علیه‌السلام وولادت او فرضیه‌ای فلسفی وظنّی است؟

پرسش

آیا ایمان به وجود امام زمان‌علیه‌السلام وولادت او فرضیه‌ای فلسفی وظنّی است؟

پاسخ

خیر، مسأله ایمان به وجود وولادت حضـرت مهدی (ع) گرچه پشـتوانه عقلی وفلسـفی قطعی دارد، ولی ادلّه نقلی قرآنی وحدیثی نیز بر آن دلالت دارد. نه تنها روایات فراوانی در حدّ تواتر بر ولادت حضـرت دلالت دارد، بلکه احادیث صحیح‌السند نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. ونیز ادله نقلی فراوانی در حدّ تواتر بر وجود حضرت دلالت دارد که در موضع خود به آنها اشاره خواهیم کرد.

آیا ممکن است که ولادت ووجود شخصی را در خارج با دلیل فلسفی اثبات نمود؟

پرسش

آیا ممکن است که ولادت ووجود شخصی را در خارج با دلیل فلسفی اثبات نمود؟

پاسخ

۱ – همـان گونه که از کتب تواریـخ وملـل ونحـل اسـتفاده می‌شود اکثر جـامعه شـیعی در آن زمان، معتقـد به ولادت امام زمان (ع) بودند. ۲ – آن گونه که شـیخ مفیـد؛ ودیگران اشاره کرده‌اند، گرچه بعد از وفات امام عسـکری (ع) شـیعیان در ابتدا به چهارده فرقه متفرق شدنـد ولی بعـد از مـدتی کوتـاه بـا ارشـادات علمـا واصـحاب، همگی بر اعتقـاد به ولادت ووجود امـام خود اتفاق نمودنـد. {پـاورقی . ر.ک: الفصول المختـاره، ص ۳۲۵. پاورقی} ۳ – در مورد روایتی که ادعـا کرده دلالـت بر تحقق فترت وانقطـاع امـامت دارد، با دقت در آن، خلاف آنچه ادعا شده استفاده می‌شود، زیرا در آن روایت از امام باقر (ع) نقل است که فرمود": إذا غضب اللّه تبـارک وتعـالی علی خلقه نحّانا عن جوارهم"؛ "هر گاه {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱. پاورقی} خداوند تبارک وتعالی بر خلقش غضب کند ما را از جوارشان دور خواهد گرداند ".این حدیث به خوبی دلالت بر وجود وغیبت امام زمان (ع) دارد. ۴ – اگر مجرد اختلاـف، دلیـل بر بطلاـن است، بایـد اختلاـف در هر امری از جمله اصـل امـامت وخلاـفت ونبـوت را نیز دلیـل بر بطلاـن آن دانست، در حـالی که هیـچ کس چنین ادعـایی نکرده است.آیـا پیـامبر اکرم (ص) خبر نـداده که امتش بعـد از او به ۷۳ فرقه متفرق خواهند شد؟!

برهان لطف چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان لطف چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

در تقریر برهـان لطف بر وجود امام زمان (ع) ابتـدا به مقـدماتی اشاره می‌کنیم: ۱ – به یـک جهت لطف به دو قسم تقسـیم می‌شود: الف. لطف محصّـل: لطفی که بـا آن، مکلّف به اختیـار خویش طـاعت را بر می‌گزینـد. ب. لطف مقرّب: لطفی که مکلف با آن، به انجـام واجبـات نزدیک‌تر واز ارتکاب محرمات دور می‌شود. ۲ – متکلمـان عـدلیّه اعم از امامیه و معتزله، لطف را بر خداونـد واجب می‌داننـد، زیرا او بنـدگان خود را عبث وبیهوده نیافریـده است، لذا هر چه را که در رسـیدن آنها به هدف مؤثّر است باید انجام دهد که از آن جمله لطف است. قاعده لطف مقرّب ایجاب می‌کند که در میان جامعه امامی باشد که محور حقّ بوده وجامعه را از خطای مطلق باز دارد. از همین رو است که می‌گوییم: اجماع حجّت است. قاعده لطف اقتضا می‌کند که رئیسی در میان مردم باشد، رئیسی که نمی‌توانـد نسبت به جامعه بی‌تفاوت باشـد، تا اگر همه جامعه به بیراهه رفتنـد آنها را هـدایت کنـد ونگـذارد که امت، اجتماع بر باطـل کننـد. صـفّار به سـند خود از امـام صـادق (ع) نقـل کرده که فرمود": إنّ اللّه جـلّ وعزّ أجلّ وأعظم من أن یترک الأرض بغیر إمام"؛ "همانا خداونـد عزّوجلّ جلیل‌تر وعظیم‌تر از آن است که{پاورقی . بصائر الدرجات، ص ۴۸۵، باب ۱۰، ح ۳. پاورقی} زمین را بـدون امام رها کند ".الطاف وجود امام غایب ۱ – حراست از دین خداوند در سطح کلّی؛ مرحوم شـریف العلماء می‌فرماید": به طور حتم وجود امـام در زمـان غیبت لطف است، واز جمله لطف آن حفظ شـریعت ونفی اتفاق بر باطل وارشاد مردم به حق است." {پاورقی . کشف القناع، ص ۱۴۸. پاورقی} ۲ – تربیت نفوس مستعد؛ برخلاف تصور برخی که گمان کرده‌اند رابطه امام با مردم در زمان غیبت به طور کلّی قطع می‌شود، ولی حق این است که این چنین نیست بلکه مطابق برخی روایات گروهی از افراد قابل ونفوس مستعدّ از نور وجود آن حضرت بهره‌مند می‌شوند. ۳ – وجود امام، سبب بقای مذهب؛ جامعه‌شناسان وروانکاوان معتقدند که اعتقاد به وجود امام ورهبر هر چنـد غایب می‌توانـد اثر عمیقی در جوامع دینی وغیر دینی داشـته باشد. در جنگ احد برای تضـعیف روحیه مردم شایعه قتل پیامبر را منتشر کردند. ۴ – تأثیر وجود الگو در پیشرفت بشر؛ از امتیازات اساسی ادیان الهی آن است که اگر بشارت به امری می‌دهنـد در ابتـدا برای آن الگویی معرفی می‌کننـد تا مردم با توجه به او، خود را به کمال مطلق نزدیک کنند ومی‌دانیم که بهترین الگو، امام ومقتدای کامل وزنده است.

برهان عنایت چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان عنایت چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

یکی از براهینی که بر وجود امـام زمـان (ع) اسـتدلال می‌شود برهـان عنـایت است. عنـایت در لغت به معنای اراده وقصـد است ودر اصطلاح، تعریفات گوناگونی برای آن شده است. شیخ اشراق می‌گوید": عنایت، احاطه حق تعالی به چگونگی نظام کلی وبه آنچه که تمـام این مجموعه بر آن است می‌باشـد. {"...پـاورقی . اللمحات، سـهروردی، ص ۱۶۶. پاورقی} فخر رازی می‌گویـد": عنایت، یعنی علم خداونـد به اینکه اشیا به چه حالتی باشـند تا بر بهترین وکامل‌ترین وجه واقع شونـد. {"پاورقی . المباحث المشرقیهٔ، ج ۲،

ص ۵۱۶. پاورقی} صدرالمتألهین می گوید": نظام معقول که نزد حکما عنایت نام دارد، مصدر همین نظام موجود است، پس این عالم موجود، در نهایت خیر وفضیلت ممکن است. {"پاورقی . الحکمة المتعالیة، ج ۷، ص ۱۱۱. پاورقی} وجوب وجود امام را از طریق برهان عنایت به دو بیان می‌توان تقریر کرد: ۱ – آفرینش هستی بهترین ونیکوترین نظام ممکن است. لازمه این گفتار، لزوم وجود امام در آفرینش است، وگرنه نظام، احسن نخواهد بود. لذا به همان دلیل وبرهانی که تکلیف وبعثت ضرورت دارد، وجود مستمر امام نیز ضرورت دارد. ۲ – خداوند برای کمال‌یابی هر موجودی که در این عالم رنگ هستی می گیرد همه نوع ابزار ضروری وغیرضروری را در اختیارش گذاشته تا به کمال برسد، چگونه ممکن است انسانی که در دامان همین طبیعت است از این قانون استثنا شده وارتقای معنوی او نادیده گرفته شود.

برهان فطرت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام را چگونه تقریر می‌کنید؟

پرسش

برهان فطرت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام را چگونه تقریر می کنید؟

پاسخ

این برهان را با ذکر مقدماتی تقریر خواهیم نمود: ۱ – روان‌شناسان تمایلات غریزی وفطری انسان را به سه نوع تقسیم کرده‌اند: الف. تمایلات شخصی از قبیل دوستی و... . ب. تمایلات اجتماعی از قبیل همنوع دوستی. ج. تمایلات عالی از قبیل حقیقت‌جویی وحسّ دینی وپرستش ورسیدن به کمال مطلق و.... ۲ – برای رسیدن به کمال مطلق ومعبود حقیقی، احتیاج به واسطه‌ای دارد که خود سفر کرده، تا بتواند انسان را دستگیری کند. تمایل به این واسطه نیز در وجود انسان احساس می‌شود. ۳ – اگر تمایل وکشش به چیزی در انسان وجود دارد، باید آن چیز در خارج وجود داشته باشد، وگرنه وجودش در انسان لغو است. وبه عبارت دیگر، کشش وعشق انسان به کامل مطلق وانسان کامل معصوم که واسطه او در عالم خلقت است، از امور ذات‌الاضافه است، وتحقّق این امور بدون تحقّق مضاف‌الیه امکان‌پذیر نیست. نتیجه اینکه وجود امام به عنوان واسطه وصول به کمال مطلق ضروری است. حال اگر کسی سؤال کند که این کشش چگونه در انسان به وجود می‌آید؟ در جواب می گوییم هرگاه با عقل وفکر به این نتیجه رسیدیم که در عالم وجود، باید" واسطه فیض "موجود باشد که وجودش دارای آثار وبرکات چندی است انسان فطرتاً به او گرایش پیدا می کند وبه همین جهت است که باید همیشه این انسان کامل، وجود خارجی داشته باشد.

برهان واسطه در فیض چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان واسطه در فیض چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

فلاسفه برای عالم، چهار مرحله ذکر کرده‌اند: عالم ربوبی، عالم عقل، عالم مثال، وعالم طبیعت. ونیز آنان به عقول ده‌گانه معتقدند که خداوند علت فاعلی وقریب عقل اول وعقل دوّم معلول عقل اوّل وهمچنین... ودر نهایت عقل دهم، علت فاعلی بر عالم مثال،

www.noorfatemah.org

وعـالم مثـال نیز علت عـالم طبیعت ومـاده است، زیرا عـالم، عالم اسـباب ومسـبّبات است وخداونـد این نظام را بر اساس آن بنا نهاده است. حال اگر کسـی سؤال کند که چرا خداوند مسـتقیماً وبدون واسـطه، عالم طبیعت را ایجاد نکرده است؟ در جواب می گوییم به جهت آنکه بین عالم ربوبی وعالم مادّه سـنخیّت وجود ندارد ولذا عوالم مختلف را به جهت برقراری سـنخیّت بین عالم ربوبی وعالم مـاده وطبیعت، آفریـد. از میـان موجودات عـالم مـادّه، تنهـا انسـان است که بـا عالم مثال سـنخیّت دارد، وبرای ایجاد سـنخیّت کامل، احتیـاج به انسـان کامـل است، زیرا او واسـطه فیض بر مجموعه انسان‌هـای دیگر است. ودر این زمینه فرقی بین فیض تکوین وتشـریع نیست. به عبارت دیگر همان گونه که قانون سـنخیّت بین علت ومعلول ونیز نظام اسـباب ومسـبّبات در عالم تکوین اقتضا می کند که بین عـالم ربوبی وعـالم طبیعت عوالم دیگری باشـد تـا فیض وجود از راه آنهـا کانـالیزه شـده وبه عالم طبیعت برسـد، در مورد فیض معنوی خداونـد وتصـرّفات او در قلوب انسـان نیز با واسـطه انجام خواهـد گرفت که همان وجود امام معصوم کامل است. البته فیض تشـریع نیز از این کانـال به انسـان می‌رسـد. از این بیـان به خوبی معنای حـدیث": لولاک لما خلقت الأفلاک ولولا علیّ لما خلقتک ولولا فاطمـهٔ لما خلقتکما["؛ "ای پیامبر!] اگر تو نبودی هرگز افلاک را خلق نمی کردم، و اگر علی نبود هرگز تو را خلق نمی کردم، و اگر فـاطمه نبود هرگز شـما دو نفر را خلق نمی کردم ".روشن می‌شود؛ زیرا وجود این انسان‌هـای از همه جهت کامل، سـبب فیض الهی بر عالم ماده وافلاکند، وحضرت زهرا (ع) نیز حلقه وصل بین عالم عقل ونبوت با عالم امامت وانسان کامل است.

برهان علت غایی چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان علت غایی چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

در علم کلام در مبحث افعـال الهی به این نکته اشاره شـده که افعال خداونـد دارای هـدف وغرض است، ولی هـدف وغرض الهی هماننـد هـدف انسان نیست؛ زیرا غایت افعال خداونـد رسـیدن به کمال نیست، خداونـد کامل مطلق است ونقص ندارد تا بخواهد از طریق فعـل خود آن را برطرف سـازد، بلکه غـایت افعـال الهی به مخلوقـات بـاز می گردد وبه جهت اسـتکمال مخلوقـات است. دلیل غایت‌منـدی افعال خداونـد آن است که فعل بـدون هدف، عبث ولغو است وانجام چنین کاری از خداوند قبیح می‌باشد. قرآن کریم نیز در تأیید هدفمند بودن افعال خداوند می‌فرماید: {وَما خَلَقْنَا السَّمواتِ وَالأَرْضَ وَما بَیْنَهُما لاعِبِینَ}؛{پاورقی . سوره دخان، آیه ۳۸. پـاورقی"} وآسـمان‌ها وزمین وآنچه را میان آن دو است به بازی نیافریـدیم ".حکما وفلاسـفه الهی می گوینـد": در قوس صـعود از هیولی تـا وجود محض، هر مرتبه عـالی، غـایت وثمره برای مرتبه دانی وپـایین‌تر است. ونیز به اثبـات رسـیده که نتیجه، علت فاعلیت فاعـل است. بنـابراین، هر گـاه در عـالم خلقت، انسانی نباشـد خلقت حیوان ووجود او لغو است و. "...از طرفی دیگر می‌دانیم که هر فردی از افراد انسان ولو در صورت با افراد دیگر از انسان‌ها شبیه بوده، وهمگی از افراد نوع واحد منطقی به حساب می‌آیند، ولی در واقع با یکـدیگر اختلاف دارنـد. ولذا در روایتی از پیامبر (ص) می‌خوانیم": الناس معادن کمعادن الذهب والفضّهٔ"؛ "جوهر انسان‌ها به ماننـد معادن طلا ونقره با یکدیگر متفاوت است {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۶۱، ص ۶۵، ح ۵۱. پاورقی} بنابر این، انسان به مانند درختی است که میـوه آن وجـود انسـان کامـل است، واو کسـی غیر از حجّت معصـوم خـدا در روی زمین نیست. ولـذا در روایـات می‌خوانیم... ": لو بقیت الأرض بغیر إمام لساخت"؛ "اگر زمین بـدون امام شود دگرگون خواهـد شـد {".پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰. پاورقی} خلاصه اینکه انسان کامل -که از او به حجت خدا تعبیر می‌شود- از آن جهت که علت غایی وجود انسان و...

است، وجودش همیشه ضروری است.

با برهان امکان اشرف چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام

اشاره

استدلال می‌شود؟

پرسش

با برهان امکان اشرف چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام استدلال می‌شود؟

پاسخ

حکما می‌گویند: وجود، حیات، علم، قدرت، رحمت وسایر کمالات از مبدأ فیّاض بر موجودات پایین نمی‌رسد مگر آنکه در مرتبه سابق، بر موجود اشرف رسیده باشد، همانند چراغی که نزد ما روشن است، ابتدا مکانی که نزدیک به اوست روشن می‌شود، سپس دورتر از آن استفاده می‌کند و... . در امور غیر حسّی از قبیل وجود وحیات وعلم وقدرت وتمام کمالات که از ذات اقدس الهی تراوش نموده وبر ماهیّات امکانی تجلّی می‌یابد، در ابتدا ماهیّاتی بهره‌مند می‌شوند که در رتبه، اشرف واقدم از سایر ماهیّات هستند. علامه طباطبایی؛ می‌گوید": معنا ومفهوم قاعده امکان اشرف آن است که ممکن اشرف باید در مراتب وجود اقدم از ممکن اخسّ باشد، لذا باید ممکنی که اشرف از اوست قبل از او موجود باشد. "...ملاصدرا در استدلال بر این قاعده می‌گوید": اگر ممکن اخسّ از طرف خداوند موجود شد باید قبل از او ممکن اشرف موجود باشد وگرنه در صورت تحقق، هم‌زمانی اشرف واخسّ لازم می‌آید که دو چیز در یک مرتبه برای یک ذات از یک جهت از واجب لذاته صادر شود، که محال است. ودر صورتی که موجود اشرف بعد از موجود اخس وبه واسطه موجود شود لازم می‌آید که معلول، اشرف از علت واقدم از او باشد، که این نیز محال است. {"...پاورقی . نهایة الحکمة، ص ۳۱۹ـ۳۲۰. پاورقی} می‌دانیم که انسان، اشرف مخلوقات است، زیرا او اشرف از حیوان، وحیوان اشرف از گیاه وگیاه اشرف از جماد است. وبه حکم قاعده امکان اشرف، محال است وجود از مبدأ فیاض به جماد برسد قبل از آنکه در رتبه سابق، به حیوان رسیده باشد، وهمچنین به حیوان برسد قبل از آنکه در رتبه سابق به انسان رسیده باشد. ونیز محال است که وجود، حیات، علم، قدرت وجمال وجلال و... از مبدأ فیّاض بر افراد انسان برسد قبل از آنکه این کمالات به انسان کاملی که حجت خدا روی زمین است رسیده باشد. بنابراین قاعده، مادامی که فردی از افراد بشر در خارج موجود است باید فردی به نام انسان کامل که از او به حجت خدا تعبیر می‌شود روی زمین موجود باشد. کلینی به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": الحجّة قبل الخلق ومع الخلق وبعد الخلق"؛ "حجت، قبل از خلق وبا خلق وبعد از خلق خواهد بود {".پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۴. پاورقی} ونیز می‌فرماید": لو لم‌یبق فی الأرض إلّا اثنان، لکان أحدهما الحجّة"؛ "اگر در روی زمین {پاورقی . همان، ص ۱۷۹، ح ۱. پاورقی} جز دو نفر کسی نباشد حتماً یکی از آن دو امام خواهد بود".

برهان مظهر جامع بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام را چگونه تقریر می‌نمایید؟

پرسش

برهان مظهر جامع بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام را چگونه تقریر می‌نمایید؟

پاسخ

ابن ترکه در" تمهید القواعد "بر ضرورت وجود امام حیّ در هر زمان، به دلیلی به نام" برهان مظهر جامع "تمسّک کرده است که ما آن را به طور خلاصه در ضمن مقدماتی این گونه تقریر می کنیم: ۱ - انسان کامل دارای مقامی است که هیچ موجودی از موجودات جهانِ امکان هم‌وزن آن نیست. ۲ - ذات واجب، به هیچ وصفی حتّی وصف اطلاق محدود نمی‌باشد، لذا اطلاق، وصف ذات نبوده بلکه عنوان آن می‌باشد. وامّا اوّلین تعیّن وظهور او همان وحدت حقیقی است که دارای دو چهره واحدیت واحدیّت می‌باشد. ۳ - هویّت مطلقه خداوند چون در مقام ظهور، احکام وحدت بر آن غلبه دارد، لذا کثرت نه تنها مقهور بلکه محو می گردد. نتیجه: چون در وحدت ذاتی، مجالی برای اسمای تفصیلی نیست، زیرا که تفصیل نحوه‌ای از کثرت است وهر گونه کثرتی در آنجا مقهور است، ودر مظاهر تفصیلی‌ای که در عالم خارج ظاهر می‌شوند واز اجزای عالم اکبر شمرده می‌شوند، احکام کثرت، غالب بر وحدت واحکام آن است، یعنی وحدت ذاتی در این مظاهر، ظهوری ندارد، پس فرمان الهی مقتضی صورتی اعتدالی است که در آن وحدت، ذاتی ویا کثرت امکانی بر یکدیگر غلبه نداشته باشد، تا آنکه بتواند برای حق، مظهری از جهت اسمای تفصیلیه ووحدت حقیقیه آن باشد. وآن صورت اعتدال که از عدالت کبرا برخوردار است همان انسان کامل است که احاطه بر جمیع مراتب مطلقه ذاتی ومقیّده کونی دارد، واز یک سو به واحدیّت که در دایره عالم الوهیّت وفوق آن است مرتبط است واز دیگر سو به عالم طبیعت وابسته است. {پاورقی . تمهید القواعد، ص ۱۷۲ ؛ تحریر تمهید القواعد، آیت اللّه جوادی آملی، ص ۵۵۵-۵۴۸. پاورقی}

برهان تجلّی اعظم چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان تجلّی اعظم چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

از جمله ادلّه عقلی که بر وجود امام زمان (ع) استدلال کرده‌اند برهان تجلّی اعظم است. وتقریر آن چنین است: الف. تجلیّات که همان ظهورات است در قرآن وروایات به آن اشاره شده است، آنجا که خداوند می‌فرماید: {کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ"}؛ هر روز خداوند در شأنی است {".پاورقی . سوره الرحمن، آیه ۳۱. پاورقی} ب. این تجلیات وظهورات، انفطار موجودات از ذات واجب‌الوجود است که همگی به نحو قیام فعل به فاعل به او قائمند. ج. اسمای الهی معرّف صفات جمالی وجلالی ذات اقدس حقّند، واین اسما به اعتبار جامعیّت برخی بر برخی دیگر، فضیلت وبرتری دارند. د. وجود اسم اعظم خداوند تجلّی اعظم لازم دارد که همان انسان کامل است که فردی از او شایسته‌تر نیست. وآن مظهر اَتَمّ وکعبه کلّ ومظهر اسم اعظم الهی در این زمان، خاتم اولیا حضرت مهدی (ع) است، ودیگر ابدال واوتاد کُمّل وآحاد وافراد غیر کمّل به فراخور حظّ ونصیبشان از تحقّق به اسمای حُسنا وصفات علیای الهیه، به آن مرکز دایره کمال، قرب معنوی انسانی دارند.

برهان تقابل قطبین چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان تقابل قطبین چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

این برهان را با دو مقدمه بیان می‌کنیم: الف. خداوند متعال تجلیّات جمالی وجلالی دارد، ودر الوهیّت وتجلیّات وصفات خود کامل است. ب. به مقتضای تقابل بین قطبین ومحاذات بین قطب الوهیّت وتجلّی تام، وبین قطب عبودیّت ومتجلّی ومجلای تام ولزوم سنخیّت بین این دو، لازم است که در روی زمین انسان کامل در عبودیّت ومتجلّیات الهی موجود باشد تا تجلّی اَتَمّ بدون مجلای اَتَمّ لازم نیاید. واین انسان کامل کسی غیر از حجت خدا وخلیفه وولیّ او نیست که در اصطلاح فلسفه اشراقیون از او به "کلمه قدسیه الهیه "تعبیر شده ودر فلسفه مشّائیون از او به "عقل دهم "تعبیر می‌شود. واوست که چگونگی خضوع وعبادت مناسب با شأن ومرتبه خداوند را می‌داند وبه آن عمل می‌کند، وچنین کسی جز حضرت حجۀ بن الحسن المهدی (ع) در این زمان نیست.

قانون عدم‌تبعیض در فیض چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام

اشاره

دلالت دارد؟

پرسش

قانون عدم‌تبعیض در فیض چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

نبوّت وامامت فیض معنوی است. از دیدگاه کلیمیان با مرگ حضرت موسی (ع) این فیض وارتباط بشر با عالم لاهوت قطع شد. ونیز پروتستان‌های مسیحی معتقدند که با به دار آویخته شدن حضرت مسیح (ع) ارتباط بشر با عالم لاهوت قطع شد. اهل سنّت از فرقه‌های اسلامی نیز خود را از این فیض محروم کرده ومعتقدند که با فوت پیامبر (ص) این فیض قطع شده است. حال جای این سؤال است که چرا امت اسلامی بعد از پیامبر اسلام (ص) از این فیض محروم باشد؟ مگر از امت‌های پیشین کمتر است؟ چرا خداوند متعال چنین فیضی -که همان ارتباط با عالم ربوبی توسط امام است- را به آنها نداده باشد. شیعه امامیه این مشکل را حلّ کرده وبه این سؤال پاسخ داده است. امامیه می‌گوید: این فیض از طریق وحی ونبوت گر چه با فوت پیامبر (ص) قطع شد ولی از طریق انسان کامل برقرار است که امروزه در وجود نازنین حضرت مهدی (ع) متبلور است. پروفسور هانری کربن استاد دانشگاه سوربن پاریس می‌گوید": به عقیده من مذهب تشیّع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی بین عالم انسانیّت وخداوند را به طور مداوم حفظ نموده وولایت را به صورت زنده تا قیامت ثابت ومستمرّ نگاه داشته است. {"...پاورقی . الشیعۀ، علامه طباطبایی؛، ص ۱۵. پاورقی}

برهان لزوم عقل بالفعل چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان لزوم عقل بالفعل چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

فارابی برهانی را اقامه کرده که قابل انطباق بر وجود امام زمان (ع) است. او می گوید": هر عضوی از اعضای مدینه فاضله را صلاحیّت آن نیست که ریاست مدینه فاضله را بر عهده گیرد. رئیس مدینه فاضله نمی‌تواند هر کسی باشد، زیرا ریاست به دو چیز است: یکی آنکه شخص از حیث سرشت وطبیعت آماده آن مقام باشد. دیگر آنکه ملکه وهیئت ارادی چنان کاری را داشته باشد. چنین انسانی، انسان کامل است که بالفعل هم عقل است وهم معقول... . این رئیس هم معلّم است وهم مرشد وهم مدبّر."... فارابی {پاورقی . تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۴۳۸. پاورقی} برای برپایی اجتماع، وجود معلّم را که همان امام است ضروری می‌داند. واین یکی از عقاید شیعه است که باید امام بر اجتماع، اشراف کامل داشته باشد. این فیلسوف بزرگ، امام را عقل بالفعل می‌داند، یعنی انسانی که همه امکانات عقلی، طبعی وکسبی در وجود او در مرتبه کمال ونهایی به فعلیّت رسیده ودائم‌الاتصال به عقل فعّال است، بلکه خود به گونه‌ای عقل فعّال است. فارابی چنین شخصی را شایسته آن می‌داند که در رأس جامعه قرار گیرد ومعلّم ومربّی وامام ورئیس باشد. در نظر او این گونه رئیسی در جامعه به منزله قلب است در بدن انسان. {پاورقی . ر.ک: آراء اهل المدینهٔ الفاضلهٔ، فارابی، ص ۸۹. پاورقی}

آیا می‌توان از راه حساب احتمالات، وجود امام زمان‌علیه‌السلام را به اثبات رساند؟

پرسش

آیا می توان از راه حساب احتمالات، وجود امام زمان‌علیه‌السلام را به اثبات رساند؟

پاسخ

مرحوم شهید صدر؛ در این باره می‌فرماید": قضیّه مهدی (ع) حقیقتی است که امت اسلامی در طول قرن‌ها با آن زندگی نموده است، وخصوصاً در طول هفتاد سال سُفرا ونوّاب خاص حضرت (ع) در خلال معاشرتشان با مردم به آن تذکّر داده‌اند، در حالی که هیچ کس در این مدت حرف خلافی از آنها نشنیده است. آیا انسان می‌تواند باور کند که دروغی بتواند نه تنها در مدت هفتاد سال بلکه قرن‌ها دوام آورد، ویا چهار نفر به عنوان نایب آن حضرت (ع) بر او اتفاق داشته باشند بدون آنکه هیچ گونه شکّ وتردیدی برای کسی پدید آید، وبدون آنکه بین آن چهار نایب کمتر علاقه خاصی وجود داشته باشد تا مجوّز توافق بر کذب شود. از قدیم الایام گفته شده که ریسمان دروغ کوتاه است. ونیز منطق حیات وزندگانی ثابت می کند که از جهت علمی وبه حساب احتمالات محال است که دروغی به این شکل بتواند دوام آورده واطمینان تمام امت را جلب نماید. {"پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص ۱۰۹Ù۱۱۰. پاورقی}

آیا ادله عقلی، وجود امام زمان معینی را اثبات می‌کند؟

پرسش

آیا ادله عقلی، وجود امام زمان معینی را اثبات می کند؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت: ۱ – ادلّه عقلی، تنها دلالت بر ضرورت ولزوم وجود امام کامل وقطب عالم امکان دارد، وبر امام زمان شخصی که همان مهدی موعود (ع) است دلالتی ندارد، ولی این ادله نظریه شیعه امامیه را در اعتقاد به وجود امام کامل ومعصوم، مورد تأیید قرار می‌دهد، ولذا این ادله تنها بر نظر شیعه انطباق دارد. ۲ – استاد حسن‌زاده آملی می‌فرماید": در این مقام دو نوع بحث لازم است: یکی کلّی ودیگری شخصی. مقصود از کلّی اینکه براهین قطعی عقلی، بر وجوب وجود حجّتی قائم به طور دائم قائمند، وبه امتناع خلوّ عالم امکان از لزوم چنین واسطه فیض الهی حاکمند که" الامام اصله قائم ونسله دائم. "ومراد از بحث شخصی اینکه برهان معرّف فرد نیست که جزئی نه کاسب است ونه مکتسب. لذا باید آن را از طریق دیگر شناخت، چنان که احادیث متظافر بلکه متواتر اهل عصمت ووحی، معرف شخص آن حضرتند. {"پاورقی . نهج الولایه، ص ۷و۸. پاورقی} ۳ – عرفای اسلامی یکی از شرایط حتمی سلوک را، داشتن شیخ واستاد می‌دانند، وآن بر دو قسم است: استاد عام واستاد خاص. استاد عام آن است که به طور خصوص مأمور به هدایت نباشد ورجوع به او از باب رجوع به اهل خبره بوده باشد. وامّا استاد خاص آن است که به طور خصوص منصوص به ارشاد وهدایت است وسالک را در هیچ حالی از احوال از مرافقت وهمراهی استاد خاص گریزی نیست. {پاورقی . رساله لب اللباب، ص ۱۳۳Ù۱۳۴. پاورقی} این مطلب حتی نزد عرفای اهل سنّت نیز ثابت است، زیرا آنها نیز به دو استاد یکی عام که از آن به قطب ومرشد ودیگری خاص که همان واسطه فیض الهی وقطب عالم وجود امکانی است، تعبیر می کنند. که اگر در عالم نباشد، عالم دگرگون می‌شود، زیرا ثبوت ووجود عالم وابسته به اوست. از این رو است که می‌بینیم عده‌ای از عرفای اهل سنّت با آنکه معتقد به استاد عام ومرشد وپیر مرادند به وجود امام مهدی (ع) به عنوان قطب عالم امکان که انسان، با گذشتن از حقیقت نوریه ولائیه او به مقام کمال مطلق می‌رسد اعتراف دارند از قبیل: ۱ – عبدالوهاب شعرانی. {پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷. پاورقی} ۲ – محیی‌الدین بن عربی. {پاورقی . فتوحات مکیه. پاورقی} ۳ – جامی حنفی. {پاورقی . شواهد النبوة، ص ۴۰۴. پاورقی} ۴ – عطار نیشابوری. {پاورقی . ر.ک: ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۵۰Ù۳۵۱. پاورقی} ۵ – ملای رومی. {پاورقی . همان. پاورقی} ودیگران. به تعبیر دیگر: ادله‌ای که ذکر شد بیانگر ضرورت وجود امام معصومی است که نزد عرفا از او به قطب دایره امکان تعبیر می‌شود. وقطب، در عرفان در هر زمان یکی بیش نیست، واجتماع قطبین محال است. وچون جامع جمیع نشآت ومصداق اسم شریف" یا من لایشغله شأن عن شأن "می‌باشد از خطا وسهو ونسیان مبرّاست چه رسد به گناه وعصیان. وچون حجاب اقرب است ومتحقق به حقیقت محمدیّه، همه ماسوی از مشکات نور او اقتباس می کنند. {پاورقی . ر.ک: مقدمه قیصری، فصل ۱۲، رسالة فی التوحید والنبوة والولایة. پاورقی} لازم به ذکر است که این اصطلاحات از متونآیات وروایات استفاده شده است. واژه قطب می‌تواند یکی از این اصطلاحات باشد، امیرالمؤمنین (ع) در خطبه شقشقیّه برای خود تعبیر" قطب "را به کار برده است، آنجا که می‌فرماید": أما واللّه لقد تقمّصها ابن أبی‌قحافة وإنّه لیعلم أنّ محلّی منها محلّ القطب من الرحی"؛ "هان! به خدا قسم –ابوبکر– پسر {پاورقی . نهج البلاغه، خطبه سوم. پاورقی} ابی‌قحافه ردای خلافت را پوشید در حالی که می‌دانست جایگاه من در خلافت چون محور سنگ آسیا به آسیاست".

آیا باید اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» را با عقل بررسی کرد یا با روایت و احادیث؟

پرسش

آیا باید اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» را با عقل بررسی کرد یا با روایت و احادیث؟

پاسخ

مسأله اعتقاد به امام زمان«علیه السلام» از دو نظر مورد بررسی واقع می‌شود: ۱. از نظر اصل امامت و اینکه لازم است در هر زمان امام و حجّتی باشد این مسئله از این لحاظ عقلی است و دارای ادله عقلی و جای بررسی این مسأله در مسأله امامت است. ۲. از نظر اثابت اینکه امام پس از حضرت عسکری«علیه السلام» از نظر نام و خصوصیّات امام زمان«علیه السلام» است و دیگری نیست و ویژگیهای وی در این خصوص دلیل عقلی به کار نمی‌آید و باید مطلب را از نظر مدارک نقلی محکم ساخت و بدین ترتیب این مسأله به روایات متواتر اثبات گردیده است. که می‌توان در این مورد به منابع حدیثی شیعه که این احادیث در آنها آمده است رجوع کرد.

ادله نقلی

دلیل وجود امام زمان ۷چیست ؟

پرسش

دلیل وجود امام زمان ۷چیست ؟

پاسخ

دلایل عقلی و نقلی بر وجود امام زمان ۷وجود دارد ;دلائل نقلی عبارتند از: ۱ آیات قرآن ; آیات زیادی در قرآن دربارهء آن حضرت وارد شده است . دراین جا تنها به یک آیه اکتفا می کنیم : .(۱) امام باقر۷می فرماید: .(۲) اجماع مسلمانان ; سنی و شیعی بر ظهور آن حضرت اتفاق نظر دارند. ابن ابی الحدید می گوید: .(۳) ۳ احادیث اهل سنت ; حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی می گوید: .(۴) ۴ اخبار شیعه ; احادیثی که از طُرُق شیعه روایت شده , معتبرترین روایات است , که در کتب حدیث , مفصلاً ذکر شده است . ۵ روایاتی که بر لزوم وجود امام معصوم در تمام اعصار دلالت دارد, مانند:.(۵) اما دلیل عقلی ; خواجه نصیرالدین طوسی می گوید: .(۶) (پاورقی ۱.انبیا (۲۱ آیه ۱۰۵ (پاورقی ۲.مجمع البیان , ج ۷ ص ۶۶ (پاورقی ۳.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۷۰ (پاورقی ۴.همان , ص ۲۸۵ (پاورقی ۵.اصول کافی , ج ۱ ص ۲۵۲ (پاورقی ۶.کشف المراد, ص ۲۸۵

چه دلایلی بر وجود امامت حضرت مهدی(ع) اقامه شده است؟

پرسش

چه دلایلی بر وجود امامت حضرت مهدی(ع) اقامه شده است؟

پاسخ

ادلّه وجود آن حضرت و امامت ایشان در چند دلیل خلاصه شده است: ۱ـ خبر شخص امام حسن عسکری(ع) و خواص آن

حضـرت، و اعلامیه‌های ایشان به بعضی از نقاط شیعه نشین مثل قم. ۲ـ تشـرّف صدها نفر به زیارت حضرت مهدی (ع) در عصر پدر بزرگوارش و عصـر غیبت صـغری و عصـر غیبت کبری(عصـر حاضـر). ۳ـ صـدور معجزات و کرامـات بسـیار از آن حضـرت در اثر توسّـلات، یا ضـمن تشرّف افراد و به گونه‌های دیگر. ۴ـ اخبار متواتر و بشارتهای حضـرت رسول(ص) و ائمّه (ع) در ضـمن صـدها حـدیث معتبر که در کتابهـائی که قبـل از ولادت آن حضـرت و قبل از غیبت صـغری تألیف شـده، ضـبط و روایت شـده است. ۵ـ و بالأـخره نقل تواریـخ معتمـد و کتابهای أنساب، تا آنجا که بعضـی از علمای عامه، تشـرّف به زیارت آن حضـرت را ادعا کرده و در اظهار اشتیاق به سـعادت دیدار و ظهور آن رهبر عدالت گستر، اشـعار سـروده و بعضی از خلفای بنی عباس چون الناصرلدین الله، که از دانشـمندان این سلسـله و اهل حدیث و روایت بوده است، چنان در ایمان به آن حضـرت محکم بوده است، که «سرداب غیبت» به امر او تعمیر شد و کتیبهٔ در سرداب که از آثار عتیقه و نفسیه بوده و هم اکنون نیز باقی و منصوب است، شاهد این عقیدهٔ او است.

همانطوری که مستحضـرید یکی از دلایل مهدویت و وجود حجت خدا در حال حاضـر روایت زیر است" لو لا الحجه لساخت الارض باهلها" گذشته از اینکه این یک حدیث موفق و معتبر است و مورد پذیرش صد درصدی ماست خواهشمندیم اینکه زمین اهلش را فرو خواهد برد چگونه قابل توجیه و توضیح

پرسش

همـانطوری که مستحضـرید یکی از دلایـل مهـدویت و وجـود حجت خـدا در حـال حاضـر روایت زیر است" لو لاـ الحجه لسـاخت الارض باهلها "گذشـته از اینکه این یک حـدیث موفق و معتبر است و مورد پـذیرش صد درصدی ماست خواهشـمندیم اینکه زمین اهلش را فرو خواهد برد چگونه قابل توجیه و توضیح است و از نظر عقلی قابل اثبات؟

پاسخ

آنچه مسـلم است آنست که اگر واسـطه فیضـی وجود نداشـته باشد تمامی موجوداتی که از مجرای واسطه فیض استفاده می کنند از هستی محروم خواهند ماند و جایگاه امام معصوم و هادی الهی در نظام هستی" حلقه واسطه فیض بین خالق و مخلوق "است چرا که خلیفـهٔ ا... است. بنابراین عقل می گویـد اگر واسـطه فیض از میان برداشـته شود نه تنها انسان که هیچ موجود دیگری برقرار نخواهد بود، بنـابراین هر چنـد جمله" لولاـ الحجـهٔ لساحت الارض باهلها "هنوز بعنوان روایت مشاهـده نشـده است ولی مطلب و مفاد آن به لحاظ عقلی و شـرعی صـحیح و کامل است که با تعابیر دیگر از آیات و روایات قابل استفاده می باشد : بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء (۱)، لولاک لما خلقت الافلاک ۲) و ... بکم فتح ا... و بکم بختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السـماء ان تقع علی الارض الا باذنه. (۳) (پاسخ در مسـجد مفصلاً ارائه گردید به نوار مراجعه شود) منابع و مآخذ : ۱. (به برکت شما است که روزی نمایان می گردد و به وجود شـما است تثبیت آسـمان و زمین) مفاتیح الجنان، شـیخ طوسـی ۲. اگر تو نبودی، افلاـک را نمی آفریدم"، حدیث قدسی، "علم الیقین، ج۱، ص۳۳۸۱. به شما گشوده خدا و به شما پایان دهد و به شما فرو فرستد باران را و به شما نگه دارد آسمان را که به زمین نیافتد جز به اذنش، زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان.

دلیل شـیعه بر اینکه امام دوازدهم آن‌ها هنوز زنده است چیست؟ در حالیکه در همان سردابی که مدعی‌اند غیبت صغری از آن‌جا شروع شده است از دنیا رفته است.

پرسش

دلیل شیعه بر اینکه امام دوازدهم آن‌ها هنوز زنده است چیست؟ در حالیکه در همان سردابی که مدعی‌اند غیبت صغری از آن‌جا شروع شده است از دنیا رفته است.

پاسخ

دلایل فراوانی را می‌توان از قرآن و سنّت اقامه کرد که بخشی از آنها عبارتند از: الف- قرآن ۱- یکی از دلایل حیات حضرت حجت(عج) در عصر غیبت، آیات سوره قدر است آنجا که خداوند می‌فرماید: «فرشتگان و روح به اذن خدا، همه فرمان‌ها و سرنوشتها را فرود می‌آورند». نکته مهم، واژه «تنزل الملائکة و الروح» است که فعل مضارع معنای استمرار را می‌رساند و قیدی برای آن معین نشده تا بگوییم نزول در سال خاصی بوده و تمام شده، بلکه هر سال شب قدری دارد(۱) و هر شب قدر ملائکه و روح، امر پروردگار را نازل می کنند و جایگاه نزول امر و مهبط مطهر قلب مقدس ولی عصر(عج) می‌باشد. امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «امر خداوند بر همه پیامبرانی که پس از آدم مبعوث شده‌اند در شب قدر، نازل می گشت و هر پیامبری، این مرتبت را، به وصی خویش می‌سپرد،(۲) ۲- اِنّا انزلناه فی لیلة مبارکة، انّا کنّا منذرین فیها یفرق کلّ امر حکیم امراً من عندنا، اِنّا کنّا مرسلین(۳) «ما قرآن را در شبی با برکت فرو فرستادیم تا هشدار دهنده باشیم(مردم را) در این شب، هر کاری، بر طبق حکمت، پایان یافته و تعیین می گردد این همه به فرمان ماست و ما فرشتگان را می‌فرستیم.» در این آیه نیز واژه «یفرق» به صورت مضارع و به معنای استمرار به کار رفته است یعنی این جدا ساختن و تحکیم کارها همواره در شب خاصی تحقق می‌پذیرد. امام جواد (ع) به شیعیان چنین توصیه کرده‌اند که بوسیله این آیه با آنها (مخالفان امامت) استدلال کنید. «ای شیعیان به آیه انا انزلناه فی لیلة مبارکه استدلال کنید: این سوره (دخان) پس از رسول خدا، خاصّ ولی امر در هر عصری است.»(۴) آیات دیگری نیز وجود دارد که دلالت بر زنده بودن امام زمان(عج) می کند «مائده / ۵۶، مجادله / ۲۲، صافات / ۱۷۳، انفال / ۷، قصص/ ۵، نور/ ۵۵، توبه / ۳۲ - ۳۳، فتح / ۲۸ ، صف / ۸ - ۹ و .... (۵)، ب: سنّت از نظر روایات و برای شیعیان قطعی و یقینی است که امام زمان زنده است و جای کوچک‌ترین شبهه‌ای نیست و از ضروریات مذهب شیعه می باشد. امّا نظر اهل سنت نیز در این خصوص قابل تأمل است: حافظ ابو نعیم در کتاب حلیةالاولیاء دوازده حدیث، به اسناد صحیحه معتبره از رسول خدا(ص) در نص بر امامت و خلافت حضرت مهدی(عج) روایت کرده که سید انبیاء (ص) به امت خود اخبار فرموده است. ابن اثیر در جامع الاصول ده حدیث در خصوص خروج مهدی، و اوصاف او ذکر کرده است و شافعی نیز گفته است که اخبار در خصوص مهدی(عج)، از رسول خدا(ص) به حدّ تواتر رسیده است. و ثعلبی اخبار در خصوص مهدی(ع) را به پنج سند و روایت نقل کرده است. ابو نعیم در کتاب «اربعین» و «عوالی» و «فوائد» قریب به چهل روایت، درباب خروج مهدی(عج) و اوصاف آن بزرگوار روایت کرده است.(۶) نتیجه اخبار و آیات همه نشان دهنده ریشه کن شدن ظلم و جور به وسیله حضرت مهدی(عج) است که با قدرت الهی پس از تولد زنده نگاه داشته می شود(۷) تا بشریت طعم شیرین عدالت و انسانیت را بچشد گرچه از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد. پی نوشتها: ۱- در بعضی از روایات تصریح شده که شب قدر هر سال هست و پس از در گذشت پیامبر(ص) نیز این شب، صاحبانی دارد، حدیث(۱) - اصول کافی، کتاب الحجه، باب فی شأن انا انزلناه فی‌الیلة القدر و تفسیرها ، حدیث (۲) - مجمع البیان، ج ۱۰ / ۵۱۸. حدیث (۳) - کشف الاسرار، ج ۱۰/ ۵۵۹، به نقل از خورشید مغرب محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی زمستان ۶۰، ص ۱۵۹-۱۶۰. ۲- اصول کافی، پیشین، ج ۲. ۳- دخان/ ۳ - ۵ . ۴- اصول کافی همان حدیث ۶. ۵- ر.ک: امامت و مهدویت، ج ۲ - ۱، ج ۲، لصف ا... صافی گلپایگانی انتشارات جامعه مدرسین، ص ۱۵۶ - ۱۶۰ ۶ـ به نقل از کتاب: کفایة الموحدین، طبرسی نوری، سید اسماعیل، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران ، بی‌تا، (ج ۳، ص ۲۸۱ - ۲۹۷) ۷- در بحث زنده بودن حضرت و غیبت طولانی وی رجوع کنید به همان، ص ۲۸۷ - ۲۸۸.

اینجانب دانشــجوی دکترای رشــته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:

اشاره

چه دلیلی برای اثبات وجود حضرت و همچنین صفات حضرت حجت وجود دارد؟ چگو

پرسش

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم: چه دلیلی برای اثبات وجود حضرت و همچنین صفات حضرت حجت وجود دارد؟ چگونه میتوان صفات مذکور در دعای جامعه کبیره را در مورد حضرت عج الله تعال فرجه اثبات نمود؟

پاسخ

اعتقاد به امام مهدی موعود(عج) از آرای مسلم نزد مسلمانان است. همه مسلمین بر آنند که مهدی(عج) که همنام پیامبر اکرم(ص) است در آخرالزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند. دلیل عقلی بر لزوم وجود حضرت مهدی(عج) و ظهور ایشان: از زمان رحلت پیامبر اسلام(ص) که خاتم الانبیاء است تا قیامت، آخرین دین، دین اسلام است. و تا زمانی که دنیا بر پا است، تکلیف وجود دارد و مکلفان باید طبق حجت‌هایی که خدای متعال بر آنان قرار داده است، دستورات او را اطاعت کنند؛ از طرفی این مکلفان باید احکام خود را از امام و پیشوایی بگیرند که معصوم(ع) باشد و زمین هیچوقت خالی از این حجت معصوم نمی‌باشد. پس آفرینش انسان مکلف بدون وجود انسان کامل معنا ندارد. چه این که امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نیست. حجت خدا یا ظاهر است و آشکارا و یا خائف است و پنهان؛ تا حجت‌ها و برهان‌های خدا باطل نگردد.»(۱) از این رو همواره باید انسان کامل در زمین وجود داشته باشد و از آن جا که شرایط جهان به جایی رسید که حاکمان و مردمان، حضور امام معصوم در جامعه را برنتافتند، تنها راه وجود انسان کامل در زمین و کشته نشدن وی، غیبت او بود. و با آماده شدن شرایط و انسانهای منتظر، امام غایب ظهور خواهد نمود تا مردم را به کمال برساند. استدلال بر ظهور امام زمان از قرآن کریم: در پاره‌ای از آیه‌های قرآن بشارت‌هایی درباره آینده تاریخ و سرنوشت زمین داده شده است که در تفسیر، امامان معصوم(ع) آن زمان را زمان ظهور امام مهدی(عج) می‌دانند. در برخی آیه‌ها وعده تشکیل حکومت جهانی،(۲) بسط دین اسلام و غلبه آن بر دیگر ادیان(۳)، زمامداری صالحان و شایستگان(۴) داده شده است. اما در روایت‌های زیادی نیز بشارت به ظهور امام مهدی(عج) داده شده است که به حدّ تواتر می‌رسد. به طور کلی معتبرترین روایت‌ها از عصر رسول خدا(ص) تا امام حسن عسکری(ع) درباره ظهور امام زمان(عج)، شرایط وعلایم آن و هنگامه تشکیل حکومت جهانی آن امام روایت شده است که حتی در برخی کتاب‌های نوشته شده در قرن اول و دوم هجری ضبط شده و موجود است. مثلاً کتاب مشیخه حسن بن محبوب(۵) یا کتاب سلیم بن قیس هلالی(۶). این روایت‌ها قرن به قرن در کتاب‌های دانشمندان بزرگ نقل شده تا به قرن حاضر رسیده است. مانند قرن ۳ هجری: کتاب المهدی تألیف عیسی بن مهران مستعطف؛ قرن ۴: ذکر القائم(ع) اثر ابن اخی طاهر(۷)؛ قرن ۵: کتاب الغیبهٔ شیخ مفید(۸) و... پی‌نوشت‌ها: ۱. اصول کافی، ج ۱، باب أن الأرض لاتخلو من حجهٔ. ۲. «وقاتلوهم حتی لاتکون فتنهٔ ویکون الدین کلّه للّه؛ با کافران جهاد کنید تا

هیـچ فتنه‌ای در زمین بـاقی نمانـد و آیین همه دین خـدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹) ۳. «هوالـذی أرسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الـدین کلّه؛ اوست خـدایی که فرسـتاده‌اش را با دین حق به هدایت آفریدگان فرسـتاد تا بر همه ادیان عالم برتری و غلبه دهـد.» (سوره توبه، آیه ۳۳) ۴. «ولقـد کتبنـا فی الزبور من بعـد الـذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون؛ همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که البته بنـدگان نیکوکار من زمین را به ارث می‌برنـد.» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵) و نیز «وعـدالله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیسـتخلفنّهم فی الارض؛ خـدا وعده داده به کسانی که از شـما نیکوکار شود در زمین خلافت دهد.» (سوره نور، آیه ۵۵) ۵. وفات: ۲۲۴ هـ . ق. ۶. وفات: ۷۰ یا ۹۰ هـ . ق. ۷. وفات: ۳۵۸ هـ . ق. ۸. وفات: ۴۱۳ هـ . ق.

آیا ممکن است با سرّی بودن ولادت حضرت، ادعای تواتر واجماع در موضوع ولادت نمود؟

پرسش

آیا ممکن است با سرّی بودن ولادت حضرت، ادعای تواتر واجماع در موضوع ولادت نمود؟

پاسخ

تواتر عبـارت است از خبر دادن عـدّه زیـادی تـا به آن حـد که توافق آنها بر دروغ ممتنع باشـد. وولادت سـرّی حضـرت مهـدی (ع) نمی‌تواند مانع از حصول خبر متواتر بر آن شود، زیرا هم اخبار زیادی از امام عسکری (ع) ودیگران بر ولادت حضرت وجود داشت، وهمچنین عـده فراوانی که توانسـتند حضـرت را ملاقـات نماینـد. اختلاف برخی از شـیعیان نیز هرگز نمی‌توانـد به این تواتر ضـرری برسانـد؛ زیرا اصـل این اختلاـف به جهت سـرّی بودن ولادـت امری طبیعی است، خصوصـاً آنکه تمـام کسـانی که در مسأله ولادت حضـرت مخـالف بودنـد -به تعبیر شـیخ مفیـد؛- بـا ارشادات علما واصـحاب ونیز با بررسـی دقیق موضوع ودیـدن معجزات از طرف حضرت، ولادت او را پذیرفتند. {پاورقی . الفصول المختاره. پاورقی}

از آیات سوره" قدر "چگونه وجود امام زمان‌علیه‌السلام استفاده می‌شود؟

پرسش

ازآیات سوره" قدر "چگونه وجود امام زمان‌علیه‌السلام استفاده می‌شود؟

پاسخ

از سوره قدر به خوبی اسـتفاده می‌شود که ملائکه، شب قدر در هر سال به جهت هر کاری بر زمین فرود می‌آیند. {إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةِ القَـدْرِ × وَما أَدْریکَ ما لَیْلَـةُ القَـدْرِ × لَیْلَـةُ القَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَـهْرٍ × تَنَزَّلُ المَلآئِکَةُ وَالرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ × سَـلامٌ هِیَ حَتّی مَطْلَعِ الفَجْرِ}؛ {پاورقی . سوره قـدر، آیه ۵-۱. پاورقی"} ما آن [قرآن] را در شب قـدر نازل کردیم. وتو چه می‌دانی شب قدر چیست؟! شب قـدر بهتر از هزار ماه است. فرشـتگان وروح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقـدیر] هر کاری نازل می‌شونـد. شـبی است سـرشار از سـلامت [و برکت ورحمت] تـا طلوع سپیـده ".در سوره دخـان نیز به این موضوع اشـاره شـده است. آنجـا که می‌فرمایـد: {حم × وَالکِتابِ المُبِینِ × إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَـةٍ مُبارَکَةٍ إِنّا کُنّا مُنْذِرِینَ × فِیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ}؛ {پاورقی . سوره دخان، آیه ۴-۱. پاورقی"} حم. سوگنـد به این کتاب روشـنگر. که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم. ما همواره انذار کننده بوده‌ایم.

www.noorfatemah.org

در آن شب هر امری بر اساس حکمت [الهی] تدبیر وجدا می گردد ".ماه رمضان تا روز قیامت تکرار می‌شود، ودر نتیجه لیلةالقدر نیز تا روز قیامت استمرار دارد. پس نزول ملائکه وروح نیز در هر شب قدر تکرار می‌شود. سؤال این است: ملائکه وروح که در هر سال، شب قدر بر زمین فرود می‌آیند، بعد از رسول خدا (ص) بر چه کسی وارد می‌شوند؟ با تأمل ودقّت پی می‌بریم که در هر زمان باید امامی کامل ومعصوم وجود داشته باشد تا محلّ نزول ملائکه وروح گردد. امام باقر (ع) فرمود": یا معشر الشیعة! خاصموا بسورة {إِنّا أَنْزَلْناهُ} تفلجوا، فواللَّه أنّها لحجّة اللَّه تبارک وتعالی علی الخلق بعد رسول اللَّه (ص) وأنّها لسیّدة دینکم وأنّها لغایة علمنا. یا معشر الشیعة! خاصموا ب {'حم × وَالکِتابِ المُبِینِ...} فإنّها لولاة الأمر خاصّة بعد رسول اللَّه؛ {"...پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۴۹. پاورقی"} ای جماعت شیعه! با خصم خود به سوره" انا انزلناه "محاجّه کنید که پیروز خواهید شد، پس سوگند به خدا که این سوره از برای حجت خداوند تبارک وتعالی بعد از رسول است. این سوره همانا مدرک دین شما ونهایت علم ما است. ای جماعت شیعه! با آیه" حم. والکتاب المبین "...بحث کنید؛ زیرا اینآیات اختصاص به والیان امر بعد رسول خدا دارد. "...ونیز فرمود": وأیم اللَّه! إنّ من صدّق بلیلة القدر، لیعلم أنّها لنا خاصّة؛ {"...پاورقی . همان، ص ۲۵۲Ù۲۵۳، ح ۹. پاورقی"} به خدا سوگند، همانا هر کس تصدیق کند لیلة القدر را، علم پیدا می کند که از برای ما است. "...امام امیرالمؤمنین (ع) به ابن‌عباس فرمود": إنّ لیلة القدر فی کلّ سنة، وأنّه ینزل فی تلک اللیلة أمر السنة وأنّ لذلک الأمر ولاة بعد رسول اللَّه (ص) فقلت: من هم؟ فقال: أنا وأحدعشر من ،صلبی أئمّة محدّثون؛ {"...پاورقی . همان، ج ۱، ص ۲۴۷Ù۲۴۸، ص ۲. پاورقی"} همانا در هر سال لیلة القدر است، در آن شب امر یک سال نازل می‌شود. برای آن والیانی است بعد از رسول خدا (ص). ابن‌عباس می گوید عرض کردم: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: من ویازده نفر از صلب من که همگی امام ومحدثند ".رسول خدا (ص) به اصحاب خود فرمود": آمنوا بلیلة القدر، إنّها تکون لعلیّ بن أبی‌طالب ولولده الأحدعشر من بعده؛ {"پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰Ù۲۸۱، ح ۳. پاورقی"} به لیلة القدر ایمان آوردید؛ زیرا برای علی بن ابی‌طالب ویازده فرزند بعد از اوست".

از آیه" امام "چگونه وجود امام زمان‌علیه‌السلام استفاده می‌شود؟

پرسش

از آیه" امام "چگونه وجود امام زمان‌علیه‌السلام استفاده می‌شود؟

پاسخ

خداوند متعال در سوره اسراء می‌فرماید: {یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ فَأُولئِکَ یَقْرَؤُونَ کِتابَهُمْ وَلایُظْلَمُونَ فَتِیلاً"}؛ روزی که هر گروهی را به توسط امامشان می‌خوانیم. کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود آن را با [شادی وسرور] می‌خوانند وبه قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود {".پاورقی . سوره اسراء، آیه ۷۱. پاورقی} مفاد آیه این است که از هر کس در روز قیامت، از امام به حق سؤال می‌شود، اگر معترف ومعتقد به آن بوده رستگار خواهد شد، ونامه عملش را به دست راست او می‌دهند. لذا باید در هر زمانی امامی واجب‌الاطاعة وجود داشته باشد، امامی که بدون معرفت ومتابعت از او فلاح ورستگاری هرگز در قیامت برای انسان نخواهد بود. ولذا در روایات می‌خوانیم که پیامبر (ص) فرمود": من مات لایعرف إمامه مات میتة جاهلیّة"؛ "هر کس بمیرد در حالی که امامش را نشناخته، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است {".پاورقی . کافی، ج ۲، ص ۱۹. پاورقی} از آنجا که وظیفه هر شخصی متابعت از حق وحقیقت است، پس باید در هر زمانی امام به حق وحقیقت موجود باشد تا مردم با اراده واختیار، او را به عنوان رهبر خود برگزینند وبا پیروی از او از جمله اصحاب یمین گردند. از آنجا که" لوح

محفوظ "یکی است واختصاص به طایفه‌ای دون طایفه‌ای دیگر ندارد لذا نمی‌توان لفظ" امامهم "در آیه را حمل بر" لوح محفوظ" نمود. ونیز ممکن نیست که مقصود به کلمه" امام "در آیه، کتاب هر قوم باشد، زیرا آیه شامل همه انسان‌ها از اول خلقت تا آخر خلقت است، در حالی که اولین کتاب مشتمل بر شریعت، کتاب نوح است، وقبل از او کتابی این چنین بر مردم نازل نشده است. سیوطی به سندش از رسول خدا (ص) در ذیل آیه فوق نقل کرده که فرمود": یدعی کلّ قوم بإمام زمانهم وکتاب ربّهم وسنّة نبیّهم"؛ "هر قومی به امام زمانش وکتاب پروردگارش وسنت پیامبرش محشور خواهد شد {".پاورقی . درالمنثور، ج ۴، ص ۱۹۴. پاورقی} ونیز از ابن عباس نقل کرده که مقصود به امام در آیه شریفه فوق امام هدایت وامام ضلالت است. {پاورقی . همان. پاورقی} کلینی از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود": لمّا نزلت هذه الآیة: {یَوْمَ نَدْعُو کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ} قال المسلمون: یا رسول اللّه! ألست إمام الناس کلّهم أجمعین؟ قال: فقال رسول اللّه (ص): أنا رسول اللّه إلی الناس أجمعین ولکن سیکون من بعدی أئمّة علی الناس من اللّه من أهل بیتی، یقومون فی الناس فیکذّبون"؛ "زمانی که آیه (یوم ندعو کلّ اُناسٍ بإمامهم) نازل شد، مسلمانان عرض کردند: ای رسول خدا! آیا شما امام همه مردم نیستی؟ حضرت فرمود": من فرستاده خدا به سوی همه مردمم، ولی زود است که بعد از من امامانی از اهل بیتم بیایند، آنان در بین مردم قیام خواهند نمود ولی تکذیب می‌شوند {"...پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۱۵. پاورقی} بشر بن غالب از امام صادق (ع) درباره آیه {یَوْمَ نَدْعُو...} سؤال کرد؟ حضرت فرمود": إمام دعا إلی هدیً فأجابوه، وإمام دعا إلی ضلالة فأجابوا إلیها، هؤلآء فی الجنة وهؤلآء فی النار، وهو قوله عزّوجلّ: {فَرِیقٌ فِی الجَنَّةِ وَفَرِیقٌ فِی السَّعِیرِ"؛ "}امامی است که مردم را به هدایت دعوت کرده، ومردم نیز او را اجابت نموده‌اند. وامامی است که مردم را به ضلالت دعوت کرده واو را اجابت نموده‌اند. آنان در بهشت واینان در دوزخند. واین است قول خداوند عزّوجلّ: (فریقٌ فی الجنّة وفریقٌ فی السّعیر {").پاورقی . بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۳؛ تفسیر کنزالدقائق، ج ۵، ص ۵۶۹. پاورقی}

آیه" انذار "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" انذار "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال خطاب به پیامبرش کرده، می‌فرماید: {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ"}؛ همانا تو بیم دهنده‌ای وبرای هر قومی هدایت‌گری است {".پاورقی . سوره رعد، آیه ۷. پاورقی} از آیه فوق به طور وضوح استفاده می‌شود که برای هر قومی در هر عصر وزمان هدایت کننده‌ای است به حقّ وحقیقت. واین مقتضای ربوبیت خداوند است. ونیز استفاده می‌شود که زمین هیچ گاه از هادی به حقّ خالی نمی‌گردد، خواه نبی باشد یا غیر نبی، زیرا اطلاق آیه حصر مصداق هادی در انبیا را نفی می‌کند، همان گونه که زمخشری در ذیل آیه شریفه فوق به آن اشاره کرده است، در غیر این صورت لازم می‌آید در عصرهایی که از نبی خالی است حجّت وهادی بشر وجود نداشته باشد. طبری در تفسیر خود در ذیل آیه فوق از ابن عباس به سند صحیح نقل کرده": لمّا نزلت {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ} وضع۹ یده علی صدره، فقال: أنا المنذر ولکل قوم هاد، وأومأ بیده إلی منکب علیّ، فقال: أنت الهادی یا علیّ، بک یهتدی المهتدون بعدی"؛ "هنگامی که آیه {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ} نازل شد، پیامبر (ص) دست خود را بر سینه گذاشت وفرمود: من منذرم وبرای هر قومی هادی است. آن گاه اشاره به شانه علی (ع) نمود وفرمود: تنها به واسطه تو است که هدایت شوندگان، بعد از من هدایت می‌گردند {".پاورقی . جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۴۲. پاورقی} حاکم نیشابوری به

سند صحیح از امام علی (ع) در ذیل آیه فوق نقل کرده که فرمود": رسول اللّه المنذر و أنا الهادی"؛ "رسول خدا منذر ومن هادی‌ام {".پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۹. پاورقی} کلینی به سند صحیح از امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق نقل کرده که فرمود": رسول اللّه (ص) المنذر ولکلّ زمان هادٍ یهدیهم إلی ما جآء به نبیّ اللّه"؛ "...رسول خدا (ص) منذر وبرای هر زمانی امام وهادی‌ای است که مردم را به آنچه پیامبر خدا (ص) آورده دعوت می‌کند .{"...پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۹۱. پاورقی} ونیز از امام باقر (ع) نقل کرده که در ذیل آیه فوق فرمود": رسول اللّه (ص) المنذر وعلیّ الهادی، أما واللّه ما ذهبت منّا وما زالت فینا إلی الساعة"؛ "رسول خدا (ص) منذر وعلی هادی است. آگاه باش! به خدا سوگند که آیه از ما بیرون نخواهد رفت ودائماً در بین ما است تا روز قیامت {".پاورقی . همان، ص ۱۹۲. پاورقی}

آیات" شهادت "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیات" شهادت "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

درآیات بسیاری اشاره شده که خداوند در میان هر امّتی کسی را به عنوان" شاهد "قرار داده تا در روز قیامت بر آنها احتجاج کند. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: الف) {فَکَیْفَ إذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَجِئْنا بِکَ عَلی هؤُلآءِ شَهِیداً"}؛ چگونه {پاورقی . سوره نساء، آیه ۴۱. پاورقی} است حال" در روز محشر "آن گاه که از هر طایفه‌ای گواهی آوریم وتو را" ای پیامبر "بر آنان گواه خواهیم ".ب) {وَیَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً ثُمَّ لایُؤْذَنُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَلا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ}؛{پاورقی . سوره نحل، آیه ۸۴. پاورقی} "وآن روز را که ما از هر امّتی شاهدی برانگیزیم، آن گاه به کافران اجازه سخن داده نشود وتوبه آنان نیز پذیرفته نگردد ".ج) {وَیَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنا بِکَ شَهِیداً عَلی هؤُلآءِ"}؛ روزی که ما در هر امّتی از میان خودشان گواهی بر آنان برانگیزیم وتو را" ای{پاورقی . نحل، آیه ۸۹. پاورقی} محمّد "بر این امت گواه آوریم ".از این آیات به خوبی استفاده می‌شود که در هر زمان وبرای هر امّتی خداوند افرادی معصوم از خطا واشتباه قرار داده است تا در روز قیامت به اعمال آنان گواهی دهند. کسی که قرار است شاهد بر اعمال امّت باشد نباید در شهادتش اشتباه کند، ونیز باید احاطه علمی بر همه اعمال امت داشته باشد. اینان کسانی‌اند که در امر هدایت بشر حجت خدا در روی زمینند. فخر رازی در ذیل آیه {وَنَزَعْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً"}؛ و[در آن روز] از هر امتی{پاورقی . سوره قصص، آیه ۷۵. پاورقی} گواهی برمی‌گزینیم ".می‌گوید": آنان شاهدانی هستند که در هر زمان بر مردم شهادت می‌دهند که از جمله آنها انبیا هستند. {"پاورقی . تفسیر فخررازی، ج ۲۵، ص ۱۲Ù۱۳. پاورقی} ونیز در ذیل آیه {یَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً"}؛روزی را که از هر امّتی گواهی بر{پاورقی . سوره نحل، آیه ۸۴. پاورقی} آنان برمی‌انگیزیم". می‌گوید": هر جمعی که در دنیا به وجود می‌آید لازم است که کسی به عنوان شاهد در میان آنها وجود داشته باشد. "شاهد در زمان رسول خدا (ص) خود حضرت بود به دلیل آیه: {وَکَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدآءَ عَلَی النّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً}، ونیز لازم است که در هر زمان بعد از رسول، شاهدی{پاورقی . سوره بقره، آیه ۱۴۳"، همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر هم بر شما گواه است. "پاورقی} در میان امت باشد. از اینجا به خوبی روشن می‌شود که هر عصری خالی از شاهد بر امت نیست، وآن شهید باید از خطا مصون باشد، وگرنه احتیاج به شاهد دیگری است ودر نتیجه به بی‌نهایت منتهی خواهد شد که این باطل است."

{پاورقی . همان، ج ۲۰، ص ۹۸. پاورقی}

آیه" نذیر "چگونه دلالت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دارد؟

پرسش

آیه" نذیر "چگونه دلالت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می‌فرماید: {وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلّا خَلا فِیها نَذِیرٌ"}؛ وهر امّتی در گذشته {پاورقی . سوره فاطر، آیه ۲۴. پاورقی} انذار کننده‌ای داشته است ".از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که در هر زمانی باید در میان مردم حجت خدا وهادی علی الاطلاق موجود باشد. امام باقر (ع) فرمود": ای گروه شیعه! خداوند تبارک وتعالی می‌فرماید: {وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلّا خَلا فِیها نَذِیرٌ}. عرض شد: ای اباجعفر! مگر نذیر بر این امت، محمّد نیست؟ حضرت فرمود... ": صدقت فهل کان نذیر وهو حیّ من البعثة فی أقطار الأرض؛"... "آری {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۴۹. پاورقی} راست می گویی،آیا محمّد در زمان حیاتش انذار کننده از زمان بعثت برای همه مناطق نبود. "؟...در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیه فوق می‌خوانیم...": لکلّ زمان إمام؛{"...پاورقی . تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۲۰۹. پاورقی..."} وبرای هر زمانی امامی است".

آیه" هدایت "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" هدایت "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می‌فرماید: {وَمِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالحَقِّ وَبِهِ یَعْدِلُونَ"}؛ واز {پاورقی . سوره اعراف، آیه ۱۸۱. پاورقی} جمله کسانی که آفریدیم فرقه‌ای به حقّ هدایت می‌یابند وبه حق بر می گردند ".فخر رازی در ذیل آیه فوق در تفسیرش از جبائی نقل کرده که": این آیه دلالت دارد بر اینکه هیچ زمانی خالی از کسی که قیام وعمل به حق کرده ومردم را به آن هدایت کند نیست." {پاورقی . تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۷۲. پاورقی} میرزا محمّد مشهدی در تفسیر" کنز الدقائق "می گوید": آیه دلالت دارد بر اینکه در هر قرنی یک نفر معصوم وجود دارد؛ زیرا مفاد آن این است که هادین وعادلین بعضی از خلقند نه تمام آنها، وهر کسی که معصوم نیست هادی وعادل کلّی نیست. {"پاورقی . تفسیر کنز الدقائق، ج ۳، ص ۶۵۷. پاورقی} عبداللّه بن سنان می گوید از امام صادق (ع) درباره آیه {وَمِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ...} سؤال کردم؟ حضرت فرمود": هم الأئمة"؛ "مقصود از آیه ائمّه است {".پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۴۱۴. پاورقی}

آیه" صادقین "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" صادقین "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می‌فرماید: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ}؛{پاورقی . سوره توبه، آیه ۱۱۹. پاورقی"} ای مؤمنین! تقوا پیشه کرده وهمراه با صادقین باشید ".مقصود از" صادقین "در آیه برخی از مؤمنین است نه جمیع آنان، حال این بعض چه خصوصیاتی باید داشته باشد. از خود آیه استفاده می‌شود که مقصود به صادقین کسانی هستند که صادق علی‌الاطلاق هستند، ولذا علی‌الاطلاق امر به اطاعت آنها شده است، تا افراد مطیع با اقتدا وهدایت از آنها به حقّ وحقیقت وسعادت نایل آیند. نتیجه اینکه: "صادقین "در آیه همان حاملان وحی وخلفای رسول وامینان شرع وحامیان دین وائمه هدایت وچراغ‌های هدایتند، کسانی که خداوند رجس وپلیدی را از آنان دور کرده واز هر عیب ونقصی پاکشان کرده است. واینان کسانی غیر از اهل بیت عصمت وطهارت پیامبر: نیستند، که اوّل آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) وآخر آنها مهدی (ع) است. فخر رازی از آیه فوق استفاده عصمت کرده ومی گوید": از این آیه استفاده می‌شود که در هر زمان باید صادقین معصوم موجود باشند. {"...پاورقی . تفسیر فخررازی، ج ۱۶، ص ۲۲۰. پاورقی} کلینی به سند خود از برید بن معاویه عجلی نقل کرده که از امام باقر (ع) درباره آیه {اِتَّقُوا اللَّهَ وَکُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ} سؤال کردم؟ حضرت فرمود ": آیانا عنی"؛ "ما را قصد{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۰۸. پاورقی} کرده است ".ونیز به سند خود از امام رضا (ع) در ذیل آیه فوق نقل کرده که فرمود": الصادقون هم الأئمّة"؛ "صادقین همان ائمه‌اند."... {پاورقی . همان. پاورقی} حاکم حسکانی حنفی به سند خود از عبداللّه بن عمر در تفسیر آیه فوق نقل کرده که مقصود از آن، محمّد واهل بیت اوست. {پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۵. پاورقی} سبط بن جوزی از قول علما در تفسیر آیه فوق نقل کرده که مقصود از آیه این است که با علی واهل بیتش باشید. {پاورقی . تذکرة الخواص، ص ۱۶. پاورقی}

آیه" اولی الامر "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه" اولی الامر "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می‌فرماید: {أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الأَمْرِ مِنْکُمْ"}؛ خدا{پاورقی . سوره نساء، آیه ۵۹. پاورقی} ورسول وصاحبان امری را که از میان خود شماست اطاعت کنید ".از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که در هر عصر وزمانی باید امام معصومی در قید حیات باشد تا او را اطاعت نماییم، اطاعتی که همانند اطاعت خداوند است. مقصود از" اولی الامر "در آیه فوق، همان صاحبان شأن وامر ونهی است، کسانی که امور مردم در اختیار آنان است وآنان غیر از معصومین کسانی دیگر نیستند، زیرا آیه دلالت بر وجوب اطاعت به طور مطلق وبدون هیچ قید وشرطی دارد، واین مستلزم عصمت آنان است، وگرنه منجرّ به تناقض می‌شود، به جهت آنکه اطاعت خدا ورسول بدون هیچ قید وشرطی واجب است، حال اگر اولی الامر معصوم نباشند ودر برخی از موارد اشتباه یا سهو ونسیان داشته باشند ودر عین حال اطاعت آنها به طور مطلق واجب باشد، مستلزم تناقض در وجوب اطاعت است. نتیجه اینکه مقصود از" اولی‌الامر "در آیه، معصومین است که در هر زمان باید فردی از آنها باشد تا اطاعت گردد، ودر این

زمان کسی جز امام زمان (ع) نیست. از جمله روایات متواتری که انطباق آیه فوق را بر اهل بیت: تأیید می‌کند، حدیث معروف "ثقلین "است؛ زیرا پیامبر (ص) در آن حدیث امر به اطاعت از کتاب وعترت واهل بیت معصوم خود کرده که همان" اولواالامر" در آیه فوق هستند، ودر آن نیز امر به اطاعت مطلق کرده است. ونیز آیه شریفه {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ}، واحادیث" دوازده خلیفه "نیز بر{پاورقی . سوره رعد، آیه ۷. پاورقی} این برداشت از آیه فوق دلالت دارد. به همین جهت است که برخی از علمای اهل سنّت نیز قائل به نزول آیه فوق در شأن اهل بیت: شده‌اند از قبیل: ۱ - ابن حیان اندلسی. {پاورقی . البحر المحیط، ج ۳، ص ۲۷۸. پاورقی} ۲ - نیشابوری. {پاورقی . حاشیه جامع البیان طبری، ج ۵، ص ۲۰۸. پاورقی} ۳ - محمد صالح کشفی ترمذی. {پاورقی . المناقب المرتضوی، ص ۵۶. پاورقی} ۴ - قندوزی حنفی. {پاورقی . ینابیع المودة، ص ۱۳۴. پاورقی} ۵ - حموینی شافعی. {پاورقی . فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۴. پاورقی} ۶ - حاکم حسکانی. {پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۳، ص ۱۲۰۰. پاورقی} حاکم حسکانی به سندش از مجاهد در تفسیر آیه فوق نقل کرده که این آیه در شأن امیرالمؤمنین (ع) نازل شد هنگامی که پیامبر (ص) او را جانشین خود در مدینه قرار داد. موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام در روایات شیعه

وجود امام مهدی‌علیه‌السلام را از روایات شیعه چگونه می‌توان به اثبات رسانید؟

پرسش

وجود امام مهدی‌علیه‌السلام را از روایات شیعه چگونه می‌توان به اثبات رسانید؟

پاسخ

وجود حضرت مهدی (ع) همانند ولادت آن حضرت را از راه‌های مختلف می‌توان به اثبات رسانید که یکی از آنها، راه تواتر است. این راه را با ذکر مقدماتی به اثبات می‌رسانیم: مقدّمه اوّل: در منطق ارسطویی خبر متواتر به خبر جماعت کثیر با کیفیتی تفسیر شده که محال است بر کذب ودروغ توافق کرده باشند. از این تعریف استفاده می‌شود که خبر متواتر دو رکن دارد: ۱ - اخبار جماعت بسیار. ۲ - جماعت به حدّی باشد که اجتماعشان بر کذب محال باشد. در مورد احادیثی که دلالت بر وجود امام مهدی (ع) دارد، رکن اوّل به حس ووجدان ثابت است، زیرا به گوش خود شنیده وبه چشم خود اخبار بسیاری که دلالت بر وجود حضرت مهدی (ع) دارد دیده‌ایم. در مورد رکن دوم نیز ادعای بداهت بر آن شده است، ولذا در منطق ارسطویی خبر متواتر، یکی از قضایای شش‌گانه بدیهی شمرده شده است. مرحوم شهید صدر؛ معتقد است که سبب پدید آمدن یقین در قضیه متواتر وتجربی، حساب احتمالات است، نه آنچه منطق ارسطویی می‌گوید، که قضیه متواتر از بدیهیات اولیه همانند" کل اعظم از جزء "است. در مورد یک خبر اولین شخصی که شناخته شده نیست از آن خبر می‌دهد درصدی از احتمال مطابقت با واقع در آن است وهمینطور نفر دوم وسوم و... تا به حدی خبرها می‌رسد که احتمال مطابقت با واقع به حدی قوی می‌شود که احتمال مخالفت با واقع، ضعیف یا معدوم می‌گردد ولذا انسان در مفاد آن خبر به یقین می‌رسد. مقدّمه دوم: در مورد خبر متواتر لازم نیست که هر یک از خبردهندگان ثقه وعادل باشند بلکه همین که کذب وتعمّد آنها بر دروغ ثابت نشود کافی است در حصول علم ویقین به خبر از راه تواتر. مقدّمه سوم: تواتر بر سه قسم است: ۱ - تواتر لفظی: که محور مشترک در تمام خبرها لفظ خاصی است. همانند حدیث": من فسّر القرآن برأیه فلیتبوّء مقعده من النار. "۲ - تواتر معنوی: که محور مشترک تمام خبرها قضیه‌ای معنوی ومحدود است، همانند حدیث کساء. ۳ - تواتر اجمالی: که محور مشترک در تمام خبرها ولازمه التزامی قضیه است، همانند خبر از شجاعت امیرالمؤمنین (ع)، که گر چه قضایا مختلف است ولی همگی در یک لازمه مشترک هستند وآن شجاعت امام امیرالمؤمنین (ع) است. در مورد موضوع وجود

وولادت امام مهدی (ع) نیز می‌توانیم از این طریق به یقین برسیم. ولذا جای این نیست که روایات این موضوع مورد بررسی سندی قرار گیرد، زیرا با مراجعه به ابواب مختلف مناسب با موضوع می‌توان یقین به ولادت ووجود امام مهدی (ع) از راه حساب تراکم احتمالات پیدا کرد، به جهت اینکه همگی در یک خبر اشتراک نظر دارند که همان ولادت ووجود امام مهدی (ع) است.

ابواب حدیثی که دلالت بر وجود امام مهدی‌علیه‌السلام دارد کدام است؟

پرسش

ابواب حدیثی که دلالت بر وجود امام مهدی‌علیه‌السلام دارد کدام است؟

پاسخ

در مصادر حدیثی شیعه ابوابی به چشم می‌خورد با روایات فراوان که هر کدام دلالت صریح یا ضمنی یا التزامی بر ولادت ووجود امام مهدی (ع) دارد وتعداد زیادی از آنها صحیح‌السند است. اینک تنها به این ابواب به صورت فهرست‌وار اشاره می‌کنیم: ۱ - حجت بر خلق تنها توسط امام قائم است. در ذیل این باب ده‌ها روایات وجود دارد که برخی از سندها صحیح است. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۱و۲و۴و... ؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۰ ؛ و... . پاورقی} ۲ - ائمه ارکان زمین هستند. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۲. پاورقی} ۳ - برای هر زمانی هدایت‌گری است. {پاورقی . همان، ص ۱۹۱Ù۱۹۲، ح ۱و۲و۳. پاورقی} ۴ - ائمه والیان امر خدایند. {پاورقی . همان، ص ۱۹۳، ح ۶. پاورقی} ۵ - امام مایه حیات مردم است. {پاورقی . همان، ص ۲۰۳، ح ۲. پاورقی} ۶ - احادیث غیبت: ده‌ها روایت در مصادر حدیثی وجود دارد که دلالت بر اصل غیبت دارد وتعداد بسیاری از آنها صحیح‌السند است. روایاتی که کلینی ودیگران در کتاب‌های حدیثی خود نقل کرده‌اند. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۴و۸و۱۰Ù۱۵Ù۱۸ ؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰ ؛ و... . پاورقی} ابن فارس می‌گوید": ماده (غیب) اصل صحیحی است که دلالت بر مستور بودن شئ از چشم‌ها دارد. {"پاورقی . معجم مقاییس اللغه، ماده غیب. پاورقی} فیومی می‌گوید": ماده غیبت به معنای دور شدن شئ است. {"...پاورقی . مصباح المنیر، ماده غیب. پاورقی} ۷ - احادیثی که دلالت بر وجود دو غیبت برای حضرت مهدی (ع) دارد (ده حدیث). ۸ - احادیثی که دلالت دارد بر اینکه غیبت او طولانی است (نود ویک حدیث). ۹ - روایاتی که دلالت بر علّت غیبت دارد (هفت حدیث). ۱۰ - روایاتی که دلالت بر فواید وجود او وانتفاع مردم در عصر غیبت از حضرت دارد (هفت حدیث). ۱۱ - روایاتی که دلالت بر طول عمر او دارد (سیصد وهیجده حدیث). ۱۲ - روایاتی که دلالت دارد بر اینکه او دائماً در سنّ جوانی است (هشت حدیث). ۱۳ - روایاتی که بر فضیلت ایمان به آن حضرت در عصر غیبت دلالت دارد. (بیست وسه حدیث). موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام در روایات فریقین

حدیث" ثقلین "چگونه دلالت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دارد؟

پرسش

حدیث" ثقلین "چگونه دلالت بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دارد؟

پاسخ

پیامبر اکرم (ص) مطابق حدیثی فرمود": إنّی تارک فیکم خلیفتین کتاب اللّه حبل ممدود ما بین السمآء والأرض أوما بین السمآء إلی الأرض، وعترتی أهل بیتی، وإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض"؛ "همانا من دو جانشین را در میان شما می گذارم: کتاب خدا، ریسمان کشیده{پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۱. پاورقی} شد مابین آسمان وزمین یا مابین آسمان تا زمین، وعترتم اهل بیتم، وهمانا این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند ".در این حدیث پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید": کتاب وعترت تا قیامت از یکدیگر جدا نمی‌شوند، "مطابق این گفتار اگر زمانی عدلِ کتاب که همان عترت است در روی زمین نباشد لازم می‌آید که این دو از یکدیگر جدا شده باشند، واین با ظاهر حدیث مخالف است. ابن حجر مکّی می گوید": در احادیثی که سفارش به اهل بیت شده به این نکته اشاره دارد که تا روز قیامت زمین خالی از اهل بیتی که اهلیّت هدایت دارند نخواهد بود، همان گونه که کتاب عزیز چنین است. ولذا اهل بیت اَمان برای اهل زمین معرفی شده‌اند. ونیز در روایات آمده است": در هر قوم ودسته‌ای عدولی از اهل بیت من است. {"پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۹۰. پاورقی} حافظ سمهودی می گوید: از این حدیث "ثقلین "استفاده می‌شود که هر زمان باید فردی از اهل بیت که سزاوار تمسک به اوست تا روز قیامت موجود باشد، تا امر به تمسکی که در روایت به آنها شده معنا پیدا کند، همان گونه که کتاب عزیز چنین است، ولذا اهل بیت اَمان اهل زمین معرفی شده‌اند که هر گاه از روی زمین بروند زمین نیز نابود خواهد شد. {"پاورقی . جواهر العقدین. پاورقی} همین معنا از علامه مناوی در شرح جامع الصغیر سیوطی رسیده است. نتیجه{پاورقی . فیض القدیر، ج ۳، ص ۱۵. پاورقی} اینکه از حدیث ثقلین که مورد اتفاق بین شیعه وسنی بوده واز احادیث متواتر است به خوبی استفاده می‌شود که در هر زمان، امام معصومی از عترت پیامبر (ص) واهل بیت معصوم او باید موجود باشد، امامی که اهلیّت برای اقتدا وتمسک را داشته باشد، کسی که خود به هدایت مطلق رسیده واز ضلالت به دور است ولذا می‌تواند دیگران را نیز به هدایت مطلق رسانده واز مطلق ضلالت وگمراهی دور کند. چنین شخصی در این زمان غیر از حضرت مهدی (ع) نیست.

چگونه احادیث وجوب معرفت‌امام بروجود امام‌زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

چگونه احادیث وجوب معرفت‌امام بروجود امام‌زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه وسنی، پیامبر اکرم (ص) فرمود": من مات ولم‌یعرف إمام زمانه مات میتهٔ جاهلیّهٔ"؛ "هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ{پاورقی . شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹. پاورقی} جاهلیت از دنیا رفته است ".با کمترین تأمّل در این روایت ونظایر آن به مصداق واقعی امام در روایت پی خواهیم برد. این کدامین امام است که اگر به او معرفت پیدا نکنی به مرگ جاهلیت از دنیا رفته‌ای؟ مگر نه این است که باید بین حکم وموضوع تناسب باشد؟ چه تناسبی بین عدم معرفت امام ومرگ جاهلیت است؟آیا اگر من طاغوتِ فاسق وفاجر زمان خود را نشناسم به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته‌ام؟ قطعاً چنین نیست، بلکه مراد همان امام معصوم در هر زمان است که از آن در روایت به" امام "تعبیر شده است که اگر او را نشناسم واطاعت او را ننمایم به مرگ جاهلیت از دنیا رفته‌ام.

حدیث" امان "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

حدیث" امان "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

مطابق روایات فریقین، اهل بیت پیامبر: به عنوان امان اهل زمین معرفی شده‌اند. ابن‌حجر از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود: "اهل بیت من امان برای اهل زمین هستند، پس هرگاه اهل بیتم هلاک شوند اهل زمین را آنچه خداوند وعده داده خواهد رسید." {پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۱۵۰. پاورقی} سمهودی بعد از نقل این حدیث می‌گوید": محتمل است که مراد از اهل بیتی که امان امت هستند همان علمای از آنها باشند که مردم را هدایت می‌نمایند، آن گونه که مردم به ستارگان هدایت می‌یابند. {"پاورقی . رشفة الصادی، ص ۷۸. پاورقی} این حدیث به خوبی دلالت بر این نکته دارد که باید در هر زمانی فردی از اهل بیت عصمت وطهارت که اهلیّت برای تمسک دارد موجود باشد واو غیر از معصوم نیست. ودر این زمان غیر از مهدی موعود کسی دیگر نیست، پس باید موجود باشد وگرنه زمین وآنچه در آن است نابود خواهد شد.

حدیث" سفینه "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

حدیث" سفینه "چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

مطابق روایات فریقین پیامبر اکرم (ص) از اهل بیت خود، به کشتی نوح تعبیر کرده است. ابن حجر مکی از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": مثل أهل بیتی کسفینة نوح، من رکبها نجی"؛ "همانا مثل اهل بیتم همانند کشتی نوح است، هر کس سوار بر آن شود نجات {پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۲۳۴. پاورقی} یافته است ".این حدیث به طرق مختلف وتعبیرات گوناگون از رسول خدا (ص) رسیده است. با تأمل در معنای آن به خوبی استفاده می‌شود که لازم است در هر زمانی تا روز قیامت امام معصومی از اهل بیت عصمت وطهارت وجود داشته باشد تا برای امت اسلامی امکان داشته باشد که با سوار شدن بر کشتی نجات او از غرق شدن در منجلاب فساد وتباهی نجات یافته وبه ساحل نجات وبهشت رضوان رهنمون شوند.

حدیث (عدم خلو زمان از امام قرشی) چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

حدیث (عدم خلو زمان از امام قرشی) چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

بخاری ومسلم ودیگران به سندهای خود از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند که فرمود": لایزال هذا الأمر فی قریش ما بقی من الناس

اثنان"؛ "این امر خلافت در قریش ثابت{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۸ ؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۲ ؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹. پاورقی} است مادامی که دو نفر از مردم باقی باشد ".در این حدیث خبر از واقعیتی خارجی می‌دهد که واجب است تحقق یابد ووظیفه مسلمین است که خلافت رسول خدا (ص) را در هر زمان به دست یک نفر شایسته از قریش قرار دهند. مقصود از "هذاالامر "چیست؟ همان امری است که در آیه" اولی الامر "به آن اشاره شده است: {أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ}.{پاورقی . سوره نساء، آیه ۵۹. پاورقی} مطابق بیان فخر رازی ودیگران، مقصود از" اولی‌الامر "در این آیه معصومین هستند. {پاورقی . تفسیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۱۴۴ ؛ تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۰۱-۳۸۷. پاورقی} پس باید در هر زمانی امام معصومی از قریش باشد مادامی که عمر دنیا به سر نیامده واز مردم روی زمین دو نفر باقی مانده است، واو در این زمان، غیر از حضرت مهدی (ع) نیست. به بیان دیگر: مقصود از" الامر "در روایت وآیه، امر زعامت وولایت ورهبری ظاهری وباطنی وهدایت مطلق مردم به حق وحقیقت است، شخصی که به تمام معنا دارای صفات وخصوصیات پیامبر است تا بتواند امر خلافت وجانشینی او را در تمام شؤونات به جز وحی ادامه دهد، چنین شخصی در هر زمان باید موجود باشد، ودر این زمان کسی جز حضرت مهدی (ع) نیست. ابن حجر عسقلانی می‌گوید": نماز خواندن عیسی (ع) پشت سر مردی از این امت در آخرالزمان ونزدیک به برپایی قیامت، دلالت صحیح بر این قول دارد که: زمین هیچ گاه از حجتی که قائم باللّه است خالی نخواهد بود. {"پاورقی . فتح الباری، ج ۶، ص ۳۸۵. پاورقی} موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام در احادیث" دوازده خلیفه"

احادیث دوازده خلیفه، چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پرسش

احادیث دوازده خلیفه، چگونه بر وجود امام زمان‌علیه‌السلام دلالت دارد؟

پاسخ

۱ - روایاتی که دلالت بر دوازده امام بعد از رسول خدا (ص) دارد از حدّ تواتر فراتر رفته است. ومی‌دانیم که حدیث متواتر فی حدّ نفسه مفید یقین است واحتیاجی به بررسی سندی ندارد. ۲ - اصحاب ورجال شیعه همگی این احادیث را مورد قبول قرار داده وبر عمل به آنها اتفاق کرده‌اند، واین خود دلیل بر صحّت این روایات واعتماد اصحاب بر صدور آنها از امام است. شهید صدر؛ می‌فرماید": این روایات با کثرت احتیاط از جانب امامان در نقل آنها به جهت حفظ امام، به درجه بالایی از کثرت وانتشار رسیده است. وکثرت عددی در این روایات تنها اساس برای قبول آنها نیست، بلکه اضافه بر آن مزایا وقرائنی در اینها وجود دارد که دلیل بر صحت احادیث خواهد بود... مشاهده می‌کنیم بخاری که معاصر امام جواد وهادی وعسکری: است این حدیث را نقل کرده است، واین نکته مهمی است. این خود دلیل بر آن است که این حدیث از پیامبر ثابت شده است قبل از آنکه مضمون آن تحقّق یافته وفکر دوازده امام به کمال برسد. {"پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص۶۵ù۶۶. پاورقی} ۳ - با ملاحظه مجموعه روایات، به تعداد بی‌شماری از احادیث صحیح‌السند برمی‌خوریم که اگر به حدّ تواتر نباشد لااقل در حد استفاضه است. خصوصاً آنکه{پاورقی . ر.ک: اصول کافی. پاورقی} کلینی در قبول روایات منهج روش خاصّی را دنبال می‌کرده است. او به روایاتی اخذ می‌کرده که قطع یا اطمینان به صدور آنها از معصومین داشته است. خبر صحیح نزد کلینی ودیگران از قدما، خبری بوده که قرائن داخلی وخارجی آن را تأیید می‌کرده است، واعتماد آنها بر وثاقت اشخاص نبوده است، بلکه وثاقت تنها راهی برای صحت صدور روایت نزد او بوده است. از جمله قرائن نزد او بر قبول خبر، وجود حدیث در بسیاری از اصول چهارصدگانه حدیثی بوده که در عصر

امامان تألیف شده است، ویا آنکه حدیث در کتاب معروفی بوده که مورد تأیید بزرگان از اصحاب قرار گرفته است. واز جمله قرائن خارجی، وجود حدیث در کتاب‌هایی بوده که بر امامان عرضه شده وآن حضرات مؤلفین آنها را تمجید نموده‌اند، همانند کتاب سلیم که مورد تمجید امام صادق (ع) قرار گرفته است. ونیز از جمله قرائن آن است که حدیث از کتاب‌هایی اخذ شده که نزد متقدمین مورد وثوق واعتماد بوده است، شیخ کلینی این گونه روایات را هم مورد توجه قرار داده وقبول کرده است، وتنها به روایاتی که راویانش ثقه‌اند توجه نداشته است بلکه این قسم از روایات بخشی از احادیث او را تشکیل داده است. ۴ - کاتب در تضعیف برخی روایات به تضعیفات ابن الغضائری استناد کرده، با آنکه اصل کتابش به اثبات نرسیده ونیز تضعیفاتش مورد قبول علما قرار نگرفته است. ونیز برخی را همچون علی بن ابراهیم وسهل بن زیاد تضعیف کرده که در جای خود توثیق شده‌اند.

امام مهدی‌علیه‌السلام برای اثبات وجود خود در عصر غیبت صغرا

اشاره

چه تدابیری اندیشید؟

پرسش

امام مهدی‌علیه‌السلام برای اثبات وجود خود در عصر غیبت صغرا چه تدابیری اندیشید؟

پاسخ

حضرت (ع) با قطع نظر از زمینه‌سازی‌هایی که امامان قبل برای تثبیت مسأله ولادت وامامت وغیبت او داشتند، خود نیز به شخصه در این مسأله دخالت کرده واز راه‌های مختلف درصدد اثبات ولادت وامامت خود برآمدند. اینک به برخی از این راه‌ها اشاره می‌کنیم: ۱ - حضرت کاری‌کردند که گروهی از بزرگان شیعه بتوانند به ملاقاتش شرفیاب شوند. ۲ - در مواقع ضروری اقدام به انجام کرامت ومعجزه می‌نمود. این معجزات بعضاً توسط سفرا ودر برخی موارد نیز توسّط خود حضرت انجام می‌گرفت. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵، ح ۴۴. پاورقی} ۳ - آن حضرت شخصاً درصدد پاسخ به سؤال‌های مختلف مردم بر می‌آمد تا اعتقاد ویقینشان نسبت به او بیشتر گردد. ۴ - خطّ خاصّ حضرت نیز از جمله قرائن ودلایلی بود که می‌توانست بر وجود امام عصر (ع) دلالت کند؛ زیرا این خطّ در زمان پدرش امام عسکری (ع) بین مردم مأنوس بوده است، ولذا از جمله راه‌هایی بود که با رسیدن توقیعات از ناحیّه مقدّسه، شیعیان به وجود امام زمان خود یقین واطمینان پیدا می‌نمودند.

دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه درباره حجت‌های مخفی و پنهان خداوند چیست و این دیدگاهها چگونه ما را به وجود امام مهدی(عج) رهنمون می‌کند؟

پرسش

دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه درباره حجت‌های مخفی و پنهان خداوند چیست و این دیدگاهها چگونه ما را به وجود امام مهدی(عج) رهنمون می‌کند؟

پاسخ

امام امیرمومنان علیه‌السلام در نهج البلاغه، برای خدا دو نوع حجت معرفی می‌کند: یک حاضر و آشکار، و دیگری غایب و ناپیدا، آنجا که می‌فرماید: «اَللّهمَّ بلی لا تَخْلُو اْلاَرْضُ مِنْ قائِم لِله بِحُجّهٍ اِمّا ظاهِراً مَشْهوراً اَو خائِفاً مَغْموراً لِئَلاّ تَبْطُلَ حجج اللهِ وَبَیِّناتُه » (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۷) [بلی، خدایا، روی زمین هیچگاه از حجتهای توخالی نمی‌ماند، حجتهائی که گاهی مرئی و آشکار، و گاهی از بیم مردم پنهان هستند، تا دلایل آئین الهی محو و نابود نشود]. جملهٔ «لِئَلاّ تَبْطُلَ حجج اللهِ وَبَیِّناتُه» بسیار قابل ملاحظه است و می‌رساند که رهبران الهی در پنهان و آشکار، وظیفهٔ سنگین رهبری را انجام می‌دهند. و در همه حال، در راهنمائی مردم می‌کوشند. مقصود امام از «حجت خائف و مغمور» کیست؟ آیا جز آن پیشوای معصوم است که بر اثر نبودن شرایط مساعد، در پس پردهٔ غیبت بسر می‌برد، تا روزی جهان برای نهضت او آماده گردد؟ پس از آگاهی از این دو نوع حجت که در کلام امیر مومنان به چشم می‌خورد، نظر خوانندگان را به گروهی از اولیاء الهی جلب می‌کنیم که آنان غایب و پنهان بودند، و با این حال جامعه را هدایت می‌کردند و یا اینکه بصورت استتار و با پوشش خاصی به سازندگی افراد اشتغال داشتند، و یا اینکه نبی و ولی بودند ولی منتظر آن بودند که فرمان حق برسد، سپس انجام وظیفه کنند. برخی از افراد این گروه، عبارتند از: الف ـ معلم موسی که در اخبار بنام «خِضْر» معرفی شده است.سلام الله علیهما. ب ـ پیامبر گرامی اسلام ـ صلی الله علیه و آله ـ که سه سال از طرق سازندگی فردی هدایت می‌کرد. ج ـ حضرت موسی (ع) در مدت غیبت چهل روزهٔ خود. د ـ حضرت یونس علیه‌السلام که مدتها در شکم ماهی پنهان از دیدگان بسر می‌برد. هـ حضرت مسیح علیه‌السلام که در دوران کودکی نبی بود، ولی پس از سی سال به امر هدایت قیام نمود. الف ـ ولی غایب که معلم حضرت موسی بود قرآن مجید، ما را به مقام والای ولایت، و شئون و نحوهٔ هدایتهای اولیاء رهبری نموده و به روشنی ثابت نموده که ممکن است یکی از مردان الهی، در عین اینکه از نظرها پنهان باشد، به امر و هدایت و ارشاد بپردازد. قرآن، رهبری را معرفی می‌کند که ناشناخته بود و آنها او را نمی‌شناختند. حتّی رسول آن زمان نیز، با او آشنائی نداشت. و اگر آشنائی پیدا کرد، تنها بر اثر معرفی الهی بود. این ولیّ و رهبر، همان است که خدای سبحان دربارهٔ او در قرآن چنین می‌فرماید: [موسی و همرا او، بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که مورد رحمت ما بوده و از پیش خود به او علومی داده بودیم]. کسی که دارای چنین علم وسیع و گسترده‌ای است، و بصریح قرآن، نبیّ زمان و وصیّ وی از علم او بهره‌مند می‌شوند، قطعاً از اولیاء خدا بوده، و نه تنها از نظر علم و دانش وسیع تر بوده است، بلکه آنچنان روح قوی و نیرومندی داشته است که وقتی موسی به او می‌گوید: «اجازه می‌دهی که من تو را همراهی کنم تا از علومی که بتو داده شده است به من بیاموزی؟». وی در پاسخ می گوید:«تو نمی‌توانی با من صبر کنی، چگونه می‌توانی کارهائی را که از اسرار آنها خبر نداری تحمل نمائی؟» کهف/ ۶۶ ـ ۶۸ بی شک، این فرد از اولیاء خدا و از شخصیتهای والای الهی بوده است. بررسی حالات این «ولیّ زمان» و این فرزانهٔ ناشن...Θ...در همان چند لحظهٔ کوتاه از زندگی حساس او که با حضرت موسی گذرانده است، ما را به نکاتی رهبری می‌کند. از جمله: ۱ـ این ولی زمان، به صورت ناشناس زندگی می‌کرد. کسی او را نمی شناخت. و اگر خدا او را معرفی نمی‌کرد، کسی با او آشنا نمی‌شد. بنابراین، شرط ولی، این نیست که حتماً مردم او را بشناسند. ۲ـ این ولی الهی، با اینکه از دیدگان غایب و پنهان بود، هرگز از حوادث و اوضاع زمان غفلت نداشت. و روی ولایت و اختیاراتی که از جانب خدا به او داده شده بود، در اموال و نفوس تصرف می‌کرد، و اوضاع را طبق مصالحی رهبری می‌نمود. او در رهبری حوادث، بقدری دقیق بود که راضی نشد کشتی بینوایان که مایه زندگی آنان بود به دست فرمانروای ستمگری بیفتد، و با معیوب ساختن آن، از تصرف کشتی جلوگیری کرد. اختیارات او به اندازه‌ای بود که روی مصالحی توانست انسانی را بکشد، و دیواری را برای صیانت مال یتیم بپا دارد. ۳ـ نکتهٔ جالب اینکه نه تنها خود او ناشناخته بود، بلکه تصرفات او نیز از دیدگاه مردم عادی پنهان بود. اگر مردم و صاحب کشتی از تصرف او آگاه بودند، هرگز اجازه نمی‌دادند

که او کشتی را سوراخ کند، زیرا از هدف مقدس او آگاهی نداشتند. اگر مردم شاهد قتل نفس او بودند، هرگز رهایش نمی‌کردند و ...از اینکه او همهٔ این کارهای شگفت‌آور را در دل اجتماع انجام داد واحدی متوجه کار او نشد، می‌توان فهمید که نه تنها خود او پنهان بود، بلکه تصرف او در اوضاع و حوادث نیز بر مردم پنهان بود. آنها تنها اثر فعل او را می‌دیدند نه کار او را. ۴ـ مهمتر از همه، هدایت و رهبری او بود. او با داشتن مقام ولایت، وظایف خود را انجام می‌داد. گاهی با تصرف در اموال و نفوس یا ضبط و حراست اموال یتیمان، اثر ولایت خود را ابراز می‌داشت. و گاهی از طریق فردسازی و تعلیم افراد، به وظیفهٔ خطیر عمل می‌نمود، و افرادی مانند موسی و همراه او را هدایت و رهبری می‌کرد. از زندگی عباس و تکان دهندهٔ این ولی الهی، بخوبی می‌فهمیم که «ولی زمان» گاهی عیان و پیدا؛ و زمانی مخفی و پنهان خواهد بود. و این امر بستگی به مصالح وقت و اوضاع زمان دارد. همچنانکه می‌فهمیم هدایت و رهبری ـ که وظیفه امام و ولی است ـ می‌تواند به دو صورت ـ آشکار و پنهان ـ انجام گیرد، و هرگز لازم نیست که امام شناخته شود تا هدایت کند، بلکه در حال اختفاء و پنهانی نیز به این وظیفهٔ خطیر قیام می‌نماید. روشنتر از همه اینکه: هدایت و رهبری ـ که از شئون اولیاء الهی است ـ گاهی به صورت «فرد سازی» و گاهی بصورت «جامعه سازی» انجام می‌گیرد. و در صورت فردسازی، هرگز لزومی ندارد همهٔ افراد، ولی الله را بشناسند و یا پیوسته عموم را رهبری کند. بلکه در شرایط خاصی که «جامعه سازی» مقدور نباشد، باید به «فرد سازی» بپردازد. وظیفهٔ امام علیه‌السلام در دوران غیبت، شبیه وظیفهٔ «ولی دوران موسی» است. امام در حال اختفاء، در امور زندگی دنیوی و دینی مردم تصرفاتی دارد، با افراد شایسته و لایق در حال تماس بوده و به فردسازی و تربیت شخصیتها اشتغال دارد. خدای تعالی می‌فرماید: «وَجَعَلْناهُمْ اَئِمَّه یَهْدُونَ بِاَمْرِنا» انبیاء/۷۳ [آنان را پیشوایان قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کنند]. این آیه نه تنها می‌رساند که هدایت آنان به فرمان خداست، بلکه می‌رساند که شیوهٔ هدایتشان نیز بفرمان الهی است. گاهی اراده و مشیت خدا بر آن تعلق می‌گیرد که آنان در حال اختفاء به هدایت اشتغال ورزند. و گاهی مصالح ایجاب می‌کند که از پس پردهٔ غیب برون آیند، و شیوهٔ هدایت جمعی را پیش گیرند. در هر حال، همهٔ هدایتها و همهٔ شیوه‌های هدایت آنان به فرمان خدا است. ب ـ دعوت پنهان پیامبر اسلام در روزگاری که پیامبر در زمینهٔ فردسازی انجام وظیفه می‌کرد، مضمون آیهٔ شریفهٔ «یَهْدُونَ بَاَمْرِنا» را در محدودهٔ فرد اجرا می‌نمود. این شیوهٔ هدایت، کار او بود، تا اینکه فرمان خدا فرا رسید و او را به هدایت جمع دعوت کرد. این تنها پیامبر اسلام(ص) نیست که ابتداء در حال سر و پنهانی، و بعداً بطور آشکار مردم را هدایت می‌کرد، بلکه این سنت کلی الهی است. گاهی فرمان خدای عزوجل بر این تعلق می‌گیرد که آنان آشکارا رهبری کنند و گاهی مشیت او ایجاب می‌کند که به صورت خفاء و پنهانی به فرد سازی اشتغال ورزند. هر دو نمونه در زندگی حضرت نوح پیامبر صلوات الله علیه موجود است. وی نحوهٔ تبلیغ خود را چنین بیان می‌کند: [دعوت خود را آشکار ساختم و در پنهان نیز آنان را فرا خواندم] حضرت نوح علیه‌السلام در فراز نخست، دعوتِ آشکار خود را یادآوری می‌شود، همچنانکه در فراز دوم از دعوت پنهان خود سخن می‌گوید. هر دو گونه تبلیغ بفرمان خدا و برای هدایت افراد بشر بوده است. با توجه به این حقایق، قرآن و احادیث مافوق تواتر، به وجود و حیات چنین رهبر گواهی می‌دهد. تنها سؤال این است که امام باید هادی و رهبر جامعه باشد، و این با غیبت چگونه سازگار است؟ پاسخ، این است که امام باید هادی و رهبر باشد، ولی چه لزومی دارد شیوه هدایت او عمومی و علنی و آشکار باشد؟. مگر نه این است که هدایت او به فرمان خدا و امر اوست: «یَهْدُونَ بِاَمْرِنا». اگر فرمان خدا این باشد که وی مدتی– یعنی تا وقتی که زمینه نهضت و قیام آماده گردد– به فرد سازی گراید تا زمینه برای سازندگی جامعه فراهم گردد، باز می‌توان گفت: این امام چگونه هادی و رهبر است؟. اگر او در خفا گروهی را با روشهای مختلف، و با تماسهای گوناگون به حقیقت و حق دعوت کند و روی دعوت کند و روز افراد اثر بگذارد، آیا به وظیفهٔ رهبری خود در حد امکان عمل نکرده است؟. چگونه درباره حضرت نوح و پیامبر اسلام، این شیوه کافی است، وی در مورد حضرت ولی عصر علیه‌السلام کفایت نمی‌کند؟! خلاصه، معنی «یَهْدُونَ بِاَمْرِنا» این نیست که پیوسته به طور علنی هدایت می‌کنند، بلکه مفاد آن، این است که هرطور خدای عزوجل امر فرموده،

وظیفه هدایت را انجام می‌دهند چه پنهان و چه آشکار، آری ولی زمان از انظار غایب و پنهان است و تبلیغات و هدایتها و تصرّفهای او نیز از دیده‌ها پنهان می‌باشد، ولی تبلیغات سری دارد و فیض و افاده او نیز سری و نهانی است. ج- حضرت موسی علیه‌السلام، چهل روز از دیدگان پنهان و غایب بود. اگر امام و پیشوا، پیوسته باید در دل اجتماع باشد و غیبت امام با مقام هدایت و سودبخشی او منافات دارد، درباره حضرت موسی چه باید گفت؟ آیا این پیامبر الهی که طبق تصریح قرآن، چهل روز تمام از بنی‌اسرائیل دوری گزید، (سوره بقره، آیه ۵۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۲) در این مدت رهبر بود یا نه؟ امام بود یا نه؟ اگر بگوئیم مقام نبوت و رهبری را بر عهده داشت، این سؤال پیش می‌آید که، فایده وجود چنین امامی چیست؟ و اگر بگوئیم در این زمان، مقام رهبری از او سلب شده بود، سخن بی اساسی گفته‌ایم، زیرا همگی می‌دانیم که وی با داشتن این سمت، برای اَخذ تورات، از دیده‌ها غایب شده بود. اگر امام باید روشنی بخش و الهام دهنده باشد، مدت کم و زیاد در نظر عقل یکسان است. و فقط آن مقدار از غیبت مستثنی است که ضرورت زندگی مانند خواب، آن را ایجاب می‌کند. ممکن است گفته شود غیبت حضرت موسی با حضرت قائم فرق دارد. اگر موسی غیبت برگزید بخاطر این بود که وصیّ او در میان مردم، حضور داشت، ولی جریان درباره حضرت قائم چنین نیست. پاسخ این گفتار روشن است، زیرا هدف از تشبیه، تنها این جهت است که «ولی» زمان بنابر علل و مصالحی از دیدگاه پنهان گردد و همان مصلحتی که مُجَوِّز غیبت حضرت موسی گردید، می‌تواند مجوّز حضرت قائم نیز باشد. اگر از این سخن چشم بپوشیم، داشتن وصی، مجوز غیبت پیامبر نمی‌گردد، زیرا او نیز امام و رهبر است. اگر او افاضه‌ای داشت، بخاطر این بود که امام بود و در واقع کار خود را انجام می‌داد، نه اینکه هم بار خود و هم بار موسی را بر دوش می‌کشید. از این گذشته ولی عصر نیز نایِبانی در میان امت دارد که می‌توانند رهبر امت را در دوران غیبت بر عهده بگیرند. د- «یونس» زندانی در شکم ماهی قرآن مجید در مواضع مختلف به سرگذشت یونس اشاره نموده است (سوره انبیاء آیه ۷۸. سوره صافات، آیه ۱۴۰به بعد) طبق تصریح قرآن، یونس مدتی در شکم ماهی محبوس و از دیدگان امت خود پنهان بود صافات/۱۴۴ این «ولیّ» الهی با داشتن مقام ولایت، خود دور بود. حال اگر پیشوای الهی باید پیوسته مفیض و نور بخش باشد، غیبت او را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ قرآن صریحاً می‌گوید: یونس پس از خروج از شکم ماهی، باز بسوی جمعیتی اعزام گردید صافات/۱۴۷ از اینکه بار دیگر خداوند او را برای هدایت مردم اعزام داشت، می‌توان حدس زد که وی در مدت حبس دارای مقام ولایت الهی بوده است. چیزی که هست، در این مدت روی مصالحی از تبلیغ و هدایت بازمانده بود. این حقیقت در صورتی بخوبی روشن می‌شود که بدانیم مقصود از جمعیت صدهزار نفری و یا بیشتر، همان قوم پیشین یونس است که بر اثر توبه، خود را از عذاب الهی نجات داده بودند. هـ - نمونهٔ دیگر این مطلب، حضرت مسیح است. میان نبوت و وقت تبلیغ حضرت مسیح، فاصله زمانی وجود داشت. قرآن مجید از پیامبری سخن می‌گوید که در دوران کودکی و شیرخوارگی به مقام نبوت مفتخر گردیده است، اما تبلیغ و هدایت او پس از سالیان درازی آغاز شده است. مگر نه این است که قرآن درباره حضرت مسیح چنین می‌گوید: «من بنده خدا هستم کتاب بمن داده و مرا از پیامبران قرار داده است» مریم/۳۰ حضرت مسیح، این سخن را در نخستین ایام زندگی خود گفت، ولی نفع عمومی و هدایت همگانی او در سی سالگی آغاز گردید. هر فرد بی‌غرضی لازم است شیوه‌های هدایت نوح، «ولی» زمانِ حضرت موسی و حضرت مسیح را در زندگی امام زمان پیاده کند.

گروهی اعتقاد دارند امام زمان(ظهور کرده و سپس کشته شده، با چند دلیل سعی در قانع کردن ما داشتند.

اشاره

دلایل آنها به شرح زیر می باشد : ۱. آنها می گفتند روایتی هست که می گوید هرگاه امام(ظهور کند بوسیله پیرزنی که او را زهر می دهد به شهادت می رسد. ۲. آنها عدم

پرسش

گروهی اعتقاد دارند امام زمان(ظهور کرده و سپس کشته شده، با چند دلیل سعی در قانع کردن ما داشتند. دلایل آنها به شرح زیر می باشد : ۱. آنها می گفتند روایتی هست که می گوید هرگاه امام(ظهور کند بوسیله پیرزنی که او را زهر می دهد به شهادت می رسد. ۲. آنها عدم وجود عدل جهانی پس از شهادت بدین علت می دانند که امام زمان(را بشارت دهنده ی دین جدیدی می دانند آنها با استناد به روایتی از پیامبر که فرمودند : اگر دین من کامل ترویج شود یک روز و اگر ناقص نیم روز عمر می کند، آنها هر روز را ۱۰۰۰ سال می دانند و معتقدند که ۱۰۰۰ سال بعد از هجرت شخصی (امام() آمده و نوین دین جدیدی را می دهد. آیا این اعتقاد آنان که امام زمان ظهور کرده و در ایجاد عدالت سعی کرده و این عدالت به طور تدریجی مثلاً چندصد سال دیگر با کمک پیامبر جدیدی به وجود می آید می‌تواند منطقی باشد؟ دلایل محکمی که می توان در مورد ظهور امام زمان و عدل سریع ایشان گفت با توجه به روایات چیست؟

پاسخ

آنچه که مسلّم است باتوجه به آیات قرآن مجید و روایات معتبر پیامبر گرامی، حضرت محمد(آخرین پیامبر می باشند و پس از ایشان پیامبری دیگر ظهور نخواهد کرد. از جمله این آیه شریفه" : ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین ("سوره مبارکهٔ احزاب / آیه ۴۰) و بعضی از آیات قرآن مجید، به ظهور حضرت مهدی (و برپایی حکومت ایشان اشاره دارد، از جمله" : و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهٔ و نجعلهم الوارثین ("ما می خواهیم بر مستضفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.)(سوره مبارکه قصص / آیه۵) در این آیه شریفه، کلمهٔ" نرید" اشاره به ارادهٔ استمرار الهی است، بنابراین در بسیاری از روایات، به حضرت مهدی (تطبیق شده است. و آیات شریفه ای چون آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء(، و آیهٔ شریفه ۵۵ سوره مبارکه نور، که خداوند وعده تحقق حکومت صالحان را داده است و در روایات است که مصداق کامل این وعده زمان ظهور حضرت ولی عصر(می باشد. اهل سنّت روایت کرده اند که" : رسول الله (فرمود : اگر یک روز از عمر جهان بیشتر نمانده باشد، خدای متعال آن روز را چنان طولانی خواهد کرد، تا مردی ازاهل بیت من و همنام من به حکومت برسد و زمین را پر از عدل و داد کند، چنانچه پر از ظلم و جور است(".صحیح ترمزی، ج۲،ص۴۶) از ابن عباس نقل کرده اند که" : رسول الله (فرمود : همانا علی(امام امّت بعد از من است و از فرزندان او قائم منتظری باشد و هنگامی که ظهور کند، زمین را پر از عدل و داد می سازد، چنانکه پُر از ظلم و ستم شده است(".ینابیع المودّه، ص۴۹۴) و جناب عبدالعظیم حسنی (، از حضرت امام محمد تقی(، از پدرانش، از علی(نقل کرده است" : قائم ما غیبتی دراز مدّت دارد، گویا شیعیان را می بینم که در زمان غیبت او، همانند حیوان گرسنه ای که دنبال چراگاه می گردد، در جستجوی اویند، ولی او را نمی یابند. آگاه باشید که هر کس از ایشان، که بر دینش ثابت بماند و در اثر طول غیبت امامش، دچار قساوت قلب نگردد، در روز قیامت، با من در درجهٔ من خواهد بود "...سپس فرمود" : هنگامی که قائم ما قیام کند، بیعتی از هیچکس گردن او نخواهد بود،(و هیچ حاکم ستمگری تسلّطی بر او نخواهد داشت.) و بدین منظور، مخفیانه متولد می شود و از چشم مردم غایب می گردد(".منتخب الاثر، ص۲۵۵) از حضرت سجّاد(روایت شده که فرمودند" : قائم ما دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است و تنها کسی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشند، بر امامت او ثابت می مانند. (منتخت الاثر، ص۲۵۱) و راز اصلی غیبت آن حضرت، فراهم نبودن شرایط ظهور و محفوظ ماندن از شر جبّاران و ستمگران است و در بعضی از روایات، حکمتهای دیگری، از جمله آزمایش مردم و اندازه پایداری و استوار ماندن آنها، بیان شده است. آنچه مسلّم است، عقل مردم در زمان ظهور حضرت مهدی (به کمال رسیده، رفتار آنان سنجیده

و براساس تدبیر صورت می پذیرد. بدین ترتیب، تنها حکومت جهانی، بر اساس اسلام و عدالت اسلامی و به رسالت حضرت مهدی(تأسیس شده، حکومتهای باطل همه نابود می شوند. البته بدین معنا نیست که هیچ انسان شریر و فاسد نیز یافت نشود، بلکه غلبه با مؤمنان و افراد نیکوکار است، و گرنه قاتل آن حضرت نیز از میان همان افراد پست و بی ایمان است. البته دشمن از صدر اسلام تاکنون، سعی در انحراف کشیدن جریان مهدویّت داشته، که تاکنون چندین مهدی جعلی ظهور کرده اند و آخرین آنها مهدی سودانی بوده، که با هوشیاری ولایت فقیه در سراسر جهان خنثی شده است و نتوانسته اند از این حرکات شوم نتیجه ای بگیرند. همچنین از جمله تلاشهای دشمنان، ساختن روایات جعلی در این مورد است، که نباید به آنها اعتنا کرد و تنها باید به روایاتی متکی بود که دارای سند و مدرک معتبری است و بزرگان شیعه و سنّی آن را تأیید می کنند. به امید این که از یاران حضرت مهدی"عجل الله تعالی فرجه الشریف "باشیم. آمین. منابع و مآخذ : آموزش عقاید، استاد مصباح یزدی با" ۳۰۰ پرسش و پاسخ ، "کاری از استاد سید احمد فاطمی، صفحات ۱۷۰ و ۱۷۱ ؛ و" آموزش عقاید، ج۲، از آقای غرویان ، ص۳۹۶

دلایل وجود حضرت مهدی (ع) چیست و آیا آیه ای درباره حضرت مهدی (ع) وجود دارد؟

پرسش

دلایل وجود حضرت مهدی (ع) چیست و آیا آیه ای درباره حضرت مهدی (ع) وجود دارد؟

پاسخ

آیات مربوط به حضرت مهدی(عج) در قران مجید فراوان است که از بین آنها به ذکر دو آیه اکتفا می‌شود. آیه اول: ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ان فی هذالبلاغا لقوم عابدین به تحقیق در زبور از پس تورات نوشتیم که مسلما زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد، به یقین در این سخن پیام رسایی است برای قومی که بندگان خدایند{M، (انبیا، آیه ۱۰۵). آیه شریفه از سرنوشت نهایی زمین خبر می‌دهد که بندگان صالح، آن را به ارث خواهند برد. قابل تأمل در آیه بالا این است که در تورات حضرت موسی و زبور حضرت داوود از این حکومت یاد شده است، در حالی که این دو پیامبر الهی خودشان از انبیایی بوده‌اند که حکومت داشتند؛ با این حال به آنها خبر از حکومت صالحان بر روی زمین داده شده است (آن هم با این همه تأکید). مطلب یاد شده، این حقیقت را روشن می کند که این وعده الهی، حکومتدیگری است و آن حکومت بر کل زمین می‌باشد. کلمه الارض هم اشاره به همین معنا دارد. گفتنی است که برای همین در کتاب این دو پیامبر، وعده تحقق حکومت جهانی داده شده است و چنین حکومتی تا این زمان نبوده و مخصوص به زمان ظهور امام زمان(عج) است. اختصاص ذکر این وعده جهانی در تورات و زبور (از میان کتاب‌های آسمانی دیگر)، ظاهرا به جهت تجربه حکومت مؤمنان بر بخشی از زمین در زمان حضرت موسی و داوود بودهاست. آیه دوم: وعداللّه الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و صالحات را انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعا در زمین به خلافت خواهد گمارد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودندبه خلافت گمارد و قطعا برایشان دینشان را مستقر خواهد نمود؛ دینی که آن را برایشان پذیرفت و قطعا آنان را از پس خوفشان به حالت امنیت، دگرگون می کند، به جهت آن که مرا عبادت کنند [و] چیزی را با من شریک نگردانند و هر که بعد از آن کفر ورزد پس قطعا آنان فاسقانند{M، (نور، آیه ۵۵). در این آیه شریفه، خداوند وعده استقرار حکومت الهی بر روی زمین را به مسلمانان می‌دهد؛ حکومتی که در سایه آن هیچ گونه ترسی

نیست و در آن عبادت خداوند بدون شرک انجام می‌شود؛ یعنی، حکومتی صد در صد اسلامی که در آن از شرک و نفاق اثری نیست. کاملاً روشن است که حکومتی با این خصوصیات، تا به حال نبوده و تنها حضرت حجت است که حکومت جهانی خواهد داشت و دنیا را پر از عدل و داد نموده و ریشه کفر و نفاق راخواهد کند. تشبیه این حکومت به حکومت پیامبران گذشته، در نوع حکومت (یعنی الهی بودن آن) است؛ نه در خصوصیات آن از جهت جهانی بودن و برچیده شدن کفر و شرک از سراسر جهان. اما دلایل وجود حضرت مهدی غیر از دلیل عقل که حکم می کند به این که در هر زمان باید حجتی زنده از طرف خداوند بر مردم باشد، روایات متواتر و فراوانی هست که از شیعه و سنی نقل شده است. حتی چند نفر از علمای اهل سنت کتاب‌هایی در مورد حضرت مهدی و اثبات وجود آن حضرت و این که خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و... نوشته‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صفة المهدی، حافظ ابی نعیم اصفهانی والعرف الوردی فی اخبار المهدی، سیوطی. اطلاعاتی به صورت آماری از روایات در مورد امام زمان(عج) - که از کتب شیعه و سنی استخراج شده است - برای شما ذکر می‌شود: ۱- روایات بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) ۶۷۵ مورد ۲- روایاتی که می‌رساند از اهل بیت پیامبر(ص) است ۳۸۹ مورد ۳- روایاتی که دلالت می کند از اولاد علی(ع) است ۲۱۴ مورد ۴- روایاتی که دلالت می کند از اولاد فاطمه(س) است ۱۹۲ مورد ۵- روایاتی که دلالت می کند نهمین فرزند امام حسین(ع) است ۱۴۸ مورد ۶- روایاتی که دلالت می کند از اولاد امام زین‌العابدین(ع) است ۱۸۵ مورد ۷- روایاتی که دلالت می کند از اولاد امام حسن عسکری(ع) است ۱۴۷ مورد ۸- روایاتی که دلالت می کند زمین را پر از عدل و داد می کند ۱۳۲ مورد ۹- روایاتی که دلالت می کند عمر حضرت طولانی است ۳۱۸ مورد ۱۰- روایاتی که دلالت می کند حکومت حضرت جهانی است ۴۷ مورد ۱۱- روایاتی که دلالت می کند امام دوازدهمین است ۱۳۶ مورد در پایان روایتی از یکی از کتاب‌های معتبر اهل سنت ذکر می‌شود. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «اگر از زمانه و روزگار باقی نماند مگر یک روز، خداوند مبعوث خواهد کرد مردی از اهل بیت مرا که زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده بود»، (مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۹۹ - ج ۳، ص ۱۷ و ۷۰).

سایر موارد

وعده ی ظهور امام مهدی(ع) حقیقت دارد یا فقط برای امید آفرینی است؟

پرسش

وعده ی ظهور امام مهدی(ع) حقیقت دارد یا فقط برای امید آفرینی است؟

پاسخ

"موعود "و" داستان مصلح "در آخرالزمان، اصلی اساسی است. پیشینیان پیوسته آن را به یادها آورده اند. اکنون نیز پس از ظهور قرن ها در یادگارهای انسانهای قدیم آثاری هست که به ظهور مصلح کل بشارت می دهد. در کتاب ها و اثار زردشت دربارهٔ آخرالزمان و ظهور موعود مطالب بسیاری آمده است. در آیین های هندوان و کتاب های آنان نیز سخن از نجات دهنده و" موعود" آمده است. از جمله در کتاب" مهابهاراتا "در این باره گفته اند: همهٔ ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود... و نمی تواند به خودی خود این سیرنزولی خاتمه یابد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه که از مبدأ و الحام سرچشمه می گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد

تعالیم هر دینی به صورت رمزی به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین های دیگر هماهنگی کامل دارد.("۱) در دین بودایی هم مسئلهٔ انتظار مطرح است. در آثار دینی یهود و اسفار تورات و دیگر کتاب های انبیا همواره به" موعود "اشاره شده است. در آیین مسیحیت و کتاب های مقدس این آیین هم بشارت های بیشتر و روشن تری دربارهٔ موعود آخرالزمان رسیده است. به دلیل همین حضور و بشارت ها در فرهنگ های گوناگون و در عقاید و کتاب های امت ها و ملت ها در یکی از زیارت های حضرت امام زمان (ع) آمده است": السلام علی مهدی الأمم؛ سلام بر مهدی که امت ها از او سخن گفته اند.("۲) پس مسئلهٔ ظهور منجی عالم بشریت از روزگاران بس قدیم، از سده های پیش از ظهور اسلام مطرح بوده است و در کتاب های پیامبران و نوشته ها و آثار گوناگون بر جای ماندهٔ از حکیمان و فرزانگان پیشین به ظهور منجی بزرگ جهانی در آخرالزمان تصریح اشاره شده است.(۳) مسئلهٔ" مصلح کل "و ظهور حضرت امام عصر از مسلمات و قطعیات دین اسلام است و قضای حتمی پروردگار می باشد. همهٔ فرقه های اسلامی معتقدند در آخرالزمان که تاریکی های ظلم و ستم جهان را فرا گرفته باشد، مردی از نسل حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام ظهور می کند و عدالت جهانی را میان جهانیان می گستراند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود": اگر از عمر جهان یک روز باقی نماند، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از اهل بیت من بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند.("۴) مسئلهٔ مهدی و ظهور حضرتش منحصر به مذهب شیعه نیست، بلکه همهٔ مذاهب اسلامی احادیث نبوی در این مورد را به حد تواتر نقل کرده و کتاب های فراوان در این موضوع نوشته اند. پس عقید ه به حضرت امام زمان علیه السلام یک اعتقاد مسلم و یقینی است و ظهور حضرت واقعیت است، نه صرف امید دادن. حضرت مهدی در ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شد و هم اکنون همهٔ ما به برکت وجود نازنین و پر فیض آن بزرگوار از نعمات الهی بهره مند می شویم. هر وقت خدا مصلحت بداند و مردم جهان شایستگی و رشد و آمادگی داشته باشند، ظهور محقق خواهد شد. این که گفتیم شایستگی مردم بدین جهت است که خداوند یازده امام به مردم معرفی کرد و مردم همهٔ آنان را به شهادت رساندند و وقتی بر خودشان هم ثابت شد که لیاقت زندگی در حضور معصوم را ندارند، خدا امام دوازدهم را از دید ه ها پنهان کرد تا هنگامی که مصلحت بداند. از این جا معلوم می شود که غیبت امام علیه السلام با عدالت الهی منافات ندارد، زیرا خدا امام را خلق و برای مردم معرفی فرمود، ولی مردم با کشتن یازده امام منع فیض نمودند. اگر امام دوازدهم غایب نمی گشت، به سرنوشت امامان گذشته گرفتار می شد. پی نوشت ها : ۱ – معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵. ۲ – مفاتیح الجنان ، ص ۱۰۴۰ (زیارت صاحب الأمر (ع). ۳ – خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی ، ص ۶۶ و ۹۶. ۴ – لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۱۹۲ ، حدیث ۴.

آیا حقیقت دارد که امام زمان(ع) به دنیا نیامده و زمانی به دنیا می آید که ظهور کند؟

پرسش

آیا حقیقت دارد که امام زمان(ع) به دنیا نیامده و زمانی به دنیا می آید که ظهور کند؟

پاسخ

می توان در خصوص ولادت و یا عدم ولادت امام زمان(ع) در دو حوزهٔ تفکر سنّی و شیعی بحث کرد اهل سنت در خصوص ولادت و عدم ولادت امام زمان(ع) دو مبنا دارند: برخی عقیده دارند که جهان نیاز به مصلح دارد که پیامبر(ص) برخی از ویژگی های او را بیان کرده، ولی این مصلح هنوز متولد نشده است.[۱۱] برخی ازدانشمندان اهل سنت باور دارند که مصلح جهان متولد شده است،[۱۲] پس اگر مقصود از مصلح جهان، امام زمان(ع) باشد، روی مبنای برخی از اهل سنت متولد شده است. شیعیان بر این

عقیده هستند که امام زمان(ع) به دنیا آمده است. از این رو تاریخ ولادت[۱۳] و نحوهٔ ولادت امام زمان(ع) را نیز بیان کرده اند.[۱۴] از سوی دیگر در روایات برای امام زمان(ع) دو غیبت صغری و غیبت کبری بیان شده،[۱۵] همچنین در برخی متون نحوهٔ انتفاع مردم از وجود مقدس امام زمان(ع) بیان شده و وجود مقدس امام زمان(ع) به خورشید تشبیه شده است؛[۱۶] یعنی همان گونه که خورشید در پشت ابر به مردم نفع می رساند، امام زمان(ع) در غیبت نیز به هدایت و ارشاد مردم پرداخته و مردم به شکل های مختلف از حضرت بهره مند می شوند. در برخی روایات تصریح شده است که زمین از حجت خدا خالی نیست[۱۷] و بعد از شهادت ائمه(ع) امام زمان(ع) تنها حجت خداوند بر مردم است. نکتهٔ قابل دقت آن است که در زمان غیبت صغری نواب اربعهٔ امام زمان(ع) به وظایف خود عمل نموده و مردم از طریق آن ها با امام ارتباط بر قرار می کنند و در زمان غیب کبری فقیهان واجد شرایط به عنوان نایب عام انجام وظیفه می کنند. بزرگان در خصوص مکان امام زمان و ازدواج یا عدم ازدواج[۱۸] امام زمان(ع) بحث کرده اند.[۱۹] طبیعی است همهٔ این مباحث فرع بر آن است که امام زمان(ع) متولد شده باشد. در تفکر شیعی تولد امام زمان قبل از ظهور تردیدی ندارد. [۱۱] شرح نهج البلاغه ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۹۶. [۱۲] ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۳؛ الفصول المهمه، ص ۳۱۰، ینابیع الموده ،ج ۲، ص ۳۶. [۱۳] ارشاد، ص ۳۴۶؛ روضه الواعظین، ۲۹۲؛ اعلام الوری، ص ۴۱۸؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۳۹. [۱۴] صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۹۷. [۱۵] همان، ص ۳۱۲، کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۶۲. [۱۶] بحارالانوار ج ۵۲، ص ۹۲. [۱۷] همان. [۱۸] مجلهٔحوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) از ص ۵۰ به بعد. [۱۹] همان، ص ۴۶.

آیا واقعاً امام زمان (عج) وجود دارد؟(پ)

پرسش

آیا واقعاً امام زمان (عج) وجود دارد؟(پ)

پاسخ(قسمت اول)

عقیده به مهدویت، از امور مسلّم و قطعی تاریخ و کلام اسلامی است. مسلمانان اعم از شیعه و سنی به" مهدی موعود "باور دارند. نقطهٔ اصطکاک شیعه و سنی در" مهدویت "تولد حضرت است. اکثر عالِمان اهل سنت بر این باورند که" مهدی موعود "هنوز متولد نشده است، لیکن همهٔ شیعیان امامیه می گویند: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری(ع) است و در سامراء در سال ۲۵۵ هجری متولد شده است و در پس پردهٔ غیبت زندگی می کند و روزی به امر خداوند ظهور خواهد کرد. این سخن را افزون بر شیعیان، بسیاری از دانشمندان نامدار اهل سنت پذیرفته اند و در کتاب هایشان متذکر شده اند، مانند محمد بن طلحهٔ شافعی در مطالب السؤل؛ ابن صباغ مالکی در الفصول المهمه؛ ابن حجر شافعی در الصواعق المحرقه؛ و ابن خلکان در وفیات الاعیان. برخی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده اند که در تألیفاتشان ولادت امام مهدی(عج) را متذکر شده اند.[۱۶] به طور کلی همه قبول دارند که مهدی موعودی خواهد آمد و جهان را از عدل پر می کند. محل بحث در مهدویت خاصه است؛ یعنی آن مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری(ع) که متولد شده است. سخنی در این زمینه: ـ دلایل ولادت و امامت امام مهدی(عج): بعد از بیان مبانی مهدویت خاصه، به اصل بحث بر می گردیم و آن این است که از چه راهی و چگونه می توان وجود امام مهدی(عج) را اثبات نمود؟ همان گونه که بیان شد، مسلمانان جملگی مهدویت عامه را پذیرفته اند. تنها سخن در مهدویت خاصه است. مهدویت خاصه از جملهٔباورهای شیعهٔ امامیه است و گروهی از عالمان اهل سنت همانند حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی نیز آن را پذیرفته‌اند.[۱۷] مهدویت خاصه یک مشکل دارد و آن این است که به جهت رعایت تقیه، تولد حضرت

مهـدی(عج) آشـکار نشد و حضـرت از ولادت مانند موسـی بن عمران در خفا و دور از دیدگان عموم زندگی کرد. این امر موجب شـد که بعـد از شـهادت امام حسن عسـکری(ع) شک و حیرت بی سابقه ای بین شـیعیان باشد؛ این وضع به قدری خطرناک بود که حـتی برخی از پیروان امـام حسـن عسـکری(ع) در امـامت آن حضـرت شـک و تردیـد روا داشـتند، چرا که طبـق پیش گـویی هـای امامـان(ع) می بـایست امـام حسن عسـکری(ع) پسـری می داشت تـا او وارث امـامت و هـادی امت و مهـدی موعـود و منتظر گردد. اختفای ولادت امام مهدی(عج) سـبب شد که به نوشـتهٔ مسـعودی، پیروان امام حسن عسـکری(ع) بعد از شـهادت حضرت، به بیست فرقه منشعب شدند.[۱۸] برای اولین بـار شـیعیان بـا چنین بحرانی رو به رو شدنـد سـتم حاکمان اجازه نمی داد ولادت امام دوازدهم برای همگان آشـکار شود، بلکه به ناچار باید در خفا بماند، چون خوف از کشـته شدن حضرت وجود داشت. از سوی دیگر شناخته نشدن امام دوازدهم، به تزلزل اعتقادی شیعیان منجر می شد. این مشکل با اقدامات، معجزات، کرامت ها و شواهد، درکم ترین زمان زدوده شـد و تمامی پیروان امام حسن عسـکری(ع) ولادت امام مهـدی(عـج) را پذیرفتند. چگونه این امر محقق شد؟ برای تحقق این امر، پیـامبر(ص) و امامـان(ع) از پیش برنامه ریزی کردنـد و با راهکارهای مناسب ارائه شـده، تمامی شـیعیان به ولادت و امامت امام غایب معتقد شدند. راهکارها بدین شرح است: ۱ـ پیش گویی امامان پیشین: پیامبر اسلام(ص) و هر یک از امامان پیشین دربارهٔ امام مهـدی(عج) ویژگی های حضـرت، رهنمودهایی به شـیعیان داده و از پیش زمینه سازی کرده بودند که شـیعیان بدانند از امام حسـن عسـکری(ع) پسـری متولد خواهد شد اما ولادتش به جهت وضع دشوار سیاسـی، در خفا صورت می گیرد. – امام سجاد (ع) فرمود: "القائم منایخفی علی النّاس ولادته حتی یقولوا لم یولـد بعد؛[۱۹] قائم ما [مهـدی موعود] ولادتش بر مردم مخفی است؛ این موجب می شود که [برخی] بگوینـد: او هنوز متولـد نشده است. – عبدالله بن عطا گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: شـیعیان شـما در عراق بسـیارند، تا کنون سابقه نداشته که فردی از شما اهل اللبیت این اندازه پیرو داشته باشد [،خوب است که شما دست به شمشیر ببری و قیام کنی]. حضرت فرمود": انظروا من تحفی علی النّاس ولادته فهو صاحبکم؛[۲۰] آن مهدی موعود و قائم منتظر من نیستم. بنگرید آن کسـی که ولادتش بر مردم مخفی است. او صـاحب الأمر و مهـدی موعود است. – "امـام صـادق(ع) فرمود": صاحب هـذاالامر تخفی ولادته عن هذاالخلق؛[۲۱] ولادت مهدی بر مردم پوشـیده است. – "ایوب بن نوح به امام هشـتم(ع) عرضه می دارد: امیدوارم که صاحب الامر و مهدی موعود شـما باشـید. حضـرت در پاسخ می‌فرماید": نه آن مهدی موعود من نیسـتم؛ او یکی از فرزندان من است که ولادتش مخفی است.["۲۲] – عبدالعظیم حسـنی گوید: به امام جواد(ع) عرض کردم: امیدوارم که آن مهدی موعودی که جهان را پر از عـدل و داد می کنـد، شـما باشـید. حضـرت فرمود": همهٔ ما قائم به امر خدا هستیم و همهٔما هادی و راهنمای دین خدا هستیم، لیکن آن قائم و مهـدی موعودی که جهان را پر از عدل خواهد کرد، ولادتش مخفی است. وجودش از مردم غایب است. او همنـام و هـم کنیـهٔ رسـول خـدا است.["۲۳] ۲ـ بشـارت امـام حسـن عسـکری(ع): امـام عسـکری(ع) قبـل از ولادت فرزنـدش امـام مهدی(عج) از ولادت حضرت خبر داده بود، از جمله به عمه اش" حکیمه خاتون "فرمود": در شب پانزدهم شعبان فرزندم مهدی از نرگس خاتون متولـد می شود.["۲۴] ـ احمـد بن اسـحاق می گویـد: از امام ابو محمد حسن عسـکری(ع) شـنیدم که فرمود": حمد و سپاس خـدای را که مرا از دنیـا نبرد تـا این که جانشـین من و مهـدی موعود را به من نشان داد. او از حیث ویژگی های جسـمانی و اخلاقی و رفتاری شبیه ترین انسان ها به پیامبر خـدا(ص) است. خـدا مـدتی وی را در حالت غیبت نگهـداری می کند و سـپس ظاهر می‌شود و جهان را از عـدل و داد پر می کنـد.["۲۵] نیز حضـرت عسـکری(ع) بعـد از ولادت فرزندش، خواص و نزدیکان را از تولد امام مهدی(عج) آگاه نمود. محمد بن علی بن حمزه گوید: از امام عسـکری(ع) شنیدم" :حجت خدا بر بندگان و امام و جانشین من در پـانزدهم شـعبان سال ۲۵۵ در هنگامـهٔ طلوع فجر متولـد شـد.["۲۶] احمـد بـن حسن بن اسـحاق قمی می گویـد: وقـتی که امـام مهـدی(عج) متولد شد، نامه‌ای از امام عسـکری(ع) به من رسـید که حضـرت مرقوم فرموده بود: فرزندی برایم متولد شده است. این موضوع را مخفی بـدار، زیرا جز برای دوسـتان و نزدیکـان ما آن را اظهار نخواهم کرد.["۲۷] ـ ابراهیم بن ادریس می گویـد: امام ابو

محمد عسکری(ع) گوسفندی را برای من فرستاد و فرمود": این را به جهت ولادت فرزندم" مهدی "عقیقه کن و به خود و خانواده ات بخوران.["۲۸] ۳ـ نشان دادن فرزند به خواص: امام عسکری(ع) افزون بر این که قبل از ولادت امام مهدی بشارت داد و بعد از تولد به خواص خبر داد که مهدی موعود ولادت یافته است، گام دیگری برداشت، و آن این بود که برای افزایش ایمان و اطمینان شیعیان، فرزندش امام مهدی را به تعدادی نشان داد. احمد بن اسحاق می گوید: امام عسکری(ع) کودک سه ساله ای را به من نشان داد و فرمود: ای احمد، اگر تو نزد خدا و امامان گرامی نبودی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. بدان که این کودک همنام و هم کنیهٔ رسول خدا است و همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.[۲۹] ـ معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب و محمد بن عثمان بن سعید عمری می گویند: ما یک گروه چهل نفره در خانهٔ امام حسن عسکری(ع) جمع شده بودیم، حضرت فرزندش امام مهدی را به ما نشان داد و فرمود": این امام شما و جانشین من است.["۳۰] ـ علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب می گویند: ما تعدادی از شیعیان در خانهٔ امام حسن عسکری(ع) تجمع نمودیم. و از حضرت دربارهٔ جانشین وی پرسش نمودیم، پس از ساعتی حضرت کودکی را به ما نشان داد و گفت": بعد از من این امام شما است.["۳۱] ـ عمر اهوازی می گوید: امام حسن عسکری(ع) فرزندش را به من نشان داد و فرمود": بعد از من این فرزندم امام شما است.["۳۲] ـ ابراهیم بن محمد گوید: در خانهٔ عسکری کودک زیبایی رادیدم، از حضرت پرسیدم: یا ابن رسول الله، این کودک کیست؟ حضرت فرمود: "این کودک من است. این جانشین من است.["۳۳] ـ یعقوب بن منفوس می گوید: خدمت امام عسکری(ع) رسیدم و از حضرت دربارهٔ امام بعدی و صاحب الامر جویا شدم. حضرت فرمود: پرده را کنار بزرن؛ کنار زدم، در این هنگام کودک پنج ساله ای را دیدم که به سوی ما می آید. آمد و روی زانوی حضرت عسکری(ع) نشست. حضرت فرمود": این امام شما است.["۳۴] ۴ـ تبیین خواص: بعد از زمینه سازی ها و بشارت های امام عسکری(ع)، نیز نشان دادن فرزندش، مهدی، اینک نوبت خواص است که اقدام نمایند و وجود امام مهدی را به اطلاع دیگر شیعیان برسانند تا آنان را از شک و حیرت نجات دهند. افرادی همانند حکیمه خاتون، دختر محمد بن علی بن موسی الرضا(ع)، عثمان بن سعید عمری، حسن بن حسین علوی، عبدالله بن عباس علوی، حسن بن منذر، حمزه بن ابی الفتح، محمد بن عثمان بن سعید عمری، معاویه بن حکیم، محمد بن معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب بن نوح، حسن بن ایوب بن نوح، علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، یعقوب بن منفوس، عمر اهوازی، خادم فارسی، ابوعلی بن مطهر، ابی نصر طریف خادم، کامل بن ابراهیم، احمد بن اسحاق، عبدالله مستوری، عبدالله جعفر حمیری، علی بن ابراهیم مهزیار، ابوغانم خادم، کوشیدند و ولادت امام مهدی(عج) را به اطلاع شیعیان رساندند. حکیمه خاتون می گوید: امام حسن عسکری(ع) کسی را دنبال من فرستاد که امشب (شب نیمهٔ شعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حجت خود را آشکار می کند. پرسیدم: این مولود از چه کسی است؟ فرمود: از نرجس. گفتم: در نرجس اثر حمل مشاهده نمی شود. فرمود: موضوع همین است که گفتم. من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و کفش مرا از پایم در آورد و فرمود: بانوی من، حالت چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی. او از سخن من تعجب کرد و ناراحت شد و فرمود: این چه سخنی است؟ گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عنایت می کند که سرور دنیا و آخرت است. نرجس از سخن من خجالت کشید. سپس بعد از افطار نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم. بعد از نیمهٔ شب برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم، دیدم نرجس نیز بیدار شد و نماز شب به جا آورد. از اتاق بیرون رفتم تا از طلوع فجر با خبر شوم. دیدم فجر اوّل طلوع کرده و نرجس در خواب است. در این هنگام این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا حجت خدا متولد نشد. ناگهان امام عسکری(ع) از اطاق مجاور صدا زد: عمّه جان، شتاب مکن که موعد نزدیک است. من نشستم و قرآن خواندم. در هنگامی که مشغول خواندن قرآن بودم، ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی از خواب بیدار شد. من با شتاب خودم را به او رساندم و پرسیدم: چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری. گفتم: نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان است که در آغاز شب به تو خبر دادم،

مضطرب نباش، دلت را آرام کن. در این هنگام پردهٔ نوری میان من و او حائل شد، ناگهان متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. چون جامه را از روی نرجس برداشتم، دیدم که آن مولود سر به سجده گذاشته و به ذکر خدا مشغول است. در این هنگام امام حسن عسکری(ع) صدا زد: عمه! فرزندم را نزد من بیاور. نوزاد را خدمت حضرت بردم، حضرت او را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصل کودک دست کشید و در گوش راست اذان و در گوش چپ اقامه گفت: و فرمود: فرزندم، سخن بگو. نوزاد لب به سخن گشود و شهادتین بر زبان جاری کرد و سپس به امام علی(ع) و دیگر امامان(ع) به ترتیب درود فرستاد تا رسید به نام پدرش و بر او هم درود فرستاد. سپس امام عسکری(ع) به من فرمود: عمه، فرزند را نزد مادر ببر تا به او سلام کند و بعد نزد من بیاورد. نوزاد را نزد مادر بردم و به مادر سلام گفت، و سپس نزد حضرت برگرداندم. حضرت فرمود: روز هفتم نزد ما بیا، روز هفتم آمدم. حضرت فرمود: عمه جان، فرزندم را بیاور، آوردم. همانند روز اوّل شهادتین و سلام بر امامان را بر زبان جاری کرد. سپس این آیه را تلاوت نمود": و نرید أن نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهٔ و نجعلهم الوارثین."

پاسخ(قسمت دوم)

حکیمه خاتون می گوید: بعد از این روزی خدمت رسیدم. پرده را کنار زدم و امام مهدی را ندیدم، گفتم: فدایت شوم امام مهدی چه شد؟ فرمود: عمه جان، او همانند حضرت موسی(ع) در خفا نگهداری می‌شود.[۳۵] ۵ـ کرامت ها و شواهد زنده: بعد از شهادت امام عسکری(ع)، امام مهدی (عج) از طریق نشان دادن کرامت ها و شواهد صدق معجزه یا شبه معجزه) وجود و امامت خویش را برای شیعیان امام عسکری(ع) نمایاند و حجت را بر آنان تمام کرد. در آغاز غیبت صغری، سازمان مخفی وکالت که از زمان امام صادق(ع) برای چنین دوره ای پایه ریزی شده بود، از مهم ترین وظایفش این بود که شک و حیرت شیعیان را بزداید و آنان را به امام غایب و نیابت نواب اربعه مطمئن نماید. نائبان و وکیلان حضرت با ارائهٔ شواهد صدق، کرامت ها و علوم برتر اعطایی از ناحیهٔ مقدسه به این امر اقدام نمودند. کرامت ها و شواهد صدق در برخی موارد مستقیماً توسط امام مهدی(عج) و در برخی موارد با واسطهٔ سفیران به شیعیان عرض می‌شد. تا شیعیان افزون بر این که به وجود امام مهدی(ع) ایمان داشته باشند، به نیابت نواب اربعه نیز مطمئن شوند. نشان دادن کرامت ها و شواهد صدق عمدتاً در زمان سفارت اولین سفیر ناحیهٔ مقدسه، عثمان بن سعید عمری صورت گرفت، چون که در این دوره هنوز شیعیان در حیرت بودند و به وجود امام مهدی (عج) پی نبرده بودند. سید بن طاووس می نویسد: "امام زمان(ع) را بسیاری از اصحاب پسرش امام حسن عسکری(ع) دیده و از وی اخبار واحکام شرعی روایت کرده اند. از این گذشته حضرت وکیل هایی داشت که اسم، نسب و وطن آنان معلوم بود و آنان معجزات، کرامات، جواب مسائل مشکل و بسیاری از اخبار غیبی را که حضرت از جدش پیامبر(ص) روایت کرده بود، نقل کرده اند.[۳۶] نمونه ها: در این جا به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم: ۱ـ روایت سعد بن عبدالله اشعری قمی: وی می گوید": حسن بن نضر "که در میان شیعیان قم جایگاه ویژه ای داشت، بعد از رحلت امام عسکری(ع) در حیرت بود. او و" ابوصدام "و عده ای دیگر تصمیم گرفتند که از امام بعدی جویا شوند. حسن بن نضر نزد ابو صدام رفت و گفت: امسال می خواهم به حج بروم. ابو صدام از او خواست که این سفر را به تعویق اندازد، ولی حسن بن نضر گفت: نه، من خوابی دیده ام و بیمناکم. بنابراین باید بروم. قبل از حرکت به احمد بن یعلی بن حماد دربارهٔ اموال متعلق به (امام) وصیت کرد که این اموال را نگه دارد تا این که جانشین امام عسکری(ع) مشخص شود. به بغداد رفت و در آن جا از سوی ناحیهٔ مقدسه توقیعی به دستش رسید و به امامت امام مهدی(عج) نیز به وکالت خاصهٔ عثمان بن سعید عمری مطمئن شد.[۳۷] ۲ـ روایت محمد بن ابراهیم بن مهزیار: می گوید پس از وفات امام حسن عسکری(ع) در مورد جانشین آن حضرت به شک افتادم. پدرم وکیل حضرت بود و اموال زیادی نزدش بود. پدرم اموال را برداشت و من را به همراهی طلبید و به راه افتادیم، پدرم بین راه مریض شد و به من در مورد اموال وصیت نمود و گفت: از خدا بترس و این اموال را به صاحبش برگردان هر که این نشانه را

گفت، اموال را به او بسپار. سپس وفات کرد. چند روزی در عراق ماندم، سپس نامه ای از سوی عثمان بن سعید به من رسید که در آن نامه همهٔ علائم و نشانه های اموال بیان شده بود، نشانه هایی که جز من و پدرم کسی آن را نمی دانست.[۳۸] محمد بن ابراهیم بن مهزیار با این کرامت و شاهد صدق هم به امامت امام مهدی وهم به نیابت عثمان بن سعید مطمئن شد. ۳ـ روایت احمد دینوری سراج: می گوید: یکی دو سال بعد از درگذشت امام حسن عسکری(ع) به قصد حج از اردبیل حرکت کردم و به دینور رسیدم، مردم در خصوص جانشین امام عسکری(ع) متحیر بودند، اهل دینور از آمدن من خشنود شدند. شیعیان آن جا سیزده هزار دینا سهم امام، به من دادند که به سامرا ببرم و به جانشین حضرت بسپارم. گفتم: هنوز جانشین حضرت حتی برای خودم روشن نیست. گفتند: تو مورد اعتماد ما هستی. هر وقت جانشین حضرت را پیدا کردی، به او بده. سیزده هزار دینار را گرفتم و با خود بردم. در کرمانشاه با احمد بن حسن بن حسن ملاقات کردم، او هم هزار دینار و چند بقچه پارچه به من داد تا به" ناحیهٔ مقدسه "برسانم. در بغداد در پی نایب حضرت می گشتم. به من گفتند که سه نفر مدعی نیابت هستند. یکی باقطانی است. رفتم نزدش و امتحانش کردم و از او شاهد صدق خواستم، چیزی نداشت که مرا قانع کند. سپس رفتم نزد دومی به نام اسحاق احمر، او را هم به حق نیافتم. رفتم نزد سومی، ابوجعفر یا عثمان بن سعید عمری، بعد از احوال پرسی به او گفتم: اموالی از مردم نزد من است و باید به جانشین امام عسکری(ع) تحویل دهم. در حیرتم و نمی دانم چه کنم. او گفت: برو در سامرا به خانهٔ ابن الرضا (امام حسن عسکری(ع)) در آن جا وکیل امام را خواهی یافت. به سامرا رفتم و در خانهٔ حضرت سراغ وکیل امام را گرفتم. دربان گفت: منتظر باش، الآن بیرون می آید. لحظه ای بعد فردی آمد و دست مرا گرفت و درون خانه برد. بعد از احوال پرسی به او گفتم: مقداری اموال از ناحیهٔ جبل آوردم و به دنبال دلیل هستم. ناچارم از هر کس دلیلی برای اثبات نیابت وی یافتم، اموال را به او تسلیم کنم. در این وقت برای من غذا آوردند، گفت غذایت را بخور و کمی استراحت کن، سپس به کار تو رسیدگی می‌شود. بعد از گذشت پاسی از شب آن مرد نامه ای به من داد که در آن آمده بود: احمد بن محمد دینوری آمده و این مقدار پول و کیسه و بقچه آورده و درون آن کیسه این مقدار پول در آن است، و تمامی جزئیات را بیان داشت. از جمله نوشته بود: در کیسهٔ پسر فلان شخص زره ساز شانزده دینار است. از کرمانشاه نیز یک کیسه از فلان شخص است، و فلان بقچه از احمد بن حسن مادرانی است که برادرش پشم فروش است و ... با این نامه شک و تردیدم بر طرف شد و مشخص شد که عثمان بن سعید عمری نایب حضرت است. حضرت در این نامه به من دستور داد که اموال را به بغداد ببرم و نزد همان فردی که با او ملاقات داشتم، تحویل دهم.[۳۹] ۴ـ روایت محمد بن علی اسود: وی می گوید: در آغاز غیبت صغری پیرزنی پارچه ای به من داد و گفت آن را به ناحیهٔ مقدسه برسان. من آن را با پارچه های بسیاری دیگر همراه خود آوردم. چون به بغداد رسیدم و نزد عثمان بن سعید رفتم، وی گفت: همهٔ اموال را به محمد بن عباس قمی بده. من همه را به او سپردم، جز پارچهٔ پیر زن را. پس از آن عثمان بن سعید از ناحیهٔ مقدسه این پیغام را فرستاد که پارچهٔ پیرزن را نیز به وی تسلیم کن... .[۴۰] ۵ـ روایت اسحاق بن یعقوب: می گوید: از عثمان بن سعید شنیدم که می گفت: مردی از اهل عراق نزد من آمد و مالی را برای امام(ع) آورد، حضرت آن را پس داد و فرمود حق پسر عمویت را که چهارصد درهم است، از آن بپرداز! آن مرد مبهوت و متعجّب شد و حساب اموال خود را بررسی کرد و معلوم شد که پسر عمویش چهارصد درهم از او طلب دارد. آن را برگرداند، سپس مبلغ باقی مانده را تسلیم حضرت نمود و حضرت پذیرفت.[۴۱] ۶ـ روایت محمد بن علی بن شازان: می گوید: اموالی از مردم نزد من جمع شده بود، برای این که به ناحیهٔ مقدسه برسانم، دیدم بیست درهم کمتر از پانصد درهم است. این مقدار را افزودم و با نامه برای عثمان بن سعید نائب امام مهدی(ع) فرستادم. چیزی هم در این نامه قید نکرده بودم، وی در پاسخ نوشت: پانصد درهم رسید. بیست درهم از آن مال تو بود.[۴۲] با این خبرهای برتر، کرامت ها و شواهد صدقی که در آغاز غیبت صغری ارائه شد، شیعیان امام حسن عسکری(ع) تماماً به امامت امام مهدی(ع) و نیابت عثمان بن سعید پی بردند. شک و حیرت شیعیان در امر امامت که ناشی از خفای ولادت و غیبت امام مهدی (عج) بود، با تلاش های خالصانهٔ کارگزاران حضرت در سازمان مخفی

وکالت، در چند سالهٔ آغازین دورهٔ غیبت صغری کاملاً ـ برطرف شد. شیعیان با بهره مندی از کرامت ها و علوم غیبیهٔ حضرت مهدی(عج) به دو نکته پی بردند: یکی این که دانستند مسیر اصلی امامت ترسیم شده از زمان پیامبر(ص) و علی(ع) به درستی طی شده و امامت از امام حسن عسکری(ع) به فرزندش امام مهدی(عج) منتقل شده است و در این دورهٔ غیبت صغری، حضرت مهدی(عج) از پشت پرده شیعیان را رهبری می کند. دوم این که سازمان مخفی وکالت که از قبل با رهبری امامان(ع) فعالیت می کرد، اینک در دورهٔ غیبت صغری نیز فعال است و" عثمان بن سعید عمری "از ناحیهٔ مقدسه، مسئولیت و تولیت این سازمان را عهده دار است. بنابراین شیعیان هم به امامت امام مهدی پی بردند و هم به نیابت خاصه مطمئن شدند. بعد از درگذشت عثمان بن سعید عمری، به دستور حضرت مهدی(ع)، پسرش محمد بن عثمان مسئولیت و تولیت آن را بر عهده گرفت، در این هنگام برخی از شیعیان، نه در وجود امام زمان(عج) بلکه در نیابت محمد بن عثمان شک کردند، که امام مهدی(عج) با در اختیار قرار دادن برخی از کرامت ها و شواهد صدق، موجب شد شیعیان به نیابت محمد بن عثمان بن سعید عمری مطمئن شدند و تنها چند نفر به جهت ریاست طلبی و هواپرستی با محمد به مخالفت برخاستند. این ها به دروغ ادعای نیابت کردند، و محمد بن عثمان با بهره گیری از کرامت ها و شواهد صدق، ادعای آنان را باطل کرد و شیعیان بیشتر به حقانیت محمد بن عثمان پی بردند.[۴۳] سپس در دورهٔ نیابت حسین بن روح هم برخی از خواص با وی به مخالفت برخاستند، ولی با مشاهدهٔ کرامت، از مخالفت دست برداشتند و عذر خواهی نمودند.[۴۴] بعد از حسین بن روح نیابت به ابوالحسن علی بن محمد سمری رسید و آخرین توقیع که در دورهٔ غیبت صغری صادر شد، نیز کرامتی دیگر محسوب می‌شود. امام مهدی(عج) در نهم شعبان سال ۳۲۹ هجری توقیعی صادر می کند و به ابوالحسن علی بن محمد سمری متذکر می شود که": تو شش روز بعد می میری. امور سازمان وکالت را سر و سامان بده و اموال مردم را برگردان بعد از این دیگر نیابت خاصه منتفی است. "راوی می گوید: رفتم نزد ابوالحسن علی بن محمد سمری. او این توقیع را به من نشان داد و در روز موعود رفتم و دیدم ابوالحسن علی بن محمد سمری در حال جان دادن است.[۴۵] این نامه دلیل دیگری است برای حقانیت شیعه و وجود امام زمان(ع). پی نوشت ها : [۱۶]رک: الزام الناصب، علی یزدی حائری، ج ۱، ص ۳۲۱ تا ۳۴۰؛ دادگستر جهان،ابراهیمی امینی، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰؛ سیرهٔ پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۶۷. [۱۷]رک: ینابیع الموده، ص ۴۴۰ به بعد. [۱۸]مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۵۷۲. [۱۹]منتخب الاثر، ص ۳۵۵. [۲۰]همان. [۲۱]همان. [۲۲]همان. [۲۳]همان، ص ۳۵۳ – ۳۵۴. [۲۴]منتخب الاثر، ص ۳۹۸ و ۳۹۹. [۲۵]بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱. [۲۶]همان، ص ۳۹۷. [۲۷]اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۶؛ دادگستر جهان، ص ۱۰۳. [۲۸]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲. [۲۹]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴. [۳۰]ینابیع الموده، ص ۴۶۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶. [۳۱]اثبات الهداه، ج ۶، ص ۳۱۱؛ دادگستر جهان ص ۱۰۷. [۳۲]ینابیع الموده، ص ۴۶۱. [۳۳]دادگستر جهان ص ۱۰۷. [۳۴]بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۵. [۳۵]ینابیع الموده، ص ۴۴۹ و ۴۵۰. [۳۶]الطرائف فی معرفه مذهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۸۳ ـ ۱۸۴؛ زندگانی نواب خاصامام زمان(عج)، ص ۹۳ و ۹۴. [۳۷]کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۷ – ۵۱۸، ح ۴. [۳۸]همان، ص ۵۱۸، ح ۵؛ رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۳. [۳۹]بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۳۰۰ – ۳۰۲. [۴۰]همان، ص ۳۳۵. [۴۱]همان، ص ۳۲۶. [۴۲]کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۳ و ۵۲۴. [۴۳]ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۶ و ۳۳۶؛کمال الدین ، ص ۳۹۸. [۴۴]ر.ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، جاسم حسینی، ص ۱۹۷. [۴۵]کمال الدین، ص ۵۱۶، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

آیا زمین از حجّت الهی خالی می‌ماند؟

پرسش

آیا زمین از حجّت الهی خالی می‌ماند؟

پاسخ

از مسائل مهمی که در روایات اسلامی روی ان تکیه شده این است که زمین از نمایندهٔ الهی خالی نمی‌شود ، در روایات فراوانی که از منابع اهل بیت (ع) به ما رسیده است ، این مضمون به طور مکرر آمده است که صفحهٔ روی زمین از امام (یا پیامبر) یا به طور کلی حجت الهی، خالی نمی‌ماند، و در کتاب شریف کافی دو باب در این زمینه منعقد شده است ، در یک باب تحت عنوان «اِنَّ الاَرْضَ لاتَخْلُو مِنْ حُجَجٍ» سیزده روایت از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و امام علی بن موسی الرضا (ع) و بعضی از ائمه دیگر نقل شده ، و در باب دیگر تحت عنوان «اِنَّهُ لَوْ لَمْ یَبْقَ فِی الاَرضِ رَجُلانِ اَحَدُهُما الحُجَّهُ» [اگر در روی زمین تنها دو نفر باقی بماند یکی از آنها حجت الهی است]، و در آن پنج روایت به همین مضمون آمده است (اصول کافی ۱/۱۷۸ و ۱۷۹) که ذیلاً به بعضی از روایات هر دو باب اشاره می‌شود. در یکی از این احادیث از امام صادق(ع) می‌خوانیم که «اِنَّ الاَرْضَ لاتَخْلُو اِلاّ وَ فیها اِمامٌ کَیْما اِنْ زادَ المُؤمِنُونَ شَیئاً رَدَّهُمْ وَ اِنْ نَقَصُوا شَیئاً اَتَمَّهُ لَهُمْ» [زمین هرگز خالی نمی‌شود، مگر اینکه در آن امامی است تا اگر مؤمنان چیزی (ناآگاهانه بر تعلیمات الهی) بیفزایند آنها را بازگرداند و اگر چیزی کم کنند آن را تکمیل نماید]. (همان مدرک حدیث ۲ و ۶ از باب اول). باز در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم «اِنَّ اللّهَ اَجَلُّ وَ اَعْظَمُ مِنْ اَنْ یَتْرُکَ الاَرْضَ بَغَیْرِ اِمامٍ عادلٍ» [خداوند بزرگوارتر از آن است که زمین را بدون امام عادلی رها سازد] (همان مدرک حدیث ۲ و ۶ از باب اول) حتی در بعضی از این احادیث آمده است که اگر امام و حجت الهی ساعتی در زمین نباشد، زمین متزلزل می‌شود، و اهلش را فرو می‌برد. (همان مدرک حدیث ۱۱ و ۱۲ و ۱۳) و در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می‌خوانیم که می‌فرمود «لَوْ کانَ النّاسُ رَجُلَیْنِ لَکانَ اَحَدُهُما الاِمامُ» [اگر مردم (جهان)تنها دو نفر باشند یکی از آنها امام است]، و در ذیل همین حدیث آمده است «وَ اِنَّ آخِرُ مَنْ یَمُوتُ الاِمامُ» [آخرین کسی که در جهان از دنیا می‌رود امام است]. (همان مدرک، حدیث ۳) در نهج البلاغه نیز با صراحت به این معنی اشاره شده است ، در بیانات مهمی که علی (ع) به کمیل بن زیاد فرمود، چنین می گوید «اَللّهُمَ بَلی لاتَخْلُو الاَرْضُ مِنْ قائِمٍ لِلّه بِحُجَجٍ ، اِمّا ظاهِراً مَشْهوراً وَ اِمّا خائِفاً مَغْمُوراً ، لِئَلاّ تَبْطُلَ حُجَجُ اللّهِ وَ بَیِناتُهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷) [آری هرگز روی زمین خالی نمی‌شود از کسی که با حجت الهی قیام کند، خواه ظاهر باشد و آشکار و یا ترسان و پنهان ، تا دلائل خداوند و نشانه‌های روشن او از میان نرود]. به این ترتیب مسألهٔ وجود یک حجت الهی در هر عصر و زمانی در روی زمین یکی از مسائل مسلم در مکتب اهل بیت(ع) است، تا آنجا که در حدیثی از امام موسی بن جعفر(ع) می‌خوانیم که زمین حتی برای یک چشم بر هم زدن از حجت خدا خالی نمی‌شود یا ظاهر است و یا پنهان «اِنَّ اللّهَ لایُخلِی اَرْضَهُ مَنْ حُجَّهِ طَرْفَهَ عَیْنٍ ، اِمّا ظاهِرٌ وَ اِمّا باطِن.» (بحارالانوار ۴۷/۴۱)

اگر امام زمان (عج) حضور دارند چرا به داد فقرا و بیچارگان نمی رسند؟

پرسش

اگر امام زمان (عج) حضور دارند چرا به داد فقرا و بیچارگان نمی رسند؟

پاسخ

در این که امام زمان(عج) حضور داشته و ناظر بر اعمال ما هستند و فعلاً طبق مصلحتی غایبند شکی نیست؛ اماآنچه در ذهن بعضی از ما در رابطه با فلسفه وجود آن حضرت متصور است که کار آن حضرت رسیدگی به فقیران وبیچارگان و مظلومان و شفای مریضان و ادای قرض‌ها می‌باشد، به صورت کلی صحیح نیست؛ گرچه ما منکر این نیستیم که حضرت به اذن خدا، قادر به انجام

همه این کارها هستند؛ ولی بنا نیست امور عالم بر اساس کرامات ومعجزات حل شود؛ زیرا با قانون علیّت و اسباب سازگار نیست. تسلط ظالم نیز در اثر عملکرد خود مردم است و بایدعلل و عواملی را که باعث شده ستم‌کاران بر آنها مسلط شوند در خود آنان جست‌وجو کرد. آری در مواردی که مردم وظیفه خود را انجام دادند، اما نیاز به امداد غیبی نیز داشتند، خداوند عالم از طریق حضرت ولی عصر(عج) یا ازراه‌های دیگر مؤمنان را یاری خواهد کرد؛ چه این که شواهد تاریخی دلیل زنده‌ای بر این مدعا است. با مطالعه جنگ‌های زمان صدر اسلام، خواهید دید که قدم‌های اولیه را خود رسول خدا(ص) و مسلمانان بر می‌داشتند و به میدان مبارزه می‌رفتند؛ آن گاه که کار از راه عادی قابل حل نبود، امداد الهی نصیب آنان می‌شد. در انقلاب خودمان نیزدر ابتدا مردم با تظاهرات و تحمل شدایید و زندان و شکنجه، کار را شروع کردند و وقتی خداوند دید که واقعا مردم ازظلم متنفّر شده و تشنه عدالتند، امدادهای خودش را در مقاطع مختلف نصیب آنان کرد. در ثانی شیوه و سیره عملی امام عصر(عج) مانند سایر ائمه اطهار(ع) است؛ یعنی، همان طور که در زمان آن بزرگواران این طور نبود که مردم ستمدیده، فقیر و یا مریض فورا نزد ائمه بیایند و حل مشکل را از آنان بخواهند؛ بلکه اگر می‌آمدند ائمه آنها را امر به جهاد و مبارزه و یا صبر در مقابل شداید می‌کردند و به طور کلی امام زمان و سایر ائمه(ع) طبق برنامه تنظیم شده ازناحیه خداوند عالم عمل کرده‌اند و سر مویی خارج از فرمان‌های او و خلاف قانون علیت رفتار ننموده‌اند. با این حال آن بزرگواران به خصوص امام زمان(عج)، در موارد فراوانی به نیازمندان کمک کرده و از آنها دستگیری نموده‌اند و یانسبت به افراد مشتاق و شایسته، نظر لطف خود را بروز داده‌اند و... .

آیا اختلاف در امر ولادت حضرت سبب وهن در آن می‌شود؟

پرسش

آیا اختلاف در امر ولادت حضرت سبب وهن در آن می‌شود؟

پاسخ

احمد کاتب درصدد آن است که از اختلافی که در مسأله ولادت حضرت مهدی (ع) پدید آمد بهره‌برداری کرده و از آن برای سست جلوه دادن مسأله ولادت حضرت استفاده نماید. اولاً: اختلاف در موضوع وقضیه‌ای هرگز مستلزم نبود آن موضوع نیست، بلکه بر وجود آن دلالت دارد، وگرنه هیچ قضیه‌ای را نمی‌توان به اثبات رسانید؛ زیرا در هر قضیه وموضوعی از جهات مختلف اختلاف شده است. آیا امت اسلامی بعد از پیامبر مطابق احادیث، به ۷۳ فرقه تقسیم نشدند؟آیا این افتراق وتفرّق باعث می‌شود که اصل اسلام زیر سؤال رفته ودر گزاره‌های دینی شک نماییم؟ ثانیاً: همان گونه که از وضعیت سیاسی آن زمان ومخفی بودن امر ولادت به جهت آن وضعیّت استفاده می‌شود، اختلاف امری طبیعی به نظر می‌رسد. ثالثاً: مطابق نقل شیخ مفید؛ جامعه شیعی بعد از مدتی نه چندان دور به وحدت نظر در امر ولادت حضرت مهدی (ع) رسیدند. او می‌گوید": از این فرقه‌ها که ذکر شد در این زمان که سال ۳۷۳ است به جز فرقه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن (ع) است، وجود ندارد. {"...پاورقی . الفصول المختاره، ص ۳۲۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۲۳. پاورقی} جالب توجه اینکه، انکار برخی بر ولادت امام مهدی (ع) از دید اهل بیت: مخفی نمانده ولذا در روایاتی به آن اشاره کرده‌اند. شیخ صدوق؛ به سند صحیح از امام موسی بن جعفر (ع) نقل کرده که فرمود: "صاحب هذا الأمر من یقول الناس لم‌یوجد بعد؛ {"پاورقی . کمال‌الدین ص ۳۶۰ ، بحارالأنوار ج ۵۱ ص ۱۵۹ ح ۳. پاورقی} "صاحب این امر کسی است که [بعضی از] مردم می‌گویند: هنوز متولد نشده است".

آیا ممکن است گروهی، اخباری را در موضوع ولادت حضرت جعل کرده باشند؟

پرسش

آیا ممکن است گروهی، اخباری را در موضوع ولادت حضرت جعل کرده باشند؟

پاسخ

درباره روایات امام مهدی (ع) وولادت ووجود آن حضرت ممکن است کسی بگوید: جماعتی این روایات را جعل کرده آن گاه شیعیان آنها را نقل کرده‌اند، در حالی که به جعل آن علم نداشته‌اند. ۱ - این احتمال در تمام اخبار متواتر وارد است واگر این راه به اخبار باز شود، همه شرایع باطل شده وهیچ خبری قابل اثبات نیست. ۲ - اگر امر چنین بود، باید در طول زمان برای دشمنان شیعه آشکار می گشت، وآنها از این طریق، شیعه را مورد هجوم قرار می‌دادند، در حالی که چنین هجومی را از آنها مشاهده نمی کنیم.

چه اشکالاتی نسبت به اعتقاد شیخیه درباره کیفیت وجود امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت وجود دارد؟

پرسش

چه اشکالاتی نسبت به اعتقاد شیخیه درباره کیفیت وجود امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت وجود دارد؟

پاسخ

عقیده ونظر" شیخیه "به سرکردگی شیخ احمد احسائی درباره کیفیت وجود امام زمان (ع) در عصر غیبت وکیفیت بدن او ومکان او، از اشکالات بسیاری برخوردار است. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ - تحلیل این بدن هورقلیایی واعتقاد به حیات امام زمان (ع) با بدن" هورقلیایی "در واقع به معنای انکار امام زمان (ع) در روی زمین است؛ زیرا اگر مراد آن است که حضرت مهدی (ع) در عالم مثال وبرزخ، چه برزخ اول یا برزخ دوم زندگی می کند، یا آن چنان که قبر را آنان از عالم هورقلیا می‌دانند، پس آن حضرت حیات با بدن عنصری ندارد وحیات او مثل حیات مردگان در عالم برزخ است. واین با احادیث متواتر" عدم خلوّ زمین از حجت "سازگاری ندارد. ۲ - این اعتقاد با ادلّه عقلی که قبلاً اشاره شد بر ضرورت وجود امام زمان (ع) در این عالم، مناسبت ندارد. ۳" - شیخ احمد احسائی، "عالم هورقلیا را حد وسط بین دنیا وملکوت معرفی می کند در حالی که عالم ملکوت همان عالم مثال است. ۴ - این سخن که حضرت مهدی (ع) با بدن هورقلیایی زندگی می کند، صرفاً یک ادعای بدون دلیل است وهیچ دلیل عقلی ونقلی بر آن اقامه نشده است. ۵ - در قرن سیزدهم، گزاف گویی وبه کار بردن واژه‌های نامأنوس والفاظ مهمل، بسیار رایج شد وحتی عوام مردم اینها را نشانه علم ودانش می‌پنداشتند وبعید نیست که شیخ احمد احسائی ونیز سید کاظم رشتی به جهت خوشایند جاهلان وعوام به این واژه‌ها وکلمات روی آورده باشند. نتیجه سخنان شیخ احمد، پیدایش مذاهب ضالّه بابیّت وبهائیّت وسرانجام بی‌دینی به اسم آیین پاک به وسیله کسروی بوده، واین میدان عمل ونتایج اسفبار سخنان شیخیه، خود محک وملاک خوبی بر ضعف وسستی این سخنان است.

حکم کسی که منکر امام زمان‌علیه‌السلام است چیست؟

پرسش

حکم کسی که منکر امام زمان‌علیه‌السلام است چیست؟

پاسخ

امام زمان (ع) در بخشی از جواب‌های خود به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب می‌فرماید": لیس بین اللّه عزّوجلّ وبین أحد قرابة، ومن أنکرنی فلیس منّی وسبیله سبیل ابن نوح"؛ "بین خداوند عزّوجلّ وهیچ کس قرابت وخویشاوندی نیست، هر کس مرا انکار کند از من نیست، وراهِ او راه فرزند نوح است {".پاورقی . کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳. پاورقی} این حدیث را روایتی که شیعه وسنی در کتب روایی خود آورده‌اند، تأیید می‌کند؛ وآن اینکه پیامبر (ص) فرمود": مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است، هر کس سوار بر آن شود نجات می‌یابد وکسی که از آن تخلف کند غرق خواهد شد. {"پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱ ؛ بصائر الدرجات، ص ۳۱۷، ح ۴. پاورقی}

دلایل وجود یک منجی برای عالم بشریت چیست.

پرسش

دلایل وجود یک منجی برای عالم بشریت چیست.

پاسخ

پاسخ گویی کامل به پرسش های شما نیاز به چندین مجلد کتاب دارد لذا آنچه در حد یک پاسخ نامه می توانیم عرضه نماییم پاسخی کوتاه و دقیق به هر یک از این پرسش ها همراه با معرفی و ارجاع به منابع مفید جهت مطالعه بیشتر می باشد. اعتقاد به امام مهدی(عج) در اسلام مستند به آیات و مجموعه وسیعی از روایات است که شیعه و سنی نقل کرده و اعتقاد به امام منجی را مسلم نزد فریقین کرده است. پس اساس اعتقاد ما به منجی مستند به ادله نقلی است (در این زمینه مطالعه کتاب «منتخب الاثر»، آیت الله صافی گلپایگانی که مجموعه عظیمی از روایات منقول توسط شیعه و سنی در این زمینه را به صورت منظم و دسته بندی شده گردآوری کرده است بسیار مفید است). اما با بررسی تاریخ بشریت و ادیان می بینیم اعتقاد به منجی در ادیان و مکاتب مختلف مطرح گشته که در پاسخ به سؤال ۳ به آن اشاره شده است. پس نیاز به منجی بر اثر تجربه بشر در طول تاریخ با جان انسانها عجین گشته است.

چرا نام امام زمان«علیه السلام» در وصیّت نامه امام حسن عسگری«علیه السلام» نیامده است؟

پرسش

چرا نام امام زمان«علیه السلام» در وصیّت نامه امام حسن عسگری«علیه السلام» نیامده است؟

پاسخ

حضرت امام حسن عسگری«علیه السلام» از ناحیه‌ی خلفای زمان خویش سخت در محاصره و فشار بود خلفای عبّاسی که شنیده بودند که از امام حسن عسگری فرزندی متولّد می‌شود که از، بین رفتن طاغوتها و ستمگران به دست او خواهد بود در صدد برآمده بودند که وی را پیدا کرده دستگیر و شهید نمایند از این رو امام حسن عسگری«علیه السلام» وصی و جانشین خویش امام زمان را جز به افراد خاص از اصحاب خویش نشان نمی‌داد بنابراین اگر در وصیتنامه‌ی آن حضرت نامی از امام زمان برده نشده باشد ممکن است در رابطه با شرائط سیاسی خفقان آمیز زمان آن حضرت باشد. و اصحابی که مورد اعتماد آن حضرت بودند مانند ابی‌الادیان و احمد بن اسحق بدیدن امام زمان و معرّفی وی به عنوان جانشین امام عسگری«علیه السلام» موفق شدند.

محل اقامت

در روایات

مکان حضرت مهدی ۷کجا است ؟

پرسش

مکان حضرت مهدی ۷کجا است ؟

پاسخ

مکان آن حضرت معلوم نیست و کسی آن را نمی داند و در منابع تاریخی و روایی جای خاصی برای حضرت نقل نکرده اند. بعضی از مخلصان توفیق دیدار آن حضرت را یافته و مثلاً در کنار قبر مولاامیرالمؤمنین ۷یا در مسجد سهله یا در مکان های دیگر آن حضرت را دیده اند, ولی مکان خاصی نمی توان برای حضرت معیّن کرد. مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج نقل کرده است : این نامه از ناحیهء مقدسهء حضرت مهدی ۷به نائب چهارم (ابوالحسن سمری) آن حضرت نوشته شد: .(۱) البته این حدیث جلوی مدعیان دیدن حضرت را می گیرد و مانع مدعیان دروغین می شود. در ضمن احتمال دارد بعضی در حال مکاشفه امام زمان را دیده باشند و یا یکی از اصحاب خاص را, و فکر کنند امام زمان است ; در هر صورت در غیبت کبری دیدار مشکل است ; البته به دیدن و نشناختن مانعی ندارد. محمد بن عثمان , سفیر دیگر حضرت مهدی ۷فرمود: (۲) مرحوم علاّمهء مجلسی جریان جزیرهء خضرا (مثلث برمودا) را معتبر نمی داند و می فرماید: .(۳) بنابراین , تعیین مکان خاصی برای حضرت مهدی ۷ممکن نیست و تجسس نیز جایز نمی باشد. (پاورقی ۱.علی دوانی , مهدی موعود, ص ۹۲۹ با تلخیص . (پاورقی ۲.همان , ص ۹۳۰ (پاورقی ۳.همان , ص ۹۳۴

امام زمان(ع) هم اکنون در کجا می‌باشد؟

پرسش

امام زمان(ع) هم اکنون در کجا می‌باشد؟

پاسخ

از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت است، که آیا آن حضرت در مکان خاصی سکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژه‌ای است آن مکان کجا است؟ روایاتی که درباره مکان امام زمان(ع) وجود دارند چند دسته‌اند: ۱ - برخی از روایات محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابان‌ها و کوه‌ها معرفی می کند. از آن جمله حضرت مهدی(ع) به پسر مهزیار فرمود": فرزند مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوهای سخت و سرزمین‌های خشک و دور دست را برگزینیم."(۱) از این روایت استفاده می‌شود که حضرت از دسترسی مردم دور است و کسی که از محل سکونت وی آگاه نیست. ۲ - برخی روایات خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت یاد نموده‌اند، مثلا در برخی از روایات در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود": لابد لصاحب هذا الامر من عزلة و لابد فی عزلته من قوة و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبة"(۲)، صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند (و به قوت وی می‌افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه. از این روایات استفاده می‌شود که حضرت در مدینه منوره منزل دارد و افرادی همواره با ایشان به صورت ناشناس هستند. برخی روایات مکان امام زمان(ع) را کوه"رضوان "که در اطراف مدینه است، بیان کرده‌اند، عبدالاعلی آل سام می گوید": با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم، به روحاء (اطراف مدینه) که رسیدیم حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد، و فرمود: این کوه رضوان نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف(امام غائب) در غیب صغرا و غیبت کبری.(۳) از روایات دیگر استفاده می‌شود که امام زمان(ع) در مکانی به نام" ذی طوی "که در اطراف مکه است، زندگی می کند و از همان جا نیز یاران خود قیام می کنند. امام باقر(ع) فرمود": امام زمان را غیبتی است در بعضی از دره‌ها و اشاره کرد به منطقه" ذی طوی. (۴) ۳ - برخی روایات جایگاه خاصی را برای امام زمان(ع) نام نمی‌برد، ولی از حضرت به عنوان فردی یاد می کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشر و نشر داردو به گونه‌ای ناشناس زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود": صاحب الامر شباهتی نیز به حضرت یوسف پیامبر(ع) دارد جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صاحب الزمان(ع)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمد می کند و در بازار قدم می‌نهد و گاهی بر فرش منزل‌های دوستان می‌نشیند، لیکن او را نمی‌شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم."(۵) از این روایت استفاده می‌شود که امام زمان(ع) مکان معین نداشته در میان جمع و جامع است، با مردم حشر و نشر دارد و زندگی طبیعی و معمولی دارد. در مراسم مذهبی و مناسک حج شرکت می‌جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم از سوی دیگر نشان از آن دارد که آن حضرت در همه جا بوده و در همه جا حضور دارد. از جمع بین روایات نیز می‌توان استفاه کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد به آن دسته از روایت که مکان معین مانند مدینه و مکه را بیان کرده‌اند؛ زیرا آن دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان‌ها و مکان‌های خاص حضور پیدا می کند. آن دسته از روایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، همان مکان‌های خاصی می‌باشد. پی نوشت‌ها: ۱ - شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶. ۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰. ۳ - شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲. ۴ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲. ۵ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

مکان و مسکن امام زمان(ع) کجاست؟

پرسش

مکان و مسکن امام زمان(ع) کجاست؟

پاسخ

محل سکونت حضرت مهدی(ع) بر کسی معلوم نیست و نمی‌توان گفت در جای مخصوصی زندگی می‌کند گر چه آن حضرت در جایگاه‌هایی ممکن است مسکن کرده باشد، اما از حوزه دسترسی مردم به دواست و کسی از محل سکونت وی آگاه نیست. از برخی از روایان استفاده می‌شود که در کوه‌ها و شهرهای گمنام و دور دست زندگی می‌کند. خود آن حضرت به پسر مهزیار فرمود": ای فرزند مهزیار! پدرم امام حسن عسکری از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت، کوه‌های سخت و سرزمین‌های خشک و دور دست را بر گزینم.(۱) در برخی روایات، مسکن آن حضرت شهر مدینه و اطراف آن و در برخی دیگر مکه و پیرامون آن نام برده شده است.(۲) در برخی روایات هم جایگاه خاصی برای آن حضرت معین نکرده و در میان مردم رفت و آمد می‌کند، در بازار قدم می‌نهد و گاهی بر فرش منزل‌های دوستان می‌نشیند، لیکن او را نمی‌شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند.(۳) پی نوشت‌ها: ۱ - مجله حوزه، شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۵۰ به بعد با تلخیص. ۲ - همان. ۳ - همان.

امام زمان(عج) بر اساس احادیث، در کجا زندگی می کند؟

پرسش

امام زمان(عج) بر اساس احادیث، در کجا زندگی می کند؟

پاسخ

دربارۀمکان و محل زندگی امام مهدی(عج) در دورۀ غیبت صغری و کبری، روایات با صراحت سخن نگفته اند و از دلالت ضمنی و فحوایی هم نمی توان نتیجه گیری مشخصی نمود، بلکه فحوای روایات گوناگون و گاه با یک دیگر مخالف اشت. بدین شرح: ۱ ـاز برخی روایات استفاده می شود که امام مهدی(عج) به صورت ناشناس بین مردم زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر [امام زمان] شباهتی به یوسف پیامبر دارد... جای انکار نیست کحه خداوند با حجّت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام دادم". صاحب الامر، "آن مظلوم حق از دست داده، میان مردم رفت و آمد می کند، در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد و خود را معرفی کند، آن گونه که حضرت یوسف را اجازه داد هنگامی که برادران وی گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم.۲ ۱ ـاز برخی روایات به دست می آید که محل زندگی حضرت در کوه ها و بیابان ها است. این سخن از روایت امام مهدی(عج) خطاب به" علی بن مهزیار "دانسته می شود، حضرت فرمود": یابن المازیار، أبی، أبو محمد عهد إلیّ ... و أمرنی أن لا أسکن من الجبال إلّا وعرها و من البلاد إلّا عفرها ...؛ای پسر مهزیار، پدرم ابومحمد [امام حسن عسکری(ع)] از من پیمان گرفت... و فرمان داد که برای سکونت کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینم."۳ ۲ ـبرخی روایات دلالت دارد که حضرت مهدی(عج) به صورت ناشناس در مدینه زندگی می کند. امام باقر(ع) فرمود ": لا بد لصاحب الأمر من عزله و لابد فی عزلته من قوّه و ما بثلاثین من وحشه و نعم المنزل طیبه؛ صاحب الامر [امام مهدی(عج)] را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سی نفری که با

حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند [و به قوّت وی می افزایند] و خوب جایگاهی است [مدینه] طیبه."۳ ۴ _از برخی روایات فهمیده می شود که حضرت در اطراف مکه، در مکانی به نام" ذی طوی "زندگی می کند و از همان جا به همراه یارانش قیام خواهد کرد.۴ ۵ _در روایتی دیگر آمده است که حضرت مهدی(عج) در اطراف مدینه، در کوه رضوی زندگی می کند. عبدالاعلی آل سام گوید: با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم و به [اطراف مدینه]، روحاء، رسیدیم. حضرت نگاهش را به کوهی دوخت... و فرمود": این کوه" رضوی "نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف [امام زمان] در غیبت صغری و کبری."۵ علامهٔ شوشتری می گوید: در نصوص معتبر همین نظر تأیید شدهاست که جایگاه حضرت در غیبت صغری و کبری کوه" رضوی" است.۶ در دعای ندبه هم با تردید آمده است ": أبرضوی أو غیرها أم ذی طوی؛ آیا حضرت در کوه رضوی است، یا غیر آن یا در ذی طوی."؟!

امام زمان(عج) درچه مکانی زندگی می کند؟

پرسش

امام زمان(عج) درچه مکانی زندگی می کند؟

پاسخ

از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت است، که آیا آن حضرت در مکان خاصی سکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژهای است آن مکان کجا است؟ روایاتی که درباره مکان امام زمان(ع) وجود دارند چند دستهاند: ۱ - برخی از روایات محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابانها و کوهها معرفی می کند. از آن جمله حضرت مهدی(ع) به پسر مهزیار فرمود": فرزند مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوهای سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینیم."(۱) از این روایت استفاده می شود که حضرت از دسترسی مردم دور است و کسی که از محل سکونت وی آگاه نیست. ۲ - برخی روایات مکان خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت یاد نمودهاند، مثلاً در برخی از روایات در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود": لابد لصاحب هذا الامر من عزلته و لابد فی عزلته من قوهٔ و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبهٔ"(۲)، صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند (و به قوت وی می افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه. از این روایات استفاده می شود که حضرت در مدینه منوره منزل دارد و افرادی همواره با ایشان به صورت ناشناس هستند. برخی روایات مکان امام زمان(ع) را کوه"رضوان "که در اطراف مدینه است، بیان کردهاند، عبدالاعلی آل سام می گوید": با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم، به روحاء (اطراف مدینه) که رسیدیم حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد، و فرمود: این کوه رضوان نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف(امام غائب) در غیب صغرا و غیبت کبری.(۳) از روایات دیگر استفاده می شود که امام زمان(ع) در مکانی به نام" ذی طوی "که در اطراف مکه است، زندگی می کند و از همان جا نیز یاران خود قیام می کنند. امام باقر(ع) فرمود": امام زمان را غیبتی است در بعضی از درهها و اشاره کرد به منطقه" ذی طوی. ("۴) ۳ - برخی روایات جایگاه خاصی را برای امام زمان(ع) نام نمی برد، ولی از حضرت به عنوان فردی یاد می کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشر و نشر داردو به گونهای ناشناس زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود": صاحب الامر شباهتی نیز به حضرت یوسف پیامبر(ع) دارد جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان

کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صاحب الزمان(ع)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمد می‌کند و در بازار قدم می‌نهد و گاهی بر فرش منزل‌های دوستان می‌نشیند، لیکن او را نمی‌شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم.("۵) از این روایت استفاده می‌شود که امام زمان(ع) مکان معین نداشته در میان جمع و جامعه است، با مردم حشر و نشر دارد و زندگی طبیعی و معمولی دارد. در مراسم مذهبی و مناسک حج شرکت می‌جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم از سوی دیگر نشان از آن دارد که آن حضرت در همه جا بوده و در همه جا حضور دارد. از جمع بین روایات نیز می‌توان استفاده کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد به آن دسته از روایت که مکان معین مانند مدینه و مکه را بیان کرده‌اند؛ زیرا آن دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان‌ها و مکان‌های خاص حضور پیدا می‌کند. آن دسته از روایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، همان مکان‌های خاص می‌باشد. پی نوشت‌ها: ۱ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶. ۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰. ۳ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲. ۴ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲. ۵ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

ارتباط امام زمان(ع) با ذی طوی و رضوی چیست؟ و چرا این دو مکان بالخصوص در دعا ذکر شده است؟

پرسش

ارتباط امام زمان(ع) با ذی طوی و رضوی چیست؟ و چرا این دو مکان بالخصوص در دعا ذکر شده است؟

پاسخ

ارتباط آن حضرت با این دو مکان مانند ارتباط ایشان با سایر اماکن مقدسه و متبرکهٔ دیگر است که پرستش و عبادت خدا در آن اماکن فضیلت دارد، مثل مسجدالحرام و مسجد مدینه طیّبه و مشهد غروی حسینی و مسجد کوفه و سهله که معلوم شده است حضرت در این اماکن رفت و آمد دارند و این دو مکان را نیز بواسطهٔ این دو خصوصیت در دعا نام میبرند زیرا چنانچه از بعضی اخبار استفاده میشود، در غیبت صغری و کبری کوه رضوی نیز یکی از مقامات آن حضرت و از اماکنی است که گاهی آنجا تشریف میبردند. (غیبت شیخ، ص ۱۰۳ ـ بحاالانوار ج ۲۲، ص ۲۶۷ ـ مصابیح الانوار، ج ۲، ص ۳۴۵.) و نکتهٔ این که، این دو مکان در این دعا نام برده شده علاوه بر اینکه ممکن است اشاره به اشتباه کیسانیّه در تعیین مهدی باشد و اینکه آن موعودی که همه در انتظار ظهور او با هم شریکند از عترت پیامبر و از اولاد علی و فاطمه و فرزند امامان و حجّتهای الهی است ـ نکتهای ادبی است؛ زیرا در مقام ندبه و اظهار تأثر از بیاطلاعی از جا و مکان آن حضرت ذکر این دو مکان مناسبتر و در قلوب نافذتر است تا اماکن دیگر، مانند خانهٔ آن حضرت در سامرا یا مسجدالحرام یا مسجد پیامبر(ص) مثل اینکه محبوب سفر کردهای را اگر بخواهیم یاد کنیم و از سوزش آتش هجران و فراق او بنالیم و از بیخبری از حال و جا و مکان و آسایشگاهش اظهار نگرانی کنیم، سراغ آن مسافر عزیز را در کوه و بیابان و دریا و هوا میگیریم نمیگوئیم «نمیدانیم اکنون در کجائی، به منزل رسیدهای، یا در بستر خواب آرمیدهای یا در اطاق کنار جویبار و سبزه نشستهای؟» زیرا این مضمونها ندبه را تسکین میدهد بلکه مناسب این است که بگوئیم «نمیدانیم اکنون در کجایی، در حال حرکتی یا در بیابان و در کوه و دور از آبادی ناراحت و تنها هستی؟» بر حسب بلاغت و تکلّم به مقتضای حال، باید اینگونه جملهها، در حال ندبه آورده شود و ذوق سلیم و طبع مستقیم و مأنوس با ادب این نکات را درک میکنند و ممکن است

که ذکر اماکنی مثل رضوی و ذی طوی برای اشاره به این باشد که همهٔ مکانهای مقدس، حتی ذی طوی و رضوی هم که مورد نظر کیسانیّه بوده، تحت تصرف امام و آمد و شد آن حضرت هستند. و احتمال دیگری نیز بعد از این سه احتمال هست و آن این است که مراد از ذی طوی چنانچه از «اخبار مکّه المشرفهٔ» هم نقل شده خود مکهٔ معظمه ومراد از رضوی مدینهٔ طیّبه است. به هر حال، ذکر این دو مکان در مثل این دعا به رعایت اینگونه نکات ادبی یا معنایی است و به هیچ وجه متن آن را سست نمیسازد.

اینکه در دعای ندبه اشاره به کوه رضوی یا ذی طوی شده است. آیا امام(عج) در آنجا استقرار دارند؟

پرسش

اینکه در دعای ندبه اشاره به کوه رضوی یا ذی طوی شده است. آیا امام(عج) در آنجا استقرار دارند؟

پاسخ

از این جمله دعای ندبه: ابرضوی اوغیرها ام ذی طوی استفاده نمی شود که امام زمان در جای مخصوصی که کوه رضوی یاذی طوی است ناپدید شده اند و یا اکنون برای همیشه در آن جاها، هستند زیرا اولاً: جمله قبل آن دعا این است: لیت شعری این استقرت بک النوی بل ای ارض تقلک اوثری ابرضوی اوغیرها ام ذی طوی، و مضمون این جمله این است که ای کاش ما می دانستیم تو در کجا قرار داری در کوه رضوی یا غیر آن در ذی طوی و این جمله ربطی به جای ناپدید شدن امام ندارد. ثانیاً: در این جمله کلمه غیرها آمده است به وضوح می رساند که منظور این است که در کدام نقطه زمین هستی در کوه رضوی یا در ذی طوی یا در جای دیگر از امین. ثالثاً: بعد از این جمله آمده: بنفسی انتمن مغیب لم یخل منا، که دلالت دارد بر اینکه امام زمان در میان ماست و، چنین نیست در میان ما نباشد. اما اینکه چرا اصولاً به کوه رضوی و ذی طوی اشاره شده است از کتب لغت و حدیث استفاده می شود که ذی طوی و رضوی، دو مکان مقدس می باشند و اما زمان گاهی در آنجا می رود چنان که در مکان های دیگر نیز می رود. برای آگاهی بیشتر می توانید به کتاب تحقیقی درباره ندبه تألیف آقای استادی مراجعه فرمائید.

محل زندگی امام (ع) کجاست ؟

پرسش

محل زندگی امام (ع) کجاست ؟

پاسخ

قبل از جواب، لازم است این نکته بیان شود که آیا منظور از غیبت حضرت حجت(ع) غیبت شخصی است، یعنی آن حضرت به گونه‌ای زندگی می‌کند، هیچ گاه با مردم در تماس نیست و امکان ندارد کسی مکان ایشان را پیدا کند یا اینکه منظور از غیبت امام، غیبت عنوانیاست، بدین معنا که حضرت با مردم حشر و نشر دارد با آنان زندگی می‌کند لکن به گونه ناشناس، او مردم را می‌شناسد ولی مردم ایشان را نمی‌شناسند. در عین حال مکانی را برای سکونت برگزیده است. روایاتی که در این مورد وجود دارد چند دسته است. ۱. برخی از روایات محل خاصی را تعیین نمی‌کند و جایگاه آن حضرت را در بیابانها و کوهها معرفی می‌کند. که از آن جمله حدیثی است که امام(ع) به پسر مهزیار می‌فرماید: «... پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت... و فرمان داد که برای

www.noorfatemah.org

سکونت کوه‌های سخت و سرزمینهای خشک و دور دست را برگزینیم»، (کتاب الغیبه / شیخ طوسی / صفحه۲۶۶ / نقل از کتاب چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان حوزه، ص ۳۵۰). ۲. دسته‌ای روایات است که منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت نام می‌برند. الف: مدینه طیبه؛ «ابی بصیر می‌گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: صاحب الزمان را عزلت و غیبتی است... که خوب جایگاهی است مدینه طیبه» ب: کوه رضوی؛ در بعضی از روایات جایگاه آنحضرت را در غیبت صغری و کبری کوه رضوی دانسته است. ج: کوه ذی طوی ؛ (جائی است در پیرامون مکه)، (همان). ۳. در بعضی از روایات برای آن حضرت جایگاه خاصی را نام نمی‌برد، ولی وی را به عنوان فردی که با مردم حشر و نشر دارد و به گونه ناشناس زندگی می‌کند معرفی می‌نماید. بنابراین بین این روایات تضاد و تنافی نیست؛ و نام بردن مکان خاص با زندگی به شکل ناشناس قابل جمع است و در حال ضرورت و نیاز امری است طبیعی و موافق با اصل تقیه. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک شود: ۱. چشم به راه مهدی(ع)، جمعی از نویسندگان مجله حوزه ۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی. در پایان سؤالات شما پیرامون امام مهدی(عج) متذکر باید شد: ۱. دانستن مکان سکونت حضرت(عج) یا مسئله ازدواج و فرزندان آن حضرت در سعادت آدمی مؤثر نیست. ۲. معلوم شدن مکان حضرت و حتی فرزندان و همسران حضرت با فلسفه غیبت منافات دارد پس حکمت غیبت اقتضا می‌کند که مسئله سکونت، ازدواج و فرزندان حضرت در ابهام باشد. ۳. آنچه بر مؤمن لازم است، تلاش در جهت پالایش روحی و فکری خود برای آمادگی درک فیض حضور آن وجود مبارک است.

مکان حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت کبرا کجا است؟

پرسش

مکان حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت کبرا کجا است؟

پاسخ

از روایات بسیاری استفاده می‌شود که امام زمان (ع) نه تنها در سرداب مقدس مخفی نیست بلکه هیچ مکان معیّنی ندارد. امام زمان (ع) در خطاب خود به ابراهیم بن مهزیار فرمود": پدرم مرا وصیّت کرده که در سرزمین‌های مخفی ودور سکنی گزینم تا امرم از مردم مخفی بماند ومحلّم از کیدهای اهل ضلالت وارتداد واز حوادث امتّهای گمراه محفوظ بماند. لذا این سفارش، مرا به تپه‌های بلند کشانده است. {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸. پاورقی} آری، مطابق برخی از روایات، مکان خاصی برای حضرت وجود دارد که تنها خواص از شیعیانش از آن اطلاع دارند. اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: "للقآئم غیبتان: إحداهما قصیرة والأخری طویلة، الغیبة الأولی لایعلم بمکانه فیها إلّا خاصّة شیعته، والأخری لایعلم بمکانه فیها إلاّ خاصّة موالیه"؛ "برای قائم دو غیبت است: یکی کوتاه ودیگری طولانی. در غیبت کوتاه {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹. پاورقی} کسی غیر از خواص از شیعیانش از مکان او اطّلاع ندارند. ودر غیبت طولانی نیز تنها خواص از دوستدارانش از مکان او آگاهند".

۱–امام زمان کجا هستند ؟

پرسش

۱-امام زمان کجا هستند ؟

پاسخ

ج۱- آنچه از روایات و حکایات معتبر استفاده می شود این است ،که امام در ایام غیبت کبری درمکان خاصی در شهر معینی استقرار ندارند که از آنجا خارج نشوند و محل سکونت دائمی ایشان باشد، بلکه حضرت برای انجام وظایف و تکالیفی که دارد به اماکن مختلف مسافرت می کند و از جمله شهرهایی که مسلما حضرت به آنجا می روند و آن شهرها با قدوم او مزین میگردد، مکه معظمه ، مدینه منوره نجف اشرف، کوفه ، کربلا ، کاظمین ، سامرا ء، مشهد ، قم ، بغداد ، است. اماکن و مقاماتی که آن حضرت در آنجا تشریف فرما شدند متعدد است . مانند مسجد جمکران ،قم ،مسجد کوفه، مسجد سهله ، مقام حضرت مهدی در وادی السلام نجف و درحله بعید نیست که اقامتگاه اصلی حضرت و یا جاهایی که بیشتر در آنجا رفت و آمد دارند، مکه ، مدینه و عتبات عالیه باشد. موضوع سکونت حضرت در کوه « رضوی » یا « ذی طوی » که سراغ حضرت در آن دو مکان گرفته شد که در دعای ندبه چنین آمده است. { لیت شعری این استقرت بک النوی ، بل ای ارض تجد ک او تری ابرضوی او غیرها ام ذی طوی } دلالت ندارد، که اقامتگاه امام در آنجاست ،بلکه طبق کتب معاجم و تواریخ این دو مکان از اماکن مقدس به شمار می آیند و ممکن است حضرت همانند سایر مکانها مقدس سری هم به این دو مکان بزند ولی عبارت دعای ندبه هرگز دلالت ندارد،که حضرت دریکی دومکان زندگی می کند. ۱-زیرا، اولاـ؛ این یک استفهام حقیقی نیست،بلکه به انگیزه بیان سوز و هجران و اظهارتأسف از فراق و حرمان از فیض حضور گفته شده است. ۲-از بعضی از عبارات دعای ندبه استفاده می شود ،که حضرت در بین مردم است و همه جا هست و مکان خاصی ندارد مانند این جمله { بنفسی انت من مغیب لم یخل عنا ، بنفسی انت من نازح ما نزح عنا } بنابر این نمی توانیم برای حضرت مکان خاصی را مشخص نمائیم که حضرت در آنجا زندگی می کند،بلکه حضرت در بین مردم بوده و از مردم جدا و کنار نیست و او با ماست این ما هستیم که او را نمی بینیم . منابع : ۱-سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری ۲-تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری ۳-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – کجا زندگی می‌کند؟

پرسش

امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – کجا زندگی می‌کند؟

پاسخ

در زمان غیبت امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – مکان و سرزمین خاصّی که محلّ اسکان حضرت باشد، مشخّص نشده است؛ بنابراین می‌توان گفت: آن حضرت به طور ناشناس میان مردم زندگی و رفت و آمد می‌کند یا ممکن است در نقاط دور افتاده‌ای زندگی کند/ در روایات آمده است که حضرت در موسم حج به انجام اعمال حج می‌پردازد؛ مردم را نمی‌شناسند؛ امّا وی مردم را می‌شناسد. ابن متوکّل از حمیری از محمد بن عثمان عمری آورده است:«قال سمعته یقول و الله ان صاحب هذا الامر یحضر الموسم کل سنْ سیری الناس و یعرفهم و لاـ یرونه و لا یعرفونه{۱;} حمیری گفته است: از محمد بن عثمان شنیدم که می گفت: سوگند به خدا! امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – هر سال در موسم حج حاضر می‌شود. وی بین مردم است و مردم او را

می‌بینند امّا او را نمی‌شناسد/ [۱].بحارالانوار، علّامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۵۲، ح ۴، مؤسسْ الوفأ، لبنان، ۱۴۰۳ ه‘ ق/

اکنون امام زمان(عج) کجا زندگی می‌کنند؟ آیا آن حضرت زن و بچه دارد؟

پرسش

اکنون امام زمان(عج) کجا زندگی می کنند؟ آیا آن حضرت زن و بچه دارد؟

پاسخ

از برخی از روایات معتبر چنین استفاده می‌شود که امام زمان(عج) در عصر غیبت، در مکان خاصی و شهر معینی استقرار دایمی ندارد و به طور ناشناس در بین مردم زندگی می کند و رفت و آمد دارد، چنان که امام صادق(ع) فرمود: «آن حضرت در بین مردم تردد می کند و در بازارشان راه می‌رود و بر فرشتگان قدم می گذارد ولی او را نمی‌شناسند و به همین وضع زندگی می کند تا هنگامی که خداوند به او اذن معرفی خود را به مردم می‌دهد».{۱} شهرهای مکه، مدینه، نجف اشرف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد و قم و بغداد از جمله شهرهایی هستند که به طور مسلم تاکنون به قدم امام زمان(عج) مزیّن شده‌اند.{۲} هم چنین آن حضرت در مکانهای متعددی مانند مسجد جمکران، مسجد کوفه، مسجد سهله، مقام حضرت الامر در وادی السلام نجف و در حلّه حضور یافته‌اند/ بنابراین، نمی‌توان مکانی را به عنوان محل سکونت دائمی آن حضرت بیان کرد، اگر چه عده‌ای گفته‌اند محل سکونت دائمی امام زمان(عج) همان سرداب منزل ایشان در سامرا است. این قول را به شیعه نسبت می‌دهند اما به طور مسلم شیعه هیچ گاه چنین سخنی نگفته و این دروغ محض است؛ زیرا مستندات شیعه در این زمینه روایات است که در هیچ روایتی از روایات شیعه چنین مطلبی اشاره نشده است/ بعضی .....X... اند منزل دائمی آن حضرت در «کوه رضوی» یا «ذی طوی» است و به این فراز از دعای شریفه ندبه استدلال می‌نمایند: «لیت شعری أین استقرت بک النوی بل أی أرض تقلک أوی ثری أبری ضوی أو غیرها أم ذی طوی» ای کاش می‌دانستم که در کدامین زمین قرار داری. آیا بر کوه رضوی یا ذی طوی یا نه این جا و نه آن جا؛ در صورتی که امام زمان(ع) نه در کوه رضوی هستند و نه در منطقه ذی طوی، در واقع، منظور از این فراز از دعا پرسش از قرارگاه دائمی آن حضرت نیست، زیرا به اعتقاد شیعیان کسی از محل سکونت آن حضرت اطلاعی ندارد، چنان که امام صادق(ع) می‌فرماید: «هیچ کس از دوست و بیگانه، از جایگاه او آگاهی ندارد، مگر آن خدایی که اختیار او را در دست دارد».{۳} از ظاهر بعضی روایات استفاده می‌شود که آن حضرت همسر و اولاد دارند. در مقابل هم روایات معتبری هست که این مطلب را انکار می کند که دو نمونه از این روایات را در این جا ذکر می کنیم: ۱. روایت مسعودی: روی علی بن حمزْ بن السراج و ابن سعید مکاری نزد امام رضا(ع) رفتند. علی بن حمزه به آن حضرت عرض کرد: از پدرانت روایت کرده‌ایم... تا بدین جا رسید که روایت کرده‌ایم امام از دنیا نمی‌رود تا فرزندش را ببیند. حضرت فرمود: آیا در این حدیث روایت کرده‌اید «الا القائم»؟ عرض کردند: بلی. حضرت فرمود: آری روایت کرده‌اید اما شما نمی‌دانید که چرا گفته شده و معنای آن چیست؟ ابن حمزه گفت: این مطلب در حدیث چیست؟ حضرت به او فرمود: وای بر تو چگونه جرأت کردی با چیزی بر من استدلال می کنی که بعضی از آن با بعضی دیگر درهم آمیخته است. خداوند متعال به زودی فرزندم را به من نشان خواهد داد.{۴} ۲. محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش علی بن سلیمان رشد از حسین بن علی فزاز نقل می کند که گفت: علی بن حمزه نزد حضرت رضا(ع) رفت و عرض کرد: آیا شما امام هستی؟ فرمود: آری. عرض کرد: من از جدت جعفر بن محمد(ع) شنیدم که فرمود: امامی وجود ندارد مگر این که فرزندی داشته باشد و از خود ن...æبر جای بگذارد. فرمود: این پیر، فراموش ک.....jیا خود را به فراموشی زدی؟ جعفر این گونه نگفت، بلکه فرمود: امامی

وجود ندارد مگر این که .....Xjداشته باشد، جز امامی که حسین(ع) برای او از قبر بیرون آید که او فرزند ندارد، یعنی امام زمان(عج). عرض کردم فدایت شوم درست فرمودی، شنیدم که جدت چنین گفت.{۵} [۱]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۵۴ و حق الیقین، ص ۲۴۶/ [۲]. پاسخ به ده پرسش، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۲۸/ [۳]. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۱۴۳ – ۱۴۴. به نقل از: غیبت نعمانی، باب دهم، ص ۲۵۰/ [۴]. همان، به نقل از: اثبات الوحید، مسعودی، ص ۲۰۱/ [۵]. همان. به نقل از: کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۳۴/

دردوره غیبت صغری

اقامتگاه حضرت مهدی (عج در زمان غیب کجا است ؟

پرسش

اقامتگاه حضرت مهدی (عج در زمان غیب کجا است ؟

پاسخ

اقامتگاه حضرت مهدی (عج معلوم نیست اگر معلوم بود، دیگر غیبت معنا نداشت گرچه برخی خواسته‌اند ادعا کنند که جایگاه حضرت در جزیرهٔ خضرا است ولی این ادعا دلیل معتبری ندارد. بخشی از روایات تصریح دارند که حضرت میان مردم است و آنان را می‌بیند و می‌شناسد ولی مردم حضرت را نمی‌شناسند. امیرالمؤمنین (ع فرمود": ولکن الجنهٔ یعرف الناس ولا یعرفونه حجت مردم را می‌شناسد، لیکن مردم او را نمی‌شناسند. "از این روایت استفاده می‌شود که حضرت بسان دیگر انسان‌ها بین مردم زندگی می‌کند. او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند. برخی روایات جایگاه حضرت را در بیابان‌ها و کوه‌ها می‌داند، از آن جمله حضرت به پسر مهزیار می‌فرماید": پدرم امام حسن عسکری (ع از من پیمان گرفت .. و فرمان داد برای سکونت کوه‌های سخت و سرزمین‌های خشک و دور دست را برگزینم " برخی دیگر از روایات مکان حضرت را مدینه و اطراف آن می‌داند. ابوبصیر می‌گوید: از امام باقر (ع شنیدم" صاحب الزما را عزلت و غیبتی است و در زمان غیبت سی نفر همراه او هستند که تنهایی را از او دور می‌سازند و به قوت او می‌فزایند و خوب جایگاهی است مدینه . در برخی روایات کوه رضوی در اطراف مدینه را جایگاه حضرت دانسته است روایات دیگر جایگاه حضرت را کوه" ذی طوی در اطراف مکه دانسته است یاران حضرت مهدی (عج هنگام ظهور چه کسانی خواهند بود؟ پاسخ: فضیل بن یسار از امام صادق (ع نقل کرده" گنجی در طالقان هست که از طلاـ و نقره نیست و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده‌اند، برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل‌های آن‌ها مانند پاره‌های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن‌ها راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم‌ترند. اگر آن‌ها را وا دارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می‌دارند. لشکر آنان قصد هر شهری را بکنند آن را فتح می‌نمایند. آن‌ها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند، مردانی میان آن‌ها است که شب‌ها نمی‌خوابند. زمزمهٔ آن‌ها در حال عبادت همچون زمزمهٔ زنبور عسل است تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره بر دشمن حمله می‌کنند. آنان مانند چراغ‌های درخشنده‌اند و از خوف خدا خشنود می‌باشند. تمنای شهادت می‌کنند. شعار آنان این است یا لثارات الحسین (ای خون خواهان حسین از هر کجا می‌گذرند، رعب آن‌ها پیشاپیش به اندازهٔ یک ماه راه در دل‌ها جای می‌گیرد. بدین گونه پیشروی می‌کنند و خداوند آنان را پیروز می‌گرداند. "یاران خاص حضرت ۳۱۳ نفر ذکر شده‌اند امام صادق (ع فرمود": گویا می‌نگرم قائم

را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش که پیرامون او گرد آمده‌اند، به تعداد رزمندگان جنگ بدر "کم کم یاران حضرت زیاد می‌شوند حتی ده یا ۱۵ هزار نفر یاران مهدی (عج از صنف و نژاد خاصی نیستند بلکه از گروه‌ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند ولی در این حرکت عظیم مردمان عجم نقش پر اهمیتی در خدمتگزاری امام بر عهده دارند. ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج : ۱ـ خداجویی و توحید ۲ـ بصیرت و آگاهی و تشخیص دقیق دوست و دشمن ۳ـ عبادت و بندگی ۴ـ شجاعت و توانمندی ۵ـ فرمانبری‌و اطاعت از فرمانده ۶ـ زهد و ساده زیستی ۷ـ نظم و انضباط

آیا امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت، در سرداب خانه خود مخفی وغایب شده است؟

پرسش

آیا امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت، در سرداب خانه خود مخفی وغایب شده است؟

پاسخ

اهل سنّت به جهت استهزای عقاید شیعه می گویند: شیعه قائل است که مهدی موعود بعد از تولّدش در سردابی مخفی شد وغیبت خود را از آنجا شروع کرده وتاکنون نیز در آن سرداب به سر می‌برد، وظهورش نیز از همان سرداب خواهد بود. ولذا شیعیان هر روز از صبح تا غروب در آن سرداب به انتظار ظهورش می‌نشینند واشک ماتم می‌ریزند. {پاورقی . سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹ ؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹، فصل ۲۷ ؛ المهدّیة فی الاسلام، ص ۱۲۹ـ۱۳۰ ؛ الصراع بین الاسلام والوثنیة، ص ۴۲. پاورقی} اولاً: سرداب عبارت است از طبقه پایین ساختمان خانه که در مناطق گرمسیر به جهت حفاظت از گرمای شدید می‌سازند، واین نوع ساختمان در غالب خانه‌های عراق مشاهده می‌شود، وسامرّا نیز از آن مستثنی نبوده است. امام هادی (ع) در خانه خود به جهت آسایش اهل بیتش ومحافظت از گرما، چنین سردابی را ساخته بودند که بعد از شهادتش به ارث، منتقل به امام عسکری (ع) شد. مطابق تاریخ، حضرت مهدی (ع) از زمان ولادت از دیدگان مردم خصوصاً حکّام مخفی بود. وبعد از شهادت پدرش بر جسد او نماز گزارد ورسماً غیبت خود را از آن خانه آغاز نمود. واز آنجا که سکونت حضرت وسایر اعضای خانواده در آن سرداب بوده است، لذا مکان غیبت را به آن سرداب مقدّس نسبت می‌دهند. این سرداب برای شیعیان اهل بیت: از آن جهت مقدّس شمرده شده است که امام زمان وپدر وجدّش: در آن سرداب به سر برده وعبادت به جای آورده‌اند واز همان مکان نیز حضرت مهدی (ع) غایب شده است. نسبت غیبت حضرت به سرداب همانند نسبت غیبت به تمام خانه وهر مکانی است که امام زمان در آن دیده شده وزندگی کرده است. واین نهایت جهل ونادانی است که کسی به شیعه نسبت دهد که آنان معتقدند که امام زمان (ع) در سرداب خانه خود غایب شده وتا هنگام خروج در آن باقی است!! زیرا مطابق روایات فراوان، امام زمان (ع) در سرزمین‌های مختلف بر موالیان خود وارد می‌شوند ودر مناطق مختلف گردش می کنند. حضرت در موسم‌های دینی همچون حجّ حاضر شده واقامه شعائر دینی می‌نمایند وگواه بر زنده‌ها ومرده‌ها خواهند بود. لذا بهترین تعبیری که می‌توان درباره سرداب مقدس وزیارت مردم از آنجا داشت این است که حضرت مکان خاصّی ندارند، لذا شیعیان در محل‌های اختصاصی آن حضرت همچون مسجد سهله و مسجد جمکران و... دور هم جمع می‌شوند وبه یاد آن حضرت ندبه کرده واز او درخواست ظهورش را می‌نمایند. ودر حقیقت، سرداب مقدس از آن جهت که شروع غیبت از آنجا بوده جنبه رمزی داشته، در آنجا شیعیان گرد هم جمع می‌شوند واز خداوند طلب خروج او را می‌نمایند. علامه امینی؛ می‌فرماید..."": شیعه اعتقاد ندارد که غیبت امام در سرداب است وخودشان او را در سرداب مخفی کرده‌اند واز همان جا نیز ظهور خواهد کرد، بلکه اعتقاد شیعه –که با احادیث تأیید شده– آن است که او از مکه معظمه، مقابل خانه

خـدا ظهور خواهـد کرد. هرگز کسـی قائل نشـده که سـرداب مقدّس، آن نور را در خود مخفی کرده است. بلکه آن سـرداب، خانه امامـان در سـامرّا بوده است. واین مسأله‌ای همگانی در خانه‌های عراق است که به جهت حفاظت از گرما می‌سازنـد. این سـرداب به طور خصوص از آن جهت شرف پیدا نموده که به سه نفر از امامان دین منسوب است، خانه‌ای که خداوند متعال اذن داده که ارتفاع معنوی یافته ودر آن اسم وذکر خـدا برده شود. {"پاورقی . الغدیر، ج ۳، ص ۳۰۸Ù۳۰۹. پاورقی} ثانیاً: عقیده هر مذهب یا دینی را می‌توان از لابلای کتاب‌های علمای آن مـذهب یا دین یافت. با مراجعه به کتاب‌های علمای شـیعه، قبل از ولادت امام مهـدی (ع) تا این زمـان –که در دسترس همه است– پی خواهیم برد که هیـچ یـک از آنـان حتّی نزد عوام از آنهـا چنین اعتقادی وجود نـدارد که دشمنان شیعه به آنها نسبت می‌دهند.

جزیره خضراء

آیا جزیرهء خضرا صحّت دارد؟

پرسش

آیا جزیرهء خضرا صحّت دارد؟

پاسخ

متن این داسـتان در بحارالانوار, جلد ۵۲ ص ۱۵۹ تا ۱۸۰آمـده است . علامهء مجلسـی (ره)می فرماید: . مرحوم آیت اللّه خویی نیز این روایت را غیر معتبر می دانـد(۱) و مرحوم آیت اللّه شـعرانی این داسـتان را جعلی دانسـته است و سند آن غیر معتبر و افراد راوی غیر موثّق و مجهول می باشـند. عالمانی هم چون علامه محمـد تقی شوشتری , سـید محمـد صدر, ابراهیم امینی , اسـتاد حسن زادهء آملی ,استاد محمد باقر بهبودی , شیخ آغاز بزرگ تهرانی , شهید قاضی طباطبایی و علامه جعفر مرتضی عاملی بر این داستان نقد و اشـکال کرده و آن را صـحیح و معتبر نمی داننـد.(۲) (پـاورقی ۱.جزیرهء خضـراء, افسـانه یا واقعیت , ص ۱۳۲ (پـاورقی ۲.جزیرهء خضراء افسانه یا واقعیت , ص ۱۳۲

جزیرهٔ خضرا در چه محلّی می باشد؟

پرسش

جزیرهٔ خضرا در چه محلّی می باشد؟

پاسخ

در لسـان آیـات و روایـات سـخنی از جزیرهٔ خضـرا به میـان نیامـده است؛ تنها در برخی از کتاب های تاریخی در ضـمن حکایتی از جزیرهٔ خضـرا ذکری به میان آمده است. مردی به نام علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۹ قمری ادعا نمود که به جزیره ای رفتم و حضـرت مهـدی (عـج) به همراه یـاران و فرزنـدانش در آن جزیره سـکونت داشـته انـد و نـام آن جزیره هم جزیرهٔ خضـرا است. وی چگونگی مسافرت خویش به آن جزیره را برای شخصـی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی شـرح داد و فضل هم این داستان را برای

دیگران نقل نمود و در کتاب های متأخران از جمله در بحارالانوار مجلسی ذکر شده است.[۳] از همان زمان تا کنون برخی این داستان را واقعی خوانده اند، مانند " ناجی نجار "در کتاب " جزیرةْ الخضراء و قضیةْ مثلث برمودا " و در این کتاب او کشیده است تا داستان جزیرهٔ خضرا را بر" مثلث برمودا "واقع در دریای کارائیب در آمریکار مرکزی منطبق کند، و بگوید که این جزیره احتمالاً همان " مثلث برمودا "است. و برخی هم این داستان را ساختگی و افسانه خوانده اند. همانند علاّمه تستری و سید جعفر مرتضی عاملی.[۴] ۱[۳] ر.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ ـ ۱۷۴. ۱[۴] ر.ک: جزیرهٔ خضرا، افسانه یا واقعیت، به قلم جمعی از دانشمندان معاصر، ترجمه و تدوین از ابوالفضل طریقه دار.

آیا همان طور که در کتاب‌های نوشته شده است امام زمان(ع) در جزیره خضرا زندگی می‌کند و هیچ کس نمی‌تواند به آن جا نزدیک شود؟

پرسش

آیا همان طور که در کتاب‌های نوشته شده است امام زمان(ع) در جزیره خضرا زندگی می‌کند و هیچ کس نمی‌تواند به آن جا نزدیک شود؟

پاسخ

از مسئلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت(عج) است که آیا آن حضرت(عج) در مکان خاصی سکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژه‌ای است آن مکان کجا است؟ روایاتی که درباره مکان امام زمان(عج) وجود دارند چند دسته‌اند: ۱ – برخی از روایات محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابان‌ها و کوه‌ها معرفی می‌کند. از آن جمله حضرت مهدی(عج) به پسر مهزیار فرمود": فرزند مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوه‌های سخت و سرزمین‌های خشک و دور دست را برگزینم.("۱) از این روایت استفاده می‌شود که حضرت(عج) از دسترسی مردم دور است و کسی که از محل سکونت وی آگاه نیست. ۲ – برخی روایات منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت(ع) یاد نموده‌اند؛ مثلا در برخی از روایات در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می‌گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود": لابد لصاحب هذا الامر من عزله و لابد فی عزلته من قوة و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبه("۲)؛ صاحب الزمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن به غیبت نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می‌کنند (و به قوت وی می‌افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیّبه. از این روایات استفاده می‌شود که حضرت(عج) در مدینه منوره منزل دارد و افرادی هم همواره با ایشان به صورت ناشناس هستند. برخی روایات مکان امام زمان(عج) را کوه" رضوان "که در اطراف مدینه است، بیان کرده‌اند. عبدالاعلی آل سام می‌گوید": با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم، به روحاء (اطراف مدینه) که رسیدیم حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد و فرمود: این کوه رضوان نام دارد. خوب پناهگاهی است، برای خائف (امام غائب) در غیب صغرا و غیبت کبری.(۳) از روایات دیگر استفاده می‌شود که امام زمان(ع) در مکانی به نام"ذی طوی که در اطراف مکه است، زندگی می‌کند از همان جا نیز همراه یاران خود قیام می‌کنند. امام باقر(ع) فرمود": امام زمان(عج) را غیبتی است در بعضی از دره‌ها و اشاره کرد به منطقه" ذی طو.("۴) ۳ – برخی روایات جایگاه خاصی را برای امام زمان (ع) نام نمی‌برد، ولی حضرت(عج) به عنوان فردی یاد می‌کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشر و نشر دارد و به گونه‌ای ناشناس زندگی می‌کند. امام صادق(ع) فرمود": صاحب الامر شباهتی نیز به حضرت یوسف پیامر(ع) دارد. جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف(ع) انجام داد. صاحب الزمان(ع)، آن مظلوم حق از دست

داده، در میان مردم رفت و آمد می کند و در بازار قدم می‌نهد و گاهی بر فرش منزل‌های دوستان می‌نشیند، لیکن اورا نمی‌شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم.("۵) از این روایت استفاده می‌شود که امام زمان(ع) مکان معین نداشته در میان جمع و جامع است، با مردم حشر و نشر دارد و زندگی طبیعی و معمولی دارد، در مراسم مذهبی و مناسک حج شرکت می‌جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم از سوی دیگر نشان از آن دارد که آن حضرت (ع) در همه جا بوده و در همه جا حضور دارد. در جمع بین روایات نیز می‌توان استفاده کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد با آن دسته از روایات که مکان معین مانند مدینه و مکه را بیان کرده‌اند؛ زیرا آن دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان‌ها و مکان‌های خاص حضور پیدا می کند. آن دسته از روایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضرت(ع) در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام(ع) در همه جا، همان مکان‌های خاص می‌باشد. پی نوشت‌ها: ۱ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶. ۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰. ۳ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲. ۴ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲. ۵ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

مثلث برمودا چیست؟ آیا حرف هایی که مطرح است، صحت دارد؟

پرسش

مثلث برمودا چیست؟ آیا حرف هایی که مطرح است، صحت دارد؟

پاسخ

اقیانوس اطلس که مساحت آن بیش از ۸۲ میلیون کیلومتر می‌باشد، بعد از اقیانوس آرام، بزرگ‌ترین اقیانوس جهان است. در غربی‌ترین نقطه اقیانوس اطلس منطقه اعجاب انگیزی هست که مدت زیادی توجه خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی جهان را به خود جلب کرده و اخبار پر شور آن مدتی تیترهای روزنامه‌های علمی جهان را به خود اختصاص داد. این منطقه در زبان علمی جهان به مثلث برمودا شهرت یافته است. این منطقه را می‌توانیم به صورتی مثلثی فرض کنیم که رأس مثلث در جزایر برمودا و قاعده آن در جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا قرار بگیرد.(۱) اکنون با پیشرفت‌های علمی بیشتر ابهام‌های این منطقه روشن شده است. برای اطلاع بیشترتر به کتابی که در پاورقی یک آمده مراجعه شود. بعضی خواسته‌اند بگویند مثلث برمودا جزیره خضرا است، ولی این گفته صحیح نیست. چون ماجرای جزیره خضرا درست نیست و سند و مدرک قابل قبول ندارد.(۲) جزیره خضرا سابقه هفتصد ساله دارد. برای نخستین بار مردی به نام علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۶۹ قمری ادعا کرد به جزیره خضرا سفر کرده و آنجا سرزمین خوش آب و هوا محل زندگی امام زمان(ع) و فرزندان و یاوران ایشان است، و حکومت و اداره این جزیرد به دست فرزندان امام عصر(ع) است و نعمت در آن جا به وفور یافت می‌شود، و هیچ کس اجازه ورود به محدوده جزیره را ندارد، مگر این که از دوستداران حضرت باشد. اگر دشمنی قصد ورود به آن‌جا را داشته باشد، به قدرت خدا دچار طوفان شده و نابود می گردد. دور جزیره را آب‌های سفید و شیرین فرا گرفته است. (۳) جزیره خضرا ثابت نیست و افسانه می‌باشد. افزون بر این اطلاعات تازه به دست آمده از مثلث برمودا انطباق آن با جزیره خضرا را منتفی می‌سازد.(۴) پی نوشت‌ها: ۱ – ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا، ص ۴۶ و ۴۸ و ۴۹. ۲ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ۲۱۴. ۳ – دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری، پاسخ به پرسش‌ها (۲)، ص ۳۶. ۴ – ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا، ص ۱۸۸ – ۱۹۵.

این که امام زمان (عج در جزیرهٔ خضرا زندگی می‌کنند صحت دارد ؟

پرسش

این که امام زمان (عج در جزیرهٔ خضرا زندگی می کنند صحت دارد ؟

پاسخ

مکان و مسکن حضرت مشخص نیست روایاتی که در زمینهٔ مکان حضرت آمده است ۱ـ بیابان‌ها و کوه‌ها ۲ـ مدینه و پیرامون آن ۳ـ کوه رضوی در اطراف مکه ۴ـ مکه و اطراف آن (کوه ذی طوئی ۵ـ بین مردم به طور ناشناس ! داستان جزیرهٔ خضرا را مرحوم علامهٔ مجلسی در بحار جلد ۵۲ نقل کرده ولی فرموده است داستان مشهور جزیرهٔ خضرا در آب‌های سفید که خواستم آن را در این کتاب نقل کنم با این که در کتاب‌های معتبر نبود، آن را در بخش جداگانه‌ای آوردم

رابطهٔ جزیرهٔ خضرا با مثلث برمودا چیست اگر مباحثی وجود دارد بیان کنید؟

پرسش

رابطهٔ جزیرهٔ خضرا با مثلث برمودا چیست اگر مباحثی وجود دارد بیان کنید؟

پاسخ

راوی جزیرهٔ خضرا" علی بن فاضل مازندرانی است و می گوید: من به جزیرهٔ خضرا، محل سکونت ولی عصر (ع و یاران و فرزندانش رفتم اطراف آن را آب‌های سفید احاطه کرده بود. علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش بوده و این ادعا از نظر فقها معتبر نیست و صرف ادعا است . برخی از نویسندگان ماندن" ناجی نجار "در کتاب" جزیرهٔ الخضراء، قضیهٔ مثلث برمودا" مسئلهٔ بشقاب پرنده‌ها که چند سالی برای بشر به صورت امر مجهولی درآمده یا حوادثی را که برای کشتی‌ها و هواپیماها در مثلث برمودا رخ داده با جزیرهٔ خضرا مرتبط دانسته است همه مطالب کتاب" ناجی نجار "ادعا است که هیچ کدام دلیل ندارد. ولی ادعا کرده مثلث برمودا جزیرهٔ خضرا است و صاحبان بشقاب پرنده‌ها ساکنان این جزیره‌اند . ایشان گفته جزیرهٔ خضرایی که علی بن فاضل حدود هفتصد سال پیش به آن سفر کرد، احتمالاً منطقهٔ وحشتناک مثلث برمودا است که امروزه خبرگزاری‌ها از آن سخن می گویند و بشقاب پرنده‌ها در اختیار ساکنان جزیرهٔ خضرا است . مرحوم مجلسی در کتاب بحار جلد ۵۲ می‌فرماید: رساله‌ای یافتم مشتمل بر داستان مشهور جزیرهٔ خضرا در آب‌های سفید که خواستم آن را در این کتاب نقل کنم زیرا مشتمل بر داستان کسی بود که به خدمت حضرت مهدی (ع رسیده است و چون این داستان در کتاب‌های معتبر نبود، آن را در بخش جداگانه‌ای آوردم بنابراین ارتباط جزیرهٔ خضرا، با مثلث برمودا ادعایی بدون دلیل است همین طور ادعای ارتباط بشقاب پرنده و... با مثلث برمودا.

آیا قرار گرفتن حضرت مهدی(عج) در جزیرهٔ خضراء یا مثلث برمودا حقیقت دارد؟ لطفاً در این زمینه توضیح دهید.

پرسش

آیا قرار گرفتن حضرت مهدی(عج) در جزیرهٔ خضراء یا مثلث برمودا حقیقت دارد؟ لطفاً در این زمینه توضیح دهید.

پاسخ

ظاهراً این سخن حقیقت ندارد، چون با توجه به غیبت امام مهدی(عج) محل سکونت آن حضرت بر ما پوشیده است. حال سخنی دربارهٔ جزیرهٔ خضراء و مثلث برمودا: در سال ۶۹۹هجری قمری(بیش از هفت صد سال پیش) فردی به نام علی بن فاضل مازندرانی ادعا کرد که من به جزیره ای رفتم که حضرت ولی عصر(عج) و یاران و فرزندانش در آن جا سکونت دارند. نام آن جزیرهٔ "خضراء "است. ولی چگونگی مسافرت خویش به این جزیره و حوادثی را که با آن رو به رو شده بود را برای شخصی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی شرح داد.[۱] سپس دیگران به نقل و نقد آن پرداختند؛ برخی پذیرفتند و برخی آن را به دلایلی چند مردود دانستند.[۲] برخی از نویسندگان مانند ناجی نجار در کتاب" جزیرهٔ الخضراء "قضیهٔ" مثلث برمودا، "مسئلهٔ بشقاب پرنده ها که از چند دههٔ گذشته مطرح شده و برای بشر ناشناخته مانده است، نیز حوادثی که برای کشتی ها و هواپیماها در" مثلث برمودا "در دریای کارائیب واقع در اقیانوس اطلس رخ داده را با جزیرهٔ خضرای مورد ادعای علی بن فاضل مازندرانی پیوند داده و ادعا کرده که جزیرهٔ خضراء همان مثلث برمودا است. بعد از این ادعا عالمان اسلامی همانند علامهٔ محمد تقی شوشتری، جعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی و شهید صدر به نقد آن پرداختند و آن را مردود و افسانه دانستند.[۳] [۱] مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ – ۱۷۴. [۲] برای اطلاع بیشتر ر.ک: جزیرهٔ خضراء افسانه یا واقعیت؟، به قلم جمعی از دانشمندان معاصر ترجمع و تدوین ابوالفضل طریقه دار. [۳] رجوع شود به همان کتاب.

منظور از مثلث برمودا چیست؟ می گویند این مثلث در اقیانوس اطلس قرار دارد و هیچ کس مگر افرادی خاص اجازه ورود به این محدوده را ندارند و این جزیره محل زندگی امام زمان و فرزندانش است. آیا این سخن درست است؟

پرسش

منظور از مثلث برمودا چیست؟ می گویند این مثلث در اقیانوس اطلس قرار دارد و هیچ کس مگر افرادی خاص اجازه ورود به این محدوده را ندارند و این جزیره محل زندگی امام زمان و فرزندانش است. آیا این سخن درست است؟

پاسخ

مثلث برمودا منطقه‌ای است در شرق آمریکای مرکزی در اقیانوس اطلس شمالی که چندین کشور مانند کوبا، هاوایی و ده‌ها جزیره دیگر در آن قرار دارند. این مطنقه دارای آثار و جاذبه‌های متعددی است. از ویژگی‌های این منطقه طوفان خیز بودن آن است. هر ساله در اثر طوفان خساراتی به کشورهای این منطقه وارد می شود. روزنامه‌ها و مجلات امریکایی در قرن بیستم، دهه ۵۰ – ۶۰ میلادی برای انحراف افکار مردم امریکا و پنهان کاری عملیات نظامی خود علیه کوبا ده‌ها افسانه و داستان را درباره این مثلث ساخته و اسرارآمیز بودن منطقه را مطرح کردند. چون در همان زمان امریکا با تقویت ضد انقلابیون کوبا سعی در سرنگونی دولت کوبا داشت و این داستان‌ها پوشش خوبی برای عملیات انهدام کشتی‌ها و ضربه زدن به انقلابیون بود؛(۱) بنابراین بسیاری از داستان‌ها که ساخته‌اند، جعلی است. برخی ادعا کرده‌اند که مثلث برمودا، جزیره خضرا است که امام زمان(ع) در آن زندگی می کند.(۲) این ادعا مبنی بر گزارش‌های علی بن فاضل مازندارنی است. وی مدعی شده که به جزیره خضرا رفته و آن را محل زندگی امام زمان(ع) یافته است. برخی دیگر مانند ناجی نجّار گفته که مثلث برمودا جزیره خضرا است که علی بن فاضل مازندرانی حدود

هفتصد سال پیش به آن جا سفر کرده است. صحت این ادعا مبتنی بر دو پیش فرض است که هر دو منتفی است: یک: جزیره خضرا واقعیت داشته باشد و امام زمان(ع) در آن زندگی کند. اکثر اندیشمندان وجود جزیره خضرا را انکار نموده و آن را افسانه خوانده‌اند.(۳) علامه جعفر مرتضی می نویسد: داستان جزیره خضرا نه از نظر سند درست است و نه از نظر متن و به هیچ وجه مجالی برای قبول یا اعتماد و اطمینان بدان وجود ندارد.(۴) دو: امام زمان(عج) مکان معیّن داشته باشد که در آن جا زندگی کند، حال آن که - بر اساس روایات - امام‌زمان مکان معیّن ندارد، در برخی روایات آمده است که حضرت در مدینه واطراف آن زندگی می کند.(۵) در بعضی روایات دیگر به حضور حضرت در مکّه و اطراف آن اشاره شده است.(۶) دسته دیگری از روایات دلالت دارند که امام زمان(عج) به گونه ناشناس با مردم حشر و نشر داشته و مکان معیّنی ندارد و مردم او را نمی‌شناسند.(۷) از مجموع این روایت استفاده می شود که حضرت مکان معیّن ندارد. بر این اساس باید گفت این ادعا که امام زمان(عج) در مثلث برمودا زندگی می کند، قابل قبول نیست. رفت و آمد در جزیره برمودا برای دیگران امکان‌پذیر است و اختصاص به گروه و افراد خاصی ندارد. پی نوشت‌ها: ۱. ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا - افسانه یا واقعیت، از ص ۴۵ به بعد. ۲. جعفر مرتضی، دراسهٔ فی علامات الظهور والجزیرهٔ الخضراء، ص ۲۷۳. ۳. ابوالفضل طریقه دار، همان، ص ۲۱۱ به بعد. ۴. جعفر مرتضی، همان، ص ۲۷۳. ۵. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶. ۶. ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲. ۷. همان، ص ۱۶۴.

منظور از جزیره خضراء چیست؟ آیا چنین مکانی در کره خاکی وجود دارد؟

پرسش

منظور از جزیره خضراء چیست؟ آیا چنین مکانی در کره خاکی وجود دارد؟

پاسخ

در سال ۶۹۹ هجری قمری (بیش از هفتصد سال پیش) فردی به نام علی بن فاضل مازندرانی ادعا کرد که به جزیره‌ای رفتم که حضرت ولی عصر(عج) و یاران و فرزندانش در آن جا سکونت دارند. نام آن جزیره "خضراء "است. او چگونگی مسافرت خویش به این جزیره و حوادثی را که با آن روبرو شده بود، برای شخصی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی شرح داد.(۱) سپس دیگران به نقل و نقد آن پرداختند؛ برخی پذیرفتند و برخی آن را به دلایلی چند مردود دانستند.(۲) برخی از نویسندگان مانند ناجی نجار در کتاب" جزیرهٔ الخضراء "قضیه" مثلث برمودا، "مسئله بشقاب پرنده‌ها که از چند دهه گذشته مطرح شده و برای بشر ناشناخته مانده است، نیز حوادثی را که برای کشتی‌ها و هواپیماها در" مثلث برمودا "در دریای کارائیب واقع در اقیانوس اطلس رخ داد، با جزیره خضرای مورد ادعای علی بن فاضل مازندرانی پیوند داده و ادعا کرده که جزیره خضرا، مثلث برمودا است. بعد از این ادعا عالمان اسلامی همانند علامه محمد تقی شوشتری، جعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی و شهید صدر به نقد آن پرداختند و آن را مردود و افسانه دانستند.(۳) پی نوشت‌ها: ۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ - ۱۷۴. ۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک: جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، به قلم جمعی از دانشمندا معاصر ترجمه و تدوین ابوالفضل طریقه دارد. ۳. همان.

منظور از قبه سفید که به امام زمان(عج) نسبت می دهند چیست؟ آیا امکان عکس برداری از این قبه وجود دارد؟

پرسش

منظور از قبه سفید که به امام زمان(عج) نسبت می دهند چیست؟ آیا امکان عکس برداری از این قبه وجود دارد؟

پاسخ

برخی ادعا کرده‌انـد که در جزیره خضـرا کوه بلندی است که در وسط آن محل با شـکوهی بوده و در آن جا قبه‌ای از آجر هست و در آن امام زمان(ع) زندگی می کند.(۱) عکس برداری از این قبه مبتنی بر این است که جزیره خضرا وجود داشته و امام زمان(عج) در آن جا سکنی داشـته باشد، حال آن که اکثر محققان وجود جزیره خضرا را انکار نموده و آن را افسانه خوانده‌اند.(۲) اگر جزیره خضـرا وجود نداشـته باشـد، قبه‌ای وجود ندارد، تا بتوان از آن عکس برداری کرد.(۳) پی نوشت‌ها: ۱. ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت، ص ۳۱ – ۳۲. ۲. همان، ص ۲۱۱ به بعد. ۳. برای آگاهی از مکان امام زمان(عج) ر.ک: مجله حوزه، شماره ۷۲ – ۷۱ ویژه نامه امام زمان، ص ۵۴ – ۵۱.

در مورد جزیره الخضراه و ارتباط احتمالی آن با آقا بقیه الله (عج) توضیح فرمایید. و اینکه در مورد ازدواج و فرزندان آقا امام زمان (عج) در زمان کنونی مطالبی را برایم بنویسید؟

پرسش

در مورد جزیره الخضـراه و ارتباط احتمالی آن با آقا بقیه الله (عج) توضیح فرمایید. و اینکه در مورد ازدواج و فرزندان آقا امام زمان (عج) در زمان کنونی مطالبی را برایم بنویسید؟

پاسخ

در مورد قسـمت اول سؤال درباره جزیره خضـراء: بایـد به این نکته توجه داشـته باشـید که همواره در تاریخ، عده‌ای طمع ورز و هوا پرست بوده‌اند که می‌کوشـیده‌اند تا با سوء استفاده از اعتقادات و عواطف مردم، قضایا را به سود خود تفسیر و تبیین کنند. این مسأله در مورد عقایـد مـذهبی و باورهـای دینی مردم مضـاعف است وجود افراد بی نـام و یا بـد نام و یا حـداقل معمولی در میان برخی از سنـدهای روایی یـا وجود محتوایی به دور از فهم و متناقض، نشان دهنـدهٔ همین انحراف می باشـد. این موضوع بحثی دردناک دارد که باید در جای خود مطرح شود. در این راستا گفتنی است که اولاً در سند روایت" جزیره خضراء "و ثانیاً در محتویات این روایت و ثالثـاً در باب وثاقت شخصـی که این داسـتان را نقل کرده (علی بن فاضل مازنـدرانی) بحث و نظرهای متفاوتی وجود دارد و اکثر علمای طراز اول شـیعی ـ چه در دوران گذشـته و چه در عصر اخیر ـ این روایت را صحیح وموثق نمی‌دانند. پس اصل روایت جزیره خضرا محل تردید جدی است.(۱) اما در مورد سؤال دوم شـما درباره زن و فرزنـد امام زمان (عـج): در مورد مسأله زن و فرزند آن حضـرت که با توجه به منابعی که در اختیار ما هست ـ که یا اشـکال سـندی دارنـد یا از لحاظ محتوا دارای ابهام انـد ـ نمی توان نظر قـاطعی را ارائه کرد. در این جـا سه احتمال مطرح شـده است. ۱ـ اساساً حضـرت مهـدی (عج) ازدواج نکرده است. ۲ـ ازدواج انجام گرفته ولی اولاد نـدارد. ۳ـ ازدواج کرده و دارای فرزنـدانی نیز هست. لازمه پـذیرش احتمال اول، آن است که امام معصوم یکی از سنتهای مهم اسـلامی را ترک کرده باشـد که این با شأن امام سازگاری ندارد اما می توان گفت چون مسأله غیبت مهم تر از ازدواج است. می توان برای مصـلحت بالاـتر مسأله مهم را ترک کرد و اهم را انجام داد. اما احتمال دوم، اشـکالش آن است که عمر همسـر حضـرت نیز مانند عمر خود حضـرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم و یا اینکه بگویم مدتی با حضـرت زندگی کرده و از دنیا رفته است. در این صورت حضـرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده و پس از آن بدون زن و فرزند زندگی را ادامه داده است.

www.noorfatemah.org

اما بر احتمال سوم دلیل محکمی نداریم. علاوه بر آن که اگر حضرت دارای اولاد می بوده بالاخره آنها دارای اولاد و اعقابی بودند و روزی به دنبال اصل خویش می افتادند و همین کنجکاوی و جست و جو، موجب می گردد که مکان و منزل حضرت مشخص گردد که این با راز فلسفه غیبت سازگاری ندارد. و احتمال دیگر این است که فرزندان پس از ظهور و ازدواج آن حضرت به دنیا بیایند و این مطلب مربوط به زمان ظهور است نه زمان غیبت.(۲) منابع و مآخذ: ۱ـ برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به کتاب سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؛ ترجمه محمد سپهری، بخش سوم. ۲ـ به کتاب چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

چه رازهایی در مثلث برمودا نهفته است ؟

پرسش

چه رازهایی در مثلث برمودا نهفته است ؟

پاسخ

در مثلث برمودا نه جاذبه‌ای قوی وجود دارد و نه نقاط اسرارآمیز و ناشناخته؛ مثلث برمودا منطقه‌ای است در شرقآمریکای مرکزی که چندین کشور مانند: کوبا، هاوایی و دهها جزیره دیگر در آن قرار دارد. از ویژگی‌های این منطقهطوفان‌خیز بودن آن است. هر ساله در اثر طوفان خساراتی به این کشورها وارد می‌شود. روزنامه‌ها و مجلات آمریکایی در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی برای انحراف افکار مردم آمریکا و پوشش بر روی عملیاتنظامی خود بر علیه کوبا دهها افسانه و داستان را در اطراف این مثلث ساخته و پرداخته کردند، اسرارآمیز بودن منطقهرا طرح ساختند. چون در همان زمان آمریکا با تقویت ضد انقلابیون کوبا سعی در سرنگونی دولت کوبا داشت و ایندااستان‌ها پوشش خوبی برای عملیات انهدام کشتی‌ها و ضربه زدن به انقلابیون کوبا بود. مثلث برمودا هم‌اکنون روزانه شاهد عبور و مرور هزارها کشتی و قایق و دیگر ترددها است و هیچ خطر ناشناخته‌ایآنها را تهددی نمی‌کند.{

آیا امام زمان (عج) در جزیره برمودا زندگی می کند؟ تا چه حد می توان به کتاب های آقای ابطحی در این مو

پرسش

آیا امام زمان (عج) در جزیره برمودا زندگی می کند؟ تا چه حد می توان به کتاب های آقای ابطحی در این مو

پاسخ

الف) در مورد زندگی حضرت در مثلث برمودا یا جزیره‌ی خضراء: برخی افراد، به داستان جزیره‌ی خضراء تمسک کرده‌اند و آن را بر مثلث برمودا تطبیق کرده‌اند و بر اساس آن گفته‌اند که امام عصر(ع) با خانواده و فرزندانشان در این جزیره زندگی می‌کنند. اولاً: مثلث برمودا، منطقه‌ای است از دریای کارائیب در شرق آمریکا مرکزی که کشور کوبا و هاوانا و دهها جزیره دیگر در نزدیکی آن قرار دارد. در دهه‌ی پنجاه و شصت قرن بیستم روزنامه‌ها و مجلات آمریکایی در راستای سیاست‌های دولت آمریکا، دهها داستان و افسانه پیرامون این مثلث ساختند و آن را منطقه‌ای اسرارآمیز معرفی کردند که هر موجود زنده‌ای در این منطقه وارد شود با نیروی ناشناخته‌ای در کام مرگ فرو خواهد رفت و هر وسیله‌ای چون هواپیما و کشتی و قایق وارد این منطقه شود توسط نیروی ناشناخته‌ای

www.noorfatemah.org

منهدم خواهد شد. این داستانها به منظور ایجاد یک پایگاه نظامی مطمئن در نزدیکی کشور کوبا متحد اتحاد جماهیر شوروی در دل قاره آمریکا و پوشش نهادن بر انجام عملیات نظامی و انهدام کشتی‌ها و هواپیماهای کوبایی بود. ثانیا: داستان جزیره خضرا، یک داستان خیالی و افسانه‌ای بیش نیست. علامه مجلسی این داستان را جداگانه در نوادر بحار نقل کرده و می‌نویسد: «چون در کتاب‌های معتبر بر آن دست نیافتم، آن را در فصلی جداگانه آوردم»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹). بررسی گسترده محققین نیز افسانه بودن آن را اثبات می‌کند. دراین زمینه رجوع کنید به: ۱. جزیره خضرا در ترازوی نقد، علامه جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ۲. جزیره خضرا افسانه یا واقعیت، جمعی از نویسندگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم. ب) کتب نویسنده‌ی مذکور را هرگز نمی‌توان به طور کامل تأیید کرد به ویژه اینکه مشتمل بر مطالبی است که قابل تأیید نیست (مثل اعتراف به گناه در نزد دیگران،...) و مطالعه‌ی آن برای افرادی که شخصیت آنها در ناحیه معارف دینی شکل نگرفته است حتی ممکن است در مواردی مضرّ باشد و اثرات نامطلوبی را در آنها به جای بگذارد در صورت نیاز به معرفی کتاب در زمینه‌های مختلف مربوط به وجود مقدس امام زمان(عج) مکاتبه کنید تا کتب مفید در این زمینه را برای شما معرفی کنیم.

داستان جزیره خضرا تا چه حد صحت دارد نظر علماء امروزی چیست؟

پرسش

داستان جزیره خضرا تا چه حد صحت دارد نظر علماء امروزی چیست؟

پاسخ(قسمت اول)

برای روشن شدن جواب، اول باید خود داستان را بیاوریم. اصل داستان شیخ زین‌الدین علیّ بن فاضل مازندرانی می‌گوید: سالیان درازی در دمشق به تحصیل علوم دینی اشتغال داشتم. شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدّین علی مغربی اندلسی مالکی اساتید من بودند. زین‌الدین علی مغربی استادی بود خوش‌اخلاق و بدور از جدال و بدبینی به شیعه. او هر وقت در تدریس، نظر شیعه را می‌گفت، کلمات مناسب به کار می‌برد و می‌گفت: «علمای امامیّه چنین می‌گویند» در حالی که اساتید دیگر می‌گفتند: «رافضی‌ها چنین می‌گویند». ویژگی اخلاقی زین‌الدین علی مغربی سنّی مذهب باعث شد که من به درس اساتید دیگر نرفتم و تنها به درس او رفتم. مدتها در خدمت این استاد بودم تا اینکه برای او مسافرتی پیش آمد و آماده سفر به کشور مصر شد. جدایی او برایم سخت بود و برای او نیز جدایی من سخت بود. خود استاد پیشنهاد کرد که من هم به همراه او به مصر بروم. گروه دیگری هم از طلّاب به همراه او راه افتادند. همه با هم به سوی مصر رفتیم و به قاهره رسیدیم. استاد مدت نه ماه در مصر ماند. ما هم در مصر ماندیم. آن روزها بسیار خوش می‌گذشت. روزی کاروانی از اندلس رسید. این کاروان نامه‌ای برای استاد آورد. در نامه نوشته شده بود: حال پدرت بسیار بد است. می‌خواهد پیش از مرگ تو را ببیند. هر چه زودتر برگردید. استاد زین‌الدین علی مغربی با خواندن نامه پدرش متأثر شد و گریه کرد. استاد پس از خواندن نامه تصمیم گرفت که به اندلس برگردد. من و بعضی از شاگردان تصمیم گرفتیم با استاد به اندلس برویم. همه با هم به سوی اندلس راه افتادیم. به اندلس رسیدیم. در اولین آبادی اندلس، من به شدّت تب کردم و دیگر نتوانستم راه بروم. استاد بسیار متأثر شد و گفت: جدایی تو برایم سخت است. استاد مرا به واعظ آن آبادی سپرد و ده درهم به او داد و گفت: اگر این طلبه شفا یافت، به شهر من بفرست. از من هم قول گرفت که اگر شفا یافتم به شهر او بروم. استاد و همراهان رفتند و من در آن آبادی ماندم. پس از سه روز خوب شدم. از آن آبادی تا شهر استاد پنج روز راه بود. پس از اینکه خوب شدم، از خانه بیرون آمدم و در کوچه‌های آن آبادی می‌گشتم که با کاروانی روبرو شدم. از حال آنان سؤال کردم. در جوابم

گفتند: از سرزمین بربر آمده‌ایم. گفتم: سرزمین بربر کجاست؟ گفتند: نزدیک جزایر رافضی‌ها. وقتی که کلمه جزایر رافضی‌ها را شنیدم، به فکر رفتن به آنجا افتادم. از آن جزایر سؤالاتی کردم و گفتند: از اینجا تا جزایر رافضی‌ها ۲۵ روز راه است و دو روز باید در بیابان بی آب و علف بروی و پس از آن راهها خوب است و آبادیها به یکدیگر پیوسته هستند. مرکبی را به سه درهم کرایه کردم. منطقه بی آب و علف را با آن رفتم. وقتی که به اولین آبادی رسیدم، مرکب را به صاحبش ردم کردم. با پای پیاده از این آبادی به آن آبادی و از آن آبادی به دیگری رفتم تا به سرزمین صاحبان کاروان رسیدم. سه روز دیگر هم رفتم تا به جزایر رافضی‌ها رسیدم. به جزیره‌ای رسیدم که دارای چهار قلعه و برجهای بلند و محکمی داشت. از دروازه بزرگ وارد شدم نام این دروازه دروازه بربر بود، در کوچه می‌کشتم. از مسجد شهر پرسیدم. آنان راهنمایی کردند. داخل مسجد شدم. مسجد با شکوهی بود و در کنار دریا قرار داشت. در گوشه‌ای از مسجد نشستم تا استراحت کنم. صدای مؤذن بلند شد. اذان نماز ظهر را گفت. در اذان جمله‌ی «حی علی خیرالعمل» را بر زبان آورد و در پایان اذان برای ظهور امام زمان دعا کرد. من به گریه افتادم. مردم گروه گروه آمدند و وضو گرفتند. دیدم همه‌شان مانند شیعیان وضو می‌گیرند. مرد خوش سیمائی وارد مسجد شد و در محراب ایستاد. صفها مرتب گردید. همه نماز ظهر را خواندن ولی من خسته بودم نتوانستم با آنان نماز بخوانم. وقتی که مرا اینچنین دیدند پرسیدند: اهل کجائی؟ گفتم: از عراق هستم. گفتند: چه مذهبی داری؟ گفتم: ایمان به خدا و حضرت محمد(ص) دارم. گفتند: چرا سوّمی را نمی‌گویی؟! گفتم: سومی چیست؟ گفتند: شهادت به ولایت امیر مؤمنان علی و اولاد علی. وقتی چنین دیدم بسیار خوشحال شدم و شیعه بودنم را به آنان گفتم. آنان توجه ویژه‌ای در حق من کردند. و در مسجد جایی را در نظر گرفتند و گفتند: در اینجا می‌توانی استراحت کنی. آنان هر روز در آنجا به دیدن من می‌آمدند. امام جماعت آن مسجد شب و روز با من بود و از من جدا نمی‌شود. روزی از امام جماعت پرسیدم: در این شهر زراعتی نمی‌بینم، پس این مردم از کجا آذوقه تهیه می‌کنند؟ گفت: آذوقه ما از جزیره خضراء می‌آید که از جزایر اولاد امام زمان است. گفتم: سالی چند بار آذوقه می‌آورند؟ گفت: دوبار. یک بار آورده‌اند و چهار ماه دیگر هم خواهند آورد. از طولانی بودن مدت آمدن آنان، غمگین شدم و دلم می‌خواست زودتر از چهار ماه می‌آمدند. چهل روز در آنجا ماندم، در آن چهل روز آنان مرا بسیار گرامی می‌داشتند. عصر روز چهلم احساس دلتنگی کردم. کنار دریا رفتم و به مغرب نگاه می‌کردم، جایی که آذوقه‌ها از آن سو می‌آمد. از دور چیزی را در حرکت دیدم. پرسیدم: آیا در این دریا مرغهای سفید وجود دارد؟ گفتند: نه. گفتم: پس آنچه من می‌بینم چیست؟ نگاه کردند و گفتند: آنها کشتی‌هایی است که از شهرهای فرزندان امام زمان می‌آیند و آذوقه‌های ما را می‌آورند. کشتیها رسیدند. آن مردم که با من بودند گفتند: امسال کشتی‌ها زودتر از موعد آمده‌اند. اول یک کشتی بزرگ لنگر انداخت. پس از آن شش کشتی دیگر هم پهلو گرفتند. از کشتی بزرگ مرد بلند قد و زیبا پیاده شد و به طرف مسجد رفت. ما هم رفتیم. پس از اینکه نماز را خواند رو به من کرد و گفت: سلام علیکم، نامت چیست؟ باید نام تو علی باشد؟! گفتم: آری نامم علی است. گفت: نام پدرت چیست؟ باید نام پدرت فاضل باشد؟! گفتم: فاضل است. به او گفتم: شما مرا از کجا می‌شناسید؟ گفت: مشخصات تو را به من داده‌اند و من باید تو را به جزیره خضراء ببرم. بسیار خوشحال شدم و از خوشحالی در پوست نمی‌گنجیدم. آذوقه‌ها را تحویل دادند و عازم حرکت شدند و مرا هم با خود بردند. ۱۶ روز راه رفتیم و در این مدت من در خدمت آن پیرمرد بودم. نام او محمد بود. روز ۱۶ به منطقه‌ای در دریا رسیدیم که آبش سفید بود. من به آب سفید خیره شدم و گفتم: این آب چرا سفید است؟ آن مرد گفت: اینجا آبهای سفید است و آنجا جزیره خضراء است، آبهای سفید جزیره را از هر طرف احاطه کرده است و هر کشتی به این آبها برخورد کند غرق می‌شود. دشمنان نمی‌توانند از این آبهای سفید رد شوند. کمی از آن خوردم. مزه آب شیرین بود. آبهای سفید را پشت سر گذاشتیم و به جزیره خضراء رسیدیم. کشتی در کنار جزیره پهلو گرفت، پیاده شدیم و وارد شهر شدیم. آن شهر میان هفت قلعه‌ی استوار با دیوارهای محکم و برجهای بلند بود. آبشارها و میوه‌های فراوان داشت. آن شهر زیباترین شهری بود که تا آن زمان دیده بودم. این شهر بازارهای وسیع و حمامهای فراوان داشت و

بیشتر ساختمانهای آن از مرمر شفّاف بود. اهالی شهر قیافه‌های جذّاب داشتند. به منزل آن پیرمرد رفتیم. کمی استراحت کردم و پس از آن به مسجد رفتیم. در مسجد جمعیت زیادی بود. در میان مردم مردی بود که از وصف او ناتوانم. او را سید شمس‌الدین محمد عالم می‌گفتند: آنان که در مسجد با او بودند. از او درس می‌گرفتند و او استاد آنها بود. وقتی که من خدمت سید شمس‌الدین محمد عالم رسیدم، به من خوش آمد گفت و در کنار خود مرا نشاند و حالات مرا پرسید و گفت که شیخ محمد را من برای آوردن تو فرستاده بودم. سید شمس الدین دستور داد اطاقی در گوشه‌ای از مسجد برای من در نظر گرفتند و گفت: این اطلاق از آن تو است. هر وقت خواستی تنها باش و هر وقت خواستی بیرون برو. از خدمت سید شمس الدین مرخّص شدم و به اطاقم رفتم. تا عصر استراحت کردم. عصر برایم پیام آوردند که شمس الدین با گروهی می‌آیند و شام را در اطاق تو خواهند بود. طولی نکشید که سید شمس الدین و همراهان آمدند. وقت خوردن شام رسید، سفره‌ها باز شد و غذا چیده شد. آن شب در محضر سید شمس‌الدین شام را خوردیم. برای نماز مغرب و عشا به مسجد رفتیم. پس از نماز سید شمس الدین به منزلش رفت و من هم به اطاقم برگشتم. هیجده روز به این ترتیب گذشت و من هر روز خدمت سید شمس الدین می‌رسیدم و از محضر او استفاده‌های علمی می‌کردم. در نخستین جمعه که پشت سر سید شمس‌الدین نماز جمعه را خواندم دیدم سید نماز جمعه را به عنوان دو رکعت واجب خواند. من پرسیدم: نماز جمعه را به عنوان دو رکعت نماز واجب اقامه کردید؟ گفت: آری چون تمام شرایط اقامه نماز جمعه فراهم است. با خود گفتم: شاید خود حضرت امام زمان در نماز جمعه شرکت داشت. چون مردم رفتند، از سید شمس‌الدین پرسیدم: آیا امام زمان در نماز جمعه شرکت داشتند؟ گفت: نه ولی من نایب خاصّ آن حضرت!! هستم. گفتم: آیا امام زمان را دیده‌ای؟ گفت: نه ولی پدر بزرگم او را دیده است. گفتم: چگونه است که یکی می‌بیند و یکی نمی‌بیند؟ گفت: بندگان خدا یکسان نیستند و مراتب قرب و کمال در آنها متفاوت است... پس از آن سید شمس الدین دست مرا گرفت و به بیرون شهر برد. بیرون شهر، بستانها، رودها و باغهای زیادی داشت و انواع میوه‌ها وجود داشت. در حال قدم زدن بودیم که مرد خوش قیافه‌ای از نزدیکی ما گذشت. گفتم: این مرد کیست؟ سید شمس الدین گفت: آن کوه بلند را می‌بینی؟ گفتم: آری. گفت: در وسط آن کوه محلّ با شکوهی است. در آن‌جا قبّه‌ای هست از آجر. این مرد با یک مرد دیگر خادم آن قبّه هستند. من هر صبح به آنجا می‌روم و امام زمان را زیارت می‌کنم. در آنجا دو رکعت نماز می‌خوانم. و ورقه‌ای می‌یابم که در آن هر چه به آن نیاز دارم نوشته شده است. تو هم بهتر است به آنجا بروی و امام زمان را زیارت بکنی. من به بالا یکوه رفتم و به آن قبّه رسیدم. یکی از آن خادمها مرا شناخت و احترام کرد و ولی دیگری نشناخت و اعتراض کرد. خادمی که مرا می‌شناخت به آن یکی گفت: این شخص را به همراه سید شمس الدین دیده‌ام. پس از آن هر دو خادم مرا احترام کردند. برایم نان و انگور آوردند. از خادمها پرسیدم: رؤیت امام زمان چگونه میسّر است؟ گفتند: ما اجازه نداریم به کسی خبر بدهیم. از آنها خواستم در حق من دعا کنند. با آنان خداحافظی کردم و آمدم. به منزل سید شمس الدین رفتم ولی در منزل نبود. به منزل شیخ محمد رفتم که مرا آورده بود. با شیخ محمد درباره آن دو خادم گفتگو کردم. شیخ محمد گفت: جز سید شمس‌الدین کسی حق ندارد به آن قبّه برود و برای همین مورد اعتراض واقع شده‌ای. از شیخ محمد درباره سید شمس الدین سؤالاتی کردم. شیخ محمد گفت: سید شمس الدین از اولاد امام زمان است و میان او و امام زمان پنج نفر واسطه است... شیخ زین الدین علی بن فاضل مازندرانی در ادامه داستان می‌گوید: از سید شمس الدین اجازه خواستم تا در محضر او باشم و استفاده علمی بکنم. سید شمس الدین گفت: اگر ضرورتی هست اشکالی ندارد و اول از قرآن آغاز کن. از آن پس در خدمت سید شمس الدین به فرا گرفتن علوم قرآنی پرداختم. من هر روز قرآن را می‌خواندم و هر آیه‌ای که مورد اختلاف بود، توضیح داده می‌شد. سید شمس الدین درباره آیات قرآن گفت، قرآن به تدریج بر پیامبر نازل شد و جبرئیل در حجة الوداع بر پیامبر نازل شد و گفت: یا محمد! قرآن را بخوان تا آغاز و انجام هر سوره را برایت بگویم. پیامبر قرآن را می‌خواند و گروهی هم می‌نوشتند. آیاتی که مورد اختلاف بود جبرئیل تفسیر آن را هم می‌گفت و حضرت علی هم می‌نوشت. به سید شمس‌الدین گفتم:

ای سرور من! ما بعضی آیات را غیر مرتبط با بعضی دیگر می‌بینیم سرّ این چیست؟ سید شمس‌الدین گفت: علتش این است پس از غصب خلافت، حضرت علی(ع) قرآن را جمع‌آوری کرد و به مسجد آورد و گفت: ای مردم! این، قرآن است و پیامبر دستور داده که به شما عرضه کنم. ابوبکر و عمر گفتند: ما به قرآن تو نیاز نداریم. علی(ع) گفت: قبلاً پیامبر مرا از همین سخن شما آگاه ساخته بود. آنگاه علی(ع) قرآن را به خانه باز گردانید و می‌گفت: خدایا! تو بر آنچه گفتم، در قیامت گواه باش. وقتی که بعدها ابوبکر تصمیم به جمع‌آوری قرآن گرفت، گفت: هر کس آیه یا سوره‌ای در اختیار دارد بیاورد. عده‌ای مثل ابو عبیده جرّاح، عثمان، سعد بن ابی وقاص، معاویه این قرآن را که در میان مردم است جمع آوری کردند و در هنگام جمع‌آوری، آیاتی را که به ضرر آنها بود انداختند. از این جهت، برخی آیات را غیر مرتبط با بعضی دیگر می‌بینند. قرآنی حضرت علی(ع) جمع کرده، در نزد امام زمان(ع) موجود است و در آن همه چیز آمده است حتی دیه خراش. و این قرآنی که در دست مردم است. کلام خداست و چیزی بر او اضافه نکرده‌اند ولی از او کم کرده‌اند. این سخن از سوی امام زمان(ع) نازل شده است. از سید شمس الدین مسائل زیادی پرسیدم و آنها را نوشتم و به نام فوائد شمسیه نامیدم که فقط به شیعیان خالص نشان می‌دهم. جمعه دوم به نماز جمعه رفتم. پس از پایان نماز جمعه، سید شمس‌الدین به تدریس مشغول شد. من هم گوش می‌کردم. ناگهان سر و صدا از بیرون مسجد شنیده شد. پرسیدم: این سر و صدا چیست؟ گفتند: هر جمعه در وسط ماه لشکریان ما سوار بر اسبها می‌شوند و انتظار فرج می‌کشند. از سید شمس الدین اجازه خواستم که به بیرون بروم. از مسجد بیرون آمدم و جمعیت زیادی را دیدم که برای ظهور امام زمان دعا می‌کنند. به مسجد بازگشتم. سید شمس الدین گفت: لشکریان ما را دیدی؟ گفتم: آری. گفت: اُمرای آنها را شمردی؟ گفتم: نه. گفت: امرای آنها ۳۰۰ نفر هستند و تنها ۱۳ نفر مانده که امرا کامل شوند و با کامل شدن امرا، عدد یاران حضرت امام زمان کامل می‌شود. پرسیدم: فرج کی خواهد بود؟ گفت: خدا می‌داند. سید شمس الدین گفت: فرج امام زمان چند علامت دارد: یکی این است که شمشیر ذوالفقار از غلاف بیرون بیاید و سخن بگوید. آن شمشیر خواهد گفت: ای ولی خدا! برخیز و به وسیله من دشمنان خود را نابود کن. نشانه‌ی دیگر سه صدا است که همه مردم آن سه صدا را می‌شنوند. این سه صدا عبارتند از: الف. ای مؤمنان وقت ظهور رسیده است. ب. لعنت خدا بر کسانی که بر محمد و آل محمد ستم کردند. ج. خداوند حضرت امام زمان را ظاهر ساخته است، به سخنان او گوش بدهید. به سید شمس الدین گفتم: اساتید ما می‌گویند: در عصر غیبت کبرا هر کس ادعای رؤیت امام زمان را بکند، کاذب است. آیا این روایت صحیح است؟ سید گفت: این مربوط به زمانی بود که دشمنان زیاد بودند ولی اکنون دشمنان ناامید گشته‌اند و سرزمین ما دور از دسترس آنها است. گفتم: علمای شیعه می‌گویند: امام زمان خمس را بخشیده و لازم نیست مردم خمس بدهند. سید شمس‌الدین گفت: درست است. گفتم: آیا شیعیان می‌توانند از برده‌هایی که اهل سنت دارند بخرند؟ سید شمس‌الدین گفت: آری می‌توانند...

پاسخ(قسمت دوم)

سید شمس الدین درباره خود امام زمان گفت: امام زمان در یکسال فرد و نه زوج، بین رکن و مقام در مکه ظاهر خواهد شد. مؤمنان باید در انتظار آن روز باشند. گفتم: علاقه‌مندم در وقت ظهور امام زمان با شما باشم. سید گفت: به من دستور داده‌اند که به تو بگویم: به وطن خود برگرد زیرا که اهل وعیال دارید. از شنیدن این خبر گریه کردم و غمگین شدم. به سید گفتم: آیا اجازه می‌فرمایید آنچه از شما استفاده کردم به مردم بگویم؟ گفت: اشکال ندارد جز فلان مطلب‌ها. به سید شمس الدین گفتم. آیا می‌توان جمال امام زمان را مشاهده کرد؟ گفت: نه. بعد اضافه کرد: مؤمنان جمال آقا را می‌توانند ببینند. گفتم: من از بندگان با اخلاص آقا هستم ولی آن حضرت را ندیده‌ام. سید شمس الدین گفت: نه، تو هم دیده‌ای. تو دوبار جمال آقا را زیارت کرده‌ای. یکی هنگامی که اولین بار به سامرا رفتی. تو از قافله عقب مانده بودی. به رودخانه‌ای رسیدی. در آنجا کسی را دیدی. آن کس به

تو گفت: نترس و با شتاب برو تا به قافله برسی. آن واقعه یادم آمد و گفتم: آری چنین اتفاقی پیش آمده بود. بار دوم وقتی بود که با استادت از دمشق به مصر می‌رفتی و در راه از قافله عقب ماندی و وحشت بر تو غلبه کرد. سواری را دیدی که بتو گفت: نترس و تو را راهنمایی کرد. به سید گفتم: آری آن حادثه هم برایم پیش آمده بود. به سید شمس‌الدین گفتم: آیا امام زمان خانه خدا را زیارت می‌کند؟ گفت: آری هر سال در موسم حج شرکت می‌کند. پس از این سید شمس الدین دستور داد که زودتر برگردم. مرا با همان کشتی که برده بودند آوردند، (از بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ آوردم). بررسی این داستان این داستان، داستان ساختگی است و حقیقت ندارد. علامه مجلسی درباره این داستان می‌گوید: «لم اظفر به فی الأُصول المعتبرة»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹). این حکایت را در کتابهای مورد اعتماد و معتبر نیافتیم. آیت الله شعرانی می‌گوید: حکایت جزیره خضراء جعلی است و هیچ شکی در جعلی بودن آن نیست، (جزیره خضراء افسانه یا واقعیت به نقل از هشت رساله‌ی عربی آیت الله حسن‌زاده). آیت الله حسن‌زاده آملی می‌گوید: این داستان ساختگی است و در ساختگی بودن آن هیچ شکی نیست و اصل قضیه چنین است که مردی از مشرق به مغرب رفته است و حاکم آن دیار مهدی فاطمی بود و پس از او فرزندان او بودند و نام یکی از سرزمینهای آنان جزیره خضراء بود این مسافر پس از بازگشت حکایت دولت اولاد مهدی فاطمی نقل کرده است. بعدها مردم به خاطر تشابه اسمی او را امام زمان پنداشته‌اند. و حقیقت آن مسافرت به این صورت تحریف شده است، (جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، نوشته ابوالفضل طریقه‌دار به نقل از هزار و یک نکته، نکته ۹۹۰). یکی از دلایل ساختگی بودن این داستان، این است که می‌گوید: این قرآن که در دست مردم است، تحریف شده است. در حالی که قرآن تحریف نشده است و علمای شیعه و سنی به تحریف قرآن معتقد نیستند. قرآنی که همین الآن در دست مسلمانان است، همان است که بر پیامبر اکرم نازل شده است. اکثر علمای طراز اول شیعه درعصر حاضر و گذشته این روایت را صحیح ندانسته اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟، سید جعفر مرتضی عاملی، ترجمه: محمد سپهری.

۱–آیا حقیقت دارد که امام زمان «عج» در منطقه ای به نام« خضراء» در حوالی «مثلث برمودا » زندگی می کنند و اتفاقاتی در آنجا می افتد و افرادیکه میخواهند آنجا را ببینند ، دچار حوادثی می شوند. به چه صورت است؟

پرسش

۱–آیا حقیقت دارد که امام زمان «عج» در منطقه ای به نام« خضراء» در حوالی «مثلث برمودا » زندگی می کنند و اتفاقاتی در آنجا می افتد و افرادیکه میخواهند آنجا را ببینند ، دچار حوادثی می شوند. به چه صورت است؟

پاسخ

ج۱– در مورد جزیره خضراء در مجموع دونظر مختلف وجود دارد●. برخی‌آن را صحیح و معتبر و قابل استناد می دانند ●. بعضی دیگر آن را مجعول و شبیه به افسانه می دانند و می گویند ،استناد به آن درست نیست . دلایل صحت داستان جزیره خضراء طرفداران، صحت این داستان می گویند؛ اگر این داستان ، داستان ساختگی ،رمانی و افسانه ای بود هیچ گاه بزرگان ، مفاخر شیعه به آن توجه نمی کردند و در کتابهایشان آن را نقل نمودند . کسانی که این داستان را نقل کرده اند : ۱–«فضل بن یحیی» از علمای قرن هفتم که او داستان را بلاواسطه در حله در منزل سید فخر الدین حسن بن علی موسوی مازندرانی ، از زبان زین الدین ، علی بن فاضل مازندرانی شنید، سپس آنرا در کتابی به نام «الجزیره الخضراء » نگاشت و همین کتاب در آینده مأخذ و منبع کتب سایرین شد و اولین کتابی که در این مورد نوشته شده همین کتاب است. ۲– قاضی نور الله شوشتری درکتاب پر ارج مجالس المؤمنین آن

را آورده است. ۳- محقق کرکی آن را به فارسی ترجمه کرده است. ۴- علامه مجلسی آن را در کتاب بحار الانوار درج کرده است. ۵- شیخ حر عاملی آن را در کتاب اثبات الهدی درج کرده است. و دهها نفر دیگر که این داستان را در کتابهای خود آوردند. طرفداران صحت این داستان می گویند ،اگر این داستان یک موضوع جعلی و افسانه ای بود این همه برزگان بر آن استناد نمی کردند و آن را در کتاب خود درج نمی کردند• . دلایل جعلی و افسانه ای بودن داستان جزیزه خضرا ء : اولا : درست است که این داستان را بسیاری از بزرگان نقل کرده اند،ولی وقتی دقت شود،آن یک داستان و از یک شخص بیشتر نیست و قهرمان داستان تنها علی بن فاضل مازندرانی و منبع همه آنها کتاب فضل بن یحیی است . ثانیا : این داستان سند معتبری ندارد،زیرا داستان از یک کتاب خطی نا شناخته نقل شده که خود مرحوم مجلسی در باره اش می نویسد ، چون من این داستان را در کتب معتبر نیافتم ،باب جداگانه ای را به آن اختصاص دادم تا با مطالب کتاب مخلوط نشود. ثالثا : در متن داستان تناقضاتی دیده میشود ،چنانکه ملاحظه فرمودید در یک جا سید شمس الدین به راوی داستان گفت :من نایب خاص امام هستم و خودم آن حضرت را تا کنون ندیده ام و پدرم نیز آنجناب را ندیده ، لیکن سخنش را شنیده است، اما جدم هم خودش را دیده ، و هم حدیثش را شنیده است، اما همین سید شمس الدین در جای دیگر به راوی داستان گفت: من هر روز صبح جمعه برای زیارت امام به آن کوه می رویم و خوب است تو هم بروی و شفیع محمد هم به راوای داستان گفت: فقط سید شمس الدین و امثالش می توانند خدمت امام زمان مشرف شوند چنانکه ملاحظه می فرمایید این مطالب با هم تناقض دارند . رابعا : در داستان مذکور به تحریف قرآن تصریح شده که قابل قبول نیست و مورد انکار شدید علمای اسلام است. خامسا : موضوع اباحه خمس در زمان غیبت مطرح شده و مورد تأیید قرار گرفته ، که آن هم از نظر فقها مردود است . به هر حال داستان به طور رمانتیک تهیه شده که خیلی عجیب و غریب به نظر می رسد، یک نفر به نام زین الدین ازعراق به قصد تحصیل علوم به شام و از آنجا به همراه استادش به مصر و از آنجا به همراه استادش به اندلس (اسپانیا) سفر می کند، پس از طی این مسافت طولانی مریض می شود. استادش او را رها می کند و بعد از یهودی با شنیدن نام جزیزه روافض آن چنان به دیدن آن مشتاق می شود که استادش را فراموش می کند به پیمودن راه و دور خطر ناک به جزیره را فضیها می رسد، در آن جا نام جزیزه خضراء را می شنود ، با اینکه بنابود پس از چهارماه کشتی بیاید ،پس از چهل روز آمد و پس از یک هفته توقف او را به همراه خوددریا می برند و در وسط بحر ابیض آبهای سفیدی را می بینند که شیرین و گورا است. در انجام بر فرض چشم پوشی از همه این اشکالات نمی توانیم بپذیریم که سکونت حضرت دائما در آن جزیره هست ، اگر اصل این جزیره و داستان صحت داشته باشد ممکن است حضرت مدتی در آنجا مانده باشد و گرنه حضرت به طور نا شناس در بین مردم زندگی می کنند، لذا او را در جاهای مختلف دیده اند کما اینکه امام صادق «علیه السلام » فرموده اند. پس انحصار زندگی حضرت در جزیزه خضرا ء صحیح نیست . منابع : ۱-تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری ۲-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی ۳- سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری ۴-ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

درباره زندگانی حضرت مهدی (عج) و محل سکونت ایشان و جزیره خضرا توضیح دهید.

پرسش

درباره زندگانی حضرت مهدی (عج) و محل سکونت ایشان و جزیره خضرا توضیح دهید.

پاسخ

این که حضرت مهدی (عج) ازدواج کرده و زن و فرزندی دارند یا نه , به طور قطعی روشن نیست . بود و نبود آن هم هیچ دلالتی

بر طبیعی یا غیرطبیعی بودن زندگی ایشان ندارد. مکان زندگی ایشان نیز به طور دقیق معلوم نیست و احتمال دارد در اماکن مختلفی زندگی کنند. منابعی که در مورد فرزند داشتن امام زمان (ع) مورد استفاده قرار می گیرد ;یا اشکال سندی دارند و یا ابهام دلالی و نظر قاطعی را ارائه نمی دهند, لذا در این مورد سه احتمال وجود دارد. الف . اساسا "حضرت مهدی (ع) ازدواج نکرده است . ب . ازدواج کرده ولی اولاد ندارد. ج . ازدواج کرده و دارای فرزندانی نیز هست . اگر احتمال اول را بپذیریم لازمه اش این است که امام معصوم (ع) سنت اسلامی (ازدواج) را ترک کرده است , و این مسئله با مقام امام سازگار نیست اما چون مسائله غیبت اهمیت دارد و مسئله ازدواج , امری مهم است ترک ازدواج اشکالی را ایجاد نمی کند. اما اگر احتمال دوم را بپذیریم با اینکه ازدواج کرده ولی اولاد ندارد, باید بگوئیم عمر او نیز (همسرش) مانند عمر حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم یا این که بگوییم مدتی با امام (ع) زندگی کرده و از دنیا رفته است . و احتمال سوم اینکه ازدواج کرده و دارای اولاد نیز هست , این مسئله دلیل محکمی ندارد. روایات یا ادعیه ای که با تمسک به آنها, احتمال زن و فرزند داشتن به آن حضرت می دهند. یا اشکال دلالی دارند یعنی روایات از نظر دلالت به این موضوع اشکال دارد, یا ضعف سند دارند. برخی خواسته اند با تمسک به داستان ((جزیره خضرائ)) بگویند که امام عصر(ع) فرزندانی دارد و بر آن جزیره , زیر نظر وی , جامعه نمونه و تمام اعیار اسلامی را تشکیل داده اند. ولی این مسائله صحیح نیست , و مورخ شهید سید جعفر مرتضی عاملی در این مورد می گوید: با بررسی های گسترده ای که انجام گرفته جزیره خضرائ افسانه ای بیش نیست و هیچ واقعیتی ندارد, (((دراسته فی علامات الظهور و الجزیره الخضرائ, سید جعفر مرتضی عاملی , ۲۶۳) و علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه نیز این داستان را جداگانه در نوادر بحار الانوار نقل کرده و می نویسد: ((چون در کتابهای معتبر به آن (داستان جزیره خضرائ) دست نیافتم , آن را در فصلی جداگانه آوردم))، (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۱۵۹, نشر المکتبه الاسلامیه) بنابراین قضیه جزیره خضرائ داستان تخیلی و ساختگی است و به صورت رمانتیک می باشد. برای آگاهی بیشتر در زمینه رجوع شود: ۱. جزیره خضرائ افسانه یا واقعیت . ۲. چشم به راه مهدی , جمعی از نویسندگان مجله حوزه , دفتر تبلیغات اسلامی قم .

آیا مثلث برمودا همان جزیره خضراء است.

پرسش

آیا مثلث برمودا همان جزیره خضراء است.

پاسخ

در مورد زندگی حضرت در مثلث برمودا یا جزیره‌ی خضراء: برخی افراد، به داستان جزیره‌ی خضراء تمسک کرده‌اند و آن را بر مثلث برمودا تطبیق کرده‌اند و بر اساس آن گفته‌اند که امام عصر(ع) با خانواده و فرزندانشان در این جزیره زندگی می‌کنند. اولاً: مثلث برمودا، منطقه‌ای است از دریای کارائیب در شرق آمریکا مرکزی که کشور کوبا و هاوانا و دهها جزیره دیگر در نزدیکی آن قرار دارد. در دهه‌ی پنجاه و شصت قرن بیستم روزنامه‌ها و مجلات آمریکایی در راستای سیاست‌های دولت آمریکا، دهها داستان و افسانه پیرامون این مثلث ساختند و آن را منطقه‌ای اسرارآمیز معرفی کردند که هر موجود زنده‌ای در این منطقه وارد شود با نیروی ناشناخته‌ای در کام مرگ فرو خواهد رفت و هر وسیله‌ای چون هواپیما و کشتی و قایق وارد این منطقه شود توسط نیروی ناشناخته‌ای منهدم خواهد شد. این داستانها به منظور ایجاد یک پایگاه نظامی مطمئن در نزدیکی کشور کوبا متحد اتحاد جماهیر شوروی در دل قاره آمریکا و پوشش نهادن بر انجام عملیات نظامی و انهدام کشتی‌ها و هواپیماهای کوبایی بود. ثانیاً: داستان جزیره خضرا، یک

داستان خیالی و افسانه‌ای بیش نیست. علامه مجلسی این داستان را جداگانه در نوادر بحار نقل کرده و می‌نویسد: «چون در کتاب‌های معتبر بر آن دست نیافتم، آن را در فصلی جداگانه آوردم»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹). بررسی گسترده محققین نیز افسانه بودن آن را اثبات می‌کند. چنانکه در پاسخ به پرسش های پیشین عرض شد، اصل اساسی و مهم برای ما شناخت نورانیت و مقام شامخ امامت آن حضرت است، توجه کردن به این گونه افسانه ها و داستان های بی پایه و اساس دردی را از ما دوا نمی کند. امام زمان(عج) در زندگی ما حضوری فعال دارند و در کنار ما و با ما هستند منتها ما لیاقت دیدار ایشان را نداریم و اگر هم ببینیم ایشان را نمی شناسیم. سعی کنید ارتباط خود را با آن وجود مقدس قوی تر کنید. دراین زمینه رجوع کنید به: ۱. جزیره خضرا در ترازوی نقد، علامه جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ۲. جزیره خضرا افسانه یا واقعیت، جمعی از نویسندگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

آیا مثلث برمودا که یک جزیزه اسرارآمیزی است و نیز اینکه گفته می‌شود محل اقامت امام زمان(عج) در آنجا وجود دارد، صحت دارد یا خیر؟

پرسش

آیا مثلث برمودا که یک جزیزه اسرارآمیزی است و نیز اینکه گفته می‌شود محل اقامت امام زمان(عج) در آنجا وجود دارد، صحت دارد یا خیر؟

پاسخ

اشاره

جزیره و یا مثلث برمودا، تا چند سال قبل پنداشته می‌شد محل اسرارآمیزی و یا جزیره وحشتناک است که هر چه کشتی و زیر دریایی در آن و یا هواپیما بر فراز آن پرواز کرده است همه نابود شده و غرق گشته نهد و هیچ اثری از آنها بدست نیامده است. و بعضی‌ها نیز مانند آقای دناجی نجار نویسنده غرب سعی کرده است تا این جزیره اسرارآمیز را با داستانی که از بحارالانوار مطرح شده است تطبیق داده و بگوید که محل اقامت امام زمان(عج) در آنجاست بنابراین هر وسیله‌ای اعم از کشتی و یا زیر دریایی و یا هواپیما به آنجا نزدیک شده نابود می‌شود و سالم برنمی‌گردند. در حالی که با پیشرفت علوم و ساخت دارهای قومی و ماهواره‌های فضایی به تحقیق در مورد منطقه مثلث پرداختند و طبق فیلمی که از قمر مصنوعی ارسال شد وجود خشکی را در آن منطقه در دل اقیانوس ارسال کرده بود که دانشمندان وجود چنین خشکی را محال می‌دانستند لذا گروهی از پژوهشگران جهت کشف این توده خشکی به تحقیق پرداختند اما آن‌ها غیر از تلاطم امواج چیز دیگری را نیافتند. و در نتیجه این محققان وارد این منطقه شده و غرق نشدند و بعد معلوم شد که این منطقه محل گردباد و امواج و بسیاری از عملیات و اکتشاف جهت کشتی‌های غرق شده در آن منطقه انجام شد که هیچکدام از کشتی‌ها و ناوبرها غرق نگشتند و این نشان می‌دهد که با پیشرفت علوم و تجهیزات قوی‌تر، بشر به نقطه‌ای که به نظر می‌آمد اسرارآمیز باشد فائق آمده و دیگری برای او وجه اسرارآمیزی ندارد، بعلاوه بیشتر این مسائل، جنبه سرگرمی داشته که در مجلات و روزنامه‌ها و یا کتاب «چارلز برلیتز» نقل شده و جنبه علمی قوی ندارد. و نیز استانی که در کتاب بحارالانوار ذکر شده است بسیاری از علمای حدیث در سند آن خدشه کرده‌اند و صحت آنها را مورد تردید قرار داده‌اند. در پایان یادآور شویم در جهان مناطق دیگری هم وجود دارد که مانند مثلث برمودا اسرار آمیز تلقی می‌شود و این به خاطر جریانات کشف

نشده‌ای است که بشر مشغول تحقیق درباره آن است و یا اینکه تحقیق شده است و علت آن آشکار شده است ولی بیشتر جنبه افسانه بخودش گرفته است مناطقی مانند منطقه‌ای نزدیک ژاپن که به اسم دریای شیطان معروف است و یا منطقه‌ای در نزدیکی اسپانیا که تمام به محل‌های اسرارآمیز و وحشتناک معروف شده‌اند و سابقه غرق شدن کشتی و سقوط هواپیما بر فراز آن، را دارا می‌باشند. برای اطلاع بیشتر به کتاب جزیره خضراء افسانه یا واقعیت مراجعه فرمائید. « بخش پاسخ به سؤالات »

جریان جزیره خضـراء چیست؟ آیا این جزیره در مورد امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) صحت دارد و اگر صحت دارد خلاصه‌ای از قضایای مربوط به آن را بیان فرمائید؟

پرسش

جریان جزیره خضراء چیست؟ آیا این جزیره در مورد امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) صحت دارد و اگر صحت دارد خلاصه‌ای از قضایای مربوط به آن را بیان فرمائید؟

پاسخ

جریان جزیره خضراء برگشت به چیزی حدود ۷۰۰ سال پیش دارد، یعنی شروع این داستان برای اوّلین‌بار از مردی بنام علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۹ قمری بوده است که وی ادعا می‌کند من به جزیره خضراء رفتم و آنجا سرزمین خوش آب و هوا و محل زندگی امام‌عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) و فرزندان و یاران ایشان است و حکومت و اداره این جزیره نیز به دست فرزندان امام‌عصر(عج) است و نعمت در آنجا به وفور یافت می‌شود و همگی در آسایش و راحتی به سر می‌برند و هیچکس اجازه ورود به محدوده این جزیره و سرزمین را ندارد مگر اینکه از محبان و موالیان آن حضرت باشد. و اگر دشمنی قصد ورود به آنجا را داشته باشد به قدرت خدای متعال دچار طوفان شده و نابود می‌گردد و دور تا دور جزیره را آبهای سفید و شیرین فراگرفته است، ایشان بیشتر از مطالب ذکر شده درباره موقعیت جغرافیائی جزیره خضراء و سایر مناطقی که در کنار این جزیره و یا مسیر این جزیره قرار دارند به مطلبی اشاره نکرده‌اند و به همین علت عده‌ای با استفاده از آخرین نقطه‌ای که ایشان در مسیر حرکت خود ذکر کرده‌اند چنین استنباط کرده‌اند که این جزیره در دریای مدیترانه قرار دارد و عده‌ای نیز آنرا در اقیانوس اطلس پنداشته‌اند. البته این داستان را مرحوم مجلسی در بحارالانوار و در بابی جداگانه آورده‌اند و گفته‌اند که من دلیل معتبری بر آن نیافتم. اما در این اواخر حوادث واقع در مثلث برمودا با مشخصات جغرافیائی غرب اقیانوس اطلس و بین جزایر بر موارد و جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا، نیز تا اندازه‌ای با مشخصات جزیره خضراء تطبیق دارد و کسانی که در این محدوده جغرافیائی دچار حادثه شده‌اند در آخرین لحظات عمر و آخرین تماسهای خود با مراکز کنترل هوائی یا دریائی از جزیره‌ای که تا به حال با آن روبرو نشده‌اند و یا اینکه دور تا دور را آبهای سفید فراگرفته خبر داده‌اند، به همین علت بعضی جزیره خضراء را در این مشخصات جغرافیائی می‌دانند و تا حدی اطلاعات داده شده از علی بن فاضل مازندرانی با اطلاعات افراد دچار حادثه شده در این نقطه مطابقت دارد، امّا کسی به غیر از علی بن فاضل با میل و اراده خود به آنجا نرفته تا برگردد و کسانی که نیز در مثلث برمودا قرار گرفته‌اند و این موارد را دیده‌اند دیگر برای آنها برگشتی در کار نبوده است. امّا در رابطه با اینکه آیا داستان جزیره خضراء و سفر علی بن فاضل مازندارانی صحت دارد یا خیر؟ عدّه‌ای از علماء آنرا تأیید کرده و عده‌ای نیز آنرا نپذیرفته‌اند. در هیچ کجا از احادیث به آن اشاره نشده است و از لحاظ سندی نیز گفته‌اند محل اشکال است زیرا این فرد یعنی علی بن فاضل ناشناخته است و علاوه چرا این داستان به این مهمی را کسانیکه هم عصر وی بوده‌اند نیاورده‌اند و بسیار چراهای دیگر، که در مجموع این داستان را یک افسانه پنداشته و علامه مجلسی

نیز آنرا در قسمت نو در آورده‌اند و می گوید: چون که بر آن دلیل معتبری نیافتیم برای آن بابی جداگانه آوردم. بنابراین طبق نظر کثیری از علماء داستان جزیره خضراء افسانه بوده و هیچ واقعیتی ندارد و نیز هیچ ارتباطی بین جزیره خضراء و مثلث برمودا وجود ندارد. منابع ۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۵۹، باب۲۴،داراحیاء التراث العربی، بیروت لبنان، چاپ سوم، ۱۴۰۳۱۹۸۳ه‍ ۲- ناجی النجار، جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ترجمه و تحقیق علی اکبر مهدی‌پور ۳- علامه سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ترجمه محمد سپهری ۴- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت به قلم: علامه آیت‌الله محمد تقی شوشتری و ابراهیم امینی و سید جعفر مرتضی عاملی، ترجمه ابوالفضل طریق‌دار.

پاسخ

امام زمان بنا به مصلحتی که خدا می داند, از دیدگان منتظران و مشتاقانش پنهان گشته و تقدیر چنین است که تا وقت ظهور, دیده ای او را نبیند مگر آن که رازداری کند یعنی از فیض دیدار خبر نمی دهد وگرنه به گفته حضرت و نیز احادیث مشهور, مدعی دیدار, تکذیب خواهد شد: .() (پاورقی)) - آخرین توقیع شریف حضرت , خطاب به آخرین نماینده خاص خود برگرفته از مجله حوزه ویژهء امام زمان , شماره ۷۱- ۷ ص ۷۶ نظریات علما و فقها بنا به تفاسیر و تحلیل هایی که از توقیعات شریف دارند, دربارهء مشاهدهء سیمای نورانی حضرت , متفاوت است . بعضی مشاهدهء حضوری همراه با شناخت را ممکن نمی دانند, ولی عده ای دیگر بر این عقیده اند که در موارد خاصی حضرت در مقابل دیدگان بعضی از خواص ظاهر می شوند و چنین دیداری مکتوم و مخفی می ماند. شیعیان اکنون در موقعیتی هستند که جمال آفتاب گون حضرت را مشاهده نمی کنند. آن نور چون خورشیددر روز ابری در حجاب مستور است اما از گرما و نور آن , استفاده لازم را می برند. هر کس فراخور حال خود ازقلب خویش می تواند معبری باز کند و هر چه بیشتر در کسب تقوای الهی کوشش کند و یک قدم به ساحت مقدس آن امام بزرگوار نزدیک تر شود. به یقین آن چه دیدهء دل بیند, اشتیاق و لذتش با دیدن به چشم ظاهر غیرقابل قیاس می باشد. مهم ترین وظیفهء انسان ها در عصر غیبت , شناخت و در انتظار فرج حضرت است . این برترین و بافضیلت ترین عمل در عصر غیبت است . پیامبر فرمود: .() باید به دنبال این که چگونه می توان جمال (پاورقی)) - بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۲۸ نورانی امام زمان (عج) را مشاهده کرد نباشیم , بلکه باید ببینم وظیفهء ما در عصر غیبت چیست و چگونه می توان یار حضرت بود. بر فرض امکان , دیدار, به داشتن شرایطی مقید می شود که مهم ترین آن انجام واجبات و ترک محرمات ورسیدن به مقامی از خلوص است که بتوان به حریم او راه یافت .

طول عمر

امکان عمر طولانی

آیا طول عمر در حد هزار سال و بیش از آن عقلاً ممکن است ؟

پرسش

آیا طول عمر در حد هزار سال و بیش از آن عقلاً ممکن است ؟

پاسخ

به نظر متخصصان طول عمر انسان به هر اندازه باشد, بر خلاف اصول علمی نیست و علم آن را تأیید می کند. دانشمند آلمانی می

گویـد: نه مردود عقل است و نه مردود علم . در دورهء ما میزان طول عمر بالارفته است و دلیلی نـدارد از این بالاتر نرود و یک روز نیاید که بشر به عمر نهصدساله برسد.(<۱) دکتر الکیس کارل در سال ۱۹۱۲میلادی موفق به نگه داری یک مرغ به مدت سی سال شـد, در حـالی که زنـدگی مرغ از ده سال تجاوز نمی کنـد.(۲) آزمـایش هـایی که بر روی بعضـی از حیوانات ریز آبی انجام شـد, دانشـمندان رابه امکان تغییر دوران حیات امیـدوار نمود. هم چنین دانشـمندان بر روی مگس های میوه ها آزمایش هایی نمودند که در نتیجه عمر آن ها نهصـد برابر عمرطبیعی گردیـد ;بنابراین اگر این امتحان بر روی انسان با موفقیت عملی شود وعمر طبیعی انسان را هشـتاد سـال فرض کنیم , امکان طولانی کردن عمر تا هفتاد ودو هزار سال ثابت می شود.(۳) از طرفی هنوز انسان , اسرار زیست انسانی و علل بقای سـلامت و دراز زیستن و عوامل انحلال جسم و مرگ را کشف نکرده است .قرآن مجید می فرماید: .(۴) خواجه نصیرالدین طوسی درازی عمر را قابل تحقق و انکار آن را جهل محض خوانده است .(۵) نکتهء دیگر تجربهء تاریخ طولانی بشریت است . اگر دراز عمری در تاریـخ زنـدگی بشـر اتفـاق افتـاده باشـد, اگر چه در مواردی نه چنـدان بسـیار, تکرار یافتن موارد یا مورد مشـابه آن امری طـبیعی خواهـد بود. فلاسـفه می گوینـد: بهـترین دلیـل برای امکـان چیزی , واقع شـدن آن است . قرآن مجیـد عمر طولانی حضرت نوح ۷را به صراحت ذکر کرده است وکتب تاریخ نام بسیاری از معمران را (کسانی که بسیار زیسته اند) ذکر نموده انـد.در کتاب اثر علی محمـد علی دخیل , ۲۲۳تن از معمران براساس مأخـذ تاریخ شـناسانده شده است .(۶) شـهید صدر می گوید: .(۷) علاوه بر این در عالم آفرینش استثنا وجود دارد ;از کرات آسمان و ستارگان تا ذره و اتم یک سری استثناهایی وجود دارد. در جهان اتم مزون هایی یافت می شونـد که یکی پس از رهایی از مرکز, عمرش یک هزارم ثانیه است و مزونی دیگر به نام عمرش ده میلیاردیم ثانیه است .(۸) در عالم نبات نیز استثنادیده می شود ;درخت در شهر اورتاوا, در جزیره تنزیف محیطش به قدری است که اگر ده نفر دور آن , دست هـای خود را بـاز کننـد, باز به تمام تنهء آن احاطه نمی نماینـد. صاحب می گویـد: حال که سال ۱۸۸۲م است , ۴۸۲سال می باشـد که جزیرهء مـذبور کشف شده و آن درخت عظیم دروقت کشف جزیره به همین حال بوده است که حالا هست . در این صورت خدامی داند چقدر قرون و دهور گذشته تا درخت اورتاوا به این عظمت وقطر رسیده است .(۹) اگر بر فرض امکان طبیعی طول عمر ممکن نباشـد, تکیهء ما بر قـدرت خـدا واراده‌ء الهی است . خداوند همان گونه که به کسـی هفتاد سال عمر می دهد,می تواند هزار سال عمر دهد. بر همه چیز توانا است (انّ الله علی کل شی قدیر)حکمت کلی عالم اقتضا می کند به کسی یا کسانی عمری دراز داده شود. (پـاورقی ۱.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۱۹۳ با تلخیص . (پـاورقی ۲.لطف الله صافی , امامت و مهـدویت , ص ۱۶۸ (پـاورقی ۳.همان , ص ۱۷۰ (پـاورقی ۴.اسراء (۱۷ آیه ۸۵ (پـاورقی ۵.محمـد رضا حکیمی , همان , ص ۲۱۴ (پـاورقی ۶.همان , ص ۱۹۹ (پـاورقی ۷.همان , ص ۲۰۲ (پـاورقی ۸.لطف الله صافی , همان , ص ۱۸۱ (پـاورقی ۹.همان , ص ۱۸۲ـ ۱۸۳

امکان طول عمر از نظر دین اسلام چگونه است؟

پرسش

امکان طول عمر از نظر دین اسلام چگونه است؟

پاسخ

در دین اسـلام امکان عمر طولانی یکی از مسائل مورد اتفاق می‌باشدو قرآن مجید در نهایت صـراحت از عمر طولانی نوح در سورهٔ عنکبوت آیهٔ ۱۴ خبر می‌دهـد: «فَلَبِثَ فیهِمْ أَلْفَ سَـنَهٍ اِلّا خَمْسـینَ عاماً» که فقط مـدت اشـتغال نوح پیغمبر(ع) به دعوت قوم، پیش از

طوفان به صریح این آیه نهصد و پنجاه سال بوده است و اگر سالهای پیش از دعوت و سالهای بعد از دعوت را به حساب بیاوریم چه مقدار می‌شود، خدا عالم است. و عموم مسلمانان اتفاق دارند که عیسی و بلکه خضر و ادریس و الیاس زنده هستند و عیسی در آخرالزمان به زمین خواهد آمد و به حضرت مهدی(ع) در نماز اقتدا خواهد کرد.

امکان طول عمر از نظر تاریخی چگونه است؟

پرسش

امکان طول عمر از نظر تاریخی چگونه است؟

پاسخ

از نظر تاریخ عمر طولانی مورد تأیید است و تواریخی که در دست داریم، اشخاص بسیاری را نشان می‌دهند که از عمر طولانی و زندگی بلند برخوردار شده‌اند. یکی از کتابهائی که به خصوص در تاریخ زندگی و شرح احوال معمّرین نگاشته شده و یکی از مآخذ و مصادر و کتب مهم تراجم و رجال به شمار می‌رود کتابی است که ابو حاتم سجستانی (متوفی ۳۵۰) به نام «المعمّرون» تألیف کرده است، این کتاب که اخیراً هم با فهرست و اسلوب عالی طبع شده سوابق تاریخی طول عمر را به طور کامل و مبسوط روشن می‌سازد.

آیا داشتن طول عمر زیاد برای حضرت مهدی (عج) امکان دارد؟

پرسش

آیا داشتن طول عمر زیاد برای حضرت مهدی (عج) امکان دارد؟

پاسخ

طول عمر ایشان اگر چند هزار سال دیگر و بلکه بیشتر نیز بر آن افزوده شود نباید مورد حرف و محل شبهه باشد؛ زیرا امکان ذاتی و امکان وقوعی طول عمر ثابت و مسلّم است، حال ما چه امکان طبیعی طول عمر و وقوع آن را ثابت کنیم(چنانچه ثابت است) و چه امکان آن را ثابت ندانیم و عمر طولانی را یک امر خارق العاده و معجزه بشماریم، در مورد طول عمر ایشان اگر ایمان به خدا و قدرت و توانائی و صحت نبوات داریم نباید تردید کنیم. مسألهٔ طول عمر آن حضرت مسأله‌ای است که صدها حدیث بر آن دلالت دارد و مشیّت ازلی الهی بر آن تعلق گرفته است. هر کس خدا را قادر و توانا می‌شناسد، باید آن را باور کند و هر کس العیاذ بالله خدا را عاجز می‌شمارد و عجز را نقص و از صفات سلبیه حق نمی‌داند، هرچه دلش می‌خواهد بگوید؛ اما می گوئیم عجز، نقص است و ناقص، محتاج است و محتاج واجب الوجود نمی‌باشد. حضرت صاحب الامر (عج) را در این دوران عمر طولانی، مکرّر مردمان بزرگ که از صفای باطن و استعداد خاص بهره‌مند بوده‌اند، زیارت و مشرف به ملاقات و نعمت دیدارش شده‌اند. در این موضوع سخن از امکان طول عمر و عدم امکان بی مورد است و به نظر ما اصلاً از ابتدا بی جهت جواب این سؤال را در مباحث راجع به طول عمر آن حضرت وارد کرده‌اند.

امکان طول عمر از نظر ادیان آسمانی چگونه است؟

پرسش

امکان طول عمر از نظر ادیان آسمانی چگونه است؟

پاسخ

ادیان، همه به اتفاق از عمر بسیار طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده‌اند. تورات، کتابی که با همین وضع تحریف شده مورد اعتماد یهود و نصاری است، در سفر تکوین اصحاح۵، آیهٔ ۵ و ۸ و۱۱ و۱۴ و۱۷ و۲۰ و۲۷ و۳۱ و در اصحاح ۹، آیهٔ ۲۹و اصحاح۱۱ آیهٔ ۱۰ تا ۱۷ و در موارد دیگر، افرادی را از پیغمبران و دیگران نام برده و عمرهای طولانی هریک را که متجاوز از چهارصد و ششصد و هفتصد و هشتصد و نهصد بوده، به صراحت بیان داشته است. علاوه بر این معتقدند که «ایلیا» برای اینکه اَلَم مرگ را نبیند زنده به آسمان مرفوع شد و «آدام کلارک» مفسر می‌گوید: شکی نیست در اینکه ایلیا زنده به آسمان مرفوع شد. ادیان باستانی دیگر (اگر چه صحت بعضی از آنها در اصل معلوم نیست یا معلوم البطلان است) مثل زرتشتی و بودائی نیز از عمرهای طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده‌اند و همه قائل به طول عمر، بلکه بقای حیات اشخاصی تا این زمان هستند.

طول عمر از نظر دانش و علم امروزی چگونه است؟

پرسش

طول عمر از نظر دانش و علم امروزی چگونه است؟

پاسخ

از نظر علوم امروز باید دانست که علم، امکان طول عمر را کاملاً تأیید کرده و کوشش بشر را در این راه کوشش نتیجه بخش و موفقیّت آمیز و لازم می‌شناسد و برای طول عمر حدّ و اندازه‌ای معلوم نمی‌کند. علم می‌گوید: تقلیل متوفیّات و مرگ و میرها، و طولانی ساختن عمر وارد یک مرحلهٔ عملی شده و با کمال سرعت رو به تکامل است و حدّ متوسط عمر در کمی بیشتر از یک قرن از ۴۷ به ۷۴ رسیده است. دکتر«الکسیس کارل» در سال ۱۹۱۲ میلادی موفق به نگهداری یک مرغ به مدّت سی سال شد، در حالی که زندگی مرغ حداکثر از ده سال تجاوز نمی‌کند.

نظر بعضی از دانشمندان غربی درباره امکان طول عمر را بیان کنید؟

پرسش

نظر بعضی از دانشمندان غربی درباره امکان طول عمر را بیان کنید؟

پاسخ

دکتر «هنری الحیس» می‌گوید: باید حدّ متوسط مرگ و میر عمومی را به حدّ مرگ و میر اطفال کمتر از ده سال رسانید و اگر این مسأله عملی شود انسان آینده، هشتصد سال زندگی خواهد کرد. دانشمندان هنوز در تعیین مرز قاطع (زندگی طبیعی) بشر به موفقیّتی نرسیده‌اند. مرز منطقی زندگی به نظر دانشمندان تفاوت دارد«پاولوف» مرز طبیعی حیات انسان را ۱۰۰ سال می‌دانست «مچنیکوف» آن را۱۵۰ تا ۱۶۰ قلمداد می‌کرد. پزشک و دانشمند مشهور آلمانی موسوم به «گوفلاند» معتقد بود که مدّت عادی زندگی بشر ۲۰۰ سال است. فیزیولوژیست مشهور قرن نوزدهم «فلوگر» آن را تا ۶۰۰ سال و «روجربیکن» انگلیسی تا ۱۰۰۰ سال قلمداد کرده‌اند. ولی هیچیک دلیلی بر اینکه این مرزها مرز قاطع باشد که از آن تجاوز نکند ارائه نمی‌دهند. به عقیده دانشمند روسی «الیا مچنیکوف»پزشک و فیزیولوژیست، یاخته‌ها و سلولهای بدن انسان که تقریباً شصت تریلیون می‌باشد از سموم ترشح شده توسط باکتریهای سمی روده مخصوصاً رودهٔ بزرگ (که درآن روزانه ۱۳۰ تریلیون میکروب زاده می‌شو) مسموم می‌شوند. بسیاری از این باکتریها زیانی به بدن نمی‌رساند ولی بعضی از آنها سمّی هستند. اینها بدن را از داخل توسط سمهائی که تولید می‌کنند(مانند گازهای فنل و اندل) مسموم می‌سازند؛ احتمالاً یاخته‌ها و بافتهای سازندهٔ بدن در اثر این مسمومیّت به پیری زود رس دچار می‌شوند، وقتی یاخته پیر شد، به سختی می‌تواند نیازهای حیاتی را رفع نماید و در تکثیر آن اختلال پدید آمده و سپس می‌میرد. پروفسور «اسمیس» استاد دانشگاه کلمبیا می‌گوید: حدّ و حصر سن، مثل دیوار صوتی است، همانطور که دیوار صوتی امروزه شکسته شده، این دیوار سن نیز روزی خواهد شکست.

آیا امکان دارد انسانی حداقل ۱۲ قرن عمر نماید؟

پرسش

آیا امکان دارد انسانی حداقل ۱۲ قرن عمر نماید؟

پاسخ

بنای اعتراض به استبعاد است و البته عمر به این درازی و بیشتر از این قابل استبعاد می‌باشد و لی کسی که به اخباری که در خصوص امام غایب (روحی لک فداه) از پیغمبراکرم(ص) و سائر ائمه اهل بیت (ع) وارد شده مراجعه نماید, خواهد دید نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت معرفی می‌کنند. البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند تنها همانها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم, یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم, یا نفهمیده‌ایم , وجود ندارد. از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید و از اینجاست که جهان پزشکی تاکنون از پیدا کردن راهی برای عمرهای بسیار طولانی, نومید و مأیوس نشده است.

طول عمر یک انسان به این اندازه چگونه ممکن است؟

پرسش

طول عمر یک انسان به این اندازه چگونه ممکن است؟

پاسخ

در مورد حضرت حجت(عج) باید توجه داشت که آن چه را خداوند در مورد ولی خودش تقدیر کرده است چون بازگشت تمام این امور به قدرت لایزال الهی است پس همه چیز ممکن است، همانطوری که خداوند متعال حضرت خضر(عج) را تاکنون زنده نگاه داشته است و یا حضرت عیسی(علیه السلام) را بدون اینکه بمیراند به آسمانها برده است «و ما قتلوه و ما صلبوه ولکن شبه لهم و ان الذین اختلفوا فیه لفی شک منه مالهم به من علم الاتباع الظن... یعنی: حال آنکه او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد، و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند. می بینیم که خداوند متعال بهر امری قادر است و آن چنان که خود ایشان در کتاب کریمش خبر داده است حضرت نوح(علیه السلام) فقط مدت ۹۵۰ سال قوم خودش را دعوت به امر حق کرد. پس وقوع سن طولانی چون بازگشت خواست و اراده خداوند متعال دارد امری است ممکن و معقول وقوع یافته مضافاً بر اینکه این امر نیز از نظر دانشمندان زیست شناس امری ممکن تلقی شده است. پاورقی (۱)۱ – سوره نساء آیه ۱۵۷.

راز طولانی شدن عمر امام زمان (ع) چیست؟ و آیا از افراد عادی کسی می‌تواند چنین عمری طولانی داشته باشد؟

پرسش

راز طولانی شدن عمر امام زمان (ع) چیست؟ و آیا از افراد عادی کسی می‌تواند چنین عمری طولانی داشته باشد؟

پاسخ

سؤال مبهم است. اگر منظور از بخش اول سؤال، راز غیبت امام (ع) است که آن را خداوند می‌داند. اما بر اساس روایات هرگاه زمینه ظهور آن حضرت فراهم گردد غیبت آن امام بزرگوار به پایان می‌رسد. و اگر منظور سؤال کننده این است که چطور ممکن است امام زمان (ع) عمرشان این قدر طولانی باشد و آیا این امر امکان‌پذیر است یا نه؟ در این صورت باید بگوییم از نظر علوم و دانش امروزی این امر کاملاً تأیید شده است. زیرا دانشمندان معتقدند مرگ از بیماری است نه پیری. بنابراین می‌توان با رعایت قواعد علمی و پرشکی، یک عمر بسیار طولانی داشت. همچنین طول عمر در ادیان امری مسلم {P – امامت و مهدویت، لطف الله صافی، ج ۲، ص ۳۶۸ – ۴۱۰ P} و مورد تأیید همه ادیان است. و در حقیقت همه ادیان الهی از عمر بسیار طولانی بشر خبر داده‌اند. در تورات در «سفر تکوین» نام تعدادی از پیامبران و افراد عادی را که عمر طولانی داشته‌اند، ذکر کرده ازجمله «ذوالقرنین» ۳۰۰۰ سال؛ «نوح (ع)» {P – المهدی الموعود المنتظر، الشیخ نجم الدین جعفر بن محمد العسکری، ج ۲، ص ۳۳۸ – ۳۶۰؛ المهدی سید صدر الدین صدر ۱۶۷ – ۱۴۵۰ {۱۷۵ P سال؛ «آدم (ع)» ۹۳۰ سال. {P – ترجمه اعیان الشیعه، بخش امام مهدی (ع)، السید محسن امین، ص ۲۰۴ P} در ادیان باستانی مانند بودا نیز از عمر طولانی افراد بشر خبر داده است. {P – امامت و مهدویت. P} عمر طولانی در دین اسلام عمر طولانی یکی از مسائل مورد اتفاق همه است و قرآن کریم با صراحت از عمر طولانی نوح (ع) خبر داده است: «فَلبِثَ فیهم اَلفَ سَنَهٔ اِلا خمسینَ عاما» که تنها مدت پیامبری نوح (ع) را ۹۵۰ سال می‌داند. و داستان اصحاب کهف {P – عنکبوت (۲۹) آیه ۱۴ P} تأیید دیگری بر این مدعاست. همچنین عموم مسلمانان نسبت به زنده بودن عیسی (ع)، خضر و ادریس و الیاس اعتقاد دارند. اینها انسان‌هایی هستند {P – المهدی، ص ۱۶۷ – ۱۷۵ P} که قرنها از عمر آنها می‌گذرد و هنوز هم به زندگی خود ادامه می‌دهند. علاوه بر این با مطالعه تاریخ در می‌یابیم که افراد بسیار زیادی از مردم عادی نیز از عمر طولانی

برخوردار بوده‌انـد. عمر طولانی امام زمان با توجه به آنچه گفته شـد، طولانی بودن عمر آن حضـرت، عمری کاملاً بـدیهی و طبیعی است. امـا علاـوه بر آن، روایـات متعـددی داریم که بیـانگر تعلق گرفتن اراده و مشـیّت خداونـد به این امر است که در اینجا به چند روایت بسنده می‌شود: ۱. صدوق (ره) از حضـرت امام حسن مجتبی (ع) در ضـمن حدیثی روایت کرده که: خداوند عمر فرزند نهم از فرزندان برادرم حسـین (ع) را در غیبتش طولانی می گرداند و سـپس به قدرت خود او را آشکار سازد به صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد. {P و ۸ – امامت و مهدویت. ۲ }P. همچنین شـیخ صدوق در روایت دیگری از امام رضا (ع) روایت کرده که: »قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود، در سن پیران و منظر و سیمای جوانان باشد.(۸)

لطفاً افرادی را که از دیده‌ها غایب هستند نام ببرید؟

پرسش

لطفاً افرادی را که از دیده‌ها غایب هستند نام ببرید؟

پاسخ

از میان پیامبران حضرت خضر، حضرت الیاس و حضرت عیسی‌زنده بوده و از دیده‌ها پنهانند و از میان امامان حضرت مهدیغ غایب می‌باشند.

حیات حضرت ولی عصر چگونه با قوانین علمی توجیه می شود.

پرسش

حیات حضرت ولی عصر چگونه با قوانین علمی توجیه می شود.

پاسخ

در حوزه «ژن شناسی» اثبات شده است که می توان با شیوه هایی جوانی، عمر، امراض و... را کنترل و حفظ کرد واز نظر علمی هیچ بعدی ندارد، بسیاری از زیست شـناسان معتقدند که علل مرگ و میرها، موانعی و یا ابتلائات و امراض و کمبودهایی است که برای تداوم زیست یک موجود زنده به وجود می آید و اگر بشـر می توانست به اکثر یا تمامی آنان واقف شود قادر بود که عمر حیوانات و انسان ها را به چنـدین برابر افزایش دهد. به هر شـکل تداوم و طولانی بودن عمر بشـری در ارکان وجودی انسان وجود دارد و این تنها موانع است که نمی گـذارد سـلول های آدمی سیر تـدریجی و عادی خویش را طی نماینـد. این مسأله با نظریه های ژن شناسـی اخیر نیز مؤکد گشته است و بسیاری از ژن شناسان بر این باورند که با دست کاری ها و بررسی های لازم در یک ژن می توان طول عمر و دوری از بلایا و امراض را برای بشر تضمین نمود. با توجه به اذعان اندیشمندان حوزه علوم تجربی و زیست شناسی، می توان به خوبی اعتقـاد به طول عمر حضـرت داشت چرا که خداونـد متعال که خالق عوالم و قوانین و سـنن آن است، به خوبی قادر خواهد بود که علل طبیعی و مادی در وجود حضـرت را به صورتی قرار دهد که آن وجود شریف سالیان سال زندگی کنند و هیچ نیازی به وارد کردن علل فرامادی و غیر طبیعی ندارند.

آیا خداوند می‌تواند عمر کسی را به این حدّ طولانی کند؟

پرسش

آیا خداوند می‌تواند عمر کسی را به این حدّ طولانی کند؟

پاسخ

در علم کلام به اثبات رسیده که خداوند قادر بر هر امری است همان گونه که عالم به هر چیزی است. هر امری که قابلیّت تعلق قدرت الهی را داشته باشد ومحال ذاتی ووقوعی نباشد، گرچه بر خلاف عادت عمومی است. لذا محال نیست که خداوند به جهت مصالحی عمر شخصی را طولانی کرده واز آفات مرگ او را نگه دارد. طبیعت آتش، سوزاندن است ولی خداوند برای حضرت ابراهیم (ع) سرد وسلامت گردانید. واین همان اعجازی است که در علم کلام به آن اشاره شده است. علامه طباطبایی می‌فرماید: "کسی که روایات وارد شده از رسول اعظم وامامان اهل بیت: در خصوص امام غایب را مطالعه کرده باشد، به این نتیجه می‌رسد که نوع حیات آن حضرت با معجزه وخرق عادت است. وطبیعی است که خرق عادت امری محال نیست. ونمی‌توان خرق عادت را از طریق علم به طور مطلق نفی کرد. عوامل واسبابی که در عالم تأثیر گذارند هرگز منحصر در حدود دید ما وشناخت ظاهری ما نیست. ما نمی‌توانیم عوامل دیگر را از ماوراء طبیعت نفی کنیم ... لذا ممکن است که عواملی در فرد یا افرادی از بشر وجود داشته باشد که بتواند انسان را بهره‌مند از عمر طولانی کند به حدّی که گاه به هزار یا هزاران سال برسد. بنابراین علم طبّ هرگز از کشف راز طول عمر انسان مطلع نشده است. {"پاورقی . شیعه در اسلام، ص ۱۹۸. پاورقی} شهید صدر؛ می گوید..."": ما فرض می کنیم که عمر طولانی از حیث علمی ممکن نیست... نتیجه چیست؟ مقصود شما این است که بگویید: طولانی شدن عمر انسان تا چند قرن بر خلاف قوانین طبیعی است که علم با وسایل تجربی وپیشرفته به اثبات رسانده است. تازه به این نتیجه می‌رسیم که این حالت معجز...بوده که قانون طبیعی را در حالتی معین به جهاتی خاص معطّل گذاشته وخرق کرده است... . این معج.....برای کسی که از نصوصات قرآن وسنّت استمداد جسته واستفاده می کند، چیز تازه یا غریبی نیست. ونیز عجیب‌تر از نقض قانون انتقال حرارت از جسم پرحرارت به جسم کم حرارت نیست، که در مورد حضرت ابراهیم (ع) نقض شده است تا جان او محفوظ بماند. خداوند متعال می‌فرماید: {قُلْنا یا نارُ کُونِی بَرْداً وَسَلاماً عَلی اِبْراهِیمَ}. {پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۶۹. پاورقی} آن گاه نمونه‌هایی از معجزات وخوارق عادات به جهت مصالحی اهمّ را مثال می‌زند که اگر از مسأله طول عمر در حدّ اعجاز مهمّ‌تر نباشد در اهمیت کمتر نیست. {"...پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص ۸۰-۷۷. پاورقی} لذا خداوند متعال درباره حضرت یونس (ذوالنون) می‌فرماید: {فَلَوْلا أَنَّهُ کانَ مِنَ المُسَبِّحِینَ × لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إِلی یَوْم یُبْعَثُونَ"}؛ اگر او از تسبیح گویان نبود به طور حتم در شکم ماهی تا روز قیامت باقی می‌ماند {"پاورقی . سوره صافات، ص ۱۴۳Ù۱۴۴. پاورقی} پس ممکن است کسی عمری طولانی تا روز قیامت به طریق اعجاز داشته باشد.

آیا طول عمر به این حد، از حیث علمی امکان دارد؟

پرسش

آیا طول عمر به این حد، از حیث علمی امکان دارد؟

پاسخ

پاسخ اول مقصود از امکان علمی آن است که ادعا کنیم برخی از امور که امکان علمی نداشته ونمی‌توان با وسایل مدرن وپیشرفته امروز آن را عملی ساخت، به لحاظ قوانین علمی هیچ گونه قاعده وقانونی که مانع وقوع وتحقق آن باشد وجود ندارد. در مورد طول عمر انسان نیز چنین است. برنارد شو می گوید": از اصول علمی ثابت نزد تمام علمای بیولوژی آن است که عمر انسان ممکن نیست که برای او حدّ ثابتی باشد، طول عمر مسأله‌ای است که حدّ نمی‌پذیرد. {"پاورقی . عمر المهدی بین العلم والأدیان، ص ۶. پاورقی} وایزمن دانشمند معروف آلمانی می گوید": هیچ تلازمی بین مرگ وقوانین طبیعی نیست؛ زیرا ما در عالم طبیعت، عمری می‌بینیم که بین یک لحظه تا خلود علی الدوام پایین وبالا می‌رود. {"...پاورقی . همان. پاورقی} فلوکر فیزیکدان معروف می گوید: "حدّ طبیعی عمر انسان ۶۰۰ سال است. "روجر پیکن دانشمند انگلیسی آن را به ۱۰۰۰ سال رسانده است. {پاورقی . مجله دانشمند، سال ۶، شماره ۱، ص ۴۳. پاورقی} دکتر کیلور دهاوز آمریکایی می گوید": علم طبّ می‌تواند قیدها وحدودی را که مانع از طول عمر انسان است با کمک دانش تغذیه از بین ببرد. ما امروز امیدواریم که بر خلاف عمر پدران واجدادمان به چنین طول عمری دست یابیم. {"پاورقی . راهی به سوی حیات نو، ص ۱۴. پاورقی} پروفسور اتینگر می گوید": نسل جدید همان گونه که به سفرهای فضایی ایمان آورد، در آینده‌ای نه چندان دور ایمان خواهد آورد که خلود انسان در حیات دنیوی امر بعیدی نیست؛ زیرا با پیشرفت تکنولوژی که امروز مشاهده می کنیم می‌توان عمر انسان را در قرن آینده به هزاران سال رساند. {"پاورقی . مجله دانشمند، سال ششم، شماره ۶. پاورقی} دیمند وبرل از اساتید دانشگاه جونس هبکنس می گوید": تمام اجزای اصلی انسان بدون استثنا با امتحان به اثبات رسیده که قابل خلود است، ویا حدّ اقلّ قابل عمری طولانی‌تر از این مقدار است. {"...پاورقی . مجلّه المقتطف، جزء سوم از سال ۵۹. پاورقی} پاسخ دوم فلاسفه ومتکلمین می گویند: قوی‌ترین دلیل بر امکان شئ وقوع آن در خارج است. در مورد طول عمر همین قانون جاری است. بهترین دلیل بر امکان آن، رجوع به تاریخ گذشته است. چه بسیار افرادی که در طول تاریخ عمرهای بسیار طولانی داشته‌اند که طول عمر حضرت مهدی (ع) نیز یکی از آنها است. خداوند متعال درباره حضرت نوح (ع) می‌فرماید: {وَلَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلی قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِیهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلّا خَمْسِینَ عاماً"}؛ وهر آینه ما نوح را به سوی قومش فرستادیم{پاورقی . سوره عنکبوت، آیه ۱۴. پاورقی} پس او در میان آنها هزار سال به جز پنجاه سال [نُه‌صد وپنجاه سال] درنگ کرد ".مطابق نظر مسلمانان ومسیحیان، حضرت مسیح (ع) تاکنون زنده بوده ودر آخرالزمان از آسمان فرود خواهد آمد. ومطابق نظر اسلامی پشت سر امام زمان (ع) نماز به جای خواهد آورد.

آیا طول عمر امکان فلسفی ومنطقی دارد؟

پرسش

آیا طول عمر امکان فلسفی ومنطقی دارد؟

پاسخ

مقصود از امکان فلسفی یا منطقی آن است که با مراجعه به عقل هیچ گونه مشکل عقلی وفلسفی که مخالف با نظریه طول عمر باشد وجود نداشته باشد. شکی نیست که طولانی شدن عمر انسان به هزاران سال از جنبه عقلی ومنطقی ممکن است وهیچ گونه اشکال عقلی ندارد وهیچ گاه مستلزم تناقض نخواهد شد، زیرا در مفهوم حیات وزندگی، مرگ سریع نهفته نشده است. فخر رازی

در توجیه طول عمر انسان در ذیل آیه شریفه: {فَلَبِثَ فِیهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلاّ خَمْسِینَ عاماً...}، می گوید": برخی از اطبا گویند: عمر انسان بیش از ۱۲۰ سال{پاورقی . سوره عنکبوت، آیه ۱۴. پاورقی} نمی‌شود، ولی آیه بر خلاف آن دلالت داشته وعقل نیز بیش از این را تأیید می کند؛ زیرا بقا بر ترکیبی که در انسان است ذاتاً ممکن است وگرنه باقی نمی‌ماند. دوام تأثیر مؤثر در او ممکن است؛ زیرا مؤثّر در وجود انسان اگر واجب‌الوجود است که دوام دارد، واگر غیر واجب‌الوجود باشد برای او مؤثّری است، وبالاخره به واجب‌الوجود باز می گردد که دوام دارد. لذا ممکن است که تأثیر واجب‌الوجود دائمی شود که در نتیجه بقا ذاتاً ممکن می گردد، وچنانچه بقا نداشته باشد به جهت امر عارض است، وعارض هم ممکن‌العدم است. واگر وجود عارض مانع واجب بود به همین مقدار عمر هم نمی‌توانست باقی بماند. نتیجه اینکه حرف برخی از اطبا که گفته‌اند: عمر انسان از ۱۲۰ سال فراتر نمی‌رود، باطل است. {"پاورقی . تفسیر فخر رازی، ج ۲۵، ص ۴۲. پاورقی} شیخ مجتبی قزوینی خراسانی در استدلال عقلی وفلسفی بر ضرورت وجود شخص طویل‌العمر در خارج می گوید": طبق قواعد فلسفی وحِکَمی، هر طبیعتی که قابل زیاده ونقصان در عالم وجود است، باید فرد کامل آن طبیعت در خارج موجود گردد؛ زیرا هر طبیعتی طالب کمال نهایی خود است. مطابق این قاعده تعدادی از مسائل فلسفی پایه‌گذاری شده است که از جمله آنها وجود فرد کامل در بین بشر به اسم نبی یا حکیم است. ومطابق این قانون که با برهان به اثبات رسیده قابلیّت زندگی وعمر بیشتر دارای مراتب متعددی در خارج است. عمر ۱۰۰۰ سال یا ۲۰۰۰ سال را نمی‌توان نهایت مرتبه امکان زندگی به طور یقین دانست؛ بلکه ممکن است که بیش از این مقدار نیز باشد. {"...پاورقی . بیان القرآن، ج ۵، ص ۱۱Ù۱۲. پاورقی} موضوع: علایم ظهور

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی(عج) چه‌مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این‌همه عمر کند؟

پرسش

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی(عج) چه‌مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این‌همه عمر کند؟

پاسخ

از دیدگاه شیعه تولد حضرت مهدی(عج) درنیمه شعبان سال ۲۵۵ه . 'ق - بوده است. بنابراین تا امسال که سال ۱۴۲۰ ه . 'ق است ۵(ص)۱۱ سال از عمر ایشان می گذرد/ اما در رابطه با قسمت دوم سؤال چند مطلب را بیان می کنیم: ۱ - با در نظر گرفتن قدرت بی‌پایان الهی هیچ مسلمانی شک نمی کند که اگر خداوند بخواهد یکی از بندگانش را در این دنیا هزاران سال هم نگه دارد می‌تواند چنان که در قیامت بندگان صالحش را برای ابد در بهشت زنده نگه می‌دارد و اهل‌جهنم را نیز برای همیشه زنده نگه می‌دارد/ ۲ - به عقیده ما مسلمانان حضرت عیسی(ع) زنده تا امروز دو هزار سال از عمر شریفش می گذرد، هنگام قیام حضرت مهدی(ع) به زمین فرود می‌آید و به آن حضرت کمک می کند و در نماز به او اقتدا می‌نماید. بنابراین هنگامی که ما به زنده بودن حضرت عیسی(ع) که حدود ۸۰۰ سال قبل از حضرت مهدی به دنیا آمده است معتقد هستیم، اعتقاد به زنده بودن حضرت مهدی(ع) و عمر ایشان چه مشکلی خواهد داشت؟ (س) - قرآن کریم در رابطه با حضرت نوح می‌فرماید": وَلَقَدْ اَرْسَلْنا نُوحاً اِلی قَوْمِهِ فَلَبِثَ فیهِمْ اَلْفَ سِنَّ اِلاَّخَمْسینَ عاماً {"۱} «و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، و او در میان آنان هزار سال به جز پنجاه سال درنگ کرد.» بر اساس این آیه نوح(ع) پس از رسالت و قبل از توفان ۹۵۰ سال در میان قوم خویش مشغول تبلیغ و ارشاد بود، و در رابطه با عمر او اقوال مختلفی وجود دارد که بعضی تا ۰۰۰(س) سال هم گفته‌اند/ ۴ - همچنین از نظر بسیاری از مسلمانان حضرت خضر و ادریس زنده هستند نووی از محدثان مشهور اهل سنت در کتاب خود «تهذیب الاسماء» پیرامون خضر می گوید:{۲} «در

مورد طول عمر خضـر و نبوت او اختلاـف است. بیشتر علما معتقدانـد او از دانشـمندان بوده نه از پیامبران و الان هم زنـده است و به طـور ناشـناس در میـان مردم زنـدگی می‌کنـد. ایـن مطلب نزد جمعی از عرفـا و اهـل صـلاح و معرفت نیز معروف است و حکایـات فراوانی دربـاره مشاهـده خضـر و تماس با او و سؤال و جواب‌هایی که با او شـده و مطالبی که از وی گرفته‌انـد و حضور او در امکنه شریفه نقل می‌کنند که مشهور است.» ۵ – در طول تاریخ نیز افراد زیادی بوده‌اند که عمرهای طولانی داشته‌اند و ابوحاتم سجستانی (متوفای ۵۰(س» کتابی را با نام «المُعِمَّرون» تألیف کرده که اسامی و زندگی بسیاری از افرادی که عمر طولانی کرده‌اند، را به رشته تحریر در آورده اسـت/ (ص) – از طرفی دانشـمندان امروزه امکـان طولاـنی شـدن عمر را تأییـد کرده‌انـد و به دنبـال راههـایی برای افزایش عمر بشـر می‌باشـند که به موفقیت‌هایی هم دست یافته‌انـد. بنابراین طولانی شـدن عمر امام زمان(ع) که ذخیره خداونـد برای نجات بشریت از ظلم و جور است و از نظر مقام و منزلت به‌گونه‌ای است که پیامبری اولوالعزم همچون عیسی (ع) در نماز به او اقتدا می‌کند، از نظر یک مسلمان معتقد به قدرت خداوند، هیچ‌گونه بعدی نداشته، و کاملاً روشن و حل شده می‌باشد/ از طرفی اعتقاد به تولـد امـام مهـدی(عـج) و عمر طولاـنی او اختصـاص به شـیعه نـدارد، بلکه جمع کثیری از علمـای اهل سـنت نیز، می‌گوینـد که آن حضـرت فرزنـد اما عسـگری می‌باشـد و متولد شده است.{۳} [۱]. سـوره عنکبـوت، آیه ۱۴/ [۲].– به نقـل از کتـاب اصل الشیعْ و اصولها، ص ۱۵۰ [۳]. المهدی الموعود المنتظر، ج ۱ ص (س)۱۸/ موضوع: بشارت قرآن به ظهور حضرت مهدی(ع)

زنده ماندن امام زمان(عج) از لحاظ علمی چگونه است؟

پرسش

زنده ماندن امام زمان(عج) از لحاظ علمی چگونه است؟

پاسخ

در مجله «المقتطف» که یکی از معروف‌ترین مجلات علمی عربی است مقاله‌ای تحت عنوان «هل یخلـد الانسان فی الـدنیا؛ آیا انسان در دنیا جاودان می‌ماند» در شـماره ۳ سال ۵۹ منتشـر کرده است در آن مقـاله می‌گویـد: حیات چیست؟ مرگ چیست؟ و آیا مرگ برای هر زنده مقدر شده است؟ پس از روی تحقیق علمی شـرحی نگاشـته و از آن اسـتنتاج می‌کند که جرایم و سلولهای زنده‌ای که نسل از آن بجا می‌ماند و نوع انسان و حیوان از حشرات و ماهی‌ها، پرندگان و درندگان اسب و استر، گاو گوسفند و کلیه جانداران و جنبنـدگان بلکه نباتـات و درختـان از آن سـلولها محفوظ نباتی است، از چنـد هزار سال پیش بکله از صـدها هزارسال پیش حیات داشـته‌اند. و تمام انساج رئیسـی جسم حیوان بطور نامحـدود قابلیّت بقاء دارنـد و ممکن است انسان نیز هزارها سال زنـدگی کند در صـورتی که حـوادث سـبب قطع ریسـمان حیـات او نشود. و این اظهـار نظر آنـان یـک اظهـار نظر حدسـی و ظنی نیست بکله نـتیجه عملیاتی است که با آزمایش تأئید شده است. و طبیعی است که از نظر علمی اصل بقاء و عمر جاودانه و اقتضای او در سلولهای بدن وجود دارد و اگر خداوند متعال مانع را که قطع حیات باشد بر دارد عمر بسیار طولانی نصیب انسان می‌شود چنان که امر را در مورد حضرت امام زمان (عج) عملی کرده است.

ادله

طول عمر امام زمان ۷چگونه توجیه می شود؟

پرسش

طول عمر امام زمان ۷چگونه توجیه می شود؟

پاسخ

حضرت ولی عصر۷شاخه ای از شـجرهء وحی و نبوّت و نماینده‌ء مستقیم خدا است و خدا, قادر بر همه چیز است که آتش را بر بت شکن تاریخ (حضرت ابراهیم ۷ گلستان کرده ,(۱) و حضـرت عزیر پیامبر را به خواب صـد ساله برد(۲) و عیسـی را بی واسطهء پدر در رحِم مریم قرار داد و ظرف نُه سـاعت آن را جنین کامـل سـاخت و به محض تولّـد وی را به زبـان فصـیح گویـا نمود(۳) و خاتم پیـامبران را از زمین به عالم ملکوت به معراج برد(۴) و به حضرت نوح , متجاوز از ۹۵۰سال عمر داد(۵) و فرمود اگر حضرت یونس از تسبیح گویان نبود, تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند(۶) خدا قادر است حجّت بالغهء خود را در روی زمین در پرتو برکات و الطاف خود عمر طلاونی بخشـد.]خـدایی که جهان پاینـده داردتواند حجّتی را زنده دارد]پس با توجه به قدرت گسترده‌ء خداوند, طول عمر حضـرت حجت ۷هیـچ مشـکلی ندارد. گذشـته از این با پیشـرفت علم پزشـکی و علم تغذیه , امکان طول عمر برای انسان بسـیار روشن شـده است . دکتر گیلوردهاوزر می نویسـد: امروز علم پزشـکی به کمک علم تغـذیه , قیود و حدود عمر را از سـر راه بشربرداشـته و ما امروز بر خلاف اجداد و پدرانمان می توانیم امیدوار باشیم عمر طولانی بکنیم . علم پزشکی مبحث بزرگی درباره‌ء جذب اغذیه داردکه به کمک آن هر کس می تواند به سرچشـمه‌ء جوانی و طول عمر دست یابد.(۷) (پـاورقی ۱.انبیاء (۲۱ آیه‌ء ۶۹ (پـاورقی ۲.بقره (۲ آیـه‌ء ۲۵۹ (پـاورقی ۳.مریم (۱۹ آیـه‌ء ۱۶ـ ۳۳ (پـاورقی ۴.اسراء (۱۷ آیه ۱ (پـاورقی ۵.عنکبوت (۲۹ آیه ۱۴ (پـاورقی ۶.صافات (۳۷ ۱۴۳ـ ۱۴۴ (پـاورقی ۷.سید عبدالکریم هاشمی نژاد, پاسخ ما به مشکلات جوانان , ص ۱۷ با تلخیص ; جعفر سبحانی , منشور عقایـد امامیه , اصل ۱۰۱ص ۱۸۰ ;مصـطفی حسینی دشتی , معارف و معاریف , ماده‌ء مهدی منتظر, ج ۹ ص ۷۱۶ تفسیر نمونه , ج ۱۳ ص ۳۱ـ ۵۹

چگونه امام زمان(ع) این همه عمر کرده است؟

پرسش

چگونه امام زمان(ع) این همه عمر کرده است؟

پاسخ

عمر انسـان حـد و مرز معیّنی نـدارد تـا تجـاوز از آن حـد غیر ممکن باشـد. مرگ ماننـد سایر پدیـده ها معلول عواملی است که اگر شنـاخته شونـد، می تـوان از وقـوع آن جلـوگیری کرد و آن را به تـأخیر انـداخت، هر چنـد سـرانجام هر انسـانی مرگ است. عـوامل مختلفی در طول عمر نقش دارد مانند ارث، محیط، شـغل و کیفیت تغذیه. قطعاً با شناخت علل و رعایت آن می توان به عمر طولانی دست یافت. البته بشـر امروز اسـرار زیست انسانی و علل بقای سـلامت و عمر طولانی را نتوانسته است کشف کند. از این رو معمای مرگ برای بشر هنوز حل نشده است. قرآن مجید علم انسان را بسیار اندک می داند،[۴۲] ولی امام زمان(ع) قطعاً به آن اسرار دست یافته است. از طرفی فلاسـفه گفته اند: بهترین دلیل برای امکان چیزی، واقع شدن آن است. اگر مسئلهٔ دراز عمری در تاریخ زندگی بشـر اتفـاق افتـاده باشـد، اگر چـه در مـواردی نـه چنـدان بسـیار تکرار یـافتن مـوارد، یـا مـور مشـابه آن امری خواهـد بـود طـبیعی و

معقول.[۴۳] نقل تاریخی یکی از راه های حصول علم و یقین است و ما در تاریخ نام برخی از معمرین (انسان دراز عمر) را مشاهده می کنیم. قرآن مجید دربارهٔ عمر نوح می فرماید ": او نهصد و پنجاه سال در بین قومش زندگی کرد.["۴۴] یکی از مورخان، عمرهای طویل برای افرادی ذکر کرده است که عبارتند از: حضرت آدم: ۹۳۰ سال، شیت: ۹۱۲ سال، لوط: ۷۳۲ سال و ابراهیم: ۱۹۵ سال.[۴۵] بنابراین عمر طولانی داشتن نه با عقل و علم منافات دارد و نه با تجربه و هیچ چیزی محال بودن آن را ثابت نمی کند. از سوی دیگر اگر قدرت الهی را در نظر بگیریم و بدانیم همه چیز در اختیار پروردگار است، این مسئله بسیار آسان خواهد شد ". إنّ الله علی کل شیء قدیر "خداوندی که می تواند به کسی هفتاد سال عمر دهد، می تواند به کسی ۱۷۰ سال عمر دهد و به دیگری ۱۷۰۰ سال. ارادهٔ الهی بر این تعلق گرفته است که امام زمان(ع) از عمر طولانی برخودار باشد. [۴۲] اسراء (۱۷) آیهٔ ۸۵. [۴۳] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۴۵. [۴۴] عنکبوت( ) آیهٔ۱۴. [۴۵] ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۰۲.

مسئله طول عمر امام زمان را توضیح دهید.

پرسش

مسئله طول عمر امام زمان را توضیح دهید.

پاسخ

وجود حجت خدا و امام معصوم (ع) روی زمین واجب است و طبق عقیده شیعه، زمین بدون وجود حجت الهی نابود می‌شود": لولا الحجهٔ لساخت الأرض بأهلها("۱) براساس قاعده لطف نیز وجود حجت خدا واجب است اما این که چطور می‌شود یک انسان دارای عمری بسیار طولانی باشد و سالیان سال زندگی کند و آیا عقلاً ممکن است باید عرض شود: اولاً اگر چه آنچه در نظام عادی خلقت مشاهده می‌شود عمر حداکثر صد و یا صد و چند سال است، ولی بشر، تمامی سنت‌ها و قوانین آفرینش را نمی‌شناسد و همین که چیزی بر ضد قانون و سنتی که آگاهی دارد. مشاهده می کند، آن را برخلاف عقل و قانون خلقت تلقی می کند. در بسیاری از موارد آنچه را که به عنوان قانون و سنت می‌شناسد، ظاهر و قشر قانون است، نه قانون واقعی و تمام قانون مردم می‌پندارند همواره موجود زنده از ازدواج پدر و مادر به وجود می‌آید، ولی این قشر و پوسته قانون است، نه خود قانون و سنت. آفرینش حضرت عیسی بن مریم (ع) این پوسته را برهم زده است و به بشر قانون حقیقی را نشان می‌دهد، حال این مسئله در مورد توجیه عقلی طولانی بودن عمر حضرتش صادق است. هم چنین به تصریح قرآن حضرت نوح ۹۵۰ سال فقط پیامبر بوده و یقیناً عمری بیش از این داشته است.(۲) داستان خضر پیغمبر و زنده بودن وی نیز مؤید این اصل کلی است (۳) از نظر علم زیست‌شناسی و علوم تجربی نیز، امکان چنین مسئله‌ای ثابت شده است. پس عمر نمودن حد و مرز خاصی ندارد، ولی به طور عادی، مردم بیشتر از صد سال زندگی نمی کنند، ولی عقلاً ممکن است بیشتر از این زندگی کنند، همان طور که واقع شده است. مرحوم طباطبایی (ره) بعد از این که از روایات چنین استنباط نموده که زندگی امام غایب به طریق" خرق عادت ("۴) است می‌فرماید": البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم نمی‌توان خرق عادت را نفی نمود، زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم، نفهمیده‌ایم، وجود ندارد، از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عاملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان فراهم نماید.("۵) از دیگر سو پیری عبارت است از قانونی طبیعی که بر بافت و اندام‌های موجودات زنده عارض شده و به مرور موجود زنده را به مرحله فرسودگی و مرگ می‌رساند. حال می‌توان با توجه به پیشرفت علم

پزشکی و تغذیه، جلو پیری را سد نمود و یا حرکت آن را کُند نمود. هم چنان که دانش بشری گام‌های مؤثری در این راه برداشته و در اثر رشد علم پزشکی و درمان بیماری‌ها، افراد عمر بیشتری می‌کنند. دانش تغذیه نیز به کمک علم پزشکی شتافته است. این مسئله در بین جانداران دیگر غیر از انسان که از نظر ساختار بدنی همسان هستند نیز وجود دارد. حیواناتی هستند که عمری طولانی دارند. سخن آخر این که اراده الهی در رأس امور است و پس از این که اثبات کردیم این مسئله امری محال نیست می‌توان گفت: اراده الهی به بقا حضرت ولی عصر (عج) تعلق گرفته است. اراده خداوند به وقوع هر چیزی تعلق بگیرد یقیناً در خارج محقق خواهد شد. اراده الهی برا این استوار گردیده است که حجت او سالیان سال زنده باشد و در زمان خاصی ظهور نموده و اوامر الهی را در زمین اجرا نماید و قبل از ظهور نیز زمین از حجت خدا خالی نباشد. پی‌نوشت‌ها: ۱ - کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸. ۲ - عنکبوت، ۱۴. ۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵. ۴" - خرق عادت "بدین معناست که عملی غیر عقلی و ناممکن نیست، بلکه فقط برخلاف مجرای عادت است، که معنایش در اول بحث توضیح داده شده است. ۵ - علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۵۱.

خداوند در سوره یس آیه ۶۸ می فرماید : هر کس را طول عمر دهیم , در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم) آیا اندیشه نمی کنند ؟ این آیه با طول عمر امام زمان (عج) چگونه سازش دارد ؟

پرسش

خداوند در سوره یس آیه ۶۸ می فرماید : هر کس را طول عمر دهیم , در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم) آیا اندیشه نمی کنند ؟ این آیه با طول عمر امام زمان (عج) چگونه سازش دارد ؟

پاسخ

آیه مزبور در حقیقت یک ناموس طبیعی و قانون الهی را توضیح می دهد ; یعنی ,انسانها سیر طبیعی , پس از آن که به سر حد تکامل جسمی رسیدند , تدریجا نیروهای خود را یکی پس از دیگری از دست داده و به ضعف و ناتوانی روز اول بازگشت می کنند . این منحنی ضعف و قدرت یک قانون عمومی برای تمام موجودات زنده است و همگی روی سیر طبیعی و معمولی این سرنوشت را خواهند داشت ; ولی در موضوع طول عمر امام زمان (عج) با این که یک سلسله مطالعات علوم طبیعی چنین طول عمری را طبق موازین علمی امری کاملا ممکن معرفی می کند , در عین حال باید اعتراف کرد که این طول عمر فعلا جنبه استثنائی دارد . به عبارت دیگر : عمر هزار ساله و بیشتر برای انسان مطابق اصول علمی امروز به هیچ وجه محال نیست , به دلیل این که دانشمندان علوم طبیعی برای طولانی ساختن عمرانسان همواره مشغول مطالعات هستند به ما نوید می دهند که روزی موفق شوند از طرق علمی حداکثر طول عمر انسان را به مراتب افزایش دهند , این خود نشانه امکان ومعقول بودن چنین طول عمری است . ولی نمی توان انکار کرد که فعلا چنین طول عمری جنبه استثنایی دارد و هنوز انسان از طرق معمولی موفق به آن نشده است , بنابر این خداوند برای اصلاح جامعه بشریت یکی از بندگان برگزیده خود را طول عمر فوق العاده ای داده که در موقع معینی قیام کند و جهانی را مملو از عدالت گرداند . پر واضح است آیه مزبور که نظر به افرادمعمولی و عادی دارد شامل حال چنین فردی نخواهد شد که وضع او یک وضع فوق العاده است و از جریانهای معمولی برکنار می باشد . خلاصه , همان خدایی که بر خلاف وضع عادی چنین عمر طولانی را به آن حضرت داده و به صورت فوق العاده او را زنده نگاه داشته , از عوارض طول عمر که ضعف و ناتوانی وبازگشت به قهقراست نیز حفظ می نماید و این مطلب با آیه مزبور که نظر به افرادی عادی و معمولی دارد , هیچ گونه منافاتی نخواهد داشت .

آیا عمر طولانی خاص امام زمان((علیه السلام)) است یا خداوند به افراد دیگر هم اینرا عطا کرده است؟

پرسش

آیا عمر طولانی خاص امام زمان((علیه السلام)) است یا خداوند به افراد دیگر هم اینرا عطا کرده است؟

پاسخ

از افرادی که خداوندعمر طولانی به آنها موهبت کرده می توان پیامبر بزرگی مانند حضرت نوع((علیه السلام)) را نام برد که چنانکه از احادیث استفاده می شود وی ۲۵۰۰ سال عمر کرده است و نیز حضرت خضر از افرادی است که عمر طولانی کرده و اکنون نیز زنده است چون ایشان همزمان با حضرت موسی بن عمران بوده در حال حاضر زنده می باشد ;و نیز حضرت ادریس((علیه السلام)).

چگونه حضرت مهدیغ می‌تواند دارای عمر طولانی باشد؟

پرسش

چگونه حضرت مهدیغ می‌تواند دارای عمر طولانی باشد؟

پاسخ

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که (در روایات معصومین) به حضرت ولی عصرغ و ظهور آن حضرت تفسیر یا تأویل شده است علامهٔ مجلسی ، بیش از شصت آیه از این آیات را در بحارالانوار(ج ۵۱، ص ۴۴ ـ ۶۴، مؤسسهٔ الوفأ، بیروت) گردآورده است از آن جمله ۱". وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ(;...انبیأ،۱۰۵) در" زبور "بعد از ذکر (تورات نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت زمین خواهند شد ".در این آیه" عبادی الصَلحون به حضرت مهدیغ و یارانش تفسیر شده است ۲. آیه‌ای که آن حضرت بعد از تولد قرائت فرمود": وَ نُرِیدُ أن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُواْ فِی الاْ?رْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَرِثِین(;قصص ۵) در روایتی از امیرالمؤمنین علی‌نقل شده است که فرمود": اینان که در زمین ضعیف گشته‌اند، آل پیغمبرند که خداوند متعال مهدی آن‌ها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند ".۳". أَمَّن یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوَّءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفَآءَ الاْ?رْضِ(نمل ۶۲) از امام صادق‌روایت شده که فرمود": این آیه دربارهٔ" قائم آل محمّد"غ نازل شده به خدا قسم" مضطر "اوست که دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و آن‌ها را در زمین خلیفه خود گرداند.(ر.ک مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار (ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳، چاپ بیروت ، مترجم علی دوانی نشر دارالکتب الاسلامیه ")از آن‌جا که خدای متعال بر هر چیزی قادر است" إِنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیر("نور،۴۵)، لذا می‌تواند بر اساس قدرت و مشیّت مطلقه‌اش مقدمات و عوامل زنده ماندن و حفظ و سلامتی آن حضرت را از حوادث طبیعی و... در این عالم فراهم سازد و به حجّت خود بر روی زمین عمر طولانی دهد": إِنَّ رَبِّی عَلَی کُلِّ شَیءٍ حَفِیظ("هود،۵۷ ;)چنان‌که به حضرت نوحغ عمر طولانی عطا کرد که قرآن تصریح می‌کند حضرتش ۹۵۰ سال فقط قبل از طوفان پیامبر بوده است (عنکبوت ۱۴) و نیز حضرت خضرغ که هنوز زنده می‌باشد. در برخی روایات آمده است که چون در علم ازلی خداوند مقدار عمر امام زمانغ و طول غیبت او

تقدیر شده بود و می‌دانست که بندگانش طول عمر او را انکار می‌کنند، از این رو عمر حضرت خضر را طولانی گردانید تا در اثبات طول عمر امام زمانغ به وسیله آن استدلال شود.(مهدی موعود، علی دوانی ص ۴۸۹ / بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۱، ص ۲۳۲، چاپ بیروت) مطالعات و تحقیقات علوم طبیعی نیز نشان داده که چنین طول عمری امری ممکن و طبیعی بوده و نمونه کسانی که عمر طولانی داشته‌اند، در گذشته رخ داده است خداوند متعال برای اصلاح جامعه بشری و هدایت انسان به سوی کمال یکی از بندگان برگزیده خود را (امام زمانغ طول عمر غیرعادی داده و از برخی جریان‌های معمولی و طبیعی مانند ضعف پیری و... بر کنار داشته است (ر.ک عدالت گستر جهان آیت‌الله امینی / آداب الشریعه آیت‌الله محمدباقر فشارکی ص ۴۸ ـ ۵۴، چاپ پروین / انتقاد و پاسخ شیخ مفید، ;مترجم محمدباقر خالصی ص ۵۴ ـ ۶۹، نشر راه امام / او خواهد آمد، علامه طباطبایی ، ص ۳۴ ـ ۶۵، نشر دفتر تبلیغات اسلامی / این است آیین ما، مرحوم کاشف‌الخطأ، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی ص ۱۹۰ ـ ۱۹۴، مطبوعاتی هدف و... .

چه دلایل علمی حدیثی و قرآنی بر طول عمر حضرت ولی عصرغ وجود دارد؟

پرسش

چه دلایل علمی حدیثی و قرآنی بر طول عمر حضرت ولی عصرغ وجود دارد؟

پاسخ

بیش از هزار سال است که طول عمر حضرت امام زمانغ یکی از پرسش‌های پر مشتری هر مسلمانی است از همان روزگاران که حضرت هنوز ۸۰ سال بیش نداشتند زندگی نامه‌نویسان آن حضرت در کتاب‌های خود، فصلی را با عنوان طول عمر و معمّرین گشوده‌اند. نعمانی در کتاب" غیبت و شیخ صدوق در کتاب" اکمال الدین و اتمام النعمه از این افراد. بررسی همه جانبه ادله طول عمر آن حضرت با توجه به اختصار چنین پاسخ‌نامه هاو محدوده مسئولیت این واحد در زمینه پاسخ‌های قرآنی خارج از حوصله این پاسخ است از این رو، ابتدا به اختصار به امکان طول عمر حضرت از نظر علمی اشاره کرده و سپس کمی درباره طولانی بودن عمر از نظر قرآن می‌پردازیم عمر طولانی و علم از نظر علمی در دو بعد، دربارهٔ عمر طولانی داشتن می‌توان بحث کرد: امکان داشتن عمر طولانی و وقوع آن در خارج محدود نبودن عمر: همه دانشمندان زیست‌شناس تصریح کرده‌اند که عمر انسان حد و مرزی ندارد ;بلکه آن نیز مانند سایر معلول‌ها و بیماری‌ها علت خاص خود را دارد که با کشف آن‌ها می‌توان عمر انسانی را طولانی کرد. خوشبختانه در زمان ما، به روشنی به اثبات رسیده است که عمر هیچ جانداری آن چنان محدودیت ندارد که با رسیدن به آن وقت مرگ او به صورت قطعی فرا رسیده باشد و در علم پزشکی و زیست‌شناسی برای عمر انسان و یا هر جاندار دیگر حدّی تعیین نشده است که تجاوز از آن محال باشد. مطالعه میانگین عمر انسان از گذشته که هیچ گونه بهداشتی در جوامع حاکم نبود و اکنون که میانگین سن آدمی را روز به روز با پیش‌گیری‌ها و درمان‌ها بالا می‌برند، مؤید آن نکته است (ر.ک طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان علی اکبر مهدوی پور، انتشارات کعبه / دادگستر جهان آیت اللّه ابراهیم امینی ص ۱۷۵ـ۲۰۱، انتشارات شفق) دراز عمران با گشت و گذاری در اخبار و نوشته‌های رسانه‌ها به هزاران مورد از موجوداتی که عمرهای طولانی داشته و دارند بر می‌خوریم عجیب است که مطالعه این خبرها، آدمی را چندان شگفت‌زده نمی‌کند ;امّا هنگامی که از راه‌های موثق می‌شنود فردی عمری طولانی دارد، قبول آن برایش مشکل است در زندگی زنبور عسل عمر کارگران بطور متوسط از چهل روز تا پنجاه روز است در صورتی که عمر ملکهٔ هر کندو به طور متوسط چهار تا شش سال است و شما می‌توانید با مقایسه عمر این دو زنبور که از یک جنس می‌باشند نسبت عمر حضرت ولی عصر را به انسان‌های عادی بسنجید یعنی آن حضرت می‌تواند ۴۵ تا ۵۰ برابر عمر متوسط

انسان‌ها عمر طبیعی داشته باشد. قرآن و طول عمر در آموزه‌های همه ادیان آسمانی به امکان طول عمر انسان‌ها اشاره شده است از جمله تورات در بخش سفر پیدایش ۱۰ نفر را نام می‌برد که میانگین عمر آن‌ها ۹۰۰ سال است ادیان الهی با اعتقاد به قدرت مطلق خداوند"، إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ(; بقره ۱۴۸) دادن عمر طولانی را به افراد چندان بعید نمی‌دانند و معجزه‌ها را نمونه‌ای از ظهور این قدرت دانسته و برآنند که خداوندی که کهکشان‌های با این عظمت را آفریده و نگه داشته نگهداری حجتی از حجت‌های خویش برایش چندان دشوار نیست خدایی کین جهان پاینده داردتواند حجتی را زنده دارد آیاتی از قرآن کریم از عمر طولانی درامت‌های پیشین خبر می‌دهد" ;بَل مَتَّعْنَا هَـٰؤُلَاءِ وَ ءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُر(;انبیأ،۴۴)]نه بلکه این‌ها و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرشان به درازا کشید ".افزون بر امکان طولانی بودن عمر از نظر قرآن کریم مصداق‌های متعددی از این افراد در قرآن کریم نام برده شده است ۱. حضرت نوح (عنکبوت ۱۴) ۲. حضرت عیسی (نسأ،۱۵۷) ۳. حضرت خضر ;بر اساس روایت‌های فراوانی که اطمینان‌آور است هنوز زنده است و تا ظهور حضرت مهدیغ زنده خواهند ماند. هم‌اکنون عمر ایشان بالغ بر ۶۰۰۰ سال می‌باشد. در آیات ۶۰ـ۸۲ سوره کهف داستان این پیامبر گرانقدر با حضرت موسیغ آمده است

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی (عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟

پرسش

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی (عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟

پاسخ

از دیدگاه شیعه تولد حضرت مهدی (عج) درنیمه شعبان سال ۲۵۵ه . ق – بوده است. بنابراین تا امسال که سال ۱۴۲۰ ه . ق است ۱۱۶۵ سال از عمر ایشان می گذرد/ اما در رابطه با قسمت دوم سؤال چند مطلب را بیان می کنیم: ا – در نظر گرفتن قدرت بی پایان الهی هیچ مسلمانی شک نمی کند که اگر خداوند بخواهد یکی از بندگانش را در این دنیا هزاران سال هم نگه دارد می تواند چنان که در قیامت بندگان صالحش را برای ابد در بهشت زنده نگه می دارد و اهل جهنم را نیز برای همیشه زنده نگه می دارد/ ۲ – از نظر ما شیعیان حضرت عیسی زنده است وبه همراه امام زمان در زمان ظهور می آید و به آن حضرت کمک می کند و در نماز به او اقتدا می نماید. بنابراین هنگامیکه ما به زنده بودن حضرت عیسی (علیه السلام) که حدود ۸۰۰ سال قبل از حضرت مهدی به دنیا آمده است معتقد هستیم، اعتقاد به زنده بودن حضرت مهدی (علیه السلام) و عمر ایشان چه مشکلی خواهد داشت؟ ۳ – قرآن کریم در رابطه با حضرت نوح می فرماید": وَلَقَدْ اَرْسَلْنا نُوحاً اِلیقَوْمِهِ فَلَبِثَ فیهِمْ اَلْفَ سِنَه اِلّاخَمْسینَ عاماً «"و ما نوح را به سویقومش فرستادیم، و او در میان آنان هزار سال به جز پنجاه سال درنگ کرد.» بر اساس این آیه نوح(علیه السلام) پس از رسالت و قبل از توفان ۹۵۰ سال در میان قوم خویش مشغول تبلیغ و ارشاد بود، و در رابطه با عمر او اقوال مختلفی وجود دارد که بعضی تا ۳۰۰۰ سال هم گفته اند/ ۴ –همچنین از نظر بسیاری از مسلمانان حضرت خضر و ادریس زنده هستند نووی از محدثان مشهور اهل سنت در کتاب خود «تهذیب الاسمأ» پیرامون خضر می گوید: ناشناس در میان مردم زندگی می کند. این مطلب نزد جمعی از عرفا و اهل صلاح و معرفت نیز معروف است و حکایات فراوانی درباره مشاهده خضر و تماس با او و سؤال و جوابهایی که با او شده و مطالبی که از وی گرفته اند و حضور او در اماکن شریفه نقل می کنند که مشهور است.» ۵ – در طول تاریخ نیز افراد زیادی بوده اند که عمرهای طولانی داشته اند و ابوحاتم سجستانی(متوفای ۳۵۰) کتابی را با نام «المُعِمَّرون» تألیف کرده که اسامی و زندگی بسیاری از افرادی که عمر طولانی کرده اند، را به رشته تحریر در آورده است/ ۶ – از طرفی دانشمندان امروزه امکان طولانی شدن عمر را

تأییـد کرده انـد و به دنبال راههایی برای افزایش عمر بشـر می باشـند که به موفقیت هایی هم دست یافته اند. ۷ - لازم به ذکر اسـت حضـرت مهـدی که ذخیره خداونـد برای نجـات بشـریت از ظلم و جـور است و از نظر مقـام و منزلت به گـونه ای است که پیـامبری اولوالعزم همچون عیسـی(علیه السـلام) در نماز به او اقتـدا می کنـد، از نظر یک مسـلمان معتقـد به قدرت خداوند، هیچ گونه بعدی نداشـته، و کاملا روشن و حل شـده می باشـد/ از طرفی اعتقاد به تولـد امام مهدی (عج) و عمر طولانی او اختصاص به شـیعه ندارد، بلکه جمع کثیری از علمای اهل سنت نیز، می گویند که آن حضرت فرزند اما عسگری می باشد و متولد شده است/

متفرقات

امام زمان(ع) چند سال سن دارد؟

پرسش

امام زمان(ع) چند سال سن دارد؟

پاسخ

برخی از مورخان عقیـده دارند که امام زمان(ع) در نیمه شـعبان ۲۵۵ ه 'ق در سامرا متولـد شده است.(۱) برخی دیگر باور دارند که آن حضـرت در نیمه شـعبان ۲۵۶ ه 'ق متولـد شده است.(۲) هم اکنون که سـال ۱۴۲۳ ه 'ق اسـت؛ از عمر آن حضـرت ۱۲۳۲ سال گذشـته است. با توجه بر این که مدت عمر آن حضرت در آینده مشخص نیست نمی‌توان مدت معینی را برای عمر آن حضرت بیان کرد. یکی از پرسـش‌های مهم دربـاره امـام زمـان(ع) طولانی بودن عمر آن حضـرت است که اصولا طولانی بودن عمر امام زمان را علم تأییـد می‌کنـد و چگونه امکان دارد یک انسان عمر طولانی داشـته باشـد که معمولا این گونه عمرهای طولانی با علم همخوانی نـدارد در جواب این پرسـش می‌توان گفت: عمر طولانی بسـتگی به شـناخت فورمول حیات دارد و حیات نیز پدیـده ناشـناخته بوده وعلم و خرد از شـناخت آن عـاجز است. علم به گـونه‌ای دقیق نمی‌توانـد مـدت مشخصـی را برای عمر بیـان کنـد، خیلی از انسـان‌ها بوده‌انـد که طولانـی شـدن عمر آن‌ها معمولا با مسائل علمی همسویی نداشـته است؛ مثلا حضـرت نوح(ع) ۹۵۰ سـال عمر کرد و یا حضـرت خضـر که عمر طولانی داشـته است. از سویی دیگر وجود اسـتثناها در هر امری ار جمله امور طبیعی امکان‌پذیر است و عمر طولانی امام زمان(ع) نیز از امور اسـتثنایی است. از سوی دیگر چه استبعادی دارد که در عالم انسان هم برای نگهداری یک انسان و حجت خداونـد، به عنوان ذخیره و پشـتوانه اجرای عـدالت و نفی سـتم قائـل به اسـتثنا شویم و او را موجودی فراتر از عوامل طبیعی و اسباب و علل ظاهری بدانیم و طولانی شدن عمر امام زمان(ع) را خارق عادت بدانیم. (۳) علامه طباطبایی می‌نویسد": نوع زندگانی امام غائب را به طریق خرق عادت (می‌توان پـذیرفت)، البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد. زیرا هرگز نمی‌توان اثبـات کرد که اسـباب و عواملی که در جهـان کـار می‌کننـد، تنهـا همان‌هـا هسـتند که مـا آن‌ها را دیـده‌ایم و می‌شناسـیم و دیگر اسـبابی که مـا از آن‌هـا خبر نـداریم از این روی، ممکن است در فردی و یا افرادی از بشـر، اسـباب و عوامل به وجود آیـد که عمری بسـیار طولانی، هزار یا چنـدین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.(۴) در یکی از مجلات با توجه به عمر طولانـی حضـرت نـوح و خضـر(ع) آمـده است":بـا تـوجه به این نمونه‌هـا است که می‌تـوان برخورداری حجت خـدا را از عمر طولانی پـذیرفت و دلیل امکان آن را وجود انسان‌های دراز عمر در تاریـخ دانست که تا هزاران سال گفته شـده است. از همه این‌ها گذشـته، اگر از زاویه ایمان به غیب، به این پدیـده بنگریم، پاسـخ همه اعتراض‌ها و اشـکال‌ها داده می‌شود و نیازی به فلسـفه بافی و

ارائه شواهد دیگر نیست. تأثیرگذاری علل و عوامل طبیعی، به دست خداوند است. و او است که اگر بخواهد شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد، چگونهاز حفاظت وجود نازنین حجت خدا و ذخیره عالم آفرینش ناتوان است. کریمی که جهان پاینده دارد تواند حجتی را زنده دارد(۵) پی نوشت‌ها: ۱ - شیخ مفید، ارشاد ص ۳۴۶، فتال نیشابوری، روضهٔ الواعظین، ص ۲۹۲، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، شیخ طوسی، الغیبهٔ، ص ۱۴۱ و طبرسی اعلام الوری، ص ۴۱۸. ۲ - کمال الدین، ص ۴۳۲. ۳ - مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۴۶. ۴ - شیعه در اسلام، ص ۱۵۱. ۵ - مجلد حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۴۸.

آیا مسأله طول عمر امام زمان‌علیه‌السلام مورد اعتراض اهل سنّت واقع شده است؟

پرسش

آیا مسأله طول عمر امام زمان‌علیه‌السلام مورد اعتراض اهل سنّت واقع شده است؟

پاسخ

شیعه امامیه به تبع ادله قطعی، معتقد به امامت امام زمان (ع) از سال ۲۵۵ هجری تاکنون است. این اعتقاد مستلزم آن است که امکان داشته باشد شخصی بیش از هزار سال عمر کرده باشد. این لازمه برای برخی از اهل سنّت گران آمده است. می گویند: چگونه ممکن است شخصی این مقدار عمر کند. اینان در حقیقت از آن جهت که اصل اعتقاد به امامت ومهدویت شیعه را قبول ندارند، مسأله طول عمر را بهانه قرار داده‌اند تا اصل عقیده به مهدویت شیعه را زیر سؤال ببرند. سائح علی حسین مغربی می گوید": اهل سنّت نظریه بقا وزنده ماندن مهدی (ع) بیش از هزار سال تا هر زمان که خدا بخواهد را مورد انتقاد قرار داده‌اند، و می گویند: عمری به این مقدار هرگز در بین بشر مرسوم نبوده ودلیلی نیز از شرع بر آن وجود ندارد. {"پاورقی . تراثنا وموازین النقد، ص ۲۰۳. پاورقی} همان گونه که دکتر احمد محمود صبحی اعتقاد به طول عمر امام زمان (ع) را از قوی‌ترین اعتراض‌ها متوجّه بر عقیده به حضرت مهدی (ع) نزد شیعه امامی قرار داده است. او می گوید": زنده ماندن مهدی بیش از هزار سال جای تردید دارد، واین خود موجب سست کردن عقیده به مهدویت از ریشه واساس است. {"پاورقی . نظریهٔ الامامهٔ لدی الشیعهٔ الإثنی عشریهٔ، ص ۴۱۱. پاورقی}

آیا در روایات اهل سنّت به طول عمر اشخاص اشاره شده است؟

پرسش

آیا در روایات اهل سنّت به طول عمر اشخاص اشاره شده است؟

پاسخ

عجب است که اهل سنّت اعتقاد به ولادت ووجود امام مهدی (ع) را به جهت طول عمر آن حضرت قبول نمی کنند، در حالی که در صحیح‌ترین مصادر حدیثی خود روایاتی را آورده‌اند که در آن به قضایا واشخاصی اشاره شده که عمرهای بسیار طولانی داشته ودارند. از آن جمله حدیث معروف به حدیث جسّاسه است که در" صحیح مسلم "به طور تفصیل از آن یاد شده است. در آن حدیث به طور تفصیل اشاره به وجود شخصی به نام" دجّال "شده که با عمری بسیار طولانی غایب از دیدگان مردم در جزیره‌ای از

دریا زندگی می‌کند ودر برهه‌ای از زمان به نهضتی باطل دست خواهد زد. {پاورقی . صحیح مسلم ،ج ۸، ص ۲۰۵-۲۰۳، باب فی الدجال. پاورقی}

آیا کسانی در امت‌های پیشین عمر طولانی داشته‌اند؟

پرسش

آیا کسانی در امت‌های پیشین عمر طولانی داشته‌اند؟

پاسخ

آری، با مراجعه به تاریخ پی می‌بریم که کسانی عمرهای بسیار طولانی داشته‌اند از قبیل: ۱ - خضر نبی که هزاران سال عمر کرده و هنوز زنده است. {پاورقی . المستطرف، ج ۲، ص ۳۳. پاورقی} ۲ - لقمان بن عاد که ۳۵۰۰ سال عمر داشته است. {پاورقی . اخبار الدول. پاورقی} ۳ - لقمان حکیم با ۴۰۰۰ سال یا بنابر نقلی دیگر هزار سال. ۴ - نوح پیامبر با ۲۵۰۰ سال. ۵ - شیث فرزند آدم با ۹۱۲ سال. {پاورقی . کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۹. پاورقی} ۶ - حضرت آدم (ع) با ۹۳۰ سال. {پاورقی . همان. پاورقی} ۷ - ادریس نبی با ۸۶۲ سال. {پاورقی . همان، ج ۱، ص ۲۱. پاورقی} ۸ - سلیمان نبی با ۷۱۲ سال. {پاورقی . المستطرف، ج ۲، ص ۳۳. پاورقی} ۹ - سام پسر نوح با ۶۰۰ سال. {پاورقی . کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۴. پاورقی} ودیگران.

۲-عمر شریف آقا امام زمان «عج» چند سال است ؟

پرسش

۲-عمر شریف آقا امام زمان «عج» چند سال است ؟

پاسخ

ج۲- روایت از امام صادق « علیه السلام » {ما تنکرون ان یمد الله لصاحب هذا الامر فی العمر کما مد لنوح فی العمر } انکار شماست که خداوند عمر صاحب این امر را طولانی گرداند، چنانکه عمر حضرت نوح را طولانی نموده است . ما اگر عمر حضرت خضر را از زمان حضرت موسی به حساب بیاوریم او هم اکنون در حدود شش هزار ساله می باشد که بعد از پایان جهان زنده خواهد بود روی این بیان حضرت مهدی هر قدر عمر طولانی داشته باشد همواره بیش از چهار هزار و پانصد سال کوچکتر از حضرت خضر خواهد بود . هر کس در مورد عمر طولانی حضرت مهدی دچار حیرت شود باید در مورد حضرت خضر دچار شگفت گردد و در عین حال همه ادیان آسمانی زنده جاوید بودن او را به رسمیت شناخته اند،همه اقوام و مذاهب مختلف یهود و نصرانی و اسلام آنرا پذیرا شدند . منابع : ۱-شناخت امام عصر ، مؤلف محمد جواد موسوی نیا ۲-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ۳- تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری ۴-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

ملاقات

کسانی که در خردسالی حضرت را دیده اند

چه کسانی هنگام ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام او را زیارت کرده‌اند؟

پرسش

چه کسانی هنگام ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام او را زیارت کرده‌اند؟

پاسخ

اسامی پنج نفر را در این مورد می‌توان نام برد: ۱ – حکیمه دختر امام جواد (ع) . {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۲۴. پاورقی} ۲ – زن قابله. {پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۲۴۲–۲۴۰. پاورقی} ۳و۴ – نسیم وماریه. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۰. پاورقی} ۵ – کنیز امام عسکری (ع). {پاورقی . همان، ص ۴۳۱. پاورقی}

چه کسانی در مدت پنج سال آخر حیات امام عسکری‌علیه‌السلام، امام زمان‌علیه‌السلام را دیده‌اند؟

پرسش

چه کسانی در مدت پنج سال آخر حیات امام عسکری‌علیه‌السلام، امام زمان‌علیه‌السلام را دیده‌اند؟

پاسخ

در مورد این سؤال می‌توان به اسامی عده‌ای اشاره کرد: ۱ – محمّد بن عثمان عَمْری با چهل نفر. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۹. پاورقی} ۲ – ابوهارون. {پاورقی . همان، ص ۴۳۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۸. پاورقی} ۳ – یعقوب بن منقوش. {پاورقی . همان، ص ۴۳۶ ؛ بحارالأنوار ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۷. پاورقی} ۴ – عمرواهوازی. {پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۳ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۲. پاورقی} ۵ – حکیمه دختر امام جواد (ع). {پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱. پاورقی} ۶ – محمّد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر. {پاورقی . همان. پاورقی} ۷ – ابو نصر ظریف خادم. {پاورقی . همان، ص ۳۵۴. پاورقی} ۸ – ابوعلی بن مطهر. {پاورقی . همان، ص ۳۵۲. پاورقی} ۹ – عقید خادم واسماعیل بن علی نوبختی. {پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۲۷۳–۲۷۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶. پاورقی} ۱۰ – نسیم، خادم امام عسکری (ع). {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۱. پاورقی} ۱۱ – اصحاب امام عسکری (ع). {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵. پاورقی} ۱۲ – مردی از فارس. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶. پاورقی} ۱۳ – ابوعمرو. {پاورقی . همان، ح ۱. پاورقی} ۱۴ – ابراهیم بن عبده نیشابوری وخادمش. {پاورقی . همان، ص ۳۳۱، ح ۶. پاورقی} ۱۵ – رشیق صاحب مادرای. {پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۲۵۰–۲۴۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ح ۳۶. پاورقی} ۱۶ – کامل بن ابراهیم مدنی. {پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۲۴۶. پاورقی} ۱۷ – احمد بن اسحاق قمّی. {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳. پاورقی}

چه کسانی در عصر غیبت صغرا حضرت را ملاقات نموده‌اند؟

پرسش

چه کسانی در عصر غیبت صغرا حضرت را ملاقات نموده‌اند؟

پاسخ

جماعت بسیاری در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده‌اند که به اسامی برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - محمد بن عثمان عَمْری.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی} ۲ - طریف وابونصر.{پاورقی . همان، ص ۴۴۱. پاورقی} ۳ - ازدی.{پاورقی . همان، ص ۴۴۴. پاورقی} ۴ - ابراهیم بن ادریس.{پاورقی . ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۲۴. پاورقی} ۵ - ابی عبداللّه بن صالح.{پاورقی . همان، ص ۲۲۹. پاورقی} ۶ - ابراهیم بن مهزیار.{پاورقی . همان، ص ۳۳۵. پاورقی} ۷ - محمّد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر.{پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱. پاورقی} ودیگران. مرحوم مجلسی در روایتی اسامی ۲۶۵ نفر از کسانی که در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده‌اند را نام برده است.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۷۷-۱. پاورقی}

کسانی که حضرت را در خرد سالی مشاهده کرده اند.

پرسش

کسانی که حضرت را در خرد سالی مشاهده کرده اند.

پاسخ

حدیثی از امام حسن عسکری«علیه السلام» روایت شده است یادآور می‌شویم(۳): شیخ صدوق از احمد بن اسحق روایت کرده که گفت رفتم به خدمت امام حسن عسکری«علیه السلام» و می‌خواستم از آن حضرت سوال کنم که امام بعد از او چه کسی می‌باشد حضرت پیش از آنکه سؤال کنم فرمود که ای احمد خدای عز و جل از روزی که آدم را خلق کرده است تا حال زمین را خالی از حجت نگردانید و تا روز قیامت هم از حجت خدا خالی نخواهد گذاشت و به برکت او بلاها را از اهل زمین دفع می‌کند و به سبب او باران را از آسمان نازل می‌کند و محصولات زمین را پر برکت سازد، گفتم یا بن رسول اللّه پس امام و خلیفه تو کیست؟ حضرت برخاست و داخل خانه شد و کودکی با خود آورد مانند ماه شب چهارده و سه ساله می‌نمود گفت ای احمد این است امام بعد از من و اگر نه این بود که تو گرامی هستی نزد خدا و حجتهای او این را به تو نمی‌نمودم این فرزند نام و کنیت او موافق نام و کنیه حضرت رسول است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از جور و ستم شده باشد، ای احمد مثل او در این امّت همانند خضر و ذوالقرنین است به خدا سوگند غایب خواهد شد غایب شدنی که نجات نیابد از غیبت او از هلاک شدن و گمراه گردیدن مگر کسی که خدا او را ثابت بدارد بر اعتقاد به امامت او و توفیق دهد خدا او را که دعا کند برای تعجیل فرج او... . در این حدیث نیز آمده که از زمانی که خدا زمین را خلق کرده زمین بدون حجت نبوده است که به برکت او بلاها را از اهل زمین دفع کند و به سبب او باران بفرستد و برکتهای زمین را برویاند و حجت زمان امام غایب است. از پیغمبر اکرم و ائمه«علیهم السلام» در باب خصوصیّات و حالات و لزوم وجود آن حضرت روایت شده است. ۳) کتاب منتخب‌الاثر، ص ۳۴۵.

مکان و زمان تولد امام زمان(ع) و نیز افرادی را که شاهد تولد ایشان بوده‌اند، ذکر کنید.

پرسش

مکان و زمان تولد امام زمان(ع) و نیز افرادی را که شاهد تولد ایشان بوده‌اند، ذکر کنید.

پاسخ

طبق آنچه که مورخان شیعه و سنی در خصوص تاریخ و چگونگی ولادت حضرت مهدی(عج) نوشته‌اند، اصل ولادت خجسته آن حضرت از امور مسلم و قطعی تاریخ است. بر این اساس، شیخ سلیمان قندوزی می گوید: «خبر معلوم و مسلم نزد موثقان این است که ولادت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا، واقع شده است».{۱} اما از آنجا که خلفای بنی عباس می‌دانستند دوازدهمین امام شیعیان از فرزندان امام حسن عسکری(ع) و مهدی موعود(عج) است که زمین را پر از عدل و داد می کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می کوبد در صدد برآمدند این نور را خاموش کنند. از این‌رو، امام مهدی(عج) از نخستین روز ولادت همواره در نهان بوده‌اند و مردم به طور عموم ایشان را نمی‌دیدند، ولی با این وجود عده‌ای از جمله برخی از اصحاب امام حسن عسکری(ع) توفیق شرفیابی خدمت حضرت را داشته‌اند که بعضی از آنها عبارتند از: ۱. حکیمه خاتون (دختر امام جواد، خواهر امام هادی(ع) و عمه امام حسن عسکری(ع)» که حضرت مهدی(عج) را در شب تولدش زیارت کرد و نسیم و ماریه کنیزان آن حضرت به حکیمه خاتون گفتند: تا این کودک متولد شد به خاک سجده کرد و انگشت سبابه را رو به آسمان بلند نمود و عطسه کرد و گفت: الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله.{۲} ۲. ابوبصیر خادم می گوید: «بر صاحب الزمان(عج) وارد شدم در حالی که درون گهواره بود نزدیک رفتم و سلام کردم. حضرت فرمود: مرا می‌شناسی؟ عرض کردم: آری تو بزرگ و سید من و فرزند امام من هستی. حضرت فمرود: «انا خاتم الأوصیأ و بی یرفع البلأ من اهلی و شیعتی{؛»۳} من آخرین وصی هستم و به وسیله من بلا از شیعیانم برطرف می‌شود. [۱].ینابیع الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۱۴/ [۲].الزام الناصب، شیخ حائری یزدی، ج ۱، ص ۳۴۰/ [۳].کشف الغمّه، علامه اربی، ج ۲، ص ۴۹۹، به نقل از: یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۴۶/

امکان تشرف

آیا حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصّی رابطه دارد؟ این افراد چگونه به این درجه رسیده اند؟

پرسش

آیا حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصّی رابطه دارد؟ این افراد چگونه به این درجه رسیده اند؟

پاسخ

ادعای این مسئله که حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصّی رابطه داشته باشد, یا افرادخاصی با آن حضرت در ارتباط باشند, مشکل است . بر اساس روایاتی که به ما رسیده , در زمان غیبت کبراارتباط مستقیم به کلی قطع شده و در نامهء آن حضرت به نائب چهارمش (ابوالحسن سمری) آمده است : ای علی بن محمد سمری ! بشنو ;خداوند پاداش برادران دینی تو را در مرگ تو بزرگ گرداند! تو تا شش روز دیگر خواهی مرد;پس به کارهای خود رسیدگی کن و هیچ کس را به عنوان جانشین خود معرفی نکن که غیبت کامل واقع شده است و دیگرظهوری نیست مگر بعد از آن که خداوند اجازه دهد ;آن هم بعد از گذشت زمان ها و قساوت دل ها و پر شدن زمین ازستم , خواهد بود. به زودی در میان شیعیان کسانی پیدا می شوند که ادّعا می کنند مرا دیده اند ; آگاه

باش هر کس پیش ازخروج سفیانی و صیحهء آسمانی ادعا کند مرا دیده است , دروغ می گوید و بر من افترا می بندد.(۱) البته ممکن است افراد پاک سرشت و نیکان شیعه و دوستان خالص آن حضرت به دیدار ایشان نایل شوند,اما به کسی باز گو نکنند.(۲) احتمال دیگر این است که در حال مکاشفه ببینند و مابقی تشرف به محضر یاران امام زمان است که گمانه می زنند امام زمان باشد. آن حضرت در بین مردم حضور پیدا می کند, ولی کسی او را نمی شناسد و در مراسمی مانند موسم حج هرساله شرکت می کند. از محمد بن عثمان , یکی از نوّاب آن حضرت نقل شده است : به خدا قسم ! حضرت مهدی ۷هر سال در مراسم حج شرکت می کند. او مردم را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند, ولی او رانمی شناسند.(۳) امام صادق ۷فرمود: (۴) (پاورقی ۱.علی دوانی , مهدی موعود, ص ۹۲۸ با تلخیص . (پاورقی ۲.همان , ص ۹۲۹ (پاورقی ۳.همان , ص ۹۳۰ (پاورقی ۴.همان .

آیا تشرف در دوران غیبت کبری امکان دارد؟

پرسش

آیا تشرف در دوران غیبت کبری امکان دارد؟

پاسخ

در مسئله ارتباط و دیدار با آن حضرت در دوران غیبت کبری دو دیدگاه وجود دارد.: گروهی معتقدند که تشرف امری ممکن و شدنی است و بهترین دلیل بر امکان آن را وقوعش می‌دانند و می‌گویند ملاقات و تشرف در این دوره مکرر اتفاق افتاده است. (۲) عده‌ای دیگر، ملاقات را امری غیر ممکن می‌دانند و هر یک از آن دو گروه دلایلی برای اثبات عقیده خویش اقامه می‌کنند. دلایل قائلین به عدم امکان ملاقات این گروه چهار دلیل بر عدم امکان تشرف اقامه کرده‌اند که عبارتند از: ۱ – توقیع آن حضرت به علی بن محمد سمری – آخرین نایب خاص. ۲ – روایاتی که دلالت دارند آن حضرت درمیان مردم زندگی می‌کند. او مردم را می‌بیند و می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند. ۳ – روایاتی که دلالت دارند آن حضرت در موسم حج حضور دارند ولی مردم او را نمی‌شناسند. ۴ – روایاتی که دلالت دارند، دوران غیبت، دوران امتحان شیعه است. اما مهم‌ترین دلیل آن‌ها نامه یا توقیع شریفی است که از ناحیه مقدسه آن حضرت به دست ابوالحسن سمری رسیده است و حاوی معجزه‌ای می‌باشد. بقیه دلایل ادعایی آنان دلالتی روشن ندارد و قابل توجیه است؛ زیرا آن روایات بر نفی رؤیت و مشاهده عموم مردم دلالت دارد. کسی نیست که مدعی باشد همه مردم در هر وضعیتی می‌توانند به فیض زیارت آن حضرت در موسم حج یا غیر آن نایل گردند و از فیض وجودش به طور مستقیم بهره ببرند. برای روشن شدن مفهوم و مصداق" فمن ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر "و تبیین نکات مندرج در توقیع که مورد استناد هر دو گروه قرار گرفته، می‌طلبد که متن توقیع مبارک ذکر شود". بسم الله الرحمن الرحیم "یا علی بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانک فیک، فانک میت ما بینک و بین سته ایام، فاجمع امرک و لا توص الی احد یقوم مقامک بعد وفاتک، فقد وقعت الغیبه الثانیه (التامه) فلا ظهور الا بعد اذن الله عزوجل و ذلک بعد طول الامد و قسوه القلوب و امتلاء الارض جورا و سیأتی من یدعی المشاهده. الا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کاذب مفتر و لا حول و لا قوهٔ الا بالله العلی العظیم؛(۳) کسانی که ملاقات با امام زمان (ع) را در دوران غیبت کبری غیر ممکن می‌دانند، حرفشان را مستند می‌کنند به ذیل این توقیع و می‌گویند حضرت به صراحت فرموده، به زودی افرادی از شیعیان من ادعای مشاهده و دیدن مرا می‌کنند. آگاه باشید، هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعا کند که مرا دیده است، او دروغگوی افترازننده است. نکات مندرج در توقیع ۱ – حضرت به سمری – از طریق علم امامت – خبر می‌دهد که شما شش روز دیگر می‌میری پس کارهای خود را جمع و

جور کن و امر همان گونه واقع می‌شود که حضرت فرمود. ۲ – مقام نیابت خاص بعد از فوت علی بن محمد سمری نفی شده. چه این که دوره غیبت اولی یا صغری سپری شد و زمان غیبت دوم (کبری) فرا رسید، لذا به سمری دستور می‌دهد. به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو، جانشینت باشد. ۳ – حضرت پیش‌گویی می‌کند و خبر می‌دهد، با این که دوران غیبت کبری فرا رسیده و شما مأموریت خویش را به خوبی انجام می‌دهی و کسی را به عنوان جانشین خود معرفی نمی‌کنی، ولی به زودی کسانی پیدا می‌شوند که ادعای مشاهده و رؤیت می‌کنند. ۴ – زمان دقیق ظهور نامشخص است و به فرمان الهی بستگی دارد. آن چه مسلم و قطعی است. دوران غیبت طولانی است و ظهور وقتی واقع می‌شود که دل‌ها قساوت و سختی پیدا کرده و زمین پر از ظلم و ستم شده باشد.

ملاقات امام زمان(عج)

اشاره

حقیقت درباره نیابت امام زمان (ع) چیست؟

پرسش

ملاقات امام زمان(عج) حقیقت درباره نیابت امام زمان (ع) چیست؟

پاسخ

برخی از قائلین به امکان تشرف، از راه ایجاد خدشه برسند و عدم توان معارضه آن با برخی روایات و حکایات و تشرفاتی که برای برخی شیعیان از علما و غیر آن‌ها، همراه با معجزه و کرامات واقع شده و از مجموع آن‌ها قطع حاصل می‌شود، وارد بحث شده‌اند، یا گفته‌اند برخی از علمای ناقل توقیع از بزرگان و اجلای علمای شیعه به صراحت یا با ذکر حکایت و ملاقات‌های زیادی برای اشخاص، عملا از آن توقیع اعراض نموده‌اند یا از جمله "من ادعی المشاهده "مفهوم و مصداق دیگری می‌فهمیدند، غیر از آن چه را که مخالفان ملاقات و تشرف اظهار می‌دارند. حقیقت این است که ذکر شد. مقام نیابت خاص، مقام مقدس و والایی است، آن حضرت ابتدا امر می‌کند که اعلام شود نیابتی بعد از علی بن محمد سمری وجود ندارد، ولی به علم امامت می‌داند که با این وصف، برخی افراد درصدد سوء استفاده برمی‌آیند و ادعا خواهند کرد که حضرت را مشاهده نموده‌اند، لذا با پیش گویی خویش خواستند جلوی این سوء استفاده را بگیرند تا هر کسی نتواند با ادعاهای کاذب، باطل را به نام حق جا زند و به این وسیله حلال خدا را حرام و حرام حلال نشود و معروف، به نام منکر و به عکس معرفی نگردد. – مثل سید مرتضی علم الهدی در کتاب‌های تنزیه الانبیاء – رساله غیبت – شافی و المقنع. – شیخ طوسی در کتاب‌های" الغیبه – تلخیص الشافی. – "محقق کراجکی – در کنز الفوائد. سدید الدین حمصی درالمنقذ من التقلید. – ملا صفر علی در قصص العلماء. – قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین. – علی بن عسی اربلی در کشف الغمه. – طبرسی در اعلام الوری. – محدث نوری در نجم الثاقب و جنه المأوی. حقیقت این است که چه که در توقیع نفی شده، ادعای رؤیت و مشاهده است نه امکان رؤیت و مشاهده. به بیان دیگر، مطابق صریح و توقیع، دیدار کنندگان حق اظهار آن را ندارند و کسی که امام را ببیند و ادعایی نداشته باشد و آن را اظهار نکند. مشمول توقیع واقع نمی‌گردد، لذا برخی علما در عین این که توقیع مبارک را در کتابشان ذکر می‌کنند و آن را مورد تأیید قرار می‌دهند. امکان ملاقات و تشرف خدمت حضرت را هم نفی نمی‌کنند. به چند نمونه از کلمات بزرگان توجه کنید: ۱ – علامه مجلسی هم توقیع مبارک را ذکر می‌کند و هم

داستان هایی ازملاقات عده کثیری از علما را با امام زمان (ع) بیان می‌کند. او متوجه این تناقض ظاهری است، لذا برای رفع تناقض و تأویل توقیع می‌نویسد: شاید توقیع بر کسانی حمل شود که مدعی مشاهده یا نیابت خاص از آن بزرگوارانند و اخبار را همانند سفیران و نواب اربعه بخواهند از جانب آن حضرت برای مردم بیان کنند.(۴) ۲ - علی بن عیسی اربلی توقیع را ذکر کرده و بعد می‌نویسد: ما قطع نداریم که کسی به خدمت امام زمان (عج) نمی‌رسد. سپس تناقض ظاهری بین مفاد توقیع و امکان تشرف را مطرح می‌سازد و پاسخ می‌دهد، بین مفاد توقیع و ملاقات با آن حضرت تناقض وجود ندارد زیرا اگر شخصی آن حضرت را ببیند، او می‌داند که نباید ادعای رؤیت و مشاهده کند و اگر کسی چنین ادعایی کند دروغگو است. (۵) ۳ - شیخ طوسی (ره) توقیع را ذکر می‌کند، اما می‌نویسد: ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد و نمی‌داند هر انسانی مگر حال خود را. ۴ - سید مرتضی (ره) که یکی از قائلین به امکان تشرف است می‌نویسد: ما جایز می‌دانیم که گروه زیادی از اولیا و معتقدان به امامت ایشان، شرفیاب محضرشان شوند و بهره گیرند.(۶) نتیجه بحث: از روایات امکان تشرف و ملاقات در دوران غیبت کبری و از کلمات اصحاب و بزرگان علمای شیعه حتی کسانی که براساس "من ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر "معتقدند که تشرف در زمان غیبت امکان ندارد، به دست می‌آید که: اولا: ملاقات و تشرف را به طور مطلق نفی نمی‌کنند، بلکه آن را برای خواص و شیعیان مخلص و شخصیت‌های وارسته و ابدال ممکن می‌دانند و صریحاً می‌گویند این (عدم امکان مشاهده) منافاتی ندارد با این که برخی از اولیای الهی غیر مستقیم از وجود امام بهره ببرند یا اگر دیداری رخ دهد، چنین ادعای نداشته باشند.(۷) به بیان دیگر: آن که از اسرار حق اموختند مهر کردند و دهانش دوختند تشرف و مشاهده حضرت ممکن است اما برای کسانی که حافظ اسرارند و آن را افشاء نمی‌کنند و مدعی مشاهده نمی‌گردند زیرا در غیر این صورت به تصریح توقیع مورد تکذیب قرار خواهند گرفت. ثانیاً: برخی از مخالفان مشاهده و ملاقات می‌گویند، در صورتی که مشاهده با معجزه‌ای رخ نماید که اثبات آن نیاز به دلیل نداشته باشد، ظاهراً توقیع با آن مخالفتی ندارد. (۸) پاسخ یک شبهه اگر مشاهده و ملاقات بدون اظهار و ابراز و ادعای مشاهده با توقیع منافاتی ندارد. در غیر این صورت باید مدعی را تکذیب نمود پس این همه حکایت و داستان هایی که از ملاقات و تشرف برخی شخصیت‌ها همانند علامه بحر العلوم، علامه حلی، مقدس اردبیلی و شیخ انصاری و غیر آنها در کتاب‌ها آمده، از چه طریقی فهمیده شد و آیا نباید براساس توقیع گفت: همه این‌ها دروغ و افتراء است؟ پاسخ: تمام علما و فقهای بزرگواری کهب ه آن‌ها نسبت دیدار و ارتباط به حضرت را داده‌اند نه در کتاب‌های خود، چنین ادعایی را مطرح کرده‌اند و نه در جای دیگر. آنان براساس حکمتی که در عدم ادعای مشاهده نهفته حتی مسائل فقهی و احکام دینی را که مستقیم یا غیر مستقیم از حضرت سؤال کردند و پاسخ دریافت نمودند اظهار نکردند تا مشمول توقیع قرار نگیرند و موضوع تشرف و دیدار هیچ یک از آنان در زمان حیات آنان آشکار نگشت، بلکه بعد از رحلت آنان مسئله ملاقات توسط برخی از افراد مورد وثوق و اعتماد که محرم اسرار آن بزرگواران بودند افشاء شده است. به این طریق که افراد مورد اعتماد آنان گاهی از واقعه‌ای رایحه ملاقات را استشمام می‌کردند و با اصرار و ابرام از آنان می‌خواستند چیزی از اخبار ملاقات را بیان کنند یا با طرح سؤالی آنان را در وضعیتی قرار می‌دادند که مجبور می‌شدند یا دروغ بگویند یا گوشه‌ای از واقعیت را ابراز کنند، لذا با گرفتن میثاق و تعهد شرعی - که تا زنده هستند این مسایل نباید آشکار گردد و در صورت اظهار و آشکار شدن، تکذیب می‌گردد و دروغگو معرفی خواهند شد، مطالبی را از ملاقات علیرغم خواست قلبی خود بیان می‌کردند. بنابراین آن چه در کتاب‌های معتبر آمده اولاً: بعد از وفات ملاقات کنندگان آشکار شده. ثانیاً: پرتوی از حقایق گسترده ملاقات‌ها بیان گشته است. پایان سخن. در پایان مقال دو تذکر را جهت تنبه حال لازم می‌بینم: ۱ - جمله" هر کسی از ما نمی‌داند مگر حال خود را اما حال دیگران برای او معلوم نیست. "تعبیری است که در کلام دو نفر از علمای بزرگ شیعه یعنی سید مرتضی و شیخ طوسی (ره) آمده است. این کلام می‌رساند که امکان تشرف خدمت حضرت وجود دارد، ولی کسی مشرف می‌شود حق اظهار به دیگران را ندارد. در غیر این صورت دروغ گوی افترا

زننده معرفی می‌شود. ۲ - برای نتیجه‌گیری و تنبه حال درونی لازم است عبارت شیخ طوسی (ره) را به طور کامل ذکر کنیم او می‌نویسد": ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود، پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد و نمی‌داند هر انسانی مگر حال خود را. پس اگر برای او ظاهر گردد. علت نهان شدن، زایل گردیده و اگر ظاهر نشود می‌داند که برای وی ظاهر نشده، به خاطر اشکالی که به او باز می‌گردد. اگر چه به تفصیل نداند تقصیرش چه بوده است. "از عبارت فوق استفاده می‌شود، هر کسی می‌خواهد بداند که جزو یاران و اصحاب آن حضرت است یا نه؟ به حال درون خویش بنگرد. اگر رابطه‌اش را با آن حضرت و خدایش اصلاح کرده باشد، ارتباط و تشرف تحقق می‌گردد و خود می‌فهمد که علت غیبت در او زایل شده است و در این صورت از اصحاب آن حضرت محسوب می‌شود، اما نباید اظهار کند و می‌داند که اگر اظهار کند از محور اصحاب خارج می‌گردد. اگر بین او و مولایش ملاقات و تشرفی صورت نگرفته، باز خود می‌داند. پس در گفتار و رفتار و کارهای خویش تجدید نظر کند بنگرد چه امور مانع است. توبه کند. خود را اصلاح کند تا لیاقت تشرف حاصل گردد. ممکن است برای افرادی این لیاقت و شایستگی حاصل گردد، اما مصلحت آنان اقتضاء کند این ملاقات تا لحظه احتضار و جان دادن به تأخیر بیفتد؛ یعنی آن لحظه‌ای که انسان نیاز شدید به وجود مبارک آن حضرت و دل جویی و عنایت ویژه‌اش دارد. اللهم الرزقنا. با توجه به توضیحات ذکر شده نیازی به تجزیه و ترکیب آن حدیث نیست. پی‌نوشت‌ها: ۱ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷ - ۳۸۰. ۲ - جهت آشنایی و مطالعه به کتاب" جنه المأموی "محدث نوری (ره) که به ج ۵۳ بحارالانوار، ص ۲۰۰ ضمیمه شده یا مهدی موعود" علی دوانی "مراجعه شود. ۳ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱. ۴ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۱. ۵ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۸، به نقل از مجله حوزه، شماره ۶۰ - ۷۱ ویژه نامه امام زمان. ۶ - رسایل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۹۷، به نقل از همان، ص ۹۸. ۷ - همان، ص ۸۶.

چگونه می توانیم امام زمان(ع) را ببینیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پرسش

چگونه می توانیم امام زمان(ع) را ببینیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پاسخ

دربارهٔ مشاهده و ارتباط با قطب عالم امکان حضرت مهدی(ع) دودیدگاه وجود دارد: ۱ـ در زمان غیبت کبری، امکان ارتباط و مشاهده و ملاقات حضرت وجود ندارد. ۲ـ برای برخی از اولیاءالله امکان دارد. گروهی از علمای شیعه بر این باورند که در زمان غیبت، امکان ارتباط با امام زمان(ع) برای شیعیان وجود ندارد و بر اساس دستور حضرت، کسی که ادعای مشاهده و ملاقات کند، باید او را تکذیب کرد. در آخرین نامهٔ حضرت به آخرین نائب خاصش (علی بن محمد سمری) آمده است": بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را دربارهٔ تو بزرگ نماید. تو تا شش روز دیگر می‌میری. کارهای خود را جمع و جور کن و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد، زیرا که غیبت تامّه و کبری واقع شد و دیگر ظهوری نیست مگر پس از اذن خدا که بعد از مدتی طولانی خواهد بود. آن وقت که دل ها پرقساوت و سخت شود و زمین از ستم پر گردد. به زودی بعضی از شیعیان ادعای مشاهده و دیدار با من را خواهند کرد. هر کس چنین ادعایی بکند، او را تکذیب کنید". و لا حول ولا قوهٔ الاّ بالله العلی العظیم. "گرچه از این نامه استفاده می‌شود که ملاقات با حضرت ممکن نیست، ولی امکان دارد افرادی به طور ناشناس آن حضرت را ببینند. شخصیت هایی مانند علامهٔ بحرالعلوم حضرت را دیده اند، ولی در بسیاری از موارد بعد از

دیـدار کشف کرده یا حـدس زده اند که امام زمان(ع) بوده است. مسلّم است که کسـی نباید ادعای مشاهدهٔ امام زمان را کند. اگر کسـی ادعا کرد بایـد او را تکـذیب کنیم، ولی منافاتی ندارد با این که برخی از اولیای الهی، غیر مسـتقیم از وجود امام(ع) بهره برده باشند یا بهره ببرند یا اگر دیداری رخ دهد، چنین ادعایی نداشته باشند.۶[۱۳] وظیفهٔ ما در زمان غیبت این است که از گناهان دوری کنیم و تقوا را در همه حـال مراعـات کنیم. در تهـذیب نفس و رسـیدن به کمالات انسانی کوشا باشـیم. همواره برای تعجیل در فرج حضـرت دعـا کنیـم. در کمـک به مستضـعفان و بیچارگـان کوشـا باشـیم. سـعی کنیم از ناحیـهٔ مـا به کسـی ظلم نشـود. کسب هـا و درآمـدهایمان حلال باشـد. اگر پاک و با تقوا باشـیم، شایـد حضـرت به دیـدار ما بیآیـد و ما را مورد توجه قرار دهد. خداوند توفیق دیدن و خدمت گزاری در رکاب حضرت را به همهٔ ما عطا فرماید. ۱ – مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱، ص ۷۲ به بعد، با تلخیص.

آیا در دورهٔ غیبت کبری می توان امام زمان رامشاهـده کرد؟ در آخرین توقیع صادره از ناحیهٔ مقدسه آمده است: از این پس مشاهده امکان ندارد. معنای مشاهده در این توقیع چیست؟

پرسش

آیا در دورهٔ غیبت کبری می توان امام زمان رامشاهده کرد؟ در آخرین توقیع صادره از ناحیهٔ مقدسه آمده است: از این پس مشاهده امکان ندارد. معنای مشاهده در این توقیع چیست؟

پاسخ

قبل از پاسـخ گویی، ابتدا می بایست معنای مشاهده را دانست. مشاهده حضـرت، یعنی دیدن با چشم ظاهری توأم با شـناخت ایشان. در دورهٔ غیبت کبری واین که مشاهدهٔ حضـرت امکان دارد یا نه، علمای بزرگ دارای دو دیدگاه هسـتند: بعضـی به سـبب استناد به توقیع شـریف، هرگونه ارتبـاط و دیـدار با امام مهـدی(عجل الله تعال فرجه الشـریف) را در عصـر غیبت ناممکن دانسـته و میگوینـد: مـدّعی آن کـذّاب مفتر است. اما بعضـی از علما، دیـدار و تشـرف اولیای خاصل الهی را ممکن دانسـته و در این باره دلایلی را ارائه کرده انـد، ولی شـنیده نشده است کسـی که محضـر امام عصـر را در دورهٔ غیبت درک کرده، دیگران را مطلع ساخته باشد. در عین حال اولیای الهی و افرادی که به مقامات عالیه معنوی رسـیده انـد، از مشاهـدهٔ جمال نورانی و فیض حضور امامی که در ظاهر غایب می باشد، ولی ناظر است، بی بهره نیسـتند: هر که را اسـرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند. طبق توقیع شـریف و روایات مسـتند به معصوم، دیـدن حضـرت از مجـاری عـادی و مشاهـده حضوری امکان پـذیر نیست، و نیز امکان دارد افرادی خاص هرگاه بخواهنـد بتواننـد امـام را ملاقات کننـد، آن گونه که در غیبت صـغری شایـد منظور از توقیع شـریف همین باشـد. ولی فیض بردن از محضـرش از راه هـای غیر عـادی و هرگـاه امـام اراده کنـد، برای علمـا و اولیـای بزرگ ممکن است. سیّد مرتضـی از فقها و علمای بزرگ که نزدیک به هزار سال پیش می زیسـته، می نویسـد ": ما جایز می دانیم که گروه زیادی از اولیا و معتقدان به امامت ایشان، شرفیـاب محضـرشان شونـد و بهره گیرنـد. ما قطع نـداریم امام بر برخی از اولیا و شـیعیان خود ظاهر نشود، بلکه این جایز است و نیز جـایز خواهـد بود که برای هیـچ یـک از آنان ظاهر نگردد. هر کس از ما نمی دانـد مگر حال خود را اما حال دیگران برای ما معلوم نیست.[۱"] بـا توجه به جملهٔ" هر کس از ما نمی دانـد مگر حال خود را "اشاره ای اجمالی و نوعی تأییـد ضـمنی نسـبت به تشـرف است. مطالعهٔ مجلهٔ" حوزه "ویژهٔ امام زمان شمارهٔ ۷۰ و ۷۱ مقالهٔ" ارتباط با امام زمان "مفید است. [۱] مجلهٔ حوزه، ویژهٔ امام زمان، شمارهٔ ۷۰– ۷۱، ص ۹۸.

در مورد دیدن امام زمان(عج) و صحبت کردن با ایشان چه نظری دارید؟ آیا این درست است که ایشان به یکی از نوّاب خود گفته" اگر کسی

www.noorfatemah.org

بگوید که مرا دیده دروغ گفته است؟"

پرسش

در مورد دیدن امام زمان(عج) و صحبت کردن با ایشان چه نظری دارید؟ آیا این درست است که ایشان به یکی از نوّاب خود گفته "اگر کسی بگوید که مرا دیده دروغ گفته است؟"

پاسخ

دربارهٔ دیدن حضرت مهدی(ع) باید به چند مطلب توجه کرد: ۱ـ دیدن حضرت بدون شناخت: شکی نیست که حضرت در مجامع مختلف حضور پیدا می کند و بین مردم احیاناً رفت و آمد دارد و در مشاهد مشرفه مخصوصاً در ایام حج در مکّه و عرفات حضور دارد. او مردم را مشاهده می کندو مردم نیز ایشان را می بینند امّا او را نمی شناسند. در کتاب های روایی و در شرح حال برخی از اولیای خدا نقل شده که بسیار اتفاق افتاده که حضرت را دیده اند، ولی نشناخته اند، اما بعداً حدس زده اند که حضرت مهدی(عج) بوده است. ۲ـ دیدن حضرت با شناخت: دیدار حضرت همراه با توجه و با شناخت از این که ایشان حضرت مهدی(عج) هستند، گرچه امکان دارد و شاید برای برخی از اولیای خدا اتفاق افتاده باشد، ولی به نظر می رسد این نوع دیدار کم اتفاق افتاد[ه است. ـ دیدار حضرت بدون ادعای دیدار: در دو فرض یک و دو مخصوصاً در فرض دوم کسی که موفق به دیدار حضرت شده، هیچگونه ادعایی ندارد و خود را به عنوان این که من کسی هستم که با حضرت [مهدی(عج) ملاقات کرده ام، مطرح نمی کند. و اگر مدعی باشد و خود را ملاقات کننده معرفی کند، باید تکذیب شود. در روایات از ادعای رؤیت و مشاهد و ارتباط با حضرت مهدی(ع) به شدت جلوگیری شده و مدعی دیدار و ارتباط را کذّاب و دروغگو انگاشته است. حضرت به آخرین سفیر خود (علی بن محمد سمری) نوشت": تو تا شش روز دیگر می میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد. غیبت دوم و تامّ واقع شد و ظهوری نیست مگر پس از اذن خداوند. اجازهٔ ظهور پس از مدتی طولانی واقع می شود که دل ها پرقساوت و سخت می شود و زمین از ستم پر می گردد. به زودی کسانی از شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده و دیدن مرا بکنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحهٔ آسمانی ادعا کند که مرا دیده، دروغگوی افترا زننده است."

آیا می شود روزی چشمان گناهکارم به جمال نورانی مولا اباصالح المهدی (ع) روشن شود؟ چه مراحلی را باید طی نمود؟ خواهشمند است راهنمایی کنید.

پرسش

آیا می شود روزی چشمان گناهکارم به جمال نورانی مولاـ اباصالح المهدی (ع) روشن شود؟ چه مراحلی را باید طی نمود؟ خواهشمند است راهنمایی کنید.

پاسخ

پاسخ شما را با اشعاری از فیلسوف عارف , و محدث فقیه , فیض کاشانی , آن دل سوختهء شیدای امام عصرارواحنا فداه شروع می کنیم . به کوی مهدی هادی گذر توانی کرد ز سر گر به در توانی کرد تو غرق معصیتی در مقام آسایش به کوی عصمت او کی

گـذر تـوانی کرد؟! به عزم دیـدن رویش به راه تقـوا پـوی که سودهـا کنی از این سـفر گر توانی کرد(۱ تنها تقوا پیشـگان صالـح یا گناهکـارانی که راه تـوبه و تهـذیب نفس و تزکیه روح را در پیش گرفته انـد و خـویش را جـبران کرده انـد یـا درصـدد جـبران آن برآمـده انـد, می توانند عطر رااستشـمام کنند و با حضـرت اباصالح , امام زمان (ع) ارتباط برقرار کنند. البته مراتبی دارد و آن را از جهتی می توان گفت دو گونه است : مسـتقیم و غیر مسـتقیم : ارتبـاط مسـتقیم , ملاقـات با رؤیت و مشاهـدهء حسـی است که کلید خزانهء آن در ارتباط غیر مسـتقیم قرار دارد.ارتباط غیر مسـتقیم مقدمهء لازم و جداناپذیر, ارتباط مسـتقیم است و تنها نردبانی اسـت که می توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد در آسـتان آسـمان قدم گذاشت و از شعاع مهرانگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتبـاط غیر مسـتقیم , قلبی و عاطفی و علمی و عملی است . از منظر دیگر می توان گفت که ملاقات و ارتباط با امام زمان (عـج) به چهار نحو ممکن است : ۱- ارتباط روحی و قلبی . ۲- رؤیت خورشـید هستی و نور حق تعالی در خواب . ۳- زیارت آن حضرت در عالم مکاشفه . ۴- لحظه وصل و ملاقات مسـتقیم و مشاهـدهء آن وجود مقدس با چشم ظاهری . ارتباط روحی و قلبی , بهترین نحوهء ارتبـاط است که رشـتهء رؤیت و زیـارت و ملاقـات و وصـل به وجود مقـدس آن حضـرت را می آفرینـد و محقق می سازد. اگر این ارتباط پیوسته و مستمر باشد, او را شیفته و عاشق حضرت می سازد و در شمار انصار الله و انصار المهدی (ع) قرارش می دهد. نخستین گام در برقراری ارتباط قلبی , شـناخت مقام و منزلت و معرفت به نحوهء غیر قابل انفکاک و جدا ناپذیری آن از و دریافت این حقیقت است که شـمس نبوت ختمیه , همراه قمر و اختران ولایت , آیینهء اسماء الحسنی و تجلی گاه و حق تعالی است تا شوق و علاقه و محبت دیـدار پدیـد آید و از مرحلهء که ریشه در دارد,بگذرد و به مرز عشق که مرحلهء فنای در معشوق و نقطهء آغازین است برسد. سپس از پله های نردبان عشق و مراتب اربعهء آن , صـعود کند و به قلهء (۲ که مرحلهء بی قراری مطلق است و عاشق را بی اختیار و بدون علت خواهی و چون و چرا جویی , به هر سو دنبال معشوق می کشاند برساند تا به نایل گردد.(۳ به بیانی روان تر: کسـی که می خواهـد عاشق امام زمان (ع) شود و از راه ارتباط قلبی به ملاقات حضـرتش نایل گردد, بایـد امام خویش را بشـناسد و از عقایـد و اخلاـق و افکارش آگاه گردد و با خواسـته ها و مطلوب ها و راه روش حضـرت در عبادات , سـیاسات و امور فردی و اجتماعی آشـنا شود و آن را الگوی فکر و عمل خویش قراردهـد و دوسـتان و نماینـدگان , نیز دشـمنان و موانع ظهورش را بشـناسد و به مقتضای تکلیف عمل کنـد, چه این که حرکت در مسیر خواسـته های آن است که فاصـله ها را کم می کنـد و حصار هجران را فرو می ریزد وعاشق را به وصال معشوق می رساند. عاشق آیینهء صـفات معشوق و جلوهء اخلاق و اوصاف او است . پس چگونه می توان بـا چشـمان گناهکـار وانواع آلودگی هـا, عـاشق آن جـان جانـان و گـل عصـمت شـد؟ تا زمانی که از بت و بیرون نیامـدیم و دل و جـان خود را مسـخر مولاـ نسـاختیم , نـاصواب لاـف دوسـتی می زنیم . (۴ تا تو در بنـد خویشـتن باشـی عشق بازی دروغزن باشی امام صادق (ع) فرمود: .(۵ منتظر مصلح مهذب (که تندیش تقوا و تهجد و بندگی حق است) باید خود صالح و حق گرا باشـد و به اصـلاح و تهـذیب نفس و تزکیهء روح خویش بپردازد تـا بتوانـد در زمان ظهورش افتخار سـربازی و خـدمت گزاری حضـرتش را به دست آورد. فقیه عارف , فیض کاشانی می گویـد: اگر چو نسیم سـحر پاک و مهـذب و خالص گردی , خورشـید جـان هـا نقـاب بگشایـد. >گل مراد تو آنگه نقاب بگشایـد که خـدمتش چو نسیم سـحر توانی کرد زمخلصان حقیقی نهفته نیسـت رُخَش غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد(۶ امام باقر (ع) می فرماید: .(۷ یک تذکر: هرگز مپندار که این درماندهء پاسخگو ره به دیار دارد گر به کوی اما هم بود مجال وصول رسـد به دولت وصـلش نوای من به حصول من شکسـتهء بی دست و پا به درگه او به هیچ بـاب نـدارم ره خروج و دخول پی نوشت ها: ۱- ملاـ محسن فیض کاشانی , شوق مهـدی (عـج), تصـحیح علی دوانی , ص ۹۸ ۲- دوستی و محبت درجـات و مراتبی دارد. صاحب تفسیر روح المعانی درج ۱۲ص ۲۳عشق را در مرتبهء چهارم محبت قرار می دهـد. حب و علاـقه وقتی شـدت پیـدا کرد و هماننـد گـل و پیچـک بر جـان و روح عاشق پیچیـد و آن را در تسـخیر خود درآوردو بر آن حکومت مطلق داشت , مرحلهء عشق نـام دارد و پس از آن را مراتبی است که به ترتیب : شـعف , لوعه , شـغف و تـدیه نـام دارد و

قلهء اوج که مرتبهء پنجم آن است نـام دارد. ۳- ٪ اگر طالب لقای امامی به علم کوش اهل نظر معامله با آشـنا کنند به معرفت نرسی تـا به او نرسـی که من به خـویش نمـودم صـد اهتمـام و نشـد دانش انـدوز و ادب ورز که در مجلس او هر که را نیست ادب , لاـیق صحبت نبود ۴- تـوبه تقصـیر خود افتـادی از این در محروم از چه می نـالی و فریـاد چرا می داری ؟! خویش را قابـل خـدمت کن و آنگه بطلب مستحق ناشده امید عطا می داری ؟! ۵- میکال , ج ۱ ص ۱۵۱ ۶- شوق مهدی , ص ۹۸ ۷- روزگار رهایی , ص ۳۶۵

آیا ملاقات با امام زمان (ع) امکان دارد؟ و اگر امکان دارد برای توفیق تشرف چه باید کرد؟

پرسش

آیا ملاقات با امام زمان (ع) امکان دارد؟ و اگر امکان دارد برای توفیق تشرف چه باید کرد؟

پاسخ

در مـورد ارتبـاط و دیـدار حضـرت امـام زمـان (ع) در دوران غیبت کـبری دو نظر وجـود دارد: ۱ - عـدم امکـان ارتباط، این گروه معتقدند در زمان غیبت کبری امکان ارتباط حضور و تشـرف به محضـر حضرت وجود ندارد، و کسی را که ادعای دیدار کند، باید تکذیب کرد. مهم‌ترین و معتبرترین دلیل این گروه بر نفی رؤیت و مشاهده امام عصـر (ع) توقیعی است که شش روز پیش از مرگ "علی بن محمـد سـمری "آخرین سـفیر خاص امام (ع) از ناحیه حضـرت صادر شـده است. برابر این توقیع مـدعی مشاهده دروغگو است و ادعای وی قابل پـذیرش نیست. متن نوشـته حضـرت چنین است": و به زودی از شـیعیان من کسانی خواهنـد آمـد که ادعای مشاهده مرا بکنند. آگاه باشـید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده، دروغگو ای افترازننده است." (۱) ۲ - امکـان ارتباط، عـده‌ای از علمای شـیعه بر این باورنـد که در غیبت کبری امکان ارتباط امام زمان (ع) وجود دارد. دلیل این نظر را داسـتان‌های مشاهـده حضـرت و چنـد روایت ذکر می‌کننـد. یکی از آن روایـات (سه گانه) این است: امام صادق (ع) فرمود: "صـاحب این امر" امـام زمان (ع "ناگزیر غیبتی دارد و در دوران غیبت از مردم کناره می‌گیرد، اما نیکو منزلی است مـدینه طیبه (و امـام آن جـا) بـا سـی نفر (زنـدگی می‌کنـد و) وحشـتی نیست.(۲) صـاحب نظران امکـان ارتبـاط می‌گوینـد: مراد توقیـع شـریف که می‌فرماید: مدعی دیدار دروغگو است، شخصـی است که ادعای تشرف و نیابت از طرف حضرت را نماید، نه کسی که صرفاً توفیق تشرف یابد، نیز کسانی که توفیق تشرف دارند، ادعای تشرف نمی‌کنند، بلکه دیگران از اوضاع و احوال به این مسئله پی می‌برند. بر فرض امکان ارتباط طالب تشـرف بایـد با سـرلوحه قرار دادن تقوا برای زنـدگی خود و عشق به امام زمان و شوق دیـدار او، در خود آمادگی تشـرف ایجاد کند تا اگر مصـلحت شد به دیدار حضرت نایل آید. پی‌نوشت‌ها: ۱ - بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و ج ۵۳، ص ۳۱۸. ۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، حدیث ۱۸.

آیا درست است که می‌گویند: ما انسان‌ها روزی چند مرتبه امام زمان(عج) را ملاقات می‌کنیم و او را نمی‌شناسیم؟

پرسش

آیا درست است که می‌گویند: ما انسان‌ها روزی چند مرتبه امام زمان(عج) را ملاقات می‌کنیم و او را نمی‌شناسیم؟

پاسخ

از این که بـا مـا مکـاتبه نموده‌ایـد سپاسـگذاریم. این نگرش که همه انسان‌هـا روزی چنـد مرتبه امام زمان(عـج) را به گونه ناشـناس می‌بیننـد، قابل قبول نبوده و صـحت نـدارد، زیرا در روایات بـدین مطلب اشاره نشـده است. در روایات آمـده است که امام زمان در مکان‌هـای مختلف حضور می‌یابنـد و میـان مردم بوده اما وی را نمی‌شناسـند: امام صادق(ع) فرمود: اگر زمین یک ساعت از حجت خـدا خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد. مردم را می‌شـناسد، لیکن مردم او را نمی‌شناسـند، همان گونه که یوسف، مردم را می‌شـناخت و آنان او را نمی‌شـناختند. (۱) در روایـتی دیگر از علی(ع) آمـده است": حجت حـق بر زمین اسـتوار است، در جـاده‌ها حرکت می‌کنـد، در خانه‌ها وارد می‌شود و در شـرق و غرب زمین به گردش می‌پردازد(".۲) از این روایات استفاده می‌شود که امام به گونه ناشـناس میان مردم حضور می‌یابد اما روایات دلالت ندارد که انسان‌ها حتماً هر روز چند بار امام را به طور ناشـناس ملاقات می‌کنند. پاورقی: ۱ - کتاب الغیبهٔ نعمانی، ص ۱۴۱ . همان، ص ۱۴۴ ۲ -

آیا می توانیم در زمان غیبت، امام زمان را ببینیم؟

اشاره

امـام زمان(عـج) فرمود: هر کس ادعای دیـدار مرا داشـته باشـد، دروغگو است، پس این همه کتاب ها برای دیـدار نوشـته می شود، چگونه توصیه می شود؟

پرسش

آیا می توانیم در زمان غیبت، امام زمان را ببینیم؟ امام زمان(عـج) فرمود: هر کس ادعای دیدار مرا داشـته باشد، دروغگو است، پس این همه کتاب ها برای دیدار نوشته می شود، چگونه توصیه می شود؟

پاسخ

در مورد ارتباط و دیـدار حضـرت امام زمان(ع) در دوران غیبت کبری دو نظر وجود دارد: ۱ـ عدم امکان ارتباط این گروه معتقدند در زمان غیبت کبری امکان ارتباط حضوری و تشرّف به محضر حضرت وجود ندارد، و کسی را که ادعای دیدار کند، باید تکذیب کرد. مهم ترین و معتبرترین دلیل این گروه بر نفی رؤیت و مشاهدهٔ امام عصـر(ع) توقیعی است که شـش روز پیش از مرگ علی بن محمد سـمری، آخرین سـفیر خاص امام زمان(ع) از ناحیه حضرت صادر شده است. برابر این توقیع مدّعی مشاهده، دروغگو است و ادعای وی قابل پـذیرش نیست. متن نوشـتهٔ حضـرت چنین است": به زودی از شـیعیان من خواهنـد آمد کسانی که ادعای مشاهده و دیدن مرا بکنند. آگاه باشـید هر کسـی قبل از خروج سـفیانی و صـیحهٔ آسـمانی، ادعا کند که مرا دیده است، دروغگوی افترا زننده است.("۱) ۲ـ امکان ارتباط عده ای از علمای شیعه بر این باورند که در غیبت کبری امکان ارتباط با امام زمان(ع) وجود دارد. دلیل این نظر را داسـتان های مشاهدهٔ حضرت و چند روایت ذکر می کنند. یکی از آن روایات این است: امام صادق(ع) فرمود": صاحب این امر (امـام زمـان) به نـاگزیز غیبـتی دارد، و در دوران غیبت از مردم کنـاره میگیرد، و نیکـو منزلی است مدینـهٔ طیبه و بـا سـی نفر وحشتی نیست.("۲) این حدیث دلالت دارد که حضـرت بیشتر در مدینه و اطراف مدینه است و سی تناز خواص با حضرت همراهند کـه اگر یکی بمیرد، دیگری بـه جـای او می نشـیند. حـال اگر کسـی این نظر را بپـذیرد، چـاره ای جز تـوجیه توقیع مـذکور نیست. صاحبان نظر امکان ارتباط می گوینـد: مراد توقیع شـریف که می فرمایـد: مدعی دیدار دروغگو است، شخصـی می باشد که ادعای

تشرف و نیابت از طرف حضرت را نماید. نه کسی که صرفاً توفیق تشرف یابد. نیز کسانی که توفیق تشرف یابند، ادعای تشرف نمی کنند، بلکه دیگران از اوضاع و احوال به این مسئله پی می برند. بنابراین، اصل دیدن امکان دارد، اما نقل آن جایز نیست یا اگ نقل شد، آن را باید تکذیب کرد، شاید برای این که هر کس نیاید و ادعای دیدار با امام زمان(ع) و ارتباط با او را کند. پی نوشت ها: ۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و ۵۳ و ص ۳۱۸. ۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، حدیث ۱۸.

به نظر من همه حق دارنـد امام زمان (ع) را ببیننـد، پس چرا در دنیای امروز فقط نیکوکاران واقعی امام زمان (ع) را می بیننـد؟ در زمان امامان دیگر همه مردم حتی ملعونین و بدسرشتان هم امامان را می دیدند. پس چرا ما نمی توانیم ایشان را ببینیم ؟

پرسش

به نظر من همه حق دارنـد امـام زمـان (ع) را ببیننـد، پس چرا در دنیـای امروز فقط نیکوکاران واقعی امام زمان (ع) را می بیننـد؟ در زمان امامان دیگر همه مردم حتی ملعونین و بدسرشتان هم امامان را می دیدند. پس چرا ما نمی توانیم ایشان را ببینیم ؟

پاسخ

وجود دوازده ولی و حجت خـدا بعـد از پیامبر اسـلام (ص) تا پایان جهان از جمله مقـدرات خداونـدی می باشد. اگر امام زمان (ع) مانند ائمه دیگر میان مردم بود، او را نیز به شـهادت می رساندند. اگر امام زمان (ع) به شـهادت می رسید، زمین از حجت خدا خالی می شد. خالی شدن زمین از حجت خدا پیامدهای منفی در پی دارد . یکی از نویسـندگان می نویسد، خداوند، به وسیلهٔ غیبت، امام دوازدهم را از قتل حفظ کرد ، زیر اگر حضـرت از آغاز زندگی میان مردم ظاهر می شد، او را می کشـتند.(۱) فلسفه اصلی وجود امام و حجت خـدا واسـطهٔ فیض الهی و هـدایت و رهبری مردم است. امام زمان (عج) اگر چه به حسب ظاهر غایب است، ولی مانند سایر ائمه (ع) دیگر به رهبری و هدایت مردم می پردازند، زیرا امام در قالب های مختلف، مشـکلات مردم را رفع می کند و به آنان نفع می رسانـد. در برخی از روایات وجود مقدس امام زمان (ع) به خورشـید تشبیه شده است.(۲) خورشـید چه پشت ابر باشد و چه نباشـد، به موجودات نفع رسانـده و زندگی موجودات به آن بسـتگی دارد. فلسـفه وجودی امام و حجت خدا این نیست که انسان ها تنها او را ببیننـد تا جای این پرسـش باشد که چرا پیشـینیان موفق شدند امام معصوم را مشاهده کنند، اما ما از آن محروم شده ایم اما این که چرا در دورهٔ غیبت کبری تنها برخی از نیکوکاران می تواننـد باحضـرت مهدی (عج) ملاقات و ارتباط داشـته باشـند ، پاسـخ روشن است، زیرا امـام (ع) مصـلح کل و با تقوا است . طبیعی است کسانی می تواننـد با امام پارسا و مصـلح ارتباط برقرار کننـد که خود پارسا باشـند . هر کسی لیاقت و شایستگی را پیدا کرد، می تواند با امام ارتباط برقرار کند. این ارتباط اختصاص به قشر خاصی ندارد. داده های تاریخی نشان از آن دارد : آن دسـته از مردم با امام ارتباط برقرار کردند که لیاقت و شایسـتگی داشتند، مانند علامه بحرالعلوم و مقـدس اردبیلی . شـما هم با ایجاد لیاقت و شایسـتگی در خود، با امام ارتباط برقرار کنیـد. اگر در زمان حضور ائمه (ع) همگان می توانسـتند با آنان ارتباط برقرار کنند، بدان جهت بود که غایب نبودند، ولی امام زمان (ع) به خاطر برخی علل غایب شده است. نحوهٔ ارتباط با امامی که غایب است، با امامی که غایب نیست، تفاوت دارد. اگر تفاوت نـداشت که دیگر غیبت معنا نـداشت. پس ملاقـات با امام زمان نبایـد با فلسـفه غیبت آن امام که برای دیگر امامان وجود نداشـته است، منافات داشـته باشـد. در عین حال برقراری ارتبـاط بـا امـام زمـان تنها با دیـدن ظاهری نیست، بلکه ارتباط درونی و معنوی نیز می توانـد برقرار باشـد که برتر از ارتباط ظاهری است. چه بسـیار انسان هایی که مورد توجه و عنایت امام زمان (عـج) بوده انـد، بی آنکه ملاقات یا ارتباط برقرار شده باشد. آن چه بایـد به دنبـال آن باشـیم، فراتر از ملاقـات حضوری، یعنی ارتبـاط معنوی بـا امام زمان (ع) است. پی نوشت ها : ۱ – نعمانی،

کتاب الغیبهٔ، ص ۱۴. ۲ – مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان ، ص ۶۷۱ – ۶۷۲. ۳ – بحار الانوار، ج۵۲، ص ۹۲.

با توجه به قطعیّت این امر که عده ای از اشخاص جلیل القدر شرفیاب حضور امام مهدی(عج) شده‌اند، توقیع صادر شده به نام «علی بن محمد سمری» (از نوّاب اربعه) مبنی بر «آغاز غیبت کامل و اینکه مدعی مشاهده حضرت کذّاب و مفتری است،» را چگونه باید تفسیر کرد؟

پرسش

با توجه به قطعیّت این امر که عده ای از اشخاص جلیل القدر شرفیاب حضور امام مهدی(عج) شده‌اند، توقیع صادر شده به نام «علی بن محمد سمری» (از نوّاب اربعه) مبنی بر «آغاز غیبت کامل و اینکه مدعی مشاهده حضرت کذّاب و مفتری است،» را چگونه باید تفسیر کرد؟

پاسخ

این توقیع، اعلام پایان یافتن«غیبت صغری» و شروع«غیبت کبری» است ودر آن به جناب «علی بن محمد سمری» ـ رضوان الله علیه ـ امر شده است که به احدی وصیت ننماید که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد. و نیز اعلام صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام(ع) و مردم می‌نمایند. بنابراین، چنانکه بعضی بزرگان هم فرموده‌اند، ممکن است مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری خوانده شده است، کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطهٔ بین امام و مردم معرفی نمایند؛ و همین حکایات و وقوع تشرف اشخاص به خدمت آن حضرت هم، قرینه و دلیل است بر اینکه در این توقیع، نفی مطلق مشاهده و شرفیابی مراد نیست، بلکه مقصود نفی ادعائی است که دلیل بر تعیین شخص خاصی به نیابت باشد. و ممکن است مراد از توقیع مذکور نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و ارتباط باشد؛ یعنی اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند، به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام(ع) شرفیاب می‌شود، یا ارتباط پیدا می‌کند، کذّاب و مُفتری است و این ادعا از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست، یا اینکه چنین کسی که این سمت را به راستی داشته باشد، پیدا نخواهد شد؛ و اگر هم کسی آن را دارا باشد، از دیگران مکتوم می‌دارد، و به کسی اظهار و افشا نمی‌نماید. علاوه بر این، پیرامون این توقیع، توضیحات دیگری نیز علمای اعلام داده‌اند و درکتابهائی مثل «جنهٔ المأوی» مرحوم محدث نوری نقل شده است. اجمالاً ـ با این توقیع، در آن همه حکایات و وقایع مشهور و متواتر نمی‌توان خدشه نمود، و بر حسب سند نیز، ترجیح با این حکایات است. اگر خوانندهٔ عزیز، خود به کتابهائی مثل نجم الثاقب رجوع نماید، می بیند که در این حکایات، وقایعی است که هرگز شخص عاقل در صحت آنها نمی‌تواند شک کند. بنابراین، هم شرفیابی اشخاص به حضور آن حضرت ثابت است و هم کذب و بطلان ادعای کسانی که در غیبت کبری ادعای سفارت و نیابت خاصّه و وساطت بین آن حضرت و مردم را می‌نمایند، معلوم است.

آیا در زمان غیبت ارتباط با حضرت مهدی امام زمان((صلی الله علیه وآله)) ممکن است با این که در پایان آخرین توقیعی که شش روز پیش از مرگ آخرین سفیرش ابوالحسن علی ابن محمد سمری صادر می شود امام((علیه السلام)) می فرماید: «و به زودی از شیعیان من می آیند کسانی که

پرسش

آیا در زمان غیبت ارتباط با حضرت مهدی امام زمان((صلی الله علیه وآله)) ممکن است با این که در پایان آخرین توقیعی که شش

www.noorfatemah.org

روز پیش از مرگ آخرین سفیرش ابوالحسن علی ابن محمد سمری صادر می شود امام((علیه السلام)) می فرماید: «و به زودی از شیعیان من می آیند کسانی که

پاسخ

دیدار حضرت حجت((علیه السلام)) در غیبت کبیر امتناع عقلی ندارد و اŘØ…Oدیدار هست. شاید برای اولیاء و افرادی که از خواص مؤمنین و متقین هستند و یا برخی علمایی در شرایط ضروری دیدار با آن حضرت((علیه السلام)) حاصل شود. ولی دیدار به نحو عام و برای هر کس ممکن نیست. و چنانچه آن حضرت مدعی دیدار را دروغگو نخوانده بودند و باب امکان دیدار با آن حضرت((علیه السلام)) باز می شد، دشمنان دیانت و تشیع در چهره ایمان و نقاب دوستی خود را به آن حضرت((علیه السلام)) نسبت می دادند. و یا برای اخاذی از مردم به عنوان ملاقات حضرت حجّت((علیه السلام)) به فریب مردم می پرداختند و... و چه فسادی از این ناحیه در میان امّت اسلام به وجود می آمد. بنابراین مصلحت شدید در همین بوده که مدعی ملاقات با امام زمان((علیه السلام))تکذیب شود. ولی این منافات با ملاقات اولیاء و خواص با آن حضرت((علیه السلام)) ندارد. و حکایت که در زمینه ملاقات اشخاص با آن حضرت در کتب آورده شده، شاید بعضی از آنها تشرف به خدمت نزدیکان امام زمان((علیه السلام)) بوده است نه خود امام زمان((علیه السلام)) و باید توجه داشت که تشرف به محضر آن حضرت امری نیست که به راحتی برای افراد میسر شود هر چند که امکان آن نیز عقلا و شرعاً ضروری ندارد.

بحث دیدن امام زمان و میزان واقعی بودن آن؟

پرسش

بحث دیدن امام زمان و میزان واقعی بودن آن؟

پاسخ

سئوال اگر این گونه مطرح شود که آیا دیدار حضرت در عصر غیبت ممکن است و اگر هست واقع شده یا نه و از آنچه نقل شده چقدر به واقعیت نزدیک است؟ باید گفت منشأ اینگونه سئوالات به روایت امام عصر(بر می گردد که علمای شیعه آن را از چهارمین نائب خاص امام(نقل کرده اند.امام زمان(در فرمایشی به آخرین نائب خود فرمودند که پس از غیبت کبری، دیگر کسی مرا نخواهد دید و اگر کسی بگوید مرا دیده دروغ گفته است. ما بر اساس این روایت می توانیم مدعیان رؤیت را تکذیب کنیم. البته منظور دیداری است که در غیبت صغری انجام می‌شده است. چنین رؤیتی خاص دوران غیبت صغری بوده و بعد از آن نفی شده است. پس مراد حضرت این نبود که چشم هیچ انسانی به ایشان نمی افتد بلکه روایت داریم که حضرت در بین مردم هستند و مردم را می بینند اما آنها محروم از رؤیت حضرت اند. گاهی دیدار چنین حاصل می شده که فرد بعد ازدیدار و خروج از آن حالت یقین پیدا می کرده که امام را دیده است، اما رؤیت رسمی حضرت چنانچه در غیبت صغری بوده تکذیب می شود. نمونه کسانی که قبلاً علم داشته و با علم به دیدار حضرت رفته باشد بسیار کم بوده و معمولاً پس از مرگ دیدار کنندگان این موضع مکشوف شده است و آنها مدعی دیدار نبوده اند. آیت ا...مصباح در پاسخ به سئوال که آیا مواردی که نقل می شود افرادی آن حضرت را مشاهده کرده اند واقعیت دارد یا نه؟ می فرمایند" : فرق بین عصر غیبت صغری و غیبت کبری این است که در زمان غیبت صغری،

کسانی بودنـد که می‌توانسـتند رسـماً خـدمت اما زمان (برسـند، حرفهای مردم را نقل کنند و جوابش را هم بگیرند و به مردم اطلاع دهنـد. یا وجوهات را بپردازند و رسـید بگیرند. گویی امام عصر(حاضـر بودند و مردم با ایشان ملاقات می کردند با این تفاوت که این روابط خصوصـی بود و فقط چنـد نفر یا یک نفر با آن حضـرت رابطه داشـتند. این نوع رابطه پس از آخرین نماینـده قطع شـد و پس از آن دیگر چنین رابطه ای وجود ندارد که کسـی باشد تا مردم بوسـیله او با ایشان ارتباط پیدا کنند. اینکه آن حضرت فرمودند پس از این، کسـی مرا نخواهد دید، منظور همان رؤیتی است که در عصـر غیبت صـغری وجود داشـته است و نواب به خواست خود هر وقت می خواسـتند خـدمت امام (می‌رسـیدند، لذا در زمان غیبت کبری، رؤیتی که توأم باآن نیابت بوده باشد وجود ندارد و آن حضـرت این موضوع را نفی می‌نماینـد. امـا در زمـان غیبت کبری، ممکن است کسـانی خـدمت امام زمان(شـرفیاب شونـد ولی آن حضـرت را نشناسـند، یا در خواب، ایشان را ببیننـد یا آنکه خود امام(خواسـته باشـند که خود را به کسـی نشان دهند. دلیلی بر عدم امکان این موضوع نداریم. خلاصه آنکه ظرف گفت و گویی که محل بحث بوده، رؤیتی است که در زمان غیبت صغری میسر بوده و آن را در زمان غیبت کبری نفی می کنند نه هر رؤیتی را" ".۱ "بنابراین با قاطعیت می توانیم کسانی را که ادعای دیدار می کنند (به معنایی که توضـیح داده شد) تکذیب کنیم و از آن طرف برخی ملاقاتها را که به صورت ادعا نبوده، مثل دیدار سـید بحرالعلوم، شیـخ بهاء، علی بن مهزیار و ...مورد تصـدیق قرار دهیم. آقای علیرضا رجالی تهرانی در این باره می فرماینـد" : دیـدار و رویارویی با آن حضـرت به سه صورت ممکن است پیش آیـد : ۱- دیـدار حضـرت مهـدی(با عنوان غیر واقعی ایشان، به طوری که کاملاً برای دیدار کننده ناشـناس باشـند. این گونه دیدار، و به فراوانی دایم برای کسانی که در محل زندگی ایشان سکونت دارند یا افرادی که با ایشان برخورد می نمایند در هر نقطه ای که باشد روی می دهد. ۲- دیدار با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بدون اینکه این امر را ملاقات کننـده، مگر پس از پایان گرفتن دیـدار، متوجه باشـد. این همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می شود. ۳- دیـدار با آن حضـرت با عنوان حقیقی ایشان ، در حالی که دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر باشد. این گونه دیـدار در اخبار مشاهـده و دیـدار بسـیار کم نقل شـده است، زیرا غالباً مخالف مصـلحت می باشـد و با غیبت تامه و کامل حضـرت مهدی(منافات دارد . راجع به این که : آیا در غیبت کبری ممکن است کسـی خدمت آن حضـرت مشرف شود؟ باید گفت : آری، و این که در بعضـی روایات گفته شـده که مـدعیان دیدن حضـرت را تکذیب کنید، منظور کسانی است که ادعای دیدن آن امام و نیـابت دارنـد. بـاری هر شـیعه پـاک سـرشتی می توانـد آن حضـرت را ملاقـات کنـد" ".۲ "تقـویت مبـانی اعتقـادی، آیت ا...مصباح،ص۵۱-۵۰ یکصد پرسش پیرامون امام زمان(، علیرضا رجالی تهرانی،ص۱۵۵و۱۵۴و۱۵۳

آیا هر کسی می تواند امام زمان" ع "را ببیند (به غیر از افراد صالح و پرهیزگار) مثلاً در خواب می تواند با امام ملاقات کند و حقیقت دارد؟

پرسش

آیـا هر کسـی می توانـد امـام زمان" ع "را ببینـد (به غیر از افراد صالـح و پرهیزگار) مثلاً در خواب می توانـد با امام ملاقات کنـد و حقیقت دارد؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شـما دوست خوبم، عرض می شود که بزرگان و علما شیوه های مختلفی برای رؤیت امام زمان(ع) در خواب ذکر کرده انـد، که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم. شـیخ ابراهیم کفعمی در" جنۀ الواقیه "فرموده است" : دیدم در بعضـی از کتب اصـحاب خود، که هر کس اراده کرده رؤیت یکی از انبیاء و ائمه" ۱۲گانه، "یا سایر مردم، یا فرزندان خود را در خواب، پس

بخواند سوره والشمس، و اناانزلناه، وقل یا ایها الکافرون، و قل هو ا... احد، و معوذتین؛ آنگاه بخواند اخلاص، یعنی قل هوا... احد را صد مرتبه، و صلوات بفرستد به پیغمبر صد مرتبه، و بخوابد بر طرف راست؛ پس به درستی که خواهد دید آن را که قصد دارد، ان شاءا...تعالی، و سخن خواهد گفت به آنچه می خواهد از سؤال و جواب ("۱.) دعای دیگری که برای رؤیت امام (ع) در خواب ذکر شده اینست" : اللّهمَ إنّی أسئَلکَ یا مَنْ لُطْفَهُ خَفیّ و اَیادیهِ باسِطَهٌ لا تَنْقَضی أسئَلکَ بِلُطْفِکَ الْخَفیَّ الَّذی ما لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلا کَفی أنْ تُرَیَنی مولای علیّ بن ابیطالب "که گفته شده بجای عبارت" علی ابن‌ابیطالب "هر امامی را که می خواهد در خواب ببیند، نام ببرد. همچنین کسی که دو رکعت نماز بعد از نماز عشاء، با هر سوره ای که می خواهد بخواند، و بعد این دعا را صد مرتبه بخواند، پیامبر اکرم(ص) و یا هر یک از ائمه اطهار (ع) را که بخواهد، در خواب خواهد دید" : بسم الله الرحمن الرحیم یا نُورَ النُورِ یا مُدَبِّرَ الامور بَلِّغ مِنی رُوحَ محمدٍ و ارواحَ آل محمدٍ تَحیةً و سلاماً ("۲) عمل دیگری که برای دیدن امام(ع) در خواب توصیه شده، آن است که شیخ مفید آن را در کتاب اختصاص روایت کرده از ابی المعزی، از حضرت موسی بن جعفر(ع) که گفت : "شنیدم از آن حضرت که می فرماید" : هر کسی که برای او حاجتی است به سوی خداوند تبارک و تعالی، و اراده کرده که ما را ببیند، و مقام و رتبه خود را بداند، پس غسل کند سه شب، و مناجات کند به ما، یعنی" والله العالم "که با خدای عالم مناجات کند به توسط ما، به اینکه قسم دهد او را به حق ما، و متوسل شود به حضرت او به وسیلهٔ ما، که ما را به او بنمایاند، و مقام او را در نزد ما به او نشان دهد ".فرمود" : پس به درستی که او خواهد دید ما را، و می آمرزد خداوند او را به سبب ما، و پوشیده نمی شود بر او موضع و محل او(" ".۳) فرق بین عصر غیبت صغری و غیبت کبری این است که در زمان غیبت صغری، کسانی بودند که می توانستند رسماً خدمت امام زمان برسند. حرفهای مردم را نقل کنند، و جوابش را هم بگیرند و به مردم اطلاع دهند. این رابطه پس از آخرین نماینده قطع شد، و پس از آن دیگر چنین رابطه ای وجود ندارد، که کسی باشد تا مردم به وسیله او با ایشان ارتباط پیدا کنند. اینکه آن حضرت فرمودند" : پس از این، کسی مرا نخواهد دید، ".منظور همان رؤیتی است که در عصر غیبت صغری وجود داشته است و نوّاب هر وقت که می خواستند، خدمت امام(ع) می رسیدند. لذا در زمان غیبت کبری، رؤیتی که توأم با آن نیابت بوده باشد، وجودندارد؛ و آن حضرت این موضوع را نفی می نمایند. اما در زمان غیبت کبری، ممکن است کسانی خدمت امام زمان(ع) شرفیاب شوند، و یا اینکه ایشان را در خواب ببینند، و با ایشان سخن بگویند؛ که یا آن حضرت را نمی شناسند و یا می شناسند. و این طور نیست که با خواندن دعاهایی که اشاره شد، و یا انجام دادن اعمالی، حتماً به حضور امام زمان(ع) مشرف شویم؛ بلکه باید ظرفیت های بالایی در وجودمان باشد، که در این صورت خود امام(ع) به دیدار ما می آیند. منابع و مآخذ: ۱. نجم الثاقب/مرحوم حاج میرزا حسین طبری نوری/ ص۸۴۷ ۲. ملاقات با امام عصر(ع) / سید جعفر رفیعی/ص۳۴۷ نجم الثاقب/مرحوم حاج میرزا حسین طبری نوری/ ص ۸۴۸ و۸۴۹

آیا می‌توان امام زمان‌غرا دید و با ایشان رابطه برقرار کرد؟

پرسش

آیا می‌توان امام زمان‌غرا دید و با ایشان رابطه برقرار کرد؟

پاسخ

انسان با سعی و کوشش و ایجاد شرایط لازم می‌تواند به هدف و خواست خود برسد، لکن برای رسیدن به هر هدف و آرزو مراحلی باید طی شود و مقدماتی فراهم گردد. ملاقات با امام زمان‌غ امر ساده‌ای نیست که به آسانی بتوان به آن رسید ;البته از شروع غیبت

کبرا تا این زمان افرادی سعادت تشرف به حضور امام زمانغ را پیدا کرده‌اند، لکن این سعادت نصیب هر کسی نمی‌شود ;در ضمن باید توجه داشت که چه بسا انسان امام زمانغ را دیده باشد، ولی او را نشناسد، چنان چه در روایات آمده وقتی امام زمانغ ظهور می‌کند، افرادی می‌گویند ما این آقا را دیده بودیم ولی نمی‌شناختیم برای تشرّف به حضور امام زمانغ نخستین شرط، بندگی خدا به معنای واقعی آن است همان چیزی که هدف از خلقت انسان است قرآن در این‌باره می‌فرماید": وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ(;ذاریات ۵۶) من جنّ و انس نیافریدم مگر برای این که مرا عبادت و بندگی کنند ".اگر انسان بتواند، به طور واقعی بنده خدا باشد و از بندگی هوا و هوس و طاغوت و شیطان خود را برهاند، لیاقت پیدا می‌کند که حُجّت خدا را زیارت کند و با او ارتباط برقرار سازد، در حدیث قدسی آمده است" یابن آدم اَنا اقول للشئ فیکون اطعمنی فیما امرتک اجعلک تقول للشی کن فیکون ای فرزند آدم من به هر چیزی اراده کنم و فرمان دهم اراده و فرمان من تحققّ پیدا می‌کند، اطاعت کن مرا در آن چه به تو دستور داده‌ام تا تو را آن چنان قرار دهم که هر چه اراده کنی فوری به اراده و خواست خود برسی(" میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ج ۶، ص ۱۳، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی) بنابراین انسان با پیروی از دستورهای الهی می‌تواند به عالی‌ترین درجه قرب خدا نائل گردد و در این صورت است که لیاقت تشرّف به حضور جانشین خدا در روی زمین پیدا خواهد کرد. برای درک حضور امام زمانغ شوق شدید لازم است شوق به چیزی سبب می‌شود، انسان برای رسیدن به هدف سختی‌ها را تحمل کند; کسی که عاشق دیدار حضرت مهدیغ است برای رسیدن به آرزوی خود، از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند که به چندمورد اشاره می‌کنیم ۱. به اعمالی که می‌داند موجب خشنودی آن حضرت است مبادرت می‌ورزد ;توجه به خدا، راز و نیاز با ذات الهی نماز با حضور قلب تلاوت قرآن و دعاها، انفاق خدمت به خلق صله رحم و همهٔ اعمالی که اسلام به عنوان واجب یامستحب به آن دستور داده به اندازهٔ توان انجام می‌دهد و از همهٔ اعمالی که می‌داند انجام آن موجب رنجش خاطر امام زمانغ است به شدّت دوری می‌کند، هرگز امام زمانغ را فراموش نمی‌کند و همیشه به یاد آن حضرت است و با یاد او زندگی را سپری می‌کند ;در چنین شرایطی است که زمینه فراهم می‌شود تا بتواند به محضر آن حضرت شرفیاب شود ;بنابراین فردی که آرزوی دیدار آن حضرت را دارد، باید با تمام وجود برای رسیدن به این هدف تلاش کند ;موانع را از سر راه بردارد و با بندگی خدا و قرب به حق شرایط درک حضور را فراهم نماید. برخی به زبان آرزوی ملاقات امام زمان را دارند، ولی برای رسیدن به این آرزو عملی انجام نمی‌دهند ;بدیهی است چنین افرادی به خواستهٔ خود نمی‌رسند. نقل می‌کنند که فردی بارها اظهار شوق تشرّف به محضر امام زمانغ می‌نمود، می‌گفت ای کاش آن حضرت را در خواب می‌دیدم عارفی به او گفت شب آب‌گوشت شوری درست کن و میل نما، امام زمان را در خواب می‌بینی به آن دستور عمل نمود، لکن آن شب آب دریا و جوی‌بارها را در خواب دید، صبح به نزد آن عارف رفت وقتی جریان را تعریف کرد، عارف گفت مقصود من همین بود که به تو بفهمانم اگر عاشق دیدار امام زمان هستی باید تمام وجودت خواست و طلب گردد. کسی که آبگوشت شور بخورد، تشنگی بر او غلبه کند، در خواب هم آب می‌بیند. اگر شوق درک حضور حضرت حجت داشته باشی باید با تمام وجود، برای رسیدن به این هدف تلاش کنی و همه محرمات را ترک کنی واجبات و مستحبات به اندازهٔتوان انجام دهی و سراسر وجودت لبریز از عشق به حضرت مهدیغ گردد ;در این صورت است که به فیض حضور نائل می‌گردی آب کم جو تشنگی آور به دست‌تا بجوشد آبت از بالا و پست

منظور از جمله (فمن ادعی المشاهده ...) در توضیح شریف چیست ؟

پرسش

منظور از جمله (فمن ادعی المشاهده ...) در توضیح شریف چیست ؟

پاسخ

با توجه به این که این توقیع شریف هنگام فوت آخرین نایب امام زمان صادر شده و قرائتی که در خود توقیع است مراد از دروغ‌گو بودن مدعی مشاهده بعد از صدور توقیع. ادعای ارتباط و نیابت داشتن از جانب حضرت است به عبارت دیگر امام در این توقیع می‌فرماید با ازدنیا رفتن تو ای علی بن محمد سمری نیابت خاصه تمام شد و غیبت کبری آغاز شد ودیگر بعد از این اگر کسی بگوید من حضرت را می‌بینم و با او مرتبط هستم و نیابت خاصه از جانب حضرت دارم دروغ‌گو است. به متن توقیع و قرائن آن دقت کنید: «بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری خداوند به برادران دینی تو در مصیبت به تو اجر دهد تو تا شش روز دیگر از دینا خواهی رفت به کارهایت رسیدگی کن و به کسی بعد از خودت [جهت نیابت [وصیت نکن چرا کهغیبت طولانی آغاز شد و ظهور نخواهد بود مگر بعد از اذن خداوند... و به زودی خواهد آمد کسی که مدعی مشاهده من باشد ولی آگاه باش کسی که مدعی مشاهده باشد قبل از خروج سفانی و صیحه دروغ‌گو خواهد بود»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰). گویا حضرت با دادن این توقیع راه را بر مدعیان دروغین ادعای نیابت بسته‌اند و این جمله که مدعی مشاهده دروغ‌گو است به این معنی نیست که در غیبت کبری دیگر کسی حضرت را نخواهد دید. بسیاری از صالحین و بزرگان شیعه در طول تاریخ غیبت حضرت را دیده‌اند وقطعا اکثریت آنها اهل دروغ نبوده‌اند و حداقل یک مورد آن هم که راست باشد باید حدیث به گونه‌ای دقیق معنا شود. مسأله ادبی روایت: امام(ع) در این حدیث به دو نکته اشاره می‌کنند. یکی اخبار از آینده که پس از من عده‌ای پیدا می‌شوند و مشاهده و ارتباط با من را ادعا می‌کنند و دوم مسأله دروغ‌گو بودن مدعی است. امام(ع) در حدیث دو تعبیر دارد: ۱- ادعا، ۲- مشاهده. و کسی را کهادعای مشاهده نماید کاذب معرفی کرده است. مشاهده به معنای دیدن امام(ع) و ارتباط با او است و ادعا به معنای اعلان و انتشار آن و با خبر کردن مردم از مسأله است، ممکن است کسی با امام(ع) ملاقات داشته باشد همان‌گونه که برای برخی علماء و غیر آنان نقل می‌کنند ولی آن را میان مردم بازگو نکرده و در سینه خودپنهان کرده باشد و اطرافیان از قراین و یا در زمان‌های بعد متوجه ارتباط او با امام زمان(عج) شوند. چنین کسانی مشمول حدیث نخواهد بود چون او مدعی نیست، بنابراین بین مضمون حدیث با داستان ملاقات برخی صالحان با امام زمان(عج) هیچ تعارض و ناسازگاری وجودندارد.}J

چگونه می‌توان دیدار صالحان با امام مهدی‌علیه‌السلام را اثبات نمود؟

پرسش

چگونه می‌توان دیدار صالحان با امام مهدی‌علیه‌السلام را اثبات نمود؟

پاسخ

سؤال فوق در حقیقت از دو جزء تشکیل شده است: ۱ - چگونه می‌توان ادعای کسانی که می‌گویند ما حضرت را ملاقات کرده‌ایم را به اثبات رساند. ۲ - از کجا معلوم در ملاقاتی که با حضرت داشته‌اند خود ایشان را دیده‌اند. در مورد سؤال اول می‌گوییم: هر کسی که مدّعی ملاقات است، ما حرف او را نمی‌پذیریم مگر آنکه برای ما قرائن معتبر بر صدق قول او وجود داشته باشد. یکی اینکه او فردی صدّیق بوده وتاکنون هیچ گونه دروغ وعمل خلاف شرع وبی‌عدالتی از او دیده یا شنیده نشده است. ودیگر اینکه: خبرهایی که می‌دهد همگی مطابق با واقع بوده وهمراه با اخبار غیبی است. در مورد سؤال دوم می‌گوییم: مدّعیان راستین ملاقات با حضرت خود شواهد وقرائنی را ذکر کرده‌اند ومعجزه وخبرهای غیبی را شنیده‌اند که همراه با ادعای اثبات وجود حضرت بوده ولذا

یقین به ملاقات با حضرت پیدا کرده، آن گاه خبر تشرّف خود را برای ما نقل کرده‌اند.

آیا تشرف به لقای امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت کبرا ممکن است؟

پرسش

آیا تشرف به لقای امام زمان‌علیه‌السلام در عصر غیبت کبرا ممکن است؟

پاسخ

۱ – در مقابل این حدیث ده‌ها روایت دیگر وجود دارد که دلالت دارد بر اینکه مهدی از اولاد ونسل امام حسین (ع) است. ۲ – به یک معنا مهدی از ذریه امام حسن (ع) نیز هست، زیرا مادر امام باقر (ع) فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) است ولذا با جمع بین دو دسته روایات، حضرت مهدی (ع) هم حسنی وهم حسینی است. ودر حدیثی پیامبر (ص) فرمود": از این دو –حسن وحسین– مهدی امت است. {"پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵. پاورقی} ۳ – صاحب کتاب" عقد الدرر "همین حدیث را نقل کرده ولی در آن آمده که امام علی (ع) به فرزندش حسین (ع) نظر کرد... ونیز در صحیح ترمذی وسنن نسائی وسنن بیهقی این گونه آمده است. خصوصاً که احتمال تصحیف و جابجایی نیز داده{پاورقی . عقد الدرر، ص ۴۵، باب ۱. پاورقی} می‌شود. ۴ – این نکته قابل توجه است که سادات حسنی به رهبری محمّد بن عبداللّه حسنی که با او در منطقه ابواء بیعت شد بی‌تأثیر در پیدایش این گونه احادیث نبوده‌اند. واز آنجا که سادات حسنی درصدد شورش وقیام بر علیه دولت بنی‌امیه بوده‌اند احتیاج به پشتوانه معنوی داشتند، لذا از روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر وارد شده، بهره‌برداری سیاسی کرده وآن را بر عبداللّه بن حسن منطبق کردند. آنان با جعل روایتی ونسبت آن به پیامبر (ص) مهدی را از نسل امام حسن مجتبی (ع) معرفی کردند. {پاورقی . ر.ک: مجموعه آثار، شهید مطهری؛، ج ۱۸، ص ۱۷۳. پاورقی} موضوع: ملاقات با امام مهدی علیه السلام در غیبت کبرا

چه کسانی از علما قائل به جواز وامکان تشرّف بوده‌اند؟

پرسش

چه کسانی از علما قائل به جواز وامکان تشرّف بوده‌اند؟

پاسخ

عموم علمای شیعه از قدما ومتأخرین قائل به امکان رؤیت وتشرف به لقای حضرت مهدی (ع) در عصر غیبت کبرا بوده‌اند. اینک به برخی از کلمات آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – سید مرتضی"؛ ما قطع نداریم که دست کسی به امام نمی‌رسد وبشر نمی‌تواند او را ملاقات کند، این امری غیر معلوم است که راهی بر قطع به آن نیست. "آن گاه می‌گوید": اگر گفته شود که علت استتار امام، خوف از ظالمین وتقیه از معاندین است، در جواب می‌گوییم: این علت در حقّ اولیا وشیعیانش نیست، پس واجب است که برای آنها ظاهر گردد. {"...پاورقی . تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۴–۱۸۲. پاورقی} ۲ – شیخ طوسی"؛ ما تجویز می‌کنیم که بسیاری از اولیا وقائلین به امامت او به خدمتش رسیده واز او نفع ببرند. {"پاورقی . کلمات المحققین، ص ۵۳۳. پاورقی} ۳ – سید بن طاووس؛ وی خطاب به فرزندش می‌گوید": راه به سوی امامت باز است برای کسی که خداوند –جلّ شأنه– اراده کرده تا به او عنایت ونهایت احسان

کنـد. {"پاورقی . کشف المحجهٔ، ص ۱۴۳Ù۱۵۴. پاورقی} ونیز در جایی دیگر می گویـد": گر چه امام الآن از جمیع شـیعیان غایب است ولی ممتنع نیست که جماعتی از آنان به ملاقات حضـرت مشرّف شده، از گفتار وکردار ایشان استفاده کنند واز دیگران کتمان نماینـد. {"...پاورقی . الطرائف، ص ۱۸۵. پاورقی} ۴ – آخونـد خراسانی؛ او در مبحث اجماع می گوید..." : گرچه احتمال تشـرف برخی از افراد صالـح واوحـدی به خـدمتش، داده می‌شود، واحیاناً او را نیز می‌شناسـند. {"پاورقی . کفایـهٔ الاصول، ج ۲، ص ۲۹۱. پاورقی} ۵ – محقّق نائینی؛ او نیز در مبحث اجماع می گویـد": وامّا در زمان غیبت، عادتاً رؤیت حضـرت ممکن نیست. آری، گاهی در زمـان غیبت برای اوحـدی وافراد صالـح، تشرّف به خـدمت حضـرت وگرفتن حکم از ایشان امکان‌پـذیر است. {"پاورقی . فرائد الاصول، ج ۲، مبحث اجماع. پاورقی}

مطابق توقیع امام زمان‌علیه‌السلام به علی بن محمد سمری، آیا در عصر غیبت کبرا ملاقات حضرت ممنوع است؟

پرسش

مطابق توقیع امام زمان‌علیه‌السلام به علی بن محمد سمری،آیا در عصر غیبت کبرا ملاقات حضرت ممنوع است؟

پاسخ

برخی در اسـتدلال بر عدم امکان تشـرف به ملاقات حضـرت مهدی (ع) در عصـر غیبت، به توقیع حضـرت به علی بن محمّد سمری تمسّک کرده‌انـد، زیرا در ذیل آن چنین آمـده است": ألا فمن ادّعی المشاهـدهٔ قبل خروج السـفیانی والصیحهٔ فهو کـذّاب مفترٍ؛"... {پـاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱. پاورقی..."} آگاه باش! پس هر کس قبل از خروج سـفیانی وصـیحه، ادعای مشاهـده کند پس او بسـیار دروغگو وتهمت زننـده است. "...پاسـخ: ۱ – کسـی اطلاـق این روایت را قبول نکرده ولـذا جمـاعت بسـیاری از علما وصـلحا قضـیه تشرف خود را بر دیگران نقل کرده‌اند. ۲ – درتوقیع، ادّعای مشاهـده تکـذیب شـده ومشاهده عبارت‌است از دیدن با شنـاخت،{پاورقی . مفردات راغب، ص ۲۶۷. پـاورقی} در حـالی که می‌دانیم: غالب دیـدارها با شـناخت در مرحله اوّل همراه نبوده است. ۳ – ممکن است که مقصود از ادعای مشاهده خصوصاً با وجود مدعیان دروغین نیابت وسـفارت در عصـر صدور این روایت، ادعای مشاهده ورؤیت وملاقات با حضـرت به عنوان نایب خاص باشد، که حضرت به طور اکید در عصر غیبت کبرا نیابت خاص را نفی می کنـد، خصوصـاً به قرینه آنکه در توقیع شـریف آمـده است": وزود است که در میـان شـیعیانم کسانی پیـدا شونـد که ادعای مشاهده نمایند. "...۴ – شـیخ طوسـی؛ بـا آنکه این توقیع را نقـل کرده ولی خودش به عموم آن عمـل نکرده وقائـل به امکان رؤیت برای افراد صالح امّت است. ۵ – ممکن است که مراد از مشاهـده، دیداری باشد که بر آن آثار مترتب گردد. ودر حقیقت، حضـرت درصدد آن است که ترتّب اثر را از این ملاقات‌ها وسـخن‌هایی که در آنها بوده برطرف نماید. همان گونه که در روایتی می‌خوانیم: "اگر پنجاه نفر نزد تو قسم بر ضدّ کسی خوردند، ولی آن شخص خلاف آن را گفت، او را تصدیق کرده وآن پنجاه نفر را تکذیب کن "این به معنـای عـدم ترتّب اثر بر قسم پنجاه نفر است. ۶ – روایت، بر فرض صـحّت سـند، مفیـد ظن است، در حالی که قضایای تشـرفات به حـدّی است که انسـان را به یقین می‌رسانـد. ۷ – ممکن است که مقصود از مشاهـده در توقیع شـریف، ادعـای مشاهـده اختیاری باشد، به این معنا که رؤیت در عصـر غیبت کبرا اختیاری نیست، بلکه هر کس را که ما صـلاح دانستیم او را به شـرف لقای خود مفتخر می‌سازیم. ۸ – توقیع، خبر مرسل است ولذا از حیث سند ضعیف می‌باشد.

آیا می‌توان طبق قاعده سدّ ذرایع، ادعای ملاقات با حضرت را دروغ دانست؟

پرسش

آیا می‌توان طبق قاعده سدّ ذرایع، ادعای ملاقات با حضرت را دروغ دانست؟

پاسخ

اهل سنّت معتقدند راه‌هایی که به حرام منجر می‌شود را باید به طور مطلق مسدود نمود. وبه تعبیر دیگر، مقدمه حرام مطلقاً وبه طور کلّی حرام است، این را قاعده سدّ ذرایع می گویند. ولی در جای خود به اثبات رسیده که مقدمه حرام همیشه حرام نیست، بلکه برای کسی حرام ودر مواردی حرام است که به طور حتم وقطع، امری منجر به حرام گردد. در مورد ادّعای ملاقات، اگر در جایی این ادعا منجر به انحراف برخی گردد، نقل آن حرام است. ولی در عموم خبرها چنین نیست، بلکه نقل آنها باعث تقویت ایمان مردم به حضرت خواهد شد، اگر چه ممکن است برخی سوءاستفاده کرده وهوس چنین ادعاهایی نمایند، ولی وظیفه علما است که در مقابل این گونه افراد ایستاده ومردم را از مقاصد شوم آنها مطلع سازند.

مطابق برخی از روایات، حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت شناخته نمی‌شود، پس آیا رؤیت ممکن نیست؟

پرسش

مطابق برخی از روایات، حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت شناخته نمی‌شود، پس آیا رؤیت ممکن نیست؟

پاسخ

برخی برای استدلال بر عدم امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا به روایات خاصی تمسک کرده‌اند از جمله آنکه در روایت آمده است": ولکن حجت مردم را می‌شناسد ولی آنان او را نمی‌شناسند. "ونیز در روایتی آمده است": او مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند. "پاسخ: ۱ – نفی در این گونه روایات نسبت به عموم مردم است ولذا منافاتی با رؤیت ومعرفت برخی از افراد ممتاز ندارد. ۲ – روایت دوّم در مورد حجّ است ولذا عمومیت ندارد. ۳ – مقصود از عدم رؤیت در روایت دوم به قرینه" لا یعرفونه "که در روایت اوّل آمده، نشناختن است، خصوصاً آنکه در روایت، حضرت مهدی (ع) به حضرت یوسف تشبیه شده است که مردم او را می‌دیدند ولی نمی‌شناختند.

ببخشید آیا درست است که ما هر روز امام زمان"عج "را می بینیم اما نمی شناسیم؟

پرسش

ببخشید آیا درست است که ما هر روز امام زمان"عج "را می بینیم اما نمی شناسیم؟

پاسخ

طبق روایاتی از ائمه هدی (ما گاهی امام زمان"عج "را می بینیم اما وجود مقدس ایشان را نمی شناسیم. از آن جمله روایت امام صادق(که از امیر المؤمنین (نقل می کند" : اگر زمین یک ساعت از حجت خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد . حجت

مردم را می شناسد، لیکن مردم او را نمی شناسند همان گونه که یوسف، مردم را می شناخت وآنان، او را نمی شناختند" ".۱ "از این روایت استفاده می شود که امام زمان"عج "همچون دیگر انسانها در بین مردم زندگی می کند. او را می بینند و نمی‌شناسند ولی آن حضرت مردم را می شناسد همانند یوسف"(۲ "ونیز علی(می فرماید" : حجت حق بر زمین استوار است. در جاده ها حرکت می کند، در خانه ها و قصرها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد. سخن مردم را می شنود وبر جماعت مردم سلام می کند. می بیند و دیده نمی‌شود، تا زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی، هان!آن روز، روز شادی فرزندان علی و شیعیان اوست".۳ "ونیز روایتی از امام صادق(که فرمود" : برای قائم دو غیبت باشد در یکی از آنها در موسم حج شرکت کند و مردم را ببیند و مردم او را نبیند" ".۴ ("۱) کتاب الغیبه پنهانی،ص۱۴ (۲) همان،ص۱۴۴ (۳) چشم به راه مهدی،تألیف جمعی از نویسندگان محله حوزه،ص۶۱و۶۲ اصول کافی،با ترجمه و شرح فارسی،ج۲،ص۵۷۱

آیا ما در این جهان در بین مردم امام زمان(را می بینیم؟ او به چه شکل است؟

پرسش

آیا ما در این جهان در بین مردم امام زمان(را می بینیم؟ او به چه شکل است؟

پاسخ

داستانها و اخبار ملاقات و مشاهده حضرت مهدی(، بسیار فراوان است؛ و به تواتر می رسد. (خبر متواتر، خبری است که حجت باشد و یقین آورد.) بیشتر از صد روایت در این باره وجود دارد. برخی از آنها را علامه مجلسی در بحارالانوار(۱) ذکر کرده؛ و محدث بزرگوار، حاج میرزا حسین نوری، نیز در کتاب نجم ثاقب صد داستان در این زمینه نقل کرده است. امام (در دوران غیبت صغری با افرادی دیدار داشته اند، که از درجه ایمان و تقوا و یقین بالایی برخوردار بودند، به طوری که امام حسن عسگری(نیز جز به کسانی که اخلاص و تقوایشان مسلم بود، از خصوصیات حضرت چیزی نمی فرمود. خود حضرت هم بعد از رحلت پدر بزرگوارش، همین رویه را داشتند. (۲) ولی در دوران غیبت کبری با اشخاص مختلفی دیدارهایی داشته اند، و این دیدارها نوعاً به چند صورت بوده است : ۱.دیدار حضرت مهدی(با عنوان غیرواقعی ایشان، بطوری که کاملاً برای دیدار کننده ناشناس باشند. این گونه دیدارها به فراوانی صورت گرفته است.(۳) ۲. دیدار و رویارویی با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بطوری که در حین ملاقات کاملاً برای دیدار کننده ناشناس بوده، ولی پس از آن شخص متوجه واقعیت امر گردیده است. اکثر دیدارهایی که نقل شده این گونه بوده است.(۴) ۳. دیدار آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان، در حالی که دیدار کننده نیز در حین ملاقات متوجه این مهم بوده است. این گونه دیدارها در اخبار مربوط به مشاهده بسیار کم نقل شده است. (۵)نمونه آن مرحوم محقق اردبیلی است، که از علمای بزرگ و پرهیزگار شیعه بوده است، و ملقب به مقدس اردبیلی است. مسایلی برای او مشکل شده بود، و در پاسخ آنها مانده بود. در نیمه شبی از نجف به مسجدکوفه می رود، و حضرت (را در محراب امیرالمؤمنین(، ملاقات می کند. و سؤالات خود را از آن حضرت پرسیده، جوابش را گرفته، بر می گردد. (۶) طبق اخبار وارده، امام(با حالات گوناگون آشکار شده اند، گاهی به صورت یک عرب بیابانی، گاهی با حالتی از ابهّت و مهربانی، گاهی در لباس کشاورزی که ابزار کشاورزی خود را همراه دارد، و گاهی در هیبت علما و رجال دینی. (۷) در روایتی که علی بن ابراهیم بن مهزیار از حضرت نقل می کند، حضرت چنین می فرماید : "ای فرزند مازیار پدرم، حضرت ابومحمد(، از من تعهّد گرفته که با مردمی که مورد خشم خداوند قرار گرفته اند، و پستی و خواری دنیا نصیبشان شده، همسایگی نکنم؛ و در محله آنها سکنی نگزینم (".۸) محدثان معتبر از شیعه بنابر احادیث از پیامبر اکرم(

و امام علی(، شمایل و اوصاف امام مهدی(را در کتابهای خویش چنین آورده اند" : او دارای چهره ای گندمگون، ابروانی هلالی و کشیده، چشمانی درشت و سیاه و جذاب، شانه‌ای پهن، قامتی کشیده، نه بلند و نه کوتاه، بینی کشیده و زیبا، پیشانی بلند و نورانی، گونه هایی کم گوشت و عضلاتی پیچیده و محکم، خوش منظر و رباینده و نگاهش دگرگون کننده می باشد. بر بازوی راستش دو آیه قرآن ذکر شده، و برگونهٔ راستش خالی مشاهده می گردد ("۹.) رسول خدا(فرمود" : مهدی(شبیه ترین مردم به من است. او در شمایل و اقوال و افعال به من شباهت دارد، و نام او همانند نام من است ("۱۰.) منابع و مآخذ : ۱. بحارالانوار،علامه مجلسی،جلد۱۳،ص۱۴۳ ۲. تاریخ الغیبه الصغری، به نقل از تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر ۳و۴و۵ . همان ۶. نجم ثاقب، ص۳۳۴ / منتهی الآمال، ص۳۱۹ ۷. نجم ثاقب ۸. غیب طوسی به نقل از غیبت کبری، محمد صدر ۹. سیری کوتاه در زندگی چهارده معصوم، امام مهدی، عبدا... طاهرخانی ۱۰. همان

ما شیعیان می‌گوییم امام زمانغ تنها با پنج نفر در زمان غیبت صغری ارتباط داشته است و پیش از مرگ نفر پنج به او می‌فرمایند: برای خود جای گزینی تعیین کن زیرا غیبت کبری شروع می‌شود و دیگر کسی مرا نخواهد دید تا هنگامی که خدا اراده کند و به من اجازه دهد... حال

پرسش

ما شیعیان می‌گوییم امام زمانغ تنها با پنج نفر در زمان غیبت صغری ارتباط داشته است و پیش از مرگ نفر پنج به او می‌فرمایند: برای خود جای گزینی تعیین کن زیرا غیبت کبری شروع می‌شود و دیگر کسی مرا نخواهد دید تا هنگامی که خدا اراده کند و به من اجازه دهد... حالا گاهی می‌شنویم که در برخی مجالس مذهبی امامدست بعضی افراد را گرفته شفا داده‌اند و یا فلان شخصی حضرت را در حال نماز و... دیده است و این سخنان از زبان علما و روحانیان تعجب آور است زیرا این ها با سخن حضرت دربارهٔ غیبت کبری ناسازگار است آیا در قرآن دربارهٔ این ملاقات‌های کوتاه مطلبی آمده است

پاسخ

مسئلهٔ غیبت و ظهور در مورد امام زمانغ فقط به معنای دیده شدن و دیده نشدن نیست بلکه معنای به خصوصی دارد، و آن این است که غیبت امام زمانغ به این معناست که امام و سرپرست و هادی آنان در اجتماع به طور رسمی حضور ندارد و کسی نیز ایشان را نمی‌شناسد، مگر آن که از طرف خودشان معرّفی شوند ;بنابراین غیبت به این معنا نیست که امام نباید دیده شود و در میان مردم رفت و آمد داشته باشد و حتی زندگی کند، زیرا هیچ یک از این ها ـ مادام که امام شناخته شده نباشد ـ با غیبت منافات ندارد. و مقصود از" ظهور "هم همان است که علاماتی برای آن بیان کرده‌اند و امام با تشریفات مخصوصی به طور رسمی به عنوان پیشوای مؤمنان وارد جامعه می‌شود و زمام امور اجتماع را به دست می گیرد ;پس ظهور هم به این معنا نیست که شخص موفق شود چهرهٔ ایشان را ببیند و یا با ایشان ملاقات کند. و امّا این ها که عده‌ای مدعی هستند امام زمانغ را ملاقات کرده‌اند گاهی اوقات فرستادگان امام را با خود امام اشتباه می گیرند و البته برخی اوقات هم برخی اشخاص بنا به مصالحی یا انجام دستور العمل‌هایی موفق به دیدار خود حضرت‌می‌شوند که البته برای خودشان توفیقی است ولی بر ما واجب نیست که آن‌ها را تأیید کنیم و چه بسا گاهی نیز اصل ادعا، باطل و دروغ می‌باشد.

شرایط تشرف

افرادی که به خدمت امام زمان ۷رسیدند, بیش تر چه اعمالی را انجام دادند؟

پرسش

افرادی که به خدمت امام زمان ۷رسیدند, بیش تر چه اعمالی را انجام دادند؟

پاسخ

اگر کسانی موفق به دیدار جمال حضرت مهدی ۷شده اند, به خاطر صفای دل و پاکی باطن وتقوا و ریاضت های نفسانی بوده است , زیرا توفیق دیـدار, سـنخیّت لازم دارد. انسان هایی که هزاران فرسـنگ با آن جمال ملکوتی و قلّه مرتفع انسانیت فاصـله دارند و در حضـیض بدبختی و گناه اند, چگونه می توانند توفیق دیدارداشـته باشـند؟! پس باید بکوشـیم خود را هم گون و مشابه آن حضـرت سـازیم و یـا لااقل قـدمی به سوی کمالات برداریم , تا اگر در اثر تقوا و پاکی باطن , توفیق زیارت حاصل شـد, بـدان افتخار کنیم . اللّهم ارزقنا رؤیته و اجعلنا من اعوانه و انصاره والذبّین برحمتک یا ارحم الراحمین !

برای دیدن امام زمان ۷چه باید کرد؟

پرسش

برای دیدن امام زمان ۷چه باید کرد؟

پاسخ

اگر دیدن همراه با شـناخت و معرفت امام زمان ۷در دوران غیبت کبری برای کسـی ممکن و میسّرباشد, بهترین راه تشرّف این است که انسان دو کار انجام بدهد: اول این که وجود خود را از عواملی پاک کند آن عوامل منجرّ به غیبت و پنهان شدن حضـرت از دید مردم شـده است . آن عوامـل عبارتنـد از: خـوی سـتمگری و ظلم , یـاری نکردن مظلوم , عـدم پیروی از حق , قدرنشناسـی از وجود پربرکت امامـان :, پیروی از باطل و در یک کلمه آلودگی به گناه و معصـیت و سـرپیچی از دسـتورهای الهی . چنان که می دانیم بر اثر قدرنشناسـی مردم , حقّ ائمّه اطهار: غصب شد و در نهایت سـبب غیبت امام عصـر۷شـد. بنابراین ابتداءً باید انسان مانع را برطرف کرده و از گناهان اجتناب نموده و زمینه را آماده نمایـد. به قول سـعدی :]باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شـوره زار خس () (پـاورقی ۱.سـعدی , گلستان , باب اوّل , ص ۲۲]مولای متّقیان امیرالمؤمنین ۷می فرماید: نمی شود مگر به واسطهء گناهی که مرتکب شده است. > دوم اینکه موجبات قرب و نزدیکی به حضرت امام زمان ۷را فراهم نماید. از آن جایی که رضایت امام زمان (۷در رضـایت خداونـد است , عوامـل مقرّب به پروردگـار عالم موجب تقرّب به امام زمان ۷خواهد بود. در این زمینه سـرلوحهء عوامل قرب به خدای جهان برای انسان مؤمن , انجام واجبات الهی است . نبیّ گرامی اسـلام ۶فرمود: مؤمنم به مانند ادای چیزی که بر او واجب کردم , تقرّب به من پیـدا نکرد. >امام علی ۷می فرماید: .() (پـاورقی ۴.همان , شمارهء ۱۶۶۱۷. انسان با ترک معاصـی و انجـام فرائض و داشـتن قلب سـلیم و به دور از غـلّ و غش , به حضـرت حجـهٔ بن الحسن العسـکری (ارواحنا لتراب مقـدمه الفـداء) نزدیک شـده و قرب پیـدا می کنـد. هر چه قرب زیاد شد, معرفت بیشتر می شودو با زیادتی معرفت , حبّ افزون می گردد. حبّ که بالاـ گرفت , عشق و شوق سرشار شـده و زمینهء تشرّف به محض مولاحاصل می شود. اساس همین است که انسان در خودش لیاقت تشرّف را فراهم نماید و وقتی لیاقت تحصـیل گردید ومولا صـلاح دید, اذن دیدار خواهد داد. بهتر است بدانیم از وظایف ما در دوران غیبت کبری نسبت به مولایمان امام زمان ۷انتظار فرج , دعای برای فرج و سلامتی حضرت و صدقه دادن برای

سلامتی آن وجود شریف است .() (پاورقی ۱.عباس قمی , منتهی الآمال , ص ۴۸۵ـ ۴۸۸ ضمناً شما می توانید به کتاب هایی که دربارهء حضرت مهدی ۷نگارش یافته است , مراجعه نمایید, مانند درانتظار خورشید ولایت , اثر عبدالرحمن انصاری و ستارگان درخشان , ج ۱۴از محمد جواد نجفی .

.۱– آقا امام زمان (عج) به چشم چه کسانی می آید و ما باید چکار کنیم تا حداقل بوی خوش محمدی او را که رایحه بهشتی است حس کنیم ؟

پرسش

.۱– آقا امام زمان (عج) به چشم چه کسانی می آید و ما باید چکار کنیم تا حداقل بوی خوش محمدی او را که رایحه بهشتی است حس کنیم ؟

پاسخ

علامه مجلسی درکتاب بحار الانوار نقل می کند که شیخ بزرگوار دانشمند فاضل شمس الدین قارون نقل کرد؛مردی در دهکده معروف به «قوسا»(که واقع در کنار فرات بزرگ بود زندگی می کرد) بنام نجم و ملقب به« اسوه» وی مردی خیر خواه و نیکوکار بود و زنی به نام فاطمه داشت و او نیز زنی صالحه بود و دو فرزند، یکی پسر بنام علی و دیگری دختر به نام زینب داشت ، از اتفاق مرد و زن هر دو نا بینا شده و سخت نا توان گشتند و این قضیه درسال ۷۱۲ اتفاق افتاد و زن و مرد مدت مدیدی را بدینگونه گذرانیدند تا اینکه در یکی از شبها زن حس کرد که دستی روی صورتش کشیده و گوینده ای گفت : خداوند نا بینایی تو را برطرف ساخت برخیز و برو نزد شوهرت« ابو علی» و در خدمت گذاری او کوتاهی مکن، زن هم چشمهای خود را گشود، دید خانه پر از نور است و دانست او قائم آل محمد(صلی الله علیه واله) بوده است و عده ای امام زمان را می بیند اما نمی شناسند. قسمت دوم سوال شما خواهر گرامی : ۱–دینداری در زمان غیبت ۲– معرفت امام جز با تسلیم به دست نمی آید،حالت تسلیم وقتی حاصل می شود که شخصی در دل نسبت به آنچه اهل بیت انجام داده یا فرموده اند: کاملا راضی و خشنود باشد و پذیرفتن آن هیچگونه سختی برای او نداشته باشد و این حقیقت ایمان و روح دین است● . امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند :« همانا دین خدای عزوجل با عقلهای ناقص و اندیشه های باطل و معیارهای نادرست به دست نمی آید و فقط از طریق تسلیم حاصل می گردد ، پس هر که تسلیم ما گردد سالم می ماند و هرکه به ما اقتدا کند هدایت می شود و هر کس به تشخیص و فهم خود عمل کند، هلاک می شود و هر که نسبت به احادیث ما یا احکام ما عمل نکند زیان کرده است. اهمیت معرفت امام عصر (علیه السلام) تنها راه بندگی خداست ۳–محبت تسلیم، محبت لازمه ایمان و عمل صالح است. ۴– گریه برای امام در اثر شدت محبت و دوستی با دوستان امام و دشمنی با دشمنان ایشان رفع گرفتار ی از دوستان. ۵–ذکر پیوسته به یاد امام بودن و شرکت در مجالس ذکر ائمه (علیهم السلام) ۶–انتظار، اینکه منتظر واقعی آقا باشیم . ۷– دعا برای تعجیل، به عبارتی دیگر کارها و اعمال و رفتار و کردار ازروی اخلاص باشد ازمادیات فاصله بگیریم هرکاری که ازدستمان بر می آید کوتاهی نکنیم کاری که برای غیرخدا صورت بگیرد منت را در بر خواهد داشت و آن عمل صالحه را فاسدخواهد کرد، وقتی کارها برای خدا باشد خداوند نیز انشاء الله اخلاص در آن کارها نصیبمان می کند . منابع : ۱–خورشید مغرب ، محمد رضا حکیمی ۲– شناخت امام عصر ، محمد جواد مولوی ۳– معرفت امام عصر ، سید محمد بنی هاشمی ۴– ملاقات با امام عصر ، جلد دوم ، سید جعفر رفیعی ۵– کتاب داستانی ملاقات با امام زمان، زاهدی

با توجه با این که به دیدن امام عصر۷بسیار علاقه مند هستم و بارها دعاهای موجود در مفاتیح الجنان را خوانده ام , حتی شایستگی نیافته ام

www.noorfatemah.org

که حضرت را در خواب ببینم , به نظر شما چه علتی دارد؟

پرسش

با توجه با این که به دیدن امام عصر۷بسیار علاقه مند هستم و بارها دعاهای موجود در مفاتیح الجنان را خوانده ام , حتی شایستگی نیافته ام که حضرت را در خواب ببینم , به نظر شما چه علتی دارد؟ّ

پاسخ

دیدن امام عصر۷برای ما بسیار سخت ومشکل است و مفید هم ممکن است نباشد, چون عمل ماحجاب است و حال آن که امام زمان ۷حاضر است , اما مانع و حجاب از ناحیه خود ما و عمل ماست . عاشق ودلداده واقعی کوی مهدی فاطمه , سختی ها و رنج ها راتحمل می کند تا خود را به مرحله ای برساند که لیاقت دیدارمهدی ۷را داشته باشد. برای این که انسان بتواند به مراحل بالای کمال روحی و معنوی برسد باید, قبلاً ـ خود رامتصف به صفت منتظر واقعی حضرت بنماید. چند وظیفه از وظایف منتظر واقعی عباتند از: ۱ محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی ۲ ۷ انتظار فرج و دعا کردن برای آن حضرت ۳ انجام حج به نیابت از حضرت مهدی ۴ ۷ دعا برای حفظ ایمان خود در زمان غیبت ۵ استمداد از حضرت مهدی ۷در سختی ها و مشکلات ۶ خودسازی و تزکیه نفس ۷ اصلاح جامعه چشم هایی می تواند آن حضرت را ببینند که از همه محارم اعراض کرده باشد و وجودی می تواند آن حضرت را درک کند که پاک از همه زنگارها باشد. برخی از علما که به این مرحله رسیدند, از زهاد وعباد عصر خود بودند. باید سعی کنیم اعمال ما موجبات رضایت امام زمان ۷را فراهم کند و اگر عشق حضرت به مهدی ۷عشقی حقیقی است , باید از تنسیات نفسانی بگذریم و گرنه با ادعا و انجام چند عمل عبادی نمی توان متوقع بود که حضرت را دیدار کرد. از همه مهمتر تفاهم فرهنگی با حضرت مهدی است .

می‌خواهم امام زمان(ع) را ببینم چه باید بکنم؟

پرسش

می‌خواهم امام زمان(ع) را ببینم چه باید بکنم؟

پاسخ

یکی از آرزوهای مهم هر یک از شیعیان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشرف به محضرناموس دهر حضرت بقیةْ الله الأعظم ارواح العالمین له الفدا می‌باشد. البته شدت و ضعف شوق دیدار به معرفت‌مقام والای آن وجود نازنین بستگی دارد، که انسان هر چه بیشتر بداند که هر خبری که برایش فراهم می‌شود به‌برکت وجود پر فیض امامش می‌باشد و هر شری از وی دور می گردد با عنایت حضرت مهدی(ع) است. مهم‌ترین‌وظیفه عاشق دیدار، آمادگی روحی و رفع موانع راه می‌باشد. فردی که امامش را ناظر بر اعمال خود می‌داندواجباتش را انجام داده و محرمات را ترک می‌نماید و با تزکیه نفس آلودگی‌های روحی وسیئات اخلاقی که ازمهم‌ترین علل محرومیت از فیض تشرف است را پاک می کند و با پیدا کردن اخلاص در عمل و پاکی معنوی که‌خلوص نیست اثر معجزه‌آسا در سیر معنوی داردد آمادگی و شایستگی خود را عملاً اعلام می‌دارد. صدقه دادن برای سلامیت

امام زمان(ع) و دعا نمودن برای حضرتش از جمله وظایف شیعه در عصر غیبت‌است. مرحوم حاجی نوری می‌نویسد: یک عمل را مثل صدقه دادن دعا نمودن، نماز مستحبی یا روزه مستحبی‌انجام دادن و...) چهل روز مداوم مخلصانه به جا بیاورد به نسبت دیدار حضرت امید است که مؤثر واقع شود.([۴] مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان از امام صادق(ع) نقل فرمود: که هر کس دعای عهد را چهل صباح‌بخواند از یاوران امام زمان(ع) می‌باشدو اگر پیش از ظهور بمیرد خداوند او را از قبر می‌آورد که در خدمت‌حضرت باشد.([۵]) نتیجه این که مؤمن باید به وظیفه خود که عبارت از انجام واجبات و ترک محرمات و زددون زنگار گناهان‌قلبی مانند کبر و حسد و پیدا کردن صفای باطن و ابراز عشق و محبت واقعی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه‌الشریفه عمل نماید و شایستگی دیدار را کسب کند تا اگر مولایش صلاح دانست پذیرا باشد. [۴]. نجم الناقب، باب ۹ و ۱۲. [۵]. مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶۱.

اگر بخاطر دیدار با امام زمان(ع) بخواهیم گوشه‌نشینی اختیار کنیم آیا رفتن به مسجد و رفت و آمد دوستان لازم است؟

پرسش

اگر بخاطر دیدار با امام زمان(ع) بخواهیم گوشه‌نشینی اختیار کنیم آیا رفتن به مسجد و رفت و آمد دوستان لازم است؟

پاسخ

گوشه‌نشینی و رهبانیت از بدعت‌های زشت مسیحیان تحریف‌گر می‌باشد و دین مقدس اسلام که عهده‌دارد تکامل و سعادت انسان است به شدت آن را محکوم کرده است و رسول گرامی اسلام در حدیث معروف‌خود فرمود: لا ـ رهبانیهْ فی الاسلام، در اسلام رهبانیت وجود ندارد([۶. "])صراط مستقیم راهی است که اولیای گرامی اسلام به ما نشان داده‌اند اگر از آن راه رفتیم خوشبخت می‌شویم والا در دام شیطان و وسوسه‌های او گرفتارخواهیم شد. امام باقر(ع) فرمود: از ما نیست کسی که دنیا را به خاطر آخرت و یا آخرت را برای دنیا ترک کند.([۷] ابن ابی یعقور خدمت حضرت صادق(ع) عرض کرد: ما دنیار را دوست داریم حضرت فرمود: مثلاً ـ چه می‌کنید عرش کرد: ازدواج می‌کنیم، مکه می‌رویم، به خانواده انفاق می‌کنیم، با برادران ایمانی دیدار می‌کنیم، و نصدق‌می‌دهیم، حضرت فرمود: این‌ها دنیا نیستند، بلکه آخرت هستند([۸."]) ما باید ببینیم امامان ما که چراغ راه هدایت وکشتی نجات بشریتند رفتار و کردار و گفتارشان چگونه بوده است. روشن است هیچ یک از امامان ما حتی دردوران خفقان و ظلم و ستم گوشه‌نشینی اختیار نکرده‌اند و چنین توصیه‌ای هم نفرموده‌اند. بلکه بر عکس تأکیدفراوان در خصوص رفتن به مسجد و صله رحم و احسان به برادارن دینی و رفت و آمد با آنان نموده‌اند. عثمان بن مظعون فرزندش از دنیا رفته بود، بسیار غمگین شد تا آن‌جا که خانه‌اش را مسجد قرار داد و مشغول‌عبادت شد و هر کارجز عبادت را شرک کرد این خبر به رسول خدا(ص) رسید او را احضار کرد فرمود: یا عثمان خدای متعال رهبانیت را برای امت من مقرر نداشته است. رهبانیت امت من جهاد در راه خدا است ای عثمان‌کسی نماز صبح را با جماعت بخواند و تا طلوع خورشید مشغول ذکر باشد در بهشت) فردوس دارای هفتاددرجه می‌شود که بین هر درجه هفتاد سال راه است و هر کس ظهر را با جماعت بخواند پنجاه درجه در بهشت‌عدن دارا می‌شود و([۹...."]) حضرت در حدیث دیگر فرمود: با فضیلت‌ترین اعمال پس از نماز شادکردن قلب مؤمن است([۱۰."]) بنابراین شرع انور و اولیای اطهر گوشه‌نشینی را به هیچ وجه توصیه نمی‌کند و راه تشرف به محضر دادگستر جهان‌گوشه‌نشینی نیست، بلکه طهارت ظاهر و باطن در عین حضور در اجتماع و خدمت به مردم می‌باشد. [۶]. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۸۵. [۷]. محمدنقی فلسفی، کودک، ج ۱،ص ۵۴. [۸]. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمهْ ، ماده دنیا، شماره ۵۸۲۵. [۹]. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۱۱۴. [۱۰]. همان، ج ۴۴، ص

.۱۹۴

چگونه می توان امام زمان (عج) را دیدارنمود؟

پرسش

چگونه می توان امام زمان (عج) را دیدارنمود؟

پاسخ

عموم شیعیان جهان و کسانی که با نام امام مهدی (عج) آشنایی دارند، با عشق دیدار آن امام عزیز زندگی می کنند، و از صمیم قلب آرزویشان این است حداقل برای یکبار توفیق زیادت آن وجود سراسر نور و آن چهرهٔ ملکوتی را داشته باشند. عشق به ساحت مولا به ویژه برای جوانان پاکی مانند شما مایهٔ سعادت و خوش بختی است، و مطمئناً از طرف منجی عالم بشریت که سرآمد مهر و عطوفت است، بی پاسخ نمی ماند. البته در آثار و روایات ما دعا و ذکر و ریاضتی در خصوص دیدار امام عصر (ع) نرسیده، حتی تجسس از مکان امام زمان نهی شده است. بهتراست در تمام موارد برای سیر مسیر تکامل و صعود به قلهٔ ترقی ، دو کار را انجام داد: یکی فراهم نمودن ابزار ترقی و دیگری رفع موانع راه، آدمی در سیر الی الله با تسلیم به حق و انجام واجبات و اعمال صالح، وسایل تکامل را فراهم کرده و با ترک منهیّات و گناهان ، موانع آن را برطرف می نماید. کسی که می خواهد از فیض تشرف به محضر آقا و صاحبش بهره مند شود، باید با ابراز محبت واقعی و عشق حقیقی که دل را پر از مهر مولا کند، و انجام واجبات و اعمال نیک و دادن خیرات و صدقات ، شایستگی خود را ثابت کند. نیز با خواندن دعا ها و زیارت های امام عصر علیه السلام خصوصاً دعای عهد، و زیارت آل یاسین، و ترک گناهان و محرّمات الهی و پرهیز از کارهای بیهوده و لغو و دوری از آلودگی های روحی و سیئات اخلاقی و تزکیهٔ نفس به ویژه اجتناب از غیبت ، تهمت، افترا، دروغ و مردم آزاری، تا اگر مشیت الهی تعلق گیرد، ممکن است تشرف حاصل گردد. وقتی انسان صفای باطن و طهارت روح و اخلاص در عمل پیدا کرد، اگر حضرت صلاح بداند، عاشق دل سوخته اش را در خواهد یافت و اگر مصلحت ندانند، انسان به ثواب عظیم محبت و شوق دیدار نایل می گردد. در عصر غیبت کبری که جامعهٔ بشری از فیض حضور حجت خدا در زمین محروم است، آن چه اصل استک مسئلهٔ انتظار است؛ یعنی انسان همواره در حال انتظار ظهور حضرت باشد و خود را آماده نگه دارد که در هر لحظه اگر خبر ظهور امامش را بشنود، فوراً آمادهٔ جانبازی گردد. رسول خدا(ص) فرمود ": افضل اعمال امت من، انتظار فرج است.[۸]" امام صادق(ع) فرمود ": هر کس در حال انتظار امام مهدی (عج) بمیرد، مانند کسی است که در خیمهٔ حضرت باشد، بلکه مثل کسی است که در پیش روی رسول (ص) در حال جهاد است.[۹]"۲ پروردگارا ! همهٔ ما را از منتظران واقعی قرار بده. ۲[۸] محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمهْ، ج ۱، ص ۱۸۱، ماده: امامهْ ، شماره ۱۲۰۰. ۲[۹] همان، شماره ۱۲۰۵.

چگونه می‌توانیم با امام زمان(ع) ملاقات کنیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پرسش

چگونه می‌توانیم با امام زمان(ع) ملاقات کنیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پاسخ

درباره مشاهده و ارتباط با قطب عالم امکان حضرت مهدی(ع) دو دیدگاه و نظریه وجود دارد: ۱ - در زمان غیبت کبری امکان ارتباط و مشاهده و ملاقات با حضرت وجود ندارد. ۲ - برای برخی زا اولیاء اللّه امکان دارد. گروهی از بزرگان علمای شیعه بی این باورند که در زمان غیبت، امکان ارتباط با امام زمان(ع) برای شیعیان وجود ندارد و بر اساس دستور آن حضرت کسی را که ادعای مشاهده و ملاقات کند، باید تکذیب کرد. در آخرین نامه حضرت به آخرین نائب خاصش (علی بن محمد سمری) آمده است": تو تا شش روز دیگر می‌میری. کاهای خود را جمع و جور کن و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد، زیرا غیبت تامه و کبری واقع شده و دیگر ظهوری نیست مگر پس از اذن خدا که بعد از مدتی طولانی خواهد بود. آن وقت که دل‌های پر قسوت و سخت شود و زمین از ستم پر گردد. به زودی بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده و دیدار با من راخواهند کرد. هر کس چنین ادعایی بکند، او را تکذیب کنید. "گر چه ازاین نامه استفاده می‌شود که ملاقات با حضرت ممکن نیست، ولی امکان دارد افرادی به طور ناشناس حضرت را ببینند، شخصیت هایی مانند علامه بحر العلوم و دیگران حضرت را دیده‌اند، ولی باید گفت در بسیاری از موارد منقوله بعد از دیدار کشف کرده یا حدس زده‌اند آن آقا، امام زمان(ع) بوده است. مسلم است کسی نباید ادعای مشاهده بکند و اگر کسی ادعا کرد، باید او را تکذیب کنیم، ولی منافاتی ندارد با این که برخی از اولیای الهی، غیر مستقیم از جود امام(ع) بهره برده باشند یا بهره ببرند یا اگر دیداری رخ دهد، چنین ادعایی نداشته باشند.(۱) در زمان غیبت وظیفه ما است از گناهان دوری کنیم و تقوا را در همه حال مراعات کنیم. در تهذیب نفس و رسیدن به کمالات انسانی کوشا باشیم، نیز همواره برای تعجیل در فرج حضرت دعا کنیم، در کمک به مستضعفان و بیچارگان کوشا باشیم. سعی کنیم از ناحیه ما به کسی ظلم نشود، کسب‌ها و درآمد هایمان حال باشد اگر پاک و با تقوا باشیم، شاید حضرت به دیدار ما بیاید و ما را مورد توجه قرار دهد. خداوند توفیق دیدن و خدمت گذاری در رکاب حضرت را به همه ما عطا فرماید. پی نوشت‌ها: ۱ - با استفاده از مجله حوزه، شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۷۲ به بعد، با تلخیص.

ما عقیده داریم که امام زمان(ع) در زمان غیبت صغری با چهار نایب خود ارتباط مستقیم داشته و بعد از غیبت صغری این ارتباط قطع می شود. پس چگونه صدها نفر ادعای ملاقات با او را می کنند؟ آیا عمل صالح باعث دیدار با حضرت می شود و آن گاه معنای انتظار چه می شود؟

پرسش

ما عقیده داریم که امام زمان(ع) در زمان غیبت صغری با چهار نایب خود ارتباط مستقیم داشته و بعد از غیبت صغری این ارتباط قطع می شود. پس چگونه صدها نفر ادعای ملاقات با او را می کنند؟ آیا عمل صالح باعث دیدار با حضرت می شود و آن گاه معنای انتظار چه می شود؟

پاسخ

برای امام زمان(ع) دو غیبت وجود دارد: الف) زمان غیبت صغری. ب) غیبت کبری. در زمان غیبت صغری که از سال ۲۶۰ و یا ۲۵۵ ه.ق آغاز شد و در سال ۳۲۹ پایان یافت[۱۲] مردم پرسش های عقیدتی، اجتماعی و مشکلات خویش را به وسیلهٔ نواب خاص - که بعداً اسامی آن ها بیان خواهد شد - با امام زمان(ع) در میان گذاشته و آن حضرت مسائل و پرسش های مردم را پاسخ می گفتند. گاهی گروهی از مردم به وسیلهٔ نواب خاص امام زمان(ع) به دیدار امام دوازدهم(ع) می رفتند؛ از این رو در این مدت امام هم

www.noorfatemah.org

غایب بود و هم نبود.[۱۳] نواب خاص امام زمان(ع) که نقش بنیادی در بر قراری ارتباط مردم با امام زمان(ع) داشته اند عبارتند از: ۱- ابوعمرو عثمان بن سعید عمری؛ ۲- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری؛ ۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛ ۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری. در این جا لازم است به بخشی از وظایف و فعالیت های نواب خاص امام زمان(ع) اشاره شود که چگونه مردم با امام زمان(ع) ارتباط برقرار می کردند: الف) پنهان داشتن نام و مکان امام: گرچه امکان رؤیت امام زمان(ع) در غیبت صغری برای مردم و نواب خاص وجود داشت، ولی به دلیل مشکلات سیاسی، هر یک از نواب موظف بودند که نام و مکان امام را افشا نکنند؛ زیرا امام از سوی حکومت تهدید می شد. البته این پنهان کاری به دستور امام زمان(ع) صورت گرفته بود. ارتباط شیعیان نیز بدون این که مکان امام را بدانند بر قرار می شد. ب) پاسخ گویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی: نواب خاص علاوه بر وظیفهٔ فوق وظیفهٔ پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی را نیز بر عهده داشته اند. نواب خاص به دلیل این که از دانش بسیار بالایی برخوردار بوده اند، به بهترین وجه شبهه زدایی نموده و پرسش های مردم را جواب می دادند. از سوی دیگر سؤالات فقهی و شرعی شیعیان را به عرض امام رسانده و پاسخ ها را دریافت می کردند و به مردم ابلاغ می نمودند. ج) اخذ و توزیع اموال متعلق به امام زمان(ع): نواب خاص اموال متعلق به امام (مانند بیت المال و سهم امام) را از شیعیان گرفته به هر طریقی به امام زمان(ع) می رساندند. در زمان غیبت کبری نحوهٔ ارتباط با امام زمان ممکن است با طرق زیر امکان پذیر باشد: ۱- ملاقات حضوری: در خصوص امکان و عدم امکان ملاقات حضوری با امام زمان(ع) اختلاف است. برخی عقیده دارند که ملاقات حضوری امکان داشته و انسان با رعایت تقوا و ایجاد شایستگی، می تواند به حضور امام زمان(ع) برسد. چنان که شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی،[۱۴] علامهٔ حلی[۱۵] و علامهٔ بحرالعلوم[۱۶] به حضور حضرت رسیده اند. سید مرتضی،[۱۷] شیخ طوسی و ... از طرفداران این نگرش هستند. شیخ طوسی می نویسد": ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود، پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد. "برخی دیگر عقیده دارند که ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد. محمد بن ابراهیم، معروف به نعمانی،[۱۸] فیض کاشانی،[۱۹] و کاشف الغطا،[۲۰] و از طرفداران این نگرش هستند. اینان به برخی از روایات تمسک نموده اند که هر گونه ارتباط حضوری با امام زمان(ع) را منع کرده اند.[۲۱] امام زمان(ع) در توقیع شریف خطاب به آخرین نایب خاص آن حضرت، یعنی علی بن محمد سمری فرمود": به زودی از شیعیان من کسانی خواهند آمد که ادعای دیدن مرا می کنند. آگاه باشید، هر کس قبل از خروج سفیانی، و صیحهٔ آسمانی، ادعا کند که مرا دیده دروغگوی افترا زننده است.["۲۲] واقعیت آن است که با تقوا و معنویت و قابلیت می توان به حضرت آن امام همام رسید، چنان که برخی از بزرگان به حضور او رسیده اند. به نظر می رسد روایاتی که دلالت بر منع ملاقات دارند، ناظر بر این است که جلوی هر گونه سوء استفاده از ادعای دیدن امام زمان گرفته شودو هر کس ادعای رؤیت امام زمان (ع) را نکند. برخی از بزرگان به حضور امام رسیده اند و مرحوم آخوند خراسانی ملاقات امام زمان(ع) را برای افراد خاصی ممکن دانسته است. ۲- ارتباط معنوی: بی تردید می توان با امام زمان(ع) ارتباط معنوی بر قرار کرد. البته این ارتباط با بهره گیری از تقوا، دعا خواندن و توسل به ائمه(ع)، به ویژه به ساحت مقدس امام زمان(ع) امکان پذیر است. شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.[۲۳] ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان(ع) را ملاقات حضوری کند، بلکه باید با آن امام ارتباط برقرار کند و همیشه به یاد او بوده و او را در تمام اعمال ناظر بداند. هرگاه چنین لیاقت و شایستگی ای حاصل شد حضرت به انسان عنایت نموده و به رفع مشکلات انسان می پردازد؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی که برای شیخ مفید صادر نمود فرمود: "فإنّما علماً بأنبائکم و لا یعزب عنا شیءٌ مِن أخبارکم؛[۲۴] ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی ماند. "باز حضرت درهمان توقیع فرمود": ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم. اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشته کن می کردند.["۲۵] ارتباط معنوی انسان با

امام زمان(ع) سبب می شود که حضرت میان مردم حضور پیدا کند، اگر چه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود": سوگند به خدای علی، حجت خدا میان آنان هست و در کوچه و بازار گام بر می دارد و بر خانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می دهد. او مردمان را می بیند.["۲۶] در دعای ندبه می خوانیم": جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی.["۲۷] ۳- ارتباط از طریق نامه: یکی از راه های ارتباط با امام زمان(ع) نامه نگاری است. مرحوم شیخ عباس قمی به نقل از تحفه الزایر مجلسی و مفاتیح النجاه سبزواری می نویسد: هر کسی حاجتی داشته باشد و این را در نامه ای بنویسد و در یکی از قبور ائمه(ع) بیندازد و یا مهر کند و خاک پاکی را گل سازد و آن را میان آن گذارد و در چاهی عمیق و یا نهری اندازد، آن گاه امام زمان(ع) شخصاً متولی بر آوردن حاجت می شود.[۲۸] [۱۲] صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۸. [۱۳] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۳. [۱۴] منتهی الآمال، ج۲، ص ۴۷۰؛ مهدی موعود، ص ۹۳۴. [۱۵] تنکابنی، قصص العلما، ص ۲۵۹. [۱۶] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴. [۱۷] تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲، به نقل از مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان، ص ۹۹. [۱۸] کتاب الغیبه، ص ۹۹. [۱۹] وافی، ج ۲، ص ۴۱۴. [۲۰] حق المبین، ص ۸۷. [۲۱] شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵. [۲۲] شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۵۱۶. [۲۳] منتهی الآمال، ص ۵۵۹و ۵۶۲. [۲۴] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶. [۲۵] همان. [۲۶] جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۶، به نقل از الغیبه نعمانی، ص ۷۲. [۲۷] مفاتیح الجنان، دعای ندبه. [۲۸] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۱.

چه شاخاصی لایق دیدار امام زمان(ع) می باشند؟

پرسش

چه شاخاصی لایق دیدار امام زمان(ع) می باشند؟

پاسخ

لیاقت دیدار حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه) برای همه کس حاصل نمی شود، اگر چه او معشوق همهٔ صالحان است و همه چشم به راه اویند و در فراق او اشک می ریزند و از خدا طلب دیدار آن طلعت زیبا را دارند" :اللّهم أرنی الطلعهٔ الرشیدهٔ و العزّهٔ الحمیدهٔ وکحل ناظری بنظرهٔ منّی الیه و عجّل فرجه و سهل مخرجه؛[۳] خدایا! آن طلعت شریف و آن درخشندهٔ زیبا را به من نشان بده و چشم را به دیدنش زینت بخش و در فرج او تعجیل کن و راه او را هموار ساز. "مقصود اصلی از دیدار حضرت، مسلّماً زمان حضور حضرت است که از خدا درخواست می کنیم هر چه زودتر ظهور کند و موفق به دیدار او شویم. امّا دیدار او در زمان غیبت گرچه مطلوب همهٔ عاشقان است ولی قرار بر این نیست که دیدار به صورت آشکار صورت بگیرد، وگرنه غایب شدن و رفتن پس پردهٔ غیبت معنا نداشت، گرچه ممکن است بسیاری از پاکان آن حضرت را دیده وموفق به زیارت آن جناب شده باشند امّا غالباً به صورت ناشناس صورت گرفته و آنان بعد از دیدار متوجه شده اند حضرت مهدی(ع) بوده است. بزرگانی مانند شیخ مفید، فیض کاشانی، شیخ جعفر کاشف الغطا و نعمانی ارتباط با امام زمان(ع) را برای شیعیان در غیبت کبری ممکن نمی دانند.[۴] دلیلی که بر عدم امکان رؤیت حضرت در زمان غیبت کبری آورده اند، توقیع شریف حضرت به آخرین نائب خاصش(علی بن محمد سمری) است": از شیعیان من، کسانی خواهند آمد کسانی که ادعای دیدن مرا بکنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحهٔآسمانی ادعا بکند مرا دیده، دروغگوی افترا زننده است.["۵] بر اساس این روایت باید کسانی را که ادعای دین حضرت می

کنند، تکذیب کرد. نظریهٔ دیگری هست که در زمان غیبت امکان دارد حضرت را مشاهده کنند. عالمانی همچون سید مرتضی، محدّث نوری، شیخ طوسی و ... بر این نظریه اند. اینان امکان ارتباط خوبان واولیای الهی را با حضرت ممکن می دانند.[۶] طبق نظریهٔ دوم کسانی توفیق دیدار جمال ملکوتی حضرت را پیدا می کنند که از گناهان و آلودگی ها پاک باشند و حضرت از آنان راضی باشد. [۳] مفاتیح الجنیان، دعای عهد. [۴] مجلّه حوزه، شمارهٔ ۷۰ – ۷۱، ص ۶۶. [۵] همان، ص ۷۶. [۶] همان، ص ۹۷.

لیاقت حضور در محضر امام زمان(ع) چه شرایطی دارد؟

پرسش

لیاقت حضور در محضر امام زمان(ع) چه شرایطی دارد؟

پاسخ

تشرف به محضر پر فیض حضرت بقیهٔالله الاعظم(عج) آرزوی هر عاشق دل‌سوخته است. اگر تشرف در دوران غیبت کبری به محضر یوسف فاطمه امکان داشته باشد (چون عده ای معتقدند در دوران غیبت کبری ارتباط حضوری با حضرت امکان ندارد)[۱] و حضرت ولی عصر صلاح بدانند (زیرا ممکن است کسی لیاقت تشرف داشته باشد، لیکن حضرت مصلحت نداند و نقاب از چهرهٔ غیبت بر ندارد) و شاید بتوان با به کار بستن راه های زیر توفیق تشرف حاصل نمود: الف ـ انجام وظایف دوره غیبت: ۱ـ اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناه و تقوا را سرلوحهٔ زندگی قرار دادن، و عملی را بر خلاف رضای خدا انجام ندادن. حضرت در این زمینه می‌فرماید": هر یک از شما باید به آنچه که به وسیلهٔ آن به دوستی ما نزدیک می‌شود، عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می‌شود، پرهیز نماید.["۲] ۲ـ انتظار فرج؛ پیامبر(ص(فرمود": افضل اعمال امتم انتظار فرج است.["۳] ۳ـ دعا برای سلامتی و فرج حضرت (مثل دعای فرج، ندبه و عهد). ۴ـ صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت. ۵ـ غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب. ۶ـ انجام حج و عمره به نیابت حضرت. ۷ـ برخاستن برای تعظیم به هنگام شنیدن اسم مبارک (قائم). ۸ـ دعا برای خود که از شرّ فتنه ها در امان باشیم. ۹ـ استغاثه به آن جناب و استمداد از وجود نازنینش به هنگام گرفتاری ها.[۴] ب ـ عشق و محبت به حضرت حجت(عج): راه اساسی تزکیهٔ نفس و طریق نیل به مکارم اخلاق و توفیق یافتن بر انجام واجبات و ترک محرّمات، محبت و دوستی حضرت ولی عصر(ع) است که به مقتضای" من أحبّکم فقد أحبّ الله؛[۵] هر که شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته است. "حبّ او حبّ خدا است. هر چه مهر آن بزرگوار در دل انسان بیشتر شود، صفای باطن و کمال معنوی اش فزون تر گردد. مسلمانی که گرفتار گناه و آلوده به رذایل اخلاقی است، قطعاً امام زمانش را چنان که باید و شاید دوست ندارد، زیرا اگر محبت محبوب در جان محبّ ریخت، اولین نشانه اش اطاعت از وی و پرهیز از ناخوشایندی های او است. محبت از مقوله تشکیک و دارای مراتب و درجات مختلف است، شدت و ضعف دارد. چنان که نور نیز این گونه است. روشنایی یک شمع، نور برق، تابندگی خورشید، همه نور هستند، اما یکی از دیگری قوی تر است. هر چه نور شدیدتر باشد، محدودهٔ بیشتری را روشن می کند. محبت امام زمان(ع) نیز هر چه بیشتر در دل انسان پیدا شود او را به مرحلهٔ عالی تری از اخلاق و فضیلت می‌رساند. بیشتر مردم گمان می کنند که واقعاً خدا و پیغمبر و اهل بیت عصمت و طهارت را دوست دارند، و به راستی به امام زمان شان محبت دارند، امّا اگر به عمق دل آن‌ها بِرسی و زوایای قلب شان را بنگری، می یابی که حبّ خدا و پیغمبر و ائمه(ع) سرپوشی است روی حبّ نفس و خود خواهی آنها؛ یعنی چون خود را دوست دارند و می خواهند خویشتن را از عذاب و گرفتاری برهانند و به بهشت و رفاه برسانند، خدا را عبادت می کنند، به پیغمبر و اهل بیتش توسل می جویند و سخن از مهر آنان می گویند. البته این خوب است و نتیجه بخش است،

زیرا خدای مهربان و حضرات معصومین(ع) بزرگوارند و به همین محبت هم پاسخ می دهند، ولی محبت واقعی، دوستی کامل عیار و حقیقی نشانه اش این است که محبّ خود را برای محبوب بخواهد و جان خویش را فدای او سازد، نه آن که او را برای خود بخواهد و وسیلهٔ رسیدن به منافع خویش قرار دهد. بیماری که در بستر افتاده و پزشک معالج را بر بالین خود می بیند، احساس می‌کند طبیب را دوست دارد و به او علاقه مند است، اما این، دوستی واقعی به پزشک نیست و در حقیقت دوستی خود است؛ یعنی مریض بر اساس غریزهٔ حبّ ذات ، به سلامتی خویش علاقه مند است، از این رو احساس می‌کند پزشک را که وسیلهٔ درمان او است، دوست دارد. پس در واقع وسیلهٔ معالجه و بازیافتن سلامت خویش را دوست دارد، نه طبیب را. آن‌ها که ادعای محبت به امام عصر(ع) دارند و خود را دوستدار آن وجود مبارک می دانند، باید انگیزهٔ دوست داشتن را در خود بیابند. اگر دیدند مهر و محبت حقیقی حضرتش در دل شان خیمه زده، بدانند که توفیق بزرگی نصیبشان شده است.[۶] با توجه به کلامی از مولای متقیان امیر مؤمنان علی(ع) فرق عبادت واقعی و عشق حقیقی روشن می‌شود. حضرت به ساحت قدس خدا عرضه می‌دارد": خدایا، تو را به خاطر ترس از آتش یا برای رسیدن به بهشت عبادت نمی کنم، بلکه تو را شایسته و لایق عبادت و پرستش یافتم.["۷] تمثیل سعدی در مورد عشق و محبت حقیقی و مجازی: چه عالی آورده است سعدی این داستان را! از عشق های تمثیلی عشق سلطان محمود و ایاز است. می‌گوید به سلطان محمود عیب می گرفتند که آخر این ایاز چه حسنی دارد؟ چه زیبایی دارد؟ این که شکل و قیافه ندارد. چرا این قدر نسبت به او عشق و محبت می‌ورزی؟! سلطان محمود می خواست یک وقتی عملاً ـ نشان بدهد که چرا چنین است و بندهٔ واقعی و خالص او است که مرا به خاطر خودم دوست می دارد. سعدی در بوستان می‌گوید: یکی خُرده بر شاه غزنین گرفتکه حسنی ندارد"ایاز "ای شگفت گلی را که نه رنگ باشد نه بو دریغ است سودای بلبل بر او به محمود گفت این حکایت کسی بپیچید ز اندیشه بر خود بسی که عشق‌من ای خواجه بر خوی اوست نه بر قد و بالای دلجوی اوست شنیدم که در تنگنای شتر بیفتاد و بشکست صندوق دُر می‌گوید در یک سفری که می رفت، دستور داد عمداً بارها را شل ببندند و به یک درّه ای که می رسند، آن جا تعمداً صندوق جواهرات را از روی شتر بیندازند که این صندوق بشکند و دُرّ و مرجان و جواهر قیمتی ته درّه بریزد. به یغما ملک آستین بر فشاندوز آن جا به تعجیل مرکب براند گفت هر که هر چه برداشت، مال خودش. این را گفت و به اسبش شلاق زد و رفت. سواران پی دُرّ و مرجان شدندزسلطان به یغما پریشان شدند یک چنین یغمایی را اعلام کردند، همه ریختند ته درّه که یک گوهر قیمتی به دست آورند. نماند از وشاقان گردن فرازکسی در قفای ملک جز" ایاز "یک وقت سلطان محمود نگاه کرد پشت سرش. دید فقط یک نفر مانده و او ایاز است. همه رفتند سراغ نعمت. بگفتا که از سنبلت پیچ پیچزیغما چه آورده ای؟ گفت هیچ من اندر قفای تو می تاختم زخدمت به نعمت نپرداختم من خدمت را بر نعمت ترجیح دادم. تا اینجا مَثَل بود. سعدی به این جا که می رسد، گریزش را می زند و می‌گوید: خلاف طریقت بود که اولیا تمنّا کنند از خدا جز خدا. گر از دوست چشمت به احسان او استتو در بند خویشی، نه در بند دوست۱[۸] محبت حقیقی این است. پس راز بزرگ تشرف در دوران غیبت به محضرت حضرت ولی عصر (عج) همین یک کلمه است": محبت حقیقی. "باید شوق شدید پیدا کرد و دوستی واقعی به دست آورد تا به وصال یار رسید و از فیض محضر پربرکتش بهره مند شد، زیرا محبت واقعی منشأ قرب روحی می شود، و نزدیک شدن روحی، موجب دیدار محبوب می گردد. ۱ – ر.ک: مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱؛ مهر – دی ۱۳۷۴، سال ۱۲، ص ۶۵. ۲ – بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۷۶. ۳ – لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵. ۴ – شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ص ۴۸۳. ۵ – مفاتیح الجنان ، زیارت جامعه کبیره. ۶ – ر.ک: سید جمال الدین حجازی، پیام امام زمان، ص ۴۹. ۷ – بحارالانوار، ج۴۱، ص ۱۴. ۸ – مرتضی مطهری، مجموعه اثار (فطرات) ، ج۳، ص ۵۷۳.

چطور می توان یک بار هم که شده، موفق به دیدار صاحب الزمان(عج) شویم؟

پرسش

چطور می توان یک بار هم که شده، موفق به دیدار صاحب الزمان(عج) شویم؟

پاسخ

ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهدهٔ حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد. ارتباط غیر مستقیم، مقدمهٔ لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می‌توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است. فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی. از تدبّر و تأمل در آیهٔ فوق شاید بتوانید تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار" دلدار "حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی" محبوب "چه باید همراه داشت؟ مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه‌گر است. پیام خدا را در آن‌جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی. برادر: به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیرهٔ قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن. شما نیز درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارید. البته این امر شدنی و ممکن است. اما شرایط و شایستگی ویژه ای می طلبد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟ ۱ـ بازگشت به حق برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است ضروری ترین و بدیهی ترین شرط، بازگشت به" حق تعالی "است": فاخلع نعلیک "کفش های دل بستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قید و بند و رنگی شو. فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدیم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاک بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید. پس گام اوّل بازگشت به خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینهٔخروج عملی از غفلت را فراهم سازد. چون عزم بر توبه کردید غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سورهٔ ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه" استغفرالله ربّی و اتوب الیه "بگویید، سپس" لا حول و لا قوّهٔ إلّا بالله العلی العظیم" و در پایان بگویید": یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الذنوب إلّا أنت. "۲ـ تقویت معرفت: آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟ کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی‌هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اوّلا توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد. برخی تا نُه مرتبه برای آن شمرده‌اند، و عشق را در مرتبهٔ چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود. تا علاقه و محبت به امام زمان(عج) به مرحلهٔ عشق و ارادت نرسد، دیدار آن یار حاضر وغایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید: نشوی واقف یک نقطه ز اسرار

وجود تا نه سرگشته شوی دایرهٔ امکان را شهید مطهری(ره) در توضیح می فرماید": ای سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی. "۳ـ عشق به خدا و تبعیت از امام زمان(عج): اثر طبیعی محبّت آن است که" محبّ "را با" محبوب "پیوندی می دهد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد. آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عج) می زنند، باید صداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهند. در کتاب معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده": ما احبّ الله من عصاه کسی که گناه و نافرمانی خدا می کند، خدا را دوست ندارد. "دوستی و محبت در عمل ظهور می کند. سپس فرمود": چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند. "قرآن کریم می‌فرماید ": قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...؛ پیامبر! بگو (به مردم) اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد. "بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد. کسی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند. ۴- تقویت ارتباط قلبی وعاطفی می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود: از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم، نایب الزیارهٔ آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همهٔ ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن. ۵- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرّف شدند. مطالعهٔ زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می‌دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند.

چگونه می توان صورت زیبای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نمود؟

پرسش

چگونه می توان صورت زیبای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نمود؟

ملاقات با امام زمان"عج "در نتیجه پرهیز و دوری از گناهان و انجام اعمال خاص امکان‌پذیر است. ما که شیعه گناهکاری هستیم، آیا حقی بر وجود مقدس ایشان نداریم تا بتوانیم حضرت را زیارت کنیم؟ منظورم سخن حضرت علی"ع "در مورد حقوق امام بر مردم و بالعکس می‌باشد.

پرسش

ملاقات با امام زمان"عج "در نتیجه پرهیز و دوری از گناهان و انجام اعمال خاص امکان‌پذیر است. ما که شیعه گناهکاری هستیم، آیا حقی بر وجود مقدس ایشان نداریم تا بتوانیم حضرت را زیارت کنیم؟ منظورم سخن حضرت علی"ع "در مورد حقوق امام بر مردم و بالعکس می‌باشد.

پاسخ

الف) امکان ملاقات با امام زمان(عج) و عدم آن بحث را در سه محور مطرح می کنیم: ۱- امکان ملاقات با امام زمان(عج) و عدم آن. ۲- بیان کلام أمیرالمؤمنین(ع) در موضوع حقوق امام بر مردم و بالعکس. ۳- ایجاد زمینه‌های مناسب برای فیض دیدار امام زمان(عج). ملاقات با امام زمان(عج) از موضوعات اختلافی است. برخی بر این باورند که در دوران غیبت کبری ملاقات با حضرت ممکن نیست و برخی دیگر قائلند که انسان‌های خود ساخته و فرهیخته می‌توانند افتخار شرفیابی به محضر آن بزرگوار را به دست آورند. دلیل گروه اوّل توقیعی است که منتسب به حضرت می‌باشد، در آن جا آمده است": ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را در (مصیبت مرگ) تو بزرگ گرداند! ظرف شش روز آینده فوت خواهی کرد. امر خود را جمع کن و به هیچ کس وصیت نکن که پس از مرگت قائم مقام تو باشد. غیبت ثانیه (تامّه) آغاز گردید... در آینده برخی از شیعیان ادّعای دیدار با من را می کنند. آگاه باشید که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی هر کس چنین ادّعایی کند، دروغگو است.("۱) روایات دیگری نیز به این مضمون وارد شده است. دلیل گروه دوم ملاقات هایی است، که در دوران غیبت کبری صورت گرفته و بزرگانی از اولیا و اوتاد همانند سید بحرالعلوم(ره) و محقّق اردبیلی(ره) افتخار دیدار با حضرت را کسب کرده‌اند. با توجه به کثرت دیدارها نمی‌شود در مقام تکذیب آن‌ها بر آمد.(۲) در چگونگی جمع بین دو دیدگاه راه حل هایی ارائه شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- این توقیع در سطح یک خبر واحد بیشتر نیست و تنها مفید ظنّ است و حتی شیخ صدوق و شیخ طوسی که خودشان ناقل آن هستند، به محتوای آن معتقد نیستند و حکایت‌های متعدّدی را که حاوی ملاقات بزرگانی با امام زمان(عج) است، در کتاب‌های خود آورده‌اند.(۳) حال اگر توقیع شریف را معتبر دانستیم، راه حل‌های بعدی را برای جمع بین دو دیدگاه انتخاب می کنیم: ۲- مرحوم مجلسی می‌فرماید": محتمل است که مقصود از تکذیب مشاهده، تکذیب کسانی باشد که افزون بر مشاهده، ادّعای نیابت همانند نواب اربعه در زمان غیبت صغری را دارند.("۴) ۳- احتمال دیگر این که: منظور از تکذیب مشاهده، ترتیب اثر ندادن باشد. اگر مدّعی مشاهده راست بگوید، ملاقات فضیلتی برای او محسوب می‌شود و اگر دروغگو باشد، وقتی کسی به او اعتنا نکرد، مفسده‌ای ندارد.(۵) ب) بیان کلام أمیر المؤمنین(ع) در موضوع حقوق امام بر مردم و بالعکس در این قسمت لازم است به تشریح بیان نورانی حضرت بپردازیم تا مقصود از حقوق امام بر مردم و عکس آن روشن شود. حضرت علی(ع) فرمود": بزرگترین حقی که خدا آن را واجب کرده، حق والی بر رعیت و حق رعیّت بر والی است. خداوند آن را واجب کرده و حق هر یک را به عهده دیگری گذاشته است. رعایت این حقوق موجب پیوند آنان و عزّت دینشان خواهد بود. رعیّت به سامان نرسد مگر با رفتار نیکوی والی و والیان نیکو رفتار نگردند مگر با درستکاری رعیّت.("۶) به نظر می‌رسد مراد أمیرالمؤمنین(ع) از" والی "و حقوقی که به گردن او دارند، امام و رهبری است که: اوّلاً غایب نباشد؛ ثانیاً بسط یدداشته و دارای حکومت ظاهری باشد، که هر دو ویژگی در دوران غیبت حضرت ولی عصر(عج) نسبت به حضرت منتفی است. شاهد این مدعی کلام دیگری از حضرت است که فرمود": ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. امّا حق شما بر من خیرخواهی شما و ادای حقّتان از بیت المال، بر من است که شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید.("۷) روشن است که این بیان در هنگامی ایراد شده که حضرت علاوه بر منصب امامت، بر کرسی خلافت نیز تکیه زده و مردم برای رفتن به شام و جنگ صفین آماده می‌شدند و ادای این حقوق در زمان غیبت متصور نیست. ناگفته نماند که قدرت ظاهری نداشتن امام زمان(عج) غیر از واسطه فیض بودن امام(ع) میان خدا و خلق است؛ زیرا همه نعمت هایی که از ناحیه خدا به انسان و سایر مخلوقات می‌رسد، به برکت وجود حجّت خدا است. در دعای ندبه می‌خوانیم": خدایا! نماز ما را به واسطه او قبول فرما، گناهان ما را به خاطر او ببخش، دعاهای ما را به واسطه او مستجاب گردان و روزی ما را به وسیله او فراوان فرما.("۸) با دقّت در سخنان حضرت علی(ع) به این نتیجه می‌رسیم: ملاقات و دیدار امام زمان(عج)

موضوعی نیست که یکی از حقوق شیعیان بر وجود مقدّس حضرت به حساب آید. ج) ایجاد زمینه‌های مناسب برای فیض دیدار امام زمان(عج) در عرف همه ملّت‌ها روشن است که دیدار با بزرگان به تناسب شخصیّت هر بزرگی دارای شرایط ویژه‌ای است و تا آن شرایط پدید نیاید، عرف مردمی اجازه دیدار با آن شخصیّت را به هیچ فردی نمی‌دهد؛ دیدار و ارتباط با امام زمان(عج) نیز از این گردونه خارج نیست، بلکه می‌توان گفت: با توجه به موقعیّت اختصاصی حضرت یعنی موضوع" غیبت "و سوء استفاده هایی که ممکن است برخی از افراد از مطرح کردن ارتباط و دیدار با حضرت داشته باشند، ملاقات با امام زمان(عج) برای همگان میسور نیست و هر فردی تنها به این عنوان که شیعه امام است، نمی‌تواند لیاقت فیض حضور حضرتش را کسب کند. قدم گذاشتن در این مسیر به کسب لیاقت و شایستگی نیازمند است و هر کس به اندازه تلاش خود بهره می‌برد؛ بعضی از افراد همانند سید بحرالعلوم و پسر مهزیار حضرت را می‌بینند و می‌شناسند؛ برخی امام را می‌بینند ولی نمی‌شناسند؛ برخی دیگر از لیاقت کمتری بهره دارند و ممکن است در عالم خواب آن عزیز را زیارت کنند؛ خلاصه این که: ملاقات با امام زمان(عج) به" لیاقت "نیاز دارد. در عین حال باید توجه داشته باشیم که اگر چه ملاقات حضرت تا رسیدن به آن مقام نمی‌تواند صورت گیرد، اما این بدین معنا نیست که ما در امر دین و معارف دینی و احکام و... سرگردان باشیم؛ زیرا بسیاری از معارف دینی از طریق امامان معصوم و پیامبر اسلام و قران کریم که مصون از خطا و اشتباه است، هم چنین با پرسش از عالمان دین برای ما روشن و آشکار است و اگر ما بتوانیم به آنچه که می‌دانیم و می‌توانیم بدانیم عمل کنیم، به آنچه که نمی‌دانیم و خواستار دانش و فهم آن هستیم، آگاه شده و خواهیم رسید. پی نوشت‌ها: ۱. کمال الدّین و تمام النعمه، صدوق، جزء ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ کتاب الغیبة، طوسی، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ص ۳۹۵، ح ۳۶۵. ۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱ – ۸۹. ۳. کمال الدین، ص ۴۳۷ – ۴۷۳؛ کتاب الغیبة، ص ۲۵۳ – ۲۸۰. ۴. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص۱۵۱. ۵. سپیده امید، سید حسین اسحاقی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ص ۳۸. ۶. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۲۱۶، ص ۲۴۸. ۷. همان، خطبه ۳۴، ص ۳۵. ۸. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

مهم‌ترین کارهایی که می‌توان انجام داد تا در زمان کوتاه به امام زمان (ع) رسید، چیست؟

پرسش

مهم‌ترین کارهایی که می‌توان انجام داد تا در زمان کوتاه به امام زمان (ع) رسید، چیست؟

پاسخ

امام صادق ع می‌فرماید ": هر کس میل دارد از اصحاب و یاران قائم ما باشد، باید در انتظار فرج باشد. پرهیزگاری را شیوهٔ خویش کند. به اخلاق نیک آراسته گردد و در همان حال در انتظار قائم ما به سر برد. اگر چنین بود و پیش از قیام قائم مرگش فرا رسید، به اجر و ثواب کسانی که قائم را درک می‌کنند، نائل خواهد گشت ای شیعیان جدیت و کوشش نمایید و منتظر ظهور آن جناب باشید ."(۱) حضرت در جای دیگر می‌فرماید ": هرگاه زمان غیبت فرا رسید، به دستور امامانِ پیشین چنگ زنید تا امامِ آخرین ظهور کند... هر گاه روزی رسید که امامی از آل محمد میان خود نداشتید، همان امامانی را که دوست می‌داشتید، دوست بدارید و همان کسان را که دشمن می‌داشتید، دشمن بدارید و همواره در خط رهبری و ولایت حقه جای داشته باشید و صبح و شام در حالت انتظار به سر ببرید."(۲) اگر در بُعد فکری و اخلاقی به وظایف خود عمل کردیم می‌توانیم ادعا کنیم منتظر حضرت هستیم در بُعد فکری شناخت خود را از امام زمان ع بیش‌تر کنیم و در بُعد عملی واجبات را انجام دهیم و محرّمات را ترک کنیم در این صورت به حضرت تقرب جسته و رضایت ایشان را تحصیل کرده‌ایم پی نوشت: ۱- ابراهیم امینی دادگستر جهان ص ۲۵۳، به نقل از غیبت

نعمانی ص ۱۰۶. ۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲.

آیا شخصی که گناه کرده ، می تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟

پرسش

آیا شخصی که گناه کرده ، می تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟

پاسخ

الف) ماپرسش را در قالب کلی تر بیان کرده و بدان پاسخ می دهیم تا در ضمن آن شبهه حضرتعالی برطرف گردد.در زمانی که حضرت صاحب (عج) در پرده غیبت کبری به سر می برد این پرسشها مطرح می شود آیا ارتباط با آن حضرت امکان دارد یا خیر؟ آیا شیعیان و پیروان حضرت می توانند از محضر آن بزرگواربهره مند گردند یا نه ؟ بر اساس روایاتی که در این زمینه وجود دارد دودیدگاه مطرح شده است : الف) دیدگاهی که امکان ارتباط را تایید نمی کند ولزومی برای آن نمی بیند عالمانی چون شیخ مفید، فیض کاشانی ، شیخ جعفرکاشف الغطا و نعمانی ارتباط با امام زمان (عج) و دیدن ایشان را برای شیعیان حال چه عابد چه متقی و چه فرد متوسط در غیبت کبری ممکن نمی دانند .ب) دیدگاهی که بر امکان ارتباط و وقوع آن اصرار می ورزد عالمانی چون سید مرتضی ، محدث نوری ، کراجکی و شیخ طوسی بر این عقیده اند البته این امکان را تنها برای اولیای الهی و افراد ویژه می دانند غیر از آنها یعنی حتی کسی که چندان گناه نداشته ولی بدلایلی در زمره اولیا الهی قرارنمی گیرد از این دیدار محروم است. ما در اینجا نمی توانیم به تحلیل ادله یکی از دو گروه پردازیم با توجه به دلایل مستقل می توان نکات ذیل را در این باب شمارش کرد : ۱- مقصود از دیدن آن حضرت چند معنا و مرتبه است : ۱-۱-در هنگام مشاهده حضرت متوجه نباشند ولی بعد متوجه و یا معتقد گردندشخصی را که دیده اند حضرت حجت بوده است . ۱-۲- دیدن با شناخت یعنی کسی حضرت را ببیند و معتقد شود شخصی را که دیده امام عصر است وبه این امر اطمینان داشته باشد . ۱-۳- فیض حضور یعنی دیدن حضرت و شناخت ایشان همراه با سوال و جواب یعنی افزون بر اینکه حضرت را دیده و شناخته واز ایشان سوال کرده و با وی به گفت و گو بپردازد .بنابراین رویت درخواب یا دیدن بدون شناخت و شهود بر اساس سیر و سلوک مقصود نظر ما وهمچنین شما نیست . ۲- از مجموع روایات متقن استفاده می شود که امکان ارتباطات به معانی که در شماره قبل مطرح شد در غیبت کبری وجودندارد دربرخی روایات تصریح شده که حضرت مثلا "در مراسم حج شرکت می کند مردم رامی بیند ولی مردم حضرت را نمی بینند و نمی شناسند گاهی در جمع مردم حضورمی یابد و ...Şآنان سلام می کند اما مردم نه ان هنگام و نه پس از آن او رانمی شناسند . ۳ - بزرگانی که مساله امکO...ارتباط و مشاهده را مطرح کرده اند آن را به ص...Şjاحتمال بیان فرموده اند نه قطع و یقین . ۴- تنها یک دسته ازروایات امکان دیدار با حضرت را برای خادمان ایشان (موالی خاصه) اثبات می کند و دلیلی بر امکان ملاقات و ارتباط دیگران وجود ندارد . ۵- بزرگانی که از آنان حکایت دیدار با حضرت حجت نقل شده خود در این باره ادعایی نکرده اند . ۶- اگر فرض بر امکان مشاهده و ارتباط با حضرت باشد برابر توقیع شریفی که شش روز پیش از مرگ سمری آخرین نایب خاص ایشان در غیبت صغری از طرف امام عصر (عج) صادر شده و از جهت سند و دلالت هیچ اشکالی در این باره منابع زیادی در دست داریم بخشی از آنها عربی است وبخشی فارسی . ما به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم : ۱- حجتی ، محمدباقر،اسباب نزول . ۲- واحدی ، ابوالحسن علی بن احمد نیشابوری ، اسباب النزول ،طبع دار الکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۴۰۲ ه.ق ۳- نسفی ، حافظ الدین عبدالله بن احمد، مدارک التنزیل و حقایق التاویل ، طبع افست دارالمعرفه ، بیروت. ۴- زمخشری ، جار الله محمود بن عمر،

الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل ، طبع افست ، نشر ادب الحوزه؛.

برای رسیدن به درجه یقین و ملاقات با امام زمان (عج) چه کار کنیم ؟

پرسش

برای رسیدن به درجه یقین و ملاقات با امام زمان (عج) چه کار کنیم ؟

پاسخ

هر گمان تشنه یقین است ای پسر= می زند اندر تزاید بال و پر= چون رسد در علم پس بر پاشود= مریقین را علم او بویا شود= علم جویای یقین باشد بدان = وآن یقین جویای دید است و عیان = جویای یقین بودن هدفی والا است که به دنبال آن هستی ولی باید دانست که هر قدر گوهر مطلوب گران قیمت تر باشددسترسی به آن نیز دشوارتر است . خداوند به پیامبر خویش چنین فرمان می دهد : ((واعبد ربک حتی یاتیک الیقین ؛ عبادت پروردگار راپیشه ساز تا یقین نزد تو آید)) و امام صادق (ع) فرمود : ((چیزی کمتر ازیقین در بین مردم تقسیم نشده است)) ، (تحف العقول ، ص ۳۵۸) . همان گونه که در آیه ۹۹ سوره حجر آمده است ، حرکت در مسیر خداوند و عبادت او هموار کننده راه یقین است . پالایش درون از رذایل و آراستن آن به فضایل و عبادت خداوند و ذکر او در همه احوال مسیر به دست آوردن یقین است . تقوا؛ یعنی ، قدرت کنترل نفس به گونه ای که محرمات را ترک کرده و به واجبات عمل نماید .برای تقویت تقوا باید در دو بعد نظری و عملی اقدام نمود .در بعد نظری با تقویت مبانی عقیدتی ، به ساختمان وچهارچوب عقاید استحکام بخشید و سپس با عمل ، در راسخ ترشدن آنها کوشید .در این زمینه مطالعه منظم کتاب های زیر توصیه می شود : ۱- گناهان کبیره شهید دستغیب ۲- جهان بینی اسلامی شهیدمطهری ۳- نامه ها و برنامه هاحسن زاده آملی ۴- نقطه های آغاز دراخلاق عملی مهدوی کنی آنچه در بعد عملی می توان ارایه نمود آن است که : عمل به تکالیف دینی ، بهترین و کامل ترین راه برای نیل به درجه تقوا است . قرآن مجید درباره روزه می فرماید : ((روزه بر شماواجب شد چنان که بر پیشینیان شما واجب گشت ، باشد که تحصیل تقوا کنید)) . و در آیه دیگر فرموده است : ((از صبر و نماز کمک بگیرید)). تقویت ایمان و اعتقاد قلبی و عشق الهی بر آیند تقوا و پرهیزگاری است . هم چنان که در بهاران نهال ناخشکیده شکوفه می زند تقوای الهی ، انجام واجبات ، ترک محرمات و تهذیب نفس نیز بوستان دل راخرم و سرسبز نگه می دارد و جوانه عشق الهی را در آن شکوفامی سازد .بنابراین درگام اول باید بر انجام واجبات و ترک گناهان استواری نمود و در گام دوم به پالودن نفس از رذایل و آراستن به فضایل پرداخت و حب دنیا و تعلقات دنیوی را از ژرفای ضمیر بیرون راند آن گاه دل کانون عشق خدا می شود و با اخراج شیطان نفسانیت ودنیا پرستی که خانه دل را غصب نموده صاحب خانه در آن لانه می گزیند .ملاقات با امام زمان (عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد .به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقق دو بعد؛ یعنی ، معرفت و عمل دارد .اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد .نوریان مرنوریان را طالبند=ناریان مرناریان را جاذبند= نشانه تحقق این دو بعد، زمانی است که فرد محرمات را کاملاً ترک و به واجبات و وظایف خویش عمل نماید .البته نکته ای نیز در اینجا حایز اهمیت است و آن اینکه گرچه ملاقات اولیای الهی هدفی والا و بس قیمتی است ، ولی اگر کسی بدان نایل نشد نبایستی دچار روحیه یاس و ناامیدی گردد .علاوه برآن که سعی در ملاقات با امام زمان و یا دیگر اولیای الهی (مانندخضر) یک وظیفه و دستور دینی نیست . آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است؛.

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان((علیه السلام)) را پیدا کنیم؟

پرسش

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان((علیه السلام)) را پیدا کنیم؟

پاسخ

توفیق ملاقات امام زمان((علیه السلام)) تنها برای کسانی است که آن حضرت صلاح بدانند و به نظر می رسد که در دو مورد تحقق می یابد: ۱. کسانی که در شدّت و گرفتاری و بحرانهای زندگی قرار می گیرند و به آن حضرت توسّل پیدا می کنند.(توسعه مصرانه و پیگیر) ۲.کسانی که در راه تهدید نفس و پیمودن صراط عبودیّت و بندگی خدا مجاهد و تلاشی پیگیر و خالص داشته باشند. به ویژه این که عشق به لقاء آن حضرت و دیدار وی و سعی و تلاش در این راه هم با آن ضمیمه شود. کسی که بخواهد در این راستا قرار گیرد لازم است به نکات زیر توجّه کند: ۱. در راه تحصیل عقاید و معارف حقّه اهل بیت عصمت و طهارت تلاش کند. و سعی کند تنها به معارف دینی از رهگذر ارشادها و رهنمودها و احادیث آنان توجّه کند و از راههایی که دشمنان آنان ارائه کرده اند بر حذر باشد. ۲. در تهذیب نفس و تزکیه اخلاق سخت کوشا باشد. ۳. در احکام فرعی عملی همواره جدیّت کند بر اساس محبّت شرعی عمل کند و از گناه و معصیّت سخت پرهیز کند. ۴. به نماز اوّل وقت اهمیّت بدهد و سعی کند نماز را با حضور قلب بخواند. ۵. توسّل به چهارده معصوم مخصوصاً امام زمان((علیه السلام)) همواره در زندگی مورد توجّه وی باشد. ۶. دعای ندبه را با توجّه به مضامین آن با وضعی که تناسب با آن مضامین است بخواند. ۷. زیارات آن حضرت را مخصوصاً زیارت آل یسن و دعای عهد در صبحها همواره بخواند. ۸. دعا برای تعجیل فرج آن حضرت و درخواست توفیق ملاقات آن حضرت از خداوند مصرانه و پیگیر داشته باشد.

چرا عدهٔ افرادی که امام زمان را دیده‌اند تا این اندازه کم است؟ آیا واقعاً تا این اندازه چشمهای ما آلوده‌اند که شایستگی دیدن ایشان را ندارند؟ اصلاً آیا واقعاً این دلیل محروم بودن از دیدار و صحبت با کسی است که معتقدیم امام زمان ماست؟

پرسش

چرا عدهٔ افرادی که امام زمان را دیده‌اند تا این اندازه کم است؟ آیا واقعاً تا این اندازه چشمهای ما آلوده‌اند که شایستگی دیدن ایشان را ندارند؟ اصلاً آیا واقعاً این دلیل محروم بودن از دیدار و صحبت با کسی است که معتقدیم امام زمان ماست؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان (عج) برای بسیاری رخ داده و می‌دهد و شاید خود شما بارها توفیق ملاقات با آن بزرگوار را داشته‌اید ولی آن بزرگوار را نشناخته‌اید و گروهی نیز ملاقاتشان با آن حضرت همراه با شناخت و توجه بوده و هست ولی چنین افرادی اهل پرگویی و بیهودگی نبوده و اسرار را هویدا نمی‌سازد بلکه کم گو و گزیده گویند که همین از رموز موفقیت آنان است. از این رو تعداد شرف یافتگان به محضر آن محبوب دلها اندک نیستند ولی خبر تعداد کمی از آن به ما رسیده است و عدم اطلاع ما دلیل بر عدم وجود نمی‌باشد اما دلیل محرومیت از دیدار همیشگی و همگانی آن بزرگوار عبارتست از: ۱. عدم آمادگی و شایستگی جامعه

جهانی برای عـدل علوی توسط آن دادگستر جهان. ۲. امتحان و آزمایش مؤمنین در پیـچ و خمهای غیبت ناصف دینمـداران و دین باوران و اهل اسـتقامت در راه ارزشهای دینی از منافقین و بی‌دینان جدا گردد. ۳. تأمین امنیت جانی آن ذخیره الهی برای اصلاحات گسـترده جهـانی در شـرایط خـاص و دلایـل دیگر. برای اطلاع بیشـتر به کتابهـای ذیـل مراجعه نماییـد. ۱. سـخنی پیرامون حضرت مهدی(ع)، شهید صدر. ۲. قیام و انقلاب مهدی(ع)، شهید مطهری. ۳. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی. ۴. روزگار رهایی

دیدار با امام زمان(عج) چگونه ممکن است و چه تأثیری در مسیر زندگی انسان دارد؟

پرسش

دیدار با امام زمان(عج) چگونه ممکن است و چه تأثیری در مسیر زندگی انسان دارد؟

پاسخ

ملاقـات با امام زمان(عـج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سـنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سـنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسـی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند نشانه تحقّق این دو بعد، زمانی است که فرد محرمات را کاملاً ترک و به واجبات و وظایف خویش عمـل نمایـد. التبه نکته‌ای نیز در اینجـا حائز اهمیت است و آن اینکه گر چه ملاقات اولیای الهی هـدفی والا و بس قیمتی است، ولی اگر کسـی بدان نائل نشد نبایستی دچار روحیه یأس و ناامیدی گردد. علاوه بر آن که سعی در ملاقات با امام زمان و یا دیگر اولیای الهی (مانند خضـر) یک وظیفه و دسـتور دینی نیست. آنچه وظیفه ماست تشـبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است. به عبارتی ما موظف به ارتبـاط به معنـای ملاقـات نیستیم وظیفه مـا جلب رضایت آن حضـرت است. ارتباط معنوی ما با حضـرت از طریق عمل به دستورات دین و سفارشات معصومین و انتظار فرج به معنای ثبات قدم و استمرار در این امر است. تأثیر عمیقی که دیدن حجت الهی و ولی زمـان و امـام معصوم(ع) و آخرین در صـدف امـامت و آرزوی همه قلب‌های مشـتاق در زنـدگی انسان دارد، امری واضـح و بـدیهی است. حضور در محضـر آن امـام همـام و بهره‌منـدی از صـفات و کمالاـت و انوار تابناک سـخنان و کلمات نورانی ایشان و برخورداری از اشراقات و عنایات باطنی ایشان، درون انسان را متحول و مسِ وجودِ انسان را به طلای ناب تبدیل می‌کند و در درون انسانی انقلاب و دگرگونی اساسـی و عمیق ایجاد می‌کند. اگر شـما پیامبر بزرگوار اسـلام(ص) را می‌دیدید و فیض حضور ایشان را درک کرده و در محضـر ایشان بودید و از بیانات و هدایت‌ها و راهنمایی‌های ایشان اسـتفاده می‌کردید، چه تغییری در شـما صورت می‌گرفت؟ اگر انسـان در جلسه یکی از شـاگردان امـام زمـان(عـج) که تنها بهره‌ای انـدک از دریای فضایل و کمالات و اخلاق آن سرور را دارد و تنها بویی از آن گلسـتان همیشه بهار با خود دارد، حضور یابد، آیا خود حضور در آن مجلس حتی اگر سخنی رد و بدل نشود و ایشان سخنی نفرمایند، در روح و روان و درون انسان اثری ندارد؟ تا چه رسد به امام معصومی که آینه‌دار همه کمالات و خوبی‌ها و نیکی‌هاست و آنچه خوبان همه دارند، یکجا دارد و اقیانوس همه اوصاف زیبا و اخلاق پسندیده و خدایی است.

ما چگونه می توانیم به فیض زیارت امام مهدی(عج) برسیم؟

پرسش

ما چگونه می توانیم به فیض زیارت امام مهدی(عج) برسیم؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می‌کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم‌چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجاممی‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوهٔ وآتوا الزکاهٔ و امروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند{M}(حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمامورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: اناغیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم ؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم{M}(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می‌باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود رابه امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می‌رسد. منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... ؛ بر من گراناست که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم{M}، (دعای ندبه). ۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم. ۴- انتظار فرج آن حضرت در دل و ظاهر جلوه‌گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می‌گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان

از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجتخدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جانادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز استو با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ - ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف). ۵- داستان‌های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم. در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی‌عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره‌گشایی‌های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی ۲- ترجمه منتخب‌الاثر، آیت‌الله‌صافی ۳- مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی ۴- وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی ۵- امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟

پرسش

چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقق دو بعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند ولی ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان نیستیم، آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می‌کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم‌چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: «الذین ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهو عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند» (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. ایشان همواره برای شیعیان خود دعا می‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم»(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار است. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم. رسول خدا فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج» ؛ (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید) وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می‌کند، وسایل پذیرایی را آماده می‌کند و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه‌گویی او خواهند خندید. لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می‌شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید». با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نموده و خود را در راه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به نکات ذکر شده می‌توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. معرفت: اولین شرط انتظار معرفت است؛ تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش و مقام او را می‌دانند منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان را نمی‌شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته

الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد ارزش او را بیشتر درک کرده و به عظمت او بیش از پیش پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس ایشان نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری وصل خورشید به شب پره ی اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳). ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. پس منتظر واقعی باید سعی کند تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البر و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشقی است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۷. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا هدیه نمودن ثواب‌هایی به حضرت مهدی(عج). ۸. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران. ۹. ایجاد

آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می‌باشد. ۱۰. محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛ بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم» (دعای ندبه). ۱۱. اصلاح جامعه: زیرا فرج یعنی، نصرت، پیروزی، گشایش و مقصود از نصرت پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) صورت می گیرد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتن این آرمان بزرگ و جهانی و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدسات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود که بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد، دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. در حالی که انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ – رەتوشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳–۱۹۰ با تصرف). یادآوری مهم: درست است که وظیفه ما تلاش برای ملاقات با امام زمان(عج) نیست و حتی بنا بر نظر بعضی از بزرگان تحقق این مسأله خیلی بعید و نادر می باشد و اگر هم ممکن باشد برای امثال مقدس اردبیلی و علامه حلی قابل تصور است نه انسان های عادی هر چند مؤمن و خوب، ولی بحث ملاقات، با بحث ارتباط نباید خلط شود – مسلما وظیفه ما ایجاد ارتباط با امام عصر(عج) می باشد – منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، نماز امام زمان که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ نماید و برای گره گشایی مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته و خود را در محضر ایشان می بیند.

پاسخ ۵ – منظور دیدن همراه آگاهی و آگاهانه است. اگر سند دارید لطفاً بنویسید این موضوع برای چه کسانی رخ داده است.

پرسش

پاسخ ۵ – منظور دیدن همراه آگاهی و آگاهانه است. اگر سند دارید لطفاً بنویسید این موضوع برای چه کسانی رخ داده است.

پاسخ

ظاهرا مقصود شما ملاقات و دیدن امام زمان علیه السلام است که انشاءالله خداوند متعال با ظهورش این سعادت را نصیب همه ما بفرماید. سوال فوق دو قسمت دارد: الف) مقصود از دیدن آگاهانه چیست؟ ب) این مسئله برای چه کسانی اتفاق افتاده است؟ در رابطه با سوال اول و اینکه چرا بزرگان به روی معرفت و دیدن آگاهانه تاکید دارند باید گفت این مسئله مستفاد از آیات قرآن کریم و روایات است. می دانیم که در آیات و روایات بر مسئله محبت اهل بیت بسیار تاکید شده حتی قرآن کریم پاداش زحمات ۲۳ ساله پیامبر را مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام قرار می دهد. «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، ۲۳) و در روایات بسیاری حب و بغض ائمه اطهار ملاک ایمان و کفر قرار داده شده.(میزان الحکمه، محمدی ری شهری، جلسه ۲ ص۲۳۷ به بعد) حتی فخر رازی و زمخشری که به قول استاد مطهری در بحث خلافت به جنگ شیعه می آید،(مجموعه آثار، ج۳ ص۲۷۳) ناقل این حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند که فرمود: «الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الایمان» (تفسیر کبیر، فخر رازی، ج۲۷، ص۱۶۶، و کشاف زمخشری ج۴ ذیل آیه ۲۳ سوره شوری) هر کس با دوستی آل محمد بمیرد او مؤمن و با ایمان کامل از دنیا رفته؛ و حتی امام شافعی یکی از ائمه چهارگانه اهل سنت در این زمینه ابیات زیبائی دارد که به یک بیت اشاره می کنم، می گوید: یا آل بیت رسول الله حبکم، فرض من الله فی القرآن انزله. ای اهل بیت رسول دوستی شما فریضه ای است از جانب خداوند که در قرآن فرود آمده است. لیکن باید دانست که صرف ادعا محبت کافی نیست. در محبت هر که او دعوا کند، صد هزاران امتحان بر وی زنند. محبت واقعی نشانه هائی دارد که یکی از مهمترین آنها پیروی و تبعیت است. قرآن کریم می فرماید: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی»(آل عمران، آیه ۳۱) یعنی محک صدق ادعای محبت، پیروی و تبعیت است. و روشن است که مراد این است که انسان از خداوند و رسول و اولی الامر که ائمه باشند با اختیار و اشتیاق پیروی کند نه جبر و این منوط به شناخت آنهاست به اینکه سزاوار پیروی هستند نه دیدن آنها لهذا آنچه در روایات باعث هدایت داشته شده شناخت حجت خدا و آنچه موجب ضلالت است نشناختن حجت است. اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی (اصول کافی، محمد ابن یعقوب کلینی، ج۱ ص۳۹۶) و اگر صرف دیدن معصوم باعث نجات می شد باید ابوجهل، ابولهب، ابن ملجم و شمر و دشمنان امام زمان علیه السلام، که در زمان حیاتش او را دیدند از اهل ایمان محسوب و نجات می یافتند و حال آنکه قطعا اینگونه نیست. پس میزان قرب ما به معصومین علیهم السلام تابع میزان شناخت ما از آنها است. سلمان، ابوذر، ابو موسی اشعری و ... همه پیامبر را دیدند و ایمان هم به او داشتند لیکن درجه قرب آنها به حضرت تابع درجه معرفتشان نسبت به مقام رسالت بود. به همین علت در روایات به نسبت به شناخت ائمه تاکید شده نه دیدن آنها. «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه» (همان، ص۴۳۹، حدیث۳) کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است و روشن است که مراد شناخت شناسنامه ای ائمه علیهم السلام نیست و الا دشمنان آنها هم به این نحوه آنها را می شناختند، بلکه مراد شناخت مقام امامت و نقش ائمه در عالم تکوین و اینکه آنها وسائط فیض هستند و غرض غائی از خلقت می باشند و اینکه آنها حجت خدا بر روی زمین هستند و نجات ما در گرو پیروی مطلق و شناخت آنها است که علی علیه السلام، خود فرمود: «لا یدخل الجنه الا من عرفهم ... و لا یدخل النار الا من انکرهم» (نهج البلاغه، فیض، خطبه ۱۵۲) خلاصه کلام، آنچه مهم است پیوند معنوی و روحی با ساحت قدسی ائمه، علیهم السلام، است که با این شرط در عصر غیبت امکان ملاقات و دیدن هم هست و بر اساس شهادت تاریخ کسانی که به تکامل معنوی رسیدند، به این سعادت نائل شدند. در رابطه با سوال دوم باید گفت ملاقات با حضرت حجت علیه السلام، به چند نحو ممکن است انجام شود. اول- ملاقات و ارتباط روحی با حضرت که این نحوه از ارتباط بهترین نحوه ارتباط و دائمی است. دوم-

حضرت را در عالم خواب ببینیم. سوم- آن حضرت را در عالم مکاشفه زیارت کنیم. چهارم- وجود مقدسش را با بدن ظاهری ملاقات کنیم. که ظاهرا مراد شما قسم آخر است که باید در این رابطه گفت این مسئله برای افراد زیادی در طول تاریخ اتفاق افتاده که به این سعادت نائل شده اند که به بعضی از آنها اشاره می کنم. علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، علامه حلی، شیخ انصاری، و شیخ عبد النبی اراکی و افرادی دیگر که در این زمینه می توانید به کتاب رخسار آفتاب تألیف سید مجتبی غیوری مراجعه فرمائید، و در رابطه با سوال اول به سلسله مباحث امامت و مهدویت تألیف آیت الله صافی و یا کتاب خورشید تابان تألیف عده ای از اساتید حوزه علمیه قم و یا آثار دیگر مراجعه فرمایید.

راه رسیدن به لقای حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

راه رسیدن به لقای حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

انسان از دو طریق می‌تواند به ملاقات حضرت شرفیاب شود: ۱ - از راه تحصیل کمالات روحی؛ زیرا انسان از این راه، رذایل اخلاقی را از خود دور کرده، با عمل به دستورات شرع به درجه‌ای می‌رسد که قابلیت شرفیاب شدن به محضر آن حضرت را پیدا می‌کند. ۲ - از راه عمل به برخی از دستورات وارده که در برخی روایات به آن اشاره شده است. از آن جمله اینکه هر کس چهل شب در طول چهل هفته به مسجد سهله برود وبا حضور قلب به حضرت توجه پیدا کرده، از خداوند طلب رؤیت ایشان را نماید به ملاقات آن حضرت شرفیاب می‌شود.

چرا وقتی عدّه‌ای امام زمان‌علیه‌السلام را می‌بینند از ابتدا او را نمی‌شناسند؟

پرسش

چرا وقتی عدّه‌ای امام زمان‌علیه‌السلام را می‌بینند از ابتدا او را نمی‌شناسند؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال می گوییم: اولاً: این طور نیست که تمام کسانی که به ملاقات حضرت مشرّف شده‌اند در ابتدا حضرت را نشناخته‌اند، چه بسا افرادی که از همان ابتدا حضرت را شناخته وبا او انس داشته‌اند، همانند سید بحرالعلوم ومقدس اردبیلی و... . ثانیاً: هدف حضرت از ملاقات‌ها به طور عمده رفع گرفتاری از شیعیان است که این هدف با ملاقات ولو بدون شناخت، حاصل می‌شود. ثالثاً: شناخته نشدن حضرت (ع) به جهت عدم انس است ومعمولاً در ملاقات‌های اول بوده که حضرت را نمی‌شناختند، زیرا قبلاً او را ندیده بودند. رابعاً: گاهی انسان به جهت شوق زیاد ویا بی‌توجّهی ویا توجه زیاد به کار خود است که از مخاطب خود غافل می‌شود وبعد از برآورده شدن حاجتش به فکر می‌افتد که این شخص چه کسی بود. خامساً: شناخته نشدن حضرت در عصر غیبت کبرا طبق مقتضای اصل اوّلی است، زیرا غیبت حضرت کلّی است، وقرار است که به جهت مصالحی حضرت ناشناخته بمانند.

چرا ما نمی‌توانیم خدمت امام خود برسیم؟

پرسش

چرا ما نمی‌توانیم خدمت امام خود برسیم؟

پاسخ

اولاً: ما باید ملاحظه کنیم که وظیفه ما در این عصر وزمان چیست وبرای رسیدن به کمالی که هدف از خلقت ما قرار گرفته چه باید بکنیم. وظیفه ما جز عمل به دستورات ووظایفی که از ناحیه امامان معصوم: به ما ابلاغ شده ورسیده چیز دیگری نیست. اگر چه مجرّد ملاقات حضوری خود نیز شرفی خاص است. ثانیاً: منشأ محرومیّت از ملاقات حضرت (ع) وغیبت ایشان خود ما بوده‌ایم. وخود ما نیز می‌توانیم با برداشتن موانع ظهور، در رفع این محرومیّت‌ها سهیم باشیم. ثالثاً: برای هر امّتی، در هر عصر وزمانی یک نوع امتحان است، ومسأله غیبت امام زمان (ع) در این دوره برای جامعه شیعی یک نوع امتحان بزرگ محسوب می‌شود. رابعاً: کسی نگفته ما نمی‌توانیم خدمت آقا امام زمان (ع) مشرّف شویم. این امر برای هر کس مقدور است، ولی مقداری سنخیّت لازم دارد، باید غبار وزنگار را از چشم ودل زدود تا قابلیّت لقای حضرت را پیدا کرد. وبه طور کلّی احتیاج به دویدن نیست بلکه اگر خود را اصلاح کنیم آن حضرت خود به دیدارمان خواهد آمد.

۲–برای دیدار امام زمان « عج » چه کارهایی را باید انجام داد ؟

پرسش

۲–برای دیدار امام زمان « عج » چه کارهایی را باید انجام داد ؟

پاسخ

ج ۲– اولا ـ در اصلاح نفوس خودمان بکوشیم و به اخلاق نیک آراسته شویم و به وظایف فردی خودمان عمل کنیم و احکام و دستورات قرآن را به کار ببندیم طهارت و پاکدامنی یعنی : در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد به این معنا که هر گاه نفس خواست سرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفظ کرد، چنانکه حضرت امیر المومنین« علیه السلام » می فرماید : { الصبر علی الشهوت عفّه } یعنی : «مقاومت در برابر شهوتها عفت و پاکدامنی است » کلید سعادت و خوشبختی عبارت است : ۱– تقوی و تزکیه نفس مهمترین دستوروعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصیل تقوی و تزکیه نفس است، که تمامی انبیاء علیه السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند ، چنانکه قرآن می فرمایند: « پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیزتا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه شان کند. زیرا؛ تو توانا و حکیم هستی . در محضر پروردگار هر گاه انسان حقیقتا دانست که خداوند متعال حاضر و ناضر او است و در هر لحظه در منظر دید خداوند و در محضر پروردگار قرار دارد تمام کردار و گفتارش در جهت صحیح قرار می گیرد . ۳– توجه به حیات ابدی . بدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما از آن عبور خواهد کرد و بعد از آن وارد منازل و عقبه هائی خواهد شد که مقدمه برای حیات ابدی توست. ۴– نماز و عبادت ۵– کنترل فکر ۶– ازدواج ۷– اهمیت دادن به

محیط خانواده ۸- دوری از گناه ۹- حفظ حجاب ۱۰ - مرابطه و توسل منابع : ۱-سیمای آفتاب , حبیب الله طاهری ۲- قص الظهور , قاسم میرخلف زاده ۳- خورشید غایب , رضا استادی ۴-خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی

اثر تشرف

مگر امام زمان نگفته که هر کس بگوید با امام زمان ارتباط دارم، کذب است، پس چگونه امام خمینی با امام زمان ارتباط داشت؟

پرسش

مگر امام زمان نگفته که هر کس بگوید با امام زمان ارتباط دارم، کذب است، پس چگونه امام خمینی با امام زمان ارتباط داشت؟

پاسخ

در آخرین توقیع و نامه‌ای که از امام زمان (عج) رسید، آمده است": الا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحهٔ فهو کاذب مفتر؛ بدان هر که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه (و بانکی از آسمان) ادعای دیدن من را تاریخ عصر غیبت، ۲۱۹؛ بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۱. نماید، دروغگو است. "با صدور این توقیع از ناحیه مقدسه، دوره غیبت صغری که از ویژگی‌هایش نیابت خاصه است (که از ۲۶۰ تا ۳۲۹ ه ق بود)؟ به پایان رسید و دوره غیبت کبری آغاز گردید که از ویژگی‌هایش نیابت عامه برای فقیهان داری این شرایط ویژه رهبری و تدبیر است. در دوره غیبت کبری ارتباط با امام زمان به گونه‌ای که در دوره قبل وجود داشت، قطع گردید، لیکن ارتباط به صورتی دیگر برقرار است. نیابت خاصه در عصر غیبت کبری منتفی گردید، و هر که ادعا کند نایب خاص حضرت هستم، می‌بایست او را تکذیب نمود. مقتضای روایت مذکور همین سخن است و این منافاتی ندارد که برخی از اولیاء الله، بدون هیچ ادعایی، با حضرت مهدی (عج) رابطه داشته باشند. این که امام خمینی با امام زمان (عج) ارتباط داشت یا نه، اثبات و نفی‌اش برای ما مشکل است و شاید بتوان گفت که ممکن نیست. می‌توان حدس زد که رهبری انقلاب اسلامی ایران و خنثی نمودن آن همه توطئه‌ها از عنایات ویژه امام زمان (عج) نشأت گرفته است، چرا که از بعضی احادیث و روایات برمی‌آید که امام زمان، امت اسلامی را تنها نمی‌گذارد و همانند آفتاب پشت ابر انسان‌ها می‌توانند از او بهره‌مند شوند و کسانی را که به او نزدیک شوند، مورد عنایت خود قرار می‌دهد، البته توجه داشته باشید که امام خمینی هیچ گاه ادعای مشاهده نکرده است. اگر هم با حضرت در ارتباط بودند، آن را برای مردم بیان نکردند. چرا که: هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

آیا امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) ارتباط داشته است؟

پرسش

آیا امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) ارتباط داشته است؟

پاسخ

دربارهٔ ارتباط و عدم ارتباط امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) نمی توان قضاوت قطعی نمود، زیرا این مسایل از اموری است که ما نمی دانیم. ممکن است شخصیت های الهی مانند امام خمینی (ره) که از قابلیت و شایستگی برخوردارند، با امام زمان (ع) ارتباط

مستقیم داشته و در هدایت و رهبری مردم و مبارزه علیه ظالمان، از وجود مقدس امام زمان (ع) بهره گیرند. برخی عقیده دارند که انسان های لایق در زمان غیبت کبری می توانند با امام زمان (ع) ارتباط داشته باشند، مانند ارتباط علامه حلی با امام زمان (ع). از سوی دیگر به نحوهٔ دیگر از عنایت امام زمان (ع) برخوردار شد، زیرا تنها راه ارتباط با امام (ع) ارتباط مستقیم نیست، بلکه را ه های دیگر نیز وجود دارد. امام (ع) از راه های دیگر به بزرگان دین کمک نموده و به هدایت و رهبری آنان می پردازد. در برخی روایات آمده است که امام به گونهٔ ناشناس در میان مردم آمده و به هدایت آنان می پردازد و مردم امام خویش را نمی شناسند. بنابراین می تواند امام خمینی نیز به طور غیر مستقیم مورد عنایت امام زمان قرار گرفته باشد. همان گونه که امکان دارد با امام (ع) ارتباط مستقیم داشته و از حضرت دستور مستقیم گرفته و امام (ع) وظایف او را تعیین می کرده است. اما به نحو کلی می توان گفت که با توجه به اعتقاد ما شیعیان به امام زمان (ع) و اینکه انسان ها و شیعیان را مورد عنایت و توجه قرار می دهد، دوران سخت انقلاب و پس از آن و در دوران جنگ تحمیلی که شرایط بر مسلمانان و شیعیان ایران بسیار دشوار بود، مطمئناً کشور و مردم و رهبر انقلاب مورد توجه و عنایت امام عصر (عج) قرار داشته اند.

در زمان غیبت، امام زمان((علیه السلام)) با چه کسی تماس دارد؟

پرسش

در زمان غیبت، امام زمان((علیه السلام)) با چه کسی تماس دارد؟

پاسخ

همانگونه که از عنوان «زمان غیبت» به دست می آید در این زمان کسی نمی تواند با امام زمان((علیه السلام)) تماس پیدا کند ولی ارتباط معنوی بین آن حضرت و شیعیانش برقرار است و شیعیان و دوستان وی از عنایات و الطاف ویژه ی آن حضرت برخوردار می باشند. گذشته از این که امام زمان((علیه السلام)) واسطه ی فیض الهی است و به خاطر آن حضرت است که تمام موجودات عالم از خدای جهان کسب فیض می نمایند. و در حدیثی که در کتاب احتجاج، ص ۳۲۳، ج ۲ نقل شده است امام((علیه السلام))می فرمایند: ما در مراعات شما کوتاهی نمی کنیم و شما را فراموش نمی کنیم و اگر این نبود شر و بدی بر شما نازل می گشت و دشمنان بر شما مستولی می گردیدند. (بخش پاسخ به سؤالات)

در رابطه با امام زمان (ع) در زمان غیبت در حدیث موثقی آمده هرکسی ادعای رؤیت کند تکذیب کنید در حالی که علمای طراز اولی بوده‌اند که ملاقات داشته‌اند و در همان حال بیداری توانستند امام را بشناسند و برای دیگران هم نقل کردند. برنامه صبح امید کانال صدا و سیما در

پرسش

در رابطه با امام زمان (ع) در زمان غیبت در حدیث موثقی آمده هرکسی ادعای رؤیت کند تکذیب کنید در حالی که علمای طراز اولی بوده‌اند که ملاقات داشته‌اند و در همان حال بیداری توانستند امام را بشناسند و برای دیگران هم نقل کردند. برنامه صبح امید کانال صدا و سیما در همه هفته نمونه‌های زیادی را ذکر می‌کند. این مطالب چگونه با آن احادیث قابل توجیه است و از طرفی از قول آقای جوادی آملی نقل شده که گفت اگر چشمان ما لیاقت دیدار شاگرد شاگرد امام زمان (ع) را داشته باشد خیلی کار کردیم

چه رسد به امام زمان.

پاسخ

آنچه در روایات آمـده است و همچنین مراجع معظم تقلید برآن تاکید نموده اند. لزوم تکذیب کسـی است که ادعای رؤیت ونیابت وواسـطه گری کنـد. همانگونه که در عهـد غیبت صـغری بوده است و گرنه ملاقات ودیـدار باحضـرت نه امتناع عقلی دارد و نه منع شرعی . تشـرف بزرگان هم به محضـر حضرت که بدون ادعای واسطه گری و نیابت بوده صحیح و غیر قابل انکار و احوال حضرت همچون خورشـید پشت ابر است و هر کس که بتواند از ابر نفس و حجاب انانیت بگذرد در محضـر خورشـید خواهد بود همانگونه که مرحوم حَدّاد رضوان الله علیه بنابرنقل علامه طهرانی اعلی الله مقامه در" روح مجرد "فرمودند: کور است هر چشمی که هر صبح به جمـال امـام زمان (ع) ارواحنا له الفـداه نیفتـد . و جمله ای که از اسـتاد ما آیت الله جوادی آملی حفظه الله نقل شـده نشانـهٔ شـرط رسـیدن به محضـر حضـرت است نه امتناع آن که البته شـرط سـخت است و در عین حال شیرین، عبور از نفس و رسیدن به طهارت. ولی مهم تشرفِ با معرفت است البته کم هستند کسانی که به حقیقت محضر حضرت رسیده اند و عمده تجلی نفس خود را دریافت کرده‌اند .

آیا گفته کسانی که ادعایی ملاقات با امام زمان را دارند صحیح است ؟

پرسش

آیا گفته کسانی که ادعایی ملاقات با امام زمان را دارند صحیح است ؟

پاسخ

این که در این زمان افراد زیادی امام عـج را دیده‌انـد، سـخن بـدون دلیلی‌است زیرا دیـدن امام مهدی عج به دو صورت است ۱. در حال اضطرار؛ یعنی برای کسی مشکلی پیش بیاید (مثلاً در بیابان گم‌شود یا جانش در خطر باشد) و امام برای کمک او حاضر شود. ۲. دیدن امام ع در حال اختیار و بدون وجود ضـرورت برای دسته اول نمونه‌های فراوانی وجود دارد که کسی در حال اضطرار به‌فرد یا افرادی کمک کرده و آنان را از خطر و مرگ نجات داده است این مطلب‌واقعیت دارد؛ لیکن این که آن شـخص خود امام مهدی ع باشـد معلوم نیست زیرا در روایـات و احـادیث آمـده است که امـام ع دستیـاران و یـاورانی دارد که‌آن حضـرت را در انجام دادن کارهـا کمـک می‌کننـد، گمشـدگان را نجـات می‌دهنـدو... در برخی از موارد احتمـال دارد کسـی که به فریـاد مردم رسـیده اسـت یکی‌ازدستیاران امام باشـد نه خود امام ع . هر چنـد که ممکن است در برخی ازموارد هم خود آن حضـرت این کار را کرده باشـد . دربارهٔ دیدن امام در حال اختیار گفتنی است که موارد آن مواردش بسـیار کم‌است و کسانی که چنین توفیقی داشـته باشـند، معمولاً آن را ابراز نمی‌کننـد و ازشـهرت فراری هسـتند. داسـتان‌های زیادی از علما نقل شده که اگر جریان‌ملاقات خود را برای کسـی نقل کرده‌انـد از او خواسـته‌اند کـه پیش از مرگشـان آن‌را برای کسـی نقـل نکنـد، دربـارهٔ ایـن کـه خـود امـام زمـان (ع فرموده‌انـد: «به زودی‌کسـانی ادعـای مشاهـدهٔ ...» گفتنی است مـا از یـک سـو می‌دانیم واقعاً بزرگـان و علمـایی ـ هر چنـد کم ـ به خـدمت امـام ع رسـیده‌اند. این افراد به هیـچ وجه دروغ‌گو و فریب کار نبوده‌اند؛ بنابر این مامطمئن هستیم که اگر گفته‌اند ما امام را دیده‌ایم راسـت گفته‌انـد؛ لیکن از سوی‌دیگر خود امام زمان ع فرموده است کسانی که ادعای مشاهدهٔ مرا می‌کنند،دروغ می‌گویند. علما و بزرگانی

مثل علامهٔ مجلسی محدث نوری و... برای‌توجیه این مطلب جواب هایی را ذکر کرده‌اند. یکی از آن پاسخ‌ها این است‌که سخن امام مهـدی ع به این معنا است که کسانی که ادعا می‌کننـد، از طرف‌من وکیل یا نایب یا واسطه هسـتند، دروغ می‌گویند؛ وگرنه ادعای دیدن‌حضرت ـ بدون ادعای وکالت نیابت و... ـ اگر از سوی انسان‌های با تقواوعادل باشد ایرادی ندارد.

چند مورد از ملاقات های آقا با امام زمان را بیان کنید؟

پرسش

چند مورد از ملاقات های آقا با امام زمان را بیان کنید؟

پاسخ

قابل ذکر است افراد وارسـته اگر ملاقاتهایی با فرسـتادگان امام زمان(عـج) و یا خود امام زمان(عـج) داشـته باشـند به طور معمول در زمـان حیـات خود اعلام نمی کننـد. اما از برخی تصـمیم گیریها در مواقع حساس و یا برخی امـدادهای غیبی در بحرانها، لطف امام زمان(عج) نسـبت به آنان بسـیار محسوس است. چنان که از امام راحل(ره) از چندین منبع موثق به طور مستقیم گفته شده است. که در بعد از ظهر ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، رژیم شاه حکومت نظامی اعلام کرد. و وضعیت بسیار بحرانی بود و تصمیم گیری بسیار مشکل بود. چون اگر مردم به خیابانها می آمدنـد، چه بسا بر اساس قانون حکومت نظامی کشـتار فراوانی رخ می داد. اما در آن لحظات حساس امـام راحل(ره) اتاق را خلوت کردنـد و پس از مـدتی اعلام کردنـد مردم به خیابانها بریزنـد. آقای طالقانی(ره) به جهت خیرخواهی تلفنی با امام تماس گرفتنـد. که امام از تصـمیم خود صـرف نظر کنند. پس از چندین تماس امام راحل(ره) فرمودند اگر دسـتور امام زمان(عج) باشد باز هم شـما حرفی دارید؟!! در این هنگام آقای طالقانی(ره) بهت زده تسـلیم می شود و همگی راضـی می شوند. و اتفاقا در همان شب انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

علی بن مهزیار در کجا امام زمان را ملاقات کرد؟

پرسش

علی بن مهزیار در کجا امام زمان را ملاقات کرد؟

پاسخ

علی بن مهزیار در سـفر حج و در مکه معظمه توفیق شرفیابی و ملاقات با امام زمان (عج) را پیدا کردند. برای آگاهی بیشتر به کتاب هایی که جریان دیدارهای مشتاقان حضرت را بیان کرده اند مراجعه کنید.

با سـلام با توجه به اینکه برخی از بزرگان ما با امام زمان ارتباط داشـتند ... پس چرا از ایشان سئوالاتی را که شبهه برانگیز است را از ایشان نمیپرسند ؟ مثل ازدواج عمر با ام کلثوم .... یا بسیاری از مسائل دیگر ؟ تا شک همه برطرف بشود.. مانند مطمئن شدن عالمی از بودن

پرسش

با سلام با توجه به اینکه برخی از بزرگان ما با امام زمان ارتباط داشتند ... پس چرا از ایشان سئوالاتی را که شبهه برانگیز است را از ایشان نمیپرسند ؟ مثل ازدواج عمر با ام کلثوم .... یا بسیاری از مسائل دیگر ؟ تا شک همه برطرف بشود.. مانند مطمئن شدن عالمی از بودن قبر حضرت زینب در دمشق توسط حضرت قائم

پاسخ

۱. آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام ابوالحسن علی بن محمد سمری است. چند روز مانده به مرگش این نامه از سوی امام زمان برای ایشان رسید: «بسم الله الرحمن الرحیم. ای علی بن محمد سمری! خداوند به برادران دینی تو اجر عظیم عطا کند زیرا که تو در این شش روز خواهی مرد پس کارهای خود را مرتب کن و کسی را جانشین خودت قرار مده. وقت غیبت تام فرا رسیده و جز به اذن خدا ظهوری نخواهد بود و این ظهور پس از طولانی شدن مدت و سخت شدن دلها و پر از ظلم شدن کرده زمین تحقق یافت. به زودی برخی از شیعیان من ادعای مشاهده می کنند، بدانید، هر کس قبل از خروج سفیانی و صحیحه آسمانی ادعای مشاهده مرا بکند کذاب است.» (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۸ و منتهی آلامال، ج ۲، ص ۸۹۴ چاپ هجرت) بر اساس این توقیع شریف، هر کس در میان شیعیان اعلام کنده که من امام زمان را مشاهده می کنم و با او ارتباط دارم، کذاب و دروغگو است و برای همین کسانی که توفیق زیارت امام زمان نصیب آنها شده، هیچوقت اعلام نمی کنند که ما امام زمان را ملاقات و مشاهده کردیم و پس از مرگ آنها برخی از خواص، این حادثه را نقل کردهاند. پس چنین نیست که ارتباط با امام زمان، یک ارتباط عادی و خودمانی باشد و شخص مشاهده کنند بتواند با او خودمانی و عادی ملاقات کند بلکه این ملاقات، یک ملاقات غیر عادی و غیر متعارف است و ما نباید توقع داشته باشیم که شخص مشاهده کنند از امام زمان هر سوالی را بکند و جوان آن حضرت را برای ما اعلام کند و اگر چنین کاری پیش بیاید، در این صورت این شخص به عنوان نایب و سفیر آن حضرت خواهد بود گر چه در رساند جواب ای سوالات و چنین نیابتی بر اساس آن توقیع نفی شده و هیچکس چنین نیابتی از سوی آن حضرت ندارد. البته شخص مشاهده کنند ممکن است جواب سؤالاتی را از امام زمان علیه السلام دریافت بکند ولی این جواب فقط برای خود اوست و او حق ندارد به دیگران اعلام بکند و اگر اعلام کند، همه ما او را تکذیب خواهیم کرد. ۲. یکی از سؤالاتی که جوابش معلوم نیست این سوال است: «قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در کجاست؟» پدر آیةالله نجفی مرعشی مدتی ریاضت کشید و به امامان توسل کرد تا محل قبر فاطمه زهرا سلام الله علیها را بشناسد. پس از توسلهای زیاد به او الهام شده که تو کاری نداشته باش که قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در کجاست و هر وقت خواستی فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت کنی در قم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را زیارت کن. از این داستان معلوم میشود که جواب برخی از سوالات نباید مشخص باشد و مصلحت در مبهم ماندن آن جواب است، به عنوان مثال، قبر حضرت زینب کبری بطور یقین معلوم نیست در کجاست؟ آیا در مصر است؟ یا در شام است؟ و یا در مدینه است؟ در حال حاضر سه مرکز، محل زیارت حضرت زینب کبری است آنهم در سه کشور و هر سه مرکز پایگاه تبلیغات شیعهه است و مردم به هر سه مرکز روی میآورند و پیام نهضت کربلا از این مرکز به گوش جهانیان میرسد. ۳. الان عصر غیبت است و اگر بنا باشد جواب سوالات را از امام زمان دریافت کنیم در این صورت، دیگر عصر غیبت نخواهد بود بلکه عصر حضور خواهد بود در حالی که عصرر ماه عصر غیبت است آنهم غیبت تام و در عصر غیبت تام نمیتوان از امام عصر مانند عصر حضور بهرهمند شد. در عصر غیبت تام ما مؤظف هستیم در امر دین و دنیای خود به فقهای عادل و جامع شرائط مراجعه کنیم و این فقها هم با اجتهاد و تلاش خود احکام اسلامی را به دست میآورند. اگر فقیهی و یا شخصی دیگری دارای مقامات معنوی بلندی شد و به خدمت حضرت صاحب الامر تشرف یافت، نمیپرسد که آقاجان! قبر حضرت زینب کبری کجاست؟ بلکه اگر بخواهد سوالی بکند، سوالی می کند که از اینها اساسیتر و کارسازتر است. اینکه عمر بن خطاب با دختر حضرت فاطمه زهرا

سلام الله علیها ازدواج کرده یا نکرده، مسأله اساسی و کارساز نیست و می‌توان آن را از راههای دیگر به دست آورد و نیازی نیست که از امام بپرسیم. ۴. کسانی که با حضرت صاحب الامر ملاقات داشته‌اند، بسیاری از آنها پس از جدایی از امام زمان فهمیده‌اند که امام زمان را دیده‌اند نه اینکه از همان اول متوجه باشند و بیشتر این افراد، ناگهان متوجه حضور حضرت امام عصر شده‌اند نه اینکه قبلاً برنامه ریزی کرده باشند. بنابراین کسی که ناگهان متوجه حضرت حضرت صاحب الامبر باشد، نمی‌تواند هر چه می‌خواهد برسد بلکه محو تماشای جمال او می‌شود و خود غیر خود را فراموش می‌کند و برخی از علمای بزرگ مانند مقدس اردبیلی با حضرت صاحب الامر ارتباط قوی داشتند و گاهی این ارتباط قبلاً پیشبینی می‌شد و ایشان هم با برنامه‌ریزی خدمت امام عصر می‌رسیدند و سؤالاتی هم از آن حضرت می‌کردند ولی ایشان هیچوقت این راز را فاش نکرد و پس از مرگ او برخی از شاگردانش این راز را فاش کردند. افرادی مانند مقدس اردبیلی که شایستگی درک محضر حضرت ولی عصر را داشتند، حق نداشتند این سر را به کسی بگویند. به این نکته هم توجه داشته باشیم برخی افراد گرفتار که امام زمان را به فریاد رسی می‌خوانند و کسی هم ظاهر می‌شود و به او کمک می‌کند، نمی‌توان گفت که این خود حضرت صاحب الامر است بلکه در مواردی خود امام نمی‌آید بلکه دیگری را می‌فرستد.

چه کسانی به ملاقات حضرت در غیبت کبرا مشرّف شده‌اند؟

پرسش

چه کسانی به ملاقات حضرت در غیبت کبرا مشرّف شده‌اند؟

پاسخ

کسانی که در غیبت کبرا به لقای حضرت مشرف شده‌اند را نمی‌توان شمارش کرد، زیرا برخی از آنها ناشناخته مانده وکسانی هم که شناخته شده‌اند چندان زیاد هستند که شمارش آنها دشوار است، ولی از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – سید بن طاووس؛.{پاورقی . مهج الدعوات، ص ۲۹۶. پاورقی} ۲ – علامه حلّی؛.{پاورقی . مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۷۳ ؛ جنة المأوی مطبوع با بحار، ج ۵۳، ص ۲۵۲ ؛ قصص العلماء ص ۳۵۹. پاورقی} ۳ – شیخ قطیفی.{پاورقی . ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۸ ؛ الکنی والالقاب، ج ۳، ص ۶۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۵۵. پاورقی} ۴ – مقدس اردبیلی؛.{پاورقی . الانوار النعمانیة، ج ۲، ص ۳۰۳. پاورقی} ۵ – محمّد تقی مجلسی؛.{پاورقی . روضة المتقین، ج ۵، ص ۴۵۰ ؛ ج ۱۴ ص ۴۱۹ù۴۲۰. پاورقی} ۶ – سید مهدی بحرالعلوم؛.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۶ù۲۳۴. پاورقی} ۷ – شیخ مفید؛.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲ ؛ قصص العلماء، ص ۳۹۹. پاورقی} ۸ – شیخ انصاری؛.{پاورقی . دارالسلام ؛ حیات وشخصیت شیخ انصاری، ص ۱۰۶. پاورقی} ۹ – میرزای شیرازی؛.{پاورقی . مذاکرات آیت اللّه حائری، ص ۳۰. پاورقی} ۱۰ – شیخ حرّ عاملی؛.{پاورقی . اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۱۰، باب ۳۳. پاورقی} ۱۱ – اسماعیل هرقلی.{پاورقی . کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۳ ؛ تبصرة الولی، ص ۲۳۴. پاورقی} ودیگران.{پاورقی . ر.ک": جنة المأوی "و"نجم‌الثاقب "از حاجی نوری ودیگر کتب. پاورقی}

کیفیت ملاقات مردم با حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه است؟

پرسش

کیفیت ملاقات مردم با حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه است؟

پاسخ

در مورد کیفیّت ملاقات حضرت مهدی (ع) با افراد در صورت ضرورت احتمالاتی وجود دارد: ۱ - کسی که به ملاقات حضرت شرفیاب شده از حضرت دور نبوده بلکه در بین جامعه‌ای زندگی می‌کرده است که امام زمان (ع) نیز در آن جامعه بوده است. ۲ - ملاقات، به صورت اتفاقی بوده است، به این صورت که حضرت از محلّی عبور می‌کرده از قضا کسی گرفتار وحاجتمند بوده وبا او ملاقات داشته است. ۳ - اینکه امام (ع) هرگاه ملاحظه می‌کرد که شخصی گرفتار است ویا حاجتی دارد ورفع گرفتاری وحاجت او ضروری به نظر می‌رسید شخصاً از مکان خود به طریق طبیعی حرکت کرده وخود را به او می‌رسانده تا حاجت او را برآورده کند. ۴ - احتمال دارد که ملاقات‌ها برای قضای حاجت، یا هدایت شخص یا گروه، یا دفع ظلم وغیره، از راه معجزه باشد، به اینکه حضرت با طیّ‌الأرض از مکان خود حرکت کرده وسریع خود را به مقصد می‌رساند. همه این احتمالات متصوّر است، به این معنا که حضرت از همه راه‌ها برای برآوردن حاجات استفاده می‌کند.

امام زمان‌علیه‌السلام چه اهداف کلی و عمومیخاصی از ملاقات با مردم داشته است؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام چه اهداف کلی و عمومیخاصی از ملاقات با مردم داشته است؟

پاسخ

در مورد اهداف کلی وعمومی ملاقات‌ها به چند هدف اساسی می‌توان اشاره نمود: ۱ - نجات مسلمانان از ظلم برخی از حاکمان منحرف، که از آن جمله می‌توان به نجات مردم بحرین اشاره کرد. {پاورقی . نجم‌الثاقب، ص ۳۶۷. پاورقی} ۲ - نجات مسلمانان از دست دزدان وجنایتکاران.{پاورقی . همان، ص ۳۷۰. پاورقی} ۳ - توجه دادن مردم به عدم تحقق شرط ظهور وتأکید بر اینکه امّت به شعور وقابلیّتی نرسیده که بتواند عهده‌دار حکومت عدل جهانی گردد.{پاورقی . تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۳۵Ù۱۳۶. پاورقی} اهداف خصوصی برای ملاقات‌ها فراوان است، ولی می‌توان به برخی از این اهداف اشاره نمود: ۱ - هدایت شخص وامانده در راه وملحق کردن او به قافله. ۲ - یاری دادن یکی از دو طرف مباحثه که بر طریق حقّ بوده به جهت مصلحتی که اقتضا کرده است. ۳ - حلّ برخی از مسائل که بر علما دشوار می‌شود، همان گونه که مقدّس اردبیلی برای حل مسائل دشوار خدمت حضرت مشرّف می‌شد. ۴ - خبر دادن از برخی مسائل سیاسی مهم زمان قبل از آنکه به وقوع بپیوندد، به جهت حفظ مصالح شیعیان. ۵ - بالا بردن سطح علمی ومعیشتی شیعیان. ۶ - مساعدت مالی به شیعیان گرفتار. ۷ - شفای مریضانی که زمین‌گیر شده وپزشکان آنها را جواب کرده‌اند. ۸ - تعلیم ادعیه واذکار به جماعتی از مردم، همانند تعلیم دعای فرج. ۹ - تحریص بر تلاوت ادعیه به جهت رفع گرفتاری‌ها. ودیگر اهداف خاص.

آیا ممکن است کسی در ملاقاتش باحضرت مهدی‌علیه‌السلام او را بشناسد؟

پرسش

آیا ممکن است کسی در ملاقاتش باحضرت مهدی‌علیه‌السلام او را بشناسد؟

پاسخ

مطابق قواعد عامّه در مورد غیبت حضرت مهدی (ع) که قرار است از دشمنان محفوظ باشد تا کسی او را به قتل نرساند، باید بر کسی شناخته شده نباشد جز افراد ممتاز از مردم که از اولیای آن حضرت به شمار می‌آیند، همان گونه که مطابق برخی از روایات، سی نفر همیشه در رکاب حضرت بوده وبا حضرت به سر می‌برند. همچنین از برخی روایات استفاده می‌شود که حضرت (ع) یا دیده نمی‌شوند و یا در صورت دیده شدن کسی او را نمی‌شناسد. در روایتی از امام رضا (ع) می‌خوانیم که فرمود": لا یری جسمه؛" "جسم او مشاهده{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۰. پاورقی} نمی‌شود ".و نیز از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود": الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه"؛ "...پنجمین از اولاد هفتمین [امام] شخصش از شما غایب می گردد {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲. پاورقی} و نیز روایت شده که فرمود": یفقد الناس امامهم، فیشهد الموسم فیراهم ولایرونه؛{"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱. پاورقی"} مردم امامشان را مفقود و گم می کنند، پس او در موسم [حج] حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند ولی آنان او را مشاهده نمی کنند ".و نیز در خبر محمّد بن عثمان عَمْری می‌خوانیم که فرمود": واللّه انّ صاحب هذا الأمر لیحضر الموسم کلّ سنهٔ یری الناس و یعرفهم و یرونه و لایعرفونه"؛ "به خدا سوگند! همانا{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی} صاحب این امر هر سال در موسم [حج] حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند و آنان را می‌شناسد و مردم نیز حضرت (ع) را می‌بینند ولی او را نمی‌شناسند".

آیا جدیداً کسی حضرت مهدی"عج "را دیده است که پیامی از جانب ایشان داشته باشد؟

پرسش

آیا جدیداً کسی حضرت مهدی"عج "را دیده است که پیامی از جانب ایشان داشته باشد؟

پاسخ

مسلم است که عده ای از بزرگان و علما دین همانند شیخ مفید،مقدس اردبیلی، فیض کاشانی .ارتباط ظاهری و ملاقات با امام زمان(عج) داشتند و ممکن است انسان با ایمانی امام زمان را ببیند امّا اگر کسی موفق به دیدار آن حضرت بشود وآن حضرت را بشناسد نباید ادعای ارتباط با امام زمان (عج) داشته باشد و آن دیدار را از روی قرار قبلی بقصد نیابت خاصهٔآن حضرت اعلام نماید. اگر فردی چنین مطلبی را وانمودکرد مردم موظفند که او را تکذیب کنند. و همچنین روایاتی از اهل بیت (ع) و خود امام عصر ارواحنا فداء به ما رسیده است که هر کس ادعای دیدار حضرت قائم (عج) را بکند بسیار دروغگو است و او را تکذیب کنید . و برای روشن شدن مطلب سخنان برخی از مراجع بزرگوار تقلید را بیان می کنیم. حضرت آیت ا...صافی گلپایگانی می فر ماید : "ادعای ارتباط خاص باحضرت حجت"عج "در زمان غیبت آن بزرگوار دروغ است وشرکت درمجالسی که در آن چنین ادعاها می شود حرام است و مؤمنین باید بی اساس بودن چنین ادعا را برای مردم بیان کنند که گمراه نشوند".۱ "وحضرت آیت ا...فاضل لنکرانی می فرماید" : ما فعلاً ـ موظف هستیم به تکلیف خود در زمان غیبت که فقهای عظام برای ما معین می کنند عمل کنیم (وکسانی که ادعای دیدار می کنند) معمولاً انگیزه های مادی وگاهی سیاسی دارندو لذا مؤمنین باید مواظب این توطئه ها باشند ودر دامان این افراد سودجو ومغرض نیفتند".۲ "ولذا همانطور که عرض کردیم ممکن است انسان با تقوا ومؤمن خالصی با امام

عصر دیدار کند (یا دیدار کند وشخص ایشان را نشناسد) اما نمی تواند ازاین دیدار ویا سخنانی که حضرت با ایشان گفتند به کسی بـازگو کنـد.وگرنـه بایـد او را تکـذیب کرد".۳ "هرکـه را اسـرار حـق آموختنـدمهر کردنـد ودهـانش دوختنـد (۱) مسائل جدید،ج۳،ص۲۲۳ (۲) جامع مسائل،ج۱،ص۴۹۳ مجله با معارف اسلامی آشنا شویم،شماره ۳۵،ص۷۵

بعضی ها می گویند ما امام زمان"عج "را دیده ایم فلان عالم یا فلان مرجع، پس دستور غیبت کبری چه می شود؟

پرسش

بعضی ها می گویند ما امام زمان"عج "را دیده ایم فلان عالم یا فلان مرجع، پس دستور غیبت کبری چه می شود؟

پاسخ

از این که ما را مورد وثوق واعتماد دانسته وابهامات خودتان را درمورد چند مسأله مطرح کرده اید سپاسگزاریم، امیدواریم بتوانیم پاسخگوی حسن اعتماد شما باشیم. همانطور که خوتان اشاره کرده اید دوران غیبت امام عصر"عج "به دو دوره غیبت صغری و غیبت کبری تقسیم می شود وما در حال حاضر در دوارن غیبت کبری بسر می بریم. در این دوران امام"ع "برخلاف دوره غیبت صغری افراد مشخصی را برای پاسخگویی به مسائل مردم و راهنمایی آنها مشخص نفرموده اند، بلکه علمای واجد شرایط، از سوی ایشان نیابت عامه دارند. امام"ع "شرایط و ضوابط کلی را بیان فرموده تا درطول زمان هر فردی که آن ضوابط را دارا باشد، به نیابت ازامام، درامر دین و دنیا، راهنما و مرجع شیعیان باشد. دراین دوران مردم باید مسائل موردنظر خودرا با نواب عام درمیان بگذارند و مردم ازآنان که از پیروان صادق وراهیان حق‌اند و به حکم تخصصی که دارند و نیز بنا به روایات وارده حجت می باشند، پاسخ سؤالات خودشان را دریافت خواهند کرد. مرحوم کشی می نویسد" : امام زمان"ع "فرمودند : عذر وبهانه ای برای هیچ کس از دوستان ما در تشکیک نسبت به آنچه افراد مورد اطمینان ازما نقل می نمایند نیست. اینان بدانند که ما اسرار خود را به آنان واگذار کردیم وبه ایشان دادیم"".۱ "مرحوم شیخ طوسی، شیخ صدوق وشیخ طبرسی از اسحاق بن عمار نقل می نمایند که او گفت" : مولایمان حضرت مهدی"ع "درمورد وظایف شیعیان درزمان غیبت فرموده اند : هرگاه حوادث و پیشامدهایی که برای شما واقع شد به روایت کنندگان حدیث ما مراجعه کنید، که آنان حجت من بر شما هستند ومن حجت خدا برآنان می باشم""۲" مرحوم طبرسی درکتاب احتجاج خود ازامام صادق"ع "نقل می کند که حضرت ضمن حدیثی می فرماید" : هریک از فقها که مراقب نفس ونگهبان دین ومخالف هوا وهوس و مطیع فرمان مولایش (ائمه اطهار"ع) "باشد، برهمه مردم وشیعیان لازم است از بنابراین درعصر غیبت کبری تمام امور مسلمانان دردست ولی فقیه جامع الشرایط قرارگرفته است و تمام کارها باید با نظر اوانجام گیرند. لذا دراین دوران برهمگان فرض و واجب است درامور خود به احکام و دستورات ولی فقیه رجوع کنند وازاو اطاعت کنند. برادرعزیز اگر آنچه شما ذکر کرده اید تأیید ولی فقیه و مراجع عظام می باشد، هیچگونه خللی وارد نمی شود ولی اگر افرادی ادعای ملاقات با امام زمان"ع "را بنمایند واز سوی ایشان پیامهایی را القا کنند که با دستورات مراجع بزرگوار و ولی فقیه جامع الشرایط درتعارض وتضاد باشد هیچگونه حجیت وسندیتی ندارد وبرخلاف دستور صریح امام"ع "می باشد و باید از پیروی آنان خود داری ورزید، آنچه برای ما دردوران حاضر حجت است اطاعت از فرامین علمای اعلام، بخصوص ولی فقیه ورهبر عالیقدر جمهوری اسلامی است. هر آنچه مؤید ایشان باشد صحیح است و جزآن حجیت ندارد ونباید اعتنا کرد. (۱) بحارالانوار،جلد۵،ص۳۶۲ (۲) علی محمد علی دخیل،کتاب الامام المهدی،ص۱۸۳ـ۱۸۲ همان

در مورد ارتباط امام زمان"عج "با آیت ا... کشمیری، آقای مجتهدی تهرانی توضیح دهید؟

پرسش

در مورد ارتباط امام زمان"عج "با آیت ا... کشمیری، آقای مجتهدی تهرانی توضیح دهید؟

پاسخ

در مورد ارتباط امام زمان" عج "با اشخاص نامبرده بحث زیاد و مفصل است فقط به طور اجمال عرض کنم که امکان ندارد عارفی مراتب سلوک را خالصانه طی کند واز نعمت دیدار و هدایت آن دردانه هستی بهره مند نشود. ولی هیچوقت این بزرگواران در زمان حیاتشان عنوان نکردند که ما وجود امام زمان"عج "را دیده ایم مگر در مواقعی برای برخی از اشخاص صاحب سر وخواصشان. و چه بسا بارها امام زمان"عج "را دیده اند و وجود مقدسشان را نشناختند و بعداً ایشان را شناختند. و برای اینکه شما برادر عزیز با زندگی و روش عرفانی و سلوک این دو بزرگوار آشنا شوید کتب زیر را مطالعه کنید تا خودتان در مورد ابعاد ارتباط این بزرگواران با امام عصر"عج "آشنا شوید : ۱- آفتاب خوبان و روح و ریحان، شرح احوال آیت الحق عارف ربانی آیت ... کشمیری،نوشته سید علی اکبر صداقت ۲- صحبت جانان، ج۱و۲، گذری ب راندیشهٔ عرفانی و شیوهٔ سلوکی آیت الحق سید عبد الکریم کشمیری، نوشته سید علی اکبر صداقت ۳- سیری در آفاق، تألیف حجه الاسلام شیخ حسین حیدری کاشانی.

آیا ملاقات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری با امام زمان (عج) صحت دارد؟

پرسش

آیا ملاقات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری با امام زمان (عج) صحت دارد؟

پاسخ

در طول تاریخ غیبت کبری، مسلما کسانی خدمت حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم رسیده‌اند. گرچه به همه نقل‌هایی که دراین موارد شده، نمی‌توان اعتماد کرد؛ ولی از بین این همه موارد، به صحّت بعضی از آنها یقین حاصل می‌شود. آنچه که درباره مقام معظم رهبری نقل کرده‌اید، ظاهرا از آقای صدیقی - که از خطبا و مشاهیر تهران هستند - نقلشده و صحّت و سقم آن بر عهده گوینده است. بنابراین، می‌توانید درباره این موضوع، از خود ایشان تحقیقکنید. درباره حضرت امام(ره) نیز آنچه که ما به دست آوردیم، به نقل از آقای مرتضوی (مکبّر نمازجمعه تهران) است که در مورد اعلامیه حضرت امام(ره)، در عدم اعتنا به حکومت نظامی رژیم طاغوت در ۲۲ بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ می‌باشدکه ایشان در پاسخ به این که چرا چنین دستوری داده‌اید، فرمودند: اگر این دستور از ناحیه امام زمان باشد، چه می گویید؟ آنچه مسلم است تأییدات الهی، از مسیر اولیای خداوند و حضرت بقیهٔ اللّه شامل حال این مردم بوده و خواهدبود. حوادث انقلاب و جنگ تحمیلی و... گواه زنده‌ای بر این مدعا است. حال این تأیید چه با ارتباط مستقیم باشد، یابا هدایت به امور مکنون دیگر.{J

ما در حدیث داریم که امام مهدی (عج) می فرماید هر کس بگوید که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آن طرف دیگر می بینیم که بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند که امام زمان را دیده اند تناقض را توجیه بفرمایید؟

پرسش

ما در حدیث داریم که امام مهدی (عج) می فرماید هر کس بگوید که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آن طرف دیگر می بینیم که بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند که امام زمان را دیده اند تناقض را توجیه بفرمایید؟

پاسخ

با توجه به این که این توقیع شریف هنگام فوت آخرین نایب امام زمان صادر شده و قرائتی که در خود توقیع است مراد از دروغ گو بودن مدعی مشاهده بعد از صدور توقیع. ادعای ارتباط و نیابت داشتن از جانب حضرت است به عبارت دیگر امام در این توقیع می‌فرماید با ازدنیا رفتن تو ای علی بن محمد سمری نیابت خاصه تمام شد و غیبت کبری آغاز شد ودیگر بعد از این اگر کسی بگوید من حضرت را می‌بینم و با او مرتبط هستم و نیابت خاصه از جانب حضرت دارم دروغ گو است. به متن توقیع و قرائن آن دقت کنید: «بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری خداوند به برادران دینی تو در مصیبت به تو اجر دهد تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت به کارهایت رسیدگی کن و به کسی بعد از خودت [جهت نیابت] وصیت نکن چرا که غیبت طولانی آغاز شد و ظهور نخواهد بود مگر بعد از اذن خداوند... و به زودی خواهد آمد کسی که مدعی مشاهده من باشد ولی آگاه باش کسی که مدعی مشاهده باشد قبل از خروج سفانی و صیحه دروغ گو خواهد بود»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰). گویا حضرت با دادن این توقیع راه را بر مدعیان دروغین ادعای نیابت بسته‌اند و این جمله که مدعی مشاهده دروغ گو است به این معنی نیست که در غیبت کبری دیگر کسی حضرت را نخواهد دید. بسیاری از صالحین و بزرگان شیعه در طول تاریخ غیبت حضرت را دیده‌اند و قطعا اکثریت آنها اهل دروغ نبوده‌اند و حداقل یک مورد آن هم که راست باشد باید حدیث به گونه‌ای دقیق معنا شود. مسأله ادبی روایت: امام(ع) در این حدیث به دو نکته اشاره می کنند. یکی اخبار از آینده که پس از من عده‌ای پیدا می‌شوند و مشاهده و ارتباط با من را ادعا می کنند و دوم مسأله دروغ گو بودن مدعی است. امام(ع) در حدیث دو تعبیر دارد: ۱- ادعا، ۲- مشاهده. و کسی را که ادعای مشاهده نماید کاذب معرفی کرده است. مشاهده به معنای دیدن امام(ع) و ارتباط با او است و ادعا به معنای اعلان و انتشار آن و با خبر کردن مردم از مسأله است، ممکن است کسی با امام(ع) ملاقات داشته باشد همان گونه که برای برخی علماء و غیر آنان نقل می کنند ولی آن را میان مردم بازگو نکرده و در سینه خودپنهان کرده باشد و اطرافیان از قراین و یا در زمان‌های بعد متوجه ارتباط او با امام زمان(عج) شوند. چنین کسانی مشمول حدیث نخواهد بود چون او مدعی نیست، بنابراین بین مضمون حدیث با داستان ملاقات برخی صالحان با امام زمان(عج) هیچ تعارض و ناسازگاری وجود ندارد.

آیا کسی از فقها، و مراجع تقلید ارتباط خاص با امام زمان«علیه السلام» دارند؟

پرسش

آیا کسی از فقها، و مراجع تقلید ارتباط خاص با امام زمان«علیه السلام» دارند؟

پاسخ

امام زمان«علیه السلام» امروز در حال غیبت به سر می‌برند و نائب خاص ندارند چون نیابت خاصه با گذشتن دوران غیبت صغری حدود هفتاد سال طول کشید پایان یافت و در دوران غیبت کبیر فقها شیعه نائبان عام امام زمان«علیه السلام» می‌باشند بر این اساس

www.noorfatemah.org

در این زمان کسی به طور رسمی با آن حضرت ارتباط ویژه‌یی ندارد و تا دلیل قاطعی در کار نباشد نمی‌توان به وجود ارتباط خاص برای کسی عقیده داشت.

آیا آنان که در این جهان نیستند به دیدار امام زمان«علیه السلام» نایل می‌شوند؟

پرسش

آیا آنان که در این جهان نیستند به دیدار امام زمان«علیه السلام» نایل می‌شوند؟

پاسخ

به طوری که در روایات آمده است خداوند متعال برای ظهور امام زمان«علیه السلام» افرادی را زنده می‌کند تا هنگام ظهور در رکاب امام زمان«علیه السلام» باشند و در دعای عهد از امام صادق«علیه السلام» روایت شده است که هر که چهل روز صبح آن را بخواند از یاوران حضرت قائم«علیه السلام» باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد(۳). و در این دعا این جمله آمده است: «اللهم ان حال بینی و بینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتماً مقضیافاخرجنی من قبری...؛ خدایا اگر میان من و امام زمان«علیه السلام» مرگی که آن را بر بندگانت حتمی قراردادی حایل شد مرا(زنده کن و) از قبر بیرون آور». بر این اساس، ممکن است انسان دعا کند ا زخدا بخواهد که هنگامی که خداوند آن حضرت را ظاهر می‌سازد و او را زنده کند تا در رکاب امام زمان«علیه السلام» باشد. ۳) مفاتیح‌الجنان، ص ۷۰۱.

اگر امام زمان«علیه السلام» در زمان غیبت نائب ندارند پس چگونه بعضی‌ها بدیدن ایشان مشرّف می‌شوند؟

پرسش

اگر امام زمان«علیه السلام» در زمان غیبت نائب ندارند پس چگونه بعضی‌ها بدیدن ایشان مشرّف می‌شوند؟

پاسخ

اینکه در زمان غیبت کبری هیچ کس به عنوان نائب خاص برای امام‌زمان«علیه السلام»، تعیین نشده منافات ندارد که افرادی، امام زمان«علیه السلام» را دیده و مشکلاتشان از این رهگذر حل شده باشد آری آنان که ادعای مهدویّت یا ادعای نیابت خاصّه کرده‌اند دروغ گفته و در این ادعا کاذب بوده‌اند.

آداب و اعمال جهت ملاقات

دختری هستم ۱۷ ساله. دلم می‌خواهد با امام زمان(ع) ملاقات کنم اما میسر نمی شود. مرا راهنمایی کنید که چه کار هایی انجام دهم تا او را ببینم؟

پرسش

دختری هستم ۱۷ ساله. دلم می‌خواهد با امام زمان(ع) ملاقات کنم اما میسر نمی شود. مرا راهنمایی کنید که چه کار هایی انجام دهم تا او را ببینم؟

پاسخ

پاسخ: ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهدهٔ حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد. ارتباط غیر مستقیم، مقدمهٔ لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می‌توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است. فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی.(۱) از تدبّر و تأمل در آیهٔ فوق شاید بتوانید تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار" دلدار "حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی" محبوب "چه باید همراه داشت؟ مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی(۲) با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه‌گر است. پیام خدا را در آن‌جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی. برادر: به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیرهٔ قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن.(۳) شما نیز درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارید. البته این امر شدنی و ممکن است. اما شرایط و شایستگی ویژه ای می طلبد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟ ۱ـ بازگشت به حق برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است ضروری ترین و بدیهی ترین شرط، بازگشت به" حق تعالی "است": فاخلع نعلیک "کفش های دل بستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قید و بند و رنگی شو. فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدیم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاک بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید. پس گام اوّل بازگشت به خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینهٔخروج عملی از غفلت را فراهم سازد. چون عزم بر توبه کردید غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سورهٔ ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه" استغفرالله ربّی و اتوب الیه "بگویید، سپس" لا حول و لا قوّهٔ إلّا بالله العلی العظیم" و در پایان بگویید": یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الذنوب إلّا أنت.("۴) ۲ـ تقویت معرفت: آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟ کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی‌هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اوّلا توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد.(۵) برخی تا نُه مرتبه برای آن شمرده‌اند، و عشق را در مرتبهٔ چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود. تا علاقه و محبت به امام زمان(عج) به مرحلهٔ عشق و ارادت نرسد، دیدار آن یار حاضر وغایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید: نشوی واقف یک نقطه ز اسرار وجود تا نه سرگشته شوی دایرهٔ امکان را شهید مطهری(ره) در توضیح می فرماید": ای سرگشتگی همان سرگشتگی

www.noorfatemah.org

عشق است، یعنی جنون عشق است. تـا از این راه وارد نشوی، امکان نـدارد به نقطه ای برسـی.("۶) ۳ـ عشق به خـدا و تبعیت از امام زمان(عـج): اثر طبیعی محبّت آن است که" محبّ "را با" محبوب "پیونـدی می دهـد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد. آن هـا که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عـج) می زننـد، بایـد صـداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشـان دهنـد. در کتـاب معـانی الاخبـار از امام صادق(ع) نقل شـده" :ما احبّ الله من عصاه کسـی که گناه و نافرمـانی خـدا می کنـد، خـدا را دوست نـدارد. "دوستی و محبت در عمـل ظهور می کنـد. سـپس فرمود": چه شـگفت انگیز اسـت معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسـی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند.("۷) قرآن کریم می‌فرماید ": قل إن کنتم تحبون الله فـاتبعونی یحببکم الله...؛ پیامبر! بگو (به مردم) اگر خـدا را دوست داریـد، از من (پیامبر) پیروی کنیـد تا خـدا هم شما را دوست داشـته باشـد. "بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه بایـد آثار آن در عمل انسان منعکس باشد. کسـی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کـاری که موجبـات ناخشـنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کنـد. ۴- تقویت ارتبـاط قلبی وعاطفی می توان ارتباط قلبی و عـاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود: از طریق خوانـدن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضـی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسـجد جمکران در قم، نـایب الزیـارۀ آن حضـرت شـدن در زیارت خانه خـدا (حـج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شـریک کردن حضـرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مسـتحبی، بلکه همۀ ثواب را به حضـرت هـدیه نمودن، و در حق حضـرت دعـا کردن و دعـای فرج خوانـدن. ۵- مطـالعه زنـدگینامه کسانی که به ملاقات آن حضـرت مشـرّف شدنـد. مطالعـۀ زندگینامه اشخاصـی که توانسـتند به زیارت آن حضـرت نایل گردند، هم راه را نشان می‌دهد، هم شـوق ملاقـات را افزایش می دهـد و آتش عشق و ارادت را شـعله ور می سـازد و هم این حقیقت را بـازگو می کننـد که آنـان، چه ویژگی هایی داشـتند و چه عاملی موجب شـد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند. پاورقی: (۱) طه (۲۰) آیۀ ۱۲. (۲)قصص (۲۸) آیۀ ۳۰. (۳)علامه محمـد حسـین طباطبایی، المیزان (مترجم) ج ۱۴، ص ۱۹۱. (۴)میرزا جواد ملکی تبریزی، رسـاله لقاءالله، به نقل از توبه انقلابی درونی علیه خویش، چ سپاه، ص ۶۳. (۵)تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۹۳، به نقل از تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۰۳. (۶)عرفان حافظ، تماشا گه راز، ص ۱۴۳. (۷)تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۶.

در زمان پیامبر۶با امامان : مردم در ارتباط با آنان بودند وبه دست آنان مشـکلات خود را حلّ می کردند, ولی در عصر حاضر چرا امام زمان ۷با شیعیان چنین رابطه ای ندارند اگر این رابطه وجود دارد, دست یابی به آن چگونه است و با چه اذکار و آدابی است ؟

پرسش

در زمان پیامبر۶با امامان : مردم در ارتباط با آنان بودند وبه دست آنان مشکلات خود را حلّ می کردند, ولی در عصر حاضر چرا امام زمان ۷با شیعیان چنین رابطه ای ندارند اگر این رابطه وجود دارد, دست یابی به آن چگونه است و با چه اذکار و آدابی است ؟

پاسخ

بسیاری از مردم می پندارنـد که خداونـد, پیامبر و امامان را خلق کرده است تا مثلاً مریض آنان را شـفا دهـد یا گرفتاری های دیگر زنـدگی به دست آنان حل ّشود. این ذهنیت باعث برخی از تناقضا و اشـکالات , حتی تضـعیف روحیهء دین واعتقادی بعضـی مردم

شده است . شخصی به پندار این که امام رضا۷مثلاً فلان مشکل او را حلّ می کند, توسل پیدا می کند و بسیار دعا می کند و بعد به آن نمی رسد, در نتیجه در روحیهء و ایمان اوتأثیر بدی می ماند, در حالی که اصلاً وجود امام و پیامبر برای این نیست که مشکل گشای مردم باشد و احیاناً بعضی از کارهای اشتباه آنان را جبران کند. مثلاً آقای الف مراعات امور بهداشتی را نکرده یا خلافی کرده است و بر اساس سنّت الهی بایدمجازات شود, حالا می خواهد مشکل خود را از طریق فلان امام یا امام زاده حل کند. این برداشت های غلط, تالی فاسدهای فراوانی به دنبال دارد. ائمهء بزرگوار مادر زمان حیاتشان بعضی از مشکلات مردم را پاسخ نمی دادند. وجود پیامبر و امام اولاً برای هدایت مردم به راه راست است و ثانیاً برای اجرای حدود و احکام وسنّت الهی در جامعه است . امام رضا۷فرمود: عزّت مؤمنان باشد... به واسطهء امام نماز و زکات و روزه و حج کامل می شود وامضای حدود و احکام الهی به دست او است (او دستور می دهد که بر جنایتکاران حدّ جاری کنند). امام حافظ کشور اسلامی است و کشور را از دست برد دشمنان نگاه می دارد. امام حلال خدا را حلال و حرام خدا راحرام و بر متجاوزان حدّ الهی را جاری و از دین خدا حمایت می کند. >هدف این که خدا پیامبر و امام را برای انسان ها آورده , این است . اگر امام برای کسی دعا کرد و صلاح بود آن دعا مستحاب شود, مستجاب می شود. توسل به روح پاک آنان که همواره زنده و شهید راه خدایند, مفید و لازم و اظهار محبت به آنان است . ما پیروان ائمه , آنان را به جهاتی که امام هشتم ۷فرمود, می خواهیم . به عبارت دیگر: امام را می خواهیم که به دستورهای او گوش دهیم , نه برای چیزدیگری . اگر ما برای ظهور حضرت مهدی ۷دعا می کنیم , در حقیقت می خواهیم احکام و نظام الهی بر پا کند و ما در .....ЛЬØآن حضرت خدمتکار اسلام باشیم . ما امام را نمی خواهیم که فقط دست و پای او را ببوسیم و برایش گریه کنیم وبعد هم اگر دستوری داد, گوش به حرف و فرمان او نباشیم . بعضی ها امام رامی خواهند که امام گوش به حرف آنان بدهد, نه این که مطیع فرامین او باشند. حال من و شما و همهء مسلمانان خود را در زمان ائمه فرض کنیم . اگر در آن زمان بودیم ,چه می کردیم ؟ الآن هم فرض کنید امام ۷حضور دارد, چه می کنیم ؟ آیا راستگو وامانت دار هستیم ؟ آیا اهل نماز و تهجد و عبادت هستیم ؟ آیا به حقوق دیگر پای بند هستیم ؟ و... مگر دستورهای آنان پیش روی ما نیست ؟ مگر اهداف آنان را نمی دانیم ؟ مگرعلمای دین و فقها به منزلهء جانشین آنان نیستند؟ مگر حجّت برای ما وجود ندارد؟ بله از نظر تکوینی وجود امام برای عالم وجود فوایدی دارد که الآن هم آن فوایدرا به عالم می رساند و برای مؤمنان دعا می کند و از اعمال زشت بعضی از ما غصّه می خورد و احیاناً به صورت غیر مستقیم یا مستقیم از کسانی دستگیری می کند. امام زمان در پشت حجاب غیبت مانند وجود خورشید از پس ابر است و جود او برای ما مفید است .(۱) البته ما باید به عنوان اظهار محبّت و علاقه , به وجود آن حضرت و هم برای ظهورش دعا کنیم . اگر ما با آن حضرت و با اصحاب او همراه باشیم , مثل این است که در عمل باآنان هستیم . علی ۷می فرماید: .(۲) (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۹۲ (پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۳۵۸

چه کاری انجام دهیم تا مثل علما و افراد خوب بتوانیم با امام زمان ملاقاتی یا ارتباط داشته باشیم؟

پرسش

چه کاری انجام دهیم تا مثل علما و افراد خوب بتوانیم با امام زمان ملاقاتی یا ارتباط داشته باشیم؟

پاسخ

انسان مؤمن و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت به جای این که به فکر ملاقات و رؤیت امام زمان(ع) باشد، باید سعی کند منتظر واقعی آن حضرت باشد. بر اساس بینش الهی، منتظران واقعی علاوه بر این که خود را از نظر فکری، علمی و اخلاقی اصلاح می

کنند و قلب و دل خود را به صفات پسندیده زینت می دهند، در برابر نابسامانی‌های اجتماعی نیز ایستادگی می کنند و به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه مهم الهی می نگرند. مهم‌ترین وظایفی که در زمان غیبت برای شیعیان در نظر گرفته شده، عبارت است از: ۱- محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی(ع). ۲- انتظار فرج آل محمد(ص). ۳- انجام حج به نیابت حضرت مهدی(ع). ۴- انجام حج به نیابت حضرت مهدی(ع). ۵- حفظ ایمان در زمان غیبت. ۶- استمداد از حضرت مهدی(ع) در سختی‌ها و مشکلات. ۷- خودسازی و تزکیه نفس. ۸- اصلاح جامعه.(۱) امام مهم‌ترین وظیفه ما در عصر غیبت این است که خود را از طریق انجام دستورهای الهی و ترک گناهان و تزکیه نفس و آراسته شدن به صفات پسندیده اصلاح کنیم و برای یاری دین حق با چشم پوشی از دنیا و لذایذ آن و تحمّل سختی‌ها، در خود آمادگی ایجاد کنیم. پی نوشت‌ها: ۱. عبدالرّحمن انصاری، در انتظاری خورشید ولایت، ص ۱۲۷ تا ۱۳۴.

دعایی که رزق و روزی را زیاد می کند و دعای معتبری که برای نزدیک شدن به آقا امام عصر(ع) و رؤیت ایشان داریم، بنویسید.

پرسش

دعایی که رزق و روزی را زیاد می کند و دعای معتبری که برای نزدیک شدن به آقا امام عصر(ع) و رؤیت ایشان داریم، بنویسید.

پاسخ

دعاهای فراوانی در مورد وسعت رزق و روزی وارد شده ، از جملهٔ آن ها دعایی در تعقیبات نماز صبح است: اللّهم انی اسئلک بحق محمّد و ال محمّدٍ علیک، صلّ علی محمّد و آل محمّد واجعل النور فی بصری و البصیرةْ فی دینی ... هم چنین دعای حضرت مهدی(ع) : اللّهم ارزقنا توفیق الطاعةْ و بعد المعصیه .... که قبل از مناجات خمسةْ عشر در مفاتیح آمده است. هم چنین دعای " یا من تحلّ به عقد المکاره " ...باز قبل از آن مناجات است. نیز در حواشی مفاتیح الجنان دعاهایی برای وسعت رزق ذکر شده که می توانید آن ها را حوالی زیارات امیرالمؤمنین یا از فهرست مفاتیح پیدا کنید. و بهترین دعا برای حضرت مهدی(ع) و در خواست رؤیت حضرت ، دعای عهد است که بعد از دعای ندبه در مفاتیح الجنان آمده است(اللّهم ربّ النّور العظیم و ربّ الکرسی الرفیع ...) و دعاهای دیگری که به دنبال دعای عهد آمده است.

از امام صادق(ع) روایت شده اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند در رکاب او از یاران امام زمان(ع) خواهد بود. شرایط آن چیست، آیا فقط با این دعا می توان به این درجه رسید؟

پرسش

از امام صادق(ع) روایت شده اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند در رکاب او از یاران امام زمان(ع) خواهد بود. شرایط آن چیست، آیا فقط با این دعا می توان به این درجه رسید؟

پاسخ

این دعا نیز مانند سایر دعاها باید شرایط استجابت را داشته باشد و باید آداب دعا در آن رعایت شود. در مواردی دعا مستجاب نمی شود: ۱- انسانی که قلبش در اثر گناه تاریک و سیاه شده است. امام صادق(ع) فرمود": خداوند دعای کسی که قلبش غافل از خدا

است نمی پذیرد."۱ ۲- کسی که اصرار بر گناه دارد. امام صادق(ع) فرمود": مردی در بنی اسرائیل به مدت سه سال دعا می کرد که خدایا به من پسری عطا کن تا این که در خواب دید به او می گویند: تو سه سال است دعا می کنی امّا به خاطر این که بدزبان هستی و نیتت خالص نیست دعایت مستجاب نمی شود. از بدزبانی پرهیز کن و قلبت را پاکیزه بگردان و نیتت را خالص کن دعایت مستجاب می شود."۲ ۳- حرام خواری مانع استجابت دعا می شود. پیامبر(ص) فرمود": هرکس می خواهد دعایش مستجاب شود غذایش را حلال گرداند. و از خوردن حرام دوری کند."۳ ۴- کسانی که به دیگران ظلم کرده اند و حق آنان را پایمال کرده اند دعایشان مستجاب نمی شود."۴ البته در بحث دعا و استجابت آن باید متذکر شویم که دعا فی نفسه مطلوب است و از بهترین عبادت ها محسوب می شود. دعا اگر از حد لقلقهٔ زبان بگذرد و دل با زبان هماهنگی کند، روح انسان به اهتزاز در می آید و روحانیت بسیار عالی نصیب انسان می شود، مثل این که انسان خود را غرق در نور می یابد. راز و نیاز با خدا انسان را به فراسوی عالم ماده سوق می دهد و با روح هستی مرتبط می کند و به تعبیر امیرالمؤمنین(ع) روح به محلّ اعل معلّق می شود (ارواحها معلّقهٔ بالمحلّ الاعلی). بنابراین، دعا از همهٔ افراد حتی از گناه کاران مطلوب است، حتّی شقی ترین افراد نباید از درگاه خدا نا امید شوند. دعای عهد از این گونه دعاها است که دارای مضامین بسیار عالی است و اگر کسی آن را بخواند احساس می کند که در زمرهٔ بهترین افراد در رکاب امام عصر(ع) قرار دارد. ایجاد چنین احساسی از ارزش خاصّی برخوردار است، لذا بر آن تأکید شده است. ۱ ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۱۲۶. ۲ همان، ص ۱۲۷. ۳ همان، ص ۱۲۸. ۴ همان، ص ۱۲۹.

بعضی از امامان(ع) یا پیامبر(ص) در مورد درک امام زمان(ع) روایاتی فرموده اند، مثلاً با انجام فلان عمل مستحب و خواندن سوره ای مخصوص. این در حالی است که در زمان صدور این روایات، امام زمان(ع) متولد نشده بود و امامی که این روایت را فرموده، قاعدتاً خطاب به مرد

پرسش

بعضی از امامان(ع) یا پیامبر(ص) در مورد درک امام زمان(ع) روایاتی فرموده اند، مثلاً با انجام فلان عمل مستحب و خواندن سوره ای مخصوص. این در حالی است که در زمان صدور این روایات، امام زمان(ع) متولد نشده بود و امامی که این روایت را فرموده، قاعدتاً خطاب به مردم عصر خود فرموده اند. این مسئله را توضیح دهید.

پاسخ

بشارت به ظهور حضرت مهدی(ع) در روایات بسیاری از پیامبر(ص) و ائمه(ع) وارد شده و روایاتی در فضیلت درک زمان حضور آن حضرت وارد شده اما روایتی که دلالت کند فلان عمل مستحبی را انجام بدهید تا امام زمان(ع) را درک کنید نیافتیم، به جز دعای عهد که از امام صادق(ع) نقل شده که": هر کس چهل صبح آن را بخواند، از یاوران مهدی(ع) خواهد بود و اگر پیش از ظهور او از دنیا برود، هنگام ظهور آن حضرت زنده خواهد شد و در رکاب حضرت خواهد بود.[۲۳]" البته سخن در باب این گونه روایات بسیار است. این روایت و احیاناً روایات نظیر این روایت که از امامان صادر شده، گرچه خطاب به مردم زمان خودشان بوده، ولی سخنان معصومان برای تمام زمان ها حجّت است، مگر قرینهٔخاصی باشد که فقط اختصاص به مخاطبان زمان خودشان داشته باشد. اصطلاحاً می گویند: خطابات شارع هم برای مشافهین است و هم برای غیر مشافهین؛ یعنی هم برای حاضران در آن زمان و هم برای غائبان و برای زمان های بعد حجّت است. در هر صورت صدور چنین روایاتی از امامان(ع) دلیل بر توجه دادن مردم زمان خویش به مهدی موعود(ع) و خبر دادن از آینده و بشارت به ظهور ولایت جهانی بوده است. همان طور که این بشارت را

پیامبر(ص) و هر یک از امامان(ع) بیان کرده اند و در کتاب های روایی از آنان نقل شده است. امام باقر(ع) از پیامبر(ص) نقل می‌فرماید": خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیتم را درک کند، در حالی که در زمان غیبتش او را اسوهٔ خود می‌داند و با دوستان او دوست است و با دشمنان او دشمن است.["۲۴] ۱ - مفاتیح الجنان. ۲ - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر ، ص ۶۶۶، به نقل از کمال الدین.

کسی که در دوران زندگی انسانی متدین بوده و نسبت به امام زمان((علیه السلام))علاقه بسیار داشته و آرزویش این بود که هنگام ظهور آن حضرت شرکت کند ولی مرگ به وی مهلت ندهد بهره ی وی چگونه خواهد بود؟

پرسش

کسی که در دوران زندگی انسانی متدین بوده و نسبت به امام زمان((علیه السلام))علاقه بسیار داشته و آرزویش این بود که هنگام ظهور آن حضرت شرکت کند ولی مرگ به وی مهلت ندهد بهره ی وی چگونه خواهد بود؟

پاسخ

اوّلا- براساس آنچه در روایات آمده چنین کسی از ثواب آنان که در رکاب امام زمان((علیه السلام)) شمشیر می زنند برخوردار خواهد بود زیرا در بسیاری احادیث آمده کسی که راضی به کار قومی باشد از انا خوهد بود با توجّه با اینکه این شخص انجام وظیفه می کرده و تلاش و فداکاری لازم را انجام می داده است. ثانیاً درباره ی دعایعهد که از امام صادق((علیه السلام)) نقل شده چنین آمده که هر که چهل روز آن را بخواند از یاوران حضرت قائم((علیه السلام)) خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد... و دعای عهد را می توانید در زیارات امام زمان((علیه السلام)) در فهرست کتاب مفاتیح شماره ی صفحه ی آن را پدا کنید.

چگونه می توانیم امام زمان را در همین دنیا دیدار کنیم؟

پرسش

چگونه می توانیم امام زمان را در همین دنیا دیدار کنیم؟

پاسخ

از آنجائی که حقیقت غیبت امام زمان (عج) غیبت و پنهان شدن جسمانی و فیزیکی نیست بلکه ناشناخته بودن آن بزرگوار برای مردم است و به عبارت دیگر آن حضرت حضور مؤثر و پیوسته ای در جهان و بین مردم دارند ولی گمنام، بر این اساس ممکن است بارها آن حضرت را دیده باشید ولی نشناخته باشید و آنکه در حجاب است مائیم نه آن بزرگوار. البته ملاقات همراه با شناخت و معرفت و تصحیح عملکرد و همگون شدن با آن حضرت در زندگی روزمره ممکن است چنانکه خود آن حضرت فرموده است شما خوب باشید ما خود شما را پیدا می کنیم. حضرت استاد علامه طباطبائی (ره) در این باره فرموده اند": منظور از غیبت امام (ع) غیبت شخص و جسم نیست، بلکه " غیبت عنوان "است که در این صورت، دیدار و رویارویی با آن حضرت به سه صورت ممکن است پیش آید: دیدار حضرت مهدی(ع) با عنوان غیر واقعی ایشان، به طوری که کاملا برای دیدار کننده، ناشناس باشند، این گونه

دیدار، و به فراوانی به طور دایم، برای کسانی که در محل زندگی ایشان سکونت دارند، و یا افرادی که با ایشان برخورد می نمایند ـ در هر نقطه ای که باشد ـ روی می دهد. دیدار با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بدون اینکه این امر را ملاقات کننده ـ مگر پس از پایان گرفتن دیدار ـ متوجه باشد. این همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می‌شود. دیدار با آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان، در حالی که دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر باشد. این گونه دیدار در اخبار مشاهده و دیدار بسیار کم نقل شده است، زیرا غالباً مخالف مصلحت می‌باشد و با غیبت تامه و کامل حضرت مهدی (عج) منافات دارد. اما در رابطه با کیفیت رویارویی با آن حضرت، کافی است آن جناب با فرد مورد نظر، مانند سایر انسانها روبه‌رو شود و منظور خود را از دیدار برآورده سازد و شخصیت حقیقی خود را به او ـ اگرچه به گونه‌ای که پس از اتمام رویارویی متوجه شود ـ بشناساند. بلکه آن حضرت، به طور عادی، پس از پایان دیدار، ملاقات کننده را ترک می کند. البته، در صورتی که هنگام ملاقات، امام" ع "به گونه‌ای در تنگنا قرار گیرد که بیم از میان رفتن و انتفای غیبت عامّه ایشان برود، چاره‌ای از پنهان شدن به طریق اعجاز نیست. و این معجزه در این شرایط با قانون معجزات مطابقت دارد، زیرا بر قراری غیبت ایشان برای تحقّق روز موعود لازم است. راجع به اینکه: آیا در غیبت کبری، ممکن است کسی خدمت آن حضرت مشرّف شود؟ باید گفت: آری، و اینکه در بعضی روایات گفته شده که مدعیان دیدن حضرت را تکذیب کنید؛ منظور کسانی هستند که ادعای دیدن آن امام و نیابت دارند. باری، هر شیعه پاک سرشتی می تواند آن حضرت را ملاقات کند، ولی باید توفیق رفیقش شود، از گناهان و موارد شبهه و مشکوک پرهیز کرده و درون خویش را از خفاشها پاک کند و از طرفی به ایمان و یقین و صفات پسندیده، انجام واجبات و مستحبات و ذکر حق تعالی جان خود را آراسته کرده و در رفع نیازمندیهای مردم و اصلاح جامعه کوشا باشد، تا نور ولایت او در دل، و جمال او در چشمش تابیدن گیرد. گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است؟ گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است! (۱) منابع و مآخذ: ۱ـ در محضر علامه طباطبائی، هادی خسروشاهی، ص ۱۵۴ ـ ۱۵۵

چطور می توان ایشان را ملاقات کرد آیا می توان نامه ای به ایشان نوشت و جوابش را دریافت کرد دلم می خواهد موضوعی را به ایشان عرض کنم و بدانم نظر ایشان چیست؟

پرسش

چطور می توان ایشان را ملاقات کرد آیا می توان نامه ای به ایشان نوشت و جوابش را دریافت کرد دلم می خواهد موضوعی را به ایشان عرض کنم و بدانم نظر ایشان چیست؟

پاسخ

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح‌الجنان می‌فرماید در کتاب تحفةالزائر از حضرت صادق(ع) نقل شده است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف باشی در کاغذی این عبارات را بنویس «بسم اللّه الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیک» تا آخر که در مفاتیح هست و در آخر آن حاجت خود را بنویس و آن را پیچیده در گلوله‌ای از گِل قرار بده و در آب جاری (مثل آب رودخانه) یا در چاهی بینداز (انشاءاللّه) خداوند به زودی گشایش در کارت ایجاد می کند، (مفاتیح‌الجنان، ص ۹۷۴) ولی در روایات صحبت از چاه خاصی مثل چاه جمکران نشده است و در این خصوص مستندی نداریم. ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقق دو بعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند

ناریان مرناریان را جاذبند ولی ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان نیستیم، آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می‌کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم‌چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهو عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند» (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. ایشان همواره برای شیعیان خود دعا می‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم»(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار است. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم. رسول خدا فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج» ؛ (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید) وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می‌کند، وسایل پذیرایی را آماده می‌کند و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه‌گویی او خواهند خندید. لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می‌شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید». با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نموده و خود را در راه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به نکات ذکر شده می‌توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. معرفت: اولین شرط انتظار معرفت است؛ تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را

نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش و مقام او را می‌دانند منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان را نمی‌شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد ارزش او را بیشتر درک کرده و به عظمت او بیش از پیش پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس ایشان نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری وصل خورشید به شب پره ی اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا ـ اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳). ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. پس منتظر واقعی باید سعی کند تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البر و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشقی است که چندی

منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۷. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا هدیه نمودن ثواب‌هایی به حضرت مهدی(عج). ۸. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران. ۹. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می‌باشد. ۱۰. محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛ بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم» (دعای ندبه). ۱۱. اصلاح جامعه: زیرا فرج یعنی، نصرت، پیروزی، گشایش و مقصود از نصرت پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) صورت می‌گیرد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتن این آرمان بزرگ و جهانی و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدسات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود که بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می‌گذرد، دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. در حالی که انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کنند، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ – ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳–۱۹۰ با تصرف). یادآوری مهم: درست است که وظیفه ما تلاش برای ملاقات با امام زمان(عج) نیست و حتی بنا بر نظر بعضی از بزرگان تحقق این مسأله خیلی بعید و نادر می باشد و اگر هم ممکن باشد برای امثال مقدس اردبیلی و علامه حلی قابل تصور است نه انسان های عادی هر چند مؤمن و خوب، ولی بحث ملاقات، با بحث ارتباط نباید خلط شود – مسلما وظیفه ما ایجاد ارتباط با امام عصر(عج) می باشد – منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، نماز امام زمان که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ نماید و برای گره گشایی مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته و خود را در محضر ایشان می بیند.

در روایتی از یک بزرگوار که موفق شده بودند چندین بار امام زمان"عج "را ملاقات کنند فرموده بودند چهل شبانه روز اعمال مشخصی انجام داده اند که حضرت به دیدارشان آمده اند آن اعمال را بنویسید؟

پرسش

در روایتی از یک بزرگوار که موفق شده بودند چندین بار امام زمان"عج "را ملاقات کنند فرموده بودند چهل شبانه روز اعمال مشخصی انجام داده اند که حضرت به دیدارشان آمده اند آن اعمال را بنویسید؟

پاسخ

قبل از پاسخ به شما دوست گرامی، اگر می خواهید روایات مربوط به اشخاصی که امام زمان"عج "رادیده اند را مطالعه کنید به کتاب شریف اصول کافی، ج۲ ،ترجمه و شرح آیت ا... محمد باقر کمره ای، نشر اسوه،ص۵۴۸ ـ ۵۳۹ و کتاب بحارالانوار،ج۱۳،ترجمه علی دوانی مراجعه کنید. واما پاسخ شما : بوده اند بزرگوارانی که با انجام اعمال مخصوص در زمانهای مخصوص به دیدار حضرت" عج "رسیده اند. مثل بیتوته کردن در مسجد سهله یا مسجد جمکران، چهل شب چهارشنبه، وحضرت آیت ا...العظمی نجفی مرعشی فرمودند" : حقیر خودم کراماتی در مسجد جمکران مشاهده کرده ام، چهل شب چهارشنبه مکرر موفق شدم که درآن مسجد بیتوته کنم و جای تردید نیست که از امکنه ای که مورد توجه ونزول برکات الهی می باشد و بعد از مسجد سهله که از مساجدی است که منتسب به وجود مبارک ولی عصر"عج "می باشد(مسجد جمکران) بهترین جائی است که منتسب به حضرت است" ".۱ "اما اعمالی که باید در این چهل شب انجام داد روایاتی از ائمه هدی وارد نشده است که هرکس طبق نیت خود که همراه با اخلاص و پاکی باشد اعمالی انجام می دهد که در این زمینه به کتب مربوطه از جمله مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان"عج، "نوشته سید جعفر میرعظیمی که در مورد تشرفات علماء و مراجع واعمالی که انجام داده‌اند بحث کرده است. و نکته مهمی که باید توجه داشت این است که ما اگر حضرت را حقیقتا بشناسیم کافی است که در این صورت حضرت ما را ببیند نه ما حضرت را ببینیم زیرا در زمان پیامبر(کم نبودند کسانی که وجود مبارک حضرت را می دیدند اما خداوند سبحان دربارهٔ آنها در قرآن فرمود" : وتراهم ینظرون الیک و هم لا یبصرون"" ۲ "یعنی آنها را می بینی که به تو نگاه می‌کنند ولی تو را نمی بینند اهل نظرند ولی اهل بصیرت نیستند. حال اگر ما سعی کنیم وجود مبارک. امام زمان"عج "را ببینیم هنر ببینیم هنراست. در قرآن کریم آمده است : خدا که به کل شیء بصیراست روز قیامت به یک عده نگاه نمی کند" ولایکلمهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیامهٔ و لا یزکیهم" "۳ "یعنی خداوند با آنها سخن نمی گوید و روز قیامت به آنها نگاه نمی کند و پاکشان نمی گرداند. پس خداوند روز قیامت به عده ای نگاه تشریفی ندارد. ولذا اگرما واقعاً در مسیر صحیح حرکت کنیم، حضرت ما را می بیند و دیدن ونظر تشریفی ایشان برای ما شرف است و گرنه دیدن فیزیکی خیلی کارساز نیست همچنانکه خیلی ها پیامبر اکرم(وعلی(و حضرت زهرا(را می دیدند ولی بصیرت نداشتند و لذا دیدن از روی بصیرت مهم است".۴ "و حضرت علامه طباطبایی در جواب سؤالی که از ایشان پرسیدند راه رسیدن به امام زمان" عج "چیست؟ جواب دادند : امام زمان"عج "خود فرموده است : شما خوب باشید ما خودمان شما را پیدا می کنیم".۵ ("۱) مسجدمقدس جمکران تجلیگاه حضرت صاحب الزمان"عج،"سید جعفر میرعظیمی،ص۵۷ (۲) سوره اعراف/۱۹۸ (۳) سوره آل عمران/۷۷ (۴) توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها، حضرت آیت ا... جوادی آملی،ص۷۴ در محضر علامه طباطبایی، محمد حسین رخ شاد،ص۱۱۶

آقا امام زمان"عج "در چه صورتی از دعاها حتماً مشرف می شوند؟منظورم این است که چه دعایی را بخوانیم که حتماً ایشان را ببینیم؟

پرسش

آقا امام زمان"عج "در چه صورتی از دعاها حتماً مشرف می شونـد؟منظورم این است که چه دعایی را بخوانیم که حتماً ایشان را ببینیم؟

پاسخ

دوست گرامی جواب سؤال دوم شما از جواب سؤال اول بخوبی فهمیده می شود اما جهت توضیح بیشتر عرض کنیم که : دربعضی روایات ائمه هدی(آمده است که با خواندن فلان دعا ویا سوره قرآن می توانید پیامبر اکرم(و یا امامی را در خواب دیده و یا از یاوران آن حضرت باشید. مثلاً به روایات ذیل توجه کنید : امام صادق(می فرمایند" : هرکس چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد واگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند متعال او را برای یاری آن حضرت زنده کند و به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید وهزار گناه از او محو کند""۱. "و شیخ کفعمی در مصباح و محدث فیض در خلاصهٔ اذکار فرموده" که دیدم در بعضی کتب اصحاب امامیه که هر کس خواسته باشد درخواب ببیند یکی از پیامبران وامامان(را یکی از مردمان یا والدین خود را بخواند سوره شمس و لیل و قدر و قل یا ایها الکافرون و سوره اخلاص و معوذتین(سوره ناس و فلق) وسپس صد مرتبه سوره اخلاص و صلوات بفرستد برپیامبر وآل او صد مرتبه و با وضو بجانب راست بخوابد که خواهد دید هر که را اراده کرده انشاء ا"... "۲ "و نیز ادعیه ای جهت زیارت حضرت صاحب الأمر وارد شده است از آن جمله زیارت مقدس آل یاسین".۳ "و از حضرت آیت ا... بهجت سؤال کردند : که مشتاق زیارت امام عصر ارواحنا فداه هستم از حضرت عالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید که به این سعادت نائل شوم. در جواب فرمودند" : زیاد صلوات اهداء وجود مقدسش نمائید. مقرون با دعا در تعجیل فرجش و زیاد به مسجدجمکران مشرف شوید با اداء نمازهایش" ".۴ "اما در پایان باید این نکته را یادآور شد که مهمترین چیز این است که ما در عصر غیبت باید به وظیفه شرعی وآنچه که اهل بیت(فرموده اند عمل کنیم که در این صورت یکی از برکات آن توفیق زیارت امامان(است. از جمله وظایف ما شیعیان ۱.شناخت و معرفت کامل آن حضرت ۲.منتظر ظهور آن حضرت و آماده کردن خود جهت ظهور ایشان با انجام واجبات و ترک محرمات ۳.صدقه جهت سلامتی آن حضرت ۴.توسل به آن حضرت در مشکلات ۵.مداومت نمودن بر خواندن این دعا که امام صادق(روایت فرموده" : یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک، "۶.صبر کردن به سختی ها و سرزنش دشمنان در زمان غیبت ۷.هدیه عبادات و ثواب اعمال نیک به حضرتش ۸.استواری در دین واعتقادات".۵ ("۱) بحار الانوار،ج۱۰۲،ص۱۱۱ـ مصباح الزائر،ص ۲۳۵و۲۳۶ (۲) مفاتیح الجنان،شیخ عباس قمی،ص۸۸۸ (۳) همان (۴) فریادگر توحید مسجدمقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان"عج"،ص۱۹۲،سید جعفر میرعظیمی

خیلی سعی کرده ام تا گناه را به کنار بگذارم و خوشبختانه خیلی موفق شده ام تا حدی که گاهی اوقات خداوند را احساس می کنم و حس می کنم که وقتی با او سخن می گویم او را می بینم حال سؤال من این است مگر امام زمان"عج "نگفته اند که شما گناه را کنار بگذارید من می آیم،

پرسش

خیلی سعی کرده ام تا گناه را به کنار بگذارم و خوشبختانه خیلی موفق شده ام تا حدی که گاهی اوقات خداوند را احساس می کنم و حس می کنم که وقتی با او سخن می گویم او را می بینم حال سؤال من این است مگر امام زمان"عج "نگفته اند که شما گناه را

کنـار بگذاریـد من می آیم، ولی تـاکنون موفق نشـده ام ایشـان را ملاقـات کنم حـال چه کنم تا بتوانم روی دلربای مهـدی فاطمه را ببینم؟آیا ذکر ودعایی وجود دارد؟

پاسخ

در ارتباط با سؤالی که مطرح کرده ایـد توجهتان را به فرازی از سـخن امام مهـدی" عـج "جلب می کنم، ایشان روحی فداء در نامه ای که به شـیخ مفیـد نوشـته انـد، اینگونه می فرماینـد" : انـا غیر مهملین لمراعـاتکم و لاناسـین لـذکرکم ولولا ذلک لترل بکم البلاء واصـطلمتکم الاعـداء "یعنی (مـا در رعـایت حـال شـما کوتـاهی نمی کنیم و یـاد شـمارا از خـاطر خود نمی‌بریم که اگر جز این بود گرفتاریها به شـما روی می آورد و دشـمنان شما را در هم می شکستند""۱ "امام" عـج "در این دعا می فرماینـد ما در رعایت حال شمـا کوتـاهی نمی کنیم و این گفته یک معصوم است که در گفتار و کردار خود صـداقت دارد بنابراین اگر با مواظبت در اعمال و کردارتـان بـاز هم موفق به دیـدار حضـرت نشـده ایـد حتمـاً مصـلحتی در کـار بوده است که ما از آن بی خبریم و شایـد لازم اسـت مراقبتهای بیشتری در اعمال خود داشـته باشـید.چه بسا آنچه انجام داده ایـد خالص نبوده و لازم باشـد دوباره انجام دهیـد. اگر عملی خالص باشدحتماً به نتیجه می رسد. و اینکه پرسـیده بودید آیا ذکر و دعایی برای دیدار حضـرت وجود دارد عرض می شودیکی از روایـاتی که به بشـارت بر دیـدار حضـرت دلالت دارد فرمایش امام صادق(است که می فرماینـد" : هرکس در هر شب جمعه سوره بنی اسـرائیل را قرائت نمایـد نمیرد مگر با درک حضـرت قائم(و از یاران آن بزرگوار خواهـد بود ".اما دوست عزیز آیا بهتر نیسـت بجای آنکه در فکر این باشید که خود به دیدار جضرت نائل شوید مشتاق ظهور حضرت و حضور عادی ایشان در بین مردم باشید ؟ آیا فکر نمی کنید که حضـرت مهدی"عج "نیز از این غیبت و مخفیانه زیسـتن خسته شده اند و قلب رئوفشان مشتاق خدمت آشکار به مردمی است که شدیداً محتاج به ایشانند"؟ عزیز علی ان اری الخلق ولاتری ولا اسـمع لک حسـیسا ولا نجوی عزیز علی ان تحیط بـک دونی البلوی "سـخت است بر من که مردم را ببینم و ترا نبینم ونشـنوم ازتو نفسـی و نه رازی سـخت است بر من تو تنهـا گرفتار باشـی بی جهت نیست که بر دعا برای فرج حضـرت این قدر تأکید شده است که زیاد درباره فرج حضرت زیاد درباره فرج حضرت مهـدی"عج "دعا کنید زیرا فرج و گشایش کار شـما در همین دعای شـماست.آقای پناهیان در این باره صـحبتی دارند می فرمایند : "دعـای مـا دل مـا سوز ما سـرمایه دست مهـدی فاطمه است گریه های با عیار ما (اگر برای غربت حضـرت صورت بگیرد تبـدیل به سرمایه هایی می شوند که اگر تا به حال حضـرت پشت پرده غیبت بوده اند بخاطر کمبود این سرمایه است وتمام توسلات و حاجت گرفتنها و محبت ها بهانه است تا ما آشـنا با صاحب خانه شویم وآن ارتباط حقیقی را پیدا کنیم و وقتی ارتباط حقیقی را پیدا کردیم یک آهی از نبودن حضـرت خواهیم کشـید که آن آه برطرف کننده ابرهای غیبت است ".متی ترانا ونراک... کی باشد ما را ببینی و ما نیز ترا ببینیم که پرچم نصـرت برافراشـته ای وآیا روزی می رسد که ما گرد تو جمع شویم و تو امام ما باشی. زکعبه عزم سفر کن به این دیار بیا! چوعطر غنچه نهان تا کی؟! آشکاربیا ! حریم دامن نرجس شد از تو اشگ بهار گل یگانه گلزار روزگار بیا ! تویی تو نور محمد(تو جلوه ای زعلی(تو سـیف منتقمی عدل پایدار بیا ! میان شـعله غم سوخت هجر نامهٔ ما بیا که گویمت آن رنج بیشـمار بیـا ! زلالـ چشـمه تویی، روح سبز، رمز بهـار بیا که با تو شود فصـلها بهار بیا ! برای آمـدنت گرچه زود هم دیر است شـتاب کن که برآری زشب دماربیا ! بتاب از پس دندانه های قصـر سـحر بزن حجاب به یک سو و سپیدوار بیا ! نشسته دیده درماندگان دهر به راه همـای ساحل دریای انتظار بیا ! به انتظار تو تاکی طلایه دار بهار تو ای قرار به دلهای بیقرار بیا ! خوش آن زمان که تو باشـی خطیب جمعه مـا خوش آن زمـان که تو شویی زدل غبـار بیا ! قسم به عصـمت کوثر!هلا طلیعه صـبح! قسم به سوختگان امیـد وار بیا قسم به اشک یتیمان بیا بیا مهـدی"عـج "قسم به حسـرت دلهای داغـدار بیا" ! سپیـده کاشانی "در پایان این نکته رامتذکر می شویم که آن عزیز در پرتو غیبت نیست بلکه ماییم که در حجاب گناه خویش مستوریم. ما ازگناهان خویش چاهیسسس حفر نموده ایم و پنداشته

ایم که یوسف مه روی درآن افتاده است در حالیکه خود میان چاه افتاده و آن نگار بیرون چاه و عیان است. گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است گفتار تو خود حجابی و رنه رخم عیان است گفتم فراق تا کی گفتا که تا تو هستی گفتم نفس همین است گفتا سخن همان است. پس آنچه وظیفه من وشماست این است که به عزم و اراده و همت حجابهای ظلمانی روح خود را کنار بزنیم تا شرفیاب محضر قدس آن لیلی یگانه شویم. ان شاء ا...

چگونه می توان امام زمان ?را در خواب دید و با او حرف زد؟

پرسش

چگونه می توان امام زمان ?را در خواب دید و با او حرف زد؟

پاسخ

با سلام حضور شما دوست گرامی؛ در پاسخ به سؤال شما دوست خوبم، عرض می شود که بزرگان و علما شیوه های مختلفی برای رؤیت امام زمان(در خواب ذکر کرده اند، که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم. شیخ ابراهیم کفعمی در" جنة الواقیه" فرموده است" : دیدم در بعضی از کتب اصحاب خود، که هر کس اراده کرده رؤیت یکی از انبیاء و ائمه" ۱۲گانه، "یا سایر مردم، یا فرزندان خود را در خواب، پس بخواند سوره والشمس، و اناانزلناه، وقل یا ایها الکافرون، و قل هو ا... احد، و معوذتین؛ آنگاه بخواند اخلاص، یعنی قل هوا... احد را صد مرتبه، و صلوات بفرستد به پیغمبر صد مرتبه، و بخوابد بر طرف راست؛ پس به درستی که خواهد دید آن را که قصد دارد، ان شاءا...تعالی، و سخن خواهد گفت به آنچه می خواهد از سؤال و جواب (".۱) دعای دیگری که برای رؤیت امام (در خواب ذکر شده اینست" : اللّهمَ إنّی أسئَلکَ یا مَنْ لُطْفَهُ خَفیّ و اَیادیهِ باسِطَةٌ لا تَنْقَضی أسئَلکَ بِلُطْفِکَ الْخَفیَّ الَّذی ما لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلا کَفی أنْ تُریَنی مولای علیّ بن ابیطالب "که گفته شده بجای عبارت" علی ابن ابیطالب "هر امامی را که می خواهد در خواب ببیند، نام ببرد. همچنین کسی که دو رکعت نماز بعد از نماز عشاء، با هر سوره ای که می خواهد بخواند، و بعد این دعا را صد مرتبه بخواند، پیامبر اکرم(و یا هر یک از ائمه اطهار (را که بخواهد، در خواب خواهد دید" : بسم الله الرحمن الرحیم یا نُورَ النُورِ یا مُدَبِّرَ الامور بَلِّغ مِنی رُوحَ محمدٍ و ارواحَ آل محمدٍ تَحیةً و سلاماً ("۲) عمل دیگری که برای دیدن امام(در خواب توصیه شده، آن است که شیخ مفید آن را در کتاب اختصاص روایت کرده از ابی المعزی، از حضرت موسی بن جعفر(که گفت" : شنیدم از آن حضرت که می فرماید" : هر کسی که برای او حاجتی است به سوی خداوند تبارک و تعالی، و اراده کرده که ما را ببیند، و مقام و رتبه خود را بداند، پس غسل کند سه شب، و مناجات کند به ما، یعنی" والله العالم "که با خدای عالم مناجات کند به توسط ما، به اینکه قسم دهد او را به حق ما، و متوسل شود به حضرت او به وسیلهٔ ما، که ما را به او بنمایاند، و مقام او

۱ـ برای ملاقات با امام عصر (عج) ما جوانان چه برنامه هایی و اعمالی را باید رعایت کنیم و چگونه باشیم؟

پرسش

۱ـ برای ملاقات با امام عصر (عج) ما جوانان چه برنامه هایی و اعمالی را باید رعایت کنیم و چگونه باشیم؟

پاسخ

مرادتـان از ملاقـات چیست؟ آیـا ملاقـات حضوری در نظر است یا نه ، توجه و عنایت حضـرت را می طلبیـد. گاه انسان تنها مرادش دیـدن روی حضـرت است که این زیاد مطلوب نمی رسـد چرا که آن اصل است که ما بـدانیم مطلوب حضـرتیم و یا منتظر واقعی او هستیم و از صـحابه حضـرت به حساب می آییم. و اما در زمان پیامبر اکرم هم کسانی بودنـد که هر روز حضـرت را می دیدنـد ولی عملاـ این دیـدن نه به درد دنیا و نه آخرت آن ها خورد لـذا من گمان می کنم منظور شـما از ملاقات با امام عصـر در خط حضـرت بودن است. پس بایـد منتظر باشـید یعنی انتظـار با جوش و خروش همراه است و با خمودگی انتظار معنی نمی دهـد. خود را آراسـته کنید به صـفاتی که حضـرت را خوش می آید، شـیعه باشید و مثل شیعه زندگی کنید حسن خلق داشته باشید بر امور مردم رسیدگی کنید تواضع داشـته باشـید. و نسـبت به کفار متکبر باشـید. جهاد در راه خدا داشـته باشـید(باموال وانفس). از خدا بترسید و سرزنش هیچ کس شـما را از راهتان باز ندارد. شـریعت اصـیل اسلام را بیاموزید و مسلمان واقعی باشید. بگذارید اعمال شما آیینه تمام نمایه اسـلام اصیل باشد. سعی کنید طوری زیست کنید که حتما مطمئن باشید که مرضی آقا امام زمان است. ساده زیست باشید و عمیق و زیرکانه فکر کنیـد. اگر شـما در طول زندگی خودتان به وظایفی که بر عهده شـما است درست عمل کنید آنگونه که ائمه خواسـته انـد بدانیـد که مورد رضایت ایشان واقع شـده ایـد و خود حضـرت (عـج) به دیـدن شـما خواهند آمد. نیازی نیست که ریاضت های خاصی بکشید یا اعمال خارق العاده انجام دهید تا بتوانید حضرت را ببینید. بلکه به وظیفه خودتان که در سه بخش خلاصه می شود احکام، اخلاق، عقاید عمل کنید، مطمئن باشید که حضرت خودشان به دیدن شما خواهند آمد.

۱– چه باید انجام دهیم تا امام زمان عج» را ملاقات کنیم ؟

پرسش

۱– چه باید انجام دهیم تا امام زمان عج» را ملاقات کنیم ؟

پاسخ

اولاًـ در اصـلاح کردن ،نفس خودمـان بکوشـیم و به اخلاـق نیـک آراسـته شویم و به وظـایف فردی خودمـان عمـل کنیم، احکام و دسـتورات قرآن را به کار ببندیم. طهارت و پکدامنی را پیشه کنیم؛ یعنی در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد، و به این معنا که هر گاه نفس خواست سـرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفـظ کرد چنـانکه حضـرت امیر المؤمنین « علیه السـلام » می فرمایـد :{ العبر علی الشـهوه عفه} یعنی : مقاومت در برابر شـهوت ها عفت و پاکدامنی است . کلید سـعادت و خوشبختی عبارت است از : ۱–تقوی و تزکیه نفس، مهمترین دستوروالعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصـیل تقوی و تزکیه نفس است که، تمامی انبیاء علیهم السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند؛ چنـانکه قرآن می فرماینـد :پروردگـارا در میـان آنهـا پیـامبری از خودشـان بر انگیز تـا آیـات تو را بر آنـان بخوانـد ،آنها را کتاب و حکمت بیـاموز و تزکیه شان کنـد زیرا تو توانا و حکیم هستی . در محضـر پروردگار هر گاه انسان حقیقتاً دانست که خداونـد متعال حاضـر و ناضـر او اسـت و در هر لحظه در منظرو دیـد خداونـد و در محضـر پروردگـار قرار دارد تمـام کردار و گفتـارش در جهت صحیح قرار می گیرد. ۲– توجه به حیات ابـدی : بـدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما از آن عبور خواهی کرد و بعد از آن وارد منازل و عقبه های خواهی شد که مقدمه برای حیات ابدی تو است. ۳–نماز و عبادت ۴– کنترل فکر. ۵– ازدواج. ۶–اهمیت

دادن به محیط خانواده. ۷- دوری از گناه . ۸- حفظ حجاب. ۹- مرابطه و توسل دنیا دائماً در حال تغییر و دگرگونی می باشد و شیطان نیز در این راستا طبق نیاز زمانی از راههای متعددی برای انسان مشغول فعالیت میشود ،لذا در هر شب و روز باید مرابطه و توسل به دامان اهل بیت پیامبر« صلی الله علیه واله » که حافظ دین خداوند هستند و بلااخص حضرت بقیه الله که امام این زمان است داشته باشیم. چنانکه قرآن به این عمل امر می نماید و می فرماید : «رابطه روحی و معنوی با ساحت مقدس امام « علیه السلام » ۱۰ - استقامت و صبر در مقابل نا ملایمات مادی و معنوی ۱۱- تزکیه نفس منابع : ۱-سیمای آفتاب , دکتر حبیب الله مظاهری ۲- ملاقات با امام عصر , سید جعفررفیعی ۳-دوازده همین برج ولایت , حاج شیخ محمد تقی گلی ۴-خورشید غایب , رضا استادی

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» را پیدا کنیم؟

پرسش

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» را پیدا کنیم؟

پاسخ

توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» تنها برای کسانی است که آن حضرت صلاح بدانند و به نظر می‌رسد که در دو مورد تحقق می‌یابد: ۱. کسانی که در شدّت و گرفتاری و بحرانهای زندگی قرار می گیرند و به آن حضرت توسّل پیدا می کنند.(توسعه مصرانه و پیگیر) ۲.کسانی که در راه تهدید نفس و پیمودن صراط عبودیّت و بندگی خدا مجاهد و تلاشی پیگیر و خالص داشته باشند. به ویژه این که عشق به لقاء آن حضرت و دیدار وی و سعی و تلاش در این راه هم با آن ضمیمه شود. کسی که بخواهد در این راستا قرار گیرد لازم است به نکات زیر توجّه کند: ۱. در راه تحصیل عقاید و معارف حقّه اهل بیت عصمت و طهارت تلاش کند. و سعی کند تنها به معارف دینی از رهگذر ارشادها و رهنمودها و احادیث آنان توجّه کند و از راههایی که دشمنان آنان ارائه کرده‌اند بر حذر باشد. ۲. در تهذیب نفس و تزکیه اخلاق سخت کوشا باشد. ۳. در احکام فرعی عملی همواره جدیّت کند بر اساس محبّت شرعی عمل کند و از گناه و معصیّت سخت پرهیز کند. ۴. به نماز اوّل وقت اهمیّت بدهد و سعی کند نماز را با حضور قلب بخواند. ۵. توسّل به چهارده معصوم مخصوصاً امام زمان«علیه السلام» همواره در زندگی مورد توجّه وی باشد. ۶. دعای ندبه را با توجّه به مضامین آن با وضعی که تناسب با آن مضامین است بخواند. ۷. زیارات آن حضرت را مخصوصاً زیارت آل یسن و دعای عهد در صبحها همواره بخواند. ۸. دعا برای تعجیل فرج آن حضرت و درخواست توفیق ملاقات آن حضرت از خداوند مصرانه و پیگیر داشته باشد. « بخش پاسخ به سؤالات »

کدام دعا را اگر چهل روز بخوانیم با امام زمان ملاقات می‌کنیم و در زمان ظهور آن حضرت، زنده می‌شویم؟ اگر کسی ترجمه آن را بخواند صحیح است؟

پرسش

کدام دعا را اگر چهل روز بخوانیم با امام زمان ملاقات می کنیم و در زمان ظهور آن حضرت، زنده می‌شویم؟ اگر کسی ترجمه آن را بخواند صحیح است؟

پاسخ

در کتب ادعیه، دعایی با این خاصیت از زبان ائمه(علیهم السلام) وارد شده است که به دعای عهد مشهور است. مقصود از عهد، پیمان با امام زمان است. بر هر مسلمانی لازم است با امام خویش عهد و پیمان ببندد. در روایات آمده است: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتْ الجاهلیْ{؛»۱} هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.{۲} امام صادق(ع) فرمود: هر که چهل صبح، دعای عهد را بخواند از یاوران حضرت ولی عصر(ع) است و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد؛ تا در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه از دعا هزار حسنه به او کرامت می‌فرماید و هزار گناه از او محو می‌کند.{۳} مهم این است که دعا کننده بفهمد که چه می‌گوید که اگر همراه با گفتن کلمات عربی دعا باشد خیلی خوب است و الّاترجمه دعا هم خوب است/ [۱].کنزالعمال، حدیث ۱۴۸۱/ [۲].همان/ [۳].مفاتیح الجنان، دعای عهد/

شهادت

آیا قاتل امام زمان(ع) زن است؟

پرسش

آیا قاتل امام زمان(ع) زن است؟

پاسخ

این که قاتل حضرت مهدی مرد است یا زن و یا آن قاتل اهل کجاست؟ یاآن که آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود؟ محل بحث و گفتگو است. روایتی از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود:... فیمکث فی الارض اربعین سنهٔ ثم یتوفی فیصلی علیهالمسلمون؛(۱) مدت چهل سال حکومت می‌کند و بعد از دنیا می‌رود و مسلمانان بر آن حضرت نماز می‌خوانند "و مرحوم طبرسی در این باره می‌فرماید": و الله اعلم بحقیقهٔ ذلک؛ خداوند بهتر می‌داند که آیا تمامی ائمه کشته می‌شوند یا بعضی از آنان به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند ".پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳.

پایان کار امام زمان ۷چه خواهد شد؟

پرسش

پایان کار امام زمان ۷چه خواهد شد؟

پاسخ

در حدیثی مدت حکومت حضرت مهدی ۷هفتاد سال ذکر شده است .(۱) در حدیث دیگر از امام صادق ۷نقل شده است که مدت حکومت حضرت , نوزده سال و چند ماه خواهد بود.(۲) جابربن یزید جعفی می گوید: از امام باقر۷ شنیدم که فرمود: واللّه ! مردی از ما اهل بیت ۳۰۹سال حکومت خواهد کرد. به حضرت عرض کردم : در چه زمانی ؟ فرمود: بعد از فوت حضرت مهدی ۷ حضرت مهدی ۷چند سال حکومت خواهد کرد؟ فرمود: از روزی که قیام می کند تا روزی که فوت می کند, نوزده سال طول

خواهد کشید.(۳) از این روایت استفاده می شود بعد از فوت یا شهادت حضرت مهدی ۷حکومت او توسط بعضی از اهل بیت پیامبر تا حدود سیصد و اندی سال ادامه خواهد داشت و جهان پر از عدل و داد خواهد شد. حذیفهٔ بن یمان می گوید: از پیامبر۶شنیدم که فرمود: هنگامی که وقت قیام حضرت مهدی ۷بشود, منادی ندا خواهد داد: ای مردم ! مدت کار ظالمان و جبّاران تمام شد و بهترین شخص از امّت محمد, ولی امر شما شده است .پس به او در مکّه بپیوندید. عده ای از بزرگان مصر و تعدادی از شام و گروهی از عراق که راهبان شب و شیران روزخواهند بود و قلوب آنان مانند بُراده های آهن محکم و استوار خواهد بود, با آن حضرت بین رکن و مقام (مکه) بیعت خواهند کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهند نمود.(۴) (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۲۹۱ (پاورقی ۲.همان , ص ۲۹۸ (پاورقی ۳.همان . (پاورقی ۴.همان , ص ۳۰۴

حضرت مهدی ۷پس از ظهور چگونه از دنیا می رود؟

پرسش

حضرت مهدی ۷پس از ظهور چگونه از دنیا می رود؟

پاسخ

در مدت حکومت آن حضرت پس از ظهور اختلاف است . منابع اهل سنت این مدت را به اختلاف پنج , بیست , سی , و چهل سال ذکر کرده اند(۱). و منابع شیعه نوزده , بیست , سی صد و نه سال آورده اند(۲). اما این که حضرت چگونه از این جهان خواهد رفت , به مرگ طبیعی یا غیر طبیعی و به چه کیفیتی ؟ اخلافات در مورد آن فراوان و مسلمانان بر او نماز خواهند گذارد(۳). بعضی نماز خواندن بر آن حضرت را به امام حسین ۷نسبت می دهند(۴). از برخی روایات استفاده می شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکارانی که مشخصات آنها به اختلاف در روایات آمده است به شهادت خواهدرسید(۵). علمای دین از دیر باز در این مورد تحقیق کرده و نظریات مختلفی ارائه نموده اند, اما این مسئله هم چنان اختلافی است و حقیقت امر جزء خدا بر دیگری واضح نیست , (پاورقی ۱ـ سنن ابی داود, ج ۴ ص ۱۱۶ (پاورقی ۲ـ اعلام الوری باعلام مهدی , طبرسی , ص ۴۳۴, کتاب الغیبهٔ , شیخ طوسی , ص ۴۷۱و ۴۷۲ ;بحار الانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۳ (پاورقی ۳ـ بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۳ (پاورقی ۴ـ بحارالانوار, ج ۱۳ ص ۲۲۹ الزام الناصب , ص ۱۹۰ (پاورقی ۵ـ تاریخ مابعد الظهور, سید محمد صدر, ص ۸۸۱

آیا امام زمان (عج) به مرگ طبیعی از دنیا می رود یا کسی او را می کشد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) به مرگ طبیعی از دنیا می رود یا کسی او را می کشد؟

پاسخ

دربارهٔنحوهٔ مردن یا شهادت حضرت مهدی (عج) اختلاف هایی در روایات به چشم می خورد. برخی از روایات می گویند که حضرت مدتی حکومت می کند، سپس وفات می نماید و از برخی استفاده می شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران به شهادت خواهد رسید. بررسی و قضاوت در این امر مبتنی بر دو مسئله است: ۱ـ آیا همهٔ امامان معصوم(ع) شهید

می شونـد یا امکان دارد که به مرگ طبیعی از دنیا بروند؟ ۲ـ آیا دربارهٔ امام زمان (ع) مدرکی بر شـهادت او داریم؟ شیخ صدوق بر این باور است که همـهٔ معصومان(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته انـد. شـیخ مفید فرمود: شـهادت امام علی (ع) و امام حسن و امام حسـین (ع) به قتـل حتمی و قطعی است. پس از ایشـان مسـمومیت امـام موسـی بن جعفر (ع) نیز قطعی است. دربارهٔ امام رضا(ع) نیز قول قوی به مسمومیّت و شهادت ایشان است، گرچه جای تردید هست. امّا در دیگر ائمه راهی برای اثبات این که آنان به وسیلهٔ سمّ یا قتل به شـهادت رسـیده اند، در دست نیست.[۵] از امـام رضـا(ع) نقل شـده است که " : ما منّا الاّ مقتول؛ هیچیک از امامان نیسـت مگر این که کشـته می شود. "یا از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده است": ما منّا إلاّ مسموم او مقتول؛ هر کدام از ما امامان مسموم یا کشته می شویم. "اگر به این روایات تکیه کنیم باید بگوییم: حضرت مهدی(ع) نیز به دست جنایتکاران به شهادت خواهد رسید. در برخی منـابع نقـل شـده که حضـرت به وسـیلهٔ یـک زن که سـنگی از پشت بام براو می زنـد، شـهید می شود. اگر نظر شـیخ مفیـد را بپـذیریم، باید بگوییم چگونگی مرگ آن عزیز روشن نیست.[۶] اما این نکته قابل توجه است که رسـیدن به مقام شهادت اختصاص به کشـته شـدن با شمشـیر یا سمّ ندارد. پیامبر یا امام حتی اگر کشـته یا مسـموم نشود، شـهید است، چون رسـیدن به مقام شـهادت به وسـیلهٔ تهـذیب نفس و دوری از گناهان و پاکی و صـداقت انسان حاصل می شود. ۱[۵] مجلهٔ حوزه ، شـمارهٔ ۷۰ـ ۷۱، ص ۶۰. ۱[۶] همان، با تخلیص و اضافات.

آیا امام زمان تا پایان زنده می‌ماند؟

پرسش

آیا امام زمان تا پایان زنده می‌ماند؟

پاسخ

امام زمان(ع) پس از پایان و مـدت حکومتش از دنیا می‌رود. روایاتی که درباره مـدت حکومت و ایام دولت امام عصـر(ع) رسـیده، مختلف است. به ترتیب: پنج، هفت، هشت، نه، نوزده، بیست، چهل، هفتاد و سـیصد و نه سال ذکر شده است.(۱) اختلاف ر روایات به خاطر این است که امامان ایام دقیق دولت حضـرت را نمی‌دانسـتند، بلکه بـدین خاطر است که مدعیان مهدوین و بابیت نتوانسـتند سوء اسـتفاده نماینـد و کسانی به نام مهدی قیام کنند و پس از مدتی کشـته شوند و پیروان او همان تاریخ قیام و شـهادت را تحریف کرده و نام مهـدی ثبت نماینـد. وقتی تارح حاکمیت مختلف شـد، امکان سوء اسـتفاده انـدک است، چنان که اسم و پدر و مادر نیز چنین است. او فرزنـد امام عسـکری و مادرش نرجس خاتون است و هزار سال از عمر شـریفش می گـذرد. تمام این‌ها برای مبارزه با "مهدویت "نوعیه است. مهدویت در اسـلام شخصی است، نه نوعی. پی نوشت‌ها: ۱ – علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۲۴۱؛ لطف اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۶۱۸؛ مجله حوزه، سال ۷۰ – ۷۱، مهر – دی، ۱۳۷۴.

گفته شده بعد از آنکه حضرت ولی عصر(عج) ظهور نمود ایشان شهید می شوند. آیا این سخن صحیح است؟ چگونه بعد از ظهور حضرت جهان پر از عدل و داد می شود؟ شـهادت حضرت چگونه اتفاق می افتد و چگونه قیامت آغاز می شود؟ آیا شهادت حضرت آغاز قیامت است؟ توضیح دهید.

پرسش

گفته شده بعد از آنکه حضرت ولی عصر(عج) ظهور نمود ایشان شهید می شوند. آیا این سخن صحیح است؟ چگونه بعد از ظهور حضرت جهان پر از عدل و داد می شود؟ شهادت حضرت چگونه اتفاق می افتد و چگونه قیامت آغاز می شود؟ آیا شهادت حضرت آغاز قیامت است؟ توضیح دهید.

پاسخ

واقعیت آن است که به گونه ای معیّن نمی توان گفت که امام زمان(ع) چگونه از دنیا می رود. آیا به مرگ طبیعی از دنیا می رود و یا به شهادت می رسد.[۵] از برخی روایات استفاده می شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود.[۶] آیا همه امامان (ع) به شهادت رسیده اند؟ از برخی روایات استفاده می شود که همهٔ امامان و معصومان(ع) به شهادت رسیده اند. امام رضا(ع) فرمود": ما منّا إلاّ مقتول["۷] امام حسن مجتبی(ع) نیز فرمود": به خداوند سوگند! پیامبر(ص) به ما این عهد و وعده را داده است که امامت را دوازده تن از فرزندان علی(ع) و فاطمه(ع) به دست خواهند گرفت و هر یک از آن ها، مسموم و یا مقتول خواهند شد.["۸] بسیاری از بزرگان شیعه همین عقیده را دارند که همهٔ امامان(ع) به مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند. مرحوم شیخ صدوق نیز بر این باور است: "همه معصومان(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند... کسی که چنین عقیده نداشته باشد از ما نیست.["۹] اگر طبق این دسته از روایات عمل شود باید گفت که امام زمان(ع) نیز مانند دیگر معصومان به شهادت می رسد، اگر چه نحوهٔ شهادت او مشخص نیست. البته برخی از بزرگان دیگر شیعه مانند مرحوم شیخ مفید عقیده دارد که همهٔ معصومان(ع) به شهادت نرسیده اند.[۱۰] مرحوم علامه مجلسی به نقد و بررسی مبنای شیخ مفید پرداخته و عقیده دارد روایاتی که دلالت دارند معصومان(ع) به شهادت می رسند، به حد تواتر است.[۱۱] با توجه به مطالب مذکور، اگر روایاتی مانند" :ما منا إلا مسموم أو مقتول "را مدرک قرار دهیم، باید گفت امام زمان(ع) مانند دیگر امامان به دست جنایتکاران به شهادت می رسد. اگر کلیات این دسته روایات را بپذیریم و مانند شیخ مفید معتقد باشیم، دقیقاً نمی توان گفت که مرگ امام زمان(ع) چگونه است؟ امام زمان(ع) بعد از ظهور با بهره گیری از عنایت خداوند، حکومت عدالت ایجاد می کند. آنجا که در روایات آمده است": یملأ الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً.["۱۲] امام زمان(ع) برای تشکیل حکومت جهانی و برقراری عدالت، نخست به هدایت مردم پرداخته و با مخالفان عدالت و حکومت جهانی برخورد می کند. در برخی از روایات تصریح شده است که امام زمان به پیامبر شباهت دارد. معنای شباهت آن است که امام زمان با شمشیر به ایجاد جامعهٔ عدالت گرا می پردازد.[۱۳] البته شمشیر کنایه از ابزار جنگی است که به حسب شرایط زمان و مکان فرق دارد و امام زمان(ع) از همان اسلحه بهره می گیرد که در زمان ظهور حضرت رایج است. بعد از ظهور و تشکیل حکومت امام زمان(ع) قیامت آغاز نشده و به گونه ای معیّن نیز نمی توان گفت که بین حکومت امام زمان و قیامت چه قدر فاصله است و بین قیامت و حکومت امام زمان(ع) چه رابطه ای وجود دارد. از روایات و مبانی بزرگان استفاده می شود که در زمان حکومت امام زمان رجعت صورت می گیرد.[۱۴] البته دربارهٔ رجعت اختلاف نظر وجود دارد و مورد اتفاق آن است که رجعت صورت می گیرد.[۱۵] برخی عقیده دارند که بعد از تشکیل حکومت امام زمان(ع) برخی از بزرگان دین و مؤمنان زنده می شوند تا نحوهٔحکومت و گسترش عدالت در حکومت امام زمان را ببینند و برخی از مشرکان و گناهکاران نیز زنده می شوند، تا جزای اعمال خود را ببینند.[۱۶] در برخی روایات آمده است: اولین کسی که از بزرگان دین زنده می شود، امام حسین(ع) است که از دشمنان خود انتقام می گیرد.[۱۷] از متون دیگر استفاده می شود که ائمه(ع) زنده شده، هر کدام حکومت می کنند. در برخی روایات آمده است که بعد از امام زمان(ع) دوازده نفر حکومت می کنند. شیخ طوسی از ابوحمزهٔ ثمالی روایت می کند که حضرت صادق(ع) – ضمن حدیث طولانی – فرمود": ای ابوحمزه! ما را بعد از قائم یازده مهدی خواهد بود که همه از اولاد حسین(ع) می باشند.["۱۸] [۴] توضیح المسائل مراجع، ج۱، مسئلهٔ ۱۱۱ و ۱۱۵ و ج۲، مسئلهٔ ۲۶۳۳. [۵] ر.ک: مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان(ع)،

ص ۶۰. [۶] سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۸۱، به نقل از مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۵۹. [۷] بحارالانوار، ج۲۷، ص ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷. [۸] همان. [۹] اعتقادات، چاپ شد، در مصنفات شیخ مفید، ج ۵، ص ۹۹. [۱۰] مجله حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان، ص ۵۹، ۶۰. [۱۱] بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳ و ۲۱۶. [۱۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۴. [۱۳] همان، ص ۵۱، ص ۲۱۸. [۱۴] مهدی موعود، ص ۱۱۸۶ به بعد؛ معارف و معاریف، ج ۵، ص ۶۳۰؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱؛ تفسیر نمونه ج ۱۵، ص ۵۵۵. [۱۵] همان. [۱۶] سفینه البحار، ج۱، ص ۵۱۱؛ مهدی موعود، ص ۱۱۹۰. [۱۷] تفسیر نمونه، ج۱۵، ص ۵۵۶؛ بحارالانوار ، ج ۵۳، ص ۴۳. [۱۸] مهدی موعود، ص ۱۲۳۸.

آیا کشته شدن امام زمان(ع) به دست زنی که مانند مردها ریش دارد است، صورت می گیرد و نام زن سعیده است؟ حدیثی معتبر در این باره وجود دارد؟

پرسش

آیا کشته شدن امام زمان(ع) به دست زنی که مانند مردها ریش دارد است، صورت می گیرد و نام زن سعیده است؟ حدیثی معتبر در این باره وجود دارد؟

پاسخ

در خصوص به شهادت رسیدن امام زمان(ع) توسط یک زن به دلیل معتبری برخورد نکردیم. یکی از نویسندگان می گوید": من در لبنان شنیدم خانمی از اهل کوفه، در نجف شنیدم خانمی از اهل کوفه، در مسجد کوفه و این جا (ایران) شنیدم خانمی از ایران آقا را به شهادت می‌رساند. تتبع کردم، هیچ روایتی را ندیدم و اصلاً این روایت هیچ منبعی ندارد.["۱] [۱]گفتمان مهدویت (پرسش و پاسخ) کورانی، ص ۱۲۵.

در مورد قاتل امام زمان(ع) که یک خانم است، توضیحاتی بدهید و کتاب هایی را معرفی کنید:

پرسش

در مورد قاتل امام زمان(ع) که یک خانم است، توضیحاتی بدهید و کتاب هایی را معرفی کنید:

پاسخ

دربارهٔ این که آیا امام زمان(ع) کشته می شود یا به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود و اگر کشته می شود، آیا کشندهٔ او مرد است یا زن؟ مسلمان است یا غیر مسلمان؟ اصفهانی است یا غیر اصفهانی؟ اگر چه سخنانی گفته شده و چه بسا روایاتی نقل شده باشد، اما دلیل معتبری در دست نیست. از حدیث معروف" ما منّا إلاّ مقتول أو مسموم؛[۵] تمامی ما امامان با شمشیر کشته می شویم یا با زهر" استفاده می شود که امام زمان نیز مانند بقیهٔ ائمه، کشته یا مسموم می شود. اما اصل مسئله این که آیا همهٔ آن بزرگواران به شهادت رسیده یا برخی به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند، بین علمای شیعی اختلاف است. شیخ صدوق(ره) بر این باور است که همهٔ معصومین(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند. شیخ مفید(ره) فرموده تمامی آنان با قتل یا با سم از دنیا نرفته اند، بلکه شهادت برخی از آنان مشکوک است. شهادت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین(ع) قطعی و حتمی است. پس از ایشان مسمومیت و

شهادت امام موسی بن جعفر(ع) نیز قطعی و مسلّم است. دربارهٔ امام رضا(ع) نیز قول قوی به مسمومیّت ایشان است. امّا در دیگر امامان دلیل قطعی برای اثبات این که آنان به وسیلهٔ سمّ کشته شده باشند، جای تردید است.[۶] بنابراین دلیلی بر کیفیت مردن یا شهادت امام زمان(ع) نداریم، امّا تذکّر این نکته ضروری است که پیامبر و امامان به مقام شهادت که مقامی بس بالا و والا است رسیده اند و رسیدن به این مقام اسبابی دارد. ممکن است فردی با مرگ طبیعی از دنیا برود، ولی در اثر این که دارای تقوا و عمل صالح است، به مقام شهادت برسد. البته یکی از مهم ترین اسباب رسیدن به این مقام، کشته شدن در راه خدا است. برای اطلاع بیشتر به کتاب های مهدی موعود ترجمهٔ علی دوانی، در انتظار خورشید از عبدالرحمن انصاری، امام در عینیت جامعه نویسنده محمد رضا حکیمی، دادگستر جهان نوشتهٔابراهیم امینی و منتهی الآمال نوشتهٔ حاج شیخ عباس قمی مراجعه شود. [۵] مجلهٔ حوزه، شمارهٔ ۷۰ – ۷۱، ص ۵۹۰، به نقل از بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳ و ۲۱۶ و ۲۱۷. [۶] همان، ص ۶۰، به نقل از اعتقادات شیخ صدوق، ج ۵، ص ۹۹، چاپ کنگرهٔ شیخ مفید.

امام زمان(ع) به دست چه کسی به شهادت می رسند؟

پرسش

امام زمان(ع) به دست چه کسی به شهادت می رسند؟

پاسخ

این که حضرت امام زمان(عج) چگونه از این جهان خواهد رفت، به مرگ طبیعی یا با شهادت خیلی روشن نیست. نیز اگر با شهادت باشد،توسط چه کسی شهید می شود، معلوم نیست.(۱) در برخی کتاب‌ها آمده است": هفتاد سال بعد از ظهور، امام زمان(ع) را زنی از طایفه بنی تمیم به نام سعید، که مانند مردان ریش دارد، با انداختن سنگی از پشت بام به شهادت می رساند."(۲)

پی نوشت‌ها: ۱. مجله حوزه سال ۷۰ – ۷۱– مهر – دی ۱۳۷۴، ص ۵۸. ۲. سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۸۱.

قاتل امام زمان(ع) کیست؟ آیا او به دنیا آمده است؟

پرسش

قاتل امام زمان(ع) کیست؟ آیا او به دنیا آمده است؟

پاسخ

درباره کیفیت مرگ امام زمان(ع) نمی‌توان قاطعانه داوری کرد، زیرامعلوم نیست حضرت به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود و یا به شهادت می‌رسد. درباره چگونگی مرگ ائمه(ع) اختلاف نظر وجود دارد: برخی عقیده دارند همه امامان معصوم(ع) به شهادت می‌رسند.(۱) از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که همه ائمه به شهادت می‌رسند.(۲) امام رضا(ع) فرمود": ما منا إلا مقتول أو مسموم."(۳) اگر این مبنا را در خصوص کیفیت مرگ امامان معصوم(ع) بپذیریم، امام زمان(ع) نیز به شهادت می‌رسد، ولی این که توسط چه کسی به شهادت می‌رسد، مشخص نیست. در خصوص این که قاتل امام زمان(ع) به دنیا آمده است یا نه، باید گفت: بر فرض این که امام به شهادت برسد، قاتل حضرت به دنیا نیامده است؛ زیرا اگر قاتل حضرت به دنیا آمده بود، باید عمر طولانی

داشته باشد، زیرا مدت‌ها از غیبت حضرت می‌گذرد و باز معلوم نیست حضرت کی ظهور خواهد نمود. برخی دیگر عقیده دارند که همه امامان معصوم(ع) به شهادت نمی‌رسند.(۴) اگر این نگرش را بپذیریم، نمی‌توان قاطعانه گفت که امام زمان(ع) به شهادت می‌رسد. شاید امام زمان(ع) به مرگ طبیعی از دنیا برود. پی نوشت‌ها: ۱. مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۵۹. ۲. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳. ۳. همان. ۴. مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۶۰.

چگونگی کشته شدن امام زمان را بیان کنید؟

اشاره

آیا این مطلب صحیح است که قاتل امام زمان، زنی است که متولد شده است؟

پرسش

چگونگی کشته شدن امام زمان را بیان کنید؟ آیا این مطلب صحیح است که قاتل امام زمان، زنی است که متولد شده است؟

پاسخ

دربارهٔ این که آیا امام زمان(ع) کشته می شود یا به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود و اگر کشته می شود، آیا کشندهٔ او مرد است یا زن؟ مسلمان است یا غیر مسلمان؟ اصفهانی است یا غیر اصفهانی؟ اگر چه سخنانی گفته شده و چه بسا روایاتی نقل شده باشد، اما دلیل معتبری در دست نیست. از حدیث معروف" ما منّا إلّا مقتول أو مسموم؛(۱) تمامی ما امامان با شمشیر کشته می شویم یا با زهر" استفاده می شود که امام زمان نیز مانند بقیهٔ ائمه، کشته یا مسموم می شود. اما اصل مسئله این که آیا همهٔ آن بزرگواران به شهادت رسیده یا برخی به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند، بین علمای شیعی اختلاف است. شیخ صدوق(ره) بر این باور است که همهٔ معصومین(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند. شیخ مفید(ره) فرموده تمامی آنان با قتل یا با سم از دنیا نرفته اند، بلکه شهادت برخی از آنان مشکوک است. شهادت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین(ع) قطعی و حتمی است. پس از ایشان مسمومیت و شهادت امام موسی بن جعفر(ع) نیز قطعی و مسلّم است. دربارهٔ امام رضا(ع) نیز قول قوی به مسمومیّت ایشان است. امّا در دیگر امامان دلیل قطعی برای اثبات این که آنان به وسیلهٔ سمّ کشته شده باشند، جای تردید است.(۲) بنابراین دلیلی بر کیفیت مردن یا شهادت امام زمان(ع) نداریم، امّا تذکّر این نکته ضروری است که پیامبر و امامان به مقام شهادت که مقامی بس بالا و والا است رسیده اند و رسیدن به این مقام اسبابی دارد. ممکن است فردی با مرگ طبیعی از دنیا برود، ولی در اثر این که دارای تقوا و عمل صالح است، به مقام شهادت برسد. البته یکی از مهم ترین اسباب رسیدن به این مقام، کشته شدن در راه خدا است. برای اطلاع بیشتر به کتاب های مهدی موعود ترجمهٔ علی دوانی، در انتظار خورشید از عبدالرحمن انصاری، امام در عینیت جامعه نویسنده محمد رضا حکیمی، دادگستر جهان نوشتهٔابراهیم امینی و منتهی الآمال نوشتهٔ حاج شیخ عباس قمی مراجعه شود. پی نوشت ها: ۱. مجلهٔ حوزه، شمارهٔ ۷۰ – ۷۱، ص ۵۹۰، به نقل از بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳ و ۲۱۶ و ۲۱۷. ۲. همان، ص ۶۰، به نقل از اعتقادات شیخ صدوق، ج ۵، ص ۹۹، چاپ کنگرهٔ شیخ مفید. روایات قطعی و متواتری درباره شهادت یا درگذشت امام زمان (عج) وجود ندارد. برخی روایات شهادت آن حضرت را تأیید می‌کنند از جمله: امام حسین (ع) می‌فرماید: هیچ یک از ما امامان نیست جز آنکه مسموم یا شهید می‌شود. روایتی هم شهادت امام زمان (عج) توسط یک زن را بیان می‌کند. برخی روایات دیگر در گذشتن آن

حضرت را تأیید می‌کند از جمله روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است که در تفسیر آیه »ثم رددنا لکم الکرّة علیهم« می‌فرماید: مقصود زنده شدن دوباره امام حسین (ع) و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان (عج) است در حالی که کلاهخودهای طلایی بر سر دارند، به مردم رجعت و زنده شدن دوباره حضرت امام حسین (ع) را اطلاع می‌دهند، تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند و این در حالی است که حضرت مهدی (عج) در میان مردم است. هنگامی که همه مؤمنان امام حسین (ع) را شناخته و تأیید کردند که او حسین (ع) است، مرگ حضرت مهدی (عج) فرا خواهد رسید و دیده از جهان فرو می‌بندد. آن گاه امام حسین (ع) وی را غسل و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد که هرگز امام را جز امام غسل نمی‌دهد. {P - صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۴۸۲. P} بنابر پاره‌ای از روایات حضرت ولی عصر (عج) هم بعد از رحلت یا شهادت رجعت می‌کنند و آن چه در روایات آمده است که قیام قیامت ۴۰ روز بعد از رحلت حضرت ولی عصر (عج) است مربوط به رحلت آن حضرت در رجعت است. {P - محمد خادمی شیرازی، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی (ع)، ج ۲، (قم: ناشر، ۱۴۱۱ ق) ص ۱۹۲. P} در صورت صحت شهادت آن حضرت این امر نشان می‌دهد که حکومت جهانی آن حضرت هم هنوز افراد اصلاح نشده‌ای هستند که گرچه دستشان از حکومت کوتاه است اما از توطئه دست برنداشته‌اند.

حضرت مهدی(را چه کسی به قتل خواهد رسانید؟

پرسش

حضرت مهدی(را چه کسی به قتل خواهد رسانید؟

پاسخ

مسأله کشته شدن حضرت مهدی(مسأله ای قطعی نیست، و بزرگان در این زمینه نظرات متفاوتی ابراز داشته اند و علت این مسأله روایاتی است که در این زمینه رسیده است. برخی روایات می گویند که آن حضرت مدتی حکومت خواهد کرد و سپس وفات می کند و مسلمانان بر او نماز می گذارند.(۱) و از بعضی روایات استفاده می شود که مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران با مشخصاتی که برای آنان در روایات ذکر شده به شهادت می رسند.(۲) شیخ صدوق از بین نظرات، نظر دوم را پذیرفته و روایاتی را به عنوان دلیل ادعایشان بیان می فرمایند که عبارتند از روایت امام رضا(که می فرمایند" : ما منّا الامقتول("۳) یعنی" از ما ائمه کسی نیست مگر آنکه کشته می شود "و روایت امام حسن مجتبی(که می فرمایند" : به خدا سوگند پیامبر(به ما این عهد و وعده را داد که امر امامت را یازده تن از فرزندان علی و فاطمه(به دست خواهند گرفت و هر یک از آنان مسموم یا مقتول خواهند شد("۴.) اما بزرگانی دیگر چون شیخ مفید کلیت این احادیث" ما منا الامسموم او مقتول "را نپذیرفته اند. حال با توجه به نکات یاد شده روشن شد که اگر نظر شیخ صدوق را بپذیریم و به روایات" ما منا الامسموم او مقتول "پایبند باشیم و آنها را از نظر سند بپذیریم امام زمان (به دست جنایتکاران به شهادت می رسند، ولی اگر قول شیخ مفید را بپذیریم و به روایات " ما منا الا مسموم او مقتول "پایبند نباشیم، باید بگوییم که چگونگی مرگ آن عزیز روشن نیست،(۵) گرچه نظر و استدلال مرحوم شیخ صدوق مبنی بر شهادت حضرت، قوی‌تر به نظر می رسد و این نظر بیشتر موافق علمای وارسته عصر حاضر است. والله اعلم. منابع و مآخذ : ۱. بحارالانوار، ج۵۲ / ۳۸۳ ۲. تاریخ ما بعدالظهور، سید محمد صدر/ ۸۸، مکتبه الام امیرالمؤمنین، اصفهان ۳و۴ بحار الانوار، ج۲۱۷،۲۱۶،۲۷/۲۱۳ ۵. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۵۹، ۳۶۰

آیا امام زمان (عج)بعد از ظهور به شهادت می رسند چرا و چگونه و در صورت مثبت بودن پاسخ بعد از آن قیامت برپا خواهد شد یا نه؟

پرسش

آیا امام زمان (عج)بعد از ظهور به شـهادت می رسـند چرا و چگونه و در صورت مثبت بودن پاسخ بعد از آن قیامت برپا خواهد شد یا نه؟

پاسخ

راجع به شـهادت حضرت مهدی(عج) و کیفیت آن، مدرک معتبری وجود ندارد. در برخی از کتاب‌های اهل سنت نقلی آمده است که زنی ریش‌دار به نام سـعیده، با انداختن هاونی از روی بلندی بر سر آن حضرت، ایشان را به شهادت خواهد رساند. این مسأله که آیا بعـد از شـهادت امام زمان کسـی حکومت خواهد کرد یا خیر و در صورت اول، چه کسانی حکومت خواهند کرد، محل بحث و اختلاف آراء است و این ناشی از اختلاف مضمون روایات است. در مورد حکومت بعد از حضرت دو نظر عمده وجود دارد: ۱. بعد از شـهادت امام زمان، ائمه معصومین، یکی پس از دیگری به دنیا رجعت خواهند کرد و حکومت می‌کنند، (امام مهدی از ولادت تا ظهور، سـید کاظم قزوینی، ترجمه فریدونی، ص ۶۷۲). ۲. بعد از شـهادت امام زمان، و تأسـیس حکومت عدل و رشد فکری و دینی مردم و ایجـاد مـدینه‌ی فاضـله، انسانهـای صالـح کـه تربیـت یـافته‌ی مکتب امـام زماننـد، یکی پس از دیگری این حکـومت را اداره می‌کننـد تا روز قیامت، (تاریـخ ما بعد الظهور، محمد صدر، ص ۶۵۳ ـ ۶۳۹). برای اطلاع تخصصـی و عمیق مراجعه کنید به کتاب: تاریخ ما بعد الظهور، محمد صدر، ص ۶۲۷.

اگر حکومت حضرت، حکومت عدل جهانی است،پس چرا به شهادت می‌رسد؟

پرسش

اگر حکومت حضرت، حکومت عدل جهانی است،پس چرا به شهادت می‌رسد؟

پاسخ

در مـورد سـؤال فوق می‌گوییم: دلیـل قطعی یـا متواتری بر شـهادت حضـرت مهـدی (ع) در دست نیست. آری، کسـانی که قائـل به شهادت حضـرت شده‌انـد به دو دلیل تمسّک کرده‌انـد: الف. روایات عام که دلالت دارد بر اینکه تمام امامان به مرگ غیر طبیعی از دنیا خواهند رفت. از امام حسن (ع) نقل شده که فرمود": ما منّا إلّا مسـمومٌ أومقتولٌ"؛ "هیچ یک از ما{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷. پاورقی} امامان نیست جز آنکه مسـموم یا شـهید می‌شود ".ب. روایات خاص که مربوط به شـهادت امام زمان (ع) است، که مطـابق روایتی، زنی به نـام سـعیده از طـایفه بنی‌تمیم ایشـان را به شـهادت می‌رسانـد، به این نحو که از بالای بام، به هنگامی که حضـرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند وبا آن، حضرت را به شهادت می‌رساند. {پاورقی . الزام الناصب، ص ۱۹۰. پاورقی} ولی در پاسخ می‌گوییم: اولاً: مسأله شـهادت حضـرت مهدی (ع) با روایاتی که دلالت بر اصـلاح عموم مردم در عصـر ظهور دارد سازگـاری نـدارد. ثانیـاً: روایت عـام را که دلالـت بر مرگ غیر طبیعی عموم اهـل بیت: دارد، می‌توان به مورد امام مهدی (ع) تخصـیص زد. ثالثاً: روایت شهادت حضرت مهدی (ع) به دست زن تمیمی از حیث سند تمام نیست. رابعاً: روایاتی وجود

دارد که حضرت مهدی (ع) به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می‌کنند: کلینی؛ به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: ..."چون معرفت وایمان به حضرتش در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می‌رسد. پس امام حسین (ع) متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن ایشان خواهد شد. {"پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۰۶. پاورقی} زهری می‌گوید": حضرت مهدی (ع) چهارده سال زندگی می‌کند سپس به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می‌کند. {"پاورقی . البرهان، متقی هندی، ص ۱۶۳ ؛ الفتن، ابن حمّاد، ص ۱۰۴. پاورقی} ارطاه می‌گوید": به من خبر رسیده است که حضرت مهدی (ع) چهل سال زندگی می‌کند، سپس به مرگ طبیعی در بستر خود می‌میرد. {"پاورقی . البرهان، متقی هندی، ص ۱۵۷ ؛ الفتن، ابن حمّاد، ص ۹۹ ؛ عقدالدُرر، ص ۱۴۷. پاورقی}

۱- آیا حقیقت دارد که امام زمان (عج) پس از ظهور و بعد از مدتی به دست زنی حیله گر کشته می شود؟

اشاره

۲- آیا امام زمان (عج) در روز جمعه ظهور می کند؟ چرا؟

پرسش

۱- آیا حقیقت دارد که امام زمان (عج) پس از ظهور و بعد از مدتی به دست زنی حیله گر کشته می شود؟ ۲- آیا امام زمان (عج) در روز جمعه ظهور می کند؟ چرا؟

پاسخ

در مورد سوال اول شما باید عرض کرد که، بنابر تتبع و جستجوئی که در مورد این مطلب شده مطابق حدیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمودند: ما منا الا مقتول او مسموم (۱) امام زمان علیه السلام نیز شهید خواهند شد و در کتاب الزام الناهب آمده که زنی امام (علیه السلام) را شهید خواهد کرد. ۱- در مورد سوال دوم شما نیز باید عرض کرد که بله از بعضی از روایات استفاده می شود که امام زمان (عجل ا... تعالی فرجه الشریف) در روز جمعه ظهور می کنند (۲) و شاید علت آن این باشد که چون روز جمعه مصادف می شود با روز عاشورا و ایشان منتقم واقعی خون امام حسین می باشد لذا در دعا می خوانیم که این الطالب بدم المقتول بکربلا (۳) در زیارت عاشورا هم نیز همین فرامین آمده است. ۲- برای مطالعه بیشتر در این خصوص می توانید به کتاب روزگار رهایی (ترجمه کتاب یوم الخلاص) از کامل سلیمان مراجعه نمایید.بحار الانوار ج ۲۷ ص ۳۱۷ ۳- مهدی منتظر (عجل ا... تعالی فرجه شریف)- حجه الاسلام محمد جواد خراسانی رحمه الله علیه. ص ۱۸۹ ۴- دعای ندبه- مفاتیح الجنان

آِیا این که وقتی امام زمان ظهور می کند یک زن او را خواهد کشت خرافات است و آیا بعد از ظهور امام زمان مردم عمر طبیعی خود را سپری خواهند کرد و همین طور امام زمان نیز؟

پرسش

آِیا این که وقتی امام زمان ظهور می کند یک زن او را خواهد کشت خرافات است و آیا بعد از ظهور امام زمان مردم عمر طبیعی خود را سپری خواهند کرد و همین طور امام زمان نیز؟

پاسخ

۱. گمانه زنی درباره چگونگی رحلت امام زمان(عج) بر دو رویکرد استوار می باشد: شهادت و مرگ طبیعی. مستند رویکردهای یاد شده نیز، روایاتی از معصومین(ع) است. ۲. کسانی که به شهادت حضرت مهدی(عج) باور دارند، به روایاتی از جمله موارد زیر استناد کرده اند. الف) «فاذا تمت السبعون سنه اتی الحجه الموت فتقتله امرأه من بنی تمیم اسمها سعیده و لها لحیه کلحیه الرجل بجاون صخر من فوق سطح و هو متجاوز فی الطریق. فاذا مات تولی تجهیزه الحسین(ع)؛ با پایان یافتن هفتاد سال از آمدن امام زمان(عج) زنی از قبیله بنی تمیم به نام سعیده او را شهید می کند. وی همچون ریش مردان، دارای ریش می باشد و در حالی که امام زمان(عج) از راهی می گذرد، با هونگی از جنس سنگ امام را به شهادت می رساند. پس از فوت امام زمان(عج)، امام حسین(ع) غسل، تکفین و تدفین او را انجام می دهد» (محمد الصدر، موسوعه الامام المهدی، الکتاب الثالث، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۸۱، دارالتعارف للمطبوعات). ب) روایت مرسلی از امام صادق(ع) که فرمود: «ما منا الا مقتول او شهید؛ هیچ یک از ما نیست؛ مگر آن که کشته یا شهید می شود» (الطبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۴۹، المکتبه العلمیه الاسلامیه). ج) افزون بر روایات، دلیل دیگر این گروه آن است که امام(ع) با وجود چندهزار سال در عمر طبیعی خود در سطح یک انسان چهل ساله که در آستانه پایان جوانی خود قرار داشته و نیز دارای نیروی بدنی بسیاری است، ظاهر می شود. وانگهی به دلیل روایاتی که برخلاف روایت مذکور در بند الف، مدت زمان حکومت او را هفت الی ده سال مطرح کرده اند، از این رو ایشان به هنگام مرگ، وارد سن کهولت نشده و نیروی بدنی و سن میان سالیشان، هم چنان پابرجاست. حال با توجه بر این، نمی توان گفت که مرگ امام(ع) در چنین شرایط سنی و نیروی بدنی، مرگی طبیعی و بدون نقش آفرینی رویدادی خارجی باشد. ۳. با وجود روایاتی از این دست، برخی بر این باورند که همچون سایر مردم، امام زمان(عج) به مرگ طبیعی از دنیا خواهد رفت. دلیل آنان، وجود اشکالاتی در روایات یاد شده است که برخی از آنها به قرار زیرند. الف) روایت دوم مرسل بوده و سلسله سند آن ذکر نشده است، از این رو نمی توان بدان تکیه نمود. ب) مستند نخست نیز، روایتی از یکی از معصومین(ع) نبوده بلکه سخنی منقول از یکی از علماست، آن هم عالمی ناشناخته. اگر هم عبارت یاد شده به مضمون روایات اشاره داشته باشد، در این صورت هم به دلیل ناشناخته بودن سند، هم چون روایت نخست مرسل به حساب آمده و به دلیل ضعیف بودن از ناحیه سند، پذیرفته نیست، از این رو نمی تواند بیانگر رویدادی تاریخی باشد. ج) پس از بالندگی بشر در پرتو شخصیت متعالی حضرت مهدی(عج) که بیشترین زمینه های اقدام به آن حضرت را در پی دارد، روی دادن چنین حادثه ای دور از ذهن است. د) در روزگار حاکمیت امام زمان(عج) که تمدن بشری در پیشرفت ژرفی به سر می برد، بهره گیری از ابزاری قدیمی به نام هاونگ به عنوان وسیله قتل، امری غیر محتمل است. ه) ریش دار بودن قاتل که خود یک زن است، روایت را با اشکالات فراوانی روبرو می کند از جمله: – هر چند به گونه ای نادر، برخی از زنان، ریش بسیار مختصری در می آورند، ولی هیچ گاه میزان آن به اندازه ریش یک مرد نمی رسد، آن گونه که در روایت بدان اشاره شده است. – در تاریخ سابقه ندارد که حتی یک زن به صورت ریش کامل یک مرد، ریش درآورده باشد ولی در روایت بدان تصریح شده است. اگر هم گفته شود چنین چیزی به عنوان یک استثناء و به قدرت الهی موجود شده تا با قاتل ولی عصر(عج) قرار گیرد پاسخ آن است که اگر چنین زنی مدتی در میان مردم آن زمان زندگی کند، با توجه به سخن گفته شده از او در کتاب ها به عنوان قاتل امام زمان(عج)، در این صورت حکومت حضرت مهدی(عج) درباره آن تصمیمی خاص می گرفت. – ممکن است گفته شود ریش مزبور، نه ریشی طبیعی بلکه از گونه مصنوعی آن می باشد که زن به عنوان تشبه به مرد از آن استفاده می کند. در این باره نیز پاسخ هایی گفته شده از جمله آن که چنین رفتاری، یعنی تشبه زنان به مردان رفتاری انحرافی و به جامعه ظلم آلود و فاسد پیش از ظهور مربوط بوده و وقوع آن در نظام عادلانه امام زمان(عج) بی معناست؛ وانگهی چنین زنی به دلیل منحصر به فرد و

یگـانه بودن بـا نمایش خود در جامعه به عنوان قاتل امام زمان(عـج) خود را در ورطه ای خطرناک قرار دهـد از این رو لازم است از چنین وضعیتی اجتناب نماید. ۴. این که آیا پس از ظهور امام زمان(عج) مردم نیز عمر طبیعی خود را سپری خواهند کرد باید گفت: با ظهور ولی عصر(عـج) نظام طبیعی عالم که از جمله آنها قانونمنـدی های حاکم بر مرگ است، به هم نمی خورد بلکه آن چه که روی می دهـد، برچیـده شـدن ساختار غیر انسانی حاکم بر آن و تبدیل شدن آن به وضـعیتی که در آن انسان ها به سـعادت و کمال حقیقی خود برسند.

سرانجام زندگی امام زمان چه خواهد شد و چه کس آن حضرت را به شهادت می‌رساند؟

پرسش

سرانجام زندگی امام زمان چه خواهد شد و چه کس آن حضرت را به شهادت می‌رساند؟

پاسخ

پیرامون شـهادت یـا رحلت امـام زمان(عـج) روایات متعـددی نقل شـده است ولی با توجه به روایتی از امام حسن(ع) که می‌فرمایـد: «هیچ یک از امامان نیست جز آنکه مسـموم یا شـهید می‌شود». و روایاتی که بر شهادت امام مهدی (عج) دلالت دارد می‌توان گفت که سـرانجام آن حضـرت به شـهادت خواهد رسید. درباره شهادت امام زمان(عج) و چگونگی آن نیز روایت شده است هنگامی که سال ۷۱ حکومت ایشان به پایان آیـد و مرگ حضـرت فرا رسد زنی به نام سـعیده از طایفه بنی تمیم ایشان را به شـهادت می‌رساند. ویژگی آن زن این است که ماننـد مردان محاسن دارد و از بالاـی بـام به هنگـامی که حضـرت در حـال عبور است سـنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند و حضـرت را به شـهادت می‌رساند.{۱} [۱].تاریـخ بعد الظهور، تعریف سـیدمحمد صدر، ص ۸۸۱، به نقل از یکصد پرسش و پاسخ پیرامون (امام زمان(عج)، ص ۲۳۹، مؤلف علی‌رضا رجایی تهرانی)/

ویژگیها

سیرت وصورت

شباهت حضرت به انبیاء

طبق حدیثی از امام سـجاد (ع) امام زمان (عج) شـباهت‌هایی با تنی چند از پیامبران الهی داشته است. کدام پیامبران با چه شباهت‌هایی با امام عصر (عج) در اشتراکند؟

پرسش

طبق حدیثی از امام سجاد (ع) امام زمان (عج) شباهت‌هایی با تنی چند از پیامبران الهی داشته است. کدام پیامبران با چه شباهت‌هایی با امام عصر (عج) در اشتراکند؟

پاسخ

اعتقاد به وجود مصلح جهان و نجات دهنده مستضعفان را همه ادیان اشاره نموده‌اند ، (۱)و این امرعقیدهٔ الشیعهٔ، دونالدسن، ص ۲۳۱، به نقل از در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، ص ۴۵؛ چاپ اول، ۱۳۷۹. مورد قبول همگان است، اگر چه در مصداق آن اختلاف نظر دارند، لیکن اعتقاد به وجود امام زمان و حجت حق (عج) از ضروریات مذهب شیعه است. درباره امام زمان (علیه‌السلام) روایاتی وارد شده و یکی از آن احادیث درباره شباهت‌های حضرت است با تنی چند از پیامبران الهی، که امام زین العابدین (علیه‌السلام) در حدیثی آن شباهت‌ها را بیان نموده است": منا سنن من سنن الأنبیاءعلیهماالسلام سنهٔ من آدم و سنهٔ من نوح و سنهٔ من ابراهیم و سنهٔ من موسی و سنهٔ من عیسی و سنهٔ من أیوب و سنهٔ من محمد صلی الله علیه و آله و سلم فأما من آدم و نوح فطول العمر، و أما من ابراهیم فخفاء الولادهٔ و اعتزال الناس و أما من موسی فالخوف و الغیبهٔ و أما من عیسی فاختلاف الناس فیه و أما من أ...Ş...فالفرج بعد البلوی، و أما من محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فالخروج بالسیف؛ در حضرت قائم از ما (خاندان) سنت هایی از سنت‌های پیامبران است. از آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب‌علیهم‌السلام و نیز سنتی از حضرت محمد صلی الله وعلیه وآله. اما سنتی که از آدم و نوح‌علیهم‌السلام (در حضرت) است، عمر طولانی می‌باشد، و سنتی که از ابراهیم (در او) وجود دارد، ولادت پنهانی و گوشه‌گیری از مردم است. سنتی که از موسی است، بیم (از کشته شدن) و پنهان زیستن است و سنتی که از حضرت عیسی است، اختلاف نمودن مردم درباره او است و سنتی که از ایوب (در حضرت) است، فرج و گشایش پس از ابتلا (به مصیبت‌ها و رنج‌ها) می‌باشد و سنتی که از پیامبر گرامی‌صلی الله وعلیه وآله است قیام با شمشیر می‌باشد(۲). بنابراین‌محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۴. شباهت‌های امام زمان با پیامبران الهی بدین گونه است: ۱ – در عمر طولانی به آدم و نوح‌علیهم‌السلام ۲ – در ولادت و انزوا زیستن به ابراهیم‌علیه‌السلام ۳ – در پنهان زیستن به موسی‌علیه‌السلام ۴ – در اختلاف نمودن مردم درباره او به حضرت عیسی‌علیه‌السلام ۵ – در گشایش پس از ابتلا به ایوب‌علیه‌السلام ۶ – در قیام با شمشیر (اسلحه) به پیامبر گرامی اسلام‌صلی الله وعلیه وآله پی نوشت ها: ۱ . عقیده الشیعه, دونالدسن, ص ۲۳۱, به نقل از در انتظار ققنوس, ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده, ص ۴۵؛ چاپ اول, ۱۳۷۹. ۲. محمد باقر, مجلسی, بحارالانوار, ج ۵۱, ص ۲۱۷, ح ۴.

درباره حضرت مهدی(عج) امام حسن عسکری فرمود": قائم ما به خضر نبی و ذوالقرنین شباهت دارد "شباهتش را توضیح دهید.

پرسش

درباره حضرت مهدی(عج) امام حسن عسکری فرمود": قائم ما به خضر نبی و ذوالقرنین شباهت دارد "شباهتش را توضیح دهید.

پاسخ

امام حسن عسکری(ع) خطاب به احمد بن اسحاق – که آمده بود تا از جانشین او سؤال کند – فرمود": مَثَل او (امام زمان) مثل خضر، نیز مثل ذوالقرنین است. خضر از آب حیات نوشید، از این رو زنده است و نمی‌میرد تا در صور دمیده شود. وی (خضر) هر ساله در موسم حج حضور دارد و در عرفه می‌ایستد و بر دعای مؤمنان، آمین می گوید. خداوند او را مونس قائم ما در غیبتش قرار می‌دهد و تنهایی او را التیام می‌بخشد. خضر در دنیا باقی خواهد ماند و از یاران حضرت خواهد بود.("۱) در این روایت وجه شباهت امام زمان(ع) به خضر از جهت طول عمر می‌باشد. در روایت دیگر نیز وجه شباهت امام زمان(ع) به خضر طول عمر بیان شده است که ناظر بر همین روایت است. امام صادق(ع) فرمود": خداوند متعال سه چیز را که در مورد پیامبران عملی ساخت، در

خصوص قائم ما نیز عملی می‌سازد. ولادت او مانند موسی و غیبتش را چون غیبت عیسی و طول عمرش را به سان نوح مقدّر فرموده، طول عمر بنده صالح خدا، خضر را دلیل طول عمر آن حضرت قرار داده است، زیرا خداوند می‌دانست بندگانش طول عمر او را انکار می‌کنند، از این رو عمر خضر را طولانی گردانید، تا در اثبات عمر قائم ما به وسیله آن استدلال شود و بدین وسیله ایراد دشمنان از بین برود و مردŠبر خدا حجت و ایرادی نداشته باشند.("۲) در روایت امام حسن عسکری(ع) وجه شباهت امام زمان(ع) به ذوالقرنین بیان نشده، ولی در روایتی که از پیامبر(ص) آمده، وجه شباهت امام زمان(ع) به ذوالقرنین از جهت حکومت بیان شده است، یعنی همان .....Ş...که حکومت ذوالقرنین گسترش یافت، حکومت امام زمان(ع) نیز جهانی خواهد شد و شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت. پیامبر(ص) فرمود": ذوالقرنین بنده شایسته‌ای بود... بدانید که میان شما کسی همانند او وجود دارد و خداوند متعال در زمین به او قدرت بخشیده و علت و سبب و رمز هر چیزی را در اختیار او قرار داده است و به مغرب و مشرق دست می‌یابد. خداوند متعال به زودی این سنت خود را در مورد قائم(از فرزندان من) جاری خواهد ساخت واو را بر شرق و غرب عالم مسلّط خواهد ساخت، به گونه‌ای که هر دشت و کوهی که ذوالقرنین در آن جا گام نهاد، او نیز گام خواهد گذاشت. خداوند گنج‌ها و معادن زمین را بر او آشکار خواهد ساخت و با ابزار رُعْب و ترس (که در دل دشمنان می‌افکند) او را یاری خواهد کرد و پس از آن که زمین پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد خواهد کرد.("۳) پی نوشت‌ها: ۱. منتخب الاثر، ص ۲۷۷ – ۲۷۸. ۲. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲ – ۲۲۳؛ مهدی موعود، ص ۴۸۴ – ۴۸۹؛ رسالت جهانی حضرت مهدی(عج)، ص ۱۴۱. ۳. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲ – ۳۲۳.

آیا امام عصر (عج) از هر رسول و نبی , نشانه ای با خود دارد؟ آنها را نام ببرید.

پرسش

آیا امام عصر (عج) از هر رسول و نبی , نشانه ای با خود دارد؟ آنها را نام ببرید.

پاسخ

بر اساس روایات، تمام معجزات و ودائع انبیاء و اوصیاء(ع) همراه حضرت مهدی(ع) است، یعنی حضرت مهدی(ع) وارث انبیاء و اوصیاء می‌باشد و خداوند معجزات انبیاء را در اختیار ایشان قرار می‌دهد. خلاصه این که آن حضرت میراث‌دار تراث نبوت و حاصل همه ذخایر انبیاء(ع) می‌باشد. از جمله: عصای موسی و پیراهن یوسف، عمّامه و شمشیر رسول اکرم، مصحف فاطمه و... همراه آن حضرت است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: سیره امامان معصوم، عبدوس، تدوین، محمد مهدی اشتهاردی. و حضرت حجت(ع) به همه انبیاء شباهت دارد؛ چنانکه در روایت وارد شده است، هنگامی آنحضرت(ع) ظهور می‌کنند به کعبه تکیه می‌زنند و خروش می‌آورد: «هلا ای فرزندان آدم، ای مردم عالم! هر که می‌خواهد آدم و شیث را بنگرد، اکنون این منم آدم و شیث. هر که می‌خواهد نوح و فرزندش سام را بنگرد، این منم نوح و سام؛... هر که می‌خواهد محمد و علی را بنگرد این منم محمد و علی. هر که می‌خواهد حسن و حسین را بنگرد اینک این منم حسن و حسین. هر که می‌خواهد پیشوایان از نسل حسین را بنگرد این منم آن پیشوایان از نسل حسین...»، (بحارالانوار / ۵۳/۹). بنابراین با توجه به شباهت حضرت حجت بن الحسن(ع) به انبیاء و اوصیاء(ع) می‌توان گفت که آن حضرت نشانه‌ها و معجزات آنان را نیز به همراه دارد .

امام زمان(عج) شبیه کدام پیامبرند و شمه‌ای از اخلاق و رفتار ایشان را بیان کنید/

پرسش

امام زمان(عج) شبیه کدام پیامبرند و شمه‌ای از اخلاق و رفتار ایشان را بیان کنید/

پاسخ

طبق آنچه که در روایات آمده است امام زمان(عج) از جهات مختلفی به پیامبران شباهت دارند. امام زین‌العابدین(ع) در این رابطه فرموده است: «در قائم ما چند سنت از سنت‌های پیامبران است. یک سنت از آدم و یک سنت از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب و سنتی از محمد(ص)/ اما سنت حضرت آدم و نوح، طول عمر آن حضرت است و از ابراهیم پنهان بودن ولادتش و دوری گزیدن او از مردم است و از موسی ترس و غیبت از مردم و از عیسی اختلافی که مردم درباره او دارند و از ایوب فرج بعد از شدت و از محمد(ص) قیام و شمشیر است. و همچنین شباهتی به یونس دارد و همان‌طور که یونس بعد از غیبت و پیری در حالت جوانی به سوی قریش بازگشت قائم ما نیز بعد از غیبت به صورت جوانی ظهور می‌کند».{۱} همچنین امام زمان(عج) از جهت صورت و سیرت شبیه پیامبر اکرم(ص) است. شبلنجی در این زمینه می‌نویسد: «امام مهدی(عج) از چشمانی سیاه و ابروهای پیوسته، بینی بلند و قلمی، ریش انبوه و خال هاشمی در گونه راست، برخوردار است».{۲} جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: عمو از امام علی(ع) پرسید نام حضرت مهدی چیست؟ حضرت فرمود: راجع به نام او حبیبم پیامبر(ص) با من عهد کرده که تا مبعوث نشود نامش را بیان نکنم. پرسید صفت و نشانه‌اش چیست؟ فرمود: جوانی میانه قامت، خوش‌رو و خوش مو است که موهایش بر شانه ریخته و نور صورتش بر سیاهی محاسن و سرش احاطه کرده است.{۳} در روایتی دیگر می‌خوانیم که امیر المؤمنین(ع) در بالای منبر فرمود: «در آخر الزمان مردی از نسل من با صورتی سرخ و سفید، فرخ شکم، ران قوی و شانه‌ای سترگ خروج می‌نماید که در پشتش دو خال، یک رنگ پوست و دیگری شبیه خال و پیامبر است».{۴} اما اینکه حضرت مهدی(عج) با چه خصوصیاتی ظهور می‌کند، پاسخ آن را در حدیثی که امام رضا(ع) فرموده است جویا می‌شویم، ایشان می‌فرماید: «نشانه قائم ما این است که در سن یک پیرمرد و به صورت یک جوان است به طوری که هر کس حضرتش را ببیند او را چهل ساله یا کمتر می‌پندارد و تا هنگام مرگ اثر پیری در او ظاهر نشود».{۵} از دیگر خصوصیات آن حضرت این است که «طی الأرض» کرده و سایه ندارد. امام رضا(ع) در این رابطه می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی(عج) ظهور می‌کند زمین از نور خدا روشن می‌شود، حضرت مهدی است که زمین در زیر پایش به سرعت حرکت می‌کند و اوست که سایه نخواهد داشت».{۶} [۱].کمال‌الدین و تمام النعمْ، شیخ صدوق، ص ۳۲۲/ [۲].چهارده معصوم، عمادزاده، ج ۲، ص ۶۰۶/ [۳].اثبات الهداْ، شیخ حرعاملی، ج ۷، ص ۴۱۴/ [۴].همان، ص ۴۰۰/ [۵].کمال‌الدین و تمام النعمْ، شیخ صدوق، ص ۶۵۲/ [۶].همان، ص ۳۷۲/

اوصاف ظاهری

آیا امام زمان (عج) نیز مانند سایر مردم بیمار می شوند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) نیز مانند سایر مردم بیمار می شوند؟

پاسخ

بنا بر آنچه در اخبار و روایات آمده است، امام زمان(عج) به سان مردم دیگر در میان آنان زندگی می‌کنند. و همان طوری که پیامبران الهی و دیگر ائمه(ع) به بیماری و یا مشکلات دیگر دچار می‌شدند، امام زمان(عج) نیز ممکن است به همین صورت باشند. بنابراین دعا برای سلامتی آن حضرت و یا صدقه دادن برای ایشان، بی‌مورد نیست. گذشته از این که صدقه دهنده، به هر نیتی که صدقه دهد، اثر کارش به خود او نیز باز می‌گردد. و زمانی هم که به نیت سلامتی امام زمان (عج) صدقه می‌دهد، عمل شایسته دیگری نیز انجام داده است؛ چرا که به یاد ولی خدا بوده و باعمل خویش، یاد و نام آن حضرت را ترویج کرده است. مضمون دعای فرج (اللهم کن لولیک) نیز دعا برای نصرت وحفاظت آن حضرت از گزندهای روزگار است.

آیا امام زمان ۷از لحاظ جسمی شبیه به ما است , یعنی نوع گوشت , پوست و خون و بدنش به ماشباهت دارد؟

پرسش

آیا امام زمان ۷از لحاظ جسمی شبیه به ما است , یعنی نوع گوشت , پوست و خون و بدنش به ماشباهت دارد؟

پاسخ

تمام معصومین : و نیز اولیای دیگر الهی چون سایر پیامبران از جنس خود آدمیان هستند. آیات بسیاری از قرآن اشارت و دلالت مستقیمی بر بعثت و برانگیخته شدن انبیا و رسولان الهی از میان قبایل وعشیره های خودشان دارد که به عنوان نمونه به برخی از تراجم آیات اشاره می شود: ۱ خداوند متعال بر مؤمنین انعام فرمود آن گاه که از خودشان به میان خودشان پیامبری معبوث کرد... .() (پاورقی ۴.آل عمران (۳ آیهء ۱۶۴ ۲ اوست خدایی که به میان مردمی بی کتاب , پیامبری از خودشان برانگیخت ... .() (پاورقی ۱.جمعه (۲ آیهء ۲ و دیگر آیات الهی نشان دهنده این مطلب است که خداوند متعال رهبران و هدایت کنندگان مردم را از میان خودشان انتخاب می کند تا واسطه ای در امر هدایت پیش نیاید و مردم به طور مستقیم از فیض حضورشان بهره ببرندو این مسئله با وجود ائمه اطهار: تا زمان حضور قائم آل محمد امری طبیعی می نمود, ولی از این پس جای سؤال باقی می ماند که اگر حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چون انسانهای دیگر زندگی می کنند این مسئله با عمر طولانی حضرت سازگار نمی شود جز آن که بگوییم حضرت از زندگی نباتی چون ما بهره مند نیستند وبه طوری دیگر به حیات ادامه می دهند. و اما پاسخ این است که خداوند متعال با معجزه و اسبابی که با آن موجودات عالم را کُن فیکون می کنند می توانند موجود پاک عزیزی چون صاحب الزمان را نیز محافظت نماید همان گونه که درداستان اصحاب کهف آمده است که ایشان سیصد و اندی سال در غار به خواب مشغول بودند و بعد از آن که برخواستند گمان می کردند که مدتی کوتاه شاید کمتر از یک روز در خواب بسر بردند که داستان مفصل آن در قرآن موجود است .() (پاورقی ۲.ر.ک : کهف (۱۸ آیهء ۲ به هر حال , ائمه اطهار: اوصاف جسمانی حضرت را چنین بیان کردند که حضرت رنگشان سفید مایل به سرخی ... استخوان شانه اش درشت و در پشت حضرت دو

خال وجود دارد. کتاب غیبت شیخ مفید از امام باقر۷نقل کرده که فرمود: مهدی ۷مردی از فرزندان فاطمه ۳است و درفصول المهمّه می نویسد: مهدی موعود جوانی متوسط القامه (با قدی متوسط) نیکو روی و خوش روی است ...بینی اش باریک و پیشانی اش باز است ... .() (پاورقی ۳.علی دوانی , مهدی موعود, ص ۲۳۸ـ ۲۴۵ در هر صورت , حضرت از نظر جسمانی هیچ مغایرتی با انسان های دیگر ندارند و چیزی که باعث تعجب وامتیاز در نظر افراد شود در وجود مقدس حضرت راه ندارد. و در جایی دیگر شمایل جسمانی حضرت چنین بیان شده است : چهره اش گندمگون , ابروانش هلالی و کشیده ,چشمانش سیاه و درشت و جذاب , شانه اش پهن ... پیشانی اش بلند و تابنده , استخوان بندی اش استوار وصخره سان ... گونه هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی که از بیداری شب عارض شده بر گونه راستش خالی مشکین و...() است . (پاورقی ۱.خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی , ص ۳۲

می گویند امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، در گونهٔ راست خود خال هاشمی دارند، آیا این مطلب صحیح است؟

پرسش

می گویند امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، در گونهٔ راست خود خال هاشمی دارند، آیا این مطلب صحیح است؟

پاسخ

اوصاف وجود مقدس حجت خدا که اکنون در پس پردهٔ غیب غایب است را، نمی توان به درستی و صحت، گمانه زد. چهره شناسی و توصیف آن؛ آن گاه میسّر و ممکن است که صاحب چهره در پشت پردهٔ غیب به سر نبرد. مگر که معصوم (ع) به آن خبر داده باشد. امروزه هزار و اندی سال از حجاب حضرتش می گذرد که در نقاب مصلحت پنهان است و اگر بر شخصی بزرگ ظاهر شود، به کتمان و پنهان می رود و آن شخص را نشاید که تفسیری از آن آفتاب مغرب به نمود و نقش ظاهر کند. اکنون، غیبت، سرّ مستتری است که چون صدف، گوهری گران بها در خود دارد و این از زیبایی اسرار عالم خلقت و عصر غیبت است. در عین حال و در بعضی از روایات منسوب به معسومین توصیف خال سیاه بر گونهٔ راست آن حضرت بیان شده است. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود": مهدی(ع) مردی از نسل من است ... و بر گونهٔ راستش خالی چون ستارهٔ درخشان نورافشانی می کند."...۷ و اما احادیث دیگری نیز وجود دارد که چهرهٔ قائم آل محمّد (ص) را می نمایاند که می توان به کتاب شریف بحارالأنوار علامه مجلسی ره جلد ۵۱ مراجعه کرد. ۷ عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۲۶۸، به نقل از کتاب اثبات الهداه، ج ۷، ص ۲۳۰.

اگر در خواب یا بیداری امام زمان(عج) را مشاهده کردیم، حضرت را با چه علائمی بشناسیم؟

پرسش

اگر در خواب یا بیداری امام زمان(عج) را مشاهده کردیم، حضرت را با چه علائمی بشناسیم؟

پاسخ

علائم خاصی برای شناخت امام زمان(ع) در خواب یا بیداری ذکر نشده است، چون چه بسا افرادی که حضرت را در خواب مشاهده کرده اند، به شکل واحد و یکسانی ندیده اند و یا حتی افرادی که امام زمان(ع) را در بیداری احیاناً ملاقات کرده اند، در زمان ملاقات حضرت را نشناخته اند و بعد متوجه شده اند، ولی در خواب یا بیداری به انسان الهام می شود که آن شخص امام زمان(ع) است و یا از این که از نظر پنهان می شود و اثری از ایشان یافت نمی گردد، پی می برند که شخص ملاقات شونده حضرت ولی عصر(ع) بوده اند. البته قطعات امام زمان(ع) مانند هر بشر دیگری دارای صفات و علائم مشخصی هستند که از دیگران متمایز می گردد ولی از آن جا که تقدیر الهی بر مخفی بودن حضرت است، به امر الهی ممکن است آن علائم به چشم افراد، تغییر کند.

امامان همه چشم و ابرو مشکی هستند، غیر از امام زمان(عج) که چشم آبی است. چرا؟

پرسش

امامان همه چشم و ابرو مشکی هستند، غیر از امام زمان(عج) که چشم آبی است. چرا؟

پاسخ

در مورد رنگ چشم امام زمان(ع) آمده که سیاه چشم است. مرحوم آیت الله سید محسن امین از کتاب اسعاف الراغبین نقل نموده: "امام زمان(عج) جوانی، سیاه چشم.[۱]" ولی مدرک قاطعی بر این امر نمی باشد. [۱] سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۳.

حتماً امام زمان(ع) در میان مردم راه می رود و زندگی می‌کند. آیا با همان ویژگی هایی که نام برده شد، مثلاً با خال هاشمی و با موهای فِرّ ظاهر می‌شود.

پرسش

حتماً امام زمان(ع) در میان مردم راه می رود و زندگی می‌کند. آیا با همان ویژگی هایی که نام برده شد، مثلاً با خال هاشمی و با موهای فِرّ ظاهر می‌شود.

پاسخ

از برخی روایات استفاده می‌شود که امام زمان از نظر شکل و قیافه شبیه‌ترین انسان ها به پیامبر اسلام(ص) می‌باشد،[۱] همان گونه که حضرت همنام پیامبر(ص) است.[۲] امام زمان(ع) جوان[۳] خوش سیمایی است که صورت او مانند ماه می‌باشد.[۴] روی راست صورتش، خالی است که پنداری ستارهٔ درخشان است و قد متوسط و موهای بلندی دارد که موهای سر او به دو قسمت تقسیم شده است. [۵] امام علی(ع) فرمود: هو شابّ مربوع حسن الوجه، یسیل شعره علی منکبه، یعلو نور وجهه سواد شعر لحیته وراسه؛۱[۶] امام

زمـان(ع) جـوان، نیکـو صورت است، متوسـط القـامه که موهـای سـر بلنـد دارد (که بر لالـه گوش او ریخته) و نور از صورت او می درخشـد و موهای سـر و ریش او سـیاه می‌باشد. "بر این اساس در برخی متون از امام زمان(ع) به عنوان طاووس اهل بهشت یاد شده است.[۷] این که امام زمان(ع) با خصوصیات مذکور میان مردم ظاهر شده و زندگی می کند، دقیقاً مشخص و معلوم نیست. از متون دینی اسـتفاده می‌شود که امـام میان مردم با چهره و قیافه های مختلف ظاهر شـده، به هـدایت و رهبری آن‌ها پرداخته و به مشـکلات مردم رسیدگی می کند.[۸] گاهی حضرت به صورت جوان و گاهی به صورت انسان نیمه سال و گاهی به صورت انسانی معمولی و گاهی به عنوان یک عرب و ... ظاهر می‌شود؛ از این رو مردم معمولاً او را نمی شناسـند و اصولاً معنای غیبت نیز همین است که این گونه ظاهر شود. ـ به رغم آن که میان مردم و با مردم است ـ مردم او را نشناسـند، تا حضرت بهتر بتواند به هدایت آنان پرداخته و به مشـکلات علمی، فرهنگی و ... آنان رسـیدگی نماید؛ چنانکه وجود امام زمان جهت نفع رساندن به مردم به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. امام زمان(ع) در توقیع مبارک فرمود": همان طور که از خورشـید در وقتی که پشت ابرها پنهان شده، سود برده می‌شود، از من نیز در حـال غیبتم به همـان صورت بهره می بَرَنـد.["۹] به نظر می‌رسـد امـام زمان(ع) با ویژگی های مـذکور ظاهر نشـده و یا کمتر ظاهر می شود؛ از این رو مردم، حتی بزرگان دین که امام را می دیدنـد، نمی شـناختند. البته دیـدن امام با ویژگی های ظاهری او بسـتگی به لیاقت و شایسـتگی افراد دارد. برخی از اولیای خـدا به خاطر لیاقت و تقوایی که داشـتند، امام پارسایان را می دیدنـد و ملاقات می کردند[۱۰] و همین که حضـرت را می دیدند می شـناختند، ولی برخی امام را می دیدند و نمی شـناختند و بعد از رفتن امـام متوجه می شدنـد که امـام زمـان(ع) بود. امـام زمـان(ع) میـان مردم بوده و لحظه ای از آنـان غافل نیست، گرچه نحوهٔ حضور و خصوصـیات ظـاهری او دقیقـاً او معلوم نیست. پاورقی [۱]منتهی الامـال، ج ۱-۲ ص ۴۲۹. [۲]ارشاد، ص ۲۴۶؛ شـیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۷؛ کشـف الغمه، ج ۳، ص ۲۲۷؛اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۲. [۳]لطف الله صـافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۴۱. [۴]منتهی الامـال، ج ۱ - ۲، ص ۴۲۹. [۵]همان. [۶]لطف الله صـافی، منتخب الاثر، ص ۲۴۱. [۷]منتهی الامال، ج ۱ - ۲، ص ۴۳۱؛ خورشید مغرب، ص ۳۲. [۸]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲. [۹]همان. [۱۰]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

سرّ خال چیست و اگر در سینه باشد، نشانه چیست؟

اشاره

خال هاشمی چیست؟ آیا با وجود خال در بدن فال نیک بزنیم؟

پرسش

سرّ خال چیست و اگر در سینه باشد، نشانه چیست؟ خال هاشمی چیست؟ آیا با وجود خال در بدن فال نیک بزنیم؟

پاسخ

خال در لغت به معنای نقطه سیاه یا قهوه‌ای بر صورت یا جاهای دیگر بدن گویند و در اصـطلاح عرفانی اشاره به نقطه وحدت است که تمـامی امور به او بر می گردد (لاـ یری الاّـ اللّه و لاـ یعرف اللّه الاّ اللّه). صوفیان وجود محمّـدی(ص) یعنی هستی عالم را" خال"

گویند.(۱) وجود خال و لکه‌های سیاه یا قرمز یا قهوه‌ای بر بدن در هر کجای بدن باشد، نشانه چیزی نیست و نباید آن را به فال بد یا نیک تعبیر کرد و فال زدن به آن جائز نیست. این که می‌گویند خال هاشمی مربوط است به خالی که در صورت راست حضرت مهدی(ع) وجود دارد و باعث زیبایی آن حضرت است، در این زمینه روایتی نقل شده است": فی خدّه الایمن خال اسود؛(۲) در قسمت راست صورت او خالی سیاه وجود دارد. "البته وجود خال‌های فراوان بر بدن ممکن است علامت بیماری کبدی و غیر آن باشد که باید به پزشک مراجعه کرد. پی نوشت‌ها: ۱. دهخدا، لغت نامه، کلمه خال. ۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۰.

چرا شناخت ویژگیهای حضرت مهدی برای ما لازم است و منابع شناخت ما در این زمینه چیست؟

پرسش

چرا شناخت ویژگیهای حضرت مهدی برای ما لازم است و منابع شناخت ما در این زمینه چیست؟

پاسخ

راجع به حضرت مهدی(ع) و اوصاف آن بزرگوار باید بدانیم که شناختن مشخصات آن حضرت از دو جهت اهمیّت بخصوص دارد: یکی از نظر تکلیف، زیرا شناختن امام شرعاً و عقلاً ـ واجب است و به حکم حدیث معروف: «مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ مَیْتَهَ الجاهِلِیَّهِ» [هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، مرده است (همانند) مردن جاهلیت.] و دیگر از جهت شناختن دروغ و باطل بودن دعاوی کسانی که به دروغ ادعای مهدویّت کرده یا بنمایند، زیرا با ملاحظهٔ این مشخصات، کذب و بطلان دعوای این افراد روشن و واضح می‌شود چون فاقد این صفات و خصائص بوده‌اند. صفات و مشخصات حضرت مهدی(ع) که در احادیث و روایات ذکر شده مشخصاتی است که هر کس آن مشخصات را در نظر بگیرد هرگز آن حضرت را با افراد دیگر اشتباه نخواهد کرد و اگر دیده می‌شود پاره‌ای فریب خورده و دعوای مهدویّت را از شیادانی پذیرفته‌اند، به دلیل غفلت یا بی اطلاعی از این مشخصات و خصائص بوده، و یا آنکه بعضی مشخصات را که تمام مشخّص نبوده و وصف عام آن حضرت و دیگران بوده، تمام مشخّص شمرده و صاحبان وصف عام را با صاحب وصف خاص اشتباه کرده‌اند. بسیاری هم دانسته و عمداً این دعاوی را برای یک سلسله اغراض مادّی و سیاسی و حبّ جاه و ریاست، به ظاهر پذیرفته و ترویج می‌نمایند. وگرنه خصوصیات و اوصافی که برای آن حضرت بیان شده مشخصاتی است که جز بر آن شخص خاص و موصوف به آن صفات خاص(یعنی امام دوازدهم، یگانه فرزند امام حسن عسکری(ع)) بر احدی از کسانی که ادعای مهدویّت کرده‌اند قابل انطباق نیست و بطلان دعاوی آنها با توجه به این نشانیها و علامات مانند آفتاب آشکار و هویدا است. علماء و دانشمندان متتبع و محیط به احادیث که وثاقت آنان مورد تأیید علم رجال و تراجم است، در کتابهای معتبر و مستند به نحو کافی و وافی این مشخصات را تعیین و توضیح داده‌اند.

آیا امام زمان" ع "هم اکنون با پوشش قدیمی یعنی لباسهای قدیم عرب را می پوشد؟

پرسش

آیا امام زمان" ع "هم اکنون با پوشش قدیمی یعنی لباسهای قدیم عرب را می پوشد؟

www.noorfatemah.org

پاسخ

از اخبار و داستانهایی که دلالت بر دیدار افراد با حضرت بقیه ا"... عج "دارند، استفاده می گردد که امام" ع "با حالات و پوششهای گوناگونی آشکار شده اند، گاهی به صورت یک عرب بیابانی و گاهی در لباس کشاورزی که ابزار کشاورزی را به همراه دارد و بعضی اوقات به صورت علما و در هیبت یک رجال دینی مشاهده شده اند. (۱) مسلماً امام" ع "به منظور تردد میان مردم و حل مشکلات آنان و یا شرکت در مجالس آنان باید با حالتی ظاهر شوند که جلب نظر عموم را نکنند، بنابراین اگر پوشش امام" ع "به گونه ای غیر معمول باشد و یا همواره از یک نوع پوشش استفاده کند، براحتی شناخته می گردند. لذا حضرت بقیه ا"...عج "برای پنهان نگه داشتن خود باید در پوششهای گوناگون ظاهر گردند. البته طبق روایت نحوهٔ پوشش امام در زندگی همان است که اجداد بزرگوارش از آن برخوردار بوده اند، جامه ای درشت و خشن. امام صادق" ع "می فرماید": به خدا سوگند جز لباس خشن و درشت نمی پوشد و غذایی جز غذای سخت و ناگوار نمی خورد (".۲) منابع و مآخذ : ۱. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص۱۴۱-۱۴۰ غیبت نعمانی، ص۲۳۳، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص۳۷۲

امام زمان دارای چه صفاتی هستند؟

پرسش

امام زمان دارای چه صفاتی هستند؟

پاسخ

خلق و خوی امام زمان شبیه رسول خدا(ص است و خلق و خویرسول خدا قرآن است یعنی تمام صفاتی که برای انسانهای کامل در قرآنآمده در وجود حضرت متجلی است و صفات زشتی که از آن نکوهش شده درحضرت وجود ندارد. اخلاق و منش بزرگوارانه شجاعت بینظیر و علم گسترده گوشهای ازصفات آن حضرت است

سیمای ظاهری حضرت

اشاره

آیا در زمان غیبت امکان ارتباط با امام زمان (عج) وجود دارد و شیعیان چگونه از محضر او بهره می برند؟

پرسش

سیمای ظاهری حضرت آیا در زمان غیبت امکان ارتباط با امام زمان (عج) وجود دارد و شیعیان چگونه از محضر او بهره می برند؟

پاسخ

درباره شمایل حضرت مهدی(عج) روایات بسیار زیادی به دست رسیده است ما به گزیده‌ای از آن اوصاف اشاره می‌نماییم: «شبیه‌ترین مردم در سیرت و صورت به رسول خدا(ص) می‌باشد. جوانی با قامتی معتدل، پیشانی مبارکش فراخ است. ابروان به هم پیوسته و بینی باریک دارند. روی ماه آن عزیز بسیار نیکو بوده و نور رخسارش چنان درخشان است که بر سیاهی ریش مبارکش غلبه می‌کند. بر گونه راست آن حضرت خالی است که همچون ستاره‌ای درخشان است. میان دندان‌های مبارکش گشاده است. موهای نیکویی داشته که بر دو کتف مبارکش ریخته. میان دو کتف مبارکش عریض است. بر کتف مبارکش علامتی است شبیه علامتی که بر کتف پیامبر(ص) بود. برای مطالعه روایات پیرامون سیمای یوسف زهرا(س) نگاه کنید: ۱- منتهی‌الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۷۶۲، هجرت قم ۲- نجم‌الثاقب یا زندگانی مهدی(عج)، میرزا حسین طبرسی نوری، جاویدان تهران آنچه که منشأ خفا و غیبت حضرت ولی عصر(عج) شده است، موجب مخفی ماندن بسیاری از امور مربوط به زندگی شخصی آن حضرت نیز شده است. روایاتی هم که در این زمینه اشاره‌ای دارد، با قطع نظر از اشکال سندی، از نظر دلالت نیز ضعیف است. به همین جهت، نمی‌توان به نتیجه‌ای یقینی در این زمینه رسید به طور کلی سه احتمال در این زمینه وجود دارد: ۱. اساسا حضرت مهدی ازدواج نکرده باشند. اشکالی که به این احتمال می‌شود این است که امام معصوم(ع) یکی از سنّت‌های مهم اسلامی را ترک کرده باشد اما از آنجا که مسأله غیبت، اهم از ازدواج است، ترک این سنت مهم به خاطر آن امر مهم‌تر، اشکالی ندارد بلکه لازم است. ۲. ازدواج کرده‌اند ولی اولاد ندارند. ۳. ازدواج کرده‌اند و دارای فرزندانی هم هستند. این احتمال علاوه بر آنکه دلیل محکمی ندارد، اشکال اساسی آن این است که این همه اولاد و نسلها، بالاخره روزی در جست‌وجوی اصل خویش می‌افتند و این امر با فلسفه غیبت سازگار نیست. عده‌ای برای اثبات فرزند داشتن حضرت، به ادله‌ای تمسک کرده‌اند که هیچکدام دلالت قطعی بر این امر ندارند، (رجوع کنید: چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص ۳۵۳ تا ۳۵۵). برخی هم به داستان جزیره خضراء تمسک کرده‌اند، (النجم الثاقب، محدث نوری، ص ۲۵۲ تا ۲۶۰) و بر اساس آن گفته‌اند که امام عصر(ع) فرزندانی دارند که در آن جزیره و زیر نظر ایشان، جامعه‌ی نمونه اسلامی تشکیل داده‌اند. لکن با بررسی‌های گسترده اثبات شده که جزیره خضراء افسانه‌ای بیش نیست، (جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم - جزیره خضرا در ترازوی نقد، جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، دفتر تبلیغات اسلامی قم). نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که تعقیب کردن این موضوع، لزومی ندارد و تأثیری در سعادت ما ندارد همچنان که مسأله موضوع همسر و فرزندان، در مورد برخی از افراد دیگر همچون حضرت خضر نبی که در قرآن ضمن بیان سرگذشت حضرت موسی به آن اشاره شده است، (سوره کهف / آیات ۶۵ تا ۸۲) و همه مسلمین به عمر طولانی ایشان معتقدند، نیز وجود دارد. برای مطالعه در این زمینه رجوع کنید به: ۱. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶ ۲. امامت و مهدویت، آیت‌الله صافی گلپایگانی، چاپ بهمن قم، پاسخ ده پرسش، ص ۵۳. ما پرسش را در قالب کلی‌تر بیان کرده و بدان پاسخ می‌دهیم تا در ضمن آن سؤال شما پاسخ داده شود. در زمانی که حضرت صاحب (عج) در پرده غیبت کبری به سر می‌برد این پرسشها مطرح می‌شود آیا ارتباط با آن حضرت امکان دارد یا خیر؟ آیا شیعیان و پیروان حضرت می‌توانند از محضر آن بزرگوار بهره‌مند گردند یا نه؟ بر اساس روایاتی که در این زمینه وجود دارد دو دیدگاه مطرح شده است: الف) دیدگاهی که امکان ارتباط را تأیید نمی‌کند و لزومی برای آن نمی‌بیند عالمانی چون شیخ مفید، فیض کاشانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و نعمانی ارتباط با امام زمان (عج) و دیدن ایشان را برای شیعیان حال چه عابد چه متقی و چه فرد متوسط در غیبت کبری ممکن نمی‌دانند. ب) دیدگاهی که بر امکان ارتباط و وقوع آن اصرار

می‌ورزد عالمانی چون سید مرتضی، محدث نوری، کراجکی و شیخ طوسی بر این عقیده‌اند البته این امکان را تنها برای اولیای الهی و افراد ویژه می‌دانند غیر از آنها یعنی حتی کسی که چندان گناه نداشته ولی بدلایلی در زمره اولیاء الهی قرار نمی‌گیرد از این دیدار محروم است.ما در اینجا نمی‌توانیم به تحلیل ادله یکی از دو گروه پردازیم با توجه به دلایل مستقل می‌توان نکات ذیل را در این باب شمارش کرد: ۱- مقصود از دیدن آن حضرت چند معنا و مرتبه است: ۱-۱- در هنگام مشاهده حضرت متوجه نباشند ولی بعد متوجه و یا معتقد گردند شخصی را که دیده‌اند حضرت حجت بوده است. ۱-۲- دیدن با شناخت یعنی کسی حضرت را ببیند و معتقد شود شخصی را که دیده امام عصر است وبه این امر اطمینان داشته باشد. ۱-۳- فیض حضور یعنی دیدن حضرت و شناخت ایشان همراه با سؤال و جواب یعنی افزون بر اینکه حضرت را دیده و شناخته و از ایشان سؤال کرده و با وی به گفت‌وگو بپردازد. ۲- از مجموع روایات متقن استفاده می‌شود که امکان ارتباطات به معانی که در شماره قبل مطرح شد در غیبت کبری وجودندارد در برخی روایات تصریح شده که حضرت مثلاً در مراسم حج شرکت می‌کند مردم را می‌بینند ولی مردم حضرت را نمی‌بینند و نمی‌شناسند گاهی در جمع مردم حضور می‌یابد و به آنان سلام می‌کند اما مردم نه ان هنگام و نه پس از آن او را نمی‌شناسند. ۳- بزرگانی که مسأله امکان ارتباط و مشاهده را مطرح کرده‌اند آن را به صورت احتمال بیان فرموده‌اند نه قطع و یقین. ۴- تنها یک دسته از روایات امکان دیدار با حضرت را برای خادمان ایشان (موالی خاصه) اثبات می‌کند و دلیلی بر امکان ملاقات و ارتباط دیگران وجود ندارد. ۵- بزرگانی که از آنان حکایت دیدار با حضرت حجت نقل شده خود در این باره ادعایی نکرده‌اند. ۶- اگر فرض بر امکان مشاهده و ارتباط با حضرت باشد برابر توقیع شریفی که شش روز پیش از مرگ سمری آخرین نایب خاص ایشان در غیبت صغری از طرف امام عصر (عج) صادر شده و از جهت سند و دلالت هیچ اشکالی ندارد دیدار کنندگان حق اظهار را ندارند و به تعبیر شیخ طوسی خود می‌دانند و نفس خویش و از این روی اگر کسی ادعای رؤیت و مشاهده کند باید تکذیب شود چرا که امام عصر (عج) در این توضیح چنین شخصی را «کذاب مفتر» معرفی کرده است [برای آشنایی اجمالی با این نکات و دیدگاهها نکا: چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان. دفتر تبلیغات اسلامی. قم. چاپ اول زمستان ۱۳۷۵ ش، صص ۱۰۴-۳۳] بنابراین وقتی امکان دیدار به دلایل روایی برای هیچکس و فقط برای اولیاء خاص وجود دارد دیگر برای کسانی که افراد نسبتا خوبی هستند ولو گناه‌کار امکان ندارد. اما این مطلب مختص به زمان غیبت است نه زمان حضور حکمت آن گناهکار بودن یا نبودن نیست بلکه از آن‌جا که حضرت حضور ندارد اگر باب دیدار با آن امام همام مفتوح شود ممکن است هر مدعی پیدا شود و مطالبی را بر اساس رؤیت کذب خود مطرح سازد آن گاه چگونه می‌توان به صدق گفتارش اطمینان یافت به همین دلیل است که حضرت در توقیع شریف امر فرموده‌اند که اگر کسی با شرایط ویژه خود توفیق چنین ملاقاتی را یافت نباید آن را اظهار نماید بلکه باید مکتوم باشد تا مسیر سوء استفاده کنندگان مسدود شود. برخی از لوازم مفتوح بودن باب حضور و ملاقات چنین است: ۱- نشر کتابهای نادرست و برخاسته از تصورات و خیال‌بافی‌های نویسندگان آن. ۲- مخلوط کردن عقاید صحیح و درست با اندیشه‌های خرافی وغیر مستدل و ناصحیح . ۳- بدبین شدن اهل تعقل و اندیشه به سبب آموزه‌های خرافی که به عنوان عقاید شیعی مطرح می‌شوند و در نتیجه مخالفان تشیع امکان رشد و گسترش می‌یابند. ازاین‌رو حکمت عدم ملاقات گناهکار بودن یا نبودن نیست هر چند بی‌تأثیر نمی‌باشد ولی علت اصلی و اساسی عدم امکان ارتباط سوء استفاده مؤمنان، مرید بازان و مقام پرستان از این فضای لطیف و عطر آگین است. البته نوع دیگر مشاهده، دیدن آن عزیز در خواب یا مشاهده شهودی آن حضرات از طریق سیر و سلوک است که مسلما مشاهده جسم مادی آن حضرت نمی‌باشد پس اجمالاً ارتباط معنوی با حضرت ممکن است ولی دیدار جسم آن عزیز زهرا(س) برای همگان براساس روایات ممکن نیست.

مشخصات ظاهری حضرت چیست و آیا کسی می‌تواند خودش رابه صورت حضرت درآورد؟

پرسش

مشخصات ظاهری حضرت چیست و آیا کسی می‌تواند خودش رابه صورت حضرت درآورد؟

پاسخ

امام زمان (ع) بعد از شهادت پدرش هنگامی که برای نماز بر جنازه او حاضر شد مردم او را مشاهده کردند در حالی که طفلی گندم‌گون بود، با موهای فری وبین دندان‌های جلو او باز بود. {پاورقی . تاریخ الغیبهٔ الصغری، ص ۵۴۰. پاورقی} شیخ طوسی؛ از برخی کسانی که حضرت را در خلال غیبت صغرا مشاهده کردند نقل می‌کند که آن حضرت جوانی زیبارو، با بویی معطّر، وهیبتی عظیم بود. راوی می‌گوید": هنگامی که سخن می‌گفت، کسی را بهتر از او در سخن گفتن ندیدم. {"پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۱۵۲. پاورقی} در روایتی دیگر می‌خوانیم که راوی گفت": حضرت جوانی گندم‌گون بود وهرگز کسی را به مانند او در زیبایی واعتدال قامت ندیدم. {"پاورقی . همان، ص ۱۵۳. پاورقی} ودر روایتی دیگر آمده است": قد او نه طولانی است ونه کوتاه، بلکه معتدل‌القامه است. سر مبارکش گرد وپیشانی‌اش پهن است. بینی او کشیده وگونه‌های او صاف وبر گونه راستش خالی است." {پاورقی . همان، ص ۱۵۶. پاورقی} در مورد ذیل سؤال که آیا کسی می‌تواند خودش را به شکل وشمایل حضرت (ع) درآورد یا خیر؟ می‌گوییم: اگر چه به حسب ظاهری کسی بتواند خودش را به مانند حضرت در اوصافی که ذکر شد درآورد، ولی با علایم ظهور که در جای خود ثابت شده ونیز با اعجازی که حضرت از خود نشان می‌دهند هرگز کسی در امامت او شک نخواهد کرد. واین مقتضای لطف خداوند است. ولطف بر او واجب است، و لذا به طور حتم کاری خواهد کرد که وجود حضرت در عصر ظهور به کسی مشتبه نخواهد شد.

۲-کمی در مورد خصوصیات اخلاقی حضرت مهدی توضیح دهید ؟

پرسش

۲-کمی در مورد خصوصیات اخلاقی حضرت مهدی توضیح دهید ؟

پاسخ

ج۲- در کتاب عیون اخبار الرضا از «علی بن عاصم » از امام محمد تقی از پدر بزرگوارش روایت کرده که پیغمبر قائم را برای ابی ابن کعب بدینگونه توصیف فرمود : خداوند نطفه با برکت و پا ک و پاکیزه را در صلب حسین « علیه السلام » به وجود آورد ،که هر مؤمنی که خداوند از وی در خصوص دوستی اهلبیت پیمان گرفته است از آن نطفه خشنود است و هر منکری از آن دوری می جوید. او امام پرهیز کار، ستوده خصائل پسندیده و هادی و مهدی است ،که حکم عدل میکندو دستور بدان می دهد و در گفتارش خدا را تصدیق می کند، خداوند هم او راتصدیق می نماید و چون دلائل و علائم آن آشکار شود از سرزمین تهامه (۱) بیرون می آید . او گنجهائی داردکه نه طلا و نه نقره است , بلکه اسبهای نیرومند و مردانی است بعدد اصحاب بدر یعنی: « سیصدو سیزده» نفر

که از اقطار جهان بدور وی گرد آیند، صحیفه مهر کرده ای با اوست که تعداد یارانش با اسامی و شهرها و طبایع و اوصاف و کنیه ها آنها در آن نوشته شده است و آنها همه سعی در هر فرمانبرادری او« مهدی» دارند. ابن ابی کعب عرضکرد یا رسول الله دلائل و علائم آمدن او چیست ؟ فرمود : او از این پرده غیبت بیرون می آید، و هر جا دشمن خدا ببیند بقتل میرساند و احکام خدا را جاری می سازد و طبق دستور الهی حکم می کند . حضرت مهدی دوازده همین امام هستند . حضرت مهدی « عج » امامی معصوم، مدیر, مدبر , شجاع و مهربان ,دلسوز . شیخ صدوق در کتاب خصال از اصول اربعماء از امیرالمؤمنین روایت نموده که فرموده : خداوند دین را بوسیله ما گشود و هم بوسیله ما ختم میکند (۲) بوسیله ما خدا آنچه را بخواهد محو میکند و آنچه باقی می گذارد ، بوسیله ما سختی زمانه را برطرف میسازد و باران فرو میفرستد اگر قائم قیام کند آسمان باران خود را فرو میریزد و زمین نباتات خود را بیرون می دهد و کینه ها از دل بندگان خدا زایل می شود و درندگان و حیوانات با هم ساخته از یگدیگر رم نمی کنند تا جائیکه زنی که می خواهد راه عراق و شام را بپیماید همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می گذارد و زینتهای خود را بر سر دارد و کسی طمع به آن نمی کند. هر صفت و فضائلی را که همه انبیاء و سایر ائمه «علیهم السلام » دارند حضرت مهدی همه آنها را دارا میباشد .

مشخصات ظاهری امام زمان چیست.

پرسش

مشخصات ظاهری امام زمان چیست.

پاسخ

برخی از ویژگی های ظاهری آن حضرت به قرار زیر برشمرده شده است: الف) هنگام نمازگزاردن بر پدر بزرگوار خود امام حسن عسکری(ع) بچه ای با صورتی به رنگ میان سیاهی و سفیدی، موهایی پرپشت و کوتاه و دندانهایی با فاصله اندک از سوی مردم دیده شده است. ب) پس از آن؛ در طول غیبت صغری، به صورت جوانی زیباروی، خوش بو، باوقار و نیکوسخن از سوی بینندگان، شناسانده شده است. ج) در روایتی دیگر در این باره آمده است: آن حضرت، سبزه گون، راست قامت، خوش اندام، با قدی نه چندان بلند و نه خیلی کوتاه (متوسط) چهارشانه، با سری گرد، گشاده پیشانی، بینی ای با سوراخ های تنگ و وسطی کشیده و بلند، گونه هایی کم گوشت و گشاده با خالی در سمت راست آن و ویژگی های دیگر (محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۴ – ۵۴۰). د) به گفته نمایندگان خاص آن حضرت به ویژه محمد بن عثمان، آن حضرت با حفظ ویژگی های یاد شده از حالت خردسالی و نوجوانی، به جوانی برومند و قوی تغییر شکل یافته است.

در روز ظهور

آیا امام زمان(ع) جوان هستند یا پیر؟

پرسش

آیا امام زمان(ع) جوان هستند یا پیر؟

پاسخ

عمر امام زمان(ع) طولانی است، لیکن از لحاظ نیروی بـدنی و قیافه ظاهری نیرومنـد و به صورت جوانی که چهل سال داشـته باشـد، ظهور می کنـد. امام حسن مجتبی(ع) فرمود": خداونـد عمر حضـرت مهـدی(ع) را طولانی می کنـد آن گاه با قـدرت کامله خود به صورت جوانی که چهل سال داشـته باشد آشـکار می سازد(ظهور می کند) تا مردم بدانند که خداوند بر همه چیز قدرت دارد."۴ ۱ مجله حوزه، سال ۷۰ – ۷۱، ۱۳۷۴، ص ۵۰ و لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۱۹. ۲ تفسیر نمونه ج۲، ص ۴۳۰؛ تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۱۰؛ عماد زاده، قصص الانبیا، ص ۷۳۵، صدر الدین بلاغی، قصص قرآن ص ۲۵۳ و بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱. ۳ ر.ک: مجلهٔ حوزهٔ، سال ۷۰– ۷۱، مهر – دی ۱۳۷۴، ص ۹۷. ۴ علامه مجلسی، مهدی موعود، ص ۱۰۶۷ و ۱۱۱۱.

زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، چه نشانه هایی در چهره ایشان وجود دارد تا شناخته شود؟

پرسش

زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، چه نشانه هایی در چهره ایشان وجود دارد تا شناخته شود؟

پاسخ

در روایت آمـده است که صـورتش چون سـتاره تابنـاک می‌درخشـد و در سـمت راست رخسـارش خـال سـیاهی قرار دارد.(۱) پی نوشت‌ها: ۱. مهدی موعود (ترجمه بحارالانوار، ج ۱۳)، ص ۲۹۴.

آیا پیری و کهولت در حضرت مهدی(عج) ظاهر می‌شود؟

پرسش

آیا پیری و کهولت در حضرت مهدی(عج) ظاهر می‌شود؟

پاسخ

یکی از خصوصـیات و اوصاف امام عصـر(عج) این است که به مرور روزگار، پیری و کهولت در آن حضرت ظاهر نشود و باید هم اینطور باشـد. زیرا با سن زیاد اگر کهولت آور و پیری‌زا باشـد آن حضـرت نخواهد توانست مصدر آن همه اصـلاحات و اقدامات و فعالیتهای بزرگ اصـلاحی گردد. پس همانطور که آن حضـرت به امر خدا از یک عمر بسیار بلند برخوردار است، جوانی و نشاط و

نیرومندی آن رهبر جهانیان نیز به امر خدا محفوظ خواهد ماند.

آیا در روایات، اخباری که دلالت بر عدم کهولت و پیری حضرت مهدی در هنگام ظهور داشته باشد وجود دارد؟

پرسش

آیا در روایات، اخباری که دلالت بر عدم کهولت و پیری حضرت مهدی در هنگام ظهور داشته باشد وجود دارد؟

پاسخ

صدوق در«کمال الدین» و علی بن محمد خزار رازی در«کفایه الاثر» از حضرت امام حسن مجتبی (ع) در ضمن حدیثی روایت کرده‌اند که فرمود: فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین(ع) را خدا عمرش را در غیبتش طولانی نماید، سپس به قدرت خود او را آشکار سازد، در صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد: «وَ ذلِکَ لِیَعْلَمَ أَنَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ» (منتخب الاثر، ص ۲۰۶، ف ۲، ب ۱۰، ح ۶) و نیز صدوق از حضرت رضا(ع) د رضمن حدیثی چنین روایت کرده است: «اَلقائِمُ هُوَ الَّذی اِذا خَرَجَ کانَ فی سِنِّ الشُّیُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبّانِ قَوِیٌّ فی یَدَنِهِ» (منتخب الاثر، باب ۱۷، ف ۲، ح ۲، ص ۲۲۱) [قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران و منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد.] و از ابی الصلت هروی منقول است که گفتم به حضرت رضا(ع) علامت قائم چیست وقتی ظاهر شود؟ فرمود: علامتش این است که در سن پیران و منظر و قیافه جوانان است. بطوری که کسی که او را ببیند چهل ساله یا کمتر گمان می‌کند. و از علامات او این است که به گذشت شب و روز پیر نمی‌شود تا آنکه از این دنیا رحلت کند.

آیا امام زمان (عج) در موقع ظهور جوان می باشند یا پیر؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در موقع ظهور جوان می باشند یا پیر؟

پاسخ

به طوری که در روایات آمده پیری به سراغ امام زمان (عج) نمی آید و آن گرامی وقتی هم ظاهر گردد به صورت جوان ۴۰ ساله یا کمتر دیده می شود و این یکی از نشانه های آن حضرت به حساب آمده است. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۰ـ

امام زمان(عج) چطور با عمر طولانی به شکل ۴۰ ساله ظاهر می شود؟

پرسش

امام زمان(عج) چطور با عمر طولانی به شکل ۴۰ ساله ظاهر می شود؟

پاسخ

بعد از اثبات اصل وجود غیبت و لزوم آن که تماماً تحت قدرت الهی و با خواست او انجام می شود، تمامی این پرسش ها جواب می گیرد چون ثابت شد که تحت قدرت و اراده الهی نه طول عمر انسانی منع عقلی دارد و نه اینکه اگر طول عمر داشت به شکل جوان باقی بماند مشکلی دارد زیرا با اراده و خواست خداوند این امور واقع می شود چنان که حضرت نوح(علیه السلام) قریب به هزار سال فقط به تبلیغ در میان قوم خود پرداخت و یا فُزیر یکصد سال فوت کرد و مجدداً خداوند او را احیاء کرد در حالی که الاغ او پوشیده شده بود ولی آب و طعام او به همین صورت بدون هیچ گونه تغییر رنگ و طعمی باقی مانده بود. پس آن چه که به خواست و قدرت حق بازگشت می کند هیچ بُعد عقلی ندارد.

امام زمان‌علیه‌السلام در ظاهر با چه سنّی ظهور می‌کنند؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام در ظاهر با چه سنّی ظهور می کنند؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه وسنّی، امام زمان (ع) در حالی که ظاهر او جوان وبه سنّ چهل سالگی است ظهور خواهند کرد. اینک به برخی از روایات اشاره می کنیم: ۱ – ابن صباغ مالکی به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که در حدیثی فرمود": مهدی از اولاد من با سن چهل سال است. {"...پاورقی . الفصول المهّمة، ص ۲۱۷. پاورقی} ۲ – شیخ صدوق؛ به سندش از اباصلت هروی نقل می کند که گفت: به امام رضا (ع) عرض کردم: قائم شما هنگام خروج چه علامتی دارد؟ حضرت فرمود": علامت او این است که او از حیث سنّ پیر است ولی در ظاهر جوان نشان داده می‌شود، به حدی که هر گاه کسی به او نظر می‌افکند گمان می کند که او سی ساله یا کمتر است. واز جمله علامات او آن است که به مرور ایام وشب‌ها پیر نمی‌شود تا آنکه مرگ او فرا رسد. {"پاورقی . کمال الدین، ص ۶۵۲، ح ۱۲. پاورقی} نعمانی به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": اگر قائم قیام کند مردم او را انکار خواهند کرد؛ زیرا در حالی که جوان رشیدی است به سوی آنها باز می گردد. {"...پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۱۸۸. پاورقی} ممکن است روایاتی که اشاره به سن چهل سالگی دارد مقصود آن باشد که جسد وجسم او در حدّ کمال است؛ زیرا بدن تا چهل سالگی به کمال رشد خود می‌رسد. گر چه برخی روایات نیز به سنّ ۱۸ سالگی و۵۱ سالگی اشاره کرده است ولی روایت اوّل از محمّد بن حمیر نقل شده نه از یکی از معصومین:. وروایت دوّم گر چه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده ولی از صحت سند برخوردار نیست، خصوصاً آنکه هر دو روایت با روایات مستفیضی که دلالت بر ظاهر چهل سالگی دارد مخالف است.

خصوصیات جسمی امام زمان‌علیه‌السلام هنگام ظهور چگونه است؟

پرسش

خصوصیات جسمی امام زمان‌علیه‌السلام هنگام ظهور چگونه است؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات سنّی وشیعی، امام زمان (ع) هنگام ظهور دارای صفات وخصوصیات جسمی خاص است از قبیل: ۱ – أجلی الجبهه: یعنی پیشانی وسیع وعریض.{پاورقی . سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۲۲. پاورقی} ۲ – اقنی الأنف: وسط بینی او برآمده ولی دو سوراخ آن تنگ است.{پاورقی . همان. پاورقی} ۳ – کأنّ وجهه کوکب درّی: گویا صورت او همانند ستاره‌ای درخشان است.{پاورقی . الفصول المهمهٔ، ص ۳۱۷. پاورقی} ۴ – اللون لون عربی: با چهره‌ای گندم گون.{پاورقی . البیان، ص ۹۴. پاورقی} ۵ – افرق الثنایا: ما بین دندان‌های او باز است.{پاورقی . همان، ص ۹۶. پاورقی} ۶ – اکحل العینین: مژه‌های او سیاه است.{پاورقی . همان. پاورقی} ۷ – براق الثنایا: با دندان‌های سفید.{پاورقی . همان. پاورقی} ۸ – أزج الحاجبین: با ابروانی کشیده وباریک.{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷. پاورقی} ۹ – مربوع القامهٔ: قامتش متوسط.{پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۲۸۱ ؛ ارشاد مفید، ص ۳۴۲. پاورقی} ۱۰ – الجسم جسم اسرائیلی: جسم او تنومند است.{پاورقی . البیان، ص ۹۴. پاورقی} ۱۱ – علی خدّه الایمن خال اسود: بر گونه راست او خالی سیاه است.{پاورقی . الفصول المهمهٔ، ص ۳۱۷. پاورقی}

شکل و شمایل حضرت مهدی(عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟

پرسش

شکل و شمایل حضرت مهدی(عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟

پاسخ

در مورد قیافه و شکل و شمایل حضرت موقع ظهور به طور کلی دو دسته روایت وجود دارد: الف. روایاتی که مطلق است و سنی را بیان نمی‌کند و فقط جوان بودن حضرت را متذکر می‌شود. ۱. «شابٌ بعد کبر السن»۱ جوان است با اینکه سن‌اش زیاد است. ۲. «رجوعه من غیبته بشرخ الشباب»۲ در بهترین مرحله‌ی جوانی ظهور می‌کند. ۳. «فی سن الشیوخ و منظر الشباب»۳ در سن کهن سالان و سیمای جوانان. ب. روایاتی که علاوه بر تأکید بر جوانی، سن و سال را هم مشخص می‌کند. ۱. «فی صورهٔ فتیَ موفق این ثلاثین سنه»۴ با چهره‌ی جوانی کامل به سن سی سالگی. ۲. «فی صورهٔ شاب دون اربعین سنهٔ»۵ با چهره‌ی جوانی کمتر از چهل سالگی. ۳. سن‌اش زیاد و چهره‌اش جوان است به گونه‌ای که در نظر بیننده چهل ساله یا کمتر می‌نماید و از نشانه‌های ایشان آن است که تا زمان وفات پیر نمی‌شود.۶ نکات: ۱. می‌دانیم که سن حضرت بیش از هزار سال است و روایاتی که سن ایشان را بین ۳۰ تا ۴۰ سال بیان کرده منظور این است که در زمان ظهور چهره و سیمای نورانی حضرت در این سن است و اختلاف سن در این موضوع موجب تضاد نمی‌باشد. زیرا این اعداد نشانگر سن انسان کامل و جوان است. ۲. البته عمر طولانی مثل نوح (۹۵۰ سال) در قرآن آمده و یا

حضرت خضر و عیسی(ع) سابقه دارد و در عالم حیوانات نیز عمر طولانی مشابه دارد و پیری و مرگ در اثر عوامل فرسایشی است که اگر آن عوامل نباشد شخص جوان می‌ماند.۷ ۳. بی‌شک شناخت و معرفت امام اهمیت و ارزش فراوانی دارد و این اهمیت به قدری است که در روایات نشناختن امام برابر با بی‌دینی و جهالت شمرده شده. «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیةً»۸ «کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» و بدیهی است که «معرفت امام»، عمیق‌تر و فراتر از مباحث ظاهری است که در این مجموعه گذشت. ۱ . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷. ۲ . غیبت طوسی، ص ۴۲۱. ۳ . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶. ۴ . غیبت طوسی، ص ۴۲۰. ۵ . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۶. ۶ . کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲. ۷ . ر.ک: عدالت گستر جهان، ابراهیم امینی. ۸ . الصوارم المعرفه، ص ۲۶۳.

کرامات حضرت

خاطراتی از کرامات امام زمان(ع) را بنویسید.

پرسش

خاطراتی از کرامات امام زمان(ع) را بنویسید.

پاسخ

محدّث بزرگ شیخ حر عاملی نوشته است: زمانی که ده سال بیش نداشتم به مرض سختی مبتلا شدم به طوری که پدر و مادر و خویشاوندانم جمع شده گریه می کردند و برای عزاداری آماده می شدند. آن ها یقین کرده بودند که من خواهم مرد. در آن شب پیغمبر و دوازده امام(ع) را میان خواب و بیداری دیدم، پس به آنها سلام کردم. با امام زمان(ع) مصافحه نموده و در آن حال گریستم و گفتم: ای مولای من! می ترسم که با این مرض بمیرم وب ه مقصود خود از علم و عمل نرسم. ایشان فرمود: نترس زیرا تو با این مرض نخواهی مرد و خداوند تو را شفا می دهد و عمر طولانی خواهی یافت. آن گاه قدحی که در دست مبارکش بود به من داد و از آن آشامیدم و بهبودی یافتم و مرض به کلی از من زایل شد، پس از آن بلند شدم. پدر و مادر و خویشاوندانم تعجب کردند. چند روزی که گذشت آن چه که دیده بودم برای آن ها تعریف کردم.۱۵ ۱۵ منتهی الآمال، ج۲، ص ۴۷۰.

چند معجزه از امام زمان(ع) بنویسید.

پرسش

چند معجزه از امام زمان(ع) بنویسید.

پاسخ

محمد بن یوسف گوید: به مرضی مبتلا شدم و به طبیب مراجعه کردم و خرج های زیاد نمودم، ولی خوب نشدم. نامه ای به حضور امام عصر(ع) نوشتم واز حضرت تقاضا کردم برایم دعا کند. در جواب مرقوم فرمود: خداوند به تو سلامتی دهد و تو را در دنیا و آخرت با ما قرار دهد. هنوز جملهٔ دیگر نرسیده بود که بهبودی یافتم. طبیبی از شیعیان را خواستم و جای مرض را به او نشان دادم،

گفت: از نظر طبی دارویی سراغ نداریم که این مرض را خوب کند. به طور مسلّم خدا تو را شفا داده است.۱[۵] ۲ _مرحوم شیخ حرعاملی که از بزرگان علمای شیعه است می گوید: ده ساله بودم که به مرض سختی مبتلا شدم، به گونه ای که پدر و مادر و خویشاوندانم جمع شده، گریه می کردند و برای عزاداری آماده می شدند. آن ها یقین کرده بودند که خواهم مرد. در آن شب پیغمبر و دوازده امام صلوات الله علیهم را در خواب و بیداری دیدم. پس به آن ها سلام کردم، و با یک یک مصافحه نمودم. میان من و حضرت صادق(ع) سخنی گذشت که در خاطرم نماند، جز آن که ایشان در حق من دعا کرد سپس بر حضرت صاحب الامر (عج) سلام کردم و با آن جناب دست دادم و در آن حال گریستم و گفتم: ای مولای من، می ترسم که با این مرض بمیرم و به مقصود خود (علم و عمل) نرسم ایشان فرمود: نترس، زیرا تو با این مرض نخواهی مرد و خداوند تو را شفا می دهد و عمر طولانی خواهی یافت، آن گاه ظرفی که در دست مبارکش بود، به من داد و از آن آشامیدم، و بهبودی یافتم و مرض به کلی از من زائل شد. پس از آن بلند شدم. پدر و مادر و خویشاوندانم تعجب کردند. چند روزی که گذشت، آن چه که دیده بودم، برای آن ها تعریف کردم.[۶] ۳ _پسر مرحوم حاج ابوالقاسم پابنده قمی گوید: مرحوم پدرم گفت: من نذر کرده بودم که چهل شب جمعه یا چهارشنبه (تردید از گوینده) به خاطر مسایل اقتصادی و ا فاتی که به زراعت رسیده بود، به مسجد جمکران مشرف شوم. ۳۹ شب مشرف شدم، شب آخر که به مسجد رفتم و اعمال مسجد و نماز حضرت ولی عصر(عج) را خوانده و بیرون آمدم، هوس چای کردم، به همین خاطر گشتم تا آشنایی پیدا کنم و یک چای بخورم. به عده ای از آشنایان که اسباب چای داشتند، برخورد کردم، لیکن آب نداشتند. ظرف آب را گرفتم تا بروم از آب انبار نزدیک مسجد آب بیاورم. وسط راهِ پلهٔ آب انبار، چراغ نفتی نصب کرده بودند. از نصف پله ها که پایین رفتم، ناگهان متوجه شدم که آقایی دارد بالا می آید، سلام کردم، ایشان به گونه محبت آمیز جواب داد و از من احوال پرسی کرد، درست مثل کسی که سال ها است با من رفیق و آشنا است. بعد فرمود: به مسجد آمدی؟ گفتم: آری. پرسید: چند هفته است؟ گفتم: هفتهٔ چهلم است. پرسید: حاجت داری؟ گفتم: آری. فرمود: برآورده شد؟ گفتم: نه. فرمود از کدام راه می آیی؟ عرض کردم، از جادهٔ قدیم و آسیاب لتون. فرمود: بین باغ آقا و آسیاب، دو سه پل وجود دارد. شما وقتی از پل اوّل بالا ـ رفتی، شیخ محمد تقی بافقی را می بینی که می آید، در حالی که عبایش را زیر بغل کرده و سنگ ها را از جاده به کنار می ریزد. این برخورد را بگو و سلام مرا به او برسان و بگو: از آن چه نزد تو داریم، یک مقدار به تو بدهد. وقت بازگشت از همان راه برگشتم و در همان مکان به شیخ محمد تقی بافقی برخورد کردم. دیدم که عبا را زیر بغل گذاشته و خم می شود سنگ ها را از جاده به کناری می ریزد. چون به او رسیدم، جریان را تعریف کردم و گفتم: آقا به تو سلام رسانید. همین که این را گفتم، روی زمین نشست و خیلی گریه کرد، بعد گفت آقا دیگر چه فرمود؟ گفتم: فرمود از آن چه از ما نزد شما است، مقداری به من بدهید. کیسه ای در آورد و مقداری پول خرد که داخل کیسه بود، کف دستش ریخت و چند قرانی به من داد و گفت: آقا دیگر مطلبی نفرمود؟ گفتم: نه. ایشان گفت: خداوند به شما خیر و برکت دهد. و رفت. پدرم می گفت: بعد از این ماجرا وضعم خوب و اوضاع کارم رو به راه شد.[۷] [۵]علامه مجلسی، مهدی موعود، ص ۶۰۲. [۶]شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۷۰. [۷]عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت ص ۱۹۹، حکایت ۲۰.

چگونه ماجرای قرآنی انتقال تخت بلقیس، پذیرش قدرت فوق‌العاده حضرت صاحب الزمان (ع) را آسان می‌کنند.

پرسش

چگونه ماجرای قرآنی انتقال تخت بلقیس، پذیرش قدرت فوق‌العاده حضرت صاحب الزمان (ع) را آسان می‌کنند.

پاسخ

در قرآن می‌خوانیم که در ماجرای انتقال تخت بلقیس یکی از مشاوران حضرت سلیمان، تخت ملکه سبأ را در یک چشم بر هم زدن از مملکت سبأبه نزد سلیمان حاضر کرد. این امر خبر از قدرت فوق‌العاده می‌دهد که انسان‌های عادی نمی‌توانند چنین قدرتی داشته باشند. بنابراین می‌تواند کسی به تأیید الهی دارای قدرتی باشد که انسان‌های عادی آن را نداشته باشند. با این مسئله هنگامی که کسی به روایات اثبات کننده قدرت فوق العاده حضرت مهدی (عج) نگاه کند، تعجب نکرده، قرآن را قبول می کند. به ویژه با توجه به این که" آصف بن برخیا ("آورنده تخت بلقیس) تنها بخشی از علم کتاب آسمانی را دارا بود، ولی امامان معصوم‌علیهم‌السلام همه علم کتاب الهی را دارند. در حدیثی از ابوسعید خدری از پیامبرصلی الله وعلیه وآله آمده است. من از معنای" الذی عنده علم من الکتاب (که آورنده تخت بلقیس است) از محضرش سؤال کردم، فرمود": او وصی حضرت سلیمان بن داود بود. عرض کردم "من عنده علم الکتاب "از چه کسی سخن می گوید، فرمود: این برادرم علی بن ابی طالب است. با توجه به تفاوت" علم من الکتاب "که علم جزئی را می گوید: و" علم الکتاب "که علم کلی را بیان می کنند، روشن می‌شود که میان آصف و علی‌علیه‌السلام چه اندازه تفاوت است. علم امیرالمؤمنین از طریق فرزند به تمام امامان‌علیهم‌السلام و در نهایت به حضرت مهدی(عج) رسیده است. در روایات بسیاری می‌خوانیم که اسم اعظم اللهی هفتاد و سه حرف است که یک حرف آن نزد آصف بن برخیا بود و چنان کار خارق عادتی را انجام داد. نزد امامان اهل بیت‌علیهم‌السلام هفتاد و دو حرف آن است، و یک حرف آن مخصوص به ذات پاک خدا است. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۷۳.

آیا حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور اعمال خارق‌العاده انجام می‌دهد؟

پرسش

آیا حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور اعمال خارق‌العاده انجام می‌دهد؟

پاسخ

پاسخ : غالب پیشوایان دینی، برای اثبات امامت خویش، کارهایی انجام می‌دادند که برای مردم عادی، انجام آن‌ها امکان نداشت. این اعمال را می‌توان خارق العاده نامید.اعمالی که به عنوان کرامات از امامان نقل شده است، می‌تواند این کرامت از نوع آشکار نمودن حقایق علمی باشد. در مورد امام زمان نیز اگر معرفی امامت امام و گسترش حکومت حضرت، نیاز به اعجاز و کارهای خارق‌العاده داشته باشد، می‌تواند از آن بهره گیرد. البته در برخی از روایات از بعضی سیاست ها و فعالیت‌های امام زمان(عج) سخن به میان آمده است که شبیه معجزه (خارق العاده) هستند. یکی از سیاست های امام زمان(عج) گسترش و پیشرفت علم و صنعت است.پیشرفت علم به گونه ای است که برخی تصور می کنند امام زمان(عج) اعمال خارق العاده انجام می‌دهد، مانند روایاتی که می گویند: شخصی در شرق برادرش را در مغرب می‌بیند. حضرت هنگام سخنرانی همه جهانیان را می‌بینند، نیز یاران حضرت از فاصله دور با هم سخن می گویند و سخن یکدیگر را می‌شنوند. در عصر ظهور امام زمان(عج) تمدن به اوج خود می‌رسد. امام صادق(ع) فرمود": دانش بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با دو حرف]با حرف های دیگر [آشنایی ندارند. هنگامی که قائم ما قیام می کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، و آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را میان مردم منتشر می‌سازد("۲) پیامبر (ص) فرمود": پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای‌شان پیموده می‌شود و درهای جهان به روی‌شان

باز می گردد.... زمین در کم‌تر از یک چشم به هم زدن پیموده می گردد، به گونه ای که اگر کسی از آنان بخواهد. شرق تا غرب زمین را در ساعتی بپیمایند، این کار را انجام می‌دهند.("۳) در برخی از روایات سخنی از رشد خِرد جمع به میان آمده است. رشد خود جمعی به گونه‌ای است که می‌توان از آن به عنوان یکی از شاخصه های مهم جامعه آرمانی امام زمان (عج) یاد کرد. امام صادق(ع) فرمود": هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقل آن‌ها را کامل و افکارشان را پرورش داده، تکمیل می کند.("۴) دربعضی از روایات دیگر سخنی از رشد اقتصادی و امنیت جهانی و گسترش عدالت سخن گفته شده که بیانگر کارهای بسیار مهم است که امام زمان(عج) انجام می دهد. پی نوشت: ۱ - نجم الدین طبسی، چشم انداز به حکومت حضرت مهدی، ص ۱۷۶ - ۱۷۷. ۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶. ۳ - احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۱. ۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

علم حضرت

امام زمان ۷در زمینهء دین اسلام و استنباط احکام اسلامی از چه نوع کتاب هایی استفاده می کند؟

پرسش

امام زمان ۷در زمینهء دین اسلام و استنباط احکام اسلامی از چه نوع کتاب هایی استفاده می کند؟

پاسخ

امام ۷دارای علم لدّنی است . برای فهم قوانین و احکام اسلامی , نیاز به کتاب های معمولی جهت استنباط احکام ندارد. در عین حال منابع علم امام ۷چند چیز است : ۱ قرآن و کلام اللّه مجید, زیرا منشأ تمام احکام دین , قرآن کریم است . ۲ صحیفه ها و کتاب هایی که از پیامبر۶به طور ارث به دستشان رسیده است . از جمله کتاب علی ۷که به دست علی ۷و املای رسول خدا۶نوشته شده است . ۳ ارتباط با عالم غیب و الهام . افضل عولم آنان از این راه به دست می آید.(۱) (پاورقی ۱.ابراهیم امینی , مسایل کلی امامت , ص ۲۴۱ـ ۲۵۲

آیا امام زمان ۷دارای علم لدنی است و دیگر نیاز به مطالعه ندارد؟

پرسش

آیا امام زمان ۷دارای علم لدنی است و دیگر نیاز به مطالعه ندارد؟

پاسخ

همان طور در پاسخ سؤال شش گفته شد, امام ۷واجد علم لدنّی است و جهت استنباط و فهم احکام و معارف اسلامی , نیاز به

کتاب های معمولی و مرسوم حوزه های علمیه ندارد. او برای استنباط احکام از سه منبع استفاده می کند: یکی صحیفه های پیامبر۶که به دست علی نوشته شده است . دیگری استفاده از قرآن , و سومی الهام گرفتن از عالم غیب .

آیا امام زمان عج) اطلاعات کامل درخصوص دنیای مردم مظلوم افغانستان، فلسطین و لبنان‌دارند؟

پرسش

آیا امام زمان عج) اطلاعات کامل درخصوص دنیای مردم مظلوم افغانستان، فلسطین و لبنان‌دارند؟

پاسخ

امام زمان عج)، امام حاضر و آخرین امام شیعیان است که واسطه فیض عالم و آفریدگار عالم وقطب عالم امکان است. امام(ع) جان جهان است و جهان به وجود او بستگی دارد. امام(ع) هم واسطه در فیض‌تکوین است و هم واسطه در فیض تشریعی است. هر گونه فیضی، که از مبدأ فیاض می‌رسد، از طریق واسطه‌فیض افاضه می گردد. در واقع فیض اعظم، خود واسطه وجود و خلقت است. او نخستین خلق است و سبب‌پدید آمدن دیگر مخلوقات است. همواره فیض الهی از طریق او و امتدادات وجودی او به کاینات ایصال‌می گردد. کسب فیض از مبدأ افاضه کننده، نیازمند به واسطه قابل است. واسطه قابل، به قابلیت خود فیض راکسب می کند و به مستفیض می‌رساند. حقیقت ولایت مطلقه، همان فیض است و واسطه رسیدن فیض به دیگرکاینات است. نفس ولی مطلق مبدأ سریان فیض الهی است و سرچشمه فیضان جود و وجود به دیگرموجودات است بنابراین، نفس ولی پیامبر یا امام) صاحب چنین محوریتی در مرکز جهان هستی است.[۱۳] در بعد تشریع قوانین و تعیین احکام نیز نفوس قابل، وحی و هدایت‌های الهی را دریافت کنند و به بشریت برسانند و بیاموزند و بشر به تنهایی نمی‌تواند شکل اعمال تکاملی و حکمت و اسرار آن‌ها را بیابد و راه حرکت‌صحیح و مستقیم را کشف کند. عقل نیز برای وصول به این مقاصد عالی کافی نیست و نیاز به مددرسان وراهنمای بصیر دارد. واسطه فیض تکوینی و تشریعی در مصداق خارجی، یکیاست: پیامبر، و به نیابت ازپیامبر، امام(ع) است که هدایت انسان‌ها را نیز عهده دارند.[۱۴] امام زمان عج) حاضر و ناظر بر اعمال مسلمانان است و اعمال مسلمانان بر ایشان عرضه می گردد و ازحقایق عالم وجود آگاهی دارند و بر سراسر جهان سیطره دارند و ملائک الهی یعنی جبرئیل و میکائیل و دیگرملائکه به فرمان ایشان هستند و اعمال شیعیان بر ایشان عرضه می‌شود و حضرت از احوال امت اسلامی‌مطّلع‌اند[۱۵] آن وجودی که عالم کون و مکان در خدمت او است، قطعاً بر وقایع و حوادث عالم اطلاع دارند. ([۱۳] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۲۲ تا ۲۲۴، با تلخیص. ([۱۴] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۲۵ و ۲۲۶، با تلخیص. ([۱۵] آیت الله حسین مظاهری، جهاد با نفس، ص ۲۲۶ با تلخیص.

آیا امام زمان (عج) از هنگام برپایی قیامت و تاریخ آن آگاهی دارد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از هنگام برپایی قیامت و تاریخ آن آگاهی دارد؟

پاسخ

علم به زمان وقوع قیامت از غیبت های مختص خدا است و هیچ دلیلی در تعیین وقت آن نیست و قیامت ناگهانی بر پا می شود. قرآن کریم می فرماید ": از تو دربارهٔ رستاخیز می پرسند که کی بر پا می شود، بگو: آن علم نزد پروردگار من است که جز وی آن را به موقع آشکار نمی کند.[۱۸]" در شأن نزول این آیه بعضی از مفسران مانند مرحوم طبرسی در مجمع البیان نقل کرده اند که حضرت رسول (ص) در جواب اهل مکه این مطلب را فرمود.[۱۹]۲ اظهار بی اطلاعی رسول الله(ص) از امر قیامت جهل نیست ، بلکه علم به عالی ترین معارف است و علم به قیامت را جز خدا کسی طاقت تحمّلش را ندارد.[۲۰]۳ وقتی علم به قیامت منحضر در خدا شد، رسول الله و سایر معصومان علیهم السلام از جمله امام زمان (عج) از هنگام وقوع قیامت اطلاعی ندارند و تنها خداوند متعال از موقع موقوع قیامت آگاه است. ۱[۱۵] روم (۳۰) آیه ۳۰. ۱[۱۶] استاد شهید مرتضی مطهری، فطرت، ص ۲۲۴. ۱[۱۷] علامه محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان ، ج ۱۶، ص ۲۸۳، با تلخیص. ۲[۱۸] اعراف (۷) آیهٔ ۱۸۷. ۲[۱۹] تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۲. ۳[۲۰] تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۵۵۳.

آیا امام زمان می‌داند کی ظهور خواهد کرد؟

پرسش

آیا امام زمان می‌داند کی ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

هرگاه از ائمه (ع) درباره تعیین وقت ظهور سؤال می کردند، آن بزرگواران از تعیین وقت خودداری می کردند. از طرفی بیان نمی کردند خودمان هم نمی‌دانیم. فقط از حوادث و نشانه‌ها سخن می گفتند و کسانی را که وقت تعیین می کردند، دروغگو اعلام می کردند. جابر جعفی می گوید: به امام باقر (ع) گفتم. فرج شما چه زمانی خواهد بود، حضرت فرمود": هیهات هیهات لا یکون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا حتی یذهب الکدر و یبقی الصفو؛ (۱) فرج ما حاصل نمی‌شود تا این که شما مردم غربال شوید، دوباره غربال شوید و سه باره غربال شوید، تا افراد گنه کار بروند و پاکان بمانند. "محمد بن مسلم گفت: امام صادق (ع) به من فرمود": ای محمد! هر کس وقت فرج ما را مشخص و تعیین کرد، او را تکذیب کن. ما وقتی را برای این فرج تعیین نمی کنیم.("۲) در توقیعی از جانب حضرت مهدی (ع) به" محمد بن عثمان عمر وی "رسید، آمده است": اما ظهور الفرج فانه الی الله و کذب الوقاتون؛(۳) زمان ظهور به دست خدا است و تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگو هستند. "براساس این روایت شاید گفته شود حضرت مهدی(ع) نیز وقت ظهور را نمی‌داند و شاید منظور حضرت این باشد که قرآن به دست خدا است. در باب علوم ائمه(ع) آمده است: عن ابی جعفر(ع) قال": ان لله لعلماً لا یعلمه غیره و علماً یعلمه ملائکته المقربون و أنبیاؤه المرسلول و نحن نعلمه؛ (۴) بخشی از علوم مخصوص خدا است و هیچ کسی حتی ملائکه از آن‌ها مطلع نیستند اما علومی هست که فرشتگان و انبیا از آنها مطلع‌اند. ما اهل بیت از این دسته علوم آگاهی داریم. "مستفاد روایات این است که امر ظهور به دست خدا و به اراده او است، اما علم به زمان ظهور به طور صریح و مشخص در روایت ذکر نشده است. پی‌نوشت‌ها: ۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳. ۲ - همان،

www.noorfatemah.org

ص ۱۱۷. ۳ – همان، ص ۱۱۱. ۴ – همان، ج ۲۶، ص ۱۵۹.

در روایات آمده که امام زمان(عج) در هنگام ظهورشان مامور به غیب می باشند.

اشاره

پرسش: محدوده ماموریت ایشان به غیب چقدر است؟ کمی توضیح بفرمایید؟ بطور مثال ایشان مامور به آشکار کردن گناهان و خطاهایی که در خلوت انجام می شود هستند یا خیر؟ منابعی که پاسخ سوال را می

پرسش

در روایات آمده که امام زمان(عج) در هنگام ظهورشان مامور به غیب می باشند. پرسش: محدوده ماموریت ایشان به غیب چقدر است؟ کمی توضیح بفرمایید؟ بطور مثال ایشان مامور به آشکار کردن گناهان و خطاهایی که در خلوت انجام می شود هستند یا خیر؟ منابعی که پاسخ سوال را می دهید ذکر فرمایید.

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست عزیز عرض می شود، از روایاتی که در این زمینه نقل شده چنین استنباط می شود، که از اختصاصات حضرت مهدی موعود ، قضاوت اوست که به علم امامت و وحی قضاوت می فرمایند. و مانند حضرت داود و سلیمان، برای حکم خود نیاز به شاهد و بیّنه ندارند. (۱) امام صادق(می فرمایند" :چون قائم قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند؛ پس امر می کند بر کافر، سپس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند، و می کشانند ایشان را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهند ("۲.) و در ارتباط میزان دلالت روایات بر این مطلب باید گفت، روایات تا همین اندازه دلالت می کنند، که امام (به مقتضای علم امامت بدون شاهد و بیّنه، کافران را محاکمه کرده، از دم شمشیر می گذرانند. اما اینکه آیا این مسأله در ارتباط با یکایک کافران، یا انسانهای پلید است، از روایات و آیات، این مسأله قابل اثبات نمی باشد. و چیزی که از طریق اسناد اسلامی استفاده می شود، آن است که در عصر ظهور، آزادی انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. (اگرچه اکثریت قاطع مردم جهان، راه حق می پیمایند، و به آن می گروند. و حکومت روی زمین، یک حکومت اسلامی است.) (۳) و حتی ادیان یهود و مسیحیت، اگر چه به صورت اقلیت بسیار ضعیف، باقی مانده، دین حق مورد پذیرش این گروه واقع نمی شود. اما در ارتباط با این مسأله که حضرت مهدی(مأمور به آشکار کردن گناهان پنهانی مردم باشند باید گفت، از اسامی روز قیامت"، یوم تبلی السرائر "است، یعنی روزی که همه امور پنهانی آشکار می شود. و ما در دعا می گوییم" : و لا تفضحنی یوم القیامةعلی رؤس الاشهاد ("۴) اما چنین امری درباره دوران ظهور حضرت مهدی(نیامده است. در پایان با بیان نظر استاد مطهری، در خصوص این مسأله سخن را کوتاه می کنیم. ایشان می فرمایند" : ما حدود تصرف و یا ولایت تکوینی یک انسان کامل، و یا نسبتاً کامل را نمی توانیم دقیقاً تعیین کنیم. یعنی مجموع قرائن قرآنی و قرائن علمی که نزد ماست، اجمالاً وصول انسان را به مرتبه ای که اراده اش بر جهان حاکم باشد، ثابت می کنند... و اینکه انبعاث اراده انسان کامل(امام)، با تحریکی درونی و اشاره ای عینی

است. اما اینکه این تحریک و اشاره به چه نحو است، و چگونه است، محدود است یا نامحدود، ما نمی دانیم؛ و مطلبی است که از عهده ما خارج است. و لهذا چنین کسانی، گاهی بر طارم اعلی نشینند، و گهی تا پشت پای خود بینند ("۵) منابع و مآخذ: ۱.معجم الاحادیث امام مهدی(،۴/۱۱/ح ۱۰۹۰ ۲.بحارالانوار،ج ۵۲/۳۲۰ ـ ۲۷ح۲۶ ۳.تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی،ج۴،ص۳۱۹ ۴. مناجات شعبانیه ۵. ولاء و ولایتها، استاد مطهری،ص ۶۰ و ۶۱

چرا به امام وحی نمی‌شود و اگر وحی نمی‌شود پس چگونه امام زمان (ع) می‌خواهد ظهور کند؟

پرسش

چرا به امام وحی نمی‌شود و اگر وحی نمی‌شود پس چگونه امام زمان (ع) می‌خواهد ظهور کند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید نکات زیر قابل توجه و دقت می باشد: ۱ـ اگر منظور شما از امامان، دوازده امام بعد از پیغمبر اکرم (ص) می باشد، درست است والا قبل از پیغمبر (ص) امام هم بوده که به او وحی شود مانند حضرت ابراهیم (ع). ۲ـ سؤال شما که چرا به امام وحی نمی شود برمیگردد به راز ختم نبوت، زیرا هنگامی که مسائل دین آنقدر کامل شودکه دیگر نیازی به وحی نباشد به طوری که تمام پیش بینیها تا روز قیامت در این دین شده دیگر چه نیازی به وحی خواهد بود، فقط نیاز به کسی است که این دین کامل و جامع را از تحریف حفظ کند و با علم خدادادی و قوه عصمت آن را بدون کم و زیاد برای مردم بیان نماید و آنها را هدایت کرده و به خدای متعال برساند که آن هم امام می باشد. حضرت آیت الله مصباح یزدی می فرمایند (در شرایطی که تبلیغ رسالت الهی در همه جهان به وسیله یک پیامبر و به کمک یاران و جانشینان وی میسر باشد و احکام و قوانین یک شریعت، پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه باشد و پیش بینی های لازم برای مسائل نوظهور در آن شریعت شده باشد و نیز تضمینی برای بقاء و مصونیت آن از تحریفات، وجود داشته باشد. دیگر موجبی برای مبعوث شدن پیامبر دیگری نخواهد بود ـ اما دانشهای عادی انسان توان تشخیص چنین شرائطی را ندارد و خدای متعال است که با علم نامتناهی خود، زمان تحقق این شرایط را می داند و اوست که می تواند ختم نبوت را اعلام کند چنانکه این کار را در آخرین کتاب آسمانی اش انجام داده است ـ ولی ختم نبوت به معنای قطع رابطه هدایت بین خدا و بندگان نیست بلکه هر گاه خدای متعال صلاح بداند از علوم غیبی، به بندگان شایسته اش افاضه می فرماید هر چند به صورت (وحی نبوت) نباشد، چنانکه به عقیده شیعه چنین علومی را به امامان معصوم (ع) عطا کرده است.) (۱) ۳ـ جواب قسمت دوم را نیز به سه صورت می توان عرض کرد که: اولاً ـ همانطور که اشاره شد او توسط علوم غیبی الهی از ظهور خود آگاه خواهد شد . ثانیاً یکی از خصایص امامان معصوم (ع) محدث بودن آنهاست یعنی ملائکه با آنها سخن می گویند. (۲) و ثالثاً در احادیث به اموری اشاره شد که بعضی از آنها عبارتند از: امام صادق (ع) می فرمایند: (ندا می شود به اسم او در شب بیست و سوم (یعنی رمضان) و قیام می کند در روز عاشورا) (۳) حضرت صادق (ع) در آیه: (إذا نقر فی الناقور) فرمود: (از ماست امامیکه مستقر خواهد شد, پس هر گاه خداوند عزوجل اراده کند اظهار امر او را در قلب او بیندازد پس ظاهر شود) (۴) حضرت امیر المؤمنین (ع) از پیغمبر اکرم (ص) نقل می کنندکه آن حضرت فرمود: (هرگاه وقت خروج او برسد او را شمشیری هست در قلاف پس آن شمشیر او را ندا کند که برخیز ای ولی خدا و بکش دشمنان خدا را) (۵) برای بررسی و مطالعه بیشتر می توانید به آدرس

اشاره شده مراجعه بفرمایید. خداوند متعال همه ما را از منتظرین واقعی اش قرار بدهد ان شاء الله. موفق باشید. منابع و مآخذ: ۱ـ آموزش عقاید، ص ۲۹۰، آیت الله مصباح یزدی ۲ـ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹۰،۱۸۹،۱۹ ۳ـ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹، ۱۸۹،۱۹۰ ۴ـ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹۰،۱۸۹،۱۹ ۵ـ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹۰،۱۸۹،۱۹

پرسش: چرا سورهٔ قدر، بعد از تولّد" امام زمان غ خوانده شد؟

پرسش

پرسش: چرا سورهٔ قدر، بعد از تولّد" امام زمان غ خوانده شد؟

پاسخ

بین امام معصوم و علم او در هر عصری با سورهٔ" قدر "رابطه‌ای است که با کشف آن در می‌یابیم که چرا به هنگام تولدِ امام زمانغ سورهٔ" قدر "خوانده شد، لطفاً به روایات زیر توجه کنید: ۱. امام باقر۷ می‌فرماید": در هر شب قدری تفصیل امور حقّه از جانب خدا مقرّر و ابلاغ می گردد ;و باید امام معصومی در هر زمان باشد که آن را دریافت کند(".اصول کافی کلینی ترجمهٔ ج ۲، ص ۲۵۱، انتشارات اسوه) ۲. و نیز می‌فرماید": خداوند، در آغاز آفرینش دنیا، شب قدر را آفرید، و پیامبر۹ و وصی او را نیز آفرید، و حکم کرد که در هر سال شبی که در آن شب تفسیر و بیان همهٔ امور تا سال آینده روشن می‌شود مقرر گردد. رسولان و امامان به واسطهٔ چنین شبی از تمامی امور می‌توانند (آگاه شوند) و حجت داشته باشند... شکی نیست که از اولِ آفرینش دنیا تا پایان آن باید بر اهل زمین حجتی باشد که در این شب به محبوب‌ترین بندگان حق نازل شود(".همان ص ۲۷۱ ـ ۲۷۴.) ۳. و در جای دیگر می‌فرماید: "خداوند، در شب معراج به رسولش علم هر چه بوده و هر چه خواهد بود را آموخت که بیش‌تر این علم کلی و اجمالی بود و تفسیر و شرحش در شب قدر می‌آمد ;و هم‌چنین علی‌بن‌ابی طالب کلیات علوم را می‌دانست و شرح و تفسیر آن در شب قدر برای او (به طور بخش‌نامه می‌آمد... هیچ پیامبری یا وصیِ پیامبری نمیرد، جز آن که وصیّ وی (دانش او را می‌داند(".همان ص ۲۷۵ ـ ۲۷۸.) ۴. خداوند در شب معراج به پیامبر اکرم‌فرمود": ای محمد! سورهٔ حمد را بخوان و من خواندم سپس فرمود: سورهٔ" انا انزلناه را بخوان زیرا نزدیکی تو و نزدیکی اهل بیت تو نسبت به من تا روز قیامت به سبب این سوره است(" علل الشرائع شیخ صدوق ج ۲، ص ۳۱۶، انتشارات مکتبهٔ الداوری) از روایات بالا چند اصل کلی و یک نتیجه به دست می‌آید: ۱. خداوند، در هر عصری برای بشر، حجتی از پیامبر یا امام قرار داده است ۲. خداوند، علوم بسیاری را به پیامبران و امامان خود داده است ۳. خداوند، شب قدر را مقرّر کرده است که تمام امور سال را برای پیامبران و امامان بیان کند ;۴. در هر زمانی بعد از پیامبران امامی باید باشد تا در شب قدر، امور برایشان بیان گردد ;۵. امام زمانغ آخرین امام از این قاعده مستثنا نیست زیرا آن حضرت آخرین حجت خدا تا روز قیامت است در نتیجه در شب قدرِ هر سال تمام امور برای آن امام همام روشن و بازگو می‌شود ;از این رو، این ارتباط (بین امامت امام و شب قدر)، به طور کامل روشن است و این می‌تواند جهت قرائت این سوره به هنگام تولد آن حضرت باشد.

آیا امام زمان (عج) از کارهای خوب و بدی که ما انجام می دهیم آگاهی دارد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از کارهای خوب و بدی که ما انجام می دهیم آگاهی دارد؟

پاسخ

۱) تردیدی نیست که امام زمان(عج)، تمام قابلیت‌های ائمه معصومین را داراست. ۲) در آیات متعددی از قرآن کریم، مسأله شهادت بر اعمال انسان‌ها مطرح شده است. برخی از این آیات عبارتند از: نساء / ۴۱، مائده / ۱۱۷، بقره / ۲۲۵، زخرف / ۸۶، زمر / ۶۹، بقره / ۱۴۳، نحل / ۸۹. ۳) از میان آیات فوق، به توضیح مختصر آیه ۸۹ از سوره نحل می‌پردازیم. آیه فوق عبارتست از: و یوم نبعث فی کل امۀ شهیدا علیهم من انفسهم، و جئنابک شهیدا علی هؤلاءو نزّلنا علیک الکتاب تبیانا لکلّ شیء و هدی و رحمۀ و بشری للمسلمین به خاطر بیاورید آن روز را که ما از میان هر امتی،گواهی از خود آن‌ها بر آن‌ها مبعوث می‌کنیم و تو را گواه آن‌ها قرار می‌دهیم. و ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است ومایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است. ۴) نکاتی در تحلیل آیه شریفه مذکور قابل تأمل است. بخشی از نکات فوق که به پاسخ سؤال مربوط می‌شود عبارتند از: الف) عبارت و یوم نبعث فی کل امۀ شهیدا علیهم حاکی از این است که خداوند در هر امتی، یک نفر را مبعوث می‌کند تا درباره عمل امت شهادت دهد و این بعث، غیر از بعث به معنای زنده کردن مردگان برایحساب است؛ بلکه بعثی است بعد از آن بعث و برانگیختگی انسان‌ها. ب) از تعبیر «من انفسهم» که بیان‌گر آن است که شاهد از خود آن‌هاست، نکاتی قابل برداشت است: ب ـ ۱. شهادت، شهادت زور، کذب و تحکم‌آمیز نیست که بازی با حقیقت باشد. چرا که شاهد، خود در دنیا حاضر بوده و از فرد فرد بشر، آنچه شهادت می‌دهد، دیده است. یعنی شهادت، به رؤیت حسی، مستندات. ب ـ ۲. چون شهادت، به گونه‌ای است که در ب ـ ۱ بدان اشاره گردید، لذا، حجت بر انسان‌ها، تمام و کامل است و عذری را برای آنان باقی نمی‌گذارد. چرا که شهادت و سایر اموری که آیات روز قیامت آن‌ها را توصیف می‌کنند، حجت‌هائی هستند که در آن روز علیه انساناقامه می‌گردند تا هر عملی از خیر و شر که از انسان‌ها سر زده است، تثبیت شده تلقی شوند به طوری که مجال ردّ و تردید در آن‌ها باقی نمی‌ماند. بنابراین، شهادتی که در آن روز به اذن خدای متعال اقامه می‌گردد، مشتمل بر حقیقتی است غیر قابل مناقشه. ب ـ ۳. قید «من انفسهم» این معنی را نیز می‌فهماند که شاهد بر اعمال لزوما پیغمبر هر عصر نیست، چرا که پیامبر هر امتی، همیشه معاصر آنان نیست. بنابراین پیامبر، شاهد بر شهداست نه شاهد براعمال همه مردم در همه عصرها. ج) از آنجا که در روز قیامت جز از حق و حقیقت اثری نیست، لذا شاهد باید معصوم به عصمت الهی باشد و دروغ و گزاف از او سر نزند. نیز به حقائق اعمالی که به آن‌ها شهادت می‌دهد، عالم باشد، نه این که صرفا صورت ظاهری آن‌ها را ببیند و همان را مبنای شهادت قراردهد. بلکه باید نیت درونی و انگیزه‌های قلبی عامل هر عملی را بداند. حاضر و غایب برایش فرقی نکند. چنین ویژگی، جز از معصوم ساخته نیست. د) در تفسیر قمی، در ذیل آیه مورد بحث، از امام صادق(ع)، روایت شده است که فرمود: برای هر عصری و امتی، شهیدی است، و هر امتی با امامش محشور می‌شود. ه) در سوره اسراء، آیه ۱۷ نیز آمده است: یوم ندعوا کل اناس بامامهم و) با این که علم خدا به همه چیز احاطه دارد، اما وجود این گواهان، مخصوصا از کسانی که از میان خود امتها برخاسته‌اند، تأکید بیشتری است بر نظارت دائمی بر اعمال انسان‌ها و هشداری است بر این مراقبت قطعی و همیشگی. ز) از آنجا که قرار دادن شهید و گواه، فرع بر این است که قبلاً برنامه کامل و جامعی در اختیار افراد قرار داده شده باشد، به طوری که حجت برهمگی تمام شود، تا به دنبال آن مسأله نظارت و مراقبت مفهوم صحیحی پیدا کند، لذا بلا فاصله در ادامه آیه متذکر می‌شود: ما اینکتاب آسمانی (قرآن) را بر تو نازل کردیم که بیان همه چیز در آن است.

آیا اکنون حضرت مهدی(علیه السلام) به زمان ظهورشان علم دارند؟ یعنی آیا از آغاز غیبت، حضرت می دانستند چه زمانی ظهور خواهند

www.noorfatemah.org

فرمود؟

پرسش

آیا اکنون حضرت مهدی(علیه السلام) به زمان ظهورشان علم دارند؟ یعنی آیا از آغاز غیبت، حضرت می دانستند چه زمانی ظهور خواهند فرمود؟

پاسخ

۱. درباره زمان ظهور حضرت مهدی(عج)، دو گونه نشانه بیان شدنی است؛ تعیین دقیق زمان ظهور از نظر سال، ماه، روز و ساعت ونیز بیان نشانه های کلی. ۲. در روایات به ذکر نشانه های کلی، بسنده شده و از گونه نخست بیان زمان ظهور، سخنی به میان نیامده است. ۳. افزون بر سخن گفته نشدن به گونه یاد شده درباره ظهور ولی عصر(عج)، در روایات دست کم دو جهت گیری در این باره دیده می شود. الف. بر شمرده شدن زمان دقیق ظهور از اسرار و تنها در قلمرو علم الهی نمونه ای از این دست روایات بیان می شود: .....: عن علی بن الحسین علیهما السلام قال: ان امر القائم حتم من الله ... و لایکون القائم الا بسفیانی، قلت جعلت فداک فیکون فی هذه السنه؟ قال: ما شاء الله. قلت: یکون فی التی تلیها؟ قال: یفعل الله ما یشاء؛ ؛ امام سجاد(ع) [در پاسخ به پرسشی از زمان ظهور] فرمودند: «موضوع قیام حضرت مهدی(عج)، امری حتمی الوقوع از جانب خداوند است... و بدون رویداد خروج سفیانی، واقع نمی شود. [پرسش گر می گوید] به امام گفتم فدایت شوم. آیا در همین سال در پیش است، روی می دهد؟ امام فرمود: خداوند هرگونه که بخواهد، اقدام می کند». (معجم احادیث المهدی، ج ۳، ص ۱۹۹) ملاحظه می شود که در این روایت، امام سجاد(ع)، زمان ظهور را، به خواست و اراده الهی پیوند می دهد. ب. روایاتی که با شدت تمام هرگونه تعیین زمان را ، حتی از سوی اهل بیت(ع)، نکوهش می کند. نمونه ای از این دست روایت: «عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله(ع) قال: قلت له جعلت فداک متی خروج القائم(ع) فقال: یا ابا محمد انا اهل البیت لانوقت و قد قال محمد(ص) کذب الوقاتون» ؛ ابی بصیر می گوید از امام صادق(ع) درباره زمان ظهور حضرت مهدی(عج) پرسیدم، ایشان فرمود: ای ابا محمد، ما اهل بیت برای آن، زمان تعیین نمی کنیم چرا که پیامبر(ص) فرموده است: هر کس درباره قیام حضرت حجت(عج) زمان تعیین کند، دروغ گفته است». (غیبت نعمانی، ص ۲۸۸) روایتی مشابه این روایت از همین امام معصوم(ع)؛ یعنی امام صادق(ع) آمده است که: «یا مهزم کذب الوقاتون، و هلک المستعجلون، و نجا المسلمون»؛ ای مهزم، تعیین کنندگان زمان برای ظهور حضرت مهدی(عج)، دروغ می گویند، کسانی که در این باره شتاب می کنند، هلاک می شوند و تسلیم شوندگان تقدیر الهی درباره ظهور، نجات می یابند». (معجم احادیث المهدی، همان، ص ۳۷۹) اما اینکه آیا خود حضرت امام زمان سلام الله علیه به زمان ظهور علم دارند یا نه، از جمع روایات فهمیده می شود که علم به زمان قطعی ظهور، جزء علوم غیبی است که منحصرا نزد خداوند است و به امام(ع) تفویض نشده است. به عبارت دیگر امام(ع) به علم غیب، آگاهی دارند. اما این علم به اذن و اجازه خداوند است. و به دلیل حکمت الهی، علم به زمان ظهور، به آن حضرت تفویض نشده است.

امام زمان‌علیه‌السلام چگونه از زمان مناسب ظهور خود آگاهی می‌یابد؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام چگونه از زمان مناسب ظهور خود آگاهی می‌یابد؟

پاسخ

این سؤال گـاه از دیـدگاه شـخص غیرشـیعی مطرح گشـته وگاه نیز از شـخص شـیعه امامی مطرح می‌گردد. در صورتی که سؤال از شخص غیر امامی مطرح گردد دو گونه می‌توان به او پاسخ داد: الف. اینکه این موضوع را باید همانند سایر مسائل اجتماعی بررسـی کرد، به این معنا که هر گاه مصـلحت اسـلام وبشریّت اقتضای ظهور حضرت را داشته باشد، به طور حتم امام زمان (ع) ظهور خواهد کرد. ب. اینکه امام (ع) از آنجا که از جانب خداونـد متعال مورد تأیید است دسـتور ظهورش را مسـتقیماً از جانب او خواهد گرفت. ودر صـورتی که سؤال از شخصـی امـامی است در جواب سؤال او چنـد طرح ونظر داده شـده است: ۱ - اینکه آن حضـرت به زمان ظهور خود به جهت روایاتی که از آباء واجـدادش رسـیده آگاهی دارد. این احتمال در ادله نقلی به آن اشاره نشده است. ۲ - اینکه امـام (ع) به طور اعجـاز از زمـان ظهورش آگاهی دارد به این نحو که خداونـد هنگام رسـیدن وقت ظهورش معجزه‌ای ایجاد خواهد کرد و بـا آن، حضـرت به وظیفه‌اش که همان ظهور است التفات پیـدا می‌کنـد. در روایات اشاره به این احتمال شـده است: راونـدی مرسـلاً از امام کاظم (ع) در حدیثی راجع به حضـرت مهدی (ع) نقل کرده که فرمود... ": إذا حان وقت خروجه انتثر ذلك العلم من نفسه، وأنطقه اللَّه عزّوجلّ فناداه: أُخرج يا وليّ اللَّه! فاقتل أعـدآء اللَّه، وله سـيف مغمّـد إذا حان وقت خروجه اقتلع ذلك السـيف من غمـده وأنطقه اللَّه عزّوجلّ فناداه السـيف: أُخرج يا وليّ اللَّه! فلايحلّ لك أن تقعد عن أعدآء اللَّه"؛ "...هر گاه وقت {پاورقی . خرائج وجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۷، ح ۶۴ ؛ کمال الدین، ص ۱۵۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱، ح ۴. پاورقی} خروج حضرت رسید علم به خروج در نفس او منتشر خواهـد شـد. آن علم او را نـدا داده که ای ولّی خـدا! خروج کن ودشـمنان خدا را به قتل برسان. وبرای او شمشـیری است، هنگامی که وقت خروج او فرا رسـد از غلافش بیرون می‌آیـد وحضـرت را ندا داده، می‌گوید: ای ولیّ خدا! خروج کن، که برای تو حلاـل نیست که از دشـمنان خـدا صـرف نظر کنی ".صـدوق نیز از مفضّل بن عمر نقل کرده که از امام صادق (ع) درباره تفسـیر جابر سؤال کردم؟ حضـرت فرمود... ": إنّ منّا إماماً مسـتتراً، فإذا أراد اللَّه عزّوجلّ إظهار أمـده نكت فی قلبه نكتـة وأمر بأمر اللَّه عزّوجلّ"؛ "همانا از ما امامی است پنهان، هر گاه خداونـد اراده {پاورقی . کمال‌الدین، ص ۳۴۹، ح ۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵۷، ح ۴۹ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰. پاورقی} کند تا او را از پرده غیبت به در آورد، در قلب او علامتی می‌نهد، آن گاه به امر خـدا سـفارش خواهـد کرد ".در حـدیثی از امـام زمـان (ع) رسـیده که فرمود": علمنا علی ثلاثـة أوجه: ماضٍ وغابر وحادث، أمّا الماضـی فتفسیر، وأمّا الغابر فموقوف، وأمّا الحادث فقذف فی القلوب ونقر فی الأسماع وهو أفضل علمنا"؛ "...علم ما اهل بیت بر سه نوع است: علم به گذشـته وآینده {پاورقی . دلائل الامامه، ص ۵۲۴، ح ۴۹۵. پاورقی} وحادث. علم گذشته، تفسیر است. علم آینده، موقوف است. وعلم حـادث، انـداختن در قلوب وزمزمه در گوش‌هاست. این بخش بهترین علم ماست. "...۳ - اینکه حضرت مهدی (ع) با آن ذکاوت وخُبْرَوِیّتی که دارد وقت ظهور را دریابد. احتمال دوّم مطابق روایات وعقل است.

در روایات آمده که امام زمان(در زمان ظهورشان مأمور به غیب می باشند، محدودهٔ مأموریت ایشان به غیب چقدر است؟(کمی توضیح دهید) به طور مثال ایشان مأمور به آشکار کردن گناهانی و خطاهائی که در خلوت نیز انجام می شود هستند یا خیر؟منابعی را که پاسخ سؤال را می دهید ذک

پرسش

در روایات آمده که امام زمان(در زمان ظهورشان مأمور به غیب می باشند، محدودهٔ مأموریت ایشان به غیب چقدر است؟(کمی توضیح دهید) به طور مثال ایشان مأمور به آشکار کردن گناهانی و خطاهائی که در خلوت نیز انجام می شود هستند یا خیر؟منابعی را که پاسخ سؤال را می دهید ذکر فرمایید.

پاسخ

روایاتی که در این زمینه نقل شده چنین استنباط می شود، که از اختصاصات حضرت مهدی موعود(، قضاوت اوست. که به علم امامت و وحی قضاوت می فرمایند. و مانند حضرت داود و سلیمان، برای حکم خود نیاز به شاهد و بیّنه ندارند. (۱) امام صادق(می فرمایند" :چون قائم قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند؛ پس امر می کند بر کافر، سپس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند، و می کشانند ایشان را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهند ("۲.) و در ارتباط میزان دلالت روایات بر این مطلب باید گفت، روایات تا همین اندازه دلالت می کنند، که امام (به مقتضای علم امامت بدون شاهد و بیّنه، کافران را محاکمه کرده، از دم شمشیر می گذرانند. اما اینکه آیا این مسأله در ارتباط با یکایک کافران، یا انسانهای پلید است، از روایات و آیات، این مسأله قابل اثبات نمی باشد. و چیزی که از طریق اسناد اسلامی استفاده می شود، آن است که در عصر ظهور، آزادی انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. (اگرچه اکثریت قاطع مردم جهان، راه حق می پیمایند، و به آن می گروند. و حکومت روی زمین، یک حکومت اسلامی است.) (۳) و حتی ادیان یهود و مسیحیت، اگر چه به صورت اقلیت بسیار ضعیف، باقی مانده، دین حق مورد پذیرش این گروه واقع نمی شود. اما در ارتباط با این مسأله که حضرت مهدی(مأمور به آشکار کردن گناهان پنهانی مردم باشند باید گفت، از اسامی روز قیامت"، یوم تبلی السرائر "است، یعنی روزی که همه امور پنهانی آشکار می شود. و ما در دعا می گوییم" : و لا تفضهنی یوم القیامهٔعلی رؤس الاشهاد ("۴) اما چنین امری درباره دوران ظهور حضرت مهدی(نیامده است. در پایان با بیان نظر استاد مطهری، در خصوص این مسأله سخن را کوتاه می کنیم. ایشان می فرمایند" : ما حدود تصرف و یا ولایت تکوینی یک انسان کامل، و یا نسبتاً کامل را نمی توانیم دقیقاً تعیین کنیم. یعنی مجموع قرائن قرآنی و قرائن علمی که نزد ماست اجمالاً ـ وصول انسان را به مرتبه ای که اراده اش بر جهان حاکم باشد، ثابت می کنند... و اینکه انبعاث اراده انسان کامل(امام)، با تحریکی درونی و اشاره ای عینی است. اما اینکه این تحریک و اشاره به چه نحو است، و چگونه است، محدود است یا نامحدود، ما نمی دانیم؛ و مطلبی است که از عهده ما خارج است. و لهذا چنین کسانی، گاهی بر طارم اعلی نشینند، و گهی تا پشت پای خود بینند ("۵.) منابع و مآخذ : ۱. معجم الاحادیث امام مهدی(،۴/۱۱/ح ۱۰۹۰ ۲. بحارالانوار،ج ۵۲/۳۲۰ ـ ۲۷ح۲۶ ۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی،ج۴،ص۳۱۹ ۴. مناجات شعبانیه ولاء و ولایتها، استاد مطهری،ص ۶۰ و ۶۱

آیا امام زمان (عج) از زمان ظهور اطلاع دارند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از زمان ظهور اطلاع دارند؟

پاسخ

خیر. چنان که امام(ع) در پاسخ نامه‌ای (توقیع) که به اسحاق بن یعقوب نوشته‌اند فرموده است: وَ امّا ظُهُورُ الْفَرَجِفَاِنَّهُ اِلیَ اللّهِ وَ کَذِبَ الْوَقّاتُونَ ، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱، ح ۱۹ و ج ۵۳، ص ۱۸۱). امامان دیگر نیز هیچ وقتی برای ظهور امام(ع) معلوم نکرده‌اند. چنان که امام صادق(ع) می‌فرماید: اِنّا لا نُوَقِّتُ هذاالاَمЛЪ...، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۸، ح ۴۷). ائمه طاهرین و خود امام عصر(عج)، علم به وقت ظهور را مانند علم ساعت (زمان وقوع قیامت) خاص خداونددانسته‌اند و وقتگذاران و وقتگویان را تکذیب کرده‌اند. و علّت این‌که چرا این علم اختصاص به خدا دارد شاید بتواندر مقایسه با علم قیامت فهمید چنانکه در پاسخ سؤال قبل بیان شد. جهت اطلاع بیشتر، ر. ک: خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.{J

آیا امام زمان«علیه السلام» از وضع ما انسانها آگاه است؟

پرسش

آیا امام زمان«علیه السلام» از وضع ما انسانها آگاه است؟

پاسخ

آری امام زمان«علیه السلام» از طرف خداوند دارای علم گسترده‌ای است و آن جناب از اعمال و رفتار ما آگاه است. و این مطلب در روایات بسیاری وارد شده که امام به کارها و رفتار مردم عالم است. در اصول کافی باب الحجة احادیثی وارد شده است که نامه اعمال شیعیان بر آن حضرت عرضه می‌شود و آن حضرت از احوالات مؤمنین و شیعیان آگاه می‌گردند. و بالاتر از آگاهی توجه خاص ایشان به شیعیان است چنانکه از آن گرامی روایت شده است: «انّا غیر مهملین مراعاتکم و لا ناسین لذکر کم و لولا ذلک لنزل بکم اللاواءُ و اصطلمکم الاعداءُ؛(۱) ما در مراعات شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را فراموش نمی‌نمائیم و اگر این نبودند، شر و بدی بر شما نازل می‌گشت و دشمنان بر شما مستولی می‌گردیدند». « بخش پاسخ به سؤالات » ۱) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

قدرت حضرت

آیا امام زمان در همه جا هستند یا در مکان های خاص؟

پرسش

آیا امام زمان در همه جا هستند یا در مکان های خاص؟

پاسخ

از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت است، که آیا آن حضرت در

مکـان خاصـی سـکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژه‌ای است آن مکان کجا است؟ روایاتی که درباره مکان امام زمان(ع) وجود دارند چند دسته‌اند: ۱ - برخی از روایات محل خاصـی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابان‌ها و کوه‌ها معرفی می‌کند. از آن جمله حضـرت مهـدی(ع) به پسـر مهزیار فرمود": فرزنـد مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکـونت کـوه هـای سـخت و سـرزمین‌های خشـک و دور دسـت را برگزینیم.("۱) از ایـن روایـت اسـتفاده می‌شـود که حضـرت از دسترسی مردم دور است و کسی از محل سکونت وی آگاه نیست. ۲ - برخی روایات خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت یاد نموده‌انـد، مثلا در برخی از روایات در مـدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می‌گوید از امام باقر(ع) شـنیدم که فرمود: "لابد لصاحب هذا الامر من عزلهٔ و لابد فی عزلته من قوهٔ و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبهٔ("۲)، صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سـی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می‌کنند (و به قوت وی می‌افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه. از این روایات اسـتفاده می‌شود که حضرت در مدینه منوره منزل دارد و افرادی همواره بـا ایشـان به صورت ناشـناس هسـتند. برخی روایـات مکـان امـام زمـان(ع) را کوه"رضوان "که در اطراف مـدینه است، بیان کرده‌انـد، عبـدالاعلی آل سام می‌گویـد": با امام صادق(ع) از مـدینه خارج شـدیم، به روحاء (اطراف مـدینه) که رسـیدیم حضـرت نگـاهش را به کوهی دوخت و مـدت زمـانی ادامه داد، و فرمود: این کوه رضوان نـام دارد، خوب پناهگـاهی است برای خائف(امام غـائب) در غیبت صـغرا و غیبت کبری.(۳) از روایـات دیگر اسـتفاده می‌شود که امـام زمـان(ع) در مکـانی به نام" ذی طوی "که در اطراف مکه است، زنـدگی می‌کنـد و از همـان جـا نیز یـاران خو...قیـام می‌کننـد. امـام باقر(ع) فرمود": امام زمان ر...غیبـتی است در بعضـی از دره‌هـا و اشاره کرد به منطقه" ذی طوی. (۴) ۳ - برخی روایـات جایگاه خاصـی را برای امام زمان(ع) نام نمی‌برد، ولی از حضـرت به عنوان فردی یاد می‌کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشـر و نشر داردو به گونه‌ای ناشناس زندگی می‌کند. امام صـادق(ع) فرمود": صـاحب الامـر شـباهتی نیز به حضـرت یوسف پیامبر(ع) دارد جای انکار نیست که خداونـد با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صاحب الزمان(ع)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمد می‌کند و در بازار قـدم می‌نهـد و گاهی بر فرش منزل‌های دوسـتان می‌نشـیند، لیکن او را نمی‌شناسـند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم.("۵) از این روایت استفاده می‌شود که امام زمان(ع) مکان معین نداشته در میان جمع و جامعه است، با مردم حشر و نشر دارد و زندگی طبیعی و معمولی دارد. در مراسم مذهبی و مناسک حج شـرکت می‌جوید، ولی شـناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنـایت امـام(ع) بـه مردم و هـدایت و رهـبری مردم از سـوی دیگر نشـان از آن دارد که آن حضـرت در همه جـا بـوده و در همه جا حضور دارد. از جمع بین روایات نیز می‌توان استفاه کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد به آن دسته از روایـت کـه مکـان معیـن ماننـد مـدینه و مکـه را بیـان کرده‌انـد؛ زیرا آن دسـته روایـات نـاظر بر آن است که در برخی از زمان‌هـا و مکان‌های خاص حضور پیدا می‌کند. آن دسـته از روایات که مکان مشخصـی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضـرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، همان مکان‌های خاصی می‌باشد. پی نوشت‌ها: ۱ - شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶. ۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰. ۳ - شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲. ۴ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲. ۵ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

آیا امام زمان می تواند در یک زمان خاص در چند مکان مختلف باشند؟

پرسش

آیا امام زمان می تواند در یک زمان خاص در چند مکان مختلف باشند؟

پاسخ

اگر انسان دارای کمالات معنوی والایی باشد و بخواهد، می‌تواند همانند خود را انشاء کند و به هر کجا بخواهد بفرستد. این بدن مثالی دوم و سوم به اراده این شخص قائم است. عرفای الهی و بندگان مخلص خداوند چنین قدرتی دارند و هر وقت ضرورتی پیش بیاید از چنینقدرتی استفاده می کنند.[PRG] در شرح فصوص الحکم قیصری، چاپ سنگی، ص ۱۹۶، ستون دوم، سطر آخر، در متن می گوید: و العارف یخلق بهمّته ما یکون له وجود من خارج الهمهٔ[PRG] قیصری در شرح این جمله می گوید: ... انّ العارف یخلق بتوجّهه و قوته الروحانیهٔ صورا خارجهٔ عن الخیال، موجودهً فی الاعیان الخارجیهٔ کماهو مشهور من البدلاء بانّهم یحضرون فی آنٍ واحدٍ فی امکان مختلفهٔ... . وقتی عرفا و بدلا چنین باشند، حضرت ولی‌عصر(ع) به مراتب از این بالاتر خواهد بود چون او انسان کامل است. او خلیفهٔالله است.[PRG] برای آگاهی بیشتر می‌توانی به جلد سوم شرح اشارات، ص ۳۹۷، س ۲۱، فصل ۵ مراجعه کنید. در این فصل، بو علی سینا در یکهزار سالپیش به این مسأله اشاره می کند.{J

درباره اینکه امام زمان می توانند در هر لحظه در چند جای مختلف حضور داشته باشند با ذکر دلیل عقلی توضیح دهید. (سنت خداست که هر بدن یکی باشد و نه بیشتر)

پرسش

درباره اینکه امام زمان می توانند در هر لحظه در چند جای مختلف حضور داشته باشند با ذکر دلیل عقلی توضیح دهید. (سنت خداست که هر بدن یکی باشد و نه بیشتر)

پاسخ

امام با بدن مادی خودشان در یک جا ظهور دارند و حضور امام در همه جا با بدن مادی نیست بلکه با روح یا به تعبیر عرفانی نفس علی است و این مقامی است که انسان کامل بدان می رسد زیرا او اسمی از اسماء حسنای الهی است و دارای نفس علی است که احاطه قیودی بر جهان ما سوا دارد. ضمن اینکه روایات فراوانی وجود دارد که اهل بیت عصمت و طهارت –سلام الله علیهم– امان اهل زمین هستند و آنها واسطه فیض بین الله و ما سوا الله هستند و بناچار باید برهمه اهل زمین احاطه داشته باشند. از این مطلب در عرفان به نظریه ابدال یا بدلاء تعبیر می شود. انسان که اشرف موجودات است قدرتی دارد که می تواند امثال متعددی از نفس خود را انشا کند و به مکانهای مختلف در یک زمان ارسال نماید. این مطلب درباره فرشتگان مسلم است که به هر شکلی که اراده کنند در می آیند و به هر عالمی که بخواهند داخل می شوند. البته با اذن و اجازه الهی. و انسان اشرف و افضل از آنهاست و فرشتگان مأمور به سجده بر انسانند و باید فرمانبردار او باشند و لاجرم انسانی که چنان شرافتی را دارد که از او به انسان کامل تعبیر می شود نیز دارای چنین قدرت و اقتداری است. شیخ اکبر محی الدین ابن عربی در فتوحات مکیه درباره این مقام می گوید: به انسان ابدال می گویند زیرا به ایشان نیروئی داده شده که بدن خود را به واسطه امری که قائم به ذات ایشان است هر کجا که خواهند ترک

نماینـد در حالی که به آن علم دارنـد.(فتوحات مکیه، ج۱ ص۱۹۷ بیروت) به عبارت دیگر دلیل اینکه آنها را ابـدال می گوینـد این موضـوع است که آنهـا به اراده خـود بـدن خـویش را هر کجـا که لازم بداننـد ترک می کننـد و به جـای دیگر می رونـد. بـدن در اصـطلاح چند اطلاق و اصطلاح دارد: ۱- بدن عنصـری و دنیوی که عین بدن مادی ما است. ۲- بدن برزخی که متناسب با جهان و عالم برزخ است. ۳- بـدن اخروی. این بدنها در طول هم هسـتند و تفاوت آنها به کمال و نقص است. منظور ابن عربی از اینکه آنها بـدن خویش را هر جا که لازم بدانند ترک می کنند این است که آنها از بدن مادی و دنیوی خویش جدا می شوند در عین حال که بر آن تـدبیر دارنـد و بـا بـدن مثـالی و برزخی به رسـیدگی و تـدبیر امور می پردازنـد. بـدلاء این گونه هسـتند که در یـک زمان در مکانهای مختلف حضور دارنـد و نیازهای بنـدگان را برآورده می کننـد.(شـرح قیصـری بر فصوص الحکم، ص۱۹۷) اینها انسانهای کاملی هستند که امکان می یابند که بدن عنصری و مادی خویش را ترک کنند و در حالی که در دنیا و مشغول تدبیر زندگی مادی هسـتند چنان قوتی دارند که می توانند از ابدان خود انسـلاخ یابند و در مکانهای مختلف حضور یابند. این مطلب پس از مرگ آنها نیز صـادق است بلکه آنهـا پس از مرگ دارای قـدرت و قوت بیشتری می شونـد زیرا مـانع بـدنی که در دنیا بوده به کلی مرتفع می شود. انسان های کامل می توانند با قدرت و توان بیشتری به تدبیر امور بندگان بپردازند. اما حضـرت ختمی مرتبت -صلی الله علیه و آله و سلم- و خانـدان پاکش -سـلام الله علیهم اجمعین- و امام زمان -عجل الله تعالی فرجه- که خاتم اوصـیا و ائمه هسـتند به دلیل اینکه مقام و مرتبه آنها محیط به روح انسانها و موجودات است و مرتبه و رتبه آنها از لحاظ نبوت و ولایت برتر از همه انبیاء و اولیاء و فرشـتگان است دارای نفس و روح علی هسـتند که توان و قدرت کارهای بسـیاری را دارند چرا چنین نباشد؟ آنها نمایندگان خدا بر روی زمین و حجت های الهی بر مردمان و راهنما و هادی خلق الله هسـتند آنها اسم جامع و مظهر اتم حضرت حق سبحانه و تعالی هسـتند و بنابراین بهره ای از شأن مولایشان حضرت حق جل و علی را دارند و در این حال بدون قید و انحصار در می آیند و از بدن و آنچه از لوازم امور دنیوی است خلاصـی می یابند و با هدایت و راهنمائی و رسـیدگی به امور بندگان می پردازند این همانند علم آنهـا است که به اذن و اجـازه خداونـد سـبحان به همه امور علم دارنـد. پس حضور امـام زمـان بـا نفس خویش نه بـا بـدن مادی در مکانهـای متعـدد محـال نیست بلکه مـا نیز اگر تلاـش کنیم و به مقامـات معنوی نائـل شویم می توانیم به چنین کارهائی دست بزنیم. قـدرت نفس انسان بیش از چیزی است که ما تصور می کنیم و انجام این کارها برای ائمه چه امام زمان -سـلام الله علیه- که در قید حیاتنـد و چه برای دیگران که جسـمشان در خاک است امری عادی است و هیچ سـختی ندارد. چگونه ما می توانیم با خیال خود به همه جا برویم و هیـچ محـدودیتی در آن نداریم آنها می توانند با نفس خود به طریق انشاء نفس و با بدن مثالی و برزخی به همه جا برونـد و به تدبیر و اداره امور و راهنمائی مردم بپردازند. برای اطلاع بیشتر به آثار حضـرت آیت الله حسن زاده آملی مراجعه فرمائید: ۱- عیون مسائل نفس و شـرح آن، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۷۱، ج۱و۲ عین ۵-۷-۸-۱۸-۱۹-۲۹-۵۴-۵۷-۵۹-۶۱-۶۴ و به ویژه ۵۰ که اختصاصـا مربوط به این موضوع است. ۲- هزار و یک نکته، مرکز نشـر فرهنگی رجاء، نکته ۱۵-۵۴-۱۰۵-۳۰۷-۶۵۸-۹۹۶-۹۹۸

طبق عقیده شـیعه امام زمان(عج) زنده است و بر روی کره زمین زندگی می‌کند. پس قاعدتاً مانند انسان‌های دیگر نیازهایی از قبیل خواب و غیره دارد. حال چگونه می‌شود ایشان در سـرزمینی که در آن شب فرا رسـیده، خواب باشد امّا در طرف دیگر کره زمین شـیعه‌ای و یا حتّی بخشی از

پرسش

طبق عقیـده شـیعه امام زمان(عج) زنده است و بر روی کره زمین زندگی می‌کند. پس قاعدتاً مانند انسان‌های دیگر نیازهایی از قبیل

خواب و غیره دارد. حال چگونه می‌شود ایشان در سرزمینی که در آن شب فرا رسیده، خواب باشد امّا در طرف دیگر کره زمین شیعه‌ای و یا حتّی بخشی از امور عالم به ایشان محتاج باشد؟ (این شبهه را می‌توان برای پیامبر و ائمّه نیز در زمان خود مطرح کرد.)

پاسخ

همه موجودات عالم امکان، آیات و نشانه‌های حضرت حق‌اند. هر کدام به قدر وسعت وجودی خود اسما و صفات خدای سبحان را نشان می‌دهند. در آیینه وجودی هر موجودی می‌توان جلال و جمال حضرت پروردگار را مشاهده کرد: هر که را حسنی بود آیینه دار روی او است. بعضی موجودات آیت و نشانه بودنشان بسیار محدود و ضعیف و بعضی دیگر بسیار گسترده و وسیع است. حضرات معصومان(ع) چون واسطه فیض و رابطه عام غیب و شهودند، آیینه تمام نمای اسما و صفات حضرت حق اند. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانی: « من والا کم فقد و الی الله و من عاداکم فقد عادی الله ؛ هر که شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته و هر که با شما دشمنی ورزد، با خدا دشمنی کرده است.» همان گونه که در آیینه می‌توان صورت اشیا را مشاهده کرد، در آیینه وجود معصوم(ع) می‌توان جلوه اسما و صفات خداوند متعال را نگریست. البته منظور از مشاهده حضرت حق رؤیت حسی و بصری نیست؛ زیرا پروردگار نه جسمانی است و نه محسوس. غرض این است که انسان کامل (معصوم) جلوه و مظهر جلال و جمال پروردگار است؛ آن هم به کامل‌ترین وجه. از این رو، در هیچ آیینه‌ای بهتر از آیینه انسان کامل نمی‌توان حق را مشاهده کرد. بر این اساس امام علی(ع) فرمود: «برای خداوند هیچ آیت و نشانه‌ای بزرگ‌تر از من نیست».۱ و چون حضرات معصومان(ع) نور واحدند – و به تعبیر بلند زیارت جامعه کبیره « انّ ارواحکم و نورکم و طینتکم واحدة ؛ به درستی که ارواح شما و نور و طینت شما یکی است.» – این حکم حضرت امیرالمؤمنین(ع) درباره بقیه حضرات معصومان(ع) نیز جاری است. از این رو، وجود تابناک و مقدس حضرت ولی عصر(ع) عظیم‌ترین آیت و نشانه پروردگار است. شخصی برای دیدار با امام باقر(ع) به خانه وی مراجعه کرد و پیش از اجازه ورود، به کار ناروا دست یازید. حضرت امام باقر(ع) از درون اتاق بر او بانگ زد و با سرزنش اجازه ورودش داد. مرد در محضر امام عرضه داشت: به خدا سوگند، نظر گناه آلود نداشتم؛ تنها می‌خواستم بر یقین خود درباره علم و آگاهی شما بیفزایم. امام باقر(ع) پس از تصدیق سخن او فرمود: آیا می‌پندارید دیوارها، چنان که مانع دید شما است، از مشاهده ما نیز جلوگیری می‌کند؟! اگر چنین باشد، تفاوتی میان ما و شما نخواهد بود. آنگاه امام آن شخص را از تکرار چنان عملی برحذر داشت.۲ امام علی(ع) فرمود: دین و امام دو برادر و همتای یکدیگرند که هیچ یک بدون دیگری سامان نمی‌یابد. اسلام پایه و اساس نظام حکومتی و امام پاسدار آن است. پس اگر اسلام نباشد، هرگونه بنیادی از اساس ویران است و اگر اسلام باشد و نگاهبان و پاسدار نداشته باشد، ضایع و نابود می‌شود. از این رو، وقتی واپسین حجت خدا و پاسدار دین، قائم آل محمد(ص) رحلت می‌کند، اثری از اسلام باقی نمی‌ماند و آنگاه که از اسلام اثری نماند، بساط دنیا به کلی برچیده می‌شود.۳ امام، محوری است که حق در همه زمینه‌ها بر مدار او می‌گردد و آن حق محوری که درباره امام علی(ع) آمده است، وصف مشترک همه انبیا، اولیا و اهل بیت رسول خدا(ص) است.۴ در مورد امام علی(ع) وارد شده است: « علیّ عمود الدّین ؛ علی ستون دین است».۵ اگر دین باقی است، به دلیل این است که ستون و عمود آن زنده است و هیچ گونه غفلت و سهو و فراموشی بر آن وجود مبارک عارض نمی‌گردد؛ چرا که اضطراب و تزلزل در عمود دین مساوی است با درهم ریخته شدن شیرازه دین. در زیارت روز جمعه خطاب به امام زمان(ع) می‌خوانیم: « السلام علیک یا عین الحیوة ؛ سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگی». آیا ممکن است چشمه حیات همه موجودات عالم امکان به خاطر غفلت و فراموشی دچار خشکی گردد؟ و باز در زیارت روز جمعه می‌خوانیم: « السلام علیک یا عین الله فی خلقه ؛ سلام بر تو ای دیده الاهی در میان خلق». آیا ممکن است دیده حضرت حق را خواب فرا گیرد؟! در نهایت می‌گوییم:

حقیقت ائمه همان ارواح مطهر آنان است که حقیقت هر انسانی به روح او است. پس کمالات مطرح شده نیز به ارواح آن حضرات تعلق دارد. جسم مادی آن بزرگان به خواب می‌رود؛ ولی روح ارجمندشان بیدار است و به اشیای مختلف علم الاهی دارد. پی نوشت: ۱. ر. ک: نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۹۱. ۲. ر. ک: بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۹، ح ۴۰. ۳. ر. ک: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر،آیت اللّه صافی گلپایگانی ، ص ۲۷۳. ۴. ر. ک: صورت و سیرت انسان در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ص ۳۶۸. ۵. ر. ک: کافی، ج ۱، ص ۲۹۴.

آیا امام زمان«علیه السلام» می‌تواند در یک زمان در چند جای مختلف حضور یابد؟ اگر به چطور؟ و آیا وجه مشترکی بین او و بین خداوند وجود ندارد؟

پرسش

آیا امام زمان«علیه السلام» می‌تواند در یک زمان در چند جای مختلف حضور یابد؟ اگر به چطور؟ و آیا وجه مشترکی بین او و بین خداوند وجود ندارد؟

پاسخ

امام زمان«علیه السلام» دارای قدرتی است از جانب خدا که براساس آن می‌تواند به طور سریع در جاهای مختلف حضور یابد و این با توجّه ولایتی که امام از جانب خداوند بر جهان دارد چیزی نیست و این مطلب گذشته از اینکه امکان‌پذیر است برای افراد برگزیده‌ای حتّی غیر از امام زمان«علیه السلام» نیز تحقیق یافته که با طی‌الارض از جایی به محل دوردستی نقل مکان می‌کردند. و اگر از طرف خداوند قدرت گسترده‌ای داشته باشد لازمه‌اش این نیست که نعوذباللّه با خدا شریک شود زیرا امام هیچ چیز ندارد جز از ناحیه‌ی خدا و امام ذاتاً نیازمند و محتاج است و هر چه دارد از خداست گذشته از اینکه خداوند یک هستی مطلق و غیر محدود است و احاطه به همه زمانها و مکانها دارد و امام چنین نیست از این رو می‌گوئیم امام در مکانی حاضر می‌شود نه اینکه همواره حاضر است. نکته‌ای که در این زمینه توجّه به آن لازم است این است که آن حضرت با وجود فقر ذاتی که یادآوری شد از ناحیه خداوند کمالات وجودی گسترده‌ای به او افاضه شده است که بر اساس آن به اذن خدا می‌تواند در آفرینش تصرّف کند و این که بتواند در دقائقی در چند نقطه دور دست در جهان حضور یابد در جنب قدرت وی چیزی نیست. « بخش پاسخ به سؤالات »

توقیعات حضرت

راجع به توقیع مارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری و همین طور راجع به تأیید کتاب کافی از طرف آن حضرت توضیح دهید.

پرسش

راجع به توقیع مارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری و همین طور راجع به تأیید کتاب کافی از طرف آن حضرت توضیح دهید.

پاسخ

توقیع مبارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری , آخرین سفیر خود را شیخ طوسی در کتاب () و شیخ صدوق در کتاب روایت کرده اند. چون وفات شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری (پاورقی ۱.شیخ طوسی , کتاب الغیبهٔ, ص ۲۴۲ کمال الدین , ج ۲ ص ۵۱۶ نزدیک شد, توقیعی بیرون آمد به این مضمون : کسانی از شیعیان من ادعای مشاهدهء مرا خواهند کرد. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صیحه ءآسمانی , ادعای مشاهده نماید, کذّاب و دروغگو خواهد بود. <شش روز بعد از این توقیع علی بن محمد سمری در سال ۳۲۹هجری وفات یافت . یکی از کتاب های معروف روایی , کتاب کافی است , که مؤلد آن محمد بن یعقوب کلینی , متوفای ۳۲۸یا ۳۲۹ست . وی این کتاب را به درخواست بعضی از شیعیان نوشته است . وی از بزرگ ترین علما و فقهای عصر خویش بودکه شاگردان فراوانی در درس او حاضر می شدند. او ریاست علمای امامیه در ایام مقتدر عباسی را بر عهده داشت وزمان نوّاب خاص حضرت مهدی ۷را درک کرد. بعضی از علما گفته اند: این کتاب بر حضرت مهدی ۷عرضه شده و امام ۷آن را نیکو شمرده و فرموده است : .() (پاورقی ۱.مقدمهء اصول کافی به نقل از روضات الجنّات , ص ۵۵۳ به نقل از منیهٔ المرتاد. اما در مورد سفارش حضرت مهدی ۷راجع به فقها و ولایت آنان در توقیعی که به جناب محمد بن عثمان عمری , ناپب خاص دیگرش ارسال شد, چنین آمده است : حوادثی که برای شما مسلمانان پیش می آید, به راویان احادیث (فقها) مراجعه کنید. آنان بر شما حجّت الهی هستند ومن بر آنان حجّت هستم. > از مجموعهء آن چه ذکر شد, به این نتایج می رسیم : ۱ توقیع شریف حضرت به علی بن محمد سمری , منقول از کتاب الغیبهٔ شیخ طوسی و کتاب کمال الدین شیخ مفید نقل شده و مرحوم شیخ عباس قمی در منتهی الآمال آورده است . ۲ کسانی که ادعای رؤیت حضرت را می کنند, کذّاب و دروغگو هستند, همان طور که در این توقیع آمده بود. درتوقیع دیگری به محمد بن عثمان عمری آمده است : دروغ می گویند. <البته ممکن است کسانی آن حضرت را ببینند, ولی او را نشناسند و بعد متوجه شوند یا حدس بزنند که حضرت مهدی ۷بوده است . ۳ ولایت فقیهان به صورت عالم از طرف آن حضرت در توقیع محمد بن عثمان عمری و در روایات دیگر ازدیگر امامان وارد شده است , مانند روایت عمر بن حنظله از امام صادق ۷که در آن به ولایت فقیه در امر قضاوت وغیر آن اشاره , بلکه تصریح دارد: دادم . حکم آنان مانند حکم ما است و کسی که حکم آنان را قبول نکند و ردّ کند, در حد شرک به خدا است. > پیامبر۶سه مرتبه فرمود: . گفتند: خلفا و جانشینان تو کیانند؟ فرمود: .() (پاورقی ۱.همان , ص ۱۰۱ غیر از روایات , از نظر عقلی نیز واضح است حاکم مسلمانان باید شخصی باشد که اسلام را خوب می شناسد واحکام الهی را با بصیرت کامل می داند.

روایتی از حضرت مهدی(ع) را برایم بنویسید.

پرسش

روایتی از حضرت مهدی(ع) را برایم بنویسید.

پاسخ

در دورهٔ غیبت صغری ، آخرین توقیعی که از ناحیهٔ مقدسه، شش روز قبل از درگذشت " علی بن محمد سمری "صادر شد، چنین

است ": بسم الله الرحمان الرحیم، یا علی بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانک فیک فانّک میت ما بینک و بین ستّهْ ایام فاجمع أمرک و لا توص الی احد یقوم مقامک بعد وفاتک ، فقد وقعت الغیبهْ الثانیهْ فلاظهور الّا بعد اذن الله ـ عزّ و جلّ ـ و ذلک بعد طول الامد و قسوهْ القلوب و امتلاء الرض جوراً و سیأتی شیعتی من یدّعی المشاهدهْ ؛ الا ـ فمن ادّعی المشاهدهْ قبل خروج السفیانی و الصیحهْ فهو کاذب مفتر و لا ـ حول و لا قوهْ الاّ بالله العلیّ العظیم.(۱ ") : به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد. تا شش روز دیگر خواهی مرد؛ پس امر حساب و کتاب خود را مرتب کن و در بارهٔ جانشینی این مقام نیابت، به هیچ کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند؛ زیرا غیبت دومی فرا رسیده است. تا آن روزی که خداوند ـ عزّ و جلّ ـ بخواهد، ظهوری نخواهد بود و آن پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ستم پر گردد. به زودی کسانی برای شیعیان من ادّعای مشاهده خواهند نمود. بدان که هر که پیش از خروج سفیانی و بر آمدن صیحه ای از آسمان، ادعای دیدن من را نماید، دروغگو است. قدرت و توانمندی از آنِ خداوند بلند مرتبت است ".در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است ": و امّا الحوادث الواقعهْ فارجعوا فیها الی رواهْ حدیثنا فانّهم حجّتی علیکم و انا حجهْ الله؛ امّا حوادثی که جدید پیش می آید، شما به روات حدیث ما رجوع کنید [به فقها مراجعه کنید] ، آنان حجت من بر شما و من هم حجت خدا هستم.(".۲) ۱. شیخ صدوق ، کمال الدین و تمام النعمهْ، ج ۲، ص ۵۱۶؛ شیخ طوسی، الغیبهْ، ص ۲۴۲ ، ۲۴۳ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱. ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱، ح ۹.

اگر ممکن است در مورد" دعای عهد "شرحی بنویسید، و فهرستی از دعاهای نقل شده از حضرت مهدی(عج) را بیان کنید.

پرسش

اگر ممکن است در مورد" دعای عهد "شرحی بنویسید، و فهرستی از دعاهای نقل شده از حضرت مهدی(عج) را بیان کنید.

پاسخ

معروف است که دعای عهد دعایی است که اگر انسان در چهل صُبح آن را بخواند، از یاران امام زمان محسوب شده و اگر پیش از ظهور حضرت بمیرد، خداوند او را هنگام ظهور زنده می گرداند و از یاران حضرت خواهد بود. سید بن طاووس از حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت کرده که فرمود": هر کس چهل بامداد دعای عهد را بخواند، از یاوارن قائم خواهد بود و اگر پیش از ظهور حضرت بمیرد، خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون آورد، و با هر کلمهٔ این دعا ثواب فراوان به او عطا فرماید و گناهان فراوان از نامهٔ عمل او محو کند.["۲] در کتاب شریف مفاتیح الجنان نیز تحت عنوان دعای عهد چنین نقلی بیان شده است. در این کتاب چند دعا از حضرت صاحب(عج) نقل شده است که ابتدای هر کدام چنین است: ۱- الهی عظم البلا و برح الخفاء... . ۲- اللهم ارزقنا توفیق الطاعهٔ و بُعد المعصیهٔ... . ۳- الهی بحقّ من ناجاک و بحقّ من دعاک... . ۴- اللهم إنّی أسئلک بمعانی جمیع ما یدعوک به ولاهٔ أمرک... . [۲] علی دوانی، مهدی موعود (ترجمهٔ جلد سیزدهم بحارالانوار)، ص ۱۲۱۵.

چه دعاهایی منسوب به امام مهدی(ع) است؟ چگونه می‌توان از طریق دعا با حضرت رابطه برقرار کرد؟

پرسش

چه دعاهایی منسوب به امام مهدی(ع) است؟ چگونه می‌توان از طریق دعا با حضرت رابطه برقرار کرد؟

پاسخ

دعاهای متعددی به امام زمان(ع) نسبت داده شده‌اند. می‌توان این دعاها را در کتاب هایی مانند مفاتیح‌الجنان و زاد المعاد مجلسی، اقبال الاعمال سید بن طاووس، مهج الدعوات و بلد الامین کفعمی یافت. برخی از بزرگان به جمع آوری ادعیه معصومان(ع) پرداخته‌اند. از جمله کتاب هایی که در این راستا سامان یافته، موسوعة الأدعیة اثرآقای جواد قیومی اصفهانی است که در شش جلد ادعیه و زیارات معصومان(ع) را جمع آوری، موضوع بندی و فهرست نگاری نموده است. در جلد پنج، دعاها و مناجات و... امام زمان(ع) با عنوان": الصحیفة المهدیة "جمع آوری شده است که جهت آگاهی بیشتر می‌توانید به این اثر مراجعه نمایید. در این جا به بعضی از دعاهای حضرت اشاره می‌شود: ۱" – اللهم عظم البلاء و برح الخفاء، وانقطع الرّجا و انکشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السّماء و انت المستعان و الیک المشتکی...؛(۱) خدایا، بلا و مصائب ما بزرگ شده و بیچارگی ما بس روشن گردید و پرده از روی کار برداشته شد و امیدها ناامید شد و زمین بر ما تنگ آمد و رحمت آسمان از ما منع گردید و تویی تنها یاور و معین. "...۲ "– اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة...و علی الشّباب بالأنابة و التوبة و علی النساء بالحیاء و العفة...؛(۲) خدایا، ما را توفیق اطاعت و دوری از معصیت روزی گردان و نیت با خلوص و حقیقت و معرفت به آنچه نزد تو محترم است، عطا فرما... و بر جوانان ما توبه و بر زنان ما حیا و عفت عنایت فرما. "...۳" – الهی بحقّ من ناجاک و بحق من دعاک فی البرّ و البحر، صلّ علی محمد و آله تفضّل علی فقراء المؤمنین و المؤمنات بالغنی و الثّروة، و علی مرض المؤمنین و المؤمنات بالشّفاء و الصّحّة و...؛(۳) خدایا به حق هر کس که با تو مناجات می‌کند و هر که تو را در بیابان‌ها و دریاها به دعا می‌خواند، بر محمد و آلش درود فرست: در حق فقیران اهل ایمان، توانگری و ثروت تفضل فرما و بر بیماران اهل ایمان شفا و صحت عنایت فرما و. "...این دعاها همان گونه که بیان شد، منقول و منسوب به امام زمان(ع) است، اما باید به طور کلی توجه داشت که دعا به معنای خواندن و راز و نیاز و ارتباط با خدا است، نه ارتباط با امام زمان(عج) بنابراین از راه دعا نمی‌توان باحضرت مهدی (عج) ارتباط برقرار نمود؛ بله می‌توان از خدا خواست توفیق پاکی و تقوا را به ما مرحمت کند تا لیاقت و شایستگی نحوه‌ای از ارتباط با حضرت را به ما عنایت نماید. با این وجود می‌گوییم: دعا و مناجات با خدا زمینه ساز ارتباط با امام زمان(عج) است. هر چه درجه تقوا و ارتباط انسان با خدا بیش‌تر باشد، همگونی چنین فردی با حضرت مهدی بیش‌تر می‌شود و این باعث ارتباط و توجه بیش‌تر حضرت به شخص می‌گردد. پی‌نوشت‌ها: ۱ – جواد قیومی، اصفهانی، موسوعة الادعیة، ج۵، ص ۵۴۹. ۲ – مفاتیح‌الجنان، ص ۲۱۴. ۳ – جواد قیومی اصفهانی، پیشین، ص ۱۶۶. اگر بخواهیم اندیشه مهدویت را حفظ کنیم، ضروری است آسیب‌های آن را بشناسیم. آسیب‌های آن کدام است؟ اندیشه مهدویت شاخه‌ای از اندیشه دینی مسلمانان است. هر آسیبی که متوجه پیکره دین باشد، متوجه اندیشه مهدویت نیز می‌گردد؛ بنابراین بخشی از آسیب‌شناسی مهدویت، از آسیب‌شناسی دینی ناشی می‌شود. درخصوص آسیب‌های اندیشه مهدویت به برخی از آسیب هایی که کم و بیش در جامعه وجود دارد اشاره می‌کنیم. ۱ – جهود اندیشی و سطحی نگری قشری گری و جموداندیشی در دین مانع فهم عمیق معارف دینی می‌گردد، از این رو بستری برای کج فهمی و انحراف و بدعت بوده است. نمونه بارز این امر در زمان حکومت امام علی(ع) توسط خوارج آشکار شد؛ کسانی که حاضر شدند به ورق‌های کاغذین قرآن تعرض کنند، سرانجام برآن شدند تا قرآن ناطق را خاموش کنند.(۱) این آسیب اندیشه مهدویت را نیز تهدید می‌کند. بعضی تنها با استفاده از روایات و با نگاه جمودگرایانه، مفاهیم مهدویت، مانند انتظار و وقت ظهور و نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) را معنا

کرده‌اند، حال آن که تفسیر اندیشه مهدویت نیاز به تعقل و فهم صحیح و تفسیر روایات نیز دارد. قشری گری آن چنان در کج فهمی‌ها از مهدویت مؤثر است که در هنگام ظهور امام زمان(ع) بعضی تصور می‌کنند حضرت دین جدیدی ارائه خواهد داد . ۲ – عقل گرایی افراطی یکی از آسیب‌های اندیشه مهدویت عقل گرایی است، بدین معنا که بعضی همه مفاهیم مهدویت را با استفاده از عقل و بدون بهره‌گیری از سنت، معنا و تفسیر کرده‌اند حال آن که برخی از مفاهیم اندیشه مهدویت را بدون بهره‌گیری از آموزه‌های دینی نمی‌توان تفسیر کرد، زیرا برخی از آنها از اسرار الهی می‌باشد و عقل ناقص انسانی از درک آن عاجز است. عبدالله بن فضل می‌گوید که امام صادق(ع) فرمود": همانا برای صاحب امر، غیبتی است چاره‌ناپذیر که هر فرد گمراهی در آن تردید می‌کند... حکمت غیبت وی چون حکمتی است که در غیبت‌های حجت‌های پیشین خدا وجود داشت. به راستی که حکمت آن آشکار نمی‌گردد مگر بعد از ظهورش، چنان که حکمت کارهای خضر در سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر بچه و بالا- بردن دیوار، برای موسی آشکار نگردید مگر به هنگام جدایی آن دو... به راستی این امر از امور الهی سری از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های الهی است. هنگامی که دانستیم او حکیم است، تصدیق می‌کنیم که کارها و سخنان او همه حکمت است، هر چند دلیل آن برای ما آشکار نباشد.("۲) تقابل قشری گری و عقل گرایی افراطی در اندیشه مهدویت، موجب برداشت‌های متفاوت و مختلف شده است. برداشت‌های متفاوت قابل قبول نبوده و باور مهدویت را آسیب‌پذیر کرده است. برای رفع این آسیب بایسته است که در تفسیر اندیشه مهدویت از عقل و سنت بهره گرفته شود. ۳ – آمیخته شدن اندیشه مهدویت با خرافات و تحریف: مانند این گونه سخنان که امام زمان همه را می‌کشد؛ ما باید ساکت باشیم تا امام زمان(ع) بیاید و همه کارها را درست کند؛ نباید در امور سیاسی به مقتضای انتظار ظهور دخالت نمود و... توضیح این که: بعضی انتظار را به معنای کناره‌گیری از مسایل سیاسی و اجتماعی تفسیر کرده و باور دارند که در زمان غیبت باید به عبادت پرداخت و تنها برای تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کرد. امام راحل در بیان این رویکرد می‌نویسد": بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد و حسینیه یا در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان(ع) را بخواهند.("۳) بعضی دیگر باور دارند که در زمان غیبت نه تنها امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست، بلکه باید به گناه دامن زد تا زمینه ظهور امام زمان فراهم شود، زیرا در روایات یکی از علایم ظهور، گسترش گناه و ظلم بیان شده است. برخی با بهره‌گیری از روایات وانمود می‌کنند که امام زمان(ع) در هنگام ظهور به خشونت متوسل شده و به قتل عام می‌پردازد. همچنین بعضی با بهره‌گیری از برخی روایات جعلی یا تحریف شده بر این عقیده‌اند که هرگونه قیام و اصلاحات و تشکیل حکومت قبل از ظهور حضرت محکوم به شکست خواهد بود. این گونه اندیشه‌ها آفتی است که به باورهای مهدویت آسیب می‌رساند. خرافه‌پردازی، در زمینه مهدویت همچون سایر معارف دینی قابل گسترش است، به ویژه، از آن جا که امام زمان(ع) در غیبت به سر می‌برد. مطامع سوداگران و خامی عامیان و عوام زدگان، بستر مناسبی برای خرافه‌پردازی را فراهم می‌آورد. نمونه هایی از این امر را می‌توان در داعیه‌های این و آن، بر رؤیت امام زمان یا رؤیاهای مربوط به حضرت ملاحظه نمود. هر چند امکان این امر منتفی نیست، ولی اندک نیست قصه‌های بی بنیادی که در این زمینه بدان پرداخته‌اند. از این رو در برخی روایات آمده که: هر کس ادعا کند امام زمان را دیده است، او را کاذب بدانید.(۴) ۴ – شکل‌گیری گروهای انحرافی ظهور این گروه‌ها که معمولا. با انگیزه‌های دنیاطلبی و سیاسی صورت می‌گیرد، اندیشه مهدویت را آسیب‌پذیر می‌کنند، زیرا این گروه‌ها به گونه‌ای خود را به امام زمان منسوب می‌نمایند، حال آن که عملکرد و عقاید آنها با اندیشه مهدویت همسویی ندارد. مضافاً بر این که بعضی از رهبران آنها حتی ادعای مهدویت یا بابیت و وکالت کرده و خود را نماینده امام معرفی می‌کنند. شکل‌گیری گروه‌های انحرافی از یک سو و ظهور مدعیان مهدویت از جانب دیگر موجب شده است که بعضی در تشخیص اندیشه صحیح مهدویت دچار مشکل شوند. این تأثیر گذاری به حدی است که اگر کسی به عنوان امام زمان(ع) ظهورکند و یا خود را نماینده حضرت معرفی نماید، مردم جذب او می‌شوند. ۵ – القائات و شبهات از سوی دشمنان: القای شبهات که در قالب‌های مختلف ظهور می‌کنند، موجب تضعیف باورهای

دینی شده و مردم در تشخیص واقعیات دچار مشکل می‌شوند. اندیشه مهدویت از این آفت مصون نمانده است. در طول تاریخ ده‌ها شبهه و اشکال توسط دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه القا شده است. شبهاتی مانند این که مهدی وجود خارجی ندارد، بلکه نماد کلی و اشاره به چیرگی حق و عدالت در برابر باطل و بیدادگری است و این نماد می‌تواند هر کس باشد و یا مسئله طول عمر امام و فلسفه وجودی حضرت در حالی که غایب است. در عصر حاضر، دشمنان و منحرفان، به القای شبهه پرداخته، درصدد تضعیف این باور عمومی هستند امروزه صدها کتاب و فیلم علیه مهدویت تدوین و ساخته شده‌اند. انتشار برخی از شبهه‌ها در شبکه‌های اطلاع رسانی مانند اینترنت و... شاهد بر این مدعا است. شاید به خاطر القای شبهات بوده است که معصومان (ع) سعی کرده‌اند امام زمان(ع) را با نام و مشخصات بیان کنند و به بیان ویژگی‌های حکومت حضرت و دیگر مسایل مربوط بپردازند. پی‌نوشت‌ها: ۱ – فصلنامه علمی و تخصصی انتظار، ش ۲، ص ۲۸۴. ۲ – لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۳۳۰. ۳ – مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیا تفکر دینی، ج۱، ص ۲۲۸. ۴ – فصلنامه علمی و تخصصی مهدویت، ش ۲، ص ۲۸۷ – ۲۸۸.

توقیعات یعنی چه ، آیا در این مورد می‌توانید مرا راهنمایی کنید تا دربارهٔ این مطلب تحقیق کنم آیا در قرآن و تفسیرها مطالبی در این‌باره آمده است

پرسش

"توقیعات یعنی چه ، آیا در این مورد می‌توانید مرا راهنمایی کنید تا دربارهٔ این مطلب تحقیق کنم آیا در قرآن و تفسیرها مطالبی در این‌باره آمده است

پاسخ

"توقیع به معنای امضا کردن نامه و فرمان مهر کردن برنامه و منشور می‌باشد، و نیز به پاسخ‌هایی که بزرگان و دولت‌مردان زیر پرسش‌ها و درخواست‌های کتبی می‌نویسند، گفته می‌شود. توقیع نویسی از دیر باز وجود داشته و در کتاب‌های روایی فقهی و تاریخی شیعه قسمتی از نوشته‌های امامان معصوم به عنوان" توقیعات آمده است که اغلب آن‌ها ـ از نظر کمیّت و کیفیّت ـ توقیعاتی است که از سوی امام زمانغ صادرگردیده است به گونه‌ای که برخی علما" توقیع را، به" نوشته‌های امام مهدیغ تعریف کرده‌اند(علم الفقه شیخ علی خازم ص ۳۲، نشر دارالعزبه بیروت)، البته از برخی امامان معصوم ، هیچ گونه توقیعی که ما از آن اطلاع داشته باشیم به دست ما نرسیده است اکنون به طور خلاصه به چند ویژگی دربارهٔ توقیعات حضرت مهدیغ اشاره می کنیم ۱. اعجاز: در برخی توقیعات نشانه‌های اعجاز یافت می‌شود، برای نمونه" محمد بن فضل موصلی ، شیعه بود، ولی نیابت جناب" حسین بن روح ـ که به عنوان یکی از نوّاب خاص امام زمانغ در عصر غیبت صغری مطرح بود ـ را قبول نداشت روزی هنگام بحث با یکی از دوستانش به نام" حسن بن علی وجنأ، "و به پیشنهاد او، برای امتحان نایب امام مطلبی را کاملاً محرمانه با هم توافق کردند، و حسن بن علی کاغذ سفیدی از دفتر موصلی جدا کرد، و قلمی تراشید و با آن بدون مرکب مطالبی را بر روی آن ورقه نوشت سپس آن را مهر کرد و به وسیلهٔ خدمتکار، نزدحسین بن روح فرستاد. ظهر همان روز جواب نامه در همان ورقهٔ ارسالی آمد، در حالی که فصل به فصل با مرکب نوشته شده بود.(الغیبه شیخ طوسی ص ۳۱۵ـ۳۱۷، نشر مؤسسهٔ معارف اسلامی) ۲. استدلال علمای شیعه در رشته‌های مختلف اعتقادی فقهی اخلاقی به توقیعات استناد و استدلال می کنند. ۳. خط توقیعات راویان به چندین مورد تصریح کرده‌اند که توقیعات مقدس حضرت مهدیغ به دست خط شریف خودآن حضرت صدور می‌یافته و جمعی از بزرگان محدثان و

www.noorfatemah.org

وکلای شریف آن حضرت با آن خط آشنا بوده آن را می‌شناختند. ۴. واسطهٔ توقیعات همهٔ توقیعات حضرت مهدیؑ به وسیلهٔ نواب خاصّ آن جناب برای افراد ظاهر می‌گشت ۵. مدت خروج توقیع توقیعات ابتدایی ـ یعنی توقیعاتی که در آن حضرت مطالبی را بنا به مصلحت به شیعیان اعلام فرمودند ـ و توقیعاتی که در پاسخ پرسش‌ها صدور می‌یافت اغلب در مدت دو تا سه روز می‌رسید. ۶. مطالب مطرح شده در توقیعات موضوعات گوناگونی در توقیعات مطرح می‌شد که شامل معارف و حقایق دینی امور تربیتی برنامه‌های زندگی فردی و اجتماعی و... بود. ۷. دفع خطر از شیعیان گاهی حاکمان ستمگر، برای نابودی شیعیان نقشه می‌کشیدند که گاهی به وسیلهٔ این توقیعات از آن نقشه‌ها آگاه می‌شدند و نجات می‌یافتند. ۸. بیزاری از منحرفان در عصر غیبت صغری افرادی به عنوان‌های مختلف و هدف‌های گوناگون به دروغ ادعاهایی می‌کردند و سعی می‌نمودند دوستان و پیروان امامان معصوم را به سوی خود جلب کنند ;از همین رو، توقیعات مهمی دربارهٔ این اشخاص صادر می‌شد. برای اطلاع بیش‌تر شما به برخی از منابع توقیعات اشاره می‌کنیم اصول کافی مرحوم کلینی / کمال الدین صدوق / توقیعات مقدسه جعفر وجدانی / مجموعهٔ سخنان توقیعات و دعاهای حضرت بقیهٔ اللّه خادمی شیرازی / نواب اربعه راسخی نجفی / هم چنین کتاب‌های بزرگ حدیث مانند بحارالانوار، وسائل الشیعه وافی مستدرک الوسائل و... یا فصل‌هایی به این منظور اختصاص داده‌اند و یا به طور پراکنده از توقیعات سخن گفته‌اند.(ر.ک دائرهٔ المعارف تشیّع زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی ج ۵، ص ۱۵۰ـ۱۵۳، نشر شهید سعید محبّی) امّا" توقیع به معنایی که توضیح آن گذشت در قرآن کریم وارد نشده است البته آیاتی در صدور فرمان الهی وارد شده که بی‌شباهت به معنای توقیع ـ نه به معنای اصطلاحی که گفته شد، بلکه به معنای عامّی که در ابتدای پاسخ گذشت ـ نیست (نمل ۸۲ـ۸۵) البته توقیع به معنای اصطلاحی آن در تفاسیر وجود دارد، آن هم تنها به جهت آمدن توقیعاتی که با تفسیر آیات در ارتباط بوده است مانند تفسیر عیاشی محمد بن مسعود عیاشی ج ۱، ص ۱۶، نشر المکتبهٔ العلمیهٔ الاسلامیهٔ تهران / نورالثقلین شیخ حویزی ج ۱، ص ۶۸۲، نشر مؤسسه اسماعیلیان

چه پیامهایی در دعاها و نامه های رسیده از حضرت حجت(عج) برای ما منظور شده؟

پرسش

چه پیامهایی در دعاها و نامه های رسیده از حضرت حجت(عج) برای ما منظور شده؟

پاسخ

در توقیعات و نامه‌های امام عصر(عج) موضوعات مختلفی مطرح شده است: الف) گاه امام عصر(عج) برای این که مردم اطمینان قلبی به آن حضرت پیدا کنند امور پنهان و رازهای نهانی را در توقیعات مطرح می‌کردند و از آنچه در دل مردمان می‌گذشت خبر می‌دادند. ب) تعدادی از توقیعات مستقیما در اطراف مسایل مطرح شده راجع به غیبت است مانند: نهی از بردن نام امام غایب، عدم تعیین وقت ظهور، سبب غیبت، کیفیت بهره بردن از امام عصر در زمان غیبت، دعا برای تعجیل فرج و اموری از این قبیل. ج) شماری از توقیعاتی که از ناحیه مقدس امام غایب صادر شده، در پاسخ به پرسش‌هایی راجع به مسائل عقیدتی و ایمانی است. د) تعیین وظایف شیعیان مانند رجوع به فقها در زمان غیبت. ز) ارشاد و راهنمایی بعضی فقها و مراجع معظم تقلید. س) تعلیم بعضی دعاها و زیارت‌ها به شیعیان تا در زمان غیبت به وسیله آنها به خداوند تقرب جویند و... اما دعا: بی‌تردید هر انسان آزاده‌ای از

مشکلاتی که گریبان بشریت را گرفته، آزرده خاطر است. منتظر واقعی امام زمان از نابسامانی‌ها رنج می‌برد و بهترین زمینه‌سازی برای شتاب در ظهور امام زمان(عج) را تربیت انسان‌های صالح و وارسته می‌داند. برای رسیدن به این هدف والا، راه‌های روشنی پیش روی ماست. راه‌هایی که آن بزرگوار و پدران گرامی‌اش پیش روی ما نهاده‌اند. یکی از بهترین رهنمودهای امام عصر(عج) دعای زیبایی است که از آن حضرت نقل شده است. مضامین عمیق و معانی ژرف این دعا، هم به بخشی از مشکلات جامعه‌ی بشری، به خصوص جوامع مسلمان اختصاص دارد وهم راه حل آنها را بیان می‌دارد. هر مسلمانی که دوست دارد در دوره‌ای که به سر می‌برد از آسیب‌ها محفوظ بماند می‌بایست خود را در پناه امام زمان(عج) قرار دهد و این دعا را همراه با آن عزیز زمزمه کند: «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیه و صدق النیه و عرفان الحرمه؛ بارالها به ما توفیق بده تا تو را اطاعت کنیم و از گناهان دوری گزینیم و نیت و اندیشه‌ای پاک و صادق داشته باشیم و حرمت تو را پاس داریم». واکرمنا بالهدی والاستقامه و... (مفاتیح‌الجنان). یکی از زیارت‌های مشهور امام عصر، موسوم به «زیارت آل یاسین» است. علامه مجلسی در بحارالانوار آورده از ناحیه مقدسه حضرت ولی‌عصر(عج) به محمد حمیری آمده هرگاه اراده نمودید به وسیله ما به سوی حق‌تعالی و به سوی ما توجه نمایید بگویید چنان که خدای تعالی فرموده: «سلام علی آل یس، السلام علیک یا داعی‌الله و ربانی آیاته...» این زیارت را با تأمل و تدبر در معانی عمیق آن بخوانید. برخی بزرگان اسرار عجیبی از این زیارت بیان کرده‌اند. از جمله درباره «السلام علیک حین تصبح و حین تمسی» می‌فرمایند اگر می‌خواهید به امام تقرب پیدا کنید راهش همین است که هر صبح و شب امام را یاد نمایید. صبح با دعای عهد و شب با زیارت آل یاسین (مفاتیح‌الجنان).

توقیع به چه معناست؟

پرسش

توقیع به چه معناست؟

پاسخ

توقیع در لسان روایات، مطابق با مفهومی است که عرف آن را به کار گرفته است، وآن عبارت است از کلمات کوتاه که بزرگان، ذیل نامه‌های رسیده وعریضه‌ها مکتوب می‌داشتند، وبا آن خواسته سائل را برآورده می‌نمودند. در نتیجه توقیعات حضرت مهدی (ع) همان مطالبی بود که حضرت به خطّ مبارک خود در جواب سؤال‌ها وعریضه‌ها ذیل نامه‌ها مرقوم می‌داشتند وتوسط یکی از سفرا به صاحبان نامه‌ها باز می‌گرداندند. اگر چه به لحاظ معنای اصطلاحی"، توقیع "در معنا ومفهوم آن سؤال از مسأله‌ای نهفته است ولی در برخی موارد بر بیانات حضرت که به صورت ابتدایی صادر می‌شد -اگر چه از آن سؤال نشده بود- نیز توقیع اطلاق شده است.

در چه مدت زمانی توقیع از طرف حضرت صادر می‌شده است؟

پرسش

در چه مدت زمانی توقیع از طرف حضرت صادر می‌شده است؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می‌شود که مدت زمان خروج توقیع در جواب سؤال معینی دو یا سه روز بوده است، همان گونه که راوی در برخی روایات می گوید: بعد از چند روز صاحب من گفت که به سوی ابوجعفر بازگردم تا از جواب سؤال‌ها بپرسم.{پاورقی . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۱، ح ۴۲. پاورقی} در روایتی دیگر آمده است: آن گاه سفیر بعد از سه روز، مرا از جواب حضرت خبر داد. {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۲۰. پاورقی} در برخی موارد نیز جواب، شفاهی بوده است که سفیر از حضرت می گرفته وبرای سائل می‌آورده است. مثل اینکه حسین بن روح نوبختی به عده‌ای می گوید": شما امر شدید که به حائر روید.{"پاورقی . همان، ص ۳۰۹. پاورقی} ودر برخی از موارد نیز جواب سؤال کننده به جهت مصالحی داده نمی‌شد. از باب نمونه در موردی سائل از امام خواست که برای او دعا کند که خدا به او فرزندی دهد، ولی به جهت مصالحی جواب نیامد.{پاورقی . همان، ص ۳۲۰. پاورقی} وگاه کسی سؤالی را برای حضرت فرستاد که جواب نیامد، وبعد از چند روزی مشاهده شد که جزء قرامطه درآمده است. گرچه در برخی از موارد نیز جواب سؤال‌ها ظرف چند ساعت داده شده است.{پاورقی . ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۵۹. پاورقی} ودر برخی دیگر از روایات می‌خوانیم که جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۱۶. پاورقی} ونیز در برخی جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود{پاورقی . همان، ص ۴۱۰. پاورقی} جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود ولی این موارد زیاد نبوده است. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳. پاورقی}

آیا توقیعات به خطّ خود حضرت مهدی‌علیه‌السلام بوده است؟

پرسش

آیا توقیعات به خطّ خود حضرت مهدی‌علیه‌السلام بوده است؟

پاسخ

از مجموعه روایات استفاده می‌شود که برخی توقیعات به خطّ خود حضرت بوده، وبرخی نیز به خطّ سفرا با دستور امام (ع) بوده است. اسحاق بن یعقوب می گوید": توسط محمّد بن عثمان عَمْری مسائل مشکلی را به ناحیه مقدسه فرستادم وجوابش را به دست خطّ مبارک امام زمان (ع) دریافت داشتم. {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹. پاورقی} محمّد بن عثمان عَمْری می گوید": از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطّش را خوب می‌شناختم. {"پاورقی . همان، ص ۳۳. پاورقی} شیخ صدوق؛ می‌فرماید: "توقیعی که به خطّ امام زمان (ع) برای پدرم صادر شد اکنون نزد من موجود است. {"پاورقی . انوار النعمانیه، ج ۳، ص ۲۴. پاورقی} شیخ ابوعمروعامری می گوید": ابن ابی‌غانم قزوینی با جماعتی از شیعیان در موضوعی اختلاف ومشاجره نمودند وبرای رفع نزاع، نامه‌ای به ناحیه مقدسه نوشته وجریان را به عرض رساندند. پس جواب نامه آنان به خطّ مبارک امام (ع) صادر شد."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸. پاورقی} از این روایات معلوم می‌شود که توقیعات، قرائن وشواهد صدق به همراه داشته ویا اصحاب حضرت، دست خط او را می‌شناختند، ولذا مورد قبول آنان قرار می گرفته است. لیکن در مقابل، روایاتی وجود دارد که برخی توقیعات به خطّ حضرت نبوده بلکه به خطّ سفیران وبه امر حضرت نوشته شده است. ابو نصر هبة اللّه می گوید: توقیعات صاحب‌الامر (ع) به همان خطّی که در زمان امام حسن عسکری (ع) صادر می‌شد به وسیله عثمان بن سعید ومحمّد بن عثمان برای شیعیان صادر می گشت. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶. پاورقی}

چه مقدار توقیع از ناحیه مقدسه صادر شده است؟

پرسش

چه مقدار توقیع از ناحیه مقدسه صادر شده است؟

پاسخ

حدود هفتاد توقیع یا بیشتر در مصادر مهدویت موجود است که به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ - توقیع به علی بن محمّد سَمَری.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۱۶. پاورقی} ۲ - توقیع به ابی جعفر عَمْری در سوگ پدرش.{پاورقی . همان، ص ۵۱۰. پاورقی} ۳ - توقیع به سعد بن عبداللّه قمی.{پاورقی . همان، ص ۴۶۳-۴۵۹. پاورقی} ۴ - توقیع به اسحاق بن یعقوب.{پاورقی . همان، ص ۴۸۳. پاورقی} ۵ - توقیع به محمّد بن عبداللّه بن جعفر حمیری در جواب مسائلش.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۰-۱۵۱. پاورقی} ۶ - توقیع دیگری به حمیری درباره زیارت حضرت.{پاورقی . همان، ج ۹۹، ص ۸۱، ح ۱. پاورقی} ۷ - توقیع به احمد بن خضر بن ابی صالح خجندی.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۰۹. پاورقی} ۸ - توقیع به حسن بن فضل یمانی.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۰. پاورقی} ۹ - توقیع به ابوعمرو وفرزندش ابوجعفر محمّد.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۱۰. پاورقی} ۱۰ - توقیع به محمّد بن ابراهیم مهزیاری.{پاورقی . همان، ص ۴۸۶. پاورقی} ۱۱ - توقیع در ردّ جعفر کذّاب.{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۸۷. پاورقی} ۱۲ - توقیع به احمد بن حسن مادرایی.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳، ح ۱۹. پاورقی} ۱۳ - توقیع درباره قصه احمد بن ابی‌روح.{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۲۹۵. پاورقی} ۱۴ - توقیع به حاجز وشا.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۳. پاورقی} ۱۵ - توقیع به محمّد بن جعفر.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۴. پاورقی} ۱۶ - توقیع به محمّد بن صالح بعد از مرگ عبرتایی.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۸. پاورقی} ۱۷ - توقیع در جواب نامه سَمَری.{پاورقی . دلائل الامامة، ص ۲۸۶. پاورقی} ۱۸ - توقیع در جواب سؤال مردی از اهل فانیم.{پاورقی . اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۹۹. پاورقی} ۱۹ - توقیع در جواب نامه محمّد بن حسن مروزی.{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۴۱۵. پاورقی} ۲۰ - توقیع در جواب نامه محمّد بن یوسف.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۱۹. پاورقی} ۲۱ - توقیع در جواب سؤال‌های محمّد بن جعفر اسدی.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۲۰. پاورقی} ۲۲ - توقیع در ردّ غلات به محمّد بن علی بن هلال کرخی.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶. پاورقی} ۲۳ - توقیع به محمّد بن شاذان.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۰۹. پاورقی} ۲۴ - توقیع برای احمد بن حسن خازن.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۳. پاورقی} ۲۵ - توقیع برای علی بن محمّد بن اسحاق اشعری.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۷. پاورقی} ۲۶ - توقیع در خبر دادن از ضمیر عبیداللّه بن سلیمان.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۵. پاورقی} ۲۷ - توقیع در جواب نامه ابن ابی‌غانم قزوینی.{پاورقی . الغیبة،

طوسی، ص ۲۸۵. پاورقی} ۲۸ – توقیع در کیفیت تعلیم نماز.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲–۲۰. پاورقی} ۲۹ – توقیع در جواب آنچه محمّد بن شاذان برای حضرت فرستاد.{پاورقی . جامع الرواة، ج ۲، ص ۶۳. پاورقی} ۳۰ – توقیع در جواب نامه محمّد بن یزداذ.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۳. پاورقی} ۳۱ – توقیع در جواب خواست قاسم بن علاـ {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۱۹. پاورقی} ۳۲ – توقیع در جواب نامه مردی از اهل ربض.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۴. پاورقی} ۳۳ – توقیع در جواب سائلی که از قم رسیده بود.{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۷۳. پاورقی} ۳۴ – توقیع به حسن بن عبدالحمید.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۱. پاورقی} ۳۵ – توقیع در توثیق محمّد بن جعفر عربی.{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۴۱۵. پاورقی} ۳۶ – توقیع در جواب سؤال ابوالحسن خضر بن محمّد.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۷. پاورقی} ۳۷ – توقیع اول به شیخ مفید؛.{پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷. پاورقی} ۳۸ – توقیع دوم به شیخ مفید؛.{پاورقی . همان، ج ۲، ص ۴۹۸. پاورقی} ۳۹ – توقیع در جواب نامه علی بن بابویه.{پاورقی . رجال علامه، ص ۹۴. پاورقی} ۴۰ – توقیع در جواب نامه محمّد بن کشمر.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۵. پاورقی} ۴۱ – توقیع در جواب نامه جعفر بن حمدان.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۶. پاورقی} ۴۲ – توقیع در جواب نامه علی بن زیاد.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۴. پاورقی} ۴۳ – توقیع به حسن بن قاسم بن علاء.{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۱۵. پاورقی} ۴۴ – توقیع به ابی‌القاسم بن ابی حلیس.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۳. پاورقی} ۴۵ – توقیع در جواب رقعه بلخی.{پاورقی . همان، ص ۴۸۸. پاورقی} ۴۶ – توقیع بر احمد بن حسن.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳. پاورقی} ۴۷ – توقیع به محمّد بن همّام.{پاورقی . همان، ج ۵۳، ص ۱۸۴. پاورقی} ودیگر توقیعات. موضوع: غیبت کبرا

آیا در عصر غیبت کبرا نیز نامه‌ای از ناحیه مقدّسه صادر شده است؟

پرسش

آیا در عصر غیبت کبرا نیز نامه‌ای از ناحیه مقدّسه صادر شده است؟

پاسخ

شیخ طبرسی؛ در کتاب" الاحتجاج "دو نامه‌ای را که از ناحیه مقدسه حضرت‌مهدی (ع) برای شیخ مفید؛ فرستاده شده نقل کرده است. در این دو نامه اشاره به برخی مطالب صحیح وعالی شده ونیز از برخی مسائل به طور رمز واشاره خبر داده است. {پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۲–۵۹۷. پاورقی} نامه اوّل در اواخر ماه صفر سال ۴۱۰ هجری سه سال قبل از وفات شیخ مفید؛ به دست او رسیده است. ونامه دوم در سال ۴۱۲ هجری یعنی یک سال قبل از وفات شیخ به دست او رسیده است. واین در حقیقت بعد از گذشت هشتاد سال از وفات شیخ علی بن محمّد سمری سفیر چهارم است که همان انتهای غیبت صغرا وشروع غیبت کبرا در سال ۳۲۹ هجری است. فرستنده نامه اوّل می‌گوید: این نامه را از منطقه‌ای که متصل به حجاز است آورده است. واز این کلام استفاده می‌شود که امام در آن هنگام در نواحی حجاز ساکن بوده است، واین نامه را به توسط برخی از خواص به شیخ مفید؛ فرستاده‌اند. نامه دوم نیز در اول ماه شوال سال ۴۱۲ از ناحیه مقدسه برای شیخ فرستاده شد. ودر روز پنجشنبه ۲۳ ماه ذی حجه همان سال به دست شیخ رسیده است. یعنی سه ماه وهفت روز کم در بین راه در دست قاصد بوده است. هر دو خطاب به املای حضرت مهدی (ع) وخطّ برخی از ثقات ومعتمدین نزد امام زمان (ع) بوده همان گونه که از ظاهر رساله اولی ونصّ رساله دوم استفاده می‌شود.

وآخر هر دو نـامه مزیّن به چنـد سـطری کم از خطّ خود امام است که شـهادت وگواهی بر صـحت نامه است. امام در آن کلمات به شیـخ مفیـد؛ امر می‌کنـد تا این رساله را از هر کس مخفی بـدارد، ولی نسـخه‌ای از آن را بردارد تا موثقین از اصـحابش بر آن مطّلع شده یا شفاهاً به اطلاع آنها برساند. {پاورقی . تاریخ الغیبهٔ الکبری، ص ۱۴۰ـ۱۴۱. پاورقی}

سند دو توقیع صادر شده از امام مهدی‌علیه‌السلام بر

اشاره

شیخ مفیدرحمهٔ الله چگونه قابل اثبات است؟

پرسش

سند دو توقیع صادر شده از امام مهدی‌علیه‌السلام بر شیخ مفیدرحمهٔ الله چگونه قابل اثبات است؟

پاسخ

سند این دو توقیع را از جهاتی می‌توان مورد توجه قرار داده وبرای اعتبار آن چاره‌ای اندیشـید، گر چه شیخ طبرسی که تنها ناقل این دو توقیع است آنها را مرسـلاً وبدون سند نقل کرده است. ۱ - طبرسـی این دو روایت را از مسلّمات به حساب آورده که این به نوبه خود دلالت بر اعتقاد به صحت سند نزد او دارد. وممکن است که طبرسی به جهت شهرت ووضوح این دو توقیع، سند آنها را حذف کرده است، همان گونه که سند بسیاری از روایات را حذف کرده است. ۲ - مضامین عالی که در این دو روایت است ونیز خبرهای صـادقی که در آن دو به آنهـا اشاره شـده نیز از جمله شواهـد صـدق این دو توقیع وانتساب به حضـرت مهـدی (ع) است. وامری که موجب ازدیاد اطمینان به این دو توقیع است اینکه محدّث بحرانی بعد از آنکه اشـعار منسوب به امام زمان (ع) در رثای شیخ مفید را نقـل می‌کنـد که بر قبر او نوشـته شـده بود، می‌فرمایـد": این اشـعار از امام زمان (ع) نسـبت به شـیخ مفیـد بعیـد نیست، بعـد از آنکه توقیعـاتی از نـاحیه حضـرت (ع) برای شـیخ فرسـتاده شـد، توقیعـاتی کـه مشـتمل بر تعظیـم واجلال فراوانی بـوده است. "...آن گـاه می‌گوید": شـیخ یحیی بن بطریق حلّی در رساله نهج العلوم الی نفی المعدوم معروف به" سؤال اهل حلب "دو طریق در تزکیه شـیخ مفید ذکر کرده است: الف) صـحت نقل او از ائمه طاهرین:، آن طوری که در تصانیف او از مقنعه ودیگر کتب ذکر شده است. ب) آنچه را که عموم شـیعه روایت کرده ومورد قبول قرار داده است که صاحب الامر -صـلوات‌اللّه وسـلامه علیه وعلی آبائه- دو نامه به او نوشـته است به این نحو که در هر سال یک نامه، وعنوان نامه" به سوی برادر سدیـد "...است، واین بالاترین تعبیر در مدح وتزکیه وثنای شـیخ مفید در گفتار امام امت وجانشـین ائمه است. گفتار ابن‌بطریق دلالت دارد بر اینکه این دو توقیع مورد اجماع است. ونیز از کلام طبرسی در مقدمه" احتجاج "استفاده می‌شود که این دو توقیع از قسم احادیثی است که مورد اجماع علما بوده ولذا سند آن دو را ذکر نکرده است. ابن شـهر آشوب در" معـالم العلمـاء "در ترجمه شـیخ مفیـد می‌گویـد": صاحب‌الزمـان (ع) او را شـیخ مفید نامیـد. "...ظـاهراً مراد او همان چیزی است که در {پاورقی . معالم العلماء، ص ۱۱۳، رقم ۷۶۵. پاورقی} توقیع حضـرت به شیخ مفید آمـده است که فرمود": للأخ السدیـد والولیّ الرشـید، الشیخ المفید. "...۳ - طبرسـی در مقـدمه کتاب" احتجاج "می‌گویـد": بیشتر

روایاتی را که نقل می‌کنیم سند آنها را نمی‌آوریم یا به جهت وجود اجماع بر آن روایت است، ویا به جهت موافقت آن با دلیل عقل ویا شهرت آن در سیره‌ها وکتاب‌ها بین مخالف وموافق. {"...پاورقی . مقدمه احتجاج، ص ۱۴. پاورقی} این دو توقیع نیز از یکی از این سه احتمال خالی نیست. ۴ - مصلحت عمومی نیز اقتضای صدور چنین نامه‌ها وتوقیعاتی را در اوایل عصر غیبت کبرا داشته است. یکی اینکه حضرت با این نامه‌ها به جماعت شیعیانش دستورات لازم را برساند. ودیگر اینکه با فرستادن این نامه‌ها به دست علمای صالح امثال شیخ مفید؛ ریاست وزعامت او را تثبیت کرده، مردم را به اطاعت از او در عصر غیبت کبرا تشویق کند. همان گونه که در نامه خود به ابن‌بابویه خطاب به او فرمود": یا شیخی! یا اباالحسن."

اینکه حضرت زهراعلیهاالسلام الگوی حضرت مهدی‌علیه‌السلام است، یعنی چه؟

پرسش

اینکه حضرت زهراعلیهاالسلام الگوی حضرت مهدی‌علیه‌السلام است، یعنی چه؟

پاسخ

امام زمان (ع) در توقیعی به خط مبارک خود، بعد از دعا برای عافیت شیعیان از ضلالت وفتنه‌ها ودرخواست روح یقین وعاقبت به خیری آنها وتذکر به اموری چند می‌فرماید": وفی ابنة رسول اللّه (ص) لی أسوة حسنة"؛ "فاطمه دختر رسول خدا (ص) برای من {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵. پاورقی} اسوه والگویی نیکوست ".در اینکه حضرت مهدی (ع)، کدام گفتار یا رفتار حضرت فاطمه (س) را سرمشق خویش قرار داده‌اند، احتمالات فراوانی بیان شده است که در این جا به سه مورد آن اشاره می‌کنیم: ۱ - حضرت زهرا (ع) تا پایان عمر شریفش با هیچ حاکم ظالمی بیعت نکرد. حضرت مهدی (ع) هم بیعت هیچ سلطان ستمگری را بر گردن ندارد. ۲ - شأن صدور این نامه این است که برخی از شیعیان، امامت ایشان را نپذیرفتند. حضرت در جواب عملکرد آنها فرمود": اگر می‌توانستم ومجاز بودم آن چنان می‌کردم که حق بر شما آشکار گردد به گونه‌ای که هیچ شکی بر شما باقی نماند، ولی مقتدای من حضرت زهرا (ع) است. ایشان با اینکه حق حکومت از حضرت علی (ع) سلب شد، هیچ گاه برای باز گرداندن خلافت، از اسباب غیر عادی استفاده نکرد، من نیز از ایشان پیروی می‌کنم وبرای احقاق حقّم در این دوران، راه‌های غیر عادی را نمی‌پیمایم. "۳ - حضرت در پاسخ نامه فرموده‌اند": اگر علاقه واشتیاق ما به هدایت ودستگیری از شما نبود به سبب ظلم‌هایی که دیده‌ایم، از شما مردمان روی گردان می‌شدیم. "امام، با اشاره به حضرت زهرا (ع) می‌خواهد بفرماید: همان طوری که دشمنان به حضرت زهرا (ع) آزار واذیت روا داشتند وسکوتی که مسلمانان پیشه کردند، هیچ کدام سبب نشد که ایشان از دعا برای مسلمانان دست بکشند، بلکه دیگران را بر خود مقدم می‌داشتند، من نیز این ظلم‌ها وانکارها را تحمل می‌کنم واز دل‌سوزی ودعا وراهنمایی و... برای شما چیزی فرونمی‌گذارم.

این سخن امام زمان«علیه السلام» درباره امام حسین«علیه السلام» که، «برایت گریه می‌کنم و اگر اشکم تمام شود خون می‌گریم»، در کدام زیارت نقل شده است؟

پرسش

این سخن امام زمان«علیه السلام» درباره امام حسین«علیه السلام» که، «برایت گریه می کنم و اگر اشکم تمام شود خون می گریم»، در کدام زیارت نقل شده است؟

پاسخ

این جمله که: «اگر روزگار مرا تأخیر انداخت نبودم تا در کربلا تو را یاری کنم... صبح و شام برایت گریه می کنم و به جای اشک خون از دیدگانم جاری می کنم»، ترجمه جملاتی از زیارت ناحیه مقدّسه است که از امام زمان«علیه السلام» درباره امام‌حسین«علیه السلام» نقل شده است(۳). ۳) بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴، ح ۱، باب ۱۹.

حضرت و مساجد

مسجد جمکران

دختری ۲۸ ساله هستم در ازدواج خیلی سخت‌پسند هستم و به قیافه راضی نمی‌شوم هر چه دعا می‌کنم قبول نمی‌شود. می‌فرمایند در قم (جمکران جایی است که اگر برای امام نامه بیندازند، از امام مراد می‌گیرند نظر شما در این مورد چیست

پرسش

دختری ۲۸ ساله هستم در ازدواج خیلی سخت‌پسند هستم و به قیافه راضی نمی‌شوم هر چه دعا می کنم قبول نمی‌شود. می‌فرمایند در قم (جمکران جایی است که اگر برای امام نامه بیندازند، از امام مراد می گیرند نظر شما در این مورد چیست

پاسخ

مرحوم محدث قمی) ; (در مفاتیح الجنان نقل می کنند: در زمان غیبت کبری اگر حاجتی داشتید آن را بر کاغذ نوشته و در آب روان بیندازید تا به دست مبارک ایشان برسد. در جمکران نیز چاهی قرار دارد که دارای آب روان است و نامه‌ها را در آن می‌اندازند به امید این که حضرت حجت (۷) مراد ایشان را بدهد ;البته این امر مخصوص چاه جمکران نمی‌باشد و می‌توان نامه را در هر آب روانی انداخت

رفتن به مسجد جمکران، جهت دیدن امام زمان(عج) در شب‌های چهارشنبه توصیه شده یا شبهای جمعه؟

پرسش

رفتن به مسجد جمکران، جهت دیدن امام زمان(عج) در شب‌های چهارشنبه توصیه شده یا شبهای جمعه؟

پاسخ

هیچ کدام. زیرا اولاً مقصود اصلی از رفتن به مسجد جمکران، دیدن حضرت امام زمان (عج) نیست بلکه مقصود، انجام عبادت و خواندن نماز تحیّت و نماز امام زمان(عج) است، همانطور که امام زمان(عج) به حسن بن مثله جمکرانی فرمود: به مردم بگویید این قطعه از زمین مبارک است، در این مکان عبادت خدا انجام دهید. برای انجام این عبادت بعضی از بزرگان شب‌های چهارشنبه و جمعه را توصیه کرده‌اند. و آن بدین معناست که انسان در چنین شب‌هایی در جمکران به دیدن صاحب الزمان(عج) ممکن است موفق شود. ثانیاً آنچه برای ما بسیار مهم و هدف نهایی است، خودسازی و تربیت دینی و کسب رضایت الهی است. وقتی که ما تربیت مهدی پسند یافتیم و پیرو راستین آن حضرت شدیم، آن وقت دیدار با امام زمان(عج) به آسانی ممکن می‌شود، بلکه خود امام(عج) به یاری ما می‌شتابد و از ما سرکشی می‌نماید. چون امامان(ع)، شیعیان واقعی خود را بسیار دوست می‌دارند و در مشکلات به فریاد آنها می‌رسند و از آنان دلجویی می کنند.

آیا معیار قرار دادن چهل چهارشنبه برای رؤیت امام زمان در مسجد جمکران و... سندیت دارد؟

پرسش

آیا معیار قرار دادن چهل چهارشنبه برای رؤیت امام زمان در مسجد جمکران و... سندیت دارد؟

پاسخ

چله گرفتن در مسجد جمکران سیره عالمان بزرگی چون آیت الله نجفی مرعشی و دیگران بوده است. و به دلیل فرمایشی که از امام زمان (عج) نقل شده مبنی بر این که هر کس ۲ رکعت نماز مخصوص را در مسجد جمکران بجا آورد مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه معظمه خوانده باشد، همه علما نسبت به حضور در این مکان مقدس اهمیت فوق العاده‌ای قائل بوده‌اند. بخش‌هایی از عنایت ویژه علما نسبت به این مسجد به علاوه مطالبی پیرامون تاریخچه مسجد جمکران در کتابی به نام »مسجد مقدس جمکران، تجلیگاه صاحب الزمان (عج) جمع آوری شده است. {P – سید جعفر میر عظیمی، مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان (عج) (قم: انتشارات رسالت، ۱۴۱۵ ق) P}

عده ای می گویند رفتن به مسجدجمکران شب های چهارشنبه ارجحیت بیشتری دارد آیا این گفته صحت دارد,کی وقت خواندن نماز شب است اول شب یاآخرآن ؟

پرسش

عده ای می گویند رفتن به مسجدجمکران شب های چهارشنبه ارجحیت بیشتری دارد آیا این گفته صحت دارد,کی وقت خواندن نماز شب است اول شب یاآخرآن ؟

پاسخ

در خبری هست که اگر کسی چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله کوفه نماز امام زمان (عج) را بخواند حضرت راملاقات می کند لذا در مسجد جمکران هم مومنینی می گوین‌در شب چهارشنبه عنایت خاصی از طرف حضرت به متوسلین ایشان می‌شود. در رابطه نماز شب وقت آن از نیمه شب می‌باشد تا اذان صبح. نیمه شب را باید از غروبخورشید و طلوع آن حساب کرد که حدودا ساعت دوازده شب و به وقت رسم نیمه اول سال ساعت یک بامدادمی‌باشد و اگر نماز شفع و وتر هم در اذان واقع‌شود اشکالی ندارد {J

در مورد نامه هایی که در مسجد جمکران نوشته می شود, توضیح دهید.

پرسش

در مورد نامه هایی که در مسجد جمکران نوشته می شود, توضیح دهید.

پاسخ

اصل نوشتن نامهء حاجت و انداختن آن در آب جاری یا چاه , یک دستور اسلامی است و روایاتی ازائمهء اطهار در این خصوص وارد شده است , از جمله در تحفهٔ الزایر آمده که حضرت امام صادق ۷فرمود: .(۱) در مسجد مقدس جمکران هم چون یک حلقه چاه وجود دارد, لذا حاجتمندان نامهء حاجت می نویسند و در چاه مزبور می اندازند. (پاورقی ۱.محدث قمی , مفاتیح الجنان , ذیل عنوان رقعه حاجت .

این جانب معاون پرورشـــی یکی از هنرستان های شهرضا هستم , خواهشمندم بفرمایید آیا خبر مربوطبه مسجد مقدس جمکران موثق است یا خیر؟

پرسش

این جانب معاون پرورشی یکی از هنرستان های شهرضا هستم , خواهشمندم بفرمایید آیا خبر مربوطبه مسجد مقدس جمکران موثق است یا خیر؟

پاسخ

برادر عزیز فرهنگی ! از جنابعالی که در پرورش معنوی و فکری جوانان تلاش می کنید و آنان را به راه حق هدایت می کنید تشکر می کنیم و برای شما آرزوی موفقیّت داریم . هدایت جوانان و نوجوانان در زمان حساس کنونی که کشور عزیز ما مورد هجوم لشکر عظیم القائات شیطانی از سوی دنیای استکبار قرار گرفته , لازم و ضروری است . پیامبر۶به علی ۷فرمود: اگر یک نفر به دست تو هدایت شود با ارزش تر است از آن چه آفتاب بر آن بتابد.() (پاورقی ۳.محمدی ری شهری , میزان الحکمهٔ, ج ۴ ص ۳۴۴۳

شکی نیست که مسجد یکی از بهترین مراکز عبادت و بندگی خدا است و در مورد مسجد جمکران باید گفت که یکی از مساجد مقدس است . هجوم زائران و ارادتمندان حضرت ولی عصر۷فضای معنوی خاصی بدان بخشیده است . دربارهء این مسجد حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی می فرماید: داستان مسجد مقدس جمکران در بیداری بوده (حضرت مهدی یا وکیل آن حضرت به حسن مثلهء جمکرانی در بیداری به او فرموده که در این جا مسجد بنا کن) وروایت آن در کتب معروف نقل شده است و علمای بزرگ اهمیّت خاصّی برای این مسجد قائل بوده اند() و مرحوم (پاورقی ۱.آیت اللّه مکارم شیرازی , استفتائات جدید, ص ۴۹۶ علامهء مجلسی در مورد مسجد جمکران می فرماید: بنای مسجد جمکران به امر امام مهدی ۷انجام شده و شیخ عفیف و صالح حسن بن مثلهء جمکرانی آن را نقل کرده اند.() (پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۲۳۰ البته درباره این حدیث , بحث علمی و اجتهادی لازم است , ولی توجه عام و خاص مخصوصاً علمای بزرگ ومراجع بزرگی که بارها حضور آنان را در آن جا مشاهده کرده ایم , به اضافهء این که حضور و نماز خواندن در آن مسجدبه انسان معنویت خاصی می دهد و نماز خواند و توسل در هر زمانی و مکانی مطلوب است : منتها باید توجه داشته باشیدکه اعمال این مکان مقدس نباید با شائبه های باطل همراه شود, بلکه از افراط گرایی و امور بدعت گونه بایدجداً پرهیز شود و راه سوء استفاده برای کسانی که به شکل های گوناگون از مکان های مقدس برای رسیدن به اهداف نادرست خویش بهره می جویند بسته شود.

آیا اگر کسی چهل شب چهارشنبه به جمکران مشرّف شود به زیارت آقا نایل می‌گردد؟

پرسش

آیا اگر کسی چهل شب چهارشنبه به جمکران مشرّف شود به زیارت آقا نایل می گردد؟

پاسخ

در مورد مسجد جمکران دلیل خاصّی نداریم که اگر کسی چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود به زیارت حضرت مهدی (ع) مشرّف می‌شود. ولی این مطلب را می‌توان از راه دیگری به اثبات رسانید، وآن اینکه: مطابق برخی از روایات عدد چهل اثری تکوینی در بروز استعدادها وبه فعلیّت رسیدن آنها دارد. حال اگر کسی به نیّت تشرّف به محضر مبارک حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم به این مکان مقدّس شرفیاب شود وجداً از خدا ملاقات را بخواهد. واز طرف دیگر خود را برای ملاقات با آن انسان کامل آماده کند وقابلیّت ملاقات را نیز با اعمال صالحه تحصیل نماید، امید است که به ملاقات آن حضرت شرفیاب گردد، همان گونه که افراد بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند.

اگر امام زمان‌علیه‌السلام به همه جا احاطه دارد،پس چرا به جمکران می‌رویم؟

پرسش

اگر امام زمان‌علیه‌السلام به همه جا احاطه دارد،پس چرا به جمکران می‌رویم؟

پاسخ

آری ما معتقدیم که امام زمان (ع) احاطه علمی دارد وهر کجا که مصلحت ببیند می‌رود، ولی مسجد جمکران از ویژگی خاصّی برخوردار است: اولاً: مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، این مکان مقدس به امر مبارک امام زمان (ع) ساخته شده وحضرت از مردم خواسته‌اند تا در این مکان حاضر شده وچهار رکعت نماز با طرز مخصوص آن بخوانند. ثانیاً: این مکان مقدس در طول قرن‌ها محلّ اجتماع عشّاق ودلسوختگان حضرت است که از اطراف وبلاد مختلف به آن مکان می‌آیند، ولذا ما نیز می‌توانیم از برکات آن مکان مقدس بهره‌مند شده واز نفوس دیگران نیز استفاده نماییم. ولذا گفته‌اند که دست خدا با جماعت است. ثالثاً: نفس حرکت به سوی محبوب از راه دور برای رسیدن به او آثار وبرکات عجیبی دارد. از یک طرف باعث توجّه بیشتر او به انسان شده واز طرف دیگر انسان را در توجّه بیشتر به آن حضرت ترغیب می‌نماید.

۱- آیا اینکه می گویند مسجد جمکران را خود آقا امام زمان (عج) کُلنگ آن را به زمین زده و دستور ساخت آن را داده اند صحت کامل دارد یا نه ؟

پرسش

۱- آیا اینکه می گویند مسجد جمکران را خود آقا امام زمان (عج) کُلنگ آن را به زمین زده و دستور ساخت آن را داده اند صحت کامل دارد یا نه ؟

پاسخ

خواهرمحترم، زائر با معرفت حضرت رضا (علیه السلام)،قبل از پاسخ به سؤال شما چند بیت از غزل مرحوم فیض کاشانی را تقدیم می نماییم. نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر،دگر باره جوان خواهد شد یعنی ای تیره شب غیبت مهدی روزی از دم صبح حضورش نمایان خواهد شد عالم پر شد از جور و ستم، باکی نیست از قدوم شه دین امن و امان خواهد شد این اباطیل و اکاذیب که شایع شده است همه را حضرت او محو کنان خواهد شد در شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان ۳۹۳ حسن بن مثله در خانه خود بود که گروهی به منزل او آمده و او را به منطقه فعلی مسجد جمکران برده اند در آنجا دیداری، رخ می دهد و حضرت می فرماید که به نزد حسن مسلم که در این زمین کشاورزی می کند ، برو و بگو این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده و دیگر نباید در آن کشاورزی کند . همچنین آقا فرموده اند؛ که بر نزد سید ابو الحسن برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چندین ساله را از زمین بدست آورد .و وصول کند و با آن مسجد را بنا کند . و بزی نیز در گله جعفر کاشانی است آن را خریداری کن و هر بیماری که از آن گوشت بخورد ، حق تعالی او را شفا میدهد . حسن بن مثله می گوید: شب به خانه رفتم و صحبگاه با اتفاق علی تندر به همان موضع برگشتیم و در آنجا زنجیرهایی دیدیم که طبق فرموده امام (علیه السلام) حدود بنای مسجد جمکران را نشان می دهد . پس نزد سید ابو الحسن در قم رفتیم که ایشان طبق خوابی که دیدند منتظر بودند . پس با هم راهی جمکران شدند ،در گله جعفر کاشانی بزی را با همان نشانی دیدند و خریدند و جعفر سوگند یادکردند که این بز در گله حسن نبوده است، آن را به جایگاه مسجد آورده و کشتند و هر بیماری آن را می خورد شفا می گرفت. حسن مسلم را احضار کردند منافع زمینی را از او گرفتند و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پوشاندند، سید زنجیرها و میخها را با

www.noorfatemah.org

خود به منزل برد و هر بیمار درد مندی که خود را به آن می مالید شفا می گرفت . ولی پس از فوت سید ابو الحسن آن زنجیرها نیز پنهان شدند و کسی آنها را ندید . مسجد شریف جمکران در شش کیلو متری قم واقع شده و همواره پذیرای مشتاقان و شیفتگان حضرتش از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد . این مسجد در طول قرون چندین بار تعمیر شده است از جمله در زمان حسن نبی مثله ، زمان مرحوم صدوق ، زمان صفویه و در زعامت حضرت آیه الله حائری و بدست مرحوم محمد تقی بافقی این مسجد را مسجد جمکران نامیدند ، بخاطر قرار گرفتن در قریه جمکران و مسجد حسن مثله چون بنای اولیه بدست او بوده و مسجد صاحب الزمان (عج)چون به امر حضرت بناشد و حضرت مکرر در آنجا دیده شده. منابع : ۱-نجم الثاقب ، مرحوم نوری ۲- بحار،ج ۵۳ ، علامه مجلسی ۳-دیدار یار ، استاد کرمی ۴-الزمام ناصب ، مرحوم شیخ علی یزدی حائری ،ج ۲ ۵-تاریخ قم ، ج ۱و۲،مرحوم محمد علی کچوی

مختصری در مورد مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پرسش

مختصری در مورد مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پاسخ

مسجد مقدّس جمکران در ۶ کیلومتری استان مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می‌باشد. این مکان مقدّس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیةاللّه‌الاعظم«علیه السلام» قرار دارد و آن حضرت از شیعیانشان خواسته‌اند که به این مکان مقدّس روی آورند، زیرا این مکان مقدّس، دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده است. لذا سزاوار است که زائران عزیز، از برکات این مکان مقدّس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجّه‌شان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی«علیه السلام» حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارک آن حضرت را آزرده می‌سازد خودداری کنند. شایان توجه است ه علماء و شیفتگان آن حضرت استفاده‌های فراوان از این مسجد مقدّس برده‌اند. بنابراین سعی کنید در این مکان مقدّس، لحظاتی را با آن عزیز خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدّس حضرتش دعا کنید؛ چرا که برطرف شدن گرفتاریها تنها با ظهور آقا امکان‌پذیر است. « بخش پاسخ به سؤالات »

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پرسش

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پاسخ

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳(و به قولی ۳۷۳) در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «برخیز و مولای خود حضرت مهدی«علیه السلام» را اجابت کن که تو را طلب نموه است.» آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است. آن پیر، حضرت خضر«علیه السلام» بود. که مرا امر به نشستن نمود. حضرت مهدی«علیه السلام» مرا به نام خودم خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم - که در این زمین کشاورزی می کند - بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده است، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند». عرض کردم یا سیّدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه‌ای داشته باشم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند! آقا فرمودند: «تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه‌هایی برای آن قرار می‌دهیم، و همچنین نزد سیدابوالحسن - یکی از علمای قم - برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصل کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید. « بخش پاسخ به سؤالات »

بنیاد مسجد جمکران بر چه اساسی است؟

پرسش

بنیاد مسجد جمکران بر چه اساسی است؟

پاسخ

در کتاب مونس الخرین فی معرفةْ الحق و الیقین، از تألیفات شیخ صدوق آمده است که شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۷۳ در خانهٔ خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و مرا صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی (عج) شما را طلبیده اند. به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است. رفتیم. در آن جا حضرت به من فرمود ": به صاحب این زمین(حسن بن مسلم) بگو که این این زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. برو نزد سید ابوالحسن و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا کنند و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند ." سپس حضرت دستور خواندن نماز را به وی داد. حسن بن مثله می گوید: به حضرت عرض کردم: برای این که دیگران حرف من را بپذیرند، احتیاج به دلیل و نشانه است، چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی می گذاریم تا قول تو تصدیق شود. برو نزد سید ابی الحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... . من به خانه آمدم و فردا صبح به همراه" علی المنذر "نزد سید ابوالحسن الرضا رفتیم و سید ابوالحسن گفت: از سحر تا کنون من در انتظار شما بودم. تو اهل جمکرانی؟ گفتم آری . گفت: این حسن مثله! من خوابیده بودم . در خواب شخص به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است. من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیهٔ مقدسه این مسجد ساخته شد.[۱] البته این مسئله صرفاً نقل قول است و قابل اعتماد نمی باشد، ولی فعلاً مسجد جمکران مسجد با برکتی است و بعید نیست مورد نظر امام زمان قرار گرفته باشد. ۱[۱] ر.ک: بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۰ ـ ۲۳۴.

لطفاً به طور مختصر تاریخچه مسجد جمکران و حوزه علمیه قم را بنویسید.

پرسش

لطفاً به طور مختصر تاریخچه مسجد جمکران و حوزه علمیه قم را بنویسید.

پاسخ

۱ – تاریخ بنای مسجد جمکران مستند به دیدار شخصی عالم به نام شیخ عفیف صالح (حسن بن مثله جمکرانی"ره) "در سال ۳۹۳ هجری قمری با حضرت صاحب العصر (عج) و اجرای امر حضرت مبنی بر ساختن مسجدی در مکان فعلی است که شیعیان حضرت در آن اجتماع کرده و برای ظهور حضرتش دعا کنند.(۱) ۲ – حوزه علمیه قم در زمان مرحوم آیت الله حایری یزدی با شکوه شد. البته قم به دلیل موقعیت خاص دینی و تاریخی و علمی، از قبل دارای سابقه درخشانی بوده است. علمای بسیاری بزرگی در این شهر درخشیدند. در زمان معصومان (ع)، بسیاری از راویان، محدثان و علمای بزرگ در این شهر زندگی می‌کردند. ۱ – شیخ محمد حسین ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص ۱۴۹.

در مورد مسجد جمکران و ارتباط آن با امام زمان(عج) و تاریخ تأسیس و مؤسس آن توضیحاتی ارائه نمایید.

پرسش

در مورد مسجد جمکران و ارتباط آن با امام زمان(عج) و تاریخ تأسیس و مؤسس آن توضیحاتی ارائه نمایید.

پاسخ

شیخ صدوق در کتاب" مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین "نوشته است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانهٔ خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و من را صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی(عج) شما را طلبیده‌است. به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است، رفتیم؛ در آن جا حضرت به من فرمود: به صاحب این زمین (حسن بن مسلم) بگو که این زمین، زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. نزد سید ابوالحسن برو و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا گردد و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند. سپس حضرت خواندن نماز مخصوص در این مکان را به وی آموخت. حسن بن مثله جمکرانی می گوید: به حضرت عرض کردم: برای این که دیگران حرف من را بپذیرند، به دلیل و نشانه نیاز دارد، چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی قرار می دهیم تا سخن تو تصدیق شود. برو نزد سید ابوالحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... . من به خانه ام بازگشتم و فردا صبح به همراه" علی المنذر "به خانهٔ سید ابوالحسن الرضا رهسپار شدیم. وقتی که به منطلش رسیدیم، دیدیم که خدمت گزاران سید می گیوند: آقا از سپیده دم تا کنون منتظر شما است. آیا از جمکران آمده اید. گفتم: آری.

www.noorfatemah.org

پس نزد سید رفتیم و بعد از سلام و احوالپرسی به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوبیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن بن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است. من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیهٔ مقدسه این مسجد ساخته شد.۱

در خصوص چاه مقدس مسجد جمکران توضیح دهید و این که با وجود خشک بودن این چاه نامه هایی که در آن انداخته می شود اعتبار دارد؟ این نامه ها چگونه به دست حضرت مهدی (عج) می رسد؟

پرسش

در خصوص چاه مقدس مسجد جمکران توضیح دهید و این که با وجود خشک بودن این چاه نامه هایی که در آن انداخته می شود اعتبار دارد؟ این نامه ها چگونه به دست حضرت مهدی (عج) می رسد؟

پاسخ

آنچه که اهمیت دارد و اکنون مکان مقدس به حساب می آید مسجد جمکران است و چاه آبی که در آن قرار دارد اهمیت ندارد، زیرا آنچه در برخی متون دینی بدان سفارش شده، آن است که انسان نیازها و خواسته های خویش را در نامه ای نوشته و آن را در یکی از قبور ائمه(ع) و یا در نهر و یا چاهی عمیق بیاندازد که حضرت امام زمان(ع) متصدی پاسخ گویی خواسته و نیاز ها خواهد بود.۴ در خصوص چگونه رسیدن نامه به امام زمان(ع) و نحوهٔ پاسخگویی حضرت، اطلاعات دقیقی وجود ندارد، از این رو نمی توان راهکارهای معیّنی را در این خصوص بیان نمود. البته چگونه رسیدن نامه به امام زمان(ع) و نحوهٔ رسیدگی حضرت به نامه ها چندان اهمیت ندارد، آنچه اهمیت دارد و باید دانست آن است که حضرت به مشکلات مردم رسیدگی نموده و ناظر بر اعمال انسان ها است. از برخی روایات استفاده می شود که امام زمان(ع) به مشکلات مردم رسیدگی نموده و او حجت خدا بر زمین است و به شکل های مختلف پاسخگویِ خواسته های مشروع مردم است. ۴ شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۹۱.

دربارهٔ بنای مبارک مسجد جمکران توضیح مختصری دهید.

پرسش

دربارهٔ بنای مبارک مسجد جمکران توضیح مختری دهید.

پاسخ

شیخ صدوق در کتاب" یونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین "نوشته است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه مرضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانهٔ خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و مرا صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی(عج) شما را طلبیده است. به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است. رفتیم در

آن جا حضرت به من فرمود: به صاحب این زمین (حسن بن مسلم) بگو که این زمین، زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. نزد سید ابوالحسن برو و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا گردد و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند. سپس حضرت خواندن نماز مخصوص در این مکان را به وی آموخت. حسن بن مثله جمکرانی می گوید: به حضرت عرض کردم: برایاین که دیگران حرف من را بپذیرند، به دلیل و نشانه نیاز دارد. چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی قرار می دهیم تا سخن تو تصدیق شود. برو نزد سید ابوالحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... . من به خانه ام باز گشتم و فردا صبح به همراه "علی المنذر "به خانهٔ سید ابوالحسن رهسپار شدیم. وقتی که به منزلش رسیدیم، دیدیم که خدمت گزاران سید می گویند: آقا از سپیده دم تا کنون منتظر شما است. آیا از جمکران آمده اید؟ گفتم: آری. پس نزد سید رفتیم و بعد از سلام و احوال پرسی به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن بن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است. من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیهٔ مقدسه این مسجد ساخته شد.[۱] [۱] مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰ – ۲۳۴.

آیا صحت دارد امام زمان(ع) در مسجد جمکران ظاهر شده و افراد مریضی شفا گرفته اند؟

پرسش

آیا صحت دارد امام زمان(ع) در مسجد جمکران ظاهر شده و افراد مریضی شفا گرفته اند؟

پاسخ

در این مورد داستان هایی نقل شده که عنایت امام زمان(ع) به این مسجد و حتی شفای بعضی بیماران را ثابت می کند. در این باره می توانید به کتاب شیفتگان مهدی(ع) اثر آقای قاضی زاهدی مراجعه فرمایید.

چگونه نامه هایی که در مسجد جمکران به چاه می اندازند، به دست امام زمان(ع) می‌رسد؟ آیا این چاه پر نمی شود؟

پرسش

اشاره

چگونه نامه هایی که در مسجد جمکران به چاه می اندازند، به دست امام زمان(ع) می‌رسد؟ آیا این چاه پر نمی شود؟

پاسخ

از روایتی که در مورد نوشتن حاجت خود در نامه و انداختن آن به قبر یکی از امامان(ع) و یا به چاه یا به جوی آب نقل شده و چگونگی آن در منتهی الأمال مرحوم شیخ عباس قمی آمده،[۱] استفاده می‌شود که نامه حاجت توسط یکی از نواب خاص امام

زمان(ع) (عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری) به دست حضرت می‌رسد. البته شاید این مسئله از روایات معتبر نباشد و اعتبار و عدم اعتبار این گونه روایات و معنای آن‌ها مورد بحث جدی است. باید توجه داشت لازم نیست نامهٔ حاجت به دست امام عصر(ع) برسد. مهم اصل، ارتباط با حضرت است که به راه های مختلف می تواند صورت گیرد و نوشتن نامه و درخواست حاجت از امام زمان(عج) یکی از راه های ارتباط با حضرت است و ارتباط با آن وجود مقدس و استغاثه به آن جناب و درخواست حل مشکلات از بقیه الله الأعظم حضرت ولی عصر(ع) یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت کبری است. همین که انسان به وسیلهٔ دعا یا نامه با حضرت ارتباط برقرار کرد، حضرت آگاه می گردد، زیرا امامان دارای علم لدنی هستند و اگر بخواهند، از افکار و خواست های باطنی انسان آگاه می‌شوند. امام صادق(ع) فرمود": هرگاه امام بخواهد چیزی را بداند، خداوند آن را به وی اعلام می کند.[۲] پس کسی که نامه حاجت نوشت، امام زمان(ع) آگاه می‌شود و لازم نیست نامه به دست حضرت برسد، بلکه مقصود توجه به امام زمان است که شخص را واداشته قلمی بردارد و برای امام درد دل و حاجتی بنویسد. در مورد چاه مسجد مقدس جمکران، مسئول پاسخ به سؤالات آن مسجد در تماس تلفنی گفت: با توجه به این که در داخل تعدادی از نامه ها نذورات گذاشته می شود، نامه ها از داخل چاه بیرون آورده می شود، ولی محتویات آن خوانده نمی شود، و پس از برداشتن نذورات نامه ها در آب جاری ریخته شده یا خمیر می گردد. [۱]شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۹۲ - ۴۹۱ (حالات امام زمان(ع))، نیز،رک: مفاتیح الجنان، ص ۱۱۴۳ (کیفیت رقعه حاجت). [۲]اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۳.

آیا در کنار مسجد جمگران چاهی است که نامه حاجت در آن بیندازند که به دست امام زمان(ع) برسد؟

پرسش

آیا در کنار مسجد جمگران چاهی است که نامه حاجت در آن بیندازند که به دست امام زمان(ع) برسد؟

پاسخ

در کنار مسجد جمکران چاهی است که توسط مسئولین آن مسجد کنده شده تا مراجعه کنندگان و زائران در صورت نیاز، نامه حاجت در آن چاه بیندازند، اما این که هر نامه ای به دست امام زمان می رسد، بحث دیگری است. البته امام زمان به لطف خداوند و اذن او از بسیاری از اسرار و انسان ها آگاه است، خواه در نامه ای ذکر شود، یا نشود.

مسجد جمکران چه ارتباطی با حضرت مهدی (عج) دارد؟

پرسش

مسجد جمکران چه ارتباطی با حضرت مهدی (عج) دارد؟

پاسخ

از دو جهت مسجد مقدس جمکران با امام زمان (عج) ارتباط دارد: یکم: از برخی کتب تاریخی و دینی استفاده می‌شود که مسجد جمکران به دستور امام زمان (عج) تأسیس شده که شرح به وجود آمدن آن چنین است: شیخ عفیف صالح بن حسن مثله جمکرانی گزارش داده است: محمد حسین ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰. در خواب دیدم که جماعتی آمدند و گفتند که از خواب برخیز و دستور امام زمان (عج) را اجابت و اطاعت کن. من بیدار شده و آماده شدم. در این هنگام آوازی شنیدم که گفت: این پیراهن را نپوش که از تو نیست و پیراهن دیگری که از تو است بپوش... مرا بیاورند به جائی که الان مسجد است، دیدم در آن جا تختی نهاده شده و روی آن فرشی گسترده و بالش‌های نیکو نهاده و جوانی سی ساله بر آن تکیه زده است و کنار او پیرمردی نشسته و بر او کتاب می‌خواند و پیش از شصت نفر در این زمین گرد او نماز می‌خوانند. بعضی‌ها لباس‌های سفید و برخی لباس‌های بر تن دارند و آن پیرمرد حضرت خضر بود. حضرت به من دستور داد که برو به" حسن مسلم "بگو که چند سال است در این زمین عمارت و کشاورزی می کنی، و از این به بعد اجازه زراعت و عمارت نداری. اگر از این به بعد زراعت و عمارت کردی، باید با منافع آن مسجد بنا کنی. به حسن مسلم بگو: این زمین شریفی است که خدای تعالی این زمین را بر زمین‌های دیگر برتری داده و آن را بر گزیده است. پس حضرت فرمود: حسن مثله باید به حضور سید ابوالحسن رفته و همراه او نزد حسن مسلم بروید و انتفاع چند ساله مسجد را گرفته، به دیگران دهید تا مسجد را بنا کنند من همراه سید ابوالحسن الرضا به خدمت حسن مسلم رفته و منافع زمین را از او گرفته و مسجد جمکران بنا گردید و از چوب پوشانده شد. تاریخ قم، ص ۱۴۹ – ۱۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰ – ۱۳۲. برخی از بزرگان معاصر باور دارند که دستور ساختن مسجد مقدس جمکران در بیداری بوده است. آیت الله ناصر مکارم شیرازی در جواب این

مسجد جمکران ــKـЉــاش چیست؟ در این باره اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید.

پرسش

مسجد جمکران تاریخچه اش چیست؟ در این باره اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید.

پاسخ

شیخ صدوق در کتاب" مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین "نوشته است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانه خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و من را صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی(عج) شما را طلبیده است. به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است، رفتیم؛ در آن جا حضرت به من فرمود: به صاحب این زمین (حسن بن مسلم) بگو که این زمین، زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. نزد سید ابوالحسن برو و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا گردد و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند. سپس حضرت خواندن نماز مخصوص در این مکان را به وی آموخت. حسن بن مثله جمکرانی می گوید: به حضرت عرض کردم: برای این که دیگران حرف من را بپذیرند، به دلیل و نشانه نیاز است، چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی قرار می دهیم تا سخن تو تصدیق شود. برو نزد سید ابوالحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام

دهد... . من به خانه ام بازگشتم و فردا صبح به همراه "علی المنذر "به خانهٔ سید ابوالحسن الرّضا رهسپار شدیم. وقتی که به منزلش رسیدیم، دیدیم که خدمت گزاران سید می گویند: آقا از سپیده دم تا کنون منتظر شما است. آیا از جمکران آمده اید؟ گفتم: آری. پس نزد سید رفتیم و بعد از سلام و احوالپرسی به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن بن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است. من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیهٔ مقدسه این مسجد ساخته شد.(۱) پی نوشت ها: ۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ۲۳۰ ـ ۲۳۴.

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پرسش

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پاسخ

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳(و به قولی ۳۷۳) در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «برخیز و مولای خود حضرت مهدی((علیه السلام)) را اجابت کن که تو را طلب نموه است.» آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است. آن پیر، حضرت خضر((علیه السلام)) بود. که مرا امر به نشستن نمود. حضرت مهدی((علیه السلام)) مرا به نام خودم خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم - که در این زمین کشاورزی می کند - بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند». عرض کردم یا سیّدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند! آقا فرمودند: «تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه هایی برای آن قرار می دهیم، و همچنین نزد سیدابوالحسن - یکی از علمای قم - برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصل کند و با آن پول در این زمین مسجد...بنا نماید.

درباره مسجد جمکران توضیح بدهید مگر مسجد جای ذکر و عبادت خدا نیست پس مسجد امام زمان"ع "چیست و چه کسی و چه زمانی و به چه نیتی ساخته شده است؟

پرسش

درباره مسجد جمکران تـ...Ş□بدهید مگر مسجد جای ذکر و عبادت خدا نیست پس مسجد امام زمان"ع "چیست و چه کسی و چه زمانی و به چه نیتی ساخته شده است؟

پاسخ

مسجد صاحب الزمان ـ عجل الله فرجه الشریف ـ در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیه ا... قرار دارد و خود آقا از شیعیانشان خواسته اند که به این مکان مقدس روی آورند، زیرا این مکان مقدس دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است. لذا سزاوار است که زائرین عزیز از برکات این مکان مقدس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجهشان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی (ارواحنا فداه) حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارک آن حضرت را آزرده می سازد خودداری کنند. متذکر می گردد که علماء و شفیتگان آقا استفاده های فراوان از این مسجد مقدس برده اند. سعی کنید در این مکان مقدس، لحظاتی را با آقای خود خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدس حضرتش دعا کنید. زیرا بهبود هر چیز، تنها در سایهٔ قیام شکوهمند آقا امکان پذیر است. فراموش نکنیم که حق امام زمان ما غصب شده و آقا در نهایت غریبی زندگی می کند و حقیقتاً دل آقا خون است. آقا شاهد تمام مصیبت هایی است که بر شیعیانش وارد می شود. پس ظهور آقا را از درگاه احدیت سبحانه و تعالی بخواهید و چه مکانی بهتر از مسجد شریف جمکران برای دعا کردن جهت ظهور آقا امام زمان"ع. "تاریخچهٔ مسجد صاحب الزمان"ع "شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی"ع "را اجابت کن که تو را می خواند. آنها مرا به محلی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سه ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیری هم پیش او نشسته است، آن پیر حضرت خضر"ع "بود. پس آن پیر مرا بنشاند. حضرت مهدی"ع "مرا به نام خود خواند و فرمود: برو به حسن مسلم، که در این زمین کشاورزی می کرد، بگو که این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند. حسن بن مثله گفت: یا سیدی و مولای، لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و الا مردم حرف مرا قبول نمی کنند. آقا فرمودند: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما خودمان نشانه ایی برای آن قرار می دهیم و پیش سیدابوالحسن برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین بدست آورده است وصول کند و با آن پول مسجد را بنا کند. نماز امام زمان"ع "در مسجد جمکران امام زمان"ع "به حسن بن مثله جمکرانی فرمود: و به مردم بگو: بدین مکان رغبت کنند و آن را عزیز دارند. و چهار رکعت نماز در آن گذارند. دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است که در هر رکعت آن یک حمد و هفت قل هو الله احد خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. دو رکعت دوم به نیت نماز صاحب الزمان"ع "خوانده می شود، بدین صورت که سورهٔ حمد را شروع می کنیم و چون به آیه ایاک نعبد و ایاک نستعین می رسیم این آیه شریفه را صد مرتبه تکرار می کنیم و بعد از آن بقیهٔ سوره حمد را می خوانیم، بعد از پایان حمد سورهٔ قل هو الله احد را فقط یکبار می خوانیم و به رکوع می رویم و ذکر سبحان ربی العظیم و بحمده را هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می کنیم و ذکر هر کدام از سجده ها نیز، هفت مرتبه است. رکعت دوم نیز به همین گونه است. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار گفته می شود: لااله الاالله و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا" س "خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد. فضیلت خواندن نماز در مسجد جمکران آنگاه امام مهدی"ع "فرمودند: هر کس این دو رکعت نماز (نماز امام صاحب الزمان) را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. حسن بن مثله می گوید: چون من پاره ای راه آمدم، دوباره مرا بازخواندند و فرمودند: بزی در گلهٔ جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین موضع آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد. وی می گوید: من سپس به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه

بودم تا اینکه نماز صبح خوانده و سپس به سراغ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان موضع شب گذشته رفتم. وقتی که رسیدیم، زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرمودهٔ امام"ع "حدود بنای مسجد را نشان می داد، سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانهٔ او رسیدیم، خادمان او گفتند که سید از سحر در انتظار تست و تو از جمکران هستی، به او گفتم: بلی، به درون خانه رفتم و سید مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بن مثله، من در خواب دیدم که شخصی به من گفت که حسن بن مثله نام از جمکران پیش تو می آید، هر چه گوید تصدیق کن و بر قول او اعتماد کن که سخن او سخن ماست، و قول او را رد نکن و از هنگام بیدار شدن از خواب تا این ساعت منتظر تو بودم و آنگاه بود که ماجرای شب گذشته را بر وی تعریف کرد. سید بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدند. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدند گلهٔ جعفر کاشانی را دیدند، حسن بن مثله به میان گله رفت و آن بز که از پس همهٔ گوسفندان می آمد پیش حسن بن مثله دوید، جعفر سوگند یاد کرد این بز در گلهٔ من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم، به هر حال آن بز را در مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) شفا یافت. حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفتند و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پوشانیدند، سید زنجیرها و میخها را با خود به قم برد و در خانهٔ خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را بدان زنجیر می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود. ولی پس از فوت سیدابوالحسن، آن زنجیرها پنهان گشته و دیگر کسی آنها را ندید. این بود تاریخ مختصری از مسجد مقدس جمکران و چگونگی بنای آن و نماز حضرت صاحب الزمان"ع. "مشروح فرمان مقدس حضرت بقیه الله ـ ارواحنا فداه ـ برای تأسیس مسجد مقدس جمکران را علامه نوری در کتاب شریف نجم ثاقب، صفحهٔ ۲۹۴ و جنهٔ المأوی، صفحهٔ ۲۳۰ از کتاب گرانقدر" مونس الحزین "تألیف شیخ صدوق نقل کرده است. منابع و مآخذ: برگرفته از کتاب: مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان، مؤلف: سید جعفر میر عظیمی، ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران

شفا یافتن بیماران در مسجد جمکران و کراماتی که به این مسجد نسبت داده می شود آیا حقیقت دارد؟

پرسش

شفا یافتن بیماران در مسجد جمکران و کراماتی که به این مسجد نسبت داده می شود آیا حقیقت دارد؟

پاسخ

در این رابطه مطالب بسیاری نقل شده که حداقل برخی از آنها قابل اعتماد است. البته ما به طور قطعی نمی‌توانیم دراین رابطه چیزی بگوییم و پذیرش یا عدم پذیرش قطعی آن هم خللی به اعتقادات وارد نمی‌سازد. لیکن در عین حالبرخی از آنچه در این باره نقل شده قابل وثوق است.}J

کمی درباره ء تاریخچه ء مسجد جمکران , شرح دهید؟

پرسش

کمی درباره ء تاریخچه ء مسجد جمکران , شرح دهید؟

پاسخ

}در کتاب تاریخ قم آمده است از حسن بن مُثله جمکرانی نقل کرده که وی شبی در ماه رمضان سال ۳۹۳ در خانهخود خوابیده بوده که نیمههای شب جماعتی در خانه او را میزنند ومی گویند برخیز امامزمان تو را میخوانند. ازخواب برخاسته و همراه آنان به موضعی که الآن مسجد جمکران است رفتم. تختی در آنجا دیدم. جوانی در سن ۳۰سالگی بر آن نشسته بود و عدهای نیز در اطراف آن حضرت بودند. آن حضرت مرا به اسم صدا زدند و فرمودند به حسن بن مسلم بگو این زمین را به مسجد اختصاص دهد و آن را اززمین خود جدا کند (متعلق به او نیست) وی نیز به این امر اقدام کرده و مسجد بنا می گردد. در هر صورت در حال حاضر مسجد جمکران محل اجتماع و تردد علاقهمندان به امامزمان است و در آنجا مردم بهنماز و دعا مشغول هستند.{

اخیرا بنـده در جهت بازسازی معنوی بار فرهنگی اردوهای زیارتی امان را بیشتر کرده ام فقط راجع به موردی اطلاعات کمتری دارم و آنهم چاه مجاور مسجد مقدس جمکران است که داخل آن عریضه می اندازیم در صورت آگاهی بیشتر لطفا من را مستفیض نمایید.

پرسش

اخیرا بنـده در جهت بازسازی معنوی بار فرهنگی اردوهای زیارتی امان را بیشتر کرده ام فقط راجع به موردی اطلاعات کمتری دارم و آنهم چاه مجاور مسجد مقدس جمکران است که داخل آن عریضه می انـدازیم در صورت آگاهی بیشتر لطفا من را مستفیض نمایید.

پاسخ

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیحالجنان میفرماید در کتاب تحفهٔ الزائر از حضرت صادق(ع) نقل شده است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف باشی در کاغذی این عبارات را بنویس «بسم اللّه الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیک» تا آخر که در مفاتیح هست و در آخر آن حاجت خود را بنویس و آن را پیچیده در گلولهای از گِل قرار بده و در آب جاری (مثل آب رودخانه) یا در چاهی بینـداز (انشاءاللّه) خداونـد به زودی گشایش در کارت ایجاد می کنـد، (مفاتیحالجنان، ص ۹۷۴) ولی در روایات صحبت از چاه خاصی مثل چاه جمکران نشده است و در این خصوص مستندی نداریم.

قضیه چاه مسجد جمکران چیست. شنیده ام آمریکاییها برای یافتن نفت آن را کنده اند؟ آیا درست است؟

پرسش

قضیه چاه مسجد جمکران چیست. شنیده ام آمریکاییها برای یافتن نفت آن را کنده اند؟ آیا درست است؟

پاسخ

آنچه ما مطلع هستیم از چاه آن است که در ذیل آورده می شود و غیر از آن اطلاعی نداریم: قضیه چاه امام زمان(ع) در مسجد مقدس جمکران و شهرهای دیگر، از این قرار است که شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از تحفهٔ الزائر از امام صادق(ع) روایتی نقل می کند که: «هر گاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی، باشد یا از امری خائف و ترسان باشی. در کاغذی بنویس و در آب جاری یا چاه بینداز...». این یک نوع ارتباط و سخن گفتن با خدا است. در بحارالانوار (ج ۱۰۲، ص ۲۳۴) نیز روایتی هست که می‌فرماید: «اگر حاجت و گرفتاری داشتی با حضرت حجت (عج) چنین مکاتبه کن و حاجت خود را بنویس و در چاه یا نهر بینداز». البته معنای عریضه‌نویسی این نیست که حضرت حجت آن نوشته را باز می کند یا می‌خواند؛ بلکه خدا و رسول او و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) از نیت‌های ما و آنچه در ذهن و دل ما می گذرد، آگاهند؛ چه رسد به نوشته‌های ما، آن هم در صورت گرفتاری و توسّل به آن عزیزان. در واقع خواسته‌اند به ما یاد دهند که با محبوب و صاحب خود ارتباط برقرار کنیم و همان‌طور که برای محبوب‌های دنیوی ابراز علاقه و محبت می‌نماییم، بتوانیم با مولای خود هم نامه‌نگاری کنیم. حال از آنجا که چاه و آب روان در دسترس همه نیست، مؤمنان در بعضی از شهرها و در مسجد جمکران، چاهی حفر نموده‌اند که مردم عریضه‌های خود را درون آن بیندازند.

با سلام، در مورد جمکران و صحت آن چه دلایلی مطرح است؟ با تشکر

پرسش

با سلام، در مورد جمکران و صحت آن چه دلایلی مطرح است؟ با تشکر

پاسخ(قسمت اول)

الف. تاریخچه مسجد «شیخ عفیف صالح حسن بن مثله جمکرانی می گوید: شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان ۳۹۳هجری، در سرای خود خفته بودم که جماعتی به در سرای من آمدند. نصفی از شب گذشته بود، مرا بیدار کردند و گفتند: «برخیز و امر امام محمد مهدی صاحب الزمان، را اجابت کن که تو را می‌خواند». حسن بن مثله می گوید: «من، برخاستم و آماده شدم». چون به در سرای رسیدم، جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم. جواب دادند و خوشامد گفتند و مرا به آن جایگاه - که اکنون مسجد (جمکران) است - آوردند. حضرت امام(ع) مرا به نام خود خواند و فرمود: «برو به حسن بن مسلم بگو: «تو، چند سال است که این زمین را عمارت می کنی و ما خراب می کنیم. پنج سال زراعت کردی و امسال دیگرباره شروع کردی، عمارت می کنی. رخصت نیست که تو دیگر در این زمین زراعت کنی، باید هر چه از این زمین منفعت برده‌ای، برگردانی تا در این موضع مسجد بنا کنند.» به حسن بن مسلم بگو: «اینجا، زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمین‌های دیگر برگزیده و شریف کرده است. حسن بن مثله می گوید عرض کردم: «سید و مولای من! مرا در این باره، نشانی لازم است؛ زیرا مردم سخن مرا بدون نشانه و دلیل نمی‌پذیرند». امام(ع) فرمود: «تو برو رسالت خود را انجام بده. ما در اینجا، علامتی می گذاریم که گواه گفتار تو باشد». ب. کیفیت نماز تحیّت مسجد «مردم را بگو تا به این موضع رغبت کنند و عزیز بدارند و چهار رکعت نماز در این جا بگذارند: دو رکعت

تحیت مسجد، در هر رکعتی، یک بار «سوره حمد» و هفت بار سوره «قل هو الله احد» [خوانند]و تسبیح رکوع و سجود را هفت بار بگویند». ج. کیفیت نماز امام زمان (عج) «و دو رکعت نماز صاحب الزمان بگذارند، بر این نسق که در [هنگام خواندن سوره «حمد» چون به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» برسند، آن را صد بار بگویند و بعد از آن، «فاتحه» را تا آخر بخوانند. رکعت دوم را نیز به همین طریق انجام دهند. تسبیح رکوع و سجود را نیز هفت بار بگویند. هنگامی که نماز تمام شد، تهلیل (لا اله الاالله) و تسبیح فاطمه زهرا(س) را بگویند. آن گاه سر بر سجده نهاده، صد بار صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستند». این نقل، از لفظ مبارک امام(ع) است که فرمود: «فمن صلّا هما، فکانما صلی فی البیت العتیق» ؛ «هر کس، این دو رکعت (یا این دو نماز) را بخواند، گویی در خانه کعبه آن را خوانده است...» د. ساخت مسجد حسن بن مثله می گوید: «در دل خود گفتم که تو اینجا را یک زمین عادی خیال می کنی، اینجا مسجد حضرت صاحب الزمان(ع) است». پس آن حضرت به من اشاره کردند که برو! چون مقداری راه پیمودم، بار دیگر مرا صدا کرده، فرمودند: «در گله جعفر کاشانی (چوپان) بزی است، باید آن بز را بخری. اگر مردم پولش را دادند، با پول آنان خریداری کن، وگرنه پول آن را خودت پرداخت کن. فردا شب (شب چهارشنبه) آن بز را بیاور و در این موضع ذبح کن. آن گاه روز چهارشنبه هجدهم ماه مبارک رمضان، گوشت آن بز را بر بیماران و کسانی که مرض صعب العلاج دارند، انفاق کن که حق تعالی همه را شفا دهد. آن بز، ابلق است. موهای بسیار دارد. هفت نشان سفید و سیاه، هر یکی به اندازه یک درهم، در دو طرف آن است که سه نشان در یک طرف و چهار نشان در طرف دیگر آن است». آن گاه به راه افتادم. یک بار دیگر مرا فرا خواند و فرمود: «هفت روز یا هفتاد روز در این محل اقامت کن». حسن بن مثله می گوید: «من، به خانه رفتم و همه شب را دراندیشه بودم تا صبح طلوع کرد. نماز صبح خواندم و به نزد علی منذر رفتم و آن داستان را با او در میان نهادم. همراه علی منذر، به جایگاه دیشب رفتیم. پس او گفت: «به خدا سوگند که نشان و علامتی که امام(ع) فرموده بود، اینجا نهاده است و آن، اینکه حدود مسجد، با میخ‌ها و زنجیرها مشخص شده است». دیدگاه آیة الله مرتضی حائری ؛ فرزند آیةالله حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم. «مسجد جمکران، یکی از آیات باهرات آن حضرت است. توضیح این مطلب، در ضمن چند جهت - که شاید خیلی‌ها از آن غافل باشند - بیان می گردد: ۱. داستان مسجد جمکران - که در بیداری واقع شده - در کتاب تاریخ قم از صدوق، نقل شده است. مرحوم آقای بروجردی که مرد دقیق و ملایی بود، می‌فرمود: «این داستان، در زمان صدوق واقع شده و اینکه او نقل کرده است، دلالت بر کمال صحت آن دارد». ۲. داستان، مشتمل بر جریانی است که مربوط به یک نفر نیست؛ زیرا وقتی صبح مردم بیدار می‌شوند، می‌بینند با زنجیر، علامت گذاشته شده است که مردم باور کنند و این زنجیر، مدتی در منزل سید محترمی (ظاهراً به نام سید ابوالحسن الرضا) بوده است و مردم به آن استشفا می کرده‌اند و بعداً، بدون هیچ جهت طبیعی، مفقود می‌شود. ۳. متن دستور [نمازهای مسجد]، موافق با ادله دیگر است؛ برای اینکه هم نماز تحیت مسجد وارد شده است و هم نماز امام زمان(عج) با صد بار «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و هم تهلیل و تسبیح فاطمه زهرا(س).کریمه اهل بیت، ص۴۸۴؛ سر دلبران، ص۲۴۸-۲۵۰. پیش گویی امیر المؤمنین(ع) از امیرمؤمنان(ع) روایت شده که خطاب به حذیفه فرمود: «ای پسر یمانی! در اول ظهور، خروج نماید قائم آل محمد(عج) از شهری که آن را قم گویندتردیدی نیست که قیام نخستین حضرت بقیة الله، أرواحنا له الفداء، از مکه معظمه و کنار خانه خدا است. این حدیث و احادیث مشابه، به حرکت‌های بعدی آن کعبه مقصود، نظر دارد یا اینکه منشا ظهور حضرت و فراهم شدن شرایط ظهور از شهرقم و مسجد جمکران است. و مردم را دعوت به حق می کند، همه خلایق از شرق و غرب، به آن شهر روی آورند و اسلام، تازه شود... ای پسر یمانی! این زمین، مقدس است، از همه لوث‌ها، پاک است... عمارت آن، هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد. رایت وی بر این کوه سفید بزنند، به نزد دهی کهن، که در جنب مسجد است، و قصری کهن - که قصر مجوس است - و آن را «جمکران» خوانند. از زیر یک مناره آن مسجد بیرون آید، نزدیک آنجا که آتش خانه گبران بوده...». انوار المشعشعین، ج۱، ص۴۵۳. به نقل از مونس الحزین (از تصنیفات شیخ صدوق). از این حدیث شریف، استفاده می‌شود به طوری که

مسجد سهله در دوران ظهور حضرت بقیهٔ الله، پایگاه آن حضرت خواهد بود. مسجد مقدس جمکران نیز در عصر ظهور، جایگاه خاصی دارد و پایگاه دیگری برای آن حضرت خواهد بود. ختم زیارت عاشورا در عصر زعامت مرحوم آیهٔ الله حاج سید محمد حجت، قحطی و گرانی سختی پدید آمد؛ به طوری که نان سنگک دانه‌ای یک تومان شد، در حالی که شهریه طلاب در ماه فقط ده تومان بود. مرحوم آیت‌الله حجت، به چهل تن از طلاب مهذّب و متدین دستور داد که به مسجد مقدس جمکران مشرف شوند و در پشت بام مسجد، به صورت دسته جمعی، زیارت عاشورا را با صد سلام و لعن و دعای صفوان بخوانند و به حضرت موسی بن جعفر(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) و حضرت علی اصغر(ع) متوسل شوند و رفع گرانی و نزول باران را از خداوند متعال بخواهند. چهل طلبه مهذب و متدین، طبق فرمان مرجعیت اعلای تشیع، به میعادگاه عاشقان شرف یاب شدند. بعد از ادای نماز تحیت و نماز حضرت بقیهٔ الله – أرواحنا له الفداء – و توسّل به ذیل عنایت فرمانروای جهان هستی، به پشت بام مسجد رفتند، ختم زیارت عاشورا را، طبق دستور آن مرجع وارسته، انجام دادند و حوایج خود را با شفیع قرار دادن سه تن باب الحوائج، به درگاه حضرت احدیت، عرضه داشتند و مسجد را به قصد قم ترک کردند. راه قدیمی مسجد جمکران، از طرف روستای جمکران بود. گروه چهل نفری طلاب، هنوز به ده جمکران نرسیده بودند که دریای رحمت گشوده شد و باران رحمت، سیل آسا فرو ریخت. دعا در جمکران در اینجا یاد آوری این نکته لازم است که در مسجد مقدس جمکران، از دعاهای مربوط به حضرت بقیةالله – أرواحنا له الفداء – «دعای ندبه»، «دعای سلام الله الکامل»، «زیارت آل یاسین» و «دعای عهد»... به ویژه از دعای «اللهم عظم البلاء..» – که بعد از نماز حضرت صاحب الزمان(عج) به آن امر شده است – غفلت نشود». فصل‌نامه انتظار، ش ۵. نکته‌ای مهم از تاریخ مسجد قبا که ثواب یک نماز در آن برابر انجام یک عمره است و اولین مسجد مهمی بود که پیامبر(ص) بنا فرمود، نکته مهمی استفاده می‌شود که برای مسجد مقدس جمکران نیز مفید است و آن اینکه مسجد قبا با وجودی که افتخارات زیادی دارد از قبیل اینکه پیامبر اکرم(ص) دستور ساخت آن را دادند، و خود آن حضرت در ساخت آن مشارکت نمودند، با دست‌های خود کارگری و بنایی کردند و در آن نماز خواندند و هر هفته نیز دوشنبه‌ها برای اقامه نماز به آنجا می‌رفتند؛ ولی با وجود این همه فضیلت وقتی خداوند در قرآن از مسجد قبا تعریف و تمجید می‌کند، به دو نکته اشاره می‌نماید که هر دو نکته در مسجد جمکران موجود است: ۱. اساس آن از روز اول بر تقوا نهاده شده است: صلی الله علیه وسلم‌لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه‌رحمهما الله توبه (۹)، آیه ۱۰۸. ۲. در آن کسانی هستند که دوست دارند پاک گردند: «فیه رجال یحبون ان یتطهروا» . در نتیجه این دو ملاک در هر کجا باشد دیگر نیازی به جست و جوی ادله دیگر و سند و شجره‌نامه آن مکان نداریم. مسجد جمکران مکانی است که بیش از هزار سال مؤمنان در آن به نماز و توبه و تضرّع مشغول و ندای «یا صاحب‌الزمان» دل شکستگان در آن مکان مقدس همه را به یاد قطب عالم امکان بقیهٔ اللّه الاعظم انداخته و یاد حضرت را همیشه در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. چاه امام زمان سؤال. قضیه و تاریخچه چاهی که در مسجد مقدس جمکران است چیست؟ پاسخ. در پاسخ باید گفت نه تنها در جمکران؛ بلکه در بعضی از شهرها معمولاً محلی به نام چاه صاحب الزمان موجود است که برخی گمان می‌کنند حضرت دستور حفر آن را داده یا ایشان در آنجا دیده شده‌اند و یا از آب آن چاه نوشیده‌اند؛ ولی هیچ یک از این نکات صحیح به نظر نمی‌رسد. قضیه چاه امام زمان(ع) در مسجد مقدس جمکران و شهرهای دیگر، از این قرار است که شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از تحفهٔ الزائر از امام صادق(ع) روایتی نقل می‌کند که: «هر گاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی، باشد یا از امری خائف و ترسان باشی. در کاغذی بنویس و در آب جاری یا چاه بینداز...». این یک نوع ارتباط و سخن گفتن با خدا است. در بحارالانوار (ج ۱۰۲، ص ۲۳۴) نیز روایتی هست که می‌فرماید: «اگر حاجت و گرفتاری داشتی با حضرت حجت (عج) چنین مکاتبه کن و حاجت خود را بنویس و در چاه یا نهر بینداز». البته معنای عریضه‌نویسی این نیست که حضرت حجت آن نوشته را باز می‌کند یا می‌خواند؛ بلکه خدا و رسول او و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) از نیت‌های ما و آنچه در ذهن و دل ما می‌گذرد، آگاهند؛ چه رسد به نوشته‌های ما، آن هم در صورت گرفتاری و توسّل به آن عزیزان. در واقع

خواسته‌اند به ما یاد دهند که با محبوب و صاحب خود ارتباط برقرار کنیم و همان‌طور که برای محبوب‌های دنیوی ابراز علاقه و محبت می‌نماییم، بتوانیم با مولای خود هم نامه‌نگاری کنیم. حال از آنجا که چاه و آب روان در دسترس همه نیست، مؤمنان در بعضی از شهرها و در مسجد جمکران، چاهی حفر نموده‌اند که مردم عریضه‌های خود را درون آن بیندازند. ملاقات با امام زمان(عج) سوال. چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟ پاسخ. ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی، نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی، نیاز به تحقق دو بعد (معرفت و عمل) دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند ناگفته نماند که ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات و رؤیت امام زمان(عج) نیستیم. آنچه وظیفه ما است، تشبه به آن بزرگواران و پیمودن راه آنان است. ما باید در همه حال سرباز آماده آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: صلی الله علیه وسلم‌یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقوالله لعلکم تفلحون‌رحمهما الله «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «صبر کنید بر ادای فرایض (در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می‌کشید) مرابطه نمایید». کتاب الغیبهٔ، شیخ مفید، ص ۱۰۵. مرابطه با امام زمان(عج)؛ یعنی، خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن. این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. همچنین باید کارهایی انجام داد که آن حضرت و اصحاب‌شان انجام می‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: صلی الله علیه وسلم‌الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهو عن المنکررحمهما الله «کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند».حج، آیه ۴۱.

پاسخ(قسمت دوم)

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او».تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷. در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به امور مذکور اهتمام ورزیم. وظیفه منتظران خوب است بدانیم که امام زمان(عج) شدیداً به شیعیان خود عشق می‌ورزد؛ بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. ایشان همواره برای شیعیان خود دعا می‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم» ؛ «ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم». بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴. آنچه بر ما بایسته است، جلب رضایت آن بزرگوار است. پیوستگی با او، یعنی، مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده، انتظار فرج است. ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از این‌رو بسیار بجا است که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم. رسول خدا(ص) فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج» ؛ «برترین عبادات، انتظار ظهور و فرج است». فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید. وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد. تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد، حتما خانه را تمیز و مرتب وسایل پذیرایی را آماده می‌نماید و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب

و تمیزی پوشیده و نه اصلاً به فکر میهمان است؛ اگر ادعا کند که در انتظار میهمان بوده، همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه‌گویی او خواهند خندید! لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین، انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود، از رفتار و کردار او فهمیده می‌شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد، در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود! آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید». با چنین توضیحی، روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان(عج) باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد، یعنی، در هر لحظه که این خبر را به او بدهند، خوشحال شود و آماده یاری آن حضرت باشد و با مال و جان خویش جهاد کند و خود را در راه آن حضرت فدا نماید. یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست؛ چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها، دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به نکات ذکر شده می‌توان بعضی از وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. معرفت: اولین شرط انتظار معرفت است؛ تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد، منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد، اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد، برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان(عج) هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند (مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر)، هرگز انتظار او را نمی‌کشند؛ اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش و مقام او را می‌دانند، منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان را نمی‌شناسند – اگر چه به ظاهر مسلمان باشند – چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه» ؛ «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است». بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱. بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان(عج) است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به آن حضرت بیشتر باشد، ارزش او را بیشتر درک کرده و به عظمت او بیش از پیش پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت، هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس ایشان نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند! وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند شناخت امام زمان دو گونه است: ۱. شناخت تاریخی وجود آن حضرت؛ مانند اینکه او امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. ۲. شناخت مقام نورانیت آن حضرت؛ که این شناخت کار هر کسی نیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی‌اند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند. برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند دوستی و محبت امام عصر(عج) است. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد – هر چند هم که او رابشناسد – نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد؛ اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید، چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان(عج) در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد، نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید. محبت به امام زمان(عج) وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است؛ آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: صلی الله علیه وسلم‌قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی‌رحمهما الله شوری، آیه ۲۳. ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود؛ ولی با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت، اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل

اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به آن حضرت را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان(عج) باشد، شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با ولی عصر(عج) بیشتر باشد، محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. پس منتظر واقعی باید سعی کند تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان(عج) می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت بوده و با ارتباط با آنها، به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس «تعاونوا علی البر و التقوی» به کمک مؤمنان منتظر، خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند. بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان(عج) مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب، عادت دیرینه منتظران عاشقی است که چندی منتظر محبوب خویش هستند؛ اما نتوانسته‌اند پس از مدت‌ها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر(عج) و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام و عنایت امام به شیعیان، وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۷. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا هدیه نمودن ثواب‌هایی به حضرت مهدی(عج). ۸. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران. ۹. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت؛ چنان‌که در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما» ؛ «هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد». بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶. از این رو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می‌باشد. ۱۰. محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک؛ «عزیز علی ان اری الخلق و لاـتری و لاـ اسمع لک حسیسا و لا نجوی...»؛ «بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم». دعای ندبه. ۱۱. اصلاح جامعه؛ فرج یعنی، نصرت، پیروزی، گشایش و مقصود، پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بیداد است؛ بنابراین انتظار فرج؛ یعنی انتظار تحقق‌یافتن این آرمان بزرگ و جهانی و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد؛ و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود. ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است؛ زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر او است، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او، چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی، با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدسات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است. انتظار فرج یعنی: الف. معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت، ب. ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه، ج. عشق به عدالت وارزش‌های انسانی، ه. امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش، ک. تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر، ح. رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی، خ. داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کنند. بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵؛ ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ

اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۰-۱۹۳ بـا تصـرف. یـادآوری مهم: درست است که وظیفه ما تلاش برای ملاقات با امام زمان(عـج) نیست و حتی بنـا بر نظر بعضـی از بزرگان تحقق این مسأله خیلی بعیـد و نادر می باشـد و اگر هم ممکن باشـد، برای امثال مقـدس اردبیلی و علامه حلی قابـل تصور است؛ نه انسان های عادی هر چنـد مؤمن و خوب، البته بحث ملاقات، با بحث ارتباط نبایـد خلط شود؛ زیرا وظیفه ما ایجاد ارتباط با امام عصـر(عج) می‌باشد. منتظر امام زمان(عج) وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی‌شود، از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، نماز امام زمان و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران، ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می‌نمایـد و برای گره گشـایی مـادی و معنوی از ایشـان به عنوان واسـطه فیض الهی درخواست می کنـد و خود را در محضـر ایشـان می‌بینند. سؤال. چرا برای سـلامتی امام زمان(عج) دعا کنیم؟ در حالی که خداوند اراده نموده ایشان زنده و سـلامت بمانند آیا اصـلاً امکـان دارد آن وجود مبـارک دچار کسالت شونـد؟ آن سـفر کرده که صـد قافله دل همره اوست هر کجا هست خـدایا به سـلامت دارش دیوان حافـظ، ص ۲۲۳. دعـا برای سـلامتی امـام زمـان(عـج) آثار و برکات فراوانی دارد از جمله: ۱. نشـانگر علاقه و محبت مسـلمانان به ایشان است. اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین بخشـی از ایمان و شرط قبولی اعمال است، در عین حال دعا کردن در حق امـام زمـان(عـج) موجب ازدیـاد محبت آن حضـرت در دل و در نتیجه موجب تقویت ایمـان می گردد. ۲. اظهار تجدیـد عهد و پیمـان بـا آن حضـرت است و محتوای پیمان با آن حضـرت را دین داری و شـریعت محوری و تصـمیم قلبی بر اطاعت امر امام(ع) و یاری‌رساندن او با نثار جان و مال تشکیل می‌دهد. تجدید بیعت با آن حضرت(ع) کاری است که بعد از هر نماز از فرایض پنجگانه، یـا در هر روز و یا در هر جمعه مسـتحب است. دعای عهـد مفاتیـح الجنان، ص ۸۹۱ و ۸۹۲. شاهدی برای این سـخن است. ۳. سبب زنـده نگه داشـتن یـاد امـام غـایب در دل منتظران می گردد. یاد امام زمان(عـج) توجه به ارزش‌های دین و اصول اخلاقی را در دلها جوانه می زنـد و برعکس غفلت از یـاد و خـاطره امـام یکی از دلایـل عمـده پژمردگی‌و سـستی ارزش هـای الهی وانسانی در جوامع مسلمان است. ۴. کسـی که سـلامتی امام زمانش برایش مهم است، مسلما آزردن آن حضرت برایش سخت است در نتیجه دعا برای سلامتی آن حضـرت، انسـان را بر انجـام کارهـایی وامی دارد که موجب خشـنودی آن حضـرت و در نتیجه سـبب رسـیدن به مقـام رضـوان الهی می گردد. ۵. دعـا بسـیار مؤثر است و موجب فرج آن حضـرت و نیز فرج و گشـایش در زنـدگی مؤمنـان می شود. ۶. موجب قرب الهی است. امام مهـدی(عـج) در خصوص زیارت آل یس می فرماینـد: «هرگاه خواستید به وسـیله ما به خداوند و به ما توجه کنیـد این زیارت را که از جانب خداوند انشاء شده است بخوانید» مفاتیح الجنان، ص ۸۶۳. این زیارت که از جهات مختلف، محتوایی عمیق دارد بسـیار مورد تأکیـد و سـفارش قرار گرفته است. از جمله سـلام هـایی که در این زیـارت ادا می شود، از ابتـدا تا انتها، دعای برای سـلامتی و تندرستی و بهروزی امام زمان(عج) است. «السـلام علیک یا خلیفه الله و ناصـر حقه... السلام علیک حین تصبح و تمسی، السلام علیک فی الیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی ... السلام علیک بجوامع السلام...» ؛ «سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری کننـده حق... درود و سـلام بر تو هنگامی که بامـداد و شام کنی، درود و تهیت الهی بر تو در شب که همه جا را فراگیرد و در روز، در وقتی که نور دهد (یعنی سلام بر تو در هر صبح و شام)...، درود بر تو درودی همه جانبه...». در دعای بعد از این زیارت نیز معانی بلندی نهفته است. از جمله عرض می کنیم: خدایا او «امام زمان(عج)» را از شـر هر متجاوز و سرکشـی و از شر همه خلق خود پناه ده و او را از حوادث یومیه، از پیش رو، و از پشت سر و از طرف چپ، حفظ و نگهداری کن و از این که آسیب و گزندی به او برسـد جلوگیری کن و در خصوص او، رسولت و خانـدان رسولت را حفظ نما و به دست مبارکش عـدل و داد را پدیدار نما! «اللهم اعذه من شـر کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولک و آل رسولک واظهر به العـدل...» . در پایان سـخن لازم است یادآور شویم که دعا کردن برای سلامتی و فرج آن حضـرت، اطاعت از امر خداونـد و نیز اهل بیت پیامبر اکرم(ص) است. «و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند و خداترس و پرهیزکار باشد چنین کسی به فوز و سعادت خواهد رسید». نور، آیه ۵۲.

مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟

پرسش

مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟

پاسخ

مستند مسجد جمکران قضیه‌ای است که مرحوم حاجی نوری در کتاب" نجم‌الثاقب "و"جنّة المأوی "و"الکلمة الطیّبة "ونیز میرزا محمّد تقی ارباب قمی در کتاب" تاریخ دارالایمان "ودیگران از کتاب" تاریخ قم "تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، به نقل از کتاب" مونس‌الحزین "محمّد بن بابویه معروف به شیخ صدوق نقل کرده‌اند. این نقل مشتمل بر قضیّه‌ای از حسن بن مثله جمکرانی؛ است که در آن اشاره به ملاقاتی شده که او در سال ۲۹۳ هجری در بیداری با امام زمان (ع) داشته است. در این دیدار حضرت به او دستور می‌دهد که با عالم جلیل‌القدر سید ابی‌الحسن الرضا از علمای قم ارتباط پیدا کرده وبا کمک او مسجدی را در این مکان موجود بنا نماید... . {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰. پاورقی} قابل توجه اینکه کتاب" انوار المشعشعین "از کتاب" تاریخ قم "واو نیز از کتاب" مونس الحزین "از امیرالمؤمنین (ع)، قضیه به اهتزاز در آمدن پرچم امام زمان (ع) از مسجد جمکران را نقل کرده است.

مدرک نماز خاصّ مستحبی در مسجد جمکران چیست؟

پرسش

مدرک نماز خاصّ مستحبی در مسجد جمکران چیست؟

پاسخ

در قضیّه‌ای که حسن بن مثله جمکرانی نقل می‌کند، آمده است: حضرت فرمود..."": در این مکان هفت روز اقامت کن ودر آن چهار رکعت نماز گزار، دو رکعت نماز تحیّت مسجد، در هر رکعت یک بار سوره حمد وهفت بار سوره اخلاص، وتسبیح رکوع وسجود را نیز هفت بار تکرار کن. ودو رکعت نیز نماز به نیّت نماز صاحب‌الزمان به جای آور، در رکعت اوّل سوره حمد، وهنگامی که به" ایاک نعبد و ایاک نستعین "رسیدی این جمله را صدبار تکرار کن، وبعد از اکمال سوره حمد، یک بار سوره اخلاص را می‌خوانی، آن گاه ذکر رکوع وسجود را هر کدام هفت بار می‌گویی، ودر رکعت دوم نیز همین عمل را تکرار می‌کنی. بعد از اتمام نماز یک بار ذکر" لا إله الاّ اللّه "می‌گویی وبعد از تسبیحات حضرت زهرا (ع) صد بار صلوات در سجده می‌فرستی. آن گاه فرمود: بر تو باد به مواظبت بر این نماز وهر کس در آن مسجد حاضر شود واین نماز را به جای آورد مثل آن است که در بیت العتیق (خانه خدا) نماز گزارده است."

آیا سند قضیه بنای مسجد جمکران معتبر است؟

پرسش

آیا سند قضیه بنای مسجد جمکران معتبر است؟

پاسخ

در مورد بنای مسجد مقدس جمکران وخواندن نماز در آن، احتیاج به بررسی سند این قضیه نیست، زیرا مطابق احادیث صحیح‌السند که در مورد اعمال مستحب رسیده هرکس به گمان رسیدن به ثواب، عمل مستحبی را انجام دهد به او ثواب داده می‌شود گر چه آن حدیث واقعیت نداشته باشد. کلینی به سند صحیح از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": هر کس چیزی از ثواب بر عملی بشنود وآن را انجام دهد، به او پاداش داده خواهد شد گر چه مطابق آنچه به او رسیده نباشد. "برقی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": هرکس از پیامبر (ص) چیزی از ثواب به او برسد ومطابق آن عمل کند، پاداش آن به او داده می‌شود گر چه پیامبر آن را نفرموده باشد."

چرا در کتاب" تاریخ قم "که پنج باب دارد اثری از قضیه جمکران نیست؟

پرسش

چرا در کتاب" تاریخ قم "که پنج باب دارد اثری از قضیه جمکران نیست؟

پاسخ

کتاب" تاریخ قم "که الآن در دسترس محقّقین است یک چهارم اصل کتاب می‌باشد؛ زیرا مطابق آنچه در کتاب آمده این کتاب مشتمل بر بیست باب بوده که تنها پنج باب آن به دست رسیده وچاپ شده است. ولذا احتمال قوی است که قضیه جمکران در آن بخشی از" تاریخ قم "بوده که مفقود شده است. ومرحوم محدّث نوری ومشایخ او بر اصل کتاب دسترسی پیدا نکرده‌اند. ولذا او این قضیه را از سید نعمت اللّه جزایری نقل کرده که اصل نسخه" تاریخ قم "در دسترس او بوده است.

مسجد جمکران از چه اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است؟

پرسش

مسجد جمکران از چه اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است؟

پاسخ

این مسجد از اهمیّت خاص برخوردار است: ۱ – مسجد، در مکانی بنا شده که مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی از امام زمان (ع)، از مکان‌هایی است که خداوند متعال از قبل مورد توجه قرار داده است. ۲ – مسجد به امر ودستور حضرت حجت (ع) بنا شده است، وهمین جهت در شرافت وقداست آن کافی است. ۳ – ثواب خاصی که برای نماز در آن مسجد ذکر شده است، زیرا حضرت فرمود": هر کس آن دو نماز را در این مکان بخواند به مانند آن است که در بیت العتیق نماز به جای آورده است. "۴ – مسجد مقدس جمکران محلّ اجتماع عشّاق وموالیان اهل بیت: خصوصاً امام زمان (ع) است ولذا از جاذبه خاصّی برخوردار می‌باشد. چه بسا کسانی که هر هفته از راه‌های دور به عشق حضرت مهدی (ع) به این مکان آمده واز فیوضات حضرت بهره‌مند می‌شوند. طبق آماری که داده شده برخی از شب‌ها تا حدود یک میلیون نیز در این مکان مقدس از عشّاق امام زمان جمع شده‌اند. ۵ – این مکان از اماکن مقدس است که بسیاری از گرفتاران وبیماران صعب‌العلاج بلکه کسانی که محال بوده از راه طبیعی علاج شوند در این مکان مقدّس شفا یافته‌اند. ۶ – این مکان مقدّس از جمله مکان‌هایی است که بسیاری از عشّاق وموالیان حضرت به لقای ایشان شرفیاب شده‌اند. ۷ – این مکان از چنان قداست واحترامی برخوردار است که بزرگان علما در طول تاریخ آن با پای پیاده یا سواره برای توسل به حضرت ونماز گزاردن در آن، از راه‌های دور ونزدیک، مشرّف شده‌اند.

آیا چهل بار رفتن به جمکران برای قضای حاجت مدرکی دارد؟

پرسش

آیا چهل بار رفتن به جمکران برای قضای حاجت مدرکی دارد؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق دلیل خاصی وجود ندارد بلکه از سه طریق می‌توان مشروعیّت آن را به اثبات رسانید: ۱ – سیره متشرّعه از علما وصلحا واتقیا بر مداومت رفتن چهل بار به مسجد جمکران است همان گونه که این عمل در مسجد سهله نیز انجام می‌شود. ۲ – در روایات بسیاری به این مطلب اشاره شده که هرکس چهل روز خود را برای خدا خالص کند چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می گردد. {پاورقی . کافی، ج ۲، ص ۱۶ ؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ص ۲۵۸. پاورقی} ۳ – از مجموعه روایات استفاده می‌شود که عدد چهل در شکوفایی قابلیّت‌های مادّی ومعنوی تأثیر بسزایی دارد، از آن جمله: – تأثیر عدد چهل در رشد فرزند در رحم. – تأثیر شراب خوردن در عدم قبولی نماز تا چهل روز. – قبولی توبه بهلول نیّاش بعد از چهل روز. – کناره‌گیری پیامبر (ص) از خدیجه به جهت انعقاد نطفه حضرت زهرا (س) به مدّت چهل روز. – چهل روز دعای عهد را خواندن باعث می‌شود که انسان از یاران امام زمان (ع) باشد. – امام زمان (ع) هم چهل روز تحت تربیت ملائکه بود. – طینت حضرت آدم (ع) در چهل روز خمیر شد. – حضرت موسی (ع) تا چهل روز با خداوند در کوه طور ملاقات داشت. – پیامبر اکرم (ص) بعد از چهل سالگی به نبوّت مبعوث شد. – عقل انسان تا چهل سال قابل رشد است. – شهادت چهل مؤمن بر میّت موجب مغفرت او از جانب خداوند می‌شود. – حفظ چهل حدیث انسان را در قیامت، فقیه محشور می کند. – حدّ همسایه تا چهل خانه است. – حریم مسجد تا چهل خانه است. وسایر

موارد. از این احادیث وموارد دیگر استفاده می‌شود که عدد چهل در قابلیت بخشیدن ورساندن انسان به کمالات وشکوفا شدن او تأثیر بسزایی دارد، ولذا می‌توانیم از این موارد الغای خصوصیّت کرده، عدد چهل وچلّه‌گیری را در تمام موارد کارهای خیر تعمیم دهیم. سیّد بحرالعلوم می‌گوید": ما بالعیان مشاهده کرده‌ایم وبه بیان دانسته‌ایم که برای این رقم از عدد" چهل "خاصیّت وتأثیر مخصوصی در ظهور استعدادها وتکمیل ملکات انسانی در طیّ منازل وپیمودن مراحل است. {"پاورقی . رساله سیر وسلوک، ص ۲۳. پاورقی}

آیا شب چهارشنبه به مسجد جمکران رفتن مدرکی دارد؟

پرسش

آیا شب چهارشنبه به مسجد جمکران رفتن مدرکی دارد؟

پاسخ

مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، که خدمت حضرت مشرّف شد، ملاقات در شب سه‌شنبه بوده است. حضرت به او دستور می‌دهد که در میان گله جعفر کاشانی بزی است، بر تو است که آن را خریده ودر این موضع ببری وآن را در شب آینده" شب چهارشنبه "ذبح کنی وگوشت آن را در روز چهارشنبه توزیع نمایی... . {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۲. پاورقی} از تعبیر ودستور امام (ع) که فرمود: شب چهارشنبه بز را ذبح کن استفاده شده که این شب از ارزش خاصّی برخوردار است، ولذا مخلصین حضرت در این شب مبارک دور هم جمع می‌شوند وبا استمداد از خداوند متعال وتوسل به آن حضرت درصدد ذبح نفس اماره خویش برآمده وحاجات خود را از آن حضرت طلب می‌کنند.

مساجد دیگر

اگر می شود نام چندمسجد را نام ببرید که امام زمان(موقع ظهور خود خراب می کند. آیا همین مسجد ما هم احتمال دارد؟ ما می توانیم بحث را به شاید بگیریم و علت اینکه چرا مسجد را خراب می کنند؟

پرسش

اگر می شود نام چندمسجد را نام ببرید که امام زمان(موقع ظهور خود خراب می کند. آیا همین مسجد ما هم احتمال دارد؟ ما می توانیم بحث را به شاید بگیریم و علت اینکه چرا مسجد را خراب می کنند؟

پاسخ

در روایات آمده است که حضرت مهدی(مسجدی را که یزیدبن معاویه بعد از شهادت امام حسین(بنا کرده خراب می کند و هر

مسجدی را که برای خدا ساخته نشده ویران می سازد.(۱) علامه مجلسی در ذیل این روایت می گوید" : مسجد یا مساجدی که امام زمان(دستور می دهد ویران می کنند، شاید مساجدی باشد که بعد از شهادت امام حسین، جنایتکاران بنی امیه به شکرانه کشتن آن حضرت ساختند. و هر مسجدی که آن را برای توطئه با اسلام و مرکز نفاق و ضربه زدن به اسلام بسازند. درست همان کاری که پیامبر اکرم(در مورد مسجد ضرار انجام داد زیرا مسجد را به جهت از بین بردن اسلام ساختند. "و بعلاوه در بعضی روایات آمده است که امام زمان(هنگام ظهور، مساجد و بعضی از اماکن دینی و غیردینی را خراب می کنند زیرا یا آنها را برخلاف شرع ساخته اند و یا در ملک غصبی و یا بر خلاف قبله مسجدی را ساخته اند که مردم از آن اطلاع نداشته اند، ولی چون امام از باطن هر چیزی مطلع هستند آن را ویران می کنند و بر اساس صحیح و مشروع تجدید بنا می کنند. تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست. طرح گفتمان دینی در مساجد منابع و مآخذ : ۱. ر.ک : بحارالانوار، ج۱۳، کتاب مهدی موعود ، ترجمه علی دوانی.

مسجد سهله چه ارتباطی با حضرت مهدی‌علیه‌السلام دارد؟

پرسش

مسجد سهله چه ارتباطی با حضرت مهدی‌علیه‌السلام دارد؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات این مسجد اقامتگاه شخصی حضرت بقیة اللّه –ارواحنا فداه– در دوران ظهور خواهد بود. ۱ – روزی نزد امام صادق (ع) سخن از مسجد سهله به میان آمد، حضرت فرمود": اما انّه منزل صاحبنا اذا قام بأهله"؛ "آگاه باشید! همانا آن مکان اقامتگاه صاحب ما است،{پاورقی . کافی، جلد ۳، ص ۴۹۵. پاورقی} هنگامی که با اهلش قیام کند ".۲ – و نیز از حضرت (ع) نقل شده که خطاب به ابوبصیر فرمود": یا ابامحمّد! کأنّی اری نزول القائم (ع) فی مسجد السهلة بأهله وعیاله"؛ "ای ابامحمّد! گویا فرود آمدن قائم (ع) را با{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶. پاورقی} اهل و عیالش در مسجد سهله با چشم خود می‌بینم".

در مورد حضور در مسجد سهله چه سفارشی شده است؟

پرسش

در مورد حضور در مسجد سهله چه سفارشی شده است؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، حضور در این مسجد و نماز به جای آوردن در آن سفارش بسیار شده است: ۱ – امام صادق (ع) خطاب به علاء بن رزین فرمود": در نزدیکی شما مسجدی هست که شما آن را" مسجد سهله "نامیده و ما آن را" مسجد شری "می‌نامیم. آیا

در آن مسجد نماز به جا می‌آوری؟ علاء گفت: آری، جانم به فدایت، من در آن جا نماز می‌خوانم. آن گاه حضرت فرمود": ائته، فانّه لم یأته مکروب الاّ فرّج اللّه کربته - او قال: قضی اللّه حاجته"؛ "...آن جا برو؛ زیرا هرگز اندوهناکی به آن جا نمی‌رود جز این که خداوند {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷. پاورقی} اندوهش را می‌زداید. -یا فرمود: حاجتش را برآورده می‌کند. "-...۲ - و نیز از حضرت صادق (ع) نقل شده که فرمود": ما من مکروب یأتی مسجد السهلة فیصلّی فیه رکعتین بین العشائین و یدعو اللّه تعالی الاّ فرّج اللّه کربه"؛ "هیچ غم‌زده‌ای نیست که {پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۶. پاورقی} به مسجد سهله برود و در آن دو رکعت نماز بین مغرب و عشاء به جای آورد و خدا را بخواند، جز آن که خداوند غم‌هایش را زایل می‌گرداند ".۳ - و نیز فرمود": اذا دخلت الکوفه، فأت مسجد السهلة، فصلّ فیه و اسأل اللّه حاجتک لدینک و دیناک"؛ "هر گاه وارد کوفه شدی به مسجد سهله برو و در آن جا نماز بگذار، آن گاه {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴. پاورقی} حاجت‌های مادّی و معنوی خود را از خداوند طلب کن".

آیا در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه مدرکی وجود دارد؟

پرسش

آیا در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه مدرکی وجود دارد؟

پاسخ

در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه، مدرکی از ناحیه اهل‌بیت (ع) به دست ما نرسیده است، جز این که سید بن طاووس فرموده": اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشای شب چهارشنبه قرار بده که این وقت از دیگر وقت‌ها برتر است. {"پاورقی . مصباح الزائر، ص ۱۰۵. پاورقی} محدّث نوری در این مورد می‌گوید": امّا مستند چهل شب همان عمومات است. {"پاورقی . النجم الثاقب، ص ۸۴۵. پاورقی} مقصود ایشان از عمومات، روایاتی است که بر عدد چهل و عمل چله‌گیری آثار مترتّب کرده است. موضوع: ازدواج امام مهدی علیه السلام

در زمان ظهور حضرت با مساجد نفاق چه می‌کنند؟

پرسش

در زمان ظهور حضرت با مساجد نفاق چه می‌کنند؟

پاسخ

حضرت مهدی«علیه السلام» مساجدی که به ضرار باشند خراب خواهد کرد چنانکه رسول گرامی اسلام«صلی الله علیه وآله» در مجسد ضرار در مدینه را که منافقین ساخته بودند خراب کرد(۱). « بخش پاسخ به سؤالات » ۱) به سوره توبه آیه ۱۰۷ و ۱۰۸

مراجعه فرمائید.

سایر موارد

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟

پرسش

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟

پاسخ

ایستادن به موقع شنیدن نام مبارک امام زمان(عج) خصوصاً اسم مبارک" قائم "مستحب است و از وظایف شیعیان در دوران غیبت امام زمان(ع) می‌باشد.(۱) بهتر است انسان همزمان با شنیدن نام مبارک حضرت قیام نماید ، نه زودتر ، ولی مقداری زودتر ایستادن اشکال ندارد، چون معلوم است که مردم به خاطر احترام به امام دوازدهم (عج) برمی‌خیزند. پی نوشت: ۱ - منتهی الامال ، ج ۲، (وظایف شیعیان در دوران غیبت) ص ۴۸۸. سؤال : اکثر اوقات بعد از خطبه اوّل در نماز جمعه شرکت می کنم، اشکال دارد؟ پاسخ: چون در خطبه‌های نماز جمعه امام در مورد مصالح دین و دنیای مسلمانان صحبت می کند و آنان را به رعایت تفوا و شئون اسلامی دعوت می کند. نمازگزاران باید سعی کنند به خطبه های نماز برسند، ولی اگر نرسیدند، اشکال ندارد و نماز جمعه آنان صحیح است. (۱) پی نوشت: ۱ - آیت الله مکارم شیرازی، استفتاآت، ج ۲ ، ص ۱۴۱، سؤال ۴۰۲، آیت الله فاضل لنکرانی، جامع المسائل ، ج ۱ ، ص ۱۲۲، سؤال ۴۴۳.

می گویند یزید بعد از به شهادت رساندن امام حسین ۷به شکل سگ در آمد و تا ظهور امام مهدی ۷زنده است . آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پرسش

می گویند یزید بعد از به شهادت رساندن امام حسین ۷به شکل سگ در آمد و تا ظهور امام مهدی ۷زنده است . آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پاسخ

یزید زنده نیست . و در سال ۶۴هجری مُرد.() دربارهء یزید نوشته اند: عاشق دختری بود و اصرار(پاورقی ۲.علی اکبر فیاض , تاریخ اسلام , ص ۱۸۱ بر گرفتن او داشت . دختر منزل مستقلی خواست و در آن , منزل سگی داشت که اسمش را یزید گذاشته بود, به طوری که وقتی صدا می زد: یزید,سگ می آمد و دُمش را تکان می داد. شبی به یزید گفت : باید کسی نفهمد وغچ تنها باید پیش من بیایی . یزید نصف شب وارد شد و دختر او را کشت و بدنش را در چاهی انداخت . صبح که مأموران آمدند, زن گفت :

دیشب به سگ تبدیل شد و اگر می خواهید او را صدا بزنید. البته نظر دیگری هم گفته اند که یزید برای شکار به صحرا رفت و در تعقیب شکار, از لشگرش دور افتاد وبسیار تشنه شد. خیمهء پیرمردی را در بیابان دید. آمد از او آب طلبید. پیرمرد آب اندکی به وی داد, ولی یزیدسیراب نشد و گفت : اگر مرا می شناختی , بیش تر آب می دادی . پیرمرد گفت : تو که هستی ؟ گفت : من یزید بن معاویه ام . پیرمرد وارد خمیه شد و شمشیری برداشت و غافلگیرانه به او زد. اسب رم کرد و بدن یزید بر اثرسقوط از روی اسب , قطعه قطعه شد.

می خواستم بدانم اگر توفیق داشتیم که در عصر آقا(امام زمان) زندگی کنیم، آیا ایشان به سید ها محرم هستند؟

پرسش

می خواستم بدانم اگر توفیق داشتیم که در عصر آقا(امام زمان) زندگی کنیم، آیا ایشان به سید ها محرم هستند؟

پاسخ

تمامی سادات به یکدیگر محرم نیستند، حتی در زمان ائمه(ع) برخی از سادات بر برخی دیگر محرم نبودند. احکام محرمیت آنان مانند احکام محرمیت دیگران است، مثلاً پسر عمو و دختر عمو با هم محرم نیستند، حتی اگر پدرشان سید باشد. خویشاوندی علّت محرمیّت نیست. پسر عمو و دخت عمو، پسر خاله و دختر خاله و ... با هم خویشاوند هستند، ولی با یکدیگر محرم نیستند. در زمان حضور حضرت مهدی(ع) نیز احکام شرعی مذکو مراعات خواهد شد.

چرا می گویند ایران کشور امام زمان(عج) است؟

پرسش

چرا می گویند ایران کشور امام زمان(عج) است؟

پاسخ

بعضی از جوامع دارای مؤلفه و شاخصه هایی هستند که به خاطر آن ها شهرت می یابند. یکی از شاخصه های جامعهٔ اسلامی ایران، اهل بیت(ع) محوری است؛ بدین معنا که گوشت و پوست مردم ایران با محبت پیامبر(ص) و خاندان او در هم آمیخته است و مردم ایران سخت به پیامبر و اهل بیت او احترام گذاشته و به آنان عشق می ورزند. عزاداری مردم ایران برای اهل بیت(ع) و برگزاری مراسم جشن به مناسب ولادت آنان، بیانگر اهل بیت محوری آنان است. یکی از مصادیق بارز اهل بیت محوری مردم ایران در اعتقاد آنان به امام زمان(عج) ظهور می کند. مردم ایران با عشق امام زمان زندگی نموده و او را تنها منجی عالم می دانند. آنان باور دارند که امام زمان(ع) حکومت جهانی تشکیل داده و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. البته اعتقاد به مصلح کل از باورهای عمومی تمام ادیان و مذاهب است. همهٔ جهانیان بدان اعتقاد دارند، ولی فرهنگ مهدویت باوری در ایران اسلامی به گونه ای پر

رنگ است که جهانیان، جامعهٔ اسلامی ایران را به عنوان جامعهٔ امام زمانی می شناسند. در واقع تنها کشور که اکثر جمعیت آن شیعه بوده و بر اساس فقه شیعه و اصول اعتقادات و باورهای شیعه پی ریزی شده، طبعاً اعتقاد به امامان و از جمله امام زمان(عج) به صورت اکثریت قاطع در آن وجود دارد، تنها ایران است. هم چنین مردم ایران عقیده دارند امام زمان آنان را در پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت یاری کرده، امروز نیز حضرت، آنان را در صحنه های مختلف حمایت می کندو مردم ایران مورد عنایت خاص امام زمان(ع) هستند. از سوی دیگر آنان عقیده دارند انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز انقلاب مهدی(عج) است و امیدوارند که حکومت ایران به حکومت امام زمان متصل گردد. امروزه محبت مردم ایران به ویژه جوانان به امام زمان(عج) افزایش یافته است. محبت مردم ایران آن چنان به امام زمان(ع) گسترش یافته که یاد و خاطرهٔ حضرت در مجالس، دعاها و زیارتنامه ها جلوهٔ خاصی گرفته است. جوانان به امید ظهور او زندگی می کنند. گسترش فرهنگ مهدویت و محبت مردم ایران به امام زمان(ع) موجب شده است که کشور ایران را، به عنوان کشور امام زمان بشناسد.

پیدایش مؤمنان از صُلْب کفار یعنی چه و چه ربطی با ظهور حضرت مهدی دارد؟

پرسش

پیدایش مؤمنان از صُلْب کفار یعنی چه و چه ربطی با ظهور حضرت مهدی دارد؟

پاسخ

چنانچه در اخبار و احادیث است خداوند نطفه‌های بسیاری از مؤمنان را در اَصلاب کفار به ودیعه گذارده و این ودایع باید ظاهر شود و پیش از ظهور این ودایع، قیام امام با شمشیر و قتل کفار و رفع جزیه، عملی نخواهد شد زیرا مانع از خروج این ودایع می‌شود. آیا کسی پیش بینی می کرد از صلب حجاج خونخوار ستمکار که در بین دشمنان اهل بیت مانند او در شرارت کم یافت شده، مردی چون حسین بن احمد بن الحجاج معروف به ابن الحجاج شاعر و سخنور معروف شیعه و دوستدار خاندان رسالت(ع) پیدا شود که آن قصائد غرّا و اشعار شیوا را در مدح و مناقب علی(ع) و اهل بیت آن حضرت و در نکوهش و سرزنش دشمنان آنها بگوید و مذهب شیعه را ترویج نماید؟ آیا کسی گمان می کرد از فرزندان سندی بن شاهک، قاتل حضرت موسی بن جعفر (ع) یکی از مشاهیر شعرا و ستارگان جهان ادب (کشاجم) پیدا شود که تحت تأثیر جلوهٔ حقیقت و ولایت علی(ع) و خاندانش عمرش را به مدیحه سرائی و نشر فضایل اهل بیت به پایان رساند. پس این موضوع (خروج نطفه‌های مؤمنان از اصلاب کفار)، موضوع مهمی است که ظهور نباید مانع از آن شود و باید ظهور در موقعی واقع شود که در اصلاب کفار ودیعه ای باقی نمانده باشد، چنانچه در سرگذشت نوح پیامبر ـ علی نبینا و آله و علیه السلام ـ قرآن مجید از سخن او در مقام دعا خبر داده: «وَلا یَلِدُوا اِلّا فاجِراً کَفّاراً» نوح/۲۷ [و فرزندی هم جز بدکار و کافر از آنان به ظهور نمی‌رسد.] ظهور جهانی حضرت ولی عصر (عج) نیز در چنین موقعیتی واقع می‌شود. و به همین معنی آیهٔ شریفهٔ: «لَوْ تَزَیَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلیماً»نوح/۲۵ [اگر شما عناصر کفر و ایمان از یکدیگر جدا می گشتید همانا آنان که کافرند را به عذاب دردناک معذب می‌ساختیم] در روایات متعددی که در تفسیر برهان و صافی و بعضی تفاسیر دیگر و کتب حدیث روایت شده تفسیر گردیده است. و مضمون آن روایات این است که: قائم(ع) هرگز ظاهر نشود تا ودایع خدا خارج شود، پس وقتی خارج شد، دشمنان خدا بر هر کس ظاهر شود و آنها را به قتل رساند.

در زمان غیبت اگر فقیهی با اشکال روبرو شد تکلیفش چیست؟

پرسش

در زمان غیبت اگر فقیهی با اشکال روبرو شد تکلیفش چیست؟

پاسخ

فقیه یعنی کسی که قدرت دارد احکام را از ادله ی آن براساس معیارهایی که در دست دارد استنباط کند و چنین فقیهی هیچگاه در تعیین وظیفه دچار اشکال نمی شود زیرا منابع فقهی یک فقیه برای استنباط حکم شرعی عبارت است از کتاب و سنّت و عقل و اجماع که بعد از مباحث علم اصول و مقدّمات دیگر به سراغ این منابع می روند و به استنباط حکم می پردازند با این وصف مجتهدی که اجتهاد او مطلق نیست و متجزی نیست با تلاش و زحمتی که در راه اسباط احکام متحمّل می شود می تواند همه احکام را از منابع آنها استخراج کند.

مجله ای در کشور منتشر می شود به نام" خورشید مکه "که مختص امام زمان" ع "است و بعضی از مسائل ارتباط با امام را طوری مطرح می کنند که تقریباً غیر عقلایی بنظر می رسد؟! این مجله آیا مورد اطمینان است؟

پرسش

مجله ای در کشور منتشر می شود به نام" خورشید مکه "که مختص امام زمان" ع "است و بعضی از مسائل ارتباط با امام را طوری مطرح می کنند که تقریباً غیر عقلایی بنظر می رسد؟! این مجله آیا مورد اطمینان است؟

پاسخ

آنچه به نظر می رسد این است که دور جدید فعالیتهای انجمن حجتّیه باسبک وسیاق جدیدی آغاز شده است و با توجه به اینکه از گذشته یکی از مراکز اصلی فعالیت انجمن مشهد بوده است در دور جدید فعالیت خود با برگزاری جلسات مذهبی در بعضی نقاط شهر و انتشار مجلهٔ خورشید مکه به نوعی دنبال تشکل بخشیدن دوباره و جذب نیروهای جدید می باشد لذا در این مجله بیشتر به تبلیغ کتب آقای ابطحی پرداخته است اگر چه برای رد گم کردن اشعاری از مقام معظم رهبری نیز بعضاً در این مجله به چشم می خورد. پیشنهاد می شود به جای این مجله، از فصلنامه علمی ـ تخصصی" انتظار "که صاحب امتیاز آن" مرکز تخصصی مهدویت "و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود" عج "و به مدیر مسؤولی حجةالاسلام محسن قرائتی می باشد، استفاده کنید. برگه اشتراک فصلنامه و نشانی مرکز به پیوست برای شما فرستاده می شود.

علت تفضیل حضرت قائم (ع) بر سایر ائمه چه می باشد؟

پرسش

علت تفضیل حضرت قائم (ع) بر سایر ائمه چه می باشد؟

پاسخ

بر اساس روایات تمامی ائمه نور واحد هستند و نمی‌توان امامی را بر امام دیگر افضل دانست، این مسأله بقدری حائز اهمیت است که حضرت رضا(ع) می‌فرمایند که وجود دو امام در یک زمان ممکن نیست مگر اینکه صامت باشد یعنی آن وجود شایسته‌ای که هنوز به مقاامامت نرسیده وی بعد از امام او شایسته‌ترین فرد برای عهده‌دار شدن این مقام است، (نگا: فلسفه امامت دکتر سید یحیی یثربی، قم، وثوق، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۷۸ ش، ص ۱۲۰). از این رو؛ تفضیل امامزمان(عج) بر دیگر امامان قابل بررسی نیست.{J

چرا عدالت موجود در زمان امام زمان (عج) در زمان صدر اسلام برقرار نشد؟

پرسش

چرا عدالت موجود در زمان امام زمان (عج) در زمان صدر اسلام برقرار نشد؟

پاسخ

می‌دانیم که یکی از اغراض اصلی بعثت انبیاء تشکیل جامعه ایده‌ال بر اساس خداپرستی و ارزشهای الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده و هر کدام در حد امکان قدمی در این راه برداشته‌اند و بعضی از آن‌ها توانسته‌اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی حکومتالهی را برقرار سازند ولی برای هیچیک از ایشان شرایط تشکیل حکومت جهانی فراهم نگشت. البته فراهم نشدن چنین شرایطی به معنای نارسایی تعالیم و برنامه‌های انبیاء و یا نقص مدیریت و رهبری ایشان نبوده و نیز به معنای تحقق نیافتن هدف الهی از بعثت ایشان نمی‌باشد زیراهدف الهی فراهم شدن زمینه و شرایط برای سیر و حرکت اختیاری انسانهاست لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل »، (نساء ۱۶۵). نه الزام و اجبار مردم بر پذیرفتن این حق و پیروی ازرهبران الهی و این هدف تا این اندازه تحقق یافته است. اما در عین حال خداوند متعال وعده تحقق حکومت الهی را در تمامی کره زمین داده است که می‌توان آن را نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش حق در سطح وسیعی از جامعه انسانی به حساب آورد که با استفاده از افراد و گروههای بسیار ممتاز و مددهای غیبیالهی، موانع تشکیل حکومت جهانی از سر راه برداشته شده عدل و داد بر توده‌های ستمدیده مردم که از بیداد ستمگران بستوه آمده و از همه مکتبها و رژیمها ناامید شده‌اند گسترش خواهد یافت. امّا این شرایط نه در زمان رسول اکرم(ص) حاصل بود و نه در زمان ائمه دیگر و نه حتی اکنون؛ در عصر رسول اکرم، ایشان نهایت تلاششان این بود که دین تازه را تبیین و ارکان آن را تقویم بخشند، علاوه بر آن که مخالفت مخالفان نگذاشت حتی الگوی مدینة النبی فراتر از اینشهر رفته و عدالت حتی در جزیرة العرب مستقر گردد چه رسد به ممالک دیگر و همه کره زمین. بعد از رسول اکرم(ص) نیز علاوه بر آن که تلاش ایشان در بدنه حکومت تداوم نیافت تا شرایط تبلیغ اسلام در سرزمینهای گسترده‌ای فراهم آید بلکه حکومت از مجرای حق

خود خارج گشت و نابسامانی‌های فراوانی در ممالک اسلامی پدیدار شد که نمی‌توان در این مجالاندک حتی آنها را شمارش کرد. حضرت علی(ع) نیز که بالاجبار مسئولیت حکومت را پذیرفتند، چنان با مشکلات داخلی و تحریفات و تبعیضات و انحرافات مواجه گشتند که در دوران حکومت چند ساله اندک خود نتوانستند آنطور که خود می‌خواستند عدالت را در محدوده قلمروحکومت خود محقق سازند چه رسد به ممالک دیگر. دوران ائمه(ع) دیگر نیز واضح است، به هر روی همین نبود شرایط و فقدان زمینه‌های لازم بود که حتی امام عصر(عج) نیز از مرئی و منظر غایب گشتند تا با فراهم آمدن بسترهای امیدبخش، این هدف نهایی اسلام و ادیان الهی را در روی زمین مستقر سازند.{J

گفته می شود (بر اساس احادیث اسلامی) که ظرفیت انسان ۲۷ حرف است که در زمان ظهور امام زمان(عج) انسانها بهتدریج به آنها خواهند رسید، آیا امکان دارد که در قبل از این زمان هم انسانی به این درجه شکوفایی استعدادها برسد یا نه؟

پرسش

گفته می شود (بر اساس احادیث اسلامی) که ظرفیت انسان ۲۷ حرف است که در زمان ظهور امام زمان(عج) انسانها بهتدریج به آنها خواهند رسید، آیا امکان دارد که در قبل از این زمان هم انسانی به این درجه شکوفایی استعدادها برسد یا نه؟

پاسخ

بسیاری از تعابیر روایات مخصوصا در باب حقیقت وجودی انسان به صورت رمز بیان شده است که اهل فهم و صاحبان استعداد آن را دریابند از جمله واژه حرف و کلمه و امثال آن. در ارتباط با انسان و انسان کامل این که وارد شده ظرفیت انسان ۲۷ حرف است. منظور حقایق وجودی در نردبان رشد و کمال می باشد. همان طور که کلمات از حروف تشکیل می گردد. حروف و قابلیت های وجودی و مراحل تکامل در انسان نیز کلمه هویت او را تشکیل می دهد و لذا این حروف همچون حروف الفبا نمی باشد که با گویشی خاص ادا شود. همانگونه که اسم اعظم نیز همچون اسم و کلمه مجتمع از حروف هجایی نمی باشد بله ماجرای اسم وکلمه و حرف و عدد در علوم حقیقی بحثی عمیق و مفصل را به خود تخصیص داده است. مصدر به مثل هستی مطلق باشد عالم همه اسم و فعل مشتق باشد چون هیچ مثال خالی از مصدر نیست پس هر چه در او نظر کنی حق باشد از این رو حضرات معصومین(ع) در برخی ادعیه و روایات خود را کلمه یا کلمات تامات معرفی کرده اند و یا آن بزرگواران اسم اعظم الهی می باشند. در روایات وارد شده که اسم اعظم هفتاد و سه حرف است یک حرف از آن را آصف بن برخیا داشت. و دو حرف را عیسی(ع) و چهار حرف را موسی(ع) و هشت حرف را ابراهیم(ع) و پانزده حرف را نوح(ع) و بیست و پنج حرف را آدم(ع) و هفتاد و دو حرف را محمد(ص) که از یک حرف محجوب است (اصول کافی (معرب)، ج ۱، ص ۱۷۹ – انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، آیت الله حسن زاده آملی، ص ۱۵۴ و ۱۵۵). و همچنین به حضرات ائمه هدی(س) اجمعین بعد از حضرت رسول(ص) همان هفتاد و دو حرف داده شد (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۰). در قرآن کریم خدای بزرگ می فرماید: «و علم آدم الاسماء» (بقره، آیه ۳۲) خداوند به آدم اسماء را تعلیم داد. منظور از الاسماء جمیع حقایق هستی است و این حقایق در هر کس که بالفعل انسان باشد وجود دارد. مثل حضرات معصومین(ع) ولی در ما چون بالقوه انسانیم و بالفعل انسان نیستیم این علم به اسماء وجود ندارد (در محضر استاد حسن زاده آملی، محسن غرویان، ص ۱۵). و لذا بدون توجه انسان کامل (حضرات معصومین) انسان های عادی نمی توانند به مدارج کامل الاسماء دست پیدا کنند. در مدرسه رشد و کمال معصومین معلم اند و بقیه افرادی که جویای کمال می باشند. شاگرد و دانش آموز و بدون

www.noorfatemah.org

راهبری آن بزرگواران امکان رسیدن به درجات والای از رشد و وارستگی ممکن نمی باشد و لذا فعلیت بسیاری از استعدادهای وجودی انسان ها در زمان ظهور قطب عالم امکان حضرت ولی عصر(ع) تحقق پیدا می کند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. نصوص الحکم بر فصوص الحکم، استاد حسن زاده آملی، ص ۵۶۸ ۲. کلمه علیا در توقیفیت اسما، علامه حسن زاده آملی

این نکته خیلی برایم مهم است چراکه هرچه فکر می کنم درباره غربت وتنهایی امام زمان (عـج) آنطور که دلم می خواهـد نمی فهم ودرک نمی کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

این نکته خیلی برایم مهم است چراکه هرچه فکر می کنم درباره غربت وتنهایی امام زمان (عـج) آنطور که دلم می خواهد نمی فهم ودرک نمی کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

زائر گرامی : ما در جهانی زنـدگی می کنیم که بیش از هفت میلیارد انسان درآن زیست می کنند از مجموع این هفت میلیارد انسان تنها سه میلیارد آنها متدین وموحد هستند واز این سه میلیارد مسلمان فقط بیش از یک میلیارد از دویست میلیون آنها شیعه می باشند واز مجموع این دویست میلیون شیعه که بصورت پراکنده دراقصی نقاط جهان زنـدگی کنند تنها شصت وپنج میلیون آن درایران ساکن هستند. از طرفی خداونـد انسانها را خلق نموده تا درپرتو تعالیم انبیاء الهی به کمال واقعی وبه مقام قرب وانسان کامل برسند وطبق اعتقادات شیعه تنها فرقه ومذهبی که می تواند انسان را به مقام عبودیت وتکامل انسانی والهی برساند مذهب شیعه می باشد وامامان معصوم بعنوان منادیان راه حق سالهای متمادی در راه تبلیغ وترو یج دین متین اسلام کوشیدند وجانهای مقدس خود رادراین راه فدا کردند. حال باتوجه به مطالب فوق از خود می پرسیم آیا از مجموع ۷ میلیارد انسان روی کره زمین تنها باید دویست میلیون آنها شیعه باشند آنهم باتوجه به زحمات وفداکاریهایی که انبیاء الهی وامامان معصوم برای ترویج دین انجام دادند جریانات جانسوز وصحنه های ایثار وجانبازی از قبیل ، شهادت حضرت فاطمه ، شهادت امام علی وصحنه عاشورا و۰۰۰ گویای این زحمات است. آیا از مجموع شیعیان ، چند نفر به وظایف شرعی ودینی خود عمل می کنند ؟! آیا اگر دربین شیعیان تنها ۳۱۳ نفر به وظایف شرعی ودینی خود بطور کامل عمل کنند امام زمان ظهور نخواهندکرد؟ آنچه بیان گردید بلحاظ سیر اجتماعی وفرهنگی انسانها بود، اما برای درک بیشتر غربت ولی الله الاعظم امام زمان باید برمعلومات علمی وعمل به آنها معلومات بیفزاییم تا آنکه بتوانیم مقدار اندکی از غربت آن حضرت را درک کنیم.

امام زمان و غیبت

پرسش

امام زمان و غیبت

پاسخ

۱ ـ چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و می گویند امام زمان وجود ندارد. ۲- می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می گویند که و همچنین در کتابها نوشته شده که امام زمان با شمشیر قیام می کند، سؤال من این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مدرن آیا جنگ امام زمان باز هم با سلاحهای سرد خواهد بود؟ ۳-فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد در زمان امام زمان چه برخوردی با او می شود؟ چون شنیده ام که امام زمان با یهودیان جنگ می کند و آنها را از بین می برد. ۴ ـ ما در حدیث داریم که امام مهدی (عج) می فرماید هر کس بگوید که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آنطرف دیگر می بینیم که بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند که امام زمان را دیده اند تناقض را توجیه بفرمایید؟ ۵ ـ آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید. ۶ ـ آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند و سالهای زیادی حکومت می کنند مثلا می گویند امام حسین تا زمانی حکومت می کند که می ابروی ایشان از بلندی جلوی چشمان ایشان را می گیرد و ایشان با دست ابروها را بالا گرفته و به هر طرف نظر می کنند؟ ۷ ـ نشانه های ظهور امام زمان را ذکر کنید تا حالا چند تا علائم و نشانه های مشاهده شده است و نظر علما و مراجع دینی را در این رابطه بنویسد. ۸ ـ علت اینکه امام زمان ظاهر نمی شود چیست علتی بیشتر از اینکه در این دوره زمانه فساد و بدبختی و.. ... زیاد است. ۹ ـچرا امام زمان از دیده ها غایب شد یعنی اگر بین مردم بود و مردم را به را راست راهنمای می کرد بهتر نبود و خداوند بر همه چیز قادر است و می تواند او را ز کافران حفظ کند. ۱۰ ـ امام زمان (عج) دو مسجد مقدس دارند که به نام مسجد جمکران در قم و مسجد سهله در کوفه، عراق شناخته می شود لطفا بفرمایید این مساجد چگونه به نام امام زمان معروف شده اند و چگونگی پیدایش آنها بر اساس چه معیارهایی بوده است.

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان«علیه السلام» در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پرسش

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان«علیه السلام» در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پاسخ

آزمایش انسانها توسط خداوند منان از سنّت‌های الهی می‌باشد که تخلف ناپذیر است و در هر برهه‌ای از زمان وجود دارد. آیاتی که در قرآن مجید می‌باشد و صراحت در این امر دارد که خلقت انسانها برای امتحان و آزمایش الهی است و می‌فرماید: «لنبلونکم حتّی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلوا خبارکم؛(۱) ما همه شما را قطعاً می‌آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند و اخبار شما را بیازمائیم». و نیز آیات بسیار زیاد دیگری که دلالت صریح بر امتحان الهی دارد که مخصوص هر فردی در هر زمان و دوره‌ای است و هیچ گاه این امر جدا از نظام الهی نمی‌باشد. حتّی در دوره حضرت حجّة«علیه السلام» این سنّت

الهی جراین دارد تـا روز قیـامت که دیگر روز حساب است نه روز عمل و امتحان. « بخش پاسـخ به سؤالات » ۱) سوره محمّد«صلی الله علیه وآله»، آیه ۳۱.

انتظار

چیستی انتظار

مفهوم انتظار

آیا عقیده به مهدویت معقول است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت معقول است؟

پاسخ

اصالت عقیـده به مهـدویت از جهت معقول بودن نیاز به بحث ندارد زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق میکند و هیچ خردمندی آن را رد نمیکنـد و اظهار شک و تردیـد را در آن جایز نمیدانـد. هرچه بیندیشـیم و هر اندیشـمندی، آنچه بیندیشـد نمیتوانـد در اصالت مهـدویّت، ایرادی بگیرد یـا حرفی بزنـد. همیشـه این اصـالت برای مسـأله مهـدویّت و ظهـور مصـلح آخرالزمـان در بین ملـل و امم و مسـلمین و حتی آنان که به آن معتقد نیسـتند مسـلّم و ثابت بوده است و حتی از بسـیاری از عقاید دینی دیگر امکان آن اگر به ذهن نزدیکتر نباشد دورتر نیست و لذا از قرن دوّم به بعد که بعضـی مجادلات و بحثها در بین مسـلمانان رواج گرفت و پیرامون بسیاری از مسائل اسـلامی سـخن گفته و رد و قبول داشـتند، این موضوع اصـلاً مورد شـبهه و ایرادی قرار نگرفت. چون به هیـچ وجه شـبهه و یا آنچه شبیه شـبهه باشد در آن راه ندارد. پس اصالت مهدویّت از این جهت صد در صد معتبر و عقلایی و منطقی است و بیش از این نیاز به توضـیح نـدارد. بحسن خلق و وفا کس به یار ما نرسـدتـو را در این سـخن انکار کار ما نرسـد اگر چه حسن فروشان به جلوه آمدهاندکسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد هزار نقش بر آید ز کلک صنع و یکیـه دل پـذیـری نـقـش نـگار ما نرسد

آیا معنی انتظار حضرت حجت، سقوط تکالیف فردی و اجتماعی است؟

پرسش

آیا معنی انتظار حضرت حجت، سقوط تکالیف فردی و اجتماعی است؟

پاسخ

خیر، این بدون شک بر خلاف یک اصل قطعی اسلامی است؛ یعنی به انتظار ظهور حضرت حجت، هیچ تکلیفی از ما ساقط نمیشود، نه تکلیف فردی و نه تکلیف اجتماعی. شما در شیعه ـ که اساساً این اعتقاد از یک نظر اختصاص به دنیای تشیع دارد ـ تا چه رسد به اهل تسنن، یک عالِم پیدا نمیکنید که بگوید انتظار ظهور حضرت حجت یک تکلیف کوچک را از ما ساقط میکند.

مفهوم انتظار چیست؟

پرسش

مفهوم انتظار چیست؟

پاسخ

انتظار معمولاً ـ به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. فی‌المثل بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می‌کوشند. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی می‌باشد این دو حالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر». بنابراین مسئلهٔ انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است عنصر «نفی» و عنصر «اثبات» عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهترین بودن است. و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر . و خوب که دقت کنیم می‌بینم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرّک و آگاهی و بیداری است. با توجّه به مفهوم اصلی «انتظار» معنی روایات متعددی که در بالا درباره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی درک می‌شود. اکنون می‌فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده‌اند که در خیمه حضرت مهدی (ع) یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیر می‌زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است. آیا اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟ یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است ، انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر «مقدمات» و «نتیجه» شباهت دارد، هر دو جهادند و هر دو آمادگی می‌خواهند و خود سازی ، کسی که در خیمهٔ رهبر چنان حکومتی قرار گرفته، یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است، نمی‌تواند یک فرد غافل و بیخبر و بی‌تفاوت بوده باشد، آنجا جای هر کس نیست، جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند. همچنین کسی که سلاح در دست دارد و در برابر رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می‌جنگد، آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی یابد داشته باشد.

انتظار در زمان غیبت امام زمان (عج) چه معنایی دارد و مقصود از انتظارفرج چیست ؟

پرسش

انتظار در زمان غیبت امام زمان (عج) چه معنایی دارد و مقصود از انتظارفرج چیست ؟

پاسخ

درک دقیق معنای انتظار مبتنی بر فهم جامع اندیشه مهدویت است واندیشه مهدویت را باید با توجه به مجموعه معارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام د ید . بنا بر آموزه های دینی ، مهدی (عج) روزی ظهور کرده و وعده های الهی را به اجرا درمی آورداو برپا کننده حکومت صالحان می باشد و مومنان به میزان ایمان وعمل صالحشان در حکومت مهدی (عج) قرب و منزلت دارند .این اندیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگی انسان تصویر میکندو عامل شعله ور شدن امید در دل های مومنین است . امید به ظهور مهدی (عج) همان امید به خداست . امید موتور حرکت انسان در زندگی است و امید به مهدی (عج) عامل حرکت استوارتر انسان در مسیر خوبی ها یعنی همان هدف اصلی دین می باشد .مقصود از انتظار فرج ، امید ودلبستگی به مهدی (عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری ، انتظاری سازنده ونگه دارنده ، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک بخش است . به گونه ای که خودنوعی عبادت و حق پرستی است . برخی به خطا به گونه ای اندیشه مهدویت را تصویر می کنند که انتظار براساس آن به معنای کمک به رشد ظلم و فساد وپرشدن دنیا از گناه می باشد در حالی که بی شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است ، بنابراین انتظار و عشق به مهدی ؛ یعنی ، عشق به همه خوبی هاو امید اقامه همه خوبی ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان راوامی دارد تا هر چه بیشتر و محکم تر در راه خوبی ها قدم بردارد، پس انتظارفرج مسئولیت آفرین است . بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد . منابع زیر بسیار مفید است : ۱- قیام و انقلاب مهدی ، شهید مطهری ،صدرا، تهران (این کتاب اساسا "به معنای انتظار پرداخته است) . ۲- امامت ومهدویت ، آیت الله صافی ، انتشارات اسلامی قم ، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه ای از بحث ها پیرامون امام مهدی (عج) پرداخته و خصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است ، ج ۱، ص ۳۵۱ - ۳۹۸;) .

انتظار چیست؟ انتظار یعنی چه؟

پرسش

انتظار چیست؟ انتظار یعنی چه؟

پاسخ

پاسخ سوال اول انتظار در واقع به معنای چشم به راه کسی یا امری بودن، و در معنای خاص شیعی به معنای منتظر ظهور امام زمان((علیه السلام)) و قیام ایشان بودن است. که آن را انتظار فرج نامیده اند. در روایاتی که از ائمه معصومین((علیهم السلام)) نقل شده است فرمودند: بهترین عبادتها انتظار فرج است، کسی که حقیقةً منتظر است آماده است تا در رکاب حضرت((علیه السلام)) با

دشمنان دین و دشمنان آن حضرت نبرد کد و طبیعی است که بدون مهیا شدن و نفس را تزکیه کردن و یار امام زمان((علیه السلام)) شدن، انتظار هم معنا ندارد چه اینکه بین دین و دنیا، اگر کسی دین را انتخاب کرد در انتظار صاحب شریعت می باشد تا بیاید و کجی ها و انحرافها و بدعتها را از بین ببرد. ولی کسی که دنیا را انتخاب کرد طبیعی است که منتظر نمی باشد. در حدیثی که از امام رضا((علیه السلام)) نقل شده است فرمودند: «او لیس تعلم ان انتظار الفرج من الفرج، ان الله یقول انتظروا انّی ملکم من المنتظرین(؛۱) آیا نمی دانی که انتظار فرج از فرج]مایه گشایش [است». خداوند فرموده است ؛منتظر باشید، من هم با شما از منتظران خواهم بود. پاورقی ۱ - تفسیرالعیاش، ج ۲، ص ۱۳۸، ح ۵۰. پاسخ سوال دوم «انتظار» یا «آیندهنگری» به حالت کسی گفته میشود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش میکند. فیالمثل، بیماری که انتظار بهبودی میکشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری میکوشند. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرونشستن بحران اقتصادی میباشد این دو حالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر». بنابراین، مسألهٔ انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکّب از دو عنصر است؛ عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود؛ و عنصر اثبات خواهان وضع بهتر بودن است.

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان((علیه السلام))پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پرسش

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان((علیه السلام))پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پاسخ

از ظاهر بسیاری از احادیث استفاده می شود که امام زمان((علیه السلام)) وقتی ظاهر می شود که ظلم و جور تمام عالم را فرا گرفته است که به دست وی جهان پر از عدل و داد می شود باید توجّه داشت که ما از برخی دیگر از احادیث نیز چنین می آموزیم که ظهور امام زمان موقعی صورت می گیرد که آمادگی برای پذیرش حکومت آن حضرت به وجود آمده باشد و ما مکلفیم که این آمادگی را به وجود آوریم و اساساً معنای انتظار فرج همین است که آنچه از دست ما در رابطه با ظهور امام زمان((علیه السلام)) برمی آید و کاری را که از ما در این زمینه ساخته است انجام دهیم. و ما امروز شاهد پر شدن زمین از ظلم و جور به دست قدرتهای بزرگ و مزدوران آنها می باشیم شاید منطقه ای از زمین نباشد که اکنون چنگال ستم این ابرقدرتها و عمّال آنها در آن فرو نرفته باشد و کشور ایران هم که برای آزادی و استقلال و پیاده کردن حکومت اسلامی انقلاب کرده هنوز مورد تجاوز و ستم آناناست بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور یک واقعیّتی است که در حال حاضر لمس می شود. از سویی می دانیم که برای مبارزه با این وضع آمادگی ملّتهای مستضعف جهان لازم است و این انقلاب اسلامی ما عامل مؤثّری برای بیداری و هشیاری ملّتهای مستضعف بود بنابراین باید برای بیدار کردن ملّتها در سطح گسترده تر اقدامات وسیع به عمل آید تا انشاءالله زمینه برای ظهور آن مصلح بزرگ جهانی فراهم گردد. و از جمله مسائلی که برای تسریع ظهور مؤثّر است دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان است ما ملّت مسلمان ایران همواره باید برای تعجیل فرج امام زمان دعا کنیم و از تلاش و مجاهده به جهت مساعد کردن زمینه برای ظهور آن

www.noorfatemah.org

گرامی باز نایستیم. بر این اساس گسترش ظلم و ستم نه تنها موجب تسریع در ظهور امام زمان((علیه السلام))نیست بلکه نقض غرض از ظهور و ایجاد مانع بیشتر برای گسترش عدل توسط آن حضرت است.

انتظار فرج یعنی چه ؟ مقصود از انتظار فرج چیست ؟

پرسش

انتظار فرج یعنی چه ؟ مقصود از انتظار فرج چیست ؟

پاسخ

پاسخ سوال اول انتظار فرج در واقع، انتظار حکومت جهانی اسلام است، انتظار تشکیل حکومت توحیدی در سطح جامعه انسانی است، انتظار تحقق عدالت در اجتماع است، انتظار وراثت زمین و دولت مؤمنان و موحدان است. بنابراین «انتظار» نه به معنای «نشستن و دعا کردن» است،«انتظار» یعنی «برخاستن و دعا کردن»، انتظار یعنی بکوشیم هر چه بهتر دین اسلام را به عنوان یک دین توحیدی فراگیر بشناسیم، بفهمیم و بسازیم، این همان زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی(عج) است و برای ارتباط بیشتر با حضرت ولی عصر(عج) به طور کلی هر انسانی دارایسه مرتبه وجودی است، افکارش، صفاتش و اعمالش و هیچ انسانی از این قاعده مستثنی نیست، حتی حضرات معصومین(ع). ارتباط و نزدیکی به هر انسانی هم تنها از همین طریق ممکن است؛ یعنی، اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره‌ای ندارد جز این که بکوشد ابتدا افکار، باورها و طرز تفکر آن شخص را شناسایی نماید و خویش را از جهت فکری با آن شخص هماهنگ نماید وسپس بکوشد که قرب صفاتی پیدا نماید؛ یعنی، از جهت صفات و کمالات اخلاقی میان خود و آن شخص محبوب همانندسازی نماید و در نهایت نزدیکی در رفتار، نوع و روش زندگی بهترین طریقی است که انسان طالب کمال را به یک انسان کامل الگو نزدیکمی‌نماید. در مورد نزدیکی به امام عصر(عج) هم وضع به همین منوال است. ما به عنوان یک شیعه و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت(ع) وظیفه داریم ابتدا کیفیت اعتقاد، باورها، صفات، کمالات، نوع منش و کنش آن حضرات را شناسایی نماییم و در مرتبه بعد بکوشیم زندگی، صفات وباورهای خود را به ایشان نزدیک نماییم تا از O'.....طریق هم شیعه و پیرو واقعی آنها باشیم. برای ارتباط بیشتر با امام زمان(عج) به موارد ذیل عمل کنید: الف) قرار گذاشتن با دوست؛ ابتدا باید کاری کرد که در شبانه‌روز حتما برای چند مرتبه هم که شده به یاد ایشان افتاد؛ مثلاً انسان تصمیم بگیردبعد از هر نماز به آن حضرت سلام دهد. سپس شرح حال خود و درد دلی را با آن حضرت درمیان بگذارد. تکرار این برنامه موجب می‌شود ذهن آدمیبیشتر متوجه این مسأله مهم گردد، ب) صحبت کردن و سخن گفتن زیاد با ایشان مانند خواندن دعای عهد، هر روز، ج) جلب محبت وی؛ با هدیه به آن حضرت (صلوات، اهدای ثواب ختم قرآن و زیارت‌ها و...)، د) دوری از رنجاندن وی با کارهایی که می‌دانیم ایشان را آزرده می‌کند، ه) وفاداری و ثابت قدمی در دوستی با او، و) مقدم کردن خواسته او بر خواسته‌های خود.{J پاسخ سوال دوم منتظر به کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است وبرای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند. بر این اساس می توان گفت : انتظار حکومت حق و عدالت مهدی ۷از دوعنصر تشکیل شده است ; عنصر نفی و عنصر اثبات . عنصر نفی , بیگانگی باوضع موجود و عنصر اثبات , خواهان وضع بهتری بودن است .(۱) نتیجهء این ا نتظار مبارزه با عوامل ظلم و بیداد و فساد و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی جسمی و روحی برای شکل گیری حکومت جهانی است .در

این صورت انتظار یعنی آماده باش کامل . انتظار تمرین و ریاضت است . انتظاریک بسیج عمومی است . انتظاری که به اندازهء فرج اهمیت دارد و پاره و بخشی از فرج کلی الهی خوانده شده است , نمی تواند امری ساده و حالتی بی اعتنا و روزگاری خالی ازتعهد و شور باشد... جامعه ای که از نظر اعتقاد و بصیرت و عمل و اخلاق وحضور و اقدام و آمادگی و ثبات و طهارت و زهد و شعور و شناخت و عدل واحسان , آن چنان که پیشوایان گفته و خواسته اند نباشد, چگونه منتظر محسوب خواهد گشت ؟!.. خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد, باید خود صالح باشد.(۲<) منتظران واقعی علاوه بر این که بر اصلاح خویش می کوشند, وظیفهء خودمی دانند دیگران را نیز اصلاح کنند. مقصود از انتظار فرج , حفظ آمادگی واصلاح فردی و ا جتماعی و زمینه سازی برای ظهور حضرت بقیةالله ۷است . (پاورقی ۱.مکارم شیرازی , مهدی ـ انقلابی بزرگ , ص ۱۰۱ـ ۱۰۲ (پاورقی ۲.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۲۵۷ـ ۳۳۴ با تلخیص .

حقیقت انتظار چیست؟ حقیقت انتظار فرج چیست؟

پرسش

حقیقت انتظار چیست؟ حقیقت انتظار فرج چیست؟

پاسخ

پاسخ سوال اول انتظار، کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه انتظار دارند، وضدّ آن یأس وناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد آمادگی بیشتر است. اگر انسان، مسافری داشته باشد که چشم به راه آمدن او است، هر چه زمان رسیدن او نزدیک‌تر گردد آمادگی برای آمدنش فزونی می‌یابد. حالت انتظار، گاهی به پایه‌ای می‌رسد که خواب را از چشم می‌گیرد، چنان که درجات انتظار از این نظر تفاوت می‌کند، همچنین از نظر حبّ ودوستی نسبت به آنچه را انتظار دارد تفاوت دارد. هر چه عشق به" منتظر "افزون باشد آمادگی برای فرا رسیدن محبوب افزون می‌گردد ودیر آمدن وفراق محبوب دردناک می‌گردد، تا بدانجا که انسان منتظر از خود بی‌خود می‌شود ودردها وسختی‌های دردآور ومشکلات سخت خود را در راه محبوب حس نمی‌کند. پاسخ سوال دوم اندیشه پیروزی نهایی نیروی حقّ وصلح وعدالت، بر نیروی باطل وستیز وظلم، استقرار کامل وهمه جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله وجامعه ایده‌آل وبالاخره اجرای این ایده عمومی وانسانی به وسیله شخصی مقدس وعالی‌قدر که در روایات اسلامی از او به عنوان" مهدی "نام برده شده است، اندیشه‌ای است که کم وبیش همه فِرق ومذاهب اسلامی –با اختلافاتی– بدان مؤمن ومعتقدند. این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلّی نظام طبیعت وسیر تکامل تاریخ واطمینان به آینده وطرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است (که طبق بسیاری از نظریه‌ها وفرضیه‌های غیر اسلامی، پایان نظام طبیعت، تاریک وابتر است). امید وآرزوی تحقق این نوید کلّی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی" انتظار فرج "خوانده شده است.

انتظار چه ویژگی‌های خاصی دارد؟

پرسش

انتظار چه ویژگی‌های خاصی دارد؟

پاسخ

انتظار، در درجه نخست ویژه حیات وزندگی است. ماهیّت زندگی انسان با انتظار وامید به آینده عجین شده است به گونه‌ای که بدون انتظار، زندگی مفهومی ندارد وشور ونشاط لازم برای تداوم آن در کار نیست. حیات حاضر وکنونی ظرف پویایی، تلاش وحرکت به سوی فردا وفرداهاست، واین چنین پویایی وحرکتی بدون عنصر" انتظار "ممکن نیست؛ زیرا احتمال معقول بقا وپایداری وامید به تداوم حیات است که به زندگی کنونی معنا ومفهوم می‌بخشد، وپویایی ونیروی لازم برای ادامه آن را تأمین می‌کند. از این رو است که ماهیّت زندگی با انتظار پیوستگی ناگسستنی دارد. هر انسان زنده‌ای که در انتظارهای خویش، به تداوم حیات می‌اندیشد وبقای خویش را انتظار دارد، تمام حرکت وسکون خود را در راستای این انتظار ودر جهت متناسب با تداوم حیات قرار می‌دهد. ولذا در روایات اسلامی می‌بینیم که انتظار فرج از افضل اعمال امت پیامبر شمرده شده است. یعنی ویژگی انتظار در عمل در راه رسیدن به حیات است. شاید یکی از علل این گونه آموزش‌ها این بوده است که پیروان امام مهدی (ع) بکوشند تا خود را به امامشان نزدیک کنند ومانند او بیندیشند وامت با امام در انتظار به سر برند، زیرا امام نیز در انتظار ظهور خود به سر می‌برد. در حالت انتظار، بهترین شیوه پیوند وهمسویی وهمدلی با امام نهفته است، وغفلت از انتظار ومعنای صحیح آن باعث بی‌خبری وبی‌احساسی نسبت به سوزها وشورهای امام موعود است. شاید در دوران غیبت، انتظار راستین برای فرج، یعنی حضور امام در جامعه انسانی، نخستین راه بیعت وهم‌پیمانی با امام موعود باشد؛ زیرا انتظار حضور در متن جریان‌ها وحوادث پیش از ظهور است ومایه یادآوری هدف‌ها وآرمان‌های امام موعود وزمینه آگاهی وهوشیاری همیشگی است. ودر حال انتظار نبودن به معنای غفلت وبی‌خبری وبی‌احساسی وبی‌تفاوتی نسبت به حوادث پیش از ظهور واصل ظهور است. جامعه منتظر، هر حادثه‌ای هر چند عظیم وویرانگر، وهر عاملی هر چند بازدارنده ویأس آفرین، او را از تحقق هدف‌های مورد انتظار مأیوس نمی‌کند ودر راه آن هدف‌ها از پویایی وتلاش باز نمی‌ایستد، وهمواره به امام خود اقتدا می‌کند. امامی که در برابر مشکلات شکننده وحوادث کوبنده قرن‌ها وعصرها استوار ونستوه ایستاده است وذره‌ای در اصالت راه وکار خود تردید نکرده است. حضرت مهدی (ع) فرمود...": لأنّ اللّه معنا ولا فاقة بنا إلی غیره، والحق معنا فلن یوحشنا من قعد عنّا..."؛ "چون خدا با ما است، نیازی به دیگری نیست، حقّانیت با ما می‌باشد و {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵ ؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹. پاورقی} کناره‌گیری عده‌ای از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد ".آری! امام مهدی (ع) در چنین انتظاری به سر می‌برد وبا چنین ایمانی در این شب یلدای زندگی، استوار وتزلزل‌ناپذیر ایستاده است وجامعه" منتظر "وامت چشم به راه نیز باید این ویژگی‌ها را در امام موعود و"منتظر" خویش، نیک بشناسد، وتا حدّ امکان مانند خود او در انتظار باشد.

عناصر تشکیل دهنده انتظار چیست؟

پرسش

عناصر تشکیل دهنده انتظار چیست؟

پاسخ

انتظار ظهور منجی هیچ گاه به حقیقت نمی‌پیوندد مگر در صورتی که سه عنصر اساسی در آن محقّق گردد: ۱ - عنصر عقیدتی: شخص منتظر باید ایمان راسخی به حتمی بودن ظهور منجی ونجات‌بخشی او داشته باشد. ۲ - عنصر نفسانی: زیرا شخص منتظر باید در حالت آمادگی دائمی به سر ببرد. ۳ - عنصر عملی وسلوکی: شخص منتظر باید به قدر استطاعت خود در سلوک ورفتارش زمینه‌های اجتماعی وفردی را برای ظهور منجی فراهم نماید. با نبود هر یک از این سه عنصر اساسی، انتظار حقیقتاً معنا پیدا نمی کند.

مقصود از روایات مطلق در باب انتظار فرج چیست؟

پرسش

مقصود از روایات مطلق در باب انتظار فرج چیست؟

پاسخ

در برخی از روایاتی که از طرق شیعه واهل سنّت رسیده به صورت مطلق به انتظار فرج اشاره شده است بدون آنکه مقید به فرج حضرت مهدی (ع) در آن شده باشد. در حدیثی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم": أفضل العبادة انتظار الفرج"؛ "برترین عبادت، انتظار{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۱ ؛ کمال الدین، ص ۲۸۷، ح ۶. پاورقی} فرج است ".ونیز از آن حضرت می‌خوانیم": انتظار الفرج عبادة"؛ "انتظار فرج عبادت است {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۳ ؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۲۷۱۷ ؛ کنزالعمال، ح ۶۵۰۹. پاورقی} وهمچنین در روایت دیگری از آن حضرت می‌خوانیم": أفضل أعمال امّتی انتظار فرج اللّه عزّوجلّ"؛ "افضل اعمال امّت من انتظار فرج خداوند عزّوجلّ است {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۲. پاورقی} شیخ صدوق به سندش از امام رضا (ع) نقل می کند که فرمود": ما أحسن الصبر وانتظار الفرج، أما سمعت قول اللّه عزّوجلّ: {وَارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَکُمْ رَقِیبٌ}، {فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ {پاورقی . سوره هود، آیه ۹۳. پاورقی} مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ} فعلیکم بالصبر فإنّه إنّما یجیء الفرج علی الیأس، فقد کان الذین من قبلکم {پاورقی . سوره اعراف، آیه ۷۱. پاورقی} أصبر منکم"؛ "چقدر نیکوست صبر وانتظار فرج، آیا نشنیده‌ای گفتار خداوند عزّوجلّ را که {پاورقی . کمال الدین، ص ۶۴۵، ح ۵. پاورقی} فرمود: (شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم) و(پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می کشم) پس بر شما باد به صبر؛ زیرا فرج بعد از یأس وناامیدی است. به راستی کسانی که قبل از شما زندگی می کردند از شما صبورتر بودند ".مرحوم مجلسی از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود": من دین الأئمّة الورع والعفّة والصلاح... وانتظار الفرج بالصبر"؛ "از دین ائمه پرهیزکاری، عفّت، رستگاری... وانتظار فرج {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۱. پاورقی} به صبر است ".ترمذی نیز به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود...": وأفضل العبادة انتظار الفرج..."؛ "وبرترین عبادت انتظار فرج است {".پاورقی . سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۳۶۴۲. پاورقی} درظاهر مراد از انتظار فرج همان انتظار فرج حضرت مهدی (ع) است که در این روایات متعلق آن یعنی حضرت مهدی (ع) به جهت وضوح، بیان نشده است؟ چون در احادیث فریقین آن حضرت به عنوان نجات دهنده مردم از ظلم وبی‌عدالتی معرّفی شده است. شیخ صدوق؛ به سندش از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود": طوبی لشیعة قآئمنا المنتظرین

لظهوره فی غیبته"؛ "خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که منتظر ظهور او در {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۷، ح ۵۴. پاورقی} عصر غیبت اویند ".این معنا برای روایات مطلق با نظر اهل سنّت نیز موافقت دارد؛ زیرا آنان گرچه عموماً به ولادت مهدی‌موعود (ع) اعتقادی ندارند ولی او را منجی بشریّت از ظلم وبی‌عدالتی می‌دانند که باید مستضعفین انتظار او را بکشند. ونیز از جمله قرائنی که می‌تواند مصداق احادیث مطلق را مشخّص کرده وبر حضرت مهدی (ع) وقیام او تطبیق دهد مسأله لزوم تناسب بین حکم وموضوع است؛ زیرا انتظار فرجی که تا این حدّ مهم برشمرده شده وتا این حدّ مورد تأکید واقع شده است به طور حتم همان انتظار روز موعود است، از آن جهت که در آن روز وعده الهی به نصرت مظلومین در سرتاسر عالم تحقق می‌یابد وحکومت عدل توحیدی در روی کره زمین گسترش خواهد یافت. انتظار با آن آثار وبرکاتی که دارد تنها در انتظار چنین فرجی قابل پیاده شدن است. ونیز چنین انتظاری است که می‌تواند از اساس دین شمرده شود، نه انتظار رفع هر گرفتاری ولو جزئی وبا هر سبب باشد.

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان«علیه السلام» پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پرسش

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان«علیه السلام» پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پاسخ

از ظاهر بسیاری از احادیث استفاده می‌شود که امام زمان«علیه السلام» وقتی ظاهر می‌شود که ظلم و جور تمام عالم را فرا گرفته است که به دست وی جهان پر از عدل و داد می‌شود باید توجّه داشت که ما از برخی دیگر از احادیث نیز چنین می‌آموزیم که ظهور امام زمان موقعی صورت می‌گیرد که آمادگی برای پذیرش حکومت آن حضرت به وجود آمده باشد و ما مکلفیم که این آمادگی را به وجود آوریم و اساساً معنای انتظار فرج همین است که آنچه از دست ما در رابطه با ظهور امام زمان«علیه السلام» برمی‌آید و کاری را که از ما در این زمینه ساخته است انجام دهیم. و ما امروز شاهد پر شدن زمین از ظلم و جور به دست قدرتهای بزرگ و مزدوران آنها می‌باشیم شاید منطقه‌ای از زمین نباشد که اکنون چنگال ستم این ابرقدرتها و عمّال آنها در آن فرو نرفته باشد و کشور ایران هم که برای آزادی و استقلال و پیاده کردن حکومت اسلامی انقلاب کرده هنوز مورد تجاوز و ستم آناناست بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور یک واقعیّتی است که در حال حاضر لمس می‌شود. از سویی می‌دانیم که برای مبارزه با این وضع آمادگی ملّتهای مستضعف جهان لازم است و این انقلاب اسلامی ما عامل مؤثّری برای بیداری و هشیاری ملّتهای مستضعف بود بنابراین باید برای بیدار کردن ملّتها در سطح گسترده‌تر اقدامات وسیع به عمل آید تا انشاءاللّه زمینه برای ظهور آن مصلح بزرگ جهانی فراهم گردد. و از جمله مسائلی که برای تسریع ظهور مؤثّر است دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان است ما ملّت مسلمان ایران همواره باید برای تعجیل فرج امام زمان دعا کنیم و از تلاش و مجاهده به جهت مساعد کردن زمینه برای ظهور آن گرامی باز نایستیم. بر این اساس گسترش ظلم و ستم نه تنها موجب تسریع در ظهور امام زمان«علیه السلام» نیست بلکه نقض غرض از ظهور و ایجاد مانع بیشتر برای گسترش عدل توسط آن حضرت است. « بخش پاسخ به سؤالات »

اقسام انتظار

چه نوع انتظاری برترین عبادت و مصداق کامل جهاد فی سبیل اللّه است؟

پرسش

چه نوع انتظاری برترین عبادت و مصداق کامل جهاد فی سبیل اللّه است؟

پاسخ

از روایات حضرات معصومین(ع) استفاده می‌شود که انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) برترین اعمال امت پیامبر عظیم الشأن اسلام است.(۱) انتظاری که این همه ارزشمند است، عبارت است از انتظار سازنده در مقابل انتظار تخدیر کننده و منفی می‌باشد. انتظار سازنده دارای ویژگی هایی است، از جمله: ۱- دین داری. از خصوصیات انسان منتظر، دینداری و دیانت پیشگی است، چرا که او منتظر پیاده شدن دین در جامعه است و چنین انتظاری باید همراه، با عمل به دین باشد. امام صادق(ع) فرمود": برای صاحب الأمر غیبتی است طولانی. در این دوران هر کسی باید به دین خود چنگ زند."(۲) ۲- پارسایی. منتظر حکومت مهدی موعود(عج) باید با تقوا باشد و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد بسازد، تا به لطف خدا در شمار یاران آن بزرگوار به حساب آید. امام صادق(ع) فرمود": هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیشه کند."(۳) ۳- عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر. انتظار واقعی موجب می‌شود که منتظر، رضایت و خشنودی امام زمان(عج) را فراهم کند. مسلّم است که پیاده شدن معروف زدودن منکر از جامعه، رضایت آن امام را جلب می‌کند و هدف اساسی قیام حضرت مهدی(عج) است. پیامبر اسلام(ص) فرمود": خوشا به حال کسی که قبل از قیام مهدی(ع) به او اقتدا کند."(۴) معلوم است که شاخص مهم این اقتدا امر به معروف و نهی از منکر است. ۴- آراسته شدن به اخلاق اسلامی. انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد، و جامعه منتظر باید مظهر اخلاق محمد(ص) گردد. امام صادق(ع) فرمود": آن که دوست دارد در شمار اصحاب قائم(ع) باشد، در عصر انتظار باید اخلاق نیکو داشته باشد."(۵) ۵- آمادگی نظامی. انسانی که منتظر قیام بزرگ، و یک انقلاب حقیقی به تمام معنا، نیز جنبش عظیم جهانی است، ممکن نیست آمادگی برای حضور در قیام و کمک به آن را نداشته باشد. منتظر قیام قائم(ع) باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد تا به هنگام طلوع خورشید ظهور، به صف پیکارگران رکاب آن حضرت بپیوندد. امام صادق(ع) فرمود": هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه."(۶) در گذشته شیعیان به این امر توجه بیشتر داشتند تا جایی که برخی در روزهای جمعه لباس رزم بر تن می‌کردند و سوار بر اسب در بیرون شهر به حالت آماده باش به سر می‌بردند. در شرایط کنونی این آمادگی ممکن است با شرکت در برنامه بسیج سپاه پاسداران عملی گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت منتظرانی که ثواب شهادت در رکاب حضرت قائم(ع) را دارند، عبارتند از کسانی که در دوران غیبت به مکتب تشیع عمل می‌کنند و از نظر قدرت‌های ایمانی و روحی، نیز پرورش‌های اخلاقی و اجتماعی، سازماندهی‌های سیاسی و نظامی همیشه آماده و همواره در سنگر مبارزه با تمایلات نفسانی، ذلّت پذیری، استعمار زدگی، ظلم پذیری، ناهنجاری‌های اجتماعی و مفاسد اخلاقی، مقاوم و استوارند. اینان هر چه در توان دارند، به کار می‌برند تا زمینه ظهور عدل گستر جهان و منجی عالم بشریت فراهم نشده و با ظهور حضرتش چشم مستضعفان، روشن و عدل کل در عالم پیاده گردد. پی نوشت‌ها: ۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، واژه الامامهٔ، شماره ۱۲۰۰. ۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵. ۳. همان، ص ۱۴۰. ۴. محمّد رضا حکیمی، خورشید

مغرب، ص ۳۴۹. ۵. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

چه نوع انتظاری راجح است؟

پرسش

چه نوع انتظاری راجح است؟

پاسخ

انتظار فرج بر دو گونه است: ۱ - انتظاری که سازنده است، تحرّک بخش است، تعهّدآور است، عبادت بلکه با فضیلت‌ترین عبادات است. از مجموعه آیات وروایات اسلامی استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود (ع) حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق واهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حقّ باشد. امامان ورهبران معصوم الهی به طور روشن وصریح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت درست وصحیح از مفهوم آن تکیه داشته‌اند وانتظار را از مقوله عمل به حساب آورده‌اند، ولذا پیامبر (ص) می‌فرماید": أفضل أعمال أُمّتی انتظار الفرج"؛ "افضل اعمال امت من انتظار فرج است {".پاورقی . کمال الدین، ص ۶۴۴، ح ۳. پاورقی} ونیز در روایتی دیگر از امام صادق (ع) می‌خوانیم": أفضل الأعمال انتظار الفرج من اللّه"؛ "بزرگ‌ترین اعمال انتظار فرج از خداست {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸، ح ۷۷. پاورقی} اهمیت آمادگی وزمینه‌سازی را می‌توان در پیام امام صادق (ع) یافت که فرمود: "لیعدنّ أحدکم لخروج القآئم ولو سهماً"؛ "باید هرکدام از شما برای خروج قائم آمادگی پیدا{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶. پاورقی} کند اگرچه با تهیه کردن یک تیر باشد ".۲ - انتظاری که ویرانگر است، بازدارنده است، فلج کننده است ونوعی اباحی گری است. برداشت قشری مردم از مهدویت وقیام وانقلاب مهدی (ع) این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد. فقط وفقط از گسترش واشاعه ورواج ظلم‌ها وتبعیض‌ها واختناق‌ها وحق‌کشی‌ها ناشی می‌شود، آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد و حقّ وحقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد. این نوع برداشت، از آن جهت که با اصلاحات مخالف است وفسادها وتباهی‌ها را به عنوان مقدمه یک انفجار مقدّس وموجّه می‌شمارد، باید" شبه دیالکتیکی "خوانده شود، با این تفاوت که در تفکر دیالکتیکی با اصلاحات از آن جهت مخالفت می‌شود وتشدید نابسامانی‌ها از آن جهت داده می‌شود که شکاف وسیع‌تر شود و مبارزه پیگیرتر وداغ‌تر گردد. ولی این تفکّر عامیانه فاقد این مزیّت است، فقط به فساد وتباهی فتوا می‌دهد که خود به خود منجرّ به نتیجه مطلوب بشود. این نوع برداشت از ظهور وقیام مهدی موعود، واین نوع انتظار فرج که منجرّ به نوعی تعطیل در حدود ومقرّرات اسلامی می‌شود ونوعی اباحی گری باید شمرده شود به هیچ وجه با موازین اسلامی وقرآنی وفق نمی‌دهد.

تاریخچه انتظار

درباره مهدویت توضیح دهید.

پرسش

درباره مهدویت توضیح دهید.

پاسخ

براساس معتقدات مذهب شیعه امامیه و نیز طبق روایات بسیاری که در کتاب‌های اهل سنت آمده‌است، در آخرالزمان مهدی از آل‌محمد(ص) ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. بازتاب‌نهضت مهدی عج) جهان را فرا خواهد گرفت. آرمان‌های بلند، شرک ستیزی و عدالت گستری بی‌مرز و جهان‌شمول آن، شور در دل مردمان محروم خواهد آفرید و دشمنان توحید و عدل را برخواهد انگیخت. یاران‌مهدی(ع)، از صنف و نژاد ویژه‌ای نیستند، بلکه از گروه‌ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند. مردمی‌که به یاری امام می‌شتابند، افرادی من اقالیم الارض "من اقصی البلاد "هستند، حضرت در سن جوانان ظاهری‌می‌شود. یاران وی را نیز، بیش‌تر جوانانِ پر تحرک و پرنشاط تشکیل می‌دهند و پیران در میان شان اندک‌اند.[۸] اعتقاد به ظهور حضرت مهدی در ضمیر تشیع، اعتقاد به انسان کاملی است که به جامعه آرمانی اسلام جامه‌عمل می‌پوشاند و از این راه، به همه آرمان‌های مردان خدا تحقق می‌بخشد و مظاهر و نمودهای کفر و شرک ونفاق را از بین می‌برد. براساس روایات شیعی و نیز طبق روایت هایی از اهل تسنن، مهدی از نسل‌علی‌بن‌ابی‌طالب است و در آخر الزمان ظهور خواهد کرد.[۹] بر همین اساس در طول تاریخ اسلام کسان بسیاری ادعای مهدویت کرد، و خود را امام منتظر دانسته‌اند. ازجمله زید بن علی بن حسین(ع) علیه امویان خروج کرد و پیروان او وی را مهدی خواندند. محمد بن الحسن معروف به نفس زکیه را که در آغاز حکومت عباسیان خروج کرد، نیز مهدی دانسته‌اند. در طول دولت عباسیان‌نیز چند تن ادعای مهدویت کرده‌اند که از جمله آنان مهدیان افریقا هستند. در شمال افریقا و مغرب دو تن ازمهدیان ادعای مهدویت کنندگان) معروف‌تر هستند. اوّلی عبیداللّه است که سلسله عبیدیان یا فاطمیان رابنیان نهاد و دومی سلسله الموحدین را تأسیس کرد که بر اسپانیا استلا یافت. از جمله کسانی که در ایران دعوی‌مهدویت کردند، یکی سید علی محمد شیرازی است که پیروان او به نام بابیه معروف گردیدند.[۱۰] اما حق این‌است که سرانجام مهدی حقیقی مهدی فاطمه) ظهور خواهد کرد و حکومت حق را مستقر خواهد ساخت. ([۸] مجله حوزه، ش ۷۱ ـ ۷۰، ویژه امام زمان عج)، ص ۲۹۶. ([۹] ر.ک: مهدی موعود. ([۱۰] لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۹۳۳۱.

اساس عقیده به مهدویّت و نتیجهٔ آن چیست؟

پرسش

اساس عقیده به مهدویّت و نتیجهٔ آن چیست؟

پاسخ

اساس در عقیده به مهدویّت و غلبهٔ اسلام بر تمامی ادیان و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا، به حاکمیّت اسلام و فرامین الهی و یگانه شدن قوانین و نظام های موجود و خلافت مؤمنان و شایستگان در زمین و تبدیل ترس و هراس بشریّت به أمان و امنیت و نابودی همهٔ مظاهر استضعاف واستکبار، همگی در همان نیروی اوّلیه‌ای است ک به طرزی شگفت، برای نابودی همهٔ مظاهر شرک و

استکبار و آزادسازی انسان از سلطه طواغیت و خارج ساختن بشریّت از ذلّت بندگی مردم به عزّت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمهٔ اخلاص به ودیعت نهاده شده است. اینکه می‌بینیم دنیا در سیر خویش به سوی جامعه‌ای یگانه و بین المللی و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی در حرکت است و دانش و پیشرفت صنعتی؛ یگانه شدن بشریت و یکی شدن اقوام وملیّت‌های مختلف را میسّر ساخته است و توسعهٔ ارتباطات و پیوندهای بین ملّت‌ها و قومیّت‌های گوناگون، آن را مانند اهل شهری بلکه محلّه‌ای واحد قرار داده است؛ همگی زمینه ساز آینده‌ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن به شمار می‌رود. یعنی همانطور که بشریّت جامعه‌های قبیله‌ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تأسیس جوامع شهر نشین، بر اساس وحدت منطقه، یا منافع سیاسی، یا اقتصادی، یا نژادی رسیده است که هر کدام خواستار غلبه و تسلّط بر دیگری است، یقیناً در همین سیرِ رو به رشد، روزی از این حکومت‌های جزئی و وحدت‌های ناچیز رهایی یافته و به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهانگیر که هیچ اختصاصی به فرد یا طائفه یا منطقه یا نژادی مخصوص نخواهد داشت، دست پیدا خواهد کرد، که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می‌شود و همه در آن مساویند.

فلسفهٔ انتظار جامعهٔ شیعه چیست؟

پرسش

فلسفهٔ انتظار جامعهٔ شیعه چیست؟

پاسخ

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر کَیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعدهٔ ظهور او در قرآن و صدها حدیث معتبر وارد شده است ظاهر شود و آئین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است گسترش دهد و امت واحد حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد، تمام افراد بشر را متحد، همصدا، همقدم و به هم پیوسته سازد. این عقیده به ظهور مصلح منتظر، حضرت مهدی موعود چنانکه در روایات به آن اشاره شده است شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد میشد و آن را متلاشی میکرد پرورش داد و فکر شیعه را که فکر خالص اسلامی است و جامعهٔ شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و تا امروز این فکر و این عقیده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست. آن شیعیانی که با آن وضع جانگزای حکومت بنی امیه و بنی عباس روبرو شده بودند که تمام حیثیات و شؤون ظاهری و اجتماعی آنها الغا شده و از همهٔ مشاغل محروم و در همهجا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسان حکومت قرار گرفته و کمترین مجازات آنها زندان بود تا مجازاتهای شدید از بریدن دست، پا، زبان و بینی و شکنجههای غیر قابل تحمّل دیگر، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت و شکست باطل و ستم نداشتند با این که همهچیز را از دست رفته میدیدند هرگز برایشان حال مقاومت باقی نمیماند و همه حتی در دل شکست خورده و تسلیم میگشتند و از دگرگون شدن اوضاع و عوض شدن و ورق خوردن صفحهٔ تاریخ نا امید میگردیدند و ریشهٔ هر نهضت و حرکت و پایداری در آنها خشک میشد. اما پیامبر اکرم و حضرت علی(ع) وعده داده و قرآن مجید نیز بشارت داده است که این دین پایدار میماند و این راه بسته نمیشود و این نزاع و نبرد حق و باطل با غلبهٔ ظاهری جبّاران تاریخ مانند یزید و ولید و زیاد و حجاج و هارون و دیگران پایان نمیپذیرد. این

است فلسفهٔ بزرگ اجتماعی انتظار ظهور و این است یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) و از این جهت است که ثواب منتظرین مانند ثواب مجاهدین و بلکه شهیدان بدر و احد است و این است که از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط و اوضاع نا مساعد و ناگواری که جلو بیاید کار اسلام خاتمه یافته تلقی نمیشود و روز این دین به آخر نمیرسد و در حقیقت انتظار فلسفهٔ محکم و استواری است که در تمام ادیان مورد توجه بوده و به آن عقیده داشتهاند و از سنن و نوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفتهاند و همه در انتظار آیندهٔ عالیتر و بهتر بودهاند.

منشاء اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ، چیست؟

پرسش

منشاء اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ، چیست؟

پاسخ

برخلاف گفتهٔ کسانی که فکر میکنند بذر اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ را شکستها و ناکامیها و نابسامانیها در سطح افکار میپاشد، عشق به این موضوع مربوط به اعماق وجود آدمی است؛ گاهی به گونهٔ پررنگ، . گاهی کم رنگ. ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از «عشق به آگاهی» و «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» (سه بعد از ابعاد چهارگانهٔ روح انسان) است که بدون چنان ظهوری این عشقها به ناکامی میگراید و به شکست محکوم میشود. خلاصه، علاقهٔ انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی، به نیکی و عدالت، علاقهای است اصیل، همیشگی و جاودانی و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطهٔ اوج این علاقه است. چگونه ممکن است عشق به تکامل همه جانبه در درون جان انسان باشد و چنان انتظاری نداشته باشد! مگر پیاده شدن تکامل جامعهٔ انسانی بدون آن امکان پذیر است! بنابراین، کسانی که در زندگی گرفتار شکست و بحرانی نبودهاند چنین احساسی را در درون جان خود دارند... این از یکسو. از سوی دیگر، همانطور که اعضای پیکر انسان به تکامل و پیشرفت وجود او کمک میکند و عضوی در بدن نمییابیم که مطلقاً نقشی در این حرکت تکاملی نداشته باشد، خصایص روانی انسان نیز چنیناند؛ یعنی، هرکدام نقش مؤثری در پیشرفت هدفهای اصیل او دارند. عشق به تکامل، عشق به صلح و عدالت، نیز وسیلهای است برای رسیدن به این هدف بزرگ و به منزلهٔ موتور نیرومندی است که چرخهای وجود انسان را در این راه به حرکت دائمی وا میدارد؛ و او را برای رسیدن به جهانی مملو از صلح و عدالت کمک میکند. ازسوی دیگر، احساسات و دستگاههایی که در جسم و جان وجود دارد نمیتواند هماهنگ با مجموعهٔ عالم هستی نباشد؛زیرا همهٔ جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است، و وجود ما نمیتواند از بقیهٔ جهان جدا باشد. از این به هم پیوستگی بخوبی میتوانیم نتیجه گیری کنیم که هر عشق و علاقهٔ اصیلی در وجود ما هست دلیل بر آن است که «معشوق» و «هدف» آن نیز در جهان وجود دارد و این عشق وسیلهای است که ما را به او نزدیک میسازد. و از اینجا به آسانی نتیجه میگیریم که اگر انسانها انتظار مصلح بزرگی را میکشند که جهان را پر از صلح و عدالت و نیکی و داد کند، دلیل بر آن است که چنان نقطهٔ اوجی در تکامل جامعهٔ انسانی امکان پذیر و عملی است که عشق و انتظارش در درون جان ماست. عمومیّت این اعتقاد در همهٔ مذاهب نیز نشانه دیگری بر اصالت و واقعیّت آن است، زیرا چیزی که زاییده شرایط خاص و محدودی است نمیتواند اینچنین عمومی باشد. تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیّتی برخوردارند و اینها همه نشانهٔ آن است که از زبان عواطف و

سرشت آدمی این نغمه در جان او سرداده شده که سرانجام مصلحی بزرگ جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد.

در مورد فلسفه انتظار توضیحاتی بفرمایید؟

پرسش

در مورد فلسفه انتظار توضیحاتی بفرمایید؟

پاسخ

ابتدا به بررسی مفهوم گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، تشکیل مدینه فاضله، و جامعه ایده آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی، بوسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به "مهدی "تعبیر شده است. اندیشه ای است که کم وبیش همه فرق و مذاهب اسلامی ـ با تفاوتها و اختلافاتی ـ بدان معتقدند. این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است، که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی و انسانی، در زبان روایات اسلامی" انتظار فرج "خوانده شد، و عبادت بلکه افضل عبادات شمرده شده است. اصل" انتظار فرج "از یک اصل کلّی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل حرمت یأس از روح ا... است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند، چیزی که هست این انتظار فرج و این عدم یأس از روح ا... در مورد یک عنایت عمومی و بشری است نه شخصی یا گروهی، و بعلاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخصی که به آن نظمیّت داده است. (۱) اما انتظار فرج و امید و دل بستن به آینده دو گونه است : انتظاری که سازنده است، تحرک بخش است، تعهدآور است، عبادت بلکه با فضیلت ترین عبادت است، و انتظاری که ویرانگر است بازدارنده است، فلج کننده است و نوعی اباحه گری محسوب می‌شود. و مسلماً منظور از انتظار فرج و فلسفه آن انتظار از نوع اول آن می باشد، نه انتظار ویرانگر و فلج کننده. استاد مطهری"ره "در توضیح این دو نوع انتظار می فرمایند" : برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود(اینست که، صرفاً ماهیّت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق کشی ها، تباهیها ناشی می شود؛ نوعی سامان یافتن است، که معلول پریشان شدن است. آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد ... این انفجار رخ می دهد، و دست غیب برای نجات حقیقت ـ نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد ـ از آستین بیرون می آید. علیهذا هر اصلاحی محکوم است ... بر عکس هر گناه و هر فساد و هر ظلم و تبعیضی و هر حق کشی و هر پلیدی به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است... پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد دانست... این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود، به هیچ وجه با موازین اسلامی وفق نمی دهد. آن عده از آیات قرآن کریم ـ همچنانکه گفتیم ریشه این اندیشه است و در روایات اسلامی بدانها استناد شده است ـ در جهت عکس برداشت بالاست. از این آیات استفاده می شود که ظهور مهدی موعود، حلقه ای است از حلقه های مبارزه اهل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهایی اهل حق منجر می شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به اینست که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدانها در روایات اسلامی استناد داده شده است، نشان می دهد که مهدی موعود(

مظهر نویـدی است که به اهل ایمان و عمل صالـح داده شـده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است". وعـدا...الذین امنوا منک وعملوا الصالحات لیستخلفنکم فی الارض "...یعنی : خداوند به مؤمنان و شایسته کاران (شما) وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد (همچنانکه پیشینیان را قرار داد) دینی که برای آنها پسندیده است مستقر سازد، دوران خوف آنان را تبدیل به دوران امنیّت نماید (دشـمنان آنان را نابود کند) بدون ترس و واهمه خدای خویش را بپرسـتند و اطاعت غیر خدا را گردن ننهند و چیزی را در عبادت یا اطاعت شـریک حق نسازنـد. در روایات اسـلامی سـخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام، به آن حضـرت ملحق می شونـد، بـدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند... معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد زمینه های عالی برای پرورش اینگونه افراد هست. بنابراین کسی منتظر و یاور مهدی (است که در زندگی منتظرانه خود، دوره آمادگی را گذرانـده و به مرتبه ایثار جان و مال در راه خـدا رسـیده باشـد، برای شـرکت در اسـتقرار عدل بزرگ و نجات بشـرمظلوم و انسانیّت محروم، گامهـای خود را به ایمـان و ایثـار اسـتوار سـازد، و آن گـاه برای یـاری کردن نهضتی که می خواهـد ریشه ظلم را در جهان بکنـد، و عدل و قسط را به جای آن بنشاند، بی صبرانه منتظر جهاد باشد. (۳) منابع و مآخذ : ۱. قیام وانقلاب مهدی(، استاد مطهری، ص۱۴-۱۳ ۲. همان، ص۵۴-۵۸ (با اندکی تلخیص) چشم به راهی مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۲۲۴

مقصود از انتظار مسیحا چیست؟

پرسش

مقصود از انتظار مسیحا چیست؟

پاسخ

یهودیان در سراسـر تاریـخ محنت‌بار خود هر گونه خواری وشـکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی" مسـیحا "بیاید وآنـان را از گرداب ذلّت ودرد ورنـج رهانـده، فرمـانروای جهـان گردانـد. هم اکنـون صـهیونیست‌های اشـغالگر فلسـطین، علاـوه بر دعاهای مسیحایی مرسوم در پایان مراسم سالگرد بنیان‌گذاری رژیم اسـرائیل غاصب (پنجم ماه آیار عبری) پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می‌کننـد": اراده خداونـد، خـدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده‌دم آزادی باشـیم ونفخ صور مسـیحا گوش ما را نوازش دهد. {"پاورقی . انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۵. پاورقی} بسیار طبیعی است که قوم بنی‌اسرائیل با گذشته تیره وتار خود در انتظار آینده بهتری باشد. به همین علت که حضـرت موسـی (ع) به عنوان یک منجی میان ایشان برخاست آنان در پـذیرفتن او درنگ نکردند. این آرمان در دوران ابتلا پا گرفت وهرگز از ایشان جدا نشد، وتنها با انتخاب داوود به پادشاهی بود که آرزوی قوم، برای قیام یک منجی کاملاً برآورده شد. داوود نمونه یک پادشاه یهودی والگوی جاودانی شـخص مسیحا گردید. ودر واقع، برخی از انبیا وحکیمان هم او را مسـیحا می‌دانستند. {پاورقی . هوشع، ۵/۳ ؛ إرمیا، ۹/۳۰ ؛ حزقیال، ۲۵Ù۲۴/۳۷. پاورقی} عصر داوود وسـلیمان را می‌توان دوران شـکوفا شدن آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست. امید مسیحایی با دو نیم شدن حکومت بنی‌اسـرائیل پس از حضـرت سـلیمان جـدیّ‌تر شـد. انبیـا نه تنهـا آتش شوق را در دل‌ها روشن نگه می‌داشـتند، بلکه به توسـعه دادن مفهوم مسیحا ودوران مسیحایی می‌پرداختنـد. آنـان معتقـد بودنـد که شـخص مسـیحا که خـدا به وسـیله او جهان را مبارک خواهد سـاخت، در اذهـان بیشـتر انبیـا حاضـر بـود. انـدیشه مسـیحایی در پیشـگویی‌های" إشَعیا "بـه طـور وضـوح آمـده اسـت. مسـیحای

آرامش‌آفرین وتسلّی بخش قوم یهود در یکی از پیشگویی‌های او تصویر شده است. او حکومت آرمانی عادلانه‌ای را پی می‌افکند که در آن زمان" جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند "و آن، پس از گسترش دین بنی‌اسرائیل در سراسر گیتی است که همچون پرچم قوم‌ها برپا خواهد شد وامت‌ها آن را خواهند طلبید. {پاورقی . إشَعیا، ۱۰/۱۱ ؛ صَفَنیا، ۹/۳. پاورقی} ونیز می‌خوانیم": ودر آیام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قلّه کوه‌ها ثابت خواهد شد وفوق تلّ‌ها برافراشته خواهد گردید وجمیع امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد. {"...پاورقی . صَفَنیا، ۴-۲/۲. پاورقی} برخی از پیشگویی‌های" صَفنیا "حتی از پیشگویی‌های اشعیا جهان شمول‌ترند. از دید او عصر مسیحایی زمان اصلاح کلّی جهان است؛ زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امت‌ها خواهد داد تا جمیع ایشان اسم یَهْوَه را بخوانند وبه یک دل او را عبادت کنند. تصور تَلمود پیرامون شخص مسیحا به قرار زیر است": یک انسان که نهالی از خاندان سلطنتی داوود است وقداست او تنها به سبب موهبت‌های طبیعی وی خواهد بود، امتّ‌های مشرک به دست او نابود خواهند گشت وبنی‌اسرائیل قوّت خواهد گرفت. {"پاورقی . انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۵. پاورقی}

آیا اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی بوده است؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی بوده است؟

پاسخ

برخی از مستشرقین وبه تبع آنها برخی از روشنفکران غرب‌زده اسلامی معتقدند که اعتقاد به مهدویت در نتیجه فشارهای سیاسی بوده که بر مستضعفین جامعه اسلامی وارد شده است. فان فلوتن می‌گوید": جور وستم دولت عباسیان از هنگام به حکومت رسیدن، کمتر از دولت امویان نبوده است. این جور وستم‌ها به حدّی بود که مستضعفین ومظلومین را بر این وا داشت که خود را امیدوار کنند، لذا چاره‌ای جز این ندیدند که به عقیده به مهدی وانتظار ظهورش دل ببندند، تا بتوانند از شدّت تألّمات روحی خود بکاهند. {"...پاورقی . السیادة العربیه، ص ۱۳۲. پاورقی"} دونالد سن "می‌گوید": احتمال جدّی است که اختناق وفشارهای سیاسی که در مملکت اسلامی از طرف حاکمان بنی‌امیّه پدید آمده از اسباب ظهور نظریه مهدویت در آخرالزمان بوده است. {"پاورقی . عقیدة الشیعه، ص ۲۳۱. پاورقی} احمد امین مصری می‌گوید": عامل اساسی در پیدایش عقیده مهدویت نزد شیعه واصرار بر آن، فشارهای سیاسی ومصائبی بود که بعد از شهادت امام علی[۷] وبه حکومت رسیدن معاویه با آن روبه‌رو شدند. این مصائب با بیعت با حسن بن علی[۸] وپس از آن شهادت حسین بن علی[۸] واز هم پاشیدن حرکت‌های ضدّ اموی وقوت گرفتن حکومت امویان شدت گرفت. لذا درصدد برآمدند تا تاکتیک خود را تغییر داده از دعوت آشکار صرف نظر کرده، به دعوت سرّی برای ریشه‌کن کردن ظلم روی آورند. {"...پاورقی . ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۴۱. پاورقی} محمّد عبدالکریم عتوم می‌گوید": واقع آن است که عقیده به مهدی قبل از وقوع غیبت امام پدید آمده وپرورش پیدا کرد. واین به صورت دقیق بعد از واقعه کربلا وبعد از تفرّق شیعه توسط دولت اموی بوده است. این وضعیّت نابهنجار برای شیعه زمینه را برای پذیرش عقیده مهدویت فراهم ساخت تا آنان را از وضعیّت موجود نجات دهد. در نتیجه مهدویت آرزویی شیعی بود که اثری منفی در زندگی شیعیان داشت اگرچه آنان را از

وضعیّت موجود نجات داد. {"پاورقی . النظریة السیاسیة المعاصرة للشیعة الامامیه، ص ۸۶. پاورقی} پاسخ: ۱ - گرچه در طول تاریخ، مستضعفین ومظلومان اعم از مسلمان وغیرمسلمان، شیعه وغیر شیعه تحت فشارهای سیاسی بوده‌اند، ولی این به آن معنا نیست که این فشارها باعث شد تا مستضعفان اعتقاد به منجی ومهدی را از خود جعل کنند، بلکه خداوند متعال مطابق مصلحت وحکمتی که ملاحظه کرده موضوع منجی وظهور حضرت مهدی (ع) را به جهت اقامه عدل وعدالت در سطح گسترده مطرح کرده است. ۲ - همان گونه که در جای خود بحث کرده‌ایم موضوع مهدویت مقتضای خواست فطری بشر بوده وعقل، قرآن وروایات نیز به طور صریح بر آن اتفاق کرده‌اند ونیز اجماع مسلمین به جز برخی اندک از روشنفکران غرب‌زده معتقد به مهدویت شده‌اند. ۳ - مهدویت وانتظار ظهور مهدی موعود (ع) در صورتی که معنا ومفهوم صحیح آن در نظر گرفته شود نه تنها آثار منفی به بار نخواهد آورد بلکه آثار مثبتی داشته، در ایجاد روحیه امید در جامعه وفراهم کردن زمینه مناسب برای ظهور حضرت مهدی (ع) تأثیر بسزایی داشته ودارد.

آیا عقیده به مهدویت ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام بوده است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام بوده است؟

پاسخ

پاسخ اول دکتر" سلمان بدور -"رئیس بخش فلسفه در دانشگاه اردن- درباره منشأ رواج پیدا کردن عقیده مهدویت در تاریخ مسلمین می‌گوید": حکومت پیامبر اسلام (ص) صورت مجسم مدینه فاضله‌ای بود که اسلام وادیان ومکاتب نوید آن را داده بودند. آرزوی بسیاری از مسلمانان این بود که در همان عصر، این مدینه فاضله در سرتاسر عالم گسترش پیدا کند، ولی این آرزو تحقق نیافت، امّا هرگز از ذهن متفکّرین اسلامی خصوصاً جامعه شیعه امامی بیرون نرفت. {"پاورقی . دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمین، احمد محمّد جلّی، ص ۲۲۲. پاورقی} پاسخ: گرچه اسلام در عصر رسول اکرم (ص) بر تمام عالم گسترش پیدا نکرد، ولی؛ اولاً: خبر اسلام ودعوت آن به گوش غالب بلاد اسلامی رسید وشخص رسول اکرم (ص) مردم عالم را به اسلام دعوت نمود. ثانیاً: خود قرآن وشخص پیامبر اکرم (ص) خبر از تحقق اسلام در سطح گسترده ودر تمام روی زمین داده است، نه اینکه مسلمانان بعد از یأس از فراگیری اسلام به این عقیده روی آورده باشند. دکتر عبدالجبار شراره می‌گوید": آنچه جای تعجب است اینکه برخی از مدعیان علم ومعرفت از قدیم الایام ودر این زمان درصدد ایجاد تشکیک در جامعه اسلامی برآمده وموجبات تشویش افکار جامعه را فراهم کرده‌اند، واین تنها به جهت قصور فهم آنان از درک اسرار این عقیده (مهدویت) ومقاصد عالی آن است، ویا اینکه اسباب واغراض دیگری دارند که ما از آن آگاهی نداریم. از جمله این افراد، مستشرقین وشاگردان آنانند از قبیل": جولد زیهر"، "فلهاوزن"، "فان فلوتن"، "مک‌دونالد"، "برنارد لویس"، "مونتگری"، "وات وماسینیون "ودیگران از کسانی که از افکار مستشرقین پیروی کرده‌اند، با وجود آنکه ادعای مسلمان بودن دارند. وخوشبختانه هیچ گونه دلیل بر مدعای خود ندارند، بلکه دلیل بر خلاف مدعای آنان دلالت دارد. ونیز برهان آشکار وقطعی بر صحت عقیده مهدویت قائم است، زیرا به طور متواتر ثابت شده که در آخرالزمان، مهدی (ع) ظهور خواهد کرد، همان گونه که جماعتی از اهل سنّت از قبیل برزنجی وشوکانی ودیگران بر تواتر آن

تأکید دارند. {"...پاورقی . بحث حول المهدی، ص ۱۶ù۱۷. پاورقی} پاسخ دوم ۱ - مطابق آنچه در قرآن وروایات متواتر اسلامی وارد شده، عقیده به ظهور مهدی موعود عقیده‌ای اصیل واسلامی است که در ادیان دیگر نیز به آن اشاره شده است ولذا هرگز نمی‌توان آن را اسطوره واز عقاید ساختگی قرار داد. ۲ - این عقیده اختصاص به شیعه ندارد بلکه صحابه به تبع آیات قرآن وروایات نبوی معتقد به این عقیده بوده ودر طول تاریخ اسلام عموم علمای اسلامی اعم از شیعی وسنّی به این عقیده معتقد بوده‌اند. ۳ - اشتراک این عقیده بین یهود ونصارا ومسلمین دلیل بر آن نیست که مسلمانان از ادیان دیگر گرفته‌اند، بلکه دلالت بر آن دارد که موضوع انتظار منجی حقیقی مقتضای فطرت بشر بوده ولذا در هر دین وآیینی به آن اشاره شده است. ۴ - این کعب الاحبار نبوده که عقیده به مهدویت را در بین جامعه اسلامی منتشر ساخته است بلکه خدا ورسولان او خصوصاً پیامبر اسلام (ص) واهل بیت معصومش این عقیده را در جامعه منتشر ساخته‌اند.

فرجام اندیشی چه ضرورتی دارد؟

پرسش

فرجام اندیشی چه ضرورتی دارد؟

پاسخ

انسان به عنوان موجودی از موجودات هستی دائم در حال سیر، حرکت، تکاپو بوده و رو به مقصد دارد؛ چرا که انسان در هر کار خود یک «برای» دارد. چرا درس می‌خوانی؟ برای اینکه دانا و توانا بشوم. چرا کار می‌کنی؟ برای اینکه تحصیل در آمد و معیشت کنم. چرا تحصیل معیشت می‌کنی؟ برای آنکه غذا تهیه کنم و همینطور در مقابل هر «چرا؟» یک «برای» وجود دارد. و همین «برای» هاست که کار انسان را معنا دار می‌کند و اگر کاری که انجام می‌دهد در مقابل «چرا؟» «برای» نداشته باشد آن کار لغو، عبث و بیهوده تلقی می‌گردد. بزرگان حکمت اثبات کرده‌اند هیچگاه از انسان کاری که فاقد هرگونه غرض و هدف باشد صادر نمی‌شود. بلکه عبث‌ها نسبی است، یعنی مثلاـ فعلی که از یک شوق خیالی و یک ادراک خیالی است، به تناسب خودش عبث نخواهد بود، ولی با توجه به این که هدف عقلانی ندارد آن را عبث می‌خوانیم.ر.ک: مطهری، مرتضی، عدل الهی، صص ۱۹ - ۱۸. از طرفی انسان به طور فطری کمال جو است یعنی می‌خواهد سعه وجودی هر چه بیشتری بیابد و علمش، قدرتش، اراده‌اش، حیاتش همه و همه نا محدود و مطلق باشد و در یک کلمه طالب و خواستار و جویای کمال مطلق است به صورتی که اگر به تعبیر حضرت امام(ره) قدرت مطلق جهان باشد و عالم را در اختیار داشته باشدو به او بگویند که جهان دیگری هم هست، به طور فطری مایل است آن جهان را در اختیار داشته باشد. یا مثلا هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست به طور فطری مایل است که آن علوم را هم بیاموزد. در حقیقت انسان به هیچ حدی از کمال قانع نیست. و هر چه داشته باشد، بیش از آن می‌خواهد و این امر واضح و غیر قابل تردید است. اگر به تمام دوره‌های زندگانی بشر توجه کنیم و اگر تاریخ زندگانی بشر را ورق بزنیم، این کمال‌جویی، کمال‌طلبی، کمال خواهی و عشق به کمال مطلق را خواهیم یافت. کمتر دین و مذهبی را در جهان می‌توان یافت که در این باب سخن نگفته باشد، هر چند در تحلیل کمال و تعلق کمال و تشخیص کمال و راه رسیدن به آن اختلاف نظر هست، ولی همه در این اصل متفقاند که آدمی به طور فطری کمال جوست.برای آگاهی بیش‌تر ر.ک: امام خمینی، روح اللّه، چهل حدیث،

صص ۱۶۳-۱۵۵. با توجه به این دو اصل یعنی حرکت و تحول دائمی انسان و کمال‌جویی فطری او - که پیشینه‌ای به اندازه حیات بشری دارند - اذعان خواهیم کرد که فرجام اندیشی، غایت نگری، دور اندیشی و تفکر در مقصود نهایی یکی از دغدغه‌های پایا و دیرپای آدمی بوده، هست و خواهد بود. مگر می‌شود انسان در سیطره این دو مسأله، خود را بیابد و عاقبت‌اندیش نباشد؟ آیا می‌توان گفت: آدمی در طول زندگی خود، هیچ‌گاه به هدف و مقصود خود نیندیشیده و نمی‌اندیشد؟ کمترین توجه و دقت به زندگی روزمره خود که نمایانگر کوشش و سعی انسان بر دست‌یابی به هدف و هدف‌هایی است - و لو آن مقصود مطلوب نهایی نباشد - نشان دهنده آخر اندیشی او است. کدام انسان را می‌توان یافت که در فعالیت‌های روزمره، سالیانه و در طول عمر خود، بدون هدف، مقصود و پایان کار بوده است؟! حتی انسانی که عملکردی ناپسند، نا خوشایند و غیر عقلانی دارد، برای اعمال خود توجیه ارائه کرده، آنها را برای مقصود و یا مقصودهایی تدلیل می‌کند. احساس مسؤولیت در برابر حرکت جهان هستی و کمال‌جویی، انسان را وادار می‌سازد که فرجام‌اندیش و عاقبت‌نگر باشد و این خود یکی از افتخارات بزرگ و یکی از نشانه‌های عظیم و گران‌قدر اشرف بودن انسان بر موجودات دیگر است.

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پرسش

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پاسخ

نخیر، صحیح نیست زیرا که اندیشه و اعتقاد به مهدویت نشأت گرفته از اصل وحی و ارسال رسل است، و مهدویت یعنی حافظ شریعت و نگهبان او چون شریعت اسلام شریعت خائم است مهدویت نیز برای حفظ این شریعت می‌باشد تا زمانی که اراده خداوند تعلق بگیرد. و چون مهدویت بدون اصل نبوت مفهوم نیست باید دانست که هدف انبیاء و پیامبر خاتم اسلام همان رشد دادن به انسانها و پرورش استعدادهای عظیم او و مهیا کردن و تربیت نمودن انسانهایی برای‌بهشت خداوند بوده است و بااین نگاه مؤمن حتی در متن رنجها و مشکلات به سازندگی و تربیت خودش تحت برنامه وحی می‌پردازد و اگر فرض کنیم در زندگی هیچ مشکلی وجود نداشته باشد باز نیاز به مهدی(عج) وجود دارد، زیر تربیت استعدادهای عظیم و ساخته شدن انسان برای منازل متعددی که در معاد در پیش دارد، ضرورت وجود یک معلمی که از غیب می‌داند و حافظ وحی و مربی انسانها و تکامل دهنده نفس انسانی می‌باشد و تکویناً بر من و نفس من احاطه دارد و از من به من نزدیک‌تر است (النبی اولی باالمومنین من انفسهم...) یعنی پیامبر از نفس مؤمنین بخودشان نزدیک‌تر است پس ضرورت وجود حضرت مهدی(عج) یک نیاز تربیتی و اعتقادی است و چون راه طولانی است (معاد) ضرورت وجود راهبر (نبی و وصی نبی) امری عقلی است زیرا که نشان دادن راه‌های طولانی‌تر و بزرگتر از سزح این جهان را وحی به عهده دارد و کسانی که وحی به آنها سپرده شده است عهده دار تربیت نفوص و ایجاد زمینه‌های مناسب برای این تربیت می‌باشد.

فضیلت و آثار انتظار

انتظار وآثار آن

پرسش

انتظار وآثار آن

پاسخ

انتظار, یعنی آمادگیِ همیشگی . نشانه های انتظارعبارت انـد از: ۱ ترک معصـیت در عقاید و باورها ;۲ ترک معصـیت در رفتار و کردار و گفتار ;۳ انجام واجبات و ترک محرّمات ; ۴ تهذیب نفس و پیراسته و پاک زیستن ; ۵ صداقت در عقیده و عمل و افکار و نیّات ; ۶ دارا بودن توان روحی برای جهاد و مبارزه در رکاب امام مهـدی ۷ ۷ رسیدگی به محرومان و مستضعفان ; ۸ تقویت روح ولایی و توسل به حضـرات معصومان : به ویژه حضـرت ولی عصـر۷ امام صادق ۷می فرماید: (پـاورقی ۱.موسوی اصفهانی , مکیال المکارم , ج ۲ ص ۲۱۰ (دفتر تحقیقات و انتشارات بـدر). برای آشـنایی با مهدی شناسـی , ر.ک به : مجله ءحوزه ء, ش ۷۰ـ ۷۱ از قرآن و روایات اسـتفاده می شود در آستانهء قیامت می شود ;یعنی گروهی از بدکاران و(پـاورقی ۲.ر.ک : مجمع البیان , ذیل آیهء ۸۲ـ ۸۵ سورهء نمل . نیکوکاران به دنیا بازگشت می کنند. رجعت از عقاید معروف شـیعه و بیانگر این است که بعد از ظهور مهدی ۷و در آسـتانهء رسـتاخیز, گروهی از و بـه ایـن جهـان بـاز می گردنـد. گروه اول مـدارجی از کمـال را طی می کننـد و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند. مرحوم سـید مرتضی که از بزرگان شیعه است می گوید: دلیل صحت این عقیده عبارت است از: ۱ هیچ عاقلی نمی توانـد قـدرت خدا را بر این امر انکار کند و این مسـئله عقلاً محال نیست ; ۲ اجماع امامیه ; احوی از دانشـمندان شیعه با این عقیـده مخالفت نـدارد. (پـاورقی ۳.سـفینهٔ البحار, ج ۱ ص ۵۱۱ مـادهء رجع . بنابراین , بعـد از ظهور حضـرت حجت ۷برخی از مؤمنان خالص مثل حضرت امیرالمؤمنان ۷و امام حسین ۷و یارانشان , جهت انتقام از ظالمان , رجعت و حکومت می کنند. دلیل این مدعی روایاتی است که علامهء مجلسی در بحارالانوار با سند معتبر از امام صادق ۷نقل می کند. در برخی از این روایات آمده است :.() (پـاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۵۲ احادیث رجعت متواتر است و شـمارهء روایات آن به حـدود دویست حدیث می رسد که چهل و چند نفر ازراویان ثقات و علمای اعلام در بیش از پنجاه کتاب آن ها را آورده اند.() (پـاورقی ۲.بحارانوالار, ج ۵۳ ص ۱۲۲ به هر حـال در روایت می خوانیم : رجعت عمومی نیست , بلکه جنبهء خصوصـی دارد و تنهـا گروهی بـازگشت می کننـد که ایمان خالص یا شـرک خالص دارنـد. (پـاورقی ۳.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۳۹ رجعت از ضـروریات مـذهب شـیعه است , نه از ضـروریات اسـلام ; بنابراین از منظر شیعه منکران رجعت ,کافر به شمار نمی آیند و رشتهء اخوت اسلامی با دیگران از بین نمی رود, بلکه شیعه به دفاع عقلی و منطقی ازعقیـدهء خود ادامه می دهد.() (پـاورقی ۴له .تفسیر نمونه , ج ۱۵ ص ۵۴۶ـ ۵۶۲ در مورد شهادت حضرت حجت ۷در برخی از منابع آمده است که حضـرت به دست زنی فاسد به شهادت می رسد. (پـاورقی ۵.ر.ک : مجلهء حوزه , ش ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۳ـ ۶۵و ص ۲۹۳

چرا با وجود این که معتقدیم در زمان ظهور امام زمان"ع "ظلم و ستم جهان را فرا می‌گیرد، همیشه تعجیل در فرج حضرت را از خداوند برای پایـان دادن به ظلم خواهانیم و برای از بین بردن آن کوشـش می‌کنیم؟ چطور از طرفی اعتقاد داریم با ظهور آقا دنیا گلسـتان می‌شود و از طرفی

پرسش

چرا با وجود این که معتقدیم در زمان ظهور امام زمان"ع "ظلم و ستم جهان را فرا می گیرد، همیشه تعجیل در فرج حضرت را از خداوند برای پایان دادن به ظلم خواهانیم و برای از بین بردن آن کوشش می کنیم؟ چطور از طرفی اعتقاد داریم با ظهور آقا دنیا گلستان می‌شود و از طرفی می گویند وقتی آقا ظهور کرد، دنیا به پایان می‌رسد؟

پاسخ

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان(عج) نیز سعی و کوشش برای از بین بردن ظلم و ستم با اعتقاد به این که حضرت هنگامی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و ستم باشد، منافات ندارند، زیرا پر شدن دنیا از ظلم و جور در وقت ظهور معنایش این نیست که مسلمانان و منتظران ظهور برای اصلاح جامعه وامر به معروف و نهی از منکر و برچیدن ظلم و حکومت ظالمان تلاش نکنند. مبارزه با ظلم و ستم و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه هر مسلمان است. افزون بر این یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت، انتظار است. رسول خدا(ص) فرمود": بالاترین اعمال امّتم انتظار فرج است.("۱) منتظر بودن مصلح کل یعنی انسان از وضع موجود ناراضی باشد و خواهان وضع بهتر باشد. ناراضی شدن از وضع موجود می‌طلبد که با آن مبارزه شود وگرنه معلوم می‌شود که نارضایتی واقعی نیست. پسی انتظار حکومت حق و عدالت حضرت مهدی(عج) و قیام مصلح جهانی در واقع مرکّب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی، بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است. این گونه انتظار سرچشمه آن می‌شود که منتظر حضرت هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد را ترک نماید و حتی با آن مبارزه کند، نیز خود را از نظر روحی و جسمی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن حکومت جهانی مهدی موعود(عج) و شرکت در آن آماده نماید. انتظار یعنی آماده باش کامل. پس برای اساس احادیث رسیده از پیامبر گرامی اسلام(ص) اعتقاد داریم که امام زمان(ع) وقتی ظهور می کنند که دنیا را ظلم و ستم فرا گرفته باشد. چون زندگی در محضر حضرت ولی عصر(عج) و در جهانی که عدل فراگیر در آن حاکم باشد، آرزوی همه مسلمانان و مستضعفان است، برای تعجیل در فرج حضرت دعا می کنیم. نیز چون وظیفه هر مسلمان در عصر غیبت، انتظار و آمادگی کامل و مبارزه با ستم و ظلم است، برای ستم سوزی و ظلم براندازی مبارزه می کنیم. از روایات استفاده می‌شود که در زمان ظهور، غلبه با ستمگران است، نه آن که بیشتر مردم ستمگر و خواهان فساد باشند، بلکه بیشتر مردم خواهان عدالت اند، اما نیروی کافی برای تحقّق عدالت ندارند و غلبه با ظالمان و ستمگران و فاسدان است و آن‌ها فساد و تباهی را در همه جا گسترش داده‌اند. نکته پایانی این که آگاهی ما از آنچه اتفاق می‌افتد، ما را از انجام وظیفه خود و واجبات دینی که در دین اسلام واجب و لازم شده است، باز نیم دارد، مانند مبارزه با ستم، امر به معروف، نهی از منکر، عدالت خواهی و.... اگر چه ما نمی‌توانیم تمام ریشه‌های فساد و ظلم را از بین ببریم و معتقدیم که با ظهور حضرت تنها از بین خواهد رفت، اما حداقل می‌توانیم محیط زندگی خود را از آلودگی و فساد حفظ کرده، حداقل خود را نجات دهیم، و این نه تنها در دین اسلام آمده، بلکه عقل انسان بر آن حکم می کند، مانند این که بدانیم نمی‌توانیم جامعه‌ای را که در آن زندگی می کنیم و فاسد است اصلاح کنیم، اما آیا نباید خودمان را اصلاح کرده یا خانواده خودمان را اصلاح کنیم؟ به این دلیل که جامعه را نمی‌توانیم درست کنیم، یا در راه اصلاح کشور و جامعه خودمان حرکت نکنیم، چون جهان را نمی‌توانیم اصلاح کنیم. در نهایت این که باید انسان‌های نیکوکار و شایسته در زمان ظهور به اندازه کافی وجود داشته باشند تا در کنار حضرت برای ریشه کن کردن ظلم باشند و راه آن ایجاد آمادگی در انسان‌ها است. این که گفته‌اید دنیا پس از ظهور مهدی موعود (عج) گلستان می‌شود و بعد از ظهور آن جناب به پایان می‌رسد، هر دو درست است، ولی منافات با هم ندارند، زیرا به پایان رسیدن دنیا بلافاصله پس از ظهور محقق نیم شود، بلکه حضرت ظهور می کند و ظلم را بر می‌چیند و یاغیان و طاغیان و گردن کشان و ظالمان را به خاک ذلت می‌نشاند. نیز پرچم عدالت را برافراشته

www.noorfatemah.org

می‌کنـد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند و مزه زندگی با صـفا و شـیرین در سایه حکومت عدل را به جهانیان به ویژه مستضـعفان می‌چشاند و سالیان سال حکومت می‌کند،(۲) و پس از حضـرت حکومت عدل ادامه پیدا می‌کند. از این جا روشن می‌گردد این که گفته می‌شود دنیا پس از ظهور امام زمان(عج) به پایان می‌رسد، معنایش این است که تا حضـرت ظهور نکند، دنیا به آخر نمی‌رسد. پایـان دنیـا پس از ظهـور اسـت، ولی چـه مـدت پس از ظهـور، دقیقـاً معلـوم نیست. پی نوشت‌هـا: ۱. تفسـیر نمـونه، ج ۷، ص ۳۸۱؛ بحارالأنوار، ج ۱۳، ص ۱۳۷. ۲. لطف اللّه صافی، منتخب الأثر، ص ۴۸۷.

آیا پدید آمدن مدعیان مهدویت از آثار سوء اعتقاد به مهدویت است؟

پرسش

آیا پدید آمدن مدعیان مهدویت از آثار سوء اعتقاد به مهدویت است؟

پاسخ

احمـد امین می‌گویـد": از آثار سوء اعتقاد به مهـدویت، انقلاب‌های پیاپی در طول تاریخ مسـلمانان است. در هر عصـری شـخص یا اشخاصـی پیـدا شـده وبا یدک کشـیدن نام مهدی منتظر، مردم را به سوی خود دعوت نموده وگروهی نیز دعوت آنها را پذیرفته‌اند، واز این جهت باعث مشـکلات در جامعه اسـلامی شده‌اند. {"...پاورقی . ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۴۴. پاورقی} پاسخ: اوّلاً: شکی نیست که مشـکلاتی از نـاحیه مـدعیان دروغین مهـدویت در جامعه اسـلامی پدیـد آمـده است، ولی گناه آن به عهـده علما بوده که درست حضـرت را تعریف نکرده وعلائم وشـرایط ظهور را معین نکرده‌اند. ونیز گناه از مردم است که بدون تفحص از اصل قضـیه، فریب این گـونه افراد را خورده‌انـد. وگرنه اصـل قضـیه مهـدویت از برکـات شایـانی برخـوردار است. ثانیـاً: راه مقـابله بـا این گـونه انحراف‌هـا، انکـار عقیـده‌ای مسـلّم نیست، وگرنه به جهت مقابله با مـدعیان نبوت نیز بایـد با اصل نبوت انبیا مقابله کرد. ثالثاً: گرچه مـدعیان مهـدویت چنـد روزی جولاـن داده ومردم را فریب داده‌انـد، ولی به لطف خداونـد وعنایات حضـرت مهـدی (ع) وکوشـش فراوان علما، مکر وحیله آنها برملا شده واز جامعه طرد شده‌اند.

آیا اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل باز می‌دارد؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل باز می‌دارد؟

پاسخ

پاسخ اول برخی می‌گویند": از آثار سوء اعتقاد به مهدویت وانتظار ظهور مهدی (ع) در جامعه اسلامی آن است که مردم را مایل به توکل به خدا نموده واز عمل ومبارزه باز می‌دارد. "...پاسخ: معنای صحیح انتظار مهدی موعود (ع) این نیست که مسلمانان دست بر

روی دست گذاشته وبه انتظار مهدی (ع) به سر برند، بدون آنکه به وظایف دینی خود عمل کرده وزمینه‌ساز ظهور او باشند. ولذا در روایات اسلامی" انتظار فرج "از بهترین اعمال برشمرده شده است. معلوم می‌شود که انتظار جنبه عملی دارد وشخص منتظر خودش را از حیث عمل نیز آماده ظهور منجی می گرداند. پاسخ دوم اوّلاً: شکی نیست که مشکلاتی از ناحیه مدعیان دروغین مهدویت در جامعه اسلامی پدید آمده است، ولی گناه آن به عهده علما بوده که درست حضرت را تعریف نکرده وعلائم وشرایط ظهور را معین نکرده‌اند. ونیز گناه از مردم است که بدون تفحص از اصل قضیه، فریب این گونه افراد را خورده‌اند. وگرنه اصل قضیه مهدویت از برکات شایانی برخوردار است. ثانیاً: راه مقابله با این گونه انحراف‌ها، انکار عقیده‌ای مسلّم نیست، وگرنه به جهت مقابله با مدعیان نبوت نیز باید با اصل نبوت انبیا مقابله کرد. ثالثاً: گرچه مدعیان مهدویت چند روزی جولان داده ومردم را فریب داده‌اند، ولی به لطف خداوند وعنایات حضرت مهدی (ع) وکوشش فراوان علما، مکر وحیله آنها برملا شده واز جامعه طرد شده‌اند.

آیا اعتقاد به ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ووجود او تا این زمان از ضروریات ایمان است؟

پرسش

آیا اعتقاد به ولادت حضرت مهدی‌علیه‌السلام ووجود او تا این زمان از ضروریات ایمان است؟

پاسخ

اعتقاد به ولادت ووجود امام مهدی (ع) بر اساس ایمان واعتقاد به امامت در هر زمان، وضرورت وجود حجت در هر زمان است. شیعه معتقد است که امامت از اصول دین است وزمین هیچ زمانی خالی از حجت نیست، کسی که چنین عقیده‌ای دارد معتقد به ولادت حضرت مهدی (ع) است. زیرا مطابق نصّ پیامبر اکرم (ص) امامان بعد از ایشان دوازده نفرند که پیاپی تا روز قیامت خواهند بود. واز طرفی دیگر هر یک از امامان بر امام بعد از خود نصّ وتصریح نموده‌اند. واز حیث تاریخ نیز جامعه شیعی، امامت امام مهدی (ع) را پذیرفته‌اند. از طرفی دیگر می‌دانیم که هر کس وظیفه دارد امام زمان خود را بشناسد وبیعت او را بر گردن داشته باشد. در نتیجه اعتقاد به ولادت ووجود امام زمان، حضرت مهدی (ع) ضروری است، گرچه به جهت شرایط وموانعی در غیبت به سر می‌برد.

دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟

پرسش

دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟

پاسخ

امام زمان (ع) در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب می‌نویسد": أکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، فإنّ ذلک فرجکم"؛ "برای شتاب در گشایش حقیقی وکامل، بسیار دعا کنید؛{پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴. پاورقی} همانا فرج شما در آن است". می‌دانیم که فرج وگشایش شیعیان از تمام گرفتاری‌ها وفتنه‌ها در سایه ظهور حضرت مهدی (ع) محقق می گردد، وتا زمانی که حضرت در غیبت به سر می‌برد شیعه تحت فشار وظلم وتعدّی حاکمان ظلم وجور است. از این حدیث استفاده می‌شود که زمان ظهور حضرت مهدی (ع) متعلق" بداء "واقع می‌شود یعنی قابل تقدیم وتأخیر است، ویکی از عوامل تعجیل در فرج آن حضرت (ع)، دعا است. می‌دانیم که دعا بدون درخواست قلبی وزمینه سازی برای تحقق آن، مؤثر نخواهد بود. انسان باید با زبان وقلب بطلبد، ودر عمل هم زمینه‌ساز خواسته خود باشد.

جشن‌های میلاد چه آثاری دارد؟

پرسش

جشن‌های میلاد چه آثاری دارد؟

پاسخ

برپایی مراسم ویادبود میلاد حضرت مهدی (ع) آثار وبرکاتی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ – هر ساله شیعیان در روزی خاص به یاد حضرت مهدی (ع) دور هم جمع شده با ابراز ارادتشان نسبت به حضرت یاد او را در دل‌ها زنده می کنند. ۲ – برپایی جشن‌ها در روح وروان انسان اثر خاصی گذاشته واعتقاد به وجود وظهور حضرت را تثبیت خواهد کرد. ۳ – در جشن‌هایی که برگزار می گردد کمالات وفضایل آن حضرت تشریح وتوضیح داده می‌شود ودر نتیجه مردم با تأسّی به حضرت به خدا نزدیک‌تر می‌شوند. ۴ – در آن مجالس، با اطعام وپخش شیرینی دل مردم را خشنود کرده وبه ثواب اطعام می‌رسند وگروهی از این ضعفا از این مجالس بهره مادی نیز می‌برند. ۵ – این مراسم فرصت مناسبی است که مردم را به خدا ودستورات او دعوت نماییم.

چه آثار و نتایج قابل مشاهده ای در شخصی که منتظر امام زمان عج است دیده می شود.

پرسش

چه آثار و نتایج قابل مشاهده ای در شخصی که منتظر امام زمان عج است دیده می شود.

پاسخ

انتظار فرج در واقع، انتظار حکومت جهانی اسلام است، انتظار تشکیل حکومت توحیدی در سطح جامعه انسانی است، انتظار تحقق عدالت در اجتماع است، انتظار وراثت زمین و دولت مؤمنان و موحدان است. بنابراین «انتظار» نه به معنای «نشستن و دعا کردن» است، «انتظار» یعنی «برخاستن و دعا کردن»، انتظار یعنی بکوشیم هر چه بهتر دین اسلام را به عنوان یک دین توحیدی فراگیر

بشناسیم، بفهمیم و بسازیم، این همان زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) است آثار و نتایج قابل مشاهده در انسان منتظر آمادگی او برای ظهور است و این آمادگی میسر نمی شود مگر از طریق نزدیکی، سنخیت، و همانند سازی شخصیت و ترتیب دادن زندگی خود آنچنان که مورد رضایت آن حضرت(عج) باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی است، افکارش، صفاتش و اعمالش و هیچ انسانی از این قاعده مستثنی نیست، حتی حضرات معصومین (ع). ارتباط و نزدیکی به هر انسانی هم تنها از همین طریق ممکن است یعنی، اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره‌ای ندارد جز این که بکوشد ابتدا افکار، باورها و طرز تفکر آن شخص را شناسایی نماید و خویش را از جهت فکری با آن شخص هماهنگ نماید و سپس بکوشد که قرب صفاتی پیدا نماید یعنی، از جهت صفات و کمالات اخلاقی میان خود و آن شخص محبوب همانندسازی نماید و این بهترین طریقی است که انسان طالب کمال را به یک انسان کامل الگو نزدیک می‌نماید. در مورد نزدیکی به امام عصر (عج) هم وضع به همین منوال است. ما به عنوان یک شیعه و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وظیفه داریم ابتدا کیفیت اعتقاد، باورها، صفات، کمالات، نوع منش و کنش آن حضرات را شناسایی نماییم و در مرتبه بعد بکوشیم زندگی، صفات و باورهای خود را به ایشان نزدیک نماییم تا از این طریق شیعه و پیرو واقعی آنها باشیم . مقصود از انتظار فرج، امید ودلبستگی به مهدی (عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری، انتظاری سازنده و نگه‌دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است. به گونه‌ای که خود نوعی عبادت و حق‌پرستی است. برخی به خطا اندیشه مهدویت را به گونه‌ای تصویر می کنند که انتظار به معنای کمک به رشد ظلم و فساد و پرشدن دنیا از گناه می‌باشد در حالی که بی‌شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است، بنابراین انتظار و عشق به مهدی یعنی، عشق به همه خوبی‌ها و امید اقامه همه خوبی‌ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان را وامی‌دارد تا هر چه بیشتر و محکم‌تر در راه خوبی‌ها قدم بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت‌آفرین است . بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد. منابع زیر بسیار مفید است: ۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساساً به معنای انتظار پرداخته است). ۲- امامت و مهدویت، آیت‌الله‌صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه‌ای از بحث‌ها پیرامون امام مهدی (عج) پرداخته و خصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۵۱- ۳۹۸) ۳- خورشید مغرب استاد محمد رضا حکیمی

فواید فرجام اندیشی چیست؟

پرسش

فواید فرجام اندیشی چیست؟

پاسخ

«فرجام اندیشی»، فواید متعددی دارد که شمارش و شرح تفصیلی آن، در این نوشتار نمی گنجد. از این رو تنها به بعضی از این فواید اشاره می کنیم: ۱. فرجام اندیشی موجب دور اندیشی خواهد شد؛ زیرا کسی که به عاقبت و فرجام خود بیندیشد، می کوشد جانب احتیاط را مراعات کند تا دچار خسران و ضرر نگردد. این اندیشه و دغدغه فکری در باره آخر و پایان کار، انسان را وادار می کند تا در جوانب کار، بیشتر بیندیشد و این مطالعه و احتیاط، قهراً پیروزی و شیرین کامی را برای او به ارمغان می‌آورد. چنان که حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «پیروزی به دوراندیشی است و دور اندیشی در به کار انداختن رأی».نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر

شهیدی، کلمات قصار ۴۸، ص ۳۶۹. ۲. فرجام اندیشی باعث می گردد که آدمی با نگرش جدی و جدیدی به نظام هستی، طبیعت، خود و رابطه خدا، انسان و طبیعت بیندیشد. به بیان دیگر، عاقبت اندیشی انسان را به خود آگاهی، جهان آگاهی و خدا آگاهی می کشاند؛ چرا که در پرتو خودشناسی و آگاهی به خود، در رابطه‌اش با جهان - که از کجا آمده، در کجا قرار گرفته و به کجا می‌رود؟ درد حقیقت جویی در انسان زنده می‌شود؛ - همان طور که حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده؟ در کجا است؟ به کجا می‌رود؟»غررالحکم. ۳. فرجام اندیشی انسان را به فرجام‌شناسی سوق می‌دهد. وقتی که انسان به عاقبت خود اندیشید و آن را با دوراندیشی و خود آگاهی مقرون ساخت؛ به طور طبیعی به سوی شناخت هدف نهایی کشیده می‌شود. در حقیقت با توجّه به دغدغه فرجام و پایان زندگی، انسان با احتیاط، حزم و دورنگری توأم با نوعی خود آگاهی، جهان آگاهی و خدا آگاهی، به سمت شناخت کمال نهایی خود، چگونه زیستن، چگونه حرکت کردن، به کدام سو رفتن، در چه مسیری قرار گرفتن و چه چیزهایی را به کار بردن، برانگیخته می‌شود. شناخت هدف، نقش اساسی در جهت دادن به فعالیت‌ها و انتخاب و گزینش کارها ایفا می کند. کسی که هدفی، جز لذت دنیا و کمالی را فراتر از زندگی مادی نمی‌شناسد، کردار و رفتارهای خود را به گونه‌ای تنظیم می کند که تنها نیازهای مادی و خواسته‌های این سویی‌اش تأمین گردد. اما کسی که هدف و مقصود نهایی خود را فوق این جهان مادی جست‌وجو می کند، قهراً برنامه زندگی‌اش را به گونه‌ای طراحی و اجرا می کند که هر چه بهتر و بیشتر، برای مقصود نهایی و آن سویی‌اش سودمند باشد. حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «بینا از دنیا توشه گیرد و نا بینا برای دنیا توشه فراهم آورد».نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، ص ۱۳۲. هر که پایان بین‌تر او مسعودتر جدتر او کارد که افزون دید بر زانکه داند کاین جهان کاشتن هست بهر محشر و برداشتن مثنوی، دفتر چهارم، ابیات ۲۹۸۹-۲۹۸۸.

عقیده‌ی به امام زمان«علیه السلام» باید چه اثری در ما بگذارد؟

پرسش

عقیده‌ی به امام زمان«علیه السلام» باید چه اثری در ما بگذارد؟

پاسخ

اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» مخصوصاً با این ویژگی که خدا آن حضرت را برای از بین بردن ظلم‌ها و ستم‌ها و تشکیل حکومت عدل واحد در جهان ذخیره کرده است می‌تواند نتایج و آثار درخشانی در زندگی انسان از نظر عدلی داشته باشد. یکی از آن نتایج / انتظار فرج است شیعه‌ای که عقیده دارد روزی فرا می‌رسد که امام زمان«علیه السلام» قیام می کند در پرتو ظهور وی دنیا پر از عدل و داد می گردد و خویشتن را منتظر ظهور آن گرامی می‌داند با این اعتقاد راستین نسبت به ظلم‌ها و ستم‌ها بی‌تفاوت نیست او از گناه و معصیّت و ناپاکی و ستم رنج می‌برد و نه تنها خود را از انحراف و ستم برکنار می‌دارد بلکه تا سرحدّ توانایی برا دفع ظلم ستم و از بین بدن ناپاکیها و فسادها و انحراف‌ها تلاش و مبارزه می کند و پشتوانه این تلاشها و فداکاری‌های وی امید به ظهور حکومت امام زمان«علیه السلام» و قیام آن مصلح بزرگ است.

چرا خداوند مردم را منتظر ظهور امام زمان نگه داشته است؟

پرسش

چرا خداوند مردم را منتظر ظهور امام زمان نگه داشته است؟

پاسخ

انتظار باوری است بارور به عمل، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسّم می‌یابد، انتظار اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آنچه که فرهنگ انتظار ایجاب می‌کند. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: افضل الاعمال احمزها برترین عملها، سخت‌ترین آن‌هاست،(۱). و در جای دیگر فرموده‌اند: افضل اعمال امتی، انتظار الفرج برترین عملها، انتظار فرج است،(۲). نتیجه این دو مقدمه و یا دو روایت آن است که انتظار از دشوارترین تکالیف شرعی محسوب می‌شود. کشف ویژگی" انتظار "هضم چرایی عظمت پاداش منتظران را آسان‌تر می‌کند. علی (ع) می‌فرماید: المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله منتظر امر ما بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد،(۳). آمادگی همیشه جوهر اصلی انتظار است و وظیفه قطعی منتظران، انتظار قیام و ظهور مهدی (عج) را در سر داشتن، آمادگی پیشین می‌خواهد، آمادگی در: ۱- آراستگی به عدالت و تقوا: فرد منتظر باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسته باشد پیرو واقعی و صدیق حضرت ولی عصر (عج) کسی است که رفتار و مکتب آن جناب را الگوی عملی خود قرار دهد. رسول خدا (ص) در توصیف اوج مجاهدت و تدین منتظران مهدی می‌فرماید: لاحدهم اشدّ بقیهٔ علی دینه من خرط القتاد فی اللیلهٔ الظلماء، او کالقابض علی جمر الغضا، اولئک مصابیح الدجی. هر یک از ایشان بیش از کسی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یا نگاهداری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کف دست صبر می‌کند در دینداری خود استقامت و پایداری می‌ورزد، به راستی که آنان چراغ هدایت در شب‌های ظلمانی‌اند،(۴). اگر فردی بتواند با اجتناب از معاصی و رعایت پروای الهی، ملکه عدالت را در خود پدید آورد و با ایجاد تعادل در میان قوای نفسانی خود، ارکان حیات اخلاقی را در وجود خود نهادینه سازد، آنگاه می‌تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویشتن را با شرایط نوین تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ سازد. ۲- آراستگی به بردباری و پایداری: فرد منتظر باید استقامت بورزد و صبر و حلم پیشه سازد زیرا، با توجه به گزارش تاریخی از عصر ظهور،(۵). در دوران ظهور فشار زاید الوصفی بر منتظران مخلص و صدیق مهدی موعود وارد می‌شود، که مقاومت و پایداری در چنین شرایطی به توان بالای روحی نیازمند است. منتظران باید بکوشند تا به درجات بالای صبر نایل آیند. رسول خدا (ص) به اصحاب خویش فرمودند": پس از شما کسانی می‌آیند که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد، اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا ما در غزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نازل شده است پس چرا به آنان پنجاه برابر ما ثواب داده می‌شود؟ حضرت پاسخ گفتند: آنان در شرایطی [بس دشوار] خواهند بود که اگر شما در آن شرایط به سر برید، تحمّل و استقامت آنان را نخواهید داشت،(۶). از این رو رسول گرامی اسلام می‌فرماید: انتظار الفرج بالصبر عبادهٔ چشم به راه فرج داشتن، همراه صبر و استقامت، عبادت است،(۷). ۳- بهره‌مندی از دین‌شناسی بنیادین: فرد منتظر باید فهم و تلقی صحیحی از دین داشته باشد، مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این واقعیت است که ادیان بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان‌های متمادی، آرام آرام از خلوص نخستین خود فاصله می‌گیرند و خطوط اصلی و فرعی آن‌ها هر یک به نوعی حذف و اضافه، شدید و ضعیف، تبدیل و تغییر و تأویل و تفسیر می‌شوند از همین رو، امام زمان (ع) با بدعت‌ها مبارزه سختی خواهد کرد،(۸). چنانکه امیر مؤمنان می‌فرماید": یعطف الهوی علی الهدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی [مهدی موعود] هواهای نفسانی مردمان را به هدایت تبدیل خواهد کرد، آن

زمان که مردم هوای نفس را بر هـدایت غالب سازنـد و آراء و نظریات را به قرآن باز خواهـد گردانیـد هنگامی که قرآن را به آرای خود باز گردانند،(۹). ۴- اصـلاح‌طلبی فرد منتظر بایـد به سـهم خـود در راه اصـلاح جـامعه و اسـتقرار عـدالت و رفع ظلم و تعـدی بکوشد، آن که منتظر مصلح جهانی است، خود نیز باید صالح و مصلح باشد، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه فردی و اجتماعی خصوصاً باحکام جور و سـلاطین نقطه بارز مصـلح بودن است. امام صادق (ع) می‌فرمایـد ": لیعـد احـدکم لخروج القائم و لوسـهماً حتماً هر یک از شـما منتظران برای قیام حضـرت قائم سـلاح فراهم سازد هر چنـد یک تیر،(۱۰). به هر روی، منتظر مهـدی (عج) در برابر فسـاد و سـتم حکومت‌هـای جور بی تفـاوت نیست و مؤیـد آنـان نیز نمی‌باشـد پیـامبر اکرم (ص) در خصوص وظـایف منتظران مهدی می‌فرماید: طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتد به قبل قیامه، یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الائمهٔ الهادیهٔ من قبله، اولئـک رفقـائی و ذوو ودّی و مودّتی و اکرم امتی علیّ خوشا به حال کسـی که به حضور قائم برسـد و حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد، آن که با دوست او دوست و با دشـمن او دشـمن و مخالف است و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست است، اینـان همنشـین و دوسـتان من و گرامی‌ترین امت در نزد من هسـتند،(۱۱)) پی‌نوشت (۱) (مجمع البحرین فخر الـدین طریحی، مقدمه و تصـحیح آیةالله شـهاب الدین مرعشـی نجفی (ره)، ص ۲۹۷) (۲) (همان، ص ۵۷) (۳) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳) (۴) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴) (۵) (نگا: اکمال الدین، ج ۱، ب ۲۳، حدیث ۱، الارشاد مفید، ص ۳۱۸ و الاحتجاج الطبرسی، ج ۲، ص ۳۱۸) (۶) (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۱) (۷) (همان، ج ۵۲، ص ۱۴۵) (۸) (نگا: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸) (۹) (نهـج البلاغـهٔ، خ ۱۸۳ و بحارالانـوار، ج ۸، ص ۳۶۱، شارحان شـیعه و سـنی نهـج البلاغـهٔ این عبارت را ناظر به مهـدی موعود دانسته‌اند) (۱۰) (بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶) (۱۱) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰).

باور داشتن مهدویّت چه ثمراتی را در پی دارد؟

پرسش

باور داشتن مهدویّت چه ثمراتی را در پی دارد؟

پاسخ

بر کسـی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی(ع) عقیده‌ای است که امید می‌آفریند و نشاط و تلاش ایجاد میکند. سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می‌برد. حرکت‌های اصـلاحگرانه و اسـلام خواهانه را تشویق می‌کند، و جانهای شورنده، بر اسـتکبار و استضـعاف را تقویت می‌نمایـد. [دین] اسـلام هنوز به‌کمال اهداف خویش نرسـیده و به مرحلهٔ تحقّق همهٔ آرمان‌هایی که برای جامهٔ عمل پوشاندن به آنها، آمده است، دست نیافته، آینده از آن اسـلام است و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسـلام عزیز بر همهٔ گیتی حکمروا باشد و همهٔ سـتمگری‌ها و حقّ کشـی‌ها را از بین ببرد. دنیا به زودی به دامن اسـلام پناه خواهد آورد و نیاز دنیا به اسلام هر روز ظـاهرتر از روز پیش به چشم می‌خورد. نور اسـلام هر روز روشن‌تر و پرتوش هر روز درخشـان‌تر از قبـل در همـهٔ دنیـا احسـاس می‌شود. شـکست نظام‌های اسـتکباری رایج و فروپاشـی احزاب شرک آلود غیر انسانی و عدم موفقیّت برنامه‌های اقتصادی و سیاسی آنـان در گسـترش امنیّت و آسـایش مردمی و ناکـام مانـدن این سـیاست‌ها در تحقـّق اهـداف انسـانی و از بین بردن جهـل و سـتم و کینه‌جوئی‌ها و نژاد پرستی‌ها، روز به روز، دل‌ها را برای قبول اسلام آماده تر ساخته و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه‌های الهی آن ـ

که یگانه راه حلّ مشکلات بشریّت است ـ مشتاق‌تر می‌سازد. بشریّتِ سرگردان امروز، هرگز گمشدهٔ خود را در نظام‌های شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت. بلکه این نظام ها و مکتب‌های غیر الهی، برای انسانِ امروز دست آوردی جز فروماندگی بیشتر و دشوارتر شدن کارها و مشکلات و فزونی فحشاء، منکرات، فساد، گردنفرازی و استکبار، نداشته است. «اعتقاد به مهدوّیت» درک ما را نسبت به «کرامت انسان» بیدار می کند و این باور را که زمین، نه از آنِ ستم پیشگان و استعمارگران، بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوا پیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و رسول گرامیش حضرت محمّد(ص) را با هدایت و آیین حقّ برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است، تقویت می کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل‌های ما جای می‌دهد و ما را برای برتری بخشیدن به کلمهٔ توحید و بر پا داشتن حدود الهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام وا می‌دارد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می‌سازد و در عمل به مسئولیتهایی که بر عهده داریم مورد بازخواست قرار می‌دهد.

نقش عملی مهدویت در پاسداری از اسلام چیست؟

پرسش

نقش عملی مهدویت در پاسداری از اسلام چیست؟

پاسخ

مهدویت نیز مانند سایر عقاید اسلامی نقش عملی خود را داشته و اگر تأثیر آن از سایر عقاید اسلامی بیشتر نبوده کمتر نمیباشد مهدویّت نقش موجود اسلام را در عمل حفظ کرده است و از این که بر مسلمانان یاس و ناامیدی مسلط شود جلوگیری میکند و ضامن بقای نقش عملی اسلام است این نهاد اسلامی همیشه نقش اسلام را بیشتر در عمل خواهان بوده و مسلمانان را به پیاده شدن نقش اساسی و کلی اسلام امیدوار ساخته و بر خلاف آنان که نقش اسلام را پایان یافته گرفتهاند، مهدویّت آن را همچنان در آغاز کار و در بین راه میداند و اسلام را بیش از آنکه دین چهارده قرن پیش باشد دین حال و آینده و قرنهای بعد و چهارده قرن بعد هم اگر جهان ادامه یابد میداند. پس نقش عملی مهدویّت در پاسداری از اسلام و نقش عملی اسلام موجود و گسترش و توسعهٔ آن بسیار حساس و قابل توجه است و این اندیشه و عقیدهای است که مسلمان را از اینکه عمر اسلام را تمام بداند و تسلیم کفار و مکتبهای الحاد و کفر شود یا جهان را از اسلام بینیاز بشمارد مصونیّت میبخشد. ایمان مسلمانان به اینکه این دین باید پیش برود و جهانگیر شود و دنیا را به زیر پرچم توحید در آورد، آنها را در برابر امواج حوادث ثبات بخشید و در مقابل دشمنان پایداری و استقامت داد، به گونهای که مسلمانان صدر اسلام گوشهگیری و انزوا و ترک مداخله در امور را شعار خود نساختند و این ایمان به آینده مشوق و محرّک آنها به جهاد و تلاش بیشتر بود. عقیدهٔ مهدویّت محتوایش عقیده به بقای اسلام است و این که، دین، مانند کوه و زمین و آسمان استوار است و در برابر حوادث پایدار. این عقیده محتوایش این است که آینده برای این دین است و آخرین ابر مرد که خلاصهٔ دودمان رسالت است مروج و زنده کننده آن است.

انتظار در زندگی اجتماعی و فردی انسان چه جایگاهی دارد؟

پرسش

انتظار در زندگی اجتماعی و فردی انسان چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است؛ و اگر از انتظار بیرون بیاید و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و بی هدف و بی مقصد می‌شود. حرکت و انتظار در کنار هم می‌باشند و از هم جدا نمی‌شوند؛ انتظار علت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هر چه مقدّس‌تر و عالی‌تر باشد، انتظارش نیز ارزنده‌تر و مقدس‌تر خواهد بود و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند شناخت: یکی انتظارش این است که پایان سال تحصیلی برسد، گواهی نامه و مدرکی بگیرد و به وسیلهٔ آن کار و شغل مناسبی تهیه نماید. یکی منتظر است وضعش روبراه شود، تا خانواده تشکیل دهد و همسری اختیار کند و از تجرد و تنهائی خود را خلاص سازد. اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثّر، فعل و انفعال، و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامهٔ حیات برایش بی‌لذت و بی‌معنی است. انتظار است که زندگی را لذت بخش وبا روح و با معنی می‌سازد و شخص را به زندگی علاقه‌مند می‌نماید.

دیدگاه اسلام نسبت به انتظار چیست؟

پرسش

دیدگاه اسلام نسبت به انتظار چیست؟

پاسخ

اسلام که تعلیمات و هدایتهایش بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را، پشتوانهٔ بقای جامعه‌ای مسلمان و محرک احساسات و مهیّج روح فعالیّت و اقدام قرار داده است؛ و انتظار آیندهٔ بهتر، و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رهبر عظیم‌الشأن آن در حدیث شریف: «أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتی اِنْتِظارُ الْفَرَجِ» (تحف العقول عن الرسول،۳۷) [برترین کارهای امّتم انتظار است.] انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی فرموده است. قرآن مجید در آیات متعدّدی، مسلمانان را به انتظار آینده گذارده و آیندهٔ بهتر را به این امت نوید داده است و آینده گرائی را تعلیم می‌فرماید. از جمله در این آیه نوید می‌دهد که هرگاه خطر ارتجاع پیش آید و از مسلمانان، افرادی مرتد و بی‌دین شوند و از دین برگردند، خدا قوم و گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنها خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان فروتن هستند، نسبت به کفار، عزیز و غالب و خوددار و غیر قابل انعطاف می‌باشند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت و سرزنش ملامت کنندگان بیم ندارند؛ که آیهٔ ذیل مشعر بر این مطلب است؛ «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَی الْمُؤْمِنینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الْکافِرینَ یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللهِ، وَ لا یَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللهُ واسع عَلیمٌ» مائده/۵۴

عقیده به ظهور حضرت مهدی چه تأثیری در فکر و اندیشه دارد؟

پرسش

عقیده به ظهور حضرت مهدی چه تأثیری در فکر و اندیشه دارد؟

پاسخ

فکر و انـدیشه را وسـیع و جهان انـدیش می‌سازد که به دورترین نقاط جهان بنگرد و خیر و رفاه مردم تمام مناطق گیتی را بخواهد و عـالم را مملکت خـدا بدانـد؛ که عـاقبت و پیروزی با پرهیز کاران و شایسـتگان است که خـدای متعال در «قرآن» چنین بشارت داده است: «وَ لَقَـدْ کَتَبنا فی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» انبیا/۱۰۵ [ما بعد از تورات، در زبور داود نوŘ.....که البته بنـدگان نیکوکـار من ملک زمین را وارث و متصـرف خواهنـد شـد.] از اخبار اسـتفاده می‌شود که در زمان ظهور آن حضـرت، خردهـا و انـدیشه‌ها کامـل می گردد، ایـن نـه فقـط در عصـر ظهـور اسـت، بلکـه در عصـر غیبـت نیز چنیـن اسـت که مؤمنـان واقعی، روشنگرانه حقایق را درک می‌نمایند و عالم و مسائل جهانی را با نگرش دوربین مطالعه می کنند.

عقیده به ظهور حضرت مهدی(عج) با عدل و قسط چه رابطه‌ای دارد؟

پرسش

عقیده به ظهور حضرت مهدی(عج) با عدل و قسط چه رابطه‌ای دارد؟

پاسخ

در احادیث و اخبار بسیاری که شیعه و سنی در کتابهای مورد اعتماد و معتبر حدیث، راجع به اوصاف و علائم و مشخصات حضرت صاحب الامر، مهـدی منتظر(ع) روایت کرده‌اند، این نشانه و علامت، مشـهور و معروف و متواتر است که: زمین را پر از قسط و عدل می‌فرمایـد، چنـانکه از ظلم و جور پر شـده باشـد. از جمله «احمـدبن حنبـل» د ر«مسـند» و «ابو داود» د ر«سـنن»، این علامت را که از اوصـاف فعلی و برنامه حکومتی آن حضـرت است، از رسول خـدا(ص) به این لفظ روایت کرده‌انـد. «یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْـطاً وَعَـدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً»(منتخب الاثر ب ۱ ف ۲ ص ۱۴۲ ح ۵) [زمین را از قسط وعدل پر می کند چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.] و در حـدیث دیگر است که فرمود: «اُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدی، یَبْعَثُ فی اُمَّتی عَلَی اخْتِلافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلازِلَ، فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْـطاً وَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، یَرْضی عَنْهُ ساکِنُ السَّماءِ وَ ساکِنُ الارْضِ، یُقَسِّم الْمالَ صِحاحاً. فَقالَ لَهُ رَجُلٌ: ما صِحاحاً؟ قالَ: بِالسَّوِیَّهِ بَیْنَ النّاسِ قالَ: وَ یَمْلَأُ اللهُ قُلُوبَ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ(ص) غِنیً، وَ یَسَـعُهُمْ عَـدْلَهُ» (...منتخب الاثر، ب ۱، ف ۲، ص ۱۴۷، ح ۱۴) [مژده می‌دهم شما را به مهـدی که او در امت من، به هنگام اختلاف و سـختیها برانگیخته می‌شود. پس زمین را از قسط و عدل پر می کند، همانطوری که از جور و ظلم پر شده باشد. از او راضـی می گردد ساکنان آسـمان و زمین، مال را در بین مردم بطور مساوی و برابر تقسیم می‌نماید، و خـدا دلهـای امت محمـد(ص) را از بی‌نیـازی پر می کنـد و ایشان را عـدل او فرا می گیرد.] و در روایت دیگر است: «یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتی یُواطی اِسْـمُهُ اِسْـمی وَ خُلْقُهُ خُلْقی فَیَمْلَأُها عَدْلاً وَ قِسْطاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً» (منتخب الاثر، ف ۲، ب ۲، ح ۳، ص ۱۷۹)

[بیرون می‌آید مردی از هل بیت من که اسمش، اسم من و خلقش خلق من است، پس زمین را از عدل و قسط پر می‌کند، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.] و در حدیث دیگر از پیغمبر اکرم(ص) نقل شده است: «لَوْ لَمْ یَبْقِ مِنَ الدُّنْیا اِلّا یَوْمٌ واحِدٌ، لَطَوَلَ اللهُ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدی، فِملَأُها عَدْلاً وَ قِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً» [اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی و دراز گرداند، تا بیرون آید مردی از فرزندان من، پس پرکند دنیا را از عدل و قسط، مثل آنکه از جور و ظلم پر شده باشد.]

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه‌دار حلول کند، چه واکنشی به دنبال خواهد داشت؟

پرسش

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه‌دار حلول کند، چه واکنشی به دنبال خواهد داشت؟

پاسخ

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه‌دار حلول کند، سرچشمهٔ دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد (زیرا اعتقادات سطحی ممکن است اثر آن از گفتار و سخن تجاوز نکند، امّا اعتقادات عمیق همیشه آثار عملی گسترده‌ای به دنبال خو.....داشت)؛ این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد، و حتّی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو؛ و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادّی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی، از س...Ş دیگر.

منتظران واقعی اگر در دعوی خود صادق باشند چه آثاری در آنها آشکار خواهد شد؟

پرسش

منتظران واقعی اگر در دعوی خود صادق باشند چه آثاری در آنها آشکار خواهد شد؟

پاسخ

۱ ـ خودسازی فردی حکومت جهانی مهدی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند؛ و این در درجهٔ اوّل محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است؛ تنگ نظریها، کوتهبینیها، کج فکریها، حسادتها، اختلافات کودکانه و نابخردانه، و بطور کلّی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیّت منتظران واقعی سازگار نیست. نکتهٔ مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامهٔ مهمّی هرگز نمیتواند نقش تماشاچی را داشته باشد؛ باید حتماً در صف اصلاحطلبان واقعی قرار گیرد. ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل هرگز به او اجازه نمیدهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن

اعمـالی پـاک و روحی پاکتر، برخورداری از شـهامت و آگاهی کافی است. من اگر ناپاک و آلودهام چگونه میتوانم منتظر تحوّل و انقلاـبی بـاشم کـه شـعلهٔ اوّلش دامـان مرا میگیرد! مـن اگر ظـالم و سـتمگرم چگـونه ممکن است در انتظـار کسـی بنشـینم که طعمهٔ شمشیرش خون ستمگران است و من اگر فاسد و نادرستم چگونه میتوانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشـی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روز شـماری کنم! آیا این انتظار برای تصـفیهٔ روح و فکر و شسـتشوی جسم و جان من از لوث آلودگیها کافی نیست! ۲ ـ خودیاریهای اجتماعی منتظران راستین در عین حال، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح خویش، در اصـلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامهٔ عظیم و سنگینی که انتظارش را میکشند یک برنامهٔ فردی نیست؛ برنامهای است که تمام عناصـر تحوّل باید در آن شـرکت جوید؛ باید کار به صورت دسـتجمعی و همگانی باشد؛ کوششـها و تلاشها باید هماهنگ گردد و عمق و وسـعت این هماهنگی بایـد به عظمت همان برنامـهٔ انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند. ۳ ـ حل نشدن در فساد محیط هنگامی که فساد فراگیر میشود، و اکثریّت و یا جمع کثیری را به آلودگی میکشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار میگیرنـد، بن بستی که از یأس از اصـلاحات سرچشـمه میگیرد. گاهی انها فکر میکنند، کار از کار گذشـته و دیگر امیدی برای اصـلاح نیست، و تلاـش و کوشـش برای پـاک نگهداشـتن خویش بیهوده است؛ این نومیـدی و یأس ممکن است آنها را تـدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند، و نتوانند خود را به صورت یک اقلّیت صالح در برابر اکثریّت ناسالم حفظ کنند، و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند. تنها چیزی که میتواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگـذارد در محیط فاسـد حل شونـد، امیـد به اصـلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشـش برای حفظ پاکی خویش و حتّی برای اصلاح دیگران برنخواهند داشت.

در چه صورت انتظار ظهور ارزشمند است؟

پرسش

در چه صورت انتظار ظهور ارزشمند است؟

پاسخ

دربـاره انتظـار ظهور حضـرت مهـدی(عـج) و علاـقه به برپایی دولت ایشان، افراد دارای انگیزه های گوناگونی هسـتند، مثلاً، در بین عوام مشـهور است که در زمان حضور آن حضـرت، نیازمندیها و ما یحتاج روزمره انسان به صورت رایگان و به اصطلاح به صورت صلواتی تـأمین می‌شود. به عبـارت دیگر، نیازهـایی که تـأمین آنها مسـتلزم زحمت است، تنها با ذکر صـلوات بر محمـد و آل محمد (صـلی الله علیه و آله) تـأمین می گردد. بنـا بر این، ممکن است عـده ای به این دلیـل یـا دلاـیلی ماننـد این به ظهور امـام عصـر(عـج) علاقمند باشـند و اساساً، به همین دلیل، در انتظار ظهور ایشان باشـند. عده ای منتظر ظهور اویند تا بیاید و امور آنها را اصـلاح کند و بار مشـکلات را از دوش انسان بردارد. حقیقت این است که انجام برخی وظایف شـرعی به خصوص وظایف اجتماعی، ماننـد امر به معروف و نهی از منکر و مبـارزه بـا ظلم و فساد، کار مشـکلی است. ممکن است عـده ای با این تصور که با آمـدن آن حضـرت این زحمـات از گردن انسـان برداشـته می‌شود، منتظر ظهور آن حضـرت باشـند. ممکن است کسـانی به دلیل این که از ظلم و سـتم رنج می‌برند، منتظر بر پا شدن دولتی باشـند که ریشه ستمگران را بر کند و هر کس به حق خود دست یابد (طرفداران عدالت، مساوات و

برابری). بالاخره، گروهی نیز برای پیروزی اسلام و دین حق، پیاده شدن احکام خدا، عملی شدن احکامی که متروک مانده است، احیای سنتهای پیامبر و نابودی آثار کفر و شرک، در انتظار ظهور حضرت مهدی به سر می‌برند. اگر انگیزه ما یکی از سه مورد اول باشد، در واقع، دل ما به حال خودمان سوخته است، نه دیگران! در واقع، ما انتظار راحتی خود را می کشیم نه ظهور حجت(عج) را! اگر کس دیگری، غیر از امام عصر (علیه السلام)، خواسته های ما را تأمین کند، ما مرید و علاقمند به او خواهیم شد. بنا بر این، امام زمان و ظهور ایشان برای ما موضوعیتی نخواهد داشت و مقصود اصلی تأمین راحتی خودمان است، نه چیز دیگر. انتظاری که ناشی از راحت طلبی و تنبلی باشد، چه ارزشی دارد؟

با اینکه اسلام انسان را به تحقیق در مسائل رهنمون ساخته چرا خواسته شده بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول گردد؟

پرسش

با اینکه اسلام انسان را به تحقیق در مسائل رهنمون ساخته چرا خواسته شده بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول گردد؟

پاسخ

اسلام افراد را به تحقیق در مسائل ترغیب نموده ولی این در مسائلی است که خارج از قلمرو فکر و اندیشه انسان نباشد اما برخی از مسائل که ممکن است فکر انسان دستخوش انحراف واقع شود تفکر در آنها را جلوگیری کرده است مثلاً ـ در برخی روایات از اندیشیدن درباره مسائل قضا و قدر جلوگیری شده و همچنین درباره برخی دیگر از مسائل مانند اندیشیدن در ذات خداوند بنابراین چنین نیست که اندیشیدن در هر مسئله بدون استثناء از ناحیه اسلام مورد تشویق و ترغیب باشد. ثانیاً: آن چه در درس آمده این است که جستجو کردن در علت غیبت امام زمان(عج) لزومی ندارد و ندانستن فلسفه غیبت امام زیانی به وجود نمی آورد و این مانند اعتقاد به اصل وجود امام زمان و اصل غیبت آن حضرت نیست که لازم باشد زیرا پس از اینکه حکمت خداوند براساس دلیل برای ما روشن گشت و دانستیم اما غایب است می دانیم غیبت امام زمان دارای حکمتی است اما حکمت آن چیست مانند بسیاری از فلسفه احکام برای ما مجهول است بنابراین بیان شده است که بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول کنیم بلکه آنچه بیان شده است این است که دانستن فلسفه غیبت لازم نیست.

عقیده ی به امام زمان((علیه السلام)) باید چه اثری در ما بگذارد؟

پرسش

عقیده ی به امام زمان((علیه السلام)) باید چه اثری در ما بگذارد؟

پاسخ

اعتقاد به وجود امام زمان((علیه السلام)) مخصوصاً با این ویژگی که خدا آن حضرت را برای از بین بردن ظلم ها و ستم ها و

تشکیل حکومت عدل واحد در جهان ذخیره کرده است می تواند نتایج و آثار درخشانی در زندگی انسان از نظر عدلی داشته باشد. یکی از آن نتایج / انتظار فرج است شیعه ای که عقیده دارد روزی فرا می رسد که امام زمان((علیه السلام)) قیام می کند در پرتو ظهور وی دنیا پر از عدل و داد می گردد و خویشتن را منتظر ظهور آن گرامی می داند با این اعتقاد راستین نسبت به ظلم ها و ستم ها بی تفاوت نیست او از گناه و معصیّت و ناپاکی و ستم رنج می برد و نه تنها خود را از انحراف و ستم برکنار می دارد بلکه تا سرحدّ توانایی برا دفع ظلم ستم و از بین بدن ناپاکیها و فسادها و انحراف ها تلاش و مبارزه می کند و پشتوانه این تلاشها و فداکاری های وی امید به ظهور حکومت امام زمان((علیه السلام)) و قیام آن مصلح بزرگ است.

چرا انتظار فرج افضل اعمال است ؟

پرسش

چرا انتظار فرج افضل اعمال است ؟

پاسخ

تعبیرهایی همانند آنچه در انتظار فرج (افضل اعمال) و در برخی موارد دیگر آمده است. برای نمونه درباره قرائتقرآن، توحید، صلوات، آب دادن به تشنگان، حب علی(ع)، ورع، ادخال سُرور، جهاد، ایمان، کسب حلال، حب فیاللّه و بغض فی اللّه نماز اول وقت، نیکی به والدین، توکل، رضا، اطعام طعام و... مطلق نیستند. با نگرش به مجموع آنچه که افضل اعمال دانسته شده چنین برمی‌آید که هر کدام از این موارد به مقتضای حالمخاطب و شرایط خاص او ایراد شده است. بنابراین نمی‌توانند اموری مطلق باشند. در مورد انتظار فرج نیز چنیناست. در شرایطی که مسلمانان در سختی‌های مبارزات صدر اسلام قرار داشتند و یا آن زمان که شیعیان در شرایطدشواری فرا می گرفتند مأیوس نشدن و منتظر فرج بودن بالاترین عبادت بود، چرا که در صورت یأس همه چیز آنان درمعرض زوال قرار می گرفت ولی با انتظار فرج روحیه امید و مقاومت در آنان زنده مانده و راه برای پیروزی و غلبه برمشکلات فراهم می گشت. باید توجه داشت که انتظار فرج معنایی گسترده دارد و شامل همه عنایات الهی می گردد و از جمله مصادیق آنانتظار ظهور حضرت مهدی(عج) است.{J

درباره انتظار فرج امام زمان (عج) و دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان توضیح دهید.

پرسش

درباره انتظار فرج امام زمان (عج) و دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان توضیح دهید.

پاسخ

دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان، همان عدالت خواهی و حقیقت‌جویی است که در فطرت همه ما نهاده شده است؛ زیرا، آن

حضرت با ظهور خویش، حق را احیا و عدالت را در جامعه حاکم و مستقر خواهد ساخت. دعا برای ظهور زودتر و سریع‌تر ایشان، رسیدن به آرمان‌هاییاست که بشر تشنه نیل به آن بوده است. امّا انتظار؛ باوری است بارور به عمل، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسّم می‌یابد، انتظار اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آنچه که فرهنگ انتظار ایجاب می‌کند. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: افضل الاعمالاحمزها ؛ برترین عملها، سخت‌ترین آن‌هاست{M، (مجمع البحرین فخر الدین طریحی، مقدمه و تصحیح آیةالله شهاب الدین مرعشینجفی(ره)، ص ۲۹۷). و در جای دیگر فرموده‌اند: افضل اعمال امتی، انتظار الفرج ؛ برترین عملها، انتظار فرج است{M، (همان، ص ۵۷).نتیجه این دو مقدمه و یا دو روایت آن است که انتظار از دشوارترین تکالیف شرعی محسوب می‌شود. کشف ویژگی «انتظار» هضم چرایی عظمت پاداش منتظران را آسان‌تر می‌کند. علی(ع) می‌فرماید: المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله ؛ منتظر امر ما بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیدهباشد{M، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳). آمادگی همیشه جوهر اصلی انتظار است و وظیفه قطعی منتظران، انتظار قیام و ظهور مهدی(عج) را در سر داشتن، آمادگی پیشین می‌خواهد، آمادگی در: ۱ـ آراستگی به عدالت و تقوا: فرد منتظر باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسته باشد؛ پیرو واقعی و صدیق حضرت ولی عصر(عج) کسی است که رفتار و مکتب آن جناب را الگوی عملی خود قرار دهد. رسول خدا(ص) در توصیف اوج مجاهدت و تدین منتظران مهدیمی‌فرماید: لاحدهم اشدّ بقیةً علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء، او کالقابض علی جمر الغضا، اولئک مصابیح الدجی ؛ ... هریک از ایشان بیش از کسی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یا نگاهداری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کفدست صبر می‌کند در دینداری خود استقامت و پایداری می‌ورزد، به راستی که آنان چراغ هدایت در شب‌های ظلمانی‌اند{M،(بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۱۲۴). اگر فردی بتواند با اجتناب از معاصی و رعایت پروای الهی، ملکه عدالت را در خود پدید آورد و با ایجاد تعادل در میان قوای نفسانی خود، ارکان حیات اخلاقی را در وجود خود نهادینه سازد، آنگاه می‌تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویشتن رابا شرایط نوین تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ سازد. ۲ـ آراستگی به بردباری و پایداری: فرد منتظر باید استقامت بورزد و صبر و حلم پیشه سازد؛ زیرا، با توجه به گزارش تاریخی از عصر ظهور، (نگا: اکمال الدین، ج ۱، ب ۲۳، حدیث ۱، الارشاد مفید، ص ۳۱۸ والاحتجاج الطبرسی، ج ۲، ص ۳۱۸). در دوران ظهور فشار زاید الوصفی بر منتظران مخلص و صدیق مهدی موعود وارد می‌شود، که مقاومت و پایداری در چنین شرایطی به توان بالای روحی نیازمند است. منتظران باید بکوشند تا به درجات بالای صبرنایل آیند. رسول خدا(ص) به اصحاب خویش فرمودند: «پس از شما کسانی می‌آیند که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد، اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا ما در غزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نازل شده است؛ پس چرا به آنانپنجاه برابر ما ثواب داده می‌شود؟ حضرت پاسخ گفتند: آنان در شرایطی [بس دشوار [خواهند بود که اگر شما در آن شرایط به سر برید، تحمّل و استقامت آنان را نخواهید داشت، (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۱). از این رو؛ رسول گرامی اسلام می‌فرماید: انتظار الفرج بالصبر عبادة ؛ چشم به راه فرج داشتن، همراه صبر و استقامت، عبادت است{M، (همان،ج ۵۲، ص ۱۴۵). ۳ـ بهره‌مندی از دین‌شناسی بنیادین: فرد منتظر باید فهم و تلقی صحیحی از دین داشته باشد، مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این واقعیت است که ادیان بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان‌های متمادی، آرام آرام از خلوص نخستین خود فاصله می‌گیرند و خطوط اصلی و فرعیآن‌ها هر یک به نوعی حذف و اضافه، شدید و ضعیف، تبدیل و تغییر و تأویل و تفسیر می‌شوند؛ از همین رو، امام زمان(ع) با بدعت‌ها مبارزه سختی خواهد کرد، (نگا: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸). چنانکه امیر مؤمنان می‌فرماید: «یعطف الهوی علی الهدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی؛ [مهدی موعود] هواهای نفسانی مردمان را به هدایت تبدیل خواهد کرد، آن زمان که مردم هوای نفس را بر هدایت غالب سازند وآراء و نظریات را به قرآن باز خواهد گردانید هنگامی که قرآن را به آرای خود باز گردانند، (نهج البلاغة، خ ۱۸۳ و بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۱، شارحان

شیعه و سنی نهج البلاغهٔ این عبارت را ناظر بهمهدی موعود دانسته‌اند). ۴ـ اصلاح‌طلبی؛ فرد منتظر باید به سهم خود در راه اصلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدی بکوشد، آن که منتظر مصلح جهانی است، خود نیز باید صالح و مصلح باشد، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه فردی و اجتماعی خصوصا باحکام جور و سلاطین نقطهبارز مصلح بودن است. امام صادق(ع) می‌فرماید: « لیعد احدکم لخروج القائم و لوسهما ؛ حتما هر یک از شما منتظران برای قیام حضرت قائم سلاح فراهم سازد هرچند یک تیر{M، (بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶). به هر روی، منتظر مهدی(عج) در برابر فساد و ستم حکومت‌های جور بی تفاوت نیست و مؤید آنان نیز نمی‌باشد پیامبر اکرم(ص) در خصوص وظایف منتظران مهدی می‌فرماید: طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتد به قبل قیامه، یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الائمهٔ الهادیهٔ من قبله، اولئکرفقائی و ذوو ودّی و مودّتی و اکرم امتی علیّ ؛ خوشا به حال کسی که به حضور قائم برسد و حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد، آنکه با دوست او دوست و با دشمن او دشمن و مخالف است و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست است، اینان همنشین و دوستان من وگرامی‌ترین امت در نزد من هستند{M، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰). توصیه می کنیم در باب مهدی‌شناسی و مباحث پیرامون آن کتاب: در انتظار ققنوس، نوشته سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده) را که از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)قم در سال ۱۳۷۹ برای نخستین بار به چاپ رسیده است ـ مطالعه فرمایید. ای مهر طلوع کن که خوابیم همه در هجر رخت در تب و تابیم همه هر بر زن و بام از رخت روشن و ما خفاش وشیم و در حجابیم همه (امام خمینی)

چه تناسبی میان انتظار موعود و حیات پویا، کسب علم، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد وجود دارد؟

پرسش

چه تناسبی میان انتظار موعود و حیات پویا، کسب علم، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد وجود دارد؟

پاسخ

درک دقیق معنای انتظار مبتنی بر فهم جامع اندیشه مهدویت است و اندیشه مهدویت را باید با توجه به مجموعه معارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام دید. بنا بر آموزه‌های دینی، مهدی(عج) روزی ظهور کرده و وعده‌های الهی را به اجرا درمی‌آورد او برپا کننده حکومت صالحان می‌باشد و مؤمنان به میزان ایمان وعمل صالحشان در حکومت مهدی(عج) قرب و منزلت دارند. این اندیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگی انسان تصویر می کند و عامل شعله‌ور شدن امید در دل‌های مؤمنین است. امید به ظهور مهدی(عج) همان امید به خداست. امید موتور حرکت انسان در زندگی است و امید به مهدی(عج)عامل حرکت استوارتر انسان در مسیر خوبی‌ها یعنی همان هدف اصلی دین می‌باشد. مقصود از انتظار فرج، امید ودلبستگی به مهدی(عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری، انتظاری سازنده و نگه‌دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است. به گونه‌ای که خود نوعی عبادت و حق‌پرستیاست. برخی به خطا به گونه‌ای اندیشه مهدویت را تصویر می کنند که انتظار براساس آن به معنای کمک به رشد ظلم و فساد و پرشدن دنیا از گناه می‌باشد در حالی که بی‌شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است، بنابراین انتظار و عشقبه مهدی؛ یعنی، عشق به همه خوبی‌ها و امید اقامه همه خوبی‌ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان راوامی‌دارد تا هر چه بیشتر و محکم‌تر در راه خوبی‌ها قدم بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت‌آفرین است. بحث در

این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد. منابع زیر بسیار مفید است: ۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساسا به معنای انتظار پرداخته است). ۲- امامت و مهدویت، آیت‌الله‌صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه‌ای از بحث‌ها پیرامون امام مهدی(عج) پرداخته وخصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۵۱ - ۳۹۸).

آیا بدون ظهور امام زمان مردم می توانند خود متحد شوند چیزی شبیه گفتگوی جهانی ؟

پرسش

آیا بدون ظهور امام زمان مردم می توانند خود متحد شوند چیزی شبیه گفتگوی جهانی ؟

پاسخ

۱. از آیات قرآن به دست می آید که خاستگاه اختلاف، جدایی از نظر عقیده است؛ همانگونه که منشأ تفرق، پراکندگی فیزیکی و بدنی است: «ولا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف نمودند (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آنان مجازات سنگینی دارند» (آل عمران، آیه ۱۰۵). پیشی گرفتن تفرق بر اختلاف در آیه شریفه نیز، بدان معناست که این نوع از جدایی و فاصله گرفتن از اجتماع، زمینه ساز اختلاف در عقیده است (علامه طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۳۷۴، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات). ۲. افزون بر نقش تفرق در اختلاف آفرینی، در قرآن کریم، پیدایش این امر به ستمگری و انحراف از حق نسبت داده شده است: «کان الناس امه واحده فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ماجاءتهم البینت بغیا بینهم...؛ مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و در میان آنان، هیچگونه ناسازگاری وجود نداشت به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در آنان پیدا شد، در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد؛ به آنها نازل نمود تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند، بلکه) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب دریافت داشته بودند و نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر ستمگری و انحراف از حق، در آن اختلاف کردند» (بقره، آیه ۲۱۳). حال که به تعبیر این آیه شریف «بغی» یا ستمگری و حق گریزی، عامل اختلاف است، راه از میان بردن آن نیز ایمان و حق گروی است؛ همان که در ادامه آیه بدان تصریح شده است. ۳. با توجه به عوامل اختلاف آفرین، و راهکارهای زدایش آن که به مواردی از آنها اشاره گردید، این نتیجه به دست می آید که اتحاد و هم گرایی انسان ها وامدار عقیده واحد و ایمان به حق یا حرکت عملی در بستر آن عقیده بوده و به زمان خاصی وابسته نیست. این عقیده واحد نیز، توحید است؛ وانگهی در زمان ظهور ولی عصر(عج) نیز در سایه همین توحید نظری و عملی، یکپارچگی جامعه مسلمانان به دست می آید. پیداست گفت و گوی جهانی، یا به اصطلاحی گفت و گوی تمدن ها نیز، زمانی اتحاد را نتیجه می دهد که بر پایه های عقیده واحد توحید و پای بندی عملی به آموزه های آن، استوار شود؛ وگرنه یک تعارف سیاسی بیش نیست. البته از آنجا که قدرت مداران و خودکامگان سیاسی و صاحبان زر و زور و تزویر، وحدت بر محور توحید را مخالف منافع خود می بینند لذا بدون ظهور امام زمان(عج) وحدت جهانی ممکن نمی شود. اگرچه تلاش هایی به عنوان زمینه ساز قابل توجه می باشد.

چه آثار وفوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتّب است؟

پرسش

چه آثار وفوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتّب است؟

پاسخ

برخی بر این گمان‌اند که طرح وبررسی موضوع مهدویت در این زمان امری بی‌فایده است، زیرا این موضوع مربوط به آینده بشریت است وآینـده واتفاقـات آن امری است مجمـل ومبهم، امّا آنچه وظیفه ماست اینکه به تکالیف خود در عصـر وزمان خود عمل کنیم؛ زیرا هر عصـر وزمـانی مقتضـیات خود را می‌طلبـد... . {پـاورقی . المهـدی المنتظر، دکـتر عـداب محمود محش، ص ۲۱۴. پاورقی} پاسخ: بحث از مهدویت در این عصـر وزمان آثار وفوایدی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – آرمان قیام وانقلاب مهدی (ع) یک فلسـفه بزرگ اجتماعی، اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از اینکه الهام بخش ایده وراه‌گشای به سوی آینده است، آینه بسـیار مناسبی است برای شـناخت آرمان‌های اسـلامی. {پاورقی . قیام وانقلاب مهدی از دیدگاه فلسـفه تاریخ، شـهید مطهری؛، ص ۵۷. پاورقی} ۲ – نوید به برپایی حکومتی جهانی واسـلامی ارکان وعناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی وجهانی است وجزئی از جهـان بینی اسـلامی است، وبرخی فرهنگی وتربیـتی است، برخی سیاسـی است وبرخی اقتصـادی وبرخی اجتمـاعی است. وبرخی انسـانی یا انسانی، طبیعی می‌باشـد. {پاورقی . همان. پاورقی} انسان می‌توانـد با الگوپـذیری از برنامه‌های جامع وفراگیر حضـرت در عصـر ظهور به آرمان‌های واقعی اسلام نزدیک شود. ۳ – در طول تاریـخ ودر سـطح جهان، انقلاب‌های گوناگونی از قبیل فرهنگی، سیاسـی، اجتماعی و... صورت گرفته است، ولی اکثر این انقلاب‌ها یا در شـروع موفق نبوده ویا اینکه در مواجهه با مشـکلات فراوان ومقـابله بـا دشـمنان خود نتوانسـته است دوام بیاورد... وتنها نگاه سبزی که شـیعه به مهـدویت دارد می‌توانـد با ایجاد روحیه امیـد در جامعه، مردم را از ناامیدی ویأس برهاند. شیعه معتقد به امام زمانی زنده وحاضر وناظر بر اعمال خود است که او را در مواقع حساس کمک کار خواهد بود. این اعتقاد از جهت روان‌شناسی آثار عمیقی را در روحیه شیعیان خواهد گذاشت. ۴ – از آن جهت که وقت تشـکیل حکومت امام زمان (ع) مشـخص نیست وهر لحظه می‌تواند زمان ظهور باشد، لذا وظیفه داریم که نظری به مباحث مهدویت وظهور کرده وخصوصـیات عصـر ظهور ووظـایف خود در آن عصـر را بـدانیم. ۵ – رسـیدن به حکومت جهانی توحیـدی در عصـر ظهور، شـرایطی دارد که برخی از آنها به دست خود بشـر حاصل می‌گردد، از آن جمله رسیدن بشر به تکامل همه جانبه ورسیدن به مسـتوای عالی فکری است. لذا بر ماست که آرمان‌های اصیل اسلامی در عصر ظهور را بدانیم تا بتوانیم هر چه بهتر در نزدیک شدن آن سـهیم بوده وزمینه ساز ظهور حضرت باشیم. ۶ – بحث از مهدویت تنها بحث از اموری نیست که مربوط به آینده بشـریّت باشد، بلکه بحث از امامت ومهدویت است، بحث از اینکه در هر زمانی باید امام معصومی موجود باشد، خواه حاضر ومشهور وخواه غایب وپنهان تا حجت‌ها وبینات خداونـد باطل نگردد. ولـذا در روایات اسـلامی از رسول خـدا (ص) می‌خوانیم": من مات ولم‌یعرف إمام زمانه مات میتـهٔ جاهلیّـهٔ"؛ "هر کس بمیرد وپیشوای زمان خود را نشـناسد مرده است از نوع {پاورقی . شـرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹. پـاورقی} مردن زمـان جـاهلیت ".بحث از مهـدویت، بحث از غیبت وفلسـفه آن وآثار وبرکات وجود امام در این عصـر غیبت است. ولذا بحث از مهدویت از وظایف وتکالیف شیعه در عصر غیبت است. موضوع: فلسفه حکومت عدل جهانی

بحث از مهدویت در این عصر وزمان دارای چه آثار وفوایدی م با شد؟

www.noorfatemah.org

پرسش

بحث از مهدویت در این عصر وزمان دارای چه آثار وفوایدی م با شد؟

پاسخ

بحث از مهـدویت در این عصـر وزمـان آثار وفوایـدی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – آرمان قیام وانقلاب مهـدی (ع) یک فلسـفه بزرگ اجتماعی، اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از اینکه الهام بخش ایده وراه‌گشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی. {پاورقی . قیام وانقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، شهید مطهری؛، ص ۵۷. پاورقی} ۲ – نوید به برپایی حکومتی جهانی واسـلامی ارکان وعناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی وجهانی است وجزئی از جهان بینی اسـلامی است، وبرخی فرهنگی وتربیـتی است، برخی سیاسـی است وبرخی اقتصـادی وبرخی اجتمـاعی است. وبرخی انسـانی یا انسانی، طبیعی می‌باشد. {پاورقی . همان. پاورقی} انسان می‌تواند با الگوپذیری از برنامه‌های جامع وفراگیر حضـرت در عصر ظهور به آرمان‌هـای واقعی اسـلام نزدیک شود. ۳ – در طول تاریـخ ودر سـطح جهـان، انقلاب‌هـای گوناگونی از قبیل فرهنگی، سیاسـی، اجتماعی و... صورت گرفته است، ولی اکثر این انقلاب‌ها یا در شـروع موفق نبوده ویا اینکه در مواجهه با مشکلات فراوان ومقابله با دشـمنان خود نتوانسـته است دوام بیاورد... وتنها نگاه سبزی که شـیعه به مهدویت دارد می‌تواند با ایجاد روحیه امید در جامعه، مردم را از ناامیدی ویأس برهاند. شـیعه معتقد به امام زمانی زنده وحاضـر وناظر بر اعمال خود است که او را در مواقع حساس کمک کار خواهـد بود. این اعتقاد از جهت روان‌شناسـی آثار عمیقی را در روحیه شـیعیان خواهـد گذاشت. ۴ – از آن جهت که وقت تشـکیل حکومت امام زمان (ع) مشـخص نیست وهر لحظه می‌توانـد زمان ظهور باشد، لذا وظیفه داریم که نظری به مباحث مهدویت وظهور کرده وخصوصـیات عصـر ظهور ووظـایف خود در آن عصـر را بـدانیم. ۵ – رسـیدن به حکومت جهـانی توحیـدی در عصـر ظهور، شرایطی دارد که برخی از آنها به دست خود بشر حاصل می‌گردد، از آن جمله رسیدن بشر به تکامل همه جانبه ورسیدن به مستوای عـالی فکری است. لـذا بر ماست که آرمان‌های اصـیل اسـلامی در عصـر ظهور را بـدانیم تا بتوانیم هر چه بهتر در نزدیک شـدن آن سهیم بوده وزمینه ساز ظهور حضرت باشیم. ۶ – بحث از مهدویت تنها بحث از اموری نیست که مربوط به آینده بشریّت باشد، بلکه بحث از امـامت ومهـدویت است، بحث از اینکه در هر زمـانی بایـد امام معصومی موجود باشـد، خواه حاضـر ومشـهور وخواه غایب وپنهان تا حجت‌ها وبینات خداونـد باطل نگردد. ولـذا در روایات اسـلامی از رسول خـدا (ص) می‌خوانیم": من مات ولم‌یعرف إمام زمانه مات میتـهٔ جاهلیّـهٔ"؛ "هر کس بمیرد وپیشوای زمان خود را نشـناسد مرده است از نوع {پاورقی . شـرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹. پـاورقی} مردن زمـان جـاهلیت ".بحث از مهـدویت، بحث از غیبت وفلسـفه آن وآثار وبرکات وجود امام در این عصـر غیبت است. ولذا بحث از مهدویت از وظایف وتکالیف شیعه در عصر غیبت است. موضوع: فلسفه حکومت عدل جهانی

انتظار، چه تأثیری در بعد اجتماعی دارد؟

پرسش

انتظار، چه تأثیری در بعد اجتماعی دارد؟

پاسخ

انتظار در ابعاد گوناگون حیات انسانی آثار ژرف می‌گذارد، وبیشترین اثرگذاری آن در بعد تعهدها ومسئولیّت‌های اجتماعی واحساس دیگرخواهی واحسان دوستی عینیت می‌یابد؛ زیرا که در مفهوم انتظار، انسان‌گرایی نهفته است. انسان منتظر پیوندی ناگسستنی با هدف‌ها وآرمان‌های امام منتظَر وموعود خود دارد ودر آن راستا گام بر می‌دارد وهمسان وهمسوی آن اهداف وآرمان‌ها حرکت می‌کند وهمه جهت‌گیری‌ها وگرایش‌ها وگزینش‌هایش در آن چارچوب قرار می‌گیرد. امام موعود، غمگسار راستین غمزدگان ویار ویاور واقعی مظلومان وحامی حقیقی مستضعفان است. پس جامعه منتظر وانسان‌های دارای خصلت انتظار باید در زمینه خواست‌ها وهدف‌های امامشان عمل کنند وبه یاری انسان‌های مظلوم ومحروم بشتابند ودل آزردگان را مرهم نهند ودشواری‌ها ومشکلات مردم را تا حدّ توان، طبق خواسته ورضای امامشان برطرف سازند. واگر چنین شد در قلمروجامعه منتظر، محروم وتهیدست وبیمار بی درمان ودلتنگ وافسرده واندوهگین وگرفتار باقی نخواهد ماند. شاید یکی از معانی برخی از احادیث درباره انتظار فرج که گفته‌اند": انتظار فرج خود فرج است "همین معنا باشد که جامعه منتظر اگر انتظاری راستین وصادقانه داشته باشد دست‌کم در حوزه خود، مشکلات ونابسامانی‌های مردم را برطرف می‌کند وخواسته‌ها وآرمان‌های امام موعود را در محیط خویش تحقق می‌بخشد؛ لذا امام رضا (ع) فرمود... ": انتظار الفرج من الفرج..."؛ "انتظار فرج جزء فرج است {".پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ح ۲۹. پاورقی}

عنصر انتظار چگونه در آمادگی نظامی منتظران تأثیر دارد؟

پرسش

عنصر انتظار چگونه در آمادگی نظامی منتظران تأثیر دارد؟

پاسخ

انتظار، نخست یک آرمان وعقیده است وسپس در عمل وعینیت آشکار می‌گردد وانسان منتظر به مرزبانی وپاسداری از حوزه جغرافیایی وفرهنگی وایدئولوژی خود وهمکیشان وهم‌مسلکان خویش می‌پردازد وهمواره در موضع دیده‌بانی است وهوشیارانه وتیزنگرانه به افق‌های دور ونزدیک می‌نگرد وهر تحرّک وتحول ونقل وانتقالی را در اردوگاه‌های دشمن زیر نظر می‌گیرد ودر سنگر دفاع ایدئولوژیکی وزمینی وجغرافیایی، دشمن را از پیشروی باز می‌دارد، ودر صورت فراهم بودن زمینه به تهاجم نیز دست می‌یازد. این است که جامعه منتظر همواره به آمادگی نظامی ودفاعی فرا خوانده شده است وتهیه ابزار جنگ وقدرت از هر مقوله وبا هر کیفیت، تکلیف گشته است. فقها در کتاب جهاد بحثی را تحت عنوان" مرابطه "و"رباط "ذکر کرده‌اند، به این معنا که مؤمنان در مرزها اقامت گزینند وآمادگی کامل داشته باشند تا در هنگام حمله وتهاجم ناگهانی دشمن، دفاع کنند وکشور را نجات دهند. معنای دیگر مرابطه ورباط، پیوند ورابطه با امام ودر خدمت امام زیستن ومرزبان دستورها وخواسته‌های امام بودن است. به این

معنا که جامعه مؤمنان با امام خویش ارتباط برقرار کنند وبه ریسمان ولایت امام چنگ زنند وبا او هم پیمان شوند وبه یاری امام متعهد گردند. این قسم از" مرابطه "بر هر فرد واجب عینی است، نیابت بردار نیست، وپایه‌ای از پایه‌های ایمان است وعملی بدون آن پذیرفته نمی‌شود. {پاورقی . مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۲۵. پاورقی} امام صادق (ع) در تفسیر آیه: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ}، فرمود": اصبروا علی المصآئب وصابروا علی الفرآئض ورابطوا علی {پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۲۰۰. پاورقی} الأئمّة"؛ ":در برابر مشکلات شکیبایی ورزید ودر انجام تکلیف‌ها ومسئولیت‌ها پایدار {پاورقی . تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۱۲۹. پاورقی} باشید، وبا امامان رابطه برقرار کنید ".ودر روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است که "رابطوا "به معنای حضور نزد امام است. {پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۱۹۹. پاورقی}

عنصر صبر در تحقّق انتظار تا چه مقدار مؤثّر است؟

پرسش

عنصر صبر در تحقّق انتظار تا چه مقدار مؤثّر است؟

پاسخ

روح وجوهر اصلی انتظار، مقاومت وصبر است. کسی که منتظر تحقق یافتن هدف آرمانی است باید تا فرا رسیدن زمان پیدایی هدف وشکل گرفتن آرمان، پایداری وشکیبایی کند وتاب وتوان از دست ندهد، وهر ناملایمی را در آن با بردباری بپذیرد، وچون صبر وپایداری را از دست داد وبی‌شکیب گردید وتاب وتوان بر زمین نهاد، انتظار نیز از دست داده است؛ زیرا که پایداری وصبر، تحقق‌بخش جوهر انتظار است. لذا در احادیث از انتظار فرج همراه با صبر سخن گفته‌اند. امام رضا (ع) فرمود": ما أحسن الصبر وانتظار الفرج"؛ "...چه نیکو است شکیبایی {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، ح ۲۳. پاورقی} وانتظار فرج ".برای ظهور، وقت تعیین نشده است وهمواره وقوع آن را" امری ناگهانی "توصیف کرده‌اند ولذا باید انتظار لحظه به لحظه باشد.

آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می‌شود؟

پرسش

آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می‌شود؟

پاسخ

آنچه که بر هر مؤمنی بلکه بر هر انسانی لازم است، اینکه هیچ گاه از تأخیر فرج وظهور منجی ناامید نباشد، بلکه باید به ریسمان صبر چنگ زده تا به سر منزل مقصود رهنمون شود. واین تنها از راه ایمان قلبی به خداوند متعال واینکه او خُلف نمی‌کند، میسّر است ونیز با سیر وبررسی سرگذشت امت‌های پیشین که چگونه بعد از هر عسر وگرفتاری شدید، خداوند آخرالأمر برای آنها یسر

وفرجی حاصل نمود، به دست می‌آید. وهمچنین با مراجعه به فطرت ومیل درونی خود که چگونه به ظهور منجی بشریت متمایل است می‌تواند خود را از یأس وناامیدی رهانیده وبه ظهور منجی امیدوار باشد. در ذیل آیه شریفه {وَلایَکُونُوا کَالَّذِینَ أُوتُوا الکِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَیْهِمُ الأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ}؛ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود": تأویل هذه الآیة جاء فی أهل {پاورقی . سوره حدید، آیه ۱۶. پاورقی} زمان الغیبة وآیامها دون غیرهم من أهل الأزمنة وإنّ اللّه تعالی نهی الشیعة عن الشک فی حجة اللّه تعالی، أو أن یظنّوا أنّ اللّه تعالی یخلی أرضه منها طرفة عین"؛ "تأویل این آیه برای مردم عصر {پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۴ ؛ المحجة، ص ۲۱۹Ù‌۲۲۰. پاورقی} غیبت است، و روزهای زمان غیبت غیر از روزهای اهل زمان‌های دیگر است. خداوند متعال شیعیان را از شک در حجّت خود نهی کرده است ونیز نهی کرده از اینکه گمان کنند که خداوند زمین را یک چشم برهم زدن از حجت خالی می‌گرداند".

آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده وملالت‌آور است؟

پرسش

آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده وملالت‌آور است؟

پاسخ

انتظار اگر از قسم مثبت آن باشد که همراه با آمادگی کامل منتظر برای ظهور حضرت مهدی (ع) است نه تنها ملالت‌آور نیست بلکه دائماً در انسان روحیه امید را شعله‌ور کرده واو را سرحال وزنده نگه می‌دارد. شخص منتظر دائماً در فکر آمدن محبوب خود است واین بهترین حالتی است که به او دست می‌دهد، او دائماً به عشق رسیدن محبوب خود شب را به روز وروز را به شب می‌رساند. از طرفی دیگر، از آنجا که انتظار منجی حقیقی یعنی امام زمان (ع) در حقیقت یک نوع توسل وارتباط باطن با او نیز هست لذا با این ارتباط هر لحظه فیوضاتی از ناحیه آن حضرت به انسان می‌رسد که او را از خستگی وملالت بیرون می‌آورد. بر انتظار موعود حقیقی آثار وبرکاتی بسیار مترتّب است که در جای خود به آن اشاره می‌نماییم.

چه آثاری بر انتظار منجی مترتّب است؟

پرسش

چه آثاری بر انتظار منجی مترتّب است؟

پاسخ

ضرورت واهمیّت انتظار را می‌توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد: ۱ – انتظار، دوره آماده‌سازی وزمینه‌سازی برای یک نهضت به شمار می‌آید وهر انقلاب وحرکتی که این دوره را پشت سر نگذاشته باشد ناقص وبی ثمر است. ۲ – در اهمیّت انتظار

همین بس که دشمنان، آن را مانع تسلّط خود بر مسلمانان برشمرده‌اند. میشل فوکر، کلر بریر در بحث مبارزه با تفکّر مهدی باوری، ابتدا قیام امام حسین (ع) وبعد انتظار امام زمان (ع) را دو عامل پایداری شیعه معرفی می کنند. در کنفرانس تل‌آویو نیز افرادی مثل برنارد لوییس، مایکل امجی، جنشر، برونبرگ ومارتین کرامر بر این نکته تکیه فراوان داشتند. آنان در توصیف شیعه گفته‌اند: "شیعیان به نام امام حسین قیام می کنند وبه اسم امام زمان قیامشان را حفظ می‌نمایند. {"پاورقی . مجله بازتاب اندیشه، خرداد ۸۰، ص ۱۹۳. پاورقی} ماربین، محقق آلمانی می گوید": از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمّی که موجب امیدواری ورستگاری شیعه می‌باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر وانتظار ظهور است. {"پاورقی . سیاست اسلام، اثر ماربین، ص ۴۹Ù۵۰. پاورقی} پتروشفسکی، تاریخدان وایران‌شناس علوم شوروی سابق در این زمینه می‌نویسد": چشم به راه مهدی بودن در عقاید عمومی مردمی که نهضت‌های قرن سیزدهم را در ایران بر پا داشتند، مقام بلندی را داشته است. {"پاورقی . نهضت سربداران خراسان، اثر پتروشفسکی. پاورقی} ۳ – دوران انتظار، دوران هجوم فتنه‌ها ومشکلات وگرفتاری‌ها است وآنچه می‌تواند آرامش قلبی وقدرت روحی به شیعه منتظر بدهد، یاد منجی حیّ وحاضر است. ۴ – پیراستن از خصایص ناپسند وآراستن خود به اخلاق نیکو از فواید دیگر انتظار است. امام صادق (ع) فرمود": من سرّ أن یکون من أصحاب القآئم فلینتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الأخلاق..."؛ "هر کس دوست دارد که از یاران حضرت قائم (ع) گردد باید که{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰. پاورقی} منتظر باشد ودر عین حال به پرهیزکاری واخلاق نیکو مشغول گردد ".۵ – از نتایج انتظار، تلاش فکری مؤمن منتظر وبصیرت وآگاهی اوست. فتنه‌ها علاوه بر آنکه غفلت می‌آورد، شبهه وتردید وتزلزل را نیز در افکار جامعه ایجاد می کند، واین منتظر واقعی است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار است وبه شبهات پاسخ می گوید. امام صادق (ع) فرمود": طوبی لمن تمسّک بأمرنا فی غیبة قآئمنا فلم‌یزغ قلبه بعد الهدایة"؛ "...خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما تمسک جوید که در{پاورقی . همان، ص ۱۲۳، ح۶. پاورقی} نتیجه قلب او هرگز به طرف باطل متمایل نخواهد شد ".۶ – انتظار از آنجا که انسان را به عمل وا می‌دارد ودر جامعه‌ای که حالت انتظار منجی الهی حاکم است، تحرّک وپویایی حکم فرماست وبشر را به زمینه‌سازی واصلاح فردی واجتماعی وا می‌دارد، عاملی ارزشمند برای حفظ وبقای شریعت است. ۷ – انتظار از آن جهت که محرّک عمل است، زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریّت خواهد بود. موضوع: ظهور منجی از دیدگاه ادیان

منتظران

ویژگیها

منتظران واقعی حضرت مهدی(ع)چه کسانی هستند؟ چه نشانه‌ها وخصوصیاتی دارند؟ آیاسربازان حضرت اکنون وجود دارند یا بعداً خواهند آمد؟

پرسش

منتظران واقعی حضرت مهدی(ع)چه کسانی هستند؟ چه نشانه‌ها وخصوصیاتی دارند؟ آیاسربازان حضرت اکنون وجود دارند یا بعداً خواهند آمد؟

پاسخ

انتظار واژه‌ای مقدس است و منتظر شخصی است که از ره آور انتظار بهره می‌برد. انتظار آن هنگام مقدس و عبادت شد که آخرین حجت خدا به دستور خداوند غیبت خود را آغاز کرد، که اکنون بعد از هزار و اندی سال ادامه دارد. کسی منتظر واقعی است که خود را از هر جهت آماده ظهور حضرت کند و پیروان سالک که در سلک و طریق دینند و در این مسیر از تعبد به حق منحرف نمی‌شوند. انتظار دست رد زدن بر سینه باطل و ردّ هر چه ظلم است. انتظار برترین و بزرگ‌ترین عمل است. در سایه انتظار چشمه حق جاری است و عطش طلبان انسانیت فرو می‌نشیند. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود": أفضل أعمل أمتی انتظار الفرج من اللّه عزّ و جلّ؛ بهترین اعمال امّت من انتظار رسیدن فرج است از طرف خداوند بزرگ.("۱) و جز این نباید باشد که انتظار فرج از بهترین اعمال است، زیرا در صورت تحقق ظهور حضرت و به پایان رسیدن انتظار، جامعه اسلامی روی آبادی و آسایش و امنیت را خواهد دید و این بالاترین و بهترین آرزویی است که هر فرد می‌تواند آن را داشته باشد. پس دین داری شرط اصلی شخص منتظر است. "از ویژگی‌های انتظار منتظر، دین داری است و دیانت پیشگی جز این نمی‌توان تصور کرد. انسان در دوران غیبت، باید مواظبت بیشتر، به امر دین خود و دین داری و صحت اعمال خود بپردازد و از هرگونه سستی، انحراف و فتور دوری گزینند. انسان منتظر حکومت علی وار مهدی موعود(ع) علاوه بر تدین و تقوا، باید پارسا باشد و خود را چناکه آن پیشوا دوست دارد، بسازد و بدارد امام صادق(ع) می‌فرماید": هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد.("۲) آیا سربازان حضرت اکنون وجود دارند؟ از جمله بحث‌های مهم مربوط به زمان قبل و بعد از ظهور حضرت صاحب(ع) شناخت کمیّت و کیفیت یاران حضرت است و این سؤال در خصوص کمیّت و تعدا افراد بیشتر از کیفیت مطرح است و دو گونه جواب دارد: ۱ – پاسخی کلّی و غیر تفصیلی از این که هنگام ظهور بر گِرد حضرت یارانی جمع خواهند شد که قطعاً یا از قبل و یا هنگام ظهور مأمور بوده‌اند. اما این که زمان قبل و یا هنگام ظهور یعنی چه و چه مقطعی را شامل می‌شود، کسی اطلاعی ندارد. امام صادق(ع) در توصیف یاران حضرت می‌فرماید": مردانی که گویا دل هایشان پاره‌های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدا خاطر نشان را نمی‌آیاد. همانند چراغ‌های فروزانند، گویا دل هایشان نور باران است.("۳) ۲ – پاسخ دیگری که از احادیث می‌توان برگرفت، متفاوت است. بعضی از احادیث، خاستگاه یاران حضرت را مکان‌های خاص دانسته و به تعداد اولیه یاران اشاره دارد که البته آن نیز متفاوت است. امیرمؤمنان علی(ع) اشاره به مکان یاران حضرت کرده و می‌فرماید": خوشا به حال طالقان (۱) که خدای بزرگ در آن گنج‌های نهفته دارد برتر از طلا ـ و نقره. آن گنج‌ها مردانی مؤمن هستند که خدای را به شایستگی شناخته‌اند. آنان یاران مهدی در آخر الزمان هستند.("۴) امام باقر(ع) اشاره به تعدا یاران حضرت کرده می‌فرماید": گویا آنان را می‌نگرم، سیصد و اندی مرد بر بلندای نجف (کوفه) ایستاده‌اند. دل هایی چون پولاد دارند. در هر سو تا مسافت یک ماه را، ترس بر دل‌های دشمنان سایه می‌افکند.("۵) در حدیثی دیگر از امام باقر(ع) اشاره به وجود تعدادی زن میان یاران حضرت شده است": به خدا سوگند! سیصد و سزیده تن که پنجاه تن از بانوان نیز میانشان حضور دارند، بدون هیچ قرار قبلی در مکه گرد هم جمع خواهند شد.("۶) البته توصیف‌های انجام شده در زبان مبارک معصوم(ع) نیز اشاره به مکان‌ها و تعداد یاران حضرت به طور قطعیّت قابل گفتن نیست و شاید نیاز به تفسیر و تأویل داشته باشد. بنابر این هر گونه اظهار نظر قطعی در مورد صاحب العصر و الزمان(ع) و مسائل و اتفاقات قبل و بعد از ظهور، ناصواب است، زیرا تا هنگامی که وجود مقدس قائم آل محمد(عج) در پشت پرده غیبت قرار گرفته، پرداختن به مواردی که مربوط به وجود ایشان و نیز مسائل جانبی است، نمی‌تواند متقن و مستحکم باشد. البته مسلّم است که روزی حضرت ظاهر خواهد شد و بر گِرد او یارانی جمع شده که یا از قبل آماده بودند و یا در آن هنگام این لیاقت را پیدا کرده‌اند. در هر دو صورت برای فردی که بخواهد جزء یاران حضرت باشد، آمادگی روحی و روانی و معنوی لازم است، اگر چه قبل از ظهور حضرت بمیرد. امام صادق(ع) فرمود": هر کسی از شما در انتظار در حالی که منتظر حضرت باشد، از دنیا برود، مثل کسی است که در خیمه قائم بوده است.("۷) خیمه کنایه از حضور در لشکر و در زمره یار حضرت است. پی نوشت‌ها: ۱

- تطبیق طالقان بر شهری که اینک در اطراف تهران و قزوین وجود دارد، قطعیت ندارد. ۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸، حدیث ۲۱. ۲ - محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۴۶. ۳ - بحار الانوار ،ج ۵۲، ص ۳۰۸. ۴ - مجله حوزه، ویژه امام زمان، ج ۷۰ - ۷۱، ص ۳۰۰. ۵ - بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۴۲. ۶ - همان، ص ۲۲۳. ۷ - همان، ج ۵۲، ص ۱۲۵، حدیث ۱۵.

ویژگیهای منتظران

اشاره

اگر بخواهیم مورد توجه امام مهدی(عج) قرار بگیریم و از منتظران ایشان باشیم، چه باید بکنیم؟

پرسش

ویژگیهای منتظران اگر بخواهیم مورد توجه امام مهدی(عج) قرار بگیریم و از منتظران ایشان باشیم، چه باید بکنیم؟

پاسخ

در برخی روایات وظایفی برای شیعیان بیان شده است(۱) که با انجام و رعایت آنها می‌توان از منتظران واقعی امام زمان(ع) بود و حضرت به انسان توجه خواهند کرد. در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- تقوا گرایی: یکی از وظایف مهم شیعیان در عصر غیبت، خودسازی و رعایت تقوا است؛ زیرا برقراری ارتباط با امام پارسا، پارسایی می‌طلبد بر این اساس یکی از ویژگی‌های یاران امام زمان(ع) تقوا گرایی بیان شده است.(۲) امام‌صادق(ع) فرمود": هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد.("۳) ۲- تکلیف گرایی: یکی از عواملی که زمینه توجه امام زمان(ع) را به انسان‌ها فراهم می‌کند، دین مداری و تکلیف گرایی است. انسان باید در عصر غیبت بیشتر به دستورهای الهی توجه نموده و مقید به انجام تکلیف خدایی باشد؛ زیرا در عصر غیبت انسان‌ها بیشتر در معرض آسیب‌ها و آفات قرار می‌گیرند و نیاز به پشتوانه قوی دارند. این پشتوانه قوی تقویت باورهای دینی و پاسداری از دین است. از سوی دیگر با انجام تکالیف الهی می‌توان به آسیب زدایی پرداخت. امام صادق(ع) فرمود": برای صاحب الامر غیبت طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و به دین چنگ زند.("۴) ۳- انتظار فرج: یکی از وظایف شیعیان انتظار فرج است. پیامبر اسلام(ص) فرمود": افضل اعمال امتی انتظار الفرج مِن اللّه عزّوجلّ.("۵) انتظار کشیدن ظهور یک مصلح، در انسان آمادگی برای انجام کارهای نیک و اصلاح گرایانه ایجاد می‌کند. ۴- اصلاح جامعه: یکی از وظایف شیعیان اصلاح جامعه است. همان گونه که انسان وظیفه دارد به تقوا و خودسازی بپردازد، وظیفه دارد که با ناهنجاری‌ها مبارزه نماید. در آموزه‌های دینی این نگرش که در عصر غیبت باید در برابر ناهنجاری‌ها و بی عدالتی‌ها بی اعتنا بود، پذیرفته شده نیست، و این تحریف مفهوم انتظار است، بلکه از منظر اسلام همگان وظیفه دارند که با بهره گیری از دو عنصر امر به معروف و نهی از منکر در صدد ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر شایستگی، خدامحوری و عدالت باشند، یعنی همان هدفی که امام زمان می‌خواهند اجرا کنند. چنین شخصی هدفی را دنبال می‌کند که امام زمان می‌خواهد. ۵- شناخت امام و حجت خدا: شناخت امام و جایگاه او در اسلام یکی از مهم‌ترین عامل است که باعث می‌شود امام زمان(ع) به انسان توجه نماید، از

این رو در اسلام به شناخت امام(ع) و اطاعت از او سفارش شده است": مَن مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتةً جاهلیة؛(۶) کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مانند دوران جاهلیت مرده است. "۶- استمداد از امام زمان(ع): انسان باید تلاش نماید تا جایی که امکان دارد از فیض وجود امام زمان بهره‌مند باشد. همان گونه که از آفتاب پشت ابر می‌توان بهره‌مند شد. به هر طریقی که امکان دارد باید با او ارتباط برقرار نمود که حداقل آن خواندن دعاهای وارد شده مانند ندبه و فرج است. اگر خواهی که دوست نگسلد پیوند سر رشته نگه دار تا نگهدارد ۷- دعا برای امام زمان(ع): یکی از عواملی که می‌تواند در جلب توجه امام زمان(ع) مؤثر باشد دعا کردن برای حفظ حضرت و تعجیل در فرج او است. در روایات متعدّد سفارش شده که برای سلامتی امام زمان(ع) دعا کنید. از جمله دعاهایی که امام رضا(ع) سفارش نمود برای امام زمان(ع) خوانده شود، این است": اللّهمّ ادّفع عن ولیّک و خلیفتک و حجّتک. "...دعای دیگری که به علاقه‌مندان امام زمان(ع) سفارش شده، دعای مشهوری است که در مجالس و نمازها خوانده می‌شود": اللّهمّ کن لولیّک الحجّة ابن الحسن."(۷...) انجام وظایف هم چنین موجب می‌شود که امام زمان انسان را مورد عنایت قرار دهد. آن حضرت در میان مردم حضور پیدا کرده و مشکلات مردم را رفع و به هدایت آن‌ها می‌پردازد. اگر چه مردم او را نشناسند. امام‌علی(ع) فرمود": سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنان هست و در کوچه و بازار آن‌ها گام بر می‌دارد و بر خانه‌های آن‌ها وارد می‌شود و در شرق و غرب جهان رفته و گفتار مردمان را می‌شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می‌دهد. او مردمان را می‌بیند."(۸) پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲؛ منتهی الامال، ص ۵۵۵. ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶. ۳. همان، ص ۱۴۰. ۴. همان، ص ۱۳۵. ۵. همان، ج ۵۱، ص ۴۴. ۶. نجم الثاقب، ص ۶۱۳. ۷. منتهی الامال، ص ۵۶۲. ۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

منتظران واقعی چه خصوصیاتی باید داشته باشند؟

پرسش

منتظران واقعی چه خصوصیاتی باید داشته باشند؟

پاسخ

اول ـ خودسازی فردی چنین تحوّلی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند، و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است . تنگ نظریها، کوته بینیها، کج فکریها، حسادتها اختلافات کودکانه و نابخردانه و بطور کلی هرگونه نفاق و پراکندگی با موقعیت «منتظران واقعی» سازگار نیست. نکته مهم این است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد باید از هم اکنون حتماً در صف انقلابیون قرار گیرد. ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل هرگز به او اجازه نمی‌دهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن «اعمالی پاک» و روحی پاکتر و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است. من اگر فاسد و نادرستم چگونه می‌توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در ان هیچگونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روزشماری کنم . آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان از لوث آلودگیها کافی نیست؟ ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر

می‌برد حتماً به حالت آماده باشد کامل درمی‌آید، سلاحی را که برای چنین میدان نبردی شایسته است بدست می‌آورد، سنگرهای لازم را می‌سازد . آمادگی رزمی افراد خود را بالا می‌برد. روحیه افراد خود را تقویت می‌کند و شعله عشق و شوق برای چنین مبارزه‌ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می‌دارد. ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی‌برد و اگر بگوید دروغ می‌گوید. انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی ، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان است . فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است. و خود سازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی آیا هیچکس می‌تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست؟ دوّم – خودیاریهای اجتماعی منتظران راستین در عین حال وظیفه دارند تنها به خویشتن نپردازند، بلکه مراقب حال یکدیگر باشند، و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند یک برنامه فردی نیست، برنامه‌ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند، باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد، کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد، و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند. در یک میدان وسیع مبارزه دسته‌جمعی هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید، و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند، زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین ، پیاده کردن چنان برنامه‌ای امکان پذیر نیست. بنابراین منتظران واقعی علاوه بر اینکه به اصلاح خویش می‌کوشند وظیفه خود می‌دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند. این است اثر سازنده دیگری برای انتظار قیام یک مصلح جهانی، و این است فلسفه آن همه فضیلتها که برای منتظران راستین شمرده شده است. سوم ـ منتظران راستین در فساد محیط حل نمی‌شوند اثر مهم دیگری که انتظار مهدی دارد حل نشدن در مفاسد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگیها است. توضیح این که هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و اکثریت یا جمع کثیری را به آلودگی می‌کشاند گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می‌گیرند، بن‌بستی که از یأس اصلاحات سرچشمه می‌گیرد. گاهی آنها فکر می‌کنند کار از کار گذشته و دیگر امیدی به اصلاح نیست ، و تلاش و کوشش برای پاک نگاهداشتن خویش بیهوده است ، این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند! تنها چیزی که می‌تواند در آنها «امید» بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند امید به اصلاح نهایی است، تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران برنخواهند داشت. و اگر می‌بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش یکی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد تعجب کنند که چرا یأس از رحمت خدا اینقدر مهم تلقی شده، حتی مهمتر از بسیاری از گناهان، فلسفه‌اش در حقیقت همین است که گناهکار مأیوس از رحمت، هیچ دلیلی نمی‌بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامهٔ گناه بردارد، و منطق او این است اکنون که آب از سر من گذشته است چه یک قامت چه صد قامت ! من که رسوای جهانم غم دنیا هیچ است ! ، بالاتر از سیاهی رنگ دیگر نباشد، آخرش جهنم است ، من که هم اکنون آنرا برای خود خریده‌ام دیگر از چه می‌ترسم؟! و مانند این منطقها... امّا هنگامی که روزنهٔ امید برای او گشوده شود، امید به عفو پروردگار ، امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او خواهد شد و او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می‌کند. به همین دلیل امید را می‌توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت همچنین افراد صالحی که در محیطهای فاسد گرفتارند، بدون امید نمی‌توانند خویشتن را حفظ کنند. نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می‌شود امید ظهورش بیشتر می‌گردد اثر فزایندهٔ روانی در معتقدان دارد، و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کند ؛ آنها نه تنها با گسترش دامنهٔ فساد محیط مأیوس نمی‌شوند بلکه به مقتضای «وعده وصل چون شود نزدیک – آتش عشق

تیزتر گردد» وصول به هدف را در برابر خویش می‌بینند و کوشش آنها برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می گردد/<. html/> <body>

روایات، منتظران ظهور مهدی(عج) را به چه افرادی تشبیه کرده‌اند؟

پرسش

روایات، منتظران ظهور مهدی(عج) را به چه افرادی تشبیه کرده‌اند؟

پاسخ

کسی از امام صادق (ع) پرسید چه میگویید دربارهٔ کسی که دارای ولایت امامان است و انتظار ظهور حکومت حق را میکشد و در این حال از دنیا میرود؟ امام (ع) در پاسخ فرمود «هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كانَ مَعَ الْقائِمِ فِی فُسْطاطِهِ ـ ثُمَّ سَكَتَ هَنيئَةً ـ ثُمَّ قالَ هُوَ كَمَنْ كانَ مَعَ رَسُولِ اللهِ (ص)» [او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمهٔ او (ستاد ارتش او) بوده باشد ـ سپس کمی سکوت کرد ـ و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (در مبارزاتش) همراه بوده است.] این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است در بعضی «بِمَنْزَلَةِ الضّارِبِ بِسَيْفِهِ فِی سَبيلِ اللهِ» [همانند شمشیر زنی در راه خدا.] و در بعضی دیگر «كَمَنْ قارَعَ مَعَ رَسُولِ اللهِ بِسَيْفِهِ» [همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد.] در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَةِ مَنْ كانَ قاعِداً تَحْتَ لِواءِ الْقائِمِ» [همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد.] و در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَةِ الْمُجاهِدِ بَيْنَ يَدَیْ رَسُولِ اللهِ» [همانند کسی است که پیش روی پیامبر (ص) جهاد کند.] و در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَةِ مَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللهِ (ص)» [همانند کسی است که با پیامبر شهید شود.]

منتظر واقعی حضرت مهدیغ دارای چه خصوصیاتی است

پرسش

منتظر واقعی حضرت مهدیغ دارای چه خصوصیاتی است

پاسخ

برای آشنایی بیش‌تر با چهرهٔ یک منتظر حقیقی به این روایات توجه کنید. ۱. رسول خدا۹ فرمود: انتظار فرج بهترین عبادت است ۲. علی‌بن‌حسین‌فرمود:ای اباخالد: خداوند اهل زمان غیبت را ـ کسانی که به امامتش اعتقاد دارند و منتظر ظهورش هستند ـ در آن زمان به منزلهٔ مجاهد، با شمشیر، پیش روی رسول‌الله قرار داد. اینان مخلص حقیقی و شیعه واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکارند. ۳. علی‌بن‌حسین‌فرمود: کسی که در عصر غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت و پایدار باشد، خداوند پاداش هزار شهید، همچون شهدای بدر و اُحُد را به او اعطا خواهد کرد. ۴. امام صادق منتظر امام دوازدهم همچون کسی است که پیشاپیش

رسول خدا۹ شمشیرش را کشیده است و از او حمایت می کند.(بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۲، ص ۱۲۲ ـ ۱۵۰، داراحیأالتراث العربی) تعبیراتی که در این روایات به چشم می‌خورد، حاکی از این است که انتظار ظهور و انقلاب جهانی حضرت مهدیغ توأم با مرحله‌ای ویژه از جهاد وسیع و دامنه‌دار است این نوع انتظار، آخرین شکل از مبارزه با دشمن است در این روایات از انتظار به ریخته شدن خون در راه خدا، جنگیدن زیر خیمه رسول‌الله و حضرت ولی عصر، و بالاترین عبادت تعبیر شده است ولی اگر انتظار را به معنای تحریف شده‌اش بگیریم هر انسان سست ایمان و ضعیفی می‌توانست در صف منتظران باشد و حال آنکه سیمای منتظران در قرآن به گونه‌ای دیگر توصیف شده است قرآن می‌فرماید": وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصـّلحَت لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکّننّ لهم .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمناً (;...نور، ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را (حکم ران و) جانشین روی زمین قرار دهد ;همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید ;و دین و آیینی را که برای آنان پسندید، به سودشان مستقر خواهد ساخت و ترسشان را به ایمنی و آرامش مبدل می کند "...در روایات آمده است که این آیه درباره حضرت مهدیغ نازل شده است (بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱، ص ۵۴.) آیهٔ فوق مهدی و یارانش را به عنوان کسانی که دارای ایمانی مستحکم و عمل صالح هستند، معرفی می کند. با این تعریف‌ها و توصیف‌هایی که در قرآن و روایات از شخص منتظر شده است می‌فهمیم که او فردی دارای ایمان راسخ و استوار است و به گناه و فساد روی نمی‌آورد. اکنون به معانی استنباط شده از منتظر در روایات توجه کنید: ۱. صبر و تحمل حزن و اندوهِ دوری از آن وجود مقدس و نازنین ۲. آمادگی و فراهم کردن امکانات به گونه‌ای که هرگاه از ظهور حضرت آگاهی یافت فوراً بتواند خود را به آن حضرت برساند و به ایشان خدمت و فرمانبرداری کند ;۳. ناامید نشدن از تحقق ظهور آن حضرت ۴. منتظر فرمان جهاد امام عصر برای جنگیدن با دشمنان اسلام و حمایت از دین خدا بودن ۵. اقتدا کردن به آن حضرت قبل از ظهور و قیامش با بیزاری جستن از دشمنانش و اظهار مودت و دوستی به امامان شیعه و دوستانشان (ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۲، باب فضل انتظار الفرج ص ۱۲۲ ـ ۱۵۰، داراحیأ التراث العربی) شخصِ منتظر دارای چنین حالات و روحیاتی است و هرچه زمان فرج و ظهور نزدیک‌تر شود، کوشش خود را برای مبارزه با فساد و تباهی و یا حفظ خویشتن از آلودگی با شوق و اشتیاق بیش‌تری دنبال می کند. وعده وصل چون شود نزدیک‌آتش عشق تیزتر گردد.(جهت آگاهی بیشتر ر.ک پیام قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۴۴۱ ـ ۴۵۰، نشر مدرسهٔ‌الامام امیرالمؤمنین) کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته شده است که ما تعدادی را نام می‌بریم ۱. مهدی انقلابیِ بزرگ آیت‌الله مکارم شیرازی ۲. چشم به راه مهدی عج ، جمعی از نویسندگان مجله حوزه ۳. مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار علامه مجلسی ، مترجم علی دوانی ۴. جهان بعد از ظهور یا فروغ بی‌نهایت محمّد خادمی شیرازی ۵. مهدی منتظر، حاج شیخ محمدجواد خراسانی

پیرو امام زمانغ شدن چه شرایطی دارد؟

پرسش

پیرو امام زمانغ شدن چه شرایطی دارد؟

پاسخ

از آیاتی که دربارهٔ اطاعت از رسول اکرمو به تبع ایشان اطاعت از امامان معصوم وارد شده چنین می‌توان استفاده کرد که برای پیروی از این بزرگواران باید به نکاتی توجه کامل داشت ۱. دوری از گناهان و برطرف نمودن زنگار گناهان از قلب ۲. از دستورات آن‌ها پیروی کردن ۳. در برابر آن‌ها خضوع داشتن ۴. ایمان داشتن به خداوند متعال ۵. پرهیزگار و متقی بودن ۶. با هم دوستی و اتحاد داشتن و... آیاتی که در این زمینه‌ها وارد شده عبارتند از": آل‌عمران ۳۲و۱۳۲ / نسأ، ۵۹ / مائده ۹۲ / انفال ۱ / نور، ۵۶ و "...همچنین در روایتی از امام باقر۷ می‌خوانیم" شیعهٔ ما نیست مگر کسی که تقوا و اطاعت خداوند را کند و نمی‌توان این شیعیان را شناخت مگر به وسیله تواضع و خشوع و ادای امانت و زیادی ذکر خداوند متعال در وجود آن‌ها. "در روایتی دیگر امام صادق‌می‌فرماید": شیعیان ما اهل ورع و اجتهاد و کوشش و اهل وفا و امانت و اهل زهد و عبادتند، در شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز به جای می‌آورند، شب]برای راز و نیاز و نماز شب بیدار می‌شوند، در روز روزه می‌گیرند و زکات اموالشان را می‌پردازند و حج خانهٔ خدا را بجا می‌آورند و از هر فعل حرامی اجتناب می‌کنند("میزان الحکمه محمّد ری شهری ج ۲، ص ۱۵۳۸، ح ۹۹۳۱ـ۹۹۳۳، دارالحدیث / تفسیر المیزان ج ۳، ص ۱۵۷.) مسألهٔ صبر و انتظار برای ظهور و انقلاب جهانی حضرت مهدیغ از جمله مسائلی است که دشمنان و مخالفان آن گاه در صدد تحریف آن برمی‌آیند و آن را به عکسِ مفهوم حقیقی نشان می‌دهند ;برای رهایی از دام چنین شبهاتی نخست لازم است با مفهوم حقیقی انتظار آشنا شویم انتظار، معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت و برای ایجاد وضع بهتر و مطلوبی در تلاش است مانند تاجری که از وضع آشفته و نابسامان بازار، ناراحت و ناراضی و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی و بهبود بازار است در انتظار، دو حالت مثبت و منفی وجود دارد: ۱. عدم رضایت و بیگانه بودن با وضع موجود ;۲. تلاش برای ایجاد وضعی بهتر و مطلوب مسألهٔ انتظارِ انقلاب و حکومت عدل حضرت مهدیغ نیز از همین قبیل است فردی که ظهور را انتظار می‌کشد، از وضع موجود ناراحت و ناراضی و خواهان وضعی بهتر است این دو حالت سرچشمه دو عملکرد است یکی این‌که هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و تباهی را ترک کند و دیگر این‌که از نظر جسمی و روحی مادّی و معنوی خود را برای شکل گرفتن وضع و انقلابی‌جدید آماده کند. انتظار نه تنها موجب خمودی و خاموشی تحمل فساد و آلودگی در جامعه نمی‌شود ;بلکه عاملی محرک است در حقیقت در این مفهوم نوعی مبارزه با وضع موجود و نوعی تغییر تاکتیک در مبارزه با دشمن نهفته است (پیام قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۴۴۴ ـ ۴۵۲، نشر مدرسهٔ‌الامام امیرالمؤمنین) برای آشنایی بیش‌تر با چهرهٔ یک منتظر حقیقی به این روایات توجه کنید. ۱. رسول خدا۹ فرمود: انتظار فرج بهترین عبادت است ۲. علی‌بن‌حسین‌فرمود:ای اباخالد: خداوند اهل زمان غیبت را ـ کسانی که به امامتش اعتقاد دارند و منتظر ظهورش هستند ـ در آن زمان به منزلهٔ مجاهد، با شمشیر، پیش روی رسول‌الله قرار داد. اینان مخلص حقیقی و شیعه واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکارند. ۳. علی‌بن‌حسین‌فرمود: کسی که در عصر غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت و پایدار باشد، خداوند پاداش هزار شهید، همچون شهدای بدر و اُحُد را به او اعطا خواهد کرد. ۴. امام صادق منتظر امام دوازدهم همچون کسی است که پیشاپیش رسول خدا۹ شمشیرش را کشیده است و از او حمایت می‌کند.(بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۲، ص ۱۲۲ ـ ۱۵۰، داراحیأالتراث العربی) تعبیراتی که در این روایات به چشم می‌خورد، حاکی از این است که انتظار ظهور و انقلاب جهانی حضرت مهدیغ توأم با مرحله‌ای ویژه از جهاد وسیع و دامنه‌دار است این نوع انتظار، آخرین شکل از مبارزه با دشمن است در این روایات از انتظار به ریخته شدن خون در راه خدا، جنگیدن زیر خیمه رسول‌الله و حضرت ولی عصر، و بالاترین عبادت تعبیر شده است ولی اگر انتظار را به معنای تحریف شده‌اش بگیریم هر انسان سست ایمان و ضعیفی می‌توانست در صف منتظران باشد و حال آنکه سیمای منتظران در قرآن به گونه‌ای دیگر توصیف شده است قرآن می‌فرماید": وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحَت لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکّننّ لهم .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمناً (;...نور، ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است‌که حتماً آنان را (حکم

ران و) جانشین روی زمین قرار دهد ;همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید ;و دین و آیینی را که برای آنان پسندید، به سودشان مستقر خواهد ساخت و ترسشان را به ایمنی و آرامش مبدل می‌کند "...در روایات آمده است که این آیه درباره حضرت مهدیغ نازل شده است (بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱، ص ۵۴.) آیهٔ فوق مهدی و یارانش را به عنوان کسانی که دارای ایمانی مستحکم و عمل صالح هستند، معرفی می‌کند. با این تعریف‌ها و توصیف‌هایی که در قرآن و روایات از شخص منتظر شده است می‌فهمیم که او فردی دارای ایمان راسخ و استوار است و هرگز از کنار گناه و فساد به راحتی نمی‌گذرد. (نور، ۵۵) اکنون به معانی استنباط شده از منتظر در روایات توجه کنید: ۱. صبر و تحمل حزن و اندوهِ دوری از آن وجود مقدس و نازنین ۲. آمادگی و فراهم کردن امکانات به گونه‌ای که هرگاه از ظهور حضرت آگاهی یافت فوراً بتواند خود را به آن حضرت برساند و به ایشان خدمت و فرمانبرداری کند ;۳. ناامید نشدن از تحقق ظهور آن حضرت ۴. منتظر فرمان جهاد امام عصر برای جنگیدن با دشمنان اسلام و حمایت از دین خدا بودن ۵. اقتدا کردن به آن حضرت قبل از ظهور و قیامش با بیزاری جستن از دشمنانش و اظهار مودت و دوستی به امامان شیعه و دوستانشان ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۲، باب فضل انتظار الفرج ص ۱۲۲ ـ ۱۵۰، داراحیأ التراث العربی) و پیرو و نایب امام زمانغ یعنی فقیه جامع‌الشرایط زمان شدن شخصِ منتظر دارای چنین حالات و روحیاتی است و هرچه زمان فرج و ظهور نزدیک‌تر شود، کوشش خود را برای مبارزه با فساد و تباهی و یا حفظ خویشتن از آلودگی با شوق و اشتیاق بیش‌تری دنبال می‌کند. وعده وصل چون شود نزدیک‌آتش عشق تیزتر گردد.(جهت آگاهی بیشتر ر.ک پیام قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۴۴۱ ـ ۴۵۰، نشر مدرسهٔ‌الامام امیرالمؤمنین)

خصوصیات منتظر واقعی و بهترین عمل در زمان غیبت چیست ؟

پرسش

خصوصیات منتظر واقعی و بهترین عمل در زمان غیبت چیست ؟

پاسخ

منتظر واقعی مهدی (عج)باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را نجام دهد در مرحله اول نه یک واجب از او ترک شود و نه یک حرام از او صادر شود. ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک ((عزیز علی ان اری الخلق و لاـتری و لاـ اسمع لک حسیسا "و لا نجوی; ...بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم))، (دعای ندبه). ۳- انتظار فرج آن حضرت , در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان (ع) بهترین اعمال انتظار فرج است ((سفینه البحار شیخ عباس قمی، ماده نظر)). اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است . فرج ; یعنی , نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی حکومت عدلی که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا "خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار

فرج، خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا "منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تا"سیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی : الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت . ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه . ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی . ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش . ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی . خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری . این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری , مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت (عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند, (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ – ره توشه راهیان نور, دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳–۱۹۰ با تصرف). ۴– دعا برای حفظ وجود مبارک آن حضرت و تعجیل در ظهور او مثل همان دعای مشهور فرج و موارد دیگر.

این که می گویند ظهور امام زمان (عج) نزدیک است , وظیفه ما چیست ؟ آیا باید اقدام به یادگیری معارف اسلامی بکنیم ؟

پرسش

این که می گویند ظهور امام زمان (عج) نزدیک است , وظیفه ما چیست ؟ آیا باید اقدام به یادگیری معارف اسلامی بکنیم ؟

پاسخ

« در ابتدا گفتنی است که زمان ظهور حضرت ولی عصر(عج) و زود یا دیر بودن آن را کسی جز ذات اقدس الهی نمی داند; گرچه با مراجعه به روایات , می توان به بعضی از نشانه های آن پی برد. البته آنچه بیان شد, فقط یک نشانه است نه علت ظهور امام زمان (عج). نکته دیگر این که دیر یا زود بودن زمان ظهور امام زمان (عج), ارتباطی با چگونگی وظیفه من و شما ندارد و نباید در شناخت وظیفه یا انجام دادن فعالیت های مطابق آن تاثیری بگذارد و یا تغییری ایجاد کند ;زیرا هر کس در هر موقعیت و شرایطی که قرار دارد و با توجه به امکانات , توانایی ها و آگاهی هایش , وظیفه ای خاص و متناسب با توانمندی های خود دارد. حال هر شخصی دارای توانمندی ها, استعدادها و علایق ویژه ای است که او را از دیگران متمایز می سازد و او باید براساس آنها و نیز تکلیف شرعی , زمینه فعالیت های شغل , علمی و تحصیلی خویش را تشخیص دهد و بر طبق آن عمل کند. خداوند نیز تنها متناسب با توانایی ها و استعدادهایی که به افراد عطا فرموده است , از آنها مسوئولیت می خواهد و نه بیشتر ;مثلا "کسی که ذوق علمی و یا توانایی تحصیل علم در رشته ای خاص را دارد, اید در آن زمینه تلاش کند و کسی که توان علمی بالایی ندارد و فقط

دارای نیروی جسمانی زیادی است , خداوند نیز در همان محدوده و به همان اندازه از او تکلیف خواسته و فرد نیز در آن زمینه باید به فعالیت بپردازد و... لازم به ذکر است یادگیری معارف الهی برای شناخت کلی جهان (خدا, انسان و طبیعت) و فهم دستورات دین و وظایف عملی خویش و حلال و حرام خداوند, برای هر انسانی لازم و ضروری است و شخص باید اصول دین و اعتقادات را متناسب با سطح آگاهی و درک خویش و به طور استدلالی بشناسد و در فروع دین و دستورات عملی آن به کارشناسان دین و فقهای اسلامی مراجعه کند. اما اگر کسی بخواهد به یادگیری معارف الهی از راه ورود به حوزه های علمیه و در سطح یک کارشناس و متخصص بپردازد ;لازم است در ابتدا هدف , توانایی , استعداد و علاقه خود را ارزیابی کند و متناسب با آن تصمیم بگیرد. در واقع جامعه امروز ما, هم به روحانیان روشنفکر و با سواد نیاز دارد و هم به کارشناسان در دیگر حوزه های تخصصی و فنی . هم باید دین , فرهنگ , ارزش های اخلاقی و دینی جامعه به وسیله انسان های وارسته و کارشناس حفظ و نگه داری شود و هم باید با پیشرفت های تجربی و علمی روز آشنا شد تا از قافله پیشرفت و تکنولوژی امروزی عقب نماند. آنچه که وظیفه شما و دیگران را تعیین می کند, میزان توانایی است ; یعنی , مشخص کنید که استعداد شما در چه زمینه ای است ; ذوق و علاقه شما به چه حوزه و دایره ای تعلق دارد ;زمینه های خانوادگی , اجتماعی شما چگونه است و... سپس براساس این مطالب , هدف و راه خود را تشخیص داده , با جدیت آن را طی نمایید. برای رسیدن به این تشخیص چه خوب است علاوه بر فکر کردن با برخی از افراد با تجربه و دلسوز – از جمله با یکی از روحانیان مورد اعتماد خود – به مشورت بپردازید تا با بصیرتی بیشتر از وضعیت کنونی و آینده , به یک تصمیم خوبی دست یابید. {J

می خواهم از منتظران فرج باشم و فعالیت های غیر رسمی و مخفیانه بر آن انجام دهم به نظر شما چگونه باشم ؟

پرسش

می خواهم از منتظران فرج باشم و فعالیت های غیر رسمی و مخفیانه بر آن انجام دهم به نظر شما چگونه باشم ؟

پاسخ

دانشجوی محترم سرکار خانم جاودان علاقه شما به مسائل معنوی خودسازی و دیگرسازی و ایجاد زمینه برای ظهور حضرت ولی عصر(ع) امری است بسیار پسندیده و ارزشمند و هر انسان حقیقت‌طلبی آرزوی ظهور آن سفر کرده که صد غافله همراه اوست را دارد و درروایات انتظار چنین ظهوری را از بهترین عبادات بر شمرده‌اند افضل العباد انتظار الفرج انتظار فرج یک آرمان بزرگ بشری است و در واقع همه بشریت می‌تواند از چشمه سار زلال ظهور تجلی کمال را مشاهده کنند و کویر تفتیده جانخویش طراوت بخشند اما آنچه برای منتظران مهم است درک حقیقت انتظار است. آیا تاکنون فکر کرده‌اید که حقیقت انتظار چیست و منتظر واقعی کیست؟ درک این معنا نیازمند تأمل، تفکر و زانوزدن در پیشگاه قرآن و معارف الهی است و بدون راهنما و راهبر دلسوز طی این راهپرمخاطره است و بسیار بوده‌اند کسانیکه با عشق و علاقه و سوز دل در این مسیر گام نهاده‌اند اما چون بدون راهنما راهبر بودند طعمه شیطان و شیطان صفتان شدند و با دست خویش خود را به هلاکت و نابودی کشاندند قرآن به همه ما توصیه می‌کند که مواظب باشید با دست خودموجبات هلاکت خود را فراهم نکنید و خود را به هلاکت نیندازید همواره سه عامل مهم به عنوان عوامل کلی سقوط انسان را تهدید می‌کنند: ۱- هواهای نفسانی، ۲- شیطان، ۳- دنیا. شیطان به عنوان مدیر اجرایی همواره با به

خـدمت گرفتن هواهـای نفسانی و دنیا بزرگترین دشـمن قسم خورده انسان است که از طریق وسوسه، زیبا جلوه دادن اعمال انسان و وعـده و وعید تلاش می کند انسانها را تحت هر عنوانی به گمراهی بکشاند شـیطان برای گمراهی انسانهااز ترفندهای زیادی اسـتفاده می کنـد گـاهی از طریق شـعله ور کردن شـهوات و برخی اوقات از زیبا جلوه دادن اعمال انسان و زمانی از طریق غضب ناک کردن انسان و بعضـی اوقات نیز از راه معنویت و ارزشـها شایـد تعجب کنیـد که چگونه از طریق مسائل معنوی شـیطان باعث گمراهیانسان می‌شود مصـداق بارز آن ریا و خودنمایی است شـیطان گاهی اوقات از طریق ریا موجبات گمراهی انسان را فراهم می کند و موجب حبط اعمال او می‌شود و گاهی از طریق ضد ریا به او می گوید مواظب باش که ریا نکنی اما می‌خواهد به جای سرنگون شدن انسان از روبرو او را بهصـورتی خطرنـاکتر سـرنگون کنـد (و آن سـرنگونی از پشـت سـر می‌باشـد) ماننـد کسـی کـه در یـک ارتفـاع بلند ساختمـانی چنـد طبقه قرار گرفته و به صورت ناخود آگاه آن قـدر عقب عقب می‌رود که ناگهان از پشت سـرنگون می‌شود و دیگر هیـچ چیزی برای او باقی نمی‌مانـد. بنابراین دانشـجوی محترم: شـما که در سـر شور و عشق نخل سبز زیبای ولایت را داریـد چرا این نعمت بزرگ عشق پـاک را در بیراهه‌هـای مخفی کاری سـرگردان می کنیـد؟ چرا صـراط مسـتقیم که هرروز بیش از ده بار در نماز تکرار می کنیـد و از خداونـد هـدایت به آن راه صـحیح رامی‌طلبد حرکت نکنید؟ راستی صـراط مسـتقیم کدام راه است آیا تشـکیل گروههای مخفی بدون راهبری مطمئن (یعنی کسـی که هم دارای تجربه عملی باشد و هم به حدود و ثغور معارف الهی آشـنا باشد) سرانجام شـما را به کجا رهنمون خواهـد کرد؟ فکر نمی کنید اینها در واقع دامی است کهشـیطان برای انحراف افراد عاشق و معنویت فراهم کرده است؟ قران برای نجات انسان از خسـران می‌فرمایـد: ایمان خود را تقویت کنیـد و عمل صالـح انجام دهید و همدیگر را توصـیه به حـق نماییـد و بـا امر به معروف و نهی از منکر موانع را از سـر راه خود بردارید و در مسـیر حق حرکتکنیـد تـا به سـرمنزل مقصود رسـید و منتظر واقعی کسی که این مسیر قرآنی را طی می کند و هر راهی جز این مسیری که قرآن و اهل بیت برای ما ترسیم می کننـد راه شـیطانی است ولو این که به ظاهر تحت عناوین مقدس باشد. دانشـجوی محترم: شـما در انتهای نامه خود فرموده‌اید که من در هیـچ تشـکلی فعالیت نمی کنم چون من هنوز خودم را قبول ندارم!! این جمله اخیر شـما (چون من هنوز خودم را قبول ندارم) قابل تأمل است چه اینکه شـما از طرفی اعتماد به نفس را نسـبت به خود انکار می کنید و ازطرف دیگر می‌خواهید به صورت مخفی گروه تشـکیل دهید و خود و دیگران را آماده ظهور کنید نفس این کار یعنی تشـکل و فعالیت در تشکل منتها تشکلی مخفی!! برای ما این سؤال مطرح است که چرا مخفی؟ مگر شـما در یک جامعه ضـد دین و ضـد ظهور حضـرت زنـدگی می کنیـد کهمی‌خواهید مخفیـانه زمینـه ظهـور را فراهم کنیـد و مگر مخفی بـودن حکمـتی دارد؟ چرا؟! به نظر می‌آیـد دین مـا بجز در مـوارد اسـتثنایی و در جاهـایی که اجـازه فعـالیت دینی به ما نمی‌دهنـد در بقیه جاها و زمان‌ها از ما رفتار مخفیانه و زیر زمینی آن هم برای ظهور حضـرت ولی عصـر(ع)نخواسـته است بهترین راه برای ظهور حضـرت، خودسازی و تقوبت ایمان و انجام عمل صالـح است و این کار فقط از طریق انجام واجبات الهی و ترک محرمات می‌باشـد و راه دیگری جز این راه وجود ندارد و خود حضـرت ولی عصـر(ع) نیز ما را به انجام همین وظایف الهی توصیهمی کند.{]

چگونه می شود منتظر و پیرو واقعی برای امام زمان(بود؟

پرسش

چگونه می شود منتظر و پیرو واقعی برای امام زمان(بود؟

پاسخ

از مهمترین تکـالیف اسـلامی در دوارن غیبت، اعتراف به وجود حضـرت بقیـة ا...(است که می بـایست او را پیشوایی واجب‌الاطاعة بـدانیم. و بـا اینکه وجود شـریفش از نظرهـا پنهـان است، و ظـاهراً کسـی او را نمی شـناسد، در عین حـال لاـزم است مقـام رهبری و پیشوایی را از آن ایشان بـدانیم؛ و این از ضـروریّات مـذهب شـیعه، و از بدیهیّات عقاید امامیّه است. برای انسان مسـلمان همین نکته بس، که بدانـد امـام و پیشوای او از کارهـایش آگاه، از گفته هایش با خبر، از کارهای نیک و شایسـته اش شادان، از اعمال و رفتار زشـتش غمگین می شود، و در ناراحتیهـا به کمکش می شـتابد. بنابراین همین عقیـده برای درک موقعیّت خویش، و کنترل اعمال و رفتار خود در محضر امامش، برای او کافی است، که به طور مدام، مراقب افکار و اعمال خویش باشد. چرا که منتظر واقعی می داند که امام عصر(، مظهر عـدالت است، و خشـنودی او خشـنودی خـدا و رسول خدا(است، و خشم و غضب او موجب خشم و غضـب خداونـد و پیـامبر(می باشـد. از دیگر وظایف هر مؤمنی در زمان غیبت حضـرت حجـة(، مسأله انتظار فرج آن حضـرت است. و این بـدان معنـاست که همواره چشم به راه روزی باشـد، که هـدف و مقصود نهایی خداونـد برآورده شود، و بشـریّت از یک زنـدگانی عادلاـنه، تحت رهـبری مهـدی موعـود(، برخـوردار گردد. انتظـار فرج خـود بهـترین انگیزه، برای تربیت و تهـذیب نفـوس پیروان و معتقدان واقعی امام عصر(است. در سایه تربیت و تهذیب نفس است که نیروی اراده و ایمان تقویت، و اخلاق اسلامی در فرد تجلی می یابـد. و اینهـا خـود مقـدماتی است، در جهت آمـادگی فرد، برای ظهـور آن حضـرت. از دیگر نکـات قابـل توجه برای هر منتظر راستینی، پایبنـدی به تعـالیم و احکـام و حـدود اسـلامی است تـا از لغزشـها و انحرافاتی که در عصـر غیبت در کمین تک تک افراد جامعه است، درامان بماند. لذا بر هر مؤمنی لازم، بلکه واجب است، تا احکام و حدود الهی را عمیقاً فراگرفته، و بدانها عمل کند. از جمله امور مهمّی که باید در عصـر غیبت مورد توجّه عموم منتظرین قرار گیرد، و به عنوان یک فریضه تلقّی گردد، مسؤولیّت فرد در قبـال فسـاد و انحرافـات جامعه است، و یا به عبارت دیگر، پایبنـدی به اصل امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن در این باره می فرماید" : باید از میان شـما جمعی دعوت به نیکی کنند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنها رستگارنند(".۱) امیرالمؤمنین علی(می فرمایـد" : تمـام کارهـای نیـک، و حتی جهاد در راه خـدا، در برابر امربه معروف و نهی از منکر، چون آب دهان است در برابر دریای پهناور(".۲) امـام بـاقر(می فرمایـد" : امربه معروف و نهی از منکر دو فریضـة بزرگ الهی است، که بقیـة فرائض با آنها برپا می شونـد، و بوسـیله این دو راهها امن، و کسب و کار مردم حلال، و حقوق افراد تأمین می گردد، و نیز در سایه آنـدو است که زمینها آباد، و از دشـمنان انتقام گرفته می شود(".۳) امر مهم دیگری که منتظران حقیقی باید باید بداند عنایت خاصّی داشته باشند، موضوع صبر و اسـتقامت و پایـداری در برابر مشـکلات و سـختیهایی است، که نوعـاً مردم و بخصوص مؤمنین درعصـر غیبت با آنها مواجهنـد. امام حسـین(می فرمایـد" : برای آن حضـرت غیبتی است، که در آن غیبت گروهی از دین خـدا برمی گردنـد، و گروهی ثابت قـدم خواهند بود، که آنها مورد آزار و اذیّت قرار می گیرند. به آنان گفته می شود این وعده چه وقت سـر می رسد، اگر شـما راست می گویید؟! آگاه باشـید که صابر و پایدار بر اذیّت و آزار و تکذیب و افترا، همچون کسـی است که شمشیر به دست گرفته، و در پیشـگاه رسول خـدا(پیکار می کند(".۴) خلاصـة مطلب اینکه هر مؤمن و هر منتظر راستینی بایـد بدانـد، که کارهـای نیـک و شایسـته او، درک درجات اخلاقی و معنوی، تلاش در رسـیدن به موقعیّت عالی تر از حیث معنا، اخلاص درعمل، احساس مسؤولیّت در قبال اسـلام و مسـلمین، و استقامت و پایداری و صبر در برابر شدائد و سختیها، می تواند در آمادگی فرد و ایجاد شرایط ظهور، و نزدیک سازی روز موعود، سـهم بسـزایی داشـته باشد. منابع و مآخذ : ۱. سوره مبارکـة آل عمران/ آیه ۱۰۴ ۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شمارة ۳۷۴، بنقل از تفسیر نمونه، جلد۳،ص ۳۴۰ ۳. وسائل الشـیعه، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، باب۱، ج۱۱، ص۳۹۵، حدیث۶ کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص۳۱۷

۱- چگونه می توان منتظر واقعی حضرت ولی عصر «عج » بود ؟

پرسش

۱- چگونه می توان منتظر واقعی حضرت ولی عصر «عج » بود ؟

پاسخ

اولا در اصلاح نفوس خودمان بکوشیم و به اخلاق نیک آراسته شویم و به وظایف فردی خودمان عمل کنیم و احکام و دستورات قرآن را به کار ببندیم طهارت و پاکدامنی یعنی : در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد به این معنا که هر گاه نفس خواست سرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفظ کرد، چنانکه حضرت امیر المومنین« علیه السلام » می فرماید : { الصبر علی الشهوت عفّه } یعنی : «مقاومت در برابر شهوتها عفت و پاکدامنی است » کلید سعادت و خوشبختی عبارت است : ۱- تقوی و تزکیه نفس مهمترین دستوروعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصیل تقوی و تزکیه نفس است، که تمامی انبیاء علیه السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند ، چنانکه قرآن می فرمایند: « پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیزتا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه شان کند. زیرا؛ تو توانا و حکیم هستی . در محضر پروردگار هر گاه انسان حقیقتا دانست که خداوند متعال حاضر و ناضر او است و در هر لحظه در منظر دید خداوند و در محضر پروردگار قرار دارد تمام کردار و گفتارش در جهت صحیح قرار می گیرد . ۳- توجه به حیات ابدی . بدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما از آن عبور خواهد کرد و بعد از آن وارد منازل و عقبه هائی خواهد شد که مقدمه برای حیات ابدی توست. ۴- نماز و عبادت ۵- کنترل فکر ۶- ازدواج ۷- اهمیت دادن به محیط خانواده ۸- دوری از گناه ۹- حفظ حجاب ۱۰ - مرابطه و توسل منابع : ۱-سیمای آفتاب , حبیب الله طاهری ۲- قص الظهور , قاسم میرخلف زاد۳ ...- خورشید غایب , رضا استادی ۴-خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی

۱- آیا عمل به واجبات و دوری از محرمات، برای درک زمان ظهور آقا امام زمان (علیه السلام) کافی است ؟

پرسش

۱- آیا عمل به واجبات و دوری از محرمات، برای درک زمان ظهور آقا امام زمان (علیه السلام) کافی است ؟

پاسخ

عمل به واجبات و دوری از محرمات درحد دوری از گناهان کبیره کافی نیست، گناهان صغیره وقتی بر آنها اصرار ورزیم جز گناهان کبیره خواهند شد، اگر درک زمان از دل باشد و آقا امام زمان توفیق دهند . انشاء الله حد المقدور سعی خود را در رفع گناهان صغیره کنیم ،خودمان را آماده سازی کنیم و پا روی هوای نفس گذاشته و کارهایمان روح خدایی و اخلاص داشته باشد

کارهایمان به خاطر ریا و خوب جلوه دادنمان نباشد ، بلکه هدف رضای الهی و رسیدن به محبوب باشد و در راه رسیدن به محبوب توفیق و در ذیل سایه حضرت مهدی «عج» بودن لازم است و خداوند در آیه قرآن می فرماید : {ادعونی استجب لکم } « بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را » در این موقع انسان هر مراد و آرزویی داشته باشد بر آورده می شود و خداوند به مؤمنین وعده داده است ،در هر کاری که رضای خدا در آن باشد و در آن راه تلاش و کوشش کند. و دیگر اینکه انسان پاروی هوای نفسانی خود گذاشته و کبائر را انجام ندهد و سعی در بر طرف کردن نقص در خود و به تقویت ایمان بپردازد. اول باید زمینه مساعد باشد، پس باید دل را پاکسازی کرد از گناه و رذایل اخلاقی وفکر را همین طورباید پاک کرد از رذایل اخلاقی . آنگاه حکمت پاسخ می دهد، آنگاه قرآن جواب میدهد، آنگاه با قرآن و روایات می توان تماس باطنی و معنوی بر قرار کنیم { لایمسه الاالمطهرون } بروبرگرد هم ندارد. حال ما دو قرآن داریم• : یکی قرآن صامت ،همین قرآنی که در محضرش هستیم • . قرآن دوم قرآن ناطق{ السلام علیک یا شریک القرآن } « سلام بر توای شریک قرآن» معنایش این است ،که همانطوری که قرآن امانت حضرت رسول خدا است ،مهدی جان شما هم نیز امانت و سفارش شده حضرت رسول الله الاعظم (صلی الله علیه واله) هستید . همانطوری که دل مرده نمی تواند با قرآن صامت انس و رابطه برقرار کند، دل مرده با قرآن ناطق(حضرت مهدی) هم نمی تواند ارتباط برقرار کند ،ارتباط لازمه اش طهارت است. مطلب دوم: تقوی و تقویت آن است. فاید تقوی { یجعل لکم نورا} تقوا ایجاد نور میکند . » تقوایی که مولد نور است . این نور چیست؟ که با این نور راه می رویم و سخن می گوییم و با این نور تصمیم گیری میکنیم . منابع : ۱-گناهان کبیره ، شهید آیه الله دستغیب ۲-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ۳-تجسم امید ونجات ، عزیز الله حیدری ۴-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

۱-. چگونه باشیم تا بتوانیم از منتظران واقعی آن وجود پربرکت(امام زمان) باشیم ؟

پرسش

۱-. چگونه باشیم تا بتوانیم از منتظران واقعی آن وجود پربرکت(امام زمان) باشیم ؟

پاسخ

ج۱- اول باید زمینه مساعد باشد پس باید دل را پاکسازی کرد از گناه و رذایل اخلاقی فکر را همین طور. آنگاه حکمت پاسخ می دهد، آنگاه قرآن جواب میدهد، آنگاه با قرآن و روایات می توان تماس باطنی و معنوی بر قرار کنیم { لایمسه الاالمطهرون } بروبرگرد هم ندارد ،حال ما دو قرآن درایم یکی قرآن صامت همین قرآنی که در محضرش هستیم , قرآن دوم قرآن ناطق{ اسلام علیک یا شریک القرآن } « سلام بر توای شریک قرآن» معنایش این است ،که همانطوری که قرآن امانت حضرت رسول خدا است مهدی هم شما نیز امانت و سفارش شده حضرت رسول الله الاعظم هستید ،همانطوری که دل مرده نمی تواند با قرآن صامت انس و رابطه برقرار کند دل مرده با قرآن ناطق حضرت مهدی هم نمی تواند ارتباط برقرار کند .ارتباط لازمه اش طهارت است. مطلب دوم؛ تقوی و تقویت آن است. فاید تقوی { یجعل لکم نورا} تقوا ایجاد نور میکند . تقوایی که مولد نور است این نور چیست که با این نور راه می رویم و سخن می گوییم و با این نور تصمیم گیری میکنیم . فرمودند ؛ { یجعل لکم اماما تأتون } به این نور نور امام زمان در این زمان است دور.....گناه و اخلاق رذیله تا حد امکان دعا و توفیق خواستن از خداوند منان شکر و سپاسگذاری از

نعمت احترام به والـدین قطع نکردن صـله رحم و انجام دادن نماز در اول وقت آن نماز شب اگر خداونـد توفیق آن را بدهـد هر چه برخود می پسـندیم بر دیگران بپسـندیم ، برای ظهور آقا امام زمان دعا کنیم تبلیغ برای امام عصر ، نزدیک دانستن ظهور یکپارچگی شیعیان دعا برای فرج , صـله رحم , توسل و زیارات اظهار محبت به ولی عصـر , گریه بر سـید الشهداء نقل تشرفات , گریه خالصانه بر مظلومیت امـام زمـان. تزکیه نفس ،یکی از سالکینی الی الله که در حال تلاش برای رسـیدن به مقام بنـدگی بود و از این راه موفق شـده بود می گفت: یک روز درحال خوانـدن دعای نـدبه بودم که به این جمله رسـیده بودم که خطاب به حضـرت بقیه الله ارواحنا فداه می گویم «ای فرزند پیامبر آیا راهی هست که به فیض ملاقاتت برسم فرمودند : بله مراحل تزکیه نفس زودودن صفات رذیله از روح از بعـد دیگر ماننـد مراحـل درمان و معالجات جسـمی است هم چنانکه شـخص مریض از برقراری ارتباط با افراد دیگر محروم است اگر انسان حتی یک صـفت رذیله در خود داشـته باشد مریضی است که نمی تواند با انسانهای سالم خصوصا امام زمان ارتباط مطلوب داشـته باشـد. قرآن ملاک منتظر را معرفی کرده : { یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون } ای اهل ایمان , در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت , سفارش کنید و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید شاید رسـتگار شوید (آل عمران , آیه ۲۰۰) منابع : ۱-راهی به سوی نور , علی رضـا نعمتی ۲-سیمای آفتاب , حبیب الله مظاهری ۳-معرفت امام عصـر «علیه السـلام » سـید محمـد بنی هاشـمی ۴-شـناخت امام عصـر ,محمـد جواد مولوی نیا خورشـید غایب , رضـا استادی

منتظران حضرت مهدی«علیه السلام» چه کسانی هستند؟

پرسش

منتظران حضرت مهدی«علیه السلام» چه کسانی هستند؟

پاسخ

منتظران حضـرت مهدی«علیه السـلام» در این انتظار عظیم و شـکوهمند توجّه به ابعاد عقیدتی و ابعاد عملی دارند که در اینجا به بیان آنها اشاره می‌کنیم. ابعاد عقیدتی ۱. بُعـد توحید انسان منتظر همواره چشم به راه فرجی است که به قدرت مطلقه الهی تحقق خواهد یافت. منتظران بایـد همیشه متوجّه درگاه کبریای الهی‌باشـند و روی دل به سوی خـدا کنند و از پیشـگاه لایزال طلب گشایش و فرج نماینـد. «افضـل اعمال امتی انتظار الفرج من اللّه؛(۱۵) بهـترین اعمـال امّت من انتظـار فرج است از نزد خـدای عزیز و جلیـل». ۲. بُعد نبوّت مهـدی«علیه السـلام» از اهـل بیت پیامبر«صـلی الله علیه وآله» است، او دوازدهمین وصـی و جانشـین پیامبر«صـلی الله علیه وآله» است آنگاه که ظاهر گردد پرچم پیامبر اسـلام«صلی الله علیه وآله» را در دست گیرد و به سنّت پیامبر«صلی الله علیه وآله» عمل کند، و شـخص منتظر خـود را مسـئول عمـل به سـنّت پیـامبر اسـلام«صـلی الله علیه وآله» از طریـق اهـل بیت«علیهم السـلام» می‌دانـد. و در حاکمیّت سـنّت رسول«صـلی الله علیه وآله» تلاش می‌کند. امام صادق«علیه السـلام» می‌فرماید: هر کسی از شما در حال انتظار ظهور حاکمیّت دین خـدا درگـذرد ماننـد کسـی است که خـدمت قائم باشـد و در خیمه او... نه بلکه مانند کسـی است که در رکاب قائم بجنگـد نه به خـدا سوگنـد بلکه ماننـد کسـی که در رکاب پیامبر«صـلی الله علیه وآله» شـهید شده باشد(۱۶). ۳. بُعـد قرآن امر مهم دیگری که هر منتظری بایـد متوجّه آن باشـد کتاب خـدا قرآن کریم است مهدی«علیه السـلام» زنده کننده همه احکام قرآن است. و

منتظران در احیاء احکام قرآن و علوم قرآنی در ابعاد مختلف تلاش می کنند. و خود عمل کننده به آن هستند. ۴. بُعد امامت همچنین در احادیث و تعالیم ائمه طاهرین«علیهم السلام» تأکید شده است بر این که در عصر غیبت راه امامان را بپیمائید و از تعالیم و احکام آن پیروی کنید و از قرار گرفتن در خط مخالفان تبرا و بیزاری جویید و اصل تولی و تبری را در شئون زندگی حاکم کنید تا از منتظران واقعی باشید. ۵. بُعد عدل انتظار یعنی چشم به راه امامی داشتن که تصمیم دارد جهان را از عدل و داد مملو سازد. پس از آن که ظلم و جور همه امور را فرا گرفته است. و شخصی که در انتظار عدل است، به عدل روی می‌آورد و به رعایت آن مقیّد بوده و برای حاکمیّت آن جهاد می کند. ۶. بُعد معاد انتظار موعود روابطی بسیار عمیق با اصل اعتقادی معاد دارد و بدینسان می‌نگریم که انتظار شاخص منوّر ابعاد عقاید حقّه است تا او نیاید و حکومت عدل را در جهان برپا ندارد عمر جهان به سرنمی‌رسد و قیامت برپا نمی گردد. ابعاد عملی مکتب ۱. بُعد دینداری از ویژگیهای انسان منتظر دینداری است انسان در دوران غیبت باید مواظب دین خود و دینداری و صحت اعمال خود باشد. امام صادق«علیه السلام» می‌فرماید: برای صاحب‌الامر غیبتی طولانی است در این دوران هر کسی باید تقوی پیشه سازد و به دین حق تمسک بجوید(۱۷). ۲. بُعد پارسایی منتظر علاوه بر تدین و تقوی باید پارسا باشد و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد بسازد. امام صادق«علیه السلام» می‌فرماید: هر کس در شمار اصحاب قائم باشد باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار با ورع داشته باشد(۱۸). ۳. بُعد تقیّد مکتبی انسانیّت و رعایت ارزش انسان تنها و تنها در تعالیم علی«علیه السلام» و آل علی«علیه السلام» جلوه گر است انسان منتظر مهدی آل محمّد«صلی الله علیه وآله» چنین است در خط آنان و بلکه خصم هر راه غیر آل محمّد است پیامبر«صلی الله علیه وآله» می‌فرماید: خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم برسند آنان که پیش از قیام او نیز پیرو اویند با دوست او عاشقانه دوستند و موافق و با دشمن او خصمانه دشمنند و مخالف(۱۹). ۴. بُعد امر به معروف و نهی از منکر یکی از تکالیف عمده دینی امر به معروف و نهی از منکر است با این دو عمل است که احکام و فرائض الهی برقرار می‌ماند. انسان منتظر نمی‌تواند در این باره بی‌تفاوت باشد و در حدیثی پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله» فرموده است: «طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتدٍ به قبل قیامه» شاخص مهم این اقتداء انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. ۵. بُعد اخلاق اسلامی انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد و جامعه اسلامی باید مظهر اخلاق اسلامی باشد امام صادق«علیه السلام» فرموده است: هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد باید در عصر انتظار مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد چنین کسی اگر پیش از قیام قائم«علیه السلام» در گذرد پاداش او مانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند پس در دینداری و تخلق به اخلاق اسلامی بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید این(کردار پاک و افکار تابناک) گوارا باد بر شما ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست(۲۰) . ۶. بُعد آمادگی نظامی مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد تا به هنگام طلایع حق به صف پیکار گران مهدی«علیه السلام» بپیوندد. امام صادق«علیه السلام» فرموده است: هر که از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کنید اگر چه یک نیزه چون وقتی که خداوند متعال ببیند کسی به نیّت یاری مهدی«علیه السلام» اسلحه تهیه کرده است امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی«علیه السلام» باشد(۲۱). ۷. نگهبان ایمان در روزگار غیبت امام«علیه السلام» و طولانی شدن عصر انتظار ممکن است شبهه‌هائی در ذهن برخی بیاید با شیاطین پنهان و آشکار به سست کردن پایه‌های اعتقادی کسانی به ویژه جوانان برخیزند انسان منتظر باید در رفع شبهات و روشن کردن پوچی آنها بکوشد در احادیث و تعالیم از اهمیّت ایمان در عصر غیبت به گونه‌هایی عجیب یاد شده است و منتظران مؤمن دارای مقام و منزلت شمشیر زنان در رکاب پیامبر«صلی الله علیه وآله» دانسته شده‌اند از این بالاتر پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله» آنان را برادران خود خوانده است. ۸. انتظار، تمرین و ریاضت منتظران با اخلاص در مرحله تربیت نفس و خودسازی به امر دیگر پرداخته و آن دور بودن از رفاه و تن پروری است امام صادق«علیه السلام» می‌فرماید درباره خروج قائم خیلی عجله دارید هان! به خدا سوگند او جامه مویین می‌پوشد و نان جوین می‌خوردو روزگار قیام او روزگار به کار بردن شمشیر است و(جنگ با

فاسـدان و مفسدان و جباران) و نیز مرگ در سایه شمشیر. او شـبانگاهان به دردمندان و نیازمندان سـرمی‌زند و روزها به نبرد در راه دین می‌پردازد(۲۲). ۹. انتظار عـدل و احسان انسان منتظر بایـد در گسترش عـدل و احسان بکوشـد و در معاملات و حقوق و قوانین خود عـدالت را عملی سازد اگر چنین نباشد صدق اینگونه مردم در انتظار از کجا نمودار خواهد گشت. ۱۰. انتظار شناخت و موضع هر عقیـده‌ای که انسـان در هر بـاره‌ای دارد بایـد از روی شـناخت و بصـیرت باشـد این مسـئله در عصـر غیبت بیشتر از وقتهـای دیگر اهمیّت پیـدا می‌کنـد. دختر رُشـید هَجَری شـیعه معروف می‌گویـد: به پـدرم گفتم: ای پـدر چه بسـیار در عبادت خدا رنج می‌بری و کوشـش می‌کنی؟ در پاسخ گفت دخترم بعد از ما مردمی می‌آیند که بصـیرت و شناختی که در دین دارند از این کوششها و رنجها افضل است(۲۳). ۱۱. تحمّل و پایـداری انسان به درستی حق و راه حق را شـناخت در راه آن پایداری می‌کند امام جعفر صادق«علیه السـلام» از پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله» روایت کرده: پس از شما مردمی خواهند آمد که به یک تن از آنان اجر پنجاه تن از شما را خواهنـد داد اصـحاب گفتنـد: ای پیـامبر! مـا در جنگهای بـدر و اُحُـد و حُنَین با تو بوده‌ایم و درباره ما آیاتی نازل شـده است این چگونه خواهد بود پیامبر«صـلی الله علیه وآله» فرمود: شـما اگر شـرایطی که آنان قرار می‌گیرند قرار بگیرید آن تحمّل و شـکیبائی را که آنان دارند نخواهید داشت(۲۴). انسان در عصر غیبت باید دارای شناختی درست و بصیرتی درخشان باشد تا بتواند اعتقاد حق را حفظ کند. ۱۲. پیروی از خط رهبر هنگام غیبت امام باید از آداب و احکام امامان پیشین پیروی کرد و راه را چنانکه آنان فرموده‌اند بپیمایید امام صادق«علیه السـلام» می‌فرماید: هرگاه زمان غیبت فرا رسید به دستور امامان پیشین چنگ زنید تا امام آخرین ظهور کند هرگاه روزی رسـید که امامی از آل محمّد«صـلی الله علیه وآله» در میان خود نداشتید همان امامانی را که دوست می‌داشتید دوسـت بدارید و همان کسان را که دشـمن می‌داشتید دشن بدارید و همواره در خط رهبری و ولایت حقه جای داشـته باشـید و صبح و شام در حالت انتظار به سـر ببریـد تا خداونـد سـتاره هـدایت شـما را طالع سازد تا خداونـد صاحب دین را برساند(۲۵). ۱۳. انتظار بسیج عمومی انتظار یک بسـیج عمومی است مکتب تشـیع علوی در عصـر انتظار پیروانی می‌خواهد همیشه آماده از نظر قدرتهای ایمانی و روحی و نیروهای بدنی و سلاحی و تمرینهای عملی و نظامی، پرورشهای اخلاقی و اجتماعی و سازماندهیهای سیاسی و مرامی داشته باشد. ۱۴. انتظـار و ضـد انتظار نمی‌توان پـذیرفت که دین اسـلام و ائمه طاهرین«علیهم السـلام» صبر بر ظلم و ترک امر به معروف و نهی از منکر را برای مسـلمین تجـویز کرده باشـند. دینی کـه می‌گویـد همه کارهـای خیر و جنـگ در راه خـدا در مقـایسه بـا امر به معروف و نهی از منکر مانند آب دهانی است در برابر دریایی موج خیز امر به معروف و نهی از منکر کردن نه اجل کسی را نزدیک می‌کنـد و نه روزی کسـی را می‌کاهـد و از همه اینها افضل و برتر گفتن سـخن درباره عدل است در نزد حاکم جابر و سـتمگر. ۱۵. نقش نیروهای مردمی حضور نیروهای مردمی در تشـکیل حکومت مهـدی«علیه السـلام» از احادیث و تعالیم دین گرفته شـده است و این امر قابل توجّه است. و منتظران در تلاشـند تا نیروهای مردمی را برای حاکمیّت حکومت مهدی«علیه السـلام» آماده کرده و خود در صف مقدّم مبارزه باشـند. مهدی«علیه السلام» از مردم یاری می‌طلبد. یکی از یاران خود را می‌خواهد به او می‌فرماید به نزد مردم مکّه برو و بگو: ای مکیان؛ من فرسـتاده مهـدی‌ام. مهـدی می‌گویـد: ما خاندان رحمت هستیم. ما ذریه محمّد«صـلی الله علیه وآله» از سلاله پیامبرانیم ظالمان به ما ستم کردند و بر ما جفا روا داشتند و از هنگام درگذشت پیامبر«صلی الله علیه وآله» تا امروز حق ما را از ما ستاندند اکنون من از شما یاری می‌طلبم به یاری من بشتابید(۲۶). ۱۶. حضور شیعه در صحنه شیعه باید همواره حضور اعتقادی و اجتماعی خویش را تشکیلات سیاسی و نظامی یعنی در واقع حضور شیعی خویش را در صحنه تاریخ نگاه دارد تا سرانجام به هنگام ظهور در محل جریان اصـلی خود قرار گیرد. هنگامی که قائم قیام کنـد خداوند شـیعیان را از همه شـهرها نزد او گرد می‌آورد(۲۷). هنگامی که قائم قیام کنـد خداونـد هر عیبی و نقصـی را از شـیعیان برطرف می‌کنـد و دلهای آنان را چنان پاره‌های فولاد می‌گرداند قـدرت هر مرد از آنـان را به انـدازه قـدرت چهـل مرد قرار می‌دهـد و آنگـاه آنان حاکمان و فرمانروایان زمین خواهنـد بود و سـران بزرگوار جهان(۲۸). ۱۷. پرهیز از یأس و مبارزه با آن لازم است که منتظران حکومت توحید و عدل از هیچ امری و عاملی به ویژه از

طول کشیدن عصر غیبت و فزون شدن قدرت کاذب قدرتمندان جهان یأس به دل راه ندهند. «انتظروا الفرج و لاتیاسوا من روح اللّه فان احب الاعمال الی اللّه انتظار الفرج؛(۲۹) چشم به راه رسیدن فرج باشید و از کارکشایی و آسایش رسانی الهی‌نومید مباشید زیرا که بهترین اعمال انتظار رسیدن فرج و گشایش است از سوی خدا». ۱۸. استقامت و شکیبائی توصیه به صبر برای انسان منتظر به معنای لزوم شکیبائی است در مورد غیبت امام و برای رفع دغدغه خاطر و نفی تزلزل است(۳۰). «انتظار الفرج بالصبر عبادة؛(۳۱) چشم به راه فرج داشتن با صبر و بردباری عبادت است». « بخش پاسخ به سؤالات » ۱۵) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۲۸. ۱۶) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۲۶. ۱۷) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۳۵. ۱۸) ۵۲ – ۱۴۰. ۱۹) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۳۰. ۲۰) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۴۰. ۲۱) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۳۶۶. ۲۲) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۳۵۴. ۲۳) بحارالانوار، ۵۲ – ۱۳۰. ۲۴) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱. ۲۵) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳. ۲۶) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷. ۲۷) بحارالانوارج ۵۲، ص ۲۹۱. ۲۸) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷. ۲۹) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲. ۳۰) خلاصه‌ای بود از کتاب جناب آقای محمّدرضا حکیمی به نام «خورشید مغرب» از ص ۳۳۸ تا ۳۹۸. ۳۱) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.

چگونه می‌توانیم از منتظران واقعی حضرت ولی عصر باشیم؟

پرسش

چگونه می‌توانیم از منتظران واقعی حضرت ولی عصر باشیم؟

پاسخ

درباره انتظار فرج و در آرزوی حکومت عدل ولی عصر بودن، روایات زیادی وارد شده است، به عنوان نمونه پیامبر اسلام می‌فرمایند: «افضل الاعمال امتی انتظار الفرج»، بهترین عمل پیروان من انتظار فرج است.{۱} و امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر شیعه‌ای بمیرد در حالی که منتظر ظهور امام دوازدهم باشد مانند کسی است که در خیمه حضرت بوده است».{۲} بنابراین انتظار ظهور و منتظر حضرت بودن فضیلت و ثواب دارد، اما باید دید معنی صحیح و واقعی انتظار فرج چیست؟ و منتظر واقعی کیست؟ آیا معنای انتظار فرج این است که مردم مسلمان دست روی دست بگذارند و در برابر ظلم و جور و ناپاکی‌ها و آلودگی‌های فردی و اجتماعی دیگران، بی‌تفاوت باشند؟ قطعاً این چنین نیست. مکتب انتظار و ظهور، مکتب تربیتی و اصلاحی است، از این‌رو منتظر واقعی به کسی می‌گویند که آلوده به ستم و گناه نباشد و در برابر گناه و انحراف مقاومت کند. کسی که منتظر آمدن مهمان عزیزی است، خانه را آب و جارو و تمیز می‌کند و خود را آماده پذیرایی از مهمان می‌نماید. منتظر واقعی کسی است که به دستورات اسلام عمل می‌کند و به عبارت دیگر منتظر مصلح، خود باید صالح باشد و دستوراتی را که در زمان غیبت برای منتظران رسیده عمل نماید. بنابراین با به کار بستن اوامر الهی و اعمالی که زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی می‌باشد، می‌توانیم از منتظران واقعی حضرت باشیم و آن کارها عبارتند از: ۱. کاری برخلاف رضای خدا و امام زمان(عج) از ما سر نزند و پیوسته در فکر این باشیم که گفتار و رفتار ما مورد رضایت آن حضرت باشد که رضای خدا در آن است. ۲. از طرفی چون عالمان پارسای دینی و فقیهان عادل نمایندگان امام زمان به شمار می‌روند، راه تحصیل رضایت آن حضرت پیروی از آنان است. در حقیقت رساله‌های توضیح المسائل و کتب تفسیر و اخلاق و عقائد راه و رسم فکری، عملی ما را ترسیم کرده‌اند و به کار بستن آنها مایه جلب نظر و رضایت خاطر ولی

عصر است. ۳. محزون بودن از محروم شـدن از زیارت آن وجود مبارک، چنان‌که در دعای ندبه آمده «عزیز علی ان اری الخلق و لا تری و لا اسـمع لک حسیسا و لا نجوی»، بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم/ ۴. دعـا کردن برای حفـظ وجود مبارک آن حضـرت و شـتاب در فرجش، مثل دعای «اللهم کل لولیک الحـجّ بن الحسن...»/ ۵. صدقه دادن برای حفظ وجود مبارک امام عصر، اگر به حفظ وجود مقدس به اراده و مشیت خداوند است ولی اسباب یاد شده نیز به اذن و اراده خداونـد است و به اصـطلاح در طول آن هسـتند نه در عرض آن و ثانیـاً نتیجه عمل به خود انسان باز می‌گردد که باعث پیوند معنوی انسان با حجت خـدا می‌شود و مایه سـلامتی خود و دفع ناگواری‌ها و شداید خواهد بود. ۶. زمینه سازی برای ظهور از طریق امر بـه معروف و نهی از منکر و پاکسـازی زمین از ظلم و جنـایت. ۷. معرفی حضـرت و قیام ایشان برای مردم/ [۱].بحار، ج ۱۲، ص ۱۳۷/ [۲].بحار، ج ۱۳، ص ۱۳۶/

چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟

پرسش

چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟

پاسخ

این سوال بسـیار مهم و در واقع سوال همه‌ی شـیعیان و محبین اهـل بیت می‌باشـد. به نظر می‌رسـد اگر ما وظیفه‌ی خود را در زمان و دوران انتظار بدانیم و بدان وظایف عمل کنیم در واقع خود را برای زمان ظهور آماده کرده‌ایم. «آمادگی برای ظهور مستلزم انتظاری خـوب و شایسـته است.» در این نوشـتار به صـورت کلی و مختصـر به چنـد نمونه از وظـایف منتظران حضـرت اشـاره می‌کنیم. برای مطـالعه بیشتر ـ به کتاب‌هـایی که به طور مفصـل به این موضوع پرداخته‌انـد که بعضـی از آنها را در این نوشـته نام می‌بریم ـ مراجعه فرمایید. ۱. شـناخت: یکی از ویژگی‌های منتظر، شـناخت و معرفت به امام زمان است نه فقط یادگیری نام‌ها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت؛ بلکه معرفت داشتن به ویژگی‌ها و ابعاد وجودی حضرت و اندیشیدن در کلمات و اوامر حضرت و تأمل در حکمت نام‌ها و نشانه‌ها و علائم ظهور و شـگفتی ولادت و حیات او، همچنین دانسـتن سـبب و حکمت غیبت پر رمز و راز حضرت که به یقین وقتی انسان معرفت به این موارد پیـدا کرد و اهداف و آرمان‌های او را فهمید خود را برای عملی کردن اهداف امام زمان آماده می‌سازد و خشنودی او را به خشنودی خودش ترجیح می‌دهد و سعی می‌کند سرباز خوبی برای آن حضرت باشد. از رسول اکرم(ص) حکایت شـده: «من مات و هو لایعرف امامَهُ ماتَ میتـةً جاهلیـةً»؛۱ «کسـی که بمیرد و امـام زمـانش را نشـناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» راه‌های شـناخت امام زمان: از جمله راه‌های شناخت امام زمان عبارتند از: ۱. تلاش برای آگاهی بیشتر از حضـرت یا از طریق شنیدن از بزرگان و یا مطالعه‌ی کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است، مانند کتاب مکیال المکارم که مرحوم آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصـفهانی تالیف کرده‌اند و طبق گفته نویسنده به فرمان خود امام زمان(عج) نوشته شده است این کتاب یکدوره امام‌شناسی که ترجمه فارسـی هم شده است.۲ ۲. راه دوم بوسـیله ارتبـاط روحی و معنوی بـا دعـا و توسـل است: همانطور که در زیارت جامعه می‌فرمایـد: «خـدایا از تو می‌خواهم که مرا از آشـنایان به امامان و به حق و حقوق آنان قرار دهی!»۳ راه اول: راه معرفت علمی اسـت ولی راه دوم: راه شـناخت قلبی و روحی است. ۲. اطـاعت: اگر چه امام زمان غایب است ولی اراده و فرمانش در میان همه‌ی خلایق

جاری است. دستوراتش را باید شناخت و فرمان‌هایش را باید اطاعت کرد. از امام صادق(ع) حکایت شده که می‌فرماید: خوشا به حال شیعیان مهدی قائم(ع) آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اویند و در دوران ظهورش سرسپردگان اوامر او.»۴ حال سوال این است چگونه او امر و دستورات امام زمان(عج) را در زمان غیبت ایشان بدانیم و به آنها عمل کنیم؟ در جواب این سوال باید گفت که اگر چه در خصوص امام زمان ارتباط محسوس بین امام و مردم وجود ندارد ولی در هیچ یک از دو غیبت صغری و کبری امام زمان، پیوند امام با مردم به طور کلی قطع و گسسته نشده است زیرا در هر دو غیبت، امر سفارت و نیابت وجود داشته و دارد و از طریق نایبان، پیوند امام با مردم برقرار بوده و هست. در زمان غیبت صغری نیابت نایبان خاص بوده و در زمان غیبت کبری نیابت نایبان حضرت عام می‌باشد که با توجه به شرایط و ضوابطی که مطرح می‌کنند اطاعت فقهاء جامع الشرایط لازم و در ردیف اطاعت از امام زمان می‌باشد. و مخالفت با فقیه جامع الشرایط که نایب امام است، مخالفت با امام، و مخالفت با امام، مخالفت با خداوند می‌باشد. توقیع حضرت ولی عصر(عج): سوالاتی که برای مردم حاصل شده بود و برای خودش نیز «اسحاق بن یعقوب» مشکل بود در ذیل نامه‌ای به وسیلهٔ نایب دوم، یعنی محمد بن عثمان عمری به محضر حضرت مهدی(عج) فرستاد و پاسخ آنها را طلبید از جمله‌ی آن مسائل این بود که مردم در عصر غیبت در حوادث واقعه به چه کسی مراجعه کنند؟ حضرت پاسخ فرمودند: «.... و امّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها إلی روات حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجهٔ الله»؛ «اما آنچه سوال کرده‌ای خدا تو را هدایت کند و ثابت قدم نماید... اما حوادثی که پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت و نمایندگان من هستند بر شما و من حجت خدا بر شما....»۵ از این حدیث استفاده می‌شود که اطاعت از ائمه‌ی قبل، عین اطاعت از امام زمان است چون فقها با توجه به قرآن کریم و قول ائمه احکام شرعی را بیان می‌کنند. ۳. انتظار: انسان منتظر، انسانی کوشا است، انسانی جهادگر و مبارز است که در مسیر اقامه‌ی توحید و استقرار ولایت از نثار هر چه دارد دریغ نمی‌ورزد. چنانچه از حضرت علی(ع) حکایت شده: «کسی که چشم انتظار حاکمیت ما باشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد.»۶ و جامعه‌ی منتظر جامعه‌ای پویا است، جامعه‌ای متحرک و فعال است که حاکمیت طاغوت را نمی‌پذیرد و بی‌عدالتی را بر نمی‌تابد. منتظر ظهور امام زمان بودن حرکت بسوی ظهور داشتن و به آرمان‌های موعود عمل نمودن است. انسان منتظر نفس اماره را کنترل و شیطان را از خود دور می‌کند و خود را جهت استقبال از آقا امام زمان(عج) مهیا می‌کند. جهت استقبال از او لوح دل را از آلودگی‌ها و گناهان می‌شوید و خانه دل را به یاد خدا و با صفات حمیده و پسندیده‌ی انسانی زینت می‌دهد و الا امام زمان(عج) که به هر جایی پا نمی‌گذارند. نمی‌توان یک گوشه‌ی دل را از محبت دنیا پر کرد گوشه‌ی دیگر گناهان و ... بعد به آقا بگوییم بیا بیا که سوختم، زهجر روی ماه تو؟ چگونه سوخته است انسانی که خود را برای ظهور آماده نکرده است. آیینه شو، جمال پری طلعتان طلبجاروب زن به خانه سپس میهمان طلب ۴. خدمت‌گذاری به حضرت: از امام صادق(ع) نقل شده که می‌فرمایند: «اگر دوران او را درک می‌کردم همه‌ی روزهای زندگیم را در خدمت به او می‌گذراندم.»۷ وقتی پیامبران و امامان در خدمت به امام زمان پیشتاز هستند وقتی امام صادق(ع) آرزوی خدمت به ایشان را دارد و حضرت عیسی(ع) از آسمان فرود می‌آید تا او را یاری کند وظیفه‌ی شیعیان منتظر در خدمت به ساحت مقدس او چقدر است؟ بی‌تردید خادمین دوران ظهور، همان خادمین دوران غیبت‌اند. آنها که پس از ظهور شایستگی خدمت می‌یابند، همان‌هایی هستند که در دوران غیبت، بر خدمت به امام و امت امام همت گماشته‌اند، و اهداف امام را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار داده‌اند. برخی دیگر از تکالیف و وظایف منتظران حضرت: ۵. محبت به امام زمان(عج): پیامبر اکرم: «خداوند را دوست بدارید به جهت آنچه از نعمت‌های خویش به شما می‌دهد و مرا به جهت دوستی خدای عزوجل دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر دوستی من دوست بدارید.»۸ ۶. اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار: نیک بدون اشتیاق به آن حضرت، امر واضح و روشنی است زیرا که این از لوازم محبت است. ۷. اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت: اینکه مومن از فراق و دور ماندن از حضرت اندوهگین باشد از نشانه‌های دوستی و اشتیاق به حضرت است. ۸. حضور در مجالس فضایل و مناقب آن

حضرت که از مصادیق «فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ»۹ است. ۹. سرودن و خواندن شعر در فضایل آن حضرت: امام صادق(ع): «هر کس درباره‌ی ما یک بیت شعر بگوید خداوند برای او خانه‌ای در بهشت خواهد ساخت.»۱۰ ۱۰. شناختن علایم ظهور حضرت: مقدمه‌ی شناخت حضرت شناخت علائم ظهور به ویژه علائم حتمی مقارن با ظهور حضرت است. ۱۱. صدقه قراردادن به نیابت آن حضرت و برای سلامتی او: که نشان از مودت و دوستی آن جناب و ولایت اوست. ۱۲. حج و طواف به نیابت حضرت. ۱۳. تصمیم قلبی بر یاری کردن آن جناب در زمان حضور و ظهور او. ۱۴. تجربه بیعت با حضرت با خواندن دعاها از جمله دعای عهد و ... .۱۱ معرفی کتاب: برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: ۱. کتاب مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ناشر مهر قائم اصفهان. ۲. نگین آفرینش، اثر جمعی از نویسندگان، ناشر بنیاد فرهنگی امام مهدی(عج). ۳. وظایف منتظران، واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران. ۴. سیمای آفتاب، حجت‌الاسلام دکتر طاهری. ۱ . محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۱ و بحارالانوار مرحوم مجلسی، ج ۲۳، ص ۷۶ و با تعبیر «من مات ولم یعرف امام زمانه فقد مات میتهٔ جاهلیهٔ» الصوارم المهرقهٔ، شهید نور الله التستری، ص ۲۶۳ این روایت را از صعمین نقل می‌کند. ۲ . مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، ناشر مهر قائم اصفهان می‌باشد. ۳ . «اسألک ان تجعلنی فی جملهٔالعارفین بهم و بحقهم» و مفاتیح الجنان فرازی از زیارت جامعه کبیره. ۴ . طوبی الشیعهٔ....، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰. ۵ . شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۴. جهت مطالعه بیشتر به کتاب سیمای آفتاب ـ سیری در زندگانی حضرت مهدی(عج) ـ به قلم حجت‌الاسلام دکتر طاهری درس یازدهم (غیبت کبری و نواب عام حضرت مهدی(عج)) مراجعه شود. ۶ . امیرالمومنین(ع): «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله»، کمال الدین صدوق، ص ۶۴۵. ۷ . «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»، بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۸. ۸ . مکیال المکارم، ترجمه فارسی، ص ۲۱۸، ج ۲، به نقل از امالی صدوق، ص ۲۱۹. ۹ . بقره / ۱۴۸. ۱۰ . مکیال المکارم، ص ۲۵۷، ج ۲، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۷، ح ۱. ۱۱ . برای مطالعه بیشتر به ترجمه کتاب مکیال المکارم، ج ۲، بخش هشتم: تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت مراجعه شود.

وظایف

وظایف عمومی

وظیفه مادر عصر غیبت چیست وچه کنیم که امام زمان از ما راضی شوند و ما را مورد شفاعت خود قرار دهند ؟

پرسش

وظیفه مادر عصر غیبت چیست وچه کنیم که امام زمان از ما راضی شوند و ما را مورد شفاعت خود قرار دهند ؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت : امام زمان (ع) مانند سایر معصومین پیام آور اسلام ناب وبیانگر حقایق توحید ومعارف دین هستند . بنابراین پیام ایشان در حقیقت همان پیام اسلام است . اما پیام اسلام دو هدف را دنبال می کند : ۱- تربیت انسانها در ابعاد مختلف وجودشان که مشتمل است بر اصلاح اعمال ، خلقیات ورسیدن به معرفت حقیقی نسبت به توحید ومعارف دین ، که این تربیت افراد ، الهی شدن ومصفّا شدن آنها هدف اسلام وهمه معصومین بوده است . ۲- اصلاح (تربیت) جامعه : در این باب ما مسلمانان وظیفه

داریم جامعه ای اسلامی با حکومت اسلامی بسازیم . به نظر می رسد اسلام زمانی ارائه خواهد شد که تربیت افراد انسانها به حکومت ضمیمه شود چرا که افراد چنانکه به غذا نیاز دارند برای اصلاح خود به حکومت بیت المال واخذ وجوه ومالیاتها (برای رفع فقر واحتیاجات جامعه) نیازمند هستند . خلاصه اصلاح این دو در گرو یکدیگر است . این دو محور اساسی است که پیام همه ائمه معصومین (ع) بوده است . امام حسن عسگری (ع) در وصیت خود ، درباره وظایف فردی واجتماعی مؤمنین چنین می فرمایند : "قال لشیعته اوصیکم بتقوی الله والورع فی دینکم والاجتهاد لله وصدق الحدیث واداء الامانهٔ الی من ائتمنکم من برأو فاجر و طول السجود وحسن الجوار فبهذا جاء محمد (ص) صلّوا فی عشائرهم واشهدوا جنائزهم وعودوا مرضاهم وادّوا حقوقهم . فَاِنَّ الرجل منکم اذا ورع فی دینه وصدق فی حدیثه وادی الامانهٔ وحسّن خلقه مع الناس قیل هذا شیعی ، فیسرنی ذلک ، اتقوا الله وکونوا زیناً ولا تکونوا شیناً، جرّوا الینا کلّ مودهٔ وادفعوا عنا کل قبیح... اکثروا ذکرالله وذکر الموت وتلاوهٔ القرآن والصلاهٔ علی النبی (ص).. احفظوا ما وصیتکم به "... ترجمه :] حضرت به پیروان خود فرمودند : وصیت می کنم شما را به تقوای الهی و ورع در دینتان وتلاش برای خدا وراستی در گفتار واداء امانت به کسی که شما را امین قرار داده چه نیکوکار باشد چه بدکار وطولانی کردن سجود ونیکویی وحسن هم جواری پس به خاطر اینها پیامبر مبعوث شد . در جماعتها نماز بخوانید وتشییع جنازه همدیگر بروید وعیادت از مریضان کنید وحقوق یکدیگر را پرداخت کنید . پس هر کس از شما ورع در دینش داشته باشد ودر گفتارش صادق باشد وامانت را ادا کند وبا مردم حسن خلق داشته باشد گفته می شود این فرد شیعه است پس این امر مرا خوشحال می کند . تقوای الهی داشته باشید وزینت اسلام باشید و باعث زشتی وآبرو ریزی نباشید.محبتها را به سوی ماجذب کنید وزشتیهارا ازما دورکنید(یعنی بدرفتار نکنید تا به سبب رفتار بد شما چیزهایی را به ما نسبت دهند .) ذکر خدا ومرگ وتلاوت قرآن وصلوات بر پیامبر (ص) را بسیار داشته باشید چیزهایی را که به شما وصیت کردم حفظ کنید .[(۱۹ چنانچه ملاحظه می شود امام وظایف فردی مؤمنین را تقوای الهی ، ورع در دین ، اجتهاد برای خدا ، صدق در گفتار ، اداء امانت ، طولانی کردن سجده ، حسن همجواری مداومت بر ذکر خدا ویاد مرگ وتلاوت قرآن وصلوات بر پیامبر دانسته و وظایف اجتماعی آنها را چنین مشخص می کنند که عبارتند از : شرکت در نماز جماعت ، شرکت در تشییع جنازه همدیگر ، عیادت از مریضان ، اداء حقوق دیگران ، جذب محبتها به سوی ائمه ودور کردن زشتیها از آنها . مواردی که در وصیت نامه ذکر شد از وظایف ماست وامام برای تربیت انسانها آمده وهدف همه امامان ساختن انسانها است مگر اینکه یک ویژگی درباره صاحب العصر والزمان هست که ایشان در بر پایی حکومتی که در پناه آن انسانها به این تربیت می رسند به اذن الهی نقش اساسی ایفا می کنند . با حکومتهای طاغوتی مقابله کرده وحکومت عدل جهانی را مستقر می نمایند . با توجه به وصیت نامه امام حسن عسگری (ع) وظیفه ما این است که اولاً : خود را تربیت کنیم و صفاتی را که در وصیت امام حسن عسگری (ع) آمده تحصیل نماییم . ثانیاً : در حفاظت از حکومت اسلامی ایران ودفاع از آرمانهای آن تلاش نماییم وسربازان واقعی آن حضرت باشیم . برای حفظ حکومت دو چیز را از ما خواسته اند . ۱- گسترش عدل و داد که در این زمینه حضرت امام (ره) می فرمایند " : ما منتظران مقدم مبارکش ، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را ، در این کشور ولی عصر (عج) حاکم کنیم (" ۲) و آیت الله خامنه ای نیز می فرمایند " : غایت ما جامعه آرمانی مهدوی است با همان خصوصیاتی که گفتیم . پس ما باید مقدمات را همانگونه فراهم بکنیم ما باید با ظلم نسازیم وباید بر علیه ظلم حرکت قاطع بکنیم . هر نوع ظلمی واز هر کس ما باید جهت خود را ، جهت اقامه حدود اسلامی قرار دهیم (" ۳.) ۲-پیاده کردن احکام دین واسلام وصدوراین آرمان وپیام به کشورهای دیگر : چنانچه مقام معظم رهبری می فرمایند " :هر چه شما بتوانید دایره این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم ، مبالغه نمی کنیم اسلام کامل البته نیست ، اما بخشی از اسلام را این ملت توانسته است در ایران پیاده کند ، همین مقدار از اسلام را هر چه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم ، در کشورهای دیگر ، در نقاط تاریک ومظلم دیگر ، گسترش دهید ، همان مقدار به ظهور ولی امر و حجت عصر کمک کرده اید ونزدیک شده اید اگر بتوانید در درون

خود وجامعه تان ، جامعه انقلابی ، تقوا وفضیلت واخلاق ودینداری و زهد ونزدیکی معنوی به خود وخدا را در خود تأمین کنید پایه وقاعده ظهور ولی عصر (ع) را مستحکم ترکرده اید وهرچه بتوانید از لحاظ کمیت وکیفیت مقدار مسلمانان مؤمن ومخلص را افزایش دهید باز به امام زمان وزمان ظهور ولی عصر ، نزدیک تر شده اید . پس ما می توانیم قدم به قدم جامعه خود وزمان وتاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر صلوات الله علیه نزدیک کنیم (" . ۴)) بحارالانوار ، جلد ۷۵ ،ص ۳۷۲ . ۲) امام خمینی (ره) ، کلمات قصار وندها وحکمت ها ، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی . ۳) دیدگاهها ، مصاحبه با آیت الله خامنه ای ، ص۲۱۷ . ۴) دیدگاهها ، مصاحبه با آیت الله خامنه ای ، ص ۲۱۷ ، ۲۱۶ . آیت الله امینی نیز می فرمایند " : در زمانی که به امام معصوم دسترسی ندارند باید در بین فقها فرد شایسته ای را که نسبت به مسائل اسلامی بالاخص مسائل سیاسی واجتماعی کاملاً آشنا باشد وازمقام تقوا ومدیریت وبینش سیاسی نیز برخوردار باشد شناسایی وبه رهبری وامامت برگزینند هم چنین ... مسلمین موظفند برای تأسیس حکومت اسلامی و اجرای قوانین وبرنامه های سیاسی واجتماعی اسلام تلاش وجدیت نمایند چون اسلام حتی در چنین زمانی هم از احکام خویش دست بردار نیست وعمل به آنها را از مسلمین خواستار است (" .۱) این پاسخ بخش اول سؤال بود واما در پاسخ به قسمت دوم سؤال حضرت امام (ره) می فرمایند " : جلوه شفاعت شافعان در این عالم هدایت آنها است ودر آن عالم باطن هدایت شفاعت استتو از هدایت اگر بی بهره شده ای از شفاعت بی بهره ای به هر قدر هدایت شدی شفاعت شوی .... شفاعت در آن عالم امری گزاف نیست و از روی تناسب بین شافع ومشفوع له است . از این جهت کسانی که از نور هدایت و ولایت بی بهره اند ممکن نیست به نور شفاعت نائل شوند واهل معاصی نیز اگر کدورت معاصی آنها را زیاد گرفته باشد ممکن است پس از مدتهای مدیدی به شفاعت نائل شوند . انسان اگر طمع شفاعت داردباید در این عالم با سعی و کوشش رابطه بین خود و شفعای خود را حفظ کند و قدری تفکر در حال شافعان محشر نماید که حال آنها در عبادت و ریاضت به کجا رسیده بود . برای اینکه شفاعت از شفع است ومراداز شفع جفت شدن نورین است ولذا لازم است یک ارتباط اخلاقی و وصفی با یکی از ائمه (ع) حاصل نمود تا نور ولایت آنها موجب شفاعت شود . ذکر خیر اصحاب ولایت ومعرفت موجب محبت وتواصل و تناسب شود واین تناسب باعث تجاذب شود واین تجاذب باعث تشافع شود که ظاهرش اخراج از ظلمتهای جهل به انوار هدایت وعلم است وباطنش ظهور به شفاعت استدرعالم آخرت ،چه که شفاعت شفعا بی تناسب وتجاذب باطنی صورت نگیرد واز روی گزاف وباطل نخواهد بود(".۲) پاورقی ۱) ابراهیم امینی ، دادگستر جهان ، ص ۲۶۹ – ۲۶۴ ۲) امام خمینی ، عدل الهی ، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی ، ص ۲۱۱ ، ۲۱۰

در این دنیای نا بسامان تکلیف ما چیست ؟

پرسش

در این دنیای نا بسامان تکلیف ما چیست ؟

پاسخ

مشابه همین پرسشی که شما برادر گرامی مطرح کرده اید ، فردی از امام صادق (ع) سؤال کرد. دقت و توجه در پاسخی که امام (ع) فرمودند ، ابهام موجود را بر طرف می سازد. فردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد : تکلیف ما در دوران غیبت هنگامی

که فتنه ها و دعوت به گمراهی و انتشار شبهات زیاد می گردد ، چیست ؟ امام صادق (ع) به نور آفتابی که داخل اتاق تابیده بود نگاه کردند و فرمودند : آیا این آفتاب را می بینی ؟ آن مرد گفت : آری. امام فرمودند :به خدا سوگند (در آن زمان) امر ما از این آفتاب روشن تر و آشکار تر است.(۱) طبق این روایات تکلیف ما روشن است ، آنچه اسلام از ما می خواهد آن است که از خط و راه امامان که بهترین نمونه و الگوهای هدایتند ، پیروی کنیم. زیرا درستی راه آنان همچون آفتاب تابان ، روشن است ، و حجت و دلیل در این مورد برای عموم مردم موجود است. از این رو یک مسلمان باید دست به دامان آنان زده و در طول دوران غیبت کبری ، راه آنان را پیش گیرد تا از فتنه ها و آشوبها در امان باشد و از لغزشگاههای انحراف دور ماند. وجود مقدس ائمه علیهم السلام دراین زمینه حجّت را بر همه مسلمانان تمام نموده اند وبا ارجاع مردم به فقها و مراجع معظم دینی احتمال هرگونه انحراف و کجروی درامر دین را از بین برده اند . وظیفه من وشما و همه مسلمانان جهان در این دنیای نابسامان یک چیز است و آن حمایت از ولایت فقیه و عمل به دستورات و فرامین ایشان است و این محوراساسی و اصلی دین در دوران غیبت، بر هم زنندۀ تمام نقشه های جبهه کفر بر علیه اسلام است و کشتی نجاتی است در طوفان شبهات و بلاها که هر کس به آن تمسک جوید نجات خواهد یافت و هر کس از آن رو بر گرداند سر نوشتی جز سرنوشت قوم لجباز و نادان نوح علیه السلام نخواهد داشت. هر مؤمنی باید بداند سختیهای این زمان ، خود آزمایشی است از سوی پروردگار برای اینکه مؤمنین راستین و حقیقی از سایر مردم شناخته شوند و این خود سنت الهی است که در تمام دورانها وجود داشته و پا به پای بشر حرکت کرده و هیچگاه از او جدا نشده است. قرآن می فرماید : بدینگونه نیست که خدا مؤمنین را به همین حالتی که هم اکنون شما در آن هستید ، رها کند ، (آنان را آزمایش می کند) تا اینکه نا پاک را از پاک جدا سازد.(۲) رسول خدا (ص) می فرماید : پیش روی شما دوران صبر و پایداری است ، صبر در این زمانه همچون گرفتن پاره های آتش در دست است. و نیز می فرماید : عبادت در دوران هرج (دوران ، آشفتگی) همچون هجرت به سوی من است . همچنین پیامبر (ص) می فرماید: به زودی مردمی بعد از شما خواهند آمد که یک مرد آنان پاداش پنجاه نفر از شما را خواهد داشت. اصحاب گفتند : ای رسول خدا ما با تو در بدر و احد و حنین بوده ایم و قرآن در بین ما نازل شده است. فرمود : اگر شما آنچه را که آنان متحمل می شوند بخواهید تحمیل کنید ، نمی توانید همچون آنان پایدار و بردبار باشید. طبق این روایات که همه اشاره به دوران غیبت ولی عصر (عج) است ، بر هر یک از ما واجب است که ایمانمان را تقویت کنیم و به شناخت و معرفت حقیقی در مورد مسائل اعتقادی دست یابیم و از پیروی کور کورانه و بدون دلیل و منطق خود رارهایی بخشیم. فضیلتی را که پیامبر (ص) بدان اشاره می کند ، برای کسانی است که از سطح آگاهی مطلوبی بر خوردارند ، دل و جانشان مملو از ایمان و اعتقاد و توکل به خداست. در قبال جامعه احساس مسؤولیت می کنند و در برابر معصیت ، عفت و پاکدامنی را پیشه می سازند. در برابر دشواریها و سختیها و فتنه های زمانه صابر و بردبار و پر استقامتند. هر جا منکری ببینند ، بی تفاوت نمی گذرند و تا آنجا که در توان دارند در پی اصلاح خود و دیگرانند. این چنین افرادی در سخت ترین شرایط هم از میدان بدر نمی روند و به بیراهه نمی افتند ، چرا که از روشن بینی خاصی برخوردارند که می توانند در هر برهه ای حق را از باطل باز شناسند ، و بخاطر این نوع عملکرد شان در زندگی است که خداوند آنان را تحت حمایت خویش قرار می دهد و امورشان را سرپرستی می کند. قرآن مجید در این باره می فرماید : هر کس از خدا بپرهیزد وترک گناه کند خداوند برای او راه نجاتی قرار می دهد و مشکلات زندگی او را حل می کند واز جایی که گمان ندارد به او روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند و کار خود را به او واگذارد ، خدا امرش را کفایت کند. و نیز می فرماید : اگر تقوی پیشه کنید و از مخالفت فرمان الهی بپرهیزید ، خدا به شما نورانیت خاصی می بخشد که بتوانید حق را از باطل تشخیص دهید. از اینرو ایمان به خدا و تقوای الهی شفای تمام دردها ی بشر امروز است. منابع و مآخذ : ۱_ اصول کافی _ ج ۱ ص ۳۳۶ بنقل از تاریخ غیبت کبری _ محمد صدر ص ۳۸۸ ۲ _آل عمران _ ۱۷۹ ۳ _تاریخ غیبت کبرای ص ۴۶۰ ۴ _همان منبع ص ۴۵۸ ۵ _الغیبه شیخ طوسی ۲۷۵ ۶ _طلاق _ ۲ و ۳ ۸ _انفال _ ۲۹

۱- آیا اینکه ما ساکت بنشـینیم و درون خود تحولی ایجاد نکنیم و از خود حرکتی در زمینه مبارزه با این ظلم وجور شـروع نکنیم تا دنیا پر از ظلم وجور شود وامام زمان(عج) ظهور کنند درست است؟

پرسش

۱- آیـا اینکه ما ساکت بنشـینیم و درون خود تحولی ایجاد نکنیم و از خود حرکتی در زمینه مبارزه با این ظلم وجور شـروع نکنیم تا دنیا پر از ظلم وجور شود وامام زمان(عج) ظهور کنند درست است؟

پاسخ

خیر درست نیست. بایـد بدانیم که برای ظهور مهدی(عج) زمینه سازی لازم است واگر زمینه وشـرایط مناسب باشد امام حتما از پس پرده غیبت خارج شـده ودر میان مردم ظاهر خواهـد شـد، در روایات اسـلامی این مطلب به وضوح بیان شده که سـبب محرومیت از دیـدار امـام زمـان «علیه السـلام» خود مردم هسـتند. بایـد منتظر واقعی امـام زمـان باشـیم. انتظار یعنی: اسـتقامت وپایـداری ومبارزه با طـاغوت وتواضع در برابر حق و تکبر در برابر باطـل. کسـی از امام صادق (ع)پرسـید: چه می گوییـد درباره کسـی که دارای ولایت پیشوایان است وانتظار ظهور حکومت حق را می کشـد ودر این حال از دنیا می رود؟ امام فرمودند: او همانند کسـی است که با قائم در خیمه او بوده. سپس کمی سکوت کردند وفرمودند: مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاتش همراه بوده است. منابع: ۱- با کاروان مهدی ، علی کیالما. ۲- سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری.

وظایف منتظران در عصر غیبت را بیان کنید.

پرسش

وظایف منتظران در عصر غیبت را بیان کنید.

پاسخ

از وظایف ما در زمان غیبت حضـرت مهـدی ۱۷ حفظ ایمان از شـبهات و مشـکوک است و از خـدای متعال بخواهیم و خود همت کنیم در آخر الزمان دینمان حفظ شود و در بازار آشـفتهء دنیاپرستی و تجملات باور مذهبی خود را از دست ندهیم . ۲ وظیفه دیگر ما این است که برای ظهور حضـرت و سلامتی و حفظ جان ایشان دعا کنیم . دعاهایی در این زمینه وارد شده است , از جمله که در آخر مفاتیح الجنان آمده است . همین طور دعای شـریف خواندن دعای عهد نیز بسـیار مناسب است . ۳ وظیفهء دیگر, انتظار فرج و ظهور حضـرت مهدی ۱۷است ; به این معنـا که بـا تهـذیب نفس و کسب اخلاـق حسـنه , خـود را برای حضـور در صـف لشـکریان حضـرت , تربیت و سـعی کنیم طوری نباشیم که از مخالفان ومطرودان حضرت باشیم . این گونه انتظار ثواب فراوانی دارد و حتّی از افضل عبادات محسوب شـده است . پیامبر۶فرمود: . البته انتظار فرج غیر از آمادگی شخصـی است . باید سـعی کنیم جامعه و بشریت

را نیز برای ظهور مصلح جهانی آماده کنیم . از امیرالمؤمنین ۷نقل است که فرمود: چرا که با جهاد همه جانبه , زمینهء را برای قیام فراهم می سازند. ۴ صدقه دادن و خیرات کردن برای وجود حضرت مهدی ۷که رابطه را با آن حضرت قوی تر می کند وموجب عنایت و محبّت ذات شریف می شود.(۱) انس و تفاهم با حضرت مهدی , تفاهم فرهنگی و مکتبی است . (پاورقی ۱.شیخ عباس قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص ۴۸۳ با تلخیص .

اکنون که امام عصر۷از نظرها غایب است و نمی توان با ایشان مستقیماً رابطه برقرار کرد, وظیفه ءمردم به خصوص جوان ها برای تعجیل ظهور حضرت چیست ؟ اگر دعایی در این مورد برای تحکیم ایمان و فرج ایشان وجود دارد, بیان کنید.

پرسش

اکنون که امام عصر۷از نظرها غایب است و نمی توان با ایشان مستقیماً رابطه برقرار کرد, وظیفه ءمردم به خصوص جوان ها برای تعجیل ظهور حضرت چیست ؟ اگر دعایی در این مورد برای تحکیم ایمان و فرج ایشان وجود دارد, بیان کنید.

پاسخ

رابطهء بین افرادی که به یک دیگر عشق می ورزند, به دو نحو امکان پذیر است . شخصی که کسی رادوست می دارد و عاشقش شده است , یا مستقیماً به دیدارش می رود و یا اگر نتوانست او را از نزدیک ببیند, در دل به او عشق ورزیده و همیشه در خاطر و قلبش حاضر است . جمله معروفی وجود دارد که : گر در یمنی , چو با منی , پیش منی ; اگر پیش منی , چو بی منی , در عینی . عاشق از فراق معشوقش می سوزد و با اشک خود نهال عشقی را که در دل پروردانده است , سیراب می کند. آن چه برای عاشق مهم است , حضور معشوق نزد و یا در دل او است . هنگامی حضور معنی دارد که هاشق با یاد معشوق بخوابد, بیدار شود و تمام لحظاتش را با او زندگی کند. و گرمی حضورش را با تمام وجود احساس کند. اینک جهان هستی به برکت حضورش هر چند غیب از میان می باشد, مفتخر است . حضور پر صلابت معصومی که می تواند عدالت گستر گیتی باشد صاحب عصر و زمان است . اگر کسی عاشق امام مهدی ۷است , او را در دل زنده نگه می دارد و می داند اگر چشمایش به جمال نورانی اش منور شود و عصر ظهورش را درک کند, چیزی جزانجام تکلیف و مسلمانی از او خواسته نخواهد شد. حضرت از یاران خودش می خواهد که برای تعجیل در ظهورش دعا کنند تا با آمدنش جهان را پر از عدل و داد کند. .(۱) رایان امام عصر۷افرادی هستند که از گناه دوری کرده و بر انجام تکلیف گردن می نهند و در انتظار فرج لحظه شماری می کنند. انتظار فرج بهترین و برترین عبادت امت است . به انتظار زیستن و منتظرانه دین داشتن , وظیفه ای است که شریعت اسلام از مؤمنان خواسته است . چشم داشتن به ظهور منجی و حاکمیت دوازدهمین امام از سلسلهء امامان معصوم : باور به تداوم امامت و عینیت رهبری دینی در نهایت تاریخ زندگی است; نهایتی دور, ولی در پیش , بسا امروز, فردا یا فردای دیگر. عالمان دین بر پایهء احادیث معصومان ۷انتظار فرج را شاخص بزرگ انسان دنیدار در عصر غیبت دانسته اند وهمواره دینداران را به داشتن و دانستن این فهم فرا خوانده اند. پیامبر گرامی اسلام ۶می فرماید: .(۲) معلوم است کسی می تواند منتظر باشد که خود را از همه جهت آماده کرده باشد. شخصی که منتظر عزیزی است که از سفر دور بیاید و مهمان او بشود, خود را آماده کرده و از قبل اسباب پذیرایی و راحتی و آسایش او را فراهم می کند و هر لحظه در انتظار مقدمش بی صبرانه به پا می ایستند. پس چگونه است که در انتظار مصلح بزرگ و عدالت گستر بی نظیری چون حضرت قائم آل محمد به انتظار ننشینند! به همین جهت پیامبرگرامی بهترین اعمال مسلمانان را انتظار فرج می داند, زیرا در پی ظهور

حضـرت , جهان از عدل و داد پُر خواهد شد. امام صادق ۷در وصف یاران حضرت مهدی ۷می فرماید: . پس ما مسلمانان خصوصاً شیعیان می بایست زمینهء ظهور حضـرت را فراهم کرده و اگر سعادت دیدارش رانداشته و از گرمی فیض حضورش محروم هستیم , دل خود را به او معظوف کرده و و از منتظران امام قائم به قسط وعـدالت باشـیم . از جمله دعاهایی که سـفارش به خوانـدن آن شده است , دعـای فرج , معروف به دعای (۳) می باشد. (پـاورقی ۱.قصص (۲۸ آیهء ۵ (پـاورقی ۲.مجله حوزه , ویژه نـامهء امام زمان , ص ۳۳۳ (پـاورقی ۳.مفاتیح الجنان , چاپ انتشارات علمی , ص ۲۴۰ دعای فرج .

وظایف یک فرد مسلمان در زمان غیبت امام زمان(ع) چیست؟

پرسش

وظایف یک فرد مسلمان در زمان غیبت امام زمان(ع) چیست؟

پاسخ

وظایف ما در عصـر غیبت عبارت است از: ۱- اطاعت از دسـتورهای دینی و پرهیز از گناهان و تقوا را سـرلوحهٔ زندگی قرار دادن و عملی را بر خلاف رضای امام زمان(ع) انجام ندادن. حضـرت در این زمینه می فرماید ": هر یک از شـما باید به آن چه که به وسیلهٔ آن به دوستی مـا نزدیـک می شود عمل کنـد، و از آن چه موجب ناخشـنودی و غضب ما می شود، پرهیز نمایـد."۱ ۲- انتظار فرج. پیـامبر اکرم(ص) فرمود": با فضـیلت ترین اعمال امتم انتظار فرج است."۲ ۳- دعا برای سـلامتی و فرج حضرت ولی عصر(ع)، مانند خوانـدن دعای فرج و دعای عهد و ندبه. ۴- صدقه برای حفظ وجودحضـرت. ۵- غمگین شـدن به خاطر غیبت آن جناب. ۶- انجام حج و عمره به نیابت حضرت. ۷- برخاستن به جهت تعظیم هنگام شنیدن اسم مبارک" قائم("ع). ۸- دعا برای خود که از شرّ فتنه ها در امان باشـیم، نیز خواندن دعای" اللهم عرّفنی نفسک. "...۹- اسـتغاثه به آن جناب و اسـتمداد از وجودش به هنگام گرفتاری ها.۳ ۱۰- تأسـیس حکومت اسـلامی و حفظ آن، چرا که اجرای دسـتور و احکام نورانی اسـلام در زمان غیبت از مسـلمانان خواسـته شده است و پیاده نمودن برنامه های اجتماعی اسـلام بدون تشـکیل حکومت اسـلامی ممکن نمی باشد.۴ ۱۱- عمل به فریضـهٔ مهم امر به معروف و نهی از منکر، که بـا رعـایت آن ریشه هـای فسـاد قطع شـده و زمینـهٔ حکـومت جهـانی دادگسـتر جهـان فراهم می گردد. پروردگـارا! همـهٔ مـا را از یـاران حضـرت مهـدی(ع) قرار ده و بـا ظهـور حضـرتش چشـم مستضـعفان جهـان را روشـن گردان. ۱ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶. ۲ لطف الله صـافی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵. ۳ شـیخ عباس قمی، منتهی الأمال ، ص ۴۸۳. ۴ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۶۴.

در عصر غیبت کبری امام زمان(عج) چه وظیفه ای بر عهده دارد و شیعیان و مریدان حضرت چه وظایفی بر عهده دارند؟

پرسش

در عصر غیبت کبری امام زمان(عج) چه وظیفه ای بر عهده دارد و شیعیان و مریدان حضرت چه وظایفی بر عهده دارند؟

پاسخ

برادر گرامی! امام زمان(عج) در دوران غیبت کبری وظایفی را که از طرف خدا مأمور به انجامش است انجام می دهد، مانند: حل و فصل امور ضروری مردم، گره گشایی مشکلات مسلمانان، دادرسی از گرفتاران، مخصوصاً دفاع از اسلام و جلوگیری از مضمحل شدن این دین جاودان و بر هم زدن اجتماعاتی که به منظور بر هم زدن اساس اسلام برگزار می گردد و فراهم نمودن شرایط دفاع از دین. امیرمؤمنان (ع) در خطبه ای که از حوادث آینده پیشگویی کرد، فرمود": مردم! بدانید (در زمان فتنه ها) آن که از ما (امام زمان(ع)) که آن فتنه ها را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد، تا گره ها را بگشاید؛ بردگان و ملت های اسیر را آزاد سازد؛ جمعیت های گمراه و ستمگر را پراکند و حق جویان پراکنده را گرد هم آورد."۱ وظایف ما در عصر غیبت: ۱- اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناه و تقوا را سرلوحهٔ زندگی قرار دادن، و عملی را بر خلاف رضای امام عصر(ع) انجام ندادن. حضرت در این زمینه می فرماید": هر یک از شما باید به آن چه که به وسیلهٔ آن به دوستی ما نزدیک می شود عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می شود پرهیز نماید."۲ ۲- انتظار فرج: پیامبر(ص) فرمود": افضل اعمال امتم انتظار فرج است."۳ ۳- دعا برای سلامتی و فرج حضرت. ۴- صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت. ۵- غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب. ۶- انجام حج و عمره به نیابت حضرت. ۷- برخاستن برای تعظیم به هنگام شنیدن اسم مبارک (قائم). ۸- دعا برای خود که از شر فتنه ها در امان باشیم. ۹- استغاثه به آن جناب و استمداد از وجود نازنیش به هنگام گرفتاری ها.۴ ۱ نهج البلاغه(فیض الاسلام)، ص ۴۴۸، خطبهٔ ۱۵۰. ۲ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶. ۳ لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵. ۴ شیخ عباس قمی منتهی الآمال، ص ۴۸۳.

تکلیف یک منتظر امام زمان (عج) در عصر حاضر چه می باشد؟

پرسش

تکلیف یک منتظر امام زمان (عج) در عصر حاضر چه می باشد؟

پاسخ

وظایف ما در عصر غیبت عبارت است از: ۱- اطاعت از دستور های دینی و پرهیز از گناهان و تقوا را سرلوحهٔ زندگی قرار دادن و عملی را بر خلاف رضای امام زمان(ع) انجام ندادن. حضرت این زمینه می فرماید": هر یک از شما باید به آن چه که به وسیلهٔ آن به دوستی ما نزدیک می شود عمل کند، و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می شود، پرهیز نماید."۵ ۲- انتظار فرج؛ پیامبر اکرم(ص) فرمود": با فضیلت ترین اعمال امتم انتظار فرج است."۶ ۳- دعا برای سلامتی و فرج حضرت ولی عصر(ع) مانند خواندن دعای فرج و دعای عهد و ندبه. ۴- صدقه برای حفظ وجود حضرت. ۵- غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب. ۶- انجام حج و عمره به نیابت حضرت. ۷- برخاستن به جهت تعظیم، هنگام شنیدن اسم مبارک" قائم("ع). ۸- دعا برای خود که از شرّ فتنه ها در امان باشیم، نیز خواندن دعای" اللّهم عرّفنی نفسک. "...۹- استغاثه به آن جناب و استمداد از وجودش به هنگام گرفتاری ها.۷ ۱۰- تأسیس حکومت اسلامی و حفظ آن، چرا که اجرای دستور و احکام نورانی اسلام در زمان غیبت از مسلمانان خواسته شده است.

پیاده نمودن برنامه های اجتماعی اسلام بدون تشکیل حکومت اسلامی ممکن نمی باشد.۸ ۱۱- عمل به فریضهٔ مهم امر به معروف و نهی از منکر که با رعایت آن ریشه های فساد قطع شده و زمینهٔ حکومت جهانی دادگستر جهان فراهم می گردد. پروردگارا! همهٔ ما را از یاران حضرت مهدی(ع) قرار ده و با ظهور حضرتش چشم مستضعفان جهان رو روشن گردان. ۵ بحارالانوار، ج ۵۳ص ۱۷۶. ۶ لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵. ۷ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۸۳. ۸ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۶۴.

مهم ترین وظایف و مسئولیت های جوانان در عصر غیبت چیست؟

پرسش

مهم ترین وظایف و مسئولیت های جوانان در عصر غیبت چیست؟

پاسخ

وظایف و مسئولیت های زیادی را در عصر غیبت، در کتاب های حدیثی برای شیعیان ذکر کرده اند، که به اختصار به بعضی اشاره می کنیم. ضمن این که می توانید به کتاب های مربوطه دراین زمینه مراجعه بفرمایید. ۱- محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی(ع)، زیرا تبلیغات گمراه کنندهٔ بیگانگان و شبهاتی که آن ها در اذهان مردم به وجود می آورند، هر انسان پاکدامنی را متأثر و ناراحت می کند. امام جعفر صادق(ع) از این که شیعیان در زمان غیبت سرگردانند و از طرف مخالفان در دل آنها شبهه ایجاد می شود، اشک می ریزند و شب ها به خواب نمی روند.۱ ۲- انتظار فرج آل محمد(ع). شیعه باید همیشه منتظر ظهور دولت قاهره و سلطنت ظاهرهٔ مهدی آل محمّد (ع) و پر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین اسلام بر سایر ادیان باشد، همانطور که خدا در قرآن به نبیّ اکرم(ص)، بلکه به تمام پیغمبران و امّت های گذشته وعده داده که روزی خواهد آمد که جز خدای تعالی را پرستش نکنند و چیزی از دین نباشد که از بیم دشمنان در پردهٔ حجاب بماند و بلا و سختی از زندگی حقّ پرستان برود. در زیارت حضرت مهدی(عج) آمده است: السّلام علی المهدیّ الّذی وعد الله به الامم ان یجمع به الکلم و یلمّ به الشّعث و یملاء به الارض عدلاً و قسطاً و ینجز به وعد المؤمنین.۲ ۳- دعا کردن برای حضرت (عج). لازم است برای حفظ وجود مبارک امام (عج) از شرور و شیاطین إنسی و جنّی و تعجیل ظهور ایشان و غلبهٔ بر کافران و منافقان دعا شود، خصوصاً دعاهای وارد شدهٔ از ائمهٔ معصومین(ع) در این باره بسیار است، که این نوعی اظهار بندگی و شوق و ابراز محبّت نسبت به حضرت (عج) است. ۴- صدقه دادن برای حفظ وجود حضرت (عج)، زیرا هر اندازه که انسان به خاطر وجود مبارک امام عصر(عج) صدقه بدهد، نشان از محبّت و ارادت وی نسبت به حضرت است و موجب نزدیکی به این خاندان می شود. به جا است برای سلامتی حضرت (عج) صدقه داده شود. ۵- انجام حجّ به نیابت حضرت مهدی(عج)، انسان ها سعی می کنند اعمال حجّ را به نیابت از طرف محبوب ترین افراد انجام دهند. حال نیابت به خاط رقرابت و خویشاوندی است مانند پدر و مادر و فرزند یا به خاطر علاقهٔ دینی و مذهبی است. چنان بزرگان و دانشمندان و صالحان به نیابت از حضرت (عج)، حجّ به جا می آوردند. ۶- برخاستن به هنگام شنیدن اسم مبارک حضرت (عج) به قصد تعظیم، به خصوص اگر لفظ" قائم "گفته شود. در این باره روایاتی در کتابهای معتبر شیعه ثبت است، نظیر که: حضرت امام رضا(ع) هنگامی که کلمهٔ" قائم "گفته شد، ایستاد و دست مبارکش را بر سر نهاد و فرمود": اللّهم عجّل فرجه و سهّل مخرجه، "این

عمـل در زمـان امـام جعفر صـادق(ع) نیز معمول بود.۳ سـزاوار است به خـاطر احـترام ایشـان به پـا خیزد و تعجیـل فرجش را از خـدا بخواهد. ۷- دعـا برای حفـظ ایمـان خود در زمـان غیبت. چون در این زمان خطرات فراوانی مردم را احاطه می کنـد، لازم است که انسـان ضـمن توجه کامل به خداونـد، با حالت تضـرّع و خضوع از امام عصـر(عـج) بخواهـد که عقیـده و ایمانش را از وسوسه های شیطانی و شـبهات مخالفان حفظ کنـد. دعاهایی نیز در این زمینه وارد شده است، خصوصاً این دعا را بخواند": اللّهم عرّفنی نفسـک فإنّـک إن لـم تعرّفنی نفسـک لم أعرف نبیّـک اللّهم عرّفنی رسولـک فإنّـک إن لم تعرّفنی رسولـک لم اعرف حجتـک اللّهم عرّفنی حجّتـک فإنّـک إن لم تعرّفنی حجّتک ضـللت عن دینی."۴ ۸- اسـتمداد از حضـرت مهدی(عج) در سـختیها و مشـکلات. انسان به هنگـام سـختی و گرفتاری ها، نیاز به پناهگاه روانی دارد. بسـیاری از علما و صالحان به هنگام گرفتاری و ناراحتی که تمام راه ها به روی آن هـا بسـته می شـد، از حضـرت (عـج) کمـک می طلبیدنـد و مشـکل آن هـا حـل می شـد. وجود مقـدّس حضـرت صـاحب الامر(عـج) واسـطهٔ فیض عالم مادّه و ملکوت و حجّت خـدا بر خلق می باشـد. حضـرت (عـج) در توقیعی به شـیخ مفیـد (ره) فرمود: "اخبار و بلایی که به شـما می رسـد از علم ما پوشـیده نیست."۵ ۹- خودسازی و تزکیـهٔ نفس. از وظایف مهمّ دیگری که مشـتاقان حکومت عدل پرور حضـرت مهدی (عج) عهده دارند، این است که خود را از طریق انجام دستورهای الهی و ترک گناهان و تزکیه نفس و آراسته شدن به صفات پسندیده، اصلاح کنند و برای یاری دین حقّ با چشم پوشی از دنیا و لذایذ آن و تحمّل سختی ها، در خود آمـادگی ایجـاد نماینـد، زیرا منتظران مصلح، خود نیز بایـد صالـح باشـند. ۱۰- اصـلاح جـامعه. از دیگر وظـایف مهمّ عاشـقان حضـرت(عج)، بعد از اصـلاح خود، سعی و تلاش فراوان در راه اصلاح دیگران و مبارزه با کج روی ها و فساد ها و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، به همراه رعایت شـرایط آن به منظور اصـلاح جامعه و تربیت انسان های صالح و شایسـته است. مسلمان باید به مشـکلات و گرفتاری های مسـلمان اهمیّت بدهد. هدف انبیا و اولیای الهی و ائمه معصومین(ع)، اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و ترک گناه است. آیا می توان تصوّر کرد که انسانی خود را مسـلمان و عاشق حضرت مهدی(عج) بداند و برای اصلاح جامعه تلاش نکنـد؟ این هـا خلاصه ای از وظایف ما در زمان غیبت حضـرت (عـج)، البته ممکن است چیز هایی دیگر نیز وجود داشـته باشـد که گـاهی خود انسان متوجه شود.۶ ۱ منتهی الآمال، شـیخ عباس قمی، ص ۵۵۸ ، چ سازمان انتشارات جاویـدان. ۲ همان، ص ۵۵۹. ۳ ابراهیم امینی، دادگستر جهـان، ص ۱۹۳ . ۴ منتهی الآمـال، ص ۴۸۹. ۵ نجم الثـاقب، ص ۶۱۳. ۶ تلخیص و اقتباس از: شـیخ عباسی قمی، منتهی الآمال، آخر کتاب ذکر تکالیف عباد و بنـدگان نسـبت به امام عصـر(عج)؛ عبدالله انصاری خورشـید ولایت، ص ۱۲۶ - ۱۳۷؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان؛ مهدی موعود، ترجمهٔ جلد سیزدهم بحارالانوار، ص ۹۱۳ - ۹۲۲.

چگونه نسل جوان را با امام زمان(ع) بیشتر آشنا کنیم؟

پرسش

چگونه نسل جوان را با امام زمان(ع) بیشتر آشنا کنیم؟

پاسخ

آشـنا ساختن جوانان با امام زمان(ع) از راه های مختلف می‌توانـد انجام گیرد ماننـد: ۱ـ تبلیغ گفتاری: متأسـفانه بسیاری از جوانان از ویژگی ها و صـفات امام زمان(ع) آگاهی ندارند. وظیفهٔ مربیان و مبلّغان اسلامی آن است که با استفاده از روش های جذاب و زیبا،

امام زمان(ع) را (که تماشاگه همهٔ کمالات و زیبایی ها است) معرفی نمایند. اگر این کار درست انجام گیرد، قطعاً نسلی که به دنبال زیبایی است، هرگز از کنار چهرهٔ زیبا و دلربای مهدی(ع) نخواهد گذشت. بر این اساس، لازم است بر ویژگی هایی مانند: محبت، زیبایی، عدالت گستری، مهربانی و کمالات اخلاقی آن حضرت تأکید شود و از ترسیم چهره خشن و جنگ طلب پرهیز گردد. از پیامبر (ص) روایت شده": مهدی (ع) طاووس اهل بهشت است.[۱"] مهدی است آن که از نظری بر جمال اوهردردمند غم زده کسب شفا کند البته لازمنیست در این راستا مجلس وعظ و خطابه ای برقرار گردد بلکه می توان با برقراری رابطهٔنزدیک و صمیمانه و نشست های ساده و دوستانه در کنار صحبت های دیگر، آن حضرت را معرفی کند. به نظر می‌رسداین شیوه از روش های رسمی و رائج مؤثرتر باشد. ۲ـ استفاده ازشیوه های هنری: به تجربه ثابت شده که زبان هنر از زبان کلام مؤثرتر است. از آن جاکه جوانان به هنر مانند فیلم و تئاتر علاقهٔ خاصی دارند، باید از این ابزار مهمپیام رسانی جهت معرفی الگوها از جمله امام زمان(ع) به طور شایسته استفاده کرد.میزان تأثیر گذاری فیلم هایی همچون محمد رسول الله(ص) و یا امام (علی) بر همگانروشن است. سال های سال است که رمان در جهان معاصر، زبان تبلیغ و تشریح فلسفه شدهاست. در عصر رسانه ها، سازمان های فرهنگی و سیاسی، با تولید زیباترین فیلم های کارتونی پروژهٔ اندیشه پردازی را از دوران کودکی به اجرا در آورده اند. آن‌ها آدمزمان ما را از دورهٔ خردسالی تا پیری مخاطب قرار داده اند و با جادوی فیلم های کارتونی، در اختیار خویش گرفته اند، ولی ما در عرصهٔ هنر ضعیف برخود کرده ایم. باتدوین زندگی نامهٔ منتظران واقعی و حکایات انتظار و فیلم نامه ها و نمایشنامه درمقولهٔ مهدویت و سرودن اشعار دربارهٔ آن حضرت و نقاشی و طراحی و تهیهٔ داستان و رمانباید این خلأ برطرف شود. ۳ـ تلطیفاحساسات جوان: شور و هیجان مذهبی و گرایش جوانان به مذهب یکی از ویژگی های دورانبلوغ است". به گفتهٔ" دبس "در دوران بلوغ نوعی بیداری مذهبی حتی نزد کسانی کهسابقاً نسبت به مسائل مذهبی لاقید بودند دیده می‌شود.[۲"] برای شناساییامام زمان(ع) باید از این فرصت و گرایش استفاده کرد و با برگزاری مراسم مذهبی و سمینارها وکنفرانس ها و زیارت آل یاسین و غیره زمینهٔ ارتباط جوانان با حضرت را فراهم نمود.روان شناس ها بهترین راه برای ایجاد محبت را رابطه می دانند. اسلام نیز بر اینکته تأکید دارد و به منظور تحکیم روابط محبت آمیز، به زیارت یکدیگر، عیادت مریض،هدیه دادن و سلام کردن توصیه نموده است. این قاعده را می توان دربارهٔ امامان(ع)نیز سرایت داد. زیارت امام زمان(ع) و توسل به حضرت موجب ارتباط بیشتر می‌شود وهمین امر مقدمات آشنایی را فراهم می سازد. امام خمینی(ره)در مورد زیارت امامان می فرمود": دانه می ریزند تا کبوتر بگیرند.[۳"]ثوابها و ترغیب ها برای آن است که رفت و آمد با ائمهٔ طاهرین بیشتر شود. جوان دوست داردر جامعه مقبولیت و مسئولیت داشته باشد. باید به جوان میدان داد تا با سلیقه وذوق خویش در مجالس متعلق به امامان ایفای نقش کنند و از این طریق هم حسن تشخص طلبیجوان ارضا شده و هم رابطهٔ عاشقانه جوان با امام زمان(ع) که مقدمهٔ آشنایی است،فراهم گردیده است. [۱]بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۱. [۲]دکتر سید احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۶۰. [۳]حسین مظاهری، جهاد با نفس، ج ۳، ص ۵۰.

وظیفه جوانان نسبت به آماده کردن زمینه ظهور امام زمان (عج) چیست؟

پرسش

وظیفه جوانان نسبت به آماده کردن زمینه ظهور امام زمان (عج) چیست؟

پاسخ

وظایف شیعیان در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عج) عبارت است از: ۱ – خودسازی و اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناه، و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن و عملی را برخلاف رضای امام زمان (عج) (که رضای الهی است) انجام ندادن. حضرت در این زمینه می‌فرمایند": هر یک از شما باید به آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می‌شود، عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب‌ها می‌شود، پرهیز نماید. "بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶. ۲ – امر به معروف و نهی از منکر، اگر همه ما به ویژه جوانان این فریضه الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهیم، خیلی از مفاسد اجتماعی که جامعه را آلوده می‌کند و مردم را تشویق به گناه می‌کند و دل امام زمان (عج) را به درد می‌آورد، برچیده می‌شود، و جامعه امام زمان پسند به وجود می‌آید. امام باقرعلیه‌السلام در اهمیت فوق‌العاده امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید": امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آن‌ها بر پا می‌شوند و به وسیله این دو راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود. هم چنین در پرتو آن همه کارها رو به راه می‌گردد. "البته امر به معروف و نهی از منکر شرایط و آدابی دارد که ابتدا باید تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵. شخص از آنها آگاه شده و سپس به این فریضه مهم بپردازد. ۳ – انتظار فرج، پیامبرصلی الله وعلیه وآله فرمود: "افضل اعمال امتم انتظار فرج است. "لطف اله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹، حدیث۵. ۴ – دعا برای سلامتی و فرج حضرت بقیةاله الاعظم (عج). ۵ – صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت. ۶ – غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب و غمگین بودن از ظلم و جنایاتی که در جهان انجام می‌شود. ۷ – انجام حج و عمره به نیابت از حضرت. ۸ – برخاستن برای تعظیم به هنگام شنیدن اسم مبارک (قائم). ۹ – استغاثه به آن جناب و استمداد از وجود نازنینش به هنگام گرفتاری‌ها. ۱۰ – دعا برای خود که از شر فتنه‌ها در امان باشیم. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ص ۴۸۳. فراهم نمودن زمینه ظهور، این گونه ممکن است: خودسازی و مزین شدن به اخلاق اسلامی؛ پاک بودن از آلودگی‌های روحی و سیئات اخلاقی؛ حرکت در مسیری که امام زمان‌پسند است و آن عبارت است از: مسیر تقوا و پاکی؛ امر به معروف و نهی از منکر و رعایت سایر موارد دهگانه‌ای که ذکر شد.

وظیفه ما در عصر غیبت امام زمان (عج) مخصوصا. در این زمان چیست؟

پرسش

وظیفه ما در عصر غیبت امام زمان (عج) مخصوصا. در این زمان چیست؟

پاسخ

وظایف ما در عصر غیبت مولای‌مان حضرت حجۀ ابن الحسن العسکری (عج) عبارت است از: ۱ – اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناه و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن و عملی را برخلاف رضای امام عصر (عج) انجام ندادن. امام زمان (عج) در این زمینه می‌فرماید": هر یک از شما (شیعیان) باید آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می‌شود، عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می‌شود، پرهیز نماید. "بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶. ۲ – انتظار فرج. پیامبر اکرم‌صلی الله وعلیه وآله فرمود: "با فضیلت‌ترین اعمال امتم انتظار فرج است. "لطف‌الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵. ۳ – دعا برای سلامتی و فرج حضرت ولی عصر (عج) مانند خواندن دعای فرج و دعای عهد و ندبه. ۴ – صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت. ۵ – غمگین

شـدن به خاطر غیبت آن جناب. ۶ – انجام حج و عمره به نیابت حضـرت. ۷ – برخاسـتن به جهت تعظیم، هنگام شنیدن اسم مبارک قائم (عج). ۸ – دعا برای خود که از شـر فتنه‌ها در امان باشیم، نیز خواندن دعای" اللهم عرفنی نفسک. "...۹ – استغاثه به آن جناب و استمداد از وجودش به هنگام گرفتاری‌ها. شیخ عباس قمی، منتهی‌الامال، ص ۴۸۳. ۱۰ – عمل به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که بـا رعـایت آن ریشه‌های فساد قطع شـده و زمینه حکومت جهانی دادگستر جهان فراهم می‌گردد. ۱۱ – تأسیس حکومت اسـلامی و حفظ آن که در عصر حاضر این از مهم‌ترین وظایف است، چرا که اجرای دستورها و احکام نورانی اسلام در زمان غیبت از مسـلمانان خواسـته شـده است و پیاده نمودن برنامه‌های اجتماعی اسـلام بدون تشـکیل حکومت اسـلامی ممکن نمی‌باشد. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۶۴.

وظایف ما نسبت به امام زمان(ع) در دوران غیبت چیست؟

پرسش

وظایف ما نسبت به امام زمان(ع) در دوران غیبت چیست؟

پاسخ

وظایف مسـلمانان در عصر غیبت عبارت است از: ۱– دینـداری؛ امام صادق(ع) می‌فرمایـد": برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد و چنگ در دین خود زند.("۱) ۲– پارسایی؛ امام صادق(ع) می‌فرماید": هر کس خوش دارد در شـمار اصـحاب قائم باشـد، بایـد چشم به راه باشـد و پارسایی پیش گیرد و کردار با ورع داشـته باشد.("۲) ۳– در خط امام بودن؛ پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید": خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم برسند؛ آنان پیش از قیام او نیز پیرو اویند، با دوست او عاشـقانه دوست و موافق اند و با دشـمن او خصـمانه دشمن و مخالف‌اند.(۳) ۴– تخلق به اخلاق اسـلامی؛ امام صادق(ع) می‌فرماید: "هر کس خوش دارد در شـمار اصـحاب قائم باشد، باید در عصـر انتظار مظهر اخلاق نیک اسـلامی باشد. چنین کسـی اگر پیش از قیام قائم در گـذرد، پاداش او ماننـد کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسـند؛ پس بکوشـید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید.("۴) ۵– آمادگی نظامی؛ امام صادق(ع) می‌فرماید": باید هر یک از شـما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه باشد.("۵) ۶– حفظ ایمان، پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایـد": شـما اصـحاب من هستیـد، ولی برادران من مردمی‌اندکه در آخر الزمـان می‌آینـد. آنـان به نبوت و دین من ایمـان می‌آورنـد، بـا این که مرا ندیده‌انـد. هر یـک از آنـان اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می‌دارد، چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می‌کنـد یا آتش پردوام چوب داغ را در دست نگاه می‌دارد.(۶) پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵. ۲. همان، ص ۱۴۰. ۳. همان، ص ۱۳۰. ۴. همان، ص ۱۴۰. ۵. همان، ص ۳۶۶. ۶. همان، ص ۱۲۴.

دوست دارم وظیفه‌ام را به عنوان یک زن مسلمان درباره زمان ظهور و انتظار فرج امام زمان(عج) بدانم.

پرسش

دوست دارم وظیفه‌ام را به عنوان یک زن مسلمان درباره زمان ظهور و انتظار فرج امام زمان(عج) بدانم.

پاسخ

سؤال به دو بخش تقسیم می شود: بخش اوّل: زمان ظهور اصل ظهور امام زمان(عج) امری مسلّم و قطعی است، ولی بنا به مصالحی زمان ظهور مشخّص نشده است و هیچ کس جز خداوند از وقت دقیق آن آگاه نیست. بارها اصحاب از ائمّه(ع) در مورد زمان ظهور پرسیده‌اند، امّا آنان از مشخّص کردن آن نهی کرده‌اند. فضیل از امام باقر(ع) پرسید: آیا برای ظهور وقتی معیّن شده است؟ امام سه بار فرمود": کذب الوقاتون؛(۱) آنان که برای ظهور وقتی معیّن کنند دروغگویانند. "برای ظهور نشانه‌هایی بیان شده که تحقّق هر یک از آن‌ها نویدی برای نزدیک‌تر شدن ظهور حضرت مهدی(عج) است. بخش دوم: انتظار فرج تلاش دشمنان دین این است که تعهّد ما را به مسائل دینی (احکام و اعتقادات) کم رنگ سازند. آنان در راستای اهداف خویش همه را مورد هدف قرار داده و می خواهند سنگرهای فرهنگی و اعتقادی ما را (که از مهم‌ترین آن‌ها اعتقاد به ظهور حضرت مهدی و انتظار فرج حضرت است) به تصرّف در آورند و دست ما را از اسلام و افتخارات آن کوتاه سازند. در میدان مبارزه فرقی بین زن و مرد نیست و همگی باید در مسیر اعتقادات خود ثابت قدم و استوار باشیم و دین خدا را یاری دهیم و در مسیر ایفای مسئولیت خویش پایداری و مقاومت کنیم. بخشی از وظایفی که می تواند در رشد و بالندگی جامعه اسلامی و منتظران فرج مؤثر باشد به شرح زیر است: ۱- شناخت امام زمان(عج) مهم‌ترین وظیفه شیعه شناخت امام خویش است. در اهمیّت این مسئله همین بس که در روایات متواتر که شیعه و سنّی آن را نقل کرده‌اند، آمده است": من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتهٔ جاهلیّهٔ؛(۲) هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیّت مرده است. "در روایات از ائمه معصومین آمده است که: شناخت امام آن است که انسان بداند که اطاعت از آن‌ها واجب است و انسان باید از آن‌ها پیروی کامل و خالص داشته باشد. بدون تردید مراد از شناخت حضرت، شناختی است که شیعیان را از شبهه‌های ملحدان در امان نگه دارد و سبب نجات از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین مهدویّت یا مدعیان ارتباط با حضرت باشد. ۲- پیوند و ارتباط معنوی با امام عصر(عج) دیگر وظیفه شیعه در دوران غیبت، حفظ و تقویتِ پیوند معنوی با امام زمان(ع) و تجدید دائمی عهد و پیمان با حضرت است. منتظران واقعی ظهور هرگز نباید احساس کنند که در جامعه دارای مسئولیتی نیستند و هیچ گونه تکلیفی نسبت به امام خود ندارند. از شیعیان خواسته شده که در آغاز هر روز با یکی از دعاهایی که مخصوص امام زمان(عج) است، با مقتدای خود و مقام ولایت ارتباط برقرار کنند. شیعه منتظر اگر در آغاز هر روز با حضور قلب و توجه کامل با امام خود عهد و پیمان ببندد، هرگز تن به ذلّت و خواری، ظلم و بی عدالتی نمی دهد. نیز هرگز دچار بحران فکری و فرهنگی و از خود بیگانی و یأس و ناامیدی نمی شود. یکی از دعاهایی که در این موضوع وارده شده" دعای عهد "است که از مضامین بسیار بالایی برخوردار می باشد. این دعا بهترین وسیله برای پیوند منتظران با امام زمان(عج) است.(۳) ۳- خودسازی و کسب فضایل اخلاقی یکی دیگر از وظایف منتظران مهدی(عج) تهذیب نفس و آراستگی به فضایل اخلاقی است. در توقیع (نوشته) شریفی که از سوی حضرت صاحب الزّمان(عج) خطاب به شیخ مفید نگاشته شده، آمده است": از علل طولانی شدن غیبت و محروم ماندن شیعیان از ملاقاتشان با ما، اعمال ناشایستی است که آنان مرتکب می‌شوند و ما را ناراحت می کنند."(۴) از توقیع شریف استفاده می شود که منتظر واقعی، از اعمالی که سبب طولانی شدن غیبت حضرت و ناراحتی آن بزرگوار می شود، اجتناب می کند. بر این اساس: با شناخت امام زمان(عج) و پرهیز از گناهان و در نهایت با تهذیب نفس و ارتباط معنوی با حضرت می توانیم به بخشی از وظایفی که در قبال آن عزیز داریم، دست یابیم. سخن آخر: امام صادق(ع) فرمود": کسی که با این عقیده یعنی در حال انتظار بمیرد، همانند کسی است که در خیمه حضرت مهدی(عج) باشد."(۵) پی نوشت‌ها: ۱. کتاب الغیبهٔ، طوسی، مؤسسه معارف

اسلامی، ص ۴۲۶ – ۴۲۵، ح ۴۱۱؛ کتاب الغیبة، نعمانی، مکتبة الصدوق، ص ۲۹۴، ح ۱۳. ۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، دارالأضواء، بیروت، ج ۳، ص ۲۵۰؛ بحارالأنوار، ج ۸، ص ۳۶۸. ۳. مفاتیح الجنان. ۴. الاحتجاج، طبرسی، انتشارات اسوه، ج ۲، ص ۶۰۲. ۵. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد، برقی، المجمع العالمی لأهل البیت(ع)، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۱۴۹.

وظیفه نوجوانان در عصر غیبت چیست؟

پرسش

وظیفه نوجوانان در عصر غیبت چیست؟

پاسخ

یک نوجوان مسلمان، باید به وظیفه خود عمل کند.در زمان غیبت وظایف گوناگونی برای شیعه ذکر شده است، از جمله: ۱- تلاش در جهت شناخت هر چه بیشتر و بهتر امام زمان (عج). ۲- تکاپو و کوشش در جهت زمینه‌سازی ظهور آن حضرت، این مهم از راه‌های زیر میسر است: الف) خودسازی و دیگر سازی. ب) شناخت و شناساندن امام زمان(عج)، اهداف والای آن حضرت، نقش بزرگ تاریخی و ارمغان الهی ایشان به جهان بشریت. ج) شناخت و معرفی هر چه بهتر اسلام به جهانیان. ۳- تلاش و جهاد در جهت دفاع از اسلام و حفظ کیان اسلامی. ۴- پیروی از نائبان امام عصر(عج) یعنی عالمان و فقیهان عادل و شایسته. ۵- دعا برای فرج آن حضرت. ۶- دعا و صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت. ۷- اهدای ثواب اعمال نیک مانند تلاوت قرآن و... برای آن حضرت نیز مستحب و ستوده است.

وظیفه منتظر امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

وظیفه منتظر امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می‌کند، وسایل پذیرایی را آماده می‌کند و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه‌گویی او خواهند خندید. لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین انتظار باید قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده می

شود از رفتار و کردار او فهمیده شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان(عج) را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید». با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(عج) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان(عج) با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را درراه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به نکات ذکر شده می‌توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد ولو بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان(عج) هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش او را می‌شناسند و مقام او رامی‌دانند منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان(عج) را نمی‌شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، معرفت به امام زمان(عج) است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان(عج) بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران او بیرون هستند. آری: وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. اول، شناخت تاریخی وجود آن حضرت مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند؟ پس تا محبت به امام زمان(عج) در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید. محبت به امام زمان(عج) وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳). ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان(عج) از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان(عج) را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان(عج) باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او

سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر این سنخیت بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان(عج) می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان(عج) مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل‌های مختلف؛ اگر انسان منتظر محبوب خویش را نیابد سعی می‌کند عدم دوری محبوب خویش را از طریق دیگری مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان(عج) وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی‌شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می‌کند. ۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر(عج) و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب‌هایی برای آن حضرت ۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه‌افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران. ۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران ۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و با اراده‌ای محکم، عزمی راسخ و برنامه‌ای دقیق به اصلاح افکار و اندیشه‌ها و نیز تغییر و اصلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و با آگاهی ازوظایف عملی و گسترش شناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش‌ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی ـ در هر محیطی که هستیم ـ به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلّی نور الهی آماده سازیم. بنابراین گناهان گذشته ـ هر چند زیاد باشد ـ نمی‌تواند مانع مهمی در راه رشد و کمال و پیوستن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می‌توان سیئات و بدی‌های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت گماشت. قرآن راجع به حضرت مهدی(ع) و اصحاب ایشان می‌فرماید: «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات را [به مستحق] می‌بخشند و به معروف امر نموده و از منکر نهیمی‌کنند (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است». در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه‌کارهای زیر توجه فرمایید: ۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛ ۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛ ۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛ ۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛ ۵. حجاب، متانت و وقار خود را کاملاً رعایت کنید؛ ۶. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ۷. اکنون که در دوران

تحصیل علم هستید، بیشترین توجه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛ ۸. با مطالعه کتاب‌هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛ ۹. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل‌های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است. در حدیثی از حضرت صادق(ع) آمده است: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر، فان مات و قام القائم(ع) بعده، کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه؛ هر کس دوست دارد از یاوران قائم(ع) باشد باید در انتظار بماند و تقوا بورزد و اخلاق نیکو را پیشه خود سازد اگر قبل از قیام آن حضرت(ع) از دنیا برود، همان پاداش اخروی که زمان حضور را درک کرده اند به آنها می دهند» (اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۶ ، ح ۴۸۸). خواندن دعایی که از حضرت صادق(ع) وارد شده در زمان غیبت بسیار نافع است. حضرت صادق(ع) این دعا را به یکی از نزدیکترین یارانش یعنی «زراره» آموختند و آن دعا چنین است: «اللهم عرفنی نفسک، فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک. اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک، لم اعرف حجتک. الšeعرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی؛ خدایا! خودت را به من بشناسان، چون اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا رسولت را به من بشناسان، چون اگر چنین نکنی، حجت تورا نمی شناسم. خدایا حجتت را به من بشناسان چون اگر حجتت را به من شناسایی از دینم منحرف و گمراه خواهم شد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، روایت ۷۰).

در مورد مساله مهدویت توضیحی دهید و علایم ظهور و ظایف منتظران را نیز بنویسید؟

پرسش

در مورد مساله مهدویت توضیحی دهید و علایم ظهور و ظایف منتظران را نیز بنویسید؟

پاسخ(قسمت اول)

شکی نیست هر آغازی را انجام و هر شروعی را پایانی است جز ذات بی‌پایان خداوندی که هم آغاز است و هم انجام. زمان نیز مانند تمام مخلوقات الاهی از این قاعده مستثنا نیست. روزگاری بر دنیا سپری شده که دیباچه زندگی دنیایی به شمار می‌آید و زمانی نیز خواهد گذشت که پایان این کتاب خواهد بود. برگه‌های پایانی کتاب زندگی انسان در زمین «آخرالزمان» خوانده می‌شود. «آخرالزمان» اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ دنیا به چشم می‌خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت خاص برخوردار است. این اصطلاح معمولاً به روزگار پایانی دنیا و رویدادهایی که ممکن است در این بخش از زندگی دنیوی به وقوع پیوندد گفته می‌شود و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی‌هایی کرده‌اند؛ برای مثال در «انجیل» چنین آمده ست:«... و این را بدان که اوقاتِ صعب در زمان آخر خواهد رسید* زیرا که خواهند بود مردمِ خود دوست و زر پرست و مغرور و متکبر و کفر گو و نافرمان والدین و حق ناشناس و بی‌دین* و بی‌الفت و بی‌وفا و خبث کننده و بی‌پرهیز و بی‌حلم و با خوبان بی‌اعتنا* و خائن و کم حوصله و عبوس کننده و عیش را بر خدا ترجیح می‌دهند.»۱ قرآن مجید نیز در آیات فراوان به دوران آخرالزمان اشاره کرده است. در معارف ارزشمند اسلامی این اصطلاح در دومعنای کلی به کار رفته است: ۱. مدت زمانی طولانی

که بـا ولادت پیـامبر اسـلام(ص) آغـاز و با شـروع رسـتاخیز بزرگ پایان می‌یابـد. از این رو آن پیامبر الاهی را پیامبر آخرالزمان نیز نامیده‌اند. ۲. مدت زمانی که باولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام(ص) حضرت مهدی(ع) آغاز می‌شود، زمان غیبت و ظهور را در برگرفته، با شـروع قیامت به انجام می‌رسـد. روایات اهل بیت(ع) نشان می‌دهـد: الف) با سپری شدن این دوران بساط زندگی دنیوی برچیـده می‌شود و مرحله‌ای جدیـد در نظام آفرینش آغاز می‌گردد. ب) آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسـیم می‌شود: دوران نخست که انسـان به مراحـل پایانی انحطاط اخلاقی رسـیده، فساد اخلاقی و سـتم همه جوامع بشـری را فرا می‌گیرد و واپسـین امیـدهای بشـری به ناامیـدی می‌گراید؛ و دوران دوم که عصـر تحقق وعده‌های الاهی به پیامبران و اولیای خدا است و با قیام مصلح جهـانی آغـاز می‌شود. کلیـات عقایـد مربوط به آخرالزمـان تقریبـاً از سوی همه فرقه‌های بزرگ اسـلام پـذیرفته شـده است؛ ولی در خصوص وابسـتگی این تحولات به ظهور مهـدی موعود و نیز هویت مهـدی موعود اختلاف نظر وجود دارد. شـیعیان دوازده امامی حضـرت مهدی(ع) و حکومت جهانی او را حسن ختام حیات بشر در کره زمین و او را همان موعود امت‌ها می‌دانند. در نظر آنان، با ظهـور حضـرت مهـدی(ع) برخی از ائمه و نیکـان و صالحـان و نیز بـدان و تبهکـاران تحت عنوان «رجعت» به دنیـا بـاز می‌گردنـد و زنـدگی دنیـایی پایـان می‌یابـد. بـا گلگشـتی در کلمـات نـورانی معصومـان(ع) می‌تـوان واژه‌هـایی را کـه بیـانگر پیونـد مهـدویت و آخرالزمـان است، یـافت. این واژه‌هـا عبارت است از: ۱. آخرالزمـان (پایان زمان) امام صادق(ع)، پیشوای شـشم راسـتگویان، فرمود: «رسول گرامی اسلام(ص) به علی(ع) فرمود: آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، یا رسول الله. آن حضرت فرمود: هم اینـک جبرئیـل نزد من بود و مرا خبر داد قـائمی که در آخرالزمـان ظهور می‌کنـد و زمین را پر از عـدل و داد می‌سـازد – همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده – از نسل تو و از فرزندان حسین(ع) است.»۲ ۲. «لا تذهب الدنیا » (دنیا به پایان نرسد) این تعـبیر بیـانگر حتمی بـودن تحقـق حوادثی است که ﻫـ از آن ذکر می‌شـود. عبـدالله بن مسـعود می‌گویـد: رGṢəگرامی اسلام(ص) فرمود: «دنیا به پایان نرسـد مگر این که امت مرا مردی رهبری کنـد که از اهل بیت من است و به او مهـدی گفته می‌شود.» و روشـن است دنیا به پایان نمی‌رسد مگر این که بخش پایانی‌اش (آخرالزمان) را پشت سـر گذارد. ۳. « لا تقوم الساعة»(قیامت برپا نمی‌شود) پیامبر گرامی اسـلام(ص)فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا این که قیام کننـده‌ای به حق از خانـدان ما قیام کند؛ و این هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید؛ و هر کس از او پیروی کند، نجات یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد... .»۴ ۴. « لا تنقضی الایـام » (روزهـا منقضـی نگردد) رسول خـدا(ص) فرمود: «روزهـا منقضـی نگردد تا این که مردی از اهل بیت من بر زمین حکومت کند که همنام من است.»۵ ۵. «لو لم یبق من الـدنیا الا یوم واحد »(اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند) امیرمؤمنان(ع) برفراز منبر در شـهر کوفه چنین فرمود: «اگر از دنیـا بیش از یـک روز بـاقی نمانـد، خداونـد آن روز را چنـان طولانی خواهـد کرد که مردی از خاندانم برانگیخته شود.»۶ ۶. « عنـد انقطـاع من الزمان »(در بخش پایانی زمان) پیامبر اکرم(ص) فرمود: هنگام پایان زمان و آشـکار شدن فتنه‌ها، مردی هست که به او مهدی گفته می‌شود و بخشـش بسیار دارد.»۷ نشانه‌های آخرالزمان این محدوده زمانی نشانه‌هایی دارد که اصـطلاحاً «علائم آخرالزمان» خوانـده می‌شود. علاوه بر اصـطلاح رایـج «علائم آخرالزمان» در فرهنگ مسـلمانان اصـطلاح مشـابه دیگری به نـام «اشـراط السـاعه» وجـود دارد. این اصـطلاح که بیش‌تر نزد اهـل سـنت رایـج است، به نشانه‌هـای وقـوع قیـامت اختصاص دارد؛ ولی روایاتی که ذیل این عنوان ذکر شـده نشان می‌دهد بسـیاری از نشانه‌های آن چون نشانه‌های آخرالزمان است و می‌توان بسـیاری از نشانه‌های آخرالزمان را نشانه‌های قیامت دانست. همان گونه که اشاره شد آخرالزمان به دو بخش متفاوت تقسیم می‌شود. بر اسـاس روایات، بخش اول بسـیار دشوار خواهـد بود. بخشـی از مشـخصه‌های این عصـر عبارت است از: ۱. گریز از دین پیـامبر گرامی اسـلام(ص) ویژگی‌های انسان‌های این دوران را این گونه برشـمرده است: «زمانی بر مردم خواهـد آمـد که درهم‌های آن‌ها دینشان خواهد بود و همتشان شـکم‌شان و قبله‌هاشان زنانشان. برای طلا و نقره رکوع و سجود به جای می‌آورند. آن‌ها همواره در حیرت و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسـلمانی‌اند و نه بر مسـلک نصرانی.»۸ ۲. دنیا پرستی رسول خـدا فرمود:«زمانی بر امت

من می‌آید که در آن زمان درون‌های مردم پلید می‌شود ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می‌گردد؛ به آنچه در پیشگاه خداوند است دل نمی‌بندند؛ کارشان ریا و تظاهر است؛ خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آن‌ها را به عذابی فراگیر دچار سازد. آن‌ها چون غریق خداوند را می‌خوانند؛ ولی خداوند دعایشان را مستجاب نمی‌کند.»۹ ۳. آزمایش‌های بزرگ یکی دیگر از ویژگی‌های دوران آخرالزمان امتحاناتی است که انسان‌ها در این دوران پشت سر می‌گذارند. با این آزمون‌ها، مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: موفق‌ها و ناموفق‌ها. پیامبر اکرم(ص)، وقتی از چهره‌های موفق این دوران یاد می‌کند، با شگفتی به علی(ع) چنین می‌فرماید: «ای علی، بدان شگفت آورترین مردم درایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین مردمی هستند که درآخرالزمان [با آن که پیامبر خود را ندیدند و از امام خود محجوبند، به نوشته که خطی سیاه بر صفحه‌ای سپید است، ایمان می‌آورند.»۱۰ امیرمؤمنان علی(ع) نیز درباره نجات یافتگان این دوران می‌فرماید:«و آن زمانی است که از فتنه‌ها نجات نمی‌یابد مگر مؤمنانی که بی‌نام و نشانند. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند؛ و اگر غایب گردند، کسی سراغ آن‌ها را نمی‌گیرد. آن‌ها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه‌ها چراغ‌های هدایت و نشانه‌های روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه‌انگیز. نه در پی اشاعه [فحشایند] و نه مردمی سفیه و لغو گو! ایناننند که خداوند درهای رحمتش را به سوی‌شان باز می‌کند و سختی‌ها و مشکلاتی را از آن‌ها برطرف می‌سازد.»۱۱ پی‌نوشت: ۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، نامه دوم پولس حواری به تیموثیوس، باب سوم. ۲. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، ص۳۵۷. ۳.کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص۱۸۲، ح۱۴۱. ۴. عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج۲، ص ۵۹. ۵. بشارة المصطفی لشیعه المرتضی، طبری آملی، ص۲۵۸ . ۶. کتاب الغیبة، ص۴۶ . ۷. کشف الغمة، اربلی، ج۳، ص ۲۶۰ . ۸. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج۱۱، ص۳۷۹. ۹. کافی، شیخ کلینی، ج۸، ص۳۰۶. ۱۰. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج۴، ص۳۶۶. ۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳. نشانه های ظهور را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نشانه‌های تغییر ناپذیر و تغییر پذیر نشانه‌های تغییر ناپذیر را می توان به نشانه های حتمی و غیر حتمی تقسیم کرد. علامت های حتمی نشانه‌های تغییر ناپذیر حتمی نشانه هایی هستند که یا متصل به ظهور هستند با فاصله (۱۵) روز یا چند ماه و یا متصل به ظهور نیستند و بعضی از آنها عبارتند از: «خروج دجال»، «صیحه و ندای آسمانی»، «خروج سفیانی از وادی یابس»، «فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء»، «قتل نفس زکیه بین رکن و مقام»، «خروج سید حسنی از دیلم و قزوین»، «کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در پایان آن»، « سه ندا در ماه رجب»، «خروج یمانی از یمن»، «انقراض بنی عباس» «جاری شدن نهری از فرات به غری»، «ظاهر شدن قحطی شدید»(۱). علامت‌های غیر حتمی این علامت‌ها گر چه تعداد زیادی از آنها به وقوع پیوسته و از نظر فلسفی حتمی و ضروری تلقی می شود ولی هنگامی که از آنها خبر داده می شده حتمیت آن مشخص نشده است از این رو غیر حتمی نامیده شده‌اند مانند «ظاهر شدن شصت مدعی دروغین نبوت»، «ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات مدعی امامت»، «بستن جسر بغداد»، «مسجد کردن قبرستان‌ها»، «خراب شدن بغداد»، «خراب شدن دیوار مسجد کوفه»، و...(۲) این علامت‌ها تغییر نکرده‌اند و با آمدن آنها ظهور آقا مسلم محقق خواهدشد اما نشانه‌هایی وجود دارد که قابل تغییر می‌باشند. نشانه‌های قابل تغییر علی بن خنیس از امام صادق(ع) روایت می‌کند که شنیدم می‌فرمود: بعضی از علایم و امورات از محتومات است و جمله‌ای از آن علایم حتمی نخواهد بود یعنی احتمال تغییر و تبدیل در آن می‌رود شاید که خداوند آن بلاها و فتنه‌ها رابه فضل و کرم خود از مؤمنین دفع فرماید و شداید را بر ایشان آسان نماید و در ظهور آن بزرگوار تعجیل فرماید»(۳). تعدادی از علاماتی که هنوز واقع نشده، و یا محتمل الوقوع است و اعلام به حتمیت آن نشده و احتمال تغییر و تبدیل در آنچه اراده خداوند به آن تعلّق گرفته می‌روند عبارتند از: «ایستادن آفتاب در وسط آسمان از اول زوال تا وقت عصر بدون آنکه حرکت کند»، «طلوع نمودن خورشید از مغرب»، «خروج یمانی از یمن»، «خروج خراسانی از خراسان»، «خروج مغربی به جانب مصر و مالک شدن مصر و نواحی آن»، «اختلاف بیرقها در شام به سبب خروج سه نفر طالب سلطنت» «خراب شدن سمت غربی مسجد شام»، وقوع جنگ و جدال در هر بلد از نواحی مغرب تا یکسال که مردم به دلیل اختلاف رایات

یکدیگر را می کشند. به ویژه در شام که صد هزار نفر کشته می شوند»، «خراب شدن شام از قتل و غارت و اقسام فتنه‌ها و بلاها»، «فرو رفتن قریه جابیه در زمین در شام»، «خروج زندیقی از شهر قزوین به ریاست»، «پایان یافتن سلطنت بسیاری از سلاطین در اکثر کشورها»، «خروج عوف سلمی در سرزمین جزیره»، «خروج سمرقندی بعد از عوف سلمی و بر پا شدن فتنه‌ای عظیم»، «وقوع زلزله‌ای عظیم در شام قبل از خروج سفیانی که بیش از صد هزار نفر کشته می‌دهد»، «ظاهر شدن آتشی تعجب آور و خوف انگیز و ترس آور، به مدت سه یا هفت روز در میان زمین و آسمان در سمت مشرق زمین»، «ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسمان پهن می شود گویا همه آسمان را می گیرد» «کثرت قتل و خونریزی در کوفه از جهت رایات مختلف»، «کشته شدن نفس زکیه است در پشت کوفه با هفتاد نفر از صلحا»(۴)، «وقوع جنگ عظیمی در میان آل مروان و بنی عباس در قرقیسا در کنار شط فرات»، «نزول ترک در جزیره و اهل روم در رمله»، «مسخ شدن طایفه‌ای به صورت میمون و خوک»، «حرکت کردن بیرقهای سیاه از خراسان»، «آمدن باران بی نظیر در ماه جمادی الثانیه و رجب» «باریدن تگرگ بسیار بزرگی در روم و جزایر که مانند آن دیده نشده»، «مطلق العنان شدن عرب در رفت و آمد و عملکرد»، «خروج سلاطین عجم از شان دو قار»، «طلوع ستاره از مشرق که مانند ماه درخشنده است»، «زنده شدن مردگان و سر برآوردن از قبرها»، بعضی از این حوادث مشروط به وجود شرطی است که اگر شرایط آن محقق شود موجود می‌شود و خداوند تعالی داناتر است به آن چیزهایی که باید بشود. نتیجه علایم بر دو قسم هستند تغییر پذیر و تغییر ناپذیر: علایم تغییر پذیر علایمی است که به اراده خداوند واقع می شود و چه بسا به جهت حکم و مصالح و مقتضیات و موانعی واقع نشود یا تغییر داده شود به نحوی که اصلح به حال بندگان خدا باشد و یا به ادعیه و طاعات بندگان ابتلاء به آن رفع شود. و از طرفی ممکن است به خاطر موانع یا مصالحی فرج به تأخیر افتد و در این باره بعضی از روایات گویا است.(۵) و این مطلب در اصطلاح«بداء» نامیده می‌شود و مسائلی مانند افشای راز به قتل رساندن امام معصوم و مانند آن از اموری است که تأخیر انداز فرج شمرده شده است.(۶) توضیح بیشتر روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی‌ها و ترکان(۷) و یا هواداران آنها به وجود می‌آید تا جایی که منجر به جنگ جهانی می گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می‌شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندک زمانی پیش از ظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد.

پاسخ(قسمت دوم)

اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می‌آید همکاری می‌نماید. از جمله نشانه‌های ظهور حادثه‌ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد. در این هنگام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می‌شود پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می‌نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل‌ها جای می گیرد. دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین‌رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می‌اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته

تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می‌کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می‌یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان‌های مختلف به تمام جهان ابلاغ می‌کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می‌دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه‌ای که جد گرامی‌اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می‌شوند به وقوع بپیوندد(۸). آن حضرت پس از این معجزه با سپاه خود که متشکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسپار مدینه می‌شود و پس از نبردی با نیروهای دشمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می‌یابد. وی پس از پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می‌شود و در آنجا با سپاه ایران و توده‌های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی‌خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن در بصره به پیکار می‌پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دست می‌یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می‌کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی و گروه‌های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می‌رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می‌دهد و بدین‌سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج‌فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی‌آید. بعد از آن جنگ‌هایی با ترکان و یهودیان صورت می‌پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می‌کنند ولی ناگاه حضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. فرود آمدن حضرت عیسی(ع) برای جهان علامت و نشانه‌ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت‌های مسیحی خواهد گردید. به نظر می‌رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی‌ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می‌شود. اما غربی‌ها بعد از دو سال پیمان صلح را می‌شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام و فلسطین یورش می‌آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می‌گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می‌شوند. سپس غرب توسط امام فتح می‌گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می‌گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه‌ای که دست‌بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می‌سپارد. پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می‌کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می‌کوشد. یکی دیگر از علائم مهم ظهور پیدا شدن افراد یا جریانی به نام دجال و سفیانی است. الف) دجال از ریشه دجل به معنای دروغگو است و بر اساس آنچه از ظاهر اخبار استفاده می‌شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می‌کند و انسان غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیای از مردم را می‌فریبد و سرانجام به دست حضرت عیسی(ع) در منطقه شام به هلاکت می‌رسد. و اینکه آیا دجال شخص واحد با آن ویژگیها می‌باشد یا یک تفکر و جریان الحادی است در این مورد احتمالات مختلف و متعدد وجود دارد. ۱- دجال نام شخص معینی نیست بلکه هر کسی که با ادعای پوچ و بی اساس و حیله گری سعی در فریب مردم داشته باشد دجال است و از احادیث نیز این نکته قابل استفاده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «لاتقوم الساعه حتی یخرج المهدی من ولدی و لا یخرج المهدی حتی یخرج ستون کذابا کلهم یقول انا نبی؛ قیامت بر پا نمی‌شود تا وقتی که مهدی(ع) ازفرزندانم ظهور کند و مهدی(ع) قیام نمی‌کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کند» (بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۲۰۹) و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شده است که:(پیش از خروج دجال بیش از هفتاد دجال خروج

خواهـد کرد) (کنزل العمال، جلد ۱۴، ص ۲۰۰) بـا توجه به روایـات می‌توان گفت که دجال‌ها متعـدد و متنوع است و دجال واقعی همان که در روایت از آن شـخص معینی قصد شده است و دجال‌های دیگر که افراد شیاد و حیله‌گری که در پدیده‌های اجتماعی با ظـاهر شـدن سـعی در فریب مردم دارنـد. ۲- دجـال کنـایه از کفر جهـانی و فرهنـگ مـادی اسـت کـه بر همـه جهـان سـیطره دارد ؛ کشورهای مبتکری که از لحاظ قـدرت مادی و صـنعتی قوی هسـتند و مسـلمانان را به نوع می‌فریبنـد و مرعوب خویش می‌سازنـد تا آن‌جـا که مسـلمانان خود را در برابر آنهـا خود بـاخته تلقی می‌کننـدکشورهای مبتکر خصوصـا اسـتکبار جهانی با سـیطره صـنعتی و پیشـرفت خود همه جـای عـالم سـر می‌کشـد و سـعی در فریب مردم دارنـد. ب) سـفیانی از شخصـیت‌های بنـام در انقلاب حضـرت مهـدی(ع) اسـت و از دشـمنان سرسـخت آن حضـرت به شـمار می‌رود و بنـابه تصـریح روایـات خروج سـفیانی از وعـده‌های حتمی خداونـد است امام زین‌العابدین می‌فرماید: «امر قائم از سوی خداوندحتمی است و امر سـفیانی نیز از جانب خداوند قطعی می‌باشد و قـائم ظهـور نمی‌کنـد مگر پس از مرگ سـفیانی» (بحارالانـوار، ۵۳، ۱۸۲، نقـل از کتـاب عصـر ظهـور علی کـورانی، ص ۱۱۵) بین دانشـمندان اسـلامی اتفاق نظر است که وجه تسـمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان بشـمار می‌آیـد. (همان کتاب، ص ۱۱۶) و طبق روایـات، فرهنـگ و گرایش سیاسـی سـفیانی غربی است.سـفیانی در حالیکه رهبری گروهی را به عهده دارد مانند شـخص نصـرانی صـلیب بر گردن دارد و از سـرزمین رومیان روی می‌آورد. (غیبت طوسی، ص ۲۷۸، نقـل از کتاب عصـر ظهور، ص ۱۱۸) خلاـصه این که روایـات سـفیانی از تبـار ابوسـفیان است و از کینه توزترین فرد نسـبت به اهل بیت(ع) می‌باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می‌شود و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می‌گیرد. مرحله تثبیت سـلطه که شـش ماه طول می‌کشد مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و حجاز می‌باشد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی(ع) جهات حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس و... و خروج او از آغـاز تا انجام۱۵ ماه به طول می‌انجامـد. در کنار این دو علامت از چنـد علامت دیگر نیز نام برده شـده است: ۱- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است. علی(ع) فرمود: در آسـتانه ظهور قـائم ما، مهـدی(عـج) سـفیانی خروج می‌کنـد. سـپاه وی به سوی مـدینه حرکت می‌کنـد و چون به سرزمین بیداء می‌رسـند خداوند آنها را در کام زمین فرو می‌برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷). ۲- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عـدل دعوت می‌کند. امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سـفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی‌کند، (کتاب‌الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می‌کند. ۳- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک. امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهـور مهـدی(عـج) و کشـته شـدن نفس زکیه بیش از پـانزده شـبانه‌روز فاصـله نیست»، (الارشـاد، ج ۲، ص ۳۷۴) . ۴- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می‌شود. امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده‌ای از آسمان نام قائم را ندا می‌کنـد پس هر که در شـرق و غرب است آن را می‌شـنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). درباره تعداد یاران خاص آن حضـرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی‌های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بنـدگی، شـجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده‌زیستی و نظم و انضـباط از صـفات آنان شـمرده شده است. ۵- از مهمترین علائم ظهور فراگیر شدن ظلم و جور در جهان است: این نشانه در روایات بسیار به چشم می‌خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سـندهای گوناگون نقل شـده آمده: یملا اللّه به الارض قسـطا و عدلاً بعد مـا ملئت ظلما و جورا ؛ خداونـد به وسـیله ظهور مهـدی(ع) زمین را پر از عـدل و داد می‌سازد،پس از آن که از ظلم و سـتم پر شـده باشد {M»، («سـنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل العمـال، ج۱۴، ص ۲۶۴). یا از حضـرت مهـدی(ع) نقل شده: علامهٔ ظهوری کثرهٔ

الهرج و المرج و الفتن... ؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه‌ها وآشوبها است{M}»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰). زیاد شدن این فسادها در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش در میان مردم بوده، مهم فراگیر شدن آن است به گونه‌ای که بدی‌ها بر خوبی‌ها، ضدارزشها بر ارزش‌ها غلبه می‌یابد. شهید مطهری، روایتی را از شیخ صدوق می‌آورد. این امر (قیام مهدی(ع)) تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعداء و گروه اشقیا هر کدام به نهایت کار خود برسند. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند، (قیام و انقلاب مهدی، شهید استاد مطهری، ص ۵۷ و ۵۸). و گسترش ظلم و فساد و فراگیر شدن آن بدین معنا نیست که صالحی و ظلم‌ستیزی وجود نخواهد داشت و هم چنین ملازم با این معنا نیست که بشر دیگر از ظلم و فساد بر نمی‌گردد. با توجه به توضیحات فوق و اینکه بشر از هر نحله‌ای که باشد دنبال منجی و رسیدن به عدل وآرامش و آسایش است. این نوید را می‌دهد که جهان بشری با توجه به ظلم و فساد و تبعیض که دامنگیرش شده در آینده خواستار حکومت ایده‌آل و موافق با فطرت الهی باشد. و اضافه بر آن رشد عقول و معارف بشر روز به بروز در ترقی می‌باشد و از طرفی مکاتب و اسم‌های مختلف امتحان خود را در اداراه کرد جوامع پس داده‌اند. بنابراین سیر بشر به سوی گمشده‌ای است که بتواند با نفس مسیحای خود مرهمی بر زخم‌های آنان باشد و این یوسف گمشده همان مهدی(ع) است که بشر در انتظارش می‌باشد. که به آمدن او هم در کتب تشریع الهی و هم در کتب تکوین و صحیفه دل‌ها خبرها و امیدهایی است. و موقع آمدن نیز خبرش در آسمان به گوش جهانیان از شرق و غرب می‌رسد. و روایات می گوید تمام انسانها در برابر این نشانه الهی وعده داده شده سر تسلیم فرود می‌آورند زیرا که تفسیر این گفته خداوند است. «اگر بخواهیم از آسمان معجزه‌ای بر آنها فرو می‌فرستیم که در برابر آن تسلیم فرود آوردند» (سوره شعرا، آیه ۴). مردم از این صیحه آسمانی به ناله و فریاد درآمده و از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند تا ببینند چه خبر است! آن ندا مردم را به خودداری از ظلم و کفر و درگیری و خونریزی و به پیروی از امام مهدی(ع) دعوت می کند. خلاصه کلام زمان ظهور امام زمان(عج) برای هیچ کس حتی شخص امام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم، در روایات ما زمان ظهور حضرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است؛ یعنی، همان گونه که علم زمان وقوع قیامت منحصرا در اختیار حضرت حق – جل و علا – است، علم زمان ظهور حضرت نیز منحصرا در نزد خداوند متعال است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) مشابهاین روایت را از امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید). بنابراین کسی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد موجه درست می‌شود. مهم شناخت وظیفه است؛ ما چه بکنیم که بتوانیم به وظیفه خود در زمان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم به نزدیک‌تر شدن مهمان ظهور امام کمک کرده باشیم؟ و چه بکنیم که اگر امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟ روایات ما وظیفه در زمان غیبت را معین فرموده‌اند، انتظار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما باید با ورع و عفت و صلاح همراه باشد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شده است، (کمال‌الدین و تمام النقة، شیخ صدوق، صص ۶۴۷ – ۶۴۴، والشیعة والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه).

پاسخ(قسمت سوم)

روشن است که تا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضرت نیز میسر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارند. این زمینه اولاً با کردارهای درست و به جا و خداپسندانه شیعیان و همپیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان – از ته قلب

و باخلوص نیت - حاصل می‌شود، (صحیفه المهدی، جواد قیدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱). برای مطالعه در زمینه ظهور امام زمان و نشانه های آن به کتابهای زیر مراجعه کنید: ۱- ظهور نور، علی سعادت‌پرور، نشر تشیع ۲- علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی ۳- نشانه‌های ظهور، سادات مدنی، نشر منیر ۴- از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق ۵- از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی ۶- کتابنامه امام زمان، محمدپور ۷- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، رجالی تهرانی ۸- ترجمه منتخب الاثر ، آیت اللّه صافی ۹- مهدی موعود، ترجمه ج ۵۲ بحارالانوار، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه ۱۰- وابستگی جهان به امام زمان، لطف اللّه صافی ۱۱- امام زمان در گفتار دیگران ، علی دوانی ۱۲- علائم ظهور، محمد علی علمی پی‌نوشت‌ها ۱. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایهٔ الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ - ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی تا، بی جا، ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۲ و حکیمی محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ص ۱۲۸. ۲. کفایهٔ الموحدین، ص ۴۰۵ - ۴۱۵ و منتهی الامال ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶. ۳. کفایهٔ، الموحدین، ج ۳، ص ۴۲۲. ۴. ظاهراً این نفس زکیه غیر از آن نفس زکیه‌ای است که در علامات حتمی ذکر شده و بین رکن و مقام شهید می‌شود. ۵. ترجمه بحار الانوار، مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه ص ۸۶۳ - ۸۶۵. ۶. همان ۷. ترکان در روایات بر غربیان تطبیق داده می شوند. ۸. چنانکه در پیش توضیح داده شد این تواریخ جزء علائم حتمی ظهور نیست. دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان، همان عدالت خواهی و حقیقت‌جویی است که در فطرت همه ما نهاده شده است؛ زیرا، آن حضرت با ظهور خویش، حق را احیا و عدالت را در جامعه حاکم و مستقر خواهد ساخت. دعا برای ظهور زودتر و سریع‌تر ایشان، رسیدن به آرمان‌هاییاست که بشر تشنه نیل به آن بوده است. امّا انتظار؛ باوری است بارور به عمل، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسّم می‌یابد، انتظار اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آنچه که فرهنگ انتظار ایجاب می کند. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: افضل الاعمالاحمزها ؛ برترین عملها، سخت‌ترین آن‌هاست {M، (مجمع البحرین فخر الدین طریحی، مقدمه و تصحیح آیةالله شهاب الدین مرعشینجفی(ره)، ص ۲۹۷). و در جای دیگر فرموده‌اند: افضل اعمال امتی، انتظار الفرج ؛ برترین عملها، انتظار فرج است {M، (همان، ص ۵۷).نتیجه این دو مقدمه و یا دو روایت آن است که انتظار از دشوارترین تکالیف شرعی محسوب می‌شود. کشف ویژگی «انتظار» هضم چرایی عظمت پاداش منتظران را آسان‌تر می کند. علی(ع) می‌فرماید: المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله ؛ منتظر امر ما بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد {M، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳). آمادگی همیشه جوهر اصلی انتظار است و وظیفه قطعی منتظران، انتظار قیام و ظهور مهدی(عج) را در سر داشتن، آمادگی پیشین می‌خواهد، آمادگی در: ۱ـ آراستگی به عدالت و تقوا: فرد منتظر باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسته باشد؛ پیرو واقعی و صدیق حضرت ولی عصر(عج) کسی است که رفتار و مکتب آن جناب را الگوی عملی خود قرار دهد. رسول خدا(ص) در توصیف اوج مجاهدت و تدین منتظران مهدیمی‌فرماید: لاحدهم اشدّ بقیهٔ علی دینه من خرط القتاد فی اللیلهٔ الظلماء، او کالقابض علی جمر الغضا، اولئک مصابیح الدجی ؛ ... هریک از ایشان بیش از کسی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یا نگاهداری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کفدست صبر می کند در دینداری خود استقامت و پایداری می‌ورزد، به راستی که آنان چراغ هدایت در شب‌های ظلمانی‌اند {M،(بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۱۲۴). اگر فردی بتواند با اجتناب از معاصی و رعایت پروای الهی، ملکه عدالت را در خود پدید آورد و با ایجاد تعادل در میان قوای نفسانی خود، ارکان حیات اخلاقی را در وجود خود نهادینه سازد، آنگاه می‌تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویشتن را با شرایط نوین تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ سازد. ۲ـ آراستگی به بردباری و پایداری: فرد منتظر باید استقامت بورزد و صبر و حلم پیشه سازد؛ زیرا، با توجه به گزارش تاریخی از عصر ظهور، (نگا: اکمال الدین، ج ۱، ب ۲۳، حدیث ۱، الارشاد مفید، ص ۳۱۸ والاحتجاج الطبرسی، ج ۲،

ص ۳۱۸). در دوران ظهور فشار زایـد الوصـفی بر منتظران مخلص و صـدیق مهـدی موعود وارد می‌شود، که مقاومت و پایداری در چنین شـرایطی به توان بالای روحی نیازمنـد است. منتظران بایـد بکوشـند تـا به درجـات بالای صبرنایل آینـد. رسول خـدا(ص) به اصحاب خویش فرمودند: «پس از شما کسانی می‌آیند که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد، اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا ما در غزوات بدر، احد و حنین با شـما بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نازل شده است؛ پس چرا به آنان پنجاه برابر ما ثواب داده می‌شود؟ حضـرت پاسخ گفتند: آنان در شرایطی [بس دشوار [خواهند بود که اگر شما در آن شرایط به سر برید، تحمّـل و اسـتقامت آنان را نخواهیـد داشت، (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۱). از این رو؛ رسول گرامی اسـلام می‌فرمایـد: انتظار الفرج بـالصبر عبـادة ؛ چشـم بـه راه فرج داشـتن، همراه صـبر و اسـتقامت، عبـادت اسـت{M}، (همـان،ج ۵۲، ص ۱۴۵) . ۳ـ بهره‌منـدی از دین‌شناسـی بنیادین: فرد منتظر باید فهم و تلقی صحیحی از دین داشته باشد، مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این واقعیت است که ادیان بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان‌های متمادی، آرام آرام از خلوص نخستین خود فاصله می گیرند و خطوط اصلی و فرعیآن‌ها هر یـک به نوعی حـذف و اضـافه، شدیـد و ضـعیف، تبـدیل و تغییر و تأویل و تفسـیر می‌شونـد؛ از همین رو، امام زمان(ع) با بـدعت‌ها مبارزه سختی خواهد کرد، (نگا: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸). چنانکه امیر مؤمنان می‌فرماید: «یعطف الهوی علی الهـدی، اذا عطفـوا الهـدی علی الهـوی و یعطـف الرأی علی القرآن اذا عطفـوا القرآن علی الرأی؛ [مهـدی موعـود] هواهـای نفسـانی مردمـان را به هـدایت تبـدیل خواهـد کرد، آن زمان که مردم هوای نفس را بر هـدایت غالب سازنـد وآراء و نظریات را به قرآن باز خواهـد گردانید هنگامی که قرآن را به آرای خود باز گردانند، (نهج البلاغة، خ ۱۸۳ و بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۱، شارحان شیعه و سنی نهج البلاغة این عبارت را ناظر به مهدی موعود دانسته‌اند). ۴ـ اصلاح‌طلبی؛ فرد منتظر باید به سهم خود در راه اصلاح جامعه و اسـتقرار عـدالت و رفع ظلم و تعـدی بکوشد، آن که منتظر مصـلح جهانی است، خود نیز باید صالح و مصـلح باشد، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه فردی و اجتماعی خصوصا باحکام جور و سلاطین نقطهبارز مصلح بودن است. امام صادق(ع) می‌فرماید: « لیعد احدکم لخروج القائم و لوسهما ؛ حتما هر یک از شما منتظران برای قیام حضرت قائم سلاح فراهم سازد هرچند یک تیر{M}، (بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶). به هر روی، منتظر مهدی(عج) در برابر فساد و سـتم حکومت‌های جور بی تفاوت نیست و مؤید آنان نیز نمی‌باشد پیامبر اکرم(ص) در خصوص وظایف منتظران مهـدی می‌فرمایـد: طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتد به قبل قیامه، یتولی ولیه و یتبرأ من عـدوه و یتولی الائمـة الهادیـة من قبله، اولئک رفقائی و ذوو ودّی و مودّتی و اکرم امتی علیّ ؛ خوشا به حال کسـی که به حضور قائم برسـد و حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشـد، آنکه با دوست او دوست و با دشـمن او دشـمن و مخالف است و با رهـبران و پیشوایـان هـدایتگر پیش از او نیز دوسـت اسـت، اینـان همنشـین و دوسـتان مـن وگرامی‌ترین امت در نزد من هسـتند{M}، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰). توصـیه می کنیم در باب مهدی‌شناسی و مباحث پیرامون آن کتاب: در انتظار ققنوس، نوشته سید ثامر هاشم العمیـدی، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده) را که از سوی مؤسـسه آموزشـی و پژوهشـی امام خمینی(ره)قم در سال ۱۳۷۹ برای نخستین بـار به چاپ رسـیده است ـ مطالعه فرماییـد. ای مهر طلوع کن که خوابیم همه در هجر رخت در تب و تابیم همه هر بر زن و بام از رخت روشن و ما خفاش وشیم و در حجابیم همه (امام خمینی)

مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان‌علیه‌السلام دارند؟

پرسش

مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان‌علیه‌السلام دارند؟

پاسخ

در مورد حضرت مهدی (ع) وموقعیت او، شیعیان آن حضرت هر یک وظایف سنگینی بر عهده دارند، اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - ایمان به حتمی بودن خروج مهدی (ع) در روایات اهل سنّت می‌خوانیم که پیامبر (ص) فرمود": من أنکر خروج المهدیّ فقد کفر بما أنزل علی محمّد"؛ "هر کس منکر خروج مهدی شود به آنچه بر محمّد (ص) نازل شده کفر{پاورقی . فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۵۸۵ و... . پاورقی} ورزیده است ".۲ - صبوری وتمسّک به دین حق در فتنه‌ها امام صادق (ع) فرمود: "طوبی لمن تمسّک بأمرنا فی غیبة قآئمنا، فلم‌یزغ قلبه بعد الهدایة"؛ "...خوشا به حال کسی که در غیبت قائم ما متمسک به امر ما شده وقلب او بعد از{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۸. پاورقی} هدایت منحرف نشود. "...۳ - تمسّک به ولایت امام غایب امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": طوبی لمن أدرک قائم أهل بیتی وهو یأتمّ به فی غیبته قبل قیامه و"؛ "...خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و در{پاورقی . کمال‌الدین، ص ۲۸۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۴. پاورقی} غیبت او قبل از قیامش به او اقتدا کند و. "...۴ - طلب معرفت امام زمان (ع) از خداوند متعال کلینی؛ به سند خود از ابوبصیر نقل کرده که امام باقر (ع) به من فرمود": هل عرفت إمامک؟ قال: قلت: إی واللّه، قبل أن أخرج من الکوفة. فقال: حسبک إذاً"؛ "آیا امامت را{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۲. پاورقی} شناخته‌ای؟ عرض کردم: آری به خدا سوگند قبل از آنکه از کوفه خارج شوم. فرمود: بس است تو را در این هنگام ".۵ - تجدید بیعت وثبات بر اطاعت در دعای عهد از امام صادق (ع) می‌خوانیم": اللّهمّ إنّی أجدّد له فی صبیحة یومی هذا وما عِشت فی ایامی عهداً وعقداً وبیعة له فی عنقی لا أحول عنها ولا أزول أبداً، اللّهمّ اجعلنی من أنصاره وأعوانه والذّابّین عنه"؛ "...بار خدایا! همانا من برای او [حضرت مهدی (ع)] در این{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱ ؛ مصباح الزائر، ص ۲۳۵. پاورقی} روزم عهد وپیمان وبیعتی را در گردنم تجدید می‌کنم، بیعتی که از آن بازنگشته وهرگز آن را زایل نمی‌سازم. بار خدایا! مرا از یاران و کمک‌کاران ومدافعین از آن حضرت قرار بده. "...در این دعا سخن از تجدید عهد با امام خود در هر روز است. ۶ - مقابله با شبهات واشکالات امام صادق (ع) در حدیثی فرمود": آیاکم والشّک والارتیاب، انفوا عن نفوسکم الشکوک، وقد حذّرتم فاحذروا، ومن اللّه أسئل توفیقکم وإرشادکم..."؛ "خود را از شک وتردید دور کنید{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۷. پاورقی} واز شک‌ها بپرهیزید، شما بر حذر داده شدید پس حذر کنید، ومن توفیق وارشاد شما را از خداوند خواستارم ".۷ - کمک ویاری برادران مؤمن امام صادق (ع) در حدیثی جمله {وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ} در سوره" العصر" را بر مواسات وهم‌یاری برادران دینی منطبق ساخته‌اند. {پاورقی . کمال الدین، ص ۶۵۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۴، ح ۱. پاورقی} در تفسیر امام عسکری (ع) آمده است": هرکس متکفل یتیمی برای ما شود که محنت استتار ما او را وامانده کرده واز علوم ما که به دستش رسیده او را سرشار کند تا اینکه ارشاد شده وهدایت یابد، خداوند متعال در حقّ او می‌فرماید": یا أیّها العبد الکریم المواسی! أنا أولی بالکرم منک، اجعلوا له یا ملآئکتی فی الجنان بعدد کلّ حرف علّمه ألف ألف قصر"؛ "...ای بنده کریم که یاری کننده‌ای! من از او در این کرم اولی‌ترم، ای ملائکه{پاورقی . تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، ص ۳۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۲، ص ۴، ح ۵. پاورقی} من برای او در بهشت به هر حرفی که تعلیم داده یک ملیون قصر دهید. "...۸ - فریب نخوردن از مدعیان دروغین مهدویت امام صادق (ع) فرمود": ولتعرفنّ اثنیعشر رایة مشتبهة، لایدری أیّ من أیّ..."؛ "وبه طور{پاورقی . کمال‌الدین، ص ۳۴۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱، ح ۹. پاورقی} حتم دوازده پرچم ودعوت مشتبه بر پا خواهد شد که از همدیگر تشخیص داده نمی‌شود. "...۹ - زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج حضرت مهدی (ع) در توقیعی که در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب فرستادند فرموده‌اند": أکثروا الدعآء بتعجیل الفرج، فإنّ ذلک فرجکم..."؛ "زیاد برای تعجیل{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۸۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. پاورقی} فرج دعا کنید؛ زیرا فرج شما در آن است ".۱۰ - اجتناب از جزع کلینی؛ به سندش از

امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": إنّما هلك الناس من استعجالهم لهذا الأمر، إنّ اللّه لايعجل لعجلة العباد. أنّ لهذا الأمر غاية ينتهى إليها"؛ "...همانا{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۷. پاورقی} مردم به جهت عجله کردن در این امر هلاک شدند، خداوند به خاطر عجله بندگان عجله نخواهد کرد، زیرا برای این امر نهایتی است. "...۱۱ - وقت معین نکردن برای ظهور امام صادق (ع) فرمود": إنّا أهل بيت لانوقّت..."؛ "همانا ما اهل بیت وقت معین{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸. پاورقی} نمی‌کنیم. "...۱۲ - دوست داشتن حضرت (ع) در روایات فراوانی به دوستی اهل بیت عصمت و طهارت: و از آن جمله حضرت مهدی (ع) سفارش شده است، و این به نوبه خود می‌تواند در جلب توجه مردم به حضرت (ع) و پیروی از دستورات او و دیگر امامان تأثیر بسزایی داشته باشد. موضوع: حسب ونسب امام مهدی علیه السلام

وظیفه ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان(عج) چیست؟

پرسش

وظیفه ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان(عج) چیست؟

پاسخ

بر اساس آن چه که در منابع شیعی آمده است برای پیروان مذهب امامیه در عصر غیبت آن حضرت وظایفی نقل شده، که برای نمونه، برخی از این وظایف یادآوری می‌شود/ ۱- کسب رضایت امام عصر (عج) رسالت اصلی شیعیان در عصر غیبت آن است که تلاش کنند عملی را بر خلاف رضای امام عصر (عج) انجام ندهند و پیوسته رفتار و سلوکی مورد تأیید و رضایت آن حضرت داشته باشند، زیرا خشنودی آن امام همام چیزی جز رضای ذات اقدس الهی نیست و رضای خداوند در عمل به فرمان‌ها و احکام نورانی اسلام است/ امام مهدی(عج) در این رابطه می‌فرماید: «فَلیَعمَل لِکلِّ امرئٍ مِنْکُم ما یُقرِّبُ بِهِ مِن مَحَبَّتِنا و لْیَجتَنِبْ عمَّا یُدنیه مِنْ کِراهَتِنا و سَخَطِنا{؛«۱} هر یک از شما باید به آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می‌شود عمل کند و از آن چه که موجب ناخشنودی و غضب ما می‌شود پرهیز نماید/ ۲- شناخت امام زمان و معرفت به آن حضرت وظیفه دیگر منتظران در عصر غیبت شناخت مقام والای آن امام بزرگوار است. امام صادق(ع) در این‌باره می‌فرماید: «به درستی بهترین و واجب‌ترین فرایض برای انسان، شناخت خداوند سبحان و اقرار به عبودیت اوست و پس از آن معرفت به نبوت پیامبر اسلام(ص) و بعد از آن شناختن صفت و نام امامی است که در حال سختی و راحتی به او اقتدا می‌نماید».{۲} ۳- انتظار فرج در روایتی از امام علی(ع) پرسیده شد که برترین اعمال چیست؟ آن حضرت فرمود: «انتظارُ الفرج». آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «و لا تَیْأسُوُا مِنْ رَوْح الله فاِنَّ أحبَّ الأعْمالِ اِلَی الله عزّوجل أنتظارُ الفَرَجِ{؛«۳} در انتظار فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید زیرا بهترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است/ امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: «مَن ماتَ مِنکُم علی هذا الأمرِ مُنتظراً له کانَ کمَن کانَ فی فِسْطاطِ القائِمِ{؛«۴} فردی که منتظر ظهور امام دوازدهم باشد و در آن حال بمیرد همانند کسی است که در خیمه آن بزرگوار به سرمی‌برد/ ۴- دعا برای حفظ وجود مبارک امام عصر(عج) و تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت از دیگر وظایف منتظران آن حضرت دعا برای سلامتی ایشان است و از جمله ادعیه شریف در این رابطه همان دعای معروف «اللهم کن لولیک الحجْ بن الحسن...» است. دعاهای دیگری نیز در مفاتیح الجنان و سایر کتب ادعیه در مورد آن حضرت وجود دارد که می‌توان از آن استفاده نمود/ ۵- صدقه

برای حفظ وجود مقدس امام زمان(عج) گر چه حفظ وجود مبارک آن بزرگوار به اراده و مشیت الهی بستگی دارد ولی اسباب یاد شده نیز به اذن و مشیت خداوند حکیم در این امر مؤثر است و دعا کردن برای سلامتی آن حضرت ضامن برقراری و استحکام پیوند معنوی انسان با حجت خداست و مایه سلامتی خود فرد و دفع ناگواری‌ها و شدایـد خواهد بود/ ۶- استمداد و استغاثه در فتنه‌ها به آن حضرت ائمه: نسبت به شیعیان عنایت خاصی دارند. امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «هر گاه مرد یا زن مؤمنی بیمار و اندوهگین باشد ما نیز محزون می‌شویم و هر گاه برای رفع حوایج خود دعا کند ما آمین می گوییم و هر زمانی او ساکت باشد ما برای او دعا می کنیم». {۵} [۱]. بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۴/ [۲]. مکیال المکارم، موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۱۷۱/ [۳]. بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ۱۲۳/ [۴]. منتهی الأمال، عباس قمی، ج ۲، ص ۴۹۱ و منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۴۷۵/ [۵]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۳، ص ۱۳۶/ موضوع: خواجه نصیرالدین طوسی و سقوط بغداد

وظائف اصلی یک مسلمان درزمان غیبت حضرت بقیه ا...وشرائط حساس کنونی کدامست؟(لطفاً بصورت خلاصه وتیتروار اشاره فرمائید)

پرسش

وظائف اصلی یک مسلمان درزمان غیبت حضرت بقیه ا...وشرائط حساس کنونی کدامست؟(لطفاً بصورت خلاصه وتیتروار اشاره فرمائید)

پاسخ

درخصوص سؤال شما هرچند کتب مختلف ـ ازقبیل مکیال المکارم ونجم الثاقب ـ آمده اما شاید بتوان آن را به دو صورت کلی تقسیم کرد : الف : حقوق عامه ـ یعنی حقوقی به لحاظ امامت آن بزرگوار باید رعایت شود واز این رو آن حضرت با امامان دیگر دراین حقوق مساوی بوده وهمهٔ معصومین"علیهم السلام "درزمان خود ازآن برخوردارند : ۱. معرفت نسبت به مقام والای حضرت ولی عصر"ارواحنافداه "۲. نصیحت، یعنی خیرخواهی کردن مثل دعوت به سوی او ۳. اطاعت خالص ودربست ۴. اقتداء وپیروی نمودن ازآن بزرگوار ۵. حفظ موقعیت آن حضرت که درچه مقامی می باشد ۶. جلب رضای آن حضرت ۷. یاد آن حضرت ۸. دلبستگی وتعلق قلب اینها حقوق مستقیم آن حضرت بود. ب : نوع دیگری از حقوق است که به طور غیر مستقیم وبا واسطه است : ۱. حقوق آن حضرت دررابطه با زمان مثل شب نیمه شعبان ۲. حقوق آن حضرت دررابطه با مکان، مثل مسجد جمکران ۳.حقوق آن حضرت دررابطه با اشخاص، مثل علماء ومراجع البته باید به یک نکته مهم نیز درآخر اشاره کرد و آن این است که آگاهی وبینش به مسائل روز ومسائل سیاسی ودینی یکی از وظایف خطیر منتظران می باشد. ۱) با استفاده ازکتاب حقوق فراموش شده امام زمان"عج "آیت ا...کریمی جهری"حفظه ا"...

– وظایف یک منتظر واقعی چیست ؟ مخصوصا یک زن.

پرسش

– وظایف یک منتظر واقعی چیست ؟ مخصوصا یک زن.

پاسخ

در پاسخ بایـد گفت افرادی که از زیر بار هر نوع مسولیت اجتماعی و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی می کننـد، در مقابـل انواع فسـاد و بیـداد گری سـاکت و بی اراده انـد صـحنه های رقت انگیز فساد ودیگر ظلم و سـتم ها را تماشا می کننـد، و در مقابـل تمام این حوادث بیش از این عکس العملی نشان نمی دهنـد که می گوینـد،خـدا فرج امام زمان«عـج» را نزدیک کنـد تا جلو مفاسد را بگیرد گمان نمی کنم وجدان شـما این مطلب را باور کند و این افراد سست عنصر را در دریف افرادی قرارد دهد که برای دفاع از دین دست از زن و بچه و مال و ثروت خودشان کشیده و در میدان جهاد ، جان گرامی خویش را سپر بلا قرار داده و در این راه شربت شهادت را نوشیده اند. مهمترین وظایف مسلمانان در زمان غیبت: اولا : در اصلاح نفوس خودشان کوشش وجدیت کنند به اخلاـق نیـک آراسته شونـد به وظـایف فردی خودشان عمل نماینـد و احکام و دسـتورات قرآن را به کار ببندنـد. ثانیا : احکام و برنـامه هـای اجتمـاعی اسـلام را اسـتخراج کننـد و در بین خودشان به طور کامل اجرا سازنـد، به واسـطه اجرای برنامه های اقتصادی اسـلام مشـکلات اقتصادی خود را حل کنند و با فقر و بیکاری و تمرکز ثروتهای غیر مشـروع مبارزه نمایند، و با به کار بسـتن قوانین نورانی اسـلام جلوی ظلم و بیـداد گری را حتی المقـدور بگیرنـد، و به طور خلاـصه احکام و برنامه های سیاسـی اجتماعی اقتصادی حقوقی و عبادی اسـلام را به طور کامل در بین خودشان اجرا نماینـد ، و نتایج درخشان آن را عملا در پیش جهانیان مجسم سازند . در تحصـیل دانش و صـنایع جدیت نمایند و غفلت و سـستی و عقب افتادگی سابق شان را جبران کنند نه تنها خودشان را به کاروان علم بشـری برساننـد، بلکه از هرجهت بر جهانیان تقـدم جوینـد عملا به جهانیان بفهمانـد که احکام و قوانین نورانی اسـلام می تواند ،مشـکلاتشان راحل کنـد و سـعادت دو جهانی آنان را تضـمین نمایـد. بابه کار بسـتن قوانین و برنامه های نورانی اسـلام یک دولت نیرومند و مقتدر اسـلامی بوجود آورند و به عنوان ملت متمدن و نیرومند . مسـتقل اسلامی در صحنه گیتی ظاهر شوند . نیروی شرق و غرب را مهار کنند و مقام رهبر جهانیان را اشـغال نمایند در تقویت نیروی رفاهی و تصمیم قوای نظامی و تهیه سلاحهای جنگی تا سر حد قدرت بکوشـند. ثالثا: طرحهای و برنامه های سیاسـی اقتصادی و اجتماعی اسلام را استخراج کنند و به سمع جهانیان برسانند و ارزش و مزایای برنامه های خـدایی را برای بشـر اثبات کنند افکار جهانیان را برای پذیرفتن قوانین خدایی آماده سازند و اسـباب و مقـدمات حکومت جهـانی اسـلام و مبـارزه بـا ظلم و بیـداد گری را مهیا نماینـد . اما افرادی که حل مشـکلات را از قوانین موضوعه بشـری انتظار دارند و قوانین اجتماعی و سیاسـی اسـلام را به طور کلی نادیده گرفته اند، احکام اسلام را در مساجد و معابد محصور کرده و در بازار و اجتماعشان اثری از اسلام دیده نمی شود انواع فساد و بیدادگری را مشاهده می کنند و به جز تحقق خدا فرج امام زمان«عج» را نزدیک کند عکس العملی نشان نمی دهند . در علوم و صـنایع کاسه لِیس دیگرانند، اختلافات داخلی و پراکندگی در بینشان حکفر ماست با اجانب می سازنـد .ولی با خودشان نمی سازند. و یک زن منتظر وظیفه اش اینست که خوب شوهر داری کند و تربیت بچه و نسلی اسلامی و شاگرد امام زمان تربیت کند. وانشاء الله خداوند توفیق به همه مؤمنان بدهد. امام صادق علیه السلام » فرمود : هر کس خوش دارد در شـمار اصـحاب قائم باشد . درعصـر انتظار مظهر اخلاق نیک اسـلامی باشد ، در دینداری و تخلق به اخلاق اسـلامی و دستورات حلال و حرام بکوشد . منابع : ۱–سیمای آفتاب , دکتر حبیب الله طاهری ۲– تجسم امید و نجات , عزیز الله حیـدری ۳–سـیمای مصـلح جهان , مراد فیض ۴–ارتبـاط مصـلح جهان , مراد فیض ۵–ارتباط معنوی با حضـرت مهدی , حسـین گنجی ۶–خورشید مغرب , (فصل سیزدهم) ، محمد رضا حکیمی

نسبت به امام زمان

شناخت امام

چه اهمیتی دارد که بخواهیم حضور امام در جامعه را برای خود و دیگران ملموس تر و عینی تر سازیم ؟

پرسش

چه اهمیتی دارد که بخواهیم حضور امام در جامعه را برای خود و دیگران ملموس تر و عینی تر سازیم ؟

پاسخ

اعتقـاد مـا به حاضـر بودن امـام در جـامعه و در نتیجه اطلاع او از اعمال ما سـبب می شود که ما مواظب اعمال خود باشـیم و خود را اصـلاح کنیم و در محضـر خـدا و رسول و امـام زمان(ع) معصـیت نکنیم در تفسـیر این آیه قرآن: «و قل اعملوا فسـیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون؛ بگو هر عملی می خواهیـد انجام دهیـد پس آن را خدا و رسول و مؤمنین می بینند»۱ روایات۲ فراوانی وارد شده است که مراد از مؤمنین ائمه اطهار هسـتند و الان امام زمان در جامعه حضور دارد اگرچه ما شـخص او را نمی شناسیم و از اعمال ما مطلع می شونـد و از برخی اعمـال مـا نـاراحت شـده و از برخی اعمـال ما خوشـحال می شونـد ودعای خیر می کننـد. چه اینکه امام صـادق(ع) گـاهی به بعضـی افراد می فرمودنـد این عملی که تو فلان مکان و در فلان وقت انجام دادی باعث خوشـحالی من شـد.۳ بنـابراین، اعتقـاد به حاضـر بودن امـام در جـامعه یـک اعتقـاد مثبت و سازنـده است. پی‌نوشت‌هـا: ۱.سـوره‌ء توبه، آیه ۱۰۵. ۲.تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۶۳. ۳.عده الداعی ، ص ۱۹۳.

دعابرای شناخت امام زمان ۷یعنی چه ؟ این شناخت چگونه حاصل می شود؟ آیانشانه ای مبنی بر شناختن یا نشناختن امام عصر۷جود دارد؟

پرسش

دعـابرای شـناخت امـام زمان ۷یعنی چـه ؟ ایـن شـنـاخت چگـونه حاصـل می شـود؟ آیانشـانه ای مبنی بر شـناختن یـا نشـناختن امـام عصر۷جود دارد؟

پاسخ

این دعا در بحارالانوار, جلـد ۵۲ صفحـه‌ء ۱۴۶آمـده است که زراره ازامام صادق ۷دربارهء حضرت مهدی ۷مطالبی را بیان می کند. زرازه گفت : . مرحوم مجلسـی این حـدیث را از کتاب مرحوم صـدوق نقل می فرمایـد. عرفان و معرفت به معنای فهمیدن و ادراک همراه با تدبّر و تفکر است .(۱) این واژه گر چه به معنای مطلق فهمیدن و ادراک است , امّا متعلقی می خواهد; مثلاً شناخت خدا و پیامبر و حقّ او و حق امام . از موارد اسـتعمال دربارهء شـناخت و عرفان نسـبت به امامان : اسـتفاده می شود: مراد از شـناخت امامان , شنـاخت حقّ امامت آنان است . چنـد مورد به عنوان شاهـد ذکر می شود: من زار الحسـین ۷عارفـاً بحقّه کتب اللّه له ; ...من اتی قبر الحسین ۷عارفاً بحقّه غفرالله له ; من جاء الی هذا البیت عارفاً بحقه ; ...أُشـهد کم أنّی ... بحقّکم عارف; أُشهد کم أنّی ... مطیع لکم

عـارفٌ بحقّكم ; من مات ليلـة الجمعه عارفاً بحقّنا أعتق من النار ;من زار امير المؤمنين عارفاً بحقّه ... كتب الله ....(۲) و موارد فراوان ديگرى كه در روايات به چشم مى خورد. پس مراد از شـناخت امام , شناخت اسم و رسم و قيافه نيست , بلكه شناخت مقام امامت و اعتراف و قبول امـامت او است . در اين صورت است كه معنـاى جمله ء معلوم مى گردد. البته هر شـناختى نياز به مقـدماتى دارد. ما اگر بخواهيم مقـام امامت اميرالمؤمنين ۷يا ساير ائمه را بـدانيم , بايد اسم و رسم و مشـخصات و صـفات وخصوصـيات او را بدانيم . حضرت حجّت ۷دربـارهء نام : محمّـد و نام پـدرش : حسن ۷و كنيهء او: ابوالقـاسم مى باشـد. ايشان فرزنـد نهم از نسل امام حسـين ۷است : محمـد بـن الحسـن بن على بن محمـد بن على بن موسـى بن جعفر بن محمـد بن على بن الحسـين و امـام حسـين هم فرزند اميرالمؤمنين ۷است كه مـادرش : فـاطمهء زهرا۳دخت پيامبر۶ى باشد. پيامبر۶فرمود: . سـلمان گفت : پيـامبر۶فرمود: .(۳) (پـاورقى ۱.راغب اصـفهانى , المفردات , ص ۳۳۱ (پـاورقى ۲.معجم بحارالانـوار, مادهء عارف , ج ۹ ص ۱۹۵ (پـاورقى ۳.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۷۹

روايت هر كس بـــدون معرفت به امام زمانش بميرد مرگ او مرگ جاهلى است , آيا در زمان غيبت در مورد ولى فقيه هم صـــدق مى كند و يا مراد از اما,امام معصوم است ؟

پرسش

روايت هر كس بدون معرفت به امام زمانش بميرد مرگ او مرگ جاهلى است , آيا در زمان غيبت در مورد ولى فقيه هم صدق مى كند و يا مراد از اما,امام معصوم است ؟

پاسخ

مى توان گفت : اين است كه رايت , امـام معصوم را به طور قطع شامل مى شود, لـذا هر كس امام معصوم را معتقـد نباشـد و بميرد, مردنش مانند مردن جاهلى است , ولى از روايات استفاده مى شود كه در زمان غيبت حجت شرعى و نائب مناسب حضرت مهدى ۷ فقيه جامع الشرائط مى باشد و بر مردم حجّت است واجب است فتواها و دستورهاى او را قبول كنند و اگر قبول نكنند مانند اين است نظر امـام معصوم را قبول نكرده و آن در حـدّ شـرك به خـدا است .(۱) و كسـى كه مشـرك بميرد مردنش همان مردم زمان جاهلى است . در حديث ديگر از حضرت مهدى ۷آمده : فقها, (راويان حديث) حجت من بر شمايند و من حجت خداهستم .(۲) (پـاورقى ۱.حرّعاملى , وسائل الشيعه , ج ۱۸ ص ۹۹ (پـاورقى ۲.همان , ص ۱۰۱

با توجه به حديث" من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية "مقصود از شناخت امام زمان(ع) چيست؟

پرسش

با توجه به حديث" من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية "مقصود از شناخت امام زمان(ع) چيست؟

پاسخ

مقصود این است که معتقد باشیم امام زمان(ع) فرزند امام حسن عسکری(ع) و دوازدهمین و آخرن امام از ائمه معصوم(ع) هستند که منصب امامت را عهده دار هستند، و پس از وفات پدر بزرگوارشان تنها نماینده مستقیم بشری خدا و مظهر رحمت او روی زمین، تنها مایه امید مردم در تاریکی‌های ظلم و جور هستند و تا زمانی که فقط خدا می‌داند، از دیده عامه مردم پنهان خواهند بود و در پرده غیبت به سر خواهند برد. اگر کسی چنین اعتقاد و شناختی نسبت به حضرت مهدی(ع) نداشته باشدو با این حال مرگش فرا رسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است، امام معصوم از نظر شیعه داری مناصب و شئونی است.(۱) یکی از مناصب امام معصوم رهبریت جامعه است؛ یعنی زعامت و رهبری اجتماع مسلمانان به عهده امام است. در این اجتماع رهبر می‌خواهد، هیچ کس تردید ندارد. شیعه و سنی قبول دارند جامعه به یک زعیم و فرمانده عالی نیاز دارد. سنی می گوید: رسول اللّه (ص) بعد از خود کسی را به رهبری مشخص نفرمود، لیکن شیعه به دلایل قاطعی که داردمی گوید: این منصب پس از رسول اللّه (ص) توسط شخص پیامبر که او هم از طرف خدا مأمور بوده، به علی(ع) واگذار شده و یازده امام بعد ازعلی(ع) هم مشخصاً تعیین گردیده‌اند. منصب دیگرامام جانشینی پیغمبر در بیان دین است؛ یعنی امام مرجعیت دینی جامعه را عهده دار است. همه دستورهای اسلام از طرف خدا به پیامبر(ص) وحی شد، لیکن زمان اجازه نمی‌داد، تمام قوانین اسلام بیان شود. نیزآن چه بیان شده بود، بعضاً نیاز به توضیح و تبیین و تفسیر داشت. چنان که برای قرآن کریم تفاسیر متعدد نوشته شده است. پیامبر(ص) علی(ع) را وصی و جانشین خود تعیین کرد و او را تعلیم داد، به طریق رمزی و غیبی همان گونه که خود از طرف خدا تعلیم یافته بود، به گونه‌ای که در گفته‌اش خطا و اشتباه نباشد به مردم گفت: بعد از من در مسایل دینی هر چه می‌خواهید از علی(ع) سوال کنید و از اوصیای بعد از او سؤال کنید. خطا و اشتباه گفته آنان نیست، و ناگفته‌ای از جانب خدا نیست مگر این که آنان می‌دانند، و هر چه آنان گفتند عین واقعیت و حق است. در واقع امام کارشناس اسلام است. هر سؤال دینی از او سؤال شود و او جواب دهد، جوابش متن اسلام است و اشتباه در آن راه ندارد. امام مثل یک مجتهد نیست که گاه حرفش اشتباه دراید و تبدّل رأی پیدا کند. امام آن چه بگوید، حق و واقع است. بنابر این دین را باید از امام گرفت. کسی که می‌خواهد دین داشته باشد، باید مرجع دینی خودش را هم بشناسد و بداند دین را ازکجا بگیرد. این که انسان دین داشته باشد، ولی دینش را از مأخذی بگیرد که ضد آن است، عین جاهلیت است، مثل این است که به جای آب، سم بخوری. کسی که امام زمانش را نشناسد، قهراً دینش را هم از او اخذ نخواهد کرد، در این صورت مرگ او مرگ جاهلیت است که در زمان جاهلیت مردم در حال شرکت و بت پرستی مُردند. منصب دیگر امامت شأن ولایت امام است. این شأن اوج مفهوم امامت است؛ یعنی امام علاوه بر داشتن مقام رهبری امامت امت و مرجعیت دینی و علم لدنی به کلیات وجزئیات اسلام و مقام عصمت دارای یک روح کلی، محیط برهمه روح‌ها است. وحال معنویت کلی انسانیت است، او بر دل‌ها مسلط است و اعمال مردم بر او عرضه مس شود و بر همه مردم حاضر و ناظر است. همان گونه که عالم محضر خدا است، محضر امام هم است، البته با عنایت الهی. چنین انسان کاملی همیشه باید بین مردم باشد و هیچ وقت نبوده و نخواهد بود که زمین از یک انسان کامل که امام است خالی باشد. امام صادق(ع) فرمود": اگر در زمین بیش از دو نفر نباشد، یکی از آنان حتماً امام خواهد بود.("۱) امام رضا(ع) فرمود: "زمین بی امام نمی گردد و گر نه فرو خواهد رفت.("۲) در زیارت نامه امامان می‌خوانیم: اشهد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و ترد سلامی؛ گواهی می‌دهم که تو الان وجود مرا در این جا حس می کنی، و سخن مرا می‌شنوی و جواب سلام مرا می‌دهی.("۳) پس امام حجت خدا در زمین و واسطه فیض الهی بر مردم است و از مقام بسیار بالایی برخوردار است. امامت بااین ویژگی‌ها از چنان اهمیتی برخوردار است که بدون آن اسلام، اسلام نخواهد شد، چنان که خداوند خطاب به پیغبر می‌فرماید": آن چه بر تو نازل شده (امامت علی(ع)) را برسان و اگر نرسانی، رسالت الهی را تبلیغ نکرده‌ای(".۴) نتیجه: مرا از شناخت امام زمان(ع) این است که بدانیم حضرت مهدی(ع) دوازدهمین اختر تابناک امامت (باشئون سه گانه: رهبری، مرجعیت دینی و ولایت مطلقه) است که از

طرف خدا منصوب و به مصالحی از دیدها غایب می‌باشدو ناظر بر اعمال ما است. در واقع ما از او غایبیم، نه او از ما؛ ما هستیم که شایستگی دیدارش را نداریم و گر نه او حاظر و ناظر است و ولایت کلیه دارد. و در واقع اضطرار فریاد رس شیعیان است. این که در زیارت نامه‌ها آمده":عرفاً بحقک "یعنی به حق ولایت عارف باشیم و از ما به ما نزدیک‌تر است واز ما در به ما مهربان‌تر، چرا که عشق مادر غریزی است، ولی عشق آقا الهی و آسمانی است. او واسطه فیض الهی است و می‌خواهد آلودگی‌های نشسته بر بال روحمان را بزداید، و به اوج آسمان‌ها و کنکره عرش الهی پرواز دهد. او روزی که خدا می‌داند، ظهور خواهد کرد و سراسر زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود. بارالها! همه ما را از منتظران واقعی و یاوران حقیقی حضرت قرار ده. پی نوشت‌ها: ۱ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان به نقل از اصول کافی. ج ۱، ص ۳۳۴ و ۳۳۵. ۲ - همان. ۳ - مفاتیح الجنان، ص ۸۳۳ و ۸۷۵. ۴ - مائده(۵) آیه ۶۷.

راه‌های آشنایی کودکان و نوجوانان و آشنا ساختن آنان با امام زمان(ع) چیست؟

پرسش

راه‌های آشنایی کودکان و نوجوانان و آشنا ساختن آنان با امام زمان(ع) چیست؟

پاسخ

درخصوص آشنایی کودکان با فرهنگ مهدویت و امام زمان(ع) می‌توان از عواملی که در روان‌شناسی تربیتی از آن سخن به میان آمده، استفاده کرد. البته با توجه به این نکته که مخاطبان ما در این مورد کودکان و نوجوانان هستند، از این رو شیوه‌های مورد استفاده باید متناسب با ظرفیت، قابلیت فهم و پذیرش کودکان و نوجوانان باشد. این برنامه‌ها به صورت برنامه ریزی شده توسط مسئولان نظام اسلامی، در سطح مدرسه و اجتماع و به صورت خود جوش و از سر ایمان و اعتقاد در سطح خانواده باید به اجرا در آیند.(۱) أ: محیط خانه (خانواده) بی تردید نقش والدین و خانواده در تربیت کودکان و نوجوانان نقش بنیادی و مهمی است، زیرا کودکان آینه تمام نمای اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، ایمان و تربیت والدین و بزرگ‌ترهای خانواده هستند و براساس نظام فکری و عملی خانواده تربیت می‌شوند. آن‌ها با آن چه در محیط خانواده می‌گذرد، انس پیدا می‌کنند و همین زمینه گرایش‌های آنان را فراهم می‌کند. مقید بودن والدین به انجام آداب دینی و مشاهده محبت و علاقه آنان به اهل بیت و به ویژه مهدی موعود، موجب می‌شود که کودکان با این نوع اندیشه مأنوس شوند. به مرور زمان با رشد محبت و علایق درونی، زمینه‌های اعتقاد قلبی و عقلی نیز در آنان پدید آید. در نتیجه والدین بتوانند با رفتار و گفتار خود، فرهنگ انتظار و محبت به اهل بیت را انتقال دهند. بر این اساس یکی از شیوه‌های مهم نهادینه نمودن اندیشه مهدویت، رفتار والدین است، که تأثیر آن بسیار فراتر از گفتار است. ب): مدرسه و اجتماع پس از محیط خانه، محیط مدرسه و اجتماع نیز در شکل‌گیری شخصیت کودکان و باورهای آنان نقش مهمی دارد. مسئولان و نهادهای ذی‌ربط مانند آموزش و پرورشی آموزش عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مراکز تربیتی، مؤسسات فرهنگی، مساجد، حسینیه‌ها و... همگی باید تلاش کنند ضمن آماده‌سازی اذهان عموم مردم درباره مهدی موعود، مفهوم انتظار را مفهومی ضروری و ارزشی قرار دهند و این تنها با یک برنامه ریزی منظم و حساب شده قابل دسترسی و پیگیری است. امروزه دنیای غرب با توجه به خطری که از اشاعه این مفهوم و قدرت سازندگی آن در نسل‌های جوان و نوجوان احساس می‌کند، تلاش

می‌نماید به شیوه‌های مختلف چهره مهدی موعود و وضعیت آخرالزمان را مخدوش و نگران کننده ارائه دهد. در اکثر فیلم‌هایی که با این هدف (یعنی لوث کردن اندیشه مهدویت و تخریب آن) ساخته شده، منجی فردی جنایت پیشه، جنگ افروز و مسلح به انواع سلاح‌های عجیب و غریب نشان داده می‌شود که دنیا را زیرورو کرده و ملت‌ها را در آستانه یک فاجعه فراگیر انسانی قرار می‌دهد. این نوع تبلیغات منفی که جراید و مجلات و پرده سینماها تا بازی‌های کامپیوتری را اشغال کرده، درصدد نابود ساختن فرهنگ مهدویت و تخطئه باور به آن است. در نتیجه، در روزگار ما ضرورت آشناسازی اقشار مختلف جامعه با فرهنگ مهدویت، بیش از پیش احساس شده و وظیفه‌ای است که در پاسداری از این میراث الهی به عهده نظام اسلامی، نهادهای مسئول و خانواده‌ها نهاده شده است. در این میان، آشنا سازی کودکان و نوجوانان با این فرهنگ و اندیشه حائز اهمیت است. این آشنایی در عرصه خانه، مدرسه و اجتماع می‌تواند از راه‌ها و روش‌های گوناگونی حاصل شود که به اختصار به توضیح بعضی آن‌ها بسنده می‌کنیم: ۱. الگو سازی یکی از شیوه‌های کاربردی آموزش و تربیت، الگودهی است، زیرا الگو گرایی و قهرمان سازی از ویژگی‌های همه انسان‌ها است. این خصیصه درکودکان و جوانان بسیار قوی و پر رنگ می‌باشد، از این رو کودکان و نوجوانان در پی الگوها بوده و از رفتار و گفتار آنان پیروی می‌کنند. اگر مربیان و مسئولان امر تربیت بتوانند در الگو دهی موفق شوند به اهداف تعلیم و تربیت در این باره دست یافته‌اند. برای آشنایی کودکان با اندیشه مهدویت، باید هم امام زمان(ع) را معرفی نمود و هم به ترسیم سیمای حکومت آرمانی او پرداخت. بهتر است سیمای حکومت امام زمان(ع) در قالب داستان، شعر و تصویر بیان شود و به کودکان فهمانده شود در حکومت جهانی حضرت، عدالت و امنیت به گونه‌ای برقرار می‌گردد که گویا گرگ در کنار گوسفند زندگی می‌کند. از سوی دیگر درحکومت حضرت، ظلم و ستم از بین رفته و انسان‌های فقیر و مستضعف وجود ندارند؛ مضافاً بر این که علم و صنعت پیشرفت نموده و رهبر حکومت ،کودکان را دوست می‌دارد. او با خوشحالی مردم، خوشحال و با ناراحتی اینان ناراحت می‌شود. در معرفی حکومت امام زمان(ع) باید از بیان قیام و جنگ‌های حضرت با مخالفان به طور مشروح پرهیز شود، زیرا کودکان قدرت تحلیل این گونه مطالب را ندارند و تفکر خشونت و جنگ در ضمیر ناخودآگاه آنان تأثیرات نامطلوبی می‌گذارد. البته با کنایه و غیر مستقیم و با نهایت ظرافت و دقت می‌توان از ستمکاری حکومت‌های پیش از ظهور امام زمان(ع) سخن گفت تا کودکان با مقایسه اجمالی حکومت امام با حکومت‌های پیش از ظهور، جذب حکومت حضرت شوند. ۲. تعظیم و تکریم تعظیم و تکریم اهل بیت(ع) به ویژه امام زمان(عج) از روش‌های دیگر است. احترام گذاردن به خاندان پیامبر (مثلاً نام ائمه را با احترام یاد کردن؛ همراه اسم شان سلام و صلوات فرستادن؛ به احترام امام زمان(ع) برخاستن؛ روز میلاد ائمه و به خصوص نیمه شعبان را جشن گرفتن و پخش شکلات و شیرینی و امور جذاب کودکان سبب می‌شود که کودکان در درون خود نسبت به این خاندان احساس حرمت و بزرگی کنند. بردن کودکان به زیارتگاه‌های اهل بیت مانند بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س)، مسجد جمکران و... در شکل گیری باور آنان به اهل بیت بسیار تأثیر گذار است. ۳. بیان فضایل و فرهنگ اهل بیت(ع) یکی از راهکارهای کاربردی آشنایی کودکان با اندیشه مهدویت بیان و شناساندن فضایل و فرهنگ اهل بیت به ویژه امام زمان(ع) است. چاپ و انتشار کتب مخصوص کودکان و نوجوانان، اختصاص بخشی از کتاب‌های درسی به اهل بیت و فرهنگ مهدویت، سبب می‌شود کودکان و نوجوانان از همان آغاز با برخی از مفاهیم مهدویت آشنا گردد. از سوی دیگر، صدا و سیما و مطبوعات و... می‌توانند ابعاد زندگانی امام را در قالب داستان، شعر و نمایش و مسابقات مخصوص کودکان آموزش دهند. اگر معارف اهل بیت(ع) به درستی آموزش داده شود، همگان جذب آنان می‌گردند، زیرا معارف آنها با فطرت انسان همسویی کامل دارد. در حدیثی آمده است":ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتّبعونا؛(۲) اگر مردم خوبی‌های سخنان و تعالیم ما را بشناسند، از ما پیروی می‌کنند. "۴. برگزاری و شرکت در مجالس مذهبی یکی از راهکارهای مهم دیگر برگزاری مجالس مذهبی و شرکت دادن کودکان در آن‌ها است. همراه بردن کودکان در مراسم جشن ولادت امام زمان(ع) و دیگرمناسبت‌های مذهبی که مورد علاقه کودکان است، برای پرورش

عواطف دینی کودکان بسیار مفید است. البته باید دقت کرد که شرکت در این گونه مجالس فراتر از طاقت و حوصله آنان نباشد.(۳) شرکت دادن کودکان در اردوهایی که با نام و یاد امام زمان(ع) برگزار می‌شود نیز یکی از شیوه‌های مفید در تقویت اندیشه مهدویت خواهد بود. ۵. تشویق و ترغیب یکی از شیوه‌های مهم تربیتی استفاده از تشویق است. تشویق وسیله‌ای برای ایجاد شوق و انگیزه و رغبت به کارهای نیک است. اگر کودکان بعد از انجام کاری شایسته مورد تشویق قرار گیرند، شیرینی تشویق در خاطره آن‌ها باقی می‌ماند و انگیزه‌شان در تکرار آن عمل قوی‌تر می‌شود. مثلاً ـ زمانی که کودک در جشن میلاد امام زمان(ع) شرکت کرد یا در مسابقه‌ای درباره اندیشه مهدویت برنده شد، باید مورد تشویق قرار گیرد. تشویق روح او را تقویت کرده و احساس رضایت و خشنودی از انجام کار در او به وجود می‌آید. همین احساس خشنودی، کودک را به تکرار آن دعوت می‌کند. ۶. شبهه زدایی متأسفانه امروزه برخی به القای شبهه پرداخته و باورهای دینی همگان و به تبع کودکان را تضعیف می‌کنند. علاوه بر ساخت فیلم‌ها و تبلیغات نظام یافته دنیای غرب که ذکر آن گذشت، در داخل کشور نیز افراط و تفریطهای در تعریف و تفسیر اندیشه مهدویت صورت می‌گیرد که موجب تضعیف باور مهدویت می‌شود. کودکان که تجربه و دانش نداشته و احساسات آنها بر اندیشه و عقل حکومت می‌کند، زودتر تحت تأثیر این نوع آسیب‌ها قرار می‌گیرند. بر این اساس یکی از شیوه‌های مفید تقویت و حفظ اندیشه مهدویت، شبهه زدایی است. البته شبهه زدایی باید با میزان معلومات، احساسات و عواطف کودکان همسویی داشته باشد؛ زیرا شبهه زدایی برای کودکان با شبهه زدایی برای دیگر اقشار جامعه تفاوت دارد. پی‌نوشت‌ها: ۱ – محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج۲، ص ۱۵۷ – ۱۵۸ ۲ – بحارالانوار ج ۲، ص ۳۱. ۳ – محمد علی سادات، همان، ص ۱۶۲.

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پرسش

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پاسخ

منتظر واقعی کسی است که خود را از هر جهت آمادهٔ ظهور حضرت نماید. و باطل را از هر جهت از خود دور کند. شرط لازم برای این امر دینداری و دیانت پیشگی است. فرد منتظر می بایست کاملاً ـ بر اعمالش مراقبت و مواظبت نماید و از هر گونه سستی و انحراف دوری گزینهٔ امام صادق(ع) فرمود": هر که خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و با ورع باشد.("۱) امّا در مورد درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) می گوییم: ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهدهٔ حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد. ارتباط غیر مستقیم، مقدمهٔ لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می‌توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است. فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی.(۱) از تدبّر و تأمل در آیهٔ فوق شاید بتوان تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار" دلدار "حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی" محبوب "چه باید همراه داشت؟ مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی(۲) با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات

معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه‌گر است. پیام خدا را در آن‌جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی. به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیرهٔ قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن.(۳) شما که درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارید. این امر شدنی و ممکن است. اما شرایط و شایستگی ویژه ای می طلبد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟ ۱ـ بازگشت به حق برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است ضروری ترین و بدیهی ترین شرط، بازگشت به" حق تعالی "است": فاخلع نعلیک "کفش های دل بستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قید و بند و رنگی شو. فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدیم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاک بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید. پس گام اوّل بازگشت به خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینهٔ خروج عملی از غفلت را فراهم سازد. چون عزم بر توبه کردید، غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سورهٔ ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه" استغفرالله ربّی و اتوب الیه "بگویید، سپس" لا حول و لا قوّة إلّا بالله العلی العظیم "و در پایان بگویید": یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الذنوب إلّا أنت.("۴) ۲ـ تقویت معرفت: آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟ کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی‌هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اوّلاـ توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد.(۵) برخی تا نُه مرتبه برای آن شمرده‌اند، و عشق را در مرتبهٔ چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود. تا علاقه و محبت به امام زمان(عج) به مرحلهٔ عشق و ارادت نرسد، دیدار آن یار حاضر وغایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید: نشوی واقف یک نقطه ز اسرار وجود تا نه سرگشته شوی دایرهٔ امکان را شهید مطهری(ره) در توضیح می فرماید": ای سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی.("۶) ۳ـ عشق به خدا و تبعیت از امام زمان(عج): اثر طبیعی محبّت آن است که" محبّ "را با" محبوب "پیوندی می دهد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد. آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عج) می زنند، باید صداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهند. در کتاب معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده" :ما احبّ الله من عصاه کسی که گناه و نافرمانی خدا می کند، خدا را دوست ندارد. "دوستی و محبت در عمل ظهور می کند. سپس فرمود": چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند.("۷) قرآن کریم می‌فرماید ": قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...؛ پیامبر! بگو (به مردم) اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد. "بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد. کسی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن

عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند. ۴- تقویت ارتباط قلبی و عاطفی می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود: از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم، نایب الزیارهٔ آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همهٔ ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن. ۵- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرّف شدند. مطالعهٔ زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می‌دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند. پی نوشت ها: ۱. بحارالانوار، ح ۵۲، ص ۱۲۸. ۲. طه (۲۰) آیهٔ ۱۲. ۳. قصص (۲۸) آیهٔ ۳۰. ۴. تفسیر المیزان (مترجم)، ج ۱۴، ص ۱۹۱. ۵. میرزا جواد ملکی تبریزی، رسالهٔ لقاء الله، ص ۶۳. ۶. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۹۳؛ تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۰۳. ۷. عرفان حافظ، تماشاگر راز، ص ۱۴۳. ۸. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۶.

معرفت و شناخت امام زمان در چه صورت تحقق پیدا می کند؟

پرسش

معرفت و شناخت امام زمان در چه صورت تحقق پیدا می کند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید، مطالب بسیار زیادی می توان بیان کرد، لکن ما به کلیّات اشاره می کنیم تا انشاءا... برای شما راهگشا بوده، تا هم بتوانید بهتر عمل نمایید و هم راهی باشد برای تفکّر و تحقیق و شوق بیشتر شما دوست عزیز. در مورد معرفت امام زمان(در ابتدا باید عرض شود که دو ویژگی مهم که هر انسانی باید نسبت به امام زمانش داشته باشد، عبارتند از : ۱.شناخت و معرفت ۲. عشق و محبت همچنین باید به این نکته مهم توجه داشت که این دو، رابطه ای عمیق با هم دارند، هم شناخت و معرفت باعث ازدیاد عشق و محبت می‌شود و هم عشق و محبت باعث ازدیاد شناخت و معرفت و باعث توفیق بیشتر در کسب معرفت می شود ـ لذا در هر دو مورد کمی توضیح داده می شود ـ در سلسله مراتب محبت، ابتدا انسان ، عاشق او می شود برای رسیدن به لقائش، و سپس این محبت و عشق اوج می گیرد. عاشق به مرحله ای می رسد که او را می خواهد فقط به خاطر او، و وجود مقدّس او. در سلسله مراتب معرفت، نیز انسان، امام را به ظلم ستیزی، عدالت گستری، آبادسازی، دانش گستری می شناسد، او را گسترش دهنده معرفت و عبودیت حق می داند، او را در بالاترین مراتب قرب حق و او را تجلی رحمت بی کران حق می داند و می شناسد. افزون سازی معرفت نیز به دو چیز است : ۱.ادلّه حقانیّت و مقام های والای آن بزرگوار بررسی شود. ۲. دلمان را برای پذیرش معرفت بیشتر حضرت (آماده سازیم. مقامهای او عبارتند از : ۱. مقام تفسیر و تبیین قرآن ۲. مقام ولایت و حاکمیت ۳. مقام قضا ۴. مقام تزکیه و تربیت راههای افزون سازی محبت نیز دو چیز است : ۱.ظاهر ساختن آثار محبت در عمل مثل صدقه دادن و دعا برای فرج ۲. احترام به آثار منسوب به حضرت (، مثل لباس روحانی در روایات و کتابهای روایی راه وصول به اوج محبت و معرفت نیز

دو چیز است : ۱.پالایش محبت و معرفت ۲. ورود به تجلی گاه محبت و معرفت امام(تمام صفات خداوند را به طور محدود در حدّ و درک ما مجسم می کند، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم" : مَنْ أراد ا... بَدَءَ بِکُم "هر کس که خداشناسی را اراده کند، از شما آغاز می کند. در دعای عدیله می خوانیم" بیمنه رزق الوری و بوجوده ثَبَتَتْ الارضُ والسماءُ "یعنی روزی و آرامش و همه چیز به خاطر او و به برکت وجود مقدس اوست ـ او باب ا... است، کلید در خانه خداست، همه کاره عالم است، این مسائل و بسیاری از معارف دیگر را می توان در ادعیّه پیدا کرد. برای توضیح بیشتر، می توانید به کتاب آفتاب ولایت نوشته آیت ا...مصباح یزدی"حفظها ("...که خیلی از این مطالب از آن کتاب استفاده شده است) و همچنین به فصلنامه های انتظار که بسیار عالی می باشد، مراجعه بفرمایید. خداوند متعال همه ما را از عاشقان و اصل و عارفان کامل آن بزرگوار قرار بدهد انشاءا... تعالی.

"هر کس امام زمان خویش (رهبر) را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است با استناد به این حدیث ما چگونه می‌توانیم رهبر خود را بشناسیم و در صورت امکان دربارهٔ رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی خامنه‌ای توضیحاتی بنویسید.

پرسش

"هر کس امام زمان خویش (رهبر) را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است با استناد به این حدیث ما چگونه می‌توانیم رهبر خود را بشناسیم و در صورت امکان دربارهٔ رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی خامنه‌ای توضیحاتی بنویسید.

پاسخ

امام علی‌می‌فرماید": ان الحق لایعرف بالرجال اعرف الحق تعرف اهله حق به واسطه مردم شناخته نمی‌شود، حق را بشناس اهل حق را خواهی شناخت .(میزان الحکمه ری شهری ج ۱، ص ۶۵۸، دارالحدیث) شناخت حق و باطل همان شناخت واقعیت‌ها از پندارهاست برای تمیز دادن واقعیت‌ها از پندارها، باید سراغ نشانه رفت برخی از نشانه‌ها عبارت است از: ۱. حق همیشه مفید و سودمند است (ر.ک رعد، ۱۷.) ۲. حق همیشه به نفس متکی است اما باطل از آبروی حق مدد می گیرد. ۳. حق معیار و ضابطه دارد. ۴. مبارزه حق با باطل همیشگی است و... اینک شایسته است به این اصل اساسی اشاره کنیم که به دلایل نقلی و عقلی مقام نبوت و امامت و ولایت فقیه یک مقام الهی است رهبر معظم انقلاب ـ مدظله‌العالی ـ که در جایگاه ولایت‌امر امت اسلامی قرار دارند ـ به عنوان یک فرد مطرح نیستند ;بلکه به عنوان یک منصب الهی در این مقام جای دارند ;عقل و نقل می گویند: در زمان غیبت آقا امام زمانغ که ما دسترسی به آن حضرت نداریم و از طرفی هم دین خدا تعطیل بردار نیست وجود حاکمانی که رضایت خداوند را در حکومت دینی احراز کنند و نزدیک‌ترین افراد به امام معصوم باشند، ضرورت دارد. امام حسین‌می‌فرماید": ما الامام الا الحاکم بالکتاب القائم بالقسط، الدائن بدین الحق الحابسن نفسه علی ذات الله ;پیشوا و امام نیست مگر آن کسی که حکومتش بر پایه قرآن باشد، قسط را بر پای دارد، به دین حق پای بند باشد و خود را وقف راه خدا کند.("بحارالانوار، مجلسی ، ج ۴۴، ص ۳۳۴، ح ۲.) امام علی‌می‌فرماید": ای مردم شایسته‌ترین فرد به حکومت و ولایت کسی است که بر آن تواناتر باشد و نسبت به فرمان خدا در امر حکومت داناتر باشد.("نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۲۴۷، خ ۱۷۲، انتشارات فیض الاسلام) سه شرط دین شناس‌تر، پارساتر و تواناتر بر اداره جامعه اصلح را عقل نیز تأیید می کند. پس حقانیت ولی فقیه ـ که امروز مصداق آن مقام معظم رهبری ـ مدظله‌العالی ـ هستند، مانند امام معصوم و پیامبر: با دلایل قرآنی و به حکم عقل ثابت است بنابراین این موضوع پشتوانهٔ شرعی و عقلی دارد و هر حاکمی که چنین پشتوانه‌ای نداشته باشد، دور از حق و جزء طاغوت است وقتی ولی فقیه مشروعیت عقلی و شرعی دارد و فردی

www.noorfatemah.org

است که واسطهٔ اجرای احکام الهی در حکومت دینی است بر مردم واجب می‌شود، از او اطاعت نمایند و این اطاعت بر اساس شناخت و محبت است زیرا حکومت ولی فقیه حکومت فرد بر مردم نیست بلکه حکومت خدا بر مردم است لذا با آگاهی تمام و با عشق و علاقه او را می‌خواهند ;چون می‌دانند او حجت خداست و در واقع مردم از خدا اطاعت می کنند. خلاصهٔ سخن آن‌که ولی فقیه و آن‌که رهبری‌اش حجت شرعی داشته و قاطبه امت‌اسلامی به انجام دادن دستورات او موظف می‌باشند، باید دارای صفاتی باشد که بارزترین آن صفات توان استنباط احکام برخورداری از هوش سرشار، بهره‌مند بودن از تقوای الهی در حد اعلی مدیر، مدبر، عالم به زمان مخالف هوای نفس و اطاعت از امر مولا و... می‌باشد. به اقرار دوست و دشمن مقام معظم رهبری- مدظله‌العالی - از این ویژگی‌ها در حد کمال برخوردارند" ;اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَه (انعام ۱۲۴) خدا خوب می‌داند رسالت رهبری و امامتش را کجا قرار دهد.("ر.ک نظام رهبری و آئین رهروی در اسلام عزت الله دهقان ص ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۵۰، سازمان تبلیغات اسلامی / حکومت اسلامی و ولایت فقیه استاد محمد تقی مصباح ص ۱۵۰-۱۶۶.)

راههای شناخت و انس با امام زمان (ع) چیست

پرسش

راههای شناخت و انس با امام زمان (ع) چیست

پاسخ

در رابطه با دوستی و انس با امام زمان مهمترین چیز آن است که وظایف خودرا در برابر آن حضرت بشناسیم و به آن جامه عمل بپوشانیم در این صورت است که آن حضرت نیز دوستدار ما خواهند بود و لطف و عنایت افزون تری نسبت به ما خواهند داشت. آن‌چه بیش از همه آن وجود شریف و مقدس از ما انتظار دارند این است که در همه امور رضای حق تعالی را در نظر بگیریم و کوچک ترین قدمی برخلاف فرامین قرآن و اسلام برنداریم. از طرف دیگر خود را همواره سرباز فداکار آن حضرت بدانیم و در همه جا برای حفظ دین و آرمان مقدس آن حضرت تلاش و جانفشانی کنیم و در حد توان محیط خانه مدرسه، دانشگاه، اداره و... را به فضایی دینی و معنوی تبدیل نموده و کشور درون نفس و جامعه برون را مرکز حاکمیت تقوا کنیم. دعا برای فرج آن حضرت و آماده سازی خود و جامعه در این راستا نیز از وظایف است. خواندن دعاهایی مثل دعای عهد، زیارت آل یاسین و ... نیز خوب است.

چطور می توانم با امام زمانم بیشتر آشنا بشوم نه آشنایی که سطحی باشد طوری که بشود به این حدیث پیامبر که فرموده اند هر کس امام زمان خود را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است رسید یعنی از جاهلیت خارج شد اصلا آیا واقعا می شود روزی امام زمان(عج) را زیارت نما

پرسش

چطور می توانم با امام زمانم بیشتر آشنا بشوم نه آشنایی که سطحی باشد طوری که بشود به این حدیث پیامبر که فرموده اند هر

کس امام زمان خود را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است رسید یعنی از جاهلیت خارج شد اصلا آیا واقعا می شود روزی امام زمان(عج) را زیارت نمایم لطفا در این زمینه راهنماییهای اساسی و مؤثر را به من بنمایید.

پاسخ

درک دقیق معنای انتظار مبتنی بر فهم جامع اندیشه مهدویت است واندیشه مهدویت را باید با توجه به مجموعه معارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام دید. بنا بر آموزه‌های دینی، مهدی(عج) روزی ظهور کرده و وعده‌های الهی را به اجرا درمی‌آورد او برپا کننده حکومت صالحان می‌باشد و مؤمنان به میزان ایمان وعمل صالحشان در حکومت مهدی(عج) قرب و منزلت دارند. این اندیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگی انسان تصویر میکندو عامل شعله‌ور شدن امید در دل‌های مؤمنین است. امید به ظهور مهدی(عج) همان امید به خداست. امید موتور حرکت انسان در زندگی است و امید به مهدی(عج) عامل حرکت استوارتر انسان در مسیر خوبی‌ها یعنی همان هدف اصلی دین می‌باشد. مقصود از انتظار فرج، امید و دلبستگی به مهدی(عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری، انتظاری سازنده و نگه‌دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است. به گونه‌ای که خود نوعی عبادت و حق‌پرستی است. بنابراین انتظار و عشق به مهدی؛ یعنی، عشق به همه خوبی‌ها و امید اقامه همه خوبی‌ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان را وامی‌دارد تا هر چه بیشتر و محکم‌تر در راه خوبی‌ها قدم بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت‌آفرین است. بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد. منابع زیر بسیار مفید است: ۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساساً به معنای انتظار پرداخته است). ۲- امامت و مهدویت، آیت الله صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه‌ای از بحث‌ها پیرامون امام مهدی(عج) پرداخته و خصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۹۸ - ۳۵۱). وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتاً منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتماً خانه را تمیز و مرتب می‌کند، وسایل پذیرایی را آماده می‌کند و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظار میهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه‌گویی او خواهند خندید. لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می‌شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید». با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را در راه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به نکات ذکر شده می‌توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند اما کسانی

که او را می‌شناسند و ارزش او را می‌شناسند و مقام او را می‌دانند منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان را نمی‌شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است»، (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حای که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسی نیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او را بشناسد نمی‌تواند واقعاً منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید. محبت به امام زمان وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجراً الا المودهٔ فی القربی»، (شوری، ۳ .(۲۳..... ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌ده.....که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و با ارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس «تعاونوا علی البر و التقوی» به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظر آن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل‌های مختلف؛ اگر انسان منتظر محبوب خویش را نیابد سعی می‌کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی‌شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان

بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می‌کند. ۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب‌هایی برای آن حضرت ۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه‌افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران. ۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران ۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدنّ احدکم لخروج القائم و لو سهماً؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج) باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می‌باشد.

راه شناخت و نزدیکی به امام زمان(عج) چیست؟

پرسش

راه شناخت و نزدیکی به امام زمان(عج) چیست؟

پاسخ

امام رضا(ع) از پدرانش نقل نموده که علی(ع) فرمود: برادرم رسول خدا(ص) به من فرمود: هر آن کس دوست دارد خدای عزّ و جلّ را ملاقات کند، در حالی که به او روی نموده و از او اعراض نکرده باشد، باید که ولایت علی(ع) را دارا باشد؛ و هر کس مایل است خداوند را ملاقات نماید در حالی که از او راضی باشد، فرزندت حسن را دوست بدارد؛ و هر کس می‌خواهد خداوند را ملاقات کند در حالی که بر او ترسی نباشد، دوستدار فرزندت حسین گردد؛ و هر آن که مایل است در حالی خداوند را ملاقات نماید که گناهانش آمرزیده شده باشد، دوستدار علی بن الحسین سجّاد گردد؛ و هر کس دوست می‌دارد که خدای تعالی را با روشنی چشم ملاقات کند، دوستدار محمد بن علی باقر باشد؛ و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که پرونده او را به دست راستش دهند، دوستدار جعفر بن‌محمد صادق باشد؛ و هر کس دوست دارد می‌دارد خدای تعالی را پاک و پاکیزه ملاقات نماید، دوستدار موسی کاظم باشد؛ و هر کس دوست می‌دارد خداوند را خندان و شادمان ملاقات کند، علیّ بن موسی الرّضا را دوست بدارد؛ و هر کس دوست دارد خدای را ملاقات کند در حالی که درجاتش بالا رفته و سیّئاتش به حسنات تبدیل گشته باشد، محمد جواد را همی دوست دارد؛ و هر کس دوست می‌دارد که خداوند را ملاقات کند و از او به آسانی حساب کشد، علیّ هادی را دوستدار باشد؛ و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که از رستگاران باشد، دوستدار حسن عسگری شود؛ و هر کس دوست می‌دارد خدای را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، ولای حجّت صاحب‌الزّمان منتظر را پیشه کند. اینان چراغ‌های تاریکی، و امامان هدایت، و نشانه‌های تقوی می‌باشند. هر آن که آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود، برای او از خداوند تعالی ضمانت بهشت کنم»بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶. (. مراد از تولّی هر یک از امامان(ع) اظهار محبّت قلبی همراه با اعمال بدنی و کارهای پسندیده است، زیرا که ولایت قلبی نسبت به تمامی آن‌ها واجب است،

و اظهـار محبت نسبت به هر یـک از ایشـان، اثر به خصوصـی دارد که در این حـدیث بیان گردیـده است. بـدون تردیـد دعا در حق مولایمان صاحب الزمان(ع) و خواسـتن فرج و ظهور آن جناب از درگاه خداوند، اظهار محبّتی است که در دل‌ها نهفته، پس این اثر بر آن مترتّب می‌گردد. امّـا ریشه محبّت و دلـدادگی به امـام در معرفت ایشـان نهفته است، هر چه معرفت خـالص‌تر و عمیق‌تر باشـد محبّت حاصـله نیز شدیـدتر و قوی‌تر خواهـد بود. برای معرفت امام هم دلیل عقلی هست و هم دلیل نقلی؛ دلیل عقلی: علت‌هایی که برای ضـرورت وجود پیـامبر ذکر شـده، همـان علّت‌ها برای ضـرورت وجود جانشـین و وصـی پیامبر نیز صادق است، تا مردم بعـد از پیامبر، به جانشـین او درشـئون مختلف زنـدگی خود مراجعه کنند (همان گونه که به پیامبر مراجعه می‌کردند) پس بر خداوند متعال واجب است که او را نصب نمایـد و بر مردم نیز واجب است آن امـام را بشناسـند، زیرا پیروی کردن بـدون معرفت و شـناخت امکان ندارد. دلیل نقلی: روایات بسیاری درباره لزوم شناخت امامان در حدّ تواتر، رسیده است. از جمله امام صادق(ع) درباره آیه مبارکه: و لله الاسماء الحُسنی فادعوهُ بها (اعراف، آیه‌ی ۱۸۰: و برای خداوند نام‌های نیکی است، خدا را با آن بخوانید). فرمود: به خدا قسـم ما آن اسـماء حُسناای هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد، مگر با شناخت و معرفت ما(). یکی از راه‌های شناصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۹. اخت امـام «درخواست معرفت امـام عصـر از خداونـد عزّ و جل» است. دعاهای مختلفی از معصومین رسـیده است. از جمله بعد از نماز صـبح، توصیه شده، دعای عهد را بخوانید و شامگاهان زیارت «آل یس» را به صورت مداوم قرائت کنید، روزهای جمعه و در اعیاد اسـلامی دعای ندبه را و... بعد از فرایض دعای: اللهم عرّفنی نفسک فانّک ان لم تعرّفنی نفسک لم أعرف نبیّـک، اللهمّ عرّفنی رَسولـک، فانّـک انْ لَمْ تُعرفنی رسولـک لم اعرف حجتـک، اللهم عرّفنی حجّتک، فانّک انْ لم تُعرفنی حجّتک ضَللتُ عن دینی (اصول کـافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و مفاتیـح الجنان). را به صورت مـداوم قرائت کنید. همزمان دل را از علایق و شوایق دیگر بشوئیـد، دل که از محبّت غیر شسـته شـد خود به خود محبّت اولیای الهی از آن جریان بایـد، آن گاه که محبّت لبریز شـد، هر روز به محبـوب خـود راغب‌تر و جـاذب‌تر شود تـا آنجـا که واله و شـیدایش گردد و مجنون‌وار، در فراغش سـر از پـا نشـناسد. برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: ۱. خورشید مغرب، علامه محمد رضا حکیمی ۲. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۱ و ۲، سید محمد تقی موسوی اصفهانی

آیا غیبت امام(علیه السـلام) دلیل و عذر بر عدم شناخت آن حضرت می تواند باشد ? نظر به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتهٔ جاهلیهٔ» مردم چگونه می توانند امامی که غایب است را بشناسند در حالی که با دلیل فطری، حضور امام در جامعه لازم و واجب است؟

پرسش

آیا غیبت امام(علیه السـلام) دلیل و عذر بر عدم شناخت آن حضرت می تواند باشد ? نظر به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتهٔ جاهلیهٔ» مردم چگونه می توانند امامی که غایب است را بشناسـند در حالی که با دلیل فطری، حضور امام در جامعه لازم و واجب است؟

پاسخ

نظر به حـدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتهٔ الجاهلیهٔ» مردم چگونه می توانند امامی که غایب است را بشناسـند در حالی که بـا دلیـل فطری، حضور امـام در جامعه لازم و واجب است؟ در پاسـخ به این سؤال ذکر نکاتی لازم است: ۱- غائب بودن امام به معنی عـدم حضور او در میـان مردم و جامعه نیست بلکه به این معنی است که او را مشاهـده می‌کننـد ولی نمی‌شناسـند. نظیر این که

برادران حضرت یوسف او را مشاهده می‌کردند ولی نشناختند. لذا در روایت امام صادق(ع) می‌فرماید: مثل حضرت مهدی(عج) مثل یوسف(ع) است، او در میان مردم است و او را مشاهده می‌کنند ولی نمی‌شناسند تا اینکه خداوند به او اذن دهد و او خودش را معرفی کند(۱) و نیز عمری(یکی از نواب حضرت در عصر غیبت صغری) می‌فرماید به خدا قسم صاحب الامر هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند و مردم را مشاهده می کند و آنها را می‌شناسد و مردم هم او را می‌بینند ولی او را نمی‌شناسند.(۲) بنابر این حضرت در جامعه حضور دارد و حضور او منشأ آثار و برکات فراوان است. ۲- غیبت امام مانع از معرفت و شناخت او نیست و عذر بر عدم شناخت آن حضرت نمی تواند باشد. در معرفت و شناخت لازم نیست حضرت را به صورت و قیافه بشناسد، بلکه شناخت او به نام و صفات و فضائل و ویژگی‌ها کافی است. اُویس قرنی اهل یمن بود در زمان پیامبر زندگی می‌کرد او بسیار علاقه داشت که پیامبر را مشاهده کند ولی به خاطر اینکه مادر پیری داشت و از او نگاه داری می کرد نتوانست پیامبر را در مدینه زیارت کند، ولی در عین حال بالاترین شناخت و معرفت را نسبت به پیامبر داشت و پیامبر به امیرالمؤمنین(ع) در مورد اویس قرنی سفارش می‌کرد. لذا شناخت به صفات و کمالات و فضائل لازم است. غیبت مختص به حضرت حجت(عج) نیست. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مدتها در زندان بودند و عده زیادی از شیعیان موفق نشدند که حضرت را به صورت وقیافه بشناسند ولی این مانع از معرفت و شناخت نسبت به مقام حضرت نبود. ۳- می دانیم هدف اصل و اوّلی از بعثت پیامبران کامل کردن شرایط برای رشد و تکامل آزادانه انسانها می‌باشد که بوسیله وحی این هدف تأمین شده است و مردم امکان رسیدن به رشد عقلانی و تربیت روحی و معنوی رابه دست آورده‌اند. با توجه به این که امامت، متمّم و تکمیل کننده نبوت و تحقق بخش حکمت خاتمیّت است، این هدف بوسیله سلسله امامان محقق می شود که آخرین آنها امام مهدی(عج) تحقق بخش این اراده خدا خواهد بود. چنان که در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء فرموده: «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون» همانا در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهد برد. و در روایتی از ابن عباس از رسول خدا(ص) نقل شده که فرمود: همانا علی امام امّت پس از من می باشد و از فرزندانش، قائم منتظر می باشد و وقتی که ظهور کند زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که پر از ظلم و جور شده است.(۳) پی‌نوشت‌ها: ۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص۲۲۴ و ص ۱۴۲. ۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۱۱، ص ۱۳۵ ب ۴۶ ابواب وجوب حج. ۳- القندوزی، ینابیع المودّهٔ، ص ۴۹۴.

با غیبت امام‌زمان‌علیه‌السلام چگونه می‌توان امام‌زمان خودرا شناخت؟

پرسش

با غیبت امام‌زمان‌علیه‌السلام چگونه می‌توان امام‌زمان خودرا شناخت؟

پاسخ

مطابق روایاتی که در کتب فریقین آمده، پیامبر اکرم (ص) فرمود": من مات ولم‌یعرف إمام زمانه مات میتهٔ جاهلیّهٔ"؛ "هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته به {پاورقی . شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵. پاورقی} مرگ جاهلیت از دنیا رفته است ".جای این سؤال باقی است که با وجود غیبت امام زمان (ع) چگونه می‌توان او را شناخت. در جواب می گوییم: مقصود از شناخت ومعرفت حضرت، شناخت جسم وشکل وشمایل او نیست، بلکه مقصود معرفت به مقام ومنزلت وجایگاهی است که حضرت مهدی (ع) نزد

خداونـد متعال در این عالم دارد. او کسـی است که حافظ کلّی شـریعت است. واسـطه فیض تکوینی وتشـریعی الهی است. او کسـی است که به اذن واراده الهی در" نفوس قابل "تصـرف کرده وبه حقّ وحقیقت رهنمون می کنـد. او کسـی است که جامع جمیع علوم اولین وآخرین است. واو کسـی است که... . این معرفت نسـبت به حضـرت مهـدی (ع) که امـام زمـان مـا است بـدون دیـدن شـکل وشمایل ایشان هم قابل تحصیل است.

چه کنیم که ایمانمان به وجود حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیشتر شود؟

پرسش

چه کنیم که ایمانمان به وجود حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیشتر شود؟

پاسخ

برای تقویت ایمـان به وجود حضـرت مهـدی (ع) از راه‌هایی می‌توان اسـتفاده نمود: ۱ - بررسـی ادلّه عقلی که می‌توانـد عقل وفکر انسان را نسـبت به وجود حضـرت مهدی (ع) تقویت نماید. ۲ - بررسـیآیات قرآنی وروایاتی که از آنها اسـتفاده می‌شود که حضرت مهدی (ع) وجود دارد. ۳ - مطالعه احوال کسانی که به محضـر مقدّس حضـرت بقیّةاللّه الاعظم -ارواحنا له الفداء- مشرّف شده‌اند، که این می‌توانـد نقش به سـزایی در تقویت قلوب انسان نسـبت به وجود حضـرت (ع) داشـته باشد. ۴ - قرائت دعاهـایی که در آن، خطاب به حضرت شده وبا او نجوا دارد که می‌تواند تأثیر به سزایی در اعتقاد انسان به وجود حضرت (ع) داشته باشد.

چرا اگر امام زمان خود را نشناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته‌ایم؟

پرسش

چرا اگر امام زمان خود را نشناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته‌ایم؟

پاسخ

اولاً: شـکی نیست که معرفت، تـأثیر به سـزایی در عملکرد انسـان دارد، وهر چه معرفت انسان به کسـی یا عقیـده‌ای بیشتر وراسـخ‌تر باشـد، تأثیر آن در ناحیه عمل بیشتر خواهـد بود. وبه طور کلّی انسان بـدون معرفت نمی‌توانـد در ناحیه عمل، حق مطلب را ادا کند. لذا علمای کلام از همین طریق وبه ملاک لزوم شکر منعم قائل به وجوب معرفت خداوند شده‌اند. امام زمان (ع) حجت خدا بر روی زمین است ومطـابق نصوصـات، اطاعت او واجب است، لـذا بایـد به او در حـدّ امکان معرفت حاصل کنیم، وگرنه با مرگ جاهلی از دنیا رفته‌ایم. ثانیاً: ما وظیفه داریم امام زمان خود را بشناسـیم تا دنباله‌رو هر کسی نباشیم. چه کسی را الگوی خود قرار دهیم ودین را از چه کسی اخذ کنیم؟

۱– لطفا در خصوص معرفت صـحیح به مقام عظمای امام عصـر« علیه السلام » و حضرت زهراء «سلام علیها » و سایر ائمه «علیهم السلام » تو ضیحات لازم را عنایت فرمایید.

پرسش

۱– لطفـا در خصوص معرفت صـحیح به مقـام عظمـای امام عصـر« علیه السـلام » و حضـرت زهراء «سـلام علیها » و سایر ائمه «علیهم السلام » تو ضیحات لازم را عنایت فرمایید.

پاسخ

دو قسم شناخت داریم: ۱ـ علم به مقام و مراتب امامت. ۲ـ معرفت به مقام امامت و حقیقت ولایت. اما موضوع اعتقاد فکری داشتن به وجود امـام لاـزمه اش مطـالعه و تحقیق از مبـانی علمی و عقایـد حقه شـیعه است. امـا قسم دوم، همراه با دانش انـدوزی ، عبودیت و بندگی واخلاص، حقیقت و نورانیت امامت را در یافت می کنیم. یعنی ؛با انجام دستورات واحکام الهی (واجبات و ترک محرمات) است که می شود عقایـد را آبیـاری کرد وغبـار غفلت را از دل زدود. در واقع توبه وعمل صالـح است که عقایـد حقه را آبیاری می کنـد وحقیقت حضور در محضـر خدا و اولیاء خدا را درک می کنیم.{ ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات سـیجعل لهم الرحمن وُدا} (مریم/۹۶) « کسانیکه ایمان بیاورند وعمل صالح انجام دهند خداوند محبت خود و اولیاء را به دل آنها می افکند(ایمان وعمل صالح باعث محبت به ائمه(ع) می شود) وخداوند محبت علی«علیه السـلام » را به دل آنها می افکند. مفسـرین مراد از محبت را در اینجا به محبت امیر المؤمنین« علیهم السـلام » تفسـیر نموده انـد. منـابع جهت مطـالعه: ۱–چهل حـدیث امام خمینی(ره)حدیث۳۳ ۲– جهاد با نفس آیت الله مظـاهری ۳– خورشـید مغرب محمـد رضـا حکیمی(تکـالیف فردی واجتماعی ورسالت یک منتظر را در دوران غیبت نسبتا مفصل وبسیار عالی بیان می کند) ۴– قیام وانقلاب مهدی شهید مطهری وشهید دستغیب.

۱–چگونه می توان معرفت خود را نسبت به امام زمان «عج» زیاد کنیم ؟

پرسش

۱–چگونه می توان معرفت خود را نسبت به امام زمان «عج» زیاد کنیم ؟

پاسخ

برای شـناخت امـام زمـان«عـج» قـدم اول شـناخت نفس خود است، اینکه خودمـان را بشناسـیم بـا توجه به نیازهای مادی و معنوی و شکوفایی و رسـیدن به رسـتگاری و سـعادت اخروی مهدی«عج» کسـی است که ظلم و سـتم را از جهان برکند وخاور باختر شرق و غرب را از عدل وداد برای همیشه آکنده سازد مهدی «علیه السلام » سمبل مبارزه با ظلم و بیدادگری بر انداختن ستمکاری از صحنه گیتی است و این از امیـد هـای اصـلی و اجتماعی بشـر بوده و هست و در کانون نهان هرکس چنین امیـدی موجود است و حضـرت مهـدی «عج » نور این امید است. همه ادیان و مذاهب بشـری بدان خبر داده و کسـی را نام برده اند که او مهدی خواهد بود . ارمیای

پیغمبر در تورات از جنگی عظیم و جهانی خبر میدهد ، که دوسوم مردم زمین را نابود می کند ، سپس پادشاه عادلی آید و جهان را اصلاح نماید . از خواسته های طبیعی بشر،عدل عالم گیر و حکومت جهانی تحقق پذیر است و به یقیین روزی خواهد رسید که بشر بدین خواسته می رسد، چون خواسته همگانی است و امکان پذیر . عدل ملت وقتی محقق می شود که ظلم و ستم از میان افراد ملت بیرون رود عدل ملت بر ملت برقراری راستگویی و درستکاری در میان خود افراد است، که هیچ از آنها در نهان و آشکار به دگری ظلمی نکند و ستمی رواندارد. این است تکامل ملی و رشد افراد با توجه به چنین حکومتی که عدل مساوات راستگویی و یگرنگی لازمه آن است ، پس باید تصمیمان را پرورش دهیم خواسته و امیال و هوی و هوس را کم ،کم کنار گذاشته و خصایص پلید را به تو کل به خداوند کنار گذاشته و خودمان را بسازیم آنطور که شایسته انسان کامل است و دیگران را هم کمک کنیم و اگر شخصا هر نفر منافع شخصی را کنار و حقوق دیگران را رعایت کند انشاء الله جامعه ای خواهد شد که مهدی خواستار آن است .

مراد از مرگ جاهلیت در صورت عدم شناخت امام چیست؟

پرسش

مراد از مرگ جاهلیت در صورت عدم شناخت امام چیست؟

پاسخ

کسی که امام زمان خویش را نشناسد از این لحاظ مردنش مانند مردن جاهلیّت است که مردم زمان جاهلیّت از آگاهیهای لازم در مسیر عقائد و اخلاق و رفتار صحیح برخوردار نبودند و به شیوه‌ی درست تربیت نمی‌شدند با این وصف چنانچه امام وجود داشته باشد انسان او را نشناسد زندگی چنین شخصی با نداشتن آگاهی و معرفت نسبت به امام مانند زندگی زمان جاهلیّت خواهد بود.

ارتباط امام زمان

در خیلی از احادیث اشاره شده است که هر کس امام زمان(خود را نشناسد هیچ یک از عباداتش قبول نیست، آیا منظور از این احادیث فقط دیدن و زیارت امام زمان(می باشد؟ یا دانستن نام و کنیه ایشان و اعتقاد به حضور ایشان کفایت می کند؟ خواهشمند است توضیح دهید.

پرسش

در خیلی از احادیث اشاره شده است که هر کس امام زمان(خود را نشناسد هیچ یک از عباداتش قبول نیست، آیا منظور از این احادیث فقط دیدن و زیارت امام زمان(می باشد؟ یا دانستن نام و کنیه ایشان و اعتقاد به حضور ایشان کفایت می کند؟ خواهشمند است توضیح دهید.

پاسخ

وظیفه ما در زمان غیبت امام زمان(در یک کلمه خلاصه می شود و آن چشم به راه ظهور آن حضرت بودن است که در روایات از آن به انتظار فرج تعبیر شده و از نیکوترین و ارزشمندترین اعمال محسوب گشته است. رسول اکرم(فرمودند": با فضیلت ترین اعمال امت من انتظار فرج از سوی خداوند عزوجل است ... ".اگر واقعاً منتظر کسی باشیم، درهمه حال و در همه جا به یاد او خواهیم بود ... آیا می توان کسانی را که روزها، هفته ها و ماهها می گذرد و هرگز به یاد حضرت مهدی (و ظهور آن حضرت و آماده ساختن خویش برای شرکت در قیام ایشان نیستند، منتظر فرج دانست؟ از مظاهر یادکردن ایشان دعاهای فراوانی است که در زمان غیبت در رابطه با امام زمان(و ظهور آن حضرت و توفیق شرکت در قیام ایشان وارد شده است و پیشوایان معصوم(ما را به این دعاها توصیه فرموده اند(مانند دعای فرج و دعای عهد). نکته ای که در اینجا حائز اهمیّت است آنکه این غیبت یک طرفی است بدین معنی که تنها ما از زیارت امام زمان(محروم هستیم اما آن حضرت ما را می بینند و شاهد رفتار و گفتار ما هستند. یار نزدیک تر از من به من استاین عجب بین که من از او دورم چنانکه در روایات داشتیم آن حضرت در مراسم حج حاضر شده ناظر اعمال مردم هستند، ولی مردم آن حضرت را نمی بینند. همچنین در روایات آمده است": در هر هفته دو مرتبه، روزهای دوشنبه و پنج شنبه گزارش اعمال مردم به امام زمان همان عصر عرضه می گردد. بنابراین در این زمان که حضرت مهدی(امام زمان و ولی عصر هستند رفتار همه ما به آن حضرت عرضه می گردد و ایشان از چگونگی آنها آگاهند. پس بر ما لازم است سخت مراقب اعمال خود باشیم، مبادا که ادعای منتظر ظهور بودن با دروغ باشد.موفق باشید. منابع و مآخذ : * با استفاده از کتاب" آموزش عقاید،" ج۲،تألیف محسن غرویان، محمد رضا غلامی، سید محمد حسین میرباقری، صفحات ۳۸۹ و ۳۹۲

برای ارتباط قلبی با امام زمان (۷) چه باید کرد؟

پرسش

برای ارتباط قلبی با امام زمان (۷) چه باید کرد؟

پاسخ

باید دانست محبت و علاقه حضرت ولی عصر (عجل الله) نسبت به شیعیان بسیار زیاد است ولی از آن جایی که مسأله محبت و دوستی یک امر طرفینی می‌باشد و یک قانون کلی در محبت طرفینی این است که محّب کاری را انجام دهد که محبوب آن را می‌پسندد، بنابراین ما به عنوان محبان حضرت مهدی باید در صدد انجام کارهایی باشیم که مورد پسند و رضایت محبوب ما، حضرت ولی عصر (عجل الله) می‌باشد. مسلماً بهترین عملی که موجب شادمانی و رضایت امام زمان (۷) است بندگی واقعی و خالصانه ما نسبت به خدای تبارک و تعالی می‌باشد، و بندگی خالص یعنی انجام واجبات و ترک محرمات برای کسب رضایت خداوند متعال و اگر در این راه موفق شویم و خدا از ما راضی شود، در این صورت قطعاً امام زمان (۷) نیز از ما رضایت خواهند داشت و اگر قلب حضرت حجۀبن الحسن (عجل الله) از ما خشنود باشد، احساس نزدیکی روحی به ایشان خواهیم کرد.پس مهم‌ترین عنصر در برخورداری از توجهات امام زمان (۷) انجام اوامر الهی و ترک گناه می‌باشد. البته امور دیگری نیز در نزدیکی و جلب توجه آن حضرت نسبت به شیعیان مؤثر می‌باشد از جمله ـ دعا برای تعجیل در ظهور آن حضرت . ـ صلوات بر ایشان در هر صبح و شام ـ دعا برای سلامتی آن حضرت ـ تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه ـ ..... از خداوند متعال خواهانیم که خشنودی

حضرت ولی عصر (عجل الله) نصیب و بهره ما گرداند. «... وَامْنُنْ عَلَینا بِرِضاه « خدایا بر ما منت گذار به خشنودی او(۶۴)». پاورقی: ۶۴- از فرازهای پایانی دعای ندبه

من ارادت ویژه‌ای به امام زمان دارم به گونه‌ای که در خیال خود تصور می‌کنم حضرت را می‌بینم و او با من حرف می‌زند، روزی در همین خیال غوطه‌ور بودم که گریه شدیدی به من دست داد. من برای رها کردن خود از پرسش‌های مکرر مشاور، گفتم خواب حضرت را دیدم از آن زمان اح

پرسش

من ارادت ویژه‌ای به امام زمان دارم به گونه‌ای که در خیال خود تصور می‌کنم حضرت را می‌بینم و او با من حرف می‌زند، روزی در همین خیال غوطه‌ور بودم که گریه شدیدی به من دست داد. من برای رها کردن خود از پرسش‌های مکرر مشاور، گفتم خواب حضرت را دیدم از آن زمان احساس می‌کنم حضرت مرا دوست ندارد و هنگامی که به نماز شب بر می‌خیزم به خاطر شدت شرمندگی از حضرت نماز نمی‌خوانم لطفاً مرا در این زمینه راهنمایی کنید؟

پاسخ

با تشکر از اعتماد شما پرسش‌گر گرامی به این مرکز، چند نکته دربارهٔ مسئله‌ای که مطرح کردید، شایان توجه است ۱. شکی نیست که بهترین وسیلهٔ ارتباط با خدا، ایمان به او و ارتباط عمیق و صحیح با پیامبر بزرگوار اسلام و اهل بیت ایشان است چنان که پیامبر اکرم می‌فرمایند": امامان از فرزندان حسین هستند... و ایشان" عروهٔ الوثقی و وسیله به سوی خداوند متعال می‌باشند(".نور الثقلین علامه حویزی ج ۱، ص ۳۱۸، مؤسسهٔ التاریخ العربی) ۲. نکته مهم در محبت پیشوایان معصوم ، محبت و ارتباط صحیح با آن حضرات است برخی به علت احساسات و عواطف پاکی که دارند، گاهی راه افراط را پیش می‌گیرند و پا را از واقعیت و حقایق فراتر گذاشته و بدون مشورت با آگاهان راه انحرافی در پیش می‌گیرند. با ارایه راه صحیح ارتباط با حضرت مهدیغ در ذیل امیدواریم به مقصود واقعی خود برسید. ارتباط با امام زمانغ دو قسم است الف ـ ارتباط فیزیکی و جسمانی ب ـ ارتباط معنوی ارتباط فیزیکی و جسمانی با امام زمانغ یعنی دیدن آن حضرت و با ایشان سخن گفتن به نظر اکثر علمای شیعه ممکن است ولی ما موظّف نیستیم در پی پیدا کردن راه برقراری چنین ارتباطی باشیم وظیفه ما این است کارهایی که مورد رضایت آن حضرت است انجام دهیم و آن کارها، تکالیفی است که در قرآن و روایات بیان شده است و خلاصهٔ آن را مراجع تقلید به صورت رسالهٔ توضیح المسائل نوشته‌اند. اگر ما تکالیف شرعی خود را به طور صحیح و کامل و خالصانه انجام دهیم چنان چه امام زمانغ مصلحت بدانند، پرده را از روی چشم ما برداشته ما به رؤیت چهرهٔ دلربای آن حضرت توفیق پیدا می‌کنیم پس آنچه از طرف ما، لازم است انجام گیرد، به جا آوردن تکالیف شرعی است دیدن آن حضرت بستگی به صلاح دید ایشان دارد. ارتباط معنوی با امام زمانغ همیشه ممکن است راه‌های آن عبارت است از: انجام تکالیف شرعی چون پروندهٔ کارهای ما به دست امام زمان می‌رسد.(ر.ک اصول کافی ثقة الاسلام کلینی ج ۱، ص ۲۱۹، دارالکتب الاسلامیة / مجلهٔ حوزه ش ۷۰۰۷، صص ۶۵ـ۱۳۲.) اگر تکالیف شرعی را انجام داده باشیم از ما خشنود می‌شود دعا کردن برای سلامتی و تعجیل ظهور آن حضرت رفتن به مکان‌های منسوب به آن حضرت مانند، مسجد جمکران مسجد سهله و... انجام کارهای مستحبی به نیابت آن حضرت مانند خواندن قرآن زیارت قبور امامان حج عمره و... ۳. در نامه از اظهار خواب دیدن حضرت و سپس توبه از آن نوشتید، با تبریک به شما پرسش‌گر گرامی که فوری پی به اشتباه خود

بردید و در پی جبران آن برآمدید، شایان ذکر است حقیقت توبه همان حالت ندامت و پشیمانی از معصیت و تصمیم بر ترک گناه در آینده است کشف المراد، علامه حلی ص ۴۱۷، جامعه مدرسین) اگر این حالت در خطاکار پدید آید به حتم خداوند توبه او را خواهد پذیرفت" یـَاَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا توبوا اِلَی اللّهِ تَوبَهً نَصوحاً عَسی رَبُّکُم اَن یُکَفِّرَ عَنکُم سَیِّ‹? اتِکُم ویُدخِلَکُم جَنّـَت تَجری مِن تَحتِهَا الاَنهـَرُ (;تحریم ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با اخلاص کامل توبه کنید، باشد که پروردگار از گناهان شما در گذرد و به باغ‌هایی واردتان کند که در آن جوی بارانی جاری است " بنابراین با توبه و عمل به نکته‌هایی که در بخش دوم پاسخ آمد، یقین داشته باشید که حضرت از شما راضی خواهند بود. ۴. توفیق برخاستن به نماز شب از توقیقاتی است که نصیب هر کسی نمی‌شود، شما که گاهی موفق به این امر می‌شوید و از خواب خوش برمی خیزید، شایسته نیست به خاطر خیال‌های واهی خود را از این فیض محروم کنید، مسلّم بدانید که این خیال‌ها شیطانی است او از هر راهی وارد می‌شود تا ما را از عبادت خدا و سجده در مقابل او باز بدارد. با خواندن نماز شب خشنودی حضرت و رضایت ایشان انشأ اللّه جلب خواهد شد. در پایان به برخی از راه کارهایی که ما را در مداومت به نماز شب کمک خواهد کرد اشاره می‌شود: ۱. آگاهی از فضایل و فواید نماز شب ۲. پرهیز از پرخوری به خصوص هنگام شب ۳. استراحتی کوتاه در روز ;۴. دوری گزیدن از گناه ۵. خواندن آخرین آیه سورهٔ کهف

اگر آیاتی از قرآن قرائت کرده آن را به یکی از امامان مثلاً امام زمانغ هدیه نماییم آیا این کار اشکالی دارد؟

پرسش

اگر آیاتی از قرآن قرائت کرده آن را به یکی از امامان مثلاً امام زمانغ هدیه نماییم آیا این کار اشکالی دارد؟

پاسخ

۱. بی تردید هر گونه ارتباط با ائمه ستودنی و مفید بوده راه را برای نزدیکی هر چه بیش‌تر انسان به خداوند متعال هموار می‌کند. قرائت قرآن و هدیهٔ ثواب آن به ائمه ، خواه ارواح پاک آنان خواه به خود امام زنده ; یعنی امام زمانغ نیز، از جمله این ارتباطهای سازنده است ۲. گرچه در این باره به روایتی برخورد نشد، ولی از برخی دستورهای مشابه آن مانند حجّ مستحبی گزاردن برای امام زمانغ شاید بتوان چنین استنباط کرد که قرائت قرآن نیز مانند آن حکمی برابر خواهد داشت چرا که دلیلی وجود ندارد که انجام اعمال عبادی برای ائمه را، در حجّ مستحبی منحصر کنیم

لطفا این سؤال هم از آقای خامنه ای و هم از آقای بهجت پرسیده شود :چگونه انسان می تواند در همه حال در محضر آقا امام زمان ،خود را ببیند ؟

پرسش

لطفا این سؤال هم از آقای خامنه ای و هم از آقای بهجت پرسیده شود :چگونه انسان می تواند در همه حال در محضر آقا امام زمان ،خود را ببیند ؟

پاسخ

اگر انسان زیاد به یاد چیزی باشد و به آن توجه مستمر و پی گیر داشته باشد و آن را از یاد نبرد، همیشه در محضر آن خواهد بود. افرادی که به محبوبی دل می بندند و پیوسته به یاد او هستند، گویا همیشه با او همراه هستند ودر بیداری و حتی خواب شاهد حضور او می باشند و با او مرتبط اند. اگر فردی مقام بلند امام معصوم(ع) را به اندازه ظرفیت خود درک کند و شناخت درستی از صفات و کمالات و جایگاه بلند امامت داشته باشد و درک کند که آنها آینه دار صفات جلال و جمال خداوند می باشند و عظمت و جلال و شکوه خداوند در آنها جلوه گر شده است و معنای خلافت و جانشینی امامان معصوم(ع) را بفهمد و متوجه شود کسی که جانشین و خلیفه خداوند است، امانتدار همه صفات و کمالات او می باشد و قلب پاکشان خزانه اسرار و علوم الهی است، نیاز به ارتباط و انس با آنها را با همه وجودش احساس می کند و این شناخت به دنبال خود، محبت و علاقه می آورد، چون هر محبتی و علاقه ای بر اثر وجود کمالی و صنعتی نیکو در محبوب است و هر چه این شناخت عمیق تر و درست تر باشد محبت و علاقه شدیدتر و ریشه دارتر است تا آنجا که در نزد او چیزی لذیذتر و شیرین تر از یاد و ذکر محبوب نمی باشد و همه فکر و ذکر و غم و غصه و خواست او محبوب می شود و دراین صورت است که انسان خود را در محضر محبوبش می بیند و وجود و حضور او را با خود در همه حالات و ساعت ها و در همه مکان ها احساس می کند. پس برای حضور در محضر مقدس امام زمان(ع) اولین کار شناخت درست عمیق آن بزرگوار با مطالعه کتاب های مناسب و روایات امامان معصوم(ع) است. کار دوم که از اهمیت اساسی برخوردار است کسب رضایت و خشنودی آن سرور کائنات است که با عمل به وظایف الهی و شرعی و انجام واجبات و دوری از محرمات و کوشش در راه بندگی صادقانه به دست می آید. کار سوم، تماس مستمر با آن بزرگوار و ایجاد ارتباط با او از طریق هدیه صلوات و نماز مستحب به روح پاکشان و دعا برای سلامتی وجود اقدس ایشان و نیز صدقه دادن برای سلامتی ایشان و به ویژه ارتباط از طریق دعاهای مخصوص آن بزرگوار می باشد.

چطور و چگونه با امام زمان(عج) رابطه بر قرار کنیم؟

پرسش

چطور و چگونه با امام زمان(عج) رابطه بر قرار کنیم؟

پاسخ

نحوهٔ ارتباط با امام زمان(ع) ممکن است با طریق های زیر امکان پذیر باشد: ۱- ملاقات حضوری: در خصوص امکان یا عدم امکان ملاقات حضوری امکان داشته و انسان با رعایت تقوا و ایجاد شایستگی می تواند به حضور امام زمان(ع) شرفیاب شود، چنان که شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی۱، علامه حلی۲ و علامهٔبحرالعلوم۳ به حضور حضرت رسیده اند. سید مرتضی۴، شیخ طوسی و ... از طرفداران این نگرش هستند. شیخ طوسی می نویسد: ما یقین نداریم که حضرت از تمام اولیای خود پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد. برخی دیگر عقیده دارند که ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد. محمد بن ابراهیم، معروف به نعمانی۵ ، فیض کاشانی۶ و کاشف الغطا۷ از طرفداران این نگرش هستند. اینان به برخی از روایات تمسک نموده اند که

هر گونه ارتباط حضوری با امام زمان(ع) را منع کرده اند.۸ امام زمان(ع) در توقیع شریف خطاب به آخرین نایب خاص، یعنی علی بن محمد سمری فرمود ": به زودی از شیعیان من خواهند آمد کسانی که ادعای دیدن مرا بکنند. آگاه باشید، هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحهٔ آسمانی، ادعا کند که مرا دیده، دروغگوی افترا زننده است."۹ واقعیت آن است که با تقوا و معنویت و قابلیت می توان به حضور آن امام همام رسید، چنان که برخی از بزرگان به حضور او رسیده اند. به نظر می رسد روایاتی که دلالت بر منع ملاقات دارند، ناظر بر این است که جلوی هر گونه سوء استفاده از ادعای دیدن امام زمان گرفته شود و هر کس ادعای رؤیت امام زمان(ع) را نکند. برخی از بزرگان به حضور امام رسیده اند و مرحوم آخوند خراسانی نیز ملاقات امام زمان(ع) را برای افراد خاصی ممکن دانسته است. البته امکان ملاقات در حال مکاشفه بلکه وقوع آن منافاتی با توقیع ندارد و غالب افراد خدمت یکی از کارگزاران امام غایب می رسند ولی فکر می کنند امام زمان است، چون مشکل آن ها برطرف می شود و آنچه در دل دارند، آشکار می گردد. ۲- ارتباط معنوی: ۳- بی تردید می توان با امام زمان(ع) ارتباط معنوی برقرار کرد. البته این ارتباط با بهره گیری از تقوا، دعا و توسل به ائمه(ع)، به ویژه به ساحت مقدس امام زمان(ع) امکان پذیر است. شاید بر همین اساس یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.۱۰ ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان(ع) را ملاقات حضوری کند، بلکه باید با آن امام ارتباط برقرار کند و همیشه به یاد ایشان بوده و او را در تمام اعمال خود ناظر بداند. هرگاه چنین لیاقت و شایستگی حاصل شد، حضرت به انسان عنایت نموده و به رفع مشکلات انسان می پردازد؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی که برای شیخ مفید صادر نمود فرمود": فإنّا نحیط علماً بأنبائکم و لا یعزب عنّا شیءٌ من أخبارکم؛۱۱ ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی ماند. "باز حضرت در همان توقیع فرمود": ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند."۱۲ ارتباط معنوی انسان با امام زمان(ع) سبب می شود که آن حضرت میان مردم حضور پیدا کند اگر چه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود" سوگند به خدای علی، حجت خدا میان آنان هست و در کوچه و بازار آن ها گام بر می دارد و بر خانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می دهد. او مردمان را می بیند."۱۳ در دعای ندبه می خوانیم": جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی."۱۴ ۴- ارتباط از طریق نامه: یکی از راه های ارتباط با امام زمان(ع) نامه نگاری است. مرحوم شیخ عباس قمی به نقل از تحفه الزایر مجلسی و مفاتیح النجاه سبزواری می نویسد: هر کسی حاجتی داشته باشد و این را در نامه ای بنویسد و در یکی از قبور ائمه(ع) بیندازد و یا مهر کند و خاک پاکی را گل سازد و آن را میان آن گذارد و در چاهی عمیق و یا نهری اندازد، آن گاه امام زمان(ع) خود شخصاً متولی بر آوردن حاجت می شود."۱۵ البته در این مسئله روایت و مستندی نداریم، شاید مجرّب باشد. ۱ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۷۰؛ مهدی موعود، ص ۹۳۴. ۲ تنکابنی، قصص العلما، ص ۲۵۹. ۳ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴. ۴ تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲، به نقل از مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان، ص ۹۹. ۵ کتاب الغیبه، ص ۱۶۰. ۶ وافی، ج ۲، ص ۴۱۴. ۷ حق المبین، ص ۸۷. ۸ شیخ طوسی، کتاب الغبه، ص ۳۹۵. ۹ شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۵۱۶. ۱۰ منتهی الآمال، ص ۵۵۹ و ۵۶۲. ۱۱ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶. ۱۲ همان. ۱۳ جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۶، به نقل از الغیبه نعمانی، ص ۷۲. ۱۴ مفاتیح الجنان، دعای ندبه. ۱۵ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۱.

چگونه می توان با امام زمان(ع) ارتباط بر قرار کرد؟

پرسش

چگونه می توان با امام زمان(ع) ارتباط بر قرار کرد؟

پاسخ

هر که را جامه زعشقی چاک شد او زحرص و عیب کلی پاک شد ارتباط دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم، ملاقات و رؤیت و مشاهدهٔ حسی است که کلید خزانهٔ آن در ارتباط غیر مستقیم است. ارتباط غیر مستقیم مقدمهٔ لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستیم است و تنها نردبانی است که می توان با آن از ملک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلند ترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، قلبی و عاطفی و علمی و عملی است. به بیان دیگر: گاهی عاملی موجب می شود که ما فردی را دوست داشته باشیم مثلاً فردی را در مراتب عالی ایمان، تقوا، عدالت خواهی، رأفت و رحمت می بینیم. فطرتِ حقیقت گرا و کمال طلبِ ما او را به خاطر ویژگی هایش دوست دارد و به سوی او گرایش و تمایل پیدا می کند، بدون آن که نیاز یا طلب و درخواستی از او داشته باشد. گاهی ویژگی ها و کمالاتِ آن فرد را عالی ترین و محبوب ترین می پندارد و او را نماد و تحقق عینی فضیلت یا فضایل می بیند. در نتیجه شیفته و دلباختهٔ او می گردد و او را الگو و اسوه می داند و می خواهد به او نزدیک شود، با او ارتباط بر قرار کند، با او سخن بگوید و راه های رشد و کمال را از او بپرسد و راهنمایی بگیرد؛ یعنی رابطه مراد و مرید. گاهی شیفتگی و دلباختگی برخاسته از عقل و معرفت با احساسات و عواطف عالی انسانی آمیخته می گردد و به اوج می رسد و رابطهٔ مرید و مراد به رابطهٔ معشوق و عاشق تبدیل می گردد، در نتیجه عشق و علاقه، وجود معشوق را مسخّر و مطیع بی چون و چرای عاشق می سازد. حبّ و علاقه وقتی شدت پیدا کرد و به حد عشق رسید همانند پیچک، بر جان و روح معشوق می پیچد و آن را در تسخیر خود در می آورد و بر آن حکومت مطلق و بی چون و چرا خواهد داشت. مرحلهٔ عشق و فنا از دو مرحلهٔ پیش حتی عقل و معرفت برتر است، زیرا مرتبهٔ عقل و خرد، رتبهٔ چون و چرا و علت خواهی و پرسش گری است، ولی عاشق به رتبه ای از معرفت و شناخت رسیده است که تسلیم محض معشوق می گردد و حق و عدالت و خوبی و فضیلت را آن می داند که معشوق می گوید و عمل می کند. جذبه و رابطهٔ برخاسته از عشق را نمی توان با هیچ چیزی مقایسه کرد زیرا در آستان عشق، فرهنگ هایی چون سختی و مشکلات و شکست و پیروزی و غم و شادی و ... دگرگون می شود. بوسه و دشنام را یک یک بده تا بدانم زان دو شیرین تر کدام حضرت امام خمینی(ره) در غزل عارفانه ایکه شاید مخاطبش حضرت ولی عصر(عج) باشد می گوید: درد خواهم، دوا نمی خواهم عاشقم، مریض توام من جفایت به جان خریدارم از تو جانا جفا وفا باشد غصه خواهم نوا نمی خواهم زین مرض من شفا نمی خواهم از تو ترک جفا نمی خواهم پس دگر من وفا نمی خواهم ظرف معرفت عاشق، ذهن و عقل او نیست، بلکه قلب و سراسر وجود او است. ذهن و عقل، ظرف معرفت ره یافتگانی است که تازه قدم در کوی دوست گذاشته اند و هنوز در شعاع مغناطیس پر قدرت و پر جاذبهٔ عشق وارد نشده اند. عاشق فانی معشوق است چون تصویر در آیینه. او می خواهد آیینهٔ خواسته های محبوب خویش باشد تا بتواند نظر و وَجْه او را به خود معطوف سازد. پس اگر طالب ارتباط با امام زمان(عج) هستی، عاشقش شو. نخستین گام در عشق، شناخت معشوق و شناخت خاسته ها و مطلوب های او است. کسی که می خواهد عاشق امام زمان(ع) شود تا از این راه غیر مستقیم، به ملاقات حضوری معشوق نایل گردد، باید امام خویش را بشناسد؛ از راه و سیره و روش او آگاه گردد؛ با اخلاق و افکار و عقاید او آشنا شود؛ دوستان و نمایندگان، و دشمنان و موانع ظهورش را بشناسد. به بیان دیگر: عشق ورزی مانند همهٔ امیال درونی، نیازمند فضای مناسب برای پرورش و پردازش است تا شکوفه و گل دهد. اگر بستر مناسبی برای ظهور این میل مقدس فراهم گردد عاشق به وصال معشوق خواهد رسید. حرکت در مسیر خواسته های آن فروغ

حیات و معشوق عشاق حقیقت طلب و مخلصان حقیقت گام است، که فاصله ها را کم می کند وحصار هجران و دوری را بر می دارد و عاشق را به وصال معشوق می رساند. تا زمانی که از خود پرستی و هواپرستی بیرون نیامدیم و دل و جان خود را مسخّر مولا نساختیم، به ناحق لاف دوستی می زنیم. تا تو در بند خویشتن باشی عشق بازی دورغ زن باشی عاشق آیینه صفات معشوق و جلوهٔ اخلاق و اوصاف و روش های او است. پس چگونه می توان با گناه و انواع آلودگی ها عاشق آن جان جانان و گل عصمت شد؟ عاشق آن مصلح خود ساخته و مهذّب و مجسمهٔ تقوا و تهجد و بندگی حق تعالی، به فکر اصلاح خویش و تهذیب نفس و تزکیهٔ روح خویش است. به راستی چگونه می توان ادعای عشق و محبت آن سمبل زهد و ورع، آن پاک تر از باران بهاری و لطیف تر از شبنم صبحگاهی را داشت، در حالی که دل و جان و زبان و چشم و گوش ها در تسخیر هوای نفس و شیطان است؟! پاسخ را با پیام آن مایهٔ حیات و روح هستی که همهٔ جان ها فدای خاک پای آن جان جانان باد، به پایان می بریم! حضرت در نامه ای به شیخ مفید (ره) می نویسد": اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به عبادت و اطاعتشان موفق فرماید - با دل های متحد و قلب های هماهنگ و یکپارچه، به عهد و پیمانی که با ما دارند وفا می کردند - از ما اطاعت می کردند و فرمان ما را اجرا می کردند و فرمان ما را اجرا می نمودند و خود را به گناه و معصیت آلوده نمی ساختند- هرگز از فیض ملاقات ما محروم نمی شدند و غیبت ما این قدر طولانی نمی شد بلکه سعادت دیدار ما با معرفتی کامل و شناختی راستین، نصیبشان می شد."۵ خداوندا! قلب مبارکش را از ما راضی گردان. ۵ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۱۳۹۰ ه- ق، ص ۴۰.

یک فرد چطور می‌تواند این شایستگی را پیدا کند که در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) با او در ارتباط باشد و بتواند از وجود مبارک او بهره ببرد؟

پرسش

یک فرد چطور می‌تواند این شایستگی را پیدا کند که در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) با او در ارتباط باشد و بتواند از وجود مبارک او بهره ببرد؟

پاسخ

در دوره غیبت صغری، شیعیان می‌توانستند از طریق سازمان مخفی وکالت که توسط چهار نایب خاص امام مهدی (عج) رهبری می‌شد، با حضرت در ارتباط باشند. دوره غیبت کبری: در این دوره با انحلال سازمان مخفی وکالت، کانال شناخته شده‌ای برای ارتباط حضوری و ظاهری با امام زمان (عج) وجود ندارد. ممکن است اولیاء اللّه با حضرت در ارتباط باشند، لیکن چگونگی ارتباط آنان بر ما روشن نیست، چون این از اسرار است و هر که ا اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند می‌توان با حضرت ارتباط معنوی بر قرار کرد و این با بهره‌گیری از تقوا، دعا و توسّل امکان‌پذیر است، مثلاً درباره دعای عهد از امام صادق(ع) روایت شده است": هر که در چهل سپیده دم این دعا را بخواند، به برکت آن خداوند وی را از یاران امام مهدی (عج) قرار می‌دهد."(۱) پاورقی: ۱ - این دعا را شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان، از مصباح الزایر سید بن طاووس نقل کرده است.

ارتباط با امام زمان(ع) از چه روش هایی امکان پذیر است؟

پرسش

ارتباط با امام زمان(ع) از چه روش هایی امکان پذیر است؟

پاسخ

نحوهٔ ارتباط با امام زمان(ع) در دو مرحله قابل بررسی است: الف) زمان غیبت صغری؛ ب) زمان غیبت کبری. در زمان غیبت صغری که از سال ۲۶۰ و یا ۲۵۵ هجری قمری آغاز شد و در سال ۳۲۹ پایان یافت،۳ مردم پرسش های عقیدتی، اجتماعی و مشکلات خویش را به وسیلهٔ نواب خاص با امام زمان(ع) در میان می گذاشتند و آن حضرت مسائل و پرسش های مردم را پاسخ می گفتند. گاهی گروهی از مردم به وسیلهٔ نواب خاص به دیدار امام زمان(ع) می رفتند. در واقع می توان گفت که در این مد"ت امام هم غایب و هم غایب نبود.۴ نواب خاص امام زمان(ع) که نقش بنیاری در برقراری ارتباط مردم با امام زمان(ع) داشته اند، عبارتند از: ۱- ابوعمرو عثمان بن سعید عمری؛ ۲- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری؛ ۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛ ۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری. در این جا لازم است به بخشی از وظایف و فعالیت های نواب خاص امام زمان(ع) اشاره شود که چگونه مردم با امام زمان(ع) ارتباط برقرار می کردند: الف) پنهان داشتن نام و مکان امام: گرچه امکان رؤیت امام زمان(ع) در غیبت صغری برای مردم و نواب خاص وجود داشت، ولی به دلیل مشکلات سیاسی، هر یک از نواب موظف بودند که نام و مکان امام را افشا نکنند؛ زیرا جان امام از سوی حکومت تهدید می شد. البته این پنهان کاری به دستور خود امام زمان(ع) صورت گرفته بود. ارتباط شیعیان نیز بدون این که مکان امام را بدانند، برقرار می شده است. ب) پاسخ گویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی: نواب خاص علاوه بر وظیفهٔ فوق، وظیفهٔ پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی مردم را نیز بر عهده داشتند نواب خاص به دلیل این که از دانش بسیار بالایی بهره مند بودند، به بهترین وجه شبهه زدایی نموده، پرسش های مردم را جواب می دادند. از سوی دیگر سؤالات فقهی و شرعی شیعیان را به عرض امام رسانده و پاسخ ها را دریافت و به مردم ابلاغ می کردند. ج) اخذ و توزیع اموال متعلق به امام زمان(ع): نواب خاص اموال متعلق به امام را از جمله بیت المال و سهم امام را از شیعیان می گرفتند به هر طریقی ممکن به امام زمان(ع) می رساندند. در زمان غیبت کبری نیز نحوهٔ ارتباط با امام زمان ممکن است با طرق زیر امکان پذیر باشد: ۱- ملاقات حضوری: در خصوص امکان و عدم امکان ملاقات حضوری با امام زمان(ع) اختلاف است. برخی عقیده دارند که ملاقات حضوری امکان داشته و انسان با رعایت تقوا و ایجاد شایستگی، می تواند به حضور امام زمان(ع) برسد. چنان که شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی،۵ علامهٔحلی،۶ و علامهٔ بحرالعلوم۷ و ... به حضور آن حضرت رسیده اند. سید مرتضی،۸ شیخ طوسی و ... از طرفداران این نگرش هستند. شیخ طوسی می نویسد": ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود، پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد و نمی داند هر انسانی مگر خود را."...۹ برخی دیگر عقیده دارند که ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد. محمد بن ابراهیم، معروف به نعمانی،۱۰ فیض کاشانی،۱۱ و کاشف الغطا،۱۲ و ... از طرفداران این نگرش هستند. اینان به برخی از روایات تمسک کرده اند که در آن ها هر گونه ارتباط حضوری با امام زمان(ع) منع شده است.۱۳ امام زمان(ع) در توقیع شریفش خطاب به آخرین نایب خاص خود یعنی علی بن محمد سمری، فرمود": به زودی از شیعیان من خواهد آمد کسانی که ادعای دیدن مرا بکنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحهٔ آسمانی ادعا کند که مرا دیده است، او دروغگوی افترا زننده است."۱۴ واقعیت این است که با تقوا و معنویت و قابلیت می توان به حضور آن امام همام رسید، چنان که برخی از بزرگان به حضور او رسیده اند. به نظر می رسد آن عده از روایاتی که دلالت بر منع ملاقات دارند، ناظر بر

این است که جلوی هر گونه سوء استفاده از ادعای دیدن امام زمان گرفته شود و هر کس ادعای رویت امام زمان(ع) را نکند. برخی از بزرگان به حضور امام رسیده اند و مرحوم آخوند خراسانی نیز ملاقات امام زمان(ع) را برای افراد خاصی ممکن دانسته است. لیکن بعضی معتقدند که این نوع دیدار یا در حالت مکاشفه است و یا ملاقات با یاران خاص امام عصر(ع) می باشد، ولی طرف گمان می کند که شخص امام عصر را دیده است. بعضی از داستان ها در خواب بوده ولی علاقه مندان آن را در بیداری دانسته اند.والله العالم. ۳ شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۸. ۴ محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۳. ۵ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۷۰ و مهدی موعود، ص ۹۳۴. ۶ تنکابنی، قصص العلماء، ص ۲۵۹. ۷ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴. ۸ تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲، به نقل از مجلهٔ حوزه، شمارهٔ ۷۰ ـ ۷۱، ویژه نامهٔامام زمان، ص ۹۹. ۹ کتاب الغیبه، ص ۹۹. ۱۰ همان، ص ۱۶۰. ۱۱ وافی، ج ۲، ص ۴۱۴. ۱۲ حق المبین، ص ۸۷. ۱۳ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵. ۱۴ شیخ صدوق، همان، ص ۵۱۶. ۲- ارتباط معنوی: بی تردید می توان با امام زمان(ع) ارتباط معنوی برقرار کرد. البته این ارتباط با بهره گیری از تقوا، دعا و توسل به ائمه(ع)، به ویژه به ساحت مقدس امام زمان(ع) امکان پذیر است. شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.۱۵ ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان(ع) را حضوراً ملاقات کند، بلکه باید با آن امام ارتباط برقرار کند و همیشه به یاد او بوده و او را در تمام اعمال خود ناظر بداند و هرگاه چنین لیاقت و شایستگی ای حاصل شد آن حضرت نیز به انسان عنایت کرده، به رفع مشکلات انسان می پردازد؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی که برای شیخ مفید صادر کرد، فرمود": فانا نحیط علما بأنبائکم و لا یعزب عناشی من اخبارکم؛۱۶ ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز او اوضاع شما بر ما پوشیده نمی ماند. "باز حضرت در همان توقیع فرمود: "ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند."۱۷ ارتباط معنوی انسان با امام زمان(ع) سبب می شود که آن حضرت در میان مردم حضور پیدا کند، اگرچه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود": سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنان هست و در کوچه و بازار آن ها گام بر می دارد و برخانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می دهد. او مردمان را می بیند."۱۸ در دعای ندبه می خوانیم": جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی."۱۹ ۳- ارتباط از طریق نامه: یکی از راه های ارتباط با امام زمان(ع)، نامه نگاری است. مرحوم شیخ عباس قمی به نقل از تحفه الزایر مجلسی و مفاتیح النجاه سبزواری می نویسد: هر کسی حاجتی داشته باشد و این را در نامه ای بنویسد و در یکی از قبور ائمه(ع) بیندازد و یا مهر کند و خاک پاکی را گل سازد و آن را در میان آن گذارد و در چاهی عمیق و یا نهری اندازد، آن گاه امام زمان(ع) خود شخصاً متولی بر آوردن حاجت می شود.۲۰ ۱۵ منتهی الآمال، ص ۵۵۹ و ۵۶۲. ۱۶ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۲. ۱۷ همان. ۱۸ جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۶؛ به نقل از الغیبه نعمانی، ص ۷۲. ۱۹ مفاتیح الجنان، دعای ندبه. ۲۰ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۱.

این که گفته شده است که مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع) مشرف شده اند صحت دارد؟

پرسش

این که گفته شده است که مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع) مشرف شده اند صحت دارد؟

پاسخ

دربـارهء امکان ملاقات با امام زمان (ع) در زمان غیبت کبرا دو دیـدگاه وجود دارد.(۱ الف) علم امکـان ملاقات برخی از بزرگان دین عقیـده دارنـد که در زمان غیبت کبرا ملاقات با امام زمان (ع) امکان ندارد. البته عدم امکان ملاقات حضوری بدان معنا نیسـت که مردم از وجود مقـدس امام زمان (ع) بهره نمی گیرنـد, بلکه حضـرت ماننـد خورشـید در پشت ابر به هدایت و رهبری مردم می پردازد, منتهی نفع رسانی و هـدایت مردم بـدون ملاقات حضوری شـکل می گیرد. طرفـداران این نگرش به برخی روایات اسـتدلال نموده اند.(۲ که در این روایـات ملاقـات بـا امـام زمان (ع) درزمان غیبت نفی شـده است .(۳ ب) امکـان ملاقـات برخی از عالمان دینی عقیـده دارنـد که در زمـان غیبت کبرا ملاقـات حضوری امـام زمـان (ع) امکان دارد, زیرارسـیدن به حضور حضـرت مبتنی بر لیـاقت و شایسـتگی است و برخی از انسـان هـا چنین لیـاقتی را دارنـد براین اساس حتی عـده ای به محضـر حضـرت رسـیده (۴ و از رهنمودهـای او در زمینه هـای مختلف بهره گرفته انـد.(۵مرحوم شـیخ طوسـی می نویسد: (۶ بـا توجه به اختلاف مبانی اندیشـمندان اسـلامی درخصوص امکـان و عـدم امکـان ملاقـات حضوری بـا امـام زمان (ع) قضاوت دربارهء ملاقات علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار کاری مشکل است , لکن برخی از بزرگان دین مانند مرحوم علامه مجلسی جریان ملاقات مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیـار بـا امام زمان (ع) رابیان نموده و آن را تأییـد کرده انـد. (۷ تأییـد ملاقـات علامـه بحرالعلوم و علی بن مهزیار با امام از سوی شخصـیتی ماننـد علامه مجلسـی حکایت ازآن دارد که در زمان غیبت کبرا ملاقات با امام زمان (ع) امکان پذیر است و ملاقات این دو شخص با حضرت امکان دارد. پی نوشت ها: ۱- مجله حوزه , ویژه نامه امام زمان (ع) ص ۷۴ ۲- ر. ک : کتاب الغیبهٔ, ص ۳۹۵ اعلاـم الـوری , ص ۴۱۷ ۳- کتـاب الغیبـهٔ, ص ۳۹۵ ۴- بحارالاـنوار, ج ۵۳ ص ۲۳ - ۲۳۹ ۵- همـان . ۶- کتـاب الغیبـهٔ, ص ۹۹ بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۳۱۳ ۷- بحار, ج ۵۲ ص ۴۲- ۴۷ ج ۵۳ ص ۲۳- ۲۳۴

یک جوان مسـلمان که علاقه‌مند است با حضرت مهدی(عج) رابطه داشته باشد و در قیام حضرت، یکی از سربازان ایشان باشد، چه کارهایی باید انجام دهد؟

پرسش

یک جوان مسلمان که علاقه‌مند است با حضـرت مهدی(عج) رابطه داشته باشد و در قیام حضرت، یکی از سربازان ایشان باشد، چه کارهایی باید انجام دهد؟

پاسخ

در خصوص برقراری ارتبـاط با امام زمان(ع) و این که در قیام امام از یاران حضـرت باشـد، وجود برخی از ویژگی‌ها و شـرایط لازم است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱ - پارسایی برقراری با امام پارسا، پارسایی یاران را می‌طلبد، آن دسته از بزرگان دین که با امام زمان(ع) ارتباط برقرار نموده‌انـد، از با تقواترین انسان‌ها بوده‌اند. از این رو یکی از وظایف شـیعیان در زمان غیبت تقوا گرایی بیان شـده است، همچنین در برخی روایات یکی از ویژگی‌های یاران امام زمان(ع) خداجویی بیان شده است(۱) که بیانگر ضرورت پارسایی است. امام صادق (ع) درباره یاران امام زمان(ع) فرمود": مردانی که گویا دل هایشان پاره‌های آهن است، غبار تردیـد ذات

مقدس خدا خاطر شان را نمی‌آلاید... دل هایشان نور باران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند("...۲) ۲ – بصیرت یکی از ویژگی‌های مهم که لازم است دوستان و یاران امام زمان(ع) داشته باشند، بصیرت و آگاهی است(۳) این ویژگی هم در زمان غیبت ضرورت دارد و هم در زمان حضور. چه بسا انسان‌هایی که در زمان غیبت به خاطر عدم بصیرت دچار مشکل شده‌اند، حق را در باطل تشخیص بدهند، ولی انسان‌های بصیر و آگاه در تشخیص حق از باطل دچار مشکل نشده و در بحران‌ها کمر خم نکرده و پیچ و خم‌های زندگی آنان را به بیراهه نمی‌کشاند. انسان‌های بصیر در زمان حضور امام زمان(ع) لحظه‌ای از یاری حضرت دست بر نداشته و آسیب و آفات آن‌ها را تهدید نمی‌کند. ۳ – دین مداری یکی از مؤلفه‌های مهم جامعه‌ی امام زمان(ع) حاکمیت دین است، از این رو افراد و یاران امام باید انسان‌های دین مدار باشند، از سوی دیگر در زمان غیبت انسان‌ها سخت دچار مشکل شده و حتی برخی غیبت امام زمان(ع) را منکر می‌شوند، همچنین برخی از انسان‌ها در زمان غیبت در معرفی سقوط اخلاقی قرار گرفته و باورهای دینی آنان ضعیف می‌شود. در چنین شرایط عمل کردن به دستورهای الهی و رعایت تکالیف یکی از ضروریات و بایسته‌ها محسوب می‌شود، زیرا عمل به دستورهای الهی هم زمینه لیاقت بهره‌گیری از فیض امام زمان(ع) را فراهم می‌نماید وهم انسان را از آسیب‌ها و آفات حفظ می‌کند، شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت" تکلیف گرایی "بیان شده است. ۴ – ولایت گرایی و فرمانبری در برخی از روایات یکی از ویژگی‌های یاران امام زمان(ع) ولایت مداری و فرمانبری بیان شده است. پیامبر اسلام (ص) در خصوص فرمانبری یاران امام زمان(ع) فرمود": کدّادون مجدّون فی طاعته،(۴) تلاشگر و کوشا در پیروی از اویند. "از این روایت استفاده می‌شود کسانی که در صدد هستند از یاران امام زمان(ع) باشند، باید ولایت مدار و فرمانبر باشند، در زمان غیبت از کسانی که اطاعت آنها را امام زمان واجب کرده است، اطاعت کنند و در زمان حضور از حضرت اطاعت کنند. ۵ – انتظار فرج به انتظار زیستن، وظیفه‌ای است که شریعت از مؤمنان در زمان غیبت خواسته است. انتظار به معنای آمادگی بدان معنا است که انسان‌ها هر لحظه منتظر قیام امام زمان بوده و باید شرایط پذیرایی از حضرت را در خود فراهم نمایند، از سوی دیگر با آسیب و عواملی که آن‌ها را از آمادگی برای قیام امام زمان باز می‌دارد، باید مبارزه نمایند، شاید بر اساس ایجاد این ویژگی در انسان‌های منتظر است که در زمان غیبت به انتظار فرج اهمیت خاص داده شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود": أفضل أعمال أمّتی إنتظار الفرج(۵)، انتظار فرج داشتن برترین عمل امت من است. "امام صادق(ع) نیز فرمود": خبر دهم شما را به چیزی که خداوند عمل بندگان را جز با آن نمی‌پذیرد،... باور به خدای یکتا و بندگی و پیامبری محمد... وچشم داشتن به ظهور قائم("۶) ۶ – عبادت یاران مهدی، مردان عبادتند، شیران روز و نیایش گران شب‌اند. آنان روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته، همواره خود را در محضر می‌بینند و از یاد او لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزند از ترس خداوند، نیمه شب، چون مادران فرزند مرده می‌گریند.(۷) امام باقر(ع) یکی از ویژگی‌های مهم یاران امام زمان(ع) را عبادت دانست": چون بر فراز نجف بر آید، به یاران خطاب کند: امشب را به عبادت به روز آورید. آنان برخی در رکوع و برخی در سجده، شب را به سحر می‌رسانند و به درگاه خدا تضرّع می‌کنند("۸) بر این اساس کسانی که می‌خواهند مانند یاران امام زمان(ع) باشند و در قیام حضرت شرکت کنند، باید در زمان غیبت به عبادت بپردازند. ۷ – شجاعت شجاعت و شهامت یکی دیگر از ویژگی‌های یاران امام زمان(ع) است. امام باقر(ع) در خصوص این ویژگی فرمود": گویا آنان را می‌نگرم، سیصد و اندی مرد، بر بلندای نجف کوفه ایستاده‌اند دل هایی چون پولاد دارند... در رزمگاه نشان از شجاعان بر تن دارند و چونان یاران پیامبر(ص) در نبرد بدر، نشانه ویژه بر سر نهاده‌اند.("۹) در برخی از روایات دعا نمودن برای سلامتی امام زمان(ع)، صدقه دادن، متوسل شدن به امام زمان(ع) و... نیز از وظایف مؤمنان بیان شده است.(۱۰) پی نوشت‌ها: ۱ – مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۹۹. ۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ ۳ – مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان (ع)، ص ۳۰۰. ۴ – شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ص ۶۳. ۵ – بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸. ۶ – الغیبة نعمانی، ص ۲۰۰. ۷ – مجله حوزه، ویژه نامه امام

زمان ص ۳۰۱. ۸ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸. ۹ - همان، ص ۳۱۰. ۱۰ - منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶۳ به بعد.

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پرسش

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پاسخ

منتظر واقعی کسی است که خود را از هر جهت آمادهٔ ظهور حضرت نماید. و باطل را از هر جهت از خود دور کند. شرط لازم برای این امر دینداری و دیانت پیشگی است. فرد منتظر می بایست کاملاً بر اعمالش مراقبت و مواظبت نماید و از هر گونه سستی و انحراف دوری گزینهٔ امام صادق(ع) فرمود": هر که خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و با ورع باشد.("۱) امّا در مورد درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) می گوییم: ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهدهٔ حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد. ارتباط غیر مستقیم، مقدمهٔ لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می‌توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است. فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی.(۱) از تدبّر و تأمل در آیهٔ فوق شاید بتوان تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار" دلدار "حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی" محبوب "چه باید همراه داشت؟ مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی(۲) با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه‌گر است. پیام خدا را در آن‌جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی. به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیرهٔ قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن.(۳) شما که درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارید. این امر شدنی و ممکن است. اما شرایط و شایستگی ویژه ای می طلبد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟ ۱ـ بازگشت به حق برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است ضروری ترین و بدیهی ترین شرط، بازگشت به" حق تعالی "است": فاخلع نعلیک "کفش های دل بستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قید و بند و رنگی شو. فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدیم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاک بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید. پس گام اوّل بازگشت به خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینهٔ خروج عملی از غفلت را فراهم سازد. چون عزم بر توبه کردید، غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سورهٔ ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز

هفتاد مرتبه" استغفرالله ربّی و اتوب الیه "بگویید، سپس" لا حول و لا قوّة إلّا بالله العلی العظیم "و در پایان بگویید": یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الذنوب إلّا أنت.("۴) ۲ـ تقویت معرفت: آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟ کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی‌هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اوّلاـ توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد.(۵) برخی تا نُه مرتبه برای آن شمرده‌اند، و عشق را در مرتبهٔ چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود. تا علاقه و محبت به امام زمان(عج) به مرحلهٔ عشق و ارادت نرسد، دیدار آن یار حاضر وغایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید: نشوی واقف یک نقطه ز اسرار وجود تا نه سرگشته شوی دایرهٔ امکان را شهید مطهری(ره) در توضیح می فرماید": ای سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی.("۶) ۳ـ عشق به خدا و تبعیت از امام زمان(عج): اثر طبیعی محبّت آن است که" محبّ "را با" محبوب "پیوندی می دهد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد. آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عج) می زنند، باید صداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهند. در کتاب معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده" :ما احبّ الله من عصاه کسی که گناه و نافرمانی خدا می کند، خدا را دوست ندارد. "دوستی و محبت در عمل ظهور می کند. سپس فرمود": چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند.("۷) قرآن کریم می‌فرماید ": قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...؛ پیامبر! بگو (به مردم) اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد. "بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد. کسی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند. ۴- تقویت ارتباط قلبی و عاطفی می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود: از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم، نایب الزیارهٔ آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همهٔ ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن. ۵- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرّف شدند. مطالعهٔ زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می‌دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند. پی نوشت ها: ۱. بحارالانوار، ح ۵۲، ص ۱۲۸. ۲. طه (۲۰) آیهٔ ۱۲. ۳. قصص (۲۸) آیهٔ ۳۰. ۴. تفسیر المیزان (مترجم)، ج ۱۴، ص ۱۹۱. ۵. میرزا جواد ملکی تبریزی، رسالهٔ لقاء الله، ص ۶۳. ۶. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۹۳؛ تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۰۳. ۷. عرفان حافظ، تماشاگر راز، ص ۱۴۳. ۸. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۶.

چرا امام زمان (عج) با افرادی مثل من در ارتباط نیست ؟ علت غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ وظیفه ما در زمان غیبت چیست ؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) با افرادی مثل من در ارتباط نیست ؟ علت غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ وظیفه ما در زمان غیبت چیست ؟

پاسخ

اصلا "بنا نیست امام زمان (عج) به طور مستقیم با شیعیان خودش اعم از خوب یا بد در ارتباط مستقیم باشد به این معنی که مستقیما "به حضور او برسند .به جز در مواردی استثنایی که خودحضرت این افتخار را برای لحظاتی به برخی از دوستان و شیعیان خودداده اند .هر چند همه مردم و به طور خاص محبین و شیعیان آن حضرت به نحو غیر مستقیم از الطاف و برکات و هدایت های آن حضرت بهره مندمی شود، (نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۶، ینابیع الموده ، ج ۲، ص ۲۱۷) . اگر مانعی وجود نداشت قهرا "آن حضرت به طور مستقیم در ارتباط با مردم می بود لکن خداوند که افعالش بر طبق مصالح و در نهایت استحکام است ، آن حضرت رااز دیده ها پنهان نگه داشته است لذا غیبت حضرت علت و حکمت وفلسفه ای دارد .اگر چه فلسفه این غیبت و حکمت آن به طور کامل برای مامعلوم نمی شود مگر بعد از ظهور آن حضرت ، (الاحتجاج ، طبرسی ، ج ۲، ص ۳۷۶ و کمال الدین و تمام النعمه ، شیخ صدوق ، ج ۲، ص ۴۸۲، حدیث ۱۱). اما در روایات ما، برخی از حکمت های غیبت بیان شده است : ۱- به سبب غیبت ، از خطر قتل نجات می یابد و بدین سان زمین خالی از حجت نمی ماند، (اثبات الهداه ، ج ۶، ص ۴۳۷) . ۲- به سبب غیبت ، از بیعت کردن با حاکمان ستمکار محفوظ می ماند، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲) . ۳- خداوند به سبب غیبت ، بندگان خود را آزمایش و امتحان می کند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳) . از طرف دیگر به این نکته باید توجه داشت که ارتباط مستقیم سهل آن حضرت با افراد نیز زمینه ساز سو استفاده ها و ادعاهای دروغین بسیاری می شود و به این وسیله زمینه های فریب بسیاری از توده ها فراهم می گردد .ازاین رو این باب بسته نگاهداشته شده و وظیفه امت در پیروی از نایبان آن حضرت معرفی شده است . برای اطلاع بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب دادگستری جهان ، تالیف آیت الله ابراهیم امینی; .

چگونه می توان با امام زمان (عج) صحبت کرد؟

پرسش

چگونه می توان با امام زمان (عج) صحبت کرد؟

پاسخ

به طور کلی باید توجه داشت که آنچه از ما خواسته شده و شارع مقدس به ما دستور داده است ، اعتقاد به امام زمان (عج) و دعا برای سلامتی و فرج آن بزرگوار و بعضی ادعیه و زیارات وارده است و از ما صحبت کردن با امام زمان (عج) ویا نامه نوشتن برای آن بزرگوار خواسته نشده است . در بعضی کتب دعا، دستوراتی برای خواب دیدن و یا نامه حاجت نوشتن ذکر شده است. در کتاب باقیات الصالحات که در حاشیه مفاتیحالجنان در باب ششم در خواص بعضی سور و آیات و غیره ، تحت عنوان ((جهت

خواب دیدن پیغمبر (ص) و یا امام (عج) یا والدین یا یکی از مردگان خود)) دستوری را ذکر نموده است ولی سندمعتبری برای آن نقل ننموده است و نیز در تتمه ملحقات مفاتیحالجنان که در پایان مفاتیح چاپ شده است ، تحت عنوان رقعه ای که برای حاجت می نویسند و در آب جاری یا چاهی می اندازند، دستوری برای نامه حاجت نوشتن را ذکر نموده است که برای آن نیز سند معتبری نقل نموده است. شهید دستغیب در کتاب ((داستان های شگفت)) نقل می نماید که برای امام زمان (عج) نامه نوشته و آن را به آقای بهجت داده است که در آب روان بیاندازد .پس از این که آقای بهجت نامه را در آب روان می اندازد نامه در جای خود می ماند وحرکت نمی کند .یکی دو بار این مطلب تکرار می شود و آقای بهجت نامه را گرفته و به آقای دستغیب برمی گردانند .آقای دستغیب این طور نتیجه گرفته است که مصلحت نبوده که آن حاجت برآورده شود.منظور این است که عمل به این دعاها و یا نوشتن نامه خدمت حضرت لزوماً به معنای برآمدن مقصود نیست و البته حضرت اشراف علمی به ما دارند و کارها و اعمال و رفتار ما برای آن بزگوار آشکار است و این که به یاد آقا باشیم و آن بزرگواردر نزد ما عزیز باشد به این معنا است که آقا به یاد ماست و در نزد ایشان عزیز هستیم. خداوند امام زمان (عج) را از همه ما راضی و خشنود قرار بدهد و در فرج آن بزرگوار تعجیل فرماید و همه ما را از شیعیان ودوستداران و موالی و یاران حضرتش قرار دهد؛.

چه کنیم تا رابطه ما با امام زمان (عج) قوی تر شود و دوستدار واقعی ایشان شویم ؟

پرسش

چه کنیم تا رابطه ما با امام زمان (عج) قوی تر شود و دوستدار واقعی ایشان شویم ؟

پاسخ

مهمتر از همه چیز آن است که وظایف خودرا در برابر آن حضرت بشناسیم و به انها عمل بکنیم در این صورت است که آن حضرت نیز دوستدار ما خواهندبود و لطف و عنایت افزون تری نسبت به ما خواهند داشت . آن چه بیش ازهمه آن وجود شریف و مقدس از ما انتظار دارند این است که در همه اموررضای حق تعالی را در نظر بگیریم و کوچک ترین قدمی برخلاف فرامین قرآن و اسلام برنداریم . از طرف دیگر خود را همواره سرباز فداکار آن حضرت بدانیم و در همه جا برای حفظ دین و آرمان مقدس آن حضرت تلاش و جانفشانی کنیم و در حد توان محیط خانه مدرسه دانشگاه اداره و...را به فضایی دینی و معنوی تبدیل نموده و کشور درون نفس و جامعه برون رامرکز حاکمیت تقوا کنیم . دعا برای فرج آن حضرت و آماده سازی خود وجامعه در این راستا نیز از وظایف است . خواندن دعاهایی مثل دعای عهدزیارت آل یاسین و ...نیز خوب است؛ .

چگونه می توان با امام زمان ارتباط برقرار کرد؟

پرسش

چگونه می توان با امام زمان ارتباط برقرار کرد؟

پاسخ

از آنجائی که حقیقت غیبت امام زمان (عج) غیبت و پنهان شدن جسمانی و فیزیکی نیست بلکه ناشناخته بودن آن بزرگوار برای مردم است و به عبارت دیگر آن حضرت حضور مؤثر و پیوسته ای در جهان و بین مردم دارند ولی گمنام، بر این اساس ممکن است بارها آن حضرت را دیده باشید ولی نشناخته باشید و آنکه در حجاب است مائیم نه آن بزرگوار. البته ملاقات همراه با شناخت و معرفت و تصحیح عملکرد و همگون شدن با آن حضرت در زندگی روزمره ممکن است چنانکه خود آن حضرت فرموده است شما خوب باشید ما خود شما را پیدا می کنیم. حضرت استاد علامه طباطبائی (ره) در این باره فرموده اند" : منظور از غیبت امام (ع) غیبت شخص و جسم نیست، بلکه " غیبت عنوان "است که در این صورت، دیدار و رویارویی با آن حضرت به سه صورت ممکن است پیش آید: ۱- دیدار حضرت مهدی(ع) با عنوان غیر واقعی ایشان، به طوری که کاملا برای ، باری، هر شیعه پاک سرشتی می‌تواند آن حضرت را ملاقات کند، ولی باید توفیق رفیقش شود از گناهان و موارد شبهه و مشکوک پرهیز کرده و درون خویش را از خفاشها پاک کند و از طرفی به ایمان و یقین و صفات پسندیده ، انجام واجبات و مستحبات و ذکر حق تعالی جان خود را آراسته کرده و در رفع نیازمندیهای مردم و اصلاح جامعه کوشا باشد، تا نور ولایت او در دل، و جمال او در چشمش تابیدن گیرد. گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است؟ گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است("!۱) دیدار کننده، ناشناس باشند، این گونه دیدار، و به فراوانی به طور دایم، برای کسانی که در محل زندگی ایشان سکونت دارند، و یا افرادی که با ایشان برخورد می‌نمایند ـ در هر نقطه‌ای که باشد ـ روی می‌دهد. دیدار با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بدون اینکه این امر را ملاقات کننده ـ مگر پس از پایان گرفتن دیدار ـ متوجه مومن بایابکم و مصدق برجعتکم مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند . (ره) باشد. این همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می‌شود. دیدار با آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان، در حالی که دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر باشد. این گونه دیدار در اخبار مشاهده و دیدار بسیار کم نقل شده است، زیرا غالباً مخالف مصلحت می‌باشد و با غیبت تامه و کامل حضرت مهدی (عج) منافات دارد. اما در رابطه با کیفیت رویارویی با آن حضرت، کافی است آن جناب با فرد مورد نظر، مانند سایر انسانها روبه‌رو شود و منظور خود را از دیدار برآورده سازد و شخصیت حقیقی خود را به او ـ اگرچه به گونه‌ای که پس از اتمام رویارویی متوجه شود ـ بشناساند. بلکه آن حضرت، به طور عادی، پس از پایان دیدار، ملاقات کننده را ترک می کند. البته، در صورتی که هنگام ملاقات، امام (به گونه‌ای در تنگنا قرار گیرد که بیم از میان رفتن و انتفای غیبت عامّه ایشان برود، چاره‌ای از پنهان شدن به طریق اعجاز نیست. و این معجزه در این شرایط با قانون معجزات مطابقت دارد، زیرا بر قراری غیبت ایشان برای تحقّق روز موعود لازم است. راجع به اینکه: آیا در غیبت کبری، ممکن است کسی خدمت آن حضرت مشرّف شود؟ باید گفت: آری، و اینکه در بعضی روایات گفته شده که مدعیان دیدن حضرت را تکذیب کنید؛ منظور کسانی هستند که ادعای دیدن آن امام و نیابت دارند.

۱ـ در محضر علامه طباطبائی، هادی خسروشاهی، ص ۱۵۴ ـ ۱۵۵

راه افزایش عشق به امام زمانغ و ارتباط با آن حضرت چیست

پرسش

راه افزایش عشق به امام زمانغ و ارتباط با آن حضرت چیست

پاسخ

الف ـ افزایش عشق و محبت نسبت به آن حضرت ۱. امام زمانغ حجت زندهٔ خداوند در میان انسانها بوده کاملترین و با فضیلتترین مخلوقات است او تنها فرد از سلسله جانشینان الهی است که پس از پیامبر بزرگوار و یازده امام معصوم ، به عنوان نمایندهٔ آنان میباشد. عُصارهٔ همهٔ کرامتها و ارزشهای انسانی است عالیترین شاخصههای کمال انسانی در وجود مقدس ایشان جمع شده است انسان که در تکاپوی یافتن بهترین راه برای بارور ساختن استعدادهای کمالطلبی در خود بوده تشنهٔ رهیابی به مقصدهای متعالی است بدیهی است که آسانترین شیوهٔ رسیدن به آن و جهت دادن صحیح به رفتارهای خود، هم‌آهنگ ساختن آنها با آیینهٔ تمامنمای انسان کامل است و اساساً فلسفه امامت در ساختار اعتقادی شیعه همین است امام نه صرفاً یک سخن‌گوی راه هدایت بلکه عامل رساندن انسان به فضای ملکوتی هدایت است در وجود امام سازوکارهای هدایت عینیت پیدا کرده و او نه فقط ترسیم‌گر خط هدایت بلکه رساننده عمل انسان به منزلگاه هدایت و کمال است انسان که در درونش آتش کمال‌جویی شعله‌ور است باید این باور را همواره سویه‌ای دل خود قرار دهد که کامل‌ترین موجودات و مخلوقات خداوند، زنده و حاضر در میان ما است از این رو، سراسیمه و با تب و تاب مؤلفه‌های شخصیتی آن معصوم را هر چه بیش‌تر بشناسد ;آن گوهری که در وجودش همهٔ عناصر کمال عینیت یافته است اگر ما او را بیش‌تر بشناسیم بیش‌تر رو به سویش خواهیم داشت و در دل و جانمان مأوی خواهد گزید. ب ـ افزایش ارتباط افزون بر، عنصر شناخت که در قسمت اوّل پاسخ بدان اشاره گردید ;محزون بودن برای حضرت به دلیل غربت و تنهایی او از میان مردم انتظار فرج دعا جهت حفظ آن وجود مقدّس صدقه دادن برای سلامتی وی متوسّل شدن به ایشان در گرداب گناه و فساد نلغزیدن و پاک نگه‌داشتن خود و... از جمله راه‌کارهای افزایش ارتباط با ولی‌عصر، امام زمانغ می‌باشد. از قرآن کریم نیز استفاده می‌شود که وظیفه ما اظهار دوستی و مودّت اهل‌بیت پیامبر: است" قُل لآ أسْ?لُکم عَلَیْهِ أَجْرًا إلآ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی(;شوری ۲۳) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم]=اهل‌بیتم. " .در کتاب شریف اصول کافی از امام باقر۷ روایتی نقل شده است که منظور از "قُربیَ "در آیه شریفهٔ یاد شده ائمه می‌باشند(;المیزان علامه طباطبایی ، ج ۱۸، ص ۵۱.) با توجه به چنین تفسیری سفارش آیه شریفهٔ فوق آن است که ما دوستی و عشق و محبت خود را به اهل‌بیت افزون کنیم و حتّی اجر و مزد رسالت سنگین پیامبر۹ را همین مسئله قرار داده است روشن است راه افزایش این عشق و محبت گرچه به صورت آیه‌ای مستقل و صریح در قرآن نیامده است امّا از روایات معصومین استفاده می‌شود که راه کلّی آن حرکت در مسیر جهت‌گیری‌ها و عمل کردن به دستورات آنها است همان‌گونه که اشاره شد، ترک کارهای حرام تقویت معنویّت خدمت به مردم دعا در حق آن حضرت و متوسّل شدن به ایشان و خواندن دعاهای مربوط به آن وجود مقدس که یکی از آنها زیارت‌نامهٔ مخصوص عصر جمعه می‌باشد که در کتاب شریف مفاتیح‌الجنان آمده است

چگونه ارتباطم را با امام زمان (عج) بیشتر و عمیق تر کنم ؟

پرسش

چگونه ارتباطم را با امام زمان (عج) بیشتر و عمیق تر کنم ؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: « یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون » ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید ». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می‌کشید) مرابطه نمایید»،}(کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص ۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم‌چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: « الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوهٔ وآتوا الزکاهٔ وامروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر » کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند(حج، آیه ۴۱) . امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او» (تفسیرقمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان ودوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعامی‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: « انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم » ما هرگز در رعایت احوال شماکوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم. (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴) ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوارمی‌باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع اوبودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از این رو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می‌رسد. منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک « عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... » بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم(دعای ندبه). ۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم. ۴- انتظار فرج آن حضرت در دل و ظاهر جلوه‌گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع)بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت وپیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می‌گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد

استوارمی‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ وشعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود زیرا بع □...بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کندو آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر وحقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهادمی کنند(بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ – ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳–۱۹۰ باتصرف). ۵– داستان‌های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم. در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی‌عصر» بر اعمال و رفتار ماآگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره‌گشایی‌های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم.

برای نوشتن نامه به امام زمان(عج) شرایط خاصی لازم است؟

پرسش

برای نوشتن نامه به امام زمان(عج) شرایط خاصی لازم است؟

پاسخ

درخواست حاجت از اولیای الهی، وقتی با نیت خالصانه و صادقانه صورت بگیرد، قطعا سبب بذل توجه و عنایات خاص حضرات معصومین(ع) قرار خواهد گرفت چون هیچ ارتباطی با منابع رحمت و فیض بدون پاسخ و اثر نمی ماند. لکن این به معنای اجابت خواسته مطرح شده و برآمدن حاجت نیست. زیرا برآمدن یک خواسته گاهی به جهات مختلف مصلحت نیست. به عنوان مثال توسل به اولیای الهی برای شفای بیماری لاعلاجی که پزشکان آن را جواب کرده اند، عملی پسندیده و نیکوست و اثرات مطلوب و توجه و عنایات خاص آنان را در پی دارد اما به معنای برآمدن حتمی این خواسته نیست چرا که اولیاء الهی براساس حکمت عمل می کنند به هر حال یا دعای شخص اجابت می شود یا برکات و نعمت های دیگری در دنیا و آخرت برای او مقرر می شود. نفس ارتباط با امام زمان(عج) آثار سازنده روحی نیز دارد. این درخواست به صورت سخن قلبی یا لفظی و حتی کتبی می تواند باشد نوشتن نامه کتبی برای حضرت راهی برای ایجاد ارتباط با آن عزیز دلها می باشد و شرایط خاصی ندارد و در وقت گرفتاری و حاجت می توان این کار را انجام داد. مرحوم شیخ عباس قمی از کتاب های برخی بزرگان مثل تحفه الزائر مرحوم مجلسی نقل می

کند که هر که حاجتی داشته باشد، آن را در رقعه و نامه ای بنویسد و در قبور یکی از امامان(ع) بیاندازد و یا آن را ببندد و مهر کند و از خاک پاک گل بسازد و نامه را در میان آن بگذارد و در نهری یا چاهی عمیق یا گودال آبی بیاندازد و آن نامه به حضرت صاحب الزمان(عج) می رسد و آن حضرت عهده دار برآوردن حاجت او می گردد. نامه ای که نوشته می شود با این عبارت است: «بسم الله الرحمن الرحیم، کتبت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا و شکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عزوجل ثم بک من امر قد دهمنی و اشغل قلبی و اطال فکری و سلبنی بعض لبی و غیر خطیر نعمه الله عندی اسلمنی عند تخیل وروده الخلیل و تبرء منی عند توائی اقباله الی الحمیم و عجزت عن دفاعه حیلتی و خاننی فی تحمله صبری و قوتی فلجأت فیه الیک و توکلت فی المسأله لله جل ثناءه علیه و علیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله رب العالمین ولی التدبیر و مالک الامور واقفا بک فی المسارعه فی الشفاعه الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارک و تعالی ایاک باعطائی سؤلی و أنت یا مولای جدیر تبحقیق ظنی و تصدیق أملی فیک فی امر کذا و کذا (و به جای کلمه کذا و کذا، حاجت خود را نام می بری) فیما لا طاقه لی بحمله و لا صبرلی علیه و ان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی و تفریطی فی الواجبات التی لله عز وجل فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف و قدم المسأله لله عزوجل فی امری قبل حلول التلف و شماته الاعداء فبک بسطت النعمه علی و اسأل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا و فتحا قریبا فیه بلوغ الامال و خیر المبادی و خواتیم الاعمال و الأمن من المخاوف کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال و هو حسبی و نعم الوکیل فی المبدأ والمال». آن گاه بالای آن نهر جاری یا گودال آب می آید و بر یکی از وکلای حضرت اعتماد و توجه نماید (یعنی به عثمان بن سعید عمروی ی...فرزندش محمد بن عثمان یا حسین بن روح و یا علی بن محمد سمری که از وکلای خاص حضرت حجت(عج) بوده اند) و سپس نامه خ...Sرا در آن نهر و یا چاه و یا گودال آب بیاندازد که انشاءالله حاجت او برآورده می گردد (منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶۹، انتشارات هجرت، چاپ چهاردهم، تابستان ۱۳۸۰).

راه های ارتباط با امام زمان (عج) چگونه است ؟

پرسش

راه های ارتباط با امام زمان (عج) چگونه است ؟

پاسخ

ملاقات و ارتباط با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او

بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم‌چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوة وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نَهوْ عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند»(حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: «اناغیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم ؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم»(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار است. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود رابه امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می‌رسد. منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی؛ منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم» (دعای ندبه). ۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم. ۴- انتظار فرج آن حضرت را در دل و ظاهر جلوه‌گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می‌گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است. از این جانادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می‌گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید این که امام زمان ظهور کند و آنها را اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی.

ه) امیـد به آینـده‌ای روشن و نویـد بخش. ک) تلاـش برای برقراری حکومتی عـدل پیشه و عـدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاـقی. خ) داشـتن روحیه تعهـد و مسؤولیت‌پـذیری. این انتظـار فرج است که بهترین اعمـال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضـرت حجت(عـج) زنـده و تحت فرمان او در راه خـدا جهاد می‌کننـد، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ - ره‌توشه راهیـان نور، دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف). ۵- داسـتان‌های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم. در پایان به این نکته مهم توجه داشـته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی‌عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضـر ایشان ببینیم و برای گره‌گشایی‌های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم. برای آگـاهی بیشتر ر.ک: ۱- یکصـد پرسـش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی ۲- ترجمه منتخب‌الاثر، آیت‌الله‌صافی ۳- مهـدی موعود، ترجمه: علی دوانی ۴- وابسـتگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی ۵- امـام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

اعتقاد ما شـیعیان این است که هر گاه ائمه را صدا بزنیم و حاجت خود را با خلوص نیت از آنها بخواهیم به ما پاسخ می دهند پس فلسفه نوشتن عریضه چیست ؟

پرسش

اعتقاد ما شـیعیان این است که هر گاه ائمه را صـدا بزنیم و حاجت خود را با خلوص نیت از آنها بخواهیم به ما پاسـخ می دهنـد پس فلسفه نوشتن عریضه چیست ؟

پاسخ

مرحوم حاج شـیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح‌الجنان می‌فرماید در کتاب تحفه الزائر از حضرت صادق(ع) نقل شده است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف باشی در کاغذی این عبارات را بنویس «بسم اللَّه الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیک» تا آخر که در مفاتیح هست و در آخر آن حاجت خود را بنویس و آن را پیچیده در گلوله‌ای از گِل قرار بده و در آب جـاری (مثـل آب رودخانه) یا در چاهی بینـداز (انشاءاللَّه) خداونـد به زودی گشایش در کارت ایجاد می‌کنـد، (مفاتیـح‌الجنان، ص ۹۷۴) در مورد نوشـتن عریضه , چون روایت معتبری در دست نیست , قضـاوت دربـاره آن مشـکل است و به هر حال شایـد عریضـه نویسـی حاصل تجربیات بعضـی از بزرگان است که در رفع حاجات اثراتی مشاهـده کرده اند و بعد کم کم به صورت امری رایج و مرسوم درآمده است .

آیا اینکه کسـی حرف دلش را بر روی کاغـذی بیاورد و به امید آنکه به دست امام زمان وی خواهد رسـید از نظر علمای ما چگونه است.آیا خرافه است.

پرسش

آیا اینکه کسی حرف دلش را بر روی کاغذی بیاورد و به امید آنکه به دست امام زمان وی خواهد رسید از نظر علمای ما چگونه است.آیا خرافه است.

پاسخ

در مورد نوشتن عریضه , چون روایت معتبری در دست نیست , قضاوت درباره آن مشکل است و به هر حال شاید عریضه نویسی حاصل تجربیات بعضی از بزرگان است که در رفع حاجات اثراتی مشاهده کرده اند و بعد کم کم به صورت امری رایج و مرسوم درآمده است . اصل کار و نوشتن عرض حاجت برای حضرت ولی عصر(عج) منع شرعی ندارد ولی با راز و نیاز با خداوند و استمداد و توسل داشتن به امام زمان(عج) مطلب حاصل می شود چرا که به هر حال ائمه طاهرین(ع) با عنایت خاصه ای که از سوی پروردگار برخوردارند توجه آنان به اهل ایمان چه با حال گفتاری باشد یا مکتوب تفاوتی برایشان ندارد.

آیا سوال کردن از امام زمان و جواب شنیدن غیر ممکن است.

پرسش

آیا سوال کردن از امام زمان و جواب شنیدن غیر ممکن است.

پاسخ

با توجه به این که شیعه به ادله متعدد قائل است که زمین هرگز خالی از حجت نیست، چنانچه امام صادق(ع) فرمود اگر در دنیا مردم به دو نفر تقلیل یابند یکی از آنها امام و حجت خدا بر خلق است (الزام الناصب، علامه حائری، ص ۴) و حجت حق که امام باشد واسطه بین خلق و خالق است و تمام علماء امامیه به اتفاق و علماء اهل سنت بجز قلیلی با استناد به روایات کثیری که از جانب پیامبر اکرم (ص)و سایر معصومین(ع) وارد شده و با اتکاء به تاریخ و نقل هایی که به تواتر به دست ما رسیده معتقدند که امام زمان(عج) متولد شده و زنده است گرچه به خاطر عواملی دیدگان ما از جمال دلربایش محروم گشته [که این عوامل و اسرار غیبت در کتاب هایی که در این زمینه نگاشته شده مشروحا بیان شده] لکن با این حال باب ملاقات و صمیمیت و سؤال کردن از حضرت مسدود نیست و به قول بزرگان بهترین دلیل بر امکان یک چیز وقوع آن است و در طول تاریخ بسیار کسانی از علماء و دانشمندان به این سعادت بزرگ نائل شده و مسائل و مشکلات خود را مطرح کرده و جواب گرفته اند و در این رابطه بسیاری از بزرگان کتاب نوشته اند که در این رابطه می توانید به کتاب های زیر مراجعه نمایید: - رخسار آفتاب، آیت الله سید مجتبی غیوری زندگی حضرت صاحب الزمان، حسین عمادزاده برای نمونه آیت الله غیوری در اثرخود، تشرف و صحبت کردن بزرگانی مانند علامه بحرالعلوم، مقدس اردبیلی، علامه حلی، شیخ صدوق، شیخ انصاری، شیخ حر عاملی، آیت الله نجفی مرعشی، علی ابن مهزیار و... را نقل نموده که به محضرت حضرت نائل شده و بعضا سؤالاتی را مطرح و جواب گرفته اند (رخسار آفتاب، ص ۲۲۹ به بعد).

آیا عریضه نویسی به امام زمان‌علیه‌السلام مدرک معتبری دارد؟

پرسش

آیا عریضه نویسی به امام زمان‌علیه‌السلام مدرک معتبری دارد؟

پاسخ

در مورد جواز بلکه رجحان عریضه نویسی به امام زمان (ع) می‌توان به ادلّه‌ای تمسک کرد: ۱ - عریضه‌نویسی از انواع توسّلات واستغاثه‌های به امام عصر (ع) به شمار می‌آید، توسلی که اصل آن از مستحبات مسلّم در مصادر دینی به حساب می‌آید. ۲ - عریضه‌نویسی از کارهای مسلّمی است که عمل وسیره بزرگان بر آن بوده وآثار وبرکات شگفت‌انگیزی از آن برده شده است. محدّث نوری در کتاب" نجم‌الثاقب "قضایای عجیبی را در این رابطه نقل می‌کند. {پاورقی . نجم‌الثاقب، ص ۴۲۱ ؛ جنّة المأوی، ص ۲۴۸ ؛ دارالسلام، ج ۲، ص ۲۶۴. پاورقی} ۳ - کفعمی در" المصباح "و"البلدالأمین "کیفیّت وچگونگی عریضه‌نویسی را نقل کرده واین خود دلیل بر آن است که عریضه‌نویسی از مشروعیت برخوردار است. {پاورقی . المصباح، ص ۵۳۱ ؛ البلد الأمین، ص ۲۲۷. پاورقی} مرحوم مجلسی نیز فرموده است": هنگام انداختن عریضه چنین خیال کند که نامه را به نایب خاص تسلیم می‌کند." {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۹۴، ص ۳۰. پاورقی} شیخ‌الطائفه ابوجعفر طوسی؛ در کتاب" مصباح المتهجّد "می‌گوید": عریضه‌ای به سوی خداوند متعال می‌نویسی وآن را می‌پیچی، سپس عریضه دیگری به محضر والای حضرت بقیة اللّه اروحنا فداه می‌نویسی،"... آن گاه کیفیّت نوشتن هر یک از {پاورقی . همان، ص ۲۷. پاورقی} عریضه‌ها را بیان می‌دارد.

آیا این مطلب درست است که نامه هایی که در آب روان انداخته می شود به دست امام زمان (عج) می رسد؟

پرسش

آیا این مطلب درست است که نامه هایی که در آب روان انداخته می شود به دست امام زمان (عج) می رسد؟

پاسخ

در بعضی از کتاب‌ها مانند کتاب مفاتیح‌الجنان مرحوم شیخ عباس قمی آمده است که از کتاب تحفةالزائر از حضرتصادق(ع) نقل شده که هرگاه حاجتی داشته باشید و یا از امری می‌ترسید این دعا را در کاغذی بنویس و در آخرحاجت خود را ذکر کرده و سپس آن را در گلوله‌ای از گِل قرار داده و در میان آب جاری یا چاهی بینداز. خداوند بهزودی گشایش در کار شما ایجاد می‌کند، (مفاتیح‌الجنان، ص ۹۷۴). اما در این که حتما به دست امام عصر(عج) می‌رسد یا نه، خدا می‌داند و بر فرض که چنین باشد معلوم نیست هرنامه‌ای که نوشته شود و در آب انداخته شود مورد نظر حضرتش قرار گیرد. گرچه از نظر عقیده شیعه آن حضرت به اذنخدا از همه امور مطلع و واسطه فیض خدا به بندگانش می‌باشند، (اعلام‌الدین، ص ۲۷۰ - ۲۶۹). {J

چطور می توان با آقا صاحب الزمان ارتباط برقرار کرد و او را ببینیم و کلا چطور با اهل بیت ارتباط برقرار کنیم.

پرسش

چطور می توان با آقا صاحب الزمان ارتباط برقرار کرد و او را ببینیم و کلا چطور با اهل بیت ارتباط برقرار کنیم.

پاسخ

ارتباط با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید و تقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص ۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم‌چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوهٔ وآتوا الزکاهٔ و امروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند»، (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می‌باشد. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از این رو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم پس بحث زیر ضروری به نظر می‌رسد. منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. حتی اگر این وظیفه نماز نخواندن یا روزه نگرفتن باشد (همان گونه که برای خانم ها در اوقات خصوصی چنین قرار داده شده). ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم»، (دعای ندبه). ۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم. ۴- انتظار فرج آن حضرت را در دل و ظاهر جلوه‌گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و

پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی است. منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد ماند. ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد. او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است، بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند، (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ - ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف). ۵- داستان‌های واقعی بزرگانی را که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند بخوانیم. در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی‌عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و باید خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره‌گشایی‌های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم. بهترین دعاها در زمان غیبت: دعای عهد، زیارت آل یس و دعای ندبه است که در زمان‌های خاص در طول شبانه‌روز و هفته خوانده می‌شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی ۲- ترجمه منتخب‌الاثر، آیت‌الله صافی ۳- مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی ۴- وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف‌الله صافی ۵- امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی و درباره ایجاد ارتباط با اهل بیت(ع) باید گفت: هرگونه ارتباط محبت آمیز و قلبی بر معرفت و شناخت مبتنی است. آشنایی و محبت اگر سطحی و زودگذر باشد، سریع مضمحل و نابود می گردد. ارتباط و علاقه و محبت به اهل بیت(ع) اگر پس از معرفت مقام و جایگاه ایشان(ع) به دست آید، هیچ گاه زایل نشده و هر لحظه فزونی می یابد و مؤمن را به فلاح و رستگاری و همنشینی با ائمه اطهار(ع) در دنیا و آخرت می رساند. نخستین گام در راه پیوند با این بزرگان، شناخت جایگاه آنان در جهان هستی است. زیارت جامعه کبیره از امام هادی(ع) روایت شده، یکی از بهترین متون درباره امام شناسی است. در فرازهایی از این زیارت عمیق و ارزشمند آمده است: سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان به سوی آن چه رضایت خدا در آن است. کاملان در محبت الهی و اخلاص ورزندگان در توحید خدا و آشکار سازندگان امر و نهی خداوند. خداوند شما را برای علم خود برگزید و برای غیب و نهان خود پسندید و برای سرورانش انتخاب کرد. خداوند شما را از گناه و ناپاکی دور گردانید و از فتنه ها ایمنی بخشید، شما هم او را بزرگ داشتید و یاد و ذکرش را استمرار بخشیدید و به خاطر او در آشکار و نهان مردم را نصیحت کردید و به راه راست رهنمون شدید وجانتان را در راهش فدا کردید و

بر مصائبی که در راه او بر شما فرود آمد بردباری ورزیدید. پس هر کس از شما روی گرداند از دین خارج شده و هر کس با شما همراه شد به مقصد رسید. حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی شما است. بازگشت خلق به سوی شما و حساب آن بر عهده شما است. هر کس شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته و هر کس با شما دشمنی ورزد با خدا دشمنی ورزیده است. شما صراط و راه قویم خدا هستید. هر کس به سوی شما آمد نجات پیدا کرد و هر کس روی گردانید هلاک شد. خوشبخت آن کسی که با شما دوست گردید و نگون بخت آن کسی که با شما دشمنی ورزید. هر کس پیرو شما شد بهشت جایگاه او و هر کس با شما مخالفت کرد، دوزخ منزلگاه او است. هر کس شما را انکار کرد کافر و هر کس با شما جنگید مشرک است. کلام و سخن شما نور و امرتان رشد و هدایت و سفارش شما تقوا و کارتان خیر و عادت شما احسان و نیکی و روش شما کرم و بزرگواری است. هر کسی آهنگ خدا کند از شما آغاز می کند و هر کس متوجه خدا گردد شما را قصد می کند مدح و ثنا و وصف شما از توان من بیرون است. به خاطر شما است که قطرات باران فرو می ریزد و به برکت و عنایت شما غصه ها برطرف می گردد و مشکلات و خطرات زایل می گردد. با رعایت توصیه های زیر، ارتباط بین ما و اهل بیت(ع) مستحکم می گردد: ۱. ایجاد معرفت و شناخت از طریق مطالعه تاریخ زندگی و معجزات و مقامات و سخنان حکمت آمیز ودعاها و زیارات و فضایل و مناقب آنها. ۲. توسل و توجه به بارگاه قدس آنان(ع) در زمان های مخصوص و شاد بودن و غمناک بودن در تولد و شهادت آنها. ۳. ایجاد سنخیت روحی بین خود و آنها از طریق تهذیب نفس، ترک معاصی، انجام واجبات و نزدیکی هر چه بیشتر به خداوند متعال.

می توان امام و رهبر خود را در حال حاضر بدون رابطه رو در رو از طریق رسانه ها شناخت(امام علی اکثرا با مردم تحت ولایتش رابطه مستقیم داشت) البته ما به همه اصول اسلام معتقدیم و فقط از باب تکمیل شدن این اصل طلایی و ناب اسلام است.

پرسش

می توان امام و رهبر خود را در حال حاضر بدون رابطه رو در رو از طریق رسانه ها شناخت(امام علی اکثرا با مردم تحت ولایتش رابطه مستقیم داشت) البته ما به همه اصول اسلام معتقدیم و فقط از باب تکمیل شدن این اصل طلایی و ناب اسلام است.

پاسخ

(جهت استفاده) ارتباط با امام زمان: ارتباط با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید و تقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص ۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. همچنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می‌دهند. قرآن راجع

www.noorfatemah.org

به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوة وآتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند»، (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می‌باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از این رو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می‌رسد. منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاـتری و لاـ اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم»، (دعای ندبه). ۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم. ۴- انتظار فرج آن حضرت در دل و ظاهر جلوه‌گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می‌گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می‌گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که

بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کنند، (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ - ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف). ۵- داستان‌های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم. در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی‌عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره‌گشایی‌های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم. بهترین دعاها در زمان غیبت: دعای عهد، زیارت آل یس و دعای ندبه است که در زمان‌های خاص در طول شبانه‌روز و هفته خوانده می‌شود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی ۲- ترجمه منتخب‌الاثر، آیت‌الله صافی ۳- مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی ۴- وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف‌الله صافی ۵- امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

دعا برای امام

شنیده‌ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کنند خدا حاجتشان را برآورده می‌کند. پس دعای ما فایده‌ای ندارد؟ اگر خداوند صلاح نداند که حاجت

پرسش

شنیده‌ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کنند خدا حاجتشان را برآورده می‌کند. پس دعای ما فایده‌ای ندارد؟ اگر خداوند صلاح ندانند که حاجت ایشان برآورده شود و ما دائم دعا کنیم آیا دعای ما مستجاب می‌شود یا خیر؟ و دیگر این که این چه ربطی به برآورده شدن حاجات خودمان دارد؟

پاسخ

الف ـ آری خواهرم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفدأ مقربترین موجود روی زمین در پیشگاه خدا بوده و خواست ایشان خواست خداست ایشان هرچه از خدا بخواهد خدا عنایت می‌فرماید ;ولی از آن جهت که حضرت مهدی (۷) مانند بقیهٔ انسانها به صورت یک فرد عادی در زمین زندگی می‌کنند، احتمال دارد ایشان نیز از گرفتاریهای زمانه در امان نباشد ;بنابراین لازم است به دلیل غم و اندوهی که وجود حضرت را از معصیتهای امت جدش فراگرفته یا گرفتاریهای زندگی شیعیان که بر قامت رعنایشان پرتو افکنده برای آن وجود مبارک دعای خیر نمود. ب ـ باید دانست که منفعت اعظم دعا برای امام زمان (۷) متوجه خود ما می‌شود زیرا ما بدین وسیله تقرب و عرض ارادت و شیعه بودن خویش را به ساحت نورانی آن حضرت اعلام می‌داریم و خشنودی امام خشنودی و رضایت حق تعالی و در نتیجه فرج و گشایش برای اسلام و مسلمین خواهد بود. ان شأالله

آیا آنچه مرحوم آقای قوچانی در کتاب سیاحت غرب آورده واقعیت دارد؟ آیا اگر کسی در عالم برزخ آن مراحل را بگذراند، پاک شده و یک باره وارد بهشت می‌شود؟ و بالاخره مگر ظهور و فرج حضرت مهدی(ع) در دست خدا نیست؟ اگر هست پس چرا آن آقا در عالم برزخ آن

عده را تحریک و ت

پرسش

آیا آنچه مرحوم آقای قوچانی در کتاب سیاحت غرب آورده واقعیت دارد؟ آیا اگر کسی در عالم برزخ آن مراحل را بگذراند، پاک شده و یک باره وارد بهشت می‌شود؟ و بالاخره مگر ظهور و فرج حضرت مهدی(ع) در دست خدا نیست؟ اگر هست پس چرا آن آقا در عالم برزخ آن عده را تحریک و ترغیب می کند، ظهور حضرت را از خداوند بخواهند تا آن بزرگوار ظهور کند؟

پاسخ

مؤلف محترم سیاحت غرب یک دانشمند فقیه، حکیم، ادیب، انسانی خداجو و زاهد بوده که در طول زندگی با همه مشکلات و سختی کم‌ترین لغزش را داشته است. کتاب ایشان در اصول عقاید قابل نقد و بررسی است. بر این اساس نمی‌توان گفت: آن چه در کتاب آمده بدون اشکال می‌باشد البته قسمت اعظم مطالب آن صحیح است. منتها آیا نوشتارش به صورت سمبلیک بوده یا واقعی و عینی، اختلافی است. برخی می گویند: به صورت سمبلیک بوده؛ ایشان واقعیات برزخی را به تصویر کشیده و به صورت فیلم مانندی که قهرمان فیلم خودش و دیگر گردانندگان فرشته‌ها، اعمال و عقاید و اخلاق که مجسم شده‌اند، است. گفتنی است چون برزخ از اصول اعتقادی است، نوشته‌ها تا آن جا که با روایات معتبر انطباق دارد مورد قبول است و آن چه که با روایات معتبره سازش ندارد مردود است. عده‌ای هم می گویند: به صورت واقعی بوده؛ یعنی برای شخص ایشان حجاب‌ها کنار رفته و به طور شهودی و مستقیم عالم برزخ و آن چه را که در آن جا می گذرد، مشاهده کرده است و بعد آن‌ها را به رشته تحریر درآورده است. البته با چشم ظاهری عالم برزخ دیده نمی‌شود و اگر مکاشفه‌ای حاصل شده اولاً ـ برای صاحبش حجت است و ثانیاً اگر مطابق روایات باشد قابل پذیرش است. در پاسخ قسمت دوم سؤال به طور سربسته می‌توان گفت: بلی، برای عده‌ای همین طور است. در عالم برزخ مراحلی را طی می کنند، ناراحتی هایی را تحمل می کنند، بستگان شان در دنیا خیراتی برای آن‌ها می‌فرستند که همه این‌ها سبب می‌شود از گناهان پاک شوند و بعد از قیام یک باره وارد بهشت شوند. به این چند حدیث توجه فرمایید: ۱- رسول خدا(ص) فرمود: حضرت عیسی بر قبری گذر کرد که صاحبش معذب بود. سال بعد از کنار همان قبر گذشت دید صاحبش راحت است. از خداوند متعال علت را پرسید. خداوند به حضرت وحی فرستاد که از صاحب قبر فرزند صالحی مانده که جاده‌ای را اصلاح و یتیمی را پناه داد، من به خاطر همین کار، گناه پدرش را بخشیدم.(۱) ۲- و نیز رسول خدا(ص) فرمودند: وقتی انسان می‌میرد عملش منقطع می‌شود و چیزی بر کارهایش افزوده نمی‌شود مگر از سه راه: اول، آنکه از وی عملی به جای مانده باشد که جامعه از آن بهره‌مند شوند؛ دوم، صدقه‌ای به نیت او به جریان افتد، مثلاً جاده بسازد. چاهی حفر کند، بیمارستان، مدرسه‌ای بنا کند و...، دوم از وی فرزند صالحی بماند که درباره‌اش دعا کند.(۲) از دو حدیث فوق برداشت می‌شود که انسان در عالم برزخ کم کم از گناهان پاک می گردد و در صورت نداشتن گناه قهراً بدون حساب وارد بهشت خواهد شد. نه تنها در برزخ بلکه به گفته روایات برخی در دنیا نیز کاری می کنند که فردای قیامت بدون حساب وارد بهشت گردند؛ به عنوان نمونه امام صادق(ع) فرمودند: خداوند متعال سه دسته را بدون حساب وارد بهشت می کند: یکی، پیشوا و امام عادل؛ دوم، تاجر راست گو؛ سوم، پیری که عمر خود را در اطاعت خدا سپری کرده باشد.(۳) پاسخ قسمت آخر سؤال این است که هر چند ظهور و فرج حضرت امام زمان(ع) به دست خدا و بإ؛حح خواست او است، اما ظهور حضرت زمینه می‌خواهد که یکی از بهترین زمینه‌ها خواستن از خداوند است که فرجش را نزدیک

نمایـد. یکی از وظـایف مردم در عصـر غیبت دعـا در تعجیل ظهور آن بزرگوار است. حضـرت رضا(ع) در یکی از مجالس خراسان حضور داشت، هنگـامی که کلمه" قائم "گفته شـد آن حضـرت ایسـتادند و دست مبارک بر سـر نهاد و فرمود": اللّهم عجّل فرجه و سهل مخرجه؛ خداوندا در فرجش تعجیل کن و زمینه خروجش را آسان فرما.("۴) در بعضی روایات آمده که خود امام زمان(ع) از مردم خواسـتند که برای فرج ما دعا کنید؛ زیرا فرج و گشایش امور شما در آن است.(۵) برزخیان چون بهتر اطلاع دارند که حضور و ظهور حضـرت چه برکات فوق العاده‌ای دارد و از غیبتش چه ضرر و خسارت‌های جبران ناپذیری متوجه مردم می‌شود، لذا با تمام وجود دعا می‌کننـد و حتی دیگران را نیز تحریک می‌کننـد که فرج حضـرت را از خداونـد متعال بخواهنـد. ما هم از خداونـد متعال می‌خـواهیم بـه حـق فـاطمه اطهر(س) فرج آقـا امـام زمـان(ع) را نزدیـک بفرمایـد. پی نوشت‌هـا: ۱. سـفینهٔ البحـار، مـاده (یـتیم). ۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲، حـدیث ۶۵. ۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴، حـدیث ۱۱. ۴. عبـدالرحمن انصاری، در انتظار خورشـید ولایت، ص ۱۳۳. ۵. شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، به نقل از برگزیدگان، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

علت عدم اسـتجابت دعا از محضر مولا و آقا امام زمان ۷چیست ؟ هر چقدر حضـرت را صدامی زنم , پاسخی نمی شنوم و کم کم به مرحلهء ناامیدی نزدیک می شوم !

پرسش

علت عدم استجابت دعا از محضر مولا و آقا امام زمان ۷چیست ؟ هر چقدر حضرت را صدامی زنم , پاسخی نمی شنوم و کم کم به مرحلهء ناامیدی نزدیک می شوم !

پاسخ

دعا با شـرایط خاصـی به اسـتجابت می رسد و اگر با تحقق شرایط باز به استجابت نرسید, حتماً مصلحت الهی چنین ایجاب می کند. اسـتجابت دعا در کوتاه مدت ممکن است تأثیر مطلوبی بر شخص دعا کننده بگذارد و او راخشنود و راضی کند, ولی شاید در دراز مـدت موجب به وجود آمدن مشـکلات و دردسـرهایی شود که از کنترل خارج گردد. دعا و این که بندهء خدا همیشه از خدا طلب خیر و عافیت کند, بسیار خوب است . در قرآن به این آیه بر می خوریم که : .(۱) این که بر بعضی از حاجت ها اصرار ورزیم , اگر چه از مقولهء دعا است , اما عدم استجابت نمی بایست سبب رنج وناراحتی و یا ناامیدی بشود. امام سجاد۷فرمود: ۱ یا برای او ذخیره و پس انـداز می شود ;۲ یـا در دنیا برآورده می شود ;۳ یا بلایی را که می خواست به او برسـد, از وی می گردانـد.(۲) این کلام معصوم برای دعـا و تـأثیر آن است . پس اگر ما از خـدای متعال به طور مسـتقیم و یا با واسـطه ءمعصومین : تقاضایی داشـته باشـیم , بـدانیم که اگر این تقاضا معقول و مطلوب عقل و عرف است , اصـرار بر آن تأثیرمثبتی روی زنـدگی ما خواهـد گـذارد, اگر چه به ظاهر در مقام استجابت قرار نگیریم . شاید استجابت آن در دنیا به نفع ما نباشد, مثلاً فرزندی از پدرش وسیلهء نقلیه می خواهد, ولی پـدر تشـخیص می دهـد که اگر وسـیلهء نقلیه ای مثل دوچرخه یا موتور را برای فرزنـدش تهیه کند او را به مخاطره افکنده است , و اگر چه با تهیه وسیله لبخند شادمانی ورضایت بر لبان فرزند نقش می بندد, ولی او را دچار خطر تصادف خواهد کرد, که این نتیجه به صـلاح او نیست . پـدرهرگز دوست نـدارد این وسـیله را برای فرزنـد بخرد. در عوض پول آن را به نفع او پس انـدازد کرده تا در آینـدهء نه چنـدان دور جهت رفـاهش هزینه شود. ذکر این مثـال برای تقریب ذهن وفهم است . نـتیجه این که : اصـرار در دعـا مورد علاقهء خداوند متعال است و هرگز نمی بایست به خسـتگی یا نا امیدی کشیده شود. رسول گرامی اسلام ۶فرمود: .(۳) در عین حال

www.noorfatemah.org

بحث دعا و مراتب استجابت یا عدم استجابت و شرایط آن بحثی گسترده است و برای دریافت پاسخ های مفصل تر به کتاب های مربوطه مراجعه شود.(۴) (پاورقی ۱.بقره (۲ آیهء ۱۸۶ (پاورقی ۲.آثار الصادقی , ج ۶ ص ۶۶ (پاورقی ۳.آثار الصادقین , ج ۶ ص ۶۲ (پاورقی ۴.تفسیر موضوعی , نمونه , موضوع دعا.

برای سلامتی امام زمان(ع) چرا صدقه می‌دهیم؟ مگر ایشان در سلامت نیستند؟

پرسش

برای سلامتی امام زمان(ع) چرا صدقه می‌دهیم؟ مگر ایشان در سلامت نیستند؟

پاسخ

آنچه در روایات مربوطه از وظایف دوستان و شیعیان در زمان غیبت به چشم می‌خورد، دعا برای‌سلامتی حضرت است. در کتاب من‌لایحضرهُ الفقیه از امام صادق(ع) در تعقیب نمازهای واجب یومیه دین دعاآمده است: رضیت بالله ربّاً و بالاسلام دیناً... اللهم ولیک الحجته فاحفظه من بین یدیده و من خلفه و عن یمینه و عن‌شماله و من فوقه و من تحته و امدد له فی عمره([۷۳])...؛ خدایا!حضرت حجت را از جوانب مختلف، راست و چپ وبالا-و پایین و جلو و پشت حفظ کن و عمر او را طولانی نما. "بعد از زیارت آل یاسین در دعایی آمده است: اللهم أعذه من شرت کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک([۷۴])... خدایا! او را از شر هر یاغی و طاغی حفظ کن. "در دعای عهد آمده است: و اجعله اللهم ممن حصّنته من بأس المعتدین؛ خدایا! او را از غضب متجاوزان ودشمنان محافظت کن. "در دعای دیگری که از امام رضا(ع) منقول می‌باشد، آمده است: و أعذه من شرّ جمیع ما خلقت و برأت و انشأت‌و صورت و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن مشاله([۷۵])... بنابراین یکی از وظایف محبان حضرت در زمان غیبت، دعا کردن برای سلامتی آن وجود شریف است همان‌طور که برای کسانی که آنها را خیلی دوست داریم، دعا می کنیم. دعا کردن علامت و نشانه محبت ما نسبت به‌ایشان است. ما با این دعاها ارادت و محبت خودمان را نسبت به آن بزرگوار ابراز می کنیم. صدقه دادن برای‌سلامتی حضرت در جایی از روایات یافت نشد. اگر برخی از علما و بزرگان صدقه دادن برای حضرت را مطرح کرده‌اند، چون صدقه داده از مصادیق اظهار محبت است. در کتاب مکیال المکارم([۷۶]) در باب هشتم از تکالیف عبادنسبت به حضرت، و محدث معروف شیخ عباس قمی در اواخر منتهی الآمال، صدقه دادن برای حضرت را مطرح کرده‌اند، ولی روایتی و دلیلی بر آن ذکر نکرده‌اند. اما دعا کردن یا صدقه دادن برای سلامتی حضرت با این که‌حضرت نیازی به دعای ما ندارد، از باب اظهار محبت و دوستی نسبت به آن بزرگوار است. [۷۳]. منتخب الاثر، ص ۶۴۶، به نقل از من لایحضرالفقیه. [۷۴]. مفاتیح الجنان، بعد از زیارت آل یاسین. [۷۵]. مفاتیح الجنان. [۷۶]. منتخب الاثر، ص ۶۳۶، پاورقی.

همیشه می‌گویند برای سلامتی یا تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کنیم. با توجه به این که حضرت در حفاظت خداوند است و تا موعد مقرر ظهور نمی‌کند، آیا دعاهای ما ظاهرفریبی نیست؟

پرسش

همیشه می گویند برای سلامتی یا تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کنیم. با توجه به این که حضرت در حفاظت خداوند است و تا موعد مقرر ظهور نمی کند، آیا دعاهای ما ظاهرفریبی نیست؟

پاسخ

از منظرهای متفاوت می توان به پرسش پاسخ داد. در ذیل به چند مورد اشاره می شود. اگر چه برخی پاسخ ها مستقیم و صریح است، لیکن موارد دیگر به خاطر برخورداری از حیطه عاطفی و احساسی، نافذتر و مؤثرتر می باشد. از این رو پاسخ ها مکمّل هم اند. ۱ - دعا برای انسان کامل چون امام زمان(ع) ریشه در فطرت دارد. جوهره اصلی روح و فطرت انسان، با" کمال طلبی و نیکی گرایی" آمیخته و سرشته شده است. تعظیم و تکریم، دعا و ذکر و یاد" صاحبان کمال "لازمه عشق و ارادت به نیکی ها و کمالات است و ریشه در فطرت آدمی دارد. اکنون در نظام خلقت، انسان کامل و صاحب کمال برتری جز امام زمان(ع) نیست. پس چگونه عاشق امام زمان(ع) می تواند لحظه ای از دعای حضرت غافل بماند؟ ۲ - دعا اظهار ایمان، ارادت و عشق است دعا برای امام زمان(ع) یعنی اظهار عشق و ارادت دوستدار به محبوب؛ دل دادن صمیمانه دل داده به دلدار؛ سر سپردن سرباز جان برکف در پیش پای سردار دعا برای امام یعنی اعلام وفاداری صادقانه مرید به مراد؛ ابراز علاقه مطیع به مطاع؛ و اعلام خودفراموشی نسبت به جان جانان. دعا یعنی ایستادن در برابر آیینه کمال و جمال و جلال حق تعالی و غم دوران دوری و رنج و محبت های ایام سیه روزی و هجران را بازگو کردن. دعای عاشق تجدید پیمان و تأکید میثاق و تقویت تعهد است بر وفاداری، خویشتن سازی، اصلاح نقش خویش و جامعه برای تداوم مبارک معشوق، دعا، نامه ای است که عاشق برای معشوقش می نویسد اما نامه ای که شاعر تفاوتش را با دیگر نامه ها چنین بیان کرده است: قلم بتراشم از هر استخوانم مرکب گیرم از خون رگانم بگیرم کاغذی از پرده دل نویسم بهر یار مهربانم ۳ - دعا برای امام(ع)، تمرین خودسازی و آماده سازی جامعه است دعا که مخ عبادتش گفته اند، به معنای" خواستن از خدا است چه چیزی از خدا درخواست می کنیم؟ وجود مقدس" ولی و حجت خدا "را می خواهیم. سلامتی و ظهورش را طلب می کنیم. دعا یا طلب سخنی است که اگر از دل برآید، عمل را به دنبال خواهد داشت، تلقین و تکرار دعا، دعا کننده را وادار می کند هر کاری که در سلامتی روحی و قلبی امامش تأثیر منفی دارد، انجام ندهد. هر رفتار و گفتاری که مانع ظهور و عامل تداوم غیبت است، نه تنها مرتکب نشود، بلکه تعهد می بندد مانند هر عاشقی شب و روز تلاش کند تا موانعی را که دیگران ایجاد می کنند، برطرف سازد و محیط را آماده پذیرش" محبوب "گرداند. ۴ - دعا برای امام(ع) دعا برای خود و جامعه است دعا برای سلامتی و تعجیل در ظهور امام زمان(ع) در واقع دعا برای خود و جامعه انسانی به خصوص مستضعفان جهان است. دعا برای رفع ظلم و ستم، فقر و فلاکت و کوه مصائبی است که برگُرده بیچارگان و درماندگان است. امام زمان(ع) در توقیع شریفی که به نایب خاصش (جناب محمد بن عثمان) نوشته فرموده است": برای تعجیل فرج من بسیار دعا کنید، زیرا که گشایش کارها و امور شما در فرج من است.("۱) ۵ - ظهور و فرج امام زمان به امر و قضای الهی در موعد مقرر و زمان مقرر تحقق می یابد در عین حال نقش دعا در تعیین مقدرات الهی و حتی تغییر آنها مانند دفع معصیت های مقدّر و تعجیل در زمان ظهور مقدّر بی هیچ تردیدی ثابت است. عبارت دیگر: خداوند مقدر نموده با توجه به اموری که تحقق می یابد و علت هایی که تمام و کامل می شوند، امر فرج امام زمان در زمان یا دوره ای خاص تحقق یابد. یکی از علت هایی که در تعیین و تقدیر زمان ظهور می تواند نقش داشته باشد و در روایات معصومین به صراحت از آن نام برده شده، تأثیر دعا در ظهور و تعجیل فرج امام زمان است. چون از یک طرف دعا، نشانه خواستن انسان ها است و خواستن انسان ها یکی از علت های تامه مبرای تحقق ظهور امام زمان است. از طرف دیگر دعا یکی از اسباب و عللی است که در جهان هستی، تأثیر در تحقق یک چیز و یا رفع یک حادثه دارد، یعنی در مجموعه جهان هستی و قوانین و سنت های مقدر و معین آن، نیز

در قضای الهی، دعا در تعیین حوادث و یا رفع آنها نقش دارد. خدایی که تقدیر حتمی و قطعی را معین نموده، مقدر کرده است که دعا و خواستن از خداوند، هم چنین کارهای نیک زمان تحقق سرنوشت و از جمله زمان ظهور را (که یکی از حوادث جهان و سرنوشت انسانی است) مقدّم سازد. بنابراین اصل" ظهور "امری حتمی و قطعی است، اما زمان تحقق آن از تقدیرات مشروط است که با افکار و عقاید و گفتار و افعال انسانها، مقدّم یا مؤخّر می گردد. پی‌نوشت‌ها: ۱ - محدث نوری، نجم الثاقب، ص ۵۰۵.

با توجه به حدیث : دنیا برای مؤمن زندان است دعا برای سلامتی امام زمان"عج "چه معنایی دارد؟

پرسش

با توجه به حدیث : دنیا برای مؤمن زندان است دعا برای سلامتی امام زمان"عج "چه معنایی دارد؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرموید باید عرض شود که هیچ منافاتی دیده نمی شود بین این دو مطلبی که ذکر فرموده اید زیرا (دینا زندان مؤمن است) به این معنا نیست که همیشه مریض یا ذلیل یا چیز دیگر است بلکه یکی از معانی مهم این حدیث آن است که چون مؤمن عاشق خداست و معشوق واقعی را فقط او می داند و به تعبیر حافظ"رحمه ا "...مرغ باغ ملکوت است، فلذا اینجا احساس دلتنگی می کند ـ خودش را در کالبد تن اسیر می بیند و راحتی خود را رهایی از این تن می داند ـ او آرزو و تمنایی جز رضا و دیدار معشوق واقعی ندارد و می داند که هر چه به این دنیا بیشتر توجه کند، از معشوقش دورتر خواهد شد فلذا چنان مجذوب معشوق واقعی می شود که دنیا برایش مثل زندان و منجلابی است که بوی تعفن آن، او را می آزارد. او راحتی خود را در زندگی ابدی و در جوار معشوق می بیند و بس. اما در مورد دعا برای سلامتی امام زمان (عجل ا... تعالی فرجه الشریف) باید عرض شود که هر عاشقی که در محبت چیزی غرق شود، متعلقات آن محبوب را هم دوست دارد مثلاً ـ می گویند مجنون دیوار دیار لیلی را می بوسید به خاطر شدت محبتی که به لیلی داشت. امام هم نیز مَثَل اعلای خداوند متعال و محبت او برروی زمین و وسیله خیر وبرکت زمین است. او از طرف خدا مأمور است که ما بیچارگان را دستگیری کند و به آن معشوق واقعی که کسی جز خدای متعال نیست، برساند. او طبق روایاتی که آمده مانند پدر مهربان است(۱) رحمت واسعه خدا در او تجلی یافته است. او برای مردم خصوصاً شیعه دل می سوزاند و سعی و وظیفه او این است که مردم را به راه واقعی و هدایت برساند. فلذا همانطور که در روایات آمده(۲) چه بسا گناه یا غصه و درد و ناراحتی ما او را به رنج و دردی می اندازد و خاطر شریف او را پریشان می کند. الآن این وقایعی که در عراق و فلسطین و افغانستان و بسیاری از ملتهای مظلوم دیگر رخ می دهد، دل او را خون کرده است و غصه دار است، آیا کسی دلسوزتر از او در این جهان می توان یافت؟! فلذا دعا برای سلامتی او، شاید یک وجهش این باشد که دعا کنیم اینقدر درد و رنج نکشد و سلامتی خاطر داشته باشد و شاید یک وجه دیگر آن این باشد که او نیز مانند امامان دیگر ممکن است مشکل و دردی داشته باشد و یا مریض شود فلذا برای سلامتی و ظهور او دعا می کنیم. پس اگر دقت بفرمایید می بینید هیچ منافاتی بین هر دو مطلب شما وجود ندارد، علاوه بر اینها که ذکر شد در روایت داریم که فرمودند : دنیا مزرعه آخرت است. پس دنیا به خاطر دنیا پست و مذموم است اما اگر دنیا را مقدمه آخرت قرار دهیم ارزش می یابد و مذموم نیست. البته به عقیده ما این و مطلب مورد سؤال شما، مورد بسیار خوبی برای تحقیق و آگاهی بیشتر است چون بیشتر مفید به نظر می رسد. خداوند متعال همه ما را از سربازان و نوکران واقعی

آن بزرگوار قرار بدهد انشاءا... منابع و مآخذ : ۱. مکیال المکارم، آفتاب در غربت الزام الناصب، مکیال المکارم، و کتب دیگر

شنیـده‌ام که برای برآورده شـدن حاجات آقا امام زمان (عـج دعا کنیـد یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کنند خدا حاجتشان را برآورده می‌کند. پس دعای ما فایده‌ای ندارد؟ اگر خداوند صـلاح نداند که حاجت

پرسش

شنیـده‌ام که برای برآورده شـدن حاجـات آقـا امـام زمـان (عـج دعا کنیـد یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانیـد تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کننـد خـدا حاجتشان را برآورده می‌کنـد. پس دعای ما فایـده‌ای نـدارد؟ اگر خداونـد صـلاح ندانـد که حاجت ایشان برآورده شود و ما دائم دعا کنیم آیا دعای ما مستجاب می‌شود یا خیر؟ و دیگر این که این چه ربطی به برآورده شدن حاجات خودمان دارد؟

پاسخ

الف ـ آری خواهرم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفدأ مقربترین موجود روی زمین در پیشگاه خدا بوده و خواست ایشان خواست خـداست ایشان هرچه از خـدا بخواهد خدا عنایت می‌فرماید ;ولی از آن جهت که حضرت مهدی (۷) ماننـد بقیهٔ انسانها به صورت یک فرد عادی در زمین زنـدگی می‌کننـد، احتمال دارد ایشان نیز از گرفتاریهای زمانه در امان نباشد ;بنابراین لازم است به دلیل غم و اندوهی که وجود حضـرت را از معصـیتهای امت جدش فراگرفته یا گرفتاریهای زندگی شیعیان که بر قامت رعنایشان پرتو افکنده برای آن وجود مبـارک دعـای خیر نمود. ب ـ بایـد دانست که منفعت اعظم دعـا برای امام زمان (۷) متوجه خود مـا می‌شود زیرا ما بدین وسـیله تقرب و عرض ارادت و شیعه بودن خویش را به ساحت نورانی آن حضرت اعلام می‌داریم و خشنودی امام خشنودی و رضایت حق تعالی و در نتیجه فرج و گشایش برای اسلام و مسلمین خواهد بود. ان شأالله

برای عده‌ای این پرسش مطرح است که با گناهان بسیاری که تا کنون انجام داده‌اند و در درگاه خداوند شرمنده‌اند، با این وجود، نوعی ترس در دل آنان است که موجب می‌شود تا برای ظهور امام زمانغ دعا نکنند ;ضمن آن که می‌دانند ــ ان شأاللّه ــ بعد از ظهور آن حضرتغ چه خو

پرسش

برای عده‌ای این پرسـش مطرح است که با گناهان بسیاری که تا کنون انجام داده‌اند و در درگاه خداوند شـرمنده‌اند، با این وجود، نوعی ترس در دل آنـان است که موجب می‌شود تـا برای ظهور امـام زمانغ دعا نکننـد ;ضـمن آن که می‌داننـد ـ ان شأاللّه ـ بعـد از ظهور آن حضرتغ چه خواهد شد. لطفاً بر اساس آیات و روایات به این پرسش پاسخ دهید؟

پاسخ

شخصی که به سبب گناهانی که انجام داده است برای ظهور امام زمانغ دعا نمی‌کند، فکر کرده امام زمانغ برای جزا دادن به گناه‌کاران می‌آید، پس اگر بیاید، مرا هم عذاب خواهد کرد و یا خواهد کُشت این پنداری نادرست است زیرا حساب‌رسی به گناهان و عقوبت کردن گناه‌کاران مخصوص روز قیامت است و شخص گناه‌کار، باید از مرگ هراس داشته باشد ;زیرا با مرگ است که دست انسان از جبران گناهانش کوتاه می‌شود و با کوله‌باری از گناه به محکمهٔ عدل الهی می‌رود و به نتایج اعمال خود می‌رسد ;پس شخص گناه‌کار باید از" مرگ بترسد نه از ظهور امام زمانغ زیرا چه امام زمانغ ظهور کند و چه نکند ;به هر حال مرگ برای او بد فرجامی بوده و اول عذاب و بدبختی او خواهد بود ;پس شخص گناه‌کار باید توبه کند و از خداوند متعال طلب بخشش کرده رو به سوی اعمال صالح بیاورد ;امّا امام زمانغ برای حساب‌رسی گناهان نمی‌آید، بلکه ایشان مصلح کلّ بوده و رسالت ایشان ایجاد حکومت عدل الهی و احیای اسلام و قرآن است به طوری که معارف اسلامی به گوش همهٔ جهانیان برسد و هیچ ظالمی بر مردم حکومت نکند": وَ نُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُواْ فِي الأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ(;قصص ۵) ارادهٔ ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آن‌ها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم " خلاصه آن که در عصر ظهور حضرت مهدیغ نه قرار است به گناهان شخصی افراد رسیدگی شود و نه ارادهٔ مردم برای انجام گناه از بین می‌رود، بلکه مردم حتّی در انتخاب دین آزاد هستند، اگرچه بیش‌تر مردم جهان راه حق را می‌یابند و به آن می‌گروند ;ولی مسئلهٔ مهم در آن زمان آن است که دنیا دارای یک حکومت آن هم از نوع الهی آن است و احکام اسلام نیز بدون هیچ تغییری از سرچشمهٔ نور هدایت به جامعه عرضه خواهد شد.(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۳۱۹، نشر دارالکتب الاسلامیهٔ)

چرا برای سلامتی آقا امام زمانغ دعا می‌کنیم

پرسش

چرا برای سلامتی آقا امام زمانغ دعا می‌کنیم

پاسخ

علت این که برای سلامتی حضرت ولی عصرغ دعا می‌کنیم این است که ۱. دعا کردن نوعی اظهار محبّت و ارادت است و ما با دعا برای آن حضرت علاقهٔ خودمان را در طبق اخلاص می‌گذاریم ۲. دعا کردن نوعی شکرگزاری و سپاس محسوب می‌شود و وجود امام بهترین نعمت الهی است که خدا به ما عنایت فرموده است هم‌چنین با دعا به آن حضرت به او توجّه می‌کنیم و توجّه به نعمت نیز، از اقسام شکر است بر این اساس دعا برای حضرت لازم است ممکن است تصور شود که خدای متعال حضرت را از آفات محفوظ می‌دارد، و دعا برای سلامتی او یا صدقه دادن نیازی نیست پاسخ این است که چون حضرت در دنیا زندگی می‌کند، عوارض طبیعی از قبیل کسالت و مریضی‌ها و... بر او عارض می‌شود و به همین خاطر باید برای او دعا کرد و به نیابت از ایشان صدقه داد.(ر.ک مکیال المکارم سید محمد تقی موسوی اصفهانی ج ۱، ص ۴۲۰، انتشارات برگ شقایق ۱۳۸۰.) ۳. دعا کردن خود عبادتی بزرگ به حساب می‌آید که ضمن آن که در رشد معنوی ما مؤثر است در موفقیّت بیش‌تر حضرت نیز مؤثّر می‌باشد.

دعایی که برای امام زمانغ می‌کنیم اگر از صمیم قلب نباشد، قبول می‌شود؟

www.noorfatemah.org

پرسش

دعایی که برای امام زمانغ می کنیم اگر از صمیم قلب نباشد، قبول می‌شود؟

پاسخ

چه خوب است که انسان هر دعایی می کند، از صمیم قلب باشد، زیرا دعا به معنای درخواست بنده‌ای فقیر و سراپا نیاز از مولایی کریم و غنی است که دستور دعا داده است" ادْعُونِیَ أَسْتَجِبْ لَکُم (غافر،۶۰) بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را "بدیهی است خدایی که امر می کند هر حاجتی دارید از من بخواهید که اگر از صمیم قلب حاجت خود را بخواهیم برآورده خواهد شد. شهید مطهری می‌فرماید": اگر از حدّ لقلقهٔ زبان بگذرد و دل با زبان هم آهنگی کند، یک روحانیت بسیار عالی دارد، مثل این است که انسان خود را غرق در نور می‌بیند، شرافت گوهر انسانیت را در آن وقت احساس می کند ".سپس می‌فرماید": یکی از شرایط دعا این است که خواستن و طلب در وجود انسان پیدا شود و تمام ذرّات وجود انسان مظهر خواستن گردد، واقعاً آن چه می‌خواهد، به صورت یک احتیاج و استدعا و حاجت درآید... . فرق است بین خواندن دعا و دعای واقعی تا دل انسان با زبان هم‌آهنگی نداشته باشد، دعای واقعی نیست باید در دل انسان جدّاً و واقعاً خواست و طلب پیدا شود، حقیقتاً احتیاج پدید آید("بیست گفتار، شهید مطهری ص ۲۳۹، نشر شرکت افست سهامی عام) دعا برای امام زمانغ چه دعاهای رسیده از امامان معصوم مانند دعای فرج عهد،... و یا دعایی که به فارسی برای تعجیل فرج آن حضرت می کنیم بیان کنندهٔ عشق و علاقهٔ انسان نسبت به امام زمانغ است و اگر از صمیم قلب هم نباشد، اجر دارد، لکن باید سعی کرد که با حضور قلب و توجه کامل دعا بخوانیم امام صادقدر این‌باره فرمود: "بنده وقتی با نیّت صادق و قلبی پاک حاجت خود را از خدا طلب کند، در حالی که به عهدی که خدا در نزد او دارد نیز وفا کرده باشد، خداوند حاجت او را برآورده می کند، ولی اگر از ته دل و با اخلاص حاجت طلب ننماید، خداوند دعای او را اجابت نمی کند("میزان الحکمه محمدی ری شهری ج ۳، ص ۲۵۶، نشر مکتب الاعلام الاسلامی) دعا، سلاح مؤمن است و مهم‌ترین ثمرهٔ دعا این است که انسان در وقت دعا به خدا توجه پیدا می کند، و وابستگی خود را از دنیا کم می کند ;به خصوص دعاهای وارد شده از امامان معصوم که به فرموده امام خمینی به منزلهٔ قرآن صاعد است و باید هر چه بیش‌تر به آن دعاها توجّه داشته باشیم

با توجه به اینکه آمدن امام زمان حتمی است فلسفه دعا کردن برای سلامتی آن حضرت چیست؟

پرسش

با توجه به اینکه آمدن امام زمان حتمی است فلسفه دعا کردن برای سلامتی آن حضرت چیست؟

پاسخ

دعا برای سلامتی امام زمان(عج) چندین اثر دارد: الف) نشانگر علاقه و محبت مسلمانان به ایشان است و ازدیاد محبت امام در دل

موجب تقویت ایمان می گردد. ب) اظهار تجدید عهد و پیمان با حضرت است. ج) سبب زنده نگه‌داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد. د) کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است، مسلما آزردن آن حضرت برایش سخت است. در نتیجه دعا برای سلامتی حضرت، انسان را بر انجام کارهایی وامی‌دارد که موجب خشنودی آن حضرت می گردد. ه) دعا بسیار مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می‌شود

اگر علم ائمه (ع) مربوط به امور محتوم است , پس دستور دعا برای ظهور امام زمان (عج) چیست و آیا تذکر این امر دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟

پرسش

اگر علم ائمه (ع) مربوط به امور محتوم است , پس دستور دعا برای ظهور امام زمان (عج) چیست و آیا تذکر این امر دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟

پاسخ

این سوال خود به دو سوءال جداگانه تقسیم می‌شود: الف) یکی مربوط به علوم اهل بیت است. منظور شما از این که آنان علم به امور غیر محتوم ندارند برای ما روشننیست و به نظر می‌رسد چندان با واقعیت مطابقت نداشته باشد. درواقع علم آنان هم به قضای حتمی الهی تعلقمی گیرد و هم به مقدرات معلقه و در هریک میزان آگاهی آنان در حدی است که خداوند خواسته باشد و علمش رادراختیارشان نهاده باشد. شاهد براینکه به مقدرات تعلیقی نیزآگاهی دارنداین‌است‌که در مواردی نقل شده کهپیامبر(ص) به کسی خبر مرگ او را درزمان معینی داده‌اند ولی بر اثر دادن صدقه مرگ وی به تأخیر افتاده است. بنابراینعلم به قضای محتوم یکی از مراتب علم غیب آنان است. ب) اینکه دعا برای ظهور امام زمان (عج) چه اثری دارد در این باره باید گفت: براساس تفکر اسلامی دعا خودیکی از اسباب و علل بسیار مهم در جریان فیض الهی است و اسباب و علل منحصر به علل مادی نیست. سنتپروردگار بر این تعلق گرفته که بعضی از اموررامنحصرااز طریق دعا به انسان بدهد و در بعضی نیز دعا را جزءالعله وسبب بهتر یا سریع‌تر شدن بارش باران فیض الهی کند. بنابراین اصل ظهور حضرت قطعی و حتمی است. اما دعاهایبندگان در کیفیت و زمان آن و ایجاد شرایط بهتر و سریع‌تر ظهور نقش بسیار مؤثری دارد.}J

من امام زمان را دوست دارم ولی از آنجایی می دانم در صورت ظهور آن حضرت ایشان انتقام مظلومان را می گیرد و انسانهای بد را به سزای اعمالشان می رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم می ترسم جزء آن انسانها باشم به همین دلیل از ظهور ایشان می ترسم؟

پرسش

من امام زمان را دوست دارم ولی از آنجایی می دانم در صورت ظهور آن حضرت ایشان انتقام مظلومان را می گیرد و انسانهای بد را به سزای اعمالشان می رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم می ترسم جزء آن انسانها باشم به همین دلیل از ظهور ایشان می ترسم؟

پاسخ

ای آفتاب حسن، برون آ دمی ز ابر کان چهره مشعشع تابانم آرزوست اگر ما معرفت و بینش صحیح نسبت به فلسفه قیام امام مهدی(عج) پیدا کنیم، پی خواهیم برد که جهان تشنه وجود او است. در احادیث بسیار نقل شده است، زمانی که امام(ع) ظهور کند، همه موجودات استعدادهای نهانی و نهایی خود را بروز خواهند داد. از جماد و نبات گرفته تا انسان، چون زمین تشنه ای که باران را در خود جذب می کند، جوشان می شوند و استعدادهای واقعی خود را نشان می دهند. وجود مبارک امام عصر(عج) انسانی را که فقط ظاهری از او مانده به مانند گنجینه ای پر از دانش شکوفا می سازد و زمینه هایی را که چون زمین بی حاصل است سر سبز و بارور می کند؛ حتی زمین ها، کوه ها و طبیعت فشرده به برکت قدمش، با زیورها و گوهرها، به استقبالش خواهند شتافت و تمام قوای طبیعی به خدمت ایشان در خواهد آمد. حکومت امام زمان(عج) عالم را فرا خواهد گرفت و سایر حکومت ها را تحت سلطه خود در خواهد آورد. حصارها و مرزها برچیده خواهد شد و قانون الاهی بر عرصه زمین جاری خواهد گشت. حکومتی بنا خواهد کرد که تکامل در همه جنبه های آن در جهان رخ می نماید. پرچمدار عظیم تکامل در اولین قدم اصلاحی و تربیتی، عقل و دانش مردم را کامل خواهد ساخت؛ طوری که دوران ظهور مهدی(عج) دوران گسترش علم و آگاهی، تکامل عقل، تجدید سنت و کتاب و نوسازی فکری همه جانبه خواهد بود (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۵۲ و ۳۴۹ – حر عاملی، اثبات الهدا، ج ۷، ص ۸۳). در پرتو ارشاد و هدایت مهدی(عج) مغزها در مسیر کمال به حرکت در می آید و تمام کوته بینی ها و تنگ نظری ها وافکار پست و کوتاه که سرچشمه بسیاری از تزاحم ها و تضادها و برخوردهای خشونت آمیز اجتماعی است، برطرف می گردد (کورانی، موسوعه احادیث المهدی، ج ۴، ص ۵۳). حضرت مهدی نجات دهنده بشریت از ظلم و کفر و جهل و بیداد است، او کلیه مردم عالم را زیر پرچم توحید گرد خواهد آورد و ندای موحدان بر عرصه زمین طنین خواهد افکند و در همه جا تنها قانون خدا اجرا خواهد شد و پذیرش اسلام امری باطنی می گردد و دل های شکفته به یمن وجودش، خواستار دریافت پیام های وحی می گردد. ای عزیز! اکنون با این همه مژده و با این همه خبر مسرت بخش، چه جای بیم؟! بهره و نصیب ما خیر است و رحمت؛ آغوش باید گشود که: باز آی و بر چشمم نشین ای گلعذار نازنین کآشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می رود دهشت و بیم برای غیر مؤمنان است. «و ان رجعتکم حق لا ـ ریب فیها یوم لا ـ ینفع نفسا ایمانها لم تکن امنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا؛ آنان که تا زمان ظهور آن بزرگوار ایمان نیاوردند و یا عمل خیری به سبب ایمان خود انجام ندادند، مشمول خشم و قهر حضرتند»(مفاتیح الجنان، زیارت آل یس) ولی بقیه مردم در امانند و گشایش. صبح ها دعای «عهد» را و شامگاهان زیارت «آل یس» را با تأمل در معانی و مفاهیم بخوانید. برای دلگرمی و امیدواری، گلی از باغسار سخنان حضرت حجت بن الحسن المهدی(عج) برای شما چیده ایم؛ هم خود از کلامش عطر آگین شوید و هم سایرین را از آن بهره رسانید: «پس پروای خدا پیشه سازید واز (اهداف آسمانی) ما پشتیبانی کنید تا شما را از فتنه ای که به سویتان رو آورده است و شما اینک در لبه پرتگاه آن قرار دارید نجات بخشیم».

دعا برای سلامتی حضرت ولی عصر (اللهم کن لولیک) را تفسیر کنید و توضیح دهید که چرا این شش صفت را از خدا می خواهیم برای ایشان .

پرسش

دعا برای سلامتی حضرت ولی عصر (اللهم کن لولیک) را تفسیر کنید و توضیح دهید که چرا این شش صفت را از خدا می خواهیم برای ایشان .

پاسخ

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست هر کجا هست خدایا به سلامت دارش (دیوان حافظ، ص ۲۲۳) دعا از هر حیث مخصوصا برای سلامتی امام زمان(عج) آثار و برکات فراوانی دارد از جمله: ۱- نشانگر علاقه و محبت مسلمانان به ایشان است. اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین (ع)بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است، در عین حال دعا کردن در حق امام زمان(عج) موجب ازدیاد محبت آن حضرت در دل و در نتیجه موجب تقویت ایمان می گردد. ۲- اظهار تجدید عهد و پیمان با آن حضرت است و محتوای پیمان با آن حضرت را دین داری و شریعت محوری و تصمیم قلبی بر اطاعت امر امام(ع) و یاری رساندن او با نثار جان و مال تشکیل می دهد. تجدید بیعت با آن حضرت(ع) کاری است که بعد از هر نماز از فرایض پنجگانه، یا در هر روز و یا در هر جمعه انجام می شود مستحب است. هر روز بعد از نماز صبح دعاهایی که مربوط به وجود مبارک امام عصر(عج) است خوانده شود. دعای شریف «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین...» و نیز «دعای عهد» (مفاتیح الجنان، ص۸۹۱ و ۸۹۲) شاهدی برای این سخن است. ۳- سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد. یاد امام زمان(عج) توجه به ارزش های دین و اصول اخلاقی را در دلها جوانه می زند و برعکس غفلت از یاد و خاطره امام یکی از دلایل عمده پژمردگی و سستی ارزش های الهی وانسانی در جوامع مسلمان است. دلت گر که یک لحظه غافل نشیند خدنگ بلا بر دل دل نشیند ۴- کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است، مسلما آزردن آن حضرت برایش سخت است در نتیجه دعا برای سلامتی آن حضرت، انسان را بر انجام کارهایی وامی دارد که موجب خشنودی آن حضرت و در نتیجه سبب رسیدن به مقام رضوان الهی می گردد. ۵- دعا بسیار مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می شود. ۶- موجب قرب الهی است. امام مهدی (عج) در خصوص زیارت آل یس می فرمایند: «هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما توجه کنید این زیارت را که از جانب خداوند انشاء شده است بخوانید» (مفاتیح الجنان، ص ۸۶۳). این زیارت که از جهات مختلف، محتوایی عمیق دارد بسیار مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. از جمله سلام هایی که در این زیارت ادا می شود، از ابتدا تا انتها، دعای برای سلامتی و تندرستی و بهروزی امام زمان(عج) است. «السلام علیک یا خلیفه الله و ناصر حقه... السلام علیک حین تصبح و تمسی، السلام علیک فی الیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی ... السلام علیک بجوامع السلام... ؛ سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری کننده حق... درود و سلام بر تو هنگامی که بامداد و شام کنی، درود و تهیت الهی بر تو در شب که همه جا را فراگیرد و در روز، در وقتی که نور دهد (یعنی سلام بر تو در هر صبح و شام)...، درود بر تو درودی همه جانبه...». در دعای بعد از این زیارت نیز معانی بلندی نهفته است. از جمله عرض می کنیم: خدایا او (امام زمان(عج)) را از شر هر متجاوز و سرکشی و از شر همه خلق خود پناه ده و او را از حوادث یومیه، از پیش رو، و از پشت سر و از طرف چپ، حفظ و نگهداری کن و از این که آسیب و گزندی به او برسد جلوگیری کن و در خصوص او، رسولت و خاندان رسولت را حفظ نما و به دست مبارکش عدل و داد را پدیدار نما! «اللهم اعذه من شر کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک و احفظه من بین یدیه و من خلقه و عن یمینه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولک و آل رسولک واظهر به العدل... در پایان سخن لازم است یادآور شویم که دعا کردن برای سلامتی و فرج آن حضرت، اطاعت از امر خداوند و نیز اهل بیت پیامبر اکرم(ص) است. «و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند و خداترس و پرهیزکار باشد چنین کسی به فوز و سعادت خواهد رسید» (نور، آیه ۵۲). آخرین نکته این است که هر چند طبق وعده الهی حضرت زنده و باقی هستند تا زمانی که پرچم توحید و عدل را در همه جهان به اهتزاز درآورند ولی بالاخره بشر هستند ودر معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی. مثلا حضرت ممکن است مریض شوند و دچار کسالت گردند و از این نظر دعای ما برای

سلامتی حضرت و حفظ ایشان از این آفات و حوادث بدون شک در سلامتی وجود آن عزیز عالم وجود و آخرین در صدف امامت و ولایت مؤثر و مفید است. مضمون کلی دعای فرج، دعا برای حفظ و سلامتی آقا امام زمان(عج) می‌باشد که از جمله وظایف شیعه در زمان غیبت دعا برای وجود نازنین آن سرور است. ما در این دعا از خداوند می‌خواهیم که ولی آن بزرگوار باشد (ولی به معنی سرپرست است). ولایتی که در این دعا برای آن حضرت از خداوند درخواست می کنیم ولایت عامی که خداوند بر تمام موجودات دارد نمی‌باشد، بلکه ولایت خاصه می‌باشد که در آیه شریفه آمده است الله ولی الذین آمنوا خداوند ولی مؤمنان است{M. بنابراین درخواست ما در این دعا این است که خداوند آن حضرت را در تحت ولایت خاصه خودش که مخصوص مقربان درگاهش است قرار بدهد و حافظ و نگهدار آن حضرت باشد از جمیع بدی‌ها. و قائد برای آن حضرت باشد. قائد به معنی رهبر و پیشواست. یعنی خداوند آن حضرت را تحت قیادت و زعامت خودش قرار دهد و دلیل و راهنمای آن حضرت باشد به تمامی خوبی‌ها دلالت و راهنمایی خداوند انبیاء و اولیاء خودش را می‌تواند همان تأیید خداوند آنان را به روح‌القدس باشد. در ادامه این دعا از خداوند می‌خواهیم که عین یعنی نگهبان آن حضرت باشد و آن حضرت را تحت حراست و حمایت خاصه خودش از هر گزندی حفظ کند تا این که آن حضرت را به گونه‌ای در زمین مستقر کند که مردم با میل و رغبت ولایت آن حضرت را قبول کنند و سالیان سال حضرت بدین‌گونه بر مردم حکومت کند و زندگانی کند. مضمون کلی دعای فرج، دعا برای حفظ و سلامتی آقا امام زمان(عج) می‌باشد که از جمله وظایف شیعه در زمان غیبت دعا برای وجود نازنین آن سرور است. ما در این دعا از خداوند می‌خواهیم که ولی آن بزرگوار باشد (ولی به معنی سرپرست است). ولایتی که در این دعا برای آن حضرت از خداوند درخواست می کنیم ولایت عامی که خداوند بر تمام موجودات دارد نمی‌باشد، بلکه ولایت خاصه می‌باشد که در آیه شریفه آمده است الله ولی الذین آمنوا خداوند ولی مؤمنان است{M. بنابراین درخواست ما در این دعا این است که خداوند آن حضرت را در تحت ولایت خاصه خودش که مخصوص مقربان درگاهش است قرار بدهد و حافظ و نگهدار آن حضرت باشد از جمیع بدی‌ها. و قائد برای آن حضرت باشد. قائد به معنی رهبر و پیشواست. یعنی خداوند آن حضرت را تحت قیادت و زعامت خودش قرار دهد و دلیل و راهنمای آن حضرت باشد به تمامی خوبی‌ها دلالت و راهنمایی خداوند انبیاء و اولیاء خودش را می‌تواند همان تأیید خداوند آنان را به روح‌القدس باشد. در ادامه این دعا از خداوند می‌خواهیم که عین یعنی نگهبان آن حضرت باشد و آن حضرت را تحت حراست و حمایت خاصه خودش از هر گزندی حفظ کند تا این که آن حضرت را به گونه‌ای در زمین مستقر کند که مردم با میل و رغبت ولایت آن حضرت را قبول کنند و سالیان سال حضرت بدین‌گونه بر مردم حکومت کند و زندگانی کند.

صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان‌علیه‌السلام چه حکمی دارد؟

پرسش

صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان‌علیه‌السلام چه حکمی دارد؟

پاسخ

اصل صدقه دادن دارای ارزش وثواب بسیاری است ومی‌تواند بلاها را از انسان دور کند. و اگر انسان از طرف امام زمان (ع) وبه وکالت از آن حضرت (ع) صدقه دهد، هم برای انسان مؤثر است وهم برای حضرت. برای انسان تأثیر دارد؛ زیرا هدیه به مؤمن، آن

هم بالاترین مؤمن روی زمین ثواب دارد. برای حضرت نیز تأثیر دارد؛ زیرا موجب می‌شود که خداوند به او برکات بیشتری دهد وبر عنایاتش بیفزاید، زیرا عنایات خداوند حدّ وحصری ندارد. ونیز موجب دفع بلا از وجود حضرت می گردد، زیرا خداوند متعال حضرت را از راه‌هایی که از آن جمله صدقه دادن است حفظ می‌نماید. در مورد دعا برای سلامتی امام زمان (ع) نیز همین جواب را خواهیم داد.

چه دعاهایی در عصر غیبت امام زمان‌علیه‌السلام درباره حضرت مستحب است؟

پرسش

چه دعاهایی در عصر غیبت امام زمان‌علیه‌السلام درباره حضرت مستحب است؟

پاسخ

ادعیه درباره امام زمان (ع) بسیار است، که می‌توان به برخی از آنها فهرست‌وار اشاره نمود: ۱ – دعایی از امام صادق (ع).{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰. پاورقی} ۲ – دعای غریق.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ح ۲۳. پاورقی} ۳ – دعای بعد از هر فریضه در ماه رمضان. ۴ – دعای عهد صغیر.{پاورقی . همان، ج ۸۶، ص ۶۱. پاورقی} ۵ – دعای عهد.{پاورقی . البلد الامین، ص ۸۲. پاورقی} ۶ – دعا بعد از نماز ظهر.{پاورقی . همان، ص ۱۳. پاورقی} ۷ – دعا بعد از نماز عصر.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷، ح ۱۸. پاورقی} ۸ – دعای شب نیمه شعبان.{پاورقی . مفاتیح الجنان، ص ۱۶۶. پاورقی}

در چه مکان‌هایی سفارش دعا برای امام زمان‌علیه‌السلام شده است؟

پرسش

در چه مکان‌هایی سفارش دعا برای امام زمان‌علیه‌السلام شده است؟

پاسخ

مطابق روایات در برخی از مکان‌های مقدس سفارش خاص به جهت دعا برای امام زمان (ع) شده است، از آن جمله: ۱ – مسجد الحرام.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی} ۲ – سرداب مقدس. ۳ – مقامات منسوب به حضرت از قبیل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه ومسجد جمکران. ۴ – حرم امام حسین (ع).{پاورقی . کامل الزیارات، ص ۲۳۰، ح ۱۷. پاورقی} ۵ – حرم امام رضا (ع).{پاورقی . همان، ص ۳۳۱. پاورقی} ۶ – حرم عسکریین (علیهما السلام) در سامرا.{پاورقی . همان، ص ۳۱۳. پاورقی} ۷ – حرم هریک از امامان به طور عموم.{پاورقی . همان، ص ۳۱۵. پاورقی} ۸ – عرفات در محل وقوف.{پاورقی . زاد المعاد. پاورقی}

آیا دعا برای ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام با نهی از عجله در ظهور منافات دارد؟

پرسش

آیا دعا برای ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام با نهی از عجله در ظهور منافات دارد؟

پاسخ

در روایات فراوان به مسأله دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی (ع) اشاره شده است ودر برخی روایات دیگر از عجله کردن واستعجال نهی شده است. از جمله": هلك المستعجلون"؛ "کسانی که عجله کردند هلاک شدند ".آیا بین این دو دسته روایات اختلاف وتنافی وجود دارد؟ در جواب می گوییم: خیر؛ زیرا: اولاً: استعجال در ظهور، اصرار زیاد بر فرج حضرت بدون تمهید مقدمات وشرایط وزمینه‌هاست، ولی دعا برای ظهور حضرت، با تمهید مقدمات وشروط است. ثانیاً: نفس دعا برای تعجیل فرج در ظهور حضرت تأثیر به سزایی دارد، به این معنا که خود دعا می‌تواند به منزله جزء علت تامه در تسریع ظهور تأثیر به سزایی داشته باشد.

۱.– معمولا می گویند برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کنید چطور دعا کنیم که با عقیده کامل و خالصانه باشدچطور از ته دل دوست داشته باشیم که آقا امام زمان (علیه السلام) ظهور کند ؟

پرسش

.۱– معمولا می گویند برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کنید چطور دعا کنیم که با عقیده کامل و خالصانه باشدچطور از ته دل دوست داشته باشیم که آقا امام زمان (علیه السلام) ظهور کند ؟

پاسخ

کسی که در انتظار ظهور حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرج الشریف) به سر میبرد بالاترین آرزویش در زندگی فرج و گشایش آن امام منتظر است و بیشترین چیزی که او را ناراحت می کند ،سختیهای و ناراحتیهایی است که درزمان غیبت به امام زمانش می رسد. بنابراین وظیفه خود می داند که برای رفع غم و قصه ها و سختیها و بلایای آن حضرت تلاش نماید و برای این منظور،هرکاری که از دستش بر می آید نسبت به انجام آن کوتاهی نمیکند. پس ما در دعای خود،برای تعجیل فرج نباید فقط راحتی و گشایش خود را مد نظر داشته باشیم و در واقع برای خود دعا کنیم بلکه، قصد ما باید خواستن فرج خود امام زمان(علیه السلام)که البته با فرج او برای همه مؤمنان نیز گشایش حاصل خواهد شد. اما مهمترین فایده دعا در تعجیل برای دعا کننده این است که اگر از روی اعتقاد که به امامت ایشان باشد او را از تباهی دینش در زمان غیبت حفظ می کند . اینکه« دور کن» اعتقاد به امامت و دعا برای تعجیل مرهون توفیق الهی است و این نشان می دهد که اگر خداوند بخواهد کسی را در زمان غیبت ازخطر بی

دینی حفظ کند او را موفق به دعا برای تعجیل فرج امام عصر می کند و کسانی که مشمول این لطف و عنایت الهی قرار نگیرند می لغزند و ازصراط مستقیم دور می افتند. پس باید از خداوند طلب هدایت و توفیق کرد و نباید بر خود اعتماد نمود زیرا؛ اگر خدا انسان را به حال خودش رها کند همین تنها وسیله نجات را هم از دست می دهد . با دوری معاصی و کسب فضائل اخلاقی و ترک صفات رذیله (واجبات را خوب انجام دادن) انشاء الله خداوند توفیق دعا با اخلاص را نصیبمان می کند و اینکه هر کاری از دستمان بر می آید کوتاهی نکنیم، نسبت به مفاسد سکوت نکنیم هر وقت ازلحاظ روحی آرامش بیشتری داریم و حال معنوی به ما دست داد دعا کنیم و اینکه تکرار در دعا کنیم ،خداوند یاری کننده خود را یاری می کند در قرآن کریم می خوانیم «اگر خدا را یاری کنید او شما را یاری می کند و شما را ثابت قدم می دارد و خدا قطعا یاری کننده خود را یاری می کند .» دعا در حقیقت وسیله تقرب بندگان است و امام واسطه فیض بین بندگان و خدا هستند و دو نکته در دعا دقت شود . ۱-از دعاهای وارده مثل دعای عهد کتاب مفاتیح استفاده شود . ۲- دعا برای حضرت ضمن اینکه اظهار محبت وادب است . منابع : ۱-سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری ۲- شناخت امام عصر، محمد جواد مولوی نیا ۳- معرفت امام عصر (ع)، محمد بنی هاشمی

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل در ظهور ولی عصر(عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پرسش

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل در ظهور ولی عصر(عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال توجه به نکاتی درباره آیه ضروری است: ۱ـ شأن نزول و یا به عبارتی اسباب النزول یکی از اموری است که باید در فهم و درک آیه بدان تمسک جست، البته به این شرط که شأن نزول نقل شده از نظر سند معتبر باشد و یا ناقل در رساندن شأن نزول به حدس و گمان تکیه نکند واز روی مشاهده و حس گزارش کند. ۲ـ آنچه که درباره شأن نزول آیات آغاز سوره نحل گفته شده است، این است که این آیه با آیات پس از آن در مکه نازل شده است، در همان ایام که پیامبر(ص) درگیری شدیدی با بت‌پرستان داشت، آنان هر روز به بهانه‌هایی متوسل می‌شدند. مثلاً اینکه هرگاه پیامبر(ص) آنها را به عذاب الهی تهدید می‌کرد برخی از آنان می‌گفتند اگر این راست پس چرا به سراغ ما نمی‌آید؟ و یا گاهی می‌گفتند که اگر فرضا عذابی در کار باشد ما به بتها متوسل می‌شویم تا درپیشگاه خدا شفاعت بکنند. برای آگاهی بیشتر می‌توان به کتاب کشف الاسرار... مراجعه نمود. ۳ـ از ظاهر سیاق آیه یعنی از منطوق آن برمی‌آید که خطاب در این آیه به مشرکین است، برای این که آیات بعدی همه در مقام احتجاج علیه ایشان است، و سیاق آنها تا آیه ۲۹ که می‌فرماید : « اِلهُکُم اِلهٌ واحد » چنین سیاقی است.لذا آیه بر بطلان پندارهای مشرکین و بی‌ثمر بودن مساعی ایشان و این‌که به زودی کیفر ایشان را می‌دهد، استدلال واقامه صحبت می‌کند. ۴ـ درباره این که منظور از امر در این آیه چیست؟ بین مفسران اختلاف است: الف) برخی گفته‌اند منظور، فرمان خدا در مورد عذاب مشرکان است مانند صاحب تفسیر نمونه و تفسیر فی ضلال القرآن و التبیان و مجمع البیان. ب) بعضی نیز گفته‌اند منظور به «امر» مفرد کلمه «اوامر» است، یعنی امر به معنای حکم است معنای « اَتی اَمْرالله » این است که در این سوره احکام خدا آمده است. مانند ضحّاک. ج) برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که «امر الله» اشاره به خود عذاب است نه فرمان عذاب مثل صاحب الکاشف و روح البیان. د) بعضی نیز آن را به

معنای روز قیامت گرفته‌اند مثل صاحب کشف‌الاسرار و عدةالابرار. البته در همین کتاب کشف الاسرار اشاره شده که امر در قرآن بر سیزده وجه در معانی ذیل به کار می‌رود: دین، قول، عذاب، عیسی(ع)، قتل، فتح مکه، قتل بنی‌قریظه، قیامت، قضا، وحی، کار، نصرت و ذنب. مانند فخر رازی و زمخشری. ه)برخی هم گفته‌اند مراد از آن وعده‌های خداوند بر پیامبر(ص) است اعم از عذاب کفار و نصرت مؤمنین مانندعلامه طباطبایی و صاحب تفسیر روح‌المعانی. در المیزان علامه طباطبایی چنین آمده است: مقصود از امر آینده در آیه همان وعده ایست که خدا به رسول گرامی خود و به مؤمنین داده بود، و همان تهدیدهایی است که یکی پس از دیگری به مشرکین داده بود. ۵ـ همچنین در باب این‌که مخاطب در آیه «فلاـ تستعجلوه» کیست؟ مفسران به سه احتمال اشاره نموده‌اند: الف) خطاب به مشرکان و بت‌پرستان است. ب) خطاب به مؤمنین تنهاست اگر به معنای حکم باشد. ج) مؤمنین و مشرکین هر دو مورد خطاب آیه هستند. تقریبا می‌توان گفت اکثر مفسران احتمال اول را پذیرفته‌اند و دو احتمال دیگر را منتفی دانسته‌اند،زیرا: اولاًـ امر به معنای حکم نمی‌باشد. ثانیا در قرآن هیچ جا استعجال به مؤمنین نسبت داده نشده است. ثالثا چنانکه گذشت مسأله اِتیان و استعجال متفرع بر نفی شرک است و چون نفی شرک خطاب به کافرین است استعجال هم خطاب به مشرکین خواهد بود. ـ عجله و نسبت آن با تعجیل در ظهور امام(عج): استعجال از ریشه عجله است. راغب اصفهانی در معنای آن گوید: عجله طلب شیء است پیش از وقت آن، و ازمقتضای شهوت است. استعجال: خواستن با عجله است: «اتی امر الله فلاتستعجلوه ». عاجله هم داریم که در مقابل آجل است و مراد از آن در قرآن دنیا است « کلاـ بل تحبون العاجله و تذرون الاخرة »(قیامت، آیه ۲۰). عَجَلَ نیز آمده است « خلق الانسان من عَجَلٍ سأریکم آیاتی فلما تستعجلون »، عجل بر وزن فرس اسم است به معنای عجله. آیه فوق کنایه از مبالغه انسان در عجله است. آیه ۱۱ از سوره اسراء نیز در همین معنا آمده است. A «کان الانسان عجولا »(اسراء، آیه ۱۱). در لسان العرب آمده عَجَل یعنی سرعت، برخلاف بطیء. فراء گوید: «عجلتُ الشیء» یعنی به او سبقت نمودم». استعجال در قرآن: درست است که عجله و استعجال در قرآن از مؤمنین صریحا نفی شده است. « یستعجل بها الذین لایؤمنون بها والذین امنوا مشفقون منها و یعلمون اَنَّها الحق » ؛ کسانی که به آخرت ایمان ندارند درباره عذاب آن استعجال می‌کنند و اما آنها که ایمان دارند در ترس از آنند، چون می‌دانند که حق است (شوری، آیه ۱۸). چیزی که باید بدان توجه کرد این است که این نفی استعجال از مؤمنین در صورتی است که به عذاب و موارد شبیه به آن متعلق باشد و یا بر اساس جهل و نادانی بناشده باشد. مانند آیه ۱۰ سوره یونس می‌خوانیم: « لو یعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخیر »: اگر همانطوری که مردم با عجله می‌خواهند خوبی‌ها و نعمت‌ها بر ایشان فراهم آید خدا در فرستادن شر یعنی عذاب برای مردم عجله می‌کرد قطعا بر آنان عذاب نازل می‌شد. در آیه فوق گر چه استعجال به خیر نسبت داده شده است اما چون طبعا شیوه آدمیان بر این تعلق گرفته است که مسببات و آثار، با عجله و سرعت به دنباله اسباب خود آورده شوند مسلما اگر سنت الهی از این سنت انسان‌ها که براساس جهل و نادانی بنا شده پیروی کند عذاب قطعا نازل می‌گردد. اما در صورتی که متعلق عجله کار نیک باشد و بر اساس آگاهی و عشق صورت بگیرد در قرآن از مؤمنین نفی نشده وحتی در جریان داستان حضرت موسی(ع) می‌خوانیم « و ما اعجلک عن قومک یا موسی »؛ ای موسی چه چیز سبب شدکه پیش از قومت به اینجا بیایی و در این راه عجله کنی(طه، آیه ۸۴) . و موسی بلا فاصله عرض کرد: پروردگارا آنها به دنبالمنند، و من برای رسیدن به میعادگاه و محضر وحی تو، شتاب کردم تا از من خشنود شوی. « قال هم اولاء علی اثری وعَجلتُ الیکَ ربِ لتَرضی » یعنی نه تنها عشق مناجات تو و شنیدن سخنت مرا بی‌قرار ساخته بود، بلکه مشتاق بودم هرچه زودتر قوانین و احکام تو را بگیرم و به بندگانت برسانم و از این راه رضایت تو را بهتر جلب کنم. در تأیید این مدعا آیات ذیل را هم می‌توان شاهد آورد:« سارعوا الی مغفرة من ربکم » (آل عمران، آیه ۱۳۳) , یا ,« فاستبقوا الخیرات »(بقره، آیه ۱۴۸ و مائده، آیه ۴۸) و آیات دیگر. در راستای مباحث فوق نتیجه می‌گیریم که عبارت «لاتستعجلوه» اولاً خطاب به کفار است و ثانیا استعجال در کار بدکه همان عذاب باشد به کار رفته است. ثالثا چنانکه گذشت انتساب عجله به افراد مؤمن در صورت خوبی عمل وآگاهی در آن در قرآن داریم. عجله در احادیث:

گفته‌انـد عشق آتشـین به یـک موضوع و افکار سـطحی، و گاه سـیطره هوی و هوس، و خوش‌بینی بیش از حـد از عوامل شـتابزدگی است. تلخی‌هـایی که بر اثر عجله دامنگیر انسان می‌شود قابل شـمارش نیست. اما نقطه مقابل عجله تثبیت وتأنی یعنی درنگ کردن و با تفکر و تأمل و بررسـی همه جوانب کاری را انجام دادن است. اولی مذموم است اما دومی شایسـته و بایسـته است به لحاظ این که هر دو در احادیث آمده است. پیامبر(ص) می‌فرماید: مردم را عجله هلاک می‌کند، اگر مردم با تأمل کاری را انجام می‌دادند کسـی هلاک نمی‌شد «انما اهلک الناس العجلهٔ و لو ان الناس تثبتوا لم یهلک احد » . یا امام صادق(ع) می‌فرماید: « مع التثبیت تکون السلامُ و مع العجلهٔ تکون الندامهٔ »؛ با درنگ کردن سـلامت است و باعجله نـدامت. پیامبر(ص) می‌فرمایـد: « ان الاناهٔ من الله و العجلهٔ من الشـیطان »؛ درنگ از ناحیه خداست و عجله از شـیطان است. در احادیث اسلامی بابی تحت عنوان تعجیل فعل الخیر در زمینه تعجیل در کار خیر آمده است: از جمله در حدیثی از پیامبر(ص) می‌خوانیم:« ان الله یحب من الخیر ما یعجل »؛ خداوند کار نیکی را دوست دارد که در آن شـتاب شود. امـام صـادق(ع) هم فرمود: «مِن هم به شـیء من الخیر فلیعجله فان کان شـیء فیه تأخیر فان للشـیطان فیه نظرهٔ »؛کسـی کـه تصـمیم بـه کـار خیری گرفـت بایـد عجلـه کنـد زیرا هر کـاری را کـه در آن تـأخیر کنیـد شـیطان در آن حیلـه‌ای می‌کند(سفینهٔ البحار، ج ۱،ص ۱۲۹). منظور از عجله در این روایـات همـان سـرعت است در مقابل اهمال کاری و تأخیرهای بیجا و امروز و فردا کردن کـه بیشـتر سـبب بروز مشـکلات روحی و روانی و مـوانعی در کارهـا می‌گردد. از ایـن رو بایـد گفت سـرعت و جـدیت در کارهـای آری، امـا عجله و .....Ş.....نه. از همیـن جـا می‌تـوانیم ادعـا کنیـم کـه تقاضـای تعجیـل در ظهـور امـام عصـر(عـج) از سـاحت حضـرت حق هیـچ منافـاتی باظهور آیات به خصوص با آیه فوق نـدارد. و با کلمŘ□'ṣř...Ơ.....هم هماهنگ است. سـنتی که ریشه در کلمات آن حضـرات دارد و دعایی است که می توانـد زمینه های ظهور آن حضـرت را ...Ṣطور کامل مهیا بکند ;یعنی , یکی از اموری که می تواند مساعد کننده ئ ظهور آن حضرت باشد خود تقاضای تعجیل است . اگر زمینه های ظهور امام (عـج) مقدمات متعددی داشـته باشد این تقاضا و اسـتمداد یکی از آن مقدمات به حساب می آید. کلام آخر این که اساسا می تـوان گفت که خـود این خواست و طلب از نظر تـاثیر روحی و روانی در میـان مسـلمان هـا, می توانـد مقـدمات لازمه ئ فوق را به فعلیت برسانـد و یا حداقل کمک موثری در این راه ایفا بکند. منابع و مآخذ: ۱- برای آگـاهی بیشتر از شان نزول آیه فوق (در نکته اول سوال) می توان به کتاب کشف الاسرار و عده الابرار مراجعه نمود. ۲- برای آگاهی بیشتر درباره اسباب النزول به کتاب اسباب النزول تالیف دکترمحمدباقر حجتی مراجعه شود. ۳- ترجمه تفسیر المیزان , جلد ۱۲, ص ۲۹۳. ۴- تفسیر نمونه , جلد ۱۲, صفحه ۴۶ - ۴۳. ۵- سفین 2 البحار, جلد ۱, صفحه ۱۲۹. ۶- اصول کافی , جلـد ۱, کتـاب ایمان و کفر, باب تعجیل فعل الخیر. ۷- ترجمه ئ تفسیر المیزان , جلد ۱۲, صفحه ۲۹۳. ۸- ترجمه ئ تفسیر المیزان , جلد ۱۰, صفحه ۳۴ - ۳۱. ۹- تفسیر نمونه , جلد ۱۳, صفحه ۲۶۸ و ۲۶۷. گزیـده ای از منابع اهل تشیع : ۱۰- فی ضـلال القرآن نوشـته سید قطب ج ۴/۲۱۵۸انتشارات دارالشروق . ۱۱-التبیان نوشته شیخ طوسـی ج ۶/۳۵۷انتشارات دارالانـدلس . ۱۲- مجمع البیـان نوشـته طبرسـی ج ۶/۱۳۷انتشـارات موئسـسه الاعلی بیروت . ۱۳- المیزان نوشـته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۱۴انتشارات دارالکتب الاسـلامیه ترجمه نوشته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۹۲ ۱۴-کشف الاسرار و عـده الابرارتـالیف ابوالفضـل رشـیدالدین میبـدی ج ۵/۳۵۲انتشـارات امیرکبیر. ۱۵- التفسـیر الکـاشف تـالیف محمـدجواد مغنیه ج ۴/۴۹۶انتشارات دارالعلم بیروت . ۱۶- تفسیر نورالثقلین تالیف علامه حریزی ج ۳/۳۸انتشارات مطبع 2 الحکم , قم . ۱۷- تفسیر نمونه تالیف آقای مکارم شـیرازی ج ۱۱/۱۵۸انتشارات دارالکتب الاسلامی 2. گزیده ای از منابع اهل تسـنن : ۱۸- تفسیر فخررازی ج ۲۰- ۱۹/۲۱۸صحافی ناصـر قم . ۱۹- تفسـیر الکاشف تالیف زمخشـری ج ۲/۵۹۲انتشـارات دارالکتـب العربی - بیروت . ۲۰-تفسیر روح المعانی تالیف آلوسی ج ۱۴/۹۰انتشـارات داراحیائ الثرات العربی . ۲۱-تفسـیر روح البیان تالیف بروسوی ج ۵/۳انتشارات داراحیائ الثرات العربی . ۲۲-تفسیر القرآن العظیم تالیف ابن کثیرج ۲/۵۸۱انتشارات دارالمعرفه - بیروت .

با آنکه می‌دانیم که خداوند امام زمان(عج) را از گزند دشـمنان و بلاها محفوظ نگه می‌دارد چرا در بسـیاری از روایات آمده است که برای سلامتی او دعا کنیم؟

پرسش

با آنکه می‌دانیم که خداوند امام زمان(عج) را از گزند دشـمنان و بلاها محفوظ نگه می‌دارد چرا در بسیاری از روایات آمده اسـت که برای سلامتی او دعا کنیم؟

پاسخ

آنچه مسـلم است این است که خداوند امام زمان«علیه السلام» را زنده نگه می‌دارد تا آن بزرگوار ظاهر شده و جهان را پر از عدل و داد کند، ولی همین اولیاء الهی که از این امر مسـلم مطلع هسـتند به ما دسـتور داده‌اند تا برای ایشان دعا کنیم و قطعاً دعا کردن برای امام زمان(عـج) بی‌اثر نیم باشـد و آنچه شـخص و قطعی است اثرات این دعا برای خود دعا کننده است، زیرا خود این ادب توجه به آن وجود مقدس و دعا برای سـلامتی ایشان و توجه به محفوظ بودن ایشان از شـر آنه که خداوند آفریده و روان کرده و برآورده و ایجاد نموده و صورت کشیده...(۶) برای خود مـا اثر تربیتی زیـادی دارد و ما را روحاً مهیا می‌سازد تا با توجه دائم و ذکر آن وجود مقـدس اخلاـق یاران و صـفت شـیعیان مخلص را در خود احیا کرده و پرورش دهیم. گذشـته از اینهمه رحمتها و نعمتها از خـداوند است و با اینکه خداونـد متعال تخلف وعـده نمی‌کنـد ولی به ما دسـتور داده‌انـد دعا کنیم که آنچه را برای انبیایش وعـده داده به ما بدهد(۷). « بخش پاسـخ به سؤالات » ۶)اللهم اعـذه من شـرجمیع مـا خلقت و ذرأت و برات و انشأت و صورت... دعا در غیبت امام زمان(عج) مفاتیح الجنان مرحوم قمی. ۷)ربنا آتنا ما وعدتنا علی رسلک... انک لاتخلف المیعاد آل عمران ۱۹۴.

توسل به امام

برای اینکه در امر تحصـیل و رسـیدن به کمال و سـعادت واقعی خودمان را به امام زمانمان نزدیکتر کنیم و بیشتر به ایشان توسل جوئیم چه پیشنهادی دارید؟

پرسش

برای اینکه در امر تحصـیل و رسـیدن به کمـال و سـعادت واقعی خودمـان را به امـام زمانمـان نزدیکتر کنیم و بیشتر به ایشـان توسـل جوئیم چه پیشنهادی دارید؟

پاسخ

انسان آگاه و روشن برای رسـیدن به کمال و بهره منـدی کامل از سـرمایه های ارزنـده خود بایـد در دو جنبه رشـد و کمال یابد: ۱) جنبه علمی و نظری: امیر مؤمنان علی علیه السلام در یکی از سخنان کوتاه خود می فرماید: رحم الله امرء علم من این و فی این و الی

این؛ خداوند رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده و در کجا به سر می برد و به سوی چه مقصدی روان است. بنابراین قدم اول آشنائی با مبدأ و معاد و وظایف انسان بین این شروع و آن انجام است که عبارت از آشنائی با همان اصول عقاید باشد. آشنائی با اصول عقاید و بصیرت نسبت به باورها و عقاید درست و صحیح است که نقش عمیقی در چگونگی زندگی و رفتار و برنامه ریزی و نگرش انسان به عالم و جهان هستی دارد. کتاب های فراوان و خوبی در مورد اصول عقاید نوشته شده که به برخی از آنها که نیاز فوری تری می باشند اشاره می شود: ۱- مجموعه مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تألیف استاد شهید مرتضی مطهری که شامل بخش های هفت گانه زیر است: الف:انسان و ایمان ب:جهان بینی توحیدی ج:وحی و نبوت د:انسان در قرآن ه:جامعه و تاریخ و:امامت و رهبری ی:زندگی جاوید یا حیات اخروی ۲-همه کتاب های شهید آیت الله دستغیب به ویژه کتاب های: الف:توحید ب:معاد ج:امامت د:ایمان دومین قدم آشنائی با فضایل و رذایل اخلاقی است، یعنی اموری که زمینه ساز سعادت یا بیچارگی و محرومیت انسان می باشند و در ساختن شخصیت حقیقی انسان و شکل دادن به خود حقیقی او نقش اساسی دارند. مسئله خود شناسی که ثمره آن خداشناسی است و نیز آشنائی با گناهان و گناه شناسی از مباحث مهم این بخش است و در این قسمت کتابهای زیر توصیه می گردد: ۱- خود شناسی برای خود سازی، تألیف استاد مصباح یزدی ۲- گناهان کبیره، شهید دستغیب ۳- گناه شناسی، استاد قرائتی ۲) جنبه عملی: شناخت و علم و آگاهی زمینه ساز عمل است و اگر آگاهی انسان به عمل تبدیل نگردد و بذر شناخت باعمل به نهال نیرومندی تبدیل نگردد به کمال خود نرسیده و ضایع می گردد. در این مرحله باید اولا با احکام و وظایف شرعی کاملاـ آشنا بود و مسئله تقلید از یکی از مراجع عظیم الشأن که زمینه ساز عمل به وظایف شرعی و دستورات عملی دینی است باید کاملا برای انسان مؤمن متعهد توجیه شده و حل شده باشد. گام عملی دوم، تهذیب و خود سازی عملی است. یعنی بعد از آشنائی با ضرورت تهذیب اخلاق و نفس و خود سازی در مرحله نظر و عمل نوبت به گام نهادن در میدان تهذیب می رسد که از ضروری ترین و اساسی ترین برنامه یک مؤمن خداترس است. در این زمینه نیز کتاب های زیر به نظر مناسب می آیند: ۱- خودسازی (تهذیب و تزکیه نفس)، تألیف استاد ابراهیم امینی ۲- نقطه های آغاز در اخلاق اسلامی، استاد آیت الله محمد رضا مهدوی کنی ۳- معراج السعاده، مرحوم ملا احمد نراقی مطالعه زندگی و سیره معصومین علیهم السلام و زندگی مردان بزرگ و خود ساخته در تشویق انسان به گام برداشتن در راه خود سازی و تهذیب، بسیار موثر است و عامل مهمی در تقویت اراده و همت انسان می باشد. در این مورد نیز کتاب های فراوانی دارم که چند کتاب زیر را توصیه می کنیم: ۱- نردبان آسمان، زندگی و برخی سخنان مرحوم آیت الله بهاءالدینی ۲- فضیلت های فراموش شده، زندگی مرحوم ملا عباس تربتی (پدر مرحوم حسینعلی راشد) تألیف حسینعلی راشد ۳- فریادگر توحید، زندگی حضرت آیت الله بهجت (دام ظله) ۴- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی (ره) از انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد. نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید». امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیهٔ، شیخ مفید، ص۱۰۵) مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. همچنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان

انجاممی‌دهند. قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوة وآتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند{M}(حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمامورزیم. خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می‌ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه‌ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می‌کنند. از آن حضرت نقل شده است: اناغیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم ؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم{M}(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴). ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می‌باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود رابه امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می‌رسد. منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... ؛ بر من گراناست که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم{M}، (دعای ندبه). ۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم. ۴- انتظار فرج آن حضرت در دل و ظاهر جلوه‌گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می‌گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجتخدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جانادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می‌شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می‌گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز استو با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین

عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کنند، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ - ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف). ۵- داستان‌های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم. در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی‌عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره‌گشایی‌های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی ۲- ترجمه منتخب‌الاثر، آیت‌الله‌صافی ۳- مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی ۴- وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی ۵- امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی سرعت پاسخ‌دهی از انتظارات پرسشگران است. خواهشمند است با اولویت‌بندی و پیرایش سؤالات، ما را یاری کنید. بدیهی است با ارتباط مکرر، پاسخ گوی دیگر پرسش‌های شما خواهیم بود

نماز امام زمان (ع چگونه است

پرسش

نماز امام زمان (ع چگونه است

پاسخ

نماز امام زمان (ع دو رکعت است در هر رکعت سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین می‌خوانی چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می‌گویی و بقیهٔ سوره حمد را تمام می‌کنی و پس از آن قل هو اللّه احد (سوره توحید) را یک بار می‌خوانی پس از نماز دعای اللهم عظم البلاء را می‌خوانی این دعا در مفاتیح الجنان آمده است این نماز در هر جا می‌تواند خوانده شود. ۱ - مفاتیح الجنان، ص ۹۲.

برای سلام دادن به امام زمان (ع به چه دلیلی به طرف راست قبله کمی متمایل می‌شویم

پرسش

برای سلام دادن به امام زمان (ع به چه دلیلی به طرف راست قبله کمی متمایل می‌شویم

پاسخ

در زیارت حضرت ابا عبداللّه الحسین در روز عاشورا از راه دور چنین از امام باقر (ع نقل شده است" إذا کان ذلک الْیوم برز إلی الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً فی داره و أومأ إلیه بالسلام هرگاه روز عاشورا فرارسید به سوی صحرا روانه شود یا به پشت بام برود و به سوی حرم امام حسین اشاره کند و سلام دهد . "زیارت از راه دور برای امام حسین به همین گونه روایت شده است در مورد

سائر امامان از امام صادق (ع نقل شده است" اذا بعدت بأحدكم الشقّة و نَأَت به الدار فَلْيَعْلُ أعلى منزل له فيصلي ركعتين وَلْيَؤمَّ بالسلام إلى قبورنا فإنّ ذلك يصير إلينا؛(۲) هرگاه فردی از شما از راه دورخواست ما را زیارت کند، پس بر جای بلندی از منزل برود دو رکعت نماز بخواند و رو به سوی قبر مانند و با اشاره سلام دهید، "ولی چون جای خاصی برای حضرت مهدی (ع معلوم نیست شیعیان برای توجه به آن حضرت روبه قبله می‌ایستند و سلام می‌دهند و شاید به این جهت باشد که آن حضرت از کعبه ظهور خواهد کرد یا به زیارت کعبه می‌رود. همان طور که گفته شد در مورد زیارت امام حسین (ع در روز عاشورا و سائر امامان ایستادن به سوی بر آنان و سلام دادن وارد شده است و در مورد حضرت مهدی (ع هم از باب ذوق و سلیقه و احترام گذاشتن چنین عمل می‌کنند. ظاهراً وجه و دلیل شرعی بر این کار نیست فقط در مورد امام رضا (ع نقل شده که وقتی لقب حضرت مهدی (ع به عنوان قائم برده شد، آن حضرت از جا بر خاست و به عنوان احترام دست برسرنهاد.(۳) ۱ - بحارالانوار؛ ج۹۸، ص ۲۹۰. ۲ - همان، ص ۳۶۵. ۳ - آیت الله تبریزی، استفتاءات جدید، س ۲۲۰۸؛ عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید، ص ۱۳۳، آیت الله امینی، دادگستر جهان، ص ۱۲۵، به نقل از الزام الناصب، ص ۸۱.

اگر بخواهم در کارهایم از مهدی (عج) کمک بگیرم، ایشان به من کمک می‌کند؟ آیا کمک ایشان شامل حال من می‌شود؟

پرسش

اگر بخواهم در کارهایم از مهدی (عج) کمک بگیرم، ایشان به من کمک می‌کند؟ آیا کمک ایشان شامل حال من می‌شود؟

پاسخ

برای برقراری رابطه با امام زمان(ع) و زمینه سازی ظهور حضرت باید برخی از شرایط و ویژگی‌ها را رعایت نمود و با رعایت آن‌ها می‌توان قابلیت ایجاد نمود که از امام زمان(ع) کمک گرفت و عنایت حضرت شامل حال انسان‌ها شود. از آن جا که امام معصوم فرد کامل انسانیت و حجت الهی روی زمین و واسطه فیض الهی می‌باشد؛ به واسطه وجود او برکات الهی بر مردم نازل می‌شود و عذاب الهی نیز به خاطر وجود او از مردم برداشته می‌شود. امام زمان(ع) واسطه فیض الهی بوده و در زمان غیبت به هدایت مردم پرداخته و به رفع مشکلات مردم می‌پردازند؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی (و فرمایش مکتوبی) که از او صادر شده، نفع رسالت خویش به مردم را به خورشیدی تشبیه کرده که در پشت ابر قرار گرفته است. خورشید اگر چه پشت ابر بوده و مردم آن را نمی‌بینند، ولی نفع آن به طور غیر مستقیم همه عالم را فرا گرفته و همه از آن بهره‌مند هستند. امام زمان فرمود": من سبب آرامش و امنیّت ساکنان زمین هستم، چنان که ستارگان سبب امنیّت اهل آسمانند. همان طور که از خورشید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده، سود برده می‌شود، از من نیز در حال غیبتم، بهره می‌برند.("۱) جابر بن عبداللّه انصاری از پیامبر اسلام(ص) گزارش نمود که حضرت فرمود": قسم به کسی که مرا به پیامبری برگزید، آن‌ها از وی بهره می‌برند و از نور ولایت او کسب فیض می‌کنند، همان طور که مردم از خورشید پنهان شده در پس ابر بهره می‌برند.("۲) در برخی از روایات دیگر آمده است که امام زمان(ع) در مکان‌های مختلف حضور یافته و به مردم کمک می‌کند، اگر چه مردم او را نمی‌شناسند.(۳) امام علی(ع) فرمود": حجت حق بر زمین استوار است. در جاده‌ها حرکت می‌کند. در خانه‌ها و قصرها وارد می‌شود. در شرق و غرب زمین به گردش می‌پردازد. سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند ودیده نمی‌شود، تا زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی. هان! آن

روز، روز شادی فرزندان علی و شیعیان او است.("۴) نمونه‌های فراوانی وجود دارد که امام زمان(ع) برخی را مورد عنایت خود قرار داده به آن‌ها کمک نموده و مشکلات آن‌ها را رفع نموده است. بر این اساس اگر انسان‌ها بتوانند در خود قابلیت ایجاد نمایند که زمینه عنایت امام را فراهم کنند، امام زمان(ع) به آن‌ها کمک می‌کند. پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲. ۲. همان، ص ۹۱۳؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۱۷. ۳. کتاب الغیبه نعمانی، ص ۱۴. ۴. همان، ص ۸۶.

آیا زمانی که جمله" یا قائم آل محمد "را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پرسش

آیا زمانی که جمله" یا قائم آل محمد "را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پاسخ

امام زمان(ع) از ما روی برنگردانده است تا با خواندن او با کلمات" یا قائم آل محمد "به سوی ما بیاید. از برخی روایات استفاده می شود که حضرت شاهد و ناظر اعمال شیعیان است و به آنان توجه دارد و لحظه ای از آن ها غافل نیست. در بعضی روایات آمده است که حضرت میان مردم رفت و آمد می کند، اما مردم او را نمی شناسند. امام صادق(ع) فرمود... ": جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کار را انجام دهد که با یوسف(ع) انجام داد. صاحب الزّمان(ع) آن مظلوم حق از دست داده، میان مردم رفت و آمد می کند در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اجازه دهد که خود را معرفی کند، آن گونه که حضرت یوسف(ع) را اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی، گفت: آری من یوسفم.("۱) اگر انسان با صداقت و پاکی و با تمام توجه حضرت را صدا کند، خواه با لفظ" قائم آل محمد "یا هر اسم دیگر، مطمئناً توجه حضرت را به سوی خود جلب نموده است، اگر چه خود را برای شخص ظاهر نسازد. پی نوشت ها: ۱". رجال "سید بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۲۰، به نقل از مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۵۳.

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت((علیه السلام)) توضیح دهید.؟

پرسش

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت((علیه السلام)) توضیح دهید.؟

پاسخ

به مردم بگو: به این مکان(۱) رغبت کنند و آن را عزیز دارند و چها رركعت نماز در آن گذارند. در رکعت اوّل ;به نیّت نماز تحیت مسجد است، درهر رکعت آن یک حمد هفت بار «قل هو الله احد» خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. در رکعت دوّم ;به نیزت نماز امام صاحب الزمان((علیه السلام)) خوانده می شود، بدین صورت که سوره

حمد را شروع کرده و آیه « ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد مرتبه تکرار می شود و بعد از آن، بقیه سوره حمد خوانده می شود، و سپس سوره «قل هو الله احد» را فقط یک بار خوانده و به رکوع رفته و ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می شود. و پس از آن به سجود رفته و ذکر «سبحان ربی الاعلی و بحمده» را نیز هفت مرتبه، پشت سرهم تکرار می شود. رکعت دوم را نیز به همین ترتیب خوانده می خوانند. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار گفته می شود «لا اله الا الله» و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا((علیها السلام)) خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگویند: «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد». آنگاه امام((علیه السلام)) فرمودند: هر که این دو رکعت نماز را در این مکان(۲) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: «بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین مکان آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن ;هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد». حسن بن مثله می گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خواندهو به سراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همانمکان شب گذشته رفتیم. در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام((علیه السلام)) حدود بنای مسجد را نشان می داد. سپس به قم نزد «سید ابوالحسن رضا» رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سیّد از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سیّد مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بی مثله! من در خواب بودم که شخصی به من گفت: «حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و بر قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن» از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم. سیّد بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گلّه جعفر کاشانی را دیدیم، آن بُز از پس همه گوسفندان می آمد، به میان گلّه رفتم، همین که بُز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بُز در گلّه من نبوده و تا کنون آن را ندیده بودم. به هر حال آن بُز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیة الله((علیه السلام)) شفا یافت. ابوالحسن رضا ;حسن مسلم را احضا رکرده و منافع زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را رنا کرد و آن را چوب پوشانید. سیّد زنجیرها و میخ ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود. پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید(۳). ۱ - مسجد مقدّس جمکران. ۲ - مسجد مقدّس جمکران. ۳ - به نقل از کتاب نجم الثاقب.

در کرمان چاهی هست به نام چاه صاحب الزمان , آیا این امر حقیقت دارد؟ در ضمن نماز امام زمان (عج) چگونه است ؟

پرسش

در کرمان چاهی هست به نام چاه صاحب الزمان , آیا این امر حقیقت دارد؟ در ضمن نماز امام زمان (عج) چگونه است ؟

پاسخ

ما نسبت به این مکان و صدق مطالبی که پیرامون آن گفته می‌شود آگاهی نداریم. نسبت به این گونه موارد بهتر استاز علمای

برجسته محل سوءال شود و توصیه می‌کنیم که نسبت به موارد مشکوک محتاطانه عمل نمایید. نماز امامزمان(عج) اقسام مختلفی دارد. یکی از آنها این است که شخص دو رکعت نماز گزارد و در آن «ایاک نعبد و ایاکنستعین» را صد مرتبه بگوید و پس از اتمام نماز دعای «الهی عظم البلا...» را بخواند.{J

آیا باید ذکر رکوع و سجود نماز امام زمان (عج) را هفت مرتبه بخوانیم عریضه نویسی به حضرت و انداختن در چاه مسجد جمکران چه حکمی دارد؟

پرسش

آیا باید ذکر رکوع و سجود نماز امام زمان (عج) را هفت مرتبه بخوانیم عریضه نویسی به حضرت و انداختن در چاه مسجد جمکران چه حکمی دارد؟

پاسخ

ذکرهای رکوع و سجود نماز امام زمان(ع) را همان گونه که در مفاتیح‌الجنان و غیره نقل شده است باید هفت مرتبهگفت. در مورد نوشتن عریضه، چون روایت معتبری در دست نیست، قضاوت درباره آن مشکل است و به هر حالشاید عریضه‌نویسی حاصل تجربیات بعضی از بزرگان است که در رفع حاجات اثراتی مشاهده کرده‌اند و بعد کم‌کم بصورت امری رایج و مرسوم درآمده است.{J

در زیارت صبحگاهی و دعای عهد می خوانیم« انی اجدد له عهدا و عقدا و بیعتا له فی عنقی » مفهوم واضح و روشن از عهد و پیمان یاد شده چیست؟و این عهدی که هر روز صبح تجدید می شود سر چه مساله ای است.

پرسش

در زیارت صبحگاهی و دعای عهد می خوانیم« انی اجدد له عهدا و عقدا و بیعتا له فی عنقی » مفهوم واضح و روشن از عهد و پیمان یاد شده چیست؟و این عهدی که هر روز صبح تجدید می شود سر چه مساله ای است.

پاسخ

عهد و پیمانی که دردعای عهد با امام زمان(عج) تجدید می شود همان اعتقاد به امامت و ولایت امام زمان(عج) و تسلیم و مطیع محض بودن در برابر دستورات آن حضرت می باشد. در حقیقت شیعه و منتظر واقعی با خواندن دعای عهد اعلام آمادگی می کند برای نصرت و یاری آن حضرت و ایستادن تا پای جان در راه تحقق منویات آن بزرگوار.

فلسفه توسّل به امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

فلسفه توسّل به امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

توسل، وسیله وواسطه قرار دادن چیزی بین خود ومطلوب است. وسیله بر دو نوع است: گاهی از امور مادی است، مثل آب وغذا که وسیله رفع تشنگی و گرسنگی است. وزمانی نیز از امور معنوی است، مثل گناه‌کاری که خدا را به مقام وجاه یا حقیقت پیامبر (ص) قسم می‌دهد تا از گناهش بگذرد. در هر دو صورت وسیله لازم است؛ زیرا خداوند متعال جهان آفرینش را به بهترین صورت آفریده است، آنجا که می‌فرماید: {اَلَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ"}؛ آن خدایی که همه چیز را به بهترین صورت{پاورقی . سوره سجده، آیه ۷. پاورقی} آفرید ".جهان بر اساس نظم علت ومعلول واسباب ومسببات، برای هدایت ورشد وتکامل انسان‌ها آفریده شده است ونیازمندی‌های طبیعی بشر با عوامل واسباب عادی برآورده می گردد. فیوضات معنوی خداوند همچون هدایت، مغفرت وآمرزش نیز بر اساس نظامی خاص بر انسان‌ها نازل می‌شود واراده حکیمانه خداوند بر این تعلّق گرفته که امور از طریق اسباب خاص وعلل معین به انسان‌ها برسد. بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی‌توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده وخود بی واسطه به چنین کاری دست نزده است؟ در عالم معنا نیز نمی‌توان گفت: چرا خداوند مغفرت خویش را به واسطه اولیای الهی شامل حال بندگان می کند. شهید مطهری؛ می‌فرماید": فعل خداوند دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال گناه‌کاران را ارشاد فرموده است که درِ خانه رسول اکرم (ص) بروند وعلاوه بر اینکه خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می‌فرماید: {وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً"}؛ اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم{پاورقی . سوره نساء، آیه ۶۴. پاورقی} کردند، نزد تو می‌آمدند واز خدا آمرزش می‌خواستند وپیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند {".پاورقی . مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴. پاورقی} از همین رو می‌بینیم که در قرآن وسنت تأکید فراوانی بر وسیله وتوسل شده است. خداوند متعال می‌فرماید: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الوَسِیلَةَ}؛{پاورقی . سوره مائده، آیه ۳۵. پاورقی"} ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید وبرای رسیدن به او وسیله طلب نمایید ".اثر وفایده دیگری که در توسل به اولیای الهی خصوصاً ذوات مقدسه اهل بیت: است اینکه مردم به جهت دریافت فیوضات الهی به واسطه آنان، نه تنها به مقام شامخ آنها از نبوت یا امامت یقین حاصل می کنند، بلکه از باب اینکه" الانسان عبید الاحسان" فرمان بردار دستورات آنها که همان دستورات خداوند است می‌شوند.

نحوه سلامی که به حضرت امام زمان«علیه السلام» داده می‌شود چگونه است؟

پرسش

نحوه سلامی که به حضرت امام زمان«علیه السلام» داده می‌شود چگونه است؟

پاسخ

نحوه سلام دادن به حضرت چنان که از روایات متعددی برمی‌آید به همان نحو است که در کتاب مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عبّاس قمی وارد شده است برای مثال دو نمونه در ذیل ذکر می‌شود. ۱. کتاب کمال الدین: نقل شده است که برای سلام بر قائم«علیه السلام» اینگونه بگو: «السلام علیک یا بقیّة اللّه فی ارضه». ۲. کتاب مصباح المتهبد: از امام حسن عسکری«علیه السلام» نقل شده است که برای سلام به حضرت حجّة«علیه السلام» اینگونه بگوئید: «اللّهم صل علی ولیّک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقّهم و اذهب عنهم الرجس و طهّرتهم تطهیراً، اللّهم انصرهُ و انتصر به لدینک...». و طبیعی است که حضرت حجة«علیه السلام» سلام را بدون پاسخ نمی‌گذارند، چنان که خداوند هیچ احسانی را بدون پاداش نمی‌گذارد. « بخش پاسخ به سؤالات »

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت«علیه السلام» توضیح دهید.؟

پرسش

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت«علیه السلام» توضیح دهید.؟

پاسخ

به مردم بگو: به این مکان(۳) رغبت کنند و آن را عزیز دارند و چها رركعت نماز در آن گذارند. در رکعت اوّل؛ به نیّت نماز تحیت مسجد است، درهر رکعت آن یک حمد هفت بار «قل هو اللّه احد» خوانده می‌شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. در رکعت دوّم؛ به نیزت نماز امام صاحب الزمان«علیه السلام» خوانده می‌شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع کرده و آیه « ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد مرتبه تکرار می‌شود و بعد از آن، بقیه سوره حمد خوانده می‌شود، و سپس سوره «قل هو اللّه احد» را فقط یک بار خوانده و به رکوع رفته و ذکر «سبحان ربی‌العظیم و بحمده» هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می‌شود. و پس از آن به سجود رفته و ذکر «سبحان ربی الاعلی و بحمده» را نیز هفت مرتبه، پشت سرهم تکرار می‌شود. رکعت دوم را نیز به همین ترتیب خوانده می‌خوانند. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار گفته می‌شود «لا اله الا اللّه» و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا«علیها السلام» خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگویند: «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد». آنگاه امام«علیه السلام» فرمودند: هر که این دو رکعت نماز را در این مکان(۴) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: «بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین مکان آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن؛ هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد». حسن بن مثله می‌گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خواندهو به سراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همانمکان شب گذشته رفتیم. در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام«علیه السلام» حدود بنای مسجد را نشان می‌داد. سپس به قم نزد «سید ابوالحسن رضا» رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سیّد از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سیّد مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بی مثله! من در خواب بودم که شخصی به من گفت:

«حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می‌آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و بر قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن» از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم. سیّد بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گلّه جعفر کاشانی را دیدیم، آن بُز از پس همه گوسفندان می‌آمد، به میان گلّه رفتم، همین که بُز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بُز در گلّه من نبوده و تا کنون آن را ندیده بودم. به هر حال آن بُز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیةاللّه«علیه السلام» شفا یافت. ابوالحسن رضا؛ حسن مسلم را احضا رکرده و منافع زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را رنا کرد و آن را چوب پوشانید. سیّد زنجیرها و میخ‌ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می‌مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می‌فرمود. پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید(۵). « بخش پاسخ به سؤالات » ۳) مسجد مقدّس جمکران. ۴) مسجد مقدّس جمکران. ۵) به نقل از کتاب نجم الثاقب.

علت توسل به امام زمان چیست؟

پرسش

علت توسل به امام زمان چیست؟

پاسخ

انسان موجودی است دو بعدی که در خمیرمایه و سرشت وی این دو بعد به کار رفته است؛ یک بعدش به «حیوانیت» و بعد دیگرش به «عالم قدس و ملکوت» پیوسته است. هر انسانی با اختیار خود یکی از این دو بعد را در وجود خود تقویت کرده و آثار آن در خارج از محدوده جسم و جان او از وی تجلی می‌نماید، آن وقت است که می‌توانیم برای هر دسته‌ای مطابق جلوه خود نام‌گذاری نماییم و آن‌هایی که چهره ملکوتی به خود گرفته و صفات عالی انسانیت از آن‌ها بروز کرده است، انسان‌های به کمال رسیده و ملکوتی و آن‌هایی که چهره انسانیت خود را بروز نداده و به بعد حیوانی خود تنها بسنده کرده‌اند، چهره‌های انسان‌نما که به واقع به کمال نرسیده‌اند و به تعبیر قرآن (اولئک کالأنعام بل هم اضل سبیلاً).{۱} بدیهی است که، هر دسته‌ای تحت رهبری عده‌ای به این سو و آن سو کشیده می‌شوند و برای خود راهبرانی را برمی‌گزینند. رهبران این دو گروه از اول تاریخ تا کنون در مقابل هم صف‌آرایی نموده و درگیر بوده و خواهند بود. رهبران کاروان انسانیت که به سوی کمال و سعادت و نظم زندگی است، به نام رهبران نور، و در مقابل آن، سردمداران جهالت و گمراهی و ویرانی که پیروان خود را به وادی حیوانیت و سبوعیت سوق می‌دهند، رهبران ظلمت نامیده می‌شوند. از طرفی بشر برای نیل به کمال مطلق و دست‌یابی به سعادت ابدی و تجلی فطرت خدا خواهی خود نیاز به رهبران معنوی داشته و دارد. خداوند با خلقت انسان، همواره پیامبرانی را به عنوان هدایت‌گر برای انسان‌ها برانگیخته که اولین آن حضرت آدم(ع) و آخرین آنان حضرت رسول اکرم(ص) است. و بعد از پیامبر(ص) اصل امامت و وصایت امامان معصوم(علیهم السلام) پایه‌گذاری شد و به امر الهی حضرت علی(ع) به جانشینی نصب گردید و پس از او نیز یازده تن از اولاد معصوم آن بزرگوار(ص) عهده‌دار امر امامت جامعه بشری شدند و مشیت الهی بر این تعلق گرفت که دوازدهمین پیشوای معصوم

مسلمانان، حضرت امام مهدی(ع) برای تحقق بخشیدن به آرزوی بشریت در پرده غیب هدایت‌گری نماید، و روزی که خداوند بخواهد، با ظهورش و تشکیل حکومت فراگیر طعم شیرین عدالت را به ذائقه بشریت بچشاند. اعتقاد به مهدی موعود(ع) مسئله‌ای است که در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از، یهودیت و مسیحیت و اسلام و غیره مطرح بوده و خواهد بود. بدین معنی که در آخر الزمان مصلحی ظهور خواهد کرد و به جنایت‌ها و خیانت‌ها و تبعیض‌های بشر خاتمه خواهد داد. در انجیل آمده: «کمرهای خویش را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خودشان را می‌کشند که چه وقت از انتظار خواهد آمد، تا هر وقت که آید و درب را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند».{۲} فیلسوف شهیر انگلیسی «برتراند راسل» می‌گوید: «دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه‌ی یک پرچم و یک شعار متحد سازد» و پروفسور «آلبرت انشتین» تئوری‌پرداز «نظریه‌ی نسبیت» می‌گوید: «فرا رسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همه اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید». «برنارد شاو» نیز سخنی قابل توجه دارد او در کتاب خود «بشر و ابرمرد» به ظهور یک مصلح بشارت می‌دهد. در این زمینه، عباس محمود العقاد می‌نویسد: «ظهور مصلح به نظر ابرمرد مورد نظر "شاو "یک فرضیه و امری ناشدنی نیست و فراخوانی بشر به سوی چنین مصلحی توسط شاو از حقیقتی ثابت و واقعیتی اصیل ریشه گرفته است». حقیقت این است که یهودیان مانند مسیحیان به بازگشت عیسی(ع) معتقد بوده و به ظهور یک منجی می‌اندیشند و همان گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت «بهرام شاه»اند، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود «تئودور موعود» هستند و هندوها نیز به خروج «ویشنو» دل بسته‌اند، مجوسی‌ها به زنده بودن «هوشیدر» اعتقاد راسخ دارند و بودایی‌ها منتظر بازآمدن «بودا» و اسپانیایی‌ها مترقب بزرگ خود «رودریک»اند و اقوام هم رهبر خود «چنگیز» را منجی بزرگ می‌شمارند. همچنین ایده‌ی ظهور منجی در مصر باستان هم رواج داشته است. همان گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است. و بالاخره همه فرقه‌های اسلامی به اتفاق کلمه معتقدند در آخرالزمان مردی از نسل حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) ظهور نموده، عدالت را در میان جهانیان می‌گستراند.{۳} ابن عربی در «الفتوحات المکیة» در باب سیصد و شصت و شش می‌گوید: «مهدی(ع) که پیامبر(ص) به آن بشارت داده است، از اهل بیت(علیهم السلام) است»؛ و می‌افزاید: «همانا برای خداوند جانشینی است که وقتی زمین پر از جور و ستم می‌شود، ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود و اگر از جهان یک روز باقی نباشد خداوند آن را طولانی می‌کند تا این خلیفه از عترت پیامبر(ص) ظهور کند...».{۴} همچنین اشعاری از صدرالدین قونوی در شأن حضرت مهدی(ع) آورده است.{۵} که همگی این‌ها بیانگر وجود و انتظار مهدی موعود در تمام ملل و اقوام و زمان‌ها است، که اشاره به آن در اینجا از حوصله بحث خارج است، فقط ذکری گذرا شد برای این‌که بدانیم انتظار موعود از شیعه و اسلام نیست که این یک انتظار بین‌المللی و فراگیر است ولی در نام‌گذاری‌ها، گاهی اختلاف وجود دارد. امام موسی بن جعفر(ع) فرمود: «حجت خدا بر خلقش بر پا نگردد خبر به وجود امام ناشناخته شود».{۶} یعنی خداوند در قیامتبه مردم بگوید چرا چنین کردید و چرا چنان نکردید، مگر این‌که در دنیا برای آن‌ها امام و پیشوایی فرستاده باشد، که با نصوص و معجزات امامت او، برای مردم ثابت شده باشد و او نیز وظایف مردم را به آن‌ها رسانده باشد، و خدا و دین را برای آن‌ها معرفی کرده باشد.{۷} امام صادق(ع) فرمود: «خدا برتر و بزرگ‌تر از آنست که زمین را بدون امام عادل واگذارد».{۸} ابوحمزه گوید: «امام محمد باقر(ع) به من فرمود": ای اباحمزه هر یک از شما که خواهد چند فرسخی بپیماید برای خود راهنمایی گیرد. تو که به راه‌های آسمان نادان‌تری تا به راه‌های زمین، پس برای خود راهنمایی طلب کن (و آن راهنما غیر از اهل بیت پیغمبر(ص) نباشد زیرا از آسمان وحی در خانه آن‌ها نازل شده و راه بهشت و جهنم را آن‌ها دانند».{"۹} پس اولاً آدمی نمی‌تواند بدون راهنما باشد، و از طرفی هم خداوند انسان را بدون راهنما نگذاشته است. هم راهنما را خدا خلق کرده است و هم انسان نیازمند به آن است و از جمله وسیله‌های رهنمایی توسل پیدا کردن است و امروز که حضرت مهدی(ع) یگانه منجی عالم بشریت است و مجرای فیض خداوند به خلق است، راه‌های رسیدن به او،

توسل به او را بیان کرده‌اند. از جمله این‌که سید علی خان در کلم طیب فرموده است: «استغاثه به امام زمان(ع) این گونه است که، هر جا که باشی دو رکعت نماز به حمد و هر سوره که خواهی بخوان و بعد از نماز رو به قبله زیر آسمان می‌ایستی و دعای" سلام اللَّه الکامل التام السائل العام و صلواته العدائمهٔ و برکاته القائمهٔ و... را تا آخر "بخوان». {۱۰} و گاهی برای امام زمان(ع) زیارت‌هایی نقل شده است؛ مثل زیارت حضرت حجهٔ(ع) بعد از نماز صبح {۱۱} و یا زیارت حضرت صاحب‌الامر(ع) و... {۱۲} و گاهی نماز آن حضرت ذکر شده است. و اما کیفیت نماز آن حضرت طبق آن‌چه در مفاتیح نقل شده، این گونه است: «دو رکعت می‌باشد که در هر رکعت سوره حمد را تا (ایاک نعبد و ایاک نستعین) و چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می گویی و در مرتبه آخر سوره تمام می کنی و سوره توحید خوانده رکوع و دو سجده و در رکعت دوم باز به همین شکل و بعد از اتمام و سلام نماز، دعای شریف اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء... را تا آخر می‌خوانی». {۱۳} ولی آن‌چه مشهور شده و به خصوص در مسجد جمکران به آن تأسی می کنند و بیشتر خوانده می‌شود، دو رکعت نماز به همین شکل، یعنی آیه (ایاک نعبد و ایاک نستعین) را صد بار تکرار و بعد سوره و رکعت دوم هم به همین شکل و سلام نماز و بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا(س) گفته می‌شود و بعد به حالت سجده، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد(علیهم السلام) فرستاده می‌شود. البته بنده هر چه جستجو کردم، بیشتر از این مورد نیافتم. و در اعمال روز پانزدهم شعبان، مواردی ذکر شده که فهرست‌وار ذکر می‌شود. آداب شب ۱۵ شعبان دعای شب پانزده ماه شعبان، دعای شب پانزده ماه شعبان بعد از نماز شفع، دعای کمیل، تسبیحات در شب ۱۵ شعبان، دعای پیامبر اسلام(ص) در شب ۱۵ شعبان، زیارت امام حسین(ع) در آن شب، صلوات شعبانیه در وقت زوال ۱۵ ماه شعبان، نماز جعفر طیار، نماز مستحبی چهار رکعتی در شب، نماز مستحبی شب ۱۵ شعبان، نماز مستحبی شش رکعتی در شب ۱۵ ماه شعبان. آداب روز پانزدهم شعبان زیارت امام حسین(ع) و دعای فرج و.... {۱۴} والسلام [۱].اعراف / ۱۷۹. [۲].انجیل لوقا، فصل ۱۲، بندی ۳۵ – ۳۶. [۳].مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره ۴۱، ص ۱۰۸. برای اطلاع بیشتر به این مقاله رجوع شود. [۴].ینابیع المودهٔ لذوی القربی، الشیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، چاپ اول، ۱۴۱۶ه‘ق، چاپ اسوه، ۳۳۹. [۵].همان، ص ۳۴. [۶].اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۰، باب حجت خدا بر خلقش. [۷].همان. [۸].همان. [۹].اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۱. [۱۰].مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی(ره)، فهرست متن، استغاثه به امام زمان(ع) سلام اللَّه الکامل التام، ص ۱۵۹. [۱۱].همان، ص ۷۰۰. [۱۲].همان، صص ۶۷۸ تا ۶۹۱. [۱۳].همان، ص ۶۱ / کتاب المتقین، علی شهرضایی نجفی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۱، ص ۹. [۱۴].ر.ک مفاتیح الجنان، قسمت ۱۵ شعبان.

سایر موارد

چه کنیم که امام زمان(ع) از دست ما راضی و خرسند باشد؟

پرسش

چه کنیم که امام زمان(ع) از دست ما راضی و خرسند باشد؟

پاسخ

آیات ۳۱ و ۳۲ سورهٔ آل عمران، ملاک محبّت و خرسندی و آثار و لوازم آن را چنین بیان فرموده است": قل إن کنتم تحبّون الله

فاتّبعونی یحببکم الله. "بر اساس این آیه لازمهٔ محبت واقعی، تبعیت است، زیرا هر محبتی، دارندهٔ آن را دعوت می کند که عملاً در راه خواسته های" محبوب "گام بردارد. در چنین حالی به طور قطع" محبوب "نیز به او علاقه پیدا می کند. در مورد شأن نزول آیه مذکور آمده است که جمعی در حضور پیامبر(ص) ادعای محبّت و علاقه به پروردگار را می کردند، در حالی که عمل به برنامه ها و احکام الهی کمتر در آن ها دیده می شد. نزول آیهٔ فوق، روشن ساخت که محبّت خداوند، آثار و نشانه هایی دارد. نخستین اثر آن، این استکه از پیامبر و فرستادهٔ او پیروی کنند. اگر کسی به خداوند محبت داشت، به هر آنچه از طرف او آمده نیز باید محبت داشته باشد و اطاعت کند. اثر طبیعی" محبت "آن است که" محبّ "را با" محبوب "پیوند می دهد و مجذوب او می سازد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پر ثمر وا می دارد. آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا عشق و محبتِ مجاهدان راه خدا و صالحان و ائمهٔاطهار(ع) می زنند و خود را سرباز و فدایی امام زمان(ع) می دانند، اما در عمل کمترین شباهتی به آنان ندارند، مدّعیان دروغینی بیش نیستند. در معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده": ما أحبّ الله من عصاه؛ کسی که گناه می کند خدا را دوست ندارد. "سپس در ضمن اشعاری فرمود": چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار می کنی، با این حال اظهار محبّت او را می نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست دارد، از فرمان او پیروی می کند.["۱] آن ها که سر تا پا آلودهٔ گناهند، با این حال قلب خود را مملو از عشق خدا، پیامبر یا امامزمان(ع) می دانند یا عقیده دارند که ایمان و عشق و محبت تنها به قلب است و ارتباطی با عمل ندارد، و می گویند: دل باید پاک باشد و کاری به عمل نداریم، از منطق اسلام و عقل به کلی بیگانه اند. اگر رضایت قلبی و محبت امام زمان(ع) مقصد و هدف است، باید دانست که ائمه(ع") آیینهٔ خدا نمایند. "رضایت و محبت و اطاعت خدا، در رضایت و محبت اطاعت ائمه اطهار(ع) تجلّی و ظهور پیدا کرده است. پس باید نسبت به مقام و منزلت و جایگاه ائمه نزد خدا و نظام آفرینش معرفت لازم را تحصیل نمود و احکام و دستورهای آنان را در همهٔ عرصه های فکری، عقیدتی و عملی شناخت و به هر چیزی که موجب ناخشنودی و خشنودی آنان است، علم پیدا کرد و با اجتناب از آن چه که موجب ناخشنودی حضرتش است و با انجام هر آن چه که تکلیف است و مورد رضایتش می باشد، در زمرهٔ نزدیکان و مقرّبان و سربازانش قرار گرفت. خشنودی آن ها، رضایت و خشنودی خداوند است. در یک کلمه آن گاه می توان رضایت امام زمان(ع) را جلب کرد که در قدم اوّل از محرّمات الهی پرهیز نموده و به واجبات عمل کنیم. هم چنین باید این نکته را بدانیم اگر چه ما حضرتش را نمی بینیم، اما او به قدرت الهی ما را می بیند و نه تنها از همهٔ گفته ها و کارکردهای ما با خبر است، بلکه از آن چه در عمق جان و حاشیهٔ قلب ما خطور می کند نیز آگاه است. در آیهٔ بعد[۲] بحث پیروی و اطاعت از خدا و پیامبر را که از لوازم محبت و دوستی آنان است، با تأکید بیشتر دنبال می کند و در پایان می فرماید": فإن تولّوا فإنّ الله لا یحب الکافرین؛ آن‌هایی که از فرمان خدا و پیامبر، سرپیچی می کنند و به لوازم و آثار دوستی و محبت عمل نمی کنند، در اظهار دوستی صادق نیستند و در حقیقت از عمق جان به خدا ایمان نیاورده اند. "پی نوشت ها : ۱. تفسیر نمونه، ج۲، ص ۳۸۶. ۲. قل اطیعو الله و الرسول فان تولوا...

چه کاری باید انجام دهم تا بتوانم سربازی امام زمان(عج)را به خوبی به پایان برسانم؟ (لطفاً توصیهٔ آیتا... خامنه ای و امام خمینی(را قید بفرمایید.)

پرسش

چه کاری باید انجام دهم تا بتوانم سربازی امام زمان(عج)را به خوبی به پایان برسانم؟ (لطفاً توصیهٔ آیتا... خامنه ای و امام خمینی(را قید بفرمایید.)

پاسخ

خصوصیات و ویژگی های اصحاب و یاران، و کسانی که محبوب و مرضیّ وجود نازنین" بقیهٔ ا... الاعظم "می باشند، در ادعیه و زیارات مربوط به ایشان بیان شده؛ که علاوه بر نشانه های اصحاب، هر کدام طریق وصول به این مقام را در آئینه خویش روشن می‌نماید. اما بطور کلی طریقی که سالک و روندهٔ این راه باید در پیش بگیرد، دائر مدار دو محور اساسی در بحث تربیت معنوی انسان است : الف) سیر نظری، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت علمی، یعنی شناخت صحیح و اساسی دین، و پیراستن از آنچه غیردین است، این کار با تدبّر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل بیت(، حاصل می گردد. همچنین با مطالعه دقیق و برنامه ریزی شده کتابهایی، که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته اند (مانند کتابهای شهید مطهری، علامه طباطبایی و ...) در این گام ما به احکام و تکالیف خویش، در ابعاد مختلف وجودمان، معرفت پیدا می کنیم. و برنامه ریزی دقیقی را برای اصلاح افکار و اندیشه ها، خلقیات و صفات، و رفتار و کردارمان بعمل می آوریم. و در واقع با آگاهی از وظائف عملی، و گسترش شناخت خود از مبانی و معارف در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش می کنیم. ب) سیر عملی، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت عملی، این کار با تقلید از احکام ظاهری شریعت، و به جا آوردن آداب انجام می پذیرد. اهتمام به واجبات و وظائف دینی، و پرهیز از معاصی، لغزشها و گناهان، دو رکن این حرکت است. مراعات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی، بزرگترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای اوست. در واقع در هر محیطی که هستیم، به خودسازی اقدام می کنیم، و با توبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلی و ورود نور الهی آماده می سازیم، و سیّئات را به حسنات تبدیل می نماییم". ان الحسنات یذهبن السیّئات ("۱) قرآن کریم راجع به حضرت مهدی(و اصحاب ایشان می فرماید" : الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاة او آتوا الزکاة وآمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ("۲) (کسانی که اگر در زمین به ایشان قدرت و توانایی دهیم، نماز را به پا داشته، و زکات را به مستحق می بخشند، و به معروف امر نموده، و از منکر نهی می کنند.) امام باقر(پیرامون این آیه شریفه فرمودند" : این آیه برای آل محمد(، و مهدی (و اصحاب اوست ".اگر دقت بفرمایید، در واقع ما برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت، از خود آغاز نمودیم، و در جهت سنخیّت خویش با حضرت مهدی(، حرکت نمودیم. نسخه ای که مقام معظم رهبری نیز تأکیدی زیبا بر آن داشتند، منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند. به برخی از خصوصیات یاران امام عصر" ارواحنا لتراب مقدمه الفداه "توجه فرمایید امید است که مشعل راه باشد، و فراسوی ما را روشن سازد، تا از گردابهای ضلالت و گمراهی نجات یابیم. در روایات متعدد داریم که انتظار فرج در زمان غیبت، از بهترین اعمال است. (۳) فرج یعنی نصرت و پیروزی و گشایش، و مقصود عدل گستری که به رهبری امام عصر(شکل می گردد. بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و این خواستگاه، آنگاه جدی و راست است، که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد، و اگر نه، این انتظار شعار بی محتوایی خواهد شد. از این رو در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا، و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد. و او انسانی است که در حضور و غیبت امام نحوهٔ رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد. و قبل از تشکیل حکومت عدل، او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان، و عشق به آن دارد. و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد. و در واقع این انتظار، ظهور فرجِ سینهٔ او به سوی معدن ارزشها و زیباییها است. چنین شخصی، فضایل انسانی را در نفس خویش شکوفا نموده، و به ثمر رسانده است. و در واقع در قلب خود، ظهور سلطنت مطلقهٔ قائم المهدی(را شهود نموده، و طعم آنرا چشیده و رائحهٔ آن را بوییده است. چنین منتظری هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزلهٔ

کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت زنده اند، و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند. ۲. در زیارت شریف آن حضرت در روز جمعه، می خوانیم" : ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین لک علی اعدائک ("از کسانی باشم که در انتظار مهدی(هستند، و از پیروان و یاری کنندگان تو علیه دشمن تو قرار گیرم.) حالت انتظار که بحثش رفت، و اما مرحله دوم تبعیّت است؛ تبعیّت از آرمانهای موعود، و تخلق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام(، که در تعلیمات ائمه(دیده می شود. مؤمن منتظر، تابع فرمانده است؛ نه آنکه به هواهای خویش اقتدا کند. و چنین است که در دعای غیبت می خوانیم" : و قونا علی طاعته و ثبِتنا علی متابعته ("...خدایا مرا بر اطاعت وی توانا، و بر پیروزیش ثابت قدم بدار، و مرا بر این امر (انتظار)، شکیبا گردان؛ تا آنکهشتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی، و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای، نخواهم. و از آنچه پوشیده ای، جستجو نکنم. و بحثی در آنچه پنهان نموده ای، نداشته باشم. و با تو در تدبیرت منازعه نکرده، و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند؟) مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می خواهد، نه راحتی خویش را. و برای این است که عاشق منتظر، تلاشگر است. در این مشکلات موجود نیز منتظران واقعی بی تفاوت نیستند. و به اندازه توان خوبش در دعوت به حق می کوشند. تا شاید همراهانی برای این راه طولانی پیدا کنند. صفات نیکو و ارزنده بسیار دیگری نیز در زیارات و ادعیه، در مناجات با صاحبان وجود دارد، که با مراجعه به کتاب ارزشمند مفایتح الجنان (اثر شیخ عباس قمی" طاب ثراه)، "می توانید تأمّل و تعمّل نمایید. برای بالا ـ بردن معلومات خویش می توانید به کتب زیر مراجعه نمایید : ۱. دادگستر جهان، آیت ا...امینی ۲. سیمای امام زمان، سید مهدی شمس الدین ۳. مهدی موعود"، ترجمه جلد ۱۳بحارالانوار، "علی دوانی ۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی (برگرفته از سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، www.nahad.net) منابع و مآخذ : ۱. سوره مبارکهٔ هود/آیه ۱۱۴ ۲. سوره مبارکهٔ حج/آیه ۴۱ سفینهٔ البحار،شیخ عباس قمی، مادهٔ نظر

فلسفه دست گذاشتن بر سر هنگام ایستادن برای امام زمان (ع) چیست؟ فلسفه صلوات چیست؟ آیا قبل از پیامبر اسلام صلوات وجود داشت؟

پرسش

فلسفه دست گذاشتن بر سر هنگام ایستادن برای امام زمان (ع) چیست؟ فلسفه صلوات چیست؟ آیا قبل از پیامبر اسلام صلوات وجود داشت؟

پاسخ

در تفکر شیعی، امامان معصوم (ع) جایگاه بس بلند دارند، از این رو هر گاه اسامی و برخی از القاب آن‌ها ذکر می‌شود، پسوند "علیه السلام "به کار برده می‌شود. و این نشان از مقام رفیع آنان داشته و نوعی احترام به ساحت مقدس آن‌ها تلقی می گردد. دست بالای سر گذاشتن در هنگامی که اسم امام زمان (ع) ذکر می‌شود، در راستای احترامی است که به ساحت مقدس امام زمان (ع) شکل می گیرد. البته به گونه‌ای مشخص نمی‌توان علت یا علل خاصی را در این خصوص بیان نمود. در برخی از روایات تصریح شده است که جهت احترام به ساحت مقدس امام زمان (ع) معصومان این کار را می‌نمودند. همان گونه که هر گاه اسم حضرت حجت برده می‌شد، بزرگان قیام می‌نمودند. (۱) مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد": روایت شده که دعبل خزانی وقتی که انشاد کرد قصیده تأییّه خود را برای حضرت امام رضا (ع) چون رسید به این شعر: خروج امام لا کحاله خارج یقوم علی اسم اللّه بالبکات

حضرت امام رضا (ع) برخاست و بر روی پای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را خم کرد و به سوی زمین، پس از آن که کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود گفت: اللهم عجل فرجه و مخرجه و انصرنا به نصراً عزیزاً. ("۲) در خصوص صلوات بر پیامبر (ص) و پیشینه آن باید گفت: صلوات هر گاه به خدا نسبت داده شود، به معنای فرستادن رحمت است، و هر گاه به فرشتگان و مؤمنان منسوب گردد، به معنای طلب رحمت است. (۳) در قرآن آمده است": ان اللّه و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما ؛ (۴) خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر او درود فرستید و سلام گویید و تسلیم فرمانش باشید. "پیامبر اسلام(ص) برای یاد دادن چگونگی صلوات فرستادن فرمود بگویید": اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم ("...۵) از آیه و گفتار پیامبر (ص) استفاده می‌شود که درود و صلوات فرستادن اختصاص به زمان پیامبر نداشته و پیشینه طولانی دارد، زیرا پیامبر (ص) فرمود: آن گونه بر من صلوات بفرستید که بر ابراهیم فرستادید. در خصوص فلسفه فرستادن صلوات بر پیامبران به ویژه پیامبر اسلام باید گفت: به گونه‌ای مشخص نمی‌توان علت و فلسفه خاصی را بیان نمود، ولی صلوات فرستادن بر پیامبر همسویی با فرشتگان و نظام هستی است؛ یعنی همان گونه که فرشتگان درود می‌فرستند، انسان‌ها باید درود بفرستند بر فرستادن درود بر پیامبر آثار مهم مترتب است که شاید علت درود فرستادن به خاط همان فواید است که به خود انسان بر می گردد. در برخی روایات آمده است که پیامبر (ص) فرمود": هر کس بر من درود فرستد و خداوند بر وی درود می‌فرستد و ده گناه از او ریخته و ده درجه برای او بالا برده می‌شود. ("۶) همچنین حضرت فرمود": هر کس یک صد بار بر محمد و آل محمد (ع) درود بفرستد، خداوند یکصد حاجت او را برآورده سازد. ("۷) در حدیثی دیگری پیامبر (ص) فرمود": هر که آخر سخنش" به هنگام مرگ "صلوات بر من و علی (ع) باشد داخل بهشت می گردد. ("۸) بر اساس همین فواید به فرستادن درود بر پیامبر و خاندان او تأکید شده است. امام باقر (ع) فرمود": در میزان عمل چیزی سنگین‌تر از درود فرستادن بر محمد آل محمد نیست.("۹) پاورقی‌ها: ۱ – منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۸۸ – ۴۸۹. ۲ – همان، ص ۴۹۰. ۳ – تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۱۶. ۴ – احزاب (۳۳) آیه ۵۶. ۵ – تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۱۸، به نقل از مجمع البیان، ذیل آیه ۵۶ احزاب. ۶ – فرائد السمطین، ج ۱، ص ۲۴، با اقتباس از آثار الصادقین، ج ۱۱، ص ۲۰۹. ۷ – همان، ص ۲۸. ۸ – عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۴. ۹ – تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۶۷. تلفن مستقیم: ۷۷۴۳۱۸۳ و ۷۷۳۴۵۳۰ و ۹۴ – ۷۷۴۳۱۸۹ داخلی ۰۲

چرا روز جمعه را متعلق به امام زمان می نامند؟

پرسش

چرا روز جمعه را متعلق به امام زمان می نامند؟

پاسخ

روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلق به امام عصر(ع) دارد: ۱– ولادت با سعادت آن حضرت در روز جمعه بوده است. ۲– ظهور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود. ۳– انتظار فرج در روز جمعه بیش از روزهای دیگر سفارش شده است و در زیارت حضرت مهدی(ع) در روز جمعه آمده است": هذا یوم الجمعه و هو یومک المتوقّع فیه ظهورک والفرج فیه للمؤمنین علی یدک،" این روز جمعه، روز تو است که انتظار ظهور تو در آن داریم و انتظار فرج و گشایش امور مؤمنان در این روز بر دست تو را انتظار

می کشیم. ۴- شاید عید بودن روز جمعه به جهت ظهور حضرت مهدی(ع) در این روز و پاک کردن زمین از ظلم و فساد باشد، لذا شایسته است زیارت آن حضرت در این روز خوانده شود. صقر بنابی دلف می گوید هنگامی که متوکل عباسی، حضرت امام علی النقی(ع) را به سامرّا آورد و در آن جا تحت نظر قرارداد روزی خدمت آن حضرت رسیدم از وضعیت او گریه ام گرفته حضرت مرا ساکت کرد و ساعتی با هم نشستیم، سپس از حضرت پرسیدم حدیثی از پیامبر(ص) نقل شده که فرموده": لا تعادوا الایام فتعادیکم؛ با روزها دشمنی نکنید که آن ها با شما دشمنی خواهند کرد. "معنای این حدیث را نمی فهمم، آن حضرت فرمود: مراد از (ایام) ما اهل بیت هستیم؛ یعنی با ما اهل بیت دشمنی نکنید تا مورد دشمنی قرار گیرید؛ زیرا مرا از روز شنبه، رسول خدا(ص) و یکشنبه امیرالمؤمنین(ع) و دوشنبه، حسن و حسین(ع) و سه شنبه علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد(ع) و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و پنج شنبه فرزندم حسن و جمعه فرزند فرزندم(حضرت مهدی(ع)) است. پس با این ایام دشمنی نکنید تا آنان در آخرت با شما دشمنی نکنند.۵

روزهای جمعه که دلمان می گیرد برای این است که امام زمان(عج) آن هفته از دست ما ناراحت بوده و در آن هفته گناه زیاد انجام داده ایم. آیا این صحیح است؟

پرسش

روزهای جمعه که دلمان می گیرد برای این است که امام زمان(عج) آن هفته از دست ما ناراحت بوده و در آن هفته گناه زیاد انجام داده ایم. آیا این صحیح است؟

پاسخ

در روایات اسلامی در مورد غمگین شدن در روز جمعه و علت آن مطلبی مشاهده نشد. بلی دربارهٔ این که پیامبر و امامان(ع) از اعمال همهٔ امت آگاه می شوند، اخبار فراوانی از حضرات معصوم(ع) رسیده است. امام صادق(ع) فرمود": همانا کارها در هر پنج شنبه و در آغاز هر ماه (در پیشگاه ولی خدا) گزارش و عرضه می شود و کارهای سال در نیمه شعبان گزارش می گردد."۱[۲] حضرت رضا(ع) فرمود": کارهای شبانه روزی شیعیان به ما امامان عرضه و گزارش می شود.["۳] رسول خدا(ص) فرمود": کارهای مردم در هر هفته دوبار، روز دوشنبه و پنجشنبه و برای هر بندهٔ مؤمن آمرزیده می شود، به جز دشمنی و خصومتی که با برادر دینی خویش دارد. فرمان می رسد این دو را واگذارید تا آشتی کنند.["۴] امام باقر(ع) فرمود": تمامی اعمال شما بر پیامبرتان هر عصر پنجشنبه عرضه می شود، بنابراین باید از این که عمل زشتی از شما بر پیامبر(ص) عرضه شود شرک کنید."۲[۵] توجه وایمان به این حقیقت که افزون بر این که خداوند همه جا با انساناست و حتی از نیات او آگاه است، رسول خدا(ص) و امام زمان(ع) هم همه روزه یا همه هفته از هر عملی که انجام می دهیم، اعم از خوب و بد آگاه می شوند، اثر عمیق و فوق العاده ای در پاکسازی اعمال و نیات دارد و باعث می شود که بیشتر رعایت کنیم و مراقب اعمال خود باشیم _ درست مثل این که کارکنان مؤسسه ای بدانند همه روزه یا همه هفته گزارش تمام جزئیات اعمال ان ها به مقامات بالاتر داده می شود و آن ها از همهٔ آن ها با خبر می گردند. معمولاً اگر انسان حس کند حتی یک نفر مراقب او است، وضع خود را چنان می کند که مورد ایراد نباشد تا چه رسد به این که احساس نماید که خدا و پیامبر و امامان(ع) از اعمال او آگاه می شوند. [۲] صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱۵، ص ۱۴۲، حدیث ۲۸، ۳۰ و ۳۱. [۳] همان. [۴] همان. [۵] تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۲۵.

www.noorfatemah.org

ما برای نیمه شـعبان جشنی در شهرمان برگزار می کنیم. بنده قصد دارم با دوستانم برنامهٔ نمایشی و تئاتر برای خوشحالی مردم ترتیب بدهم. آیا انجام آن و انجام حرکات نمایشی به این مناسبت اشکالی دارد؟

پرسش

ما برای نیمه شعبان جشنی در شهرمان برگزار می کنیم. بنده قصد دارم با دوستانم برنامهٔ نمایشی و تئاتر برای خوشحالی مردم ترتیب بدهم. آیا انجام آن و انجام حرکات نمایشی به این مناسبت اشکالی دارد؟

پاسخ

اجرای برنامه های شاد مـذهبی به مناسـبت نیمهٔ شـعبان (سالروز تولد حضـرت مهدی(عج)) بسـیار خوب است. اجرای نمایش و تئاتر بـدین مناسـبت اگر مشـتمل بر گناهی نباشـد و باعث وَهْن و سـبک شـدن مقام آن حضـرت نشود، اشـکالی ندارد. و چه بسا مفید و ارزشـمند است. همـهٔ ما بایـد از منتظران ظهور حضـرت باشـیم و برای ظهور بایـد آماده باشـیم. آمادگی به این است که از حضـرت اطاعت کرده و تقوا و پاکی و اخلاص در عمل را سـرلوحهٔ کارهای خود قرار دهیم و برای ظهور حضـرت دعا کنیم و دیگران را نیز با آن حضرت از روش های مختلف و مناسب آشنا کنیم.

چرا وقتی نام امام زمان(ع) می آید بلند می شوند؟

پرسش

چرا وقتی نام امام زمان(ع) می آید بلند می شوند؟

پاسخ

یکی از وظـایف شـیعیان در عصـر غیبت امـام زمـان(ع) این است که وقـتی اسم مبـارک حضـرت خصوصـاً لقب مبـارک" قـائم "را بشـنوند، به عنوان احترام و تعظیم از جـا بلنـد شونـد . همـان گونه که بـا حضور بزرگی، انسان برای احترام از جای خود برمی خیزد. پس به خاطر انجام وظیفـهٔ احترام است که مردم به هنگام شـنیدن" قائم "بلنـد می شوند. روایت شده که دعبل خزاعی وقتی قصـیدهٔ نائیه خود را برای امام رضا(ع) خواند، چون رسـید به این شـعر" خروج إمام لامحاله خارج، یقوم علی اسم الله بالبرکات؛ امامی حتماً ظهور می کنـد و قیـام او با نام خـدا و موجبات برکات است "حضـرت امام رضا(ع) برخاست و سـر نازنین خود را خم کرد به سوی زمین، پس از آن که کف دست راست خود را بر سـر گذاشـته بود و گفت": اللهم عجّل فرجه و مخرجه و انصـرنا به نصـراً عزیزاً." برخی گفته انـد: شـهربانو بعـد از شـهادت امـام حسـین(ع) خود را در آب انـداخت و غرق نمود. این هم نادرست و ساختگی است. درس این است که شاه زنان یا شهربانو، مادر امام سجاد(ع) در جریان وضع حمل و بعد از ولادت امام سجاد(ع) در گذشت. اما این که آیا زنان امام حسـین(ع) در زنـدگی حضـرت نقشـی داشـتند، پاسـخش مثبت است. طبیعی است که در روابط زن و شوهری، هر

یک در زندگی دیگری نقش داشته باشند. در زندگی حضرت هم زنانش نقش داشتند، که به جهت پرهیز از طولانی شدن پاسخ از ذکر جزئیات خودداری می کنیم. دربارهٔ زندگی امام حسین(ع) می توانید این دو کتاب را مطالعه نمایید: ۱ـ حسین کیست، نویسنده فضل الله کمپانی؛ ۲ـ زندگینامهٔ امام حسین(ع)، نویسنده رسولی محلاتی.

امام عصر سلام اللّه علیه شیعیان و محبّان خود را دعا می‌فرمایند، مثلاً برای ما از خدا توفیق طاعت و ترک معصیت را خواستارند و دعای امام مستجاب است، با این حال چگونه است که معصیت کاریم؟ آیا دعای ایشان به استجابت نرسیده یا اصلاً دعا نفرموده‌اند؟

پرسش

امام عصر سلام اللّه علیه شیعیان و محبّان خود را دعا می‌فرمایند، مثلاً برای ما از خدا توفیق طاعت و ترک معصیت را خواستارند و دعای امام مستجاب است، با این حال چگونه است که معصیت کاریم؟ آیا دعای ایشان به استجابت نرسیده یا اصلاً دعا نفرموده‌اند؟

پاسخ

تمام معصومان(ع) خصوصاً امام عصر(عج) به پیروان و شیعیان خود دعا می کنند و راضی نیستند که در سرای دیگر آنان به عذاب و عقوبت دچار شوند، اما هر کسی به اندازه قابلیت و ظرفیتی که دارد، از دعای اولیای الهی بهره می‌برد. هم چنین تمام حوادث و افعال جهان بر اساس اسباب و علل خود جریان می‌یابد و خداوند سرنوشت هیچ انسان یا قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که خود بخواهند و در مسیر آن گام بردارند. از طرفی چون انسان مختار است و با اختیار، عمل نیک و یا زشت انجام می‌دهد، ممکن است با انجام عملی ناروا مسیر فیض و لطف خدا را بر خود مسدود کند، مثل انسانی که بخواهد برای فرار از نور خورشید به غاری مخوف و تاریک پناه ببرد، حال آن که خورشید هست، اما شخص اسباب محرومیت را فراهم کرده و از نور خورشید گریزان شده است. پس عصیان و گناه به خاطر تمرّد و عدم قابلیت است. او با گناه، خود را از قابلیت و پذیرش فیض الهی و مشمول دعای امام عصر(عج) دور می کند و چون بنا نیست اختیار انسان سلب شود، و هر چیزی بنابر علل و اسباب خود جریان می‌یابد. اگر چه پیامبر و اهل بیت و امام زمان(ع) برای نجات انسان‌ها دعا می کنند، با این حال عده‌ای کفران نعمت می کنند. این مسئله در موارد مشابه همین گونه است، مانند نفرین و لعن و درخواست نابودی ظالمان و دعاهای دیگر ائمه(ع) که این دعاها یا نفرین‌ها، قوانین و سنّت‌های الهی را برطرف نمی کند.

چرا بعد از آمدن نام حضرت مهدی(عج) بر می خیزیم و دست را روی سر می گذاریم؟ اگر برای احترام است، چرا برای بقیه امامان چنین نمی‌کنیم؟

پرسش

چرا بعد از آمدن نام حضرت مهدی(عج) بر می خیزیم و دست را روی سر می گذاریم؟ اگر برای احترام است، چرا برای بقیه امامان چنین نمی کنیم؟

پاسخ

در تفکر شیعی، امامان معصوم(ع) جایگاه بس بلند دارند، از این رو هر گاه اسامی و برخی از القاب آن‌ها ذکر می شود، پسوند "علیه السلام "به کار برده می شود. این نشان از مقام رفیع آنان داشته و نوعی احترام به ساحت مقدس ایشان تلقی می گردد. دست بالای سر گذاشتن هنگامی که اسم امام زمان(ع) ذکر می شود، در راستای احترامی است که به ساحت مقدس امام زمان(ع) شکل می گیرد. البته به گونه‌ای مشخص نمی‌توان علت یا علل خاصی را در این خصوص بیان نمود. در برخی از روایات تصریح شده است که جهت احترام به ساحت مقدس امام زمان(ع) معصومان این کار را می نمودند.(۱) مرحوم شیخ عباس قمی می نویسد: "روایت شده که دعبل خزاعی وقتی که قصیده تأیبه خود را برای حضرت امام رضا(ع) خواند، چون به این شعر رسید: خروج امام لا محالهٔ خارجٌ یقوم علی اسم اللّه بالبرکات حضرت امام رضا(ع) برخاست و سر خود را به سوی زمین خم کرد، پس از آن کف دست راست خود را بر سر گذشته و گفت": اللّهم عجّل فرجه و مخرجه و انصرنا به نصراً عزیزا.("۲) اگر در مورد بقیه امامان این کار را نمی‌کنیم، به جهت این است که در مورد آنان چنین روایتی نقل نشده‌است. در مورد امام زمان(ع) برای توجه دادن مردم به قیام حضرت و این که مردم امیدوار به برپایی عدل جهانی توسط حضرت باشند و از وضع اسف بار فساد وبی عدالتی در جهان نا امید نشوند و همواره حالت انتظار فرج داشته باشند، بر این تأکید شده است. البته قیام و ایستادن و دست بر سر گذاشتن هنگام بردن نام امام زمان(ع) واجب نیست. پی نوشت‌ها: ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۸۸ و ۴۸۹. ۲. همان، ص ۴۸۹.

آیا زمانی که جمله" یا قائم آل محمد "را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پرسش

آیا زمانی که جمله" یا قائم آل محمد "را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پاسخ

امام زمان(ع) از ما روی برنگردانده است تا با خواندن او با کلمات" یا قائم آل محمد "به سوی ما بیاید. از برخی روایات استفاده می شود که حضرت شاهد و ناظر اعمال شیعیان است و به آنان توجه دارد و لحظه ای از آن ها غافل نیست. در بعضی روایات آمده است که حضرت میان مردم رفت و آمد می کند، اما مردم او را نمی شناسند. امام صادق(ع) فرمود... ": جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کار را انجام دهد که با یوسف(ع) انجام داد. صاحب الزّمان(ع) آن مظلوم حق از دست داده، میان مردم رفت و آمد می کند در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اجازه دهد که خود را معرفی کند، آن گونه که حضرت یوسف(ع) را اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی، گفت: آری من یوسفم.("۱) اگر انسان با صداقت و پاکی و با تمام توجه حضرت را صدا کند، خواه با لفظ" قائم آل محمد "یا هر اسم دیگر، مطمئناً توجه حضرت را به سوی خود جلب نموده است، اگر چه خود را برای شخص ظاهر نسازد. پی نوشت ها: ۱". رجال "سید بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۲۰، به نقل از مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۵۳.

چرا موقعی که نام امام زمان(عج) برده می شود بلند می شویم؟

www.noorfatemah.org

پرسش

چرا موقعی که نام امام زمان(عج) برده می شود بلند می شویم؟

پاسخ

برخاستن و بلند شدن در موقع شنیدن نام امام زمان (عج) اختصاص به نام «قائم» دارد و در روایتی آمده است، که از امام صادق(علیه السلام) سؤال شد علت چیست؟ که در موقع ذکر قائم باید قیام کرد در جواب فرمود صاحب الامرعج غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و مهری که به دوستانش دارد هر کس وی را به لقب قائم که دلالت دارد بر دولت و حکومت او و اظهار تأثری است از غربت او یاد کند که جناب هم نظر لطفی به او خواهد نمود و چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود سزاوار است که از باب احترام برخیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد. و نیز در روایتی درباره امام رضا(علیه السلام) نقل شده است آن حضرت زمانی که نام (القائم) در مقابل ایشان برده می شد از جا برمی خواستند و دست شریف خود را روی سرشان می گذاشتند و می فرمودند: اللهم عجل و فرجه و مهل مخرجه و چون فعل معصوم(علیها السلام)برای ما حجت است باید اقتداء به ائمه(علیهم السلام) کنیم.

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پاسخ

حضرت حجۀ(عج) قطعاً حضور جسمی دارند ولی چنان که قرآن کریم نسبت به پیامبر اکرم فرمودند و اذا قرأت القرآن و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً(۱) ترجمه: زمانی که قرآن قرأئت می نمایی ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند پرده ای پوشیده و پنهانی قرار می دهیم. یعنی وجود مبارک رسول(صلی الله علیه وآله) حضور داشتند ولی دیگران حضرت را نمی دیدند پس این اصل که کسی باشد ولی به امر حق از انظار پنهان باشد امری ممکن بوده و واقع نیز شده است. و در صورت دیگر آن همان است که در روایات بیان شده است که حضرت حجۀ اروحناه فداه در ایام حج حاضر می شوند مردم ایشان را می بیند ولی نمی شناسند. پس به هر دو صورت حضرت حجۀ(عج) حضور جسمی دارند منتهی یک بار اصلاً دیده نمی شوند یکبار هم دیده می شوند ولی شناخته نمی شوند. پاورقی ۱ - بنی اسرائیل، آیه ۴۵. ـ۱۴ـ

فلسفه اینکه در مواقعی که زیارتنامۀ امام زمان(را می خوانند، بعضی ها دستشان را روی سر می گذارند چیست؟

پرسش

فلسفه اینکه در مواقعی که زیارتنامهٔ امام زمان(را می خوانند، بعضی ها دستشان را روی سر می گذارند چیست؟

پاسخ

چنانکه اطلاع دارید در میان مردم مرسوم است : وقتی که کلمهٔ قائم بر زبان جاری شد، بلند می شوند و دست بر سر می‌گذارند. این رفتار در بین تمام شیعیان بلاد معمول بوده و هست. نقل شده که امام رضا(در یکی از مجالس خراسان حضور داشت، کلمهٔ قائم که گفته شد پس آنجناب ایستاد و دست مبارکش را بر سر نهاده فرمود" : اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه("۱) این عمل در عصر امام صادق(ع)نیز معمول بوده است. خدمت آنجناب عرض شد : علت چیست که در موقع ذکر قائم باید قیام کرد؟ در جواب فرمودند" : صاحب الامر غیبتی دارد بسیار طولانی، و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد هر کس که وی را به لقب قائم؛ که مشعر است به دولت او و اظهار تأثری است از غربت او، یاد کند آنجناب هم نظر لطفی به او خواهد نمود. چون در این حال، مورد توجه امام واقع می شود، سزاوار است از باب احترام به پا خیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد("۲.) پس این رفتار شیعیان ریشه مذهبی دارد و اظهار ادب و شعاری است، گر چه وجوبش معلوم نیست. آنچه شما در سؤال خود فرموده اید نیز از همین جهت است. مفهوم انتظار که حقیقت بسیار عمیقی دارد ظواهری دارد که شخص منتظر واقعی خود را به آن آداب مقید می کند و یکی از این آداب همین است که شما فرمودید. منابع و مآخذ : ۱. کتاب الزام الناصب ط سال، ۱۳۵۱،ص۸۱ ۲. همان، ص۸۱ * دادگستر جهان، تألیف ابراهیم امینی

از دعاهای اکثر مردم درخواست آمادگی برای فرج آقا امان زمان(عج) از خداوند می باشد؛ از طرفی در موقع ظهور آقا فساد در خشکی و دریا فرا می گیرد پس ما باید چگونه آماده شویم؟ لطفاً توضیح فرمایید (بنده بیشتر تأکید در مورد چگونگی آمادگی می باشد و کاملاً با نظر حجتی

پرسش

از دعاهای اکثر مردم درخواست آمادگی برای فرج آقا امان زمان(عج) از خداوند می باشد؛ از طرفی در موقع ظهور آقا فساد در خشکی و دریا فرا می گیرد پس ما باید چگونه آماده شویم؟ لطفاً توضیح فرمایید (بنده بیشتر تأکید در مورد چگونگی آمادگی می باشد و کاملاً با نظر حجتیه مخالفم)

پاسخ

بین آمادگی برای ظهور و فساد سراسری در آخر الزمان تباینی نیست بلکه بر حسب روایات در آخر الزمان سراسر زمین را ظلم و ستم و فساد در بر می گیرد و در عین حال گروهی از شیعیان و مؤمنان چون کوهی استوار هستند که آماده ظهور امام را می کشند تا در زیر لوای ایشان عدالت و معنویت و صلاح در سراسر گیتی گسترش یابد. بلکه بر شما بشارت باد که بر حسب روایات فراوان ایرانیان همان گروه مؤمنی هستند که برای آمادگی و زمینه سازی ظهور تلاش می کنند. برای اطلاع بیشتر نگا: عصر ظهور،

کورانی، علی، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تهران، چاپ دوم ۱۳۷۹ (همه کتاب خواندنی است اما بحث ایرانیان و نقش آنان در ظهور و زمینه سازی ظهور را در صفحات ۲۷۵ - ۲۱۱ مطالعه کنید) برای تیمن و تبرک چندین روایت برای توضیح بیشتر مطلب را نقل می کنیم: ۱- از طریق اهل سنت: قال رسول الله(ص): « ابشروا بالمهدیرجل من قریش من عترتی یخرج فی اختلاف من النّاس و زلزال فیملأ الارض عدلاً و قسطا کما ملئت ظلما و جورا و یرضی عنه ساکن السماء وساکن الارض...؛ پیامبر اکرم(ص) فرمود: به [حضرت] مهدی بشارت دهید [که او] شخصی از عترت من و از قریش است وظاهر می‌شود در حالی که مردم در تزلزل و اختلاف بسر می‌برند. آنگاه او زمین را از عدل و قسط پُر می کند آنچنان که از ظلم و جور پر شده است [و به دنبال آن] ساکنان آسمان و زمین [از این وضعیت] راضی می‌شوند» (ینابیع الموده، القندوزی الحنفی، ص ۵۶۲) ۲- از طریق شیعه: «عن رسول الله(ص) یصیب هذه الامه بلاءً حتّی لا یجد الرجل ملجأ یلجأ الیه من الظلم فیبعث الیه رجلاً من عترتی فیملاء به الارض قسطا و عدلاً کما ملئت ظلما و جورا...؛ از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمود این امت [اسلام] با بلا مواجه می‌شود به طوری که انسان پناهگاهی را نمی‌یابد که از ظلم بدان پناه برد آن گاه به سوی چنین انسانهائی شخصی از عترت من برانگیخته می‌شود و زمین را از عدل و داد پُر می کند همان طورکه از ظلم و جور پُر شده است...» (الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب، الیزدی الحائری، ج ۱، ص ۱۶۶) ۳- امام علی(ع) در وصف مردم در آخر الزمان می فرمایند: «تکون له حیره و غیبه تضل فیها اقوام و یهتدی فیها اخری؛ برای (مهدی ما) سرگردانی (در زمان ظهور است که وقت ظهور چه زمانی فرا می رسد) و غیبتی است که در آن زمان مللی گمراه می شوند و گروهی دیگر بر هدایت ثابت قدم می مانند...» بعد امام(ع) در وصف گروه هدایت شدگان می فرمایند: «اولئک خیار هذه الامه مع ابرار هذه العتره؛ آنها بهترین این امت هستند که با خوبان این خاندان (پیامبر اکرم(ص)) به سر می برند» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۸). روایت شریف صریح است در این که مردم آخر الزمان دو گروه هستند گروهی به بیراهه گمراهی کشانده می شوند اما بهترین این امت در شاهراه خیر و صلاح و هدایت ثابت قدم می مانند. در این دوران هر چه اهل باطل و شر و ستم در رفاه و آسایش هستند اهل حق در سختی به سر می برند زیرا حاکمیت با ظلم و ستم است و اهل حق در اقلیت به سر می برند. ۴- امام سجاد(ع) می فرمایند: «ان اهل زمان غیبته القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره... الدعاه الی دین الله عزوجل سرا و جهرا؛ معتقدان به مهدی و منتظران ظهور او در عصر غیبت .... (دارای چنین صفاتی هستند که) در پنهان و آشکار مردم را به دین خدا فرا می خوانند» (کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۲۰). ۵- امام صادق(ع) می فرمایند: «... و رایت اصحاب الایات یحقرون و یحتقر من یحبهم؛ مردمان حق را می نگری که خار شمرده می شوند و هر کس به آنها علاقه داشته باشد نیز کوچک شمرده می شود» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶) برخورد امروز دولت مستکبر آمریکا و دنباله روان آن با مردم ایران و مسلمانان نمونه ای از تحقق این روایت است. آری در این زمان حفظ دین بسیار سخت است. ۶- پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «لاحدهم اشد بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء او کالقابض علی جمر الغضاء؛ هر یک از آن (مؤمنان) دین خویش را به سختی نگاه می دارد چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند یا آتش پر دوام را در دست نگاه می دارد» (همان، ص ۱۲۴). آری حفظ و نگهداری دین، بسیار سخت است و به این دلیل است که انتظار فرج بهترین عبادت است. ۷- پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عز وجل؛ انتظار فرج از جانب خداوند متعال برترین عمل امت من است (همان، ص ۱۲۸). ۸- امام علی(ع) می فرماید: «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله؛ منتظر امر ما، بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلطیده است» (همان، ص ۱۲۳). در چنین زمان پر فتنه ای است که به ما دستور داده اند که هوشیار باشیم و مواظب دین خود باشیم زیرا از هر طرف برای گمراهی ما تلاش می شود. زور و زر و تزویر و تبلیغات و سیاست بازی ها و تهدیدها و هزار و یک اقدام دیگر بر سر راه ماست تا ما را از دین حق جدا کند. ۹- امام صادق(ع) می فرمایند: «فکن علی حذر و اطلب من الله عزوجل النجاه... فکن مترقبا و اجتهد لیراک الله عزوجل فی خلاف ماهم علیه؛ خود را نگاه دار! و از خدا

رهـایی و نجات بخواه... هوشـیار باش و بکوش تا خـدا تو را در راهی غیر از گمراهی هایی که مردمان در آننـد، ببینـد» (همان، ص ۲۶۰). خلاصه کلام این که در برابر ظلم و فساد سراسـری که جهان را پر کرده است گروهی مؤمن واقعی هسـتند که انتظار عـدالت گستر را می کشـند و زمینه ساز ظهورنـد. « آنها پولاد دل انـد و همه وجودشان را یقین به خـدا پر کرده است. مردمانی سـخت تر از صخره ها» (به نقل از امام صادق(ع) همان، ص ۳۰۸). «آنها در حالی که پیامبر را ندیده اند و امامشان هم پنهان است به سـبب یقین قلبی، دارای ایمانی مسـتحکم هستند» (از پیامبر اکرم(ص)، همان، ص ۱۲۵). «آنها برادران پیامبر(ص) هسـتند که او را ندیده اند، اما به او ایمـان دارنـد و او را از صـمیم قلب دوست می دارنـد و بـا تمـام وجود او و دین او را یـاری می رساننـد» (از پیـامبر اکرم(ص)، همـان، ص ۱۳۲). «آری چنین مردمـانی برترین مردم همه زمـان هـا هسـتند زیرا خداونـد عقـل هـا و فهم هـا و شـناخت آنها را قوت بخشـیده است به حـدی که امـام غـائب نزد آنها همچون امام حاضـر است و به نهایت درجه اخلاص رسـیده انـد (کمال الـدین، ص ۳۲۰). چقدر مقام آنها بالاست که پاداش یک نفر این گروه همانند پاداش پنجاه صـحابه پیامبر(ص) است که در رکاب آن حضرت در جنگ های بـدر و احد و حنین جنگیده اند، زیرا سـختی ها و آزار ها و رنج هایی که بر آنان وارد می شود، فوق طاقت اصـحاب پیـامبر(ص) است و اگر چنین رنـج ها و آزارهایی به اصـحاب پیامبر(ص) می رسـید شـکیبایی نمی داشـتند (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰). پس بکوشید جزء این گروه باشید تا نامتان را در فهرست یاران با اخلاص امام مهدی حضرت بقیه الله الاعظم(عج) ثبت کنند و جزء برادران ودوستان پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و شهدا در رکابش شمرده شوید. ما را نیز دعا کنید که جزء این گروه باشیم.

چه کنیم که در غروب جمعه دلمان بگیرد و به فکر مولایمان امام زمان(عج) باشیم؟

پرسش

چه کنیم که در غروب جمعه دلمان بگیرد و به فکر مولایمان امام زمان(عج) باشیم؟

پاسخ

یکی از تکـالیف دوران غیبـت کـبری این است که مـؤمن از فراق و دور مانـدن از حضـرت مهـدی (عـج) انـدهگین باشـد، و این از نشانه‌های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است. روایاتی است دایر بر این که از جمله نشانه‌های یک فرد شیعه آن است که در اندوه و حُزن امامان(ع) محزون باشد و تردیدی در این نیست که غیبت مولایمان حضرت حجت(ع) و آن چه از محنت‌ها بر آن حضرت و بر شـیعیانش وارد می گردد. از بزرگترین و مهم‌ترین علل اندوه امامان(ع) است. چنان چه امام صادق(ع) می‌فرماید: شخص غمگینی که غم و اندوهش از جهت ظلمی است که بر ما رفته است نفس کشـیدنش تسبیح گویی است و همّ او به خاطر امر ما عبادت است، و پنهـان داشـتنش سرّ ما را جهاد در راه خداونـد است(اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۶). آری یکی از حقـوق شـخص مؤمن بر مؤمن دیگر آن است که به خاطر انـدوه او انـدوهگین گردد، که بـدون تردیـد این حق برای مولایمان امام زمان(ع) بر تمامی افراد با ایمان ثابت است. حال هر گاه افراد عادی از مؤمنین چنین حقّی را دارا باشـند، امام و مولایمان حضرت مهدی(ع) که پیشوای آنان و رکن ایمـان است به طور قطع این حق برایش ثـابت می‌باشـد. در دیوان منسوب به مولایمـان حضـرت علی(ع) در بیـان نشانه‌هـای دوستی راستین چنین آمده: و من الدَّلائل ان یُری من شوقه مثلُ السّـقیم و فی الفؤادِ غلائلُ... و از نشانه‌ها این است که از شدّت شوقش دیده شود همچون بیماری که دلش از شـدّت درد می‌جوشد و دیگر این که از فرط انس گرفتن با محبوب، از هر چه او را از آن مشـغول

می‌دارد وحشت کند. و دیگر از نشانه‌ها این است: در میان مردم می‌خندد، در حالی که دلش مالامال از اندوه است. همچون زن جوان از دست داده» مکیال‌المکارم، ج ۲، ص ۲۳۵). مشکل ما این است که از معرفت حضرت کوتاهی کرده‌ایم. قهراً وقتی انسان موضوع غیبت و حجّت زمان(ع) را آن طور که شایسته است نشناخت، نه از جهت قلبی وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و نه از جهت بدنی. این که خداوند می‌فرماید: انّما یخشی‌الله من عباده العُلماء یعنی خداترسان از بین بندگان دانشمندان می‌باشند{M(سوره فاطره، آیه‌ی ۲۸). این واقعیت را باید فهمید که نور و هدایت و حکمت فقط در قرآن و سنت است.، لذا شناخت و معرفت امام(ع) از واجبات و ضروریات است (این مطلب اول). یکی از خصوصیاتی که برای آشنایی با آن مقام پرعظمت لازم است، پیوسته به یاد او بودن و توجه به آن حضرت است. اگر شما روح را به یک طرف متوجه کردید ممکن نیست رابطه برقرار نشود. توجه زیاد نسبت به امام عصر(ع)، مقابله روحی را ایجاد می کند. البته با حفظ استعداد و ظرفیت و شرایط... هر چه توجه بیشتر باشد رابطه عمیق‌تر و در نتیجه اثر بخش زیادی خواهد داشت(امام اگر در نظر ما غایب است به خاطر این است که ما توان و ظرفیت درک حضورش را نداریم. امام ما منتظر اجازه ظهور است و نگران و غمگین نسبت به مسلمانان و مردم دنیاست. پس جا دارد که ما نیز نگران او باشیم). لااقل دو موعد در شبانه‌روز، یکی صبح و یکی شب به حضرت توجّه کنید السلام علیک فی اللّیل اذا یغشی و النّهار اذا تجلّی... السلام علیک حین تُصبّحُ و تمسی درود بر تو در هر صبحگاهان و شامگاهان...{M(حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت آل‌یاسین). بعد از نماز صبح دعای عهد و زیارت مخصوص حضرت را، و در هنگام غروب و شب‌هنگام زیارت آل یاسین را بخوانید همه این زیارت‌ها و دعاها درس و بیان راه و معرفت است (این هم مطلب دوم). مطلب سوّم این است که انسان باید کاری کند و به اصطلاح تحرک و تحوّلی در خودش به وجود آورد. به طور حتم به قدر تحوّلی که در وجودش ایجاد کرده اثر می گیرد. یعنی بعد از کسب شناخت، باید به تکالیف دوران غیبت جامه‌ی عمل پوشید. برای آگاهی بیشتر ر.ک: خورشید مغرب، علامه محمد رضا حکیمی قسمت دوّم سؤال ۱ درباره راز و نیاز و انس با خدا است. یا من ذکرُ حُلوٌ ای که یاد او شیرین است{M(همان، دعای جوشن کبیر). گاهی با خدا آهسته و آرام سخن می گوییم. گاهی زمزمه و ترنّمی میانه داریم، و گاهی به آواز بلند او را می‌خوانیم و با تمام توان، ناله و فغان برمی‌آوریم، از او استمداد می‌جوییم و «یا ربّ، یا ربّ» می گوییم. درست است که در گفتگو با خداوند باید آداب صحبت و وظایف خود بدانیم و رعایت کنیم، اما مهمّ راهیابی به آستان پاک ربوبی، اُنس با او و شکفتن گل‌های عشق و اندیشه بر ذهن و زبان ماست. فرشتگان خدا، سرودهای جاوید نیایش را می‌خوانند و هیچ گاه احساس خستگی نمی کنند. پیامبران خدا و امامان معصوم(ع)، آموزگاران بزرگ این نغمه‌های قدسی و غزل‌های ملکوتی‌اند. و شهیدان، آنانی‌اند که ترانه‌ی تسبیح سرداده‌اند. چرا انسان، این سرودهای زیبای زندگی را نیاموزد و شیرین‌ترین و خوش‌بوترین مایه «آرامش روح» را درنیابد؟ یاد خدا، هم آوایی انسان با نظام آفرینش و کارگزاران هستی، و پاسخگویی به فراخوانی پیام‌آوران توحید، و هم گامی با فرشتگان پاک الهی است. شروع کارها با یاد خدا و پایان تلاش‌ها با سپاس و ستایش او، پناه بردن به خدا در برابر همه‌ی آسیب‌ها و آفت‌های برونی و درونی است و آمرزش‌خواهی و استغفار از لغزش‌ها و خطاهای فکری و عملی و توجه به عظمت، قداست، نعمت‌ها و آیات لطف و عنایت‌های الهی، زمینه‌ها و عوامĠانس و یاد و پیوند روحی انسان به آستان قدس ربوبی است. این گونه …Ə…که انسان به تهذیب و پاکسازی درون می‌پردازد. وقتی درون پاک شد خود به خود آن چه از آدمی بروز می کند اصلاح شده و پاک خواهد بود و حداقل می‌توان گفت اشتباه و خطا به حداقل خود می‌رسد. واذکروالله کثیراً لعلّکم تُفلحون خدا را زیاد یاد کنید شاید که رستگار شوید{M(سوره جمعه، آیه‌ی ۱۰). فلاح و رستگاری به معنی رهیدن و رستن و به آسایش و آرامش رسیدن و از رنج‌ها آسوده شدن است. به طور قطع کسی که یاد خدا سرلوحه کارهای او است از آرامش و آسایش در هر دو حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی برخوردار خواهد شد. برعکس کسی که از یاد خدا روی می گرداند، به راستی او را زندگی دشواری است» سوره طه، آیه‌ی ۲۴). به طور خلاصه می‌توانیم نتیجه بگیریم ۱. یاد خدا موجب توفیقات و کسب فضایل بی‌شماری است. ۲.

بهترین الگوی ما برای ذکر و یاد خدا، قرآن و سنت پیامبر(ص) است تا از اشتباه و خطا محفوظ بمانیم

چرا با شنیدن نام" قائم "از جا بر می‌خیزیم؟

پرسش

چرا با شنیدن نام" قائم "از جا بر می‌خیزیم؟

پاسخ

حاجی نوری می‌نویسد: در خبری از امام صادق (ع) نقل شده است: روزی در مجلس امام صادق (ع) نام مبارک حضرت مهدی (ع) برده شد، امام صادق (ع) به جهت تعظیم واحترام از جای برخاست. {پاورقی . نجم‌الثاقب، ص ۴۴۴. پاورقی} ونیز در روایت آمده که دعبل خزاعی بعد از آنکه ابیاتی راجع به حضرت مهدی (ع) نزد امام رضا (ع) قرائت کرد، حضرت از جای برخاست.... {پاورقی . منتخب الأثر، ص ۵۰۵. پاورقی} میرزای نوری می گوید: وقتی نام حضرت حجة بن الحسن (ع) در مجلس امام رضا (ع) برده شد، آن حضرت از جای برخاست ودو دست مبارکش را روی سر گذاشت وفرمود": اللّهمّ عجّل فرجه وسهّل مخرجه." {پاورقی . همان. پاورقی} از امام صادق (ع) سؤال شد: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان (ع) از جای خود برمی‌خیزیم؟ حضرت فرمود: چون غیبت حضرت مهدی طولانی است. وامام از شدّت محبّتی که به دوستان خود دارد هر زمانی که شخصی او را یاد کند نگاهی به او می‌نماید وسزاوار است که یاد کننده به جهت احترام وتعظیم، از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر وعطوفت نگاه می کند، پس از جای خود برخیزد واز خدای تبارک وتعالی تعجیل فرج ایشان را بخواهد. {پاورقی . همان. پاورقی}

منتظران وامام زمان

ما که در جامعه امام زمان (عج) هستیم چرا برنامه های ما به سمت ظهور امام زمان (عج) نیست و مجالس مداحی و مولودی ما برای اهل بیت مجالسی قاعدانه است و حرکت زا نیست آیا شما با اینگونه غزاداری و مولودی ها که در جامعه مرسوم است موافقید یا خیر؟

پرسش

ما که در جامعه امام زمان (عج) هستیم چرا برنامه های ما به سمت ظهور امام زمان (عج) نیست و مجالس مداحی و مولودی ما برای اهل بیت مجالسی قاعدانه است و حرکت زا نیست آیا شما با اینگونه غزاداری و مولودی ها که در جامعه مرسوم است موافقید یا خیر؟

پاسخ

در اینکه ما موظفیم به سمت جامعه مهدوی و مدینه فاضله ای که در راس آن امام معصومی چون حضرت حجت (ع) است حرکت کنیم، شکی نیست. اما مسؤلان و عالمان جامعه وظیفه سنگین تری دارند. تعبیر شما که به" سمت ظهور حرکت کنیم "را بدین وسیله تغییر می دهیم که" به سمت رضایت امام زمان (عج) حرکت کنیم "اگر درصدد انجام وظیفه و کسب رضایتمندی خداوند عالم و حضرت حجت (ع) باشیم، بسیاری از رفتارها و گفتارهای ما دگرگون خواهد شد. می دانیم که طبیعت بشر عوض شده است، همین انسانها بودند که یازده امام را یاری نکردند و خانه نشین نموده و شهید کردند. اکنون چون حضرت حجت را نمی بینیم ممکن است با صدای بلند وی را فریاد کنیم و به قول خودمان وی را به یاری طلبیده و اظهار آمادگی نماییم تا در رکابش خدمت کنیم، اما کمتر اندیشیده ایم که او کیست؟ چه میکند؟ چه می خواهد؟ چه یار و یاوری را دوست دارد و می طلبد؟ برخی از مجالس مداحی و مولودی و عزاداری ما نیز با شأن اهلبیت سازگاری ندارد. و به تعبیر شما به جای حرکت زا بودن قاعدانه است. اما این از اصل ارزش مجالس مفید در این زمینه نمی کاهد. بسیار کسان دیده شده اندکه خود مجالس غیر محرک و تعهد آفرین را رها کرده و به سمت منابر و مجالس شور آفرین شعورزا گراییده اند. تلاش مستمر و مضاعفی می خواهد تا به علاقمندان اهلبیت (ع) و شیعیان مخلص تفهیم شود که قبل از شعار، درک و شعور خود را نسبت به مکتب تشیع افزایش دهیم، مسئولیت فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی خود را بشناسیم. نگاه نقادانه به پدیده های اجتماعی از جمله نحوه تعزیه داری ها و مولودی خوانی ها بسیار مهم و ارزشمند است. هیچ منطقی با پخش و اشاعه خرافات به نام دین موافق نیست. اراده قوی می خواهد که میدان را از دست برخی میدان داران عزا و مدح که ضربه به پیکر تشیع می زنند بگیرد. اما کاملاً باید مواظب بود که اصل بحث عزاداری، مولودی و مدح خوانی زیر سؤال نرود. آگاهان جامعه از گذشته تا به حال و همواره بر این مسأله تأکید داشته تا تحریفها را از چهره مقدس دین و پیشوایان دینی بزداید. رهنمودهای مقام معظم رهبری در این زمینه بسیار رهگشا است و بخصوص جلوگیری ایشان از عمل وهن آمیز قمه زنی. دراین زمینه همچنین حماسه حسینی مرحوم شهید مطهری بسیار ارزشمند است که عالمانه به نقد همین گونه مسائل پرداخته اند.

چگونه عشق به امام زمان(ع) و اولیای خدا را به دور از ریا در زندگیم اثر دهم و رضایت خاطر آنان را جلب نمایم؟

پرسش

چگونه عشق به امام زمان(ع) و اولیای خدا را به دور از ریا در زندگیم اثر دهم و رضایت خاطر آنان را جلب نمایم؟

پاسخ

خواهر گرامی! از این که مجددا با ما مکاتبه کردید و اعتماد نمودید، تقدیر می‌کنیم. نوشته‌اید: حقیقتا که مشکلات مرا با راهنمایی به جا و به موقع حل نمودید. خداوند را بسیار شکر و سپاس می‌گزاریم که توفیق خدمت گزاری و حل مشکلات بندگانش را به ما عنایت فرمود: پیش از پرداختن به پاسخ پرسش‌ها لازم می‌دانیم از برخی اخلاق پسندیده و صفات نیکویی که در شما هست. یاد کنیم و از خداوند برای شما توفیق افزون‌تر آن را همراه با صبوری و مقاومت بیشتر طلب نماییم. نوشته‌اید: از دروغ تنفر دارید و حتی به شوخی هم تاکنون دروغ نگفتید. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید": بنده مزه ایمان را نمی‌چشد تا آن که دروغ را ترک کند، خواه از روی شوخی و مزاح باشد، یا جدی.("۱) پیامبر اکرم(ص) فرمود": شما شش کار را به من قول دهید و انجام دهید تا من

بهشت را برای شما تضمین کنم. "سپس اولین آن را ترک دروغ ذکر فرمودند.(۲) نوشته‌اید: با وجود این که پدرم بد زبان و فحاش و بی ارتباط با خدا است، حق پدری را رعایت نموده و کوچک‌ترین حرف نامربوط به او نزده‌اید. این شیوه یکی از صفات مؤمنان است. نوشته‌اید: جهت حفظ ایمان و معنویت و آلوده نگشتن به گناه، در عروسی‌های آلوده به گناه که در جامعه رواج پیدإ؛ّ پ کرده، شرکت نمی‌کنید. امام صادق(ع) فرمود": کسی که نفس خویش را به خاطر خدا کنترل کند، در آن هنگام که به کاری و گناهی تمایل و علاقه دارد، خداوند بدن او را بر آتش حرام می‌گرداند ".از خداوند می‌خواهیم این اخلاق و رفتار نیکو و ایمان و اعتقاد پسندیده را در شما و همه جوانان افزون‌تر گرداند و اسباب ازدواج و عروسی و زندگی خوش همراه با نشاط و سرور و معنویت را برای شما جوانان فراهم سازد. عشق به اهل البیت(ع) در نامه شما تراوش می‌کند. امیدواریم که خداوند این عشق و محبت را با شناخت و معرفت و اخلاص در مورد چهارده معصوم هر لحظه زیادتر کند و آن را ابدی سازد. عشق به امام زمان(ع) و... هر که را جامه ز عشقی چاک شد او ز حرص و عیب کلی پاک شد پیش از آن که راه و رسم عاشقی را بیان کنیم لازم است "عشق "را تعریف نماییم و علت پیدایش آن را بدانیم و رمز بقا و دوان آن را دریابیم، آن گاه ویژگی‌های" عاشق حقیقی "را بشناسیم. تعریف عشق حب و علاقه به شخص یا شیء، وقتی با احساسات و عواطف عالی انسان آمیخته گشت و به اوج رسید و وجود انسان را مسخر و مطیع بی چون و چرای خویش ساخت و بر کشور وجود آدمی حاکمیت مطلق یافت"، عشق "نامیده می‌شود. علت پیدایش عشق و رمز بقا و دوام آن عشق هایی کز پی رنگی بود عشق نبود، عاقبت ننگی بود زانکه عشق مردگان پاینده نیست چون که مرده سوی ما آینده نیست عشق زنده در روان و در بصر هر دو می‌باشد ز غنچه تازه‌تر عشق آن زنده گزین کو باقی است وز شراب جان فزایت ساقی است عشق آن بگزین که جمله انبیا یافتند از عشق او کار و کیا علاقه‌های مفرط فردی به فرد دیگر که از آن به مجاز تعبیر به" عشق "می‌شود، هنامی که ریشه و اصالت نداشت، عمرش کوتاه و کم دوام است. گاهی به هم نرسیده، به قهر و غضب و بلکه به خون می‌نشیند. گاهی به وصال هم می‌رسند، لیکن چند صباحی بیش سپری نشده، به نفرت و جدایی کشیده می‌شود. عشقی بقا و دوام دارد که" اصیل "باشد. عشقی اصیل است و ریشه در ابدیت دارد که کمال معشوقش ازلی و ابدی باشد. از لیت و ابدیت ویژه خدا است و هر چیزی یا هر کسی که متصل به خدا است و پرتوی از آن نور مطلق است، به اعتبار موصول متصف به ابدی و ازلی می‌باشد، چه این که" کل شیء هالک إلا وجهه. "انبیا و اولیای الهی و امامان معصوم صلوات اللّه علیهم" وجوه اللّه "اند.(۳) به همین جهت شیفتگان و دلباختگان‌شان، آنان را مرده احساس نمی‌کنند". وجه اللّه "بودن حضرت علی و فاطمه(سلام اللّه علیهما) است که عشق را برانگیخته و دل‌ها را شیفته خود ساخته و رنگ جاودانی و ابدی گرفته است. این گونه عشق‌ها است که محو نمی‌شود. هر چه زمان بیشر می‌گذرد، آتش عشق افروخته‌تر می‌گردد. شهید مطهری می‌گوید: دل‌های ما به طور ناخود آگاه در اعماق خویش با حق سَرِ و سِرّ و پیوستگی دارد و چون علی(ع) را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می‌یابند، به او عشق می‌ورزند. در حقیقت پشتوانه عشق علی(ع) پیوند جان‌ها با حضرت حق است که برای همیشه در فطرت‌ها نهاده شده و چون فطرت‌ها جاودانی است، مهر علی نیز جاودان است.(۴) نتیجه این که: انسان به گونه‌ای آفریده شده که عاشق خدا و عاشق هر چیزی و هر کسی باشد که تعلق و ارتباط با خدا دارد. حقیقت عشق و عشق حقیقی در همه هستی جریان دارد. حقیقت عشق و متعلق آن و محبوب همه عشاق جهان یک چیز بیش نیست. اگر چه شعور ظاهری اکثر انسان‌ها، از آن آگاهی ندارد و به اشتباه چون تشنه در پی سراب، به دنبال معشوق نمایانی رفته‌اند که اصل و بقا ندارند، اما شعور باطنی و جان آنان با جان جانان آشنا است. راه و رسم عاشقی اولیای الهی امام زمان(عج) هیچ پدیده‌ای بدون علت نیست و هیچ چیزی بدون زمینه و مقدمات لازم، لباس هستی نمی‌پوشد. عشق ورزی نیز مانند همه امیال درونی، نیازمند فضای مناسب برای پرورش و پردازش است تا شکوفه و گل دهد. اگر بستر مناسبی برای ظهور این میل مقدس فراهم گردد، عاشق به وصال معشوق واقعی خواهد رسید. در غیر این صورت معشوق نمایان بدلی جا خوش خواهند کرد. از این رو است که در جهان به جای یک" معشوق "معشوق‌ها وجود دارد و هر

گروهی به چیزی یا کسی می‌نازد و عشق می‌ورزد، که برای گروه دیگر جذبه‌ای ندارد، بلکه گاهی با آن سر جنگ دارند. عاشق امام زمان(ع) و اولیای الهی شدن، نیازمند وجود شرایط و فراهم ساختن زمینه‌های مناسب است. باید ویژگی‌ها و شایستگی‌های لازم لاـ در خود ایجاد نمود تا مورد عنایت معشوق قرار گرفت. به بیان دیگر: راه عاشق شدن و وظیفه عاشق امام زمان(ع) را از مفهوم اصیل عشق می‌توان فهمید. عشق در اصل از" عشقه ("نام گیاهی که در فارسی به آن پیچک می‌گویند) گرفته شده است. این گیاه به هر چیزی برسد، دور آن می‌پیچد و به تدریج آن را احاطه می‌کند. وقتی" حب و علاقه "شدت پیدا کند و همانند پیچک جان و روح مُحِبّ را به تسخیر خویش در آورد، آن را عشق می‌نامند و آن فرد را عاشق گویند. جالینوس می‌گوید: در مغز انسان سه جایگاه ویژه قرار دارد: یکی مخزن تخیل است. دومی جایگاه فکر و سومی ظرف ذکر و یادآوری است. عاشق به کسی گویند که لحظه‌ای خیال و فکر و ذکرش (همه مغز فعّالش) از معشوق جدا نباشد. عشق و محبت و هجران معشوق آن چنان قلب و جان و روح عاشق را مسخر نموده که آب و خواب و غذا را از او گرفته و او به چیزی جز معشوق نمی‌اندیشد و کسی جز او را نمی‌بیند. هر کس چنین نیست، عاشق نیست.(۵) آیا ما این چنین هستیم؟ آیا وصف عاشقی در ما هست؟ اگر ما شیعه چون پیچک گرد وجود مقدس آن خورشید محبت بودیم، این همه دشمنی و کینه و عداوت و نامهربانی‌ها برای چیست؟ اگر عشق آن جان جانان و آن گل عصمت را در سر داشتیم ، چرا جان خویش را به انواع گناهان آلوده ساخته‌ایم؟! قلب و جان عاشق، مسخر و مطیع معشوق است. پس چرا دل و جان و زبان و چشم و گوش ما تابع و در تسخیر هوای نفس و شیطان است؟ آیا کارهای ما به عاشق شیطان و هوای نفس بیشتر شباهت ندارد تا عاشق آن سمبل زهد و ورع، آن پاک‌تر از باران بهاری و لطیف‌تر از شبنم صبحگاهی؟! اگر معشوق و محبوب ما آن" شمس عدالت "است، چرا این همه ظلم و بی عدالتی؟! اگر ما عاشق آن مصلح خود ساخته و مهذب و مجسمه تقوا و تهجد هستیم، پس نشانه عشق ما کو؟ چرا به فکر اصلاح خویش و تهذیب نفس و تزکیه روح خویشتن نیستیم؟ تا زمانی که از خودپرستی و هواپرستی بیرون نیامدیم و دل و جان خود را مسخر مولا نساختیم، به ناحق لاف دوستی می‌زنیم، شاعر چه زیبا گفته است: تا تو در بند خویشتن باشی عشق بازی دروغ زن باشی عاشق آیینه صاف معشوق و جلوه اخلاق اوصاف و روش‌های او است: عاشقان در سیل تند افتاده‌اند بر قضای عشق، دل بنهاده‌اند همچ سنگ آسیا اندر مدار روز و شب گردان و نالان، بی قرار! عاشق امام زمان(ع) باید او را بشناسد و بنگرد خواسته حضرت چیست؟ حرکت در مسیر خواسته محبوب است که فاصله‌ها را کم می‌کند و حصار هجران و دوری را بر می‌دارد و عاشق را به وصال معشوقش می‌رساند. عشق قهار است و من مقهور عشق چون قمر روشن شدم از نور عشق برگ کاهم در کفت ای تند باد من چه دانم تا کجا خواهم فتاد معشوق، خود عاشق و سجاده نشین عشق است یکی از عاشقان آن حضرت، امام صادق(ع) است که می‌فرمود": چه شتاب می‌ورزید برای ظهور قائم(ع)؟ پیش از آن که خود را اصلاح کنید و ایمان وعمل و اخلاق خود را نیکو گردانید! به خدا قسم! شدت زهد و بی رغبتی اش به دنیا به پایه‌ای است که در اوج قدرت و توان مندی، از فقیرترین مردم مملکت خویش هم بی آلایش‌تر زندگی می‌کند و ساده‌تر می‌پوشد و غذا می‌خورد.("۶) امام هفتم(ع) یکی دیگر از عشاق آن حضرت می‌فرمود": امام قائم(ع) رخسارش گندمگون است. در اثر بیداری شب‌ها جهت عبادت، رنگ چهره‌اش با زردی به هم آمیخته است. سپس فرمود: پدرم به قربان آن امامی که شبش را با مراقبت ستارگان، در حال رکوع و سجود به سر می‌برد.(۷) ای عزیز! آن چه لازم بود به تصریح و اشاره بیان گشت. این مقال را با پیام آن فروغ حیات و معشوق و عشاق حقیقت طلب و مخلصان حقیقت گام، به یکی از شیفتگان دلباخته‌اش یعنی شیخ مفید به اتمام می‌رسانیم، بین عاشق و معشوق چه عبارات لطیفی رد و بدل می‌شود. آن معشوق که صد قافله جان فدای خاک قدمش باد، در نامه‌اش به عاشق خود می‌نویسد": ای رفیق مخلص و ای دوست مجاهد ما – که خداوند با نصرت خاص خویش تو را بر دشمنانت پیروز گرداند – هر گاه برادران و خواهران شیعه تو، تقوای پروردگار پیشه کنند و حقوق مال را که بر ذمه دارند، از فتنه‌های نابود کننده در امان خواهند بود. آنان که بخل بورزند و وظایف خود را در قبال مستمندان انجام ندهند، در دنیا و آخرت به زیان و

خسران دچار خواهند شد. اگر شیعیان ما – که خداوند آنان را به عبادت و طاعتش توفیق دهد – با دل‌های متحد و قلب هایی هماهنگ و یکپارچه، به عهد و پیمانی که با دارند، وفا می کردند. (یعنی ازما اطاعت می کردند و فرمان ما را اجرا می‌نمودند و خود را به گناه و معصیت آلوده نمی‌ساختند) هرگز از فیض ملاقات ما محروم نمی‌شدند و غیبت ما این قدر طولانی نمی‌شد، بلکه سعادت دیدار ما با معرفتی کامل و شناختی راستین، نصیب شان می‌شد. پس ما را از شیعیان غایب نساخته و پنهان ننموده است مگر آن دسته از کارهای آنان که مطلوب و خوشایند مانیست. کاهایی که ما از دوستان خود توقع نداریم.("۸) پی نوشت‌ها: ۱ – محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۷، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیه. ۲ – پنج کار دیگر عبارتند از: وقتی به کسی قول و وعده‌ای می‌دهید، تخلق نکنید؛ وقتی امانتی به شما سپردند، خیانت نکنید؛ چشم‌هایتان را از نگاه به نامحرم بپوشانید؛ خودتان را از گناه غرایز جنسی و شهوت‌ها حفظ کنید؛ دست و زبان خود را از آزار و اذیت مردم و گناه پروردگار حفظ کنید. ۳ – در دعای توسل هر یک از چهارده معصوم را به" وجه اللّه "می‌خوانیم. ۴ – شهید مطهری(ره) جاذبه و دافعه علی(ع)، ص ۱۰۱، موسسه اسلامی حسینیه ارشاد – اسفندماه ۱۳۴۹ شمسی. ۵ – مجمع البحرین، ماده عشق. ۶ – صافی، منتخب الاثر، ص ۳۰۷، ترجمه آزاد. ۷ – فلاح السائل، ص ۲۰۰، به نقل از پیام امام زمان(ع)، ص ۱۲۷، اثر سید جمال الدین حجازی. ۸ – شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹، ناشر، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تاریخ انتشار، ۱۳۶۵.

محبت امام زمان علیه السلام به شیعیان طبق چه معیاری است؟

پرسش

محبت امام زمان علیه السلام به شیعیان طبق چه معیاری است؟

پاسخ

درجهٔ محبت و ارادت ائمه(ع) مخصوصاً حضرت ولی عصر(ع) نسبت به شیعیان بستگی به درجهٔ تقوا و پاکی و قرب آنان به درگاه خدا دارد. ملاک محبّت نزد آنان همان است که در قرآن آمده است ": إنّ أکرمکم عندالله اتقاکم؛ گرامی ترین شما نزد خدا باتقوا ترین شما است. "در بحارالانوار، جلد ۶۸ روایاتی دربارهٔ خصوصیات و صفاتش یعه آمده است که برای توضیح مطلب بالا به چند تا از آن ها اشاره می کنیم: ۱ _امام صادق(ع) فرمود ": هر کس به زبان بگوید من شیعه هستم ولی اعمالش مانند اعمال ما نباشد، از شیعیان ما نیست. شیعیان ما کسانی هستند که هم در گفتار و هم در عمل شیعه باشند و از ما پیروی کنند.["۹] ۲ _ابوصباح کنانی می گوید که به امام صادق(ع) گفتم: ما در کوفه معروف به جعفریه هستیم و ما را سرزنش می کنند و به ما بد می گویند. حضرت غضبناک شد و فرمود": پیروان جعفر (امام صادق(ع)) در میان شما کم است. اصحاب جعفر کسی است که با تقوا باشد و کارهایش را برای خدا انجام دهد.["۱۰] ۳ _باز امام صادق(ع) فرمود": بعضی که خود را شیعه می دانند بدتر از یهود و نصارا و مشرکان هستند.["۱۱] ۴ _باز فرمود": شیعیان ما اهل ورع و اجتهاد و معروف به وفاداری وامانت داری هستند. اهل زهد و عبادت اند. در شبانه روز ۵۱ رکعت نماز می خوانند؛ شب زنده دارند؛ از روزه دارانند؛ زکات اموالشان را می پردازند؛ حج خانهٔ خدا را انجام می دهند و از هر کار حرامی دوری می کنند.["۱۲] ۵– امام باقر(ع) فرمود " ای شیعیان آل محمد! بین ما و خدا قرابت و خویشاوندی نیست (بدانید) قرب الهی حاصل نمی شود مگر به اطاعت از خدا. هر کس مطیع دستور خدا باشد ولایت ما به درد او

می خورد و برای او نافع است و هر کس عاصی و گناهکار باشد ولایت ما به حال او مفید نیست. "سپس به ما رو کرد و فرمود": به خود مغرور نشوید (به شیعه بودن خود مغرور نشوید و در عمل به دستور خدا کوتاهی نکنید.["]۱۳] اگر بخواهیم محبّت ائمه مخصوصاً حضرت مهدی(ع) را جلب بکنیم باید از گناهان ریز و درشت دوری کنیم و به وظایف دینی واجتماعی خود به طور کامل عمل کنیم، آن وقت عشق و محبّت خود را به آن بزرگواران ابراز کنیم. [۶] آل عمران (۳) آیهٔ ۱۰۱. [۷] یونس(۱۰) آیهٔ ۹. [۸] حج (۲۲) آیهٔ ۵۴. [۹] بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۶۴. [۱۰] همان، ص ۱۶۶. [۱۱] همان. [۱۲] همان، ص ۱۶۷. [۱۳] همان، ص ۱۷۸.

برای انس و الفت با امام زمان(ع) چه باید کرد؟

پرسش

برای انس و الفت با امام زمان(ع) چه باید کرد؟

پاسخ

برای برقراری ارتباط و انس با امام زمان(ع) به رعایت برخی از شرایط و ایجاد برخی از عوامل نیاز است که با رعایت و ایجاد آنها می توان با آن امام همام ارتباط برقرار نمود که به برخی اشاره می‌شود: ۱) عشق. عشق و اظهار محبت به ساحت مقدس امام زمان(ع) مهم ترین شرط مأنوس شدن با امام زمان(ع) است. عشق بدان معنا است که عاشق از همهٔقد و بند های خود محوری و دنیاگرایی رهایی یافته، حجاب زدایی کند. آنانی که نتوانسته اند در حریم محبوب راه یابند، خود حجاب بوده اند: گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است؟ گفتا تو خود حجابی، ورنه رُخَم عیان است گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی گفتم نفس همین است؟ گفتا سخن همان است ۲) پارسایی. برای ارتباط با امام پارسا، پارسایی لازم است؛ تا نوعی همگونی بین مراد و مرید به وجود آید. بر همین اساس یکی از اوصاف ۳۱۳ نفر یاران امام، معنویت و تقوا گرایی بیان شده است. امام صادق(ع) فرمود": هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد.["۱۲] در برخی روایات دیگر نیز تصریح شده که امام زمان(ع) دیگران را دعوت به تقوا نموده است. ۳) دین مداری و تکلیف گرایی. یکی از عوامل مهم انس با امام زمان(ع) دین داری است. انسان در عصر غیبت باید بیشتر به دستورهای الهی توجه نموده، از محرّمات پرهیز کند و مقید به انجام تکلیف خدایی باشد، زیرا انسان ها در عصر غیبت بیشتر در معرض آفات و آسیب ها قرار گرفته، نیاز به پشتوانهٔ قوی دارد، و انجام وظایف دینی کارآمد ترین عامل آیب زدایی است. شاید بر همین اساس پیشوایان دین مردم را به دین مداری، صحت اعمال، دعا و توسل به اهل بیت(ع) فراخوانده است. امام صادق(ع) فرمود": برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و چنگ در دین زند.["۱۳] بی تردید یکی از مصادیق مهم دین داری، رعایت حقوق انسان های دیگر و رعایت عدالت در تمام ابعاد آن می باشد؛ از این رو یکی از شاخصه های حکومت امام زمان(ع) گسترش عدالت بیان شده است. ۴) انتظار فرج. انسان منتظر همیشه آمادهٔ پذیرایی از مهمانی است که انتظار او را می کشد. طبیعی است چنین حالتی آمادگی بیشتری را جهت ارتباط معنوی با امام زمان(ع) فراهم می کند؛ از این رو در بعضی روایات یکی از وظایف شیعیان انتظار فرج بیان شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود": أفضل أعمال أمتی أنتظار الفرج مِن الله عزّوجلّ.["۱۴] ۵) دعا و توسل

به اهل بیت(ع). یکی از راه های ارتباط معنوی با امام زمان(ع) دعا و توسل به اهل بیت(ع) به ویژه ساحت مقدس امام زمان (ع) است. از این رو یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.۴[۱۵] البته برخی دعاها، مانند عهد و دعای فرج از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بی تردید شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی۵[۱۶] علامه حلی[۱۷] و علامه بحرالعلوم۶[۱۸] با بهره گیری از عوامل مذکور توانستند با امام زمان(ع) ارتباط برقرار نموده و با ایشان مأنوس شوند.

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟

پرسش

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم برمی‌خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می‌خیزند، چرا ؟

پاسخ

ایستادن به موقع شنیدن نام مبارک امام زمان(عج) خصوصاً اسم مبارک" قائم "مستحب است و از وظایف شیعیان در دوران غیبت امام زمان(ع) می‌باشد.(۱) بهتر است انسان همزمان با شنیدن نام مبارک حضرت قیام نماید ، نه زودتر ، ولی مقداری زودتر ایستادن اشکال ندارد، چون معلوم است که مردم به خاطر احترام به امام دوازدهم (عج) برمی‌خیزند. پی نوشت: ۱ - منتهی الامال ، ج ۲، (وظایف شیعیان در دوران غیبت) ص ۴۸۸.

چگونه می توان رضایت امام زمان(عج) را جلب نمود؟

پرسش

چگونه می توان رضایت امام زمان(عج) را جلب نمود؟

پاسخ

از آن جایی که رضایت و خشنودی خداوند تبارک و تعالی همان رضایت و خشنودی حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان(ع) است، بهترین راه تحصیل رضایت ایشان، عبودیت و بندگی خالص خداوند است. انسان باید واجبات شرعی را انجام دهد و از منهیات دینی پرهیز کند و به گونه ای رفتار کند که بندگان الهی اعم از اقوام، همسایه ها و دیگران از وی راضی باشند و سعی کند که دلی را شاد کند و کوشش کند که دلش خالی از حق و کینه و حسد باشد و قلبش سلیم شود. وقتی انسان کردارش را نیک کرد و از اوامر و نواهی الهی سرپیچی نکرد و از آلودگی های ظاهری و باطنی خود را پاکیزه کرد، انسانی امام زمان پسند می شود و هنگامی که پرونده اعمالش را به خدمت ولی عصر(ع) عرضه می دارند، حضرت خوش حال می شود. امام صادق(ع) فرمود": در هر پنج شنبه اعمال بندگان به رسول خدا(ص) و امامان(ع) عرضه می شود.("۱) حضرت در حدیثی دیگر فرمود: چرا رسول الله(ص) را

ناراحت می کنید؟ مردی عرض کرد: چگونه ناراحتش می کنیم؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانید اعمال شما بر حضرتش عرضه می شود؟ که اگر گناهی ببیند ناراحت می شود، پس رسول خدا را ناراحت نکنید، بلکه خوشحالش کنید.(۲) بنابراین، انسان با بندگی و خودسازی و عمل به وظیفه خود در زمان غیبت که بعضی از وظایف زمان غیبت عبارتند از: انتظار فرج، خواندن دعای فرج و دعای ندبه و دعای عهد و صدقه دادن برای سلامتی حضرت و انجام حج و زیارت به نیابت از ایشان و کارهای خیر دیگر می تواند قدمی در جهت خشنودی حضرت ولی عصر(عج) بردارد. ایمان و عمل صالح دو رکن اساسی در زندگی انسان به شمار می رود و برای کسب رضایت امام مهدی(عج) باید هر چه بیشتر آن دو را تقویت کرد. گفته اند در دورهٔ آخر الزمان مردم لباس اسلام را وارونه به تن می کنند؛ این سخن ممکن است به این معنا باشد که برخی از ارزش های اسلامی جایگاه خود را از دست می دهد و برخی از امور بی ارزش یا ضد ارزش، ارزشمند می گردد. یکی از اموری که موجب می شود فرد از این آسیب تا حد زیادی در امان بماند، این است که باید تلاش کند اسلام را درست بفهمد و به آثار دانشمندان اسلامی مورد اعتماد مراجعه نماید. بعد از شناخت اسلام صحیح آن را به بهترین وجه ممکن در زندگیش پیاده کند. این بهترین راه جلب رضایت امام زمان(عج) است. پی نوشت ها: ۱. بحار، ج ۲۳، ص ۳۴۵. ۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

می دانید، دلم می خواهد امام زمان(ع) را از دست خودم راضی کنم. ولی فکر می کنم برخی از رفتارهایم درست نیست (ولی خودم نمی دانم کجای کار ایراد دارد؟) و ایشان را ناراحت می کند.

اشاره

فکر می کنم فکر کردن به حقیقت امور خیلی مهم است، حقیقت همه چیز، ولی برای دسترسی به ح

پرسش

می دانید، دلم می خواهد امام زمان(ع) را از دست خودم راضی کنم. ولی فکر می کنم برخی از رفتارهایم درست نیست (ولی خودم نمی دانم کجای کار ایراد دارد؟) و ایشان را ناراحت می کند. فکر می کنم فکر کردن به حقیقت امور خیلی مهم است، حقیقت همه چیز، ولی برای دسترسی به حقیقت باید کم کم پرده ها کنار رود و ضخیم ترین این پرده ها، پرده جهالت است، و امام زمان(عج) عصاره حقیقت هستی است، و اگر انسان به عصاره حقیقت هستی برسد، پرده های دیگر را نیز می تواند کنار بزند. ولی چگونه می توان به ایشان رسید، و حقیقتاً ایشان را شناخت؟ خیلی دلم می خواهد پاسخ این سؤال برایم مسجل شود، و قلبم آرامش یابد، و البته می دانید، زبان قدیمی ترها این آرامش را در دل بنده ایجاد نمی کند. من خود فکر می کنم امام زمان(عج) عصاره حقیقت است که در هر زمانی پایدار است یعنی حالا ـ نیز این حقیقت را می توان کشف کرد. نمی دانم توانسته ام منظور خود را برسانم یا خیر؟

پاسخ

امام زمان(عج)، عصاره هستی و مجموعه همه فضایل و خوبی ها و زیبایی ها و وارث همه کمالات و صفات نیک و الهی همه انبیا و اولیا(ع) می باشد. چیزی که مهم است معرفت عمیق نسبت به آن بزرگوار و کسب رضایت و خشنودی آن سرور کائنات است که

www.noorfatemah.org

عین رضایت و خشنودی خداوند متعال است و هیچ گونه فاصله و گسستگی بین این دو نمی باشد. برای شناخت و پیوند با امام زمان علیه السلام باید در دو وادی سیر و حرکت کرد: ۱- سیر نظری و علمی: تا انسان محبوب و مقصود خود را خوب نشناسد و تصویر واضح و شفافی از او نداشته باشد و با ویژگی ها و خصوصیات او آشنا نباشد، نمی داند باید در جستجوی چه کسی باشد و چه مقدار باید در این راه هزینه نماید و مقصد و هدف و محبوبش دارای چه ارزش و قیمتی است. بنابراین در اولین گام باید از طریق کتاب هائی که در مورد آن مولا و سرور نوشته شده با زندگانی و شخصیت و شرح حال آن بزرگوار از قبل از تولد و هنگام تولد و بعد از آن و سخنانی که از ایشان نقل شده و اهداف و خواسته ها و آرمانهای ایشان آشنا شد و در این فضا و جو مدتی تنفس کرد تا آمادگی برای تحصیل رضایت و خواست و اطاعت آن مولا فراهم گردد. ۲- سیر عملی: پس از شناخت نسبی امام زمان(عج) و آشنائی با خواسته ها و اهداف و آرمان های والای آن عصاره خلقت و کعبه امید و آمال همه پیامبران و اولیا و نیکان در طول تاریخ، باید در جهت گام برداشتن در مسیر خواسته ها و کسب رضایت و خشنودی ایشان قدم برداشت و این سیر و حرکت عملی نقش عظیمی در انس و ارتباط نزدیک و آشنائی عمیق با ایشان دارد. مطالعه در زندگانی کسانی که به شرف دیدار آن ماه کنعانی نائل شدند، این نکته را به ما می آموزد که آن سعادتمندان نوعا از کسانی بوده اند که مطیع خداوند و پیرو حقیقی دین و آئین و عامل به دستورات و خواسته ها ی ایشان بوده اند و در اطاعت و پیروی از ایشان در جایگاه رفیعی بوده اند. اطاعت ایشان همان اطاعت خداوند است و خواسته های ایشان عین خواسته های خداوند است و در این آستان جز پیروی کامل و عمل به دستورات الهی و انجام واجبات و دوری از محرمات از کسی چیزی نمی خرند. توسل حقیقی همراه با اضطرار و دلشکستگی در کوی آن سرور زمینه ساز لطف و عنایت آن بزرگوار و مورد رحمت قرار گرفتن در بارگاه ملکوتی او می گردد. دوری از گناه و محرمات و آلودگی ها در جلب توجه آن سرور و پذیرفته شدن در بارگاه ایشان نقش عمیق و تأثیر به سزائی دارد. البته باید توجه داشت که ما وظیفه ای در رابطه با ملاقات و دیدار آن امام همام و یار سفر کرده ای که صد قافله دل همره اوست نداریم. بلکه وظیفه ما عمل به خواست ایشان وکوتاهی نکردن نسبت به وظایفی است که در قبال ایشان داریم و مهم آشنائی عمیق و معرفت شایسته نسبت به ایشان است و ملاقات و رابطه با ایشان از اموری است که ما به درستی نمی دانیم چه شرایط و زمینه هائی لازم دارد، هر چند اجمالا می دانیم اطاعت و پیروی و بندگی خالصانه و صادقانه و توسل و یاد و توجه به آن عزیز زهرا(س)، در این امر نقش ویژه ای دارد. در هر صورت این کار امری تدریجی است و باید با رفق و مدارا و صبر و حوصله باشد و کم کم زمینه اطاعت و خشنودی آن سرور را فراهم آورد. اگر انسان طالب محبوب و مطلوبی باشد باید دائما به یاد او باشد و نام و یاد او را از یاد نبرد: گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد این راه، راه مقدسی است که هیچ انسانی دست خالی از آن بر نمی گردد و معامله پرسودی است که کسی در آن دچار خسران و زیان نمی گردد.

دل بستن به کسی بخاطر رفتار و کردارش آیا با این سخن منافات دارد اگر می خواهی محبت آقا امام زمان(ع) را بدست بیاوری محبت دیگری را از دل خارج کن؟

پرسش

دل بستن به کسی بخاطر رفتار و کردارش آیا با این سخن منافات دارد اگر می خواهی محبت آقا امام زمان(ع) را بدست بیاوری محبت دیگری را از دل خارج کن؟

پاسخ

همه عـالم پرتوی از ذات پـاک ذوالجلال است و همه موجودات نشـانه ای ازآن بی نشـان می باشـند. قرآن کریم همه عالم را آیت خداونـد و آینه ای که آن جمـال جمیل در آن هویـدا است می دانـد. موجودات هر کـدام با زبان خاص خود می گوینـد ما از خود هیچ نداریم وجود و صفات و زیبایی و کمال ما از ما نیست ما موجودات مستقلی نمی باشیم. همه ما به وجودی که علم و قدرت بی انتهـا است تکیه زده ایم و اگر عنـایت و فیض و لطف او نباشـد آنی بقـا و مانـدگاری برای مـا مقـدور نیست. هر گیاهی که از زمین دویـد وحـده لا شـریک له گویـد به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشـقم بر همه عالم که همه عالم از اوست خـداوند متعال انسان را به گونه ای آفریـده که بایـد محبت بورزد و دوست داشـته باشـد و دل ببندد ولی جان سـخن در این است که باید به هیچ محبوبی و معشوقی با دیده اسـتقلال ننگرد و صـفات و زیبایی و خوبی و کمال را از خود او نداند. علاقه به پدر و مادر و همسر و فرزندان و دوسـتان علاقه ای به حق و به جا و مطابق با فطرت انسانی است. اگر کسی اهل محبت ورزی و دوستی و رحمت نسبت به انسان ها و حتی حیوانات و گیاهان نباشد. از این فطرت پاک خدایی فاصله گرفته و انسانی بیمار است که باید به معالجه و درمان بپردازد. پیـامبران و اولیـای الهی(ع) که در محبت ورزی و عشق به ذات پـاک احـدیت از همه سـرآمد بودنـد و در این میـدان گوی سبقت را از همه ربوده بودنـد، در محبت ورزی به فرزنـدان و خانواده خود بی نظیر بودند. آنها به همه موجودات عشق می ورزیدند و در آینه آنها جمال الهی را می دیدند. در روایت آمده که مردی به پیامبر(ص) عرض کرد: یا رسول الله من دارای ده فرزند هسـتم و تا به حال حتی یک بار هم آنها را نبوسیده ام. حضرت فرمود: تو انسانی هستی که از رحمت الهی به دوری «من لا یرحم لا یرحم؛ آن کس که به دیگران رحم نکند و مهربانی نورزد مورد لطف و رحمت خداوند قرار نمی گیرد». دل بستن به کسی به خاطر اعمال و رفتـار خویش نه تنها با محبت امام زمان(ع) منافات نـدارد بلکه مورد تأکیـد و سـفارش ایشان است چون خواسـته امام زمان(عـج) رشـد و تعـالی و بنـدگی و قـدم برداشـتن در راه مسـتقیم الهی است و اگر انسان شایسـته ای باشـد که اعمال و کردارش هماهنگ با تعالیم دین و احکام شرع مقدس است علاقه به او باعث می شود اخلاق و کردارش در ما تأثیر کند و ما را متخلق به آن اخلاق کند. البته در صورتی که به او اسـتقلالی نـداد و توجه داشت که کمـال و خوبی و اعمال نیک او در پرتو الطاف ولی عصـر(عـج) و لطف خداونـد حاصـل شـده و در واقع علاقه به او علاقه به کمال و فضـیلتی است که در او جمع گشـته است. پس در دلبسـتگی ها، باید رعایت موازین و حد اعتدال را نمود و به کسی و چیزی استقلال نداد و او را مجرا و کانال فیض و عنایت الهی دانست.

آیا با توبه های پی در پی ما حرمت امام زمان پائین نمی اید؟

پرسش

آیا با توبه های پی در پی ما حرمت امام زمان پائین نمی اید؟

پاسخ

انسان همواره باید در راه رسـیدن به کمال در سـعی و تلاش باشد و طی این مسیر با سختی ها و فراز و نشیب های گوناگونی همراه است. خصوصـیت اختیـار آدمی طلب می کنـد که از آنجـا که مجبور به انجـام کارهای خوب نیست گاهی مرتکب خطا و معصـیت گردد. و در چنین مواقعی وظیفهء انسـان توبه و بازگشت به سوی خـدا است و امام زمان(عـج) دلسوزترین انسان ها به حال ما است.

در نتیجه از گناه ما ناراحت و از توبهء ما خرسند می گردند. آری توبه شکستن تلخ است ولی نباید آن تلخی موجب ترک توبه در آینده گردد و امام عصر(ع) مایلند بندگان خدا به درگاه او توبه نمایند حتی اگر قبلا بارها توبه خویش را شکسته باشند.

چگونه می توان با دل و جان حضور حضرت مهدی (عج) را درک کرد؟

پرسش

چگونه می توان با دل و جان حضور حضرت مهدی (عج) را درک کرد؟

پاسخ

برای دست یافتن به این هدف والا به موارد ذیل عمل کنید: الف) قرار گذاشتن با دوست؛ ابتدا باید کاری کرد که در شبانه‌روز حتما برای چند مرتبه هم که شده به یاد ایشان افتاد؛ مثلاً انسان تصمیم بگیرد بعد از هر نماز به آن حضرت سلام دهد. سپس شرح حال خود و درد دلی را با آن حضرت درمیان بگذارد. تکرار این برنامه موجب می‌شود ذهن آدمی بیشتر متوجه این مسأله مهم گردد، ب) صحبت کردن و سخن گفتن زیاد با ایشان مانند خواندن دعای عهد، هر روز، ج) جلب محبت وی؛ با هدیه به آن حضرت (صلوات، اهدای ثواب ختم قرآن و زیارت‌ها و...)، د) دوری از رنجاندن وی با کارهایی که می‌دانیم ایشان را آزرده می‌کند، ه) وفاداری و ثابت قدمی در دوستی با او، و) مقدم کردن خواسته او بر خواسته‌های خود.{J

بهترین هدیه برای امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

بهترین هدیه برای امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

بهترین هدیه برای امام زمان(عج) عبارت است از: هدایت نمودن انسان‌ها و نجات آنان از گمراهی، به یاد آن حضرت بودن، توجه و توسل به ایشان در طول زندگی و پرهیز از انجام کارهایی که مورد رضایت آن حضرت نیست، خواندن دعای ندبه و دعای عهد نیز انسان را درتوجه دائمی به حضرت صاحب‌الامر مدد خواهد رساند. توجه به معانی دعای ندبه معرفت انسان را نسبت به آن حضرت بیشتر خواهد کرد.{J

می خواهم عاشق ائمه مخصوصا حضرت مهدی (عج) شوم و در رثای حضرت ابا عبدالله الحسین زار زار بگریم لطفا مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

می خواهم عاشق ائمه مخصوصا حضرت مهدی (عج) شوم و در رثای حضرت ابا عبدالله الحسین زار زار بگریم لطفا مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

محبت و عشق از راه آگاهی و انس و برطرف ساختن موانع به دست می‌آید؛ مثل کسی که اگر به طعم و خواص عسل آگاهی یابد، بدان علاقه‌مند می‌شود و اگر آن را بچشد علاقه‌اش نسبت به آن افزون می گردد. حب خدا و اولیای او نیز، از طریق شناخت و معرفت پدید می‌آید.هر اندازه آدمی معرفت خودش را افزون کند و در عمل نیز انس و الفت خود را با خداوند و مقربان درگاهش بیشتر سازد و موانع راه را – که علایق و وابستگی‌های مادی و دنیایی است – از دل بیرون کند، عشق الهی در دلش افزون‌تر خواهد شد. عشق به امام زمان(عج) بسیار ارزنده و سازنده است. تقویت این عشق تنها با عمل میسر است. کسی که واقعا به احکام الهی مقید گردد، سنخیت پیدا کرده و در این صورت حتی ممکن است مورد نظر حضرت واقع گردد. خواندن دعای عهد با توجه به مضامین آن در هر روز، هم‌چنین به نیابت حضرت کارهای خیر انجام دادن، از اموری است که این ارتباط را مستحکم‌تر خواهد نمود. در پایان نیز توصیه می کنیم رؤیاهای خود را در این زمینه‌ها برای کسی بازگو نکنید، چرا که در صورت بازگو کردن ممکن است توفیقات از دست برود.}]

چگونه می توان به صورت عملی به امام عصر(عج) نزدیک شده و حضور ایشان را بیشتر درک کرد؟

پرسش

چگونه می توان به صورت عملی به امام عصر(عج) نزدیک شده و حضور ایشان را بیشتر درک کرد؟

پاسخ

به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی است، افکارش، صفاتش و اعمالش و هیچ انسانی از این قاعده مستثنی نیست، حتی حضرات معصومین(ع). ارتباط و نزدیکی به هر انسانی هم تنها از همین طریق ممکن است؛ یعنی،اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره‌ای ندارد جز این که بکوشد ابتدا افکار، باورها و طرز تفکر آن شخص را شناسایی نماید و خویش را از جهت فکری با آن شخص هماهنگ نماید وسپس بکوشد که قرب صفاتی پیدا نماید؛ یعنی، از جهت صفات و کمالات اخلاقی میان خود و آن شخص محبوب همانندسازی نماید و در نهایت نزدیکی در رفتار، نوع و روش زندگی بهترین طریقی است که انسان طالب کمال را به یک انسان کامل الگو نزدیکمی‌نماید. در مورد نزدیکی به امام عصر(عج) هم وضع به همین منوال است. ما به عنوان یک شیعه و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت(ع) وظیفه داریم ابتدا کیفیت اعتقاد، باورها، صفات، کمالات، نوع منش و کنش آن حضرات را شناسایی نماییم و در مرتبه بعد بکوشیم زندگی، صفات وباورهای خود را به ایشان نزدیک نماییم تا از این طریق هم شیعه و پیرو واقعی آنها باشیم. برای ارتباط بیشتر با امام زمان(عج) به موارد ذیل عمل کنید: الف) قرار گذاشتن با دوست؛ ابتدا باید کاری کرد که در شبانه‌روز حتما برای چند مرتبه هم که شده به یاد ایشان افتاد؛ مثلاً انسان تصمیم بگیردبعد از هر نماز به آن

حضرت سلام دهد. سپس شرح حال خود و درد دلی را با آن حضرت درمیان بگذارد. تکرار این برنامه موجب می‌شود ذهن آدمیبیشتر متوجه این مسأله مهم گردد، ب) صحبت کردن و سخن گفتن زیاد با ایشان مانند خواندن دعای عهد، هر روز، ج) جلب محبت وی؛ با هدیه به آن حضرت (صلوات، اهدای ثواب ختم قرآن و زیارت‌ها و...)، د) دوری از رنجاندن وی با کارهایی که می‌دانیم ایشان را آزرده می کند، ه) وفاداری و ثابت قدمی در دوستی با او، و) مقدم کردن خواسته او بر خواسته‌های خود.{J

عشق امام زمان « علیه السلام » یعنی چه ؟

پرسش

عشق امام زمان « علیه السلام » یعنی چه ؟

پاسخ

عشق آن موهبتی است که از سر آن خدا عالم را آفرید. فطرت عالی در تمام مخلوقات از عشق سرشته شده است . عشق پیوند دهند قلبهاست ؛ پیام آور حسن و کمال است ؛ جاذبه ای است روحی که دل و فکر و جسم را بسوی محبوب مورد علاقه می کشاند سخن گفتن درباره عشق گزاف است , امریست چشیدنی . اما آنکه مورد عشق است و محبوب درباره او بگوئیم تا معلوم شود جزوء عشق یعنی چه ؟ و چگونه پس از شناخت و معارفه عزیزی که صاحب تمام خوبی ها است دل آدمی اسیر و بیدار می شود ؟ چنانکه می دانیم و خداوند در قرآن درجای جای آیات اشاره کرده خداوند آدمی را آفرید و از میان آدمیان کسانی را برگزید و آنان را مظهر کامل صفات خویش قرار داد و آنان را برای مردم به عنوان حجت و الگو معرفی کرد و اگر درجائی از آنها مستقلا اسم نبرده است , یکسره به خصائل ایشان که برگزیده خود اوست , اشاره کرده و فرمان داده است . تفکری که لحظه ای از آن برتر از هفتاد سال عبادت است هیمن جاست که بیندیشم ازچه کسانی باید پیرویی کنیم ؟ ریشه این احکام و پیروی ها و این اخلاقیات وارسته را کجا بابیم ؟ اما خیمنی« ره» در تفسیر (اقرأ)درباره آیه { و العصر ان الانسان لفی خسر } میفرماید : عصر همان انسان کامل است که خداوند متعال آیه و نشانه عالی خود قرار داده است . مگر عشق ریشه در بدست آوردن زیبائی ندارد ؟ مگر عشق ریشه در بدست آوردن معدن جوشان عاطفه و دوستی ندارد ؟ مگر عشق ریشه در رسیدن به معدن تمام خوبی ها ندارد ؟ چگونه می توان عشق نورزید به کسانی که خداوند رحمت و بهشت ممتاز خویش را در گروه و دلدادگی به ایشان قرار داده است ؟ حتما زیارت جامعه را بخوانید و به معنایی جمله , جمله آن فکر کنید و به خاطر بسپرید ما گفتیم عشق ورزیدن بر امام زمان علیه السلام » یعنی چه ؟ حالا شما باید راجع به هر کدام از این کلمات کلیدی فکر کنید ؛ حتما تا کنون طعم خوش مهربانی را چشیده اید اینک به معدن آن فکر کنید که پیشوای شما نیز هست . لابد طعم خوش دوستی و سخاوت را تا کنون تجربه کرده اید اینک به کمال کامل آن توجه کنید که فقط با دستگیری او به رستگاری دنیا و آخرت خواهید رسید . درباره صفات مختلف کمالات انسانی فکر کنید و در نظر بیاورید پیشوایان معصوم « علیهم السلام » ما سر حلقه تمام این کمالاتند بویژه امام زمان حضرت مهدی « عج» که درعصر ایشان ما به این دنیا آمده ایم حالا بعد از تمام این فکر ها بخود بگوئید عشق ورزیدن به امام زمان یعنی چه ؟ عشق به امام زمان یعنی { افضل العباده انتظار الفرج } انتظار بقیه الله برترین عبادت است عشق به امام زمان انتظار را در پی خواهد داشت : و سپس علاماتی و نشانه های اول اینکه شخصی منتظر همانند منتظران فکر و ذکرش متوجه معشوق باشد و او را از یاد نبرد. دوم اینکه : کسیکه انتظار

و عشق حضرت را دارد قبل از ظهور آن گرامی خود را اصلاح کند از گناه توبه نماید و به اعمال صالح و رفتار پسندیده خود را زینت دهد تا لیاقت و شایستگی مصاحبت و درک حضور آن حضرت را پیدا کند. سوم : اینکه انتظار و عشق به آن حضرت این نیست که دست روی دست گذاردن و احساس مسئولیت نکند و بگوید آقا خودشان تشریف می آورند و کارها را درست می کنند , بلکه باید اول خود را اصلاح و سپس امر به معروف و نهی ازمنکر و جلوی بد حجابی و فساد و ظلم و تباهی رابگیرید و جهاد در راه سازندگی خود , جامعه کوتاهی نکنید و امام را دعا نماید . منابع : ۱-اشتیاق جمال, علی شاد ۲- نشانه های یار و چکامه انتظار , مهدی علی آبادی .

۱۰- امام زمان(عج) از چه کارهای غصه می خورند ؟ لطفا بطور کامل توضیح دهید ؟

پرسش

۱۰- امام زمان(عج) از چه کارهای غصه می خورند ؟ لطفا بطور کامل توضیح دهید ؟

پاسخ

امام زمان (علیه السلام) غصه می خورند زمانی که ما به آنچه که خداوند امر کرده عمل نکنیم و از آنچه که خداوند نهی کرده دوری ، و جای دیگری که امام زمان غصه می خورند اینکه ما انسانها آنقدر به فکر مادیات وزرق و برق دنیا هستیم و اینکه از ۲۴ ساعت وقت در شبانه روز ، یک چهارم را صرف عبادت نمی کنیم، امام زمان غصه می خورند از زورگویی ظالمان به مظلومان، اگر همه ملتهای مسلمان هم پیمان شوند وراه خدا را درپیش بگیرند، دیگر هیچ کس جرأت زور گویی به دیگران را هم نخواهد داشت ، خداوند به هر فردی استعداد و ویژگی منحصر به فرد داده است و از این استعداد توقعاتی دارد نه اینکه استعداد خود را در راه خلاف شرع مصرف کند . امام زمان در روزهای دوشنبه نامه اعمالمان را ورق می زند و هفته ای یک بار امضاء می کنند. وقتی نامه اعمال ما را به امام زمان (عج) می دهند امام زمان آنقدر گریه می کنند که از شدت گریه امام زمان(علیه السلام) فر شته ها به گریه می افتند . یکی دیگر از جاهایی که امام زمان غصه می خورند ، احترام نگذاشتن به والدین ، انجام ندادن صله رحم، تهمت، غیبت وکلا- تمام رذایل و صفات اخلاقی و اینکه خداوند به خاطر رحمت خود نعمتی به ما عرضه کرده ، عوض اینکه به شکر گذاری بپردازیم بگوییم حقمان است لیاقتش را داشتیم تکبر بورزیم با یک حرف زدن خدشه در ایمان و اعتقاد و ... به وجود بیاوریم . خداوند فرمودند : امت آخر زمان از همه امتها بهترند و به خاطر اینکه آنها نه امامی را دیدندو نه معجز اتشان ،اما اعتقاد در آن ها خیلی قوی تر است . انشاء الله که سعی کنیم رذایل و صفات اخلاقی نکوهیده را کنار گذاشته و به دنبال روزی حلال و اینکه توکل برحق کرده و هر کاری را که می کنیم فقط برای رضای خدا باشد انشاء الله خداوند به توفیق امام زمان(علیه السلام) راه را برای ما هموار خواهند کرد ، اینکه خودمان آماده کنیم و بخواهیم پا روی نفس و هواههای نفسانی گذاشته و دنیا محل آزمایش است، آیا از این آزمایش الهی چگونه بیرون می آئیم وقتی مهدی فاطمه از ما بیشتر به فکر هستند، پس چرا ما به فکر خودمان نیستیم. و شما می توانید به کتابهای اخلاقی مراجعه کنید . منابع : ۱-خورشید مغرب ، محمد رضا حکیمی ۲-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ۳- تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری ۴-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی ۵- ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

چگونه می توان رضایت امام زمان (عج) را جلب کرد؟

پرسش

چگونه می توان رضایت امام زمان (عج) را جلب کرد؟

پاسخ

ائمه اطهار(ع) هدایت کنندگان انسان‌ها به سوی خدا هستند و مانند مشعلی راه را فراسوی انسان روشن می‌کنند واو را از گرداب‌های ضلالت و گمراهی نجات می‌دهند. نکته‌ای که باید به آن خیلی توجه کرد این است که کانون و محور دین مبین اسلام، توحید است و همه انبیا و اولیاآمده‌اند که ما را به آن هدایت کنند و بزرگ‌ترین افتخار آنان این بوده که بنده خدا بوده‌اند. پس رضای خدا، رضای آناناست و هر چه موجب خشنودی خدا باشد، ائمه اطهار و امام‌زمان(عج) را خشنود می‌سازد. ازاین‌رو برای کسبرضایت امام‌زمان(عج) باید در جست و جوی کسب رضایت خدا بود و برای رسیدن به این امر مهم باید تلاش کردودین را آن چنان که هست شناخت و به آن عمل کرد. علم و ایمان دو رکن اساسی در زندگی انسان به شما می‌رود و برای کسب رضایت امام‌زمان(عج) باید هر چه بیشترآنها را تقویت کرد. این که شنیده‌اید در دوره آخر الزمان مردم لباس اسلام را وارونه به تن می‌کنند؛ ممکن است به این معنا باشد کهبعضی از ارزش‌های اسلامی، جایگاه خود را از دست می‌دهد و برخی از امور بی‌ارزش یا ضد ارزش ارزشمندمی‌شود. یکی از اموری که موجب می‌شود فرد از این آسیب تا حد زیادی مصون بماند، این است که او باید سعی کند اسلامرا درست بفهمد و به آثار اندیشمندانی که مورد اعتماد هستند و دین را صحیح درک کرده‌اند، مراجعه کند.{

سایر مباحث

دلایل دلتنگی در عصرهای روز جمعه چیست

پرسش

دلایل دلتنگی در عصرهای روز جمعه چیست

پاسخ

این سؤال شما دلائل مختلفی می‌تواند داشته باشد. ممکن است به خاطر تلقین زیاد ویا ماندن در خانه و یا ازدیادفعالیت در روز جمعه باعث اینگونه افکار گردد. نظر دیگر اینکه با یکی از علمای عصر حاضر همین سؤال مطرح شد وایشان در جواب فرمودند: روز جمعه متعلق به ولی عصر(عج امام زمان (ع می‌باشد و در احادیث است که آن حضرت‌صبح روز جمعه ظهور می‌فرمایند و از طرفی بین مردم و آن حضرت یک رابطه فطری و روحی وجود دارد و به صورت‌غریزی و روحی مؤمنین خوشحالند به خاطر انتظاری که برای ظهور آقایشان می‌کشند ولی همینکه بعد از ظهر فرا رسید وظهور آن حضرت محقق نشد به طور طبیعی غم و اندوه

دل‌های آنها را فرا می گیرد.

چرا در موقع سلام به امام زمان(عج)،دست خود را برروی سر می گیریم؟

پرسش

چرا در موقع سلام به امام زمان(عج)،دست خود را برروی سر می گیریم؟

پاسخ

به هنگام یادآوری وجود مبارک حضرت و ذکر و یاد او و دعای برای آن حضرت این عمل برای ابراز احترام و بزرگداشت انجام می گیرد و نقل شده است که در حضور امام رضا(ع) اسم مبارک امام زمان(ع) برده شد، آن حضرت برای احترام برخاستند و دست بر سر نهادند. ضمن آن که این عمل مستلزم اعلام تذلل و احتیاج شدید و استغاثه به آن حضرت است.

آیا عقیده به مهدویت با فطرت و سنن عالم خلقت سازگار است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت با فطرت و سنن عالم خلقت سازگار است؟

پاسخ

خلاصه و حقیقت مهدویت منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد، و سعادت عمومی، امنیّت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی، غلبهٔ حق بر باطل، غلبهٔ جنود الله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان بر مستکبران و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابر مرد الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین اوصیا و خلفای پیامبر آخرالزمان است. این محتوا و این هدف و این پایان و عاقبت، مطلوب هر فطرت و خواسته وجدان هر انسان است. حکومت عدل و نظام الهی، قانون واحد و لغو تبعیضات برداشته شدن مرزها و آزادی انسانها برچیده شدن این رژیمها و نظامهای طاغوت پرور مطلوب بشر است. کدام انسان است که با این همه مظالم و ستمگریها موافق باشد؟ و کدام انسان است که با صرف این بودجههای تسلیحاتی سنگین و کمر شکن که برای حفظ رژیمها و مرزهایی است که در اثر تقسیم دنیا و مناطق سلطه و نفوذ طاغوتها و حزبها و گروههای طاغوتی برقرار شده است موافق باشد؟ و کدام انسان است که تقسیم ملل دنیا را به غالب و مغلوب و سلطهگر و زیر سلطه و استصعافگر و استصعاف شده و پیشرفته و عقب مانده وجداناً قبول داشته باشد؟ فطرت بشر همهٔ اینها را محکوم میکند و ندا و نهضتی را که بخواهد به این نظامها پایان دهد و پیامبرگونه و علی وار زمام امور را به دست بگیرد تأیید مینماید. بنابراین، اجماع ملل و امم بر اینکه پایان جهان سعادت عمومی است و در دنبال این تاریکیها روشنایی است و مقاومت در برابر حق سرانجامش شکست و نابودی است یک اصل است. اصل فطری است که با سنت جهان و حرکت عالم و یا بنیاد جهان که بر حق استوار است موافق

میباشند.

تفاوت رفتارهای سیاسی امامان (ع) و اختلاف روش های آنان را چگونه می توان تحلیل کرد؟

پرسش

تفاوت رفتارهای سیاسی امامان (ع) و اختلاف روش های آنان را چگونه می توان تحلیل کرد؟

پاسخ

۱ : ایمه (ع) رهبران الهی و سیاسی بندگان خدایند و این مطلب در زیارت جامعه کبیره آمده است . [ساسه العباد] (ساسه) جمع سایس است بمعنی مدبر و کسی که امورمملکتی را از روی عقل و تدبیر اداره کند و در هر کار بصیر و دانا و کار آزموده باشد .ایمه هدی (ع) هر یک در دوران زمامداری خود با دقت و کاردانی مصالح امور اجتماعی و انفرادی بندگان خدا را سنجیده و بر طبق آن عمل نموده اند، در مسیله زمامداری خلق بخصوص در ماموریتهای الهی چیزی مهم تراز حسن تدبیر و کاردانی برای نظم و برقراری حکومت عدل و داد در میان مردم نیست و از این جهت کسی که از طرف خدای سبحان به این سمت منصوب می شود، باید بهترین سیاستمدار و داناترین فرد در هر دوران باشد، هم چنانکه انبیا (ع) بخصوص رسول اکرم (ص) عالیترین مقام وکاردانی و سیاست را دارا بوده چون این امر لازمه مقام نبوت و ولایت است و جز از طریق تدبیر و دانایی و سیاست و کاردانی امکان راهنمایی وهدایت بندگان میسر نیست و باید گفت که امر سیاست یکی از مراتب مقام نبوت است که در نصب خلافت به اوصیا (ع) تفویض شده است و ازهمین جهت است که اسلام را دین سیاست خوانده اند .چون تمام پیشوایان و زمامدارا آن در هر دو ران با تد بیر و سیاستمدار بودند .و اگر توجه کنیم بعد از رسول خدا (ص) ، ایمه (ع) چقدر مواجه با مخالفتها و خلافکاریها و نفاق و دسته بندیها بوده و از همه بالاتر، با طاغوتیان و حکام به ناحق زمان خوددر ستیز و پیکار بوده اند، و اگر کوچکترین غفلتی در امر سیاست و نگهداری دین بوجود میآمد و اگر تدبیر و کاردانی آنان در راه قرآن و حفظ اسلام نبود، چگونه دین خدا در مسیر تکامل راه خود را طی می نمود، نگاه بتاریخ اسلام و ایمه (ع) این معنا روشن می سازد، بعد از رسول اکرم (ص) که سیاست نگهداری اسلام بدست توانای امام علی (ع) افتاد و امام چگونه به انواع تدبیر در برابر مشکلات و طوفانهای شد ید ایستادگی کرد گاهی در میدان مبارزه در مقام جنگ با اهل کفر و نفاق و ستم بود و گاهی در مقابل بعضی از حوادث بخاطر مصالح عمومی صلح می کرد و اسلحه را به زمین می گذاشت تا مبادا لطمه ای به دین خدا وارد شود . و زمانی هم سیاست آن بزرگوار چنین اقتضا می کرد که در گوشه ای آرام به تفسیر آیات الهی وسنت پیامبر بپردازد .کافی است در امر سیاست امام علی (ع) به همان دستوری که به مالک اشتر در امر حکومت مصر داده است توجه شود (عهدنامه مالک اشتر) و این سیاست جهانی اسلام مختص امام علی (ع) نیست ، بلکه امامان معصوم (ع) همگی در این امر بر وجوه گوناگون وشیوه های مختلف در دوران خلافت و امامت خود سیاستهای خاصی بکاربرده اند .مثلا- "امام حسن (ع) در برابر آنهمه ناروواییها بردباری کرد، گویاسیاست امام (ع) در آن ایام چنین اقتضا می کرد که برای تحکیم و حفظاسلام در آن دوران پر هرج و مرج و پر آشوب ، خونسردی و بردباری را پیش بگیرد و برای نگاهداری اسلام و دین خدا راه مسالمت و صلح را در برابرمنافقین و مخالفین اختیار کند .(امام حسن (ع) در مورد صلح خودش بامعاویه می گوید : ((انی رایت هوی اعظم الناس فی الصلح و کرهوا الحرب فلم احب ان احملهم علی ما یکرهون ؛ به

درستی دیدم میل بیشتر مردم درصلح است و از جنگ کراهت دارند پس میل نداشتم که آنچه را اکراه دارند برآنها تحمیل کنم زیرا جنگ چیزی نیست که با بی میلی و نا باوری سپاه قابل دوام باشد و پیروزی حاصل گردد .) ، (نقل از تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۴۶۵، دکتر علی اکبر حسنی) . بنابراین شناخت زمان درحرکت و جهت گیری ایمه (ع) مهم است و صلح امام حسن (ع) اگر برای مصلحت اسلام نبود هرگز تن به این صلح نمی داد .و یا اینکه امام حسین (ع) برای برقراری و استقامت دین خدا بهترین سیاست را راه مبارزه و مجاهده دربرابر کفر و الحاد دانسته وارد میدان کارزار شده است همچنان که سیاست امام حسن (ع) صلح را بر جنگ ترجیح داد سیاست امام حسین (ع) نیز جنگ وپیکار را بر صلح و سازش مقدم داشت اما هر یک بنوبه خود برای نگاهداری دین خدا بهترین سیاست را بکار بردند .۲ : امام رضا (ع) در زمان امامت خودش سیاست خاص خودش را داشت ، در عصر امام کاظم (ع) شیعه دارای شبکه سری منظمی بود بعد از شهادت امام کاظم (ع) ، امام رضا (ع) درب خانه اش را بست و به شیعیان پیام فرستاد که به خانه اش نیایند، پس ازهفته ای در برابر انظار ماموران سری از خانه بیرون آمد و به بازار رفت وسگی و قوچی و خروسی خرید ...و به خانه برگشت ، و با این کارش دستگاه عباسی هارون الرشید را غافلگیر کرد آنها تصور کردند امام اهل سیاست نیست و خطری از طرف امام متوجه آنها نیست و از طرف امام مطمین شد ند،ولی بعد زبیری به هارون الرشید نوشت علی بن موسی مردم را دعوت کرده است ، (بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۴، ۱۵، ۱۶، انتشارات مکتبه الاسلامیه) امام رضا (ع) با موضع گیریهای سیاسی خودش هم عرصه را بر مامون تنگ می کرد و هم مکتب تشیع و اسلام ناب را به مردم معرفی می کرد.برای نمونه می توان به مواردی از آنها اشاره کرد .الف : اولین مخالفت امام و برخورد او رد پیشنهاد خلافت از طرف مامون بود که سرانجام با تهدید مامون امام ولایتعهدی را با شرایط ویژه ای پذیرفت . ب : ترویج امامت به عنوان یک اصل و یک منصب الهی . ج : بیرون آوردن تشیع از حالت یک حزب مخفی و زیر زمینی و مطرح نمودن در سطح مملکت و در بین ملل و نحل به عنوان برترین مکتب ، و این امر با مناظره امام با سران مذاهب و مغلوب ساختن آنها تحقق می یافت . د : امام رضا (ع) با به خطر انداختن جانش پذیرای دعوت مامون شد و حرکت سیاسی احیا گرانه امام صادق و شهادت سبز عمش امام حسن و راه شهادت سرخ جد بزرگوارش امام حسین (ع) رادنبال کرد منتهی در لباس دیگر و به سبک خاص به همین دلیل درخداحافظی با اقوام به آنان توصیه کرد که گریه کنند که سفری است که امید بازگشت ندارد، (نقل از تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۲۲۶و ۲۲۵ و ۲۲۳، دکتر علی اکبر حسنی) ۳ : و سوال از اینکه چرا امام به قیام اشاره نکرد؟ بطور خلاصه می توان گفت که موقعیت زمانی و مصلحت مسلمین اگر ایجاب می کرد و نیز مردم اگر از نظر رشد سیاسی و امام شناسی در حدی می بودند که امام را درک کنند بعید نبود که امام قیام بکند، امابطور کلی مسیله زمان و اقتضا زمان را در حرکت امامان (ع) باید در نظرگرفت . همانطوری که امام صادق (ع) بر سران عباسی موقع قیامشان پاسخ رد داد و رهبری نهضت را قبول نکرد هر چند که شروع نهضت عباسیان باشعار [الرضا من آل محمد] بود، با این همه امام صادق (ع) نامه های سران نهضت را قبول نمی کردند .((ابو مسلم پس از مرگ ابراهیم ، امام به حضرت صادق (ع) چنین نوشت : من مردم را به دوستی اهل بیت دعوت می کنم اگرمایل هستید کسی برای خلافت بهتر از شما نیست . امام (ع) در پاسخ نوشت [ما انت من رجالی و لا الزمان زمانی] نه تو از یاران منی و نه زمانه ، زمانه من است ، (الملل و النحل ، ج ۱، ص ۱۵۴، شهرستانی ، تحقیق محمد سیدگیلانی ،چاپ بیروت ، دار المعرفه ، نقل از سیره پیشوایان ، مهدی پیشوایی ،ص ۳۸۴) و هم چنین فضل کاتب گوید روزی نزد امام صادق (ع) بودم که نامه ای از ابو مسلم رسید، حضرت به پیک فرمود نامه تو را جوابی نیست اززنزد ما بیرون شو، (بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۹۷، انتشارات المکتبه اسلامیه) در مورد امام رضا (ع) نیز باید مسیله زمان را در نظر گرفت هر چند که در زمان امام رضا (ع) در اکثر سرزمینهای اسلامی و قلمرو خلافت اسلامی عباسی شورشی علیه مامون ، توسط یکی از علویان و زیدیان حال یا به ابتکار خودشخص یا به تقاضای مردم به راه افتاده بود؛ اما مهم این است که این قیام ها و شورش ها متصل به امام رضا (ع) نبود و به امر هدایت آن حضرت شروع نشده

بود و آخر از کجا سر در می آورد معلوم نبوده (شاید مثل عباسیان یا بدتر از آنان می شدند) و امام معصوم هم مثل سایر سیاستمداران معمولی و ابن الوقت نیست که از هر فرصت بدست آمده برای رسیدن به هدف مقدس استفاده کنند، در پیش معصومین (ع) تنها پاکی هدف مطرح نیست باید وسیله هم پاک باشد .۴ : الف در ملاک قرار دادن سیره امامان (ع) ، داشتن بینش به وسعت دید ایمه (ع) لازم و ممکن نیست ، چون حد معرفت هر کس باندازه درک و استعداد او است ، و کمتر کسی می تواندبطور کلی بتمام شیون آن بزرگواران پی برده باشد مگر خود امام و اولیاخاص الهی ؛ ولی این دلیل نمی شود که دیگر کسی برای شناخت امامش وصفات رهبر واجب الطاعه کوشش ننماید .ائمه (ع) معدن رحمت و برکات الهی ، خزاین علم و حکمت الهی ، حجت خدا بر خلق عالم ، حافظ اسرار الهی ، ووارث انبیا، نور خدا و راهنمای طریق هدایت هستند .و با این اوصافی که دارند تمام موضعگیرهایشان به حق و به نفع اسلام و مسلمین است ؛ و اگر درمواردی نمی توانیم موضع ایمه (ع) را هضم کرده و درست تحلیل کنیم ضعف به خود ما بر می گردد و باید با تلاش و مطالعه در سیره و روش آنها این نقیصه را جبران کنیم بدون چشم مسلح به خورشید نگاه کردن به ضرر چشم تمام می شود .و دید انسان را تاریک می کند، برای نجات از ظلمات باید ازنور مشعلی که ایمه افروخته اند قبسی گرفت .... برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به : ۱- سیره پیشوایان (نگرشی بر زندگانی اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم (ع) ، مهدی پیشوایی ، نشر، موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع) ۲- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع) ، رسول جعفریان ،ناشر : انصاریان ۳- زیارت جامعه کبیره ، مفاتیح الجنان ب : نوع برخورد وزندگی و چگونگی موضعگیریهای سیاسی ، اجتماعی ایمه (ع) زمانی برای ماقابل فهم و بهتر روشن می شود که اولا- "از شرایط خاص اجتماعی و سیاسی وفرهنگی زمان آن بزرگواران آگاه باشیم ، مادام که با شرایط و اوضاع ویژه آن روزگار - ایمه (ع) - آشنا نباشیم ، طرز برخورد ایمه با مسایل اجتماعی و سیره ایمه برای ما معنی و مفهوم دقیق و واقعی خود را نخواهد داشت حتی درمواردی که از تاریخ زندگانی امامان را مطالعه می کنیم ، میان مواضع گوناگون آنان نوعی تضاد و تعارض احساس می کنیم زیرا می بینیم برخی صلح کرده و برخی تا آخرین نفس جنگیده برخی مدرسه و دانشگاه علمی تاسیس کرده بعضی ولایت عهدی را پذیرفته و . ...لذا برای جمع بندی ونتیجه گرفتن از حرکتها و زندگی امامان معصوم (ع) باید شرایط آن دوران رابررسی کنیم تا دچار تضاد نشده و پیش داوری نکنیم ، بنابراین چیزی که در این مورد باید از معصومین (ع) یاد گرفت اصل آگاهی به زمان است. پیامبر اسلام (ص) فرموده است : ((رحم الله من حفظ لسانه و عرف زمانه واستقامت طریقته ؛ خداوند رحمت کند کسی را که زبان خود را حفظ کند وزمان خود را بشناسد و از روش مستقیم برخوردار باشد)) ، (نهج الفصاحه ، ج ۱، حرف را) . امام صادق (ع) فرموده است : ((و العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس ؛ کسی که از زمان خود آگاه است از طرف شبهات و اشکالات موردحمله واقع نمی شود)) ، (اصول کافی ، ج ۲، ص ۲۶؛).

آیا انتظار فرج و مصلح حقیقی انسان برای نجات انسان از شر و پلیدی ها و ترسیمی که از بعد فرج حضرت داریم را می توان مساوی ایام زمام داری حضرت رسول دانست یا بالاتر و بهتر ؟ اگر بالاتر و برتر است چرا در زمان حضرت رسول"ص "و زمام داری ایشان ، به آنجا جامعه نرسیده

پرسش

آیا انتظار فرج و مصلح حقیقی انسان برای نجات انسان از شر و پلیدی ها و ترسیمی که از بعد فرج حضرت داریم را می توان مساوی ایام زمام داری حضرت رسول دانست یا بالاتر و بهتر ؟ اگر بالاتر و برتر است چرا در زمان حضرت رسول"ص "و زمام داری ایشان ، به آنجا جامعه نرسیده

پاسخ

؛ آنچه مسلم است محبت و دوستی نسبت به این خانـدان پـاک موجب نزدیکی مـا به آنـان در نتیجه بهره منـدی از تعالیم متعالی و سعادت بخش آنان خواهـد شـد اما جای بسـی تأسف است که پس از رحلت رسول اکرم"ص "علی رغم سـفارشات پی در پی آن حضـرت مبنی بر پیروی از عترت ایشان و مودت و دوستی اهل بیت"ع "و با وجود تأکیدات فراوان آن حضرت بر خلافت و ولایت حضـرت علی"ع "و تمسک جسـتن به اهل بیت"ع "که قرین قرآن و یکی از دو گوهر به یاد مانـده از رسول خـدا" ص "محسوب می شوند طولی نکشـیدکه خاندان آن حضرت از صحنه اجتماع کنار گذاشته شده با بی اعتنایی و بی توجهی کامل روبرو شدند در این شـرایط به سادگی می توان سـرنوشت اندوهبار این کشتی سرگشـته در میان امواج و این نهال نو رسـته محروم مانده از باغبان را پیش بینی نمود . در زمان رسالت پیامبر گرامی" ص "تمام سـعی و تلاش ایشان به ارشاد دیگران و دعوت آنها به اسـلام یا جنگ با مشـرکان گـذشت و آنچنانکه بایـد ایشان به اهـدافشان نرسـیدند پس از ایشان نیز تا زمان حضـرت مهـدی" عج "حکومت واقعی به امامان معصوم"ع "واگـذار نشـد تا اینکه در زمان ظهور حضـرت مهـدی" عج "حکومت واقعی ایشان و نجات محرومان تحقق می یابـد به طوری که در روایت آمـده است " : خوشـا به حـال شـیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به ریسـمان ما پای بنـد هسـتند و بر دوستی ما اسـتوار و از دشـمنان بیزار ، ما از آنها هستیم و آنها از ما ، آنها ما را بعنوان امام پذیرفته اند و ما ایشان را به عنوان شـیعیان خود پـذیرفته‌ایم، خوشـا به حال آنها و باز هم خوشا به حال آنها و به خـدا سوگنـد آنها در روز قیامت ، هم مرتبه ما خواهنـد بود". امام موسـی ابن جعفر(ع ") و از امام رضا"ع "نقل شـده است که . . . " : خداونـد بوسـیله او زمین را از سـتم پاک می کنـد و از هر ظلمی منزه می سازد و هم اوست که مردمش در ولایت او تردیـد می کنند و پیش از ظهور غیبت دارد و وقتی ظاهر شود زمین ، نور و روشـنایی می یابـد و عـدل و داد در همه جا فراگیر می شود و هیچ کس به دیگری سـتم نمی کند " . . . و پس از ظهور حضـرت مهدی"ع "از پیامبران صـلوات الله علیهم و بعضـی از امامان معصوم علیه اسـلام ، به دنیا رجعت می کنند و دوباره حکومت خواهند داشت از جمله پیامبر گرامی اسلام"ص ، "حضرت علی"ع "امام حسن و امام حسین"ع "و . . . که این امور فقط به خاطر بالا رفتن سطح ایمان و فهم مردم آخرالزمان ممکن می باشـد . به امیـد اینکه ما نیز چنین روزی را شاهـد باشـیم و از منتظران واقعی حضـرت مهـدی"عـج "به شـمار آئیم . برای بـدست آوردن اطلاعات بیشتر در این مورد می توانیـد به کتابهایی که در مورد زنـدگانی امامان معصوم"ع "و رسول گرامی اسـلام" ص "نوشـته شده است مراجعه کنید . ۱) کتاب زندگی دوازده امام"ع ـ "نوشـته هاشم معرف الحسینی ـ جلد دوم ـ ص ۵۵۵ و ۵۵۶ ۲) کتاب آموزش عقایـد ، جلد دوم ـ نوشـته آقایان محسن غرویان محمد رضا غلامی و سـید محمد حسین میرباقری ـ ص ۳۹۹ ۳)

برایم از وجود مقـدس آقا امام زمان(عــج) بگویید و کتاب یا کتابهایی را که در این مورد لازم می دانید تا بهتر پی به وجودشان ببرم معرفی کنید و اینکه چگونه باید یک منتظر واقعی باشم.

پرسش

برایم از وجود مقـدس آقا امام زمان(عج) بگویید و کتاب یا کتابهایی را که در این مورد لازم می دانید تا بهتر پی به وجودشان ببرم معرفی کنید و اینکه چگونه باید یک منتظر واقعی باشم.

پاسخ

حضرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد، (اصول کافی، چاپ آخوندی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید، (همان، ص ۵۰۳). مادر حضرت ولی عصر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صیقل» گفته می‌شود، (جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۴، فائده ثالثه به نقل از خلاصه علاّمه). حضرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می‌زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه‌داشته می‌شد و جز خواصّ‌ی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقات نداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می‌توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه‌ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)). یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسن عسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عمرو! می‌خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی ندارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجت برداشته می‌شود و راه توبه بسته می‌شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می‌خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضرت ابراهیم از خداوند خواست که به او کیفیت زنده کردن مرده‌ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می‌خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته‌ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شما گفتند، درست گفته‌اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده‌ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده‌ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می‌پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می‌پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده‌اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱). این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین‌های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند. حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نواب خاصه کسی با او ملاقات نمی کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد. حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،

(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹). آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است. در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد کرد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیةالله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ از مآخذ گوناگون روایات راآورده است. هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده‌اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است: پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی‌رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند{M»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶). پیامبر اکرم فرمود: المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراه می‌کند{M»، (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸). ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است{M»، (همان، ص ۱۳۶۸). پیامبر خدا فرمود: یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می‌کند{M»، (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸). در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: یکون فی امتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است{M»، (همان). ام سلمه می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است{M»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷). رسول خدا فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).{J وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می‌کند، وسایل پذیرایی را آماده می‌کند و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه‌گویی او خواهند خندید. لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می‌شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید». با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را درراه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به نکات ذکر شده می‌توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش او را می‌شناسند و مقام او رامی‌دانند منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان را نمی‌شناسند اگر چه به

ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری وصل خورشید به شب بره اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳). ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل‌های مختلف؛ اگر انسان منتظر، محبوب خویش را نیابد، سعی می‌کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی‌شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می‌کند. ۷. یاد فراوان حضرت؛

یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب‌هایی برای آن حضرت ۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه‌افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران. ۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران ۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می‌باشد. در این زمینه به کتابهای زیر مراجعه کنید: ۱- کتابنامه امام زمان محمدپور ۲- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی ۳- ترجمه منتخب الاثر آیت اللّه صافی ۴- مهدی موعود ترجمه علی دوانی ۵- وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّه صافی ۶- امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی ۷- علائم ظهور محمد علی علمی

عده ای از یهودیان برای رهائی از حمله رومی ها به قدس به حرّهٔ غربی طائف مهاجرت و در آنجا ساکن شدند (قبل از بعثت پیامبر) به هنگام نزاع با خضرجیان به آنان می‌گفتند پیامبری ظهور می کند که ما به او می پیوندیم و شما را از بین می بریم. چرا پس از دعوت پیامبر هیچ ی

پرسش

عده ای از یهودیان برای رهائی از حمله رومی ها به قدس به حرّهٔ غربی طائف مهاجرت و در آنجا ساکن شدند (قبل از بعثت پیامبر) به هنگام نزاع با خضرجیان به آنان می‌گفتند پیامبری ظهور می کند که ما به او می پیوندیم و شما را از بین می بریم. چرا پس از دعوت پیامبر هیچ یک از آنان اسلام را نپذیرفتند؟ با وجود اینکه خود توسط تورات از این مسئله آگاهی و تأکید نیز داشتند. آیا چنین مصادقی را زمان ظهور حضرت مهدی(می‌توان یافت؟ در میان مأکدین ومنتظرین؟

پاسخ

انسان مشتاق گاهی به دنبال حقیقتی می گردد، ولی هنگامی که به آن رسید، و آن را مخالف منافع شخصی خویش دید، بر اثر هوی پرستی به آن پشت می کند، و گاه حتی به مخالفت به آن نیز برمی خیزد. وضعیّت قوم یهود در برخورد با حقانیّت رسول مکرم اسلام(و دین او، چنین بود. قرآن در این باره می فرماید" : بئسَما اشْتَرَوا به اَنفُسَهُمْ اَنْ یَکْفُرُوا بما اَنزل اللهُ بَغْیاً اَنْ یُنَزِّلَ اللهُ مِنْ فَضْله عَلی مَنْ یشاءُ مِنْ عباده، فباؤُ بغَضَبٍ عَلی غَضَبٍ و للکافرینِ عذابٌ مُهینٌ ("۱) یعنی (آنها (قوم یهود) در مقابل بدیهایی خود را فروختند، ناروا به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند، و معترض بودند که چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگان خود که بخواهد، آیات خود را نازل می کند، لذا خشم خداوند یکی پس از دیگری آنها را فرو گرفت، و برای کافران مجازاتی خوار کننده است.) طبق این آیه شریفه، قوم یهود انتظار داشتند پیامبر موعود از بنی‌اسرائیل و از میان خود آنان باشد، و از نزول قرآن بر دیگری ناراحت بودند. لذا زمانی که دریافتند پیامبر(از بنی اسرائیل نیست، و نیز ترس از اینکه مبادا منافع شخصیشان به خطر افتد، به او کافر شدند. و پشت کردند، و حتی به مقابلهٔ به او برخاستند. در جایی دیگر قرآن در این باره می فرماید" : هنگامی که به آنها گفته شود به آنچه خداوند نازل فرموده ایمان آورید، می گویند به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده باشد،

www.noorfatemah.org

و به غیر آن کافر می شونـد ("۲.) و این نشـان از تعصّبات نژادی قوم یهود دارد، که در همه حـال به منـافع قومی و نژادی خود می اندیشـند. قـوم یهـود گرچه به ظـاهر در انتظـار پیـامبر موعود حضـرت محمـد(بودنـد، ولی از درون نیز گرفتـار نوعی خودخواهی و خودپرستی بودنـد، که مـانع ایمـان و اعتقـاد همه جـانبه آنها به او می گشت. و سـرانجام همین خودپرستی و خودخواهی، آنان را به ورطهٔ ضلالت و هلاکت افکند. به اعتراف قرآن کریم، قوم یهود آنچنان به مال اندوزی و قبضهٔ دنیا و انحصار طلبی تامّ و تمام علاقه منـد و حریصـند، که هر یک از آنان دوست دارد هزار سال عمر کند.(۳) و حتی می فرمایـد اینان از این جهت از مشـرکین که طبعاً می بایست در جمع آوری اموال از همه حریصتر باشـند و در راه بـدست آوردن آن از هر راهی باکی نداشـته باشـند، حریصترنـد. به فرموده قرآن کریم، آنچه عدم اینان اکثریت یهودیان را به پیامبر اسـلام(سـبب گشت، علاوه بر خودخواهی و خودپرستی و لجاجت در برابر حکم و فرمـان پروردگار، حرص و ولع زائـدالوصف آنها به امور مادی و منافع شخصـی بود. اینکه آیا ممکن است عملکرد یهودیان در قبال پیامبر(، در مورد منتظرین امام عصـر، حضـرت بقیـهٔا... نیز مصداق پیدا کند یا خیر ابتدا باید به توصـیف ویژگیها و خصوصـیات منتظرین حضـرت حجـهٔ پرداخت، تـا ابهـام برطرف گردد. طبق روایـات اسـلامی، منتظران حقیقی آن حضـرت کسـانی هستند که علاوه بر موحّد بودن، به غیب و امدادهای غیبی ایمان و اعتقاد دارند. در اصول اعتقادی نیز ایمانشان توأم با یقین است، و از هرگونه تقلیـد کورکورانه و ناآگاهانه پرهیز می کننـد، و در برابر همهٔ فریبها و نیرنگها پایدار و مقاومند. و اسـیر هوی و هوسـهای نفسانی نمی گردنـد، و از هرگونه دنیاپرستی و زراندوزی که دیانت آنها را خدشه دار کند، و نیز هر نوع سـستی و تنبلی بدورند، و در همه حـال رضـایت پروردگـار را می جوینـد، اخلاـصِ در عمل در اعماق جانشان ریشه زده. موضوع ایمان و صبر و پایـداری در عصـر غیبت، طبق رویات، از خصوصـیات بارز و در غین حال بسـیار مشـکل و دشوار منتظران حضـرت مهدی(می باشد. آنگونه که پیـامبر (می فرمایـد" : و پیش روی شـما دوران صبر و پایـداری است، صبر در این زمـانه همچون گرفتن پـاره هـای آتش در مشـت است، آن کس که در این زمانه عمل کنـد و بکوشـد، پاداش پنجاه نفر از شـما را دارد. اصـحاب گفتند : ای رسول خدا، ما با تو در بـدر و احـد و حنین بوده ایم، و قرآن بین مـا نازل شـده است! فرمود : اگر شـما آنچه را که آنان متحمّل می شونـد، بخواهیـد تحمّل کنید، نمی توانید چون آنان پایدار و بردبار باشید("۴.) منتظری که چنین ویژگی داشـته باشد، و از هر نوع نفاق و دورویی و خیانت و لجاجت بـدور باشـد، و روح و جانش مملو از عشق به پروردگار عالم و مطیع اوامر او باشد، مسلّم اگر ظهور امام عصـر(را درک کنـد، به آن امـام عزیز پشت نمی کنـد، و یا در برابر او شمشـیر نمی کشـد، بلکه همراه و همگام و متحـد با او، به ستیز باظلم و سـتم برخواهـد خواست. امـا کسـانی که به زبـان ادعـای دوستی و انتظار می کننـد، و همچون یهود صـدر اسـلام، از درون گرفتار حبّ و بُغضهای نفسانی باشند، ولو اینکه مسلمانند، با ظهور امام(، آنان نیز منافع خود را در خطر خواهند دید، و ممکن است همان عملی را در پیش گیرنـد، که اکثریّت یهود در قبـال پیـامبر(انجـام دادنـد. در این بـاره بجـاست که به کلام حضـرت بقیـهٔا... اشاره کنیم، می فرماینـد" : هر یک از شـما بایـد کاری انجام دهد، که او را به ما نزدیک می کند، و مورد محبت و دوستی ما قرار می دهد، و از هر کاری که ناخوشایند ما است، و خشم ما را برمی‌انگیزد، دوری کند، زیرا امر ما به صورت ناگهانی خواهد رسید ("۵.) منابع و مآخذ : سوره مبارکـهٔ بقره/آیه۹۰ ۱. سوره مبارکهٔ بقره/آیه۹۱ ۲. سوره مبارکهٔ بقره/آیه۹۶ ۳. تاریخ غیبت کبری، سـید محمد صدر، ۴۶۷ همان، مربوط به نامهٔ حضرت بقیهٔ ا... ، که به شیخ مفید مرقوم فرمودند.

زمان ظهور حضـرت حجت(عج) قضای الهی محسوب می شود یا قدر؟ چون چندی پیش از یکی از علمای شـهرمان شنیدم که فرموده بودند: «ظهور حضـرت قضای الهی محسوب می شود و با دعای ما عقب یا جلو نمی افتد و این که بزرگان دین بر امر تعجیل فرج اصرار دارند و گفته می شود بسیار دعا کن

پرسش

زمان ظهور حضرت حجت(عج) قضای الهی محسوب می شود یا قدر؟ چون چندی پیش از یکی از علمای شهرمان شنیدم که فرموده بودند: «ظهور حضرت قضای الهی محسوب می شود و با دعای ما عقب یا جلو نمی افتد و این که بزرگان دین بر امر تعجیل فرج اصرار دارند و گفته می شود بسیار دعا کنید، تنها به خاطر ایجاد محبت بین فرد و آقا امام زمان(عج) است. و علت خواندن دعای ندبه، عهد و... تنها عدم دوری ما از آن حضرت است که اگر این امر صورت نگیرد به مرور زمان مردم فراموش می کنند که منتظر جانشین خدا بر روی زمین بوده اند؟» این موضوع فکر مرا مغشوش کرده و بعد از هر نماز تنها ذکر «اللهم عجل لولیک الفرج» را به نیت ۵ تن آل عبا تکرار می کردم ولی طی این مدت تنها «دعای الهم کل لولیک» و «الهی عظم البلاء...» و «آل یاسین» و از این قبیل را می خوانم، یعنی با دید دیگری به مسأله ظهور امام زمانم می اندیشم. خواهشمندم در این زمینه مرا راهنمایی فرمایید.

پاسخ

به فرموده امام علی(ع): خداوند کارها را به حسب قضایش انجام می دهد نه رضایت شما، (میزان الحکمه، روایت شماره ۱۶۴۵۶) و مقدمه قضای الهی قدر الهی است. چرا که هر کار بر اساس اندازه و هندسه خاص خود انجام می گیرد. به فرموده امام صادق(ع): چون که خداوند چیزی را اراده کند مقدر می نماید آنرا (اندازه و مقدار آنرا معین می نماید) و پس از تقدیر قضایض به آن تعلق می گیرد، (همان مصدر، روایت شماره ۱۶۴۶۱) قدر عبارت است از هندسه و اندازه وجودی هر چیز و قضاء به معنای گذراندن و یکسره کردن و به پایان رساندن است تقدیر الهی موجودات عالم مشهود را بسوی آنچه در مسیر وجودشان برای آنها تقدیر و قالب گیری کرد، هدایت می کند همچنانکه خدای بزرگ فرمود: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» یعنی آنچه را که خلق کرده بسوی آنچه که برایش مقدر نموده هدایت فرمود. و سپس همین تقدیر و هدایت را با امضاء قضاء تمام و تکمیل می کند، {M؛ (سوره اعلی، آیه ۳؛ ر.ک: تفسیر المیزان، مرحوم علامه U...ŞU_.....Şترجمه ج ۳۷، ص ۱۸۵). و بسیار می شود که خدا چیزی را .....می کند ولی به دنبال تقدیر قضائش را نمی راند مانند قدری ک...بعضی از علل و شرائط خارج آنرا اقتضاء داشته ولی به ...UΘ...مزاحمت مانعی آن اقتضاء باطل می شود و یا سببی دیگر و یا اقتضایی دیگر جای سبب قبلی را می گیرد و چه بسا چیزی مقدر بشود و قضاء آن نیز رانده شده باشد مثل این که از جمیع جهات یعنی هم از جهت وجود علل و شرایط و هم از جهت نبودن مانع تقدیر شده باشد که در این صورت آن چیز محقق می شود و در بعضی از روایات نیز آمده که قدر ممکن است تخلف کند اما برای قضاء برگشتی نیست. البته تغییر در تقدیر مربوط به عالم ماده می باشد، (ر.ک: همان مصدر، ص ۱۸۵) با توجه به این مقدمه قضاء به معنای اجتماع جمیع علل و شرائط و فقدان هر گونه مانعی است که مسلماً انجام می گیرد و هیچ گونه برگشتی در آن نیست. اما این بدان معنی نیست که قصد کنیم دعا کردن با قضاء الهی منافات دارد. چه بسا همین قضایی که مجموعه شروط متعدد است یکی از آن شروط دعای بندگان باشد. و آمیختگی و همسویی دعا و قضاء در روایات بخوبی مشهود است. امیرالمؤمنین علی(ع) در انتهای نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندشان امام مجتبی(ع) می فرماید: دین و دنیای تو را به خدا می سپارم «و اسأله خیر القضاء لک» و بهترین خواسته الهی را در آینده و هم اکنون در دنیا و آخرت برای تو می خواهم. و این اجتماع درخواست از خدا (سؤال) و قضاء. بسیار زیباست. در روایت آمده که حضرت امیر(ع) از زیر دیواری که در شرف خراب شدن بود حرکت کردند و به جای دیگر رفتند از آن جناب سؤال شد آیا از قضای الهی (حکم حتمی الهی) فرار می کنید آن امام بزرگوار فرمودند از قضای الهی به سوی قدر الهی فرار می کنم!، (ر.ک: میزان الحکمه، ج ۸، ص ۱۶۲) به این معنی که در صورت توقف تمام مقدمات لازم برای زیر آوار ماندن مهیا می گردد و قضای الهی تحقق می پذیرد. اما با حرکت به سوی مکانی دیگر مقدمه ای از آن مقدمات

ناقص می گردد و هندسه ای دیگر شکل می گیرد و آن تحقق سلامت و امنیت است. و لذا منافات ندارد که حتی دعا، قضای الهی را متبدل سازد. دعایی که از جمله مقدمات و شروط حکم حتمی الهی است. در روایت از رسول اکرم(ص) وارد شده که: «لا یرد القضاء الا الدعاء» ؛ قضای الهی را رد نمی کند مگر دعا (ر.ک: منتخب میزان الحکمه، روایت شماره ۲۱۰۱) بنابراین در عین حال که همه امور به قضای الهی تحقق می پذیرد. منافات ندارد که ما موظف به دعا کردن باشیم. نه صرفاً به علت یک امری صوری و ظاهری بلکه چون دعا خود در سلسله طولی تحقق اشیاء تأثیر جوهری دارد. و این تأثیر به اذن و اراده الهی انجام می گیرد. خود حضرت حق ما را مأمور به دعا کردن نموده است و برای این دعا تأثیر قائل شده است. نتیجه این که آری زمان ظهور حضرت حجت(ع) مثل بقیه امور و اسرار به قضای الهی است. در عین حالی که ما موظف به دعای در جهت تعجیل فرج آن بزرگوار می باشیم. و دعای ما می تواند در مجموعه علل ظهور مؤثر باشد.

غیبت

چیستی غیبت

معنای غیبت

کیفیّت غیبت حضرت صاحب الامر چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است یا اینکه جسم آن حضرت دیده میشود ولی کسی ایشان را نمیشناسد؟

پرسش

کیفیّت غیبت حضرت صاحب الامر چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است یا اینکه جسم آن حضرت دیده میشود ولی کسی ایشان را نمیشناسد؟

پاسخ

اگر چه فلسفه و صحت و فائده غیبت، به هر یک از دو نحو (غایب شدن جسم و ناشناس بودن) حاصل میشود و این جهات که امر امام(ع) مخفی باشد و کسی او را نشناسد، یا نتواند متعرض ایشان گردد و سائر هدفها و مقاصدی که در غیبت آن حضرت است، در هر دو حال حاصل است؛ اما از جمع بین روایات و حکایات تشرف افراد به خدمت آن حضرت و استفادهٔ تفسیر بعضی از آنها از برخی دیگر، دانسته میشود که غیبت آن حضرت به هر دو شکل (نا پیدا شدن و ناشناس بودن) وقوع دارد. و بلکه گاهی در زمان واحد هر دو شکل واقع شده است؛ یک نفر ایشان را دیده و نشناخته و دیگری در همان حال، اصلاً آن حضرت را ندیده است. چنانکه پیغمبر اکرم(ص) را در بعضی از وقایع بعضی میدیدند و بعضی نمیدیدند.

معنای غیبت چیست و ایا تمام پیروزیهای حضرت حجهٔ((علیه السلام)) با امداد غیبی است؟

پرسش

معنای غیبت چیست و ایا تمام پیروزیهای حضرت حجۀ((علیه السلام)) با امداد غیبی است؟

پاسخ

معنای غیبت امام این است که مردم آن حضرت را نمی شناسند ولی ممکن است وی را مشاهده کنند و قیام امام زمان گرچه با ویژه گیهایی همراه است و آن گرامی از نیروهایی که غیر عادی است، برخوردار است که در پیشرفت خویش از آنها هم استفاده می کند ولی چنین نیست که تنها پیشرفت وی براساس نیروهای غیبی باشد او، نیز از طریق جنگ و پیکار با دشمنان خدا و از بین بردن آنان اقدام می کند. آری وی از امدادهای غیبی الهی هم برخوردار است که در پیشرفت وی و تشکیل حکومت جهانی وی مؤثّر می باشد. (بخش پاسخ به سؤالات)

غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام به چه کیفیتی است؟

پرسش

غیبت حضرت مهدی‌علیه‌السلام به چه کیفیتی است؟

پاسخ

در رابطه با کیفیت غیبت حضرت دو نظریه است: ۱ - نظریه خفای شخص: یعنی اینکه وجود حضرت از دید مردم مخفی است. دلیل این نظریه روایاتی است که از طرق اهل بیت: رسیده است. امام رضا (ع) فرمود": لایری جسمه... "؛ "...جسم او دیده نمی‌شود. {"...پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۰. پاورقی} امام صادق (ع) فرمود...": الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه؛"... ..."پنجمین از {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲. پاورقی} اولاد هفتمین، شخصش از شما غایب خواهد شد. "...۲ - نظریه خفای عنوان: به این معنا که مردم او را می‌بینند ولی هرگز به عنوان مهدی موعود به او آشنایی پیدا نمی‌کنند. دلیل بر این نظریه نیز روایت محمّد بن عثمان عَمْری است که فرمود": واللّه إنّ صاحب هذا الأمر لیحضر الموسم کلّ سنۀ فیری الناس ویعرفهم ویرونه ولایعرفونه"؛ "به خدا سوگند! همانا صاحب این امر در موسم حجّ هر سال {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی} حاضر می‌شود، مردم را می‌بیند وآنها را نیز می‌شناسد، ونیز مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند".

فلسفه و علل غیبت

چرا باید پیامبراکرم ۶زود از دنیا برود و قرن ها مسلمانان ازفیض وجودش محروم باشند؟ چرا باید شیعه از فیض وجود حضرت امام زمان ۷بی نصیب بماند؟ در حالی که خداوند قدرت دارد وجودش را ظاهرکند و از شرّ دشمنان حفظش نماید؟

پرسش

چرا باید پیامبراکرم ۶زود از دنیا برود و قرن ها مسلمانان ازفیض وجودش محروم باشند؟ چرا باید شیعه از فیض وجود حضرت امام زمان ۷بی نصیب بماند؟ در حالی که خداوند قدرت دارد وجودش را ظاهرکند و از شرّ دشمنان حفظش نماید؟

پاسخ

در پاسخ به این سؤال باید گفت : اولاً: باید بدانیم پیامبر و امام ازنظر مادی و عنصری مثل سایر مردم هستند و غذا می خورند و استراحت می کنند و مریض می شوند و زن می گیرند و تشکیل خانواده می دهند. خداوندبه پیامبر۶فرمان می دهد: .(۱) پیامبر۶هم مثل دیگران مسموم و پیر می شود و بالاخره می میرد: .(۲) بنابراین نباید انتظار داشته باشیم پیامبر۶همیشه زنده باشد یا بیش ازدیگران عمر کند. ثانیاً: پیامبر اکرم ۶زمانی رحلت کرد که مأموریت خود را به نحو احسن به پایان رساند. خداوند تمام احکام و قوانین دین را بر او نازل کرد و دینش راکامل نمود: .(۳) پیامبر اکرم ۶ احکام و قوانین را تا آن جا که مردم نیاز داشتند و اوضاع به او اجازه می داد, به مردم ابلاغ کرد و همهء آن ها را به حضرت علی بن ابی طالب ۷و ایشان به امام بعد از خود و همین طور تا امام زمان تعلیم داد ;بنابراین ائمهء اطهار: در احکام و قوانین هر چه دارند, از رسول خدا۶دارند ;از این رو می توانیم بگوییم : گرچه جسم پیامبر۶به حسب ظاهر ازمیان ما رفته است , اما جان و روحش تا ابد زنده است . اما راجع به امام زمان ۷باید بگویی : کلاً سه فایده بر وجود امام مترتب است : ۱ فرد کاملی است که همهء فضائل و کمالات انسانیت در او تبلور یافته وصحبت خدا است که اگر نباشد, زمین اهلش را فرو می برد و عذاب نازل می شود و فیوضات الهی به یُمن وجود او به مردم و اهل زمین و آسمان می رسد. ۲ حافظ و مروج احکام الهی و واسطهء فیض است و فیوضان الهی به یمن وجود او به موجودات می رسد. ۳ زمامدار و اداره کنندهء امور مسلمان ها است . فایده اول یقیناً حاصل است , زیرا واسطهء فیض بودن , فرق بین حضور وغیاب ندارد. فایدهء دوم نیز فعلیت دارد, زیرا او لنگر زمین و آسمان و قلب عالم امکان است ; اما فایدهء سوم , ما هم قبول داریم مردم از فیض وجودش محرومند, اما باید دید عامل حرمان کیست ؟ خدا, امام یا مردم ؟ به طور حتم خداوند متعال نیست , چون وظیفه اش آفریدن امام ۷و معرفی کردن به مردم است و این کار را هم کرد. امام هم نیست , چون حضرت برای هرگونه فداکاری و افاضهء فیض آمادگی دارد ;پس یقیناً مردم مقصرند و باید زمینه ءظهور حضرت را فراهم کنند تا حضرت ظهور کنند. خداوند متعال هم بدون اسباب و علل و به طور مستقیم در امور مردم دخالت نمی کند و تا مردم زمینه ءظهور را فراهم نکنند, خداوند کاری انجام نخواهد داد. سرنوشت آنان را تغییر نخواهد داد.()>خواجه نصیر الدین طوسی در الاعتقاد >می گوید: والغیبهٔ منّا ; علت غیبت ماییم. (> پاورقی ۱.کهف (۱۸ آیهء ۱۱۰ (پاورقی ۲.زمر (۳۹ آیهء ۳۰ (پاورقی ۳.مائده (۵ آیهء ۳

علّت و ریشهء غیبت امام زمان را بیان کنید.

پرسش

علّت و ریشهء غیبت امام زمان را بیان کنید.

پاسخ

علّت غیبت حضرت ولی عصر۷یکی از رازهای الهی بوده و ممکن است ما نتوانیم به کنه آن واقف شویم , ولی از آن جائی که وجود امام نعمت و برکت و فیض الهی است و زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند و اداره ءامور توسط امام و زندگی آشکار وی فیض مضاعف است , و از طرفی منع فیض از طرف خدا و امام با وجود شرایطاستفاده از فیض , متصور نیست , می توان گفت یکی از مهم ترین انگیزه های پنهان زیستی و رازهای غیبت حضرت این است که مردم به حمایت و اطاعت از حضرت بر نخواستند و در وفای پیمان ولایت همداستان و یک دل نگشتندو به استقبال این مظهر لطف الهی نرفتند. خدای منّان یازده امام معصوم را برای رهبری جامعه و رساندن آن به سعادت دنیا و آخرت معیّن کرد, لیکن مردم از آن ها اطاعت نکردند و به استقبال آنان نرفتند. آخرین امام از طرف خدای متعال برای گسترش عدل کلّی و به اهتزاز درآوردن پرچم توحید در جهان در نظر گرفته شده است , اگر آشکارازندگی می کرد, به سرنوشتی همانند امامان گرفتار می شد و قبل از تحقق آن آرمان بزرگ , دیده از جهان فرو می بست .بنابراین مهم ترین عامل محرومیّت جوامع بشری از همهء آثار و برکات وجود حضرت , خود مردمند. امام علی ۷رمود: .(۱)ا (پاورقی ۱.لطف الله صافی گلپایگانی , منتخب الاءثر فی الامام الثانی عشر, باب ۲۸ ص ۳۳۰ـ ۳۳۴ جعفر سبحانی , منشور عقاید امامیه , اصل ۹۹و ۱۰۰ سید جمال الدین حجازی , پیام امام زمان ۷ ص ۲۲ مجله حوزه , سال ۷۰ـ ۷۱ ص ۳۵۳ـ ۳۸۰

چرا امام زمان‌علیه‌السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟

پرسش

چرا امام زمان‌علیه‌السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟

پاسخ

برخی سؤال می‌کنند که چرا امام زمان (ع) از همان ابتدای کودکی در اختفا به سر بردند در حالی که وظیفه امام، حضور در میان مردم وارشاد آنان است؟ وبه تعبیر دیگر: چرا امام عسکری (ع) فرزند خود را از هنگام ولادت از مردم مخفی داشت؟ شکّی نیست که فشار سیاسی بر امام عسکری (ع) وکنترل آن حضرت برای دسترسی به فرزندش حضرت مهدی (ع) به حدّی شدید بود که به شیعیان واصحاب خود سفارش نموده بود حتی کسی در ملأ عام بر او سلام نکند یا با دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در این صورت در امان نخواهد بود. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹، ح ۳۴. پاورقی} کار به جایی رسیده بود که امام عسکری (ع) برای ملاقات با اصحاب خود کسی را به سراغ آنها می‌فرستاد ومی‌فرمود": صیروا إلی موضع کذا وکذا، وإلی دار فلان بن فلان العشاء والعتمهٔ فی لیلهٔ کذا فانّکم تجدونی هناک"؛ "بعد از وقت عشا در فلان موضع وفلان خانه، در{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴، ح ۸۰. پاورقی} فلان شب جمع شوید که مرا در آنجا خواهید دید ".با وجود همین فشارهای سیاسی بود که حضرت نظام وکالت را دنبال نمود تا هم بتواند به نیازهای مردم رسیدگی کند وهم از گرفتاری‌هایی که از ناحیه ملاقات‌ها برای مردم حاصل می‌شد، بکاهد. در این موقعیت حسّاس، امام زمان (ع) متولّد شد. کسی که حجت خدا در روی زمین بعد از امام عسکری (ع) خواهد بود. او دوازدهمین امامی خواهد بود که رسول خدا (ص) وعده تولدش را داده که با ظهورش در آخرالزمان زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. کسی که به جهت قیام غیرمترقّبه‌اش نمی‌تواند بیعت کسی را بر گردن داشته باشد. آیا چنین امامی نباید از ابتدای ولادت وحتّی از هنگام به امامت رسیدن، از دید عموم مردم وخصوصاً سلاطین جور که درصدد قتل او بودند مخفی باشد؟

هر چند که در میان مردم است وبا آنان زندگی می کند قطعاً باید این چنین باشد وگرنه برخلاف مصالح کلّی عالم خواهد بود.

فلسفه غیبت امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

فلسفه غیبت امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

یکی از سؤال‌هایی که در طول تاریخ عصر غیبت مطرح بوده وهست این است که چرا امام زمان (ع) غایب شد، وچرا ما با آن حضرت ارتباط نداریم. سؤال مورد نظر را با بیان مقدماتی که خود آنها ما را به نتیجه قطعی می‌رساند جواب خواهیم داد: ۱ - خداوند متعال در قرآن کریمش ونیز پیامبر اسلام (ص) خبر از پیروزی وغلبه دین اسلام بر جمیع ادیان در پایان تاریخ بشریّت داده است. خداوند می‌فرماید: {هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ"}؛ اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق{پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹. پاورقی} فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلّط وبرتری دهد، گر چه مشرکان کراهت داشته باشند ".۲ - مصالح بندگان با اختلاف حالات آنها متغیّر می‌شود. خداوند متعال امر تدبیر بندگان ومصلحت آنها را بر عهده گرفته است. عقلشان را کامل کرده وآنها را به انجام اعمال صالح وادار نموده است تا از این طریق به سعادت برسند. حال اگر مردم به دستورهای خداوند تمسک کرده وانجام وظیفه کنند، بر خداوند است که آنها را یاری کند وبا اضافه کردن عنایت‌هایش بر بندگان، راه را بر آنها تسهیل وهموار نماید، ولی در صورتی که مخالف دستورهایش عمل کنند ومرتکب نافرمانی شوند، مصلحت بندگان تغییر می کند، ودر نتیجه، موقعیّت ووضعیّت نیز تغییر خواهد کرد، خداوند توفیق را از آنان سلب خواهد نمود، ودر این هنگام مستحقّ ملامت وسرزنش می‌شوند. خداوند متعال امامان را یکی پس از دیگری به سوی مردم فرستاد ولی هنگامی که آنان را نافرمانی کرده وبه طور وسیع خونشان را ریختند، قضیه برعکس شد ومصلحت بر این تعلق گرفت که امام مردم، غایب ومستور گردد. ۳ - بی شک هر کار اجتماعی -بزرگ یا کوچک- احتیاج به آماده شدن شرایط مناسب دارد. لذا باید برای قیامی جهانی وفراگیر آمادگی خاصی صورت گیرد. ۴ - بی‌تردید، دین غالب در عصر ظهور، احتیاج به رهبر وامامی غالب دارد که دارای شرایطی از قبیل: قدرت فوق‌العاده، علم جامع وعصمت باشد. ۵ - مطابق روایات متواتر بین شیعه وسنّی پیامبر (ص) امامان بعد از خود تا روز قیامت را دوازده نفر برشمرده است که بعد از او پیاپی خواهند آمد. {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷. پاورقی} ۶ - از مجموعه روایات وادله عقلی استفاده می‌شود که بقای امام معصوم وحجّت خدا بر روی زمین تا روز قیامت امری ضروری است. مرحوم کلینی به سند صحیح از ابی‌حمزه نقل می کند که از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود": لو بقیت الأرض بغیر إمام لساخت"؛ "اگر زمین بدون امام باقی بماند دگرگون خواهد شد {".پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰. پاورقی} ۷ - یکی از اسباب گوشه‌نشین شدن انبیا ورسل، خوف از قتل به جهت حفظ جان وبه امید نشر شرایعشان بوده است. امام مهدی (ع) نیز با نبود اسباب عادی برای نصرت ویاری‌اش وخوف از کشته شدن، به امر خداوند مأمور به غیبت ودوری از مردم شدند. امام صادق (ع) به زراره فرمود": للقآئم غیبهٔ قبل قیامه. قلت: ولِمَ؟ قال: یخاف علی نفسه الذبح"؛ "برای قائم غیبتی است قبل از قیامش. زراره می گوید: به حضرت عرض کردم: به {پاورقی . کمال‌الدین،

ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۱۰. پاورقی} چه جهت؟ فرمود: زیرا از قتل بر خود می‌ترسد ".۸ - یکی از اسباب وعوامل غیبت امام زمان (ع) که در روایات به آن اشاره شده، بیعت نکردن آن حضرت با حاکمان عصر خود است. شیخ صدوق به سندش از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود": یقوم القائم (ع) ولیس لأحد فی عنقه بیعهٔ"؛ "قائم (ع) قیام خواهد کرد در حالی که بیعت کسی بر گردن او نخواهد{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۸۰. پاورقی} بود ".۹ - هدایت بر چند قسم است: الف. هدایت فطری: که همان هدایت از راه فطرت است. {فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها لا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ القَیِّمُ وَلکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لایَعْلَمُونَ"}؛ پس روی خود را متوجّه آیین خالص{پاورقی . سوره روم، آیه ۳۰. پاورقی} پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند ".ب. هدایت تشریعی: که متفرّع بر حضور امام در میان جامعه است تا مردم را از نزدیک راهنمایی کند. {کانَ النّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَمُنْذِرِینَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الکِتابَ بِالحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ"...}؛ مردم [در آغاز] یک دسته بودند، [و{پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۱۳. پاورقی} تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال] خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود، تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. "...ج. هدایت تکوینی: که همان تصرف وتدبیر در نظام آفرینش است. {قالَ الَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الکِتابِ أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْکَ طَرْفُکَ فَلَمّا رَءاهُ مُسْتَقِرّاً عِنْدَهُ قالَ هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّی لِیَبْلُوَنِی أَ أَشْکُرُ أَمْ أَکْفُرُ"...}؛ امّا] کسی که دانشی{پاورقی . سوره نمل، آیه ۴۰. پاورقی} از کتاب [آسمانی] داشت گفت": پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد. "و هنگامی که [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت": این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم. "..."؟!د. هدایت باطنی: که شعبه‌ای است از ولایت تکوینی وبه معنای ایصال به مطلوب است. {وَجَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَأَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الخَیْراتِ وَإِقامَ الصَّلوةِ وَإِیتآءَ الزَّکوةِ وَکانُوا لَنا عابِدِینَ"}؛ وآنان را پیشوای مردم ساختیم تا خلق را به امر ما هدایت{پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۷۳. پاورقی} کنند وهر کار نیکو را [از انواع عبادات وخیرات] وخصوص اقامه نماز وادای زکات را به آنها وحی کردیم وآنها هم به عبادت ما پرداختند ".با نظر وتأمّل در مجموع مقدمات فوق به این نتیجه خواهیم رسید که وجود نازنین امام زمان (ع) به عنوان دوازدهمین امام، باید برای روز موعود در پس پرده غیبت بوده، تا در آن هنگام به اذن خداوند برای هدایت بشر ظهور کند.

چرا برای امامان دیگر، غیبت مقرّر نگردیده است؟

پرسش

چرا برای امامان دیگر، غیبت مقرّر نگردیده است؟

پاسخ

برای امام زمان (ع) شرایط خاصی پیدا شد که هرگز برای امامان دیگر مقرّر نشده بود، این شرایط باعث شد که تنها امام زمان (ع) از دید مردم غایب باشند نه دیگر امامان. از جمله آن شرایط وظرفیّت‌ها عبارتند از: الف.حضرت مهدی (ع) آخرین امام از دوازده

امامی است که پیامبر (ص) از آمدن آنان خبر داده است. امامانی که هرگز نباید زمین از وجودشان خالی باشد. ب.از آنجا که حضرت (ع) هر لحظه ممکن است به اذن خداوند مأمور به خروج وقیام شود لذا نمی‌تواند ظاهر باشد وتحت بیعت یکی از حاکمان ظلم وجور قرار گیرد. ج.در صورت عدم غیبت امام زمان (ع) به طور حتم لازم می‌آمد که تنها باقی مانده از حجت‌های الهی تا روز قیامت، از طرف دشمنان کشته شود. در نتیجه مصلحت الهی بر این تعلّق گرفت که حضرت در پشت پرده غیبت تا زمان معیّنی باقی بمانند.

۱–چرا آنقدر امام زمان « عج » خود را پنهان می کند !!؟

پرسش

۱–چرا آنقدر امام زمان « عج » خود را پنهان می کند !!؟

پاسخ

ج۱– آزمایش وامتحان در اثر این غیبت طولانی. گروهی که ایمان کافی ندارند ،باطنشان ظاهر می شود و کسانی که ایمان در اعماق دلشان ریشه کرده و به واسطه انتظار فرج صبر بر شرائط و ایمان به غیبت ارزششان معلوم می شود و به درجاتی از ثواب نایل می شوند . ۲– بیعت نکردن با ستمکاران , یکی از فؤاید و حکمتی که برای غیبت آن حضرت در روایات نقل شده، موضوع محفوظ ماندن از معاهده و بیعت با ستمکاران است . ۳– نجات ازقتل . یکی از حکمت ها موضوع نجات از قتل معرفی شد چون، دستگاه حاکم به شدت در تعقیب و جستجوی آن حضرت بود تا او را به جنگ آورده و به قتل برساند چاره ای جز غیبت نیست. ۵– آمادگی پذیرش . برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته کافی نیست بلکه؛ آمادگی عمومی نیز لازم است و متأسفانه دنیا هنوز آماده پذیرش حکومت حضرت مهدی «عج» نشده است . زیرا صرف اینکه ظلم و ستم عالم را فرا گرفته کافی نیست که امام ظهور کند . چرا که ظلم ،یکی از اسباب آمادگی مردم است و یقینا هرگاه چنان آمادگی فراهم آید ، ظهور نیز قطعی و حتمی خواهد شد . حداقل چند نوع آمادگی لازم است ،تا آن حضرت ظهور کند : الف)– آمادگی روانی ب) آمادگی فرهنگی و صنعتی ج) آمادگی ازحیث یک نیروی ضربتی انقلابی

مگر نمی گوییم خداوند بر همه چیز قادر است با این وجود می تواند از وجود مبارک امام زمان هم محافظت نماید به طوری که هیچ صدمه ای نبینند پس چرا امام زمان ظهور نمی فرمایند؟

پرسش

مگر نمی گوییم خداوند بر همه چیز قادر است با این وجود می تواند از وجود مبارک امام زمان هم محافظت نماید به طوری که هیچ صدمه ای نبینند پس چرا امام زمان ظهور نمی فرمایند؟

پاسخ

در ابتدا باید یک نکته را متذکر شوم که با توجه به بعضی آیات قرآن کریم و روایات بسیاری از اسرار آفرینش برای ما مجهول است و هیچ کس هم مدعی نیست که واقف به تمام رموز آفرینش است. چنانچه خداوند متعال می فرماید اگر تمام درختان قلم بشود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مرکب گردد باز نگارش کلمات خداوند تمام نگردد (لقمان، آیه ۲۷). حضرت علی(ع) می فرماید: چه بزرگ است آنچه از آفرینش تو می بینم لکن در کناره آنچه از قدرت تو از ما پنهان است بسیار کوچک است و مسأله غیبت حضرت و سِر و علل آن هم یکی از کلمات الهی است که خود معصومین(ع) تصریح کرده اند که علت غیبت و موانع ظهورش معلوم نخواهد شد مگر بعد از ظهور حضرت چنانچه حکمت کارهای حضرت خضر معلوم نشد در زمان مصاحبت با موسی(ع) مگر بعد از مفارقت (مضمون روایت امام صادق در کتاب منتخب الاثر آیت الله صافی گلپایگانی، باب ۲۸، فصل ۲). با این حال خود این بزرگان گاهی پرده را کنار زده و به بعضی از علل غیبت و موانع ظهور اشاره کرده که با هم سر سفره معرفت آنها نشسته و بهره می بریم. لکن مقدمتا اشاره می کنیم که در روایات بسیاری برای ظهور امام زمان(عج) شرایطی ذکر شده که تا آن شرایط محقق نشوند حضرت ظهور نمی فرمایند که نبود آن شرایط می شود از موانع ظهور مثلا در روایات متعددی – قیام سفیانی و قیام سید حسنی و قیام دجال و حوادث دیگر که در روایات مشروحا بیان شده است باید محقق شوند تا حضرت ظهور فرمایند پس مادام که این شرایط و مقدمات حاصل نباشند ظهور محقق نمی شود. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: ۱. جهان آینده، محمد حسن موسوی کاشانی ۲. نوید امن و امان، آیت الله صافی آنچه از روایات درباره موانع ظهور حضرت استفاده می شود به صورت خلاصه عبارتند از: ۱– به حکومت رسیدن همه اقشار؛ یعنی غیبت حضرت آن قدر طول می کشد همه اصناف مردم از هر قشر و طبقه ای به حاکمیت برسند تا حجت بر همه تمام گردد و به همه معلوم شود که قادر به اجرای عدالت نیستند. چنانچه امام صادق(ع) می فرمایند نخواهد بود این امر [ظهور حضرت] تا آن که نماند هیچ صنفی از مردم مگر این که ولایت پیدا کنند تا این که کسی نگوید که اگر ما ولایت می یافتیم عدالت می ورزیدیم سپس حضرت قائم به حق و عدالت قیام کند (غیبت نعمانی، محمد ابن ابراهیم نعمانی، باب ۱۴، ش ۵۳). ۲– علت دیگری که امام باقر(ع) اشاره می فرمایند برای طولانی شدن غیبت امتحان است می فرمایند «لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤمن به» (جهان در آینده، محمد حسن موسوی کاشانی، ص ۱۳). و از روایات دیگر استفاده می شود که امتحان به غیبت از ۲ جهت از شدیدترین امتحانات است: الف) چون اصل غیبت که بسیار طولانی می شود بیشتر مردم در شک و ریب می افتند و جز اشخاص مخلص و دارای معرفت کامل کسی بر عقیده به امامت باقی نخواهد ماند چنانچه پیامبر(ص) فرمود «لا یثبت فیها الامن امتحن الله قلبه للایمان» (منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، فصل ۱، باب ۸، حدیث ۴۵). جهت دوم ناگواری ها و سختی هایی که در زمان غیبت رخ می دهد که امام صادق(ع) فرمود که هر کس بخواهد در عصر غیبت به دینش ملتزم باشد مثل کسی است که خارهای درخت خرما را با دست کنار بزند و غیبت طول می کشد تا سیه رویان در این محک معلوم شوند (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶). ۳– پیدا شدن قابلیت در منتظران یعنی مردم به این سطح از معرفت برسند که قوانین بشری در اجرای عدالت کافی نیست پیشرفت ها ولو در همه زمین ها به نابسمانانی ها و بی عدالتی ها پایان نمی دهد بلکه روز به روز بیشتر می شوند و بفهمند که فقط در پرتو ظهور حضرت عدالت کامل پیاده می شود و مردم استعداد و آمادگی برای اجرای عدالت توسط حضرت را داشته باشند نه مانند زمان علی(ع) که مردم قابلیت و تحمل اجرای عدالت او را نداشتند که «قتل لشده عدله» و این زمانی است که ظلم و تعدی همه عالم را فرا گیرد و تلخی ظلم به کام همه برسد تا همگان تشنه عدالت شوند چون تا انسان تلخی ظلم را نچشیده باشد نسیم عدالت را تشخیص نمی دهد. «یملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ زمین را پر از عدل و قسط می نماید بعد از این که پر از ظلم و جور شد» (کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۸۹). در روایات علل دیگری برای طولانی شدن غیبت ذکر شده مانند بیعت کردن با ظالمان برای حفظ جان از گزند دشمنان،

کردار بـد بعضـی شـیعیان، مهلت دادن به کـافران و ظالمان، نبودن ناصـر و یاری کننـده. در این زمینه ر.ک: ۱. رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری ۲. نوید امن و امان، آیت الله صافی ۳. جهان در آینده، محمد حسن موسوی ۴. مهدی موعود، علی دوانی ۵. روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور لکن مهمترین علتی که در بسیاری از روایات بر آن تأکید شده این که طولانی شدن غیبت حضـرت به حکمت الهی است و دارای مصالح و حکمت هایی است که تنها خداوند و آنها که محرم اسـرار الهی هستند از آن با خبرند چنانچه امام صادق در جواب عبـدالله بن فضل هاشـمی وقتی در این مورد سؤال می کننـد می فرماید ای پسـر فضل همانا این مسأله سـری از اسـرار الهی است و غیـبی از غیب هـای الهی است و وقـتی مـا خداونـد را حکیم بـدانیم همه افعـال او را مطـابق حکمت و مصـلحت خواهیم دانست گرچه علت آنها برای ما روشن نباشد (رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری، ص ۵۴ نقل از الاحتجاج طبری، ج ۲، ص ۳۰۳). پس ولو علت و سـر طولانی شدن غیبت حضـرت برای ما معلوم نباشد باید بدانیم از آن مصلحت و حکمتی است و آنچه مهم است این که به وظایف یک منتظر واقعی حضرت عمل کنیم و به فرموده خود حضرت که فرمود برای فرج من بسیار دعا کنید. عمل کنیم. انشاءالله که چشمانمان به جمالش منور گردد. «اللهم عجل لولیک الفرج».

می‌دانیم حضـرت مهدی حجت بن الحسن العسکری«علیه السلام» به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شـده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می‌برد می‌خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پرسش

می‌دانیم حضـرت مهدی حجت بن الحسن العسـکری«علیه السلام» به سال ۲۶۰ از نظرهـا غائب و پنهان شـده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می‌برد می‌خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پاسخ

نخست بایـد توجّه نمود که غیبت امام از دیـدگان ما، به این معنی نیست که او در جهان دیگری جز این جهان زنـدگی می کنـد و یا وجود جسمانی او به وجود ناپیدائی مانند امواج «اثر» تبدیل گردیده است بلکه معنی غیبت امام«علیه السلام» این است که او در میان مردم زنـدگی می کنـد و مردم وی را می‌بیننـد ولی نمی‌شناسـند و از یـک زنـدگی طبیعی، برخوردار است. امّـا چرا غیبت او طولانی است؟ فلسـفه این غیبت ممتـد چیست در برابر این پرسـش بایـد گفت: برنـامه حضـرت‌مهدی«علیه السـلام» بـا برنـامه پیامبران و سایر پیشوایـان یـک تفـاوت کلّی دارد، و آن این است که برنـامه وی، یک برنامه‌ی به تمام معنی اجرائی است نه قانون گزاری آن هم نه در یـک قمت از جهـان بلکه در تمـام جهـان، به این معنی که او مأموریت دارد تمام اصول تعلیمات اسـلام را در جهان پیاده کنـد و اصول عدالت و حق و حقیقت را در میان همه افراد بشـر، بسط و گسترش دهد. درست است که پیامبران و امامان نیز قسـمت‌هائی از این برنامه را اجراء کرده‌اند، ولی بر اثر نبودن آمادگی در بسیاری از مردم جهان این موضوع جنبه جهانی و عمومی به خود نگرفت، و پس از نفوذ در شعاع معینی از جامعه‌های انسانی، متوقّف ماند. روشن است که پیاده شدن یک چنین برنامه شدن یک چنین برنامه انقلابی جهـانی، کـه به وسـیله آن، اصـول عـدالت و دادگری و حـق و حقیقت، در میـان همه مردم جهـان گسـترش یابـد شـرائط و مقـدّماتی لازم دارد که در زیر به آنهـا اشـاره می‌شود و این شـرائط و امکانـات جز با مرور زمان و تکامل همه جانبه اجتماع ممکن نیسـت، از جمله: ۱. آمـادگی روحی در درجه نخست بایـد مردم جهـان برای اجرای این اصول، تشـنه و آمـاده گردنـد و تا در مردم جهان تقاضائی نباشـد «عرضه» هر نوع برنامه مادی و معنوی مؤثر نخواهـد بود قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زندگی اقتصادی

www.noorfatemah.org

حکم‌فرما است و تا تقاضائی از مردم نسبت به کالائی نباشد عرضه آن کالا- کم اثر خواهد بود، بلکه عین این نظام در عرضه برنامه‌های معنوی و اصول اخلاقی و مکتبهای سیاسی و انقلابی نیز حکمفرما می‌باشد و تا در اعماق دل مردم، برای این نوع امور، تقاضا و درخواستی نباشد عرضه آن با شکست روبرو شده و کاری از پیش نخواهد رفت. البته گذشت زمان و شکست قوانین مادّی و پدید آمدن بن بستهای جهانی، و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ مردم جهان را خسته خواهد کرد و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول قوانین مادّی و سازمانهای به اصطلاح بین‌المللی نه تنها نمی‌توانند مشکلات زندگی را حل کنند و عدالت را در جهان حکمفرما سازند، بلکه همین خستگی و یاس، مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادین مهیا و آمده می‌سازد و می‌دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد، تا تجربه‌های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمانهای بشری در اجرای اصول عدالت و احقاق حق و برقراری امنّیت و آرامش عاجز و ناتوان می‌باشند و سرانجام، بر اثر یاس و نومیدی این تقاضا در مردم گیتی برای تحقق چنان آرمان الهی پدید آید و زمینه برای عرضه یک انقلاب جهانی وسیله یک مرد الهی و آسمانی از هر نظر مساعد گردد(۱۲). ۲. تکامل علوم و فرهنگهای انسانی از سوی دیگر برای برقرار ساختن یک حکومت جهانی، براساس عدل و داد، نیاز فراوانی به پیشرفت علوم و دانشها و فرهنگهای اجتماعی و مردمی وجود دارد که آن نیز بدون پیشرفت فکری و گذشت زمان، ممکن و میسّر نمی‌گردد. برقراری حکومت جهانی که در سراسر جهان، عدل و داد و قانون حکومت کند، و همه مردم جهان، از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسلام بهره‌مند گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشرفته در کلیه شئون بشری، امکان‌پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل، جامه عمل به خود نمی‌پوشد، این نیز احتیاج به گذشت زمان دارد. ۳. تکامل وسائل ارتباط عمومی از دیگر سو، چنین حکومتی نیاز به وجود وسائل کامل ارتباط جمعی دارد تا در پرتو آن بتواند مقررات و احکام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مدّت کوتاهی به مردم جهان اعلام کند این موضوع بدون تکامل صنایع انسانی و گذشت زمان نیز انجام نمی‌گیرد. ۴. پرورش نیروی انسانی از همه اینها گذشته پیشبرد چنین هدفی و پی‌ریزی چنان انقلابی به یک نیروی فعّال و سازنده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشکیل می‌دهد و تشکیل چنین ارتشی، و به وجود آمدن چنین افراد جانباز و فداکاری که در راه هدف و حقیقت از همه چیز بگذرند نیاز به گذشت زمان دارد. اگر در برخی از روایات می‌خوانیم که فلسفه طولانی شدن غیبت امام زمان، همان امتحان و آزمایش مردم است ممکن است ناظر به همین قسمت باشد زیرا امتحان و آزمایش در منطق اسلام نه به معنی آزمونهای معمولی و کشف امور پنهانی است، بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افراد می‌باشد(۱۳). مجوع این جهات چهارگانه(۱۴) نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه‌ای بگذرد و جهان از بسیاری از جهات پیش برود، و آمادگی روحی و فکری برای پذیرض حکومت جهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید. آنگاه این برنامه با وسائل و امکانات خاصی در سطح جهانی وسیله حضرت مهدی«علیه السلام» پیاده گردد... این است فلسفه غیبت طولانی امام. تنها چیزی که در اینجا گفته می‌شود این است که همه این مطالب صحیح است امّا با این حال چرا امام در میان مردم شناخته نمی‌شود و به طور ناشناس زندگی می‌کنند در صورتی که برای او ممکن است که به طور شناخته در میان مردم به سر ببرد تا روزی که فرمان الهی درباره انقلاب جهانی او فرا رسد؟ درباره این سؤال باید گفت: امام همچون انسانهای دیگر، طبق سنن عادی انسانی، زندگی می‌کند تنها تفاوتی که دارد او از یک عمر طولانی برخوردار است، اگر شناخته می‌شد هرگز از گزند نیروهای اهریمنی که در هر عصر و زمانی تعداد و شماره‌های آنها کم نیست مصون و محفوظ نمی‌ماند و به دست آنان از بین می‌رفت، چنانکه تاریخ این مطلب را درباره تمام امامان و پیشوایان گذشته به روشنی ثابت کرده است، تنها تفاوتی که این جا هست این است که اگر آفتاب عمر امامی از پیشینیان به وسیله اهریمنان بدخواه غروب می‌کرد امام و پیشوای دیگری جای او را می‌گرفت در صورتی که این موضوع درباره حضرت مهدی«علیه السلام» چنین نیست، او آخرین حجت خدا است و باید برنامه به دست او اجرا گردد. البته آنچه گفتیم درباره فلسفه غیبت امام«علیه السلام» بود و اینکه چرا او به طور

ناشناخته زندگی می‌کنند و اما اینکه وجود امام در پشت پرده غیبت چه منافعی برای مردم دارد و هم اکنون جامعه انسانی از وجود امام چه سودی می‌برد خود موضوع دیگریست که باید جداگانه درباره آن بحث نمود و از موشوع سؤال بالا بیرون است. با وجود آنچه گفته شد توجه به دو نکته دیگر لازم است: ۱. برخی از شخصیتهای کلامی عقیده شناس(مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی) در باب امام زمان«علیه السلام» این گونه تعبیر کرده‌اند: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر وعدمه منا» که از این سخن استفاده می‌شود که محرومیّت ما از فیض حضور آن گرامی در اثر(آمده نبودن) خود ما است. بر این اساس یکی از عوامل اساسی غیبت را می‌توان در رابطه با خود، جستجو کرد. ۲. از پاره‌یی احادیث که درباره غیبت امام زمان دارد شده است استفاده می‌شود که در غیبت آن حضرت سری یا اسراری نهفته است که تا ظهور آن حضرت این راز کشف نخواهد شد. « بخش پاسخ به سؤالات » ۱۲) یکی از نشانه‌های روشن قیام امام زمان که در احادیث اسلامی همگی بر آن اتّفاق دارند این است که سراسر اجتماع بشری را جور و ستم و تعدی و بیدادگری، فرا می‌گیرد و ابرهای یاس و نومیدی زندگی جامعه انسانی را تیره می‌سازد و در حقیقت فشار ظلم و تعدی آن چنان بر دوش آنان سنگینی می‌کند که انسان را برای پذیرش انقلاب دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی به دست توانا و نیرومند یک مرد الهی آماده می‌سازد. ۱۳) تمام آزمونهای الهی که درباره پیامبران و اولیاء وی انجام می‌گیرد برای همین منظور است اگر خدا ابراهیم را با تکالیف و وظائف سنگینی آزمود چنانکه می‌فرماید: «و اذا بتکلی ابراهیم ربه به کلمات فاتمهن«سوره بقره، آیه ۱۲۴» برای همین هدف بوده است تا این راد مرد الهی به قدری در کوران حوادث قرار گیرد تا در صلابت و استقامت به صورت فولاد آب دیده درآید. ۱۴) مجوع این جهات چهارگانه را می‌توان در امور زیر خلاصه نمود: ۱. تکامل روحی؛ ۲. تکامل فرهنگی؛ ۳. تکامل وسائل ارتباط جمعی؛ ۴. تشکیل یک ارتش انقلاب جهانی از یک جمعیّت جانباز و فداکار.

علل و حکمت‌های غیبت امام مهدی(ع) چیست؟

پرسش

علل و حکمت‌های غیبت امام مهدی(ع) چیست؟

پاسخ

در روایات به حکمت هایی اشاره شده که به برخی از آنها به گونه فشرده می‌پردازیم: ۱. راز بزرگ الهی با توجه به این که مسأله غیبت امام زمان(ع) مسأله غیبی است و معنای غیب پوشیده ماندن و مستور بودن می‌باشد، بدین جهت علت آن هم چنان پوشیده خواهد ماند. البته خداوند این علم را به اولیاو حجت‌های خود کرامت فرموده است و بر اساس سخن آن بزرگواران، علت غیبت امام زمان را می‌دانستند اما اجازه پرده برداشتن از آن را نداشته‌اند و تاکنون هم این راز را فاش نکرده‌اند ولی به برخی از حکمت‌های آن پرداخته‌اند که حکمت آن را تشبیه به کارهای حضرت خضر کرده‌اند و کارهای حضرت خضر روشن نشد مگر پس از جدا شدن موسی و خضر. شیخ صدوق از عبداللّه بن فضل هاشمی نقل می‌کند که گوید از امام جعفر صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود: برای صاحب این امر غیبتی است که می‌باید رخ دهد که هر ناخالصی دچار شک و تردید خواهد شد گوید عرضه داشتم فدایت گردم چرا چنین خواهد شد؟ امام فرمود: به جهتی که به ما اجازه آشکار کردن آن را نداده‌اند. گوید عرض کردم حکمت آن چیست؟ امام فرمود: به همان حکمتی که در غیبت‌های حجت‌های پیشین بوده است سپس فرمود: وجه حکمت روشن نمی‌شود مگر

پس از ظهور آن امام همان گونه که وجه حکمت کارهای خضر برای موسی روشن نگردید مگر پس از جدایی آن دو. سپس امام به عبداللّه بن فضل فرمود: ای فرزند فضل این امری است که از سوی پروردگار است و راز و سری است از اسرار الهی و غیبی است از غیب‌های خداونـد هر گاه دانستیم که خداوند حکیم است تصدیق خواهیم کرد که تمام کارهای او از روی حکمت است گر چه دلیل آن برای ما روشن نباشد.{۱} ۲. شناختن مقام سترگ و منزلت امام پس از بعثت پیامبر بزرگوار اسلام تا سال دویست و شصت هجری، مردم نسبت به این گوهرهای ناشناخته بی حرمتی‌های فراوانی کردند و تاریخ اگر چه همه آنها را نیاورده اما به برخی از این موارد اشاره کرده است امـا نسبت به شـخص پیامبرصـلی الله وعلیه وآله که روشن است قرآن و نیز در کتاب‌هـای تاریخی به برخی اهانت‌های مردم به پیامبر رحمت اشاره کرده که آن حضرت در راه تبلیغ چه رنج‌هایی متحمل گردید و حتی در مدینه از یاران خود بسیار رنـج می‌برد و در آخر دو چیز پیامبرصـلی الله وعلیـه وآله را بسیار نگران و متأثر کرد یکی عمـل نکردن به فرمـان او مبنی بر حرکت با لشـکر اسامه بود که نه اسامه رفت و نه مسـلمانان – که دستور خالی کردن مدینه و رفتن به محل شهادت زید بن حارثه را داشـتند – رفتند و علی‌رغم سـفارش‌های آن حضرت هیچ یک از مسلمانان به خواست پیامبر خدا جامه عمل نپوشاندند و مسأله دوم، نزاعی‌بود که در لحظـات واپسـین عمر در محضـر رسول خـدا بوجود آوردنـد آن هم زمـانی بود که رسول خداصـلی الله وعلیه وآله فرمـود: قلـم و دواتی بیاوریـد تـا چیزی بنـویسم کـه پس از مـن گمراه نشویـد آری این نزاعی بـود که دل هر مسـلمان و آزاده را از شنیـدنش بـدرد می‌آورد که می‌توانیـد به صـحیح مسـلم جلـد ۵ صـفحه ۷۵ و ۷۶ مراجعـه کنیـد و از همـه مهـم‌تر ایـن که به تمـام سفارش‌های پیامبرصـلی الله وعلیه وآله نسبت به اهل بیت مکرمش خط بطلان کشیده و بیتشرین اهانت‌ها را به خاندان او روا داشتند که شـرح آن نیـاز به وقت طولانـی دارد واما اهانت‌ها و بی‌حرمتی‌هایی که نسبت به حجت‌های خـدا پس از رسول خـدا شـد فراوان است از جمله شـهادت فاطمه زهرا و شـهادت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسـین و همچنین سایر امامان معصوم‌علیهم‌السـلام که همین بی حرمتی‌ها سبب شد که خدای تعالی برای مدت نامعلومی حجت خود را از دید مردم دور نگه دارد و همین دور نگه داشتن زنگ خطری برای تنبیه مردم و به جهت حفظ آخرین ذخیره خود بوده که در نهایت مردم بیش از پیش به قدر و منزلت امام معصوم پی ببرنـد. مروان اتباری گویـد: امام ابو جعفر فرمود: اگر خداوند حضور ما را در نزد مردمی کراهت داشـته باشـند ما را از آنها جدا می‌سازد.{۲} اگر گفتـه شـود کـه در حـال حاضـر بـا شـناختی که مردم از امـام خـویش دارنـد بسیار بعیـد است که دست به چنین اهانت‌هایی بزنند. پاسخ می‌دهیم که تکرار این گونه مسایل در هر دورانی ممکن است و هیچ بعدی ندارد و روایات نیز بر این مسأله به وضوح دلالت دارند چنان چه امام صادق(ع) به سدیر صیرفی فرمود: برادران یوسف با این که از نوادگان پیامبر بودند با یوسـف تجـارت کردنـد یعنی او را فروختنـد در حـالی که آنـان برادرانش بودنـد و او برادرشـان بود حـال چه انتظـاری داری که این امت با حجت خـدا چنین نکننـد در صورتی که او ظاهر بوده باشـد.{۳} ۳. به خـاطر ظلم و جور سـتمگران و از دیگر حکمت‌هـایی که در روایـات بـدان اشـاره شـده همانـا ظلم و جور و گناهـانی است که در بیشتر مردم در جـامعه انجام می‌دهنـد و همین گناهان است که باعث شـده خداونـد حجت خود را در پس پرده غیب نگه دارد امام صادق(ع) به مفضل بن عمر فرمود: بدانیـد که زمین لحظه‌ای از حجت خـدا خالی نمی‌مانـد اما در آینـده بنـدگان خود را به وسیله ظلم و جور و گناهانی که می‌کننـد از داشـتن این حجت محروم خواهد کرد،{۴} و از ایـن روایـت اسـتفاده می‌شـود که مردم به خـاطر ظلمی که بر یکـدیگر روا می‌دارنـد خـود را از چنین نعمـتی محروم کرده که در نتیجه خداوند اسباب فرج و ظهور حجت خویش را فراهم‌نسازد. ۴. امتحان الهی خداوند منان راه‌های بسیاری را برای آزمایش بشـر قرار داده است مثلاً آفریدن مرگ و زندگی آزمایش به گرسنگی و ترس و کمبود اموال و تشریع واجبات مالی، دسـتور به جهاد در راه خدا و بسیاری از آزمایشـهای الهی که برای آزمودن انسان‌ها و بالأخص مسلمانان آمده است تا خوب و بد، خالص و ناخالص مؤمن و غیر مؤمن از یکـدیگر جـدا شوند. و در این راسـتا پیامبران و اولیای الهی در ردیف نخست قرار گرفته که آنها را با آزمایش‌های سختی آزموده که پیروز و سرفراز از این گذرگاه سخت بیرون آمده‌اند همانند حضرت ابراهیم و ایوب و... و

در مرحله دوم آن مؤمنانی که درجه ایمانشان بالا می‌باشد و بویژه هر که ایمانش به خدا زیادتر باشد از آزمایش‌های سخت‌تری برخوردار خواهد بود و مسأله امتحان شیعه در دوران غیبت امام زمان(ع) یکی از همان آزمایش‌های بزرگ و سختی است که در ده‌ها روایت بدان اشاره شده است امام صادق(ع) در این‌باره فرمود: به خدا سوگند آن چه را که گردن‌های خود را به سوی او کشیدید نخواهد بود تا این که مورد آزمایش قرار بگیرد واز هم جدا شوید.{۵} و نیز امام باقر(ع) در پاسخ جابر جعفی که پرسیده بود چه وقت فرج شما خواهد بود؟ فرمود: هیهات هیهات فرج ما نخواهد بود تا آن که تصفیه شوید پس تصفیه شوید تصفیه شوید و سه مرتبه این جمله را تکرار نمود و فرمود: تا آن که خوب و بد از هم جدا شوند.{۶} و در روایت دیگری از امیرالمومنین نقل شده که فرمود: «و لیبعثن اللّه رجلاً من ولدی فی آخر الزمان یطلب بدمائنا و لیغیبن عنهم تمییزاً لأهل الضلالة»؛{۷} خداوند مردی را از فرزندانم در آخرالزمان برای خون‌خواهی ما برمی‌انگیزد و این شخص بیش از ظهورش غیبتی خواهد داشت تا اهل ضلالت و گمراهان مشخص شوند. ۵. تا در سلطه کسی نباشد از آن جایی که امام مهدی(ع) خلیفةاللّه است و وی مأمور به تشکیل حکومت جهانی است. از این روی مسأله غیبت برای آن حضرت مقدر شده است و باید منتظر آن روز باشد که تمام برنامه‌ها برای او مهیا شده و موانع برطرف گردیده باشد و در صورتی که ظاهر شود در حالی که هنوز وقت آن نرسیده باشد یا باید تحت نفوذ و سلطه دیگران باشد و یا باید در پیش از وقت موعود اعلام حکومت جهانی کند و چون فرا نرسیدن وقت آن اعلام حکومت محکوم به شکست است پس باید برای مدت نامعلومی تحت نفوذ و سلطه جباران قرار گیرد که در نهایت یا کشته و یا در سیاهچال‌های زندان‌های طاغوت قرار گیرد. و از این که حجت دیگری پس از او نیست، چنین تقدیر شده است که او برای مدت نامعلومی در پس پرده غیبت بماند و در غیر این صورت به یقین نقض غرض خواهد بود امام حسن مجتبی(ع) به ابوسعید عقیصا فرمود: «أما علمتم أنه مامّنا أحد إلّا و یقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه إلّا القائم الذی یصلی روح‌اللّه عیسی بن مریم خلفه فان اللّه عزوجل یخفی ولادته و یغیب شخصه لئلا یکون لأحد فی عنقه بیعة اذا خرج»؛{۸} آیا نمی‌دانید که هر یک از ما در زمان خود مبتلا به طاغوت زمان خویش می‌باشد مگر آن قائمی که حضرت عیسی بن مریم در پشت سرش نماز می گذارد پس خداوند ولادت او را مخفی کرده و شخص او را غایب می گرداند تا به هنگام ظهور از هیچ حاکم طاغوتی بر عهده‌اش بیعتی نباشد. ۶. بیم از کشته شدن ششمین موردی که در روایات بدان اشاره شده است مسأله ترس از کشته شدن است بر اساس برخی از روایات، معصومین فرموده‌اند که برای امام مهدی(ع) غیبتی پیش از ظهورش می‌باشد گفته شد برای چه؟ فرمودند:بیم از کشته شدن چنان‌چه زراره همین سؤال را از امام داشت و امام همین پاسخ را به او فرمود.{۹} و این مسأله واقعیتی است غیر قابل انکار چرا که جباران و صاحبان قدرت از همان نخست در پی دستگیری و کشتن این وجودمقدس بوده و هم اکنون شرایط که فرقی نکرده بلکه به خون حضرت تشنه‌تر شده‌اند. پس با فرا نرسیدن وقت ظهورش یا می‌باید امام زمان هم چنان غایب بماند تا از خطر کشته شدن مصون باشد و یا اگر در ظاهر بود و همانند سایر امامان در بین مردم رفت و آمد کند به یقین کشته خواهد شد. امام باقر به خالد کابلی بر همین مسأله تکیه کرده و ایشان بین فرزندان فاطمه و غیر آنها را در اقدام به چنین جنایتی فرق نگذاشتند چرا که در بین فرزندان فاطمه که یا داعیه رهبری و یا بخاطر ضعف ایمان فریب قدرت‌های بزرگ را خورده حاضر به چنین کاری خواهند بود. امام فرمود: ای ابوخالد اگر فرزندان فاطمه او را بشناسند بر کشتن و قطعه قطعه شدنش حریص خواهند بود.{۱۰} [۱].کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۱. [۲].بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۹۰. [۳].کافی، جلد ۱، صفحه ۳۳۶. [۴].غیبه، نعمانی، ص ۱۴۱. [۵].بامداد بشریت، ص ۶۰. [۶].غیبه شیخ طوسی،ص ۲۶. [۷].غیبه نعمانی، ص ۱۴۰. [۸].اعلام الهدی، ص ۴۰۱. [۹].غیبه نعمانی، ص ۱۷۶. [۱۰].غیبه شیخ طوسی، ص ۲۰۲.

دلیل غیبت حضرت (عج) را بیان کنید، حال که دوستان زیادی دارد، چرا ظهور نمی‌کند؟

پرسش

دلیل غیبت حضرت (عج) را بیان کنید، حال که دوستان زیادی دارد، چرا ظهور نمی‌کند؟

پاسخ

این سؤال شامل دو بخش است که هر کدام را جداگانه پاسخ می‌دهیم. الف) علت غیبت امام زمان(عج) از روایات چنین استفاده می‌شود که علت و فلسفه واقعی غیبت آن امام بر بشر پوشیده است و به غیر از خداوند متعال و پشوایان معصوم(ع) کسی از آن اطلاع کافی و کامل ندارد، چنان‌که عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده از حضرت صادق(ع) شنیدم، فرمود: «صاحب الأمر غیبتی دارد که ناچار از آن است به طوری که اهل باطل در آن تردید می‌کنند»/ عرض کردم: یابن رسول الله(ص) چرا غیبت می‌کند؟ فرمود: «به علتی که به ما اجازه نداده‌اند آشکاز سازیم». عرض کردم: چه حکمتی در غیبت اوست؟ فرمود: «همان حکمتی که در غیبت سفیران و حجت‌های پیش از او بوده است، حکمت قائم ظاهر نمی‌شود مگر بعد از آمدن خود او، چنان‌که حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر و کشتن آن بچه و تعمیر دیوار برای حضرت موسی ظاهر نگشت مگر موقعی که خواستند از هم جدا بشوند».{۱} این روایت و روایاتی دیگر از این قبیل اشاره دارند که علت واقعی غیبت حضرت را نمی‌توان کشف کرد. از این‌رو، هر سببی و علتی که بیان می‌گردد علت حقیقی نیست. با این همه برخی از علل غیبت حضرت مهدی(عج) را می‌توان با استفاده از روایات، به دست آورد که عبارتند از: ۱. امتحان و آزمایش: غیبت آن حضرت سبب می‌شود تا نفاق پنهان عده‌ای آشکار شود و ایمان حقیقی محبان و شیعیان واقعی امام(ع) در کوره ولایت امام غایب(عج) از ناخالصی‌ها و دورویی‌ها و سست مایه‌ها جدا و پاک شود و در یک کلام مؤمن از منافق معلوم گردد. جعفر جعفی می‌گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: فرج شما کی خواهد رسید؟ فرمود: «هیهات هیهات فرج نخواهد رسید تا شما غربال شوید (و سه بار تکرار کرد) و افراد آلوده بروند و افراد پاک و مخلص باقی بمانند».{۲} ۲. بیعت نکردن با ستمکاران: در روایات متعددی، یکی از علل غیبت امام زمان(عج) عدم بیعت با دیگران (ستمکاران) بیان شده است. حسن بن فضال می‌گوید: علی بن موسی الرضا(ع) فرمود: «گویا شیعیانم را می‌بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام عسکری(ع)» در جست و جوی امام خود همه جا را می‌گردند اما او را نمی‌یابند». عرض کردم: به چه دلیل؟ فرمود: «زیرا امامشان غایب می‌شود». عرض کردم: چرا غایب می‌شود؟ فرمود: «برای اینکه وقتی با شمشیر قیام نمود بیعت کسی بر گردنش نباشد».{۳} ۳. ترس از گزند دشمنان: گفته شده با تولد مهدی موعود(عج) همه ستمگران و ظالمان به وحشت افتادند، چرا که مرگ و انقراض حکومت ظالمانه و از بین رفتن اعمال غیر انسانی خود را در دست پر توان امام(ع) می‌دانستند. از این‌رو، جان حضرت مهدی(عج) همواره از سوی آنها مورد تهدید است. شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد: «هیچ علتی مانع از ظهور آن حضرت نیست، جز اینکه می‌ترسد کشته شود، زیرا اگر جز این بود جایز نبود که پنهان شود، بلکه ظاهر می‌گشت و هر گونه ناراحتی و آزاری را متحمل می‌شد، زیرا مقام رفیع امامان و همچنین انبیای عظام و بزرگواری آنها به واسطه ناملایماتی بود که در این راه، یعنی راه دین خدا متحمل می‌شدند».{۴} ب) چرا حضرت ظهور نمی‌کند؟ به طور کلی پیروزی هر انقلاب و فعالیت اجتماعی به یک سلسله شرایط و موقعیت‌های عینی و خارجی بستگی دارد که بدون تحقق آن شرایط رسیدن به اهداف غیر ممکن است. بدون شک قیام حضرت مهدی(عج) نیز که رسالتی الهی است و برای دگرگون ساختن همه جانبه گیتی و نجات افراد بشر از ظلمت‌ها و تاریکی‌های ستم به فروغ گیتی است، وابسته به شرایطی است و تا یک محیط جهانی مساعد فراهم نشود و قضای عمومی آمادگی لازم را نداشته باشد، این فرج آل محمد و نصرت الهی محقق نخواهد شد. از جمله شرایط ظهور حضرت این است که در درون انسان‌ها یک انگیزه اساسی پدیدار گردد که خواهان رسالت سراسر عدل حضرت مهدی(عج) باشند و این امر تنها با گذشت

زمـان و تجربه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسـی و مـدنی میسـر خواهـد شـد. به امیـد روزی که شاهـد انقلاب سراسـر عـدل میوه دل زهرا(س) حضرت مهدی(عج) و از جمله یاران و سربازان آن بزرگوار باشیم. انشأالله [۱].کمال‌الدین و اتمام النعمْ، شیخ صدوق، ص ۴۸۲ به نقل از: یکصد پرسـش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۸۳/ [۲].بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۱۳/ [۳].همان، ص ۱۵۲/ [۴].مهدی موعود، علی دوانی، ص ۸۵۲/

علت غیبت امام زمان ۷در زمان خود و حال را توضیح دهید؟

پرسش

علت غیبت امام زمان ۷در زمان خود و حال را توضیح دهید؟

پاسخ

پیامبر اکرم و ائمه : نخستین کسانی هسـتند که به منظور رفع شـبهات , از علت غیبت سـخن گفته اند ودر کتاب های روایی احادیث زیادی در این باب جمع آوری شـده است : نعمانی از علی ۷نقل می کنـد که ایشان دلیل غیبت را, غربال انسان های صالح از گمراه و دانایان از نادانان می داند.(۱) در روایت دیگر امیرالمؤمنین در منبر کوفه فرمود: زمین از حجت الهی خالی نمی ماند, ولی خداوند به دلیـل سـتم پیشه بودن خلق و زیـاده روی آنـان در گنـاه , آن هـا را از وجود حجّت بی بهره می سـازد.(۲) در دوران امـامت امام باقر۷(۹۵تا ۱۱۴هجری قمری) و حضـرت صادق (۱۱۴تا ۱۴۸هجری قمری) بـا توجه به نهضت هـای دینی و بـازار گرم مناظره های مـذهبی و ضـرورت نقـد عقایـد کیسـانیه , زیـدیّه , غلاـت و اسـماعیلیه , درخصوص غیبت امـا زمان به فلسـفهء غیبت توجه بیشتری صورت گرفت . امام صادق ۷فرمود: .(۳) در روایت دیگر امام صادق ۷علت غیبت را امتحان الهی می داند.(۴) در روایت دیگر امام صادق به عمار ساباطی می فرمایـد: .(۵) از این روایـات که همراه بـا تقیه بـوده است , اسـتفاده می شود که علت غیبت این است که مردم در ظلم کردن و سـتم کـاران بر سـتم پیشـگی خود ادامه می دهنـد, همان طوری که امامان گذشـته را دچارسـختی ها کردنـد. کوشـش خلفای عباسـی برای زیر نظر گرفتن امامان شـیعه که پیش از رحلت امام رضا آغاز شده بود وبازداشـتن امامان شـیعی از هر تلاش فرهنگی و سیاسـی , سبب شد با شهادت امام حسن عسکری ۷بیشترین انشعاب به شیعه راه یابد و گروه های شیعی گوناگونی به وجود آید. از این جهت عصـر عباسیان عصر آشفتگی و حیرت برای شیعیان محسوب می شود. این ظلم ها و ستم کاری ها و امام کسـی هـا علّت غیبت در زمـان آن حضـرت و در زمـان کنونی است . (پـاورقی ۱.مجلهء حوزه , شـماره ۷۰ـ ۷۱ ص ۳۵۴ به نقل از غیبت نعمانی , ص ۲۰۲ (پـاورقی ۲.همان . (پـاورقی ۳.همان , ص ۳۵۵ (پـاورقی ۴.همان . (پـاورقی ۵.همان , ص ۳۵۶

در اعصار گذشـته با این که اکثر مردم و سردمداران آن ها با امام ۷دشمنی داشتند و او رانمی خواستند ;امام ۷بین آن ها بود و مردم از فیض وجودش محروم نبودند, اما امروز که علاقه مند و خواهان اوهستیم , باید از فیض وجودش محروم باشیم و برای زیارتش حسرت بخوریم !

پرسش

در اعصار گذشته با این که اکثر مردم و سردمداران آن ها با امام ۷دشمنی داشتند و او رانمی خواستند ;امام ۷بین آن ها بود و مردم از فیض وجودش محروم نبودنـد, اما امروز که علاقه منـد و خواهان اوهستیم , بایـد از فیض وجودش محروم باشـیم و برای زیارتش حسرت بخوریم !

پاسخ

برادر گرامی از این که با ما مکاتبه کرده و شبههء خود را با ما در میان گذاشتید, سپاس گزاریم . اولاً: هرپیامبر و امامی , می بایست در یک دوره و عصـر و زمانی متولد شده , به ارشاد خلق و تبیین احکام و قوانین الهی بپردازد. این حادثه در هر عصری رخ می داد, مردم عصـر بعـد می گفتنـد: چرا امام در عصـر ما ظهور ظهور نکرده است ؟مگر ما چه گناهی مرتکب شـده ایم ؟ مثلاً اگر بر فرض امام امیرالمؤمنین ۷در عصـر ما می بود, مردم عصر دیگر اظهارمی داشتند: چرا حضرت در عصر ما ظهور نکردند؟ بنابراین چاره نبود که امامان معصوم : عصـری متولّد شوند و درعصر دیگر مردم از فیض وجود مستقیم آنان بی نصیب باشند. ثانیاً: اگر نگوییم : امروز دشمنان امام ۷بیش تر از دشـمنان آن عصـر هسـتند, یقیناً کم تر نخواهند بود, زیرا ازپیامبر اکرم ۶و ائمه اطهـار: و علمای دین کراراً شنیـده ایـد که دسـتگاه ظلم و جور, عاقبت به دست حضـرت مهـدی موعود۷بر چیـده می شود و کـاخ هـای بیـدادگری را واژگون خواهـد ساخت . از این جهت , زورگویان وخونخواران که بر ملّت محروم تسلّط یافته اند, در راه رسـیدن به منافع شخصـی و حفظ مقام خود, از هیـچ عمل زشتی پروا ندارنـد و حاضـرند تمام مردم را فدای مطالع خویش کنند. آنان چون وجود مقدس امام ۷را سد راه منافع شوم خود می داننـد, ناچارنـد آن بزرگوار را از میان بردارنـد. ازطرفی چون هنوز زمینهء ظهور حضـرت فراهم نشـده , لـذا لازم اسـت در پشـت پرده بمانـد و قهراً مردم از فیض وجـودش بی نصـیب خواهنـد شـد. ثالثاً: گرچـه امروز مردم از فیض حضـرت محرومنـد, امـا به طور کلی از افـاضهء وجودش بی بهره نمی باشـند, زیرافوایـد وجود امـام ۷تنهـا پاسـخ به شـبهات مخالفان و امر به معروف و نهی از منکر و حمـایت از مظلومـان و اجرای حـدود الهی و بیـان مسایـل حلال و حرام نیسـت , بلکـه فوایـد دیگری بر وجودش مترتب است , از جمله : ۱ امام غایت خلقت و رابطهء میان عالم مادی و عالم ربوبی است . اگر امام روی زمین نباشد, بشـر منقرض خواهـد شـد: . افاضـات عوالم غیبی اوّلاً بر آینهء قلب امام زمان ۷نازل می شود و سـپس به وسـیلهء او بر دل های سایر افراد فرودمی آیـد. این طور نیست که از امام ۷در پس پردهء غیب , فیض و بهره ای به مردم نرسـد. امام همانند خورشـیدی است که اگر پشت ابرهـا قرار بگیرد یـا در شب هـا پنهان شود, این طور نیست که موجودات از نور و حرارت آن بی نصـیب شونـد. گفتنی اسـت گرچه مردم در بعضـی جهات از فیض مسـتقیم حضـرت بی بهره هستند, امّا باید دانست منع فیض ازناحیهء امام ۷نیست , بلکه مقصر مردمنـد که زمینهء ظهور حضـرت را فراهم نمی کنند. ۲ دومین فایـدهء وجود امام ۷این است که مردم به انتظـار مصـلح کل و منجی عـالم بشـریتند, که انتظار مایه ءامیـدواری و آرام بخش دل های مسـلمانان است . به علاوه منتظر واقعی همیشه خود را آمادهء ظهور حضـرت می داند و چشم به راه او است و دامن خود را به گناه آلوده نمی سازد. رابعاً: برنامهء حضرت مهدی موعود۷با دیگر امامان تفـاوت دارد ;سایر ائمه ۷مأمور بودنـد در ترویـج دین وامر به معروف و نهی از منکر تا سـر حـد امکان کوشـش نمایند, امّا مأمور به جنگ ابتـدایی نبودنـد, لـذا می توانسـتندمدّت ها بین مردم زنـدگی کننـد و در ظاهر و خفا, به ارشاد خلق بپردازنـد, گرچه منجر به شهادت آنان بشود, ولی حضرت ولی عصر۷از اوّل مأمور است در مقابل ظلم و جور و باطل سکوت نکند و با قیام به سیف , جور و باطل راریشه کن کند و سـتمکاران را سـرنگون سازد. بدیهی است مأمور این چنینی باید در پشت پردهء غیبت بماند تا زمینهء ظهور پیدا شود.(۱) خامسـاً: می شود در اثر عمل به واجبات و ترک محرمات و عمل به فرامین اسـلام , به جایی رسـید که حضوراًخـدمت حضرت شرفیات شد و مشکلات خود را مستقیماً با او در میان گذاشت . (پـاورقی ۱.دادگستر جهان , ص ۱۵۴ـ ۱۵۷ با تلخیص .

آیا در کتاب اصول کافی , باب امامت آمده که خداوند ظهور حضـرت مهدی ۷را در سال ۷۰ه. ق قرار داده بود, ولی به علت شهادت امام حسین ۷ ظهور حضرت به تأخیر افتاد؟ آیا این مطلب صحیح است ؟

پرسش

آیـا در کتاب اصول کافی , باب امامت آمـده که خداونـد ظهور حضـرت مهـدی ۷را در سـال ۷۰ه. ق قرار داده بـود, ولی بـه علت شهادت امام حسین ۷ ظهور حضرت به تأخیر افتاد؟ آیا این مطلب صحیح است ؟

پاسخ

حـدیثی در این خصوص , در اصول کـافی یـافت نشـد. اما در بحارالاءنوار, جلـد ۵۲ صفحه ۱۰۵روایت یـازدهم این مطلب را ذکر نموده است . با توجه به مطالبی که در روایت مذکور بیان شده , همان طوری که می توان تعجیل در فرج حضـرت را طلب نمود, از آن طرف ممکن است وقـایعی موجب شود ظهور حضـرت بـا تـأخیر همراه شود. البته از جهت دلالت , روایت محل بحث و اشـکال قرار گرفته , چون شهادت حضرت سیدالشهداء۷در سال ۶۱. ق اتفاق افتاد, حال آن که سال ظهور حضرت ۷۷۰ه. ق پیش بینی شده بود. از این رو, برداشت های مختلفی از محتوای روایت توسط صاحبنظران ارایه شده است و بعضی در دلالت آن خدشه کرده اند و مطابق با شواهد و مستندات تاریخی ندانستند.(۱) (پـاورقی ۱.علامه محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۰۵و ۱۰۶

برای این که امام دوازدهم را مردم نکشند، خداوند وی را از دیده‌ها پنهان کرد. آیا خدا تحت تأثیر کار مردم قرار نگرفته است؟

پرسش

برای این که امام دوازدهم را مردم نکشند، خداوند وی را از دیده‌ها پنهان کرد. آیا خدا تحت تأثیر کار مردم قرار نگرفته است؟

پاسخ

اوامر و فرامین الهی یـا تکوینی است ماننـد امر به ایجـاد و آفرینش موجودات. این گونه دسـتورها غیر قابـل تخلف است و به محض صدور فرمان، مأمور به انجام می‌شود": فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: موجود باش، آن نیز بی درنـگ موجود می‌شود.("۱) یـا تشـریعی است ماننـد امر به نمـاز، روزه، حـج، جهاد، اطاعت از امام معصوم(ع) و... در این گونه دسـتورها خداوند خواسـته که مردم با اختیار خودشان از اوامر الهی پیروی نمایند و بدین وسـیله صراط مستقیم را پیموده و به تکامل برسند. چون مردم اختیار دارند، با سوء اختیار خود می‌توانند از اوامر تشریعی سرپیچی کنند، چنان که عده‌ای نماز نمی‌خوانند. یکی از تخلفان مسلمانان عدم اطاعت از امام معصوم(ع) است که بر اثر این سوء اختیار از حضور امام معصوم(ع) بی بهره شدند و خود را در معرض گرفتاری‌های گوناگون قرار دادنـد. از سوی دیگر از آن جایی که وجود امام معصوم(ع) در روی زمین شـرط ادامه فیض بر بشـر است و بـدون وجود پربرکت حضـرت بقیه اللّه الاعظم نظامات زمین به هم می‌خورد، خداوند با قدرت خودش حضـرتش را

در پرده غیب محفوظ نگه داشته است. ابوحمزه گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: زمین بدون امام می‌ماند؟ فرمود": اگر زمین بدون امام باشد، فرو رود و نظمش از هم بپاشد.(۲") نتیجه این که مردم با سوء اختیار خود از نعمت حضور امام عصر(عج) بی بهره شده‌اند. چون وجود امام در زمین لازم و ضروری است و همچون آفتاب پشت ابر، مردم را از برکاتش بهره‌مند می کند، خدای مهربان ایشان را در پرده غیبت کبری نگه داشته و محافظت می‌نماید. بنابر این در مسئله غیبت امام زمان(عج) متأثر شدن خدا از مردم مطرح نیست. بلکه عکس العمل اعمال و رفتار مردم است. چنان که در سلب نعمت‌های الهی همین مسئله مطرح است. قرآن می‌فرماید": خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است، تغییر دهند.(۲") پی نوشت‌ها: ۱ - یس (۳۶)، آیه ۸۲. ۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، حدیث ۱۰. ۳ - رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

فایده غیبت امام زمان(ع) چیست؟ آیا فقط برای امتحان انسان‌ها است، در صورتی که می‌توان امتحانات بسیاری را در نظر گرفت؟ آیا هنوز زمینه ظهور فراهم نشده، در صورتی که جهان پر از ظلم و ستم و خونریزی است؟

پرسش

فایده غیبت امام زمان(ع) چیست؟ آیا فقط برای امتحان انسان‌ها است، در صورتی که می‌توان امتحانات بسیاری را در نظر گرفت؟ آیا هنوز زمینه ظهور فراهم نشده، در صورتی که جهان پر از ظلم و ستم و خونریزی است؟

پاسخ

پرسش شما به دو سؤال مجزّا قابل تقسیم است: ۱- فوائد غیبت حضرت حجت(عج) چیست؟ ۲- آیا زمان ظهور فرا رسیده است؟ فوائد غیبت: قبل از پرداختن به این مسئله، این نکته را خاطر نشان می کنیم که اصل غیبت امام معصوم، یک فقدان و کمبود برای انسان‌ها است که از این جهت به خداوند شِکْوه می کنیم": اللّهم انا نشکو الیک فقد نبینا و غیبة ولیّنا "عامل اساسی آن به خود ما انسان‌ها بر می گردد، اما با صرف از مسئله غیبت، اصل وجود او فواید و برکات بسیار دارد. در مورد فوائد وجود امام زمان در حال غیبت، روایات زیادی از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است که به دو مورد آن اشاره می‌شود: ۱- از امام صادق(ع) سؤال شد: مردم از امام غائب چگونه بهره می‌برند؟ حضرت فرمود": همان طور که مردم از خورشید پشت ابر بهره می‌برند.(۱") مرحوم علامه مجلسی هشت وجه در مورد تشبیه به خورشید پشت ابر ذکر فرموده‌اند که به دو مورد آن‌ها اشاره می کنیم: الف) منکر وجود حضرت ولی عصر(عج) با وجود این همه علائم و آثار وجود حضرت مانند منکر وجود خورشید پشت ابر است (و همان گونه که نمی‌توان خورشید پشت ابر را به خاطر شدّت ظهورش منکر شد، همین طور نمی‌توان در مورد حضرت حجت راه انکار را پیش گرفت). ب) همان طوری که گرما و نور به وسیله خورشید بر جهانیان می‌تابد، انوار وجودی حق تعالی و نور علم و هدایت الهی به واسطه این بزرگواران به خلق می‌رسد، چرا که در روایات وارد گردیده است که ائمه(ع) علت نهای یاجاد خلق می‌باشند. اگر آن‌ها نبودند، خلقی به وجود نمی‌آمد و بلاها به سبب آن‌ها دفع می‌شود.(۲) اگر این بزرگواران نبودند، خلائق به سبب ارتکاب اعمال قبیح، مستحق انواع عذاب بودند، چنان که خدا می‌فرماید": ولی (ای پیامبر!) تا تو میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد.(۳") در توقیعی، امام زمان همین فائده را برای غیبت ذکر فرموده‌اند.(۴) ۲- غیبت آزمایشی الهی است که سبب آزمون بندگان است تا سره از ناسره تمیز یابد و کسانی که دارای ایمان راسخی نیستند، باطن آن‌ها و حقیقت وجودشان آشکار گردد. ای خوش آن روز که محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد جعفر جعفی می گوید: به امام باقر

www.noorfatemah.org

عرض کردم: فَرَج شما کی خواهد رسید؟ فرمود": هیهات، هیهات! فرج ما نخواهد رسید مگر این که شما غربال شوید! (و حضرت این جمله را سه بار تکرار نمود) و افراد آلوده بودند و افراد پاک و مخلص باقی بمانند.("۵) برای غیبت حضرت حجت فوائد دیگری نیز ذکر شده که به اختصار معروض می‌داریم، باشد که با مطالعه کتب پیشهادی ما ضمن افزایش سطح اطلاعات خود زمینه پاسخگویی بیشتر و بهتر ایجاد شود. ۱- بیعت نکردن حضرت با هیچ کس. حضرت در حدیثی فرمود": همانا بیعت ستمگران زمان بر گردن تمام پدرانم بوده است، ولی من هنگامی که ظهور می‌کنم، بیعت هیچ کدام از ستمگران زمان بر گردنم نخواهد بود.("۶) ۲- حفظ وجود قطب عالم امکان از گزند حوادث. ۳- ایجاد آمادگی جهانی و بستر سازی جهت ظهور حجت(عج). کتب پیشنهادی جهت مطالعه: ۱- منتخب الاثر، تألیف آیت اللّه صافی گلپایگانی. ۲- دادگستر جهان، تألیف آیت اللّه امینی. ۳- مجله حوزه، شماره ۷۰ - ۷۱، ویژه امام زمان. ۴- در انتظار خورشید ولایت، تألیف عبدالرحمان انصاری. ساعت دقیق و زمان ظهور را فقط ذات مقدس الهی آگاه است. در توقیع شریفی حضرت فرمود": امّا ظهور الفرج فإنّه إلی اللّه و کذب الوقّاتون؛ اما زمان ظهور، پس علم آن نزد کردگار است و کسانی که وقت تعیین می‌کنند، دروغگویند.("۷) زمان دقیق ظهور از جمله اسرار ازلی است. در احادیث نشانه هایی برای ظهور حضرت نقل شده است که از آن جمله‌اند: ۱- خروج سفیانی، ۲- خروج فردی به نام دجّال، ۳- صیحه آسمانی، ۴- درآمدن پرچم‌های سیاه از خراسان، ۵- خسوف و کسوف، ۶- فراگیر شدن جهان از ظلم و جور و.... مورد اخیر در کلام شما به چشم می‌خورد که در آیت و روایت به آن اشارت رفته است. در حدیث معروفی وارد است": خداوند به وسیله ظهور مهدی(عج) زمین را پر از عدل و داد می‌سازد، پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد.("۸) علامه مجلسی در باب نشانه‌های ظهور روایتی از امام صادق آورده که در آن، بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و... را که در دوران غیبت، دامنگیر جوامع اسلامی می‌شود، پیش گویی کرده است، از جمله: رشوه خواری، قمار بازی، شراب خواری، زیاد شدن زنا و لواط و قطع صله رحم و....(۹) همه این‌ها به عنوان نشانه‌های ظهور است و زمان دقیق آن را خدا می‌داند. بین این نشانه‌ها برخی حتمی هستند، بدین معنا که حتماً قبل از ظهور واقع خواهند شد. برخی از نشانه‌ها غیر محتوم هستند و امکان واقع نشدنشان می‌رود. از روی دیگر در این روایت آمده است که جهان پر از ظلم و جور شده باشد و معلوم نیست که الان جهان پر از ظلم و جور شده باشد، بلکه وضع بدتر از زمان حاضر نیز قابل پیش بینی و وقوع می‌باشد. پی نوشت‌ها: ۱. منتخب الاثر، ص ۳۳۷. ۲. این مضامین در ادعیه وارد شده است، از جمله در زیارت جامعه کبیره ائمه را به چنین صفاتی، توصیف می‌کنیم. ۳. انفال (۸) آیه ۳۳؛ آیت اللّه صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، الفصل ۲، باب ۲۹، ص ۳۳۶. ۴. همان، ص ۳۳۸. ۵. بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۳. ۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲. ۷. آیت اللّه صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۳۷، ح ۴. ۸. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷؛ کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴. ۹. بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰.

چرا نباید ما همانند گذشتگان از وجود امامی که راهنمای بشریت باشد، برخوردار باشیم؟

پرسش

چرا نباید ما همانند گذشتگان از وجود امامی که راهنمای بشریت باشد، برخوردار باشیم؟

پاسخ

یکی از اصول اساسی مکتب تشیع این است که جهان هستی هرگز بی امام نخواهد بود.(۱) حال با این وجود چگونه غیبت امام مهدی(ع) توجیه می گردد؟ در این باره می گوییم: نخست می بایست توجه کرد به این نکته که از چه جهت وجود امام ضرورت دارد. وجوه ضرورت وجود امام: ۱ـ واسطهٔ فیض و هدایت تکوینی الهی: وجود امام ضرورت دارد، چون واسطهٔ فیض و هدایت تکوینی الهی است. اگر امام نباشد، فیض هستی قطع می گردد و جهان کائنات فرو می پاشد. محمد بن فضیل گوید: از امام هشتم(ع) پرسیدم: آیا روزی می رسد که مردم بدون امام باشند؟ حضرت فرمود: نه. گفتم: از امام صادق(ع) روایت شده است که اگر روزی زمین از وجود امام خالی باشد، زمین و بندگان مورد خشم خداوند قرار می گیرند، حضرت فرمود: نه، در این هنگام اصلاً زمین و بشری باقی نمی ماند، همه از بین می روند.(۲) بنابراین بدون وجود امام، واسطه فیض و هدایت تکوینی الهی باقی نمی ماند و در این صورت همه چیز نابود خواهد شد. حال در دورهٔ غیبت امام مهدی(ع) اگرچه حضرت از دیده ها پنهان است، لیکن وجود پرفیض او برقرار است و ما از این فیض بهره مندیم. امام صادق(ع) فرمود": همان طور که مردم از خورشید در پشت ابر بهره می برند، و وجود ابر نمی تواند مانع از فیض رسانی خورشید گردد، مردم در دورهٔ غیب امام مهدی(عج) از وجود او بهره می برند و غیبت نمی تواند مانع از فیض رسانی و واسطه فیض و هدایت الهی گردد.("۳) ۲ـ زعامت و رهبری سیاسی اجتماعی: وجود امام ضرورت دارد، از این جهت که می بایست رهبری سیاسی جامعه را در دست داشته باشد. امروز در دورهٔ غیبت کبری از این وجه ضرورت امام محروم هستیم. نه تنها ما محروم هستیم، بلکه آنانی که در دورهٔ حضور امامان(ع) بودند. نیز از این نعمت محروم بودند، چون بهره مندی از این نعمت به اوضاع اجتماعی بستگی دارد. تنها امام علی(ع) آن هم به مدت پنج سال و امام حسن(ع) به مدت شش ماه توانستند رهبری سیاسی را بر عهده بگیرند. بنابراین از این جهت فرقی بین زمان غیبت و حضور امام نیست. غیبت امام مهدی(عج) اگر مانع می شود تا مردم از رهبری سیاسی حضرت محروم گردند، اوّلاً این جریان مختص زمان غیبت نیست و ثانیاً به اوضاع اجتماعی بستگی دارد. اگر جامعه از این جهت پذیرا باشد، یکی از شرایط ظهور امام محقق شده است. ۳ـ تفسیر معصومانه از دین: وجود امام ضرورت دارد، به این جهت که مفسِّر و مبیِّن دین است؛ تفسیری که در آن خطایی وجود ندارد. او باید احکام دین را برای مردم بیان کند، چون تبیین و تفسیر او معصومانه است و مردم با توجه به آن بدون دغدغه رهنمودهای او را پذیرا می شوند. بعد از پیامبر(ص) مسلمانان به مدت ۲۵۰ سال از این نعمت بهره مند بودند؛ یعنی تا هنگام شهادت امام حسن عسکری(ع) یازده امام در صدد تبیین و تفسیر معصومانه از دین برآمدند و طرح اساسی از اسلام ناب محمدی (و مذهب تشیع) را پایه ریزی کردند و احادیثی که در قالب چهارصد کتاب (اصول اربع مأه) توسط شاگردان آنان نوشته شده بودند، جمع آوری شد. افزون بر این کتاب ها امامان(ع) توانستند شاگردانی مبرز و توانا برای دفاع از کیان عقیدتی و فقهی شیعه تربیت کنند. می توان گفت که در این دورهٔ ۲۵۰ ساله تقریباً مسئولیت تبیین و تفسیر دین یا بیان هدایت تشریعی به پایان راه خود رسید. آن چه گفتنی بود، گفته شد و اصول احکام بیان شد و آنان به شاگردان خود یاد دادند که در فروع و فرعیات احکام چگونه از اصول بهره گیرند و در حوادث واقعه (مسائل جدید) به اجتهاد و استنباط احکام بپردازند. حال اگر احیاناً جایی نیاز به تبیین و تفسیر دین باقی باشد، مسئولیت این امور بر عهدهٔ شاگردان امامان؛ یعنی عالمان با تقوا نهاده شده است. همان گونه که از امام مهدی(عج) روایت شده است". و أمّا الحوادث الواقعه فارْجعوا فیها إلی رُواهٔ حدیثنا فإنّهم حجتی علیکم و أنا حجهٔ الله علیکم؛(۴) در حوادث واقعه به روات احادیث و عالمان دین رجوع کنید، چون آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان می باشم. "اکنون در دورهٔ غیبت امام مهدی(عج) می توان گفت که: مسئولیت و وظیفهٔ امام در بُعد تفسیر دین و هدایت تشریعی به اتمام رسیده است و اگر با توجه به مقتضات زمان نیازی به تفسیر دین باشد، عالمان با تقوا با بهره گیری از اصول و کلیاتی که امامان(ع) بیان داشته اند و در قالب اصول اربع مأه موجود است، این مسئولیت را عهده دار می گردند. البته اگر چه در این جهت، بعضی از خلأها وجود دارد یا احساس می شود، می توانند با ارتباط امام زمان با افراد شایسته و خاص برای عامه مردم ناشناخته است، این خلأ تا حدی جبران شود. عنایات و توجهات

حضرت را نیز نباید نادیده گرفت. اما در مورد حکمت و فلسفه غیبت امام مهدی(عج) می گوییم: غیبت حضرت ولی عصر(عج) یکی از رازهای الهی بوده و ممکن است ما نتوانیم به کنه آن آگاه شویم و حکمت آن پس از ظهور روشن گردد. امام صادق(ع) فرمود": صاحب الامر غیبتی دارد که تخلف ناپذیر است، اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم. حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت های پیشین وجود داشته و پس از ظهور روشن خواهد شد، چنان چه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسربچه و برپا داشتن دیوار شکسته، وقتی برای موسی روشن شد که آن دو خواستند از هم جدا شوند،(۵) غیبت سرّی از اسرار الهی است.(۶") پس غیبت امام زمان(عج) از امور الهی است و ممکن است رمز اصلی آن تا پیش از ظهور آن وجود مقدس و نورانی برای بشریت روشن نگردد. در عین حال می توان فلسفهٔ غیبت را در حد فکر بشری فهمید و آن این که: این آخرین حجت معصوم الهی برای تحقق بخشیدن به آرمانی بزرگ (گسترش عدل کلی و به اهتزاز در آوردن پرچم توحید در جهان) در نظر گرفته شده است، و این آرمان نیاز به گذشت زمان و شکوفایی عقل و دانش بشر و آمادگی روحی و عقیدتی بشریت دارد، تا جهان به استقبال موکب آن امام عدل و آزادی رود. طبیعی است، چنان چه آن حضرت بیش از فراهم شدن مقدمات، در میان مردم ظاهر شود، سرنوشتی (شهادت) چونان دیگر حجت های الهی یافته و قبل از تحقق آن آرمان بزرگ، دیده از جهان فرو خواهد بست. به این حکمت در روایات اشاره شده است. امام باقر(ع) فرمود": برای حضرت قائم (غیبتی است قبل از ظهور، برای جلوگیری از کشته شدن.(۷") در برخی از روایات، مسئلهٔ امتحان خلق مطرح شده است، بدین معنی که مردم در عصر غیبت در بوتهٔ آزمایش الهی قرار می گیرند و مراتب و استواری آنان در ایمان و اعتقاد سنجیده می شود.(۸) پی نوشت ها: ۱. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸. ۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۹. ۳. منتخب الاثر، ص ۳۳۷. ۴. احتجاج، ص ۲۸. ۵. در مورد جریان حضرت موسی و خضر رجوع شود به قرآن، سورهٔ کهف، آیات ۶۶ ـ ۸۳. ۶. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۱۵۸. ۷. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۳. ۸. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

چرا در زمان گذشته که امام زمان در غیبت صغری به سر می برد و مردم می توانند با حضرت ارتباط داشته باشند، امّا الآن؛ یعنی در دورهٔ غیبت کبری از آن محروم هستند؟ آیا مردم امروز استحقاق دیدار حضرت را ندارند؟

پرسش

چرا در زمان گذشته که امام زمان در غیبت صغری به سر می برد و مردم می توانند با حضرت ارتباط داشته باشند، امّا الآن؛ یعنی در دورهٔ غیبت کبری از آن محروم هستند؟ آیا مردم امروز استحقاق دیدار حضرت را ندارند؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که یکی از علل غیبت امام زمان(ع) حفظ جان حضرت است؛(۱) بدین معنا که خداوند به وسیلهٔ غیبت امام(ع) حضرت را از قتل حفظ کرده است؛ زیرا اگر حضرت از آغاز زندگی میان مردم ظاهر بود، ظالمان او را مانند سایر ائمه(ع) به شهادت می رساندند". زراره ("که یکی از یاران امام صادق(ع) است) می گوید: امام فرمود": امام منتظر، پیش از قیام خویش مدّتی از چشم ها غایب خواهد شد... زیرا بر جان خویش بیمناک خواهد بود.(۲") این فلسفه غیبت امام اقتضا می کند که ارتباط با ایشان محدود بوده و با شیوه های خاصی صورت گیرد. اگر همهٔ مردم با امام ارتباط برقرار می کردند، با فلسفهٔ غیبت همسویی نداشت. بر این اساس در زمان غیبت صغری نیز همهٔ مردم با امام ارتباط نداشتند، بلکه ارتباط با حضرت از طریق نواب

www.noorfatemah.org

اربعه که انسان های عالم و پارسا بودنـد، صورت می گرفت. این افراد عبارت بودنـد از: ۱ـ ابوعمر و عثمان بن سـعید عمری: وی از نماینـدگان امـام علی النقی(ع) و امـام حسن عسـکری(ع) و مورد اطمینـان بود که احتمالاً در سال ۲۶۵ هجری فـوت کرده است. ۲ـ ابـوجعفر محمـد بن عثمـان بن سـعید عمری، متوفـای ۳۰۵ هجری. ۳ـ ابوالقـاسم حسـین بن روح نوبختـی، متوفـای ۳۲۶ هجری. ۴ـ ابوالحسن علی بن محمد سمری، متوفای ۳۲۹.(۳) بر اساس محدودیت ارتباط با امام زمان(ع) بود که برخی از وکلای دیگر امام که در مناطق مختلف مانند بغداد، کوفه، اهواز، همدان، قم، ری و ... حضور داشـتند، با نواب اربعه ارتباط داشـته و این چهار نفر که در رأس سلسـله مراتب وکلای امام قرار داشـتند، امور مردم را به عرض حضرت می رساندند.(۴) در زمان غیبت کبری نیز ارتباط مردم با امام قطع نشـده و شـیوهٔ برقراری ارتباط با حضـرت فرق کرده است؛ بـدین معنا که در زمان غیبت کبری مردم با نائبان عام امام که علمای واجد شـرایط هسـتند، ارتباط برقرار می کنند. آنان نیز مؤظف هسـتند که به پرسش های مردم پاسخ داده و به مشکلات آنان رسـیدگی نماینـد. از سـوی دیگر نیز مردم وظیفه دارنـد که به نائبـان عـام رجـوع نماینـد؛ زیرا که حجت امـام هسـتند. در توقیعی از حضـرت آمده است": در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آن ها حجت من بر شـما هستند و من حجت خدا (بر آنان) هستم."(۵) برخی از اندیشمندان شیعی باور دارند کسانی که لیاقت و شایستگی داشته باشند، می توانند با امام ارتباط برقرار نماینـد. این دیـدگاه در بین دانشـمندان شـیعی شـهرت دارد و افرادی چـون محـدث نـوری، کراجکی و شـیخ طوسـی و ... از طرفداران این نگرش هسـتند.(۶) سـید مرتضـی در پاسخ این اشـکال که امام غائبی که هیچ کس به وی دسترسـی نداشـته باشد، چه فایـده ای دارد و تفاوت بود و نبود وی چیست می نویسـد": نخستین چیزی که به آن معترفیم، این است که قطع نداریم هیچ کس به خـدمت امـام نمی رسـد و هیـچ بشـری او را ملاقات نمی کنـد. این امر معلوم نیست."(۷) مرحوم علامه مجلسـی تعـدادی از عالمان وارسـته را ذکر کرده که حضور امـام رسـیده و از آن وجود مقـدس بهره هـا برده انـد، عالمانی ماننـد علامه بحرالعلوم.(۸) از بعضی روایات استفاده می شود که امام میان مردم حضور دارد، ولی مردم او را نمی شناسند و این خود نیز نوعی ارتباطی است که در زمان غیبت شـکل می گیرد؛ مضافاً آنچه که گذشت می توان گفت: همان گونه که در زمان غیبت صغری ارتباط با امام زمان محدودیت داشـته و بر اساس شـرایط خاص صورت گرفته است، در زمان غیبت کبری نیز ارتباط با حضرت بر اساس شرایط خاصی امکان پذیر است. امام صادق(ع) فرمود": اگر زمینی، یک ساعت از جهت خالی باشـد، ساکنان خود را فرو خواهـد برد. حجت خدا مردم را می شناسـد، ولی مردم او را نمی شناسـند، همان گونه که یوسف مردم را می شـناخت و آنان او را نمی شـناختند."(۹) پی نوشت ها: ۱. لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۲۶۹. ۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲. ۳. مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) ص ۷۰ ـ ۷۱؛ مهدی پیشوایی، سـیرهٔ پیشوایان، ص ۶۷۸ ـ ۶۸۱. ۴. محمـد بن ابراهیم بغـدادی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۵. ۵. شـیخ طوسی، همان، ص ۱۷۷. ۶. مجله حوزه، ویژه نـامه امام زمان(عـج)، ص ۹۷. ۷. سـید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲، بـا اقتباس از مجله حوزه، ویژه اما زمان(عج)، ص ۹۸. ۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷ ـ ۲۳۸. ۹. مجله حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان(عج)، ص ۸۷.

فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را توضیح دهید .

پرسش

فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را توضیح دهید .

پاسخ

نـخست بایـد توجه نمود که غیبت امام از دیـدگان ما به این معنی نیست که او در جهان دیگری جز ایـن جـهـان زنـدگـی مـی کـنـد و یا وجود جسـمانی او به وجود ناپیـدایی مانـنـدامواج اتر تبـدیل گردیده است ; بلکه معنی غیبت امام (عج) این است که او درمیان مردم زنـدگی می کند و مردم وی را می بینند ولی نمی شناسـند و از یک زندگی طبیعی برخوردار است . امـا چـرا غیبت او طولانی است و فلسـفه این غیبت ممتـد چیست ؟ در برابر این پرسـش بایـد گفت : بـرنـامه حضـرت مهـدی (عـج) بـا برنـامه پیامبران و سایر پیشوایـان یـک تفـاوت کلی دارد و آن این است که برنـامه وی قانونگـذاری نیست ; بلکه یـک برنامه به تمام معنی اجرایی در تمام جهـان است ; به این معنی که او مـاموریت دارد تمـام اصول تعلیمـات اسـلام را در جهـان پیاده کنـد و اصول عـدالت و داد و حق و حقیقت را در میـان همه افراد بشـر بسـط و گسترش دهـد . درسـت است که پیـامبران و امامان نیز قسـمت هایی از این برنامه را اجرا کرده انـد ,ولی بر اثر نبودن آمـادگـی در بـسـیاری از مردم جهـان , این موضوع جنبه جهانی وعمومی به خود نگرفت و پس از نفوذ در شعاع معینی از جامعه های انسانی متوقف ماند . روشـن اسـت کـه پیـاده شـدن یـک چنین برنامه انقلابی جهانی که به وسیله آن اصول عـدالت و دادگـری و حق و حقیقت در میان همه مردم جهان گسترش یابـد , شـرایط و مقـدماتی لازم دارد که در زیر به آنها اشاره می شود و این شـرایط و امکانات جز با مرور زمان وتکامل همه جانبه اجتماع مـمکـن نـیست ; از جمله : ۱ - آمادگی روحی در درجه نخست بایـد مردم جهان برای اجرای این اصـول , تـشـنه و آماده گردند و تا درمردم جهان تقاضایی نباشد عرضه هر نوع برنـامه مـادی و معنوی موثر نخواهـدبود . قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زنـدگی اقتصادی حکمفرماست و تاتقاضایی از مردم نسـبت به کـالایـی نباشـد عرضه آن کالاـ کم اثر خواهـد بود , بلکه عین این نظـام در عرضه برنامه های معنوی و اصـول اخـلاقی و مکتبهای سیاسـی و انقلابی نیزحکمفرما می باشـد و تا در اعماق دل مردم - برای ایـن نوع امور - تقاضا و درخواستی نباشـد عرضـه آن با شـکست روبه رو شـده و کاری از پیش نخواهـد رفت . البته گـذشت زمان و شـکست قوانین مادی و پدیـد آمدن بن بسـتهای جهانی و کشیده شدن بشریت بـر لب پرتگاه جنگ , مردم جهان را خسته خواهد کرد و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول قوانین مـادی و سازمانهـای به اصـطلاح بین المللی , نه تنهانمی تواننـد مشـکلات زنـدگی را حـل کـنـنـد و عـدالت را در جهـان حکمفرمـا سازنـد , بلکه همین خسـتگی و یـاس , مردم دنیـا را برای پـذیرش یک انقلاب بنیادی مهیا و آماده می سازد و می دانیم که این موضوع نیاز به گـذشت زمان دارد تـا تـجـربـه هـای تلـخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمانهای بشـری در اجرای اصول عـدالت و احقاق حق و برقراری امنیت و آرامش , عاجز و ناتوان می باشـند و سـرانجام بر اثر یاس ونـومـیدی , این تقاضـا در مردم گیتی برای تحقق چنـان آرمـان الهی پدیـد آیـد و زمینه برای عرضه یـک انقلاـب جهانی به وسـیله یک مرد الهی و آسمانی از هر نظر مساعدگردد . (۱) ۲ - تـکـامـل علوم و فرهنگهای انسانی از سوی دیگر برای برقرار ساختن یک حکومت جهانی , بر اساس عدل و داد , نیازفراوانی به پیشـرفت علوم و دانشـها و فرهنگهای اجتماعی و مردمی دارد که آن نیزبدون پیشرفت فکری و گـذشت زمان ممکن و میسـر نمی گردد . بـرقراری حکومت جهانی که در سراسـر جهان , عـدل و داد و قانون حکومت کند و همه مردم جهان از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسـلام بهره منـد گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشـرفته در کلیه شوون بشـری امکان پـذیر نیست و هرگز بـدون یک فرهنگ کامل ,جامه عمل به خود نمی پوشـد . این نیز احتیاج به گـذشت زمان دارد . ۳ - تـکـامـل وسایل ارتباط جمعی از سوی دیگر , چنین حکومتی نیاز به وجود وسایل کامل ارتباط جـمـعـی دارد تـا درپـرتـو آن بتوانـد مقررات و احکام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مـدت کوتاهی به مردم جهان اعلام کنـد . این موضوع بدون تکامل صـنایع انسانی و گذشت زمان نیز انجام نمی گیرد . ۴ - پـرورش نیروی انسانی از همه اینها گذشته , پیشبرد چنین هدفی و پی ریزی چنان انقلابی به یـک نـیروی فعال و سازنده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشـکیل می دهد و تشکیل چنین ارتشی و به وجود آمـدن چنین افراد پاکباخته و فداکاری که در راه هدف وحقیقت از همه چیز بگذرند نیاز به گذشت زمان دارد . اگـر در بـرخـی از روایـات می خوانیم که فلسـفه طولانـی شـدن غیبت امـام زمـان , همـان امتحـان و آزمـایـش مـردم است , ممکن است ناظر به همین

قسمت باشد ; زیرا امتحان وآزمایش در منطق اسلام نه به معنی آزمونهای معمولی و کشف امور پنهانی است ; بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افرادمی باشد . (۲)مجموع این جهات چهارگانه (۳) نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه ای بگذرد وجهان از بسیاری از جهات پیش برود ; و آمادگی روحی و فکری برای پذیرش حکومت جهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید ; آنگاه این برنامه با وسایل وامکانات خاصی در سطح جهانی بوسیله حضرت مهدی (عج) پیاده گردد ۰۰۰ این است فلسفه غیبت طولانی امام . اما با این حال چرا امام در میان مردم شناخته نمی شود و بطور ناشناس زندگی می کند ; در صورتی که برای او ممکن است که بطور شناخته شده در میان مردم به سربرد تا روزی که فرمان الهی درباره انقلاب جهانی او فرا رسد . درباره این سوال باید گفت : امام همچون انسانهای دیگر طبق سنن عادی انسانی زندگی می کند , ولی او از یک عمر طولانی برخوردار است , اگر شناخته می شد هرگز ازگزند نیروهای اهریمنی که در هر عصر و زمانی تعداد و شماره های آنها کم نیست مصون و محفوظ نمی ماند و به دست آنان از بین می رفت , چنان که تاریخ این مطلب رادرباره تمام امامان و پیشوایان گذشته به روشنی ثابت کرده است ; و اگر آفتاب عمرامامی از پیشینیان به وسیله اهریمنان بدخواه غروب می کرد امام و پیشوای دیگری جای او را می گرفت , در صورتی که این موضوع درباره حضرت مهدی (عج) چنین نیست; او آخرین حجت خداست و باید برنامه به دست او اجرا گردد . در این صورت , ناچار باید بطور ناشناس زندگی کند تا روزی که ماموریت اجرای این برنامه به او محول گردد . البته آنچه گفتیم درباره فلسفه غیبت امام (عج) و علت زندگی کردن او بطور ناشناس بود و اما این که وجود امام در پشت پرده غیبت چه منافعی برای مردم دارد و هم اکنون جامعه انسانی از وجود امام چه سودی می برد , خود موضوع دیگری است که بایدجداگانه درباره آن بحث نمود و از موضوع سوال بالا خارج است .

چرا حضرت مهدی(عج) غیبت مینمایند و فایده این غیبت چیست؟

پرسش

چرا حضرت مهدی(عج) غیبت مینمایند و فایده این غیبت چیست؟

پاسخ

۱ـ علت عمده و حقیقی غیبت معلوم نخواهد شد مگر بعد از ظهور آن حضرت همانطور که حکمت کارهای خضر در موقعی که موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) با او مصاحبت داشت، معلوم نشد مگر در وقت مفارقت آنها. همانطور که فایده و ثمرهٔ خلقت هر موجودی اعمّ از جماد و نبات و حیوان و انسان بعد از گذشت ماهها و سالها ظاهر شده و میشود. ۲ ـ حکمتها و اسرار معلومی در این غیبت است که از آن جمله، امتحان بندگان است زیرا به واسطه غیبت، مخصوصاً اگر سرّ آن نامعلوم باشد مرتبهٔ ایمان و تسلیم افراد در برابر تقدیر الهی ظاهر میشود و قوت تدیّن و تصدیق آنان معلوم و آشکار میگردد. همچنین در زمان غیبت به واسطهٔ حوادث و فتنههائی که روی میدهد، شدیدترین امتحانات از مردم به عمل میآید که شرح آن در اینجا میسّر نیست. و از جملهٔ آن اسرار، این است که در دورهٔ غیبت، ملل جهان به تدریج برای ظهور آن مصلح حقیقی و سامان دهنده وضع بشر، آمادگی علمی و اخلاقی و عملی پیدا کنند؛ زیرا ظهور آن حضرت مانند ظهور انبیاء و سایر حجج نیست که مبتنی بر اسباب و علل عادی و ظاهری باشد بلکه روش آن سرور در رهبری جهانیان مبنی بر حقایق و حکم به واقعیات و ترک تقیّه، شدت در امر به معروف و نهی از

منکر و مؤاخذهٔ سخت از عُمّال و ارباب مناصب و رسیدگی به کارهای آنها است که انجام این امور نیاز به تکامل علوم و معارف و ترقّی و رشد فکری و اخلاقی بشر دارد بطوری که استعداد عالمگیر شدن تعالیم اسلام و جهانی شدن حکومتِ احکام قرآن فراهم باشد.

آیا خوف از قتل و بیم از کشته شدن میتواند یکی از موجبات غیبت امام زمان(عج) باشد؟ و آیا با بقاء غیبت ارتباطی دارد؟

پرسش

آیا خوف از قتل و بیم از کشته شدن میتواند یکی از موجبات غیبت امام زمان(عج) باشد؟ و آیا با بقاء غیبت ارتباطی دارد؟

پاسخ

بله، بیم از قتل و نداشتن تأمین جانی میتواند سبب غیبت شده باشد و این مطلب از مراجعه به کتابهای مورد اعتماد و تواریخ و احادیث معلوم میشود. زیرا بنی عباس به ملاحظه آنکه شنیده بودند و میدانستند در خاندان پیغمبر و از فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) شخصیتی پیدا خواهد شد که حکومت جباران و مستبدان به دست او بر چیده میشود و آن کس فرزند حضرت امام حسن عسکری(ع) است، در مقام کشتن او برآمدند و همانطور که فرعون نسبت به حضرت موسی(ع) رفتار کرد برای آنکه از ولادت آن حضرت مطلع شوند نخست جاسوسان و کارآگاهان گماشتند؛ و بعد هم خواستند شخص او را بیابند و دستگیر سازند، ولی خدا آن حضرت را حفظ کرد و دشمنان او را نا امید ساخت و بر حسب ظاهر نیز جنگهای داخلی بزرگ و ابتلای بنی عباس به شورش و انقلاب «صاحب الزنج» آنها را از تعقیب این موضوع بازداشت، چنانچه کلینی و شیخ طوسی در کتاب «کافی» و «غیبت» به سند خود از زراره روایت کردهاند که گفت: شنیدم حضرت صادق(ع) فرمود: برای قائم(ع) پیش از آنکه قیام فرماید غیبتی است، عرض کردم: برای چه؟ فرمود: .....Şjآنکه از کشته شدن بیم دارد. اما بیان ارتباط بقای غیبت با خوف از قتل این است که اگر چه خداوند متعال، قادر و توانا است که .....هر زمان و هر ساعت آن حضرت را ظاهر و بطور قهر و غلبه ...ṢtŠ...Řملل و حکومتها پیش از فراهم شدن اسباب، غالب سازد ولی چون جریان این جهان را خداوند بر مجرای اسباب و مسبّبات قرار داده، تا اسباب چنان ظهوری فراهم نشود، قیام آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد و اگر پیش از فراهم شدن اسباب و مقدمات ظاهر شود از خطر قتل مصون نخواهد ماند.

چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟

پرسش

چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟

پاسخ

چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟ ج: یکی از علائم و مشخصات امام منتظر و مهدی آخرالزمان(ع) این است که بیعت هیچکس و هیچ حکومت غاصب و ستمگری حتی به عنوان تقیه بر گردن او نیست و ظاهر میشود در حالی که نسبت به احدی از جبابره و حکومتهای مختلف تمکین و تسلیمی نداشته و از راه تقیه هم، حکومتهای غیر اسلامی و حکومتهائی را که تمام اسلامی نیست در ظاهر امضا نکرده است. او اکمل مظاهر اسم «العادل» و «السلطان» و «الغالب» و «الحاکم» است و چنان شخصیت و مقامی، از اینکه تحت سلطنت غیر خدا واقع شود یا به حکومتی از حکومتهای جائر به تقیه رأی داده باشد، بر حسب اخبار محفوظ و محروس است و چنانچه از اخبار کثیر استفاده میشود، آن حضرت به تقیه عمل نخواهد کرد و حق را آشکار و باطل را از صفحهٔ روزگار بر خواهد انداخت. از جمله در حدیث هشام بن سالم، حضرت صادق(ع) میفرماید: «یَقُومُ الْقائِمُ وَ لَیسَ فی عُنُقِهِ بَیْعَةٌ لِأَحَدٍ»، [قائم(ع) قیام میکند در حالی که در گردن او بیعت برای احدی نیست.]

چرا حضرت مهدی برای رفع ظلم و ارشاد مردم تا حدودی که ممکن است ظاهر نمیشوند و هر زمان که خطری برای ایشان پیش آمد و یا مصلحتی اقتضا کرد غایب شوند و به همین صورت ظهورهائی جزئی داشته باشند تا آن ظهور کلی فرا رسد؟

پرسش

چرا حضرت مهدی برای رفع ظلم و ارشاد مردم تا حدودی که ممکن است ظاهر نمیشوند و هر زمان که خطری برای ایشان پیش آمد و یا مصلحتی اقتضا کرد غایب شوند و به همین صورت ظهورهائی جزئی داشته باشند تا آن ظهور کلی فرا رسد؟

پاسخ

این نحو ظهور و غیبت، خلاف مصلحت نبوات و خلاف مصالح تربیتی جامعه است و مانند مداخله یک قوهٔ مستمر غیبی در کادر اختیار بشر و سلب اختیار از انسان میباشد و بالأخره با هدف خلقت انسان، تکامل عادی و اختیاری و سیر ارادی و تدریجی او بسوی کمالی که آیه: «اِنّا خَلَقْنَا الْاِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلیهِ فَجَعَلْناهُسَمیعاًبَصیراً» دهر/ ۲ [ما او را از آب نطفه مختلط خلق کردیم و دارای قوای چشم و گوش گردانیدیم.] آن را بیان میدارد، سازگار نیست و موجب وقوف و بازماندن بشر از سیر ترقی و کمال است و مانند آن است که همه چیز، وابسته به معجزه گردد و جریان طبیعی و عادی که سنّت خدا بر آن قرار دارد، متروک شود.

خواجه نصیرالدین طوسی در مورد سبب غیبت امام دوازدهم چه گفته است؟

پرسش

خواجه نصیرالدین طوسی در مورد سبب غیبت امام دوازدهم چه گفته است؟

پاسخ

خواجه نصیر الدین طوسی در رساله فیلسوفانه و محققانه‌ای که در امامت تألیف فرموده، فصلی کامل راجع به غیبت امام دوازدهم و

طول مدت و رفع استبعاد آن مرقوم داشته است و در پایان آن راجع به «سبب غیبت» چنین فرموده است: «و أما سبب غیبته فلا یجوز أن یکون من الله سبحانه ولا منه کما عرفت فیکون معی المکلفین، وهوالخوف الغالب وعدم التمکین والظهور یجب عند زوال السبب» [اما سبب غیبت امام دوازدهم، پس جایز نیست که از جانب خدای سبحان و یا از جانب خود آن حضرت باشد؛ بلکه همانگونه که شناختی از مردم و مکلفین است و آن خوف غالب و تمکین نداشتن مردم از امام است و هر موقع این سبب زایل شود یعنی مردم تمکین و اطاعت از امام نمایند ظهور واجب می‌شود.] چنانچه دقت و ملاحظه شود کلام این استاد بزرگ که در روشنائی عقل و حکمت این موضوع را بررسی و مورد تحلیل قرار داده، مؤید بعضی وجوهی است که در جای دیگر بطور مفصل شرح دادیم و آن بیم از قتل و تمکین نکردن مردم است و اگر این سبب برطرف شود، آن حضرت ظاهر می‌شود پس سزاوار نیست بندگان با آنکه سبب غیبت خود آنها هستند اشکال و ایراد نمایند. مع ذلک چنانچه آنها رفع سبب نکنند اراده خدا بر آن تعلق گرفته که در زمان مقتضی او را به قهر و غلبه تمکن دهد و وعده‌ای را که در قرآن شریف در آیهٔ کریمهٔ: («وَعَدْ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الاَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً» نور/۵۷ [خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان آورده و نیکوکار گردد وعده فرموده که در زمین خلافت دهد چنانکه امت‌های صالح پیرامون گذشته، جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همهٔ مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد.]) به مؤمنین داده، منجّز فرماید و آن حضرت ظاهر و آشکار شود و اگر یک روز از دنیا باقی نمانده باشد آنقدر آن روز را طولانی سازد تا مهدی(عج) ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

چرا امتحان به «غیبت حضرت مهدی» از شدیدترین امتحانات است؟

پرسش

چرا امتحان به «غیبت حضرت مهدی» از شدیدترین امتحانات است؟

پاسخ

بطوری که از اخبار استفاده می‌شود به دو جهت امتحان به غیبت حضرت مهدی(ع) از شدیدترین امتحانات است.: جهت اول: چون اصل غیبت بسیار طولانی می‌شود، بیشتر مردم در ریب و شک می‌افتند و برخی در اصل ولادت و بعضی در بقای آن حضرت شک می‌نمایند و جز اشخاص مخلص و با معرفت و آزموده، کسی بر ایمان و عقیدهٔ به امامت آن حضرت باقی نخواهد ماند. چنانچه پیغمبر اعظم(ص) در ضمن روایت معروفی که جابر روایت کرده است فرمود: «ذلِکَ الَّذی یَغیبُ عَنْ شیعَتِهِ وَ اَوْلیائِهِ غَیْبَةً لا یثبُتُ فیها عَلَی الْقَوْلِ بِامامَتِهِ الاّ مَنِ امْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ لِلْایمانِ» و معلوم است که ایمان به بقاء، حیات، عمر، غیبت طولانی و انتظارظهور در دوران بسیار طولانی غیبت، دلیل حسن اعتقاد و اعتماد به خبرهای غیبی پیغمبر(ص) وائمه (ع) و نشانهٔ ایمان به قدرت الهی، و علامت قوّت تسلیم و تمکین از برنامه‌های دین است. برای اینکه ایمان کامل و صادق به امور غیبی حاصل نمی‌شود مگر برای اهل یقین و پرهیزکاران و کسانی که از تاریکی وساوس نجات یافته وبه سر منزل اطمینان نفس و ثبات عقیده رسیده و دلشان از انوار هدایت منوّر و روشن شده باشد و به استبعادات و شبهاتِ واهی اعتنا نکرده در راه دینداری و ولایت، لغزش قدم و تزلزل نیابند.

جهت دوم: شدتها و پیش آمدهای ناگوار و تغییرات و تحولاتی است که در دورهٔ غیبت، روی داده و مردم را زیر و رو می‌سازد بطوری که حفظ ایمان و استقامت، بسیار دشوار می گردد وایمان افراد در مخاطرات سخت واقع می‌شود چنانچه از حضرت صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن کس که بخواهد در عصر غیبت به دینش متمسک و ملتزم باشد، مثل کسی است که شاخهٔ درخت خار را بادست بزند تا خارهایش قطع گردد ـ سپس امام بادست خود به این کار اشاره کرده آنگاه فرمود: به درستی که برای صاحب این امر غیبتی است پس باید هر بنده خدای بپرهیزد و باید به دینش متمسک گردد. در دوران غیبت، جمال ظاهر دنیا هر چه بیشتر و بهتر جلوه گر و دل فریب می‌شود، اسباب معاصی و گناهان و لذائذ حیوانی بیش از همه وقت فراهم و در دسترس عموم قرار می گیرد، بساط لهو و لعب و غنا و خوانندگی و طرب همهجا گسترده میشود زنها و مردهای بیگانه با هم امتزاج و اختلاطهای نامشروع و خلاف عفت و نجابت پیدا کنند، کسبهای حرام متداول و رسمی و معاش اکثر مردم از راههای حرام باشد و برای اختلاطهای مؤمن ضربت شمشیر از به دست آوردن یک درهم حلال آسان تر باشد، مادّیات و دنیا پرستی بر مردم غالب و مقامات و مناصب به دست کسانی افتد که به احکام خدا پایبند و ملتزم نباشند، زنان را در رتق وفتق امور عامه و کارهائی که به عهده مردها است دخالت دهند ربا و میگساری و فروش شراب و قمار و بی عفتی و فحشاء علنی گردد. اهل دین و امانت و ایمان ذلیل؛ و نابکاران و اراذل و بی دینان، به ظاهر عزیز گردند. امر به معروف و نهی از منکر ترک و عکس آن رایج شود. معروف را منکر و منکر را معروف شناسند، به معصیت و گناه و هم کاری با ستمگران افتخار نمایند، امانت را غنیمت و صدقه را غرامت شمارند. شعائر و آداب اسلام را ترک و آداب و شعائر کفار را رسمی کنند. اهل حق خانه نشین و ناپاکان و خدانشناسان مصدر امور گردند. زنها با گستاخی تمام آداب و سنن اسلامی را ترک و به وضع دوران جاهلیّت برگردند. به واسطهٔ تسلط و غلبهٔ کفار و استبداد اشرار، آن چنان مؤمنان در فشار واقع و از آزادی محروم شوند که کسی را جرأت آن نباشد که نام خدا را ببرد مگر در پنهانی و بطوری کار حفظ ایمان سخت شود ک شخص صبح کند درحالی که در شمار مؤمنان و مسلمانان است و شب کند درحالی که از اسلام بیرون رفته و کافر شده باشد. از حضرت صادق(ع) روایت شده است که فرمود: این امر برای شما واقع نخواهد شد مگر پس از ناامیدی، نه، به خدا نمی‌آید تا شما (مؤمن و منافق) از هم جدا شوید. نه، به خدا نخواهد آمد تا شقی شود هر کس شقی می گردد و سعید گردد هر کس سعید می گردد. (کمال الدین ۲/باب ۳۴ ص ۱۵، ح ۳۱) و در روایت ابن عباس است که پیامبر اعظم(ص) فرمود: کسانی که در زمان غیبت اوبر عقیده به امامت او ثابت باشند از کبریت احمر کمیاب ترند. پس جابر به پا خاست و عرض کرد: یا رسول الله برای قائم از فرزندان تو غیبت است؟ فرمود: آری سوگند به پروردگارم و باید خدا گروندگان را تخلیص کند و کفار را محو سازد. ای جابر، این امری است (کار بزرگی است) از کارهای خدا و سرّی است از اسرار خدا که از بندگان خدا پوشیده است پس بر حذر باش از شک در آن پس به درستی که شک در کار خداوند عزوجل کفر است.

آیا با جستجو و کاوش به حکمت و فلسفه غیبت می‌رسیم و آیا نرسیدن به این امر دلیل نفی آن است؟

پرسش

آیا با جستجو و کاوش به حکمت و فلسفه غیبت می‌رسیم و آیا نرسیدن به این امر دلیل نفی آن است؟

پاسخ

خیر. این قدر دنبالهٔ فلسفهٔ غیبت و پرسش از آن نباشید غیبت امری است حاصل شده و واقع شده. سرّ غیبت دانسته شود یا نشود، غیبت واقع شده است و ندانستن شما هیچگاه برهان نفی و رد آن نیست. ما به قضاء و قدر معتقدیم و فی الجمله هم کم و بیش بر حسب اطلاعات فلسفی و راهنمائیهای قرآن و اهل بیت از آن چیزهائی می‌دانیم اما آیا کسی می‌تواند از تمام تفاصیل قضاء و قدر اظهار علم و اطلاع کند. لذا از تفکر در قضاء و قدر نهی شده و فرمودند: «وادٍ مُظْلِمٌ فَلا تَسْلُکُوهُ» [وادی تاریکی است در آن سلوک نکنید و اسب طلب را اینجا نرانید که خسته و مانده می‌شوید.] در این وادی مران زنهار زنهارکه در اول قدم گردی گرفتار شکار کس نشد عنقا بدورانرا دام افکنی ای مرد نادان امور تکوین و تشریع از همهٔ جهات تحت احاطه فکر بشر در نخواهد آمد و بشر نمی‌تواند تمام نواحی این امور را بررسی و به جمیع اطراف آن برسد. اینجا دیگر مقام، مقام تسلیم و ایمان است اما در عین حال نه ایمان بی‌دلیل و نه ایمان تعبدی خالص، بلکه ایمانی که از راهنمائی عقل و وجدان آگاه بشر سرچشمه گرفته و زبان وحی و آیات قرآن مجید و احادیث متواتر و معجزات و شرفیابیهای جمعی از خواص، ما را به آن دلالت و راهنمائی کرده است. پس آنچه بگوییم راجع به اسرار غیبت، بیشتر مربوط به فواید و آثار آن است، و الّا علت اصلی آن بر ما مجهول است. و این است معنای احادیث شریفه‌ای که در آنها تصریح شده به اینکه سرّغیبت آشکار نشود مگر بعد از ظهور چنانچه سرّ آفرینش درختها ظاهر نمی شود مگر بعد از ظهور ثمره و میوه، و حکمت باران آشکار نشود مگر بعد از زنده شدن زمین و سبز و خرم شدن بوستانها و مزارع. صدوق در کتاب کمال الدین و کتاب علفل الشرایع به سند خود از عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده است که گفت: شنیدم حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: البته برای صاحب این امر غیبتی است که چاره‌ای از آن نیست در آن هر باطل جو، به ریب و شک می‌افتد. عرض کردم: چرا؟ فدایت شوم. فرمود: برای امری که به ما اذن در فاش کردن آن داده نشده است. گفتم: پس وجه حکمت در غیبت او چیست؟ فرمود: وجه حکمتی که در غیبت حجتهای خدا پیش از آن حضرت بود. به درستی که وجه حکمت غیبت کشف نمی‌شود مگر بعد از ظهور او، چنانچه وجه حکمت کارهای حضرت خضر (از سوراخ کردن کشتی، کشتن غلام و به پا داشتن دیوار،) برای حضرت موسی(ع) کشف نشد مگر در همگام مفارقت آنها از یکدیگر. ای پسر فضل این «غیبت» امری است از امر خدای تعالی و سرّی است از سرّ خدا و غیبی است از علوم غیبی خدا و پس از آنکه ما دانستیم خداوند حکیم است، گواهی داده‌ایم به اینکه کار و گفتارهای او همه موافق حکمت است هر چند وجه آن بر ما روشن نشده باشد.

می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری((علیه السلام)) به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پرسش

می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری((علیه السلام)) به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پاسخ

نخست باید توجّه نمود که غیبت امام از دیدگان ما، به این معنی نیست که او در جهان دیگری جز این جهان زندگی می کند و یا وجود جسمانی او به وجود ناپیدائی مانند امواج «اتر» تبدیل گردیده است بلکه معنی غیبت امام((علیه السلام)) این است که او در میان مردم زندگی می کند و مردم وی را می بینند ولی نمی شناسند و از یک زندگی طبیعی، برخوردار است. امّا چرا غیبت او

www.noorfatemah.org

طولانی است؟ فلسفه این غیبت ممتد چیست در برابر این پرسش باید گفت: برنامه حضرت مهدی((علیه السلام)) با برنامه پیامبران و سایر پیشوایان یک تفاوت کلّی دارد، و آن این است که برنامه وی، یک برنامه ی به تمام معنی اجرائی است نه قانون گزاری آن هم نه در یک قمت از جهان بلکه در تمام جهان، به این معنی که او مأموریت دارد تمام اصول تعلیمات اسلام را در جهان پیاده کند و اصول عدالت و حق و حقیقت را در میان همه افراد بشر، بسط و گسترش دهد. درست است که پیامبران و امامان نیز قسمت هائی از این برنامه را اجراء کرده اند، ولی بر اثر نبودن آمادگی در بسیاری از مردم جهان این موضوع جنبه جهانی و عمومی به خود نگرفت، و پس از نفوذ در شعاع معینی از جامعه های انسانی، متوقّف ماند. روشن است که پیاده شدن یک چنین برنامه شدن یک چنین برنامه انقلابی جهانی، که به وسیله آن، اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت، در میان همه مردم جهان ـ۲۰ـ گسترش یابد شرائط و مقدّماتی لازم دارد که در زیر به آنها اشاره می شود و این شرائط و امکانات جز با مرور زمان و تکامل همه جانبه اجتماع ممکن نیست، از جمله: ۱. آمادگی روحی در درجه نخست باید مردم جهان برای اجرای این اصول، تشنه و آماده گردند و تا در مردم جهان تقاضائی نباشد «عرضه» هر نوع برنامه مادی و معنوی مؤثر نخواهد بود قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زندگی اقتصادی حکم فرما است و تا تقاضائی از مردم نسبت به کالائی نباشد عرضه آن کالا کم اثر خواهد بود، بلکه عین این نظام در عرضه برنامه های معنوی و اصول اخلاقی و مکتبهای سیاسی و انقلابی نیز حکمفرما می باشد و تا در اعماق دل مردم، برای این نوع امور، تقاضا و درخواستی نباشد عرضه آن با شکست روبرو شده و کاری از پیش نخواهد رفت. البته گذشت زمان و شکست قوانین مادّی و پدید آمدن بن بستهای جهانی، و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ مردم جهان را خسته خواهد کرد و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول قوانین مادّی و سازمانهای به اصطلاح بین المللی نه تنها نمی توانند مشکلات زندگی را حل کنند و عدالت را در جهان حکمفرما سازند، بلکه همین خستگی و یاس، مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادین مهیا و آمده می سازد و می دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد، تا تجربه های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمانهای بشری در اجرای اصول عدالت و احقاق حق و برقراری امنّیت و آرامش عاجز و ناتوان می باشند و سرانجام، بر اثر یاس و نومیدی این تقاضا در مردم گیتی برای تحقق چنان آرمان الهی پدید آید و زمینه برای عرضه ـ۲۱ـ یک انقلاب جهانی وسیله یک مرد الهی و آسمانی از هر نظر مساعد گردد(۱). ۲. تکامل علوم و فرهنگهای انسانی از سوی دیگر برای برقرار ساختن یک حکومت جهانی، براساس عدل و داد، نیاز فراوانی به پیشرفت علوم و دانشها و فرهنگهای اجتماعی و مردمی وجود دارد که آن نیز بدون پیشرفت فکری و گذشت زمان، ممکن و میسّر نمی گردد. برقراری حکومت جهانی که در سراسر جهان، عدل و داد و قانون حکومت کند، و همه مردم جهان، از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسلام بهره مند گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشرفته در کلیه شئون بشری، امکان پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل، جامه عمل به خود نمی پوشد، این نیز احتیاج به گذشت زمان دارد. ۳. تکامل وسائل ارتباط عمومی از دیگر سو، چنین حکومتی نیاز به وجود وسائل کامل ارتباط جمعی دارد تا در پرتو آن بتواند مقررات و احکام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مدّت کوتاهی به مردم جهان اعلام کند این موضوع بدون تکامل صنایع انسانی و گذشت زمان نیز انجام نمی گیرد. ۴. پرورش نیروی انسانی از همه اینها گذشته پیشبرد چنین هدفی و پی ریزی چنان انقلابی به یک نیروی فعّال و سازنده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشکیل می دهد و ۱ - یکی از نشانه های روشن قیام امام زمان که در احادیث اسلامی همگی بر آن اتّفاق دارند این است که سراسر اجتماع بشری را جور و ستم و تعدی و بیدادگری، فرا می گیرد و ابرهای یاس و نومیدی زندگی جامعه انسانی را تیره می سازد و در حقیقت فشار ظلم و تعدی آن چنان بر دوش آنان سنگینی می کند که انسان را برای پذیرش انقلاب دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی به دست توانا و نیرومند یک مرد الهی آماده می سازد. ـ۲۲ـ تشکیل چنین ارتشی، و به وجود آمدن چنین افراد جانباز و فداکاری که در راه هدف و حقیقت از همه چیز بگذرند نیاز به گذشت زمان دارد. اگر در برخی از روایات می خوانیم که فلسفه طولانی شدن غیبت امام زمان، همان

امتحان و آزمایش مردم است ممکن است ناظر به همین قسمت باشد زیرا امتحان و آزمایش در منطق اسلام نه به معنی آزمونهای معمولی و کشف امور پنهانی است، بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افراد می باشد(۱). مجوع این جهات چهارگانه(۲) نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه ای بگذرد و جهان از بسیاری از جهات پیش برود، و آمادگی روحی و فکری برای پذیرض حکومت چهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید. آنگاه این برنامه با وسائل و امکانات خاصی در سطح جهانی وسیله حضرت مهدی((علیه السلام)) پیاده گردد... این است فلسفه غیبت طولانی امام. تنها چیزی که در اینجا گفته می شود این است که همه این مطالب صحیح است امّا با این حال چرا امام در میان مردم شناخته نمی شود و به طور ناشناس زندگی می کنند در ۱ - تمام آزمونهای الهی که درباره پیامبران و اولیاء وی انجام می گیرد برای همین منظور است اگر خدا ابراهیم را با تکالیف و وظائف سنگینی آزمود چنانکه می فرماید: «و اذا بتکلی ابراهیم ربه به کلمات فاتمهن(سوره بقره، آیه ۱۲۴) برای همین هدف بوده است تا این راد مرد الهی به قدری در کوران حوادث قرار گیرد تا در صلابت و استقامت به صورت فولاد آب دیده درآید. ۲ - مجوع این جهات چهارگانه را می توان در امور زیر خلاصه نمود: ۱. تکامل روحی ;۲. تکامل فرهنگی ;۳. تکامل وسائل ارتباط جمعی ;۴. تشکیل یک ارتش انقلاب جهانی از یک جمعیّت جانباز و فداکار. ـ۲۳ـ صورتی که برای او ممکن است که به طور شناخته در میان مردم به سر ببرد تا روزی که فرمان الهی درباره انقلاب جهانی او فرا رسد؟ درباره این سؤال باید گفت: امام همچون انسانهای دیگر، طبق سنن عادی انسانی، زندگی می کند تنها تفاوتی که دارد او از یک عمر طولانی برخوردار است، اگر شناخته می شد هرگز از گزند نیروهای اهریمنی که در هر عصر و زمانی تعداد و شماره های آنها کم نیست مصون و محفوظ نمی ماند و به دست آنان از بین می رفت، چنانکه تاریخ این مطلب را درباره تمام امامان و پیشوایان گذشته به روشنی ثابت کرده است، تنها تفاوتی که این جا هست این است که اگر آفتاب عمر امامی از پیشینیان به وسیله اهریمنان بدخواه غروب می کرد امام و پیشوای دیگری جای او را می گرفت در صورتی که این موضوع درباره حضرت مهدی((علیه السلام)) چنین نیست، او آخرین حجت خدا است و باید برنامه به دست او اجرا گردد. البته آنچه گفتیم درباره فلسفه غیبت امام((علیه السلام)) بود و اینکه چرا او به طور ناشناخته زندگی می کنند و اما اینکه وجود امام در پشت پرده غیبت چه منافعی برای مردم دارد و هم اکنون جامعه انسانی از وجود امام چه سودی می برد خود موضوع دیگریست که باید جداگانه درباره آن بحث نمود و از موشوع سؤال بالا بیرون است. با وجود آنچه گفته شد توجه به دو نکته دیگر لازم است: ۱. برخی از شخصیتهای کلامی عقیده شناس(مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی) در باب امام زمان((علیه السلام)) این گونه تعبیر کرده اند: «وحوده لطف و تصرفه لطف آخر وعدمه منا» که از این سخن استفاده می شود که محرومیّت ما از فیض حضور آن گرامی در اثر(آمده نبودن) خود ما است. بر این اساس یکی از عوامل اساسی غیبت را می توان در ـ۲۴ـ رابطه با خود، جستجو کرد. ۲. از پاره یی احادیث که درباره غیبت امام زمان دارد شده است استفاده می شود که در غیبت آن حضرت سری یا اسراری نهفته است که تا ظهور آن حضرت این راز کشف نخواهد شد.

غیبت امام زمان(عج) چه سودی دارد؟

پرسش

غیبت امام زمان(عج) چه سودی دارد؟

پاسخ

باید توجه داشت که اصل وجود امامت از ضروریات نظام احسن است که اگر حجهٔ وجود نداشته باشد زمین اهلش را فرو می برد. اما غیبت امام زمان(عج) گر چه در پرتو عضو را یشان مسلمین بهره مندتر بودند اما اصل غیبت و فلسفه آن خالی از حکمت و مصالحی نیست چنانچه که راجع به خود غیبت احادیثی وارد شده است از ائمه معصومین که فرمودند حکمت غیبت بعد از ظهور امام زمان(عج) معلوم خواهد شد هم چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی بدست حضرت خضر(عج) بعد از فراغت از موسی(علیه السلام) روشن شد. اما در مجموع احادیث وارده سه فایده برای غیبت آن بزرگوار ذکر شده است: فائده اول: امتحان و آزمایش گروهی که ایمان محکمی ندارند باطنشان ظاهر شود و کسانیکه ایمان در اعماق دلشان ریشه کرده است بواسطه انتظار فرج و صبر بر شدائد و ایمان به غیبت ارزش آنها معلوم خواهد شد(۱). ۱ - بحا الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱ ;اثبات الهداة، ج ۶، ص ۴۳۸. ۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲ ;اثبات الهداة، ج ۶ ص ۴۳۶. ۳ - اثبات الهداة، ج ۶، ص ۴۳۷. پروردگار بدون استحکام و بدون مصالح و فائده صادر نمی شود. که تمام اینها انشاء الله بعد از ظهور آن بزرگوار معلوم خواهد شد.

ما معتقدیم که امام عصر (عج) مانند خورشیده پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می‌رسد اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می‌شوند، فتوسنتز نمی‌کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی شده مس

پرسش

ما معتقدیم که امام عصر (عج) مانند خورشیده پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می‌رسد اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می‌شوند، فتوسنتز نمی‌کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی شده مسلماً به مرگ عقائد و مرگ اسلام واقعی خواهد رسید این چه منفعتی دارد؟

پاسخ

هیچ خورشیدی برای همیشه پشت ابر نمی ماند و روزی از پسِ ابرها برون خواهد آمد. ولی گاهی اوقات آن ابرها آنقدر حجیم و درهم است که ظاهر شدن خورشید قدری طول می کشد. این را بدانید که هیچ کس برای بیرون آوردن خورشید از پس ابرها نمی تواند به ما کمک کند، مگر اینکه خود ما برای ظاهر شدن خورشید حقیقت تلاش کنیم. در جهت تلاش برای کنار زدن ابرها ابتدا باید سه چیز را بفهمیم؛ آن ابرها چیستند؟ چرا خورشید پس ابر است؟ آیا خورشید پشت ابر کارایی ندارد و فقط ظاهر شدن می تواند حیات ببخشد؟ ابرها همان عواملی هستند که باعث شدند امام در میان مردم حاضر نباشد و خورشید ظاهر نمی شود، مگر آنکه این عوامل کنار بروند. الف)- ابر اول: حفظ جان امام زمان (عج) خدای بزرگ پس از وجود مقدس پیامبر{ص} جانشینان بسیاری را در میان مردم فرستاد تا وظایف ناتمام رسالت او را بر روی زمین به اتمام برسانند. تفسیر آیات، بیان حقایق قرآن، رهبری جامعهٔ اسلامی و تربیت نفوس از وظایفی است که پس از پیامبر، به جانشین او واگذار می شود. خدا چنین کسی را که ویژگیهایش مثل آفتاب روشن است، به مردم معرفی کرده تا جانشین پیامبر شود، اما کسانی از ناآگاهی و غفلت مردم سوء استفاده کردند و کوشیدند تا مسیر جانشینی پیامبر(ص) را عوض کنند. پیش از پیامبر اسلام هم پیامبران بسیاری مبعوث شدند که مورد تکذیب مردم ناآگاه قرار گرفتند. پس از ظهور پیامبر اسلام نیز بیشتر مردم آمادگی پذیرش عمومی اسلام و برقراری نظام عدل جهانی را نداشتند. به همین سبب بود که امیرمؤمنان علی(ع) را پس از چند سال حکومت، به شهادت رساندند و بعد از او، آن بلاها را به سر امام

www.noorfatemah.org

حسن(ع)و امـام حسـین(ع) و سـایر امامان آوردنـد. همان طور که می دانیـد، اگر وجود مقـدس ولی عصـر(عـج) که واپسـین ذخیرهٔ خدای متعال برای امت مسـلمان است، از نظرها پنهان نمی شد، او را نیز مانند اجدادش به ظلم و جور حاکمان جبّار، به شـهادت می رساندنـد. ب)- فراهم آمـدن زمینـهٔ پذیرش حق در جهان از آن جا که خدای بزرگ می داند که در آینده، زمانی فرا خواهد رسـید که بیشتر مردم، لیـاقت حکومت عـدل الهی را می‌یابنـد، بـا غایب ساختن امام زمان(عـج)، حضـرت را از بلاها حفظ فرموده است، تا شرایط لازم برای جهانی سازی عدل و معرفت و عبودیّت فراهم آید. حالا می پردازیم به این سوال که آیا خورشید پشت ابر کارایی نـدارد؟ و ثمر بخش نیسـت؟ امـام(ع) برای خـود وظـایفی دارنـد کـه بـه بهـترین وجه به آنهـا اقـدام می کننـد و جز آن چه بـا غیبت ناسازگـار باشـد، تمامـاً مورد عنـایت آن حضـرت می‌باشـد. اصولاًـ آن حضـرت را غـایب نامیـده انـد، چون ظـاهر نیست، نه آن که حاضرنیست، غیبت به معنای حاضر نبودن تهمت ناروایی است که به آن حضرت زده‌اند. آمدن آن حضرت به معنای" ظهور "است، نه" حضور "و شیفتگان آن حضرت، ظهورش را از خدا می‌طلبند و نه حضورش را. همین است که وقتی ظاهر می شود همه انگشت حیرت به دنـدان می گزنـد و با تعجب می گوینـد که او را پیش از این هم دیده اند. برای اینکه بفهمیم امام در دورانی که غایبند به عبـارتی، زمانی که خورشـید حقیقت در پس ابرها پنهان است چه وظایفی دارنـد و به چه اموری می پردازنـد، به دعاها، زیارت نامه ها، توقیعات و نامه های آن حضـرت به بعضـی شـیعیان رجوع می کنیم. الف)- آگاهی از وضـعیّت و احوال شیعیان : در توقیع برای شیخ مفید آمده است : (ما بر اخبار و احوال شـما آگاهیم، و هیچ چیز از اوضاع شـما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.) ب)- حفظ و نجات شـیعیان از گرفتاری ها و شـر دشـمنان : در همان توقیع نیز این گونه آمده : ما در رسـیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شـما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه‌کن می نمودنـد. از جملـهٔ این موارد، نجـات مردم بحرین از دست نوکران و دست نشانـدگان اسـتعمار است؛ آنجـا که نخست وزیر این کشور حیله و نقشه ای ریخت که قرار شـد بـا شـیعیان همچون کافر حربی از اهل کتاب رفتار شود؛ یا جزیه پرداخته و ذلت پرداخت آن را تحمـل کننـد و یـا مردانشـان کشـته و زنان و کودکانشان به اسارت گرفته شونـد، و حضـرت در خنثی ساختن این توطئه نقش بزرگی داشت. ج)- حضور در میان مردم : امیرالمؤمنین می فرمایـد (سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنهاست، در کوچه و بـازار آنهـا گـام برمی دارد و بر خـانه هـای آنان وارد می شود و در شـرق و غرب جهان به سـیاحت می پردازدو گفتار مردمان را می‌شـنود و بر اجتماعات آنها وارد شده، سـلام می دهد.و مردمان را می بیند) د)- حضور همیشگی در مراسم حج. ه)- دست گیری درماندگان ر)- راهیابی گمشدگان ز)- شفای بیماران لاعلاج ح)- خیرخواهی و نصیحت و دعا برای مؤمنان خ)- شرکت در تشییع برخی از آنان س)- حل بعضـی از مشـکلات علمی علماء ش)- خبردادن از پاره ای رویدادهای مهم ص)- دستگیری باطنی از افراد از جمله کارهای آن حضـرت در این دوران است. چه او را بشناسـند و چه نشناسند، چه پشت پرده های غیبت باشد یا نباشد. با تأمل و دقت در این موارد ملاـحظه می فرماییـد که امـام(ع)در دوران غیبت، شـیعیان را رها نکرده است و چه بسـیار اتفاق افتاده است که ایشان در مواقع اضـطرار شـیعیان و در مواقعی که مشکلات عقیدتی و روحی سراغ شیعیان آمده است به کمک آنها شتافته اند بدون اینکه ردّ پایی از خود به جای بگذارند.

۱.آیا نمی شد امام علی(غایب شوند تا بعد از آمدنشان جهان را از ظالمان و گنهکاران پاک کند؟

اشاره

۲. چرا نیت در نماز را می توان فارسـی خوانـد ولی بقیه را بایـد عربی خوانـد آیا نمی شود نماز را فارسـی خوانـد آیا ما اجباریم در

عربی خواندن؟

پرسش

۱. آیا نمی شد امام علی(غایب شوند تا بعد از آمدنشان جهان را از ظالمان و گنهکاران پاک کند؟ ۲. چرا نیت در نماز را می توان فارسی خواند ولی بقیه را باید عربی خواند آیا نمی شود نماز را فارسی خواند آیا ما اجباریم در عربی خواندن؟

پاسخ

با بیان دو نکته در مورد غیبت و فلسفهٔ آن به پاسخ این سؤال می پردازیم : ۱.خداوند کسی را به حقیقت امر غیبت آگاه نمی کند و این امر از حکمتهای الهی است. پس بهتر است که در فهم حقیقت امر" غیبت "خیلی تلاش نکنیم. وجود مقدس امام زمان (در جواب سؤالی که اسحق بن یعقوب از حضرتش پرسیده بود نوشتند" : وَ اَمّا عِلَّهُ ما وَقَعَ مِنَ الغیبَتهِ فَاِنَّ ا... عَزَّوَجَلّ یقولُ : یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنوُا لاـ تَسْأَلوُا عَنْ اَشْیاءِ اِنْ تُبْدَلَکُمْ تَسُؤکُمْ، ("در خصوص علت غیبت سؤال کرده بودید. خداوند متعال در قرآن کریمش می فرماید" : ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آنها را نمی توانید تحمّل کنید و ناراحت می شوید، سؤال نکنید.)(۱) ۲. اما آنچه به فهم بشر عادی در این مورد خطور می کند این است که : شرایط و موقعیت" غیبت امام "موقعیتی خاص بوده و این شرایط در مورد سایر ائمه (نبوده است و به خاطر همان شرایط امام زمان(از نظر ها غایب شده اند و اگر این شرایط در عصر حضرت علی(هم می بود یقیناً آن حضرت هم در پردهٔ غیبت قرار می گرفتند. در این زمینه حضرت آیتا...مصباح یزدی می‌فرمایند" : برای روشن شدن راز غیبت، باید نظری به سرگذشت ائمه(بیفکنیم. چنانکه می دانیم بعد از رسول خدا(اکثریت مردم با ابوبکر و بعد با عمر و سپس عثمان بیعت کردند، و در اواخر حکومت وی که نابسامانیهای فراوانی در اثر تبعیضات ناروا پدید آمد، دست به شورش زده او را به قتل رسانیدند و با امیرالمؤمنین علی(بیعت کردند. آن حضرت که خلیفهٔ منصوب از طرف خدا و رسول (بود در طول حکومت خلفاء سه گانه برای رعایت مصالح جامعهٔ نو بنیاد اسلامی، دم فروبست و جز از سر اتمام حجّت، سخنی نگفت و در عین حال از هیچ اقدامی به نفع اسلام و مسلمین دریغ نورزید ... وسرانجام بدست یکی از خوارج به شهادت رسید. امام حسن مجتبی(نیز به دستور معاویه مسموم شد و پس از مرگ معاویه فرزند او یزید که اعتنایی به ظواهر اسلام هم نداشت بر اریکه سلطنت اموی تکیه زد. از این روی، امام حسین(چاره ای جز قیام ندید و با شهادت مظلومانه اش مسلمانان را تا اندازه‌ای هشیار و بیدار کرد، ولی شرایط اجتماعی برای تشکیل حکومت عدل اسلامی فراهم نگردید. و از این جهت سایر ائمه(به تحکیم مبانی عقیدتی و نشر معارف و احکام اسلام و تربیت و تهذیب نفوس مستعد پرداختند و بالاخره یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خود کامه را بر می انگیخت وعده ظهور حضرت مهدی (بود که هستی آنان را تهدید می کرد. از این روی معاصرین امام حسن عسگری (بشدّت ایشان را تحت نظر قرار دادند که اگر فرزندی برای آن حضرت متولد شد او را به قتل برسانند و خود آن بزرگوار را در عنفوان جوانی به شهادت رساندند("... ۲) از آنچه خدمت شما دوست عزیز عرض شد چنین نتیجه می گیریم که : اگر یکی از اولیای الهی قرار باشد از نظرها غایب شود، حتماً باید در شرایط خاصّی باشد این شرایط در مورد امام زمان(و حضرت مسیح (پیش آمد و این بزگواران از نظرها غایب شدند. اما چنین شرایطی برای حضرت علی(پیش نیامد، و از جهتی دیگر باید گفت در زمان حضرت علی(کارهای مهمی باید انجام می شد که حضور حضرت را در بین مردم ایجاب می کرد، مثل تربت شاگردانی چون سلمان و ابوذر و مقداد و بلال و مالک و محمد بن ابابکر و ... و تفسیر و تبیین یا جمع آوری قرآن

و روایات حضرت رسول (و هدایت خلفای غاصب در مسیر صحیح، تا اسلام را خیلی از راه حقیقی آن منحرف نکنند، و بیان معارف الهی در مبارزه با عقاید انحرافی بعضی فرقه ها و سایر وظایفی که حضرت علی (خود را موظف به انجام آن می دانستند. اما در عصر ما که دوران امام زمان(است، مکتب شیعه با تمسک و تقلید از علمای وارسته ای که سینهٔ خود را گنجینهٔ معارف اهل بیت قرار داده اند و در راه بیان و تبلیغ دین و دفاع از عقاید حقه شیعه از مال و جان و تمام دنیا گذشته اند با خطرات آن دوران مواجه نیست و این نکته هم قابل تأمل است که اگر در مراتب امامت، زمان این دو بزرگوار عوض می شد و قرار بر این می شد که حضرت علی(در آخرالزمان به امامت و خلافت برسند حتماً تحت شرایط موجود ایشان از نظرها غایب می شدند. آنچه بیان شد احتمالاتی در مسأله" غیبت "است اما حقیقت این مسأله به فرمودهٔ امام زمان(بسی فراتر از اینهاست و عقل ناقص بشر عادّی راهی جز تعبّد و اطمینان به اقوال پیامبر و ائمه(ندارد. اما در پاسخ سؤال دوم شما باید عرض کنم : طبق فتوای تمام مراجع عظام تقلید لازم نیست نیّت نماز را به زبان بگوید یا حتی از قلب بگذراند بلکه همینکه متوجه باشد که مثلاً نماز ظهر می خواند نه نماز دیگر، کافی است. و در مورد تکبیرهٔ الاحرام و قرائت نماز که حتماً باید به زبان جاری شود فتوای تمام فقهای بزرگوار این است که باید به عربی صحیح بخواند و اگر عربی صحیح را نمی داند باید یاد بگیرد ولی اگر نمی تواند یاد بگیرد باید به هر طوری که می تواند بخواند.(۳) ولی آنچه مسلّم است؛ نمی شود ترجمه آن را به فارسی بگوید و آنچه در مورد علت این امر می شود گفت این است که اگر کلمه ای را در نماز اشتباه بخوانیم معنای آن کلمه عوض می شود و نماز را باطل می کند، و لذا به همان صورتی که مراجع عظام تقلید از احادیث ائمه(برداشت کرده اند، باید خوانده شود.Kآوکمکشسنئی منابع و مآخذ : ۱. کتاب غیبت، شیخ طوسی، ص۱۷۶ ۲. آموزش عقاید، آیتا...مصباح یزدی، ص۳۳۳ توضیح المسائل مراجع، ج۱، ص۵۷۲و۵۵۳

چرا امام زمان(عج) غایب هستند؟

پرسش

چرا امام زمان(عج) غایب هستند؟

پاسخ

در پاسخ به پرسش شما بحث‌های مفصلی هست که به طور مختصر و مفید بدان پرداخته می‌شود.این که امام زمان چرا غایبند و علت اصلی غیبت آن حضرت چیست مسأله‌ای است که بر همگان پوشیده است. بر طبق روایات اگر غیبت از اسرار الهی و از امور غیبی است و همچون سایر امور مربوط به عوالم غیب، برای ما معلوم نیست. از آن‌جا که خداوند حکیم است و تمام کارهایش بر اس حکمت و مصلحت بنا شده امر غیبت نیز چنین است و تصدیق و اعتقاد به آن بر ما امری واجب است. شایسته و بایسته است در این رابطه از نامه صاحب غیبت (امام زمان ارواحنا فداه) که در پاسخ اسحاق‌بن یعقوب کلینی نوشته شده است. بهره بگیریم. در پایان نامه آمده است": از علت غیبت نپرسید چرا که خداوند در قران می‌فرماید: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ ای مؤمنان از چیزهایی که ظرفیت درک آن را ندارید نپرسید. در روایت است که امام صادق (ع) فرمود: علت غیبت آن حضرت پس از ظهورش کشف خواهد شد. اما علت ظاهری غیبت و مصالح و فواید آن اموری است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱- امتحان مردم: فلسفه خلقت و مرگ و زندگی آزمایش انسان‌ها معرفی شده است. یکی از شدیدترین و سخت ترین

امتحان الهی مسأله غیبت است که انسان می‌تواند در این زمان ایمانش را محک بزند. امام باقر (ع) در پاسخ جابر جعفی- که از فرج و نصرت ائمه (ع) پرسیده بود- فرمود": هرگز، هرگز فرج و نصرت ما وقتی می‌رسد که شما غربال شوید، غربال شوید تا خالصان از ناخالصان جدا گنـد ".هر گاه امام معصومی مورد حمایت یاران و اصحاب خویش قرار گرفته است قیام نموده است نظیر قیام سید الشهدا(ع) در واقعه کربلا، اما اگر یاران و اصحابی نداشته قیام نکرده است نظیر امام صادق (ع) بسیاری از امامان ما" غیبت "داشته اند، ۲۵ سال سکوت حضرت علی (ع) به معنای غایب بودن آن حضرت است، خانه نشین شدن حضرت امام حسن(ع) به معنای غایب شدن بود و سایر ائمه (ع) البته خصوصیتی که غیبت امام زمان(عج) دارد این است که بسیار طولانی است و چون حضرت تحقق بخش حکومت الهی است، قیام حضرتش موقعیت خاصی می خواهد که آن لحظه و ساعت در نزد خداست و هیچ کس اطلاعی از آن لحظه ندارد. اما علت اصلی غیبت آن حضرت به نظر حقیر کمبود یاران و آماده نبودن موقعیت جهانی برای قیام است. منابع و مآخذ: - ینابیع المودة، قندوزی، ج ۳، ص ۱۷۰ - کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، ص ۴۸۵ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷ - بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۶ - بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶۳

چرا خداوند حضرت مهدی(عج) را غایب کرد و چرا یکی دیگر از امامها را غایب نکرد؟

پرسش

چرا خداوند حضرت مهدی(عج) را غایب کرد و چرا یکی دیگر از امامها را غایب نکرد؟

پاسخ

می‌توان گفت که سؤال شما دو مرحله دارد اول سؤال از فلسفه غیبت و دوم اینکه چرا بقیه امامان غیبت نداشته‌اند. برای پاسخگویی به این سؤال لازم است ابتدا غیبت را معنا کنیم . منظور ما از غیبت ، نهان زیستی امام زمان (عج) است یعنی گرچه در جامعه حضور دارند اما، ما ایشان را نمی‌بینیم یا اگر ببینیم ، نمی‌شناسیم. در مورد علت غیبت ، در روایات اهل بیت (ع) نکات فراوانی اشاره شده است که به چند مورد آن اشاره می‌کنم . نکته قابل توجه این است که اهل بیت(ع) بسته به میزان درک و فهم مخاطبان خود، پاسخهای متنوعی داده‌اند(۱) و به این ترتیب مراتب مختلف غیبت را نیز اشاره کرده‌اند . ۱. امام صادق (ع) می‌فرمایند": اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم. حکمت غیبت او ، همان حکمتی است که در غیبت حجتهای پیشین وجود داشته است و پس از ظهور روشن خواهد شد ".چنانکه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر بچه و . . . وقتی برای موسی روشن شد که آن دو از هم جدا شدند . ۲. آزمایش مردم ۳. عدم آمادگی مردم درآن دوران شیخ طوسی در توضیح این مطلب می‌فرماید ": خدا با ایجاد امام به لطف خود [نسبت به بندگان] جامهٔ عمل پوشاند و حجت را بر مردم تمام کرد . بسط ید [و قدرت] امام لطف دیگری است که به کوشش ما مربوط می‌شود. تقویت قدرت امام در مواردی در توان ماست. بنا براین ما مکلف به آن هستیم و قدرت ندیدن امام را باید از چشم خود ببینیم. یعنی غیبت امام تقصیر خود ماست " . گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است " در مورد قسمت دوم سؤال شما که فرمودید چرا بقیه اهل بیت غیبت نداشته‌اند نکاتی قابل توجه است . -اهل بیت برای تبلیغ دین و هدایت مردم منتظر شرایط زمانی و مکانی مناسب بودند، از این رو گاهی تقیه می‌کردند و گاهی که شرایط مناسب بود ، تبلیغ می‌نمودند. پس در اصل مطلب بین آنان و امام زمان(عج) تفاوتی نیست و چون امام‌زمان(ع) در

شرایط فعلی امکان تشکیل حکومت عدل جهانی را ندارند ظهور نمی‌کنند . ۲-امام زمان(عج) آخرین امام است بنابراین حفظ جان ایشان از واجبترین امور است. در مورد هیچکدام از امامان اینگونه نبود که از قبل تولد ایشان دشمنان منتظر تولد و قتل ایشان باشند اما حتی قبل از تولد امام زمان (عج) منتظر تولد و قتل امام بودند، بنابراین خداوند تا مهیا شدن زمان مناسب ایشان را در حال غیبت قرار دادند. منابع و مآخذ: ۱. چشم به راه مهدی ، مقاله فلسفه غیبت ، ص ۴۰۸ تا ۴۳

چرا امام زمان (عج) غایب است؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) غایب است؟

پاسخ

غیبت امام زمان (عج) از اموری است که بشر از کشف آن ناتوان است و پیوسته مورد سؤال او قرار گرفته و فکرها را مشغول نموده است، ولی باید توجه داشت که بر اساس برخی روایات علت و فلسفهٔ واقعی غیبت امام مهدی (عج) سرّی از اسرار الهی است که حکمت آن بر بندگان پوشیده است و جز خدا و به اذن معصوم (عج) کسی نسبت به آن اطلاع کافی و کامل ندارد و تنها بعد از ظهور آن حضرت این مطلب روشن خواهد شد. لذا پیامبر اکرم (ص) می فرماید": ای جابر! (غیبت امام زمان) سری از اسرار الهی می باشد که بر بندگان پوشیده است، مبادا در امر خدا شک کنی، چرا که تردید در امر خدا کفر است ("۱) و چنانکه عبد الله بن فضل هاشمی روایت کرده که از امام صادق (ع) شنیدم می فرمود": همانا برای" صاحب الامر "غیبتی تخلف ناپذیر است، به طوریکه اهل باطل در آن تردید می کنند. "عرض کردم: یا بن رسول الله! چرا غیبت می کند؟ فرمود: به علتی که به ما اجازه نداده اند آشکار سازیم. عرض کردم: چه حکمتی در غیبت اوست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجتهای پیش از او بوده است، حکمت غیبت قائم بعد از آمدن خود او ظاهر می شود، چنانکه حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر، و کشتن آن بچه، و تعمیر دیوار، برای حضرت موسی ۷ ظاهر نگشت، مگر موقعی که خواستند از هم جدا شوند ("۲) بنابراین هر چند نمی توان به همه اسرار غیبت آن حضرت پی برد، اما با استفاده از روایات معصومین (ع) به برخی از این علل و حکمتها اشاره می کنیم: الف) آزمایش مردم چنان که می دانیم یکی از سنتهای ثابت الهی آزمایش بندگان و گزینش صالحان و پاکان است، به طوری که صحنه زندگی همواره صحنه امتحان و آزمایش است، تا بندگان از این راه در پرتو ایمان، استقامت و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند، و استعدادهای نهفته آنان شکوفا گردد. لذا در برخی از روایات آمده است که فلسفهٔ غیبت امام زمان (عج) آزمایش مردم است، در این زمینه به چند روایت توجه فرمایید: ۱ـ رسول اکرم می فرماید": او (امام زمان (عج ")کسی است که از (نظر) یاران و شیعیانش غایب می شود، که در آن غیبت جز آنکه خداوند قلبش را به ایمان آزموده باشد در اعتقاد به امامت حضرت ثابت قدم نمی ماند (۳) ۲ـ امام حسین (ع) می فرماید": برای امام مهدی (عج) غیبتی است. در این غیبت برخی از دین برمی گردند و برخی ثابت قدم میمانند، هر کس در این غیبت صبر کند و بر مشکلاتی که از سوی دشمنان ایجاد می شود استقامت کند، به قدری از اجر خداوند بهره مند می گردد که انگار در کنار پیامبر (ص) با شمشیر با دشمنان جنگیده است ("۴) ۳ـ امام موسی بن جعفر می فرماید": هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند.

او نـاگزیر غیبتی خواهـد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیـدهٔ خویش بر می گردنـد. خداونـد به وسیلهٔ غیبت، بنـدگان خویش را آزمایش می کند ("...۵) شیخ طوسی می گوید: از سخنان پیشوایان اسلام بر می آید که آزمایش به وسیله غیبت حضرت مهـدی (عج) از سـخت ترین آزمایش های الهی است. (۶) ب) آزادی از بیعت طاغوتهای زمان در برخی از روایات اسـلامی آمـده است که علت و حکمت غیبت امام مهدی (ع) این است که آن حضـرت بوسیلهٔ غیبت از یوغ بیعت با طاغوتهای زمان آزاد می شود و تعهـد و بیعت با هیچ حاکمی را بر عهده ندارد، تا بتواند در زمان قیام خود، آزادانه تلاش کند. دیگر امامان از روی تقیه حکومتها را به رسـمیت می شـناختند، ولی امـام مهـدی (عـج) مـأمور به تقیه نیست و به همین جهت با حکومت ها و طاغوت های زمان بیعت نمی کنـد، اگر غیبت آن حضـرت نباشد، این امر شدنی نیست. امام حسن مجتبی (ع) در این باره فرمود": هر کدام از ما (امامان اهل بیت (ع) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوتهای زمان را از روی تقیه به عهده گرفته ایم، مگر امام مهدی (عج) که عیسی بن مریم به امامت آن حضـرت نماز می گـذارد. خداونـد ولادت او را مخفی نگه داشت و برای او غیبتی در نظر گرفت، تا زمانی که قیام می کنـد بر گردنش بیعت حاکمی نباشد ("۷) ج) آمادگی جهان ظهور حضـرت مهدی (عج) به عنوان خاتم الاوصیا ومنجی بشریت و کسـی که در کره زمین دین اسـلام را بر تمامی دین ها پیروز گرداند، قطعاً زمینه و آمادگی جهانی نیازمند است. زیرا روش و سیرهٔ آن حضـرت مبنی بر رعـایت امـور ظـاهری و حکـم بـه ظـاهر نیست بلکه مبنی بر رعـایت حقـایق و حکم به واقعیـات و ترک تقیه و مصامحه نکردن در امور دینی و احقاق حقوق و برقراری عدالت واقعی و اجرای تمام احکام اسلامی است. معلوم است که انجام این برنامه و انقلاب بزرگ و همه جانبه نیازمنـد ترقی و رشـد بشـر در ناحیـهٔ علوم، معارف، فکر، اخلاق و آمادگی جامعه برای پـذیرش اسـقبال این نهضت و لیاقت زمامـداری آن رهبر الهی می باشـد. از این رو جهان بایـد زمینـهٔ این پذیرش را داشـته باشد تا این هدف محقق شود. بنـابراین می توان فقـدان آمادگی جهان را یکی از فلسـفه و حکمت های غیبت امام مهـدی (عـج) بر شـمرد. (۸) نتیجه: علت و فلسـفه واقعی غیبت حضـرت ولی عصـر (عج) یکی از رازهای الهی است، جز خداوند و پیشوایان معصوم (ع) کسی نسبت به آن اطلاـع کامـل کـافی نـدارد. بـا این حـال طبق بیان معصومین (ع) راز غیبت آن حضـرت عبارت است از: ۱ـ فراهم نبودن شـرایط ظهور، برای تحقق بخشیدن به آرمانی بزرگ (گسترش عدل و قسط جهانی و به اهتزاز در آوردن پرچم توحید در تمام کره خاکی) این آرمان بزرگ نیاز به گـذشت زمان و شـکوفایی عقل و دانش بشـر و آمادگی روحی بشـریت دارد، تا جهان به اسـتقبال آن امام عـدل و آزادی رود. طبیعی است اگر حضـرت پیش از فراهم شـدن مقـدمات در میان مردم ظاهر شود، سـرنوشتی مانند دیگر امامان (شـهادت) یافته و قبل ار تحقق آن آرمان بزرگ دیـده از جهان برخواهد بست. ۲ـ در بعضـی از روایات حکمتهای دیگری از جمله آزمایش مردم و اندازه پایبندی و پایداری آنان به دین وولایت بیان شده است. غیبت آن حضـرت سـبب می شود تا نفاق پنهان عده ای آشـکار شود ایمـان حقیقی محبـان و شـیعیان واقعی امـام (ع) از افراد ناخـالص و سـست ایمان جـدا و پاک شود و در یک جمله مؤمن از منافق معلوم گردد. منابع و مآخذ: ۱"ـ یا جابر! ان هذا الامر من امر الله و سـر من الله مطوی عن عباده فایاک و الشک فی امر الله فهو کفر "محمـد باقرمجلسـی، ج۱، ص۷۳، باب ۱، حدیث ۱۸ ۲"ـ ان لصـاحب هـذا الامر غیبه لابـد منها یرتاب فیها کل مبطل، فقلت: و لم جعلت فـداک؟ قـال: لامـر لم یـؤذن لنـا فی کشـفه لکم قلت. فمـا وجه الحکمه فی غیبه؟ قـال وجه الحکمه فی غیبه وجه الحکمه فی غیبات من تقـدمه من حجج الله ـ تعالی ذکره ـ ان وجه الحکمه فی ذلک لاینکشف الا بعـد ظهوره کما لم ینکشف وجه الحکمه فیما آتاه الخضـر (ع) من خرق السفینه و قتل الغلام و اقامه الجدار لموسی (ع) الی وقت افتراقهما "۳"ـ ذاک الذی یغیب عن شیعته و اؤلیـاته غیبه، لاـ یثبت فیهـا علی القـول بامـامته الاـ من امتحن الله قلبه للایمـان. "معجم احـادیث الامـام المهـدی (عـج)، ج۳، ص۴۲۱ و بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۰۱ ۴"ـ له غیبه یرتد فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون ... اما ان الصابر فی غیبته علی الاذی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله (ص) ـ بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۳۳، باب ۳، حدیث ۴ ۵ـ عن موسی بن جعفر (ع) قال": اذا فقد الخامس من ولد فالله الله فی أدیانکم لایزیلکم أحد عنها یا بنی انه لا بد لصاحب هذا الامر غیبه حتی یرجع عن هذا

الامر من کان یقول به، انما هی محنه من الله عزوجل امتحن بها خلقه ـ "...شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص۲۰۴، نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۴، مجلسی، بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۵۰، باب ۷، حدیث ۱ ۶ـ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص۲۰۳ـ۲۰۷ ۷"ـ ما منا احد الا و یقع فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه الا القائم الذی یصلی روح الله عیسی بن مریم خلفه فان الله ـ عزوجل ـ یخفی ولادته و یغیب شخصه لئلایکون لاحد فی عنقه بیعه اذا خرج ذاک التاسع من ولد اخی الحسین ـ "...محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ص۱۳۲ ۸ـ ر.ک اطف الله صافی، امامت و مهدویت، ج۳، ص۱۴۳ ـ۱۵۰ منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱ـ مجموعه مقالات و گفتارها، آثار جمعی از محققین ۲ـ خورشید پنهان، ستاد برگزاری جشنهای میلاد حضرت مهدی (عج) ۳ـ آخرین سفر، ذبیح الله محسنی کبیر برگرفته از کتاب: در ساحل اندیشه، اکبر اسد علیزاده، زیر نظر آیت الله جعفر سبحانی، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)

فلسفه غیبت امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

فلسفه غیبت امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

در پاسخ به پرسش شما بحث‌های مفصلی هست که به طور مختصر و مفید بدان پرداخته می‌شود. این که امام زمان چرا غایبند و علت اصلی غیبت آن حضرت چیست مسأله‌ای است که بر همگان پوشیده است.برطبق روایات اگر غیبت از اسرار الهی و از امور غیبی است و همچون سایر امور مربوط به عوالم غیب، برای ما معلوم نیست. از آن‌جا که خداوند حکیم است و تمام کارهایش بر اساس حکمت و مصلحت بنا شده امر غیبت نیز چنین است و تصدیق و اعتقاد به آن بر ما امری واجب است. شایسته و بایسته است در این رابطه از نامه صاحب غیبت (امام زمان ارواحنا فداه) که در پاسخ اسحاق‌بن یعقوب کلینی نوشته شده است. بهره بگیریم. در پایان نامه آمده است: «از علت غیبت نپرسید چرا که خداوند در قران می‌فرماید: « یا ایها الذین آمنو لا تسئلوا عن اشیاء إن تبد لکم تسؤ کم » ای مؤمنان از چیزهایی که ظرفیت درک آن را ندارید‌نپرسید... پس درب پرسش از چیزهای فوق ظرفیت خویش را ببندید و خود را در آگاهی از چنین چیزهایی به زحمت نیندازید و هر چه بیشتر برای تعجیل در فرج دعا کنید. در روایت دیگری است که امام صادق(ع) فرمود: علت غیبت آن حضرت پس از ظهورش کشف خواهد شد. اماعلت ظاهری غیبت و مصالح و فواید آن اموری است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱ـ امتحان مردم: فلسفه خلقت و مرگ و زندگی آزمایش انسان‌ها معرفی شده است. یکی از شدیدترین و سخت‌ترین امتحان الهی مسأله غیبت است که انسان می‌تواند در این زمان ایمانش را محک بزند. امام باقر (ع) در پاسخ جابرجعفی ـ که از فرج و نصرت ائمه(ع) پرسیده بود ـ فرمود: «هرگز، هرگز فرج و نصرت ما وقتی می‌رسد که شما غربال شوید، غربال شوید تا خالصان از ناخالصان جدا گردند». برادر عزیز! توجه دارید که ظهور امام زمان (عج) فرج و نصرت خداوند برای بشریت است و نصرت خدا وقتی فرومی‌آید که دلها از غیر خدا پاک گردد و تنها متوجه او شود و فضای یاس و ناامیدی از نصرت غیر او حاکم گردد. ۲ـ آمادگی افکار و اندیشه‌ها؛ برای پذیرش اصلاحات توسط حضرت: قابل توجه است که ظهور آن حضرت همانندظهور پیامبران و سایر ائمه نیست بلکه با امداد الهی و به صورت غیر عادی و اعجازآمیز است. اقدامات و اصلاحات حضرت، نیازمند به درک بالا و شعور مترقی از سوی مردم است. بنابر این شعور و درک بالا باید در ما ایجاد شود تازمینه

ظهور فراهم گردد. در روایتی نیز آمده است - در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) مردم از درک بالا و استعدادژرفی بر خوردار خواهند بود. نوشته‌اید خداوند چرا ما را در این زمان آفرید نه در زمان پیامبر (ص) یا ائمه (ع)؟ باید گفت که از ابتدای آفرینش انسان تا برپائی قیامت، همواره انسان‌هائی می‌آیند و می‌روند و جای خود را به نسل دیگر می‌دهند و امکان این نیستکه همه در یک زمان زندگی کنند. در هر زمان نسلی زندگی می‌کند که در گذشته نبودو در آینده نیز نخواهد آمد. این قانون آفرینش است. درباره این که مردم در زمان ائمه (ع) لیاقت داشتند و اکنون ندارند گفتنی است که این سخن کلیت ندارد چه بسیارافرادی که در آن زمان بودند و لیاقت نداشتند و چه بسیار افرادی که در این زمان هستند و بسیار لایقند. یکی از زمینه‌های غیبت همین نکته است که عقول مردم آخرالزمان و معرفت آنها نسبت به گذشتگان بیشتر است.از همین رو بدون حضور پیامبر(ص) و یا امام معصوم (ع) نیز می‌توانند راه را بیابند و در آن طی مسیر کنند. به مضمون این آیات و روایات دقت کنید: پیامبر خدا(ص) به حضرت علی(ع) فرمود: « شگفت‌ترین مردم از نظرایمان و بالاترین آنان از نظر یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان پدیدار می‌شوند. آنان پیامبر(ص) را درک نکرده و حجت خدا نیز از آنان محجوب است، ولی آنان به مدد سیاهی بر سفیدی (قرآن و نوشته‌ها) ایمان می‌آورند (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۶). در روایت دیگری آمده است که از امام سجاد(ع) درباره توحید سؤال شد، حضرت فرمود: خداوند می‌دانست که در آخرالزمان مردمی ژرف نگر پدیدار می‌شوند، ازاین‌رو سوره «قل هواللّه احد» و آیات سوره حدید را نازل کرد»(بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶۳). بنابراین نه مردم زمان ائمه به جهت امتیاز و برتری خاص خود، حضور آنان را درک کرده‌اند و نه مردم آخر الزمان به جهت نداشتن لیاقت از فیض حضور آنان باز مانده‌اند. این مسأله فلسفه‌های ناشناخته بسیاری دارد که به بعضی از آنهااشاره شد. درباره بهره بردن از امام زمان(عج) نیز گفتنی است که فیض وجود آن حضرت به همه می‌رسد؛ چرا که انسان کامل فلسفه آفرینش است و اگر جهان به پا است، به جهت وجود «انسان کامل» است. فیض خاص آن حضرت (هدایت به امر) نیز به خواص می‌رسد و شرط درک این فیض، سنخیت است نه ادعا وسخن و قیل و قال و اگر کسی وجودش با آن حضرت سنخیت پیدا کند، مشمول دستگیری‌های آن حضرت خواهدشد؛ ولی باید دانست که رسیدن به این سنخیت کاری است بس دشوار. از سوی دیگر در زمان غیبت، وظایف خاصی برای ما مشخص شده که بایستی بدان عمل کنیم چه امام زمان(عج) را ببینیم یا نبینیم. قرآن و سنت راه‌ها را برای مابازگو کرده‌اند و اگر کسی مرد عمل می‌باشد، راه روشن است. درباره ملاقات حضرت نیز گفتنی است که چون اصل در زمان غیبت بر حاضر نبودن است، بنابراین کسی به سادگی به خدمت آن حضرت نمی‌رسد؛ چه لیاقت داشته باشد یا نداشته باشد. اساسا چنین وظیفه‌ای نیز در زمان غیبت برای ما ترسیم نشده است که دنبال امام زمان(عج) بگردیم تا آن حضرت را بیابیم. البته عشق به آن حضرت، عشق مقدس وگران‌بها است؛ ولی مقوله وظیفه، مقوله‌ای دیگر است.

با وجود ضعف دولت عباسی، چگونه مسأله خوف بر جان حضرت مهدی‌علیه‌السلام توجیه می‌شود؟

پرسش

با وجود ضعف دولت عباسی، چگونه مسأله خوف بر جان حضرت مهدی‌علیه‌السلام توجیه می‌شود؟

پاسخ

برخی می‌گویند: در دولت عباسی از آنجا که اتراک در شؤون خلافت سیطره پیدا کرده بودند وعزل ونصب‌ها به دست آنها افتاده

بود، لذا حکومت عباسیان به ضعف وسستی گراییده بود ونمی‌توانستند زمام حکومت را به دست داشته باشند، لذا موقعیّت سیاسی که در عصر غیبت امام زمان (ع) به وجود آمد توجیه‌گر خوف وتقیّه بر آن حضرت نبود تا امام عسکری (ع) او را مخفی بدارد. پاسخ: ۱ - اگر چه دولت عباسی در آن عصر نسبت به اوّل تأسیس آن از قوت آن چنانی برخوردار نبود ولی فی نفسه دولت مقتدری به حساب می‌آمد. ۲ - از آنجا که کفر همگی یک ملت واحد است، لذا گرچه حکومت عباسی با معارضین داخلی از قبیل اتراک درگیر بودند ولی همگی بر این اتفاق داشتند که باید با اهل بیت: وعلویین مقابله ومبارزه نمود. ۳ - دولت بنی عباس گرچه مشغول مبارزه با معارضین داخلی بوده است ولی همان‌گونه که قبلاً اشاره شد هرگز از مبارزه با اهل بیت غافل نبودند.

کارکردهای امامت در زمان غیبت

فوائد وجودی امام

علت تولد امام قرنها قبل از ظهور چه بود و فایده امام غائب چیست؟

پرسش

علت تولد امام قرنها قبل از ظهور چه بود و فایده امام غائب چیست؟

پاسخ

فایده وجود امام، منحصر به ظهور و قیام او در آخر الزمان و اینکه به صورت ظاهری در کارها تصرف و دخالت داشته باشد نیست، بلکه یکی از فوائد وجود امام، امان خلق از فنا و زوال به اذن خدا و همچنین بقای شرع و حفظ حجتها و بیّنات خدا است. چنانچه اخبار معتبر ما و بعضی احادیث مشهور ائمهٔ اثنا عشر و احادیث دیگر که از طرق اهل سنّت و شیعه روایت شده بر آن دلالت دارد و همچنین احادیث بسیاری که دلالت دارند بر آنکه زمین هیچگاه خالی از حجت نمیشود. و فایدهٔ دیگر این است که چنانچه از اخبار هم استفاده میشود، وجود مؤمن در بین مردم منشأ خیرات و برکات و سبب نزول رحمت و جلب کننده عنایات خاص و دافع کثیری از بلیات است پس وقتی مؤمن وجودش این فوائد و برکات را داشته باشد، معلوم است که وجود امام و ولّی الله اعظم، فوائد و برکاتش بسیار عظیم‌تر و با اهمیّت‌تر است و به عبارت دیگر امام حجت واسطهٔ اخذ و ایصال فیوض و برکاتی است که دیگران استعداد و لیاقت آنکه مستقیماً آن برکات و افاضات را تلقی و اخذ نمایند ندارند لذا وجود و عمر طولانی و ولادت آن حضرت در قرنها پیش یک مصلحتش همین است که فیوض ربانی در این مدّت از عباد قطع نشود و خلق الله از برکاتی که بر اصل وجود امام مترتب است محروم نگردند.

امام مهدی(ع) در غیبت کبری چه مسؤولیتهایی را بر عهده دارند و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی میگذرانند؟

پرسش

امام مهدی(ع) در غیبت کبری چه مسؤولیتهایی را بر عهده دارند و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی میگذرانند؟

پاسخ

در غیبت کبری کارها و مشاغل و مسؤولیتهای امام(ع) بسیار حسّاس و مهم است و اگر چه تصرف و بسط ید و حکومت ظاهری بر اوضاع ندارند و رتق و فتق امور را دیگران در اختیار گرفته و نظام حکم و اداره را به خود اختصاص داده و بندگان خدا را استضعاف و استعباد میکنند، مع ذلک امام(ع) ناظر بر اوضاع میباشند و عنایتهائی دارند و تصرفاتی مینمایند. و بالجمله شؤون امامت و رهبری و زعامت را در حدود امکان متصدی شده و وظایف خود را به نحو احسن و اکمل انجام میدهند؛ خلاصه، عمر طولانی ایشان در اطاعت خدا میگذرد، هم تکالیف فردی خویش را انجام میدهند و هم بر حسب حکایات متواتر، تکالیف اجتماعی را، آنچه مقتضی و مصلحت باشد، انجام میدهند؛ مانند هدایت اشخاص، یاری دادن مؤمنین بر مخالفین در بحث و احتجاج، حل مسائل مشکل، نصیحت و موعظهٔ افراد، شفای امراض، هدایت گم شدگان و رساندن آنها به مقصد، تعلیم ادعیه، کمک مالی به نیازمندان، فریادرسی گرفتاران و درماندگان و زندانیان، یاری بیچارگان. که بیشتر این اعمال در ضمن ظهور معجزات، از آن حضرت صادر شده است. (رجوع شود به «دارالسلام» عراقی، «نجم ثاقب»، «جنه المأوی»، «العبقری الحسان» و بحار و غیره)

وجود نامرئی امام(ع) هنگامی که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای چه آثاری است؟

پرسش

وجود نامرئی امام(ع) هنگامی که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای چه آثاری است؟

پاسخ

۱ ـ اثر امید بخشی در میدانهای نبرد تمام کوشش گروهی از سربازان زبده و فداکار این است که پرچم، در برابر حملات دشمن همچنان سر پا در اهتزاز باشد؛ در حالی که سربازان دشمن دائماً میکوشند پرچم مخالفان را سرنگون سازند، چرا که بر قرار بودن پرچم مایهٔ دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمرّ آنها است. همچنین وجود فرماندهٔ لشکر در مقرّ فرماندهی ـ هر چند ظاهراً خاموش و ساکت باشد ـ خون گرم و پر حرارتی در عروق سربازان به حرکت در میآورد، و آنها را به تلاش بیشتر وامیدارد که فرماندهٔ ما زنده است و پرچممان در اهتزاز! امّا هر گاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود یک لشکر عظیم باکارائی فوق العاده یکمرتبه متلاشی میگردد، گوئی آب سردی بر سر همه ریختهاند، نه، بلکه روح از تنشان بیرون رفته! رئیس یک جمعیّت یا یک کشور مادام که زنده است، هر چند مثلاً در سفر یا فرضاً در بستر بیماری باشد، مایهٔ حیات و حرکت و نظم و آرامش آنها است؛ ولی شنیدن خبر از دست رفتن او گرد و غبار یأس و نومیدی را بر همه میپاشد. ۲ ـ پاسداری آئین خدا «علی» آن ابر مرد تاریخ بشر در یکی از سخنان کوتاه خود که در آن اشاره به لزوم وجود رهبران الهی در هر عصر و زمان میکند میگوید «اللّهمَّ بَلی لاتَخْلُوا اَلْاَرْضَ مِنْ قائِمٍ لِلّهِ بِحُجَّةٍ اِمّا ظاهِراً مَشْهُوراً وَ اِمّا خائِفاً مَغْمُوراً لِئَلّا تَبْطُلُ حَجَجَ اللهِ وَ بَیِّناتِهِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شمارهٔ ۱۴۷.) [اری هیچ گاه صفحهٔ روی زمین، از قیام کننده با حجت و دلیل خالی نمیماند؛ خواه ظاهر و آشکار باشد، یا مخفی و پنهان، تا دلائل و اسناد روشن الهی ضایع نگردد، و به فراموشی نگراید (و مسخ و تحریف نشود).] اکنون به توضیح این سخن توجّه کنید با گذشت زمان و آمیختن سلیقهها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایشهای مختلف به سوی برنامههای ظاهر فریب و مکتبهای

انحرافی، و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پارهای از این قوانین از دست میرود و دستخوش تغییرات زیانبخشی میگردد. این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده با عبور از مغزهای این و آن تدریجاً تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست میدهد. این نور پرفروغ با عبور از شیشههای ظلمانی افکار تاریک، کمرنگ و کمرنگتر میگردد. خلاصه، با آرایشها و پیرایشهای کوته بینانهٔ افراد و افزودن شاخ و برگهای تازه به آن، چنان میشود که گاهی باز شناسی مسائل اصلی دچار اشکال میگردد! ۳ـ تربیت یک گروه انقلابی آگاه بر خلاف آنچه بعضی فکر میکنند، رابطهٔ امام در زمان غیبت بکلّی از مردم بریده نیست؛ بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمیآید گروه کوچکی از آمادهترین افراد که سری پرشور از عشق خدا، و دلی پرایمان، و اخلاصی فوقالعاده برای تحقّق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند، با او در ارتباطند و از طریق این پیوند تدریجاً ساخته میشوند؛ و روح انقلابی بیشتری کسب میکنند؛ انقلابی سازنده و بارور برای ریشهکن ساختن هر گونه ظلم و بیدادگری در جهان! ممکن است آنها خودشان پیش از این قیام از دنیا بروند، ولی به هر حال آمادگی و تعلیمات انقلابی را به نسلهای آیندهٔشان، و به دیگران منتقل میسازند، و در پرورش گروه نهایی سهیم و شریکند. ۴ـ نفوذ روحانی و ناآگاه میدانیم خورشید یک سلسله اشعّهٔ مرئی دارد که از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف، پیدا میشود؛ و یک سلسله اشعّهٔ نامرئی که به نام «اشعّهٔ فوق بنفش» و «اشعّهٔ مادون قرمز» نامیده شده است. همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریعی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت میگیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دلها و فکرها دارد که میتوان آن را تربیت تکوینی نام گذارد؛ در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمیکند بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کار میکند. در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی میخوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده با یک تماس مختصر با آنها بکلّی تغییر مسیر میدادند، و سرنوشتشان یکباره دگرگون میشد، و به قول معروف با ۱۸۰ درجه انحراف راه کاملاً تازهای را انتخاب میکردند؛ یکمرتبه فردی پاک و مؤمن و فداکار از آب در میآمدند که از بذل همهٔ وجود خود نیز مضایقه نداشتند! این دگرگونیهای تند و سریع و همه جانبه، این انقلابهای جهش آسا و فراگیر، آنهم با یک نگاه یا یک تماس مختصر (البتّه برای آنها که در عین آلودگی یک نوع آمادگی نیز دارند) نمیتواند نتیجهٔ تعلیم و تربیت عادی باشد، بلکه معلول یک اثر روانی نامرئی و یک جذبه ناخودآگاه است که گاهی از آن تعبیر به «نفوذ شخصیّت» نیز میشود. ۵ـ ترسیم هدف آفرینش هیچ عاقلی بیهدف گام برنمیدارد، و هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد در مسیر هدفی قرار خواهد داشت. با این تفاوت که هدف در کار انسانها معمولاً رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست، ولی در کار خدا هدف متوجّه دیگران و رفع نیازهای آنهاست؛ چرا که ذات او از هر نظر بیپایان است و عاری از هر گونه کمبود و بااین حال انجام دادن کاری به نفع خود، دربارهٔ او مفهوم ندارد. جهان آفرینش بمانند همان باغ پرطراوت است و انسانها درختان و بوتههای این باغند. آنها که در مسیر تکاملند درختان و شاخههای پربرند. و آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلودهاند، علف هرزههای این باغند. مسلماً این آفتاب درخشان، این مولکولهای حیاتبخش هوا، اینهمه برکات زمین و آسمان، برای ان آفریده نشده است که مشتی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگر مشغول شوند و جز ظلم و ستم و جهل و فساد محصولی برای اجتماع آنها نباشد؛ نه! هرگز هدف آفرینش نمیتواند اینها باشد! این جهان و تمام مواهب آن ـ از دیدگاه یک فرد خداپرست که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا آشناست ـ برای صالحان و پاکان آفریده شده است؛ همانگونه که سرانجام نیز بطور کامل از دست غاصبان در خواهد آمد و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. (ان الارض یرثها عبادی الصالحون).

فواید گوناگون امام زمان(عج) در زمان غیبت برای امت اسلامی چیست؟

پرسش

فواید گوناگون امام زمان(عج) در زمان غیبت برای امت اسلامی چیست؟

پاسخ(قسمت اول)

ما این فوائد را تحت عنوان کلی «او بسان خورشید در پس ابر است»، می‌آوریم و این فوائد همگی بیانگر حقیقت این تشبیه است. در احادیث متعدد و گوناگونی که در زمینه حکمت و فایده وجود امام علیه‌السلام در دوارن غیبت به ما رسیده، تعبیر بسیار پر معنی و جالبی در یک عبارت کوتاه دیده می‌شود که می‌تواند کلیدی باشد برای گشودن این رمز بزرگ. و آن اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ این پرسش که وجود حضرت بقیةالله ارواحنا فداه در عصر غیبت، چه فایده‌ای دارد، فرمود: «ایْ وَالذی بَعَثنی بِالنبوه اِنَّهُمْ لَیَنْتَفِعُونَ به وَ یَستَضیئونَ بِنُور و لایَتِهِ فی غَیْبَتِهِ کَانْتفاع الناسِ بالشَّمشِ وَ اِنْ جَلّلَهَا السحاب» (بجار الانوار، ۵۲/۹۳، به نقل از کمال الدین شیخ صدوق) [آری سوگند بخدائی که مرا به نبوت برگزید، مردم از او منتفع می‌شوند، و از نور ولایتش در دوران غیبتش بهره می گیرند، همانگونه که از خورشید بهنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره می‌برند] برای فهم این کلید رمز، نخست باید نقش خورشید را بطور کلی، و به هنگامی که چهره تابناکش پشت ابرها پنهان می گردد، دریابیم. خورشید دارای دو نوع نورافشانی است: نور افشانی آشکار و نورافشانی مخفی، یا به تعبیر دیگر نورافشانی مستقیم و نورافشانی غیر مستقیم. در نور افشانی آشکار، اشعه آفتاب به خوبی دیده می‌شود، هر چند قشر ضخیم هوا که اطراف کره‌زمین را پوشانیده، همانند یک شیشه ضخیم کار می کند، شیشه‌ای که از شدت تابش آفتاب می کاهد و آن را قابل تحمل می‌سازد، نور آفتاب را تصفیه می کند و شعاعهای مرگبارش را خنثی و بی اثر می‌سازد، ولی به هر حال مانع از تابش مستقیم آفتاب نیست. ولی در تابش غیر مستقیم، ابرها همانند یک شیشه مات، نور مستقیم خورشید را گرفته پخش می کنند. گاهی اوقات وارد اطاقی می‌شویم که با لامپهای مات روشن شده، اطاق را روشن می‌بینیم، اما خود لامپ و شعاع اصلی و مستقیم آن بهیچوجه دیده نمی‌شوند .... از سوی دیگر، نور آفتاب مهمترین نقش را در دنیای حیات و موجودات زنده دارد. نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پاشیده می‌شود، تنها انرژی زندگی بخش در گیاهان و حیوانات و انسان است. رشد و نمو موجودات زنده، تغذیه و تولید مثل آنها، حس و حرکت و جنبش، آبیاری زمینهای مرده، غرش امواج دریا، وزش حیات بخش بادها، ریزش دانه‌های زندگی آفرین باران و برف ، صدای زمزه آبشارها، نغمه‌های مرغان، زیبائی خیره کننده گلها، گردش خون در عروق انسان و طپش قلبها، عبور برق آسای اندیشه ازلابلای پرده‌های مغز، و لبخند شیرینی که بر لب گلبرگ مانند یک کودک شیر خوار نقش می‌بندد ... همه و همه بطور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن، همه اینها به خاموشی خواهند گرائید. این موضوع را با کمی دقت می‌توان دریافت. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا این برکات و آثار زندگی‌بخش، مخصوص زمانی نیست که نور بطور مستقیم می‌تابد؟. پاسخ این سؤال روشن است: نه؛ بسیاری از این آثار در نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد. مثلاً در کشورها یا شهرهائی که چندین ماه از سال ابرها سراسر آسمان را پوشانیده‌اند، آفتاب دیده نمی‌شود، ولی گرما، نمو و رویش گیاهان، تولید انرژی لازم برای حیات، رسیدن غلات و میوه‌ها خندیدن گلها و شکوفه‌ها وجود دارند. بنابراین تابش خورشید از پشت پرده ابرها، قسمت مهمی از برکات خود را در بردارد. و تنها قسمتی از آثار که نیاز به تابش مستقیم دارد موجود نیست. مثلاً می‌دانیم تابش آفتاب، اثر حیاتی خاصی روی پوست و سایر جهاز بدن انسان و موجودات زنده دارد. به همین دلیل، در کشورهائی که از این نظر در محرومیت بسر می‌برند، در روزهای آفتابی، بسیاری از مردم «حمام آفتاب» می گیرند و در برابر این نور حیات‌بخش برهنه می گردند و با تمام ذرات وجود خود— که تشنه این هدیه آسمانی است– ذرات این نور را می‌مکند. تابش مستقیم آفتاب، علاوه بر اینکه روشنائی و گرمای بیشتری می‌آفریند،

اثر خاصی به خاطر همان اشعه ماورای بنفش در کشتن انواع میکروبها و سالم سازی محیط دارد که در نور غیر مستقیم دیده نمی‌شود. از مجموع بحث قبل نتیجه می گیریم که: هر چند پرده‌های ابر، بعضی از آثار آفتاب را می گیرد، ولی قسمت مهمی از آن همچنان باقی می‌ماند. این بود حال «مُشَبَّهٌ بِهِ» یعنی آفتاب. اکنون باز می گردیم به وضع «مُشَبَّه» یعنی وجود رهبران الهی در حال غیبت. اشعه معنوی وجود امام علیه‌السلام در حالی که درپشت غیبت نهان است، دارای آثار قابل ملاحظه‌ای است که علی رغم تعطیل مسئله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، حکمت وجود او را آشکار می‌سازد. به ملاحظه اجمال این نوشته، برخی از این آثار، در اینجا بیان می‌شود. الف- پاسداری از آئین الهی با گذشت زمان و آمیختن سلیقه‌ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایشهای مختلف به سوی برنامه‌های ظاهر فریب مکتبهای انحرافی، و دراز شدن دست مَفْسَدِه جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالتِ پاره‌ای از این قوانین از دست می‌رود و دستخوش تغییرات زیانبخشی می گردد. این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده، با عبور از مغزهای این و آن تدریجاً تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست می‌دهد. این نور پر فروغ با عبور از شیشه‌های ظلمانی افکار تاریک، کمرنگ‌تر می گردد. خلاصه با آرایشها و پیرایشهای کوته بینانه افراد و افزودن شاخ و برگهای تازه به آن چنان می‌شود که گاهی بازشناسی مسائل اصلی، دچار اشکال می گردد. آن شاعر خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید: شرع تو را در پی آرایشند دین تو را از پی پیرایشند بس که فزودند بر آن برگ و بر گر تو بینی نشاسی دگر با این حال، آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فناناپذیر تعالیم اسلامی را در شکل اصلیش حفظ و برای آیندگان نگهداری کند؟ می‌دانیم در هر مؤسسه مهمی، صندوق نسوزی وجود دارد که اسناد مهم آن مؤسسه را در آن نگهداری می کنند، تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند. بعلاوه هرگاه مثلاً آتش‌سوزی در آنجا روی دهد، از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و حیثیت آن مؤسسه نزدیکی پیوند با حفظ آن اسناد و مدارک دارد. سینه امام و روح بلندش، صندوق نسوز حفظ اسناد آئین الهی است که همه اصالتهای نخستین و ویژگیهای آسمانی این تعلیمات را در خود نگاهداری می کند، «تا دلائل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگرایید» و این یکی دیگر از آثار وجود او، گذشته از آثار دیگر است. ب- تربیت گروه منتظر آگاه برخلاف آنچه بعضی فکر می کنند، رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریده نیست. بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمی‌آید، گروه کوچکی از آماده‌ترین افراد— که سری پرشور از عشق خدا، و دلی پر ایمان و اخلاصی فوق العاده برای تحقق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند- با حضرتش در ارتباطند. معنی غیبت امام صلوات الله علیه، این نیست که آن حضرت به شکل یک روح نامرئی و یا شعاعی ناپیدا درمی‌آید. بلکه او از یک زندگی طبیعی آرام برخوردار است، بطور ناشناخته در میان همین انسانها رفت و آمد دارد، دلهای بسیار آماده را برمی گزیند و در اختیار می گیرد، بیش از پیش آماده می کند و می‌سازد. افراد مستعد، به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود، توفیق درک این سعادت را پیدا می کنند. بعضی چند لحظه و برخی چند ساعت یا چند روز، و جمعی سالها با حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در تماس هستند. آنها کسانی هستند که آنچان بر بال و پر دانش و تقوی قرار گرفته و بالا رفته‌اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز، بر فراز ابرها قرار می گیرند، آنجا که هیچگاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جهانبخش آفتاب نیست، در حالی که دیگران در زیر ابرها و در تاریکی و نور ضعیف بسر می‌برند. بدرستی حساب صحیح نیز همین است. من نباید انتظار داشته باشم که آفتاب را به پائین ابرها بکشم تا چهره او را ببینم. چنین انتظاری، اشتباه بزرگ و خیال خام است. این منم که باید بالاتر از ابرها پرواز کنم، تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه بنوشم و سیراب گردم. بهر حال، تربیت این گروه یکی دیگر از حکمت‌های وجود آن حضرت در این دوران است. ج- نفوذ روحانی و ناآگاه می‌دانیم خورشید، یک سلسله اشعه مرئی دارد که از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف پیدا می‌شود و یک سلسله اشعه نامرئی که به نام «اشعه ماوراءبنفش» و «اشعه مادون‌قرمز» نامیده شده است. همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی، خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریعی— که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد- یکنوع تربیت روحانی دارد، که از راه نفوذ معنوی در

دلها و فکرها اعمال می‌شود. و می‌توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد. در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی‌کند، بلکه تنها جاذبه و کشش دورنی مؤثر است. در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می‌خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده، با یک تماس مختصر با آنها بکلی تغییر مسیر می‌دادند، و سرنوشتشان یکباره دگرگون می‌شد و به قول معروف با صدوهشتاد درجه بازگشت، راه کاملا تازه‌ای را انتخاب می‌کردند، یک مرتبه فردی پاک و مؤمن و فداکار از آب درمی‌آمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند. این دگرگونیهای تند و سریع و همه جانبه، این تحولات جهش آسا و فراگیر، آنهم با یک نگاه و برخورد- البته برای آنها که در عین آلودگی، یک نوع آمادگی نیز دارند- نتیجه جذبه ناخودآگاه است که گاهی از آن تعبیر به «نفوذ شخصیت» نیز می‌شود. بسیاری این موضوع را در زندگی خود تجربه کرده‌اند که به هنگام برخورد با افرادی که روحهای بزرگ و عالی دارند، چنان بی اختیار و ناخودآگاه تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرند که حتی سخن گفتن در برابر آنها برایشان مشکل می‌شود، و خود را در میان هاله‌ای مرموز و غیر قابل توصیف از عظمت و بزرگی می‌بینند. البته ممکن است گاهی اینگونه امور را با تلقین و امثال آن توجیه کرد، ولی مسلماً این تفسیر برای همه موارد صحیح نیست. بلکه راهی جز این ندارد که بپذیریم این آثار، نتیجه شعاع اسرارآمیزی است که از درون ذات انسانهای بزرگ برمی‌خیزد. سرگذشتهای فراوانی در تاریخ پیشوایان بزرگ می‌بینیم که جز از این راه نمی‌توان آنها را تفسیر کرد، که در اینجا چند نمونه ذکر می‌کنیم. برخورد اَسْعَد بن زُرارَهٔ بت‌پرست به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار خانه کعبه و تغییر جهش آسای طرز تفکر او، و یا آنچه دشمنان سر سخت پیامبر(ص) نام آن را سحر می‌گذاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او باز می‌داشتند. (اعلام الوری، ۳۵-۴۰) تأثیر پیام امام حسین صلوات‌الله‌علیه روی فکر «زُهَیر» در مسیر کربلا نقل شده، تا آنجا که با شنیدن پیام امام حتی نتوانست لقمه‌ای را که در دست داشت به دهان بگذارد، و آنرا به زمین نهاد و حرکت کرد. کشش عجیب و فوق العاده‌ای که «حُرّبن یَزید ریاحی» در خود احساس می‌کرد، و با تمام شجاعتش همچون بید می‌لرزید، و همین کشش سرانجام او را به صف مجاهدان کربلا کشید و به افتخار بزرگ شهادت نائل آمد.

پاسخ(قسمت دوم)

داستان جوانی که در همسایگی «اَبوبَصیر» زندگی داشت، و با ثروت سرشار خود- که از خوش خدمتی بدستگاه بنی‌امیه فراهم ساخته بود- به عیش و نوش و بی‌بندوباری پرداخته بود. و سرانجام با یک پیام امام صادق علیه‌السلام بکلی دگرگون شد، و همه کارهای خود را کناری نهاد و تمامی اموالی را که از طریق نامشروع گرد آورده بود، یا به صاحبش داد و یا در راه خدا انفاق کرد. سرگذشت کنیز خواننده و زیبا و عشوه‌گری که هارون به گمان خام خود برای منحرف ساختن ذِهن امام کاظم صلوات‌الله‌علیه به زندان اعزام داشته بود، و منقلب شدن روحیه او در یک مدت کوتاه، تا آنجا که قیافه و طرز سخن و منطق او هارون را به حیرت و و حشت افکند... همه‌وهمه نشانه و نمونه‌هائی از همین تأثیر ناخودآگاه است که می‌توان آنرا شعبه‌ای از ولایت تکوینی معصومین- اعم از پیامبر و امام(ع)- دانست، چرا که عامل تربیت و تکامل در اینجا الفاظ و جمله‌ها و راههای معمولی و عادی نیست، بلکه جذبه معنوی و نفوذ روحانی، عامل اصلی محسوب می‌شود. همانگونه که گفتیم، پیامبران و امامان- بر اساس فضائل موهبتی- و رجال راستین و شخصیتهای بزرگ الهی بر اساس فضائل اکتسابی به تناسب میزان شخصیت خود هاله‌ای از این نفوذ ناخودآگاه در پیرامون خود ترسیم می‌کنند. و البته قلمرو گروه اول با گروه دوم از نظر ابعاد و گستردگی قابل مقایسه نیست. وجود مبارک امام علیه‌السلام در پشت ابرهای غیبت نیز، این اثر را دارد که از طریق شعاع نیرومند و پردامنه «نفوذ شخصیت» خود، دلهای آماده را در نزدیک و دور، تحت تأثیر جذبه مخصوص قرار داده، به تربیت و تکامل آنها می‌پردازد و از آنها انسانهائی کامل‌تر می‌سازد. ما

قطبهای مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم، ولی اثر آنها روی عقربه‌های قطب‌نما، در دریاها راهنمای کشتیهاست و در صحراها و آسمانها راهنمای هواپیماها و وسائل دیگر است. در سرتاسر کره‌زمین، از برکت این امواج، میلیون‌ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده، با وسائل نقیله بزرگ و کوچک بفرمان همین عقربه ظاهراً کوچک از سرگردانی رهائی می‌یابند. آیا تعجب دارد اگر وجود مبارک امام– صلوات‌الله‌علیه– در زمان غیبت، با امواج جاذبه معنوی خود، افکار و و جانهای زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند، هدایت کند، و از سرگردانی رهائی بخشد؟ البته نباید فراموش کرد که امواج مغناطیسی زمین، روی هر آهن پاره بی ارزشی اثر نمی‌گذارد، بلکه روی عقربه‌های ظریف و حساسی که خاصیت آهنربائی یافته‌اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند، اثر می‌گذارند. همینطور دلهائی که راهی با امام علیه‌السلام دارند و شباهتی را در خود ذخیره نموده‌اند، تحت تأثیر آن جذبه روحانی قرار می‌گیرند. با در نظر گرفتن آنچه گفتیم، یکی دیگر از آثار و حکمتهای وجود امام عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در چنین دورانی آشکار می‌گردد. د- ترسیم هدف آفرینش هیچ عاقلی بی هدف گام برنمی‌دارد. هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد، در مسیر هدفی قرار خواهد داشت. با این تفاوت که هدف در کار انسانها معمولاً رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست، ولی در کار خدا، هدف متوجه دیگران و رفع نیازهای آنهاست، چرا که ذات او از هر نظری کامل است و عاری از هرگونه کمبود. و با این حال، انجام دادن کاری به نفع خود، درباره او مفهوم ندارد. حال به مثال زیر توجه کنید. در زمینی مستعد و آماده، باغی پر گل و میوه احداث می‌کنیم. در لابلای درختان و بوته‌های گل، علف هرزه‌های می‌رویند. هر وقت به آبیاری آن درختان برومند می‌پردازیم، علف هرزه‌ها نیز از پرتو آنها سیراب می‌شوند. در اینجا ما دو هدف پیدا می‌کنیم: هدف اصلی که آب دادن درختان میوه و بوته‌های گل است، و هدف تبعی یعنی آبیاری علف‌های هرزه‌های بی‌مصرف. بدون شک، هدف تبعی نمی‌تواند انگیزه عمل گردد، و یا حکیمانه بودن آن را توجیه کند. مهم همان هدف اصلی است که جنبه منطقی دارد. حال فرض می‌کنیم بیشتر درختان باغ خشک شوند و تنها یک درخت باقی بماند، اما درختی که به تنهائی گلها و میوه‌هائی را که از هزاران درخت انتظار داریم، به ما می‌دهد. بدون تردید، برای آبیاری همان یک درخت هم که باشد آبیاری و باغبانی را ادامه خواهیم داد، گواینکه علف هرزه‌های زیادی نیز از آن بهره گیرند. و اگر یک روز آن درخت نیز بخشکد، آنجاست که دست از آبیاری باغ می‌کشیم، هر چند علف هرزه‌ها بمیرند. آنها که در مسیر تکاملند، درختان و شاخه‌های پربار هستند. آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلوده‌اند، علف هرزه‌های این باغند، مسلماً این آفتاب درخشان، این مولکولهای حیات‌بخش هوا، این همه برکات زمین و آسمان برای آن آفریده نشده است که مشتی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگر مشغول شوند، و جز ظلم و ستم و جهل و فساد محصولی برای اجتماع آنها نباشد. نه، هرگز، هدف آفرینش نمی‌تواند اینها باشد. این جهان و تمام مواهب آن، از دیدگاه یک فرد خداپرست– که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا آشناست– برای صالحان و پاکان آفریده شده است، همانگونه که سرانجام نیز بطور کامل از دست غاصبان به درآمده، و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. «اِنَّ اَلْاَرْضَ یَرِثُها عبادِیَ الصّالِحُونَ» انبیاء/۱۰۵ [روزی زمین از آن صالحان خواه بود]. باغبان آفرینش، بخاطر همین گروه، فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می‌دهد. هر چند علف هرزه‌ها نیز به عنوان یک هدف تبعی سیراب گردند و بهره‌مند شوند، ولی بی‌شک هدف اصلی، آنها نیستند. و اگر– به فرض محال– روزی فرا رسید که آخرین نسل گروه صالحان از روی زمین برچیده شوند، آن روز دلیلی بر ادامه جریان این مواهب وجود نخواهد داشت. آن روز، آرامش زمین به هم می‌خورد و آسمان برکات خود را قطع می‌نماید و زمین از دادن بهره به انسانها مضایقه خواهد کرد. از طرفی پیامبر و امام، حجت خدا و مقصد مهم از خلقت جهان و انسان هستند، یعنی همان گروهی که هدف اصلی آفرینش را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل وجود امام علیه‌السلام به تنهائی یا در رأس گروه صالحان، توجیه کنندهٔ هدف آفرینش و مایه نزول هر خیر و برکت است، ریزش باران فیض و رحمت خدا است، اعم از اینکه در میان مردم آشکارا زندگی کند یا مخفی و ناشناس بماند. درست است که افراد صالح دیگر نیز،

هر کدام– در حدّ خود– هدفی هستند برای آفرینش، و یا به تعبیر دیگر بخشی از آن هدف بزرگ. ولی نمونه کامل این هدف. همین انسانهای نمونه و مردان آسمانی می‌باشند، هر چند سهم دیگرانOنیز محفوظ است. و از اینجا این معنی روشن می‌شود که در پاره ای از روایات به این مضمون وار شده که: «بِیُمْنِهِ رُزِقَ الْوری وَ بِوُجُودِهِ ثبتت اَلْاَرْضُ وَ السَّماء» [از برکات وجود او (یعنی حجت و نماینده الهی) مردم روزی می‌برند و بخاطر هستی او آسمان و زمین بر پاست]. با توضیحاتی که دادیم، معلوم می‌شود، که این موضوع، یک موضوع اِغراق‌آمیز، دور از منطق، و یا شرکت آلود نمی‌باشد. همچنین عبارتی که به عنوان یک حدیث قدسی از خداوند متعال در کتب مشهور نقل شده که خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «لَو لا کَ لَما خَلَقْتُ اَلْاَفْلاکَ». [اگر تو نبودی آسمانها را نمی‌آفریدم]. بیان یک واقعیت است نه مبالغه، اما پیامبر، شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هر کدام بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می‌دهند. از مجموع آنچه در این فصل، تحت چهار عنوان گفته شد، نتایج زیر عاید می گردد: آنها که دور نشسته‌اند و وجود امام را در عصر غیبت، یک وجود شخصی و بدون بازده اجتماعی دانسته‌اند، و بر عقیده شیعه در این زمینه تاخت و تاز کرده‌اند که وجود چنین امامی چه نفعی برای رهبری و امامت خلق می‌تواند داشته باشد، آنچنان که آنها گفته‌اند نیست، و آثار وجودی امام در این حال نیز فراوان است.

نقش و فائده امام غائب در بقاء مکتب چیست؟

پرسش

نقش و فائده امام غائب در بقاء مکتب چیست؟

پاسخ

محاسبات عقلی و تجارب اجتماعی به روشنی ثابت می کند که اعتقاد به وجود رهبر زنده، اثر عمیقی در حفظ نظام و بقاء مکتب دارد. خواه این رهبر در دسترس مردم باشد، و یا به عللی دسترسی به او آسان نباشد. در هر دو حال اعتقاد به وجود رهبر حیّ، برای خود فوائدی دارد. اما آن جا که رهبر در دل جامعه قرار گیرد و به طور مستقیم بار قیادت و رهبری را به دوش بکشد، جای سخن نیست. مهم آن جا است که رهبر به عللی از جامعه کناره‌گیری کند، ولی جامعه به حیات او، و بازگشت مجدد او اعتقاد داشته باشد. در این صورت نیز، اعتقاد به وجود چنین رهبر، اثر عظیمی دارد که به آن اشاره می کنیم: در تاریخ ملل زندهٔ جهان که مبارزات و نهضتهائی داشته‌اند، برای این مطلب نمونه‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد تا آن رهبر از حیات و زندگی برخوردار بوده است، هر چند از نزدیک موّفق برهبری نمی‌شده، اما تشکیلاتِ این گروه باقی و پایدار می‌مانده است. امّا لحظه‌ای که حیات و زندگی او به پایان می‌رسیده، تفرقه و دودستگی، تشتّتِ قوا، پراکندگی و نابسامانی در میان جمعیت حکمفرما می گردیده است. بهترین گواه برای این که وجود رهبر، حافظ و نگاهدارندهٔ مکتب و مایهٔ تشکّل پیروان آن است، سرگذشت نبرد«اُحُدْ» می‌باشد. در جنگ اُحُدْ بر اثر اشتباه و یا از روی غرض‌ورزی، ندائی در قلب لشکر بلند شد که: «اَلا قَدْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ» [محمد کشته شد].این خبر ناگوار، موقعی در میان مسلمانان منتشر شد که آنان مشغول مقابله با تجاوز و تعدّی مهاجمان بودند. وقتی برای مسلمانان، مرگ رهبر قطعی شد، نظام و سازمان آنان چنان گسسته شد که هر کدام به گوشه‌ای می کشید. انتظار سازنده و اثر بخش او، هر روز نوید ظهور را می‌دهد. اثر روانی این طرز فکر در زنده نگهداشتن امید در دلها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن

انقلاب بزرگ، کاملاً قابل درک است. اما اگر این رهبر اصلاً وجود خارجی نداشته باشد، و علاقه‌مندان مکتبش در انتظار تولّد و پرورش او در آینده باشند، وضع بسیار فرق می کند. اگر یک نکتهٔ دیگر به این موضوع بیفزائیم، پاسخ شکل جدّی‌تری به خود می گیرد و آن اینکه: طبق اعتقاد عمومی شیعه ـ که در روایات بسیار زیادی در منابع مذهبی آمده است ـ امام به طور مداوم، در دوران غیبت، مراقب حال پیروان خویش است، و طبق یک الهام الهی از وضع اعمال آنها آگاه می گردد. و به تعبیر روایات، همه هفته برنامهٔ اعمال آنها به نظر او می‌رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنها آگاه می گردد. این فکر سبب می‌شود که همهٔ معتقدان در حالت آماده‌باش دائمی فرو روند. و به هنگام ورود در هر کار، توجه به آن «نظارت عالی» داشته باشند، اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست. اکنون درباره امام زمان علیه‌السلام این اصل را در نظر می گیریم. آیا اعتقاد به وجود امام حیّ و زنده و حاضر و ناظر و مستعد و آماده برای نهضت در حفظ وحدت جمعیت و تشکیلات بالاخص آماده کردن افراد برای نهضت و قیام بر ضد ظلم وجور، بر ضد استبداد و خودکامگی مؤثر نیست؟. هرگاه جمعیتی معتقد شود که رهبر آنان در قید حیات و زندگی بوده و پیوسته مترقب فرمان الهی است که از پس پردهٔ غیب بیرون آید، بطور مسلم نا امید نمی‌شود، وحدت کلمهٔ خود را از دست نمی‌دهد، در حفظ مکتب خویش می کوشد، و پیوسته برای هدف، به تهیهٔ نیرو و انجام مقّدمات می‌پردازد. ولی هرگاه به این جمعیت بگویند: «شما فعلاً بی رهبرید، رهبر شما در آینده دیده به جهان خواهد گشود، آن هم معلوم نیست کی متولد خواهد شد، نه تنها خود او متولد نگشته بلکه نیاکان او نیز هنوز دیده بجهان نگشوده‌اند»، آیا در این جمعیت، روح انتظار سازنده، و نیرو و ساز و برگ لازم پیدا می‌شود؟ آیا با چنین عقیده‌ای، نظامات مادی و معنوی آنان بکار می‌افتد و یا اینکه این کار به قیمت از هم پاشیدگی افراد و محو و نابودی مکتب تمام می‌شود؟ برای توضیح بیشتر درباره اینکه «امام زمان غایب» چه نقشی می‌تواند در جامعه و در اندیشه‌های معتقد بشر داشته باشد، می گوئیم: ایمان به پیروزی نهایی و انتظار یک مصلح جهانی، اگر به مرحلهٔ شناخت و آگاهی سازنده برسد، منبع و سرچشمهٔ حرکتها و نهضتها خواهد گشت. رهبر یک جنبش عدالت خواهی، حتی اگر در میان پیروان خویش نباشد، می‌تواند موجب فشردگی و Š...Şپیوستگی صفوف معتقدان به نهضت باشد. می‌بینیم که در نهضت استقلال هندوستان، با وجود آنکه «گاندی» از طرف دولت استعماری دستگ.....شده و به زندان فرستاده می‌شود، نهضت «عدم همکاری با دول...استعماری» با شدت ادامه می‌یابد. مردم هند با اینکه «گاندی» را .....میان خود نمی دیدند، ولی دنبالهٔ نهضت وی را ادامه دادند، زیرا که گاندی هنوز زنده بود و قدرت معنوی وی همچنان مردم هند را بهم پیوند می‌داد. در جنگ داخلی اسپانیا، قبل از جنگ دوم جهانی، تا زمانی که رهبران جمهوری‌خواهان در زندان «فرانکو» بسر می‌بردند، نبرد در سراسر جبهه‌های جنگ ادامه داشت. ولی زمانی که چند تنی از آنان به جوخهٔ اعدام سپرده شدند، شکست در لشکر جمهوری‌خواهان پدید آمد. در جنگ دوم جهانی، هنگام محاصرهٔ شهر «لنینگراد» توسط ارتش نازی، سرما و قحطی، به حدی رسید که روزانه هزاران نفر می‌مردند و گرسنگی بیداد می کرد اما مردم «لنینگراد» همچنان مقاومت می کردند. محاصره چهار سال تمام ادامه یافت. در این مدت، رادیو «لنینگراد» دائماً پیامهائی از طرف شورای مقاومت می‌خواند و مردم را به پایداری دعوت می کرد. روزهای آخر، بیش از دو سوم اعضای شورا از گرسنگی مرده بودند، اما رادیو بدون آنکه خبر مرگ آنا را بمردم برساند، همچنان نام آنان را در پایان اعلامیه‌ها می‌خواند. جالب اینجاست که به علت خاموشی برق، دو روز رادیو «لنینگراد» از کار افتار، مردم بسیاری در اطراف اداره رادیو جمع شدند و می گفتند: ما آذوقه نمی‌خواهیم، فقط یکبار دیگر رادیو را بکار انداریم، تا ما بازهم اعلامیه های شورای مقاومت را بشنو یم. این مدارک و شواهد نشان می‌دهد که حتی اگر رهبر جنبش و مقاومتی در میان مردم نباشد، وجود واقعی او می‌تواند الهام بخش معنوی و مایهٔ امید و تحرک و یادآوری گردد. اما در مورد اینکه چرا خداوند امام را در موقع ظهور نیافرید، باید گفت که اگر چنین بود، اصولاً ـ عنوان انتظار ظهور مصلح، واقعیت خارجی پیدا نمی کرد، زیرا انسانها می‌توانند در انتظار فردی باشند که به زنده بودن او معتقدند و هرگز نمی‌توان انسانی را به این دلخوش داشت که چند سال بعد ممکن است کسی بدنیا آید که نقش

منجی را ایفاء خواهد کرد. در جهان متلاطم و پر اضطراب، در حالیکه انسان به یأس مطلق می‌رسد و «فلسفهٔ پوچی» را بعنوان راه زندگی خویش می‌شناسد، چگونه می‌توان انسانها را به وجود نجات دهنده‌ای دلخوش داشت که سالها بعد تازه متولد خواهد شد؟ آیا اصولاً اعتقاد به وجود رهبری که سالهائی بعد متولد می‌گردد، می‌تواند موجب تبلور روح انتظار سازنده انسانها گردد؟ انسان در شناخت دقایق و ظرایف حیات و برای آنکه در مسیر تکاملی به پیکار برخیزد، لازم است که از وجود رهبر زنده ـ حتی اگر غایب باشد ـ الهام گیرد.

فلسفه وجود امام (ع) در زمان غیبت چیست ؟

پرسش

فلسفه وجود امام (ع)در زمان غیبت چیست ؟

پاسخ

در احادیث معتبری که پیرامون فلسفه و فایده ی وجودامام (ع) در دوران غیبت به ما رسیده است ، فواید گوناگونی را عنوان فرموده اند، از جمله : ۱- امام غایب (ع) ، واسطه ی فیض و امان اهل زمین است. امامان معصوم (ع) و امام زمان (عج) امان اهل زمین می باشند و اگر زمین از این حجت های الهی خالی بماند، دنیا و اهلش نابود خواهند شد؛ لذا وجودامام (ع) موجب برکات بسیاری می باشد .پیامبر اسلام (ص) هم در این موردفرموده است : ((ای والذی بعثنی بالنبوه ، انهم لینتفعون به و یستضییون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشمس و ان جللها السحاب ؛ آری خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیده است ، آن ها از وجود او منتفع می شوند و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می گیرند، چنان که از آفتاب پشت پرده استفاده می برند .)) ، (ینابیع الموده ، قندوزی ، ج ۳، ص ۱۷۰). خود امام زمان (ع) در این باره فرموده است : ((همان طور که از خورشید دروقتی که توسط ابرها پنهان شده است ، بهره گیری می شود، از من نیز در زمان غیبتم به همان صورت بهره می برند و همانا من سبب آرامش و امنیت مردم روی زمین هستم ، چنان که ستارگان امان اهل آسمانند، (کمال الدین و تمام النعمه ، شیخ صدوق ، ص ۴۸۵) . ۲- دیگر این که سینه ی امام و روح بلندش ،صندوق حفظ آیین الهی است که همه اصالت های نخستین و ویژگی های آسمانی دین تعلیمات را در خود نگاهداری می کند، تا دلایل الهی ونشانه های روشن پروردگار، باطل نگردد و به خاموشی نگراید . ۳- اثر امیدبخشی به مسلمین و تربیت گروه منتظر و آگاه : ایمان و اعتقاد به امام غایب (عج) سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینده ی پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امامشان می گردد .جامعه ی تشیع به اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده ، هر لحظه انتظار بازگشت آن بزرگوار (ع) را می کشد .شیعه هر چندامام زمان (ع) را در میان خود نمی بیند، اما خود را جدا از آن وجود نازنین نمی داند .امام غایب (عج) هم همواره مراقب حال شیعیان خویش می باشد؛چنان که خود فرموده است : ((ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم ؛ پس تقوای الهی پیشه کنید تا از فتنه ای که به شما رو می آورد، شما را نجات بخشیم)) ، (احتجاج طبرسی ، ج ۲، ص ۴۹۷).

ما معتقدیم که امام عصر (مانند خورشید پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد. اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی

شده مسلماً

پرسش

ما معتقدیم که امام عصر(مانند خورشید پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد. اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی شده مسلماً به مرگ عقاید و مرگ اسلام واقعی خواهد رسید، این چه منفعتی دارد؟

پاسخ

هیچ خورشیدی برای همیشه پشت ابر نمی ماند و روزی از پسِ ابرها برون خواهد آمد. ولی گاهی اوقات آن ابرها آنقدر حجیم و درهم است که ظاهر شدن خورشید قدری طول می کشد. این را بدانید که هیچ کس برای بیرون آوردن خورشید از پس ابرها نمی تواند به ما کمک کند، مگر اینکه خود ما برای ظاهر شدن خورشید حقیقت تلاش کنیم. در جهت تلاش برای کنار زدن ابرها ابتدا باید سه چیز را بفهمیم؛ آن ابرها چیستند؟ چرا خورشید پس ابر است؟ آیا خورشید پشت ابر کارایی ندارد و فقط ظاهر شدن می تواند حیات ببخشد؟ ابرها همان عواملی هستند که باعث شدند امام در میان مردم حاضر نباشد و خورشید ظاهر نمی شود، مگر آنکه این عوامل کنار بروند. ۱. ابر اول : حفظ جان امام زمان (خدای بزرگ پس از وجود مقدس پیامبر(جانشینان بسیاری را در میان مردم فرستاد تا وظایف ناتمام رسالت او را بر روی زمین به اتمام برسانند. تفسیر آیات، بیان حقایق قرآن، رهبری جامعهٔ اسلامی و تربیت نفوس از وظایفی است که پس از پیامبر، به جانشین او واگذار می شود. خدا چنین کسی را که ویژگیهایش مثل آفتاب روشن است، به مردم معرفی کرده تا جانشین پیامبر شود، اما کسانی از ناآگاهی و غفلت مردم سوء استفاده کردند و کوش یدند تا مسیر جانشینی پیامبر(را عوض کنند. پیش از پیامبر اسلام هم پیامبران بسیاری مبعوث شدند که مورد تکذیب مردم ناآگاه قرار گرفتند. پس از ظهور پیامبر اسلام نیز بیشتر مردم آمادگی پذیرش عمومی اسلام و برقراری نظام عدل جهانی را نداشتند. به همین سبب بود که امیرمؤمنان علی(را پس از چند سال حکومت، به شهادت رساندند و بعد از او، آن بلاها را به سر امام حسن(و امام حسین(و سایر امامان آوردند. همان طور که می دانید، اگر وجود مقدس ولی عصر(که واپسین ذخیرهٔ خدای متعال برای امت مسلمان است، از نظرها پنهان نمی شد، او را نیز مانند اجدادش به ظلم و جور حاکمان جبّار، به شهادت می رساندند. ۲. فراهم آمدن زمینهٔ پذیرش حق در جهان از آن جا که خدای بزرگ می داند که در آینده، زمانی فرا خواهد رسید که بیشتر مردم، لیاقت حکومت عدل الهی را می‌یابند، با غایب ساختن امام زمان(، حضرت را از بلاها حفظ فرموده است، تا شرایط لازم برای جهانی سازی عدل و معرفت و عبودیّت فراهم آید. حالا- می پردازیم به این سوال که آیا خورشید پشت ابر کارایی ندارد؟ و ثمر بخش نیست؟ امام(برای خود وظایفی دارند که به بهترین وجه به آنها اقدام می کنند و جز آن چه با غیبت ناسازگار باشد، تماماً مورد عنایت آن حضرت می‌باشد. اصولاً- آن حضرت را غایب نامیده اند، چون ظاهر نیست، نه آن که (حاضر)نیست، غیبت به معنای (حاضر نبودن) تهمت ناروایی است که به آن حضرت زده‌اند. آمدن آن حضرت به معنای" ظهور "است، نه" حضور "و شیفتگان آن حضرت، ظهورش را از خدا می طلبند و نه حضورش را. همین است که وقتی ظاهر می شود همه انگشت حیرت به دندان می گزند و با تعجب می گویند که او را پیش از این هم دیده اند. برای اینکه بفهمیم امام در دورانی که غایبند (به عبارتی، زمانی که خورشید حقیقت در پس ابرها پنهان است) چه وظایفی دارند و به چه اموری می پردازند، به دعاها، زیارت نامه ها، توقیعات و نامه

های آن حضرت به بعضی شیعیان رجوع می کنیم. ۱.آگاهی از وضعیّت و احوال شیعیان : در توقیع برای شیخ مفید آمده است" : ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم، و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند ".۲. حفظ و نجات شیعیان از گرفتاری ها و شر دشمنان : در همان توقیع نیز این گونه آمده : ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه‌کن می نمودند. از جملهٔ این موارد، نجات مردم (بحرین) از دست نوکران و دست نشاندگان استعمار است؛ آنجا که نخست وزیر این کشور حیله و نقشه ای ریخت که قرار شد با شیعیان همچون کافر حربی از اهل کتاب رفتار شود؛ یا جزیه پرداخته و ذلت پرداخت آن را تحمل کنند و یا مردانشان کشته و زنان و کودکانشان به اسارت گرفته شوند، و حضرت در خنثی ساختن این توطئه نقش بزرگی داشت. ۳. حضور در میان مردم : امیرالمؤمنین می فرماید" : سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنهاست، در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد و بر خانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنها وارد شده، سلام می دهد.(و مردمان را می بیند "...۴. حضور همیشگی در مراسم حج. ۵. دست گیری درماندگان ۶. راهیابی گمشدگان ۷. شفای بیماران لاعلاج ۸. خیرخواهی و نصیحت و دعا برای مؤمنان ۹. شرکت در تشییع برخی از آنان ۱۰. حل بعضی از مشکلات علمی علماء ۱۱. خبردادن از پاره ای رویدادهای مهم ۱۲. دستگیری باطنی از افراد از جمله کارهای آن حضرت در این دوران است. چه او را بشناسند و چه نشناسند، چه پشت پرده های غیبت باشد یا نباشد. با تأمل و دقت در این موارد ملاحظه می فرمایید که امام(در دوران غیبت، شیعیان را رها نکرده است و چه بسیار اتفاق افتاده است که ایشان در مواقع اضطرار شیعیان و در مواقعی که مشکلات عقیدتی و روحی سراغ شیعیان آمده است به کمک آنها شتافته اند بدون اینکه ردّ پایی از خود به جای بگذارند.

فوائد امام غایب را توضیح دهید در غیبت که کسی نمی توانند خدمت حضرت برسند؟

پرسش

فوائد امام غایب را توضیح دهید در غیبت که کسی نمی توانند خدمت حضرت برسند؟

پاسخ

در احادیث معتبری که پیرامون فلسفه و فایده‌ی وجود امام (ع) در دوران غیبت به ما رسیده است، فواید گوناگونی را عنوان فرموده‌اند،از جمله: الف)- امام غایب (ع)، واسطه‌ی فیض و امان اهل زمین است. امامان معصوم (ع) و امام زمان (عج) امان اهل زمین می‌باشند و اگر زمین از این حجت‌های الهی خالی بماند، دنیا و اهلش نابود خواهند شد لذا وجود امام (ع) موجب برکات بسیاری می‌باشپیامبر اسلام (ص) هم در این مورد فرموده است: ای والّذی بَعثنی بالنبوه، انهم لینتفعون به وَ یستضیئون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشمس و ان جللها السحاب آری به خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیده است، آن‌ها از وجود او منتفع می‌شوند و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می‌گیرند، چنان که از آفتاب پشت پرده استفاده می‌برند(".۱) خود امام زمان (ع) در این باره فرموده است": همان طور که از خورشید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده است، بهره‌گیری می‌شود، از من نیز در زمان غیبتم به همان صورت بهره می‌برند و همانا من سبب آرامش و امنیّت مردم روی زمین هستم، چنان که ستارگان امان اهل آسمانند.(۲) ب)- دیگر این که سینه‌ی امام و روح بلندش، صندوق حفظ آیین الهی است که همه اصالت‌های نخستین و

ویژگی‌های آسمانی دین تعلیمات را در خود نگاهداری می‌کند، تا دلایل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار، باطل نگردد و به خاموشی نگراید. ج)- اثر امید بخشی به مسلمین و تربیت گروه منتظر و آگاه: ایمان و اعتقاد به امام غائب (عج) سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینده‌ی پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امامشان می‌گردد. جامعه‌ی تشیع به اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده، هر لحظه انتظار بازگشت آن گوار (ع) را می‌کشد. شیعه هر چند امام زمان (ع) را در میان خود نمی‌بیند، اما خود را جدا از آن وجود نازنین نمی‌داند. امام غایب (عج) هم همواره مراقب حال شیعیان خویش می‌باشد چنان که خود فرموده است": ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی نکرده و یاد شما را از خنبرده‌ایم پس تقوای الهی پیشه کنید تا از فتنه‌ای که به شما رو می‌آورد، شما را نجات بخشیم("۳) درباره غیبت امام زمان (عج) ر. ک: امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، مرتضی علم ـ ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی (ع)، محمدباقر خالص ـ نور مهدی (ع)، چند تن از نویسندگان، نشر آنان ـ مهدی موعود، علی‌اکبر قرشی ـ مهدی در قرآن، رضا فیروز ـ کتابنامه حضرت مهدی (ع)، علی‌اکبر مهدی‌پور ـ دانشمندان عامه و مهدی موعود، علی دوانی ـ امام مهدی و منتظران ج و ۲۱، محمدحسین صفارزاده ـ فلسفه غیبت و علائم ظهور، میرزاخلیل کمره‌ای ـ هفت سؤال پیرامون حضرت مهدی (عج)، عباس فجر دزفولی ـ حکومت عدل‌گستر، حسین حیدری کاشانی ـ دادگستر جهان، ابراهیم امینی، همه در انتظار اویند ـ حسین سعید امامت و مهدویت ج و ۲۱، لطف‌الله صافی گلپایگانی. در پاسخ به پرسش شما بحث‌های مفصلی هست که به طور مختصر و مفید بدان پرداخته می‌شود.این که امام زمان چرا غایبند و علت اصلی غیبت آن حضرت چیست مسأله‌ای است که بر همگان پوشیده است. بر طبق روایات اگر غیبت از اسرار الهی و از امور غیبی است و همچون سایر امور مربوط به عوالم غیب، برای ما معلوم نیست. از آن‌جا که خداوند حکیم است و تمام کارهایش بر اس حکمت و مصلحت بنا شده امر غیبت نیز چنین است و تصدیق و اعتقاد به آن بر ما امری واجب است. شایسته و بایسته است در این رابطه از نامه صاحب غیبت (امام زمان ارواحنا فداه) که در پاسخ اسحاق‌بن یعقوب کلینی نوشته شده است. بهره بگیریم. در پایان نامه آمده است": از علت غیبت نپرسید چرا که خداوند در قران می‌فرماید: یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلوا عَنْ أَشْیاءِ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ ای مؤمنان از چیزهایی که ظرفیت درک آن را ندارید نپرسید. پس درب پرسش از چیزهای فوق ظرفیت خویش را ببندید و خود را در آگاهی از چنین چیزهایی به زحمت نیندازید و هر چه بیشتر برای تعجیل در فرج دعا کنید. "در روایت دیگری است که امام صادق (ع) فرمود: علت غیبت آن حضرت پس از ظهورش کشف خواهد شد. اما علت ظاهری غیبت و مصالح و فواید آن اموری است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱- امتحان مردم: فلسفه خلقت و مرگ و زندگی آزمایش انسان‌ها معرفی شده است. یکی از شدیدترین سخت‌ترین امتحان الهی مسأله غیبت است که انسان می‌تواند در این زمان ایمانش را محک بزند. امام باقر (ع) در پاسخ جابر جعفی- که از فرج و نصرت ائمه (ع) پرسیده بود- فرمود": هرگز، هرگز فرج و نصرت ما وقتی می‌رسد که شما غربال شوید، غربال شوید تا خالصان از ناخالص جدا گردند. "برادر عزیز توجه دارید که ظهور امام زمان (عج) فرج و نصرت خداوند برای بشریت است و نصرت خدا وقتی فرو می‌آید که دلها از غیر خدا پاک گردد و تنها متوجه او شود و فضای یاس و ناامیدی از نصرت غیر او حاکم گردد. ۲- آمادگی افکار و اندیشه‌ها برای پذیرش اصلاحات توسط حضرت: قابل توجه است که ظهور آن حضرت همانند ظهور پیامبران و سایر ائمه نیست بلکه با امداد الهی و به صورت غیر عادی و اعجازآمیز است. اقدامات و اصلاحات حضرت، نیازمند به درک بالا و شعور مترقی از سوی مردم است. نایر این شعور و درک بالا باید در ما ایجاد شود تا زمینه ظهور فراهم گردد. در روایتی نیز آمده است- در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) مردم از درک بالا و استعداد ژرفی بر خوردار خواهند بود. نوشته‌اید خداوند چرا ما را در این زمان آفرید نه در زمان پیامبر (ص) یا ائمه (ع)؟ باید گفت که از ابتدای آفرینش انسان تا برپائی قیامت، همواره انسان‌هائی می‌آیند و می‌روند و جای خود را به نسل دیگر می‌دهند و امکان این نیست که همه در یک زمان زندگی کنند. در ان نسلی زندگی می‌کند که در گذشته نبودو در آینده نیز نخواهد آمد. این قانون آفرینش است. درباره این که مردم در زمان ائمه (ع) لیاقت داشتند و

اکنون ندارند گفتنی است که این سخن کلیت ندارد چه بسیار افرادی که در آن زمان بودند و لیاقت نداشتند و چه بسیار افرادی که در این زمان هستند و بسیار لایقند. یکی از زمینه‌های غیبت همین نکته است که عقول مردم آخرالزمان و معرفت آنها نسبت به گذشتگان بیشتر است. از همین رو بدون حضور پیامبر (ص) و یا امام معصوم (ع) نیز می‌توانند راه را بیابند و در آن طی مسیر کنند.به مضمون این آیات و روایات دقت کنید: پیامبر خدا (ص) به حضرت علی (ع) فرمود": شگفت‌ترین مردم از نظر ایمان و بالاترین آنان از نظر یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان پدیدار می‌شوند. آنان پیامبر (ص) را درک نکرده و حجت خدا نیز از آنان محجوب است، ولی آنان به مددیاهی بر سفیدی (قرآن و نوشته‌ها) ایمان می‌آورند("۴) در روایت دیگری آمده است که از امام سجاد (ع) درباره توحید سؤال شد، حضرت فرمود: خداوند می‌دانست که در آخرالزمان مردمی ژرف‌نگر پدیدار می‌شوند، ازاین‌رو سوره" قُلْ هُوَ اَللَّهُ أَحَدٌ "و آیات سوره حدید را نازل کرد("۵) بنابراین نه مردم زمان ائمه به جهت امتیاز و برتری خاص خود، حضور آنان را درک کرده‌اند و نه مردم آخر الزمان به جهت نداشتن لیاقت از فیض حضور آنان باز مانده‌اند. این مسأله فلسفه‌های ناشناخته بسیاری دارد که به بعضی از آنها اشاره شد. درباره بهره بردن از امام زمان (عج) نیز گفتنی است که فیض وجود آن حضرت به همه می‌رسد چرا که انسان کامل فلسفه آفرینش است و اگر جهان به پا است، به جهت وجود" انسان کامل "است. فیض خاص آن حضرت (هدایت به امر) نیز به خواص می‌رسد و شرط درک این فیض، سنخیت است نه ادعا و سخن و قیل و قال و اگر کسی وجودش با آن حضرت سنخیت پیدا کند، مشمول دستگیری‌های آن حضرت خواهد شد ولی باید دانست که رسیدن به این سنخیت کاری است بس دشوار. از سوی دیگر در ان غیبت، وظایف خاصی برای ما مشخص شده که بایستی بدان عمل کنیم چه امام زمان (عج) را ببینیم یا نبینیم. قرآن و سنت راه‌ها را برای ما بازگو کرده‌اند و اگر کسی مرد عمل می‌باشد، راه روشن است درباره ملاقات حضرت نیز گفتنی است که چون اصل در زمان غیبت بر حاضر نبودن است، بنابراین کسی به سادگی به خدمت آن حضرت نمی‌رسد چه لیاقت داشته باشد یا نداشته باشد. اساساً چنین وظیفه‌ای نیز در زمان غیبت برای ما ترسیم نشده است که دنبال امام زمان (عج) بگردیم تا آن حضرت را بیابیم. البته عشق به آن حضرت، عشق مقدس و گران‌بها است ولی مقوله وظیفه، مقوله‌ای دیگر است. منابع و مآخذ: ۱)ینابیع المودهٔ، قندوزی، ج ۳، ص ۱۷۰ ۲)کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق، ص ۴۸۵ ۳)احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷ ۴)بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۶ ۵)بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶۳

حضرت حجّت(عج) چه سودی برای جهان هستی دارند؟ ایشان که غایبند و حکومتی هم که تشکیل نداده‌اند؛ درست است که در آینده حکومت تشکیل می‌دهند. پس فعلاً نقش آن حضرت در جهان هستی چیست، آیا وجودشان فایده‌ای دارد؟

پرسش

حضرت حجّت(عج) چه سودی برای جهان هستی دارند؟ ایشان که غایبند و حکومتی هم که تشکیل نداده‌اند؛ درست است که در آینده حکومت تشکیل می‌دهند. پس فعلاً نقش آن حضرت در جهان هستی چیست، آیا وجودشان فایده‌ای دارد؟

پاسخ

پاسخ از :: ایت الله جوادی آملی برای پاسخ به این پرسش ذکر مطالبی چند ضرورت دارد: ۱. انسان، طبق فرموده قرآن کریم، به سوی خدای سبحان در حرکت است و پایان سفرش ملاقات با خداست؛ «یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ.» (۱) بشر، برای رسیدن به این هدف، به دو محور اصلی مُلکی)ظاهری(و ملکوتی)باطنی(نیاز دارد. انسان در محور مُلکی و ظاهری به

www.noorfatemah.org

رهبری نیازمند است که همان مسأله امامت، اداره جامعه و کشورداری و رهبری نظام است. محور دوم که بسیار مهم‌تر از اولی است و تکیه گاه آن به شمار می‌رود، رهبری باطنی و ملکوتی است. این سیر، سیری عمودی و طولی است که «صیرورت» نیز خوانده می‌شود؛ یعنی انسان در درون خود سفری با مراتب و منازل متعدد دارد و برای پیمودن این منازل نیاز به رهبر انکارناپذیر است. «سیر» یعنی حرکتی)ظاهری(که در همه اجرام زمینی و آسمانی وجود دارد؛ امّا «صیرورت» یعنی تحول و شدن و از نوعی به نوعی دیگر و از منزلتی به منزلت دیگر تکامل یافتن. یک خودرو که شتابان در بزرگراه پیش می‌رود و میوه‌ای که مرحله‌های گوناگون را پشت سر می گذارد، هر دو حرکت دارند؛ امّا اولی به نحو «سیر» و دومی به نحو «صیرورت»؛ یعنی میوه از خاک حرکت کرده و به مرحله شکوفه رسیده و پس از آن به میوه خام و پخته تبدیل شده است. این «شدن» را که حرکتی درونی است، «صیرورت» می‌خوانند. انسان‌ها نیز بدون استثنا، در تحول درونی و صیرورتی به سر می‌برند که نهایت آن «لقای حق» تبارک و تعالی است. ۲. وقتی معلوم شد انسان در صیرورت است و به سوی خدا حرکت می کند، ناگزیر باید حرکت دهنده‌ای داشته باشد؛ زیرا در هر حرکتی وجود متحرک، محرّک و مسیر و ابتدا و انتها)هدف(ضرورت دارد؛ و مهم‌تر از همه وجود رهبری که متحرک را به هدف نهایی هدایت کند. ۳. افزون بر امور عادی و مادّی انسان)زندگی روزمره(تمام اعمال عبادی و باطنی انسان نیز به رهبر نیاز دارد؛ یعنی همان‌گونه که تأمین معاش و امور ظاهری و زندگی اجتماعی انسان نیازمند رهبر است، تمام عبادت‌ها و اعمال باطنی وی نیز که با صیرورت و تحول درونی همراه است، به محرک و رهبری نیاز دارد تا آن‌ها را هدایت و به سرمنزل مقصود)قرب الی اللّه(برساند. ۴. امامان معصوم علاوه بر رهبری ظاهری و اداره ملکی جامعه، رهبری ملکوتی جامعه بشری را نیز بر عهده داشتند. همان‌گونه که گذشت، سیر باطنی انسان)صیرورت او(از نظر اهمیّت با سیر ظاهری و ملکی و دنیایی قابل مقایسه نیست. ۵. گرچه بیگانگان رهبری ظاهری را از ائمّه اطهار – علیهم السلام – گرفتند و آنان را خانه نشین کردند؛ امّا رهبری ملکوتی انسان‌ها و جوامع بشری حقیقتی است که از وجود مقدس آنان جدا نمی‌شود. ۶. نماز، روزه، زکات، حج و دیگر عبادات هر کدام نوعی صعود و تقرب به سوی خدای سبحان دارند. «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (۲) این صعود، حرکتی به نحو صیرورت است و مسلماً به محرک و رهبر نیاز دارد؛ یعنی باید انسان کاملی باشد که عمل صالح‌اش اعمال بندگان را بالا ببرد و رهبری کند تا به درگاه قبول حضرت حق برسد. این انسان کامل همان امام معصوم است که نمازش نماز هر متقی را امامت می کند و حج و زکات و تمام اعمالش، اعمال بندگان صالح را تا وصول به بارگاه حضرت حق رهنمون می‌شود. بر این اساس، هر که اول وقت نماز به پا دارد، به امام زمان خویش اقتدا کرده است. چون امام زمان – علیه السلام – همواره اول وقت نماز می گزارد و هر کس در هر اقلیمی که باشد، اگر اول وقت نماز بخواند، در این عمل با فضیلت به امام خود اقتدا کرده است؛ یعنی نماز او به کاروان نمازهایی پیوسته که با امامت نماز ولیّ خدا، به سوی خدا در حال صعود است. ۷. از آنچه ذکر شد در می‌یابیم وجود مقدس حضرت مهدی – علیه السلام – رهبری ملکوتی تمام انسان‌ها را و هر چه دارای صیرورت و تحول است، به عهده دارد. او به اذن خدا، مدبر امور است و خلقت و هدایت و تدبیر و درمان و حیات و مرگ به واسطه او تحقق می‌یابد. به همین سبب امامان معصوم)ع(را وسائط فیض حق و مجاری روزی خلایق می‌دانیم.(۳) وجود آن‌ها همچون دو دستی است که با یکی ارزاق و مقدرات خلایق از درگاه ربوبی دریافت و در عالم هستی توزیع می‌شود و با دیگری اعمال صالح بندگان تاعرش الاهی رهبری و هدایت می گردد. اگر ولی اللّه الاعظم عملی را امضا کند، قطعاً مورد قبول خداوند متعال است وگرنه هیچ یک از اعمال انسان پذیرفته نمی‌شود. بدین سبب، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ، وَ بِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ؛ (۴) خدا به وسیله شما آغاز کرد و به شما ختم می کند و به خاطر شما باران را فرو می‌فرستد و به وسیله شما آسمان را از این‌که بر زمین افتد نگه داشته است. مگر به اجازه او و به خاطر شما اندوه را بیرون برد و سختی را برطرف کند. اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ، وَ اَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ، وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْويهُ وَمُنْتَهاهُ؛ (۵) هر گاه خیر و خوبی‌ها یاد شود، شما اول و اصل و فرع‌ها و معدن

و جایگاه و سر حدّ نهایی‌اش هستید. و شاید راز بعضی از روایات و دعاهای ائمّه معصوم)ع(در همین امر نهفته است: - اگر زمین بدون امام باشد، نظمش از هم بپاشد و در هم فرو ریزد.(۶) - کجاست آن وسیله‌ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین می‌رساند.(۷) - به ماندن او است که دنیا باقی مانده است و به خیر و برکت او تمام مخلوقات روزی داده می‌شوند.(۸) و شاید سرّ خواندن دعای فرج در شب قدر نیز همین امر است. .....(منابع).....۱) سوره انشقاق، آیه ۶. ۲) سوره فاطر، آیه ۱۰. ۳) تفسیر موضوعی قرآن کریم، آیت اللّه جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۱۲۰ - ۹۷، با تصرف و تلخیص. ۴) مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. ۵) مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. ۶) لَوْبَقیَتِ الْاَرْضُ بِغَیْرِ اِمام لَساخَتْ.»)اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹) ۷) اَیْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَ السَّماء؟»)مفاتیح‌الجنان، دعای ندبه(۸) بِبَقائِهِ بَقیَتِ الدُّنیا وَ بِیُمْنِهِ رُزِقَ الْوَری.»

چه فایده‌ای در وجود امامی است که حافظ شرع وملّت نبوده واجرای احکام الهی نمی‌کند؟

پرسش

چه فایده‌ای در وجود امامی است که حافظ شرع وملّت نبوده واجرای احکام الهی نمی‌کند؟

پاسخ

گاهی سؤال می‌شود: اگر قرار است که امام در پشت پرده غیبت باشد وبر کسی ظاهر نگردد ونیز متولی اقامه حدّ وتنفیذ حکم نگردد ومردم را به حقّ وجهاد با دشمن دعوت نکند، چه فایده‌ای در وجود اوست. ۱ - غیبت امام به جهتی از ناحیه ما می‌باشد، ولذا در ظهور او نیز عملکرد ما دخیل است. ۲ - در عصر غیبت هرگز حدود الهی وتنفیذ احکام ودعوت به حق وجهاد با دشمنان تعطیل نمی‌گردد، بلکه بنابر توکیل عام از جانب امام زمان (ع) این امور به فقها واگذار شده است. ۳ - امام گرچه غایب است ولی نسبت به احکام کلّی جنبه نظارتی داشته وحافظ مجموعه شریعت است. ولذا در صورتی که اجماعی بر خلاف حق تشکیل شود دخالت کرده والقای خلاف می‌نماید. ۴ - وجود امام آن گونه که در جای خود گفته شد واسطه فیض الهی وعلت غایی خلقت است، وبدون او زمین مضطرب خواهد شد، ولذا او واسطه تکوین نیز می‌باشد. ۵ - امام، گرچه از انظار عموم مردم غایب است ولی نسبت به نفوس قابل هدایت باطنی دارد، او هر نفسی را که قابل هدایت ببیند از راه باطن او را به حقّ وحقیقت رهنمون خواهد ساخت. موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن

وجود امام زمان‌علیه‌السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟

پرسش

وجود امام زمان‌علیه‌السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟

پاسخ

امام زمان (ع) در توقیع اول خود به شیخ مفید؛ می‌فرماید": إنّا غیر مهملین لمراعاتکم، ولا ناسین لذکرکم، ولولا ذلک لنزل بکم الأوآء واصطلمکم الأعدآء"؛ "ما در رسیدگی {پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳. پاورقی} وسرپرستی شما کوتاهی واهمال نکرده ویاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها ومصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد ودشمنان، شما را ریشه‌کن می‌نمودند ".شیعه به جهت پیروی از حق وحقیقت، دائماً مورد تعرّض حکّام جور ومعاندان ومخالفان بوده است، لذا به کسی نیاز دارد که در سختی‌ها وگرفتاری‌ها او را یاری کند واز نابودی نجاتش دهد. حضرت در این توقیع به شیعیانش این بشارت را می‌دهد که با وجود غیبتم، شما را حمایت می‌کنم وهرگز نمی‌گذارم نقشه‌های دشمنان حق وحقیقت به ثمر نشیند ومذهب شیعه نابود شود. ودر حدیث دیگر حضرت می‌فرماید": أنا خاتم الأوصیآء، وبی یدفع اللّه عزّوجلّ البلآء عن أهلی وشیعتی"؛ "من خاتم اوصیایم. خداوند به سبب من بلا را از اهل وشیعیانم دفع {پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲. پاورقی} می‌کند".

چه تناسبی بین خورشید پشت ابر و غیبت امام زمان‌علیه‌السلام وجود دارد؟

پرسش

چه تناسبی بین خورشید پشت ابر و غیبت امام زمان‌علیه‌السلام وجود دارد؟

پاسخ

در روایتی از امام زمان (ع) در پاسخ به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب چنین آمده است... ": وأمّا وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس إذا غیّبها عن الأبصار السحاب؛{"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. پاورقی..."} واما کیفیت نفع بردن به وسیله من در زمان غیبتم به مانند نفع بردن به واسطه خورشید است هنگامی که ابرها او را از دیدگان مستور می‌نمایند ".از این حدیث شریف وجوهی از شباهت‌ها بین خورشید در پشت ابر وامام زمان (ع) در عصر غیبت استفاده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – همان گونه که مردم، هر آن، انتظار خارج شدن خورشید از پس ابرها را دارند تا تمام وکامل از وجود وظهورش استفاده ببرند، در ایام غیبت آن حضرت نیز مردم منتظر ظهور وخروج اویند واز ظهورش مأیوس نمی‌گردند. ۲ – منکر وجود حضرت (ع) در عصر غیبت، همانند منکر وجود خورشید است هنگامی که در پشت ابرها از دیده‌ها پنهان گردد. ۳ – همان گونه که ابر کاملاً ـ خورشید را نمی‌پوشاند ونور خورشید به زمین وزمانیان می‌رسد، غیبت هم مانع کامل وتمامی برای بهره‌دهی حضرت نیست، مردم در زمان غیبت، حضرت را نمی‌بینند امّا از وجود او بهره می‌برند. توّسل یکی از راه‌های بهره بردن از آن امام است. ۴ – همان گونه که در مناطقی که هوا غالباً ابری است، گاهی خورشید ابرها را می‌شکافد وخود را از لابلای آنها بیرون می‌آورد وبه عدّه‌ای از مردم نشان می‌دهد، هر از چند گاهی نیز، عده‌ای به محضر امام زمان (ع) شرفیاب می‌شوند واز وجودش استفاده می‌برند واز این راه وجود آن حضرت برای مردم به اثبات می‌رسد. ۵ – همان گونه که ابرها خورشید را نابود نمی‌کنند وتنها مانع رؤیت اویند، غیبت امام زمان (ع) هم تنها مانع رؤیت ایشان است.

آیا موضوع غیبت با وظیفه هدایت‌گری امام‌علیه‌السلام سازگاری دارد؟

پرسش

آیا موضوع غیبت با وظیفه هدایت‌گری امام‌علیه‌السلام سازگاری دارد؟

پاسخ

با مراجعه به کتاب‌های کلامی وفلسفی وعرفانی به وجود دو تفسیر بر امامت پی می‌بریم: ۱ – تعریف کلامی: مطابق این تعریف، امامت ریاستی است بر عموم توسط یکی از اشخاص در امور دین ودنیا. {پاورقی . نهج المسترشدین، ص ۶۲. پاورقی} ۲ – تعریف فلسفی – عرفانی: مطابق این تعریف، امامت منصبی است الهی همانند نبوت، وبین این دو (امامت ونبوت) هیچ فرقی جز وحی نیست. امامت استمرار تمام وظایف نبوّت جز تحمّل وحی الهی است، ونیز نوعی تصرف است در باطن ونفوس افراد برای رساندن آنها به کمال مطلوب. مطابق این تعریف، ریاست در امور دین ودنیا، شأنی از شؤون امامت به این معناست. واین همان معنایی است که شیعه دوازده امامی به آن ملتزم است، لذا امامت را به همین جهت جزء اصول دین به حساب آورده وآن را از نبوّت بالاتر می‌داند. علامه طباطبایی؛ می‌فرماید": امامت حقیقتی ورای مقام اطاعت یا ریاست دین ودنیا یا وصایت وخلافت وجانشینی در روی زمین به‌معنای حکومت بین مردم است. {"پاورقی . المیزان، ج ۱، ص ۲۷۱. پاورقی} عمق معنای امامت نزد ایشان به این است که امامت، هدایت باطنی بوده که همان ولایت بر مردم وکردار آنان است واین هدایت باطنی جز ایصال به مطلوب نیست. متکلمین بر ضرورت معنایی که برای امامت ذکر کرده‌اند به ادلّه‌ای از قبیل: قاعده لطف، لزوم حفظ شریعت وتبیین دین خداوند استدلال کرده‌اند، که عمدتاً با حضور امام در بین مردم تأمین می‌شود. حال اگر اشکال شود که این لطف چگونه با غیبت حضرت سازگاری دارد؟ در جواب باید بگوییم: اولاً: امام زمان (ع) حافظ کلّی شریعت است واز اتّفاق بر باطل جلوگیری می‌کند. ثانیاً: الطاف خداوند درجات مختلفی دارد که هنگام تزاحم، آنچه که لطف بیشتری دارد مقدّم می‌گردد. ولذا اگر چه با حضور امام، مردم به الطافی خواهند رسید واز حضور او بهره‌مند خواهند شد، ولی لطف غیبت او مهم‌تر است، همان گونه که در بحث فلسفه غیبت به آن اشاره کردیم. در مورد تفسیر دوم برای امامت که همان تفسیر عرفا است، جای هیچ نوع اشکالی در مورد غیبت امام نیست؛ زیرا بنا بر آن تعریف، امامت حقیقتی است که امام به جهت قابلیّت‌هایی که پیدا کرده، می‌تواند در نفوس انسان‌ها تصرّف کرده وآنها را به سرمنزل مقصود برساند. این معنا برای امامت، با غیبت او نیز سازگاری دارد، وامام در عصر غیبت نیز این تصرّفات را می‌تواند انجام دهد که در طول عصر غیبت چنین هدایت‌هایی را فراوان داشته است. {پاورقی . ر.ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۰۴. پاورقی}

امام زمان‌علیه‌السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می‌کند؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می‌کند؟

پاسخ

۱ – هدایت تشریعی: که به بیان احکام شرع ومعارف الهی برای مردم است. این نوع هدایت غالباً با حضور امام در میان مردم تحصیل می‌گردد. ۲ – هدایت باطنی: که همان دستگیری از راه باطن وهدایت انسان از راه درون است. این نوع هدایت از آن جهت

www.noorfatemah.org

که نوعی تکوینی است، احتیاج به حضور حضرت وملاقات مردم با او ندارد، بلکه با غیبت حضرت نیز امکان پذیر است، وتمام کسانی که در آنها تحوّل ودگرگونی پیدا می‌شود واز راه درون به حقّ وحقیقت رهنمون می‌شوند با تصرّفاتی است که از ناحیه امام زمان (ع) وبه اراده ومشیّت خداوند انجام می‌پذیرد. ۳ - برخی از انواع هدایت‌ها نیز هست که حضرت مهدی (ع) در حقّ شیعیانش انجام می‌دهد که متوقّف بر حضور وملاقات‌های مقطعی است، مثل هدایت گمشدگان وشفای بیماران و... .

راههای کسب معرفت و تشنه شدن چیست ما امام زمان را برای چه می خواهیم .

پرسش

راههای کسب معرفت و تشنه شدن چیست ما امام زمان را برای چه می خواهیم .

پاسخ(قسمت اول)

اگر منظورتان از کسب معرفت، معرفت به خداوند باشد باید گفت: پرسش شما ناظر به روایت مشهوری از حضرت علی(ع) است که فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربّه؛ هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است» » (عبدالواحد بن محمد تمیمی، شرح غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲.) این حدیث شریف و روایات دیگری از این دست که حاکی از ملازمه اکید میان شناخت انسان و شناخت خداوند است، تفسیرهای فراوانی را در بر داشته و بحث‌های دامنه‌داری را فراروی اندیشمندان نهاده است که طرح تفصیلی آن خارج از حوصله این مقال می‌باشد؛ ولی در عین حال می کوشیم نقاط اساسی را در حد پرسش حضرتعالی، روشن سازیم. در یک نگاه کلی، شناخت انسان نسبت به خداوند سبحان دوگونه است: ۱. شناخت حصولی؛ که مقصود از آن شناخت از راه عقل، تفکر، اندیشه و استدلال و برهان است. ۲. شناخت حضوری؛ که خود دوگونه است: یکم. درک فطری یا خداشناسی فطری؛ که یک علم حضوری غیراکتسابی در نهاد انسان و بیرون از محدوده اختیار او است. این شناخت فطری - که در قلمرو اخلاق قرار نمی گیرد - در بیشتر انسانها تنها استعداد و مایه‌ای است که آدمی با تلاش خود می‌تواند آن را از استعداد به فعلیت واز حالت ابهام به مرحله‌درک حضوری آگاهانه برساند. این دو آیه از قرآن شریف به این نوع معرفت ناظر است: «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا...؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است» » (روم (۳۰)، آیه ۳۰.) «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَةِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا غافِلِینَ * أَوْ تَقُولُوا إِنَّما أَشْرَکَ آباؤُنا مِنْ قَبْلُ وَ کُنَّا ذُرِّیَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَ فَتُهْلِکُنا بِما فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ؛ و چون پروردگارت فرزندان بنی آدم را از پشت‌های ایشان برگرفت و آنان را بر خودشان گواه گرفت [و پرسید] آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا شهادت می‌دهیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [حقیقت]بی‌خبر بودیم. یا مبادا بگویید همانا پدران ما در گذشته شرک آورده بودند و ما فرزندانی از پی ایشان بودیم، آیا ما را به خاطر کاری که باطل اندیشان کردند هلاک می کنی» (اعراف (۷)، آیه ۱۷۲ و ۱۷۳.) آن ندایی کَاصْل هر بانگ و نواست خود ندا آن است و این باقی صداست ترک و کرد و پارسی گو و عرب فهم کرده آن ندا بی گوش و لب خود چه جای ترک و تاجیک است و زنگ فهم کردست آن ندا را چوب و سنگ (مولوی، جلال الدین، مثنوی، دفتر اوّل، ابیات ۲۱۰۷ - ۲۱۰۹.) دوّم. علم حضوری اکتسابی؛ که یک علم حضوری روشن و آگاهانه است و آدمی با تلاش و پس از پیمودن مراحل تکامل، این شایستگی را می‌یابد که خداوند آن

را به او افاضه نماید. این نوع معرفت، دارای مراتب گوناگونِ شدید و ضعیف است که آخرین مرحله آن همان هدف نهایی آفرینش و بالاترین مرتبه کمال انسانی می‌باشد. هر چند دریافت این معرفت حضوری، مانند گونه قبل، مستقیماً در اختیار آدمی نیست؛ مقدمات دستیابی به آن، از افعال اختیاری است. در حقیقت، افاضه این کمال - معرفت به خداوند - پاداش بخشی از افعال اختیاری انسان است که به صورت تام و کامل در آخرت به او داده می‌شود؛ گرچه مراتب دیگری از این معرفت حضوری برای برخی از اولیای خدا در این دنیا فراهم می‌آید. در قرآن مجید از این معرفت به «رؤیت»، «شهود»، «نظر» و مانند آن یاد شده است: «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ ناضِرَةٌ * إِلى رَبِّها ناظِرَةٌ؛ رخسارهایی در آن روز برافروخته [و به چشم دل به سوی [جمال]پروردگارشان نظر کننده‌اند»(قیامت (۷۵)، آیه ۲۲ و ۲۳.) «وَ كَذلِكَ نُرِي إِبْراهِيمَ مَلَكُوتَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِين؛ و این گونه ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد» (انعام (۶)، آیه ۷۵.) با توجه به اینکه شناخت خدا از راه خودشناسی، در قلمرو علم حضوری مذکور قرار می گیرد، پاسخ به این دو پرسش شما که: ۱. مقصود از معرفت نفس چیست؟ ۲. چطور می‌توان به آن دست پیدا کرد؟ متفاوت خواهد بود؛ هر چند میان آن دو، تمایز کامل نباشد. شناخت نفس اما مراد از شناخت نفس در گونه اول درک حضوری، معرفت به فطرت و سرشت انسان است. اینکه بداند و بفهمد: فطرت چیست؟ بینش و گرایش‌های فطری کدامند؟ فطرت در منظر قرآن چگونه تحلیل می‌شود؟ آیا اساساً میان همه انسانها مشترکاتی یافت می‌شود؟ چه ضابطه و ملاکی برای تشخیص آنها وجود دارد؟ آیا بهره‌وری آغازین انسان‌ها از این مشترکات یکسان است؟ فطری بودن خداشناسی به چه معناست؟ آیا خدا در نهاد انسان هست؟ اگر هست، پس چگونه پاره‌ای از انسان‌ها خدا را انکار کرده، از او اعراض می کنند؟ و... (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، نگا: شیروانی، علی، سرشت انسان.) دست‌یابی به این معرفت و به عبارت دیگر بازشناسی امور فطری، از روش‌های گوناگون میسّر خواهد شد: ۱. روش تجربی یا تاریخی؛ در این روش با مراجعه به جامعه و تاریخ و تحولات گوناگون آن، عناصری که در همه جا بوده و همیشه حضور داشته‌اند ولو با شدت و ضعف [شاخص‌ها و نشان‌های امور فطری]کشف می‌شود. البته این عناصر، باید عناصری باشد که در قلمرو انسانیت انسان قرار داشته باشد، از این رو، روحیه استخدام دیگران در جهت منافع خود، تجاوز به غیر، ظلم و عدالت‌ستیزی که همواره در طول تاریخ ظهور کرده، در این عناصر جای نمی گیرند. ۲. روش تعقلی؛ در این روش کوشش می‌شود تا به مدد برهان اصالت عموم، گرایش‌های انسانی (مانند علم دوستی، فضیلت‌خواهی و...) اثبات گردد؛ یا گرایش به خدا و حس پرستش یا فطری بودن دین مبرهن شود. ۳. روش شهودی؛ در این روش، با مراجعه به وجدان و شهود، گرایش‌ها و بینش‌های فطری شناخته می گردد. اگر انسان در درون خود، فارغ از همه ویژگی‌ها و شرایط، احساس کرد که زیبایی را دوست دارد، علم را دوست دارد، به فضایل اخلاقی عشق می‌ورزد ودارنده آنها را می‌ستاید و در پی آن است که آنها را در خود احیاء نماید، می‌تواند به گرایش‌های فطری انسان دست یازد. ۴. روش نقلی؛ در این روش با مراجعه به کتاب و سنت (منابع روایی) اموری که به عنوان گرایش‌ها و بینش‌های فطری انسان طرح شده، شناسایی و طبقه‌بندی می‌شود. اما منظور از معرفت نفس در گونه دوم معرفت حضوری، معرفت به نفس و شناخت شخصیت و انسانیت انسان است. اینکه دریابد و علم پیدا کند: نفس چیست؟ خصوصیات آن کدام است؟ مراتب آن چگونه است و به چه شکل با یکدیگر در ارتباطند؟ رابطه نفس و بدن به چه کیفیتی است؟ نفس، عقل و قلب آیا یکی هستند و اگر خیر، وجه تمایز آنها از یکدیگر چیست؟ نفس از دیدگاه قرآن و روایات چگونه تفسیر می‌شود؟ هبوط و عروج نفس چیست؟ مراد از تهذیب نفس چیست؟ ارتباط نفس و عمل چگونه است؟ نفس دارای چه استعدادها و قابلیت‌هایی است؟ تجرد نفس به چه معنا است؟ قوای آن کدام است؟ آیا می‌توان از راه شناخت نفس به شناخت و معرفت خدا دست یازید؟ این معرفت در چه حد و مراتبی است؟ و در یک کلام آدمی باید «نفس» یا «روح» یا «حقیقت» خود را بشناسد تا بداند که چه بوده و چه شده و چه می‌تواند باشد؟ (برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر . ک : حسن‌زاده آملی، حسن، دروس معرفت نفس؛ شجاعی، محمد، مقالات، ج ۱.) خداوند متعال در این آیه شریفه با لحنی

تأمل‌برانگیز به این معرفت تأکید فرموده است: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمِیعاً فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خود و حقیقت خود توجه داشته باشید و خود و حقیقت خود را بیابید. اگر شما به صراط مستقیم هدایت یافتید، منحرف شدن دیگران به شما ضرر نمی‌رساند و برگشت همه شما به سوی اللّه است و در آن روز خداوند متعال شما را از اعمال و راه و روش‌تان آگاه خواهد کرد» (مائده (۵)، آیه ۱۰۵.) با توجه به اینکه آخر آیه از برگشتِ همه به سوی حضرت حق و نایل گشتن همه به نتایج حرکات و اعمالشان در روز لقاء پروردگار خبر می‌دهد، توصیه به معرفت نفس و شناخت حقیقت خود معنای عمیق‌تری می‌یابد. با این دیدگاه معنای روایت «من عرف نفسه فقد عرف ربه» این خواهد شد که هر کس خود را آن چنان که هست و مظهر و مجلای وجه حق است بشناسد، پروردگار خود را خواهد شناخت و ناظر وجه او خواهد بود. قبل از بررسی چگونگی دست‌یابی به معرفت نفس به گونه دوّم، تذکر چند نکته ضروری است: ۱. تهذیب نفس و حصول کمال آن، متوقف بر معرفت نفس و شناخت عوامل انحطاط و سعادت است. ۲. شناخت نفس در حقیقت شناخت «راه» و «راهرو» می‌باشد، چرا که نفس انسانی است که به سوی خدا سلوک می‌کند (رهرو) و راهی را که آدمی باید در رسیدن به خدا طی کند نیز همان مراتب نفس خویش است که با گذر از هر مرتبه از آن، به مرتبه بالاتر صعود می‌کند (راه). مهم‌تر آنکه بر طبق آیه شریفه‌ای که پیش‌تر نقل شد، غایت این راه خداوند متعال است. پس باید آدمی مدام در یاد خدا باشد؛ چرا که اگر آدمی غایت راه را فراموش کند خود راه را نیز فراموش می‌کند. پس فراموشی خدا، فراموشی نفس را به دنبال خواهد داشت. ۳. اصل معرفت نفسی که مورد تأکید منابع اصیل اسلامی قرار گرفته، معرفتی است که وسیله‌ای برای معرفت خداوند قرار می‌گیرد، نه شناختی که برای ترتب آثار دیگر مقصود باشد. ۴. براساس منابع قرآنی و روایی، این شناخت باید به عنوان یک اصل عملی تلقی شود؛ یعنی، حرکت به سوی کمال باشد وگرنه، صرف شناخت نفس از جهت علمی و نظری تنها آشنایی با مفاهیم است، نه عین واقع در مرحله عمل و کمال (طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ج ۶، ص ۱۶۳ – ۱۶۹.) در حقیقت، امری که انسان را به شهود وجه حق می‌رساند، شناخت حقیقت خود و حرکت به سوی مقام اصلی خود است و این امر، جز با تحصیل تقوا میسر نخواهد بود. برای آگاهی بیشتر نگا: شجاعی، محمد، مقالات، ج ۲ و ۳. عطار خیلی زیبا در چند بیت، شرایط تحصیل تقوا را بیان کرده است: چون فرود آیی به وادیّ طلب پیشت آید هر زمانی صد تعب صد بلا در هر نفس اینجا بود طوطیِ گردون مگس اینجا بود جدّ و جهد اینجات باید سالها زانکه اینجا قلب گردد حالها مِلک اینجا بایدت انداختن مُلک اینجا بایدت در باختن در میان خونْت باید آمدن وزهمه بیرونْت باید آمدن چون نماند هیچ معلومت به دست دل بباید پاک کرد از هر چه هست چون دل تو پاک گردد از صفات تافتن گیرد ز حضرت نورِ ذات چون شود آن نور بر دل آشکار در دل تو یک طلب گردد هزار (عطار، منطق الطیر، صص ۱۸۰ – ۱۸۱.) علاوه بر آنچه گفته شد، معرفت نفس از دو سو می‌تواند به معرفت ربّ بیانجامد نخست آن که بدانیم:

پاسخ(قسمت دوم)

حقیقت وجودی انسان عین ربط، وابستگی و نیازمندی محض به خدای متعال است و از خود هیچ استقلالی ندارد، از این رو تمام وجود ما و متعلقات آن از خدا و متعلق به خداست «انّا للّه» (بقره (۲)، آیه ۱۵۶.) و او حقیقت پایداری است که هستی‌بخش مطلق و عطاکننده همه کمالات به موجودات از جمله انسان‌هاست «هو الحیّ القیّوم» (بقره (۲)، آیه ۲۵۵؛ آل‌عمران (۳)، آیه ۲؛ طه (۲۰)، آیه ۱۱۱.) بدون آن که نیازی به کسی یا چیزی داشته باشد «یا ایهاالناس انتم الفقراء الی اللّه و اللّه هو الغنی الحمید» (فاطر (۳۵)، آیه ۱۵.) اینها حقایقی است که با دریافت حضوری و شهودی با رفع موانع معرفت از قبیل غفلت ناشی از سرمستی و غوطه‌ور شدن در شهوات و دنیاطلبی و دنیادوستی، قابل وصول است. (اعراف (۷)، آیه ۱۷۹.) دوم آن که با شناخت توانمندی‌های ظاهر و باطن آدمی

و اعتراف به ناشناخته ماندن گستره توانمندی‌های او و سرگشتگی در درک حقیقت روح او، می‌توان به جلوه‌ای از شناخت خداوند دست‌یافت زیرا در انسان نفخه‌ای از روح خدا دمیده شده است و می‌تواند خلیفه خداوند در روی زمین باشد. و اگر مرادتان کسب معرفت به امام زمان(عج) باشد، به پاسخ سؤال ۱ مراجعه نمایید. در احادیث معتبری که پیرامون فلسفه و فایده ی وجود امام (ع) در دوران غیبت به ما رسیده است , فواید گوناگونی را عنوان فرموده اند, از جمله : ۱- امام غایب (ع), واسطه ی فیض و امان اهل زمین است . امامان معصوم (ع) و امام زمان (عج) امان اهل زمین می باشند و اگر زمین از این حجت های الهی خالی بماند, دنیا و اهلش نابود خواهند شد ;لذا وجود امام (ع) موجب برکات بسیاری می باشد. پیامبر اسلام (ص) هم در این مورد فرموده است : ((ای والذی بعثنی بالنبوه , انهم لینتفعون به و یستضیئون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشمس و ان جللها السحاب ; آری خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیده است , آن ها از وجود او منتفع می شوند و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می گیرند, چنان که از آفتاب پشت پرده استفاده می برند.)), (ینابیع الموده , قندوزی , ج ۳, ص ۱۷۰). خود امام زمان (ع) در این باره فرموده است : ((همان طور که از خورشید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده است , بهره گیری می شود, از من نیز در زمان غیبتم به همان صورت بهره می برند و همانا من سبب آرامش و امنیت مردم روی زمین هستم , چنان که ستارگان امان اهل آسمانند, (کمال الدین و تمام النعمه , شیخ صدوق , ص ۴۸۵). ۲-دیگر این که سینه ی امام و روح بلندش , صندوق حفظ آیین الهی است که همه اصالت های نخستین و ویژگی های آسمانی دین را در خود نگاهداری می کند, تا دلایل الهی و نشانه های روشن پروردگار, باطل نگردد و به خاموشی نگراید. ۳- اثر امید بخشی به مسلمین و تربیت گروه منتظر و آگاه : ایمان و اعتقاد به امام غائب (عج) سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینده ی پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امامشان می گردد. جامعه ی تشیع به اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده , هر لحظه انتظار بازگشت آن بزرگوار(ع) را می کشد. شیعه هر چند امام زمان (ع) را در میان خود نمی بیند, اما خود را جدا از آن وجود نازنین نمی داند. امام غایب (عج) هم همواره مراقب حال شیعیان خویش می باشد ;چنان که خود فرموده است : ((ما در رسیدگی و سرپرستی شما, کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم ; پس تقوای الهی پیشه کنید تا از فتنه ای که به شما رو می آورد, شما را نجات بخشیم))، (احتجاج طبرسی , ج ۲, ص ۴۹۷). وجودمقدس امام زمان(عج) فرد کامل انسانیت و واسطه بینعالم ماده و عالم معناست. اگر امام(ع) نباشد ارتباط جهان ماده با عالم ربوبی بریده و گسسته است. قلب و روح پاک امام زمان(عج) به منزله کارخانه برقی است که به هزاران لامپ و وسیله، برق می رساند و به همگی حرکت و فروغ می بخشد. اشراقات و افاضات و عنایات عالم غیب در آغاز بر آینه قلب امام(ع) و توسط تو بر دل های مردم نازل می گردد. اگر امام(ع) نباشد نظام آفرینش و نوع انسان منقرض و نابود می گردد. اگر حجت خدا و امام زمان(عج) بر روی زمین نباشد، خداوند در حد کمال شناخته و عبادت نمی گردد و روشن است که در حصول این آثار تفاوتی بین حضور وغیبت امام(ع) وجود ندارد. علامه بزرگوار طباطبایی در کاب ارزشمند شیعه در اسلام در بخش امام دوازدهم می فرماید: وظیفه امام تنها بیان ظاهری معارف و راهنمایی صوری مردم نمی باشد بلکه امام(ع) ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز بر عهده دارد و او است که حیات معنوی مردم را تنظیم می کند وحقایق اعمال را به سوی خدا می کشاند. امام(ع) از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد گرچه از چشم ظاهری ایشان مستور است و وجودش همراه لازم است هر چند موقع ظهور و اصلاح جهانی اش نرسیده باشد. اصل وجود امام(ع) موجب دلگرمی و قوت روح بندگان خدا و سالکان راه هدایت و سعادت می باشد و به عبارت دیگر نقطه اتکایی برای رهپویان راه حقیقت است. اگر چه خداوند متعال تکیه گاه همه است و همه به او اتکال و اعتماد دارند ولی وجود امام زنده ای که پناهگاه و پشتیبان وحافظ شریعت است موجب قوت قلب و استحکام روح و مانع از تسلط اهریمن یأس و نومیدی بر پاکان و مجاهدان و رهروان راه بندگی است و همواره از او کمک می گیرند و همت می طلبند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. دادگستر جهان، استاد ابراهیم امینی ۲. ولاء و ولایت ها، استاد شهید مطهری

آیا نیازهای فیزیولوژیک امام زمان(عج)نظیر خواب ،مانع از فیض بخشی ایشان نمی شود؟

پرسش

آیا نیازهای فیزیولوژیک امام زمان(عج)نظیر خواب ،مانع از فیض بخشی ایشان نمی شود؟

پاسخ

همه موجودات عالم امکان آیات و نشانه‌های حضرت حق‌اند. و هر کدام به قدر وسعت وجودی ایشان نشانگر اسماء و صفات خدای سبحان می‌باشند و در آئینه وجودی هر موجودی می‌توان جلال و جمال حضرت پروردگار را مشاهده نمود. هر که را حسنی بود آئینه‌دار روی اوست اما بعضی موجودات آیت و نشانه بودنشان بسیار محدود و ضعیف و بعضی دیگر بسیار گسترده و وسیع. و حضرات معصومین(ع) چون واسطه فیض‌اند و رابطه بین عالم غیب و شهود و لذا آئینه تمام نمای اسماء و صفات حضرت حق‌اند «من والاکم فقد والی الله و من عاداکم فقد عادی الله؛ هر که شما را دوست دارد خدا را دوست داشته و هر که با شما دشمنی ورزد با خدا دشمنی کرده»، (ر.ک: زیارت جامعه کبیره). همانگونه که در آئینه می‌توان صورت اشیاء را مشاهده نمود در آئینه وجود معصوم می‌توان جلوه اسماء و صفات خداوند متعال را نگریست. البته منظور از مشاهده حضرت حق رؤیت حسی و بصری نیست چرا که پروردگار نه جسمانی است و نه محسوس بلکه غرض این است که انسان کامل (معصوم) جلوه و مظهر جلال و جمال پروردگار است آنهم به کاملترین وجه از اینرو در هیچ آینه و مرآتی بهتر از مرآت انسان کامل نمی‌توان حق را مشاهده کرد. از این رو امام علی(ع) فرمود: «برای خداوند هیچ آیت و نشانه‌ای بزرگتر از من نیست»، (ر.ک: نورالثقلین ۵/۴۹۱/۵). و چون حضرات معصومین(ع) نور واحدند و به تعبیر بلند زیارت جامعه کبیره «انّ ارواحکم و نورکم و طینتکم واحدة؛ بدرستیکه ارواح شما و نور و طینت شما یکی است». این حکم حضرت امیرالمؤمنین(ع) نسبت به بقیه حضرات معصومین نیز جاری است. ازاین‌رو جود تابناک و مقدس حضرت ولی عصر(ع) عظیم‌ترین آیت و نشانه پروردگار است. ـ شخصی برای دیدار با امام باقر(ع) به منزل ایشان مراجعه کرد و پیش از اجازه ورود به کاری نامحرمانه اقدام نمود. حضرت امام باقر(ع) از درون اتاق خویش بر او بانگ زدند و با سرزنش اجازه ورودش دادند. این شخص دست و پای خود را گم کرد و در محضر امام عرضه داشت: به خدا سوگند نظر گناه آلودی نداشتم و تنها می‌خواستم بر یقین خود نسبت به علم و آگاهی شما بیفزایم. امام باقر(ع) پس از تصدیق سخن او فرمودند: آیا می‌پندارید که این دیوارها چنانکه مانع دید شماست. از مشاهده ما نیز جلوگیری می‌کند؟! اگر چنین باشد تفاوتی میان ما و شما نخواهد بود. آنگاه امام آن شخص را از تکرار چنان عملی برحذر داشتند، (ر.ک: بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۹، ح ۴۰). امام صادق(ع) از پدران بزرگوار خویش نقل می‌کنند که امام علی(ع) فرموده‌اند: دین و امام دو برادر و همتای همانند که هیچ یک بدون دیگری سامان نمی‌یابد. اسلام پایه و اساس نظام حکومتی و امام پاسدار آن است. پس اگر اسلام نباشد هرگونه بنیان و بنیادی از اساس ویران است و اگر اسلام باشد و نگاهبان و پاسدار نداشته باشد ضایع و نابود می‌شود. هم از این روست که وقتی آخرین حجت خدا و پاسدار دین. قائم آل محمد(ص) رحلت کرده و رخت بسوی دوست می‌کشد اثری از اسلام باقی نمی‌ماند و آنگاه که از اسلام اثری نماند بساط دنیا به کلی برچیده می‌شود، (ر.ک: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، فصل دوم، باب ۲۹، ص ۲۷۳). و اصولاً ـ امام، محوری است که حق در همه زمینه‌ها بر مدار او می‌گردد و آن حق محوری که درباره‌ی امام علی(ع) آمده است و صف مشترک همه انبیاء، اولیاء و اهل بیت رسول خدا(ص) است، (ر.ک: صورت و سیرت انسان در قرآن، آیت‌الله جوادی آملی،

ص ۳۶۸). حال در مورد امام علی(ع) وارد شده است که: «علی عمود الدین؛ علی ستون دین است»، (ر.ک: کافی، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۳). و اینکه دین باقی است بدلیل این است که ستون و عمود آن زنده و حی است و هیچگونه غفلت و سهو و فراموشی برای آن وجود مبارک عارض نمی گردد. چرا که اضطراب و تزلزل در عمود دین مساوی است با درهم ریخته شدن شیرازه دین. ـ در زیارت روز جمعه خطاب به امام زمان(ع) می‌خوانیم «السلام علیک یا عین الحیوة؛ سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگی». آیا ممکن است چشمه حیات همه موجودات عالم امکان بخاطر غفلت و فراموشی دچار خشکی گردد؟ ـ و باز در زیارت روز جمعه می‌خوانیم: «السلام علیک یا عین الله فی خلقه؛ سلام بر تو ای دیده‌ی الهی در میان خلق». آیا ممکن است دیده‌ی حضرت حق را خواب فرا گیرد؟! در نهایت می گوییم: حقیقت ائمه همان ارواح مطهر آنان است (که حقیقت هر انسانی به روح اوست) پس کمالات مطرح شده نیز متعلق به اوج آن حضرات است و جسم مادی هر چند به خواب می‌رود ولی روح آنان بیدار است و علم الهی به اشیاء مختلف دارند.

اگر جهان به سوی جامعه انسانی تکامل می‌یابد پس چه نیازی به وجود امام‌زمان«علیه السلام» است؟

پرسش

اگر جهان به سوی جامعه انسانی تکامل می‌یابد پس چه نیازی به وجود امام‌زمان«علیه السلام» است؟

پاسخ

اینکه جامعه انسانی به سوی تکامل و رشد و سعادت می‌رود در پرتو فهم درست از دین و اجرای دستورات و فرامین الهی است و لذا شاهد هستیم که جوامع غربی با وجود اختراعات و اکتشافات فراوان، به خاطر دور شدن از تعالیم دینی و اخلاق الهی، دچار فساد شدید و گسستگی در خانواده و عدم ثبات روحی و روانی شده‌اند به طور که آمار فحشا و خودکشی و آدم کشی و اعتیاد و دزدی روز به روز بیشتر می‌شود. مشاهده می کنیم که به جای این که علم در خدمت ارزشهای والای انسانی و تکامل انسانها قرار گیرد ابزار دست قدرتهای استکباری برای دستیابی به اهداف شیطانی و کشتار انسانهای ضعیف و محروم و غارت منافع اقتصادی آنان است. بنابراین جامعه اگر بخواهد به کمال و سعادت برسد باید به آیت الهی که اسلام است گرایش پیدا کند و تنها در پرتو گرایش به این دین بزرگ و اجرای تعالیم آن در سطح جهان جامعه جایی به کمال خواهد رسید و اجرای این تعالیم در سطح گسترده‌ی جهانی تنها به دست توانای منجی جهان بشریت اما زمان«علیه السلام» صورت خواهد گرفت و از احادیث و روایاتی که در مورد ظهور حضرت مهدی«علیه السلام» وارد شده استفاده می کنیم که ظهور آن حضرت وقتی است که جهان پر از ظلم و جور است که به دست آن حضرت ظلم و ستم از بین رفته و عدل و داد جایگزین آن خواهد شد بنابراین، تشکیل حکومت عدل جهانی اسلام به دست امام زمان«علیه السلام» صورت خواهد گرفت ولی باید توجّه داشت که ظهور امام زمان«علیه السلام» نیاز به آمادگی زمینه، خواهد داشت امید است این انقلاب اسلامی ما که مستضعفان جهان را آگاه و بیدار ساخته در ایجاد این زمینه‌ی مساعد سهم مؤثّری داشته باشد و خداوند این انقلاب اسلامی را به انقلاب جهانی اسلام که به دست امام زمان«علیه السلام» در جهان استقرار و گسترش می‌یابد متصل فرماید. « بخش پاسخ به سؤالات »

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی‌آید؟

www.noorfatemah.org

پرسش

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی‌آید؟

پاسخ

بایـد گفت جواب منفی است، زیرا که معصومین‌علیهم السـلام که عـدل قرآن و ثقـل اصـغر می‌باشـند، آنچه که مورد نیاز بشـر بوده است بیان فرموده‌اند و ثانیاً امام زمان‌علیه السـلام که اکنون در غیبت بسـر می‌برند این گونه نیست که هیچ نظارت و توجه و تصـرفی در امور نداشـته باشـند بلکه آن بزرگوار علاوه بر تصـرف ظـاهری تصـرف بـاطنی نیز دارد و حـال که به حکمت الهی و خواست و مشیت خداوند آن وجود عزیز از نظرها پنهان می‌باشد ولی توجه و نظارت بر حفظ شریعت و حفظ قرآن و مصون ماندن دین حق از تحریف و بـدعت و دفع شـبهات و آنچه که امور مردم منوط به آن است را دارا می‌باشـند و چون دین اسـلام آخرین دین جهـانی تا روز قیامت است مشـیت حق تعلق گرفته است به اینکه ختم اوصیاء تا زمانی که اراده حق باشد در پرده پنهان مجری احکام و فرامین الهی و حافـظ دین پیـامبر و کتاب خداونـد باشـد و در این مـدت طبق نقل بعضـی از وقایع حتی در نحوه اسـتنباط حکم و ریاست و زعـامت مجتهـدین و علمای بزرگ و ارشاد و توجه به بعض شـئون مسـلمین مسـتقیماً عنایاتی داشـته و دارنـد. چنان که خودشان در پاسخ به بعض نواب خودشان فرمودند: «و امّا وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکا لإنتفاع با لشـمس إذا غیبها عن الابصارِ السحاف؛ نحوه و کیفیت اسـتفاده و انتفاع از من، ماننـد نحوه اسـتفاده از خورشـید است زمانی که ابر آن را از دیده‌ها پنهان کرده باشد»(۳۵). « بخش پاسخ به سؤالات » ۳۵) کتاب کمال الدین مرحوم صدوق، باب ۴۵، حدیث ۴.

چگونگی بهره‌وری از امام

با یک مثال توضـیح دهید این جمله در بعضی روایات که" وقتی حضرت مهدی(عج) در غیبت به سر می‌برد مثل ماه پشت ابر می‌توان از وجود ایشان بهره برد "یعنی چه؟

پرسش

بـا یـک مثـال توضـیح دهیـد این جمله در بعضـی روایات که" وقتی حضـرت مهـدی(عـج) در غیبت به سـر می‌برد مثل ماه پشت ابر می‌توان از وجود ایشان بهره برد "یعنی چه؟

پاسخ

جابر انصاری از پیامبر اسـلام(ص) پرسـید: آیا در زمان غیبت امام زمان شـیعیان از او بهره‌مند می‌شوند؟ حضرت فرمود: بلی، قسم به آن کس کـه مرا به پیـامبری برگزیـد؟ آن‌هـا از وی بهره می‌برنـد و از نـور ولاـیت او کسب فیض می‌کننـد، همـان طـور که مردم از خورشید پنهان شده در پس ابر، بهره می‌برند.(۱) امام زمان(ع) در توقیعی فرمود": همان طور که خورشـید در وقتی که توسط ابرها

پنهان شده، سود برده می‌شود، از من نیز در حال غیبتم به همان صورت بهره می‌برند."(۲) بهره‌گیری از وجود مقدس امام زمان (عج)راه‌های مختلف دارد و امام زمان از طریق‌های مختلف به رهبری و هدایت مردم می‌پردازند. اصولاً اگر حجت خدا بر زمین نباشد نظام هستی به هم می‌خورد. وجود مقدس معصومان (ع) واسطه فیض الهی است و به خاطر آنان است که باران رحمت می‌بارد. امام صادق(ع) فرمود": به خاطر وجود ماست که آسمان به روی زمین فرود نمی‌آید مگر زمانی که بخواهد باران رحمت حق به واسطه ما می‌بارد و زمین برکات خود را بیرون می‌دهد. اگر ما روی زمین نباشیم، زمین اهلش را فرو می‌برد... در زمانی که خداوند آدم را آفرید، تاکنون هیچ گاه زمینی از حجت خدا خالی نبوده است، گاهی آشکار و مشهود و زمانی پنهان و مستور بوده و تا قیامت نیز چنین است("...۳) از این روایت - به گونه‌ای صریح - استفاده می‌شود که وجود امام معصوم(ع) واسطه فیض بوده و در زمان غیبت وجود مقدس امام زمان(ع) واسطه فیض الهی است. وجود مقدس حضرت گر چه مستور است، ولی وجود او واسطه فیض است، همان گونه که خورشید در پشت پرده است، اما فایده خویش را می‌رساند. فایده خورشید محدود می‌شود که این محدودیت را ابر ایجاد کرده است. در زمان غیبت، امام زمان (ع) نورافشانی می‌کند؛ با واسطه و بدون واسطه به هدایت و ارشاد مردم می‌پردازند، اگر چه بهره‌گیری از وجود مقدس امام محدود می‌شود که این محدودیت را ستمکاران ایجاد کرده‌اند، در برخی از روایات تصور شده است که یکی از علل عمده غیبت امام زمان (ع) مردم هستند. باید دانست که تشبیه وجود اقدس امام زمان (ع) به آفتاب پنهان در اشاره به اموری چند است: اول - این که نور عالم هستی و علم و هدایت بتوسط آن حضرت به خلق خدا می‌رسد ؛ زیرا با اخبار مستفیضه ثابت شده که ذات مقدسه (ائمه اطهار) علت غائی ایجاد مخلوق عالمند ؛ و اگر آن‌ها نبودند، نور عالم، بغیر آن‌ها نمی‌رسید و هم ثابت شده که به برکت و وساطیت و توسل به آن‌ها، علوم و معارف حقه برای مردم آشکار می‌گردد، و گرفتاریها از آن‌ها برطرف می‌شود. و اگر آن‌ها نبودند مردم به وسیله اعمال زشت مستحق انواع عذاب الهی بودند چنانکه خداوند فرموده است. ما پس از تجربه زیاد به این نتیجه رسیده‌ایم که در امور پیچیده و مسائل مشکله و هنگام دوری از ذات حق و بسته شدن درهای فیض الهی بروی خلق، هر وقت ائمه اطهار (ع) را واسطه قرار داده‌ایم و متوسل به آن‌ها شده‌ایم، به میزانی که در آن وقت ارتباط معنوی با آن‌ها پیدا کرده‌ایم، آن‌ها کارهای پیچیده و مشکل برای ما حل شده و به مقصود رسیده‌ایم. چنان که این موضوع برای کسانی که خداوند چشم دل آن‌ها را به نور ایمان روشن کرده است. معلوم و مشهور است. دوم - این که همان طور که آفتاب پوشیده در ابر با همه انتفاعی که مردم از آن منتفع گردند، همین طور در ایام غیبت امام زمان نیز شیعیان با اخلاص در همه اوقات انتظار آمدن و ظهور او را دارند و از این نظر مأیوس نمی‌گردند. سوم - این که کسانی که وجود آن حضرت را با همه آثار و علائمی که دارد، انکار را از دل های خود بکنار می‌زنند از انوار هدایت و راهنمائی ائمه طاهرین (ع) می‌کنند، مثل انکار کنندگان وجود خورشیدن به وقت ناپدید شدن در ابرها، می‌باشند. چهارم - این که گاهی پنهان گشتن خورشید در میان ابرها، از آشکار بودنش برای بندگان خدا روی مصالحی بهتر است، همچنین غیبت امام زمان (ع) برای مردم در طول غیبت، نظر به مصالحی بهتر است، همچنین و به همین جهت هم از نظرها غائب گردید. پهجم - این که هر کس به خورشید می‌نگرد، قادر نیست آن را بیرون از ابرها ببیند بلکه گاهی ممکن است بواسطه ضعف قوه دید، اگر در قرض آفتاب نگاه کند، بینائی خود را که نمی‌تواند خورشید را احاطه کند هم از دست بدهد. همین طور آفتات وجود مقدس امام زمان (ع) نیز، بسا هست که اگر همه او را ببینند، زیانبخش وبه حال مردم باشد و موجب کوری دل آن‌ها از دین آفتاب حقیقت گردد. در صورتی که در غیبت آن حضرت چشم بصیرتشان قادر است متحمل ایمان به او گردد. چنان که انسان می‌تواند از لابه لای ابر نگاه به خورشید کند و ضرری هم نبیند! ششم - این که اصولاً ائمه اطهار از لحاظ نفعی که برای عام وجود دارند همانند خورشید می‌باشند، و تنها آن‌ها که کور دلند نمی‌توانند از اشعه جمال آن‌ها بهره‌مند گردند چنان که در اخبار آیه شریفه" من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخره اعمرو اضل سبیلاً. "تفسیر باین معنی شده است. هشتم - این که همان طور که شعاع خورشید به میزان روزنه‌ها و شبکه‌های خانه‌ها

وارد آن می‌شود و بقـدر ارتفاع موانع خانه‌ها، در آن می‌تابنـد، همچنین مردم نیز به اندازه موانع حواس و مشاعرشان که عبارتست از شهوات نفسـانی و علاـئق جسـمانی و خود روزنه‌ها و شـبکه‌های دل‌های آن‌هاست، و هم به قـدی که پرده‌های کثیف هیولائی را از دل‌های خود بکنار می‌زند از انوار هدایت و راهنمائی ائمه طاهرین استفاده می‌کنند. (۴) پاورقی‌ها: ۱ - بحار الانوار، ج ۵، ص ۹۲ - ۹۳. ۲ - همان. ۳ - ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۱۷. ۴ - مهدی موعود، ص ۸۴۷ - ۸۴۹.

در زمان غیبت , مردم چه بهره هایی می توانند از آن حضرت ببرند ؟

پرسش

در زمان غیبت , مردم چه بهره هایی می توانند از آن حضرت ببرند ؟

پاسخ

آن حضـرت مثـل خورشـیدی پشت ابر است و کمابیش مردم از نور او اسـتفاده می کننـدچنانچه افراد بـی شـماری هر چنـد بصورت ناشـناس به زیارت ایشان مشـرف شده و برای رفع گرفتاریهای مادی و مـعنـوی از آن بـزرگوار بهره مند شده اند و اساسا حیات آن حضـرت عامل مهمی برای دلگرمی و امیـدواری مردم است , تا خود را اصـلاح و آماده ظهورکنند . همچنانکه خورشـید پشت ابر با اصل نبود خورشـید بسـیار تفاوت دارد زیرااگر خورشـیدنباشد تمام مـنظـومـه شـمـسی منهدم و منهزم می گردد , همچنین اگر امام نباشد , زمین لحظه ای آرام نـمـی گـیرد و همچنان که این عدم رسیدن نور به زمین از جانب خورشیدنیست بلکه از تغییر و تحولات جو خود زمین است , همینطور غیبت امام از ضعف مردم است و همچنانکه ابر اگر جلوی نـور خورشید را می گیرد اما منافع بسیاری هم دارد ,همچنین غیبت هم حکمتها و منافع عدیده دربر دارد و الی آخر ...

اکنون که زمان غیبت امام است چگونه می توان از امام برای تفسیر قرآن استفاده نمود؟

پرسش

اکنون که زمان غیبت امام است چگونه می توان از امام برای تفسیر قرآن استفاده نمود؟

پاسخ

چنانکه می دانیم یکی از فوایـد وجود امام تفسیر راستین قرآن است این فائده در صورتی بر وجود امم مترتب است که دسترسـی به او به طور عادّی میسر باشد و در زمان غیبت که افراد به طور عادی تمکن از رسیدن به آن گرامی ندارند روشن است که نمی توانند از آموزشـهای آن حضـرت اسـتفاده کنند ولی فایده ی وجود امام تنها آموزش احکام به طور ظاهر نیست امام واسـطه ی فیض الهی است امـام دارای هـدایت بـاطنی است یعنی عناصـر لایق و شایسـته را به سوی کمالات روحی و معنوی هـدایت می کنـد و در زمان غیبت این ویژگیهـا برای امام هست آری مردم از آموزشـهای راستین آن گرامی در ظاهر برخوردار نمی شونـد ولی در عین حال در

ره گـذار تأمـل و تـدبر در قرآن و در پرتو احـدیت رهـبران معصومین تفسیر قرآن در این زمـان نیز عملی است و هر کسـی فراخور استعداد و ظرفیّت خود می تواند از قرآن مجید بهره برداری و استفاده نماید و در سایر احکام دینی هم باید به مراجع تقلید که نائبان عام آن گرامی هستند مراجعه کرد.

وجود مبارک امام زمانغ به خورشید پشت ابر تشبیه شده است لطفاً مصداق عملی این مثال را در مورد" هدایت به امر "توضیح دهید.

پرسش

وجود مبـارک امام زمانغ به خورشـید پشت ابر تشبیه شـده است لطفاً مصـداق عملی این مثال را در مورد" هـدایت به امر "توضـیح دهید.

پاسخ

در توجیه شـباهت وجود مبارک ولی عصـرغ به خورشـید، لازم است قبلاً به آثار وجودی خورشید ونقشی که در زندگی موجودات دارد، اشارهای داشـته باشیم برکات و منافع خورشید. ۱. زنـدگی انسان و همه موجودات زنـده به حرارت و نور نیاز دارد و این دو به وسیلهٔ خورشید تأمین میشود. ۲. همهٔ مواد غذایی به وسیلهٔ نور آفتاب تأمین می گردد، حتی موجوداتی که در اعماق دریاها زندگی می کنند، از گیاهانی اسـتفاده می کنند که در سطح اقیانوس ها در پرتو نور آفتاب پرورش یافتهاند. ۳. باران از ابر تولید میشود و ابر، همان بخاری است که از تابش خورشـید به اقیانوس ها، به وجود می آید. ۴. بادها که سـبب تعدیل هوا و جابهجا کردن ابرها و تلقیح گیاهان میباشـند، بر اثر تابش نور خورشـید به وجود می آینـد. ۵. منـابع نفت و معادن ذغالسـنگ نیز، بر اثر نور خورشـید به وجود می آیند. ۶. بقـای منظومه شمسـی به علت تعـادل جـاذبه و دافعهای است که میـان خورشـید از یک طرف و سـیارههایی که دور آن می گردند از طرف دیگر، وجود دارد.(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۷، ص ۵۱، نشر دارالکتب الاسلامیهٔ) در این جا به روایاتی که در مورد آثار وجودی ائمه اطهار: آمده است توجه فرمایید. ـ امام سـجاد۷ میفرماید: ما پیشوای مسلمانان هستیم و حُجّت خـدا بر همه عالمیـان و ما سـرور مؤمنان میباشـیم ما برای اهل زمین امان هستیم همان گونه که سـتارگان برای اهل آسـمان امان میباشـند ;به واسـطه ما خداوند آسـمان را از این که بر زمین فرود اید حفظ کرده به برکت وجود ما است که خداوند باران به زمین میفرسـتد. و رحمت خود را در بین مردم منتشـر می کند ;اگر وجود ما در روی زمین نبود، زمین اهل خود را در خود فرو میبرد، و زمین هیـچ زمان از حجّت خـدا خالی نشـده ،چه حجت ظاهر باشد، یا غایب و تا روز قیامت زمین از حجت خدا خالی نمیمانـد. راوی می گویـد، به امام عرض کردم چگونه مردم از امام غائب نفع میبرنـد؟ فرمود: همان گونه که از خورشـید وقتی که در پشت ابر قرار گیرد، نفع میبرنـد. از این حـدیث و دهها حـدیث شبیه این اسـتفاده میشود که همـهٔ برکتها خیرها که به انسان و همـهٔ موجودات میرسـد، به واسـطهٔ وجود امـام است علامه مجلسـی در مورد تشبیه وجود مقـدس امام زمانغ به خورشـید پشت ابر هشت وجه بیـان کردهانـد که در این جـا به دو مـورد آن اشـاره میشود: الف ـ نور وجود و علم و هـدایت به وسـیلهٔ آن حضـرت به آفریـدهها افاضه میشود، زیرا با توجه به اخبار فراوانی که به ما رسـیده ائمه اطهار: علّت ایجاد خلق هسـتند و خداوند به خاطر وجود آنها، جهان و انسان را آفریـد ;اگر اینها نبودند، هیچ فیضـی به عالم نمیرسـید، به برکت وجود اینها، علوم و معارف برای انسان آشکار میشود. اگر وجود پربرکت ائمه اطهار: نبود، با توجّه به کارهای زشت و گناه فراوانی که انجام میدهیم مستحق انواع عذاب

می‌شدیم خداوند در این‌باره می‌فرماید": وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ (انفال ۳۳) تا تو در میان آن‌ها هستی خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد(".منتخب الاثر، آیت اللّه صافی گلپایگانی ص ۳۳۶، نشر مؤسسه سیدة المعصومه) امام تشبیه به خورشید پشت ابر شده نه ماه زیرا نور خورشید از ذات خویش است در حالی که نور ماه و دیگر سیاره‌ها از خورشید می‌باشد، و باید توجّه داشت که ابر از منافع و آثار وجودی خورشید جلوگیری نمی‌کند، بلکه تنها مانع از دیدن آن است بدیهی است که وجود ابر نیز بر اثر نور خورشید است که به دریا می‌تابد و بخار می‌شود، و بخار به صورت ابر متراکم در می‌آید پس اگر خورشید نبود، ابر هم نبود ;بنابراین همهٔ برکت‌ها و خیرها و لطف‌های پنهانی الهی به واسطهٔ وجود آن حضرت است (بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۲، ص ۹۴، نشر مؤسسه وفا / الامام المهدی من المهد الی الظهور، علامه سید محمد کاظم قزوینی ص ۲۱۵، نشر مؤسسه نور للمطبوعات بیروت لبنان)

آیا امام زمان (عج) در زمان غیبت امر به معروف و نهی از منکر می کند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در زمان غیبت امر به معروف و نهی از منکر می کند؟

پاسخ

۱- غیبت در مقابل ظهور است نه حضور. امام زمان(عج) غایبند به این معنی که در میان مردم آشکار و شناختنی نیست نه این که حاضر نیستند. امام(ع) در دوران غیبت در میان مردم حاضرند و مردم از ثمرات وجودی ایشان بهره‌مند و منتفع هستند اما ایشان را نمی‌شناسند. به تعبیر روایات «مردم در زمان غیبت از امام بهره‌مند می‌شوند همانند بهره‌بردن از خورشید آن هنگامی که در پس ابرها نهان است»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱). ۲- غیبت و عدم ظهور ایشان در عین فلسفه و حکمتی که در آن است، منشأ و سبب محروم شدن ما از بسیاری از آثار و نعمت‌هایی است که در صورت ظهور حضرت، از آن بهره‌مند می‌شدیم. یعنی مردم در دوران غیبت از آن دسته آثار حضرت که متوقف بر ظهور ایشان است، محرومند. مانند بهره‌مند شدن از حکومت عدالت‌گستر جهانی، و ایجاد مدینه فاضله‌ای که علم و فضیلت و کرامت‌های انسانی در آن به اوج شکوفایی می‌رسد. ۳- نتیجه دو مطلب فوق این است که: در دوران غیبت، انتفاع مردم از امام و ثمرات وجودی ایشان تا حدی است که با غیبت ایشان منافاتی نداشته باشد. خورشید پنهان در پشت ابرها، هر چند ظلمت شب را می‌درد و آثار وجودی زیادی می‌گذارد، اما به هر حال در پس ابرها نهان و برخی دیگر از آثار وجودی‌اش به عرصه ظهور نمی‌رسد. امام(ع) در عصر غیبت منشأ آثار زیادی هستند اما آثاری که در عین غایب بودن ممکن است صادر شود آثاری که منافات با غایب بودن ایشان و متوقف بر ظهور باشد، مترتب نمی‌گردد. ۴- امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایط و مراتبی است که در یک تقسیم کلی به دو مرحله زبانی و عملی تقسیم می‌شود که هر یک به نوبه خود، دارای مراتبی است. طبق نتیجه‌ای که در بند ۳ بیان شد، امر به معروف و نهی از منکر امام زمان، به شکلی که منافات با غیبت داشته باشد، از آن دسته از آثار وجودی ایشان خواهد بود که در عصر غیبت از آن محرومیم. مانند مراتبی از امر به معروف و نهی از منکر عملی که اقدام برای سرکوب کردن طواغیت و برانداختن حکومت ظالمان و برپا داشتن عدالت را می‌طلبد. نهضت امام حسین(ع) نمونه‌ای از مصادیق مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر است. اما امر به معروف و نهی از منکر به صورتی که با

غیبت ایشان سازگار باشد مانند برخی از مراتب زبانی، امری ممکن است. مثلاً ممکن است امام زمان(عج) با زبان نرم و بیان دلنشین خود در چهره یک فرد عادی برخی را به معروف هدایت کنند و یا از منکر بازدارند. اما این امری ممکن است نه لازم، یعنی لازم نیست که هر انسانی در هر کجای عالم منکری انجام می‌دهد، امام زمان او را از منکر باز دارند و یا اگر معروف ترک می‌کند به آن امر کنند.

پیرامون درسهائیکه از عاشورای حسینی می گیریم درسهای بسیاری است . لطفاً در خصوص درسهائیکه در دوران غیبت امام زمان (عج) می شود برای ما پیدا شود چیست؟

پرسش

پیرامون درسهائیکه از عاشورای حسینی می گیریم درسهای بسیاری است . لطفاً در خصوص درسهائیکه در دوران غیبت امام زمان (عج) می شود برای ما پیدا شود چیست؟

پاسخ

پیامبران وامامان علیهم االسلام عصاره انساههای حقیقی هستند وامام عصر علیه السلام عصاره تمام انبیاء وائمه وعاشورا ، تجدید حیات وتجسم عینی اسلام بود . درسهای عاشورا همیشگی است ومکانش جان بشریت تا ابدیت است ، درسهای دوران غیبت تعلیم کتاب عاشورا است ومدیر مدرسه حضرت مهدی (عج) است ومعلمان آن علمای ربانی وشاگردان آن هم. مؤمنان سرافراز عامل به کتاب خدا هستند. درسهای غیبت یعنی تربیت بر طبق موازین قرآنی ، عمل به تکالیف فردی ، اجتماعی وسیاسی بنا به تعلیمنامه پیامبر واجرای حدود اسلامی واحکام محمدی به هدایت مرجعیت دینی. یاایها الذین آمنوا اِصبروا وصابروا ورابطوا واتقوالله لعلکم تفلحون (۱) ویژگی منتظران : مواظبت بر امر دین ودینداری وصحت اعمال وعقاید حقه. عصر شکیبایی ، عصر مقاومت وعصر نصر یالثارات الحسین است وعصر نگهبانی از ایمان خود جامعه . امام محمد باقر علیه السلام میفر مایند : تقوی وطهارت پیشه سازید وباکوشش در اطاعت خدا وعبادت او ، بار سنگین انتظار را به منزل برسانید. (۲) بنابراین درس غیبت در چهار اصل بزرگ از آیه ترسیم می شود: ۱- بعد خود سازی ۲- جامعه پردازی ۳- حماسه آفرینی۴- پرواپیشگی تا شاید رستگار شوید لذا فرقی بین عاشورا و دوران غیبت نیست چون یک بعد مهم انتظار یعنی انتظار یعنی چشم براه کسی که در او صفات پیامبران وحسین جمع شده است . بنابراین او صالح است وحکومت او حکومت صالحان . انّ االارض یَرِثُها عبادی الصّالحون (۳) فردی که در انتظار ظهور مصلح است باید خود صالح باشد. وخلاصه انتظار یعنی عمل بر طبق خواسته آنکس که امید به آن داری. کتاب خورشید مغرب از محمدرضا حکیمی برای مطالعه مفید است. ۱-ال عمران /ایه۱۹۰. ۲-کتاب غیبت شیخ طوسی به نقل از خورشید مغرب ص۲۷۱. ۳-انبیاء آیه ۱۰۵.

چگونه می‌توان از امامی که (بنا به جهات و مصالحی) فعلا از نظرها غائب است استفاده کرد؟

پرسش

چگونه می‌توان از امامی که (بنا به جهات و مصالحی) فعلا از نظرها غائب است استفاده کرد؟

پاسخ

امام زمان(عج) گرچه غایب است و ما در ظاهر نمی‌توانیم از وجود آن حضرت برخوردار گردیم ولی همانگونه که خورشید با اینکه در زیر ابر پنهان است و ابرهای تاریک جلو اشعه‌ی تابناک او را می گیرد ولی از روشنایی او صفحه‌ی گیتی روشن است و فیض خویش را همچنان به موجودات می‌رساند امام زمان (عج) هم در زمان غیبت چنین است امام زمان (عج) دین را از تحریف و تغییر محافظت می کند و خداوند تعالیم دین را بوسیله‌ی آن حضرت از اینکه دستخوش هوسهای مغرضین و دشمنان اسلام واقع شود و از بین ببرند، نگهداری می کند. علاوه بر این روایات زیادی وارد شده است که وجود امام در بقاء زندگی مؤثر است اگر امام نباشد زمین اهل خودش را در کام خویش فرو می‌برد و بواسطه‌ی آن حضرت است که مردم روزی می‌خورند و زمین و آسمان به هستی خویش ادامه می‌دهد و در حقیقت نقشی را که نیروی جاذبه در نگهداری کرات و جلوگیری آنها از تصادم با یکدیگر دارد مهم‌تر از آن را وجود امام در ادامه‌ی حیات و هستی جهان آفرینش ایفاء می کند.

سایر مباحث

امام زمان ۷شبانه روز چه فعالیتی دارد؟

پرسش

امام زمان ۷شبانه روز چه فعالیتی دارد؟

پاسخ

کارهای گوناگونی انجام می دهد, از جمله : ۱ عبادت خدا, و نیایش به درگاه حق , برای رفع گرفتاری مردم به خصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان وتعجیل در ظهور خود. ۲ بررسی اَعمال مردم که به صورت پرونده خدمت امام عرضه می شود که اصطلاحاً به آن می گویند. ۳ رفتن به زیارت قبور ائمه و حضرت رسول خدا۶و زهرای مرضیه و زیارت کعبه و در ایام حج رفتن به منی و عرفات . ۴ شرکت در مجالس عزاداری و تشییع جناره . ۵ دستگیری از ایتام و مستضعفان به وسیلهء دوستان مخلص . ۶ بنابر قولی حضرت , فرزند و نوه دارند. قهراً قسمتی از اوقات خود را صرف تربیت آنان می کند. ۷ تصرّف در افکار و تصمیماتِ ابرقدرت ها و انصراف آنان از اِعمال تصمیمات خطرناک علیه مستضعفان ومسلمانان . هم چنین تصرف در آرای سران کشورهای اسلامی . ۸ ایجاد شبهه در اذهان بعضی علما تا در مسئلهء ناصوابی اجماع نکنند و فردا به عنوان مدرکی برای متأخران محسوب نشود.

امام زمان ۷بیش تر وقت خود را صرف چه می کند؟

پرسش

امام زمان ۷بیش تر وقت خود را صرف چه می کند؟

پاسخ

حتماً بیش تر اوقات خود را صرف مسایل مهم و ضروری می کنند, از قبیل : عبادت , نیایش , دعا برای رفع گرفتاری مسلمانان و بررسی پروندهء اعمال مردم , تصرف در نفوس مؤمنان و مستکبران , کمک و یاری رساندن به جوامع مسلمانان , نجات گرفتاران , زن داری و تربیت اولاد, سامان دادن زندگی مادی و معنوی خانواده ها و...

وضعیت لباس، غذا، و خوابگاه امام زمان(عج) چگونه است؟

پرسش

وضعیت لباس، غذا، و خوابگاه امام زمان(عج) چگونه است؟

پاسخ

آنچه مسلم است این است که در امور و کارهای عادی، حضرت ملتزم به توجیهات و تکالیف شرعی می‌باشند و آداب و برنامه‌های واجب و مستحب این کارها را مو به مو رعایت می‌نمایند و محرّمات و مکروهات را ترک می‌فرمایند. بلکه در مورد مباحات نیز، ترک و فعل ایشان ،بر اساس دواعی عالی و مقدس است و برای دواعی نفسانی، کاری از آن حضرت، اگر چه فائدهٔ آن جسمانی و اشباع غرائز جسمی باشد، صادر نمی‌شود، به عبارت دیگر هر یک از اعمال و افعال، برای آن حضرت وسیله است نه هدف. و اما اینکه امور معاش و تهیه غذا و پوشاک برای امام در عصر غیبت بطور عادی است یا به نحو اعجاز؟ جوابش این است که: بطور عادی بودن این امور، امکان دارد و مانعی ندارد، چنانکه بر حسب بعضی از حکایات در برخی از موارد نیز به نحو اعجاز جریان یافته است. درحالی که خداوند متعال، حضرت مریم مادر حضرت عیسی(ع) را مخصوص به عنایت خود قرار دهد و از عالم غیب او را روزی دهد، چنانکه قرآن مجید صریحاً می‌فرماید: «كُلَّما دَخَلَ عَلَيْها زَكَرِيَّا الْمحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً، قال يا مَرْيَمُ أَنّى لَكِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِاللهِ اِنَّ اللهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ» آل عمراه/۳۷ [هر وقت زکریا به عبادتگاه می‌آمد، روزی شگفت آوری می‌یافت، می‌گفت: ای مریم، این روزی از کجا برای تو می‌رسد. پاسخ داد: این از جانب خداست که همانا خدا به هر که خواهد روزی بی حساب می‌دهد.] استبعادی ندارد که وصی اوصیاء و خاتم اولیاء و وارث انبیاء را از خزانه غیبت خود رزق و روزی دهد و تمام وسایل معاش او را به هر نحوی که مصلحت باشد فراهم سازد.

امام زمان‌علیه‌السلام چه تدابیری برای اختفای خود از دشمنان داشته است؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام چه تدابیری برای اختفای خود از دشمنان داشته است؟

پاسخ

از آنجا که بعد از شهادت امام عسکری (ع)، حاکمان ظلم وجور نیز درصدد نابودی حضرت بودند، لذا حضرت تدابیری برای اختفای خود از آنها داشت. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - حضرت خود را جز به کسانی که مخلص وفدایی بودند، نشان نمی‌داد. ۲ - بعد از آنکه شخصی به حضور حضرت شرفیاب می‌شد، به او سفارش زیاد می‌شد که این امر را کتمان بدارد ودر خبر دادن به شیعیان نهایت احتیاط را داشته باشد. ۳ - تحریم نام بردO از اسم مخصوص امام زمان (ع) یعنی" محمّد. "از این رو مشاهده می‌کنیم که در آن عصر در مورد امام (ع) از تعبیراتی همچون: قائم، غریم، حجت، ناحیه، صاحب الزمان ودیگر تعبیرات مبهم استفاده می‌شد. {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۶۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱، ح ۳. پاورقی} ۴ - مخفی شدن از دستگاه خلافت وهر کس که از موالیان آن حضرت به شمار نمی‌آمد. ۵ - تغییر دادن مکان وخانه حضرت از جایی به جایی دیگر به نحوی که نظرها را به خود جلب نکند، ونیز کسی به آن حضرت مشکوک نشود. ولذا روایاتی را که در تعیین مکان وخانه حضرت اختلاف دارند به همین معنا توجیه می‌کنیم. ۶ - کیفیّت ارتباط وکیل یا سفیر به قدری مخفیانه بود که هیچ کس از آن اطّلاعی پیدا نمی‌کرد. ۷ - حضرت وکالت یا سفارت خود را به کسانی واگذار می‌کرد که نهایت اخلاص وفداکاری را به حضرت داشتند، به حدّی که محال بود از مکان حضرت وخصوصّیات او اطلاع دهند. لذا هنگامی که به ابوسهل نوبختی گفتند: چرا سفارت به حسین بن روح واگذار شد نه به شما؟ در جواب گفت..."": او کسی است که اگر حجت در زیر عبایش باشد وبدنش را قطعه قطعه کنند تا عبایش را از روی او بردارد هرگز چنین نخواهد کرد. {"پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۹۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۸، ح ۶. پاورقی} موضوع: سفیران

حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می‌دهند؟

پرسش

حضرت مهدی‌علیه‌السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می‌دهند؟

پاسخ

در عصر غیبت کبرا، کارها ومشاغل حضرت مهدی (ع) بسیار حسّاس ومهمّ است، واگر چه تصرف وبسط ید وحکومت ظاهری بر اوضاع ندارند، ولی مع ذلک ناظر بر اوضاع بوده وتصرفاتی می‌نمایند. شؤون امامت ورهبری وزعامت را در حدّ امکان متصدی شده ووظایف خود را به نحو احسن انجام می‌دهند. عمر ایشان در راه اطاعت خدا می‌گذرد. تکالیف اجتماعی را، آنچه مقتضی ومصلحت باشد انجام می‌دهند؛ مانند هدایت اشخاص، یاری دادن مؤمنین بر مخالفین، حلّ مسائل مشکل، نصیحت وموعظه افراد، شفای امراض، هدایت گمشدگان ورساندن آنها به مقصد، تعلیم معارف، کمک مالی به نیازمندان، فریادرسی گرفتاران و... . در نتیجه می‌توان یکی از تصرّفات اساسی حضرت را همین نظام دادن به جامعه شیعی وحوزه‌های آن در طول تاریخ دانست که با عدم

سازماندهی ظاهری، مشاهده می‌کنیم که دست غیبی حضرت حافظ آن بوده وآن را تحت کنترل خود دارد.

چگونه ممکن است که امام در میان ما باشد ولی او را نشناسیم؟

پرسش

چگونه ممکن است که امام در میان ما باشد ولی او را نشناسیم؟

پاسخ

درباره کیفیت خفای مهدی (ع) در عصر غیبت کبرا دو نظریه است: یکی اینکه شخص حضرت مخفی است (خفای شخص)، به این معنا که حضرت مهدی (ع) از ما دور بوده ودر مکانی زندگی می‌کنند که هیچ کس به آن دسترسی ندارد. دیگر اینکه شخص حضرت از ما مخفی نیست، بلکه او در میان ما به سر می‌برد ولی عنوان او برای ما مخفی است (خفای عنوان)، به این معنا که او را می‌بینیم ولی به جا نمی‌آوریم ونمی‌توانیم تطبیق کنیم که این شخصی که ما تاکنون او را دیده‌ایم همان امام زمان است. فعلاً بحث در این جهت نداریم که قول حقّ کدام است، ولی بنا بر نظر" خفای عنوان "ممکن است که انسان اوصاف کسی را شنیده باشد واو را مکرّر مشاهده کرده باشد، ولی به جا نیاورده وتطبیق نکرده باشد. موضوع غیبت امام زمان (ع) نیز از همین قبیل است.

آیا امام زمان‌علیه‌السلام به تمام نقاط جهان سر می‌زنند؟

پرسش

آیا امام زمان‌علیه‌السلام به تمام نقاط جهان سر می‌زنند؟

پاسخ

اصولاً امام زمان (ع) از آن جهت که مظهر علم غیب خداوند است از همه جا وهمه چیز اطّلاع دارد. وبه عبارت دیگر امام زمان (ع) هر گاه که بخواهد همه چیز نزد او حاضر است. وبه تمام موضوعات خارجی اطلاع داشته واز آنها آگاهی دارد. از طرفی دیگر حضرت (ع) مطابق مصالح خاص وعامی که هست گاهی از طرف خداوند متعال مأمور به ملاقات ودستگیری از گرفتاری‌ها می‌شوند. گاهی احساس می‌کنند که باید به فلان مکان ونزد فلان شخص رفته وگرفتاری او را بر طرف سازند، وگاهی در فلان سرزمین حاضر شده تا از اهالی آن دفع بلا گردد، وگاهی شخص توجیه شده وهدایت گردد. لذا هر مکان وزمانی که مصلحت ببینند خود را در آنجا حاضر می‌کنند.

۱– درمورد کیفیت زندگی امام زمان«عج » و اینکه آیا در بین مردم هستند یا نه ؟ و در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیح دهید ؟

پرسش

۱- درمورد کیفیت زندگی امام زمان«عج » و اینکه آیا در بین مردم هستند یا نه ؟ و در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیح دهید ؟

پاسخ

غیبت آن بزرگوار ،خواست الهی است تا ما نتوانیم ایشان را ببینیم و صدایشان را بشنویم و یا اگر دیدیم نشناسیم و درک نکنیم ؛ همانند شبی که حضرت رسول «صلی الله علیه واله » برای هجرت به مدینه از خانه تحت محاصره بیرون آمدند و هیچیک از منافقین و کافرین ایشان را ندیدند . کیفیت غیبت به اینصورت است که خداوند چشم و گوش و دل را محجوب می نماید . از امام صادق «علیه السلام » نقل شده است که، مردم امام خودشان را نایاب می کنند و از ایشان غایب می شود و در ایام غیبتش به موسم حج ظاهر می شود و مردم را می بیند ولی مردم اورا نمی بینند . { اکمال الدین ، ج۲، ص ۴۴۰ } همچنین جناب محمدبن عثمان عمری (رحمه الله علیه) که آخرین نایب امام مهدی «عج» بود ، می گوید : « به خدا سوگند یاد می کنم که صاحب این امر هر سال به موسم حج حاضر میشود و خلایق را می بیند و می شناسد و ایشان (مردم)هم او را می بیند ولی نمی شناسند . { اکمال الدین ، ج۲ ،ص ۴۴۰ } آنحضرت خدمه ای مخلص دارد . از جمله مخلصین درگاه آن امام غایب «علیه السلام » خضر «علیه السلام» است، خضر «علیه السلام» پیامبری است که رسالاتش با سایر پیامبران متفاوت است . عمری بیشتر از حضرت مهدی(علیه السلام) دارد و یکی از رسالاتش حجیت بر عمر طولانی است تا بر منکرین در انبیا ء حجت کامل باشد. آنحضرت همچون پدران بزرگوارشان اهل زهد و ساده زیستی می باشند، و به رغم قدرت خاص الهی و علم بیکران ربانی ، در هر عصری زاهد ترین و ساده زیست ترین ب.....خدا می باشند ،تصورکنیم امام رضا «علیه السلام» در سفر چگونه بودند. تصورکنیم، امام صادق «علیه السلام » در سفر هستند ، یا سایر ائمه در سفر هستند ، کیفیت زندگی آنحضرت نیز چنین است . امام معصوم «علیه السلام » امیر، امر خداست و برای خدا کار می کند . زمان و مکان برای او معنا ندارد . امام پیوسته در عبادت و لحظه ای از تعبد او به سستی نمی گذرد . چه بسیار کمک ها که آن امام کریم به بندگان خدا می رساند و مردم از درک آن محجوبند● . اما چگونگی ظهور آنحضرت ؛ امام صادق «علیه السلام» می فرماید : هنگامیکه خداوند به قائم «علیه السلام » فرمان ظهور می دهد، آن حضرت در مکه ظاهر می شود و درکنار کعبه .مردم را بسوی خود و اهداف بلند انسانی و آسمانی خویش فرا می خواند . آنان را سوگند می دهد و به حقوق خویش فرا می خواند و از مردم ،می خواهد تا حقوق او را رعایت کنند تا آن گرامی بر اساس سنت رسول خدا (صلی الله علیه واله) امور جامعه را تدبیر فرماید و با دانش خویش کارها را به سامان رساند. { ارشاد مفید ،ص ۳۶۷۴ } همچنین می فرماید : آزاری را که قائم «علیه السلام » به هنگام قیام خویش از جاهلان آخر الزمان می بیند، بسی سخت تر است از آنهمه آزاری است که پیامبر «صلی الله علیه واله » از مردم جاهلیت دیدند. { بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۶۲ } قبل از ظهور آن بزرگوار ، جنایات دین ستیزان در منتطه فلسطین تا عراق غوغا می کند و فساد و بی عدالتی چنان در دنیا سایه انداخته است، که کسی قدرت پایان دادن به این همه جنایات را ندارد . نظام تک قطبی دنیا روز بروز مردم را بیشتر شیفته غفلت و جاهلیت می نماید. و عامل مشترک میان توده مردم دیگر دین نیست بلکه فساد و جاهلیت نوین فرمانروای دنیا ست. (دجال) امام علی «علیه السلام » در باره اوضاع قبل از ظهور می فرماید : اهل شام و فلسطین دچار دلهره می شوند و بسوی سردمداران شام و مصر روی می آورند و به آنان گفته می شودکه، از سفیانی کمک بخواهید او مدتی کوتاه با مردم خوش رفتار می کند آنگاه نخستین جنایات او آغاز می شود . دلها از خشونت و شقاوت او لبریز می گردد . سفیانی جایی را برای مرکزیت خویش انتخاب می کند و در آنجا بر مسند گناه و جنایت می نشیند و

یاران خودش را دستور به انجام جنایات می دهد . با ناموسها،زشت ترین تجاوزها می شود ،تا آنجا که کودکان را از شکم مادرانشان بیرون می کشند ،و هیچ کس توان باز داشتن آنها را ندارد ،اینجاست که حتی فرشتگان آسمان پریشان حال می شوند و خدا فرمان ظهور آن قائم را می دهد بی درنگ خبر ظهور او در تمام دنیا پخش می شود . { الزام الناصب ، ج ۲، ص ۱۸۰ } همچنین قبل از ظهور امام مهدی« علیه السلام » بزرگمردی (ملقب به نفس زکیه در احادیث) را برای دعوت مردم به عدالت بسوی مردم مکه می فرستد ولی مردم او را در کنار کعبه به شهادت می رسانند . پس از این رخداد است که حضرت در روز عاشورا در مسجد الحرام حاضر می شود و درمقام ابراهیم نماز می گذارد و درحالیکه یارانش پروانه وار او را محافظت می کنند ، نخستین خطبه جهانی خویش را آغاز می نماید . با توجه به زبان نمادین احادیث بویژه احادیث آخر الزمان و ظهور به این نگرش می رسیم که نامهای همچون رجال ، سفیانی ، یمانی ، خراسانی شاید واقعا مصداق مشخص فردی نداشته باشند ، بلکه کنایه از قومی و لقب ملتی باشد . چنانکه ازفتنه هر آیین و هر پیامبر در احادیث به رجال تعبیر شده است . بنابر این به راحتی می توانیم با نگاه به عصر حاضر و روند و سیر قضایا دوست و دشمن آنحضرت را بشناسم . رسول گرامی اسلام «صلی الله علیه واله » فرموده اند : مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی حضرت مهدی«علیه السلام » فراهم می سازد. { کنز العمال ،ص ۳۸۶ } مردم مشرق می توانند کنایه از حق جویان شیعه باشد که، بویژه در ایران جمعند و خورشید امام خواهی از ایران طلوع می کند . بنابراین «خراسانی» می توانند کنایه از ملت ایران باشد که منتظر حقیقتی هستند. سفیانی می تواند مظهر گروهی باشد که، از دین و آیین فطرت روی گردانند و به همین خاطر به هر جنایتی روی می آورند؛ زیرا سفیانی مشرک بود و از ترس هلاکت و برای رفاه و امنیت، اسلام را پذیرفت و تا آخر منافق بود و هرگز ایمان نیاورد و فرزندانش عامل شهادت ائمه «علیهم السلام » بودند . اگر چه احادیث ظهور مربوط به قرنها پیش هستند، ولی با زبان رمز و اشاره میتوان مسائل عصر ظهور را از آنجا فهمید، که البته نیاز به دلی آگاه و تحقیقی جامع دارد . اما قبل از ظهور پنج علامت حتمی معرفی شده است که نشانه های حتم به شمار می روند . امام صادق «علیه السلام » می فرماید: قیام یمانی ، خروج سفیانی ، ندای آسمانی ، به قتل رسیدن نفس زکیه و فرو رفتن زمین در البیراء عربستان حتما پیش از قیام قائم «علیه السلام» رخ می دهد. { اکمال الدین ،ج۲،ص ۶۷۵۰ } یاران مهدی «علیه السلام » مردانی هستند پولاد دل و همه وجودشان یقین به خداست ؛ مردانی سخت تر از صخره ها ، اگر به کوه ها روی آورند، آنها را از جای بر میکنند ، پرچم پیروزگر آنان به هر شهر و پایتختی که روی آورد ، آنجا را وادار به سقوط می سازد . { بحار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰۸ } و آنگاه حضرت مهدی «علیه السلام » به بیت المقدس می روند چند روزی با مردم نماز می خوانند تا جمعه فرا می رسد و عیسی «علیه السلام » از آسمان به زمین باز می گردد و به آنحضرت نوید پیروزی می دهد ،و پشت سر امام عصر به نماز می ایستد. { تفسیر نمونه ، ج ۲۲ ، ص ۴۹۷ } پایتخت آن بزرگوار کوفه است . امام رضا «علیه السلام » می فرمایند : آنگاه امام مهدی «علیه السلام » به کوفه می آید و در آن شهر منزل می کند. { ترجمه اعیان الشیعه ،ص ۳۴۱ } مسلما ظهور آنحضرت با تحمل رنجها و مشقتها بهمراه است و از همه بیشتر همان ۳۱۳ یار ویژه امام دچار مشقت می شوند، چنانکه در احادیث نیز ایشان به عنوان سر لشکران امام معرفی شده اند که پیشتازند . منابع : ۱-جهانی حضرت مهدی ، فریده گل محمدی ۲-ملاقات با طاووس بهشت حضرت مهدی «علیه السلام » ، رحمت الله ابراهیمی .

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پاسخ

حضرت حجۀ(عج) قطعاً حضور جسمی دارند ولی چنان که قرآن کریم نسبت به پیامبر اکرم فرمودند و اذا قرأت القرآن و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً(۱) ترجمه: زمانی که قرآن قرأئت می‌نمایی ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند پرده‌ای پوشیده و پنهانی قرار می‌دهیم. یعنی وجود مبارک رسول‌صلی الله علیه وآله حضور داشتند ولی دیگران حضرت را نمی‌دیدند پس این اصل که کسی باشد ولی به امر حق از انظار پنهان باشد امری ممکن بوده و واقع نیز شده است. و در صورت دیگر آن همان است که در روایات بیان شده است که حضرت حجۀ اروحناه فداه در ایام حج حاضر می‌شوند مردم ایشان را می‌بینند ولی نمی‌شناسند. پس به هر دو صورت حضرت حجۀ(عج) حضور جسمی دارند منتهی یک بار اصلاً دیده نمی‌شوند یکبار هم دیده می‌شوند ولی شناخته نمی‌شوند. ۱) بنی اسرائیل، آیه ۴۵.

غیبت صغری

مقصود از غیبت صغری و کبری چیست ؟ آیا غیبت درگذشته سابقه دارد؟ علت و فلسفهء غیبت امام زمان ۷چیست ؟ آیا مردم درعصر غیبت از امام بهره می برند؟

پرسش

مقصود از غیبت صغری و کبری چیست ؟ آیا غیبت درگذشته سابقه دارد؟ علت و فلسفهء غیبت امام زمان ۷چیست ؟ آیا مردم درعصر غیبت از امام بهره می برند؟

پاسخ

غایب شدن امام زمان ۷به دو مرحله تقسیم شده است : ۱ مرحلهء کوتاه مدت یا غیبت صغری . در این مرحله غیبت از جهت زمانی و شعاعی محدود بود و از نظر زمانی بیش از هفتاد سال به طور نیانجامید ;یعنی از سال ۲۶۰تا ۳۲۹ از نظر شعاعی نیز این غیبت , همه جانبه نبود ;یعنی نسبت به همه کس نبود, بلکه کسانی بودندکه با امام در تماس بودند که آن ها را می نامیدند. آن ها واسطهء بین مردم و امام ۷بودند. ۲ مرحلهء دراز مدت (غیبت کبری) که تا کنون ادامه دارد. غیبت در گذشته نیز سابقه داشته است . قرآن از میقات حضرت موسی ۷ه چهل شب طول کشید, خبر می دهد که در این مدت حضرت موسی از نظرمردم غائب بود. در زمان امام هادی ۷و امام عسکری ۷که زمان غیبت نزدیک می شد, این غیبت دیده می شود. امام هادی اقدامات خود را توسطنمایندگان انجام می داد و کم تر با افراد تماس می گرفت . امام عسکری ۷ازطریق نامه یا توسط نمایندگان خویش , به مسائل شیعیان پاسخ می داد و بدین ترتیب مردم را برای تحمل اوضاع و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم باامام آماده می کرد. در مورد فلسفهء غیبت باید گفت : در روایات ما بر سه موضوع تکیه شده است : ۱ آزمایش مردم ; از نظر اصل غیبت و طولانی شدن آن و از نظر سختی ها ومشکلات دوران غیبت , مردم آزمایش می شوند. ۲ حفظ جان امام ; امام صادق ۷می فرماید: .(۱) ۳ به گردن نداشتن

بیعت ; امام زمان ۷هیچ رژیمی را به رسمیت نمی شناسد. آن حضرت پیش از رسیدن وقت ظهور و مأمور شدن به قیام , ناچارنمی شود مانند پدران بزرگوارش , به سبب تقیه با خلفای وقت بیعت نماید.وقتی ظاهر شود, هیچ بیعتی بر عهدهء او نیست . این معنا از چند حدیث استفاده می شود. امام رضا۷می فرماید: .(۲) در این باره جزوه ای ارسال می شود. در مورد بهرهء مردم از امام زمان ۷در عصر غیبت باید گفت : این موضوع درروایات آمده است . پیامبر اکرم ۶در پاسخ این پرسش که آیا شیعه در زمان غیبت , از وجود قائم فایده ای می برد, فرمود: .(۳) اشعهء معنوی وجود امام دارای آثار گوناگونی است . امام سجاد۷می فرماید: .(۴) از طرفی وجود امام , قدرت روح و قوّت قلب مردم را افزایش می دهد, چون مردم با اعتقاد به وجود امام از یأس و نا امیدی در امان می مانند و ملجأ وپناهگاهی برای خود پیدا می کنند. از سوی دیگر امام از نظر مردم پنهان است , اما مردم از نظر آن حضرت پنهان نیستند. از بعضی از اخبار استفاده می شود آن حضرت در ایام حج حاضرمی شود و از بیچارگان فریادرسی می کند. (پاورقی ۱.اصول کافی , ج ۲ ص ۱۳۵ (پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۱۵۲ (پاورقی ۳.همان , ج ۵۲ ص ۹۳ (پاورقی ۴.شیخ صدوق , کمال الدین , ص ۲۰۷ باب ۲۱ ح ۲۲

مراحل مختلف زندگی امام زمان ۷و نحوهء زندگی حضرت را در زمان غیبت بیان کنید.

پرسش

مراحل مختلف زندگی امام زمان ۷و نحوهء زندگی حضرت را در زمان غیبت بیان کنید.

پاسخ

مهدی موعود, مصلح کلّ, دادگستر جهان , امید آیندهء مردم , دوازدهمین پیشوای شیعیان , عترت پاک رسول خدا۶ مظهر رحمت خدا, ولی عصر و فرزند امام حسن عسکری ۷و نرجس خاتون , شب نیمهء شعبان سال ۲۵۵قمری در سامرا متولّد و جهان با نور پاکش منوّر شد و با میلاد مسعودش نوید امامت مستضعفان و حاکمیّت صالحان را به ارمغان آورد. دوران زندگی حضرت به چهار بخش تقسیم می شود: ۱ دوران حیات پدر. این دوران از زمان تولّد حضرت تا شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری ۷است . دراین مدّت صاحب الاءمر۷بر اثر فشارها و سخت گیری هایی که از طرف حکومت وقت برای قطع امامت و نابودی حضرت حجّت ۷انجام می گرفت , به دور از چشم دیگران به سر می برند, و تدبیر و دوراندیشی پدر ارجمندش موجب شد دشمن از رسیدن به اهداف شوم خود ناکام مانده و وجود شریف حضرت از گزند حوادث و آفات مصون بماند. ۲ دوران غیبت صغری . برهءه دوم زندگی حضرت از هشتم ربیع الاءوّل ۲۶۰که پدر بزرگوارش به شهادت رسید وخود عهده دار منصب امامت گردید, شروع شد و تا سال ۳۲۹قمری ادامه داشت . پس از شهادت امام عسکری ۷مأموران دستگاه عباسی به خانهء امام هجوم برده و در جستجوی فرزند وجانشین حضرت برآمدند و تصمیم گرفته بودند به هر قیمتی باشد به زندگی او خاتمه دهند. حضرت به فرمان خدا ازدیدگان مردم غایب گردید. در این دوران گرچه تودهء مردم با حضرت ارتباط نداشته و نمی توانستند خدمت شریفش برسند, ولی رابطهء آن ها با امامشان به طور کامل قطع نبود, بلکه نوّاب خاصّ حضرت (عثمان بن سعید عمری , محمدبن عثمان بن سعید عمری , حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد بن سمری) خدمتش می رسیدند و احتیاجات ومشکلات مردم را بیان می کردند و پاسخ آن را دریافت می نمودند. این دوران با رحلت آخرین نمایندهء خاصّ حضرت در سال ۳۲۹ قمری خاتمه یافت . این دوران را به علّت این

که زمانش کوتاه و نمایندگان حضرت مستقیماً با وی در تماس بودند, غیبت صغری می نامند. ۳ دوران غیبت کبری . پس از آن که شیعه در دوران غیبت صغری که مقدمه ای بر غیبت کبری بود, با غیبت امام عصر۷مأنوس شد و زمینهء غیبتِ دراز مدّت فراهم آمد, حضرت از نظرها ناپدید شد و دوران فراغ ظاهری شیعیان از امامشان آغاز گشت . ابتدای این بخش از زندگی امام ثانی عشر با رحلت آخرین سفیر از سفرای چهارگانه در سال ۳۲۹شروع شد و پایان آن را کسی جز خدا آگاه نیست . در این دوره از غیبت فقهای شیعه به عنوان نایب عام و مرجع رسمی در امور دینی و دنیوی معرفی شدند و اداره ءامور شیعیان و بیان حلال و حرام و رسیدگی به خصومات و اختلافات و کلیهء شئون زندگی مردم به آنان واگذارگردید. اما این که نحوهء زندگی و محل سکونت حضرت در غیبت کبری چگونه است , اخبار و روایات در این مورداختلاف دارند. برخی از آن ها محل خاصی را تعیین نمی کند و جایگاه حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کند.دسته ای منطقهء خاصی را به نام کوه رضوی , بین مکه و مدینه یا کوه ذی طوی در اطراف مکه مطرح می کند, و بعضی می گوید: حضرت به گونهء ناشناس در بین مردم زندگی می کند. ممکن است گفته شود حضرت زندگی ای به شکل ناشناس دارد و در مواقع خاص و یا مواقع ضروری در مکان های مخصوص مانند مکه و مدینه و اطراف این دوحاضر می شود. دربارهء ازدواج و صاحب فرزند شدن حضرت نظریات مختلف هست . ۴ دوران ظهور و حکومت . وقتی حضرت ولی عصر۷به مشیت و امر پروردگار خروج کرد, بین رکن و مقام درمکه ظهورش را اعلام می فرماید و پس از کوبیدن ظالمان و ستمگران و مخالفان , عدل و داد را در اطراف و اکناف گیتی گسترش می دهد. در مدّت حکومت حضرت که حداکثر چهل سال ذکر کرده اند, مردم در کمال آرامش و نعمت به سر می برند. دراین برهه , نعمت ها فراوان شده و پیشرفت علم و دانش به اوج می رسد و دوستی و برادری زاید الوصف بین مردم برقرار می شود و اخلاق و افکار انسان ها بر اثر تربیت و راهنمایی حضرت به کمال می رسد و امنیت و آبادانی درجهان حاکم می گردد و بالاخره دادگستر جهان بنا به قول بزرگانی مانند شیخ صدوق همانند سایر امامان : به شهادت خواهد رسید.(۱) (پاورقی ۱.لطف الله صافی گلپایگانی , منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر, ص ۵۷۴ـ ۶۱۸ ;جعفر سبحانی , پاسخ به پرسش های مذهبی , ص ۲۱۸ سؤال ۱۰ ;محمد جواد نجفی , ستارگان درخشان , ج ۱۴ ص ۴۲ـ ۷۴ مجلهء حوزه , سال ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۳ـ ۶۱اللهم عجّل فرجه و سهّل مخرجه و ارنا الطلعة الرّشیده و الغرّة الحمیدة واجعلنا من اعوانه و انصاره بحق محمد وآله الطاهرین .

چرا حضرت مهدی (عج) از اوّل غیبت کبری را شروع نکرد و بعد غیبت صغری را شروع کند؟

پرسش

چرا حضرت مهدی (عج) از اوّل غیبت کبری را شروع نکرد و بعد غیبت صغری را شروع کند؟

پاسخ

از هنگام شهادت امام حسن عسکری(ع) امامت امام مهدی(عج) آغاز شد. به جهت خاصی حضرت مهدی(عج) از دیده ها پنهان شد که فعلاً درصدد و بیان فلسفهٔ غیبت آن حضرت نیستیم، از این تاریخ به بعد دورهٔ غیبت است. غیبت حضرت شامل دو دوره می شود: ۱ـ دورهٔ غیبت صغری از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری. ۲ـ دورهٔ غیبت کبری از سال ۳۲۹ هجری تا هنگام ظهور حضرت. دورهٔ غیبت صغرای حضرت چند ویژگی دارد: اوّلاً : از نظر زمانی محدود است؛ یعنی قریب به هفتاد سال (۳۲۹ ـ ۲۶۰) ثانیاً: در این دوره

امام مهدی به کلی از دیده ها پنهان نیست، بلکه با وکلا، سفیران و برخی از خواص، نیز از طریق نامه با مردم تماس دارد. ثالثاً : امام چهار نایب دارد و این ها سازمان مخفی وکالت را رهبری می کنند. با توجه به این ویژگی ها، ترتیب منطقی چنین اقتضا می کند که اوّل غیبت صغری باشد و سپس غیبت کبری چرا که غیبت صغری مقدمهٔ غیب کبری است. توضیح این که : از زمان پیامبر(ص به بعد مدام پیشوایان دین در پی زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت بودند، چون که در دورهٔغیبت، شیعه با یک مشکل بی سابقه روبرو می شود و آن فقدان امام معصوم(ع) است. از زمان پیامبر تا زمان امام جعفر صادق(ع) همگی دورهٔ غیبت را به شیعیان متذکر شدند. از زمان امام صادق(ع) سازمان مخفی وکالت تشکیل شد و این مدام گسترش می یافت تا در دورهٔ غیبت صغری رهبری شیعیان را در دست گیرد. از زمان امام هادی(ع) ارتباط مستقیم شیعیان با آن حضرت تقلیل یافت و دو امام هادی و عسکری (ع) از راه مکاتبه با شیعیان در در تماس بودند که این همه زمینه ای که در دورهٔغیبت صغری ارتباط امام با شیعیان تنها از طریق مکاتبه و با پا درمیانی هرم رهبری سازمان وکالت قرار گیرد. همگی این امور نقش زمینه سازی برای ورود شیعه به دورهٔ غیبت صغری دارد و خود غیبت صغری هم نقش زمینه سازی برای ورود شیعیان به دورهٔ غیبت کبری را دارد. بنابراین، ترتیب منطقی اقتضا می کند که اوّل دورهٔ غیبت صغری باشد و سپس غیبت کبری.[۱] [۱] برای اطلاع بیشتر ر.ک: تاریخ عصر غیبت، فصل پنجم.

غیبت صغری چند سال به طول انجامید، و رسالت حضرت در آن زمان چه بود، و بعد از آن در چه سرزمینی فرود آمد؟

پرسش

غیبت صغری چند سال به طول انجامید، و رسالت حضرت در آن زمان چه بود، و بعد از آن در چه سرزمینی فرود آمد؟

پاسخ

غیبت صغری، ۶۹ یا ۷۴ سال طول کشید، علت اختلاف این است که بعضی از بزرگان غیبت صغری را از سال میلاد حضرت ولی عصر (عج) تا (۲۵۵) تا سال (۳۲۹) حساب کرده‌اند، بدین خاطر حضرت در زمان حیات پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی، غایب محسوب می‌شد، ولی عده‌ای از دانشمندان شیعه غیبت صغری را از سال ۲۶۰ هجری که سال شهادت امام یازدهم است تا ۱۳۲۹ (آغاز غیبت کبری) محاسبه نموده‌اند. به این دلیل که غیبت صغری مربوط به عصر امامت آن وجود مقدس است و امامتش پس از شهادت پدر بزرگوارش آغاز گردیده است. (۱) رسالت حضرت در عصر غیبت صغری رسیدگی به احتیاجات دینی حوائج و مشکلات مردم از طریق نواب خاصش (ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سمری) بوده است. امام زمان علیه‌السلام گرچه در این مدت از نظر عامه مردم پنهان بود، لیکن ارتباطات کاملاً قطع نبود، بلکه نواب خاصی به خدمتش می‌رسیدند و احتیاجات مردم را برآورده می‌کردند. اینان از طرف مردم سؤال دریافت کرده و به خدمت امام رسیده و پاسخ دریافت نموده و به مردم می‌رساندند. در مورد محل زندگی امام زمان علیه‌السلام در دوران غیبت کبری سه گونه روایت وجود دارد: طبق بعضی از روایات حضرت در مدینه منوره و اطراف آن است و طبق بعضی دیگر در مکه مکرمه و اطراف آن زندگی می‌کنند و طبق بعضی مکان مشخص ندارد.(۲) معنی غایب شدن این نیست که امام زمان در هیچ جا حضور نداشته باشد، بلکه بدین معنی است که امام از دیده‌ها پنهان شود یا بدین صورت که در دیده و چشم دیگران تصرف کند و آنان امام را نبینند (در صورتی که امام بین‌شان باشد)

و یا ببینند، ولی نشناسند، و یا حضرت با طی‌الارض از آن مکان دور شود. پی نوشت ها : ۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۳۱؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۳؛ تاریخ عصر غیبت، آقایی و عاشوری، ص ۲۵۵.) ۲. مجله حوزه، شماره ۷۱ - ۷۰، سال دوازدهم، ص ۵۰).

چرا امام عصر غیبت صغری داشته‌اند؟

پرسش

چرا امام عصر غیبت صغری داشته‌اند؟

پاسخ

در مورد غیبت امام مهدی(عج) یکسری عوامل سیاسی - اجتماعی نقش داشته، حکمت هایی در آن نهفته است که بعدها (آن گونه که در روایات آمده) روشن‌تر خواهد شد. تنها از منظر عوامل سیاسی - اجتماعی اشاره‌ای می کنیم: از سال ۲۲۰ هجری قمری که امام جواد(ع) توسط معتصم عباسی به شهادت رسید، ظلم عباسیان بر خاندان پیامبر(ص) و علویان افزایش یافت؛ به ویژه آن گاه که متوکل بر مسند خلافت تکیه زد. متوکل که دلی پرکینه از علی(ع) و اولادش داشت، با نهایت شدت سختگیری آل رسول(ص) و آل علی(ع) را از حقوق مدنی و اجتماعیشان محروم ساخت. این دشمنی‌ها در سال ۲۵۴ به شهادت امام هادی و در سال ۲۶۰ به شهادت امام عسکری(ع) منجر شد، در حالی که آنها در هنگام حیات خود، تحت محاصره و مراقبت شدید بودند و عملاً آن گونه که لازم بود، مردم نمی‌توانستند از وجود و حضور آنها بهره‌مند باشند آن‌ها نیز نمی‌توانستند با مردم آن گونه که برای امام و پیشوا لازم است، ارتباط داشته باشند. طبعاً با وجود چنین وضعیتی که هر چه به زمان امام زمان نزدیک تر می‌شود، شدیدتر و سخت‌تر می‌شود، مشیّت خداوند اقتضا نمود که امام دوازدهم، را به گونه‌ای حفظ نماید تا در وقت موعود به پا خیزد و بشریت را از منجلاب بدبختی‌ها برهاند. شکی نیست که رهبری پیشوایان الهی به منظور هدایت مردم به سرمنزل کمال مطلوب است و این در صورتی ممکن است که آنان آمادگی بهره‌برداری از هدایت الهی را داشته باشند. حال اگر چنین زمینه مساعدی در مردم وجود نداشته باشد، یا حکمرانان موانع متعدد برای بهره‌مندی مردم از وجود امام، یا فیض رساندن امام به مردم ایجاد کنند. حضور پیشوایان آسمانی در بین مردم ثمری نخواهد داشت. فشارها و سختگیری‌هایی که بر پیشوایان اهل بیت(ع) وارد شد، فعالیت‌های آنان را به حداقل رساند و این نشان داد که زمینه مساعد جهت بهره‌وری از هدایت‌ها و راهبری‌های آنان در جامعه در حدّ لازم وجود ندارد؛ از این رو حکمت خداوندی اقتضا نمود که پیشوای دوازدهم و مهدی موعود غیبت اختیار کند تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید. غیبت دو مرحله دارد: یکی غیبت صغرا که دوره ۶۹ ساله را به خود اختصاص داده است. در این دوره امام مهدی(عج) با چهار نایب خاص با مردم ارتباط داشت و سازمان مخفی وکالت را رهبری می کرد و سؤال‌های مردم را از طریق نامه پاسخ می گفت و گاهی با مردم ملاقات می کرد. بعد از آن دوره غیبت کبری است که ارتباط مذکور قطع شده است. چرا یکباره از سال ۲۶۰ دوره غیبت کبری آغاز نشد؟ پاسخ: همان گونه که کم شدن ارتباطات با شیعه توسط امام هادی و امام عسکری(ع) جنبه زمینه سازی برای ورود پیروان اهل بیت به دوره غیبت صغری است، خود دوره غیبت صغری نیز جنبه آمادگی و زمینه سازی برای ورود پیروان مکتب اهل بیت به دوره غیبت کبری است؛ یعنی پرده‌نشینی امامان اهل بیت(ع) تدریجی صورت گرفته تا با این

تحوّلات انحرافاتی صورت نگیرد. اگر غیبت کبری یکباره و ناگهانی رخ می‌داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهن‌ها آماده پذیرش آن نباشند و وجود امام زمان به کلی انکار شود. نیز دوره غیبت صغری دوره تثبیت امامت، ولادت و حیات امام مهدی(عج) است. به جهت ظلم عباسیان. چون ولادت امام مهدی(عج) در خفا صورت گرفت و چندان آفتابی نشد، برای برخی ثابت نشده، در دوره غیبت صغری، ارتباطاتی که پیروان امام حسن عسکری(ع) از طریق سازمان مخفی وکالت با حضرت مهدی(عج) برقرار کردند، این مشکل زدوده شد.(۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ - برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به سیره پیشوایان، اثر مهدی پیشوایی، ص ۶۶۵ - ۷۲۲.

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان(عج) نسبت به غیبت کبرای ایشان کم‌تر است؟

پرسش

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان(عج) نسبت به غیبت کبرای ایشان کم‌تر است؟

پاسخ

در مورد کوتاه بودن زمان غیبت صغری نسبت به غیبت کبری بیان می‌داریم: چون غیبت کامل و تام، غیبت کبرا است و غیبت صغرا حالت مقدّمی و گذری دارد، آن چه که از پیش در مورد غیبت خبر داده شده بود، عمدتاً غیبت کبرا بود، چون که در این دوره است که امام مهدی(عج) به کلی از دیده‌ها پنهان است؛ در دوره غیبت صغرا وکیلان و نائبان حضرت می‌توانستند با ایشان ملاقات نمایند، حتی با واسطه کارگزاران حضرت در سازمان مخفی وکالت، برخی از شیعیان به حضور حضرت امام مهدی(عج) مشرف می‌شدند تا به ولادت، امامت و حقانیت امام بیش تر ایمان آورند و شیعیان با ایمان مستحکم در دوره غیبت کبرا قدم بگذارند. اصولاً همان گونه که از نام این دو غیبت برمی‌آید، صغرا به معنای زمان کوتاه و کبرا به معنای زمان طولانی است و نام صغرا و کبرا بر این دو نوع غیبت با توجه به همین مسئله (زمان کوتاه و طولانی) اطلاق شده است. اما در توضیح مقدمه بودن غیبت صغری برای کبرا قدری به گذشته برگردیم از زمان پیامبر(ص) تا زمان امام حسن عسکری(ص) هر یک از سیزده گوهر عصمت و طهارت(ع) در مورد غیبت بسترسازی نمودند. شیخ طوسی در این باره می‌گوید": اخبار شایع و رایج رسیده از پدران مهدی (عج) که مدت‌ها قبل از وقوع غیبت، صادر شده‌اند، دلالت بر امامت وی دارند. اخباری که گویای آن است که صاحب این امر، غیبتی خواهد داشت و توضیح می‌دهد که این غیبت چگونه خواهد بود، و چه اختلافاتی در آن واقع خواهد شد و چه حوادثی رخ خواهد داد و خبر می‌دهد که او دو غیبت خواهد داشت و یکی از آن‌ها طولانی‌تر از دیگری است. ("۱) این زمینه‌سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت در زمان دو امام هادی و عسکری(ع) تقویت شد تا جایی که امام هادی(ع) ارتباط مستقیم خویش را با بسیاری قطع کرد و یا کاهش داد و امام عسکری(ع) از پس پرده با خواص و دیگران سخن می‌گفت.(۲) چون که احتجاب و غیبت ناگهانی امام معصوم(ع) می‌توانست وضع دشوار و غیر قابل تحملی را برای شیعه پدید آورد، می‌بایست شیعه از پیش آمادگی پذیرش این زمان را کسب نماید. کاهش ارتباط مستقیم دو امام هادی و عسکری(ع) با شیعیان، نیز سازماندهی و تقویت سازمان وکالت (سازمانی مخفی که از زمان امام صادق(ع) پایه‌گذاری شد و تا پایان دوره غیبت صغرا فعالیت داشت) بستر را آماده می‌کند تا شیعه در مواجهه با پدیده غیبت به گمراهی و اعوجاج نغلتند، و اگر مشکلی پیش آید، با سازمان مخفی وکالت مرتفع گردد. با این همه

تلاش، در آغاز غیبت صغرا مشکلاتی برای شیعیان پدید آمد. وجود دوره غیبت که نوعی حالت برزخی و بینابین بودن دارد، این اعوجاج‌ها را زدود. در آغاز غیبت صغرا با تلاش‌های صادقانه و خالصانه کارگزاران امام مهدی (عج) در سازمان وکالت، تمامی شک و شبهه شیعیان درباره ولادت و امامت امام مهدی (عج) مرتفع شد. این‌ها از آثار درخشان غیبت صغرا است. بنابراین غیبت صغرا مقدمه و زمینه ساز غیبت معهود الهی است؛ یعنی غیبتی که دیگر امام مهدی (عج) از دیده‌ها به کلی پنهان می‌شود و شیعه در آزمایش بزرگ قرار می‌گیرد و مدام در حالت انتظار و آمادگی برای یاری دولت عدل مهدوی به سر می‌برد. غیبتی که به صورت کامل و تمام برای امام مهدی (عج) خدا مقدّر نموده، غیبت کبرا است. لیکن به جهت کاسته شدن مشکلات، غیبت صغرا به عنوان مقدمه قرار گرفته بود. بدین جهت است که زمان غیبت صغرا محدود و کوتاه بود. برای آگاهی بیش تر می‌توانید به کتاب تاریخ عصر غیبت ، نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج) مؤلفان پور سید آقایی، جباری، عاشوری و حکیم رجوع نمایید. پی‌نوشت‌ها: ۱ – شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۰۱. ۲ – اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۲۶۲؛ سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۲۲۲.

مقصود از غیبت صغری و غیبت کبری چیست ؟

پرسش

مقصود از غیبت صغری و غیبت کبری چیست ؟

پاسخ

یازدهمین پیشوای شیعه , حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سال دویست و شصت هجری قمری دیده از دنیا بربست و مقام امامت و رهبری امت به فرمان خداوند بزرگ به فرزند ارجمند وی حضرت مهدی (عج) , موعود جهانیان انتقال یافت . روزی که امام پدر ارجمند خود را از دست داد , سن مبارک او از شش سال تجاوز نمی کرد , چون دشمنان امام در هر لحظه در کمین او بودند و تصمیم گرفته بودند که به هر قیمتی که باشد به زندگی او خاتمه دهند , وی به فرمان خداوند از دیدگان مردم غایب گردید . این غیبت تا مدتی طوری بود که شیعیان خاص آن حضرت می توانستند مسائل مورد نیازخود را به وسیله چهار نماینده خاص وی از حضرتش سوال کنند و پاسخ آنها را بطورکتبی دریافت نمایند . این جریان تا سال سیصد و بیست و نه هجری قمری ادامه داشت و نمایندگان چهارگانه آن حضرت , یکی پس از دیگری این مقام و منصب را حفظ نموده و با درگذشت آخرین نماینده وی , نیابت و نمایندگی خصوصی پایان یافت و اداره امور شیعیان و بیان حلال و حرام و رسیدگی به خصومات و اختلافات و کلیه شوون زندگی مردم به فقهای بزرگ شیعه که نمایندگان عام آن حضرت هستند واگذار گردید و به نیابت خصوصی که فردی بطور معین نماینده امام گردد , خاتمه داده شد . غیبت صغری از سال دویست و شصت که سال وفات امام عسکری علیه السلام است , آغازگردید و در سال سیصد و بیست و نه که سال وفات آخرین نماینده اوست پایان یافت واز آن به بعد تا امروز , دوران غیبت کبری می باشد و علت این نامگذاری روشن است; زیرا در قسمت اول از غیبت , اگر چه شیعیان از شرفیابی به حضور امام محروم بودندولی نمایندگان خصوصی امام می توانستند با او تماس بگیرند و مطالب و وقایع را به عرض امام برسانند و بعلاوه دوران آن نیز کوتاه بود ; از این نظر , این غیبت را غیبت صغری می گفتند ولی پس از درگذشت آخرین

سفیر خصوصی آن حضرت , این راه نیز به روی مردم بسته شد و فقهای اسلام به عنوان مرجع رسمی در امور دینی و دنیوی معرفی شدند و بر اثر بسته شدن همه نوع تماسهای خصوصی و طولانی بودن زمان غیبت ,نام آن را غیبت کبری نهادند .

چرا برای امام مهدی(ع) دو گونه غیبت معیّن شده و از همان اول غیبت کبری آغاز نشد؟

پرسش

چرا برای امام مهدی(ع) دو گونه غیبت معیّن شده و از همان اول غیبت کبری آغاز نشد؟

پاسخ

غیبت صغری، مقدمه غیبت کبری و زمینهسازی برای آن بوده، چون ابتدای غیبت بود و اذهان، اُنس به غیبت نداشت اگرچه در زمان حضرت امام علی نقی و حضرت امام حسن عسکری(ع) فی الجمله آن دو امام برای آماده کردن اذهان از نظرها احتجاب میکردند مع ذلک غیبت تامّه اگر به طور دفعه و ناگهانی واقع میگردید مورد استغراب و استعجاب، بلکه استیحاش و استنکار و اسباب انحراف افکار میشد و قبول قطع ارتباط با امام چنانچه در غیبت کبری واقع شد، برای اکثر مردم دشوار و ناراحت کننده بود. لذا قریب هفتاد سال رابطه مردم با امام به وسیلهٔ نوّاب خاص حفظ شد و توسط آنان عرایض و مشکلات و مسائل خود را عرض میکردند و جواب میگرفتند و توقیعات به وسیله آنها میرسید و بسیاری هم به شرفیابی حضور نایل میشدند تا در این مدّت مردم آشنا و مأنوس شدند.

پس از آنکه غیبت صغری پیش آمد و نائبان خاص تعیین شدند، چرا دوران غیبت صغری پایان یافت و اگر همان برنامه غیبت صغری ادامه مییافت چه اشکالی داشت؟

پرسش

پس از آنکه غیبت صغری پیش آمد و نائبان خاص تعیین شدند، چرا دوران غیبت صغری پایان یافت و اگر همان برنامه غیبت صغری ادامه مییافت چه اشکالی داشت؟

پاسخ

۱ـ علّت اینکه غیبت صغرا ادامه نیافت این بود که برنامهٔ اصلی کار آن حضرت غیبت کبری بود و غیبت صغرا مقدمهٔ آن بود و برای آماده کردن زمینه انجام شد. ۲ـ وقتی بنا باشد نایب خاص نافذ الحکم و صاحب قدرت ظاهری نباشد و نتواند رسماً در کارها مداخله کند بلکه قدرتهای ظاهری به واسطهٔ تمرکز توجهات در او با او معارضه و مزاحمت داشته باشند، شیّادان و جاه طلبان هم ادعای نیابت خاصه مینمایند و اسباب تفرقه و گمراهی فراهم میسازند چنانچه در همان مدّت کوتاه غیبت صغرا دیده شد چه دعاوی باطلی آغاز گردید و این خود یک مفسدهای است که اهمیّت دفعش از حفظ مصلحت تعیین نایب خاص اگر بیشتر نباشد

کمتر نیست و خلاصه آنکه ادامه روش نیابت خاصه با صرف نظر از مصالحی که فقط در همان آغاز کار و ابتدای امر داشته بااینکه نوّاب مبسوط الید و نافذ الکلمه نباشند و تحت سیطرهٔ زمامداران وقت مأمور به تقیّه باشند از نظر عقل مصلحت ملزمه‌ای ندارد بلکه از آن مفاسدی هم ظاهر می گردید.

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت((علیه السلام)) را مرقوم دارید؟

پرسش

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت((علیه السلام)) را مرقوم دارید؟

پاسخ

یکی از ویژگیهای زندگی امام داوازدهم حضرت حجت((علیه السلام)) پنهان بودن وی از نظر عامّه مردم بود به گونه ای که از آغاز تولدش(سال ۲۵۵ هجری قمری) جز خواص اصحاب پدر بزرگوارش امام حسن عسگری((علیه السلام)) کسی آن حضرت را نمی دید و از سال وقات امام عسگری((علیه السلام)) تا حدود ۷۰ سال دوران غیبت خخوی بود که تنها نواب خاص آن حضرت که ۴ نفر بودند یکی پس از دیگری را بوامیان مردم و آن جناب بودند و از آن به بعد در طول این مدّت گرچه از نظر عامه مردم غایب بود لکن ارتباط با وی کاملا منقطع نبود بلکه نواب خاص خدمتش رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می نمودند غایب بودن در این ۷۴ سال غیبت صغری(پنهان شدن کوتاه) گویند. (از سال ۳۲۹) یعنی از سال انقراض نیابت خاصه غیبت کبری آغاز شد که تا زمان ظهور آن حضرت ادامه دارد.

چرا امام زمان((علیه السلام)) به غیبت صغری ادامه نداد و پس از گذشتن غیبت صغری غیبت کبری واقع شد؟

پرسش

چرا امام زمان((علیه السلام)) به غیبت صغری ادامه نداد و پس از گذشتن غیبت صغری غیبت کبری واقع شد؟

پاسخ

اصولا ـ علّت و سبب اساسی غیبت چه صغری و چه کبری چنانچه در برخی از روایات آمده برای مردم بیان نشده و به جز ائمه ی اطهار((علیهم السلام)) کسی از آن اطّلاع ندارد. عبداله بن فضل هاشمی می گوید امام صادق((علیه السلام)) فرمود: حضرت صاحب الامر((علیه السلام)) ناچار غیبتی خواهد داشت به طوری که گمراهان در شک واقع می شوند، عرض کردم چرا؟ فرمود: ماماءذون نیستیم علّتش را بیان کنیم، گفتم حکمتش چیست؟ فرمود همان حکمتی که در غیبت حجت های گذشته وجود داشت در غیبت آن جناب نیز وجود دارد لکن حکمتش ظاهر نمی شود مگر بعد از ظهور وی چنانکه حکمت سوارخ کردن کشتی و کشتن جوان و اصلاح دیوار به دست خضر((علیه السلام)) برای حضرت موسی((علیه السلام)) آشکار نشد جز هنگامی که می خواستند

ازهم جدا شوند. ای پسر فضل: موضوع غیبت سریست از اسرار خدا و غیبی است از غیوب الهی و چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت صادر می شود گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد(۱). و غیبت صغری در حدود هفتاد سال طول کشیده است. پاورقی ۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

در مورد غیبت صغری و کبری امام مهدی(عج) بیشتر می خواهم بدانم.

پرسش

در مورد غیبت صغری و کبری امام مهدی(عج) بیشتر می خواهم بدانم.

پاسخ

بعد از شهادت امام عسکری (در سال ۲۶۰ هـ.ق امامت به فرمان خداوند متعال به حضرت مهدی (منتقل گردید و ایشان با توجه به جو آن روزگار که ناشی از عدم آمادگی و شناخت جایگاه امامت و رهبری الهی از سوی جامعهٔ انسانی بود به فرمان الهی بعد از خاکسپاری امام یازدهم، از نظرها غایب گردیدند و این غیبت به مدت حدود ۷۰ سال را غیبت صغری (کوچک) نامیده شد با ویژگیهای: ۱. در مدت ۷۰ سال امام (چهار نفر را به عنوان نماینده خویش جهت مراجعات مردم و پاسخگویی و ارتباط مشخص فرمودند. ۲. دیدار و ارتباط از طریق نایبانشان در آن عصر ممکن بوده ۳. غیبت صغری پیش‌درآمد و بسترساز غیبت کبری بوده است و از سال ۳۲۹ هـ.ق تا زمان ظهور ایشان غیبت کبری (بزرگ) نامیده شده در این عصر آن حضرت ویژگیهائی را برای نائبان و جانشینان خویش معرفی فرمودند در این عصر نیز ایشان حضور فعال در جامعه دارند و با مردم جامعه در ارتباطاند ولی معمولاً افراد ایشان را نمی‌شناسند. برای اطلاع بیشتر به کتاب خورشید مغرب نوشتهٔ استاد محمدرضا حکیمی و روزگار رهائی نوشتهٔ کامل سلیمان مراجعه فرمائید.

مبدأ غیبت صغرا از چه زمانی به حساب می‌آید؟

پرسش

مبدأ غیبت صغرا از چه زمانی به حساب می‌آید؟

پاسخ

در اینجا دو نظریه وجود دارد: نظریه اول اینکه: غیبت صغرا از زمان ولادت حضرت مهدی (ع) بوده؛ زیرا ولادت حضرت در اختفا وپنهانی بوده‌است. ولی این نظریه مورد مناقشه واقع شده، زیرا بحث در غیبت امام است ودر آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود. خصوصاً آنکه جماعت زیادی از شیعیان، حضرت را در آن پنج سال قبل از شهادت حضرت عسکری (ع) مشاهده کرده‌اند. نظریه دوم اینکه: غیبت حضرت از زمان شهادت پدرش امام عسکری (ع) بوده است. وبه طور دقیق می‌توان گفت که بعد

از نماز خواندن بر جنازه پدرش، در آن قضیه‌ای که ابوالادیان بصری نقل می‌کند. {پاورقی . کمال‌الدین، ص ۴۷۶-۴۷۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۳۳۲. پاورقی}

حکمت غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا چه بوده است؟

پرسش

حکمت غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا چه بوده است؟

پاسخ

غیبت صغرا نشانگر اولین مرحله از امامت حضرت مهدی (ع) است، که خداوند متعال تقدیر نمود تا در مدتی نه چندان دور از عموم مردم مخفی بماند وامور شیعه را توسط سفرا انجام دهد. امّا اینکه چرا غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا قرار گرفت ممکن است که جهت آن این باشد که عادت شیعیان در طول عمر امامت بر این بوده که هر زمان اراده می‌کردند خدمت امام خود رسیده واز محضر او استفاده می‌بردند، وبا غیبت کلّی وتام وتمام هرگز انس نداشتند. لذا برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغرا تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه‌ای ارتباط قطع شد. ومردم اگر چه در ابتدا به شک وتردید وتشویش خاطر افتادند ولی بعد از مدّتی نه چندان دور شک وتردیدها زایل شده وبا مشاهده دلایل قطعی، به وجود حضرت مهدی (ع) یقین پیدا کردند. وبعد از مدتی نه چندان طولانی غیبت کبرا شروع شد.

امتیاز عصر غیبت صغرا بر غیبت کبرا چیست؟

پرسش

امتیاز عصر غیبت صغرا بر غیبت کبرا چیست؟

پاسخ

بنا بر قولی شروع غیبت صغرا از زمان شهادت امام عسکری (ع) بوده است، که از همان زمان امام (ع) متولّی امر امامت می‌شوند. حضرت خلافت خود را با نصب وکیل اوّلش هنگام مقابله با جماعت قمّیین آغاز نمودند. عصر غیبت صغرا از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - در این عصر امام مهدی (ع) متصدی امامت وخلافت شد. ۲ - در این عصر امام (ع) استتار کامل نداشتند، بلکه به جهت مصالح کلّی با برخی از خواص یارانش ملاقات برقرار می‌کردند. ۳ - در این عصر چهار سفیر وجود داشت که از طرف حضرت به طور خصوص مأمور به رسیدگی امور مردم بوده ورابط بین آنان وحضرت به شمار می‌آمدند.

در صورت امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا، چه فرقی بین این غیبت با غیبت صغرا است؟

پرسش

در صورت امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا، چه فرقی بین این غیبت با غیبت صغرا است؟

پاسخ

در دوره غیبت صغرا امام زمان (ع) به کلّی از دیده‌ها پنهان نبود، بلکه با وکلا وسفیران خاصّش در تماس بوده، وگاهی سفیران آن حضرت ملاقات برخی از افراد را با امام مهدی (ع) ترتیب می‌دادند. ولی در عصر غیبت کبرا ملاقات‌ها به این نحو{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۱۶. پاورقی} سازماندهی نشده است، بلکه در صورت ضرورت، خود حضرت به دیدار برخی آمده واز وجود حضرت بهره‌مند می‌شوند.

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت«علیه السلام» را مرقوم دارید؟

پرسش

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت«علیه السلام» را مرقوم دارید؟

پاسخ

یکی از ویژگیهای زندگی امام داوازدهم حضرت حجت«علیه السلام» پنهان بودن وی از نظر عامّه مردم بود به گونه‌ای که از آغاز تولدش(سال ۲۵۵ هجری قمری) جز خواص اصحاب پدر بزرگوارش امام حسن عسگری«علیه السلام» کسی آن حضرت را نمی‌دید و از سال وقات امام عسگری«علیه السلام» تا حدود ۷۰ سال دوران غیبت خخوی بود که تنها نواب خاص آن حضرت که ۴ نفر بودند یکی پس از دیگری را بوامیان مردم و آن جناب بودند و از آن به بعد در طول این مدّت گرچه از نظر عامه مردم غایب بود لکن ارتباط با وی کاملاً منقطع نبود بلکه نواب خاص خدمتش رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می‌نمودند غایب بودن در این ۷۴ سال غیبت صغری(پنهان شدن کوتاه) گویند. (از سال ۳۲۹) یعنی از سال انقراض نیابت خاصه غیبت کبری آغاز شد که تا زمان ظهور آن حضرت ادامه دارد.

غیبت کبری

با استناد به روایات صحیح توضیح دهید غیبت کبرای امام زمان ۷چگونه آغاز گشت ؟

پرسش

با استناد به روایات صحیح توضیح دهید غیبت کبرای امام زمان ۷چگونه آغاز گشت ؟

پاسخ

امامت حضرت ولی عصر۷بعد از شهادت پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری ۷از سال ۲۶۰ه. ق آغاز گشت . از همان نخستین روز امامت یعنی بعد از اقامهء نماز میت و کفن و دفن والد ماجد و مظلومش ,از انظار عمومی مخفی گشت . هر چند آن حجت خدا به صورت علنی در میان مردم ظاهر نمی شد, اما افراد موثق ومورد اعتماد مرتب خدمت آن حضرت می رسیدند و مسائل و مشکلات شیعیان را عرضه می نمودند و راهنمایی ودستورهای آن نور الهی را به مردم ابلاغ می کردند و به این طریق میان مردم و خلق خدا با واسطهء اخذ فیض الهی وخاخلق هستی ارتباط و اتصال برقرار بود. آن افراد موثق که وکیل و نمایندهء خاص حضرت بقیهٔاللّه بودند, چهار نفربودند و به معروفند. اولین نایب خاص آن حضرت که پیش تر, وکیل خاص امام هادی ۷و سپس درتمام دورانِ امامت امام عسکری ۷وکیل مخصوص آن حضرت بود, جناب است . در جلالت ومنزلت اولین نایب خاص آن حضرت اولاً کافی است که نمایندهء سه امام ۷بود. ثانیاً امام هادی ۷خطاب به شیعیان فرمود: شخصی موثق و امین است . هر چه برای شما بگوید, از من می گوید. امام عسکری ۷یز فرمود: عثمان بن سعید موثق و امین است . او مورد وثوق پدرم بود و در حیات و ممات من , مورد اعتماد من است . آن چه برای شما بگوید از من گفته است . بعد از رحلت او, فرزنش ابوجعفر محمد بن عثمان به مقام نیابت خاص از طرف حضرت ولی عصر۷انتخاب شد. امام عسکری ۷خطاب به شیعیان فرمود: محمد بن عثمان و پدرش , هر دو موثق و مورد اعتمادند. آن چه آن دوبه شما برسانند, از من رسانده اند و آن چه برای شما بگویند, از من گفته اند. پس حرف های او را گوش کنید و از اواطاعت نمایید. محمد بن عثمان قبل از رحلت , به امر امام ۷ حسین بن روح نوبختی را به عنوان نمایندهء خاص امام زمان ۷به مردم معرفی کرد و گفت : او جانشین من و میان شما و حضرت صاحب الامر۷سفیر و وکیل و مورد وثوق و اطمینان آن حضرت است . پس شما در امور خود به وی مراجعه نمایید. حسین بن روح نیز به امر حضرت بقیهٔالله ابوالحسن علی بن محمد سِمَیمُری را به عنوان نایب خاص آن حضرت به شیعیان معرفی نمود. چهارمین نایب خاص حضرت صاحب الزمان ۷ در روز نیمه شعبان سال ۳۲۶رحلت نمودو از آن تاریخ دوران غیبت کبری ادامه دارد. امام عصر۷در آخرین توقیع و نامه ای که به دست علی بن محمدسیمری داد, به او فرمود: شما تا شش روز بیشتر زنده نیستی . بنابراین به شیعیان و دوستان من بگو که بعد از رحلت شمادوران غیبت کبری آغاز می گردد و من بعد از فوت شما, هیچ نماینده و وکیل خاصی ندارم . هر کس ادعای نیابت خاص نماید, دروغ می گوید.

آیا امام زمان ۷بیش تر به کارهای شخصی می پردازند یا عمومی و حل مسایل دینی و مذهبی ؟

پرسش

آیا امام زمان ۷بیش تر به کارهای شخصی می پردازند یا عمومی و حل مسایل دینی و مذهبی ؟

پاسخ

حضرت فاطمه ۳هرگاه دعا می کردنـد, همیشهء مؤمنان و مؤمنات را دعا می کردنـد و به خودش دعانمی کردند. شخصـی معروض داشتند: چرا به مردم دعا می کنید و خود را فراموش می کنید؟ فرمود: .(۱) امام زمان فرزند زهرا۳است . قهراً مشخث می شود بیشتر به رفع معضـلات مردم و رفع شـبهات دینی می پردازندیا به کارهای شخصـی . (پـاورقی ۱.محمد باقر مجلسـی , بحارالاءنوار, ج ۴۳ ص ۸۲ حدیث ۴

درباره زندگی نامه حضرت امام زمان(ع)و غیبت کبری و صغری توضیح دهید.

پرسش

درباره زندگی نامه حضرت امام زمان(ع)و غیبت کبری و صغری توضیح دهید.

پاسخ

دوازدهمین پیشوای معصوم حضـرت حجـهٔ بن الحسن المهـدی امـام زمان(ع) در نیمه شـعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شـهر سامرا دیده به جهان گشود. او همنام پیامبر اسلام(م ح م د) و هم کنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است. از جمله القاب حضرت(عج)، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان و بقیهٔ اللّه است و مشهورترین آن‌ها" مهدی(عج "است. پدرش امام حسن عسکری(ع) و مادرش "نرجس "نـام داشت. حکیمه خـاتون، عمه حضـرت عسـکری(ع) از نزدیک شاهـد تولـد حضـرت مهـدی(ع) بود و افراد خاصـی از شیعیان در فرصت‌های مناسب به دیدار حضرت(ع) نائل شدند، از جمله: حسن بن ایوین بن نوح که می گوید: ما برای پرسش درباره امـام بعـدی به محضـر امام عسـکری(ع) رفتیم. در آن مجلس چهل نفر حضور داشـتند. عثمان بن سـعید عمری به پا خاست و عرض کرد: می‌خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره آن از من داناتری. سـپس حضـرت فرمود: هیچ کس از مجلس بیرون نرود. مدتی گذشت. در این هنگام امام(ع) به عثمان خطاب کرد و فرمود: می‌خواهید به شما بگویم که برای چه به این جا آمده‌اید؟ همه گفتند: بفرماییـد: حضـرت(ع) فرمود: که از حجت و امام پس از من بپرسـید. گفتنـد: آری. در این هنگام پسـری نورانی و زیبا که شبیه‌ترین مردم به امام عسکری(ع) بود، وارد مجلس شد. حضرت(ع) با اشاره به او فرمود": این امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمـان او را اطاعت کنیـد و پس از من اختلاف نکنیـد که در این صورت هلاک می‌شویـد و دینتان تباه می گردد(".۱) غیبت حضـرت مهـدی(ع) فشارهـا و محـدودیت هایی که بر امامان(ع) وارد کردنـد، زمینه غیبت را فراهم کرد. البته همه اسـرار غیب بر ما روشن نیست. ولی در روایـات روی سه موضوع تکیه شـده است: ۱ – آزمـایش مردم: امام موسـی بن جعفر(ع) فرمود": هنگامی که پنجمین فرزنـد من غـایب شـد، مواظب دین خود باشـید، مبـادا کسـی شـما را از دین خارج کنـد. او ناگزیر غیبتی خواهـد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش بر می گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می کند. "۲ – حفظ جـان امـام: زاره می گویـد که امـام صـادق(ع) فرمود": امام منتظر(ع) خواهـد شـد، چون بر جان خویش بیم ناک خواهـد بود. "۳ – آزادی از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان: بـدیهی است اگر او ظاهر باشـد، بایـد تحت حکومت طاغوت باشـد و با او بیعت کند. امام هشتم(ع) فرمود": غیبت امام مهدی(ع) برای این است که بیعت کسی بر گردن وی نباشد.("۲) امام زمان(ع) دو دوره غیبت دارد: ۱ – غیبت صغری که از سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ یعنی یعنی حدود ۶۹ سال بوده است در این دوران ارتباط شیعیان با حضرت(ع) به کلی قطع نبود، چون در این مـدت مردم توسط چهار نائب خاص، با حضـرت(ع) در ارتباط بودند. نام چهار نائب به ترتیب: الف)

ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ب) ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، پ) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ت) ابواحسن علی بن محمد سمری، غیر از این چهار نفر، وکلای دیگری در مناطق مختلف مانند بغداد، کوفه، اهواز، همدان، قم، ری، آذربایجان، نیشابور،... بودند که به وسیله این چهار نفر امور مردم را به عرض حضرت(ع) می‌رساندند.(۳) ۲ - غیبت کبری: در اواخر عمر نائب چهارم، نامه‌ای از طرف حضرت(ع) به او صادر شد که": تا شش روز دیگر خواهی مرد. کسی را بعد از خود به عنوان نیابت تعیین نکن، غیبت کبری(تامه) واقع شد. مرا ظهوری نخوهد بود تا وقتی که قلب‌ها پر قساوت شود، و زمین پر از ظلم و جور شود. بدان هر کس ادعای دیدن مرا بکند، دروغگو و افترا زننده است.("۴) پی نوشت‌ها: ۱ - مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۶۸، به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶؛ منتخب الاثر، ص ۳۵۵. ۲ - همان، ص ۶۷۲. ۳ - همان. ۴ - منتهی الامال، ص ۵۰۸.

غیبت صغری چگونه تبدیل به غیبت کبری شد؟

پرسش

غیبت صغری چگونه تبدیل به غیبت کبری شد؟

پاسخ

غیبت امام زمان(ع) به غیبت صغری و کبری تقسیم می‌شود:(۱) غیبت صغری به غیبتی گفته می‌شود که از نظر زمان و هم از نظر شعاع محدودیت دارد.(۲) در خصوص تاریخ شروع غیبت صغری اختلاف وجود دارد. برخی از سیره نویسان و تاریخ نگاران عقیده دارند که تاریخ غیبت صغری از سال ۲۶۰ ه 'ق (یعنی روز شهادت امام حسن عسکری) آغاز و تا سال ۳۲۹ پایان یافته است.(۳) بر اساس این نگارش، مدت غیبت صغری ۷۰ سال طول کشیده است. برخی از مورخان عقیده دارند که غیبت صغری از سال تولد امام زمان(ع)، همین: سال ۲۵۵ آغاز شده است و تا سال ۳۲۹ طول کشیده است.(۴) بر اساس این دیدگاه تاریخ غیبت صغری ۷۵ سال طول کشیده است. مشهور ان است که غیبت صغری ۷۰ سال طول کشیده و مدت ۵ سال از دوران امامت امام زمان(ع)نبوده و رهبری مردم را امام حسن عسکری(ع) به عهده داشته است؛ از این رو جز زمان غیبت آن حضرت به عنوان رهبر مردم به شمار نمی‌آید. برای غیبت صغری از نظر این که مثلا در فلان تاریخ آغاز شده است، تاریخ دقیق در دست نیست. در مدت غیبت صغری ارتباط مردم با آن حضرت به وسیله نواب خاص آن حضرت (ابوعمرو عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمری) صورت می گرفت. در مدت ۷۰ سال به دلیل این همگان با امام زمان(ع) ارتباط نداشتند، بلکه ارتباط مردم با امام زمان(ع) از طریق نواب خاص صورت می گرفت، محدودیت ایجاد شده است و یکی از علل نام گذاری غیبت صغری همین محدودیت ارتباط مردم با امام زمان(ع) می‌باشد. در سال ۳۲۹ با درگذشت ابوالحسن علی بن محمد سمری غیبت صغری تمام و غیبت کبری آغاز شد و بر این اساس غیبت صغری به غیبت کبری تبدیل شد. در دوران غیبت کبری علمای واجد شرایط از سوی امام زمان(ع) نیابت عام دارد.(۵) و چنان که بیان شده نیابت خاصه عبارت از این است که افراد خاصی را امام زمان(ع) با نام و مشخصات به عنوان نائبان خود معرفی کرده است، ولی در غیبت کبری امام زمان(ع) شرایط و معیارهای کلی را برای نایب و یا نایبان خود بیان نموده است تا در طول زمان هر فردی که آن شرایط را داشته

باشد به عنوان نایبت امام زمان(ع) شناخته می‌شود و این معیارها و ضوابط را فقیهان و مراجع شیعیان دارند.(۶) بر این اساس بعد از تبدیل شدن غیبت صغری به غیبت کبری نیابت عامه شروع شده و تا رظهور امام زمان(ع) نیز ادامه دارد. در این جا بیان این نکته ضروری است که غیبت صغری با غیبت کبری تضاد نداشته، بلکه مکمل یکدیگرند؛ زیرا شکل گیری غیبت کبری بدون صغری نوعی تحیر و بحران برای شیعیان به وجود می‌آورد و مردم با غیبت کبری غیر مأنوس می‌شدند و غیبت صغری تحییر شیعیان را از بین برده و زمینه غیبت کبری را فراهم کرد. با توجه به مطالب مذکور، در هیچ دوره‌ای از غیبت، پیوند امام زمان(ع) با مردم قطع نشده و در دوران غیبت نیابت خاصه وجود داشته و در دوران غیبت کبری فقیهان و عالمان وجود داشته‌اند". شب که خورشید جهانتاب نهان از نظر است قطع این مرحله با نور مهی باید کرد.("۷) پی نوشت‌ها: ۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰ و مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۳. ۲ - محمد رضا حکیمی، خورشی مغرب، ص ۵۲ - ۵۴ و ص ۶۰. ۳ - صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۰، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲ و صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۸. ۴ - شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶ و اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۶. ۵ - سیره پیشوایان، ص ۶۹۰ و خورشید مغرب، ص ۵۴. ۶ - همان. ۷ - خورشید مغرب، ص ۵۹.

غیبت کبری امام مهدی(عج) از چه سالی آغاز شد؟

پرسش

غیبت کبری امام مهدی(عج) از چه سالی آغاز شد؟

پاسخ

از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری قمری، دورهٔغیبت صغری بود و بعد از آن غیبت کبری است. آخرین نایب خاص حضرت مهدی(عج)، ابوالحسن علی بن محمد سمری در نهم شعبان ۳۲۹ هجری از ناحیهٔ مقدسه توقیعی دریافت کرد بدین مضمون": به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. ای علی بن محمد سَمَری! خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد. تا شش روز دیگر خواهی مُرد، پس امر حساب و کتاب خود را مرتب کن و دربارهٔ جانشنی این مقام نیابت به هیچ کس وصیّت مکن تا به جای تو بنشیند؛ زیرا غیبت دومی [= غیبت کامل یا غیبت کبری] فرا رسیده است. تا روزی که خدا بخواهد، ظهوری نخواهد بود و آن پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فرا گیرد و زمین از ستم و بیداد پُر گردد. به زودی کسانی از شیعیان من ادعای مشاهده خواهند نمود. بدان هر کسی که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه [و بانگی] از آسمان، ادعای دیدن و ملاقات مرا نماید، بسیار دروغگو است. قدرت و توانمندی از آنِ خداوند بلند مرتبت است."۱ بعد از گذشت شش روز، یعنی پانزدهم شعبان ۳۲۹ علی بن محمد سمری درگذشت و از آن تاریخ به بعد، دوره غیبت کبری می باشد که دیدار با حضرت و مبادلهٔ پیام امکان ندارد. ما پیوسته باید زمینهٔ قیام و فرج حضرت را آماده سازیم و رابطهٔ معنوی را با اعطای صدقه و دعای عهد و ندبه تقویت نماییم. ۱ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۲ - ۲۴۳.

امام زمان(ع) در چند سالگی غایب شد؟

پرسش

امام زمان(ع) در چند سالگی غایب شد؟

پاسخ

امام زمان(ع) بنابر قول مشهور، در نیمهٔ شعبان ۲۵۵ ه.ق چشم به جهان گشود.[۱] پس از شهادت امام حسن عسکری(ع) مأموران عباسی به خانهٔ امام (ع) هجوم برده و در جستجوی جانشین و فرزند آن حضرت برآمدند. از این حادثه معلوم گردید که خطر جدّی، جان امام را تهدید می کرد، از این رو لازم بود وجود مقدس امام زمان محفوظ بماند تا سلسله امامت و سلالهٔ نبوّت و مصلح جهان حفظ گردد، به این خاطر امام در پنج سالگی غایب گردید. البته برای امام زمان(ع) دو غیبت وجود دارد: صغری و کبری.[۲] غیبت صغری از ۲۶۰ هجری - سال شهادت امام حسن عسکری آغاز و تا ۳۲۹ طول کشید و حدود ۶۹ سال بود. در برخی از متون مدت غیبت صغری ۷۰ و ۷۴ سال ذکر شده است.[۳] البته برای آغاز غیبت صغری، مبدأ دقیقی نیست که بتوان گفت مثلاً در فلان روز، یا فلان ساعت آغاز شده است. بعد از غیبت صغری، غیبت کبری آغاز شد که هنور ادامه دارد. [۱] ارشاد، ص ۳۴۶؛ روضه الواعظین؛ ص ۲۸۲؛ اصول کافی، ج۱، ص ۵۱۴؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۱. [۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۲۷. [۳] اعلام الوری، ص ۴۱۶.

تا کنون از غیبت امام زمان(عج) چند سال می گذرد؟

پرسش

تا کنون از غیبت امام زمان(عج) چند سال می گذرد؟

پاسخ

دورهٔ غیبت امام زمان(عج) از ۲۶۰ هجری آغاز شده است. اکنون که ۱۴۲۴ هجری قمری است، ۱۱۶۶ سال از آغاز غیبت حضرت می گذرد. از ۲۶۰ تا ۳۲۹ به مدت ۶۹ سال دورهٔ غیبت صغری و از ۳۲۹ تا کنون دورهٔ غیبت کبرا است. این در صورتی است که آغاز غیبت امام را از هنگام شهادت امام حسن عسکری(ع) و از آغاز امامت آن حضرت بدانیم، همان گونه که اکثر علمای شیعه این نظر را برگزیده اند. حال اگر آغاز غیبت حضرت را از هنگام تولد؛ یعنی ۲۵۵ هجری در نظر بگیریم، پنج سال افزوده می شود.[۱] [۱] اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۲، ص ۵۹۶.

امام زمان(عج) چند سال در حضور بود و در چه تاریخی به غیبت رفت و تا کنون حدود چند سال است که درغیبت است؟

پرسش

امام زمان(عج) چند سال در حضور بود و در چه تاریخی به غیبت رفت و تا کنون حدود چند سال است که درغیبت است؟

پاسخ

امام مهدی(عج) در نیمهٔ شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا دیده به جهان گشود[۲] و پدرش امام حسن عسکری(ع) در ربیع الاوّل سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسید[۳] که بعد از شهادت پدر دورهٔ امامت امام زمان(عج) آغاز شد. از همین زمان حضرت بنا به حکمتی از دیده ها پنهان شد. از این تاریخ تا سال ۳۲۹ هجری به مدت ۶۹ سال در غیبت صغری به سر برد[۴] و از سال ۳۲۹ هجری تا کنون؛ یعنی سال ۱۴۲۴، به مدت ۱۰۹۵ سال است که حضرت در دورهٔ غیبت کبری به سر می برد. [۲] کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۴. [۳] شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۵. [۴] سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۶ تا ۶۰۰.

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان (عج) نسبت به غیبت کبرا کم تر بود؟

پرسش

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان (عج) نسبت به غیبت کبرا کم تر بود؟

پاسخ

برادر گرامی جناب آقای عباس نظری , با سلام و احترام و ابراز تشکر از این که پرسش های خود را با مادرمیان گذاشته اید اینک پاسخ به سؤالات در مورد غیبت امام زمان (عج): چون غیبت کامل و تام , غیبت کبرا است و غیبت صغرا حالت مقدّمی و گذری دارد, آن چه که از پیش در موردغیبت امام ثانی عشر خبر داده شده بود, عمدتاً غیبت کبرا بود, چون که در این دوره است که امام مهدی (عج) به کلی از دیده ها پنهان است ; در دورهء غیبت صغرا وکیلان و نائبان حضرت می توانستند با ایشان ملاقات نمایند,حتی با واسطه کارگزاران حضرت در سازمان مخفی وکالت , برخی از شیعیان به حضور حضرت امام مهدی (عج) مشرف می شدند. تا به ولادت , امامت و حقانیت امام بیش تر ایمان آورند و شیعیان با ایمان مستحکم در دورهء غیبت کبرا قدم بگذارند. اصولاً ـ همان گونه که از نام این دو غیبت برمی آید, صغرا به معنای زمان کوتاه و کبرا به معنای زمان طولانی است و نام صغرا و کبرا بر این دو نوع غیبت با توجه به همین مسئله (زمان کوتاه و طولانی) اطلاق شده است و معنا نداشت که صغرا, طولانی شود و کبرا, کوتاه باشد. اما در توضیح مقدمه بودن غیبت صغری برای کبرا قدری به گذشته برگردیم از زمان پیامبر(ص) به بعد تا زمان امام حسن عسکری (ص) هر یک از سیزده گوهر عصمت و طهارت در مورد غیبت امام ثانی عشر بستر سازی نمودند.شیخ طوسی در این باره می گوید: . (۱ این زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت در زمان دو امام هادی و عسکری (ع) تقویت شد تا جایی که امام هادی (ص) ارتباط مستقیم خویش را با بسیاری قطع کرد و یا کاهش داد و امام عسکری (ص) از پس پرده باخواص و دیگران سخن می گفت .(۲ چون که احتجاب و غیبت ناگهانی امام معصوم (ص) می توانست وضع دشوار و غیر قابل تحملی را برای شیعه پدید آورد, می بایست شیعه از پیش آمادگی پذیرش این زمان را کسب نماید. کاهش ارتباط مستقیم دو امام هادی و عسکری (ع) با شیعیان , نیز سازمان دهی و تقویت سازمان وکالت (سازمانی مخفی که از زمان امام صادق (ص) پایه گذاری شر و تا پایان دورهء غیبت صغرا فعالیت داشت) بستر راآماده می کند تا شیعه در مواجهه با پدیدهء غیبت امام ثانی عشر به گمراهی و اعوجاج نغلتند, و اگر مشکلی پیش آید, با سازمان مخفی وکالت مرتفع گردد. با این همه تلاش , در آغاز غیبت صغرا مشکلاتی

برای شیعیان پدیدآمد. وجود دورهء غیبت که نوعی حالت برزخی و بینابین بودن دارد, این اعوجاج ها را زدود. در آغاز غیبت صغرابا تلاش های صادقانه و خالصانهء کارگزاران امام مهدی (عج) در سازمان وکالت , تمامی شک و شبهه شیعیان دربارهء ولادت و امامت امام مهدی (عج) مرتفع شد. این ها از آثار درخشان غیبت صغرا است . بنابراین غیبت صغرا مقدمه و زمینه ساز غیبت معهود الهی است ; یعنی غیبتی که دیگر امام مهدی (عج) از دیده ها به کلی پنهان می شود و شیعه در آزمایش بزرگ قرار می گیرد و مدام در حالت انتظار و آمادگی برای یاری دولت عدل مهدوی به سر می برد. غیبتی که به صورت کامل و تمام برای امام مهدی (عج) خدا مقدّر نموده , غیبت کبرا است . لیکن به جهت کاسته شدن مشکلات , غیبت صغرا به عنوان مقدمه قرار گرفته بود. بدین جهت است که زمان غیبت صغرا محدود وکوتاه بود. برای آگاهی بیش تر می توانید به کتاب تاریخ عصر غیبت , نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج) مؤلفان پور سید آقایی , جباری , عاشوری و حکیم رجوع نمایید.

آیا غیر از حضرت مهدی(عج) پیامبری هست که غایب باشد (به اعتقاد اسلام و شیعه)؟

پرسش

آیا غیر از حضرت مهدی(عج) پیامبری هست که غایب باشد (به اعتقاد اسلام و شیعه)؟

پاسخ

از متون دینی استفاده می‌شود که برخی از پیامبران همانند حضرت مسیح و خضر و الیاس و ادریس زنده‌اند. تمام مورخان اتفاق نظر دارند که حضرت خضر آب زندگی خورده و عمر جاودانه دارد. در برخی از احادیث آمده است که حضرت خضر به استقبال جنازه حضرت امیرالمؤمنین(ع) رفت و حسنین(ع) را تسلیت داد و آنان را به قبر ساخته نوح(ع) راهنمایی کرد و منزل او بیشتر مسجد صعصعه و مسجد سهله بوده و است. سید بن طاووس روایت کرده است: خضر و الیاس همه ساله در موسم حج در مکه یکدیگر را ملاقات می‌کنند و از آن جا، جدا می‌شوند تا سال بعد که به هم می‌رسند.(۱) در موضوع چگونگی رفع و عروج حضرت عیسی(ع) میان اهل نظر اختلاف است. برخی گویند: حضرت با همین جسم عنصری زنده است تا ظهور حضرت مهدی که فرود آید و با آن حضرت نماز خواند. برخی دیگر معتقدند از کلمه" متوفیک(۲") در آیه شریف استفاده می‌شود که حضرت عیسی(ع) قبض روح شده و روح او را به آسمان‌ها برده‌اند.(۳) برخی از روایات دیدگاه اوّل را تأیید می‌کند و سفارش این است که حضرت عیسی(ع) زنده است و در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) فرود می‌آید و پشت سر حضرت مطابق سنّت او نماز نمی‌خواند.(۴) اهل سنّت نیز در این موضوع با شیعه اتفاق نظر دارند و گفته‌اند: آن گاه که عیسی(ع) فرود آید، هیچ یک از سنّت‌های حضرت محمّد(ص) را نسخ نخواهد کرد و در هنگام نماز، از امامی که از امّت محمّد(ص) است جلو نمی‌افتد، بلکه او را مقدّم داشته و پشت سر او نماز می‌خواند.(۵) برخی از مورخان با توجه به آیه شریفه" و رفعناه مکاناً علیّاً(۶") معتقدند که حضرت ادریس(ع) نیز زنده است و گفته‌اند که بعد از ۳۵۶ سال زندگی در دنیا، او را همانند حضرت عیسی(ع) به آسمان‌ها برده‌اند.(۷) در نتیجه ممکن است گفته شود: زنده بودن این پیامبران نوعی" غیب "محسوب می‌شود که خداوند از آن ها آگاهی داشته و ما با قاطعیت نمی‌توانیم در مورد آن‌ها اظهار نظر کنیم. از نظر اسلام به نحو قطعی تنها غایبی که مصلح کل است و جهانیان منتظر ظهور او هستند که زمین پرشده از ظلم و جور را، پر از عدل و داد کند، حضرت مهدی (عج) است. پی نوشت‌ها: ۱. قصص الأنبیاء، عمادزاده اصفهانی، انتشارات

اسلام، جزء اوّل، ص ۳۴۳- ۳۴۲. ۲. آل عمران (۳) آیه ۴۹. ۳. قصص الأنبیاء، جزء دوم، ص ۷۳۶ - ۷۳۵. ۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، جزء ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷ و ص ۳۳۲- ۳۳۲، ح ۱۷. ۵. تأویل مختلف الحدیث، عبداللّه بن مسلم بن قتیبهٔ، چ دارالجیل، بیروت، ص ۱۸۸. ۶. مریم(۱۹) آیه ۵۷. ۷. قصص الأنبیاء، جزء اوّل، ص ۱۹۰؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۹۸.

در روایت و تفاسیر آمده که حضرت مهدی در چاهی در بغداد و چاهی در جمکران غایب شده است. بالاخره حضرت در کجا پنهان شده است؟

پرسش

در روایت و تفاسیر آمده که حضرت مهدی در چاهی در بغداد و چاهی در جمکران غایب شده است. بالاخره حضرت در کجا پنهان شده است؟

پاسخ

این نگرش که امام زمان (ع) در چاهی در جمکران غایب شده است، قابل قبول نبوده و فاقد دلیل و روایت بوده و داده های تاریخی بر آن دلالت ندارد. مسجد جمکران به دستور امام زمان ساخته شده ، حرمت و قداست آن از همان جهت است، نه بدان جهت که حضرت در مسجد جمکران پنهان شده است. مسجد جمکران در سال ۳۷۳ هجری ساخته شده است، یعنی در دوران غیبت امام زمان. بنابراین معنا ندارد که امام زمان از آنجا یا چاه آن (که بعد از ساختن مسجد، درست شده است) غایب شده باشند. از بعضی متون استفاده می شود که یکی از راه های ارتباط با امام (ع) نوشتن نامه و انداختن آن در نهر آب و چاه است.(۱) چاه مسجد جمکران بر این مبنا ساخته شده تا مردم با انداختن نامه در آن مشکلات خویش را با امام درمیان می گذارند. این نگرش که امام در چاهی که در بغداد است، غایب شده است، نیز دلیل معتبر نداشته و داده های تاریخی بر آن دلالت ندارد. در این که امام زمان (ع) در کجا غایب شده ، اختلاف نظر است.(۲) آنچه که به واقع نزدیک تر است آن می باشد که حضرت بعد از نماز گزاردن بر بدن پدر و دفن حضرت، وارد منزل شد و دیگر حضرت را در اجتماع و جمع ندیدند. (۳) در ضمن منزل امام در سامراء بود، نه در بغداد. پی نوشت ها : ۱ - منتهی الآمال، ج۱ - ۲، ص ۴۹۱. ۲ - دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص ۲۳۵. ۳ - تاریخ عصرغیبت، ص ۱۷۷.

غیبت صغری و کبری و فرق میان آنها را بیان کنید ؟

پرسش

غیبت صغری و کبری و فرق میان آنها را بیان کنید ؟

پاسخ

زمان غیبت صغری کوتاه و در طول مدت آن تماس امام با مردم بوسیله چهار نفر(عثمان بن سعید - محمد بن عثمان بن

سعید – حسین بن روح – علی بن محمد سمری)که یکی پس از دیگری به سمت نیابت خاص مفتخر می شدند , برقرار می گردید . ولی غیبت کبری مدتش طولانی است تا روزی که جامعه بشری آماده پذیرش حکومت الهی جهانی شود وبه امر خدای متعال ظهور فرماید .

آیا امام زمان(عج) در سن ۷۵ سالگی به شکل و هیأت یک فرد ۷۵ ساله، غیبت کبرای خویش را آغاز نموده اند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) در سن ۷۵ سالگی به شکل و هیأت یک فرد ۷۵ ساله، غیبت کبرای خویش را آغاز نموده اند؟

پاسخ

در روایات اشاره‌ای به این مطلب نشده، و تنها گفته شده است که آن حضرت در قیافهٔ شخص سی ساله یا چهل ساله ظهور می‌کند. بلی، ثبوتاً ممکن است در موقع غیبت در قیافهٔ شخص ۷۵ ساله غایب شده باشند، و نیز ممکن است در غیر این قیافه غایب شده باشند.

آیا موضوع غیبت امام زمان‌علیه‌السلام ساخته عثمان بن سعید است؟

پرسش

آیا موضوع غیبت امام زمان‌علیه‌السلام ساخته عثمان بن سعید است؟

پاسخ

برخی می گویند: موضوع غیبت امام زمان (ع) ساخته برخی از اصحاب خصوصاً عثمان بن سعید (نایب اول امام زمان (ع)) است. اوّل کسی که به موضوع غیبت امام زمان (ع) اشاره کرد رسول گرامی اسلام (ص) وسپس امیرالمؤمنین (ع) وسایر امامان بوده است. آنان غیبت او را پیش‌بینی کرده ووقوع آن را به مردم گوشزد کرده‌اند. پیامبر اکرم (ص) فرمود": سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهدی که به او می‌رسد غایب می‌شود، به طوری که بیشتر مردم خواهند گفت: خداوند به آل محمّد نیازی ندارد ودیگران در اصل تولّد او شک می کنند، پس هرکس زمان غیبت را درک کرد باید دینش را نگهداری کند. {"...پاورقی . اثباة الهداة، ج ۶، ص ۳۸۶. پاورقی} اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که فرمود": آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می‌شود که شخص نادان خواهد گفت: خدا به آل محمّد احتیاجی ندارد. {"پاورقی . همان، ص ۳۹۳. پاورقی} امام صادق (ع) فرمود": اگر خبر غیبت امام خود را شنیدید انکار نکنید. {"پاورقی . همان، ص ۳۵۰. پاورقی} لذا موضوع غیبت امام زمان (ع) آن چنان بین شیعیان شایع ورایج بود که شعرا در شعرهایشان ومؤلّفان در کتاب‌ها به آن پرداخته‌اند. از جمله کسانی که قبل از ولادت امام زمان (ع) در مورد غیبت حضرت مهدی (ع) تألیف داشته‌اند عبارتند از: ۱ – علی بن حسن بن محمّد

طائی طاطری از اصحاب موسی بن جعفر (ع). {پاورقی . رجال نجاشی، ص ۱۹۳. پاورقی} ۲ – علی بن عمر اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع). {پاورقی . همان، ص ۱۹۴. پاورقی} ۳ – ابراهیم بن صالح از اصحاب حضرت موسی بن جعفر (ع). {پاورقی . همان، ص ۲۸. پاورقی} ۴ – حسن بن علی بن ابی‌حمزه، معاصر امام رضا (ع). {پاورقی . همان. پاورقی} ۵ – عباس بن هشام ناشری اسدی، از اصحاب امام رضا (ع). {پاورقی . همان، ص ۲۱۵. پاورقی} ۶ – علی بن حسن بن فضال از اصحاب امام هادی وعسکری (علیهما السلام). {پاورقی . همان، ص ۱۹۵. پاورقی} ۷ – فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب آن دو امام (علیهما السلام). {پاورقی . همان، ص ۲۳۵. پاورقی}

عصر غیبت کبرا چه خصوصیات ویژه‌ای دارد؟

پرسش

عصر غیبت کبرا چه خصوصیات ویژه‌ای دارد؟

پاسخ

عصر غیبت کبرا زمانی است که با انتهای غیبت صغرا شروع شده است. انتهایی که توسط اعلان امام زمان (ع) در سال ۳۲۹ هجری صورت گرفت. حضرت در نامه‌ای به علی بن محمّد سَمَری از انتهای سفارت وشروع غیبت کبرا خبر داد. عصر غیبت کبرا دارای شرایط وخصوصیاتی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – مسلمانان در این عصر در ظاهر از رهبر وامام خود جدا شده‌اند، واو را نمی‌بینند ویا اگر می‌بینند او را نمی‌شناسند. واین حکم کلّی برای عموم شیعیان است، گر چه ممکن است برخی به جهت مصالحی، مشرف به لقای حضرت شوند. ۲ – گسترش ظلم وستم در روی زمین، نیز از ویژگی‌های عصر غیبت کبرا است. وبا این ویژگی، بین این زمان وعصر حکومت اسلامی در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) تمییز داده می‌شود. ۳ – تأکید الهی بر امتحان امّت اسلامی در عصر غیبت کبرا؛ زیرا در این عصر مردم با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهند بود از قبیل: الف. گسترش فساد وفحشا در جامعه اسلامی و جهان. ب. انواع فشارهای سیاسی ومشکلات که در راه پذیرش حقّ وایمان است. ج. مواجهه انسان با انواع شبهات در وجود امام زمان (ع). در نتیجه مشاهده می‌کنیم که امامان: تأکید فراوانی بر این موضوع مهم داشته‌اند. همان گونه که از حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت شده که فرمود": إذا فقد الخامس من ولد السابع، فاللّه اللّه فی أدیانکم لایزیلکم عنها أحد، یا بنیّ! إنّه لابدّ لصاحب هذا الأمر من غیبة حتّی یرجع عن هذا الأمر من کان یقول به، إنّما هی محنة من اللّه عزّوجلّ امتحن اللّه بها خلقه؛" ... "هر گاه پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شد، پس خدا را، خدا را در ادیانتان، مواظب {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲. پاورقی} باشید که معتقدات شما را زایل نکنند، ای فرزندم! به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است به حدّی که معتقدان به آن، از این امر رجوع می‌کنند، واین محنتی است که خداوند به واسطه آن خلقش را امتحان می‌کند."...

آیا این گونه غیبت در بین انبیا هم سابقه داشته است؟

پرسش

آیا این گونه غیبت در بین انبیا هم سابقه داشته است؟

پاسخ

غیبت ودوری حجّت خدا از بین مردم امری تازه وجدید نیست که در این امّت آن هم در آخرین وصیّ پیامبر خاتم (ص) تحقق پیدا کرده باشد، بلکه سنتی الهی بوده که حتی در بین انبیا نیز پیدا شده است. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – حضرت ادریس(ع) مطابق برخی روایات، ادریس پیامبر به جهت مشاجره‌ای که بین او وجبّاران زمانش ایجاد شد، بیست سال از میان امتش غایب شد ودر کوه‌ها وغارها به سر می‌برد. خداوند ملکی را موکّل بر او نموده بود تا هنگام غروب آفتاب افطاری او را حاضر کند... . {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۱ ؛ سعد السعود، ص ۱۲۵. پاورقی} ۲ – حضرت صالح (ع) صدوق؛ به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": إنّ صالحا (ع) غاب عن قومه زمانا، وکان یوم غاب عنهم کهلا... فلمّا رجع إلی قومه لم یعرفوه بصورته"؛ "...همانا صالحپاورقی} . کمال الدین، ص ۱۳۶ù۱۳۷. پاورقی} مدتی از قومش غایب شد. هنگام غیبت پیرمردی بود... ووقتی که به قومش بازگشت کسی او را به چهره نمی‌شناخت. "...۳ – حضرت ابراهیم (ع) حضرت ابراهیم (ع) نیز بنابر نقل روایات، مدّتی از ابتدای ولادت تا سال‌های زیادی مخفی بود وامر خود را کتمان می‌کرد تا آنکه خداوند او را مأمور به ابلاغ رسالتش نمود.{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۸. پاورقی} ۴ – حضرت موسی (ع) صدوق نقل می‌کند... ": حضرت موسی (ع) از شهر مصر به مدین فرار کرده، در آنجا مدّت زیادی نزد حضرت شعیب (ع) اقامت نمود.{"...پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۴۵. پاورقی} ۵ – حضرت شعیب (ع) مجلسی به سندش از امام علی (ع) نقل کرده که فرمود": إنّ شعیبا النبی (ع) دعا قومه إلی اللّه حتی کبر سنّه، ودقّ عظمه، ثمّ غاب عنهم ما شاء اللّه، ثمّ عاد إلیهم شابّا"؛ "شعیب پیغمبر{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۲، ص ۳۸۵، ح ۱۰. پاورقی} قومش را به سوی خدا دعوت کرد تا پیر شد واستخوان‌هایش ضعیف شد. آن گاه تا مدّتی که خواستِ خدا بود از میان مردم غایب شد وسپس در حالی که جوان شده بود به سوی آنها بازگشت. "...۶ – حضرت الیاس (ع) قطب راوندی نقل می‌کند که حضرت الیاس (ع) از میان قومش هفت سال غایب شد، در آن مدّت در صحراها وبیابان‌ها متواری بود.{پاورقی . قصص راوندی، ص ۲۴۸. پاورقی} ۷ – حضرت دانیال نبی (ع) صدوق؛ می‌گوید": دانیال نبی ۹۰ سال از میان قومش غایب واسیر دست بخت‌النصر بود وپیروانش همگی در این مدّت انتظارش را می‌کشیدند.{"پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۰. پاورقی} ۸ – حضرت عیسی (ع) حضرت عیسی (ع) دو نوع غیبت داشته است: یکی در مدّت ۱۲ سال در سرزمین‌های شام ومصر ودیگر از هنگامی که خواستند او را به دار آویزند، تا هم اکنون که بیش از دو هزار سال از عمر او می‌گذرد وهنوز زنده است. وی هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) برای تشکیل حکومت عدل جهانی ایشان را مساعدت خواهد نمود.

اداره جامعه در زمان غیبت

آیا راویان حدیث که درنامه امام زمان (عج) به نائب ایشان قید شده است وشرائط فقیه جامع الشرایط می تواند دریک زمان ویک مکان برچند نفر صدق کند واگر این چنین است این امر موجب تفرقه دربین مسلمین درفراردادهای اجتماعی نمی شود.

پرسش

آیا راویان حدیث که درنامه امام زمان (عج) به نائب ایشان قید شده است وشرائط فقیه جامع الشرایط می تواند دریک زمان ویک

مکان برچند نفر صدق کند واگر این چنین است این امر موجب تفرقه دربین مسلمین درفراردادهای اجتماعی نمی شود.

پاسخ

دراینکه آیا شرایط فقیه جامع الشرایط برچند نفر صدق کند یا خیر ؟ جواب مثبت است یعنی می شود که دریک زمان ویک مکان چند نفر دارای چنین شرایطی باشند واین هیچ مشکلی پدید نمی آورد وبلکه یک مسئله کاملاً عادی است مثل اینکه درجامعه ماچندین پزشک متخصص قلب ویا مغز و۰۰۰ وجود دارد وهمه دارای مهارت خاصی هستند ومثل هم می باشند وهیچ مسئله ای پدید نمی آید چون اگر بگوئیم که یک نفرباشد کافی است این خلاف عقل است که بخواهیم تمام مردم جامعه را به سمت یک نفر هدایت کنیم وبگوئیم همه دراین بیماری به یک پزشک که موجود است مراجعه کنند وچون چنین فردی هست دیگر لازم نیست بقیه درس بخوانند وبه این مقام ورتبه برسند چون یک پزشک جوابگوی همه نیست واز طرف دیگر راه درس خواند وآموزش علمی برای همه باز است وهمه می توانند از این موقعیت استفاده کنند وبه این رتبه دست پیدا کنند درمورد مجتهدین وفقهاءنیز چنین است که همه مردم می توانند درس بخوانند وبه این مقام برسند ونمی توان گفت باوجود یک فقیه دیگر نیاز جامعه برطرف شده ودیگران نباید چنین کاری را انجام دهند . اما مسئله مهم این است چنانچه شما درسؤال مطرح فرموده اید آیا این امر باعث تفرقه می شود یا خیر؟ جواب اینست که باعث تفرقه نخواهد شد چون درامور حکومتی ولی فقیه وجود دارد ودرجایی که فقهاء دریک حکم حکومتی نظراتشان متفاوت باشد نظر حاکم شرع (ولی فقیه) شرط است ، اما درمسائل دینی ، هرفردی وظیفه ای دارد وآن هم اینست که از فقیه جامع الشرایط اعلم تبعیت وتقلید کند . پس باوجود این قید یعنی اعلم بودن فقط درواقع یک نفر است که باید از او تبعیت کرد. اما چرا مردم از افراد متفاوت تبعیت می کنند علت اینست که مردم درتشخیص اعلم آزاد هستند گاهی شخص با تحقیقاتی که انجام می دهد اعلم را شخصی ودیگری اعلم را شخص دیگر تشخیص می دهد ، اشکال که نداردبلکه دلیل برپویایی دین اسلام است که راه مسدود نیست ومختص به یک عصر وزمان خاص نیست بلکه با تحقیق ودرس خواندن وپژوش درکلام ائمه (ع به مطالب جدید ونوینی دست پیدا می کند . لذا احکام بیان مراجع متفاوت است واین اختلاف ضرری به اصل اسلام ودین نمی زند ، مثلاً درتعضی از احکام جزئی نماز ، دومرجع با هم تفاوت نظر دارند اما هیچ کدام دراصل آن شبه وشک وارد نکرده اند واین اختلاف باعث تفرقه بین مؤمنین نمی شود گرچه حقیقت یکی است وقطعاً یکی از این دو مرجع اشتباه کرده ولی برای افرادی که از آنها تقلید می کنند هیچ اشتباه وگناهی نیست چون آنها طبق وظیفه خودشان که درعصر غیبت باید به مرا جع رجوع کنند عمل کرده اند وآن مرجعی که درآن حکم اشتباه کرده طبق یک قاعده اصولی (درمطالب دینی) مجزی وثواب می برد چون او تفحص وتحقیق کرده وبه این نتیجه دست پیدا کرده است پس بخاطر این عمل او وتحقیق وبررسی کرده وخواسته که به حق برسد وبه نظر خودش هم به حق رسیده خداوند به او پاداش خواهد داد. لذا این اختلافها هیچ کدام باعث تفرقه نخواهد شد ومهمترین جایی که امکان اختلاف باشد احکام حکومتی است که باوجود ولی فقیه این مشکل هم حل خواهد شد . پس هیچ جایی هم برای اختلاف وتفرقه دربین مؤمنین باقی نخواهد ماند.

با توجه به احتمال خطای مراجع تقلید، چرا ما از داشتن امام حاضر در زمان غیبت محروم هستیم؟

پرسش

با توجه به احتمال خطای مراجع تقلید، چرا ما از داشتن امام حاضر در زمان غیبت محروم هستیم؟

پاسخ

به نظر می‌رسد توجه به چند مطلب برای پاسخ به سؤال شما لازم است: مطلب اول) ائمه اطهار(ع) یکی از مهمترین وظایف خود را در دوران حضور خود به انجام رساندند. و غیبت امام زمان(عج) خللی به انجام آن وظیفه وارد نکرده است. آن وظیفه عبارت است از تبیین دین به گونه‌ای که دین را مصون از تحریف نگاه دارد. توضیح این که: ۱. دین خاتم باید به گونه‌ای تبلیغ شود و دارای ویژگی‌هایی باشد که مانند ادیان پیشین مصون از تحریف بماند. چرا که در غیر این صورت همان فلسفه‌ای که باعث تجدید ارسال انبیا شده است پس از دین خاتم نیز وجود خواهد داشت. ۲. ائمه اطهار(ع) در طول تاریخ حیات طبیعی خود سه عمل را انجام دادند که باعث مصونیت دین از تحریف می‌شود: اول این که سنت پیامبر اکرم(ص) را آن گونه که بود بیان کردند، دوم این که روش فهم دین از کتاب و سنت را ـ که همان اجتهاد است ـ آموزش دادند؛ و سوم این که کسانی را که صلاحیت چنین فهمی دارند به مردم معرفی کردند. و مردم را در زمان غیبت به آنها ارجاع دادند. ۳. ائمه اطهار(ع) با انجام این سه عمل، یکی از شؤون و وظایف خود را ـ که تبیین دین است ـ به اتمام رساندند. شؤون دیگر آنان عبارت است از رهبری امت و ولایت تکوینی (یعنی واسطه‌ی فیض بین خالق و مخلوق). از این دو شأن شأن ولایت تکوینی ارتباطی به حضور و غیبت ندارد و امام معصوم(ع) همان گونه که در زمان حضور ولایت تکوینی دارد و واسطه‌ی فیض خداوند به مخلوقات است در زمان غیبت هم چنین است. و شأن رهبری امت نیز به نواب عام آنان یعنی فقهای جامع الشرایط سپرده شده است. مطلب دوم) از مطلب اول به دست آمد که فقهای امت، دو شأن از شؤون امامت را ادامه می‌دهند. یکی تبیین احکام دین که از طریق همان روش آموزش داده شده توسط معصومان(ع) انجام می‌شود و دیگری رهبری امت. در هر دو شأن فقیه بر اساس آنچه از قرآن و سنت و عقل از اسلام برداشت می‌کند عمل می‌کند. تعالیم اسلام در این دو زمینه یقینا کامل است چرا که خاتمیت چنین کمالی را اقتضا می‌کند. مشکلی که شاید در این زمینه پدید آید، و شاید سؤال شما نیز درباره‌ی همین مشکل باشد، این است که فقیه، معصوم از خطا نیست و ممکن است در استنباط حکم شرعی از قرآن و سنت و عقل و یا در رهبری امت خطا کند. آیا همین امکان خطای او باعث نمی‌شود وجود امام معصوم(ع) ضروری باشد و غیبت آنان خلاف فلسفه‌ی اصلی امامت باشد؟ مطلب سوم: امامان معصوم(ع) وظیفه خود را در تبین دین و حتی آموزش روش‌های کلی رهبری امت انجام داده‌اند و بی‌شک اگر غیبت رخ نمی‌داد و امام معصوم(ع) خودش رهبری امت را نیز به دست می‌گرفت وضعیت مطلوبی بود اما دو نکته می‌تواند به سؤال یاد شده پاسخ دهد. نکته اول: امامت از دیدگاه شیعه جزء اصول عقاید است نه فروع دین. از بین سه شأن امامت (یعنی تبیین دین، رهبری امت و ولایت تکوینی) کدام یک از آنها جزء اصول عقاید است؟ به نظر می‌رسد شأن تبیین دین و ولایت تکوینی امام یقینا جزء اصول عقاید است چرا که از اموری است که مستقیما به عقیده‌ی انسان مربوط است یعنی من باید معتقد باشم که امام مبین این است و کلام او بر من حجت است و ولایت تکوینی امام معصوم(ع) نیز از اموری نیست که مستقیما به عمل مکلفین مرتبط باشد. ولی شأن رهبری او مانند امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین است. یعنی بر او واجب است که امت را رهبری کند و بر مردم تحت رهبری او واجب است که رهبری او را بپذیرند. پس تأکید شیعه بر مسأله امامت به عنوان اصول دین مربوط به دو شأن تبیین دین و ولایت تکوینی است. و غیبت امام زمان(عج) هیچ دخلی به این دو وظیفه نزده است. بله مسأله‌ی امامت به عنوان رهبری است اسلام با غیبت امام زمان(عج) دچار لطمه‌ای بزرگ شده است، اما آنان در این زمینه هم جانشینانی را برای خود معرفی کرده‌اند و روش‌هایی را برای رهبری امت آموزش داده‌اند. یعنی هم سؤال چگونه باید رهبری کرد و هم چه کسی باید رهبری کند را پاسخ گفته‌اند. وظیفه‌ی بزرگ انسان در دوران غیبت تلاش همه جانبه در راه

بهتر شناختن اسلام و بهتر عمل کردن به آن است. نکته دوم: گفته شد، شأن رهبری امامت، با غیبت امام زمان(عج) از رهبری امام معصوم به رهبری فقیه جامع الشرایط منتقل شده است. و انشاء الله با ظهور آن حضرت دوباره به رهبری امام معصوم(ع) باز گردد. فلسفه‌ی غیبت امام زمان(عج) چه آزمایش انسان باشد، و چه عدم قابلیت امت برای امامت معصوم، و چه هر دو، در این نکته فرقی نمی‌کند که وظیفه ما در زمان غیبت عمل به فرامین اسلام است و اسلام روش خاصی را در شناخت فروع دین ـ که در غالب اجتهاد مصطلح متبلور است ـ آموزش داده است. یعنی تنها مسیر شناخت احکام اسلام همین راه است و خود مجتهد و مقلدان او احکام اسلام را از همین راه می‌شناسند. گرچه ممکن است مجتهد در عمل به این روشِ شناخت، در یک یا دو مورد خطا کند و حکم واقعی اسلام را در نیابد اما همگان به یقین می‌دانند چون اسلام را از همان روشی که خدا آموزش داده است دریافته‌اند، اولاً: احکام به دست آمده از آن، بیشترین و مهمترین احکامی از اسلام است که بشر در دوران غیبت امام معصوم(ع) امکان شناخت آن را دارد؛ و ثانیا اعتقاد به آن احکام و عمل به آنها می‌تواند در مجموع انسان را به سعادتی که مورد نظر خداوند است برساند و ثالثا: در مواردی که مجتهد خطا کرده است، نه تنها پاسخی عذر آور در برابر محاسبه‌ی اخروی الهی به شمار می‌رود، بلکه انقیاد او نسبت به احکام به دست آمده از روش اسلامی، برای او استحقاق پاداش را به ارمغان می‌آورد. این مطلب ـ که در علم اصول فقه در مباحث، منجزیت و معذریت حکم ظاهری، و جمع بین حکم ظاهری و واقعی، و حرمت تجری و استحقاق ثواب انقیاد مطرح می‌شود ـ می‌تواند رهبری جامع الشرایط را با شیوه‌های رهبری به دست آمده از همین روش اجتهاد توجیه کند. یعنی اگر در جامعه‌ای فقیه جامع الشرایطی رهبری امت را به دست گیرد و مردم نیز وظیفه‌ی خود را در قبال این رهبری (اطاعت و نصیحت) انجام دهند. و شیوه‌ی رهبری او برگرفته از تعالیم اسلام و از همین روش اجتهاد باشد، یقینا جامعه‌ای رو به سعادت خواهد بود و بیشترین و مهمترین اهداف اجتماعی اسلامی در آن محقق خواهد شد و خطاهای آنان نه تنها پاسخی عذرآور نزد خداوند متعال دارد، بلکه به دلیل روح انقیاد استحقاق ثواب را نیز به همراه دارد.

آیا روایات مستندی مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت داریم؟

پرسش

آیا روایات مستندی مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت داریم؟

پاسخ

ضرورت وجود حکومت در هر جامعه‌ای، امری بدیهی است و همواره مورد تأیید مکاتب و نظام‌های گوناگون بوده است. پژوهش‌های جامعه شناسان، نشان می‌دهد که تشکیل دولت و حکومت، همیشه و در همه شرایط یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر عقلی و فطری بوده است و نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود. بشر مدنی بالطبع است و تنها در سایه یک زندگی اجتماعی و تشکیلات منسجم سیاسی ـ که در آن حقوق انسان‌ها محترم شمرده می‌شود ـ می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. در غیر این صورت زندگی بشری، شکل انسانی و معقولی نخواهد داشت؛ بلکه هرج و مرج و بی‌نظمی، حفظ و بقای اجتماع و حقوق افراد را با خطر مواجه خواهد ساخت. اسلام، دین فطرت و عقل است و بر اساس خواسته‌ها و نیازهای فطری، معقول و منطقی انسان نازل شده است. در این دین این ضرورت عقلی و فطری به خوبی درک شده و وجود حکومت ـ به عنوان یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان و جامعه‌ی انسانی

ـمورد تصـدیق و تأییـد قرار گرفتـه و برای آن شـرایط و ویژگی‌هـای مشـخص شـده است. بر اسـاس این نیـاز فطری و عقلی پیـامبر اسـلام(ص) پس از هجرت به شـهر مـدینه، بلاـ فاصـله شالوده تشـکیل حکومت اسـلامی را پی ریزی می‌کرد و تشـکیلات سیاسـی ـ حکومتی ایجـاد کرد. امام علی(ع) در سـخن مشـهور خویش این ضـرورت را چنین گوشـزد می‌نمایـد: H{لابـد لنـاس من امیر برّ او فاجر...}H؛ M{مردم ناگزیر نیازمنـد به امیـد و حاکم‌انـد؛ چه نیکوکار و چه زشـتکار...}M. در اندیشه سیاسـی اسـلام، برای اثبات ضرورت تشـکیل حکومت اسلامی، به ادله‌ی متعدّد عقلی، آیات و روایات استناد شده است. اگر بخواهیم از منظر روایات این مسأله را بررسـی کنیم، با دو دسـته از روایات و احادیث رو به رو می‌شویم: یکم. روایاتی که بر ضـرورت تشـکیل حکومت اسلامی در هر زمـانی ـ اعم از زمـان حضور معصوم(ع) و یـا غیبت ـ تأکیـد دارد. برای آشـنایی مفصـل بـا این روایـات، تصویر صـفحاتی از کتـاب حکـومت اسـلامی (عبدالمحمـد حسـنی، مرکز مطالعـات و تحقیقـات حوزه نماینـدگی ولی فقیه، چـاپ اول، تابسـتان ۱۳۷۶) ارسال می‌گردد. دوم: روایاتی که به صورت خاص، در مورد شـرایط و ویژگی‌های حاکم اسلامی در زمان غیبت صادر شده است. مجموع اینها دلالت بر نصب عام فقیه واجد الشرایط، در زمان غیبت معصوم(ع)، برای اداره و رهبری جامعه‌ی اسلامی از سوی امامان و لزوم قیـام برای تشـکیل حکومت از سوی فقیهـان و ضـرورت همکـاری و اطـاعت مردم از ایشـان دارد. در این زمینه، تصویر صـفحاتی از مأخذ یاد شده ارسال می‌گردد. این روایات معتبر بوده و از گذشـته‌های بسیار دور، مورد استناد فقهای زیادی (مانند شیخ مفید، شیخ طوسـی، دیلمی، فاضـل، شـهیدین، محقق نراقی، صاحب جواهر و...) قرار گرفته است. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: ۱. ولایت فقیه، امام خمینی(ره)، مؤسـسه تنظیم و نشر آثار امام(ره). ۲. دین و دولت در اندیشه اسـلامی، محمد سـروش، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. ۳. جعفر سبحانی، حکومت اسلامی، انتشارات توحید، انتشارات یاسر. ۴. انقلاب جهانی مهدی(ع)، محمدی ری شهری، ۱۳۶۰.

اگر براسـاس دلیـل عقلی امام معصوم بایـد زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم«علیه السـلام» در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می‌تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم«علیه السلام» داشته باشیم؟

پرسش

اگر براسـاس دلیـل عقلی امام معصوم بایـد زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم«علیه السـلام» در رأس حکـومت نیسـت و اگر فقیـه عـادل هـم می‌توانـد حکـومت را بـه دسـت گیرد پس از اصـل نبایـد دلیلی بر لزوم امـامت امـام معصوم«علیه السلام» داشته باشیم؟

پاسخ

دلیلی که نیازمندی جامعه را به امام اثبات می‌کند همان دلیلی است که لزوم وجود پیامبر را اثبات می‌کند و دلیل در این مورد قاعده لطف است بـدین معنی که آفرینش آنـان از روی لطف و عنـایت وی سرچشـمه گرفته است و لطف خـدا ایجاب می‌کنـد که برنامه برای آنان بفرسـتد و آنان را در وظایف خویش سرگردان نگذارد. و همانگونه که مردم بدون پیامبر از نظر برنامه سرگردان می‌مانند و نمی‌توانند عوامل سـعادت و خوشبختی خویش را به درستی بفهمند بدون امام هم نمی‌توانند به درستی جزئیات سعادت خویش را در زنـدگی رهنمون گردنـد. بنابراین لطف ایجاب می‌کنـد که خداوند شخصـی را بنام پیشوا و زعیم و رهبر پس از پیامبر برای آنان برگزینـد در اینجـا این سـخن پیش می‌آیـد که پس چرا خداونـد امـام را غایب قرار داده است و چگونه این با دلیل مـذکور سازگار

است؟ پاسخ این است که علّت غیبت امام زمان آمده نبودن زمینه برای حکومت آن حضرت است و به عبارت روشن‌تر خداوند باعث نشده که امام زمان غایب گردد تا با لطف وی ناسازگار باشد بلکه چنان که محققین یادآور شدند این ماییم که زمینه را برای غیبت وی آماده ساختیم و آنگاه که جهان خواستار حکومت وی گردد و آمادگی برای این مسئله در بشریّت به وجود آید وی به اذن خدا ظاهر گشته و عدالت و سایر دستورات الهی را در جامعه انسانی گسترش می‌دهد آن وقت این سخن پیش می‌آید که حال که اما زعیم کنونی به حسب ظاهر نیست چه کسی باید متصدّی زعامت شود؟ روشن است که در این صورت شایستگی فقهای عادل برای این مسئله بیش از دیگرانست و بر این اساس از ناحیه آن حضرت دستور داده شده که مردم در تکالیف خویش به فقهاء و مراجع دینی توجّه کنند و در حل اختلافات خویش آنان را حاکم قرار دهند. « بخش پاسخ به سؤالات »

همان دلیلی که ایجاب می‌کرد خداوند پس از پیامبر یک رهبر معصوم برای امّت اسلامی قرار دهد پس از غیبت امام زمان نیز ایجاب می‌کند بنابراین چرا امام زمان«علیه السلام» غایب است؟

پرسش

همان دلیلی که ایجاب می‌کرد خداوند پس از پیامبر یک رهبر معصوم برای امّت اسلامی قرار دهد پس از غیبت امام زمان نیز ایجاب می‌کند بنابراین چرا امام زمان«علیه السلام» غایب است؟

پاسخ

لزوم تعیین یک رهبر معصوم به اقتضای لطف و مهر گسترده‌ی خدا در مورد تربیت مردم به سوی کمالات آنان است و این برهان ایجاب می‌کند که خداوند رهبر معصوم را معرّفی و تعیین کند و اقتضای این دلیل این نیست که خداوند از تمام جهان یک رهبر را بر سرتاسر جهان مسلّط کرده و دیگران را به طور اجبار مقهور و مغلوب قرار دهد بلکه پذیرش رهبر و پیروی از وی و تسلیم در برابر حکومت وی باید از ناحیه‌ی مردم صورت گیرد. پس از درگذشت پیامبر اسلام گرچه خداوند رهبر مسلمانان را معرّفی و تعیین کرده بود ولی آنان زیر بار حکومت وی نرفتند و بر خداوند هم دیگر لازم نبود که آن حضرت را به قهر و غلبه بر آنان مسلّط نماید. در زمان غیبت هم خداوند رهبر شیعه را توسط پدر بزرگوارش حضرت عسکری و اجداد بزرگوارش معرّفی فرموده بود ولی مردم پذیرای حکومت و خلافت آن حضرت نبودند گذشته از مصالحی که در غیبت آن حضرت وجود داشت و آنگاه که ظلم و بیداد در جهان گسترش یابد و جهان بشریت خویشتن را نیازمند حکومت عدل وی ببیند و ناتوانی خویش را از اداره‌ی امور احساس نماید خداوند امام زمان را ظاهر می‌کند و حکومت عدل و داد را به دست توانای او در جهان مستقر می‌سازد. « بخش پاسخ به سؤالات »

با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان«علیه السلام» در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پرسش

بـا اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشـکیل یک مـدی.....فاضـله است چگونه امام زمان«علیه السلام» در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پاسخ

اوّلاً مسئله امامت تنها مربوط ب...جنبه‌های رهبری اجتماعی و بیان احکام و تشکیل مدینه فاضله ...Ə.....بلکه امام از نظر نظام آفرینش و تکوین هم در جهان مؤثّر است و اساساً واسطه فیض بین آفریـدگار و آفریده‌ها است و جمله معروف «لولا الحجه لساخت الارض باهلها؛ اگر حجّت نباشد زمین اهل خودش را فرو می‌برد» مربوط به همین مسئله نقش تکوینی امام در جهان است. ثانیاً خداوند امام را برای تشـکیل مـدینه فاضـله و جامعه ایده‌آل قرار داده است و به اصـطلاح علم کلام امام لطفی است از جانب پروردگار و این در صورتی است که جامعه انسانی آماده پـذیرائی این لطف باشـد و از این هـدف بزرگ اسـتقبال کند امّا اگر انسانها خواهان حکومت صلـح وعـدلی که در پرتو وجود امـام تشـکیل می‌شود نباشـند در این صورت لازم نیست که امـام نقشه‌های خود را با زور و جبر به صورت اعجاز غیر طبیعی عملی سـاخته و چنـان حکومتی را در جـامعه بشـری مسـتقر سـازد. بنـابراین غیبت امام زمان«علیه السـلام» مربوط به خود مـاست و در آن هنگـام که جـامعه بشـر خواسـتار چنـان حکومتی شود و زمینه برای ظهور امام فراهم گردد امام ظاهر خواهـد شـد و حکومت واحـد جهانی را در جهان به وجود خواهد آورد. ثالثاً غیبت امام مسـتلزم قرار دادن شـیعه در تخدیر نیست و اتّفاقاً مطلب به عکس است زیرا اگر جـامعه در پرتو رهبری یـک امـام معصوم«علیه السـلام» می‌توانـد به درجـات عـالی تکامل نائل گردد ولی در عین حـال اگر امام غایب شـد از نظر اینکه شـیعه بایـد روی پای خویش بایسـتد می‌توانـد با اسـتفاده از تعالم درخشان اسـلام که از کتاب و سـنّت به دست آمده است چنان جامعه‌یی را به وجود آورد و باید تصدیق کرد که ما هم چنانکه شایسـته است از این موقعیّت اسـتفاده نمی‌کنیم و از ذخائری که در اختیار داریم به طور کامل بهره نمی‌گیریم گذشـته از اینکه از روایات چنین به دست می‌آید که فلسـفه غیبت امام تا خود حضـرت ظاهر نگردد به درستی روشن نمی‌شود و وقتی ظاهر گردد معلوم خواهد گشـت چرا غایب شده است و فلسفه غیبتش چه بوده است. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا لازمهٔ رهبریت جامعه اسـلامی ارتباط با آقا امام زمان(عج) است. یعنی ولی فقیه و رهبر جامعه مسلمانان را خداوند از قبل منصوب کرده اند؟

پرسش

آیـا لازمـهٔ رهبریت جـامعه اسـلامی ارتبـاط بـا آقـا امـام زمان(عـج) است. یعنی ولی فقیه و رهبر جامعه مسـلمانان را خداونـد از قبل منصوب کرده اند؟

پاسخ

لازمهٔ رهبریت جامعهٔ اسـلامی، ارتباط حضوری و تشـرف به محضـر امام زمان(عج) نیست، بلکه ممکن است رهبر جامعه مانند سایر شیعیان مخلص افتخار تشـرف نصـیبش نگردد و ممکن است به عللی از این فیض محروم شود. باید توجه داشت که فیض تشـرف به حضور حضـرت ولی عصـر(ع) شـرعاً و عرفاً و عقلاً از شرایط اجتهاد و رهبری نمی باشد. البته مسلّماً رهبر جامعه و فقهای عظام بلکه

اکثر عموم شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت(ع) ارتباط معنوی به وسیلهٔ خواندن دعای عهد و دعای ندب و دعای دیگر و توسل و استغاثه از حجه بن الحسن العسکری(ع) با آن جناب دارند، و بدین وسیله عنایات امام عصر(ع) را به خود جلب می نمایند. تعیین ولیّ امر و حاکم اسلامی و رهبر جامعه از جانب شرع انور به دوگونه است: ۱- تعیین بالتنصیص، که شخص معیّنی بالخصوص، برای مقام رهبری امت معرفی می شود، چنان که رسول خدا(ص) از سوی خدا و دوازده امام معصوم(ع) با نام و نشان از طرف رسول الله(ص) برای رهبری امت منصوب گردیدند. قرآن در مسئلهٔ ولایت امیرمؤمنان(ع) به پیامبر(ص) دستور مؤکد داد و پیامبر(ص) هم در غدیر خم در بین حدود صد هزار نفر دست علی(ع) را گرفت و فرمود": هر کس من مولاـ و سرپرست او هستم، علی ولی و سرپرست او است. "۲- تعیین بالتوصیف، به گونه ای که شارع اوصافی را ارائه می دهد تا هر کس واجد آن شرایط باشد، شایستگی مقام ولایت را داشته باشد. طبیعی است چنان چه واجدین شرایط متعدد باشند، باید صالح ترین آنها انتخاب شود. امام صادق(ع) فرمود": هر کس احادیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام ما را بشناسد، باید به حکمت او راضی باشید. پس من او را حاکم بر شما قرار دادم. هر کس حکم او را قبول نکند، به حکم خدا و به ما استخفاف نموده و رد کنندهٔ ما رد کنندهٔ خداوند است.["۵۷] حضرت در حدیث دیگر فرمود": هر یک از فقها صیانت نَفْس کند، دینش را حفظ نماید، مخالف هواهای نفسانی باشد، مطیع امر مولایش شود، پس عوام مردم باید از فقهای دارای این ویژگی ها تقلید نمایند.["۵۸] امام زمان(ع) در توقیع شریفش فرمود": در مسائل و حوادث پیش آمده به راویان احادیث ما مراجعه کنید، چون آن ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا هستم.["۵۹] نتیجه: رهبر جامعهٔ اسلامی همچون سایر شیعیان در حد شایستگی های خود ارتباط معنوی با امام زمان(ع) دارد، ولی ارتباط حضوری و تشرف به محضر مولی، از شرایط رهبری در عصر غیبت نیست و برای هر کس حاصل شود، توفیق بزرگی نصیبش گردیده است. خداوند به همهٔ آرزومندان نصیب فرماید. نصب ولی فقیه و رهبر جامعهٔ اسلامی از طرف شارع مقدس است؛ بدین معنی که از طرف شارع شرایطی گفته شده که هر کس دارای آن شرایط باشد، شایستهٔرهبری است و مردم به واسطهٔ خبرگان این شایستگی را در فرد معیّنی کشف می کنند و به جامعه اعلام می دارند و مردم هم با او بیعت کرده و پیروی از وی را واجب می شمارند. ولایت فقیه مراتبی دارد، مانند مرتبه افتا که مجتهد جامع الشرایط و صاحب رساله می باشد که اعلم و یا مظنون الاعلمیه است، که ولایت به معنای مرجعیت را احراز می کند. تعدد مراجع مانعی ندارد اما گاهی ولایت به معنای تشکیل حکومت است. تعیین حاکم عادل و جامع الشرایط به وسیلهٔ متخصصان و خبرگان صورت می گیرد وگرنه هرج و مرج ایجاد می گردد. در جمهوری اسلامی مردم باید خبرگان را انتخاب نمایند و خبرگان نیز ولی فقیه را که آگاه به مسایل سیاسی و اجتماعی باشد، در اولویت قرار می دهند. [۵۷] وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۸، حدیث ۱. [۵۸] بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۸. [۵۹] وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱، حدیث ۹.

در خصوص مهدویت و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام توضیح دهید.؟

پرسش

در خصوص مهدویت و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام توضیح دهید.؟

پاسخ

متأسفانه پرسش فاقد شفافیت است. اگر مقصود آن است که نهضت هایی قبل از ظهور امام زمان(ع) زمینه ساز ظهور امام هستند، یعنی مصلحان و آزادی خواهان با نهضت‌های اصلاحی خویش زمینه ظهور حضرت را فراهم می کنند، باید گفت: درباره زمینه سازی و علم زمینه سازی قیام‌ها دو دیدگاه عمده وجود دارد. الف) برخی عقیده دارند که در زمان غیبت امام زمان(ع) قیام علیه فساد و ظلم واجب است،(۱) زیرا نهضت‌های مقدس یکی از عوامل مهم و زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) محسوب می‌شوند، از این رو در برخی روایات تصریح شده است که برخی از قیام‌ها زمینه ساز ظهور حضرت هستند. ب) در مقابل شماری اندک برآنند که قیام و تشکیل حکومت در زمان غیبت جایز نیست.(۲) طرفداران این نگرش برخی از روایات را دستمایه خویش قرار داده‌اند که در آن‌ها از گسترش فساد(۳) و شکست قیام و ممنوعیت آن سخن به میان آمده است.(۴) متون و آموزه‌های دینی، رویکرد اول را تأیید می کنند و مبنای دوم قابل قبول نیست، زیرا آن دسته از روایات که طرفداران دیدگاه دوم بدان استناد و استدلال نموده‌اند، قابل توجیه است، چون گسترش ظلم بدان معنا نیست که نهضت‌های اصلاحی در زمان غیبت شکل نگیرند. آن دسته از روایات که از گسترش ظلم قبل از ظهور امام زمان(ع) گزارش می‌دهد، به معنای خبر دادن از وضعیت جهان قبل از ظهور است. آن دسته از روایات که از شکست قیام و یا ممنوعیت آن گزارش می‌دهند، ناظر بر قیام هایی می‌باشد که با هدف نامقدس و در راستای تأمین اهداف غیر اسلامی به وجود می‌آیند. قیام‌هایی که با انگیزه الهی و اصلاح امت اسلامی شکل می گیرند جایز است، از این رو قیام‌ها به مشروع و غیر مشروع تقسیم شده‌اند، امام باقر(ع) فرمود": هنگامی که کسی برای قیام به سوی شما آمد، توجه کنید که برای چه هدفی قیام می کند.("۵) یکی از نویسندگان در بررسی روایات می‌نویسد": امام(ع) در این روایات قیام‌ها را به دو دسته تقسیم می کند. قیام هایی که رهبران آن‌ها به سوی خود دعوت می کنند و قیام‌هایی که برای مقابله با باطل و اقامه حق صورت می گیرد. امام(ع) قیام‌های دسته دوم را تأیید می کند.("۶) مطلب قابل توجه آن است که در برخی روایاتی هم سخن از قیام‌های قبل از ظهور به میان آمده است و هم مردم به قیام فراخوانده شده‌اند. ائمه(ع) برخی از قیام‌ها مانند قیام شهید فَخ (۷) و قیام زید بن علی(ع) را تأیید نموده‌اند.(۸) و نیز پیامبر اسلام(ص) فرمود": مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی(ع) را فراهم می‌نمایند ("۹) از سوی دیگر آن دسته از روایات که قیام‌های قبل از ظهور را جایز نمی‌دانند، با سیره معصومان(ع) و برخی از آیات نیز تضاد دارند، زیرا قرآن همگان را به قیام علیه ظلم فراخوانده و به امر به معروف و نهی از منکر سفارش نموده که این فراخونی شامل زمان غیبت هم می‌شود، مضافاً بر این که ائمه(ع) اقدام به قیام نموده و امر به معروف و نهی از منکر می کردند. بر این اساس باید گفت: جنبش‌های اسلامی که در زمان غیبت با انگیزه‌هایی صورت می گیرد، زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) می‌باشند. پی‌نوشت‌ها: ۱ - مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع) ص ۱۸۵. ۲ - همان. ۳ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۳. ۴ - فروع کافی، ج ۸، ص ۲۹۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۴. ۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵. ۶ - مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۱۹۵. ۷ - بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۶۵. ۸ - عیون اخبار الرضا، ج۱، ص ۲۵۲؛ بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۱۷۰. ۹ - مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع) ص ۲۱۳.

طبق روایات حکومت ایران قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت فعلی ایران تا ظهور امام زمان(ع) خواهد ماند؟

پرسش

طبق روایات حکومت ایران قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت فعلی ایران تا ظهور امام زمان(ع) خواهد ماند؟

پاسخ

دسته‌ای از روایات از وجود قیام و حکومت حق (که پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) در مشرق زمین پدیدار می گردد و تا زمان ظهور ادامه می یابد) خبر داده‌اند. پیامبر اسلام(ص) فرمود": یخرج أناس مِن المشرق فوطئون للمهدی سلطانه؛ مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی(ع) را فراهم می سازند.("۱) حضرت باقر(ع) فرمود": گویا می بینم مردمی را از مشرق که در طلب حق قیام کرده‌اند، ولی (حاکمان) به آنان پاسخ نمی دهند. پس از مدّتی دوباره قیام می کنند. این بار نیز به آنان پاسخی داده نمی شود، ولی این مرتبه که وضع را چنین می بینند، شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان می نهند. در این هنگام آن چه را می خواهند، به آنان می دهند اما نمی پذیرند و دست به قیام می زنند (و رژیم حاکم را ساقط و حکومتی بر اساس مبانی اسلام تشکیل می دهند) اینان این حکومت را جز به صاحب شما (حضرت مهدی) تسلیم نمی کنند. کشتگان این قیام، همه شهید به شمار می روند. اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی(عج) نگه می‌دارم.(۲) ممکن است این احادیث بر قیام و نهضت امام خمینی(ره) حمل شود. در این صورت جمهوری اسلامی ایران زمینه ساز حکومت امام عصر(عج) خواهد شد و انشاءاللّه تا ظهور منجی عالم بشریت پایدار خواهد ماند. مقصود از شمشیرها در این روایات، می تواند اسلحه باشد که در هر زمانی مختلف است. پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷. ۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

آیا بر امام مهدی (ع) لازم است که بدون واسطه در امور دخالت نمایند؟

پرسش

آیا بر امام مهدی (ع) لازم است که بدون واسطه در امور دخالت نمایند؟

پاسخ

خیر، بر امام واجب نیست که شخصاً و بدون واسطه در امور دخالت نموده و راتق باشد، بلکه میتواند دیگران را به نحو خصوص یا به عنوان عموم از جانب خود بگمارد. همانطور که امیرالمؤمنین و ائمه(ع) از طرف خود، در شهرهائی که حاضر نبودند، دیگران را منصوب میفرمودند، امام هم در زمان غیبت صغری کسانی را به مقام نیابت خاصه نصب فرموده بود و در غیبت کبری بطور عموم، فقها و علمای عادل را که دانا به احکام هستند، برای قضای فصل خصومات و اجرای سیاسات و حفظ و نظر در مصالح عالی اسلامی نصب و تعیین کرده که مرجع امور خلق باشند. پس ایشان در عصر غیبت به نیابت از آن حضرت بر حسب ظاهر عهدهدار حفظ شریعت و به شرحی که در کتابهای فقه مذکور است دارای ولایت میباشند.

چگونه در بحث ولایت فقیه به توقیع شریف که از نظر سند مخدوش است تمسّک می‌شود؟

پرسش

چگونه در بحث ولایت فقیه به توقیع شریف که از نظر سند مخدوش است تمسّک می‌شود؟

پاسخ

راجع به توقیع شریف، اعتبار و حجیّت آن ثابت است؛ زیرا شیخ ما صدوق (ره) در کتاب «کمال الدین» از شیخ خود« محمد بن محمد بن عصام الکلینی» که از طبقهٔ دهم است ـ روایت کرده است. در اینجا با جملهٔ«رحمه الله» و در موارد دیگر با جمله «رضی الله عنه» از او تجلیل و تعظیم کرده است. در اینجا توقیع شریف را از « ثقه الاسلام کلینی» و او از «اسحاق بن یعقوب» روایت کرده؛ که او بوسیلهٔ جناب« محمد بن عثمان» ـ رضوان الله تعالی علیه ـ نایب دوّم از نوّاب اربعه، کتابی را که متضمّن سؤالاتی بوده، تقدیم کرده و به خط اشرف حضرت صاحب الامر(ع) توقیعی در جواب دریافت نمود. همچنین «شیخ طوسی» در کتاب «غیبت» این توقیع رفیع را از جماعتی از «جعفر بن محمد بن قولویّه» که از ثقات و اجلاء در حدیث و فقه و صاحب تصنیفات بسیار و از طبقهٔ دهم است، و از «ابی غالب زراری احمد بن محمّد بن سلیمان»، از طبقهٔ دهم، که او نیز از مشایخ و اجلاء است و به جلالت قدر، و کثرت روایت، و «شیخ عصابه»، و القابی غیر از آن، تعظیم و توصیف شده، و از غیر این دو بزرگوار ، روایت فرموده و آن بزرگواران از جناب کلینی، و او از«اسحاق بن یعقوب» ـ که به احتمال قوی برادر کلینی بوده ـ روایت کرده است؛ و از اعتماد«کلینی» به او، و احتجاج «صدوق» و «شیخ طوسی» (محمدون ثلاثه) جلالت قدر وثاقت او نیز معلوم می‌شود. بنابر این نه تنها سند ضعیف نیست، بلکه به نظر می‌رسد که در کمال قوّت و اعتبار است. علاوه بر آن که متن آن ـ که متضمّن جواب از مسایل مهم است ـ نیز بر قوّت و اعتبار آن افزوده است، و اباحهٔ خمس در آن، دلیل بر ضعف آن نمی‌شود، نهایت امر یکی از اخبار، تحلیل و اباحه است که با آن در فقه، مثل سایر روایات، معامله می‌شود. مضافاً بر اینکه معلوم نیست سؤال از مطلق خمس بوده یا از خمس مبتلا به در مورد اماء، و جملهٔ قبل از این جمله که می‌فرماید: «أمّا المُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوالِنا فَمَنْ اِسْتُحَلَ مِنْها شَیْئاً فَأَکَلَهَ فَإِنَّما یَأْکُلُ النّیرانَ»، (وسائل ج ۹/۵۵۰) نیز قرینه است بر این که سؤال از مطلق خمس نبوده است. بنابراین تعرّض توقیع به صورت اجمال به حکم خمس، شاهدی بر ضعف آن نیست و توقیع رفیع در کمال اعتبار است.

در تاریخ خوانده ایم که هر حکومت و تمدنی روزی سقوط می کند، آیا امکان ندارد که حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم روزی سقوط کند؟ یعنی مردم به آن عادت کنند و از آن دلزده شوند؟

پرسش

در تاریخ خوانده ایم که هر حکومت و تمدنی روزی سقوط می کند، آیا امکان ندارد که حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم روزی سقوط کند؟ یعنی مردم به آن عادت کنند و از آن دلزده شوند؟

پاسخ

چنین چیزی در زمان حکومت جهانی امام عصر" عجل الله تعالی فرجه الشریف " متصور نیست. زیرا حکومت ها یا به دلیل ظلم و ستم و انحراف از اصول عدالت سقوط می کنند و یا به دلیل فریب مردم و دلزدگی آنها از حکومت. و این عوامل در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی" سلام الله علیه "محال است افول و سقوط یک حکومت از دو ناحیه امکان دارد: الف: زوال ارکان حکومت به دلیل ظلم و ستم و دور شدن از طریقه ی صواب و عدالت، که نتیجه ی آن طغیان و قیام مردم علیه حکومت و یا هجوم بیگانگان

و در نهایت سرنگونی حکومت است. بسیاری از حکومتها که در طول تاریخ سرنگون شده اند به همین دلیل بوده است. مثلا در دوره ی اسلامی حکومت بنی امیه به دلیل بی عدالتی، توسط عباسیون سقوط کرد و یا حکومت عباسیون که با هجوم مغول ها نابود شد و یا حکومت ساسانیان در ایران که با هجوم مسلمانان کاملا تسلیم شد، زیرا ظلم و ستم به حدی بود که مردم هیچ علاقه ای برای دفاع از این حکومت ها نداشتند، بلکه به دنبال منجی یی می گشتند. انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت شاهنشاهی نیز قیام مردم ایران علیه ظلم و ستم بود. تمام حکومت های ظالمانه با چنین وضعی مواجه شدند که یا از درون پاشیدند و یا با هجوم بیگانگان به دلیل پاشیدگی درونی و دلزدگی مردم، تسلیم و نابود شدند. ب: فریب مردم از راه تبلیغات و دلزده کردن آنها از حکومت، چنانکه در زمان حکومت امیرالمؤمنین" سلام الله علیه "واقع شد. تبلیغات سنگین مخالفین و جنگهایی که بر امام (علیه السلام) تحمیل شد اجازه ی فکر کردن را به مردم آن زمان نداد، گذشته از اینکه به دلیل انحرافاتی که در جامعه ی آن روز پیدا شده بود امام (علیه السلام) راضی به قبول حکومت نبودند زیرا می دانستند که خواص جامعه دچار انحرافات بسیاری شده اند و اجرای عدالت درباره ی آنها باعث دردسرهای فراوان برای حکومت می شود و مردم هم به دلیل دور افتادن از حقیقت اسلام ناب، توان مقاومت در برابر هجوم انحرافات و تبلیغات منفی را ندارند،(۴) که در مجموع، نتیجه ای جز شهادت حضرت و پایان حکومت ایشان نبود. اما در حکومت جهانی حضرت ولی الله الاعظم" ارواح العاملین لتراب مقدمه الفدا، "مورد اول متصور نیست و به دلیل اینکه مردم آگاه و عاقل شده اند و سطح عقل و علم مردم پیشرفت کرده است و حکومت واحد جهانی، ارکان اصلی تبلیغاتی و رسانه ای را در دست دارد و تمامی احکام اسلام و از جمله امر به معروف و نهی از منکر اجرا می شود و چنین دلزدگی یی متصور نیست، مورد دوم نیز منتفی خواهد بود. البته درست است که شیطان در آن زمان هم فعال بوده و برخی را نیز فریب می دهد اما اکثریت مردم به دلایلی که بیان شد راه حق را شناخته و فریب نمی خورند و دلزده هم نمی شوند.

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پرسش

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پاسخ

دلیلی که نیازمندی جامعه را به امام اثبات می کند همان دلیلی است که لزوم وجود پیامبر را اثبات می کند و دلیل در این مورد قاعده لطف است بدین معنی که آفرینش آنان از روی لطف و عنایت وی سرچشمه گرفته است و لطف خدا ایجاب می کند که برنامه برای آنان بفرستد و آنان را در وظایف خویش سرگردان نگذارد. و همانگونه که مردم بدون پیامبر از نظر برنامه سرگردان می مانند و نمی توانند عوامل سعادت و خوشبختی خویش را به درستی بفهمند بدون امام هم نمی توانند به درستی جزئیات سعادت خویش را در زندگی رهنمون گردند. بنابراین لطف ایجاب می کند که خداوند شخصی را بنام پیشوا و زعیم و رهبر پس از پیامبر

برای آنان برگزینند در اینجا این سخن پیش می آید که پس چرا خداوند امام را غایب قرار داده است و چگونه این با دلیل مذکور سازگار است؟ پاسخ این است که علّت غیبت امام زمان آمده نبودن زمینه برای حکومت آن حضرت است و به عبارت روشن تر خداوند باعث نشده که امام زمان غایب گردد تا با لطف وی ناسازگار باشد بلکه چنان که محققین یادآور شدند این ماییم که زمینه را برای غیبت وی آماده ساختیم و آنگاه که جهان خواستار حکومت وی گردد و آمادگی برای این مسئله در بشریّت به وجود آید وی به اذن خدا ظاهر گشته و عدالت و سایر دستورات الهی را در جامعه انسانی گسترش می دهد آن وقت این سخن پیش می آید که حال که اما زعیم کنونی به حسب ظاهر نیست چه کسی باید متصدّی زعامت شود؟ روشن است که در این صورت شایستگی فقهای عادل برای این مسئله بیش از دیگرانست و بر این اساس از ناحیه آن حضرت دستور داده شده که مردم در تکالیف خویش به فقهاء و مراجع دینی توجّه کنند و در حل اختلافات خویش آنان را حاکم قرار دهند.

با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان((علیه السلام)) در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پرسش

با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان((علیه السلام)) در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پاسخ

اوّلا مسئله امامت تنها مربوط به جنبه های رهبری اجتماعی و بیان احکام و تشکیل مدینه فاضله نیست بلکه امام از نظر نظام آفرینش و تکوین هم در جهان مؤثّر است و اساساً واسطه فیض بین آفریدگار و آفریده ها است و جمله معروف «لولا الحجه لساخت الارض باهلها ;اگر حجّت نباشد زمین اهل خودش را فرو می برد» مربوط به همین مسئله نقش تکوینی امام در جهان است. ثانیاً خداوند امام را برای تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل قرار داده است و به اصطلاح علم کلام امام لطفی است از جانب پروردگار و این در صورتی است که جامعه انسانی آماده پذیرائی این لطف باشد و از این هدف بزرگ استقبال کند امّا اگر انسانها خواهان حکومت صلح وعدلی که در پرتو وجود امام تشکیل می شود نباشند در این صورت لازم نیست که امام نقشه های خود را با زور و جبر به صورت اعجاز غیر طبیعی عملی ساخته و چنان حکومتی را در جامعه بشری مستقر سازد. بنابراین غیبت امام زمان((علیه السلام)) مربوط به خود ماست و در آن هنگام که جامعه بشر خواستار چنان حکومتی شود و زمینه برای ظهور امام فراهم گردد امام ظاهر خواهد شد و حکومت واحد جهانی را در جهان به وجود خواهد آورد. ثالثاً غیبت امام مستلزم قرار دادن شیعه در تخدیر نیست و اتّفاقاً مطلب به عکس است زیرا اگر جامعه در پرتو رهبری یک امام معصوم((علیه السلام)) می تواند به درجات عالی تکامل نائل گردد ولی در عین حال اگر امام غایب شد از نظر اینکه شیعه باید روی پای خویش بایستد می تواند با استفاده از تعالم درخشان اسلام که از کتاب و سنّت به دست آمده است چنان جامعه یی را به وجود آورد و باید تصدیق کرد که ما هم چنانکه شایسته است از این موقعیّت استفاده نمی کنیم و از ذخائری که در اختیار داریم به طور کامل بهره نمی گیریم گذشته از اینکه از روایات چنین به دست می آید که فلسفه غیبت امام تا خود حضرت ظاهر نگردد به درستی روشن نمی شود و وقتی ظاهر گردد معلوم خواهد گشت چرا غایب شده است و فلسفه غیبتش چه بوده است.

www.noorfatemah.org

با توج به احادیث که ظهور حضـرت را در زمانی می دانند که جهان پر از ظلم و و سـتم باشد حال آیا هدف انقلاب اسلامی (ریشه کنی ظلم) آب درهاون کوبیدن است

پرسش

با توج به احادیث که ظهور حضرت را در زمانی می دانند که جهان پر از ظلم و و ستم باشد حال آیا هدف انقلاب اسلامی (ریشه کنی ظلم) آب درهاون کوبیدن است

پاسخ

قبل از آن که به بررسی اصولی موضوع مطرح شده بپردازیم به نظر می‌رسد اشاره به سیر تاریخی این برداشت ازموضوع ظهور امام زمان و زمینه‌های آن، به عنوان مقدمه مفید باشد. در طول تاریخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسایش طلبانه در برخی پدید آمده و آنان بهانه‌ای می‌طلبندتا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند! حال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشته باشد. از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می‌افتد و حتی برخیپنداشته‌اند که باید به ظلم و فساد نیز کمک کرد و در گسترش آن کوشید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟! این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است. زیرا: اولاً – هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و ... مشروط به چنین شرطینیست، یعنی تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند. یعنی آن که چه عمل به آنها الزامی است، چه موجبتسریع در ظهور یا تأخیر آن شود. ثانیاً – هیچ یک از آموزه‌های دین نمی‌تواند ارکان واساس دین را معطل نماید. اگر فرض کنیم (به فرض محال)پی‌گیری تعالیم دین موجب تأخیر در ظهور شود، باز عمل به آن تعالیم واجب است. ثالثاً – فساد نیازی به کمک ندارد. اگر بسیاری از مردم جهان نیز با فساد به مبارزه برخیزند باز فساد ریشه‌کن نخواهدشد بلکه هر روز بر توسعه قلمرو خود خواهد افزود و زمینه برای ظهور فراهم خواهد شد. رابعاً – آیا معقول است که ما در سراسر عمر خود که چه بسا به ظهور منجر نگردد دست روی دست بگذرایم و همهآیات و روایات را به کناری بگذرایم بدین بهانه که ما می‌خواهیم در ظهور تعجیل گردد آیا این عذری خدا پسندانهاست؟!{J

پیروی و اطاعت از ولی فقیه در عصر غیبت تا چه میزان است ؟

پرسش

پیروی و اطاعت از ولی فقیه در عصر غیبت تا چه میزان است ؟

پاسخ

در قسمت اول این سؤال باید گفت که در احکام شرعی فردی، هر شخص برای تعیین تکالیف و وظایف خود باید به مجتهد اعلم

که در کشف و استنباط احکام تواناتر از دیگران است، مراجعه کند و فتوای مرجع تقلید خود را در این قبیل موضوعات انجام دهد و اگر ولی‌فقیه به عنوان مرجع تقلید آن شخص نباشد در این قبیل مسائل اطاعت از فتاوای او لازم نمی‌باشد. اما در مسائل اجتماعی آنجایی که به سیاست کلی نظام اسلامی برمی‌گردد و در احکام حکومتی باید از ولی‌فقیه و قانون رسمی مملکت اطاعت کرد. ولی برخی از مسائل اجتماعی که در عین اجتماعی بودن کاری به نظام ندارد، نظیر تعطیلی‌هایی که برای سنت مردم است، مثلاً مردم یک روزی را برای ولادت پیامبر و امام یا شهادت امام معصوم تعطیل کنند، مغازه‌هایشان را ببندند و در مراسم مذهبی شرکت کنند، در این موارد که مخل به نظام و سیاست‌های آن نیست لزومی به اطاعت نمی‌باشد، (جوادی آملی، ولایت‌فقیه، ص ۴۷۰). در قسمت دوم سؤال باید گفت: که بر مبنای نصب که ولی امر از جانب معصوم منصوب شده است با توجه به تعابیر مختلفی که در بعضی آیات روایات نیز مذکور است مانند : «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامرمنکم» «الراد علیهم کالراد علینا والراد علینا کالرّاد علی الله و هو علی حدالشرک علی الله» اطاعت از ولی امر واجب شرعی است و مخالفت با آن نیز قطعا معصیت الهی است. اما این که از معاصی کبیره به شمار می‌آید یا نه باید به چند نکته دقت شود: اولاً: اگر موردی که مخالفت شده از احکام حکومتی باشد که ولی‌فقیه صادر کرده مثلاً فرمان جهاد یا تحریم استعمال تنباکو یا... نه هرگونه و توصیه و پیشنهادی. ثانیا: شخص عالما و عامدا از حکم ولی‌فقیه تخلف کرده باشد. ثالثا: مجموعه تخلف با شرایط فوق، عنوان رد بر ولی‌فقیه صدق کند که در این صورت همچنان که در روایت امام صادق(ع) ذکر شد، در حد شرک بر خداوند بوده که خود از بزرگترین گناهان و معاصی کبیره به شمار می‌رود، (کاظم، قاضی‌زاده، اندیشه‌های فقهی، سیاسی امام‌خمینی، ص ۲۲۶).

چرا رهبر انقلاب را نائب بر حق امام زمان (عج) می گویند؟

پرسش

چرا رهبر انقلاب را نائب بر حق امام زمان (عج) می گویند؟

پاسخ

بر اساس ادله نقلی (نصوص و روایات) و عقلی متعدد، فقیه جامع الشرایط در زمان غیبت از طرف امامان معصوم(ع) برای رهبری و اداره جامعه اسلامی منصوب گردیده و نایب واقعی آن بزرگواران می‌باشد. الف. بررسی ادله نقلی: در میان ادله نقلی به روایات متعدد و بسیاری برای اثبات ولایت فقیه تمسک شده است که ما در اینجا به برخی از آنان که صراحت در نیابت فقیه جامع الشرایط از امامان معصوم(ع) دارد، اشاره می‌نماییم: ۱. روایت امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم(ص): «اللهم ارحم خلفائی قیل یا رسول الله و من خلفاؤک؟ قال الذین یأتون من بعدی یروون حدیثی و سنتی ؛ رسول خدا(ص) فرمود: خدایا، جانشینان مرا رحمت فرست، پرسیدند: یا رسول الله، جانشینان تو کیانند؟ فرمود: آنها که بعد از من می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۸، ص ۶۵، ح ۵۰). مفهوم خلافت، در بین مسلمین، امر روشن و شناخته‌شده‌ای بوده است و جانشینی، پیامبر عهده‌داری همه مسئولیتهای سیاسی و حکومتی آن حضرت است. بر این اساس، مفهوم روایت آنست که علماء جانشین پیامبرند و ولایتی که آن حضرت در زمینه حکومت داشته است، به جز آنچه از خصایص پیامبر(ص) بوده، برای فقهاء نیز ثابت می‌باشد. در عصر غیبت، تنها فقها تبلور شخصیت پیامبر اکرم(ص) هستند و عهده‌دار شئون جامعه می‌باشند. نبی اکرم(ص) سه مقام و منصب عمده را دارا

بودنـد: یکم، تبلیغ آیـات الهی و ابلاـغ احکـام و راهنمایی مردم. دوم، داوری و قضاوت بین مردم و رفع خصومت. سوم: زمامـداری جامعه اسـلامی، از این که روایت مطلق است و در آن قید خاص برای جانشـین ذکر نشده است و اطلاق اقتضاء عموم دارد. اسـتفاده می‌شود که فقها، در همه شـئون پیامبر اکرم(ص) چون جانشین آن حضرت می‌باشند. ۲. توقیع مبارک حضرت ولی عصر(ع): «و اما الحوادث الواقعـهٔ فـارجعوا فیها الی رواهٔ حـدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله» ؛(وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۱، ص ۱۰۱، ح ۹) امام زمان(عج) در پاسخ اسـحاق بن یعقوب، به خط مبارکشان چنین فرمودند: که در رخدادهایی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شـمایند ومن حجت خدا بر آنان هستم». مراد از حوادث واقعه در حدیث احکام نیست، بلکه حوادث و پیشامـدهای اجتمـاعی است که مربوط به مصالـح عمومی جامعه است و برای مردم اتفاق می‌افتـد. زیرا رجوع به فقهاء در احکـام، در عصـر غیبت، امری بـدیهی بوده است. بنـابراین رجوع به فقهاء صـرفا برای کسب تکلیف شـرع در احکام نیست. از سوی دیگر، اینکه فقهاء حجت بر مردم هستند، منظور حجّت بودنشان در همه شئون جامعه است و با وجود آنان، برای اداره امور جامعه و قضـاوت، نمی‌تـوان به دیگران مراجعه کرد. ۳. مقبوله عمر بن حنظه از حضـرت امـام صـادق(ع): «... ینظران من کـان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکما فانی قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانمـا اسـتخف بحکم الله و علینا ردّ و الراد علینا الراد علی الله وهو علی حـدّ الشـرک بالله ؛ مردم بایـد دقت کننـد و از بین فقهایی که راوی حدیث ما هسـتند و در احکام حلال وحرام ما صاحب نظرند وبا احکام اهل بیت(ع) آشنایی دارند، فقیهی را انتخاب کنند و او را در میـان خـود حـاکم قرار دهنـد که من او را بر شـما حـاکم قرار دادم پس هرگـاه حکمی کرد و از او قبول نکردنـد، حکم مـا را سبک شـمرده‌اند و ما را رد کرده‌اند، و آن کس که ما را رد کند خدا را رد کرده است و رد کردن خدادر حد شرک به خدا است» (وسائل الشـیعه، ج ۱۸، باب ۱۱، ص ۹۸، ح ۱ – اصول کـافی، ج ۱، ص ۶۷). مقصود از شـخص آگـاه به حلال و حرام، همان فقیه است به هنگـام دسترسـی نداشـتن به معصوم، فقیه حاکم مردم است و این حاکمیت، از طرف معصوم(ع) به او رسـیده است. بـدیهی است که امام(ع) شخص معینی را به حاکمیت و نیابت از خود نصب نکرده است. بلکه به صورت عام نصب نموده است. و همه فقها دارای چنین ولایت و نیابتی می‌باشـند اما از آنجا که اعمال ولایت از سوی تمامی فقهاء در مسائل اجتماعی و سیاسی مربوط به اداره جـامعه، باعث هرج و مرج و اختلال می‌شود که عقلاً و شـرعا مردود می‌باشـد بنابراین در مقام عمل تنها یک نفر فقیه جامع‌الشـرایط فتوی و زعـامت که در رأس قرار داشـته به تمـام مصالـح و مفاسـد جـامعه آگـاهی بیشتر دارد به اعمال ولایت و نیابت می‌پردازد. ۴. حدیث امام صادق(ع) از رسول الله(ص): «ان العلماء ورثه الانبیاء ؛ همانا علماء وارثان پیامبران هسـتند» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴). بر اساس این حـدیث آن چه انبیاء(ع) در شـئون اجتماعی داشـته‌اند به علمای دین منتقل شـده است و تنها علمااند که وارث آنانند و شئون اجتمـاعی انبیـاء(ع) نیز همـان سه منبعی است که در ذیـل روایت اول بیان شـد یعنی فتوا، قضاوت و زمامـداری و اداره جامعه. بنـابراین بر اسـاس روایـات فـوق و روایـات متعـدد دیگری کـه در ایـن زمینـه وارد شـده اسـت فقیه جـامع الشـرایط از طرف امامـان معصوم(ع) نیابت و ولایت دارد. البته روشن است که هر یک از این روایات توضیح فراوانی دارند که می‌توانید به کتاب‌های مفصل از جمله کتـاب «شؤون و اختیـارات ولی فقیه» ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع امام خمینی(ره) مراجعه کنیـد. ب) و اما دلیل عقلی: احکام اسـلامی – اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی و حقوقی – تا روز قیامت باقی و لازم‌الاجرا است و هیچ یک از احکام الهی نسـخ نشده و از بین نرفته است. این بقا و دوامِ همیشـگیِ احکام، نظامی را ایجاب می‌کند که اعتبار و سـیادت این احکام را تضـمین کرده، عهـده‌دار اجرایآنهـا شود؛ چرا که اجرای احکـام الهی جز از رهگـذر برپـایی حکومت اسـلامی امکان‌پـذیر نیست. در غیر این صورت جامعه مسـلما به سوی هرج و مرج رفته و اختلال و بی‌نظمی بر همه امور آن مستولی خواهد شد. از آن جایی که حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شـرایع الهی اسـتو بی‌نظمی و هرج و مرج در امور مسـلمانان امری نکوهیده و ناپسـند می‌باشد، روشـن است که حفظ نظام و سدّ طریق اختلال، جز به اسـتقرار حکومت اسـلامی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد. ازاین‌رو هیچ تردیدی در لزوم

اقامه حکومت باقی نمی‌ماند. علاوه بر آنچه گفتیم حفظ مرزهایکشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعا واجب است، تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست. آنچه برشمردیم، جزو بدیهی‌ترین نیازهای مسلمانان است و از حکمت به دور است که خالق مدبّر و حکیم، آن نیازها رابه کلّی نادیده بگیرد و از ارایه راه حلی جهت رفع آنها غفلت کند. آری، همان دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می‌کند، عینا لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر(عج) را نیز ثابت می‌نماید؛ به ویژه پس از این همه مدت که از غیبت آن بزرگوار می‌گذرد و شاید این دوران هزارها سال دیگر نیز ادامه یابد. در این صورتآیا می‌توان تصور کرد که آفریدگار حکیم، امت اسلامی را به حال خود رها کرده و تکلیفی برای آنها معین نکرده باشد؟ و آیا خردمندانه‌است که بگوییم خداوند حکیم به هرج و مرج میان مسلمانان و پریشانی احوال آنان رضایت داده است؟ و آیا چنین گمانی به شارع مقدس روا است که بگوییم حکمی قاطع جهت رفع نیازهای اساسی بندگان خدا تشریع نکرده است تا حجت بر آنان تمام شده باشد؟ آری، لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی‌ترین اموراست؛ بی‌آن که بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد. گفتنی است که قدر متیقن از اشخاص برای تصدی منصب حکومت، فقیه عادل و آگاه به مسائل زمان خود است و تا چنین شخصی هست نوبت به غیر عادل یا غیر فقیه نمی‌رسد. در روایت فضل بن شاذان - که در کتاب علل الشرایع از امام رضا(ع) نقل شده - به همین دلیل عقلی اشاره شده است. حضرت می‌فرماید: «اگر کسی بگوید که چرا خداوند اولی الامر برای مردم قرار داده و آنان را به پیروی از ایشان امر فرموده است، پاسخ داده می‌شود که این امر علل بسیار دارد از جمله این که خداوند حدود و قوانینی برای زندگی بشر تعیین فرموده و به مردم فرمان داده است که از آن حدود و قوانین تجاوز نکنند؛ چرا که برای آنان فساد و تباهی به ارمغان می‌آورد. اما اجرای این قوانین و رعایت حدود شرعی تحقق نمی‌پذیرد مگر آن که خداوند زمامداری امین برای آنان بگمارد تا آنان را از تعدی از حدود و ارتکاب محرمات باز دارد. در غیر این صورت چه بسا افرادی باشند که از لذت و منفعت شخصی خود به بهای تباه شدن امور دیگران صرف نظر نکنند. ازاین‌رو خداوند سرپرستی برای مردم تعیین فرموده است تا ایشان را از فساد و تباهی باز دارد و احکام و قوانین اسلامی را درمیان آنان اقامه کند. دیگر آن که ما هیچ گروه یا ملتی را نمی‌یابیم که بدون زمامدار و سرپرست زندگی کرده و ادامه حیات داده باشد؛ زیرا اداره امور دینی و دنیوی آنان به زمامداری مدبّر نیازمند است و از حکمت باری تعالی به دور است که آفریدگان خود را بدون رهبر و زمامدار رها کند، حال آنکه خود به خوبی می‌داند که مردمان به ناچار باید حاکمی داشته باشند که جامه را قوام و پایداری بخشد و مردم را در نبرد با دشمنانشان رهبری کند و اموال عمومی را میان آنان تقسیم کند و نماز جمعه و جماعات آنان را برپا دارد و از ستم ستمگران نسبت به مظلومان جلوگیری نماید و... گفتنی است که مردم دارای آرا و افکار و تمایلات مختلف اند. پس اگر حضرت حق زمامداری را که از ره آوردهای پیامبر پاسداری کند تعیین نمی فرمود, مردمان فاسد و تباه می شدند. آیین و سنت و احکام خداوندی تغییر می یافت و ایمان آنان متزلزل می شد و تمامی خلق به تباهی و ضلالت می افتادند» (بحارالانوار, چاپ جدید ۱۱۰ جلدی , ج ۶, ص ۶۰). برای مطالعه و تحقیق بیشتر ر.ک : ۱- ولایت فقیه و جهاد اکبرامام خمینی ۲- ولایت فقیه از دیدگاه فقها و مراجع علی عطایی ۳- ولایت فقیه به زبان ساده شفیعی ۴- ولایت فقیه جوادی آملی ۵- حدود ولایت حاکم اسلامی احمد نراقی ۶- حکومت الهی و ولایت و زعامت مصطفی آیت اللهی ۷- ولایت فقیه و حاکمیت ملت طاهری خرم آبادی ۸- ولایت فقیه شهید هاشمی نژاد ۹- مجله حوزه شماره ۸۵ - ۸۶ بحثی درباره ولایت فقیه نجابت ۱۰- ولایت فقیه یا حکومت اسلامی در عصر غیبت محمد یزدی ۱۱- ولایت فقیه آیت الله معرفت

هر قیامی قبل از قائم باطل و هر بیعتی حیله و نیرنگ است. (امام باقر یا صادق(ع) / روزگار رهایی)

پرسش

هر قیامی قبل از قائم باطل و هر بیعتی حیله و نیرنگ است. (امام باقر یا صادق(ع) / روزگار رهایی)

پاسخ

تفسیر صحیح این روایت و روایاتی در ادامه سوالات بدانها اشاره کرده اید با چند مطلب چنین است: ۱- اگر روایات مذکور به معنای ظاهری آنها که برخی خیال کرده اند، گرفته شود، معنای آن و جوب سکوت در برابر همه ظلم ها و طاغوت ها و بی عدالتی ها است و این مخالفت نص صریح قرآن و روایات مکرر اهل بیت علیهم السلام است که اسلام دین عدالت است و مردم را به عدالت و زندگی عادلانه دعوت کرده و سکوت در برابر اهل ظلم و کفر را جایز ندانسته است. بنابراین قیام امام حسین علیه السلام تنها برای ایشان جایز بود و عملی نیست که بشود از آن پیروی کرد و کلام امام حسین علیه السلام خطاب به کوفیان که فرمود «فلکم فی اسوه» همانا من برای شما الگو هستم،(تحف العقول، ص۵۰۵) لغو می گردد و ما تنها موظفیم برای امام حسین عزاداری کنیم و پیروی از سنت و روش ایشان برای ما جایز نیست. ضمن اینکه قیام علیه طاغوت و ظلم مقدمه تشکیل حکومت عدل است و اگر ما پیش از ظهور دعوت به سکوت شده باشیم به آیاتی که دلالت بر جامعیت اسلام دارد (مائده، ۳۳-۳۸؛ نور، ۲؛ حجرات، ۹؛ انفال، ۳۹-۶۰) و همچنین روایات متعددی که بر این واقعیت دلالت دارند لغو می گردند. بنابراین معنای روایات چیز دیگری غیر از آن است که برخی از آنها با وجوب سکوت برداشت کرده اند. پاسخی که می توان در تفسیر این روایات داد چنین است: الف- این روایات چنانچه از محتوا و علت هایی که در روایات آمده است روشن می شود، نظر به خلافت بنی امیه و بنی عباس و دیگر فتنه ها و مصیبت هایی که در آن زمان اتفاق می افتاده دارند. ب- در آن زمان - و حتی زمان های بعدی - افرادی در مقابل حکومت های ظالم و باطل مردم را به اطاعت خویش فرا می خوانند، ائمه شیعیان را از پیوستن به این گروه نهی فرمودند تا به ظلم کمک نشود. امادر مقابل کسی که مردم را به اقامه حق و بازگرداندن حکومت به اهلش دعوت کند مورد حمایت ائمه بوده اند. ج- بسیاری از روایات در قضایای مشخص و شخصی بیان شده است و فرد یا افراد خاصی را از قیام منع می کردند که نشان می دهد که در آن زمان خصوصیت و ویژگی اش بوده است که قیام آن افراد به ثمر نمی رسیده با این که قیام او دعوت به خود بوده نه حق. در مقابل دلیل عقلی و نقلی قائم است که قیام و تشکیل حکومت در هر زمانی مطلوب است. روایتی که شما در این پرسش نقل کردید هم از همین دسته روایات است. زیرا در آن تأیید دارد که قیامها حیله و نیرنگ است و روشن است که پیوستن به چنین قیامی صحیح نیست و از آن نهی شده است. اما اگر قیام لله باشد آیا آن نیز نیرنگ و حیله است ؟ مسلما چنین نیست. (آقای منتظری ۱۷ روایت در نهی از قیام را بررسی کرده و به همه پاسخ داده اند. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، ج۱ ص۳۳۳-۳۹۷) ۲- دلایل متعدد عقلی و نقلی بر این امر قائم است که لازم است در هر زمانی حکومت اسلامی تشکیل شود تا احکام اسلامی پیاده شود و مقدمه تشکیل حکومت قیام علیه ظلم و طاغوت است. اما دلیل عقلی: احکام اسلام، برای یک زمانی خاص نیست. اسلام دین جهانی است که در همه زمان ها و مکان ها، برنامه برای هدایت و رستگاری و اقامه عدل دارد. در عین حال از ضروری ترین امور زندگانی بشر، وجود نظام اجتماعی و حکومتی است که پاسدار حقوق جامعه باشد. هیچ جامعه ای نمی تواند از تشکیل حکومت بی نیاز باشد. حال یا حکومت ظالمانه باشد یا عادلانه. اما روشن است که حکومت عادلانه هدف اصلی زندگی بشری است و انسان ها باید تلاش کنند که حکومت عادلانه تشکیل دهند. پس اولا: احکام اسلامی برای همه زمان ها و همه مکان هاست، حتی زمان غیبت نیز جاری و قابل اجرا است. ثانیا: اسلام دارای احکام حکومتی است، چنانچه دارای احکام

عبادی است و چنانچه لازم است احکام عبادی آن - چون نماز و روزه - پیاده شود و در هیچ زمان تعطیل نمی شود احکام حکومتی آن نیز در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست. ثالثا: در زمان حضور امام علیه السلام، احکام حکومتی را او اجرا می کند. اما در زمان غیبت کسانی که از جانب امام اجازه دارند باید جامعه را اداره کنند (مگر این که زمینه تشکیل حکومت موجود نباشد). اما دلایل نقلی: روایات متعددی که فقها را بر مردم حاکم می داند و تشکیل حکومت بدون درگیری و قیام معنی ندارد. همچنین این روایات صفات ویژه ای (چون عقل و درایت، ایمان، عدالت، علم و فقاهت، قدرت و تدبیر رهبری، آلوده نبودن به خصلت های ناپسند، مرد بودن، پاکزادی، ...) برای رهبر جامعه اسلامی و فقیهی که بنا است رهبری جامعه و قیام علیه طاغوت را بر عهده بگیرد بیان می فرماید تا قیام وی بر اساس عدل و داد باشد نه حیله و نیرنگ دعوت به خود. ما چند روایت را که فقها را با عنوان حاکم معرفی می کند برای نمونه ذکر می کنیم: ۱) «... فانی قد جعلته علیکم حاکما» من او (فقیه) را بر شما حاکم قرار دادم.(اصول کافی، ج۱ ص۶۷) این روایت که از امام صادق علیه السلام است و به طور مطلق فقها را حاکم می داند و نصب عام امام برای همه زمانها جاری است. امام در ادامه می فرماید: پس آنگاه که به حکم ما حکم داد و از وی نپذیرفتند، بی گمان حکم خدا را سبک شمرده اند و به ما پشت کرده اند و کسی که به ما پشت کند به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است. و یکی از احکام چنین فقیهی -همانند امام خمینی- قیام علیه ظلم و طاغوت است و بر طبق این روایت نمی توان از آن سرپیچی کرد. بنابراین روایتی که شما نقل کردید اشاره به قیام برای خود و بر اساس حیله و نیرنگ است که شرکت در آن حرام است، اما قیام بر پشت سر فقیه جامع الشرایط، عمل به دستور صریح امام است و شرکت در چنین قیامی واجب است. ۲) «ان المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام کحصن سور المدینه لها» مؤمنان فقیه دژهای اسلام هستند همانند دژ اطراف شهر برای شهر.(کافی، ج۱ ص۳۸) این روایت از امام کاظم علیه السلام است و آن را با روایت امام صادق علیه السلام از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یک جا بیاوریم معنائی که ما می خواهیم در می آید. زیرا بهترین مفسر کلام معصومان خود آنها هستند. «الفقهاء امناء الرسول ما لم یدخلوا فی دنیا. قیل یا رسول الله و ما دخلو هم فی الدنیا؟ قال اتباع السلطان، فاذا فعلوا ذلک فاحذروهم علی دینکم» فقها مادامی که در دنیا وارد نشده اند امین پیامبران هستند. پرسیده شد: ورود آنها به دنیا چگونه است؟ فرمود: با پیروی از سلطان، هرگاه اینگونه شدند از آنها نسبت به دینتان برحذر باشید.(کافی، ج۱ ص۴۶) روشن است که عدم تبعیت از سلطان، در بسیاری از موارد موجب درگیری می شود و لازم است چنین فقیهی در مقابل زورگوئی های سلطان قیام کند، چنانکه در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده است. احادیث از این دست بسیار است و نقل همه آنها ضروری نیست. گذشته از اینها روایات متعددی درباره آخر الزمان و علائم ظهور است که اشاره دارد پیش از قیام و ظهور مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، در ایران و بین حکومت های شیعی و مورد تأیید امام تشکیل می شود و در دنیای پر از ظلم و جور آن زمان، مردم را به حق و عدالت دعوت می کنند. در این روایات به قیام ایرانیان و حکومت آنها تأیید بسیاری شده است. آقای علی کورانی از علماء لبنانی مقیم ایران، روایات مربوطه را جمع آوری و دسته بندی کرده اند و با توضیحاتی جامع درباره این روایات توضیح داده است. (کورانی علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ص ۲۱۷ - ۲۷۵، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم ۱۳۷۹، تهران). پس نه تنها حکومت جمهوری اسلامی، مصداق روایاتی که نهی از قیام و احیانا تشکیل حکومت می کند نیست، بلکه به دلیل عقل و نقل مصداق واقعی حکومت زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است و همین امر نشان می دهد روایاتی که نهی از قیام می کنند بررسی دقیق تری شوند و درباره آنها بیشتر اندیشه شود. حداقل اینکه این روایات قیامهای برحق و مطابق برنامه ائمه را شامل نمی شوند.

آیا در روایات توصیه و سفارشی بوده است که در زمان غیبت کبری تشکیل حکومت اسلامی واجب است؟ آیا این روایات مستدل است؟

آیا در روایات توصیه و سفارشی بوده است که در زمان غیبت کبری تشکیل حکومت اسلامی واجب است؟ آیا این روایات مستدل است؟

پاسخ

ضرورت وجود حکومت در هر جامعه‌ای، امری بدیهی است و همواه مورد تأیید مکاتب و اندیشه‌های گوناگون بوده است. پژوهش‌ها، نشان می‌دهد که تشکیل دولت و حکومت، همیشه و در همه شرایط، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. امام علی(ع) در سخن مشهور خویش این ضرورت را چنین گوشزد می‌فرماید: «لابد للناس من امیر برّ او فاجر...» ؛ «مردم ناگزیر نیازمند به امیر و حاکم‌اند؛ چه نیکوکار و چه زشتکار...»نهج البلاغه، خطبه ۴۰.. برای اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی نیز، به ادله متعدّد عقلی و آیات و روایات استناد شده است. اگر بخواهیم از منظر روایات این مسأله را بررسی کنیم، با دو دسته از روایات و احادیث رو به رو می‌شویم: یکم. روایاتی که بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در هر زمان –اعم از عصر حضور معصوم(ع) و یا غیبت تأکید دارد. از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است: «الواجب فی حکم الله و حکم الاسلام علی المسلمین بعد ما یموت امامهم او یقتل... ان لا یعملوا عملاً ولا یحدثوا حدثاً ولا یقوّموا یداً ولا رجلاً ولا یبدؤوا بشیء قبل ان یختاروا لانفسهم اماماً عفیفاً عالماً ورعاً عارفاً بالقضاء والسنه یجمع امرهم و یأخذ للمظلوم من الظالم حقه و یحفظ اطرافهم و یجبی فیئهم و یقیم حجتهم و جمعتهم و...» ؛بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۹۶. «یکی از واجبات بزرگ در احکام الهی و اسلامی بر مسلمانان این است که چون پیشوایشان در گذرد و یا کشته شود، پیش از هر کار امامی پاکدامن، عالم، پارسا و آگاه به احکام قضایی و سنت پیامبر برگزینند تا جامعه را اداره کند و حق ستمدیده را از ستمگر بازستاند؛ مرزهای مسلمین را پاسداری کند؛ فیء را گردآوری نماید؛ حج و نماز جمعه را برپا دارد و...». بر این اساس امیرالمؤمنین(ع) برقراری حکومت عدل اسلامی و زمینه سازی جهت انتقال قدرت به امامی با کفایت را – که براساس هنجارهای دینی عمل کند از واجبات بزرگ دینی دانسته که بر هر کاری مقدم است.برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسنی، عبدالمحمد، ولایت فقیه، صص ۳۷ ۴۶. دوم. روایاتی که به صورت خاص، در مورد شرایط و ویژگی‌های حاکم اسلامی در زمان غیبت، صادر شده است.برای آگاهی بیشتر ر.ک: امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۸ – ۱۱۴. امام زمان(عج) در توقیع شریف می‌فرماید: «اما الحوادث الواقعه، فارجعوا الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله» ؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷. «در حوادث و پیشامدهای اجتماعی به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم».جهت توضیح بیشتر ر.ک: بحث ادله نقلی ولایت فقیه و یا به کتاب: امام خمینی(ره)، ولایت فقیه، ص ۷۱. این قبیل روایات، ضمن مسلّم دانستن ضرورت حکومت در اسلام، به بیان شرایط و ویژگی‌های حاکم اسلامی پرداخته است. مجموع اینها دلالت بر لزوم قیام برای تشکیل حکومت دینی و لزوم پاسداری از آن دارد.

آیا این حدیث صحت دارد که زمان ظهور مهدی موعود حکومت ها همه ظالم هستند حتی مملکت ما باز هم پوزش می طلبم موفق باشین دوستدار همگی شما هادی

پرسش

آیا این حدیث صحت دارد که زمان ظهور مهدی موعود حکومت ها همه ظالم هستند حتی مملکت ما باز هم پوزش می طلبم موفق باشین دوستدار همگی شما هادی

پاسخ

آن چه در روایت‌ها در این باره آمده این است که در هنگامه و آستانه ظهور امام مهدی(عج) جهان آکنده از ظلم و جور است؛ «مُلِئَت ظُلماً وجَوراً»؛ از این تعبیر استفاده نمی‌شود که همه حکومت‌ها ظالم هستند بلکه تنها شیوع و گسترش ستم بدست می‌آید. از طرفی برخی روایت‌ها اشاره به وجود جمعیت‌های صالح و منتظران ظهور امام عصر(عج) در هنگامه پیش از ظهور دارند. در روایت‌هایی ـ که از طریق شیه و سنی روایت شده است ـ آمده است که مردمانی از مشرق قیام می کنند که مقدمه‌های قیام جهانی امام عصر(عج) را فراهم می‌سازند. حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی از محدثان و عالمان به نام اهل سنت در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان که ویژه امام مهدی(عج) نگاشته است، بابی را مستقلاً به این مطلب اختصاص داده است: «الباب الخامس: فی ذکر نُصرةِ أهل الشرق للمهدی(عج)؛ باب پنجم: درباره یاری کردن مردمان شرق از مهدی(عج)». در آن باب یکی از احادیث چنین است: «مردمانی از شرق بپا می‌خیزند پس زمینه (و مقدمه) حکومت مهدی را فراهم می کنند.» در منابع روایی شیعی تعابیر زیادی از این دست دیده می‌شود. به نمونه‌هایی از آن توجه کنید: ۱. «شروع کار مهدی از جانب مشرق است.» (علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲.) ۲. ابوخالد کابلی از امام باقر(ع) نقل می کند: «گویی می‌نگرم مردمانی را از مشرق زمین که حق جویند، آنها برای حق قیام می کنند اما پاسخی به آنان داده نمی‌شود؛ سپس دوباره بپا می‌خیزند و باز پاسخی به آنان داده نمی‌شود؛ چون چنین می‌شود به پیکار و مبارزه خونین بر می‌خیزند و این بار به حق خود می‌رسند... اینان پرچمی ـ حکومتی ـ را که بدست می‌آورند جز به صاحبش ـ مهدی ـ نمی‌دهند. کشتگان این قیام همگی شهید هستند. اگر من زمان آنان را درک کنم خود را برای خدمتِ مهدی نگاه می‌دارم ـ آماده می‌شوم ـ».(همان، ج ۵۱، ص ۹۳ و ج ۵۲، ص ۱۸۵.) ۳. در روایت‌های بسیاری از علایم ظهور، پرچم‌های سیاهی است که از جانب خراسان می‌آید و مردمانی که همراه آن پرچم‌ها برای یاری امام مهدی(عج) بپا خاسته‌اند.(علاءالدین متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۴۷ تا ۱۵۲.) در نتیجه دور نیست از روایت‌ها چنین استفاده شود که ـ پیش از ظهور، مردمانی در گوشه و کنار جهان از ستم و ظلم به تنگ آمده و قیام خواهند کرد و حکومت آماده سازِ حکومت سراسری عدل فراهم خواهند ساخت.

باسمه تعالی سلام علیکم با احترام به استحضار می رساند به تازگی بعضی ها شبهه ای را مطرح کرده اند و مطلب خود را به این گونه احادیث استناد می کنند و آن اینکه در حدیثی در ابتدای صحیفه سجادیه آمده است و در قسمت ۶۲ آن امام صادق فرموده اند : هر کس تا قیام قائم ما

پرسش

باسمه تعالی سلام علیکم با احترام به استحضار می رساند به تازگی بعضی ها شبهه ای را مطرح کرده اند و مطلب خود را به این گونه احادیث استناد می کنند و آن اینکه در حدیثی در ابتدای صحیفه سجادیه آمده است و در قسمت ۶۲ آن امام صادق فرموده اند : هر کس تا قیام قائم ما اگر قیام نماید باطل است و در راه ما کشته نشده است . لذا با این گونه احادیث می خواهند القا کنند که انقلاب ما و قیام مردم ما مردود است و شهدا نفعی از این کشته شدن ندارند و با وضع فعلی جامعه و مسائل ومشکلات ایران به

نتیجه می رسند که کار حضرت امام (قدس) و مردم باطل بوده و نباید قیام می کردند ! خواهشمند است جواب این سوال را به طور کامل بیان نموده و در رد این گونه احادیث و برداشتها نظر مراجع عظام را جویا بشوید . اگرچه می توان به این شبهه ها پاسخ مختصر و مفیدی داد اما می خواهیم جواب به صورت علمی و طلبه گونه باشد . باتشکر از شما ومن الله التوفیق

پاسخ

نخست باید دانست آمادگی مؤمنان راستین برای ظهور امام زمان(عج) منافات با فساد سراسری در آخر الزمان ندارد بلکه بر حسب روایات در آخر الزمان سراسر زمین را ظلم و ستم و فساد در بر می گیرد و در عین حال گروهی از شیعیان و مؤمنان چون کوهی استوار هستند که انتظار ظهور امام را می کشند تا در زیر پرچم ایشان عدالت و معنویت و صلاح در سراسر گیتی گسترش دهند. علاوه بر این که لزوم تشکیل حکومت اسلامی امری مهم و آشکار است زیرا که بخش عظیمی از قوانین اسلامی، برنامه هایی سیاسی اجتماعی است که جز در سایه یک تشکیلات و حکومت قابل اجرا نیست. و چون این احکام دائمی است و در زمان غیبت هم لازم الاجرا است بنابراین هر گاه تشکیل حکومت امکان داشته باشد به عنوان مقدمه اجرای احکام الهی ، واجب است به آن اقدام گردد . (ر.ک به «حکومت اسلامی» از آثار امام خمینی) ثانیا آنچه در روایات به عنوان نهی از قیام پیش از قیام حضرت مهدی(عج) آمده معنی و مفهوم خاصی دارد که نیاز به تحقیق جامع دارد. روشن است که احادیث در هر موضوعی هم از حیث سند و راویان باید مورد بررسی قرار گیرند و هم از جهت محتوا و مضمون، در بحث قیام پیش از ظهور مهدی(عج) نیز چنین است . بسیاری از روایات این بخش غیر قابل اعتمادند و آنها که معتبرند تنها قیام هایی را مردود می شمارد که رهبر آن مدعی مهدویت باشد و به عنوان قائم آل محمد (ص) قیام کند (ر.ک. طاهری، حبیب الله ، سیمای آفتاب.) یا هدف غیر الهی داشته باشد یا بدون تهیه مقدمات و اسباب لازم و قبل از فرا رسیدن زمان مناسب اقدام شود. اما گر رهبر قیام نه به عنوان مهدویت و نه به منظور تأسیس حکومتی در برابر حاکمیت الله، بلکه به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و استکبار و به قصد تأسیس حکومت اسلامی و اجرای کامل قوانین آسمانی قیام کرد و مقدمات نهضت را نیز پیش بینی نمود و مردم را به یاری طلبید، روایات مذکور چنین نهضت و انقلابی را مردود نمی شمارد و پرچم چنین نهضتی را پرچم طاغوت نمی شمارد. تأسیس چنین حکومتی به منظور حاکمیت الله و در مسیر حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) و زمینه ساز آن می باشد. بنابر این احادیث مذکور مخالف چنین قیام و نهضتی نخواهد بود. (ر.ک به دادگستر جهان نوشته ابراهیم امینی) این احادیث(مخالف قیام) در شرائطی صادر شده است که عده ای از علویان و یا حتی از عباسیان ، برای مقابله با حکومت اموی و با استفاده از جهل مردم، خود را به عنوان مهدی موعود که پیامبر(ص) وعده ظهور او را بشارت داده بود، قلمداد می کردند و از مردم برای خود بعنوان مهدی منتظر بیعت می گرفتند. در چنین اوضاعی ائمه(ع) با موضع گیری بجا جلوی سوء استفاده آنان را گرفتند . شاهد این قضیه این است که «مهدی عباسی» که یکی از خلفای ظالم عباسی است بهمین جهت لقب مهدی به خود داده و از مردم بیعت گرفت و نیز محمد بن عبدالله بن الحسن _ معروف به نفس زکیه، به نام مهدی موعود برای خود از مردم بیعت می گرفت و حتی از امام صادق(ع) نیز خواست که بنام مهدی آل محمد (ص) با او بیعت کند و همراه او در جنگ با بنی امیه شرکت نماید! وقتی امام صادق(ع) حاضر به بیعت با این عنوان نشد «عبدالله» پدر محمد، سخت عصبانی شد و به حضرت، سخنانی ناروایی نیز گفت .(سیمای افتاب – ص ۱۴۲ _ نوشته دکترحبیب الله طاهری «به نقل از ارشاد مفید ص ۲۶۰») و در این مناظره حضرت به عبدالله می فرماید: نه پسر تو آن مهدی موعود است و نه الان وقت قیام است و اگر می خواهید برای خدا غضب کرده و امر به معروف و نهی از منکر نمایید شما پدر محمد، شیخ ما هستی و بفرمایید رهبری قیام را بر عهده بگیرید ما نیز با شما بیعت می کنیم.(همان، ص ۱۴۳، به نقل از ارشاد مفید ص ۲۷۷) این روایت

خود دلیل بر این است که از نظر ائمه هر قیامی محکوم نبوده بلکه امام(ع) برای شرکت در قیامی که برای امر به معروف و نهی از منکر باشد اعلام همکاری نیز نموده است و این گونه قیام و انقلاب را امضا نموده و مشروع اعلام فرموده است. غالب روایات نهی از قیام که مخالفین به آن استناد نموده اند، از این نوع روایات و در چنین فضایی صادر شده است و منع از قیام مشروط و ناظر به افراد خاص است نه مطلق. انقلاب اسلامی ایران نیز به رهبری فقیهی جامع شرایط و آگاه به شرایط زمان و مکان شکل گرفته است. رهبری که انگیزه الهی او و اخلاص او مورد اعتراف دوست و دشمن بود. همگان می دانستند که او جز برای اهداف الهی و اسلامی و اجرای قوانین الهی قیام نکرده و در راه نهضت نیز بر همه قوانین خدایی پایبند است. او در این مسیر پیوسته مورد تایید عالمان دینی و متفکران اسلامی شیعه و سنی بود و حتی علمایی که معتقد به تلاش برای تآسیس حکومت اسلامی نبودند نیز پس از تشکیل حکومت اسلامی تآیید و حمایت از حکومت اسلامی را لازم می دانند. تأییدات الهی همواره همراه این انقلاب بوده، از این رو در عرصه داخل و خارج به موفقیت های فراوان دست یافته است . بعضی ناکامی هایی که دیده می شود معلول کارشکنی ها و دشمنی های فراوان زورمداران شرق و غرب و مرتجعان منطقه بوده است. این انقلاب نقطه مقابل منافع شرق و غرب بوده و همیشه مورد هجوم دشمنان خدا و مسلمین بوده است و با این همه چون شجره ای طیبه و بارور ایستاده است و چون شمعی فراروی مسلمین عالم و آزادگان جهان است. گذشته از اینها روایات متعددی درباره آخر الزمان و علائم ظهور است که اشاره دارد پیش از قیام و ظهور مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، در ایران و بین حکومت های شیعی و مورد تأیید امام تشکیل می شود و در دنیای پر از ظلم و جور آن زمان، مردم را به حق و عدالت دعوت می کنند. در این روایات به قیام ایرانیان و حکومت آنها تأیید بسیاری شده است. آقای علی کورانی از علماء لبنانی مقیم ایران، روایات مربوطه را جمع آوری و دسته بندی کرده اند و با توضیحاتی جامع درباره این روایات توضیح داده است. (کورانی علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ص ۲۱۷ – ۲۷۵، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم ۱۳۷۹، تهران). پس نه تنها حکومت جمهوری اسلامی، مصداق روایاتی که نهی از قیام و احیانا تشکیل حکومت می کند نیست، بلکه به دلیل عقل و نقل مصداق واقعی حکومت زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است و همین امر نشان می دهد روایاتی که نهی از قیام می کنند بررسی دقیق تری شوند و درباره آنها بیشتر اندیشه شود. حداقل اینکه این روایات قیامهای برحق و مطابق برنامه ائمه را شامل نمی شوند. تفسیر صحیح روایات باطل بودن قیام های قبل از ظهور چنین است: ۱- اگر روایات مذکور به معنای ظاهری آنها که برخی خیال کرده اند، گرفته شود، معنای آن و جوب سکوت در برابر همه ظلم ها و طاغوت ها و بی عدالتی ها است و این مخالفت نص صریح قرآن و روایات مکرر اهل بیت علیهم السلام است که اسلام دین عدالت است و مردم را به عدالت و زندگی عادلانه دعوت کرده و سکوت در برابر اهل ظلم و کفر را جایز ندانسته است. بنابراین قیام امام حسین علیه السلام تنها برای ایشان جایز بود و عملی نیست که بشود از آن پیروی کرد و کلام امام حسین علیه السلام خطاب به کوفیان که فرمود «فلکم فی اسوه» همانا من برای شما الگو هستم،(تحف العقول، ص۵۰۵) لغو می گردد و ما تنها موظفیم برای امام حسین عزاداری کنیم و پیروی از سنت و روش ایشان برای ما جایز نیست. ضمن اینکه قیام علیه طاغوت و ظلم مقدمه تشکیل حکومت عدل است و اگر ما پیش از ظهور دعوت به سکوت شده باشیم به آیاتی که دلالت بر جامعیت اسلام دارد (مائده، ۳۳-۳۸؛ نور، ۲؛ حجرات، ۹؛ انفال، ۳۹-۶۰) و همچنین روایات متعددی که بر این واقعیت دلالت دارند لغو می گردند. بنابراین معنای روایات غیر از آن است که برخی با وجوب سکوت برداشت کرده اند. ۲- امام علی(ع) در وصف مردم در آخر الزمان می فرمایند: «... تضل فیها اقوام و یهتدی فیها اخری؛ در آن زمان گروههایی گمراه می شوند و گروهی دیگر بر هدایت ثابت قدم می مانند...» بعد امام(ع) در وصف گروه هدایت شدگان می فرمایند: «اولئک خیار هذه الامه مع ابرار هذه العتره؛ آنها بهترین این امت هستند که با خوبان این خاندان (پیامبر اکرم(ص)) به سر می برند» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۸). روایت شریف صریح است در این که مردم آخر الزمان دو گروه هستند گروهی به بیراهه گمراهی کشانده می شوند اما بهترین این

امت در شاهراه خیر و صلاح و هدایت ثابت قدم می مانند. در این دوران هر چه اهل باطل و شر و ستم در رفاه و آسایش هستند اهل حق در سختی به سر می برند زیرا حاکمیت با ظلم و ستم است و اهل حق در اقلیت به سر می برند. ۳- امام سجاد(ع) می فرمایند: «ان اهل زمان غیبته القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره... الدعاه الی دین الله عزوجل سرا و جهرا» معتقدان به مهدی و منتظران ظهور او در عصر غیبت .... (دارای چنین صفاتی هستند که) در پنهان و آشکار مردم را به دین خدا فرا می خوانند. (کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۲۰) ۴- امام صادق(ع) می فرمایند: «... و رایت اصحاب الایات یحقرون و یحتقر من یحبهم» مردمان حق را می نگری که خوار شمرده می شوند و هر کس به آنها علاقه داشته باشد نیز کوچک شمرده می شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶) برخورد امروز دولت مستکبر آمریکا و دنباله روان آن با مردم ایران و مسلمانان نمونه ای از تحقق این روایت است. آری در این زمان حفظ دین بسیار سخت است. ۵- پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «لاحدهم اشد بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء او کالقابض علی جمر الغضاء» هر یک از آن (مؤمنان) دین خویش را به سختی نگاه می دارد چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند یا آتش پر دوام را در دست نگاه می دارد(همان، ص ۱۲۴). آری حفظ و نگهداری دین، بسیار سخت است و به این دلیل است که انتظار فرج بهترین عبادت است. ۶- پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عز وجل» انتظار فرج از جانب خداوند متعال برترین عمل امت من است (همان، ص ۱۲۸). ۷- امام علی(ع) می فرماید: «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله» منتظر امر ما، بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلطیده است (همان، ص ۱۲۳). در چنین زمان پر فتنه ای است که به ما دستور داده اند که هوشیار باشیم و مواظب دین خود باشیم زیرا از هر طرف برای گمراهی ما تلاش می شود. زور و زر و تزویر و تبلیغات و سیاست بازی ها و تهدیدها و هزار و یک اقدام دیگر در سر راه ماست تا ما را از دین حق جدا کند. خلاصه کلام این که در برابر ظلم و فساد سراسری که جهان را پر کرده است گروهی مؤمن واقعی هستند که انتظار عدالت گستر را می کشند و زمینه ساز ظهورند. «آنها پولاد دل اند و همه وجودشان را یقین به خدا پر کرده است. مردمانی سخت تر از صخره ها» (به نقل از امام صادق(ع) همان، ص ۳۰۸). «آنها در حالی که پیامبر را ندیده اند و امامشان هم پنهان است به سبب یقین قلبی، دارای ایمانی مستحکم هستند» (از پیامبر اکرم(ص)، همان، ص ۱۲۵). «آنها برادران پیامبر(ص) هستند که او را ندیده اند، اما به او ایمان دارند و او را از صمیم قلب دوست می دارند و با تمام وجود او و دین او را یاری می رسانند» (از پیامبر اکرم(ص)، همان، ص ۱۳۲). «آری چنین مردمانی برترین مردم همه زمان ها هستند زیرا خداوند عقل ها و فهم ها و شناخت آنها را قوت بخشیده است به حدی که امام غائب نزد آنها همچون امام حاضر است و به نهایت درجه اخلاص رسیده اند» (کمال الدین، ص ۳۲۰). «چقدر مقام آنها بالاست که پاداش یک نفر این گروه همانند پاداش پنجاه صحابه پیامبر(ص) است که در رکاب آن حضرت در جنگ های بدر و احد و حنین جنگیده اند، زیرا سختی ها و آزار ها و رنج هایی که بر آنان وارد می شود، فوق طاقت اصحاب پیامبر(ص) است و اگر چنین رنج ها و آزارهایی به اصحاب پیامبر(ص) می رسید شکیبایی نمی داشتند» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰). پس بکوشید جزء این گروه باشید تا نامتان را در فهرست یاران با اخلاص امام مهدی حضرت بقیه الله الاعظم(عج) ثبت کنند و جزء برادران ودوستان پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و شهدا در رکابش شمرده شوید. برای اطلاع بیشتر نگا: کورانی، علی؛ عصر ظهور؛ ترجمه عباس جلالی؛ شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی؛ تهران؛ چاپ دوم ۱۳۷۹ (همه کتاب خواندنی است اما بحث ایرانیان و نقش آنان در ظهور و زمینه سازی ظهور را در صفحات ۲۷۵ - ۲۱۱ مطالعه کنید)

آیا قیام قبل از ظهور حجّت صحیح است؟

پرسش

آیا قیام قبل از ظهور حجّت صحیح است؟

پاسخ

برخی معتقدند که قیام وانقلاب بر ضدّ هر حاکم ظالم وبی‌دین قبل از ظهور امام زمان (ع) حرام است. آنان به روایاتی در این باره استناد می‌کنند از قبیل آنکه امام صادق (ع) فرمود": کلّ رایهٔ ترفع قبل قیام القآئم فصاحبها طاغوت یعبد من دون اللّه عزّوجلّ؛" {پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲. پاورقی"} هر پرچمی که قبل از قیام قائم بالا رود صاحب آن طاغوت بوده وغیر خداوند عزوجل را عبادت می‌کند ".در توجیه این روایات می‌گوییم: ۱ – این روایات با اصول کلّی شریعت ومبانی قطعی آن، که از جمله ادله امر به معروف ونهی از منکر وجهاد است منافات دارد، زیرا این سه، مراتبی دارد که یکی از آنها قیام است. ۲ – غالب روایات، مشکل سندی از قبیل ارسال وضعف راوی دارد. که در جای خود مورد بحث سندی وتضعیف قرار گرفته است. ۳ – از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که امام درصدد خبر از غیب است به این معنا که امام می‌فرماید: این گونه انقلاب‌ها به پیروزی نهایی نمی‌رسد گر چه ممکن است آثار مثبتی بر آن مترتب شود، نه آنکه امام درصدد تخطئه اصل انقلاب باشد، آن گونه که در مورد قیام زید شهید ومختار فرمودند. ۴ – دعوت انقلابی وانقلاب کننده بر دو گونه است: یکی دعوت به حق که به هدف برپا داشتن حقّ وبازگرداندن زمام امور حکومت به دست اهل بیت: است که البته چنین حکومتی مورد تأیید امامان معصوم: است. دیگری دعوت به باطل که به جهت مطرح کردن خود است. ومقصود از" کل‌رایهٔ "گویا همین معنا است. بنابراین قیام‌هایی که درصدد دفاع از حریم شریعت وامامت اهل بیت: است تخصصاً از این روایات خارج می‌باشد. ولذا هنگامی که درباره وظیفه شیعیان در مقابل قیام مختار از امام زین‌العابدین (ع) سؤال شد، حضرت فرمود": لو أنّ عبداً زنجیّاً تعصّب لنا أهل البیت، لوجب علی الناس مؤازرته"؛ "هرگاه برده‌ای زنگی {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۳۶۵. پاورقی} برای یاری ما، پیشانی‌بند به به پیشانی بست – کنایه از اینکه قیام کرد– بر مردم کمک ویاری او واجب است ".امام صادق (ع) فرمود": یخرج القائم حتی یخرج اثنا عشر من بنی هاشم کلهم یدعو إلی نفسه"؛ "قائم خروج نخواهد کرد تا آنکه قبل از آن دوازده نفر از بنی‌هاشم خروج کنند {پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۴۳۷. پاورقی} وهمه آنها مردم را به خود دعوت می‌کنند ".موضوع: سرداب مقدّس

نیابت

مدعیان دروغین

اگر کسی توفیق پیدا کند برخوردی با امام زمان (ع) داشته باشد چه ایشان را ببیند یا صدای آقا را بشنود و در تشخیص خویش مطمئن باشد سپس این واقعه را به دیگران بگوید آیا می‌توان گفت بر اساس حدیث" من ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر "دروغگو است؟ لطف کنید حدیث را بشکافی

پرسش

اگر کسی توفیق پیدا کند برخوردی با امام زمان (ع) داشته باشد چه ایشان را ببیند یا صدای آقا را بشنود و در تشخیص خویش مطمئن باشد سپس این واقعه را به دیگران بگوید آیا می‌توان گفت بر اساس حدیث" من ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر "دروغگو

است؟ لطف کنید حدیث را بشکافید تا شبهه‌ها برطرف شود.

پاسخ

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو دوره اول و دوم یا صغری و کبری تقسیم شده است. شکی نیست که تشرف به خدمت حضرت بقیة الله (ع) در دوره اول ممکن بود و بسیار واقع شد تا اطمینان حاصل شود. از آغاز بین روزهای این دوره، آن حضرت نمایندگان ویژه‌ای میان شیعیان داشت که به" تواب اربعه "معروفند. شیعیان از طریق نواب می‌توانستند (به صورت مستقیم یا غیر مستقیم) شرفیاب حضور آن کعبه دل‌ها شوند و برای سؤالات خویش پاسخ دریافت کنند. ابتدا عثمان بن سعید، بعد محمد بن عثمان، سپس ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی مقام نیابت خاص آن حضرت را در این دوره به عهده داشتند و روابط میان مردم و امام زمان (ع) بودند. چهارمین و آخرین سفیر آن حضرت علی بن محمد سمری بود. نیابت خاص، مقام مقدس و والایی است. مردم در امور دینی - و بلکه غیر آن - هر آن چه را که از نواب می‌دیدند و می‌شنیدند، به عنوان پیام امام زمان (ع) یا مورد تأیید آن حضرت و فرمان الهی تلقی می‌کردند. این امر بسیاری از بیمار دلان قدرت گرا و ریاست طلب را به طمع واداشت و افرادی همانند شلمغانی و حسن شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال کرخی، محمد بن علی بن بلال و حسین بن منصور حلاج، به دروغ ادعای نیابت خاص نمودند تا بلکه بتوانند هوس قدرت‌طلبی خویش را ارضا نمایند و در نتیجه مورد لعن و نفرین مکرر حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفدا قرار گرفتند.

نظر انجمن حجتیه و شاخه‌های آن را بیان کرده و آیا همه افکار آنها قابل رد است؟

پرسش

نظر انجمن حجتیه و شاخه‌های آن را بیان کرده و آیا همه افکار آنها قابل رد است؟

پاسخ

روشنفکران غرب زده از دوره‌های گذشته انجمن‌های گوناگونی برای رخنه در مراکز دینی، روحانی، پدیدآوردن کژراهه در آیین اسلام و تک بعدی کردن آن تشکیل داده بودند. یکی از این انجمن‌ها، انجمن حجتیه نام داشت و مهم‌ترین مأموریت آن دور نگه‌داشتن مسلمانان از فعّالیّت‌های اجتماعی و جا انداختن تز استعماری »جدایی دین از سیاست« بود. در سال ۱۳۲۵ شیخ محمود تولایی معروف به حلبی که از اعضای انجمن تبلیغات اسلامی بود مأموریت یافت تا درباره فرقه ضالّه بهائیت تحقیق کند. بعدها در سال ۱۳۳۵ از انجمن تبلیغات اسلامی جدا شده و گروه جدیدی به نام »انجمن خیریه حجتیه مهدویه« را بنا نهاد که به اختصار »انجمن حجتیه« نامیده می‌شود. مؤسسین این انجمن عبارت بودند از: ۱ - شیخ محمود تولایی معروف به حلبی ۲ - سید رضا آل رسول ۳ - سید محمد حسین عصار ۴ - سید حسین سجادی ۵ - غلام حسین حاج محمد تقی تاجر {P - رویدادها و تحلیل، شماره پنجاه و هفت، (مرداد۱۳۶۷)، ص ۳۸. P} شیخ محمود حلبی به دلیل کهولت سن، سید حسن افتخارزاده را به سمت قائم مقام انجمن برگزید. وی در انجمن شاهنشاهی فلسفه زیر نظر فرح پهلوی مشغول به خدمت بود. یکی دیگر از سران انجمن حجتیه به نام

سید حسن سجادی با ساواک در ارتباط بود. انجمن‌ها پیش از کشاندن جوان‌ها به درون تشکیلات روی اندیشه آنها کار می‌کردند و می‌کوشیدند که نخست آنها را از هر گونه فعّالیّت‌های سیاسی بیزار و نسبت به آن بی تفاوت کنند و اساساً حرکت‌های سیاسی را بیهوده جلوه دهند و سپس آنها را نسبت به علما و روحانیون بدبین و بی‌ارادت سازند. سردمداران انجمن حجتیه در راستای پیاده کردن تز »اسلام منهای روحانیت« پیوسته تلاش می‌کردند که عالمان آگاه و وارسته را از عضویت و دخالت در تشکیلات انجمن بازدارند. از این رو افراد وابسته به خود رااز هرگونه ارتباط با روحانیون بر حذر می‌داشتند و تنها برای کشاندن نسل جوان و نوجوان مسلمان به درون انجمن چند تن عمامه به سر در کادر خود تربیت کرده بودند واز وجود آنان برای فریب جوانان مسلمان بهره می‌گرفتند. {P - پانزده خرداد، شماره چهارم، (بهار ۱۳۷۳)، ص ۲۰ و ۲۳. P} »عباد صالح« از گروه‌های منشعب از انجمن حجتیه بود که مسؤلیت آن را شخصی به نام طیّب بر عهده داشت وی تا قبل از این، مسؤولیت کنفرانس‌های انجمن حجتیه را دارا بود. حضرت امام خمینی(ره) در پیامی چهره واقعی این انجمن و فعّالیّت‌های آن را برای مردم چنین بیان کرد: »دیروز مقدس نماهای بی شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسؤولین نظام کمونیست شده‌اند تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان مفید و راه گشا می‌دانستند. امروز از این که در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسؤولین نیست رخ می‌دهد، فریاد وا اسفاها سر می‌دهند. دیروز حجتیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند. ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسّب و تعیّش نبوده است امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند.« {P - صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۳. P} برخی از نظریات و افکار انجمن حجتیه عبارتند از: ۱ - دین از سیاست جداست ۲ - اسلام تنها دین عبادت است ۳ - دخالت در سیاست زیبنده پیشوایان دینی نیست.

نظر شما در مورد انجمن حجتی چیست؟ آیا این گروه با گروه فرقان فرق می کند؟

پرسش

نظر شما در مورد انجمن حجتی چیست؟ آیا این گروه با گروه فرقان فرق می کند؟

پاسخ

انجمن حجتیه، افرادی هستند که معتقدند، باید دنیا را فساد بگیرد تا امام زمان"ع "ظهور نمایند. لذا امر به معروف و نهی از منکر را ترک نموده و مردم را از اعمال فساد و گناه نهی نمی کنند. هنوز هم وجود دارند و چند وقت پیش سران آنان دستگیر و محاکمه شدند. اما گروه فرقان، گروهی بودند که قبل از انقلاب شکل گرفت و تفکر اینها این بود که باید قرآن و فرهنگ اسلامی را با محتوای مادی بیان کنیم و شروع به تفسیر مادی از قرآن کردند و بیان کردند تمام انقلابات انبیاء انقلاب شکم و ناشی از محرومیت و موضع طبقاتی بود. و این گروه با انجمن حجتی متفاوت بودند. و خیلی از بزرگان خطر گروه فرقان را بیشتر از انجمن حجتیه می دانستند و برای آن مبارزه می کردند. و جواب این بزرگان گلوله از طرف گروه فرقان بود از آن جمله استاد مطهری، شهید مفتح و ... به مقدمه کتاب علل گرایش به مادیگری استاد شهید مطهری مراجعه شود.

اهداف انجمن حجتیه چه بود ؟

پرسش

اهداف انجمن حجتیه چه بود ؟

پاسخ

انجمن حجتیه سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی توسط آقای حلبی درخراسان جهت مبارزه با بهائیت پایه‌گذاری و سپس در سراسر کشور گسترش‌یافت در آغاز برخی از علما آن را تأیید نمودند ولی چون بعدا روند آن راپشت کردن به حرکت‌های انقلابی یافتند گروهی از آنان به مخالفت برخاسته وموضع‌گیری‌های حضرت امام «ره تعطیلی انجمن توسط آقای حلبی اعلام‌گردید.

با توجه به حدیث تکذیب ملاقات کنندگان امام زمان (عج) چرا بعضی ادعای رویت حضرت را می نمایند؟

پرسش

با توجه به حدیث تکذیب ملاقات کنندگان امام زمان (عج) چرا بعضی ادعای رویت حضرت را می نمایند؟

پاسخ

مسلما در زمان غیبت، افرادی در خواب و بیداری خدمت امام عصر(عج) رسیده‌اند. آنچه که در حدیث یاد شدهدر مورد تکذیب ادعای مشاهده آمده است، در مورد کسانی است که مدعی نیابت خاص و ارتباط با آن حضرت‌اند؛یعنی، کسانی که با این کار برای خود دکانی درست کرده و مردم را به انحراف می‌کشانند. چنان که فرقه‌های گمراهبهائیت، وهابیت از همین راه استفاده کرده و فتنه‌ای برای عالم اسلام فراهم ساخته‌اند.{

در عصر غیبت می توان از خطر سامریان سخن راند؟

پرسش

در عصر غیبت می توان از خطر سامریان سخن راند؟

پاسخ

فرمود: «در حقیقت، ما قوم تو را پس از {عزیمت} تو آزمودیم و سامری آن‌ها را گمراه ساخت» پس موسی خشمگین و اندوهناک

به سوی قومش باز گشت]و [گفت: «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد؟ آیا این مدّت بر شما طولانی می‌نمود یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید.»{۱)M) انحراف مردم پس از هدایت، از مهم‌ترین آفات و خطرهای ملّت‌ها به شمار می‌آید. هنگامی که موسی با گروهی از نخبگان به میقات طور رفت و چهل روز از قومش غایب گردید، ظاهربینان و سطحی نگران بنی اسرائیل، راه سامری پیش گرفتند و به سادگی به پرستش گوساله طلایی وی روی آوردند. موسی، پس از بازگشت با آفت جدید ایمان و توحید مردم به مبارزه پرداخت. وی با استدلال و توجّه دادن مردم به فطرت توحیدی و نیز برخورد قهرآمیز در محو آثار شرک کوشید. غیبت موسی)ع(امتحانی الاهی برای بنی اسرائیل بود. آنان که در انتظار بازگشت موسی به سر می‌بردند و انتظارشان آگاهانه و بر مبنای آموزه‌های الاهی بود، هرگز در برابر دسیسه‌های شیطانی سامری فریب نخوردند. مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این واقعیت است که غیبت همواره زمینه ظهور سامریان فرصت طلب و انحراف مؤمنان را فراهم می‌آورد. در این موقعیت، تنها کسانی قافله اندیشه و دین خویش را به مقصد می‌رسانند، که انتظار را بر مبنای کتاب آسمانی و آموزه‌های پیامبر خویش تفسیر و تحلیل کنند. رمز این‌که در چهارده قرن گذشته، عوامل گوناگون در ایمان شیعیان خلل پدید نیاورده است، تفسیر انتظار بر اساس «قرآن» و «عترت» است. امروز نیز انتظار، چون گذشته، نسخه بدل‌های فراوان، مشابه و گمراه کننده دارد. معنای واقعی انتظار تنها به یاری توسل به وجود مقدس حجۀ بن الحسن)ع(و تأسی به سیره عالمان و روشنفکران متعهد و دلسوز مکتب تشیع درک می‌شود. انتظار صحیح، حماسه تبر ابراهیم و ذوالفقار علی)ع(است نه سستی و خمودگی. انتظار تفسیر خون نامه نینوا و ضمانت نامه پیروزی هابیلیان است. انتظار دریچه‌ای به بستان ملکوت و بهانه‌ای برای تپیدن قلب تاریخ است. انتظار کشتی‌ای مطمئن دردریای شهوات و هواهای نفسانی است. انتظار چکامه شورانگیز یکتاپرستی است. هر کس مفهوم «انتظار» را خارج از «دایره توحید» و وظایف «منتظر» را برون از دایره «شرع مقدس» معنا و تفسیر کند، سامری و بدعت گذار است. بدین سبب، وجود مقدس پیامبر اسلام فرمود: «أفضل اعمال أمتی انتظار الفرج» . .....(منابع)..... ۱) سوره طه، آیات ۸۶ – ۸۵.

چه کسانی ادعای مهدویت کرده یا در حقّ آنها ادّعای مهدویت شده است؟

پرسش

چه کسانی ادعای مهدویت کرده یا در حقّ آنها ادّعای مهدویت شده است؟

پاسخ

این گونه افراد در طول تاریخ اسلام بسیار بوده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: ۱ – محمّد بن حنفیّه؛ که مختار در حق او ادعای مهدویت کرد.{پاورقی . وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۲. پاورقی} ۲ – موسی بن طلحه؛ که مردم در حق او ادعای مهدویت کردند.{پاورقی . طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۱۶۲. پاورقی} ۳ – ابوهاشم بن محمّد بن حنفیه؛ که گروهی معتقد به مهدویت او بودند.{پاورقی . فرق الشیعه، ص ۳۱. پاورقی} ۴ – عمر بن عبدالعزیز.{پاورقی . البدایۀ والنهایۀ، ج ۹، ص ۲۲۵. پاورقی} ۵ – عبداللّه بن معاویۀ بن عبداللّه بن جعفر.{پاورقی . الفِصَل، ج ۴، ص ۳۶. پاورقی} ۶ – اسماعیل فرزند امام صادق (ع)؛ گروهی مرگ او را انکار کرده وقائل به مهدویت او شدند.{پاورقی . همان. پاورقی} ۷ – محمّد بن عبداللّه بن حسن؛ او در سال صد هجری

ادعای مهدویت نمود. بزرگان خط اعتزال مردم را به بیعت با او دعوت می‌نمودند. ابوالفرج اصفهانی {پاورقی . کافی، ج ۵، ص ۲۳، ح ۱. پاورقی} می گوید": کسی شک نداشت که او مهدی است، وحتّی گروهی از بنی‌هاشم نیز با او بیعت کردند.{"پاورقی . مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۸. پاورقی} ۸ – مهدی عباسی؛ منصور عباسی لقب فرزندش را مهدی گذاشت تا مردم را از این طریق اغفال کرده وبه اعتقاد مهدویت با او بیعت کنند.{پاورقی . همان، ص ۱۶۲. پاورقی}

چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟

پرسش

چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟

پاسخ

هنوز مدّتی از عهد سفارت ناحیه مقدسه نگذشته بود که این دستگاه مقدس مبتلا به مصیبت مدعیان دروغین سفارت گشت. آنان از این ادعای دروغین خود اهدافی را دنبال می‌نمودند که عبارت بود از: ۱ – از آنجا که ایمان ضعیفی داشتند با این ادعا درصدد انحراف مردم وجامعه شیعی بودند. ۲ – طمع به دست آوردن اموال مردم وحقوق شرعیه، زیرا از آنجا که امام زمان (ع) در غیبت به سر می‌بردند اینها می‌توانستند در اموال تصرّف نمایند. ۳ – گسترش موقعیت خود در جامعه، زیرا با این ادعا وانتساب خود به امام مهدی (ع) درصدد گسترش شهرت خود برمی‌آمدند.

مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده‌اند؟

پرسش

مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده‌اند؟

پاسخ

شروع تزویر در امر سفارت به عصر سفیر دوّم محمّد بن عثمان عَمْری باز می گردد؛ زیرا پدر او عثمان بن سعید به قدری معروف بود که هیچ کس جرأت معارضه با او را نداشت. اول کسی که ادعای سفارت دروغین نمود ابومحمّد شریعی بود. وبعد از او {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷. پاورقی} محمدبن نصیر نمیری واحمد بن هلال کرخی وابوطاهر محمد بن علی بن بلال {پاورقی . همان، ص ۳۶۷. پاورقی} {پاورقی . همان، ص ۳۶۸. پاورقی} بلالی وابوبکر محمّد بن احمد بن عثمان بغدادی واسحاق احمر ومردی معروف {پاورقی . همان، ص ۳۶۹. پاورقی} {پاورقی . همان، ص ۳۰۱. پاورقی} به باقطانی. {پاورقی . همان. پاورقی} برخی از آنان در ابتدا از مردان صالح بودند ولی به جهات مختلف راه انحراف را پیشه نمودند. سفیر دوم با تمام قدرت به مقابله با آنها پرداخت، ونیز از ناحیه مقدسه توقیعات وبیانات شدید در لعن وتبری از آنان صادر شد که دلالت بر دروغگویی وسوء باطن

آنـان داشت. در زمـان سـفارت حسـین بن روح –سـفیر سوم– مصـیبت در این زمینه بیشتر شـد، زیرا شخصـی به نـام محمّـد بن علی شلمغـانی غزافری ادعـای سـفارت نمود وبیشترین تأثیر را در انحراف جامعه به جای گـذاشت. او گر چه در ابتـدای امر، مردی مؤمن به{پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۳۰۳. پاورقی} نظر می‌رسـید ووکیل حسین بن روح بود، ولی عاقبت به انحراف کشیده شد. آخرین کسی که ادعای دروغین سفارت داشت ابودلف کاتب بود که بر این ادعای خود تا بعد از وفات سمری –سفیر چهارم– باقی بود.

وظیفه ما نسبت به کسانی که مدّعی دائمی یا غالبی رؤیتند چیست؟

پرسش

وظیفه ما نسبت به کسانی که مدّعی دائمی یا غالبی رؤیتند چیست؟

پاسخ

دربـاره سـؤال فوق می گوییم: اولاً: مسـأله رؤیت این طور نیست که به اختیـار انسـان باشـد وهر گـاه که اراده ملاقـات کنـد برای او حاصـل گردد، بلکـه وابسـته به یـک سـری شـرایط ومصالـح خاصّـی است که اگر آمـاده شـود حضـرت مقـدّمات ملاقـات را فراهم می‌سازد. ثانیاً: اگر کسـی مدّعی ملاقات دائمی است واین گونه خود را وانمود می کند که دائماً با حضرت ارتباط دارد وهر گاه که اراده کند می‌تواند خدمت حضـرت ...Şjəوواسـطه بین مردم وایشان باشـد، او مطابق توقیعی که حضـرت به علی بن محمّد سـمری داشته‌اند کـذّاب است. ولـذا بایـد او را تکذیب کرد. ثالثاً: باید مدّعی ملاقات را امتحان وآزمایش کرد،آیا از حیث عمل به موازین اسـلامی پایبند است؟آیا هدفش ریا وجذب مردم وانحراف در جامعه نیست؟ و... ؛ زیرا برای ملاقات خوبان باید در ابتدا انسان خود با آنان سنخیّت پیدا کند.

گروه حجتیه رابرای ما تعریف کنید؟ چه عقائدی دارند، برحقند یاخیر،آیا در مشهد هم فعالیت دارند .ازکجا شروع به فعالیت کرده اند ؟

پرسش

گروه حجتیه رابرای ما تعریف کنید؟ چه عقائدی دارند، برحقند یاخیر،آیا در مشـهد هم فعالیت دارند .ازکجا شروع به فعالیت کرده اند ؟

پاسخ

انجمن حجتیه به عنوان یکی از جریانهـای ایسـتای مـذهبی درخنثی سـازی و سـیاست گریزنمودن قشـرمذهبی، خصوصاً نسل جوان، نقش مـوثری را ایفـا نمـوده است . انجمن حجـتیه پس ازرکود چنـد سـاله، از سـال ۱۳۷۶ فعال شـده تشـکیلات خودرا دنبال نموده وعناصـر وابسـته به این فرقه در تهران وشهرسـتانها با پوشـش هیأت های مذهبی و جلسات تفسیر قرآن مشغول فعالیت شده و توانسته انـد افرادی از قشـر جوان را جـذب نماینـد . تـاریخچه الف) قبـل ازانقلاب : این انجمن بانام" انجمن خیریه حجتیه مهـدویه "پس از

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بـا رهبری محمـد ذاکر تولاـیی(معروف به حلبی) با هـدف مقابله با بهائیت تأسیس شـد.لیکن درمبارزه با بهائیت، هیچ گاه اساس بهائیت (صـهیونیسم) و رؤوس آن درایران(هویداها، هژبریزدانی ها و رژیم بهائی پرورشاهنشاهی) را مد نظر قرارنـداده، بلکه درمحیـط اختنـاق رژیم شاهنشاهی درکمال آزادی، جلسات منظمی را درییلاق ها وباغ های بزرگ با صـرف هزینه هـای سـنگین برگزار می کردنـد. از افتخـارات این انجمن در قبل از انقلاب عـدم شـرکت اعضایش در قضایای ۱۵ خرداد بـود. این جریان با پوشـش آماده نمودن شرایط برای ظهور حضرت حجت (عج) معتقد به اشاعه فساد بوده وبه این دلیل که برقراری حکومت ا سـلامی مـانع ظهور امام زمان (عـج) می باشـد، از هیـچ مخالفتی با نظام اسـلامی دریغ نکرد. انجمن حجتیه به منظور ایجاد انحراف درنهضت اسـلامی، نظرات فقهی حضـرت امام خمینی(قـدس سـره) را زیر سوال می‌بردند واز هیچ تهمت و شایعه ای برای مخدوش نمودن افکـار و انـدیشه های امام عظیم الشأن (قـدس سـره) دریغ نکردنـد. ب) پس از انقلاب : درابتـدای انقلاب با سوء اسـتفاده از فضـای باز به وجود آمـده وبا پوشـش دفاع از اسـلام فقاهتی، به جنگ با ولایت فقیه برخاسـتند. پس از سـخنرانی امام راحل درسال ۱۳۶۲ عده ای از اعضاء این جریان متوجه انحرافات خود شده واز انجمن جدا شدند . حضـرت امام خمینی (قدس سـره) درخصوص انجمن حجتیه فرمودند : یک دسـته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید مصـیبت زیاد بشود تا حضـرت صاحب بیاید حضـرت صاحب مگربرای چی می آیـد ...این اعوجاجات را بردارید، این دسـته بندی ها را برای خاطر خدا اگر مسـلمید بردارید وبرای خاطر کشورتان اگر ملی هستیـد، این دسـته بنـدی ها را بردارید، دراین موجی که الان ملت رابه پیش می برد دراین موج خودتان را وارد کنید وبرخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شـکست" .۱ "انجمن حجتیه علی رغم ادعای برکناری از سیاست، دقیقاً ریشه های سیاسـی دارد واگر نگوئیم مؤسسین آن خود با جریانات سیاسـی بیگانه پیونـد داشـته اند وعلت حدوث این جریان، اسـتعمار بوده است ، اما یقیناً درایام پس ا زتأسـیس به واسـطه بعضـی ا زافراد، انجمن به جریانات سیاسـی پیوند خورد وگردانندگان ومـدیران انجمن نیزاز این مسـئله بی اطلاـع نبوده انـد چرا که کیفیت رابطه ودرهـای بـاز انجمن به روی ساواک، به گونه ای بودکه ایجـاد عوامـل نفوذی به صورت علنی درآن سـهل الوصول بوده است. بنـابراین مهم نیست که ایـادی اجنبی در تکوین انجمن دخیل بوده انـد یـا نه، بلکه مهمتر آن است که مسـلماً دشـمنان اسـلام از حیـات و فعـالیت هـای این انجمن، حظ لازم را برده و می برنـد. مواضع انجمن حجتیه الـف) مخـالفت بـا تشـکیل حکومت ا سـلامی : از مواضع انجمن، می توان به مخـالفت بـا تشـکیل حکومت اسـلامی خصوصاً بعـد از انقلاب اشاره نمود. حضـرت امیرالمومنین (ع) درباره نفس حکومت وفرمانـدهی به ابن عباس می فرمایـد : فرمانـدهی به شـما نزدمن از این کفش منـدرس و پاره هم کم ارزش تراست مگر اینکه بوسـیله فرماندهی و حکومت به شـما، بتوانم حق را برقرار سـازم و باطـل را از میـان بردارم. حضـرت امـام خمینی(قـدس سـره) دربـاب حکومت می فرماینـد : لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود وثغور نظام، حکومت شـرعی تشـکیل دهند . این امر اگر برای کسـی امکان داشـته باشد واجب عینی است و گرنه واجب کفائی است . بنابراین لازمه زمامـداری، عصـمت نیست بلکه شـرط عدالت لازم است. انجمن معتقد اسـت که استرداد حق مظلوم را بایـد به ظهور امام زمان (عـج) واگـذار نمود.لذا طبیعی است که براساس این عقیده امرتشـکیل حکومت به خـودی خود منتفی می گردد وبرپـایی حکومت به منظور اسـترداد حق بی مورد شـناخته می شود . ب) عـدم اعتقـاد به ولاـیت فقیه : ولایت فقیه جزء لاینفک حکومت ا سلامی است واصولاً مشروعیت حکومت بسته به حضور فقیه جامع الشرایط در رأس امور است، تا ناظر بر اجرای احکام اسـلام به طرز صـحیح باشد. با ظهور انقلاب وبرقراری نظام اسـلامی درایران اصل ولایت فقیه به عنوان یکی از ارکان نظام به تصویب مجلس خبرگان قانون اساسی رسید.اما انجمن حجتیه قائل به ولایت عامه مراجع درمقابل ولایت فقیه است. به عبارت دیگر با تعمیم ولایت می خواهند که همه مجتهدین ولایت داشـته باشـند ودر بین آنها یک نفر به عنوان فقیه اعلم شـناخته شود ولی جایگـاه فقیه اعلم درراس کلیه قوای حکومـتی نیست . انجمن بـا جـدا کردن رهبریت از مرجعیت که ناشـی از جـدا کردن دین از سیاست است هم تقلید خویش از مراجع خاص و هم عملکرد خود را توجیه می نماید . ج) مهدویت وانتظار : رهبر ومؤسس

انجمن حجتیه درجلسه درس و سخنرانی خود چنین گفته است : الان هم می گویی حکومت ا سلامی خوب است، شما آن مصداق حاÙŠاسلامی را نشان بدهید، آنی که معصوم از خطا باشد را نشان بدهید، آنی که هوی و هوس و حب ریاست و شهرت و غضب و تمایلات نفسی به هیچ وجه در او اثرنکند، نشان بدهید ، او بیاید توی میدان جلو بیافتد، ...ÈŠام...افتد به خاک پایش، تمام مردم قربان خاک پایش می‌شوند . بدین ترتیب اعضای انجمن برای توجیه رخوت و سازش کاری وتنبلی خود، قیام برای تشکیل حکومت شرعی را نفی می نمایند . نگرش انجمن در باب انتظار مبتنی است برنگرش عامه (باید امام زمان بیاید اشکالات رابرطرف کند وتا آن حضرت نیاید هیچ کاری انجام نمی گیرد ...)می باشد وسعی کرده اند این مسئله را به شکل استدلالی مدون نمایند . د) انجمن ومخالفت با فلسفه و فلاسفه : موضع ضد فلسفی انجمن حجتیه و سرپرست و شاخص فکری آن زبانزد خاص و عام است .انجمن، فلسفه و ترجمه فلسفه یونان به زبان عربی را برای نخستین بار، از طرح های استعمار می پندارد. لذا بدیهی است که این گروه با فلاسفه اسلامی از ابوعلی سینا گرفته تا ملاصدرا، میرداماد وعالم ربانی حضرت امام خمینی (قدس سره) نیز به شدت مخالف می باشند . ریشه و سرمنشاء انکار فلسفی و ضدیت غلیظ با آن، به پیدایش اخباریگری درچهار قرن پیش برمی گردد. اینان منکر حجیت عقل شدند وگفتند هر چه مورد نیاز عوام باشد دراحادیث و قرآن وجود دارد وهمه می توانند مستقیماً به احادیث وجوع کرده وحکم مستند خود را بفهمند وبه هر آنچه که ظاهر حدیث حکم می کند عمل کنند . هـ) جدایی دیانت از سیاست : دراساسنامه ای که مبنای خط مشی انجمن می باشد آماده است که، انجمن به هیچ وجه درامور سیاسی مداخله نخواهد داشت ومسئولیت هر نوع دخالت درمسائل سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن، برعهده خود آنان خواهدبود. حضرت امام(قدس سره) دربیانی شیوا فرموده اند که : جدا کردن سیاست ا زدین قیام برضد اسلام است"۲ "همچنین امام عظیم الشأن درجای دیگر فرموده اندکه : ما مکلفیم به این که درامور دخالت کنیم ، ما مکلفیم درامور سیاسی دخالت کنیم، همان طور که پیغمبر (ص) دخالت می کرد".۳ "براین اساس به نظرمی رسد دو جریان متفاوت، با ظاهر اسلامی، از دو جهت تفکر اسلام ناب محمدی (ص) را مورد تهاجم قرارداده است. یکی جریان تحجر ودیگری جریان روشنفکری شبه مذهبی التقاطی، که در حقیقت هر دوجریان ریشه استعماری دارند. بنابراین دشمنان انقلاب اسلامی همچنان که در استحاله فرهنگی، فرهنگ و ارزشهای اسلامی و به تعبیر صحیح تر ایمان مردمرا نشانه گرفته اند، در استحاله سیاسی مبتنی بر دین وولایت فقیه را مورد تعرض خود قرارداده اند . (۱) سخنرانی حضرت امام خمینی(قدس سره)درسال ۱۳۶۲ (۲) کلمات قصار، پندها و حکمت ها صحیفه نور- ج۱۵، ص ۶۰

در موردگروه حجتیه اطلاعات کاملی می خواهم خواهشمندم اگر می شود نام سردمداران آنها را قید کنید ودلایل کامل آنها بر مبنای حجتی بودن، آیا ا زمراجع به طور مطلقاً کسی حجتیه را قبول دارد؟

پرسش

در موردگروه حجتیه اطلاعات کاملی می خواهم خواهشمندم اگر می شود نام سردمداران آنها را قید کنید ودلایل کامل آنها بر مبنای حجتی بودن، آیا ا زمراجع به طور مطلقاً کسی حجتیه را قبول دارد؟

پاسخ

(انجمن حجتیه به عنوان یکی از جریانهای ایستای مذهبی درختنی سازی و سیاست گریزنمودن قشرمذهبی، خصوصاً نسل جوان، نقش موثری را ایفا نموده است . انجمن حجتیه پس ازرکود چند ساله، از سال ۱۳۷۶ فعال شده تشکیلات خودرا دنبال نموده

www.noorfatemah.org

وعناصر وابسته به این فرقه در تهران وشهرستانها با پوشش هیأت های مذهبی و جلسات تفسیر قرآن مشغول فعالیت شده و توانسته اند افرادی از قشر جوان را جذب نمایند . تاریخچه الف) قبل ازانقلاب : این انجمن بانام" انجمن خیریه حجتیه مهدویه "پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با رهبری محمد ذاکر تولایی(معروف به حلبی) با هدف مقابله با بهائیت تأسیس شد.لیکن درمبارزه با بهائیت، هیچ گاه اساس بهائیت (صهیونیسم) و رؤوس آن درایران(هویداها، هژبریزدانی ها و رژیم بهائی پرورشاهنشاهی) را مد نظر قرارنداده، بلکه درمحیط اختناق رژیم شاهنشاهی درکمال آزادی، جلسات منظمی را درییلاق ها وباغ های بزرگ با صرف هزینه های سنگین برگزار می کردند. از افتخارات این انجمن در قبل از انقلاب عدم شرکت اعضایش در قضایای ۱۵ خرداد بود. این جریان با پوشش آماده نمودن شرایط برای ظهور حضرت حجت (عج) معتقد به اشاعه فساد بوده وبه این دلیل که برقراری حکومت ا سلامی مانع ظهور امام زمان (عج) می باشد، از هیچ مخالفتی با نظام اسلامی دریغ نکرد. انجمن حجتیه به منظور ایجاد انحراف درنهضت اسلامی، نظرات فقهی حضرت امام خمینی(قدس سره) را زیر سوال می‌بردند واز هیچ تهمت و شایعه ای برای مخدوش نمودن افکار و اندیشه های امام عظیم الشأن (قدس سره) دریغ نکردند. ب) پس از انقلاب : درابتدای انقلاب با سوء استفاده از فضای باز به وجود آمده وبا پوشش دفاع از اسلام فقاهتی، به جنگ با ولایت فقیه برخاستند. پس از سخنرانی امام راحل درسال ۱۳۶۲ عده ای از اعضاء این جریان متوجه انحرافات خود شده واز انجمن جدا شدند . حضرت امام خمینی (قدس سره) درخصوص انجمن حجتیه فرمودند : یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید حضرت صاحب مگربرای چی می آید ...این اعوجاجات را بردارید، این دسته بندی ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید بردارید وبرای خاطر کشورتان اگر ملی هستید، این دسته بندی ها را بردارید، دراین موجی که الان ملت رابه پیش می برد دراین موج خودتان را وارد کنید وبرخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست" .۱ "انجمن حجتیه علی رغم ادعای برکناری از سیاست، دقیقاً ریشه های سیاسی دارد واگر نگوئیم مؤسسین آن خود با جریانات سیاسی بیگانه پیوند داشته اند وعلت حدوث این جریان، استعمار بوده است ، اما یقیناً درایام پس ا زتأسیس به واسطه بعضی ا زافراد، انجمن به جریانات سیاسی پیوند خورد وگردانندگان ومدیران انجمن نیزاز این مسئله بی اطلاع نبوده اند چرا که کیفیت رابطه ودرهای باز انجمن به روی ساواک، به گونه ای بودکه ایجاد عوامل نفوذی به صورت علنی درآن سهل الوصول بوده است. بنابراین مهم نیست که ایادی اجنبی در تکوین انجمن دخیل بوده اند یا نه، بلکه مهمتر آن است که مسلماً دشمنان اسلام از حیات و فعالیت های این انجمن، حظ لازم را برده و می برند. مواضع انجمن حجتیه الف) مخالفت با تشکیل حکومت ا سلامی : از مواضع انجمن، می توان به مخالفت با تشکیل حکومت اسلامی خصوصاً بعد از انقلاب اشاره نمود. حضرت امیرالمومنین (ع) درباره نفس حکومت وفرماندهی به ابن عباس می فرماید : فرماندهی به شما نزدمن از این کفش مندرس و پاره هم کم ارزش تراست مگر اینکه بوسیله فرماندهی و حکومت به شما، بتوانم حق را برقرار سازم و باطل را از میان بردارم. حضرت امام خمینی(قدس سره) درباب حکومت می فرمایند : لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود وثغور نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند . این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است و گرنه واجب کفائی است . بنابراین لازمه زمامداری، عصمت نیست بلکه شرط عدالت لازم است. انجمن معتقد است که استرداد حق مظلوم را باید به ظهور امام زمان (عج) واگذار نمود.لذا طبیعی است که براساس این عقیده امرتشکیل حکومت به خودی خود منتفی می گردد وبرپایی حکومت به منظور استرداد حق بی مورد شناخته می شود . جدا کردن سیاست ا زدین قیام برضد اسلام است"۲ "همچنین امام عظیم الشأن درجای دیگر فرموده اندکه : ما مکلفیم به این که درامور دخالت کنیم ، ما مکلفیم درامور سیاسی دخالت کنیم، همان طور که پیغمبر (ص) دخالت می کرد".۳ "براین اساس به نظرمی رسد دو جریان متفاوت، با ظاهر اسلامی، از دو جهت تفکر اسلام ناب محمدی (ص) را مورد تهاجم قرارداده است. یکی جریان تحجر ودیگری جریان روشنفکری شبه مذهبی التقاطی، که در حقیقت هر دوجریان ریشه استعماری دارند. بنابراین دشمنان انقلاب اسلامی همچنان که در

استحاله فرهنگی، فرهنگ و ارزشهای اسلامی و به تعبیر صحیح تر ایمان مردمرا نشانه گرفته اند، در استحاله سیاسی مبتنی بر دین وولایت فقیه را مورد تعرض خود قرارداده اند . درخصوص قسمت آخر سؤال شما باید بگوئیم که تا آن جائی که ما اطلاع داریم کسی از مراجع عالیقدرطرفداری صریحی ازآنها نداشته اند. خداوند متعال ما را با اسلام ناب آشنا بفرماید ان شاءا... (۱) سخنرانی حضرت امام خمینی(قدس سره)درسال ۱۳۶۲ (۲) کلمات قصار، پندها و حکمت ها (۳) صحیفه نور- ج۱۵، ص ۶۰ (۴) سخنرانی حضرت امام خمینی(قدس سره)درسال ۱۳۶۲ (۵) کلمات قصار، پندها و حکمت ها صحیفه نور- ج۱۵، ص ۶۰

آیا حضرت امام زمان(منصور حلاج را لعنت کرده اند؟ و اگر کرده اند از چه جهت بوده است؟

پرسش

آیا حضرت امام زمان(منصور حلاج را لعنت کرده اند؟ و اگر کرده اند از چه جهت بوده است؟

پاسخ

درباره منصور حلاج نظرهای متفاوتی بیان شده است، و گروهی او را برحقّ دانسته و گروهی بر بطلان عقاید او قلم فرسایی نموده اند. اما در میان دلایل مخالفان منصور حلاج، مخالفت حضرت حجۀ،صاحب العصر و الزمان، حضرت مهدی" روحی فداه، "با نظرات ایشان، به چشم نمی خورد. البته اختلاف نظر پیرامون عرفا به منصور حلاج ختم نمی شود؛ اگر چه شاید بارزترین اختلاف نظر دربارۀ حق یا باطل بودن مذهب حلاج مطرح شده است، اما عرفان از روزی که به عنوان راه رسمی خاصی شناخته شده، پیوسته در میان متفکران اسلامی مورد رد و قبول واقع شده است. عدّه ای چنان شیفته آن شده اند که تنها راه نجاتش دانسته اند، و گروهی دیگر آنرا بزرگترین عامل تحریف و انحراف به شما آورده اند. در این خصوص در یکی از متون قدیمی عرفان، یعنی" اللمع، "اثر "ابونصر سرّاج طوسی، "متوفی به سال ۳۷۸ هـ ، چنین آمده است" : عدّه ای در فضیلت عرفان به راه افراط و غلو رفته و آنرا از حدّ خود بالاتر برده اند، و گروهی آنرا نوعی لهو و لعب و بی مبالاتی نسبت به جهل و نادانی دانسته اند، و عدّه ای دیگر عرفان را ناشی از تقوا و پرهیز و پشمینه پوشی و سخت گیری در روش سخن گفتن و لباس پوشیدن و غیره می دانند، و جماعتی در طعن و بدگوئی زیاده روی کرده، تاحدی که عرفا را به زندقه و ضلالت نسبت داده اند(".۱) ردّ و انکار و تهاجم به عرفان و عرفا از طرف گروههایی چون متشرعان و علمای مذهبی، فلاسفه و متفکران مذهبی، دانشمندان مادی، و ... مطرح بوده است.(۲) که از میان همه آنها اختلاف نظر میان برخی علمای دین با عرفا و متصوفین به نحو شدیدتری به چشم می خورد. موارد اختلاف این دو گروه پیرامون مسائلی چون" وحدت وجود و توحید حق، وحدت ادیان، بی اعتنایی به نبوت و طرح مسأله ولایت، شطحیّات و سخنان اسرارآمیز، و تأویل می باشد، "که بررسی هر یک از این موارد در حوصله این اوراق نمی گنجد، و نیاز به تبحر و استعداد نویسنده و مخاطب دارد، و شاید علّت اصلی این اختلافات، به نداشتن تصوری درست از اصطلاحات و عقاید عرفا بازگردد. استاد مطهری پیرامون پیچیده بودن مفهوم وحدت وجود می گوید" : وحدت وجود از آن اندیشه هایی است که کمتر کسی به عمق آن پی برده و می برد (اینرا بدون تعارف باید گفت) ... بسیار بسیار کمند افرادی که بتوانند تصور صحیحی از وحدت وجودی که عرفا دارند، داشته باشند، از مستشرقین گرفته تا غیر مستشرقین؛ شما ببینید همیشه مستشرقین ـ و عدّه ای از غیرمستشرقین خودمان ـ این وحدت وجود را چیزی تعبیر می کنند به نام حلول و اتحاد(" ...۳) ابن سینا در این باره می گوید" : اسرار تصوف و عرفان مورد انکار

ناآشنایان و مورد اعتراف و تعظیم آشنایان می باشد ".و در جای دیگر می گوید" : محتوی این فن (عرفان) برای غافلان مایه تمسخر و خنده است و برای آگاهان سرمایه عبرت؛ بنابراین هر که این مطلب را بشنود و ناخوش دارد، تنها به خود بدبین باشد، و نقص را در خود ببیند(".۴) در آخر خاطر نشان می کنیم که خود عرفا و صوفیه نیز به قدر کافی بر همه مسلکان خود تاخته اند؛ اما حمله اینان، چنانکه بدیهی است به عرفان و تصوف نبوده، بلکه به عرفا و صوفیه، و بلکه در حقیقت به عارف نمایان و مدعیان تصوف متوجّه است. همانطور که بیان شد، دربارهٔ حلاج، از سوی دانشمندان و فقیهان شیعه، نظرات مختلفی ابراز گردیده است. مثلاً خواجه نصیر طوسی به دفاع از حلاج پرداخته است، و طریقه او را درست و عقیده اش را صحیح می داند. اما بسیاری دیگر از علماء مانند شیخ صدوق، شیخ طوسی، شیخ مفید و سید مرتضی هر کدام به گونه ای بر حلاج خرده گرفته اند. و او را ساحره و در نتیجه مستحق قتل دانسته اند. در مورد اینکه حضرت ولی عصر(او را لعنت کرده باشد، سند قطعی وجود ندارد. اما اینکه چرا علماء بزرگی که نام برده شد، از او بیزای جسته اند، بواسطهٔ عقاید و سخنانی است که او مطرح کرده است. مثلاً شیخ‌طوسی در کتاب "الغیبه "صفحه (۴۰و۴۰۲) که به ذکر مذمومین و کسانی که ادعای نیابت از امام زمان کرده اند، پرداخته، از حلاج نیز نام برده، و از "هبهٔا... بن محمد کاتب "روایت کرده است" : حلاج را خداوند رسوا و خوار کرده است، و او کسی است که اظهار وکالت حضرت صاحب الامر را کرده است، و نزد اسماعیل نوبختی از معتبران شیعه رفته، و ادعای خود را مطرح کرده، و او حلاج را امتحان کرد، و چون فهمید که ادعای کذب می کند، او را رسوا کرد ".و شیخ طوسی بعد از نقل این حدیث قصه بیرون کردن حلاج را از قم توسط علی بن بابویه، نقل نموده است" : و بر او لعنت فرستاد، و او را از قم به خواری و مذلّت اخراج نمود ".برای اطلاعات بیشتر به تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح ا...صفا و کتاب منصور حلاج از کلجان عباس و مصایب حلاج از لوئی ماسینون و دائرهٔ المعارف تشیع، ج۶، مراجعه شود. منابع و مآخذ : ۱. کتاب اللّمع، ابونصر سرّاج طوسی ص۲۱ ۲. فلسفه عرفان، دکتر سید یحی یثربی، ص۱۷۱ ۳. عرفان حافظ، استاد مطهری، ص۸۸ ۴. نمط ۹ انتشارات، ابن سینا فلسفه عرفان، دکتر سید یحیی یثربی، ص۱۹۸

درباره (انجمن حجتیه) توضیح دهید.

پرسش

درباره (انجمن حجتیه) توضیح دهید.

پاسخ

حجتیه: انجمن حجتیه سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی توسط آقای حلبی در خراسان جهت مبارزه با بهائیتپایه‌گذاری و سپس در سراسر کشور گسترش یافت. در آغاز برخی از علماء آن را تأیید نمودند ولی چون بعدا روند آن راپشت کردن به حرکت‌های انقلابی یافتند، گروهی از آنان به مخالفت برخاسته و تأییدات خود را ملغی کردند. پس ازپیروزی انقلاب اسلامی نیز انجمن حجتیه بنا به تصریح برخی از کسانی که قبلاً در آن فعالیت داشتند در جریان مخالفامام و انقلاب حرکت کرد، ازاین‌رو بسیاری از اعضاء از آن خارج شدند و در نهایت پس از موضع گیری‌های حضرتامام نسبت به نظرات این انجمن، تعطیلی آن توسط آقای حلبی اعلام گردید. ۱- استناد به روایاتی که از هرگونه قیامی در عصر غیبت نهی و به سکوت و سکون و صبر بر بلاها دعوت کرده است. ۲- تفسیر نادرست از امامت و رهبری و تصور این که تشکیل حکومت در زمان غیبت دخالت در قلمرو کار امام معصوم است. در باب

نقد این دیدگاه‌ها نگا: چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان، دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول ۱۳۷۵، صص ۱۵۴ - ۱۰۹.{J

اگر کسی ادعا کرد که صاحب الزمان«علیه السلام» است چگونه پی ببریم که راست می‌گوید یا دروغ؟

پرسش

اگر کسی ادعا کرد که صاحب الزمان«علیه السلام» است چگونه پی ببریم که راست می گوید یا دروغ؟

پاسخ

ظهور امام زمان«علیه السلام» مقارن با تحوّلات و دگرگونیهای بسیاری خواهد بود و از آنها در روایات ما به علائم ظهور تعبیر شده است که هم زمان با ظاهر شدن آن حضرت این نشانه‌ها به وقوع می‌پیوندد مانند خروج دجال و صدای آسمانی و خروج سفیانی و سایر نشانه‌های دیگر و اضافه بر اینها امام عصر«علیه السلام» که بیاید جهان را پر از عدل و داد می کند و در تمام نقاط جهان پرچم توحید و حکومت الهی را بر پا می‌سازد و به طور کلّی ظهور آن حضرت به طور عادّی و معمولی انجام نخواهد گرفت تا اگر فرد ناشناسی ادعای مهدویّت نمود برای انسانها مورد اشتباه واقع گردد. تاکنون افراد بسیاری به دروغ ادعای مهدویّت نموده‌اند و به دنبال آن رسوا گشته و کذب آنها آشکار شده است.

نیابت در دوره غیبت صغری

نواب اربعه

ماجرای درگذشت آخرین نائب امام زمان ۷چیست و نامش چه بود؟

پرسش

ماجرای درگذشت آخرین نائب امام زمان ۷چیست و نامش چه بود؟

پاسخ

چهارمین و آخرین وکیل و نائب خاص حضرت مهدی ۷ ابوالحسن علی بن محمد سمری بود.هنگامی که وفات ابوالقاسم حسین بن روح فرا رسید, به امر حضرت حجّت ۷او را قائم مقام خود قرار داد. هنگامی که وفات وی نزدیک شد, شیعیان از او خواستند شخصی را برای نیابت معرفی کند. او در جواب گفت :من مأمور نشده ام کسی را به عنوان نائب خاص حضرت معرفی کنم و توقیعی از ناحیهء مقدّسهء حضرت مهدی ۷یرون آمد که : ای علی بن محمد سمری ! خداوند برادران دینی ات را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید. به درستی که در شش روز آینده وفات خواهی کرد ;پس خود را آمادهء مردن کن . بعد از وفات تو غیبت کبری واقع خواهد شد وبرای من ظهوری نخواهد بود, مگر به اذن خدای تعالی و آن بعد از غیبت طولانی خواهد بود. هنگامی که

دل ها راقساوت فرا گیرد و زمین از جور و ستم پر شود و به زودی بعضی از شیعیان من ادعا خواهند کرد مرا دیده اند. بدانید هرکس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صیحهء آسمانی ادّعای مشاهدهء من را نماید, دروغ می گوید.(<۱) راوی می گوید: این مطلب را یادداشت کردم و از نزد علی بن محمد سمری بیرون رفتم . چون روز ششم فرارسید, نزد او رفتم و دیدم در حالت احتضار است . از او سؤال شد: بعد از شما چه کسی نائب حضرت است ؟ گفت : بعداز من کسی نیابت خاصی ندارد و برای خدا امری است که باید آن را به اتمام برساند. این را گفت و وفات نمود. این واقعه در سال ۳۲۹هجری بود.(۲) (پاورقی ۱.منتهی الآمال , ج ۲ ص ۵۰۸ (پاورقی ۲.حسین عمادزاده , چهارده معصوم , زندگانی امام زمان ۷ با تلخیص .

پس از وفات علی بن محمد سمری حضرت نایب خاص ندارد و کسی نمی‌تواند ادعا کند نایب خاص امام است. دوران ۷۴ ساله را غیبت صغری و دوران پس از آن را غیبت کبری می‌گویند. از زمان ظهور حضرت کسی جز خداوند خبر ندارد تا زمان ظهور با برکتش فقها و مجتهدان نایب عام حضرت هست

پرسش

پس از وفات علی بن محمد سمری حضرت نایب خاص ندارد و کسی نمی‌تواند ادعا کند نایب خاص امام است. دوران ۷۴ ساله را غیبت صغری و دوران پس از آن را غیبت کبری می‌گویند. از زمان ظهور حضرت کسی جز خداوند خبر ندارد تا زمان ظهور با برکتش فقها و مجتهدان نایب عام حضرت هستند و مردم در امور دینی باید از آنان پیروی کنند. می‌توانیم با خواندن دعای عهد و دعای ندبه و صدقه دادن برای سلامتی حضرت، به ساحت مقدسش عرض ادب کنیم. از خداوند منان می‌خواهیم شما را از یاران و شیعیان واقعی آن حضرت قرار داده و در زندگی موفقتان بدارد. چگونه متواضع باشم؟

پاسخ

مهم‌ترین عاملی که می‌تواند در تواضع انسان مؤثر باشد، این است که انسان از عمق جان باور کند آن چه اسلام فرمود، به صلاح او است و عمل به آن خوش بختی را دنبال دارد از نظر اسلام تکبر و خود بزرگ بینی از گناهان بزرگ و از بیماری‌های خطرناک روانی است متکبر در نظر مردم پست و حقیر و در پیشگاه "خدا معذب و گرفتار است. امام صادق(ع) فرمود": بزرگی جامه‌ای است مخصوص خداوند بی نیاز و شایسته آن ذات مقدس است. کسی که با خدا در این صفت به معارضه برخیزد و به مردم بزرگی بفروشد، خدا جز پستی و حقارت چیزی بر او نمی‌افزاید "تواضع و فروتنی از دیدگاه اسلام بسیار پسندیده و خوب است. مردم به کسانی که متواضعند و خود را کمتر از ارزش واقعی خویش به جامعه معرفی می‌کنند بیشتر احترام می‌گذارند. پیامبر(ص) فرمود: "تواضع جز رفعت مقام نمی‌افزاید. تواضع کنید امید است مشمول فیض و رحمت الهی واقع شوید "امام علی(ع) فرمود": تواضع برایت سلامتی به دنبال دارد.("۱) و فرمود": کسی برای رضای خدا تواضع کند، خداوند او را به مقام بلند می‌رساند. "پس با اعتقاد و باور این که تواضع مایه خوشبختی و سعادت و اعتبار و احترام و تکبر موجب بدبختی و پستی است، تواضع را انتخاب و در برخورد با بندگان الهی متواضع خواهیم بود. البته همیشه و در همه کارها از خدا باید کمک خواست.(۲) تواضع کن، تواضع بر خلایق تکبر جز خدا را نیست لایق هر آن کس کاو به خود مغرور باشد به فرسنگ از مروت دور باشد تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت.(۳) پی‌نوشت‌ها: ۱ و ۲ – محمد ری شهری، میزان الحکمه، ماده تواضع، شماره ۲۱۸۶۱ و ۲۱۸۷۵. ۳ – محمد تقی فلسفی، کودک، ج ۱، ص ۴۲۱ و ۴۲۳. ۴ – احمد احمدی بیرجندی، شعر در زندگی، ص ۵۱ و ۵۲.

نواب خاص حضرت مهدی(ع) چه کسانی بودند؟

پرسش

نواب خاص حضرت مهدی(ع) چه کسانی بودند؟

پاسخ

نواب خاص حضرت مهدی(ع) چهار نفر بودند. بدین شرح : ۱ـ ابوعمرو عثمان بن سعید عمری: وی اولین نایب خاص امام مهدی(ع) بود که از زمان امام هادی(ع) و بلکه به نوشتهٔ برخی از بزرگان از زمان امام جواد(ع) در بیت عصت و رسالت خدمتگذار بود و در نهایت استتار و در قالب روغن فروشی نامه های شیعیان را نزد امام عسکری (ع) می برد و پاسخش را دریافت و به شیعیان می رساند. عمری از زمان امام هادی رهبری سازمان مخفی وکالت را بر عهده داشت و بعد از شهادت امام عسکری (ع) از سال ۲۶۰ تا ۲۶۵ نیابت خاص را نیز بر عهده داشت. ۲ـ محمد بن عثمان بن سعید عمری: بعد ازدرگذشت عثمان بن سعید، به امر امام مهدی فرزندش محمد این مقام را عهده دار بود. عثمان بن سعید تا سال ۳۰۵ عهده دار این مقام بود. ۳ـ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ایشان از سال ۳۰۵ تا ۳۲۶ عهده دار این مقام بود. ۴ـ ابوالحسن علی بن محمد سمری . ایشان چهارمین و آخرین نایب خاص حضرت مهدی(ع) بود و از سال ۳۲۶ تا ۳۲۹ متصدی این مقام بود که بعد ازاین ، دورهٔ غیبت کبری فرا رسید و حضرت مهدی(ع) نایب خاص ندارند، بلکه در این دوره فقهای جامع الشرایط به عنوان نوّاب عام آن حضرت فعالیت می کنند.(۱) ۱. برای توضیح بیش تر به کتاب تاریخ عصر غیبت مراجعه شود.

در مورد امام زمان (ع) بیشتر توضیح دهید و بفرمایید اولین جایی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند کجا است؟ تعدادی کتاب قابل دسترسی در خصوص امام زمان(عج) معرفی نمایید.

پرسش

در مورد امام زمان (ع) بیشتر توضیح دهید و بفرمایید اولین جایی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند کجا است؟ تعدادی کتاب قابل دسترسی در خصوص امام زمان(عج) معرفی نمایید.

پاسخ

امام زمان همنام است با پیغمبر اسلام(ص) که در روایات از بردن نامش نهی شده است. از این رو حضرتش با القاب مبارکش نام می‌برند، مانند صاحب الزمان، بقیه اللّه، مهدی و... حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا متولد شد. نام پدرش امام حسن عسکری و نام مادرش نرجس خاتون است. حکام جور و غصب کنندگان خلافت امامان معصوم(ع) احادیث رسول خدا و امامان را شنیده بودند که فرموده‌اند: امام مهدی(ع) از بین برنده ظلم و ستم و قلع و قمع کننده طاغوطیان است. از این

رو به طور جد مواظب و مراقب بودند هر وقت امام دوازدهم متولد شد، او را به شهادت برسانند. از این رو از اول بنا بود تولد فرزند امام حسن عسکری(ع) مخفی بماند، بدین خاطر حتی در زمان حیات امام عسکری(ع) تعداد بسیار کمی از شیعیان خاص توانستند امام زمان(ع) را از نزدیک زیارت کنند و ببینند. مهدی منتظر به هنگام وفات پدرش پنج ساله بود. پس از این که امامت به حضرتش منتقل شد، محض تقیه و مصلحت از دیده عامه پنهان شد و ظرف مدت هفتاد و چهار سال (غیبت صغری) ارتباط مردم با وی به وسیله چهار نماینده خاص بود، به ترتیب: ۱ - ابو عمرو عثمان بن سعید، ۲ - ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید، ۳ - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ۴ - ابوالحسن علی بن محمد سمری، در این مدت نواب خدمتش رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می‌نمودند، با رحلت چهارمین نماینده در ۳۲۶ مدت غیبت صغری تمام شد و غیبت کبری شروع گردید. از این تاریخ به بعد هر کس ادعا کند به عنوان نماینده حضرت به خدمتش می‌رسد، دروغ گو است. در زمان غیبت کبری مجتهد جامع الشرایط نماینده عام حضرت است که مردم در امور دینی به او رجوع می‌نمایند. زمان ظهور حضرت را غیر از خدا هیچ کس نمی‌داند، لیکن وقتی ظهور کند از مکه بین رکن و مقام ظهور خواهد فرمود.(۱) کتاب‌های زیادی درباره امام زمان(ع) نوشته شده است از جمله: دادگستر جهان، اثر ابراهیم امینی، خورشید مغرب، از محمد رضا حکیمی، پیام امام زمان از سید جمال الدین حجازی، ستارگان درخشان از محمد جواد نجفی و حکومت جهانی امام زمان از آیت اللّه ناصر مکارم شیرازی. پی نوشت‌ها: ۱ - علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۰۹۸؛ مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۹، ص ۷۱۶، ماده: مهدی منتظر.

می گویند حضـرت ولی عصر((علیه السلام)) در غیبت صغری سفیران مخصوصی داشته که مطالب لازم و وقایع را حضور امام می رسانیدند، برای آشنائی خصوصیّات آنها را به طور فشرده بنویسد.؟

پرسش

می گویند حضرت ولی عصر((علیه السلام)) در غیبت صغری سفیران مخصوصی داشته که مطالب لازم و وقایع را حضور امام می رسانیدند، برای آشنائی خصوصیّات آنها را به طور فشرده بنویسد.؟

پاسخ

امام زمان((علیه السلام)) در غیبت صغری به وسیله چهار سفیر مخصوص خود با مردم مسلمان در حال تماس بود، و بسیاری از نیازمندیهای مردم را از طریق نمایندگان خود برطرف می نمود و مشخصات آنان به قرار زیر است: ۱. عثمان بن سعید عَمْری(بر وزن گرمی) که منسوب به قبیله «بنی عمر و بن عامر» است و از یازده سالگی افتخار خدمتگزاری به خاندان رسالت داشت واز اصحاب و یاران امام هادیو حضرت عسگری به شمار می رفت، و وکیل مخصوص امام عسگری بود او آنچنان مورد وثوق و اطمینان امام بود که حضرت عسگری درباره وی و فرزند او «محمد بن عثمان» که پس از درگذشت پدر افتخار نیابت از حضرت مهدی را پیدا نمود، چنین فرمد: عمری و فرزند او مورد وثوق من هستند هر چه از من برای شما نقل کنند حقیقتی است که از من شنیده اند و نقل می نمایند، هر دو نفر ثقه و مورد اعتماد من هستند به سخنان هر دو گوش فرا دهید و دستورات هر دو را اجرا نمائید(۱). با مراقبت های شدیدی که حضرت عسگری نسبت به فرزند خود داشت کمتر کسی را اجازه می داد که از حضرت مهدی دیدن کند وی از افراد مخصوصی بود که امام زمان را در دوران حیات حضرت عسگری در خانه اش کراراً زیارت کرده بود، شرح زندگی او در کتابهای رجال به طور گسترده بیان شده است(۲) و تاریخ دقیق درگذشت وی به دست نیامده است(۳). ۲. محمد بن عثمان بن

www.noorfatemah.org

سعید، فرزند سفیر نخستین و خود دومین سفیر و وکیل امام زمان است که زمان امام عسگری را درک کرده و در حدیثی که قبلا نقل شده امام عسگری وی و پدر او را به بهترین وجهی توثیق نموده است دوران سفارت او طولانی و گسترده تر بود و همواره نامه های شیعیان را به حضور امام می رسانید و پاسخ کتبی را به شیعیان باز می گردانید وی در سال ۳۰۴ و یا ۳۰۵ درگذشته است(۴). ۳. حسین بن روح که در جامعه آن روز جهان شیعه به عقل و درایت اشتهار داشت و از نزدیکان محمد بن عثمان دومین سفیرذ امام و رازدار او بود وی موضوع سفارت را به فرمان امام به حسین بن روح واگذار نمود و در سال ۳۲۶ درگذشت(۵). ۴. علی بن محمد سمری آخرین سفیر امام((علیه السلام)) و امام به خود او نوشته و دستور داده است که تو آخرین سفیر مخصوص من هستی دیگر نباید کسی را به جای خود معرّفی کنی وی در نیمه شعبان سال ۳۲۹ درگذشت و با درگذشت او باب سفارت خصوصی بسته شد و غیبت کبری آغاز گردید(۶). و از آن به بعد هرگونه ادعای نیابت خاصه از طرف آن حضرت مردود شناخته شد. پاورقی ۱ – العمری و ابنه ثقتان فما ادیا الیک عنی فعنی یؤدیان و ماقالاه لک فعنی یقولان فاسمع لهما و واطعهما فهما الثقتان المامونان. ۲ – تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۴۵ – ۲۴۶، قاموس الرجال، ج ۶، ص ۲۳۵ – ۲، سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۱۸۵. ۳ – و در ریحانه الادب، ج ۳، ص ۱۳۳ تاریخ وفات او را به نقل از تحیه الزائر مرحومنوری سال ۲۵۷ معین نموده است در صورتی که آن سال امام عسگری در قید حیات بود و چگونه می تواند نائب امام زمان((علیه السلام)) در میان مردم گردد. ۴ – کامل ابن اثر حوادث سال ۳۰۵ تنقیح المقال، ج ۲ ص ۱۴۹، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۶۷ – ۲۶۸، و در این مدارک می نویسند که وی قریب پنجاه سال افتخار نمایندگی از امام را داشته است در صورتی که در سال وفات او ۴۵ سال از آغاز غیبت صغری می گذشت و قبل از او پدر وی عهده دار مقام نیابت بود. ۵ – تنفیح المقال، ج ۲، ص ۳۰۸ و غیره. ۶ – قاموس الرجال، ج ۷، ص ۵۱.

سفیر اول امام مهدی‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر اول امام مهدی‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

سفیر اول امام مهدی (ع) ابوعمروعثمان بن سعید عَمْری است. او به جهت شناخته نشدن، به شغل روغن فروشی روی آورد. در مصادر تاریخی سخن از سال ولادت ووفات او به میان نیامده است، وتنها اسم او برای اولین بار به عنوان وکیل خاص امام هادی (ع) برده شده است. او بعد از شهادت امام هادی (ع) وکیل خاص از طرف امام عسکری (ع) شد. آن حضرت نیز او را در مناسبت‌های مختلف مورد مدح وستایش خود قرار می‌داد. از جمله آنکه در حق او فرمود": هذا أبوعمروالثقة الأمین، ثقة الماضی وثقتی فی المحیی والممات، فما قاله لکم فعنّی یقوله، وما أدّی إلیکم فعنّی یؤدّیه"؛ "این ابوعمروثقه وامین است،{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۵۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴. پاورقی} مورد اطمینان گذشتگان ومورد اطمینان من در حیات وبعد از حیات من است، هر آنچه برای شما می گوید از من است و آنچه به شما می‌رساند از جانب من می‌باشد ".در مجلسی که او با چهل نفر از شیعیان امام عسکری (ع) بودند، حضرت فرزند خود مهدی را به او نشان داد وبر امامت وغیبت او تصریح نمود، ودرباره وکالت او فرمود": هر آنچه عثمان (بن سعید) می گوید قبول کنید. {"...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶، ح ۱. پاورقی} هنگام شهادت امام عسکری

(ع) در سال ۲۶۰ هجری، در تغسیل حضرت حاضر بود وتمام امور ایشان را به عهده داشت.{پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۳۵۶. پاورقی} ممکن است که این عمل را این گونه توجیه نماییم که او در ظاهر، عمل تغسیل را انجام داده تا امر بر حاکمان ظلم مشتبه گردد وگرنه مطابق برخی روایات، امر تغسیل وتکفین امام بر عهده امام است. عثمان بن سعید بعد از شهادت امام عسکری (ع) به تصریح آن حضرت ونصّ امام مهدی (ع) هنگام ورود قمّی‌ها به سامرّا، سفیر اوّل آن حضرت شد، واز آن موقع به انجام وظایف خود پرداخت، تا آنکه وقت وفاتش رسید. فرزندش ابوجعفر محمّد بن عثمان متولّی تجهیز او شد ودر جانب غربی بغداد به خاک سپرده شد. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰، ح ۳. پاورقی} بعد از وفات عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه نامه‌ای صادر شد وحضرت در آن نامه با تسلیت به فرزندش محمّد، او را به سفارت خود منصوب گردانید. {پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۳۶۱ ؛ کمال الدین، ص ۵۱۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۸. پاورقی}

آیا روایتی که تصریح به سفارت عثمان بن سعید دارد، ضعیف السند نیست؟

پرسش

آیا روایتی که تصریح به سفارت عثمان بن سعید دارد، ضعیف السند نیست؟

پاسخ

احمد کاتب می گوید: روایتی که نصّ صریح در اعلام امام عسکری (ع) بر سفارت عثمان بن سعید از طرف امام مهدی (ع) است از حیث سند ضعیف می‌باشد؛ زیرا در سند آن، جعفر بن محمّد بن مالک فرازی است که نجاشی وابن الغضائری او را تکذیب نموده‌اند. پاسخ: ۱ - جعفر بن محمّد بن مالک را شیخ طوسی؛ توثیق نموده است. وتضعیف او از کتاب ابن الغضائری منشأ شده که این کتاب نزد مشهور علمای امامیه به اثبات نرسیده است. ۲ - شیخ طوسی؛ در کتاب "الغیبهٔ "به سند اعلایی از بزرگان طایفه از احمد بن اسحاق قمّی مسأله توکیل نایب دوم وپدرش را روایت کرده است. {پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۳۵۹ù۳۶۰. پاورقی} ۳ - شیعه در مسأله امامت وسفارت دقت زیادی به کار برده وبه مجرّد ادعای شخصی بر سفارت، حرف او را تصدیق نمی کرده است، ولذا با مدّعیان دروغین سفارت شدیداً به مقابله پرداخته است.

سفیر دوم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر دوم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

ابوجعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری بعد از وفات پدرش همان گونه که امام عسکری (ع) تصریح نموده بود، به مقام سفارت

نایل شد. آن حضرت به جماعت قمی‌ها فرمود": اشهدوا علیّ أنّ عثمان بن سعید وکیلی، وأنّ ابنه محمّد وکیل ابنی مهدیّکم؛" {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۵۵. پاورقی"} شهادت دهید بر من که عثمان بن سعید وکیل من است. ونیز فرزند او محمّد وکیل فرزندم مهدی شماست ".ونیز سفارت او با نصّ وتصریح پدرش به امضا رسید. {پاورقی . همان، ص ۳۵۹. پاورقی} او نزد شیعیان عصر خود مورد وثوق ومعروف به امانت داری بود. وهیچ یک از امامیه در این مطلب شک نداشتند. چگونه شک کنند در حالی که امام عسکری (ع) در حق او وپدرش فرمود": العمری وإبنه ثقتان"؛ "عَمْری وفرزندش مورد وثوقند. {"...پاورقی . همان، ص ۳۶۰ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۹. پاورقی} ونیز امام مهدی (ع) او را مورد تأیید خود قرار داد وفرمود": لم یزل ثقتنا فی حیاة الأب رضی اللّه عنه"؛ "تو در زمان حیات پدر دائماً مورد وثوق ما بودی. {"...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹. پاورقی} وی در حدود پنجاه سال به نحو احسن وظایف خود را به خوبی انجام داد تا آنکه در جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ هجری به رحمت ایزدی پیوست. {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۳۶۶. پاورقی} محمد بن عثمان بیشتر از دیگر سفیران در این پست ومقام به خدمت پرداخت. کتاب‌هایی در فقه تألیف کرده که از امام عسکری وحضرت مهدی (علیهما السلام) وپدرش عثمان بن سعید واز امام هادی (ع) اخذ نموده است. او به ارشاد امام مهدی (ع) از زمان {پاورقی . همان، ص ۳۶۳. پاورقی} مرگش اطلاع داشته است، ولذا برای خود قبری را آماده نموده بود. بعد از وفات در {پاورقی .همان، ص ۳۶۵. پاورقی} کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد.

سفیر سوم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر سوم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

سفیر سوم، شیخ جلیل ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. او در ابتدای امر وکیل ابی‌جعفر محمّد بن عثمان عَمْری بود که بر املاک او نظارت داشت، تا آنکه وصیّت با نصّ به او منتهی شد وهیچ کس در این امر شک نداشت. {پاورقی . همان، ص ۳۷۲. پاورقی} برخی از شیعیان، مالی را برای ابوجعفر عَمْری به مقدار چهارصد دینار فرستادند تا به امام زمان (ع) برساند، ابوجعفر دستور داد تا آن را به حسین بن روح بدهند. او هنگامی که تردید وشک آن شخص را به جهت ثابت نشدن سفارتش دید، بار دیگر تأکید کرد که این مبلغ را به حسین بن روح برساند، زیرا این دستور امام زمان (ع) است. بعد از آنکه وضع مزاجی ابوجعفر عَمْری بحرانی شد جماعتی از بزرگان شیعه از آن جمله ابوعلی بن همام، ابوعبداللّه بن محمّد کاتب، ابوعبداللّه باقطانی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابوعبداللّه بن وجناء ودیگر بزرگان، بر او وارد شدند وعرض کردند که اگر بر شما اتفاقی افتاد چه کسی جانشین شما خواهد بود؟ ابوجعفر عَمْری فرمود: این ابوالقاسم حسین بن روح، قائم مقام من وسفیر بین شما وصاحب‌امر (ع) است. او وکیل وثقه و امین است، پس در امورتان به او مراجعه نموده ودر امور مهم بر او اعتماد نمایید، زیرا من به این مطلب امر شده‌ام تا بر شما ابلاغ نمایم. {پاورقی . همان، ص ۳۷۱. پاورقی} ابوجعفر بن احمد متیل می گوید: هنگام وفات محمّد بن عثمان عَمْری من بالای سر او نشسته بودم واز او سؤال می کردم وحسین بن روح نیز بر پایین پای او قرار داشت. محمّد بن عثمان روی به من نموده وفرمود: من امر شدم تا بر ابی‌القاسم بن روح وصیّت کنم. من با شنیدن این خبر از جای خود بلند شده، حسین بن علی روح را به جای خود بر بالای

سر محمّـد بن عثمان قرار دادم.{پاورقی . همان، ص ۳۷۰. پاورقی} جهت این تأکیدات از ناحیه محمّد بن عثمان بر وصایت حسین بن روح این بود که او چندان جایگاه ویژه‌ای در بین شیعیان به جهت ارتباط با امامان: نداشته است، اگر چه از نزدیکان خاص محمّد بن عثمان بوده است. وسرّ سفارت دادن به او، به جهت اخلاص وفداکاری او بوده است. وی بعد از وفات ابوجعفر عَمْری به مدت ۲۱ سال سفارت را بر عهده داشت. اولین نامه‌ای را که از حضرت دریافت کرد مشتمل بر درود فراوان از جانب آن حضرت بر او بود.{پاورقی . همان، ص ۳۷۲. پاورقی} از آن زمان به وظیفه خود مشغول شد. وروش او التزام به تقیّه شدید ومضاعف بود، به حیثی که اظهار اعتقاد به مذهب اهل سنّت می‌نمود تا از این طریق بتواند به وظایف خود عمل کند. او درایام سفارتش شدیداً با انحرافات وادعاهای انحرافی سفارت مبارزه می‌نمود، تا آنکه در سال ۳۲۶ هجری رحلت نمود.

سفیر چهارم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر چهارم امام زمان‌علیه‌السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

سفیر چهارم، شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمّد سَمَری است. تاریخ ولادت او مشخص نیست، ولی برای اولین بار به عنوان یکی از اصحاب امام عسکری (ع) شناخته شده است، که در بغداد با اشاره حسین بن روح از طرف امام زمان (ع) متصدّی{پاورقی . رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۰. پاورقی} امر سفارت شد. در مورد سفارت او خبر معیّنی نرسیده، وتنها این مطلب را می‌توان با تسالم واتفاقی که در بین شیعیان درباره سفارت او بوده کشف نمود، واین موضوع را می‌توان در نتیجه، کاشف از ابلاغی دانست که از طرف امام زمان (ع) به حسین بن روح شده است. او وظایف خود را در امر سفارت از هنگام وفات حسین بن روح به مدّت سه سال ادامه داد. وی گرچه همانند دیگران مورد وثوق واطمینان بود، ولی همانند آن سه سفیر فعّالیّت گسترده‌ای نداشته است. واین امر بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در آن سال‌ها مملکت اسلامی پر از ظلم وجور وخونریزی‌ها ودرگیری‌ها بوده است، اموری که با برنامه‌های فرهنگی واجتماعی منافات داشت. واین خود به تنهایی می‌تواند تأثیرگذار در انقطاع سفارت بعد از وفات او وعزم امام (ع) بر انقطاع وشروع غیبت کبرا نیز باشد. ولذا چند روز قبل از وفاتش توقیعی را از امام (ع) دریافت می‌کند که حضرت در آن، خبر از انتهای غیبت صغرا وعهد سفارت با مرگ او می‌دهد واو را از وصیّت کردن به سفارت برای بعد از خودش منع می‌نماید. {پاورقی . کمال الدین، ص ۵۱۶ ؛ اعلام الوری، ص ۴۴۵. پاورقی} راوی می‌گوید: بعد از شش روز از صدور این توقیع به خدمت علی بن محمّد رسیدیم در حالی که در حال احتضار بود. به او عرض شد: وصیّ تو کیست؟ فرمود": برای خدا امری است که او رساننده آن است. "این را گفت واز دار دنیا رحلت نمود.

نیابت چهار سفیر حضرت‌علیه‌السلام چگونه اثبات می‌گردد؟

پرسش

نیابت چهار سفیر حضرت‌علیه‌السلام چگونه اثبات می گردد؟

پاسخ

۱ – در مورد عثمان بن سعید می گوییم: او مورد وثوق امام عسکری (ع) بوده وامام مهدی (ع) نیز بر منصبش تصریح نموده است. در مورد فرزندش محمّد بن عثمان نیز می گوییم: او منصوب از طریق پدرش بوده وغیر از آنکه مورد وثوق امام عسکری بوده، از طرف امام زمان (ع) نیز بر این امر نیابت خاصّه داشته است. حسین بن روح نیز از طرف محمّد بن عثمان به این سمت منصوب شد، واو نیز علی بن محمّد سَمَری را بر این مقام منصوب کرد. ۲ – راه دوّم برای اثبات نیابت این چهار بزرگوار این است که آنها خطّ امام را که معروف بود، به دیگران نشان داده، بازگو می کردند. خطّ حضرت در زمان پدرش امام عسکری (ع) نزد شیعیان معروف بود. ۳ – کرامات فراوانی که به دست مبارک این بزرگواران انجام می گرفت، می‌توانست اثبات کننده سفارت آنها باشد. این کرامات در برخی موارد به دست آنها انجام می گرفت وبرخی دیگر نیز منسوب به امام زمان (ع) بود که آنها به اطلاع شیعیان می‌رساندند، همان گونه که در قضیه معروف از ابوعلی بغدادی رسیده است. {پاورقی . کمال الدین، ص ۵۰۲ـ۵۱۸. پاورقی} سید عبداللّه شبّر می گوید": شیعه هرگز گفتار نوّاب را نمی‌پذیرفت مگر در صورتی که معجزه‌ای از طرف امام عصر (ع) بر دست آنها ظاهر می گشت که دلالت بر صدق گفتار وصحت نیابت آنها داشت. {"پاورقی . حقّ الیقین، ص ۲۴۲. پاورقی}

ملاک ومعیار انتصاب نوّاب اربعه چه بوده است؟

پرسش

ملاک ومعیار انتصاب نوّاب اربعه چه بوده است؟

پاسخ

امامان معصوم: بر اساس حکمت رفتار می کردند وقطعاً در نصب‌ها یک سری معیارها وملاک‌هایی را مد نظر داشتند از قبیل: ۱ – تقیّه ورازداری در حدّ بالا سفیر اوّل حضرت، عثمان بن سعید برای رعایت تقیه می کوشید تا خود را از بازرسی‌های رژیم عباسی دور نگه دارد. او بدین منظور در هیچ بحث ومجادله مذهبی یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی‌شد. {پاورقی . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۴۹. پاورقی} حسین بن روح نیز در راستای رعایت وحفظ تقیه، یکی از خدمتگزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود عزل واخراج کرد. {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۳۷. پاورقی} ۲ – صبر واستقامت بسیار عالی وممتاز عده‌ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا تو نایب خاص حضرت نشدی؟ او در جواب گفت" : آنان (امامان:) بهتر از همه می‌دانند که چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان رفت وآمد دارم وبا آنان مناظره می کنم. اگر آنچه را که ابوالقاسم حسین بن روح درباره امام مهدی (ع) می‌داند من می‌دانستم، شاید در بحث‌هایم با دشمنان، آن گاه که جدال ولجاجت آنان را می‌دیدم، می کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم ودر نتیجه محل اقامت او را برملا می‌ساختم. اما اگر ابوالقاسم حسین بن روح، امام را زیر عبای خود پنهان داشته باشد، وبدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا امام مهدی (ع) را نشان

دهـد، هرگز عبای خود را کنار نمی‌زند وامام را نشان نمی‌دهد. {"پاورقی . الغیبهٔ، طوسـی، ص ۲۴۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۹. پاورقی} ۳ – نسبت به دیگران فهمیـده‌تر بودن شیخ طوسی در کتـاب" الغیبـهٔ "به فهم ودرایت آنـان اشاره کرده است. {پاورقی . همان، ص ۲۳۶. پاورقی} ۴ – حسّاس نبودن حکومت نسبت به آنان امام مهدی (ع) در انتخاب نایبان خاص خود از افرادی استفاده می‌کرد که در دستگاه ظالمان عباسی نسبت به آنها حساسیتی نباشد، چون نیابت خاص، کاری بود بسیار مخفی ومبهم ومهم؛ ولذا هر یک از آنان دارای شغل بوده، کاسبی می‌کرده‌اند تا شناخته نشوند.

آیا امام زمان‌علیه‌السلام غیر از سفرا، وکیل نیز داشته است؟

پرسش

آیا امام زمان‌علیه‌السلام غیر از سفرا، وکیل نیز داشته است؟

پاسخ

از تاریخ به دست می‌آیـد که امـام زمـان (ع) به جز چهار سـفیر معروف، وکلایی نیز داشـته است که در اطراف ممالک وشـهرهای اسـلامی مشـغول به انجام وظیفه بوده‌اند. ولی بین سـفیران ووکیلان دو فرق اساسی وجود داشته است: ۱ – سـفیر با امام زمان (ع) به طور مسـتقیم مواجهه داشـته واو را به طور شخصـی می‌شناخته است، در حالی که وکلا این چنین نبوده‌اند، وارتباطشان با حضرت از طریق سفیران انجام می‌گرفت. ۲ – مسئولیّت سـفیر، عمومی بود وشامل تمام شیعیان می‌شد، ولی مسئولیّت وکیل در محدوده منطقه خودش بود.

چه مصلحتی در وجود وکلای ناحیه مقدسه بوده است؟

پرسش

چه مصلحتی در وجود وکلای ناحیه مقدسه بوده است؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق به دو مصلحت اساسی می‌توان اشاره کرد: ۱ – کار وکیل، سهیم شدن در تسهیل کارهای گسترده‌ای بوده که بر عهـده سـفیر قرار گرفته بود. خصوصـاً بـا در نظر گرفتن این مطلب که قرار بر سرّی بودن وکتمـان کردن امور شـیعیان در ارتبـاط با حضرت بود. ۲ – عملکرد آنها در مخفی نمودن سفیر وکتمان اسم وشخص او تأثیر بسزایی داشته است.

در مورد نائبان حضرت مهدی(ع) در زمان غیبت صغرا و کبرا توضیح دهید؟

پرسش

در مورد نائبان حضرت مهدی(ع) در زمان غیبت صغرا و کبرا توضیح دهید؟

پاسخ

چنان‌که می‌دانیم غیبت امام مهدی(ع) به دو دوره تقسیم می‌شود: «غیبت صغرا» و «غیبت کبرا»، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ در حدود ۶۹ سال به طول انجامید در این دوران ارتباط شیعیان با امام(ع) به طور کلی قطع نبود، بلکه آنان به گونه‌ای با امام(ع) ارتباط داشتند؛ به این صورت که مردم می‌توانستند توسط نواب خاص سؤالات فقهی، کلامی و... و دیگر مشکلات خویش را با امام در میان گذارند و از طریق آنها پاسخ امام(ع) را دریافت نمایند. نایبان خاص حضرت مهدی در دوران غیبت صغرا، چهار تن از اصحاب با سابقه و از علمای زاهد و بزرگ شیعه بودند که «نواب اربعه» نام گرفته‌اند و عبارت بودند از: ۱. ابو عمر و عثمان بن سعید عمری. ۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری/ ۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی. ۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری. این چهار نفر در رأس سلسله مراتب وکلای امام(ع) قرار داشتند و امور مردم را به عرض حضرت می‌رساندند. همچنین امام مهدی(ع) وکلای دیگری در مناطق مختلف مانند: بغداد، کوفه، قم، همدان، اهواز، آذربایجان، نیشابور و... داشتند که آنان توسط این چهار نواب خاص امور مردم را به عرض حضرت می‌رساندند.{۱} وظایف و فعالیت‌های نواب خاص وظایف و فعالیت‌های نواب چهارگانه بسیار گسترده و وسیع بوده است، اما وظایف اصلی آنان را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد: ۱. پنهان داشتن نام و مکان گرچه امکان دیدار حضرت مهدی(ع) در دوران غیبت صغرا برای نواب خاص و برخی از شیعیان وجود داشت و گاهی این دیدارها صورت می‌گرفت،{۲} اما به دلیل مشکلات سیاسی و به خطر افتادن جانِ امام از سوی حکومت وقت هر کدام از نواب اربعه در زمان خود وظیفه داشتند که از افشای محل حضرت در سطح عمومی خودداری ورزند. ۲. ساماندهی وکلا نمایندگان و وکلای محلی امام مهدی(ع) در عصر غیبت صغرا، در مناطق شیعیان مستقر بودند و امکان ارتباط مستقیم با خود امام را نداشتند، از این‌رو، آنان ناگزیر بودند که زیر نظر نایب خاص انجام وظیفه کنند و نامه‌ها و سؤالات و وجوهات شرعی شیعیان را توسط نایب خاص به محضر امام برسانند. ۳. اخذ و توزیع اموال امام نواب خاص امام(ع) هر کدام در دوران وکالت و نیابت خود، وجود و اموال متعلق به آن حضرا را که شیعیان می‌پرداختند به هر طریقی ممکن، به امام(ع) می‌رساندند و در مواردی که امام(ع) دستور می‌داد مصرف می‌کردند. ۴. پاسخگویی به سؤالات فقهی و کلامی از جمله فعالیت نواب اربعه، پاسخگویی به سؤالات فقهی و شرعی و حلّ مشکلات کلامی و عقیدتی بود که از جانب افراد مختلف مطرح می‌شد. نواب چهارگانه این وظایف را با استفاده از آموزش‌های امام به صورت اساسی انجام می‌دادند. از جمله فعالیت‌های نواب اربعه در زمینه مسائل فقهی و کلامی مباحثات و مناظرات علمی است. آنها ضمن محکوم کردن طرف مقابل تأکید داشتند که این علوم را از امام مهدی(ع) آموخته‌اند. با درگذشت چهارمین نایب خاص امام مهدی(ع) دوران غیبت کبرا آغاز گردید و تا هر وقت خداوند مصلحت بداند ادامه خواهد یافت. در این دوران علمای واجد شرایط از سوی امام زمان(ع) نیابت عامه دارند که خود ائمه(علیهم السلام) ضوابط و شرایط کلی نیابت را بیان فرموده‌اند و در طول زمان هر فردی که آن ضابطه با او تطبیق کند می‌تواند به عنوان نیابت از مهدی موعود(عج) در امر دین و دنیا، مرجع مردم باشد. روایات متعددی مسلمانان را در دوران غیبت کبرا موظف کرده‌اند که به فقهای جامع الشرایط عادل رجوع نموده و طبق دستور آنان عمل کنند. چنان‌چه امام صادق(ع) می‌فرماید: «مردم باید بنگرند چه کسی حدیث ما را روایت نموده و در حلال و حرام ما نظر افکنده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است او را به عنوان حاکم بپذیرند زیرا من او را حاکم قرار

دادم». {۳} این فرمان، فرمان کلی و عمومی است و مفاد آن شامل همه فقها و مجتهدین واجد شرایط می‌شود. برخی از این شرایط عبارتند از: ۱. اجتهاد در فقه ۲. تقوا و صلاحیت اخلاقی ۳. آگاهی و اهتمام به مصالح اجتماعی به امید آن روز که شاهد انقلاب جهانی و سراسر عدل امام زمان(عج) باشیم و چشم‌های گنهکار ما با دیدن جمال نورانی‌اش روشن و منور گردد. [۱].المهدی، صدر، ص ۱۸۹/ [۲].الغیبْ، طوسی، ص ۲۲۲ – ۲۴۶، صدوق کمال‌الدین، قم، نشر اللامی، ص ۴۴/ [۳].اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷/

کیفیت ارتباط نواب با حضرت

ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) چگونه بوده است؟

پرسش

ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) چگونه بوده است؟

پاسخ

امام زمان(ع) در غیبت صغری چهار نماینده داشت که آن‌ها را به صورت معین و مشخص انتخاب و تعیین فرموده بود: ۱ – ابوعمر عثمان بن سعید عمری، ۲ – ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ۳ – ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ۴ – ابوالحسن علی بن محمد سمری. اینان موظف بودند بین امام(ع) و مردم ارتباط برقرار کنند. سؤالات و نامه‌های شیعیان را به خدمت امام می‌بردند و پاسخ امام را به آن‌ها می‌رساندند و وجوه را از مردم تحویل می گرفتند و به محضر امام می‌رساندند یا با اذن امام به مصرف می‌رساندند. گاهی هم امام(ع) توسط توقیعاتی (نامه) مطالب لازم را به نواب خاصش بیان می‌فرمودند. (۱) بنابر این ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) به وسیله تماس مستقیم با حضرت یا به وسیله نامه بوده است. پی نوشت‌ها: ۱ – علی غفار زاده، زندگانی نواب خاص، ص ۲۷ – ۳۴؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۸۳ – ۶۹۰.

نواب اربعه چگونه با امام زمان ارتباط داشتند؟ آیا ایشان را می‌دیدند؟

پرسش

نواب اربعه چگونه با امام زمان ارتباط داشتند؟ آیا ایشان را می‌دیدند؟

پاسخ

از بررسی متون تاریخی و روایی که در شرح حال نوّاب اربعه وارد شده است، برداشت می‌شود که آنان از نزدیک با حضرت ولی عصر(عج) در دوران غیبت صغری ارتباط داشته‌اند. برخی از روایات گویای این است که آنان با حضرت دیدار داشته و مفاد برخی دیگر این است که مکاتباتی هم بین امام و آنان بوده است؛ یادآور می‌شود که در اصطلاح علم حدیث از این گونه مکاتبات به

"توقیع "تعبیر شده و بعید نیست که حکمت صدور توقیعات از جانب حضرت، حصول اطمینان قلبی برای شیعیان در راستای ارتباط آنان با امام باشد. اینک به بررسی بخشی از روایاتی که در این زمینه رسیده می‌پردازیم: ۱- حدود چهل تن از شیعیان از جمله: علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویهٔ بن حکیم و حسن بن ایوب به محضر امام عسکری(ع) شرفیاب شدند و قصد داشتند از حضرت بخواهند امام پس از خود را به آنان معرّفی کند، امام فرمود: آیا مایلید به شما بگویم برای چه آمده‌اید؟ عرض کردند: بله. امام فرمود: آمده‌اید از حجّت خدا پس از من بپرسید. در همین حال حضرت مهدی(عج) وارد شد و در پی آن حضرت عسکری فرمود: پس از من این پسر امام شما است. از او فرمان ببرید و دچار تفرقه نشوید. آگاه باشید که از این پس دیگر او را نخواهید دید. هر چه را که عثمان بن سعید می‌گوید بپذیرید. او جانشین امام شما است.(۱) از این روایت می‌توان بهره گرفت که تنها برای عثمان بن سعید عَمری با حضرت امکان ارتباط وجود داشت. ۲- عبداللّه بن جعفر حمیری از محمد بن عثمان بن سعید پرسید: آیا صاحب الأمر را دیده‌ای؟ گفت: بله، آخرین باری که حضرت را دیدم، کنار کعبه بود و می‌گفت": اللّهم أنجزلی ما وعدتنی؛ خدایا! آنچه را که به من وعده داده‌ای برسان.("۲) این روایت با صراحت می‌رساند که محمد بن عثمان با امام عصر(عج) دیدار داشت. مفاد برخی از عبارت‌ها همین مطلب است، گرچه به این صراحت نیست. مرحوم طبرسی صاحب مجمع البیان می‌گوید: پاسخ سؤالات و توقیعات حضرت، توسّط سفرای چهارگانه به شیعیان می‌رسید و آنان خمس و صدقات را توسط این چهار نفر به امام می‌رساندند تا طبق نظر امام در جای خود مصرف شود.(۳) حدیث دیگری که مرحوم شیخ طوسی آورده، چنین است: توقیعات حضرت صاحب الزمان(عج) توسّط عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان به خواص حضرت عسکری(ع) و سایر شیعیان می‌رسید و این توقیعات شامل امر و نهی‌ها و پاسخ سؤالات شیعیان بوده است.(۴) نکته قابل توجه در دو عبارت فوق" وساطت "نواب اربعه بین امام و شیعیان است و در عرف بیشتر جوامع، شخص واسطه با دو طرف دیدار می‌کند؛ از این رو می‌توان گفت آنان با امام از نزدیک دیدار داشته‌اند. نکات دیگری نیز مؤیّد همین مطلب است که سفرای چهارگانه با امام ملاقات داشته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: الف) هنگامی که از محمّد بن عثمان درباره نایب خاصّ پس از او سؤال شد، در پاسخ گفت: حسین بن روح جانشین من و سفیر میان شما و صاحب الأمر(ع) است.(۵) ب) از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا مسئولیت سفارت خاص با وجود تو به حسین بن روح سپرده شد؟ گفت: من با دشمنان حضرت دیدار و مناظره دارم و ممکن بود اگر من جای امام(ع) را می‌دانستم و آنان بر من سخت می‌گرفتند، به آن‌ها نشان می‌دادم، امّا حسین بن روح حتی اگر با قیچی پاره پاره شود، چنین نخواهد کرد.(۶) ج) در آخرین توقیعی که از جانب حضرت صادر شده، خطاب به علی بن محمد سمری آمده است: به هیچ کس وصیّت نکن که پس از مرگت جانشین تو باشد. وقت غیبت تامّه فرا رسیده است. در آینده برخی از شیعیان ممکن است مدّعی دیدار با من باشند. هر کس چنین ادعایی کند، دروغ می‌گوید.(۷) برخی از صاحب نظران پس از بیان این توقیع، اظهار داشته‌اند: این توقیع آخرین خطاب و آخرین ارتباط بی واسطه می‌باشد که بین امام و مردم در دوران غیبت صغری بوده است.(۸) عبارت‌های سفیر، دانستن محلّ زندگی حضرت، ادّعای مشاهده در آینده و آخرین ارتباط بی واسطه، همه گویای ارتباط نزدیک است که بارزترین مصداق آن" دیدار و ملاقات "با حضرت است. نکته آخر: مقصود از" ادعای مشاهده "که در روایت آخر آمده بود، ادّعای سفارت و وکالت می‌باشد وگرنه بزرگانی همچون سید بن طاووس، مفید و محقق اردبیلی با امام ملاقات کرده‌اند و در کتاب‌های مربوطه به ثبت رسیده است اگر چه خود به صراحت چنین ادعایی نداشته‌اند. پی نوشت‌ها: ۱. کتاب الغیبه، طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ص ۳۵۷، ح ۳۱۹. ۲. همان، ص ۳۶۴، ح ۳۳۰. ۳. تاج الموالید (مجموعه نفیسه)، طبرسی، کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، قم، ص ۶۷ (۱۴۳). ۴. کتاب الغیبهٔ، ص ۳۵۶، ح ۳۱۸. ۵. همان، ص ۳۷۱، ح ۳۴۲. ۶. همان، ص ۳۹۱، ح ۳۵۸. ۷. همان، ص ۳۹۵، ح ۳۶۵. ۸. تاریخ الغیبهٔ الصغری، سید محمّد صدر، مکتبهٔ الأمام أمیر المؤمنین، اصفهان، ص ۴۱۵.

وقتی حسین بن روح نوبختی التادیب را نوشت به قم فرستاد جهت دیدن علماء در آن زمان علمای قم چه کسانی بودند آیا این کتاب قابل دسترسی است

پرسش

وقتی حسین بن روح نوبختی التادیب را نوشت به قم فرستاد جهت دیدن علماء در آن زمان علمای قم چه کسانی بودند آیا این کتاب قابل دسترسی است

پاسخ

در آن زمان قم پایگاه بسیاری از محدثان و فقهای نامدار شیعه بود، از جمله: ۱- علی بن حسین بن موسی بابویه قمی پدر شیخ صدوق. ۲- محمد بن حسن بن ولید ۳- ابو محمد الحجال ۴- حسین بن احمد ادریس ۵- حسین بن سعید اهوازی ۶- زکریا بن آدم ۷- خالد بن محمد برقی ۸- احمد بن محمد بن عیسی اشعری ۹- احمد بن محمد بن یحیی عطار ۱۰- اسحاق بن آدم برادر زکریای آدم ۱۱- جعفر بن حسین از اساتید شیخ صدوق ۱۲- جعفر بن علی بن احمد قمی ۱۳- جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه ۱۴- احمد بن اسحاق از خواص امام حسن عسگری(ع) ۱۵- احمد بن علی بن حسن بن شاذان ۱۶- محمد بن علی بن حسین معروف به شیخ صدوق ۱۷- و حسین بن علی بن محمد برادر شیخ صدوق و جمع دیگری از بزرگان که در آن زمان در قم سکونت داشتند.معلوم نیست که کتاب «التأدیب» که امروز در دسترس باشد.{J

ارتباط نوّاب اربعه با شیعیان چگونه بوده است؟

پرسش

ارتباط نوّاب اربعه با شیعیان چگونه بوده است؟

پاسخ

شیعیان با نوّاب اربعه دو نوع ارتباط داشتند: ۱ - ارتباط با واسطه وغیر مستقیم ارتباط با واسطه یک اصل در سازمان سفارت بود، چرا که این سازمان به جهت ظلم عباسیان نمی‌توانست آشکارا وآزادانه فعالیت کند. بنابراین باید در ارتباط با مردم از راه‌های استتاری بهره می گرفت. ۲ - ارتباط مستقیم وبی‌واسطه این ارتباط در آغاز فعّالیت نواب اربعه، در دوره غیبت صغرا وجود نداشت، زیرا بنا بود که مسأله نیابت خاصه مخفی بماند، تا حاکمان جور بازتاب وواکنشی از خود نشان ندهند. ولی کم کم شیعیان به صورت پنهانی نام ونشانی سفیر را از وکلا وخواص گرفتند وتوانستند با آنان مستقیماً تماس بگیرند. این کار عمدتاً از زمان سفارت دومین سفیر شروع شد وادامه یافت. شیخ طوسی درباره این نوع ارتباط می‌نویسد": عده‌ای از افراد مورد اعتماد نزد سفرای امام مهدی (ع) می‌رفتند وبا دادن نامه ویا بیان داشتن خواسته‌های خود، پاسخ آن را از ناحیه مقدسه وتوسط سفرا دریافت می کردند."

{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۵۷. پاورقی}

وظایف ومسئولیت‌های نوّاب اربعه چه بوده است؟

پرسش

وظایف ومسئولیت‌های نوّاب اربعه چه بوده است؟

پاسخ

وظایف ومحور کلّی فعالیت‌های نواب اربعه بدین قرار است: ۱ – زدودن شک وحیرت مردم درباره وجود امام مهدی (ع) مهم‌ترین وظیفه‌ای که نواب اربعه به ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عَمْری بر عهده داشت این بود که برای شیعیان ثابت کند، امام عسکری (ع) فرزندی دارد که اکنون امام است واو نایب خاص آن حضرت می‌باشد. ۲ – حفظ امام مهدی (ع) از راه پنهان داشتن نام ومکان آن حضرت امام مهدی (ع) در توقیعی به محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری بیان داشت که از ذکر نام ونشان آن حضرت خودداری کند ودر جهت پنهان داشتن نام ومکان آن حضرت بکوشد. {پاورقی . همان، ص ۲۲۲. پاورقی} ابوسهل نوبختی در جواب این سؤال که چرا تو سفیر ناحیه مقدسه نشدی؟ فرمود": من نمی‌توانم مانند حسین بن روح سرّ نگهدار باشم. {"پاورقی . همان، ص ۲۴۰. پاورقی} ۳ – سازماندهی وسرپرستی سازمان وکالت از طریق این سازمان، شیعیان پرسش‌ها وشبهات دینی خود را با وکلا در میان می گذاشتند وآنان به واسطه سفیر از ناحیه مقدسه پاسخ را به شیعیان می‌رساندند، ونیز وجوه شرعی خود را به وکلا می‌دادند ووکلا- آن را به مسئول سازمان تحویل می‌دادند. ۴ – پاسخ گویی به پرسش‌های فقهی ومشکلات عقیدتی آنان گاهی پرسش‌های فقهی ومسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام مهدی (ع) می‌رساندند وپاسخ آن را دریافت وبه شیعیان ابلاغ می کردند.{پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۵۲. پاورقی} ۵ – اخذ وتوزیع اموال متعلق به امام مهدی (ع) امام مهدی (ع) در روز بعد از رحلت امام حسن عسکری (ع) ویا در همان روز، بعد از مراسم خاک‌سپاری امام عسکری (ع) به هیئت قمی‌ها دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش در بغداد (ابوعمرو، عثمان بن سعید عَمْری) تحویل دهند.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۸. پاورقی} ۶ – مبارزه با غلات ومدعیان دروغین نیابت وبابیّت در راستای همین وظیفه، در این دوره هفتاد ساله هر کسی که به دروغ ادعای بابیّت ووکالت نمود، مثل حلاج، شلمغانی ودیگران، با آنان به مبارزه برخاستند واز ناحیه مقدسه توقیعاتی به واسطه آنان صادر شد، وبا روشن شدن ماهیّت آنان، شیعیان امامیه از این نوع انحرافات مصون ماندند وبه سفارت نواب اربعه ووکالت بیشتر اعتماد نمودند. ۷ – مبارزه با وکلای خائن گاهی برخی از وکلا منحرف می‌شدند واز وظایف اصلی خود عدول می کردند. در این صورت مشکلاتی را برای سازمان مخفی وکالت به وجود می‌آوردند، وگاهی وجوه شرعی را نزد خود نگه می‌داشتند، در این صورت نواب اربعه هر کدام به نوبه خود مسئولیت داشتند تا با آن وکیل خائن مبارزه کنند. ۸ – آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبرا این وظیفه بیش از همه بر دوش ابوالحسن علی بن محمّد سَمَری آخرین سفیر امام مهدی (ع) سنگینی داشت. از این رو امام مهدی (ع) از راه اعجاز به او کمک کرد وشش روز قبل از مرگش توقیعی صادر نمود وزمان دقیق وفات وی را بیان داشت تا اینکه حجت بر همگان تمام شود واذهان، آماده پذیرش دوره دیگری از غیبت آن حضرت باشد.

سازمان وکالت چه وظایف ومسئولیت‌هایی را برعهده داشته است؟

www.noorfatemah.org

پرسش

سازمان وکالت چه وظایف ومسئولیت‌هایی را برعهده داشته است؟

پاسخ

با بررسی شواهد تاریخی چنین به دست می‌آید که سازمان وکالت از آغاز تا پایان فعالیت آن، کارکردهای گوناگونی را دارا بوده است که از آن جمله عبارت است از: ۱ - دریافت، تحویل وتوزیع وجوه شرعی. ۲ - رسیدگی به اوقاف. ۳ - راهنمایی وارشاد شیعیان ومناظره با مخالفان. ۴ - ایفای نقش سیاسی سازمان وکالت. ۵ - ایفای نقش ارتباطی سازمان وکالت. ۶ - کمک به نیازمندان وحلّ مشکلات شیعیان. موضوع: توقیعات

نقش سفیر در توقیعات چه بوده است؟

پرسش

نقش سفیر در توقیعات چه بوده است؟

پاسخ

اگر چه در صدور توقیعات حضرت مهدی (ع) جایگاه حضرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا اوست که ذیل نامه را به خطّ مبارکش تزیین کرده است، ولی نمی‌توان نقش سفیر را در پدید آمدن آن نادیده گرفت. این سفیر است که نامه را از سائل گرفته وبه دست امام رسانده ودر مدت اندک یا طولانی جواب آن را به سائل رسانده است، بلکه به تعبیری، سفیر واسطه در ایجاد توقیع نیز بوده است، زیرا اگر امام چنین سفیر امینی نمی‌داشت هرگز نامه رسیده را توقیع نمی‌فرمود.

نیابت دردوره غیبت کبری

چرا امام زمان ۷در حال حاضر نائبی ندارد؟ پس مردم چطوربا آن حضرت ارتباط برقرار کنند؟

پرسش

چرا امام زمان ۷در حال حاضر نائبی ندارد؟ پس مردم چطوربا آن حضرت ارتباط برقرار کنند؟

پاسخ

در زمان غیبت کبرا فقها و مراجع تقلیدی که با تقوا باشند, نائب حضرت مهدی ۷هستند و به این مطلب , در روایات اشاره و تصریح شده است . درتوقیعی که به خط حضرت مهدی است , آمده است : .(۱) از امام عسکری ۷نقل است : .(۲) این شرایط در برخی از فقیهان شیعه ظهور دارد. بنابراین , فقهای پارسا, به طور عام , نائب حضرت و مورد وثوق ایشان می باشندو برای مردم حجّت عقلی و شرعی هستند. اگر مردم از آنان تبعیت کنند, مانند این است که از امام ۷تبعیت کرده اند و اگر مخالفت کنند, گویا با امام ۷مخالفت کرده اند. توسط فقها و مراجع تقلید نمی توان با حضرت مهدی ۷ارتباط پیدا کرد.اصولاً ارتباط با آن حضرت در زمان غیبت کبرا ناممکن است و هر کس ادعای ارتباط با آن حضرت داشته باشد, طبق روایات باید تکذیب شود. (پاورقی ۱.صدوق , اکمال الدین , ج ۲ ص ۴۸۳ (پاورقی ۲.صادق احسانبخش , آثار الصادقین , ج ۱۶ ص ۵۵۳

آیا امام زمان(عج) در میان ما نماینده ای دارد؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) در میان ما نماینده ای دارد؟

پاسخ

امام زمان(ع) در زمان غیبت کبری نماینده خاصی ندارد. در این دوره، علمای واجد شرایط، از سوی امام زمان(عج) نیابت عامه دارند. نیات عامه بدین معنا است که امام شرایط و ظوابطی کلی را بیان کرده است تا در طول غیبت هر فردی که آن ضابطه با او تطبیق کند مردم به او مراجعه نمایند و به نیابت امام، در امر دین و دنیا، مرجع شیعیان می باشد. شرایط و ضوابطی بیان شده بر فقیهان واجد شرایط تطبیق نموده و آنان در زمان غیبت موظف هستند که به پرسش های مردم پاسخ داده و به مشکلات آنان رسیدگی نمایند. در برخی از روایات نیز بدین مطلب تصریح شده است. عمربن حنظله می گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: اگر بین دو نفر از شیعیان بر سر قرض یا ارث اختلافی پیش آید و به حکومت و قضات مراجعه کنند آیا این کار جایز است؟ امام فرمود: هر کس در مورد حق و باطل به آنان مراجعه کند، در حقیقت به طاغوت مراجعه کرده است و هر چه را به حکم آنان بگیرد به طور حرام گرفته است، هر چند حق ثابت او باشد، زیرا آن را به حکم طاغوت گرفته است که خداوند امر کرده است به او کفر ورزند و انکار کنند. پرسیدم پس چه باید بکنم؟ فرمود: باید نگاه کنند ببینند چه کسی از شما حدیث ما را روایت نموده و در حلال و حرام ما نظر افکنده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است؛ او را به عنوان حاکم و صاحب رأی بپذیرند، زیرا من او را حاکم بر شما قرار داده ام. اگر او بر اساس حکم ما حکم کند و کسی از او نپذیرد، حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است و کسی ما را ردّ کند، خدا را ردّ کرده است و این ، به منزلهٔ شرک ورزیدن به خدای متعال است.(۱) این فرمان امام فرمان کلی و عمومی است که مفاد آن شامل همهٔ فقهای واجد شرایط می شود، یعنی در زمان غیبت کبری نمایندهٔ امام فقیه و یا فقیهان واجد شرایط بوده و مردم نیز موظف هستند که به آنان رجوع نموده و از مراجعه به قضات و حکومت های طاغوت پرهیز کنند. پی نوشت ها: ۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷، وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۹.

چرا امام زمان(عج) برای خود نایب تعیین نکرده است؟ آیا به جهت بالا رفتن سطح و آگاهی مردم است یا این که اگر تعیین می کرد، مورد سوء قصد قرار می گرفت؟

پرسش

چرا امام زمان(عج) برای خود نایب تعیین نکرده است؟ آیا به جهت بالا رفتن سطح و آگاهی مردم است یا این که اگر تعیین می کرد، مورد سوء قصد قرار می گرفت؟

پاسخ

اگر چه امام زمان(عج) مانند زمان غیبت صغری افراد خاصی را به عنوان نایب خویش تعیین نکرده است، ولی در زمان غیبت نیز نایب دارد. با این تفاوت که در زمان غیبت صغری نواب خاص داشته(۱) ولی در زمان غیبت کبری نیابت عام تعیین شده است؛ بدین معنا که امام، شرایط و ضوابط کلّی را بیان کرده تا در طول زمان هر فردی که شرایط با او همخوان باشد، نایب شناخته شده و به نیابت از امام، در امر دین و دنیا، مرجع شیعیان باشد. در زمان غیبت کبری علمای واجد شرایط نائبان امام زمان(ع) هستند؛ زیرا شرایط و ضوابطی که از سوی امام زمان(عج) تعیین شده، بر آنان تطبیق می کند. بر این اساس علمای دین و مجتهدان واجد شرایط موظف هستند که به مشکلات مردم رسیدگی کنند. و پاسخگوی مسایل دینی مردم بوده و به هدایت و رهبری آنان بپرازند. از سوی دیگر مردم نیز وظیفه دارند که از مجتهدان واجد شرایط پیروی نمایند. اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان (دومین نائب خاص حضرت مهدی(عج)) خواستم نامه ام را به پیشگاه امام برساند. در آن نامه مسائل مشکلی را که داشتم پرسیده بودم. از جمله سؤالاتم این بودکه در پیشامدها در عصر غیبت به چه کسی مراجعه کنم؟ در پاسخ فرمود": در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آن ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا (بر شما) هستم.("۲) با آن که اسحاق بن یعقوب در این نامه در مورد وظیفه خود سؤال کرد، ولی امام به صورت عمومی پاسخ داده و وظیفهٔ همهٔ شیعیان را معیّن نموده است. بر این اساس امام زمان(عج) در زمان غیبت کبری به طور عام نماینده تعیین کرده است. تعیین نیابت عام در زمان غیبت کبری بر اساس شرایط زمان و مصالح عمومی بوده است. در ضمن می توان گفت که با تعیین علمای واجد شرایط، به صورت نائب عام، رشد فکری مردم نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا مردم در صدد یافتن عالم ترین و با تقواترین عالمان دینی بر می آیند و از این طریق قدرت فهم و درک مردم هم نسبت به اصل دین و هم عالمان دینی برای همخوانی با معیارها افزایش می یابد. پی نوشت ها: ۱. سیرهٔ پیشوایان، ص ۶۷۵ ـ ۶۸۲. ۲. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

آیا امام زمان (عج) در حال حاضر نوابی دارند که مستقیما با مردم در تماس باشند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در حال حاضر نوابی دارند که مستقیما با مردم در تماس باشند؟

پاسخ

– برای امام زمان (عج) دو غیبت است : ۱– غیبت کوتاه (غیبت صغری) ؛ که آغاز آن از فوت حضرت عسکری (ع) تا

حدودهفتاد و چهار سال بعد از آن بوده است . در این مدت امام زمان (عج) به وسیله نواب خاص خودشان ، با شیعیان در ارتباط بوده انـد .نواب خاص امام سوالات و مشکلات مردم را مستقیما "با خود حضرت مطرح می کردنـد وجواب آن را می گرفتنـد؛ به عبارتی واسطه میان مردم و امام (ع) بودند . ۲-غیبت بلنـد مـدت (غیبت کبری) ؛ از آن زمان به بعد که حدود هزار و صدسال تا الان می گـذرد، زمان غیبت طولانی حضـرت آغاز شـده است . در این مدت حضـرت نایب خاصـی برای خود تعیین نکرده اند و به آخرین نایب خود فرمودند : بعد از فوت خودت به کسـی وصیت به نیابت نکن و اگر کسی بعد از این ادعای نیابت خاصه و ارتباط بـا من را داشـته باشـد، دروغ گو است. امام زمان (عـج) در زمان غیبت طولانی خود، مردم را در مسایل و مشـکلات دینی به نواب عام خود رجوع داده انـد که مسایل دین خود را از آنان فرابگیرند و آنها را حجت از طرف خود بر مردم معرفی کرده اند .این نواب عام علما و مجتهدان شیعه هستند;

با اینکه امام زمان((علیه السلام))فرموده اند که نیابت به پایان رسیده پس چرا در کتابها نوشته که محمّد بن عیسی خدمت آن حضرت رسیده است؟

پرسش

بـا اینکه امـام زمان((علیه السـلام))فرموده انـد که نیابت به پایان رسـیده پس چرا در کتابها نوشـته که محمّـد بن عیسـی خـدمت آن حضرت رسیده است؟

پاسخ

در زمان غیبت کبری که نیابت خاصه در او نیست گرچه اصل بر این است که کسی خدمت آن حضرت نرسد ولی در برخی شرایط ضروری و اسـتثنایی که خود آن حضـرت صلاح بدانند افرادی خدمت آن حضرت می رسند که محمد بن عیسی((علیه السلام)) در داسـتان مربوط به انار در شرایطی که جان و مال شیعه به شدّت در معرض خطر بود خدمت امام زمان((علیه السلام)) رسید و مشکل بزرگ شیعیان به برکت رهنمود آن حضرت حل شد. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۱۳ـ

مراد از(من مات ولم یعرف امام زمانه) امام (ع) است یا مجتهـد جامع الشـرایط؟ این حدیث چگونه دلالت بر وجوب تقلید از مجتهد جامع الشرایط می کند؟

پرسش

مراد از(من مات ولم یعرف امام زمانه) امام (ع) است یا مجتهد جامع الشرایط؟ این حدیث چگونه دلالت بر وجوب تقلید از مجتهد جامع الشرایط می کند؟

پاسخ

مسأله تقلید از مجتهد جامع الشرایط غیر از وجوب شناخت امام زمان «عج» است و هیچ یک از علما مسأله تقلید رامستند به روایت شریفه: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» نمی‌دانند. زیرا همان طور که خود نیز اشاره فرموده‌اید این روایت مربوط به شناخت امام معصوم(ع) در هر عصر است و تقلید از مجتهد جامع الشرایط در مسائل دینی به عنوان مراجعه به کارشناس برجسته دینی است که بعد از غیبت کبرای حضرت ولی عصر«عج» و به دستورخود آن حضرت مورد عمل بوده و تبعیت از فقهای بزرگی همچون شیخ طوسی (شیخ الطائفه) علامه حلی مقدس اردبیلی و امام خمینی«ره» از این باب بوده است. و در نامه‌های امام زمان«عج» به علی بن محمد سمری آمده است که فرمود: «و اما من کان من الفقها صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا لهواه مطیعا لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه. هر کدام ازفقیهان که بر نفس خود مسلط و پاسدار دین الهی و مخالف هوای نفس بود و در کارها فقط اطاعت از خدایش را ملاککار قرار داد بر مردم لازم است او را مرجع و مقلد خود قرار دهند و از او تقلید کنند». پس تقلید از مرجعی بیدار و آگاهکه حصن اسلام است و در مقابل دشمنان اسلام از دین پاسداری می‌کند ربطی به صفوی‌ها ندارد. البته در دوره حکومت صفوی‌ها مرجعیت شیعه از آزادی عمل بیشتری برخوردار شد و توانست در رشد و گسترش فرهنگ غنی اسلام گام بلندتری بردارد. برای آگاهی بیشتر ر . ک : «منابع فقه» محمد تقی جعفری و «وظایف شیعه در عصر غیبت»

بعد از اینکه چهارمین نائب خاص امام زمان(عج) رحلت فرمود، مردم در زمینه امور دینی باید به مجتهدین مراجعه فرمایند، ایشان مجتهد (ین) هم عصر خودش و بعد از خودش را معرفی فرمود. از آن زمان تاکنون مجتهدین، افراد مجتهد بعد از خودشان (یا هم عصر خودشان) را معرفی می

پرسش

بعد از اینکه چهارمین نائب خاص امام زمان(عج) رحلت فرمود، مردم در زمینه امور دینی باید به مجتهدین مراجعه فرمایند، ایشان مجتهد (ین) هم عصر خودش و بعد از خودش را معرفی فرمود. از آن زمان تاکنون مجتهدین، افراد مجتهد بعد از خودشان (یا هم عصر خودشان) را معرفی می نمایند. اگر ممکن است نام مجتهد زمان حیات آفرین نائب خاص امام زمان(عج) نام سلسله مجتهدین) تاکنون رانام ببرید.

پاسخ

فقه شیعه به دو دورهء حضور و غیبت امام(ع) تقسیم می شود، در دوره حضور امام(ع)، احکام فقهی، به لحاظ حضور امام(ع) که فهم او از دین کامل است و مطلق و مقید و ... و سنت رسول الله(ص) را خوب می شناسد، از قرآن و سنت اخذ می شد، اما در دوران غیبت، به لحاظ اینکه همه موارد احکام فقهی را نمی شود مستقیماً از قرآن و سنت گرفت، اصول فقهی خاصی در فقه شیعه مقرر شد، به نام اصول عملیه که فقیه جامع الشرایط با توجه به اصول القاء شده از طرف امامان شیعه(ع) با تحلیل و استدلالهای عقلی در چارچوب قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) احکام شرعی را بدست می آورند. البته امامان(ع در زمان حضور نیز پیوسته به ایجاد زمینهء تفکر و استدلال در بین شیعیان پرداخته و آنان را تشویق به تحلیل و استدلال عقلی می کردند و وظیفهء خود را بیان اصول و قواعد کلی دانسته و تفریع و استنتاج جزئی را به عهده فقها می گذاشتند، لذا برخی فقها مانند ابن براج (م/۴۸۱) و سلار بن عبدالعزیز دیلمی(م/ ۴۸۸) و ... تقسیم بندی ها و تحولات شگرفی در فقه ایجاد کردند که مورد قبول و پیروی فقهای دیگر شد، به طوری که آنچه ما امروز به نام فقه شیعه می شناسیم، ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته که به وسیلهء فقهای نامی شیعه سازمان یافته

و تکمیل شده است. اینک ما نیز فقها را به دو قسمت ۱) فقهای دوران غیبت کبری و ۲) فقهای دوران بعد از غیبت کبری تقسیم می کنیم و برخی از آنان را نام می بریم. ۱) فقهای عصر غیبت کبری ۱. علی بن بابویه قمی (م/ ۳۲۹) مورد عنایت خاصه حضرت ولی عصر(عج) بوده و نامه ای نیز از حضرت توسط حسین بن روح نوبختی به او نوشته شد(رجال نجاشی/۲۶۱) البته قبل از علی بن بابویه قمی می توان به علی بن ابراهیم قمی (م/ ۳۰۸) و محمد بن یعقوب کلینی و مشایخ فراوان اشاره کرد منتهی جنبه های حدیثی آنان بیشتر است و غلبه بر جنبه های فقهی آنان دارد. ۲. محمد بن مسعود عیاشی (م/۳۲۰) ۳. ابن ابی عقیل عمانی (م/۳۲۹) ۴. ابن جنید اسکافی (م/۳۸۱) ۵. شیخ مفید (م/۴۱۳) که امام زمان(عج) توقیع شریفی به ایشان دارد و در وصف ایشان فرموده اند: «لاصوت الناعی بفقدک ان هو یوم علی آل رسول عظیما» (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳؛ المزار شیخ مفید، ص ۱۱). ۶. سید مرتضی (م/ ۴۳۶) که ـ در عالم رؤیا ـ از طرف امام علی(ع) لقب علم الهدی یافت (روضات الجنات، ص ۵۷۵) این شش نفر فقهایی هستند که زمان غیبت کبری را درک کرده و دارای ویژگیهای برجسته ای بودند و مردم در مسایل فقهی و دینی به اینان رجوع می کردند. اما فقهای بعد از غیبت کبری عبارتند از: ۱. شیخ طوسی (م/۴۶۰) ۲. ابن براج (م/۴۸۱) ۳. شیخ ابوالصلاح حلبی (م/۴۴۷) ۴. سلار دیلمی (م/۴۶۳) ۵. ابن زهره سید ابوالمکارم (م/۵۸۵) ۶. ابن ادریس (م/۵۹۸) ۷. سید شمس الدین موسوی (م/۵۹۸ یا ۶۳۰) ۸. ابن حمزه طوسی (م/۵۸۵) ۹. ابوالقاسم جعفر سعید حلی (محقق حلی) (م/۶۷۶) ۱۰. یحیی بن سعید (م/۶۹۰) ۱۱. علامه حلی حسن بن یوسف (م/۷۲۶) ۱۲. سید عمید حسین (م/۷۵۴) ۱۳. فخرالمحققین محمد بن حسن بن یوسف (م/۷۷۱) ۱۴. شهید اول محمد بن مکی (م/۷۸۴) ۱۵. مقداد سیوری (م/۸۲۶) ۱۶. محقق ثانی علی بن عبدالعالی کرکی (م/۹۴۰) ۱۷. شهید دوم زیدالدین علی بن احمد (م/۹۶۶) ۱۸. شیخ حسن عبدالصمد پدر شیخ بهایی (م/۹۸۴) ۱۹. مقدس اردبیلی (م/۹۹۳) ۲۰. سید محمد عاملی (م/ ۱۰۰۹) ۲۱. ملاعبدالله شوشتری (م/۱۱۰۱) استاد شیخ بهایی ۲۲. شیخ بهایی (م/۱۰۳۱) ۲۳. علامه مجلسی اول (م/۱۰۷۰) ۲۴. وحید بهبهانی (م/۱۲۰۵) ۲۵. سید حسین خوانساری (م/۱۰۹۹) ۲۶. آقا جمال خوانساری (م/ ۱۱۲۵) ۲۷. سید محمد مهدی بحرالعلوم (م/ ۱۲۱۲) ۲۸. شیخ جعفر کاشف الغطا (م/۱۲۲۸) ۲۹. شیخ محمد حسن صاحب جواهر (م/۱۲۶۶) ۳۰. شیخ مرتضی انصاری (م/۱۲۸۱) ۳۱. میرزای شیرازی (م/۱۳۱۲) ۳۲. آخوند خراسانی (م/۱۳۲۹) ۳۳. میرزای دوم محمد تقی شیرازی (م/۱۳۳۸) ۳۴. سید کاظم طباطبایی یزدی (م/۱۳۳۷) ۳۵. آیت الله اصفهانی، نائینی، حائری بنیان گذار حوزه علمیه قم سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۵ هجری قمری ۳۶. سید ابوالحسن اصفهانی (م/۱۳۶۵) ۳۷. حاج آقا حسین قمی طباطبایی (م/۱۳۶۶) ۳۸. آیت الله خوانساری سید محمد تقی (م/۱۳۷۱) ۳۹. سید محمد حجت کوه کمره ای (م/۱۳۷۲) ۴۰. آیت الله بروجردی (م/۱۳۸۰) ۴۱. سید محسن حکیم (م/۱۳۹۰) ۴۲. سید احمد خوانساری (م/۱۴۰۵) ۴۳. آیت الله خویی (ره) (م/۱۴۱۳) ۴۴. امام خمینی(ره) (م/۱۴۰۹) البته در بسیاری از زمانها دو یا چند فقیه در یک زمان بودند منتهی گاهی دو فقیه در یک شهر یا کشور بودند گاهی در دو کشور مثل عراق و ایران. منابعی که می شود رجوع کرد عبارتند از: الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی روضات الجنات مرحوم خوانساری ریاض العلما میرزا عبدالله افندی تاریخ فقه وفقها گرجی فقهای نامدار شیعه عقیقی بخشایشی ادوار فقه ابراهیم خباتی تکملهٔ امل آمل، سید حسن صدر اعیان الشیعه مرحوم سید محسن امین.

آیا در حال حاضر و در عصر ما نایبان خاص امام عصر(ع) وجود دارند؟

پرسش

آیا در حال حاضر و در عصر ما نایبان خاص امام عصر(ع) وجود دارند؟

پاسخ

در عصر حاضر نایب خاص برای حضرت مهدی (عج) وجود ندارد و هر کس دعوی نیابت کند باید او را تکذیب کرد. البته میان غیبت صغری و غیبت کبری در این خصوص تفاوت وجود دارد. در زمان غیبت صغری مردم از طریق ۴ نایب با امام زمان (عج) در ارتباط بودند: ۱. عثمان بن سعید (ره)؛ ۲. محمد بن عثمان (ره)؛ ۳. حسین بن روح (ره)؛ ۴. علی بن محمد سمری(ره). آخرین نایب حضرت حجت(عج) ، (علی بن محمد سمری (ره)) نامه‌ای از جانب حضرت ولی‌عصر (عج) برای مردم آورد که در آن نامه نوشته شده بود به شیعیان خبر بده که تو (علی بن محمد سمری (ره)) تا ۶ روز دیگر از دنیا می‌روی و به هیچ کس درباره امر نیابت وصیت نکن و کسی را به عنوان نایب معرفی نکن. چون غیبت کبری شروع شده و این غیبت طولانی است و در زمانی که خدا اذن دهند ظهور صورت گیرد و هر کس ادعای مشاهده (همراه با دعوی نیابت) نماید دروغگو است (آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی‌عشر (عج)، ص ۴۹۴ و ۴۹۵). متن این نامه در میان شیعیان در آن زمان خوانده و از آن نسخه‌برداری شده است. این مطلب نزد شیعیان قطعی است که پس از وفات علی بن محمد سمری (ره) در سال ۳۲۹ هجری قمری تا زمان ظهور، نایب خاص نداریم. البته بر اساس توقیعی که از طرف حضرت مهدی (عج) رسیده است فقیهان جامع‌الشرائط به عنوان وکیل عام حضرت حجت (عج) معرفی شده‌اند که جمله معروف ناظر به همین مطلب است: «اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواۀ احادیثنا» (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۴۰، باب ۳۷). اما درباره رویدادهای جدید پس به راویان احادیث ما مراجعه نمایید.

مقصود از نیابت عامّه در عصر غیبت کبرا چیست؟

پرسش

مقصود از نیابت عامّه در عصر غیبت کبرا چیست؟

پاسخ

مقصود از نیابت عامه این است که امام (ع) ضابطه‌ای کلّی به دست می‌دهد تا در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از همه جهات ودر همه ابعاد بر او صدق می‌کند نایب امام شناخته شود ودر جامعه، نماینده او گردد. بنابراین، کسانی که در دوره غیبت صغرا نیابت داشتند وبا اسم ورسم معرفی شده بودند" نایب خاص "نامیده می‌شوند. بر اساس روایات وارده در این باب، مقام نیابت عامه به وسیله خود امامان: به ویژه حضرت حجت (ع) به فقیه جامع شرایط تفویض شده است، که از آن جمله می‌توان به این دو روایت اشاره کرد: ۱ – عمر بن حنظله از امام صادق (ع) سؤال می‌کند که اگر در مشکلات ومنازعاتی که معمولاً ـ برای آنها به حاکم یا به قضات منصوب از طرف حاکم مراجعه می‌کنند، بین دو نفر شیعه رخ داد چه کنند؟آیا می‌توانند به حاکم وقت ویا قضات منصوب از طرف آنان مراجعه نمایند ومشکلشان را حل نمایند. حضرت در پاسخ فرمود: مراجعه به آنها حرام است، زیرا رجوع به آنها رجوع به طاغوت است وخدای سبحان مراجعه به طاغوت را نهی کرده است. او دوباره سؤال کرد: پس چه کنند، زیرا در صورت عدم مراجعه، حقشان ضایع می‌شود. حضرت با ذکر معیارهایی علمای واجد شرایط را برای آنها معرفی کرده، می‌فرماید:

"ینظران (إلی) من کان منکم ممّن قد روی حدیثنا ونظر فی حلالنا وحرامنا وعرف أحکامنا فلیرضوا به حکماً فإنّی قد جعلته علیکم حاکماً، فإذا حکم بحکمنا فلم‌یقبله منه فإنّما استخفّ بحکم اللّه وعلینا ردّ، والرآدّ علینا الرآدّ علی اللّه وهو علی حدّ الشرک باللّه؛"... "در بین {پاورقی . اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰. پاورقی} خودتان از فقهای شیعه کسی را انتخاب کنید که حدیث ما را روایت کرده و در حلال و حرام ما نظر نموده و احکام ما را شناخته است ومشکل خود را از طریق او حل نمایید، زیرا آنان از طرف من منصوبند ومن نیز آنها را بر شما حاکم قرار دادم. اگر پس از مراجعه به آنان وبیان حکم، طرفین دعوا حکم را نپذیرند، ما را ردّ کرده‌اند وحکم خدا را سبک شمرده‌اند، وردّ بر ما در حقیقت ردّ بر خداست وچنین شخصی در حدّ مشرک به خدا خواهد بود ".۲ – اسحاق بن یعقوب بعد از طرح مسائلی از حضرت مهدی (ع) جواب آنها را طلب می‌کند. امام در توقیعی که در ذیل آن نامه به وسیله نایب دوم خود محمّد بن عثمان عَمْری می‌فرستد، از جمله مسائلی که در آن اشاره کرده اینکه..."؛ أمّا الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلی رواة حدیثنا فإنّهم حجّتی علیکم"؛ "...امّا در حوادثی که پیش می‌آید {پاورقی . کمال‌الدین، ص ۴۸۴ ؛ الغیبة، طوسی، ص ۱۷۷. پاورقی} به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند."...

چگونه می توان نایب امام زمان (عج) را در زمان غیبت شناخت ؟

پرسش

چگونه می توان نایب امام زمان (عج) را در زمان غیبت شناخت ؟

پاسخ

برای شناخت نایب امام زمان(عج) معیارهایی وجود دارد که با توجه به آنها می‌توان در هر زمان فرد یا افرادی را یافت که صلاحیت این مرتبه را داشته باشند. البته باید دانست که این نیابت، نیابت خاص نیست؛ یعنی، امام زمان(عج) شخصی را به عنوان نایب خاص خود معرفی نمی‌کنند؛ بلکه نیابت عام است؛ یعنی، هر کسی که دارای صفات خاصی باشد، به طور عام مجاز است که احکام الهی را بیان کند و شؤونی را که امام(ع) بر عهده دارند، بر عهدهبگیرد. مجموعه این شرایط از قرآن و سنت استفاده می‌شود که عبارت است از: ۱– عالم بودن و دارای قوه اجتهاد و استنباط احکام الهی از منابع آن، ۲– دارای زهد و تقوا و پرهیز کردن از دنیاپرستی و مفتون شدن به آن، ۳– داشتن بصیرت و عالم به زمان. البته در هر زمان اگر چند نفر دارای این شرایط بودند، باید اَعلَم آنان برگزیده شود و اگر مساوی بودند، انتخاب هر یک از آنها مجاز است. البته در مسایل سیاسی و حکومتی به جهت آن که نظام جامعه مختل نشود، باید یک نفر (ولی فقیه) در رأس امور قرار گیرد و اختیارات حکومتی نیز در دست او متمرکز باشد وگرنه موجب به هم خوردن امور می گردد.{J

یاران

ویژگیهای یاران

در زندگی چگونه رفتار کنیم و چه اعمالی انجام دهیم که از یاران حضرت مهدی عج باشیم

پرسش

در زندگی چگونه رفتار کنیم و چه اعمالی انجام دهیم که از یاران حضرت مهدی عج باشیم

پاسخ

قرار گرفتن در صف یاوران حضرت مهدی عج فرمولی غیر از بندگی خدا ندارد، زیرا ایشان نمایندهٔ رسمی از جانب پیامبری است که خلاصهٔ رسالتش دعوت به توحید و رها شدن از شرک و نفاق در تمام زوایای زندگی است همانگونه که در قرآن آمده است «ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»(۳۹) یعنی اگر خدا را دوست دارید از من (پیامبر اکرم ۹» اطاعت کنید در نتیجه خداوند هم شما را دوست خواهد داشت پس اگر بندگی خدا تحقق یابد، انسان هم محبوب خدا خواهد شد و هم محبوب رسول ۹) او و هم محبوب ائمهٔ اطهار(:) و روشن‌ترین راه وصول به این هدف ابتدا ترک محرمات و انجام واجبات است و در مرحلهٔ بعد توجه به مستحبات و ترک مکروهات همچنین باید از اعمالی که موجب دوری از درگاه خداوند و خشم الهی می‌شود پرهیز کنیم تا بتوانیم رضایت حضرت حجت عج را جلب نماییم همانگونه که امام صادق ۷) می‌فرمایند: «لا G.....ُ ولایتنا اِلّا بالوَرع (۴۰) یعنی اگر بخواهیم جزء یاران آنها باشیم باید تقوی و ورع را پیشه خود سازیم در خاتمه مطالعه کتاب مکیال المکارم از سید محمدتقی موسوی اصفهانی را به شما توصیه می کنیم پاورقی: -۳۹ آل عمران / ۳۱. -۴۰ بحار، ج ۷۵، ص ۲۸۱.

چگونه می توان از یاران حضرت ولی عصر(شد؟

پرسش

چگونه می توان از یاران حضرت ولی عصر(شد؟

پاسخ

خصوصیات و ویژگی های اصحاب و یاران، و کسانی که محبوب و مرضیّ وجود نازنین" بقیهٔ ا... الاعظم "می باشند، در ادعیه و زیارات مربوط به ایشان بیان شده؛ که علاوه بر نشانه های اصحاب، هر کدام طریق وصول به این مقام را در آئینه خویش روشن می‌نماید. اما بطور کلی طریقی که سالک و روندهٔ این راه باید در پیش بگیرد، دائر مدار دو محور اساسی در بحث تربیت معنوی انسان است : الف) سیر نظری، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت علمی، یعنی شناخت صحیح و اساسی دین، و پیراستن از آنچه غیردین است، این کار با تدبّر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل بیت(، حاصل می گردد. همچنین با مطالعه دقیق و برنامه ریزی شده کتابهایی، که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته اند (مانند کتابهای شهید مطهری، علامه طباطبایی و ...) در این گام ما به احکام و تکالیف خویش، در ابعاد مختلف وجودمان، معرفت پیدا می کنیم. و برنامه ریزی دقیقی را برای اصلاح افکار و اندیشه ها، خلقیات و صفات، و رفتار و کردارمان بعمل می آوریم. و در واقع با آگاهی از وظائف عملی، و گسترش شناخت خود از مبانی و معارف در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش می کنیم. ب) سیر عملی، یا به

فرمایش حضرت امام(مجاهدت عملی، این کار با تقلید از احکام ظاهری شریعت، و به جا آوردن آداب انجام می پذیرد. اهتمام به واجبات و وظائف دینی، و پرهیز از معاصی، لغزشها و گناهان، دو رکن این حرکت است. مراعات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی، بزرگترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای اوست. در واقع در هر محیطی که هستیم، به خودسازی اقدام می کنیم، و با توبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلی و ورود نور الهی آماده می سازیم، و سیّئات را به حسنات تبدیل می نماییم". ان الحسنات یذهبن السیّئات ("۱) قرآن کریم راجع به حضرت مهدی(و اصحاب ایشان می فرماید" : الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاة او آتوا الزکاة وآمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ("۲) (کسانی که اگر در زمین به ایشان قدرت و توانایی دهیم، نماز را به پا داشته، و زکات را به مستحق می بخشند، و به معروف امر نموده، و از منکر نهی می کنند.) امام باقر(پیرامون این آیه شریفه فرمودند" : این آیه برای آل محمد(، و مهدی (و اصحاب اوست ".اگر دقت بفرمایید، در واقع ما برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت، از خود آغاز نمودیم، و در جهت سنخیّت خویش با حضرت مهدی(، حرکت نمودیم. نسخه ای که مقام معظم رهبری نیز تأکیدی زیبا بر آن داشتند، منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند. به برخی از خصوصیات یاران امام عصر" ارواحنا لتراب مقدمه الفداه "توجه فرمایید امید است که مشعل راه باشد، و فراسوی ما را روشن سازد، تا از گردابهای ضلالت و گمراهی نجات یابیم. در روایات متعدد داریم که انتظار فرج در زمان غیبت، از بهترین اعمال است. (۳) فرج یعنی نصرت و پیروزی و گشایش، و مقصود عدل گستری که به رهبری امام عصر(شکل می گردد. بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و این خواستگاه، آنگاه جدی و راست است، که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد، و اگر نه، این انتظار شعار بی محتوایی خواهد شد. از این رو در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا، و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد. و او انسانی است که در حضور و غیبت امام نحوهٔ رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد. و قبل از تشکیل حکومت عدل، او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان، و عشق به آن دارد. و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد. و در واقع این انتظار، ظهور فرجِ سینهٔ او به سوی معدن ارزشها و زیباییها است. چنین شخصی، فضایل انسانی را در نفس خویش شکوفا نموده، و به ثمر رسانده است. و در واقع در قلب خود، ظهور سلطنت مطلقهٔ قائم المهدی(را شهود نموده، و طعم آنرا چشیده و رائحهٔ آن را بوییده است. چنین منتظری هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزلهٔ کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت زنده اند، و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند. ۲. در زیارت شریف آن حضرت در روز جمعه، می خوانیم" : ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین لک علی اعدائک ("از کسانی باشم که در انتظار مهدی(هستند، و از پیروان و یاری کنندگان تو علیه دشمن تو قرار گیرم.) حالت انتظار که بحثش رفت، و اما مرحله دوم تبعیّت است؛ تبعیّت از آرمانهای موعود، و تخلق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام(، که در تعلیمات ائمه(دیده می شود. مؤمن منتظر، تابع فرمانده است؛ نه آنکه به هواهای خویش اقتدا کند. و چنین است که در دعای غیبت می خوانیم" : و قونا علی طاعته و ثبّتنا علی متابعته ("...خدایا مرا بر اطاعت وی توانا، و بر پیروزیش ثابت قدم بدار، و مرا بر این امر (انتظار)، شکیبا گردان؛ تا آنکه شتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی، و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای، نخواهم. و از آنچه پوشیده ای، جستجو نکنم. و بحثی در آنچه پنهان نموده ای، نداشته باشم. و با تو در تدبیرت منازعه نکرده، و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند؟) مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می خواهد، نه راحتی خویش را. و برای این است که عاشق منتظر، تلاشگر است. در این مشکلات موجود نی منتظران واقعی بی تفاوت نیستند. و به اندازه توان خوبش در دعوت به حق می کوشند. تا شاید همراهانی برای نی راه طولانی پیدا کنند. صفات نیکو و ارزنده بسیار دیگری نیز در زیارات و ادعیه، در مناجات با صاحبان وجود دارد، که با مراجعه به کتاب ارزشمنده مفاتیح الجنان (اثر شیخ عباس قمی" طاب ثراه)، "می توانید تأمّل و تعمّل

نمایید. برای بالا ـ بردن معلومات خویش می توانید به کتب زیر مراج ـ نمایید : ۱. دادگستر جهان، آیت ا...امینی ۲. سیمای امام زـ Ř سید مهدی شمس الدین ۳. مهدی موعود"، ترجمه جلد ۱۳بحارالانوار، "علی دو۴ ..... سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی (برگرفته از سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، www.nahad.net)

آیا یاران امام زمان الان می دانند جزء یاران امام ۷هستند و او را یاری خواهند کرد؟ چگونه ؟

پرسش

آیا یاران امام زمان الان می دانند جزء یاران امام ۷هستند و او را یاری خواهند کرد؟ چگونه ؟

پاسخ

تا جایی که ما اطلاع داریم در موردی به این مطلب تصریح نشده است . به حدیثی برخورد نکردیم که به طور واضح آمده باشد یاران امام الان می دانند جزء یاران حضرت می باشند, اما آنان اجمالاً می دانند, زیرا برای یاران حضرت ویگی هایی ذکر شده که ممکن است یاران حضرت آن را در خود بیابند و از این طریق به طور سربسته بدانند که جزء یاران هستند. ویژگی های یاران حضرت عبارت است از: ۱ خداجویی ; آنان خدا را به شایستگی شناخته و همهء وجودشان غرق جلوهء نور ایزدی است . ۲ بصیرت و آگاهی ; شناخت مقصد, چراغ راه است و در دوراهی ها او را از سرگردانی رهایی می بخشد. ۳ عبادت و بندگی ; آنان مردان عبادت و نیایش اند. شیران روز و نیایش گران شب . ۴ حافظان حدود خدا ;اسلام , دین مرزها است و همه چیز در آن قانون دارد. یاران مهدی مرزبان دین خدایند وحافظان حدود آن . ۵ شجاعت ; دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن هراسی ندارند. ۶ فرمان بری ; یاران مهدی ۷عاشقان مولای خودند و پاک بازان راه اویند. ۷ ایثار و مواسات ; وحدت مقصد و اخلاص نیّت , دلهایشان را با هم پیوند داده و غم خوار یکدیگرند و برای دیگران خود را به رنج می افکنند. ۸ زهد و ساده زیستی ; غذایشان ساده , لباسشان بی پیرایه , زندگیشان از معیشت فراتر نمی رود و با دردهای جامعه آشنا می باشند.(۱) ۹ نظم و نظباط. کسی که دارای این صفات است و در روایات خوانده است یاران مهدی ۷این ویژگی ها را دارند, اجمالاًاحساس می کند که از یاران حضرت می باشد. (پاورقی ۱.جمعی از نویسندگان , چشم به راه مهدی ۷ ص ۳۷۳ـ ۳۸۳

در مورد ویژگی های زنانی که از یاران امام زمان ۷محسوب می شوند, توضیح دهید. امام از یاوران زن برخوردار است ؟

پرسش

در مورد ویژگی های زنانی که از یاران امام زمان ۷محسوب می شوند, توضیح دهید. امام از یاوران زن برخوردار است ؟

پاسخ

زنان در نهضت جهانی حضرت مهدی ۷جایگاه شکوهمندی دارند و در همهء مراحل این نهضت حضور فعال خواهند داشت . زنان

در تهیهء مقدمات حرکت , شرکت دارند و پس از پیروزی در ادارهء کارها به امام ۷مک می کنند. امام محمد باقر۷می فرماید: (۱) وجود زنان در میان خواص و یاران حضرت مهدی ۷نشانگر اوج و عظمت والای بانوان در انقلاب جهانی حضرت است . (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۲۲۳

آیا در میان یاران خاص امام زمان (عج) کسانی از ایران نیز هستند؟ تعداد آنها و محل زندگیشان را ذکر کنید.

پرسش

آیا در میان یاران خاص امام زمان (عج) کسانی از ایران نیز هستند؟ تعداد آنها و محل زندگیشان را ذکر کنید.

پاسخ

بنابر نقل روایات اصحاب و یاران خاص آن حضرت حدود ۳۱۳ نفر به تعداد یاران رسول خدا(ص) در غزوه بدر خواهد بود که تعداد آنان از شهرهای مختلف مشخص است و ما بعضی از آنها را ذکر می کنیم : ۲۴ نفر از طالقان , ۱۸ نفر از قم , ۱۴ نفر از کوفه , ۱۲ نفر از هرات , ۱۲ نفر از مرو, ۳ نفر از سجستان , ۳ نفر از رقه , (نزدیک مرز سوریه و ترکیه است), ۱۲ نفر از جرجان , ۹ نفر از بیروت , ۸ نفر از مدائن , ۸ نفر از نیشابور, ۳ نفر از بصره , ۳ نفر از خابور (نزدیک مرز عراق و سوریه در استان حسکه و دیرزور), ۷ نفر از ری , ۷ نفر از طبرستان (مازندران), ۶ نفر از یمن , ۵ نفر از طوس (مشهد), ۳ نفر از دمشق , ۲ نفر از مدینه منوره , ۵ نفر از تفلیس , ۴ نفر از همدان , ۴ نفر از دیلم , ۴ نفر از زنجار, ۴ نفر از فسطاط (در کشور عراق), ۲ نفر از سبزوار و بقیه از سایر شهرها و مناطق خواهند بود. در این مورد به کتاب ((منتخب التواریخ , ص ۱۱۱۹)) مراجعه کنید. کتاب های دیگر ;مانند ((الزام الناصب)) از سوی اهل سنت نیز مطالب فوق را توضیح داده است)).

اصحاب امام زمان(ع) در هنگام ظهور شیعه‌اند یا سنی؟

پرسش

اصحاب امام زمان(ع) در هنگام ظهور شیعه‌اند یا سنی؟

پاسخ

همه مسلمانان اعتقاد به مهدی موعود و ظهور او دارند. اعتقاد به برقراری حکومت عدل از مسایل مشترک بین همه فرق اسلامی است و همه علما اعتقاد دارند که او از سلاله حضرت رسول اکرم(ص) و حضرت فاطمه(س) است. شیعه و سنی در بعضی مسایل فقهی و اعتقادی با هم اختلافاتی دارند؛ مثلاً شیعیان معتقدند خلافت بعد از رسول اکرم(ص) به حضرت علی(ع) واگذار گردیده و پس از او، اولادش که آخرین آنان امام علی(ع) است، امام و خلیفه‌اند. این اعتقاد برگرفته از تعداد بی شماری از آیات و روایات نبوی است. بر همین اساس، بعضی اختلافات در مسایل فقهی بین این دو مذهب صورت گرفته است، تفاوت‌های فقهی بین مسلمین

نیز وجود دارد. اهل‌سنت دارای چهار مذهب مشهوراند. سؤال شما به گونه دیگر از دیر باز مطرح بوده است و بزرگانی همچون امام نووی و سیوطی به آن پرداخته‌اند. بارها از علما سؤال شد حضرت عیسی(ع) و امام مهدی(ع) بر طبق کدام یک از مذاهب اربعه فتوی خواهند داد. سؤال کنندگان می‌خواستند بدانند کدام یک از مذاهب فقهی نزدیک‌تر به فقه رسول الله و فرقه ناجیه‌اند؟ سیوطی در پاسخ می گوید این سؤال عجیب است؛ چون به نظر علما، مجتهد نمی‌تواند از مجتهد دیگر تقلید کند و وقتی که یک مجتهد که از علمای امت است و شخصی عادی است که با تلاش به آن مرحله علمی رسیده نمی‌تواند از مجتهد و عالم دیگری از مذهب خود تقلید کند، چگونه می‌توان به امام مهدی(ع) و حضرت عیسی(ع) این مطلب را گفت که مقلد یکی از مجتهدان مذاهب اربعه باشند؟!{۱} می‌توان نتیجه گرفت که علمای اهل سنت، امام مهدی را مجتهد مطلق می‌دانند که احاطه کامل بر قرآن و سنت نبوی رد و علم او علم نبوی است. لذا در زمان ظهور او، همه مقلد او خواهند شد و اطاعتش طبق آیه (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) در تمام زمینه‌ها و همه فروعات و اصول خواهد بود. امام مهدی(ع) همه مسلمانان را به وحدت فکری، عملی و فقهی خواهد رسانید و هر گونه انحراف و کجروی را از دامن اسلام و مسلمانان خواهد زدود/ در زمان ظهور، دو گروه امام مهدی(ع) را یاری خواهند داد: ۱. انصار؛ ۲. اصحاب. انصار{۲} امام مهدی(ع) را مردی با ایمان تشکیل می‌دهند که با قیام امام مهدی(ع) به تدریج از مکه به لشکر او می‌پیوندند و با همه وجود در خدمت اجرای برنامه‌ها و گام‌های اصلاحی آن حضرت قرار می گیرند. اینان از میان مردم زمان ظهور خواهند بود و می‌توان در یک جمله گفت که مطیعان محض اوامر امام خواهند بود. آنان با اطاعت از امام، خیر دنیا و آخرت را برای خود تأمین می کنند. یاران حضرت مهدی(ع) تا قبل از ظهور دارای هر گونه گرایش و مذهبی ف قهی و اعتقاید بوده باشند، به محض ظهور امام جز انصار می‌شوند و افتخار خواهند داشت در رکاب او باشند و در زمان آن امام عادل زندگی کنند و جهاد نمایند و از نظر فقهی و اعتقادی، پیروِ او خواهند بود؛ همان طور که ابن عربی می گوید: «یرفع المذاهب من الارض فلا یبقی الا الدین الخالص»؛ توسط امام مهدی(ع) مذاهب از زمین رخت برمی‌بندند و دین خالص باقی می‌ماند.{۳} اصحابِ حضرت مهدی(ع) پرچمداران قیام آن حضرت هستند: «یدخل فیهم علی عدْ اصحاب بدر لم یبقهم الاولون و لما یدرکهم الاخرون و علی عدد الصحاب طالوت الذین جاوزوا معه النهر»؛ تعداد آنان به تعداد اصحاب جنگ بدر است. نه افرادی که قبل از آنان زندگی می کردند و نه افرادی که بعد از آنان زندگی می کنند، آنان از نظر کمالات روحی و معنوی سبقت نخواهند گرفت. آنان به تعداد اصحاب طالوت هستند که با او از نهر گذشتند. در روایات، تعداد اصحاب امام زمان ۳۱۳ نفر بیان شده است. در خطبه معروف به بیان که منصوب به امیر المؤمنین(ع) است اسامی و محل زندگی آنها نقل گردیده است که برای شناخت بیشتر آنان می‌توانید به منابعی که در ذیل می‌آید مراجعه نمایید. از روایت اصحاب الکهف اعوان المهدی{۴;} اصحاب کهف از یاران امام مهدی‌اند، می‌توان پی برد که صالحان و برگزیدگانی همچون اصحاب کهف که در اخلاص و توحید به کمال خاص رسیده‌اند از اصحاب خاص امام خواهند بود. این عده دارای کارایی لازم جهت اداره جهان تحت رهبری امام مهدی(ع) خواهند بود/ [۱].الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۵/ [۲].تاریخ بعد از ظهور، محمد صدر/ [۳].فتوحات مکیه، محی الدین ابن عربی، ج ۳، ص ۳۲۷/ [۴].البرهان فی علامات مهدی الزمان، علی ابن سام معروف به متقی هندی/

ویژگی‌های یاران حضرت را هنگام ظهور بیان کنید/

پرسش

ویژگی‌های یاران حضرت را هنگام ظهور بیان کنید/

پاسخ

هنگامی که حضرت مهدی(عج)، مأمور تشکیل حکومت واحد جهانی می‌شوند، تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص آن حضرت که همگی از تربیت یافتگان متکب ولایت و از عاشقان پاکباخته خاندان وحی هستند در اطراف شمع وجود مقدسش جمع می گردند. آیات بسیاری از قرآن کریم توسط امام معصوم(ع) در مورد یاران حضرت مهدی(عج) تأویل و تفسیر شده‌اند از جمله آیات ذیل: ۱. خداوند متعال می‌فرماید: (أینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً{؛}۱) هر کجا باشید خدا شما را یک جا گرد می‌آورد. امام صادق(ع) فرمود: «این آیه در حق یاران قائم(عج) نازل شده است». {۲} ۲. همچنین در قرآن آمده است: (و لأن أخرنا عنهم العذاب الی امّ معدودٌ لیقولنّ ما یحبسه{؛}۳) اگر عذاب را از امت معدوده از آنها دور کنیم گویند چه چیز آن را باز می‌دارد. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مراد از امت معدوده ۳۱۳ نفر یاران حضرت قائم می‌باشند»/ خود امام زمان(عج) در مورد اوصاف و ویژگی‌های یاران خویش می‌فرماید: «آنها مردانی هستند که دل‌هایشان همانند قطعه‌های آهن است، هرگز دچار شک و تردید نمی‌شوند، در حق خدا از سنگ سخت‌تر هستند، اگر به کوه‌ها حمله ببرند از جای برمی‌کنند. با پرچم‌های خویش به هر شهری روی آورند تحت سیطره خود در می‌آورند. برفراز اسب‌ها چون عقاب چابک و چالاک‌اند، برای تیمن و تبرک زین اسب امام را مسح می کنند و پروانه وار دور شمع وجودش می گردند و خود را سپر جان امام قرار می‌دهند. شب‌ها را به شب زنده‌داری سپری می کنند و در سراسر شب نغمه‌های نماز و ذکر و عبادتشان چون صدای زنبور به گوش می‌رسد، آنها زاهدان شب و شیران روزند و در برابر امام عزیزشان کاملاً مطیع و تسلیم هستند. {۴} از برخی روایات استفاده می‌شود که اکثر یاران آن حضرت، غیر عرب هستند و عده بسیار اندکی از آنها عرب می‌باشند. چنان‌که ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: آری، ولی به ناچار باید مردم آزمایش و غربال شوند و بسیاری از مردم از غربال خارج گردند. {۵} همچنین در برخی از روایات آمده است که همه یا اکثر یاران امام مهدی(عج) جوان هستند و هر کدام از آنها قدرت چهل مرد را دارد، آنها عاشق شهادت‌اند. {۶} [۱].سوره بقره، آیه ۱۴۸/ [۲].غیبت نعمانی، باب ۱۴، ص ۴۰۴/ [۳].سوره هود، آیه ۸/ [۴].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶ - ۳۰۸/ [۵].همان/ [۶].اثبات الهداْ، شیخ حرعاملی، ج ۷، ص ۷۳/

یاران امام زمان (ع) چند تا در کدام مناطق هستند؟ نشانه‌های آن‌ها را بنویسید.

پرسش

یاران امام زمان (ع) چند تا در کدام مناطق هستند؟ نشانه‌های آن‌ها را بنویسید.

پاسخ

درباره تعداد یاران امام زمان(ع) از چند جهت می‌توان بحث کرد: تعداد، ویژگی‌ها و مکان آنان، که در برخی از روایات به تعداد، ویژگی‌ها و مکان آنان اشاره شده است. امام باقر(ع) فرمود": به خدا قسم! سیصد و سیزده نفر که در میان آن‌ها پنجاه زن می‌باشد، همانند پاره‌های ابر پاییزی، بدون قرار قبلی در مکه معظمه جمع می‌شوندو با او میان رکن و مقام بیعت می کنند.("۱) از این روایت تعداد و برخی از ویژگی‌های یاران امام استفاده می‌شود. همین طور محل بیعت یاران استفاده می‌شودکه آنان بین رکن و مقام با

حضرت بیعت می‌کنند. در این روایت اشاره شده است که تعداد پنجاه نفر از یاران امام(ع) زنان هستند. در برخی روایات از ویژگی‌های آنان عدم ترس و قوت و قاطعیت بیان شده است. در خصوص این که یاران امام از کدام سرزمین هستند، نمی‌توان اظهار نظر قطعی نمود، ولی در بعضی روایان اشاره شده است که برخی یاران امام از طالقان هستند. کتاب ینابیع الموده از ابن اعثم کوفی از حضرت علی(ع) روایت می‌کند": مرحبا به مردم طالقان! زیرا خدای توانا گنج هایی بین آنان نهفته که طلا و نقره نیستند، ولی مردانی هستند که خدا را آن طور که باید و شاید شناخته‌اند. ایشان هستند که در آخر زمان از انصار مهدی به شمار می‌آیند(".۲) در همان کتاب از امام صادق(ع) روایت شده است":یاران مهدی قوی هستند. یک مرد از یاران قائم به قدر چهل مرد قوت و قدرت خواهد داشت! قلب یک نفر از اصحاب مهدی(ع) از قطعه آهن قوی‌تر و محکم‌تر است. اگر یاران مهدی(ع) به کوه‌ها هجوم و حمله کنند، آن‌ها را متزلزل و خراب می‌کنند. آنان شمشیرهای خود را غلاف نمی‌کنند تا این که خدا را از خود راضی نمایند.("۳) دقیقا نمی‌توان مکان یاران امام(ع)را بیان کرد، گرچه محل بیعت آنان با حضرت، مکه یاد شده است. همین طور برخی از ویژگی‌های یاران امام، شجاعت، قوت و قاطعیت ذکر شده است، ولی در برخی روایات آمده است که یاران حضرت جوان بوده(۴)و برخی از فقیهان، نجبا و قضات هستند.(۵) بی تردید بعضی از ویژگی‌های آنان تقوا، خداباوری و خودسازی است.
پی نوشت‌ها: ۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳. ۲ - ینابیع الموده، ص ۴۴۹، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۴. ۳ - ینابیع الموده، ص ۴۲۴؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۱۳. ۴ - منتخب الاثر، ص ۶۱۱ - ۶۱۲. ۵ - همان، ص ۶۱۲.

اصحاب امام زمان(ع) بیشتر از کدام شهر خواهند بود؟

پرسش

اصحاب امام زمان(ع) بیشتر از کدام شهر خواهند بود؟

پاسخ

نمی‌توان منطقه و شهر خاصی را تعیین نمود، در برخی روایات به برخی از ویژگی‌های یاران امام زمان(ع)(۱) و تعداد آن‌ها اشاره شده است، (۲) ولی منطقه خاصی که همه روایات بر آن تأکید کند، وجود ندارد. در برخی روایات آمده است که بعضی از اصحاب امام زمان(ع) از طالقان هستند. (۳) مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال از عوام بن زبیر از حضرت امام صادق(ع) روایت نموده است": قائم با چهل و پنج مرد که از نه قبیله‌اند، خواهد آمد: از یک قبیله یک مرد و از یک قبیله دو مرد و از یک قبیله سه مرد و از یک قبیله چهار مرد و از یک قبیله پنج مرد و از یک قبیله شش مرد و از یک قبیله هفت مرد و از یک قبیله هشت مرد و از یک قبیله نه مرد تا آن گاه که تعداد یارانش تکمیل شود.("۴) امام علی (ع) فرمود": مرحبا به مردم طالقن، زیرا خداوند گنج هایی بین آن‌ها نهفته است که طلا و نقره نیستند، ولی مردانی هستند که خدا را آن طور که باید و شاید شناخته‌اند. ایشان هستند که در آخر زمان از انصار مهدی به شمار می‌روند. "در برخی روایات از یاران امام زمان(ع) به عنوان نجبا، حاکما، قضات و فقها یاد شده از مناطق مختلف هستند.(۶) علامه مجلسی از کتاب تاریخ قم اثر حسن بم محمد قمی به اسناد از عفان از امام صادق(ع) روایت می‌کند: از حضرت از نام گذاری قم پرسش نمودم، فرمود": قم را بدان جهت قم، نام نهادند که اهل آن اجتماع نموده و به یاری و کمک آن حضرت می‌پردازند.("۷) تنها روایتی که یافتیم و عدد یاران مهدی(ع) را از هر شهری ذکر کرده، محمد بن جریر طبری

در دلائل الامامه، ص ۳۰۷ از امام صادق(ع) نقل کرده است که ضمن آن آمده است ۲۴ تن از یاران حضرت از طالقان هستند.(۸) پی نوشت‌ها: ۱ - ینابیع المودة، ص ۴۲۱ و ۴۲۴. ۲ - لطف اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۵۹۵. ۳ - ینابیع الموده، ص ۴۴۹، به نقل از محمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۵۵؛ مهدی موعود، ص ۱۰۹۹، منتخب الاثر، ص ۶۱۱. ۴ - مهدی موعود، ص ۱۱۰۲. ۵ - منتخب کنز العمال، ج ۶، ص ۳۶. ۶ - منتخب الاثر، ص ۶۱۲، به نقل از دلایل الامامه. ۷ - منتخب الاثر، ص ۶۱۲، به نقل از بحار الانوار. ۸ - دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، دار الزخائر للمطبوعات، قم ص ۳۰۷.

یاران امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه‌هایی خواهد داشت ؟

پرسش

یاران امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه‌هایی خواهد داشت ؟

پاسخ

فضیل بن یسار از امام صادق (ع نقل کرده" گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده‌اند، برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل‌های آن‌ها مانند پاره‌های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن‌ها راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم‌ترند. اگر آن‌ها را وا دارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می‌دارند. لشکر آنان قصد هر شهری را بکنند آن را فتح می‌نمایند. آن‌ها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند، مردانی میان آن‌ها است که شب‌ها نمی‌خوابند. زمزمهٔ آن‌ها در حال عبادت همچون زمزمهٔ زنبور عسل است تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره بر دشمن حمله می‌کنند. آنان مانند چراغ‌های درخشنده‌اند و از خوف خدا خشنود می‌باشند. تمنای شهادت می‌کنند. شعار آنان این است یا لثارات الحسین (ای خون خواهان حسین از هر کجا می‌گذرند، رعب آن‌ها پیشاپیش به اندازهٔ یک ماه راه در دل‌ها جای می‌گیرد. بدین گونه پیشروی می‌کنند و خداوند آنان را پیروز می‌گرداند. "یاران خاص حضرت ۳۱۳ نفر ذکر شده‌اند امام صادق (ع فرمود": گویا می‌نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش که پیرامون او گرد آمده‌اند، به تعداد رزمندگان جنگ بدر "کم کم یاران حضرت زیاد می‌شوند حتی ده یا ۱۵ هزار نفر یاران مهدی (عج از صنف و نژاد خاصی نیستند بلکه از گروه‌ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند ولی در این حرکت عظیم مردمان عجم نقش پر اهمیتی در خدمتگزاری امام بر عهده دارند. ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج : ۱ـ خداجویی و توحید ۲ـ بصیرت و آگاهی و تشخیص دقیق دوست و دشمن ۳ـ عبادت و بندگی ۴ـ شجاعت و توانمندی ۵ـ فرمان‌بری‌و اطاعت از فرمانده ۶ـ زهد و ساده زیستی ۷ـ نظم و انضباط

یاران امام زمان چه کسانی هستند؟--خصوصیات

پرسش

یاران امام زمان چه کسانی هستند؟--خصوصیات

پاسخ

دو احتمال وود دارد: ۱) اسامی یاران امام زمان چیست؟ روایات در مورد اسامی یاران امام زمان(عج) چیزی نگفته‌اند و ما اسامی یک یک یاران امام را نمِی‌دانیم. اصولاً تعیین شدن نام هر یک شاید به مصلحت نباشد؛ زیرا راه برای تمام انسان‌ها که جزء یاران امام زمان قرار گیرند، باز است. ۲) یاران امام زمان چه ویژگی‌هایی دارند؟ در برخی روایات به بعضی از خصوصیات یاران امام زمان(ع) اشاره شده است که با بیان برخی احادیث، منش آنان مشخص خواهد شد: ۱ – خداجویی: خداجویی و توحید سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی است. آنان خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق جلوه نور ایزدی است و ایمانی خالصانه در سینه دارند که شک و تردید با آنان بیگانه است.(۱) امام صادق(ع) فرمود": مردانی که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است، غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی‌آلاید... همانند چراغ‌های فروزانند، گویا دل‌هایشان نور باران است... برای شهادت دعا می‌کنند.("...۲) ۲ – بصیرت و آگاهی: یکی از ویژگی‌های یاران امام بصیرت و آگاهی است. آنان در فرمانبری از امام و شناخت او و تشخیص حق و باطل دچار مشکل نشده و در فتنه‌ها هوشیارانه راه جویند. بصیرت آنان سبب می‌شود که در احیای سنت و مبارزه با بدعت درنگ نکنند و در رسالت شرک‌زدایی به همراه امام خود تبر بردارند و بت شکنی کنند". چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمشیرها را در راه حق آختند و بصیرتی را که در راه دین داشتند، آشکار کردند.("...۳) ۳ – عبادت و بندگی: یکی از ویژگی‌های مهم یاران امام زمان(ع) عبادت و بندگی است. یاران مهدی، شیران روز و نیایشگران شب هستند. عبادت از دیدگاه یاران امام، نوعی معامله و داد و ستد نیست، بلکه عبادت آنان، نیایش عارفانه و پاکبازانه، پیوند روح با ابدیت، عالی‌ترین واکنش سپاسگزارانه انسان در برابر خدا و عبادت آزادگان است. آنان چون مادران فرزند مرده می‌گریند.(۴) امام باقر(ع) فرمود": گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم، توشه هایشان به پایان رسیده و لباس‌های شان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانیشان نمایان است. شیران روزند و راهبان شب.("۵) ۴ – شجاعت: یاران امام زمان(ع) دلیر مردند و جنگ آوران میدان‌های نبرد. ایمان به هدف، همه وجودشان را تسخیر کرده و هر کدام قوّت چهل مرد را دارند.(۶) شجاعت بی بدیلشان، ترس را بر دل‌های مستکبران چیره ساخته و جان‌هاشان از سنگ خارا محکم‌تر است. امام باقر(ع) فرمود": گویا آنان را می‌نگرم... سیصد و اندی مرد بلند بر بلندای نجف و کوفه ایستاده‌اند، دل‌هایی چون پولاد دارند.("...۷) ۵ – فرمانبری: یکی از ویژگی‌های یاران امام زمان(ع) اطاعت و فرمانبری از مولا- و مقتدای شان است. آنان عاشقان مولای خود و فرمانبرترین انسان‌ها هستند و در انجام دستورهای امام خویش بر یکدیگر پیشی می‌گیرند.(۸) پیامبر اسلام(ص) فرمود": کدّادون مجدّون فی طاعته؛(۹) تلاشگر و کوشا در پیروی از او هستند. "۶ – ایثار (از خود گذشتگی) و برابری از خصوصیات بارز یاران مهدی ایثار و برابری است. وحدت مقصد و اخلاص نیّت، دل‌هایشان را به هم پیوند داده و یار و غمخوار یکدیگرند. آنان برای یکدیگر خود را به رنج افکنده و در بهره‌گیری از مواهب الهی، دیگران را بر خود پیش می‌دارند. یکی از شاخصه‌های حکومت امام زمان(عج) مواسات و برابری است. در برخی از روایات از یاران امام زمان(ع) به" رفقا "یاد شده که به معنای دوستان همدل، همراز، با لطف و صفا است، گویا برادران تنی‌اند": کأنّها ربّا هم أبٌ واحد أو أمٌ واحدةٌ، قلوبهم مجتمعة بالمحبّة و النّصیحة؛(۱۰) گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است. "۷ – نظم: یاران امام زمان(ع) دارای نظم و تشکیلات مناسب با حکومت جهانی‌اند. با مردم روابط گرم داشته، ولی کارهای خویش را بر اصولی محکم و روشن پیش می‌برند. سپاهیان امام از لباس یکسان استفاده می‌کنند و منظم‌ترین نیروی رزمی جهان هستند. امام علی(ع) یاران امام زمان(ع) را این گونه می‌ستاید": گویا آنان را می‌نگرم که زی و هیأتی یکسان، قد و قامت برابر، در جمال و برازندگی همانند و هم لباس‌اند.("۱۱) ۸ – زهد و ساده

زیستی زینت یاران مهدی است. آنان خوشکامی و نیک بختی را در آرامش دیگران می‌جویند و بستر بهره‌گیری از مواهب الهی را برای دیگران فراهم کرده و خود با دنیا گرایی در ستیزند. غذایشان ساده و لباسشان بی پیرایه است. امام صادق(ع) در برابر پافشاری دوستان برای قیام و شتاب در خروج قائم(ع) فرمود": چرا در خروج قائم شتاب می‌ورزید؟! به خدا سوگند، لباسش درشت و غذایش ناچیز است. زندگی در حکومت او جنگیدن و مرگ در سایه شمشیر است."(۱۲) ۹ – عدالت: یکی از ویژگی‌های یاران امام زمان(ع) عدالت است. عدالت که در رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هر گونه ستم ظهور می‌کند، زینت یاران مهدی(ع) است. یکی از شاخصه‌های مهم حکومت جهانی عدالت است.(۱۳) کارگزاران و سربازان او نیز باید عدالت گرا باشند. کسانی که در صدد هستند از یاران امام زمان(ع) باشند باید با بهره‌گیری از دستورهای اسلامی و رعایت واجبات، ترک محرّمات و تقواگرایی، به تقویت ریشه عدالت در وجود خود اقدام کنند تا بتوانند قابلیت دیدن یار را پیدا کنند که امام عادل، یاران عادل را می‌طلبد. پی نوشت‌ها: ۱ – کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸. ۲ – همان. ۳ – نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰. ۴ – علی یزدی حایری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰. ۵ – بحالارانوار، ج ۵۳، ص ۷. ۶ – خصال شیخ صدوق، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، ص ۳۱۸. ۷ – بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۰. ۸ – عیون اخبار الرضا، ص ۶۳. ۹ – ۱۰ – . الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰. ۱۱ – الملاحن و الفتن، ص ۱۴۸. ۱۲ – نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۳. ۱۳ – کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ ینابیع الموده، ج ۱ – ۲، ص ۴۶۹؛ نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۴۲۵.

آیا ۳۱۳ نفر یار امام زمان در زمان ظهور همه زنده اند و یا افرادی از آنان فوت کرده و زنده خواهد شد که مجموع ۳۱۳ نفر می‌شوند؟

پرسش

آیا ۳۱۳ نفر یار امام زمان در زمان ظهور همه زنده اند و یا افرادی از آنان فوت کرده و زنده خواهد شد که مجموع ۳۱۳ نفر می‌شوند؟

پاسخ

از ظاهر روایات بر می‌آید که ۳۱۳ نفر در هنگام ظهور امام زمان(ع) زنده هستند، نه این که مرده باشند و در هنگام ظهور امام زمان زنده شوند. این عده از یاران اصلی امام زمان هستند، نه این که یاران او منحصر در این عِدّه باشد. اینان نیروهای ویژه‌ای هستند که در آغاز قیامت همراه حضرت خواهند بود. وآنان اصحاب خاص امام زمان بوده و هسته مرکزی سپاه امام را تشکیل می‌دهند.(۱) در برخی از روایات یاران مهدی(ع) ده هزار نفر یاد شده و تا آنان گرد نیایند، قیام صورت نمی‌گیرد.(۲) امام علی (ع) فرمود: مهدی، میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد.(۳) در برخی از روایات دیگر به توده‌های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون، جهان به ویژه مشرق زمین به یاری امام می‌شتابند.(۴) پی نوشت: ۱ – نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۰۵. ۲ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۷. ۳ – مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان ص ۲۹۵. ۴ – بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۳۱۶.

چه کسانی از یاران امام زمان(می شوند؟ آیا کسی آن موقع می تواند توبه کند؟

پرسش

چه کسانی از یاران امام زمان(می شوند؟ آیا کسی آن موقع می تواند توبه کند؟

پاسخ

روایـات بسـیاری وجود دارد که یاران مهـدی از مناطق مختلف جهان هسـتند. در میان آنان افراد شایسـته ای از مصـر و یمن، مؤمنان حقیقی از شـام و عراق و مردان ایثارگر از طالقان و قم وجود دارد.(۱) امام صادق(دربارهٔ مردم طالقان چنین می فرماید" : این خطه دارای مردانی است که قلبهای آنان ماننـد پاره های آهن محکم است، و نسـبت به ذات مقـدس خداونـد تردیدی ندارند، شدیدتر از آتش اند، اگر بر کوه حمله ور شوند، آن را از جای بر کنند، با بدست داشـتن پرچم توحید، آهنگ هر دیاری که (از دیار دشمنان) کنند آن را ویران و نابود کنند، بر اسبهایشان همچون عقاب سوارند، بر مرکب امام(به عنوان تبرک و تیمّن بوسه زنند، آن بزرگوار را پروانه وار در بردارند، و به هنگام خطر با جان خود از آن حضرت دفاع کنند... ، شیران روز و زاهدان شبند، در هر امری مطیع امر امام هستند، از بیم خدا در هراسند، شهادت طلبند و شعارشان خون خواهی سالار شهیدان حسین بن علی(است، گروه گروه به سوی آن حضـرت روانه خواهنـد شـد و بواسـطهٔ این رادمردان، خداوند امام بر حق را پیروز می گرداند(".۲) در روایات اهل سـنت از این گروه به عنوان اصـحاب خاص مهدی(نام برده شده. لازم به ذکر است که طالقان منطقه ای در رشـته کوههای البرز در شـمال ایران می باشـد، بـا توجه به برخی روایات دیگر که ایرانیان را زمینه سازان قیام مهـدی(معرفی می کننـد، و یا روایتی که می گویـد بخش اعظم ارتش بقیهٔ ا...(را ایرانیان تشکیل می دهند.(۳) شایـد مراد از طالقان، خود کشور ایران باشد. دربارهٔ اهل قم نیز ا مام رضا(می فرماید" : بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان، اهل قم هستند(".۴) طبق روایت، دو بزرگوار از ایران، یکی سید خراسانی و دیگری فردی به نام شـعیب بن صالـح (ممکن است نام رمزی باشـد)، از یاران صـدیق امامنـد که هر دو قبل از ظهور در ایران دارای منصـب هسـتند. و شعیب بن صالح فرماندهی کل نیروهای امام(را به هنگام ظهور بر عهده خواهد داشت.(۵) اصحاب کهف برانگیخته شده و در زمرهٔ یاران حضـرت قرار می گیرنـد. و نیز از جمله یاران حضـرت سه پیامبر الهی، حضـرت عیسـی مسـیح(، حضـرت خضـر(و حضـرت الیـاس(می باشـند. برخی از مردگـان به فرمان الهی زنـده شـده و به یاران مهـدی(می پیوندنـد.(۶) طبق روایات متعـددی، تعـدادی از یاران امام(نیز زنان هسـتند که مجروحان را مداوا می کنند. ناگفته نماند که بیشتر یاران حضـرت قائم جوان (و شاید این وصف قلب و روح آنان باشـد) و تعداد بسـیار اندکی میانسال در میان آنان وجود خواهد داشت.(۷) در پاسخ به بخش دوم پرسـش شما بایـد به نکات زیر توجه داشت : حضـرت بقیـهٔا... (می فرمایـد" : هر یک از شـما بایـد کاری انجام دهد که او را به ما نزدیکتر سازد و مورد محبت و دوستی ما قرار دهـد، و از کارهایی که ناخوشاینـد ماست و خشم ما را برمی انگیزد، دوری کنـد. زیرا امرما به صورت ناگهانی خواهد رسید(".۸) رسول اکرم(می فرمایـد" : مثل او همچون قیامت است، و این خداوند است که باید سـر وقتش آن را آشـکار کنـد، حـادثه ظهور او واقع نمی شود، مگر به صورت ناگهـانی(".۹) طبق آیه شـریفه ۱۵۸ از سورهٔ انعام خداونـد می فرمایـد" : زمانی که آیات و نشانه ها تحقق پـذیرد ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده انـد، و یا عمل نیکی انجام نـداده انـد، سودی به حالشـان نخواهـد داشت ".بـا توجه به این آیه کریمه و کلام رسول ا...(و امـام مهـدی(مبنی بر ناگهـانی بودن امر ظهور، ممکن است شـرایط و حوادث به گونه ای باشد که فرصت توبه برای گنهکاران و فاسـقان پیش نیاید، و یا به علت کثرت گناهانشان توفیق توبه پیـدا نکننـد و در لابـه لای حوادث آن زمـان، قبل از توبه از بین برونـد. بنابراین بفرمودهٔ امام(عـج) هر کس بایـد مراقب اعمـال خویش باشـد و همواره اعمـالی را انجام دهـد که موجب خشـنودی خداونـد و پیشوایان دین است، نه اینکه از انجام هرگونه زشـتکاری دریغ نورزد و توبه را به تـأخیر انـدازد تـا هلاـک گردد. در پایان ذکر این نکته مهم و قابل توجه است که قرار گرفتن هر کسـی در زمرهٔ یاران آن دلدار غیر ممکن نیست و هر کسـی به میزان اخلاص و تهذیب نفس به او نزدیک می شود. مهم این اسـت

که قلب خویش را از رذایل اخلاق شستشو دهیم تا قابل تابش نور توجهات آن عزیز قرار گیرد و راهی از دل به محضر پاکش گشوده شود. منابع و مآخذ : ۱. بحارالانوار، بنقل عصر ظهور، علی کورانی، ج۵۲. ص۳۳۴ ۲. همان، ص۳۰۷ ۳. نسخه خطی ابن حماد، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی ۴. بحارالنوار، ج ۶۰، ص۲۱۶ (بنقل از همان منبع) ۵. عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۶۹ ۶. همان، ص۳۰۶ ۷. احتجاج طبرسی ، ج۲،ص۳۲۴، بنقل از تاریخ غیبت کبری ، سید محمد صدر، ص۴۴۶ کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص۳۷۳ ، بنقل از تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص۴۴۷

پیروان و یا سربازان امام زمان(چه کسانی هستند؟ در مورد خصوصیاتشان توضیحاتی بدهید.

پرسش

پیروان و یا سربازان امام زمان(چه کسانی هستند؟ در مورد خصوصیاتشان توضیحاتی بدهید.

پاسخ

خصوصیات و ویژگی های اصحاب و یاران، و کسانی که محبوب و مرضیّ وجود نازنین" بقیهٔ ا... الاعظم "می باشند، در ادعیه و زیارات مربوط به ایشان بیان شده؛ که علاوه بر نشانه های اصحاب، هر کدام طریق وصول به این مقام را در آئینه خویش روشن می‌نماید. اما بطور کلی طریقی که سالک و روندهٔ این راه باید در پیش بگیرد، دائر مدار دو محور اساسی در بحث تربیت معنوی انسان است : الف) سیر نظری، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت علمی، یعنی شناخت صحیح و اساسی دین، و پیراستن از آنچه غیردین است، این کار با تدبّر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل بیت(، حاصل می گردد. همچنین با مطالعه دقیق و برنامه ریزی شده کتابهایی، که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته اند (مانند کتابهای شهید مطهری، علامه طباطبایی و ...) در این گام ما به احکام و تکالیف خویش، در ابعاد مختلف وجودمان، معرفت پیدا می کنیم. و برنامه ریزی دقیقی را برای اصلاح افکار و اندیشه ها، خلقیات و صفات، و رفتار و کردارمان بعمل می آوریم. و در واقع با آگاهی از وظائف عملی، و گسترش شناخت خود از مبانی و معارف در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش می کنیم. ب) سیر عملی، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت عملی، این کار با تقلید از احکام ظاهری شریعت، و به جا آوردن آداب انجام می پذیرد. اهتمام به واجبات و وظائف دینی، و پرهیز از معاصی، لغزشها و گناهان، دو رکن این حرکت است. مراعات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی، بزرگترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای اوست. در واقع در هر محیطی که هستیم، به خودسازی اقدام می کنیم، و با توبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلی و ورود نور الهی آماده می‌سازیم، و سیّئات را به حسنات تبدیل می نماییم". ان الحسنات یذهبن السیّئات ("۱) قرآن کریم راجع به حضرت مهدی(و اصحاب ایشان می فرماید" : الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاة او آتوا الزکاة و آمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ("۲) (کسانی که اگر در زمین به ایشان قدرت و توانایی دهیم، نماز را به پا داشته، و زکات را به مستحق می بخشند، و به معروف امر نموده، و از منکر نهی می کنند.) امام باقر(پیرامون این آیه شریفه فرمودند" : این آیه برای آل محمد(، و مهدی (و اصحاب اوست ".اگر دقت بفرمایید، در واقع ما برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت، از خود آغاز نمودیم، و در جهت سنخیّت خویش با حضرت مهدی(، حرکت نمودیم. نسخه ای که مقام معظم رهبری نیز تأکیدی زیبا بر آن داشتند، منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند. به برخی از خصوصیات یاران امام عصر" ارواحنا

لتراب مقدمه الفداه "توجه فرمایید امید است که مشعل راه باشد، و فراسوی ما را روشن سازد، تا از گردابهای ضلالت و گمراهی نجات یابیم. در روایات متعدد داریم که انتظار فرج در زمان غیبت، از بهترین اعمال است. (۳) فرج یعنی نصرت و پیروزی و گشایش، و مقصود عدل گستری که به رهبری امام عصر(شکل می گردد. بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و این خواستگاه، آنگاه جدی و راست است، که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد، و اگر نه، این انتظار شعار بی محتوایی خواهد شد. از این رو در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا، و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد. و او انسانی است که در حضور و غیبت امام نحوهٔ رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد. و قبل از تشکیل حکومت عدل، او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان، و عشق به آن دارد. و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد. و در واقع این انتظار، ظهور فرجِ سینهٔ او به سوی معدن ارزشها و زیباییها است. چنین شخصی، فضایل انسانی را در نفس خویش شکوفا نموده، و به ثمر رسانده است. و در واقع در قلب خود، ظهور سلطنت مطلقهٔ قائم المهدی(را شهود نموده، و طعم آنرا چشیده و رائحهٔ آن را بوییده است. چنین منتظری هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزلهٔ کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت زنده اند، و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند. ۲. در زیارت شریف آن حضرت در روز جمعه، می خوانیم" : ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین لک علی اعدائک ("از کسانی باشم که در انتظار مهدی(هستند، و از پیروان و یاری کنندگان تو علیه دشمن تو قرار گیرم.) حالت انتظار که بحثش رفت، و اما مرحله دوم تبعیّت است؛ تبعیّت از آرمانهای موعود، و تخلق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام(، که در تعلیمات ائمه(دیده می شود. مؤمن منتظر، تابع فرمانده است؛ نه آنکه به هواهای خویش اقتدا کند. و چنین است که در دعای غیبت می خوانیم" : و قونا علی طاعته و ثبِّتنا علی متابعته ("...خدایا مرا بر اطاعت وی توانا، و بر پیروزیش ثابت قدم بدار، و مرا بر این امر (انتظار)، شکیبا گردان؛ تا آنکه شتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی، و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای، نخواهم. و از آنچه پوشیده ای، جستجو نکنم. و بحثی در آنچه پنهان نموده ای، نداشته باشم. و با تو در تدبیرت منازعه نکرده، و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند؟) مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می خواهد، نه راحتی خویش را. و برای این است که عاشق منتظر، تلاشگر است. در این مشکلات موجود نی منتظران واقعی بی تفاوت نیستند. و به اندازه توان خوبش در دعوت به حق می کوشند. تا شاید همراهانی برای نی راه طولانی پیدا کنند. صفات نیکو و ارزنده بسیار دیگری نیز در زیارات و ادعیه، در مناجات با صاحبان وجود دارد، که با مراجعه به کتاب ارزشمنده مفایتح الجنان (اثر شیخ عباس قمی" طاب ثراه)، "می توانید تأمّل و تعمّل نمایید. برای بالا ـ بردن معلومات خویش می توانید به کتب زیر مراجعه نمایید : ۱. دادگستر جهان، آیت ا...امینی ۲. سیمای امام زمان، سید مهدی شمس الدین ۳. مهدی موعود"، ترجمه جلد ۱۳بحارالانوار، "علی دوانی ۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی (برگرفته از سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، www.nahad.net) منابع و مآخذ: ۱. سورهٔ مبارکه هود/آیه۱۱۴ ۲. سوره مبارکه حج/آیه۴۱ سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، ماده نظر

کسانی که جزء یاران امام زمان(عج) هستند چه کارهایی به غیر از واجبات انجام دادند که به این درجه رسیده اند؟

پرسش

کسانی که جزء یاران امام زمان(عج) هستند چه کارهایی به غیر از واجبات انجام دادند که به این درجه رسیده اند؟

پاسخ

در روایات عمده‌ترین خصال یاوران امام زمان (عج) چنین توصیف شده است: ۱- صلابت و استواری در ایمان، ۲- قوت عقلی، ۳- نیروی بدنی. چگونه می‌توان از یاران امام زمان(عج) بود؟پاسخ این سؤال را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا اِصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اِتَّقُوا اَللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید و تقوا و خاترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید. امام باقر (ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند": صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و با دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می‌کشید) مرابطه نمایید،("۱) و مرابطه با امام زمان (عج) یعنی خود را به رشته ولایتو بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم‌چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می‌دهند.قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می‌فرماید: اَلَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی اَلْأَرْضِ أَقامُوا اَلصَّلاةَ وَ آتَوُا اَلزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ اَلْمُنْکَرِ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکا (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند،("۲). امام باقر (ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند": این آیه برای آل محمد است، مهدی (عج) و اصحاب او،("۳). در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیمبرای این که از یاران واقعی امام زمان (عج) باشیم، باید از رهنمودهایی که در زیارت حضرت مهدی (عج) در روز جمعه آمده استفاده کنیم. در آن زیارت شریف می‌خوانیم از خدا می‌خواهم که: ان یجعلنی من المنتظرین لک والتابعین والناصرین لک علی اعدائک از کسانی باشم که در اظار مهدی (عج) و پیروان و یاری کنندگان علیه دشمن تو قرار گیرم. در این فراز از زیارت سه عنوان آمده است: ۱- انتظار، ۲- تبعیت، ۳- نصرت. حالت انتظار، حالت آمادگی است آمادگی فکری، روحی و داشتن برنامه برای رسیدن به هدف. مرحله دوم تبعیّت است تبعیت از آرمان‌های موعود و تخلّق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام (ع) که در تعلیمات ائمه (ع) دیده می‌شود. مؤمن منتظر تابع فرمانده است نه آن که به هواهای خویش اقتدا کند و چنین است که در دعای غیبت می‌خوانیم: و قوّنا علی طاعته بتنا علی متابعته. خدایا مرا بر اطاعت وی توانا و بر پیروی‌اش ثابت قدم بدار و مرا بر این امر (انتظار) شکیبا گردان تا آن که شتاب در آنچه تو تأخیرش را می‌خواهی و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده‌ای نخواهم و از آنچه پوشیده‌ای جست‌وجو نکنم و بحثی در آنچه پنهان نی نداشته باشم و با تو در تدبیرت منازعه نکرده و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی‌کند؟. مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می‌خواهد نه راحتی خویش را و برای این است که عاشق منتظر، تلاش‌گر است. در این مشکلات موجود نیز منتظران واقعی، بی‌تفاوت نیستند و به اندازه توان خویش، در دعوت به حق می‌کوشند تا شاید همراهانی برای این راه طولانی آمادهد. مسائلی دیگر چون اُنس با ولی عصر (عج) و توسل به او و اهدای ثواب اعمال نیک به آن حضرت و دعا برای آن وجود عزیز، از روش‌هایی است که متحلّی کننده صفات یک منتظر خوب است. آنچه مهم است این که سطح درک و اندیشه خویش را در موارد یاد شده بالا ببریم و از موضع صحیح‌تربنگریم. برای مثال توسل نباید وسیله‌ای برای رسیدن به خواسته‌های محدود خودمان باشد گرچه آن مهربان از این خواسته‌ها نیز غافل نیست. خواندن گفتارهای آن امام (ع) که جمع‌آوری شده و ذکر دیدارهای شیرین معنوی آن عزیز ما را به مطلوبات موعود (عج) بیشتر آشنا می‌سازد الف) یاران امام سنگهای زیرین انقلاب جهانی‌اند همان گونه پیامبر (ص) با همراهی مهاجرین و انصار رسالت خود را به انجام رساند و علی (ع) با مجاهدت افسران رشیدش حماسه‌های بزرگ آفرید. حضرت مهدی (عج) نیز با همکاری مردان نمونه عدالت را به جهان باز خواهد آورد. و منع دینی ما، بر جایگاه والای آن جوانمردان اشارتها دارد. امامان (ع) همواره آرزومندی همراهی آن حضرت بودند و به این موضوع متذکر شده‌اند". خدایا درود بفرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان و مرا

از یاران و پیروان و حامیان او قرار ده و از آنان که در رکابش، شربت شهادت می‌نوشند با شوق و رغبت بی هیچ گونه کراهت،".(۴). و در روایات عدد یاران مهدی (ع) سیصد و سیزده نفر یاد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: کأنی أنظر الی القائم علی منبر الکوفهٔ و حوله اصحابه ثلاث مائهٔ و ثلاث عشر رجلاً علی عدهٔ اهل البدر گویا می‌نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده‌اند، به شمار اهل بدر،("۵)این روایات بطور مستفیض از ائمه ما رسیده است در متون عامه نیز در عدد یاران مهدی شمار یاد شده آمده است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: ۱. بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۳۴۱. ۲. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف‌الله صافی، ص ۱۶۶ ۳. کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۲.۴. الغیبهٔ، نعمانی، ص ۳۰۷. البته در برخی از روایات یاران مهدی ده هزار نفر یاد شده و تا آنان گرد نیایند قیام صورت نمی‌گیرد. در این مورد ابی‌بصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند: لاـ یخرج القائم (ع) حتی یکون تکملهٔ الحلقهٔ. قلت: کم تکمله الحلقه. قال: عشرهٔ الآف تا حلقه کامل نگردد قائم خروج نمی‌کند گفتم: کامل شدن حلقه به چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر"ناگفته نماند که در روایات عدد یاران گاهی کمتر و در برخی فزونتر یاد شده است. آنچه که بنظر می‌رسد ۳۱۳ نفر از یاران عادی حضرت نیستند، بلکه احتمال می‌رود این گروه اندک فرماندهان و وزیران امام باشند که در آغاز هسته‌های اصلی نیروها را بر عهده دارند. از این گروه در روایت به نقباء و خواص و ذخر الله تعبیر شده است،(۶). و این گروه از صنف ژاد ویژه نیستند، بلکه از گروهها و نژادهای گوناگون می‌باشند. از اقالیم الارض و" من اقصی البلاد ند.،(۷). و اینکه آیا تا حال این عدد از یاران بوجود نیامده است. چنانکه قبلاً اشاره شد اولاً: کمیّت عدد یاران در روایات مختلف است. ثانیاً: این یاران که هسته اصلی هضت را تشکیل می‌دهند بعد از گزینش مختلف بوجود می‌آیند. طالوت که در روایات یاران مهدی به یاران او تشبیه شده‌اند در نبرد با جالوت لشکریانش را با تشنگی آزمود. عدّه‌ای نتوانستند از امتحان سربلند بیرون آیند. اما عده‌ای با ایمان فکری و بصیرت واقعی که داشتندستند صبورانه این آزمایش را تحمل کنند. امتحان و گزینش برای یاران حضرت مهدی (ع) کمتر از آن امتحان نیست. امام صادق (ع) می‌فرماید": دوران غیبت قائم چنان به درازا خواهد کشید، تا حق در خلوص خود رخ نماید و ایمانهای خالص از ناخالص، جدا شود، کسانی که سرشت ناپاک داشته و ترس آن است که به هنگام پیروزی دولت قائم، منافقانه خود را در صف مؤمنان جای دهند، پیش قیام مهدی (ع از آن جدا شوند،(".۸). و به میزان درجات ایمان و گذر از آزمونها منتظران متمایز می‌شوند. باز امام صادق (ع) در این مورد می‌فرماید": در وقت ظهور، برخی یاران شب در بستر ناپدید می‌شوند و فردای آن در مکه‌اند. و گروهی، روز در آسمان ره می‌سپارند. گفتم فدایت شوم کدام یک ایمانشان بیشت؟ فرمود: آن که در آسمان حرکت می‌کند،(۹). بنابراین یاران آنحضرت دارای صفات و ویژگیهای خاصی دارند که بعد از گذر از آزمونهای مختلف و امتحان‌های سخت به این مراحل می‌رسند. به چند مورد از این ویژگیهای یاران امام اشاره می‌شود۱. بصیرت و آگاهی: یاران امام مهدی (ع) در بصیرت و درایت سرآمدند در فتنه‌هایی که زیرکان در آن فرو می‌مانند هوشیارانه راه جویند. حتی اذا وافق القضاء انقطاع مدهٔ البلاء حملوا بصائرهم علی اسیافهم و دانوا لربّهم بامر واعظهم چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شیرها در راه حق آختند و بصیرتی را که در کار دین داشتند آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند،("۱۰). ۲. خداجوئی. توحید و خداجوئی سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی است". مردانی که گویا دلهایشان پاره‌های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی‌آلاید،(".۱۱).و اوصاف دیگر مانند، عبادت و بندگی، حافظان حدود الله، شجاعت، ایثار و مواسات، فرمانبری، که یاران حضرت مهدی (ع) دارا خواهند بود. ب) ۳۱۳ نفر از یاران حضرت مهدی (ع) علّت تامه برای قیام آنحضرت نمی‌باشد بلکه سائر علل و شرایط را نیز باید در ظهور امام منظور داشت، که در کتب مربوط آمده است از جمله، اراده و خواست خداوند برای ظهور آن حضرت می‌باشد.برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: ۱. عصر ظهور، علی کورانی. ۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی. ۳. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی. ۴. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه. برای این که انشأالله در زمره اصحاب امام زمان (عج) باشیم لازم است دو سیر را انجام

دهیم: الف) سیر نظری یعنی شناخت صحیح و اساسی دین و پیراستن از آنچه غیردین است. ین کار با تدبیر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل‌بیت (ع) حاصل می‌گردد. هم‌چنین با مطالعیق و برنامه‌ریزی شده کتاب‌هایی که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته‌اند (مانند کتاب‌های شهید مطهری و علامه طباطبایی).) سیر عملی این کار با تقید به احکام ظاهری شریعت و به جا آوردن آداب انجام می‌پذیرد. اهتمام به واجبات و پرهیز از محرمات بزرگترینان حرکت است. عات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی بزرگ‌ترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای او است. خواندن دعای عهد در هر روز و آماده بودن واقعی برای ظهور امام مان (عج) از جمله موجبات اتصال به آن عروةالوثقی است. مسلماً کسی که این چنین اصحاب آن حضرت خواه بود چرا که "من احب قوماً فهو منهم کسی که دوستدار مردمی باشد از جمله آنان محسوب خواهد شد. "عمل به دستورات دین اسلام یعنی انجام واجب، پرهیز از کارهای حرام، رعایت حجاب و. تأثیر زیادی در جلب عنایت حضرت ولی عصر (عج) دارد. منتظر واقعی مهدی (عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد در مرحله اول نه یک واجب از او ترک شود و نه یک حرام از او صادر شود. ۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیساً و لا نجوی. بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم،(۱۲). ۳- انتظار فرج آن حضرت، در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان (ع) بهترین اعمال انتظار فرج است" سفینةالبحار شیخ عباس قمی ماده نظر "اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر (عج) تشکیل می‌گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق‌یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتاً خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین‌رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گتر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدلو ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی‌آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت‌های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می‌گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت‌ساز است و با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به سرنوشت بشرقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت. ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه. ج) عشق به عدالت وارزش‌های انسانی. ه) امید به آینده‌ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر. ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی. خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت (عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کنند،(۱۳). ۴- دعا برای حفظ وجود مبارک آن حضرت و تعجیل در ظهور او مثل همان دعای مشهور فرج و موارد دیگر. منابع و مآخذ: (۱) (کتاب الغنیة، شیخ مفید، ص ۱۰۵) (۲) (حج، آیه ۴۱) (۳) (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷) (۴) (مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ترجمه الهی قمشه‌ای، ص ۹۸۸، انتشارات علمی) (۵) (کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، جلد ۲، ص ۶۷۲، انتشارات جامعه مدرسین) (۶) (بحارالانوار، ج ۵۳،

ص ۷) (۷) (همان) (۸) (کمال‌الدین، ص ۳۵۶) (۹) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸) (۱۰) (نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، خطبه ۱۵۰ (۱۱) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ نقل از کتاب چشم به راه مهدی، ص ۳۷۲) (۱۲) (دعای ندبه) (۱۳) (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵- ره‌توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳- ۱۹۰ با تصرف)

ما برای اینکه انشاء الله از یاران امام زمان (عج) شویم چه کارهایی باید انجام دهیم؟

پرسش

ما برای اینکه انشاء الله از یاران امام زمان (عج) شویم چه کارهایی باید انجام دهیم؟

پاسخ

دردعای شریف عهد که معاهده ای است میان مؤمنین با امامشان حضرت مهدی سلام ا...علیه وسفارش شده مؤمنین صبحها با قرائت این دعا، با مولایشان تجدید عهد کنند، عبارات شریفی وارد شده که برای پاسخ به سؤال شما مناسب است" . اللهم اجعلنی من اعوانه وانصاره والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین لاوامره والمحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه (" خداوندا مرا از یاران مولایم مهدی" سلام ا...علیه "قرارده، درزمره کسانی که درمولای خویش ذوب گردید.ودر برآوردن حوائجش شتاب می گیرند.آنانکه فرمانبر اوامر اویند، حمایت کننده اویند و سبقت گیرنده در انجام اراده مولامی باشند آنانکه دررکاب مولاجانشان را نثارش می کنند وتوفیق شهادت نصیبشان می گردد.) برادرم دراینجا توفیقی استمداد از خداوند متعال ضروی است" . وما توفیقی الا بالله ("تمام موفقیت ها از جانب حی متعال به انسان عطا می گردد) بویژه اینکه آرزوی نصرت ویاری امام زمان(عج) در رأس همه خوبیهاست وجز درخواست عاجزانه وازروی فقر وناچیزی واقرار به عدم قابلیتمان ودرنتیجه دستگیری خداوند مهربان میسر نمی باشد . درابتدای این فراز دعای عهد درخواست مؤمنین توفیق درباری کردن امام ونصرت دادن حضرت است ودرعبارات بعد این معنا توضیح داده شده است. خدایا مرا درامام زمانم ذوب فرما. ذوب شدن درامام بدون معرفت وشناخت جایگاه وحقیقت امام میسر نمی باشد اینکه انسان بداند امام" علیه السلام "خلیفه خداوند درزمین است وتمامی کمالات و خوبیها در عالیترین وجه خود درامام موجود است . تمام اختیارات عالم دردست امام قرارگرفته واو آئینه تمام نمای صفات خداست (آنچه خوبان همه دارند توتنها داری) مسلماً هرچه شناخت امام بیشتر باشد، امکان هم سنخ شدن با اهداف امام میسرتر است . ذوب شدن در امام به این معناست که حرکتی به سوی تحصیل خوبیهای امام در وجود خویش حرکت کند تا کم کم با مولای خود هم فکر و هم احساس گردد (به اندازه ای که درظرفیت ما می گنجد) وامام قبله وجودمان گردد تا مجذوب و وعاشق وشیدای او شویم. درعبارات بعد داریم که : خداوندا مرا تابع و پیرو اوامر مولایم قرارده ودرآنچه اراده اوست بردیگران سبقتم ده وبا تمامی اعضاءوجوارح و فکروخیال وتمامی قوای وجودیم مرا پشتیبان وهمراه با امامم قراربده تا جائی که وجودم وهستیم را نثار مکتب ومنش او کرده وتوفیق شهادت عایدم گردد. شاید سؤال کنید که چگونه می توانم به اوامرونواهی امام" علیه السلام "عالم گردم. پاسخ اینست که امام علیه السلام که آیت بزرگ الهی است درتمامی عرصه های عالم هستی حضور دارد ویکی از آن عرصه ها وجود خودماست. درهر لحظه به امام عصر(عج) متوجه ومتوسل گردی، می فهمی حاجت امام ورضایت ایشان درآن موقعیت چیست و چگونه عمل کردن تومورد تأیید امام است . همین فهم را بگیر وبه آن عامل باش. این فرمان امام"علیه السلام"است به

تو.بشرطی که واقعاً منافع خود راکنار گذاشته باشید ودرخواست واقعی تو فهم پیام امام باشد . در توجه به این حقایق اگر مداومت وتکرار صورت دهید کم کم قلب شماآنها را باور کرده وزمینه سربازی وخدمت به امام عصر"علیه السلام " را فراهم خواهد ساخت. (انشاءا...)

آیا یاران امام زمانغ به علوم قرآن و تفسیر قرآن تسلط کامل دارند؟

پرسش

آیا یاران امام زمانغ به علوم قرآن و تفسیر قرآن تسلط کامل دارند؟

پاسخ

۱. دربارهٔ ویژگی‌های یاران حضرت مهدیغ در روایات تعابیری آمده است که از کمال برتر، نیروی بدنی فراوان زهد و مواردی از این دست اشاره دارند ;در این جا نمونه هایی از تعابیر مزبور بیان شود: الف"ـ عن یونس بن ظبیان قال کنت عند ابی عبدالله‌فذکر اصحاب القائم فقال ثلاثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر و کل واحد یری نفسه فی ثلاثمائه یونس بن ظبیان می گوید ;نزد امام صادق‌بودم آن گاه ایشان از یاران حضرت مهدیغ سخن به میان آورده و فرمود: تعداد آن‌ها سی صد و سیزده نفر است و هر یک خود را در سی صد نفر می‌بیند(".معجم احادیث الامام المهدی (عج ، مؤسسهٔ المعارف الاسلامیه ج ۴، ص ۱۲.) منظور روایت مزبور آن است که هر یک از یاران امام زمانغ آن چنان ویژگی‌های برجسته‌ای دارند که گویی هر فرد از آن‌ها، خود سی صد نفر است افزون بر معنای مجازی مزبور، دربارهٔ تعبیر یاد شده احتمال دیگر نیز داده می‌شودو آن این که هر یک از یاران حضرت در رأس یک گروه سی صد نفره هستند. ب"ـ عن ابان بن تغلب قال قال ابوعبدالله‌سیأتی من مسجدکم هذا یعنی مکهٔ ثلثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلاً یعلم اهل مکهٔ انه لم یلد هم آبائهم ولااجدادهم علیهم السیوف مکتوب علی کل سیف کلمهٔ تفتح الف کلمهٔ ; ..ابان بن تغلب از امام صادق‌نقل می کند که فرمود: به زودی از مسجد شما ;یعنی مکه سی‌صد و سیزده مرد خواهند آمد که اهل مکه می‌دانند، پدران و اجدادشان آن‌ها را متولد نکرده‌اند ;این اشخاص شمشیرهایی بر دست دارند و بر هر شمشیری از آنان کلمه‌ای نوشته شده است که هزار کلمه در بر دارد(".همان) ۲. هرچند در روایت‌های یاد شده به علم یاران مهدیغ تصریح نشده ولی با ستایش کلی که دربارهٔ آنان آمده شاید بتوان فهمید این اشخاص از نظر علمی آن هم علوم مربوط به قرآن برجستگی ویژه‌ای دارند ;نیز با توجه به سایر ویژگی‌های یاران حضرت مهدیغ که در کتاب‌های مربوط به بررسی قیام آن حضرت آمده چنین برداشتی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. برای مطالعه بیش‌تر: ر.ک الزام الناصب فی اثبات الحجهٔ الغائب علی یزدی حائری

اگر کسی بخواهد از اصحاب آقا امام زمان(ع) بشود چه کار باید بکند آیا در خودسازی نیاز به استاد دارد و آیا می تواند بدون استاد این راه را طی کند اگر نه پس تکلیف چیست؟

پرسش

اگر کسی بخواهد از اصحاب آقا امام زمان(ع) بشود چه کار باید بکند آیا در خودسازی نیاز به استاد دارد و آیا می تواند بدون

استاد این راه را طی کند اگر نه پس تکلیف چیست؟

پاسخ

منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و با اراده‌ای محکم، عزمی راسخ و برنامه‌ای دقیق به اصلاح افکار و اندیشه‌ها و نیز تغییر و اصلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و با آگاهی ازوظایف عملی و گسترش شناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش‌ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی ـ در هر محیطی که هستیم ـ به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلّی و ورود نور الهی آماده سازیم. بنابراین گناهان گذشته ـ هر چند زیاد باشد ـ نمی‌تواند مانع مهمی در راه رشد و کمال و پیوستن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می‌توان سیئات و بدی‌های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت گماشت. قرآن راجع به حضرت مهدی(ع) و اصحاب ایشان می‌فرماید: الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات را [به مستحق] می‌بخشند و به معروف امر نموده و از منکر نهیمی‌کنند (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است». در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه‌کارهای زیر توجه فرمایید: ۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛ ۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛ ۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛ ۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛ ۵. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ۶. اکنون که در دوران تحصیل علم هستید، بیشترین توجّه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛ ۷. با مطالعه کتاب‌هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛ ۸. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل‌های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است. داشتن استاد و راهنما در عرفان، اخلاق و مسیر کمال یک ضرورت است . استاد چندین نقش می تواند ایفا کند: الف) در سیر و سلوک اخلاقی انسان با مسائل پیچیده و مشکلی روبه رو می شود که استاد پیوسته بیانگر معضلات و مشکلات راه بوده و سالک را ارشاد می کند ;وگرنه چه بسا به صورت عقده هایی در دل بماند و عدم حل آنها به تدریج باعث انحراف یا بی تفاوتی انسان گردد. ب) اطلاعات وسیع و تجارب گسترده استاد, می تواند اطلاع و آگاهی انسان را افزون کند. ج) وجود استاد و درک محضر او، می تواند ایجاد شوق و انگیزش نماید و هر از چندی انسان شور و نشاط تازه ای پیدا کند. د) علاوه بر همه اینها وجود استاد می تواند برای اهداف کمالی انسان تجسم عینی داشته باشد و این موضوع نقش بسیار حساسی در پرورش و ترقی انسان خواهد داشت ; چون نفس انسان الهام پذیر است و خواه ناخواه رفتار دیگران در او اثر می گذارد ;به ویژه اگر کسی مورد علاقه و محبت او باشد این اثر نافذتر است . بر همین اساس بر انتخاب استاد تأکید بسیار شده است . امام صادق (ع) می فرماید: ((ایاک ان تنصب رجلا "دون الحجه فتصدقه فی کل ما قال ; مبادا بدون داشتن حجت و دلیل , کسی را برای خود شاخص گردانیده و آن گاه هر چه گفت , او را تصدیق کنید)) (وسائل الشیعه , ج ۲۷, ص ۱۲۶). هم چنین در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است

که : «ایاک ان تدین بما لاتعلم ; بر حذر باشید از این که دیانت خود را بر پایه جهالت قرار دهید» (کافی , ج ۱, ص ۴۲). احادیث فراوانی در ضرورت وجود استاد و راهنما وجود دارد که قابل توجه و تأمل است : الف) امام سجاد(ع) می فرماید: ((هلک من لیس له حکیم یرشده ; کسی که حکیم فرزانه ای او را ارشاد نکند, در معرض هلاکت قرار خواهد داشت)). ب) امام صادق (ع) می فرماید: ((من لم یکن له واعظ من قلبه و زاجر من نفسه و لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه ; کسی که از قلب خویش واعظی و از نفس خویش بازدارنده ای نداشته باشد و هم چنین در کنار خود ارشاد کننده و راهنمایی نداشته باشد, دشمن خود را بر خویش مسلط ساخته است)) (من لا یحضره الفقیه , ج ۴, ص ۴۰۲). «جالس اهل الورع والحکمه واکثر مناقشتهم فانک ان کنت جاهلا "علموک و ان کنت عالما "ازددت علما ; "با اهل ورع و حکمت مجالست داشته باش و بسیار با آنها به گفت و گو بپرداز که در آن صورت اگر جاهل باشی به تو آموزش خواهند داد و اگر عالم باشی بر میزان معلومات تو افزوده خواهد شد» (غرر الحکم , ص ۴۲۹). اما نکته مهمی که باید به آن توجه داشت آن است که پیدا کردن استاد کاری بس مشکل است و شاید بتوان گفت پیگیری چنین کاری به ویژه برای جوانان به صلاح نباشد و حتی به تجربه ثابت شده که آفاتی نیز به دنبال داشته است. زیرا؛ جوانان آن گاه که به شخصی به طور کامل اعتماد می کنند دوست دارند از جهات مختلف رفتاری و سیر و سلوک معنوی همانند او شوند و از آن جا که آن شخص معصوم نیست اگر لغزشی حتی کوچک در زندگی آن شخص مشاهده کنند تمام آن عظمت ها یکباره فرو خواهد ریخت و نه تنها دیگر به او اعتماد نمی کنند که چه بسا نسبت به هر ادعا کننده علم و معرفتی بدبین می شوند. آفت دوم انتخاب استاد، محصور شدن در بهره مندی از اوست. در صورتی که چه بسا بسیاری از عالمان و وارستگان دیگر باشند که هر کدام در جهتی دارای ویژگی هایی باشند و محصور شدن در رفت و آمد با یک استاد، سالک راه را از دیگر عالمان وارسته محروم می کند، علاوه بر این که به طور معمول جلسات خصوصی دچار آفاتی نظیر عزلت نشینی و حساسیت دیگران می شود. بنابراین راه مناسب آن است که انسان از عالمان مختلف استفاده کند و نه تنها از محضر وارستگان زنده بلکه از آثار مکتوب وارستگان گذشته نیز بهره ببرد. در پایان سخن خود را با یک آیه و توصیه خاتمه می دهم و آن این که سیر و سلوک ملازمت به دستورات شرع مقدس اساس کار می باشد از آیه شریفه سوره عنکبوت استفاده می شود: هر کس در راه رسیدن به رضایت و خشنودی الهی تلاش کند، خداوند او را به راه های خود هدایت می نماید «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا ان الله لمع المحسنین» و کسانی که در ما مجاهده کنند ما به سوی راه های خود هدایتشان می کنیم و خدا همواره با نیکوکاران است. قدم های نخستین این راه، عهد و پیمان و سپس مراقبت و محاسبه می باشد. وقتی از آیت الله بهجت (دامت برکاته) پرسیده شد استادی به ما معرفی کنید فرمودند: «به هر آنچه می دانید صحیح است عمل کنید اگر دیدید در سیرتان وقفه ای رخ داده است بدانید از دانسته های خود عدول نموده اید».

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ یاران ایشان چه ویژگیهایی دارند؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ یاران ایشان چه ویژگیهایی دارند؟

پاسخ

الف) یاران امام سنگهای زیرین انقلاب جهانی‌اند همان گونه پیامبر(ص) با همراهی مهاجرین و انصار رسالت خود را به انجام رساند و علی(ع) با مجاهدت افسران رشیدش حماسه‌های بزرگ آفرید. حضرت مهدی(عج) نیز با همکاری مردان نمونه عدالت را به جهان باز خواهدآورد. و منابع دینی ما، بر جایگاه والای آن جوانمردان اشارتها دارد. امامان(ع) همواره آرزومندی همراهی آن حضرت بودند و به این موضوع متذکر شده‌اند. «خدایا درود بفرست بر مولا-و سرورم صاحب الزمان و مرا از یاران و پیروان و حامیان او قرار ده و از آنان که در رکابش، شربت شهادت می‌نوشند با شوق و رغبت بی هیچ گونه کراهت.»، (مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ترجمه الهیقمشه‌ای، ص ۹۸۸، انتشارات علمی). و در روایات عدد یاران مهدی(ع) سیصد و سیزده نفر یاد شده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: کأنی أنظر الی القائم علی منبر الکوفهٔ و حوله اصحابه ثلاث مائهٔ و ثلاث عشر رجلًا علی عدهٔ اهل البدر ؛ گویا می‌نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده‌اند، به شمار اهل بدر{M»، (کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخصدوق، جلد ۲، ص ۶۷۲، انتشارات جامعه مدرسین). این روایات بطور مستفیض از ائمه ما رسیده است در متون عامه نیز در عدد یاران مهدی شمار یاد شده آمده است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: ۱. بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۳۴۱. ۲. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف‌الله صافی، ص ۱۶۶ ۳. کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۲. ۴. الغیبهٔ، نعمانی، ص ۳۰۷. البته در برخی از روایات یاران مهدی ده هزار نفر یاد شده و تا آنان گرد نیایند قیام صورت نمی‌گیرد. در این مورد ابی‌بصیر از امام صادق(ع) نقل می‌کند: لا یخرج القائم(ع) حتی یکون تکملهٔ الحلقهٔ. قلت: کم تکمله الحلقه. قال: عشرهٔ الآف ؛ تا حلقه کامل نگردد قائم خروج نمی‌کند گفتم: کامل شدن حلقه به چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر{M». ناگفته نماند که در روایات عدد یاران گاهی کمتر و در برخی فزونتر یاد شده است. آنچه که بنظر می‌رسد ۳۱۳ نفر از یاران عادی حضرت نیستند، بلکه احتمال می‌رود این گروه اندک فرماندهان و وزیران امام باشند که در آغاز هسته‌های اصلی نیروها را بر عهده دارند. از این گروه در روایت به نقباء و خواص و ذخر الله تعبیر شده است،(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷). و این گروه از صنف و نژاد ویژه نیستند، بلکه از گروهها و نژادهای گوناگون می‌باشند. از اقالیم الارض و « من اقصی البلاد ند.»،(همان). و اینکه آیا تا حال این عدد از یاران بوجود نیامده است. چنانکه قبلًا اشاره شد اولاً: کمیّت عدد یاران در روایات مختلف است. ثانیا: این یاران که هسته اصلی نهضت را تشکیل می‌دهند بعد از گزینش مختلف به وجود می‌آیند. طالوت که در روایات، یاران مهدی به یاران او تشبیه شده‌اند در نبرد با جالوت لشکریانش را با تشنگی آزمود. عدّه‌ای نتوانستند از امتحان سربلند بیرون آیند. اما عده‌ای با ایمان فکری و بصیرت واقعی که داشتند توانستند صبورانه این آزمایش را تحمل کنند. امتحان و گزینش برای یاران حضرت مهدی(ع) کمتر از آن امتحان نیست. امام صادق(ع) می‌فرماید: «دوران غیبت قائم چنان به درازا خواهد کشید، تا حق در خلوص خود رخ نماید و ایمانهای خالص از ناخالص، جدا شود، کسانی که سرشت ناپاک داشته و ترس آن است که به هنگام پیروزی دولت قائم، منافقانه خود را در صف مؤمنان جای دهند،پیش قیام مهدی(ع) از آن جدا شوند.»، (کمال‌الدین، ص ۳۵۶). و به میزان درجات ایمان و گذر از آزمونها منتظران متمایز می‌شوند. باز امام صادق(ع) در این مورد می‌فرماید: «در وقت ظهور، برخی یاران شب در بستر ناپدید می‌شوند و فردای آن در مکه‌اند. و گروهی، روز در آسمان ره می‌سپارند. گفتم فدایت شوم کدام یک ایمانشان بیشتراست؟ فرمود: آن که در آسمان حرکت می‌کند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸). بنابراین یاران آنحضرت دارای صفات و ویژگیهای خاصی دارند که بعد از گذر از آزمونهای مختلف و امتحان‌های سخت به این مراحل می‌رسند. به چند مورد از این ویژگیهای یاران امام اشاره می‌شود. ۱. بصیرت و آگاهی: یاران امام مهدی(ع) در بصیرت و درایت سرآمدند در فتنه‌هایی که زیرکان در آن فرو می‌مانند هوشیارانه راه جویند. حتی اذا وافق القضاء انقطاع مدهٔ البلاء حملوا بصائرهم علیاسیافهم و دانوا لربّهم بامر واعظهم ؛ چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمشیرها در راه حق برداشتند و بصیرتی را که در کار دینداشتند آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند{M»، (نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، خطبه ۱۵۰). ۲. خداجوئی. توحید و خداجوئی سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی

است. «مردانی که گویا دلهایشان پاره‌های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی‌آلاید...»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ نقل از کتاب چشم به راه مهدی، ص ۳۷۲). و اوصاف دیگر مانند، عبادت و بندگی، حافظان حدود الله، شجاعت، ایثار و مواسات، فرمانبری، که یاران حضرت مهدی(ع) دارا خواهند بود. ب) ۳۱۳ نفر از یاران حضرت مهدی(ع) علّت تامه برای قیام آن حضرت نمی‌باشد بلکه سائر علل و شرایط را نیز باید در ظهور امام منظور داشت، که در کتب مربوط آمده است از جمله، اراده و خواست خداوند برای ظهور آن حضرت می‌باشد. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: ۱. عصر ظهور، علی کورانی. ۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی. ۳. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی. ۴. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه. ۵. مهدی موعود، ترجمه ج ۵۲ بحار، مترجم: علی دوانی

آیا می توان با دعا به پیشگاه خداوند پس از مرگ به هنگام ظهور حضرت مهدی زنده شد و یا تا ظهور آن حضرت برای یاری ایشان زنده ماند همچنانکه خود آن حضرت و حضرت عیسی زنده مانده اند؟

اشاره

Could we by praying and asking Allah for it, be enlivened out of death when Haz

پرسش

آیا می توان با دعا به پیشگاه خداوند پس از مرگ به هنگام ظهور حضرت مهدی زنده شد و یا تا ظهور آن حضرت برای یاری ایشان زنده ماند همچنانکه خود آن حضرت و حضرت عیسی زنده مانده اند؟ Could we by praying and asking Allah for it, be enlivened out of death when Hazrate Mahdi comes to help him or should we also be taken off the ground without dying like Hazrate Eesa and Hazrate Mahdi to be able to do that?

پاسخ

برخی افراد بخصوصه نامشان در روایات جزو رجعت‌کنندگان ذکر شده است. مانند سلمان فارسی۱ و جناب مقداد۲ و برخی دیگر افرادی هستند که صفت کلّی آنان در روایات بیان شده که هر که این صفت را داشته باشد رجعت می‌کند. مثلاً امام صادق (ع) فرمود: «رجعت امری عمومی نیست، بلکه اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می‌کنند که به ایمان خالص یا شرک خالص رسیده باشند.»۳ از روایات و برخی ادعیه استفاده می‌شود مؤمنان و پاک‌سرشتانی که چهل روز با ایمان دعای عهد را صبح هنگام بخوانند، اگر پیش از ظهور امام عصر (عج) بمیرند، خدا آنان را در زمان ظهور زنده می‌کند و از رجعت‌کنندگان خواهند بود. در قسمتی از دعای عهد که در کتاب شریف مفاتیح الجنان ذکر شده است، چنین آمده است: «اللّهم إن حال بینی و بینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتماً مقضیّاً فأخرجنی من قبری موتزراً کفنی شاهراً سیفی مجرّداً قناتی ملبّیا دعوۀ الدّاعی فی الحاضر والبادی؛ خدایا، اگر میان من و (ظهور) او (مهدی(عج)) مرگی که بر همه بندگانت مقرّر فرموده‌ای فاصله انداخت، با قدرت بی‌اندازه‌ات به گونه‌ای مرا از قبر بیرون آور (و زنده بگردان) که کفنم را به خودم پیچیده، شمشیرم را از غلاف درآورده، نیزه‌ام را در دست گرفته باشم تا

www.noorfatemah.org

دعوت‌کننده‌ای را که در شهر و بیابان (مردم را به حق) دعوت می‌کند اجابت کنم.» هم‌چنین در دیگر دعاها نیز این خواسته از خدای متعال مطرح می‌شود که مرا از رجعت‌کنندگان قرار ده. در جمله‌ای از زیارت شریف جامعه کبیره چنین از امامان معصوم طلب می‌کنیم: «وجعلنی ممّن یقتص آثارکم ویسلک سبیلکم ویهتدی بهداکم ویحشر فی زمرتکم ویکرّ فی رجعتکم ویملّک دولتکم ویشرّف فی عافیتکم ویمکّن فی ایّامکم وتقرّ عینه غداً برویتکم؛ خدا مرا از آنانی قرار دهد که از راه شما پیروی می‌کنند و گام در جای پای شما می‌گذارند و از شما هدایت می‌گیرند و در زمره شما محشور می‌شوند و در رجعت شما باز می‌گردند و در دولت شما نصیبی دارند و در دولت امن و عافیت شما فضیلت می‌یابند و در روزگار شما به اقتدار می‌رسند و دیدگانشان به جمال شما روشن می‌گردد.» در بخشی از زیارت حضرت ولی عصر (عج) که در روز نیمه‌شعبان در مفاتیح‌الجنان وارد شده است چنین آمده است: «فإن أدرکنی الموت قبل ظهورک فإنّی أتوسّل بک وبآبائک الطاهرین الی الله تعالی وأسئله أن یصلّی علی محمد وآل محمد وأن یجعل لی کرّةً فی ظهورک ورجعةً فی أیّامک لِأتبلغ من طاعتک مرادی وأشفی من أعدائک فؤادی؛۴ اگر پیش از ظهورت بمیرم، به تو و پدران بزرگوارت متوسل می‌شوم که از خدا بخواهید و از خدا می‌خواهم که به محمد و دودمانش درود بفرستد و برای من بازگشتی در ظهور تو و رجعتی در روزگار تو قرار دهد تا به مراد خود در زمینه اطاعت از تو نائل شوم و با انتقام از دشمنان تو آرام و قرار گیرم.» این درخواست در زیارت‌های دیگری مانند زیارت مخصوص سرداب مقدس(۵)، زیارت رجبیّه۶ و... نیز آمده است. پی‌نوشت‌ها: ۱. رسول خدا (ص) به سلمان فرمود: «ای سلمان، تو آنها را درک می‌کنی و هرکه مانند تو نیز که آنها را از روی معرفت بشناسد و دولت بدارد و پیروی کند، آنان را درک می‌کند». (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۳) ۲. امیرالمؤمنین فرمود: «۲۰ تن از یاران قائم (عج) از اهل یمن می‌باشند که یکی از آنان مقداد پسر اسود است». (همان، ص ۸۶) ۳. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، آفتاب،ج ۲، ص ۴۰۸. ۴. ر.ک: تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، مصباح کفعمی، تهران، ۱۳۴۹، ص ۴۹۶. ۵. ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان؛ علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳. ۶. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۴.

در برخی از روایات که زمان ظهور امام منتظر را بیان می دارد دارد: ۱. یصیر للرجل منهم (اصحاب المهدی) قوة اربعین رجلا ۲. لو قد قام قائمنا یجمع الیه شیعتنا من جمیع البلدان یملأ الارض عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً این ها با عقل ناسازگارند. مراد از نیروی ۴۰ مرد دا

پرسش

در برخی از روایات که زمان ظهور امام منتظر را بیان می دارد دارد: ۱. یصیر للرجل منهم (اصحاب المهدی) قوة اربعین رجلا ۲. لو قد قام قائمنا یجمع الیه شیعتنا من جمیع البلدان یملأ الارض عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً این ها با عقل ناسازگارند. مراد از نیروی ۴۰ مرد داشتن هر یک از اصحاب حضرت مهدی (عج) چیست ?چگونه ممکن است همه شیعیان نزد امام زمان (عج) جمع شوند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال فوق، نکاتی به طور مختصر بیان می‌شود تا بتواند به فهم درست معنای حدیث کمک نموده و استبعاد عقلی آن از میان برود. در مورد حدیث اول می‌توان گفت: لزومی ندارد حدیث را اینگونه معنا کنیم که قدرت بدنی یاران حضرت مهدی(عج) با قدرت چهل تن از دشمنان برابری می‌کند (گرچه اگر هم چنین گفته شود بعدی ندارد). ممکن است مقصود این باشد که یاران امام قادرند بر چهل تن از دشمنان غلبه نمایند. روشن است که پیروزی در جنگ‌ها فقط از قدرت بدنی به دست نمی‌آید. به عبارت

www.noorfatemah.org

دیگر، قدرت نظامی غیر از قدرت بدنی است. آشنایی با فنون جنگی، برخورداری از تجهیزات مدرن، ایمان به هدف، شجاعت، فرماندهی آگاه و باتجربه صبر و بردباری و... عواملی هستند که پیروزی را به ارمغان خواهند آورد. قرآن کریم می گوید: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مئتین وان یکن منکم مئة یغلبوا الفاً من الذین کفرو بانهم قومٌ لایفقهون ـ (انفال / ۶)». معنای این آیه این است که اگر از شما بیست نفر بردبار باشند، بر دویست نفر غلبه خواهد کرد و اگر از شما صد نفر باشند، بر هزار نفر غلبه خواهند کرد. علاوه بر آن، نقش امدادهای غیبی الهی را نباید نادیده گرفت. براساس روایات موجود، خداوند امام عصر(عج) را به سه نیرو مدد خواهد رساند: فرشتگان، مؤمنان و رعب و وحشت.(۱) منظور از نیروی رعب و وحشت این است که خدای سبحان ترس و وحشت در دل دشمنان ایجاد خواهد کرد. بدیهی است که لشکر زبون و ترسو و وحشت زده، توان رویارویی با سپاهی شجاع، مؤمن و مقاوم را نخواهد داشت. امّا حدیث دوم؛ این حدیث نیز با عقل سرناسازگاری ندارد؛ اولاً، ما در دنیایی زندگی می کنیم که با وجود هواپیماهای سریع‌السیر، انسان قادر است در زمانی کم، مسافت طولانی را طی کند و بدون شک در آینده نیز ما شاهد اختراعات پیچیده تری خواهیم بود که سرعت سیر را افزایش می‌دهد. با این وجود، اینکه یاران حضرت مهدی(عج) در عصر ظهور بتوانند در یک شب خود را به او برسانند هیچ استبعادی ندارد. بعید نیست آنچه که در بعضی روایات آمده که «آنان بر ابرها راه می‌روند»(۲) نیز اشاره به همین مطلب باشد. ثانیاً، از آثار تقوا و پارسایی این است که انسان از این طریق می‌تواند به مقامی برسد که راه‌های طولانی را در زمان کم طی کند. این همان است که از آن به «طیّ الارض» تعبیر می‌شود و ما داستانهای بسیاری از طی‌الارض اولیاء خدا شنیده‌ایم. بدون شک، مقایسه یاران امام عصر(عج) و توانایی آنان با توانایی امثال ما موجب این استبعاد شده است. ثالثاً، امام عصر(عج) به عنوان ولی خدا دارای ولایت تکوینی است و قادر است در عالم طبیعت تصرّف کند و یارانش را از گوشه و کنار جهان در وقت ظهور جمع کند. اعتقاد به این مسأله از لوازم ایمان به امامت است. رابعاً، در متن حدیث آمده است که خدا آنان را جمع می کند «یجمع الله الیه». آیا اینکه خداوند بتواند یاران امام عصر(عج) را در نزد او شبانه حاضر کند، استبعادی دارد؟ به هر حال، این قبیل احادیث بسیارند و اگر فهم آن بر ما دشوار است، نباید انکار کنیم. پی‌نوشت‌ها: ۱. «یؤیّده الله بثلاثة اجنادٍ: الملائکة، والمؤمنون، والرُّعب؛ محمد بن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبة، مکتبة الصدوق، تهران، [بی‌تا]، ص ۲۴۲. ۲. در قرآن می‌خوانیم: «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً ـ بقره: ۱۴۸ ـ هر جا باشید، خداوند همه شما را حاضر می کند». امام صادق(ع) این حدیث را بر یاران حضرت مهدی(عج) تطبیق داده و راجع به آنان فرمود: «وبعضهم یسیر فی السحاب نهاراً»؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق، جلد ۵۲، ص ۲۸۶.

امام زمان‌علیه‌السلام با اصحاب خود بر سر چه اصولی پیمان می‌بندد؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام با اصحاب خود بر سر چه اصولی پیمان می‌بندد؟

پاسخ

از برنامه‌ها وروش‌های امام مهدی (ع) پیمان‌گیری از یاران خویش است. پیمان وبیعت در جامعه اسلامی از آغاز تشکیل حاکمیت اسلام رسم شد، وپایه‌گذاری نخستین مرکزیّت وحکومت اسلامی به دست مبارک پیامبر اسلام (ص) با آیین بیعت وپیمان گرفتن از

یکایک مردم همراه بود. امام مهدی (ع) نیز چون نیاکان خویش از یارانش بیعت می گیرد وبا آنان پیمان می‌بندد. پیمان امام بر سر اصولی است که راه ورسم وشیوه وروش امام را در حکومت تبیین می کند. امام علی (ع) می‌فرماید": همانا قائم با یارانش پیمان می‌بندد واز آنان بیعت می گیرد که: مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا ونقره گنج نکنند، همچنین گندم وجو اندوخته نسازند. مال یتیمان را نخورند... لباس خزّ وحریر نپوشند. کمربند زرّین نبندند... در امور معاش به اندک بسنده کنند... لباس درشت بپوشند وصورت بر خاک بگذارند... ودر راه خدا به جهادی شایسته دست یازند. خود (امام) نیز متعهد می‌شود که از همان راهی که آنان می‌روند برود، وچون آنان لباس بپوشد، وبر مرکوبی مانند مرکوب آنان سوار شود وچنان باشد که آنان هستند. به اندک بسنده کند، وزمین را با یاری خدای دادگری پر کند پس از آنکه از ستم پر شده باشد... وصاحب ودربانی نگمارد.{"پاورقی . منتخب الأثر، ص ۴۶۹. پاورقی}

اصحاب امام زمان‌علیه‌السلام در شجاعت چگونه‌اند؟

پرسش

اصحاب امام زمان‌علیه‌السلام در شجاعت چگونه‌اند؟

پاسخ

حاکم نیشابوری به سندش از محمّد بن حنفیه نقل می کند که گفت: ما نزد علی (ع) بودیم که شخصی از او درباره حضرت مهدی (ع) سؤال کرد؟ حضرت فرمود... ": یخرج فی آخر الزمان، إذا قال الرجل: اللّه اللّه قتل، فیجمع اللّه تعالی له قوماً قزع کقزع السحاب، یؤلّف اللّه بین قلوبهم لایستوحشون إلی أحد ولایفرحون بأحد یدخل فیهم"؛ "...او در آخرالزمان خروج{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۴. پاورقی} خواهد کرد، هنگامی که شخصی اعلان کند: خدا را خدا را! کشته شود. در آن هنگام خداوند برای او گروهی را جمع می کند که همانند ابرهای پراکنده متفرّق‌اند، قلب‌های آنها را هماهنگ می‌نماید. از کسی احساس وحشت نکرده وبه کسی که داخل در جماعت آنها شود شاد نمی گردد."...

آیا اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام از منطقه خاصی هستند؟

پرسش

آیا اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام از منطقه خاصی هستند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، اصحاب حضرت از منطقه خاصّی نیستند بلکه در سرتاسر دنیا به سر می‌برند وخداوند متعال در وقتی بسیار اندک آنها را کنار بیت‌اللّه‌الحرام جمع خواهد کرد. سید بن طاووس در حدیثی از امام علی (ع) درباره اصحاب امام زمان (ع) نقل

می‌کند که فرمود": آنها ۳۱۳ نفرند به عدد اصحاب بدر، خداوند آنها را از شرق وغرب عالم در کنار بیت اللّه الحرام جمع خواهد کرد. {"...پاورقی . التشریف بالمنن، ص۲۹۴-۲۸۸. پاورقی}

اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه ویژگی‌هایی دارند؟

پرسش

اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه ویژگی‌هایی دارند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، اصحاب حضرت (ع) از صفات وویژگی‌هایی برخوردارند از قبیل: ۱ - اخلاص در روایتی امام جواد (ع) به عبدالعظیم حسنی (ع) فرمود..."": وهنگامی که برای او این تعداد" ۳۱۳ نفر "از اهل اخلاص جمع شد خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد. {"...پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸ù۳۷۷. پاورقی} ۲ - یقین و استقامت از امام صادق (ع) در حدیثی نقل شده که فرمود..."": گویا قلب‌های آنها به مانند تکّه‌های آهن است، شکی در قلوب آنها راجع به خدا وجود ندارد. محکم‌تر از سنگ است. {"...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲. پاورقی} ۳ - خداشناس واقعی از امام علی (ع) در ضمن حدیثی نقل است که فرمود..."": ولکن در طالقان مردمانی مؤمن خواهند آمد که به خداوند معرفت واقعی دارند وآنان انصار مهدی در آخرالزمان می‌باشند. {"پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۸۷، ح ۸۳. پاورقی} ۴ - شیران روز وزاهدان شب از امام صادق (ع) در حدیثی راجع به اصحاب قائم (ع) نقل است که فرمود": گویا من نظر می‌کنم به قائم واصحاب او در نجف کوفه... سجده‌ها به پیشانی‌های آنها اثر گذارده است، شیران در روز وراهبان در شب اند. {"...پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۳۸۶. پاورقی} ۵ - برخورداری از تأیید الهی طبرسی در روایتی از امام علی (ع) نقل کرده که فرمود": تا اینکه خداوند مردی را در آخرالزمان برمی‌انگیزاند... او را به ملائکه‌اش تأیید کرده وانصارش را حفظ خواهد نمود. {"پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶. پاورقی}

لطفاً بفرمائید چگونه می شود از یاران حضرت مهدی"عج "به حساب آمد وچگونه می شود از جذبات وجود مبارک ایشان بهره برد؟

پرسش

لطفاً بفرمائید چگونه می شود از یاران حضرت مهدی"عج "به حساب آمد وچگونه می شود از جذبات وجود مبارک ایشان بهره برد؟

پاسخ

هرگونه ارتباط ونزدیک شدن به شمس عالم امکان، امام عصر ارواح من سواه فداه، ریشه در دل دارد وبذر این قرب وانس باید در دل کاشته شود وسپس با مجاهده وآبیاری مستمر به آب معرفت واشک شب ثمر دهد. باید خانه دل را از معاصی کبیره و صغیره

پاک نمود، لایق مهمانی حضرتش قرار گیرد.عشق حضرت مانند گَل است وگُل درگلستان می روید نه در زباله دان، لذا باید دل را از کثافات معصیت پاک نمود. گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان استگفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستیگفتم نفس همین است، گفتا سخن همان است وعلاوه بر دل که بستر عشق واحساس است باید در تصفیه وتهذیب اندیشه نیز بکوشیم وتوجه نماییم که هیچ عملی بدون معرفت ناب خالص نمی شود وتا اندیشهٔ ما ازجام معرفت آن عزیز ننوشد مقدمات مستی دل در بزم عشق حضرتش فراهم نمی گردد. امر دیگری که باید به آن توجه شود استمرار یاد آن حضرت است. گاهی امور دنیوی چنان اندیشهٔ ما راتسخیر می کنند که صبح تا شب به‌آن می اندیشیم وشبانگاه خوابی جز آن امور نمی بینیم. اگر دائماً در فکر آن نگار باشیم حتماً راهی به سر منزل وصالش نمایان خواهد شد درب بارگاه عشقش گشوده خواهد شد. نکتهٔ دیگری که در پاسخ به سؤال شما باید گفت این است که ورود در جرگه یاران حضرت آسان نیست ودرعمل مشابهتی با آن حضرت باید باشد. باید مانند حضرت خیرخواه بشریت باشیم ودر مسیر هدایت گری امام زمان"عج"به میزان توان خود یار و یاور حضرت باشیم که توجه به فقرا، محرومان، ستمدیدگان وتمام مستضعفان مادی ومعنوی از این قبیل است. چگونه می توان خودرا به حضرت نزدیک کرد ومدعی سربازی آن عزیزشد درحالیکه نسبت به هدایت همنوعان خود بی توجه هستیم. درادامه همین مطلب عرض کنم که یاران حضرت دو نوع اند. برخی خواص هستند وانسانهای وارسته ای هستند که جرعه نوشان دائم الخمر از می صفای امام زمان"ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء"می باشد وجزء آن ۳۱۳ نفری هستند که در هنگام ظهور مشخص می شوند وبعضی یاران عام حضرتند. تمام شیعیان اگر به اقتضاء شیعه بودن خود عمل کنند واعمال خودرا مطابق اوامر اهل بیت"ع "قرار دهند ودر حد توان خود در طریق احیاء اسلام ناب وحفظ ارزشهای اسلامی بکوشند در زمرهٔ یاران عام حضرت هستند ودر صورت استمرار اعمال نیک خود وجان فدایی برای اسلام حتماً به محضر حضرتش راه می یابند وجزء یاران خاص محسوب می شوند. برای نیل به آرزویی که فرمودید خواندن بعضی دعاها واذکار که از طرف معصومین"ع "توجیه شده است، بسیار مؤثراست. نظیر دعای عهد، زیارت آل یاسین، دعای ندبه وسایر دعاها ونمازهایی که در انتهای کتاب شریف مفاتیح‌الجنان آمده است. البته واضح است که صرف قرائت این دعاها تأثیر چندانی نخواهد داشت بلکه تفکر در معانی ومفاهیم این ادعیه وعمل کردن به بعضی فرامین موجود در این دعاها منظور حقیقی از این دعا ها می باشد. مثلاً در معانی ندبه که به امام عصر ارواح من سواه فداه عرض می کنیم : "متی ترانا ونراک "کی می شود که شما را ببینیم وشما ما راببینید. باید تفکر نمود که چشمی که نمی بیند وکور است چشم ماست والا حضرت ما را می بیند وناظر بر اعمال وحتی نیات ما هستند پس این ندیدن فقط از جانب ماست و به خاطر کوری چشم دل ما می باشد" چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را "وسایر ادعیه ودعاها نیز چنین است. باید ضمن قرائت واشک وآه به کسب معرفت نیز توجه نمود. تمام آنچه ذکر شد انسان را به مقام منتظر حقیقی می رساند وانسان را شایسته ولایق دیدار روی دوست می گرداند. در روایتی جعفربن محمد الصادق، امام به حق ناطق"ع "در این خصوص می فرمودند" : هرکس مشتاق است از یاران قائم ما باشد، باید منتظر او باشد وپرهیزگاری بیشه سازد ودارای اخلاق نیکو باشد وبدینگونه انتظار آن روز را بکشد" "۱ "اما اینکه چگونه می توان از فیض وجود آن حضرت استفاده نمود، روایتی از جناب سلیمان اعمش، می گوید : از امام صادق"ع "پرسیدم : چگونه مردم می توانند از حجت غائب انتفاع برند؟ فرمودند : همان طور که از آفتابی که در ابرها پنهان است نفع می برند. اولاً : اینکه نور عالم هستی وعلم وهدایت به توسط آن حضرت به خلق خدا می رسد، زیرا با اخبار مستفیضه ثابت شده که ذوات مقدسه (ائمه اطهار) علت غائی ایجاد مخلوق عالمند، واگر آنها نبودند نور عالم بغیر آنها نمی رسید وهم ثابت شده که به برکت و وساطت وتوسل به آنها، علوم ومعارف حقه برای مردم آشکار می گردد وگرفتاریها از آنها برطرف می شود. واگر آنها نبودند مردم بوسیلهٔ اعمال زشت مستحق انواع عذاب الهی بودند چنانکه خداوند فرموده است" : وکان الله لیعذبهم وانت فیهم ("مادامی که تو"پیغمبر "در میان آنها هستی، خدا آنها را عذاب نمی کند") ۲ "ثانیاً : همان طور که شعاع خورشید به میزان روزنه ها وشبکه های خانه ها وارد

آن می شود و بقدر ارتفاع موانع خانه ها درآن می تابد، همچنین مردم نیز باندازه موانع حواس ومشاعر شان که عبارتست از: شهوات نفسانی وعلائق نفسانی که خود روزنه ها وشبکه های دلهای آنهاست، وهم بق...Лb...که پرده ای کثیف ها را از دلهای خود کنار زنند واز انواع هدایت و راهنمائی ائمه طاهرین"ع "استفاده می کنند. در پایان پاسخ را به گلی از بوستان معرفت امام راحل، خمینی عزیز مزین می نمایلٌ آید آن روز که خاک سرکویش باشم ترک جان کرده وآشفته رویش باشم ساغر روح فزا از کف لطفش گیرمغافل از هر دوجهان بستهٔ مویش باشم سرنهم برقدمش بوسه زنان تا دم مرگمست تا صبح قیامت زسبویش باشم همچو پروانه بسوزم برشمعش همه عمرمحو چون می زده در روی نکویش باشم رسد آن روز که در محفل رندان سرمستراز دار همه اسرار مگویش باشم یوسفم گر نزند برسر بالینم سر همچو یعقوب دل آشفته بویش باشم".۳ ("۱) ترجمه بهار،ج۱۳،ص۹۱۳ (۲) سوره انفال/۳۳ دیوان امام،مجموعه اشعار امام خمینی"رضوان ا...تعالی علیه"

چگونه می توانیم ازیاران حضرت مهدی(عج) شویم؟

پرسش

چگونه می توانیم ازیاران حضرت مهدی(عج) شویم؟

پاسخ

دردعای شریف عهد که معاهده ای است میان مؤمنین با امامشان حضرت مهدی سلام ا...علیه وسفارش شده مؤمنین صبحها با قرائت این دعا، با مولایشان تجدید عهد کنند، عبارات شریفی وارد شده که برای پاسخ به سؤال شما مناسب است" . اللهم اجعلنی من اعوانه وانصاره والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین لاوامره والمحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه (" خداوندا مرا از یاران مولایم مهدی" سلام ا...علیه "قراردهه، درزمره کسانی که درمولای خویش ذوب گردید.ودر برآوردن حوائجش شتاب می گیرند.آنانکه فرمانبر اوامر اویند، حمایت کننده اویند و سبقت گیرنده در انجام اراده مولامی باشند آنانکه دررکاب مولاجانشان را نثارش می کنند وتوفیق شهادت نصیبشان می گردد.) برادرم دراینجا توفیقی استمداد از خداوند متعال ضروی است" . وما توفیقی الا بالله ("تمام موفقیت ها از جانب حی متعال به انسان عطا می گردد) بویژه اینکه آرزوی نصرت ویاری امام زمان(عج) در رأس همه خوبیهاست وجز درخواست عاجزانه وازروی فقر وناچیزی واقرار به عدم قابلیتمان ودرنتیجه دستگیری خداوند مهربان میسر نمی باشد . درابتدای این فراز دعای عهد درخواست مؤمنین توفیق درباری کردن امام ونصرت دادن حضرت است ودرعبارات بعد این معنا توضیح داده شده است. خدایا مرا درامام زمانم ذوب فرما. ذوب شدن درامام بدون معرفت وشناخت جایگاه وحقیقت امام میسر نمی باشد اینکه انسان بداند امام" علیه السلام "خلیفه خداوند درزمین است وتمامی کمالات و خوبیها در عالیترین وجه خود درامام موجود است . تمام اختیارات عالم دردست امام قرارگرفته واو آئینه تمام نمای صفات خداست (آنچه خوبان همه دارند توتنها داری) مسلماً هرچه شناخت امام بیشتر باشد، امکان هم سنخ شدن با اهداف امام میسرتر است . ذوب شدن در امام به این معناست که حرکتی به سوی تحصیل خوبیهای امام در وجود خویش حرکت کند تا کم کم با مولای خود هم فکر و هم احساس گردد(به اندازه ای که درظرفیت ما می گنجد) وامام قبله وجودمان گردد تا مجذوب وعاشق وشیدای او شویم. درعبارات بعد داریم که : خداوندا مرا تابع و پیرو اوامر مولایم قرارده ودرآنچه اراده اوست بردیگران سبقتم ده وبا تمامی

اعضاءوجوارح و فکروخیال وتمامی قوای وجودیم مرا پشتیبان وهمراه با امامم قراربده تا جائی که وجودم وهستیم را نثار مکتب ومنش او کرده وتوفیق شهادت عایدم گردد. شاید سؤال کنید که چگونه می توانم به اوامرونواهی امام" علیه السلام "عالم گردم. پاسخ اینست که امام علیه السلام که آیت بزرگ الهی است درتمامی عرصه های عالم هستی حضور دارد ویکی از آن عرصه ها وجود خودماست. درهر لحظه به امام عصر(عج) متوجه ومتوسل گردی، می فهمی حاجت امام ورضایت ایشان درآن موقعیت چیست و چگونه عمل کردن تومورد تأیید امام است . همین فهم را بگیر وبه آن عامل باش. این فرمان امام"علیه السلام"است به تو.بشرطی که واقعاً منافع خود راکنار گذاشته باشید ودرخواست واقعی تو فهم پیام امام باشد . در توجه به این حقایق اگر مداومت وتکرار صورت دهید کم کم قلب شماآنها را باور کرده وزمینه سربازی وخدمت به امام عصر"علیه السلام " را فراهم خواهد ساخت. (انشاءا...)

– می گویند اگر ۴۰ تا مؤمن توی جهان باشد آقا امام زمان «عج » ظهور می کند. با وجود این همه مؤمن ۴۰ تا توی این جهان وجود ندارد !؟

پرسش

– می گویند اگر ۴۰ تا مؤمن توی جهان باشد آقا امام زمان «عج » ظهور می کند. با وجود این همه مؤمن ۴۰ تا توی این جهان وجود ندارد !؟

پاسخ

ج۲– در پاسخ پرسش دوم شما عرض می شود ،که آنچه از روایات درباره تعداد یاران حضرت ولی عصر عج » بدست می آید اینست که این تعداد متجاوز از ۴۰ نفر می باشد . در روایتی چنین آمده است :«مردی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام » پرسید چقدر با قائم خروج خواهند کرد ؟ مردم می گویند: به عدد بدر است «سیصد و سیزده تن» , فرمود خروج نمی کند مگر در اولی قوه (۱) که مفسران « اولی قوه» را به کمتر نبودن از ده هزار نفر تفسیر کرده اند و نیز فرموده است : خروج نمی کند تا اینکه حلقه تمام شود « ابو بصیر» پرسید حلقه چقدر است ؟ فرمودند : « ده هزار نفر» اینکه آیا ده هزار نفر به علاوه سیصدو سیزده تن است یا با آنها ده هزار نفر است و به طور قطعی معلوم نیست اگر چه ظاهر آن است که به علاوه باشد (۲) اما در روایت امام جواد «علیه السلام » چنین آمده است جمع میشوند به نزد حضرت اصحاب ایشان به عدد اهل بدر و سیصد و سیزده تن و اینست قول خداوند که { اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا ان .... علی کل شی قدیر} (۳) یعنی : «هر کجا باشید خداوند شما را جمیعا می آورد، زیرا که او بر هر چیزی قادر است. و در حدیثی دیگر از امام باقر « علیه السلام » در باره تعداد یاران حضرت فرموده اند : سوگند به خدا سیصد سیزده و اندی و عده پیشین گرد می آیند و در میان آنان پنجاه زن است. (۴) البته تعداد یارانی که حضرت را در امر خطیر نبرد با باطل همراهی می کنند باید دارای ایمان محکم و آهنین بوده و در هیچ شرایطی از یاری حضرت دست بر ندارند چنانکه در روایتی از شهر آشوب این ویژگی یاران امام مورد تأکید قرار گرفته است . ابن شهر آشوب بسند خود ار داوود رقی روایت می کند که گفت من در محضر حضرت امام صادق « علیه السلام » بودم که سهل بن حسن خراسانی بر آنحضرت وارد شد سلام داد و نشست و آنگاه عرض کرد : ای فرزند پیغمبر شما دارای رأفت و رحمت و خاندان امامت می باشید چه مانعی دارید که از گرفتن حق خود باز مانده اید و حال آنکه از شیعیان خود صد هزار تن خواهی یافت که پیشاپیش تو شمشیر خواهند زد ؟ امام « علیه السلام

www.noorfatemah.org

» فرمود :خدای حق تو را حفظ کند بنشین آنگاه رو به کنیز خود نموده فرموده : ای حنیفه این تنور را روشن ساخت تا آتش بر افروخته شد سپس رو به خراسانی نموده و فرموده : برخیز و در این تنور بنشین خراسانی عرضه داشت ای آقای من , ای فرزند پیغمبر مرا به آتش عذاب مکن و معاف فرما خدای ترا معاف فرماید : امام علیه السلام » فرمود: تو را معاف کردم در این اثناء هارون مکی (یکی از اصحاب آنحضرت) درحالیکه نعلین خود را انگشت سبابه داشت وارد شده گفت : السلام علیک یابن رسول الله امام جواب او را داده و فرمود : نعلین خود را بگذار و در میان تنور بنشین پس وی اطاعت کرده و نعلین خود را بر زمین گذاشته و در میان تنور نشست . آنگاه امام علیه السلام » شروع کرد اخبار خراسان را برای خراسانی بیان فرمود و گوئی آنحضرت خودش در خراسان حاضر و شاهد وقوع آن اخبار بوده است ولی خراسانی در ظاهر با امام صحبت می کرد و در باطن از دیدن این واقعه به خود می پیچید که آیا بر سر این مرد چه آمد ؟ پس از مدتی مذاکره به خراسانی فومود: برخیز و در تنور نگاه کن . خراسانی می گوید: من برخاسته و در تنور نگاه کردم و با کمال تعجب دیدم هارون در میان تنور چهار زانو نشسته و سپس به سوی ما بیرون آمد و سلام کرد . آنگاه امام « علیه السلام » رو به سهل بن حسن خراسانی نموده فرمود در خراسان چند تن مانند این شخص پیدا می کنی ؟ خراسانی عرض کرد؛ سوگند به خدا یک تن هم پیدا نخواهد کرد . امام فرمود : آری یک تن هم پیدا نخواهی کرد . پس آگاه باش که ما تا وقتی پنج تن که از ما پشتیبانی کنند پیدا نکنیم خروج نخواهیم کرد و ما خود بهتر می دانیم که چه وقت باید قیام کنیم . (۵) البته ؛غیر از وجود یارانی آهنین برای ظهور حضرت مهدی «عج» شرایط دیگری نیز , باعث تعجیل در امر فرج و ظهور ایشان می شود که مهمترین آنها مداومت در دعا برای تعجیل فرج است . اهتمام و مداومت در دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب الزمان «علیه السلام » با شرایط آن به قدر امکان سبب می شود که این امر زودتر واقع گردد و ظهور زودتر محقق یابد . دلیل بر این معنی حدیثی است که در بحار و غیر آن از عیاشی از فضل بن ابی قره آمده که گفت : شنیدم از حضرت ابی عبد الله صادق « علیه السلام » که فرمود : خداوند به ابراهیم وحی نمود که برای او فرزندی متولد خواهد شد پس آن حضرت این موضوع را با« ساره» در میان گذاشت ولی «ساره» گفت : آیا من خواهم زایید و حال آنکه پیر زن هستم ؟ پس خداوند به آن حضرت وحی کرد که «ساره» خواهد زایید و اولاد او چهارصدسال به زحمت و رنج می افتند به خاطر اینکه سخن مرا جواب گفت . امام صادق « علیه السلام » فرمود : پس هنگامی که فشار ها و شکنجه ها بر بنی اسرئیل طول کشید چهل صبح به درگاه خداوند ضجه و گریه کردند خداوند به موسی و هارون فرمود : که آنها را از فرعون خلاص نمایند پس صدو هفتاد سال را از آنها برداشت . (راوی گوید :) امام صادق « علیه السلام » فرمود : « همچنین شما اگر انجام دهید هر آینه خداوند بر ما فرج خواهد داد ولی اگر چنین نباشید البته این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد (۶) منابع : ۱-اصول کافی , ج ۱, ص ۳۷۸ /ح ۸۸۷ ۲- مهدی منتظر , حاج شیخ محمد جواد خراسانی ,ص ۲۲۸ ۳- قرآن کریم , سوره بقره ,آیه ۱۴۸ ۴- بحار الانوار ,ج ۵۲ ,ص ۲۲۳ ۵-حضرت صادق «علیه السلام » , فضل الله کمپانی , انتشارات دار الکتب الاسلامیه , ص ۱۱۲ -۱۱۳ , و قانون اساسی اسلام ,حسن فرید گلپایگانی ۶- مکیال مکارم , درمعرفت وولایت امام قائم «عج » ,سید محمد تقی موسوی خراسانی اصفهانی , ترجمه سید مهدی حائری قزوینی ,ص ۴۴۱ و بحارالانوار , ج ۵۲ , ص ۱۳۱ .

۲-خصوصیات و ویژگیهای خاص یاران امام و غربال شدن یاران ایشان چیست؟

پرسش

۲-خصوصیات و ویژگیهای خاص یاران امام و غربال شدن یاران ایشان چیست؟

پاسخ

ج۲- طبق روایات یاران خاص حضرت مهدی ۳۱۳ نفر می باشند، که همگی از تربیت شدگان مکتب ولایت و از عاشقان دلباخته خاندان عصمت و طهارت هستند. هنگام ظهور آن حضرت به گردش حلقه می زند و به یاری آن حضرت می پردازند از امام باقر «علیه السلام » نقل شده است که فرمود؛ گویا اصحاب قائم را می بینم که تمام شرق و غرب عالم را تحت سیطره خود در آورده اند ،در تمام دنیا چیزی نیست جز این که از آنها اطاعت میکند،حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز تلاش می کنند که رضایت آنان را جلب کنند چون یکی از آنها بر منطقه ای بگذرد آن قطعه زمین بر دیگر زمینها مباهات کند و گوید امروز یکی از یاران قائم بر روی من پای نهاد . ۳-در حدیث دیگری در همین رابطه از امام باقر«علیه السلام » روایت شده که فرمود قائم ۳۱۳ نفر را به تمام اقطار و اکناف عالم می فرستد، قبل از رفتن دست مبارکش را بر سینه و بین دو کتف آنها می کشد پس درهیچ حکمی فرو نمی مانند دیگر هیچ نقطه ای در روی زمین باقی نمی ماند ،جز اینکه به یکتایی خدا و پیامبری رسول خدا در آن گواهی داده می شود. غربال کردن یعنی: آن کسانی که خالص هستند و کارهایشان جز رضای خدا نیست برحسب روایات وارده تعداد نیروهای منحصر در ۳۱۳ نفر نیست، بلکه آنان یاران مخصوص حضرت هستند تا نیروی حضرت به ده هزار نفر نرسد آغاز به جنگ نخواهدکرد و علی الدوام به تعداد نیروهای آن حضرت افزوده خواهد شد و غلبه حضرت بر عالم هم ممکن است از طریق عادی و هم از طریق غیر عادی باشد،چنانکه برای پیامبر اینچنین بود. منابع : ۱-سیمای آفتاب , حبیب الله طاهری ۲-پادشه خوبان , علی اصغر لشکری ۳-نشانه های ظهور , محمد خادمی شیرازی ۴-رسالت جهانی مهدی , فریده گل محمدی آرمان

چگونه می توان جز اصحاب حضرت قائم بود با توجه به اینکه شهداء و صلحاء تاریخ ما تا کنون بسیار بیشتر از ۳۱۳ نفر بوده اند و این تعداد تعدادی محدود است.

پرسش

چگونه می توان جز اصحاب حضرت قائم بود با توجه به اینکه شهداء و صلحاء تاریخ ما تا کنون بسیار بیشتر از ۳۱۳ نفر بوده اند و این تعداد تعدادی محدود است.

پاسخ

منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و با اراده‌ای محکم، عزمی راسخ و برنامه‌ای دقیق به اصلاح افکار و اندیشه‌ها و نیز تغییر و اصلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و با آگاهی ازوظایف عملی و گسترش شناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش‌ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی ـ در هر محیطی که هستیم ـ به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلّی و ورود نور الهی آماده سازیم. بنابراین گناهان گذشته ـ هر چند زیاد باشد ـ نمی‌تواند مانع مهمی در راه رشد و کمال و پیوستن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می‌توان سیئات و بدی‌های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت

گماشت. قرآن راجع به حضرت مهدی(ع) و اصحاب ایشان می‌فرماید: الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات را [به مستحق] می‌بخشند و به معروف امر نموده و از منکر نهیمی کنند (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است». در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه‌کارهای زیر توجه فرمایید: ۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛ ۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛ ۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛ ۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛ ۵. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می‌شود و مورد بررسی قرار می گیرد؛ ۶. اکنون که در دوران تحصیل علم هستید، بیشترین توجّه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛ ۷. با مطالعه کتاب‌هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛ ۸. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل‌های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است. در مورد تعداد یاران حضرت مهدی(ع) که در روایت ۳۱۳ نفر ذکر شده است، این تعداد از سران حکومت و به اصطلاح کارگردانان حکومت امام(ع) و از کادرهای اصلی حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) می باشند. ولی تعداد زیادی دیگر در رده های پایین تر و طبقات دیگر حکومت سعادت بخش آن امام همام(ع) می باشند، چون در حکومت صالحان تمام بدنه حکومت باید از افراد صالح تشکیل گردد و علاوه بر کادرهای بالا و اصلی که متشکل از ۳۱۳ نفر است، رده های پایین تر باید اهل تقوا و صلاح باشند. برای تقویت توجه به حضرت ولی عصر(عج) مطالعه کتب مربوط به آن حضرت توصیه می شود از جمله: ۱. بحارالانوار، ج ۵۲ و ۵۱، ترجمه علی دوانی ۲. خورشید مغرب، استاد محمد رضا حکیمی ۳. وابستگی جهان به امام زمان(عج)، آیت الله صافی گلپایگانی ۴. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی

چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) مرد می باشند؟

پرسش

چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) مرد می باشند؟

پاسخ

آنچه که از اخبار و روایات استفاده می‌شود مدح و تمجید یاران حضرت مهدی(عج) بطور کلی و بدون لحاظجنسیّت خاص است مانند یخرج ناس من المشرق فیوطّئون للمهدی یعنی سلطانه ؛ در آخر الزمان «مردمی» از مشرقزمین خارج می‌شوند که زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی(عج) هستند{M، (کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۴۷۷). و یا به لحاظ فرهنگ محاورهفرمودند: المنتظر للثانی عشر کالشاهر سیفه بین یدی رسول الله(ص) یذبّ عنه ؛ کسی که منتظر واقعی امام دوازدهم باشددر فضیلت و ثواب مانند کسی است که در پیشگاه رسول خدا(ص) شمشیر از نیام بر کشیده، از آن حضرت دفاع می کند{M، (بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۱۳۹). و یا تعبیر

«افضل اعمال امّتی...» همه اینگونه تعابیر عام است و ما با تفحص در مظانّ اخبار و روایات چیزی کهدال بر خصوصیت باشد نیافتیم. بله ممکن است آن مجاهدین که به همراهی آنحضرت اقدام به جهاد علیه ستمگران می کنند مرد باشند و این بهلحاظ تسهیل بانوان در امر دشوار جهاد است، اما باز این مادران و زنان و همسران هستند که مردان و شوهران وفرزندان و برادران خود را با تهیج احساسات و عواطف پاک و تربیت صحیح و سالم آماده چنین میدان و صحنههایکارزار و ایثارگری می کنند. بنابراین وادی عشق به اهل بیت، خان کَرَم گستردهای است که هر مرد و زن سالک صالح را به خود دعوت می کند وپیامبر اکرم(ص) به عنوان مژده بزرگ می‌فرماید: یا فاطمه، اِبشری فانّ المهدیّ منک ؛ فاطمه جان بشارت بده کهمهدی(ع) از نسل تو و فرزند توست {M و اینچنین است که هم مهدی از نسل یک مادر بزرگ و ستوده است و هم یاران واصحاب او، مادران و خواهران وارسته و نیز مردانی که آنها تربیت کردند می‌باشند. برای بحث روایی و اطلاع از خصوصیات یاران امام مهدی(عج) رجوع کنید به: ۱ـ المحمدی الری شهری محمد؛ میزان الحکمهٔ، ج ۱، ذیل بحث الامامهٔ الخاصهٔ تحت عنوان امامهٔ القائم(عج)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی ۲ـ علامه مجلسی؛ مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار، ترجمه علی دوانی، تهران: دار الکتب الاسلامیه {J

یاران خاص

تعداد

تعداد یاران امام زمان ۷چند نفرند؟ چه تعدادی از آن ها مرد و چند نفر زن هستند؟

پرسش

تعداد یاران امام زمان ۷چند نفرند؟ چه تعدادی از آن ها مرد و چند نفر زن هستند؟

پاسخ

سیصد و سیزده , نفر هستهء اولیهء یاران امام زمان ۷را تشکیل می دهند. پنجاه نفر از آنان زن هستند وبقیه مرد می باشند.(۱) (پاورقی ۱.محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۲۲۳

آیا در میان اصحاب حضرت مهدی(ع) زنان نیز حضور دارند؟ آیا در احادیث اشارهای به نام آنها و نیز وظایف ایشان شده است؟

پرسش

آیا در میان اصحاب حضرت مهدی(ع) زنان نیز حضور دارند؟ آیا در احادیث اشارهای به نام آنها و نیز وظایف ایشان شده است؟

پاسخ

اشاره

بنا به نقل بعضی از روایت‌های صادره از معصوم(ع) وجود زن در یاران حضرت صاحب العصر(ع) امری حتمی است. امام باقر(ع) فرمود": حدود سیصد و سیزده نفر هنگام قیام حضرت یاور او خواهند بود که در میان پنجاه زن نیز وجود دارد.("۱) مردی از اهل کوفه از امام صادق(ع)، درباره تعداد افرادی که با حضرت قائم آل محمد(ع) خروج می کنند، پرسید؛ حضرت در جواب به تعداد نفرات اشاره نفرمود و فقط گفت": افرادی که با حضرت همراه می‌شوند، از قدرت فوق العاده‌ای برخوردارند.("۲) آیه شریفه "أینما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً "می‌تواند تفسیری بر اجتماع یاران حضرت باشد. در هر حال حکایت سیصد و سیزده نفر حکایت تفسیر یاران هنگام ظهور است و البته حضرت وقتی قیام کرد، یاوران و همراهان حضرت بسیار بیشتر از این خواهند بود. وجود زنان در میان خواص و وزیران مهدی(ع) نشان دهنده اوج و عظمت والای بانوان در انقلاب جهانی است. کلمه" رجل "که در روایات به کار رفته، علامت تغلیب است، نه حصر. در روایات عامه نیز از وجود زنان در نهضت مهدی(ع) یاد شده است.(۳) پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳. ۲. همان، ص ۳۲۴. ۳. مجله حوزه، ویژه نامه حضرت صاحب العصر(ع)، شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۲۹۷.

پرسش

یاران امام زمان(ع) در روایت ۳۱۳ نفر هستند. پس بقیهٔ مردم چه نقشی دارند؟

یاران امام زمان(ع) در روایت ۳۱۳ نفر هستند. پس بقیهٔ مردم چه نقشی دارند؟

پاسخ

در برخی روایات تعداد یاران امام زمان(ع) ۳۱۳ ذکر شده است.[۱۸] امام صادق(ع) فرمود": گویا نگرم قائم را بر منبر کوفه و ۳۱۳ نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده اند به شمار اهل بدر.["۱۹] در برخی روایات دیگر تعداد یاران امام زمان(ع) ده هزار بیان شده است.[۲۰] از روایات دیگر استفاده می شودکه مهدی، میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد.[۲۱] روایات دیگر بدون ذکر تعداد یاران امام، به تعداد انبوهی اشاره می کند.[۲۲] در جمع بین این روایات می توان یاران امام زمان(ع) را به سه گروه تقسیم نمود: ۱) تعدادی از یاران افراد خاص و اصحاب ویژه هستند که ۳۱۳ نفر هستند. این تعداد پارسایان، قاطع، دین مدار و ... بوده و فرمانبر ترین افراد هستند. این ها در همهٔ زمینه ها یاور امام بوده و هستهٔ مرکزی حکومت را تشکیل می دهند. در برخی انقلاب های دیگر نیز در ابتدا افراد ویژه ای وجود دارند که مشاوران امین رهبری بوده و سیاست های کلی انقلاب و حکومت را تعیین می کنند. در ابدای شکل گیری انقلاب اسلامی ایران افراد خاصی وجود داشت که امام را در شکل گیری انقلاب، سپس در تشکل حکومت یاری کردند. ۲) تعداد دیگری از یاران امام را کسانی تشکیل می دهند که در شکل گیری انقلاب و تشکیل حکومت نقش بنیادی دارند، گرچه این تعداد شاید مانند ۳۱۳ نفر تأثیر گذار نباشند. ۳) دستهٔ سوم تودهٔ مردم هستند که نقش بنیادی در حکومت عدالت گستر و قانون مند دارند. مردم ستون فقرات نظام را تشکیل می دهند. امام زمان(ع) بعد از تشکیل حکومت و پیروزی بر مخالفان با بهره گیری از تودهٔ مردم سیاست و استراتژی خویش را اجرا می کنند. در یک حکومت جهانی همهٔ مردم حضور داشته و هر کدام نقش ایفا می کند. مردم به عنوان شهروندان در حکومت امام زمان حقوقی دارند که رعایت آن ها لازم است. البته نقش آفرینی سه گروه یکسان نبوده و گروه اوّل نقش بیشتری در پیروزی و تشکیل حکومت دارند، زیرا در ابتدا حضرت با ۳۱۳ نفر قیام می کنند بعد دیگران به حضرت می پیوندند. بعد از تشکیل حکومت جهانی، همهٔ مردم در حکومت نقش آفرینی می کنند. [۱۸] بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱. [۱۹] شیخ صدوق، کمال الدین و تمام الغمه، ص ۶۷۲. [۲۰] نعمانی، الغیبه، ص

۳۰۷. [۲۱] سید بن طاووس، الملاحسن والفتن، ص ۶۵. [۲۲] بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۳۱۶.

چه تعداد از یاران امام زمان(عج) از طالقان و قم می باشند و آن وجود گرامی را همراهی می کنند؟

پرسش

چه تعداد از یاران امام زمان(عج) از طالقان و قم می باشند و آن وجود گرامی را همراهی می کنند؟

پاسخ

یکی از مسائلی که نمی توان به طور قاطع دربارهٔ آن سخن گفت: تعداد یاران امام زمان(ع) و ویژگی های آنان است که آیا آن ها از دنیا رفته اند و یا متولد شده اند و از کدام سرزمین هستند؟ البته در برخی از روایات تعداد یاران امام زمان(ع) ۳۱۳ نفر یاد شده است.[۲] و در برخی از روایات دیگر آمده است که برخی از یاران امام از طالقان هستند. امام علی(ع) فرمود": مرحبا به مردم طالقان! زیرا خدای توانا گنج هایی در بین آنان نهفته که طلا و نقره نیستند، ولی مردانی هستند که خدا را آن طور که باید و شاید شناخته اند. ایشان هستند که در اخر زمان از انصار مهدی به شمار می روند."۲[۳] در برخی از متون دین آمده است که تعداد یاران امام زمان(ع) که از طالقان هستند ۲۴ نفر هستند.[۴] البته مقصود از این که طالقان کدام شهر است دقیقاً مشخص نیست؛ زیرا مکانی به نام طالقان در ایران و افغانستان وجود دارد و شاید در کشورهای دیگر نیز شهرهایی به نام طالقان وجود داشته باشد. همچنین اصحاب و یاران حضرت مهدی که از شهر قم باشند، دقیقاً معلوم نیست، ولی سید بن طاووس در کتاب ملاحم و فتن از اصبغ بن نباته نقل می کند که یک روز حضرت علی (ع) دربارهٔ اوصاف حضرت مهدی (ع) و تعداد یارانش سخن می گفت. اسامی برخی از آنان و شهر ها را نام برد: از بصره دو نفر، از اهواز یک نفر، از منا یک نفر، از شوشتر یک نفر ... از طالقان ۲۴ نفر، از قم ده نفر که نام آنان با نام اهل بیت پیامبر (ص) مطابق است. از خراسان یک نفر ، از اصفهان چهار نفر و ... .(۵) در برخی از منابع تعداد زنانی را که از اصحاب آن حضرت خواهند بود، پنجاه نفر شمرده اند. امام باقر(ع) فرمود ": به خدا قسم ! سیصد و سیزده نفر که در میان آنان پنجاه زن می باشند، همانند پاره های ابر پاییزی بدون قرار قبلی در مکهٔ معظّمه جمع می شوند و با او میان رکن و مقام بیعت می کنند.("۶) پاورقی [۲]لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴ _ ۵۹۶ و اعیان الشیعه، ج۲ ص ۶۵۴. [۳]ینابیع الموده، ص ۲۴۴. [۴]اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۶۵۳ _ ۶۵۴. ۵.حمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۱۷۰ ۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

منظور از این که یاران امام زمان(عج) فقط ۳۱۳ نفر می‌باشند چیست و چه تعداد از این یاران مرد، زن، یا جوان می‌باشند؟

پرسش

منظور از این که یاران امام زمان(عج) فقط ۳۱۳ نفر می‌باشند چیست و چه تعداد از این یاران مرد، زن، یا جوان می‌باشند؟

پاسخ

درخصوص تعداد یاران امام زمان(ع) روایات و متون دینی اختلاف دارند. از برخی روایات استفاده می‌شود که تعداد یاران امام زمان(ع) ۳۱۳ نفر هستند.(۱) مفضل بن عمر از امام صادق(ع) گزارش نمود": گویا می‌نگرم قائم را بر منبر کوفه و ۳۱۳ نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده‌اند، به شمار اهل بدر("۲) در برخی از روایات دیگر، تعداد یاران امام زمان(ع) ده هزار بیان شده است. ابوبصیر از امام صادق(ع) روایت می کند": تا حلقه کامل نگردد، قائم خروج نمی کند... کامل شدن حلقه ده هزار نفر است." همچنین در روایات دیگر تعداد یاران امام از دوازده تا پانزده هزار ذکر شده است.(۳) مضافاً بر این که در برخی روایات دیگر به توده‌های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان، به ویژه مشرق زمین به کمک امام می‌شتابند.(۵) بنابراین مقصود از آن دسته روایات که تعداد یارن امام را ۳۱۳ نفر ذکر کرده، آن نیست که یاران امام تنها همان تعداد هستند. شاید منظور این باشد که این تعداد فرماندهان و وزیران و از یاران خاص امام باشند که در آغاز، هسته‌های اصلی نیروها را برعهده دارند و پس از پیروزی، برای ارشاد و دادرسی و کارگزاری به سرزمین‌های دور و نزدیک فرستاده می‌شوند. امام صادق(ع) فرمود": آنان پرچمداران لشکرها و کارگزاران امام روی زمین هستند "از این گروه، به" نقباء" "خواص "و" ذخرالله "تعبیر شده است.(۶) شاید منظور از ۳۱۳ کسانی باشند که نخستین گروندگان به حضرت هستند که در انتظار ظهور موعود در مکه می‌باشند. با گرد آمدن این گروه، دعوت حضرت آغاز می‌شود. پس از انتشار خبر و گزارش آن، دیگر یاران امام زمان به آنها ملحق می‌شوند. امام صادق(ع) فرمود": سیصد و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه اقامت کرده، پس رهسپار مدینه می گردد("۷) علامه مجلسی همین معنا را از روایات استنباط کرده و می‌نویسد": یاران مهدی، منحصر به ۳۱۳ نفر نیستند، بلکه این شمار یارانی هستند که حضرت به کمک آنان حرکت را آغاز می کند.("۸) در بعضی از روایات آمده است که تعدادی از یاران امام زمان(ع) را زنان تشکیل می‌دهند. امام باقر(ع) فرمود": سوگند به خدا، سیصد و اند نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند در میان آنان پنجاه زن است("۹) وجود زنان در میان خواص و وزیران مهدی نشانگر اوج و عظمت والای زنان در انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع) است. یاران مهدی (ع)، از صنف و نژاد ویژه‌ای نیستند، بلکه از گروهها و نژادهای گوناگون و از سراسر جهان هستند.(۱۰) و اکثریت قریب به اتفاق یاران امام زمان(ع) را جوانان تشکیل می‌دهند. امام علی(ع) فرمود": یاران مهدی همه جوانانند و پیر و کهنسال در میان آنان وجود ندارد، جز تعداد اندکی که مانند سرمه برای چشم و نمک برای غذا لازم هستند البته کم‌ترین چیز مورد نیاز در غذا نمک است.("۱۱) یاران جوان در این که مقصود از جوان بودن چیست، دقیقاً نمی‌توان اظهار نظر کرد آیا مقصود از جوان بودن آن است که یاران حضرت از نظر سنی جوان هستند و یا از نظر روحیه و قدرت؟ کوتاه سخن این که یاران حضرت مهدی(ع) در انحصار ۳۱۳ تن نیست. این تعداد، گویای نخستین گروندگان به حضرت، یا گویای حلقه اولیه از فرماندهان و کارگزاران حضرت، یا گویای تعداد نفراتی است که امام در آغاز حرکت با این عده حرکت می کند. میان یاران اولیه؛ یعنی ۳۱۳ تن طبق روایت پنجاه زن وجود دارد اکثر قریب به اتفاق یاران حضرت مهدی را جوانان تشکیل می‌دهند. پی نوشت‌ها: ۱ – بحارالانوار، ج۵۲، ۳۴۱؛ نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۵؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۶. ۲ – الغیبة نعمانی، ص ۳۰۷. ۳ – سید بن طاووس، الملاجم و الفتن، ص ۶۵، به نقل از مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۹۵. ۴ – ارشاد مفید، ج۲، ص ۳۸۳. ۵ – مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع) ص ۲۹۶؛ بحارالانوار، ج۵۳، ص ۷. ۶ – ارشاد مفید، ج۲، ص ۳۸۳. ۷ – بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۲۳. ۸ – بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۲۳. ۹ – ینابیع الموده، ص ۲۴۹.ؤ ۱۰ – بحارالانوار، ج۵۳، ص ۳۳۴؛ نعمانی، پیشین، ص ۳۱۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۴.

یاران امام زمان (عج) چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟

اشاره

www.noorfatemah.org

در مورد ۳۱۳ نفر انصار امام زمان" ع "که از چه شهرستانهایی هستند توضیح بفرمایید. یاران حضرت مهدیغ چند نفر و از کدام کشور می‌باشند؟

پرسش

یاران امام زمان (عج) چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟ در مورد ۳۱۳ نفر انصار امام زمان" ع "که از چه شهرستانهایی هستند توضیح بفرمایید. یاران حضرت مهدیغ چند نفر و از کدام کشور می‌باشند؟

پاسخ

پاسخ اول بنابر نقل روایات اصحاب و یاران خاص آن حضرت ۳۱۳ نفر به تعداد یاران رسول خدا (ص) در غزوه بدر خواهدبود که تعداد آنان از شهرهای مختلف مشخص است و ما بعضی از آنها را ذکرمی کنیم : ۲۴ نفر از طالقان ، ۱۸ نفر از قم ، ۱۴ نفر از کوفه ، ۱۲ نفر از هرات ، ۱۲نفر از مرو، ۳ نفر از سجستان ، ۳ نفر از رقه ، (نزدیک مرز سوریه و ترکیه است) ، ۱۲ نفر از گرگان ، ۹ نفر از بیروت ، ۸ نفر از مداین ، ۸ نفر از نیشابور،۳ نفر از بصره ، ۳ نفر از خابور (نزدیک مرز عراق و سوریه در استان حسکه ودیرزور) ، ۷ نفر از ری ، ۷ نفر از طبرستان (مازندران) ، ۶ نفر از یمن ، ۵ نفر ازطوس (مشهد) ، ۳ نفر از دمشق ، ۲ نفر از مدینه منوره ، ۵ نفر از تفلیس ، ۴ نفراز همدان ، ۴ نفر از دیلم ، ۴ نفر از زنجار، ۴ نفر از فسطاط (در کشور عراق) ، ۲نفر از سبزوار و بقیه از سایر شهرها و مناطق خواهند بود . در این مورد به کتاب ((منتخب التواریخ ، ص ۱۱۱۹)) مراجعه کنید .کتاب های دیگر؛ مانند ((الزام الناصب)) از سوی اهل سنت نیز مطالب فوق را توضیح داده است ; ( ) . حضرت صادق (ع) فرمود: هنگامی که صاحب الزمان ظهور نمود، جوانان شیعه بدون وعده ی قبلی، در همان شب خودشان را به مکه می رسانند. (۱) شرق و غرب جهان را اشغال می کنند، تمام موجودات جهان را مسخر می گردانند، هر یک از آنها نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است به طوریکه اگر در راه هدف به کوههای آهن برخورد نمایند آنها را پاره می کنند و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود از جنگ دست نمی کشند ("۲) منابع و مآخذ: ۱ـ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۷۰ ۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۷۹ تا ۳۸۰ پاسخ دوم الف مطابق آنچه در بیشتر روایات آمده است یاران ایشان ۳۱۳ نفر ... ـ به تعداد رزمندگان جنگ بدر ـ می‌باشد اما با توجه به برخی روایات دیگر، این افراد از یاران خاص و بااخلاصی هستند که قبل از دعوت علنی حضرت در مکّه به دور وی جمع می‌شوند.(۱) سپس حضرت دعوت را آشکار می کنند و در این هنگام حداقل ۱۰ هزار نفر برای یاری ایشان نزد ایشان می‌آیند تا اینکه قیام ایشان شروع می‌شود.(۲) ب مطابق روایات یاران خاص حضرت از شهرهای متفاوت و کشورهای مختلف می‌باشد بعنوان مثال از ایران از شهرهای همدان و قزوین و قم و گرگان و...، از عراق از شهرهای کوفه و بصره و موصل از شهر صنعا در یمن از شهر قیروان در تونس از شهر اسوان در مصر، از شهر یافا در فلسطین و...(۳) در پاره‌ای از روایات آیه ۱۴۸ سوره بقره" فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَ تِ أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا ;در کارهای نیک سبقت بگیرید، هر کجا که باشید خداوند همه شما را خواهد آورد ".بر جمع شدن یاران خاص و یاکل شیعیان برای قیام حضرت تطبیق شده است (۴) ج با توجه به اشاره‌هایی که در روایات شده است ایرانیان بخش اصلی یاران حضرت را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در قیام حضرت دارند. برای مطالعه بیشتر پیرامون این موضوع می‌توانید به کتاب عصر ظهور ـ نوشته علی الکورانی العاملی ـ ترجمه عباس جلالی ـ انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی ـ سال ۱۳۷۱، ص ۲۴۰ تا

۲۶۰ مراجعه کنید. پاورقی ۱)(کمال الدین و تمام النعمهٔ شیخ صدوق انتشارات جامعه مدرسین باب ۳۶ (روایات امام جواد) حدیث ۲ ـ ج ۲، ص ۳۷۷ / همچنین معجم احادیث‌الامام المهدی‌علی الکورانی العاملی ج ۵، ص ۳۹. قم / مؤسسه معارف الاسلامیه ۱۴۱۱.) ۲)(کمال‌الدین شیخ صدوق باب ۵۷ (علامات الخروج ، حدیث ۲۰، ص ۶۵۴ / همچنین معجم احادیث امام‌المهدی ج ۵، ص ۳۸.) ۳)(دلائل‌الامامه ـ ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری ـ مؤسسه بعثهٔ قم ۱۴۱۳، ص ۵۵۴ـ۵۶۶، به نقل ابوبصیر از امام صادق همچنین معجم احادیث الامام المهدی ج ۳، ص ۱۰۴، روایت ۶۴۷ به نقل از امیرالمؤمنین) ۴)(روایت امام رضا در تفسیر عیاشی ذیل آیه فوق / همچنین معجم احادیث الامام المهدی ج ۵، ص ۳۸.)

چرا قرآن کریم تعداد یاران حضرت مهدیغ را ۳۱۳ نفر اعلام کرده است

پرسش

چرا قرآن کریم تعداد یاران حضرت مهدیغ را ۳۱۳ نفر اعلام کرده است

پاسخ

تعداد یاران حضرت مهدیغ در قرآن کریم بیان نشده است در روایات می‌خوانیم که تعداد یاران آن حضرت ۳۱۳ نفر است و این بدین معنا نیست که آن حضرت تنها ۳۱۳ نفر یار دارد، یاران آن حضرت فراوان است افراد نزدیک به آن حضرت و فرماندهان لشگر او به این تعداد است و گفته شده کسانی که در آغاز قیام حضرت گرد او جمع می‌شوند، این تعداد هستند.(ر.ک بحارالانوار، علامهٔ مجلسی ج ۵۲، ص ۳۲۳، مؤسسهٔ الوفأ، بیروت)

آیا امام زمان‌علیه‌السلام غیر از ۳۱۳ نفر اصحاب دیگری نیز دارند؟

پرسش

آیا امام زمان‌علیه‌السلام غیر از ۳۱۳ نفر اصحاب دیگری نیز دارند؟

پاسخ

از روایات استفاده می‌شود که اصحاب امام زمان (ع) بعد از ظهور از ده هزار نفر کمتر نیست. محمّد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود..."؛ هر گاه برای او حضرت مهدی (ع)- ده هزار مرد جمع شد، پس در روی زمین معبودی به جز خدا باقی نمی‌ماند. {"...پاورقی . همان. پاورقی} در اینکه مقصود از این روایات وروایاتی که اصحاب حضرت را ۳۱۳ نفر معین کرده چیست چند احتمال است: ۱ - دو دسته کردن اصحاب حضرت به جهت اختلاف در درجات اخلاص آنها است، به این نحو که ۳۱۳ نفر از آنها در کمال درجه اخلاص‌اند، وبقیه تا ده هزار نفر یا ده هزار نفر دیگر در مرتبه‌ای پایین‌ترند. ۲ - اختلاف دو دسته در سرعت ملحق شدن آنها ورسیدن آنان به حضرت مهدی (ع) است، به این نحو که ۳۱۳ نفر از دیگران زودتر به حضرت ملحق

می‌شوند. ۳ - اختلاف در سرعت ایمان وبیعت نمودن با حضرت است. ۴ - اختلاف در دفاع نمودن از حضرت باشد به این معنا که ۳۱۳ نفر اولین دسته‌ای است که حضرت را یاری خواهند نمود. ۵ - اختلاف به لحاظ وظایف وکارهایی است که به جهت اختلاف درجات اصحاب به آنها محوّل خواهد شد. مثلاً ۳۱۳ نفر از فرماندهان ورئیسانند، بر خلاف بقیه افراد.

۱ـ صفات۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج) چیست؟

اشاره

۲- آیا ۳۱۳ نفر دولت تشکیل می دهند؟ ۳- یاران امام زمان(عج) در کجا به حضرت می پیوندند؟

پرسش

۱ـ صفات۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج) چیست؟ ۲- آیا ۳۱۳ نفر دولت تشکیل می دهند؟ ۳- یاران امام زمان(عج) در کجا به حضرت می پیوندند؟

پاسخ

ج۱ـامام عصر در انتظار آنان به سر می برند، آنان از اقصی نقاط عالم جمع می شوند ، نخستین بیعت کنندگان با حضرتند ، مدافعان مخصوص و محافظان ویژه امام زمانند ،پرچمدار و حاکمان روی زمینند ، کسانی هستند که در یک ساعت از اطراف عالم به محضر امام زمان می رسند ، آنان با نام ونسب و نام پدر در نزد اولیای دین معروفند ، به دلیل آنکه دست خدا همراه آنهاست همیشه پیروز وثابت قدم هستند ، کف دست وکف پا کلید قضا و رمز عبور از دریا است ، در مرتبه ای از علم و تقوی و معرفت قرار دارند که همه کائنات در برابر آنها سر تسلیم فرود می آورند ، سر آمد روزگار هستند وکسی یارای مقابله با آنها را ندارد ،۵۰نفر از۳۱۳نفر یاران امام، زن هستند. ج۲- آری حکومت تشکیل می دهند هنگام ظهور حضرت حجت عج) پشت کعبه به می دهند و میفرمایند « ای مردم , هر کس می خواهد , آدم و نوح و فرزندانش , ابراهیم و اسماعیل, موسی و یوشع«علیه السلام » , و عیسی «علیه السلام » را ببیند منم , هرکس می خواهد , حضرت محمد «صلی الله علیه واله » و علی « علیه السلام » نظرکند بمن نگاه کند هرکه می خواهد به حسن و حسین « علیهم السلام » و فرزندان حسین « علیه السلام » نظر کند مرا نظاره کند پس اجابت کنید مرا و من امروز شما را به آنچه تا کنون هشدار داده، نداده, هشدار میدهم (۱) یاران امام ۳۱۳ نفرند که از نقاط مختلف جهان گرد حضرت جمع میشوند و در مکه با آن حضرت بیعت میکنند , خداوند قلوبشان را بهم الفت داده و از احدی ترس ووحشت ندارند مرادنی هستند که قلوبشان محکم و شک و تردید در کارشان که الهی است ندارند شعارشان « یا لثارت الحسین «علیه السلام » است. یعنی : انتقام گیرندگان خون حسین« علیه السلام » در هنگام ظهور حضرت مهدی «عج» ندای از آسمان شنیده میشود که { ایها الناس ان الله قطع عنکم مده الجبارین و ولی الامر خیر امته محمد (صلی الله علیه و اله) فالحقوا بمکه } (۲) ترجمه :« ای مردم عالم خداوند حکومت و ریاست ستمگران و جباران را به پایان رساند و و لایت و سروری بهترین اشخاص است و محمد«صلی الله علیه واله » را برای شما قرار داد به مکه هجوم آورید و به یاران حضرت مهدی (عج) ملحق شوید . ج۳- : امام عصر « علیه السلام »

در روز و ساعتی مشخص در مکه ظهور کرده و یاران او چون پروانه های عاشق از سراسر جهان به گرد او جمع می شوند . ابتدا یاران خاص حضرت یعنی: همان ۳۱۳ نفر خود را به مکه رسانده و با امام « عج » بیعت می کنند. این تعداد از کل نقاط مختلف جهان هستند که تعداد هر چند نفر از کدام شهر در کتاب المهدی(ع) مکتوب است , امام (عج) مدتی درمکه مانده و بعد بسوی مدینه حرکت میکند فضل بن عمر از امام صادق « علیه السلام » سوال کرد حضرت مهدی (عج) با مردم مکه چه می کند ؟ فرمودند : آنها را دعوت به حکومت و موعظه حسنه می کند آنها هم از وی اطاعت می نمایند، آنگاه مردی از خاندان خود را در آنجا به نیابت خود منصوب داشته و مکه را بقصد مدینه ترک میگوید، مفصل پرسید در مدینه چه می شود ؟ امام « عج » فرمودند: امام عصر پس از مبارزاتی در مدینه با سپاه خود بسوی عراق و کوفه می آید در کوفه با سید حسنی ملاقات کرده و سید حسنی و سپاهیانش با امام (ع) بیعت میکنند (۳) امام زمان « عج» مرکز حکومتش کوفه است و محل حکومت در مسجد جامع کوفه و جایگاه تقسیم غنائم و بیت المال مسجد سهله است طول شهر کوفه زیاد میشود تا مجاور کربلا میگردد و در آن ایام کربلا را محل رفت و آمد فرشتگان و مؤمنین خواهد نمود و برکت و نعمت را در آن سرازیر خواهد کرد امام « عج » شرق و غرب جهان را فتح کرده و اسلام را بر سراسر جهان حکمفرما می سازد او طبق سنت پیامبر «صلی الله علیه واله » و کتاب خدا و سیره اهل بیت گرامیش عمل می کند مانند جدش علی « علیه السلام » غذایش ساده , لباسش خشن است , در حکومت امام « عج » برکات زمین آشکار و ثروت و نعمت .... بسیار میشود ... خدا ان شاء الله ما و شما را جز ء اصحاب و یاران و منتظرین ایشان قرار دهد. موفق باشید منابع : ۱-مهدی موعود , علی دوانی , ۲-رهبر جاودان , زندگی امام زمان «عج» محمد خاص . ۳-در محضر لاهوتیان , زندگی عارف جعفر مجتهدی ۴-توبه زیبا ترین پوزش. ۵-پژوهشی دقیق در زندگی امام علی بن موسی الرضا «علیه السلام » , محمد صالحی

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پرسش

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پاسخ

این که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر هستند مطلب صحیحی است ولی منظور یاران خاص و فرماندهان لشکرهای حضرت می‌باشد، زیرا شکی نیست که همه مؤمنین و مؤمنات در آن زمان از یاران و یاوران آن حضرت می‌باشند وحتی گروهی از مؤمنین زمان‌های گذشته زنده می‌شوند و در رکاب حضرت بر علیه کفر مبارزه می‌نمایند به همین جهتدر دعای عهد می‌خواهیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که در رکاب حضرت وجود داشته باشیم. افزون بر آنبیان واقعیت نباید موجب یأس و دلسردی بشود، بلکه منطقا هر کس باید تلاش کند که خود را به حد اعلای کمالاتبرساند تا در ردیف یاران ویژه آن حضرت قرار گیرد. ظاهراً این ۳۱۳نفر که در روایات آمده است , از طلایه داران و پیشگامان نهضت حضرت مهدی ۷هستند ;زیرا در دیگر روایات یاران آن حضرت ده هزار,(۱) دوازده هزار, پانزده هزار(۲) و حتی به عنوان توده های انبوه ,(۳) یاد شده است . پس احتمال دارد این گروه اندک , یعنی ۳۱۳نفر, فرماندهان و وزیران امام باشند که در آغاز, هسته های اصلی نیروها را بر عهده دارند و پس از پیروزی برای ارشاد و دادرسی و کارگزاری به سرزمین های دور و نزدیک فرستاده می شوند. امام صادق ۷می فرماید: .(۴) از این گروه به نقبا, خواص و

ذُخْرالله تعبیر شده است .(۵) اگر خوب دقت کنیم این افراد باید مؤمن کامل باشند تا بتوانند جهانی را اداره کنند. اگر بخواهیم مثال بزنیم ,باید بگوییم آن حضرت به ۳۱۳یاور همچون امام خمینی (ره) نیاز دارد تا بتواند دنیایی با این گستردگی وپیچیدگی را به انقلابی بزرگ رهنمون گردد. به امید آن روز. ۱)(پاورقی ۱.نعمانی , الغیبهٔ, ص ۳۰۷ به نقل از مجله حوزه , ص ۲۹۴ ۲)پاورقی ۲.سید بن طاووس , الملاحم والفتن , ص ۲۹۵ ۳)(پاورقی ۳.محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۶ ص ۲۹۵ ۴)(پاورقی ۴.شیخ صدوق , کمال الدین , ص ۴۷۳ ۵)(پاورقی ۵.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۷

آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید.

پرسش

آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید.

پاسخ

در مورد تعداد یاران حضرت مهدی (عج): سه دسته روایات وجود دارد دسته اول : روایات متعدد (مستفیض) از ائمه (ع) به ما رسیده است که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر به تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر هستند, (منتخب الاثر, صافی گلپایگانی , الفصل السابع , الباب الخامس , بیست و پنج روایت را با این مضمون گردآوری کرده است) و در منابع روایی اهل سنت نیز همین تعداد به عنوان یاران حضرت مهدی بیان شده است , (مجمع الزوائد و منبع الفوائد, نور الدین هیثمی , ص ۱۱۹ ;الحاوی للفتاوی السیوطی , ج ۲, ص ۱۵۰, هر دو کتاب در الموسوعه الامام المهدی , به نقل از ((چشم به راه مهدی)), جمعی از نویسندگان , دفتر تبلیغات اسلامی حوزه , ص ۳۶۵). دسته دوم : روایاتی که یاران ایشان را ده هزار نفر ذکر می کند, (الغیبه , نعمانی , ص ۳۰۷ ;بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۰۶ و ۳۲۶). دسته سوم : روایاتی که می گوید تمام شیعیان در گرد حضرت جمع می شوند و یا می گوید اهل شرق و غرب زمین با نهضت او همراه می شوند, (منتخب الاثر, صافی گلپایگانی , الفصل السابع , الباب السادس , ص ۵۹۷). نتیجه ی جمع این روایات , با توجه به قرائن و شواهدی که از خود همین روایات استفاده می شود این است که یاران خاص حضرت که ۱) یاران خاص حضرت که هسته اصلی نیروها را تشکیل می دهند و فرماندهان و کارگزاران حضرت مهدی (عج) هستند, سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر می باشند: ((امام صادق (ع): گویا می نگرم به قائم (عج) بر فراز منبر کوفه , در حالی که یارانش پیرامون او حلقه زده اند. آنان پرچمداران و کارگزاران امام بر روی زمین هستند))، (کمال الدین , ص ۶۷۳). از یاران خاص یعنی ۳۱۳ نفر, در روایات تعبیر به ((نقبائ)) و ((خواص)) نیز شده است , (بحارالانوار, ج ۵۳, ص ۷). این عده , کسانی هستند که خداوند آنان را از قبل از ظهور حضرت مهدی (عج), به سبب قابلیت و لیاقتشان برگزیده است , (همان مصدر). یاران خاص (۳۱۳ نفر) نخستین کسانی هستند که گرد حضرت جمع می آیند و دعوت جهانی امام مهدی با آنان شروع می شود پس از آشکار شدن دعوت حضرت , تعداد ده هزار نفر, کسانی هستند که به امام (ع) می پیوندند و به عنوان هسته اولیه نیروهای حضرت , تحت فرماندهی همان ۳۱۳ نفر, قیام جهانی امام زمان با این عده آغاز می شود: ((امام جواد(ع): زمانی که سیصد و سیزده نفر از یاران خاص امام قائم به خدمت آن بزرگوار رسیدند حضرت , دعوتش را به جهانیان آشکار می کند و وقتی این تعداد به ده هزار نفر رسید, به اذن خداوند متعال قیام مسلحانه می کند))، (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۲۸۳, حدیث ۱۰). و در ادامه ی نهضت , توده های انبوه مردم از

سراسر جهان که در انتظار منجی بشریت به سر می برند و از ظلم و ستم به ستوه آمده اند, به ایشان می پیوندند, (منتخب الاثر, الفصل السابع , الباب السادس , ص ۵۹۷ ;الملاحم و الفتن , سید ابن طاووس , ص ۶۵). ۲. این که آیا یاران خاص یعنی ۳۱۳ نفر, تاکنون تکمیل شده اند یا نه ؟ مانند بسیاری از امور دیگر برای ما معلوم نیست چون در مورد این نفرات , تنها جز شمردن صفاتی از آنان , در روایات نام آنان به خصوص ذکر نشده جز برخی افراد مثل اصحاب کهف , سلمان , مالک اشتر, (رجعت , علامه مجلسی , کانون پژوهش , اصفهان , چاپ اول , ص ۴۵). ۳. نکته ای که باید به آن توجه داشت , اینکه در مورد زمان ظهور حضرت – که خداوند به آن عالم است – در روایات اموری به عنوان علائم و زمینه ها و شرایط ظهور حضرت ذکر شده است , که یکی از آنها تکمیل یاران خاص یعنی ۳۱۳ نفر است اما این تنها شرط نیست تا با تکمیل این عده , حضرت ظهور کنند بلکه علاوه بر این حصول شرایط دیگری نیز لازم است .

مصادیق

حضرت عیسی

الآن حضرت عیسی (ع) در کجایند؟ آیا در موقع ظهور امام زمان (عج) از یاران حضرتند؟

پرسش

الآن حضرت عیسی (ع) در کجایند؟ آیا در موقع ظهور امام زمان (عج) از یاران حضرتند؟

پاسخ

حضرت عیسی بن مریم، پیامبر برگزیدهٔ خداوند به امر خداوند از مادرش در ۶۲۲ سال، پیش از هجرت رسول گرامی اسلام در شهر بیت لحم (ناصره) فلسطین متولد شد. از آن جایی که یهودی ها همواره با حضرت مسیح سر دشمنی داشتند، تصمیم به قتل او گرفتند. در آن حال حضرت عیسی با حواریون میان باغی بود. سپاه یهود چون به باغ درآمدند، همهٔ شاگردان عیسی پراکنده شدند و فرار کردند. یکی از یهودی ها که شبیه حضرت عیسی بود و جای عیسی را نیز به او نشان داده بود، به دست یهودی ها افتاد و خیال کردند عیسی است و چون مجال تحقیق نداشتند ، او را دار زدند و فکر کردند عیسی را به دار کشیده اند. در این حال خداوند حضرت عیسی را به آسمان بالا برد که هم اکنون زنده است . از آیهٔ شریفهٔ " بل رفعه الله إلیه؛ بلکه خدا او را بالا برد "استفاده می شود که خداوند حضرت عیسی را از شر یهودی ها که می خواستند عیسی را به دار بزنند، نجات داد و او را بالا برد. البته این جمله هم اعم است؛ هم شامل فوت شدن او به صورت طبیعی می شود و هم شامل این می شود که خداوند معجزه آسا جمس و روح او را بالا برده و الآن زنده باشد. هر دو احتمال صحیح به نظر می رسد.[۱۰] و بر اساس روایات بعد از ظهور قائم آل محمد به زمین فرود می آید و در پشت سر امام زمان (عج) اقتدا کرده و نماز می خواند.[۱۱] برادر عزیز و گرامی! تقوا و خداترسی بهترین زاد و توشهٔ در دنیا و آخرت است. حمایت از دین و از عالمان دینی و دوری و پرهیز از گناهان از ارکان لازم برای پیمودن راه کمال است. پیمودن خط امام و پیروی از رهبری معظم انقلاب از وظائف شرعی همهٔ ما است. ۳[۱۰] تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۱۰. ۳[۱۱] مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۵۶۳ک ماده عیسی بن مریم؛ لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۶۰۰، حدیث

۱ ـ ۳.

در روایات آمده است که حضرت عیسی‌علیه‌السلام پس از ظهور مهدی (عج) به ایشان اقتدا می‌نماید. آیا الان نیز حضرت عیسی‌علیه‌السلام از امام مهدی (عج) تبعیت می‌کنند؟

پرسش

در روایات آمده است که حضرت عیسی‌علیه‌السلام پس از ظهور مهدی (عج) به ایشان اقتدا می‌نماید. آیا الان نیز حضرت عیسی‌علیه‌السلام از امام مهدی (عج) تبعیت می‌کنند؟

پاسخ

انبای عظام الهی از تکالیف و وضع خاصی در پیشگاه الهی برخوردارند، آن هم پیامبری همانند حضرت عیسی‌علیه‌السلام که به تعبیر قرآن مجید: مسیح‌علیه‌السلام را نکشتند و بردار نکردند بلکه أمر برایشان مشتبه شد و خداوند او را نزد خود برد. نساء (۴)، آیات ۱۵۸ – ۱۵۷. اوّلاً: با توجه به این آیات و روایات ما که حضرت عیسی‌علیه‌السلام زنده است و نزد خدا می‌باشد، کسی نمی‌تواندادعا کند که از آسمان‌ها و از وضعیت حضرت عیسی‌علیه‌السلام نزد خداوند، اطلاع دقیقی دارد. ثانیاً حضرت عیسی در کلمات خویش، بشارت به وجود پیامبری به نام" احمد "داده است. این مسئله در قرآن کریم آمده، ضمناً بیانگر این امر است که علاوه بر بشارت به وجود چنین پیامبر الهی معتقد به نبوت و شریعت پیامبر می‌باشد. ثالثاً: روایاتی داریم که حضرت عیسی‌علیه‌السلام بعد از خروج و ظهور حضرت مهدی(عج) نماز می‌گزارد. پیامبر گرامی‌صلی الله وعلیه وآله اسلام فرمود": سوگند به آن کسی که مرا مژده آور راستین قرار داد! اگر از عُمر جهان، جز یک روز نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی می‌کند تا فرزندم مهدی (عج) خروج کند. پس از خروج او، عیسای روح الله فرود می‌آید، و در پشت سر وی نماز می‌گزارد، آن گاه زمین با فروغ پروردگار روشن می‌شود و حکومت مهدی (عج) به شرق و عرق گیتی می‌رسد. "شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۱۶۳، به نقل از عبدالرحمان انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۲۷۹، چاپ دفتر تبلیغات قم. با توجه به این روایت و نزول حضرت عیسی‌علیه‌السلام از آسمان و نماز خواندن ایشان پشت سر حضرت مهدی(عج) و اینکه او از یاوران حضرت(عج) به حساب می‌آید، می‌توان استفاده نمود که حضرت عیسی‌علیه‌السلام معتقد به امامت حضرت مهدی(عج) است و نماز خواندن پشت سر حضرت تبعیت آن پیامبر الهی را می‌رساند.

ظهور امام زمان(ع) و حضرت مسیح(ع) چگونه است؟

پرسش

ظهور امام زمان(ع) و حضرت مسیح(ع) چگونه است؟

پاسخ

روایات در زمینه ظهور حضرت مهدی(عج) بسیار است. روایات بسیاری نشانه‌ها و حوادث پیش از ظهور را بیان کرده‌اند، اما در وقت ظهور، حوادث خاصی اتفاق می‌افتد. در روایات آمده است: هنگامه ظهور به قیامتی شبیه است که خلائق از شرق و غرب و جنوب و شمال زمین بدان آگاه شده و یارانی خاص که گویا معاونان حضرتند، همراهش حاضر خواهند بود. حضرت اباعبدالله الحسین سلام الله علیه فرمود": آن هنگام که دیدید آتشی (نوری) از مشرق، سه یا هفت روز فروزان بود، پس منتظر فرج آل‌محمد(ص) باشید... منادی از آسمان به اسم" مهدی "ندا می‌دهد، پس می‌شنوند از مشرق و مغرب تا جایی که خوابیده‌ها بیدار شده و ایستادگان می‌نشینند، نشستگان برمی‌خیزند، پس رحمت خدا بر کسی باد که این ندا را می‌شنود و آن را پاسخ می‌گوید. در حقیقت صدا و صوت اول صدای جبرئیل روح‌الامین است.("۱) حضرت پس از ظهور آیه شریفه" بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین "را تلاوت فرموده و ادامه می‌دهد که" انا بقیة الله فی أرضه "در مورد حضور عیسی بن مریم(ع) هنگام ظهور قائم آل محمد(ص) به بعضی از احادیث برمی‌خوریم که گرچه توضیح مشروحی ندارند، لکن اشاره دارند که عیسای مسیح به وقت ظهور امام عصر، با حضرت همراهی خواهند کرد و هنگام اقامه نماز پشت سر امام خواهند ایستاد (این معنا اشاره به تبعیت حضرت عیسی (ع) از حضرت مهدی است) رسول گرامی اسلام(ص) فرمود": امامان بعد از من دوازده مرد از اهل بیت من هستند، اول آن‌ها علی و وسط ایشان محمد و آخر آن‌ها نیز محمد است. او است مهدی امت که عیسای مسیح پشت سرش نماز می‌گذارد.("۲)

پی‌نوشت‌ها: ۱ - آیة الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، باب ۴، ص ۴۴۹، حدیث۸. ۲ - بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۲، حدیث ۱۵۷.

ما مسلمانان اعتقاد داریم که نجات دهندهٔ عالم بشریت امام زمان است ، نیز عقیده داریم که حضرت عیسی به امر خداوند زنده است. آیا این دو در قیامت همراه هم برای نجات بشر می آیند؟

پرسش

ما مسلمانان اعتقاد داریم که نجات دهندهٔ عالم بشریت امام زمان است ، نیز عقیده داریم که حضرت عیسی به امر خداوند زنده است. آیا این دو در قیامت همراه هم برای نجات بشر می آیند؟

پاسخ

این نگرش که حضرت عیسی (ع) و امام زمان (ع) در قیامت به نجات بشر می پردازند، قابل قبول نبوده و فاقد مبانی علمی و دلایل می باشد. نجات بشر از ظلم ها و تشکیل جامعه آرمانی قبل از قیامت و در این عالم می باشد، یعنی امام زمان (ع) با ظهور خود به تشکیل جامعه مطلوب می پردازند: بین عقاید ما مبنی بر زنده بودن حضرت عیسی (ع) و منجی بودن امام زمان (ع) تضاد وجود ندارد؛ زیرا در معارف اسلام دو منجی به نام های حضرت عیسی (ع) و امام زمان (ع) بیان نشده است، یک منجی وجود دارد که امام زمان (ع) است حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور امام زمان (ع) نزول نموده و در کنار امام زمان قرار گرفته و با او نماز خوانده و با ایشان بیعت می کند.(۱) و در راستای هدف عالی امام زمان (عج) که تشکیل جامعه آرمانی است، قرار دارد و از یاران حضرت می باشد. در برخی روایات تصریح شده است که حضرت عیسی (ع) یکی از فرماندهان امام زمان (ع) بوده و حضرت را در تشکیل حکومت و سرکوبی مخالفان یاری می کند. امام علی (ع) فرمود... ": آن گاه مهدی (عج) حضرت عیسی را به جانشینی خود در عملیات تهاجمی علیه دجال بر می گزینند. عیسی (ع) برای یافتن و سرکوبی دجّال حرکت می کند ... دجّال به سوی حجاز

حرکت می کند و عیسی (ع) در گردنهٔ" هرشا "به او می رسد و فریاد هولناک بر او می کشد و ضربه ای سخت بر او فرود می آورد و او را در شعله های آتش ذوب می کند، آن سان که سرب در آتش ذوب می شود.("۲) پی نوشت ها: ۱ – منتخب الاثر، ص ۴۷۹. ۲ – الشیعه و الرجعه، ج۱ ص ۱۶۷، به نقل از نجم الدین طبسی، چشم انداز به حکومت مهدی، ص ۹۳ – ۹۴.

آیا حضرت مسیح همزمان با حضرت مهدی(عج) ظهور می کند، چرا؟

پرسش

آیا حضرت مسیح همزمان با حضرت مهدی(عج) ظهور می کند، چرا؟

پاسخ

همزمان با ظهور حضرت مهدی(عج) فرود آمدن حضرت عیسی(ع) از آسمان مورد پذیرش تمامی مسلمانان است. بسیاری از مفسران آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ نساء را بر همین معنا تفسیر کرده اند. روایات دربارهٔ فرود آمدن حضرت عیسی(ع) در منابع شیعه و سنی بسیار است. در روایات آمده است که حضرت عیسی در پشت سر امام مهدی(عج) نماز می گذارد و هر سال به حج خانه خدا می رود. مسلمانان به همراهی وی به نبرد با منحرفان و ملحدان می روند و بعد از چهل سال رحلت می کند. حضرت مهدی(عج) او را کنار قبر مادرش در قدس به خاک می سپارد. بسیاری از حقایق مربوط به غیبت و ظهور حضرت مهدی(عج) بر ما پوشیده است، شاید بتوان گفت که اقتدای حضرت عیسی(ع) به امام زمان گویای بزرگی و اهمیت قیام و انقلاب حضرت مهدی(عج) است. حضرت عیسی(ع) آن پیامبر بزرگ و اولی العزم، وقتی مرید و پیرو امام مهدی(عج) باشد، به روشنی بر اهمیت و ارزش اعتقاد به مهدویت دلالت دارد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به کتاب عصر ظهور، علی کورانی، نشر سازمان تبلیغات، ص ۳۴۰ ـ ۳۴۹.

می گویند: هنگام ظهور امام زمان(عج) حضرت عیسی به ایشان اقتدا می کند. آیا حضرت مسیح مسلمان می‌شود؟

پرسش

می گویند: هنگام ظهور امام زمان(عج) حضرت عیسی به ایشان اقتدا می کند. آیا حضرت مسیح مسلمان می‌شود؟

پاسخ

از نظر قرآن کریم، دین خدا از آدم تا خاتم یکی است و اختلاف در دین وجود ندارد. همه پیامبران به یک مکتب دعوت کرده‌اند. اصول مکتب انبیا که دین نامیده می‌شود، یکی بوده است. تفاوت شرایع آسمانی در یک سلسله مسایل فرعی است که به حسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگی‌های مردمی که دعوت شده‌اند، به وجود آمده و همه شکل‌های متفاوت و اندام‌های مختلف، یک حقیقت و به سوی یک هدف و مقصود بوده است. تفاوت دیگر در سطح تعلیمات بوده که پیامبران بعدی به موازات تکامل بشر در سطح بالاتری تعلیمات خویش را که همه در یک زمینه بوده القا کرده‌اند مثلاً تعلیمات اسلام در مورد مبدا و معاد و

جهان و معارف پیامبران پیشین از نظر سطح مسایل تفاوت دارد. به تعبیر دیگر بشر در تعلیمات انبیا مانند یک دانش‌آموز بوده که او را از کلاس اول تا آخرین کلاس بالا برند. مکتب پیامبران تدریجاً بر حسب استعداد جامعه انسانی عرضه شده تا بشریت رسیده است به حدی که آن مکتب به صورت کامل و جامع توسط حضرت محمد (ص) عرضه شد. از نظر قرآن آن چه وجود داشته و همه پیامبران عرضه کرده‌اند، دین بوده است، نه ادیان، قرآن دین خدا را از آدم تا خاتم یک جریان پیوسته معرفی می‌کند، نه چند تا، و یک نام روی آن می‌گذارد و آن" اسلام "است. البته مقصود این نسبت که در همه دوره‌ها دین خدا با این نام خوانده شده، بلکه مقصود این است که حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن لفظ اسلام است.(۱) از این رو می‌گوید": ان الدین عند الله الاسلام؛ دین نزد خدا اسلام است.("۲) یا می‌گوید": ابراهیم نه یهود و نه نصرانی، بلکه حقجو و مسلمان بود.("۳) پس دین خدا که از طرف پیامبران الهی عرضه شده، یکی بوده است، با آن خصوصیتی که گفته شد و مردم در دوران گوناگون موظف بوده‌اند از شریعت پیامبر زمان خود پیروی نمایند، به لحاظ این که در آن زمان دین به شکل کامل تر از زمان گذشته عرضه می‌شود، تا برسد به دوران خاتمیت که همه مردم پس از بعثت رسول اکرم (ص) باید از دین او که دین اسلام است تبعیت نمایند. بر این اساس حضرت عیسی(ع) که به عقیده مسلمانان زنده است و با ظهور امام زمان(عج) ظاهر خواهد شد، از آغاز مسلمان بوده است، نه این که بعد از ظهور امام زمان(عج)اسلام آورد؛ زیرا بر وی مانند همه پیامبران الهی به دین کامل و واحد الهی ایمان داشت که این دین کامل الهی اسلام است. افزون بر آن در زمان ظهور، دین اسلام همه جهان را فراگرفته و اسلام دینی است که همگان بدان روی می‌آورند...."لیظهره علی الدینه کله و لو کره المشرکون ("۴) حضرت عیسی (ع) که یکی از یاران امام زمان(عج) است نیز به عنوان مسلمان امام زمان (عج) را همراهی می‌کند. پی‌نوشت‌ها: ۱ - مرتضی مطهری، وحی و نبوت، ص ۱۶۵. ۲ - آل عمران، (۳) آیه ۱۹. ۳ - همان، آیه ۶۷. ۴ - توبه (۹)، آیه

۱- اینکه حضرت عیسی((علیه السلام)) در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّهٔ است یا خیر؟

پرسش

اینکه حضرت عیسی((علیه السلام)) در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّهٔ است یا خیر؟

پاسخ

حضرت عیسی((علیه السلام)) چنانکه از قرآن کریم استفاده می شود خداوند او را به آسمان بالا برده است: «بل دفعه الله الیه و کان الله عزیزاً حکیماً ;بلکه خداوند او را به سوی خود، بالا- برد و خداوند توانا و حکیم است»(۱). و آن حضرت موقع ظهور امام زمان((علیه السلام))از آسمان نازل می شود. از امام باقر((علیه السلام)) روایت شده است که: «انّ عیسی ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا فلاینقی اهل ملهٔ یهودی و لانصرانی الا آمن به قبل موته. و یصلی خلف المهدی((علیه السلام ;))عیسی((علیه السلام)) قبل از فرا رسیدن روز قیامت به دنیا فرود می آید و هیچ ملّت یهودی و مسیحی باقی نمی ماند جز اینکه قبل از مرگش بدو ایمان می آورد، و آن حضرت پشت سر مهدی((علیه السلام)) نماز می خواند»(۲). پاورقی ۱ - سوره نساء، آیه ۱۵۸. ۲ - مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۳۷.

اگر امام زمان(عج) ظهور کند، حضرت عیسی(ع) هم ظهور خواهد کرد؟

www.noorfatemah.org

پرسش

اگر امام زمان(عج) ظهور کند، حضرت عیسی(ع) هم ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

بله، از روایات موجود در این زمینه به دست می‌آید که در عصر ظهور حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا له الفدا - حضرت مسیح(ع) از آسمان نزول خواهد کرد و در محضر آن حضرت حضور خواهد داشت. این امر از امور قطعی و مسلّم نزد شیعه و همین‌طور اهل سنت است. روایات در این باب متعدد است که در اینجا به نقل چند روایت بسنده می‌کنیم. ۱ - در حدیث معراج، خداوند خطاب به پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: ای محمد، این فضیلت را برای او (علی (ع)) قرار دادم که از صلب او یازده مهدی (هدایتگر) خارج سازم... و آخرین آنها کسی است که عیسی بن مریم، در نمازش به او اقتدا می‌کند. {P - کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۷۱. ۲ {P - رسول خدا(ص) می‌فرماید: [هنگامی که قائم ما قیام کند] عیسی بن مریم در هنگام صبح به زمین فرود آید؛ و او وزیر دست راست قائم و نماینده و جانشین اوست. عیسی بن مریم از کرامت قائم ما، امنیت را در عالم گسترش می‌دهد. {P - همان، ج ۵، ص ۳۰۶. P} علمای اهل سنت نیز در آثار و نوشته‌های خود به این مسأله اذعان دارند. از جمله جلال‌الدین سیوطی در کتابش، الحاوی للفتاوی، نقل می‌کند که رسول خدا(ص) فرمود: در هنگام قیام قائم ما، عیسی بن مریم از آسمان به زمین فرود می‌آید. آنگاه امیر و فرمانده آنها یعنی مهدی(عج) خطاب به عیسی(ع) می‌فرماید: به جمع ما بیا و با ما نماز بخوان. {P - همان. P}

آیا عیسی بن مریم ع) با صاحب‌الزمان ع) ظهور می‌کند؟

پرسش

آیا عیسی بن مریم ع) با صاحب‌الزمان ع) ظهور می‌کند؟

پاسخ

بله حضرت مسیح(ع) در دوران ظهور حضرت مهدی(عج) از آسمان فرو می‌آید، قرآن مجید می‌فرماید": وَإِن مِّنۡ أَهۡلِ الۡكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤۡمِنَنَّ بِهِۦ قَبۡلَ مَوۡتِهِ (نسأ،۱۵۹) و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه به او قبل از مرگش ایمان می‌آورد ".طبق نظر یکی از تفاسیر، منظور از آیه این است که تمام اهل کتاب به حضرت مسیح پیش از مرگ او ایمان می‌آورند و این هنگامی است که طبق روایات اسلامی در زمان ظهور حضرت مهدیغ از آسمان فرو می‌آید و پشت سر حضرت نماز می‌گزارد.(تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۲۰۴، دارالکتب الاسلامیة) این مضمون را در روایتی از امام باقر۷ نیز می‌بینیم که فرمود": ان عیسی ینزل قبل یوم القیامة فلا یبقی اهل مله یهودی و لاغیره إلاّ ءامنوا به قبل موتهم و یصلی عیسی خلف المهدیغ حضرت عیسیغ، قبل از روز قیامت و در دوران حضرت مهدی عج از آسمان فرو می‌آید و همهٔ اهل کتاب را به پیروی از حکومت و امامت

www.noorfatemah.org

حضـرت مهدی(عج) فرا می‌خواند و خودش هم برای اتمام حجت پشت سر حضـرت مهدی نماز می‌خواند(".منتخب الاثر، آیت‌الله صافی ص ۶۰۰، انتشارات حضـرت معصومه) به این خاطر، مسـلّم است که حضـرت مسیح در دوران ظهور حضرت مهدیغ خواهد آمد و البته روشن است که مسیح به حکم این‌که آیینش مربوط به گذشته بوده وظیفه دارد در آن زمان از آیین موجود ;یعنی اسلام که مهدیغ مجری آن است پیروی کند.(تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۲۰۴، دارالکتب الاسلامیهٔ)

در زمان ظهور امام زمان (عج) نقش و برنامه حضرت عیسی (ع) در حکومت چیست ؟

پرسش

در زمان ظهور امام زمان (عج) نقش و برنامه حضرت عیسی (ع) در حکومت چیست ؟

پاسخ

مسئله فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان، در آخرالزمان مورد اتفاق مسلمانان است و بسیاری از مفسرین آیه ۱۵۹ سوره نساء را بر همین معنا تفسـیر نموده‌اند. روایات در باب فرود آمدن حضرت عیسی در منابع شیعه و سنی بسیار فراوان است. در روایات آمده که حضرتعیسـی در پشت سر امام مهدی(عج) نماز می گزارد و هر سال به حج خانه خدا می‌رود و مسلمانان به همراهی وی به نبرد یهود روم و دجّال می‌روند و بعد از چهل سال رحلت نموده و در مراسـمی علنی، حضـرت مهدی(عج)، عیسی(ع) در کنار قبر مادرش در قـدس به خـاک می‌سـپارد. البتهقضـاوت درباره این جزئیات مشـکل است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنیـد عصـر ظهور، علی کورانی، سازمان تبلیغات، صص ۳۴۰ ـ ۳۴۹}J

از نظر اسلام آیا حضرت عیسی با توجه به اینکه زنده است و با حضرت مهدی ظهور خواهد کرد بر پیروان کنونی مسیحی خود ولایت و شفاعت دارد؟

اشاره

Assalamu Aleykum My questions about Christianity, Islam and Hazrate Mahdi: According to our Islamic beliefs, could it b

پرسش

از نظر اسـلام آیا حضـرت عیسـی با توجه به اینکه زنـده است و با حضـرت مهدی ظهور خواهد کرد بر پیروان کنونی مسـیحی خود ولاـیت و شـفاعت دارد؟ Assalamu Aleykum My questions about Christianity, Islam and Hazrate Mahdi: According to our Islamic beliefs, could it be that Hazrate Eesa (=Jesus) had and still has - as he is still alive - "Velaya" and "Shefa'ah" towards his Christian followers (as a

messenger of Allah and not as Allah's son), he is alive like Hazrate Mahdi and will come back to earth the way he will and with him?

پاسخ

اینکه حضرت عیسی کشته نشده و خداوند او را به آسمانها برده است از مواردی است که در قرآن تصریح شده است. و در روایات فراوانی نیز آمده است که در زمان ظهور حضرت او نیز به زمین فرود خواهد آمد و به امام زمان(عج) اقتداء خواهد کرد. نکته دیگر اینکه براساس اعتقادات ما در هر برهه از زمان تنها یک ولی بر مردم ولایت دارد. پس در زمان ظهور حضرت حجت تنها ولایت ایشان بر مردم جهان حاکم است حتی با حضور حضرت عیسی و دیگران. نظیر این موضوع را می‌توان در زمان حیات امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بیان کرد که با وجود امام حسن(ع) ولایت از ناحیه وی بر مردم اعمال می‌شده است و در صورت رجوع مردم به امام حسین(ع) ایشان می‌فرمود ,هرچه که امام مجتبی(ع) بفرمایند همان است . یعنی ولایت در هر زمان به عهده یک نفر است. علاوه اینکه روایاتی داریم که امام زمان(عج پس از ظهور به طور کامل بر مسیحیان و یهودیان اشراف دارد و بر آنها براساس تورات و انجیل حکم خواهد کرد و بر طبق آنها با ایشان سخن خواهد گفت. در نتیجه تنها ولایت امام زمان (عج) حاکم خواهد بود.

با توجه به اینکه ما حضرت عیسی(ع) را پیامبر و آورنده آیین مسیحیت می دانیم، آیا این درست است که وقتی حضرت مسیح با حواریون بر زمین فرود آید همه مسیحیان را خواهد کشت و تنها مسلمانان بر زمین زنده خواهند ماند و نیز اینکه او مسیحی نیست و از مسیحیت برائت می جوید

پرسش

با توجه به اینکه ما حضرت عیسی(ع) را پیامبر و آورنده آیین مسیحیت می دانیم، آیا این درست است که وقتی حضرت مسیح با حواریون بر زمین فرود آید همه مسیحیان را خواهد کشت و تنها مسلمانان بر زمین زنده خواهند ماند و نیز اینکه او مسیحی نیست و از مسیحیت برائت می جوید و مسلمان بوده و طریق مسلمانی پیش می گیرد؟ Is it true that when they both come together to the earth with the "Havareeyoon" (=Gospels) they will kill all of the Christians and that only Muslims will be left to live on earth, and that Hazrate Eesa is not a Christian and hates Christianity and was a Muslim to start with???! But we say that he was a prophet of Allah and brought "Christianity"!?

پاسخ

در اینکه حضرت عیسی (ع) در زمان ظهور حجت (ع) از آسمان فرود خواهد آمد و در کنار حضرت مهدی(عج) خواهد بود از اعتقادات ماست و در کتب شیعه و اهل سنت روایاتی نقل شده است . برای نمونه به چند روایت اشاره می‌شود: قندوزی در کتاب «ینابیع المودة» از پیامبر (ص) نقل می‌کند : «منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه» کسیکه عیسی بن مریم در پشت سر او نماز

می‌خواند از ماست.(۱) همچنین از امام باقر (ع) منقول است: پسر مریم، عیسی روح الله (ع) نازل شده و پشت سر او نماز می‌خواند .(۲) (و ینزل روح الله ...) در پاسخ به سئوال مطرح شده این نکته حائز اهمیت است که محور اصلی قیام آخرالزمان حضرت مهدی(ع) و زنده کردن احکام اسلام و دین پیامبر خاتم است که به تصریح قرآن دین مرضی خداوند است. در نتیجه اصول حاکم بر جهان در زمان ظهور اصول اسلام خواهد بود و حضرت مسیح نیز به دنبال حضرت حجت(عج) حرکت خواهد کرد. روایت ذیل مؤید همین مطلب است: قال رسول الله (ص) «ینزل عیسی علی ثنیهٔ بالارض المقدسه یقال لها: افیق فیأتی بیت المقدس و الناس فی صلاهٔ الصبح فیتأخر الأمام...؛ عیسی (ع) در گردنه‌ای به نام «افیق» در سرزمین مقدس فرود می‌آید وارد بیت المقدس می‌شود در حالی که مردم برای نماز صبح صف کشیده باشند پس امام (حضرت مهدی) عقب می‌رود، ولی عیسی (ع) او را جلو می‌اندازد و خود به او اقتداء کرده پشت سرش طبق شریعت محمدی(ص) نماز می‌خواند و می‌فرماید: شما اهل بیتی هستید که احدی نمی‌تواند بر شما پیشی بگیرد»(۳) علاوه بر اینکه: تمام انبیاء(ع) و خاتم آنها و اوصیاء و جانشینان پیامبر(ص) در اصول کلی با یکدیگر هم عقیده و همراه هستند. در نتیجه اگر فرض کنیم که همه آنها در یک زمان کنار هم جمع شوند هرگز با هم اختلاف نخواهند داشت. به تعبیر قرآن هر پیامبری در مسائلی متفاوت با دیگر انبیا بوده است. لکل جعلنا منکم شرعته و مزاجا (مائده، ۴۸) و گرنه در اصول کلی (توحید ، معاد و ...) همه با هم، هم عقیده و همراه هستند. در نتیجه نزول حضرت مسیح(ع) برای داوری به حق والزام خصم و اتمام حجت بر پیروان همه ادیان می‌باشد . و نزول او، آنچنان است که کسی را یارای تکذیب نیست. مخصوصاً یهودی‌های عنود لجوج. امام باقر در حدیثی جالب می‌فرماید: «ان عیسی قبل یوم القیامه ینزل الی الدنیا، فلا یبقی اهل ملهٔ، یهودی و لا غیره، الا آمن به قبل موته و یصلی خلف المهدی. به طور مسلم عیسی (ع) پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد، پیروان هیچ آئینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی‌ماند جز اینکه پیش از وفاتش به او ایمان می‌آورد و او در پشت سر مهدی(عج) نماز می‌خواند!(۴) پی‌نوشتها: ۱. ینابیع المودهٔ، ج ۳، ص ۱۱۰؛ جلال‌الدین سیوطی الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۴۶؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹؛ شیخ علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی ج.۱، ص ۵۳۵. ۲. الامام المهدی ص ۲۲۶؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمهٔ ، مؤسسه النشرالاسلامی ، ص ۲۳۱. ۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۱۰۸ کشف الغمهٔفی معرفهٔ الائمهٔ ج.۳، ص۲۷۹ ؛ تفسیرالقرطبی ج.۱۶، ص ۱۰۶؛ کنزالعمال ، ج ۱۴، ص ۶۱۸ (مؤسسهٔالرسالهٔ –بیروت) ۴. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۸ (مؤسسهٔ دارالکتب)؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۰ (مؤسسهٔالوفاء – بیروت) ینابیع المودهٔ ، ج ۳، ص ۷۷.

آیا ممکن است که حضرت عیسی(ع) برای مسیحیان به مثابه حضرت مهدی برای مسلمانان باشند و پیروانشان را از غیب بصورت درونی مورد هدایت بسوی خدا قرار دهند؟

اشاره

من فردی مسیحی را می شناسم که (طبق توصیف خودش) برای توبه و بازگشت به خدا خیلی زحمت می کشید اما تا وقتی که متو

پرسش

آیا ممکن است که حضرت عیسی(ع) برای مسیحیان به مثابه حضرت مهدی برای مسلمانان باشند و پیروانشان را از غیب بصورت درونی مورد هدایت بسوی خدا قرار دهند؟ من فردی مسیحی را می شناسم که (طبق توصیف خودش) برای توبه و بازگشت به خدا خیلی زحمت می کشید اما تا وقتی که متوسل به حضرت عیسی نشد و لطف ومهر و هدایت و بخشش از حضرت عیسی نخواست ،

www.noorfatemah.org

هیچ تاثیری از نزدیکی به خدا و قبولی توبه و دعایش در دل حس نمی کرد. اما بعد از توسل به حضرت عیسی دعا به ایشان و استغفار به پیشگاه ایشان بود که اثر ایمان واقعی را در دل حس کرد. من از ایشان که عالم برجسته و بالاییست و مبلغ مخلص دین خدا (مسیحیت) است خواسته بودم تا عقیده تثلیث را که از نظر قرآن شرک است و خرافه ای است که در دین مسیحیت وارد شده است کنار بگذارد و قبول کند که فقط یک خدا هست. خدای خالق و لا غیر. ایشان به درون میخواست قبول کند و از نظر منطقی هم توحید را صحیح تر و به واقع نزدیک تر می دانست اما در اینصورت نقش حضرت عیسی را در بازگشت خودش به سمت خدا را می خواست بداند.

پاسخ

۱. اگر به جوابهایی که پیش این ارسال شده، توجه فرمایید، روشن می شود که تفاوت عمده ای بین حضرت ولی الله الاعظم امام زمان سلام الله علیه و حضرت مسیح علیه السلام است و آن اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امام حی و خلیفه الهی بر روی زمین است و همه موجودات و از جمله انسانها به واسطه وجود نازنین ایشان زنده هستند و روزی می خوردند و دعا ها به واسطه ایشان مستجاب می شود و نعمت ها به مردم می رسد. اما حضرت مسیح علیه السلام بر حسب آیات قرآن به طور کامل به نزد خداوند بازگردانده شده تا در روز موعد به زمین بازگردد. با وجود این حضرت مسیح نیز پیامبر و ولی خداوند متعال است و اگر مسیحیانی که حقیقت اسلام به آنها نرسیده است، از صمیم قلب به ایشان متوسل شوند، امید است که دعایشان مستجاب شود و حاجت خود را بگیرند. زیرا حضرت عیسی از بزرگترین مردان جهان آفرینش است که اسم و نفسش راهگشای مشکلات می باشد چنانکه در زمانی که بر روی زمین بوده است، با اشاره ای_ به اذن الهی _دردها را درمان می کرده، هم اکنون نیز این توان را دارد.
۲. به آن دوست مسیحی و دانشمند خود توصیه کنید که مقایسه ای بین اسلام و مسیحیت بدون توحید ناب اسلامی و عقیده شرک آلود تثلیث داشته باشد. برای شناخت اسلام تا حدودی کتابهای دکتر سید حسین نصر که به زبان انگلیسی نوشته شده و در آمریکا نیز چاپ شده اند مناسب هستند. به ویژه کتاب A Young Musllm,s Guide to the Modern World _Kasi Publications inc. Chicago ۱۹۹۳. بویژه بخش اول آن که پیام اسلام را طرح می کند. همچنین به ایشان توصیه کنید که در جهت هدایت به دین حق و آیین درست خالصانه از حضرت مسیح سلام الله علیه کمک و هدایت بخواهد. زیرا اگر ایشان نسبت به مسیحیت تحریف شده تعصب نشان ندهد و عقل خود را در مقایسه اسلام با مسیحیت و همه ادیان و مکاتب دیگر، قاضی قرار دهد و آنگاه از حضرت مسیح توفیق هدایت و راهنمایی بخواهد، یقینا روی به آیین پاک اسلام می آورد و حق را از باطل تشخیص می دهد. ضمن اینکه برای ایشان آیات قرآن درباره حضرت مسیح را تلاوت کنید: بقره: ۸۷ و ۲۵۳؛ آل عمران: ۴۱_۶۰؛ نساء ۱۵۶_۱۵۹ و ۱۷۱_۱۷۲؛ مائده ۱۷ و ۷۲_۷۵ و ۱۱۰_۱۱۸؛ مریم: ۳۶_۱۵؛ صف ۶ و ۱۴؛ زخرف: ۶۳؛ توبه ۳۰ و ۳۱. برای تفسیر این آیات می توانید به تفسیر المیزان تالیف علامه طباطبایی مراجعه کنید و اگر این کتاب در دسترستان نبود، اعلام کنید تا ما خلاصه تفسیر آیات را نگاشته و ارسال کنیم. خلاصه کلام اینکه شما در تلاش خود محق هستید، از حضرت ولی الله الاعظم سلام الله علیه توفیق بخواهید تا شما را در تلاش خالصانه تان موفق بدارد اگر کمکی هم از ما بر بیاید در خدمت هستیم.

چرا حضرت مسیح‌علیه‌السلام تاکنون زنده مانده است؟

پرسش

چرا حضرت مسیح‌علیه‌السلام تاکنون زنده مانده است؟

پاسخ

حکمت بقا وزنده ماندن حضرت مسیح (ع) تاکنون بر حسب آنچه که عقول ما درک می کند اموری است: ۱ – در حضرت عیسی (ع) خصوصیاتی یافت می‌شود که در سایر انبیا نبوده است، از قبیل ولادت بدون پدر، زنده کردن مردگان، به آسمان‌ها رفتن ودیگر خصوصیات. ۲ – زنده بودن وبقای او برهان ودلیل وشاهدی بر غیبت امام مهدی (ع) خواهد بود، زیرا بقای مسیح با عمری بیش از دو هزار سال، دلیلی بر امکان وجود وحیات حضرت مهدی (ع) در کمتر از این مقدار سال است، همان حکمتی که در روایات برای طول عمر حضرت خضر بیان شده است. شیخ صدوق؛ در" کمال الدین "به سند خود از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: ..."بلی، إنّ اللّه تبارک وتعالی لمّا کان فی سابق علمه أن یقدّر من عمر القائم (ع) فی آیام غیبته ما یقدّر، وعلم ما یکون من إنکار عباده بمقدار ذلک العمر فی الطول، طوّل عمر العبد الصالح فی غیر سبب یوجب ذلک إلّا لعلّة الاستدلال به علی عمر القائم (ع) ولیقطع بذلک حجة المعاندین لئلاّ یکون للناس علی اللّه حجة..."؛ "آری، از آنجا که در علم سابق خداوند مقدّر شده بود که {پاورقی . کمال‌الدین، ص ۳۵۷، ح ۵۳ ؛ الغیبة، طوسی، ص ۱۷۲، ح ۱۲۹ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲. پاورقی} عمر قائم (ع) را در ایام غیبتش طولانی می گرداند ومی‌دانست که این مقدار طول عمر را بندگانش انکار می کنند، لذا عمر بنده صالحش را تنها به جهت استدلال وشاهد آوردن عمر قائم (ع) طولانی کرد، وتا اینکه حجت ودلیل معاندین قطع گردد وبرای مردم حجت واستدلالی بر خدا نباشد".

حکمت مشارکت حضرت مسیح(ع) در تشکیل حکومت جهانی چیست؟

پرسش

حکمت مشارکت حضرت مسیح(ع) در تشکیل حکومت جهانی چیست؟

پاسخ

شرکت حضرت مسیح (ع) در تشکیل حکومت عدل توحیدی جهانی ومساعدت حضرت مهدی (ع) در این امر مهم جهاتی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ – از آنجا که مسیحیان جماعت زیادی را از مردم عالم تشکیل می‌دهند، لذا با نزول او از آسمان ومشاهده معجزه از او، ایمان آورده ودر حقیقت به جهت پیروی واقتدای او به حضرت مهدی (ع)، مسیحیان نیز تسلیم حضرت مهدی می‌شوند. ۲ – در نتیجه جهت اوّل، فتح وپیروزی حضرت بر عالم سریع‌تر وآسان‌تر خواهد شد، ولذا به جهت ایمان مسیحیان به امام مهدی (ع) بدون جنگ وخونریزی بخش عظیمی از عالم تحت اختیار حضرت قرار خواهد گرفت.

آیا حضرت عیسی ع) به زمین باز می‌گردد؟

پرسش

آیا حضرت عیسی ع) به زمین باز می گردد؟

پاسخ

مطابق نصّ آیات قرآن واناجیل، حضرت عیسی (ع) به آسمان‌ها رفت ودر پایان تاریخ به زمین باز می گردد. در انجیل یوحنّا می‌خوانیم": از من شنیدید که به شما گفتم: من می‌روم ودوباره به سوی شما باز می گردم. {"پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنّا، ص ۳۳۹، رقم ۳۰-۲۸. پاورقی} در قرآن نیز به نزول حضرت عیسی (ع) اشاره شده است: ۱ - خداوند متعال می‌فرماید: {وَيُكَلِّمُ النّاسَ فِي المَهْدِ وَكَهْلًا"}؛ واو [عیسی] در {پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۴۶. پاورقی} گهواره وهنگام پیری با مردم سخن می گوید ".می‌دانیم که حضرت عیسی (ع) هنگام سی سالگی به آسمان‌ها رفت، پس مقصود به پیری همان زمان نزول او از آسمان در آخرالزمان است. ۲ - ونیز خداوند می‌فرماید: {وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الكِتابِ إِلّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ القِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً"}؛ وهیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش {پاورقی . سوره نساء، آیه ۱۵۹. پاورقی} به او [مسیح] ایمان می‌آورد وروز قیامت بر آنها گواه خواهد بود ".ضمیر در" به "و"موته "به حضرت عیسی (ع) باز می گردد. از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که حضرت عیسی در آخرالزمان از آسمان نزول کرده ومردم به او ایمان خواهند آورد. {پاورقی . ر.ک: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳ ؛ درالمنثور، ج ۲، ص ۲۴۱ ؛ و... . پاورقی} ۳. ونیز می‌فرماید: {وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَةِ فَلاتَمْتَرُنَّ بِها"}؛ وهمانا عیسی نشانه روشنی {پاورقی . سوره زخرف، آیه ۶۱. پاورقی} برای قیامت است پس در آن شک نداشته باشید {".پاورقی . جامع البیان، ج ۲۵، ص ۱۱۵ ؛ البحر المحیط، ج ۹، ص ۳۸۶. پاورقی} ونیز روایات شیعه وسنّی به نزول حضرت عیسی اشاره کرده است: بخاری به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": کیف انتم إذا نزل ابن مریم فیکم وامامکم منکم"؛ "شما را چه می‌شود هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آمده {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. پاورقی} در حالی که امام شما از بین شماست ".شیخ صدوق؛ به سندش از محمّد بن مسلم ثقفی نقل کرده که از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود": القآئم منّا منصور بالرعب... وینزل روح اللّه عیسی بن مریم، فیصلّی خلفه"؛ "قائم از ماست که با رعب ووحشت [که در قلوب مردم می‌افتد] یاری خواهد {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۱، ح ۱۶. پاورقی} شد... وروح اللّه عیسی بن مریم فرود آمده وپشت سر او به نماز خواهد ایستاد".

حضرت عیسی (ع) در کجا فرود خواهد آمد؟

پرسش

حضرت عیسی (ع) در کجا فرود خواهد آمد؟

پاسخ

از روایات استفاده می‌شود که مکان نزول حضرت مسیح در آخرالزمان سرزمین دمشق است. طبرانی به سند خود از رسول خدا

(ص) نقل کرده که فرمود": ینزل عیسی بن مریم (ع) عند المنارة البیضاء شرقی دمشق"؛ "عیسی بن مریم کنار مناره سفید قسمت شرق در{پاورقی . المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۱۷. پاورقی} سرزمین دمشق فرود خواهد آمد ".ابن کثیر می گوید": مسیح دجال خروج می کند، آن گاه مسیح از آسمان بر زمین فرود می آید ومحلّ فرود او کنار مناره سفید شرقی در دمشق هنگام نماز صبح است. {"پاورقی . الفتن والملاحم، ص ۱۷۲. پاورقی}

وظایف حضرت عیسی‌علیه‌السلام بعد از نزول از آسمان چیست؟

پرسش

وظایف حضرت عیسی‌علیه‌السلام بعد از نزول از آسمان چیست؟

پاسخ

ابوهریره در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل می کند که فرمود..."": او از آسمان فرود می آید... با مردم به جهت دعوت به اسلام جنگ خواهد کرد، صلیب را خرد کرده وخوک را می کشد وجزیه وضع می کند. خداوند در عصر او همه ملت‌ها به جز اسلام را نابود می گرداند ومسیح دجال را نیز به هلاکت می‌رساند. در روی زمین چهل سال درنگ می کند وبعد از وفات، مسلمانان بر او نماز می گزارند. {"پاورقی . سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۴۳۲۴ ؛ کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۳۳۳، ح ۳۸۸۴۳. پاورقی} ممکن است که مقصود از کشتن خوک، کنایه از تحریم خوردن آن بر مسیحیان آن عصر باشد. ومقصود از وضع جزیه، کنایه از ابطال جمیع ادیان است. {پاورقی . المسیح المنتظر ونهایة العالم، ص ۲۴۰. پاورقی}

۱- باتوجه به این که در روایات گفته شده حضرت عیسی هم در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ظهور میکنند و پشت سر امام زمان (عج) نماز می خوانند جایگاه امامت ونبوت را چگونه توصیف می کنید ؟

اشاره

آیا حضرت عیسی (ع) مسلمان است (درزمان ظهور) ؟

پرسش

۱- باتوجه به این که در روایات گفته شده حضرت عیسی هم در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ظهور میکنند و پشت سر امام زمان (عج) نماز می خوانند جایگاه امامت ونبوت را چگونه توصیف می کنید ؟ آیا حضرت عیسی (ع) مسلمان است (درزمان ظهور) ؟

پاسخ

ج۱- توجه به این مطلب مهم است که گرچه امـام مقام ومنصب نبوت را نـدارد ولی درحقیقت مقام امامت بالاتر ازمقام نبوت اسـت ولذا درقرآن کریم می بینیم که حضرت ابراهیم بعد ازاین که به مقام نبوت رسید وخلیل الله شد در آخر می فرماید: {واذابتل ابراهیم ربه بکلمـات فـاتمهن قـال انی جاعلـک للناس اماما} یعنی : بعـد از همه آن مقامها خداونـد به او مقام امامت را داد پس مقام امامت بالاـترین مقامهـا ست وامـام در حقیقت مقام و عظمتش از پیامبرهم بالاتر است ولـذا امامان معصوم« علیهم السـلام » از تمام پیامبران گذشـته (به اسـتثنای پیامبرآخرالزمان) مقامشان برتروبالاتر است ولذاست که حضـرت عیسـی پشت سر امام زمان نماز می گذارد که اگر مقام عیسـی بالاتر بود باید او جلوتر می ایستاد ولی حضرت مهدی (عج) جلو می ایستد و عیسی پشت سر او پس مقام امام زمان بالاتر است. واما نسبت به دین حضـرت عیسـی درزمان ظهور عرض می کنیم ,که نه تنها درزمان ظهور حضـرت مهـدی(عـج) بلکه الآن هم که عیسـی زنده هست به دین اسلام عمل می نماید. زیرا دین خودش نسخ شده و از زمانی که پیامبرما مبعوث شدند دین او کامل ترین ادیان وناسـخ تمام ادیان قبل است وبایـد همه به دسـتورات او عمل نمایند وچون حضـرت عیسـی (ع) زنده است .پس به دستورات پیامبرما عمل می نماید ومسلمان به دین اوست.

اینکه حضرت عیسی«علیه السلام» در آخر زمان ظهور می‌کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّهٔ است یا خیر؟

پرسش

اینکه حضرت عیسی«علیه السلام» در آخر زماOظهور می‌کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّهٔ است یا خیر؟

پاسخ

حضـرت عیسـی«علیه السـلام» چنانکه از قرآن کریم اسـتفاده می‌شود خداوند او را به آسـمان بالا برده است: «بل دفعه اللّه الیه و کان اللّه عزیزاً حکیمـاً؛ بلکـه خداونـد او را بـه سـوی خـود، بالاـ برد و خداونـد توانـا و حکیم است»(۷). و آن حضـرت موقع ظهور امـام زمان«علیه السـلام» از آسـمان نازل می‌شود. از امام باقر«علیه السـلام» روایت شده است که: «انّ عیسـی ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا فلاینقی اهل ملهٔ یهودی و لانصـرانی الا آمن به قبل موته. و یصـلی خلف المهدی«علیه السلام»؛ عیسی«علیه السلام» قبل از فرا رسیدن روز قیـامت به دنیـا فرود می‌آیـد و هیـچ ملّت یهودی و مسیحی بـاقی نمی‌مانـد جز اینکه قبـل از مرگش بـدو ایمـان می‌آورد، و آن حضـرت پشت سر مهدی«علیه السلام» نماز می‌خواند»(۸). « بخش پاسخ به سؤالات » ۷) سوره نساء، آیه ۱۵۸. ۸) مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۱۳۷

آیا حضرت مهدی(عج) و حضرت عیسی(ع) با هم ظهور می‌کنند؟

پرسش

آیا حضرت مهدی(عج) و حضرت عیسی(ع) با هم ظهور می‌کنند؟

پاسخ

از روایات چنین استنباط می‌شود که حضرت مهدی(عج) قبل از حضرت عیسی(ع) ظهور می کند. در این خصوص پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «لن تُهلک اُمَّةٌ انا فی اولها و عیسی فی آخرها و المهدی فی وسطها»؛{۱} امتی که من در اول، عیسی(ع) در آخر و مهدی(ع) در وسط آن باشیم هرگز به هلاکت نمی‌افتند. از روایت نقل شده چنین برداشت می‌شود که ظهور حضرت مهدی(ع) پیش از حضرت عیسی(ع) انجام می گیرد، بنابراین حضرت مهدی(عج) میانه امت پیامبر خواهد بود و منظور از وسط در روایت ذکر شده ما قبل آخر است و میانه حقیقی نیست چون حضرت عیسی(ع) پس از حضرت مهدی(عج) خواهد آمد و حضور ایشان به حضرت مهدی(عج) منافاتی نخواهد داشت. از این روایت استفاده می‌شود که حضرت عیسی(ع) وحضرت مهدی(عج) با هم ظهور نمی کنند بلکه نخست حضرت مهدی(عج) و سپس بعد حضرت عیسی(ع) ظهور می کنند.{۲} [۱]. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۴، الباب الثانی عشر. [۲]. یکصد پرسش وپاسخ پیرامون امام زمان(عج) علی رضا رجایی تهران، ص ۲۱۱ به نقل از کفایة المطالب ، ضمیمه البیان ، گنجی شافعی، ص ۵۰۸.

سایر مصادیق

پیامبرانی که زنده هستند و با حضرت مهدی ۷می آیند, در حکومت آن بزرگوار چه سمتی خواهند داشت و کیانند؟

پرسش

پیامبرانی که زنده هستند و با حضرت مهدی ۷می آیند, در حکومت آن بزرگوار چه سمتی خواهند داشت و کیانند؟

پاسخ

یکی از پیامبران بزرگی که زنده است و به طور قطع به یاری حضرت مهدی ۷خواهد آمد, حضرت عیسی بن مریم است . این پیامبر گرامی از آسمان به زمین نزول کرده و به یاری حضرت مهدی ۷می شتابد و درپشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند. در شب معراج , خداوند متعال , به حضرت خاتم الاءنبیا۶فرمود: . اما این که که حضرت عیسی در حکومت حضرت مهدی ۷چه سمتی خواهد داشت , اطلاعی نداریم . گفتنی است شیخ مفید در یکی از کتاب هایش نقل کرده است : ابودجانه انصاری , و مقداد و مالک اشتر از یاران آن حضرتند و از طرف آن حضرت به عنوان حاکم در شهرهامنصوب می شوند.(<۱) (پاورقی ۱.منتهی الاءمال , ج ۲ ص ۲۹۱

اگر حضرت مهدی (عج) یک روز قبل از قیامت ظهور کنند، در این صورت چه خواهد شد؟ آیا یاران امام به غیر از حضرت عیسی(ع) کسی دیگر از پیامبران و امامان خواهد بود؟ آیا اصحاب کهف از اصحاب حضرت خواهند بود؟

پرسش

اگر حضرت مهدی (عج) یک روز قبل از قیامت ظهور کنند، در این صورت چه خواهد شد؟ آیا یاران امام به غیر از حضرت

عیسی(ع) کسی دیگر از پیامبران و امامان خواهد بود؟ آیا اصحاب کهف از اصحاب حضرت خواهند بود؟

پاسخ

روایات فراوانی از پیامبر و ائمه است که" : لو یبق مِن الدنیا إلاّ یوم واحد (لیلةْ واحدةْ) لطوّل الله ذلک الیوم حتی یخرج رجلاً من أهل بیتی یملأ الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً ؛[۱] اگر حتی یک روز (یا یک شب) از دنیا باقی نمانده باشد، خداوند آن را طولانی می کند تا مردی از اهل بیت من قیامت کند و دنیا را پر از عدل و داد نماید، پس از آن که پیر از ظلم و جور شده باشد. "معنا و مفهوم این روایات ، این نیست که حضرت مهدی یک روز قبل از قیامت ظهور خواهد کرد، بلکه این روایات تأکید بر حتمی بودن قیامت حضرت مهدی (ع) دارد. شاید قیام حضرت مهدی (ع) سال ها قبل از برپایی قیامت باشد. یاران حضرت مهدی (ع) غیر از حضرت عیسی (ع) ، بسیار خواهند بود. امام محمد تقی (ع) به حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) فرمود": مهدی ما کسی است که زمین برایش درهمنوردیده می شود. هر مشکلی به خاطر او آسان می شود و یارانش به تعداد اصحاب پیامبر در جنگ بدر یعنی ۳۱۳ نفر از دور ترین نقاط زمین گرد وی جمع می شوند. وقتی که این عد"ه از مخلصان پیرامون حضرت اجتماع کردندک ظهور می کند و هنگامی که پیمان کامل گشت، یعنی تعداد آنان به ده هزار نفر رسید، به اذن پروردگار قیام می کند و دشمنان را تار و مار می نماید.["۲] همراهی شخصیت هایی از پیامبران یا امامان غیر از حضرت عیسی(ع) در جایی از روایات یافت نشد. البته افراد صالح و مؤمنانی پاک طینت که از دنیا رفته اند، برای یاری رساندن به حضرت رجعت می کنند؛ یعنی زنده می شوند. در سیرهٔ حلبی، ج ۱، ص ۲۲ ، آمده است که اصحاب کهف از وزرای مهدی(ع) خواهند بود.[۳] ۱[۱] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۴. ۱[۲] علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۰۷۲. ۱[۳] صافی گلپایگانی ، منتخب الاثر ، ص ۶۱۲.

آیا حضرت مسیح یا خضر و الیاس که اکنون زنده اند و در عصر ظهور حضرت مهدی(ع) در رکاب حضرت قرار می گیرند، در آن هنگام هم عنوان پیامبری را دارند، یا پیامبری آنان مربوط به گذشته است؟

پرسش

آیا حضرت مسیح یا خضر و الیاس که اکنون زنده اند و در عصر ظهور حضرت مهدی(ع) در رکاب حضرت قرار می گیرند، در آن هنگام هم عنوان پیامبری را دارند، یا پیامبری آنان مربوط به گذشته است؟

پاسخ

آیین پاک اسلام، آخرین دین آسمانی است، و آورندهٔ این شریعت یعنی حضرت محمد(ص) آخرین پیامبر الهی و خاتم پیامبران است. با آمدن اسلام ادیان گذشته نسخ گردیده اند و تا برپایی قیامت همهٔ جهان بشریت مؤظفند پیرو دین اسلام باشند. از این رو گرچه حضرت عیسی(ع) هنگام ظهور امام عصر(عج) به زمین فرود می آید لیکن عنوان پیامبری که مردم از دین او پیروی نمایند نخواهد داشت بلکه حضرت عیسی(ع) به امام زمان(ع) اقتدا می کند و در پشت آن امام نماز می خواند. رسول خدا(ص) فرمود: "اوصیا و خلفا و حجت های خدا بر مردم بعد از من دوازده نفرند. اوّل شان برادرم و آخرشان پسرم است. عرض شد: برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب . پسرت کیست؟ فرمود: مهدی، همان که زمین را پر از عدل و داد می کند... روح الله عیسی بن

www.noorfatemah.org

مریم نازل می شود و پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند."۳ در حدیث دیگر آمده": عیسی(ع) هنگام نماز صبح می آید و امام عصر(ع) را مقدّم م یدارد و پشت سرش به شریعت محمد(ص) نماز می خواند."۴ در مورد نزول حضرت خضر و حضرت الیاس موقع ظهور امام زمان(ع) به روایت و مطلبی دست نیافتیم. ۳ لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۱۰۱، ح ۹. ۴ همان، ص ۳۹۲، ح ۸.

آیا حضرت خضر (ع) زنده است و با امام زمان (ع) به این عالم خواهد آمد؟

پرسش

آیا حضرت خضر (ع) زنده است و با امام زمان (ع) به این عالم خواهد آمد؟

پاسخ

از برخی روایات و متون استفاده می‌شود که حضرت خضر زنده است.(۱) از حضرت امام رضا(ع) گزارش شده است": خضر از آب حیات بنوشد و او تا نفخ صور زنده است و همیشه وی نزد ما می‌آید و به ما سلام می‌کند و ما صدایش را می‌شنویم، ولی شخص او را نمی‌بینیم و هر کجا نامش برده شود، در آن جا حضور یابد، پس چون نامش بردید، بر او سلام کنید و هر ساله در موسم حج شرکت می‌کند و اعمال حج انجام می‌دهد و در موقف عرفات دعای مؤمنان را آمین می‌گوید و قائم ما را در غیبتش انیس و مونس است("۲.) در روایات دیگر هم به علل طولانی بودن عمر حضرت خضر اشاره شده است و هم به همراهی وی با امام زمان(ع). امام صادق (ع) فرمود": اما بنده صالح حضرت خضر که خدای تبارک و تعالی به او عمر طولانی داده است، برای این نیست که در آینده به پیامبری برگزیده شود، یا کتابی بر او نازل گردد، یا شریعتی برای او تشریع شود تا به وسیله آن آئین پیشین نسخ گردد... بلکه فقط برای این است که در علم ازلی خداوند مقدر بود که عمر قائم ما در زمان غیبت بسیار طولانی باشد و می‌دانست که بسیاری از مردمان، این عمر بسیار طولانی را انکار خواهند کرد. خدایش او را (حضرت خضر) عمر بسیار طولانی داد... برای این که با عمر طولانی او به عمر طولانی قائم استدلال گردد و بدین وسیله حجت بر دشمنان لجوج تمام شود تا مردمان را در پیشگاه خدا حجتی نباشد("۳.) در برخی متون آمده است هنگامی که سپاه امام زمان(ع) کشور روم را فتح می‌کند، حضرت خضر یکی از همراهان حضرت مهدی (ع) است. در روایتی آمده است": خضر در پیشاپیش او حرکت می‌کند و از مرام پیامبر اکرم(ص) پیروی می‌نماید. برای او از جایی که خود نمی‌بیند فرشته‌ای است که یاریش می‌کند. شهر روم را تکبیر گویان فتح می‌کنند. هفتاد هزال از مسلمانان این پیروزی حماسه‌انگیز را مشاهده خواهند کرد. الطاف بیکران خدا در صحرای" عطا "است که ستم و ستمگران را ریشه کن کرده و دین را استوار می‌نماید("۴.) بر این اساس حضرت خضر زنده بوده و از دنیا نرفته است که دوباره به این عالم برگردد و حضرت را یاری نماید. رجعت (بازگشت دوباره) در مورد او معنا ندارد. رجعت فرع بر آن است که کسی بمیرد و پس از ظهور امام زمان(ع) زنده شود. او تا ظهور امام زنده بوده و ایشان را همراهی می‌کند. پاورقی: . ۱ – معارف و معاریف، ج ۵، ص ۱۴۲ . بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۸۶ – ۲۸۹ ۲ – . بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۳ ۳ – . فریده گل محمدی آرمان، رسالت جهانی حضرت مهدی(عج)، ص ۴۷۴ ۴ –

آیا امامان هم جز ۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج)هستند؟

پرسش

آیا امامان هم جز ۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج)هستند؟

پاسخ

بنابر آنچه از روایات بـدست می آید این ۳۱۳ تن از نخستین گرونـدگان به حضـرت هسـتند که در انتظار ظهور بوده اند و بر اساس روایات در واقع این گروه از فرماندهان و یاران اصـلی امام هستند لذا از این گروه در روایات به «نقباء» «خواص» و «ذخر الله» (ذخیره الهی) تعبیر شـده است. حتی در بعضـی از روایات آمده که ۵۰ تن از این افراد از بانوان می باشد. با اسـتفاده از روایات بدون شـک ائمه(ع) جزء این ۳۱۳ تن نیسـتند لذا در روایات در بحث دیگری از رجعت ائمه سـخن می گویند که البته در اینکه آیا همه ائمه(ع) رجعت می کنند یا بعضـی از آنها، آنچه از روایات بدست می آید رجعت امیرالمؤمنین(ع) و امام حسـین(ع) است. بنابراین ائمه جزء ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) نیستند.

آیا در روایات و احادیث از حضرت ادریس و الیاس(ع) به عنوان یاران امام مهدی (عج) یاد شده است یا خیر؟

پرسش

آیا در روایات و احادیث از حضرت ادریس و الیاس(ع) به عنوان یاران امام مهدی (عج) یاد شده است یا خیر؟

پاسخ

در روایت‌هـای معتبر از این دو پیـامبر بزرگوار خصوصـاً در این بـاره نصـیّ وارد نشـده است, امـا از روایت‌های معتبر چنین اسـتفاده می‌شود که همه پیامبران بصورت عمومی به یاری حکومت امام مهدی(عج) می‌شـتابند. در روایتی از امام صادق(ع) چنین آمده: «به خدا سوگند از زمان حضـرت آدم (ع) تا رسول گرامی اسـلام (ص) پیامبریمبعوث نشده جز این که خدا آنها را باز می گرداند تا در برابر علی بن ابیطالب (ع) شمشـیر زنند».۱ هم‌چنین از روایت‌هایی که پاره‌ای از پیامبران و اولیا را که باقی مانده‌انـد (ماننـد حضـرت عیسـی (ع), خضـر و الیاس) را می‌شمرد و نزول حضرت عیسی (ع)۲ و یاری حضرت خضر۳ و اصحاب کهف۴ در دوران ظهور را اشـاره می کنـد, چنین برمی‌آیـد که این گروه نیز در محضـر امـام عصـر (عـج) و از یـاران ایشان خواهنـد بود. پی‌نوشت‌ها: ۱. علامه محمـدباقر مجلسـی, بحارالانوار, داراحیا التراث العربی, بیروت, لبنان, ط ۲۱. ۲. ر.ک: شـیخ حرالعاملی, الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه, دلیل ما, قم, ۱۳۸۰, ص ۳۰۰ و ۳۰۱. ۳. شیخ طوسی, الغیبیه, چاپ سوم, نجف اشرف, بی‌نا, ص ۱۰۸. ۴. علامه محمد باقر مجلسی, بحارالانوار, ج ۵۳, ص ۹۰ و ۹۱.

آیا به هنگام قیام حضرت مهدی(عج) شهدا برای یاری آن حضرت زنده می شوند؟

اشاره

Will "shohada" be also alive and helping Hazrate Mahdi the day he arises? Thank you. Jazakum Allah Kheir Assalamu Aleykum

پرسش

آیا به هنگام قیام حضرت مهدی(عج) شهدا برای یاری آن حضرت زنده می شوند؟ Will "shohada" be also alive and helping Hazrate Mahdi the day he arises? Thank you. Jazakum Allah Kheir Assalamu Aleykum

پاسخ

از آن جا که در روایت‌ها، معیار کلی رجعت کنندگان را ایمان خالص و شرک محض بیان کرده‌اند، استفاده می‌شود که هر مقدار از شهدا که به مقام ایمان محض رسیده باشند زنده می‌شوند. مفضل بن عمرو می گوید روزی در جمع اصحاب امام صادق (ع) درباره قائم (عج) و از دنیا رفتگان از اصحاب که منتظر ظهور بودند بحث می کردیم. امام صادق (ع) فرمودند: «اذا قام أتی المؤمن فی قبره فیقال له: یا هذا إنّه قد ظهر صاحبک فان تشأ أن تلحق به فألحق وإن تشأ أن تقیم فی کرامة ربّک فأقم؛ هنگامی که او قیام کند، (فرشتگان) روی قبر مؤمنان واقعی به او می گویند: ای فلانی، صاحب و مولایت ظهور کرده است، اگر می‌خواهی به او ملحق شوی، اختیار داری و چنان‌چه بخواهی در کرامت پروردگارت باشی، آزاد هستی». (علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۳).

آیا در میان اصحاب امام زمان‌علیه‌السلام عرب وجود ندارد؟

پرسش

آیا در میان اصحاب امام زمان‌علیه‌السلام عرب وجود ندارد؟

پاسخ

مرحوم مجلسی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": اتّقِ العرب فإنّ لهم خبر سوء، أما أنّه لم‌یخرج مع القآئم منهم واحد"؛ "از عرب بپرهیز، زیرا برای آنها خبر{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳. پاورقی} ناگواری است. آگاه باش که هیچ کس از عرب با قائم خروج نخواهد کرد ".پاسخ: ۱ – مجلسی این روایت را از کتاب" الغیبة "شیخ طوسی نقل کرده است. ولی سند آن به جهت وجود موسی‌الآبار واسباط بن سالم که مجهول الحالند وهیچ توثیقی ندارند، ضعیف است. ۲ – با اغماض از سند این

روایت، معارض با احادیث دیگری است که دلالت دارد بر اینکه برخی از انصار واصحاب امام زمان (ع) از عرب است. از جمله آن روایات اینکه شیخ طوسی به سندش از جابر جعفی از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود": یبایع القآئم بین الرکن والمقام ثلاثمائة ونیّف عدّة أهل بدر، فیهم النجبآء من أهل مصر والأبدال من أهل الشام والأخیار من أهل العراق، فیقیم ما شآء اللّه أن یقیم"؛ "بین رکن {پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴. پاورقی} ومقام سیصد واندی به عدد اهل بدر با قائم بیعت خواهند کرد، در میان آنها نجیبانی از اهل مصر، وابدالی از اهل شام، واخیاری از اهل عراق وجود دارد، آن گاه دین را تا مقداری که خداوند بخواهد برپا خواهد داشت".

آیا یاران زن حضرت از جمله ۳۱۳ نفرند؟

پرسش

آیا یاران زن حضرت از جمله ۳۱۳ نفرند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات پنجاه نفری که از زنان در رکاب حضرت مهدی (ع) هستند از میان ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرتند: جابر بن یزید جعفی ضمن حدیث مفصّلی از امام باقر (ع) در بیان برخی نشانه‌های ظهور نقل کرده که فرمود": ویجیء واللّه ثلاثمائة وبضعة عشر رجالاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمکّة"؛ "...به خدا سوگند! سیصد و بالاتر از ده نفر می‌آیند که پنجاه نفر از این {پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵ ؛ معجم الإمام مهدی (ع)، ج ۱، ص ۵۰۰. پاورقی} عده زن هستند و در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد. "...از کلمه" فیهم "که در روایت آمده استفاده می‌شود که این پنجاه زن از جمله ۳۱۳ نفرند. وتعبیر به" رجلاً "به جهت تغلیب است. همان گونه که در آیه تطهیر ضمیر" کم "که برای جمع مخاطب مذکر است به کار رفته وبه طور حتم حضرت زهرا (ع) نیز مشمول آیه است واگر مقصود امام (ع) از وجود آن پنجاه زن، همراهی آنان با آن ۳۱۳ نفر بود باید از تعبیر" معهم" استفاده می‌کرد، نه" فیهم. "واگر اشکال شود که: پس چرا اسامی این پنجاه نفر در بین نام ۳۱۳ نفر نیامده است؟ در جواب گوییم: با مراجعه به روایاتی که اسامی یاران خاص حضرت را ذکر کرده‌اند پی می‌بریم که نام همه ۳۱۳ نفر نیامده است ولذا ممکن است بقیه آنان از زنان باشند که به جهت خاصی نام آنان برده نشده است.

سایر مباحث

آیا امام زمان(ع) کسی و یا کسانی را پیش خود دارد؟ نام و یا نام های آن ها چیست؟

پرسش

آیا امام زمان(ع) کسی و یا کسانی را پیش خود دارد؟ نام و یا نام های آن ها چیست؟

پاسخ

بی تردید امام زمان(ع) با مردم ارتباط داشته و به هدایت و رهبری مردم می پردازند. در برخی از روایات تصریح شده است که حضرت در مراسم حج شرکت می کند مردم را می بیند اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند. امام صادق(ع) فرمود": امام قائم دو غیبت دارد: در یکی، در مراسم حج شرکت می کند مردم را می بیند، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند."۱ در برخی از روایات دیگر نیز آمده است که سی نفر همراه حضرت هستند که هر گاه یکی از آن ها از دنیا می رود کس دیگری در خدمت حضرت در می آید.۲ امام صادق(ع) فرمود ": لابد لصاحب هذاالأمر من غیبه و لا بدّله فی غیبته من عزله و نعم المنزل طیبه و ما بثلاثین من وحشته؛۳ صاحب این امر به ناگزیر رغبتی دارد و در دوران غیبت، از مردم کناره می گیرد و نیکو منزلی است مدینه طیبه و با سی تن، وحشتی نیست. "محدث نوری در تفسیر ابن حدیث می نویسد": و این سی تن، که امام با آنان انس می گیرد، در زمان غیبت، به ناچار، در هر قرنی تغییر می کنند؛ زیرا عمری که برای آنان مقدّر شده، برای آنان نیست، از این رو در هر عصری سی مؤمن دوستدار، مشرّف به لقای حضرت می شوند."۴ ۱ کافی، ج ۱، ص ۳۳۹. ۲ مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۹۲. ۳ کتاب الغیبه نعمانی ص ۱۸۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳. ۴ جنه المأوای، چاپ شده در بحارالأنوار، ج ۵۳ ص ۳۲۰.

با توجه به خصوصیات و ویژگی های یاران امام زمان(ع) آیا می توان افرادی را نام برد که در این زمان وجود داشته باشد؟

پرسش

با توجه به خصوصیات و ویژگی های یاران امام زمان(ع) آیا می توان افرادی را نام برد که در این زمان وجود داشته باشد؟

پاسخ

از برخی روایات[۱] استفاده می شود که هر گاه ۳۱۳ نفر از یاران خاص آماده شوند و شرایط دیگر نیز فراهم شود، امام زمان(ع) ظهور می کند؛ ولی این که این تعداد وجود دارند و یا بعداً به دنیا می آیند و یا تعدادی از آن ها از دنیا رفته اند، معلوم نیست. آیا در این عصر افرادی هستند که ویژگی ها و خصوصیات یاران امام زمان(ع) را داشته باشند؛ باز دقیقاً معلوم نیست. امروزه که میلیون ها انسان در کرهٔ زمین وجود دارند و ممکن است میان این تعداد جمعیت بعضی از یاران امام باشند، ولی کسی را نمی توان معرفی کرد که از یاران خاص امام زمان(ع) باشد، چون ناشناخته و مجهول می باشند. [۱] صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴ – ۵۹۶.

آیا کسانی جزء یاران آقا امام زمان(عج) هستند، در حال حاضر با او ارتباط دارند و با یکدیگر در یک مکان جمع می شوند و در مورد برنامه های دوران ظهور بحث می کنند؟

پرسش

آیا کسانی جزء یاران آقا امام زمان(عج) هستند، در حال حاضر با او ارتباط دارند و با یکدیگر در یک مکان جمع می شوند و در مورد برنامه های دوران ظهور بحث می کنند؟

پاسخ

در روایات تصریح شده است که برای امام زمان(ع) دو غیبت صغری و کبری است.[۴۰] در غیبت صغری مردم از طریق نواب اربعه با امام زمان(ع) ارتباط برقرار کرده[۴۱] و مشکلات خویش را با آن ها در میان می گذارند و حضرت به مشکلات و مسایل مردم پاسخ می دهد. البته غیبت صغری بدان معنا نیست که مردم با حضرت ارتباط نداشته باشند، ولی ارتباط در زمان غیبت مردود است.[۴۲] در زمان غیبت کبری در خصوص ارتباط مردم، به ویژه یاران امام با ایشان دو مبنا وجود دارد. برخی عقیده دارند که در زمان غیبت کبری ارتباط و ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد[۴۳] بر اساس این نگرش هر گونه ملاقات با امام زمان امکان نداشته و به حسب ظاهر کسی حق ندارد که ادعای ارتباط و ملاقات حضوری را داشته باشد. این نگرش ریشه در روایات دارد؛ زیرا روایات، ملاقات حضوری را نفی کرده است.[۴۴] از سوی دیگر از برخی متون استفاده می شود که حضرت مکان معیّنی ندارد، از این رو به حسب ظاهر امکان ندارد که یاران حضرت در یک مکان جمع شوند. گرچه ممکن است با بهره مندی از امدادهای الهی این کار صورت گیرد. از روایات دیگر نیز استفاده می شود که هرگاه شرایط ظهور امام فراهم شد و ۳۱۳ نفر[۴۵] وجود داشتند، حضرت ظهور می کند. حال معلوم نیست ۳۱۳ همگی زنده اند و یا برخی از آن ها از دنیا رفته و در هنگام ظهور رجعت می کنند و یا برخی از ۳۱۳ نفر بعداً متولد می شوند. از این رو نمی توان گفت: یاران امام در زمان غیبت با حضرت در یک مکان جمع می شوند. برخی عقیده دارند که در زمان غیبت کبری ملاقات با امام زمان(ع) امکان دارد.[۴۶] بر اساس این نگرش نمی توان گفت یاران امام در یک مکان جمع شده و با حضرت ارتباط دارند، زیرا آنچه از متون دینی استفاده می شود، آن است که در زمان غیبت کبری، فقیهان و مجتهدان واجد شرایط، نیابت عامهٔ امام را بر عهده دارند و مردم مسایل شرعی و سیاسی خویش را از آنان می پرسند. البته هدایت و ارشاد و رهبری مردم توسط امام زمان(ع) انجام گرفته، زمین لحظه ای از وجود مقدس امام زمان(ع) خالی نیست. نفع امام به همگان می رسد و حضرت به طور ناشناس در مکان های مختلف حضور پیدا کرده،[۴۷] به مشکلات مردم رسیدگی می کند. امام صادق(ع) فرمود": امام قائم... در مراسم حج شرکت می کند و مردم را می بیند، امام مردم او را نمی بینند و نمی شناسند.["۴۸] ولی در عین حال نمی توان گفت که یاران امام در حضور ایشان جمع شده و با حضرت ارتباط داشته و در خصوص برنامه های ظهور بحث می کنند. در زمان حضور امام، یاران امام با حضرت ارتباط دارند، هم چنین ممکن است در زمان غیبت با بهره گیری از امدادهای غیبی، ارتباط برقرار نمایند، ولی دلیل قاطعی در خصوص جمع شدن یاران امام در زمان غیبت وجود ندارد. [۴۰] اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۶؛ اعلام الوری، ص ۴۴۴؛ ارشاد، ص ۳۴۶؛ مهدی موعود، ص ۹۳۱ - ۹۳۳. [۴۱] مهدی پیشوایی، سیرهٔ پیشوایان، ص ۶۷۳. [۴۲] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۳ - ۵۴. [۴۳] مجلهٔ حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۷۲ به بعد. [۴۴] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۶. [۴۵] لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴ - ۵۹۶. [۴۶] تنزیه الانبیاء، سید مرتضی، ص ۱۸۲. [۴۷] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۴. [۴۸] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰۷.

با توجه به این که امام زمان(عج) دارای سیصد و سیزده یار می باشد، آیا یاران با هم زندگی می‌کنند و نسبت به این امر آگاهی دارند؟

پرسش

با توجه به این که امام زمان(عج) دارای سیصد و سیزده یار می باشد، آیا یاران با هم زندگی می کنند و نسبت به این امر آگاهی دارند؟

پاسخ

از روایات فهمیده می شود که آنان با هم زندگی نمی کنند، بلکه در زمان موعود از شهرهای مختلف به سوی حضرت مهدی(عج) رهسپار می شوند. در روایات آمده است که در آغاز چهل و پنج تن از نه قبیله و شوهر مختلف نزد حضرت گرد می آیند. سپس به این عده افزوده می شوند واز شهرهای مختلف و دور دست یاران حضرت با سرعت ویژه‌ای به سوی حضرت رهسپار می گردند و دور حضرت حلقه می زنند. مرحوم سید محسن امینی در کتاب گرانسنگ اعیان الشیعه از هشتاد و چند شهر و دیار نام می برد که این عده (سیصد و سیزده تن) از آن شهرها بر می خیزند. از جمله آن‌ها قم، کوفه، طالقان، گرگان، طبرستان، طرابلس، بیروت، دمشق، ری، فلسطین، قزوین، شیراز، دیلمان، بصره، اهواز و کرمان است. این‌ها همدیگر را نمی شناسند و بدون این که با هم و عده‌ای گذاشته باشند، در موعد مقرر جمع می شوند (یجتمعون مِن أقاصی الأرض علی غیر میعاد لا یعرف بعضُهم بعضاً.)(۱) آیا سیصد و سیزده تن آگاهی دارند که از زمره یاران حضرت مهدی(عج) می باشند؟ در روایات معصومان(ع) به نکته‌ای برخورد نکردیم که گویای این سخن باشد که یاران حضرت مهدی(عج) از پیش آگاهی دارند که جزء سیصد و سیزده تن یار حضرت می باشند. این گونه اطّلاعات از علوم غیبی است و علوم غیبی در اختیار خدا است. قرآن می گوید": و عنده مفاتیح الغیب لا یعلمها إلاّ هو؛(۲) کلیدهای غیب نزد خدا است. تنها او از امور غیبی آگاه است. "لیکن برخی از دانش‌ها یغیبی را به معدودی از بندگان صالحش عنایت می کند": عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احد إلاّ مَن ارتضی من رسول؛(۳) خداوند دانای به امور غیبی است آن را در اختیار دیگران قرار نمی دهد، مگر برخی از انسان‌های مورد رضایت خدا. "از برخی روایات استفاده می شود که اطّلاعات مربوط به یاران حضرت مهدی(ع) را خداوند به پیامبرش عنایت نمود و حضرت این دانش را در اختیار امام علی گذارد و سپس در اختیار یکایک امامان(ع) قرار گرفت.(۴) ممکن است یاران حضرت مهدی(عج) در آستانه ظهور حضرت با توجه به تکاملی که نموده‌اند، خداوند برزگ تفضلی نماید و چند صباحی قبل از ظهور حضرت، آنان را از این نعمت بزرگ مطّلع نماید. اگر بپذیریم که برخی از پیامبران الهی مانند حضرت عیسی(ع) جزء سیصدوسیزده یار امام مهدی(عج) به شمار می آیند، بعید نیست که از موقعیّت خویش از قبل آگاهی داشته باشند. چون حضرت عیسی(ع) از پیامبران مرسل است و به همان دلیلی که پیامبر اسلام و اوصیای حضرت از امور غیبی آگاه شدند، حضرت عیسی نیز آگاه شده است. اگر بپذیریم برخی از انسان‌های صالح گذشته مانند اصحاب کهف، نیز وصیّ حضرت موسی(ع) یوشع بن نون و مالک اشتر و مقداد جزء یاران حضرت به شمار می آیند(۵) و رجعت می کنند، بعید نیست در عالم برزخ از موقعیت خود با خبر باشند. پی نوشت‌ها: ۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۴. ۲. انعام (۶) آیه ۵۹. ۳. جن (۷۲) آیه ۲۷. ۴. اعیان الشیعه، ص ۸۴. ۵. همان.

آیا یاران امام زمان (عج) (۳۱۳ نفر) همه مسلمان و شیعه هستند یا از ادیان دیگر نیز جزو این افراد هستند؟

پرسش

آیا یاران امام زمان (عج) (۳۱۳ نفر) همه مسلمان و شیعه هستند یا از ادیان دیگر نیز جزو این افراد هستند؟

پاسخ

- ۳۱۳ نفر که در روایات اشاره شده از یاران خاص و ویژه آن حضرت می باشند که همگی از شیعیان خالص و بسیار باایمانند البته غیر از آنان نیز یاران متعدد دیگری برای آن حضرت وجود دارد ولی علی القاعده همگی باید همسو و هم اندیشه با آن حضرت و آرمانهای ایشان باشند علاوه بر این روایاتی ((۳)) هر نشان می دهند که پس از ظهور آن حضرت بسیاری از مسیحیان مسلمان می شوند .به جهت وجه غالب یا کامل یاران آن حضرت مسلمان و شیعه خواهند بود هرچند به تازگی به اسلام و تشیع گرویده باشند; .

اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه وارد مکه می‌شوند؟

پرسش

اصحاب حضرت مهدی‌علیه‌السلام چگونه وارد مکه می‌شوند؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق چند احتمال وجود دارد: ۱ - اینکه این جماعت به طور اعجاز وبا سرعت وارد مکه می‌شوند. این احتمال مطابق ظاهر برخی روایات وصریح برخی روایات دیگر است. در برخی روایات آمده که آنها در یک ساعت در جایی اجتماع می کنند: "یجتمعون واللّه فی‌ساعة واحدة.{"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸، باب ۲۶. پاورقی} ولی در برخی روایات تصریح به اعجازی بودن آن شده است. در روایت ابن صباغ آمده است": فیصیر إلیه أنصاره من أطراف الأرض تطوی لهم طیّاً حتّی یبایعوه؛" "پس انصار او از اطراف زمین به خدمت او می‌رسند در حالی که زمین برای آنها می‌چرخد تا اینکه با او بیعت کنند ".ودر خبر طبرسی آمده است": فتصیر شیعته من أطراف الأرض تطوی لهم طیّاً حتّی یبایعوه"؛ "پس شیعیان از اطراف زمین خدمت او می‌رسند در حالی که زمین برای آنها می‌چرخد، تا آنکه با او بیعت کنند ".۲ - احتمال دیگر اینکه مردم چند دسته شوند: الف. برخی از راه طبیعی خدمت امام (ع) مشرّف می‌شوند. ب. برخی نیز شب هنگام که در رختخواب خود آرمیده‌اند ناگهان خود را در مکه می‌یابند. ج. برخی نیز بر ابر سوار در روز به خدمت حضرت مشرف می‌شوند. ۳ - احتمال سوّم آن است که همگی با سفر عادی به خدمت حضرت مشرف می‌شوند؛ زیرا همان گونه که در روایات اشاره شده به اسم مهدی (ع) در ماه رمضان ندا داده می‌شود، وظهور حضرت نیز در دهم محرم است. در فاصله این مدّت مخلصین، خود را به حضرت می‌رسانند. از میان این احتمالات، احتمال سوّم ترجیح دارد؛ زیرا گرچه مطابق زمان صدور این روایات حرکت سریع به سوی مقصدی دور تنها با اعجاز متصور بوده، ولی در این عصر بلکه عصر ظهور، حرکت‌ها به حدّی سریع شده که اجتماع افرادی را از اطراف عالم در یک ساعت ممکن ساخته است. ولذا ممکن است که مقصود از سیر در سحاب وابرها سفر با هواپیما، وپیچیده شدن زمین، سفر با ماشین وقطار سریع‌السیر باشد.

بیشتر یاران حضرت از شرق هستند، چگونه با عقب‌ماندگی شرق می‌توان بر غرب پیروز شد؟

پرسش

بیشتر یاران حضرت از شرق هستند، چگونه با عقب‌ماندگی شرق می‌توان بر غرب پیروز شد؟

پاسخ

اولاً: از طرفی یاران حضرت باید از افراد مسلمان باشند واز طرف دیگر عمده ممالک وزیست‌گاه امت اسلامی در شرق است لذا بیشتر یاران حضرت از شرق هستند. ثانیاً: حضرت مهدی (ع) از همه نوع پیشرفتی برای رفاه وتکامل انسان‌ها استفاده خواهد کرد ولی نه به دید استقلالی، بلکه از دنیا برای رسیدن به تعالی روحی بهره خواهد گرفت. ثالثاً: مقصود از عقب افتادگی شرق نسبت به غرب چیست؟ اگر در تکنیک ومسائل دنیوی است که هدف اصلی حضرت تنها تکامل مادّی نیست. واگر مقصود عقب افتادگی شرق در ناحیه عقل وفکر وشعور وپیشرفت فرهنگی است که این مطلب را ما قبول نداریم. چه کسی گفته است که غرب به لحاظ اخلاقی وفرهنگی بر شرق پیشی گرفته است.

یاران عام

آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) همهٔ مردم در رکاب او جنگ خواهند کرد یا فقط یارانش و یا کسانی که دعای عهد را خوانده اند؟

پرسش

آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) همهٔ مردم در رکاب او جنگ خواهند کرد یا فقط یارانش و یا کسانی که دعای عهد را خوانده اند؟

پاسخ

مسلّماً خواندن دعای عهد و اظهار شوق و علاقه نسبت به ظهور حضرت و جنگیدن و در رکاب حضرت و اظهار وفاداری و بیعت ، انسان را از زمرهٔ یاران حضرت قرار می دهد. کسی که دعای عهد را می خواند، از خدا می خواهد که توفیق زیارت و همراهی با حضرت را داشته باشد. البته افرادی که دعای عهد را می خوانند، ولی بر اساس تقوا قدم بر نمی دارند و در هر گناهی حاضر می شوند ، افراد مورد بحث ما نیستند. اینان شاید با ظهور حضرت جزو دشمنان ایشان باشند. کسانی توفیق یاری رساندن به حضرت مهدی(ع) را خواهند یافت که همواره از مسیر تقوا و پاکی زبان و چشم و قلب پا فراتر ننهند. افرادی که دنیا پرستی چشم آنان را پر نکرده باشد و دل به دنیا نبسته باشند. خواه این افراد دعای عهد خوانده باشند یا نخوانده باشند.

نقل شده که هر کس تا چهل صباح دعای عهد را بخواند یکی از یاران امام زمان خواهد شد و اگر قبل از ظهور بمیرد در زمان ظهور زنده خواهد شد یعنی اگر کسی گناهکار هم باشد بدون شک یکی از یاران آن حضرت خواهد شد. اگر کسی در زمان ظهور زنده شود جوان زنده می شود یا به هما

پرسش

نقل شده که هر کس تا چهل صباح دعای عهد را بخواند یکی از یاران امام زمان خواهد شد و اگر قبل از ظهور بمیرد در زمان ظهور زنده خواهد شد یعنی اگر کسی گناهکار هم باشد بدون شک یکی از یاران آن حضرت خواهد شد. اگر کسی در زمان

ظهور زنده شود جوان زنده می شود یا به همان سنی که از دنیا رفته است؟

پاسخ

مرحوم شیخ عباس قمی روایتی را از امام صادق(ع) نقل می کند مبنی بر این که": اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت حضرت باشد."۱ به گونهٔ مشخص نمی توان گفت که بین خواندن دعای عهد و از یاران امام زمان(ع) قرار گرفتن چه رابطه ای وجود دارد، چون برای دعا خواندن و وقوع آثار آن شرای خاصی پیش بینی شده است. گرچه روایت مذکور مطلق بوده و قیدی ندارد، ولی باید دید که این روایت با روایات دیگری که برای استجابت دعا شرایط خاصی را مطرح کرده اند، چه رابطه ای دارد؟ در عین حال می توان گفت که بین خواندن دعای فرج و آثار آن که در روایت بدان اشاره شده، رابطه وجود دارد. ۱ مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶۱.

در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: لشگریان حضرت صاحب الزمان سه دسته‌اند که او را یاری می کنند. لطفاً بفرمایید این سه دسته چه کسانی هستند؟

پرسش

در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: لشگریان حضرت صاحب الزمان سه دسته‌اند که او را یاری می کنند. لطفاً بفرمایید این سه دسته چه کسانی هستند؟

پاسخ

در خصوص تعداد یاران امام زمان(ع) سه دسته روایات وجود دارد. برخی روایات تعداد یاران را ۳۱۳ نفر ذکر کرده اند.[۱] امام صادق(ع) فرمود": گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش را که پیرامونش گرد آمده به شمار اهل بدر هستند.[۲"] بعضی روایات دیگر تعداد یاران امام زمان(ع) را ده هزار نفر ذکر کرده اند.[۳] ابو بصیر از امام صادق(ع) گزارش نمود": لا یخرج القائم(ع) حتی یکون تکملهٔ الحلقهٔ. قلتٌ کم تکملهٔ الحلقهٔ. قال: عشرهٔ آلاف؛[۴] تا حلقه کامل نگردد، قائم خروج نمی کند. گفتم کامل شدن حلقه به چند نفر است: فرموده: ده هزار نفر. "در بعضی روایات دیگر، به جای کامل شدن حلقه، از کامل شدن" العقد[۵"] و" فئه[۶"] سخن به میان آمده است که با گرد آمدن ده هزار نفر تکمیل می‌شوند.[۷] برخی از روایات دیگر تعداد یاران امام را دوازده تا پانزده هزار نفر بیان نموده است. امام علی(ع) فرمود": مهدی میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد.[۸"] برخی روایات دیگر به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان، به ویژه مشرق زمین به کمک امام می شتابند.[۹] در ابتدا به نظر می‌رسد که روایات مذکور با هم تعارض دارند ولی با تدبّر بیشتر معلوم می‌شود که این روایات تعارض نداشته، بلکه مکمّل یکدیگر بوده و در طول هم هستند، زیرا آن دسته از روایات که ۳۱۳ نفر را بیان نموده اند، ناظر بر آن است که این تعداد نخستین کسانی هستند که به امام زمان(ع) گرویده و در مکه همراه امام هستند که از آن‌ها به عنوان "نقباء"، "خواص "و" ذخرالله "یاد شده است.[۱۰] ۳۱۳ نفر از فرماندهان و وزیران امام هستهٔ مرکزی حکومت امام را تشکیل می دهند. در برخی روایات یکی از شرایط ظهور امام وجود ۳۱۳ نفر بیان شده است که حکایت از جایگاه آنان دارد و یاران خاص امام

www.noorfatemah.org

هستند. امام صادق(ع) دربارهٔ بیعت و گرویدن آنان فرمود": سیصد و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه اقامت کرده، سپس رهسپار مدینه می گردد.[۱۱"] آن دسته از روایات که تعداد یاران امام را ده تا پانزده هزار بیان نموده، ناظر بر آن است که به ترتیب افراد و گروه های خاص با حضرت بیعت می کنند: بعد از آن که امام از مکه ظهور می‌کند و خبر ظهور حضرت به مردم می رسد، یاران امام که در روایات تعداد آن‌ها ده تا پانزده هزار بیان شده است، با امام بیعت می کنند. در برخی روایات به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان با امام بیعت می کنند؛ این دسته روایات ناظر بر آن است که بعد از ظهور امام و حرکت نمودن او به سوی مدینه و کوفه، یاران امام با او بیعت نموده و برای تشکیل حکومت جهانی و برقراری عدالت حضرت را یاری می کنند. سپس یاران امام افزایش می یابد. ـ با توجه به مطالب مذکور باید گفت: با تحقیقاتی که انجام شد، حدیثی از امام باقر(ع) مبنی بر سه دسته بودن لشگریان امام زمان(ع) یافت نشد. بر این اساس اگر چنین حدیثی وجود دارد، با ذکر منبع به این مرکز ارسال دارید تا در جواب گویی پرسش های مشابه از آن استفاده شود از روایات و متون دینی استفاده می‌شود که یاران امام زمان(ع) چندین نفر بوده و دارای چه ویژگی هایی هستند و چگونه با امام بیعت نموده و همکاری می کنند. شاید این روایات که در تعداد اختلاف دارند، اشاره به گروه های خاص یاران امام باشند، مثلاً نزدیک ترین و خواص یاران او ۳۱۳ و گروه بعدی ده هزار نفر و گروه عمومی و سربازان امام زمان پانزده هزار نفر یا بیشتر، همان گونه که در هر سپاهی این رده بندی وجود دارد. البته این صرفاً یک احتمال است. [۱] ینابیع الموده، ص ۴۲۴؛ کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۵. [۲] شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲. [۳] بحارالانوار ج ۵۱، ص ۱۵۷. [۴] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۷. [۵] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷. [۶] تفسیر نور ثقلین، ج ۱، ص ۲۴۹. [۷] مجلهٔ حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) ص ۲۹۵. [۸] اعلام والفتن، ص ۶۵، به نقل از مجله حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان(ع) ص ۲۹۵. [۹] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۶. [۱۰] مجلهٔ حوزهٔ، ویژه نامهٔ امام زمان(ع)، ص ۲۹۶. [۱۱] ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۳.

آیا حتماً باید ۳۱۳ نفر ا فراد پاک پیدا شوند تا حضـرت حجّه(ع) قیام کنند؟ آیا در زمان ما یا در زمان های قبل این تعداد افراد پاک وجود نداشت؟ اگر در یک زمان تعدادی وجود داشته باشد، با مرور زمان از دنیا می روند. بنابراین هیچ گاه این تعداد جمع نخواهند شد. جواب چ

پرسش

آیا حتماً باید ۳۱۳ نفر ا فراد پاک پیدا شوند تا حضرت حجّه(ع) قیام کنند؟ آیا در زمان ما یا در زمان های قبل این تعداد افراد پاک وجود نداشت؟ اگر در یک زمان تعدادی وجود داشته باشد، با مرور زمان از دنیا می روند. بنابراین هیچ گاه این تعداد جمع نخواهند شد. جواب چیست؟

پاسخ

روایاتی به این مضمون وارد شده است که اصحاب مهدی(ع) هنگام قیام ایشان ۳۱۳ نفر به تعداد اصحاب پیامبر در جنگ بدر خواهند بود. آنان در یک ساعت همگی نزد حضرت جمع خواهند شد.[۱] و در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده": هنگامی که ظهور حضرت مهدی(ع) قطعی شود، خداوند از اطراف زمین افرادی را جمع آوری و مبعوث (زنده) می گرداند. همگی نزد حضرت جمع می گردند. والله من آنان را می شناسم و اسم آنان و نام قبیله های آنها را می دانم. همگی از آفاق و نقاط مختلف جمع می شوند. تعداد آنان به تعداد اهل بدر خواهد بود.[۲"] در کتاب منتخب الاثر حدود ۲۵ روایت به این مضمون نقل شده

www.noorfatemah.org

است. ظاهراً مراد این روایات تعداد اصحاب خالص و مهم حضرت می باشد یا مراد اصحاب اوّلی و آغازین است وگرنه بعداً اصحاب بیشتری با حضرت همکاری خواهند کرد. در روایات دیگری آمده است": قائم أهل محمد جمع الله له أهل المشرق و اهل المغرب؛ خداوند برای حضرت اهل مشرق و مغرب را جمع خواهد کرد. "و در روایت دیگر آمده": والله لو قد قام قائمنا یجمع الله إلیه شیعتنا مِن جمیع البلدان؛[۳] به خدا قسم! هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان ما را از جمیع شهر ها نزد او جمع خواهد کرد. "اگر حضرت مهدی(ع) بخواهد تمامی زمین را پر از عدل و داد بکند، مسلّماً باید بیشتر از ۳۱۳ نفر نیرو داشته باشد. از مجموعهٔ روایات استفاده می شود که اصحاب حضرت هنگامی که قیام کند، ۳۱۳ نفر خواهند بود. معنای این روایات آن نیست که قیام حضرت مبتنی بر این می باشد که ۳۱۳ نفر انسان پاک پیدا شود تا این اشکال به وجود آید که: آیا بین این همه جمعیت در دوران های مختلف ۳۱۳ نفر انسان پاک پیدا نمی شود؟! قیام حضرت مهدی مبتنی بر پیدا شدن ۳۱۳ نفر نیست، بلکه اجازهٔ قیام حضرت به دست خدا است. حتی اگر الآن حضرت مهدی(ع) ۳۱۳ نفر یاور واقعی داشته باشد، تا خدا اجازهٔ قیام آن حضرت را ندهد، خروج نمی کند. بنابراین علّت قیام اجازه و اذن خدا است، نه پیدا شدن ۳۱۳ نفر. در آخرین توقیع حضرت به "علی بن محمد سمری "آخرین نایب خاص آمده است": خداوند اجر برادران دینی تو را دربارهٔ تو عظیم گرداند. تو تا شش روز دیگر می میری. برای بعد از خودت جانشین تعیین نکن. غیبت کبری و تامه واقع شد. ظهوری نخواهد بود مگر بعد از اذن خدای تعالی. بعد از طولانی شدن مدت و قساوت پیداکردن دل ها و پر شدن زمین از ظلم و جور.["۴] نکتهٔ دیگر این که بر اساس روایات، تعدادی از افراد خالص و پاک که صلاحیت همراهی حضرت مهدی(ع) را دارا باشند حتی اگر از دنیا رفته باشند، رجعت خواهند کرد و زنده خواهند شد. همان طور که در روایت اوّلی بدان اشاره شده بود. [۱] آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴. [۲] همان. [۳] همان، ص ۵۹۷. [۴] منتهی الآمال، ص ۵۸۰.

در مورد این که گفته شده یاران واقعی امام زمان (عج) کسانی هستند که در زمان غیبت با مردم به گونه‌ای رفتار می‌کنند که به راحتی در جیب یکدیگر دست کرده و از مال یکدیگر استفاده می‌کنند بدون این که ناراحت شوند، توضیح دهید؟

پرسش

در مورد این که گفته شده یاران واقعی امام زمان (عج) کسانی هستند که در زمان غیبت با مردم به گونه‌ای رفتار می‌کنند که به راحتی در جیب یکدیگر دست کرده و از مال یکدیگر استفاده می‌کنند بدون این که ناراحت شوند، توضیح دهید؟

پاسخ

شیعیان حقیقی چه در دوران غیبت و چه در زمان حضور و ظهور امام زمان (عج) افرادی هستند پاک، خداجو، مخلص و ایثارگر. آن‌ها در مسایل مالی دیگران را برخود مقدم می‌دارند. از ویژگی‌های بارز یاران مهدی (عج) ایثار و مواسات است دل‌هایشان با هم پیوند خورده و یار غمخوار همدیگرند. آنان برای یکدیگر خود را به رنج می‌افکنند و در بهره‌گیری از زیبایی‌هایی زندگی دیگران را بر خود مقدم می‌دارند. از دیدگاه امامان معصوم‌علیهم‌السلام، شیعه واقعی نیست. شیعه باید خود را شریک غم و شادی مؤمنین بداند و اگر مؤمنی نیازمند به اندازه نیاز خود، دست به سوی مال او دراز کرد و بااندازه نیازش پول برداشت ناراحت نگردد. در غیر این صورت، مورد رضایت امامان نیست. حضرت موسی به جعفرعلیه‌السلام به یکی از شیعیان خود به نام عاصم فرمود: شما شیعیان در رسیدگی به یکدیگر و نیکی نمودن به یکدیگر چگونه هستید؟ عرض کرد: خیلی خوب هستیم! فرمود: آیا وقتی یکی از شما

www.noorfatemah.org

احتیاج پیدا کرد و به منزل برادر دینی خود رفت و او را در خانه نیافت، دستور می‌دهد کیسه او را بیاورند تا باندازه احتیاجش از آن بردارد، و آیا وقتی صاحب منزل فهمید، از این موضوع ناراحت نمی‌شود؟ عرض کرد: نه ما این چنین نیستیم فرمود: پس آن گونه نیستید که من دوست دارم. "بحارالانوار ج ۴۸، ص ۱۱۸. برید عجلی گوید: در محضر حضرت باقرعلیه‌السلام بودیم. به حضرت عرض شد: یاران ما در کوفه بسیارند، اگر فرمان دهی از تو اطاعت خواهند کرد. فرمود: چنان هستند که کسی بدون اجازه آن‌ها از مالشان نیازمندی خود را برطرف کند؟ گفتند: خیر! فرمود: آنان که از بذل مال دریغ کنند، در نثار جان تخیل‌ترند، سپس فرمود: زمان قیام قائم دوران رفاقت فرا می‌رسد. مرد به سراغ مال برادر خود رفته و حاجت خود را برآورده می‌کند و او مانعش نمی‌شود. بنابراین، یکی از مجله حوزه، سال ۷۱ - ۷۰، مهر - دی - ۱۳۷۴ ص ۳۰۶، به نقل از اختصاص شیخ مفید ص ۲۴. صفات یاران حضرت مهدی (عج) ایثار و مواسات می‌باشد. و در زمان غیبت نیز باید آن گونه بود.

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پرسش

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پاسخ

این که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر هستند مطلب صحیحی است ولی منظور یاران خاص وفرماندهان لشکرهای حضرت می باشد، زیرا شکی نیست که همه مومنین و مومنات در آن زمان از یاران و یاوران آن حضرت می باشند و حتی گروهی از مومنین زمان های گذشته زنده می شوند و در رکاب حضرت برعلیه کفر مبارزه می نمایند به همین جهت در دعای عهد می خوانیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که در رکاب حضرت حضور داشته باشیم . افزون بر آن بیان واقعیت نباید موجب یاس و دلسردی بشود، بلکه منطقاً هر کس باید تلاش کند که خود را به حد اعلای کمالات برساند تادر ردیف یاران ویژه آن حضرت قرار گیرد.

آیا یاران امام زمان (عج) فقط هنگام ظهور امام به یاری او می شتابند یا اینکه قبل از ظهور زمینه را برای ظهور آقا فراهم می سازند؟

پرسش

آیا یاران امام زمان (عج) فقط هنگام ظهور امام به یاری او می شتابند یا اینکه قبل از ظهور زمینه را برای ظهور آقا فراهم می سازند؟

پاسخ

در روایت آمده که افضل الاعمال انتظار الفرج. از این روایت فهمیده می شود که انتظار فرج یک نوع عمل است. در روایت نگفته که افضل الحالات بلکه گفته افضل الاعمال اگر ما منتظر خورشید و روشنایی روز باشیم در تاریکی نمی نشینیم بلکه چراغ روشن می کنیم و یا اگر بخواهیم کشاورزی کنیم زمینی تهیه نموده و زمینه لازم را برای کشت مورد نظرمان را فراهم می کنیم. در مورد

ظهـور امـام زمـان (عـج) نیز اینگـونه است بایـد زمینـهٔ لازم برای ظهـور ایشـان باشـد و برخی از آن زمینه هـا بایـد در وجود مردم و بخصوص یـاران حضـرت فراهم باشـد. اساساً جریان امور و سـنت الهی به این گونه نبوده که کارها از طریق معجزه و از مجرای غیر طبیعی انجـام شود. و ۱۲۴ هزار پیـامبری که فرسـتاده شدنـد اینطور نبوده که بـا معجزه تمام کارهایشان حل شود. در مورد امام زمان (عـج) نیز همین گونه خواهـد بود. و اینطور نیست که بـا ظهور ایشـان همه چیز به یکباره دگرگون شود بلکه بایـد زمینه هایی فراهم باشد و ایشان با اسـتفاده از آن زمینه ها به اهداف عالی تر برای تکامل بشـر دست پیدا کنند. در این میان یاران حضرت قبل از ظهور ایشان وظیفه مهمی بر عهـده دارنـد که همان زمینه سازی برای ظهور ایشان می باشد. از جمله وظایف مومنین در جهت زمینه سازی برای ظهور حضـرت می توان در موارد ذیل برشمرد: ۱- گسترش عدل و داد که در این زمینه حضـرت امام می فرمایند": ما منتظران مقـدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشـش کنیم تا قانون عدل الهی راه در این کشور ولی عصـر (عج) حاکم کنیم ("۱) ۲- پیـاده کردن احکـام دین و اسـلام و صـدور این آرمـان و پیام به کشورهای دیگر: چنانچه مقام معظم رهبری می فرماینـد: هر چه شما بتوانید دایره این مقدار اسـلامی که من و شـما در ایران داریم، مبالغه نمی کنیم اسـلام کامل البته نیست، اما بخشـی از اسـلام را این ملت توانسـته است در ایران پیاده کند، همین مقدار از اسـلام را هر چه شـما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقـاط تاریک و مظلم دیگر، گسترش دهیـد، همان مقـدار به ظهور ولی امر و حجت عصـر کمک کرده‌ایـد و نزدیک شـده ایـد اگر بتوانیـد در درون خود و جامعه تان، جامعه انقلابی، تقوا و فضـیلت و اخلاق و دینداری و زهد و نزدیکی معنوی به خود و خدا را در خود تـأمین کنیـد پـایه و قاعـده ظهور ولی عصـر (عـج) را مسـتحکم تر کرده ایـد و هر چه بتوانیـد از لحاظ کمیت و کیفیت مقـدار مسـلمانان مؤمن و مخلص را افزایش دهیـد باز به امام و زمان ظهور ولی عصـر، نزدیک تر شـده ایـد. پس ما می توانیم قـدم به قـدم جامعه خود و زمان و تاریـخ خود را به تاریـخ ظهور ولی عصـر (عج) نزدیک کنیم ("۲) منابع و مآخذ: ۱ـ امام خمینی (ره) کلمات قصار و پندها و حکمت ها، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۲- دیدگاهها، مصاحبه با آیت الله خامنه ای، صص۲۱۶-۲۱۷

آیا وجود سیصد و سیزده نفر فرد مؤمن برای یاری امام زمان برای ظهور ایشان کافی است؟

پرسش

آیا وجود سیصد و سیزده نفر فرد مؤمن برای یاری امام زمان برای ظهور ایشان کافی است؟

پاسخ

این تصور، درست نیست که شـرط ظهور امـام زمان فقط این است که۳۱۳ نفر یاور برای حضـرت فراهم شوند؛ زیرا یکی از شـرایط ظهور آن حضرت‌فراهم شدن ۳۱۳ یاور است اما شـرایط دیگری هم وجود دارد مثلاً امام‌مهدی ع در حدیثی فرموده‌اند: «اگر شیعیان ما با هم متحد بودند و از گناهان‌دوری می کردند و... فیض حضور در کنار ما نصیبشان می‌شد و از دیدار مامحروم نمی‌شدند.» یکی دیگر از شـرایط ظهور آن حضـرت آمـادگی جهانی‌است یعنی جهانیان تمام مکاتب غیر اسـلامی را تجربه کننـد و ببیننـد هیچ‌کـدام نمی‌توانند مشـکلات بشریت را حل کنند، بنابر این سرشان به سنگ‌بخورد و منتظر آمدن یک مرد الهی و آسمانی (امام زمان باشند تا وقتی آمدقـدرش را بداننـد و تنهایش نگذارند. پس فراهم شدن ۳۱۳ یاور به تنهایی برای ظهور کافی نیست بلکه همهٔ‌شـرایط باید فراهم شود. اگر همـهٔ شـرایط فراهم گردیده آن وقت امام ع ظهورمی کنند. باید به این نکته نیز توجه داشت که ۳۱۳ یاور مخصوص

امام ع ،افرادی‌اند که از نظر معنوی و اخلاقی بسیار بلند مرتبه هستند و به این دلیل‌لیاقت آن را پیدا کرده‌اند که جزء یاوران مخصوص امام مهدی ع باشند. بنابراین اگر کسی نتوانست جزو آنها باشد، به این معنا نیست که او آدم بدی است بلکه یاران مخصوص آن حضرت مقامات خیلی بلندی دارند. به عنوان مثال‌اگر در مدرسه بگویند هر کس نمرهٔ ۲۰ گرفت جایزه می گیرد، حال آیا افرادی‌که ۱۹ یا ۱۸ گرفته‌اند شاگردان تنبلی هستند؟ خیر. در مورد یاروان امام ع هم‌اگر کسانی نتوانستند آن قدر خوب باشند که جزو ۳۱۳ یار امام ع باشند،نمی‌توان نتیجه گرفت پس آدم‌های بدی هستند. در پایان شما گفته‌اید روحانی مدرسه شما با شما برخورد مناسبی نداشت‌و شما نتیجه گرفته‌اید که پس ما باید به هیچ کدام از روحانیان اعتماد نکنیم این گونه قضاوت کردن درست نیست آیا اگر یکی از دبیران شما به شمابی‌احترامی کرد، نتیجه می گیرید که پس تمام دبیران دنیا آدم‌های بدی‌هستند؟ هرگز. البته ـ صرف نظر از این که برخورد آن روحانی با شما چه بوده‌است ـ در میان روحانیان نیز انسان‌های ناسالمی وجود دارند؛ ولی این دلیل‌نمی‌شود که شما به همه بدبین شوید.

ظهور

علائم ونشانه های ظهور مهدی موعود (ع) چیست؟

پرسش

علائم ونشانه های ظهور مهدی موعود (ع) چیست؟

پاسخ

اگر تعداد روزه‌هایی که از انسان قضا شده، معلوم نباشد، قضای تعدادی که یقین دارد، واجب است، مثلاً اگر نمی‌داند روزه‌های قضایی او بیست یا سی روزه بوده، بر او قضای بیست روز واجب است. اگر انسان در موقع انجام غسل، همراه با شستشوی سر و گردن از دست خود برای شستن سر و گردن استفاده کند، اشکالی دارد؟ پاسخ: انسان می‌تواند هنگام شستن اعضای بدن اعم از سر و گردن و طرف راست و طرف چپ از دست هایش برای رساندن آب به بدن استفاده کند و دست مالیدن به سر و گردن اشکالی ندارد. نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(ع) چیست؟ پاسخ: علائم و نشانه‌های ظهور را بر دو قسم تقسیم کرده اند: علائم حتمی و غیر حتمی. یک سری علائم مربوط به وضعیت انسان‌ها در آخر الزمان است. علاماتی که وضعیت مردم آخر الزمان را ترسیم می کند و در روایات به آن‌ها اشاره یا تصریح شده، از این قبیل است: در آن زمان مردم به نماز اهمیت ندهند و به امانت‌ها خیانت کنند و انسان‌های گناهکار را بر خود حاکم گردانند و دروغگویی را حلال بشمارند و رشوه و ربا خواری فراوان شود. خانه‌ها را محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند و قطع رحم کنند. زنان، خود را شبیه مردان و مردان، خود را شبیه زنان کنند. فسق و فجور فراگیر شود و بهتان و گناه و طغیان فراوان شود. مسجدها زیبا ساخته شوند و قرآن‌ها زیبا چاپ شود. زنان با مردان در کسب و تجارت شریک شوند. زنان با زنان به شهوت رانی و مردان با مردان هم جنس بازی کنند. فسق و فجور ظاهر و علنی شود و مؤمن سکوت کند و کسی حرف او را قبول نکند. جوانان، پیران را حقیر شمارند. لواط و زنا فراوان شود و مال فراوان برای فساد و منکرات خرج کنند. شراب علناً نوشیده شود و آمر به معروف، ذلیل و خوار شمرده شود. راه فساد و گناه باز باشد و کسی مانع آن نشود و راه خیر بسته شود. مردان از عقب خود و زنان از جلوی خود کاسبی کنند (خودفروشی نمایند) و از این راه درآمد کسب کنند. زنان و دختران به آوازه خوانی بپردازند. حاکمان (کشورهای اسلامی) به اهل کفر نزدیک شوند و با آنان دوست شوند و از اهل خیر و

ایمان دوری کنند و خویشاوندان با هم ازدواج کنند (زنا کنند) و زنان بر مردان غالب و حاکم شوند و از راه حرام کاسبی کنند و به مردانشان انفاق کنند. قمار ظاهر و علنی شود. زمانی بیاید که از صورت قرآن بدشان بیآید، ولی از شنیدن موسیقی و ترانه لذت ببرند و همسایه از همسایه بترسد از او ظلم ببیند. مردم زکات مال خویش نپردازند و هرج و مرج فراوان شود. زمانی بیاید که فرزند به پدر و مادر خویش نفرین کند و از مردن آنان خوشحال شود.(۱) علامات دیگر: خروج سفیانی از شام و حمله به مدینه و خسف (فرو رفتن) او در اطراف مدینه، خورشید گرفتگی در نیمه‌های ماه رمضان(روز سیزدهم و چهاردهم) قیام حسنی؛ فراگیر شدن آتش عظیمی در طرف مشرق؛ صیحه و ندای آسمانی.(۲) پی‌نوشت‌ها: ۱ - با استفاده از بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۵۶، به بعد، با تلخیص؛ منتهی الامال، علامات آخرالزمان. همان، از صفحه ۲۳۰ به بعد، منتهی الامال.

عوامل زمینه ساز

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می‌دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح«علیه السلام» ظهور نماید؟

پرسش

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می‌دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح«علیه السلام» ظهور نماید؟

پاسخ

۱. بعضی حرفها به عنوان احادیث مشهور ندارند امّا هرگز دقّت در کلام اصلی نشده است. جمله پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله» یا ائمه«علیهم السلام» خبر از یک واقعیّت محتوم است که می‌فرماید: «ثلاث الارض قسطاً و عداً بعد ما سئلت ظلماً و جوراً» آن موجود«علیه السلام» زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. این خبر هرگز در مفهوم خود چنین چیزی ندارد که ما نیز عامل فساد باشیم. بلکه برعکس براساس آیات و روایات صریح جمعیتی از صالحین و مصلحین باید امام«علیه السلام» را یاری کنند و فاسدین مفسدین از مرد(۲۳) نابود می‌شوند. و در روایتی امام صادق«علیه السلام» تصریح می‌فرمایند که دوست ندارید در ۱۳ بقیه باشید؟ یعنی سعی کنید در بین آن صالحین باشید که هلاک نشوید. ۲. دستور به تبلیغ و کارهای سازنده جزء کارها بلکه تمام مقصد امام زمان«علیه السلام» است. قومی که مصلح را می‌طلبد باید خود صالح باشد. پس هیچ دلیلی ندارد که ما جزء پرکنندگان ظلم و ستم باشیم. زیرا هلاکت خود را به دست خود اجرا کرده‌ایم. و تازه مسئولیّت مسلمانان که پیرو موعودند«علیه السلام» بیشتر است. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا اصلاحات فرهنگی –اجتماعی در جهان کنونی قادر به زمینه سازی جامعه موعود می باشد ؟چگونه؟

پرسش

آیا اصلاحات فرهنگی –اجتماعی در جهان کنونی قادر به زمینه سازی جامعه موعود می باشد ؟چگونه؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت از برخی روایات این گونه بر می آید که هنگام ظهور حضرت حجت(عج)، دنیا پر از ظلم و ستم می شود. برای توضیح بیشتر به متن حدیث وتوضیحات ضروری راجع به آن اشاره می شود: پیامبر اسلام(ص) فرمود: «ابشروا بالمهدی رجل من قریش یخرج فی اختلاف من الناس و زلزال، فیملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً ؛ به (حضرت) مهدی بشارت دهید که او شخصی از عترت من و از قریش است و در حالی که مردم در تزلزل و اختلاف به سر می برند، ظاهر می شود. آنگاه او زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است».۱ برخی از افراد بدون توجه به احادیث و آیات فراوان قرآن کریم، در تفسیر و توضیح این حدیث بیان می دارند که برای ظهور حضرت باید همه جوامع بشری، کشورها، شهرها، قریه ها و خانه ها از ظلم و فساد پر شود و حتی یک فرد صالح نیز باقی نماند تا پرشدن (کما ملئت ظلماً و جوراً) صدق کند؛ در حالی که با دقت در این حدیث شریف و با توجه به احادیث و دستورهای دیگر اسلام در قرآن، باید گفت هرگز نمی‌توان چنین معنایی را از حدیث فوق برداشت کرد؛ زیرا مراد از پرشدن، پرشدن نسبی است نه حقیقی! به عبارت دیگر، منظور، فراوانی ظلم وستم است. از این رو، از این حدیث و احادیث مشابه آن که بسیار هم نقل شده۲، نمی توان نتیجه گرفت که مردم نیز باید برای تحقق ذیل حدیث به آشفته تر شدن جهان کمک کنند تا زمینه سازی ظهور حضرت صورت بگیرد. آری، مراد آن است که جهان در عصر ظهور، رو به وخامت می نهد. نکته دیگر اینکه در مقابل، احادیث فراوانی داریم که گروهی در زمانهای مختلف با حرکتهای اصلاح گرانه در جوامع بشری، زمینه ساز ظهور حجت خواهند بود. این احادیث در برخی از کتب گردآمده است۳ که به یکی از آنها اشاره می گردد: صاحب کشف الغمه از پیامبر نقل می کنند که فرمود: «مردمی از مشرق خروج می کنند و برای حضرت مهدی زمینه سازی می کنند.»۴ علاوه بر این، از مسلمات دین اسلام است که بی توجهی درمقابل فسادها و ناسامانیهای اجتماعی با روح تعالیم اسلام ناسازگار است؛ از این رو زمینه سازی به مفهوم سکوت و بی توجهی نیست؛ بلکه به معنای تلاش و جدیت فراوان برای مقابله با اوضاع آشفته جهان است. به نظر می رسد ظهور حضرت، زمانی است که جبهه حق و باطل در اوج تقابل هستند. ظالمان و ستمگران اکثر جهان را در احاطه خود دارند و به ظلم و ستم ادامه می دهند، و صالحان زمین نیز در عین مظلوم بودن به تلاش برای مقابله با این مسأله می پردازند. در واقع اصلاحات اجتماعی نه تنها زمینه ساز ظهور حضرت مهدی(عج) است، بلکه از بدیهیات دین اسلام است که انسان در برابر ظلم و فساد و ... نباید سکوت کند. دربارهء ظهور حضرت این نکته نیز اهمیت دارد که پرشدن جهان از ظلم و ستم، شرط ظهور حضرت نیست بلکه نشانهٔ آن است. شرط ظهور، آمادگی و لیاقت انسانهای متعدد منتظر است. برای فراهم ساختن زمینه های ظهور حضرت حجت(عج) همهء مباحث و حقایق در واژه انتظار نهفته است؛ زیرا انسان منتظر تلاش می کند خود را در صفات و خصوصیات به منتظَر (کسی که انتظار او را می کشد) نزدیک کند. کسی که منتظِر مصلح است خود نیز باید صالح و مصلح باشد. به تعبیر زیبای شهید مطهری، انتظار فرج، انتظاری سازنده و نگه دارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش است؛ به گونه ای که خود نوعی عبادت و حق پرستی است. در نتیجه صالح بودن و کمک به اصلاح جامعه یکی از مهم ترین زمینه های ظهور حضرت حجت خواهد بود. لذا اصلاحات فرهنگی و اجتماعی نه تنها زمینه ساز ظهور حجت(عج) بوده بلکه از وظایف هر فردی است که می خواهد در گروه حضرت قرار گیرد منتظر مصلح خود نیز مصلح باشد. علاوه بر اینکه اصلاح کردن جامعه و تربیت افراد باعث می شود که افراد در کنار حضرت و در مسیر اندیشه آن قطب عالم امکان، زیاد شود. «اللهم عجل لولیک الفرج و اجعلنا من اعوانه و انصاره و الذابین عنه و المسارعین الیه و المستشهدین بین یدیه» انشاء الله. پی‌نوشت‌ها: ۱. شیخ طوسی، الغیبه، مؤسسهٔ المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۷۹. ۲. در کتاب منتخب الاثر، ۱۲۳ حدیث در این باب نقل شده است. (ص ۲۵۰– ۲۴۷) ۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، ص ۱۰۳۴ الی ۱۰۶۲. ۴. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمه، ج ۳، ص ۲۶۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۳۸۷.

دنیا و مردم چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان ظهور کنند؟

پرسش

دنیا و مردم چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان ظهور کنند؟

پاسخ

البته ما با شرایط کنونی جهان امیدوار هستیم حضرت ظهور فرمایند و مستضعفان را از دست ستمگران نجات بدهند و تعدادی از نشانه های ظهور حضرت مثل فراوانی ظلم و ستم و کثرت معاصی تحقق یافته و تعداد اندکی از نشانه های ظهور باقی مانده و ما امیدوار هستیم و انتظار داریم که حضرت هر چه زودتر ظهور کنند ولی زمان ظهور امام زمان(عج) برای هیچ کس حتی شخص امام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم، در روایات ما زمان ظهور حضرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است؛ یعنی، همان گونه که علم زمان وقوع قیامت منحصرا در اختیار حضرت حق – جل و علا – است، علم زمان ظهور حضرت نیز منحصرا در نزد خداوند متعال است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) مشابه این روایت را از امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید). بنابراین کسی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد موجه درست می‌شود. مهم شناخت وظیفه است؛ ما چه بکنیم که بتوانیم به وظیفه خود در زمان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم به نزدیک‌تر شدن زمان ظهور امام کمک کرده باشیم؟ و چه بکنیم که اگر امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟ روایات، وظیفه ما را در زمان غیبت را معین فرموده‌اند، انتظار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما باید با ورع و عفت و صلاح همراه باشد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شده است، (کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، صص ۶۴۷ – ۶۴۴، والشیعه والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه). روشن است که تا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضرت نیز میسر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارند. این زمینه اولاً با کردارهای درست و به جا و خداپسندانه شیعیان و هم پیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان – از ته قلب و باخلوص نیت – حاصل می‌شود، (صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱). پس همانگونه که زیادی ظلم و گناه در جامعه از شرایط و نشانه های ظهور است وجود یاورانی مخلص و مؤمن به عنوان یاران حضرت مهدی نیز جزو شرایط ظهور می باشد و ما مؤظف هستیم این شرط را محقق نماییم.

یکی از پرسشهایی که از ابتدای شکل‌گیری بحث مهدویت ذهن من را به خود مشغول ساخت، زمان پدیدار شدن آن تحول بزرگ جهانی به رهبری واپسین حجت الاهی بقیة الله الاعظم – علیه السلام – بود؛ گویا این پرسش حتی قبل از ولادت امام زمان(عج) همواره از دغدغه‌های ذهنی مردم به

پرسش

یکی از پرسشهایی که از ابتدای شکل‌گیری بحث مهدویت ذهن من را به خود مشغول ساخت، زمان پدیدار شدن آن تحول بزرگ جهانی به رهبری واپسین حجت الاهی بقیة الله الاعظم – علیه السلام – بود؛ گویا این پرسش حتی قبل از ولادت امام زمان(عج) همواره از دغدغه‌های ذهنی مردم به حساب می‌آمد، آن که زمان ظهور و قیام امام کی است؟

www.noorfatemah.org

پاسخ

ائمه معصومین(ع) همواره در پاسخ به این پرسش سکوت اختیار می‌کردند و علم آن را ویژه پروردگار می‌دانستند؛ ولی کسانی یافت شده‌اند که در جواب احساسات پاک منتظران به بیاناتی خلاف واقع روی آوردند. با سیری کوتاه در بوستان معطر کلام ائمه اطهار(ع) می‌توان مضمون روایات مربوط به وقت ظهور حضرت مهدی(ع) را این گونه دسته‌بندی کرد: ۱. علم و آگاهی از زمان ظهور ویژه پروردگار متعال است. ۲. ممکن است این آگاهی با اراده الاهی در اختیار معصومان(ع) قرار گرفته باشد. ۳. همواره ائمه دین مردم را از تعیین وقت ظهور پرهیز داده، به تکذیب وقت‌گذاران امر کرده‌اند. ۴. وقت ظهور غیر قابل پیش‌بینی و امر ظهور ناگهانی خواهد بود. ۵. وقت ظهور همانند خود ظهور از اسرار الاهی است؛ ولی در برخی روایات پاره‌ای از اسرار و محدوده‌های آن ذکر شده است. ۶. نحوه آگاه شدن خود حضرت به هنگام ظهور متفاوت ذکر شده است. روایات دسته نخست که علم به زمان ظهور را ویژه خداوند دانسته، بسیار است. برای نمونه توجه به موارد زیر سودمند می‌نماید: وقتی شاعر پرآوازه شیعه دعبل خزاعی در محضر هشتمین آفتاب آسمان ولایت شعری نیک خواند و سخن را با اشاره به قیام واپسین پیشوای شیعیان به پایان برد، سرشک از دیدگان آن امام همام جاری شد و فرمود:« یا خزاعی نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الامام و متی یقوم ؛ ای خُزاعی، گویا روح القدس از لبانت با این دوبیت سخن گفت. پس آیا می‌دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟» سپس حضرتش به معرفی امام منتظر پرداخت و این گونه ادامه داد: « وَ اَمَّا مَتی فَاِخْبارُهُ عَنِ الوَقتِ فَقَدْ حَدَّثَنی اَبی عَنْ اَبیهِ عَنْ آبائِهِ(ع) اَنَّ النَبی صلی الله علیه و آله قیل له یا رسول متی یخرج القائم من ذریتک؟ فقال علیه السلام: مثله مثل الساعهٔ التی «لا یَجَّلیها لِوَقْتِها اِلاَّ هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّمواتِ و الأَرضِ لا تَأتیکُم اِلاَّبَغْتَهً ؛۱و۲ و اما این که چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش نقل کرد که وقتی به پیامبر اکرم(ص) گفته شد قائم از فرزندانت تو کی ظهور خواهد کرد؟ آن حضرت در جواب فرمود: مثل ظهور او همانند ساعت(و قیامت) است که خداوند درباره آن فرمود: «هیچ کس جز او [نمی‌تواند] وقت آن را آشکار سازد. در آسمان‌ها و زمین، سنگین است.» همین مطلب را آن امام غائب نیز این گونه یاد آور شده است: « وَ اَمَّا ظُهُوُر الفَرَجِ فَاِنَّهُ اِلی اللَّهِ تَعالی ذِکرُهُ وَ کَذِبَ الوَقّاتون. »۳ از این دو روایت و روایات دیگر در این باره به روشنی می‌توان دریافت که زمان آغاز ظهور یکی از اسرار الاهی است و دست اندیشه بشر از رسیدن به آن بسی کوتاه است. اما این که آیا در اختیار پیامبر و ائمه(ع) قرار گرفته است یا خیر؟ به نظر می‌رسد، حتی آن حضرات(ع) نیز از علم دقیق زمان ظهور بی‌اطلاع هستند. به دو دلیل: یکی همان فرمایش پیامبر اکرم(ص) که ساعت ظهور را همانند ساعت قیامت از علوم ویژه خداوند دانسته، به آیه شریف استشهاد فرمود. با مراجعه به بخش پایانی آیه – « یَسْئَلُونَکَ کَاَنَکَ حَفیٌ عَنْها قُلْ اِنَّما عِلْمُهاعِنْدَاللَّه؛ از تو سؤال می‌کنند، چنان که گویا تو از زمان وقوع آن باخبری، بگو: علمش تنها نزد خدا است{M» – می‌توان نتیجه گرفت آن پاکان نیز از علم دقیق زمان ظهور اطلاع نداشتند. افزون بر این، روایاتی بعداً مورد اشاره قرار گرفته چگونگی آگاه شدن امام زمان(ع) از زمان ظهور را بیان کرده است. این خود می‌تواند دلیلی بر این نکته باشد که آن حضرت به زمان ظهور آگاه نیست. بااین فرض که حتی ائمه معصومین(ع) از زمان ظهور بی‌اطلاع بوده‌اند می‌توان دریافت که چرا روایات فراوانی شیعیان را به تکذیب وقت گذاران توصیه فرموده است. برخی از این روایات عبارت است از: ۱. رحمان بن کثیر می‌گوید: مِهزم بر حضرت صادق(ع) وارد شد و گفت: فدایتان شوم مرا از زمان امری که منتظر آن هستیم [ظهور حضرت مهدی(عج)] خبر دهید. آن حضرت فرمود:« یا مِهزُم کَذِبَ الوَقاتُون ».۴ ۲. فضیل بن یسار از حضرت باقر(ع) درباره زمان ظهور پرسید. امام(ع) فرمود: کَذِبَ الوَقاتُون کَذِبَ الوَقاتُون کَذِبَ الوَقاتُون ».۵ از جمله ادله محکم بر نامعلوم بودن وقت ظهور روایات فراوانی است که حادثه ظهور را ناگهان ذکر کرده است. برخی از این روایات چنین است. الف) اصلاح شدن امر ظهور یک شبه است. حوادث بزرگ نیازمند مقدمات فراوانی است؛ اما درباره بزرگ‌ترین حادثه نظام هستی و

برقراری حکومت عـدل جهانی خداونـد تمام قدرت خویش را به نمایش می گذارد و تمام مقدمات را در یک شب فراهم می آورد. علی(ع) فرمود: قالَ رَسُوُل الله صلی الله علیه و آله: المَهْدیُ مِنَّا اَهْلَ البَیْتِ یُصْلِحُ اللهُ لَهُ اَمْرَهُ فی لَیْلَةٍ ؛ مهدی از ما اهل‌بیت(ع) است که خداونـد امر[ظهور]ش را در یک شب اصـلاح می‌فرماید.»۶ بی‌تردیـد فراهم شـدن یـک شـبه و ناگهانی با تعیین وقت قبلی سازگار نیست. ب) آمـدن ناگهانی همان طور که اشاره شـد، ظهور حضـرت مهدی در کلام پیامبر(ص) به قیامت تشبیه شده و در همان آیه مورد استشـهاد، ناگهانی بودن از ویژگی‌های زمان رستاخیز است که خداوند می‌فرماید:«... لا تَأتیکُم اِلّا بغتةً ؛ و جز به طور ناگهانی به سـراغ شما نمی‌آید.{M» ج) آمـدن چون شـهاب فروزان از جمله تشبیهـاتی که معصومـان(ع) برای ظهور حضـرت مهـدی(عـج) کرده‌انـد، تشبیه ظهور حضـرت مهـدی به شـهاب سـنگ فروزان است. پر واضح است که آشـکار شدن شـهاب غیر قابل پیش‌بینی و ناگهانی خواهـد بود. امام باقر(ع) پس از بیان غیبت حضـرت مهـدی(عـج) فرمود: ثُمَ یَبْدِ وَ کَالشَهابِ الوَقادِ؛ سپس همانند شـهابی آتشین آشکار خواهد شد.»۷ همین تشـبیه از طرف پیـامبر اکرم(ص) نیز به این بیـان ذکر شـده است:« فَعِنْدَ ذلـک یَقبَلُ کَالشَّهـابِ الثاقِبِ... ».۸ البته آنچه مورد اشـاره قرار گرفت، بـدان معنـا نیست که هیـچ یک از جزئیات زمان ظهور بیان نشـده است. در روایات معصومـان(ع) بخشـی از مطـالب زمـان ظهور آشـکارا ذکر گردیـده است؛ برای مثـال شـماری از ویژگی‌های آن واقعه بزرگ چنین است: ۱. روز ظهور بـا جمعه مصـادف خواهـد بود. مام صادق(ع) فرمود: « وَ یَخْرُجُ قائِمْنا اَهْلَ البَیتِ یَومَ الجمعه؛ ۹ قائم ما اهل بیت در روز جمعه ظهور خواهد کرد.» ۲. روز ظهور با روز عاشورا مصادف خواهـد بو. امام باقر(ع) درباره عاشورا فرمود:«... وَ هذا الیَوَمُ الذی یَقُوُمُ فیهِ القائم۱۰ «عـج»؛ و این روز [عـاشورا] روزی است که قائم(ع) در آن قیام خواهـد کرد». ۳. سـال ظهور فرد است. امام صادق(ع) فرمود: « لایخرج القائم الا فی وَترٍ مِنَ السِّنین ...۱۱؛ قائم(عـج) ظهور نخواهد کرد مگر در یکی از سال‌های فرد.» البته جز موارد یاد شده محدوده‌های دیگری نیز برای زمان ظهور ذکر شده که هیچ یک به معنای تعیین زمان نیست. اما این که خود حضرت مهـدی(عـج) چگونه از فرا رسـیدن زمـان ظهور آگاه می‌شود، بیانات متفاوت است. برخی بر این دلالت دارد که خداونـد با الهام بر قلب مقـدس آن حضـرت وی را از زمـان ظهور آگـاه می‌سازد.۱۲ براسـاس روایاتی دیگر، خداونـد شمشـیر آن حضـرت را به زبان آورده، از آن طریق زمـان ظهور را اعلام می‌دارد.۱۳ در روایاتی نیز آمده است: پرچم و علمی که آن حضـرت هنگام قیام در دست خواهد داشت به قدرت و اذن الاهی برافراشـته شده، حضرت مهدی را از آغاز ظهور مطلع می‌سازد.۱۴ البته جمع بین همه این موارد نیز ممکن است. در پایـان ذکر این نکته خـالی از لطـف نخواهـد بـود که فلسـفه مخفی بـودن زمـان ظهـور را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد: ۱. بـا مخفی بودن آن نوعی آزادی عمل برای همگان پیـدا می‌شود. از سوی دیگر، چون وقت آن دقیقاً معلوم نیست و در هر زمانی محتمل است، نتیجه‌اش حالت آماده باش دائمی است که آثار تربیتی فراوان دارد؛ چرا که اگر تاریـخ تعیین می‌شد، هر گـاه زمـانش دور بود همگـان در غفلت و غرور و بی‌خبری فرو می‌رفتنـد و هرگاه زمانش نزدیک بود، ممکن بود آزادی عمل را از دست داده، اعمالشان جنبه اضـطراری پیدا کند. ۲. از آن جا که یکی از حکمت‌های غیبت حضـرت مهدی(ع) بیم از کشـته شدن به دست دشـمنان است، تعیین دقیق وقت ظهور بـا آن حکمت منافـات خواهـد داشت و یقینـاً دشـمنان برای نابودی آن حضـرت آماده خواهند شد. کوتاه سخن این که با معین بودن وقت دیگر انتظار معنایی نخواهد داشت. پی‌نوشت: ۱. اعراف(۷):۱۸۷. ۲. عیون اخبار الرضا(ع)، شـیخ صدوق، ج۲، ص۲۶۶. ۳. کتاب الغیبة، شـیخ طوسـی، ص۲۹۰. ۴. الکـافی، کلینی، ج۱، ص۳۶۸. ۵. الکافی، ج۱، ص۳۶۸؛ کتاب الغیبة، ص۴۲۵. ۶. کمال الدین، ج۱، ص۱۵۲. ۷. کتاب الغیبة، ص۱۵۹، کمال الدین، ج۱، ص۳۲۴. ۸. کمال الدین، ج۱، ص۲۸۷. ۹. الخصال، شـیخ صـدوق، ج۲، ص۳۹۴. ۱۰. تهـذیب الاحکام، شـیخ طوسـی، ج۴، ص۳۰۰. ۱۱. روضـة الواعظین، محمـدبن حسن فتـال نیشابوری، ص۲۶۳؛ کتاب الغیبـة، ۴۵۳. ۱۲. ر.ک: رجال کشـی، محمـد بن عمرکشـی، ص۱۹۲؛ کتاب الغیبة، ص۱۶۴. ۱۳. ر.ک: کفایـة الاثر، علی بن محمد خزاز قمی، ص۲۶۶؛ کمال‌الدین، ج۱، ص۱۵۵. ۱۴. ر.ک: الخرایج و الجرایع، قطب الدین راوندی، ج۲، ص۵۵۰؛ عیون اخبار الرضا(ع)، ج۱، ص۶۳.

info@porseman.net
www.noorfatemah.org

بعد از ظهور اسلام خطوط کلّی برای روز موعود چگونه ترسیم شد؟

پرسش

بعد از ظهور اسلام خطوط کلّی برای روز موعود چگونه ترسیم شد؟

پاسخ

پاسخ این سؤال را با ذکر مقدماتی خواهیم داد: ۱ - اسلام کامل‌ترین طرح را برای تطبیق حکومت عدل جهانی توحیدی در پایان تاریخ داده است؛ زیرا اسلام آخرین شریعت آسمانی است. واز طرفی دیگر دعوت اسلام جهانی است. بشر قبل از اسلام از آنجا که فهم ودرکش به این حدّ نرسیده بود که این طرح کامل را بفهمد ودرک نماید لذا به دوره ظهور اسلام واگذار شد. موقعی پیامبر اسلام (ص) طرح حکومت عدل جهانی را داده است که بشر به این سطح عقلی وفرهنگی رسیده بود تا این طرح جامع را احساس کرده ودرک کند. ۲ - پیامبر اسلام (ص) وامامان معصوم: بعد از او وبسیاری از صحابه در اخبار، از این طرح وبشارت آن به مردم سهم بسزایی داشته‌اند؛ زیرا آنها حاملان اصلی این طرح هستند. این بزرگواران تمام سعی وتلاش خود را به کار گرفته وبرای آمادگی ذهنی مردم از راه‌های مختلف این موضوع مهم را تثبیت نمودند، از قبیل: الف. خبر دادن از تحقق هدف بزرگ خلقت هنگام تحقق حکومت عدل جهانی. ب. تأکید بر اینکه رهبر این حکومت امامی معصوم از ذریه رسول خدا (ص) است. ج. خبر از وقوع ظلم وبیدادی که قبل از ظهور در عالم گسترش خواهد یافت. ۳ - خود امام مهدی (ع) نیز در آماده سازی مردم برای پذیرش این امر مهم سهم بسزایی داشته وبا پیامبر وامامان قبل از خود تشریک مساعی کرده است، از قبیل: الف. اقامه دلیل بر ولادت ووجودش با تکرار ملاقات‌ها با مردم. ب. بیان طرح کامل برای غیبت وظهورش. موضوع: دفاع از مهدویت

چه عواملی زمینه‌ساز حکومت واحد جهانی است؟

پرسش

چه عواملی زمینه‌ساز حکومت واحد جهانی است؟

پاسخ

ممکن است گفته شود با توجه به تشتّت آرا واختلاف مذاهب وتنوع حکومت‌ها وناسازگاری آنها نسبت به یکدیگر، تشکیل حکومت واحد جهانی ممکن به نظر نمی‌رسد؛ چگونه می‌توان همه میلت‌ها را تحت حکومت واحدی جمع کرد. نه تنها تشکیل حکومت واحد جهانی ممکن ومیسور است، بلکه امری حتمی ولازم به نظر می‌رسد وعلل وعوامل زیادی در زمینه سازی آن دخیل می‌باشند: ۱ - خطر جنگ وخونریزی که همواره مانند کابوس وحشتناکی بر سر جوامع انسانی سایه افکنده، تنها با وحدت حکومت در سطح جهان ویکپارچگی همه امت‌ها برطرف می‌شود. ۲ - به تصریح دانشمندان" تضاد منافع "ریشه اصلی واوّلی برخوردهای خونین وپیکارهای سهمگین حکومت‌ها با یکدیگر است. حال اگر بدانیم که شعار حکومت حضرت، عدل وانصاف برای کلّ جامعه بشری است، همگی به سوی حکومت عدل جهانی سوق داده می‌شوند. ۳ - یکی دیگر از عوامل تشکیل حکومت جهانی، تکامل عقول وادراکات بشر است که به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز حکومت جهانی گردد؛ زیرا بشر هم از ناحیه خود در راه

حرکت به سوی کمال وترقّی وتکامل عقلانی است وهم در هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) به کمال نهایی خود نایل می گردد، ولذا می‌توانند با یکدیگر تألّف کرده وبه حکومت جهانی تن دهند، زیرا همه تعارض وتزاحم‌ها از ناحیه کم عقلی وجهل وکم‌خردی است.

ظرفیت کلّی برای ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

ظرفیت کلّی برای ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

شکی نیست که هر کار اجتماعی احتیاج به آماده کردن ظرفیت‌های مناسب دارد. در مورد ظهور منجی کل بشری که پدیده اجتماعی عظیمی است احتیاج به تحقق مقدمات وشرایط خاصی است؛ ۱ - پیشرفت دینی در میان امت اسلامی ولو در طبقه خاصی از آنها. ۲ - گسترش انحراف عمومی در بین مردم. ۳ - گسترش ظلم وفساد در سطح عموم ودر نتیجه دور شدن مردم از دین ومتابعت از هوای نفس. ۴ - پیشرفت بشر در صنعت وتکنولوژی. ۵ - آماده شدن یاران خاص حضرت برای نصرت ویاری او.

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پرسش

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پاسخ

یکی از نشانه‌های آغاز انقلاب امام زمان، فراگیری ظلم‌وجور در جهان است و این مطلب را از دو راه می‌توان ثابت کرد. ۱- پیامبر گرامی فراگیری ظلم و جور را، نشانه آغاز انقلاب دانسته و در حدیثی که محدثان اسلامی نقل کرده‌اند، فرموده است: «یملا الارض قسطاً و عدلا کما مُلئت ظُلما وجورا» [زمین را پر از قسط و عدل می کند، چنان که از ظلم و جور پر گردد] فرهنگ‌نویسان زبان عرب می‌نویسند: تجاوز به حقوق دیگران و اختصاص دادن آن به خویش، «ظلم» است. و محکم کردن پایه‌های حکومت از طریق مسلط کردن گروهی بر جان و مال مردم و اشاعه تبعیض، «جور» است. هرگاه چنین تفسیری برای این دو لفظ درست باشد، قهراً قسط نقطه مقابل ظلم، و عدل نقطه مقابل جور، خواهد بود. بنابراین فراگیری فساد از نظر احادیث اسلامی، یکی از نشانه‌های انقلاب حضرت مهدی است. ۲- فشار و اختناق هرگاه از حدّ بگذرد، مایه انفجار می گردد. انفجارهای اجتماعی، مانند انفجارهای مکانیکی است که در درجه معینی از فشار، انفجار رخ می‌دهد. و در حقیقت گسترش فساد به وسیله ضحا کان زمان، انقلاب را نزدیکتر می کند، و در نتیجه بذرهای انقلاب را آبیاری می‌نماید، تا لحظه‌ای که بحران به اوج خود برسد و انقلاب صورت پذیرد. با توجه به این دو مطلب، در این جا سؤالی مطرح می گردد که: اگر فساد و بحران، مایه تحقق انقلاب‌های بنیادی است، پس وظیفه ما در زمان غیبت امام، دامن زدن به فساد و کوشش در گسترش آن است. در غیر این صورت، با دست خود انقلاب الهی را به عقب انداخته و خود را در یک زندگی نامطلوب حس خواهیم کرد. اکنون به تجزیه و تحلیل این اشکال که به دست و پای برخی از

جوانان ما پیچیده است می‌پردازیم در اینجا دو پاسخ داریم که هرکدام می‌تواند اساس اشکال را از بین ببرد. ۱ ـ گسترش فساد کافی نیست بلکه آگاهی نیز لازم است. پایه اشکال را یک مطلب تشکیل می‌دهد و آن این که تصور شده است، که تنها گسترش فساد به اوج رسیدن بحران در تحقق انقلاب کافی است، در صورتی که در کنار گسترش فساد، شرط اساسی‌تری لازم است که بدون آن انقلاب رخ نمی‌دهد، و آن شرط عبارت است از: آمادگی مردم برای انقلاب، از طریق بالا ـ رفتن سطح آگاهی و هوشیاری در گروههای مختلف. مقصود از بالا رفتن سطح آگاهی، این است که انسان‌ها، به موقعیت و ارج وجود خود پی‌ببرند، و تحمل ظلم و فساد را زندگی ننگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست. آنگاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود، و ستم قدرت‌های طاغوتی، بذر انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با طرق گوناگون، در آبیاری آن بکوشند. ناگفته پیداست، تا زمانی که در توده‌ها چنین آگاهی پدید نیاید، و انسانها بر ارزش خود واقف نگردند، و امکانات خود و طرف را درست نسنجند، انقلاب کوری رخ می‌دهد که نمی‌تواند، مصالح مردم را تضمین کند. به عبارت روشن‌تر: برای تحقق یک انقلاب، تنها گسترش فساد و یا وجود یک رهبر لایق کافی نیست، بلکه علاوه بر این، آمادگی روحی و فکری لازم است که مردم در موقع مناسب بهای انقلاب را که همان ایثارگری و شهادت در راه هدف است، بپردازند. در غیر این صورت، سستی و تنبلی و اکتفا به وضع موجود، در روح جامعه لانه می گزیند، و اندیشه انقلاب به ذهن آنان راه پیدا نمی کند. و با تمسک به منطق «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»، و یا «هر کس باید گلیم خود را از آب بیرون ببرد»، «من چه کار به کار دیگران دارم» و امثال این جملات، وضع موجود را که توأم با یک نوع راحت‌طلبی است، بر قیام و انقلاب و تحمّل زندان و شکنجه و قتل و اعدام ترجیح می‌دهد. باید توجه نمود که مدت‌هاست که فساد، جهان را فرا گرفته است. فساد ابر قدرت‌ها در بسیاری از مناطق جهان– بویژه آفریقا و آسیا– به شدیدترین وضع رسیده است. از روزی که غرب، اندیشه تسلط بر شرق را در سر پرورانده، هر روز در نقاط مختلف جهان، بر مظالم خود افزوده و میلیون‌ها نفر را در بند کشیده است. تنها بررسی وضع کشورهای استعمارزدهٔ افریقا و جنوب آسیا سند روشن و گویایی بر این مطلب است. ۲– پرورش یک نیروی مهیای منتظر برای تحقق قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، یک ارتش مهیّا و نیروی ضربتی کارآمد لازم است که پشت سر امام علیه‌السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد. از این جهت باید در جهنم سوزان ظلم و جور و فساد و تبعیض، افراد فداکاری پرورش یابند، تا پیام‌آور بهار عدالت باشند این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند، و جانباز و فداکار باشند. تربیت چنین افرادی، بر عهده مصلحان دلسوز است که در هر زمان برای تربیت این گونه افراد، همت گمارند و آنی از این کار غفلت نورزند. بنابراین هرگز نمی‌توان به این دلیل واهی که فساد مایه انفجار و انقلاب است، از کارهای اصلاحی که منجر به تربیت چنین افرادی گردد، سر باز زد. از همه اینها گذشته، ما باید موقعیت خود را در زمینه قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه مشخص کنیم. بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه برای درهم کوبیدن آنها صورت می گیرد. و اگر درصدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در زمره اصحاب فداکار حضرتش عضویت خواهند داشت. بنابراین به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور امام مهدی صلوات الله علیه را به پیش بیندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته‌ایم. مگر نه این است که حضرت بقیةالله علیه‌السلام برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن ظلم و فساد قیام می کند؟ ما چگونه می‌توانیم با گسترش فساد، از قیام آن بزرگوار بهره‌مند شویم؟ بنابراین سکوت در برابر فساد، و یا کمک به توسعه فساد، نه از لحاظ کلی برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه صحیح است، نه از نظر شخصی. بیشتر بنظر می‌رسد که این اشکال و مغلطه‌کاری را کسانی درست کرده‌اند که می‌خواهند ا ز زیر بار مسئولیتها فرار کنند، و یا آلوده هر فسادی شوند. بطور خلاصه، گسترش فساد و ظلم، اگر منجربه «انظلام» –یعنی پذیرش ظلم و ستم– بشود، هیچ‌گاه زمینهٔ قیام علیه آن نخواهد شد. بلکه تنها در صورتی مفید است که مقدمه مبارزه در جهت تحقق عدالت و نیکی باشد. بدیهی است که این مقدمه نیز هیچگاه عملی نخواهد شد، مگر زمانی که مردم، بدی ظلم را بدانند. و در برابر آن، مظاهر صلاح و

تقوای فردی و اجتماعی را نیز بشناسند. و تنها راه این شناخت، دعوت مردم به سمت صلاح و تقوی است. از سوی دیگر، در احادیثی که پیامبر و ائمه‌اطهار علیه‌السلام وظایف منتظران را معین کرده‌اند، همه جا سخن از تقوی، ورع، عفاف، صلاح، سداد، دوری از گناه و قرب به خداست. به عنوان نمونه، امام صادق علیه‌السلام فرمود: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر. فان مات وقام القائم بعده، کان له من الأجر مثل أجر من أدرکه. فجدوا وانتظروا هنیئاً لکم ایتها العصابة المرحومة» (بحارالانوار، ۵۲/۱۴۰، به نقل از غیبت نعمانی) [هر کس خوشنود می‌شود که از اصحاب قائم علیه‌السلام باشد، پس باید منتظر باشد، و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصی، پیش از ظهور حضرتش بمیرد، اجر او مانند کسی است که زمان ظهور آن حضرت را درک کرده است. پس (در جهت نیکی‌ها) بکوشید و منتظر باشید. (این انتظار) گوارا باد بر شما ای گروه رحمت شده]. علمای گذشته ما، درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت، کتابهائی مستقل نوشته یا فصولی از کتب خود را اختصاص داده‌اند. مانند:«نجم الثاقب» تالیف مرحوم حاج میرزاحسین نوری (متوفی ۱۳۲۷)، «مکیال المکارم» تالیف مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۸)، «وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام» تالیف همان بزرگوار. در این کتابها و مشابه آنها که تنها بر اساس روایات معصومین علیهم‌السلام نوشته شده، هیچگاه «پر کردن جهان از ظلم» به عنوان وظیفه منتظر در زمان غیب یاد نشده است. در واقع، هیچ عاقلی پیدا نمی‌شود که با الفبای کلام معصوم آشنا بوده و چنین عقیده‌ای داشته باشد. مگر اینکه مانند گروهکهای چپگرای از عقل بیگانه باشد، که این سخن را بعنوان وسیله سرکوب بعضی گروهها بکار برد.

چه کارها و وظایفی را ما باید در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) انجام دهیم تا زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنیم و همچنین یکی از یاران ایشان باشیم توضیحات دقیق و روشن بفرمایید . در مورد بحث رجعت و عصر امام زمان و اتفاقاتی که زمینه را برای ظهور ایشان فراهم می

پرسش

چه کارها و وظایفی را ما باید در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) انجام دهیم تا زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنیم و همچنین یکی از یاران ایشان باشیم توضیحات دقیق و روشن بفرمایید . در مورد بحث رجعت و عصر امام زمان و اتفاقاتی که زمینه را برای ظهور ایشان فراهم می کند بطور مفصل توضیح دهید ؟

پاسخ

معرفت و شناخت آنحضرت با رجوع به کتابهای زندگی و سیره معصومین .و انتظار فرج ظهور آنحضرت. از جمله بزرگترین عبادات بر شمرده شده و اتباع و پیروی از سلسه فقاهت و ولایت در رأس وظایف ماست .بهترین قدم تشکیل یک حکومت اسلامی است تا در سایه آن کسانی که مشتاقند به رشد آزادی دست یابند و بتوانند در سایه برنامه های جامع یک حکومت همه بسوی آنچه شایسته یک انتظار صحیح است قدم بردارند. شکر خداوند که این نعمت بدست توانای امام خمینی (زه) در اختیار ماست . پس همینکه تحت تعالیم مقام معظم رهبری در راه خودسازی وسازندگی کشور تلاش کنیم کاریست که ما در حال حاضر قادر به انجام آن هستیم . امام صادق علیه السلام می فرمایند: ما را دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد آن را بیاورد . هرکس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد باید منتظر او باشد وپرهیزگاری پیشه کند ودارای اخلاق نیکو باشد وبدین گونه انتظار آن روز کشد.اگر در این حالت بمیرد وبعد از مرگ او قائم قیام کند ثواب کسی دارد که آن حضرت را درک کرده است . پس سعی کنید

ومنتظر باشید . خوش بحال شما مردی که خداوند شما را مشمول رحمت خود کرده است . هرکس میخواهد یار آن بزرگوار باشد باید دوست عقاید ، یار و همنشین فضایل ورفتار پسندیده ای باشد که آنحضرت را خشنود سازد. هرگاه ما بدرستی احکام دینمان را بشناسیم وبه صداقت باورهای قلبمان اخلاق و رفتار پسندیده در زندگی پیش بگیریم وخالصانه در راه فقط بندگی خدا قدم برداریم مطمئناً به بهترین وجه وظایفمان را انجام داده ایم. هرکس در حد توان وقوت واستطاعتی که در شخصیت خود می بیند باید با برنامه های واقعی ومطابق روز در این راه گام بردارد. شخصی همچون امام خمینی توانمندی وتقوایش در حدی است که تشکیل حکومت اسلامی را برای خود وظیفه وتکلیف الهی برشمرده است وشخصی مثل ما که همچون کودکان مدرسه دین وعمل هستیم باید در پیرامون خانه وخانواده خویش به رفتارهایی که در بالا ذکر شد روی آوریم. از هر گونه تندروی باید بپرهیزیم همانطور که از کندروی. باید متعادل وهدفمند وپیوسته به فکر وذکر باشیم. بامطالعه بیشتر بر آگاهیمان بیفزائیم. آگاهی بیشتر آدمی را به رفتار صحیح تر رهنمون میسازد. طبق آیات قرآن وتأویل آن در احادیث معصومین (ع) موضوعی وجود دارد که البته در تاریخ زندگی انبیاء بارها به آن برخورده ایم ، موضوعی بنام « رجعت یا ایاب » مأمون از امام رضا (ع) پرسید : ای ابوالحسن درباره رجعت چه می گویی ؟ حضرت فرمودند : مسأله ای است حق که در امتهای پیشین هم اتفاق افتاده وقرآن درباره آن سخن می گوید. [بحار ج۵۳ ص۵۹] بنا بر روایات وتأویلات قرآنی گروهی از مردم به امر خدا از عالم برزخ به این دنیا برمی گردند (به همان آسانی که به آن عالم رفتند) چنانکه حضرت عیسی (ع) مرده را به امر خدا زنده می نمود وحضرت ابراهیم (ع) برای رسیدن به اطمینان قلبی بیشتر از خدا خواست تا نشان دهد چگونه پیکر متفرق شده مردگان را در قیامت ، آناً گرد هم می آورد. رجعت از عقاید حقه شیعه است که به قول نویسنده کتاب الانوار النعمانیه (میرنعمت الله جزایری) نزدیک به ششصد نصّ دینی اعم از آیه و روایت ودعا وزیارت درباره رجعت وجود دارد والبته که خاص عقاید شیعیان است (چطور کسانی به امامت قائل نباشند آنگاه به رجعت قائل باشند؟ مثل سایر فرق اسلامی) در آیه ۱۱ سوره مؤمن آمده است که گروهی به خدا می گویند : « خدایا ما را دوباره میراندی ودوباره زنده کردی » حضرت امام باقر علیه السلام در این باره می فرمایند این سخن خدای تعالی در این آیه مخصوص اقوامی است که پس از مرگشان در رجعت واقع می شوند. (به نقل ازکتاب ۶۶۶پرسش و پاسخ از محضر علامه طباطبائی) بعد از شهادت حضرت مهدی (عج) اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام وبعد رسولخدا (ص) وبعد باقی ائمه رجوع می نمایند وبرمردم جهان امامت وحکومت می نمایند. به نقل ازکتاب درمحضر استاد علامه طباطبائی) واما قبل از ظهور ، امام محمد باقر (ع) می فرماید : هرگاه دیدی که حق از میان رفت واهل حق رفتند ، ظلم همه جا را گرفت ، دست در قرآن بردند وچیزهایی را که در آن نبوده داخل آن کردند واز ورای هوای نفس آن را توجیه نمودند ، دین تغییر پیدا کرد، مردان به مردان وزنان به زنان اکتفا کردند ، کوچک ، بزرگ را مسخره می کند ، پیوند خویشاوندی را بریده اند ، مردم اموال خود را در راه غیر خدا بذل می کنند، انواع شراب بطور آشکار نوشیده می شود ، راه هرگونه خیر بسته شده وراه اعمال شر باز است ، حج خانه خدا تعطیل شده ومردم را به ترک آن وامی دارند ورمدم آنچه را که می گویند عمل نمی کنند ، زنان مانند مردان مجلس ها را می گیرند ، به مردها پول می دهند تا با آنها عمل نامشروع کنند ، زن به شوهر خود رشوه می دهد تا آزاد باشد ، مردم با شاهد دروغ به دیگران تعدی می کنند حرام حلال گشته ، مردم در ارتکاب گناهان جری شده انمد ، والیان در راه اجرای احکام رشوه می خواهند ، شنیدن تلاوت قرآن بر مردم گران وشنیده سخنان باطل وبیهوده برای مردم آسان است ، بی احترامی به پدر ومادر آشکار شده ومقام آنها را سبک می شمارند و۰۰۰ خودرا نگاه دار ونجات از این مهلکه ها را از خداوند بخواه . بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کداند. [به نقل از بحارالانوار ج۱۳] البته باید توجه کنیم که این احادیث فقط اوضاع جهان را برای ما که می خوانیم ، بیان نکرده بلکه اگر در کشورهای اسلامی ونیز سایر کشورها بنگرید بوضوح این علامات را می بینیم وخدا را شکر که ما در ایران اسلامی در اندیشه یاری مصلح جهانیم. چند علامت نقل شده که از نشانه های حتمی ظهور است که در همان سال

ظهور واقع می شود . امام محمدباقر (ع) می فرمایند : پیشاپیش این امر گرفتن ماه پنج روز مانده به آخر ماه وگرفتن خورشید در نیمه ماه اتفاق می افتد واین در ماه مبارک رمضان است. در چنین حالتی است که محاسبات ستاره شناسی از بین می رود بهم می خورد . [کتاب غیبت نعمانی ص۲۷۲] (توضیح اینکه چنین حالتی در مطالعات نجومی با این شرایط گردش ماه وخورشید ، رخ نمی دهد مگر به علت بهم خوردن نظم در حرکات آنها) امام صادق علیه السلام می فرمایند ندا از آسمان از مسائل قطعی است . آمدن شخصی بنام سفیانی حتمی است . فرو برده شدن (عده ای جنایتکار) در بیداء قطعی است . یمانی حتمی است . [نقل از غیبت نعمانی ۲۵۲و۲۵۷] (توضیح اینکه سفیانی فردی است پلید که بر ضد جبهه حق لشکر کشی می کند ونسبش به ابوسفیان مشرک صدر اسلام برمی گردد. یمانی فردی است که به صراط مستقیم دعوت می نماید وقیام می کند.) امام سجاد علیه السلام می فرمایند : دوران غیبت بر دوازدهمین وصی رسول خدا از ائمه پس از او طولانی خواهد شد . اهل دین زمان .که معتقد به امامت او و منتظر ظهورش هستند برترین مردمان همه روزگارانند . زیرا خداوند متعال عقل وفهم ومعرفتی به آنها عطا می فرماید که شرایط غیبت در چشمشان چون زمان حضور می گردد وبه مجاهدان پیکارگری می مانند که در پیش روی رسول خدا با شمشیر نبرد می کنند . آنها مخلصان واقعی وشیعیان راستین ودعوت کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکارند. [به نقل از اکمال الدین ج۱ ب۳۱ ج۲] ضمناً می توانید به کتب زیر مراجعه نمائید: امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهورسیدمحمد کاظم قزوینی معصوم چهاردهمجواد فاضل خصائص مهدی (عج) محمداجی پادشه خوبانسیدعباس موسوی معرفت امام عصر (عج)سیدمحمد بنی هاشمی ملاقات با طاووس بهشترحمت الله ابراهیمی نشانه های یار وچکامه انتظارمهدی علیزاده سحر نزدیک استزینب پورحیدری

۱– بهترین عمل فردی در دوران غیبت برای پیش انداختن وتعجیل فرج امام زمان«علیه السلام » کدام است ؟ بهترین عمل جمعی ؟

پرسش

۱– بهترین عمل فردی در دوران غیبت برای پیش انداختن وتعجیل فرج امام زمان«علیه السلام » کدام است ؟ بهترین عمل جمعی ؟

پاسخ

– اولا در اصلاح نفوس خودمان بکوشیم و به اخلاق نیک آراسته شویم و به وظایف فردی خودمان عمل کنیم و احکام و دستورات قرآن را به کار ببندیم طهارت و پاکدامنی یعنی : در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد به این معنا که هر گاه نفس خواست سرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفظ کرد، چنانکه حضرت امیر المومنین« علیه السلام » می فرماید : { الصبر علی الشهوت عفّه } یعنی : «مقاومت در برابر شهوتها عفت و پاکدامنی است » کلید سعادت و خوشبختی عبارت است : ۱– تقوی و تزکیه نفس مهمترین دستوروعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصیل تقوی و تزکیه نفس است، که تمامی انبیاء علیه السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند ، چنانکه قرآن می فرمایند: « پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیزتا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه شان کند. زیرا؛ تو توانا و حکیم هستی . در محضر پروردگار هر گاه انسان حقیقتا دانست که خداوند متعال حاضر و ناضر او است و در هر لحظه در منظر دید خداوند و در محضر پروردگار قرار دارد تمام کردار و گفتارش در جهت صحیح قرار می گیرد . ۳– توجه به حیات ابدی . بدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما از آن عبور خواهد کرد و بعد از آن وارد منازل و عقبه هائی خواهد شد که مقدمه برای حیات ابدی توست. ۴– نماز و عبادت ۵– کنترل فکر ۶– ازدواج ۷– اهمیت دادن به محیط خانواده ۸– دوری از گناه ۹– حفظ حجاب ۱۰ – مرابطه و توسل منابع : ۱–سیمای آفتاب ,حبیب الله طاهری ۲– قص الظهور ,قاسم میرخلف

زاده ۳- خورشید غایب ,رضا استادی ۴-خورشید مغرب ,محمد رضا حکیمی

۲-آیا وقتی آقا ظهور کنند تمام دنیا را فساد گرفته است یا نه ،همه انسانها منتظر واقعی اند ؟

پرسش

۲-آیا وقتی آقا ظهور کنند تمام دنیا را فساد گرفته است یا نه ،همه انسانها منتظر واقعی اند ؟

پاسخ

ج۲- باید بدانیم که برای ظهور مهدی «عج» زمینه سازی لازم است و اگر زمینه و شرایط مناسب باشد امام زمان « علیه السلام » حتما از پس پرده غیبت خارج شده و در میان مردم ظاهر خواهد شد ، در روایت اسلامی این مطلب به وضوح بیان شده که سبب محرومیت از دیدار امام زمان«علیه السلام» خود مردم هستند. و اینکه همه منتظر واقعی نیستند،منتظر واقعی هستند ولی تعداد آنها محدود است و این افراد در اطراف جهان پراکنده هستند و باید منتظر آقا باشیم. انتظار یعنی : استقامت و پایداری و مبارزه با طاغوت و تواضع در برابر حق و تکبر در برابر باطل ،کسی ازامام صادق « علیه السلام » پرسید چه می گویید در باره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود . امام در پاسخ فرمودند؛ او همانندکسی است که با قائم در خیمه او بوده است، سپس کمی سکوت کرد و فرمود ؛ مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاش همراه بوده است . یکی از نشانه های ظهور این است ،که ظلم و ستم خونریزی و آدم کشی همه جا را فرا گرفته , قرآن فرسوده و بدعتها از روی هوی و هوس در مفاهیم آن آمده است. ۳- آیین خدا عملا بی محتوی شده همانند ،ظرفی که آن را واژگون سازند ۴- اهل باطل بر اهل حق پیشی بگیرند. ۵- مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند. ۶- افراد به ظاهر با ایمان سکوت اختیار کنند. ۷- کوچکترها احترام بزرگترها را رعایت نکنند. ۸- پیوند خویشاوندی و نری بریده شود. ۹- آشکارا شراب نوشیده شود. آنچه گفته شددر ضمن یک روایت بیان شده که این موارد ترجمه برخی از جملات حدیث است. این است جو حاکم قبل از ظهور وقتی زمانه به اینجا رسید و مرد م تا این حد سقوط کردند ، مهدی فاطمه«سلام الله علیها » برای نجات بشریت ظهور خواهد کرد . منابع : ۱- سیمای آفتاب , حجه الاسلام و المسلمین , دکتر حبیب الله طاهری ۲-پادشه خوبان , علی اصغر لشکری ۳-رسالت جهانی حضرت مهدی «عج» , فریده گل محمدی

آیا با این همه فساد و حق کشی موقع ظهور امام زمان«علیه السلام» نرسیده است و چه باید کرد تا آن حضرت زودتر ظهور کند؟

پرسش

آیا با این همه فساد و حق کشی موقع ظهور امام زمان«علیه السلام» نرسیده است و چه باید کرد تا آن حضرت زودتر ظهور کند؟

پاسخ

گسترش فساد و حق کشی باعث ظهور امام زمان«علیه السلام» نمی‌شود بلکه آمادگی زمین...برای پذیرش حکومت وی ظهور آن حضرت را نزدیک می‌سازد بر این اساس موقعی که دنیا آماده‌ی پذیرش حکومت عدل و توحید شود و با اینکه فساد و ناپاکی عالم گیر شده مصلحان و زمامداران جهان از اصلاح کلی و عمومی اظهار یأس و ناامیدی کنند و خویشتن را در این موضوع ناتوان ببینند

خداوند ولی خویش را از غیبت بیرون خواهد آورد و حکومت عدل واحد را به دست آن حضرت تشکیل خواهد داد بنابراین باید همه‌ی افراد تلاش و فداکاری‌شان افزون‌تر شود و زندگی خویشتن را با تعالیم دینی بیشتر تطبیق دهند و جامعه را برای آن حکومت درخشان آماده‌تر سازند و دستورات اسلام را بهتر عمل کنند و معنای انتظار راستین همین است و دعا و درخواست از خداوند نیز در تعجیل ظهور آن حضرت نیز مؤثّر خواهد بود. « بخش پاسخ به سؤالات »

احادیث متواتر(۲) اسلامی می‌گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضـرت مهدی«علیه السلام» از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می‌نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه‌ای خواهد بود که

پرسش

احادیث متواتر(۲) اسلامی می‌گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضرت مهدی«علیه السلام» از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می‌نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه‌ای خواهد بود که فساد، جهان را فراگیرد در این موقع برای پدید آوردن زمینه این انقلاب غیبی و خدائی ما نه تنها باید با ستم و گناه مبارزه نکنیم، بلکه باید در گسترش فساد و آلودگی، کوشش نمائیم، تا هر چه زودتر شرائط این نهضت آسمانی فراهم آید، و مقدّمات ظهور آن ممکن گردد، و در غیر این صورت با دست خود، نهضت این دادگر غیبی را به تأخیر انداخته‌ایم؟

پاسخ

اولاً ـ باید توجّه نمود که شرط ظهور امام، هرگز منحصر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست بلکه هرگاه مردم جهان، از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدّی برسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک نمایند و شایسته رهبری او گردند، در این صورت امام«علیه السلام» بدون هیچ قید و شرطی ظهور نموده و از پس پرده غیب بیرون می‌آید. در کتابهای عقاید و مذاهب به طور مبسوط و گسترده بحث و بررسی شده است که مانع اساسی برای غیبت امام، اخلاق و روحیات و عدم آمادگی جامعه انسانی برای ظهور و حکومت آن حضرت است و اگر این مانع برطرف گردد، دوران غیبت او سپری خواهد شد. دانشمند بزرگ و فیلسوف عالی قدر اسلام مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب «تجرید العقائد» در این باره، سه جمله کوتاه و پر مغز دارد که با توضیح مختصری در اینجا نقل می‌کنیم: ۱. وجود لطف: وجود امام معصوم خواه آشکار و خواه پنهان برای جامعه انسانی نعمت معنوی و وسیله نزدیکی به اطاعت فرمان پروردگار است زیرا رابطه‌ی هدایت الهی میان خدا و مردم، بوسیله امام برقرار می‌گردد و بسیاری از نعمتهای معنوی و مادّی به خاطر امام به مردم می‌رسد حتّی هدایت معنوی امام نسبت به افراد شایسته همیشگی است اگر چه او را نبینند و نشناسند. ۲. متصرفه لطف آخر: هرگاه امام از پس پرده غیبت بیرون آید و به راهنمایی ظاهری بپردازد و زمام امور را به دست بگیرد، خود نعمت دیگریست در این موقع نه تنها یک گروه از وجود او بهره‌مند می‌گردند بلکه همه جامع انسانی از وجود او که مظهر عدل و داد و مجری دستورهای آسمانی و احکام الهی است، بهرمند خواهند بود. ۳. وعدمه منا: هرگاه او از تصرّف در امور مردم خودداری می‌کند و در پس پرده غیبت به سر می‌برد و به نزدیک‌ترین آمال و آرزوی بشر تحقق نمی‌بخشد، برای موانعی است که خود مردم بر سر راه او به وجود آورده‌اند و علّت اساسی سلب این نعمت، خود مردم هستند، و اگر خود مردم برای حکومت واحد جهانی آن هم بر پایه فضیلت و اخلاق و عدل و داد و رعایت حقوق و احکام اسلامی، آمادگی پیدا کنند، به طور

مسلّم آشکار خواهد شد و هیچ گاه از ناحیه خداوند کوتاهی از ابراز لطف نبوده این خود مردمند که ظهور حکومت حقّه الهی را به تأخیر انداخته‌اند(۳). بنابراین توسعه فساد و گسترش آلودگی شرط منحصر ظهور امام نیست که به جز آن، به فکر راه دیگری نباشیم و در پیدایش آن تسریع نمائیم بلکه راه نزدیکتری دارد، که همان پیدایش لیاقت و شایستگی در مردم است. و به عبارت دیگر؛ شرط رهبری دو چیز است: ۱. وجود رهبر؛ ۲. آمادگی مردم برای پذیرش رهبر. مسلماً اگر شرط دوّم از ناحیه مردم تحقق یابد، خداوند شرط اوّل را بلافاصله ایجاد خواهد نمود. ثانیاً؛ گسترش فساد و آلودگی در سطح جامعه بشر جنبه هدفی ندارد بلکه زمینه را برای یک انقلاب عمیق الهی که بر پایه عدل و داد استوار است فراهم می‌سازد، زیرا وقتی پیمانه‌های ظلم و ستم در تمام قسمتهای زندگی بشر، پر و مملو گشت، زمینه فکری(البته فکری نه خارجی) برای یک انقلاب اصلاحی در نوع مردم پدید می‌آید و تجارب تلخ گذشته و شکست هر نوع «تز» اصلاحی که از طرف جامعه بشری انجام گیرد سبب می‌شود که یقین پیدا کنند که این حکوتهای مادّی و قوانین بشری و نهضت‌های غیرالهی، که غالباً براساس اغراض مادّی و سود شخصی یا لااقل منطقه‌ای صورت می‌پذیرد و دردی را دوا نکرده جامعه را نجات نمی‌دهد بلکه نقش دیگری و انقلاب برتری لازم است که به همه نابسامانیها خاتمه بخشد. اصولاً؛ هیچ نهضت اصلاحی بدون یک زمینه فکری قبلی انجام نمی‌پذیرد و اصل «عرضه و تقاضا» که یک اصل اقتصادیست در عین حال یک اصل اجتماعی نیز می‌باشد، و تا درخواستی در مردم نباشد عرضه هر نوع کالای معنوی و مادّی بی‌ارزش و بی‌ثمر خواهد بود. ولی آیا زمینه فکری و آمادگی روحی برای یک نهضت اصلاحی و جهانی، که منجر به برقراری حکومت واحد جهانی آن هم براساس عدل و داد و ارزشهای اخلاقی و رعایت حقوق و مقررات اسلام گردد، کافی است، یا این زمینه فکری پشتوانه دیگری لازم دارد که این دگرگونی فکری را به صورت انقلاب خارجی درآورد، و هر نوع مانع را از سر راه نهضت بردارد و از این زمینه فکری حداکثر بهره برداری را بنماید. نه تنها تجارب بی‌شمار و آزمایشهای متوالی این مطلب را تصدیق می‌کند، بلکه روایات و احادیث زیادی که درباره نهضت این مصلح جهانی وارد شده است، آشکارا می‌رساند که انقلاب آخرین حجت الهی پس از پدید آمدن یک زمینه فکری، نیاز به قدرت و نیرو دارد که بتواند در پرتو آن قدرت، از زمینه‌های موجود بهره برداری کند و هر مانعی را که بر سر راه نهضت خود وجود دارد، برطرف سازد، و در احادیث اسلامی به وجود انصار و یاران و تعداد آنها و اینکه قیام مهدی«علیه السلام» توأم با قدرت و نیرو خواهد بود، تصریح شده است. در این موقع ما باید برای تأمین منظور دوم و تربیت اعوان و انصار و سربازان فداکار که جان به کف در راه آرمانهای الهی نبرد و فداکاری نمایند، در پرورش افراد صالح و جانباز بکوشیم تا آنجا که امکانات اجازه می‌دهد، برای یک چنین نهضت وسیع جهانی، افرادی را تربیت کنیم که بتوانند آرمانهای جهانی آن حضرت را در سرتاسر جهان تحقق بخشند و یک چنین هدف مقدّس در صورتی انجام می‌گیرد، که مصلحان اجتماع دست روی دست نگذارند و از هیچ گونه اقدامی در راه تربیت افراد با ایمان دریغ نورزند. ثالثاً: از همه اینها گذشته ما باید موقعیّت خود را در زمینه انقلاب «مهدی«علیه السلام»» مشخص کنیم، بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی«علیه السلام» برای در هم کوبیدن آنها صورت می‌گیرد و اگر در صدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در ارتش انقلاب مهدی«علیه السلام» همکاری می‌کند، بنابراین، به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور مهدی«علیه السلام» را به پیش بیاندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته‌ایم مگر نه این است که مهدی«علیه السلام» برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط ظلم و فساد قیام می‌کند، ما چگونه می‌توانیم با گسترش فساد از انقلاب او بهره‌مند شویم؟ بنابراین سکوت در برابر فساد و یا کمک به توسعه فساد، نه از لحاظ کلّی برای ظهور مهدی«علیه السلام» صحیح است و نه از نظر شخصی. بیشتر به نظر می‌رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده‌اند که می‌خواهند از زیر بار مسئولیّتها فرار کنند و یا آلوده‌ی هر فسادی شوند. « بخش پاسخ به سؤالات » ۲) درباره مصلح غیبی جهان حضرت مهدی«علیه السلام» متجاوز از سه هزار روایت از پیامبر بزرگ و پیشوایان عالیقدر، وارد شده است نه تنها جامعه شیعه بلکه

دانشمندان بزرگ اهل تسنن مانند بخاری، مسلم، ابی داود ترمذی که همه آنها پیش از تولّد امام زمان«علیه السلام» و یا اندکی پس از تولّد وی در گذشته‌اند احادیث مربوط به حضرت را در صاح سنن خود آورده و گروهی از آنان کتابهای مستقلی پیرامون آن حضرت نوشته‌اند و کمتر موضوعی مانند آن، این همه احادیث و روایات پیرامون آن وارد شده است. ۳) کشف المرادطصیدا، ص ۲۲۶.

چرا باید برای ظهور امام زمان زمینه سازی کرد؟

پرسش

چرا باید برای ظهور امام زمان زمینه سازی کرد؟

پاسخ

پر واضح است که هر انقلابی برای این که ابعاد آن شناخته شود و یا با شکست روبرو نشود نیاز به زمینه‌سازی دارد و قیام و انقلاب مهدی(ع) اگر چه محکوم به شکست نمی‌باشد اما برای این کار که ابعاد آن برای همگان روشن شود بدین جهت باید پیشاپیش برای آن زمینه سازی کرد . البته این زمینه‌سازی از قرآن شروع شده سپس پیامبر و ائمه معصومین به ابعاد آن اشاره کرده‌اند قران مجید در چندآیه وراثت صالحان را نسبت به زمین نوید داده و هم چنین حکومت روی زمین را که در آینده به آنها واگذار خواهد کرد. و فرموده: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون»؛{۱} پس از توارث در زبور نوشتیم که وراث نهایی زمین بندگان نیکوکار من خواهند بود. و فرموده: «و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهٔ و نجعلهم الوارثین»؛{۲} ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و فرموده: «وعداللّه الذین آمنوا منکم و عملواالصالحات لیستخلفنهم فی الارض ولیمکّنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلّنهم من بعد خوفهم أمنّا یعبد ونني لا یشرکون بی شیئاً»؛{۳} خداوند به مؤمنان و شایسته‌کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد دینی که برای آنها آن را پسندیده‌است و مستقر سازد دوران خوف آنان را تبدیل به امنیت نماید و بدون ترسی و واهمه‌ای خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن ننهند. بدین جهت مردم را به فکر واداشته که این صالحان کیانند که هم وارث زمین خواهند بود و هم حکومت الهی را بدست می گیرند و هم اسلام را فراگیر و جهانی نموده و بدون ترس و وحشت و در امنیت کامل به عبادت خدامی پردازند. و در این فکر فرو می‌روند که آیا تاکنون چنین حادثه‌ای رخ داده یا نه و آیا چنین حکومتی روی کره زمین برقرار شده است یا نه؟ و به دنبال طرح این آیات از سوی خداوند، پیامبر بزرگوار اسلام از همان نخست مسلمانان را به حکومتی جهانی به رهبری یکی از فرزندانش که هم نام و هم کنیه‌اش بوده خبر داده است.{۴} و در روایات فراوانی که از وی نقل شده مردم و مسلمانان را به این چهره مقدس و این حکومت الهی آشنا ساخته است و معصومان‌رحمهٔ الله با تبیین مسایل بیشتری به تمام ابعاد آن پرداخته‌اند به گونه‌ای که تمام این احادیث اسلامی درباره امام مهدی(ع) با زمینه‌سازی کاملاً مرتبط است. چگونه زمینه سازی کنیم و ما نیز وظیفه داریم که زمینه ظهور را فراهم کنیم و این زمینه‌ها فراوان است که به برخی از آنها بسنده می کنیم:

۱. شناختن و شناساندن حضرت ولی‌عصر(ع) مسأله شناخت امام زمان(ع) از مسایل ارزشمند است که به تعبیر روایات اگر کسی امام زمان خویش رانشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.{۵} و شناخت بقیهٔاللّه بدین جهت است که اگر او را نشناسیم نه تنها عمل ما باطل است بلکه منحرف و گمراه خواهیم شد. امام موسی بن جعفر(ع) می‌فرماید: امام حجت بندگان است و هر که او را رها کند گمراه می‌شود و هر که با او باشد نجات می‌یابد و رستگار می‌شود.{۶} بدین جهت است که در دعا می‌خوانیم: خدایا خودت را به

من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی رسولت را نخواهم شناخت خدایا رسولت را به من بشناسان وگرنه حجتت را نخواهم شناخت خدایا حجتت را به من بشناسان وگرنه از دین خود گمراه خواهم شد. ۲. مبارزه با انحرافات و کجروی‌ها پیش از این گفتیم که یکی از حکمت‌های غیبت امام وجود گناهانی است که به آن در جامعه دامن زده می‌شود و مبارزه با گناهان زمینه سازی برای ظهور امام می‌باشد. چرا که یکی از اهداف بسیار مهم امام، مبارزه با انحرافات و کجروی‌ها و نابودی مفاسد است امام می‌آید که تا به ظلم و ستم فرجام داده و عدل و داد را روی زمین بگستراند، پیامبر(ع) فرمود: «یملأاللّه به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً». {۷} بنابراین، اگر بخواهیم زمینه ظهور را فراهم کرده باشیم بایدبه کمک امام شتافته و در این کار همگام با او شویم ممکن است برخی با سکوت و بی تفاوتی خود در برابر انحرافات و مفاسد اجتماعی، چنین فکر کنند که باید به مفاسد دامن زد و یا حداقل سکوت کرد تا مفاسد در جامعه صد چندان شود تا بر اثر زیاد شدن آن امام ظهور کند در حالی که این نظریه واندیشه کاملاً غلط و بی‌اساس است چرا که حضرت پس از آمدن زمین را پر از عدل و داد می‌کند نه این که تا زمین پر از جور و ظلم نشده امام نخواهد آمد و دلیلش این است که زمین به اندازه کافی پر از ظلم و جور شده است، بنابراین چرا امام نمی‌آید؟!! ۳. تبیین اهداف امام مسأله دیگری که زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) می‌باشد این که پس از شناخت و معرفت به امام عصر(ع) اهداف امام را بررسی و مورد مطالعه قرار دهیم. ویژگی‌های حکومت و امتیاز آن از سایر حکومت‌های پیشین، هم چنین بدانیم که حکومتی که در قرآن بدان اشاره شده است و خداوند از آن خبر داده و پیامبران پیشگویی کرده‌اند با تمام حکومت‌ها تفاوت اساسی خواهد داشت حکومت جهانی و الهی است؛ حکومت حاکمیت دین و قرآن و اهل بیت است حکومت برقراری امنیت جهانی است حکومت بسط عدالت است حکومت حاکمیت اخلاق است امام می‌آید تا اهداف پیاده نشده تمام انبیای الهی را به انجام برساند امام می‌آید تا عالی‌ترین مظاهر یک حکومت مترقی را به نمایش بگذارد امام می‌آید تا بشر را به کمال واقعی خود برساند و خلاصه کاری که امام می‌کند تاکنون بر دست هیچ پیامبر و یا حاکمی در جهان در طول تاریخ انجام نشده است او می‌آید تا جامه عمل به تمام آن خواسته‌ها بپوشاند. اعتقاد به این مسائل سبب می‌شود که برای رسیدن به چنین حکومتی تلاش ورزیم موانع را از سر راه برداریم و دیگران را تشویق و ترغیب کنیم و همین کارها ایجاد زمینه‌ها می‌باشد. ۴. انتظار فرج از دیگر موارد زمینه‌سازی ظهور امام زمان(ع) انتظار فرج است انتظاری که پیامبرصلی الله وعلیه وآله و معصومین ما را به آن دعوت کرده‌اند انتظاری که در روایات أن را برترین اعمال و بهترین عبادت مومنان شمرده‌اند انتظاری که به تعبیر امام صادق(ع) اگر شخصی در حال انتظار بمیرد شهید خواهد بود اگر چه در رختخواب هم مرده باشد. {۸} ۵. شناخت وظایف و عمل به آن بزرگان ما بر اساس روایات و احادیث و شفارش پیامبرصلی الله وعلیه وآله و معصومین‌علیهم‌السلام وظایفی را برای مردم در حال غیبت کبری بیان کرده‌اند که هر یک از آنها خود زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود(ع) خواهد بود مرحوم محدث قمی به چند مورد از آنها اشاره کرده است: ۱. مهموم بودن برای آن جناب در ایام غیبت؛ ۲. دعاکردن برای حفظ وجود مبارک امام عصر(ع) از شرور شیاطین انس و جن و طلب تعجیل فرج و نصرت و ظفر و غلبه او بر کفار و ملحدین و منافقین؛ ۳. صدقه دادن در حد توان برای حفظ وجود مبارک ولی عصر؛ ۴. بجا آوردن حج به نیابت از امام عصر(ع) چنان چه در گذشته میان شیعه مرسوم بوده است؛ ۵. برخاستن از برای تعظیم شنیدن نام مبارک آن حضرت بویژه نام مبارک قائم باشد؛ ۶. تضرع و درخواست از خداوند برای حفظ دین وایمان از دستبرد شیاطین و رهایی از شبهات؛ ۷. استمداد و استعانت و استغاثه به آن جناب در هنگام سختی‌های و گرفتاری‌ها و بیماری‌ها و شبهات و فتنه‌ها. سپس به تناسب به روایات هر یک از این موارد اشاره می‌کند و جهت آگاهی بیشتر می‌توان به کتاب شریف منتهی الامال {۹} مراجعه نمود. [۱].سوره قصص، آیه ۵. [۲].سوره انبیا، آیه ۱۰۵. [۳].سوره نور، آیه ۵۵. [۴].تذکرة الخواص، ص ۳۲۵؛ عقدالدرر، ص ۳۲ و منهاج السنة، ج ۴ ص ۲۱۱. [۵].محاسن برقی، ص ۱۵۵ و کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۱۲. [۶].معجم احادیث الامام مهدی ج ۴ ص ۱۴۸ [۷].غیبت نعمانی، ص ۸۱. [۸].الشیعه و الرجعة، ج ۱، ص ۴۳۲، ضمناً در کتاب‌های اهل سنت به انتظار فرج نیز اشاره شده که می‌توان به معجم الطبرانی، ج

۱۰، ص ۱۲۴؛ مسند شهاب، ج ۱، ص ۶۲؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۵۴ و... مراجعه کرد. [۹].ج ۲، ص ۴۸۳.

حضور ایرانیان در عصر ظهور و زمینه سازی برای ظهور حضرت چگونه است ؟

پرسش

حضور ایرانیان در عصر ظهور و زمینه سازی برای ظهور حضرت چگونه است ؟

پاسخ

شیعیان در روزگار ظهور حضرت مهدی ۷ حضور فعّالی دارند و در صحنه های مبارزات بزرگ ,نقشی عمیق تر و جدی تر ایفا می کنند. از میان شیعیان , ایرانیان نقش فعال تری در نهضت جهانی حضرت ایفا می کنند.در برخی از احادیث تصریح به حضور فعال در جامعهء مهدی ۷شده است . البته مقصود از عجم , ملت های غیر عرب است , لیکن بهاحتمال قوی , بیشترین مصداق آن در هنگام ظهور, ایرانیان خواهند بود, به ویژه که مرکز ثقل تشیع ایران است .(۱) از میان یاران خاص امام زمان ۷که عدد آن ها به عدد اهل بدر ۳۱۳نفر است ,(۲) تعداد زیادی ایرانی از شهرهای شیراز, اصفهان , قم , طالقان و دیگر شهرها هستند و هستهء اولیهء یاران و خواص حضرت در کنار دیگر یاران از سایربلاد را تشکیل می دهند.(۳) وظیفه ای که ایرانیان برای زمینه سازی ظهور حضرت دارند, وظیفه ای است که شیعه در عصر غیبت بر عهده داردتا زمینهء ظهور حضرت مهیا شود. در زمان غیبت , شیعیان با انجام این وظایف می توانند زمینه ساز ظهور حضرت شوند:(۴) ۱ دعاکردن برای حضرت ; ۲ انتظار فرج آل محمد۷ ۳ ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی ۷ ۴ انجام حج به نیابت از حضرت مهدی ۷ ۵ دعا برای حفظ ایمان خود در زمان غیبت ; ۶ خودسازی و تزکیهء نفس ; ۷ استمداد از حضرت مهدی ۷در سختی ها و مشکلات ; ۸ اصلاح جامعه . ایرانیان مانند سایر شیعیان باید خودسازی و انجام وظایف شرعی را سرلوحهء خود قرار دهند تا شایستگی همراهی و همدلی با مصلح جهان را داشته باشند, چون هر قومی که منتظر مصلح است , باید خود نیز صالح باشد. (پاورقی ۱.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۳۸۰ (پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۳۴۱ (پاورقی ۳.محمد جواد نجفی , ستارگان درخشان , ج ۱۴ ص ۱۶۸و ۱۶۹ (پاورقی ۴.عبدالرحمن انصاری , در انتظار خورشید, ص ۱۲۸تا ۱۳۸ با تلخیص .

سفارش بزرگان را دربارهء فراهم کردن زمینهء ظهور امام زمان ۷بیان کنید.

پرسش

سفارش بزرگان را دربارهء فراهم کردن زمینهء ظهور امام زمان ۷بیان کنید.

پاسخ

وظایف شیعه و تکالیف منتظران مهدی موعود۷همان است . که در اخبار و روایات به شرح ذیل آمده است , و به انتظار نشستگان , با عمل به وظایف دوران غیبت , خودسازی نموده و عنایت مولایش راجلب می نماید. انتظار فرج , این اصل , شیعه را همیشه آماده و مهیّا برای شرکت در قیام و انقلاب حضرت نگه می دارد, و ثواب عظیمی برای انتظار نقل شده است . علی ۷فرمود: . ۲ دعا در حق حضرت که خداوند آن بزرگوار را از شر جن و انس حفظ نماید و در ظهور و غلبه دادنش بر کفّارو منافقان تعجیل فرماید.

www.noorfatemah.org

بحمداللّه شیعیان بعد از نماز, دعای را می خوانند. ۳ غمگین بودن برای غایب بودن حضرت . ۴ صدقه دادن برای سلامتی وجود مقدّس حضرت بقیّةالله الاعظم . ۵ زیارت خانهء خدا و انجام حج به نیابت از حضرت که ثواب بسیار دارد. ۶ بلند شدن از جا هنگام به زبان آوردن یا شنیدن لقب مبارک . ۷ استغاثه و پناه بردن به حضرت در مواقع رویکرد شدائد و گرفتاری ها. ۸ انسان برای خود دعا کند خدا وی را از شر و مکر شیاطین حفظ نماید, به ویژه این دعا را بخواند: . ۹ آمادگی نظامی در عصر انتظار. امام صادق ۷فرمود: . البته مراد مسلّح شدن به اسلاح های روز است که امروزه این آمادگی برعهدهء نیروهای مسلّح می باشد و افراد غیر نظامی می توانند با دیدن دوره های آمادگی نظامی , خود را مهیّا نگه دارند. ۱۰ تلاش برای برقراری حکومت اسلامی و اجرای احکام نورانی اسلام . پیامبر گرامی اسلام ۶فرمود:. از آن جایی که در ایران نظام حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) برقرار شده است , سعی وکوشش در حفظ و حراست این نظام مقدّس و پیاده شدن دقیق قوانین سعادت آخرین قرآن , زمینه سازی جهت ظهورامام منتظر است . ۱۱ متّصف شدن به اوصاف یاوران مهدی ۷ از قبیل داشتن توحید و ایمان خالصانه , و بر خورداری از بصیرت و آگاهی که چراغ راه است و در رویارویی با جاهلان پینه بر پیشانی بسته هم چون خوارج نهروان موجب می شودانسان مالک اشتر مآبانه در راه حق و حمایت از امام پا برجا و مستحکم باشد. شجاع بودن و در پیش برد اسلام ازانبوه دشمن هراس به دل راه ندادن و تقویت روح ایثار و مواسات و برادری و زهد و ساده زیستی .(۱) (پاورقی ۱.لطف الله صافی گلپایگانی , منتخب الاءثر فی الامام الثانی عشر, ص ۶۳۵ـ ۶۴۵ محمد باقر مجلسی , بحار الاءنوار, ج ۵۲ ص ۳۶۶ح ۱۴۶ محمد جواد نجفی , ستارگان درخشان , ج ۱۴ ص ۱۱۹ـ ۱۲۴ ;محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۳۳۰ـ ۴۰۴مجلهء حوزه , سال ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۹۹ـ ۳۰۷; عباس قمی , منتهی الآمال , ص ۴۸۳ـ ۴۹۱

برای مهیا نمودن زمینهء ظهور حضرت مهدی ۷ شیعیان چه وظایفی بر عهده دارند؟

پرسش

برای مهیا نمودن زمینهء ظهور حضرت مهدی ۷ شیعیان چه وظایفی بر عهده دارند؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از اینکه با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . مهمترین وظایفی که شیعیان بر عهده دارند,تا زمینهء ظهور حضرت را مهیا نمایند, به قرار ذیل است : ۱ محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی ۷ ۲ انتظار فرج قائم آل محمد۷ ۳ دعا کردن برای حضرت ; ۴ انجام حج به نیابت از حضرت مهدی ۷ ۵ خودسازی و تزکیه ; ۶ استمداد از حضرت مهدی در سختی ها و مشکلات ; ۷ اصلاح جامعه ; ۸ شناخت مقتضیات زمان و انجام تکلیف .(۱) هر کس که دوست دارد اعمالش مورد عنایت و توجه امام زمان ۷قرار گیرد, باید سعی کند وظایف مذکور رامورد اهتمام قرار دهد. شیعیانِ عشاق و مشتاق حضرت مهدی ۷اعمال و رفتار خود را به گونه ای انجام میدهند که در طریق نیل به وصال مهدی منتظر۷باشند و رضای آن عزیز را به همراه داشته باشد. (پاورقی ۱.عبدالرحمن انصاری , در انتظار خورشید ولایت , ص ۱۲۸ـ ۱۳۶ با تلخیص .

چرا باید جهان پر از ظلم و ستم شود تا امام زمان (عج) ظهور کند؟ و چطور می توان زمینه ء ظهور حضرت را فراهم نمود؟

پرسش

چرا باید جهان پر از ظلم و ستم شود تا امام زمان (عج) ظهور کند؟ و چطور می توان زمینه ء ظهور حضرت را فراهم نمود؟

پاسخ

در باب ظهور امام زمان(عج) انباشته گشتن جامعه از ظلم و ستم شرط فرج آن بزرگوار نمی‌باشد. بلکه شرط فرج، آمادگی و لیاقت انسان‌های متعدد منتظر است. در حالی که ظلم و ستم از جمله نشانه‌ها و علامات عصر ظهور است و تفاوت شرط و نشانه در این است که اولاً ـ درصورت تحقق شرط (آمادگی و لیاقت انسان‌ها) مشروط (فرج و ظهور) نیز محقق می گردد، ولو این که جامعه در حد فوران معصیت و تعدی نباشد. اما در صورت نمایان گشتن نشانه و عدم تحقق شرط به هیچ وجه فرج و ظهور صورت نمی گیرد. چرا که استعداد و قابلیت افراد زمینه‌سازو مقدمه ظهور است و تا مقدمه فراهم نگردد نوبت به ذی‌المقدمه نمی‌رسد. ثانیا، شرط جزء سلسله علل و اسباب تحقق شیء (مشروط) واقع میشود در حالی که علامت و نشانه نمایشگر و حکایتگر یک واقعیت است و اصلاً در سلسله اسباب و علل واقع نمی گردد. مثل این که می گوییم سرخی چهره نشانه و علامت خجالت است. یعنی خجالت و شرم یک امر نفسانی و باطنی است و سرخی چهره گزارشگر آن حالت باطنی می‌باشد و چه بسا در افرادی حالت شرم و خجالت باشد اما سرخی چهره نباشد و یا سرخی چهره باشد اما به خاطر خجالت و شرم نباشد. در روایات حضرات معصومین(ع) به روشنی و صراحت ظلم و جور از نشانه‌های عصر ظهور برشمرده شده است نه علت و شرط ظهور. به فرموده امام صادق(ع): برای قیام قائم(عج) علاماتی است که می‌باید از ناحیه خداوند برای انسان‌های مؤمن و وقتی راوی سؤال می کند که آن علامات و نشانه‌ها چیست؟ حضرت می‌فرماید: آن قول خداست که هر آینه ما شما را آزمایش می کنیم (ولنبلونّکم) یعنی انسان‌هایمؤمن قبل از خروج حضرت قائم(عج) آزمایش می‌شوند به ترس و گرسنگی و کاستی در اموال و نفوس و ثمرات و بشارت بده افراد شکیبا را، (ر.ک: نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۴). در باب این که در صورت تحقق شرط (استقرار و آمادگی) بی‌درنگ فرج و ظهور صورت می گیرد امام موسی بن جعفر(ع) می‌فرماید: «لوکان فیکم عده اهل بدر لقام قائمنا ؛ اگر به عدد(سپاهیان اسلام در جنگ) بدر انسان‌های مستعد و آماده موجود بود هر آینه حضرت قیام می‌نمود{M»، (ر.ک: مشکات‌الانوار، ص۶۳). در باب فراهم ساختن زمینه‌های ظهور آن حضرت همه حقایق در واژه انتظار نهفته است به فرموده حضرت رسول اکرم(ص) با فضیلت‌ترین اعمال امت من انتظار فرج است. ایجاد سنخیت و هماهنگی میان انسان منتظر و کسی که در انتظار او هستیم. بزرگترین کار برای فراهم ساختن زمینه ظهور آن حضرت می‌باشد، چرا که انسان منتظر رنگ و بوی منتظر را به خود می گیرد. آن که منتظر مصلح جهانی است خود نیز باید صالح و مصلح باشد. آنچه ما را از مسیر حضرتش دور می‌سازد خلاف انتظار است و آنچه باعث شادی و خرسندی و رضایت امام عصر(عج) می گردد عین انتظار است. درک دقیق معنای انتظار مبتنی بر فهم جامع اندیشه مهدویت است واندیشه مهدویت را باید با توجه به مجموعه معارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام دید. بنا بر آموزه‌های دینی، مهدی(عج) روزی ظهور کرده و وعده‌های الهی را به اجرا درمی‌آورد او برپا کننده حکومت صالحان می‌باشد و مؤمنان به میزان ایمان و عمل صالحشان در حکومت مهدی(عج) قرب و منزلت دارند. این اندیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگیانسان تصویر می کند و عامل شعله‌ور شدن امید در دل‌های مؤمنین است. امید به ظهور مهدی(عج) همان امید به خداست. امید موتور حرکت انسان در زندگی است و امید به مهدی(عج) عامل حرکت استوارتر انسان در مسیر خوبی‌ها یعنی همان هدف اصلی دین می‌باشد. مقصود از انتظار فرج، امید و دلبستگی به مهدی(عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری، انتظاری سازنده و نگه‌دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است. به گونه‌ای که خود نوعی عبادت و حق‌پرستی است. برخی به خطا به گونه‌ای اندیشه مهدویت را تصویر می کنند که انتظار براساس آن به معنای کمک به رشد ظلم و فساد و پرشدن دنیا از گناه می‌باشد در حالی که بی‌شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است، بنابراین انتظار و عشق به مهدی؛ یعنی، عشق به همه خوبی‌ها و امیداقامه همه خوبی‌ها در دنیا این

عشق و امید عاملی است که انسان را وامی‌دارد تا هر چه بیشتر و محکم‌تر در راه خوبی‌ها قدم بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت‌آفرین است. بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد. منابع زیر بسیار مفید است: ۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساسا به معنای انتظار پرداخته است). ۲- امامت و مهدویت، آیت‌الله‌صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه‌ای از بحث‌ها پیرامون امام مهدی(عج) پرداخته وخصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۵۱ - ۳۹۸). انتظار فرج بیش از هر چیز به معنای آماده شدن و آماده ساختن جامعه برای پذیرش و لبیک گفتن به دعوت حق و زمینه سازی ظهور امام زمان (عج) است. بنابراین مهمترین وظیفه ما در این عصر آشنایی و التزام هر چه بیشتر با مکتب گران قدر اسلام و معرفی چهره درخشانآن به جهانیان است. از طرف دیگر ایمان خود و دیگران را تقویت کردن و برای فداکاری در راه اسلام و قرآن سر از پای نشناختن. در کنار این امور توجه به آن حضرت و زنده داشتن نام و یاد و دعا برای فرجشان نیز لازم است.]}

آیا روند فعلی جامعه ی شیعه به نحوی تأثیر گذار است که زمان ظهور حضرت مهدی ۷را جلوتر و یاعقب تر بیاندازد؟ اگر شیعیان وظایف خود را در زمان غیبت انجام ندهند, زمان ظهور حضرت به نهایتی که خداوندقرار داده , موکول خواهد شد؟

پرسش

آیا روند فعلی جامعه ی شیعه به نحوی تأثیر گذار است که زمان ظهور حضرت مهدی ۷را جلوتر و یاعقب تر بیاندازد؟ اگر شیعیان وظایف خود را در زمان غیبت انجام ندهند, زمان ظهور حضرت به نهایتی که خداوندقرار داده , موکول خواهد شد؟

پاسخ

اصل ظهور حضرت مهدی ۷و نشانه های نزدیک شدن آن , از امور مسلّم و قطعی است , ولی بنا به مصالحی زمان ظهور مشخص نشده استو هیچ کس , جز خداوند از وقت آن آگاه نیست . بارها اصحاب از امامان :در مورد زمان خروج قائم ۷پرسیده اند, ولی آنان به صراحت از مشخص کردن آن امتناع کرده اند و زمان ظهور راهمچون علم به قیامت , منحصر به خداوند دانسته اند.(۱) فضیل از امام باقر۷پرسید: آیا برای ظهور وقتی معیّن شده است ؟ امام ۷سه بار فرمود: (۲) کمیت از حضرت سؤال کرد که چه وقت حضرت مهدی ۷ظهور می کند, امام ۷فرمود: فرمود: مَثَل ظهور مهدی ۷همچون برپایی قیامت است . مهدی ۷نمی آید مگر ناگهانی . >مقتضای این احادیث و احادیث دیگر آن است که به هیچ روی , نمی توان برای ظهور مهدی ۷معین کرد. باتوجه به این اصل مسلّم , ناشنه های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهورند و بیش از آن دلالتی ندارند. اگرروایتی باشد که زمان ظهور را مشخص سازد, ناگزیر باید آن را توجیه کرد یا به کناری نهاد.(۳) اگر جامعهء شیعه روند مثبتی برای تحقق ظهور حضرت داشته باشد و یا از آمادگی لازم جهت همراهی با حضرت ,برخوردار نباشد و اگر شیعیان به وظایف خود در عصر غیبت عمل نکنند یا عمل بکنند, همهء این ها می تواند در ظهورحضرت تأثیر گذار باشد, اما تشخیص این امر و این که آیا ظهور حضرت دیرتر است یا زودتر از موعدی که خداوندمقرر کرده , از عهدهء ما خارج و از اسرار الهی است و جزء اسرای است که در ردیف علم به برپایی قیامت قرار گرفته ونمی توانیم در جهت تعیین و شناسایی آن کنکاش و فتحص نماییم . علم به این امر را ائمهء اطهار: منحصر به خداوند دانسته اند.(۴) (پاورقی ۱.مجله حوزه , ویژه نامه امام زمان ۷ ش ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۳۶ (پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۰۳ (پاورقی ۳.مجله حوزه , ش ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۳۷ (پاورقی ۴.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۸۲

آیا ظلم به حد کامل خود رسیده است که امام زمان(ع) ظهور کند؟

www.noorfatemah.org

پرسش

آیا ظلم به حد کامل خود رسیده است که امام زمان(ع) ظهور کند؟

پاسخ

آنچه که در روایات فراوان آمده است که وقتی حضرت مهدی(ع) ظهور خواهد کرد که جهان پر از ظلم جور شده باشد، بدین معنا نیست که باید ظلم بکنیم و دیگران نیز اگر ظلم کردند، ما خوشحال باشیم! نه هرگز ما نباید خودمان ظلم بکنیم و نه دلمان بخواهد که دیگران ظلم بکنند، چون اگر انسان ظالم باشد، جایگاهش جهنم است و اگر راضی باشد که دیگران ظلم کنند، باز با ظالمان خواهد بود. این روایات می خواهد بگوید که نشانهٔ ظهور حضرت مهدی این خواهد بود که جهان پر از ظلم خواهد شد". پر شدن جهان از ظلم "علامت ظهور حضرت است، نه علّت ظهور حضرت. پس ما نباید ظلم بکنیم و نباید همراه با ظلامان یا راضی به ظلم کردن آنان باشیم. ما باید همواره در مسیر تقوا و پاکی گام برداریم تا بتوانیم از اصحاب و یاوران آن حضرت باشیم. آیا جهان پر از ظلم شده ؟ کی و در چه زمانی خواهد شد؟ این مطلب را کسی نمی داند. فقط می دانیم به واسطهٔ گسترش فرهنگ غربی و شرقی و بر قرار ارتباطات از طریق اینترنت و ماهواره و از طرفی کنترل نشدن آن ها جامعهٔ جوان دنیا را به سوی بی بند و باری و فساد و قتل و چپاول می کشاند. از طرفی استکبار جهانی به سرکردگی امریکا ، لجام گسیخته به هر جایی که دلش بخواهد ، حمله می کند و انسان های بی گناه و اطفال و زنان را می کشد. همهٔ این ها باعث گسترش فساد و ظلم و بی‌عدالتی در جوامع بشری می شود. امیداواریم ما شیعیان امیرالمؤمنین و علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت جزو ظالمان روزگار نباشیم و از ظلم و ظالمان حمایت نکنیم و در برقراری عدل و انصاف گام برداریم.

هنگام ظهور از کجا و چگونه و چه تحولاتی روی می‌دهد؟

پرسش

هنگام ظهور از کجا و چگونه و چه تحولاتی روی می‌دهد؟

پاسخ

از احادیث اهل بیت(ع) استفاده می‌شود: هنگامی که اوضاع عمومی جهان مساعد گشت و افکار جهانیان برای پذیرش حکومت حق آماده شد، خدا به مهدی(ع) اجازه نهضت می‌دهد. پس ناگهان در مکه ظاهر می گردد و منادی حق (جبرئیل) بشارت ظهورش را به سمع جهانیان می‌رساند. مردان برگزیده جهان که در چندین روایت تعدادشان ۳۱۳ نفر تعیین شده، اولین ندای حق را لبیک گفته، در اولین ساعات دعوت، مجذوب مغناطیس ولایت می گردند. حضرت صادق(ع) فرمود": هنگامی که صاحب الزمان(ع) ظهور نمود، جوانان شیعه بدون وعده قبلی در همان شب خودشان را به مکه می‌رسانند."(۱) سپس دعوت عمومی خویش را شروع می کند، مردم رنج دیده و از همه جا مأیوس دورش اجتماع می‌نمایند، و با او بیعت می کنند ودر اندک زمانی سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهز می‌شوند. امام محمد باقر و امام جعفر صادق(ع) در توصیف یاران قائم فرمودند: "شرق و غرب جهان را اشغال می کنند، تمام موجودات جهان را مسخر می گردانند، هر یک از آن‌ها نیروی چهل مرد دارد، و

قلوبشان از پاره‌های آهن سخت‌تر است، به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخورد نمایند، آن‌ها را از بین می‌برند و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود، از جنگ دست نمی‌کشند.(۲) در آن موقع زمام داران خود سر و ستم گر بی وجودان احساس خطر می‌نمایند و در صدد دفاع بر می‌آیند و ندای مخالفت را به هم مسلکان خویش می‌رسانند. اما سربازان عدالت خواه و اصلاح طلبان جهان که از جور و تعدی خسته شده‌اند، تصمیم نهایی را می‌گیرند و با اتحاد و کوشش به آن‌ها جمله می‌نمایند، با تأییدات خداوندی ستمکاران را ریشه کن نموده، قتل عام شان می‌کنند. رعب و ترس همه را فرا می‌گیرد و تسلیم دولت حق می‌گردند. بسیاری از کفار به واسطه دیدن علائم صدق و حقیقت به دین اسلام می‌گروند. آن هایی که در کفر و ظلم خویش اصرار می‌ورزند، به دست لشکر مهدی(ع) قتل عام می‌شوند. یگانه دوست مقتدر و نیرومند اسلام در سر تا سر زمین تشکیل می‌یابد و مردم از جان و دل در حفظ وحراست آن کوشش می‌نمایند.(۳) دین اسلام عمومی می‌گردد و در تمام سرزمین‌ها وارد می‌شود.(۴)
پی نوشت‌ها: ۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰. ۲ - همان، ۳۲۷. ۳ - همان، ص ۲۷۹ - ۳۸۰. ۴ - همان، ج ۵۱، ص ۵۵. ۵ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۰۱ - ۳۰۲.

شرایط و نشانی و کیفیت ظهور امام زمان(ع) چیست؟

پرسش

شرایط و نشانی و کیفیت ظهور امام زمان(ع) چیست؟

پاسخ

برای تحقق ظهور امام زمان(ع) شرایط و نشانه های متعددی بیان شده است که شرایط ارتباط به هم داشته و مکمل یکدیگرند؛ از این رو به زمینه ها و شرایط، سپس به نشانه ها و کیفیت ظهور حضرت اشاره می گردد: الف) شرایط ظهور: ۱ ـ پارسایی: برای ایجاد جامعهٔ سالم مبتنی بر ارزش ها و عدالت، پارسایی و خودسازی افراد جامعه ضروری است. حکومتی که بر اساس شایسته سالاری، معنویت گرایی و قابلیت ها شکل می گیرد، پدید آورندگان آن باید صالحان و پارسایان باشد. شاید بر همین اساس باشد که در برخی روایات تصریح شده است؛ هرگاه ۳۱۳ نفر آماده شوند و شرایط دیگر فراهم شود، حضرت امام زمان(عج) ظهور می کند.[۱] بی تردید یکی از شرایط این تعداد، پارسایی است. امام صادق(ع) فرمود": هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد، و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد.["۲] در برخی روایات تصریح شده است که امام زمان(ع) خود و دیگران را دعوت به تقوا نمود تا ظهور کند. ۲ ـ دین مداری و تکلیف گرایی: یکی از عوامل زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) دین مداری و دین داری است. انسان باید در عصر غیبت بیشتر به دستورهای الهی توجه نموده و از محرّمات پرهیز کند و مقید به انجام تکلیف خدایی باشد. در عصر غیبت انسان ها بیشتر در معرض آفات و آسیب ها قرار می گیرد و نیاز به پشتوانهٔ قوی معنوی دارند. بی تردید این پشتوانهٔ قوی، تقویت باورهای دینی و پاسداری از دین است. از سوی دیگر با انجام تکالیف الهی می توان به آسیب زدایی پرداخت. شاید بر همین اساس پیشوایان دین، مردم را به دینداری، و صحت اعمال و دعا و توسل به اهل بیت(ع) فرا خوانده اند. امام صادق(ع) می فرماید": برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و چنگ در دین زند.["۳] ۳ ـ آمادگی نظامی: یکی از عوامل مهم زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) آمادگی نظامی است": در یک قیامت بزرگ، و یک انقلاب خونین و درگیری عظیم جهانی، لازم است منتظران آمادگی رزمی داشته باشند. مسلمانان همیشه باید نیروی سلحشوری داشته باشند تا در هنگام طلوع حق و درگیری های حق و باطل، به صف پیکارگران رکاب مهدی(ع) بپیوندند و حماسه

آفرینند.[۴] مگر نه این است که امام زمان با ستمگران ودین ستیزان می جنگد؟ اگر چنین است، او نیاز به نیروهای مسلح آماده دارد. امام صادق(ع) فرمود": هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کنید، اگر چه یک نیزه باشد، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد.["۵] ۴ـ اصلاح جامعه: یکی از عوامل مهم تأثیر گذارد در ظهور امام زمان(ع) اصلاح جامعه است. در آموزه های دینی این نگرش که در عصر غیبت باید در برابر ناهنجاری ها و بی عدالتی ها بی اعتنا بود و حتی به ناهنجاری هایی دامن زد، پذیرفته شده نیست و این، تحریف مفهوم انتظار است. در اندیشهٔ شیعی همگان وظیفه دارند که با بهره گیری از دو عنصر امر به معروف و نهی از منکر به اصلاح جامعه پراخته و در صدد ساخت جامعهٔ سالم، مبتنی بر عدالت، شایستگی و ... باشند. در برخی روایات یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت انتظار فرج یاد شده است. پیامبر(ص) فرمود": افضل اعمال امتی انتظار الفرج مِن الله عزّوجلّ.["۶] انتضار فرج به معنای کناره گیری از صحنهٔ سیاست و بی اعتنا بودن در برابر سرنوشت جامعه و تسلیم شدن در برابر ستم نیست، بلکه انتظار، قیام علیه نابرابری ها است. یکی از نویسندگان می نویسد": نباید پنداشت که انتظارظهور و چشم به راه" مهدی موعود "بودن، به گونه ای موجب از دست هشتن حرکت اصلاحی، و حماسه های دینی واجتماعی است. هرگز چنین نیست. انتظار دعوت به" نپذیرفتن" است، نه" پذیرفتن، "نپذیرفتن باطل، نپذیرفتن ستم، نپذیرفتن بردگی و ذلت. انتظار درفش بنیاد گر مقاومت است، در برابر هر ناحقی، و هر ستمی، هر ستم گری. مجاهدات خستگی ناپذیر و" قیام های خونین "شیعه، در طول تاریخ، همواره گواه این است که در این مکتب، هیچ سازشی و هیچ سستی راه ندارد. شیعه، با حضور در حوزهٔ" انتظار، "یعنی انتظار غلبهٔ حق بر باطل، و غلبهٔ داد بر بیداد، و غلبهٔ تقوا بر گناه و غلبهٔ آگاهی بر کور بینی.["۷] بی تردید یکی از علل عدم ظهور امام زمان(ع) عدم آمادگی و اصلاح جامعه است. مصلح کل جهان اصلاحات عمومی را می طلبد و عدم آمادگی پرده میان امام زمان و مردم است. گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی، ورنه رُخَم عیان است گفتم که از تو پرسم، جانانشان کویت گفتا نشان چه پرسی؟ آن کوی بی نشان است ۵ ـرشد فرهنگی و موانع زدایی: رشد فرهنگی و موانع زدایی از عناصر مهم زمینه سازی ظهور امام زمان(ع) هستند. در برخی روایات به لزوم شناخت رهبری و اطاعت از آن سفارش شده است.[۸] از این رو شناخت امام زمان(ع) و ویژگی های حکومت امام یک ضرورت است. برخی در هنگام ظهور امام زمان(ع) با او مخالفت می کنند و تصور می کنند که امام زمان دین جدید آورده است.[۹] طبیعی است دگم اندیشی، و جمودگرایی با حکومت امام زمان همخوانی نداشته و موانع بزرگ ظهور هستند. شاید بر اساس ضرورت بصیرت و رشد فرهنگی در عصر غیبت است که یکی از ویژگی های یاران امام زمان(ع) بصیرت و آگاهی بیان شده است.[۱۰] از سوی دیگر راحت طلبی و دل به دنیا بستن نیز مانع بزرگ ظهور به حساب می آید. در هنگام ظهور امام زمان(ع) راحت طلبان به دلیل این که حکومت عدالت گرای امام زمان(ع) را با منافع خویش در تضاد می بینند، با حضرت مخالفت می کنند.[۱۱] نکتهٔ قابل دقت آن است که یکی از خصوصیات یاران امام زمان(ع) خدا محوری و ساده زیستی است.[۱۲] برخی از مردم ادعای پیروی امام زمان(ع) را دارند، ولی به دلیل دگم اندیشی و گذشته گرایی و راحت طلبی با امام زمان(ع) مخالفت می کنند. امام صادق(ع) فرمود": چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت از او روی می گردانند.["۱۳] ب- نشانه ها: نشانه های ظهور به حتمی و غیر حتمی تقسیم می شود که در این جا به برخی از علایم حتمی ظهور اشاره می شود: ۱- خروج سفیانی: یکی از علائم حتمی ظهور امام زمان(ع) خروج سفیانی ذکر شده است": پیش از قیام قائم(ع) مردی از نسل سفیان در منطقهٔ شام خروج می کند و با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد و به گِرد خود، می آورد و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلام را به تصرف خویش در می آورد و بر مناطق پنجگانهٔ شام، حمص، فلسطین، اردن قنسرین و منطقهٔ عراق، سیطره می یابد.["۱۴] امام زین العابدین(ع) فرمود": ظهور حضرت قائم(ع) قطعی است؛ همان طور که خروج سفیانی قطعی است و در برابر هر قیام کننده ای یک سفیانی قیام می کند.["۱۵] ۲- ظهور دجال: یکی از نشانه های

ظهور حضرت مهدی(ع) خروج دجال است. اگر چه در این که دجال و مشخصات آن چیست، دیدگاه ها اختلاف دارند. پیامبر اسلام(ص) فرمود": قیامت، بر پا نمی شود، تا وقتی که مهدی(ع) از فرزندانم قیام کند و مهدی(ع) قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگوید: من پیامبرم.["۱۶"] دجال "از ریشهٔ دجل به معنای دروغگوی حیله گر است. در روایات، دجال ها و دروغگویان فراوان نام برده شده است.[۱۷] ۳- در آمدن پرچم های سیاه از خراسان: یکی از نشانه های ظهور امام زمان(ع) پدیدار شدن پرچم های سیاه از خراسان است. در روایات معصومان(ع) نیز از پدیدار شدن پرچم به عنوان یکی از نشانه های ظهورامام یاد شده است. امام باقر(ع) فرمود": بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت می کنند.["۱۸"] برخی احتمال داده اند که منظور از خروجِ پرچم های سیاه از خراسان، قیام ابومسلم خراسانی در سال ۱۴۰ هجری قمری است، ولی این احتمال درست نیست، زیرا قیام ابومسلم قبل از تولد امام زمان(ع) بوده است و از نظر سند نیز قابل اعتماد است.[۱۹] ۴- خسوف و کسوف: از نشانه های ظهورک کسوف در نیمهٔ ماه رمضان و خسوف در آخر یا اوّل همان ماه است. کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روز های میانی ماه، طبیعی و عادی است و در طول تاریخ بارها، رخ داده است، ولی خورشید و ماه گرفتگی در وسط ماه امر غیر عادی است و رؤیت آن امکان ندارد.[۲۰] امام باقر(ع) فرمود": دو نشانه، پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم(ع) در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید نیمهٔ ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن.["۲۱"] ۵- فراگیر شدن جهان از ظلم و ستم: فراگیر شدن ظلم و جور، از نشانه های معروف ظهور امام زمان(ع) است. روایات متعدد این نشانه را بیان کرده، چنان که این حدیث معروف به سند های گوناگون بیان شده است": یملا الله به الارض قسطاث و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛[۲۲] خداوند به وسیلهٔ ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد. پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. "علامه مجلسی از امام صادق(ع) حدیثی آورده است که بیش از یک صد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که در زمان غیبت دامنگیر جوامع اسلامی می شود، پیش گویی شده است.[۲۳] ۶- صیحهٔ آسمانی: یکی از نشانه های ظهور، صیحهٔ آسمانی بیان شده است که ظاهراً در هنگام ظهور امام زمان(ع) از آسمان شنیده می شود[۲۴] و همهٔ مردم آن را می شنوند. در روایات تعبیرهای: ندا و صوت نیز به کار رفته است که شاید اشاره به صیحهٔ آسمانی باشد و یا نشانه های جداگانه هستند. امام باقر(ع) فرمود": ندا کننده ای که از آسمان، نام قائم را ندا می کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار، ایستادگان و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند. "بیان این نکته ضروری است که نشانه های ظهور امام زمان(ع) منحصر به علایم فوق الذکر نیست، بلکه نشانه های دیگر مانند خروج یمانی [۲۵] قتل نفس زکیه،[۲۶]خروج أجوج و مأجوج،[۲۷]طلوع خورشید از مغرب،[۲۸] جنگ های خونین،[۲۹] و ... نیز بیان شده است. در خصوص مکان ظهور امام زمان(عج) باید گفت: از بیشتر روایات استفاده می شود حضرت در مکه ظهور می کند. امام صادق(ع) فرمود": إنّ القائم منّا منصورٌ بالرعب، مؤید بالنصر فعند ذلک خروج قائمنا فإذا خرج سند ظهره إلی الکعبه واجتمع ثلثمأه و ثلثه عشر.["۳۰"] امام باقر(ع) فرمود": قائم با سیصد و سیزده مرد از یارانش در ذی طوی[۳۱] منتظر قیام است تا موقعی که به حجر الاسود تکیه زند و پرچم آویخته را به اهتزاز در آورد.["۳۲"] [۱] صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۵۹۴- ۵۹۶. [۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰. [۳] همان، ص ۱۳۵. [۴] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۵۰. [۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶. [۶] صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹. [۷] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۳۴ - ۳۳۵. [۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲ - ۱۳۴؛ مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔامام زمان(ع)، شمارهٔ ۷۰ - ۷۱، ص ۳۳۸. [۹] مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان(ع)، ص ۳۱۳. [۱۰] همان، ص ۳۰۰. [۱۱] همان، ص ۳۰۹. [۱۲] همان. [۱۳] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۲. [۱۴] مجلهٔ حوزه، ویژه نامهٔ امام زمان، ص ۲۴۸؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۲۱. [۱۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲. [۱۶] ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱، سنن داود، ج ۴، ص ۱۱۵. [۱۷] مجلهٔ حوزه، ویژهٔ امام زمان(ع)، ص ۲۶۳. [۱۸] شیخ طوسی،

کتاب الغیبه، ص ۴۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۷. [۱۹] مجله حوزه، ویژهٔ امام زمان(ع)، ص ۲۶۹. [۲۰] همان، ص ۲۷۰. [۲۱] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۱. [۲۲] کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ ینابیع الموده، ص ۴۴۸. [۲۳] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶- ۲۶۰. [۲۴] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴. [۲۵] تاریخ غیبت کبری، ص ۲۵۲؛ مجلهٔ حوزه ویژه نامهٔ امام زمان، ص ۲۵۴. [۲۶] منتخب الاثر، ص ۴۵۹. [۲۷] همان، ص ۴۶۱. [۲۸] وافی، ج ۲، ص ۴۴۶. [۲۹] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶. [۳۰] صافی گلپایگانی منتخب الاثر، ص ۵۷۸. [۳۱] ذی طوی کوهی در مجاور مکه است. [۳۲] مهدی موعود، ص ۱۰۹۷.

چرا خداوند دسترسی به امام زمان"عج "را سخت کرده است؟ آن هم در این دوره وانفسا که عده‌ای خود را امام زمان بنامند و چنین کفر و گناه، جامعه را از هم بدرد!

پرسش

چرا خداوند دسترسی به امام زمان"عج "را سخت کرده است؟ آن هم در این دوره وانفسا که عده‌ای خود را امام زمان بنامند و چنین کفر و گناه، جامعه را از هم بدرد!

پاسخ

بحث را در دو بخش مطرح می‌کنیم: بخش نخست: ضرورت ایجاد زمینه و صلاحیّت ارتباط با امام زمان(عج). بخش دوم: بررسی عوامل غیبت. ۱- ضرورت ایجاد زمینه جهت ارتباط با امام زمان(عج). در عرف همه ملل و اقوام روشن است که ارتباط با بزرگان به میزان شخصیت هر بزرگی، دارای شرایط ویژه‌ای است که تا شرایط پدید نیایند، عرف مردمی اجازه ارتباط و دسترسی با آن شخصیّت را به هیچ فردی نمی‌دهد. دسترسی به امام زمان(عج) از این گردونه خارج نیست، بلکه می‌توان گفت: با توجّه به موقعیّت اختصاصی حضرت یعنی موضوع "غیبت "و سوء استفاده هایی که ممکن است برخی از افراد از مطرح کردن ارتباط با امام زمان(عج) داشته باشند، دسترسی به حضرت، دارای شرایط بیشتر و سخت‌تری می‌باشد و چنان نیست که هر فردی به آسانی بتواند با امام ارتباط برقرار کند. قدم گذاشتن در این مسیر به کسب لیاقت و شایستگی نیازمنداست و هر کس به اندازه تلاش خود بهره می‌برد. خلاصه این که: ارتباط و دسترسی به امام زمان در دوران غیبت کبری به ایجاد زمینه شایستگی و لیاقت نیاز دارد؛ همان گونه که برخی از بزرگان همانند سید بحرالعلوم و محقق اردبیلی (ره) با حضرت ارتباط داشتند؛ از سوی دیگر ارتباط با امام زمان(عج) تنها ملاقات حضوری نیست، بلکه راه‌های دیگری برای ارتباط موجود است (مثلاً از طریق دعا و مناجات و به صورت درونی). در ضمن از برخی روایات استفاده می‌شود که حضرت بر اعمال و رفتار شیعیان نظارت دارد و پشت پرده به هدایت مردم پرداخته و همه جا حضور دارد، همانند روایاتی که می‌گوید": حضرت در مراسم حج حضور دارد و مردم را می‌بیند، اما مردم او را نمی‌بینند.("۴) ۲- بررسی عوامل غیبت. عواملی را که قابل تصوّر است در غیبت امام زمان(عج) تأثیر داشته باشد می‌توان در این چند فرض بیان کرد: ۱- خداوند اراده کرده است که حضرت غایب باشد. ۲- حضرت ولی عصر(عج) خواهان غیبت است. ۳- مردم آمادگی ظهور و پذیرش حضرت را ندارند. اهل فن و علمای کلام مورد اول و دوم را مردود شمرده‌اند، به دلیل این که: الف) لطف خدا به بندگان مقتضی ظهور امام زمان(عج) است تا بندگان تشنه حق و حقیقت بتوانند با ظهور و حضور او، از چشمه زلال هدایتش سیراب شوند. یعنی اگر بشر و انسان‌ها و هر موجودی، قابلیت دریافت فیض الهی را داشته باشد، خداوند او را از فیض خود محروم نمی‌کند. ب) مقام عصمت حضرت اقتضا می‌کند که مردم از فیض حضور آن عزیز و ارشادها و راهنمایی‌های او بهره‌مند باشند؛(۵) افزون بر این دلیل عقلی، از برخی روایات استفاده می‌شود که حضرت هم خواهان تحقّق وعده ظهور است. محمد بن

عثمان عمری می گوید: آخرین دیدار من با حضرت کنار خانه خدا بود، در حالی که حضرت این گونه دعا می کرد": اللّهم أنجزلی ما وعدتنی؛(۶) خدایا! آن چه را که به من وعده داده‌ای برسان. "بنابراین از موارد فوق، فقط فرض سوم باقی می‌ماند که تنها عامل "غیبت "محسوب می‌شود، یعنی آماده نبودن جامعه بشری، یعنی انسان‌ها هنوز به دریافت این فیض بزرگ الهی نرسیده‌اند و این قابلیت برای آن‌ها هنوز به وجود نیامده است. در این باره حضرت علی(ع) فرمود": بدانید که زمین از وجود حجّت خدا خالی نمی‌ماند، ولی خداوند، به خاطر ظلم و جور و اسراف مردم آنان را از دیدار و ارتباط با او محروم خواهد کرد.("۷) خواجه نصیر الدین طوسی دراین باره گفته است": غیبت امام مهدی(عج) نه از ناحیه خدا است و نه از ناحیه حضرت، بلکه از ناحیه مردم است، چرا که همگان آماده اطاعت از امام نیستند و هرگاه عاملغیبت زدوده شود، هنگام ظهور فرا می‌رسد.("۸) بنابراین می‌توان گفت: تنها عامل عدم دسترسی به امام زمان(عج) و غیبت حضرت، آماده نبودن جامعه بشری برای ظهور است، گرچه بخشی از مردم به این نتیجه رسیده‌اند که اصلاح جامعه و برقراری عدالت اجتماعی فراگیر ممکن نیست. مگر از ناحیه شخصی که دارای ولایت مطلقه از طرف خدا باشد؛ و تا این خواسته مردمی به حدّ لازم نرسد و همگان یا اکثر انسان‌ها خواهان پذیرایی از مقدم او و اجرای دستورهایش نباشند، ظهور نخواهد کرد.(۹) هم چنین باید توجه داشت، اگر چه هر فردی به صورت عادی نمی‌تواند با امام زمان(عج) ارتباط داشته باشد و او را دیدار کند، اما این بدان معنا نیست که از هدایت الهی محروم می‌باشیم، زیرا کتاب الهی و سنت و روایات پیامبر اسلام(ص) و سیره امامان معصوم و روایات آن‌ها را داریم. همچنین وجود عالمانی که به دین و احکام الهی آگاهی دارند. همه این موارد راه ما را در رسیدن به احکام الهی و ارزش‌های انسانی (که لازمه زندگی سعادتمند و رستگاری جاودانه است) هموار و روشن می کند؛ بنابراین غیبت و فقدان امام، به معنای فقدان نور هدایت الهی و محرومیت از هدایت خداوند نیست. بسیاری از امور امروزه برای ما در سایه کتاب خداوند که دچار تحریف نیست و سنّت پیامبر و امامان معصوم و عقل خدادادی روشن است. می‌توانیم بر اساس اصول کلی که در اسلام بیان شده، راه روشن هدایت را درک کنیم. در این امور نیاز به دست غیبی نداریم و وظیفه ما کاملاً مشخص است. رسیدن به حضور امام زمان برای درک معارف عالی‌تر و نیازهای برتر است. اگر توانستیم به آنچه که می‌دانیم و برای ما بیان شده، عمل کنیم، به وظیفه مان عمل نموده‌ایم. پی نوشت‌ها: ۱. طه (۲۰) آیه ۵۰. ۲. نمل (۹۱) آیه ۸. ۳. انسان (۷۶) آیه ۳. ۴. کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم النعمانی، مکتبة الصدوق، تهران، ص ۱۷۵، احادیث ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶. ۵. بدایة المعارف الالهیّة، محسن خرازی، ج ۲، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ص ۱۶۳. ۶. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ص ۳۶۴، ح ۳۳۰. ۷. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ کتاب الغیبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، مکتبة الصدوق، تهران، ص ۱۴۱، ح ۲. ۸. بدایة المعارف الهیة. ۹. بدایة المعارف الالهیة، همان، ص ۱۶۴.

چرا امام زمان(ع) هنگامی ظهور می کند که همه جا را ظلم و فساد بگیرد؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) هنگامی ظهور می کند که همه جا را ظلم و فساد بگیرد؟

پاسخ

بی تردید امام زمان(ع) حکومت جهانی تشکیل خواهد داد. برای شکل گیری و پذیرش آن نیاز است که برخی از شرایط فراهم و عوامل شکل گیری آن ایجاد شوند. یکی از شرایط ایجاد حکومت جهانی، آمادگی مردم و احساس نیاز شدید آنان می باشد.

آمادگی آن گاه حاصل می شود که مردم ستم های حاکمان را تجربه و ظلم و فساد آنان را خسته کرده باشند. در غیر این صورت مردم نه آمادگی پذیرش حکومت جهانی را دارد و نه قدر و ارزش آن را می دانند. طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق، لیکچو درد در تو نبیند، چه را دوا بکند؟! امروزه در جهان حکومت های متعددی وجود دارد، زیرا مردم هنوز آمادگی پذیرش حکومت جهانی را ندارند؛ حتی برخی احساس می کنند حکومت های آنان بهترین حکومت و رهبران آن ها موفق ترین رهبران هستند. برای پذیرش حکومت جهانی امام زمان(ع) لازم است افکار عمومی آمادگی پذیرش حکومت امام را پیدا کنند. یکی از زمینه های آن گسترش ظلم و فساد است. گسترش ستم ها و ناهنجاری ها موجب می شوند که مردم آرزوی حکومت عادلانه را نموده و از دل و جان آن را بپذیرند. در برخی از روایات از جنگ ها و ظلم سخن به میان آمده است که پیش از ظهور به وجود می آیند. حوادث قبل از ظهور نقش بنیادی در شکل گیری حکومت و پذیرش آن توسط مردم دارند. امام علی(ع) فرمود": دربارهٔ مولودی می اندیشم که از نسل من است و او مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که از ستم و بیداد آکنده باشد.("۱) هم چنین یکی از ارزش ها و اهمیت کار حضرت مهدی(عج) ایجاد عدالت در پهنه گیتی بعد از گسترش ظلم در آن است. کاری که به وسیلهٔ امام زمان(عج) صورت می گیرد، به وسیلهٔ هیچ یک از پیامبران و امامان پیش از او انجام نشده و آن گسترانیدن عدالت پس از ظلم و ستم بسیار است. این کار اهمیت نهضت امام زمان را دو چندان می کند، یعنی وضع جامعه را به نقطهٔ مقابل آنچه وجود دارد، می کشاند، به همین خاطر تمام ادیان و مذاهب در انتظار آن هستند. کاری که هیچ گاه صورت نگرفته است. البته مقصود از این که هر گاه جهان را فساد گرفت، امام ظهور می کند، آن نیست که در جامعه افراد صالح و شایسته وجود نداشته و همهٔ ارزش ها از بین رفته باشد. در این که مقصود از گسترش فساد و ظلم چیست، احتمالات متعددی وجود دارد: ۱ـ هرگاه بدی ها، بر خوبی ها، ضد ارزش ها بر ارزش ها و ظلم بر عدالت غلبه نمایند، امام ظهور می کند. ۲ـ مقصود از گسترش ظلم و ناهنجاری ها آن است که مردم به رشد فکری رسیده و معنای ظلم و ظالمان و مفاسد را خوب درک کنند، از این رو اگر ظلم و ناهنجاری ها گرچه به طور محدود به وجود آید، مردم احساس می کنند و شدیداً رنج می برند. ۳ـ اگر چه مردم خواهان عدالت و نیکی هستند و از درون قلب آن را احساس می کنند، اما حاکمان آن ها مردمی ستمگرند وحقوق آن ها را پایمال می کنند و اجازه برقراری عدالت و مساوات نمی دهند و یا آن را اجرا نمی کنند. بدین سان در زمان ظهور امام زمان(ع) فرهنگ ستم ستیزی به اوج رسیده و مردم ظلم و فساد را تحمل نمی کنند؛ شهید مطهری می گوید: مقصود از گسترش ظلم آن است که هر یک از شقی و سعید (بدبخت و خوشبخت) گروه حق و باطل به نهایت کار خود می رسند: ستمکاران و بدکاران به درجه ای از بدی و نابکاری می رسند که لهیب آتشِ آنان، همه را فرا می گیرد و صالحان در مظلومیت هستند.(۲) بر این اساس ظهور امام در زمانی شکل می گیرد که مردم رشد فکری پیدا کرده و در جامعه، فرهنگ ستم ستیزی گسترش یافته و انسان های حق طلب از ظالم و باطل گرا تشخیص داده شده اما هنوز همهٔ ارزش ها و عدالت از بین نرفته اند. در چنین فضایی است که مردم آمادهٔ پذیرش حکومت جهانی امام زمان(عج) می شوند. پی نوشت ها: ۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۹. ۲. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶.

چه شرایط اجتماعی زمینهساز ظهور حضرت مهدی(عج) میباشد؟

پرسش

چه شرایط اجتماعی زمینهساز ظهور حضرت مهدی(عج) میباشد؟

پاسخ

اینکه جامعه بشر و ملتها بفهمند که هیئتهای حاکم در رژیمهای گوناگون، از عهده اداره امور بر نمیآیند و مکتبهای سیاسی و اقتصادی مختلف، دردی را درمان نمیکنند و اجتماعات و کنفرانسها و سازمانهای بین المللی و طرحها و کوششهای آنها به عنوان حفظ حقوق بشر نقشی را ایفا نخواهند کرد و در اصلاحات از تمام این طرحها که امروز و فردا مطرح میشود مأیوس شوند و فساد و طغیان شهوات و ظلم و ستم همه را در رنج و فشار گذارد همانطور که در روایات است این بیعفتی و فحشاء بقدری رواج پیدا کند که در کنار خیابانها و ملأعام زن و مرد علناً مانند حیوانات از ارتکاب آن شرم نکنند و حیا و آزرم آنها از میان برود. چنانچه میبینیم طرحهائی که داده میشود و پیریزیهائی که میکنند، در مسیر مخالف تمدّن واقعی و مروّج ظلم و فساد و سبب اضطراب و نگرانی و عقدههای روحی و ارتداد و ارتجاع است و بیشتر به تأمین جنبههای حیوانی و جسمی توجه میشود و به جنبههای انسانی و روحی اعتنا ندارند. وقتی اوضاع و احوال اینگونه شد و از تمدّن (منهای انسانیّت) کنونی همه بستوه آمدند و تاریکی جهان را فرا گرفت ظهور یک رجل الهی در پرتو عنایات غیبی با حسن استقبال مواجه میشود و تاریکیها از هم شکافته و به تشنگان حقیقت و عدالت، آب زلال معرفت و سعادت میدهد و در کالبد این بشر دل مرده، روح نو میدمد که: «اِعْلَمُوا اَنَّ اللهَ یُحْیِی الْأَرضَ بَعْدَ مَوْتِها» حدید/۱۷ [بدانید که خداوند زمین را بعد از مردن، زنده میگرداند] در این شرایط، پذیرش جامعه از ندای روحانی یک منادی آسمانی بینظیر خواهد بود؛ زیرا در شدّت تاریکی، درخشندگی نور ظاهرتر و ارج و اثر آن آشکارتر است. ولی اگر شرایط و اوضاع و احوال مساعد نباشد و تأخیری که حکمت الهی اقتضای آن را دارد واقع نشود نتایج و فوایدی که از این ظهور منظور است حاصل نمیگردد. پس باید این ظهور تا وقت معلوم به تأخیر افتد و در هنگامی که شرایط آن حاصل و حکمت الهی مقتضی شد و منادی آسمانی آن را اعلام کرد، انجام شود و کسی از وقت آن اطلاع ندارد و هرکس، وقتی برای آن معیّن کند، دروغ گفته است. از حضرت صادق(ع) روایت است که فرمود: از برای ظهور، وقتی نیست برای آنکه مانند روز قیامت علم آن در نزد خدا است، تا اینکه فرمود: برای ظهور مهدی ما، کسی وقت معیّن نکند، مگر آن کس که خود را شریک در علم خدا بداند و مدعی باشد که خدا او را بر سرّ خودش آگاه کرده است. (اثبات الهداة/ ۷/۵۵)

برای اینکه دنیا حکومت حضرت مهدی(عج) را پذیرا گردد چند نوع آمادگی لازم است؟

پرسش

برای اینکه دنیا حکومت حضرت مهدی(عج) را پذیرا گردد چند نوع آمادگی لازم است؟

پاسخ

۱ ـ آمادگی فکری و فرهنگی یعنی سطح افکار مردم جهان آن چنان بالا ـ رود که بدانند مثلاً ـ مسألهٔ «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیائی» مسئلهٔ قابل توجّهی در زندگی بشر نیست. تفاوت رنگها و زبانها و سرزمینها نمیتوانند نوع بشر را از هم جدا سازد. تعصّبهای قبیلهای و گروهی باید برای همیشه بمیرد؛ فکر مسخره آمیز «نژاد برتر» را باید به دور افکند؛ مرزهای ساختگی با سیمهای خاردار! و دیوارهایی همچون دیوار باستانی چین! نمیتواند انسانها را از هم دور سازد. ۲ ـ آمادگیهای اجتماعی مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند و تلخی این زندگی مادّی و یک بعدی را احساس کنند و حتّی از این که ادامهٔ این راه یک بعدی ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند. مردم جهان باید بفهمند آنچه در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی دربارهٔ آینده درخشان تمدّن بشری در پرتو پیشرفتهای ماشینی به آنها نوید داده میشد، در واقع در باغ سبزی بیش نبود؛ و یا همچون سرابی در یک بیابان سوزان در برابر دیدگان مسافران تشنه کام. نه تنها صلح و رفاه و امنیّت مردم جهان تأمین نشد، بلکه

دامنهٔ مناقشات و نا امنیهای مادّی و معنوی گسترش یافت. نه تنها وضع قوانین به ظاهر جالب، ظلم و تبعیض و استعمار و شکافهای عظیم طبقاتی را از جهان بر نچید، بلکه مفاسد پیشین، در مقیاسهای عظیمتر و اشکال خطرناکتر بروز کرد. پی بردن به عمق وضع خطرناک کنونی، نخست حالت تفکّر، سپس تردید و سرانجام یأس از وضع موجود جهان و آمادگی برای یک انقلاب همه جانبه بر اساس ارزش‌های جدید به وجود می‌آورد. این چیزی است که تا حاصل نگردد رسیدن به چنان مرحله‌ای ممکن نیست، درست همانند دمل چرکینی که تا نضج نگیرد لحظهٔ نشتر زدن آن فرا نخواهد رسید. ۳ ـ آمادگیهای تکنولوژی و ارتباطی بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند که رسیدن به مرحلهٔ تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، حتماً همراه با نابودی تکنولوژی جدید امکان پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانهٔ جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال است. برای ایجاد و سپس کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است که با آن بتوان جهان را در مدّت کوتاهی در نوردید و به همه جا سرکشی کرد؛ از همه جا آگاه شد و در صورت نیاز امکانات لازم را از یک سوی جهان به سوی دیگر برد و پیامها و اطّلاعات و آگاهیهای مورد نیاز را در کمترین مدت به همهٔ نقاط دنیا رسانید.

چند نوع آمادگی برای پذیرش انقلاب مهدی(ع) لازم است؟

پرسش

چند نوع آمادگی برای پذیرش انقلاب مهدی(ع) لازم است؟

پاسخ

۱ ـ آمادگی پذیرش (آمادگی روانی) مردم جهان باید بقدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بیعدالتیها را درک کنند. مردم جهان باید نارسائی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی لمس کنند. مردم جهان باید این حقیقت را بیابند که تنها در سایهٔ اصول و پیوندهای مادّی و ضمانت اجرایی موجود و مقرّرات خود ساختهٔ انسانها مشکل جهان حل نمیشود، بلکه مشکلات هر روز متراکمتر و به گونهٔ کلاف سر درگمی پیچیدهتر میگردد. مردم جهان باید احساس کنند که بحرانهای کنونی زاییدهٔ نظامات کنونی است و این نظامات از حلّ بحرانها سرانجام عاجزند. مردم جهان باید درک کنند که برای وصول به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه لازم است که متّکی به ارزشهای انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد، نه تنها اصول خشک و بیروح و نارسایی مادّی. مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاماً به مفهوم پیشرفت بشریّت و تأمین خوشبختی انسانها نیست، بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و الّا ـ همان گونه که بارها دیدهایم ـ بلاآفرین خواهد بود و مایهٔ ویرانگری است. مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی درآیند بر حجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگها وسعت میبخشد، بلکه باید به شکل ابزاری درآیند تحت کنترل انسانهای شایسته. بالاخره مردم جهان باید تشنه شوند و تا تشنه نشوند به سراغ چشمههای آب نمیروند. ۲ ـ تکامل فرهنگی و صنعتی از سوی دیگر گردآوری تمام مردم جهان در زیر یک پرچم، کوتاه ساختن دست زورمندان و قلدران در همه جا، گستردن تعلیم و تربیت در آخرین حدّ امکان در همهٔ سطوح، تفهیم کامل این مسأله که اختلاف زبان، و نژاد، و منطقهٔ جغرافیایی و مانند آنها، دلیل بر این نیست که مردم جهان نتوانند همانند برادران، در یک خانواده زندگی کنند و در صلح و برادری و عدالت زیست نمایند. و فراهم ساختن یک اقتصاد سالم و کافی برای همهٔ انسانها، نیاز به رشد

فرهنگی و بالا ـ رفتن سطح دانش بشری از یک سو، و تکامل وسائل صنعتی از سوی دیگر دارد، وسائلی که بتواند پیوند سریع و نزدیک و دائمی میان تمام نقاط جهان برقرار سازد که آن هم بدون گذشت زمان ممکن نیست. چگونه ممکن است یک حکومت به وضع همهٔ جهان رسیدگی کند اگر ارتباطات به کندی صورت گیرد؟ چگونه میتوان با وسائلی که فرستادن یک پیام با آن به نقاط دور افتادهٔ جهان یک یا چند سال وقت لازم دارد دنیا را اداره کرد؟ از پارهای از روایات که شکل زندگی مردم جهان را در عصر قیام مهدی (ع) ترسیم میکند استفاده میشود که پیشرفت تکنولوژی و صنعت مخصوصاً صنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصر چنان خواهد بود که قارّههای بزرگ جهان عملاً به صورت چند شهر نزدیک به هم درمیآیند و شرق و غرب حتّی حکم یک خانه را پیدا میکند؛ مشکل زمان و مکان بکلّی حل خواهد شد. البتّه ممکن است قسمتی از این امور در پرتو یک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد، ولی بالاخره یک نوع آمادگی علمی به عنوان زمینه باید در آستانهٔ چنان عصری باشد. ۳ ـ پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی سرانجام لازم است گروهی هر چند در اقلّیّت باشند در این جهان پرورش یابند که هستهٔ اصلی ارتش انقلابی آن مصلح بزرگ را تشکیل دهند. باید افرادی فوقالعاده آگاه، شجاع، دلسوز فداکار و جانباز برای این کار تربیت شوند هر چند نسلهایی برای این منظور یکی پس از دیگری بگذرند تا ذخایر اصلی آشکار گردد و عناصر اصلی انقلاب فراهم شود، و این نیز زمان میخواهد.

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پرسش

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پاسخ

یکی از نشانههای آغاز انقلاب امام زمان، فراگیری ظلموجور در جهان است و این مطلب را از دو راه میتوان ثابت کرد. ۱- پیامبر گرامی فراگیری ظلم و جور را، نشانه آغاز انقلاب دانسته و در حدیثی که محدثان اسلامی نقل کردهاند، فرموده است: «یملا الارض قسطاً و عدلا کما مُلئت ظُلما وجورا» [زمین را پر از قسط و عدل میکند، چنان که از ظلم و جور پر گردد] فرهنگنویسان زبان عرب مینویسند: تجاوز به حقوق دیگران و اختصاص دادن آن به خویش، «ظلم» است. و محکم کردن پایههای حکومت از طریق مسلط کردن گروهی بر جان و مال مردم و اشاعه تبعیض، «جور» است. هرگاه چنین تفسیری برای این دو لفظ درست باشد، قهراً قسط نقطه مقابل ظلم، و عدل نقطه مقابل جور، خواهد بود. بنابراین فراگیری فساد از نظر احادیث اسلامی، یکی از نشانههای انقلاب حضرت مهدی است. ۲- فشار و اختناق هرگاه از حدّ بگذرد، مایه انفجار میگردد. انفجارهای اجتماعی، مانند انفجارهای مکانیکی است که در درجه معینی از فشار، انفجار رخ میدهد. و در حقیقت گسترش فساد به وسیله ضحا کان زمان، انقلاب را نزدیکتر میکند، و در نتیجه بذرهای انقلاب را آبیاری مینماید، تا لحظهای که بحران به اوج خود برسد و انقلاب صورت پذیرد. با توجه به این دو مطلب، در این جا سؤالی مطرح میگردد که: اگر فساد و بحران، مایه تحقق انقلابهای بنیادی است، پس وظیفه ما در زمان غیبت امام، دامن زدن به فساد و کوشش در گسترش آن است. در غیر این صورت، با دست خود انقلاب الهی را به عقب انداخته و خود را در یک زندگی نامطلوب حس خواهیم کرد. اکنون به تجزیه و تحلیل این اشکال که به دست و پای برخی از جوانان ما پیچیده است میپردازیم در اینجا دو پاسخ داریم که هرکدام میتواند اساس اشکال را از بین ببرد. ۱ ـ گسترش فساد کافی نیست بلکه آگاهی نیز لازم است. پایه اشکال را یک مطلب تشکیل میدهد و آن این که تصور شده است، که تنها گسترش فساد به

اوج رسیدن بحران در تحقق انقلاب کافی است، در صورتی که در کنار گسترش فساد، شرط اساسی‌تری لازم است که بدون آن انقلاب رخ نمی‌دهد، و آن شرط عبارت است از: آمادگی مردم برای انقلاب، از طریق بالا- رفتن سطح آگاهی و هوشیاری در گروههای مختلف. مقصود از بالا رفتن سطح آگاهی، این است که انسان‌ها، به موقعیت و ارج وجود خود پی‌ببرند، و تحمل ظلم و فساد را زندگی ننگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست. آنگاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود، و ستم قدرت‌های طاغوتی، بذر انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با طرق گوناگون، در آبیاری آن بکوشند. ناگفته پیداست، تا زمانی که در توده‌ها چنین آگاهی پدید نیاید، و انسانها بر ارزش خود واقف نگردند، و امکانات خود و طرف را درست نسنجند، انقلاب کوری رخ می‌دهد که نمی‌تواند، مصالح مردم را تضمین کند. به عبارت روشن‌تر: برای تحقق یک انقلاب، تنها گسترش فساد و یا وجود یک رهبر لایق کافی نیست، بلکه علاوه بر این، آمادگی روحی و فکری لازم است که مردم در موقع مناسب بهای انقلاب را که همان ایثارگری و شهادت در راه هدف است، بپردازند. در غیر این صورت، سستی و تنبلی و اکتفا به وضع موجود، در روح جامعه لانه می گزیند، و اندیشه انقلاب به ذهن آنان راه پیدا نمی‌کند. و با تمسک به منطق «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»، و یا «هر کس باید گلیم خود را از آب بیرون ببرد»، «من چه کار به کار دیگران دارم» و امثال این جملات، وضع موجود را که توأم با یک نوع راحت‌طلبی است، بر قیام و انقلاب و تحمّل زندان و شکنجه و قتل و اعدام ترجیح می‌دهد. باید توجه نمود که مدت‌هاست که فساد، جهان را فرا گرفته است. فساد ابر قدرت‌ها در بسیاری از مناطق جهان— بویژه آفریقا و آسیا- به شدیدترین وضع رسیده است. از روزی که غرب، اندیشه تسلط بر شرق را در سر پرورانده، هر روز در نقاط مختلف جهان، بر مظالم خود افزوده و میلیون‌ها نفر را در بند کشیده است. تنها بررسی وضع کشورهای استعمارزدهٔ افریقا و جنوب آسیا سند روشن و گویایی بر این مطلب است. ۲- پرورش یک نیروی مهیای منتظر برای تحقق قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، یک ارتش مهیّا و نیروی ضربتی کارآمد لازم است که پشت سر امام علیه‌السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد. از این جهت باید در جهنم سوزان ظلم و جور و فساد و تبعیض، افراد فداکاری پرورش یابند، تا پیام‌آور بهار عدالت باشند این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند، و جانباز و فداکار باشند. تربیت چنین افرادی، بر عهده مصلحان دلسوز است که در هر زمان برای تربیت این گونه افراد، همت گمارند و آنی از این کار غفلت نورزند. بنابراین هرگز نمی‌توان به این دلیل واهی که فساد مایه انفجار و انقلاب است، از کارهای اصلاحی که منجر به تربیت چنین افرادی گردد، سر باز زد. از همه اینها گذشته، ما باید موقعیت خود را در زمینه قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه مشخص کنیم. بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه برای درهم کوبیدن آنها صورت می گیرد. و اگر درصدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در زمره اصحاب فداکار حضرتش عضویت خواهند داشت. بنابراین به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور امام مهدی صلوات الله علیه را به پیش بیندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته‌ایم. مگر نه این است که حضرت بقیةالله علیه‌السلام برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن ظلم و فساد قیام می کند؟ ما چگونه می‌توانیم با گسترش فساد، از قیام آن بزرگوار بهره‌مند شویم؟ بنابراین سکوت در برابر فساد، و یا کمک به توسعه فساد، نه از لحاظ کلی برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه صحیح است، نه از نظر شخصی. بیشتر بنظر می‌رسد که این اشکال و مغلطه‌کاری را کسانی درست کرده‌اند که می‌خواهند ا ز زیر بار مسئولیتها فرار کنند، و یا آلوده هر فسادی شوند. بطور خلاصه، گسترش فساد و ظلم، اگر منجربه «انظلام» -یعنی پذیرش ظلم و ستم- بشود، هیچ‌گاه زمینهٔ قیام علیه آن نخواهد شد. بلکه تنها در صورتی مفید است که مقدمه مبارزه در جهت تحقق عدالت و نیکی باشد. بدیهی است که این مقدمه نیز هیچگاه عملی نخواهد شد، مگر زمانی که مردم، بدی ظلم را بدانند. و در برابر آن، مظاهر صلاح و تقوای فردی و اجتماعی را نیز بشناسند. و تنها راه این شناخت، دعوت مردم به سمت صلاح و تقوی است. از سوی دیگر، در احادیثی که پیامبر و ائمه‌اطهار علیه‌السلام وظایف منتظران را معین کرده‌اند، همه جا سخن از تقوی، ورع، عفاف، صلاح، سداد،

دوری از گناه و قرب به خداست. به عنوان نمونه، امام صادق علیه‌السلام فرمود: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر. فان مات وقام القائم بعده، کان له من الأجر مثل أجر من أدرکه. فجدوا وانتظروا هنیئاً لکم ایتها العصابة المرحومة» (بحارالانوار، ۵۲/۱۴۰، به نقل از غیبت نعمانی) [هر کس خوشنود می‌شود که از اصحاب قائم علیه‌السلام باشد، پس باید منتظر باشد، و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصی، پیش از ظهور حضرتش بمیرد، اجر او مانند کسی است که زمان ظهور آن حضرت را درک کرده است. پس (در جهت نیکی‌ها) بکوشید و منتظر باشید. (این انتظار) گوارا باد بر شما ای گروه رحمت شده]. علمای گذشته ما، درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت، کتابهائی مستقل نوشته یا فصولی از کتب خود را اختصاص داده‌اند. مانند:«نجم الثاقب» تالیف مرحوم حاج میرزاحسین نوری (متوفی ۱۳۲۷)، «مکیال المکارم» تالیف مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۸)، «وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام» تالیف همان بزرگوار. در این کتابها و مشابه آنها که تنها بر اساس روایات معصومین علیهم‌السلام نوشته شده، هیچگاه «پر کردن جهان از ظلم» به عنوان وظیفه منتظر در زمان غیب یاد نشده است. در واقع، هیچ عاقلی پیدا نمی‌شود که با الفبای کلام معصوم آشنا بوده و چنین عقیده‌ای داشته باشد. مگر اینکه مانند گروهکهای چپگرای از عقل بیگانه باشد، که این سخن را بعنوان وسیله سرکوب بعضی گروهها بکار برد.

با توجّه به مضمونی که در بسیاری از احادیث مربوط به امام زمان((علیه السلام)) آمده که آن حضرت وقتی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده آیا صحیح است انسانها برای رفع ظلم و ستم و مبارزه با آن برخیزند و آیا این انقلابها گامی برای عقب افتادن ظهور نمی باشد؟

پرسش

با توجّه به مضمونی که در بسیاری از احادیث مربوط به امام زمان((علیه السلام)) آمده که آن حضرت وقتی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده آیا صحیح است انسانها برای رفع ظلم و ستم و مبارزه با آن برخیزند و آیا این انقلابها گامی برای عقب افتادن ظهور نمی باشد؟

پاسخ

اوّلا ;باید توجّه داشت که از احادیثی که مضمون مذکور در آنها آمده استفاده نمی شود که ظهور امام زمان وابسته به پر شدن دنیا از ظلم و جور است تا به مجرد اینکه جهان از ظلم و جور پر شود آن گرامی ظاهر گردد بلکه پر شدن دنیا از ظلم و جور یک واقعیّتی است که ظهور امام زمان با آن مقرون است و این واقعیّت در احادیث نسبت به آن خبر داده شده است بنابراین این اندیشه که با تلاش کنیم که ظلم بیشتر شود تا امام زمان زودتر ظاهر شود اندیشه ای است که از ناحیه هیچ حدیثی مورد تایید نیست. ثانیاً; ما باید مسلک شرع اسلام را در نظر بگیریم و اینکه آیا به فساد و ظلم دامن زدن و یا فساد را به حال خود گذاشتن برای تعجیل ظهور امام زمان((علیه السلام)) با اندیشه اسلامی سازگار است یا خیر؟ اسلامی که در کتاب آسمانی آن آیات بسیاری است که فساد و ظلم را محکوم می کند مانند اینکه: «ان الله لایحب الفساد، ان الله لایحب المفسدین، و یضل الضالمین، انه لایحب الظالمین، و ینهی عن الفحشاء والمنکر و البغی، و لاـ تعاونوا علی الاثم و العدوان» و دها آیه مانند اینها آیا اجازه می دهد که برای اینکه در ظهور امام زمان((علیه السلام)) تعجیل شود افراد به فساد و ظلم و تبه کاری اقدام نمایند؟!!! اسلامی که یکی از اهم فرائض و واجبات را امر به معروف و نهی از منکر می داند و به دعوت به خیر و صلاح امر می کند آیا اجازه می دهد خود افراد به فساد و تبهکاری و ظلم دامن بزنند و این را موجب تعجیل فرج امام زمان((علیه السلام)) بدانند اسلامی که درباره اقامه حدود الهی توصیه

هـا و سفارشـهای اکیـد دارد و ولایت و حکومت را عامل اصـلی برای رفع مفاسـد می دانـد آیا اجازه می دهـد انسان ظلم و سـتم را نادیـده بگیرد و امر به معروف و نهی از منکر نکنـد و به فسـاد دامن بزنـد و این را تـوجیهی برا تعجیـل فرج بدانـد؟!! بـا این توضـیح روشن می شود که احادیثی که پر شـدن زمین از ظلم و جور مقرون با آمـدن امام زمان دانسـته شـده دلالت بر این نـدارد که نباید با ظلم و سـتم مبارزه کرد یا باید به ظلم و جور برای تسریع در فرج دامن زد. و پر شدن زمین از ظلم و جور را می توان در حال حاضر محقـق دانست زیرا کـدام منطقه از زمین است که اکنـون از تجـاوز ابرقـدرتها و ظلم ظالمـان مصون باشـد این سـرزمین ایران کشور اسـلامی ما با اینکه انقلاب در آن صورت گرفت و نظام سـلطنتی در آن واژگون شـد و به نظام جمهوری اسـلامی مبـدل گردید در عین حال اثر جنایت ابرقدرتها که مثلا جنگ تحمیلی بود در آن روشن است و ما همواره شاهد توطئه ها از ناحیه دشـمنان اسلام در آن می باشـیم. بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور در حال حاضـر محقق است و جای این نیست که کسـی بگوید، تسـریع کنیم در گسترش ظلم تا زمین از ظلم و جور پر شود راه برای تسریع ظهور و تعجیل فرج تلاش بیشتر در راه فراهم کردن زمینه است. زیرا می دانیم که ظهور امام زمان((علیه السلام)) مسئله ای نیست که کاملا اعجازآمیز باشد و تنها بر اساس اعجاز پیش برود چون در روایات هم آمده: «واجعلنی من المستشـهدین بین یدیه» و گرچه آن حضـرت از امدادهای غیبی وسـیعی نیز برخوردار است ولی بدین تردید یکی از رموز موفقیّت آن حضـرت همین است که افراد ملّتها آمادگی برای پـذیرش آن حضـرت پیدا کنند و این آمادگی را باید به وجود آورد چون تا مردم به ظلم و ستم و ماهیّت ظالم بودن و طاغوتی ابر قدرتها پی نبرند و آماده برای مبارزه با آنها نشوند از یک مصـلح که دست به یـک قیـام عمومی بزنـد حمـایت نخواهنـد کرد بنـابراین آگاهی ملّتها زمینه برای آمادگی آنان برای بسـیج علیه قـدرتهای طاغوتی است انشاءالله این آمادگی با آگاهی بخشـیدن و همین صـدور انقلاب اسـلامی ما فراهم آیـد تا انشاءالله زمینه ای باشـد برای ظهور آن حضـرت. عامـل دیگر برای تسـریع ظهور نیز دعـای گسترده و بـا خلوص برای تعجیل فرج آن حضـرت است و اینکه خداوند آن مصـلح حقیقی و قائم بالحق را برساند. امید است انشاءالله این فیض بزرگ ؟؟ ما گردد و این انقلاب اسـلامی ما به انقلاب جهان مشـمول آن ولی الله اعظم متصل گردد. و این حکومت به دست توانای آن امام معصوم((علیهم السـلام)) که حکومت عدل را در سـطح جهان و در پهنه هستی مسـتقر خواهد ساخت تسلیم شود و رهبر انقلاب را در پیاده کردن تمام احکام اسلام کاملا موفق فرماید.

احادیث متواتر(۱) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضـرت مهدی((علیه السـلام)) از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضـرت، در زمینه ای خواهد بود ک

پرسش

احادیث متواتر(۱) اسـلامی می گویـد: هنگـامی که روی زمین را جور و سـتم و چهره اجتمـاع بشـری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خـدا حضـرت مهـدی((علیه السـلام)) از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه ای خواهد بود ک

پاسخ

اولاـ بایـد توجّه نمود که شـرط ظهور امـام، هرگز منحصـر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست بلکه هرگاه مردم جهان، از نظر رشـد فکری و کمالاـت روحی به حـدّی برسـند که بتواننـد ارزش وجود امـام را درک نماینـد و شایسـته رهـبری او گردنـد، در این

صورت امام((علیه السلام)) بدون هیچ قید و شرطی ظهور نموده و از پس پرده غیب بیرون می آید. در کتابهای عقاید و مذاهب به طور مبسوط و گسترده بحث و بررسی شده است که مانع اساسی برای غیبت امام، اخلاق و روحیات و عدم آمادگی جامعه انسانی برای ظهور و حکومت آن حضرت است و اگر این مانع برطرف گردد، دوران غیبت او سپری خواهد شد. ۱ - درباره مصلح غیبی جهان حضرت مهدی((علیه السلام)) متجاوز از سه هزار روایت از پیامبر بزرگ و پیشوایان عالیقدر، وارد شده است نه تنها جامعه شیعه بلکه دانشمندان بزرگ اهل تسنن مانند بخاری، مسلم، ابی داود ترمذی که همه آنها پیش از تولّد امام زمان((علیه السلام))و یا اندکی پس از تولّد وی در گذشته اند احادیث مربوط به حضرت را در صاح سنن خود آورده و گروهی از آنان کتابهای مستقلی پیرامون آن حضرت نوشته اند و کمتر موضوعی مانند آن، این همه احادیث و روایات پیرامون آن وارد شده است. دانشمند بزرگ و فیلسوف عالی قدر اسلام مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب «تجرید العقائد» در این باره، سه جمله کوتاه و پر مغز دارد که با توضیح مختصری در اینجا نقل می کنیم: ۱. وجود لطف: وجود امام معصوم خواه آشکار و خواه پنهان برای جامعه انسانی نعمت معنوی و وسیله نزدیکی به اطاعت فرمان پروردگار است زیرا رابطه ی هدایت الهی میان خدا و مردم، بوسیله امام برقرار می گردد و بسیاری از نعمتهای معنوی و مادّی به خاطر امام به مردم می رسد حتّی هدایت معنوی امام نسبت به افراد شایسته همیشگی است اگر چه او را نبینند و نشناسند. ۲. متصرفه لطف آخر: هرگاه امام از پس پرده غیبت بیرون آید و به راهنمایی ظاهری بپردازد و زمام امور را به دست بگیرد، خود نعمت دیگریست در این موقع نه تنها یک گروه از وجود او بهره مند می گردند بلکه همه جامع انسانی از وجود او که مظهر عدل و داد و مجری دستورهای آسمانی و احکام الهی است، بهرمند خواهند بود. ۳. وعدمه منا: هرگاه او از تصرّف در امور مردم خودداری می کند و در پس پرده غیبت به سر می برد و به نزدیک ترین آمال و آرزوی بشر تحقق نمی بخشد، برای موانعی است که خود مردم بر سر راه او به وجود آورده اند و علّت اساسی سلب این نعمت، خود مردم هستند، و اگر خود مردم برای حکومت واحد جهانی آن هم بر پایه فضیلت و اخلاق و عدل و داد و رعایت حقوق و احکام اسلامی، آمادگی پیدا کنند، به طور مسلّم آشکار خواهد شد و هیچ گاه از ناحیه خداوند کوتاهی از ابراز لطف نبوده این خود مردمند که ظهور حکومت حقّه الهی را به تأخیر انداخته اند(۱). بنابراین توسعه فساد و گسترش آلودگی شرط منحصر ظهور امام نیست که به جز آن، به فکر راه دیگری نباشیم و در پیدایش آن تسریع نمائیم بلکه راه نزدیکتری دارد، که همان پیدایش لیاقت و شایستگی در مردم است. و به عبارت دیگر ;شرط رهبری دو چیز است: ۱. وجود رهبر ;۲. آمادگی مردم برای پذیرش رهبر. مسلماً اگر شرط دوّم از ناحیه مردم تحقق یابد، خداوند شرط اوّل را بلافاصله ایجاد خواهد نمود. ثانیاً ;گسترش فساد و آلودگی در سطح جامعه بشر جنبه هدفی ندارد بلکه زمینه را برای یک انقلاب عمیق الهی که بر پایه عدل و داد استوار است فراهم می سازد، زیرا وقتی پیمانه های ظلم و ستم در تمام قسمتهای زندگی بشر، پر و مملو گشت، زمینه فکری(البته فکری نه خارجی) برای یک انقلاب اصلاحی در نوع مردم پدید می آید و تجارب تلخ گذشته و شکست هر نوع «تز» اصلاحی که از طرف جامعه بشری انجام گیرد سبب می شود که یقین پیدا کنند که این حکوتهای مادّی و قوانین بشری و نهضت های غیرالهی، که غالباً براساس اغراض مادّی و سود شخصی یا لااقل منطقه ای صورت می پذیرد و دردی را دوا نکرده جامعه را نجات نمی دهد بلکه نقش دیگری و انقلاب برتری لازم است که به همه نابسامانیها خاتمه بخشد. اصولا ;هیچ نهضت اصلاحی بدون یک زمینه فکری قبلی انجام نمی پذیرد و اصل «عرضه و تقاضا» که یک اصل اقتصادیست در عین حال یک اصل اجتماعی نیز می باشد، و تا درخواستی در مردم نباشد عرضه هر نوع کالای معنوی و مادّی بی ارزش و بی ثمر خواهد بود. ولی آیا زمینه فکری و آمادگی روحی برای یک نهضت اصلاحی و جهانی، که منجر به برقراری حکومت واحد جهانی آن هم براساس عدل و داد و ارزشهای اخلاقی و رعایت حقوق و مقررات اسلام گردد، کافی است، یا این زمینه فکری پشتوانه دیگری لازم دارد که این دگرگونی فکری را به صورت انقلاب خارجی درآورد، و هر نوع مانع را از سر راه نهضت بردارد و از این زمینه فکری حداکثر بهره برداری را بنماید. نه تنها تجارب بی شمار و آزمایشهای متوالی این مطلب را

تصدیق می کند، بلکه روایات و احادیث زیادی که درباره نهضت این مصلح جهانی وارد شده است، آشکارا می رساند که انقلاب آخرین حجت الهی پس از پدید آمدن یک زمینه فکری، نیاز به قدرت و نیرو دارد که بتواند در پرتو آن قدرت، از زمینه های موجود بهره برداری کند و هر مانعی را که بر سر راه نهضت خود وجود دارد، برطرف سازد، و در احادیث اسلامی به وجود انصار و یاران و تعداد آنها و اینکه قیام مهدی((علیه السلام)) توأم با قدرت و نیرو خواهد بود، تصریح شده است. در این موقع ما باید برای تأمین منظور دوم و تربیت اعوان و انصار و سربازان فداکار که جان به کف در راه آرمانهای الهی نبرد و فداکاری نمایند، در پرورش افراد صالح و جانباز بکوشیم تا آنجا که امکانات اجازه می دهد، برای یک چنین نهضت وسیع جهانی، افرادی را تربیت کنیم که بتوانند آرمانهای جهانی آن حضرت را در سرتاسر جهان تحقق بخشند و یک چنین هدف مقدّس در صورتی انجام می گیرد، که مصلحان اجتماع دست روی دست نگذارند و از هیچ گونه اقدامی در راه تربیت افراد با ایمان دریغ نورزند. ثالثاً: از همه اینها گذشته ما باید موقعیّت خود را در زمینه انقلاب «مهدی((علیه السلام))» مشخص کنیم، بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی((علیه السلام)) برای در هم کوبیدن آنها صورت می گیرد و اگر در صدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در ارتش انقلاب مهدی((علیه السلام)) همکاری می کند، بنابراین، به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور مهدی((علیه السلام)) را به پیش بیاندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم مگر نه این است که مهدی((علیه السلام))برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط ظلم و فساد قیام می کند، ما چگونه می توانیم با گسترش فساد از انقلاب او بهره مند شویم؟ بنابراین سکوت در برابر فساد و یا کمک به توسعه فساد، نه از لحاظ کلّی برای ظهور مهدی((علیه السلام)) صحیح است و نه از نظر شخصی. بیشتر به نظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهند از زیر بار مسئولیّتها فرار کنند و یا آلوده ی هر فسادی شوند. پاورقی ۱ - کشف المرادط صیدا، ص ۲۲۶.

اگر زمینه ظهور آن حضرت ظلم و جور است پس چرا ما وجود این همه ظلم و جور حضرت ظهور نمی کنند؟

پرسش

اگر زمینه ظهور آن حضرت ظلم و جور است پس چرا ما وجود این همه ظلم و جور حضرت ظهور نمی کنند؟

پاسخ

از ظاهر بسیاری از احادیث استفاده می شود که امام زمان((علیه السلام)) وقتی ظاهر می شود که ظلم و جور تمام عالم را فرا گفته باشد که به دست وی جهان پر از عدل و داد می شود باید توجّه داشت که ما از احادیث نیز چنین می آموزیم که ظهور امام زمان((علیه السلام)) موقعی صورت می گیرد که آمادگی برای پذیرش حکومت آن حضرت به وجود آمده باشد و ما مکلفیم که این آمادگی را به وجود آوریم و اساساً معنای انتظار فرج همین است که آنچه از دست ما در رابطه، با ظهور امام زمان((علیه السلام)) برمی آید و کاری را که از ما در این زمنیه ساخته است انجام دهیم. و ما امروز شاهد پر شدن زمین از ظلم و جور به دست قدرتهای بزرگ و مزدوران آنها می باشیم شاید منطقه یی از زمین نباشد که اکنون چنگال ستم این ابرقدرتها و عمال آنها در آن فرو نرفته باشد و کشور ایران هم که برای آزادی و استقلال و پیاده کردن حکومت اسلامی انقلاب کرده هنوز مورد ستم و تجاوز آنان است و بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور یک واقعیّتی است که در حال حاضر لمس می شود. از سوئی می دانیم که برای مبارزه با این وضع آمادگی ملّتهای مستضعف جهان لازم است و این انقلاب اسلامی ما عامل مؤثّری برای بیداری و هوشیاری ملّتهای مستضعف بود بنا بر این باید برای بیدار کردن ملّتها در سطح گسترده تر اقدامات وسیع به عمل آید تا انشاءالله زمینه برای

ظهور آن مصلح بزرگ جهانی فراهم گردد. و از جمله مسائلی که برای ...ظهور مؤثّر است دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان((علیه السلام)) است ما ملّت مسلمان ایران همواره باید برای تعجیل فرج امام زمان((علیه السلام)) دعا کنیم و از تلاش و مجاهده به جهت مساعد کردن زمینه برای ظهور آن گرامی باز نایستیم.

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح((علیه السلام)) ظهور نماید؟

پرسش

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح((علیه السلام)) ظهور نماید؟

پاسخ

۱. بعضی حرفها به عنوان احادیث مشهور ندارند امّا هرگز دقّت در کلام اصلی نشده است. جمله پیامبر اکرم((صلی الله علیه وآله)) یا ائمه((علیهم السلام)) خبر از یک واقعیّت محتوم است که می فرماید: «ثلاث الارض قسطاً و عداً بعد ما سئلت ظلماً و جوراً» آن موجود((علیه السلام)) زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. این خبر هرگز در مفهوم خود چنین چیزی ندارد که ما نیز عامل فساد باشیم. بلکه برعکس براساس آیات و روایات صریح جمعیتی از صالحین و مصلحین باید امام((علیه السلام)) را یاری کنند و فاسدین مفسدین از مرد(۳۲) نابود می شوند. و در روایتی امام صادق((علیه السلام)) تصریح می فرمایند که دوست ندارید در ۳۱ بقیه باشید؟ یعنی سعی کنید در بین آن صالحین باشید که هلاک نشوید. ۲. دستور به تبلیغ و کارهای سازنده جزء کارها بلکه تمام مقصد امام زمان((علیه السلام))است. قومی که مصلح را می طلبد باید خود صالح باشد. پس هیچ دلیلی ندارد که ما جزء پرکنندگان ظلم و ستم باشیم. زیرا هلاکت خود را به دست خود اجرا کرده ایم. و تازه مسئولیّت مسلمانان که پیرو موعودند((علیه السلام)) بیشتر است.

در خصوص ظهور امام زمان(عج) گفته اند که باید فساد در جامعه زیاد شود ما که قبول نداریم لطفاً توضیح دهید.

پرسش

در خصوص ظهور امام زمان(عج) گفته اند که باید فساد در جامعه زیاد شود ما که قبول نداریم لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

برداشت قشری برخی از مردم از جریان مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این نیست که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، و فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق کشیها و تباهیها ناشی می شود، این نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح به نقطهٔ صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود و این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت ـ نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفداری ندارد ـ از آستین بیرون می آید، علیهذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح

یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع نقطهٔ روشنی هست، دست غیبت ظاهر نمی شود. برعکس، هر گناه و فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حقکشی، هر پلیدی به حکم این مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند رواست، زیرا هدفها وسیله ای نامشروع را مشروع می کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعهٔ فساد است. این جا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی. این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند. زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود (می شمارند. بر عکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند. اما در منطق قرآن و روایات عکس این برداشت است، ظهور مهدی موعود حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود و سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به اینست که آن فرد عملاً ـ در گروه اهل حق باشد. شیخ صدوق روایتی از امام صادق(نقل می کند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت برسند. بلکه در روایات اسلامی، سخن از گروه زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند، معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه هایی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیّت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیّت ارزنده ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء. پس آنچه که در علائم ظهور حضرت آمده است و نصّ بعضی از ادعیه معتبر نیز می باشد" ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس("...۲) که فساد در دریا و خشکی ظاهر می شود و همه جا را فساد فرا می گیرد، صحیح است. اما به این معنی نیست که اهل فساد هم زیاد می شوند، زیرا فرمود" فساد "و نفرمود" فاسد، "یک فرد فاسد شاید برای فساد یک محلّه یا یک شهر کافی باشد، یا فردی مثل رئیس جمهور آمریکا برای ترویج فساد در تمام نقاط دنیا کفایت کند. و اینگونه است که فساد در لحظه ظهور حضرت به اوج خود رسیده است، اما در همان دنیای مملوّ از گناه و فساد انسانهایی هستند و خواهند بود که حتی مکروهات را انجام ندهند چه برسد به گناهان. پس می شود قبول کرد که طبق علائم ظهور فساد زیاد می شود اما نمی شود قبول کرد که فاسد هم زیاد بشود، تا حدّی که هیچ انسان وارسته ای در دنیا نباشد. درصدر اسلام و دوران ظهور پیامبر اسلام(در سرزمین حجاز نیز فساد و تباهی، قتل و غارت و بت پرستی همهٔ آن سرزمین را فراگرفته بود، اما در همان دوران، جوانان پاکی بودند که به محض اطلاع از بعثت پیامبر بزرگوار اسلام، چون حلقه‌ای این نگین درخشان وجود را در برگرفتند و پیامبر به یاری آنها شعاع خورشید اسلام را به تاریک ترین دلها رسانید و اسلام، شرق و غرب عالم را دربرگرفت. وآنروز که آن یگانه دلدار از حجاب غیبت به در آید و چون یوسف از چاه فراق بیرون شود، و بر تخت پادشاهی مصر جهان نشیند جوانان پاکی به تعداد شهدای بدر، این بدر زیبای دو عالم را در بر می گیرند و به همّت ایشان ملک سلیمان بر مبنای عدالت علوی و رحمت نبوی و عصمت فاطمی شکل می گیرد. رزقنا ا...درک ظهوره و توفیق خدمته منابع و مآخذ : ۱. قیام و انقلاب، شهید مطهری، ص۶۴و۶۵ ۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد

اسلام باید چگونه باشد که امام زمان"ع "ظهور کند؟

پرسش

اسلام باید چگونه باشد که امام زمان"ع "ظهور کند؟

پاسخ

درخصوص سؤالی که بیان فرمودید باید عرض شود که اولاً ـ وظیفه اسلام و مسلمانان این است که در خود، زمینهٔ ظهور امام زمان "عجل ا...تعالی فرجه الشریف "را آماده بنمایند و ثانیاً در دیگران و غیر مسلمانان. متأسفانه در حال حاضر اکثریت مسلمانان یا امام زمان" عجل ا...تعالی فرجه الشریف "را قبول ندارند و یا بعضی از آنها هم که قبول دارند او را درست نمی شناسند و یا بعضی هم که می شناسند به وظایفشان در قبال حضرت، به طور کامل عمل نمی‌نمایند. به همین خاطر در روایتی که در کتاب مکیال المکارم آمده می خوانیم به این مضامین که اگر ۳۱۳ نفر یاوران اصلی حضرت آماده شوند امر ظهور محقق خواهد شد. این بالاترین دلیل بر غربت آن بزرگوار است که هنوز ۳۱۳ نفر یاور واقعی ندارد. در جلد دوم کتاب شریف مکیال المکارم حدود ۸۰ وظیفه برای شیعیان نامبرده شده که اگر واقعاً رعایت شود امر فرج حضرت اینقدر به تأخیر نمی افتد. البته آنچه در این باب مهم است این است که مسلمانان سعی و جدیت در راه تحقق آرمانهای اسلام را داشته باشند اگر چه در این راه موفق نشوند و جهان را ظلم و بی عدالتی فرا گیرد. به هر حال اگر مسلمانان به وظیفهٔ خود که در قرآن و روایات معصومین "علیهم السلام "آمده است عمل بکنند هر چند نتیجه نگیرند، موقعیت ظهور حضرت فراهم می‌شود. برای آگاهی بیشتر از این وظایف می توانید به کتاب مکیال المکارم ج۲ مراجعه بفرمایید. خداوند متعال همه ما را از سربازان واقعی آن بزرگوار قرار بدهد انشاء ا...

می دانیم که از جمله زمینه های ظهور امام زمان" ع "پر شدن ظلم و فساد در زمین می باشد و سبب پیدایش نیاز مردم در اثر این ظلم و فساد به منجی عالم بشریت می گردد آیا این امر فقط مربوط به مسلمانان می گردد یا مربوط به کل عالم می گردد؟

پرسش

می دانیم که از جمله زمینه های ظهور امام زمان" ع "پر شدن ظلم و فساد در زمین می باشد و سبب پیدایش نیاز مردم در اثر این ظلم و فساد به منجی عالم بشریت می گردد آیا این امر فقط مربوط به مسلمانان می گردد یا مربوط به کل عالم می گردد؟

پاسخ

چند روایت در این باره اشاره کنیم و آنگاه به نتیجه گیری کلی در مورد ظهور و قیام حضرت بقیهٔ ا... (عج) بپردازیم. رسول اکرم "ص "می فرماید": او هنگامی قیام می کند که دنیا را هرج و مرج فرا گرفته و کشورها به یکدیگر شبیخون می زنند، نه بزرگ به کوچک رحم می کند و نه نیرومند بر ناتوان مِهر می ورزد ("۱.) امام باقر" ع "می فرماید... ": قائم قیام نمی کند جز هنگامی که ترسی شدید مردم را فراگرفته و بحرانها و آشوبها و گرفتاریها و بیماریها آنان را احاطه کرده باشد. کشتار وحشیانه، اختلاف شدید و تفرقه دینی بین مردم افتاده و چندان دچار رنج و افسردگی شده و به جان یکدیگر افتاده باشند که صبح و شام آرزوی مرگ کنند. آری او در ناامیدی مطلق مردم خروج خواهد کرد ("۲.) امام صادق" ع "می فرماید": این امر تحقق نخواهد یافت تا هیچ گروهی باقی نماند، مگر اینکه بر مردم حکومت کرده باشد، تا کسی نگوید اگر ما حکومت می کردیم به عدالت رفتار می نمودیم و آنگاه قائم ما قیام به حق و عدالت خواهد کرد ("۳.) پیامبر می فرماید ": زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است ("۴.) امام باقر" ع "می فرماید...": فرمانروایی و سلطنت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد و خداوند دین خود را بوسیله وی بر تمام مکاتب جهان پیروز می گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند و مخالف، ویرانی های زمین آباد می گردد، کسی باقی نمی ماند مگر اینکه به رسالت محمد" ص "اعتراف و اقرار کند(" ... ۵) از این روایات چنین استنباط می

گردد: وجود هرج و مرج و ظلم و ستم در سراسر جهان و نه منطقه ای خاص، تفرقه و بحران در میان مردم و نه قومی خاص و برقراری عدل و قسط میان مردم در کل جهان است پس از ظهور و نهفقط جامعه مسلمانان. بنابراین در آستانه ظهور، سراسر گیتی را ستم و بیداد فرا می گیرد، و این بدان جهت است که اکثر افراد در پی منافع و رفاه و راحتی خویشند و در مقابل ظلم و ستم و فساد کمتر احساس مسؤولیت می کنند و یا اصولاً بی تفاوت هستند. با این حال در چنین شرایط بحرانی هم، هرگز عنصر ایمان و تقوا و پارسایی محو و نابود نمی گردد، بلکه از جمله شرایط ظهور حضرت ولی عصر" عج، "وجود انسانهای مؤمن و با اخلاص است و هم اینان هستند که یاران صدیق و پیروان راستین اویند. امام صادق" ع "دربارهٔ این مؤمنین می فرماید": ترس از دلشان ریشه کن شده ... و در دل دشمنان افتاده، هر یک از آنان از سر نیزه پیشروتر و از شیر بی باکتر است ("۶) منابع و مآخذ : ۱. بحار، ج۵۲، باب خصائص زمانه، روایت ۱۸۹ ۲. روایت ۹۹، همان منبع، همان باب ۳. غیبت نعمانی، ص۱۴۶، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص ۴۰۷، سید صدر ۴. تاریخ غیبت کبری، ص۳۶۷ ۵. بحار، ج۵۲، ص۱۹۱، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۳۵۷ شناخت اسلام، ص۲۱۲، شهید دکتر بهشتی، شهید باهنر، گلزاده

جامعه چگونه باید باشد تا امام زمان (ع) ظهور کند؟ بعضی می گویند که درجامعه زیاد گناه و ناحقی باید شود، آیا این موضوعات صحیح است؟ راهنمایی کنید.

پرسش

جامعه چگونه باید باشد تا امام زمان (ع) ظهور کند؟ بعضی می گویند که درجامعه زیاد گناه و ناحقی باید شود، آیا این موضوعات صحیح است؟ راهنمایی کنید.

پاسخ

برداشت قشری برخی از مردم از جریان مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این نیست که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، و فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق کشیها و تباهیها ناشی می شود، این نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح به نقطهٔ صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود و این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت ـ نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفداری ندارد ـ از آستین بیرون می آید، علیهذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع نقطهٔ روشنی هست، دست غیبت ظاهر نمی شود. برعکس، هر گناه و فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حقکشی، هر پلیدی به حکم این مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند رواست، زیرا هدفها وسیله ای نامشروع را مشروع می کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعهٔ فساد است. این جا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی. این جا است که این شعر مصداق واقعی خود را می یابد : در دل دوست به هر حیله رهی باید کردطاعت از دست نیاید گنهی باید کرد این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند. زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود (ع) می شمارند. بر عکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند. اما در منطق قرآن و روایات عکس این برداشت است، ظهور مهدی موعود حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود و سهیم بودن یک

فرد در این سعادت موقوف به اینست که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. شیخ صدوق روایتی از امام صادق(ع) نقل می کند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت برسند. بلکه در روایات اسلامی، سخن از گروه زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند، معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه هایی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیّت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیّت ارزنده ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء. پس آنچه که در علائم ظهور حضرت آمده است و نصّ بعضی از ادعیه معتبر نیز می باشد" ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس("...۲) که فساد در دریا و خشکی ظاهر می شود و همه جا را فساد فرا می گیرد، صحیح است. اما به این معنی نیست که اهل فساد هم زیاد می شوند، زیرا فرمود" فساد "و نفرمود" فاسد، "یک فرد فاسد شاید برای فساد یک محلّه یا یک شهر کافی باشد، یا فردی مثل رئیس جمهور آمریکا برای ترویج فساد در تمام نقاط دنیا کفایت کند. و اینگونه است که فساد در لحظه ظهور حضرت به اوج خود رسیده است، اما در همان دنیای مملوّ از گناه و فساد انسانهایی هستند و خواهند بود که حتی مکروهات را انجام ندهند چه برسد به گناهان. پس می شود قبول کرد که طبق علائم ظهور فساد زیاد می شود اما نمی شود قبول کرد که فاسد هم زیاد بشود، تا حدّی که هیچ انسان وارسته ای در دنیا نباشد. درصدر اسلام و دوران ظهور پیامبر اسلام(ص) در سرزمین حجاز نیز فساد و تباهی، قتل و غارت و بت پرستی همهٔ آن سرزمین را فراگرفته بود، اما در همان دوران، جوانان پاکی بودند که به محض اطلاع از بعثت پیامبر بزرگوار اسلام، چون حلقه‌ای این نگین درخشان وجود را در برگرفتند و پیامبر به یاری آنها شعاع خورشید اسلام را به تاریک ترین دلها رسانید و اسلام، شرق و غرب عالم را دربرگرفت. وآنروز که آن یگانه دلدار از حجاب غیبت به در آید و چون یوسف از چاه فراق بیرون شود، و بر تخت پادشاهی مصر جهان نشیند جوانان پاکی به تعداد شهدای بدر، این بدر زیبای دو عالم را در بر می گیرند و به همّت ایشان ملک سلیمان بر مبنای عدالت علوی و رحمت نبوی و عصمت فاطمی شکل می گیرد. رزقنا ا...درک ظهوره و توفیق خدمته منابع و مآخذ : ۱. قیام و انقلاب ، شهید مطهری، ص۶۴و۶۵ ۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد

آیا انسان‌ها می‌توانند با دعا و درخواست از خدا، بر ظهور امام زمانغ تأثیر بگذارند؟

پرسش

آیا انسان‌ها می‌توانند با دعا و درخواست از خدا، بر ظهور امام زمانغ تأثیر بگذارند؟

پاسخ

باید توجه داشت که خدای متعال فیض دهنده مطلق است و هیچ نعمتی را از بندگان خود نمی‌گیرد، مگر این که بندگان خود سبب از بین رفتن نعمت شوند. یکی از بهترین نعمت‌های الهی بر جامعهٔ بشری نعمت حضور امام و استفادهٔ از او است خدای متعال نعمت امامت را به انسان‌ها داده و می‌فرماید": وَ جَعَلْنَهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا (;انبیأ، ۷۳) و قرار دادیم آن‌ها را امامانی که به امر ما هدایت می‌کنند ".ناسپاسی و کفران نعمت سبب از بین رفتن این نعمت بزرگ شد و هیچ شکی نیست که اعمال بد بندگان و آماده نبودن آن‌ها برای پذیرش امام زمانغ و تحقق حکومت عدل مهدویغ، مهمترین عامل غیبت حضرت است چنان که مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید": وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و غیبته منّا "غیبت حضرت مهدی از ناحیهٔ ماست و کوتاهی ما علّت

غیبت آن حضرت می‌باشد.(کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۸۹، انتشارات اشکوری) با توجه به این نکته می‌دانیم دعا یعنی درخواست کردن و خواستن و خواستن موقعی حقیقی و واقعی است که فقط لقلقهٔ زبان نباشد ;منطقی و معقول نیست کسی بگوید من تشنه‌ام و آب می‌خواهم و در عین حال بنشیند و حرکت نکند. دعا یعنی خواستن حقیقی و در راه رسیدن به هدف حرکت کردن در روایت‌های فراوانی و از جمله در توقیع مبارک امام زمانغ به شیطان امر شده که برای ظهور آن حضرتغ دعا کنند": واکثروا الدعا بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم ; برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، چرا که فرج شما در آن است(" مکیال المکارم ج ۱، ص ۲۶.) مکانیزم اثرگذاری دعا بر فرج حضرت این گونه است که ظهور حضرت مهدیغ وقت از پیش تعیین شده و مشخّصی ندارد و هرگاه مردم آمادگی لازم برای حکومت او را پیدا کنند، حضرت ظهور می‌فرماید ;علّت اساسی غیبت آماده نبودن مردم است و دعا و درخواست واقعی مردم را آماده و پذیرا می‌کند و به اصطلاح مانع برطرف می‌شود. هم چنین این گونه می‌توان ارزیابی کرد که اگر عدهٔ یاران حضرت کامل شود، ظهور می‌فرماید و این که ما هر هفته باید منتظر ظهور باشیم نیز به همین علت است همهٔ این‌ها گواه است که امر ظهور حضرت به دست و خواست مردم است و دعا یعنی خواستن البته دعایی که لقلقهٔ زبان نباشد و بر این اساس منتظر مصلح صالح است پذیرفتنی نیست کسی که خود صالح نیست منتظر صالح باشد و یا برای ظهور مصلح دعای واقعی کند ;از این رو، دعا کردن نقش بسیار مهمّی بر ظهور حضرت دارد. افزون بر این به گونهٔ دیگری نیز می‌توان تحلیل کرد که عطای خدای متعال محدودیتی ندارد و با دعا می‌توان برنامه‌ها را نیز تغییر داد. چنان که در روایتی امام صادق‌می‌فرماید": الدعا یرد القضا و قد ابرم ابراماً ;دعا قضای حتمی را نیز بر می‌گرداند(".میزان الحکمهٔ ج ۳، ص ۲۴۷.) به هر حال تأثیر شگرفت دعا، بر ظهور حضرت مهدیغ را نمی‌توان انکار کرد.

با توجه به حدیثی که می فرماید امام زمان (عج) وقتی ظهور می کند که ملئت الارض ظلما و جورا پس اصلاح جامعه معنا ندارد* آیا این نظریه درست است ؟

پرسش

با توجه به حدیثی که می فرماید امام زمان (عج) وقتی ظهور می کند که ملئت الارض ظلما و جورا پس اصلاح جامعه معنا ندارد* آیا این نظریه درست است ؟

پاسخ

باید دانست روایات گسترش فساد بیانگر شرط ظهور نیست , بلکه ترسیم سیمای جهان می‌کند از این رو از وظیفه ما برای اصلاح خود و جامعه نمی‌کاهد. علاوه بر اینکه یکی از مصادیق ظلم آن است که مصلحان جامعه و انسانهای وارسته مظلومانه به دست سردمداران تبهکار و زیاده‌خواه کشته می‌شوند. و این نوع جنایتها در دوران آخرالزمان با توجه به سلاحهای پیشرفته و ابزارهای جدید شکنجه گسترش می‌یابد.بنابراین حدیث مذکور نه تنها دلیلی بر خانه‌نشینی و نفی مبارزه نیست بلکه خود دلیل آشکاری است بر فعالیت جدی مبارزان اصلاح‌گر و شهادت مظلومانه آنان به دست سرکردگان ظلم و ستم، به گونه‌ای که آن چنان عرصه بر مردم مستضعف تنگ می‌شود که انتظار حقیقی برای استقبال از نجات‌دهنده اصلی در میان مردم پدیدمی‌آید. و همین آمادگی واقعی است که از شرایط ظهور حضرت ولی عصر(عج) می‌باشد.برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می‌کنیم: در طول تاریخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسایش طلبانه در برخی پدید آمده و آنان بهانه‌ای می‌طلبندتا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند! حال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشته باشد. از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم

زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می‌افتد و حتی برخیپنداشته‌اند که باید به ظلم و فساد نیز کمک کرد و در گسترش آن کوشید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟! این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است. زیرا: اولاً: هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و ... مشروط به چنین شرطینیست، یعنی تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند. یعنی آن که عمل به آنها الزامی است، چه موجب تسریع در ظهور یا تأخیر آن شود. ثانیاً: هیچ یک از آموزه‌های دین نمی‌تواند ارکان واساس دین را معطل نماید. اگر فرض کنیم (به فرض محال)پی گیری تعالیم دین موجب تأخیر در ظهور شود، باز عمل به آن تعالیم واجب است. ثالثاً: روایات مربوط به ظهور، اختصاص به این گونه روایات ندارد، بلکه روایات دیگری خبر از وقوع حرکت‌هایاصلاحی مانند انقلاب ایران و گسترش موج اسلام‌خواهی در جهان می‌دهد.

با سلام چرا اطلاع رسانی شیعه و ایران در مورد مذهب خود و تشریح ظهور امام زمان این قدر ضعیف است ؟؟؟ یقینا ایران میتواند زمینه ظهور را فراهم کند اگر خوب اطلاع رسانی کند در جهان ... نظر شما چیست ؟

پرسش

با سلام چرا اطلاع رسانی شیعه و ایران در مورد مذهب خود و تشریح ظهور امام زمان این قدر ضعیف است ؟؟؟ یقینا ایران میتواند زمینه ظهور را فراهم کند اگر خوب اطلاع رسانی کند در جهان ... نظر شما چیست ؟

پاسخ

بهترین و لایقترین افراد برای تبلیغ و ترویج یک اندیشه، معتقدان به آن اندیشه می‌باشند. انسانی که درستی و حقانیت و استواری اعتقادات و باورها و بینش با منطق و برهان برایش ثابت گشته و در عمل و برنامه بر طبق آن عمل نموده و یا حداقل چنین کوششی داشته است و از نتایج شیرین مادی و معنوی آن بهره‌من گشته است نمی‌تواند در انتشار آن و رساندن محتوا و اهداف و پیام‌های آن بی تفاوت باشد. متأسفانه اطلاع رسانی درباره حقانیت شیعه در خورد این مکتب متعالی و سعادت بخش نمی‌باشد. و این امر نه فقط به خاطر دشمنی به خواهان و مانع تراشی مخالفان شیعه و وجود تبلیغات غیر واقعی بر علیه این آیین و تشویش اذهان مردم جهان نسبت به این مکتب اصیل و ریشه‌دار بلکه به خاطر کوتاهی و سستی و عمل نمودن به وظایف خطیری است که بر عهده ما شیعیان می‌باشد و بدان معترضیم. هر چند کم نیستند افارد متعهد و مخلصی که تلاش شبانه‌روزی در راه شناساندن این مکتب پاک دارند ولی در مقایسه با انبوه مراکزی که افکار آلوده و عقاید خرافی و اعتقادات کفرآمیز خود را به اطلاع جهانیان می‌رسانند، رقم بزرگی نمی‌باشد. درست است که اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش‌های اسلامی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده ال و آرمانی، و بالاخره اجرای این ایده و باور عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به تهدی موعود تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش هم فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت‌ها و اختلاف هاییبدان موفق و معتقدند، زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه، اندیشه‌ای قرآنی است در درون فطرت همه انسان‌ها دارد، ولی به هر حال تبیین و تشریح همه جانبه و عمیق و درست این اندیشه را باید از مذهب شیعه درخواست نمود، چون عقیده به وجود مهدی موعود – عج – و امام زنده غایب هر چند عقیده‌ای اسلامی است ولی به طور زنده و ملموس و برجسته در مذهب تشیع مطرح است و از ارکان مذهب امامیه به شمار می‌رود. این شیعیان هستند که از این اندیشه تابناک و عقیده امید آفرین برخوردارند و در همین عصر تاریک، عصر درخشان حکومت توحید را

در مغز خویش مجسم نموده، در انتظارش به سر می‌برند و خودشان را برای چنین انقلاب جهانی آماده می‌سازند. انتظار چنین عصری طلایی و به تعبیر روایات انتظار فرج یکی از بزرگترین راه‌های موفقیت می‌باشد و هر گروهی که چراغ امید در دلشان خاموش گشت و سپاه یأس و ناامیدی کشور دلشان را اشغال نمود، هرگز روی سعادت و موفقیت را نخواهد دید. لیکن افرادی که در انتظار موفقیت و فرج هستند باید تا سرحد قدرت بکوشند و راه‌های رسیدن به هدف را هموار سازند و برای بهره برداری از مقصد خود را آماده سازند. حضرت صادق(ع) فرمود: حکومت آن محمد(ع) بی شک برقرار خواهد گردید. پس هر کس علاقمند است از اصحاب و یاران قائم ما باشد، باید کاملاً مراقبت کند. تقوا و پرهیزکاری را شیوه خود قرار دهد. خود را به اخلاق نیک انسانیت مزین سازد و بعد در انتظار فرج قائم آل محمد عج باشد هر کس برای ظهور قائم ما، این چنین آمادگی و انظتار داشت ولی توفیق نصیبش نگشت و قبل از ظهور آن حضرت، اجلش فرا رسید، به اجر و ثواب یاران آن جناب نایل می گردد، سپس فرمود: کوشش و جدیت کنید و امیدوار فرج و موفقیت باشید. ای گروهی که مورد توجه خدا هستید. موفقیت و پیروزی گوارایتان باد. (غیبت نعمانی، ص ۱۰۶، دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۱۶، چاپ ۱۸، ۱۳۷۸). اسلام به حدی به موضوع آمادگی مسمانان اهمیت داده که امام صادق(ع) در روایتی می‌فرماید: خودتان را برای ظهور قائم مهیا و آماده سازید هر چند به ذخیره کردن یک نیز باشد (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶). خداوند مقرر فرموده: که اوضاع آشفته جهان به وسیله مسلمانان اصلاح شود. دستگاه ظلم و ستم برچیده شود، کفر و مادی گری ریشه‌کن گردد. دین مقدس اسلام همگانی شود و هیچ شخصی با اطلاعی در این جنت تردید نمی کند که چنین انقلاب بزرگ جهانی، صلاحیت و شایستگی لازم داشته، بدون تهیه مقدمات امکان وقوع ندارد. با توجه به مطالب مذکور، مسلمانان باید پرچمدار آن انقلاب جهانی باشند و نسبت به تهیه مقدمات و اسباب آن هیچ گونه کوتاهی و سستی نباید روا دارند. ما یقین داریم روزی خواهد آمد که حکومت اسلام، عالم را اداره کند و وحدت ادیان، وحدت حکومت‌ها، وحدت نظام‌ها و قوانین عملی گردد. خوشتختانه طرفداران اصل این وحدت‌ها هر روز در میان جامعه بشر بیشتر می‌شود و اندیشه تشکیل حکومت و جامعه به میان آمده و سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی به اهم وحدت و برای ایجاد رابطه بین تمام ملت‌های جهان، تأسیس شده است که هر چند این مجامع و سازمان‌ها بیشتر با هدف اغفال و فریب دادن مردم و اغراض سیاسی می‌باشد ولی به هر حال کاشف از این است که یک اتحاد عمومی و وحدت اجتماعی و دینی و سیاسی، خواسته روح و فطرت بشر است و همین حرکات مجازی مقدمه حرکات واقعی و آمادگی حقیقی بشر برای حوکومت جهانی اسلام است. (رجوع کنید به امامت و مهدویت، آیه الله صافی گلپایگانی، ج ۳). سابق بر این که فکر تشکیل جامعه جهانی کمتر مطرح می‌شد و به تعالیم اسلام در این زمینه کمتر توجه می‌شد، برای این بود که با وسایل ارتباط سابق، تشکیل جامعه جهانی را بسیار دشوار و بلکه ناممکن می‌شمردند؛ ولی امروز که در اثر انفجار اطلاعات و پیشرفت در فن آوری، جهان به صورت یک دهکده در آمده و مردم جهان و امثال اهل یک محله و یک خانواده قرار داده است؛ زمینه تشکیل یک حکومت جهانی در سایه تعالیم مترقی و جامع اسلام را نیز فراهم کرده و هر چه علم و صنعت و فن آوری پیشرفت و ترقی بیشتری نماید، زمینه اجرای احکام عالی اسلام نیز آماده‌تر و بشارت‌های اولیای دین به وقوع نزدیکتر می‌شود. به تدریج موقعیت‌ها و قدرت‌های محلی و فردی در دنیا رو به ضعف گذارده و عموم ملت‌ها، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تعیین سرنوشت دنیا دخالت می‌نمایند و نظامات و قوانین منطقه‌ای از بین می‌رود و تنها نظامی که می‌تواند جایگزین تمام این نظامات شود و همه را به طور عادلانه اداره نماید، نظام اسلامی است. پس عالم خود به خود به سوی هدف‌های اسلام گام برمی دارد و این اختلاف نظامات، قوانین، سیستم‌های اجتماعی و سیاسی را پشت سر می گذارد و یک تفاهم عمومی اسلامی به وجود خواهد آمد و ظلم و ستم و تجاوز و افراط و تفریط پایان خواهد یافت. البته این به این معنا نیست که ما در زمینه اطلاع رسانی و ابلاغ پیام مهدویت و معرفی شخصیت و ویژگی‌ها و صفات و کمالات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سستی و کوتاهی نماییم بلکه به این معنا است که اداره الهی و رخدادهای عالم و حوادثی که در جهان اتفاق می‌افتد، بشر را به

سوی این هدف والا حرکت می‌دهد ولی تلاش و کوشش و تبلیغ و روشنگری و پیام رسانی ما در تسریع این روند نقش فراوانی دارد و جهان را به آن جامعه آرمانی و ایده‌آل که آروزی همه پیامبران و امامان و بندگان پاک خداوند بوده، نزدیکتر می‌سازد. باید توجه داشت که اطلاع رسانی و تبلیغ این عقیده پاک و سعادت آفرین هر چند بسیار مهم و ضروری است ولی مهمتر از آن دنباله روی و پیروی معتقدان به این باور و این امام از آن پیشوای عالی مقام است که بعنرین نوع تبلیغ به شمار می‌آید. چون وقتی دیگران ببینند که معتقدان به این عقیده در عمل به آن پایبند و متعهد می‌باشند و به دنبال رضایت و خشنودی آن قبله دل‌ها می‌باشند خود به خود جذب این عقیده می‌گردند و از پیروان آن می‌گردند. ولی اگر خود شیعیان در عمل این باور را زیر پا بگذارند و برای آن احترام و ارزشی قائل نباشند هر قدر هم که در اطلاع رسانی قوی و کوشا باشند، عمل منفی و خلاف این باور از طرف آنها باعث رسیدن دیگران و فاصله گرفتن آنها از این عقیده می‌گردد. به همین دلیل است که در روایات فراوانی امامان معصوم علیهم السلام از شیعیان خواسته‌اند در زمان غیبت به سلاح علم و معرفت و ایمان و تقوا و استقامت مجهز گردند و عملاً مبلغ این عقیده باشند. در روایتی از امام کاظم – علیه السلام – چنین آمده است: «طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبنا فی غیبه قائمنا، الثابتین علی موالاتنا و البرائه من اعدائنا، اولئک منا و نحن منهم، قد رضوا بنا ائمه و رضینا بهم شیعه، فطوبی لهم! هم و اله معنا فی درجتنا یوم القیامه» ؛ (اثباره الهداة، ج ۳، ص ۴۲۷) یعنی: «خوشا به حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان محبت ما چنگ زده و بر دوستی‌ها و دشمنی با دشمنان ما استوار و ثابت قدم می‌باشند. اینان از ما و ما از آنهاییم. آنها از پیشوایی ما خرسندند و ما از دنباله رو شیعه بودن آنها. خوشا به حال آنها، به خدا سوگند، آنها در روز قیامت با ما هم رتبه و هم درجه می‌باشند.

در زمان ظهور جهان باید پر از ظلم شود و از طرفی ما باید خود را اصلاح نمائیم آیا این تناقض ندارد؟

پرسش

در زمان ظهور جهان باید پر از ظلم شود و از طرفی ما باید خود را اصلاح نمائیم آیا این تناقض ندارد؟

پاسخ

انتظار فرج حضرت حجت(ع) و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است. انتظاری که سازنده و نگهدارنده و تعهد آور است نیرو آفرین و تحرک بخش است به گونه‌ای است که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود. و انتظاری که گناه است و ویرانگر است اسارت بخش و فلج کننده است و نوعی اباحیگری باید محسوب گردد. این دو نوعانتظار فرج حضرت ولی عصر(ع) معلول دو نوع برداشت از ظهور حضرت مهدی(ع) است. انتظار ویرانگر: که برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفا ماهیت انفجاری دارد فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق‌کشی‌ها و تباهیها ناشی می‌شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پرشانشدن است. در این نوع انتظار فرج حضرت مهدی(ع) که منجر به تعطیل حدود و مقرّرات اسلامی شود به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد. و این انتظار ویرانگر مقبول نیست. ۲. انتظار سازنده: عدّه‌ای از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که ظهور حضرت مهدی(ع) حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی اهل حق منتهی می‌شود در این نوع انتظار هر فرد باید هم خودش صالح باشد و هم زمینه اصلاح را در حد توان فراهمنماید. و لقد کتبنا فی الزّبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عبادی الصالحون ، (سوره انبیاء / ۱۰۵). بنابراین انتظار ظهور مهدی(ع) بدین معنا نیست که احکام و حدود اسلامی تعطیل بشود و ظلم رواج داشته باشد تا حضرت تشریف بیاورند بلکه انتظار مثبت و سازنده لازم است که زمینه را برای ظهور آنحضرت فراهم می‌کند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. قیام و انقلاب

مهدی(ع) / استاد شهید مرتضی مطهری. ۲. امام مهدی و منتظران / محمدحسین صفارزاده. روایاتی که خبر از پر شدن جهان از ظلم در دوران ظهور می‌دهد بیانگر این حقیقت است که شرایط جهان در دوران غیبت چنین است و ما موظف به ایجاد این شرایط نیستیم. بلکه ما موظف به اصلاح و آماده سازی خود هستیم هر چند در دوران ظهور وضعیت دنیا اینگونهاست که ظلم و بیداد جهان را فراگرفته است. ناگفته معلوم است که معنای فراگیری ظلم و جور این نیست که همه انسانها ظالم هستند در تعابیر عرفی هم بسیار رایج است که حکم مربوط به غالب موارد را به کل افراد نسبت می‌دهیم مضافا به این که اساسا ظلم مورد نظر در روایاتظهور شاید، ظلم و ستم حکومت‌ها باشد نه افراد چرا که با توجه به سایر روایات در دوران ظهور انسان‌های زیادی انتظار ظهور منجی را می‌کشند و جهان تشنه نجات دهنده است.{J

با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های ظهور است پس چرا مردم را برای زمینه سازی ظهور دعوت به صلح و ترک ظلم و گناه می کنند؟

پرسش

با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های ظهور است پس چرا مردم را برای زمینه سازی ظهور دعوت به صلح و ترک ظلم و گناه می کنند؟

پاسخ

فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه‌های معروف ظهور حضرت مهدی(ع) به شما می‌رود و این نشانه در روایات بسیار به چشم می‌خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: یملا اللّه به الارض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا ؛ خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می‌سازد،پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد{M»، (چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، نقل از «سنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل العمال، ج۱۴، ص ۲۶۴). یا از حضرت مهدی(ع) نقل شده: علامهٔ ظهوری کثرهٔ الهرج و المرج و الفتن... ؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه‌ها وآشوبها است{M»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰). زیاد شدن این فسادها در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش در میان مردم بوده، مهم فراگیر شدن آن است به گونه‌ای که بدی‌ها بر خوبی‌ها، ضدارزشها بر ارزش‌ها غلبه می‌یابد. شهید مطهری، روایتی را از شیخصدوق می‌آورد. این امر (قیام مهدی(ع)) تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعداء و گروه اشقیا هر کدام به نهایت کار خود برسند. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوتبرسند، (قیام و انقلاب مهدی، شهید استاد مطهری، ص ۵۷ و ۵۸). و از طرفی ایده‌ی ظهور منجی بزرگ که با خروج خود عدل، قسط، گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان به ارمغان خواهد آورد و به ستم، ظلم و تجاوز پایان خواهد بخشید، عقیده‌ای است که پیروان ادیان سه گانه ابراهیمی (یهودیت و مسیحیت و اسلام) وبخش چشم‌گیری از سایر ملل بدان ایمان دارند. یهود مانند مسیحیان که به بازگشت عیسی(ع) معتقدند ـ به ظهور یک منجی می‌اندیشیدند زرتشتیان نیز در انتظار رجعت بهرام‌شاه‌اند. و هندوها نیز به خروج ویشنو دل بسته‌اند و بودایی‌ها منتظر باز آمدن بودا و... هستند، (در انتظار ققنوس، ص۴۵). در کنار این معتقدات ملت‌های مختلف تصریحات قابل توجهی از نوابغ مغرب زمین است، مبنی بر این که جهان در انتظار مصلح کبیری است که سر رشته‌ی امور را به دست خواهد گرفت و جامعه بشری را زیر یک پرچم و

به دنبال یک هدف گرد هم خواهد آورد. ازجمله: برتراندراسل می گوید: دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه‌ی یک پرچم و یک شعار متّحد سازد. البرت انیشتاین می گوید: فرا رسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همه‌ی اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند دیری نخواهد پایید، (همان). از آیات قرآن و احادیث اسلامی نیز استفاده می‌شود که مستضعفین جهان سرانجام در یک انقلاب همگانی که مهدی موعود(ع) رهبری آن را بر عهده دارد. بر مستکبرین پیروز می گردند. و نرید ان نمنّ علی الّذین استضعفوافی الارض و نجعلهم ائمهٔ و نجعلهم الوارثین... ، (سوره قصص، ۵). و گسترش ظلم و فساد و فراگیر شدن آن بدین معنا نیست که صالحی و ظلم‌ستیزی وجود نخواهد داشت و هم چنین ملازم با این معنا نیست که بشر دیگر از ظلم و فساد بر نمی گردد. با توجه به توضیحات فوق و اینکه بشر از هر نحله‌ای که باشد دنبال منجی و رسیدن به عدل وآرامش و آسایش است. این نوید را می‌دهد که جهان بشری با توجه به ظلم و فساد و تبعیض که دامنگیرش شده در آینده خواستار حکومت ایده‌آل و موافق با فطرت الهی باشد. و اضافه بر آن رشد عقول و معارف بشر روز به بروز در ترقی می‌باشد و از طرفی مکاتب و اسم‌های مختلفامتحان خود را در اداراه کرد جوامع پس داده‌اند. بنابراین سیر بشر به سوی گمشده‌ای است که بتواند با نفس مسیحای خود مرهمی بر زخم‌های آنان باشد و این یوسف گمشده همان مهدی(ع) است که بشر در انتظارش می‌باشد. که به آمدن او هم در کتب تشریع الهی و هم در کتب تکوینو صحیفه دل‌ها خبرها و امیدهایی است. و موقع آمدن نیز خبرش در آسمان به گوش جهانیان از شرق و غرب می‌رسد. و روایات می گوید تمام انسانها در برابر این نشانه الهی وعده داده شده سر تسلیم فرود می‌آورند زیرا که تفسیر این گفته خداوند است. « اگربخواهیم از آسمان معجزه‌ای بر آنها فرو می‌فرستیم که در برابر آن تسلیم فرود آوردند{M»، (سوره شعرا / ۴). مردم از این صیحه آسمانی به ناله و فریاد درآمده و از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند تا ببینند چه خبر است! آن ندا مردم را به خودداری از ظلم و کفر و درگیری و خونریزی و به پیروی از امام مهدی(ع) دعوت می کند. برای آگاهی بیشتر در این مورد ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲.{J

موانع ظهور

چرا امام زمان(ع) تا حال ظهور نکرده است؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) تا حال ظهور نکرده است؟

پاسخ

هر نهضت و انقلابی که برای هدف معینی بر پا شود، در صورتی امکان پیروزی دارد که زمینه آن از هر جهت فراهم باشد و اوضاع و شرایط کاملا آماده باشد. یکی از شرایط مهم موفقیت این است که عموم ملت خواستار آن انقلاب باشند و افکار عمومی برای تأکید و پشتیبانی آن مهیا باشد. در غیر این صورت انقلاب با شکست مواجه خواهد شد. نهضت و قیام مهدی موعود نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده، در صورتی می‌تواند پیروز گردد که اوضاع و شرایط مساعد و زمیه فراهم باشد. نهضت آن جناب یک نهضت سطحی و کوچک نیست، بلکه یک انقلاب همه جانبه و جهانی است و برنامه بسیار عمیق و دشواری دارد، می‌خواهد تمام اختلافات نژادی و کشوری و زبانی و مرامی و دینی را بر طرف سازد و سر تا سر گیتی را با یک حکومت نیرومند اداره کند تا همه بشر با صلح و صفا کنار هم زندگی کنند. او می‌داند که آب را باید از سر چشمه اصلاح کرد و عوامل اختلاف‌انگیز را از ریشه قطع

می‌کند تا گرگ صفتان، خوی درندگی را از دست بدهند. می‌خواهد کفر و مادی گری را ریشه کن سازد و عموم جهانیان را به سوی قوانین و برنامه‌های الهی متوجه کند و دین اسلام را آیین همگانی گرداند. می‌خواهد افکار پریشانی بشر را به سوی یک هدف متمرکز کند و معبودهای دروغین و فتنه‌انگیز را مانند: مرزها، نژادها، کشورها، مرام‌ها، حزب‌ها، قاره‌ها و شخصیت‌های کاذب را از مغز بشر ریشه کن کند. به طور خلاصه می‌خواهد نوع بشر و جوامع انسانی را به سعادت و کمال واقعی برساند و اجتماع صالحی به وجود آورد که بر پایه فضایل و صفات انسانی و اخلاق نیک استوار باشد. چنین انقلابی بدون شایستگی ملت‌ها امکان وقوع ندارد. قرآن کریم می‌فرماید": ما در زبور نوشتیم که بندگان شایسته و صلاحیت دار ما قدرت زمین را به دست می‌گیرند.("۱) بنابر این تا نوع بشر به حد کمال و رشد نرسد و برای پذیرفتن حکومت حق آماده نگردد، مهدی موعود ظهور نخواهد کرد.(۲) پی نوشت‌ها: ۱ - انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵. ۲ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۴۰.

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند و دنیا را از خواب غفلت بیدار نمی کند؟

پرسش

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند و دنیا را از خواب غفلت بیدار نمی کند؟

پاسخ

هر انقلاب و نهضتی که برای هدف معینی به وجود می آید، در صورتی پیروز است که زمینه های آن از هر جهت فراهم باشد، در غیر این صورت انقلاب با شکست روبرو خواهد شد. قیام امام زمان(عج) از این قاعده مستثنی نیست و در صورتی می تواند پیروز شود که شرایط آن فراهم گردد.(۱) عدم ظهور امام زمان بدان جهت نیست که نمی خواهد ظهور کند، بلکه ظهور مبتنی بر شرایطی است که با تحقق آن ها حضرت ظهور خواهد نمود. یکی از شرایط مهم ظهور، آمادگی مردم می باشد. آمادگی باید در زمینه های خودسازی، پذیریش حکومت جهانی، آمادگی نظامی و رشد فکری ظهور نمایند.(۲) آمادگی ها را باید مردم به وجود آورند که احتمالاً چنین آمادگی به وجود نیامده است. برای آمادگی پذیرش حکومت جهانی نخست باید مردم از ظلم ها و ناهنجاری های حاکم در جامعه خسته شده، سیاست های حکومت های قبل از ظهور را تجربه کرده باشند، تا هم آمادهٔ پذیرش حکومت امام زمان شوند و هم قدر انقلاب جهانی را بدانند. هشام بن سالم از امام صادق(ع) در خصوص تأخیر ظهور امام زمان(ع) سؤال می کند، امام فرمود": تا همهٔ اصناف مردم به حکومت نرسند، صاحب الامر قیام نمی کند. برای این که وقتی حکومتش را تشکیل داد، کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، با عدالت رفتار می کردیم.("۳) امام باقر(ع) فرمود": دولت ما آخرین دولت ها است. هر خاندانی که لیاقت حکومت داشته باشند، قبل از ما به حکومت می رسند تا وقتی حکومت ما تأسیس شد و کارکرد آن را دیدند نگویند: ما هم اگر به حکومت می رسیدیم، مانند آل محمد عمل می کردیم و این است معنای آیه": والعاقبهٔ للمتقین.("۴) روایات یکی از شرایط ظهور امام زمان(ع) را فراگیر شدن ستم بیان کرده اند(۵) و این بدان جهت است که ظلم و ستم آن قدر زیاد شد که نارضایتی مردم از حکومت ها به اوج خود برسد و آرزوی حکومت مطلوب و عادلانه را بنمایند. مرحوم شیخ طوسی مردم را به دلیل مهیان نکردن خود برای ظهور امام نکوهش نموده و اعمال آنان را مانع اصلی بهره گیری از وجود امام دانسته و می گوید، باید مردم زمینه اقتدار امام را فراهم آورند.(۶) خواجه نصیر الدین طوسی نیز سبب غیبت امام زمان و علت تأخیر ظهور او را اعمال مردم می داند": غیبت نمی تواند ناشی از اراده خدا، یا امام زمان باشد، بلکه باید سبب غیبت امام را در اعمال مکلّفان (که سبب ترس و پیروی نکردن است) جست. ظهور وقتی واجب خواهد شد که سبب غیبت از بین برود. "پی نوشت ها: ۱. ابراهیم امینی،

دادگستر جهان، ص ۲۹۴. ۲. خورشید مغرب، ص ۳۵۰. ۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷. ۴. همان، ص ۳۳۲. ۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷. ۶. مجلهٔ حوزه (ویژه نامه امام زمان) ص ۴۳۵، به نقل از کتاب الغیبه، ص ۱۱.

چرا با وجود اینکه جامعه نیاز به رهبر و امام دارد، امام زمان(عج) ظهور نمی‌کند؟

پرسش

چرا با وجود اینکه جامعه نیاز به رهبر و امام دارد، امام زمان(عج) ظهور نمی‌کند؟

پاسخ

اگرچه امام زمان(ع) به حسب ظاهر غایب است، ولی عملاً به رهبری و هدایت مردم پرداخته و درصحنه‌های مختلف حضور دارد. امام زمان(عج) واسط ?فیض الهی بر بشر است. طبق روایات معصومان(ع) لحظه‌ای زمین از حجت خدا خالی نیست. در غیر این صورت زمین فرو می‌ریزد.(۱) حضورامام میان مردم و هدایت آنان توسط امام در قالب‌های مختلف ظهور می‌کند: گاهی امام – به طور ناشناس – میان مردم حضور می‌یابد و مردم او را نمی‌شناسند. امام صادق(ع) از امام علی(ع) گزارش می‌کند": اگر زمین، یک ساعت از حجت خدا خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد.حجت (امام زمان)، مردم را می‌شناسد، لیکن مردم او را نمی‌شناسند، همان‌گونه که یوسف، مردم را می‌شناخت اما آنان، او را نمی‌شناختند(".۲). همو فرمود": حجت حق بر زمین استوار است، در جاده‌ها حرکت می‌کند، در خانه‌ها و قصرها وارد می‌شود و در شرق و غرب زمین به گردش می‌پردازد. سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود.("۳) گاهی امام زمان(ع) با راه‌های دیگر مردم را مورد عنایت قرار داده، به آنان نفع می‌رساند در برخی از روایات امام به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مانند خورشید به مردم نفع می‌رساند.("۴) از سوی دیگر امام در زمان غیبت کبری، فقیهان را به گون ?نیابت عام، نایب قرار داده است که آنان به مشکلات مردم رسیدگی کنند، و به پرسش‌های آنان پاسخ دهند": اما الحوادث الواقعه فأرجعوا فیها إلی رواة حدیثنا("....۵) افزون بر آن ظهور امام زمان(ع) منوط به تحقق برخی از شرایط است که با تحقق آن‌ها حضرت ظهور می‌کند، شرایطی مانند آمادگی مردم، رشدافکار عمومی و آماده شدن یاران. از همه مهم‌تر ظهور امام منوط به خواست خداوند است. هرگاه خداوند بخواهد، حضرت ظهور می‌کند. همان‌گونه که اصل غیبت امام به خواست خدا می‌باشد. مهم‌تر آن که مردم بودند که زمین ?غیبت امام زمان (عج) را فراهم کردند؛ بدین معنا که اگر امام مانند سایر ائمه میان مردم بود، او را نیز به شهادت می‌رساندند. در بعضی از روایات یکی از علل غیبت امام(ع) حفظ جان حضرت بیان شده است، یعنی اگر امام به حسب ظاهر میان مردم بود، او را به شهادت می‌رساندند. بر این اساس باید مردم زمینه و شرایط ظهور امام زمان را فراهم کنند. اگر مردم آمادهٔ پذیرش حکومت جهانی شدند، حضرت ظهور می‌کند: پس علت عدم ظهور امام به رفتار مردم برمی‌گردد، نه این که امام کوتاهی کرده و ظهور نمی‌کند. فلسفه غیبت امام زمان(ع) منحصر به حفظ جان امام نیست؛ بلکه عوامل دیگر در شکل گیری غیبت ایشان تأثیر گزار هستند. مهم تر از همه آن که مشیت الهی بر غیبت حضرت تعلق گرفته که عقل از درک آن عاجز است. از این رو در برخی از روایات علت غیبت امام زمان(ع) از اسرار الهی دانسته شده است. عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: امام صادق(ع) فرمود": صاحب الامر غیبتی خواهد داشت؛ به طوری که گمراهان در شک واقع می شوند. "عرض کردم چرا؟ فرمود": اجازه نداریم علتش را بیان کنیم... موضوع غیبت از اسرار خدا و غیبتی از غیبت‌های الهی است. چون خدا را حکیم می دانیم، باید کارهایش از روی حکمت صادر شود.("۶) امتحان مردم در برخی روایات دیگر یکی از علل غیبت امام زمان(عج) امتحان مردم ذکر شده است.(۷) بدین معنا که در اثر غیبت حضرت

مهـدی(ع)، مردم آزمایش می شونـد. گروهی ایمان اسـتواری ندارند، باطنشان ظاهر می‌شود و دسـتخوش شک و تردید می گردند. کسانی که ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانده است، به سبب انتظار ظهور حضرت و ایستادگی در برابر شدائد، پخته تر و شایسته تر می گردنـد. امـام کـاظم(ع) فرمود": هنگـامی که پنجمین فرزنـدم غائب شـد، مواظب دین خود باشـید، زیرا او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از عقیـدهٔ خویش بر می گردنـد. خداونـد به وسـیلهٔ غیبت، بنـدگان خویش را آزمـایش می کنـد.("۸) آزادی از یوغ بیعت در بعضـی از روایـات یکی از علـل غیبت امام، آزادی او از یوغ بیعت با حاکمانِ سـتمگر زمان بیان شـده است؛ بدین معنا که امام هیچ رژیمی را، حتی از روی تقیه، به رسـمیت نمی شناسد. اگر حضرت در غیبت نبود، باید با حکومت های عصر خود بیعت می کرد، که با اهـداف و آرمان امام همخوانی نـداشت. حسن بن فضّال می گویـد: امام هشـتم فرمود": گویی شـیعیان را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام حسن عسـکری) در جسـتجوی امام خود، همه جا را می گردند. امام او را نمی یابند." عرض کردم: چرا غـایب می‌شـود؟ فرمود": برای این که وقـتی بـا شمشـیر قیـام می کنـد، بیعت کسـی بر گردن وی نباشـد.("۹) پی نوشت: ۱ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹. ۲ نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۴. ۳ همان، ص ۱۴۴. ۴ ینابیع الموده، ص ۲۳. ۵ وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱. ۶ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱. ۷ اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۸. ۸ شیخ طوسی کتاب الیبغه، ص ۲۰۴، نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۴. ۹ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

بـا ایـن هـمـه عـلاقـه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان علیه السلام اظهار می شود ,چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است ؟

پرسش

با ایـن هـمـه عـلاقـه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان علیه السلام اظهار می شود ,چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است ؟

پاسخ(قسمت اول)

قـانـون عرضه و تقاضا حکم می کنـد که به همان نسبت که تقاضا موجود است , عرضه نیزبر همان پایه باشـد . چـون در غـیـر ایـن صـورت , نظام زندگی به هم می خورد و تعادل از میان می رود , و در نتیجه آشـفتگی پدید می آید . چنانکه می دانیم , سالها بود که پیشوایان اسـلام در دسترس مسلمانان بودند و مردم را دعوت به راه راست و دین حق می نمودند . بـه اعـتـراف دوسـت و دشمن , پیشوایان از خاندان پیغمبر – یعنی ائمه طاهرین علیهم السلام , از امیرمومنان گرفته تا امام حسن عسکری – در تمام صفات برجسته انسانی وفضائل عالیه اسـلامی بهترین افراد امت اسـلام و برترین مردم عصـر خود بودند . مـع الـوصـف به شهادت تاریخ , طی دو و نیم قرن بعـد از رحلت پیامبر خاتم صـلی اللّه علیه و آله , تـمام آن رهبران عالیقـدر از صـحنه سیاست اسـلام کنار گذاشـته شدنـد , تاآنجا که هرگاه اقـدام به راهنمائی مردم غافل نمودنـد , با شـدت عمل و زنـدان و کشـته شدن مواجه گشـتند . این موضوع بقدری روشن است که مـا را از هرگونه توضیح بیشتری بی نیـاز می گردانـد . خـداونـد تـعـالـی , یازده شخصـیت بی نظیر – که جانشـینان شایسـته پیامبر اسلام بودند –بمنظور رهبری جامعه انسانی به جهان عرضه داشت , ولی بهیچ وجه , این عرضه هماهنگ با تقاضا نبود . روی ایـن اصـل , چـه بهـتر کـه آخریـن فرد آنـان , برای مـدتی طولانـی از نظرهـا غـائب گردد و بـه مردم جهـان عرضه نشـود , تا بـدینگونه حس تقاضای چنین پیشوای عالیمقامی در مردم گیتی پدیـد آیـد , و در آن زمان که زمینه مساعدگردیـد , خداوند متعال وجود او را عرضه داشـته و در اختیار تقاضا کنندگان بگذارد . نـکـتـه جـالـب اینجاست که در بسیاری از روایات اسلامی , از انتظار فرج و آمادگی مردم برای ظـهـور امـام زمـان صلوات اللّه علیه سخن به میان آمده , و ازآنان که پیوسته در انتظار آمدن آن حضرت هسـتند , سـتایش قابـل توجهی به عمـل آمـده است . مـوضـوع انـتـظـار فرج امـام زمـان – عجـل اللّه تعالی فرجه – چیزی جز همان

تقاضای عمومی برای عرضه داشتن آن وجود مقدس نیست . بعلاوه , چنانکه در تاریخ مذاهب و کتب آسمانی - خاصه قرآن مجید که بهترین سندزنده و دست نخورده تاریخی و دینی است - می خوانیم , کلیه پیامبرانی که خداوندد طول تاریخ بشر برای هدایت انسانها فرستاده است , همیشه در راه انجام وظیفه مقدس خود با عکس العمل شدید مردم مواجه بودند . مردم کوتاه فکر , بر اثر خودسری و فرومایگی , بدون توجه به هدف عالی و مکتب انسانی انبیاء از روی هوا پرستی وخودخواهی در مقام آزار و شکنجه و ریشخند پیامبران و رهبران بزرگ آسمانی خودبرآمدند , تا جائیکه نمونه اعلای آنان حضرت رسول اکرم - صلی اللّه علیه و آله -بارها می فرمود : هیچ پیغمبری مانند من از قوم خود آزار ندیده است . ادامه این تصادم و کشمکش سرانجام بقیمت زندان رفتن و تبعید و آسیب دیدن پیامبران تمام شد . و بیشتر آنان , جان عزیز خود را هم در این راه پر خطر ازدست دادند , با وجود این , خداوند مهربان برای اتمام حجت , نعمت وجود آنهارا از بندگان خود دریغ نداشت و این فیض همچنان ادامه یافت , ولی سوء رفتار مردم و عکس العمل ناهنجار آنان از حد گذشت , و کار بجائی رسید که لازم شد بشریت عکس العمل نافرمانی و ستیزه جوئی و هوا پرستی خود را ببیند . و بعبارت روشن تر ,جریمه عمل خود را بپردازد . نحوه عمل , در تمام ادوار یکسان بوده است , به این معنی که سلسله پیامبران وائمه طاهرین - صلوات اللّه علیهم اجمعین - همه یک هدف را می پیمودند , و یک برنامه داشتند , و جالب این که عکس العملها نیز یکنواخت بوده است . با در نظر گرفتن این جهات باید گفت : بگذارید بشر خودخواه و خیره سر , با غیبت طولانی آخرین برگزیده خدا , گذشته را به یادآورد , و علت دست نیافتن به آن عزیزمهربان را در واکنشی که خود نشان داده , جستجو کند . آنگاه زمانی که از هر جهت زمینه فراهم شد , اوضاع جهان مساعد گردید , مردم از همه جا مایوس شدند و همه باهم از دل و جان از خداوند منان طلب رهبر نمودند , پروردگار مهربان , نجات دهنده دنیا را برای اصلاح اساسی جهان آشکار سازد , تا نجات انسانها از بیدادگری وبدبختی و ترمیم ویرانی ها , که در غیاب آن پیشوای بزرگ جهانی , دامنگیر بشریت شده است , آغاز شود , و بوسیله او به تمام مصائب و آلام عمومی پایان دهد , تاسراسر گیتی برای همیشه در صلح و صفا و آرامش کامل بسر برد . این موضوع در پاره ای از روایات هم دیده می شود . شیخ صدوق - دانشمند عالی مقام شیعه - در کتاب علل الشرایع روایت می کند که امام محمد باقر علیه السلام درجواب مروان انباری راجع به علت غیبت صاحب الامر صلوات اللّه علیه نوشتند : هنگامیکه خداوند , همزیستی مردمی را برای ما ناخوش داشت , ما را ازمیان آنها بیرون می برد (۱) . دانشمند مزبور در کتاب دیگر خود معانی الاخبار روایت می کند که امام صادق (ع)فرمود : مادام که ودایع الهی آشکار نشود , قائم او ظهور نخواهد کرد . هنگامیکه آن مردان مومن و ثابت قدم و فداکار پیدا شدند , او نیز آشکار می گردد ,و بر دشمنان خدا پیروز گذشته همه را نابود می کند (۲) . بگذارید وجدانها بیدار گردد . می دانیم که زندگی بشر با عواطف و غرائز او بستگی دارد . این غرائز و عواطف ,چنانچه در راه صحیح بکار افتد , قطعا بشر را به راه سعادت و طریق صحیح زندگی سوق می دهد , که ما از آن به دینداری و ایمان به خدا و تعالیم آسمانی تعبیرمی کنیم . ولی چنانچه از مسیر تعادل منحرف گردید و در راه های غلط و زیان بخش به کار رفت , فرد و اجتماع را دچار مخاطرات و مشکلات خواهد کرد . طغیان عواطف وسرکشی غرائز , نظام زندگی را درهم می ریزد و جامعه انسانی را به هرج و مرج وفساد و تباهی و آشوب و نابودی می کشاند . حکمت بعثت انبیاء و برگزیدن امامان عالی مقام از جانب خداوند مهربان هم , جزاین نبوده که آن مردان بزرگ می خواستند با تعالیم خردپسند خود , عواطف و غرائزرا مهار کنند و در حال اعتدال قرار دهند . در این حال , این امیال قلبی هر کدام به میزان لازم و در مجرای صحیح و معقولی اعمال می گردد , تا در سایه آن , افراداجتماع با آسایش تن و آرامش خاطر زندگی کنند . ولی بشر که پیوسته در معرض طغیان عواطف و غرائز و نزاع با وجدان سالم خویش است , به این آسانی حاضر نیست به راه بیاید و در برابر تعالیم انبیاء و رهبران دینی - که صددرصد بنفع اوست - گردن بنهد و تسلیم گردد . واکنشهائی که در برابر تبلیغات و نصایح خیرخواهانه انبیاء و امامان از خودنشان می دادند , همان طغیان عواطف و سرکشی غرائز بود که در نتیجه

, وجدان واقع بین و عقل سلیم آنها را کنار می زد و از صحنه قضاوت صحیح و تشخیص زشت و زیباو حق و باطل خارج می ساخت . روی این جهات , پیامبران الهی که می دیدند با همه سعی و کوششی که در راه هدایت بشر مبذول می دارند , وجدان خفته آنان بر اثر طغیان عواطف و سرکشی غرائز بیدارنمی گردد , و به راهنمائی های آنها ترتیب اثر نمی دهند , آخرین چاره را در این می دیدند که جامعه را بحال خود واگذارند و مدتی از میان آنها بیرون بروند . باشدکه توده سرکش و مردم هوا پرست با احساس تنهائی و بی سرپرستی , درباره روش وسرنوشت خود تجدید نظر کنند , و با فراغت بیشتر و فرصت بهتری , وجدان خفته شان بیدار شود و در جو مناسبی پی به هدفهای نورانی انبیاء و مکتب عالی خدا پرستی آنها ببرند . در قرآن مجید می خوانیم که چون حضرت ابراهیم خلیل , قهرمان توحید , از راهنمائی قوم بت تراش و بت پرست خود مایوس گشت , و با تهدید و عکس العمل شدید آنهامواجه گردید , فرمود : و اعتزلکم و ما تدعون من دون اللّه وادعوا ربی (۳) . من از شما و آنچه غیر از خدا می خوانید , کناره می گیرم و خدای خود رامی خوانم . حضرت ابراهیم با این منطق از میان کلدانیان بیرون آمد , و به شهر حران شام رفت . مردم حران هم مشرک بودند و آفتاب و ماه و ستاره می پرستیدند . ابراهیم علیه السلام در آنجا نیز وجدان خواب گرفته آنها را با منطق الهی خود بیدار کرد ,و در جریان ایمان به خدای یکتا گذاشت و گفت : انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا و ما انا من المشرکین (۴) . من رو بسوی خدائی آورده ام که آسمانها و زمین را آفرید , من پیرو دین حنیف خداوند یکتایم و از مشرکان نیستم . سپس از آن شهر رهسپار فلسطین شد . بطوریکه در تاریخ می خوانیم , با رفتن ابراهیم از آن دو نقطه , مردم به وجدان خفته خود بازگشتند . سپس با بیداری وجدان و فرونشستن طغیان عواطف خویش , به یاد تبلیغات و راهنمائی های سودمند آن حضرت افتادند . و از همین رهگذر , تعداد قابل ملاحظه ای در غیاب وی به خدای یگانه ایمان آوردند . همچنین در سوره یونس می خوانیم که چون حضرت یونس , قوم سرکش خود را دعوت به دین خدا نمود و نپذیرفتند , آنها را تهدید کرد که سرکشی شما , از طرف خداوندبدون عکس العمل نمی ماند , و بزودی عذاب الهی – که واکنش رفتار ناپسند شماست –می رسد و همه را فرا می گیرد . و چون بازهم گوش نکردند , از میان قوم بیرون رفت وآنها را به حال خود گذاشت . با رفتن و ناپدید شدن یونس و دیدن علائم عذاب , قوم به خود آمدند و سخنان او رابیاد آوردند . و با بیداری وجدان , توبه کردند و عذاب هم نازل نگردید ۱۰۰۰اینک می گوئیم : خداوند سبحان , طی ده ها قرن برای هدایت افکار و بیداری وجدانهای بشر و تعدیل عواطف و غرائز آنها , رهبرانی شایسته برانگیخت . ولی بشر خیره سر ,دست از خودسری های خود برنداشت . و اگر عکس العمل موافقی هم نشان داد , نسبت به زحمات انبیاء و پیشوایان خود , بسیار ناچیز و بی ارزش بود . بنابر این بگذاریدآخرین بیدار کننده وجدانهای بشری – مهدی موعود صلوات اللّه علیه – مدتی طولانی از دسترس بشر خارج گردد , تا همین غیبت طولانی و کناره گیری آن وجود مقدس ,وجدانها را از خواب گران بیدار کند , و در غیاب وی آنچنان استعداد و آمادگی پیدا کند , تا هنگامی که از هر نظر شایستگی یافتند , آن پیشوای غائب باز گردد ,و جهان را پر از عدل و داد کند , چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد . مردم در غیبت امام , آزمایش می شوند . یکی دیگر از علل غیبت امام زمان علیه السلام این است که : اگر آن پیشوای عالی قدرمانند پدران بزرگوارش آشکار بود و در دسترس همگان قرار داشت , آنطور که باید ,دوست و دشمن شناخته نمی شدند . ولی با غیبت آن حضرت , دوستان حقیقی و دشمنان واقعی بخوبی شناخته می شوند , و میزان دوستی و دشمنی آنها کاملا معلوم می گردد . این معنی طی بسیاری از روایات معتبر شیعه بما رسیده است . قسمتی از آن را درکتابهای غیبت نعمانی و غیبت شیخ طوسی می خوانیم . امام باقر علیه السلام می فرماید : غیبت قائم ما آنقدر به طول می انجامد تا مردم کاملا آزمایش شوند , و آلودگی برطرف گردد , و پاکی باقی بماند (۵) . و امام صادق علیه السلام فرمود : قائم موعود بسوی شما بازگشت نمی کند , مگر بعداز آنکه مردم (بواسطه طول غیبت) از آمدن او مایوس گردند . نه . بخدا نمی آید ,مگر آنکه نیک و بد شما از یکدیگر جدا شوند . نه . بخدا او نمی آید , مگر وقتی که پاک و خالص شوید . نه . بخدا نمی آید , مگر بعد از آنکه افراد شقی و

سعادتمندشناخته شوند (۶) . آخرین نماینده خدا باید محفوظ بماند . نکته دیگری که در روایات مهدی موعود زیاد دیده می شود , این است که چون دشمنان اهل بیت متوجه شدند امام یازدهم فرزند خردسالی دارد , درصدد گرفتن و کشتن وی برآمدند . خداوند هم آن حضرت را از سوء قصد دشمنان نجات داد . ممکن است بگویند : آن روز خلفای عباسی مخالف آنحضرت بودند , ولی بعد از سقوط آنها وادوار بعدی , چرا آشکار نشد ؟ . می گوئیم : مگر طرز فکرمخالفان شیعه نسبت به معتقدات آنها , تاکنون فرق کرده است ؟ . بطور قطع اگر امروز آن حضرت آشکار شود , اکثریت مسلمانان فقط به عنوان اینکه وی امام شیعه و مردی از خاندان پیغمبر است , با وی بمخالفت برخواهند خاست و همان خطری که از ناحیه خلفای عباسی متوجه آن حضرت بود , با شدت بیشتری خودنمائی خواهد کرد . نکته دیگر اینکه : چرا خداوند منان , پدران حضرت را از خطر دشمنان پنهان نگردانید ؟در پاسخ این سوال می گوئیم : پدران حضرت که آشکار و در دسترس مردم بودند , اگریکی از آنان بقتل می رسید , دیگری بود که جانشین وی باشد . ولی سخن در این است که تمام مسلمانان می گویند : مشیت الهی بر این قرار گرفته است که مهدی موعودآخرین برگزیده خدا باشد . بنابر این لازم است که خداوند سبحان , وجود او را از هرگونه خطری محفوظ بداردتا جهان بوسیله آخرین نماینده خدا , روی صلاح و رستگاری به خود ببیند . سخن کوتاه و پر مغز زیر از فیلسوف بزرگ شیعه خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب تجریدالعقاید است که با بحث ما تناسب کامل دارد . خواجه می نویسد : وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا . وجود امام زمان (ع) لطفی از جانب خداوند بر بندگان است . و تصرف وی در امورمردم , هم لطف دیگری است . و اگر او در میان ما نیست و ما او را نمی بینیم , این دیگر تقصیر ماست که آن حضرت را از دست داده ایم . ظهور امام زمان و گسترش فساد . اگر فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (ع) است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم ؟یکی از نشانه های آغاز انقلاب امام زمان , فراگیری ظلم و جور در جهان است و این مطلب را از دو راه می توان ثابت کرد :۱ – پیامبر گرامی فراگیری ظلم و جور را , نشانه آغاز انقلاب دانسته و در حدیثی که محدثان اسلامی نقل کرده اند , فرموده است : یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا . زمین را پر از قسط و عدل می کند , چنان که از ظلم و جور پر گردد . فرهنگ نویسان زبان عرب می نویسند : تجاوز به حقوق دیگران و اختصاص دادن آن به خویشتن , ظلم است . و محکم کردن پایه های حکومت از طریق مسلط کردن گروهی برجان و مال مردم و اشاعه تبعیض , جور است . هرگاه چنین تفسیری برای این دولفظ درست باشد , قهرا قسط نقطه مقابل ظلم , و عدل نقطه مقابل جور , خواهد بود . بنابر این فراگیری فساد از نظر احادیث اسلامی , یکی از نشانه های انقلاب حضرت مهدی است . ۲ – فشار و اختناق هرگاه از حد بگذرد , مایه انفجار می گردد

پاسخ(قسمت دوم)

. انفجارهای اجتماعی , مانند انفجارهای مکانیکی است که در درجه معینی از فشار , انفجار رخ می دهد . و در حقیقت گسترش فساد به وسیله ضحاکان زمان , انقلاب را نزدیکترمی کند , و در نتیجه بذرهای انقلاب را آبیاری می نماید , تا لحظه ای که بحران به اوج خود برسد و انقلاب صورت پذیرد . با توجه به این دو مطلب , در این جا سوالی مطرح می گردد که : اگر فساد و بحران ,مایه تحقق انقلاب های بنیادی است , پس وظیفه ما در زمان غیبت امام , دامن زدن به فساد و کوشش در گسترش آن است . و در غیر این صورت , با دست خود انقلاب الهی رابه عقب انداخته و خود را در یک زندگی نامطلوب حس خواهیم کرد . هر نوع اصلاح گرائی و تربیت افراد در مقیاس های کوچک یا بزرگ , و کوشش در تقلیل فساد و ستم , گامی است در جهت تحکیم و دیرپائی رژیمهای ظالمانه که از طریق بازگذاردن این نوع دریچه های اطمینان , به حیات و حکومت ننگین خود ادامه می دهند ,و بر مال و جان ملت می تازند . به خاطر دارم که در دوران پیش از انقلاب , برخی از جوانان حاد و تند , اما ساده لوح که تحت تاثیر افکار مادی برخی از گروهکهای چپ انقلابی نما قرار گرفته بودند ,بر کوششهای توانفرسای

گویندگان و نویسندگان و رجال خیرخواه کشور , انتقادمی کردند و خرده می گرفتند و می گفتند : شما با این اصلاحات کوچک و سطحی و قشری ,از فشار دستگاه حکومت می کاهید و در نتیجه انقلاب ملت ایران را عقب می اندازید . از این جهت , باید به جای تاسیس مراکز درمانی و فرهنگی و دیگر امور اصلاحی به گسترش فساد دامن زد , تا انفجار رخ دهد و مردم از شر ظلم و ستم حاکم راحت وآسوده شوند . پاسخ اکنون به تجزیه و تحلیل این اشکال که به دست و پای برخی از جوانان ما پیچیده است , می پردازیم . در این جا , دو پاسخ داریم , که هر کدام می تواند اساس اشکال را از بین ببرد . ۱ - گسترش فساد کافی نیست بلکه آگاهی نیز لازم است . پایه اشکال را یک مطلب تشکیل می دهد و آن این است که تصور شده است , که تنهاگسترش فساد و به اوج رسیدن بحران در تحقق انقلاب کافی است , در صورتی که در کنارگسترش فساد , شرط اساسی تری لازم است که بدون آن انقلاب رخ نمی دهد , و آن شرطعبارت است از : آمادگی مردم برای انقلاب , از طریق بالا رفتن سطح آگاهی و هوشیاری در گروههای مختلف . مقصود از بالا-رفتن سطح آگاهی , این است که انسان ها , به موقعیت و ارج وجود خودپی ببرند , و تحمل ظلم و فساد را زندگی ننگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست . آنگاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود , و ستم قدرت های طاغوتی , بذر انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با طرق گوناگون , درآبیاری آن بکوشند . ناگفته پیداست , تا زمانی که در توده ها چنین آگاهی پدیدنیاید , و انسانها بر ارزش خود واقف نگردند , و امکانات خود و طرف را درست نسنجند , انقلاب کوری رخ می دهد که نمی تواند , مصالح مردم را تضمین کند . به عبارت روشن تر : برای تحقق یک انقلاب , تنها گسترش فساد و یا وجود یک رهبر لایق کافی نیست , بلکه علاوه بر این , آمادگی روحی و فکری لازم است که مردم در موقع مناسب بهای انقلاب را که همان ایثارگری و شهادت در راه هدف است , بپردازند . درغیر این صورت , سستی و تنبلی و اکتفا به وضع موجود , در روح جامعه لانه می گزیند , و اندیشه انقلاب به ذهن آنان راه پیدا نمی کند . و با تمسک به منطق موسی به دین خود , عیسی به دین خود , و یا هر کسی باید گلیم خود را ازآب بیرون ببرد , من چه کار به کار دیگران دارم و امثال این جملات , وضع موجود را که توام با یک نوع راحت طلبی است , بر قیام و انقلاب و تحمل زندان وشکنجه و قتل و اعدام ترجیح می دهد . باید توجه نمود که مدت هاست که فساد , جهان را فرا گرفته است . فساد ابرقدرت هادر بسیاری از مناطق جهان - بویژه آفریقا و آسیا - به شدیدترین وضع رسیده است . از روزی که غرب , اندیشه تسلط بر شرق را در سر پرورانده , هر روز در نقاط مختلف جهان , بر مظالم خود افزوده و میلیونها نفر را در بند کشیده است . تنها بررسی وضع کشورهای استعمار زده افریقا و جنوب آسیا سند روشن و گویایی بر این مطلب است . ۲ - پرورش یک نیروی مهیای منتظربرای تحقق قیام حضرت مهدی علیه السلام , یک ارتش مهیا و نیروی ضربتی کارآمد لازم است که پشت سر امام علیه السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد . از این جهت باید در جهنم سوزان ظلم و جور و فساد و تبعیض , افراد فداکاری پرورش یابند , تاپیام آور بهار عدالت باشند . این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند ,و جانباز و فداکار باشند . تربیت چنین افرادی , بر عهده مصلحان دلسوز است که درهر زمان برای تربیت این گونه افراد , همت گمارند و آنی از این کار غفلت نورزند . بنابر این هرگز نمی توان به این دلیل واهی که فساد مایه انفجار و انقلاب است , از کارهای اصلاحی که منجر به تربیت چنین افرادی گردد , سرباز زد . از همه اینها گذشته , ما باید موقعیت خود را در زمینه قیام مهدی عجل اللّه تعالی فرجه مشخص کنیم . بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم , از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی عجل اللّه تعالی فرجه برای درهم کوبیدن آنها صورت می گیرد . واگر درصدد اصلاح جامعه باشیم , از کسانی خواهیم بود که در زمره اصحاب فداکارحضرتش عضویت خواهند داشت . بنابر این به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد ,ظهور امام مهدی صلوات اللّه علیه را به پیش بیندازیم , وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم . مگر نه این است که حضرت بقیه اللّه علیه السلام برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن ظلم و فساد قیام می کند ؟ ما چگونه می توانیم باگسترش فساد , از قیام آن بزرگوار بهره

منـد شویم ؟بنـابـر ایـن سـکوت در برابر فسـاد , و یـا کمـک به توسـعه فسـاد , نه از لحاظ کلی برای ظهور مهـدی موعود عجل اللّه تعالی فرجه صـحیح است , نه از نظر شخصی . بـیشتر بنظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهنـداز زیر بار مسولیتها فرار کنند , و یا آلوده هر فسادی شوند . بطور خلاصه , گسترش فساد و ظلم , اگر منجر به انظلام – یعنی پـذیرش ظلم وسـتم – بشود , هیـچ گاه زمینه قیام علیه آن نخواهـد شـد . بلکه تنها در صورتی مفیـداست که مقدمه مبارزه در جهت تحقق عـدالت و نیکی باشـد . بـدیـهـی اسـت کـه این مقـدمه نیز هیچگـاه عملی نخواهـد شـد , مگر زمـانی که مردم , بـدی ظلم را بدانند . و دربرابر آن , مظاهر صلاح و تقوای فردی و اجتماعی را نیز بشناسند . و تنها راه این شناخت , دعوت مردم به سمت صلاح و تقوی است . از سوی دیگر , در احادیثی که پیامبر و ائمه علیهم السـلام وظایف منتظران را معین کرده اند , همه جا سخن از تقوی , ورع , صـلاح , سـداد , دوری از گناه و قرب به خداست . بـه عـنوان نمونه , امام صادق علیه السـلام فرمود : من سـره ان یکون من اصـحاب القـائم فلینتظر و لیعمـل بـالورع و محـاسن الاخلاـق و هومنتظر . فـان مات و قام القائم بعـده , کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه . فجدوا وانتظروا هنیئا لکم ایتها العصابه المرحومه (۷) . هر کس خوشنود می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد , پس باید منتظر باشد ,و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند , در حالی که منتظر است . اگـر چـنین شخصـی , پیش ازظهور حضرتش بمیرد , اجر او مانند کسـی است که زمان ظهور آن حضرت را درک کرده است ،پس (در جهت نیکی ها) بکوشـید و منتظر باشید . (این انتظـار) گوارا بـاد بر شـمای گروه رحمت شـده . عـلمـای گذشـته ما , درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت , کتابهائی مسـتقل نوشـته یـا فصولی از کتب خود را اختصـاص داده انـد . مـانـنـد : نجم الثـاقب تالیف مرحوم حاج میرزا حسن نوری (متوفای ۱۳۲۷) , مکیال المکارم تـالـیـف مـرحـوم مـیرزا محمـد تقی موسوی اصـفهانی (متوفای ۱۳۴۸) , وظیفه مردم در زمـان غیبت امام زمان علیه السـلام تالیف همان بزرگوار . در این کتابها و مشابه آنها که تنها بر اساس روایات معصومین علیهم السـلام نوشـته شـده , هیچگاه پر کردن جهان از ظلم به عنوان وظیفه منتظر در زمان غیبت یاد نشده است . در واقع , هیچ عاقلی پیدا نمی شود که با الفبای کلام معصومین آشـنا بوده و چنین عقیده ای داشـته باشد . مـگر اینکه مانند گروهکهای چپگرای از عقل بیگانه باشد , که این سخن را بعنوان وسیله سرکوب بعضی گروهها بکار برد .

مهمترین و بزرگترین مانع سر راه حضور امام زمان (عج) در جامعهٔ کنونی و در جهان و عصر حاضر چیست؟

پرسش

مهمترین و بزرگترین مانع سر راه حضور امام زمان (عج) در جامعهٔ کنونی و در جهان و عصر حاضر چیست؟

پاسخ

در رابطه با سؤال حضرتعالی نکات متعددی را می توان مطرح نمود که عمده آنها را می توان با یک مقدمه توضیح داد وآن مقدمه این است که به امامت رسیدن صالحان در زمین که وعده خداوند در قرآن است متوقف بر شرایطی است که بدون تحقق آنها ، این مهم ممکن نخواهد بود ، هر چند خداوند قادر است با امر تکوینی هر چه بخواهد انجام دهد " انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون " ولی مشکل فیض گیرنـدگان این است که نمی تواننـد تمـام فیض را یـک جـا وبـدون مراعات شـرایط زمانی ومکانی و... دریافت کننـد ، پس زمان برای ایجاد قابلیت واسـتعداد پـذیرش لازم است و نظری کوتاه به عـدم پـذیرش ائمه قبل از وجود بقیـة الله (عج) از طرف مردم عصـر خود به راحتی این مهم را واضح می کند ، لذا غیبت امام زمان (ع) برای تحقق آن شرائط است که عمده آن پرورش انسانهای صالح وایجاد آمادگی در مردم برای پذیرش حکومت عادلانه جهانی آن حضرت است ، به تعبیر دیگر بشریت

باید به بلوغ حکومت آن حضرت برسد وتشنگی وعطش تحقق حکومت جهانی او را آنقدر در خود احساس کند که آمادگی تحمل وپذیرش آنرا در خود بیابد . خوب است شما خواهر عزیز برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب عصاره خلقت آیةالله جوادی آملی مراجعه کنید .

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟

پاسخ

هر نهضت و انقلابی که برای هدف معینی بر پا شود در صورتی امکان پیروزی دارد که زمینهٔ آن، از هر جهت فراهم باشد و اوضاع و شرایط کاملاً آماده باشد. یکی از شرایط مهم موفقیت این است که عموم ملت خواستار آن انقلاب باشند و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی آن مهیا باشد. در غیر این صورت انقلاب با شکست مواجه خواهد شد. نهضت و قیام مهدی موعود نیز از این قاعدهٔ کلی مستثنی نبوده در صورتی می تواند پیروز گردد که اوضاع و شرائط مساعد و زمینه فراهم باشد. نهضت آنجناب یک نهضت سطحی و کوچک نیست بلکه یا انقلاب همه جانبه و جهانی است. برنامهٔ بسیار عمیق و دشواری دارد. می خواهد تمام اختلافات نژادی و کشوری و زبانی و مرامی و دینی را برطرف سازد و سرتاسر گیتی را با یک حکومت نیرومند اداره کند تا همهٔ بشر با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند. او می داند که آب را باید از سرچشمه اصلاح کرد و لذا علل و عوامل اختلاف انگیز را از ریشه قطع می کند تا گرگ صفتان، خوی درندگی را از دست بدهند و مانند گوسفندان در کنار هم زندگی کنند. می خواهد کفر و مادیگری را ریشه کن سازد و عموم جهانیان را بسوی قوانین و برنامه های الهی متوجه کند و دین اسلام را آیین همگانی گرداند. می خواهد افکار پریشان بشر را بسوی یک هدف متمرکز کند و معبودهای دروغین و فتنه انگیز را مانند: مرزها، نژادها، کشورها، مرامها، حزبها، قاره ها و شخصیتهای کاذب را از مغز بشر ریشه کن سازد و بطور خلاصه، می خواهد نوع بشر و جوامع انسانی را به سعادت و کمال واقعی برساند و اجتماع صالحی به وجود آورد که بر پایهٔ فضائل و صفات انسان و اخلاق نیک استوار باشد. البته گفتن و نوشتن اینگونه مطالب دشوار نیست لیکن دانشمندان و اهل تحقیق می دانند که به وقوع پیوستن یک چنین انقلاب جهانی و عمیق کاری است بسیار دشوار و چنان نیست که بدون تهیه اسباب و مقدمات و آمادگی افکار عمومی و فراهم بودن زمینه، امکان وقوع داشته باشد. یک چنین انقلاب عمیقی باید از اندورن دلهای جهانیان سرچشمه بگیرد و همهٔ انسانها بالاخص مسلمانان که می خواهند پرچمدار آن نهضت باشند، آمادگی داشته باشند. قرآن کریم نیز شایستگی و صلاحیت را شرط آن انقلاب دانسته می فرماید: ما در زبور نوشتیم که بندگان شایسته و صلاحیتدار ما قدرت زمین را بدست می گیرند. (۱) بنابراین، تا نوع بشر به حد کمال و رشد نرسد و برای پذیرفتن حکومت حق آماده نگردد مهدی موعود ظاهر نخواهد شد. البته رشد فکری یک حادثهٔ آنی نیست بلکه در طول ایام و به واسطهٔ پیش آمدهای روزگار پیدا می شود و رو به کمال می رود. باید جهانیان آنقدر این کشور و آن کشور بگویند، و بر سر مرزهای موهوم کشوری بجنگند و خونریزی کنند تا بستوه آیند و بفهمند که حدود و مرزها ساخته و پرداخته افکار کوتاه و خودخواهی انسانهاست. در آن صورت از آن حدود اعتباری و اختلاف انگیز منجر می شوند، و تمام جهان را یک کشور و همهٔ افراد بشر را هموطن و در نفع و ضرر و سعادت و بدبختی شریک می دانند. در آن هنگام سیاه و سفید، زرد و سرخ، آسیائی و آفریقائی، آمریکائی و اروپائی، شهری و دهاتی، عرب و عجم را می توانند به یک چشم نگاه کنند. باید

دانشمندان، برای اصلاحات عمومی و سعادت و آسایش انسانها آنقدر قانون تدوین کنند و تبصره بآنها بزنند و بعد از مدتی آنها را لغو کنند و قوانین تازه تری را به جای آنها بگذارند تا خسته شوند و جهانیان به نقصان و سستی قوانین بشر و افکار کوتاه قانونگذاران پی ببرند و از اصلاحاتی که به وسیلهٔ آن قوانین می خواهد انجام بگیرد مأیوس شوند و بدین مطلب اعتراف کنند که یگانه طریق اصلاح بشر پیروی از پیمبران و اجرای قوانین الهی است. بشر هنوز حاضر نیست در مقابل برنامه های خدا تسلیم شود. گمان می کند که به وسیله علوم و اختراعات می تواند اسباب سعادت انسانها را فراهم سازد، لذا برنامه های الهی و معنویات را کنار گذاشته و دو اسبه دنبال مادیات می دود. باید آنقدر بدود تا جانش به ستوه آید و سرش به سنگ بخورد. آنگاه بدین مطلب اعتراف می کند که علوم و اختراعات گر چه می توانند انسان را به فضا پرواز دهند و کرات آسمانی را مسخرش گردانند و سلاحهای کشنده و ویران کننده را در اختیارش قرار دهند اما نمی توانند مشکلات جهانی را حل کنند، استعمار و بیدادگری را ریشه کن سازند و بشر را به سعادت و آسایش روانی برسانند. از آن وقتی که بشر حاکم و زمامدار و فرمانروا پیدا کرده و حکومتشان را پذیرفته است همواره از آنان انتظارها داشته است. همیشه امیدوار بوده و هست که آن افراد زورمند و زیرک جلو تعدیات را بگیرند و اسباب رفاه و آسایش عموم را فراهم سازند. لیکن کمتر شده که به امید و آرزویش برسد و به حکومت دلخواه دست یابد. در هر عصری آن را به صورتی در آورده شکل تازه ای بدان داده اند، اما بعد از چندی مشاهده شده که وضع همان وضع سابق است و چندان تفاوتی نکرده است. باید آنقدر حکومتهای رنگارنگ در جهان تأسیس شود و مرامها و احزاب فریبنده به وجود آید و بی لیاقتی آنها ثابت شود تا بشر از اصلاحات آنها مأیوس گردد و تشنهٔ اصلاحات خدایی شود و برای پذیرفت حکومت توحید آماده گردد. هشام بن سالم از حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرموده: تا همهٔ اصناف مردم به حکومت نرسند صاحب الامر قیام نمی کند. برای اینکه وقتی حکومتش را تشکیل داد کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم. (۲) امام باقر (ع) فرمود: دولت ما آخرین دولت است. هر خاندانی که لیاقت حکومت داشته باشند قبل از ما به حکومت می رسند، تا وقتی حکومت ما تأسیس شد و رفتار آن را دیدند نگویند: ما هم اگر به حکومت رسیده بودیم مانند آل محمد عمل می کردیم و اینست معنای آیه، و العاقبه للمتقین (۳) با توجه به سخنان گذشته روشن شد که هنوز طبع انسانیت برای تحمل حکومت توحید آماده و مهیا نشده، لیکن چنان نیست که برای همیشه از این نعمت بزرگ محروم بماند. بلکه خداوند حکیم که انواع موجودات را به کمال مطلوب می رساند، نوع انسان را نیز از رسیدن به غایت مطلوب، محروم نخواهند ساخت. بشر از روزی که پا بر زمین گذاشته همیشه در آرزوی یک زندگی اجتماعی خوش و سعادتبخش بوده و در راه رسیدن به آن تلاش و کوشش می نموده است. همیشه از جان و دل خواستار یک عصر درخشان و اجتماع صالحی بوده که ظلم و تعدی در آن نباشد. این خواستهٔ درونی بشر بی هدف و غایت نیست و خداوند حکیم نوع انسان را از وصول به چنین غایت مطلوبی محروم نخواهد کرد بطور قطع جهان روزی را در پیش دارد که افکار مردم کاملاً ـ بیدار می شود، از احکام و قوانین و برنامه و مرام های گوناگون مأیوس می کردند، از حکام و فرمانروایان بشر ناامید میشوند، از مشکلات و گرفتاری هایی که به دست خودشان تهیه شده به ستوه می آیند و از هر طرف متوجه خدا و قوانین الهی می شوند. چارهٔ دردها و مشکلات لاینحل اجتماعی را در پیروی از مکتب انبیاء می دانند. احساس می کنند که به دو چیز گرانبها احتیاج دارند: اول برنامه و نقشهٔ اصلاحات. و قوانین کامل و دست نخورده و روشن الهی. دوم یک زمامدار معصوم و فوق العاده ای که در طریق اجرای احکام و برنامه های خدایی دچار سهو و اشتباه و خطا نشود و همه انسانها را به یک چشم نگاه کند. خداوند حکیم مهدی موعود را برای یک چنین موقع حساسی ذخیره نموده و قوانین و برنامه های متین اسلام را در نزدش ودیعه گذاشته است. در روایات اهل بیت علیهم السلام علت دیگری نیز برای تأخیر در ظهور ذکر شده است. حضرت صادق (ع) فرمود: خدا در صلب کافران و منافقان نطفهٔ افراد باایمانی را ودیعه نهاده است، به همین جهت بود که علی (ع) از کشتن پدران کافر، خودداری می نمود تا اولاد مؤمن از آنان بوجود آید و بعد از آن، به هر یک از آنان دست

می یـافت به قتلش مبـادرت می کرد. همچنین قائم ما اهل بیت ظاهر نمی شود تا اینکه امانتهای الهی از صـلب کافران خارج شونـد. بعـد از آن ظاهر می شود و کفار را به قتل می رساند. (۴) برنامهٔ امام زمان این است که دین اسـلام و خداپرستی را به کافران عرضه می دارد هر کس ایمان بیاورد از قتل نجات پیدا می کند و هر کس سرسختی نشان داد و از قبول اسلام امتناع ورزید کشته می شود. از طرف دیگر می دانیم که در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده و می افتد که از نسل افراد کافر یا منافق فرزندان خدا پرست و مؤمن به وجود آمده اند. مگر مسلمانان صدر اسلام از پدران کافر به وجود نیامدند؟ اگر رسول خدا در فتح مکه، کفار مکه را قتل عام کرده بود آن همه مسـلمان از نسـلشان بوجود نمی آمـد. لطف و فیض خـدا اقتضا دارد که انسانها را به حال خود بگذارد تا در طول ایام و روزگار دراز فرزندان مؤمنی که امکان وجود دارند از نسـلشان پدید آیند. باید جهان ماده به مقدار قابلیت و استعدادش انسان مؤمن تحویل دهـد و از جانب خـدا به آنها وجود افاضه شود. مادامی که نوع انسان ثمر می دهد و افراد مؤمن و خداپرست از آن به وجود می آیـد بایـد باقی بماند و این وضع همچنان ادامه دارد تا هنگامیکه افکار عمومی برای پذیرش توحید و خداپرستی آماده گردد در آن هنگام امام زمان (عج) ظهور می کند. بسـیاری از کفار به دست آنجناب ایمان می آورند، افرادی هم که با آن شـرایط و اوضاع در کفر و مادیگری پافشاری نمایند اشخاصـی هسـتند که فرزندان مؤمن از آنها به وجود نخواهد آمد. منابع و مآخذ: ۱ـ سورهٔ انبیاء، آیه ۱۰۵ ۲ـ بحـار الانوار، ج۵۲، ص۲۴۴ ۳ـ بحـار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۲ ۴ـ اثبات الهـداه، ج۷، ص۱۰۵ ۵ـ دادگستر جهـان، ابراهیم امینی، ص ۲۴۰ـ۲۴۴

موانع ظهور آقا امام زمان و یا به تاخیر افتادن آن چیست ؟

پرسش

موانع ظهور آقا امام زمان و یا به تاخیر افتادن آن چیست ؟

پاسخ

در ابتـدا بایـد یک نکته را متـذکر شوم که با توجه به بعضـی آیات قرآن کریم و روایات بسـیاری از اسـرار آفرینش برای ما مجهول است و هیـچ کس هم مـدعی نیست که واقف به تمـام رموز آفرینش است. چنانچه خداونـد متعال می فرمایـد اگر تمام درختان قلم بشـود و آب دریـا به اضـافه هفت دریـای دیگر مرکب گردد بـاز نگـارش کلمـات خداونـد تمـام نگردد (لقمـان، آیه ۲۷). حضرت علی(ع) می فرمایـد: چه بزرگ است آنچه از آفرینش تو می بینم لکن در کنـاره آنچه از قـدرت تو از ما پنهان است بسـیار کوچک است و مسأله غیبت حضرت و سِر و علل آن هم یکی از کلمات الهی است که خود معصومین(ع) تصریح کرده اند که علت غیبت و موانع ظهورش معلوم نخواهد شد مگر بعد از ظهور حضـرت چنانچه حکمت کارهای حضرت خضر معلوم نشد در زمان مصاحبت با موسـی(ع) مگر بعـد از مفارقت (مضـمون روایت امام صادق در کتاب منتخب الاثر آیت الله صافی گلپایگانی، باب ۲۸، فصل ۲). با این حال خود این بزرگان گاهی پرده را کنار زده و به بعضی از علل غیبت و موانع ظهور اشاره کرده که با هم سر سفره معرفت آنها نشسـته و بهره می بریم. لکن مقـدمتا اشاره می کنیم که در روایات بسـیاری برای ظهور امام زمان(عج) شـرایطی ذکر شده که تا آن شرایط محقق نشوند حضـرت ظهور نمی فرمایند که نبود آن شرایط می شود از موانع ظهور مثلا در روایات متعددی – قیام سفیانی و قیام سـید حسـنی و قیام دجال و حوادث دیگر که در روایات مشروحا بیان شده است باید محقق شوند تا حضرت ظهور فرمایند پس مادام که این شـرایط و مقدمات حاصل نباشند ظهور محقق نمی شود. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: ۱. جهان آینده، محمد حسن موسوی کاشانی ۲. نویـد امن و امان، آیت الله صافی آنچه از روایات درباره موانع ظهور حضـرت اسـتفاده می شود به صورت

خلاصه عبارتند از: ۱- به حکومت رسیدن همه اقشار؛ یعنی غیبت حضرت آن قدر طول می کشد همه اصناف مردم از هر قشر و طبقه ای به حاکمیت برسند تا حجت بر همه تمام گردد و به همه معلوم شود که قادر به اجرای عدالت نیستند. چنانچه امام صادق(ع) می فرمایند نخواهد بود این امر [ظهور حضرت] تا آن که نماند هیچ صنفی از مردم مگر این که ولایت پیدا کنند تا این که کسی نگوید که اگر ما ولایت می یافتیم عدالت می ورزیدیم سپس حضرت قائم به حق و عدالت قیام کند (غیبت نعمانی، محمد ابن ابراهیم نعمانی، باب ۱۴، ش ۵۳). ۲- علت دیگری که امام باقر(ع) اشاره می فرمایند برای طولانی شدن غیبت امتحان است می فرمایند «لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤمن به» (جهان در آینده، محمد حسن موسوی کاشانی، ص ۱۳). و از روایات دیگر استفاده می شود که امتحان به غیبت از ۲ جهت از شدیدترین امتحانات است: الف) چون اصل غیبت که بسیار طولانی می شود بیشتر مردم در شک و ریب می افتند و جز اشخاص مخلص و دارای معرفت کامل کسی بر عقیده به امامت باقی نخواهد ماند چنانچه پیامبر(ص) فرمود «لا یثبت فیها الامن امتحن الله قلبه للایمان» (منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، فصل ۱، باب ۸، حدیث ۴۵). جهت دوم ناگواری ها و سختی هایی که در زمان غیبت رخ می دهد که امام صادق(ع) فرمود که هر کس بخواهد در عصر غیبت به دینش ملتزم باشد مثل کسی است که خارهای درخت خرما را با دست کنار بزند و غیبت طول می کشد تا سیه رویان در این محک معلوم شوند (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶). ۳- پیدا شدن قابلیت در منتظران یعنی مردم به این سطح از معرفت برسند که قوانین بشری در اجرای عدالت کافی نیست پیشرفت ها ولو در همه زمین ها به نابسمانانی ها و بی عدالتی ها پایان نمی دهد بلکه روز به روز بیشتر می شوند و بفهمند که فقط در پرتو ظهور حضرت عدالت کامل پیاده می شود و مردم استعداد و آمادگی برای اجرای عدالت توسط حضرت را داشته باشند نه مانند زمان علی(ع) که مردم قابلیت و تحمل اجرای عدالت او را نداشتند که «قتل لشده عدله» و این زمانی است که ظلم و تعدی همه عالم را فرا گیرد و تلخی ظلم به کام همه برسد تا همگان تشنه عدالت شوند چون تا انسان تلخی ظلم را نچشیده باشد نسیم عدالت را تشخیص نمی دهد. «یملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ زمین را پر از عدل و قسط می نماید بعد از این که پر از ظلم و جور شد» (کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۸۹). در روایات علل دیگری برای طولانی شدن غیبت ذکر شده مانند بیعت کردن با ظالمان برای حفظ جان از گزند دشمنان، کردار بد بعضی شیعیان، مهلت دادن به کافران و ظالمان، نبودن ناصر و یاری کننده. در این زمینه ر.ک: ۱. رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری ۲. نوید امن و امان، آیت الله صافی ۳. جهان در آینده، محمد حسن موسوی ۴. مهدی موعود، علی دوانی ۵. روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور لکن مهمترین علتی که در بسیاری از روایات بر آن تأکید شده این که طولانی شدن غیبت حضرت به حکمت الهی است و دارای مصالح و حکمت هایی است که تنها خداوند و آنها که محرم اسرار الهی هستند از آن با خبرند چنانچه امام صادق در جواب عبدالله بن فضل هاشمی وقتی در این مورد سؤال می کنند می فرماید ای پسر فضل همانا این مسأله سری از اسرار الهی است و غیبی از غیب های الهی است و وقتی ما خداوند را حکیم بدانیم همه افعال او را مطابق حکمت و مصلحت خواهیم دانست گرچه علت آنها برای ما روشن نباشد (رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری، ص ۵۴ نقل از الاحتجاج طبری، ج ۲، ص ۳۰۳). پس ولو علت و سر طولانی شدن غیبت حضرت برای ما معلوم نباشد باید بدانیم از آن مصلحت و حکمتی است و آنچه مهم است این که به وظایف یک منتظر واقعی حضرت عمل کنیم و به فرموده خود حضرت که فرمود برای فرج من بسیار دعا کنید. عمل کنیم. انشاءالله که چشمانمان به جمالش منور گردد. «اللهم عجل لولیک الفرج».

چرا امام زمان‌علیه‌السلام خود را برای مؤمنان مورد وثوق ظاهر نمی‌سازد؟

پرسش

چرا امام زمان‌علیه‌السلام خود را برای مؤمنان مورد وثوق ظاهر نمی‌سازد؟

پاسخ

اولاً: آن حضرت برای هر کس ...Ùبخو.....ظاهر شود ناگزیر می‌بایست برای معرفی خود معجزه‌ای اظهار نماید تا در صحت ادعایش یقین کنند. در این میان عده‌ای حقّه‌باز وساحر پیدا می‌شوند وبرای فریب مردم از راه سحر وجادو چنین می‌کنند، وخود را به عنوان امام زمان وانمود می‌نمایند. ثانیاً: افراد حیله‌گر از این موضوع استفاده کرده وادعای رؤیت می‌کردند، ولی به جهت سدّ این گونه انحرافات، ملاقات در حدّ گسترده ممنوع شد، گر چه خواصّی از افراد در موقعیت‌های مناسب وبنابر مصالح کلّی وجزئی به ملاقات حضرت شرفیاب می‌شوند.

چه محذوری داشت اگر امام زمان‌علیه‌السلام در بین مردم ظاهر می‌بود؟

پرسش

چه محذوری داشت اگر امام زمان‌علیه‌السلام در بین مردم ظاهر می‌بود؟

پاسخ

برخی ممکن است بگویند: چه اشکالی داشت اگر حضرت در بین مردم بود واز وجودش استفاده می‌کردند واو نیز در موقع مناسب قیام می‌نمود. پیامبر اکرم وائمه اطهار: کراراً به مردم گوشزد کرده بودند که دستگاه ظلم وستم به دست حضرت مهدی (ع) برچیده خواهد شد. از این جهت وجود حضرت، مورد توجه دو دسته قرار گرفت: الف. مظلومین وستم‌دیدگان عالم که تعدادشان زیاد بود. آنان به قصد اظهار تظلّم وامید حمایت، به دور وجود امام اجتماع می‌کردند واز او تقاضای نهضت ودفاع می‌نمودند، ولذا همیشه در اطراف حضرت گروه کثیری احاطه شده بود. در حالی که هنوز شرایط اساسی فراهم نشده است. ب. زورگویان وستمکاران خونخواری که بر ملّت‌های مظلوم تسلّط یافته ودر راه رسیدن به منافع شخصی خویش از هیچ عملی فروگذار نمی‌کردند وحاضر بودند که تمام مردم را فدای مطامع شخصی خود کنند. در نتیجه این گروه چون وجود حضرت را مانع وسدّ راه خود می‌دیدند درصدد نابودی حضرت بر می‌آمدند.

علت تأخیر فرج حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

علت تأخیر فرج حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

علت تأخیر فرج آقا ومولای ما امام زمان (ع) به خود انسان‌ها باز می‌گردد، زیرا تشکیل حکومت عدل وتوحیدی در سطح جهان، عمدتاً احتیاج به شرایط وآمادگی‌های لازم از طرف خود مردم دارد، از قبیل اینکه: ۱ - مردم مفهوم عدل را بدانند. ۲ - به حدّی

برسند که از جان ودل خواهان عدل باشند. ۳ - با عمل به دستورات شرع به حدّ بالای شعور فکری وفرهنگی برسند، گر چه در محدوده بخشی از مردم باشد. ولذا مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی در" شرح تجرید "غیبت حضرت را از ناحیه خود مردم می‌داند. ۴ - پیشرفت بشر از ناحیه صنعت وتکنیک. ودر مجموع فراهم نشدن مجموع شرایط لازم برای ظهور، علت تأخیر ظهور حضرت است. امام زمان (ع) در توقیعی که به شیخ مفید؛ می‌فرستد می‌فرماید": ولو أنّ أشیاعنا -وفّقهم اللّه لطاعته- علی اجتماع من القلوب فی الوفآء بالعهد علیهم، لما تأخّر عنهم الیُمن بلقآئنا، ولتعجّلت لهم السعادة بمشاهدتنا علی حقّ المعرفة منهم بنا، فما یحبسنا عنهم إلّا ما یتّصل بنا ممّا نکرهه ولانؤثره منهم"؛ "اگر شیعیان ما -که خداوند توفیق طاعتشان دهد- در راه ایفای {پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵. پاورقی} پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، وسعادت دیدار ما زودتر نصیب آنها می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین وصداقتی از آنان نسبت به ما. علت مخفی شدن ما از آنها چیزی نیست جز آنچه که از کردار آنها به ما می‌رسد وما توقّع انجام این کارها را از آنها نداریم".

چرا با اینکه ظلم سراسر جهان را فرا گرفته امام زمان (عج) ظهور نمی‌کند؟

پرسش

چرا با اینکه ظلم سراسر جهان را فرا گرفته امام زمان (عج) ظهور نمی کند؟

پاسخ

در روایات نشانه‌های کلی برای ظهور آن حضرت بیان شده است که خود به دو بخش علایم «حتمی» و «غیر حتمی» تقسیم می‌شود/ فراگیری فساد و ستم یکی از نشانه‌های کلی برای فرارسیدن زمان ظهور امام است که در روایات از آن یاد شده است،{۱} که با نگاه به وضعیت جهان معاصر، می‌توان به فراگیر بودن آن اذعان کرد، واقعیتی که بسیاری از مظلومان را به ستوه آورده است. لیکن فزونی ظلم و فساد یکی از نشانه‌های نهضت امام است و تنها عامل قیام تلقی نمی گردد و باید عوامل حتمی و یا غیر حتمی دیگری نیز به ظهور نشیند/ آماده شدن نیروی لازم، کارآمد و هوشیار لازمه تحقق قیام مهدی(ع) است و این نکته مهم، آمادگی مردم را می‌طلبد تا از طریق بالا- بردن سطح آگاهی، هوشیاری، روحی و فکری خود، تحقق این شرط را سرعت بخشند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر کس خوشنود می‌شود که از اصحاب قائم(ع) باشد، پس باید منتظر باشد، و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است.»{۲} [۱].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳/ [۲].همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰/

با این همه علاقه‌ای که از جانب ارادتمندان امام زمان (عج) اظهار می‌شود چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است؟

پرسش

با این همه علاقه‌ای که از جانب ارادتمندان امام زمان (عج) اظهار می‌شود چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است؟

پاسخ

چنانکه می‌دانیم، سالها بود که پیشوایان اسلام در دسترس مسلمانان بودند و مردم را دعوت به راه راست و دین حق می‌نمودند. به اعتراف دوست و دشمن، پیشوایان از خاندان پیغمبر- یعنی ائمه طاهرین علیهم‌السلام، از امیر مؤمنان گرفته تا امام حسن عسکری-

www.noorfatemah.org

در تمام صفات برجسته انسانی و فضائل عالیه اسلامی بهترین افراد امت اسلام و برترین مردم عصر خود بودند. مع‌الوصف به شهادت تاریخ، طی دو و نیم قرن بعد از رحلت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، تمام آن رهبران عالیقدر از صحنه سیاست اسلام کنار گذاشته شدند. تا آنجا که هرگاه اقدام به راهنمائی مردم غافل نمودند، با شدت عمل و زندان و کشته شدن مواجه گشتند. این موضوع به قدری روشن است که ما را از هرگونه توضیح بیشتری بی نیاز می‌گرداند. خداوند تعالی، یازده شخصیت بی نظری— که جانشینان شایسته پیامبر اسلام بودند- بمنظور رهبری جامعه انسانی به جهان عرضه داشت، ولی بهیچ وجه، این عرضه هماهنگ با تقاضا نبود. روی این اصل، چه بهتر که آخرین فرد آنان، برای مدتی طولانی از نظرها غائب گردد و به مردم جهان عرضه نشود، تا بدینگونه حس تقاضای چنین پیشوای عالیمقامی در مردم گیتی پدید آید، و در آن زمان که زمینه مساعد گردید، خداوند متعال وجود او را عرضه داشته و در اختیار تقاضا کنندگان بگذارد. نکته جالب اینجاست که در بسیاری از روایات اسلامی، از «انتظار فرج» و آمادگی مردم برای ظهور امام زمان صلوات الله علیه سخن به میان آمده، و از آنان که پیوسته در انتظار آمدن آن حضرت هستند، ستایش قابل توجهی به عمل آمده است. موضوع انتظار فرج امام زمان— عجل الله تعالی فرجه- چیزی جز همان تقاضای عمومی برای عرضه داشتن آن وجود مقدس نیست. بعلاوه چنانکه در تاریخ مذاهب و کتب آسمانی — خاصه قرآن مجید که بهترین سند زنده و دست نخورده تاریخی و دینی است— می‌خوانیم، کلیه پیمبرانی که خداوند در طول تاریخ بشر برای هدایت انسانها فرستاده است، همیشه در راه انجام وظیفه مقدس خود با عکس‌العمل شدید مردم مواجه بودند. مردم کوتاه فکر، بر اثر خود سری و فرومایگی، بدون توجه به هدف عالی و مکتب انسانی انبیاء از روی هواپرستی و خودخواهی در مقام آزار و شکنجه و ریشخند پیامبران و رهبران بزرگ آسمانی خود برآمدند، تا جائیکه نمونه اعلای آنان حضرت رسول اکرم— صلی الله علیه و آله- بارها می‌فرمود: «هیچ پیغمبری مانند من از قوم خود آزار ندیده است». ادامه این تصادم و کشمکش سرانجام بقیمت زندان رفتن و تبعید و آسیب دیدن پیامبران تمام شد. و بیشتر آنان، جان عزیز خود را هم در این راه پر خطر از دست دادند. با وجود این، خداوند مهربان برای «اتمام حجت»، نعمت وجود آنها را از بندگان خود دریغ نداشت و این فیض همچنان ادامه یافت، ولی سوء رفتار مردم و عکس‌العمل ناهنجار آنان از حد گذشت، و کاربجائی رسید که لازم شد بشریت عکس‌العمل نافرمانی و ستیزه‌جوئی و هوا پرستی خود را ببیند. و بعبارت روشن‌تر، جریمه عمل خود را بپردازد. نحوه عمل، در تمام ادوار یکسان بوده است، به این معنی که سلسله پیامبران و ائمه طاهرین— صلوات الله علیهم اجمعین- همه یک هدف را می‌پیمودند، و یک برنامه داشتند، و جالب این که عکس العملها نیز یکنواخت بوده است. با در نظر گرفتن این جهات باید گفت: بگذارید بشر خودخواه و خیره‌سر، با غیبت طولانی آخرین برگزیده خدا، گذشته را به یاد آورد، و علت دست نیافتن به آن عزیز مهربان را در واکنشی که خود نشان داده، جستجو کند. آنگاه زمانی که از هر جهت زمینه فراهم شد، اوضاع جهان مساعد گردید، مردم از همه جا مایوس شدند و همه با هم از دل و جان از خداوند منان طلب رهبر نمودند، پروردگار مهربان، نجات دهنده دنیا را برای اصلاح اساسی جهان آشکار سازد، تا نجات انسانها از بیدادگری و بدبختی و ترمیم ویرانی‌ها، که در غیاب آن پیشوای بزرگ جهانی، دامنگیر بشریت شده است، آغاز شود، و بوسیله او به تمام مصائب و آلام عمومی پایان دهد، تا سراسر گیتی برای همیشه در صلح و صفا و آرامش کامل بسر برد. این موضوع در پاره‌ای از روایات هم دیده می‌شود. شیخ صدوق— دانشمند عالی مقام شیعه- در کتاب «علل الشرایع» روایت می‌کند که امام محمد باقر علیه‌السلام در جواب «مروان انباری» راجع به علت غیبت «صاحب الامر» صلوات الله علیه نوشتند:«هنگامیکه خداوند، همزیستی مردم را برای ما ناخوش داشت، ما را از میان آنها بیرون می‌برد» (علل الشرائع، ص۲۴۴، حدیث۲) دانشمند مزبور در کتاب دیگر خود «معانی الاخبار» روایت می‌کند که امام صادق(ع) فرمود: «مادام که ودایع الهی آشکار نشود، قائم ما ظهور نخواهد کرد. هنگامی که آن مردان مومن و ثابت قدم و فداکار پیدا شدند، او نیز آشکار می‌گردد، و بر دشمنان خدا پیروز گشته همه را نابود می‌کند.» می‌دانیم که زندگی بشر با عواطف و غرائز او وابستگی دارد. این غرائز و عواطف، چناچه در راه صحیح بکار افتد، قطعاً

بشر را به راه سعادت و طریق صحیح زندگی سوق می‌دهد که ما از آن به دینداری و ایمان به خدا و تعالیم آسمانی تعبیر می‌کنیم. ولی چنانچه از مسیر تعادل منحرف گردید و در راه‌های غلط و زیان بخش به کار رفت، فرد و اجتماع را دچار مخاطرات و مشکلات خواهد کرد. طغیان عواطف و سرکشی غرائز، نظام زندگی را در هم می‌ریزد و جامعه انسانی را به هرج و مرج و فساد و تباهی و آشوب و نابودی می‌کشاند. حکمت بعثت انبیاء و برگزیدن امامان عالی مقام از جانب خداوند مهربان هم، جز این نبوده که آن مردان بزرگ می‌خواستند با تعالیم خردپسند خود، عواطف و غرائز را مهار کنند و در حال اعتدال قرار دهند. دراین حال، این امیال قلب هر کدام به میزان لازم و در مجرای صحیح و معقولی اعمال می‌گردد، تا در سایه آن، افراد اجتماع با آسایش تن و آرامش خاطر زندگی کنند. ولی بشر که پیوسته در معرض طغیان عواطف و غرائز و نزاع با وجدان سالم خویش است، به این آسانی حاضر نیست به راه بیاید و در برابر تعالیم انبیاء و رهبران دینی— که صددرصد بنفع اوست- گردن بنهد و تسلیم گردد. واکنشهائی که در برابر تبلیغات و نصایح خیر خواهانهٔ انبیاء و امامان از خود نشان می‌دادند، همان طغیان عواطف و سرکشی غرائز بود که در نتیجه، وجدان واقع‌بین و عقل سلیم آنها را کنار می‌زد و از صحنه قضاوت صحیح و تشخیص زشت و زیبا و حق و باطل خارج می‌ساخت. روی این جهات، پیامبران الهی که می‌دیدند با همهٔ سعی و کوششی که در راه هدایت بشر مبذول می‌دارند، وجدان خفتهٔ آنان بر اثر طغیان عواطف و سرکشی غرائز بیدار نمی‌گردد و به راهنمائی‌های آنها ترتیب اثر نمی‌دهند، آخرین چاره را در این می‌دیدند که جامعه را بحال خود واگذارند و مدتی از میان آنها بیرون بروند. باشد که تودهٔ سرکش و مردم هواپرست با احساس تنهائی و بی سرپرستی، دربارهٔ روش و سرنوشت خود تجدید نظر کنند، و با فراغت بیشتر و فرصت بهتری، وجدان خفتهٔ شان بیدار شود و در جوّ مناسبی پی به هدفهای نورانی انبیاء و مکتب عالی خداپرستی آنها ببرند. در قرآن مجید می‌خوانیم که چون حضرت ابراهیم خلیل، قهرمان توحید، از راهنمائی قوم بت‌تراش و بت‌پرست خود مأیوس گشت، و با تهدید و عکس‌العمل شدید آنها مواجه گردید، فرمود: «وَ اَعْتَزِلُکُمْ وَ ما تَدعُونَ من دُونِ اللهِ وَ اَدْعوا رَبّی» مریم/۴۸ [من از شما و آنچه غیر از خدا می‌خوانید، کناره می‌گیرم و خدای خود را می‌خوانم]. حضرت ابراهیم با این منطق از میان کلدانیان بیرون آمد، و به شهر «حرّان» شام رفت. مردم «حران» هم مشرک بودند و آفتاب و ماه و ستاره می‌پرستیدند. ابراهیم علیه‌السلام در آنجا نیز وجدان خواب گرفته آنها را با منطق الهی خود بیدار کرد، و در جریان ایمان به خدای یکتا گذاشت و گفت: «اِنی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَ اَلْاَرْضَ حَنیفاً وَ مَا اَنا مِنَ المُشْرِکینَ» انعام/۷۹ [من رو بسوی خدائی آورده‌ام که آسمانها و زمین را آفرید، من پیرو دین حنیف خداوند یکتایم و از مشرکان نیستم] سپس از آن شهر رهسپار فلسطین شد. بطوریکه در تاریخ می‌خوانیم، با رفتن ابراهیم از آن دو نقطه، مردم به وجدان خفته خود بازگشتند. سپس با بیداری وجدان و فرو نشستن طغیان عواطف خویش، به یاد تبلیغات و راهنمائی‌های سودمند آن حضرت افتادند. و از همین رهگذر، تعداد قابل ملاحظه‌ای در غیاب وی به خدای یگانه ایمان آورند. همچنین در سوره «یونس» می‌خوانیم که چون حضرت یونس، قوم سرکش خود را دعوت به دین خدا نمود و نپذیرفتند، آنها را تهدید کرد که سرکشی شما، از طرف خداوند بدون عکس‌العمل نمی‌ماند، و بزودی عذاب الهی— که واکنش رفتار ناپسند شماست- می‌رسد و همه را فرا می‌گیرد. و چون بازهم گوش نکردند، از میان قوم بیرون رفت و آنها را بحال خود گذاشت. با رفتن و ناپدید شدن یونس و دیدن علائم عذاب، قوم به خود آمدند و سخنان او را بیاد آوردند. و با بیداری وجدان، توبه کردند و عذاب هم نازل نگردید... اینک می‌گوئیم: خداوند سبحان، طی ده‌ها قرن برای هدایت افکار و بیداری وجدانهای بشر و تعدیل عواطف و غرائز آنها، رهبرانی شایسته برانگیخت. ولی بشر خیره‌سر، دست از خود سری‌های خود برنداشت. و اگر عکس‌العمل موافقی هم نشان داد، نسبت به زحمات انبیاء و پیشوایان خود، بسیار ناچیز و بی‌ارزش بود. بنابراین بگذاریم آخرین بیدار کننده وجدانهای بشری— مهدی موعود اسلام صلوات الله علیه- مدتی طولانی از دسترس بشر خارج گردد، تا همین غیبت طولانی و کناره‌گیری آن وجود مقدس، وجدانها را از خواب‌گران بیدار کند، و در غیاب وی آنچنان استعداد و آمادگی پیدا کنند، تا هنگامی که از هر نظر شایستگی یافتند، آن

پیشوای غائب بازگردد، و جهان را پر از عدل و داد کند، چنانکه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟

پرسش

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست خوبم، و اظهار خرسندی از اشتیاق شما برای ظهور حضرت مهدی(در ابتدا سخنی از خود حضرت در علت غیبتشان ذکر می کنیم. ایشان در نامه ای به شیخ مفید می فرمایند" : اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی، اتفاق و اتحاد داشتند، و عهد و پیمان الهی را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد؛ و زودتر از این به سعادت دیدار ما نایل می شدند؛ در صورتی که بر اساس معرفت و صداقت آنها نسبت به ما می‌بود ("۱.) دوست خوبم، همانطور که ملاحظه می فرمایید، آن مهربان ترین مهربان خدا، غمگین از گمراهی و نادانی و زندگی بد بندگان خداست؛ و همین امر علت اصلی غیبت حضرت می باشد. پس اگر کسی در راه از بین بردن گمراهی و نادانی و زندگی بد انسانها بکوشد، و آنان رابه سوی ولی و سپرست حقیقی خود که ولی خدا باشد، هدایت و کمک کند، در واقع مانند کارگزاری از کارگزاران حکومت آن‌حضرت‌عمل کرده‌است.و البته عنایت و نظر هر مولای کریمی به خدمتگزار صدیق و محبّ خود متوجه است. اگر مردم نسبت به امام خود معرفت داشته باشند، امامی که امین و دوست و برادر مهربان است، و مانند مادری مهربان نسبت به فرزندان خردسال است، و پناهگاه مردم می باشد، و اگر انسانها بدانند که در ایام ظهور او چقدر سعادتمند و خوشبخت می شوند، و این امر را نسبت به هم یادآوری کنند، محبت امام در دلها جا گرفته، و اشتیاق ظهور و زندگی در جوار حضرت، آرزوی بزرگ انسانها می شود. و اگر آرزوی حقیقی مردم ظهور حضرت باشد، در رفع موانع ظهور و اطاعت الهی می کوشند؛ و با رفع موانع ظهور، حضرت مهدی(ظهور می کنند. در برخی از روایات آمده است که یکی از شرایط ظهور امام زمان(، وجود ۳۱۳ فرد است، که همه آنها در خدمت آن حضرت خواهند بود؛ و در ادارهٔ جهان به ایشان کمک خواهند کرد. ولی ما اطلاع دقیقتری از وضعیت آنان نداریم. اما انسانها باید با رفتار خود، چنین موقعیتی را فراهم کنند. نابع و مآخذ : ۱. یادمان امام مهدی(، علی اکبر تلافی ، ص۹۴ ۲. تحف القول، علی بن الحسین شعبه الحرانی، امام رضا(، ص۳۲۴ ۳. یادمان امام مهدی (، علی اکبر تلافی، ص۹۲ و ۹۳ تقویت مبانی اعتقادی، محمد تقی مصباح یزدی، ج۳

۱– علتهای مهم تأخیر ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست ؟

پرسش

۱– علتهای مهم تأخیر ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست ؟

پاسخ

از حدیث شریف به خوبی استفاده می شود که علت اصلی غیبت جز اسرار الهی است و جز ائمه اطهار کسی نمی داند آنها هم

ماذون به بازگوکردن آن نبودند ولی در برخی روایات بعضی ازحکمتهای آن بیان شده که ذیلا به اختصار به آن اشاره می شود : ۱- آزمایش وامتحان در اثر این غیبت طولانی. گروهی که ایمان کافی ندارند ،باطنشان ظاهر می شود و کسانی که ایمان در اعماق دلشان ریشه کرده و به واسطه انتظار فرج صبر بر شرائط و ایمان به غیبت ارزششان معلوم می شود و به درجاتی از ثواب نایل می شوند . ۲- بیعت نکردن با ستمکاران , یکی از فؤاید و حکمتی که برای غیبت آن حضرت در روایات نقل شده، موضوع محفوظ ماندن از معاهده و بیعت با ستمکاران است . ۳- نجات ازقتل . یکی از حکمت ها موضوع نجات از قتل معرفی شد چون، دستگاه حاکم به شدت در تعقیب و جستجوی آن حضرت بود تا او را به جنگ آورده و به قتل برساند چاره ای جز غیبت نیست. ۵- آمادگی پذیرش . برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته کافی نیست بلکه؛ آمادگی عمومی نیز لازم است و متأسفانه دنیا هنوز آماده پذیرش حکومت حضرت مهدی «عج» نشده است . زیرا صرف اینکه ظلم و ستم عالم را فرا گرفته کافی نیست که امام ظهور کند . چرا که ظلم ،یکی از اسباب آمادگی مردم است و یقینا هرگاه چنان آمادگی فراهم آید ، ظهور نیز قطعی و حتمی خواهد شد . حداقل چند نوع آمادگی لازم است ،تا آن حضرت ظهور کند : الف)- آمادگی روانی ب) آمادگی فرهنگی و صنعتی ج) آمادگی ازحیث یک نیروی ضربتی انقلابی منابع : ۱-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ۲-پادشه خوبان ، علی اصغر لشکری ۳-رسالت جهانی حضرت مهدی ، فریده گل محمدی آرمان ۴-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

مگر نمی‌گویند امام زمان وقتی ظهور می‌کند که جهان پر از فساد شود پس چرا ظهور نمی‌کند؟

پرسش

مگر نمی‌گویند امام زمان وقتی ظهور می‌کند که جهان پر از فساد شود پس چرا ظهور نمی‌کند؟

پاسخ

برای ظهور امام زمان(عج) علائم و نشانه‌هایی در روایات شیعه و اهل‌سنت ذکر شده که از جمله آنها پر شدن زمین از ظلم و جور می‌باشد، به عنوان نمونه دو روایت از یکی از صحاح ششگانه اهل‌سنت در این زمینه نقل می‌شود: ۱. صحیح ابی داود۷ ج ۲، ص ۲۰۷ از پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کند: «حضرت مهدی(ع) کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد»/ ۲. در صفحه ۲۰۸ همین جلد، در اوصاف حضرت مهدی(ع) روایتی را از رسول گرامی نقل می‌کند که در آخر حدیث می‌فرماید: «ملأ الارض قسطا و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»، پر می‌کند زمین را از عدل و داد پس از آنکه زمین از ظلم و جور پر شده باشد. پس در اینکه حضرت مهدی خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده است میان شیعه و سنی اختلاف نیست. مطلبی را در اینجا باید متذکر شد و آن اینکه حضرت وقتی ظهور می‌کند، عدالت را در سطح جهان و جامعه بشری برقرار خواهد کرد و عدالت امام زمان(عج) ویژه یک منطقه و یا یک ملت و مذهب نیست، و برقراری عدالت یک وعده الهی است که به دست امام زمان(ع)، در سطح جهان تحقق خواهد یافت. تحقق این وعده الهی احتیاج به مقدماتی دارد که از جمله آن آمادگی جامعه بشری برای ظهور آن مصلح الهی می‌باشد. البته شاید هنوز آن آمادگی عمومی در جامعه جهانی به وجود نیامده است در دنیای امروز، افراد زیادی دم از عدالت خواهند زد و گروه‌هایی از مردم، هنوز به دنبال منادیان دروغین عدالت می‌افتند و به امید تحقق عدالت در جامعه جهانی فعالیت می‌کنند. هنوز یأس و نومیدی از تحقق عدالت از طریق سازمان‌ها و گروه‌های جهانی بر مردم جهان حاکم نشده، اگر روزی ظلم و فساد آن قدر زیاد شود که مردم از تحقق عدالت

توسط انسان‌ها مأیوس شوند و همه آمادگی ظهور مصلح جهانی را بیابند آن گاه امام‌زمان(ع) ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود/ گفته شده هنوز این شرط محقق نشده است و در بسیاری از موارد فساد نیت علاوه بر اینکه پر شدن جهان از ظلم و ستم یکی از علل و زمینه‌های ظهور است و ظهور شرایط و علل دیگری هم دارد.

نشانه های ظهور

علائم حتمی

کلیات

علایم ظهور امام زمان ۷چیست ؟ و تا به حال چه علایمی مشخص شده است ؟

پرسش

علایم ظهور امام زمان ۷چیست ؟ و تا به حال چه علایمی مشخص شده است ؟

پاسخ

علایم ظهور حضرت مهدی ۷دو قسم است : حتمیه و غیر حتمیه , بعضی علامت های حتمیه به طوراجمال عبارت است از: ۱ خروج دجال ; ۲ صیحه و ندای آسمانی که وقتی حضرت در کنار کعبه ظاهر می شود, منادی ندا می کند: خلایق ! آگاه باشیدحضرت مهدی موعود۷ظهور کرده است . بیایید با او بیعت نمایید. این صدا آن قدر قوی است کهشرق و غرب عالم می شنوند. ۳ خروج سفیانی , از نوادگان ابوسفیان , که اسمش است و در محلی بین مکه و شام خروج می کند و جنایات بسیاری مرتکب می شود. ۴ قتل نفس زکیه , که پسری است از آل محمد۷و بین رکن و مقام حضرت ابراهیم ۷در مکه شهید می شود. ۵ خروج سید حسنی که از طرف دیلم و قزوین قیام می کند و گروه زیادی دورش جمع می شوند. ظاهراً از اولادامام حسین مجتبی ۷است و بعد از غلبه بر اهل ظلم در جاهای مختلف وارد کوفه می شود و در آن جا از ظهورحضرت مهدی آل محمد۷مطلع می شود و همگی با حضرت بیعت می کنند. ۶ پیدا شدن کف دستی از آسمان . ۷ کسوف آفتاب در نیمهء رمضان و خسوف در آخر رمضان . برای آگاهی بیشتر از علائم دیگر, به کتاب های مربوطه از جمله منتهی الآمال , تألیف محدّث قمی , ج ۲ ص ۳۳۵ ۳۳۷مراجعه شود. علایم غیر حتمیه خیلی زیاد است و تنها به طکر چند تا بسنده می شود, از جمله : ۱ ظاهر شدن قحطی شدید. ۲ وقوع زلزله و طاعون در بسیاری از شهرها. ۳ قرآن ها به طرز زیبایی منتشر و مسجدها آزین بندی و مناره ها بسیار بلند ساخته می شود. ۴ کثرت قتل و خون ریزی در کوفه . ۵ فرو رفتن عالم در کفر و فسوق و معاصی ; یعنی کفر و فسوق در عالم غلبه پیدا می کند. ۶ تمایل زیاد مردم به حالات و روش ها و ساختمان ها و لباس ها و علاقهء بسیار به کفّار و مشرکان . ۷ ضعف و سستی مردم در امور دینی و آثار شریعت . ۸ کثرت رفت و آمد کفار به بلاد مقدسهء ایران و نجف و مکه و مدینه و کربلا و... ۹ مردم به جایی می رسند که عدّه زیادی از مسایل ضروری اسلام بی خبرند و اشراف و پول داران به معاصی بزرگ مثل روزه خواری افتخار می کنند و روزه داران را مسخره می کنند و بر کارها و قوانین الهی ریشخند می زنند وایراد می گیرند. آنان به تعریف و تمجید از دانشمندان و صنعت گران اهل کفر پرداخته و از مجالس علما و اندیشمندان اسلامی می گریزند و از ذکر و صحبت علم دین و معاد, ملول و خسته می شوند. ۱۰

تمایل به نماز کم می شود و پیروی از شهوات و آرای باطله زیاد می گردد و پول داران مورد احترام قرارمی گیرند. ۱۲ هم جنس باز رواج پیدا می کند و مردان شبیه زنان و زنان شبیه مردان می شوند و زنان در تجارت با شوهران خویش شریک می شوند. ۱۳ صف های مردم در نماز جماعت زیاد می شود, در حالی که قلب هایشان با یکدیگر کینه دارد. ۱۴ مردان به طلا- زینت کرده و لباس ابریشمی می پوشند. ۱۵ رشوه گرفتن امری عادی می شود.() (پاورقی ۱.محدث قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص ۳۳۷- ۳۴۲

نشانه های ظهور امام زمان (عج) را بیان کنید؟

پرسش

نشانه های ظهور امام زمان (عج) را بیان کنید؟

پاسخ

در منابع دینی نشانه های متعددی به عنوان علائم ظهور امام عصر(عج) ذکر شده است. ما در این جا به نشانه هایی که به عنوان علامت های حتمی مطرح شده اند اشاره می کنیم: ۱: خروج سفیانی؛ پیش از قیام قائم(ع) مردی از نسل ابوسفیان در منطقهٔ شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد و به دور خود جمع می کند. ۲ _خسف در بیداء؛ سفیانی آن گاه که از ظهور حضرت مهدی(ع) باخبر می گردد، با سپاهی عظیم به جنگ حضرت می رود، و در منطقهٔ بیداء بین مکه و مدینه با سپاه امام برخورد می کند. به امر خدا همهٔ لشکریان وی به جز چند نفر در زمین فرو می روند و هلاک می شوند. ۳_خروج دجال؛ دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام حضرت بقیه الله (ع) خروج می کند و ریاست یهودی ها را به دست می گیرد و با انجام کارهای غیر عادی و شگفت انگیز، جمع زیادی را می فریبد، و سرانجام به دست عیسی مسیح(ع) در کنار دروازهٔ" لد "در منطقهٔ شام به هلاکت می رسد. ۴ _خروج یمانی؛ سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و عدل دعوت می کند. ۵ _قتل نفس زکیه؛ فرد بی گناه و پاک از اولاد امام حسین مجتبی(ع) در آستانهٔ ظهور حضرت حجت(ع) که گویا مخلصانه در راه قیام و انقلاب مهدی(ع) می کوشد، در مکه بین رکن و مقام حضرت ابراهیم کشته می شود. ۶ _صحیحه آسمانی؛ در آستانهٔ ظهور امام (ع) صدایی از آسمان شنیده می شود، به گونه ای که همهٔ مردم روی کرهٔ زمین، در شرق و غرب آن را می شنوند و به خود می آیند. محتوای پیام آسمانی، دعوت به حق و بیعت با حضرت مهدی(ع) است. ۷ _خسوف و کسوف؛ از نشانه های ظهور، خورشید گرفتگی در آخر یا اوّل همان ماه است. امام باقر(ع) فرمود": دو نشانهٔ پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که از مان هبوط آدم(ع) در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید نیمهٔ ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر ماه."۴ ۴ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۹۳؛ مجله حوزه، سال ۷۰ - ۷۱، مهر - دی ۱۳۷۴، ص ۲۴۸ - ۲۷۰.

معتبرترین نشانه‌های ظهور حضرت مهدی"عج "کدامند؟

پرسش

معتبرترین نشانه‌های ظهور حضرت مهدی"عج "کدامند؟

پاسخ

در خصوص معتبر و غیر معتبر بودن نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) از دو زاویه می‌توان بحث کرد: یکم: در عرف عام برخی از نشانه‌ها به عنوان علایم ظهور امام زمان(ع) بیان می‌شود که در معارف اسلامی جایگاهی ندارند. این دسته از نشانه‌ها غیر معتبر بوده و نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) محسوب نمی‌شوند. شاید آنانی که نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) را به معتبر و غیر معتبر تقسیم می‌کنند، مقصودشان نشانه هایی باشد که برخی از مردم مطرح می‌کنند و در مبانی دینی بدان اشاره نشده است. دوم: در حوزه تعلیماتی اسلام نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) به معتبر و غیر معتبر تقسیم نمی‌شود، بلکه نشانه‌ها به حتمی و غیر حتمی تقسیم می‌شود. نشانه‌های غیر حتمی، آن دسته از نشانه‌ها هستند که با فراهم شدن آن‌ها باز ظهور امام زمان(ع) حتمی نیست؛ ولی نشانه‌های حتمی، نشانه هایی هستند که با تحقق آن‌ها و فراهم شدن شرایط دیگر امام زمان(ع) ظهور می‌کند. جهت توضیحات بیشتر به برخی از نشانه‌های حتمی و معتبر ظهور اشاره می‌شود: ۱- خروج سفیانی: یکی از علائم حتمی ظهور امام زمان(ع) خروج سفیانی ذکر شده است": پیش از قیام قائم(ع) مردی از نسل سفیان در منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را می‌فریبد و به گرد خود، می‌آورد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلام را به تصرف خویش در می‌آورد و بر مناطق پنجگانه شام، حمص، فلسطین، اردن قنسرین و منطقه عراق، سیطره می‌یابد.("۱) امام زین العابدین فرمود": ظهور حضرت قائم(ع) قطعی است؛ همان طور که خروج سفیانی قطعی است و در برابر هر قیام کننده‌ای یک سفیانی قیام می‌کند.("۲) ۲- ظهور دجال: یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(ع) خروج دجال است. اگر چه در این که دجال و مشخصات آن چیست، عبارات و دیدگاه‌ها اختلاف دارند. پیامبر اسلام(ص) فرمود": قیامت، بر پا نمی‌شود، تا وقتی که مهدی(ع) از فرزندانم قیام کند و مهدی قیام نمی‌کند، تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگوید: من پیامبرم.("۳") دجال "از ریشه دجل به معنای دروغگوی حیله گر است. در روایات دجال‌ها و دروغگویان فراوان نام برده شده است.("۴) ۳- در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان: یکی از نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) پدیدار شدن پرچم‌های سیاه از خراسان است. در روایات معصومان نیز از پدیدار شدن پرچم‌های سیاه به عنوان نشانه‌های ظهور امام یاد شده است. امام باقر(ع) فرمود": بیرق‌های سیاهی از خراسان بیرون می‌آید و به جانب کوفه به حرمت در می‌آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت می‌کنند.("۵) برخی احتمال داده‌اند که منظور از خروج پرچمهای سیاه از خراسان، قیام ابومسلم خراسانی است که در سال ۱۴۰ هجری قمری به وجود آمده است، ولی این احتمال درست نیست، زیرا قیام ابومسلم قبل از تولد امام زمان(ع) بوده است و از نظر سند نیز غیر قابل اعتماد نیست.(۶) ۴- خسوف و کسوف: از نشانه‌های ظهور، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اول همان ماه است. کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه طبیعی و عادی است و در طول تاریخ بارها، رخ داده است، ولی خورشید گرفتگی و یا ماه گرفتگی در وسط ماه امر غیر عادی است و رؤیت آن امکان ندارد.(۷) امام باقر(ع) فرمود": دو نشانه، پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم(ع) در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید نیمه ماه رمضان وگرفتن ماه در آخر آن.("۸) ۵- فراگیر شدن جهان از ظلم و ستم: فراگیر شدن ظلم وجور، از نشانه‌های معروف ظهور امام زمان(ع) است. روایات متعدد این نشانه را بیان کرده، چنان که این حدیث معروف به سندهای گوناگون بیان شده است": یملأاللّه به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جورا؛(۹) خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می‌سازد. پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. "علامه مجلسی از امام صادق(ع) آورده است که بیش از یک صد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که در زمان غیبت دامنگیر جوامع اسلامی می‌شود، پیش گویی شده است.(۱۰) ۶- صیحه آسمانی: یکی از نشانه‌های ظهور صیحه

آسمانی بیان شده است که ظاهراً در هنگام ظهور امام زمان(ع) از آسمان شنیده می‌شود.(۱۱) و همه مردم آن را می‌شنوند. در روایات تعبیرهای: نداء و صوت نیز به کار رفته است که شاید اشاره به صیحه آسمانی باشد و یا نشانه‌های جداگانه هستند. امام باقر(ع) فرمود": ندا کننده‌ای از آسمان، نام قائم را ندا می‌کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می‌شنود. از وحشت این صدا، خوابیده‌ها بیدار می‌شوند، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می‌ایستند. بیان این نکته ضروری است که نشانه‌های ظهور امام زمان(ع) منحصر به علایم فوق نیست، بلکه نشانه‌های دیگر مانند خروج یمانی(۱۲)، قتل نفس زکیه(۱۳)، خروج یأجوج و مأجوج(۱۴)، طلوع خورشید از مغرب (۱۵)، جنگ‌های خونین(۱۶)، و... بیان شده است. پی نوشت‌ها: ۱. مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۲۴۸؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۲۱. ۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲. ۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ سنن داود، ج ۴، ص ۱۱۵. ۴. مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۶۳. ۵. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷. ۶. مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۲۶۹. ۷. همان، ص ۲۷۰. ۸. کتاب الغیبهٔ، نعمانی، ص ۲۷۱. ۹. کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ ینابیع المودّه، ص ۴۴۸. ۱۰. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰. ۱۱. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴. ۱۲. تاریخ غیبت کبری، ص ۲۵۲؛ مجله حوزه ویژه نامه امام زمان، ص ۲۵۴. ۱۳. منتخب الأثر، ص ۴۵۹. ۱۴. همان، ص ۴۶۱. ۱۵. وافی، ج ۲، ص ۴۴۶. ۱۶. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پرسش

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پاسخ

موارد و مستندات علایم و حوادث قبل از ظهور بسیار وافر است به جهت اختصار و تناسب زمانی. گزیده هایی قید می گردد: ۱. خروج سید حسنی از طالقان که مردی از بزرگان شیعیان است و از ناحیه دیلمان قزوین خروج و قیام می نماید. ۲. کشف حجاب و بی عفتی از زنها و شریک شدن زنها در تجارت با شوهران و تمکین نکردن زنان از شوهرانشان. ۳. دشنام دادن اوّلا به پدران و مادران و افترا زدن به ایشان و شاد شدن به مرگ آنها و زدن و آزار ایشان. ۴. مستولی شدن زن بر شوهر خویش در جمیع چیزها. ۵. مردها خود را شبیه زنان در آورند و زنان شبیه مردان و بلند گذاردن گیسوان جلوی سر جوانان و مردان(۱). ۶. مرده را با استهزا بردارند و کسی دنبال جنازه او گریه و زاری نکند. ۷. در هر سال بدعتها و شر زیاد شود، غیبت کردن به نظر مردم شایسته می باشد. ۹. قسم خوردن به ناحق فراوان شود. ۱۰. ظلم و ستم، همه جا فراگیر شده است. ۱۱. قرآن فرسوده شده و بدعتهایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن پدید آمده است. ۱۲. مردان به مردان و زنان به زنان قناعت می کنند. ۱۳. فاسق دروغ می گوید و کسی او را بر دروغش سرزنش نمی کند. پاورقی ۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۲، ح ۱۴. ـ۵۵ـ ۱۴. پیوند خویشاوندی بریده شده است.(ش ۱۷). ۱۵. مداحی و چاپلوسی فراوان شده است. ۱۶. حرام، مجاز و حلال حرام، شمرده می شود. ۱۷. قوانین و دستورات دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می گردد. ۱۸. رشوه خواری در میان کارکنان دولت رایج شده است. (ش ۳۶). ۱۹. پُستهای حساس به مزایده گذارده می شود. ۲۰. مقربان حکام کسانی هستند که به ما اهل بیت ناسزا می گویند. ۲۱. شنیدن حقایق قرآن بر مردم

گران می آید، اما شنیدن باطل، سهل و آسان است. ۲۲. همسایه به همسایه خود از ترس زبانش احترام می گذارد. ۲۳. مساجد را به زیورها می آرایند. ۲۴. برای غیر خدا، حج و جهاد می شود. ۲۵. مردم طرفدار کسی می شوند که پیروز است (خواه بر حق باشد، خواه بر باطل). ۲۶. مردم و محافل همه پیرو ثروتمندان می شوند. ۲۷. حکومت به دست زنان می افتد. ۲۸. افرادی پیدا می شوند که اگر روزی گناه کبیره ای انجام ندهند، غمگین هستند. ۲۹. مساجد پر از مردم خدا نترس است و در آنجا برای غیبت کردن و خوردن گوشت پیروان حق جمع می شوند و مسکرات را توصیف می کنند. ۳۰. دادرسان بر خلاف قانون خدا قضاوت می کنند. ۳۱. برافراز منبرها دعوت ها به تقوا می شود، ولی دعوت کننده خود به آن عمل نمی کند. ۳۲. مردم نسبت به وقت نماز بی اعتنا می شوند. ۳۳. تمام همت مردم، صرف شکم و فرجشان می شود. حضرت صادق(علیه السلام): حسین(علیه السلام)، در آخر عمر حضرت قائم(علیه السلام) زنده می شود. سپس ـ۵۶ـ حضرت قائم(علیه السلام)، از دنیا رحلت فرماید و حسین(علیه السلام) او را غسل می دهد. نام امام امت در حدیثی از رسول الله(صلی الله علیه وآله). از امام باقر روایت شده است که فرمودند: ابوبکر و عمر و زبیر و عبدالرحمن بن عوف در آستانه در خانه رسول الله نشسته بودند. حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) از خانه خارج شد و در کنار آنان نشست در حالی که بند کفشش پاره شده بود، آن را به علی ابن ابی طالب(علیه السلام) دادند و فرمودند: در سمت راست خداوند عز و جل و یا سمت راست عرش قومی از ما (از پیروان ما) بر منابری از نور هستند. صورتشان از نور و لباسشان نیز از نور است، درخشندگی سیماشان دیدگان بینندگان را به آنها جلب می کند. ابوبکر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد. سپس زبیر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کردند. پس عبدالرحمن گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد و پاسخ نداد. آنگاه علی بن ابی طالب(علیه السلام) فرمود: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله فرمودند: آنها قومی هستند که در رابطه با روح الله با یکدیگر محبت می کنند و وسیله پیوند قلبها و نزدیکی آنها روح الله است نه به سبب بستگی و خویشاوندی و نه به خاطر اموال آنها و شیعه تو هستند و تو امام آنهایی یا علی(۱). (بخش پاسخ به سؤالات) پاورقی (۲)۱ – بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۹. ۲ – مآخذ: بحارالانوار ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳ ;اصول کافی، ج ۱ ;منتهی الآمال ;غیبت نعمانی ;غیبت شیخ طوسی، اثبات الهداة، ج ۷ ;کشف الغمة، ج ۴; الملاحم ;منتخب الاثر ;نجم الثاقب ;سیره علمی اهل بیت((علیهم السلام)). (بخش پاسخ به سؤالات)

ویژگیهای آخر الزمان چیست و آیا هم اکنون دوره آخر الزمان است؟

پرسش

ویژگیهای آخر الزمان چیست و آیا هم اکنون دوره آخر الزمان است؟

پاسخ

هر پدیده اجتماعی و انقلابی دارای علائم و نشانه‌هایی است که بواسطه آنها می‌توان از قرب الوقوع بودن آن پدیده یا انقلاب یا بعید الوقوع بودن آن باخبر شد. علائم ظهور و قیام امام زمان (عج) نیز چند دسته‌اند: ۱. علائم حتمی نظیر ندای آسمانی مبنی بر اعلام و شروع قیام آن بزرگوار. ۲. علائم غیر حتمی نظیر: ـ کم ارج شدن ارزشها. ـ پیروی از نابخردان. ـ رخت بربستن عفت عمومی. ـ زن سالاری. ـ وقوع حوادث جانکاه و کمر شکن. ـ پاسخ اختلافات با خونریزی. ـو غیره... لازم به یادآوریست روایات

علائم ظهور متأسفانه مصون از تحریف نمانده بویژه توسط حکومتهای استبدادی که از ظهور دادگستر جهان در هر در این زمینه به خلاصه از کتاب دادگستر جهان نوشته علامهٔ امینی توجه فرمایید. برای ظهور حضرت صاحب الامر" عجل الله تعالی فرجه "علائم بسیاری در کتب حدیث ثبت شده است لیکن اگر ما بخواهیم در یک یک آنها بحث کنیم سخن طولانی می گردد و بدون جهت اوقات چندین جلسه اشغال می‌شود. اما چند نکته را لازم است اجمالاً تذکر دهیم: ۱. مدرک بعضی از علائم، خبر واحدیست که اشخاص مجهول الحال یا غیر موثق در طریق آن واقع شده و مفید یقین نیستند. ۲. احادیث اهل بیت علائم ظهور را بدو قسم تقسیم نموده‌اند: یکی از آنها حتمی است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود. قسم دوم را غیر حتمی معرفی نموده‌اند و آن عبارتست از حوادثی که بطور مطلق و حتم از علائم الظهور نیست بلکه مشروط بشرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد مشروط نیز متحقق می‌شود و اگر شرط مفقود گردد مشروط نیز تحقق نمی‌یابد و مصلحت بوده که بطور اجمال از علائم الظهور شمرده شود. ۳. علائم ظهور چیزهایی هستند که تا واقع نشود حضرت صاحب الامر ظاهر نمی گردد و حدوث هر یک از آنها دلیل است که ایام فرج تا اندازه‌ای نزدیک شده اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت و بلافاصله، حضرت صاحب الامر ظهور می‌نماید. ولی در مورد بعضی از آنها تصریح شده است که مقارن ظهور آن حضرت واقع می‌شود. ۴. بعضی از علائم الظهور بطور اعجاز و خارق العاده واقع می‌شوند تا صحت ادعای مهدی موعود را تأیید کنند و فوق العادگی اوضاع را بجهانیان اعلام دارند. حکم این علائم، با سایر معجزات یکسان است، و به صرف اینکه با جریان عادی سازگار نیست نباید مردود شناخته شود. ۵. یک نوع از علائم الظهور در کتابها دیده می‌شود که وقوع آنها عادتاً محال به نظر می‌رسد مانند اینکه گفته شده: در وقت ظهور مهدی خورشید از مغرب طلوع می کند و خورشید در نیمهٔ ماه رمضان و ماه در آخر همان ماه می گیرد. بر دانشمندان پوشیده نیست که لازمهٔ وقوع اینگونه حوادث اینست که نظم عالم بر هم بخورد و حرکت منظومه شمسی تغییر یابد. اما باید بدانید که مدرک اینگونه علائم، اخبار آحادی بیش نیست که مفید یقین نیستند و اگر کسی درسند آنها خدشه کرد می‌تواند آنها را مجعول خلفای بنی امیه و بنی عباس و عمال آنها بدانند. زیرا در آن اوقات افرادی بعنوان مهدی بر علیه دستگاه حاکمهٔ وقت قیام و نهضت می‌نمودند و بدان وسیله عده‌ای را بر دور خویش جمع می کردند. خلفای وقت چون می‌دیدند اصل احادیث مهدی قابل انکار نیست لذاحیلهٔ دیگری اندیشیدند تا بدان وسیله مردم را منصرف سازند و کار نهضت علویین را مختل نمایند. بدان منظور علائم محال را جعل کردند تا مردم در انتظار آن علائم بنشینند و دعوت علویین را اجابت نکنند، اما اگر احادیث صحیح بود مانعی ندارد اینگونه علائم بطور اعجاز تحقق یابند تا فوق العادگی اوضاع را بجهانیان اعلام کنند و اسباب پیشرفت دولت حق را فراهم سازند. برای اطلاع بیشتر به کتابهای ذیل مراجعه فرمایید: ۱. مهدی موعود(عج) ـ شهید دستغیب ۲. دادگستر جهان ـ امینی روزگار جهانی ـ کامل سلیمان.

الف چند مورد از علائم ظهور امام زمان (عج را بیان نمایید. ب چگونگی وفات امام زمان عج را بیان فرمایید.

پرسش

الف چند مورد از علائم ظهور امام زمان (عج را بیان نمایید. ب چگونگی وفات امام زمان عج را بیان فرمایید.

پاسخ

الف نشانه‌های مهم ظهور عبارتند از: ۱) فراگیر شدن ظلم و فساد: اولین نشانه‌ای که با مشاهدهٔ آن می‌توان نزدیک شدن هر انقلابی از جمله این انقلاب بزرگ را، پیش‌بینی کرد، گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفاسد اعتقادی و انحرافات اخلاقی است که خود عامل توسعه فساد در جامعه می‌باشد. در روایتی از امام صادق ۷) اشاره به ده‌ها نوع از این مفاسد که قسمتی از آن جنبه اعتقادی و سیاسی و بخشی جنبه اخلاقی دارد، شده است این مفاسد را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول مفاسد مربوط به مسایل حقوقی و حکومت‌ها مانند گسترش ستم پیروزی حامیان باطل عدم آزادی بیان و عمل تا آنجا که افراد باایمان گاهی تنها در دل می‌توانند از ظلم و ظالم ابراز تنفر کنند. همچنین صرف ثروت‌ها در طریق جنگ‌ها و مسابقات تسلیحاتی ویرانگر و... گروه دوم مفاسد مربوط به مسایل اخلاقی مانند گسترش تملق و چاپلوسی و... گروه سوم مفاسدی که جنبه عقیدتی دارد مانند تحمیل خواسته‌های هوس‌آلود خویش بر قرآن و تفسیر به رأی و جهت‌گیری‌های شخصی و مادی در مسایل مذهبی و... ۲) دجال مرد پرتزویر و حیله‌گر: هنگامی که سخن از دجال به میان می‌آید معمولاً طبق یک سابقه ذهنی عامیانه فقط ذهن متوجه شخص معین یک چشمی می‌شود که با جثه و مرکبی افسانه‌ای با برنامه‌ای مخصوص قبل از انقلاب حضرت مهدی ۷) ظهور خواهد کرد. ولی با دقت در ریشه لغوی دجال و منابع حدیثی استفاده می‌شود که دجال منحصر به یک فرد نیست بلکه عنوان کلی برای افراد پرتزویر و حیله‌گر و فریب‌کار می‌باشد که برای کشیدن توده‌های مردم به دنبال خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند و بر سر هر انقلاب سازنده‌ای ظاهر می‌شوند و... ۳) ظهور سفیانی گرچه از بعضی روایات برمی‌آید که «سفیانی شخص معینی از آل ابوسفیان و فرزندان اوست ولی از برخی روایات دیگر استفاده می‌شود که سفیانی منحصر به یک فرد نبوده بلکه اشاره به صفات و برنامه‌های مشخصی است که در طول تاریخ افراد زیادی مظهر آن بوده‌اند. از جمله در روایتی از امام علی بن الحسین ۷) نقل شده که فرمودند: «امر السفیانی حتم من الله و لایکون قائم الاّ بسفیانی ظهور سفیانی از مسایل حتمی و مسلم است و در برابر هر قیام کننده‌ای یک سفیانی وجود دارد.»(۱۱۶) ۴) ندای آسمانی از نشانه‌های مهم قبل از ظهور ندای آسمانی به همه مردم جهان است که اهل هر زبانی آن را به زبان خود می‌شنوند. از محمد بن مسلم منقول است که گفت «منادی از آسمان نام قائم را ندا می‌کند به گونه‌ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد آن را می‌شنود. در اثر آن صدا، خفته بیدار می‌شود، ایستاده می‌نشیند و نشسته به پا می‌خیزد و آن صدای جبرئیل روح‌الامین است »(۱۱۷) ب چگونگی رحلت حضرت مهدی (عج : در این زمینه اختلافاتی در روایت وجود دارد. در برخی از روایات آمده که آن حضرت مدتی حکومت خواهند کرد و سپس وفات می‌کنند و مسلمانان بر ایشان نماز می‌گزارند.(۱۱۸) از بعضی از روایات استفاده می‌شود که مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران با مشخصاتی که برای آنان در روایات ذکر شده به شهادت می‌رسد.(۱۱۹) و در برخی نقل‌ها این چنین آمده است که «... پس از ظهور امام مهدی عج و گذشتن هفتاد سال از حکومت عادلانه و پربرکت او و سرشار ساختن زمین و زمان از عدل و داد، پایان زندگی سراسر افتخار ایشان به سر می‌رسد و زنی تبه‌کار از «بنی تمیم که مانند مردان مو بر چهره دارد، روزی به هنگام عبور آن حضرت از کوچه با انداختن تخته سنگی از پشت بام ایشان را به شهادت می‌رساند.»(۱۲۰) در این زمینه مطالعه کتاب‌های «مکیال المکارم ، سید محمدتقی موسوی اصفهانی در دو جلد و «عصر ظهور»، علی کورانی «امام مهدی از ولادت تا ظهور» سید محمدکاظم قزوینی و «نوید امن و امان آیت‌الله صافی گلپایگانی و «دادگستر جهان از آیت‌الله امینی را پیشنهاد می‌کنیم پاورقی: – ۱۱۶ آیت‌الله مکارم شیرازی (حفظه‌الله)، مهدی انقلابی بزرگ ص ۲۰۷–۱۷۸. –۱۱۷ علی کورانی عصر ظهور، ص ۲۷۹–۲۷۸. –۱۱۸ علامه مجلسی بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳. –۱۱۹ جمعی از نویسندگان مجله حوزه چشم به راه مهدی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ص ۳۵۷ (نویسنده تحقیق ابوالقاسم یعقوبی نگاهی به تولد و زندگی امام زمان ۷). –۱۲۰ شیخ علی حائری یزدی الزام‌الناصب جلد (۲)، مؤسسه الاعلمی چاپ پنجم ص ۱۴۶، به نقل از کتاب امام مهدی از ولادت تا ظهور، سید محمدکاظم قزوینی ترجمه و تحقیق علی کرمی و سید محمد حسینی ص ۷۸۵.

در کتاب مهدی موعود که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار است مطالبی را در خصوص علائم ظهور حضرت مهدی مطالعه کرده ام اما از آنجا که کار کارشناسی بر روی روایات از نظر صحت و سقم و همچنین جمع بندی آنها از عهده اکثر خوانندگان نشریه شما خارج است لذا خواهشمندم در یک ج

پرسش

در کتاب مهدی موعود که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار است مطالبی را در خصوص علائم ظهور حضرت مهدی مطالعه کرده ام اما از آنجا که کار کارشناسی بر روی روایات از نظر صحت و سقم و همچنین جمع بندی آنها از عهده اکثر خوانندگان نشریه شما خارج است لذا خواهشمندم در یک جمع بندی کلی بفرمایید که اولا علائم حتمی پیش از ظهور حضرت کدامند و آیا از این علائم موردی به وقوع پیوسته است ؟ثانیا علائم غیر حتمی پیش از ظهور کدامند؟ثالثا لغزشگاهها و موارد امتحانهای بزرگی که پیش از ظهور برای شیعیان پیش می آید چیست؟

پاسخ

همان طور که در پرسش اشاره شده برای ظهور منجی عالم روحی لتراب مقدمه فداه نشانه های بسیاری در احادیث ذکر شده است، نشانه هایی که به یک تقسیم می توان آنها را به حتمی و غیر حتمی تقسیم کرد. بعضی از نشانه های حتمی تا حدودی قابل پیش بینی است مانند گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفاسد و انحرافات اجتماعی و اخلاقی که به یقین یکی از عوامل مؤثر در آن رستخیز عظیم انسانی است و در بعضی از احادیث به بسیاری از جزئیات این پیش بینی اشاره یا تصریح شده است.(۱) اما بعضی از این نشانه ها پیشگویی هایی اعجاز آمیز است که جز با تکیه بر احادیث نمی توان به آن دست یافت و از آنجا که این علامت ها بسیار است در اینجا فهرستی از هر دو گونه علامت را ذکر می کنیم: علامت‌های حتمی: بعضی از بزرگان علامت های حتمی را تا ده مورد ذکر کرده اند: ۱ - خروج دجال؛ وی کسی با سمبل کسانی است که ادعای الوهیت کرده، خونریزی و فتنه انگیزی به راه می اندازد. ۲ - صیحه و ندای آسمانی که اخبار و احادیث فراوانی دلالت بر حتمی بودن آن می نماید. ۳ - خروج سفیانی از وادی بی آب و علفی که بین دو شهر مکه و شام قرار دارد که بر پنج شهر مسلط شده، و قتل و غارت و تجاوزات بی شمار خواهد کرد. ۴ ـ فرو رفتن لشکر سفیانی در مسیر مکه و مدینه در محلی به نام بیداء، که تا سیصد هزار نفر تعداد فرورونده‌گان شماره شده است. ۵ - قتل نفس زکیه که بین رکن و مقام شهید خواهد شد. ۶ - خروج سید حسنی، جوانی خوش صورت و از یاران حضرت که از طرف دیلم و قزوین خروج خواهد نمود. ۷ - کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف قمر در پایان آن ماه. ۸ - علاماتی که در ماه رجب ظاهر می شود و سه ندای گوناگون رخ می نماید. ۹ - ظاهر شدن کف دستی که در آسمان طلوع می نماید و در روایت دیگر صورت و سینه و کف دستی در نزد چشمه خورشید ظاهر می‌شود. ۱۰ - اختلاف بنی عباس و انقراض دولت ایشان و انقراض آنها پیش از قیام حضرت به وسیله لشکریانی که از سمت خراسان خواهد آمد.(۲) تا اینجا روشن شد که علامت ها دو گونه اند: علامت های حتمی که متصل به ظهور هستند و علامت هایی که متصل نیستند. آنچه متصل نیست شماره ۱۰ می باشد و موردی است که تا کنون به وقوع پیوسته است. بعضی از نشانه ها تا رسیدن اصل فرج و ظهور حضرت فاصله چندانی نخواهد داشت مثلاً فاصله قتل نفس زکیه و قیام حضرت بیش از پانزده شب نخواهد بود البته فاصله پاره ای از علایم حتمی با ظهور از ۱۵ روز بیشتر است اما چندان زیاد نیست حدود چند ماه، چنان که از برخی احادیث فهمیده می شود.(۳)

علامت‌های غیر حتمی این علامت ها بسیارند که فهرست‌وار به بعضی از آنها که اشاره کرده اند می پردازیم.(۴) ۱ – ظاهر شدن شصت نفر مدعی دروغین نبوت ۲ – ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات که مدعی امامت شوند، ۳ – بستن جسر بغداد به محله کرخ که از بغداد نو به جانب بغداد کهنه باشد، ۴ – قبرستان ها را مسجد قرار دادن ۵ – خراب شدن بغداد، ۶ – خراب شدن دیوار مسجد کوفه ۷ – جاری شدن نهر از شط فرات در کوچه های کوفه. ۸ – آباد شدن شهر کوفه بعد از خراب شدن. ۹ – پر آب شدن دریای نجف. ۱۰ – جاری شدن غری از فرات به غری (نجف اشرف) و آن آب از نجف اشرف داخل دریا شود. و بر روی آن نهر آسیا ساخته می شود بعضی این علامت را از علامت های حتمی شمرده اند،(۵) ۱۱ – بنا شدن قبری حمرا (ظاهراً مراد از آن طلای هر یک از مشاهد مشرفه است.) ۱۲ – ظاهر شدن ستاره دنباله دار در نزدیکی ستاره جدی ۱۳ – ظاهر شدن قحطی شدید، این را نیز بعضی از علایم حتمی شمرده اند(۶) ۱۴ – وقوع زلزله و طاعون شدید. ۱۵ – آمدن ملخ در وقت و غیر وقت. (۱۶) – خراب شدن بصره به دست سیدی ملقب به صاحب زنج ۱۷ – وقوع کشت و کشتار بسیار در بین مردم ۱۸ – مزین نمودن قرآن ها به زینت‌های طلا و لاجورد و مانند آن و بلند ساختن مناره‌های مسجد (۱۹). مقارنه نمودن ستارگان با یکدیگر. (۲۰). خراب شدن مسجد براثا (۲۱). منهدم شدن کعبه و حمل نمودن حجر الاسود به سوی کوفه. گفته‌اند بسیاری از این علامت ها به وقوع پیوسته است(۷) اما اینکه چرا اینگونه علامت‌ها را غیر حتمی شمرده‌اند شاید به این اعتبار باشد که از زمان بیان این علامت‌ها احتمال وقوع و عدم وقوع آن می‌رفته اما نسبت به ما که می‌دانیم این امور واقع شده است غیر حتمی بودن بی معنا است. امتحان‌ها خداوند سبحان پیش از ظهور مردم را امتحان خواهد نمود که به بعضی از آن موارد اشاره می‌کنیم. ۱ – امتحان سنگین: کفر و گمراهی و گم کردن راه حق و به وسیله قرآن که از دو ناحیه پیاده می‌شود زمامداران و قراء و دانشمندان آنها، فرمان روایان حقوق آنها را پامال کرده و قرآن را تابع هواهای نفسانی خود قرار داده و قراء را به گمراهی می‌کشانند و راه سلامت ماندن از این خطر کفّ نفس و بردباری در مقابل تضییع حقوق و کناره‌گیری از مراکز فتنه است(۸). ۲ – امام صادق(عج) فرمودند: پیش از قیام قائم نشانه‌هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤمنش. عرض کردم آن نشانه‌ها چیست؟ فرمودند: آن گفتار خداوند عزوجل است که فرموده هر آیینه بیازماییم شما مؤمنان را: – به مقداری و چیزی از ترس از پادشاهان بنی فلان در پایان زمامداریشان. – و گرسنگی به خاطر بالا- بودن قیمت‌ها – و کاستن از مالها و فساد تجارتها – و جانها(یعنی) مرگ سریع – و محصولات(یعنی) کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات و بشارت ده صابران را در این وقت به خروج قائم علیه السلام(۹) ... معلوم می‌شود که تنها راه ایستادگی و دین داری صبر پیشه کردن است. ۳ – با مراجعه به روایت پیامبر که حذیفه آن را نقل کرده ۷۲ مورد نام برده شده که همه آن‌ها به نوعی یا امتحان است یا راه خروج عاقلانه از آزمایش. (۱۰) البته بعضی از این موارد در امتحان‌های قبلی نیز اشاره شده است. نتیجه اینها گزارش‌گونه ای بود از نشانه های حتمی و غیر حتمی و موارد آزمایش و امیدواریم که شیعیان با عقل و درایت این راه را پیموده و از گزند حوادث محفوظ باشند و تحت عنایات ولی عصر روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء پیروز و سربلند از این امتحانات به در آیند. پی‌نوشت‌ها: ۱. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵۶ – ۲۶۰. برای بررسی بیشتر علامت‌ها و توجیه علمی آن به تاریخ غیبت کبری محمد صدر ص (۵۴۹ – ۵۵۸) رجوع کنید. ۲. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایة الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ – ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی جا، بی تا، ص ۱۱۳۵ – ۱۱۳۰. ۳. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۰ هـ . ش، ص ۱۲۸. و ر. ک. تاریخ غیبت کبری، ص ۵۵۹–۶۲۴. ۴. ر.ک. کفایة الموحدین، ص ۴۰۸ – ۴۱۵. ۵. کفایة الموحدین، ص ۴۱۰. ۶. کفایة الموحدین، ص ۴۱۲. ۷. برای آگاهی بیشتر به کفایة الموحدین، ص ۴۰۵ – ۴۱۵ رجوع کنید. ۸. خادمی شیرازی، محمد، نشانه های ظهور حضرت بقیة الله، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۶۷. ۹. همان ص ۱۷ – ۱۸. ۱۰. ر.ک: همان، ص ۵۲ – ۵۷ به نقل از نوائب الدهور ص ۲۹۱ و همین طور تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه افتخارزاده حسین، ص ۴۱۳–۴۴۹.

نشانه های آخر الزمان را بنویسید؟

پرسش

نشانه های آخر الزمان را بنویسید؟

پاسخ

آخر الزمان دو اصطلاح دارد: ۱. از زمان پیامبر اکرم(ص) به بعد، آخرالزمان نامیده می‌شود و به پیامبر نیز پیامبر آخرالزمان می گویند. ۲. طلیعه‌ی برپایی قیامت و پایان یافتن دوره‌ی زندگی انسان در عالم مادی و مردن همه‌ی انسانها و برپایی قیامت پس از گذشت دوره آخر الزمان، عمر دنیا به پایان خواهد رسید و همه‌ی انسانها مرده و آن‌گاه قیامت برپا می‌شود. که آیات قرآن به آن اشاره دارد: «اذا الشمس کورت، و اذا النجوم انکدرت، و اذا الجبال سیرت...» در روایات برای دوران آخر الزمان علائم و نشانه‌هایی ذکر شده است و مقصود از این نشانه‌ها بیان مطالبی است که قبل از به آخر رسیدن دنیا، محقق خواهد شد مثلاً خود ظهور امام زمان یکی از علائم است یعنی تا حضرت ظهور نکنند دنیا به پایان نمی‌رسد و قیامت برپا نمی‌شود. خروج دجال، آشکار شدن خورشید در مغرب، نزول عیسی از آسمان، خروج حضرت مهدی و برخی امور دیگر در منابع روایی به ویژه در روایات اهل سنت به عنوان نشانه‌های برپایی قیامت ذکر شده است علائم و نشانه های ظهور که هر یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت (عج) است فراوان است که به ذکر مهم ترین آنها اکتفا می کنیم : ۱- خروج سفیانی : سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می جنگد. امام صادق (ع) فرمود: ((ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم . ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی (ع) و یزید با حسین بن علی (ع) به مخالفت برخاستند و سفیانی نیز با قائم (عج) خواهد جنگید, (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۱۸۲). ۲- خسف در بیداء: خسف ; یعنی , فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است . علی (ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما, مهدی (عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد, (ینابیع الموده , قندوزی , چاپ بصیرتی , ص ۴۲۷). ۳- خروج یمانی : سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند. امام صادق (ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند, (کتاب الغیبه , نعمانی , ص ۲۵۲). ظاهرا "خراسانی نیز دعوت به حق می کند. ۴- قتل نفس زکیه : نفس زکیه ; یعنی , انسان پاک . امام باقر(ع) فرمود: ((بین ظهور مهدی (عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست)), (الارشاد, ج ۲, ص ۳۷۴). ۵- صیحه آسمانی : ظاهرا "صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود. امام باقر(ع) فرمود: ((ندا کننده ای از آسمان نام قائم را دا می کند پس هرکه در شرق و غرب است آن را می شنود, (کتاب الغیبه , نعمانی , ص ۲۵۲). نشانه های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه آن ر.ک : ۱- ظهور نور, علی سعادت پرور, نشر تشیع ۲- علائم ظهور امام زمان (عج), محمد حسین همدانی , انتشارات صحفی ۳- نشانه های ظهور, سادات مدنی , نشر منیر ۴- از ولادت تا ظهور, کاظم قزوینی , ترجمه : فریدونی , نشر آفاق ۵- از ولادت تا ظهور, کربی , انتشارات الهادی ۶- مقاله بررسی نشانه های ظهور, اسماعیل اسماعیلی

در مورد علائم و نشانه های ظهور امام زمان(عج) توضیحاتی بفرمائید.

پرسش

در مورد علائم و نشانه های ظهور امام زمان(عج) توضیحاتی بفرمائید.

پاسخ

مدت زمان پاک شدن جهان از فساد معلوم نیست اما وقایع دوران ظهور را می‌توان ترسیم نمود. ترسیم تفصیلی عصر ظهور امکان‌پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می‌کنیم: روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می‌گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی‌ها و ترکان و یا هواداران آنها به وجود می‌آید تا جایی که منجر به جنگجهانی می‌گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می‌شوند که سرانجام در آن پیروز می‌گردند. اندک زمانی پیش ازظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد. اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می‌آید همکاری می‌نماید. از جمله نشانه‌های ظهور حادثه‌ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد. در این هنگام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می‌شود پس از این ندای آسمانی حضرتمهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می‌نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل‌ها جای می‌گیرد. دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می‌کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین‌رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می‌اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیامخویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می‌کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می‌یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان‌های مختلف به تمام جهان ابلاغ می‌کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلاممی‌دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه‌ای که جد گرامی‌اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می‌شوند به وقوع بپیوندد. آن حضرت پس از این معجزه با سپاه خود که متشکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسپار مدینه می‌شود و پس از نبردی با نیروهای دشمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می‌یابد. وی پساز پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می‌شود و در آنجا با سپاه ایران و توده‌های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی‌خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن در بصره به پیکار می‌پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دستمی‌یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می‌کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی و گروه‌های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می‌رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت

خود قرار می‌دهـد و بـدین‌سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیـج‌فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضـرت درمی‌آید. بعـد از آن جنگ‌هایی با ترکان و یهودیان صورت می‌پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضـرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سـخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می‌کنند ولی ناگاهحضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و بـا سـخنان خویش جهـان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهـد. فرود آمـدن حضـرت عیسـی(ع) برای جهان علامت و نشانه‌ای است که موجب شادی مسـلمانان و ملت‌های مسیحی خواهـد گردید. به نظر می‌رسد که حضـرت مسـیح(ع) میان حضـرت مهـدی(ع) و غربی‌هـا وسـاطت نموده و قرارداد صـلحی به مـدت هفت سال میان دو طرف بسـته می‌شود. اما غربی‌ها بعـد از دو سال پیمـان صـلح را می‌شـکنند، لـذا رومیـان در یـک هجوم ناگهـانی بـا نزدیک به یک میلیون سـرباز بهسـرزمین شام و فلسـطین یورش می‌آورند. نیروهای اسـلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سـر وی در قدس نماز می‌گذارد. دراین جنگ مسـلمانان پیروز می‌شوند. سپس غرب توسط امام فتح می‌گردد. پس ازفتح و اسـلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضـرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می‌گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه‌ای که دست‌بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شـریف مادرش در قدس به خاکمی‌سـپارد. پس از این فتوحات حضـرت مهـدی(عـج) برای تحقق بخشـیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقـدام می‌کنـد و برای تعالی بخشـیدن و شـکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنـگ و دانش و بالاـ بردن سـطحآگاهی دینی و دنیایی مردم می‌کوشـد. به نظر میرسـد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یـک حرکت انحرافی بهره‌گیری از پیشـرفت علوم و حـالت رفـاهی باشـد که در زمان امام(عـج) جامعه بشـری به آن دست می‌یابـد. دجال از روش‌های پیشـرفته چشم‌بندی، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشترپیروان او را تشکیل می‌دهند استفاده می‌کند. ازاین‌رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می‌آورد که فریبکاری‌های او را باور می‌کنند اما حضرت مهدی(عج) نیرنگ‌های وی را آشـکار سـاخته و بـه زنـدگی او و هـوادارانش خـاتمه می‌بخشـد. ایـن دورنمـایی کلی از حرکت و انقلاب جهـانی حضـرت مهـدی(عـج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عصـر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسـلامی). اما علائـم و نشانه‌هـای ظهور که هر یک نویـدی از نزدیک شـدن ظهور آن حضـرت(عـج) است فراوان است که به ذکر مهم‌ترین آنها اکتفا می‌کنیم: ۱- خروج سـفیانی: سـفیانی مردی از نسل ابوسـفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می‌کند و پس از ظهور با امام می‌جنگـد. امام صادق(ع) فرمود: «ما و خانـدان ابوسـفیان دو خاندانی هستیم که بر سـر دین خدا با هم دشـمنی داریم. ما سـخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاسـتند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲). ۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیـداء سـرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشـکر سـفیانی در زمین است. علی(ع) فرمود: در آسـتانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می‌کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می‌کند و چون به سرزمین بیداء می‌رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می‌برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷). ۳- خروج یمانی: سـرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عـدل دعوت می‌کند. امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سـفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی‌کند، (کتاب‌الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می‌کند. ۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک. امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهـدی(عج) و کشـته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شـبانه‌روز فاصـله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴). ۵- صـیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسـمان شـنیده می‌شود. امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده‌ای از آسمان نام قائم را ندا می‌کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می‌شـنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). درباره تعـداد یاران خاص آن حضـرت کلیاتی وارد شـده است مانند این که: امام

باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی‌هاییاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده‌زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است. به بعضی از خصوصیات امام زمان(ع) اشاره می‌شود: ۱- زمین را پر از عدل و قسط می‌کند. ۲- همانند جدش پیامبر(ص) با شمشیر قیام می‌کند (البته شمشیر ممکن است جنبه سمبلیک داشته باشد). ۳- هنگام ظهور چهره جوان خواهند داشت. ۴- حکومت جباران و ظالمان از بین برده و امر خدا و دین حق را آشکار می‌کند. ۵- مردم را به قرآن و سنت رسول خدا و هدایت برمی‌گردند. نشانه‌های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه آن ر.ک: ۱- ظهور ن

امروزه صحبت در باره علائم ظهور حضرت مهدی و پیش بینی های آن زیاد شده؟ وظیفه ما در مقابل چنین مسائلی چیست. و برخورد ما با افرادی که چنین پیش بینی هایی را می کنند چطور است.

پرسش

امروزه صحبت در باره علائم ظهور حضرت مهدی و پیش بینی های آن زیاد شده؟ وظیفه ما در مقابل چنین مسائلی چیست. و برخورد ما با افرادی که چنین پیش بینی هایی را می کنند چطور است.

پاسخ

نسبت به زمان ظهور امام زمان (عج) هیچکس نمی تواند زمان مشخص و معینی رااعلام کند، زیرا غیر از خداوند هیچکس نسبت به آن آگاهی ندارد. آنچه که در برخی از روایات درباره زمان ظهور امام زمان(ع) آمده است، نشانه‌ها و علایمی است که بر اساس آنها برخی از علما و صاحب نظران اظهار نظرهایی نسبت به نزدیک بودن و یا نزدیک نبودن زمان ظهور کرده‌اند. اما هیچ یک از آنان به طور قطع چنین اظهار نظرهایی را مطرح نکرده‌اند. از این رو، نمی توان گفت که در این نزدیکی‌ها آیا امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد یا خیر. به هر حال نشانه های ظهور را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نشانه‌های تغییر ناپذیر و تغییر پذیر نشانه‌های تغییر ناپذیر را می توان به نشانه های حتمی و غیر حتمی تقسیم کرد. علامت های حتمی نشانه‌های تغییر ناپذیر حتمی نشانه هایی هستند که یا متصل به ظهور هستند با فاصله (۱۵) روز یا چند ماه و یا متصل به ظهور نیستند و بعضی از آنها عبارتند از: «خروج دجال»، «صیحه و ندای آسمانی»، «خروج سفیانی از وادی یابس»، «فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء»، «قتل نفس زکیه بین رکن و مقام»، «خروج سید حسنی از دیلم و قزوین»، «کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در پایان آن»، « سه ندا در ماه رجب»، «خروج یمانی از یمن»، «انقراض بنی عباس» «جاری شدن نهری از فرات به غری»، «ظاهر شدن قحطی شدید»(۱). علامت‌های غیر حتمی این علامت‌ها گر چه تعداد زیادی از آنها به وقوع پیوسته و از نظر فلسفی حتمی و ضروری تلقی می شود ولی هنگامی که از آنها خبر داده می شده حتمیت آن مشخص نشده است از این رو غیر حتمی نامیده شده‌اند مانند« ظاهر شدن شصت مدعی دروغین نبوت»، «ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات مدعی امامت»، «بستن جسر بغداد»، «مسجد کردن قبرستان‌ها»، «خراب شدن بغداد»، «خراب شدن دیوار مسجد کوفه»، و...(۲) این علامت‌ها تغییر نکرده‌اند و با آمدن آنها ظهور آقا مسلما محقق خواهد شد اما نشانه‌هایی وجود دارد که قابل تغییر می‌باشند. نشانه‌های قابل تغییر علی بن خنیس از امام صادق(ع) روایت می‌کند که شنیدم می‌فرمود: بعضی از علایم و امورات از محتومات است و جمله‌ای از آن علایم حتمی نخواهد بود یعنی احتمال تغییر و تبدیل در آن می‌رود شاید که خداوند آن بلاها و فتنه‌ها رابه فضل و کرم خود از مؤمنین دفع فرماید و شداید را بر ایشان آسان نماید و در ظهور

www.noorfatemah.org

آن بزرگوار تعجیل فرماید»(۳). تعدادی از علاماتی که هنوز واقع نشده، و یا محتمل الوقوع است و اعلام به حتمیت آن نشده و احتمال تغییر و تبدیل در آنچه اراده خداوند به آن تعلّق گرفته می‌روند عبارتند از: «ایستادن آفتاب در وسط آسمان از اول زوال تا وقت عصر بدون آنکه حرکت کند»، «طلوع نمودن خورشید از مغرب»، «خروج یمانی از یمن»، «خروج خراسانی از خراسان»، «خروج مغربی به جانب مصر و مالک شدن مصر و نواحی آن»، «اختلاف بیرقها در شام به سبب خروج سه نفر طالب سلطنت» «خراب شدن سمت غربی مسجد شام»، وقوع جنگ و جدال در هر بلد از نواحی مغرب تا یکسال که مردم به دلیل اختلاف رایات یکدیگر را می کشند. به ویژه در شام که صد هزار نفر کشته می شوند»، «خراب شدن شام از قتل و غارت و اقسام فتنه‌ها و بلاها»، «فرو رفتن قریه جابیه در زمین در شام»، «خروج زندیقی از شهر قزوین به ریاست»، «پایان یافتن سلطنت بسیاری از سلاطین در اکثر کشورها»، «خروج عوف سلمی در سرزمین جزیره»، «خروج سمرقندی بعد از عوف سلمی و بر پا شدن فتنه‌ای عظیم»، «وقوع زلزله‌ای عظیم در شام قبل از خروج سفیانی که بیش از صد هزار نفر کشته می‌دهد»، «ظاهر شدن آتشی تعجب آور و خوف انگیز و ترس آور، به مدت سه یا هفت روز در میان زمین و آسمان در سمت مشرق زمین»، «ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسمان پهن می شود گویا همه آسمان را می گیرد» «کثرت قتل و خونریزی در کوفه از جهت رایات مختلف»، «کشته شدن نفس زکیه است در پشت کوفه با هفتاد نفر از صلحا»(۴)، «وقوع جنگ عظیمی در میان آل مروان و بنی عباس در قرقیسا در کنار شط فرات»، «نزول ترک در جزیره و اهل روم در رمله»، «مسخ شدن طایفه‌ای به صورت میمون و خوک»، «حرکت کردن بیرقهای سیاه از خراسان»، «آمدن باران بی نظیر در ماه جمادی الثانیه و رجب» «باریدن تگرگ بسیار بزرگی در روم و جزایر که مانند آن دیده نشده»، «مطلق العنان شدن عرب در رفت و آمد و عملکرد»، «خروج سلاطین عجم از شان دو قار»، «طلوع ستاره از مشرق که مانند ماه درخشنده است»، «زنده شدن مردگان و سر برآوردن از قبرها»، بعضی از این حوادث مشروط به وجود شرطی است که اگر شرایط آن محقق شود موجود می‌شود و خداوند تعالی داناتر است به آن چیزهایی که باید بشود. نتیجه علایم بر دو قسم هستند تغییر پذیر و تغییر ناپذیر: علایم تغییر پذیر علایمی است که به اراده خداوند واقع می شود و چه بسا به جهت حکم و مصالح و مقتضیات و موانعی واقع نشود یا تغییر داده شود به نحوی که اصلح به حال بندگان خدا باشد و یا به ادعیه و طاعات بندگان ابتلاء به آن رفع شود. و از طرفی ممکن است به خاطر موانع یا مصالحی فرج به تأخیر افتد و در این باره بعضی از روایات گویا است.(۵) و این مطلب در اصطلاح«بداء» نامیده می‌شود و مسائلی مانند افشای راز به قتل رساندن امام معصوم و مانند آن از اموری است که تأخیر انداز فرج شمرده شده است.(۶) وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می‌کند، وسایل پذیرایی را آماده می‌کند و با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه‌گویی او خواهند خندید. لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند بنابراین انتظار باید قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده می شود از رفتار و کردار او فهمیده شود. نمی‌توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان(عج) را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید». با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(عج) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان(عج) با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را درراه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی‌تواند از وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها و آلودگی‌ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد. با توجه به

نکات ذکر شده می‌توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می‌نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد ولو بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی‌شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی‌کشند اما کسانی که او را می‌شناسند و ارزش او را می‌شناسند و مقام او رامی‌دانند منتظر او می‌مانند. کسانی که امام زمان(عج) را نمی‌شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت، هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران او بیرون هستند. آری: وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. اول، شناخت تاریخی وجود آن حضرت مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند؟ پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳). ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر این سنخیت بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از

وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل‌های مختلف؛ اگر انسان منتظر محبوب خویش را نیابد سعی می‌کند عدم دوری محبوب خویش را از طریق دیگری مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی‌شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می‌کند. ۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می‌کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب‌هایی برای آن حضرت ۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه‌افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران. ۱۰. امیدواری به قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران ۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و با اراده‌ای محکم، عزمی راسخ و برنامه‌ای دقیق به اصلاح افکار و اندیشه‌ها و نیز تغییر و اصلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و با آگاهی ازوظایف عملی و گسترش شناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش‌ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی ـ در هر محیطی که هستیم ـ به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلّی نور الهی آماده سازیم. بنابراین گناهان گذشته ـ هر چند زیاد باشد ـ نمی‌تواند مانع مهمی در راه رشد و کمال و پیوستن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می‌توان سیئات و بدی‌های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت گماشت. قرآن راجع به حضرت مهدی(ع) و اصحاب ایشان می‌فرماید: «الدین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات را [به مستحق [می‌بخشند و به معروف امر نموده و از منکر نهیمی‌کنند (حج، آیه ۴۱). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است». در نتیجه اگر ما هم می‌خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه‌کارهای زیر توجه فرمایید: ۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛ ۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛ ۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛ ۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛ ۵. حجاب، متانت و وقار خود را کاملاً رعایت کنید؛ ۶. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ۷. اکنون که در دوران تحصیل علم هستید، بیشترین توجه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛ ۸. با مطالعه کتاب‌هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛ ۹. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل‌های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است. پی‌نوشت‌ها: ۱. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایهٔ الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ – ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی تا، بی

جا، ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۲ و حکیمی محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ص ۱۲۸. ۲. کفایهٔ الموحدین، ص ۴۰۵ - ۴۱۵ و منتهی الامال ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶. ۳. کفایهٔ، الموحدین، ج ۳، ص ۴۲۲. ۴. ظاهراً این نفس زکیه غیر از آن نفس زکیه‌ای است که در علامات حتمی ذکر شده و بین رکن و مقام شهید می‌شود. ۵. ترجمه بحار الانوار، مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه ص ۸۶۳ - ۸۶۵. ۶. همان

۱- علائم ظهور امام زمان (علیه السلام)

اشاره

۲- اعتقاد به مهدودیت وامام زمان (علیه السلام) ۳- شخصیت سید حسنی ۴- جزیره خضراء (مکان زندگی امام زمان (علیه السلام)) وانطباق آن بامثلث برمودا .

پرسش

۱- علائم ظهور امام زمان (علیه السلام) ۲- اعتقاد به مهدودیت وامام زمان (علیه السلام) ۳- شخصیت سید حسنی ۴- جزیره خضراء (مکان زندگی امام زمان (علیه السلام)) وانطباق آن بامثلث برمودا .

پاسخ

۱- علائم ظهور امام زمان (علیه السلام): نشانه های ظهور حضرت مهدی _ علیه السلام را _ که درکتاب حدیث روایت شده _ به سه نوع تقسیم می کنند : اول : نشانه هایی که از انحرافات بوجودآمده که درکشورهای اسلامی و غیر اسلامی سخن می گوید , این علائم , نشانه هایی تیستند که مقارن ظهور حضرت مهدی باشند , بلکه ممکن ایت دهها سال قبل ازظهور حضرتش بوجود آیند . دوم : نشانه هایی که سالیانی اندک قبل از ظهور حضرت اتفاق می افتد ونزدیک قیام آن بزرگوارند . اما دلیل بر خروج امام (درهمان سال نمی باشند , بلکه ازانواع پیشگوییهایی از حوادث آینده اند که درقرنهائی پس از زمان صدور آن احادیث صورت واقع به خود گرفته اند . سوم : نشانه هایی که درسال ظهور حضرت مهدی (یا سال قبل ازظهور رخ می دهد . نوع سوم نیز خود به دو گونه تقسیم می شود : اول : نشانه های غیر حتمی : یعنی نشانه هایی که ممکن است واقع شوند ویا واقع نشوند . نظیر : کم رنگ شدن ارزشها , پیروی از نابخردان , رخت بربستن عفت عمومی , زن سالاری , رواج کفر والحاد و بی دینی , ... و بسیاری فجایع دیگر که با عبارات گوناگون در روایات پیشوایان ما ذکر شده است .(۱) دوم : نشانه های حتمی : که قابل شک وتردید نیست وحتما اتفاق خواهد افتاد . نظیر :خروج سفیانی,خروج سید حسنی , ندای آسمانی , نزول عیسی مسیح (واقتدای او به حضرت مهدی ((۲) لازم به یاد آوری است که روایات علائم ظهور متاسفانه مصون از تحریق نمانده , به ویژه توسط حکومتهای استبدادی که ازظهور دادگستر جهان در هراسند , فی المثل دردوران خلفای بنی امیه و بنی عباس , افرادی به عنوان مهدی بر علیه دستگاه حاکمه وقت قیام و نهضت می نمودند وبدان وسیله عده ای را بر دور خویش جمع می کردند خلفای وقت چون می دیدند اصل احادیث مهدی قابل انکار نیست لذا حیله دیگری اندیشیدند تا بدان وسیله مردم را منصرف سازند وکار نهضت علویین را مختل

نمایند . بدان منظور علائم محال را جعل کردند تا مردم در انتظار آن علائم بنشینند و دعوت علویین را اجابت نکنند .(۳) ۲- اعتقاد به مهدویت وامام زمان (مسئله مهدودیت دراسلام _ وبالاخص درتشیع _ یک فلسفه بزرگ است , اعتقاد به ظهور منجی است , نه درشعاع زندگی یک قوم ویک ملت ویا یک منطقه ویا یک نژاد , بلکه درشعاع زندگی بشریت . مربوط به این نیست که یک منجی بیاید ومثلاً شیعه را یا ایران را یا آسیا رال یا مسلمانان جهان را نجات دهد , مربوط به این است که یک منجی و مصلح ظهور کند وتمام اوضاع زندگی بشر را درعالم دگرگون کند ودرجهت صلاح وسعادت بشر تغییر بدهد. مولا علی _ علیه السلام _ با اشاره به ظهور مهدی موعود (چنین می فرمایند" : حتی تقوم الحرب بکم علی ساق بادیا نواجذها , مملوئه اخلافها , حلوا رضاعها , علقها عاقبتها , الاوفی غد , وسیاتی غد بمالا تعرفون _ یاخذ الوالی من غیر ها عمالها علی مساوی اعمالها وتخرج له الارض اما لیذکبدها وتلقی الیه سلما مقالیدها فیریکم کیف عدل السیره ویحیی میت الکتاب والسنه (".۴) جنگ قدعلم خواهد بود که درحالی که دندانهای خود رانشان می دهد . پستانهایش پراست و آماده است . شروع کار شیرین است وعاقبت آن تلخ . همانا فردا _ و فردا چیزی ظاهر خواهد کرد که او را نمی شناسید وانتظارش را ندارید _ آن حاکم انقلابی هر یک ا زعمال حکومتهای قبلی را به سزای خویش خواهد رسانید , زمین پاره های جگر خود را ازمعادن وخیرات وبرکات برای او بیرون خواهد آورد وکلیدهای خودرا با تمکین به او تسلیم خواهد کرد , آن وقت به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی چیست , وکتاب خدا وسنت پیامبر را احیاء خواهد کرد . علی _ علیه السلام _ نیزازیک آینده عبوس وخشمناک و جنگهای وحشت زا یاد می کند ولی علی در پایان این شب سیه یک سفیدی میمونی را نوید می دهد . قرآن کریم هم می فرماید " : ولقدکتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ("۵) ما ازپیش اطلاع داده ایم که وارث اصلی زمین , بندگان صالح و شایسته ماخواهد بود (برای همیشه زمین دراختیار ارباب شهوت وغضب وبندگان جاه ومقام واسیران هوای نفس نخواهد بود .) واین فلسفه بزرگ مهدودیت است , درعین اینکه پیش بینی یک سلسله تکانهای شدید ونابسامانیها وکشتارها و عدالتی هاست . پیش بینی یک آینده سعادت بخش و پیروزی کامل عقل بر جهل , توحید بر شرک ,ایمان برشک، عدالت بر ظلم , سعادت بر شقاوت است لهذا نوید وآرزو ست" . اللهم انا نرغب الیک فی دوله کریمه تغربها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک والقاده الی سبیلک وترزقنا بها کرامه الدنیا والاخره ("۶) ۳- شخصیت سید حسنی : بنا بروایات ائمه (, سید حسنی مردی از بزرگان شیعیان است که درایران و ازناحیه ((دیلم وقزوین)) (کوهستانی شمالی قزوین که یک قسمت آن دیلمان نام دارد) خروج و قیام می کند . مردی خداجو وبزرگواراست که ادعای امامت ومهدویت نمی کند , وکارش بالا می گیرد وپیروان بسیار پیدا می کند , واز محل خود تا کوفه را از ظلم و جور و فسق و فجور پاک می سازد , ومطاع ورئیس است ومانند سلطان عادلی حکومت می کند , وهنگامی که با سپاهیان ویاران خود در کوفه است به او خبر می دهند که امام قائم علیه السلام با یاران و پیروان خود به نواحی کوفه آمده است , سید حسنی با لشکریان خود با امام علیه السلام ملاقا می کند , اما م صادق (فرموده اند : که سید حسنی امام را می شناسد اما برای آنکه به یاران و پیروان خود امامت و فضایل امام را ثابت کند آشنائی خود را آشکار نمی سازد , واز امام می خواهد که دلائل امامت و ماریثی که از پیامبران نزد اوست ارائه دهد . وامام (ارائه می فرمایند و معجزاتی آشکار می فرماید , و سید حسنی با امام بیعت می کند و پیروان او نیز با امام بیعت می کنند , بجز گروهی ح...Ş...چهار هزار نفر که نمی پذیرند وبه امام (نسبت سحر وجادوگری می دهند , واماŠ(پس از سه ورز موعظه ونصیحت , چون نمی پذیرند وایمان نمی آورند ,دستور قتل آنها راصادر می فرمایند وهمه آنان به فرمان امام کشته می شوند .(۷) ۴- جزیره خضراُ وانطباق آن بر مثلث برمودا : ماجرای جزیره خضرا سابقه ای ۷۰۰ ساله دارد . برای نخسین بارمردی به نام علی بن فاضل مازندارانی , درسال ۶۹۹ قمری ادعا کرد که به جزیره خضرا سفر کرده است وآنجا سرزمین خوش آب و هوا و محل زندگی امام عصر(عج)وفرزندان ویاران ایشان است وحکومت واداره این جزیره نیز به دست فرزندان امام عصر(عج) است ونعمت درآنجا به وفور یافت می شود وهمگی درآسایش و راحتی به سر می برند و هیچکس

اجازه ورود به محدوده این جزیره وسرزمین را ندارد , مگر اینکه از محبان وموالیان آن حضرت باشد . واگر دشمنی قصد ورود به آنجا را داشته باشد به قدرت خدای متعال دچا رطوفان شده ونابود می گردد ودور تا دور جزیره را آبهای سفید و شیرین فراگرفته است . وی درباره موقعیت جغرافیایی جزیره خضرا وسایر مناطقی که درکنار این جزیره یا مسیر این جزیره قرار دارند توضیحی نداده است وبه همین علت عده ای با استفاده از آخرین نقطه ای که ایشان درمسیر حرکت خود ذکر کرده اند , چنین استنباط کرده اند که این جزیره د ردریای مدیترانه قرار دارد وعده ای نیز آنرا دراقیانوس ا طلس پنداشته اند. البته این داستان را مرحوم مجلسی د ربحارالانوار ودربابی جداگانه آورده است وتوضیح داده که من دلیل معتبری بر آن نیافتم .(۸) اما دررابطه با اینکه آیا داستان جزیره خضرا و سفر علی بن فاضل مازندارانی صحت دارد یاخیر؟ عده ای از علما آن را تایید کرده و عده ای نیزپذیرفته اند واحادیث نیز به آن اشاره نکرده است واز نظر سند نیز گفته اند محل اشکال است , زیرا این فرد یعنی علی بن فاضل ناشناخته است وبه علاوه این داستان مهم را کسانی که هم عصر وی بوده اند نقل کرده اند بنابراین طبق نظر بسیاری ازعلما هیچ واقعیتی ندارد.(۹)بنابراین اصل روایت جزیره خضراء محل تردید جدی است تا چه رسد به انطباق آن بر مثلث برمودا(۱۰))رجوع شود به : روضه کافی ص ۳۶-۴۲ .بحارالانوار ج۵۲ ص۲۵۴ منتهی الامال , زندگی امام دوازدهم ص ۱۰۶-۱۰۷ وبسیاری کتب دیگر که علائم وفتن را ذکر کرده اند . (۲)سایت اینترنتی شیعه سرچ (۳)دادگسترجهان (۴)نهج البلاغه , خطبه ۱۳۶ (۵)انبیاء /۱۰۵ (۶)از فقرات دعای افتتاح (۷)منتهی الامال, زندگی امام دوازدهم ص۱۰۴-۱۰۳ بحارالانوار ۵۳ ص ۱۵-۱۶ , کفایه الموحدین ,ج ۲ص ۸۴۲-۸۴۳ (۸)بحارالانوار , محمد باقر مجلسی ,ج ۵۲ ص ۱۵۹ باب ۲۴ (۹)برای اطلاع بیشتر ر.ک: جزیره خضرا افسانه یا واقعیت , سید جعفر مرتضی عاملی , ترجمه محمد سپهری , جزیره خضراافسانه یاواقعیت , محمدتقی شوشتری وابراهیم امینی .جزیره خضرا وتحقیقی پیرامون مثلث برمودا , ناجی نجار, ترجمه وتحقیق علی اکبر مهدی پور . درطول سالهای گذشته وقایعی درمثلث برمودا اتفاق می افتد که داستان جزیره خضرارا دوباره تجدید می کند . این مثلث درغرب اقیانوس اطلس و بین جزایر برمودا , پورتوریکه و شبه جزیره فلوریدا قراردارد وطی سالهای گذشته وقایعی عجیب درآن اتفاق می افتد ومسافرانی که از آن عبور می کنند دچار حادثه می شوند, برخی ازآنها درآخرین تماس های خود با مراکز رادیویی مشاهدات خود را نقل می کنند وخبر از جزیره ای که تاکنون آنرا مشاهده نکرده اند می دهند واذعان می کنند اطراف این جزیره را آب های سفید و شیرین فرا گرفته است . (۱۰)برسش و پاسخ ها , دفتر دوم – نهادنمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

۱–برخی از علائم ظهور امام زمان را بنویسید ؟

پرسش

۱–برخی از علائم ظهور امام زمان را بنویسید ؟

پاسخ

و اما علائم ظهور به سه دسته تقسیم می شود : ۱– نشانه های عمومی شامل انحرافات کشورهای اسلامی و سایر کشورها در موازین دینی و فطری و این علائم مقارن ظهور نیست , بلکه از سالها قبل از ظهور واقع میشوند چنانکه آلان بوضوح در جای جای این دنیای آشفته می بینیم . ۲– نشانه های که سالیان اندک قبل ازظهور اتفاق می افتد و دلیل نزدیک بودن امر ظهور است . ۳– نشانه

هایی که مربوط به سال ظهور است از این دسته سوم بعضی غیر حتمی است و بعضی قطعی قطعی . امام محمد باقر علیه السلام » می فرماینـد : پیشاپیش این امر , گرفتن ماه پنـج روز مانده به آخر ماه و گرفتن خورشـید در نیمه ماه اتفاق می افتد و این در ماه مبارک رمضـان واقـع می شود در چنین حـالتی است که محاسـبات سـتاره شـناسان از بین می رود . « غیبت نعمـانی , ص ۲۷۲ » امام صادق فرمودند : ندا از آسمان از مسائل قطعی است . سفیانی حتمی است . فروبرده شدن (عده ای جنایتکار) در« بیدا» قطعی است . یمانی حتمی اسـت . کشـته شـدن نفس زکیه قطعی است . « عنیبت نعمـانی ,ص ۲۵۷-۲۵۲ » ۳- مولف کتـاب نوائب الـدهر علائم ظهور , مرحوم سـید حسن میر جهانی « ره » حـدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مسـتند نقل میفرمایند : ۱- اختلاف بسـیار در روی زمین . ۲- خروج سـفیانی که مردی است از نسـل یزیـدبن معاویه و مرد پلیـدی است. ۳- وقوع زلزله در بغـداد. ۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شـریک شـدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان. ۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز. ۶- واقع شـدن فتنه درمیان شـرقیها و غربیها. ۷- خراب شـدن ری. ۸- ظهور فتنه شدیـد در سـال پیش از ظهور . ۹- زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی. ۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم. ۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی. ۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان. ۱۳- تـدریس علوم باطله برخلاف دین و دسـتور قرآن کریم. ۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سـرزنش و بـدگوئی آنان و کشـتن و خوار کردن سادات . ۱۵- قرآن را با ساز و آواز خواندن. ۱۶- سـخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها. ۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننـده را سـرزنش و ملامـت کننـد و او را در این کـار نهی می نماینـد. ۱۸- در هر سال بدعتها و شـر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد . ۱۹ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند ۲۰ - قبور ائمه «علیهم السلام » را با گلوله خراب کنند. ۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود ۲۲- دین به دنیـا فروخته شود و تعارفـات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲) در پایان متـذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضـرت مهدی عج» باشـیم وآن که گناه درجامعه کم شود امر به معروف و نهی از منکر از اهم واجبات است و رشـد فکری و فرهنگی ارتقاء پیـدا کنـد. و تا زمانیکه مردم رشد فکر ی نداشـتند و قابلیت پذیرش حکومت حضـرت حجت نداشـته باشـند حضـرت « علیه السـلام » ظهور نخواهـد کرد . و امید است انقلاب اسـلامی ایران مقدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صـلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرای این مهمان عزیز کند و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشـد و برای اطلاعـات بیشتر به کتاب مهـدی موعود علیه السـلام » ترجمه جلـد سـیزدهم بحار الانوار علامه مجلسـی است و مترجم دانشـمند و محقق معاصـر آقـای علی دوانی «دامت برکـاته» بـا زحمت فراوان برشـته تحقیق و تحریر آوردنـد و کتاب جامع و کاملی است و هر اطلاعی از امام مهـدی (عـج) که مورد نیاز باشد در این کتاب مسـطور است. ازجمله علائم آن حضـرت داشـتن علامتی است در پشت مثـل علامـتی که پیـامبر در پشت مبارک شانه ها داشـتند و نیز اینکه فقط زره رسولخـدا صـلی الله علیه واله » بر قامت حضرت مهدی « عج» راست و درست می آید و اینکه حضرت عیسی«علیه السلام » از آسمان به زمین می آید و به آن حضرت اقتدا میکند آری روزگاری در پیش خواهد بود معجزه اندر معجزه ؛ ایمان از پی ایمان ؛ اسـرار و عجائب بی حد و شـمار ولی همه واقعی واقعی . امام خمینی « ره» در تفسـیر { والعصـر ان الانسان لفی خسـر } می فرماید : عصـر انسان کامل امام زمان « علیه السلام» است. یعنی: عصاره تمام موجودات آنهم به کاملترین وجه. بنابراین عصـری خواهد آمد که اصـلا قابل تصور برای اغلب مردم نیست, مگر کسانیکه اهل دقت و جویای حقیقت هسـتند . ای کاش که ما بتوانیم مشمول دعاهای خیر و برکات آنحضرت باشیم . منابع : ۱-امام مهدی از ولادت تا ظهور , سـید محمد کاظم قزوینی ۲-خصائص مهدی , نوشته محمد راجی ۳- پادشه خوبان , سید عباس مرادی ۴- معرفت امام عصر , سیدمحمد بنی هاشمی ۵-منتهی آلامال ,

۱- آیا علائم حتمیه ظهور، مشمول « بداء » واقع می شوند ؟

پرسش

۱- آیا علائم حتمیه ظهور، مشمول « بداء » واقع می شوند ؟

پاسخ

«بـداء» عبارت است از اظهار چیزی خفی با توجه به علل و عوامل، مثل اینکه حکم می کنیم در ساعات آینده هوا آفتابی خواهد بود , سپس ابری می شود و مقصود از گفتار « بداء» اینست که، مُقَدِرات همگی مقتضی هستند نه علت تامه و فقط خواست و اداره خدا علت تـامه است . «بـداء» ویژه امور تکوینی است و ماننـد « نسـخ» در امور تشـریعی می باشـد و مربوط به لوح محو و اثبات نزد خـدا است و تماما به علم مطلق الهی باز می گردد و برای خدا از آغاز معلوم می باشد. مقدرات بعضـی امور برای بندگان معلوم و بعضـی نـا معلومنـد. و این علم به نسبت آگاهی و اخبار رسولان محکم و عالمان راسـخ (ائمه) می باشـد. پس آنچه به عنوان علایم حتمیه ذکر شده است خبر از وقایعی است که اراده و خواست خدا بر بقاء و ثبات آنها تعلق گرفته است. « بداء» تغییر در مشیت خدا نیست ، بلکه همان سیر و روند مقدرات است به خواست خدا باز می گردد . آنچه وعده ثابت داده شده تغییری ندارد ؛ مثل اینکه خداوند فرمود : { غلبت الروم } و خبر از فتح مسـلمانان در جنگ با سپاه روم داد. همینطور آنچه را که به عنوان علایم حتیمه ظهور از طریق احادیث معتبر معرفی کرده انـد ،حتما واقع خواهد شد.{ ان الله لایخلف المیعاد } حکم« بداء» نزد خدا معلوم است و نزد خلق مخفی است. زیرا ؛ علم و فعل مخلوقات نیز مقدر اند ؛ و جمیع مقدرات تابع علم و مشیت الهی هستند .

علائم ظهور امام زمان (عج) کدامند و چگونه می توان آن حضرت را از مدعیان دروغین تشخیص داد؟

پرسش

علائم ظهور امام زمان (عج) کدامند و چگونه می توان آن حضرت را از مدعیان دروغین تشخیص داد؟

پاسخ

بخش اول: احادیثی که علائم ظهور حضرت مهدی(عج) را بیان می‌کنند به نوبه خود بسیارند. بخشی از آنها بهسندهای مختلف از ناحیه پیامبر(ص) و بخشی دیگر هم از سوی امامان(ع) نقل شده‌انـد. اهل سـنت و تشـیع به برخیاز آنها در جای خود اشاره کرده‌اند. اما آنچه که مهم است و بایـد به آن توجه نمود، علائم ظهور و نوع آن علائماست. به نظر می‌رسـد در برخی کتب میان علائم ظهور قیـامت و علائـم ظهور امـام خلـط صورت گرفته و یکسان انگاشـتهشده‌اند و حال آن که میان این دو تفاوت هست. از باب نمونه در حدیثی عبارت «اشـراط الساعة» به کار رفته، ولی ازعلائم ظهور مهدی(عج) تلقی شده است، (منتخب‌الاثر، ص ۴۳۲) به همین جهت می‌بینیم پدیـده طلوع آفتاب ازمغرب که به نظر شـیعه از علائم ظهور مهدی(عج) است در نظر عامه از علائم قیامت شـمرده می‌شود، (جلالی حسینی،سید محمد جواد، احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، چاپ مؤسسه نشر اسلامی، ص ۲۸). در این کتاب اخیر

www.noorfatemah.org

علامات ذیل حتمی شمردهشده است: خروج دجال، نداء آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن ارتش سفیانی در سرزمین بیداء، قتل نفس زکیه وعلامات ذیل هم غیرحتمی محسوب شده است: طلوع آفتاب از مغرب، خروج یمانی از یمن و خروج آتش از مشرق وباقی ماندن آن تا سه روز یا ۷ روز، (همان). به هر حال آنچه که مهم است توجه به علائم ظهور و نوع آنهاست. بخشی از اینها به وقوع پیوسته است از جملهآنها: انقطاع ملک بنی عباس، انهدام کعبه به دست قرامطهٔ به سال ۳۳۷ ه، ظهور ستاره دنبالهدار و خراب شدن بصره،(همان، ص ۲۹) و بخشی از آنها به آینده موکول شده است از این رو می گوییم: در احادیث اسلامی به یک سلسلهعلامتها اشاره شده که برخی نشانههای کلیاند و بعضی نشانههای جزئی که بیشتر شکل یک پیشگویی اعجازآمیز رادارد. در اینجا به سه نشانه بزرگ از هر دو قسمت اشاره میکنیم: الف) فراگیر شدن ظلم و فساد؛ این موضوع در بسیاری از روایات اسلامی تحت عنوان «کما ملئت ظلما و جورا؛همانگونه که جهان از ظلم و ستم پر شده باشد» آمده است. مفاسد و مظالم فوق را به سه گروه میتوان تقسیم کرد: ۱- مسائل حقوقی و حکومتها مانند: گسترش ستم، پیروزی حامیان باطل، عدم آزادی بیان و عمل برای مؤمنین،توسعه رشوهخواری، صرف سرمایههای عظیم در مصارف بیهوده، پیشی گرفتن هزینههای جنگی بر هزینههایعمرانی و... ۲- مسائل اخلاقی مانند: گسترش تملق، چشم هم چشمیها، تن دادن مردان به کارهای پست، گسترشسرگرمیهای ناسالم، ریاکاری، پارتیبازی و ارزیابی شخصیت افراد به حجم ثروت و... ۳- مسائل دینی و مذهبی مانند: تفسیر به رأی، جهتگیریهای شخصی در مسائل مذهبی، ازدحام افراد آلوده درمساجد، اهمیت فوقالعاده به تزئین آنها، خالی شدن آنها از محتوا، کوچک شمردن نماز. البته ذکر این نکته ضروریاست که لزومی ندارد این مفاسد در تمام نقاط جهان آشکار گردد بلکه معیار چهره نوعی مردم است. خواه در شرق یادر غرب. ب) ظهور دجال پرتزویر و حیلهگر و سفیانی تخریبگر: درباره هر دو روایات زیادی در کتب حدیث نقل شدهاست. به عنوان نمونه درباره دجال در حدیثی از پیامبر(ص) میخوانیم: «هر پیامبری بعد از نوح قوم خود را از فتنهدجال برحذر داشت من نیز شما را برحذر میدارم» درباره سفیانی هم در حدیثی از امام علیبن الحسین(ع) میخوانیم: «ظهور سفیانی از مسائل حتمی و مسلم است ودر برابر هر قیام کنندهای یک سفیانی وجود دارد». تذکر این نکته مهم است که میان علمائ اختلاف است در این که مفاد این روایات آیا ناظر به شخص معین است یاناظر به عنوان حکمی و توصیفی است که با برنامههای معین افرادی مظهر آن خواهند بود، (مهدی انقلابی بزرگ، مکارمشیرازی). بخش دوم: برای تشخیص حضرت مهدی(عج) از مدعیان دروغین میتوان به نکات ذیل اشاره کرد: ۱- پیامبران و امامان(ع) عموما برای معرفی خود نیاز به معجزه داشتهاند. چنان که آن حضرت نیازی بدان پیدا کندحتما اقدام به عمل معجزه خواهد نمود. گرچه احادیث رسیده صریحا در این موضوع مطلبی بیان نداشته است. البتهتذکر نکتهای لازم است و آن این که، گرچه در نظر شیعه نص و تصریح از ناحیه پیامبر(ص) از لوازم شناخت امام مطرحاست اما اگر ادعای امامت از جانب کسی به همراه اظهار معجزه صورت بگیرد، این مسأله به نوبه خود میتواند دلیل وقرینه بر امامت آن شخص تلقی گردد. ۲- نشانههای قبل از قیام میتواند برای معرفی آن حضرت کافی باشد و نیازی به معرف دیگری مانند - معجزهخاصی - نباشد. آن علامتها عبارتند از: رویدادهای آسمانی مانند: خسوف و کسوف در غیر وقت طبیعی، صیحهآسمانی، اعلان آسمانی در ظهور و حوادث اجتماعی مانند: ظهور دجال و خروج سفیانی، فرو بردن زمین ارتشسفیانی را در بیانی میان مکه و مدینه، کشته شدن نفس زکیه در مسجد الحرام میان رکن و مقام. به هر حال این علامتها در مجموع میتواند دلیل بر تشخیص امام زمان(عج) بوده باشد یعنی کسی که پس از اینعلائم به صورت آشکار در مسجدالحرام به عنوان قائم آل محمد(ص)، مردم را به سوی فرد دعوت کند جز مهدیموعود(عج) کسی دیگر نمیتواند باشد. زیرا غیر از او هر کس باشد رسوا خواهد شد. در همین زمینه حدیثی از امام صادق(ع) در کتاب اصول کافی (ج۱، ص ۳۴۰، ح ۲۰) این چنین آمده است: «امامصادق(ع) فرمود: برای صاحب این امر دو غیبت است در یکی از آنها به سوی خانوادهاش باز میگردد و در دیگریگفته خواهد شد به هلاکت رسیده است. در کدام بیابان رفته است؟ گفتم: اگر چنین پیش آمدی شد چه کنیم؟ فرمود:اگر کسی آن را ادعا کرد از او سؤالاتی کنید

(اگر در ادعا راست باشد) جواب خواهد داد». افزون بر آن آنچه که در کتاب اصول کافی، ج ۲ ،ص ۱۵ عنوان ذیل هم آمده: آنچه ادعای امامت راستگو را ازدروغگو معلوم می کند، سخن ما را تأکید می کند. ر.ک: کشف‌المراد، ص ۳۷۰ – الهیات، جعفر سبحانی، ج ۴، ص ۲۶).

گفته می شود که در آخر الزمان مردم و بطور کلی جهان به فساد کشیده شده و همه جا از ظلم و جور پر خواهدشد و در آن حال خواهد بود که امام عصـر (عج)ظهور خواهند کرد حال این سئوال مطرح است که اگر سرانجام و بطور طبیعی به چنین فساد وظلمی جهان را فرا خواهد گرفت پس چرا

پرسش

گفته می شود که در آخر الزمان مردم و بطور کلی جهان به فساد کشیده شده و همه جا از ظلم و جور پر خواهدشد و در آن حال خواهد بود که امام عصر (عج)ظهور خواهند کرد حال این سئوال مطرح است که اگر سرانجام و بطور طبیعی به چنین فساد وظلمی جهان را فرا خواهد گرفت پس چرا باید به سمت اصلاح خود و جامعه حرکت کنیم و موکد در اسلام توصیه شده است که خود و جامعه تان را به اصلاح در آورید .آیا عدم حرکت ما به سمت اصلاح و در نتیجه به فساد کشیده شدن جامعه منجر به تعجیل در ظهور نمی گردد؟

پاسخ

فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه‌های معروف ظهور حضرت مهدی(ع) به شما می‌رود و این نشانه در روایات بسیار به چشم می‌خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: «یملا اللّه به الارض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می‌سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد»، (چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، نقل از «سنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل‌العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴). یا از حضرت مهدی(ع) نقل شده: «علامهٔ ظهوری کثرهٔ الهرج و المرج و الفتن...؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه‌ها و آشوبها است»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰). قبل از آن که به بررسی اصولی موضوع مطرح شده بپردازیم به نظر می‌رسد اشاره به سیر تاریخی این برداشت از موضوع ظهور امام زمان و زمینه‌های آن، به عنوان مقدمه مفید باشد. در طول تاریخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسایش طلبانه در برخی پدید آمده و آنان بهانه‌ای می‌طلبند تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند! حال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشته باشد. از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می‌افتد و حتی برخی پنداشته‌اند که باید به ظلم و فساد نیز کمک کرد و در گسترش آن کوشید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟! این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است. اولاً این تعبیر که «جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آن که از ظلم و جور پر شده است» یک بیان و تعبیر کنایی است که نشانگر شدت ظلم و فراگیری آن است و بدین معنا نیست که همه‌ی انسان‌ها در آن زمان ظالم و فاسدند. مانند این تعبیر که می گوییم «فلان‌کار، با هزار مشکل مواجه است» کنایه از این که مشکلات متعددی فراروی تحقق آن عمل است. در آن دوران، انسان‌های صالح نیز وجود دارند که قرآن کریم به آنان وعده داده است که وارث حکومت زمین خواهند شد(نور، آیه ۵۵.) و مگر کسانی جز همین انسان‌های خودساخته و صالح، یاوران حضرت مهدی(عج) خواهند بود؟ و

اساسا زمینه و بستر پذیرش قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) به ستوه آمدن توده‌های مردم از ظلم و فساد و تباهی است. بر این اساس می‌توان گفت ظلم و جور مورد نظر در روایات، به صورت عمده، متوجه به حکومت‌ها و طبقه‌ی حاکم که قدرت و ثروت را در دست دارند، می‌باشد. ثانیا روایاتی که دلالت بر پر شدن جهان از ظلم و ستم دارد، در حقیقت خبر از وضعیت و شرایط جهان در آن دوران می‌دهد. اخبار از یک واقعیتی است، که رخ خواهد داد نه این که وظیفه شرعی ما را بیان کند، به این معنا که ما موظفیم چنین شرایطی را ایجاد کنیم و کمک کنیم جهان پر از ظلم و فساد شود. اخبار این روایات از وضعیت جهان، منافاتی با مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی ما در جهت اصلاح فرد و جامعه ندارد. وظیفه انسان، حرکت در مسیر کمال است که جز در پرتو عمل به وظایف و اصلاح خود و جامعه میسر نخواهد بود و وعده آمدن مهدی موعود نیز در راستای همین سیر به سوی کمال و اصلاح فرد و جامعه است. مهدی موعود می‌آید تا بستر را برای این حرکت و سیر کمالی مهیاتر کند. او می‌آید تا انسان‌ها، فارغ از ظلم ستمگران و فساد افسادگران، مسیر کمال و اصلاح خود و معرفت حضرت حق و رسیدن به سعادت را بپیمایند. ثالثا به طور کلی، هیچ گاه یک آموزه‌ی دین نمی‌تواند نافی و تعطیل‌کننده سایر ارکان و اساس دین باشد. اگر به فرض به چنین موردی برخوردیم، خود دلیل بر بطلان آن و عدم استناد آن آموزه به دین خواهد بود. به عنوان مثال یکی از ارکان دین، توحید است، معنا ندارد که آموزه‌ای از دین، شرک را تأیید و به آن دستور دهد. با توجه به اصل فوق، روایاتی که صرفا اخبار از یک امر تکوینی است یعنی خبر از شرایط و اوضاع جهان قبل از ظهور می‌دهد، نمی‌تواند مؤید و مروج فساد و ظلم باشد. اساسا روح دین و تمام آموزه‌های دین، برای برچیدن فساد و تباهی و رساندن انسان به اوج کمال است. دین برای اصلاح فرد و جامعه آمده است. بنابراین چنین برداشتی از روایات فوق برداشتی کاملاً نادرست و منافی با حقیقت دین و ارسال رسل است.

علائم ظهور در عصر کنونی بر اساس آیات و روایات چه می باشد ؟ضمنا اگر کتاب خاصی است معرفی نمایید.

پرسش

علائم ظهور در عصر کنونی بر اساس آیات و روایات چه می باشد ؟ضمنا اگر کتاب خاصی است معرفی نمایید.

پاسخ(قسمت اول)

نشانه های ظهور را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نشانه‌های تغییر ناپذیر و تغییر پذیر نشانه‌های تغییر ناپذیر را می توان به نشانه های حتمی و غیر حتمی تقسیم کرد. علامت های حتمی نشانه‌های تغییر ناپذیر حتمی نشانه هایی هستند که یا متصل به ظهور هستند با فاصله (۱۵) روز یا چند ماه و یا متصل به ظهور نیستند و بعضی از آنها عبارتند از: «خروج دجال»، «صیحه و ندای آسمانی»، «خروج سفیانی از وادی یابس»، «فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء»، «قتل نفس زکیه بین رکن و مقام»، «خروج سید حسنی از دیلم و قزوین»، «کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در پایان آن»، « سه ندا در ماه رجب»، «خروج یمانی از یمن»، «انقراض بنی عباس» «جاری شدن نهری از فرات به غری»، «ظاهر شدن قحطی شدید»(۱). علامت‌های غیر حتمی این علامت‌ها گر چه تعداد زیادی از آنها به وقوع پیوسته و از نظر فلسفی حتمی و ضروری تلقی می شود ولی هنگامی که از آنها خبر داده می شده حتمیت آن مشخص نشده است از این رو غیر حتمی نامیده شده‌اند مانند «ظاهر شدن شصت مدعی دروغین نبوت»، «ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات مدعی امامت»، «بستن جسر بغداد»، «مسجد کردن قبرستان‌ها»، «خراب شدن بغداد»، «خراب شدن دیوار مسجد کوفه»، و...(۲)

این علامت‌ها تغییر نکرده‌اند و با آمدن آنها ظهور آقا مسلم محقق خواهدشد اما نشانه‌هایی وجود دارد که قابل تغییر می‌باشند. نشانه‌های قابل تغییر علی بن خُنیس از امام صادق(ع) روایت می کند که شنیدم می‌فرمود: بعضی از علایم و امورات از محتومات است و جمله‌ای از آن علایم حتمی نخواهد بود یعنی احتمال تغییر و تبدیل در آن می‌رود شاید که خداوند آن بلاها و فتنه‌ها رابه فضل و کرم خود از مؤمنین دفع فرماید و شداید را بر ایشان آسان نماید و در ظهور آن بزرگوار تعجیل فرماید»(۳). تعدادی از علاماتی که هنوز واقع نشده، و یا محتمل الوقوع است و اعلام به حتمیت آن نشده و احتمال تغییر و تبدیل در آنچه اراده خداوند به آن تعلّق گرفته می‌روند عبارتند از: «ایستادن آفتاب در وسط آسمان از اول زوال تا وقت عصر بدون آنکه حرکت کند»، «طلوع نمودن خورشید از مغرب»، «خروج یمانی از یمن»، «خروج خراسانی از خراسان»، «خروج مغربی به جانب مصر و مالک شدن مصر و نواحی آن»، «اختلاف بیرقها در شام به سبب خروج سه نفر طالب سلطنت» «خراب شدن سمت غربی مسجد شام»، وقوع جنگ و جدال در هر بلد از نواحی مغرب تا یکسال که مردم به دلیل اختلاف رایات یکدیگر را می کشند. به ویژه در شام که صد هزار نفر کشته می شوند»، «خراب شدن شام از راه قتل و غارت و اقسام فتنه‌ها و بلاها»، «فرو رفتن قریه جابیه در زمین در شام»، «خروج زندیقی از شهر قزوین به ریاست»، «پایان یافتن سلطنت بسیاری از سلاطین در اکثر کشورها»، «خروج عوف سلمی در سرزمین جزیره»، «خروج سمرقندی بعد از عوف سلمی و بر پا شدن فتنه‌ای عظیم»، «وقوع زلزله‌ای عظیم در شام قبل از خروج سفیانی که بیش از صد هزار نفر کشته می‌دهد»، «ظاهر شدن آتشی تعجب آور و خوف انگیز و ترس آور، به مدت سه یا هفت روز در میان زمین و آسمان در سمت مشرق زمین»، «ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسمان پهن می شود گویا همه آسمان را می گیرد» «کثرت قتل و خونریزی در کوفه از جهت رایات مختلف»، «کشته شدن نفس زکیه است در پشت کوفه با هفتاد نفر از صلحا»(۴)، «وقوع جنگ عظیمی در میان آل مروان و بنی عباس در قرقیسا در کنار شط فرات»، «نزول ترک در جزیره و اهل روم در رمله»، «مسخ شدن طایفه‌ای به صورت میمون و خوک»، «حرکت کردن بیرقهای سیاه از خراسان»، «آمدن باران بی نظیر در ماه جمادی الثانیه و رجب» «باریدن تگرگ بسیار بزرگی در روم و جزایر که مانند آن دیده نشده»، «مطلق العنان شدن عرب در رفت و آمد و عملکرد»، «خروج سلاطین عجم از شان دو قار»، «طلوع ستاره از مشرق که مانند ماه درخشنده است»، «زنده شدن مردگان و سر برآوردن از قبرها»، بعضی از این حوادث مشروط به وجود شرطی است که اگر شرایط آن محقق شود موجود می‌شود و خداوند تعالی داناتر است به آن چیزهایی که باید بشود. نتیجه علایم بر دو قسم هستند تغییر پذیر و تغییر ناپذیر: علایم تغییر پذیر علایمی است که به اراده خداوند واقع می شود و چه بسا به جهت حکم و مصالح و مقتضیات و موانعی واقع نشود یا تغییر داده شود به نحوی که اصلح به حال بندگان خدا باشد و یا به ادعیه و طاعات بندگان ابتلاء به آن رفع شود. و از طرفی ممکن است به خاطر موانع یا مصالحی فرج به تأخیر افتد و در این باره بعضی از روایات گویا است.(۵) و این مطلب در اصطلاح«بداء» نامیده می‌شود و مسائلی مانند افشای راز به قتل رساندن امام معصوم و مانند آن از اموری است که تأخیر انداز فرج شمرده شده است.(۶) توضیح بیشتر روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی‌ها و ترکان(۷) و یا هواداران آنها به وجود می‌آید تا جایی که منجر به جنگ جهانی می گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می‌شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندک زمانی پیش از ظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد. اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می‌آید همکاری می‌نماید. از جمله نشانه‌های ظهور حادثه‌ای است که میان دو حرم

مکه و مدینه رخ می‌دهد. در این هنگام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نـام او در ۲۳ ماه رمضان شـنیده می‌شود پس از این ندای آسـمانی حضـرت مهدی(عج) به طور سـری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می‌نماید. درباره آن بزرگوار در سراسـر گیتی سـخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل‌ها جای می گیرد. دشـمنان از حضور آن حضـرت بیمناک شـده و می کوشـند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین‌رو سـپاهی وارد مدینه گشـته و به هر مرد هاشـمی که دست یافته او را دسـتگیر و یا کشته و یا به زندان می‌اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعـد از نماز مغرب و عشاء از حرم شـریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسـلط می‌یابـد. در صـبح روز دهم محرم حضـرت مهـدی(عـج) پیـام خود را به زبان‌هـای مختلف به تمام جهـان ابلاـغ می کنـد و ملـل دنیـا را به یـاری خویش دعوت کرده، اعلام می‌دارد که در مکه باقی خواهـد مانـد تا معجزه‌ای که جد گرامی‌اش حضـرت رسـول(ص) وعـده فرمـوده محقق شود و آن فرو رفتن لشـکریان سـفیانی به زمین است که برای درهم شکسـتن حرکت آن حضـرت راهی مکه می‌شوند(۸). آن حضـرت پس از این معجزه با سـپاه خود که متشـکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسـپار مدینه می‌شود و پس از نبردی با نیروهای دشـمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می‌یابد. وی پس از پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می‌شود و در آنجا با سپاه ایران و توده‌هـای مردم آن سامـان به رهبری خراسـانی و شـعیب بن صالـح برمی‌خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکـدیگر با قوای دشـمن در بصـره به پیکار می‌پردازند که سـرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دست می‌یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کنـد و با درگیری با بقایای نیروهای سـفیانی و گروه‌های متعدد شورش آنها را شـکست داده و بـه قتـل می‌رسانـد. آنگـاه عراق را مرکز حکـومت و کـوفه را پـایتخت خـود قرار می‌دهـد و بـدین‌سان یمـن، حجـاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج‌فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی‌آید. بعد از آن جنگ‌هایی با ترکان و یهودیان صورت می‌پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضـرت(عج) است. غربیان مسـیحی از این وقایع سـخت نگران شده و با حضـرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاه حضـرت عیسـی مسـیح(ع) از آسـمان به قـدس شـریف فرود آمـده و با سـخنان خویش جهان و به ویژه مسـیحیان را مورد خطـاب قرار می‌دهـد. فرود آمـدن حضـرت عیسـی(ع) برای جهـان علاـمت و نشـانه‌ای است که موجب شادی مسـلمانان و ملت‌های مسـیحی خواهد گردید. به نظر می‌رسد که حضـرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی‌ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می‌شود. اما غربی‌ها بعد از دو سال پیمان صلح را می‌شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی بـا نزدیـک به یک میلیون سـرباز به سـرزمین شام و فلسـطین یورش می‌آورنـد. نیروهای اسـلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضـرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنـگ بـا حضـرت مهـدی(عـج) اعلاـم داشـته و پشت سـر وی در قـدس نماز می گـذارد. دراین جنگ مسـلمانان پیروز می‌شوند. سپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه‌ای که دست‌بافت مادرش مریـم صـدیقه(ع) اسـت کفن نمـوده و در جـوار مزار شـریف مـادرش در قـدس به خـاک می‌سـپارد. پس از این فتوحـات حضـرت مهـدی(عـج) برای تحقق بخشـیدن به اهـداف الهی در ابعـاد گوناگون و در میان ملل جهان اقـدام می کنـد و برای تعالی بخشـیدن و شکوفـایی زنـدگی مـادی و تحقق توانگری و رفـاه همگـان قیـام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سـطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشـد. یکی دیگر از علائم مهم ظهور پیـدا شدن افرادی به نام دجال و سـفیانی است. الف) دجال از ریشـه دجـل به معنـای دروغگو است و بر اسـاس آنچه از ظـاهر اخبـار اسـتفاده می‌شود دجـال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می کند و انسان غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیای از مردم را می‌فریبد و سرانجام به دست حضـرت عیسـی(ع) در منطقه شام به هلاکت می‌رسد. و اینکه آیا دجال شـخص واحد با آن ویژگیها می‌باشد یا یک تفکر و جریان

الحادی است در این مورد احتمالات مختلف و متعدد وجود دارد. ۱- دجال نام شخص معینی نیست بلکه هر کسی که با ادعای پوچ و بی اساس و حیله گری سعی در فریب مردم داشته باشد دجال است و از احادیث نیز این نکته قابل استفاده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «لاتقوم الساعه حتی یخرج المهدی من ولدی و لا یخرج المهدی حتی یخرج ستون کذابا کلهم یقول انا نبی؛ قیامت بر پا نمی‌شود تا وقتی که مهدی(ع) ازفرزندانم ظهور کند و مهدی(ع) قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کند که همگی ادعای پیامبری می کنند» (بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۲۰۹) و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شده است که:(پیش از خروج دجال بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد) (کنزل العمال، جلد ۱۴، ص ۲۰۰) با توجه به این روایات می‌توان گفت که دجال‌ها متعدد و متنوع است و دجال واقعی همان که در روایت از آن شخص معینی قصد شده است و دجال‌های دیگر که افراد شیاد و حیله‌گری که در پدیده‌های اجتماعی با ظاهر شدن سعی در فریب مردم دارند. ۲- دجال کنایه از کفر جهانی و فرهنگ مادی است که بر همه جهان سیطره دارد ؛ کشورهای مبتکری که از لحاظ قدرت مادی و صنعتی قوی هستند و مسلمانان را به نوع می‌فریبند و مرعوب خویش می‌سازند تا آن‌جا که مسلمانان خود را در برابر آنها خود باخته تلقی می کنندکشورهای مبتکر خصوصا استکبار جهانی با سیطره صنعتی و پیشرفت خود همه جای عالم سر می کشد و سعی در فریب مردم دارند. ب) سفیانی از شخصیت‌های بنام در انقلاب حضرت مهدی(ع) است و از دشمنان سرسخت آن حضرت به شمار می‌رود و بنابه تصریح روایات خروج سفیانی از وعده‌های حتمی خداوند است امام زین‌العابدین می‌فرماید: «امر قائم از سوی خداوندحتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی می‌باشد و قائم ظهور نمی کند مگر پس از مرگ سفیانی» (بحارالانوار، ۵۳، ۱۸۲، نقل از کتاب عصر ظهور علی کورانی، ص ۱۱۵) بین دانشمندان اسلامی اتفاق نظر است که وجه تسمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان بشمار می‌آید. (همان کتاب، ص ۱۱۶) و طبق روایات، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی غربی است.سفیانی در حالیکه رهبری گروهی را به عهده دارد مانند شخص نصرانی صلیب بر گردن دارد و از سرزمین رومیان روی می‌آورد. (غیبت طوسی، ص ۲۷۸، نقل از کتاب عصر ظهور، ص ۱۱۸) خلاصه این که روایات سفیانی از تبار ابوسفیان است و از کینه توزترین فرد نسبت به اهل بیت(ع) می‌باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می‌شود و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می گیرد. مرحله تثبیت سلطه که شش ماه طول می کشد مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و حجاز می‌باشد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی(ع) جهات حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس و... و خروج او از آغاز تا انجام۱۵ ماه به طول می‌انجامد. در کنار این دو علامت از چند علامت دیگر نیز نام برده شده است: ۱- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است. علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می‌رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می‌برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷). ۲- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند. امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب‌الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

پاسخ(قسمت دوم)

ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند. ۳- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک. امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه‌روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴). ۴- صیحه آسمانی: ظاهرا

صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می‌شود. امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده‌ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می‌شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی‌های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات، خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده‌زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است. ۵- از مهمترین علائم ظهور فراگیر شدن ظلم و جور در جهان است: این نشانه در روایات بسیار به چشم می‌خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: یملا اللّه به الارض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا ؛ خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می‌سازد،پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد {M»، («سنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل العمال، ج۱۴، ص ۲۶۴). یا از حضرت مهدی(ع) نقل شده: علامهٔ ظهوری کثرهٔ الهرج و المرج و الفتن... ؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه‌ها وآشوبها است {M»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰). زیاد شدن این فسادها در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش در میان مردم بوده، مهم فراگیر شدن آن است به گونه‌ای که بدی‌ها بر خوبی‌ها، ضدارزشها بر ارزش‌ها غلبه می‌یابد. شهید مطهری، روایتی را از شیخ صدوق می‌آورد. این امر (قیام مهدی(ع)) تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعداء و گروه اشقیا هر کدام به نهایت کار خود برسند. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند، (قیام و انقلاب مهدی، شهید استاد مطهری، ص ۵۷ و ۵۸). و گسترش ظلم و فساد و فراگیر شدن آن بدین معنا نیست که صالحی و ظلم‌ستیزی وجود نخواهد داشت و هم چنین ملازم با این معنا نیست که بشر دیگر از ظلم و فساد بر نمی گردد. با توجه به توضیحات فوق و اینکه بشر از هر نحله‌ای که باشد دنبال منجی و رسیدن به عدل وآرامش و آسایش است. این نوید را می‌دهد که جهان بشری با توجه به ظلم و فساد و تبعیض که دامنگیرش شده در آینده خواستار حکومت ایده‌آل و موافق با فطرت الهی باشد. و اضافه بر آن رشد عقول و معارف بشر روز به بروز در ترقی می‌باشد و از طرفی مکاتب و ایسم‌های مختلف امتحان خود را در اداره کردن جوامع پس داده‌اند. بنابراین سیر بشر به سوی گمشده‌ای است که بتواند با نفس مسیحای خود مرهمی بر زخم‌های آنان باشد و این یوسف گمشده همان مهدی(ع) است که بشر در انتظارش می‌باشد. که به آمدن او هم در کتب تشریع الهی و هم در کتب تکوین و صحیفه دل‌ها خبرها و امیدهایی است. و موقع آمدن نیز خبرش در آسمان به گوش جهانیان از شرق و غرب می‌رسد. و روایات می گوید تمام انسانها در برابر این نشانه الهی وعده داده شده سر تسلیم فرود می‌آورند زیرا که تفسیر این گفته خداوند است. «اگر بخواهیم از آسمان معجزه‌ای بر آنها فرو می‌فرستیم که در برابر آن تسلیم فرود آوردند» (سوره شعرا، آیه ۴). مردم از این صیحه آسمانی به ناله و فریاد درآمده و از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند تا ببینند چه خبر است! آن ندا مردم را به خودداری از ظلم و کفر و درگیری و خونریزی و به پیروی از امام مهدی(ع) دعوت می کند. خلاصه کلام زمان ظهور امام زمان(عج) برای هیچ کس حتی شخص امام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم، در روایات ما زمان ظهور حضرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است؛ یعنی، همان گونه که علم زمان وقوع قیامت منحصرا در اختیار حضرت حق - جل و علا - است، علم زمان ظهور حضرت نیز منحصرا در نزد خداوند متعال است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) مشابهاین روایت را از امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید). بنابراین کسی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد موجه درست می‌شود. مهم شناخت وظیفه است؛ ما چه بکنیم که بتوانیم به وظیفه خود در زمان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم بهنزدیک‌تر شدن مهمان ظهور امام کمک کرده باشیم؟ و چه بکنیم که اگر

امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟ روایات ما وظیفه در زمان غیبت را معین فرموده‌اند، انتظار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما باید با ورع و عفت و صلاح همراه باشد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شده است، (کمال‌الدین و تمام النقهٔ، شیخ صدوق، صص ۶۴۷ – ۶۴۴، والشیعهٔ والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه). روشن است که تا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضرت نیز میسر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارند. این زمینه اولاً با کردارهای درست و به جا و خداپسندانه شیعیان و همپیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان – از ته قلب و باخلوص نیت – حاصل می‌شود، (صحیفه المهدی، جواد قیدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱). برای مطالعه در زمینه ظهور امام زمان و نشانه های آن به کتابهای زیر مراجعه کنید: – ظهور نور، علی سعادت‌پرور، نشر تشیع – علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی – نشانه‌های ظهور، سادات مدنی، نشر منیر – از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق – از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی – کتابنامه امام زمان، محمدپور – یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، رجالی تهرانی – ترجمه منتخب الاثر ، آیت اللّه صافی – مهدی موعود، ترجمه ج ۵۲ بحارالانوار، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه – وابستگی جهان به امام زمان، لطف اللّه صافی – امام زمان در گفتار دیگران ، علی دوانی – علائم ظهور، محمد علی علمی – دادگستر جهان، ابراهیم امینی – عصر ظهور، علی کورانی – خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی پی‌نوشت‌ها: ۱. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایهٔ الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ – ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی تا، بی جا، ص ۱۱۳۵ – ۱۱۳۲ و حکیمی محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ص ۱۲۸. ۲. کفایهٔ الموحدین، ص ۴۰۵ – ۴۱۵ و منتهی الامال ص ۱۱۳۵ – ۱۱۳۶. ۳. کفایهٔ، الموحدین، ج ۳، ص ۴۲۲. ۴. ظاهراً این نفس زکیه غیر از آن نفس زکیه‌ای است که در علامات حتمی ذکر شده و بین رکن و مقام شهید می‌شود. ۵. ترجمه بحار الانوار، مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه ص ۸۶۳ – ۸۶۵. ۶. همان ۷. ترکان در روایات بر غربیان تطبیق داده می شوند. ۸. چنانکه در پیش توضیح داده شد این تواریخ جزء علائم حتمی ظهور نیست.

لطفاً کمی در مورد نشانه‌های ظهور برایم بنویسید؟

پرسش

لطفاً کمی در مورد نشانه‌های ظهور برایم بنویسید؟

پاسخ

قبل از آنکه بحث نشانه‌های ظهور حضرت را بررسی کنیم تذکر این نکته لازم است که با دقت در علائم ظهور در می‌یابیم که این علائم و نشانه‌ها نسبت به ظهور رابطه‌ی سببی و مسببی ندارند یعنی این نشانه‌ها علت و سبب تحقق ظهور نیستند بلکه تنها زمان ظهور را اعلام می‌کنند و به اصطلاح کاشف از این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است و به تعبیر دیگر نشانه‌های ظهوررخدادهایی هستند برای «اعلام عمومی نزدیکی ظهور» و «ایجاد آمادگی روانی مردم» برای استقبال از ظهور امام.۴۲۱ نه اینکه علت ظهور باشد که بگوییم حتماً بعد از ظاهر شدن نشانه‌ها، ظهور امام تحقق می‌یابد. بلکه ممکن است نشانه‌ای بیاید ولی اراده‌ی

الهی تغییر کند و ظهور امام انجام نشود. منظور از نشانه‌های ظهور: رخدادهایی را که براساس پیش‌بینی ائمه(ع) پیش از ظهور حضرت یا در آستانه‌ی آن، پدید خواهند آمد نشانه‌های ظهور گویند، تحقق هر کدام از نشانه‌ها نویدی است بر نزدیک‌تر شدن ظهور امام؛ بنابراین پدیدار شدن یک یا چند نشانه از مجموعه نشانه‌های ظهور، چیزی جز نزدیک‌تر شدن زمان ظهور را نمی‌رساند. البته بعضی از نشانه‌ها و علائمی که ائمه(ع) پیشگویی کرده‌اند به وقوع پیوسته است. مثلاً در روایات به اختلاف در میان امت اسلام، انحراف بنی‌عباس و جنگ‌های صلیبی و ... به عنوان نشانه‌های ظهور خبر داده شده، که ظاهراً آنها تحقق پیدا کرده است.۴۲۲ مشخص نبودن زمان ظهور: از امور مسلم و قطعی، اصل ظهور حضرت مهدی(عج) است و البته نشانه‌ها و اتفاقاتی قبل از ظهور حضرت پدید می‌آید ولی زمان ظهور حضرت مشخص نیست و هیچ کس جز خداوند از وقت ظهور آگاهی ندارد، بارها مسلمانان و حتی اصحاب ائمه از زمان ظهور حضرت سوال می‌کردند، ولی ائمه(ع) به صراحت از مشخص نبودن زمان ظهور سخن گفته‌اند؛ و فرموده‌اند که علم به زمان ظهور همچون علم به زمان قیامت، منحصر به خداوند است: از حضرت علی(ع) در روایتی حکایت شده: «و اما زمان ظهور حضرت مهدی(عج) به روشنی برای ما مشخص نشده است بلکه او تا زمانی که خداوند اجازه خروج دهد، از دیگران پنهان است.»۴۲۳ و در روایتی دیگر نقل شده که امام باقر(ع) در جواب کسی که سوال از وقت معین ظهور کرد ۳ بار فرمودند: «کذب الوقاتون»؛۴۲۴ «کسانی که وقت معین می‌کنند دروغگو هستند.» تفاوت زمینه‌های ظهور با علائم آن: ظهور امام زمان(عج) شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آنها به عنوان «زمینه‌های ظهور» و «علائم آن» یاد می‌شود تفاوت این دو آن است که زمینه‌ها در تحقق ظهور، تاثیر واقعی دارند به گونه‌ای که با فراهم شدن آنها. ظهور امام اتفاق می‌افتد و بدون آن‌ها ظهور نخواهد بود؛ ولی «علائم» در ظهور نقش ندارند بلکه تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله‌ی آنها می‌توان به اصل ظهور حضرت و یا نزدیک شدن آن پی برد. با توجه به تفاوت یاد شده به خوبی می‌توان دریافت که زمینه‌ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. بنابراین پیش از آنکه به دنبال علائم ظهور باشیم به زمینه‌های ظهور توجه کنیم و در حد توان در تحقق آن زمینه‌ها تلاش کنیم. شرایط و زمینه‌های ظهور: برای حرکت اصلاحی و انقلاب عظیم بشری توسط حضرت مهدی(عج)، چهار شرط ذکر شده و مانند هر قیام اصلاحی دیگر قبل از آن حرکت عظیم این چهار زمینه و شرط باید فراهم باشد تا انقلاب به بار بنشیند. در مورد انقلاب حضرت مهدی(عج) دو زمینه و شرط در محدوده‌ی اختیارات بشر است و ما باید آن زمینه‌ها را ایجاد کنیم و دو شرط دیگر خارج از اختیارات بشر است: ۱. وجود طرح و برنامه: هر جنبش و خیزشی که بخواهد وضع موجود جامعه را تغییر دهد و به وضع مطلوب برساند نیاز به طرح و برنامه دارد که البته طرح و برنامه این حرکت توسط خداوند بزرگ تدوین شده است. خداوندی که عالم به ابعاد مختلف وجودی انسان می‌باشد و با توجه به ابعاد مختلف روحی و مادی و فردی و اجتماعی ... انسان برنامه‌ای را تحت نام دین اسلام و کتاب قرآن در اختیار پیامبر و بعد از آن ائمه(ع) قرار داده است. ۲. رهبری توانا: این شرط نیز در مورد قیام بزرگ حضرت مهدی(عج) فراهم است، چون رهبری این قیام در دامان امامت پرورش یافته و به سرچشمه وحی متصل است. به قرآن و معارف دین (طرح و برنامه) احاطه دارد و مورد تایید الهی است. ۳. یاران: با نگاهی به تاریخ، به خوبی می‌توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکت‌ها و خیزش‌ها دریافت. مگر داستان صلح امام حسن(ع) را می‌توان فراموش کرد که چگونه حضرت را رها کردند و در نهایت ایشان مجبور به قبول و امضای صلح نامه شد؟ همان طور که عدم همراهی با امام زمان(عج) غیبت‌ساز است، همراهی و یاوری، ظهور آفرین است پس بیاییم با ولی نعمت خود پیمان وفاداری ببندیم و صفوفی به هم پیوسته از یاوران راستین فراهم آوریم تا ظهورش را درک کنیم! ۴. آمادگی عمومی: یکی از شرایط مهم هر انقلاب و قیامی، همراهی و پذیرش مردمی است؛ یعنی اگر بهترین طرح و برنامه در اختیار، بهترین رهبر با یارانی منتخب و از جان گذشته قرار گیرد ولی مردم آن را نپذیرند، قطعاً به انجام نخواهد رسید. اگر حکومت اسلامی در مدینه پایه‌گذاری شد بدان جهت بود که مردم یثرب خواستند و روزها مقدم مبارک پیامبر را انتظار کشیدند. بشیر می‌گوید به امام باقر(ع) عرض کردم: مردم می‌گویند: «وقتی حضرت

مهدی(عج) قیام کند کارها خود به خود برای او درست می‌شود.» حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست قسم به کسی که جانم به دست اوست! اگر بنا بود کارها خود به خود درست شود برای رسول خدا چنین می‌شد.»۴۲۵ فوائد نشانه‌های ظهور: در روایات ائمه معصوم(ع) علائم فراوانی برای ظهور حضرت ذکر شده است که بعضی از آن علائم و پدیده‌ها طبیعی و عادی هستند و بعضی از پدیده‌ها غیرعادی و معجزه آسا هستند. اهتمام ائمه(ع) به طرح این موضوع و توجه دادن مسلمانان به این حقیقت نشان از اهمیت فوق العاده آن علائم دارد که البته آثار بسیاری در هدایت و سعادت فردی و جمعی مسلمانان دارد. بعضی از فواید علائم ظهور به این ترتیب است: ۱. با شناخت مدعیان دروغین مهدویت؛ ۲. آمادگی مردم برای ظهور حضرت حجت(عج)؛ ۳. پر فروغتر شدن نور امید در دل مؤمنان و شیعیان؛ ۴. هشدار به منحرفان جهت جبران گذشته و مهیا شدن جهت ظهور؛ ۵. اثبات صداقت ائمه(ع). نشانه‌های ظهور: آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که نشانه‌های ظهور حضرت بر دو قسم است: نشانه‌های حتمی و غیرحتمی. نشانه‌های حتمی: منظور از این نشانه‌ها آن است که تحقق و پدیدار شدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود به گونه‌ای که تا آنها واقع نگردد، حضرت مهدی(عج) ظهور نخواهد کرد و اگر کسی پیش از واقع شدن این نشانه‌ها ادعای ظهور نماید، ادعای نادرستی کرده است. چند نمونه از این علائم به شرح ذیل می‌باشد: ۱. قیام سفیانی: امام صادق(ع) می‌فرمایند: «خروج سفیانی از علایم حتمی است، و قیام او در ماه رجب خواهد بود.»۴۲۶ یکی از علائم حتمی که پیشوایان معصوم ما بر آن بسیار تاکید کرده و به طور صریح بیان فرموده‌اند خروج سفیانی است این شخص، که طبق پاره‌ای از روایات مردی اموی و از نسل یزید بن معاویه بن ابی‌سفیان است و از پلیدترین مردم است، با خاندان نبوت و امامت و شیعیان دشمنی ویژه‌ای دارد و در شهرهای عراق به ویژه در نجف و کوفه، جنایات بزرگی مرتکب می‌شود... سفیانی بعد از مدتی از عراق به شام و دمشق فرار می‌کند؛ امام سپاهی را به تعقیب او می‌فرستد و سرانجام او را در «بیت المقدس» هلاک کرده و سرش را جدا می‌کنند.۴۲۷ ۲. خسف بیداء: از جمله علائم حتمی، فرو رفتن لشگر سفیانی در «بیداء» است. بعد از قتل و غارت در مدینه، سپاهی از طرف سفیانی به سوی مکه می‌رود و در بین راه مکه و مدینه به فرمان خدای متعال به زمین فرو می‌روند.۴۲۸ امام باقر(ع) در حدیث معتبری می‌فرمایند: به فرمانده لشگر سفیانی گزارش می‌رسد که مهدی(عج) به سوی مکه حرکت کرده است. او سپاهی را به دنبال آن حضرت روانه می‌کند. آنها به وی دست نمی‌یابند و مهدی(عج) داخل مکه می‌شود... فرمانده سپاه سفیانی با سپاهش در «بیداء» فرود می‌آیند. در این هنگام، ندا دهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «ای زمینِ «بیداء» اینان را نابود کن!» پس زمین آنها را در خود فرو می‌برد...۴۲۹ و همچنین از امام صادق(ع) حکایت شده: «از علایم حتمی که پیش از قیام اتفاق خواهد افتاد قیام سفیانی و فرو رفتن در زمین «بیداء» است.» ۴۳۰ ۳. صحبیه و ندای آسمانی: براساس روایات متعدد، پس از ظهور امام، در مکه بانگی بسیار مهیب و رسا از آسمان شنیده می‌شود که امام را با اسم و نسب به همگان معرفی می‌کند و به مردم توصیه می‌کند که با امام بیعت کنند تا هدایت یابند و با او مخالفت نکنند که گمراه می‌شوند. در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که می‌فرمایند: «عن عمر بن حنظله قال سمعتُ ابا عبدالله(ع) یقول: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات الیمانی و السفیانی و الصحیحه و قتل النفس الزکیه و الخسف البیداء»؛ «قبل از قیام قائم پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صحیحه و ندای آسمانی و قتل نفس زکیه و خسف بیداء»۴۳۱ ۴. قتل نفس زکیه: انسان جوان و پاکی بین رکن و مقام توسط اهل مکه کشته می‌شود. ۵. خروج یمانی: قیام سرداری از سرزمین یمن یکی از علائم حتمی است که اندکی پیش از ظهور رخ خواهد داد وی که مردی صالح و مؤمن است علیه بدی‌ها و انحرافات قیام می‌کند و با تمام توان با بدی‌ها و تباهی‌ها مبارزه می‌کند. از امام باقر(ع) در این باره حکایت شده: در میان بیرق‌هایی]که قبل از قیام مهدی(عج) بلند می‌شود[پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است.۴۳۲ نشانه‌های غیرحتمی: اموری هستند که درصورت فراهم بودن شرایط به عنوان نشانه پدید می‌آید. بعضی از این نشانه‌ها را برمی‌شماریم. به روایتی از امام صادق(ع) که به گوشه‌ای از مفاسد آخرالزمان اشاره فرموده توجه کنید: حکایت شده که امام صادق(ع) به یکی از یاران خود

فرمود: هر گاه دیدی که: ۱. حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند؛ ۲. ظلم و ستم فراگیر شده؛ ۳. کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی‌شود و بدکاران بازخواست نمی‌شوند؛ ۴. بچه‌ها به بزرگترها احترام نمی‌گذارند؛ ۵. نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می‌کنند؛ ۶. انسان‌ها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می‌کنند؛ ۷. کسی که امر به معروف می‌کند خوار و ذلیل است؛ ۸. نماز را سبک شمارند؛ ۹. هرج و مرج زیاد است؛ ۱۰. در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خدا دوست ندارد؛ ۱۱. سال به سال بدعت‌ها و بدی‌ها بیشتر شود؛ ۱۲. زن‌ها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته‌ی آنها برای آنها پیش نرود؛ ۱۳. هدف مردم شکم و شهوتشان است؛ ۱۴. و دیدی که نشانه‌های حق ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجاتت بدهد!۴۳۳ بعضی از نشانه‌های آخرالزمان: ۱. خراب شدن دیوار مسجد کوفه؛ ۲. جاری شدن نهری از شط فرات در کوچه‌های کوفه؛ ۳. قحطی شدید قبل از ظهور؛ ۴. وقوع زلزله و طاعون در کثیری از بلاد؛ ۵. حرکت پرچم‌های سیاه از خراسان؛ ۶. خراب شدن بصره؛ ۷. کسوف خورشید در سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان؛ ۸. فرا گرفتن ظلمت و کفر و معاصی در تمام عالم.۴۳۴ یادآوری: این نشانه‌ها بدان معنا نیست که ما به گناه و ستم کمک کنیم تا نشانه‌های ظهور تحقق یابد(چنانچه برخی کوته فکران می‌پندارند.) بلکه ما باید با تلاش فردی (خود سازی) و تلاش اجتماعی(کوشش در راه اصلاح جامعه و توسعه‌ی عدل و...) زمینه ساز ظهور حضرت گردیم و انشاءالله از یاران امام زمان (عج)قرار گیریم. معرفی کتاب: برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه فرمایید به: ۱. کتاب چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان. ۲. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، علیرضا رجال تهرانی. ۳. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه دکتر افتخارزاده. ۴. عصر ظهور، علی کورانی. ۵. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)، سید اسدالله هاشمی شهیدی. ۶. کتاب نشانه‌های شگفت آور آخرالزمان. پاورقی: ۴۲۱ . محمد صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۳۹۶، ترجمه شده به نام تاریخ غیبت کبری ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده. ۴۲۲ . غیبت نعمانی، علائم پیش از قیام. ۴۲۳ . کتاب الغیبه، شیخ طوسی،ص۴۲۵ «و اما وقت خروجه(ع) فلیس لمعلوم لنا علی وجه التفصیل...» ۴۲۴ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳. ۴۲۵ . غیبت نعمانی، باب ۱۵، ج ۲، ۳۹۹. ۴۲۶ . غیبت نعمانی، ص ۴۱۶ ترجمه محمدجواد غفاری، نشر صدوق. اخبرنا احمد بن محمد بن سعید ابن عقده قال: حدثنی محمد بن افضل بن ابراهیم بن رمانه من کتابه فی رجب سنه خمس وستین و مأتین قال: حدثنا الحسن بن علی بن فضال قال: حدثنا ثعلبة بن میمون ابواسحاق عن عیسی بن اعین عن ابی عبدالله(ع) انه قال السفیانی من المعتوم و خروجه فی رجب... درباره وثاقت احمد بن محمد، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۶؛ درباره وثاقت محمد بن فضل، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۶۸؛ درباره وثاقت حسن بن علی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۴۴؛ درباره وثاقت ثعلبة بن میمون، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۴۰۸؛ درباره وثاقت عیسی بن اعین، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۷۹؛ ۴۲۷ . سیمای آفتاب، حجت‌الاسلام دکتر طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۷۷. ۴۲۸ . سیمای آفتاب، حجت‌الاسلام دکتر طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۷۷ و ۲۷۸. ۴۲۹ . غیبت نعمانی، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ح ۶۷. درباره وثاقت این حدیث احمد بن محمد، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۶، احمد بن حسین، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۹۷، حسن بن محبوب، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۷۲، عمرو بن ابی القوام، جابر بن یزید جعفی، ج ۴، ص ۱۷. ۴۳۰ . غیبت نعمانی، ص ۳۷۲. ۴۳۱ . کافی، ج ۸، ص ۲۱۰؛ کمال الدین صدوق، ص ۶۵۰، ج ۲، عربی؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۲، باب ۱۴، ح ۹؛ غیبت طوسی، ص ۲۶۷ ناشر مکتبه بصیرتی قم، چاپ غدیر، مضمون روایت. ۴۳۲ . نگین آفرینش، ص ۱۵۷؛ غیبت نعمانی، ج ۱۳، ص ۲۶۴ ناشر مدین؛ تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص ۶۵۳ ترجمه افتخارزاده. ۴۳۳ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰ ـ ۲۵۶. ۴۳۴ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵... و کتاب نشانه‌های شگفت‌آور آخرالزمان.

سفیانی

از علائم ظهور حضرت ولی عصر۷خروج سفیانی و یمانی و قتل نفس زکیه است . لطفاً آن را توضیح دهید.

پرسش

از علائم ظهور حضرت ولی عصر۷خروج سفیانی و یمانی و قتل نفس زکیه است . لطفاً آن را توضیح دهید.

پاسخ

سفیانی مردی است بد صورت و آبله رو. اسمش عثمان بن عنبسه و از اولاد یزیدبن معاویه است . وی از بیابانی بی آب و علف بین مکه و شام ـ خروج می کند و پس از تصرف مناطق بزرگی مثل دمشق واردن و فلسطین و... به سمت بغداد و کوفه لشکرکشی می کند. او قتل و غارت و جنایات بسیار مرتکب می شودو در کوفه و نجف اشرف مردان بسیاری را به قتل می رساند. و در مدینه سه روز قتل عام و خرابی فراوان به بارمی آورد. فتنهء آن ملعون بیش از اندازه زیاد است , خصوصاً نسبت به شیعیان و دوستان علی ّبن ابی طالب ; حتی گوینده ای از طرف او فریاد می کند: هر کس سر یک نفر از دوستان علی بن ابی طالب را بیاورد, مژدگانی زیادی خواهد گرفت . مردم هم به خاطر جیفهء دنیوی از حال یکدیگر گزارش می دهند. او لشکری به سمت مکه می فرستد. وقتی آنها به سرزمین بیداء (واقع در مکه و مدینه) می رسند, ملکی ازجانب خدا به زمین امر می کند: همهء این جنایت کاران را در خود فرو برا! زمین همه را می بلعد, مگر دو نفر را که هر دو برادرند از طایفه جُهنیّه ; یکی به نام و دیگری . به مکه می رود و هلاکت لشکریان سفیانی را به حضرت امام زمان خبر می دهد و هم به شام می رود و سفیانی را از قدرت حضرت می ترساند. پس از شنیدن این خبر به جانب کوفه حرکت می کند و خرابی زیاد ایجاد می کند. وقتی حضرت امام زمان ۷وارد کوفه می شوند, آن ملعون به شام فرار می کند, ولی سربازان ولی اللّه الاءعظم او را در صخره ءبیت المقدس می کشند و سر نحسش را از بدنش جدا می سازند.(۱) ابوسفیان به عنوان سر سلسلهء سفیانیان سمبل پلیدی است . غارتگری بود که با ربا و زورگویی و چپاول اموال مردم , ثروت های هنگفتی به چنگ آورده بود و از راه فریب توده های ستم کشیده و ترویج خرافات ودامن زدن به نظام طبقاتیِ جاهلی قدرت فراوانی داشت . ابوسفیان به عنوان سردمدار شرک و سرمایه داری طاغوتی , هر نوع جنبشی را که از عدالت و برادری وآزادی دم می زد, دشمن می دانست و با قدرت تمام در برابر آن به مبارزه بر می خاست . سفیانی , فردی است با این ویژگی ها که در برابر انقلاب جهانی حضرت مهدی خروج می کند. بر این اساس در حقیقت سفیانی یک جریان است , نه یک شخص(; ۲) اما چنین توجیهی ملاک و دلیل خاصی ندارد و نمی توانیم روایات را این گونه توجیه کنیم . خروج یمانی : یمانی , یکی از سرداران مردم یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت می کند. امام صادق ۷می فرمایند <:قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهدبود و در این میان هیچ پرچمی به اندازهء پرچم یمانی مردم را به حق و حقیقت هدایت نمی کند.(۳>) قتل نفس زکیه : نفس زکیّه ; یعنی فرد بی گناه , کسی که قتل انجام نداده و جرمی ندارد. در آستانه ظهور مهدی ۷در گیرودار مبارزه های زمینه ساز انقلاب مهدی ۷فردی پاکباخته و مخلص و باشخصیت و مشهور, مخلصانه در راه امام ۷می کوشد و مظلومانه به قتل می رسد. این شخص از فرزندان امام مجتبی ۷است که در روایات از او به عنوان و یادشده است . امام باقر۷فرمود: .(۴) (پاورقی ۱.شیخ عباس قمی , منتهی الاءمال , ج ۲ ص ۴۹۴و ۴۹۵ (پاورقی ۲.مجله حوزه , شماره ۴و ۵ سال دوازدهمآ ص ۲۴۸ـ ۲۵۰ (پاورقی ۳.همان , ص ۲۵۴ (پاورقی ۴.. مجله حوزه , ص ۲۵۵و ۲۵۶

آیا اسامه بن لادن یا اریل شارون همان سفیانی هستند؟

www.noorfatemah.org

پرسش

آیا اسامه بن لادن یا اریل شارون همان سفیانی هستند؟

پاسخ

برای ما معلوم نیست. خدا را به حق حضرت مهدی (ع) قسم می‌دهیم در ظهور حضرت تعجیل بفرماید و همه ما را از منتظران آن فرزانه قرار دهد و اعمال ما را مرضی حضرت و ما را مشمول دعای ایشان قرار دهد. در پایان از شما معلم عزیز و متدین می‌خواهیم دانش‌آموزان را به تقوا و خدا بیشتر دعوت کنید، زیرا که شغل معلمی شغل انبیا است. آن‌ها "ادعی الی الله "بودند و مردم را به سوی خدا و تقوا دعوت می‌کردند. شاگردان شما باید از اخلاق و رفتار شما الگو بگیرند. سعی کنید الگوی خوب و مناسبی برای آنان باشید. نکته دیگر این که نسبت به تقوا و درس آنان دلسوزی کنید. تمام همّ و کوششتان این باشد که دانش‌آموزان هم خوب درس بخوانند و هم پاک باشند. برای تک تک دانش‌آموزان دلسوزانه نظارت کنید و آن‌ها را به پاکی و خوب درس خواندن دعوت کنید و فرقی بین دانش‌آموزان نگذارید. دلسوزی شما نسبت به همه یکسان باشد.

علائم سفیانی چیست؟

پرسش

علائم سفیانی چیست؟

پاسخ

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) نقل شده که فرمودند: سفیانی فرزند هند جگر خوار از وادی یا بس (دره خشک) خروج می کند. او مردی است چهارشانه و بدقیافه دارای سر بزرگ، برصورت او اثر آبله پیداست وقتی او را می بینی پنداری که یک چشم دارد نامش عثمان و پدرش عیینه (عنبسیه برخی گفته اند)است او از فرزندان ابوسفیان است وارد سرزمین قرار و معین (باآرامش و آبی گوارا) می شود و بر بالای منبر آنجا قرار می گیردو برای شناخت تفصیلی سفیانی به کتاب عصر ظهور، ص ۱۱۶ به بعد از مراجعه فرمائید.

آقای بهلول درسفری که به سوریه داشتند فرمودند با فردی به نام سفیانی ملاقات کرده آیا می تواند این فرد همان باشد که در روایات ذکر شده است یا نه ؟

پرسش

آقای بهلول درسفری که به سوریه داشتند فرمودند با فردی به نام سفیانی ملاقات کرده آیا می تواند این فرد همان باشد که در روایات ذکر شده است یا نه ؟

پاسخ

ایشان با کسی به نام سفیانی(عثمان بن عنبسه) در سوریه دیدار کرده‌اند ولی خود ایشان اظهار داشته‌اند که مطمئن نیستند او دقیقا همان شخصی باشد که در روایات ذکر شده بلکه چه بسا صرفا یک تشابه اسمی باشد.{J

در بعضی از روایات در علائم آخر الزمان اسامی همانند سفیانی مفهومی ندارند در این رابطه توضیح فرمایید.

پرسش

در بعضی از روایات در علائم آخر الزمان اسامی همانند سفیانی مفهومی ندارند در این رابطه توضیح فرمایید.

پاسخ

نوشته‌اید اسامی‌ای مانند «سفیانی» در حال حاضر مفهومی ندارد؛ منظور از این که مفهوم ندارد چیست؟ این کلمه،نامی عربی است که علاوه بر مفهوم داشتن، مصادیق بسیاری هم در جهان عرب دارد و برخی از دارندگان این نام،افرادی معروف و سرشناسند.{J

خواستار اطلاعات در مورد سفیانی می باشم.

پرسش

خواستار اطلاعات در مورد سفیانی می باشم.

پاسخ

در روایت‌های متعددی یکی از نشانه‌های حتمی ظهور امام مهدی (عج)، خروج سفیانی ذکر شده است.(۱) نام وی عثمان بن عَنبَسه و از فرزندان ابوسفیان می‌باشد.(۲) وی دارای رویی سرخ، پوستی سفید و چشمانی زاغ می‌باشد.(۳) او از شهرهای روم (شاید مراد اروپای فعلی باشد) بپا می‌خیزد و بر گردن صلیب دارد.(۴) شاید او مسیحی یا مسلمان منحرفی باشد که دشمنی امیرالمؤمنین(ع) را به دل دارد. زیرا در برخی روایت‌ها آمده که وی در کوفه اعلام می کند هر که سر شیعه علی بن ابیطالب علیه‌السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه می گیرد.(۵) امام صادق (ع) در روایتی، زمان خروج وی را ماه رجب می‌داند. خروج وی از آغاز تا انجام، ۱۵ ماه می‌باشد که ۶ ماه به نبرد می‌پردازد و ۵ مکان مهم: دمشق، حمص، فلسطین، اردن و حلب را اشغال می کند و ۹ ماه بر آن‌ها فرمان‌روایی می کند.(۶) در بسیاری از روایت‌ها از نبردی در مکانی میان مکه و مدینه بنام «بیداء» خبر داده شده است که سپاه

سفیانی با امام مهدی (عج) و لشکریانِ آغازینِ ایشان در آن مکان رو در رو می‌شوند و سپاه دشمن در زمین فرو می‌رود. در روایتی آمده است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در تأویل آیه شریفه «ولَو تَری إذ فَزِعوا فَلافَوتَ»(۷) می‌فرمایند که لشکر سفیانی به مدینه می‌آیند تا به «بیداء» برسند، خدا آن‌ها را در زمین فرو می‌برد.(۸) برای مطالعه بیشتر به کتاب تاریخ غیبت کبری و تاریخ ما بعد الظهور اثر شهید سید محمد صدر به ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده (پی‌نوشت شمارهٔ ۸) مراجعه فرمایید. پی‌نوشت‌ها: ۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمهٔ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ص ۶۵۰. ۲. همان، ص ۶۵۱. ۳. شیخ نعمانی، الغیبهٔ، ترجمه جواد غفاری، چاپ اول، ۱۳۶۳، کتابخانه صدوق، تهران، ص ۴۳۵. ۴. شیخ طوسی، الغیبهٔ، بصیرتی، قم، ص ۲۷۸. ۵. همان، ص ۲۷۳. ۶. شیخ نعمانی، الغیبهٔ، ص ۴۲۶. ۷. سوره سبأ، آیه ۵۱. ۸. سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران، ۱۳۷۱، ص ۶۴۸.

سفیانی کیست؟

پرسش

سفیانی کیست؟

پاسخ

در روایات اهل بیت: سخن از خروج سفیانی به عنوان یکی از علایم حتمی ظهور حضرت مهدی (ع) به میان آمده است: شیخ طوسی؛ به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": خروج سفیانی از علایم حتمی ظهور است.{"پاورقی . الغیبهٔ، طوسی، ص ۴۳۵. پاورقی} از مجموعه روایات شیعه واهل سنّت به دست می‌آید که سفیانی، شخصی از معاندین است که به قصد مقابله با امام زمان (ع) برمی‌خیزد ودر سرزمینی به نام بیدا به امر خداوند با لشکریانش به زمین فروخواهند رفت. مسلم به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": شخصی به خانه خدا پناه می‌برد، آن گاه لشکری به سوی او فرستاده می‌شود، هنگامی که به "بیدا "رسیدند به زمین فروخواهند رفت.{"پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷. پاورقی} نعمانی نیز به سند خود ا ز امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": برای قائم پنج علامت است، از آن جمله خسف بیدا را بر می‌شمارد.{"پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۲۵۲. پاورقی} نعمانی در جایی دیگر، از جمله علایم ظهور را خروج سفیانی وخسف بیدا می‌داند.{پاورقی . همان، ص ۲۶۴. پاورقی}

سید حسنی ویمانی و نفس زکیه و ...

علائم ظهور امام زمان ۷چند تا است و تا به حال چند علامت مشخص شده است ؟ علایم ظهور حضرت صاحب الزمان بر دو قسم است : حتمی و غیر حتمی .

پرسش

علائم ظهور امام زمان ۷چند تا است و تا به حال چند علامت مشخص شده است ؟ علایم ظهور حضرت صاحب الزمان بر دو قسم

است : حتمی و غیر حتمی .

پاسخ

بین مکه و مدینه با سپاه امام ۷برخورد می کند و به امر خدا, همهء لشکریان وی به جز چند نفر, در زمین فرو می روند و هلاک می شونـد... به نظر می رسد, سـفیانی فرد مشخصـی نیست , بلکه فردی است با ویژگی های ابوسـفیان که در آسـتانه ءظهور مهدی ۷ به طرفـداری از باطل خروج می کند و مسـلمانان را به انحراف می کشاند. خروج یمانی (اهل یمن) از علایم ظهور است . سـرداری از یمن قیام می کنـد و مردم را به حق و عـدل دعوت می کنـد. امام صادق ۷می فرمایـد: . بنـابراین خروج یمانی , از نشانه های حتمی ظهور است , هر چنـد جزئیـات و چگونگی قیـام وی روشن نیست . قتـل نَفْس زکیه , از علایـم ظهور است . گویا در آسـتانهء ظهور مهدی ۷در گیر و دار مبارزات زمینه ساز انقلاب مهـدی ۷ فردی پاکبـاخته , مخلصانه در راه امام ۷می کوشد و مظلومانه به قتل می رسد. فرد یاد شده از اولادامام حسن مجتبی ۷است که در روایات گاهی از او به عنوان و سـید حسنی یاد شده است . از دیگر علایم , صیحهء آسـمانی است . منظور از صـیحهء آسـمانی ظاهراً صدایی است که در آستانهء ظهورحضرت مهدی ۷از آسمان شنیده می شود و همهء مردم آن را می شـنوند. از مجموع روایات استفاده می شود از نشانه های حتمی ظهور است و این صدا از آسمان شنیده می شود, به گونه که همهء مردم کرهء زمین درشـرق و غرب آن را می شنوند و به خود می آیند. محتوای این پیام آسمانی , دعوت به حق و حمایت و بیعت بامهدی ۷است , با تعبیرهای و . هم زمان با شـنیده شدن این صدااز آسمان و یا کمی پس از آن , در روی زمین نیز صـدایی شـنیده می شود. نـدا دهنـده شـیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند و تلاش می کند با ایجاد تردید در مردم . آنان را از حمایت مهـدی ۷و اجـابت دعوت آسـمانی , باز دارد. جبرئیل , مردم را به حق فرا می خوانـد و شـیطان و نیروهای شیطـانی و پیروان سـفیانی به باطل .در برخی روایات زمان آن , شب جمعه ۲۳ماه رمضان معیّن شـده است از دیگر نشانه های ظهور خروج دجّـال است . بر اسـاس آن چه از ظـاهر اخبـار اسـتفاده می شود, دجـال فردی است که در آخر الزمـان و پیش از قیام مهـدی ۷خروج می کنـد و غیر عـادی است و بـا انجام کارهای شـگفت انگیز, جمع زیادی از مردم را می فریبـد وسـرانجام به دست عیسـی مسیح ۷در کنـار دروازه در منطقه شـام به هلاـکت می رسـد. در آمـدن پرچم هـای سیاه از خراسـان نیز به عنوان نشـانهء ظهور, در روایـات ذکر شـده است . مضـمون این روایـات آن است که پیش از ظهـور مهـدی ۷در منطقهء خراسان قـدیم (قسـمت های زیادی ازایران و افغانسـتان و ترکمنسـتان و تاجیکسـتان و ازبکستان) انقلابی بر پا می شود و مردم در حالی که پرچم های سیاه را به اهتزاز در آورده انـد, به حرکت در می آینـد. از دیگر نشـانه هـای ظهور, کسوف در نیمهء مـاه رمضان و خسوف در آخر یا اول همان ماه است . کسوف درروزهـای نخست و روزه هـای آخر مـاه و خسوف در روزهـای میـانی مـاه , طبیعی و عـادی است و در طول تاریخ بارهـا و بارهـا, رخ داده است و از نظر علمی , خسـوف و کسـوف در روزهـای یـاد شـده , پدیـدهء عـادی به حسـاب می آیـد, ولی خورشـید گرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اول و یا آخر آن , ظاهراً امری غیر عادی و رؤیت آن امکان ندارد. فراگیری شدن جهـان از ظلم و جور, از نشـانه های معروف ظهور حضـرت مهـدی ۷به شـمار می رود. درروایـات است : خداونـد به وسـیلهء ظهور مهدی ۷زمین را پر از عدل و داد می سازد, پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. از حضرت مهدی ۷نقل است : نشانهء آشکار شـدن من زیـاد شـدن هرج و مرج و فتنه هـا وآشوب هـا است . گـاهی نیز, زیاد شـدن گناهان و مفاسـد اخلاقی و اجتماعی در میان مسـلمانان , به عنوان نشانه های نزدیک شدن ظهور, پیش گویی شده است . علامهء مجلسـی در باب نشانه های ظهور, روایتی را از امام صادق ۷ورده که در آن بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی و اجتماعی و اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت , دامن گیرجوامع اسـلامی می شود, پیش گویی شـده است , از جمله : رشوه خواری , قمـار بازی , شـراب خواری , زیاد شـدن زنا, لواط,

قطع صلهء رحم , سنگ دل شدن مردمان , اهتمام مردم به شهوت و شکم , از میان رفتن شرم , نپرداختن خمس و زکات , کم فروشی , بی اعتنایی به اوقات نماز, آراستن مساجد به زیورآلات , گزاردن حج به انگیزه های مادی و برای غیر خدا, رعایت نکردن احترام بزرگترها, پیروی از ثروتمندان , صرف کردن سرمایه های عظیم درفساد و ابتذال و بی دینی , چاپلوسی و تملق گویی و... زیاد شدن این فسادها و آلودگی ها در میان مردم در واقع نوعی فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است . البته فساد و گناه , کم و بیش در میان مردم بوده , مهم , فراگیرشدن آن است , به گونه ای که بدی ها بر خوبی ها, ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه می یابد و لهیب آتش فساد وتباهی , دامن همه را می گیرد و جامعهء انسانی در باتلاق فساد و انحطاط فرو می رود. یادآوری : سخن از زیاد شدن ظلم و جور و گناه و کم شدن افراد صالح است , نه این که همهء مردم کافر شوندیا هیچ طور فرد صالحی نباشد. در همان زمان که همه جا را تباهی فرا گرفته و ابرهای تیرهء گناه سایه افکنده ,افراد پاکباخته و متعهد و صالحی زمینهء قیام آن حضرت را آماده می سازند و در حمایت از آن منجی بزرگ , به جهاد بر می خیزند. انقلاب حضرت مهدی ۷هم چون دیگر انقلاب ها بدون مقدمه و زمینه سازی به وجود نمی آید, بلکه درآستانهء ظهور, حرکت هایی پا می گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد. این سلسله قیام ها وانقلاب ها که از سوی حق پویان صورت می گیرد, بر اساس آن چه در برخی روایات آمده است زمینه را برای حرکت جهانی مهدی ۷آماده می کند. برخی روایات می گویند پیش از ظهور مهدی ۷حکومتی به رهبری یکی از صالحان که گمان می رود از فرزندان پیامبر باشد, در ناحیهء مشرق تشکیل می گردد و زمینهء ظهور را مهیامی سازد و این حکومت تا ظاهر شدن مهدی ۷و تسلیم آن به حضرت ادامه می یابد. بسیاری از نشانه ها که درروایات آمده است , بر انقلاب اسلامی ایران تطبیق می کند, به ویژه در برخی روایات , به رهبر قیام که سیدی ازاولاد پیغمبر است و از قم قیام می کند و یاران او بدون ترس و واهمه در برابر طاغوت پایدارند, اشاره شده است , که همگی آن ها بر انقلاب اسلامی صدق می کند. به هر صورت , در آستانهء ظهور مهدی , دولت هایی به حمایت از حق , روی کار می آیند و انقلاب هایی به حمایت از آن پا می گیرند و زمینه رابرای ظهور مهدی ۷آماده می سازند و این از نشانه های ظهور است . از دیگر نشانه های ظهور, باران های پیاپی است که در سال ظهور زمین را آباد و سرسبز می کند و وضع مردم بهتر می شود. جنگ های خونین و کشتارهای بزرگ نیز به عنوان نشانه های ظهور یاد شده است . گویا این جنگ ها, بین اهل باطل بر سر رقابت های مادی و سیاسی روی می دهد که در نهایت بدون پیروزی هیچ یک از دو گروه و پس از برجای گذاشتن انبوهی از کشته ها پایان می یابد. بروز چنین فاجعه های بزرگ , نیتجه ءطبیعی فساد و فراگیر شدن ظلم و جور است . از جمله نشانه های ظهور که در روایات به آن اشاره شده , طلوع خورشید از مغرب است . وقوع چنین پدیده ای باعث در هم ریختن نظم و جهان می شود ;از این رو گفته اند ظهور خورشید از مغرب کنایه از ظهور امام زمان ۷از غروبگاهش است .() (پاورقی ۱.مجله حوزه , ویژه بقیّةالله الاعظم ۷ شماره ۷۰ـ ۷۱ ;بررسی نشانه های ظهور, ص ۲۲۳تا ۲۸۰ به اختصار.

شنیده ام قبل از ظهور امام زمان ۷دو سیّد حسنی و خراسانی قیام می کنند و این دو از یاران امام زمان ۷هستند. می گویند: این دو سیّد در قم زندگی می کنند. آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پرسش

شنیده ام قبل از ظهور امام زمان ۷دو سیّد حسنی و خراسانی قیام می کنند و این دو از یاران امام زمان ۷هستند. می گویند: این دو سیّد در قم زندگی می کنند. آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پاسخ

تا آن جایی که ما اطلاع داریم و در کتاب های مربوطه خوانده ایم دو نفر سیّد از علایم ظهور شمرده شده اند: ۱ پسر جوانی از آل محمد۶که کنار کعبه , بین رکن و مقام حضرت ابراهیم ۷شته می شود. ۲ سیّدی حسنی , که شاید از فرزندان امام مجتبی ۷اشد. این سیّد بزرگوار از دیلم (قسمتی از گیلان ومازندان قدیم) و قزوین خروج می کند و جمعین زیادی او را یاری می نمایند, خصوصاً مردان شجاع و دلیری از طالقان . آنان کم کم شهرها را یکی پس از دیگری فتح کرده و از لوث وجود ظالمان و فساق و ناپاکان پاک نموده و واردشهر کوفه می شوند. پس از ورود به کوفه به او خبر می دهند حضرت امام زمان ۷ظهور کرده و از مدینه وارد کوفه شده اند. سیّد حسنی به اتفاق اصحاب خود, خدمت حضرت می رسند و با او بیعت می نمایند.(۱) امّا این که فعلاً ساکن شهر مقدس قم هستند, شایعه است و می خواهند بدین وسیله عقاید مردم را سست کنند.مطمئن باشید به این زودی نه سید حسنی خروج می کند و نه امام زمان ظهور می نماید. (پاورقی ۱.محدث قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص ۳۳۷ با تلخیص .

یکی از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی(عج") خسف بیداء "است. در این خصوص توضیح دهید.

پرسش

یکی از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی(عج") خسف بیداء "است. در این خصوص توضیح دهید.

پاسخ

یکی از نشانه های ظهور امام زمان(ع) خسف در" بیداء "است. واژۀ خسف به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است.[۲] و بیداء نام سرزمینی است بین مکه و مدینه. ظاهراً مقصود از خسف در بیداء آن است که پس از این که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با مهدی (ع) عازم مکه می شود و در بین مکه و مدینه و در محلی که به سرزمین بیداء معروف است، به گونۀ اعجاز به امرا خداوند در دل زمین فرو می روند.[۳] این حادثه در بسیاری از روایات شیعی و سنی به عنوان نشانه های ظهور بیان شده و در شماری از آن ها به حتمی بودن آن تأکید شده است.[۴] امام علی(ع) فرمود": مردی از خاندان من در سرزمین حرم قیام می کند، چون خبر ظهور وی به سفیانی می رسد، وی سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ به سوی او می فرستد، ولی سپاه [مهدی] آنان را شکست می دهد، آن گاه سفیانی با لشکریان خود به جنگ وی می روند و چون از سرزمین بیداء می گذرند، در زمین فرو می روند و جز یک نفر، که خبر آنان را می آورد، همگی هلاک می شوند.["۵] بیان این نکته ضروری است: گرچه حادثۀ خسف در منطقۀ بیداء و در خصوص لشکر سفیانی واقع می شود، ولی در برخی روایات، غیر از خسف در بیداء از خسف در مشرق و مغرب نیز یاد شده است[۶] و این حکایت از آن دارد که در سایر جاهای دیگر نیز چنین حوادثی رخ می دهد و به عنایت خداوند دشمنان مهدی (ع) بدین وسیله نابود می گردند. [۲]لسان العرب، ج ۹، ص ۶۷. [۳]مجلۀ حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۲۵۳. [۴]همان. [۵]تاریخ غیبت کبری، ص ۵۲۱، نقل از مجلۀحوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص۲۵۳ – ۲۵۴. [۶]صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۴۲ – ۴۴۵.

در مورد سیّد خراسانی که لشکری را از مشرق زمین به طرف عراق جمع آوری می کندو با دشمنان حضرت مهدی(ع) می جنگد، توضیح دهید. آیا این شخص ایرانی است؟ آیا در خراسان زندگی می کند؟ آیا زنده است؟

پرسش

در مورد سیّد خراسانی که لشکری را از مشرق زمین به طرف عراق جمع آوری می کندو با دشمنان حضرت مهدی(ع) می جنگد، توضیح دهید. آیا این شخص ایرانی است؟ آیا در خراسان زندگی می کند؟ آیا زنده است؟

پاسخ

در منابع دینی خروج پرچم های سیاه از خراسان به عنوان نشانهٔ ظهور بیان شده و در مورد آن روایاتی از معصومان(ع) رسیده است. مضمون این روایات آن است که پیش از ظهور مهدی(ع) در منطقهٔ خراسان [شاید خراسان قدیم قسمت های زیادی از ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان] انقلابی بر پا می شود و مردم در حالی که پرچم های سیاه را به اهتزاز در آورده اند، به حرکت در می آیند.[۱] ظاهراً پدیدار شدن این نشانه در آستانهٔ ظهور و یا اندکی پیش از آن است، به گونه‌ای که در زمان ظهور، آنان نیز هستند و حضرت مهدی(ع) آنان را به سوی خویش فرا می خواند. امام باقر(ع) فرمود": بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان را دعوت به بیعت می کند.["۲] غیر از روایت فوق روایات دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد خروج پرچم‌های سیاه از خراسان قیامی است که در آینده در آستانهٔ ظهور بر پا می شود. در حقیقت پرچم های سیاه را یاران مهدی(ع) به همراه خواهند آورد. برخی احتمال داده اند که منظور از خروج پرچم های سیاه از خراسان، قیام ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۲ هجری قمری علیه حاکمیت هزار ماههٔ بنی امیّه است، که به از هم گسستن حکومت بنی امیه و روی کار آمدن بنی عباس انجامید، ولی این احتمال بعید به نظر می رسدک چون قیام ابومسلم بیش از یک قرن قبل از تولد حضرت مهدی(ع) بوده است.[۳] امام صادق(ع) فرمود": خروج خراسانی، سفیانی و یمانی همزمان خواهد بود.["۴] آنچه در روایت آمده، خروج خراسانی و پرچم های سیاه از خراسان است. امّا این که سید باشد و به نام سید خراسانی، در روایات مشخص نشده است و محلّ زندگی و وضعیت زنده بودن او مشخص نیست. [۱] مجله حوزهٔ (۷۰ – ۷۱) ویژه نامهٔ حضرت مهدی(ع) ص ۲۶۸، به نقل از ینابیع الموده، ص ۴۳۱ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷ و کتاب الغیبه شیخ طوسی ص ۴۵۲. [۲] همان. [۳] همان. [۴] همان، ص ۲۵۴، به نقل از کتاب الغیبه نعمانی، ۲۵۲.

در بعضی از روایات از علائم ظهور امام زمان(عج) خروج طالقانی و قمی و خراسانی بیان شده است؛ آیا این ها اتفاق افتاده؟ آیا سید حسنی و حسینی، مقام معظم رهبری می باشد؟ آیا علائم حتمیه و غیر حتمیهٔ ظهور امام زمان واقع شده است؟

پرسش

در بعضی از روایات از علائم ظهور امام زمان(عج) خروج طالقانی و قمی و خراسانی بیان شده است؛ آیا این ها اتفاق افتاده؟ آیا سید حسنی و حسینی، مقام معظم رهبری می باشد؟ آیا علائم حتمیه و غیر حتمیهٔ ظهور امام زمان واقع شده است؟

پاسخ

پیش از پاسخ لازم است به بیان مطلبی کوتاه به عنوان مقدّمه بپردازیم: در آیین اسلام ظهور مصلح بزرگ در آخر الزمان و در شرایطی که بشر در آتش ظلم و فساد می سوزد، امری مسلّم است. در این میان مذهب شیعه از ظهور حضرت مهدی(عج) تفسیر روشنی ارائه داده و برای آن نشانه هایی را تحت عنوان" علائم ظهور "بیان کرده است. تحقق هر یک از این نشانه ها نویدی برای نزدیکی ظهور حضرت قائم(عج) است، به گونه‌ای که با تحقق همهٔ آن ها و به دنبال وقوع آخرین نشانه، حضرت مهدی(عج) ظهور خواهد کرد. بنابراین پدیدار شدن یک یا چند نشانه، از مجموعهٔ نشانه های ظهور چیزی به جز نزدیک تر شدن ظهور را نمی رساند. ناگفته نماند که شناخت دقیق تمام علائم ظهور از جهت مصداقی مشکل است، پس هیچ گاه نمی توان ادعا کرد که تمام علائم ظهور تحقق یافته است اما به طور قطع در تاریخ معیّنی حضرت مهدی(عج) ظهور خواهد کرد. بر اساس روایات علائم ظهور به دو دسته تقسیم می شوند: الف) علائم حتمی؛ علامت هایی هستند که بدون تردید پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) تحقق می یابد، همانند: فراگیر شدن ظلم و فساد و خروج سفیانی و دجال. ب) علائم غیر حتمی؛ علامت هایی که ممکن است پیش از ظهور محقّق شوند و ممکن است محقّق نشوند؛ روایات در این موارد صراحت ندارد. بررسی مواردی که در پرسش آمده: الف) خروج طالقانی: واژه" طالقانی "تحت عنوان یکی از خروج کنندگان پیش از ظهور مهدی آل محمّد(عج)، در روایات نیامده یا حداقل ما ندیدیم، آری در این زمینه آمده است: اشخاصی از طالقان که آمار آنان به بیست و چهار نفر می رسد، جزء یاران حضرت مهدی(عج) خواهند بود. ب) خروج قمی: واژه" قمی "به عنوان یکی از کسانی که پیش از ظهور حضرت حجّت خروج خواهد کرد، در روایات دیده نمی شود؛ البته حدیثی به حضرت‌موسی‌بن‌جعفر(ع) نسبت داده شده که برخی، محتویات آن را با انقلاب اسلامی ایران و رهبری حضرت امام خمینی تطبیق داده اند. متن روایت بدین شرح است": مردی از اهل قم مردم را به راه حق فرا می خواند. مردمی همانند تکه های محکم آهن که بادهای تند آنان را نمی لرزاند و از جنگ خسته نمی شوند و ترس به خود راه نمی دهند، گرد او جمع می شوند و به خدا توکّل می کنند. "ج) خروج خراسانی: در روایات خروج" خراسانی "به عنوان یکی از علائم ظهور وارد شده، اما او کیست و دارای چه ویژگی هایی می باشد؟ مطلب قابل توجهی در اختیار نیست؛ فقط در چند روایت به نحو اجمال از خراسانی و خروج او یاد شده است؛ از جمله: ۱ـ امام باقر(ع) فرمود": به ناچار بنی فلان مدتی حکومت می کنند، پس از چندی میان آنان اختلاف می افتد و جمع آنان از هم می پاشد، آن گاه خراسانی و سفیانی، یکی از مشرق و دیگری از مغرب بر آنان خروج می کنند و همه را از میان بر می دارند و حتی یک نفر از آنان باقی نمی مانند؛ "البته احتمال دارد که مقصود امام دولت عباسیان باشد. ۲ـ از امام باقر و صادق(ع) روایت شده است که": خروج خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود. "د) سیّد حسنی یا حسینی: این عنوان نیز یکی از عناوین مبهم میان علائم ظهور است و تطبیق آن بر مصداقی خاص همانند مقام معظم رهبری(مدّظله العالی) امر روشنی نیست. امام باقر(ع) در ضمن حدیثی که در بیان علائم آخر الزمان و نزدیکی ظهور حضرت حجّت(ع) است، فرمود": کشته شدن جوانی از آل محمّد(ع) بین برکن و مقام که نام او" محمد بن الحسن نفس زکیه" است. "از حضرت صادق(ع) نیز روایت شده است": بین قام حضرت قائم(ع) و قتل نفس زکیه فقط پانزده روز فاصله است. "مفاد این گونه روایات این است که: سید حتی هنوز نیامده و قتل او باید در نزدیکی های ظهور حضرت مهدی(عج) باشد. ه)وقوع یا عدم وقوع علائم حتمیّه و غیر حتمیّه. شماری از حوادث اتفاق افتاده که به نظر می رسد جزء علائم ظهور باشند. آن حوادث عبارتند از: اختلاف میان امت اسلام، انقراض بنی عباس و از هم پاشیدگی حکومت آنان، جنگ‌های صلیبی، به راه افتادن پرچم های سیاه از ناحیهٔ خراسان، خروج مغربی از مصر و تشکیل دولت فاطمیان، رها شدن کشورهای عربی از قید استعمار، بسته شدن پل روی دجله بین بغداد و کرخ و ... . توجه به چند نکته لازم است: ۱ـ روشن نست که حوادث روی داده، همان حوادثی باشد که در روایات آمده است. ۲ـ خبر از وقوع امثال این حوادث بدین معنا نیست که نشانه های حتمی ظهورند، بلکه همه یا بیشتر آنها، صرفاً رخدادهایی هستند که معصومان(ع) از وقوع آن ها خبر داده اند. ۳ـ بخشی از علائم حتمیّه همانند: خروج سفیانی، دجّال و صیحهٔ

آسمانی از علائم حتمیّه هستند که هنوز واقع نشده اند.

سید حسنی کیست، در کجا ظهور می کند و چگونه قیام می کند؟

پرسش

سید حسنی کیست، در کجا ظهور می کند و چگونه قیام می کند؟

پاسخ

سید حسنی از نسل امام حسن مجتبی(ع) است. در برخی روایات قیام سید حسنی از نشانه‌های ظهور امام عصر(عج) ذکر شده است. در یکی از روایات می خوانیم": سید حسنی آن جوان زیبا از طرف سرزمین دیلم خروج کرده و با صدای رسا صدا می زند: ای آل احمد! دعوت آن کس را که از غیبتش متأسّف بودید، اجابت کنید. این صدا از ناحیه ضریح پیغمبر(ص) بلند می شود، پس گنج‌های خدا از طالقان او را پذیرا می شوند. آن‌ها گنج هایی هستند اما چه گنجی که نه طلا و نه نقره است، بلکه مردانی هستند که ایمانی فولادین دارند، و بر اسب‌های چابک سوار می‌شوند و اسلحه به دست گرفته و پی در پی ستمگران را کشته تا آن که وارد کوفه می شوند. در آن موقع اکثر روی زمین را از لوث وجود بی دینان صاف کرده‌اند. آن‌ها کوفه را محل اقامت خود قرار می دهند. چون خبر ظهور حضرت مهدی(ع) به او (سید حسنی) و اصحابش می رسد، یارانش به او می گویند: ای پسر پیغمبر! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟ سید حسنی می گوید: با من بیایید تا ببینم او کیست و چه می خواهد. به خدا قسم! سید حسنی می داند که او مهدی(ع) است و او را می شناسد، ولی برای این می گوید که به اصحابش بشناساند که او کیست. سید حسنی بیرون می‌آید تا به مهدی(ع) می رسد و از وی می پرسد: اگر تو مهدی(ع) ال محمّد هستی، عصای جدّت پیغمبر(ص) و انگشتر و پیراهن و زرهش موسوم به" فاضل "و عمامه مبارکش به نام" کاب "و اسبش" یربوع "و شترش دو غضباء "و قاطرش" دلدل "و" یعفور" الاغش و اسب اصلیش" براق "و قرآنی که امیرمؤمنان(ع) جمع‌آوری کرده کجا است؟ حضرت مهدی(ع) تمام این‌ها را بیرون آورده، به سید حسنی نشان می دهد. آن گاه سید حسنی عرض می‌کند: اللّه‌اکبر! یابن رسول اللّه! دست مبارک را بده تا با شما بیعت کنم. مهدی(ع) هم دستش را دراز کرده و حسنی نخست خود، سپس سایر لشکریانش با آن حضرت بیعت می کنند. مگر چهل هزار نفر که قرآن‌ها را با خود دارند و معروف به" زیدیه "می باشند که از بیعت کردن امتناع می ورزند.("۱) پی نوشت‌ها: ۱. مهدی موعود (ترجمه بحارالانوار) ص ۱۱۶۳.

با سلام و عرض ادب به ساحت امام عصر عج آیا نفس زکیه ای که در روایات در زمان ظهور مهدی موعود ع حضور دارد همان است که از اولاد امام حسن مجتبی می باشد؟

پرسش

با سلام و عرض ادب به ساحت امام عصر عج آیا نفس زکیه ای که در روایات در زمان ظهور مهدی موعود ع حضور دارد همان است که از اولاد امام حسن مجتبی می باشد؟

پاسخ

۱. کلمه نفس زکیه نام فرد معینی نیست بلکه این کلمه صفت است؛ یعنی: «جان پاک»؛ «نفس کامله». زکیه از «زَکی» به معنی پاکی، رشد و صلاح گرفته شده است. پس ابتدا باید دانست این کلمه اسم عَلَم برای فرد خاص نمی‌باشد. چه این که در روایت‌ها گاه به امام سجاد(ع)(. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۳۵۲، ح ۸: «...إنّک أخبرتنی أن علی بن الحسین النفس الزکیه».)، امام کاظم(ع)(همان، ج ۴۸، ص ۱۱، ح ۷: «الامام موسی بن جعفر کنیته ابوالحسن الاول و... ویعرف بالعبد الصالح والنفس الزکیه».)، رسول خدا(ص)(عمادالدین طبری، بشارة المصطفی، کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۳ ق، ص ۲۱۹: «...انطلق ذلک الملک الی قبر رسول الله(ص) فیقول: ایهاالنفس الزکیه...».)، امام حسن مجتبی(ع)(ابن ابی‌الحدید المعتزلی، شرح نهج‌البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، (۱۴۰۴ ق)، ج ۳، ص ۳۰۸: «کان مشهوراً عندهم أن آیة قتل النفس الزکیه أن یسیل دم بالمدینة... مکتوب هذا قبر الحسن بن علی بن أبی‌طالب(ع)».) و نیز به یکی از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) که اولاد ششم از محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن می‌باشد(ر.ک: رضی‌الدین علی بن یوسف حلی، العدد القویه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، (۱۴۰۸ ق)، ص ۳۵۷.)؛ نفس زکیه گفته شده است. اما نفس زکیه در روایات ظهور به ۳ فرد اطلاق شده است. ۱. نفس زکیه‌ای که بین رکن و مقام ـ در مکه ـ پیش از قیام کشته می‌شود و جوانی از خاندان حضرت مح...Řص) است: «وقتل غلام من آل محمد(ص) بین الرکن والمقام اسمه م...Řبن الحسن النفس الزکیة؛ و کشته شدن جوانی از خاندان محمد(ص) میان رکن و مقŠ...اسمش محمد پسر حسن نفس زکیه است.»(علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، ح ۷۸.) او همان کسی است که بلافاصله پس از کشته شدنش قیام حضرت مهدی(عج) محقق می‌شود. زیرا در ادامه عبارت قبلی می گوید: «فعند ذلک خروج قائمنا؛ پس در همین هنگام قائم ما بپا می‌خیزد».(همان.) ۲. نفس زکیه‌ای که وزیر امام مهدی(عج) هنگام ظهور است و از اولاد امام حسین(ع) می‌باشد.(همان، ص ۲۲۳.) ۳. نفس زکیه‌ای که در اطراف کوفه به همراه هفتاد نفر کشته می‌شود ولی در روایت گفته نشده فرزند چه کسی است. «وقتل النفس الزکیه بظَهر الکوفة فی سبعین؛ و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه به همراه هفتاد نفر».(همان، ص ۲۷۳.) ریشه این پرسش که نفس زکیه را از فرزندان امام حسن می‌دانند به فرقه جارودیه یکی از شعبه‌های زیدیه برمی گردد. گروهی از این فرقه بر این باورند که «محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب(ع)» که معروف به نفس زکیه بوده است و به روزگار منصور عباسی قیام کرد و در سال ۱۴۵ ق. کشته شد، زنده است و در حال حکومت بر زمین است و او همان مهدی خواهد بود.(حسین کریمشاهی بیدگلی، فرهنگ موعود(عج) (اعلام)، ناصر، قم ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۷۰.)

آیا آقا سید حسنی هستند؟

پرسش

آیا آقا سید حسنی هستند؟

پاسخ

تطبیق آنچه در علائم ظهور آمده بر اشخاص کار صحیحی به نظر نمی رسد خصوصا اگر به صورت احتمال باشد و به صورت

قطعی و جزمی نباشد. حتمی بودن خروج خراسانی به عنوان نشانه‌ی ظهور معلوم نیست. افزون بر این در بعضی روایات خراسانی به عنوان ساقط کننده حکومت بنی‌عباس مطرح شده(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.) که در این صورت بر ابومسلم خراسانی تطبیق می‌شود. به هر صورت تطبیق خراسانی بر مقام معظم رهبری شاهد معتبری ندارد، علاوه بر این که شخصیت خراسانی برای ما معلوم نیست و در بعضی روایات یمانی برتر از آن معرفی شده استبحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

با سلام سید یمانی کیست؟ چه مشخصاتی دارد؟ اگر کسی چنین ادعایی کند از کجا به صدق یا کذب بودن اعای او پی ببریم.

پرسش

با سلام سید یمانی کیست؟ چه مشخصاتی دارد؟ اگر کسی چنین ادعایی کند از کجا به صدق یا کذب بودن اعای او پی ببریم.

پاسخ

۱. رویداد حرکت یمانی در روایات یکی از پنج نشانه معروف از رویدادهای پیش از قیام ولی عصر(عج)، بر شمرده شده است: «عن ابی عبدالله(ع) قال: خمس قبل قیام القائم من العلامات: الصیحه، و السفیانی، و الخسف البیدا، و خروج الیمانی، و قتل النفس الزکیه، امام صادق فرمود: از نشانه های پیش از قیام مهدی(عج)، پنج مورد است: صدایی از آسمان، خروج سفیانی، فرو رفتن زمین در بیابان، خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه (از نوادگان امام حسن مجتبی(ع)) . (صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۵۴، مکتبه الصدر، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۹، مؤسسه النشر الاسلامی، محمد النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۲، مکتبه الصدوق) ۲. در روایات دیگر نیز از وی به عنوان اسب مسابقه دهنده نام برده شده است، از جمله: «عن ابی عبدالله(ع) انه قال: الیمانی و السفیانی کفرسی رهان؛ امام صادق(ع) فرمود: یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه هستند. (معجم احادیث الامام المهدی(عج)، ج ۳، ص ۴۷۸، مؤسسه المعارف الاسلامیه، محمد النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۵، مکتبه الصدوق) به نظر می رسد تشبیه سفیانی و یمانی به دو اسب مسابقه از دو جهت باشد، یا این که هر دو همزمان بر حضرت مهدی(عج) خروج می کنند، یا از آن روی که، هر دو درباره تصرف کوفه با یکدیگر به مسابقه می پردازند. (احمدی فهری زنجانی، ترجمه کتاب غیبت از نعمانی، ص ۳۵۹، دارالکتب الاسلامیه) ۳. درباره سفیانی به گونه ای در روایات اشاره شده که، در رویارویی حرکت او با قیام حضرت مهدی(عج)، تردیدی باقی نمی گذارد و از جمله تعبیر به خروج سفیانی و نیز تشریح اقدامات او(معجم احادیث الامام المهدی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۸_۳۲۶)، ولی درباره حرکت یمانی چنین تعابیری در روایات دیده نشده و از اقدام او تنها به عنوان یکی از نشانه های پیش ظهور ولی عصر(عج) یاد شده است. ۴. با توجه به رویکرد یاد شده درباره سید یمانی، از سوی صاحب نظران اسلامی درباره وی و به استناد روایات، گمانه زنی هایی بیان شده است از جمله: الف. وی پیش از طهور امام مهدی(عج) آشکار شده و به هنگام ظهور آن حضرت(عج) از یاران وی قرار می گیرد. (همان، ص ۲۹۷) ب. وی از خاندان زید بن علی بن الحسین بوده و در صنعا آشکار می شود. (همان) ۵. درباره سید یمانی، از سوی اهل سنت، روایات ناسازگاری بیان شده است از جمله: ظهور وی پیش از حضرت مهدی(عج) و ظهور وی پس از حضرت مهدی(عج)، وی خود حضرت مهدی (عج) است. (همان) ۶. با توجه به وجود نارسایی های فنی در احادیث مورد استناد اهل سنت و نیز روایاتی صحیح بر خلاف آن ها که خروج یمانی را مربوط به پیش از ظهور حضرت دانسته؛ وانگهی تنها قحطانی را بر حضرت منطبق نموده است، اشتباه بودن دو دیدگاه اخیر اهل سنت را

آشکار می سازد.

مقصود از" نفس زکیه "که قبل از ظهور کشته خواهد شد کیست؟

پرسش

مقصود از" نفس زکیه "که قبل از ظهور کشته خواهد شد کیست؟

پاسخ

در روایات شیعه به علامتی قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) به عنوان" قتل نفس زکیه "اشاره شده است که بعد از این جنایت، حضرت ظهور خواهند کرد. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود": لیس بین قیام قآئم آل محمّد وبین قتل النفس الزکیهٔ إلّا خمسهٔ عشر لیلهٔ"؛ "بین قیام قائم (ع) وکشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز{پاورقی . کمال‌الدین، ص ۶۴۹. پاورقی} فاصله نیست ".شیخ مفید؛ می گوید": از جمله علایم ظهور، کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه با هفتاد نفر از صالحین است. {"پاورقی . ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸. پاورقی} از برخی روایات، وجود نفس زکیه دیگری نیز استفاده می‌شود که مأمور تبلیغ از طرف امام زمان (ع) است که بین رکن ومقام به شهادت خواهد رسید. {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۱. پاورقی} برخی ممکن است گمان کنند که نفس زکیه که در این روایات به شهادت آن اشاره شده همان محمد بن عبداللّه بن حسن بن علی بن ابی‌طالب است که در زمان منصور عباسی قیام کرد تا حق اهل بیت: را از ظالمان بستاند. ولی شواهد وقرائن موجود برخلاف این احتمال را دلالت دارد: ۱ – در برخی روایات اشاره به کشته شدن نفس زکیه بین رکن ومقام دارد، که محمّد بن عبداللّه بن الحسن در آن نقطه به شهادت نرسیده است. ۲ – مطابق برخی روایات بین ظهور حضرت وکشته شدن نفس زکیه پانزده شب فاصله است. ۳ – کشته شدن محمد بن عبداللّه بن الحسن قبل از ولادت حضرت مهدی (ع) بوده است ولذا نمی‌توان آن را از علایم ظهور دانست. ۴ – محمد بن عبداللّه نیّت خالص از عملکرد خود نداشته است، ولذا بنابر نقل" مقاتل الطالبیین "ادعای مهدویت نمود وپدرش نیز او را بعد از زوال دولت بنی‌امیه وقبل از تأسیس دولت بنی‌عباس، به عنوان مهدی معرفی کرد. {پاورقی . مقاتل الطالبیین، ص ۱۷۱. پاورقی} ۵ – در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود": بعد از کشته شدن نفس زکیه صاحب امر ظهور خواهد کرد. "که در بعدیّت نزدیک ظهور دارد. {پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۲۵. پاورقی}

مقصود از صیحه وفزع آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پرسش

مقصود از صیحه وفزع آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پاسخ

این دو علامت در روایات به عنوان علایم ظهور حضرت مهدی (ع) معرفی شده است. از امام باقر (ع) در حدیثی نقل شده": وإنّ من علائم خروجه... صیحة من السماء فی شهر رمضان"؛ "وهمانا از علایم خروج مهدی... حدوث صیحه‌ای در ماه رمضان است". {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۲۸، ح ۷. پاورقی} از امام صادق (ع) در حدیثی نقل شده... ": والفزعة فی شهر رمضان... هی آیة تخرج الفتاة من خدرها، وتوقظ النائم وتفزع الیقظان"؛ "وفزعی در ماه رمضان حادث خواهد شد که زنان {پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۵۲. پاورقی} جوان را سراسیمه از پشت پرده‌ها بیرون می‌آورد وانسان خواب را بیدار وبیدار را به فزع وا می‌دارد ".امام زمان (ع) در توقیع خود به علی بن محمّد سَمَری فرمود...": آگاه باش، هر کس قبل از خروج سفیانی وصیحه، ادعای مشاهده کند او دروغگو وافترا زننده است. {"پاورقی . احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۷. پاورقی} در این روایات دو احتمال وجود دارد: ۱ – اینکه مقصود از صیحه وفزع همان ندایی باشد که از جبرئیل بلند می‌شود وهمه را به فزع می‌اندازد. ۲ – احتمال دیگر این است که مقصود از آن دو عذاب دنیوی وجنگ‌های جهانی باشد که به توسط بشر قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق می‌یابد، مانند انفجارهای اتمی در سرتاسر عالم در یک زمان، به این نحو که اصل این گونه انفجارها در اروپا وآمریکا وروسیه وچین تحقق می‌یابد به نحوی که همه را به جزع وفزع وا می‌دارد، ولی مسلمین از آن در امانند وتنها صدایش به گوش آنان می‌رسد.

مقصود از ندای آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پرسش

مقصود از ندای آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پاسخ

در این مورد سه دسته روایت وجود دارد: ۱ – روایاتی که دلالت بر وجود ندا به صورت اجمال دارد، واینکه این ندا از علایم حتمی ظهور حضرت مهدی (ع) است. {پاورقی . کمال الدین، ص ۶۴۹. پاورقی} ۲ – دسته دوم روایاتی است که دلالت بر دو گونه ندا دارد: یکی ندای به حقّ که در ابتدا پدید می‌آید، ودیگری ندای به باطل که بعد از آن است. {پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۵۴. پاورقی} ۳ – در برخی از روایات نیز اشاره شده که ندا به اسم قائم است. {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۲۸، ح ۷. پاورقی} با نظری به مجموع احادیث" صیحه وفزع وندای آسمانی "پی می‌بریم که تمام آنها به یک معنای مشترک اشاره دارند، گر چه با تعبیرهای مختلف آمده‌اند وبر این ادّعا می‌توان شواهدی اقامه نمود: الف. صیحه وندا هر دو به جبرئیل نسبت داده شده است. ب. وقت هر دو در یک زمان یعنی شب جمعه، بیست وسوم ماه رمضان معین شده است. ج. آثار این دو یکسان بیان شده است.

دجال

منظور از دجّال که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام ظاهر می‌شود کیست؟

پرسش

منظور از دجّال که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام ظاهر می‌شود کیست؟

پاسخ

دجـال از ریشه دجـل به معنای بسـیار دروغگوی حیله گر است. خروج دجّال در منابع اهل سـنت از نشانه‌های بر پایی قیامت دانسـته شده، ولی در کتاب‌های روایی شـیعه از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(ع) است. آن چه از ظاهر اخبار استفاده می‌شود دجّال فردی است که در آخر زمان و پیش از قیام امام مهدی(ع) خروج می کند و غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی از مردم را می‌فریبد.(۱) بسـیار بزرگ و تنومند است در سحر زبردست است، در پیش او کوه سیاهی است که به نظر مردم می‌آورد که کوه نان است و در پشت سـر او کوه سـفیدی است که از طریق سـحر برای مردم به صورت آب‌های صاف جاری می‌نمایاند و فریاد می کنـد": اولیـائی انـا ربکم الاعلی؛ دوسـتانم من پروردگار بزرگ شـمایم. "شـیاطین، ظالمان، منافقان، جادوگران، کفّار، فرزنـدان نامشـروع اطراف او را گرفته و به انواع آلات لهو و لعب و سـاز و... مشـغول می‌شونـد و بـا این کـار بسـیاری از انسان‌هـای ضـعیف الایمان را منحرف می کننـد. (۹) البته در مورد دجّال صـرف نظر از ویژگی‌هـای او چنـد احتمـال وجود دارد: ۱- نام شـخص معینی نیست، هر کسـی که با ادعاهای پوچ و با توسّل به حیله گری و نیرنگ در صـدد فریب مردم باشد دجّال است. این که در روایات از دجّال‌هـای فراوان سـخن به میـان آمـده این احتمـال را تقویت می کنـد. پیـامبر اکرم(ص) فرمود": قیـامت بر پـا نمی‌شود تـا وقتی که مهدی(ع) از فرزندانم قیام کند و مهدی(ع) قیام نمی کند تا وقتی که شـصت دروغگوی حیله گر خروج کنند.("۳) ۲- نام فرد معینی است که به عنوان دجّال در دوره غیبت با همان ویژگی هایی که قبلاً متذکر شدیم خروج می کند و عده‌ای را منحرف می کند. ظاهر بسیاری از روایات بیان گر این احتمال است. ۳- احتمال هم دارد دجال کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی باشد. استکبار با ظـاهری فریبنـده مردم را به ویژه مسـلمانان را می‌فریبـد و با قـدرت مادی، علمی و صـنعتی که دارد مردم را مرعوب می کنـد و...(۴) پی‌نوشت‌ها: ۱. مجله حوزه، شـماره ۴ و ۵، سال دوازدهم، ص ۲۶۲. ۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۳. ۳. ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱. ۴. برای اطلاع بیش‌تر می‌توانید از مجله حوزه شـماره ۴ و ۵، سال دوازدهم که به صورت کتاب مسـتقل به نام چشم به راه مهدی چاپ شده، مراجعه کنید.

دجال کیست یا چیست ؟

پرسش

دجال کیست یا چیست ؟

پاسخ

دجـال در لغت به معنـای : بسـیار دروغ گو, فریب دهنـده و دروغ بـاف آمـده است .(۱) و نیز در کتـاب هـای مقـدس و منابع دینیِ مسـیحیان , آمـده اسـت ; یعنی دروغگـو و حلیه گر.(۲) آن گـونه که معروف است , دجـال را یکی از نشـانه هـای ظهـور حضـرت صاحب الزمان یا ظهور قیامت دانسـته اند. این نشانه در کتاب های اهل سنّت از نشانه های برپایی قیامت دانسته شده است , ولی در

منابع روایی شیعه , از نشانه های ظهور.(۳) در این که دجال شخص است یا قدرت استکباری و سیطرهء جهانی , تفسیرها و تعبیرها متفاوت است . آیا دجال دارای ویژگی ها و صفات غیر عادی است ؟ آیا دجال شخص است یا جریان الحادی ؟ در مورد اصل دجال , صرف نظر از ویژگی های جسمانی او که آیا دارای یک چشم است یا چهره ای مهیب وترسناک دارد, چند احتمال وجود دارد: ۱ دجال نام شخص معیّنی نیست و هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس او با توسل به حیله گری و نیرنگ ,در صدد فریب مردم باشد, دجّال است . این که در روایات , از دجال های فراوان سخن به میان آمده است , این احتمال را تقویت می کند. پیامبر گرامی اسلام ۶فرمود: . البته دجال مورد بحث ممکن است فردی باشد که سرآمد همهء دروغگویان و فریبکاران است . ۲ فردی معیّن و مشخص , به عنوان دجال در دورهء غیبت با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده , خروج کندو مردم را به انحراف کشاند. ظاهر بسیاری از روایات بیانگر این احتمال است , ولی تقریباً هیچ کدام از این روایات سند معتبری که بشود بر آن اعتماد کرد ندارند. اما احتمالات دیگری در معنا و تفسیر دجّال نقل کرده اند که قابل اعتماد و اعتنا نیست , ولی با توجه به روایات زیاد در منابع عامّه , اصل قضیهء دجال بعید نیست صحیح بشاد, لیکن تعریف و توضیحاتی که دربارهء اش گفته اند,نمی تواند درست باشد, زیرا خروج دجال , با اوصافی که بدان اشاره کردیم , به صورت طبیعی , تقریباً غیر ممکن است و بیش تر به افسانه شباهت دارد تا واقعیت و معجزه .(۴) این که هر کس دارای یک چشم باشد, پس حتماً دجال یا از وابستگان او است , صحیح نبوده و این تفکر کاملاًغلطی است . (پاورقی ۱.فرهنگ فارسی معین , ج ۳ ص ۱۴۹۸ (پاورقی ۲.مجله حوزه , شماره ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۶۶ (پاورقی ۳.همان , ص ۲۶۲ (پاورقی ۴.همان , با تلخیص و اضافه .

در برخی از روایات ، علائمی مانند خروج دجال برای ظهور امام زمان(ع) بیان شده است. آیا بدون تحقق این نشانه ها امکان دارد حضرت ظهور کند؟

پرسش

در برخی از روایات ، علائمی مانند خروج دجال برای ظهور امام زمان(ع) بیان شده است. آیا بدون تحقق این نشانه ها امکان دارد حضرت ظهور کند؟

پاسخ

در روایات برای ظهور امام زمان(ع) نشانه های متعددی بیان شده است.(۱) برخی نشانه‌ها، علائم حتمی ظهور حضرت است؛ یعنی هر گاه این نشانه ها محقق شد، ظهور امام زمان(ع) قطعی است. برخی از علائم ، نشان های غیر حتمی است که علاوه بر تحقق این نشانه شرایط و عوامل دیگر در تحقق ظهور امام زمان(ع) لازم است. روایاتی که نشانه های ظهور امام زمان (ع) را بیان کرده اند، به دو دستهٔ صحیح و قابل استناد، یا روایات مجعول و ضعیف و غیر قابل استناد تقسیم می شوند. روایاتی که قابل استناد بوده و در صدد بیان نشان های حتمی ظهور امام زمان(ع) هستند، ظهور امام را منوط به تحقق نشانه های حتمی نموده که معنای آن این است که بین ظهور امام زمان(ع) و تحقق نشانه ها رابطه بوده و بدون تحقق آن شرایط و علائم امام ظهور نمی کند. اگر حضرت بدون نشانه های حتمی ظهور می کرد. معصومان(ع) نشانه را به عنوان علائم ظهور امام (ع) بیان نمی کردند، زیرا در این صورت، بیان علائم لغو خواهد بود، که لغویت با سنت معصومان همخوانی ندارد. بر این اساس نمی توان گفت: بدون تحقق نشانه های حتمی ، امام (ع) ظهور می کند. در میان نشانه ها شماری از آنها به عنوان" علائم حتمی ظهور "یاد شده اند. منظور از نشانه های حتمی ،

www.noorfatemah.org

آن است که پدیدار شدن آن ها ، بدون قید و شرطی، قطعی و الزامی می‌خواهد بود، به گونه ای که تا آن ها واقع نگردند، حضرت مهدی (ع) ظاهر نخواهد شد. اگر کسی پیش از واقع شدن نشانه های حتمی، ادعای ظهور مهدی (ع) را بکند، ادعایی نادرست است.(۲) برخی از روایات ضعیف و مجعول، نشانه های ظهور امام زمان(ع) را بیان کرده و تحقق ظهور امام را منوط به تحقق آن نموده اند. مرحوم علامه مجلسی در ذیل یکی از این احادیث می نویسد ": این روایت را ، با آن که متن آن تغییر یافته و اشتباه دارد و سند آن، به بدترین خلق خدا، عمر بن سعد ـ که لعنت خدا بر او باد ـ منتهی می گردد، آوردم، زیرا در برگیرندهٔ اخباری از حضرت مهدی(ع) است، تا آن که اتفاق مخالف و موافق در مورد وی دانسته گردد(".۳) بر این اساس اگر امام زمان(ع) بدون تحقق نشانه هایی که در این دسته روایات بیان شده است، ظهور کند، بدان معنا نیست که حضرت بدون تحقق این نشانه ها ظهور نموده است، زیرا این نشانه اصولاً از علایم ظهور حضرت نبوده است، تا تحقق و عدم تحقق ظهور امام (ع) منوط به آن ها باشد. از سوی دیگر اگر امام زمان(ع) با تحقق این دسته از علایم ظهور نمود، باز نمی توان گفت بین ظهور امام و این نشانه ها ارتباط وجود دارد و اصولاً ـ این نشانه از علائم ظهور حضرت نبوده اند. در برخی روایات، از تعیین وقت ظهور امام(ع) نهی شده است.(۴) و کسانی که وقت ظهور آن حضرت را تعیین نموده اند، کذاب خوانده شده اند. امام باقر(ع) فرمود": کذب الوقاتون . ("۵) وقت قیام و خروج امام معلوم نیست.(۶) از این دسته روایات استفاده می شود ظهور و عدم ظهور امام (ع) از اسرار الهی بوده و توسط خداوند تعیین می شود، و مانند علم به قیامت، منحصر به خداوند دانسته شده است. از این رو دقیقاً نمی توان گفت حضرت کِی و با چه شرایطی ظهور می کند. ممکن است خداوند صلاح دانسته، غیبت حضرت را به رغم فراهم شدن شرایط به تأخیر اندازد. از سوی دیگر ممکن است به رغم آن که شرایط فراهم نشده، خداوند در ظهور حضرت تعجیل کند. از ظاهر روایات استفاده می شود ، آن است که ظهور حضرت منوط به تحقق نشانه ها است. ۱. بحارالانوار، ج ۵۲ ، ص ۱۸۰ به بعد؛ ارشاد مفید، ج۲ ، ص ۳۶۶. ۲. مجله حوزه ، ویژه امام زمان(ع) ، ش ۷۰ـ ۷۱ ، ص ۲۴۰، با تلخیص. ۳. همان، ص ۲۳۴، با تلخیص. ۴. صافی گلپایگانی ، منتخب الأثر ، ص ۵۷۳. ۵. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳. ۶. شیخ طوسی ،کتاب الغیبةْ، ص ۴۲۵.

دجال کیست؟

پرسش

دجال کیست؟

پاسخ

دجال از ریشه" دجل "به معنای دروغ‌گو و حیله‌گر است. از ظاهر روایات اسلامی استفاده می‌شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام حضرت مهدی(عج) خروج می‌کند. مردی که دارای یک چشم و از مادری یهودی و با ظاهری غیر عادی است. وی با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی را فریب می‌دهد و در یک دوره چهل روزه یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور می‌کند. این فرد سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح به هلاکت می‌رسد.(۱) از پیامبر(ص) روایت شده است که امت من به چهار فتنه گرفتار می‌گردد که چهارمین آن فتنه دجال است.(۲) آیا دجال نام شخص است یا یک جریان انحرافی؟ در این مورد چند احتمال وجود دارد: ۱ – ممکن است دجال نام فرد معیّنی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به

حیله‌ها و نیرنگ‌ها درصدد فریب مردم برآید در همین راستا است که در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) کذاب‌ها و دجال‌های متعددی خروج خواهند نمود.(۳) ۲ – احتمال دارد فردی معیّن به عنوان دجال در دوره غیبت با ویژگی هایی که برای او بیان شد، خروج کند و مردم را به انحراف بکشاند. ۳ – ممکن است مراد از دجال، سفیانی باشد؛ یعنی فردی با ویژگی‌های ابوسفیان، یا از نسل ابوسفیان قیام کند و جهان را به آشوب و فساد بکشاند. این فرد در کتاب‌های اهل سنت بیش تر به عنوان دجال و در کتاب‌های شیعه بیش تر به عنوان سفیانی یاد شده است. ۴ – ممکن است دجال کنایه از فرهنگ غلط و منحرف کننده و یا هر ابزاری که موجب آن شود، یا مقصود کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. برای اطلاع بیش تر در این زمینه می‌توانید به کتاب" چشم به راه مهدی(ع) بحث مربوط به" بررسی نشانه‌های ظهور "مراجعه نمایید. پی‌نوشت‌ها: ۱ – فصلنامه حوزه، ش ۷۱ – ۷۰، ص ۲۶۲؛ مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، ح ۱، ص ۹۲۱. ۲ – کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱۶۳، خ ۳۱۰۴۹. ۳ – بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کنزالعمال، ح ۱۴، ص ۲۰۰.

آیا سفیانی همان دجال است که قبل از حضرت مهدی حکومت می‌کند؟

پرسش

آیا سفیانی همان دجال است که قبل از حضرت مهدی حکومت می کند؟

پاسخ

پاسخ را در جواب سؤال دوم اشاره نمودیم. در مورد سفیانی، در روایات اسلامی آمده است که پیش از قیام حضرت مهدی(ع) مردی از نسل ابوسفیان خروج می‌کند و با تظاهر به دین‌داری گروه زیادی از مسلمانان را فریب می‌دهد. در برخی از روایات آمده است که نام وی عثمان بن عنبه و از خاندان ابوسفیان است. برخی این احتمال را که سفیانی نام فردی خاص نیست، بلکه نام یک جریان انحرافی و الحادی است ترجیح داده‌اند؛ یعنی در حقیقت ابوسفیان به عنوان سرسلسله سفیانیان سمبل پلیدی است. او غارتگری بود که با رباخواری، زورگویی و چپاول اموال مردم، ثروت‌های هنگفتی به چنگ آورد و از راه فریب و استعمار توده‌های ستم کشیده و ترویج خرافات و دامن زدن به نظام طبقاتی جاهلی، قدرت فراوانی به دست آورد. با توجه به ویژگی‌های مذکور در مورد سفیانی، ممکن است گفته شود: سفیانی دجال است که در بیش تر روایات اهل سنت به عنوان دجال و در بیش تر روایات شیعه، با عنوان سفیانی از وی تعبیر شده است. برای توضیح بیش تر به کتاب چشم به راه مهدی بحث مربوط به نشانه‌های ظهور مراجعه نمایید.

آیا جرج بوش همان دجالی است که به دست امام زمان(عج) کشته می شود؟

پرسش

آیا جرج بوش همان دجالی است که به دست امام زمان(عج) کشته می شود؟

پاسخ

جرج بوش کارهای شیطانی و دجال گونه انجام می دهد، ولی همان دجال نیست که خروجش از نشانه‌های امام زمان(ع) می باشد. در مورد دجال از ظاهر روایات استفاده می شود او فردی است که در آخرالزّمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می کند و غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی از مردم را فریب می دهد و سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح(ع) به هلاکت می رسد. آیا دجال یک فرد است، یا یک جریان الحادی، نمی توان به طور یقین قضاوت نمود. در این باره مطالبی به پیوست ارسال می گردد. دجال از ریشه" دجل "به معنای دروغ‌گو و حیله‌گر است. از ظاهر روایات اسلامی استفاده می‌شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام حضرت مهدی(عج) خروج می‌کند. مردی که دارای یک چشم و از مادری یهودی و با ظاهری غیر عادی است. وی با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی را فریب می‌دهد و در یک دوره چهل روزه یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور می‌کند. این فرد سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح به هلاکت می‌رسد.(۱) از پیامبر(ص) روایت شده است که امت من به چهار فتنه گرفتار می‌گردد که چهارمین آن فتنه دجال است.(۲) آیا دجال نام شخص است یا یک جریان انحرافی؟ در این مورد چند احتمال وجود دارد: ۱- ممکن است دجال نام فرد معیّنی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حیله‌ها و نیرنگ‌ها درصدد فریب مردم برآید. در همین راستا است که در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) کذاب‌ها و دجال‌های متعددی خروج خواهند نمود.(۳) ۲- احتمال دارد فردی معیّن به عنوان دجال در دوره غیبت با ویژگی هایی که برای او بیان شد، خروج کند و مردم را به انحراف بکشاند. ۳- ممکن است مراد از دجال، سفیانی باشد؛ یعنی فردی با ویژگی‌های ابوسفیان، یا از نسل ابوسفیان قیام کند و جهان را به آشوب و فساد بکشاند. این فرد در کتاب‌های اهل سنت بیش تر به عنوان دجال و در کتاب‌های شیعه بیش تر به عنوان سفیانی یاد شده است. ۴- ممکن است دجال کنایه از فرهنگ غلط و منحرف کننده و یا هر ابزاری که موجب آن شود، یا مقصود کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. برای اطلاع بیش تر در این زمینه می‌توانید به کتاب" چشم به راه مهدی(ع) بحث مربوط به" بررسی نشانه‌های ظهور "مراجعه نمایید. پی‌نوشت‌ها: ۱- فصلنامه حوزه، ش ۷۱ - ۷۰، ص ۲۶۲؛ مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، ح ۱، ص ۹۲۱. ۲- کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱۶۳، خ ۳۱۰۴۹. ۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کنزالعمال، ح ۱۴، ص ۲۰۰.

با توجه به روایات، آیا می توانند اشخاصی مانند صدام و بوش، همان دجال و سفیانی باشند؟(پ)

پرسش

با توجه به روایات، آیا می توانند اشخاصی مانند صدام و بوش، همان دجال و سفیانی باشند؟(پ)

پاسخ

در مورد دجال از ظاهر روایات استفاده می شود او فردی است که در آخرالزّمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می کند و غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی از مردم را فریب می دهد و سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح(ع) به هلاکت می رسد. آیا دجال یک فرد است، یا یک جریان الحادی، نمی توان به طور یقین قضاوت نمود. دجال از ریشه" دجل "به

معنای دروغ‌گو و حیله‌گر است. از ظاهر روایات اسلامی استفاده می‌شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام حضرت مهدی(عج) خروج می‌کند. مردی که دارای یک چشم و از مادری یهودی و با ظاهری غیر عادی است. وی با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی را فریب می‌دهد و در یک دوره چهل روزه یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور می‌کند. این فرد سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح به هلاکت می‌رسد.(۱) از پیامبر(ص) روایت شده است که امت من به چهار فتنه گرفتار می‌گردد که چهارمین آن فتنه دجال است.(۲) آیا دجال نام شخص است یا یک جریان انحرافی؟ در این مورد چند احتمال وجود دارد: ۱- ممکن است دجال نام فرد معیّنی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حیله‌ها و نیرنگ‌ها درصدد فریب مردم برآید. در همین راستا است که در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) کذاب‌ها و دجال‌های متعددی خروج خواهند نمود.(۳) ۲- احتمال دارد فردی معیّن به عنوان دجال در دوره غیبت با ویژگی هایی که برای او بیان شد، خروج کند و مردم را به انحراف بکشاند. ۳- ممکن است مراد از دجال، سفیانی باشد؛ یعنی فردی با ویژگی‌های ابوسفیان، یا از نسل ابوسفیان قیام کند و جهان را به آشوب و فساد بکشاند. این فرد در کتاب‌های اهل سنت بیش تر به عنوان دجال و در کتاب‌های شیعه بیش تر به عنوان سفیانی یاد شده است. ۴- ممکن است دجال کنایه از فرهنگ غلط و منحرف کننده و یا هر ابزاری که موجب آن شود، یا مقصود کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. برای اطلاع بیش تر در این زمینه می‌توانید به کتاب" چشم به راه مهدی(ع) بحث مربوط به" بررسی نشانه‌های ظهور "مراجعه نمایید. پی‌نوشت‌ها: ۱- فصلنامه حوزه، ش ۷۱ - ۷۰، ص ۲۶۲؛ مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، ح ۱، ص ۹۲۱. ۲- کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱۶۳، خ ۳۱۰۴۹. ۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کنزالعمال، ح ۱۴، ص ۲۰۰.

علت اینکه خداوند متعال چنین قدرتی به دجال داده است چیست؟

پرسش

علت اینکه خداوند متعال چنین قدرتی به دجال داده است چیست؟

پاسخ

دوست گرامی در پاسخ به سؤال شما نکاتی را عرض می‌کنم. ۱ـ براساس آنچه از ظاهر اخبار استفاده می‌شود، دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام امام مهدی (عج) خروج می‌کند و غیر عادی است. ۲ـ دجال به معنای دروغگوی حیله‌گر است و بنابر روایات در تمامی دوره‌ها دجال وجود دارد و آنکه در دروغگویی و حیله‌گری و مردم فریبی سرآمد همهٔ دجالان است و فتنهٔ او از همه بزرگتر است، نشانهٔ ظهور امام زمان (عج) است. ۳ـ ممکن است دجال فرد معینی نباشد بلکه یک جریان الحادی باشد. بطور مثال آمریکا مصداق بارز یک دجال است که با اسم حقوق بشر و آزادی به کشتار در سراسر دنیا و تسلط بر منابع حیاتی ملتها اقدام می‌کند. در هر صورت ما بدنبال تعیین اینکه چه کسی دجال است نیستیم ولی این موضوع از احتمالاتی است که محققان به آن اشاره کرده‌اند. ۴ـ اهل بیت علیهم السلام در روایات، خبر وجود چنین افراد یا گروههایی را به ما داده‌اند تا با هوشیاری کامل به استقبال چنین حوادثی برویم و در دام شیادان گرفتار نشویم. ۵ـ در روایتی تأکید شده است": هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجال بر حذر داشته. "این نشان می‌دهد که دجالها در امتهای مختلف تا سر حد انحراف امتها پیش رفته‌اند اما در نهایت به خاک

مـذلت افتاده‌آند و با رسوایی تمام شـکست خورده‌اند. ۶ـ دنیا، دار اختیار است و خداونـد به همـهٔ انسانها امکان دستیابی به قـدرت، ثروت، شـهرت، علم و ... را داده است. به این ترتیب راه آزمون برای انسانهـا گشوده شـده است. دجالهـا، مستکبران، ظالمـان، همه می‌توانسـتند از امکاناتی که خداوند در اختیار آنها گذاشـته است برای سعادت خود و بشر بهره‌برداری کنند اما آنها در آزمون الهی شکست خورده‌انـد: همانطور که بسـیاری از انسانهای عادل و نیک به این قـدرتها دست یافته‌انـد. پس اینکه خداونـد به آنها قـدرت داده، بخشـی از نظام حکیمانه و عادلانـهٔ الهی است. مثلاً امیر مؤمنان (ع) سالها بر نیمی از دنیا حکومت می‌کردنـد و امروز به برکت قیـام امـام خمینی (ره) قـدرت اول جهان اسـلام، ایران است. پس ما هم در معرض این آزمون خداونـد هستیم اگر دچار هوای نفس نشویم بـا اهل بیت (ع) خواهم بود و اگر ظلم و سـتم کنیم، جزو دار و دسـتهٔ دجالها هستیم و این یعنی آزادی بشـر در انتخاب مسیر سرنوشت خود. منابع و مآخذ :

با وجود روایات زیاد در مورد خروج دجال و سفیانی , چگونه ممکن است مردم با آنها همراه شوند؟

پرسش

با وجود روایات زیاد در مورد خروج دجال و سفیانی , چگونه ممکن است مردم با آنها همراه شوند؟

پاسخ

}اگر انـدکی به تاریـخ بنگریم، خواهیم دیـد که در برابر پیـامبران الهی (با وجود معجزات و دلایل روشن) عـده‌ای لجاجت به خرج داده‌انـد و به خـاطر منافع خود و یا هوس‌های دیگر با ایشان به جنگ و جـدال پرداخته و چه بسا خون آنان را بر زمین ریخته‌انـد. در آخرالزمان نیز موضوع به همین صورت است. حتی در برخی از اخبار وارد شده که عده‌ای از علمای دین نیز با آن حضرت مخالفت خواهنـد کرد. دجـال نیز مظهر تمـامی قـدرت‌ها و شـیطان‌هایی اسـتکه حکومت حق الهی را بر زمین نمی‌پذیرنـد. از همین‌رو از سر جنـگ بـا حضـرت درمی‌آینـد و نهایتا شـکست می‌خورنـد. بنابراین در آن زمان نیز انسان، انسان است و فضای انتخاب باز است. از همین‌رو دنیاپرسـتان و... به رویارویی با حضـرت اقـدام خواهنـد کرد و طبیعی است عـده‌ای نیز با آنان همراه خواهند شد. در این جا بعضـی نظریات در مورد دجال که در کتاب دادگستر جهان، ابراهیم امینی آمـده است برای شـما نقل می‌کنیم: جلالی: خروج دجال را یکی از علائم الظهور می‌شـمارند و او را چنین توصـیف می‌نماینـد: مردی است کافر، یک چشم بیش نـدارد آن هم در پیشانیش واقع شده و مانند ستاره‌ای می‌درخشد، در پیشانی وی نوشته: کافر است به طوری که هر باسواد و بی‌سواد آن را می‌خواند. کوهی از طعـام و نهری از آب همیشه بـا او است. بر الاغ سـفیدی سوار می‌شود که هر گامش یک میل راه است. آسـمان به دسـتور وی باران می‌دهـد و زمین گیـاه می‌رویانـد، اختیار گنـج‌هایزمین با او است. مرده را زنـده می‌کنـد، با صـدایی که تمام جهانیان می‌شـنوند نـدا می‌کند: من خدای بزرگ شـما هسـتم که شما را آفریده روزی می‌رسانم، به سوی من بشتابید. می‌گویند: در زمان پیغمبر اکرم(ص) موجود بوده و نامش عبـداللّه یا صائـدبن صـید است. پیغمبر اکرم(ص) و اصـحابش به قصد دیدار به خانه‌اش رفتند او مدعی خدایی بود. عمر خواست به قتلش برساند ولی پیغمبر(ص) مانع شد. تاکنون زنده است و در آخرالزمان، از شـهر اصفهان قریه یهودیه خروج خواهـد کرد، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳ تا ۱۹۷ و صـحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶ تا ۸۷ و سـنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۲). از قول تمیم الـداری که ابتـداء نصـرانی بوده و در سـنه نهم هجری اسـلام آورده، حکایت کرده‌انـد که گفته است: من دجال را در یکی از

جزائر مغرب دیدم که در غل و زنجیر بود، (صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۷۹ و سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۴). هوشیار: دجال را به زبان انگلیسی انتی‌کریست (Antichrist) گویند یعنی ضد یا دشمن مسیح. کلمه دجال نام شخص معینی نیست بلکه در لغت عرب هر دروغگو و حیله‌بازی را دجال نامند. در کتاب انجیل هم لفظ دجال زیاد دیده می‌شود. در رساله اول یوحنا نوشته است: دروغگو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند، آن دجال است که پدر و پسر را انکار می‌نماید، (رساله یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲). باز در همان رساله می‌نویسد: شنیده‌اید که دجال می‌آید الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند، (رساله اول، باب ۲، آیه ۱۸). در همان رساله می‌گوید: و هر روحی که عیسی مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و این است روح دجال که شنیده‌اید می‌آیدو الان هم در جهان است، (رساله اول یوحنا، باب ۴، آیه ۳). در رساله دوم یوحنا نوشته است: زیرا گمراه کنندگان بسیار به دنیا بیرون شدند که عیسی مسیح ظاهر شده در جسم را اقرار نمی‌کنند، آن است گمراه کننده و دجال، (رساله دوم یوحنا، آیه ۷). از آیات انجیل استفاده می‌شود که: دجال به معنی دروغگو و گمراه کننده است و استفاده می‌شود که: داستان خروج دجال و زنده بودنش، در آن زمان هم در بین نصاری شایع بوده و در انتظار خروجش بوده‌اند. ظاهرا حضرت عیسی(ع) خروج دجال را خبر داده و مردم را از فتنه‌اش بر حذر می‌داشته است، لذا نصاری در انتظارش بوده‌اند و به احتمال خیلی قریب، دجال موعود حضرت عیسی، همان مسیح کاذب و دجالی بوده که در حدود پنج قرن بعد ازعیسای مسیح ظاهر شد و به دروغ ادعای پیغمبری نمود و او است که به دار آویخته شد نه مسیح پیغمبر، (در موضوع تعدد وجود مسیح رجوع شود به تفسیر المیزان، ج ۳ و کتاب «تاریخ و تقویم در ایران»). می‌فرمود: تمامی پیامبرانی که بعد از نوح مبعوث شدند قوم خویش را از فتنه دجال می‌ترسانیدند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۷). «عن ابی هریرة قال؛ قال رسول اللّه ص): لاتقوم الساعة حتی یخرج ثلاثون دجالون کلهم یزعم انه رسول‌اللّه ؛ پیغمبر(ص) فرمود: قیامت بر پا نشود تا این که سی نفر دجال که خود را پیغمبر می‌پندارند ظاهر شوند{M، (سنن ابی داود، ج ۲). علی(ع) فرمود: از دو دجالی که از اولاد فاطمه به وجود می‌آیند برحذر باشید. دجالی هم از دجله بصره خروج می‌کند که از من نیست و او مقدمه دجالهاست، (ترجمه الملاحم والفتن، ص ۱۱۳). پیغمبر(ص) فرمود: قیامت برپا نمی‌شود تا این که سی نفر دروغگو و دجال ظاهر شوند و برخدا و رسولش دروغ بندند، (سنن ابی داود، ج ۲). پیغمبر(ص) فرمود: پیش از خروج دجال، متجاوز از هفتاد نفر دجال ظاهر خواهند شد، (مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۳۳). از احادیث مذکور نیز استفاده می‌شود که دجال نام شخص معینی نیست و به هر دروغگو و گمراه کننده‌ای اطلاق می‌شود. خلاصه: ریشه داستان دجال را باید در کتاب مقدس و در بین نصاری پیدا کرد. بعد از آن، اکثر احادیث آن و تفصیلاتش در کتب اهل سنت و به طرق آنها است. به هر حال اصل قضیه دجال به طور اجمال، بعید نیست صحت داشته باشد لیکن تعریفات و توصیفاتی که درباره‌اش شده مدرک قابل اعتمادی ندارد (زیرا مدرک عمده آن تصویفات، دو حدیثی است که در کتاب بحارالانوار و کتب دیگر نوشته شده است، به این سند: «محمد بن عمر بنعثمان بهذا الاسناد عن مشایخه عن ابی یعلی المصولی عن عبدالاعلی بن حماد عن ایوب عن نافع عن ابن عمر عن رسول اللّه و حدیث دیگر: الطالقانی عن الجلودی عن الحسین بن معاذ عن قیس بن حفص عن یونس بن ارقم عن ابی سیار الشیبانی عن الضحاک بن مزاحم عن نزال بن سبرة عن علی». بر دانشمندان پوشیده نیست که سند این دو حدیث قابل اعتماد نیست زیرا مامقانی درباره محمد بن عمربن عثمان می‌نویسد: مجهول الحال است و درباره نافع نوشته:غلام ابن عمر می‌باشد و گمراه و گمراه کننده بوده است و درباره عمر نوشته: احوالش معلوم نیست و درباره ضحال بن مزاحم نوشته: مدرکی که او را از نیکان قرار دهد نیافتیم. و درباره نزال بن سبره نوشته: احوالش معلوم نیست). پس بر فرض این که اصل قضیه دجال صحت داشته باشد اما بدون تردید با افسانه‌هایی آمیخته شده و صورت حقیقی خود را از دست داده است. می‌توان چنین گفت: در آخرالزمان و نزدیک ظهور حضرت صاحب‌الامر(عج)شخصی پیدا خواهد شد که در دروغگویی و حقه‌بازی سرآمد اقرانش می‌باشد و در دروغگویی بر تمام دجالهای گذشته برتری دارد، با ادعاهای پوچش گروهی را گمراه می‌کند. چنین جلوه می‌دهد که: حیات و آب و نان مردم به دست اوست. مردم به طوری اغفال می‌شوند که گمان

می‌کنند: آسمان و زمین در اختیار اوست. در دروغگویی کارش به جایی می‌رسد که کارهای خوب را بد و کارهای بد را خوب معرفی می‌کند. بهشت را جهنم و جهنم را بهشت جلوهمی‌دهد. لیکن کفرش بر هر بی‌سواد و باسوادی واضح است. لیکن دلیل معتبری نداریم که صائدبن صید، دجال موعود و از زمان رسول خدا تا حال زنده باشد زیرا علاوه بر این که سند حدیث ضعیف است، پیغمبر(ص) درباره دجال فرمود: داخل مدینه و مکه نمی‌گردد در صورتی که صائدبن صید در این دو شهر وارد شده در مدینه وفات نمود و گروهی از مردم شاهد مرگش بودند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۹) بر فرض این که پیغمبر اکرم(ص) صائدرا دجال نامیده باشد، دجال لغوی یعنی دروغگوست نه دجال موعود از علائم‌الظهور. به عبارت دیگر پیغمبر اکرم(ص) صائد را ملاقات نمود و او را به عنوان یکی از مصادیق دجال به اصحاب خویش معرفی کرد و چون بعدا از خروج دجال در آخرالزمان خبرداد، این دو مطلب سبب اشتباه مردم شد و گمان کردند صائد که پیغمبر او را دجال نامیده همان دجالی است که باید در آخرالزمان خروج کند و از همین موضوع، زنده ماندن و عمر طویل را برایش نتیجهگرفتند.{

با ذکر منابع مشخصات دجال و سفیانی را ذکر نمائید.

پرسش

با ذکر منابع مشخصات دجال و سفیانی را ذکر نمائید.

پاسخ

الف) دجال از ریشه دجل به معنای دروغگو است و بر اساس آنچه از ظاهر اخبار استفاده می‌شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می‌کند و انسان غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیای از مردم را می‌فریبد و سرانجام به دست حضرت عیسی(ع) در منطقه شام به هلاکت می‌رسد. و اینکه آیا دجال شخص واحد با آن ویژگیها می‌باشد یا یک تفکر و جریان الحادی است در این مورد احتمالات مختلف و متعدد وجود دارد. ۱- دجال نام شخص معینی نیست بلکه هر کسی که با ادعای پوچ و بی اساس و حیله گری سعی در فریب مردم داشته باشد دجال است و از احادیث نیز این نکته قابل استفاده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: لاتقوم الساعه حتی یخرجالمهدی من ولدی و لا یخرج المهدی حتی یخرج ستون کذابا کلهم یقول انا نبی ؛ یعنی قیامت بر پا نمی‌شود تا وقتی که مهدی(ع) ازفرزندانم ظهور کند و مهدی(ع) قیام نمی‌کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کند{M (بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۲۰۹) و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شده است که:(پیش از خروج دجال بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد) (کنزل العمال، جلد ۱۴، ص ۲۰۰، نقل از کتاب چشم به راه مهدی، ص ۲۹۱) با توجه به روایات می‌توان گفت که دجال‌ها متعدد و متنوع است و دجال واقعی همان که در روایت از آن شخص معینی قصد شده است و دجال‌های دیگر که افراد شیاد و حیله‌گری که در پدیده‌های اجتماعی با ظاهر شدن سعی در فریب مردم دارند. ۲- دجال کنایه از کفر جهانی و فرهنگ مادی است که بر همه جهان سیطره دارد ؛ کشورهای مبتکری که از لحاظ قدرت مادی و صنعتی قوی هستند و مسلمانان را به نوع می‌فریبند و مرعوب خویش می‌سازند تا آن‌جا که مسلمانان خود را در برابر آنها خود باخته تلقی می‌کنندکشورهای مبتکر خصوصا استکبار جهانی با سیطره صنعتی و پیشرفت خود همه جای عالم سر می‌کشد و سعی در فریب مردم دارند. ب) سفیانی از شخصیت‌های بنام در انقلاب حضرت مهدی(ع) است و از دشمنان سرسخت آن حضرت به شمار

می‌رود و بنابه تصریح روایات خروج سفیانی از وعده‌های حتمی خداوند است امام زین‌العابدین می‌فرماید: «امر قائم از سوی خداوندحتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی می‌باشد و قائم ظهور نمی‌کند مگر پس از مرگ سفیانی» (بحارالانوار، ۵۳، ۱۸۲، نقل از کتابعصر ظهور علی کورانی، ص ۱۱۵) بین دانشمندان اسلامی اتفاق نظر است که وجه تسمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان بشمار می‌آید. (همان کتاب، ص ۱۱۶) و طبق روایات، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی غربی است.سفیانی در حالیکه رهبری گروهی را به عهده دارد مانند شخص نصرانی صلیب بر گردن دارد و از سرزمین رومیان روی می‌آورد. (غیبت طوسی، ص ۲۷۸، نقل از کتاب عصر ظهور، ص ۱۱۸) خلاصه این که روایات سفیانی از تبار ابوسفیان است و از کینه توزترین فرد نسبت به اهل بیت(ع) می‌باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می‌شود و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می‌گیرد. مرحله تثبیت سلطه که شش ماه طول می‌کشد مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و حجاز می‌باشد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی(ع) جهات حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس و... و خروج او از آغاز تا انجام۱۵ ماه به طول می‌انجامد. برای آگاهی بیشتر در این زمنیه ر.ک: ۱- دادگستر جهان، ابراهیم امینی ۲- عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی ۳- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه.

این که می گویند وقتی امام زمان(عج)می آید ایشان با شمشیر می جنگد و تمام سلاحهای پیشرفته دنیا از کار می افتد چگونه است؟می گویند دجال سوار بر الاغ است،یک چشم دارد ،یک کوه از پشت سر او و یک کوه در جلوی او حرکت می کند .سید خراسانی یا فردی به نام سفیانی می آید

پرسش

این که می گویند وقتی امام زمان(عج)می آید ایشان با شمشیر می جنگد و تمام سلاحهای پیشرفته دنیا از کار می افتد چگونه است؟می گویند دجال سوار بر الاغ است،یک چشم دارد ،یک کوه از پشت سر او و یک کوه در جلوی او حرکت می کند .سید خراسانی یا فردی به نام سفیانی می آید و...آیا اینها واقعیت است یا نوعی تشابه و نماد است؟یکی از دوستان می گفت در یکی از سایتهای اینترنت با ۴ دلیل نوشته اند که بوش همان دجال است آیا سند معتبری برای قبول این موضوع وجود دارد؟سید خراسانی کیست آیا می توان پنداشت که همان رهبر شیعیان جهان حضرت آیت الله خامنه ای است یا خیر؟

پاسخ

دجّال از ریشه‌ی «دجل» به معنای دروغگوی حیله‌گر است. اصل داستان دجّال در کتابهای مقدس مسیحیان آمده است، (رساله یوحنّا، باب ۲، آیه ۱۸ و ۲۲). در انجیل این واژه بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند و یا «پدر و پسر» را انکار کنند به عنوان دجال یاد شده است به همین جهت در ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی واژه آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح، به کار رفته است. در روایات زیادی از اهل سنّت، خروج دجّال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته شده است، (سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷ تا ۵۱۹، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۱۵، صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶ تا ۸۱). و روایات اسلامی در مورد دجّال و توصیفات آن، همین روایات اهل سنّت است. در کتب روائی شیعه، تنها دو روایت در مورد خروج دجّال به عنوان یکی از علائم ظهور حضرت مهدی آمده است، (کمال‌الدین صدوق، ص ۵۲۵، ۵۲۶)، که هیچکدام از این دو روایت از نظر سند

معتبر و قابل قبول نیست. بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجّال یکی از علائم ظهور باشد، وجود ندارد. اما در عین حال با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنّت آمده است، احتمال این که اصل قضیه دجّال به طور اجمال، صحت داشته باشد؛ وجود دارد و امر ممکنی است. لکن به فرض این که اصل قضیه دجّال صحت داشته باشد، اما بدون تردید بسیاری از ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است به نظر می‌رسد افسانه‌هایی بیش نیست. بنابراین اصل قضیه دجّال را به عنوان امری محتمل و ممکن بعید نیست بپذیریم. حال به فرض پذیرش این سؤال مطرح است که مقصود از دجّال چیست؟ دو احتمال اساسی در این زمینه وجود دارد: ۱. با توجه به معنای لغوی دجال، مقصود از آن، نام شخصی معینی نباشد. بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با تمسک به انواع اسباب حیله‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس، دجّال‌ها متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن سخن از دجّال‌های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می‌کند. (همان روایات موجود در کتب اهل سنت که در مورد دجّال آمده است). مانند: «قال رسول الله(ص): یکون قبل خروج الدجال نیّف علی سبعین رجالاً؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال، خروج خواهد کرد»، (کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰). بنابراین احتمال، در حقیقت قضیه دجال بیانگر این مطلب است که در آستانه انقلاب امام مهدی، افراد فریب‌کار و حیله‌گری برای نگهداشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار گرفته و با تزویر و حیله‌گری مردم را نسبت به اصالت و تحقق آن انقلاب و استواری رهبری آن دلسرد و یا دو دل کنند. اینکه در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجّال بر حذر داشته است»، خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجّال، هر شخص حیله‌گر و دروغگویی است که قبل از خروج حضرت مهدی(ع) در صدد فریب مردم است. ۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. استکبار با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی و صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد سعی می‌کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند بر این اساس، اینکه پیامبران امتهای خود را از فتنه دجال بیم داده‌اند، «ما بعث الله نبیّا الاّ و قد انذر قومه الدجال...؛ هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آن که قومش را از فتنه‌ی دجال بر حذر داشت»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵). در حقیقت آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی برحذر داشته‌اند. پس احتمال می‌رود منظور از دجال با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده همان استکبار جهانی باشد. مثلاً در اوصاف دجال گفته شده «کوهی از طعام و شهری از آب به همراه دارد» کنایه از امکانات عظیم و گسترده‌ای که استکبار در اختیار دارد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱. چشم به راه مهدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، جمعی از نویسندگان، ص ۲۸۹. ۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۲۳ در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت: ۱) کلمه «سیف» که در روایات آمده، کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان‌که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد. ۲) آنچه مسلم است سلاح‌های موجود دنیا به گونه‌ای است که نابود کننده هر کسی است که در برد مؤثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان «عج» و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی‌ایمان را از بین می‌برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می‌آید بر ما پوشیده است می‌توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح‌های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایی به نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح‌ها تعلق گیرد. در برخی از روایات خروج خراسانی در کنار ذکر خروج یمانی به عنوان علائم ظهور ذکر گردیده است(به عنوان نمونه نگاه کنید به بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۷۴.). هر چند خروج یمانی از علائم حتمی ظهور شمرده شده، ولی حتمی بودن خروج خراسانی به عنوان نشانه‌ی ظهور معلوم نیست. افزون بر این در بعضی روایات خراسانی به عنوان ساقط کننده حکومت بنی‌عباس مطرح شده(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.) که در این صورت بر ابومسلم خراسانی تطبیق می‌شود. به هر صورت تطبیق خراسانی بر مقام معظم رهبری شاهد معتبری ندارد، علاوه بر این که شخصیت خراسانی برای ما معلوم نیست و در بعضی روایات یمانی برتر از

آن معرفی شده است(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

در بعضی از روایات اشاره شده است که در آخرالزمان دجال خواهد آمد. منظور از دجال چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟

پرسش

در بعضی از روایات اشاره شده است که در آخرالزمان دجال خواهد آمد. منظور از دجال چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟

پاسخ

دجال از ریشه «دجل» به معنای دروغگوی حیله‌گر است. اصل داستان دجال در کتاب‌های مقدس مسیحیان است.۱ در انجیل این واژه بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند و یا «پدر و پسر» را انکار کنند، به عنوان دجال یاد شده است. به همین جهت در ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی، واژه آنتی کریست(Anti christ) یعنی ضد مسیح به کار رفته است. در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته شده است.۲ در کتاب‌های روایی شیعه، تنها دو روایت در مورد خروج دجال به عنوان یکی از علائم ظهور حضرت مهدی(عج) آمده است۳ که هیچ یک از آن‌ها از نظر سند معتبر و قابل قبول نیست. بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجال یکی از علائم ظهور باشد، وجود ندارد؛ اما در عین حال با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنت آمده است، احتمال این که اصل قضیه دجال به طور اجمال صحت داشته باشد؛ وجود دارد. البته حتی اگر اصل قضیه دجال صحت داشته باشد، بی‌تردید بسیاری از ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده، افسانه به نظر می‌رسد. پس، اصل قضیه دجال امری محتمل و ممکن، می‌نماید. اکنون این سؤال مطرح است که مقصود از دجال چیست؟ درباره مصداق این واژه دو احتمال وجود دارد: ۱. با توجه به معنای لغوی «دجال»، مقصود از آن نام شخص معینی نیست؛ بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با تمسک به انواع اسباب حیله‌گری و نیرنگ در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس، دجال‌ها متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن سخن از دجال‌های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می‌کند؛ مانند: « قال رسول الله(ص): یکون قبل خروج الدجال نیّف علی سبعین رجالاً ؛۴ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال خروج خواهند کرد». بنابراین احتمال، در حقیقت قضیه دجال بیانگر این مطلب است که در آستانه انقلاب امام مهدی(عج) افراد حیله‌گر برای نگه‌داشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار می‌گیرند تا با تزویر و حیله‌گری مردم را نسبت به اصالت و تحقق آن انقلاب و استواری رهبریش، دچار تردید سازند. این که در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری امت خویش را از خطر بر حذر داشته است»، خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجال، هر شخص حیله‌گر و دروغ گویی است که قبل از خروج حضرت مهدی(ع) در صدد فریب مردم است. ۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان است. استکبار با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی، صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می‌کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند. بر این اساس است که پیامبران امت‌های خود را از فتنه دجال بیم داده‌اند: « ما بعث الله نبیا الا و قد انذر قومه الدجال. ..؛۵ هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آن که قومش را از فتنه دجال بر حذر داشت»، در حقیقت آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی بر حذر داشته‌اند. پس احتمال می‌رود منظور از دجال - با آن

شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده - همان استکبار جهانی باشد؛ مثلاً در اوصاف دجال گفته شده «کوهی از طعام و شهری از آب به همراه دارد» کنایه از امکانات عظیم و گسترده‌ای که استکبار در اختیار دارد.۶ پی‌نوشت: ۱. رساله یوحنا، بابا ۲، آیه ۲ .۱۸Ù۲۲. سنن ترمذی، ج۴، ص۵۰۷ - ۵۱۹. ۳. کمال الدین صدوق، ص۵۲۵ و ۵۲۶. ۴. کنزالعمال ۱۴، ص ۲۰۰. ۵. بحارلانوار، ج۵۲، ص۲۰۵. ۶. رجوع کنید به: الف) چشم به راه مهدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، جمعی از نویسندگان، ص۲۸۹. ب) دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص۲۲۳.

مسیح دجال کیست؟

پرسش

مسیح دجال کیست؟

پاسخ

لقب مسیح همان گونه که بر پیامبر خدا حضرت عیسی (ع) اطلاق می‌شود، بر دجال نیز اطلاق می گردد، ولی وقتی به صورت مطلق وبدون قید آورده شود همان حضرت عیسی (ع) مراد است. در ظاهر، مسیح دجال همان دجال معروف است. ولی در وجه تسمیه دجال به مسیح احتمالاتی داده شده است: ۱ - چون با پرچم مسیحیت ظهور خواهد کرد. ۲ - قیام او همه زمین را فرا می گیرد وگویا آن را مسح می کند. ۳ - از آنجا که حضرت مسیح با او به مقابله می‌پردازد به او نیز مسیح اطلاق شده است.

مقصود از خروج دجال که از علایم ظهور به حساب آمده چیست؟

پرسش

مقصود از خروج دجال که از علایم ظهور به حساب آمده چیست؟

پاسخ

روایات بسیاری عمدتاً در مصادر حدیثی اهل سنّت درباره خروج دجال در آخرالزمان وقبل از برپایی حکومت امام مهدی (ع) وارد شده است. بخاری به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": دجال خروج خواهد کرد تا اینکه در ناحیه‌ای از مدینه فرود می‌آید، وسه بار اعلان آماده باش جنگ می‌دهد، آن گاه به سوی او هر کافر ومنافقی حرکت می کند.{"پاورقی . صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۲. پاورقی} در مصادر اهل سنّت برای دجال صفاتی ذکر شده است از قبیل: ۱ - ادعای ربوبیت می کند.{پاورقی . سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۰. پاورقی} ۲ - عمر طولانی دارد.{پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۰۵. پاورقی} ۳ - همراه او آب وآتش است.{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۳. پاورقی} ۴ - کور را بینا کرده وبرص را شفا می‌دهد.{پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۱۳. پاورقی} ۵ - مرده را زنده می کند.{پاورقی . همان. پاورقی} ۶ - کسی را می کشد، آن گاه او را زنده

می کند.{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۳۷. پاورقی} ۷ – با او بهشت وآتش است.{پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۴۳۵. پاورقی} ۸ – با او نهری از آب سفید ونهری از آتش است.{پاورقی . معجم الکبیر، ج ۲، ص ۵۶. پاورقی} ۹ – خواسته او برآورده می‌شود.{پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۷. پاورقی} درباره دجال با این اوصاف احتمالاتی وجود دارد: الف. دجّال شخصی حقیقی است که کارهای خارق‌العاده‌ای را در قالب سحر وجادو انجام می‌دهد. ب. مقصود به دجال همان ابلیس (شیطان) است. ج. احتمال می‌رود که دجال همان سفیانی است که در روایات شیعه به خروج او در آخرالزمان تأکید فراوان شده است. د. مقصود از دجال همان اسرائیل است. در ابتدا این احتمال به نظر می‌رسد که احادیث دجال از جمله اسرائیلیاتی باشد که در احادیث اهل سنّت وارد شده است، زیرا: اولاً: اثری از این احادیث در روایات اهل بیت: به چشم نمی‌خورد. ثانیاً: غالب احادیث دجال از کعب‌الأحبار یهودی‌الاصل رسیده است. کسی که تمام افعال واقوالش مشکوک به نظر می‌رسد. ثالثاً: این اعتقاد که مسیح منتظر خروج می کند ودجال را به قتل می‌رساند در عقاید یهود مشاهده می‌شود. در هر حال بر فرض صحّت این روایات احتمال تأویل این روایات ورمزی بودن وجنبه سمبلیک داشتن آنها زیاد است. سید محمّد صدر؛ می‌فرماید": دجال رمزی است از اوج تمدّن وتکنیک غرب که با اسلام ومبانی آن ستیز دارد. تمدّنی که درصدد به سلطه کشیدن هر انسانی است... ما به طور وضوح مشاهده می کنیم که چگونه تمدن وتکنیک غرب مادی گرا در این عصر بر تمام جوامع، حتّی مسلمانان تسلّط پیدا کرده است. {"...پاورقی . تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۴۱Ù۱۴۲. پاورقی} از بیانات استاد محمّد طیّ ونویسنده مصری شیخ محمّد فهیم ابوعبیه در تعلیقه{پاورقی . المهدی المنتظر بین الدین والفکر البشری، ص ۱۷۷. پاورقی} خود بر کتاب" نهایة البدایة والنهایة "نیز همین احتمال به دست می‌آید. {پاورقی . نهایة البدایة والنهایة، ج ۱، ص ۱۱۸. پاورقی} موضوع: قرآن وظهور موعود جهانی

۱۰– دجال چه کسی است ، و چه کارهایی انجام می دهد ؟

پرسش

۱۰– دجال چه کسی است ، و چه کارهایی انجام می دهد ؟

پاسخ

آنچه در توصیف دجال معروف است ،این است که وی مردی است کافر ،یک چشم بیش ندارد،آن هم در پیشانیش واقع شده و مانند ستاره ای می درخشد در پیشانی وی نوشته است کافر، به طوری که هر با سواد وبیسواد آن را می خواند، کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با اوست ، بر الاغ سفیدی سوار می شود که هرگامش یک میل راه است ،آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه می رویدند، مرده را زنده می کند، با صدایی که تمام جهانیان می شوند ندا میکند، من خدای بزرگ شما هستم که شما را آفریده ، روزی می رسانم ، بسوی من بشتابید. در زمان پیامبر اکرم(صلی الله علیه واله) موجود بودو نامش عبدالله یا صائد بن صید است. پیامبر و اصحابش بقصد دیدار او به خانه اش رفتند ، او مدعی خدای بود عمر خواست او را به قتلش برساند ولی پیامبر مانع شده تا کنون زنده است و در آخر زمان از شهر اصفهان قریه « یهودیه» خروج خواهد کرد. از قول «تیمم الداری» که ابتدا نصرانی بوده و در سنه نهم هجری اسلام آورده حکایت کرده اند که گفته است : من دجال را در یکی از جزایر مخرب دیدم که در غل و زنجیر بود. از روایات و منابع حدیثی به دست می آید که ، دجال نام شخص و منحصر به فرد خاصی نیست، بلکه عنوانی

است کلی برای افراد پر تزویر وحیله گر و پر مکر و حقه باز که برای کشیدن توده های مردم به دنبال خود از هر وسیله ای استفاده می کند و بر سر راه هر انقلاب سازنده ای که در ابعاد مختلف صورت می گیرد ظاهر می شود. لذا پیامبر در حدیثی چنین می فرماید : هر پیامبری بعد از نوح قدم خود را از فتنه دجال برحذر داشت من نیز شما را بر حذر می دارم ، دجال از جمله افرادی که در برابر امام موعود مانع تراشی خواهد نمود ،دجال است که از علائم آخر زمان شمرده شده است او در نهایت مغلوب و کشته می شود. یکی از نویسندگان در باره دجال تفسیر دلنشینی ارائه کرده و می نویسد دجال انسانی است که یک چشم در وسط پیشانی دارد او انسانی یک بعدی است، نظام پلید حاکم بر جهان نظامی یک بعدی است که انسان را با یک چشم می نگرد و انسان مسخ شده در این نظام نیز جهان وحیات را با یک چشم می نگرد و آن هم با چشم چپ این دجال افسونگر ذهن ها است و مسخ کننده انسانها دجال مظهر نظام فرهنگی و روحی و ضد انسانی حاکم بر انسان آخر الزمان است. منابع : ۱-تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری ۲-سیمای مصلح جهان ، مراد فیض ۳-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ۴ ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی .

علائم غیر حتمی

این که می گویند اگر ۲۵ ما رمضان روز جمعه باشد، یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان(عج) ظهور می کند، صحت دارد؟

پرسش

این که می گویند اگر ۲۵ ما رمضان روز جمعه باشد، یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان(عج) ظهور می کند، صحت دارد؟

پاسخ

برای تحقق ظهور امام زمان(ع) شرایط و نشانه های ویژه بیان شده است،[۶۵] که با تحقق آن شرایط و نشانه، امام زمان(ع) ظهور می کند. این که ۲۵ ماه رمضان روز جمعه باشدو یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان ظهور می کند، از شرایط و نشانه های ظهور امام بیان شده است؛ از این رو به طور قاطع نمی توان گفت که مطلب فوق الذکر صحت داشته باشد. البته در برخی روایات آمده است که امام زمان(ع) د روز عاشورا ظهور می کند.[۶۶] امام باقر(ع) فرمود": یظهر المهدی فی یوم عاشورا و هو یوم الّذی قُتِل فیه الحسین بن علی(ع)؛[۶۷] حضرت مهدی(ع) در روز عاشورا، در روزی که امام حسین(ع) شهید شد ظهور می کند. "ظهور امام زمان(ع) در عاشورا، غیر آن است که اگر عاشورا جمعه باشد، امام زمان(ع) ظهور می کند؛ یعنی از علایم عامه است، نه خاصه. علایم خاصه مثل قیام سفیانی و سید حسنی و دجال و صیحهٔ آسمانی که متجاوز از چهار ماه نمی گذرد که ظهور تحقق پیدا می کند. [۶۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵؛ کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲. [۶۶] لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۵۷۴، به نقل از ارشاد مفید. [۶۷] منتخب الاثر، ص ۵۷۶.

در برخی از کتاب ها مطرح شده است که امام زمان(ع) روز جمعه که مصادف با روز عاشورا و نوروز است ظهور می کند آیا این واقعیت دارد؟

پرسش

در برخی از کتاب ها مطرح شـده است که امام زمان(ع) روز جمعه که مصادف با روز عاشورا و نوروز است ظهور می کنـد آیا این واقعیت دارد؟

پاسخ

در خصوص روز ظهور امام زمان(ع) سه دسته روایت وجود دارد: برخی از روایات دلالت دارنـد که امام زمان(ع) روز جمعه ظهور می کنـد. در این دسته روایات از روز عاشورا و نوروز سخن به میان نیامده است. امام جعفر صادق(ع) فرمود": قائم ما اهل بیت در روز جمعه قیام می کند.["۱] در برخی روایات دیگر تصریح شده است که امام زمان(ع) روز عاشورا که در آن روز امام حسین(ع) شهیـد شده است، ظهور می کند.[۲] برخی از روایات دلالت دارنـد که امام زمان(ع) نوروز ظهور می کنـد.[۳] با توجه به اختلافات روایات، قضاوت درخصوص تعیین روز ظهور امام زمان(ع) مشـکل است. آنچه مشـهور است آن است که حضرت روز جمعه ظهور می کنـد، حـال روز جمعه مصـادف بـا روز عاشورا و یا روز نوروز باشـد معلوم نیست. [۱] مهـدی موعود، ص ۱۰۶۶. [۲] لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۷۴ – ۵۷۶. [۳] بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۹۱ – ۹۲.

آیا بعــد از حمله امریکا به عراق و اوضاع فعلی جهان غرب می شود گفت این امر و حوادث آینــده زمینه را برای ظهور امام زمان(ع) فراهم کرده است؟

پرسش

آیا بعـد از حمله امریکا به عراق و اوضاع فعلی جهان غرب می شود گفت این امر و حوادث آینده زمینه را برای ظهور امام زمان(ع) فراهم کرده است؟

پاسخ

نگـاه کلی به حوادث جهـان و آینـده شـریعت جنـگ ها و خون ریزی ها در هر چهره زشت و قبیحی که ظاهر می شود و جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ ها با همهٔ اختلاف ها و تضاد و درگیری هایی که دارند، در نهایت، راه تکامل را طی می کنند و به سوی تمدن و فرهنگ یگانه و پیـدایش جامعـهٔ جهانی واحـد به پیش می رود. شـهید مطهری(ره) می فرمایـد": بنابر نظریهٔ اصالت فطرت و این که وجود اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی او بالاخره روح جمعی جامعه وسـیله ای است که فطرت نوعی انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است، بایـد گفت: جامعه ها و تمـدن ها و فرهنگ ها به سوی یگانه شدن، متحد الشـکل شدن و در نهایت امر در یکـدیگر ادغام شـدن سیر می کننـد و آیندهٔ جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن همه ارزش های امکانی انسانیت به فعلیت می رسد و انسان به کمال حقیقی و سـعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصـیل خود خواهد رسید. از نظر قرآن این مطلب مسلّم است که حکومت نهـایی، حکومت حق و نـابود شـدن یکسـرهٔ باطـل است و عـاقبت از آن تقوا و متّقیـان است. مجموعـهٔ حوادثی که در عراق و هر کجای دنیا اتفاق می افتـد، اگر چه با تخریب و فساد و ظلم و جنایت همراه است، ولی در نهـایت بشـر فرو رفته در غرور و غفلت را از خـواب گران بیـدار می سـازد و سـرخورده از حکـومت هـای ظـالم و سـتمگر که داعیه

اصلاح و حکومت عادلانه و آزادی دارند، می شود و با ایجاد احساس نیاز شدید به وحی و رهبر آسمانی، او را به ناتوانی‌اش در ادارهٔ جهان و نارسایی و نقصان خرد و دانش جدا از وحی و آسمان برای تأمین سعادت و خوشبختی انسان متقاعد می سازد و افکار جمعی جهانیان را به سوی آسمان و مهدی موعود (عمل ا... تعالی فرجه) سوق می دهد. حوادث عراق و ارتباط آن با مسئله ظهور حوادث و اتفاقاتی که پیش از ظهور حضرت صاحب الامر توسط پیامبر اسلام(ص) و حضرات ائمه(ع) پیش بینی و پیشگویی شده، از جهتی به دو دسته تقسیم می شود: یک دسته از حوادث، نشانه های قریب الوقوع بودن ظهور و پیام آور نزدیک شدن تحقق وعدهٔ الهی است، مثل خروج سفیانی و دجال. دستهٔ دیگر، حوادثی است که صرفاً در آموزه های دینی آمده است. آن حوادث پیش از قیام حضرت قائم(ع) به وقوع خواهد پیوست و هیچ اشاره‌ای نشده است که در آستانهٔ ظهور اتفاق می افتد یا سال ها و بلکه قرن ها ممکن است با زمان ظهور فاصله داشته باشد. از جمله در آموزه های دینی آمده است که پیش از ظهور قائم آل محمد(ص) و شهرهای عراق مخصوصاً بغداد و بصره به وسیله آتش ها (تمپ ها)یی که از طریق هود ریخته می شود، خراب می شود و بغداد اشغال می گردد و تحت سلطه و احاطه غیر اعراب در می‌آید، در نتیجه خون ریزی ها و تجاوز به اموال و ناموس مردم و تخریب شهرها چنان خوف و وحشتی ایجاد می گردد که مردم در هیچ نقطه ای از عراق احساس امنیت نمی کنند و ... اوّلاً نمی دانیم این گونه حوادث تا زمان ظهور حضرت چقدر فاصله دارد. ثانیاً دقیقاً نمی دانیم که آیا هجوم" منشانهٔ غربی ها به سرکردگی شیطان بزرگ امریکا به سرزمین عراق و کوبیده شدن بغداد و بصره و توسعه خوف و ترس و ناامنی در همه عراق، مصداق همان چیزی است که در روایات پیش گویی شده است. بنابراین ذکر آن به صورت گمان اشکال ندارد امّا جز خدا و کسانی که اطلاعاتشان متصل به علم الهی است کسی دیگر نمی تواند به صورت قطعی در نفی یا اثبات آن به عنوان مصداق روایات و علائمی که در آستانهٔ ظهور اتفاق می افتد، نظر بدهد.

آیا تا کنون علائمی از وعدهٔ ظهور روی داده است و چند وعده باقی مانده است؟

پرسش

آیا تا کنون علائمی از وعدهٔ ظهور روی داده است و چند وعده باقی مانده است؟

پاسخ

بر اساس روایات علائم ظهور به دو دسته تقسیم می شوند: ۱ـ علائم حتمی؛ علامت هایی هستند که بدون تردید پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) واقع خواهد شد؛ همانند فراگیر شدن ظلم و فساد و خروج سفیانی و دجال. ۲ـ علائم غیر حتمی، مراد از علائم غیر حتمی علامت هایی هستند که ممکن است پیش از ظهور محقق شوند و ممکن است محقّق نشوند؛ توضیح این که: تحقّق این گونه علامتها مشروط به اموری است که در صورت تحقّق آن امور، آن علائم نیز محقّق می شوند وگرنه آن علامت ها پدید نمی آیند. یا روایاتی که آن علایم را بیان می کنند، از نظر سند و دلالت و معنای آن علامات قطعی و یقینی نیستند گفتنی است که شناخت دقیق تمام علائم ظهور نیز مشکل است، پس هیچ گاه نمی توان ادّعا کرد که تمام علائم ظهور تحقّق یافته و به طور یقین در تاریخ مشخّصی حضرت مهدی(عج) ظهور خواهد کرد، بله هر تعداد از مجموع نشانه های ظهور که واقع شود و تطبیق آن نیز درست باشد، می‌توان گفت که نزدیک شدن ظهور را بشارت می دهد. بر این اساس می گوییم: شماری از حوادث و وقایعی را که

معصومین(ع) وقوع آن را در دوران غیبت کبری خبر داده و یا به عنوان علائم ظهور بر شمرده انـد، واقع شده اند؛ موارد زیر بخشی از آن حوادث است: اختلاف در میان امت اسلام، انقراض بنی عباس و از هم پاشیدگی حکومت آنان، به راه افتادن پرچم های سیاه از ناحیهٔ خراسان، خروج مغربی از مصر و تشکیل دولت فاطمیان، رها شدن کشورهای عربی از قید استعمار و ... . البه باید علاوه بر مطالب فوق به این نکات نیز توجه داشت: ۱ـ معلوم نیست که حوادث روی داده همان حوادثی باشد که در روایات آمده و مقصود روایات بوده است. ۲ـ خبر از وقوع چنین حوادثی بدین معنا نیست که این ها نشانه های حتمی ظهورند، بلکه ممکن است این ها رخدادهایی باشند که معصومان از وقوع آن ها خبر داده اند. بخشی از علائم حتمیّه هم که در روایات آمده، همانند: خروج سفیانی، دجال و صیحهٔ آسمانی هنوز واقع نشده اند.

نشانه های ظهور امام زمان (عج) و روز ظهور امام چه زمانی است؟ و پیشگویی هایی را که در مورد امام زمان (عج) گفته اند را بیان نمایید.

پرسش

نشانه های ظهور امام زمان (عج) و روز ظهور امام چه زمانی است؟ و پیشگویی هایی را که در مورد امام زمان (عج) گفته اند را بیان نمایید.

پاسخ

هر پدیده اجتماعی و انقلابی دارای علائم و نشانه هایی است که بواسطه آنها می توان از قریب الوقوع بودن آن پدیده یا انقلاب یا بعید الوقوع بودن آن باخبر شد. علائم ظهور و قیام امام زمان (عج) نیز چند دسته اند: ۱ـ علائم حتمی نظیر ندای آسمانی مبنی بر اعلام و شروع قیام آن بزرگوار. ۲ـ علائم غیر حتمی نظیر: ـ کم ارج شدن ارزشها ـ پیروی از نابخردان ـ رخت بر بستن عفت عمومی ـ زن سالاری ـ وقوع حوادث جانکاه و کمر شکن ـ پاسخ اختلافات با خونریزی ـ و غیره.... لازم به یادآوریست روایات علائم ظهور متأسفانه مصون از تحریف نمانده، بویژه توسط حکومتهای استبدادی که از ظهور دادگستر جهان در هراسند. در این زمینه به خلاصه ای از کتاب دادگستر جهان نوشته علامهٔ امینی توجه فرمایید". برای ظهور حضرت صاحب الامر" عج "علائم بسیاری در کتب حدیث ثبت شده است لیکن اگر ما بخواهیم در یک یک آنها بحث کنیم سخن طولانی می گردد و بدون جهت اوقات چندین جلسه اشغال می شود. اما چند نکته را لازم است اجمالاً تذکر دهم: ۱ـ مدرک بعضی از علائم، خبر واحدیست که اشخاص مجهول الحال یا غیر موثق در طریق آن واقع شده و مفید یقین نیستند. ۲ـ احادیث اهل بیت (ع) علائم ظهور را بدو قسم تقسیم نموده اند: یکی از آنها حتمی است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود. قسم دوم را غیر حتمی معرفی نموده اند و آن عبارتست از حوادثی که بطور مطلق و حتم از علائم الظهور نیست بلکه مشروط بشرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد مشروط نیز متحقق می شود و اگر شرط مفقود گردد مشروط نیز تحقق نمی یابد و مصلحت بوده که بطور اجمال از علائم الظهور شمرده شود. ۳ـ علائم ظهور چیزهایی هستند که تا واقع نشود حضرت صاحب الامر ظاهر نمی گردد و حدوث هر یک از آنها دلیل است که ایام فرج تا اندازه ای نزدیک شده اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت و بلافاصله، حضرت صاحب الامر ظهور نماید. ولی در مورد بعضی از آنها تصریح شده است که مقارن ظهور آن حضرت واقع می شود. ۴ـ بعضی از علائم الظهور بطور اعجاز و خارق العاده واقع می شوند تا صحت ادعایی مهدی موعود را تأیید کنند و فوق العادگی اوضاع را

بجهانیان اعلام دارنـد. حکم این علائم، با سایر معجزات یکسان است، و به صـرف اینکه با جریان عادی سازگار نیست نبایـد مردود شناخته شود. ۵ـ یک نوع از علائم الظهور در کتابها دیـده می شود که وقوع آنها عادتاً محال به نظر می رسد مانند اینکه گفته شده: در وقـت ظهـور مهـدی خورشـید از مغرب طلـوع می کنـد و خورشـید در نیمـهٔ مـاه رمضـان و مـاه در آخر همـان مـاه می گیرد. بر دانشـمندان پوشـیده نیست که لازمهٔ وقوع اینگونه حوادث اینست که نظم عالم بر هم بخورد و حرکت منظومه شمسـی تغییر یابد. اما باید بدانید که مدرک اینگونه علائم، اخبار آحادی بیش نیست که مفید یقین نیسـتند و اگر کسی در سند آنها خدشه کرد می تواند آنها را مجعول خلفای بنی امیه و بنی عباس و عمال آنها بدانـد. زیرا در آن اوقات افرادی بعنوان مهدی بر علیه دسـتگاه حاکمهٔ وقت قیام و نهضت می نمودند و بدان وسیله عده ای را بر دور خویش جمع می کردند. خلفای وقت چون می دیدند اصل احادیث مهدی قابل انکار نیست لـذا حیلـهٔ دیگری اندیشـیدند تا بـدان وسـیله مردم را منصـرف سازنـد و کار نهضت علویین را مختل نماینـد. بـدان منظور علائم محال را جعل کردند تا مردم در انتظار آن علائم بنشـینند و دعوت علویین را اجابت نکنند، اما اگر احادیث صحیح بود مانعی نـدارد اینگونه علائم بطور اعجاز تحقق یابنـد تا فوق العادگی اوضاع را بجهانیان اعلام کننـد و اسـباب پیشـرفت دولت حق را فراهم سازنـد. برای اطلاـع بیشـتر به کتابهـای ذیـل مراجعه فرماییـد. ۱ـ مهـدی موعود، شـهید دسـتغیب ۲ـ دادگسـتر جهـان، امینی ۳ـ روزگار رهایی، کامل سلیمان

آیا صـبح روز ظهور امام مهدی ع خورشـید _ مرکز منظومه شمسـی _ از غرب طلوع می کند یا این یک کنایه است؟ به دلایل علمی متقن خورشید همیشه از شرق طلوع می کند.

پرسش

آیا صبح روز ظهور امام مهدی ع خورشید _ مرکز منظومه شمسی _ از غرب طلوع می کند یا این یک کنایه است؟ به دلایل علمی متقن خورشید همیشه از شرق طلوع می کند.

پاسخ

از نظر عقلی و علمی اگر انجام کاری محال و غیر ممکن باشـد در این صورت بایـد تعبیر روایت و یا آیه را کنایه ای فرض کنیم. اما طلوع خورشـید از مغرب محـال عقلی نیست اگر چه خـارق العـاده است بنـابراین هنگامه وقوع حادثه ای مهم انجام کار خارق العاده محال نیست. از این رو در دیـدگاه شـیعه خدای متعال قادر به انجام هر کار ممکنی می‌باشد و امور خارق‌العاده به اراده او انجام‌پذیر است. به طریق عـادی امکـان طلوع خورشـید از غرب وجود نـدارد ولی به اراده خـدا این کار شـدنی است. همان خـدایی که هنگام آفرینش خورشید و منظومه شمسی و کیهان اراده‌اش به این تعلق گرفت که خورشید به این نظم در گردش زمین به دور آن از شرق طلوع کند، می‌تواند اراده‌اش به این تعلق گیرد که در بامداد روز ظهور یا هر هنگام دیگری خورشـید از غرب بالا بیاید و هیچ نیازی به تصـدیق آگاهان به علم جدیـد و مادی و تأییـد آن ندارد. از این گذشـته می‌توان وجود مبارک امام زمان(عج) را مانند خورشـید دانست که تاریکی‌ها را روشن می‌نماید «وأشـرقت الارض بنور ربّها» او با نوری که از پروردگار عالم کسب نموده زمین و آنچه در آن است روشن می‌کنـد در پاره‌ای روایات اشاره شده که امام زمان(عج) از مغرب می‌آید. روشن است که با ظهور ایشان روشـنایی و نور غرب را فرا می‌گیرد و شرق را نیز فرا می‌گیرد.

درباره این که می گویند از نشانه های ظهور موعود طلوع خورشـید از مغرب است یعنی چه؟ آیا اوضاع گردش زمین دور خورشید تغییر می کند؟

پرسش

درباره این که می گویند از نشانه های ظهور موعود طلوع خورشید از مغرب است یعنی چه؟ آیا اوضاع گردش زمین دور خورشید تغییر می کند؟

پاسخ

به این پرسش چند گونه می‌توان پاسخ داد: ابتدا باید دانست که به طریق عادی و حساب قوانین طبیعی گردش اجرام آسمانی، دانشمندان نوعی حرکت در اجرام آسمانی به نام «حرکت عکسی» یافته‌اند که سیاره امکان تغییر مسیر گردش خود را دارد و عده‌ای بر این باورند مریخ پیش از این بر خلاف جهت فعلی به دور خود می‌چرخیده و بواسطه قانون حرکت عکسی (Retrogade motion) به نقطه‌ای رسیده که خلاف جهت شروع به گردش کرده است. در صورت صحت چنین دیدگاهی، زمین نیز امکان تغییر گردش حرکت چرخشی به دور خود را دارد، که در این صورت خورشید از غرب طلوع خواهد کرد! گذشته از این، در دیدگاه شیعه خدای متعال قادر به انجام هر کار ممکنی می‌باشد و امور خارق‌العاده به اراده او انجام‌پذیر است. به طریق عادی امکان طلوع خورشید از غرب وجود ندارد ولی به اراده خدا این کار شدنی است. همان خدایی که هنگام آفرینش خورشید و منظومه شمسی و کیهان اراده‌اش به این تعلق گرفت که خورشید به این نظم در گردش زمین به دور آن از شرق طلوع کند، می‌تواند اراده‌اش به این تعلق گیرد که در بامداد روز ظهور یا هر هنگام دیگری خورشید از غرب بالا بیاید و هیچ نیازی به تصدیق آگاهان به علم جدید و مادی و تأیید آن ندارد. از این گذشته می‌توان وجود مبارک امام زمان(عج) را مانند خورشید دانست که تاریکی‌ها را روشن می‌نماید «وأشرقت الارض بنور ربّها» او با نوری که از پروردگار عالم کسب نموده زمین و آنچه در آن است روشن می‌کند در پاره‌ای روایات اشاره شده که امام زمان(عج) از مغرب می‌آید. روشن است که با ظهور ایشان روشنایی و نور غرب را فرا می‌گیرد و شرق را نیز فرا می‌گیرد. در خطبه‌ای که امیرمؤمنان(ع) درباره ظهور امام عصر(عج) و پیشامدهای آخرالزمان سخن می‌گویند. همین عبارت طلوع خورشید از غرب را به کار می‌برند. این روایت را صعصعه از قول امام علی(ع) نقل کرده است. نزال بن سبره که روایت را از صعصعهٔ بن صوحان می‌شنود با تعجب معنی این کلام را می‌پرسد. صعصعه چنین پاسخ می‌دهد: «یابن سبرهٔ، إن الذی یصلّی خلفه عیسی بن مریم هوالثانی عشر من العترهٔ، التاسع من وُلد الحسین بن علی وهو الشمس الطالعهٔ من مغربها یظهر عندالرکن والمقام یُطهّر الأرض؛ ای پسر سبره همانا کسی که عیسی پسر مریم پشت او نماز می‌گذارد، دوازدهمین از خاندان پیامبر(ص) است که نهمین فرزند حسین پسر علی علیهماالسلام است و او همان خورشیدی است که از مغرب زمین طلوع می‌کند، میان رکن و مقام ظهور می‌کند، زمین را پاک می‌سازد.»(علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۵.) از این که فهم صعصه از عبارت، شخص امام مهدی(عج) است، شاید استفاده شود مؤید یا قرینه‌ای در کار بوده است که وی چنین تفسیر کرده است.

مقصود از خسوف وکسوف که از علایم ظهور است چیست؟

پرسش

مقصود از خسوف وکسوف که از علایم ظهور است چیست؟

پاسخ

در روایات علایم ظهور آمده که یکی از نشانه‌های ظهور، کسوف در اواسط ماه وخسوف در اوّل ماه برخلاف عادت است. {پاورقی . ارشاد مفید، ص ۳۶۸ ؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۵. پاورقی} دارقطنی به سندش از امام محمّد باقر (ع) نقل کرده که فرمود": همانا برای مهدی ما دو نشانه است که از زمان خلقت آسمان‌ها وزمین این گونه نبوده است، یکی خسوف ماه در اوّل شب رمضان ودیگری کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان. {"پاورقی . سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۵۱. پاورقی} در کیفیّت حدوث این دو واقعه غیر عادی چند احتمال است: ۱ - حدوث این دو به توسط جِرمی باشد که در فضا به طور ناگهانی پیدا می‌شود، اجرامی که امروزه از آنها به اجرام سرگردان در هوا یاد می‌شود، که گاه بین ماه وخورشید فاصله می‌شود وبا آنها خسوف وکسوف ایجاد می‌گردد. ۲ - تحقّق خسوف وکسوف به توسط جرمی باشد که از زمین جدا می‌شود؛ زیرا ممکن است که بشر با پیشرفت علمی وتکنیکی که دارد بتواند تکه‌هایی عظیم از کره زمین را جدا ساخته وآن را در هوا معلّق گرداند ودر نتیجه باعث خسوف وکسوف گردد. ۳ - تحقق این دو به نحو اعجاز وخرق قانون طبیعت باشد.

۱- علائم ظهور امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

۱- علائم ظهور امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

ج۱- علائم ظهور امام زمان (عج) دودسته ودوگونه است : الف : علائم غیر حتمی : یعنی علائمی که اتفاق می افتد ولی به معنی نزدیک بودن ظهور نیست.بلکه شاید مدت زیادی از غیبت هنوز باقی باشد و این علائم زیاد است که بعضی از آنها عبارتند از: ۱- رواج گناه وبی بند وباری وکشف حجاب. ۲-فراموش شدن وعمل نکردن به دستور امر به معروف ونهی از منکر. ۳- منع حاجیان از زیارت خانه خدا سه سال. ۴- شبیه شدن مردان به زنان و زنان به مردان. ۵-گرفتاری مردم به خوف و عناد وگرانی نرخها وکمی اموال ومرگ وخونریز ۶- نواخته شدن سازها در جمع مسلمین و کسی منع نکند. ۷- علنی شدن فروش شراب و غیره ۲-علائم حتمی : یعنی علائمی که با واقع شدن آنها به فاصله چند ماه ظهور حضرت واقع می شود واین علائم هنوز اتفاق نیفتاده است وبعضی از آنها عبارتند از: ۱- نشانه های آسمانی وگرفتن ماه وخورشید. ۲- خروج سید خراسانی. ۳- کشته شدن نفس زکیه. ۴- خروج رجال. ۵- خروج سفیانی که به دست حضرت کشته می شوند . ۶- خروج سفیانی که بدست حضرت کشته می شود.

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پرسش

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پاسخ

موارد و مستندات علایم و حوادث قبل از ظهور بسیار وافر است به جهت اختصار و تناسب زمانی. گزیده‌هایی قید می‌گردد: ۱. خروج سید حسنی از طالقان که مردی از بزرگان شیعیان است و از ناحیه دیلمان قزوین خروج و قیام می‌نماید. ۲. کشف حجاب و بی‌عفتی از زنها و شریک شدن زنها در تجارت با شوهران و تمکین نکردن زنان از شوهرانشان. ۳. دشنام دادن اوّلاً به پدران و مادران و افترا زدن به ایشان و شاد شدن به مرگ آنها و زدن و آزار ایشان. ۴. مستولی شدن زن بر شوهر خویش در جمیع چیزها. ۵. مردها خود را شبیه زنان در آورند و زنان شبیه مردان و بلند گذاردن گیسوان جلوی سر جوانان و مردان(۱۴). ۶. مرده را با استهزا بردارند و کسی دنبال جنازه او گریه و زاری نکند. ۷. در هر سال بدعتها و شر زیاد شود، غیبت کردن به نظر مردم شایسته می‌باشد. ۹. قسم خوردن به ناحق فراوان شود. ۱۰. ظلم و ستم، همه جا فراگیر شده است. ۱۱. قرآن فرسوده شده و بدعتهایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن پدید آمده است. ۱۲. مردان به مردان و زنان به زنان قناعت می‌کنند. ۱۳. فاسق دروغ می‌گوید و کسی او را بر دروغش سرزنش نمی‌کند. ۱۴. پیوند خویشاوندی بریده شده است.(ش ۱۷). ۱۵. مداحی و چاپلوسی فراوان شده است. ۱۶. حرام، مجاز و حلال حرام، شمرده می‌شود. ۱۷. قوانین و دستورات دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می‌گردد. ۱۸. رشوه‌خواری در میان کارکنان دولت رایج شده است. (ش ۳۶). ۱۹. پُستهای حساس به مزایده گذارده می‌شود. ۲۰. مقربان حکام کسانی هستند که به ما اهل بیت ناسزا می‌گویند. ۲۱. شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران می‌آید، اما شنیدن باطل، سهل و آسان است. ۲۲. همسایه به همسایه خود از ترس زبانش احترام می‌گذارد. ۲۳. مساجد را به زیورها می‌آرایند. ۲۴. برای غیر خدا، حج و جهاد می‌شود. ۲۵. مردم طرفدار کسی می‌شوند که پیروز است (خواه بر حق باشد، خواه بر باطل). ۲۶. مردم و محافل همه پیرو ثروتمندان می‌شوند. ۲۷. حکومت به دست زنان می‌افتد. ۲۸. افرادی پیدا می‌شوند که اگر روزی گناه کبیره‌ای انجام ندهند، غمگین هستند. ۲۹. مساجد پر از مردم خدا نترس است و در آنجا برای غیبت کردن و خوردن گوشت پیروان حق جمع می‌شوند و مسکرات را توصیف می‌کنند. ۳۰. دادرسان بر خلاف قانون خدا قضاوت می‌کنند. ۳۱. برافراز منبرها دعوت‌ها به تقوا می‌شود، ولی دعوت کننده خود به آن عمل نمی‌کند. ۳۲. مردم نسبت به وقت نماز بی‌اعتنا می‌شوند. ۳۳. تمام همت مردم، صرف شکم و فرجشان می‌شود. حضرت صادق‌علیه السلام: حسین‌علیه السلام، در آخر عمر حضرت قائم‌علیه السلام زنده می‌شود. سپس حضرت قائم‌علیه السلام، از دنیا رحلت فرماید و حسین‌علیه السلام او را غسل می‌دهد. نام امام امت در حدیثی از رسول اللهصلی الله علیه وآله. از امام باقر روایت شده است که فرمودند: ابوبکر و عمر و زبیر و عبدالرحمن بن عوف در آستانه در خانه رسول الله نشسته بودند. حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله از خانه خارج شد و در کنار آنان نشست در حالی که بند کفشش پاره شده بود، آن را به علی ابن ابی‌طالب‌علیه السلام دادند و فرمودند: در سمت راست خداوند عز و جل و یا سمت راست عرش قومی از ما (از پیروان ما) بر منابری از نور هستند. صورتشان از نور و لباسشان نیز از نور است، درخشندگی سیماشان دیدگان بینندگان را به آنها جلب می‌کند. ابوبکر گفت: یا رسول‌الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد. سپس زبیر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کردند. پس عبدالرحمن گفت: یا رسول‌الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد و پاسخ نداد.

آنگاه علی بن ابی‌طالب‌علیه السلام فرمود: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله فرمودند: آنها قومی هستند که در رابطه با روح الله با یکدیگر محبت می کنند و وسیله پیوند قلبها و نزدیکی آنها روح الله است نه به سبب بستگی و خویشاوندی و نه به خاطر اموال آنها و شیعه تو هستند و تو امام آنهایی یا علی(۱۵).(۱۶) « بخش پاسخ به سؤالات » ۱۴) اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۲، ح ۱۴. ۱۵) بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۹. ۱۶) مآخذ: بحارالانوار ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳؛ اصول کافی، ج ۱؛ منتهی الآمال؛ غیبت نعمانی؛ غیبت شیخ طوسی، اثبات الهداة، ج ۷؛ کشف‌الغمة، ج ۴؛ الملاحم؛ منتخب الاثر؛ نجم الثاقب؛ سیره علمی اهل بیت«علیهم السلام».

علائم ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پرسش

علائم ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پاسخ

موارد و مستندات علائم ظهور بررسی شد، جهت اطمینان بیشتر به احادیثی که این علائم در آنها آمده است متذکر می‌شویم. امام صادق‌علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: ۱. هر گاه دیدی که: حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند. ۲. و دیدی که: ظلم و ستم فراگیر شده است. ۳. و دیدی که: قرآن فرسوده و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس، در مفاهیم آن آمده است. ۴. و دیدی که: دین خدا(عملاً) تو خالی شده، همانند ظرفی که آن را واژگون سازند! ۵. و دیدی که: طرفداران و اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته‌اند. ۶. و دیدی که: کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی‌شود و بدکاران بازخواست نمی‌شوند. ۷. و دیدی که: افراد(به ظاهر) باایمان سکوت کرده و سخنشان را نمی‌پذیرند. ۹. و دیدی که: شخص بدکار و دروغ گوید، و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند. ۱۰. و دیدی که: بچه‌ها، به بزرگان احترام نمی گذارند. ۱۱. و دیدی که: قطع پیوند خویشاوندی شود. ۱۲. و دیدی که: بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد. ۱۳. و دیدی که: نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند. ۱۴. و دیدی که: زنان با زنان ازدواج نمایند. ۱۵. و دیدی که: انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند و کسی مانع نمی‌شود. ۱۶. و دیدی که: افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مؤمن، به خدا پناه می‌برند. ۱۷. و دیدی که: مداحی دروغین از اشخاص، زیاد شود. ۱۸. و دیدی که: همسایه همسایه خود را اذیت می کند و از آن جلوگیری نمی‌شود. ۱۹. و دیدی که: کافر به خاطر سختی مؤمن، شاد است. ۲۰. و دیدی که: شراب را آشکارا می‌آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می‌نشینند و از خداوند متعال نمی‌ترسند. ۲۱. و دیدی که: کسی که امر به معروف می کند خوار و ذلیل است. ۲۲. و دیدی که: آدم بدکار در آنچه آن را خداوند دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است. ۲۳. و دیدی که: اهل قرآن و دوستان آنها خوارند. ۲۴. و دیدی که: راه نیک بسته و راه بد باز است. ۲۵. و دیدی که: خانه کعبه تعطیل شده، و به تعطیلی آن دستور داده می‌شود. ۲۶. و دیدی که: انسان به زبان می گوید ولی عمل نمی کند. ۲۷. و دیدی که: مؤمن، خوار و ذلیل شمرده شود. ۲۸. و دیدی که: بدعت و زنا آشکار شود. ۲۹. و دیدی که: مردم به شهادت و گواهی ناحق اعتماد کنند. ۳۰. و دیدی که: حلال، حرام شود و حرام، حلال گردد. ۳۱. و دیدی که: دین براساس میل اشخاص معنی شود، و کتاب خدا و احکام آن تعطیل گردد. ۳۲. و دیدی که: جرأت بر گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگرد. ۳۳. و دیدی که: مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش. ۳۴. و دیدی که:

ثروت بسیار زیاد در راه خشم خدا خرج گردد. ۳۵. و دیدی که: سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور شوند. ۳۶. و دیدی که: والیان در قضاوت رشوه بگیرند. ۳۷. و دیدی که: پستهای مهم والیان براساس مزایده است نه براساس شایستگی. ۳۸. و دیدی که: مردم را از روی تهمت و یا سوء ظن بکشند. ۳۹. و دیدی که: مرد به خاطر همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد. ۴۰. و دیدی که: زن بر شوهر خود مسلط شود و کارهایی که مورد خشنودی شوهر نیست انجام می‌دهد و به شوهرش خرجی می‌دهد. ۴۱. و دیدی که سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد. ۴۲. و دیدی که: آشکارا قمار بازی می‌شود. ۴۳. و دیدی که: مشروبات الکی بطور آشکار بدون مانع خرید و فروش می‌شود. ۴۴. و دیدی که: مردم محترم توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند، خوار شوند. ۴۵. و دیدی که: نزدیک‌ترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که به ناسزاگویی به ما خانواده عصمت‌علیهم السلام ستایش شوند. ۴۶. و دیدی که: هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده و گواهی‌اش را قبول نمی‌کنند. ۴۷. و دیدی که: در گفتن سخن باطل و دروغ با همدیگر رقابت کنند. ۴۸. و دیدی که: شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است. ۴۹. و دیدی که: همسایه از ترس زبان به همسایه احترام می‌کند. ۵۰. و دیدی که: حدود الهی تعطیل شود و طبق هوا و هوس عمل شود. ۵۱. و دیدی که: مسجدها طلاکاری(زینت داده) شود. ۵۲. و دیدی که: راستگوترین مردم نزد آنها مفتریان دروغگو است. ۵۳. و دیدی که: بدکاری آشکار شده و برای سخن‌چینی کوشش می‌شود. ۵۴. و دیدی که: ستم و تجاوز شایع شده است. ۵۵. و دیدی که: غیبت، سخن خوش آنها شود و بعضی دیگر را به آن بشارت کنند. ۵۶. و دیدی که: حجّ و جهاد برای خدا نیست. ۵۷. و دیدی که: سلطان به خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار کند. ۵۸. و دیدی که: خرابی بیشتر از آبادی است. ۵۹. و دیدی که: معاش انسان از کم فروشی به دست می‌آید. ۶۰. و دیدی که: خونریزی آسان گردد. ۶۱. و دیدی که: مرد به خاطر دنیایش ریاست می‌کند. ۶۲. و دیدی که: نماز را سبک شمارند. ۶۳. و دیدی که: انسان ثروت زیادی جمع کرده، ولی از آغاز تا آخر، زکاتش را نداده است. ۶۴. و دیدی که: قبر مرده‌ها را بشکافند و آنها را اذیت کنند. ۶۵. و دیدی که: هرج و مرج بسیار است. ۶۶. و دیدی که: مرد روز خود را با مستی به شب می‌رساند، و شب خود را نیز به همین منوال به صبح برساند و هیچ اهمیتی به برنامه مردم ندهد. ۶۷. و دیدی که: با حیوانات آمیزش می‌شود. ۶۸. و دیدی که: مرد به مسجد(محل نماز) می‌رود وقتی برمی‌گردد لباس در بدن ندارد(لباسش را دزدیده‌اند). ۶۹. و دیدی که: حیوانات همدیگر را بدرند. ۷۰. و دیدی که: دلهای مردم سخت و دیدگانشان خشک و یاد خدا برایشان گران است. ۷۱. و دیدی که: بر سر کسبهای حرام آشکارا رقابت کنند. ۷۲. و دیدی که: نمازخوان برای خودنمایی نماز می‌خواند. ۷۳. و دیدی که: فقیه برای دین خدا فقه نمی‌آموزد و طالب حرام ستایش و احترام می‌گردد. ۷۴. و دیدی که: مردم در اطراف قدرتمندانند. ۷۵. و دیدی که: طالب حلال، مذمت و سرزنش می‌شود و طالب حرام، ستایش و احترام می‌گردد. ۷۶. و دیدی که: در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند، و هیچ کس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی‌شود. ۷۷. و دیدی که: آلات موسیقی و لهو در مدینه و مکه آشکار گردد. ۷۸. و دیدی که: مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی دیگران او را از این کار برحذر می‌دارند. ۷۹. و دیدی که: مردم به همدیگر نگاه می‌کنند، و از مردم بدکار پیروی نمایند. ۸۰. و دیدی که: راه نیک خالی و راه رونده ندارد. ۸۱. و دیدی که: مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود. ۸۲. و دیدی که: سال به سال بدعت و بدیها بیشتر شود. ۸۳. و دیدی که: مردم و جمعیتها جز از سرمایه‌داران پیروی نکنند. ۸۴. و دیدی که: به ف.....چیزی را دهند که برایش بخندند، ولی در راه غیر خدا ترحم است. ۸۵. و دیدی که: علایم آسمانی شود و کسی از آن نگران نشود. ۸۶. و دیدی که: مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی به جا می‌آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی‌کند. ۸۷. و دیدی که: انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند، ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد. ۸۸. و دیدی که: عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند بلکه نزد فرزند از همه بدترند. ۸۹. و دیدی که: زنها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته آنها

پیش نرود. ۹۰. و دیدی که: پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد. ۹۱. و دیدی که: اگر روزی بر مردی بگذرد، ولی او در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم فروشی و زشتی انجام نداده ناراحت است. ۹۲. و دیدی که: قدرتمندان، غذای عمومی مردم را احتکار کنند ۹۳. و دیدی که: اموال حق خویشاوندان پیامبرصلی الله علیه وآله(خمس) در راه باطل تقسیم گردد و با آن قمار بازی و شرابخواری شود. ۹۴. و دیدی که: به وسیله شراب بیمار را مداوا و برای بهبودی آن را تجویز کنند. ۹۵. و دیدی که: در امر به معروف و نهی از منکر و ترک دین بی‌تفاوت و یکسانند. ۹۶. و دیدی که: سرو صدای منافقان برپا، اما صدای حق طلبان خاموش است. ۹۷. و دیدی که: برای اذان و نماز مزد می‌گیرند. ۹۸. و دیدی که: مسجدها پر است از کسانی که از خدا نترسند و غیبت هم نمایند. ۹۹. و دیدی که: خورندگان اموال یتیمان ستوده شوند. ۱۰۰. و دیدی که: قاضیان بر خلاف دستور خداوند قضاوت کنند. ۱۰۱. و دیدی که: استانداران از روی طمع، خائنان را امین خود قرار دهند. ۱۰۲. و دیدی که: فرمانروایان، میراث مستضعفان را در اختیار بدکاران از خدایی خبر قرار دهند. ۱۰۳. و دیدی که: بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می‌گویند، ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند. ۱۰۴. و دیدی که: صدقه را با وساطت دیگران، بدون رضای خداوند و به خاطر درخواست مردم بدهند. ۱۰۵. و دیدی که: وقت (اول) نمازها را سبک شمارند. ۱۰۶. و دیدی که: هم و هدف مردم شکم و شهوتشان است. ۱۰۷. و دیدی که: دنیا به آنها روی کرده است. ۱۰۸. و دیدی که: نشانه‌های برجسته حق ویران است؛ در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجاتت بدهد(۱۷). « بخش پاسخ به سؤالات » ۱۷) بحارالانوار، علامه مجلسی، محمدباقر، مؤسسه انوغاء بیروت، لبنان الطبعة الثانیة، ۱۴۰۳ ه ۱۹۸۳ م، ج ۵۲ ص ۲۵۴ - ۲۶۲،ح ۱۴۷ نقل از روضه کافی.

سایر علائم

طبق روایات ظلم و گناه در دنیا زمینه ظهور است , از سویی دیگر وظیفه ما عبادت و اخلاص است این دو چگونه قابل جمع است ؟

پرسش

طبق روایات ظلم و گناه در دنیا زمینه ظهور است , از سویی دیگر وظیفه ما عبادت و اخلاص است این دو چگونه قابل جمع است ؟

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ، باید به دو نکته توجّه کرد: ۱. بین اسباب ظهور و نشانه‌های ظهور، تفاوت هست. در روایات، اموری به عنوان «نشانه‌های ظهور» معرفی شده است؛ بدین معنا که پیدایش این نشانه‌ها، با ظهور امام زمان(عج) هم زمان خواهد بود. اموری نیز به عنوان «اسباب» ظهور معرفی شده است، بدین معنا کهپیدایش این امور، علت و سبب ظهور می‌باشد. روشن است که اسباب ظهور، خود می‌تواند نشانه ظهور نیز باشد؛ چرا که علت و سبب ظهور هم زمان با آن خواهد بود؛ ولی چنین نیست که نشانه‌های ظهور حتما از اسباب ظهور باشند. به عبارت دیگر، اسباب ظهور زمینه ساز ظهور است؛ ولی نشانه‌های ظهور فقط هم زمان با ظهور خواهد بود. ۲. وظیفه ما در دوران غیبت برای نزدیک‌تر شدن زمان ظهور، بر اساس اسباب ظهور تعیین می‌شود، نه نشانه‌های آن، زیرا اسباب ظهور در تعجیل ظهور مؤثر است؛ نه نشانه‌های آن. حال بر اساس این دو نکته، می‌توان پاسخ سؤال را یافت. فراوانی ظلم در جهان، از نشانه‌های ظهور است، نه از اسباب آن؛ در حالی که انتظار حقیقی ـ که عبارت است از کسب آمادگی و اقدام

برای برقراری حکومت جهانی اسلام ـ از اسباب ظهور است و مسلمانان برایتعجیل فرج، باید اسباب آن را فراهم کنند. به عبارت دیگر پیام اسباب ظهور، سوق دادن مسلمانان به ایجاد آن اسباب است؛ اما پیام نشانه‌های ظهور، تحریک مسلمانان به ایجاد آن نیست.{J

با توجه به این که بسیاری از مردم به انواع موسیقی ها روی آورده اند آیا ظهور حضرت مهدی ۷نزدیک نیست ؟

پرسش

با توجه به این که بسیاری از مردم به انواع موسیقی ها روی آورده اند آیا ظهور حضرت مهدی ۷نزدیک نیست ؟

پاسخ

زمان ظهور حضرت مهدی ۷را کسی نمی داند. امید است خداوند ظهور آن حضرت را نزدیک بفرماید و توفیق شهادت در رکاب آن حضرت را به همهء ما عنایت بفرماید. البته زمان ما بسیار حساس است و درامتحان سختی آزموده می شویم . خداوند همهء ما را در این امتحان سرافراز نماید. توطئه های شیاطین بزرگ دنیا برای از بین بردن انقلاب اسلامی و تهی کردن آن از درون , فراوان است همه ءما می دانیم که این انقلاب ثمرهء خون هزاران شهید و مجاهدات علمای بزرگ اسلام در طول هزار سال است , وما باید با عمل و رفتار خود برای حفظ انقلاب و ارزشهای آن بکوشیم چون دشمنان انقلاب بعد از تحمیل جنگ و فشارهای اقتصادی و روانی بر مردم مسلمان ایران نتوانستند به اهداف خود برسند از راه توطئه ءفرهنگی وارد شده اند و دولت آمریکا بیست میلیارد دلار بودجه برای انحراف جوانان و مردم ایران و به فسادکشاندن آنان هزینه کرده است . اگر مردم ایران و مسئولین کشور با این توطئه ها مقابله نکنند, خطر عظیمی درپیش خواهد بود همهء ما باید با حفظ ارزش های انقلاب و تبعیت از مقام معظم رهبری و حضور در صحنه های انقلاب و حمایت از اسلام و انقلاب و رهبری از این توطئه ها جان سالم به در ببریم و انقلابمان را حفظ کنیم .

امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه‌هایی خواهد داشت ؟

پرسش

امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه‌هایی خواهد داشت ؟

پاسخ

نشانه‌های حضرت مهدی (عج هنگام ظهور براساس روایات چنین است امام صادق (ع فرمود": قائم ما اهلبیت در روز جمعه قیام می‌کند. "باز فرمود": از طرف رکن حجرالاسود پرنده‌ای بر قائم فرود می‌آید و آن پرنده نخستین کسی است که با وی بیعت می‌کند. او جبرئیل است و حجرالاسود همان رکنی است که قائم بر آن تکیه می‌کند. "امام مجتبی (ع فرمود": هر یک از ما ائمه ناگزیر بیعت سلطانی به گردنش می‌افتد، مگر حضرت مهدی (عج که بیعت هیچ طاغوتی بر عهدهٔ او نیست و عیسی روح الله پشت

سر او نماز می گذارد. او نهمین امام از فرزندان برادرم حسین است خداوند عمر او را در مدت غیبتش طولانی می گرداند آن گاه با قدرت کاملهٔ خود به صورت جوانی چهل ساله آشکار می‌سازد تا مردم بدانند که خداوند بر همه چیز قدرت دارد. "امام مجتبی از پدرش امیرالمؤمنین (ع نقل می کند که" خداوند در آخر الزمان و روزگاری سخت در میان جهل و نادانی مردم مردی را بر می‌انگیزد و او را با فرشتگان تأیید می کند و یاران او را حفظ می کند و با آیات و نشانه‌های خود نصرت می‌دهد و بر کرهٔ زمین غالب می گرداند تا آن‌جا که پاره‌ای از مردم از روی میل و گروهی با اجبار به دین خدا می گروند. سپس او زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان می کند. تمام مردم جهان در برابر او خاضع می‌شوند. هیچ بدکاره‌ای نمی‌ماند مگر این که اصلاح می‌شود".

چه آثاری در نقل علایم ظهور است؟

پرسش

چه آثاری در نقل علایم ظهور است؟

پاسخ

با تأملی در روایات علایم ظهور وبررسی همه جانبه آن، پی به آثار وفواید نشر آنها در میان جامعه خواهیم برد. اینک به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد: ۱ – آگاهی امّت از پرچمها و دعوت‌های ضلال وگمراه کننده. ۲ – بشارت به ظهور دعوت‌های حق وقیام‌هایی که در آن مردم را به حقّ دعوت می‌نمایند. ۳ – اخبار غیبی از آن جهت که خرق عادت است از اهمّ دلایل نبوت وامامت به شمار می‌آید، ولذا نشر وتحقق آنها سبب زیاد شدن یقین در قلوب مسلمانان خواهد شد. ۴ – از آن جهت که کفّار برای پذیرش اسلام به دنبال دلیل وبرهان ومعجزه‌اند، این گونه اخبار بعد از تحقّق قطعی آنها، حجّتی برای آنها خواهد بود. ۵ – بعداز تحقق هر یک از علایم ظهور، اطمینان مردم به اصل ظهور بیشتر خواهد شد. ۶ – تحقق یکایک علایم ظهور در خارج، منعکس کننده عزم جدّی خداوند متعال در نصرت اسلام ومسلمین بر کفّار در سطح کلّ کره زمین است. ۷ – مسلمانان را برای آماده شدن وزمینه سازی ظهور تحریک کرده وبه آنها آمادگی روحی، سیاسی وجهادی برای شرکت در حکومت آن حضرت را خواهد داد. ۸ – از آنجا که انسان غریزه ومیل به شنیدن اخبار غیبی دارد، با طرح این گونه اخبار واقعی واسلامی، جلوی انحرافات فکری ازناحیه کاهنان ومنجمان از این طریق گرفته می‌شود. ۹ – بخش مهمّی از علایم ظهور از امور سیاسی اسلام به حساب می‌آید که باید مسئولین رده بالا در بررسی مسائل استراتژیک خود به آنها توجه نموده و برنامه‌های خود را در سطح کلان بر اساس آنها پی‌ریزی کنند. ۱۰ – بحث از علایم ظهور، موضوعی نیست که اختصاص به شیعه یا مسلمانان داشته باشد، بلکه در هر دین وآیینی کم وبیش به علایم ظهور منجی بشریت، به هر اسم ونامی پرداخته شده است. نویسنده آلمانی" هالسیل "در کتاب خود" خبر وسیاست" می گوید: ما مسیحیان ایمان داریم که تاریخ بشریت در آینده‌ای نه چندان دور در معرکه‌ای به نام" هرمجدّون "به پایان خواهد رسید. معرکه‌ای که در آن، مسیح بازگشته وبر تمام زنده‌ها ومردگان حکومت خواهد کرد. {"پاورقی . عمر أمّة الاسلام، ص ۶۳. پاورقی}

آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟

پرسش

آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟

پاسخ

ممکن است که به ذهن کسی چنین خطور کند که نشر شرایط وعلامات ظهور در جامعه با احادیث نهی از توقیت ومعیّن کردن وقت ظهور منافات داشته باشد، پس چرا از آنها سخن به میان می‌آید. توقیت وتعیین وقت ظهور که در روایات از آن نهی شده شامل نقل علایم وشرایط ظهور نیست؛ زیرا مقصود از توقیت آن است که به طور دقیق، وقت خاصّی را برای ظهور معیّن کنیم، که روایات از آن نهی کرده است. وقت معیّن کردن برای ظهور غیر از آنکه مشتمل بر نهی است دارای اشکالات دیگری نیز می‌باشد: ۱ – ادعایی بدون دلیل است. ۲ – اگر تاریخ ظهور معلوم باشد دشمنان درصدد مقابله وجلوگیری از آن برخواهند آمد. ولذا در روایات می‌خوانیم که ظهور حضرت (ع) به طور ناگهانی خواهد بود. ۳ – با وقت معین نکردن، روحیه امید وحیات در جامعه دمیده خواهد شد، زیرا در هر لحظه احتمال داده می‌شود که ظهور حضرت فرا رسد.

آیا علایم ظهور متعلّق بدا واقع می‌شود؟

پرسش

آیا علایم ظهور متعلّق بدا واقع می‌شود؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می‌شود که علایم ظهور بر دو قسم هستند: برخی حتمی‌اند که مورد بدا وتجدید نظر واقع نمی‌شوند، وبرخی دیگر متعلق بدا واقع می‌گردند، ولی اصل ظهور امری حتمی است که خداوند متعال در آن جواب فطرت وخواسته درونی بشر را داده ووعده به تحقق آن داده است وخداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند. داوود بن ابی‌القاسم می‌گوید": ما نزد ابی‌جعفر محمّد بن علی‌الرضا (ع) بودیم که سخن از خروج سفیانی به میان آمد واینکه در روایت آمده که امر او حتمی است. به ابوجعفر (ع) عرض کردم: آیا بدا در امر، حتمی خواهد شد؟ حضرت فرمود: آری. عرض کردم: ما می‌ترسیم که در امر قائم نیز بدا حاصل شود؟ فرمود: امر قائم از اموری است که وعده داده شده وخداوند در وعده خود تخلّف نخواهد کرد. {"پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۳۰۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰Ù۲۵۱. پاورقی} علایم حتمی که مورد بدا واقع نمی‌شود، نشانه‌هایی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – تصریح به حتمی بودن آن در روایات. ۲ – تأکید به قسم. ۳ – تأکید به" لابدّ. "۴ – تأکید به" لام. "۵ – تأکید به "انّ. "۶ – تأکید به تکرار. ۷ – تأکید به" سین وسوف."

چه راه صحیحی در بررسی علایم ظهور پیشنهاد می‌کنید؟

پرسش

چه راه صحیحی در بررسی علایم ظهور پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

در مورد علایم ظهور سه مشکل اساسی وجود دارد که باید هر کدام مورد بررسی دقیق قرار گیرد: ۱ – اثبات علامت به دلیل معتبر. ۲ – خارج کردن علامت از قالب غموض وابهام. ۳ – کشف قواعد یقین برای اثبات یا نفی تحقق علامت در خارج. برای اثبات صحت روایات علایم ظهور وتمییز آنها از روایات جعلی، اعتماد بر افراد ثقه واطمینان به صدور روایات از معصوم کافی است، زیرا روایات علایم ظهور برخی متواتر یا مستفیض یا صحیح ومعتبرند، وبرخی دیگر گرچه ضعیف‌السند است ولی مؤیّدات وشواهدی بر صحت در روایات دیگر دارد که با سند صحیح وارد شده است. وراه روشن شدن علامت ظهور به دو نوع امکان‌پذیر است: الف. اصول علمی، که در مورد روایات فقهی نیز مورد استفاده واقع می گردد. ب. مقدمات علمی، که مربوط به خصوص علایم ظهور است ومهم‌ترین آنها: تاریخ، جغرافیا، علم حساب وجمل واصطلاحات مربوط به علایم ظهور است. وبرای کشف اثبات یا نفی علامتی در خارج می‌توان قواعدی را بیان داشت تا با اعمال آنها به حقیقت امر پی برد: ۱ – اوصاف آن علامت را به صورت دقیق در نظر گرفته وبر خارج تطبیق نمود. ۲ – با دلیل ثابت شود که آن علامت زمان سابق در خارج تحقق نیافته است. ۳ – احتمال تحقق آن را در زمان آینده نفی کند.

آیا روایات علایم ظهور اشکال سندی ومتنی دارد؟

پرسش

آیا روایات علایم ظهور اشکال سندی ومتنی دارد؟

پاسخ

برخی می گویند بحث از علایم ظهور بی‌فایده است؛ زیرا غالب روایاتش از ناحیه سند ضعیف بوده، واز جهت مضمون نیز معقول نیست، خصوصاً آنکه اموری که اتفاق می‌افتد تشابه زیادی با یکدیگر دارد. پاسخ: ۱ –بسیاری از اخبار علایم ظهور صحیح‌السند بلکه مستفیض یا متواتر است. مضافاً اینکه تعداد بی‌شماری از آنها مضمونی واضح وروشن دارند به درجه‌ای که در حکم نصّ صریح در موضوع خود است. ۲ –وجود روایات ضعیف در تمام موضوعات دینی وخبرهای مختلف وجود دارد، این مسأله باعث نمی‌شود که انسان محقّق دست از بحث وبررسی آن بردارد، بلکه وظیفه دارد که با روشی صحیح به بررسی سندی آنها بپردازد. ۳ –گر چه در تطبیق علایم ظهور اشتباهاتی صورت گرفته، ولی این امر باعث نمی‌شود که دست از بحث وتحقیق برداریم، بلکه وظیفه داریم تا با به کار گرفتن روشی علمی ومعتبر به طریقی صحیح ومعتبر برای تطبیق صحیح علایم در خارج دست یابیم.

معرکه هرمجدّون چیست؟

پرسش

معرکه هرمجدّون چیست؟

پاسخ

برخی از دانشمندان، یکی از علایم ظهور حضرت مهدی (ع) را وقوع معرکه جنگی در منطقه‌ای به نام هرمجدّون وبه تعبیر روایات قرقیسیا می‌دانند. این قضیه حتّی در کتب اهل کتاب نیز به آن اشاره شده است. {پاورقی . رؤیای یوحنّا، ۱۶-۱۳/۱۶ ؛ سفر زکریا، ۵-۱/۱۴ ؛ کتاب مقدس، ص ۸۴۳. پاورقی} اهل کتاب از یهود ونصارا این معرکه جنگی را بس عظیم وخطرناک می‌دانند که در پایان تاریخ بشر اتفاق خواهد افتاد". هرمجدون "کلمه‌ای است مشتق از" هَرْ "به معنای کوه، و"مجدّو "که اسم وادی یا کوه کوچکی در شمال فلسطین است. اهل کتاب را گمان بر این است که مساحت معرکه این جنگ از منطقه" مجدّو "در شمال فلسطین تا" ایدوم "در جنوب امتداد دارد که حدود دویست میل است. {پاورقی . شبکه معلومات، ص ۴. پاورقی} آنان معتقدند که در این جنگ لشکری با حدود ۴۰۰ ملیون نفر شرکت خواهند داشت. لشکری که از عراق، ایران، لیبی، سودان وقفقاز در جنوب روسیه تشکیل {پاورقی . همان، ص ۲. پاورقی} شده است. {پاورقی . مجله الفکر الجدید، شماره ۱۵ و۱۶. پاورقی} دکتر عبدالکریم زیبدی می گوید..."": این حادثه همان حادثه بزرگی است که قبل از ظهور امام مهدی (ع) تحقق خواهد یافت، ودر روایات از آن به معرکه" قرقیسیا "یاد شده است. در آن واقعه میلیون‌ها لشکر از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر ودولت‌های مغرب عربی، ولشکریانی از شهرهای شام یعنی سوریه، اردن، لبنان، فلسطین واسرائیل شرکت خواهند داشت. همگی در منطقه‌ای به نام قرقیسیا از بلاد شام با هم مواجهه خواهند داشت، وسفیانی در این هنگام خروج خواهد کرد. {"...پاورقی . همان. پاورقی} کلینی به سند خود از امام باقر (ع) نقل کرده که به میسّر فرمود: ای میسّر! چه مقدار بین شما وقرقیسیا فاصله است "؟عرض کرد: نزدیک شاطئ الفرات است. حضرت فرمود": أما أنّه سیکون بها وقعة لم‌یکن مثلها منذ خلق اللّه تبارک وتعالی السموات والأرض ولایکون مثلها ما دامت السموات والارض. مأدبة للطیر تشبع منها سباع الأرض وطیور السمآء"؛ "...آگاه باش که در آن مکان واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که نظیر آن از زمان {پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۴۵، ح ۴۵۱. پاورقی} خلقت آسمان‌ها وزمین از جانب خداوند تبارک وتعالی اتفاق نیفتاده است ونخواهد افتاد. آنجا محلّ پذیرایی پرندگان خواهد بود. درندگان زمین وپرندگان آسمان از آن سیر خواهند شد ".از مجموعه روایات در این باب به خوبی استفاده می‌شود که در این جنگ فرمانده عملیاتی این جنگ از جانب دشمنان اسلام، شخصی به نام سفیانی است. او کسی است که به کمک مراکز جاسوسی یهود وآمریکا در میان مردم تفرقه انداخته ومردم را بر ضدّ شیعیان اهل بیت تحریک خواهد کرد، ونیز بعد از پناه بردن امام زمان (ع) به کعبه با عده‌ای از یاران خود درصدد مقابله با حضرت برآمده که خود او با لشکریانش درمنطقه‌ای به نام بیدا به زمین فروخواهند رفت. در همین جنگ است که بنیه یهود از هم پاشیده شده وبسیاری از آنها نابود خواهند شد. بخاری به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": قیامت برپا نمی‌شود تا آنکه شما با یهود بجنگید، در آن هنگام به حدّی از آنان کشته خواهد شد که حتّی سنگی که یک یهودی در آن پناه گرفته می گوید: ای مسلمان! این یهودی است که در کنار من پناه گرفته، او را به قتل برسان. {"پاورقی . صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۲. پاورقی}

مراد از ظهور اصغر واکبر چیست؟

پرسش

مراد از ظهور اصغر واکبر چیست؟

پاسخ

همـان گونه که برای تثبیت وجا افتادن غیبت کبرا، خداونـد متعال برای امام زمان (ع) غیبت صـغرا را مقـدّر کرد تا زمینه برای غیبت کبرا فراهم گردد، در مورد ظهور حضـرت نیز گفته شده که قبل از ظهور اکبر، خداوند برای ایجاد آمادگی برای آن، ظهور اصغری را پیش‌بینی کرده است. به این معنا که خداوند مدّتی قبل از ظهور اکبر، سـطح علمی مردم را در طبقات مختلف جامعه بالا می‌برد تا برای درک عصـر حضـرت مهـدی (ع) قـابلیت لازم را پیـدا نماینـد. این آمـادگی از دو طریق حاصل می‌شود: ۱ - بالا بردن شـعور وآگاهی مردم نسبت به احتیاج داشتن حکومت جهانی توحیدی. ۲ - بالا بردن سطح علمی مردم برای پذیرش چنین حکومتی.

آیا علایم قریب برای ظهور، با اینکه حضرت به طور

اشاره

ناگهانی ظهور می کند منافات دارد؟

پرسش

آیا علایم قریب برای ظهور، با اینکه حضرت به طور ناگهانی ظهور می کند منافات دارد؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، ظهور وقیام حضـرت مهـدی (ع) به طور ناگهانی خواهـد بود، واین از عنایات خداونـد در حق آن حضـرت است تا دشـمنان را غافلگیر کرده وجلو تدابیر آنها را گرفته وهر گونه اقدامی را بر ضد حضرت از آنها سلب کند. طبرسی توقیعی را از ناحیه مقـدسه به شـیخ مفیـد؛ نقل کرده که در آخر آن چنین آمده است": هر کس باید کاری کند که محبت ما را به خود جذب کرده واز کاری که کراهت وسـخط ما را بر می‌انگیزد دوری کنـد. پس همانا امر ما یک دفعه وبه طور ناگهانی اتفاق خواهد افتاد." {پـاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴. پاورقی} در توجیه اشـکال فوق می گوییم: علایم قریب برای ظهور حضـرت مهدی (ع) همانند نـدای آسـمانی وفرورفتن زمین بیـدا بـا اهلش ودیگر علایـم، برای آگـاهی مخلصـین ومؤمنان است، تا از قرب ظهور آگاهی داشـته باشـند، ولذا ظهور برای آنها ناگهانی نخواهد بود. آری عنصر اتفاق وظهور ناگهانی برای دشمنان حضرت مهدی (ع) است تا از این غفلتی که خداونـد در آنها قرار می‌دهـد حضـرت بتوانـد به مقاصد عالی خود که همان سـلطه بر ظالمان وگسترش عدل وداد اسـت برسد.

۱- نشانه های آخر الزمان که کاملا روشن و آشکار هستند و تا بحال اتفاق افتاده چیست ؟

پرسش

۱- نشانه های آخر الزمان که کاملا روشن و آشکار هستند و تا بحال اتفاق افتاده چیست ؟

پاسخ

ج۱- در کتابهائیکه درمورد حضر ت مهدی(عج) بحث نموداند و تا حد توان در باره بقیه الله الاعظم (عج) و میوه دل حضرت زهراء قلم فرسائی نموده و شِمه ای از گل رخسار قطب دایره امکان به عاشقان و بلبلان گل وجودش گفته اند مطالبی درباره علائم ظهور آن حضرت بدست نگاریشان نگارش یافته است و علائم زیاد مطرح گردیده که هر کدام آنها باید مورد کنکاش و تحقیق و تفحص قرار گیرد . بعضی از علائم نام برده شده در کتب اهل تشیعه را مورد بحث قرار می دهیم , اما تجزیه و تحلیل و صدق و کذب آنرا بعهده پژوهشگران و دانش پژوهان واهل فن در این رشته می گذاریم . ۱- شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از امام صادق علیه السلام » روایت میکند که پیامبر اسلام صلی الله علیه واله » فرمودند : زمانی بر این امت خواهد آمد که از قرآن جز «رسم» و از اسلام جز« اسم» نماند , آنها خود را مسلمان مینامند در حالیکه از اسلام دورند, مانند کشورهای اسلامی که نامشان اسلامی است اما فرهنگ اسلام ضعیف است , اما ایران از برکت و زحمات بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی « رحمه الله علیه » و خون شهدا ,هم ملت از اسلام آگاهی یافت و هم جوانان با قرآن آشنا شده اند که امروز چند هزار نفر حافظ قرآن داریم , پیامبر فرمودند : « مساجد آباد ولی از لحاظ هدایت و تقوی خالی است و خراب است و دانایان آنها بدترین دانایان هستند . یعنی :درمقابل طاغوت و کفر و بدعت در اسلام قیام نمی کنند . ۲- همچنین شیخ صدوق در کتاب کمال الدین ازمحمد بن مسلم روایت میکند که از امام باقر علیه السلام » شنیدم فرمودند : قائم ما را خدا با نصرت مؤید داشته , زمین زیر پایش نور دیده میشود , گنجها و معادن برایش آشکار میگردد سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا میگرد و خداوند بوسیله او دین خود را بر همه مسلکها و ادیان باطله غالب گرداند ,هر چند مشرکان نخواهند, و یرانه ای روی زمین نمیماند مگر آنکه آنرا آباد سازد و عیسی علیه السلام » نازل شده و با او نماز گزارد من عرض کردم یابن رسول الله قائم شما کی خواهد آمد ؟ هنگامیکه مرد ها شبیه زنها و زنها شبیه مردها شوند و زنها بر زینها سوار گردند و گواهی زنها ی ناحق قبول افتد و گواهی عادلان رد شود و زنا و خوردن ربا آسان شود و ...موقیعکه امام عصر « عج » آشکار شوند تکیه به کعبه کرده و ۳۱۳ مرد اطراف او جمع گردند. اولین سخن او اینست { انا بقیه الله فی ارضه } منم آن بقیه سُفَرای الهی در روی زمین و چون ده هزار مرد نزد وی جمع شوند قیام فرماید. (۱) ۳- مولف کتاب« نوائب الدهرفی علائم ظهور », مرحوم سید حسن میر جهانی« ره » حدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مستند نقل میفرمایند : ۱- اختلاف بسیار در روی زمین. ۲- خروج سفیانی که مردی است از نسل یزیدبن معاویه و مرد پلیدی است. ۳- وقوع زلزله در بغداد. ۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شریک شدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان. ۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز. ۶- واقع شدن فتنه درمیان شرقیها و غربیها. ۷- خراب شدن ری. ۸- ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور. ۹- زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی. ۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم. ۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی. ۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان. ۱۳- تدریس علوم باطله برخلاف دین و دستور قرآن کریم. ۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سرزنش و بدگوئی آنان و کشتن و

خوار کردن سادات. ۱۵- قرآن را باساز و آواز خواندن. ۱۶- سخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها. ۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را در این کار نهی می نمایند. ۱۸- در هر سال بدعتها و شر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد . ۱۹ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند. ۲۰ - قبور ائمه «علیهم السلام » را با گلوله خرا ب کنند. ۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود. ۲۲- دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲) در پایان متذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج» باشیم وآنکه؛ گناه درجامعه کم شود امر به معروف و نهی از منکر از اهم واجبات است و رشد فکری و فرهنگی ارتقاء پیدا کند و تا زمانیکه مردم رشد فکر ی نداشتند و قابلیت پذیرش حکومت حضرت حجت نداشته باشند حضرت « علیه السلام » ظهور نخواهد کرد, و امید است انقلاب اسلامی ایران مقدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرایی این مهمان عزیز کنیم و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشد . برای اطلاعات بیشتر به کتاب مهدی موعود علیه السلام » که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی است و مترجم دانشمند و محقق معاصر آقای علی دوانی« دامت برکاته» با زحمت فراوان برشته تحقیق و تحریر آوردند و کتاب جامع و کاملی است و هر اطلاعی که از امام مهدی « عج» مورد نیاز باشد در این کتاب مسطور است. منابع : ۱-مهدی موعود , ص ۹۶۱ ۲- سیره عملی اهلبیت « علیهم السلام » , سید کاظم ارفع

۱- نشانه های امام زمان چیست ؟ ظهور !! یا خود حضرت ؟

پرسش

۱- نشانه های امام زمان چیست ؟ ظهور !! یا خود حضرت ؟

پاسخ

به ذکر چند حدیث می پردازیم . اباصلت از یاران امام رضا علیه السلام » می گوید به حضرت عرض کردم علامتهای قائم چیست ؟ فرمودند : علامت وی آن است که سن او زیاد است ولی چهره ای جوان دارد آنجا که بیننده گمان می برد سنی حدود ۴۰ سال و یا کمتر دارد . از نشانه های او اینکه با گذشت روزها و شبها پیر نمی شود تا آنکه اجلش فرا رسد. « اکمال الدین , جلد ۲ , ص ۶۵۲ » پیامبر صلی الله علیه واله » فرمودند : مهدی از من است صورتی گشاده و بینی کشیده دارد . « البیان , ص ۱۱۷ » همچنین فرمودند : مهدی عج » خروج می کند درحالی که بر سرش ابری است و در آن ابر ندا دهنده ای که ندا میدهد : این مهدی از فرزندان من است . ا زاو پیروی کنید . « البیان , ص ۱۱۷ » حضرت علی علیه السلام » فرمودند : مهدی از فرزندان من است او دربین رکن و مقام ظاهر میشود . پیراهن ابراهیم بر تن او حله اسماعیل بر پیکرش و نعلین بر پایش می باشد . دلیل بر وجود او سخن رسول خدا که فرموده عیسی بن مریم از آسمان فرود آمده و با مهدی خاندان من همراه خواهد بود « اثبات المهدی ,شیخ الحرعاملی ,ص ۷ » رسول خدا « صلی الله علیه واله » می فرماید : مهدی از فرزندان من است وقت ظهور چهل ساله به نظر می رسد و چهره اش مانند ستاره درخشان است در گونه راست او خالی سیاه است و بر او دو عبای قطوانی (سفید رنگ) است گویی مردی از بنی اسرائیل است .(یعنی بلند قامت و تنومند) بیست سال حکومت می کند و گنج ها را استخراج میکند و شهرهای شرک را فتح می نماید

البیان , گنج شافعی , ص ۱۳۷ » و اما علائم ظهور به سه دسته تقسیم می شود : ۱- نشانه های عمومی شامل انحرافات کشورهای اسلامی و سایر کشورها در موازین دینی و فطری و این علائم مقارن ظهور نیست , بلکه از سالها قبل از ظهور واقع میشوند چنانکه آلان بوضوح در جای جای این دنیای آشفته می بینیم . ۲- نشانه های که سالیان اندک قبل ازظهور اتفاق می افتد و دلیل نزدیک بودن امر ظهور است . ۳- نشانه هایی که مربوط به سال ظهور است از این دسته سوم بعضی غیر حتمی است و بعضی قطعی قطعی . امام محمد باقر علیه السلام » می فرمایند : پیشاپیش این امر , گرفتن ماه پنج روز مانده به آخر ماه و گرفتن خورشید در نیمه ماه اتفاق می افتد و این در ماه مبارک رمضان واقع می شود در چنین حالتی است که محاسبات ستاره شناسان از بین می رود . « غیبت نعمانی , ص ۲۷۲ » امام صادق فرمودند : ندا از آسمان از مسائل قطعی است . سفیانی حتمی است . فروبرده شدن (عده ای جنایتکار) در« بیدا» قطعی است . یمانی حتمی است . کشته شدن نفس زکیه قطعی است . « عنیبت نعمانی ,ص ۲۵۷-۲۵۲ » ۳- مولف کتاب نوائب الدهر علائم ظهور , مرحوم سید حسن میر جهانی « ره » حدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مستند نقل میفرمایند : ۱- اختلاف بسیار در روی زمین . ۲- خروج سفیانی که مردی است از نسل یزیدبن معاویه و مرد پلیدی است. ۳- وقوع زلزله در بغداد. ۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شریک شدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان. ۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز. ۶- واقع شدن فتنه درمیان شرقیها و غربیها. ۷- خراب شدن ری. ۸- ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور . ۹- زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی. ۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم. ۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی. ۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان. ۱۳- تدریس علوم باطله برخلاف دین و دستور قرآن کریم. ۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سرزنش و بدگوئی آنان و کشتن و خوار کردن سادات . ۱۵- قرآن را با ساز و آواز خواندن. ۱۶- سخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها. ۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را در این کار نهی می نمایند. ۱۸- در هر سال بدعتها و شر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد . ۱۹ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند ۲۰ - قبور ائمه «علیهم السلام » را با گلوله خراب کنند. ۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود ۲۲- دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲) در پایان متذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج» باشیم وآن که گناه درجامعه کم شود امر به معروف و نهی از منکر از اهم واجبات است و رشد فکری و فرهنگی ارتقاء پیدا کند. و تا زمانیکه مردم رشد فکر ی نداشتند و قابلیت پذیرش حکومت حضرت حجت نداشته باشند حضرت « علیه السلام » ظهور نخواهد کرد . و امید است انقلاب اسلامی ایران مقدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرای این مهمان عزیز کند و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشد و برای اطلاعات بیشتر به کتاب مهدی موعود علیه السلام » ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی است و مترجم دانشمند و محقق معاصر آقای علی دوانی «دامت برکاته» با زحمت فراوان برشته تحقیق و تحریر آوردند و کتاب جامع و کاملی است و هر اطلاعی از امام مهدی (عج) که مورد نیاز باشد در این کتاب مسطور است. ازجمله علائم آن حضرت داشتن علامتی است در پشت مثل علامتی که پیامبر در پشت مبارک شانه ها داشتند و نیز اینکه فقط زره رسولخدا صلی الله علیه واله » بر قامت حضرت مهدی « عج» راست و درست می آید و اینکه حضرت عیسی«علیه السلام » از آسمان به زمین می آید و به آن حضرت اقتدا میکند آری روزگاری در پیش خواهد بود معجزه اندر معجزه ؛ ایمان از پی ایمان ؛ اسرار و عجائب بی حد و شمار ولی همه واقعی واقعی . امام خمینی « ره» در تفسیر { والعصر ان الانسان لفی خسر } می فرماید : عصر انسان کامل امام زمان « علیه السلام» است. یعنی: عصاره تمام موجودات آنهم به کاملترین وجه. بنابراین عصری خواهد آمد که اصلا قابل تصور برای اغلب مردم نیست, مگر کسانیکه اهل دقت و جویای حقیقت هستند . ای کاش که ما بتوانیم مشمول دعاهای خیر و

برکات آنحضرت باشیم . منابع : ۱-امام مهدی از ولادت تا ظهور , سید محمد کاظم قزوینی ۲-خصائص مهدی , نوشته محمد راجی ۳- پادشه خوبان , سید عباس مرادی ۴- معرفت امام عصر , سیدمحمد بنی هاشمی ۵-منتهی آلامال ,

۲- در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیحاتی بدهید ؟

پرسش

۲- در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیحاتی بدهید ؟

پاسخ

ج۲- در کتابهائیکه درمورد حضر ت مهدی(عج) بحث نموداند و تا حد توان در باره بقیه الله الاعظم (عج) و میوه دل حضرت زهراء قلم فرسائی نموده و شِمه ای از گل رخسار قطب دایره امکان به عاشقان و بلبلان گل وجودش گفته اند مطالبی درباره علائم ظهور آن حضرت بدست نگاریشان نگارش یافته است و علائم زیاد مطرح گردیده که هر کدام آنها باید مورد کنکاش و تحقیق و تفحص قرار گیرد . بعضی از علائم نام برده شده در کتب اهل تشیع را مورد بحث قرار می دهیم , اما تجزیه و تحلیل و صدق و کذب آنرا بعهده پژوهشگران و دانش پژوهان واهل فن در این رشته می گذاریم . ۱- شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از امام صادق علیه السلام » روایت میکند که پیامبر اسلام صلی الله علیه واله » فرمودند : زمانی بر این امت خواهد آمد که از قرآن جز «رسم» و از اسلام جز« اسم» نماند , آنها خود را مسلمان مینامند در حالیکه از اسلام دورند, مانند کشورهای اسلامی که نامشان اسلامی است اما فرهنگ اسلام ضعیف است , اما ایران از برکت و زحمات بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی « رحمه الله علیه » و خون شهدا ,هم ملت از اسلام آگاهی یافت و هم جوانان با قرآن آشنا شده اند که امروز چند هزار نفر حافظ قرآن داریم , پیامبر فرمودند : « مساجد آباد ولی از لحاظ هدایت و تقوی خالی است و خراب است و دانایان آنها بدترین دانایان هستند . یعنی :درمقابل طاغوت و کفر و بدعت در اسلام قیام نمی کنند . ۲- همچنین شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین ازمحمد بن مسلم روایت میکند که از امام باقر علیه السلام » شنیدم فرمودند : قائم ما را خدا با نصرت مؤید داشته , زمین زیر پایش نور دیده میشود , گنجها و معادن برایش آشکار میگردد سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا میگرد و خداوند بوسیله او دین خود را بر همه مسلکها و ادیان باطله غالب گرداند ,هر چند مشرکان نخواهند, و یرانه ای روی زمین نمیماند مگر آنکه آنرا آباد سازد و عیسی علیه السلام » نازل شده و با او نماز گزارد من عرض کردم یابن رسول الله قائم شما کی خواهد آمد ؟ هنگامیکه مرد ها شبیه زنها و زنها شبیه مردها شوند و زنها بر زینها سوار گردند و گواهی زنها ی ناحق قبول افتد و گواهی عادلان رد شود و زنا و خوردن ربا آسان شود و ...موقیعکه امام عصر « عج » آشکار شوند تکیه به کعبه کرده و ۳۱۳ مرد اطراف او جمع گردند. اولین سخن او اینست { انا بقیه الله فی ارضه } منم آن بقیه سُفَرای الهی در روی زمین و چون ده هزار مرد نزد وی جمع شوند قیام فرماید. (۱) ۳- مولف کتاب« نوائب الدهرفی علائم ظهور », مرحوم سید حسن میر جهانی« ره » حدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مستند نقل میفرمایند : ۱- اختلاف بسیار در روی زمین. ۲- خروج سفیانی که مردی است از نسل یزیدبن معاویه و مرد پلیدی است. ۳- وقوع زلزله در بغداد. ۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شریک شدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان. ۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز. ۶- واقع شدن فتنه درمیان شرقیها و غربیها. ۷- خراب شدن ری. ۸- ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور. ۹- زیاد شدن

مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی. ۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم. ۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی. ۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان. ۱۳- تدریس علوم باطله برخلاف دین و دستور قرآن کریم. ۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سرزنش و بدگوئی آنان و کشتن و خوار کردن سادات. ۱۵- قرآن را باساز و آواز خواندن. ۱۶- سخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها. ۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را در این کار نهی می نمایند. ۱۸- در هر سال بدعتها و شر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد . ۱۹ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند. ۲۰ - قبور ائمه «علیهم السلام » را با گلوله خرا ب کنند. ۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود. ۲۲- دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲) در پایان متذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج» باشیم وآنکه؛ گناه درجامعه کم شود امر به معروف و نهی از منکر از اهم واجبات است و رشد فکری و فرهنگی ارتقاء پیدا کند و تا زمانیکه مردم رشد فکر ی نداشتند و قابلیت پذیرش حکومت حضرت حجت نداشته باشند حضرت « علیه السلام » ظهور نخواهد کرد, و امید است انقلاب اسلامی ایران مقدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرایی این مهمان عزیز کنیم و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشد . برای اطلاعات بیشتر به کتاب مهدی موعود علیه السلام » که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی است و مترجم دانشمند و محقق معاصر آقای علی دوانی« دامت برکاته» با زحمت فراوان برشته تحقیق و تحریر آوردند و کتاب جامع و کاملی است و هر اطلاعی که از امام مهدی « عج» مورد نیاز باشد در این کتاب مسطور است. منابع : ۱-مهدی موعود , ص ۹۶۱ ۲- سیره عملی اهلبیت « علیهم السلام » , سید کاظم ارفع

دیگر علائم ظهور نورهایی که در شهرهای شمال غربی یعنی اردبیل ،تبریز که نوری در آسمان مشاهده شده است چگونه می باشد.

پرسش

دیگر علائم ظهور نورهایی که در شهرهای شمال غربی یعنی اردبیل ،تبریز که نوری در آسمان مشاهده شده است چگونه می باشد.

پاسخ

۱. در یک چشم انداز کوتاه، نشانه های ظهور ولی عصر(عج) را می توان در ردیف های زیر جای داد: الف) برخی از رویدادهای اجتماعی، همچون کشته شدن نفس زکیه (از نوادگان امام حسن(ع))، ظهور سفیانی و مانند آن. ب) دامن گستر شدن فسادها و نابه سامانی های اجتماعی، همچون فرمان روایی حاکمان جور، رباخواری های آشکار و فسادهایی از این دست. ج) برخی از رویدادهای طبیعی مانند خسوف، بانگ جبرئیل بر مردم در ماه رمضان و مواردی از این دست. ۲. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: «اذا رأیتم نارا من [قبل] المشرق شبه الهروی العظیم تطلع ثلاثه ایام او سبعه فتوقعوا فرج آل محمد(ص) انشاءالله عز وجل، ان الله عزیز حکیم...؛ آنگاه که آتشی از [جانب] خاور دیدید که همچون (هروی: رنگ زرد و سرخ) سهمناک می باشد که سه یا هفت روز سر می کشد، به انتظار فرج آل محمد(ص) باشید انشاءالله، که خداوند عزیز و حکیم است» (محمد النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۳، مکتبه الصدوق، ترجمه کتاب، ص ۲۹۷، دارالکتب الاسلامیه). ۳. شیء نورانی دیده شده در بخش هایی از آسمان ایران،

با ویژگی های برشمرده شده در روایت مزبور، سازگار نیست زیرا از یک سو این شیئی نورانی، آن گونه که در حدیث آمده، سهمگین و فوق العاده بزرگ نبود؛ وانگهی از جانب مشرق کره عالم سر بر نیاورده بود و بالاخره، مدت زمان آن بیش از سه یا هفت روز به طول انجامید. ۴. در سال ۱۳۵۵، مشابه همین شیء نورانی در آسمان ایران مشاهده و از آن به نام بشقاب پرنده تعبیر شد. روزنامه های آن زمان نوشتند که برخی، در فرودگاه مهرآباد تا صبح به مشاهده آن مشغول بودند. البته آن زمان هر کس گمانه زنی هایی درباره آن بیان می داشت. ۵. به نظر می رسد برای پی بردن دقیق تر از چیستی شیء نورانی مزبور از اساتید فیزیک و مانند آن ها درباره آن پرسش شود.

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پرسش

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پاسخ

زمان نزدیک ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) ترس و وحشت، ظلم و جنایت جهان را فرا می گیرد و از هر طرف خسارتهایی عظیم بر مردم به خصوص غیر مسلمانها وارد می‌شود. چنانکه در روایت آمده که پیشاپیش قائم دو نوع مرگ وجود دارد یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید، تا از هر هفت نفر، ۵ نفر از بین بروند. و در آن زمان شعله‌های جنگ از شرق و غرب برافروخته شده و مردم در سختی و رنج می‌افتند. از امام باقرعلیه السلام‌روایت شده که فرمودند: قائم قیام نمی کند مگر در پی ترس و وحشت و زلزله‌ها و فتنه و آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن شوند که پیش از آن گرفتار طائون و بعد از آن، جنگ و خونریزی بین اعراب و ایجاد و اختلاف بین مردم پراکندگی در دین‌شان و دگرگونی اقوال آنان بگونه‌ای که در اثر مشاهده به جان هم افتادن مردم و یکدیگر را خوردن، هر کس در هر صبح و شام، آرزوی مرگ می‌نماید. و امام صادق‌علیه السلام فرمودند: ناگزیر قبل از قیام قائم، سالی خواهد بود که مردم در آن، از گرسنگی رنج می‌برند و ترس و وحشتی سخت در اثر کشتار آنان را فرا گیرد. از مجموع روایات چنین استفاده می‌شود که قبل از ظهور حضرت مهدی‌علیه السلام جنگی عمومی در جهان رخ می‌دهد. اما این جنگ، جنگ جهانی سوم با شد یا جنگی بعد از آن خدا بدان آگاه است. کتابی تحت عنوان" عصر ظهور "از آقای علی کورانی با ترجمه آقای عباس جلالی انتشار یافته است جهت اطلاع از مسائل مختلف عصر ظهور مطالعه آن را توصیه می کنیم. « بخش پاسخ به سؤالات »

دنیا بعد از ظهور امام زمان(عج) چه طور خواهد شد و وضعیت دنیا قبل از ظهور آن حضرت چگونه است؟

پرسش

دنیا بعد از ظهور امام زمان(عج) چه طور خواهد شد و وضعیت دنیا قبل از ظهور آن حضرت چگونه است؟

پاسخ

در احادیث معتبر وضعیت دنیا قبل از ظهور امام زمان(عج) و بعد از آن ترسیم شده است. الف) دنیای بعد از ظهور در احادیث می‌خوانیم: «هر گاه مهدی موعود(عج) ظهور کرد و در جنگ پیروز شد و بر شرق و غرب جهان تسلط و سیطره یافت، تمام زمین با یک حکومت جهانی اسلامی اداره می‌شود. برای تمام بلاد و استانها، استانداران لایقی را با برنامه و دستورات لازم گسیل می‌نماید و به سبب جدیت و کوشش آنها تمام زمین آباد می‌گردد. حضرت مهدی(عج) از دور تمام حوادث و جریانات کشورها را در سراسر زمین زیر نظر دارد و تمام نقاط زمین آباد می‌گردد. اصحاب و یارانش نیز از فاصله‌های دور وی را مشاهده می‌کنند و او با تکلم می‌نمایند. عدل و دادش تمام زمین را فرا می‌گیرد. مردم با هم مهربان شده و با صدق و صفا زندگی می‌کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می‌گیرد و کسی در صدد آزار دیگری نیست. وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می‌شود، به طوری که مستحق زکات پیدا نمی‌شود. باران بسیار می‌بارد و محصولات زمین، زیاد می‌شود. توجه مردم به خدا زیاد می‌شود. دین اسلام، دین جهانی می‌شود، بانگ توحید همه جا بلند می‌شود. عقلهای مردم کامل می‌گردد و سطح معلومات عمومی بالا می‌رود به طوری که زنها در خانه خویش از عهده قضاوت بر می‌آیند. هم چنین امام صادق‌علیه‌السلام در خصوص یکی از ویژگیهای جهان پس از ظهور می‌فرماید: «علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده اما تا کنون بیش از دو قسمت در دسترس بشر قرار نگرفته است ولی وقتی حضرت مهدی(عج) ظهور می‌کند بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می‌کند و در بین بشر پخش می‌نماید».{۱} ب) دنیای قبل از ظهور پیامبر گرامی اسلام(ص) در این خصوص می‌فرماید: «مهدی(عج) از فرزندان من است. برای او غیبت و حیرتی است که در آن مردمان بسیاری گمراه می‌شوند. آن گاه همانند شهاب ثاقب می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند هم چنان که پر از ظلمشده است».{۲} هم چنین در حدیثی امام صادق‌علیه‌السلام علامتهای ظهور امام زمان(عج) و وضعیت دنیا را قبل از ظهور برای یکی از یاران خود توصیف می‌کنند: «۱ – هر گاه دیدی حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند. ۲ – ظلم و ستم فراگیر شود. ۳ – همان طور که قرآن فرموده بدعتهایی از روی هوا و هوس در آن آمده باشد. ۴ – دین خدا عملاً توخالی شود همانند ظرفی که آن را واژگون سازند. ۵ – کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی‌شود و بدکاران بازخواست نمی‌شوند. ۶ – مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند – کنایه از همجنس بازی –. ۷ – افراد – به ظاهر – با ایمان سکوت کرده و حرفهایشان را نمی‌پذیرند. ۸ – شخص بدکار دروغ می‌گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی‌کند. ۹ – بچه‌ها به بزرگان احترام نمی‌کنند. ۱۰ – قطع پیوند خویشاوندی شود و...{۳} به هر حال تا حدودی وضعیت دنیا را قبل از ظهور امام زمان‌علیه‌السلام و بعد از آن توضیح دادیم، اما آن چه که در این رابطه با اهمیت است این است که ما مسلمانان لازم است با تزکیه خویش و دوری از رذایل اخلاقی خود را آماده ظهور آن حضرت کنیم تا افتخار سربازی در رکاب آن حضرت را کسب نماییم. [۱]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶. [۲]. کمال الدین و اتمام النعمة، شیخ صدوق، ص ۲۸۷. [۳]. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجایی تهرانی، ص ۱۶۹ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۳.

در مورد ظهور امام زمان (عج) و علائم ظهورش، و چگونگی ارتباط با آن حضرت توضیح دهید.

پرسش

در مورد ظهور امام زمان (عج) و علائم ظهورش، و چگونگی ارتباط با آن حضرت توضیح دهید.

پاسخ

از احادیث اهل بیت‌علیهم‌السلام استفاده می‌شود: هنگامی که اوضاع عموی جهان مساعد گشت و افکار جهانیان برای پذیرش حکومت حق و عدالت آماده شد، خدا به حضرت امام زمان (عج) اجازه ظهور می‌دهد. پس در مکه ظهور می‌کند، و منادی حق بشارت ظهورش را به گوش جهانیان می‌رساند. انسان‌های برگزیده جهان که در چندین روایت تعدادشان سیصد و سیزده نفر (به عنوان یاران خاص امام زمان" عج) "تعیین شده، اولین ندای حق را لبیک گفته، در اولین ساعات دعوت، خود را به محضر حضرت رسانده و اعلام فداکاری می‌نمایند امام صادق‌علیه‌السلام فرمود": هنگامی که صاحب الزمان(عج) ظهور نمود، جوانان شیعه بدون وعده قبلی، در همان شب خودشان را به مکه می‌رسانند. "سپس دعوت عمومی خویش را شروع بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰. می‌کند. مردم رنجدیده و ستم کشیده و از همه جا مأیوس دور حضرت اجتماع می‌نمایند و با او بیعت می‌کنند و در اندک زمانی سپاه انبوهی از مردم شجاع و فداکار و اصطلاح طلب برایش مجهز می‌شود. امام صادق‌علیه‌السلام در توصیف یاران قائم(عج) فرمود": شرق و غرب جهان و تمام موجودات جهان را مسخر می‌کنند. هر یک از آن‌ها نیروی چهل مرد را دارد. قلب‌های‌شان از پاره‌های آهن سخت تر است، به طوری که اگر در راه هدف به کوه‌های آهن برخورد نمایند، آن‌ها را پاره می‌کنند و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود، از جنگ دست نمی‌کشند. "بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷. در آن موقع، زمامداران خودسر و ستمگران بی وجدان احساس خطر می‌کنند و درصدد دفاع بر می‌آیند و ندای مخالفت را به هم‌مسلکان خویش می‌رسانند، اما سربازان عدالت خواه حضرت که از جور و ظلم و تعدّی خسته شده‌اند، تصمیم نهایی را می‌گیرند و به لشکر کفر حمله می‌کنند و با تأیید خداوند، ستمکاران را ریشه کن نموده، قتل عام شان می‌کنند. رعب و ترس همه را فرامی‌گیرد و تسلیم دولت حق می‌گردند. بسیاری از کفار به واسطه دیدن نشانه‌های صدق و حقیقت، به دین ا سلام می‌گروند. آن هایی که در کفر و ظلم خویش اصرار ورزند، به دست لشکر مهدی(عج) قتل عام می‌شوند. یگانه دولت مقتدر و نیرومند اسلام در سراسر زمین تشکیل می‌یابد. مستضعفان به پیروزی می‌رسند و مردم از جان و دل در حفظ و حراست دولت حق کوشش می‌نمایند و دین اسلامی عمومی می‌گردد و در سراسر کره زمین گسترش می‌یابد. نشانه‌های ظهور دو قسمند: بخشی از آن‌ها نشانه‌های غیر حتمی است، یعنی اگر اوضاع ایجاب کند، محقق می‌شود. وگرنه به وقوع نمی‌پیوندد. بخش دیگر علامت‌ها حتمی هستند، یعنی قبل از ظهور حضرت حتماً واقع می‌شوند. چند تا از نشانه‌های حتمی را ذکر می‌کنیم: ۱ – خروج سفیانی؛ پیش از قیام قائم (عج) مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دین داری، گروه زیادی از مسلمانان را می‌فریبد، و به جنگ امام زمان (عج) می‌آید و در منطقه" بیداء "بین مکه و مدینه به امر خدا همه لشکریان وی به جز چند نفر در زمین فرو می‌روند و هلاک می‌شوند. ۲ – خروج یمانی؛ سرداری از یمن قیام می‌کند و مردم را به حق و عدالت دعوت می‌کند. ۳ – قتل نفس زکیه؛ در آستانه ظهور حضرت، فرد پاکباخته از نسل امام حسن مجتبی‌علیه‌السلام مخلصانه در راه امام (عج) می‌کوشد و مظلومانه به قتل می‌رسد. ۴ – خروج دجال؛ دجال فردی است غیر عادی که پیش از قیام مهدی (عج) خروج می‌کند و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی را می‌فریبد و سرانجام به دست حضرت عیسی‌علیه‌السلام در منطقه شام به هلاکت می‌رسد. مجله حوزه، شماره ۷۱ – ۷۰، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸ تا ۲۶۲. انسان می‌تواند با خواندن دعاها و زیارت‌های مربوط به امام زمان (عج) مانند دعای ندبه، دعای عهد، زیارت آل یاسین و... که در مفاتیح‌الجنان آمده است، نیز با دادن صدقه و صلوات فرستادن برای سلامتی آن حضرت و مراقبت بر واجبات و ترک محرمات الهی و تزکیه نفس، با آن وجود مقدس ارتباط معنوی برقرار کند.

سلسله حوادث و اتفاقاتی که پیش زمینه ظهور حضرت صاحب الامر است، تا چه مقدار تحقق یافته و کدام یک محقّق شده است؟

اشاره

– آیا هتک حرمت به عتبات عالیات از حوادث زمینه ساز ظهور است؟ وظیفه ما در خصوص این حوادث اسفبار چیست؟

پرسش

سلسله حوادث و اتفاقاتی که پیش زمینه ظهور حضرت صاحب الامر است، تا چه مقدار تحقق یافته و کدام یک محّقق شده است؟ – آیا هتک حرمت به عتبات عالیات از حوادث زمینه ساز ظهور است؟ وظیفه ما در خصوص این حوادث اسفبار چیست؟

پاسخ

در مورد پیش زمینه‌های ظهور حضرت حجّت، یا علائم ظهور و این که چه مقدار از آن تحقق یافته است. مطالبی را به پیوست ارسال می‌داریم. با توجه به آن مطالب، نمی‌توان به طور یقین بیان داشت حوادثی که در عراق اتفاق افتاده، از جمله هتک حرمت عتبات عالیات، از زمره حوادث و پیش زمینه‌های ظهور است. وظیفه ما در قبال این گونه حوادث: خطوط کلی را اسلام ترسیم کرده است مانند تولّی، تبرّی، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، شناخت دشمنان اسلام، ایجاد آمادگی هر چه بیشتر برای دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی و... . امّا چگونگی پیاده کردن آن را می‌بایست با بهره‌گیری از عنصر زمان و مکان و قانون کلّی و عقلی اهم و مهم و اطاعت از رهبریت اسلامی جستجو نمود. نشانه‌های ظهور: در روایات برخی امور به عنوان نشانه‌های ظهور ذکر شده است. از جمله انحراف بنی عبّاس و از هم گسستن حکومت آنان، جنگ صلیبی، فتح قسطنطنیه به دست مسلمانان، در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان، خروج مغربی در مصر و تشکیل دولت فاطمیان، وارد شدن ترک‌ها در منطقه بین النّهرین، وارد شدن رومیان در منطقه رمله و شام، رها شدن کشورهای عرب از قید قدرت‌های ظالم (استعمار)، بالا آمدن آب رودخانه دجله و سرازیر شدن آن به کوچه‌های کوفه، بسته شدن پل روی دجله در بین بغداد و کرخ، اختلاف بین شرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان، خروج سفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فراگیر شدن جهان از ظلم، رواج علوم دینی در قم و نشر آن در سایر بلاد و....(۱) لیکن از این امور نمی‌توان قضاوت نمود کدام یک حتمی و کدام یک غیر حتمی است، نیز کدام یک به وقوع پیوسته و کدام یک در آینده به وقوع می‌پیوندد و آن چه به وقوع پیوسته، همان است که در روایات آمده. برای روشن شدن این مطالب لازم است اموری بدین شرح بیان گردد. ۱– نامعلوم بودن وقت ظهور: اگر از نشانه‌های ظهور سخن به میان می‌آید، بدین معنا نیست که از این طریق وقت ظهور حضرت مهدی(عج) را مشخص کنیم. بنا به مصالحی زمان ظهور حضرت مشخص نشده است. هیچ کس جز خدا از وقت دقیق ظهور حضرت آگاه نیست. بارها از امامان(ع) در مورد زمان خروج قائم پرسیدند، اما آنان از مشخص نمودن آن نهی نمودند و زمان ظهور را همانند علم به قیامت در انحصار خدا معرّفی کرد.(۲") شیخ طوسی "در این‌باره می‌گوید: زمان ظهور مهدی(عج) به روشنی بر ما معلوم نیست، بلکه او تا آن‌گاه که خداوند اجازه خروج بدهد، از دیدگاه ما پنهان است.(۳) بنابراین نشانه‌های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهور است. بیش از آن نباید انتظار داشت. حال اگر روایتی باشد که در آن زمان ظهور حضرت مشخص شده است، ناگزیر باید آن را توجیه نمود و یا به کناری نهاد. ۲– مراد از نشانه‌های ظهور: مقصود از نشانه‌های ظهور این نیست که با تحقق هر یک ظهور حضرت وقوع می‌یابد، بلکه مراد، رخدادهایی است که بر اساس پیشگویی معصومان(ع) پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) پدید خواهند آمد که تحقق هر یک نوید

نزدیک‌تر شدن ظهور حضرت است، به گونه‌ای که با وقوع تمامی آن رخدادها و به دنبال آخرین نشانه‌های ظهور، حضرت قیام خواهد نمود. ۳- انواع نشانه‌های ظهور: با نگاهی به روایات معصومان(ع) می‌توان نشانه‌های ظهور را بدین شرح تقسیم و دسته بندی نمود: أ) نشانه‌های حتمی و غیر حتمی: نشانه‌هایی به روشنی به عنوان علائم حتمی ظهور یاد شده است؛ بدین معنا که بدون هیچ قید و شرطی قطعاً تحقق خواهند یافت و ظهور حضرت منوط به پیدایش آن‌ها می‌باشد، امّا نشانه‌های غیر حتمی به نشانه‌هایی گفته می‌شود که مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آن‌ها، به عنوان نشانه به شمار می‌آیند.(۴) ب) نشانه‌های عادی و غیر عادی: برخی از نشانه‌های ظهور به روال طبیعی و عادی تحقق می‌یابد، مانند زوال دولت عباسیان، ولی برخی به روال غیر طبیعی و غیر عادی است مانند" صیحه آسمانی "و" طلوع خورشید از مغرب. "این دسته روایات را باید به نوعی خاص معنا نمود، چون پدیدار شدن آن‌ها عادتاً ممکن نیست. این‌ها را یا می‌بایست در چار چوب معجزه قرار داد و توجیه نمود، یا از معنای ظاهری آن دست کشید و به معنای کنایی و مجازی آن دانست. ج) نشانه‌های متصل و غیر متصل: در روایات شماری از نشانه‌های ظهور به گونه‌ای بیان شده است که از آن‌ها استفاده می‌شود بین آن‌ها و ظهور حضرت فاصله‌ای وجود ندارد، بلکه به زمان ظهور متصل می‌باشند، مانند خروج سفیانی و یمانی. این‌ها نشانه‌های متصل به ظهورند، امّا بیشتر نشانه‌ها به گونه‌ای دیگر است که بین تحقق آن‌ها و زمان ظهور حضرت مهدی ممکن است فاصله زیادی وجود داشته باشد، به عنوان مثال در روایات آمده: یکی از نشانه‌ها در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان است. حال اگر این را به خروج ابومسلم خراسانی و سپاه سیاه جامگان تفسیر کنیم، بین این نشانه و ظهور حضرت مهدی زمان طولانی فاصله است. ۴- شمار نشانه‌های ظهور: در مورد شمار نشانه‌های ظهور پاسخ دقیق و روشنی وجود ندارد. برخی از عالمان بزرگ مانند شیخ مفید در بحث" علامات قیام القائم "با اشاره به اخبار و آثاری که از معصومان(ع) رسیده، بیش از پنجاه نشانه را بیان کرده است.(۵) برخی دیگر همانند علامه مجلسی شمار بیشتری را متذکّر شده‌اند.(۶) عالمان اهل سنت در کتاب‌های خویش به برخی امور دیگر اشاره کرده‌اند. هنگامی که به این آثار و نشانه‌ها و روایات دقت کنیم، متوجه می‌شویم که: برخی از علائم تنها نشانه ظهورند و برخی نشانه ظهور و برپایی قیامت. بعضی کلی هستند و برخی به امور جزئی پرداخته‌اند. برخی از نظر سند مشکل دارند و پاره‌ای مشکل ندارند. برخی در دلالت معنایی مشکل دارند و بعضی ندارند، بنابراین نمی‌توان در مورد و تعداد نشانه‌های ظهور قاطعانه سخن گفت. ۵- خلط بین نشانه‌های ظهور و برپایی قیامت: برخی از نشانه‌ها مانند خروج دجال و طلوع خورشید از مغرب، در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های برپایی قیامت و" اشراط الساعة "آمده است، اما در بعضی دیگر از نشانه‌های قیام حضرت مهدی(عج)، به نظر می‌رسد در برخی روایات بین این دو دسته نشانه‌ها جابجایی صورت گرفته باشد. بعید نیست برخی از نشانه‌های غیر عادی که در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های ظهور حضرت آمده است، نشانه‌های برپایی قیامت باشند، نه نشانه‌های ظهور، چون این گونه امور با" اشراط الساعة "بیشتر تناسب دارد. ۶- خلط بین قائم و مهدی موعود(عج): در روایات گاهی سخن از حضرت مهدی(عج) آمده است و گاهی از قائم، نمی‌توان تمامی مواردی را که واژه قائم به کار رفته است، به مهدی موعود حمل نمود، چرا که این واژه به تمامی امامان(ع) اطلاق شده است. در روایت آمده است "کلّنا قائم بأمراللّه واحدٌ بعد واحد؛(۷) همه ما یکی پس از دیگری قیام کننده به حکم خدا هستیم. "نیز به غیر امامان هم اطلاق شده، چرا که قائم به معنای قیام کننده است. هر کسی که انقلاب کند و مردم را بر ضد ظلم فرا خواند، قائم است. امام علی(ع) در خطبه‌ای که در مورد حوادث آینده ایراد کرد فرمود": إذا قام القائم بخراسان... و قام منّا قائم بجیلان؛(۸) هنگامی که قائم در خراسان قیام کند و قیام کننده‌ای از ما در سرزمین گیلان قیام کند. "...این احادیث را نمی‌توان درباره حضرت مهدی(عج) دانست. ۷- خلط بین" فرج "و ظهور حضرت مهدی(عج): گرچه ظهور حضرت مهدی(عج) برای اهل بیت پیامبر(ص) و شیعیان فرج و گشایش است، لیکن همه جا واژه فرج را نمی‌توان به ظهور حضرت مهدی(عج) حمل نمود. متأسفانه گاهی چنین خلطی یافت می‌شود. پیش گویی‌های معصومان(ع) در مورد رخدادهای دوران حکومت امویان و عباسیان و چگونگی فروپاشی آن‌ها و حرکت

هـایی که در مقابـل آن‌هـا شـکل می‌گیرد، گـاه از آن‌هـا به علائـم فرج یاد شـده است، که لزوماً به معنای نشانه‌های ظهور حضـرت مهدی(عج) نیست، بلکه می‌تواند به معنای لغوی فرج؛ یعنی گشایش در کار شیعیان باشد. ۸- احتمال جعل و تحریف: اهمیّت بحث مهـدویّت به ویژه بهره منـدی آن از بـار سیاسـی از یـک سو، و علاقه شدیـد مسـلمانان به آگاهی از چگونگی رخـدادهای آینـده و پدیدار شدن نشانه‌های ظهور از سوی دیگر، سبب شد که برخی در پی تحریف و جعل روایات در زمینه مهدویّت و نشانه‌های ظهور برآیند. با دقت در روایاتِ نشانه‌های ظهور این سخن تأیید می‌شود، زیرا بسیاری از روایاتی که در زمینه نشانه‌های ظهور وجود دارد، از نظر سـند ضـعیف و قابل مناقشه است و دلالت آن‌ها نیز با مشـکل مواجه است. از مطالبی که بیان شـد، به این نتیجه نایل می‌شویم که در زمینه علائم ظهور حضرت مهدی(عج)، و این که کدام یک از آن‌ها به راستی به وقوع پیوسته است، نمی‌توان قضاوت قاطعی را ابراز نمود. پی نوشت‌ها: ۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ج ۲، ص ۴۷۲ به بعد؛ کتاب الغیبهٔ، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۳ – ۲۴۷؛ سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۴۴۵. ۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲. ۳. الغیبه، ص ۴۲۵. ۴. مجله حوزه، شماره ۷۲، ص ۲۴۰. ۵. ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸ به بعد. ۶. بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۹ – ۱۸۰. ۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۶. ۸. مجلسی، بحار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.

حکومتی که قبل از ظهور امام زمان(عج) در یکی از کشورهای عربی تشکیل می‌شود و حکومتی شبیه حکومت عباسیان است، چه نوع حکومتی است؟ آیا حکومتی که اکنون در عراق تشکیل شده است، می‌تواند همان باشد؟ در این باره توضیح دهید.

پرسش

حکومتی که قبل از ظهور امام زمان(عج) در یکی از کشورهای عربی تشـکیل می‌شود و حکومتی شبیه حکومت عباسـیان است، چه نوع حکومتی است؟ آیا حکومتی که اکنون در عراق تشکیل شده است، می‌تواند همان باشد؟ در این باره توضیح دهید.

پاسخ

نمی‌تـوان قضـاوت کرد مقصـود از حکومـتی که در یکی از کشورهـای عربی تشـکیل می‌شـود کـدام حکـومت است. اصولاًـ چنین حکومتی از حوادث قبل از ظهور امام زمان(عج) شمرده شده است؟ قضاوت در این خصوص مبتنی بر آن است که همه حوادث قبل از ظهـور و نشانه‌هـای حتمی و غیر حتمی ظهور امـام زمـان(ع) شـفاف باشـد، حـال آن که برخی از حوادث و نشانه‌هـای ظهور امـام زمـان(ع) مشـخص نیست شایـد برخی از حوادث قبـل از ظهور بـا آن دسـته از حوادث که از نشانه‌های ظهور شـمرده شده‌انـد، قابل انطبـاق باشـد، ولی به طور یقین نمی‌توان گفت: این حوادث همـان حوادثی است که در روایـات و متون تاریخی، از حوادث قبل از ظهور به حساب آمده‌اند. جهت آگاهی بیشتر، مطالبی به پیوست ارسال می‌شود. ضمیمه پاسخ سؤال اول از نامه ۳۰۰۹۶/۱

در برخی جزوات چاپ شده که شواهدی برای ظهور امام عصـر(ع) دیده شده است، مثلاً زلزله‌های مکرر و جنگ. آیا در متون اسلامی چنین چیزی وجود دارد؟ لطفاً در این زمینه مطالبی را به اطلاع ما برسانید.

پرسش

در برخی جزوات چاپ شده که شواهدی برای ظهور امام عصر(ع) دیده شده است، مثلاً ـ زلزله‌های مکرر و جنگ. آیا در متون اسلامی چنین چیزی وجود دارد؟ لطفاً در این زمینه مطالبی را به اطلاع ما برسانید.

پاسخ

قضاوت درباره وقوع حوادث و رخدادهای قبل از ظهور امام زمان(ع) و تحقق نشانه‌های ظهور مبتنی بر آن است که رخدادهای قبل از ظهور شفاف بوده و همه نشانه‌های حتمی و غیر حتمی ظهور معلوم باشد، حال آن که بعضی از حوادث و نشانه‌های ظهور فاقد شفافیت هستند. عدم شفافیت آنها مانع قضاوت نهایی در این خصوص می‌باشد. در برخی از متون دینی و روایات، بعضی از حوادث به عنوان زمینه ساز ظهور و برخی نشانه‌ها از علایم ظهور یاد شده‌اند، اما این که این حوادث اتفاق افتاده و یا اتفاق خواهند افتاد، معلوم نیست. جهت توضیحات بیشتر به بیان مطالب زیر پرداخته می‌شود: نشانه‌های ظهور: در روایات برخی امور به عنوان نشانه‌های ظهور ذکر شده است. از جمله انحراف بنی عبّاس و از هم گسستن حکومت آنان، جنگ صلیبی، فتح قسطنطنیه به دست مسلمانان، در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان، خروج مغربی در مصر و تشکیل دولت فاطمیان، وارد شدن ترک‌ها در منطقه بین النّهرین، وارد شدن رومیان در منطقه رمله و شام، رها شدن کشورهای عرب از قید قدرت‌های ظالم (استعمار)، بالا آمدن آب رودخانه دجله و سرازیر شدن آن به کوچه‌های کوفه، بسته شدن پل روی دجله در بین بغداد و کرخ، اختلاف بین شرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان، خروج سفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فراگیر شدن جهان از ظلم، رواج علوم دینی در قم و نشر آن در سایر بلاد و....(۱) لیکن از این امور نمی‌توان قضاوت نمود کدام یک حتمی و کدام یک غیر حتمی است، نیز کدام یک به وقوع پیوسته و کدام یک در آینده به وقوع می‌پیوندد و آن چه به وقوع پیوسته، همان است که در روایات آمده. برای روشن شدن این مطالب لازم است اموری بدین شرح بیان گردد. ۱- نامعلوم بودن وقت ظهور: اگر از نشانه‌های ظهور سخن به میان می‌آید، بدین معنا نیست که از این طریق وقت ظهور حضرت مهدی(عج) را مشخص کنیم. بنا به مصالحی زمان ظهور حضرت مشخص نشده است. هیچ کس جز خدا از وقت دقیق ظهور حضرت آگاه نیست. بارها از امامان(ع) در مورد زمان خروج قائم پرسیدند، اما آنان از مشخص نمودن آن نهی نمودند و زمان ظهور را همانند علم به قیامت در انحصار خدا معرّفی کرد.(۲") شیخ طوسی "در این‌باره می گوید: زمان ظهور مهدی(عج) به روشنی بر ما معلوم نیست، بلکه او تا آن‌گاه که خداوند اجازه خروج بدهد، از دیدگاه ما پنهان است.(۳) بنابراین نشانه‌های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهور است. بیش از آن نباید انتظار داشت. حال اگر روایتی باشد که در آن زمان ظهور حضرت مشخص شده است، ناگزیر باید آن را توجیه نمود و یا به کناری نهاد. ۲- مراد از نشانه‌های ظهور: مقصود از نشانه‌های ظهور این نیست که با تحقق هر یک ظهور حضرت وقوع می‌یابد، بلکه مراد، رخدادهایی است که بر اساس پیشگویی معصومان(ع) پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) پدید خواهند آمد که تحقق هر یک نوید نزدیک‌تر شدن ظهور حضرت است، به گونه‌ای که با وقوع تمامی آن رخدادها و به دنبال آخرین نشانه‌های ظهور، حضرت قیام خواهد نمود. ۳- انواع نشانه‌های ظهور: با نگاهی به روایات معصومان(ع) می‌توان نشانه‌های ظهور را بدین شرح تقسیم و دسته بندی نمود: أ) نشانه‌های حتمی و غیر حتمی: نشانه‌های شماری به روشنی به عنوان علائم حتمی ظهور یاد شده است؛ بدین معنا که بدون هیچ قید و شرطی قطعاً تحقق خواهند یافت و ظهور حضرت منوط به پیدایش آن‌ها می‌باشد، امّا نشانه‌های غیر حتمی به نشانه‌هایی گفته می‌شود که مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آن‌ها، به عنوان نشانه به شمار می‌آیند.(۴) ب) نشانه‌های عادی و غیر عادی: برخی از نشانه‌های ظهور به روال طبیعی و عادی تحقق می‌یابد، مانند زوال دولت عباسیان، ولی برخی به روال غیر طبیعی و غیر عادی است مانند" صیحه آسمانی "و" طلوع خورشید از مغرب. "این دسته روایات را باید به نوعی خاص

معنا نمود، چون پدیدار شدن آن‌ها عادتاً ممکن نیست. این‌ها را یا می‌بایست در چار چوب معجزه قرار داد و توجیه نمود، یا از معنای ظاهری آن دست کشید و به معنای کنایی و مجازی آن دانست. ج) نشانه‌های متصل و غیر متصل: در روایات شماری از نشانه‌های ظهور به گونه‌ای بیان شده است که از آن‌ها استفاده می‌شود بین آن‌ها و ظهور حضرت فاصله‌ای وجود ندارد، بلکه به زمان ظهور متصل می‌باشند، مانند خروج سفیانی و یمانی. این‌ها نشانه‌های متصل به ظهورند، امّا بیشتر نشانه‌ها به گونه‌ای دیگر است که بین تحقق آن‌ها و زمان ظهور حضرت مهدی ممکن است فاصله زیادی وجود داشته باشد، به عنوان مثال در روایات آمده: یکی از نشانه‌ها در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان است. حال اگر این را به خروج ابومسلم خراسانی و سپاه سیاه جامگان تفسیر کنیم، بین این نشانه و ظهور حضرت مهدی زمان طولانی فاصله است. ۴- شمار نشانه‌های ظهور: در مورد شمار نشانه‌های ظهور پاسخ دقیق و روشنی وجود ندارد. برخی از عالمان بزرگ مانند شیخ مفید در بحث" علامات قیام القائم "با اشاره به اخبار و آثاری که از معصومان(ع) رسیده، بیش از پنجاه نشانه را بیان کرده است.(۵) برخی دیگر همانند علامه مجلسی شمار بیشتری را متذکّر شده‌اند.(۶) عالمان اهل سنت در کتاب‌های خویش به برخی امور دیگر اشاره کرده‌اند. هنگامی که به این آثار و نشانه‌ها و روایات دقت کنیم، متوجه می‌شویم که: برخی از علائم تنها نشانه ظهورند و برخی نشانه ظهور و برپایی قیامت. بعضی کلی هستند و برخی به امور جزئی پرداخته‌اند. برخی از نظر سند مشکل دارند و پاره‌ای مشکل ندارند. برخی در دلالت معنایی مشکل دارند و بعضی ندارند، بنابراین نمی‌توان در مورد و تعداد نشانه‌های ظهور قاطعانه سخن گفت. ۵- خلط بین نشانه‌های ظهور و برپایی قیامت: برخی از نشانه‌ها مانند خروج دجال و طلوع خورشید از مغرب، در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های برپایی قیامت و" اشراط الساعة" آمده است اما در بعضی دیگر از نشانه‌های قیام حضرت مهدی(عج)، به نظر می‌رسد در برخی روایات بین این دو دسته نشانه‌ها جابجایی صورت گرفته باشد. بعید نیست برخی از نشانه‌های غیر عادی که در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های ظهور حضرت آمده است، نشانه‌های برپایی قیامت باشند، نه نشانه‌های ظهور، چون این گونه امور با" اشراط الساعة "بیشتر تناسب دارد. ۶- خلط بین قائم و مهدی موعود: در روایات گاهی سخن از حضرت مهدی آمده است و گاهی از قائم، نمی‌توان تمامی مواردی را که واژه قائم به کار رفته است، به مهدی موعود حمل نمود، چرا که این واژه به تمامی امامان(ع) اطلاق شده است. در روایت آمده است "کلّنا قائم بأمراللّه واحدٌ بعد واحد؛(۷) همه ما یکی پس از دیگری قیام کننده به حکم خدا هستیم. "نیز به غیر امامان هم اطلاق شده، چرا که قائم به معنای قیام کننده است. هر کسی که انقلاب کند و مردم را بر ضد ظلم فرا خواند، قائم است. امام علی(ع) در خطبه‌ای که در مورد حوادث آینده ایراد کرد فرمود": إذا قام القائم بخراسان... و قام منّا قائم بجیلان؛(۸) هنگامی که قائم در خراسان قیام کند و قیام کننده‌ای از ما در سرزمین گیلان قیام کند. "...این احادیث را نمی‌توان درباره حضرت مهدی(عج) دانست. ۷- خلط بین" فرج "و ظهور حضرت مهدی(عج): گرچه ظهور حضرت مهدی(عج) برای اهل بیت پیامبر(ص) و شیعیان فرج و گشایش است، لیکن همه جا واژه فرج را نمی‌توان به ظهور حضرت مهدی حمل نمود. متأسفانه گاهی چنین خلطی یافت می‌شود. پیش گویی‌های معصومان در مورد رخدادهای دوران حکومت امویان و عباسیان و چگونگی فروپاشی آن‌ها و حرکت هایی که در مقابل آن‌ها شکل می گیرد، گاه از آن‌ها به علائم فرج یاد شده است، که لزوماً به معنای نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) نیست، بلکه می‌تواند به معنای لغوی فرج؛ یعنی گشایش در کار شیعیان باشد. ۸- احتمال جعل و تحریف: اهمیّت بحث مهدویّت به ویژه بهره مندی آن از بار سیاسی از یک سو، و علاقه شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه‌های ظهور از سوی دیگر، سبب شد که برخی در پی تحریف و جعل روایات در زمینه مهدویّت و نشانه‌های ظهور برآیند. با دقت در روایاتِ نشانه‌های ظهور این سخن تأیید می‌شود، زیرا بسیاری از روایاتی که در زمینه نشانه‌های ظهور وجود دارد، از نظر سند ضعیف و قابل مناقشه است و دلالت آن‌ها نیز با مشکل مواجه است. از مطالبی که بیان شد، به این نتیجه نایل می‌شویم که در زمینه علائم ظهور حضرت مهدی(عج)، و این که کدام یک از آن‌ها به راستی به وقوع پیوسته است، نمی‌توان قضاوت قاطعی را

ابراز نمود. پی نوشت‌ها: ۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ج ۲، ص ۴۷۲ به بعد؛ کتاب الغیبهٔ، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۳ – ۲۴۷؛ سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۴۴۵. ۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲. ۳. الغیبه، ص ۴۲۵. ۴. مجله حوزه، شماره ۷۲، ص ۲۴۰. ۵. ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸ به بعد. ۶. بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۹ – ۱۸۰. ۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۶. ۸. مجلسی، بحار، ح ۵۲، ص ۲۳۵.

از علائم ظهور کدام یک تا کنون به وقوع پیوسته است؟(پ)

پرسش

از علائم ظهور کدام یک تا کنون به وقوع پیوسته است؟(پ)

پاسخ

نشانه‌های ظهور: در روایات برخی امور به عنوان نشانه‌های ظهور ذکر شده است. از جمله انحراف بنی عبّاس و از هم گسستن حکومت آنان، جنگ صلیبی، فتح قسطنطنیه به دست مسلمانان، در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان، خروج مغربی در مصر و تشکیل دولت فاطمیان، وارد شدن ترک‌ها در منطقه بین النّهرین، وارد شدن رومیان در منطقه رمله و شام، رها شدن کشورهای عرب از قید قدرت‌های ظالم (استعمار)، بالا آمدن آب رودخانه دجله و سرازیر شدن آن به کوچه‌های کوفه، بسته شدن پل روی دجله در بین بغداد و کرخ، اختلاف بین شرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان، خروج سفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فراگیر شدن جهان از ظلم، رواج علوم دینی در قم و نشر آن در سایر بلاد و....(۱) لیکن از این امور نمی‌توان قضاوت نمود کدام یک حتمی و کدام یک غیر حتمی است، نیز کدام یک به وقوع پیوسته و کدام یک در آینده به وقوع می‌پیوندد و آن چه به وقوع پیوسته، همان است که در روایات آمده. برای روشن شدن این مطالب لازم است اموری بدین شرح بیان گردد. ۱- نامعلوم بودن وقت ظهور: اگر از نشانه‌های ظهور سخن به میان می‌آید، بدین معنا نیست که از این طریق وقت ظهور حضرت مهدی(عج) را مشخص کنیم. بنا به مصالحی زمان ظهور حضرت مشخص نشده است. هیچ کس جز خدا از وقت دقیق ظهور حضرت آگاه نیست. بارها از امامان(ع) در مورد زمان خروج قائم پرسیدند، اما آنان از مشخص نمودن آن نهی نمودند و زمان ظهور را همانند علم به قیامت در انحصار خدا معرّفی کرد.(۲") شیخ طوسی "در این‌باره می گوید: زمان ظهور مهدی(عج) به روشنی بر ما معلوم نیست، بلکه او تا آن‌گاه که خداوند اجازه خروج بدهد، از دیدگاه ما پنهان است.(۳) بنابراین نشانه‌های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهور است. بیش از آن نباید انتظار داشت. حال اگر روایتی باشد که در آن زمان ظهور حضرت مشخص شده است، ناگزیر باید آن را توجیه نمود و یا به کناری نهاد. ۲- مراد از نشانه‌های ظهور: مقصود از نشانه‌های ظهور این نیست که با تحقق هر یک ظهور حضرت وقوع می‌یابد، بلکه مراد، رخدادهایی است که بر اساس پیشگویی معصومان(ع) پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) پدید خواهند آمد که تحقق هر یک نوید نزدیک‌تر شدن ظهور حضرت است، به گونه‌ای که با وقوع تمامی آن رخدادها و به دنبال آخرین نشانه‌های ظهور، حضرت قیام خواهد نمود. ۳- انواع نشانه‌های ظهور: با نگاهی به روایات معصومان(ع) می‌توان نشانه‌های ظهور را بدین شرح تقسیم و دسته بندی نمود: أ) نشانه‌های حتمی و غیر حتمی: نشانه‌های شماری به روشنی به عنوان علائم حتمی ظهور یاد شده است؛ بدین معنا که بدون هیچ قید و شرطی قطعاً تحقق خواهند یافت و

ظهور حضرت منوط به پیدایش آن‌ها می‌باشد، امّا نشانه‌های غیر حتمی به نشانه‌هایی گفته می‌شود که مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آن‌ها، به عنوان نشانه به شمار می‌آیند.(۴) ب) نشانه‌های عادی و غیر عادی: برخی از نشانه‌های ظهور به روال طبیعی و عادی تحقق می‌یابد، مانند زوال دولت عباسیان، ولی برخی به روال غیر طبیعی و غیر عادی است مانند" صیحه آسمانی "و" طلوع خورشید از مغرب. "این دسته روایات را باید به نوعی خاص معنا نمود، چون پدیدار شدن آن‌ها عادتاً ممکن نیست. این‌ها را یا می‌بایست در چار چوب معجزه قرار داد و توجیه نمود، یا از معنای ظاهری آن دست کشید و به معنای کنایی و مجازی آن دانست. ج) نشانه‌های متصل و غیر متصل: در روایات شماری از نشانه‌های ظهور به گونه‌ای بیان شده است که از آن‌ها استفاده می‌شود بین آن‌ها و ظهور حضرت فاصله‌ای وجود ندارد، بلکه به زمان ظهور متصل می‌باشند، مانند خروج سفیانی و یمانی. این‌ها نشانه‌های متصل به ظهورند، امّا بیشتر نشانه‌ها به گونه‌ای دیگر است که بین تحقق آن‌ها و زمان ظهور حضرت مهدی ممکن است فاصله زیادی وجود داشته باشد، به عنوان مثال در روایات آمده: یکی از نشانه‌ها در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان است. حال اگر این را به خروج ابومسلم خراسانی و سپاه سیاه جامگان تفسیر کنیم، بین این نشانه و ظهور حضرت مهدی زمان طولانی فاصله است. ۴- شمار نشانه‌های ظهور: در مورد شمار نشانه‌های ظهور پاسخ دقیق و روشنی وجود ندارد. برخی از عالمان بزرگ مانند شیخ مفید در بحث" علامات قیام القائم "با اشاره به اخبار و آثاری که از معصومان(ع) رسیده، بیش از پنجاه نشانه را بیان کرده است.(۵) برخی دیگر همانند علامه مجلسی شمار بیشتری را متذکّر شده‌اند.(۶) عالمان اهل سنت در کتاب‌های خویش به برخی امور دیگر اشاره کرده‌اند. هنگامی که به این آثار و نشانه‌ها و روایات دقت کنیم، متوجه می‌شویم که: برخی از علائم تنها نشانه ظهورند و برخی نشانه ظهور و برپایی قیامت. بعضی کلی هستند و برخی به امور جزئی پرداخته‌اند. برخی از نظر سند مشکل دارند و پاره‌ای مشکل ندارند. برخی در دلالت معنایی مشکل دارند و بعضی ندارند، بنابراین نمی‌توان در مورد و تعداد نشانه‌های ظهور قاطعانه سخن گفت. ۵- خلط بین نشانه‌های ظهور و برپایی قیامت: برخی از نشانه‌ها مانند خروج دجال و طلوع خورشید از مغرب، در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های برپایی قیامت و" اشراط الساعة "آمده است اما در بعضی دیگر از نشانه‌های قیام حضرت مهدی(عج)، به نظر می‌رسد در برخی روایات بین این دو دسته نشانه‌ها جابجایی صورت گرفته باشد. بعید نیست برخی از نشانه‌های غیر عادی که در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های ظهور حضرت آمده است، نشانه‌های برپایی قیامت باشند، نه نشانه‌های ظهور، چون این گونه امور با" اشراط الساعة "بیشتر تناسب دارد. ۶- خلط بین قائم و مهدی موعود: در روایات گاهی سخن از حضرت مهدی آمده است و گاهی از قائم، نمی‌توان تمامی مواردی را که واژه قائم به کار رفته است، به مهدی موعود حمل نمود، چرا که این واژه به تمامی امامان(ع) اطلاق شده است. در روایت آمده است" کلّنا قائم بأمراللّه واحدٌ بعد واحد؛(۷) همه ما یکی پس از دیگری قیام کننده به حکم خدا هستیم. "نیز به غیر امامان هم اطلاق شده، چرا که قائم به معنای قیام کننده است. هر کسی که انقلاب کند و مردم را بر ضد ظلم فرا خواند، قائم است. امام علی(ع) در خطبه‌ای که در مورد حوادث آینده ایراد کرد فرمود": إذا قام القائم بخراسان... و قام منّا قائم بجیلان؛(۸) هنگامی که قائم در خراسان قیام کند و قیام کننده‌ای از ما در سرزمین گیلان قیام کند. "...این احادیث را نمی‌توان درباره حضرت مهدی(عج) دانست. ۷- خلط بین" فرج "و ظهور حضرت مهدی(عج): گرچه ظهور حضرت مهدی(عج) برای اهل بیت پیامبر(ص) و شیعیان فرج و گشایش است، لیکن همه جا واژه فرج را نمی‌توان به ظهور حضرت مهدی حمل نمود. متأسفانه گاهی چنین خلطی یافت می‌شود. پیش گویی‌های معصومان در مورد رخدادهای دوران حکومت امویان و عباسیان و چگونگی فروپاشی آن‌ها و حرکت هایی که در مقابل آن‌ها شکل می‌گیرد، گاه از آن‌ها به علائم فرج یاد شده است، که لزوماً به معنای نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) نیست، بلکه می‌تواند به معنای لغوی فرج؛ یعنی گشایش در کار شیعیان باشد. ۸- احتمال جعل و تحریف: اهمیّت بحث مهدویّت به ویژه بهره مندی آن از بار سیاسی از یک شو، و علاقه شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه‌های ظهور از سوی دیگر، سبب شد که برخی در پی

تحریف و جعل روایات در زمینه مهدویّت و نشانه‌های ظهور برآیند. با دقت در روایاتِ نشانه‌های ظهور این سخن تأیید می‌شود، زیرا بسیاری از روایاتی که در زمینه نشانه‌های ظهور وجود دارد، از نظر سند ضعیف و قابل مناقشه است و دلالت آن‌ها نیز با مشکل مواجه است. از مطالبی که بیان شد، به این نتیجه نایل می‌شویم که در زمینه علائم ظهور حضرت مهدی(عج)، و این که کدام یک از آن‌ها به راستی به وقوع پیوسته است، نمی‌توان قضاوت قاطعی را ابراز نمود. پی نوشت‌ها: ۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ج ۲، ص ۴۷۲ به بعد؛ کتاب الغیبة، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۳ – ۲۴۷؛ سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۴۵. ۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲. ۳. الغیبه، ص ۴۲۵. ۴. مجله حوزه، شماره ۷۲، ص ۲۴۰. ۵. ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸ به بعد. ۶. بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۹ – ۱۸۰. ۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۶. ۸. مجلسی، بحار، ح ۵۲، ص ۲۳۵.

آیا این مطلب که در احادیث شریفه آمده که: ظاهر نمی‌شود مهدی(عج) مگر آنکه دو سوم مردم جهان در اثر جنگها از بین بروند، دور از ذهن نیست؟

پرسش

آیا این مطلب که در احادیث شریفه آمده که: ظاهر نمی‌شود مهدی(عج) مگر آنکه دو سوم مردم جهان در اثر جنگها از بین بروند، دور از ذهن نیست؟

پاسخ

تا یک قرن پیش، وقوع چنین جنگهایی بسیار بعید به نظر می‌رسید، زیرا با آن اسلحه‌های سابق و با نبودن وسایل ارتباط جمعی بین شهرها و کشورها، اگر جنگی واقع می‌شد، اولاً پیش از آنکه خبرش به کشورهای همسایه و یا دورتر برسد و دامنه جنگ گسترش یابد، آن جنگ به پایان می‌رسید و ثانیاً در آن زمانها، تعیین غالب از مغلوب، خاتمه یافتن جنگ، تسلط یکی از دو طرف یا از بین رفتن طرفین، متوقف بر کشتارهای عمومی و استعمال بمب و غیره نبود. اما در عصر حاضر به طوری که همه پیش بینی می‌نمایند با وسائل ارتباطی که همهٔ عالم را به منزلهٔ یک شهر و یک محله نموده؛ و با اسلحه‌ها و تجهیزاتی که در دست زمامداران بی ایمان است و هیچ وسیله‌ای برای کنترل خشم و شهوت و جاه پرستی آنها نیست، اگر جنگ شروع شود، علاوه بر آنکه غالب از مغلوب تشخیص داده نمی‌شود و طرفین از بین می‌روند، اکثر ملل و سکنهٔ کرهٔ زمین ممکن است در ظرف چند ساعت فانی و نابود شوند. پس اگر در احادیث شریفه فرموده‌اند: «ظاهر نمی‌شود مهدی(ع) مگر آنکه ثلث مردم کشته شوند و ثلث آنها بمیرند و ثلث آنان باقی بمانند. و فرموده‌اند: این ظهور واقع نخواهد شد، تا وقتی دو ثلث مردم از بین بروند» (منتخب الاثر، ف ۶ و ب ۵، ص ۴۵۲ و ۴۵۳) نباید تعجب کرد، بلکه باید آن را نشانهٔ علوم بی پایان حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین(ع) و آگاهی آنها از آینده و اطلاعاتشان بر مغیّبات به اذن و تعلیم خدا دانست و از معجزات و کراماتشان به شمار آورد.

علایم ظهور حضرت ولی عصر (ع) چیست؟

پرسش

علایم ظهور حضرت ولی عصر (ع) چیست؟

پاسخ

جواب اجمالی: (۴۹) بحث درباره ی علایم ظهور کمی پیچیده است و نیاز دارد که تمام روایات بررسی شوند اما اجمالا از روایات استفاده می شود که علایم ظهور از یک جهت بر دو دسته کلی هستند: یک دسته علایمی که حتماً پیش از ظهور واقع می شوند که عبارتند از: خروج سفیانی، خروج یمانی، صیحه ی آسمانی، قتل نفس زکیه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان و خروج دجّال. مابقی علایم و دلایل غیر حتمی است و ممکن است رخ ندهد. به هر حال علایم ظهور را به چهار دسته ی کلی می توان تقسیم نمود: الف- علایم اجتماعی: که به طور خلاصه نتیجه ی آن عبارت از سقوط تمدن منحط بشری است. ب- دینی و اعتقادی: که عبارت از هدم و وارونه شدن دین الهی است. ج- طبیعی: مسایلی چون تغییر در جهان فلکی و... د- فردی و معجزه ای: مثل صیحه ی آسمانی، به شهادت رسیدن نفس زکیه... هر کدام از این عوامل و علایم زیر مجموعه ی خاص خود را دارد که در روایات به تفصیل درباره ی آنها بحث شده است. جواب تفصیلی: (۴۹) بحث درباره ی علایم ظهور کمی پیچیده و مشکل است زیرا روایات متعددی در جوامع و کتاب های روایی شیعه و همچنین اهل سنت و حتی کتاب های آسمانی و ادیان پیش از اسلام مثل مسیحیت و یهودیت و دین زرتشت و ادیان و مکاتب هندی در این باره آمده است که نیاز به مطالعه، جمع بندی و نقد و بررسی کامل دارد. گذشته از این، روایات باید از لحاظ سند و دلالت مورد دقت واقع شود. از روایات شیعه بر می آید که علایم ظهور بر دو دسته کلی تقسیم می شوند: ۱- علایم حتمی، علایمی که پیش از ظهور واقع می شوند و هیچ قید و شرطی ندارند. این علایم عبارتند از: خروج سفیانی، خروج یمانی، صیحه ی آسمانی، Ġ...نفس زکیه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان و خروج دجّال. ۲- علایم غیر حتمی که مبتنی بر شرط یا شروطی هستند که اگر آنها تحقق یابند، این علایم محقق می شوند که اینها فراوان هستند. اما از جهت دیگر علایم ظهور را به چهار دسته ی کلی می توان تقسیم نمود که به اختصار توضیح داده می شود. الف- عوامل اجتماعی: که به طور خلاصه نتیجه ی تحقق این عوامل، سقوط تمدن منحط بشری است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- انتشار ظلم وجور در سراسر جهان، به عبارت دیگر جهانی شدن و فراگیر شدن ظلم وجور. ۲- فاسق شدن حاکمان جهان: تذکر این نکته ضروری است که منظور از ظلم و فساد جهانی و فسق حاکمان این است که در سراسر جهان نظام های سیاسی مبتنی بر ظلم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تشکیل شده و حاکمان نیز بر اساس استکبار و استعمار و استبداد حکومت می کنند، البته منظور این نیست که در جهان انسان عادل و یا نظام و حکومت عادلانه پیدا نمی شود بلکه نظام حاکم بر جهان، نظام ظالمانه و فاسد خواهد بود. ۳- گرانی و نابسامانی اقتصادی که از نتایج نظام ظالمانه می باشد. ۴- پیدایش دروغگویان و دجّالان با ادّعای اصلاح جامعه. ظهور دجال از علایم حتمی ظهور است که تمام ادیان گذشته به آن اشاره کرده اند. دجّال در لغت به معنای پوشاننده حق به باطل و خدعه و مکر و حیله است و به نظر می رسد (با توجه به علایمی که در روایت ذکر شده) دجال منحصر به یک فرد نباشد بلکه عنوان کلی برای افراد و نظام های پر تزویر و حیله گری باشد که توده های مردم را می فریبد و بر سر راه حق می ایستد. برخی دجّال را به تمدن فعلی غرب سرایت دادند. ۵- افراد پست و دروغگو سخنگوی جامعه می شوند. (سفیان کارگزار جامعه می شوند) ۶- مردم صالح و صادق تکذیب و کنار گذاشته می شوند و بر عکس، مردم دروغگو، لاف زن مورد تأیید قرار می گیرند. ۷- خروج سفیانی که آن نیز از علایم حتمی ظهور است. در اینکه سفیانی فرد معینی است یا اینکه عنوان کلی برای افراد و نظام های دغل باز باشد نمی توان اظهار نظر قطعی نمود اما آنچه روشن است سفیانی فرد یا افراد و نظام های سرمایه دار، غارتگر، قدرتمند و ظالم، مرتجع و مروّج خرافات هستند. صفت ممیّزه ی آنها، تخریب وسیع جامعه می باشد.(۸) روایات اشاره دارند که سفیانی و

لشکرش در بیابان بَیْداء (سرزمینی بین مکه و مدینه) به زمین فرو می روند و تنها یک نفر که خبر فرو رفتن سپاه را منتشر می کند زنده می ماند. ۸- پیدایش جنگ و فتنه و خونریزی در جهان: در روایات به جنگی از طرف ترک، (که ظاهراً اقوامی هستند که از نسل ترک بن یافث بن نوح می باشند و امروزه در سرزمین های مغولستان، پنجاب، ترکیه، سیبری، افغانستان، هندوستان زندگی می کنند) اشاره شده است، که معنای وسیع آن کشورهای غربی را نیز شامل می شوند. همچنین روایات اشاره دارند که پیش از ظهور، ۳۲ مردم جهان کشته می شوند که از آن به عنوان علایم غیر حتمی یاد می شود. ۹- انقلاب هایی برای مبارزه با ظلم و فساد جهانی برپا می شود که برخی از آنها موفق به تشکیل حکومت می گردند. خروج و حرکت یمانی که سمبل قیام حق در برابر انحراف و گمراهی موجود در آخرالزمان است یکی از این قیام هاست. نهضت سید خراسانی (که از نسل امام حسین (علیه السلام) است و قیام به قسط می کند) از دیگر عوامل است. این دو نهضت که یکی در یمن و دیگری در ایران است از زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد. روایات اشاره دارند که حکومتی که در ایران تشکیل می شود اولا مردم را به اسلام و اهل بیت علیهم السلام دعوت می کند و ثانیاً منطقه ی تحت حکومت خود تا کوفه را از ظلم و فساد پاک می سازد و به محض ظهور امام (علیه السلام) به ایشان می پیوند و از ایشان تبعیت می کند. ب- عوامل دینی و اعتقادی که همان هدم و وارونه شدن دین است. در روایات از امیرالمؤمنان (علیه السلام)نقل شده است که در آخرالزمان نماز رها می شود، امانت ضایع می گردد، دروغ حلال می شود، ربا خواری رواج می یابد، رشوه گیری همه گیر می شود، دین به دنیا فروخته می شود، با زنان مشورت می شود، قطع رحم می گردد، مردم هوی پرست می شوند، قتل امری عادی می شود، صبر ضعف تلقی می گردد، ظلم فخر شمرده می شود، عارفان خائن می شوند، قاریان فاسق می گردند، مساجد زیبا می شوند و مناره ها بلند می گردد (اما از محتوا تهی می گردند)، عهدها شکسته می شوند و هواها مختلف می گردند. به عبارت کلی پیش از ظهور، احکام اسلام تعطیل می گردد اما این تعطیلی نسبی است یعنی صفت غالب جامعه ی بشری چنین است. چنانچه در روایات ما وارد شده است که وقتی امام (علیه السلام) ظهور می کنند با شیوه و کتاب و دین جدید حکومت می کنند که منظور این است که اسلام چنان با خرافات و قرآن با تحریف های معنوی آمیخته شده که حقیقت و باطن آن فراموش گردیده است. ج- عوامل طبیعی: از دیگر عوامل و زمینه های ظهور حضرت بلاهای طبیعی می باشد که در روایات ذکر گردیده است، مانند: صاعقه های آخرالزمان، ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی در غیر اوقات طبیعی، تغییر در جهان فلکی و اوضاع جوّی و آب و هوایی و طلوع خورشید از مغرب و... که البته این روایات نیز قابل تطبیق با بعضی از اتفاقات امروزه می باشند چنانچه استاد شهید مطهری رحمهٔ الله علیه طلوع خورشید از مغرب را به ظهور اسلام - به وسیله ی امام خمینی رحمهٔ الله علیه - از پاریس تطبیق نموده است. د- عوامل فردی و معجزه ای: ۱- صیحه و ندای آسمانی: از ظاهر روایات چنین بر می آید که پیش یا در هنگامه ی ظهور، فرشته ای در آسمان ندا می دهد و مردم را به ظهور امام (علیه السلام) بشارت می دهد، این فرشته، جبرئیل امین می باشد و ندای او در سراسر زمین شنیده می شود و هر کس به زبان و لهجه ی خود، آن ندا را می شوند اما جهت آن تشخیص داده نمی شود. در کنار این ندا، شیطان فریاد بر می دارد: عثمان مظلوم کشته شد، هدف او به شبهه انداختن مردم است. ۲- قتل و شهادت نفس زکیّه: نفس زکیّه، لقب جوانی هاشمی است که دارای مقامی بس رفیع می باشد. او با سپاه سفیانی مواجه می گردد و به مدینه پناهنده می شود و هنگامی که سپاه سفیانی به مدینه می رود، راهی مکه می شود. در مکه دعوت به آل محمد (صلی الله علیه وآله)می نماید اما بدون هیچ گناهی بین رکن و مقام مظلومانه ذبح می گردد. شهادت او وجدان جهانیان را بیدار می کند تا حدّی که مردم آمادگی بیعت با امام (علیه السلام)را پیدا می کنند. بین شهادت وی و آغاز قیام امام (علیه السلام)پانزده روز فاصله است. او نماینده و فرستاده ی امام در بین مردم می باشد. به جز علایمی که ذکر شد، نشانه های دیگری در روایات بیان گردیده است.

مفاسد دوران آخرالزمان بر چند قسم است؟

پرسش

مفاسد دوران آخرالزمان بر چند قسم است؟

پاسخ

این مفاسد رنگارنگ را میتوان به سه گروه تقسیم کرد ۱ ـ مفاسد مربوط به مسائل حقوقی و حکومتها مانند گسترش ستم، پیروزی حامیان باطل، عدم آزادی بیان و عمل، تا آنجا که افراد با ایمان گاهی تنها در دل میتوانند از ظلم و ظالم ابراز تنفّر کنند، همچنین صرف سرمایههای عظیم در مصارف بیهوده یا زیانبار و ویرانگر، توسعهٔ رشوه خواری، به مزایده گذاردن پستها و منصبها، گرایش مردم ضعیف و فاقد فرهنگ سازنده به هر قدرتی که پیروز گردد (هر کس که باشد)، همچنین صرف ثروتها در طریق جنگها و مسابقات تسلیحاتی ویرانگر و اهتمام به این مسائل حتّی بیشتر از عمران و آبادی (تا آنجا که هزینههای جنگی بر هزینههای عمرانی پیشی خواهد گرفت). و نیز هر سال راههای تازهای برای فساد و ظلم و استثمار و استعمار ابداع ...گردد و کمتر کسی در برابر ناهنجاریهای اجتماعی احساس مسؤولیّت میکند و حتّی به یکدیگر توصیه میکنند که در برابر این مسائل بی تفاوت باشند. ۲ ـ بخشی دیگری از این مفاسد مربوط به مسائل اخلاقی است مانند گسترش تملّق و چاپلوسی، چشم و هم چشمیها، تن دادن مردان به کاره.....بسیار پست (همانند ارتزاق از طریق خود فروشی همسر!) همچنین گسترش شراب و قمار و انواع سرگرمیهای ناسالم، گفتار بدون عمل، ریاکاری و .....سازی و پارتی بازی حتّی در کمک به نیازمندان، ارزیابی شخصیّت افراد به حجم ثروتشان و مانند اینها. ۳ ـ قسمت دیگری از این مفاسد به جنبههای صرفاً مذهبی ارتباط دارد مانند تحمیل خواستههای هوس آلود خویش بر قرآن و تفسیر به رأی، و جهت گیریهای شخصی و مادّی در مسائل مذهبی، ازدحام افراد آلوده و گناهکار در مساجد، اهمّیّت فوق العاده به تزیین مساجد و خالی شدن آنها از محتوا، کوچک شمردن نماز و عدم توجّه به آن و مانند اینها.

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پرسش

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پاسخ

زمان نزدیک ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) ترس و وحشت، ظلم و جنایت جهان را فرا می گیرد و از هر طرف خسارتهایی عظیم بر مردم به خصوص غیر مسلمانها وارد می شود. چنانکه در روایت آمده که پیشاپیش قائم دو نوع مرگ وجود دارد یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید، تا از هر هفت نفر، ۵ نفر از بین بروند. و در آن زمان شعله های جنگ از شرق و غرب برافروخته شده و مردم در سختی و رنج می افتند. از امام باقر(علیه السلام)روایت شده که فرمودند: قائم قیام نمی کند مگر در پی ترس و

www.noorfatemah.org

وحشت و زلزله ها و فتنه و آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن شوند که پیش از آن گرفتار طائون و بعد از آن، جنگ و خونریزی بین اعراب و ایجاد و اختلاف بین مردم پراکندگی در دین شان و دگرگونی اقوال آنان بگونه ای که در اثر مشاهده به جان هم افتادن مردم و یکدیگر را خوردن، هر کس در هر صبح و شام، آرزوی مرگ می نماید. و امام صادق(علیه السلام) فرمودند: ناگزیر قبل از قیام قائم، سالی خواهد بود که مردم در آن، از گرسنگی رنج می برند و ترس و وحشتی سخت در اثر کشتار آنان را فرا گیرد. از مجموع روایات چنین استفاده می شود که قبل از ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) جنگی عمومی در جهان رخ می دهد. اما این جنگ، جنگ جهانی سوم با شد یا جنگی بعد از آن خدا بدان آگاه است. کتابی تحت عنوان" عصر ظهور "از آقای علی کورانی با ترجمه آقای عباس جلالی انتشار یافته است جهت اطلاع از مسائل مختلف عصر ظهور مطالعه آن را توصیه می کنیم.

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای ظالم و ستمکار چه می شود؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای ظالم و ستمکار چه می شود؟

پاسخ

روایات متعددی حاکی از این است که انقلاب و ظهور حضرت بقیهٔا...(بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگیهای منطقه ای و جهانی، از مکّه معظمه آغاز خواهد شد. در منطقهٔ خاورمیانه که عموماً کشورهای اسلامی قرار دارند، دو حکومت هوادار حکومت مهدی (در ایران و یمن تشکیل می شود که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس کرده اند. و قیام وانقلاب یاران یمنی اندکی پیش از ظهور امام(خواهد بود".در عربستان نیز درگیریها و کشمکشهایی بر سر قدرت بوجود می آید و این پس از کشته شدن آخرین پادشاه به نام عبدا...است(".۱) فتنه انگیزیهای غربیها علیه مسلمانان که در روایات از آنها با نام رومیها یادشده و نیز فتنه دیگری، معروف به فتنه فلسطین، همچنین ظهور دجال و سفیانی قبل از ظهور از جمله وقایعی هستند که دامنهٔ آنها تا ظهور حضرت بقیهٔ ا...(همچنان ادامه دارد، و در واقع از جمله حوادثی هستند که به قیام امام مهدی(متصل می شوند و ظهور و قیام امام(و یارانش برای سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان مسلمانان و نبرد و درگیری با جریانات ضد بشری و ضد دینی دجال و سفیانی و رومیان خواهد بود. پیش از ظهور، دو حادثه رخ می دهد که به منزلهٔ دو نشانه الهی است، برای اینکه آن حضرت آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش آغاز کند؛ این دو حادثه عبارتند از : وقوع کودتا در شام(سوریه) به رهبری سفیانی و حادثهٔ دوم، وقوع ندای آسمانی است که همه مردم جهان آن را می شنوند که از شنیدن آن به ناله و فریاد در می آیند. طبق روایات این ندا، حضرت را با نام خود و پدرش می خواند و مؤمنین با شنیدن آن سربر سجده شکر می نهند و خود را جهت یاری وی مهیا می سازند.(۲) روایات همچنین دلالت دارد که نهضت و انقلاب مقدس مهدی موعود(در مدت چهارده ماه کامل می گردد، که شش ماههٔ اول، امام(حوادث را به طور پنهانی توسط یاران خویش رهبری می کند و در هشت ماه بعدی در مکه معظمه ظهور می کند و به سوی مدینه و آنگاه به سوی عراق حرکت کرده و با دشمنان اسلام وارد نبرد می گردد. پس از مسلط شدن بر منطقه، به سوی قدس شریف حرکت کرده و در بیت المقدس فرود می آید، بر یهودیان تسلط می یابد وعرب و غیر عرب و جنگ افروزان و

رومیان (غربی ها) همگی به اطاعت اودر می آیند و یا نابود می گردند.(۳) در این نبردها، یاران ایرانی و یمنی امام عصر، نقش مهمی در حمایت و یاری رساندن به امام(بر عهده خواهند داشت. از جمله وقایع زمان ظهور، فرود آمدن مسیح(از آسمان به زمین و نماز گزاردن آن حضرت پشت سر حضرت مهدی(و ایمان آوردن مسیحیان به امام زمان و مسلمان شدن تعداد کثیری از آنها است. زنده شدن برخی مردگان، برانگیخته شدن اصحاب کهف(۴) و پیوستن آنان به امام نیز از دیگر حوادث است. امام صادق(دربارهٔ قیام بقیهٔا...(می فرماید" :همین که قائم به پا خیزد امری جدید می آورد، همان گونه که پیامبر(در آغاز ظهور اسلام امری جدید آورد ".و نیز می فرماید" : همان می کند که رسول خدا کرد، آنچه را که پیش از آن بوده در هم فرو می ریزد، همانند پیامبر که نظام جاهلی را در هم ریخت و اسلام را از نو آورد(".۵) امام باقر(دربارهٔ علبهٔ حضرت ولی عصر(بر دشمنان می فرماید" : قائم، به سبب پیدایش ترس در دل دشمنان پیروز می گردد و فرمانروایی وسلطنت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند دین خود را بوسیله وی بر تمام مکاتب جهان پیروز می گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند و مخالف. ویرانی های زمین آباد می گردد و عیسی روحا...(به زمین فرود می آید و پشت سر حضرت نماز می گزارد و کسی باقی نمی ماند مگر آنکه به رسالت محمد(اعتراف و اقرار کند(".۶) و نیز دربارهٔ چگونگی اوضاع آن زمان پس از استقرار و حاکمیت مهدی(می فرماید" : در آن روزگار که قائم ما بر می‌خیزد ، مردم در سایهٔ حمایت او قرار می گیرند و عقلهایشان شکوفا و خصلتهای انسانی آنان کامل وبارور می گردد...، ثروت را عادلانه تقسیم می کند و عدالت را در بین مردم جاری می‌سازد. علم و حکمت چندان عمومی می شود که زنان بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا حکم می کنند.(۷) امام صادق(در این باره می فرماید" : دانش در رشته های مختلف گسترده می شود، بدان گونه که میزان مسائل علمی کشف شده با گذشته قابل مقایسه نیست(".۸) و دربارهٔ بدکاران می فرماید" : بدکاران و گنهکاران در آن روز به سیمایشان شناخته می گردند و امام و یارانش با شمشیر آنان را تنبیه می کنند(".۹) امام جواد(می فرماید : "پیوسته به کشتن دشمنان خدا ادامه می دهد تا خداوند از وی خشنود گردد(" ... .۱۰) بدین ترتیب اینگونه بدکاران به سزای اعمالشان خواهند رسید. لازم به ذکر است که لشکریان سفیانی نیز طبق روایات زمانی که عازم نبرد با امام می شوند در سرزمینی به نام بیداء در زمین فرو می روند.(۱۱) آنچه ذکر گردید، خلاصه ای از حوادث و وقایع و روایت ها و احادیث در زمینه ظهور و قیام امام زمان(است، برای اطلاع بیشتر به کتبی که در این زمینه تألیف گردیده مراجعه فرمایید. منابع و مآخذ : ۱.بحارالانوار، ج۵۲،ص ۲۱۰، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۹۲ ۲.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۹۲، ۲۹۰، ۱۱۹، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۷۹ ۳.نسخه خطی ابن حماد، ص۹۶، به نقل از همان ۴.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۷۵، بنقل از همان ، ص۳۰۵ ۵.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۸۲، بنقل از شناخت اسلام، شهید دکتر بهشتی، شهید باهنر ۶.بحارالانوار، ج۵۲،ص۱۹۱، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۷ ۷.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۱۰۶، بنقل از شناخت اسلام، ص۲۱۴، ۲۱۵ ۸.همان، روایت ۷۳،بنقل از همان ۹.غیبت نعمانی، ص۱۲۷، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۲ ۱۰.بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۵۷،بنقل از همان، ص۳۵۳ منتخب الاثر، ص۴۵۸، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص۶۴۹، تألیف سید محمد صدر

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای گناهکار چه می شود؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای گناهکار چه می شود؟

پاسخ

با سلام به شما خواهر گرامی؛ روایات متعددی حاکی از این است که انقلاب و ظهور حضرت بقیهٔا...(بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگیهای منطقه‌ای و جهانی، از مکّه معظمه آغاز خواهد شد. در منطقهٔ خاورمیانه که عموماً کشورهای اسلامی قرار دارند، دو حکومت هوادار حکومت مهدی (در ایران و یمن تشکیل می شود که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس کرده اند. و قیام وانقلاب یاران یمنی اندکی پیش از ظهور امام(خواهد بود".در عربستان نیز درگیریها و کشمکشهایی بر سر قدرت بوجود می‌آید و این پس از کشته شدن آخرین پادشاه به نام عبدا...است(".۱) فتنه انگیزیهای غربیها علیه مسلمانان که در روایات از آنها با نام رومیها یادشده و نیز فتنه دیگری، معروف به فتنه فلسطین، همچنین ظهور دجال و سفیانی قبل از ظهور از جمله وقایعی هستند که دامنهٔ آنها تا ظهور حضرت بقیهٔ ا...(همچنان ادامه دارد، و در واقع از جمله حوادثی هستند که به قیام امام مهدی(متصل می شوند و ظهور و قیام امام(و یارانش برای سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان مسلمانان و نبرد و درگیری با جریانات ضد بشری و ضد دینی دجال و سفیانی و رومیان خواهد بود. پیش از ظهور، دو حادثه رخ می دهد که به منزلهٔ دو نشانه الهی است، برای اینکه آن حضرت آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش آغاز کند؛ این دو حادثه عبارتند از : وقوع کودتا در شام(سوریه) به رهبری سفیانی و حادثهٔ دوم، وقوع ندای آسمانی است که همه مردم جهان آن را می شنوند که از شنیدن آن به ناله و فریاد در می آیند. طبق روایات این ندا، حضرت را با نام خود و پدرش می خواند و مؤمنین با شنیدن آن سربر سجده شکر می نهند و خود را جهت یاری وی مهیا می سازند.(۲) روایات همچنین دلالت دارد که نهضت و انقلاب مقدس مهدی موعود(در مدت چهارده ماه کامل می گردد، که شش ماههٔ اول، امام(حوادث را به طور پنهانی توسط یاران خویش رهبری می کند و در هشت ماه بعدی در مکه معظمه ظهور می کند و به سوی مدینه و آنگاه به سوی عراق حرکت کرده و با دشمنان اسلام وارد نبرد می گردد. پس از مسلط شدن بر منطقه، به سوی قدس شریف حرکت کرده و در بیت المقدس فرود می آید، بر یهودیان تسلط می یابد وعرب و غیر عرب و جنگ افروزان و رومیان (غربی ها) همگی به اطاعت اودر می آیند و یا نابود می گردند.(۳) در این نبردها، یاران ایرانی و یمنی امام عصر، نقش مهمی در حمایت و یاری رساندن به امام(بر عهده خواهند داشت. از جمله وقایع زمان ظهور، فرود آمدن مسیح(از آسمان به زمین و نماز گزاردن آن حضرت پشت سر حضرت مهدی(و ایمان آوردن مسیحیان به امام زمان و مسلمان شدن تعداد کثیری از آنها است. زنده شدن برخی مردگان، برانگیخته شدن اصحاب کهف(۴) و پیوستن آنان به امام نیز از دیگر حوادث است. امام صادق(دربارهٔ قیام بقیهٔا...(می فرماید":همین که قائم به پا خیزد امری جدید می آورد، همان گونه که پیامبر(در آغاز ظهور اسلام امری جدید آورد ".و نیز می فرماید": همان می کند که رسول خدا کرد، آنچه را که پیش از آن بوده در هم فرو می ریزد، همانند پیامبر که نظام جاهلی را در هم ریخت و اسلام را از نو آورد(".۵) امام باقر(دربارهٔ علبهٔ حضرت ولی عصر(بر دشمنان می فرماید": قائم، به سبب پیدایش ترس در دل دشمنان پیروز می گردد و فرمانروایی وسلطنت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند دین خود را بوسیله وی بر تمام مکاتب جهان پیروز می گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند و مخالف. ویرانی های زمین آباد می گردد و عیسی روحا...(به زمین فرود می آید و پشت سر حضرت نماز می گزارد و کسی باقی نمی ماند مگر آنکه به رسالت محمد(اعتراف و اقرار کند(".۶) و نیز دربارهٔ چگونگی اوضاع آن زمان پس از استقرار و حاکمیت مهدی(می فرماید": در آن روزگار که قائم ما بر می‌خیزد ، مردم در سایهٔ حمایت او قرار می گیرند و عقلهایشان شکوفا و خصلتهای انسانی آنان کامل وبارور می گردد...، ثروت را عادلانه تقسیم می کند و عدالت را در بین مردم جاری می‌سازد. علم و حکمت چندان عمومی می شود که زنان بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا حکم می کنند.(۷) امام صادق(در این باره می فرماید": دانش در رشته های مختلف گسترده می شود، بدان گونه که میزان مسائل علمی کشف شده با گذشته قابل مقایسه

نیست(".۸) و دربارهٔ بـدکاران می فرمایـد" : بـدکاران و گنهکاران در آن روز به سیمایشان شناخته می گردنـد و امام و یارانش با شمشیر آنان را تنبیه می کنند(".۹) امام جواد(می فرماید" : پیوسته به کشتن دشمنان خدا ادامه می دهد تا خداوند از وی خشنود گردد(" ... .۱۰) بـدین ترتیب اینگونه بـدکاران به سزای اعمالشان خواهند رسید. لازم به ذکر است که لشکریان سفیانی نیز طبق روایات زمانی که عازم نبرد با امام می شونـد در سرزمینی به نام بیداء در زمین فرو می روند.(۱۱) آنچه ذکر گردید، خلاصه ای از حوادث و وقایع و روایت ها و احادیث در زمینه ظهور و قیام امام زمان(است، برای اطلاع بیشتر به کتبی که در این زمینه تألیف گردیده مراجعه فرمایید. منابع و مآخذ : ۱. بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۱۰، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۹۲ ۲.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۹۲،۲۹۰،۱۱۹، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۷۹ ۳.نسخه خطی ابن حماد، ص۹۶، به نقل از همان ۴.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۷۵، بنقل از همان ، ص۳۰۵ ۵.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۸۲، بنقل از شناخت اسلام، شهید دکتر بهشتی، شهید باهنر ۶.بحارالانوار، ج۵۲،ص۱۹۱، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۷ ۷.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۱۰۶، بنقل از شناخت اسلام، ص۲۱۴،۲۱۵ ۸.همان، روایت ۷۳،بنقل از همان ۹.غیبت نعمانی، ص۱۲۷، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۲ ۱۰.بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۵۷،بنقل از همان، ص۳۵۳ ۱۱.منتخب الاثر، ص۴۵۸، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص۶۴۹، تألیف سید محمد صدر

احادیث، روایات و مستندات زیادی دربارهٔ ظهور حضرت حجه (عج) آمده است. از جمله حوادث عراق و ...، آیا انشاء الله امید زیادی به ظهور آقا هست و یا اینکه ممکن است مواردی قبلاً دربارهٔ فرج ذکر شده باشد ولی امروزه به دلایلی منسوخ شود. و آیا خیلی از علما وعده هایی از

پرسش

احادیث، روایات و مستندات زیادی دربارهٔ ظهور حضرت حجه (عج) آمده است. از جمله حوادث عراق و ...، آیا انشاء الله امید زیادی به ظهور آقا هست و یا اینکه ممکن است مواردی قبلاً دربارهٔ فرج ذکر شده باشد ولی امروزه به دلایلی منسوخ شود. و آیا خیلی از علما وعده هایی از فروپاشی آمریکا داده اند نظر شخصی بوده یا اشاره ای از بالا.

پاسخ

در پاسخ عرض می کنیم که روایات متعدد حاکی از آن است که انقلاب و ظهور حضرت بقیه الله (عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگیهای منطقه ای و جهانی صورت خواهد گرفت. فتنه انگیزیهای غربیها علیه مسلمانان که در روایات از آنان با نام رومیها یاد شده، فتنه فلسطین، ظهور دجال و سفیانی و بحران عراق از جمله وقایعی هستند که دامنه آنها تا ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه همچنان ادامه دارد. و در واقع از جمله حوادثی هستند که متصل به قیام و ظهور امام مهدی (عج) می باشند، و انقلاب امام عصر (عج) و یارانش برای سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان مسلمانان و نبرد و درگیری با جریانات ضد بشری و ضد دینی دجال و سفیانی و رومیان و سرکردگان آنهاست. بنابراین با توجه به حوادث پیش آمده در عالم و اوضاع بحرانی منطقه خاورمیانه و لجام گسیختگی قوم یهود و حضور رومیان (غربیها) در منطقه و دخالت مستقیم آنان در امور مسلمین و وجود فساد در اکثر امور، همه دلالت بر این دارد که انشاء الله ظهورحضرت ولی عصر (عج) نزدیک است. در پاسخ به بخش دوم پرسش شما باید عرض کنیم که انحطاط و نابودی زمانی گریبانگیر ملتی می گردد که گرفتار فساد در زمینه های اعتقادی، اخلاقی، و اقتصادی شونـد، و این همه در

مورد جامعه غرب بخصوص آمریکا صادق است بنابراین فروپاشی چنین نظامی حتمی است و تردیدی در آن نیست، بلکه مقدمات آن نیز با تجاوز به عراق و هتک حرمت قبور شریف ائمه علیهم السلام و به خاک و خون کشیدن افراد بی گناه فراهم گشته، و البته این شکست بدست مبارک حضرت ولی عصر صورت می پذیرد. در روایت آمده است که خداوند رومیان (غربیان) را بدست حضرت مهدی (عج) شکست خواهد داد.(۱) و نیز طبق روایات رومیان در فلسطین و شام شکست فاحشی را از سپاه حضرت بقیه الله (عج) متحمل خواهند گشت.(۲) لازم به ذکر است که در روایات مربوط به آخرالزمان و ظهور امام مهدی (عج) مراد و منظور از رومیان، ملل اروپایی و در قرنهای اخیر گسترش آنان در آمریکا می باشد که فرزندان رومیان و وارثان امپراطوری روم قدیم هستند.
منابع و مآخذ: ۱ـ عصر ظهور، ص۳۳۶، علی کورانی ۲ـ عصر ظهور، ص۳۴۸، علی کورانی

آیا سخنانی که دربارهٔ ظهور امام زمانغ گفته می‌شود، حقیقت دارد؟

پرسش

آیا سخنانی که دربارهٔ ظهور امام زمانغ گفته می‌شود، حقیقت دارد؟

پاسخ

در مجموعه‌های روایی شیعه و سنّی برخی از علایم ظهور امام زمانغ روایت شده که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از میان علایم ظهور، گرچه برخی به وقوع پیوسته ولی برخی از آن‌ها هنوز رخ نداده و در مجموع با توجه به روایات ظهور آن حضرت را می‌توان نزدیک ارزیابی کرد. در پایان شما را به این نکته توجه می‌دهیم که هر چند ظهور آن حضرت ـ براساس آن چه گفتیم ـ نزدیک است ولی هیچ کس از زمان دقیق ظهور آگاه نیست و روایات نیز بر این نکته تصریح کرده کسانی را که برای ظهور، زمان خاصی را تعیین می‌کنند، دروغ گو خطاب کرده است مرحوم کلینی در کتاب کافی از امام صادق‌روایت کرده که فرمود..."کَذَبَ الوقّاتون انا اهل‌البیت لانوِّقت (کافی ج ۱، ص ۳۶۸، حدیث ۳، دارالکتب الاسلامیهٔ) همچنین از امام باقر۷ نقل کرده که در پاسخ شخصی که از زمان ظهور پرسید، سه بار فرمود": کذب الوقاتون کذب الوقاتون کذب الوقاتون ..(همان ج ۱، ص ۳۶۸، حدیث ۵ ;.)کسانی که برای ظهور زمان تعیین می‌کنند، دروغگویند. "...پرسشگر گرامی با توجه به این که پرسش از روشنی لازم برخوردار نیست چنانچه پاسخ ارسالی کافی نباشد، پرسش خود را در نامهٔ بعدی با بیانی روشن‌تر بفرستید، تا پاسخ مقتضی داده شود.

مهم‌ترین مسایل امنیتی در آخرالزمان از سوی قرآن چه معرفی گشته است

پرسش

مهم‌ترین مسایل امنیتی در آخرالزمان از سوی قرآن چه معرفی گشته است

پاسخ

آخرالزمان بخش واپسین دوران را گویند که به قیامت می‌پیوندد. این واژه اصطلاحی شناخته شده در بین پیروان ادیان آسمانی است و برگرفته از مضمون مجموعه روایاتی است که به پیش‌گویی از رویدادهای مهم در پایان دوران نسل بشر، پرداخته‌اند.(معارف و معاریف حسینی دشتی واژه آخرالزمان) از مطالب پیشین می‌توان نتیجه گرفت که آخرالزمان به زمان پیش از ظهور حضرت مهدیغ و هنگام ظهور آن حضرت اطلاق می‌شود. و چون امری نسبی است تعیین دقیق آن ـ مثلاً ـ یک قرن یا دو قرن ـ مشکل است امنیت یکی از مسایل مهم هر جامعه‌ای است و بخش‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را شامل می‌شود. در این پاسخ نامه به دیدگاه کلی اسلام درباره امنیت و مسایل مربوط به آن می‌پردازیم که از این رهگذر، مسایل امنیتی آخرالزمان به ویژه زمان حضرت مهدی که امنیت جامعه در آن زمان به شیوه کاملی وجود خواهد داشت روشن خواهد شد" ;وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَ عَمِلُواْ الصَّـلِحَـتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الاْ? رْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِى ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا(;نور،۵۵) از نظر اسلام در جامعه امن و آرام روابط اجتماعی بر اصل ضوابط استواراست و حق و تکلیف معیار رابطه‌ها است با امنیت اجتماعی منافع همه تامین می‌شودو حق هر حقداری تامین می گردد. تضاد و درگیری به حداقل می‌رسد. در جامعهٔ اَمن قانون حاکم است و حتی مجری قانون از قانون بیم دارد. در جامعهٔ امن بیم هراس دلهره و نگرانی در مردمان نیست کسی از کسی بی جهت نمی‌ترسد و سرمایه داران و منتفذان بر جامعه تسلط ندارند. در جامعه امن هر کسی ادعای بحق و سخن درستی داشت می‌تواند بی بیم بر زبان آورد و حق و نظر خود را اظهار کند ;چنان که حضرت علی‌از پیامبر اکرم نقل می کند": امتی که ضعیف آن نتواند حق خویش را بی لکنت زبان از قومی بگیرد، قابل احترام نیست " حضرت مهدیغ پدیدآورنده امنیت اجتماعی و فردی است امنیتی که بشریت در همه دوران تاریخ خود، مانند آن را ندیده است او در جامعهٔ عدالت بنیاد خود، همهٔ معیارها و ضوابط غیر انسانی و نادرست را کنار می‌زند و عوامل دلهره نگرانی ترس را نابود می کند. بیم آفرینان و هراس‌انگیزان را از سر راه جامعه بر میدارد. و اعمال نفوذها و قانون‌شکنی‌ها را نفی می کند و حرکت جامعه و روابط اجتماعی را بر پایه‌های قانون و عدل و احترام به حقوق و ارزش انسان استوار می‌سازد.(ر.ک عصر زندگی محمد حکیمی ص ۱۹۶، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی) در ذیل به برخی از شیوه‌های اجرایی حضرت که نقش مهمی در برقراری امنیت فردی و اجتماعی دارد اشاره می کنیم این شیوه‌ها برگرفته از احادیثی است که از پیشوایان معصوم درباره حضرت مهدی و حکومت ایشان به یادگار مانده است ۱.سیره عملی به هنگام ظهور حضرت مهدیغ آنچه هست دوستی و یگانگی است تا آن جا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب آن دیگری بی هیچ ممانعتی بر می‌دارد. ۲.سیرهٔ انقلابی حضرت مهدیغ حق هر حقداری را خواهد گرفت حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون خواهند کشید، و به صاحب حق باز خواهند گرداند. ۳.سیرهٔ سیاسی به هنگام حکومت حضرت مهدیغ حکومت جبّاران و مستکبران نفوذ سیاسی منافقان و خائنان نابود می گردد. شهر مکّه قبلهٔ مسلمانان مرکز حرکت انقلابی حضرت مهدی می‌شود... و ایشان به نفوذ یهود و مسیحیت در جهان خاتمه خواهند داد. ۴.سیره اجتماعی چون حضرت مهدیغ ظهور کنند ـ پس از سختی‌ها که افتد، و جنگها که رود ـ ظلم و ستم را بر می‌اندازد، و سراسرزمین را از عدل و داد پر خواهد کرد... عدالت حضرت مهدی چنان باشد، که بر هیچ کس در هیچ چیز، به هیچ گونه ستمی نخواهد شد. ۵.سیره اصلاحی حضرت مهدیغ مردم جهان را، از آشوبی بزرگ و همه گیر و سر در گُم نجات می‌بخشد. در جهان جای ویرانی نمی‌ماند، مگر آن که مهدیغ آن جا را آباد سازد. ۶.سیره قضایی در قضاوت‌ها و احکام حضرت مهدی و در حکومت وی سر سوزنی ظلم و بیداد بر کسی نمی‌شود، و رنجی بر دل کسی نمی‌نشیند.(ر.ک خورشیدمغرب محمد رضا حکیمی ص ۳۰ـ۳۵، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی)

در رابطه با ظهور امام زمان (عج) روایاتی هست که اشاره به بعضی قیامها نموده است در حالیکه در شرایط فعلی غیر ممکن است چگونه

www.noorfatemah.org

توجیه می کنید؟

پرسش

در رابطه با ظهور امام زمان (عج) روایاتی هست که اشاره به بعضی قیامها نموده است در حالیکه در شرایط فعلی غیر ممکن است چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ

این که گفته‌اید برخی از قیام‌ها در شرایط فعلی جهان غیر ممکن به نظر می‌رسد، از طرفی مجمل است؛ یعنی، معلومنیست منظور شما کدام یک از آنهاست و از طرف دیگر دلیلی بر عدم امکان آنها وجود ندارد. دنیایی که ما در آن زندگیمی‌کنیم، جهانی سخت بی‌ثبات است و در هر لحظه امکان وقوع هزاران حادثه و رخداد غیر مترقّبه وجود دارد. ازطرف دیگر ممکن است تصوّری که شما از روایات دارید به گونه‌ای باشد که وقوع این حوادث را ناممکن تلقّی کند.خلاصه آنکه نمی‌خواهیم بگوییم حتما همه این امور پدیدار خواهند شد؛ ولی هیچ دلیلی هم بر عدم امکان آنها وجودندارد.{J

می دانیم از نشانه های ظهور امام زمان(عـج) این است که زنان شبیه مردان می شونـد و دنیاطلب می شوند. خیلی می ترسم که یکی از این افراد شوم مخصوصا وقتی به دانشگاه می روم چنین احساسی دارم چه کنم تا از این افراد نباشم؟

پرسش

می دانیم از نشانه های ظهور امام زمان(عـج) این است که زنان شبیه مردان می شونـد و دنیاطلب می شوند. خیلی می ترسم که یکی از این افراد شوم مخصوصا وقتی به دانشگاه می روم چنین احساسی دارم چه کنم تا از این افراد نباشم؟

پاسخ

از نشانه‌های ظهور فراگیر شدن جهان از ظلم و جور است چنانچه از خود حضرت مهدی(عج) نقل شده: علامهٔ ظهوری کثرهٔ الهرج والمرج والفتن... نشانه آشکار شدن من، زیاد شدن هرج و مرج و فتنه‌ها و آشوب‌هاست{M(بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰). گاهی نیز نشانه‌های ظهور به عنوان زیاد شدن گناهان و مفاسد اخلاقی و اجتماعی در میان مسلمانان بیان شده است. علامه مجلسی در باب نشانه‌های ظهور، روایتی از امام صادق(ع) آورده که در آن بیش از یکصد نوع انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی وفرهنگی که در دوران غیبت، دامن‌گیر جوامع اسلامی می‌شود، پیش‌گویی شده است(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.) از جمله: رشوه‌خواری، زیاد شدن زنا و لواط، سنگدل شدن مردم، اهتمام مردم تنها به شهوت و شکم، از میان رفتن شرم و... و رأیت النّساء یتخذن المجالس کما یتخذها الرجال زنان در جامعه و مجالس، به مانند مردان حضور و ظهور می‌یابند{M و علامت‌هایی از این قبیل. زیاد شدن مفاسد و آلودگی‌ها در میان مردم، در واقع، نوعی فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش در میان مردم بوده، مهم این است که منکر بر معروف و ضد ارزش‌ها بر ارزش‌ها غلبه پیدا می‌کند. سخن از زیاد شدن ظلم و ستم و گناه و

کم شدن افراد صالح است، نه این که همه مردم کافر شوند یا افراد صالح هیچ نباشند. در همان حال که تباهی همه جا را فرا گرفته است، افراد پاکباخته، متعهد و صالحی هستند که زمینه قیام آن حضرت(عج) را آماده می‌سازند و در حمایت از آن منجی بزرگ به جهاد برمی‌خیزند. در روایات همان طور که از گسترده شدن ظلم و ستم به عنوان علائم ظهور یاد شده است به این نکته نیز اشاره شده که جامعه منتظر مهدی، باید در به پا داشتن ارزش‌ها و مبارزه با ضدارزش‌ها، تلاش جدی بکنند و منتظران به تهذیب نفس بپردازند و... تهذیب نفس و پاک‌سازی درون از صفات و خوی‌های زشت، و زیور دادن آن به وسیله اخلاق پسندیده، در هر زمانی واجب است. چنان که قرآن می‌فرماید قد افلح من تزکی به درستی کسی که خود را پاک نماید، رستگار می‌شود {M(شمس، آیه ۹.) اما اهمیت تزکیه نفس در دوران غیبت امام عصر(عج) از جهت آن است که قرار گرفتن در زمره اصحاب آن حضرت، بستگی تمام به آن دارد وجود نازنین آقا مهذب‌ترین و پاک‌ترین انسان است پس درک فضیلت صحبت او و قرار گرفتن در صف یاران حضرت به تهذیب نفس نیاز دارد. در دعایی بعد از «زیارت آل یس» علامه مجلسی در بحارالانورار، ج ۱۰۲، ص ۸۱ به نقل از احتجاج طبرسی آورده: از ناحیه مقدسه حضرت ولی‌عصر(عج) به محمد حمیری آمده: هرگاه اراده نمودید به وسیله ما به سوی خداوند و به سوی ما توجه نمایید «زیارت آل یس» را بخوانید. این زیارت از جانب خداوند متعال است.) می‌خوانیم: اللهم انصره وانتصر به لدینک وانصُر به اولیائک و اولیائه و شیعته و انصاره واجعلنا منهم ای خدا! به امام زمان نصرت عطا فرما و به واسطه او دینت و دوستانت و شیعیان و یاوران و دوستان او را یاری فرما و ما را از دوستان و شیعیان حضرت قرار ده {M (مفاتیح‌الجنان) پس یکی از مهمترین تکالیف در دوران غیبت کبرای مولایمان صاحب‌الزمان(عج) تهذیب نفس است «نعمانی» از امام صادق(ع) روایتی آورده که حضرت می‌فرماید: هر کس دوست دارد از اصحاب حضرت قائم(عج) باشد، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر باشد، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم(عج) بپا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید. گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند (مکیال‌المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۳۷) و تهذیب نفس و پاکسازی درون امری عمومی است که م مردان و هم زنان مسلمان و شیعه باید به آن عمل کنند و اختصاص به قشر و نوع و جنس خاصی از جامعه ندارد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- خورشید مغرب، علامه محمد رضا حکیمی ۲- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری

درروایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است چرا دینداری در آخرالزمان سخت تر از زمان های دیگر است ؟

پرسش

درروایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است چرا دینداری در آخرالزمان سخت تر از زمان های دیگر است ؟

پاسخ

اگر حفظ دین در اخر الزمان دشوار است به همان نسبت به عوامل و مینه‌های دیندار شدن نیز بهتر و بیشتر فراهماست. برای نمونه در هیچ زمانی به اندازه زمان ما ابزار و وسایلی که بتوان به کمک آنها دین را شناخت فراهم نبودهاست: مانند کتاب، صوت، تصویر و نیز گسترش دانش و معارف. اگر در گذشه شخصی برای استماع حدیثی فرسنگ‌هاراه سمت بیابان را طی می‌نمود امروز با زدن

چند کلید رایانه و یا مراجعه ساده به کتابها و نیز امواج رادیویی و تصویریو... می‌تواند به همان اطلاعات دسترسی پیدا کند. علاوه بر آن که مردم آخر الزمان ازعقل و هوش بیشتری برخوردارنـد از امام سـجاد(ع) نقل شـده که فرمودنـد: خداوند آیات سوره توحید و نیز اول سوره حشـر را برای مردم آخر الزمـان نـازل کرده است. چرا که مردم آخر الزمـان از عقل و بینش بالاتری برخوردارنـد، بنابر این از این جهت هیچ بی‌عدالتی صورت نگرفتهاست. از زاویه دیگر ایمان در آخرالزمان ارزش بیشتری نیز دارد.{J

معنای این جمله که می گویند زمان ظهور از اسلام و قرآن چیزی جز نام باقی نمانده است چیست ؟

پرسش

معنای این جمله که می گویند زمان ظهور از اسلام و قرآن چیزی جز نام باقی نمانده است چیست ؟

پاسخ

بر فرض که حـدیث مـذکور، مربوط به زمـان ظهور باشـد. (چون ممکن است مربوط به برخی از ادوار آخر الزمانباشـد). اولاً، ما که هنوز آن زمـان را ندیـده‌ایم تـا قضـاوت کنیم که آیـا چنـان هست یـا نیست. ثانیـا، این قبیل تعبیرات اصـطلاحا «غالبی» هسـتند یعنی وضـعیت غـالب مسـلمانان چنین است، هر چنـد عـده‌ای و یا حتی کشوری چانناباشـند. ثالثا، گرچه در کشور ما اکنون تلاش زیادی برای برقراری احکام و اخلاق قرآن صورت می گیرد ولی هنوز در عمل فاصله زیادی بینآرمان‌های قرآن و واقعیات وجود دارد.

آیا در عصر نزدیک به ظهور همه مردم از دین فاصله می گیرند یا اینکه بطرف دین بیشتر می آیند؟

پرسش

آیا در عصر نزدیک به ظهور همه مردم از دین فاصله می گیرند یا اینکه بطرف دین بیشتر می آیند؟

پاسخ

- این دو منافاتی با یکـدیگر ندارنـد. عالمگیر شـدن فساد قبل از ظهور امام‌زمان(عج) به معنای فاسد بودن همه انسان‌ها نیست؛ بلکه انسان‌هـای صالـح بسـیاری در همـان زمـان نیز به مبارزه با فساد مشـغول‌اند؛ ولی علی‌رغم توصـیه همه ادیان و مصـلحان به اصـلاح، قدرت‌ها بر روی زمین فساد می کنند به گونه‌ای که همه جا را فساد دربرمی گیرد. بررسی اصولی موضوع مطرح شده بپردازیم به نظر می‌رسـد اشاره به سـیر تاریخی این برداشت از موضوع ظهور امام زمان و زمینه‌های آن، به عنوان مقـدمه مفیـد باشـد. در طول تاریخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسـایش طلبـانه در برخی پدیـد آمـده و آنـان بهانه‌ای می‌طلبنـد تا از زیر بار مسـئولیت شانه خـالی کننـد! حـال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشـته باشـد. از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می‌افتد و حتی برخی پنداشـته‌اند که باید به ظلم و فساد نیز کمک کرد و در گسترش آن کوشـید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟! این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است. زیرا:

اولاً – هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و ... مشروط به چنین شرطی نیست، یعنی تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند. یعنی آن که عمل به آنها الزامی است، چه موجب تسریع در ظهور یا تأخیر آن شود. ثانیاً – هیچ یک از آموزه‌های دین نمی‌تواند ارکان واساس دین را معطل نماید. اگر فرض کنیم (به فرض محال) پی گیری تعالیم دین موجب تأخیر در ظهور شود، باز عمل به آن تعالیم واجب است. ثالثاً – فساد نیازی به کمک ندارد. اگر بسیاری از مردم جهان نیز با فساد به مبارزه برخیزند باز فساد ریشه‌کن نخواهد شد بلکه هر روز بر توسعه قلمرو خود خواهد افزود و زمینه برای ظهور فراهم خواهد شد. رابعاً – آیا معقول است که ما در سراسر عمر خود که چه بسا به ظهور منجر نگردد دست روی دست بگذرایم و همه آیات و روایات را به کناری بگذرایم بدین بهانه که ما می‌خواهیم در ظهور تعجیل گردد آیا این عذری خدا پسندانه است؟!

با وجود جنگ امریکا و عراق فکر نمی کنید دوره آخرالزمان است و آیا قبلاً در این مورد حدیثی یا آیه ای نازل نشده است؟

پرسش

با وجود جنگ امریکا و عراق فکر نمی کنید دوره آخرالزمان است و آیا قبلاً در این مورد حدیثی یا آیه ای نازل نشده است؟

پاسخ

مدت زمان پاک شدن جهان از فساد معلوم نیست اما وقایع دوران ظهور را می‌توان ترسیم نمود. ترسیم تفصیلی عصر ظهور امکان‌پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می‌کنیم: روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می‌گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی‌ها و ترکان و یا هواداران آنها به وجود می‌آید تا جایی که منجر به جنگجهانی می‌گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می‌شوند که سرانجام در آن پیروز می‌گردند. اندک زمانی پیش ازظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد. اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می‌آید همکاری می‌نماید. از جمله نشانه‌های ظهور حادثه‌ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد. در این هنگام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می‌شود پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می‌نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل‌ها جای می‌گیرد. دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می‌کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین‌رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می‌اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می‌کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می‌یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان‌های مختلف به تمام جهان ابلاغ می‌کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام

می‌دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه‌ای که جد گرامی‌اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می‌شوند به وقوع بپیوندد. آن حضرت پس از این معجزه با سپاه خود که متشکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسپار مدینه می‌شود و پس از نبردی با نیروهای دشمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می‌یابد. وی پساز پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می‌شود و در آنجا با سپاه ایران و توده‌های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی‌خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن در بصره به پیکار می‌پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دستمی‌یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی و گروه‌های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می‌رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می‌دهد و بدین‌سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج‌فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی‌آید. بعد از آن جنگ‌هایی با ترکان و یهودیان صورت می‌پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاه حضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. فرود آمدن حضرت عیسی(ع) برای جهان علامت و نشانه‌ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت‌های مسیحی خواهد گردید. به نظر می‌رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی‌ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می‌شود. اما غربی‌ها بعد از دو سال پیمان صلح را می‌شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام و فلسطین یورش می‌آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می‌شوند. سپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه‌ای که دست‌بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می‌سپارد. پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد. به نظر میرسد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی بهره‌گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام(عج) جامعه بشری به آن دست می‌یابد. دجال از روش‌های پیشرفته چشم‌بندی، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشترپیروان او را تشکیل می‌دهند استفاده می کند. ازاین‌رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می‌آورد که فریبکاری‌های او را باور می کنند اما حضرت مهدی(عج) نیرنگ‌های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه می‌بخشد. این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسلامی). اما علائم و نشانه‌های ظهور که هر یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت(عج) است فراوان است که به ذکر مهم‌ترین آنها اکتفا می کنیم: ۱- خروج سفیانی: سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می‌جنگد. امام صادق(ع) فرمود: «ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲). ۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است. علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور

قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می‌رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می‌برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷). ۳- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند. امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب‌الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند. ۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک. امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه‌روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴). ۵- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می‌شود. امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده‌ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می‌شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی‌هاییاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده‌زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است. راجع به حوادثی که قبل از ظهور در عراق اتفاق می افتد نیز روایاتی داریم مانند: الف) «و شمول اهل العراق خوف لا- یکون معه قرار» در آن زمان اهل عراق را ترسی فرا می یگرد که آسایش را از مردم آن سلب می کند (بحار، ج ۵۲، ص ۲۲۱). ب) «و خسف ببغداد» ؛ «و خسف المزوره و هی بغداد» فرو رفتگی در بغداد (همان). ج) «ان المصر امنت من الخراب حتی تخرب البصره» در آن زمان مصر در امان می ماند تا این که بصره خراب شود. سپس مصر خراب گردد (جهان در آینده، ص ۵۷). د) «منعت العراق درهما و قفیزها» پول و غذا در عراق نایاب می شود (جهان در آینده، ص ۵۹). البته حوادث عراق از نشانه های عمومی نزدیکی ظهور است نه نشانه های اختصاصی (مانند قیام سفیانی و سید حسنی و...) و نکته قابل توجه دیگر این است که چه راجع به حوادث عراق و چه سایر نشانه های عمومی ظهور انسان نمی تواند یقین کند این حادثه همان حادثه وعده داده شده است یا شبیه آن است و واقعه اصلی در زمان دیگری به وقوع خواهد پیوست.

آیا به نظر شما نیز نشانه های ظهور نزدیک است یا این تصوراتی است که ما داریم ؟

پرسش

آیا به نظر شما نیز نشانه های ظهور نزدیک است یا این تصوراتی است که ما داریم ؟

پاسخ

مراد از نشانه‌های ظهور، وقایع، رویدادها و اموری است که پیش از ظهور تحقق پیدا می‌کنند. یعنی تحقق و پیدایش آنها، اعلام نزدیکی ظهور است، اما ارتباط و وابستگی حقیقی ندارد که گفته شود حتماً با پیدایش آنها، ظهور انجام خواهد شد. زیرا هنگام ظهور امام مهدی (عج) را هیچ کس جز خدای متعال آگاه نیست و در احادیث بسیاری نقل شده است که افرادی که هنگام ظهور را تعیین نمایند، دروغگو هستند. زیرا فلسفه و حکمت غیبت با تعیین وقت ناسازگار است. در پاره‌ای از روایت‌ها برای ظهور آن امام (عج) نشانه‌هایی ذکر شده است، برخی از آنها نشانه‌های دوره آخرالزمان است که آنها را نشانه‌های غیرحتمی هم می‌گویند. چه این که در روایت‌ها نشانه‌های ظهور، به حتمی و غیرحتمی تقسیم شده‌اند.۱ این که گاهی گفته می‌شود نشانه‌های ظهور محقق

شده است، مراد تحقق نشانه‌های دوره آخرالزمان است. مانند گسترش فساد، آشکارا نوشیدن شراب، تأویل دین براساس هوا و هوس، سوگندهای دروغ به خدا خوردن و...۲ در روایت‌ها پاره‌ای از نشانه‌های حتمی ظهور امام عصر (عج) چنین بیان شده است: خروج یمانی، سفیانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فرو رفتن در بیابان۳. به بیان دیگر در پاره‌ای نشانه‌ها، مدت معینی میان پیدایش آن و ظهور اشاره شده است مانند قیام سفیانی، اما پاره دیگر نشانه‌ها، مدت زمان فاصله میان پیدایش آنها و ظهور مضبوط نمی‌باشد. پی‌نوشت‌ها: ۱. فضیل بن یسار از امام باقر (ع) روایت می‌کند که فرمود: «نشانه‌های ظهور دو دسته است. دسته‌ای غیرحتمی و دسته‌ای حتمی. خروج سفیانی از نشانه‌های حتمی است که راهی جز آن نیست». (شیخ نعمانی، الغیبهٔ، ترجمه جواد غفاری، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳، چاپ اول، باب ۱۸، ص ۴۲۹). ۲. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ تا ۲۶۰. ۳. شیخ صدوق, کمال الدین و تمام النعمهٔ, دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم , چاپ سوم ص ۶۵۰.

آیا بعد از امام خامنه ای رهبرمان امام زمان است و او در این نزدیکی ها ظهور خواهد کرد و چشم ما به جمالش روشن خواهد شد یا نه و اگر امام زمان ظهور نکرد رهبر چه کسی خواهد بود یا حداقل چه کسی برازنده این کار است که رهبری شیعیان را بر عهده گیرد.اگر امکان دارد یک

پرسش

آیا بعد از امام خامنه ای رهبرمان امام زمان است و او در این نزدیکی ها ظهور خواهد کرد و چشم ما به جمالش روشن خواهد شد یا نه و اگر امام زمان ظهور نکرد رهبر چه کسی خواهد بود یا حداقل چه کسی برازنده این کار است که رهبری شیعیان را بر عهده گیرد.اگر امکان دارد یک دست نوشته از رهبر مان برایم بفرستید.

پاسخ

نسبت به زمان ظهور امام زمان (عج) هیچکس نمی تواند زمان مشخص و معینی رااعلام کند، زیرا غیر از خداوند هیچکس نسبت به آن آگاهی ندارد. آنچه که در برخی از روایات درباره زمان ظهور امام زمان(ع) آمده است، نشانه‌ها و علایمی است که بر اساس آنها برخی از علما و صاحب نظران اظهار نظرهایی نسبت به نزدیک بودن و یا نزدیک نبودن زمان ظهور کرده‌اند. اما هیچ یک از آنان به طور قطع چنین اظهار نظرهایی را مطرح نکرده‌اند. از این رو، نمی توان گفت که در این نزدیکی‌ها آیا امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد یا خیر. نسبت به شخصیتی که شایستگی رهبری شیعیان را پس از آیت الله خامنه ای خواهد داشت، لازم است به دو نکته توجه کرد: نخست ، آنکه رهبری شیعیان بر دو گونه است: رهبری معنوی و مذهبی و رهبری سیاسی. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مراجع بزرگ شیعه نقش رهبری معنوی و مذهبی شیعیان را بر عهده داشتند و در مواقعی، رهبری سیاسی را نیز در اختیار گرفته و در تحولات سیاسی اجتماعی نیز نقش مهمی را ایفا می‌کردند. اما پس از انقلاب اسلامی، رهبری مراجع بلحاظ معنوی و مذهبی هر چند که حفظ شد، اما در وجود امام خمینی این دو بعد رهبری جمع گردید و امام خمینی هم رهبری مذهبی و هم سیاسی را در ایران و نسبت به شیعیان جهان بر عهده گرفتند. پس از امام خمینی نیز این مسأله در وجود آیت الله خامنه ای تداوم یافت. از این رو، در پاسخ به سؤال حاضر، پس از رهبری آیت الله خامنه ای نیز اگر چه مراجع بزرگ شیعه نقش رهبری مذهبی را همچنان بر عهده خواهند داشت امام جانشین وی نیز می تواند ایفا کننده دو نقش رهبری مذهبی و سیاسی باشد. نکته دوم، در خصوص تعیین فرد واجد شرایط رهبری پس از آیت الله خامنه ای ، باید گفت که این امر در قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران منعکس شده است. تعیین فرد واجد شرایط برعهده مجلس خبرگان است. مجلس خبرگان بر اساس وظایف قانونی خود می تواند فرد واجد شرایط برای رهبری را انتخاب نماید. شخصی که از سوی این مجلس انتخاب شود قهراً رهبری سیاسی و مذهبی را بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدست می‌آورد. ضمن آنکه در کنار وی ، مراجع تقلید شیعه همچنان از مرجعیت و رهبری مذهبی برخوردار خواهند بود.

آخرالزمان یعنی چه؟ اوضاع جهان و مردم جهان در دوره آخرالزمان چگونه است؟

پرسش

آخرالزمان یعنی چه؟ اوضاع جهان و مردم جهان در دوره آخرالزمان چگونه است؟

پاسخ

«آخرالزمان» اصطلاحی است که در ادیان گوناگون به معنای دوران پایانی زندگی انسان در دنیا و عصر پیش از برپایی قیامت می‌باشد.۱در دین اسلام، این اصطلاح در دو معنا به کار می‌رود. نخست دوران نبوت پیامبر اسلام(ص) تا برپایی قیامت و دوم دوران غیبت و ظهور امام مهدی(عج). علت به کار بردن این اصطلاح در معنای نخست این است که پیامبر اکرم(ص) آخرین فرستاده خدا می‌باشد و دین اسلام آخرین دین، پس دوران این دین به آخرالزمان معروف شده است و علت به کار بردن اصطلاح در معنای دوم، این است که امام مهدی(عج) آخرین امامان معصوم(علیهم‌السلام) می‌باشند و دوران امامت ایشان که شامل دو دوره عمده غیبت (صغری و کبری) و ظهور می‌باشد، دوران پایانی امت حضرت محمد(ص) می‌باشد. در قرآن کریم برخی آیه‌ها دگرگونی‌های آخرالزمان را بیان می‌دارد که بیان‌گر نوعی فلسفه تاریخ است که جریان تاریخ منتهی و منجر به شکوفایی و تکامل انسانها و اجتماع بشر می گردد. مانند: «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین؛ همانا زمین از آن خداست که به هر که از بندگانش بخواهد آن را به ارث می‌دهد و سرنوشت خیر و حسن عاقبت از آن پرهیزکاران است.۲ «ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین، انهم لهم المنصورون؛ همانا عهد ما درباره بندگان فرستاده ما پیشی گرفته است که البته همان‌ها بر کافران پیروز شوند.»۳از این روی اوضاع جهان و مردم آن در این دوره رو به بهبودی و تکامل خواهد رفت و آخرالزمان به معنی پایان همه چیز نیست. یعنی پس از سپری کردن دوره‌های آشفتگی که نقطه اوج آنها رخ داده است، اعتدال و تکامل بر جهان حکم‌فرما می‌شود. این معنا مورد تأیید برخی اندیشمندان غربی نیز می‌باشد.۴ و ۵ پی‌نوشت: ۱. آخرالزمان یا فرجام‌شناسی در دین یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان دارای اهمیت ویژه است. ۲. الاعراف، ۱۲۸ . ۳. الصافات، ۱۷۱ و ۱۷۲ . ۴. ر.ک: آخرالزمان یا عصر سیطره کمیت، رنه‌گنون. ۵. ر.ک: علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، باب علائم آخرالزمان.

در مورد ظهور امام زمان چه استدلال عقلی یا آیات و روایات وجود دارد؟

پرسش

در مورد ظهور امام زمان چه استدلال عقلی یا آیات و روایات وجود دارد؟

www.noorfatemah.org

پاسخ

اعتقاد به امام مهدی موعود(عج) از آرای مسلم نزد مسلمانان است. همه مسلمین بر آنند که مهدی(عج) که همنام پیامبر اکرم(ص) است در آخرالزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند. دلیل عقلی بر لزوم وجود حضرت مهدی(عج) و ظهور ایشان: از زمان رحلت پیامبر اسلام(ص) که خاتم الانبیاء است تا قیامت، آخرین دین، دین اسلام است. و تا زمانی که دنیا بر پا است، تکلیف وجود دارد و مکلفان باید طبق حجت‌هایی که خدای متعال بر آنان قرار داده است، دستورات او را اطاعت کنند؛ از طرفی این مکلفان باید احکام خود را از امام و پیشوایی بگیرند که معصوم(ع) باشد و زمین هیچوقت خالی از این حجت معصوم نمی‌باشد. پس آفرینش انسان مکلف بدون وجود انسان کامل معنا ندارد. چه این که امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نیست. حجت خدا یا ظاهر است و آشکارا و یا خائف است و پنهان؛ تا حجت‌ها و برهان‌های خدا باطل نگردد.»(۱) از این رو همواره باید انسان کامل در زمین وجود داشته باشد و از آن جا که شرایط جهان به جایی رسید که حاکمان و مردمان، حضور امام معصوم در جامعه را برنتافتند، تنها راه وجود انسان کامل در زمین و کشته نشدن وی، غیبت او بود. و با آماده شدن شرایط و انسانهای منتظر، امام غایب ظهور خواهد نمود تا مردم را به کمال برساند. استدلال بر ظهور امام زمان از قرآن کریم: در پاره‌ای از آیه‌های قرآن بشارت‌هایی درباره آینده تاریخ و سرنوشت زمین داده شده است که در تفسیر، امامان معصوم(ع) آن زمان را زمان ظهور امام مهدی(عج) می‌دانند. در برخی آیه‌ها وعده تشکیل حکومت جهانی،(۲) بسط دین اسلام و غلبه آن بر دیگر ادیان(۳)، زمامداری صالحان و شایستگان(۴) داده شده است. اما در روایت‌های زیادی نیز بشارت به ظهور امام مهدی(عج) داده شده است که به حدّ تواتر می‌رسد. به طور کلی معتبرترین روایت‌ها از عصر رسول خدا(ص) تا امام حسن عسکری(ع) درباره ظهور امام زمان(عج)، شرایط وعلایم آن و هنگامه تشکیل حکومت جهانی آن امام روایت شده است که حتی در برخی کتاب‌های نوشته شده در قرن اول و دوم هجری ضبط شده و موجود است. مثلاً کتاب مشیخه حسن بن محبوب(۵) یا کتاب سلیم بن قیس هلالی(۶). این روایت‌ها قرن به قرن در کتاب‌های دانشمندان بزرگ نقل شده تا به قرن حاضر رسیده است. مانند قرن ۳ هجری: کتاب المهدی تألیف عیسی بن مهران مستعطف؛ قرن ۴: ذکر القائم(ع) اثر ابن اخی طاهر(۷)؛ قرن ۵: کتاب الغیبهٔ شیخ مفید(۸) و... پی‌نوشت‌ها: ۱. اصول کافی، ج ۱، باب أن الأرض لاتخلو من حجهٔ. ۲. «وقاتلوهم حتی لاتکون فتنهٔ ویکون الدین کلّه للّه؛ با کافران جهاد کنید تا هیچ فتنه‌ای در زمین باقی نماند و آیین همه دین خدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹) ۳. «هوالذی أرسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کلّه؛ اوست خدایی که فرستاده‌اش را با دین حق به هدایت آفریدگان فرستاد تا بر همه ادیان عالم برتری و غلبه دهد.» (سوره توبه، آیه ۳۳) ۴. «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون؛ همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من زمین را به ارث می‌برند.» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵) و نیز «وعدالله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض؛ خدا وعده داده به کسانی که از شما نیکوکار شود در زمین خلافت دهد.» (سوره نور، آیه ۵۵) ۵. وفات: ۲۲۴ هـ . ق. ۶. وفات: ۷۰ یا ۹۰ هـ . ق. ۷. وفات: ۳۵۸ هـ . ق. ۸. وفات: ۴۱۳ هـ . ق.

با توجه به آیهٔ ۳۸ سورهٔ حجر": یوم الوقت المعلوم چه روزی است اگر روز قیام امام زمانغ است مگر بعد از ظهور حضرت دیگر گنه‌کار یافت نمی‌شود؟ مگر قاتل امام زمانغ را شیطان گول نمی‌زند؟ آیا بعد از ظهور آن حضرت باز هم یهود و نصارا وجود دارد؟

پرسش

با توجه به آیهٔ ۳۸ سورهٔ حجر": یوم الوقت المعلوم چه روزی است اگر روز قیام امام زمانغ است مگر بعد از ظهور حضرت دیگر گنه‌کار یافت نمی‌شود؟ مگر قاتل امام زمانغ را شیطان گول نمی‌زند؟ آیا بعد از ظهور آن حضرت باز هم یهود و نصارا وجود دارد؟

پاسخ

در این که" یوم الوقت المعلوم چه روزی است بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را روز نفخ صور اول می‌دانند که تمام موجودات می‌میرند، و آن زمان آخرین روز تکلیف است که مخالفت و معصیت قابل تصور است (تفسیر نمونه آیهٔ الله مکارم و دیگران ج ۱۱، ص ۷۱ و ۷۲، دارالکتب الاسلامیه) گروهی دیگر با استنادبه روایاتی از امامان آن روز را زمان رجعت پیامبر اکرم بازگشت پیامبر۹ به دنیا) می‌دانند، که ابلیس به دست ایشان روی سنگی در بیت المقدس کشته می‌شود. در روایت دیگری از امام صادق‌نقل شده است که مراد روزی است که قائمغ ظهور کند، و درآن روز، موی پیشانی ابلیس را گرفته گردنش را می‌زند، روز وقت معلوم آن روز است علامه طباطبایی ، بعد از بیان این سه حدیث می‌فرماید... ": ممکن است هر سه روایت را طوری معنی کنیم که منافاتی بین آنها نباشد، به این بیان که در روایات وارده از طرق امامان اهل بیت غالب آیات مربوط به قیامت گاهی به روز ظهور حضرت مهدیغ گاهی به روز رجعت و گاهی به روز قیامت تفسیر شده این سه روز در این که روز ظهور حقایقند، مشترک هستند، هرچند که بُروز حقایق در آن‌ها مختلف و دارای شدت و ضعف می‌باشد ;بنابراین حکم قیامت هم بر آن دو روز دیگر جاری است(" تفسیر المیزان علامه طباطبایی ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ج ۱۲، ص ۲۵۲ ـ ۲۵۳ ;بنیاد فکری علمی علامه طباطبایی (ره .) بر اساس این نظر، ابلیس تا نفخ صور اول زنده است و بعد از ظهور امام زمانغ هم زنده خواهد بود، و به شیطنت خود ادامه می‌دهد، مگر این که انسان‌ها، به بلوغ عقلی و ایمانی رسیده و وساوس او کم‌تر از همیشه اثر کند و بنابر این نظر که پایان مهلت ابلیس زمان ظهور امام زمان یا رجعت پیامبر اکرم‌باشد، و به دست ایشان کشته شود، باز هم برای انسان‌ها، زمینهٔ انجام گناه وجود دارد، زیرا با مرگ ابلیس نفس امّاره و جلوه‌های دنیا، و شهوات نفس و دیگر شیاطین غیر از ابلیس وجود دارند، و انسان که موجودی آزاد و مختار است حتی در زمان حکومت امام زمانغ هم که زمینهٔ تشخیص خوب و بد و گمراهی و هدایت به خوبی روشن می‌شود، باز هم می‌تواند با سوء انتخاب خود، به گناه روی آورد، و این گونه نیست که انسان‌ها در آن زمان به طور جبری ایمان آورند و گناه نکنند، و به موجودی بی‌اراده و اختیار تبدیل گردند. و اما در جواب قسمت آخر پرسش شما می گوییم بر اساس آیات قرآن یهود و نصارا تا روز قیامت وجود دارند": وَ مِنَ الَّذینَ قالوا اِنّا نصاریٰ اَخَذنا میثاقهم .. فَأَغرَیْنَا بَیْنَهُمُ العداوَهَ وَالْبَغْضَأَ اِلیَ یوم القیامهٔ(; ..مائده ۱۴) و از کسانی که گفتند: ما نصارا هستیم از ایشان پیمان گرفتیم و بخشی از آن‌چه را به آن اندرز داده شده بودند فراموش کردند، و ما هم تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم" ";..وَقَالَتِ الْیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ..وَأَلْقَیْنَا بَیْنَهُمُ الْعَدَ وَهَ وَالْبَغْضَآءَ إِلَیَ یَوْمِ الْقِیَمَهٔ(; ..مائده ۶۴) و یهود گفتند": دست خدا بسته است... " و ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم " از این دو آیه به خوبی فهمیده می‌شود که یهودیان و مسیحیان تا روز قیامت وجود دارند، حتی در زمان ظهور دولت حضرت مهدیغ و جهان‌گیر شدن آن باز هم یهود و نصارا وجود خواهند داشت اما زیر نفوذ و فرمان دولت اسلام با شرایطی به زندگی خود ادامه می‌دهند.

وقایع روز ظهور

تاریخ ومحل

چرا روز جمعه اختصاص به امام زمان(ع) دارد؟ و چرا می‌گویند: امام زمان در روز جمعه ظهور می‌کند؟

پرسش

چرا روز جمعه اختصاص به امام زمان(ع) دارد؟ و چرا می گویند: امام زمان در روز جمعه ظهور می کند؟

پاسخ

سیّد بن طاووس در کتاب جمال الأسبوع گفته است: ابن بابویه(ره) به طور مستند از شخصی به نام" سقربن ابی دلف "روایت کرده است: وقتی متوکّل عباسی، حضرت امام علی النقی(ع) را به سامرا طلبید و او را زندانی کرد رفتم که حضرت را زیارت کنم. عرض کرد: از رسول خدا(ص) روایت شده است: یابن رسول اللّه لاـ تعادوا الأیّام فتعادیکم؛ با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی خواهند کرد. "معنای این حدیث را نفهمیدیم. لطفاً راهنمایی‌ام کنید. حضرت فرمود: مراد از ایّام ما هستیم. شنبه به اسم حضرت رسول خدا است. یکشنبه امیرالمؤمنان. دوشنبه حسن و حسین(ع). سه شنبه به امام سجّاد و امام باقر و امام صادق(ع). چهارشنبه امام موسی کاظم و حضرت رضا و حضرت امام جوادالائمه و خود من. پنجشنبه به فرزندم امام حسن عسکری(ع) و جمعه متعلق به فرزند فرزندم حضرت مهدی امام زمان(ع) است.(۱) از این روایت استفاده می‌شود چون پیامبر اکرم(ص) از نظر زمانی جلوتر از همه معصومان(ع) هستند، شنبه به او تعلق دارد و حضرت امام عصر(ع) عقب‌تر از همه است، لذا جمعه به او تعلق دارد. چون روز جمعه متعلق به آن بزرگوار است و روز بزرگی می‌باشد، ظهور حضرت در آن روز اتّفاق می‌افتد. پی نوشت‌ها: ۱. محدث قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۷، انتشارات نبوی.

چرا امام زمان(ع) در ایران ظهور نمیکند و چرا محل ظهور او در مکه است؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) در ایران ظهور نمیکند و چرا محل ظهور او در مکه است؟

پاسخ

آن چه که معروف است، آن است که امام زمان(ع) در مکه ظهور می کند. شاید برخی از علل زیر سبب شده‌اند که حضرت در مکه ظهور کند. در ابتدا روایات مورد بررسی قرار می گیرد که باید تعبدا بپذیریم ظهور حضرت در مکه بوده و شاید روایات ناظر به برخی از همین عوامل زیر باشد که در این جا به روایات و علل دیگر اشاره می‌شود: ۱ - روایات. از برخی از رایات استفاده می‌شود که امام زمان(ع) در مکه ظهور می کند، امام صادق(ع) فرمود": قائم ما منصور و مؤید می‌شود. در همان موقع است که خروج می کند و به کعبه تکیه خواهد کرد و سیصد و سیزده نفر در اطراف آن حضرت اجتماع می کنند.("۱) همان طور که در این روایت اشاره شده است امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند که باید تعبدا پذیرفت؛ شاید ظهور حضرت در این مکان مبتنی بر

مصالحی باشد که ما از درک آن عاجز بوده و آن را ندانیم. از سوی دیگر اگر امام زمان(ع) در ایران ظهور می کرد، این پرسش نیز مطرح می‌شد که چرا امام زمان در ایران ظهور کرد و بهتر نبود در مکه و یا مکان دیگر ظهور می کرد؟ ۲ - محل نزول وحی. واقعیت آن است که مکه معظمه مقدس‌ترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) است، زیرا این مکان مقدس مرکز رسالت و محل نزول وحی و بعثت پیامبر اسلام(ص) است. طبیعی است امام زمان(ع) که وارث پیامبر(ص) بوده و پاسداری از دین را به عهده داشته، باید در همان مکان تشکیل حکومت داده و به اجرای احکام الهی بپردازد. ۳ - مناسب‌ترین مکان برای تشکیل حکومت جهانی. از روایات استفاده می‌شود که امام زمان(ع) حکومت جهانی تشکیل می‌دهد که همه جهان را فرا می گرد. برای تشکیل حکومت جهانی نیاز به مقدس‌ترین مکان است که به عنوان ام القرای جهان مرکز حکوومت باشد. مکه به دلیل این که کعبه در آن وجود داردو همه مردم، به ویژه مسلمانان حرمت و قداست خاصی برای آن قایل هستند، بهترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) و اداره حکومت جهانی او است. ۴ - محل اجتماع مسلمانان. مکه علاوه بر آن که مقدس‌ترین مکان است، مهم‌ترین مکان برای اطلاع رسانی جهانیان و محل اجتماع مسلمانان نیز است. مکه به جهت آن که کعبه در آن وجود دارد، در طول تاریخ، مسلمانان برای انجام مناسک حج در آن جا حضور پیدا کرده و به جای جای آن آشنایی دارند. از سوی دیگر مکه مهم‌ترین مرکز، جهت اطلاع رسانی برای همگان است. شاید بر اساس باشد که امام حسین(ع) که را به عنوان پایگاه اطلاع رسانی و آگاهی مسلمانان انتخاب نمود. شاید بر اساس عوامل فوق الذکر بود که مکه به عنوان محل ظهور حضرت گزینش شده و در روایات نیز به ان تصریح شده است. بی تردید ایران به رغم آن که برخی از ویژگی‌ها را داشته است، ولی قداست و مزایای مکه راندارد، که به عنوان محل ظهور امام زمان(ع) انتخاب شد. پی نوشت‌ها: ۱ - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۷۸؛ میزان الحکمه، ج ۲۷۸.

امام زمان(ع) کی ظهور خواهد کرد؟ امام زمان کیست و کجا است؟

پرسش

امام زمان(ع) کی ظهور خواهد کرد؟ امام زمان کیست و کجا است؟

پاسخ

تاریخ ظهور امام زمان(ع) تعیین نشده است. در برخی از روایات تعیین وقت ظهور حضرت(ع) از اسرار الهی بیان شده است.(۱) از سوی دیگر کسانی که برای ظهور امام، وقت ظهور را معین کرده‌اند، از دروغ گویان به حساب آمده‌اند، شیخ طوسی در کتاب غیبت از فضل بن یسار روایت نموده است: از امام باقر(ع) پرسیدم: آیا ظهور امام زمان(ع) وقت معینی دارد؟ فرمود": آنها که وقت را تعیین کنند، دروغ گفتند، دروغ گفتند، دروغ گفتند.("۲) البته برای ظهور امام زمان(ع) نشانه هایی مانند خروج دجال،(۳) خروج سفیانی،(۴) خروج یمانی،(۵) قتل نفس زکیه،(۶) صیحه آسمانی،(۷) در آمدن پرچم‌های سیاه،(۸) و فراگیر شدن جهان از ظلم و جور،(۹) بیان شده است که این نشانه‌ها وقت ظهور حضرت را تعیین نمی کنند، زیرا نشانه ظهور حضرت هستند. حال این علایم کی محقق می‌شوند و شرایط دیگر کی فراهم می‌شوند، معین نیست. شیعیان عقیده دارند امام زمان(ع) دوازدهمین امامی است که از سوی خدا به امامت و رهبری جهانیان منصوب شده است. آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه ق در شهر" سامرا "دیده به جهان گشود.(۱۰) البته برخی تاریخ تولد او را سال ۲۵۶ ه. بیان کرده‌اند. (۱۱) او هم نام پیامبر اسلام (م ح م د) و هم کنیه آن حضرت

(ابوالقاسم) (۱۲) است. برای حضرت(ع) دو غیبت صغری و کبری بیان شده است. امام علی(ع) فرمود": غایب ما، دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی‌تر از دیگر خواهد بود."(۱۳) همه معصومان(ع) از امام زمان(ع) به عنوان قائم یاد کرده‌اند و از غیب و ظهور حضرت خبر داده‌اند. امام باقر(ع) فرمود": چون قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر مردم نهد. آن گاه درک و خرد مردم به کمال رسد."(۱۴) پیامبر اسلام(ص) در خصوص ویژگی‌های امام زمان(ع) فرمود": نهمی آن‌ها قائم اهل بیت من و مهدی امت من است که در شمائل و اقوال و افعالش از همه کس به تو شبیه‌تر است که بعد از غیبت طولانی ظهور می‌کند و او دین خدا را بر همه ادیان دیگر غالب گرداند و (او) زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده باشد."(۱۵) اعتقاد به مصلح کل اختصاص به شیعیان ندارد، بلکه یکی از باورهای عمومی است. البته در مصداق مصلح جهان اختلاف نظر وجود دارد. در منابع اهل سنت از مهدی موعود یاد شده است. احمد حنبل از پیامبر اسلام(ص) گزارش می‌دهد که حضرت فرمود": اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند حتما در آن روز شخصی از ما را بر می‌انگیزد و او جهان را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که پر از ظلم شده باشد."(۱۶) حافظ ابوعبداللّه گنجی شافعی می‌گوید": احادیث پیامبر اکرم (ص)درباره مهدی، به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است(".۱۷) از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد گفت و گو است، مکان و محل سکونت حضرت است؛ آیا حضرت در مکان خاصی سکونت دارد؟ اگر در مکان ویژه‌ای است، آن مکان کجاست؟ روایاتی که درباره امام زمان(ع) وجود دارند چند دسته‌اند: ۱ - برخی محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه حضرت را در بیابان‌ها و کوه‌ها معرفی می‌کند. از آن جمله حضرت مهدی(ع) به پسر مهزیار فرمود": فرزند مهزیارا! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوه‌های سخت و سرزمین‌های خشک و دور دست را برگزینم."(۱۸) از این روایت استفاده می‌شود که حضرت از دسترس مردم دور است و کسی از محل سکونت وی آگاه نیست. ۲ - برخی روایات منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت حضرت یاد نموده‌اند، مثلاً در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می‌گوید از امام باقر(ع) شنیدم": صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن غیبت نیرومند است به سی نفر که با حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می‌کنند (و به قوّت وی می‌افزایند) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه."(۱۹) از این روایت استفاده می‌شود حضرت در مدینه منز دارد و افرادی همواره باایشان به صورت ناشناس هستند. برخی روایات امکان امام زمان(ع) را کوه" رضوان "که در اطراف مدینه است. بیان کرده‌اند. عبدالاعلی آل سام می‌گوید: با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم. به روحاء (اطراف مدینه) که رسیدیم، حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و فرمود": این کوه رضوان نام دارد. خوب پناهگاهی است برای خائف (امام غائب) در غیبت صغرا و غیبت کبری.(۲۰) از روایات دیگر استفاده می‌شود امام زمان(ع) در مکانی به نام" ذی طوی "که در اطراف مکه است. زندگی می‌کند و از همان جا همراه یاران خود قیام می‌کند، امام باقر(ع) فرمود": امام زمان را غیبتی است در بعضی از درّه‌ها "و اشاره کرد به منطقه ذی طوی.(۲۱) ۳ - برخی روایات جایگاه خاصی را برای امام زمان(ع) نام نمی‌برد، ولی از حضرت به عنوان فردی یاد می‌کند که با مردم و میان آنان حضر و نشر دارد و به گونه‌ای ناشناس زندگی می‌کند. امام صادق(ع) فرمود": صاحب الامر شباهتی به حضرت یوسف (ع) دارد جای انکار نیست که خداوند با حجت خود کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صاحب الزمان(ع) آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمد می‌کند. در بازار قدم می‌نهدو گاهی بر فرش منزلهای دوستان می‌نشیند لیکن او رانمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد خود را معرفی کند، آن گونه که به یوسف(ع) اجازه داد(۲۲) از این روایت استفاده می‌شود امام زمان(ع) مکان معین نداشته، میان جمع و جامعه است، با مردم حشر و نشر دارد و زندگی طبیعی و معمولی دارد. در مراسم مهبی و مناسک حج شرکت می‌جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه دارد، عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم نشان از آن دارد که حضرت در همه جا حضور دارد. از جمع بین روایات می‌توان استفاده کرد امام زمان(ع) همه جا حضور دارد و این منافات ندارد با آن دسته از روایات که مکان معین مانند مدینه و مکه بیان کرده‌اند، زیرا آن

دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان‌ها و مکان‌های خاصی آن حضرت حضور پیدا می‌کند. آن دسته از رایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده، ناظر بر آن است که حضرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، مکان‌های خاص می‌باشد. پی نوشت‌ها: ۱ - مهدی موعود، ص ۸۶۲ - ۸۶۳. ۲ - همان. ۳ - ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱. ۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵. ۵ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۲. ۶ - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۵۹. ۷ - وافی، ج ۲، ص ۴۴۳. ۸ - ینابیع المودة، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷؛ شیخ طوسی کتاب الغیبة، ص ۴۵۲. ۹ - کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲. ۱۰ - ارشاد مفید، ص ۳۴۶ ؛ روضة الواعظین، ص ۲۹۲. ۱۱ - صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲. ۱۲ - کشف الغمة، ج ۳، ص ۴۲۷. ۱۳ - ینابیع المودة، ج ۳، ص ۴۲۷. ۱۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸. ۱۵ - مهدی موعود، ص ۱۱۲۵. ۱۶ - مسند احمد، ج ۱، ص ۹۹، به نقل از مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۹۸. ۱۷ - سیره پیشوایان، ص ۶۹۹. ۱۸ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰. ۱۹ - شیخ طوسی، کتاب الغیبة و ص ۱۶۲. ۲۰ - نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۶۸۲. ۲۱ - همان، ص ۱۶۴. ۲۲ - همان.

ظهور امام زمان(ع) در مکّه صورت می گیرد، برای افرادی که در کشورهای دور هستند چگونه اطلاع حاصل می شود آیا رسانه ها در این زمینه نقشی دارند؟

پرسش

ظهور امام زمان(ع) در مکّه صورت می گیرد، برای افرادی که در کشورهای دور هستند چگونه اطلاع حاصل می شود آیا رسانه ها در این زمینه نقشی دارند؟

پاسخ

آن چه در برخی از روایات دربارهٔ ظهور آن حضرت آمده این است که آن حضرت به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، هنگامی که چشم ها به خواب رفت جبرییل ومیکاییل و ملائکه صف به صف بر آن حضرت بشارت امر به ظهور حضرت را ابلاغ می کنند آن حضرت دستی بر صورت خویش می کشد و می گوید": الحمد لله الّذی صدقنا وعده و أورثنا الارض نتبؤُ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجرالعاملین."۱۲ سپس بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند: ای کسانی که از خواصّ و یاران خاص من هستید و ای کسانی که خدا شما را برای یاری رساندن به من ذخیره و آماده کرده است بشتابید. صدای آن حضرت به تمامی نقاطی که یاران آن حضرت در شرق و غرب عالم هست می رسد و در گوش آنان طنین افکن می شود و با سرعت تمام و معزه آسا نزد حضرت جمع می شوند تا تمامی آنان پیش روی حضرت بین رکن و مقام جمع می شوند. البته این فراخوانی محرمانه است و این فریاد فقط به گوش اصحاب خاص حضرت می رسد. وقتی که همگی جمع شدند و آفتاب مکه بر آمد: فریادی بر می کشد که تمامی اهل آسمان ها و زمین می فهمند: ای گروه مردم! این مهدی آل محمد است با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید تا گمراه شوید.۱۳ همان طور که بیان شد کیفیت و چگونگی رسیدن صدای آن حضرت به گوش اصحاب خاص و یا به گوش همهٔ مردم مشخص نیست احتمال دارد امکانات و تجهیزات رسانه ای و صوتی در آن زمان بسیار پیشرفته تر باشد و با این وسیله به همه جا خبر برسد و ممکن است معجزه آسا و خارق العاده باشد. کتاب های فراوانی در مورد حضرت مهدی(ع) نوشته شده است. برای نمونه چند اثر معرفی می شود: ۱- مهدی موعود(ع) ترجمهٔ جلدهای ۵۱، ۵۲ و ۵۳ بحارالانوار، تألیف استاد علی دوانی؛ ۲- خورشید

مغرب، اثر استاد محمد رضا حکیمی؛ ۳- دادگستر جهان، اثر آیت الله ابراهیم امینی؛ ۴- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، اثر آیت الله صافی گلپایگانی. ۱۲ زمر (۳۹) آیهٔ ۷۴. ۱۳ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸ به بعد. این روایت از امام صادق(ع) است که به طور مفصّل بحث آن آورده شده است.

در خصوص چگونگی و مکان ظهور امام زمان(ع) توضیح بفرمایید. اگر حضرت مهدی ظهور کند، همهٔمردم می میرند و قیامت فرا می رسد؟ آیا پیامبران از ظهور حضرت مهدی(ع) آگاه خواهند شد؟

پرسش

در خصوص چگونگی و مکان ظهور امام زمان(ع) توضیح بفرمایید. اگر حضرت مهدی ظهور کند، همهٔمردم می میرند و قیامت فرا می رسد؟ آیا پیامبران از ظهور حضرت مهدی(ع) آگاه خواهند شد؟

پاسخ

برای جواب بیان مطالب زیر ضرورت دارد: یکم: از روایات و متون تاریخی استفاده می شود امام زمان در حالی ظهور می کند که گوینده ای از آسمان صدا می زند": ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید، بهترین امت محمد(ص) قیام کرده است. به وی ملحق شوید.["۱] آن گاه نجبایی از مصر، شام و دسته هایی از عراق... در رکن و مقام با حضرت بیعت می کنند.[۲] پیامبراسلام(ص) فرمود": یا علی هنگامی قائم ظهور می کند که ۳۱۳ نفر به تعداد مردان جنگ بدر به گِرْد وی اجتماع کنند.["۳] از امام صادق(ع) سؤال شد که: امام زمان(ع) چگونه ظهور می کند؟ فرمود: با میراث رسول خدا. سپس سؤال شد: میراث رسول چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، عبا، عصا، پرچم، زین و برگ اسب پیامبر؛[۴] یعنی حضرت با بهره گیری از وسایل و ابزار مذکور ظهور می کند. دوم: از بعضی روایات استفاده می شود که امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند.[۵] امام باقر(ع) فرمود": قائم با سیصد و سیزده مرد از یاران خود در ذی طوی (کوهی مجاور شهر مکه) منتظر قیام است تا آن موقع که به حجرالاسود تکیه زند و پرچم آویخته را به اهتزاز در آورد.["۶] در برخی روایات دیگر آمده است که امام زمان(ع) در هنگام ظهور به کعبه تکیه زده و سیصدو سیزده نفر گرد او اجتماع می کنند و حضرت این آیه را می خواند": بقیهٔ الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین. "آن گاه ده هزار نفر حضرت را همراهی نموده، به سوی مدینه حرکت می کنند.[۷] سوم: در خصوص این که بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت به وجود می آید یا نه نمی توان قضاوت نمود؛ زیرا مدت حکومت امام زمان(ع) مشخص نیست. البته لازمهٔ حکومت جهانی امام زمان(ع) طولانی بودن آن است که در سایهٔ آن عدالت بر قرار شده و دین اسلام حاکمیت پیدا کند. برخی از روایات دلالت دارند که حکومت امام زمان(ع) تا قیامت ادامه پیدا می کند که این دسته روایات ناظر بر طولانی بودن حکومت حضرت است. پیامبر(ص) فرمود": در شب معراج خدای علیم به من فرمود: من سلطنت مهدی را ادامه می دهم و روزگار او را بین دوستانم تا روز قیامت طولانی خواهم کرد.["۸] در برخی از روایات دیگر مدت حکومت امام زمان(ع) ۷ یا ۹ سال ذکر شده است.[۹] شاید مقصود از۷ و ۹ سال، ۷ یا ۹ قرن باشد. چهارم: در خصوص آگاهی پیامبران از ظهور امام زمان(ع) باید گفت: از برخی روایات و متون دینی استفاده می شود که برخی از پیامبران با امام زمان(ع) بیعت می کنند، چنانکه حضرت عیسی(ع) با امام زمان(ع) بیعت نموده و پشت سر امام نماز می خواند.[۱۰] نماز خواندن پشت سر امام و بیعت نمودن با امام، فرع بر اگاهی آنان از ظهور امام زمان(ع) است. از سوی دیگر در تفکر شیعی رجعت پذیرفته شده است.[۱۱] رجعت بدان معنا است که برخی انسان ها بعد از ظهور امام

www.noorfatemah.org

زمان(ع) زنـده می شوند. امام باقر(ع) فرمود": پیغمبر(ص) و علی(ع) به دنیا رجعت می کنند.["۱۲] امام صادق(ع) فرمود": نخستین کسـی که قبرش شـکافته شـده و به دنیا بر می گردد، حسـین بن علی(ع) است.["۱۳] در برخی از ادیـان الهی به مصـلح جهان اشاره شـده که زمینـهٔ آگاهی از ظهور امام زمان(ع) را برای دیگران فراهم نموده است. البته در این که مصـلح جهان کیست، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی در عین حال سـخن از ظهور مصلح به میان آمده است. در اسلام بزرگان دین به ظهور و مشخصات امام زمان(ع) و ویژگی های حکومت او اشاره نموده‌اند. عبدالله بن مسعود از پیامبر(ص) گزارش می کند که حضرت فرمود": دنیا تمام نخواهد شد تا این که مردی از اهل بیت من که مهـدی نامیده می شود بر مردم حکومت کند.["۱۴] [۱] مهدی موعود، ص ۱۰۹۵. [۲] همان. [۳] همان. [۴] مهدی موعود، ۱۰۹۱ – ۱۰۹۲. [۵] لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۷۷ ۵۷۹. [۶] مهدی موعود، ص ۱۰۹۸. [۷] لطف الله صـافی، پیشـین، ص ۵۸۰ – ۵۸۱. [۸] ینـابیع الموه، ص ۴۸۶. [۹] احمد حنبل، مسـند احمد، ج ۳، ص ۲۸. [۱۰] مهدی موعود، ص ۱۰۶۷. [۱۱] تفسیر نمونه ج ۱۵، ص ۵۵۵. [۱۲] مهدی موعود، ص ۱۱۸۷. [۱۳] همان، ص ۱۱۸۶. [۱۴] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

امام زمان(ع) در وقت ظهور به کدام رکن از ارکان کعبه تکیه خواهد زد؟

پرسش

امام زمان(ع) در وقت ظهور به کدام رکن از ارکان کعبه تکیه خواهد زد؟

پاسخ

در روایات اهل بیت(ع) آمده است که ظهور حضرت مهدی(عج) از بهترین مکان، یعنی مکه و مسجد الحرام، بین رکن و مقام آغاز می شود.(۱) ابی حمزه ثمـالی از امام سـجاد(ع) پرسـید: چه مکان و بقعه‌ای افضل است، حضـرت فرمود: بین رکن و مقام؛(۲) یعنی بین حجرالاسـود و مقـام ابراهیم. امام باقر(ع) فرمود": گویا می بینم که بین رکن (حجرالاسود) و مقام ابراهیم حضـرت مهـدی(عـج) قرار گرفته و بعد از به جا آوردن نماز مردم را به حق فرا می خواند و دعوتش را اعلان می دارد.("۳) علی بن مهزیار اهوازی از امام جواد(ع) نقـل می کنـد که حضـرت مهـدی(عـج) در حـالی که بین رکن و مقـام، یعنی بین حجر الاسود و مقام ابراهیم قرار گرفته و جبرئیـل نزد حضـرت قرار دارد، مردم را به بیعت فرا می‌خوانـد و جهان را پر از عـدل و داد خواهـد کرد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.(۴) بـا توجه به روایات فوق، مقصود از رکن، رکن حجر الاسود می باشـد. پی نوشت‌ها: ۱.شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۳ و ۴۵۴. ۲.شـیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۲. ۳.مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲ و ۱۳۵. ۴.همان، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

آیا در زمان ما امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد و سعادت دیدار حضرت را خواهیم داشت؟

پرسش

آیا در زمان ما امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد و سعادت دیدار حضرت را خواهیم داشت؟

پاسخ

این سؤال به نوعی تکرار پرسش اول است و پاسخ ما جوابی است که به صورت پیوست ارسال شده است. آن را خوب مطالعه نمایید، اگر باز سؤالی باقی ماند، می توانید برای ما بنویسید و پاسخ را دریافت کنید.

آیا امام زمان (عج) از هند ظهور خواهد کرد ؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از هند ظهور خواهد کرد ؟

پاسخ

از آنجا که تاریخ و زمان ظهور حضرت حجت (عج) از مسایلی است که در آینده رخ خواهد داد, طبیعتا تعیین هر یک از این مسایل , پیشگویی و اخبار از آینده محسوب می گردد و شاید یگانه راه معرفت آن نیز مراجعه به اخبار واحادیث اهل بیت (ع) عصمت و طهارت باشد. احادیث و اخبار, نه تنها تاریخ ظهور آن حضرت راتعیین نکرده , بلکه وقاتون (یعنی تعیین کنندگان وقت آن را) هم تخطئه و تکذیب کرده و اصولاـ تعیین زمان ظهور را امر مکروهی شمرده است .(۱)اما در زمینه مکان ظهور احادیث بسیار زیادی به ما رسیده که مضمون همه آنها,ظهور حضرت از مکه مکرمه و به طور خاص بین رکن و مقام است . در این جا تنها به ذکر نمونه هایی از این احادیث بسنده می کنیم :۱ـ امام باقر(ع) فرمود: چون حضرت قائم (عج) در مکه قیام کند و آهنگ کوفه کند,منادی فریاد کشد که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود بر ندارد و سنگ حضرت موسی که یک بار شتر وزن دارد, با آن حضرت است , در هر منزلی که فرود آیند, چشمه آبی از آن بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند . (۲)۲ـ از حذیفه نقل شده که پیامبر(ص) فرمود: اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند,در آن روز خداوند مردی از اولاد مرا بر می انگیزد که هم اسم و هم خلق من بوده ومردم بین رکن و مقام با او بیعت می کنند . (۳)۳ـ همچنین حذیفه در ضمن حدیثی طولانی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود: بعداز خروج سفیانی و اعمال فجوری که مرتکب می شود, منادی از آسمان ندا می دهد که خداوند زمان جباران و ستمکاران را به سر آورده و صاحب امر شما در این هنگام بهترین امت محمد(ص), یعنی حضرت مهدی (عج) است , پس در مکه به او ملحق شوید . (۴)۴ـ امام باقر(ع) فرمود: گویی قائم (عج) را در روز عاشورایی که روز شنبه است ,می بینم در حالی که بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل در کنار او ندا می دهد:بیعت از آن خداست , پس زمین را پر از عدل و داد می کند.(۵)۵ـ از امام سجاد(ع) در ضمن حدیثی طولانی نقل شده است : ((... لم یخرج الی مکه و الناس یجتمعون بها..., حضرت حجت (عج) به سوی مکه رفته و مردم هم با او همراه می شوند.(۶)۶ـ از امام محمد باقر(ع) نقل شده که فرمود: با امام زمان (عج) در مکه بر کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) بیعت می شود.(۷)

آیا این ادعا که امام زمان (عج) در سرداب که محل غیبت ایشان است باقی است و از آنجا ظهور خواهد کرد صحیح است؟

پرسش

آیا این ادعا که امام زمان (عج) در سرداب که محل غیبت ایشان است باقی است و از آنجا ظهور خواهد کرد صحیح است؟

پاسخ

یکی از افترائات مغرضین و دشمنان شیعه و اعدای اهل بیت این است که می گویند: شیعه معتقد است امام در سرداب غیبت کرده و در سرداب باقی است و از سرداب ظاهر خواهد شد و هر شب بعد از نماز مغرب بر در سرداب می‌ایستند تا ستارگان نیک آشکار گردند سپس متفرق می‌شوند تا شب بعد. ما در تکذیب و ردّ این افترا محتاج به هیچ گونه توضیح نیستیم چیزی که عیان است چه حاجت به بیان اس...ـ همه می‌دانند که اینگونه افترائات از امثال ابن خلدون و ابن حجر، جعل و بر اساس انگیزه دشمنی با شیعه و انحراف از اهل بیت، و تمایل به بنی امیه و دشمنان خاندان رسالت است. این نویسندگان و کسانی که بعد از آنها آمدند تا زمان ما به جای اینکه عقاید و آرای شیعه را از خود و از کتابهایشان به دست آورند به جعل و افترا پرداخته یا جعلیّات و افترائات پیشینیان خود را دست به دست گردانده و آنها را ملاـک و میزان تحقیق درباره عقاید شیعه و معرفت آرای آنها قرار می‌دهند و خود و دیگران را گمراه می‌سازند. خیلی عجیب و بسیار شگفت انگیز است که به یک امّتی که هزاران نویسنده عالی قدر آنها آراء و عقایدشان را صریحاً در تألیفات خود نگاشته‌اند، نسبتی داده شود که در هیچ عصری احدی از آنها، احتمال آن را هم نداده است. در مورد امامت و اصول اعتقادی دیگر در کتابهای کلام و اعتقادات، عقاید شیعه محفوظ و مضبوط است و در موضوع غیبت در کتابهائی که از عصر ائمه(ع) و بعد از آن تألیف شده همه خصوصیات آن مذکور شده و در هیچ کتاب و نوشته‌ای از این افتراء اثر و نشانه‌ای نیست. احدی نگفته امام در سرداب سامراء مخفی است بلکه کتب و روایات شیعه و آن همه معجزات و کرامات که از آن حضرت در غیبت صغری و کبری نقل شده و حکایات آنانکه به شرف درک حضورش در طول این دو غیبت مشرف شده‌اند همه این نسبت را تکذیب می‌نمایند. بلی در سامرا مشرفه سردابی است که شیعه در آنجا به دعا و نماز و عبادت خدا و زیارت حضرت ولی عصر(عج) رفتار می کنند نه برای اینکه امام در آنجا مخفی و پنهان است، یا کسی امام را مقیم در آنجا بداند، بلکه برای آنکه آن موضع معروف به سرداب و نواحی آن و حرم عسکریین منازل و مساکن شریفه و خانه‌ها و محل ولادت آن حضرت و بروز بعضی معجزات بوده است و تجدید خاطرات آن اعصار و یاد آن ازمنه که امام عصر و پدرش و جدش در آن بیوت شریف که از آن جمله همین دار معروف به سرداب است، خدا را پرستش می کردند و محل آمد و شد شیعه و محبّان اهل بیت بوده، در همان مقامات و مواقف شریفه به مدلول: «فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ» نور/۳۶ [خانه‌هایی را خدا اجازه داده که آنجا رفعت یابد و در آنجا ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند.] مناسب است. چنانچه منازل و مقامات دیگر نیز هست که مورد احترام شیعه است برای آنکه معلوم شده آن حضرت آن اماکن را مشرف به قدوم خود فرموده است(مانند مسجد جمکران قم).

مصلحی که جهان در انتظار اوست چه موقعی ظهور می‌کند؟ و پس از آن چه خواهد کرد؟

پرسش

مصلحی که جهان در انتظار اوست چه موقعی ظهور می‌کند؟ و پس از آن چه خواهد کرد؟

پاسخ

طبق مدارک قطعی و احادیث متواتر، هنگامی که دنیا گرفتار سخت‌ترین اضطرابات شود و آتش ظلم و بیدادگری در همه جا شعله‌ور گردد، امنیت و برادری از میان نوع بشر رخت بر بندد و زمامداران کشورها از ادارهٔ امور و مبارزه با فساد عاجز شوند، جنگ و خونریزی و اختلاف، نسل بشر را تهدید به انقراض کند. اختراعات مهیب و سلاح های مرگبار، به حد اعلا ترقی نماید و صفات عالی انسان از جوامع بشر رخت بر بسته و مفاسد اخلاقی و اجتماعی جای آن را بگیرد، ملل ضعیف و افراد ستمدیده، از توسل به مجامع و مجالسی که به نام حفظ حقوق ضعفاء و رعایت ملل کوچک تشکیل داده می‌شود نتیجه نگیرند و خلاصه انواع جنایات و فحشاء و منکرات رایج گردد، در این موقع یک مصلح بزرگ الهی که بشارت ظهور او با تمام مشخصات و خصوصیات داده شده قیام می‌کند و دست به یک اصلاح عمومی در تمام عالم می‌زند و به تمام این بدبختیها خاتمه می‌دهد. این مصلح عالی مقام، جهان را در لوای یک حکومت حق و عدالت در خواهد آورد و نور اسلام را در همه شهرهای بزرگ و کوچک و قراء و قصبات روشن گرداند. در همه جا احکام آسمانی قرآن اجرا شود، مقررات و قوانین الهی(که از اغراض و منافع شخصی منزه است) بر همه حکومت کند و همه سازمانها در راه رفاه و آسایش خلق و عمران و آبادی بکوشند و تکامل علمی و اخلاقی بشر با بهترین برنامه شروع شود و بالأخره از فرط بهبود و ترقی سطح زندگی، فقیری در تمام دنیا باقی نماند.

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پرسش

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پاسخ

از جمع بندی روایات چنین به دست می آید که قیام آن حضرت چند مرحله دارد و مرحله مهم و عمومی آن از مسجد الحرام است . مسئله جزیره خضراء به نظر محققین افسانه ای بیش نیست . در این زمینه رجوع کنید به : کتاب ((جزیره خضرا افسانه یا واقعیت)) که در آن نظر ۵ نفر از علماء و دانشمندان جمع آوری گردیده است; .

چرا ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان رخ می دهد؟

پرسش

چرا ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان رخ می دهد؟

پاسخ

الف) اینکه ظهور و غلبه جهانی امام عصر (عج) در آخر الزمان رخ می دهد به خاطر شرایط متعددی است که این حادثه عظیم به آن وابسته است و آن شرایط مانند میوه ای که در زمان خاصی می رسد، به تدریج در بستر زمانی وتاریخی خاص خود رخ می نماید .ب) اینکه آورده اید : ((تقصیر ما چیست امامان قبلی را کشتند ...)) باید پرسید چه کسی تقصیر کشته شدن امامان را بردوش شما نهاده است ؟ لیکن ما و شما و دیگران هر یک در هر شرایطتاریخی و عصری که باشیم وظایفی داریم و در برابر نعمتهای خدا مسوول ودر برابر تحمل دشواری ها در راه خدا پاداش می بریم . بنابراین باید شرایطتاریخی و رسالت خود را بشناسیم و به درستی به آنها جامه عمل بپوشیم ،در این صورت پاداش اخروی و عنایات دنیایی و الطاف امام عصر (عج) دستگیر ما خواهد بود .ج) در زمان ظهور امام عصر (عج) نیز چنان نیست که همه چیز به طور اتوماتیک و معجزه وار درست شود .اساساً نباید به مساله ظهور نگاهی عافیت طلبانه و مسیولیت گریزانه داشت . بلکه برای ظهور آن حضرت و توفیق ایشان در عصر ظهور نیز باید تلاش ، فداکاری و جانفشانی کرده و قطعاً اگر ما و شما و دیگران آمادگی های لازم را در خود کسب نموده بودیم تا کنون در غم فراق آن حضرت نمی سوختیم ، اکنون هم اگر بخواهیم خود را کنار بکشیم تا او بیاید و کارهای جهان را سروسامان دهد آش همان آش و کاسه همان کاسه خواهد بود .د) بسیار سطحی نگری و پوچ اندیشی است که خیال شود خدا خواسته است ایمه را بکشند تا دیگران به خوبی آنان پی ببرند!! اساساً این جهان میدان مسابقه در عمل است . یکی تا سر حدشهادت در مسیر نیکیها ره می سپرد و به اعلی علیین می رسد و دیگری درپی هواهای نفسانی و تمنیات پوچ گذران به کثیف ترین اعمال دست می یازد، و هر یک از دو گروه آن می دورد که خود کاشته است; .

امام زمان (عج) از کجا ظهور خواهند کرد و در کجا کلمه الله اکبر را ادا خواهند نمود که تمام جهانیان بشنوند؟

پرسش

امام زمان (عج) از کجا ظهور خواهند کرد و در کجا کلمه الله اکبر را ادا خواهند نمود که تمام جهانیان بشنوند؟

پاسخ

بر اساس روایات حضرت مهدی ((عج)) در مکه معظمه در کنار کعبه و حجر الاسود ظهور خواهد کرد و صدای تکبیر (الله اکبر) آن حضرت از آن جا به گوش همه جهانیان خواهد رسید .و اما نحوه رسیدن ممکن است توسط دستگاههای انتقال دهنده صدا؛ همچون رادیو و یا طرق دیگر صورت گیرد .چگونگی رسیدن صدای الله اکبر در روایات مشخص نشده است; .

آیا ظهور امام زمان(عج) قبل از قیامت است؟ در مورد نحوه ظهور و جامعه و مردم آن زمان مختصراً توضیح دهید.

پرسش

آیا ظهور امام زمان(عج) قبل از قیامت است؟ در مورد نحوه ظهور و جامعه و مردم آن زمان مختصراً توضیح دهید.

پاسخ

ظهور امام زمان(عج) قطعاً و یقیناً قبل از قیامت است. حضرت امام زمان(عج) برای حاکمیت بخشیدن به حق و عدل در سراسر گیتی و ریشه‌کن کردن ظلم و ستŠو تباهی در زمانی که ظلم و ستم جهان را فرا گرفته و انسان‌ها تشن...عدالت و حاکمیت حق شده‌اند، به‌پا می‌خیزد و با سلاح قرآن و بیان و معرفی حق به دعوت مظلومین می‌پردازد و تشنگان عدالت و به ستوه آمدگان از ظلم و تباهی، دعوت ایشان را اجابت می‌کنند و به ایشان می‌گروند و در رکاب آن حضرت به قلع و قمع سردمداران کفر و ستم بر می‌خیزند و با سرکوب آنان حاکمیت حق را تحقق می‌بخشند. رسول خدا(ص) فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز هم باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا قائم ما قیام کند و جهانِ پر از ظلم و جور را مملو از عدل و قسط گرداند.« {P – بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۰. P} درباره نحوه ظهور و جامعه و مردم در آن زمان رجوع کنید به کتاب «امامت حضرت مهدی(عج) در اعتقاد ما»، کد ۱۳۳/۱، ص ۱۱۸ – ۱۳۲ و کتاب «شناخت حضرت مهدی(عج)»، کد ۲۰۴/۱، ص ۱۴۲ – ۱۶۲، از انتشارات مرکز تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

امام زمان در چه روزی و در چه زمانی و در چه ماهی ظهور می‌کند؟

پرسش

امام زمان در چه روزی و در چه زمانی و در چه ماهی ظهور می‌کند؟

پاسخ

زمان ظهور امام (عج) برای هیچ کس حتی شخص امام (نیز معلوم نیست و از مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم .در روایات ما ،زمان ظهور حجت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است یعنی همان گونه که علم به زمان وقوع قیامت منحصراً در اختیار حضرت حق جل و علا است،علم زمان ظهور حضرت نیز در نزد خداوند متعال است. مفضل می‌گوید : خدمت امام باقر (عرض کردم آیا ظهور مهدی(عج) وقت معین دارد؟ حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمودند : کذّب الوقّاتون یعنی هر کس برای ظهور وقتی تعیین کند دروغ می‌گوید. (۱) بنابراین کسی حق ندارد زمانی برای ظهور حضرت تعیین کند، اما در اینجا به اختصار برخی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی(عج)را می‌آوریم که پاسخگوی بخشی از سوال شما نیز می‌باشد: از جمله نشانه‌های ظهور حادثه‌ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد در این هنگام نشانه‌های ظهور مهدی (عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ رمضان شنیده می‌شود. پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی (عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می‌نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل‌ها جای می‌گیرد. دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک گشته و می‌کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند، از این رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست پیدا کنند او را دستگیر

www.noorfatemah.org

و یا کشته و یا به زندان می‌اندازند و آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حریم شریف مکی آغاز می‌کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می‌یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان‌های مختلف به تمام جهان ابلاغ می‌کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می‌دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه‌ای که جد گرامی‌اش حضرت رسول (و عده فرموده محقق شود و آن فرورفتن لشکر سفیانی به زمین" یابس "است که برای در هم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می‌شوند به وقوع بپوندد(۳) منابع و مآخذ: ۱ ـ بحارالانوار ج۵۲ / ص۱۰۳ ۲ ـ دادگستر جهان / ابراهیم امینی ۳ ـ نرم افزار پرسان ـ نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها

امام زمان چگونه و در کجا ظهور می‌کند؟

پرسش

امام زمان چگونه و در کجا ظهور می‌کند؟

پاسخ

روایات در مورد کیفیت آغاز نهضت ظهور و زمان آن با هم تفاوت دارد. ولی آنچه از مجموع روایات به دست می‌آید، چنین است که حضرت بقیه الله نخست در میان سی صد و سیزده تن از یاران خود ظهور می‌کند آنگاه غروب روز نهم محرم یک‌یک یاران امام داخل مسجد الحرام در مکه شده و امام نهضت مقدس خود را بعد از نماز عشاءإ با ارسال پیام برای اهل مکه آغاز می‌کند. سپس یاران او در آن شب بر حرم و شهر مکه مسلط می‌گردند و روز دهم محرم امام پیام خود را متوجه جهانیان به زبان و لغت هر یک از ملل می‌نماید. (۱) امام باقر در این باره می‌فرماید ": امام مهدی هنگام نماز عشاء ظهور می‌کند در حالی که پرچم رسول الله و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد، و دارای نشانه‌ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشاء را به جا آورد، با صدای بلند و رسا می‌فرماید: ای مردم خدا را به یاد شما می‌آورم شما اینک در حضور خدا ایستاده‌اید ، او حجت خود را برگزید و .... و کتاب آسمانی را فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و اطاعت و فرمان برداری خدا و رسول او نمایید و زنده نگهدارید آنچه را قرآن زنده نگهداشته ... من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیاء سنت او دعوت می‌کنم سپس او به همراه سی صد و سیزده مرد به تعداد مردان جنگ بدر که همچون ابر پاییزی پراکنده و در عین حال به هم متصلند و زاهدان شب و شیران روزند، بدون قرار قبلی ظهور می‌کنند و خدا سرزمین حجاز را برای مهدی می‌گشاید. وی هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سر می‌برد آزاد می‌سازد، آنگاه درخش‌های سپاه در کوفه فرود می‌آید و گروهی جهت بیعت به سوی مهدی روانه می‌شوند آن حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان روانه می‌کند و ظلم و ظالمان را از میان بر می‌دارد و همه سرزمین‌ها بواسته او به عدالت راستی و درستکاری در می‌آیند. (۲) منظور از درخشهای سیاه در این روایت لشکریانی هستند با پرچم های سیاه که بنا بر روایات از خراسان به سوی کوفه حرکت می کنند. و در انتظار یاری رساندن به امام (ع) هستند. منابع و مآخذ: ۱ـ عصر ظهور، علی کورانی، ص۳۱۳ ۲ـ نسخه خطی ابن حماد، ص۹۵، به نقل از عصر ظهور، صص۳۱۶ـ۳۱۷

امام دوازدهم عج) چه زمان ظهور خواهند کرد؟

پرسش

امام دوازدهم عج) چه زمان ظهور خواهند کرد؟

پاسخ

قرآن کریم به زمان تقریبی ظهور امام زمانغ اشاره می کند و می‌فرماید": وَ لَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُواْ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (;سبأ، ۵۱) و ای کاش می‌دیدی هنگامی را که]کافران وحشت زده‌اند]آن‌جا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند ".طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل‌سنت نقل شده است آیهٔ فوق بر خروج سفیانی (گروهی که پیرو مکتب ابوسفیان و تفاله‌های عصر جاهلیتند و بر ضد طرفدارانِ حق در آستانه قیام حضرت مهدیغ خروج می کنند) و لشکریان او تطبیق شده است آن‌ها هنگام حرکت به سوی مکّه ـ به قصد تسخیر آن ـ در صحرا گرفتار می‌شوند. امّا در رابطه با تشخیص زمان ظهور و اظهار نظر دربارهٔ آن ابتدا باید بدانیم که آن کس که از زمان دقیق ظهور خبر دارد، خداوند متعال است و از جانب امامان هم برای ظهور وقتی تعیین نشده بلکه از طرف ایشان تعیین کنندهٔ وقت دقیق ظهور، تکذیب شده است برای مثال فضیل می گوید: خدمت امام باقر: عرض کردم آیا ظهور حضرت مهدیغ وقت معینی دارد؟ حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمود: هر کس برای ظهور، وقتی تعیین کند، دروغ می گوید.(بحارالانوار، مرحوم مجلسی ج ۵۲، ص ۱۰۳، نشر وفأ، بیروت) محمد بن مسلم می گوید: امام صادقبه من فرمود: هر کس وقت ظهور را برای تو تعیین کرد، از تکذیب نمودنش باک نداشته باش زیرا ما برای ظهور وقتی تعیین نمی کنیم (همان ص ۱۰۴ و ۱۱۷.) از این احادیث استفاده می‌شودکه پیامبر۶ و امامان وقت ظهور را تعیین نکرده‌اند ;و غیر این‌ها هم هیچ کس دیگر قادر نیست که آن وقت را مشخص کند ;هم چنین علمای ما، چون سخنی غیر از روایات امامان نمی گویند ;به همین جهت آنان نیز از وقت ظهور بی اطلاعند. بله در روایات علایمی برای ظهور بیان شده است که هم دانستن و هم اظهار نظر دربارهٔ آن‌ها مانعی ندارد. در روایات معصومین وارد شده است" پیش از ظهور امام زمان‌مردی از نسل ابوسفیان خروج می کند که مردی ظاهر اصلاح است و دائم ذکر خدا بر زبانش جاری است امّا از پلیدترین و خبیث‌ترین انسان‌ها است که گروه فراوانی از مردم را فریب می‌دهد و با خود همراه می کند ".شما ممکن است در رابطه با علایم ظهور و تطبیق آن بر حوادث زمان مطالبی از علما بشنوید که مانعی ندارد و به خصوص چون آنان با روایات ائمه آشناتر هستند، امکان حدس آنان در این‌باره بیش‌تر است (دادگستر جهان ابراهیم امینی ص ۲۲۱ـ۲۲۳، نشر شفق)

آیا تعیین وقت برای ظهور و اینکه علماء گفته اند ظهور نزدیک است صحیح است ؟

پرسش

آیا تعیین وقت برای ظهور و اینکه علماء گفته اند ظهور نزدیک است صحیح است ؟

پاسخ

تعیین وقت ظهور به دو صورت است ۱. کسی ادعا کند که امام ع در فلان روز یا فلان ماه یا فلان سال ظهورمی کند. مشخص کردن وقت ظهور به این صورت درست نیست و منظور امامزمان ع هم که فرموده‌اند: «کسانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند دروغ گوهستند» تعیین وقت ظهور به این شکل بوده است ۲. ذکر علایم ظهور؛ یعنی این که کسی بگوید با توجه به علایمی که درروایات آمده است و برخی از آن علایم به وقوع پیوسته پس ظهور نزدیک‌است اما این که ظهور چه زمانی است یک سال دیگر یا ده سال دیگر یا پنجاه‌سال و یا... معلوم نیست چنین سخنی اشکالی ندارد؛ زیرا در روایاتی که ازامامان معصوم ع نقل شده علایمی را برای ظهور نقل کرده‌اند و خود ائمه ع فرموده‌اند وقتی این علایم اتفاق افتاد، ظهور نزدیک است پس اگر علمامی گویند ظهور نزدیک است از خودشان چیزی نمی گویند بلکه بر اساس‌روایاتی که از امامان معصوم ع رسیده سخن می گویند.

امام زمان ۷چه مو قع ظهور می کند؟

پرسش

امام زمان ۷چه مو قع ظهور می کند؟

پاسخ

بنابر مصالحی , زمان ظهور امام زمان ۷مشخص نشده است و هیچ کس جز خداوند از وقت دقیق آن آگاه نیست . با این که اصحاب از امامان ۷در این مورد سؤال می کردند, ولی آنان از مشخص کردن وقت ظهور خودداری می کردند,تاجایی که وقتی از امام باقر۷می پرسد آیا برای ظهور وقتی معیّن شده است , امام ۷سه بار می فرماید: (۱) در روایت دیگری آن حضرت می فرماید: از پیامبر۶همین مطلب پرسیده شد, حضرت فرمود: مَثَل ظهور مهدی ۷همچون برپایی قیامت است (کسی جزخدا از وقت آن آگاه نیست) مهدی نمی آید مگر ناگهانی .(۲) البته در روایات نشانه های ظهور ذکر شده است که آن هم به معنای تعیین دقیق وقت ظهور نیست . (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۰۳ (پاورقی ۲.همان , ج ۳۶ ص ۳۹۱

چرا زمان ظهور امام زمان ۷بر هیچکس معلوم نیست ؟

پرسش

چرا زمان ظهور امام زمان ۷بر هیچکس معلوم نیست ؟

پاسخ

گرچه اصل ظهور و نشانه های نزدیک شدن آن از امور مسلّم و قطعی است , ولی بنا به مصالحی زمان ظهور مشخص نشده است و هیچ کس جز خداوند از وقت دقیق آن آگاه نیست . بارها اصحاب امامان در مورد زمان خروج مهدی ۷پرسیده اند, ولی آنان به صراحت از مشخص کردن آن نهی کرده اند و زمان ظهور را هم چون علم به قیامت منحصر به خدا دانسته اند. در کتاب از شیخ

طوسی آمده : . فضیل از امام باقر۷پرسید: آیا برای ظهوروقتی معیّن شده است ؟ امام ۷سه بار فرمود: .(۱) از تأخیر در پاسخ بسیار معذرت می خواهیم شما می توانید سؤالات خود را مستقیماً به آدرس : صندوق پستی قم ۱۹۷بفرستید و سریعتر جواب دریافت دارید. (پاورقی ۱.مجلهء ۵حوزه , شمارهء ۷۰ـ ۷۱ ص ۲۳۶

آیا امام زمان‌علیه‌السلام از سرداب مقدس ظهور خواهد کرد؟

پرسش

آیا امام زمان‌علیه‌السلام از سرداب مقدس ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

از جمله نسبت‌های ناروایی که به شیعه داده شده این است که آنان معتقدند امام مهدی (ع) در آخرالزمان از سرداب سامرّا خروج خواهد کرد. ولی با مراجعه به کتاب‌های حدیثی وکلامی شیعه پی خواهیم برد که این نسبت کذب ودروغ است. بلکه شیعه معتقد است که آن حضرت همانند جدش رسول خدا (ص) از مکه مکرّمه ظهور خواهند نمود. فضل بن شاذان به سند خود از امام صادق (ع) واو از امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی طولانی نقل کرده که فرمود": هو التاسع من ولدک یا حسین! یظهر بین الرکنین؛"... ..."او{پاورقی . معجم احادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۲۳، ح ۵۷۸. پاورقی} نهمین از فرزندان توست ای حسین! که بین رکن ومقام ظهور خواهد کرد. "...شیخ صدوق؛ نیز به سند خود از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود": القآئم منّا منصور بالرعب، مؤیّد بالنصر... فعند ذلک خروج قآئمنا، فإذا خرج أسند ظهره إلی الکعبهٔ، واجتمع إلیه ثلاثمائهٔ وثلاثهٔ عشر رجلاً"؛ "...قائم از ما کسی است که به رعب وترس یاری شده وبه{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۱، ح ۱۶ ؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲. پاورقی} نصرت، تأیید می‌شود... در آن هنگام است خروج قائم ما. پس هنگامی که خروج کند بر کعبه تکیه زند، در آن هنگام سیصد وسیزده نفر دور او جمع می‌شوند. "...موضوع: تکالیف عصر غیبت

حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟

پرسش

حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟

پاسخ

گاهی این سؤال در ذهن انسان خطور می‌کند که چرا وقت ظهور در منابع اسلامی معین نشده است؟ در جواب این سؤال می‌گوییم:
۱ – کسی که منتظر شخص دوست‌داشتنی است ووقت آمدن او را نمی‌داند همیشه در حال انتظار است، همیشه آماده است، همیشه درصدد پیاده کردن دستورات او در خود واجتماع است. ولی در صورتی که زمان رسیدن او را بداند خصوصاً آنکه بداند که بسیار

دور است، مأیوس شـده وهرگز خود را به این زودی آماده نمی‌کند. ۲ – معین نبودن وقت ظهور، یک نوع امتحانی است برای مردم تا معلوم گردد آیا مردم با این همه سـختی‌های مختلف، روحیه خود را از دست می‌دهند یا خیر. ۳ – گاه مصلحت در تقدیم وتأخیر زمان غیبت است که این معنا با معین بودن زمان ظهور سازگاری ندارد. ولذا در قصه حضرت موسی (ع) به جهت ادامه ملاقات او با خداوند از سـی روز تا چهل روز، عده‌ای به انحراف کشیده شدند. ۴ – در صورت معین بودن ظهور، دشـمنان حضرت (ع) درصدد تـدارک برآمده وبا حضـرت در همان زمان به مقابله برخواهند خواست. لذا در روایات اسـلامی از عنصـر" ناگهانی بودن ظهور "به عنوان عنصـر اساسـی در پیروزی حضـرت یـاد شـده است. امـام صـادق (ع) به ابن النعمـان فرمود": ای پسـر نعمـان! به راسـتی عـالم نمی‌توانـد به هر چه اطلاع دارد تو را آگاه سازد... پس عجله نکنیـد، به خـدا سوگنـد! سه بار این امر –امر فرج– نزدیک شد ولی به جهت آنکه شـما آن را فاش کردید خداوند آن را به تأخیر انداخت. به خدا سوگند! نزد شـما سرّی نیست مگر آنکه دشمنان شما به آن از شما آگاه‌ترند. "۵ – در صورت عدم تعیین وقت ظهور، حالت انقطاع وتوجه وتضرّع خاصّی بر انسان‌ها حاکم خواهد شد، که چه بسـا این امر سـبب تعجیـل در فرج امـام زمان (ع) گردد. ولی اگر وقت ظهور به طور قطع مشـخّص باشـد دیگر از این اثر معنوی خبری نیست. ۶ – از آنجا که وقت ظهور هماننـد علایم ظهور، متعلّق" بدا "واقع می‌شود، لذا نباید به طور دقیق وقت ظهور مشـخص باشـد تـا مردم به کارهایی تشویق شونـد که مؤثّر در ظهور امام زمان (ع) است. ۷ – از آنجـا که ممکن است ظهور حضـرت به طول انجامـد، لذا وقت آن معین نشده است تا مردم مأیوس نباشـند وبا احتمال ظهور حضـرت در هر لحظه حالت انتظار مثبت را از دسـت ندهند.

آیا تعیین وقت ظهور صحیح است؟

پرسش

آیا تعیین وقت ظهور صحیح است؟

پاسخ

تعیین تاریخ ظهور امام زمان (ع) به چند نحو متصور است: ۱ –اینکه تاریخ ووقت ظهور حضرت را به طور دقیق وتفصیلی معین کنیم که در فلاـن سال، وفلان ماه وفلان روز خواهـد بود. این احتمال باطل است، زیرا در هیـچ روایتی به آن اشاره نشـده است ومضافاً به اینکه در برخی از احـادیث تعیین کننـده وقت ظهور مورد لعن قرار گرفته است. ۲ –اینکه موعـد ظهور به نحو اجمال تعیین گردد، به اینکه بگوییم: هر گاه خداوند اراده کند آن حضـرت ظهور خواهد کرد. این احتمال به طور حتم اشکالی نداشته وصحیح است. ۳ – اینکه از طریق قواعد حساب وجفر، به طور اجمال یا تفصـیل به زمان ظهور حضرت علم پیدا کرده واز آن خبر دهیم. این احتمال گر چـه در برخی روایـات بـه آن اشـاره شـده ولی از سـند معتبری برخـوردار نیسـت. خصوصـاً آنکـه تاریـخ ظهـور، ممکـن {پـاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۶، ح ۱۳. پاورقی} است مورد بـدا واقع شود. ۴ – اینکه مطـابق برخی از روایـات به طور کلّی واجمال به زمـان ظهور آن حضـرت اشاره گردد: طبرسـی از امام صادق (ع) نقل کرده که": لایخرج القآئم إلّا فی وتر من السـنین، سـنهٔ إحـدی أوثلاـث أوخمس أوسـبع أوتسع"؛ "قائم در سال وتر [فرد] ظهور خواهـد کرد، سال یک یا {پاورقی . اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۶. پـاورقی} سه یـا پنـج یا هفت یا نه ".ونیز به سـند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

"ینادی باسم القآئم فی لیلهٔ ثلاث وعشرین من شهر رمضان ویقوم فی عاشورآء، وهو الّذی قتل فیه الحسین بن علی (ع"؛ ")...به اسم{پاورقی . همان. پاورقی} قائم در شب بیست وسوّم ماه رمضان ندا داده خواهد شد ودر روز عاشورا قیام خواهد کرد، وآن روزی است که حسین بن علی در آن روز به شهادت رسید".

اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می‌کند کجاست؟

پرسش

اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می‌کند کجاست؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه واهل سنّت اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می‌کند بین رکن ومقام است. سیوطی به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": مهدی از مدینه به سوی مکه خروج می‌کند، مردم از او می‌خواهند که از میانشان خروج کند آن گاه با او بین رکن ومقام بیعت می‌کنند در حالی که کراهت دارد. {"...پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲. پاورقی} شیخ طوسی به سندش از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود": گویا قائم را در روز عاشورا، روز شنبه، ایستاده بین رکن ومقام مشاهده می‌کنم. {"...پاورقی . همان، ص ۱۰۲. پاورقی} این اخبار به جهت کثرت وتظافر آنها قابل اثبات تاریخی است.

آیا امام زمان – عجل الله تعالی فرجه – از هند ظهور خواهد کرد؟

پرسش

آیا امام زمان – عجل الله تعالی فرجه – از هند ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

بنابر عقیده مسلمانان – اعم از شیعه و سنی – و پیروان دیگر ادیان الهی، برای نجات بشر از ظلم و بازگرداندن حق مظلومان به آنان و انتقام از ظالمان، فردی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. آن حضرت دین اسلام را در سراسر گیتی خواهد گسترانید و سران کفر و شرک و مذاهب باطل و منسوخ را نابود می‌گرداند. منجی انسان‌ها از شهر مکه، ظهور و قیام می‌کند و مبارزاتش از آن‌جا آغاز می‌گردد. در برخی روایاتِ اهل سنت از پیامبر(ص) درباره رخدادهای زمان ظهور آمده است: «هنگام مرگ خلیفه {یا در آن زمان} اختلاف و پراکندگی روی می‌دهد. در پی آن، مردی از شهر مدینه خارج می‌شود و به سوی مکه می‌گریزد. گروهی از اهل مکه به محضرش می‌شتابند ... و با او در بین رکن و مقام بیعت می‌کنند...».{۱} در ضمن گزارش ابوالحسن محمد بن عبید کسائی ، در قصص الانبیأ، به نقل از کعب الاحبار، آمده است: «... ثم یظهر المهدی بمکه فیبلغ خبره الی السفیانی{ز»۲} «آن گاه مهدی در مکه قیام می‌کند و خبرش به سفیانی می‌رسد». امام علی(ع) فرمود: «...پس آن گاه بر دیواره

مسجد دمشق بانگ می‌زند: «هان که فریادرس شما آمده است؛ ای امت محمد، فریادرس شما آمده است؛ ای امت محمد، برطرف کننده غمها آمده است. او مهدی است که از مکه خروج کرده است. در آن هنگام دعوتش را اجابت کنید».{۳} در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، نوشته متقی هندی، آمده است: «از امام باقر(ع) گزارش شده است که مهدی(ع)، هنگام عشا در مکه قیام می کند و پرچم رسول خدا(ص) همراه اوست».{۴} در کتاب الغیبه، نوشته شیخ محمدبن ابراهیم نعمانی، آمده است: «از ابو جعفر محمد بن علی، امام جواد(ع) نقل شده است که وقتی قائم از مکه خروج کند، منادی او ندا در دهد ...».{۵} بنابراین آن حضرت از مکه ظهور می کند شاید علت شایعه ظهور ایشان از هند، تبلیغات مخرب گروههای منحرفی چون قادیانیه باشد/ [۱].مسند احمد، ج ۶، حدیث بعض ازواج النبی، حدیث ام سلمه، ص ۳۱۶، دارصادر، بیروت/ [۲].عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی مقدس شافعی، باب الرابع فی ما یظهر من الفتن الدالْ علی ولایته، ص ۱۱۶، (تحقیق عبدالفتاح محمدحلو، تعلیق علی نظری منفرد، انتشارات نصایح، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه) ['۳].همان، ص ۱۳۱/ [۴].ملحقات احقاق‌الحق، آیت‌اله‌مرعشی‌نجفی، ج۲۹، ص ۳۶۰ (چاپ اول: ۱۴۱۵ه) ['۵].کتاب الغیبْ، محمد بن ابراهیم نعمانی، باب ماروی فی صفته و سیرته و فعله، ح ۲۸، ص ۲۳۸ (مکتبْ الصدوق)/

آیا قیامت که در قرآن توصیف آن آمده زودتر اتفاق می‌افتد یا ظهور حضرت ولی عصرغ زیرا در روایات آمده که یاران آن حضرت که از دنیا رفته‌اند در زمان ظهور آن حضرت زنده می‌شوند و در خدمت آن حضرت هستند، و ما نیز این زنده شدن را در قیامت داریم ..؟

پرسش

آیا قیامت که در قرآن توصیف آن آمده زودتر اتفاق می‌افتد یا ظهور حضرت ولی عصرغ زیرا در روایات آمده که یاران آن حضرت که از دنیا رفته‌اند در زمان ظهور آن حضرت زنده می‌شوند و در خدمت آن حضرت هستند، و ما نیز این زنده شدن را در قیامت داریم ..؟

پاسخ

ظهور امام زمانغ قبل از قیامت است بعد از ظهور آن حضرت دنیا آباد می‌شود و آن حضرتبا ظهور خود در راه برقراری عدالت با جباران و ستمگران مبارزه می کند و همهٔ آنان را به شکست و تسلیم وا می‌دارد و دنیا را پر از عدل و داد می کند ;چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید": وعد اللّه الذین ءَامنوا منکم وَ عَمِلُواْ الصَّـلِحَـتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُم‌ْفِی الأ? رْضِ (;...نور، ۵۵) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین]خود[قرار دهد. "...بسیاری از مفسران معتقدند: وعدهٔ الهی در این آیه اشاره به حکومت حضرت مهدیغ است و بی‌تردید حکومت امام مهدی‌مصداق کامل این آیه می‌باشد. امام سجاد۷ در تفسیر این آیه فرمود": به خدا سوگند آن‌ها شیعیان ما هستند ;خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که" مهدی این امت است زمین را پر از عدل و داد می کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.("...ر.ک تفسیر نمونه آیهٔالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۴، ص ۵۲۷ ـ ۵۳۲، دارالکتب الاسلامیهٔ / مجمع‌البیان مرحوم طبرسی ج ۷، ص ۲۶۷، مؤسسه اعلمی بیروت) پیامبراکرم‌می‌فرماید": مهدی از من است اسم او اسم من و کنیه‌اش کنیهٔ من است و شبیه‌ترین انسان ـ از نظر خَلق و خُلق ـ به من می‌باشد، او دارای غیبتی است .. پس زمین را ـ همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده ـ از عدل و برابری پُر می کند.(ر.ک کمال‌الدین و تمام النعمهٔ شیخ صدوق ص ۲۷۱، مؤسسه اعلمی بیروت) باز آن حضرت فرمود:

www.noorfatemah.org

..."روح‌الله عیسی‌بن‌مریم از آسمان فرود آید و پشت‌سر مهدی نماز می‌خواند، سپس او زمین را به نور خداوند متعال روشن می‌سازد و سلطنت او در مشرق و مغرب (کره زمین گسترش پیدا می‌کند.(ر.ک کشف‌الغمّه علی بن عیسی إربلی ج ۲، ص ۵۰۷، نشر مکتبهٔ بنی‌هاشمی) امام حسن مجتبی‌می‌فرماید": خداوند در آخر زمان و روزگار سخت در میان جهل و نادانی مردم مردی را بر می‌انگیزد و او را با فرشتگان خود تأیید (و کمک می‌فرماید و یاوران او را حفظ می‌کند و با آیات و نشانه‌های خودش او را یاری می‌دهد و بر کرهٔ زمین غالب می‌گرداند. تا آن‌جا که مردم پاره‌ای از روی میل و گروهی بی‌میل و با اکراه به دین خدا می‌گروند، سپس زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان می‌کند تمام مردم جهان در برابر او خاضع شوند هیچ کافری باقی نمی‌ماند مگر آن‌که مؤمن شود و هیچ بدکاری نمی‌ماند مگر آن‌که اصلاح گردد... " گنج‌ها و معادن برای او آشکار می‌شود و چهل‌سال در بین مشرق و مغرب عالم سلطنت می‌کند("...ر.ک الاحتجاج مرحوم طبرسی ج ۲، ص ۲۹۴ ـ ۲۹۷، انتشارات اسوه) در روایتی امام صادق‌می‌فرماید: هفت نفر از اصحاب کهف یوشع بن نون (وصی حضرت موسی ، سلمان فارسی ابودجانه انصاری مقداد و مالک اشتر نیز در زمان ظهور امام زمان زنده می‌شوند و جزء فرمانروایان آن حضرت خواهند بود.(الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۶، نشر کنگره شیخ مفید / کشف الغمه علی بن عیسی إربلی ج ۲، ص ۴۶۶، مکتبهٔ بنی هاشمی تبریز.) بنابراین زنده شدن مردگان اختصاص به قیامت ندارد، بلکه در دنیا نیز اتفاق افتاده و قرآن مجید نمونه‌هایی از آن را در سورهٔ بقره آیات ۵۵ و ۵۶ (زنده شدن عده‌ای از بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی ، ۷۳ (زنده شدن مقتول به دستور حضرت موسی ، ۲۴۳ (جمعیتی که از ترس مرگ از خانه‌های خود بیرون رفتند که خداوند فرمان مرگ به آن‌ها داد و سپس آن‌ها را زنده نمود)، ۲۵۹ (زنده شدن عزیر پیامبر بعد از صد سال ، بیان نموده است بعداز ظهور امام زمان و در زمان" رجعت نیز عده‌ای زنده خواهند شد. رجعت یکی از عقاید ما شیعیان و مربوط به قبل از قیامت است مرحوم شیخ مفید ;در کتاب اختصاص از امام صادق‌نقل می‌کند که فرمود: اولین کسی که به دنیا باز می‌گردد، حسین‌بن‌علی‌است و رجعت عمومی نیست بلکه تنها کسانی‌که در ایمان و یا در شرک محض و خالص باشند، باز می‌گردند.(ر.ک بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.) در همان کتاب نقل شده که حضرت امام باقر۷ از ابوبصیر سؤال فرمود: آیا اهل عراق رجعت را انکار می‌کنند؟ ابوبصیر جواب داد: بله امام فرمود: آیا قرآن را نخوانده‌اند که می‌فرماید": ویوم نحشر من کلِّ أمّهٔ فوجاً ("نمل ۸۳)(ر.ک بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، داراحیأالتراث) در همان کتاب آمده که حضرت امام صادق‌فرمود: اولین کسی که به دنیا رجوع می‌کند، حسین‌بن‌علی‌است و پس از آن زمام حکومت را به‌دست می‌گیرد... .(همان ص ۴۶.) در زیارت اربعین امام حسین‌آمده است" و اشهد الله و ملائکته و انبیأه و رسله انّی بکم مؤمن و بایابکم موقن بشرایع دینی و خواتیم عملی که فراز "بایابکم موقن ; یعنی به بازگشت شما یقین دارم (در بحارالانوار، ج ۵۳، باب الرجعهٔ ۱۶۲ روایت در زمینهٔ رجعت از کتب گوناگون جمع‌آوری شده است)

۱۰- زمان ظهور امام زمان (عج) چه وقت است ؟

پرسش

۱۰- زمان ظهور امام زمان (عج) چه وقت است ؟

پاسخ

ظهور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود و ترقب و انتظارفرج درآن روز بیشتر از روزهای دیگر است ،چنانچه در پاره ای از اخبار تصریح به آن و در زیارت مختصه به آن جناب است در روز جمعه که {یا مولای یا صاحب الزمان صلوات الله علیک و علی آل بیتک هذایوم جمعه و هو یومک المتوقع فیه ظهورک و الفرج فیه المؤمنین علی یدیک } تا آخر آنچه بیاید. یعنی؛« ای آقای من ای صاحب الزمان که درود خداوند بر تو و بر آل بیت تو، این روز جمعه است و آن روز تو است که انتظار کشیده می شود و در آن ظهور تو و فرج مؤمنین بر دست جناب تو و من ای آقای من در آن میهمان تو هستم و پناه آورده به تو ای آقای من! کریمی و از اولاد بزرگواران و مأموری به پناه دادن پس مرا مهمانی کن و پناه ده . بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آن را یکی ازعیدهای چهارگانه حقیقتا به جهت آن روز شریف است منابع : ۱-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ۲-نشانه های ظهور ، محمد خادمی شیرازی ۳-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی ۴-ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

مکان و نحوه ظهور امام زمان(عج)چگونه خواهد بود؟

پرسش

مکان و نحوه ظهور امام زمان(عج)چگونه خواهد بود؟

پاسخ

بر اساس روایات حضرت مهدی «عج» در مکه معظمه در کنار کعبه و حجر الاسود ظهور خواهد کرد و صدای تکبیر (اللهاکبر) آن حضرت از آن جا به گوش همه جهانیان خواهد رسید. و اما نحوه رسیدن ممکن است توسط دستگاههای انتقال دهنده صدا؛ همچون رادیو و یا طرق دیگر صورت گیرد. چگونگی رسیدن صدای اللهاکبر در روایات مشخص نشده است. گرچه ظهور روایات بیشتر در رسیدن صدای آن حضرت به همگان به صورت معجزه است. این که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر هستند مطلب صحیحی است ولی منظور یاران خاص و فرماندهان لشکرهای حضرت می‌باشد، زیرا شکی نیست که همه مؤمنین و مؤمنات در آن زمان از یاران و یاوران آن حضرت می‌باشند و حتی گروهی از مؤمنین زمان‌های گذشته زنده می‌شوند و در رکاب حضرت بر علیه کفر مبارزه می‌نمایند به همین جهت در دعای عهد می‌خوانیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که در رکاب حضرت وجود داشته باشیم. افزون بر آن بیان واقعیت نباید موجب یأس و دلسردی بشود، بلکه منطقا هر کس باید تلاش کند که خود را به حد اعلای کمالات برساند تا در ردیف یاران ویژه آن حضرت قرار گیرد. روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده‌اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال‌های غیبت ازدواج‌های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی در دست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی‌شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی که در اختیار است یا ابهام دلالی دارد یا از نظر سند مشکل دارد. در هر صورت علم ما به چنین اموری بی‌فایده است و هیچ مشکلی از مشکلات فکری، اعتقادی و اجتماعی را حل نمی‌نماید. بنابراین با توجه به روایات که بعضی اشکال سندی دارند و بعضی از نظر دلالت مبهم می‌باشند، نمی‌شود به طور قاطع در مورد

ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همان حکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم). مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار روایتی نقل می‌فرمایند که محل سکونت امام(ع) و خانواده محترمشان در مسجد سهله می‌باشد. در این روایت بر شأن و منزلت بالای مسجد سهله تأکید شده و آنجا را محل سکونت بعضی از انبیاء نیز معرفی کرده است. برای آگاهی بیشتر ر.ک: کورانی، علی، عصر ظهور، سازمان تبلیغات اسلامی.

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره ء خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پرسش

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره ء خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پاسخ

از جمع‌بندی روایات چنین به دست می‌آید که قیام آن حضرت چند مرحله دارد و مرحله مهم و عمومی آن ازمسجدالحرام است. مساله جزیره خضرا به نظر محققین افسانه‌ای بیش نیست. در این زمینه ر.ک.به: کتاب «جزیره خضرا افسانه یا واقعیت» ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه‌دار، انتشارات دفترتبلیغات اسلامی قم که در آن نظر ۵ نفر از علما و دانشمندان جمع آوری گردیده است. همچنین کتاب جزیره خضراء در ترازوی نقد، علامه سید جعفر مرتضی، ترجمه: محمد سپهری در این زمینه مفیداست.{J

آیا امام زمان (عج) روز جمعه ظهور می کنند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) روز جمعه ظهور می کنند؟

پاسخ

در مورد ندای آسمانی در روز ظهور اخباری رسیده است: اول روز گوینده‌ای از آسمان صدا می‌زند، به طوری که همه‌آن را می‌شنوند... ، (غیبت، شیخ طوسی، ص ۳۴۴). در اخبار آمده که آن روز، روز جمعه خواهد بود.

با توجه به بعضی گفته ها آیا می توان زمان ظهور را مشخص کرد؟

پرسش

با توجه به بعضی گفته ها آیا می توان زمان ظهور را مشخص کرد؟

پاسخ

زمان ظهور امام زمان(عج) برای هیچ کس حتی شخص امام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم، در روایات ما زمان ظهور حضرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است؛ یعنی، همان گونه کهعلم زمان وقوع قیامت منحصرا در اختیار حضرت حق – جل و علا – است، علم زمان ظهور حضرت نیز منحصرند در نزد خداوند متعال است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) مشابهاین روایت را از امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید). بنابراین کسی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد موجه درست می‌شود. مهم شناخت وظیفه است؛ ما چه بکنیم که بتوانیم به وظیفه خود در زمان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم بهنزدیک‌تر شدن مهمان ظهور امام کمک کرده باشیم؟ و چه بکنیم که اگر امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟ روایات ما وظیفه در زمان غیبت را معین فرموده‌اند، انتظار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما باید با ورع و عفت و صلاح همراه باشد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شده است، (کمال‌الدین و تمام النقة، شیخ صدوق، صص ۶۴۷ – ۶۴۴، والشیعة والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه). روشن است که تا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضرت نیز میسر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارند. این زمینه اولاً ـ با کردارهای درست و به جا و خداپسندانه شیعیان و همپیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان – از ته قلب و باخلوص نیت – حاصل می‌شود، (صحیفه المهدی، جواد قیدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱).{J

نظر شما در مورد افرادی که برای ظهور آقا امام زمان وقت تعیین می کنند چیست. آیاافراد از تاریخ ظهور ایشان اطلاع دارند.

پرسش

نظر شما در مورد افرادی که برای ظهور آقا امام زمان وقت تعیین می کنند چیست. آیاافراد از تاریخ ظهور ایشان اطلاع دارند.

پاسخ

براساس روایات «توقیت» و «تعیین وقت» برای ظهور حضرت صاحب کار درست و صحیحی نیست، ائمه فرموده اند ما خاندانی هستیم که برای ظهور آن حضرت وقتی را مشخص نمی کنیم، چنان که حضرت رسول(ص) فرموده است: «دروغ گفته اند آنان که وقت مشخص می کنند» (نگا: کتاب الغیبه، محمد ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۹ – منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۵۷۳). هیچ فردی حتی خود حضرت از زمان ظهور خویش اطلاعی ندارند. آنچه که می توان گفت این نکته است که برخی از علامات

ظهور محقق گشته است اما این که همه آنها محقق شده است یا خیر؟ یا این که تحقق این علائم در چه حد از شدت و حدت برخوردارند از علم و آگاهی بشری به دور است.

چرا امام زمان روز جمعه را برای ظهور انتخاب کرده اند می توانست روزهای دیگر هفته باشد حتی می توانست روز چهارشنبه باشد جوابی غیر از تقدس جمعه وجود دارد؟

پرسش

چرا امام زمان روز جمعه را برای ظهور انتخاب کرده اند می توانست روزهای دیگر هفته باشد حتی می توانست روز چهارشنبه باشد جوابی غیر از تقدس جمعه وجود دارد؟

پاسخ

هر چند در برخی روایات (مهدی موعود، علی دوانی، باب سی و یکم و همچنین برخی ادعیه (مثل زیارت امام زمان در روز جمعه)) روز ظهور حضرت، روز جمعه بیان شده است، لکن روایات متعدد معتبر دلالت می کند که قیام حضرت در روز شنبه که مصادف با روز عاشورا است، واقع خواهد شد، (منتخب‌الاثر، الفصل السادس، الباب التاسع، حدیث ۱ تا ۷، ص ۵۷۴ تا ۵۷۶). نکته دیگر آن که باید توجه داشت که برخی چیزها سؤال بردار نیست از جمله مطلب مورد سؤال، زیرا اگر زمان ظهور آن حضرت، روزهای دیگر هفته مثلاـ چهارشنبه یا سه شنبه و یا... باشد، باز هم جای پرسش است که چرا روز دیگر نبود به هر حال ظهور آن بزرگوار در یک مرحله زمانی تعیین شده است. گرچه ممکن است روز جمعه - به دلیل ارزش معنوی افزون بر روزهای دیگر هفته - زمان احتمالی ظهور باشد چنان که در روایات آمده است چنان احتمال روز «شنبه» هم هست چنان که در روایات ذکر شده است «روزی که مصادف با عاشورای حسینی(ع) باشد» (ارشاد شیخ مفید، ص ۷۰۰، ترجمه شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی، چاپ اسلامیه).

آیا از وقت ظهور اطّلاع دادن صحیح است؟

پرسش

آیا از وقت ظهور اطّلاع دادن صحیح است؟

پاسخ

به جهاتی نباید خبر از وقت ظهور داد: ۱ - در هیچ روایتی به وقت دقیق وحتی غیر دقیق ظهور اشاره نشده است. ۲ - از آنجا که زمان ظهور ممکن است به جهت شرایطی تغییر پیدا کند وبه تعبیری متعلق "بداء "واقع شود وما از آن اطلاعی نداشته باشیم، لذا نباید از زمان ظهور خبر دهیم، گر چه انسان ممکن است از راه‌های غیر عادی به یک پرده از قضایا علم حاصل نماید. ۳ - گاهی با

برخی از خبرها نسبت به ظهور که در خارج هم تحقق نیافته است مردم به اصل ظهور بدبین می‌شوند واصل واقعه از دید آنان بی اعتبار می گردد. ۴ - برخی از روایات، از توقیت و معین کردن وقت ظهور نهی نموده‌اند.

چگونگی اعلان

نخستین اقدام حضرت مهدی ۷پس از ظهور چه خواهد بود؟

پرسش

نخستین اقدام حضرت مهدی ۷پس از ظهور چه خواهد بود؟

پاسخ

آن طور که برخی نوشته اند و از روایات استفاده می شود, حضرت مهدی ۷در مکه معظّمه ظهور می کنند و تکیه به کعبه مقدس می دهند و منادی با صدای رسا ظهور حضرت را اعلان می کند, به گونه ای که کل عالم صدایش را بشنوند. یاران خاص آن بزرگوار که تعدادشان ۳۱۳نفر است , در مدت کوتاهی خود را به حضرت می رسانند و بعداز آن حضرت دعوت خود را شروع می کنند و تغییر و تحوّلی در مسجد الحرام و اطرافش به وجود می آورند.پس از آن وارد مدینهء منوره می شوند و آن جا هم مردم را به حق و حقیقت دعوت می کنند و یک سری تغییراتی به وجود می آورند و سپس وارد کوفه می شوند در خارج کوفه مسجد بزرگی احداث می کنند. و همین طور درسایر شهرها و بلاد.(۱) (پاورقی ۱.ابراهیم امینی , دادگستر جهان و محمد محمدی اشتهادردی , فروغ تابان ولایت , انتشاران جمکران .

امام زمان(ع) وقتی که ظهور می کند ابتدائاً چه کارهایی را انجام می دهد؟

پرسش

امام زمان(ع) وقتی که ظهور می کند ابتدائاً چه کارهایی را انجام می دهد؟

پاسخ

امام زمان(ع) در صدد ایجاد جامعه ای مبتنی بر عدالت، دین مداری و خدا محوری است. طبیعی است ایجاد چنین جامعه ای نیازمند راهکار و استراتژی های منطقی و کار آمد می باشد که این راهکارها در در مرحله انجام می گیرد: ۱ _مرحلهٔ ابتدایی، ۲_ مرحلهٔدراز مدت. امام زمان(ع) درابتدا به اجرای برنامه های متعددی می پردازد که به برخی از آن ها اشاره می شود: ۱ _اعلام ظهور: امام زمان بعد از آنکه در مکه ظهور می کند،[۱۲] این آیه را می خواند" بقیه الله خیرٌ لکم إن کنتم مؤمنین.["۱۳] ۲ _دعوت از یاران: اما زمان(ع) بعد از اعلام ظهور یاران خویش را فرا می خواند آن گاه ۳۱۳ نفر از یاران حضرت در مکه اجتماع می کنند.

هنگـامی که ده هزار نفر از یـاران امـام(ع) آماده شدنـد قیام می کنـد. امام صادق(ع) فرمود": و یقیم بمکّه حتی یتمّ أصحابه عشره آلاف أنفس ثم یسیر منها إلی المدینه؛[۱۴] در مکه (پس از ظهور) اقامت می گزیند تا یارانش به ده هزار نفر برسند آن گاه از مکه به سوی مـدینه حرکت می کنند. "۳ _فراخوان عمومی جهت بیعت: یکی از برنـامه هـای مهم امـام زمان(ع) فراخوان عمومی جهت بیعت است. فراخوان عمومی موجب می شود که دوسـتان و دشـمنان حضـرت مشـخص گردند. بعد از دعوت امام برخی با حضـرت بیعت می کنند.[۱۵] اولین کسـی که با حضـرت بیعت می کنـد جبرئیل است.[۱۶] در برخی از روایـات تصـریح شـده است که امام زمـان(ع) در هنگـام بیعت یـاران خویش را ملزم به رعـایت به برخی از اصول و شـرایط می کنـد. امام علی(ع) فرمود[": امام] قائم با یـارانش پیمـان می بنـدد و از آنـان بیعت می گیرد که (به این اصـول عمـل کننـد) ... مسـلمانی را دشـنام ندهنـد... حریمی را هتک نکننـد... کسـی را به ناحق نزننـد... در امر معاش به اندک بسـنده کنند.["۱۷] ۴ _قیـام علیه مخالفـان: بعـد از فراخوان عمومی مردم جهت بیعت با حضـرت ، برخی به مخالفت حضرت پرداخته، در برابر ایشان تسلیم نمی شوند. مخالفان امام را چند گروه تشکیل می دهنـد، ماننـد راحت طلبان جمود انـدیشان کافران و منافقان.[۱۸] متأسـفانه برخی از ظهور حضـرت خوشاینـد نیسـتند اگر چه ادعای پیروی می کنند. امام صادق(ع) فرمود": چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت، از او روی می گردانند.["۱۹] منافقـان و کـافران نیز از ظهـور حضـرت خرسـند نیسـتند. امـام صـادق(ع) فرمـود " مشـرکان و کفـار از قیـام مهـدی ناخشنودند.["۲۰] قیـام امـام زمـان(ع) از مکه آغـاز می شود سـپس حضـرت به مـدینه و کوفه می رود و بعـد از پیروزی بر مخالفـان حکومت عـدالت گستر تشـکیل می دهـد که در سایـهٔ حکومت حضـرت، دین خدا بر جهان حاکمیت پیدا می کند و عدالت بر قرار شده، تحول و تغییر اساسی در جامعه به وجود آمده و شهر ها و روستاها آباد شده، امنیت بر قرار می گردد.

آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) دستگاه های اطلاع رسانی از کار خواهد افتاد. در این صورت امام زمان(ع) چگونه از کعبه صدای خویش را به جهانیان می رساند؟

پرسش

آیـا هنگام ظهور امام زمان(ع) دسـتگاه های اطلاع رسانی از کار خواهـد افتاد. در این صورت امام زمان(ع) چگونه از کعبه صـدای خویش را به جهانیان می رساند؟

پاسخ

آنچه که از متون دینی اسـتفاده می شود آن است که امام زمان(ع) با مخالفان خود ـ بعـد از هدایت و دعوت عمومی ـ مبارزه نموده و سلاح های آنان را از کار می اندازد، اما حضرت با وسایل و ابزار ارتباط جمعی مبارزه نکرده، بلکه از پیشرفته ترین وسایل ارتباط جمعی بهره گرفته، پیام خویش را به جهانیان می رساند. امام زمان(ع) از ابزار و وسایل عصر خویش که به مراتب پیشرفته تر از ابزار وسایل این عصر است، بهره می گیرد. امدادهای غیبی نیز نقش مؤثری در اطلاع رسانی امام زمان(ع) دارد؛ از این رو این نگرش که در عصر ظهور اما م زمان وسایل و ابزار ارتباط جمعی پیشرفته از کار می افتد قابل قبول نبوده و امام زمان(ع) در اطلاع رسانی و پیام رسانی خویش با بهره گیری از پیشـرفته ترین ابزار و وسایل اطلاع رسانی و با عنایت خداونـد، مشـکل ندارد. امروزه در زمان بسـیار محـدود اخبـار و گزارش ها با بهره گیری از ابزار و وسایل جمعی ماننـد ماهواره، تلویزیون، رادیو و ... مخابره شـده و همگان از آن بهره می گیرند. در هنگام ظهور امام زمان(ع) ابزار ارتباطات به مراتب پیشرفته تر بوده و حضرت از همان ابزار بهره می گیرند.

www.noorfatemah.org

اوّلین جمله‌ای که امام زمان(عج اللّه فرجه) پس از ظهور خواهند فرمود، چیست؟

پرسش

اوّلین جمله‌ای که امام زمان(عج اللّه فرجه) پس از ظهور خواهند فرمود، چیست؟

پاسخ

از امام باقر(سلام اللّه علیه) نقل شده است": اولین جمله‌ای که حضرت پس از ظهور می‌فرمایند، این آیه کریمه است": بقیّة اللّه خیرٌ لکم إن کنتم مؤمنین "سپس می‌فرمایند": أنا بقیة اللّه فی أرضه.("۱) پی نوشت‌ها: ۱. بحارالانوار، چاپ بیروت، ص ۱۹۲، حدیث ۲۴.

آیا روز ظهور امام زمان"عج "همه عالم صدای حضرتش را می‌شنوند؟ روال دنیا پس از آن چگونه خواهد بود؟

پرسش

آیا روز ظهور امام زمان"عج "همه عالم صدای حضرتش را می‌شنوند؟ روال دنیا پس از آن چگونه خواهد بود؟

پاسخ

سؤال شما به دو بخش مستقل تقسیم می‌شود: الف) شنیدن صدای امام زمان(عج) در هنگام ظهور توسط همگان روایتی که مفادش این باشد همه مردم صدای حضرت را در وقت ظهور می‌شنوند، در دسترس نیست؛ یا حداقل ما ندیده‌ایم. از روایات فهمیده می‌شود قیام حضرت مهدی(ع) موجب خرسندی همه انسان‌ها و اهل زمین و آسمان و حتی مردگان می‌شود. مضمون برخی از احادیث این است که مردم زنده شدن مردگان را آرزو می‌کنند. پیامبر اکرم(ص) فرمود": همه اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات درنده و ماهیان دریا از ظهور حضرت مهدی(ع) شادمان می‌شوند.("۱) امّا از چگونگی اطلاع و آگاهی همگان از ظهور حضرت به طور شفّاف سخنی به میان نیامده؛ در برخی روایات آمده است": صیحه‌ای در ماه مبارک رمضان که صیحه جبرئیل است، به گوش خلائق می‌رسد، آن گاه منادی به نام حضرت مهدی(عج) از آسمان ندا می‌دهد، که هر کس در مغرب و مشرق عالم است، آن ندا را می‌شنود. با آن ندا همه خفتگان بیدار می‌شوند، همه آنان که ایستاده‌اند، به حالت نشسته می‌روند و همه نشستگان به پای می‌خیزند؛ در این ندا تردید نکنید و آن را شنیده و فرمان برادر باشید.("۲) در برخی منابع این مطلب را نیز اضافه دارد": در پی ندای آسمانی،مردگان سر از قبرها بیرون می‌آورند و می‌خواهند که در صورت امکان به دنیا برگردند.("۳) این گروه از روایات این ندار را مربوط به پیش از ظهور و در آستانه ظهور می‌دانند، ولی در روایت دیگری از حضرت باقر(ع) است که": حضرت مهدی(ع) ظهور می‌کند و وارد مکّه می‌شود و سیصد و سیزده نفر از یاران حضرت گرد او می‌آیند. در این هنگام منادی به اسم او و به فرمان او از آسمان ندا می‌دهد، به صورتی که همه اهل زمین آن صدا را می‌شنوند.("۴) از این روایت استفاده می‌شود که ندای

آسمانی پس از ظهور حضرت به وسیله شخص دیگری (جبرئیل یا غیر او) است، نه خود حضرت. در هر صورت روایتی که مفادش این باشد همه صدای حضرت را می‌شنوند، در دسترس نیست؛ بله در روایتی از امام صادق(ع) آمده است": وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند چشم و گوش شیعیان ما را تند کند، به طوری که میان او و شیعیان واسطه‌ای نباشد و هر کجا که باشند، او را ببینند و سخنش را بشنوند.("۵) تند شدن چشم و گوش معنایش این است که قدرت بینایی و شنوایی بیشتر می‌شود. همان گونه که در متن روایت تصریح شده است، شنیدن صدا و دیدن حضرت بدون وسیله مخصوص شیعیان است، نه همه مردم. ب) روال دنیا پس از ظهور امام زمان(عج) چگونه است؟ احادیث فراوانی از اهل بیت(ع) درباره جهانی بودن حکومت حضرت رسیده است؛ از آن جمله: جابربن عبداللّه انصاری می گوید: از پیامبر(ص) شنیدم": همان گونه که خداوند شرق و غرب عالَم را در اختیار ذوالقرنین قرار داده بود، برای حضرت مهدی(ع) چنین خواهد کرد. حکومت او شرق و غرب زمین را فرا می گیرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان طور که از ظلم و ستم پر شده بود.("۶) برای رسیدن به ویژگی‌های این حکومت جهانی، نگاهی کوتاه به احادیثی که در این زمینه رسیده است می‌اندازیم: ۱- ساده زیستی حضرت مهدی(عج) و کارگزاران حضرت. برخی روایات از زندگی ساده حضرت در دوران ظهور خبر می‌دهد؛ امام صادق(ع) به ابوبصیر فرمود": به چه جهت برای ظهور قائم(ع) عجله می کنید؟ به خدا سوگند! لباس او درشت و خشن است و غذای او خشک است.("۷) این ویژگی در حکومت أمیرالمؤمنین(ع) نیز به خوبی مشهود است؛ حضرت در توبیخ یکی از کارگزاران خود فرمود":وای بر تو، من مثل تو نیستم، خداوند بر پیشوایان عدالت پیشه واجب فرموده است که خود را با مردم ناتوان اندازه‌گیری کنند تا نداری، فقیران را به طغیان نکشاند.("۸) ۲- رشد اقتصادی از جهات مختلف. الف) زمین گنج‌ها و معدن‌های خود را بر حضرت عرضه می کند،(۹) همه اموال و ثروت دنیا هر چه که در زیر و یا روی زمین است، نزد حضرت جمع می‌شود.(۱۰) ب) به برکت ظهور حضرت حجت(عج) آسمان باران‌های خود را فرو می‌ریزد و زمین گیاهان خود را می‌رویاند.(۱۱) ج) زندگی اقتصادی مردم به سامان می‌رسد. امیرالمؤمنین(ع) فرمود": بدانید که اگر از طالع مشرق (حضرت ولی عصر(عج)) پیروی کنید، شما را به پیمودن راه پیامبر(ص) می کشاند، پس آن گاه از کوری و کری و لال بودن (در امور معنوی و مسیر هدایت) نجات خواهید یافت. شما در آن دوران از رنج در طلب روزی و ستم بر دیگران در مسیر آن آسوده خواهید گشت.("۱۲) ۳- گسترش عدالت. عدالت در حکومت حضرت مهدی(عج) چنان گسترده است که بر هیچ کس کم‌ترین ستمی نمی‌شود و همگان به حقوق خود می‌رسند. یکی از بارزترین نشانه‌های آن در حکومت جهانی حضرت این است که منادی حضرت اعلام می کند": آنان که می‌خواهند طواف مستحبی به جا آورند، از محدوده مطاف واز کنار حجر الأسود خارج شوند تا فضای مناسب برای کسانی که طوال واجب دارند باز شود.("۱۳) امام باقر(ع) فرمود": قائم ما (عج) در دوران ظهور، اموال بیت المال را به طور مساوی تقسیم می کند و در جامعه بشری اعم از نیکوکار و بدکار، عدالت اسلامی و اجتماعی را برقرار می کند.("۱۴) حکومت حضرت ولی عصر ویژگی‌های دیگری نیز دارد. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به کتاب هایی که در خصوص این موضوع تألیف شده است مراجعه بفرمایید؛ از جمله: ۱- چشم اندازی به حکومت مهدی(عج)، نوشته نجم الدین طبسی، از انتشارات بوستان کتاب قم (دفتر تبلیغات اسلامی). ۲- سپیده امید، نوشته سید حسین اسحاقی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، از همان انتشارات. در مورد وضع عالم پس از حکومت حضرت مهدی(عج) روایات مختلف و متعدّد است. پی نوشت‌ها: ۱. چشم اندازی به حکومت مهدی(عج)، نجم الدّین طبسی، بوستان کتاب، قم، ص ۶۶. ۲. کتاب الغیبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، مکتبة الصدوق، ص ۲۵۴، ح ۱۳. ۳. مجموعه نفیس (تاج الموالید) طبرسی، صاحب مجمع البیان، ص ۷۴ (۱۵۰). ۴. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ج ۱، ص ۸۴، ح ۱۱۷. ۵. اثبات الهداة، محمّد بن الحسن الحرّ العاملی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۵۹. ۶. کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، جزء ۲، ص ۳۹۴، ح ۴. ۷. کتاب الغیبة، ص ۲۳۳، ح ۲۰. ۸. نهج البلاغه، صبحی صالح، کلام ۲۰۹، ص ۳۲۵. ۹. کمال الدین و تمام النعمة. ۱۰.

علـل الشـرایع، صـدوق، مؤسسه اعلمی، بیروت، جزء ۱، ص ۱۹۲، ح ۳. ۱۱. بحارالانـوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱. ۱۲. کافی، دارالأضواء، بیروت، ج ۸، ص ۵۵، ح ۲۲. ۱۳. کافی، ج ۴، ص ۴۲۷، ح ۱. ۱۴. علل الشرایع، جزء ۱، ص ۱۹۲، ح ۳.

زمانی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند، در دنیا چه اتفاقی می‌افتد؟

پرسش

زمانی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند، در دنیا چه اتفاقی می‌افتد؟

پاسخ

اتفاقاتی که در دوره ظهور امام مهـدی(عـج) می‌افتد، بسیار است. با بهره مندی از روایات اهل بیت(ع) تنها به بیان چند رخداد مهم اشاره می‌کنیم: ۱- اعلان ظهور: اولین حادثه‌ای که بعد از ظهور امام زمان(ع) شکل می‌گیرد، اعلام ظهور امام زمان(ع) است. ظهور حضرت به وسیله منادی آسمانی اعلام می‌گردد، آن گاه حضرت در حالی که به کعبه تکیه داده است، با دعوت به حق، ظهور خود را اعلام می‌دارد.(۱) دعوت حضرت هم به منظور اعلام ظهور حضرت است و هم به منظور فراخوان عمومی جهت پذیرش حکومت جهـانی صورت می‌گیرد. امـام علی(ع) فرمود": هنگامی که منادی از آسـمان نـدا می‌دهـد: حق از آنِ آل محمـد است و اگر طالب هدایت و سـعادت هستید، به دامان آل محمد چنگ زنید، حضـرت مهدی(عج) ظهور می‌کند."(۲) ۲- رجعت و بازگشت برخی از مؤمنـان صالـح و پیـامبران الهی ماننـد حضـرت عیسـی(ع) که در رکـاب حضـرت مهـدی(عـج) خواهنـد بود و در قیام و مبارزه او با ستمگران شرکت دارند. ۳- مبارزات امام زمان(عـج): یکی از حوادث مهم که بعـد از ظهور امام زمان(ع) به وجود می‌آیـد، مبارزه امام با دشـمنان و مخالفان ظهور است. برخی از افراد و گروه‌ها حکومت عـدالت گستر امام زمان(ع) را بر نمی‌تابنـد و با حضـرت به جنگ می‌پردازنـد. مخالفان امام را افراد و گروه‌های مختلف تشـکیل می‌دهنـد(۳) و سـیاست امـام در برابر آن‌ها متفاوت است. امام زمان(ع) نخست همگان را به دین و صـلح فرا می‌خواند و با مدارا با آن‌ها رفتار می‌نماید. امّا دشمنان دعوت امام را نادیده می‌گیرند و به جنـگ بـا امـام می‌پردازنـد. امـام بـا بهره‌گیری از همه قـدرت و امکانات، با دشـمنان برخورد می‌کنـد، و جنگ سـختی به وقوع می‌پیوندد.(۴) از جمله جنـگ امـام زمان(عـج) با دجال(۵) و سـفیانی.(۶) ۴- پیروزی امـام زمان(عـج): در این درگیری‌ها سـرانجام حضـرت پیروز می‌شـود. در برخی روایـات از پیروزی امـام بر شـرق و غرب،(۷)، جنـوب و قبله(۸) گزارش شـده است. امـام باقر(ع) فرمود": حضـرت قائم از ما است و فرمانروایی حضرت شرق و غرب را فرا می‌گیرد."(۹) از پیامبر اسلام(ص) گزارش شده است که حضـرت مهـدی(عـج) لشـکریانش را به سراسـر زمین گسـیل می‌دارد.(۱۰) ۵- تشـکیل حکومت جهـانی و برچیـده شـدن مرزهـای جغرافیـایی: امـام مهـدی(عـج) حکومت جهـانی تشـکیل می‌دهـد و مرزهـای جغرافیایی را بر می‌چینـد. این حکومت همان حکومت آرمانی موعود است که از آن در روایات گاهی به مدینه" فاضـله "سـخن گفته شده است.(۱۱) گـاهی به جامعه مطلوب و گاهی به "دولت کریمه "یاد شده است. حکومت جهانی امام زمان(ع) از مؤلّفه‌ها و شاخصه هایی برخوردار است که تحقق هر کدام از آن‌ها می‌توانـد یکی از حوادث بعد از ظهور امام زمان(ع) محسوب شوند، از جمله: أ) گسترش عدالت: یکی از ویژگی‌های حکومت امام زمان(ع) عـدالت است. عـدالت عنصر گم شده‌ای است که همگان دنبال آن هسـتند. این گمشده در حکومت امام زمان تحقق پیدا می‌کنـد. پیـامبر اسـلام فرمود": یملاء الأرض قسـطاً و عـدلاً بعـد ما ملئتْ ظلماً و جوراً؛"(۱۲) امـام زمـان(ع) حکومت را به گونه‌ای

سازماندهی می‌کند که دیگر واژه ستم از ذهن‌ها رخت بر می‌بندد و کسی به دیگری ظلم نمی‌کند؛ ب) گزینش کارگزاران شایسته: طبیعی است که حکومت آرمانی امام زمان(ع) که رهبری آن را امام مصلح و پارسا بر عهده دارد، کارگزاران آن نیز از صالحان و پارسایان خواهند بود، از این رو در روایات آمده است که دولت امام زمان(ع) را برخی از پیامبران و جانشینان آنان و صالحان و از اصحاب پیامبر اسلام(ص) تشکیل می‌دهند. حضرت عیسی(ع) به امام زمان(ع) می‌گوید": من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام؛ نه امیر و فرمانروا.("۱۳) ۶- رشد آگاهی و دانش: یکی از حوادث بسیار مهم رشد دانش و صنعت در عصر امام زمان(ع) است. دوره ظهور دوران گسترش علم و دانایی است و مدینه فاضله اسلامی" مدینهٔ العلم "است. با آمدن آن منجی همان گونه که ظلم جای خود را به عدل و داد می‌دهد، دانایی و فرزانگی جایگزین جهل و نادانی می‌شود و جهان از نور عقل و دانش آکنده می‌گردد.(۱۴) ۷- رشد عقل و خرد ورزی: در این دوره بشر به حاکمیت عقلانیت نایل می‌گردد. در روایات آمده است که در عصر ظهور حضرت مهدی(عج) برکات خداوندی به بشر ارزانی داشته و دست رحمت ایزدی بر عقل‌های مردم کشیده می‌شود و مردم از نظر عقل و بصیرت در وضع بی مانندی قرار می‌گیرند.(۱۵) ۸- رفاه اقتصادی و معیشتی: به فرموده پیامبر اسلام(ص) در دوره حضور حضرت مهدی(عج) مردم به نعمت هایی نایل می‌گردند که در هیچ زمانی سابقه ندارد. برای همگان برکات الهی از آسمان نازل می‌شود و زمین چیزی از روییدنی‌های خود را پنهان نمی‌کند.(۱۶) سطح رفاه زندگی در این دوره به حدّی است که طبق روایات رسیده از امام صادق(ع) در این دوره فقیری یافت نمی‌شود تا مردم زکات اموالشان را به او بدهند.(۱۷) ۹- برقراری امنیت اجتماعی: در این دوره امنیت اجتماعی به نحو کامل برقرار می‌گردد. به گونه‌ای که اگر زنی به تنهایی بخواهد از عراق به شام مسافرت نماید، در مورد امنیتش هیچ ترس و دلهره‌ای ندارد.(۱۸) ۱۰- رشد تربیتی و شکوفایی فرهنگی و اخلاقی: در این دوره افراد به رشد تربیتی و اخلاقی و جامعه به بالاترین درجه تعالی و شکوفایی نایل می‌گردند. امام علی(ع) فرمود": چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها زدوده می‌شود.("۱۹) امام باقر(ع) فرمود": هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند قوای فکری مردم را تعالی می‌بخشد و اخلاق آنان را به کمال می‌رساند.("۲۰) در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است که" در دوره ظهور، دوستی و یگانگی بین مؤمنان در نهایت خود قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که هر کس نیازمند باشد، بدون هیچ ممانعتی از جیب دیگری پول بر می‌دارد (و دیگری هم از این کار راضی است.("۲۱) برای اطلاع بیشتر در این مورد به کتاب عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، پژوهشی در انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)، تألیف محمد حکیمی مراجعه نمایید. پی نوشت‌ها: ۱. نجم الدّین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۶۴ - ۶۵. ۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴. ۳. نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳. ۴. نجم الدین طبسی، همان، ص ۱۳۸. ۵. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۰. ۶. همان. ۷. صافی، همان، ص ۴۷۰ - ۴۷۱. ۸. نجم الدّین طبسی، همان، ص ۱۱۹. ۹. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۵۹؛ ینابیع الموده، ص ۴۸۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸. ۱۰. القول المختصر، ص ۲۳، با اقتباس از: نجم الدین طبسی، همان، ص ۱۲۱. ۱۱. مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۱۳۴ به بعد. ۱۲. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۷۵. ۱۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۳. ۱۴. لطف اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰۷. ۱۵. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۱. ۱۶. همان، ج ۵۱، ص ۷۸. ۱۷. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۷. ۱۸. منتخب الاثر، ص ۴۷۴. ۱۹. همان، ص ۴۸۴. ۲۰. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶. ۲۱. مفید، اختصاص، ص ۱۹.

آیا زمانی که حضرت مهدی((علیه السلام)) ظهور کرد سخن وی را تمام مردمان کره زمین می شنوند؟

پرسش

آیا زمانی که حضرت مهدی((علیه السلام)) ظهور کرد سخن وی را تمام مردمان کره زمین می شنوند؟

پاسخ

در کتابهای مربوط به شرح حال حضرت قائم آل محمّد((صلی الله علیه وآله)) و در احادیث راجع به آن بزرگوار و چگونگی ظهور نقل شده است که آن حضرت به صدایی که همه ی عالم بشنوند از مکّه خود را معرّفی می کند و مردم رابه سوی خود دعوت می کند و در روایتی که از حضرت صادق((علیه السلام)) نقل شده است چنین آمده که آن حضرت فرمود اهل هر زبانی آن ندارا(به قدرت حق تعالی) به زبان خود می شنود. و نیز از آن حضرت روایت شده است که: چون قائم ما قیام کند خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام((علیه السلام)) پُست و پیک وجود نداشته باشد به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بیند در حالی که امام در جایگاه خود قرار دارد(۱). پاورقی ۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.

در زمان ظهور حضرت حجّة((علیه السلام)) مؤمنین از راه دور چگونه با حضرت ارتباط برقرار می کنند؟

پرسش

در زمان ظهور حضرت حجّة((علیه السلام)) مؤمنین از راه دور چگونه با حضرت ارتباط برقرار می کنند؟

پاسخ

در زمان ظهور حضرت حجّة((علیه السلام)) طبق احادیثی که نقل شده است، مردم و مؤمنین در عصر ظهور به راحتی حضرت را از دور دیده و صدای او را می شنوند. از امام باقر((علیه السلام)) روایت شده است(۱) که فرمودند: چون قائم ما قیام نماید خداوند چشم و گوش شیعیان ما را چنان تقویت نموده که بین آنها و امام پُست و پیک وجود نخواهد داشت به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد. و نیز در روایتی دیگر آمده است که امام صادق((علیه السلام)) فرمودند: «در زمان قائم شخص مؤمن در حالی که در مشرق بسر می برد، برادر خود را که در مغرب است دیده و نیز آنکه در مغرب است برادر خویش را در مشرق خواهد دید(۲). پاورقی ۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶. ۲ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

در عصر ظهور حضرت مهدی چه حوادثی اتفاق می افتد

پرسش

در عصر ظهور حضرت مهدی چه حوادثی اتفاق می افتد

پاسخ

در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام حوادثی در قبل و بعد از ظهور اتفاق می‌افتد که توضیح همه آن‌ها وقت زیادی را می‌طلبد. اما به هر حال، همه مردم جهان در زمان ظهور، از نام و وجود حضرت اطلاع پیدا می کنند. عده‌ای طرفدار و حامی حضرت هستند و عده دیگری دشمن آن بزرگوار می‌باشند اما به تدریج حکومت حضرت فراگیر شده و تمام جهان را فرا می گیرد. از جمله حوادث این است که حضرت وارد حجاز و سرزمین مکه شده و به دیوار کعبه تکیه داده و برای تمام مردم جهان سخنرانی می‌نمایند به گونه‌ای که همه مردم جهان او را می‌بینند (مثلا از طریق تلویزیون و ماهواره و پخش مستقیم).

آیا امام زمان هنگام ظهور از طریق معجزه با همه مردم ارتبات بر قرار میکند یا ممکن است با استفاده از شبکه اینترنت؟

پرسش

آیا امام زمان هنگام ظهور از طریق معجزه با همه مردم ارتبات بر قرار میکند یا ممکن است با استفاده از شبکه اینترنت؟

پاسخ

در پاسخ به پرسش فوق توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است: ۱ – هنگام ظهور امام زمان علیه السلام برای هیچکس روشن و معین نیست. چه بسا دهها سال وشاید صدها سال دیگر با ظهور فاصله داشته باشیم. از سوی دیگر قافله علم و تکنیک در این دهه های اخیر چنان شتابان و با سرعت پیش می رود که دستاوردهای تکنولوژی پس از مدتی جای خود را به دیگری می دهند. پس شبکه اینترنت که در این دوران از کارآیی و شمول فراوانی برخوردار است چه بسا در آینده ای نزدیک جای خویش را به تکنیکی برتر دهد و از آن تنها نامی در تاریخ تمدن بشر باقی بماند. پس سزاوار است سؤال فوق با عنایت به این نکته بدین شکل طرح گردد که آیا امام زمان علیه السلام هنگام ظهور برای ارتباط با مردم از معجزه استفاده خواهد نمود، یا از دستاوردهای تکنولوژیک در آن هنگام نیز بهره مند خواهد شد؟ ۲ – در برخی از روایات سخن از شیوه ای خارق العاده برای ارتباط میان مؤمنان در عصر ظهور امام زمان(ع) به میان آمده است. امام صادق(ع) می فرماید: «مؤمن در زمان مهدی علیه السلام در مشرق زمین زندگی می کند، در حالیکه برادر خود را در غرب می‌بیند، و همچنین آنکس که در غرب است برادر خویش را در شرق می بیند».۱ در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «هنگامیکه قائم ما علیه السلام ظهور نماید خداوند به گوش و چشم شیعیان ما توسعه خواهد داد بگونه‌ای که میان آنان نامه رسان و پیغام بری نخواهد بود، او با آنان سخن می گوید، در حالیکه در مکان خود است، و شیعیان سخنان او را می شنوند و او را نیز می بینند.»۲ (۳) ـ معجزه امری خارق العاده است که خارج از چارچوب اسباب و علل مادی و طبیعی می‌باشد، و سیره و تاریخ پیامبران و امامان علیهم السلام بر این نکته گواهی می دهد که ایشان از معجزه تنها در مواردی خاص، و برای اثبات حقانیت خویش بهره گرفته اند و زندگانی عادی و روزمره آنان بر اساس اعجاز و امور غیر طبیعی سپری نگشته است. پس اگر چه نمی توان انکار معجزه را در مورد امام زمان(ع) در موارد خاص و ضروری نمود؛ ولی از سوی دیگر نمی توان ادعا کرد که آن حضرت در امور روزمره خود پیوسته از این شیوه استفاده می نماید. ۴ – بی تردید امام زمان علیه السلام با ظهور خود دنیای مادی و معنوی انسانها را به سوی آبادانی و شکوفایی سوق خواهد داد، و نه تنها

دستاوردهای علمی و تکنولوژیک بشریت را از میان نخواهد برد، و جهان را به عصر پیشینیان باز نخواهد گرداند؛ بلکه بر سرعت و شتاب علم خواهد افزود و مجهولات فراوانی را برای آنان روشن و معلوم خواهد ساخت. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «دانش بیست و هفت حرف می باشد که تمام آنچه پیامبران آورده اند دو حرف بوده است، و مردم نیز تا کنون جز ایندو حرف را نمی شناسند، پس چون قائم علیه السلام ظهور نماید بیست و پنج حرف دیگر را آشکار خواهد کرد و میان مردم گسترش خواهد داد...»۳ نتیجه سخن آنکه: هر چند امام زمان علیه السلام برای اتمام حجت و بیان حقیقت - بخصوص در آغاز دعوت خویش ـ از معجزه و کرامت استفاده خواهد نمود، ولی سعادت مادی و معیشتی انسانها را که مورد وعده الهی در عصر ظهور او می باشد، با امور غیر طبیعی سامان نخواهد داد. پس او نه تنها از دستاوردهای علمی بشر استفاده خواهد کرد، بلکه بر توسعه کمی و کیفی آنها نیز بسیار خواهد افزود. پی‌نوشت‌ها: ۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسهٔ الوفاء، بیروت، ج (۵۲)، ص (۳۹۱). ۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، آخوندی، تهران، ج (۸)، ص (۲۴۱). ۳. مجلسی، همان، ج (۵۲)، ص (۳۳۶).

می‌گویند: وقتی امام زمانغ ظهور می‌فرماید، تمام" دستگاه‌های جدید "از کار می‌افتد. آیا در این‌باره در قرآن سخنی به میان آمده و یا حدیثی از ائمه وارد شده است لطفاً حدیث را بیان کنید. در ضمن بفرمایید امام زمانغ هنگامی که در کنار خانه کعبه قرار می‌گیرد،

پرسش

می گویند: وقتی امام زمانغ ظهور می‌فرماید، تمام" دستگاه‌های جدید "از کار می‌افتد. آیا در این‌باره در قرآن سخنی به میان آمده و یا حدیثی از ائمه وارد شده است لطفاً حدیث را بیان کنید. در ضمن بفرمایید امام زمانغ هنگامی که در کنار خانه کعبه قرار می گیرد، چگونه صدایش را به جهانیان خواهد رساند؟

پاسخ

این که نوشته‌اید": دستگاه‌های جدید هنگام ظهور از کار می‌افتد "خوب بود می‌نوشتید چه کسی آن را گفته و یا این مطلب را در چه کتابی دیده‌اید، زیرا در قرآن و روایات این مطلب نیامده است در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده است که با آمدن حضرت مهدیغ زمین اباد می‌شود": اعْلَمُوَّاْ أَنَّ اللَّه یُحْیِ الأْ? رْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا(;حدید،۱۷) بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند ".امام باقر۷ در این‌باره می‌فرماید": خداوند زمین را به وسیلهٔ حضرت مهدیغ زنده می کند، بعد از آن که مرده باشد(". تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۳، ص ۳۴۳، نشر دارالکتب الاسلامیهٔ) در هر صورت اگر مقصود شما از "دستگاه‌های جدید، "سلاح‌های جنگی است که در این‌باره آن چه در قرآن و روایات آمده مطالبی است که دلالت بر پیروزی آن حضرت دارد و این که آن حضرت با شمشیر قیام می‌فرماید، امام باقر۷ فرموده‌اند": مهدی از این جهت با جدش محمد۶ شباهت دارد که با شمشیر قیام می کند و گمراه کنندگان و دشمنان خدا و رسول را به قتل می‌رساند. با شمشیر و ترس نصرت می‌یابد و هیچ یک از پرچم‌هایش شکست خورده برنمی گردد ".هر چند ـ با توجه به این که سیرهٔ انبیا و ائمّه این بوده است که از نظر امکانات مادی مطابق عرف روز جوامع حرکت می کرده‌اند ـ مقصود از قیام با شمشیر به احتمال زیاد، مسلحانه بودن قیام است ولی به هر حال هیچ اشاره‌ای به از کار افتادن سلاح‌های جدید ندارد.(بحارالانوار، علامهٔ مجلسی ج ۵۱، ص ۲۱۸، نشر وفأ، بیروت) و اگر مقصود شما از" دستگاه‌های جدید، "دستگاه‌هایی است که محصول تکنولوژی جدید در زمینهٔ طب و رسانه و... است ـ چنان که آخر پرسش شما گویای این مطلب است ـ باید گفت الف ـ نه تنها دلیلی بر این مطلب نداریم بلکه از احادیث استفاده می‌شود که با

www.noorfatemah.org

آمدن ایشان علوم پیشرفت شگفت‌انگیزی می کند، در عصر مهدیغ عقول مردم کامل می گردد و سطح معلومات عمومی بالا می‌رود، به گونه‌ای که زن‌ها در خانهٔ خویش از عهدهٔ قضاوت بر می‌آیند. امام صادق‌فرمود: علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده اما تا کنون بیش از دو قسمت آن در دسترس بشر قرار نگرفته است وقتی قائم ما قیام نمود، بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می کند و در بین بشر پخش می‌نماید.(بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۲، ص ۳۳۶.) این روایت شاهد خوبی است که نه تنها در زمان ظهور، دستگاه‌های جدید از کار نمی‌افتد، بلکه پیشرفته‌تر و متکامل‌تر نیز می‌شوند. ب ـ با توجه به مطالب بالا جواب این پرسش که صدای حضرت مهدیغ چگونه به همهٔ جهانیان خواهد رسید، روشن می‌شود، زیرا در روایت آمده است که امام صادق‌فرمود": آری به خدا سوگند، ندای آسمانی حق است به طوری که هر قومی آن سخن را با زبان خودشان خواهند شنید ".این مطلب هم امکان دارد به صورت معجزه صورت گیرد و هم ممکن است از طریق رسانه‌ها و ترجمه انجام شود.(دادگستر جهان ابراهیم امینی ص ۳۱۴ـ۳۲۰، نشر شفق)

آیا در قرآن کریم و احادیث امامان معصوم ، در مورد چگونگی انتقال پیام امام زمانغ از کعبه و رسیدن این پیام به گوش جهانیان مطلبی آمده است

پرسش

آیا در قرآن کریم و احادیث امامان معصوم ، در مورد چگونگی انتقال پیام امام زمانغ از کعبه و رسیدن این پیام به گوش جهانیان مطلبی آمده است

پاسخ

آن چه به جزئیات ظهور حضرت مهدیغ مربوط می‌شود، تا اندازه‌ای در روایات ائمه به آن اشاره شده است و در قرآن کریم کلیّاتی مانند بشارت به قیام آن حضرت (نور، ۵۵) اهداف او (زمر، ۶۹) و... آمده است امّا دربارهٔ رسیده پیام امام‌به گوش جهانیان به ویژه آن ندایی که پیش از هر چیز، حضرت مهدی‌را به جهانیان معرفی می کند، در روایات ویژگی‌هایی بیان شده که انسان شگفت زده می‌شود. برخی ویژگی‌های این ندا که حضرت را معرفی می کند و از علایم ظهور می‌باشد، به قرار زیر است ۱. هر صاحب گوشی آن را می‌شنود. ۲. هر قومی آن ندا را به زبان خود می‌فهمد. ۳. انسان‌ها هنگام شنیدن سرا پا گوش هستند، مانند شخصی که کبوتر روی سر آن‌ها نشسته باشد(الزام الناصب فی اثبات الحجهٔ الغائب علی یزدی ج ۲، ص ۲۲۵، نشر...) ۴. همه از یکدیگر می‌پرسند چه می‌شنویم (همان) ۵. ندا از آسمان است (الغیبهٔ نعمانی ص ۲۶۵، نشر مکتبهٔ الصدوق تهران) ۶. منادی جبرئیل است (همان ۲۶۳) امّا درباره سخن خود حضرت چیزی جز آن که همگان می‌شنوند، وارد نشده است

بیعت

هنگام ظهور امام زمان(ع) چه کسی اول با خبر می‌شود؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان(ع) چه کسی اول با خبر می‌شود؟

پاسخ

در روایت از اولین بیعت کننده صحبت به میان آمده که حضرت جبرئیل است و بعد از او ۳۱۳ نفر از یاران و اصحاب حضرت با او بیعت می‌کنند. امام صادق(ع)فرمود": وقتی خداوند به حضرت قائم(ع) اجازد ظهور داد، حضرت روی منبر قرار می‌گیرد، و مردم را دعوت به خود می‌کند، خداوند جبرئیل را به طرف حضرت می‌فرستد. جبرئیل در حطیم و در مسجد الحرام "فرود می‌آید و عرض می‌کند: به چه چیز دعوت می‌کنی؟ حضرت مسئله ظهور خود را به او خبر می‌دهد. جبرئیل می‌گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم. دستت را باز کن. پس جبرئیل دست حضرت را مسح می‌کند. بعد از او سیصد واندی نفر با حضرت بیعت می‌کنند.("۱) حضرت در روایت دیگر فرمود": اولین کسی که با قائم بیعت می‌کند، جبرئیل است که به صورت پرنده سفیدی از آسمان فرود می‌آید و با بیعت می‌کن، آنگاه یک پای خود را روی خانه خدا در مکه و پای دیگر را روی بیت المقدس می‌گذارد و با صدای رسا و فصیح به طوری که تمام مردم روی زمین بشنوند میگوید": فرمان خدا برای مجازات مشرکان و مجرمان فرا رسیده است، بریا آن عجله نکنید.("۲) پی نوشت‌ها: ۱ - لطف اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۵۸۰. ۲ - علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۰۷۴.

در موقع ظهور امام زمان(عج) اولین کسی که با او بیعت می کند، کیست؟

پرسش

در موقع ظهور امام زمان(عج) اولین کسی که با او بیعت می کند، کیست؟

پاسخ

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که": امام مهدی(عج) آن گاه که ظهور کند، تکیه به خانه خدا می دهد و دستش را دراز می کند و نوری از آن می جهد و می گوید: این دست خدا و از جانب خدا و به امر خدا است. سپس آیه ده سوره فتح را می خواند (که معنایش این است: کسانی که با تو بیعت می کنند در حقیقت با خدا بیعت می کنند؛ دست خدا بالای دست‌های آنان است، پس هر که بیعت را بشکند، کاری به زیان خود نموده است). اولین کسی که دست او را (برای بیعت) می بوسد، جبرئیل است و سپس سایر فرشتگان، پریان و انسان‌ها با او بیعت می نمایند.("۱) پی نوشت‌ها: ۱. علامه مجلسی، مهدی موعود، ص ۱۱۵۴. اولین کسی که با امام زمان(ع) بیعت می کند، حضرت جبرئیل است و پس از او ۳۱۳ نفر یاران اولیه حضرت با او بیعت می کنند. امام صادق(ع) فرمود": هنگامی که حضرت ظهور می کند و مردم را به بیعت خود دعوت می کند، جبرئیل نازل می شود و می گوید: من اوّلین کسی هستم که با تو بیعت می کنم. دستت را باز کن. بعد جبرییل دست حضرت را مسح کرده و بیعت می کند."

امام زمان(ع) چگونه با امت خود بیعت خواهد کرد؟

پرسش

امام زمان(ع) چگونه با امت خود بیعت خواهد کرد؟

پاسخ

شیخ طوسی در کتاب غیبت از حضرت امام باقر(ع) روایت می کند که فرمود: سیصد و چند نفری که به شماره اصحاب بدر خواهند بود در بین رکن و مقام با مهدی(ع) بیعت خواهند کرد. این عده را مردمان نجیب مصر و مردان دلاور شام و خوبان اهل عراق تشکیل می‌دهند. همچنین نویسنده کتاب ارشاد از امام صادق(ع) روایت می کند که فرمود: موقعی که خدای توانا به حضرت مهدی موعود(ع) اجاز ?خروج دهد آن بزرگوار مردم را به جانب خود دعوت می‌نماید. آنان را به خدا قسم می‌دهد و به سوی حق دعوت می کند. در همین موقع است که خدای توانا جبرئیل(ع) را نزد قائم می‌فرستد. جبرئیل به آن حضرت می گوید: جریان دعوت تو چگونه است؟ مهدی(ع) جریان دعوت خود را برای وی شرح می‌دهد. جبرئیل خواهد گفت: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دست خود را بگشای: آن‌گاه جبرئیل دست آن حضرت را مسح خواهد کرد. پس از این جریان است که تعداد سیصد و سیزده (۳۱۳) نفر با آن بزرگوار بیعت خواهند کرد. همین که ایشان با مهدی بیعت کردند آن حضرت در مکه توقف می کند تا تعداد اصحاب او به ده هزار (۱۰۰۰۰) نفر برسد و از مکه متوجه مدینه گردد. در کتاب ملاحم و فتن از حضرت علی(ع) روایت می کند که فرمود: حضرت قائم از یاران خود بیعت می گیرد و با ایشان شرط می کند که : زنا نکنند، سرقت ننمایند، به مسلمانی فحش نگویند، به هیچ منزلی هجوم نکنند، کسی را بدون حق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو احتکار ننمایند، مال یتیم را نخورند، دربار ?چیزی که علم ندارند شهادت ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مایعات مست کننده نیاشامند، بوی خوش استشمام نمایند، از نجاست دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر نمایند، در موقع خواب صورت خود را روی خاک بگذارند، در راه خدا آن طور که باید و شاید جهاد کنند. از سوی دیگر حضرت با یاران خود شرط می کند: هر جا که اصحاب آن حضرت بروند او نیز با ایشان باشد، هر لباسی که آنان می‌پوشند آن بزرگوار هم بپوشد، آن طور که آنان سوار می‌شوند آن حضرت هم سوار شود، مهدی با اراد ?آنان موافق باشد، به چیزی قلیل و اندک قانع باشد، زمین را به حول و قو ?خدا پر از عدل و داد کند آن طور که پراز ظلم و ستم شده باشد، خدای را آن طور که باید و شاید عبادت کند، حاجب و دربانی نداشته باشد.(۱) پی نوشت: ۱ - محمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۴۷ - ۴۹.

اوّل کسی که با حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیعت می‌کند چه کسی است؟

پرسش

اوّل کسی که با حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیعت می کند چه کسی است؟

پاسخ

مطابق روایات، اول کسی که با حضرت مهدی (ع) بیعت می‌کند جبرئیل است. ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": همانا اول کسی که با قائم (ع) بیعت می‌کند جبرئیل است. "...طبرسی از ابی‌عبداللّه (ع) نقل کرده که در حدیثی فرمود: ..."پس خداوند عزّوجلّ جبرئیل را می‌فرستد تا نزد او آمده وسؤال کند، به او می‌گوید: به چه چیزی دعوت می‌کنی؟ قائم او را از ماهیت دعوت خبر می‌دهد. جبرئیل می‌گوید: پس من اوّل کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم. آن گاه می‌گوید: کف دستت را بده، وآن را بر دست خود مسح می‌کند. {"...پاورقی . احتجاج، ص ۴۳۱. پاورقی} در اینکه بیعت جبرئیل به چه معنا است، دو احتمال وجود دارد: ۱ – معنای رمزی: به این معنا که مقصود از آن تأیید الهی برای حضرت است، زیرا جبرئیل بزرگ‌ترین نماینده الهی است. ولی این معنا در صورتی صحیح است که حمل بر معنای صریح وظاهر آن ممکن نباشد، در حالی که چنین نیست. ۲ – معنای رایج: به این معنا که مقصود به بیعت همان معنای رایج آن است که مردم با خلیفه ودیگران انجام می‌دهند. وفایده آن دو چیز است: الف. توجه مردم به لزوم بیعت با حضرت. ب. تأیید حرکت وقیام امام زمان (ع).

آیا جبرئیل بعد از وفات رسول خداصلی الله وعلیه وآله عهد کرده که بر زمین نازل نشود؟

پرسش

آیا جبرئیل بعد از وفات رسول خداصلی الله وعلیه وآله عهد کرده که بر زمین نازل نشود؟

پاسخ

اربلی در" کشف الغمه "از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": جبرئیل نزد رسول خدا (ص) به جهت عیادت آمد وعرض کرد: سلام بر تو ای محمّد! این آخرین روزی است که به سوی دنیا فرود می‌آیم. {"پاورقی . کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۸Ù۱۹. پاورقی} ونیز از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود": هنگامی که وفات رسول خدا (ص) نزدیک شد... در آن هنگام جبرئیل گفت: ای محمّد! این آخرین نزول من به دنیا بود. {"...پاورقی . همان. پاورقی} اولاً: همه این روایات مقید به قیدی است وآن اینکه تا مادامی که مصلحتی در بین نباشد. ثانیاً: مقصود جبرئیل آن بود که به جهت نزول وحی دیگر بعد از وفات پیامبر نازل نمی‌شود، زیرا شریعت با رحلت ایشان کامل خواهد شد. ثالثاً: بر فرض تعارض، روایات نزول حضرت جبرئیل وبیعت با امام زمان (ع) از حیث تعداد بیشتر بوده واز حیث سند صحیح‌تر است.

آیا با امام زمان‌علیه‌السلام از روی اکراه بیعت می‌شود؟

پرسش

آیا با امام زمان‌علیه‌السلام از روی اکراه بیعت می‌شود؟

پاسخ

در برخی روایات فریقین اشاره شده که حضرت با اکراه با مردم بیعت می‌کند ویا اینکه مردم با اکراه با او بیعت می‌کنند. قتاده از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود": مهدی از مدینه به سوی مکه خروج می‌کند، مردم از او می‌خواهند که از بینشان خروج کند، پس با او بین رکن ومقام در حالی که کراهت دارد بیعت می‌کنند. {"...پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲. پاورقی} زراره از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": به اسم قائم ندا داده می‌شود، پس او می‌آید وپشت مقام قرار می‌گیرد. به او گفته می‌شود: به تحقیق به اسم تو ندا داده می‌شود، منتظر چه چیزی هستی؟ دست او گرفته شده، با او بیعت می‌شود. زراره می‌گوید: الحمد للّه، ما می‌شنیدیم که قائم (ع) با کراهت بیعت می‌کند (می‌شود) ووجه استکراه او را نمی‌دانستیم، ولی دانستیم این استکراهی است که گناهی درآن نیست. {"پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۱۴۰. پاورقی} ممکن است مقصود به استکراهی که حضرت نسبت به بیعت مردم دارند این باشد که از آنجا که مظلومان از آن حضرت تقاضای رفع ظلم می‌کنند لذا حضرت از روی تواضع در ابتدا استکراهی از خود نشان می‌دهند. خصوصاً آنکه این کار باید به اذن واراده ومشیّت خداوند صورت پذیرد.

چه کسانی با حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیعت خواهند کرد؟

پرسش

چه کسانی با حضرت مهدی‌علیه‌السلام بیعت خواهند کرد؟

پاسخ

کسانی که با حضرت بیعت خواهند کرد به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- جبرئیل امین (ع). ۲- اصحاب خاص حضرت. ۳- اصحاب عام حضرت. ۴- کسانی که در مکه حاضر بوده وبه او ودعوتش اعتماد واطمینان پیدا می‌کنند.

راه شناخت حضرت

آیا وقتی امام زمان (ع) ظهور می‌کند، چهره او را می‌شناسیم؟

پرسش

آیا وقتی امام زمان (ع) ظهور می‌کند، چهره او را می‌شناسیم؟

پاسخ

وقتی حضرت امام زمان (عج) ظهور می‌کنند، خود را به مردم معرفی می‌نمایند و هم می‌فرمایند": من مهدی موعود هستم. از این رو همه آن بزرگوار را خواهند شناخت. رسول خدا (ص) فرمود": در موقع آمدن قائم (عج) گوینده‌ای از آسمان بانگ می‌زند: ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید، ولیّ امر بهترین امت محمد (ص) قیام کرده است. در مکه به وی ملحق شوید. آن گاه

نجبا از مصر و ابدال از شام و دسته‌های عراق که شب‌ها را به عبادت مشغول و روزها را همچون شیر می‌باشند و دل‌هاشان مثل پاره‌های آهن است، بیایند و در بین رکن و مقام با وی بیعت کنند. ("۱) پی‌نوشت‌ها: ۱ - علی دوانی مهدی موعود (ترجمه، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ بحارالانوار، ص ۱۰۹.

وقتی که امام زمان (عج) ظهور می کنند مردم از کجا بفهمند که او امام است ؟

پرسش

وقتی که امام زمان (عج) ظهور می کنند مردم از کجا بفهمند که او امام است ؟

پاسخ

از روایات استفاده می شود که مردم زمان ظهور، از آگاهی و معلومات بالایی برخوردارند و چون علایم امام حق و مصلح موعود را می دانند، در زمان ظهور پی به حقانیت آن بزرگوارخواهند برد .در روایتی نیز آمده است که تعدادی از یاران آن حضرت درابتدای ظهور، در سراسر زمین گردش می کنند و چون صفات و مشخصاتی که در حضرت هست و قدرت و عظمتی که خداوند به او عنایت کرده درهیچ کس دیگر نمی یابند، یقین پیدا می کنند که آنچه خداوند وعده داده است همین وجود مکرم است . ازاین رو با حضرت بیعت نموده و در رکابش جانفشانی می کنند.

هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) چگونه مردم، می فهمند که آن حضرت مهدی((علیه السلام)) است در صورتی که وی غائب بوده و مردم وی را ندیده اند؟

پرسش

هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) چگونه مردم، می فهمند که آن حضرت مهدی((علیه السلام)) است در صورتی که وی غائب بوده و مردم وی را ندیده اند؟

پاسخ

ظهور آن حضرت همراه با دلیلهای روشن و قاطعی است که ارتباط آن حضرت را با جهان ملکوت وامامت وی را روشن می سازد به گونه یی که مردم با اینکه وی را ندیده اند به اینکه وی همان مصلح موعود است یقین خواهند کرد. در روایتی که از امام صادق((علیه السلام)) نقل شده است حضرت به تفصل بن عمر و جعفی که از حضرت همین پرسش را داشت حضرت با اشاره به خورشید که نور آن داخل ایوان منزل امام((علیه السلام))می تافت، فرمودند: ای مفضّل، آیا این خورشید را می بینی؟ گفت: آری، فرمود: سوگند به خداوند امر قائم ما از این خورشید روشن تر است.

امام زمان(عج) وقتی ظهور می کنند می گویند یک پرچم در دست دارند و روی پرچم جمله ای نوشته شده است آن جمله چیست؟

پرسش

امام زمان(عج) وقتی ظهور می کنند می گویند یک پرچم در دست دارند و روی پرچم جمله ای نوشته شده است آن جمله چیست؟

پاسخ

در مورد سؤالی که فرمودید روایات مختلفی در کتب روایی هست که به یک روایت از حضرت علی(اشاره می کنیم. از امیر مؤمنان(روایت است که" : برای ما اهلبیت پرچمی هست که هر کس بر آن پیشی بگیرد دزدیده می شود، هر کس از آن عقب بماند هلاک می گردد و هرکس از آن پیروی کند به آن می پیوندد، ...ЛЬŞآن پرچم نوشته می شود" : البیعة لِلّه "بیعت مخصوص ا... است ".امیدوارم من و شما از کسانی باشیم که در زیر این پرچم و در خدمت امام زمان(باشیم. منابع و مآخذ : * روزگار رهایی، ج۱، ص۴۶۱

مخالفین حضرت

هنگام ظهور امام زمان چه کسانی علیه ایشان به پا می‌خیزند؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان چه کسانی علیه ایشان به پا می‌خیزند؟

پاسخ

امام دشمنان سخت‌گیر و کینه توزی خواهد داشت به جز مستکبران بیدادگر، بیش‌ترین کارشکنی‌ها از جانب کسانی خواهد بود که ادعای موافقت با امام را دارند و خود را از منتظران حضرت می‌دانند، اینان پس از پیوستن به امام چون کارها را بر وفق مراد نمی‌بینند و ناچارند از منافع نامشروع خود درگذرند، با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می‌روند که به فرمودهٔ امام صادق (ع : "چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند ولی پس از ظهور حضرت از او روی می گردانند ".برخی از افراد و گروهای مخالف حضرت عبارتنداز: ۱ـ راحت طلبان و خودپرستان که دین را به گونه‌ای توجیه می‌کنند که بارفاه خود در تزاهم نباشد، مانند جمعی از مسلمانان مکه که پیش از هجرت به مدینه به پیامبر گفته چون مورد آزار دشمنانیم اگر اجازه دهی با آنان بجنگیم پیامبر فرمود: اکنون مأمور به جنگ نیستیم فعلاً نماز بخوانید و زکات بدهید ولی پس از هجرت که مأمور به جهاد شدند، زبان اعتراض گشودند که خدایا: چرا فرمان جنگ دادی و آن را مدتی به تأخیر نیانداختی قرآن ریشهٔ ترس و وحشت آنان را راحت‌طلبی می‌شمرد. ۲ـ متعجران و جوود گرایان مانند آنان که وقتی دستور خوردن روزه در سفر آمد و پیامبر روزه‌اش را در حال مسافرت

افطار کرد، تعددای کاسه از آش داغتر و مقدس آب گفتند: هر سختی ثواب دارد و به روزه ادامه دادند. پیامبر با آنان برخورد کرد و آنان را گناهکار نامید. حضرت برای ایجاد عدالت عمومی اموال نامشروع را مصادره می کند و زمین‌هایی را که حکومت‌ها به ناروا به دوستان و آشنایان خود هدیه کرده‌اند، به بیت المال بر می گردانند. نیز دست حرامخوار را از اموال عمومی کوتاه می کند. وی در اجرای عدالت تا آن جا پیش می‌رود که راه را برافرادی که به زیارت مستحبی خانهٔ خدا می‌روند، بسته و حج واجب را در اولویت قرار می‌دهد. شیوها حرم سازی و مسجد نمایی را نمی‌پسند و مساجد را از تزیینات غیر ضروری پاک می‌سازد. در تفسیر قرآن اسرار پنهانی و رموزی را که بر مردم پنهان مانده آشکار می‌سازد و تحولات مهمی در عرصهٔ فرهنگ و اجتماع به وجود می‌آورد. این گونه تحولات خواه ناخواه با منافع عده‌ای سازگار نیست از این رو درصدد مخالفت با حضرت بر می‌آیند. ۳ـ کافران و منافقان نیز با حضرت مخالفت خواهند کرد. امام صادق (ع فرمود": هنگامی که مهدی (ع قیام کند، مشرکان و کفار از قیام حضرت ناخشنودند، ماند سفیانی و دیگران و علیه حضرت اقدام می کنند".

چرا علمای بزرگ در کتاب های خود از امام زمان(عج) به یک صورت سخن نرانده اند یکی می گوید امام زمان(عج) خیلی از مردم را می کشد یکی می گوید ۷ نفر را می کشد و ... چرا چنین است؟

پرسش

چرا علمای بزرگ در کتاب های خود از امام زمان(عج) به یک صورت سخن نرانده اند یکی می گوید امام زمان(عج) خیلی از مردم را می کشد یکی می گوید ۷ نفر را می کشد و ... چرا چنین است؟

پاسخ

علمای بزرگ ما در کتب خود نگفته اند که حضرت مهدی (عج) خیلی از مردم را می کشد یا هفت نفر را می کشد، بلکه آنچه در کتب علمای ما و روایات ما آمده است دو مطلب است. ۱ – قبل از ظهور حضرت ظلم و ستم بر جهان غالب می شود و ظالمین و حاکمان زورگو بسیاری از مردم را به قتل می رسانند در این هنگام حضرت ظهور می کند اما نه اینکه این قتلها را حضرت انجام داده باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید قبل از قیام قائم دو مرگ وجود دارد؛ مرگ سرخ و مرگ سفید تا اینکه از هر هفت نفر پنج نفر می میرند و مرگ سرخ، کشته شدن است و مرگ سفید بیماری طاعون است. (۱) و در روایت دیگری می فرمایند حضرت خروج نمی کنند تا اینکه یک ثلث از مردم کشته شوند و ثلث دیگر از دنیا بروند و ثلث دیگر باقی بمانند(۲). بنابراین آنچه علما و روایات ذکر کرده اند مربوط به قتلهایی است که قبل از قیام حضرت توسط ظالمین واقع می شود از قبیل جنگ جهانی دوم، جنگ ایران و عراق و جنگ هایی که دجال و سفیانی و دیگر ظالمان انجام می دهند و شیوع بیماریهای مرموز یا جنگ‌های میکروبی یا اتمی و ... ۲ – مطلب دوم اینکه خود حضرت در ابتدای ظهور سیره و روش خود را معرفی نموده و می فرماید: انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه؛ من بقیهٔ الله هستم و از دشمنان خدا انتقام می گیرم.(۳) بنابراین شمشیر و اسلحه حضرت متوجه به ظالمین و ستمگران خون ریز است و نسبت به عموم مردم با رأفت و رحمت اسلامی برخورد می کنند و همین طور که پیامبر اکرم(ص) که هم نام با حضرت است رحمه للعالمین بود حضرت بقیه الله هم رحمه للعالمین است. حضرت حتی بر دشمنان هم اگر مستحق قصاص نباشند ایمان را عرضه می کند، پس اگر ایمان بیاورند یا حاضر شوند در کنار مسلمانان زندگی مسالمت آمیز داشته باشند، آنها را رها می کند. چنانچه امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرمایند: هر گاه قائم ما قیام کند ایمان را بر هر ناصبی (دشمن

www.noorfatemah.org

اهـل بیت پیـامبر) عرضه می کنـد، پس اگر او ایمـان بیـاورد، پس بـا او کاری نـدارد و اگر ایمان نیاورد و حاضـر شود جزیه (مالیات مخصوص) پرداخت کند او را رها می کند و اگر حاضر نشود زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان داشته باشد و مالیات پرداخت نکند و اسـلام انتخاب نکنـد او را به قتل می رساند.(۴) بنابراین آنچه در سؤال به علمای بزرگ نسـبت داده شـده صـحیح نیست و آن دو مطلبی که ذکر شد صـحیح است. پی‌نوشت‌ها: ۱. معجم الملاـحم والفتن، ج ۴، ص ۲۹۱، دهسرخی. ۲. همان، ص ۷۵. ۳. همان، ج ۴، ص ۲۸۸. ۴. موسوعة الامام الصادق(ع)، ج ۱۰، ص ۸۰۹، قزوینی.

گویند هنگامی که امام ظهور کند تمامی فقهای آن دوره با ایشان دشمن می شوند، آیا چنین چیزی صحت دارد؟ روایتی موجود است؟

پرسش

گویـنـد هنگامی که امام ظهور کنـد تمامی فقهای آن دوره با ایشان دشـمن می شوند، آیا چنین چیزی صـحت دارد؟ روایتی موجود است؟

پاسخ

آنچه از روایات بـدست می آید، اینست که امام(، دشـمنان سـخت گیر و کینه توزی در برابر خود خواهد داشت. معارضانی که در مقـدمات نهضت اخلاـل می کننـد، و پس از پیروزی نیز در نـابودی آن خواهنـد کوشـید. کنـدوکاو دربـارۀ مخالفان، نشان می دهد سوای مسـتکبران بیدادگر که در سـرلوحه قهر سپاه مهدی قرار دارد، بیشترین کارشکنیها از جانب کسانی است که ادعای موافقت با امام را دارند، و خود را از منتظران مهدی می دانند. اینان امام را نه به خاطر پیاده کردن اسـلام اصـیل، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوها و هوسـهای خود می خواهند. پس از پیوسـتن به امام، چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند، و ناچارند ازمنافع نامشـروع خود درگذرند، به توجیه اهداف خود روی می آورند، وبا سـلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند. (۱) که در روایات متعددی به این گروه اشاره شود، که با بررسی و دقت پیرامون آنها به این نتیجه می رسیم که مسأله دشمنی تمامی فقهای آن دوره با حضرت مهدی(در هیچکام مطرح نشده است. در اینجا به بررسـی برخی از این روایات می پردازیم : امام صادق(می فرمایند" : چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضـرت از او روی برمی گردانند(۲") مسأله روی گردانی مدعیان دینداری، در دوران پیامبران گذشته نیز به چشم می خورد. لذّت طلبی و راحت طلبی بعضی افراد، باعث می شود که دین را به گونه ای توجیه کنند، که با رفاه آنها در تزاحم نباشد. آنان بیشتر دنبال آن دسـته از احکام ساده و بدون دردسـرند، که دنیایشان را در خطر نیندازد. در تاریخ اسـلام .....Řاسـت کـه جمعی از مسـلمانان مکـه، پیش از هجرت به مـدینه خـدمت پیـام...Şرسـیده، ابراز داشـتند که مورد آزار دشـمنانیم، اگر اجازه دهی، با دشـمنان می جنŮ..... پیـامبر فرمودنـد" : اکنون مأمور به مبارزه نیستیم، دست نگاه داریـد، نماز بخوانید و زکات دهید".پس از هجرت به مدینه و ایجاد آرامشـی نسبی در آن شـهر، پس از آنکه دسـتور جهاد نازل گشت، زبان به اعتراض گشودنـد که خدایا چرا فرمان نبرد دادی، و آن را مدّتی به تأخیر نینداختی؟ قرآن ریشه ترس و وحشت آنان را راحت طلبی می‌شـمرد، و مردم را نسبت به فرجام آنان هشدار می دهد. (۳) انقلاب جهانی امام زمان، بدون گذشـتن از آتش و خون به پیروزی نمی رسـد. در نبرد محرومـان با مسـتکبران، برق تیغ بلا ایمانها را به آزمایش در می آورد. مؤمنان راستین پیشاپیش به اسـتقبال رفته، خود را برای بلایا آماده می کننـد، ولی راحت طلبان با دسـتاویز قرار دادن مـذهب، در پی توجیه وضع و پایگاه خویش هسـتند. این

گروه همانها هستند که در دوران غیبت، راحت طلبی سبب همدستی آنان با زور و ستم شده است، و به هنگام ظهور امام نیز نمی‌توانند شیوه زندگی را تغییر دهند، و برای ادامه زندگی بدون دردسر و به دور از غوغا و مبارزه، با حضرت همراه نمی‌شوند.(۴) در حدیث دیگر از امام صادق(درباره مخالفان مهدی(چنین آمده است" : آزردگیهایی که مهدی ما از سوی نادانان روزگار خود متحمل می شود، بیش از زخماتی است که به پیامبر از جاهلان زمان خود وارد شده ".گفتم" : چگونه "فرمود": پیامبر در زمانی برانگیخته شد، که مردم سنگ و درخت و چوب می پرستیدند، قائم آنگاه که قیام می کند، مردم علیه او قرآن را تأویل می کنند. به خدا سوگند عدالت همانند سرما و گرما، وارد سراهای آنان خواهد شد(".۵) و در روایتی دیگر می‌فرمایند": در وقت ظهور قائم ما برایتان سخنانی می گوید، که تاب شنیدن آنرا ندارید. علیه او در رمیله شورش خواهید کرد. او با شما جنگیده، شما را نابود خواهد کرد (".۶) پیامبر با کافران بی پرده روبرو بود، که از اعلان دشمنی ابایی نداشتند، و آشکار با اسلام و پیامبر می جنگیدند. ولی این دسته از معارضان مهدی پینه بر پیشانی دارند، و در میان مردم به زهد و ورع مشهورند، و با سلاح دین به جنگ امام می روند... و اینکه در حدیث دوم آمده است که سخنانی برای شما می گوید، نشانگر آن است که این گروه از مخالفان امام، از شیعیان هستند، و همگی بدست امام از میان می روند. (۷) دوست عزیز! همانطور که ملاحظه فرمودید، از روایات اینگونه استنباط می شود، که برخی مخالفان مهدی (از علما هستند، و با علم اندک خود بر علیه امام دست به تأویل قرآن می زنند. اما اینکه همه علما یا تمامی فقها در زمان ظهور به دشمنی با حضرت مهدی(برخیزند، مورد تأیید روایات نمی باشد. اما از سوی دیگر وقتی به تاریخ دوازده قرن گذشته بازگشته، از همان آغاز تا به انجام نظر افکنیم شاهد جلوه ها و مشکل گشائیهای آن حضرت بر جمعی از مردم می شویم، که در میان آنان وقوع امدادهای گوناگون از آن حضرت برفقیهان برگزیده ـ که زمامداران دین و اعتقاد مردم در دوران غیبت ایشانند ـ به چشم می خورد؛ که از طرفی نشانگر حضور همیشگی آن امام بزرگوار در صحنه رهبری این دوران است، و از طرف دیگر نشان دهنده اینست که اگر چه بعضی علما و احیاناً فقها جزء یاران امام نبوده، مورد تأیید حضرت نمی باشند، اما فقها و علمای بسیاری هستند که میراث دار انبیاء بوده، مورد تأیید امام زمان می باشند. و چنین کسانی در زمان ظهور نیز جزء یاران آن حضرت می باشند. امام مهدی(در یکی از توقیعات خود درباره ایشان می فرماید" : مَن کان مِن الفُقهاء، صائنا لنفسه، حافظا لدینه، مخالفا لهواه مطیعاً لامرمولاه فللعوام ان یقلدوه(".۸) یعنی (هر کدام از فقها که نفس خویشتن را نگه دارد، و حافظ دینش باشد و با هوا و هوس خود مخالفت کند، و از فرمان مولایش اطاعت کند، بر عموم مردم واجب است که از او تقلید کنند.) و از جمله فقها و علمایی که توفیق شرفیابی به محضر مبارک حضرت مهدی(را پیدا کردند، می توان به شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدبن طاووس، علامه حلی و مقدس اردبیلی اشاره کرد. در احوالات سید بن طاووس، که از بزرگان علمای شیعه و از معاریفی است که مشهور است که مکرر از فیوضات حضرت ـ در خواب و بیداری ـ بهره مند شده است، چنین آمده است" : ایشان آنچنان آشنایی و شیفتگی با حضرت مهدی(داشتند، که حتی ایشان را از آهنگ کلامشان می شناختند. و خود داستان سحرگاهی را نقل می کند، که در سرداب مقدس دورادور مناجات حضرتش را در آن مکان شاهد بوده، نوای ملکوتی حضرتش را می شنیده، که زبان به دعای بر شیعیان گشوده، و به پیشگاه خداوند عرضه داشته اند. (۹") خدایا شیعیان ما از پرتو نور وجود ما و زیادی سرشت ما سرشته شده اند، چه بسا که آنان به اتکاء دوستی و ولایت ما مرتکب گناهان زیادی می شوند... خدایا آنان را به بهشت خود داخل نموده، و از آتشت بر کنار و محفوظ دار؛ و ایشان را در کنار دشمنان ما در دوزخ غضب خود قرار مده(".۱۰) و شیخ مفید که سرآمد شاگردان شیخ صدوق است، این افتخار را یافته که در سه نوبت، نامه‌هایی به خط خود آن حضرت از ناحیه مقدسه دریافت داشته، مخاطب ابلاغات مستقیم آن حضرت قرار گیرد. که در فرازی از آنها چنین آمده است" : ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم، و یاد شما را از خاطر خود نمی بریم که اگر جز این بود، گرفتاریها به شما روی می‌آورد، و دشمنان شما را در هم می شکستند ".۱۱) با تشکر از شما که سؤال خود را با مطرح نمودید. امید داریم پاسخ ارائه شده، ابهام شما را برطرف نموده باشد. التماس دعا

خـدانگهـــدار منابع و مآخذ : ۱. چشم به راه مهدی(جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۸۴ ۲. میزان الحکمه، ری شهری، ج۱، ص۲۹۲ ۳. تفسیر قمی، علی ابراهیم قمی، ج۱،ص۱۴۴ ذیل آیه ۱۴۴ سوره مبارکهٔ نساء ۴. چشم به راه مهدی(جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۸۶ ۵. الغیبهٔ نعمانی، ۲۹۷ ۶. بحارالانوار، ج۵۲،ص۳۷۵ چشم به راه مهدی(جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۹۱ ۷. ر،ک : بحارالانوار، ج۲، ص۸۸،روایت ۱۲ ۸". برآ، ای آفتاب صبح امید که در دست شب هجران اسیرم، "صدرالدین هاشمی دانا، ص۱۰۸ ۹. مشروح این داستان و کلمات حضرت مهدی(را در کتاب جنهٔ المأوی حکایت۵۵ ، و نجم الثاقب، حکایت ۱۹، ملاحظه فرمایید. این دو کتاب تألیف مرحوم حاج میرزا حسین نوری می باشد. بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۷۵

تجهیزات حضرت

وقتی حضرت امام زمان ۷ظهور می کند, با کمی جمعیت و جنگ افزارهای قدیمی و از رده خارج شده , چگونه می تواند باآن همه دشمن و دارای سلاح مجهّز مبارزه کرده و بر آن ها پیروز شود؟

پرسش

وقتی حضـرت امام زمان ۷ظهور می کنـد, بـا کمی جمعیت و جنگ افزارهای قـدیمی و از رده خارج شـده , چگونه می توانـد باآن همه دشمن و دارای سلاح مجهّز مبارزه کرده و بر آن ها پیروز شود؟

پاسخ

اوّلاً: پیش بینی می شود قبل از ظهور حضـرت مهدی ۷مسـلمانان اکثریت پیدا کنند. ثانیاً: وقتی حضرت ظهور می کند, عدهء کثیری از جهانیـان مسـلمان می شونـد, زیرا سـطح علـوم و اسـتعداد بشـر ترقی نمـوده و برای پـذیرش حق آمـاده می شونـد. چنـان که امـام باقر۷فرمود: .(۱) و حضرت امیرالمؤمنین می فرماید: .(۲) ثالثاً: در اثر پیشرفت اختراعات خطرناک و مسابقهء تسلیحاتی شرق و غرب , و تنزّل اخلاقی بشـریت , پیش بینی می شود دُوَل بزرگ , بلکه یهود و نصارا به جان هم افتاده و با سـلاح های کشنده , بسیاری از جهانیان را فـدای حس خودخواهی و درنـدگی خود نماینـد و گروهی هم به واسـطهء امراض خطرناک از بین روند.(۳) رابعاً: ما از حوادث و پیش آمدهای آیندهء جهان بی خبریم و نمی دانیم کدام کشور و ملتی در صنایع و علوم وقدرت بر سایرین برتری و تفوّق پیداخواهد کرد. شاید در آینده ملل اسلامی از خواب غفلت بیدار شده و اختلافات را کنار بگذارند, و از ثروت های خدادادی بهره برداری نموده و در علوم و صـنایع و ساختن سـلاح های مجهّز پیشرفت کرده و جلوی نیروی سرکش و افسار گسیختهء شرق و غرب را بگیرنـد. شایـد در آینده بشـر از جهالت و عناد و خودسـری دست بردارد و تولید سـلاح های اتمی را ممنوع سازد. خامساً: ممکن است حضرت مهدی ۷از سـلاح های جنگی روز اسـتفاده نماید, بلکه امکان دارد سـلاح هایی اختراع کند که بر تمام وسایل جنگی آن روز غـالب گردد.(۴) پـاورقی ۱.بحار, ج ۵۲ ص ۳۲۸ طبق نقـل دادگستر جهـان , ص ۳۱۳ (پـاورقی ۲.اثباتالهداۀ, ج ۷ ص ۴۹ طبق نقل دادگستر جهان , ص ۳۱۳ (پـاورقی ۳.ابراهیم امینی , دادگستر جهان , ۳۱۴ (پـاورقی ۴.همان , ص ۳۱۷

آیا امام زمان(عج) با اسب و شمشیر ظهور خواهد کرد یا با پیشرفته‌ترین سلاح؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) با اسب و شمشیر ظهور خواهد کرد یا با پیشرفته‌ترین سلاح؟

پاسخ

می‌گویند پس از انفجار اولین بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی، انیشتین پیش بینی کرد که جنگ جهانی سوم، جنگ اتمی خواهد بود و فاجعه انسانی و غیر انسانی آن به قدری دهشتناک و هراس‌انگیز است که نمی‌توان آن را تصور نمود. فقط می‌دانیم که انسان‌ها از لحاظ افمکانات زندگی به عصر" حجر "بر می‌گردند. با این پیش فرض و ذهنیت، جنگ با شمشیر توجیه‌پذیر می‌گردد، لیکن نظام آفرینش و سیر زندگی انسان بر اصل" تکامل "تداوم دارد. تکامل و پیشرفت همه جانبه، قانونی فراگیر و جهان گستر است. علم و اندیشه بشر پیوسته در مسیر تکامل قرار گرفته و آثار آن نو به نو می‌گردد و در ساخت ابزارهای مختلف رفاهی و دفاعی، صنعی و علوم آزمایشگاهی و ابزاری که کاربرد آن در زمین یا کیهان است، تجلی پیدا می‌کند. سیر علوم به سوی کمال، همانند آب رودخانه است که هر چه به جلو می‌رود، شیب آن بیشتر و سرعت آب افزون‌تر می‌گردد، ولی انسان از آغاز آفرینش تا عصر ظهور با همه تلاش و به کارگیری هوش و نبوغ؛ علم و اندیشه خویش فقط قادر می‌گردد هفت و چهاردهم درصد علوم و واقعیات هستی را کشف کند؛ یعنی دو قسمت از ۲۷ (۱) قسمت آن را و بقیه آن در عصر ظهور و شناخته خواهد شد. پس با فرا رسیدن زمان تجلی خورشید حقیقت و سپری شدن آن تیزتر می‌شود و با توزیع عادلانه امکانات و برقراری عدالت اجتماعی علاوه بر پیشرفت‌های پیشین، نود و شش و شش دهم درصد مجهولات باقی مانده بشر نیز معلوم می‌گردد. به بان دیگر: حرکت ماشینزه مدرن نه تنها متوقف نمی‌گردد، بلکه با سرعت تکامل می‌یابد، تکاملی که توأم با پیشگیری از جنبه منفی زندگی ماشینی و خطرات ناشی از آن خواهد بود و به تعبیر دیگر ماشینزه هم تکامل می‌یابد و هم تصفیه می‌شود.("۲) پس چگونه می‌توان واپس گرایی و ارتجاع علمی و ابزاری را باور نمود و معتقد شدکه انسان عصر ظهور آن چنان گذشته گرا می‌گردد که همانند آبا و اجداد خویش با شمشیر می‌جنگد و دفاع می‌کند؟ سلاح امام زمان(عج) مادی است؟ آیا سلاح حضرت از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق العاده در قلوب دشمنان است که مانع هر گونه تصمیم‌گیری کفار در این زمینه می‌شود، یا یک نوع تأثیر مرموزی روانی و از کار انداختن دستگاه‌های فکری آن‌ها از راه دور است که قدرت استفاده از سلاح‌های مخرب را مختل می‌سازد؟ یا با اعجاز و کمک فرشتگان موانع را از سر راه برمی دارد و زمین را از لوث وجود مفسدان و مستکبران پاک می‌سازد؟ یا این سلاح همانند یک اشعه مجهول و مرموز است که کاربردش ماورای همه سلاح‌های کنونی است و می‌تواند همه را خنثی کند؟(۳) هر یک از سلاح‌های ذکر شده ابزاری است که در زمان حضرت برای برداشتن موانع و شکستن استحکامات اهریمنی دشمن ممکن است به کار گرفته شود، لیکن اصل بر این است که زندگی مردم از مسیر طبیعی و عادی خارج نگردد و از اعجاز و سلاح‌های غیر عادی در مواقع ضرورت و جهت دلگرمی و آرامش روحی مؤمنان استفاده گردد. پس لازم است دو نکته را بیان کنیم: ۱ – استفاده از سلاح غیر مادی: امداد غیبی و حمایت الهی در پیروزی امام زمان (عج) نقش زیادی دارد. امام صدق(ع) در توضیح آیه" أتی امر اللّه فلا تستعجلوه. ("۴) می‌فرماید": منظور از حادثه‌ای که حتماً تحقق پیدا می‌کند و برای تحقق آن عجله نکنید، امر ما اهل بیت(ع) و ظهور امام زمان(عج) و تشکیل حکومت جهانی و رجعت امامان(ع) است. وقتی حضرت ظهور کرد، خداوند او را به سه چیز تأیید خواهد نمود. ۱ – فرشتگان، ۲ – ایجاد رعب در دل دشمنان، ۳ – به وسیله مؤمنان. "در برخی روایات عدد فرشتگان به تناسب موقعیت‌های مورد نیاز مختلف سه هزار، پنج هزار و چهل و شش هزار نفر ذکر شده است. (۵) این دسته روایات می‌رساند که فرشتگان همانند جن تحت فرمان حضرت هستند و در موقعیت‌های مختلف از وجود آن‌ها بهره می‌برد. ۲ – استفاده از سلاح مادی:

اگر چه امدادهای غیبی در پیروزی امام(عج) نقش به سزایی دارد، اما پیروزی به آسانی دست نمی‌دهد، بلکه با رنج طاقت فرسا همراه است، چه این که مؤمنان و بلکه انسان‌ها عموماً پیوسته مورد آزمایش قرار می گیرند. فرورفتن در شدایـد و سختی‌ها یکی از ابزار آزمایش است. امام صادق(ع) می‌فرماید": پیروزی به دست نمی‌آید مگر در غرقاب خوب و عرق. (۶) برای دوست شما مهدی آن وسیله سرکش ذخیره شده است. "راوی حدیث می گوید: پرسیدم منظور از وسیله سرکشی چیست؟ امام(ع) فرمود": ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می‌شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می گردد و به آسمان‌های هفتگانه صعود می کند و همه جای زمین یا زمین‌های هفت گانه را در هم می‌نوردد.("۷) مسلماً منظور از ابر، ابر معمولی نیست، زیرا ابرهای معموی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آن‌ها سفر فضایی کرد، چون در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند، بلکه اشاره به وسیله فوق العاده سریعی السیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد. غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی هم چون صاعقه و برق دارد. از حدیث ذکر شده می‌توان دریافت موضوع عقب گرد صنعتی در کار نیست، بلکه به عکس سخن از پیشرفت خارق‌العاده‌ای است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه‌ها صورت گیرد.(۸) پس منظور از به کارگیری شمشیر کنایه از جنگ است؛ یعنی جنگ و خون ریزی جزء برنامه رسمی مهدی موود است. ایشان مأمور است دین اسلام را عالم گیر کند، و جلوی بیدادگری را بگیرد، اگر چه با جنگ و توسل به شمشیر باشد، بر خلاف سیره و رویه پدران بزرگوارش که چنین مأموریت حادی نداشتند و به پند و اندرز اکتفا می کردند.(۹) بنابر این منظور از قیام مهدی(عج) به سیف اتکا به قدرت نظامی است، همان گونه که" قلم "کنایه از علم و فرهنگ است. ضرب المثل‌های زیادی در فرهنگ‌های مختلف در مورد شمشیر که سمبل قدرت است، وارد شده است.(۱۰) پی نوشت‌ها: ۱ – حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۱. ۲ – ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۷۴. ۳ – همان، با تلخیص. ۴ – نمل (۱۶)آیه ۱. ۵ – محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۴ و ۲۴۳. ۶ – همان، باب ۱۵، ص ۲۸۳ – ۲۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹ – ۳۵۷. ۷ – حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای، مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحار)، ص ۳۲۳. ۸ – ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۲۸۱، با تلخیص. ۹ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۶، با تلخیص. ۱۰ – حسن بن محمد ولی، ارومیه‌ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۵۹.

آیا امام زمان(عج) وقتی که ظهور می کند، با سلاح های امروزی قیام می کند یا با سلاح های قدیمی؟ اگر با سلاح های قدیمی مانند شمشیر باشد، چگونه می تواند با سلاح های مدرن مبارزه کند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) وقتی که ظهور می کند، با سلاح های امروزی قیام می کند یا با سلاح های قدیمی؟ اگر با سلاح های قدیمی مانند شمشیر باشد، چگونه می تواند با سلاح های مدرن مبارزه کند؟

پاسخ

امام زمان(عج) بر حسب روایات با شمشیر قیام می کند. زره و پرچم پیامبر(ص) و ذوالفقار امام علی(ع) که هر یک مبارک و دارای قداست هستند، نزد حضرت می باشند. این که در روایات آمده است که حضرت با شمشیر قیام می کند، شمشیر دلیل بر مأموریت و قیام ایشان به جهاد مسلحانه است. گرچه ظاهر روایان این است که حضرت در قتل دشمنان الله از آن استفاده خواهند نمود، این

www.noorfatemah.org

منافات ندارد که بگوییم: حضرت از سلاح های متعارف عصر ظهور بهره می گیرد.۱ مقصود از شمشیر این نیست که سلاح های جنگی او منحصر به شمشیر است و از استعمال هر گونه سلاح دیگری خودداری می کند، بلکه ممکن است حضرت از سلاح های جنگی روز استفاده کند، و امکان دارد سلاح های دیگری را اختراع کند که بر تمام وسایل جنگی آن روز غالب گردد.۲ افزون بر این حضرت از امدادهای غیبی و یاری فرشتگان بهره می گیرد و پیروز می شود. در روایت آمده است که حضرت منصور به رعب و مؤید به نصر و تأیید شده خدا می باشد.۳ ۱ لطف الله صافی، معارف دین، ج ۱، ص ۱۴۸. ۲ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۷. ۳ مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

بهترین سلاح امام زمان(عج) در هنگام مبارزه چه سلاحی است؟

پرسش

بهترین سلاح امام زمان(عج) در هنگام مبارزه چه سلاحی است؟

پاسخ

به نظر می‌رسد که مقصود شما از سلاح، ابزراهای جنگی مورد استفاده حضرت مهدی در هنگام قیام و مبارزه است. در این صورت با توجه به تحقیق و پژوهشی که در این باره در کتاب های مختلف به عمل آمده به نظر می‌رسد که هیچ کتاب و روایتی به طور یقین، از سلاح و وسایل جنگی امام زمان(عج) و حوادث و پیش آمدهای آن زمان سخنی به میان نیاورده است. امام باقر(ع) فرمود: "مهدی از این جهت با جدّش محمد(ص) شباهت دارد که با شمشیر قیام می کند و ستمکاران و گمراه کنندگان و دشمنان خدا و رسول(ص) را به قتل می‌رساند. با شمشیر و ترس، نصرت می یابد و هیچ یک از پرچم هایش شکست خورده بر نمی گردد."(۱) یکی از احتمالاتی که از این روایت و روایات شبیه به این استفاده می شود، آن است که: شاید بهترین سلاح امام زمان(عج) شمشیر باشد، به گونه ای که همهٔ سلاح های پیشرفته در آن روز از بین برود و یا از کار بیفتد واثری نداشته باشد. احتمال دیگر: از مجموع روایاتی که دربارهٔ حرکت حضرت مهدی(عج) وارد شده است، متوجّه می شویم که از وسایلی که در زمان ظهور حضرت(عج) وجود دارد، استفاده می کند، مثلاً در بعضی روایات وارد شده است": سیرکب السّحاب ویرقی فی الاسباب؛(۲) ابر سوار شده و از اسباب و علل (روزگارش) بالا- می رود [تمام اسباب و علل جهان رام او خواهد بود. "]وقتی حضرت از مدینه، در پشت کوفه (عراق) فرود می آید، در هفت لایه از نور قرار دارد که دانسته نمی شود در کدام یک از آن‌ها است.(۳) در بعضی دیگر از روایات وارد شده است": هنگامی که پرچمش را به اهتزاز در آورد، فاصلهٔ میان مشرق و مغرب برای او روشن شود."(۴) به نظر می‌رسد که امام (عج) از وسایل عصرشان استفاده می کند، چرا که هر پیامبر و امامی از وسایل عصر استفاده می کردند. به علاوه حضرت (عج) معجزاتی دارد همانند عصای موسی(ع) و خاتم سلیمان و معجزاتی که از خود نشان می دهد. شاید وسایلی که حضرت استفاده می کند، پیشرفته تر از وسایل عصر خود باشد، چرا که در روایتی امام صادق(ع) فرمود": دانش بیست و هفت حرف [باب] است. تمام آنچه را که پیامبران آورده اند، دو حرف بیشتر نیست... اما هنگامی که قائم (عج) ما قیام کند، بیست و پنج حرف [باب] دیگر را ظاهر سازد."(۵...) در هر حال سخن قطعی را نمی توان در این خصوص بیان کرد. پاوقی: ۱ - علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۱، ص ۲۱۸، چاپ بیروت. ۲ - شیخ مفید (ره) ، اختصاص ، ص ۳۷۶، به نقل از گفتمان مهدویت، سخنرانی و پرسش درباره مهدی

(عج) ، ص ۱۲۰، موسسه انتظار دفتر تبلیغات قم. ۳ – محمد بن عیاش السلمی، تفسیر عیاشی، ص ۱۰۳ ، به نقل از گفتمان مهدویت، ص ۱۲۰ – ۱۲۱. ۴ – بحارالانوار، ج۵۶، ص ۳۵. ۵ – همان، ج۵۲ ، ص ۳۳۶.

در هنگام ظهور, امام زمان (عج) از چه سلاح هایی برای مبارزه با دشمن بهره می گیرد؟

پرسش

در هنگام ظهور, امام زمان (عج) از چه سلاح هایی برای مبارزه با دشمن بهره می گیرد؟

پاسخ

دقیقاً معلوم نیست که امام زمان (عـج) هنگام ظهور جهت مبارزه با دشـمنان از چه ابزار جنگی بهره می گیرد, زیرا در این خصوص متون تـاریخی و روایـات اختلاف دارد از برخی روایات اسـتفاده می شود که حضـرت در هنگام ظهور از شمشـیربهره می گیرد.() (پـاورقی)) – شـیخ مفیـد, الاختصـاص , ص ۳۷۶ امـام بـاقر(ع) فرمـود: .() (پـاورقی)) – بحارالانـوار, ج ۵۱ ص ۵۹ در برخی از روایات از پیشرفت صنعت و علم هنگام ظهور سخن به میان آمده است . () همچنین از برخی (پـاورقی)) – شیخ مفید, الاختصاص , ص ۳۷۶ روایات دیگر اسـتفاده می شود که در هنگام ظهور, تمام قـدرت ها اسـیر قـدرت امام زمان (عج) بوده و حضـرت برهمه چیز مسـلط می باشـد. تسـلط امـام زمـان (عـج) در زمـان حکومت اقتضـا می کنـد از علوم و فنون و وسـایـل جنگی زمان ظهور بهره گیرنـد. براین اساس برخی عقیـده دارنـد که امام از وسایل و ابزار جنگی پیشـرفته ی زمان خودجهت مبارزه با دشـمنان اسـتفاده می کنـد,() مضافاً بر این که امـام زمـان (عـج) از امـدادهای غیبی بهره می گیرد و (پـاورقی)) – ابراهیم امینی , دادگستر جهان , ص ۳۱۷ ناصـر مکارم شـیرازی , مهـدی انقلابی بزرگ , ص ۲۸۳ خداونـد همهء امکانات را در اختیار آن وجود مقـدس قرار می دهـد. طرفـداران این نگرش عقیـده دارنـد: اگر دربرخی از روایات آمده است که امام زمان (عج) در هنگام ظهور از شمشـیر اسـتفاده می کنـد, کنایه از قدرت نظامی است و شمشـیر سـمبل قدرت نظامی است ,() از این رو در برخی از روایات تصـریح شده که حاکمیت خوبی ها, (پـاورقی)) – گفتمان مهدویت , ص ۱۲ عزت مندی و... در سایهء بهره گیری از شمشیر امکان پذیر است . امام باقر(ع) فرمود: () (پـاورقی)) – وسائل الشیعه , ج ۱۱ ص ۹ یکی از نویسندگان می نویسد: () (پـاورقی)) – گفتمان مهدویت , ص ۱۲ (پـاورقی)) – دادگستر جهـان , ص ۳۱۷ از آنچه گـذشت می توان نتیجه گرفت که امام زمان (عـج) از اسـلحه و ابزار جنگی زمان ظهور بهره می گیرد.

امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پرسش

امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پاسخ

دنیا برای انسان خانه عمل است نه خانه مجازات انسان برای این آفریده شد که با استفاده از هدایت الهی و راهنمایی پیامبران و به کارگیری عقل و هوش خود، راه تکامل را پیموده و به خوش بختی و سعادت همیشگی رسیده و از نعمت‌های لذت بخش و جاویدان بهشتی بهره‌مند شود. اعمال انسان وقتی ثمر بخش است و او را به کمال می‌رساند که اختیاری باشد، یعنی اگر انسان با اختیار خود، کار خوب را انجام داد، اثر انسانی و تربیتی دارد و به او ثواب داده می‌شود. وقتی فردی از مال خودش احسان می کند و به فقرا رسیدگی می کند و مدرسه می سازد و به مسجد کمک می‌نماید، هم اثر روحی و تربیتی دارد و هم پاداش عظیم از طرف خداوند به چنین شخصی داده می‌شود، لیکن چنانچه از همین شخص به زور پول گرفته و به مصرف خیریه رسانده شود، اثر روحی و تربیتی ندارد و ثواب احسان داده نمی‌شود. کسی که با خلوص نیت و با اراده خود نماز بخواند و روزه بگیرد، به پاداش بهشتی این اعمال می‌رسد، ولی اگر با نیت ریایی یا به اجبار اعمالش را انجام‌دهد، پاداش و ثوابی نخواهد داشت در جنایات و گناهان هم اگر خداوند هر گناهکار را بلافاصله بعد از ارتکاب گناه مجازات می کرد دیگر، ترک گناه اختیاری نمی شد، بلکه به خاطر ترس از مجازات دنیوی ترک می شد، مثلا- اگر به محض گفتن دروغ خار در زبان فرو می رفت و بوی گند همه جا را می گرفت و مشخص می‌شد طرف دروغ می گوید، کسی دروغ نمی گفت که این اثر تربیتی نداشت و موجب تکامل انسان نمی شد. انسان مؤمن و با تقوا دست به دزدی نمی‌زند، چون این عمل را برخلاف مقررات الهی می‌داند. دزد به زندان افتاده هم دزدی نمی کند، اما نه به این خاطر که دزدی حرام است بلکه از این جهت که در بند است و قدرت بر دزدی ندارد. پس این که خداوند در دنیا گناهکاران را بلافاصله مجازات نمی کند، نه از این جهت است که عادل نیست و یا قدرت بر مجازات جانیان ندارد یا بر بندگانش رحم نمی کند، بلکه بدین خاطر است است که بشر باید در دنیا آزاد باشد و با اختیار خود کارها را انتخاب کند، در غیر این صورت به هدف خلقتش که رسیدن به کمال و قرب الهی است نایل نمی گردد. هدف از خلقت انسان به کمال رسیدن از راه اختیار و انتخاب است خدا در قرآن می‌فرماید": من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک‌شوند[".۱] و فرمود": ما راه را به او (انسان نشان دادیم خواه شاکر باشد و با اختیار خود پذیرا گردد، خواه ناسپاس ".پس یکی از علت‌های عدم مجازات خلافکاران در دنیا این است که دنیا سرای تکلیف و عمل است نه محل ثواب و عذاب از طرف دیگر خدای مهربان داد مظلوم را از ظالم خواهد گرفت این گونه نیست که مجرم مجازات نشود. هنگامی که قیامت بر پا شد، به حساب همه رسیدگی می‌شودو ظالمان و جانیان چنان مجازات می گردند که تصورش را نمی کردند. قرآن می‌فرماید": آن‌ها که ستم کردند، به زودی می‌دانند که بازگشت شان به کجا است[" ۲"] ما ترازوهای عدل را در روز قیامت بر پا می کنیم پس به هیچ کس کم‌ترین ستمی نمی‌شودو اگر به مقدار یک دانه خردل کار نیک و بد باشد، ما آن را حاضر می کنیم[" ۳."] روزی که ستمکار از شدت حسرت دست خود را به دندان می گیرد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم[" ۴] از سوی دیگر در دنیا تحقق عدل کامل در مقام پاداش و کیفر امکان‌پذیر نیست زیرا سرنوشت پاکان و مجرمان به هم گره خورده و از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیست نیز دنیا گنجایش پاداش و کیفر برخی را ندارد. چگونه ممکن است کسی را که حق جویان و بیگناهان بی شماری را نابود ساخته در این جهان کیفر داد، در حالی که جای یک جان بیش‌تر ندارد و با یک تیر می‌میرد؟! این گونه افراد باید در قیامت و جهان آخرت که مرگ ندارد و پایان نمی‌پذیرد، مجازات‌شوند. در این جا به مسئله دیگری باید توجه داشت و آن این که در زندگی مصائب زیادی دامن انسان را می گیرد که عامل اصلیش خود او است منتها بسیاری از افراد برای این که خود را تبرئه کنند، و ندانم کاری و تنبلی‌ها و سستی‌های خود را نادیده بگیرند و به گردن عوامل دیگر بیندازند، همه این‌ها را به حساب خدا می گذارند و عدالت او را زیر سؤال می‌برند، در حال که اگر درست بنگریم فرد یا جامعه عامل اصلی و مقصر واقعی هستند. گرفتاری‌هایی که از سوی حکومت‌های جبار دامن مردم را می گیرد، معمولاً از این قبیل است چرا که ظالمان افراد معدودی هستند.

این سکوت و تسلیم بی دلیل و گاه همکاری مردم با آن‌ها است که به آنان نیرو و توان می بخشد که بر گَرده مردم سوارشوند و هزار گونه بدبختی برای آنان بیافرینند.[۵] خدا به مردم دستور داده زیر بار ظلم نروید تا آقا باشید، ولی مردم گوش نمی‌دهند و به جای شجاعت و اعتراض و قیام ترس و سستی و تسلیم را پیشه می کنند و ظلم را تحمل می کنند. قرآن مجید خوش بختی و بدبختی جامعه‌ها را به عنوان سنت تغییرناپذیر به دست جامعه می‌داند": خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی کند تا که خودشان تغییری ایجاد کنند[".۶"] فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال‌شان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق بازگردند.["۷] رسول گرامی اسلام فرمود": هیچ نکبتی دامنگیر شخص نمی‌شود مگر به واسطهٔ گناهی که مرتکب شده است[" ۸] علی ع) فرمود": بنده هیچ کس مباش خداوند تو را آزاد آفریده است . حضرت در خطبه جهاد می‌فرماید": مردمی که از جهاد روی برگردانند، خداوند لباس ذلت بر تن آنان می‌پوشاند و بلا به آنانی هجوم می‌آورد، خوار و ذلیل می‌شوند، عقل و فهم شان تباه می گردد و به خاطر تضیع جهاد، حق آن‌ها پایمال می‌شود[".۹] نتیجه خدا عادل است و به احدی ظلم نمی کند و دنیا محل عمل است نه پاداش و جزا. در آخرت ظالمان و تضییع کنندگان حقوق مجازات می‌شوند و حق مظلوم از ظالم گرفته می‌شود. از طرف دیگر منشأ بسیاری از ستم‌ها خود مردم هستند که ظلم را می‌پذیرند و جهاد و مبارزه را رها می کنند. سنت همیشگی خدا این است که فرد و جامعه با توکل به خدا، خود باید تغییر وضعیت بدهند و خویش را با وضعیت مطلوب اداره کنند و جلوی جنایات را بگیرند. پی نوشت: [۱] ذاریات (۵۱) آیه ۵۶. [۲] شعرا (۲۶) آیه ۲۲۷. [۳] انبیاء (۲۱) آیه ۴۷. [۴] فرقان (۲۵) آیه ۲۷. [۵] آیت الله مکارم شیرازی پیام قرآن ج ۲ ص ۴۵۶. [۶] رعد (۱۳) آیه ۱۱. [۷] روم (۳۰) آیه ۴۱. [۸] محمد تقی فلسفی کودک ج ۱، ص ۱۵؛ اصول کافی ج ۲، ص ۲۶۹. [۹] نهج البلاغه فیض الاسلام .

امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پرسش

امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پاسخ

تمام مسلمانان اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام، هم ?احکام و تکالیف دینی را در فرصت کوتاهی که داشتند، بیان نکردند. در این میان بسیاری از احکام وجود دارند که پیامبر فرصت لازم برای بیان آن‌ها نیافته بود، یا موضوع حکم برای مسلمانان پیش نیامده بود تا پیامبر آن را بیان نماید. از طرف دیگر در همان تعداد احکام و تکالیف الهی که بیان شده بود، نیز در تفسیر آیات بعد از رحلت پیامبر میان مسلمانان اختلاف ایجاد شد و افراد و گروه‌های مختلف بر اساس آرا و نظریات خود به دسته‌های گوناگون تقسیم شدند. در این میان دو گروه اهل سنّت و شیعیان، اصلی‌ترین گروه‌های اسلامی می‌باشند که هر کدام در احکام و مسائل دینی رویکرد خاصی را پیش گرفته اند. اختلاف شیعه و اهل سنت در این مسائل به اختلاف در مبانی استنباط احکام دینی بر می گردد. هر یک از مذاهب فقهی اسلامی برای استنباط احکام دین، از یکسری اصول و مبانی بهره می گیرند. طبیعی است که اگر در اصول، مبانی و منابع استنباط با هم اختلاف داشته باشند، نتیجه و رهاورد استنباط ها متفاوت خواهد شد. بسیاری از اختلافات فقهی شیعه و سنی، ریشه در تفاوت دیدگاه ها در اصول و مبانی استنباط دارد، مثلاً اهل سنت افزون بر قرآن و سنت پیامبر(ص) به سنت صحابه و

گاهی به سنت تابعین ارزش می دهند، ولی شیعه افزون بر قرآن و سنت پیامبر (ص)، به سنت اهل بیت پیامبر(ص) بها می دهند و سنت صحابه را اگر مستند به سنّت پیامبر نباشد، به عنوان منبع شرعی نمی پذیرند. برخی از اختلافات فقهی ریشه در همین نکته دارد. اختلاف در وضو هم از همین نوع است. شیعیان با تمسک به حدیث ثقلین، به اهل بیت و امامان معصوم(ع) مراجعه می کنند و احکام شرعی خویش را فرا می گیرند، امّا اهل سنّت این چنین نیستند. در زمان خلفا به ویژه خلیفهٔ دوم (عمر) سیاست جلوگیری از نشر حدیث رواج داشت و خلفای بعدی تا زمان عمر بن عبدالعزیز، همین سیاست را در پیش گرفتند که سرانجام بسیاری از روایت های پیامبر اسلام(ص) و حوادث صدر اسلام به فراموشی سپرده شد و نسل های بعدی نسبت به آن بیگانه شدند. زین پس شیعیان با مراجعه به امامان معصوم(ع) توانستند سنت فراموش شده پیامبر(ص) را دریابند و آن را سرمشق زندگی خویش قرار دهند؛ به عنوان مثال: امام باقر(ع) در این راستا ظرف آبی برداشت و به وضو پرداخت و فرمود: پیامبر (ص) چنین وضو می‌ساخت.(۱) کیفیت وضوی اهل سنت به جهت تفسیری است که ایشان از آیه" فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق ("۲) دارند. ظاهر معنای آیه چنین است که صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید. اهل سنت از کلمه" الی "خیال می کنند که آیه می گوید دست‌ها را از سرانگشتان به طرف آرنج بشویید، ولی با اندکی دقّت روشن می‌شود که کلمه" الی "تنها برای بیان حدّ شستن است، نه کیفیّت شستن. توضیح: آیه درست به آن می‌ماند که انسان به کارگری سفارش می کند دیوار اتاق را از کف تا یک متر رنگ کند . بدیهی است منظور این نیست که دیوار از پایین به بالا رنگ شود، بلکه منظور این است که این مقدار باید رنگ شود، نه بیشتر و نه کمتر. بنابراین فقط مقداری از دست که باید شسته شود، در آیه ذکر شده اما کیفیت آن در سنت پیامبر (که به وسیله اهل بیت به ما رسیده) آمده است و آن شستن آرنج است به طرف سر انگشتان.(۳) البته مذاهب چهارگانه اهل سنت، شستن دست هنگام وضو از سر انگشتان تا آرنج را واجب نمی‌دانند و می گویند بهتر است که بدین طریق وضو گرفته شود. امامیه(شیعه) گفته‌اند: از آرنج واجب است و عکس آن باطل است، هم چنان که مقدّم داشتن دست راست بر چپ واجب است. باقی مذاهب گفته‌اند: شستن آن‌ها به هر طریقی که باشد، واجب بوده و تقدیم دست راست و شروع از انگشتان تا آرنج افضل است؛ (۴) یعنی ثواب بیشتری دارد. شستن پا به جای مسح که میان اهل سنت رواج دارد، تفسیر خاصی است که از ادامه همان آیه ارائه داده‌اند. به نظر آنها کلمه "ارجلکم ("پاها) بر" وجوهکم ("صورتها) عطف شده و باید مانند آن شسته شود، اما شیعه معتقد است این کلمه بعد از کلمه رؤوس (سرها) ذکر شده و عطف به آن است و باید پاها را مانند سر مسح کنید. در هر حال اختلاف عمل در مذاهب اسلامی ناشی از اختلاف برداشت و فهم متفاوت از آیات بوده و سنت پیامبر را هر دو گروه طبق عقیده خود می‌دانند، اما شیعه افتخار دارد که پیرو ائمه اطهار بوده و پیشوایان معصوم(ع) از آیات الهی و روش و سنت و گفتار رسول خدا(ص) آگاه‌تر بوده و درست‌تر تفسیر می کنند. و همان گونه که بیان شددر روایات ائمه(ع) بیان شده که روش وضوی پیامبر(ص) به روش شیعه بوده است. مسئله دست بسته بودن (تکفیر و یا تکتّف) در حال نمازکه اهل سنت انجام می دهند, از زمان خلیفهء دوم مرسوم شد و از بدعت های ایشان است . در زمان پیامبر و خلیفهء اول این طور نماز می خواندندهنگامی که اسیران جنگی ایرانی بر عمر وارد شدند, همین کار راکردند. عمر از این کار خوشش آمد و گفت : خوب است در نماز در برابر پروردگار همین کار را بکنیم . اما شیعه با توجه به روایات امامان معصوم آن را درست نمی داند. . امام باقر(ع) فرمود: و علیک بالاقبال علی صلاتک ... قال : ولا تکفّر فانّما یصنع ذلک المجوس ; بر تو باد به توجه قلبی بر نمازت ... و دست بر روی دست در حال نماز نگذار, زیرا این کار مجوس است (۵). بنابر این به عقیده شیعه این نحو نماز خواندن درست نیست وتکفیر یکی از مبطلات نماز است , زیرا بدعت در دین محسوب می شود.پیامبر(ص)فرمود: صلّوا کما رأتیمونی أصلی ; همانطور که من نماز می خوانم نماز بخوانید. پیامبر و اصحاب دست بسته نمی خواندند. پی‌نوشت‌ها: ۱- شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۴، ج ۷. ۲ - سوره مائده (۵) آیه ۶. ۳ - تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۶. ۴ - محمد جواد مغنیه، فقه تطبیقی ،ترجمه کاظم پورجوادی، ص ۴۰. ۵ - وسائل الشیعه , ج ۴ باب ۱۵ از ابواب قواطع

الصلاة پرسش ۴: اگر قرار باشد خداوند با عدلش با بندگان برخورد کند، اوضاع جهان چگونه خواهد شد؟ پاسخ: اگر مقصود این است که خداوند با قو ?قهریه و زور عدالت اجتماعی را در جوامع انسانی برقرار کند، پاسخ این است که در این فرض جامعه بشری از نظر بهره مند شدن از نعمت‌های طبیعی و خدادادی و آسایش و راحتی زندگی در وضعیت بسیار مطلوب قرار می گیرد و به اصطلاح جهان گلستان می‌شود، ولی باید توجه داشت در این صورت زمینه تکامل و ترقی معنوی انسان‌ها از بین می‌رود، زیرا اعمال آدمی در صورتی موجب تکاملش می‌شود که از روی اختیار انجام شود، مثلاً نماز و روزه زوری ارزش ندارد. اگر خداوند به زور جلوی متجاوزان به حقوق مردم را بگیرد و آنان نتوانند کاری بکنند، حقیقت وجودشان آشکار نمی‌شود؛ نیز معلوم نمی‌شود چه کسی مجاهد در راه خدا است و چه کسی فقط حرفش را می‌زند. یکی از اهداف اصلی و مهم هم ?پیامبران الهی برقراری عدالت اجتماعی در جوامع بشری بوده است، ولی نتوانستند این مهم را به نحو مطلوب پیاده کنند، چرا که بنا نبود با زور و قدرت الهی این کار را بکنند، بلکه وظیفه آنان این بود که مردم را به خداپرستی و تشکیل حکومت الهی و اجرای عدالت دعوت کنند. وظیفه مردم هم پذیرش دعوت انبیا و جهاد و تلاش در راستای تحقق اهداف آنان بود لیکن مردم آن گونه که وظیفه شان بود، اقدام نکردند. در طول تاریخ هر قدر مردم به حرف پیامبران الهی و مصلحان جامعه گوش داده‌اند، به همان اندازه از عدالت اجتماعی برخوردار شده‌اند. قرآن می‌فرماید": ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم تا این که با این کتاب و وسیله سنجش بتوانند مردم را به گونه ای بسازند که خود به عدل و داد قیام کنند.("۱) نکته جالب در این آیه آن است که نمی‌فرماید هدف این بود که انبیا انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می گوید: هدف این بود که مردم خود مجری قسط و عدل باشند. آری مهم این است که مردم خود خواهان و مجری عدالت باشند. نقش مردم تا جایی است که برقراری حکومت عدل جهانی حضرت امام زمان(عج) وقتی محقق خواهد شد که اکثر مردم جهان خواهان برقراری عدال باشند. امام باقر(ع) فرمود ": وقتی قائم ما قیام نمود، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقول و افکار پراکند ?آنان را متمرکز می کند و به سوی یک هدف متوجه می‌سازد.("۲) اگر مراد از سؤال این است که چنانچه خداوند بندگانش را در دنیا مجازات کند، یعنی هر کس هر تخلفی کرد و گناهی مرتکب شد، فوراً از طرف خداوند مجازات شود، چه پیش می‌آید؟ پاسخ این است: در این فرض شاید هیچ کس غیر از امام زمان(عج) و تعداد اندکی از صالحان باقی نمانند و همه بر اثر نزول عذال الهی نابود شوند، زیرا پروند ?اکثر ما چنان سیاه است که اگر عفو الهی شامل حالمان نشود و خداوند بخواهد با عدلش رفتار کند، گرفتار عذاب‌های دردناک و هلاک کننده خواهیم شد. حضرت سجاد(ع) می‌فرماید: "خداوندا، به خاطر فضلت اگر بخواهی ما را می‌بخشی ، و به خاطر عدالتت اگر بخواهی ما را عذاب می کنی، پس بر ما منت گذار و ببخش، چرا که نمی‌توانیم عدالت تو را تحمل کنیم و هیچ یک از ما بدون بخشش تو راه نجاتی نداریم.("۳) حضرت در جای دیگر می‌فرماید": پروردگارا، اگر در جهنم تنها مرا می‌سوزاندی، مطابق عدالت است، بلکه کمتر از آن است که من استحقاقش را دارم("۴). در دعای دیگر فرمود": خدایا، با کرم و فضلت با من رفتار کن، نه با عدالتت.("۵) در حدیث دیگر وارد شد": حاجی در روز عید قربان درِ مسجد الحرام (در مکه) بایستند و بگویند: خدایا، با من با عفو و رحمتت رفتار کن، نه با عدالتت.("۶) پس اگر خداوند بخواهد در دنیا با بندگانش به عدالت رفتار کند، یعنی همه را طبق اعمالشان مجازات کند، جهان بدون بشر خواهد ماند و همه گرفتار بلاهای سخت و نابود کننده خواهند شد. با این توجه که دنیا گنجایش پیاده شدن عدل الهی را ندارد، زیرا بعضی از انسان‌ها چنان غرق در گناهند که در این جهان نمی‌شود کاملاً آن‌ها را مجازات نمود، چرا که مثلاً صدام که قاتل هزاران انسان و ویرانگر هزاران خانه کاشانه است، با یک گلوله می‌میرد و خلاص می‌شود، از این رو جهانی ماورای دنیا لازم است که چنین اشخاصی به سزای اعمال‌شان برسند و آن جهان آخرت است. در عین حال در دنیا، برخی سختی‌ها و بلاها را خداوند برای بیداری انسان‌ها از غفلت و آزمایش اینان مقرر کرده تا انسان‌ها، از خواب غفلت بیدار شده و رو به درگاه الهی آورند. پی نوشت: ۱ – حدید (۵۷)، آیه ۲۵. ۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶. ۳ – صحیفه سجادیه، دعای دهم. ۴ – بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۳۶. ۵ –

مصباح کفعمی، ص ۴۰۰. ۶ - بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۲۱۵.

امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پرسش

امام زمان(عج) با شمشیر می‌جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پاسخ

می‌گویند پس از انفجار اولین بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی، انیشتین پیش بینی کرد که جنگ جهانی سوم، جنگ اتمی خواهد بود و فاجعه انسانی و غیر انسانی آن به قدری دهشتناک و هراس‌انگیز است که نمی‌توان آن را تصور نمود. فقط می‌دانیم که انسان‌ها از لحاظ امکانات زندگی به عصر" حجر "بر می‌گردند. با این پیش فرض و ذهنیت، جنگ با شمشیر توجیه‌پذیر می‌گردد. اما از طرف دیگر می‌دانیم که نظام آفرینش و سیر زندگی انسان بر اصل" تکامل "تداوم دارد. تکامل و پیشرفت همه جانبه، قانونی فراگیر و جهان گستر است. علم و اندیشه بشر پیوسته در مسیر تکامل قرار گرفته و آثار آن نو به نو می‌گردد و در ساخت ابزارهای مختلف رفاهی و دفاعی، صنعتی و علوم آزمایشگاهی و ابزاری که کاربرد آن در زمین یا کیهان است، تجلی پیدا می‌کند. سیر علوم به سوی کمال، همانند آب رودخانه است که هر چه به جلو می‌رود، شیب آن بیشتر و سرعت آب افزون‌تر می‌گردد، ولی انسان از آغاز آفرینش تا عصر ظهور با همه تلاش و به کارگیری هوش و نبوغ؛ علم و اندیشه خویش فقط قادر می‌گردد هفت و چهار دهم درصد علوم و واقعیات هستی را کشف کند؛ یعنی دو قسمت از ۲۷ قسمت آن و بقیه آن در عصر ظهور شناخته خواهد شد(۱). پس با فرا رسیدن زمان، تجلی خورشید حقیقت تیزتر می‌شود و با توزیع عادلانه امکانات و برقراری عدالت اجتماعی علاوه بر پیشرفت‌های پیشین، نود و شش و شش دهم درصد مجهولات باقی مانده بشر نیز معلوم می‌گردد. به بیان دیگر: حرکت ماشینزه مدرن نه تنها متوقف نمی‌گردد، بلکه به سرعت تکامل می‌یابد، تکاملی که توأم با پیشگیری از جنبه منفی زندگی ماشینی و خطرات ناشی از آن خواهد بود. به تعبیر دیگر هم ماشینزه تکامل می‌یابد و هم تصفیه می‌شود.(۲) پس چگونه می‌توان واپس گرایی و ارتجاع علمی و ابزاری را باور نمود و معتقد شدکه انسان عصر ظهور آن چنان گذشته گرا می‌گردد که همانند آبا و اجداد خویش با شمشیر می‌جنگد و دفاع می‌کند؟ سلاح امام زمان(عج) مادی است؟ آیا سلاح حضرت از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق العاده در قلوب دشمنان است که مانع هر گونه تصمیم‌گیری کفار در این زمینه می‌شود، یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و از کار انداختن دستگاه‌های فکری آن‌ها از راه دور است که قدرت استفاده از سلاح‌های مخرب را مختل می‌سازد؟ یا با اعجاز و کمک فرشتگان موانع را از سر راه برمی دارد و زمین را از لوث وجود مفسدان و مستکبران پاک می‌سازد؟ یا این سلاح همانند یک اشعه مجهول و مرموز است که کاربردش ماورای همه سلاح‌های کنونی است و می‌تواند همه را خنثی کند؟(۳) هر یک از سلاح‌های ذکر شده ابزاری است که در زمان حضرت برای برداشتن موانع و شکستن استحکامات اهریمنی دشمن ممکن است به کار گرفته شود، لیکن اصل بر این است که زندگی مردم از مسیر طبیعی و عادی خارج نگردد و از اعجاز و سلاح‌های غیر عادی در مواقع ضرورت و جهت دلگرمی و آرامش روحی مؤمنان استفاده گردد. پس لازم است دو نکته را بیان کنیم: ۱ - استفاده از سلاح غیر مادی: امداد غیبی و حمایت الهی در پیروزی امام زمان (عج) نقش زیادی دارد. امام صادق(ع) در توضیح آیه" أتی امر اللّه فلا

تستعجلوه. ("۴) می‌فرماید": منظور از حادثه‌ای که حتماً تحقق پیدا می‌کند و برای تحقق آن عجله نکنید، امر ما اهل بیت(ع) و ظهور امام زمان(عج) و تشکیل حکومت جهانی و رجعت امامان(ع) است. وقتی حضرت ظهور کرد، خداوند او را به سه چیز تأیید خواهد نمود: ۱ فرشتگان، ۲ – ایجاد رعب در دل دشمنان، ۳ – به وسیله مؤمنان. "در برخی روایات شمار فرشتگان به تناسب موقعیت‌های مورد نیاز مختلف سه هزار، پنج هزار و چهل و شش هزار نفر ذکر شده است. (۵) این دسته روایات می‌رساند که فرشتگان همانند جن تحت فرمان حضرت هستند و در موقعیت‌های مختلف از وجود آن‌ها بهره می‌برد. ۲ – استفاده از سلاح مادی: اگر چه امدادهای غیبی در پیروزی امام(عج) نقش به سزایی دارد، اما پیروزی به آسانی دست نمی‌دهد، بلکه با رنج طاقت فرسا همراه است، چه این که مؤمنان و بلکه انسان‌ها عموماً پیوسته مورد آزمایش قرار می‌گیرند. فرورفتن در شداید و سختی‌ها یکی از ابزار آزمایش است. امام صادق(ع) می‌فرماید": پیروزی به دست نمی‌آید مگر در غرقاب خوب و عرق. (۶) برای دوست شما مهدی آن وسیله سرکش ذخیره شده است. "راوی حدیث می‌گوید: پرسیدم منظور از وسیله سرکشی چیست؟ امام(ع) فرمود": ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می‌شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌گردد و به آسمان‌های هفتگانه صعود می‌کند و همه جای زمین یا زمین‌های هفت گانه را در هم می‌نوردد.("۷) مسلماً منظور از ابر، ابر معمولی نیست، زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آن‌ها سفر فضایی کرد، چون در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند، بلکه اشاره به وسیله فوق العاده سریعی السیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد. غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد. از حدیث ذکر شده می‌توان دریافت موضوع عقب گرد صنعتی در کار نیست، بلکه به عکس سخن از پیشرفت خارق‌العاده‌ای است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه‌ها صورت گیرد.(۸) پس منظور از به کارگیری شمشیر کنایه از جنگ است؛ یعنی جنگ و خون ریزی جزء برنامه رسمی مهدی موعود است. ایشان مأمور است دین اسلام را عالم‌گیر کند، و جلوی بیدادگری را بگیرد، اگر چه با جنگ و توسل به شمشیر باشد، بر خلاف سیره و رویه پدران بزرگوارش که چنین مأموریت حادی نداشتند و به پند و اندرز اکتفا می‌کردند.(۹) بنابر این منظور از قیام مهدی(عج) به سیف، اتکا به قدرت نظامی است، همان گونه که" قلم "کنایه از علم و فرهنگ است. ضرب المثل‌های زیادی در فرهنگ‌های مختلف در مورد شمشیر که سمبل قدرت است، وارد شده است.(۱۰) پی نوشت‌ها: ۱ – حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۱. ۲ – ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۷۴. ۳ – همان، با تلخیص. ۴ – نمل (۱۶)آیه ۱. ۵ – محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۴ و ۲۴۳. ۶ – همان، باب ۱۵، ص ۲۸۳ – ۲۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹ – ۳۵۷. ۷ – مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحار)، ص ۳۲۳. ۸ – حکومت جهانی مهدی، ص ۲۸۱، با تلخیص. ۹ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۶، با تلخیص. ۱۰ – مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۵۹. آدرس : قم صندوق پستی ۱۹۷

۱– امام مهدی(ع) در برابر سلاحهای مخوف چگونه مانند جدش با شمشیر قیام خواهد کرد؟

پرسش

امام مهدی(ع) در برابر سلاحهای مخوف چگونه مانند جدش با شمشیر قیام خواهد کرد؟

پاسخ

اولاً: مقصود از خروج بـا شمشـیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسـلحه برای اعلاء کلمه حق است. بنابر این قیام با شمشـیر، کنایه از قیام با اسـلحه و پیکار و جهاد و تعیین نوع مأموریت آن حضـرت است و اینکه آن حضـرت مأمور به مصالحه با کفار نیست. بـدیهی است با هر اسـلحهای که لازم باشد، آن حضـرت و اصـحابش با کفار و سـتمگران جهاد مینمایند و از هرگونه اسلحهای که در زمان ظهور آن حضرت متداول باشد و به استعمال آن حاجت داشت باشند، استفاده مینمایند. ثانیاً: از کجا که در زمان ظهور آن حضرت، ایـن اسـلحههای مهیـب در اختیـار بشـر بـاقی باشـد؛ زیرا ممکـن اسـت کـه در اثر حـوادث و آشوبهـا و انقلابـات شدیـد و جنگهـای خانمانسوز جهانی، که پیش از ظهور آن حضـرت واقع میشود دو ثلث بشـر نابود شود، این اسـلحههای جهنمی معـدوم گردد و شاید کسی باقی نماند که بتواند از این اسلحهها استفاده کند، یا آنها را تهیه نماید و این احتمال هم کاملاً بجا و قابل توجه است.

آیا شمشیر حضرت علی(ع) نزد حضرت مهدی موجود می‌باشد؟

پرسش

آیا شمشیر حضرت علی(ع) نزد حضرت مهدی موجود می‌باشد؟

پاسخ

برحسب روایـات متعـدّد که در کتاب‌هـای معتبر، مثـل: «غیبـهٔ نعمـانی»، «خصـال»، «عیون اخبـار الرّضا(ع)»، «معانی الاخبار»،«مناقب»، «کفـایه الاثر»، «احتجاج»و «مهـج الـدّعوات» روایت شـده، شمشـیر موسوم به «ذوالفقار» که از ذخایر نبوّت و امامت است؛ ماننـد سایر ذخـایر و مواریث انبیـاء (ع) در نزد ولی عصـر مولانـا بقیّه الله ـ ارواح العـالمین له الفـداء ـ موجود و محفوظ است. مـذخور بودن این شمیشـیر وسـایر مواریث مـذخوره نزد ائمّه (ع) از خصـایص امام و تشـریفات و امتیازات امامت است. این مواریث از آیات الهیّه و از مظـاهر عنایت ربّانیّه به انبیاء است؛ بالخصوص در ع(زره) و لواء(پرچم) رسول خـدا (ص) و سـیف ذوالفقار هریک مبارک و دارای قـداست هسـتند؛ هر چنـد برای بیشتر ائمّه اطهـار(س) فرصت این که در جهاد با کفّار آنها را به کار گیرنـد، فراهم نگردیـد و رسـماً متقلّد این شمشـیر نشدند. ولی بر حسب بعض این روایات حضـرت صاحب الزّمان ـ روحی لتراب مقدم شـیعته الفداء ـ بر این سـیف متقلّد می‌شوند و نفس تقلّد ایشان به این شمیشیر، دلیل بر مأموریّت و قیام ایشان به جهاد است.

آیا آن حضرت در جنگ با کفار و مشرکین از ابزار جنگی جدید در جهان استفاده خواهند کرد؟

پرسش

آیا آن حضرت در جنگ با کفار و مشرکین از ابزار جنگی جدید در جهان استفاده خواهند کرد؟

پاسخ

از آنجـا که قیـام آن حضـرت یک قیام الهی است و او به عنوان رهبر آن قیام الهی محسوب می‌شود؛ بنابراین هیـچ شک و تردیـدی

www.noorfatemah.org

نیست که نصرت الهی و امدادهای غیبی او را یاری خواهند کرد. همان طور که اصحاب خاص آن حضرت نیز از توانایی‌های ویژه‌ای برخوردار هستند. امام صادق (ع) فرمود: هر یک از اصحاب قائم (ع) توانایی چهل مرد را دارند و قلب آنها از پاره آهن استوارتر است.{P - کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۵۹۴. P} امام باقر (ع) فرمود: عصای موسی در نزد قائم ما قرار می گیرد و او از آن، همان بهره‌ای را خواهد برد که موسی بن عمران برد.(در واقع عصای موسی به عنوان نماد قدرتمندترین ابزار و قدرتی که مافوق تمام قدرت‌های دیگر در عصر خود بود، شمرده می‌شود) {P - همان، ص ۵۹۵. P} امام صادق (ع) نیز فرمود: چون ابراهیم (ع) را در آتش افکندند جبرئیل برای او پیراهنی از بهشت آورد و آن را بر تن او کرد. پس گرما و سرما در او مؤثر نیفتاد و آن پیراهن در هنگام قیام قائم، همراه اوست.{P - همان، ص ۵۹۵ و ۵۹۶. P} درباره ویژگی‌ها و توانایی‌های اصحاب آن حضرت، امام باقر (ع) فرمود: برخی از اصحاب قائم با ابر سفر می کنند و آنها؛آآ: ?:کسانی هستند که ایمان استوارتری دارند.سفر با ابر، نیاز به تفسیر دارد که آیا مراد واقعاً همان ابرهای آسمان است یا{P - همان، ص ۵۹۳. P} وسیله‌ای دیگر که از آن تعبیر به ابر شده است. اما گذشته از همه این‌ها، نه تنها دلیلی بر منع استفاده از تجهیزات و سلاح‌های روز وجود ندارد، بلکه مضامین برخی آیات امر به استفاده از امکانات نظامی روز کرده است. آیه شریفه »وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ« همه مؤمنان و مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و آنها را به جمع آوری{P - قسمتی از آیه ۶۰، انفال. P} امکانات رزمی در بالاترین سطح جهت مقابله با دشمنان امر می کند. و امام عصر (عج) نیز به عنوان امیر و رئیس مؤمنان از مخاطبان این آیه است و با توجه به مفاد آیه، آن حضرت ملزم به استفاده از تمام تجهیزات و امکانات لازم جهت مقابله با دشمنان است.

آیا جنگ امام زمان(عج) در موقع ظهور با سلاح‌های قدیمی است یا سلاح جدید؟

پرسش

آیا جنگ امام زمان(عج) در موقع ظهور با سلاح‌های قدیمی است یا سلاح جدید؟

پاسخ

پاسخ از کتاب یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) به شرح ذیل است: {P - رجالی، پیشین، ص ۲۱۹. P} ظاهراً مقصود از خروج با شمشیر مأموریت به جهاد و توسّل به اسلحه برای اعلای کلمه حق است و اینکه با هیچ یک از کفّار به مصالحه نمی‌نشیند. زیرا »شمشیر« همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست، همان گونه که »قلم« کنایه از علم و فرهنگ است. و نیز از قدیم معروف بوده که کشور با دو چیز اداره می‌شود؛ قلم و شمشیر. پس منظور از قیام با شمشیر، همان اتکای بر قدرت است، تا مردم نپندارند که این مصلح بزرگ به شکل یک معلم یا یک واعظ عمل می کند بلکه او یک رهبر مقتدر الهی است که امان را از ستمگران و منافقان می گیرد. {P - رجالی، پیشین، ص ۲۱۹. P} (پاسخ سؤال بالا- از آیت الله صافی گلپایگانی در جلد دوم کتاب امامت و مهد ولایت) بنابراین اولاً: مقصود از خروج با شمشیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلاء کلمه حق است. بنابراین قیام با شمشیر، کنایه از قیام با اسلحه و پیکار و جهاد و تعیین نوع مأموریت آن حضرت است و اینکه آن حضرت مأمور به مصالحه با کفار نیست. بدیهی است با هر اسلحه‌ای که لازم باشد، آن حضرت و اصحابش با کفار و ستمگران جهاد می‌نمایند و از هرگونه اسلحه‌ای که در زمان ظهور آن حضرت متداول باشد و به استعمال آن حاجت داشته باشند استفاده می‌نمایند. ثانیاً: از

کجا که در زمان ظهور آن حضرت، این اسلحه‌های مهیب در اختیار بشر باقی باشد؛ زیرا ممکن است که در اثر حوادث و آشوبها و انقلابات شدید و جنگهای خانمانسوز جهانی، که پیش از ظهور آن حضرت واقع می‌شود دو ثلث بشر نابود شود، این اسلحه‌های جهنّمی معدوم گردد و شاید کسی باقی نماند که بتواند از این اسلحه‌ها استفاده کند، یا آن‌ها را تهیه نماید و این احتمال هم کاملاً به جا و قابل توجه است. یکی از اموری که در احادیث از آن خبر داده شده و اوضاع کنونی آن را ممکن الوقوع نشان می‌دهد، جنگ‌های جهان‌گیری است که در اثر آن، بیشتر نقاط زمین از سکنه خالی می‌گردد و شهرها ویران می‌شود، و صدها میلیون بشر را رهسپار دیار دیگر می‌سازد. تا یک قرن پیش از وقوع چنین جنگ‌هایی بسیار بعید به به نظر می‌رسید، زیرا با آن اسلحه‌های سابق و با نبودن وسایل ارتباط جمعی بین شهرها و کشورها، اگر جنگی واقع می‌شد، اولاً پیش از آن که خبرش به کشورهای همسایه و یا دورتر برسد و دامنه جنگ گسترش یابد، آن جنگ به پایان می‌رسید و ثانیاً در آن زمان‌ها، تعیین غالب از مغلوب، خاتمه یافتن جنگ، تسلط یکی از دو طرف یا از بین رفتن طرفین،متوقف بر کشتارهای عمومی و استعمال بمب و غیره نبود. اما در عصر حاضر به طوری که همه پیش بینی می‌نمایند با وسایل ارتباط جمعی که همه عالم را به منزله یک شهر و یک محله نموده؛ و با اسلحه‌ها و تجهیزاتی که در دست زمامداران بی ایمان است و هیچ وسیله‌ای برای کنترل خشم و شهوت و جاه پرستی آنها نیست، اگر جنگ شروع شود، علاوه بر آن که غالب از مغلوب تشخیص داده نمی‌شود و طرفین از بین می‌روند، اکثر ملل و سکنه زمین ممکن است در ظرف چند ساعت فانی و نابود شوند. پس اگر در احادیث شریفه فرموده‌اند: ظاهر نمی‌شود مهدی (عج) مگر آن که ثلث مردم کشته شوند و ثلث آنها بمیرند و ثلث آنان باقی بمانند، و فرموده‌اند: این ظهور واقع نخواهد شد تا وقتی دو ثلث مردم از بین بروند.نباید تعجب کرد، بلکه {P – ر ک به منتخب الاثر، ف ۶، ب ۵، ص ۴۵۲ و ۴۵۳. P} باید آن را نشانه علوم بی پایان حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) و آگاهی آنها از آینده و اطلاعشان بر مغیبات به اذن و تعلیم خدا دانست و از معجزات و کراماتشان به شمار آورد.

در احادیث آمده که حضرت صاحب الزمان(عج) با شمشیر می آیند و مردم ظالم را می کشند می خواهم بپرسم در زمان حال که این قدر سلاح های پیشرفته وجود دارد چطور امام زمان(عج) فقط با شمشیر می جنگد؟

پرسش

در احادیث آمده که حضرت صاحب الزمان(عج) با شمشیر می آیند و مردم ظالم را می کشند می خواهم بپرسم در زمان حال که این قدر سلاح های پیشرفته وجود دارد چطور امام زمان(عج) فقط با شمشیر می جنگد؟

پاسخ

سؤالاتی که درباره ابزار دفاعی آن حضرت قابل طرح است عبارتند از: الف)ـ آیا ابزار دفاعی آن حضرت سلاح سردی چون شمشیر خواهد بود یا نه؟ ب)- مفاد روایات اسلامی کدام نظریه را تأیید می‌کند؟ ج)- آیا تکامل صنعتی و ماشینی در آن روزگار از بین خواهد رفت یا نه؟ می‌گوییم برای یافتن پاسخ این سؤالها هم از منابع حدیث و هم از دلایل عقلی می‌توان کمک گرفت اما به نظر عقل: هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ترقی جامعه متوقف گردد. افزون بر آن یکی از پایه‌های استقرار حکومت واحد جهانی به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست پس بعید نیست بگوییم همان‌گونه که قلم کنایه از علم و فرهنگ است. شمشیر هم کنایه از قدرت و نیروی نظامی می‌باشد.از

www.noorfatemah.org

همین‌جا می‌توانیم به این سخن اعتراف کنیم که نمی‌توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم. همین‌اندازه اجمالاً می‌توانیم بگوییم یک سلاح برتر خواهد بود. همچنان که می‌دانیم آن سلاح سلاحی نیست که گناهکار و بی با هم نابود کند. و اما به نظر احادیث: احادیثی که نقل شده، به نوبه خود هر کدام تکامل علوم را در ابعادی مختلف برای انسان گوشزد می‌کنند. از باب نمونه در کتاب منتخب‌الاثر عناوین ذیل را مشاهده می‌کنیم که همگی بر پیشرفت و رشد علوم آن روزگار دلالت می‌کند. الف)- باب سوم در این که زمین، کنوز و معادن خود را اظهار می‌کند. در این باره ده حدیث است. از باب نمونه: موسی بن جعفر (ع) فرمود: برای آن حضرت گنجینه‌های زمین ظاهر می‌شود و هر امر دوری برای ایشان نزدیک می‌گردد. ب)- باب چهارم: در این که برکات سماوی و ارضی و غیر این دو ظاهر می‌شوند ودر آن ۱۲ حدیث است. از باب مثال: پیامبر (ص) فرمود: در زمان آخر امتم مهدی خروج می‌کند و حال آن که باران او را سیراب و زمین نباتاتش را بر وی عرضه می‌کند. ج)- باب یازدهم در این که زمین در دولت وی عمران می‌یابد. در این زمینه ۵ حدیث وارد شده است. از آن جمله: حضرت فرمود: روی زمین خرابی باقی نمی‌ماند مگر این که مهدی آن را آباد می‌کنند)- باب دوازدهم در این که امور در عصر ایشان تسهیل پیدا کرده و عقول مردم هم تکامل پیدا می‌کند و در آن ۷ حدیث نقل شده است. از باب نمونه امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم آل محمد (ص) مؤمنی که در مشرق است برادر خود را که در مغرب است می‌بیند. همین‌طور مؤمنی در مغرب است برادر خود را که در مشرق است، مشاهده می‌کند. در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت: ۱) کلمه" سیف "که در روایات آمده، کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان‌که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد. ۲) آنچه مسلم است سلاح‌های موجود دنیا به گونه‌ای است که نابود کننده هر کسی است که در برد مؤثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان" عج "و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی‌ایمان را از بین می‌برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می‌آید بر ما پوشیده است می‌توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح‌های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایه نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح‌ها تعلق گیرد.

۲- سلاح حضرت و یاران در هنگام ظهور , شمشیر و اسلحه ی قدیمی است یا سلاحهای جدید و اگر سلاحهای جدید است، چطور با احادیث تطبیق دارد ؟

پرسش

۲- سلاح حضرت و یاران در هنگام ظهور , شمشیر و اسلحه ی قدیمی است یا سلاحهای جدید و اگر سلاحهای جدید است، چطور با احادیث تطبیق دارد ؟

پاسخ

ج۲- در باره سلاح حضرت و یارانش در احادیث اشاره به شمشیرهای آسمانی شده است ،همچون کلام امام صادق « علیه السلام » که فرمود : چون قائم « علیه السلام » قیام می فرماید شمشیرهای قتال از آسمان فرو می آیند { غیبت نعمانی ,ص ۲۴۴} باید در نظر داشت : اولا: زبان بعضی احادیث زبان گفتار با مخاطبین خودش است . ثانیا : در این موضوعات باید متخصیصن حدیث جمع بندی کنند ،همچنین در گفتار معصومین « علیهم السلام » شیوه قصار و ایجاز و کلام نمادین در احادیث معصومین «علیهم السلام وجود

www.noorfatemah.org

دارد و آن با اهل فن واضح و روشن می شود . از طرفی امام مهدی « علیه السلام » امام عصر است، صرفا امام ۱۲۰۰ سال قبل نیست که مطابق آن عصر رفتار کند . بنابر این نباید دنبال عین مصادیق کلمات موجود در احادیث باشیم . آنچه که برای ما مسلم است و قطعی است حضور امام عصر با وعده الهی که زمین را روزی در اختیار صالحان قرار خواهیم داد و مستحضرید که امام عصر «علیه السلام» به شیوه انبیاء با ابلاغ پیام الهی به بشریت ظهور خواهدکرد. اما بطور عادی عده ای مقاومت خواهند کرد و بطور مسلم برای انجام این امر مهم امام با یارانش جلو آنها را خواهند گرفت. اما به چه طریقی؟ شاید با سلاحهای قوی تر از آلان داشته باشد. چون علم در آن زمان در همه ابعاد پیشرفته تر خواهد شد . منابع : ۱-خصائص مهدی «عج » ,محمد راجی ۲-تمدن درعصر ظهور ,عباس المدرسی ۳-عصر زندگی , محمد حکیمی ۴-رسالت جهانی حضرت مهدی «عج » ,فریده گل محمدی ۵-خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی

ابزار دفاع امام زمان (عج) هنگام ظهور چیست ؟

پرسش

ابزار دفاع امام زمان (عج) هنگام ظهور چیست ؟

پاسخ

در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت: ۱) کلمه «سیف» که در روایات آمده، کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان‌که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد. ۲) آنچه مسلم است سلاح‌های موجود دنیا به گونه‌ای است که نابود کننده هر کسی است که در برد مؤثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان «عج» و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی‌ایمان را از بین می‌برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می‌آید بر ما پوشیده است می‌توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح‌های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایی به نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح‌ها تعلق گیرد. سؤالاتی که درباره ابزار دفاعی آن حضرت قابل طرح است عبارتند از: ۱- آیا ابزار دفاعی آن حضرت سلاح سردی چون شمشیر خواهد بود یا نه ؟ ۲- مفاد روایات اسلامی کدام نظریه را تأیید می کند؟ ۳- آیا تکامل صنعتی و ماشینی در آن روزگار از بین خواهد رفت یا نه ؟ می گوییم برای یافتن پاسخ این سؤالات هم از منابع حدیث و هم از دلایل عقلی می توان کمک گرفت اما به نظر عقل : هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ترقی جامعه متوقف گردد. افزون بر آن یکی از پایه های استقرار حکومت واحد جهانی به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست . پس بعید نیست بگوییم همان گونه که قلم کنایه از علم و فرهنگ است. شمشیر هم کنایه از قدرت و نیروی نظامی می باشد. از همین جا می توانیم به این سخن اعتراف کنیم که نمی توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم . همین اندازه اجمالا می توانیم بگوییم یک سلاح برتر خواهد بود. هم چنان که می دانیم آن سلاح سلاحی نیست که گناهکار و بی گناه را با هم نابود کند. و اما به نظر احادیث : احادیثی که نقل شده , به نوبه خود هر کدام تکامل علوم را در ابعادی مختلف برای انسان گوشزد می کنند. از باب نمونه در کتاب منتخب الاثر عناوین ذیل

را مشاهده می کنیم که همگی بر پیشرفت و رشد علوم آن روزگار دلالت می کنند: ۱- باب سوم در این که زمین , کنوز و معادن خود را اظهار می کند. در این باره ده حدیث است . از باب نمونه : موسی بن جعفر(ع) فرمود: برای آن حضرت گنجینه های زمین ظاهر می شود و هر امر دوری، برای ایشان نزدیک می گردد. ۲- باب چهارم : در این که برکات سماوی و ارضی و غیر این دو ظاهر می شوند و در آن ۱۲ حدیث است . از باب مثال : پیامبر(ص) فرمود: در زمان آخر امتم مهدی خروج می کند و حال آن که باران او را سیراب و زمین نباتاتش را بر وی عرضه می کند. ۳- باب یازدهم در این که زمین در دولت وی عمران می یابد. در این زمینه ۵ حدیث وارد شده است . از آن جمله : حضرت فرمود: روی زمین خرابی باقی نمی ماند مگر این که مهدی آن را آباد می کند. ۴- باب دوازدهم در این که امور در عصر ایشان تسهیل پیدا کرده و عقول مردم هم تکامل پیدا می کند و در آن ۷ حدیث نقل شده است . از باب نمونه امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم آل محمد(ص) مؤمنی که در مشرق است برادر خود را که در مغرب است می بیند. همین طور مؤمنی که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است , مشاهده می کند.

هدف وچگونگی ظهور

وقتی که امام زمان(عج) ظهر می‌کند، چه برنامه هایی دارد؟

پرسش

وقتی که امام زمان(عج) ظهر می‌کند، چه برنامه هایی دارد؟

پاسخ

امام زمان(ع) در هنگام ظهور سیاست‌های مهم را ارائه می‌دهد که جهت رعایت اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱ - تشکیل حکومت جهانی. یکی از استراتژی‌های مهم امام(ع) تشکیل حکومت جهانی این است که در آن سعادت دنیاو آخرت بشر تأمین می‌شود. مورخان و سیره نگاران باور دارند که بعد از فراگیری ستم حکومت‌های حاکم بر جهان، مردم آماده پذیرش حکومت عدالت گرا می‌شوند، گر چه برخی با تشکیل حکومت امام زمان(ع) مخالفت می‌کنند؛ ولی اکثر مردم آماده حکومت امام(ع) می‌شوند. ۲ - بیت گرفتن. برای تشکیل حکومت جهانی و قانونی، نیاز به پایگاه مردمی است، از این رو امام زمان(ع) از مردم بیعت می گیرند": مهدی(ع) سپاهیان خود را جهت گرفتن بیعت به اطراف جهان خواهد فرستاد. مردمان ظالم و ستمگر از بینخواهند رفت و اهل شهرها از برای مهدی تسلیم خواهند شد.("۱) البته برخی مردم با حکومت جهانی امام زمان(ع) مخالفت کرده و بیعت نمی‌کنند، ولی اماما با قاطعیت با آنان برخورد می‌کند. ۳ - مبارزه با دجال. در برخی از روایات تصریح شده است که امام(ع) در هنگام ظهور با دجال می‌جنگند. در این که دجال چیست و حضرت چگونه با او جنگ می‌کند ،اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی یکی از سیاست‌های امام زمان(ع) مبارزه با دجال است. در کتاب الفتن از زُهری آمده است": اذا التقی السفیانی و المهدی(ع) القتال یومئذ یسمعون من السماء صوتا ألا إنّ اولیاء اللّه من اصحاب فلان یعنی المهدی(ع).("۲) ۴ - آموزش و تعلیم قرآن. واقعیت آن است که مسلمانان از معارف بلند قرآن فاصله گرفته‌اند که در قرآن از آن به عنوان مهجوریت قرآن یاد شده است.(۳) یکی از برنامه‌های امام زمان(ع) در هنگام ظهور، آموزش قرآن است، تا هم قرآن از مهجوریت رهایی یافته و هم مردم با معارف بلند آن آشنا شوند. امام باقر (ع) فرمود": هرگاه قائم آل محمد(ص) قیام کند، خیمه‌هایی نصب می‌کند برای کسانی که

قرآن را همان طور که نازل شده، به مردم تعلیم دهند.("۴) ۵ -مبارزه با خرافات و بدعت زدایی. یکی از برنامه‌های مهم امام زمان(ع) مبارزه با خرافات و بدعت‌ها است. این سیاست از آن جا نشأت می گیرد که قبل از ظهور امام(ع) دینی جدید تلقی می‌شود؛ از این رو برخی تصور می کنند امام دین جدید آورده است. امام باقر(ع) فرمود": آن چه از آثار بدعت و گمراهی قبل از وی بوده است، منهدم می کند چنان که پیغمبر(ص) اساس جاهلیت را منهدم کرد. آن گاه از نو اسلام را از سر می گیرد.("۵) ۶ - اجرای قوانین اسلام و حاکمیت دین بر جهان. یکی از برنامه‌های مهم امام (ع) اجرای قوانین اسلام و حاکمیت دین بر جهان است. در قرآن تصریح شده است": لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون.("۶) مفسران و پژوهشگران قرآنی این آیه را در خصوص حاکمیت اسلام در زمان ظهور امامزمان(ع) دانسته‌اند، زیرا هنوز اسلام حاکمیت بر تمام جهان نداشته است. عیاشی در تفسیر خود از رفاعهٔ بن موسی نقل کرده: از حضرت صادق(ع) شنیدم که در تفسیر آیه": و له أسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً" فرمود": هنگامی که قائم ما قیام کرد، جایی روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این که در آن جا صدای" أشهد ان لا اله الا اللّه و أشهد ان محمدا رسول اللّه "بلند شود.("۷) ۷ -گسترش عدالت و از بین بردن فساد. یکی از ویژگی‌های حکومت امام(ع) گسترش عدالت و از بین بردن ناهنجاری‌ها و فساد است. پیامبر اسلام(ص) فرمود": فیملأ الارض عدلا و قسطا کما ملئت جوراً و ظلماً؛("۸) امام زمان(ع) زمین راپر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده باشد. "امام زمان(ع) برنامه‌های دیگری مانند برخورد با دشمنان دین و آبادانی شهرها و روستاها دارد.

اولین جایی که بوسیله امام زمان(ع) فتح خواهد شد کجا است؟

پرسش

اولین جایی که بوسیله امام زمان(ع) فتح خواهد شد کجا است؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می‌شود امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند. امام باقر(ع) فرمود": یبایع القائم بین الرکن و المقام.("۲) همو فرمود": قائم با سیصد و سیزده نفر مرد از یارانش در ذی‌طوی (۲) منتظر قیام است تا موقعی ه به حجر الاسود تکیه زند و پرچم آویخته را به اهتزاز در آورد.("۳) از این روایت و روایات دیگر استفاده می‌شود حضرت اولین مکانی را که فتح خواهد کرد، مکه خواهد بود. مکه مقدس‌ترین مکان بوده و افراد صالح و شایسته در آن وجود دارند، که این عده از حکومت عدالت گستر امام زمان(ع) استقبال می کنند، ولی مخالفانی نیز در مکه حضور دارند که به مخالفت امام می‌پردازند و امام با آنان به شدت برخورد می کند. امام زمان(ع) بعد از فتح مکه به سوی مدینه حرکت می کند، چنان که در برخی روایات به آن تصریح شده است.(۴) در برخی از روایات دیگر آمده است که امام زمان(ع) بعد از مدینه، عراق (کوفه) را فتح می کند. فتوحات امام زمان(ع) اختصاص به مکان‌های فوق ندارد، بلکه شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد. از امام باقر(ع) از تفسیر آیه": الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة "سؤال شد، حضرت فرمود": این آیه درباره مهدی(عج) و اصحاب او است که شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد.("۵) پی نوشت‌ها: ۱ - لطف اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۵۸۰ - ۵۸۱؛ مهدی موعود، ص ۱۰۹۸. ۲ - ذی طوی در مجاور مکه قرار دارد. ۳ - مهدی موعود، ص ۱۰۹۸. ۴ - منتخب الاثر، ص ۵۸۰، به نقل از ارشاد مفید. ۵ - ینابیع الموده، ص ۴۲۵.

می گویند لشــکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهد گذشت و برترین و امن ترین شــهر ها بیت المقدس خواهد بود. آیا این مطالب صحّت دارد؟

پرسش

می گویند لشکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهد گذشت و برترین و امن ترین شهر ها بیت المقدس خواهد بود. آیا این مطالب صحّت دارد؟

پاسخ

در روایات آمـده است": یفتـح الله لهم مشارق الارض و مغاربها؛۱ خداونـد برای یاران حضـرت مهدی(ع) تمامی نقاط زمین را فتح خواهـد کرد. "یـا این که : صـدیق اکـبر، یعنی امیرالمؤمنین(ع) خروج می کنـد و قـدرت حکومت او تمـامی زمین را فرا می گیرد و درخشش او آسمان و زمین را فرا می گیرد.۲ اگر حکومت آن حضرت جهانی باشد علی القاعده نمایندگان و لشکریان آن حضرت بر تمامی نقاط تسلط پیـدا خواهنـد کرد، ولی در مورد این که" لشـکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهـد گـذشت "مطلبی یافت نشد. اما در مورد بیت المقدس روایتی از حضرت علی نقل شده است که": خیرالمساکن یومئذ بیت المقدّس لیأتینّ علی الناس زمان یتمّنی أحدهم أنّه من سکّانه؛۳ بهترین جاها برای سکونت، بیت المقدس است به طوری که مردم آرزو می کنند که از ساکنان آنجا باشند. ۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷. ۲ همان، ج ۵۳، ص ۱۶. ۳ همان، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

چرا وقتی صــحبت از امام زمان می شود، او را شمشیر به دست و اسب سواری عنوان می کنند که از مکّه قیام می کند و پی انتقام و خونریزی می‌رود؟! اگر قرار به جنگ و کشتن بود که امام زمان غایب نمی شد! اصولاً امام زمان می آید تا ترویج دین کند یا خون به پا کند؟

پرسش

چرا وقتی صـحبت از امام زمان می شود، او را شمشـیر به دست و اسب سواری عنوان می کنند که از مکّه قیام می کند و پی انتقام و خونریزی می‌رود؟! اگر قرار به جنگ و کشـتن بود که امام زمان غایب نمی شد! اصولاً امام زمان می آید تا ترویج دین کند یا خون به پا کند؟

پاسخ

حضرت مهدی(ع) برای زنده کردن دین اسلام و برپایی عدل و داد و ریشه‌کنی خرافات و ظلم و احجاف های می آید که در جهان فراوان خواهد بود. حضرت صادق(ع) فرمود": وقتی که قائم ما قیام کرد به سیرهٔ رسول خدا(ص) رفتار می کند و آثار رسول خدا را تفسیر و بیان می کنـد. "فضـیل بن یسار می گوید: از حضـرت باقر(ع) شـنیدم" :وقتی قائم ما قیام کرد، از ناحیهٔمردم با مشـکلات و سختی هـایی مـواجه می شود که پیـامبر(ص) از جـانب مردم عصـر جـاهلیت به آن مقـدار مواجه نشـده بود. "عرض کردم: چطور؟ فرمود": هنگامی که پیغمبر مبعوث شد، مردم سنگ و چوب می پرستیدند، امّا قائم ما وقتی قیام کند، مردم احکام خدا را بر ضدّ وی

تأویل و تفسیر می کنند و به وسیلهٔ قرآن با وی احتجاج و مخاصمه می نمایند... به خدا سوگند! عدالت قائم در اندرون خانه‌هایشان داخل می شود چنان که سرما و گرما داخل می گردد. "بنابراین هدف از قیام امام زمان گسترش عدل و داد و زدودن خرافات است، نه کشت و کشتار. حضرت برای کشتار مردم نمی آید، امام برای اجرای برنامه های خویش اگر مخالفی سر راه خود ببیند، او را بر می دارد. لازمهٔ چنین حکومتی که بخواهد جهان را پر از عدل و داد نماید، داشتن اسلحه و توانایی است. مردمی که با انواع مفاسد و شهوات خود گرفته اند، سیاستمداران و دولتمردان کشورهای کفر که باعث و بانی ظلم و تجاوز هستند، مسلّما با پند و اندرز و نصیحت تسلیم نخواهند شد. بنابراین احتیاج به قوّه قهریه و شمشیر و اسلحه خواهد بود. تا انسان خود دچار ظلم نشود، این حقیقت را نمی فهمد و خود درک نمی کند. الآن مردم آوارهٔ فلسطینی که هر روز کشته می شوند و خانه هایشان خراب می شود، اگر از آنان سؤال بکنیم: آیا کسی که بتواند با اسلحه و شمشیر جلوی ظلم را بگیرد، لازم است، می گویند: چاره ای نیست. خدا کند نجات بخشی بیاید که بتواند جلوی ظلم و جنایات را بگیرد و ما را از آوارگی و دربدری نجات دهد. بنابراین هدف امام کشتار نیست، بلکه اجرای عدالت و احکام اسلام است، ولی اگر مزاحمی در این مسیر ببیند (که خواه ناخواه خواهند بود) چاره ای جز شمشیر و اسلحه نخواهد بود.

قیام امام زمان چگونه است؟(پ)

پرسش

قیام امام زمان چگونه است؟(پ)

پاسخ

از احادیث اهل بیت (ع) استفاده می شود: هنگامی که اوضاع عمومی جهان مساعد گشت و افکار جهانیان برای پذیرش حکومت حق آماده شد، خدا به مهدی (ع) اجازه نهضت می دهد. پس ناگهان در مکه ظاهر می گردد و منادی حق (جبرئیل) بشارت ظهورش را به سمع جهانیان می رساند. مردان برگزیده جهان که در چندین روایت تعدادشان ۳۱۳ نفر تعیین شده، اولین ندای حق را لبیک گفته، در اولین ساعات دعوت، مجذوب مغناطیس ولایت می گردند. حضرت صادق (ع) فرمود": هنگامی که صاحب الزمان(ع) ظهور نمود، جوانان شیعه بدون وعده قبلی در همان شب خودشان را به مکه می رسانند.("۱) سپس دعوت عمومی خویش را شروع می کند، مردم رنجدیده و از همه جا مأیوس ، دورش اجتماع می نمایند، و با او بیعت می کنند و در اندک زمانی سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار برایش مجهز می شوند.(۲) امام محمد باقر و امام جعفر صادق (ع) در توصیف یاران قائم فرمودند": شرق و غرب جهان را اشغال می کنند، تمام موجودات جهان را مسخر می گردانند، هر یک از آن ها نیروی چهل مرد دارد، و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است، به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخورد نمایند، آن ها را از بین می برند و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود، از جنگ دست نمی کشند.(۲) در آن موقع زمانداران خود سر و ستمگر بی وجدان احساس خطر می نمایند و در صدد دفاع بر می آیند و ندای مخالف را به هم مسلکان خویش می رسانند. امام سربازان عدالت خواه امام مهدی(ع) با تأییدات خداوندی ستمکاران را ریشه کن می کنند. رعب و ترس همه را فرا می گیرد و تسلیم دولت حق می گردند. بسیاری از کفار به واسطه دیدن علائم صدق و حقیقت به دین اسلام می گروند. آن هایی که در کفر و ظلم خویش اصرار

می ورزند، به دست لشکر مهدی (ع) کشته می شوند. یگانه دولت مقتدر و نیرومند اسلام در سر تا سرزمین تشکیل می یابد و مردم از جان و دل در حفظ و حراست آن کوشش می نمایند. (۳) دین اسلام عمومی می گردد و در تمام سرزمین ها وارد می شود.(۴) پی نوشت ها : ۱ - بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۷۰. ۲ - همان، ص ۳۲۷. ۳ - همان، ص ۲۷۹ - ۳۸۰. ۴ - همان، ج۵۱، ص ۵۵. ۵ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۰۱ - ۳۰۲.

ظهور امام زمان(عج) به صورت معنوی است و یا جسمانی؟

پرسش

ظهور امام زمان(عج) به صورت معنوی است و یا جسمانی؟

پاسخ

بی تردید ظهور امام زمان(عج) جسمانی است؛ بدین معنا که حضرت با جسم و خصوصیات ظاهری ظهور می کند، نه آن که روح حضرت ظهور نماید. شواهد و دلائل متعددی مؤید این نگره است: ۱ـ در بعضی از روایات از خصوصیات ظاهری و جسمانی امام سخن به میان آمده است. عمران پسر حصین می گوید: به رسول خدا عرض کردم: این مرد (مهدی) را برایم توصیف کن. حضرت فرمود": او از فرزندان من است؛ اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستبر است. به هنگام سختی ها و گرفتاری امت من قیام می کند. رنگ چهره اش به عرب شباهت دارد. قیافه اش چون مرد چهل ساله می نماید و صورتش چون پارهٔ ماه می درخشد.("۱) از امام رضا(ع) سؤال می شود: وضعیت جسمانی(مهدی) چگونه است، امام می فرماید": سن او زیاد است؛ ولی از نظر چهره جوان است.("۲) ۲ـ در برخی از روایات آمده است که امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند. ظهور از مکان معیّن بیانگر ظهور جسمانی حضرت است. امام باقر(ع) فرمود": حضرت مهدی(عج) در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر را همراه دارد.("...۳) ۳ـ از برخی روایات استفاده می شود که بعد از ظهور حضرت، یاران دور او جمع شده و با او بیعت می کنند و سپس افراد دیگر امده، با امام بیعت کرده و اعلام وفاداری می کنند که حضرت را همراهی نمایند.(۴) ۴ـ دستهٔ دیگر از روایات دلالت می کنند که حضرت حکومت تشکیل می دهد. در سایهٔ آن جامعه آرمانی تشکیل داده و با مخالفان خویش مبارزه می نماید(۵) و حکومت تشکیل می دهد. در این حکومت، امنیت و عدالت برقرار شده و انسان ها از نظر رشد فکری و علمی به اوج خود می رسند.(۶) افزون بر آن عمران و آبادانی همه عالم را فرا می گیرد.(۷) طبیعی است تشکیل چنین جامعه ای با توجه به ظهور ظاهری امام زمان امتیاز محسوب می شود. ۵ـ قیام امام زمان(عج) و بهره گیری حضرت از سلاح های همسو با شرایط زمان و برخورد و جنگ امام با مخالفان و دشمنان دین،(۸) دلیل قوی بر ظهور جسمانی امام زمان(عج) است؛ زیرا این گونه فعالیت ها در حکومت های ظاهری وجود دارد. ۶ـ شیعیان باور دارند که بعد از ظهور امام زمان(عج) عده ای از مؤمنان و رهبران الهی رجعت می کنند.(۹) رجعت آنان تنها با فلسفهٔ وجودی تشکیل حکومت ظاهری قابل توجیه است. دلائل و شواهد بالا و دلایل دیگر که در این خصوص وجود دارد، بیانگر آن است که حکومت امام کاملاً ظاهری و علنی است. پی نوشت ها: ۱. احتجاج طبرسی، ص ۲۸۹. ۲. اعلام الوری، ص ۴۳۲. ۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴. ۴. مهدی موعود، ص ۱۰۹۸. ۵. نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۶۶. ۶. بحارالانوار، ج ۱، ص ۶۱. ۷. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۹؛ محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۱۹. ۸.

غیبت نعمانی، ص ۲۲۹. ۹. مهدی موعود، ص ۱۱۸۶.

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پرسش

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پاسخ

در حالی که در اواخر قرن نوزدهم و بخشی از آغاز قرن بیستم , غرب در تب و تاب ناسیونالیسم و نژادپرستی فرو رفته بود , و موسولینی و هیتلر به بهانه برتری نژاد , جهان را به خاک و خون می کشیدند , و سیاستمداران به جای نجات انسانها , به فکر توسعه سلطه نژادی و قومی بودند , ناگهان اندیشه انترناسیونالیسم و لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در نظر برخی از دانشمندان غرب , قوت گرفت و طرحهائی در این مورد ارائه گردید . علت پیدایش این فکر - و با عبارت روشن تر , علت تجدید این اندیشه که در اقوام پیشین سابقه دیرینه دارد - همان هیولای مخوف جنگهای جهانی اول و دوم بود که به صورت وحشتناکی خود را نشان داد , و تنها در جنگ اول جهانی حدود ۹ میلیون نفرکشته شد و ۲۲ میلیون نفر معلول و ده میلیون نفر مفقود الاثر شدند , و تلفات جنگ دوم جهانی بسیار وحشناک تر از جنگ نخست بود . این نبردهای جهان , عملا ثابت کرد که وجود مرزهای مصنوعی میان ملت ها , عامل جنگ و نبرد و مایه خونریزی و بدبختی است , همچنانکه ناسیونالیسم افراطی و نژادپرستی همین عواقب مشابه را نیز دربردارد . تاسیس جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول - که در آن ۲۶ کشور عضویت داشتند - ویا تاسیس یک جامعه جهانی به نام سازمان ملل متحد , و اتحادیه های بین المللی وابسته به آن , پرتوی از فکر تاسیس حکومت واحد جهانی است که هنوز به صورت یک فکر و اندیشه در میان متفکران مطرح می باشد . گروهی از متفکران پیش بینی می کنند که ممکن است سازمان ملل متحد که به صورت یک پارلمان جهانی است , درآینده بصورت مرکز یک حکومت واحد جهانی را پی ریزی کرده اند , و در این مورد , ازیک قوه مقننه , و یک قوه مجریه , و یک قوه قضائیه گزارش می دهند . این گروه در اعلامیه ای که در کنگره توکیو در سال ۱۹۶۳ منتشر کرده اند یادآورشده اند که چون صلح دائمی هرگز بوسیله عهدنامه ها و پیمانها عملی نمی شود و سازمان ملل متحد به خاطر اینکه فاقد قوه اجرائی است , مصوبات او از دائره پند و اندرز فراتر نمی رود , از این جهت برای صلح دائمی و حفظ شرف و خون و مال انسانها چاره ای جز تشکیل یک حکومت واحد جهانی نیست . این گروه برای پیاده کردن این اندیشه طرحی را پیشنهاد کرده و می گویند : برای تشکیل حکومت واحد جهانی , لازم است امور زیر تحقق یابد . ۱ - پارلمان جهانی . در این نقطه , همه کشورهای جهان باید در آن عضویت داشته باشند , و نماینده پرجمعیت ترین کشورها , بیش از کشورهای دیگر رای خواهد داشت . ۲ - ارتش جهانی . هدف از تشکیل آن , حفظ صلح جهان است و این قدرت در اختیار شورای عالی اجرائی قرار خواهد گرفت . ۳ - شورای عالی اجرائی . این شورا , قوه مجریه پارلمان جهانی خواهد بود . ۴ - دیوان دادگستری بین المللی چنین گردهمائی ها و طرح ها و پیشنهادها , همگی حاکی است که متفکران در آستانه پذیرش امکان تحقق یک حکومت واحد جهانی هستند که در گذشته به صورت یک تز ممتنع و محال تلقی می شود . در حالی که چنین اندیشه ها و طرح هائی مایه خوشوقتی است , ولی بطور مسلم , بشرامروز با اخلاق مادی که دارد , موفق به تشکیل چنین

حکومت واحد جهانی نخواهد شد ,زیرا پیشنهاد دهندگان و طراحان و مجریان و داوران همه و همه , مردمی هستند که روح خودخواهی و خودمحوری بر آنها حاکم بوده و هرگز در درون خود عشق به انسان ها را احساس نمی کنند . اگر در آغاز کار هم حسن نیتی داشته باشند , در اثناء کار , خودخواهی , مقام خواهی , نژادگرائی و دهها عامل دیگر اخلاق مادی , آنان رامنحرف کرده , و سرانجام این طرح به سرنوشت جامعه ملل و سازمان ملل متحد کنونی دچار می شود , و به صورت یک عروسک طلائی در دست ابرقدرت ها درمی آید . و تا یک نوع معنویت , پاکی , تقوی , خداترسی , ایمان به خدا و سرای دیگر , درطراحان و موسسان و مجریان حکومت واحد جهانی پدید نیاید , هیچ گاه این طرح های خوش خط و خال , نتیجه نمی بخشند . و سرانجام ابزاری می شود در دست ابرقدرت ها , آن هم برای محو حقوق مستضعفان و ملت های ضعیف و ناتوان جهان . ولی به حکم باش تا صبح دولتش بدمد , این اندیشه , نشانگر یک نوع یاس ونومیدی در متفکران و اندیشمندان جهان نسبت به کلیه سازمانهای بشری و تشکیلات مادی است که مدتها است متفکران ما چشم امید به آنها دوخته اند و درمان دردهای خود را از آن می طلبیدند , در حالی که اگر این نوع سازمان ها مایه درد و رنج نباشد , منبع خیر و برکت نیست و باید به همگی آنها گفت : مرا به خیر تو امیدنیست , شر مرسان . قیام مهدی و حکومت واحد جهانی . در حالی که ایجاد حکومت واحد جهانی , بر بشر کنونی – که در اخلاق مادی فرو رفته و معنویات و احساسات پاک او نسبت به انسان ها فروکش کرده – به صورت یک آرزوی خام و رویای طلائی درآمده است , احادیث اسلامی , تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام را ازو ویژگی های قیام مهدی موعود علیه السلام می داند . این بیانات الهی می رسانند درپرتو عدل حضرتش , جهان تحت لوای یک حکومت , یک دولت , یک قانون , یک قدرت درمی آید و بساط تمام ابرقدرتها و فرعونها و قارون ها و قارونک های زمان از بزرگ و کوچک برچیده می شود , و پرچم عدل و داد , در سراسر جهان به اهتزاز درآمده وصفا و صمیمت و عشق به نوع بشر جهان را فرا می گیرد . امام باقر علیه السلام می فرماید : اذا قام القائم ذهب دوله الباطل (۱) . آنگاه که امام قائم قیام کرد , حکومت های باطل نابود می شود . باز در حدیث دیگر می فرماید : یبلغ سلطانه المشرق و المغرب (۲) . قدرت او شرق و غرب را فرا می گیرد . باز امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه : الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکوه و امروا بالمعروف ونهوا عن المنکر و للّه عاقبه الامور (۳) . فرمود : این آیه بیانگر حکومت مهدی است . خدا او و یاران او را بر شرق و غرب زمین مسلط می گرداند . و دین خدا را آشکار می سازد و به وسیله او و یارانش بدعتهارا می میراند , همچنانکه بی خردان حق را میرانده بودند , تا آنجا که از ستم اثری دیده نمی شود , آنان مردم را به نیکی ها امر کرده و از بدی ها باز می دارند . وبرای خدا است سرانجام امور (۴) . ویژگی های حکومت مهدوی هر یک از جملات حدیث گذشته , به اصلی از اصول حکومت واحد جهانی امام و یا به یک ویژگی از ویژگی های حکومت او اشاره می کند . شایسته است به متن این فرازها توجه شود : یملکهم اللّه مشارق الارض و مغاربها . خداوند , سراسر جهان را از خاور و باختر در اختیار آنان قرار می دهد , یعنی حکومت او , جهان شمول می گردد نه منطقه ای . و یظهر الدین و یمیت اللّه به و باصحابه البدع و الباطل . به وسیله او , دین خدا زنده و بدعت ها و باطل ها نابود می شود یعنی قوانین حکومت او را , قوانین الهی که آئین خاتم اسلام است , تشکیل می دهد . و نیزمی فرماید : حتی لا یری اثر من الظلم و یامرون بالمعروف . از ستم اثری دیده نمی شود و به نیکی ها امر می کنند . یعنی دارای قدرت اجرائی گسترده ای می گردد , که هر نوع ستم را در سراسر جهان می زدایند و نیکی ها را گسترش می دهند . چنین ویژگی هائی فقط از آن حکومت جهانی اسلام است و بس , که مهدی زمان , تحقق بخش آن است . یکی از ویژگی های حکومت امام , گسترش عمران و آبادی در سراسر جهان و تسلط بشر برمعادن زیر زمینی است . و بشر در پرتو عدل بر این تکامل دست می یابد . پیامبرگرامی در این مورد می فرماید : در زمان مهدی , آب در جهان افزایش پیدا کرده و انهاری پدید می آید و انهار وگنجها از دل زمین بیرون می آید (۵) . ابن عباس که در دامن پیامبر گرامی و مکتب امام امیرمومنان صلی اللّه علیهما وآلهما پرورش یافته , دوران مهدی زمان را چنین توصیف

می کنـد : مهـدی , روی زمین را از داد پر کرده , همچنـانکه پیش از او از سـتم پر می شود و زمین پاره های جگر خودرا بیرون می ریزد . . آنگـاه به عنوان نمونه گفت : سـتونهائی از طلا وو نقره (۶) . ایـن گونه احادیث که با تواتر معنوی در کتابهای حـدیث وارد شـده است , از یـک حکـومت جهـانی الـهـی تـوام بـا تمـدن عمیـق و ریشه دار مـادی گزارش می دهـد , که در عصـرطلائی ظهور حضرت حجت بن الحسن صلوات اللّه علیه تحقق می پذیرد .

آیا می توانید به ترسیم زمان ظهور و زمان آن بپردازید؟

پرسش

آیا می توانید به ترسیم زمان ظهور و زمان آن بپردازید؟

پاسخ

ترسـیم تفصـیلی عصر ظهور امکان‌پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می‌کنیم: روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضـرت مهـدی(عـج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می‌گردد. آنگـاه در سـطح جهـان نیروی سـخت میـان غربی‌هـا و ترکـان و یـا هواداران آنهـا به وجود می‌آیـد تا جایی که منجر به جنگجهانی می‌گردد. اما در سـطح منطقه دو حکومت هوادار حضـرت مهـدی(عـج) در ایران و یمن تشـکیل خواهـد شـد... که یاران ایرانی آن حضـرت مـدتی قبـل از ظهـور، حکـومت خـویش را تأسـیس نمـوده و درگیر جنگی طولانـی می‌شونـد کـه سـرانجام در آن پیروز می‌گردنـد. انـدک زمانی پیش ازظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سـید خراسانی، رهبر سیاسـی و شـعیب بن صالـح رهبر نظامی ظاهر شـده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضـرت ایفا خواهنـد کرد. اما یـاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چنـد ماه پیش از ظهور حضـرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشـیدن به خلاء سیاسـی که در حجاز به وجود می‌آید همکاری می‌نماید. از جمله نشانه‌های ظهور حادثه‌ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می‌دهد. در این هنگام نشانه‌های ظهور حضـرت مهـدی(عـج) آشـکار شـده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسـمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضـان شـنیده می‌شود پس از این نـدای آسـمانی حضـرتمهدی(عـج) به طور سـری بـا برخی از یاران خود ارتباط برقرار می‌نمایـد. دربـاره آن بزرگوار در سراسـر گیتی سـخن بسیار به میـان آمـده و نـام وی زبـانزد همگان گشـته و محبتش در دل‌ها جای ...ّگیرد. دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می‌کوشند تا وی را یافته و از میO...بردارند ازاین‌رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشـمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می‌اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تـا این که قیامخویش را در شب دهم محرم بعـد از نماز مغرب و عشاء از حرم شـریف مکی آغاز می‌کنـد و پس از درگیری بر مکه تسـلط می‌یابد. در صـبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان‌های مختلف به تمام جهان ابلاغ می‌کند و ملل دنیا را به یـاری خویش دعوت کرده، اعلامـی‌دارد که در مکه بـاقی خواهـد مانـد تا معجزه‌ای که جـد گرامی‌اش حضـرت رسول(ص) وعـده فرمـوده محقـق شـود و آن فرو رفتن لشـکریان سـفیانی به زمین است که برای درهم شکسـتن حرکت آن حضـرت راهی مکه می‌شوند به وقوع بپیوندد. آن حضـرت پس از این معجزه با سـپاه خود که متشـکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسـپار مدینه می‌شود و پس از نبردی با نیروهای دشـمن مسـتقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز

و تسلط بر منطقه خاتمه می‌یابد. وی پساز پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می‌شود و در آنجا با سپاه ایران و توده‌های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی‌خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن در بصره به پیکار می‌پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دستمی‌یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می‌کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی و گروه‌های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می‌رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می‌دهد و بدین‌سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج‌فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی‌آید. بعد از آن جنگ‌هایی با ترکان و یهودیان صورت می‌پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می‌کنند ولی ناگاهحضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. فرود آمدن حضرت عیسی(ع) برای جهان علامت و نشانه‌ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت‌های مسیحی خواهد گردید. به نظر می‌رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی‌ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می‌شود. اما غربی‌ها بعد از دو سال پیمان صلح را می‌شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز بهسرزمین شام و فلسطین یورش می‌آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می‌گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می‌شوند. سپس غرب توسط امام فتح می‌گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می‌گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه‌ای که دست‌بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاکمی‌سپارد. پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می‌کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا- بردن سطحآگاهی دینی و دنیایی مردم می‌کوشد. به نظر میرسد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی بهره‌گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام(عج) جامعه بشری به آن دست می‌یابد. دجال از روش‌های پیشرفته چشم‌بندی، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشترپیروان او را تشکیل می‌دهند استفاده می‌کند. ازاین‌رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می‌آورد که فریبکاری‌های او را باور می‌کنند اما حضرت مهدی(عج) نیرنگ‌های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه می‌بخشد. این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسلامی). اما علائم و نشانه‌های ظهور که هر یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت(عج) است فراوان است که به ذکر مهم‌ترین آنها اکتفا می‌کنیم: ۱- خروج سفیانی: سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می‌کند و پس از ظهور با امام می‌جنگد. امام صادق(ع) فرمود: «ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲). ۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است. علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می‌کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می‌کند و چون به سرزمین بیداء می‌رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می‌برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷). ۳- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می‌کند. امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت

نمی‌کند، (کتاب‌الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می‌کند. ۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک. امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه‌روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴). ۵- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می‌شود. امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده‌ای از آسمان نام قائم را ندا می‌کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می‌شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲). درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی‌های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده‌زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است. نشانه‌های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه آن ر.ک: ۱- ظهور نور، علی سعادت‌پرور، نشر تشیع ۲- علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی ۳- نشانه‌های ظهور، سادات مدنی، نشر منیر ۴- از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق ۵- از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی ۶- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول زمستان ۱۳۷۵، صص ۳۱۶ - ۲۴۵ ۷- مقاله بررسی نشانه‌های ظهور، اسماعیل اسماعی

حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور چه عملی انجام می‌دهند؟

پرسش

حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور چه عملی انجام می‌دهند؟

پاسخ

مطابق روایات، بعد از ظهور، بین رکن ومقام خطبه‌ای خوانده، آن گاه مردم را به بیعت با خود دعوت می‌نماید: نعمانی به سندش از جابر بن یزید جعفی از امام باقر (ع) نقل کرده که در حدیثی طولانی فرمود": وقائم در آن روز در مکه است، تکیه بر بیت‌الحرام داده وبه آن پناه می‌برد. آن گاه ندا می‌دهد": یا أیّها الناس.{"!...پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۱۵۰. پاورقی} مجلسی به سندش از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود": همانا او -امام زمان (ع)- به سوی مسجدالحرام به حرکت در می‌آید ودر آنجا کنار مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌گزارد وبا تکیه بر حجرالأسود حمد خدا وثنای او را به جای آورده ویادی نیز از پیامبر کرده وبر او درود می‌فرستد. آن گاه سخنی را آغاز خواهد کرد که هرگز کسی چنین سخن نگفته است.{"...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۰. پاورقی} نعمانی به سندش از امام باقر (ع) نقل کرده که در حدیثی فرمود": گویا بر او نظر می‌کنم در حالی که بین رکن ومقام مردم با او بیعت می‌کنند.{"...پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۱۳۹. پاورقی}

پس از ظهور

رجعت

مفهوم رجعت

رجعت از دیدگاه شیعه چیست ؟

پرسش

رجعت از دیدگاه شیعه چیست ؟

پاسخ

در مورد رجعت دانست چند امر لازم است ; ۱ رجعت چیست ؟ ۲ چه اشخاصی رجعت دارند؟ ۳ فلسفه رجعت ۴ ذکر چند نمونه از تحقق رجعت در دنیا گذرا پاسخ می دهیم: ماهیت رجعت آن است که بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در آستانه رستاخیز، گروهی به این جهان بازمی گردند. از مجموع روایات بر می آید, دو گروه رجعت دارند: مؤمنان خالص , آن هایی که در مرحله عالی از ایمان قرار دارند. گروه دوم کفار و ستمگرانی که در مرحله منحطی از کفر و ظلم قرار دارند. امام صادق علیه السلام فرمود": رجعت عمومی نیست , بلکه جنبه خصوصی دارد. تنها گروهی رجعت می کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند(".۱) راجع به فلسفهء رجعت گفته اند: مؤمنان خالص را می آورند تا به سیر تکاملی در دنیا ادامه دهند, ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در این حکومت شرکت جویند. کافر و ستمگر محض را می آورند تا علاوه بر کیفر خاص در عالم آخرت مجازات های این جهان را نظیر آن چه اقوام سرکشی مانند فرعونیان و نمرودیان , دیده اند به ببینند. قرآن , به طور اجمال , در چند مورد از تحقق رجعت در امت های پیشین یاد کرده است : ۱ـ عزیر پیامبر که بعد از صد سال مجددا زنده شد . (۱) ۲ـ گروهی که به بهانه وبا از شرکت در جهاد خودداری کرده و از خانه بیرون رفتند , اما در بین راه به فرمان خداهمه مردند, سپس زنده شدند (۲; ۳ـ افرادی که به دست حضرت عیسی (ع) به اذن پروردگار زنده شدند. (۳) ۴ زنده شدن قاتلی از بنی اسرائیل با زدن قسمتی از بدن گاو به او .(۴) ۱(بقره، آیه ۲۵۹. ۲(بقره ، ۲۴۳. ۳(مائده ، آیه ۱۱۰. ۴. بقره، آیه ۷۳

رجعت را توضیح دهید.

پرسش

رجعت را توضیح دهید.

پاسخ

"رجعت "از عقاید معروف شیعه است و تفسیرش در یک عبارت کوتاه چنین است: بعد از ظهورحضرت مهدی عج) و در آستانه رستاخیر، گروهی از مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان‌بازمی گردند. گروه اوّل مدارجی از کمال را طی می کنند و گروه دوم کیفرهای شدیدی می‌بینند. مرحوم سیدمرتضی از علمای شیعه می‌فرماید: خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی عج) گروهی از کسانی را که قبلاً ـ از دنیا رفته‌اند، به این جهان‌بازمی گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند. نیز گروهی از دشمنان سرسخت را بازمی گرداند تا از آن‌ها انتقام گیرد. بعد می‌فرماید:

www.noorfatemah.org

حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند. نیز گروهی از د ش منان سرسخت را بازمی گرداند تا از آنها انتقام گیرد. بعد می‌فرماید: دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت‌نکرده است.][۱] البته از کلمات بعضی از قدمای علمای شیعه و هم چنین از سخنان مرحوم طبرسی در مجمع البیان‌برمی‌آید که اقلیت بسیار کوچکی از شیعه با این عقیده مخالف بودند و رجعت را به معنی بازگشت دولت وحکومت اهل بیت)ع(تفسیر می کردند، نه بازگشت اشخاص و زنده شدن مردگان، ولی مخالفت آنها طوری‌است که لطمه‌ای به اجماع نمی‌زند.][۲] بدون تردید احیای گروهی از مردگان در این دنیا محال نیست، همانگونه که احیای جمیع انسان‌ها درقیامت کاملاً ممکن است، عقل چنین امری را محال نمی‌بیند و قدرت خدا آنچنان وسیع و گسترده است که همه این امور در برابر آن سهل و آسان است در قرآن مجید، وقوع رجعت اجمالاً در پنج مورد از امت‌های پیشین‌آمده است از جمله این آیات، ۱ ـ آیه ۲۴۳ سوره بقره است که در آن سخن از جمعیتی است که از ترس مرگ ازخانه‌های فرد بیرون رفتند خداوند فرمان مرگ به آنها داد و سپس آنها را زنده کرد". فقال لهم الله موتوا ثم‌احیاهم]"۳[۲ ـ و نیز به آیه ۲۶۱ سوره بقره استدلال شده که در آن سخن از پیامبری است که از کنار یک آبادی عبورکرد در حالی که دیوارهای آن فرو ریخته بود و اجساد و استخوان‌های اهل آن در هر سور پراکنده شده بود و ازخود پرسید چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می کند، امّ ا خدا او را یکصد سال میراند و سپس زنده کرد وبه او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد یکروز یا قسمتی از آن، فرمود نه بلکه یکصد سال بر تو گذشت. این‌پیامبر عُزیر باشد یا پیامبر دیگری تفاوت نمی کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ در همین دنیا است فاماته الله مأةْ عام ثم بعثه."۴][۱] ۳ ـ در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره درباره بنی‌اسرائیل می‌خوانیم که گروهی از آنها بعد از تقاضای مشاهده‌خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند و مردند، سپس خداوند آنها را به زندگی برگرداند تا شکر نعمت او را به‌جا آورند"، ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون "۴ ـ در آیه ۱۱۰ سوره مائده ضمن برشمردن معجزات حضرت عیسی)ع(می‌خوانیم: و اذا تخرج الموتی باذنی":تو مردگان را با فرمان من زنده می کردی. این تعبیر نشان می‌دهد که مسیح)ع(از این معجزه خود احیای‌موتی(استفاده کرد، بلکه تعبیر فه فعل مضارع تخرج(دلیل بر تکرار آن است و این خود یکنوع رجعت برای‌بعضی محسوب می‌شود. ۵ ـ در سوره بقره آیه ۳ در مورد کشته‌ای که در بنی‌اسرائیل برای پیدا کردن قاتلش نزاع و جدال برخاسته‌بود، می‌فرماید" : دستور داده شد گاوی را با ویژگیهایی سر ببرند و بخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات‌بازگردد و قاتل خود را معرفی کند و نزاع خاتمه یابد"(فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم‌تعقلون.]"۵[مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید: بیش از دویست حدیث داریم که چهل و چند نفر از راویان ثقات و علمای بزرگوار در بیش از پنجاه کتاب آوردهاند و این روایات وقوع رجعت را تأیید می کنند.][۶] امام صادق)ع(در حدیثی می‌فرماید: ان الرجعهْ لیست بعامهْ ، و هی خاصهْ ، لا یرجع الا من محض الایمان محضاً، او محض‌الشرک محضاً ر جعت عمومی نیست بلکه جنبه خصوصی دارد، تنها گروهی بازگشت می کنند که ایمان خالص یاشرک خالص دارند."][۷] رجعت از معتقدات شیعه است و رایحه قیامت از آن استشمام می‌شود و با شواهد قرآن که ذکر شد تحقق‌آن مشکل نیست و مهدی موعود عج(انتقام خون‌های به ناحق ریخته را از اشقیا و دشمنان ائمه خواهد گرفت.)][۱] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵.)][۲] همان، ص ۵۵۶.)][۳] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶.)][۴] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶.)][۵] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۷.)][۶] علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.)][۷] همان،ص ۳۹.

رجعت و هدف از آن را بیان نمایید.

پرسش

رجعت و هدف از آن را بیان نمایید.

پاسخ

۱ـ رجعت از عقاید معروف شیعه است، و مقصود از آن در فرهنگ شیعه، بازگشت گروهی از امت اسلامی پس از ظهور حضرت مهدی(عج) و قبل از بر پایی قیامت به دنیا است. ۲ـ همان گونه که اشاره شد، در رجعت همه مردگان یا همهٔ شیعیان به دنیا باز نمی گردند، بلکه عده ای مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان باز می گردند.[۱] ۳ـ بازگشت گروهی از صالحان و یا تبهکاران به این جهان امری شگفت آوری نیست، زیرا در امت های پیشین نیز گروهی پس از مرگ بار دیگر زنده شده و پس از مدتی برای بار دوم در گذشته اند [۲] مانند زنده شدن عزیر پس از صد سال،[۳] و موارد دیگری که قرآن مجید از آنها خبر داده است.[۴] ۴ـ در رجعت، بازگشت کنندگان به امر پروردگار عالَم زنده می شوند، هم چنان که در قیامت همگان به امر و قدرت ذات اقدس الله زنده می گردند. اگر تعدادی به دست حضرت عیسی(ع) زنده شده اند، آن هم به اذن الهی و قدرت خدادادی بوده است. قرآن می‌فرماید(": به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم... و هنگامی که به اذن و فرمان من مردگان را زنده می کردی.["۵] بنابراین چنانچه رجعت به دعای امام زمان(ع) صورت گیرد؛ باز به قدرت خدا انجام گرفته است؛ پس لازم نیست حتماً پیامبر باشد، بلکه به وسیلهٔ حجت الهی و به اذن خدا می‌تواند صورت گِرد. ۵ـ پس از اعتقاد به رجعت که از عقاید شیعه است، ممکن است از تفاصیل و علت واقعی آن آگاهی نداشته باشیم، و این هیچ گونه اشکال و سستی در عقیدهٔ ما ایجاد نمی کند. مثل این که به وجود ملائکه ایمان داریم، چون قرآن از آن خبر داده است ولی تعدادشان چقدر است، نحوهٔ وجودی شان چگونه است و کارهایشان به طور تفصیل چگونه است، اطلاع دقیق نداریم. ۶ـ ممکن است علت واقعی رجعت برای ما روشن نباشد، ولی با توجه به روایات رجعت، چنین به نظر می‌رسد که بازگشت دو گروه از مؤمنان و کافران به زندگی دنیا، به منظور تکمیل یک حلقهٔ تکاملی گروه اوّل" مؤمنان "و چشیدن کیفر دنیوی گروه دوم" کافران "است. به تعبیر دیگر: گروهی از مؤمنان خالص که در مسیر تکامل معنوی با موانعی در زندگی خود رو به رو شده اند و تکامل آنها ناتمام مانده است، حکمت الهی ایجاب می کند که سیر تکاملی خود را از طریق بازگشت مجدد به این جهان ادامه دهند؛ شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند؛ و در بنای این حکومت شرکت جویند، چرا که شرکت در تشکیل چنین حکومتی از بزرگ ترین افتخارات است. به عکس گروهی از منافقان و کافران جبار سرسخت علاوه بر کیفر خاص خود در رستاخیز باید مجازات هایی در این جهان، نظیر آن چه اقوام سرکشی مانند فرعونیان و عاد و ثمود، و قوم لوط دیدند ببینند، و تنها راه آن رجعت است.[۶] انسان معتقد به حکمت و عدل الهی، همان گونه که معتقد است باطن این عالم پاک و بر اساس عدالت و درستی بنیان شده، معتقد است روزی فرا می‌رسد که ظاهر تمام این عالم همانند باطن می‌شود و همان گونه که باطن آن بر اساس عدل در جریان است، ظاهر آن نیز این گونه می‌شود و برای تحقق چنین امری، کسانی که مصداق تمام و کمال ظلم و عدل بوده اند، برانگیخته می‌شوند تا حقیقت این عالم نمایانده شود. اگر ظالمان این دنیا را با کامیابی سپری کرده اند، گمان نرود که واقعاً پایان آنها همین گونه استک زیرا می دانیم که قیامت، چیزی جز ظهور و تجسم این عالم نیست، پس باید سرانجام دنیای ظالمان و کافرانی که با کامیابی سپری کرده اند مانند معاویه، شکست و ذلت باشد، تا در قیامت، ذلت به صورت واقعی آشکال شود. به عبارت دیگر: همان گونه که برای مؤمنان باید مسیر تکاملی آنها که با موانعی در دنیا رو به رو بوده اند، برداشته شود تا این مسیر به پایان خود و سیر تکاملی صعودی برسد، کافران خالص و ظالمان نیز باید به نهایت مسیر تکاملی نزولی خود برسند و حکومت و قدرتی که باعث شده که نهایت سیر نزولی آشکار نشود، آشکار شود و در قیامت طبق همین عذاب، یا نعمت الهی هویدا شود. باید

توجه داشت هنوز کسانی مانند معاویه به عنوان انسان های درستکار نزد بسیاری از مسلمانان شناخته می‌شوند. البته این نکته که بیان شده، به عقل و دانش ما رسیده، امکان دارد مسایلی در فلسفه و علت آن بیان شده که دست نیافته ایم، یا بسیاری از مسایل طرح شود که اصولاً فلسفه آن بیان نشده و یا عقل ما نتواند به علت واقعی آن‌ها دست یابد، امام آن‌ها را به حکم عقل و منطق قبول می‌کنیم چون از جایگاه خطا ناپذیر الهی صادر شده است. این مسئله در پایان توضیح داده می‌شود. ۷ـ برای رجعت چندین دلیل ذکر شده، حتی مرحوم شیخ حرعاملی در کتاب شریف" الایقاظ من الهجعه "دوازده دلیل بیان نموده است. در این جا به دو دلیل اکتفا می‌کنیم: الف) اجماع امامیه (شیعه). مرحوم سید مرتضی که از بزرگان شیعه است می‌گوید": خدا بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی را که قبلاً از دنیا رفته اند، به این جهان باز می گرداند. دلیل بر صحت این عقیده آن است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند، چرا که مسئلهٔ محالی نیست. دلیل بر اثبات این عقیده، اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن‌ها با این عقیده (رجعت) مخالفت نکرده است.["۷] ب) روایات. احادیث از ائمه اطهار(ع) در مورد رجعت فراوان است و به حد تواتر رسیده تا جایی که مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید": چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار ائمهٔ اهل بیت(ع) ایمان داشته باشد و روایات متواتر رجعت را نپذیرد؟ احادیث صریحی که شمار آن به حدود دویست حدیث می‌رسد که چهل و چند نفر از روایان موثّق، و علمای اعلام در بیش از پنجاه کتاب آورده اند.["۸] از امام صادق(ع) معنای آیه" و یوم مخشرِ من کلّ أمهٔ فوجاً؛ روزی که از هر امتی، گروهی را زنده می‌کنیم.["۹] سؤال شد، فرمود: مردم چه می‌گویند؟ سائل گفت: مردم می‌گویند: آن روز قیامت است. حضرت فرمود: مگر در قیامت از هر امتی گروهی را زنده می کنند و بقیه را زنده نمی کنند؟ خیر (مردم اشتباه می کنند) این آیه مربوط به رجعت است (نه قیامت، زیرا در قیامت همه محشور می‌شوند، نه عده ای، در صورتی که این آیه از زنده شدن گروهی سخن می‌گوید).[۱۰] مأمون (خلیفه دانشمند عباسی) به حضرت رضا(ع) عرض کرد: دربارهٔ رجعت چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: رجعت درست است. بازگشت بعضی از مردگان در امت های پیشین سابقه داشته و قرآن شاهد آن است، و پیامبر(ص) فرمود": آن چه در امت های گذشته بوده، در امت من نیز خواهد بود.["۱۱] یادآوری: همان گونه که نیافتن چیزی دلیل بر نبودن آن نیست، نفهمیدن مطلبی هم دلیل بر درست نبودن آن نمی‌باشد. مطالب علمی بسیاری هست که ما نمی فهمیم، ولی نفهمیدن دلیل نمی شود که آن مطلب صحیح نباشد. در اعتقادات شرعی هم همین طور است، مثلاً فلسفهٔ مسح در وضو ممکن است برای ما روشن نباشد. این نشانه آن نیست که مسح سر یا پا علت ندارد. نیز باید توجه داشت که اگر مسئله ای برای ما حل نشد، به این معنی نیست که عقیدهٔ ما با قرآن یا سایر عقاید در تضاد است، زیرا می گوییم چون قرآن یا معصوم از این مسئله خبر داده می پذیریم، اگر چه برا ی ما هنوز فلسفهٔ آن حل نشده باشد، زیرا معتقدیم آن چه خدا یا پیامبر و امام از آن خبر داده باشند، مسلّماً درست است، چون از مقام خطا ناپذیری صادر شده است، اگر چه کیفیت مسئله و فلسفه و اهداف آنها را درک نکنیم. مسئلهٔ رجعت چیزی است که در امت های گذشته واقع شده و قرآن به صراحت از آن‌ها خبر داده است، و بنا به روایات شیعه، در امت اسلام هم واقع خواهد شد. این نه چیز محالی است که انسان را گیج کند و نه عدم اطلاع از جزئیات آن مسئله ای است که ایجاد خلل در عقیدهٔ ما کند، که خیال کنیم عقیدهٔ ما در تضاد با قرآن است. پس مسئلهٔ رجعت امری است ممکن و نفهمیدن فلسفهٔ آن مشکلی در عقیدهٔ ما ایجاد نمی کند. مانند و بعضی از امور دیگر که از فلسفهٔ آن‌ها آگاهی نداریم، اما چون از منبع خطا ناپذیر آمده، به حکم عقل می پذیریم. مثلاً ابن سینا در کتاب شفا می‌گوید: اگر چه من با عقل خود نمی توانم معاد جسمانی را ثابت کنم، اما چون خبر دهنده صادقی (پیامبر اسلام) از آن خبر داده، می پذیرم (و این مسئله منطقی و عقلانی است). [۱]تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵. [۲]جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۲۴۱، ص ۱۲۹. [۳]بقره (۲) آیهٔ ۲۵۹. [۴]بقره (۲) آیهٔ ۵۵ و ۵۶ و ۷۲ و ۷۳ و ۲۴۳؛ آل عمران (۳) آیهٔ ۴۹. [۵]مائده (۵) آیهٔ ۱۱۰. [۶]تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹. [۷]شیخ عباس قمی(صاحب مفاتیح الجنان) سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱، مادهرجع. [۸]بحارالانوار، ج ۵۳. [۹]نمل (۲۷) آیهٔ۸۳. [۱۰]مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف،

ج ۵، ص ۶۳۲ (ماده: رجعت). [۱۱]مهدی موعود (ترجمهٔ ج ۵۱ تا ج ۵۳ بحارالانور، ص ۱۲۰۰).

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پرسش

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پاسخ

رجعت در لغت عرب به معنای بازگشت است و در اصطلاح , بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ و پیش از روز رستاخیز اطلاق می شود که همزمان با نهضت جهانی مهدی موعود علیه السلام صورت می گیرد و این حقیقت , نه با عقل منافات داردو نه با منطق وحی . از دیدگاه اسلام و آیین های دیگر الهی , جوهره انسان را روح مجرد وی تشکیل می دهد , که از آن به نفس نیز تعبیر می شود و بعد از فنای بدن , باقی می ماندو به حیات جاودانه خود ادامه می دهد . از سوی دیگر پروردگار بزرگ , از نظر قرآن , قادر مطلق است و هیچ مانعی ,توانایی او را محدود نمی سازد . با این دو مقدمه کوتاه , روشن می گردد که مساله رجعت , از دیدگاه عقل امری است ممکن ; زیرا با اندک تاملی معلوم می شود که بازگرداندن این گروه از انسانها ,به مراتب از آفرینش نخستین آنان , سهل تر است . بنابراین پروردگاری که در وهله اول آنان را آفریده است , بی تردید بر بازگرداندن مجدد آنان توانایی دارد . بر اساس منطق وحی , نمونه هایی از رجعت را در امتهای پیشین می توان یافت . قرآن مجید در این زمینه می فرماید : و اذ قلتم یا موسی لن نومن لک حتی نری اللّه جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون , ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون . (۱)- آنگاه که گفتید ای موسی ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا آن که خداوند بزرگ را آشکار ببینیم , پس صاعقه شما را دربرگرفت در حالی که نگاه می کردید . سپس شمارا پس از مرگتان برانگیختیم , باشد که سپاسگزاری نمایید . و در جای دیگر از زبان عیسی مسیح می فرماید : و احی الموتی باذن اللّه . (۲)- مردگان را به اذن خدای بزرگ , زنده می گردانم . قرآن کریم نه تنها بر امکان رجعت صحه می گذارد که وقوع و تحقق بازگشت جمعی ازانسانها را , پس از آن که از جهان رخت بربستند , تایید می کند , قرآن در دوآیه ای که اینک می آوریم به بازگرداندن گروهی از مردم پس از مرگ و پیش از برپایی قیامت , اشاره می کند . و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض تکلمهم ان الناس کانوابایاتنا لا یوقنون و یوم نحشر من کل امه فوجا ممکن یکذب بایاتنا فهم یوزعون . (۳)- و چون سخن (خدا) بر آنان واقع شود , موجودی را از بین آنان بیرون می آوریم که با مردم درباره این که گفتار ما را باور نداشتند , سخن گوید . و آن روز که از میان هر امت , جمعی از تکذیب کنندگان نشانه های ما را , برانگیزیم پس آنان بازداشته خواهند شد . برای زمینه سازی استدلال به این دو آیه شریفه بر مساله رجعت پیش از روز رستاخیز ,شایسته است نکات یاد شده در زیر مورد توجه قرار گیرد : ۱ - مفسران اسلامی برآنند که این دو آیه , پیرامون قیامت سخن می گوید و آیه نخستین , یکی از نشانه های پیش از رستاخیز را بیان می کند ; چنانکه جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور از ابن ابی شیبه و او از حذیفه نقل می کند که خروج دابه از حوادث پیش از قیامت است . (۴)۲ - تردیدی نیست که در روز رستاخیز , همه انسانها محشور می گردند , نه یک گروه معین از میان هر امت , قرآن در مورد عمومیت و فراگیر بودن حشر انسانها چنین می فرماید : ذلک یوم مجموع له الناس . (۵)- آن , روزی

است که همه مردم , گرد آورده می شوند . (۶)و در جای دیگر می فرماید : و یوم نسیر الجبال و تری اللارض بارزه و حشررناهم فلم نغادر منهم احدا ۰ (۷)- و روزی که کوهها را به حرکت درآوردیم و زمین را آشکار ببینی و همه آنان راگردآوری نموده و هیچ کس را فرو گذار ننماییم . بنابراین , در روز قیامت , همه افراد بشر برانگیخته می شوند و این امر به جمع معینی اختصاص ندارد . ۳ - آیه دوم از دو آیه مذکور , به برانگیخته شدن گروه خاص و جمع معینی از امتهاتصریح می نماید نه همه انسانها زیرا این آیه شریفه می فرماید : و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بایاتنا ۰۰۰ . - و آن روز که از میان هر امت , گروهی از تکذیب کنندگان آیات خود را برخواهیم انگیخت . این جمله به روشنی بر عدم برانگیخته شدن همه انسانها گواهی می دهد . نتیجه : از این سه مقدمه کوتاه , به خوبی روشن می گردد که برانگیختن گروه خاصی از انسانهای تکذیب کننده آیات الهی , که از آیه دوم استفاده می شود , حادثه ای است که پیش از برپا شدن قیام , روی خواهد داد . زیرا حشر انسانها در روز رستاخیز , شامل همه افراد بشر می گردد و به گروه خاصی محدود نمی شود . با این بیان , روشنی گفتار ما مبنی بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ وپیش از برپایی رستاخیز , به ثبوت می رسد و این پدیده همان رجعت است . بر این اساس , اهل بیت پیامبر که قرین قرآن و مفسران وحی الهی هستند , به روشنگری در این زمینه برخاستند و ما برای رعایت اختصار , به دو گفتار از آنان اشاره می کنیم :امام صادق علیه السلام می فرماید : ایام اللّه ثلاثه یوم القائم علیه السلام و یوم الکره و یوم القیامه . - ایام الهی , سه روز هستند روز قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز رجعت و روزرستاخیز . و در جای دیگر می فرماید : لیس منا من لم یومن بکرتنا .- کسی که بازگشت مجدد ما را به دنیا نپذیرد از ما نیست . شایسته است در اینجا به دو نکته مهم اشاره کنیم : ۱ - فلسفه رجعت با اندیشه در انگیزه های رجعت , به دو هدف بلند از اهداف این پدیده , برخوردمی کنیم ; یکی نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکندگی کفر و دیگری دادن پاداش به انسانهای با ایمان و نیکوکار و کیفر نمودن کافران و ستمگران . ۲ - تفاوت بارز رجعت با تناسخ لازم به ذکر است که مساله رجعت از دیدگاه شیعه هرگز مستلزم اعتقاد به تناسخ نیست ; زیرا نظریه تناسخ بر انکار رستاخیز مبتنی است و جهان را در گردش دائم می داند که هر دوره ای تکرار دوره پیش از آن است . بر اساس این نظریه , روح هر انسانی پس از مرگ , بار دیگر به دنیا باز می گردد وبه بدن دیگری منتقل می شود . پس اگر روح در زمان گذشته از نیکوکاران بوده , دربدنی قرار می گیرد که دوران بعد را با خوشی می گذراند و اگر از بدکاران بوده ,به بدنی منتقل می شود که دوران بعد را با سختی ها سپری می کند . و این بازگشت درحکم رستاخیز او است در حالی که معتقدان به رجعت , به پیروی از شریعت اسلام ,به قیامت و معاد ایمان دارند و از سوی دیگر انتقال یک روح جدا شده از بدن را به بدن دیگر محال می دانند . (۸) و تنها برآنند که گروهی از انسانها , پیش از قیامت به این جهان باز می گردند و پس از برآورده شدن حکمتها و مصالح آن , بار دیگر به سرای جاودانی می شتابند تا در روز رستاخیز , همراه با دیگر انسانها برانگیخته شوند ؟ و هرگز یک روح , پس از جدا شدن از بدن , به بدین دیگری منتقل نمی گردد .

سیر منطقی مسئله رجعت را بیان کنید ؟

پرسش

سیر منطقی مسئله رجعت را بیان کنید ؟

پاسخ

در میان اندیشمندان اسلامی درباره رجعت اختلاف نظر است، گروهی آنرا از ضروریات اسلام نمی دانند یعنی رجعت مانند قیامت نیست که اگر فردی منکر آن شود دیگر مسلمان نیست . اما گروهی که آن را از ضروریات می دانند این ضرورت را مربوط به مذهب شیعه می دانند. با این حال در میان علمای شیعه شاید یک نفر را هم نتوان پیدا کرد که رجعت را انکار کند. مرحوم فیض کاشانی معتقد است که رجعت نظیر این چیزی است که علمای ارواح می گویند یعنی ظهور ارواح بر اهل معرفت در حالت مکاشفه که عارفان اهل کشف شهود به آن اقرار و اعتراف کرده اند در روایات هم این مطلب بیان شده است چنانکه وقتی که حضرت زهرا (س) می خواستند به دنیا بیایند و زنهای مکه از کمک کردن به حضرت خدیجه (س) امتناع ورزیدند چهار زن آمدند تا او را یاری کنند : حوا، آسیه ، مریم ،... فیض اضافه می کند که رجعت این است که مرده ها از قبر برخیزند بلکه معنایش این است که در یک وضع خاصی، عده ای از ارواح با بدن های مثالی ظاهر می‌شوند. علامه طباطبائی (با توجه به آیه ۸۳ از سوره نحل می گویند : "یکی از آیاتی که بر رجعت دلا لت دارد این آیه است : و یوم نحشر من کل اُمَّةٍ فوجاً ممن یُکذِّب بآیاتنا فهم یُوزَعون و روزی که در آن از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب میکردند محشور می گردانیم و نگاه داشته می شوند تا همه به هم بپیوندند "مقصود از این آیه شریفه قیامت نیست چون با کلمهٔ من تبعیضیهً می فرماید : من کل اُمَّهٍ فوجاً یعنی از هر امتی دسته ای را محشور می‌گردانیم در حالی که قرآن کریم درباره حشر روز قیامت می فرماید: و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا و همه را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم . در زیارت جامعه نیز می فرمانید : مومن بایابکم و مصدق برجعتکم مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند . و همه را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم . در زیارت جامعه نیز می فرمایند: مومن بأیابکم و مصدق برجعتکم مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند . برگرفته از : ۱ـ معاد، استاد مطهری (ره) ۲ـ در حضور علامه طباطبائی (ره) محمد حسین رخ شاد.

رجعت یعنی چه؟رجعت معصومین به چه صورت می باشد؟

پرسش

رجعت یعنی چه؟رجعت معصومین به چه صورت می باشد؟

پاسخ

رجعت "از عقاید معروف شیعه است وتفسیرش دریک عبارت کوتاه چنین است : بعد از ظهور مهدی (ع) ودرآستانه رستاخیز گروهی از" مؤمنان خالص "و" کفارو طاغیان بسیار شرور "به این جهان باز می گردند، گروه اول مدارجی از کمال را طی می کنند، وگروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند. مرحوم"سید مرتضی "که از بزرگان شیعه است چنین می گوید" : خداوندمتعال بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی که قبلاً ازدنیا رفته اند به جهان باز می گرداند، تا درثواب وافتخارات یاری او ومشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، ونیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می گرداند تا ازآنها انتقام گیرد. سپس می افزاید : دلیل برصحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را براین امر انکار کند چرا که این مسأله محالی نیست، درحالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می کنند که گوئی آن رامحال وغیر ممکن می‌شمرند.

بعد اضافه می کند : دلیل براثبات این عقیده اجماع امامیه است زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است" "۱ "البته ازکلمات بعضی از قدمای علمای شیعه و همچنین از سخنان مرحوم طبرسی درمجمع البیان برمی‌آیدکه اقلیت بسیار کوچکی از شیعه با این عقیده مخالف بودند، ورجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهلبیت علیهم السلام تفسیر می کردند، نه بازگشت اشخاص وزنده شدن مردگان، ولی مخالفت آنها طوری است که لطمه ای به اجماع نمی زند. به هر حال دراینجا بحثهای فراوانی است که برای خارج نشدن از طرزبحث تفسیری به صورت فشرده دراینجا می آوریم : ۱- بدون تردید احیای گروهی از مردگان دراین دنیا از محالات نیست، همانگونه که احیای جمیع انسانها در قیامت کاملاً ممکن است و تعجب از چنین امری همچون تعجب گروهی ازمشرکان جاهلیت از مسأله معاداست وسخریه در برابر آن همانند سخریه آنها درمورد معاد می باشد، چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی بیند، وقدرت خدا آنچنان وسیع و گسترده است که همه این امور دربرابر آن سهل وآسان است . ۲- درقرآن مجید وقوع رجعت اجمالاً ـ در پنج مورد از امتهای پیشین آمده است. الف ـ درمورد" پیامبری که ازکنار یک آبادی عبور کرد درحالی که دیوارهای آن فروریخته بود واجساد واستخوانهای اهل آن در هر سوپراکنده شده بود، واز خود پرسید چگونه خداوندااینها را پس از مرگ زنده می کند؟ اماخدا اورا یکصد سال میراندوسپس زنده کرد وبه او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد یک روز یا قسمتی ازآن؟ فرمود نه بلکه یکصد سال بر تو گذشت"آیه ۲۵۹ سوره بقره "این پیامبر، عزیر باشد یا پیامبر دیگری تفاوت نمی کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ است درهمین دنیا" فاماته الله مأه عام ثم بعثه "ب ـ قرآن درآیه ۲۴۳ سوره بقره سخن از جمعیت دیگری به میان می آورد که" ازترس مرگ(وطبق گفته مفسران به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند) واز خانه های خود بیرون رفتند خداوند فرمان مرگ به آنها داد وسپس آنها را زنده کرد"،فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم "گرچه بعضی از مفسران که نتوانسته اند وقوع چنین حادثه غیر عادی را تحمل کنند آن را تنها بیان یک مثال شمرده اند، ولی روشن است که این گونه تأویلات دربرابر ظهور بلکه صراحت آیه دروقوع این مسأله، قابل قبول نیست. ج ـ درآیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره درباره" بنی اسرائیل "می خوانیم که گروهی از آنها بعد از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند ومردند، سپس خداوند آنها را به زندگی باز گرداند تا شکر نعمت او را بجا آورند"ثم بعثناکم من بعد موتک لعلکم تشکرون "د ـ درآیه ۱۱۰ سوره مائده ضمن برشمردن معجزات عیسی(ع) می خوانیم" :واذ تخرج الموتی باذنی ("تو مردگان را به فرمان من زنده می کردی). این تعبیر نشان می دهدکه مسیح(ع) از این معجزه خود (احیای موتی) استفاده کرد، بلکه تعبیر به فعل مضارع"تخرج "دلیل بر تکرار آن است واین خود یکنوع رجعت برای بعضی محسوب می شود. هـ ـ بالاخره درسوره بقره درآیه ۷۳ درمورد کشته ای که دربنی اسرائیل برای پیداکرد قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، قرآن می گوید" : دستور داده شد گاوی را با ویژگیهائی ببرند وبخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات باز گردد(وقاتل خود را معرفی کند ونزاع خاتمه یابد") فقلنا اضربوه ببعضها کذالک یحیی الله الموتی ویریک آیاته لعلکم تعقلون "علاوه براین پنج مورد، موارد دیگری درقرآن مجید دیده می شود همچون داستان اصحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، وداستان مرغهای چهارگانه ابراهیم(ع)که بعد از ذبح بار دیگر به زندگی بازگشتندتا امکان معاد را در مورد انسانها برای او مجسم سازند که در مسأله رجعت نیز قابل توجه است . به هر حال چگونه ممکن است کسی قرآن را به عنوان یک کتاب آسمانی بپذیرد و با این همه آیات روشن باز امکان رجعت را انکار کند؟ اساساً مگر رجعت چیزی جز بازگشت به حیات بعد از مرگ است؟ مگر رجعت نمونه کوچکی ا زرستاخیز دراین جهان کوچک محسوب نمی شود؟ منابع و مآخذ : (۱") سفینه البحار "جلد ۱ ، ص ۵۱۱، (ماده رجع) برگفته از ۱۸۰ پرسش و پاسخ از تفسیر نمونه ص ۵۵۹و۵۶۰و۵۶۱

رجعت چیست؟

پرسش

رجعت چیست؟

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت و بازگشت است. در بحث های اعتقادی به معنی بازگشت به سوی دنیا می‌باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی (ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا (ع) فررسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و همچنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل‌بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیا ندیده‌اند۲- مسأله رجعت امری حتمی است و به وقوع خواهد پیوست و در این باره اسناد و مدارک قرآنی و بیان مفسران که آیات بسیاری را درباره رجعت در مقام تأویل بیان کرده‌اند و همچنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت به طور تواتر در این مورد موجود است به چند مورد از آیات روایات مربوط به رجعت اشاره می‌شود. الف) يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآياتِنا فَهُمْ يُوزَعُونَ روزی که مبعوث گردانیم از هر امتی فوجی از آنها که تکذیب می کنند به آیات ما پس ایشان بازداشته خواهند شد،(۱). در بعضی از تفاسیر مثل تفسیر علی بن ابراهیم آمده است. مظور از " آیات "در آیه شریفه امیرالمؤمنین و ائمه (ع) است،(۲). ب) قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اِثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اِثْنَتَيْنِ. در آن حال کافران گویند پروردگارا تو دو بار ما را بمیراندی و دو بار زنده کردی.،(۳). این آیه درباره اهل کفر در رستاخیز است و بیان قول ایشان می‌باشد. علی بن ابراهیم از امام صادق و امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمودند، این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه‌ای است که پس از مردن، زنده می‌شوند و بازگشت می کنند آنگاه می‌میرند و در قیامت زنده می‌شوند،(۴) و آیات ۲۴۳ از سوره بقره و آیه ۳۹ از سوره یونس و. بهموضوع (رجعت) دلالت دارد. و اما احادیث: الف) امام صادق (ع) می‌فرماید: ان الرجعة لیست بعامة و هی خاصة لایرجع الا من محض الایمان محضاً او محض الشرک محضاً رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند،(۵).ب) در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می‌شود، امام حسین (ع) می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی (ع) نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می‌شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است. منابع و مآخذ: (۱) (نمل، آیه ۸۳) (۲) (تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، نقل از تفسیر علی بن ابراهیم) (۳) (غافر، آیه ۱۱) (۴) (تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۰۰) (۵) (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱

مساءله رجعت امام زمان (عج) را کاملا توضیح بفرمایید.

پرسش

مساءله رجعت امام زمان (عج) را کاملا توضیح بفرمایید.

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می‌باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمهدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و همچنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل‌بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده‌اند. ۲- مسأله رجعت امری حتمی است و به وقوع خواهد پیوست و در این باره اسناد و مدارک قرآنی و بیان مفسران که آیات بسیاری را درباره رجعت در مقام تأویل بیان کرده‌اند و همچنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت به طور تواتر در این مورد موجود است؛ به چندمورد از آیات و روایات مربوط به رجعت اشاره می‌شود. الف) یوم نحشر من کل امۀ فوجا ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون روزی که مبعوث گردانیم از هر امتی فوجی از آنها کهتکذیب می کنند به آیات ما پس ایشان بازداشته خواهند شد{M، (نمل، آیه ۸۳). در بعضی از تفاسیر مثل تفسیر علی بن ابراهیم آمده است. منظور از «آیات» در آیه شریفه امیرالمؤمنین و ائمه(ع)است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، نقل از تفسیر علی بن ابراهیم). ب) قالوا ربنا امتنا اثنتین و احیتینا اثنتین... در آن حال کافران گویند پروردگارا تو دو بار ما را بمیراندی و دو بار زندهکردی...{M، (غافر، آیه ۱۱). این آیه درباره اهل کفر در رستاخیز است و بیان قول ایشان می‌باشد. علی بن ابراهیم از امام صادق و امام باقر(ع) روایت کرده است که فرمودند، این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه‌ای است که پس از مردن، زنده می‌شوند و بازگشت می کنند آنگاه می‌میرند و در قیامت زنده می‌شوند، (تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۰۰) و آیات ۲۴۳ از سوره بقره و آیه ۳۹ از سوره یونس و... به این موضوع (رجعت) دلالت دارد. و اما احادیث: الف) امام صادق(ع) می‌فرماید: ان الرجعۀ لیست بعامۀ و هی خاصۀ لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا ؛ رجعتهمگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند{M، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۴، ح۶۹۴۱). ب) در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می‌شود، امام حسین(ع) می‌باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: اول من تنشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع) ؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می‌شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است{M. و همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علیرجعت خواهند کرد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳ - سفینۀالبحار، ج ۳، ص ۳۱۵). ج) از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در میان امت‌های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است هر چه درامت‌های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰). ۳- و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند: اولاً این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل‌بیت(ع) قبل از قیام قیامت است. ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می‌افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می‌باشد والاـ بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی‌شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود. خلاصه سخن : ۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می‌باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد. ۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان‌هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته‌اند به زندگی دنیوی باز می گردند، یکی از گروه‌هایی که رجعت می کنند، ائمه(ع) می‌باشند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم‌الدین طبسی ۲- رجعت، محمد باقر بهبودی{J

مسأله رجعت و بداء را توضیح دهید.

پرسش

مسأله رجعت و بداء را توضیح دهید.

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می‌باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم‌چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل‌بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده‌اند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا؛ رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند» (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱). در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می‌شود، امام حسین(ع) می‌باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع)؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می‌شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است». همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علی رجعت خواهند کرد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳ - سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۱۵). از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای اباالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در میان امت‌های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است هر چه درامت‌های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰). و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند: اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل‌بیت(ع) قبل از قیام قیامت است. ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می‌افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می‌باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی‌شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود. خلاصه سخن : ۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می‌باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد. ۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان‌هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته‌اند به زندگی دنیوی باز می گردند، یکی از گروه‌هایی که رجعت می کنند، ائمه(ع) می‌باشند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم‌الدین طبسی ۲- رجعت، محمد باقر بهبودی بداء اسم است از بدأ به معنای ظاهر شدن که در معنای اسمی به معنای «ظهور» است .بداء یکی از معتقدات خاص شیعه است که ایمان به آن توصیه شده است و اهل سنت چون معنای آن را نفهمیدند با آن به مخالفت پرداخته اند. «بداء» در اصل به معنای «چیزی آشکار شدن از کسی است» و معنای اصطلاحی «بداء» چنانچه از روایات خاندان وحی(س) رسیده و بنابر تفسیر شیخ مفید از بزرگترین علما متقدم شیعه و

علامه طباطبائی از بزرگان علما معاصر شیعه به معنای «آشکار شدن امری از خداوند متعال است» که این امر برای انسان‌ها مجهول بوده و خلاف آن را تصور می‌کردند. بنابراین بداء به معنای آشکار شدن پدیده ها و حوادث خلاف مقتضیات و شرایط ظاهری است که انسان می‌پندارد. مثلا اگر به ما خبر برسد که جوانی که ظاهری سالم و سر حال دارد، بر اثر سکته قلبی فوت کرده است، این خبر برای ما غیر منتظره و غافل گیر کننده است. و دلیل آن نیز جهل ما به سلسله علل و عواملی است که باعث این رخداد شده است. ما او را سالم می پنداشتیم اما در واقع قلب او بیمار بوده است. اما چنین اتفاقی برای خدا از قبل روشن و آشکار بوده است و در علم الهی ثابت. پس بداء یعنی آشکار شدن امری که خلاف تصور ما انسانهای نا آشنا به علل و عوامل اصلی پدیده‌هاست و به معنای تبدیل و تغییر در علم الهی نیست. بلکه به معنای تبدیل و تغییر در ناحیه علم انسانهاست و این معنا از «بداء» از معتقدات شیعه است که ایمان به آن ترغیب و تشویق شده است. اما بداء در ویژگی‌های ظهور نیز به همین معنا بر می گردد که حوادث و اتفاقات و مسائلی پیش می‌آید که ما انسانها از آنها و علل آنها بی‌خبریم و برخلاف تصور ماست. به این دلیل توصیه اکید شده است که برای فرج دعا کنید. در رابطه با بداء در ظهور تفسیر دیگری هم است که چون مخالف صریح روایات متعدد است و از اصل اشتباه می باشد، آن را در اینجا ذکر نمی کنیم. در رابطه با این تفسیر و نقد آن به کتاب گفتمان مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی از انتشارات مسجد مقدس جمکران ص: ۲۲۱ تا ۲۳۰ مراجعه کنید که ضمن آن اصل مسأله بداء را نیز توضیح داده‌اند. سرعت پاسخ‌دهی از انتظارات پرسشگران است. خواهشمند است با اولویت‌بندی و پیرایش سؤالات، ما را یاری کنید. بدیهی است با ارتباط مکرر، پاسخ گوی دیگر پرسش‌های شما خواهیم بود

از آن جا که رجعت , از نشانه ها و دلائل صحت نبوت است , بایستی مانند دیگر معجزات , در زمان حیات پیغمبر (ص) رخ دهد. و حال ان که می گویید در زمان آخر الزمان و ظهور امام مهدی ع روی می دهد.

پرسش

از آن جا که رجعت , از نشانه ها و دلائل صحت نبوت است , بایستی مانند دیگر معجزات , در زمان حیات پیغمبر (ص) رخ دهد. و حال ان که می گویید در زمان آخر الزمان و ظهور امام مهدی ع روی می دهد.

پاسخ

یکی از اعتقادات ویژه‌ای که شیعه دوازده امامی آن را باور دارد، عقیده به رجعت است. رجعت در لغت به معنای بازگشت است. معنی اصطلاحی رجعت از دیدگاه شیعه این است که خداوند (هم زمان با ظهور حضرت مهدی(عج)) شماری از امت محمد(ص) را پس از مرگشان و پیش از قیامت بر می انگیزاند واین باور از ویژگیهای مذهب آل محمد(ص) می باشد که قرآن نیز بر درستی آن گواهی می دهد.(۱) دانشمند بزرگ شیعه، مرحوم سید مرتضی علم الهدی نیز عقیده بر رجعت از دیدگاه امامیه را چنین توضیح می دهد، باور شیعه امامیه این است که خداوند متعال به هنگام ظهور امام زمان (عج) گروهی از شیعیان راکه پیش از ظهور آن حضرت از دنیا رفته اندبه این جهان باز می گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل گردند. همچنین خداوند برخی از دشمنان آن حضرت را زنده می کند تا از آنان انتقام گیرد، بدین صورت که آشکار شدن حق و بلندی مرتبت پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.(۲) از دیدگاه دانشمندان شیعه، هیچ گونه تردیدی در اصل «رجعت» وجود ندارد و همه عالمان بزرگ شیعی اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان اهل بیت بر شمرده اند. مرحوم علامه مجلسی در کتاب

www.noorfatemah.org

گرانسنگ بحار الانوار می فرماید: عقیده به رجعت، در تمام دوران ها مورد اتفاق مذهب شیعه بوده و این سخن چندان آشکار است که کسی نمی تواند به انکار آن برخیزد.(۳) شیخ مفید و سید مرتضی نیز اعتقاد به رجعت را نزد شیعه اجماعی شمرده‌اند.(۴) مرحوم شیخ حر عاملی می فرماید: فراوانی شمار نویسندگانی از شیعه که روایات مربوط به رجعت را در کتاب های خویش گرد آورده اند- که تعداد آن از هفتاد کتاب بیشتر است - دلیل بر قطعی بودن اعتقاد به رجعت از دیدگاه شیعه است.(۵) شیخ صدوق نیز اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان تشیع دانسته است.(۶) دانشمندان شیعه برای اثبات رجعت به دلایل قرآنی، روایی و اجماع تمسک جسته اند که ما تنها به نقل نمونه هایی از این استدلال ها بسنده می کنیم: گواه روشن تحقق رجعت، پیش از هر چیز قرآن کریم است که در آیه ۸۴ سوره نمل می فرماید:(و یوم نحشر من کل امهٔ افواجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون)؛ روزی که از هر ملتی، گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می کردند، زنده می گردانیم. در این آیه شریفه که برای اثبات رجعت مورد استناد ائمه(ع) (۷) و دانشمندان شیعه قرار گرفته است، سخن از روزی است که تنها گروهی (و نه همه مردم) برانگیخته می شوند، در حالی که در قیامت بنا به تصریح قرآن کریم همه انسان ها برانگیخته می گردند، آنجا که می فرماید:(و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله و کل اتوه آخرین)؛ روزی که در صور دمیده شود، همه کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، مگر آن کس که خدا را خواهد، به شدت می ترساند و همگان با ذلت نزد او حاضر می گردند.(۸) از مقایسه این دو آیه شریفه چنین به دست می آید که آیه نخست مربوط به روزی غیر از قیامت است و آن همان روزی است که در روایات اهل بیت به نام «رجعت» معروف گردیده است. اما دلیل اصلی اثبات رجعت روایات بی شماری است که بر وقوع آن صحه می گذارد. مرحوم علامه مجلسی نام بیش از پنجاه تن از عالمان و محدثان شیعه را ذکر می کند که روایات رجعت را در کتاب های خویش آورده اند که اسامی برخی از آنها بدین قرار است: سلیم بن قیس هلالی، حسن بن صفار، علی بن ابراهیم قمی، ثقهٔ الاسلام کلینی، عیاشی، کشی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالفتح کراجکی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن طاووس و ... . مرحوم علامه مجلسی در باره روایات رجعت می فرماید: کسی که به حقانیت ائمه اطهار(ع) ایمان دارد چگونه می تواند درباره مسأله متواتری که از آنان نقل شده و نزدیک به دویست روایت صریح در این زمینه رسیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شیعه آنها را در کتاب های خود آورده اند، تردید کند؟ به راستی اگر مسأله‌ای مثل رجعت را نتوان از امور متواتر دانست، پس در کدامین موضوع می توان ادعای تواتر نمود؟(۹) شیخ حر عاملی نیز روایات رجعت را فزون از شمار دانسته و در باره آن قائل به تواتر معنوی شده است.(۱۰) ما در این مقام تنها به نقل دو روایت از روایات بی شمار رجعت می پرازیم: ۱. از امام صادق(ع) درباره آیه: (ربنا امتنا اثنتین و احییتنا اثنتین) پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: ذلک فی الرجعهٔ؛ این آیه در مورد رجعت است.(۱۱) ۲. همچنین آن حضرت فرمود: لیس منا من لم یؤمن بکرمنا، هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد، از ما نیست.(۱۲) افزون بر قرآن و روایات، شمار فراوانی ازعالمان شیعه، عقیده به رجعت را در نزد امامیه اجماعی دانسته اند.(۱۳) حال با توجه به ادله قطعی ای که رجعت را به مثابه یک عقیده درست ثابت می کند، بایستی دید هدف از رجعت چیست؟ آیا رجعت از جمله معجزات پیامبر اکرم(ص) است؟ آیا رجعت از نشانه های ظهور مهدی(عج) و یا معجزات آن حضرت است؟ و یا اصلاً رجعت مسأله‌ای دیگر و یا هدفی دیگر در نظام آفرینش طرح ریزی شده است؟ گر چه ممکن است به جهت محدودیت علم و ادراک ما نتوان به طور قاطع غرض و هدف اصلی از رجعت را ذکر کرد، اما با توجه به مجموع احادیثی که در مورد رجعت به ما رسیده است شاید بتوان اهداف ذیل را از جمله مواردی دانست که لزوم تحقق رجعت را توجیه می کند: ۱. رجعت با هدف نشان دادن عزت اسلام و ذلت کفر و شرک از سوی خداوند صورت می گیرد، بدین معنا که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می پیوندد که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آنچه در آن است، یکسره در اختیار مؤمنان و خدا جویان قرار گرفته و کافران و ستم پیشگان خوار و ذلیل خواهند گشت. بدیهی است که چنین حادثه ای هر انسان دینداری را شادمان و خرسند و تبهکاران و کافران را به رنج و اندوه فرو خواهد

برد. از این رو خداونـد مهربـان و حکیم، گروهی از مؤمنـان راستین و شـماری از کـافران سرسـخت را در آن روز به جهـان بـاز می گرداند، تا آنان از دیدن شـکوه و عظمت اسلام و حاکمیت مؤمنان به وجد آیند و کافران نیز بر اثر مشاهده شوکت و قدرت پیروان دین خدا خشمگین و اندوهناک گردند و همگان در یابند که وعده الهی تخلف ناپذیر است. ۲. گذشته از این که ممکن است افراد بـا ایمـان در این بـازگشت به مقاماتی دست یابنـد که تنها در هنگام سیطره کامل اسـلام می تواننـد به آن مقامات برسـند، می توان گفت: از آن جا که طبق روایات، کافرانی که رجعت می کنند از جمله افرادی هسـتند که بسیار در کفر خود سرسخت و لجوج بوده انـد، رجعت آنان ممکن است با این هـدف انجام گیرد که دست کم مقـداری هر چند اندک، از جزای اعمال ننگین خود را در دنیا بچشـند و تا حـدودی پاسـخگوی پاره ای از ظلم و سـتم های بی حد خود باشـند، هر چند مجازات اصـلی در سـرای آخرت به آنان خواهـد رسـید. بـا توجه به مطـالب پیش گفته بـایستی این نکته را هم یـادآور شـد که نه در روایات مربوط به رجعت و نه در گفتار بزرگان شـیعه هیچ گونه ملازمه ای میان رجعت و معجزه بودن آن برای پیامبر اکرم(ص) نیامده است، مرحوم امین الاسـلام طبرسی، ضمن اشاره به این سخن ملازمه میان رجعت و صحت نبوت پیامبر(ص) آن را باطل دانسته و فرموده است: نزد ما(شیعیان) بلکه اکثر امت اسـلامی، ظهور معجزه به دست ائمه و اولیا نیز رواست.(۱۴) بنـابراین به هنگـام تحقق رجعت، می توان آن را از جمله معجزات حضـرت ولی عصـر(عـج) به شـمار آورد. پی‌نوشت: ۱.المسائل السـرویه، شـیخ مفید، ص ۳۲، المطبعـهٔ مهر، ناشـر: المؤتمر العالمی. ۲.رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵،تحقیق سید مهدی رجایی، ناشر: دار القرآن، ۱۴۰۵ هـ . ق، مطبعهٔ السید الشهداء. ۳.بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲، الطبعهٔ الاولی، ۱۴۰۵ هـ . ق، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات بیروت. ۴ همان، ص ۱۳۶–۱۳۹. ۵.به نقل از همان، ص ۱۲۱. ۶.الایقـاظ من الهجعه، باب دوم. ۷.بحار، ج ۵۳، ص ۵۳. ۸.سوره نحل، آیه ۸۷. ۹.بحار، ج۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲. ۱۰.الایقاظ من الهجعـهٔ، باب دوم، دلیل سوم. ۱۱.بحار، ج ۵۳، ص ۵۶. ۱۲.همان، ج ۵۳، ص ۹۲. ۱۳.همان، ج ۵۳، ص ۱۳۹ – ۱۳۶. ۱۴.مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۳.

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست , زیراباعث اغرا به جهل مردم می گردد, و عده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که انان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خودموکول کنند؟

پرسش

آیـا درست است که بر این بـاور باشـیم که اعلام به رجعت صـحیح و روا نیست , زیراباعث اغرا به جهل مردم می گردد, و عـده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که انان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خودموکول کنند؟

پاسخ

شبهه یـاد شـده را، بنا به نقل امین الاسـلام طبرسـی، ابوالقاسم بلخی مطرح کرده است.(۱) به نظر می رسـد که این شـبهه، در درجه نخست، از عدم درک درست مفهوم رجعت در نزد شـیعه ناشی شده، زیرا چنین پنداشته شده که با تحقق رجعت، اولاً همه انسان ها دوبـاره به زنـدگی دنیوی باز می گردنـد. ثانیاً هماننـد مرحله نخست زنـدگی، انسان ها پس از رجعت هم می تواننـد با پشـیمانی از گناهان گذشـته خود توبه کرده و خداونـد هم توبه آنان را خواهـد پذیرفت. در حالی که این پندار درست نیست. برای روشن شدن حقیقت رجعت که به پاسخ شـبهه مـذکور نیز خواهد انجامید، توجه به مسایل ذیل ضـروری است: ۱. از دیدگاه شـیعه، رجعت تنها ویژه دو گروه است: کـافران سرسـخت که در کفر به طور کامل فرو رفته‌انـد، و مؤمنان راستین که به مراحل والای ایمان دست یافته

www.noorfatemah.org

انـد و غیر از این دو گروه، کسـی دیگر به دنیـا بـاز نخواهـد گشت. مرحوم علامه مجلسـی، پس از ذکر روایات رجعت و گفته های عالمان بزرگ شـیعی تصـریح می کنـد: از دیـدگاه (شـیعیان) رجعت تنها به گروهی از مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در گرداب کفر و الحاد اختصاص دارد و غیر از این دو گروه، کسـی دیگر به دنیا باز نخواهد گشت.(۲) مرحوم شیخ مفید نیز در این مورد می فرمایـد: رجعت(وعـده داده شـده در روایـات) تنهـا ویژه مؤمنان راستین و کافران سرسـخت از این امت است و شامل افراد امت های پیشین نیز نمی گردد.(۳) این مطلب به صـراحت در روایات مربوط به رجعت نیز آمـده است که ما در این جا تنها دو نمونه از آن را نقل می کنیم: الف) امام صادق(ع) در باره افرادی که(همزمان با حضور حضـرت مهدی(عج)) رجعت می کنند، فرمود: «ان الرجعه لیست بعـامه و هی خـاصه لاـ یرجع الا من محض الایمان او محض الشـرک محضاً»؛(۴) رجعت مربـوط به همه مردم نمی‌شـود، بلکه ویژه گروهی محدود است و جز مؤمنان راستین و مشـرکان فرو رفته در منجلاب کفر و شـرک، هیچ کس به دنیا باز نخواهد گشت. ب) از امـام صـادق(ع) دربـاره آیه(و یوم نحشـر من کل امـهٔ فوجاً؛ و روزی که از هر ملت، گروهی را محشور می گردانیم) پرسـش شـد، حضـرت در پاسـخ فرمود: مردم درباره این آیه چه می گوینـد؟ گفتند: آنان معتقدند که این آیه درباره قیامت است. حضـرت فرمـود آیـا در روز قیـامت، از هر امت دسـته ای برانگیخته و بقیه وانهـاده می شونـد؟! هرگز چنین نیست (بلکه در قیـامت همه مردم محشور می گردند) این آیه، مربوط به رجعت است.(۵) با توجه به مطالب پیش گفته، دیگر جایی برای شبهه مذکور باقی نمی ماند، زیرا اولاً شـمار افرادی که وعـده رجعت درباره آنان داده شـده، نسبت به تمام انسان ها، بسـیار اندک است. ثانیاً، هیچ کس از افراد غیر معصوم را نمی توان به طور قطع مشـمول حکم رجعت دانست و او را در شـمار افرادی به حساب آورد که در دوران رجعت باز خواهند گشت، زیرا در مورد هر کس(به جز معصومان(ع)) می توان احتمال داد که جزء افرادی نباشد که به آنان وعده رجعت داده شده است. ۲. افزون بر این، برخی از عالمـان شـیعه گفته‌انـد: از آن جـا که از اهـل خلاف و عصـیان، تنها کافران سرسـخت رجعت خواهند کرد، حالت مرگ برای این گونه افراد، حالت بی خبری و بی هوشی است و همانند کسی که به خواب رفته باشد، چیزی از حقایق آن جهان بر او آشـکار نگشـته، دوباره به همان حالت پیش از مرگ باز می گردند و اساساً سـکرات موت چیزی را برای این گونه افراد روشن نمی کنـد، بلکه بـا مردن، در حالت بی خبری فرو می رونـد.(۶) علاـوه بر این، حقایقی که در هنگام رجعت برای افراد روشن می گردد، بیش از حقـایقی نیست که در روز رسـتاخیز بزرگ، برای افراد آشـکار می گردد و در آن جـا خداونـد خبر داده است که اگر کافران را به دنیا بازگردانیم، باز هم بر کفر خود اصـرار می ورزند و هرگز سـر تسـلیم فرود نمی آورند. در سوره انعام آیه ۲۸ – ۲۹ می فرماید، کاش می دیدی هنگامی که اینان در برابر آتش دوزخ قرار می گیرند، می گویند، کاش بار دیگر باز گردانده می شدیم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم و از زمره مؤمنان می بودیم. آری! اینان آنچه را پنهان داشته بودند، امروز آشـکار ساختنـد و اگر بازگردنـد، بـاز هـم بـه همـان اعمـال پیشـین خـود کـه از آن نهی شـده بودنـد، بـاز می گردنـد، اینـان دروغگویانند. بنابراین، آن چنان نیست که مخالفان رجعت گمان برده اند که کافران مورد نظر، با آشـکار شدن حقایق، از اعمال بد خود پشـیمان شونـد و راه اصـلاح در پیش گیرند. پی‌نوشت: ۱.مجمع البیان، طبرسـی، ج ۱، ص ۲۲۴، الطبعهٔ الاولی، ۱۴۱۵، مؤسسهٔ الاـعلمی للمطبوعـات – بیروت – لبنـان. ۲.بحـار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸، مؤسـسهٔ الوفـا، بیروت – لبنـان – ۱۴۰۳ هـ . ق. ۳.المسائل السـرویهٔ، شیخ مفید، ص ۳۵، ناشـر؛ المؤتمر العالمی. ۴.بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹. ۵.همان، ج ۵۳، ص ۵۳. ۶.تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱ ص (۲۲۳).

سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟

پرسش

سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟

پاسخ

اعتقاد به رجعت از مباحث ریشه‌داری است که اعتقاد به آن از خصوصیات مکتب اهل بیت: است. گر چه اصل این عقیده سرچشمه‌ای قرآنی داشته ودر احادیث رسول خدا (ص) نیز به آن اشاره شده است. لذا با مراجعه به کتاب‌های تراجم اهل سنّت مشاهده می‌نماییم که از امامیه با این اعتقاد یاد می‌کنند. در بین اصحاب امامان نیز مشاهده شده که با مخالفان خود بر سر این عقیده مباحثات زیادی داشته‌اند. که از آن جمله به مباحثات مؤمن الطاق با ابوحنیفه می‌توان اشاره کرد. به همین جهت در طول تاریخ اسلام، علمای شیعه سعی زیادی در راه تثبیت این عقیده داشته‌اند به حدّی که برخی در این باره کتاب تألیف کرده‌اند. شیخ صدوق؛ می‌فرماید": قول صحیح آن است که رجعت در میان امت‌های پیشین بوده است، وپیامبر (ص) فرمود: هر آنچه در بین امّت‌های پیشین اتفاق افتاده در این امّت نیز اتّفاق خواهد افتاد، پس واجب است که در این امّت نیز رجعت باشد. {"پاورقی . اعتقادات صدوق، ص ۴۱Ù۴۲. پاورقی} شیخ مفید؛ می‌فرماید": خداوند متعال گروهی از امّت محمّد (ص) را بعد از وفاتشان وقبل از روز قیامت محشور خواهد نمود، واین عقیده مختصّ به آل‌محمّد: است وقرآن نیز بر آن شاهد می‌باشد. {"پاورقی . المسائل السرویهٔ، ص ۳۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۳۶. پاورقی} سید مرتضی می‌فرماید": از اعتقادات شیعه آن است که خداوند متعال هنگام ظهور امام مهدی (ع)، گروهی از شیعیان را که از دنیا رفته‌اند باز می گرداند تا به ثواب یاری ونصرت آن حضرت نایل شده ودولت او را مشاهده نمایند. همچنین گروهی از دشمنان را باز می گرداند تا انتقامش را از آنان بستاند. {"پاورقی . رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۵. پاورقی}

آیا رجعت از ضروریات تشیع است؟

پرسش

آیا رجعت از ضروریات تشیع است؟

پاسخ

اصل اعتقاد به رجعت مطابق رأی گروهی از علمای امامیه از ضروریات مذهب به حساب می‌آید؛ شیخ حرّ عاملی می‌فرماید": همانا ثبوت رجعت نزد همه علمای معروف ومصنفین مشهور از ضروریات مذهب امامیه به حساب می‌آید، وحتی عامه نیز از این موضوع باخبرند. {"پاورقی . الایقاظ من الهجعهٔ، ص ۶۰. پاورقی} مرحوم مجلسی می‌فرماید": همانا اعتقاد به رجعت در همه عصرها مورد اجماع شیعه بوده، واین مسأله مانند خورشید در وسط روز معلوم است. {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳. پاورقی} علامه طباطبایی؛ می‌فرماید": روایات رجعت از طریق اهل بیت: به تواتر معنوی به ما رسیده است. {"پاورقی . المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷. پاورقی} گرچه در معنای" رجعت "بین علما اختلاف شده وبرخی آن را به معنای رجعت دولت گرفته‌اند، امّا در اصل عقیده به رجعت اتفاق است، بلکه معنای معهود آن، که همان بازگشت به این دنیا در عصر ظهور است، معنای مشهور نزد علمای شیعه است.

چرا متکلمین بحث از رجعت را در علم کلام مطرح می‌کنند؟

پرسش

چرا متکلمین بحث از رجعت را در علم کلام مطرح می‌کنند؟

پاسخ

عوامل مختلفی در بحث از رجعت در علم کلام وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – رجعت از امور اعتقادی است که در روایات بسیاری به آن اشاره شده است. ۲ – رجعت با مسأله امامت ارتباط دارد؛ زیرا به این نکته اشاره دارد که امامان شیعه مورد ظلم وتعدی قرار گرفته‌اند ولذا در عصر حکومت حضرت مهدی (ع) بازگشته وحکومت خواهند کرد. ۳ – رجعت از آنجا که از علایم قیامت ومربوط به معاد است لذا در عقاید بحث می‌شود. ۴ – رجعت زمینه‌ساز اعتقاد به معاد است، زیرا همان گونه که غیبت صغرا زمینه‌ساز غیبت کبرا وهموار کننده آن بود، قیامت صغرا نیز که همان رجعت است هموار کننده قیامت کبرا خواهد بود. ۵ – رجعت با مسأله ثواب وعقاب نیز ارتباط دارد، زیرا در آن نشانه‌هایی است از عقاب وثواب برای کسانی که در کمال کفر ویا ایمان به سر برده‌اند.

درباره رجعت چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟

پرسش

درباره رجعت چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟

پاسخ

در مورد رجعت در این دنیا دیدگاه‌هایی وجود دارد: ۱ – رجعت همانند تمثّلاتی است برای ارواح مؤمنین وائمه اهل بیت: که از دنیا رفته‌اند ودوباره روح آنان ظهور کرده، تصرفاتی در این عالم خواهند نمود. این تفسیر گر چه به برخی از فلاسفه از قبیل: شاه‌آبادی ورفیعی قزوینی نسبت داده شده ولی با ظواهر ادله سازگاری ندارد. ۲ – مقصود از رجعت، ظهور امام زمان (ع) و رجوع او به مردم به جهت اقامه توحید وعدل است. اصل این معنا گرچه صحیح است ولی اطلاق رجعت بر آن، خلاف ظاهر ادله است. ۳ – مقصود از رجعت، رجوع عده‌ای از اموات به این دنیا به جهت مصالحی خاص در عصر حکومت حضرت مهدی (ع) است. این قول رأی مشهور وموافق ظواهر ادله می‌باشد.

درباره رجعت و احادیث مربوط به آن در قرآن واحادیث توضیح بفرمایید؟

پرسش

درباره رجعت و احادیث مربوط به آن در قرآن واحادیث توضیح بفرمایید؟

پاسخ

"رجعت "از عقاید معروف شیعه است وتفسیرش دریک عبارت کوتاه چنین است : بعد از ظهور مهدی (ع) ودرآستانه رستاخیز گروهی از" مؤمنان خالص "و" کفارو طاغیان بسیار شرور "به این جهان باز می گردند، گروه اول مدارجی از کمال را طی می کنند، وگروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند. مرحوم"سید مرتضی "که از بزرگان شیعه است چنین می گوید" : خداوندمتعال بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی که قبلاً ـ ازدنیا رفته اند به جهان باز می گرداند، تا درثواب وافتخارات یاری او ومشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، ونیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می گرداند تا ازآنها انتقام گیرد. سپس می افزاید : دلیل برصحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را براین امر انکار کند چرا که این مسأله محالی نیست، درحالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می کنند که گوئی آن رامحال وغیر ممکن می شمرند. بعد اضافه می کند : دلیل براثبات این عقیده اجماع امامیه است زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است" "۱ "البته ازکلمات بعضی از قدمای علمای شیعه و همچنین از سخنان مرحوم طبرسی درمجمع البیان برمی‌آیدکه اقلیت بسیار کوچکی از شیعه با این عقیده مخالف بودند، ورجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهلبیت علیهم السلام تفسیر می کردند، نه بازگشت اشخاص وزنده شدن مردگان، ولی مخالفت آنها طوری است که لطمه ای به اجماع نمی زند. به هر حال دراینجا بحثهای فراوانی است که برای خارج نشدن از طرزبحث تفسیری به صورت فشرده دراینجا می آوریم : ۱- بدون تردید احیای گروهی از مردگان دراین دنیا از محالات نیست، همانگونه که احیای جمیع انسانها در قیامت کاملاً ممکن است و تعجب از چنین امری همچون تعجب گروهی ازمشرکان جاهلیت از مسأله معاداست وسخریه در برابر آن همانند سخریه آنها درمورد معاد می باشد، چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی بیند، وقدرت خدا آنچنان وسیع و گسترده است که همه این امور دربرابر آن سهل وآسان است . ۲- درقرآن مجید وقوع رجعت اجمالاً ـ در پنج مورد از امتهای پیشین آمده است. الف ـ درمورد" پیامبری که ازکنار یک آبادی عبور کرد درحالی که دیوارهای آن فروریخته بود واجساد واستخوانهای اهل آن درهر سوپراکنده شده بود، واز خود پرسید چگونه خداوندانها را پس از مرگ زنده می کند؟ اماخدا اورا یکصد سال میراندوسپس زنده کرد وبه او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد یک روز یا قسمتی ازآن؟ فرمود نه بلکه یکصد سال بر تو گذشت"آیه ۲۵۹ سوره بقره "این پیامبر، عزیر باشد یا پیامبر دیگری تفاوت نمی کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ است درهمین دنیا" فاماته الله مأه عام ثم بعثه "ب ـ قرآن درآیه ۲۴۳ سوره بقره سخن از جمعیت دیگری به میان می آورد که" ازترس مرگ(وطبق گفته مفسران به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند) واز خانه های خود بیرون رفتند خداوند فرمان مرگ به آنها داد وسپس آنها را زنده کرد"،فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم "گرچه بعضی از مفسران که نتوانسته اند وقوع چنین حادثه غیر عادی را تحمل کنند آن را تنها بیان یک مثال شمرده اند، ولی روشن است که این گونه تأویلات دربرابر ظهور بلکه صراحت آیه دروقوع این مسأله، قابل قبول نیست. ج ـ درآیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره درباره" بنی اسرائیل "می خوانیم که گروهی از آنها بعد از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند ومردند، سپس خداوند آنها را به زندگی باز گرداند تا شکر نعمت او را بجا آورند" ثم بعثناکم من بعد موتک لعلکم تشکرون "د ـ درآیه ۱۱۰ سوره مائده ضمن برشمردن معجزات عیسی(ع) می خوانیم" :واذ تخرج الموتی باذنی ("تو مردگان را به فرمان من زنده می کردی). این تعبیر نشان می دهدکه مسیح(ع) از این معجزه خود (احیای موتی) استفاده کرد، بلکه

تعبیر به فعل مضارع"تخرج "دلیل بر تکرار آن است واین خود یکنوع رجعت برای بعضی محسوب می شود. هـ ـ بالاخره درسوره بقره درآیه ۷۳ درمورد کشته ای که دربنی اسرائیل برای پیداکرد قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، قرآن می گوید" : دستور داده شد گاوی را با ویژگیهائی ببرند وبخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات باز گردد(وقاتل خود را معرفی کند ونزاع خاتمه یابد") فقلنا اضربوه ببعضها کذالک یحیی الله الموتی ویریک آیاته لعلکم تعقلون "علاوه براین پنج مورد، موارد دیگری درقرآن مجید دیده می شود همچون داستان اصحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، وداستان مرغهای چهارگانه ابراهیم(ع)که بعد از ذبح بار دیگر به زندگی بازگشتندتا امکان معاد را در مورد انسانها برای او مجسم سازند که در مسأله رجعت نیز قابل توجه است . به هر حال چگونه ممکن است کسی قرآن را به عنوان یک کتاب آسمانی بپذیرد وبا اینهمه آیات روشن باز امکان رجعت را انکار کند؟ اساساً مگر رجعت چیزی جز بازگشت به حیات بعد از مرگ است؟ ۲- مگر رجعت نمونه کوچکی ا زرستاخیز دراین جهان کوچک محسوب نمی شود؟ (۱") سفینه البحار "جلد ۱ ، ص ۵۱۱، (ماده رجع) برگفته از ۱۸۰ پرسش و پاسخ از تفسیر نمونه ص ۵۵۹و ۵۶۰و ۵۶۱

رجعت چیست؟

پرسش

رجعت چیست؟

پاسخ

رجعت به معنی عودت و بازگشت است. در اینجا به معنای بازگشت به سوی دنیا می باشد. و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است می گویند که پیش از قیام قیامت، در ادامه حکومت حضرت مهدی(، به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمهٔ هدی (فرا رسد، و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران، و همچنین بدکاران بسیار بد از هر زمان، به دنیا به بازگردند و فلسفه متعددی بر آن ذکر شده. اولاً : اثبات معاد؛ دیگر : لذت بردن نیکان و مؤمنان، از چشیدن طعم غلبه حق بر باطل، و دیدن دولت کریمه اهل بیت(، ورسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد. و کافران نیز از برای عقوبت و عذاب دنیا، که سزای اعمال خود را در دنیا ندیده اند. مسأله رجعت امری حتمی است، و به وقوع خواهد پیوست. و این امر از اعتقادات قطعی و اجماعی شیعه است. اما در اینکه از ضروریات دین یا مذهب است، محل بحث میان علما و دانشمندان است. و نیز باید گفت که کلّیات رجعت در خصوص دینی ثابت شده است، ولی جزئیات آن بطور کامل روشن نیست. در این باره اسناد و مدارک قرآنی، و بیان مفسران که آیات بسیاری را درباره رجعت، در مقام تأویل بیان کرده اند، و همچنین احادیث بسیاری ـ قریب به دویست روایت به طور تواتر ـ در این مورد موجود است. و نیز باید گفت که در قرآن کریم نه تنها رجعت را ناممکن نشمرده، بلکه بر آن دلالت بسیاری آورده. در آیات بیشمار دیگری، از زنده شدن مردگان در دنیا، در زمانهای گذشته، خبر داده است؛ از جمله اصحاب کهف، واحیای مردگان توسط حضرت عیسی(، و قضیه عُزَیر پیامبر، و هفتاد نفر از قوم بنی اسرائیل، و... به چند مورد از آیات و روایات مربوط به رجعت، اشاره می شود : ۱"- یَومَ نَحشرُ مِن کُلِّ اُمهٔ فوجاً مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِایاتِنا فَهُم یوزعون ("۱) (روزی که در آن از هر امتی، گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند، محشور و مبعوث می گردانیم، پس ایشان بازداشته خواهند شد.)

علامه طباطبائی (، در خصوص آیه فوق‌الذکر می گویند" : یکی از آیاتی که بر رجعت دلالت دارد، آیه فوق است. و مقصود از این آیه شریفه قیامت نیست، چون با کلمه"مِن "تبعیضیّه می فرماید" : مِن کل اُمَةٍ فوجاً "یعنی از هر امتی، دسته ای را محشور می گردانیم. در حالی که قرآن کریم، درباره حشر روز قیامت می فرماید" : وَ حَشَرناهُمْ فلم نُغادِرْ مِنْهُمْ اَحَداً ("۲) (وهمه را گرد می آوریم، و هیچ یک را فروگذار نمی کنیم.) ۲"- قالوا رَبنا اَمَتَّنا اثْنَتَینِ و اَحْیَیْتَنَا اثْنَتَینِ (" ...۳) (آن حال کافران گویند" : پروردگارا، تو دوبار ما را میراندی، و دو بار زنده کردی) ".این آیه دربارهٔ اهل کفر در رستاخیز است، و بیان قول ایشان می باشد. علی بن ابراهیم از امام صادق(و امام باقر(روایت کرده است، که فرمودند" : این آیه در رجعت است؛ و مخصوص طایفه ای است که پس از مردن، زنده می‌شوند، و بازگشت می کنند؛ آنگاه می میرند، و در قیامت زنده می شوند ("۴.) ۳- امام صادق(می فرماید" : اِنَّ الرَّجْعَةَ لست بِعامّةٍ و هی خاصّةٌ لا یرجع الّا مِن محض الایمان محضاً اَو محض الشرک محضاً ("۵) (رجعت همگانی نیست، بلکه خاص است. و فقط کسانی به دنیا باز می گردند، که مؤمن خالص، یا مشرک محض باشند.) ۴- و نیز از امام صادق(روایت شده : "اول مَن تشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی (" (۶) (نخستین کسی که قبر به او شکافته می شود، و به دنیا برمی گردد، حسین بن علی(است.) ۵- از امام باقر(است، که به" تکبیربن اَعْیُن "فرمودند" : رسول خدا و علی (رجعت خواهند کرد("۷.) ۶- از حضرت رضا(نقل شده است که مأمون به امام عرض کرد" : ای ابی الحسن، نظر شما دربارهٔ رجعت چیست"؟ حضرت فرمود" : حقیقت دارد. در میان امتهای پیشین نیز وجود داشته است، و قرآن از آن سخن به میان آورده ".و رسول خدا(فرموده است" : هر چه در امتهای گذشته بوده، درمیان این امت نیز عیناً و مو به مو، پیش خواهد آمد ("۸.) در زیارت متعددی، اعتراف به رجعت را می خوانیم؛ از جمله در زیارت جامعه کبیره" : مؤمن بایابکم، مصدّق برجعتکم، منتظر لامرکم "در خاتمه عرض می کنیم که مسأله رجعت و بازگشت بدنیا، از نظر عقلی محال نبوده، منافاتی با نظام حاکم بر جهان نیز ندارد. زیرا این مسأله نیز نظیر سایر معجزات، امری خارق العاده است، نه غیرممکن. بلکه از قدرت افراد بشر به طور عادی خارج است، ولی برای خدای قادر متعال سهل و ممکن است".ان ا...علی کل شی قدیر ("برگرفته ازسایت پرسش و پسخ نهاد رهبری در دانشگاه WWW.nahad.net) برای آگاهی بیشتر می توانید به کتب ذیل مراجعه فرمایید : ۱.رجعت از نظر شیعه ـ نجم الدین طبسی؛ آیت ا...میرشاه ولد ۲.رجعت ـ محمد خادمی شیرازی ۳.رجعت ـ علامه محمد باقر مجلسی ۴.بازگشت روح ـ هادی معرفت ۵.رجعت ـ عبدالوهاب فرید منابع و مآخذ : ۱.سوره مبارکهٔ نمل/آیه ۸۳ ۲.سوره مبارکهٔ کهف/آیه ۴۷ ۳.سوره مبارکهٔ غافر/آیه ۱۱ ۴.تفسیر لاهیجی، ج۳،ص ۹۰۰ ۵.میزان الحکمه،باب رجعت،ح ۶۹۴۱ ۶.میزان الحکمه، باب رجعت،ح ۶۹۳۲ ۷.میزان الحکمه، باب رجعت،ح ۶۹۳۳ میزان الحکمه، باب رجعت،ح ۶۹۲۶

در مورد مسئله رجعت و اتفاقاتی که در زمان ظهور امام زمان می افتد چگونه می توان ایمان و معرفت مناسب پیدا کرد؟همچنین در مورد ظهور امام زمان و وجود مبارک ایشان؟

پرسش

در مورد مسئله رجعت و اتفاقاتی که در زمان ظهور امام زمان می افتد چگونه می توان ایمان و معرفت مناسب پیدا کرد؟همچنین در مورد ظهور امام زمان و وجود مبارک ایشان؟

پاسخ(قسمت اول)

رجعت به معنای بازگشت است. و مقصود از آن در اصطلاح علمای شیعه، بازگشت عده‌ای از اموات به دنیا، پس از ظهور امام زمان(عج) و قبل از فرا رسیدن روز قیامت است. در این جا توجه به چند مطلب لازم است. الف) امکان رجعت: زنده شدن برخی از اموات، (رجعت) در امتهای پیشین واقع شده است و آیات قرآن و روایات بر آن دلالت دارد: ۱.رجعت عده‌ای از بنی اسرائیل: «و اذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون * ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلّکم تشکرون» و [یاد کنید] هنگامی را که گفتید ای موسی هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه خدا را آشکارا ببینیم پس صاعقه شما را فراگرفت در حالی که می‌نگریستید * سپس شما را پس از مردنتان برانگیختیم، شاید سپاسگزاری کنید»، (بقره / ۵۵ و ۵۶). ۲.رجعت هزاران نفری که از شهر خود بیرون آمدند: «الم‌تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله لذو فضل علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشکرون» آیا به کسانی که برای گریز از مرگ از شهر خود بیرون آمدند در حالی که هزاران نفر بودند، ننگریستی. پس خدا به آنان گفت بمیرید سپس آنها را زنده ساخت. بی‌تردید خداوند بر مردم بخشش فراوانی دارد و لکن بیشتر آنان سپاسگزاری نمی‌کنند»، (بقره / ۲۴۳). ۳.رجعت و زنده شدن مردگان به دست عیسی(ع): «و رسولا الی بنی اسرائیل أنّی قد جئتکم بآیه من ربکم... و احی الموتی باذن الله» و [او را] فرستاده‌ای به سوی بنی اسرائیل [قرار داد که می‌گفت] من از طرف پروردگارتان نشانه‌ای برای شما آورده‌ام... و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم»، (آل عمران / ۴۹). آیات بسیاری که حاکی از رجعت در امت‌های گذشته است، (رجوع کنید به کتاب شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد، و رجعت علامه مجلسی). ب) اصل رجعت به این معنی، مطلبی مسلّم و ضروری نزد شیعه است، هر چند جزو اصول عقاید شمرده نمی‌شود و آیات و روایات بر آن صحه می گذارند. برای نمونه به این آیات توجه کنید: ۱- «و یوم نحشر من کل امه فوجا؛ روزی که از هر امتی گروهی را محشور کنیم» (نمل، آیه ۸۳) واضح است که در قیامت همه مردم مبعوث می شوند اما آیه دلالت دارد که پیش از قیامت، روزی است که از هر امتی، گروهی محشور می شوند و این همان رجعت است. ۲- «و حرام علی قریه اهلکنها انهم لا- یرجعون؛ و بر هر قریه ای که آنها را نابود ساختیم، حرام است و آنها باز نمی گردند» (انبیاء، آیه ۹۵) این آیه نیز به رجعت بر می گردد، زیرا روشن است که در قیامت همه مردم باز می گردند. پس در رجعت است که این گروه درمانده می شوند و بازگشتی ندراند. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۱۰ سوره مبارکه بقره، (المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶) به تفصیل درباره رجعت بحث کرده اند. همچنین آقای علی سعادت پرور در کتاب ظهور نور، ترجمه: سید محمدجواد وزیری فرد، روایات باب را به تفصیل آورده اند، صص ۲۵۷ - ۲۱۹. ج) مباحث مربوط به کیفیات رجعت امری مسلم و ضروری نیست لکن برخی مطالب از روایات رجعت استفاده می‌شود مثل این که کسانی که در زمان حضرت مهدی رجعت می‌کنند دو دسته‌اند یک دسته مؤمنان بسیار خالص به تعبیر روایات ممحّض در ایمانند، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، حدیث ۱) و یک دسته بدکاران بسیار بد به تعبیر روایات ممحّض در شرک، (همان مصدر). مؤمنان خالص برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به ثواب نصرت و یاری امام زمان و طاغیان بسیار شرور برای عقوبت و انتقام گرفتن از آنان. در برخی روایات، اصحاب کهف و سلمان و ابوذر و مقداد و مالک اشتر جزو یاران رجعت یافته حضرت مهدی(عج) شمرده شده است، (رجعت، علامه مجلسی، کانون پژوهش اصفهان، چاپ اول، ص ۴۵) و در برخی روایات از رجعت پیامبران الهی به ویژه پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) سخن به میان آمده است، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، باب الرجعه احادیث ۲ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۳۰). در روایات، رجعت ائمه اطهار(ع) از مسلمات است؛ اما چگونگی و جزئیات آن ذکر نشده است. در مورد امام زمان (عج) به مطالب زیر توجه کنید : حضرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد، (اصول کافی، چاپ آخوندی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید، (همان، ص ۵۰۳). مادر حضرت ولی عصر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صیقل» گفته می‌شود، (جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۴، فائده ثالثه به

نقل از خلاصه علاّمه). حضرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می‌زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه‌داشته می‌شد و جز خواصّی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقات نداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می‌توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه‌ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)). یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسن عسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عمرو! می‌خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی ندارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجت برداشته می‌شود و راه توبه بسته می‌شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می‌خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضرت ابراهیم از خداوند خواست که به او کیفیت زنده کردن مرده‌ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می‌خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته‌ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شما گفتند، درست گفته‌اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده‌ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده‌ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می‌پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می‌پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده‌اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱). این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین‌های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند. حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نواب خاصه کسی با او ملاقات نمی کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد. حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹). آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است. در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد کرد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته

آیـةالله صـافی مراجعـه کنیـد. در ص ۲۴۷ بـاب ۲۵ از مآخـذ گونـاگون روایـات راآورده اسـت. هم پیـامبر اسـلام(ص)، هم فـاطمه زهرا(س) و هم امامـان معصـوم(ع) به وجـود حضـرت مهـدی بشـارت دادهانـد. به علاوه شـیعه و اهـل سنّت هم به وجـود حضـرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است: پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسـمه اسم...؛ جهـان به پایـان نمیرسـد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کنـد {M»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶). پیامبر اکرم فرمود: المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهـدی از خانـدان ما است و خداونـد کار او را یک شـبه روبراه می M.....Ù»، (سـنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸). ام سـلمه گفت: از رسول خدا شـنیدم که فرمو... المهدی ŘÖولـد فاطمه ؛ مهـدی از فرزندان فاطمه است {M»، (همـان، ص ۱۳۶۸). پیامبر خـدا فرمود: یخرج فی آخر امـتی المهـدی ؛ در پایـان امت من، مهـدی خروج می کنـد {M»، (المسـتدرك علی الصـحیحین، ج ۴، ص۵۵۸). در حـدیثی آمـده است که پیامبر اسـلام فرمود: یکون فی امتی المهـدی ؛ مهدی، در امت من است {M»، (همان). ام سـلمه می گوید: از پیامبر شـنیدم که فرمود: المهـدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهـدی از خاندان من و از نسل فاطمه است {M»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷). رسول خـدا فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، (فرائـد السـمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید). {J وظیفه منتظر امـام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسـی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشـد حتما خانه را تمیز و مرتب می کنـد، وسایل پـذیرایی را آماده می کنـد و با لباس مرتب و چهرهای شاداب در انتظار میمانـد. چنین کسـی میتوانـد ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسـی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشـیده است و نه اصـلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمـان بوده همه او را ریشـخند خواهنـد کرد و بر گزافهگویی او خواهنـد خندیـد. لاـف عشق و گله از یـار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مسـتحق هجرانند بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده میشود. نمیتوان هر کسـی را که ادعـای دوستی و ولاـیت امـام زمان را دارد در شـمار دوسـتان و منتظران او قلمـداد نمود. آری «مشك آن است که خود ببویـد نه آنکه عطاربگویـد». بـا چنین توضـیحی روشن است که یـک منتظر واقعی امام زمان بایـد رفتارش به گونهای باشـد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشـد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهنـد خوشـحال شود و آماده باشـد برای یـاری امـام زمـان بـا مـال و جـان خویش جهاد نمایـد و خود را درراه آن حضـرت فـدا نمایـد. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبسـتگی به دنیا نیست چرا که چنین کسـی نمیتواند از وابسـتگیها و دلبستگیها و آلودگیها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهـداف مقـدس امام زمان(ع) باشـد. با توجه به نکات ذکر شده میتوان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد: ۱. اولین شـرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشـناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسـی مینشـیند که او را خوب بشـناسد اما اگر انسان کسـی را نشـناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیـتی نخواهـد داشـت و منتظر او نخواهـد مانـد. در مـورد انتظـار امـام زمـان هـم چنیـن اسـت. کسـانی کـه آن حضـرت را نمیشناسـند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمیکشـند اما کسانی که او را میشناسند و ارزش او را میشناسند و مقام او رامیدانند منتظر او میمانند. کسانی که امام زمان را نمیشناسـند اگر چه به ظاهر مسـلمان باشـند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفتهانـد. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امـام زمانش را نشـناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱). بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امـام زمـان است و طبیعی است که هر مقـدار معرفت انسـان نسـبت به امـام زمان بیشتر باشـد انسان ارزش او را بیشتر درك خواهـد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهـد برد و بیشتر تشـنه وجود آن حضـرت خواهـد شـد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران

بیرون هستند. آری

پاسخ(قسمت دوم)

وصل خورشید به شب بره اعمی نرسد که در این آینه صاحب‌نظران حیرانند البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می‌خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته‌اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می‌شود. همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می‌تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد. ۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی‌تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می‌تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله‌ور نشده باشد نمی‌تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳). ۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه‌ای سامان می‌دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می‌توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می‌توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می‌شود. و تنها در این صورت است که می‌توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری‌اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت. طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون‌تر خواهد گشت. ۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می‌داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید. ۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می‌کشد و از خدا می‌خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می‌باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می‌باشد. ۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل‌های مختلف؛ اگر انسان منتظر، محبوب خویش را نیابد، سعی می‌کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی‌شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می‌کند. ۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته‌اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می‌کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به

شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می‌دارند. ۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب‌هایی برای آن حضرت ۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه‌افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران. ۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران ۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می‌باشد. در این زمینه به کتابهای زیر مراجعه کنید: ۱-کتابنامه امام زمان محمدپور ۲-یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی ۳-ترجمه منتخب الاثر آیت اللّه صافی ۴-مهدی موعود ترجمه علی دوانی ۵-وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّه صافی ۶-امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی ۷-علائم ظهور محمد علی علمی

نظر صحیح درباره رجعت چیست؟

پرسش

نظر صحیح درباره رجعت چیست؟

پاسخ

در توضیح رجعیت باید گفت: الف - مراد از «رجعت»، بازگشت جمعی از مؤمنان و جمعی از کفار به دنیا در دوران ظهور امام زمان(ع) است و این امر محال نیست و ده‌ها بلکه صدها روایت بر آن وارد شده است و از اعتقاد به آن مشکلی پیش نمی‌آید ولی بعضی از اهل‌سنّت در ردّ و انکار آن، پافشاری می کنند/ ب - رجعت در امت‌های پیشین، نمونه‌های بسیار دارد: ۱.رجعت هفتاد نفر از قوم موسی/ ۲.رجعت هزاران نفر پس از مرگ «ألم‌تر الی الذین خرجوا من دیارهم...». {۱} یعنی: آیا ندیدی به سوی آنانکه بیرون رفتند از خانه‌هایشان و ایشان هزاران بودند، از ترس مرگ، پس گفت ایشان را خدا که بمیرد، سپس آنان را زنده کرد/ او کالذی مر علی قریْ. {۲} ۳.رجعت عزیز بعد از صد سال/ ۴.رجعت سام بن نوح به دنیا/ ۵.رجعت فرزندان ایّوب. {۳} ۶.رجعت یوشع، الیسع، اشموئیل. {۴} ج - در اسلام نیز نمونه‌های زیادی از رجعت وجود داشته است و کسانی، پس از مرگ، به دنیا بازگشتند. ابن ابی الدنیا از علمای عامه (متوفای ۲۰۸ ه‍ٔ) در این زمینه کتابی نوشته به نام «من عاش بعد الموت» که در عربستان چاپ شده و شرح حال نمونه‌هایی از کسانی را که بعد از مرگ زنده شده‌اند، جمع آوردی کرده است. اینک چند نمونه از آن را می‌آوریم: ۱ - رجعت زیدبن خارجه/ ۲ - رجعت جوانی از انصار/ ۳ - رجعت مردی از مقتولین مسیلمه/ ۴ - رجعت ابن خراش/ ۵ - رجعت یکی از بستگان - دایی - ابن ضحاک/ ۶ - رجعت رؤیه دختر بیجان/ ۷ - رجعت شخصی از بنی جهینه/ و نمونه‌های دیگر/// و نیز حدیثی که پیامبر(ص) نقل می کنند که:«لیاتینّ علی أمّتی ما أتی بنی اسرائیل حذو النّعل باالنّعل». {۵} یعنی: آنچه بر سر امت‌های پیشین آمده بر سر امت من نیز بدون کم و کاست خواهد آمد/ بخاری می گوید: عن النّبی(ص) «لتتبعنّ سنن من کان قبلکم شبراً بشیر و ذراعاً بذراع حتّی لو دخلوا فی جحر ضب لاتبعتموهم فقالوا یا رسول الله الیهود و النصاری؟ قال: فمن اذن». {۶} «تمامی سنت‌های پیش را وجب به وجب و ذراع به ذراع دنبال خواهید کرد. و حتی اگر به لانه سوسماری وارد شده باشند شما هم

آنان را دنبال خواهید کرد. عرض کردند یا رسول الله منظور شما از پیشینیان یهود و نصاری هستند فرمود، آری، چه کسی غیر از آنان را قصد دارم؟! بالاخره - در این زمینه، از ائمه طاهرین بیش از پانصد روایت رسیده است. اضافه بر آیات شریفه‌ای که به رجعت تفسیر شده است.{۷} علامه طباطبایی مفسر بزرگ شیعه درباره رجعت می‌فرماید: «اگر در این زمینه به کاوش بپردازی، بسیاری از آیاتی را می‌یابی که از ائمه طاهرین به قیامت و گاهی به رجعت و گاهی به ظهور امام(ع) تفسیر کرده‌اند، و این نیست مگر به لحاظ وحدت سنخیت بین این سه معنا/ ولیکن چون مردم در حقیقت قیامت بحث نکرده‌اند و در زمینه کشف از هویت و واقعیت این روز عظیم به تحقیق وسیعی نپرداخته‌اند، در معنای این روایات اختلاف پیدا کرده و بعضی آن را رد و طرح کرده‌اند - و حال آنکه بیش از پانصد روایت است. و بعضی دیگر آن را تأویل کرده و حال آنکه آنها در کمال ظهور و یا صراحتند/ و بعضی دیگر آنرا بدون هر گونه اظهار نظری نقد کرده‌اند...{۸} علامه طباطبایی بحث مفصلی را مطرح می کند که از حوصله این جزوه خارج است/ [۱].سوره بقره، آیه ۲۴۳/ [۲].سوره بقره، آیه ۲۵۹/ [۳].رجوع شود به: الدرّ المنثور، ج ۵، ص ۳۱۶؛ جامع البیان، ج ۱۶، ص ۴۲؛ تفسیر نیشابوری، ص ۴۴؛ الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۱۵۴، تألیف مرحوم آیت‌الله شیخ محمد رضا طبسی. رجعت از نظر شیعه: ۲۸/ [۴].تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۸۰؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۱، ص ۱۷۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۱۵۴/ [۵].رمذی، ج ۵، ص ۲۶/ [۶].بخاری، ج ۴، ص ۲۶۴/ [۷].الشیعْ و الرجعْ، ج ۲، ص ۱۶۱/ [۸].تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۸/

رجعت کنندگان

آیا کسانی که عاشقان واقعی آقا امام زمان(عج) هستند، پس از مرگ در هنگام ظهور آقا امام زمان(عج) سر از خاک بیرون می آوردند؟

پرسش

آیا کسانی که عاشقان واقعی آقا امام زمان(عج) هستند، پس از مرگ در هنگام ظهور آقا امام زمان(عج) سر از خاک بیرون می آوردند؟

پاسخ

رجعت از عقاید معروف شیعه است و بدین معنا است که بعد از ظهور امام زمان(ع) و در آستانهٔ رستاخیز، گروهی از مؤمنان خالص و کفّار و طاغیان بسیار شرور به این جهان باز می گردند. گروه اوّل مدارجی از کمال را طی می کنند و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند.[۵۱] شیعیان دراصل رجعت اختلاف نظر ندارند، چنان که مرحوم سید مرتضی در خصوص رجعت ادعای اجتماع نموده؛[۵۲] ولی اختلاف در این است که آیا رجعت بدین معنا است که اهل بیت(ع) رجعت نموده و حکومت تشکیل می دهند و یا افراد دیگر نیز رجعت می کنند؟[۵۳] چنان که برخی شیعیان عقیده دارند که اهل بیت(ع) زنده می شوند، نه اشخاص دیگر.[۵۴] از روایات استفاده می شود که رجعت عمومی نیست، یعنی همگان زنده نمی شوند، بلکه عده ای رجعت می کنند. حال این عده چه کسانی هستند، روایات اختلاف دارند. امام صادق(ع) فرمود": إنّ الرجعهٔ لیست بعامهٔ، وهی خاصهٔ، لا یرجع إلامن محص الایمان محضاً، أو محض الشرک محضاً؛[۵۵] رجعت عمومی نیست، بلکه جنبهٔ خصوصی دارد. تنها گروهی بازگشت می کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند. "امام صادق(ع) فرمود": نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده، به دنیا بر می گردد، حسین بن علی(ع) است.["۵۶] با توجه به مطالب مذکور، باید گفت: در عصر ظهور امام زمان(ع) رجعت صورت می گیرد. ممکن

است آنان که رجعت می کنند، همان عاشقان واقعی امام زمان(ع) باشند، زیرا افراد خالص و مؤمنان واقعی که رجعت می کنند، بی تردید عاشقان امام زمان(ع) هستند. [۵۱] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵. [۵۲] سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱. [۵۳] تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۵۶، به نقل از مجمع البیان. [۵۴] همان. [۵۵] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹. [۵۶] مهدی موعود، ص ۱۱۸۶.

آیا بعد از آمدن حضرت مهدی(عج) پیامبران می‌آیند؟

پرسش

آیا بعد از آمدن حضرت مهدی(عج) پیامبران می‌آیند؟

پاسخ

در این که چه تعداد از پیامبران بعد از ظهور امام زمان(ع) رجعت می‌کنند، دقیقاً معلوم نیست، ولی از برخی متون دینی و روایات استفاده می‌شود که پیامبر اسلام(ص) نیز حضرت عیسی(ع) از آسمان نزول می‌کنند. جابربن یزید جعفی از امام باقر(ع) گزارش نموده که حضرت در تفسیر آیه" یا أیّها المدّثر قم فأنذر "فرمود": مقصود از آن محمد(ص) و آمدن او در زمانی رجعت است...(۱) پیامبر اکرم(ص) و علی(ع) به دنیا رجعت می‌کنند."(۲) امام باقر(ع) در خصوص نزول حضرت عیسی(ع) فرمود": انّ عیسی(ع) ینزل قبل یوم القیامهٔ ألی الدّنیا... و یصلی خلف المهدی؛(۳) عیسی(ع) یک روز پیش از قیامت، از آسمان به دنیا فرود می‌آید... و پشت سرِ مهدی نماز می‌گزارد. "در برخی روایات دیگر آمده است که حضرت عیسی(ع) یکی از فرماندهان سپاه امام زمان(ع) خواهد بود. علی(ع) فرمود.. ": آن گاه مهدی، حضرت عیسی(ع) را به جانشینی خود در عملیات تهاجمی علیه دجال بر می‌گزیند. عیسی(ع) برای یافتن و سرکوبی دجّال حرکت می‌کند. دجّال که همه جا را تحت تسلّط خود دارد، مردم را به خویش می‌خواند و حضرت عیسی به سرکوبی او می‌پردازد."(۴) پی نوشت‌ها: ۱. مهدی موعود، ص ۸۵۳. ۲. همان، ص ۸۵۱. ۳. ینابیع الموده، ص ۴۲۲. ۴. الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷؛ به نقل از نجم الدّین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی(ع) ص ۹۳ - ۹۴.

آیا ائمه(ع) به کمک آن حضرت می‌آیند؟

پرسش

آیا ائمه(ع) به کمک آن حضرت می‌آیند؟

پاسخ

پاسخ این سؤال به بحث رجعت مربوط است. در برخی روایات رجعت را فقط مخصوص مؤمن خالص و مشرک خالص دانسته است. {P - علی رضا رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، ص ۲۶۶. P} امام صادق (ع) می‌فرمایند: «رجعت همگانی نیست، بلکه خصوصی است، تنها کسانی رجعت می‌کنند که مؤمن خالص باشند یا مشرک خالص» {P - سید

هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸. P} بر طبق بعضی از روایات، از پیامبران، حضرت اسماعیل صادق الوعد، حضرت عیسی، حضرت خضر، حضرت رسول اکرم (ص)، و امیرالمؤمنین علی(ع)، امام حسین(ع) و سایر معصومین(ع) و جمعی از اصحاب با وفای پیامبر اسلام و اصحابی چون: سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری، مالک اشتر، مفضل بن عمر و نیز اصحاب کهف و برخی دیگر رجعت خواهند کرد. {P - رجالی تهرانی، پیشین، ص ۲۶۶. P} اما بررسی روایت رجعت معلوم می کند که نخستین کسی که برای فرمانروایی جهان رجعت می کند حضرت امام حسین (ع) است. چنان که امام صادق (ع) فرموده است: نخستین کسی که زمین برای او شکافته می‌شود و به روی زمین رجعت می کند حسین بن علی (ع) است. {P - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶. P} مفضل بن عمر می گوید: در خدمت امام صادق (ع) صحبت از حضرت مهدی (عج) و از افرادی که عاشقانه انتظار ظهورش را می کشند و پیش از نیل به چنین سعادتی از دنیا می‌روند، گفتگو شد؛ فرمود: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) قیام کند، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آنها می گویند: ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر می‌خواهی که به او بپیوندی آزاد هستی و اگر بخواهی در نعمت‌های الهی متنعم بمانی باز هم آزاد هستی» {P - همان، ص ۹۲. P} در این روایات در صورت قطعی بودن آنها نتیجه می گیریم که ائمه (ع) هم قطعاً مشتاق پیوستن به امام زمان(عج) هستند در زمان ظهور رجعت خواهند کرد و در کنار آن حضرت خواهند بود. البته در این روایات اشاره‌ای به این مطلب نشده است که امام زمان (عج) منتظر کمک و یاری از ناحیه کسانی است که رجعت می‌نمایند.

آیا همه امامان در ظهور حضرت مهدی (عج) زنده خواهند شد و بعد از عدل و داد در دنیا آیا آنهائی که ایمانشان ضعیف است آنها را شفاعت خواهند کرد (توضیح دهید)

پرسش

آیا همه امامان در ظهور حضرت مهدی (عج) زنده خواهند شد و بعد از عدل و داد در دنیا آیا آنهائی که ایمانشان ضعیف است آنها را شفاعت خواهند کرد (توضیح دهید)

پاسخ

روایات نسبت به کسانیکه در دولت امام مهدی (عج) حضور می یابند و رجعت و بازگشتی به دنیا دارند دو گونه اند . ۱-روایاتیکه می گوید مومنانیکه موفق به زدودن همه ناخالصیها در هنگام زندگی دنیوی شوند رجعت می کنند . ۲-روایاتیکه از افراد با مشخصات نام برده است نظیر حضرت عیسی (پیامبر اسلام (و ائمه(برای توضیح به کتاب در محضر علامه طباطبائی مراجعه فرمائید . و اما شفاعت جذبه های وجود انسانهای کامل است و این جذبه جلوه آن در دنیا هدایتگری و نجات از ظلمتها و جهالتها به انوار ودانش هاست و در آخرت ارفاق و ترمیم نقیصه‌هاست لازم به یادآوریست که برخورداری از آن جذبه در دنیا که برخورداری از هدایت است و در آخرت که در پرتو بهره مندی از شفاعت است تلاش و کوشش در حد توان را می طلبد و امیدواری بدون کوشش و همت را ه به جائی نمی برد . امام خمینی (در این باره فرمودند : فرصت را از دست مده و در جوانی خود را اصلاح کن. پیران نیز باید بدانند که تا در این عالم هستند می توانند جبران تبهکاریها و معصیتها را بکنند ، و اگر از این جا منتقل شدند کار از دست آنان خارج است . دل بستن به شفاعت اولیا (و تجرّی در معاصی از خدعه های بزرگ شیطانی است؛ شما به حالات آنان که دل به شفاعتشان بسته، و از خدا بی خبر شده و به معاصی جرأت می کنید، بنگرید ، ناله ها و گریه ها و دعاها و سوز وگدازهای

www.noorfatemah.org

آنان را ببینید و عبرت بگیرید . در حدیث است که حضرت صادق (در اواخر عمر ، بستگان و فرزندان خود را احضار نمود و قریب به این مضمون به آنان فرمود که : فردا با عمل باید در محضر خداوند بروید و گمان نکنید بستگی شما به من فایده دارد " . علاوه بر آن احتمال دارد که شفاعت نصیب آنان شود که با شفیع ارتباط معنویشان حاصل باشد مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند . و رابطه الهی با آنان طوری باشد که استعداد برای نائل شدن به شفاعت داشته باشند ، و اگر این امر در این عالم حاصل نشود شاید بعد از تصفیه ها و تزکیه ها در عذابهای برزخ ، بلکه جهنم ، لایق شفاعت شوند .

آیا رجعت از امام حسین (ع) شروع و به امام حسن عسکری (ع) ختم می شود یا غیر این است؟

پرسش

آیا رجعت از امام حسین (ع) شروع و به امام حسن عسکری (ع) ختم می شود یا غیر این است؟

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می‌باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی (ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا (ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و همچنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل‌بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیا ندیده‌اند ۲ - مسأله رجعت امری حتمی است و به وقوع خواهد پیوست و در این باره اسناد و مدارک قرآنی و بیان مفسران که آیات بسیاری را درباره رجعت در مقام تأویل بیان کرده‌اند و همچنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت به طور تواتر در این مورد موجود است به چند مورد از آیات روایات مربوط به رجعت اشاره می‌شود. الف) يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآياتِنا فَهُمْ يُوزَعُونَ روزی که مبعوث گردانیم از هر امتی فوجی از آنها که تکذیب می کنند به آیات ما پس ایشان بازداشته خواهند شد،(۱). در بعضی از تفاسیر مثل تفسیر علی بن ابراهیم آمده است. مظور از" آیات "در آیه شریفه امیرالمؤمنین و ائمه (ع) است،(۲). ب) قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اِثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اِثْنَتَيْنِ. در آن حال کافران گویند پروردگارا تو دو بار ما را بمیراندی و دو بار زنده کردی.،(۳). این آیه درباره اهل کفر در رستاخیز است و بیان قول ایشان می‌باشد. علی بن ابراهیم از امام صادق و امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمودند، این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه‌ای است که پس از مردن، زنده می‌شوند و بازگشت می کنند آنگاه می‌میرند و در قیامت زنده می‌شوند،(۴) و آیات ۲۴۳ از سوره بقره و آیه ۳۹ از سوره یونس و... به همین موضوع (رجعت) دلالت دارد. و اما احادیث: الف) امام صادق (ع) می‌فرماید: ان الرجعة لیست بعامة و هی خاصة لایرجع الا من محض الایمان محضاً او محض الشرک محضاً رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند،(۵). ب) در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می‌شود، امام حسین (ع) می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: اول من تنشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی (ع) نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می‌شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی (ع) است. و همچنین در آمده است که امام باقر (ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و

علی رجعت خواهند کرد،(۶). ج) از حضرت رضا (ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در میان امت‌های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا (ص) فرموده است هر چه در امت‌های گذشته بوده در میان ن امت نیز عیناً و مو به مو پیش خواهد آمد،(۷). ۳- و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می‌کند تا حضرت حجت (عج) ظهور کند: اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل‌بیت (ع) قبل از قیام قیامت است.ثانیاً، منظور معصوم (ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهور امام (عج) در روز آخر دنیا اتفاق می‌افتد، بلکه صرفاً در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می‌باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان (عج) بی‌شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود خلاصه سخن: ۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می‌باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد. ۲- رجعت یعنی، بعضی از انسان‌هایی که قبل از ظهور امام (عج) از دنیا رفته‌اند به زندگی دنیوی باز می‌گردند، یکی از گروه‌هایی که رجعت می‌کنند، ائمه (ع) می‌باشند. برای مطالعه بیشتر ر. ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم‌الدین طبسی ۲- رجعت، محمد باقر بهبودی برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- رجعت از نظر شیعه نجم الدین طبسی ۲- رجعت محمد خادمی شیرازی ۳- رجعت علامه محمد باقر مجلسی. اصل رجعت ائمه اطهار (ع) از مسلمات است اما آیا همه آن بزرگواران می‌آیند یا منحصر است به حضرت امیر و سیدالشهدا (ع) اختلافی است. برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی ۲- رجعت، خادمی شیرازی ۳- رجعت، علامه مجلسی ۴- شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد منابع و مآخذ: (۱) (نمل، آیه ۸۳) (۲) (تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، نقل از تفسیر علی بن ابراهیم) (۳) (غافر، آیه ۱۱) (۴) (تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۰۰) (۵) (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱) (۶) (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳- سفینهٔ‌البحار، ج ۳، ص ۳۱۵) (۷) (میزان‌الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰)

در بحث رجعت دوباره انسان در هنگامه ظهور امام زمان که به قول علامه مجلسی بیش از(و یا در حدود)۲۰۰ آیه و ۵۰۰ روایت موجود می باشد مطرح است که دو دسته از انسانها قابلیت رجعت دارند دسته اول انسان صالح و دسته دوم انسان طالح(بدکار و بدنام) در مورد دسته اول که هیچ

پرسش

در بحث رجعت دوباره انسان در هنگامه ظهور امام زمان که به قول علامه مجلسی بیش از(و یا در حدود)۲۰۰ آیه و ۵۰۰ روایت موجود می باشد مطرح است که دو دسته از انسانها قابلیت رجعت دارند دسته اول انسان صالح و دسته دوم انسان طالح(بدکار و بدنام) در مورد دسته اول که هیچگونه تردیدی وجود نخواهد داشت اما در مورد دوم چگونه با وجود آیات بسیاری که در قرآن کریم موجود می باشد (که پشیمانی بدکاران هیچ سودی به حال آنها ندارد) باز این دسته گفته می شود که به خاطر ندامت فراوان از سوی باری تعالی فرصتی در اختیارشان قرار می گیرد تا بار دیگر زندگانی جدیدی داشته باشند و گفته شده است بعضی انسانها در مدت حیاتشان چون روحشان در حال تکامل به درجات عالیه بود و در این حین به مرگ دچار شده اند فرصتی دوباره بدانها داده می شود. این مطلب را از کتاب زندگانی چهارده معصوم در فصل زندگانی حضرت ولی عصر خوانده ام.

پاسخ

دوست گرامی؛ در تأییـد و تکمیـل بخشـی از مطالبتـان نکاتی را به عرضـتان می رسانم و همچنین گوشه هایی از مطالبتان که به نظر می رسـد سؤال و شـبهه نیز متوجه آنهـاست اصـلاح می تمـایم و آن فلسـفه بازگشت بـدکاران است. چنانکه مستحضـرید رجعت به معنـای عـودت و بـازگشت اسـت. در اینجـا بـه معنـای بـازگشت به سـوی دنیـا می باشـد و در اصـطلاح معنی رجعت از نظر علمـا و دانشـمندان شـیعه چنین است که می گویند : پیش از قیام قیامت، در ادامه حکومت حضرت مهدی"ع "به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هـدی"ع "فرا می رسـد، و جمعی از نیکان نیک از هر دوران، و همچنین بـدکاران بسـیار بد از هر زمان، به دنیا باز می گردنـد. و فلسـفه متعـددی بر آن ذکر شـده. اولاً اثبات معاد، دیگر : لذت بردن نیکان و مؤمنان از چشـیدن طعم غلبه حق بر باطل، و دیـدن دولت کریمـۀ اهل بیت"ع "و رسـیدن به آرزوی حکومت عـدل و داد. و کافران نیز از برای عقوبت و عذاب دنیا، که سـزای اعمال خود را در دنیا ندیـده انـد. در این رابطه روایاتی خوانـدنی در کتاب میزان الحکمه، محمد محمدی ری شـهری، جلد چهارم، بـاب رجعت موجود است. مسـأله رجعت امری حتمی است، و به وقوع خواهـد پیوست و این امر از اعتقادات قطعی و اجماعی شـیعه است. اما در اینکه از ضـروریات دین یا مذهب است محل بحث میان علما و دانشـمندان است. و نیز باید گفت که کلیات رجعت در نصوص دینی ثـابت شـده است، ولی جزئیـات آن بطور کامـل روشن نیست. در این باره اسـناد و مـدارک قرآنی و بیان مفسـران که آیـات بسـیاری را دربـارۀ رجعت در مقـام تأویـل بیان کرده انـد، و همچنین احادیث بسـیاری ـ قریب به دویست روایت بطور تواتر ـ چنانکه بدان اشاره نیز نمودید، در این مورد موجود است. و نیز باید گفت که در قرآن کریم نه تنها رجعت را ناممکن نشـمرده بلکه بر آن دلالت بسـیاری آورده. در آیات بیشـمار دیگری از زنـده شـدن مردگان در دنیا، در زمانهای گذشـته خبر داده است؛ از جمله اصـحاب کهف و احیای مردگان توسط عیسـی"ع "و قضیه عزیر پیامبر، و هفتاد نفر از قوم بنی اسرائیل و ... به چند مورد از آیات و روایات مربوط به رجعت اشاره می کنیم؛ ۱". یوم نحشر من کل امۀ فوجاً ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون ("۱) (روزی که در آن از هر امتی گروهی از کسـانی که آیـات ما را تکـذیب می کردنـد، محشور و مبعوث می گردانیم، پس ایشان بازداشـته خواهنـد شـد.) علامـه طباطبـایی"قـدس سـره "در خصوص آیه فوق الـذکر می گوینـد: یکی از آیـاتی که بر رجعت دلالـت دارد آیه فوق است. و مقصود از این آیه شـریفه قیـامت نیست، چون بـا کلمه"مِن "تبعیضـیّه می فرمایـد": مِن کل امـۀ فوجا "یعنی از هر امتی دسـته ای را محشور می گردانیم. در حالی که قرآن کریم دربارۀ حشـر روز قیامت می فرماید": وحشرنا هم فلم نغادر منهم احدا ("۲) (و همه را گرد می آوریـم و هیـچ یـک را فروگزار نمی کنیـم) ۲". قـالوا ربنـا امتنـا اثنـتین و احییتنـا اثنتین (" ... ۳) (آن حـال کافران گوینـد: "پروردگارا! تو دوبار ما را میرانـدی، و دوبار زنـده کردی "این آیه دربارۀ اهل کفر در رسـتاخیز است، و بیان قول ایشان می باشـد. علی ابن ابراهیم از امام صادق"ع "و امام باقر"ع "روایت کرده است که فرمودنـد": این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه ای است که پس از مردن، زنـده می شونـد، و بازگشت می کنند؛ آنگاه می میرند و در قیامت زنده می شوند (".۴) ۳. امام صادق"ع" می فرمایـد": رجعت همگـانی نیست، بلکه خـاص است و فقـط کسـانی به دنیـا بـاز می گردنـد که مؤمن خالص، یا مشـرک محض باشند (".۵) ۴. و نیز از امام صادق"ع "روایت شده": نخستین کسـی که قبر بر او شـکافته می شود، و به دنیا برمی گردد حسـین بن علی"ع "است (".۶) در زیـارات متعـددی اعتراف به رجعت را می خوانیم؛ از جمله زیـارت جـامعه کبیره": مؤمن بایابکم، مصـدق برجعتکم، منتظر لامرکم "در خاتمه نیز عرض می کنیم رجعت و بازگشت بـدنیا، از نظر عقلی محال نبوده و منافاتی با نظام حاکم بر جهان نیز نـدارد و این مسأله نظیر سایر معجزات امری خارق عادت است نه غیر ممکن. برای آگاهی بیشتر به کتابهای" ۱. رجعت از نظر شـیعه، نجم الـدین طبسـی/ ۲. رجعت، محمـد خـادمی/ ۳. بـازگشت روح، آیـت ا...معرفت "مراجعه نماییـد. منـابع و مآخـذ : برگرفته از سـایت نهاد رهبری در دانشـگاه ۱ www.nahad.net. سوره مبـارکه نهل/ آیه۸۳ ۲. سوره مبـارکه کهف/ آیه ۴۷ ۳. سوره مبـارکه غافر/ آیه۱۱ ۴. تفسـیر لاهیجی، ج۳، ص۹۰۰ ۵. میزان الحکمـه، بـاب الرجعه، ح۶۹۴۱ میزان الحکمـه، بـاب الرجعه،

ح۶۹۳۲

در آیهٔ ۵۵ سورهٔ مبارکه آل‌عمران آمده است" إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرَافِعُکَ إِلَیَّ "آیا به واسطهٔ این آیه می‌توان فرود آمدن حضرت عیسیغ به زمین در زمان ظهور حضرت مهدیغ را یکی از اقسام رجعت بدانیم

پرسش

در آیهٔ ۵۵ سورهٔ مبارکه آل‌عمران آمده است" إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرَافِعُکَ إِلَیَّ "آیا به واسطهٔ این آیه می‌توان فرود آمدن حضرت عیسیغ به زمین در زمان ظهور حضرت مهدیغ را یکی از اقسام رجعت بدانیم

پاسخ

برادر گرامی رجعت به معنای اصطلاحی به این معنا است که مردگان در آخرالزمان زنده شده به دنیا برمی‌گردند که در روایات ما این امر برای دو گروه صالح و کافر محض ممکن شمرده شده از این رو نمی‌توان به این معنا، فرود آمدن عیسیغ را رجعت بدانیم چون که آن حضرت نمرده است گر چه برخی از مفسران (مانند نویسندهٔ المنار) معتقد است که مسیح کشته شده و خداوند تنها روح او را به آسمان برده است اما معروف در میان مفسران اسلامی به استناد آیهٔ ۱۵۷ سورهٔ نسأ، این است که مسیح کشته نشده و خداوند او را به آسمان برده است (تفسیر نمونه آیت مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۴۳۰، دارالکتب الاسلامیه) بنابراین گر چه فرود آمدن آن حضرت در زمان حضرت مهدیغ به نوعی و به معنای لغوی می‌تواند رجعت باشد، لکن رجعت مصطلح شامل آن نمی‌شود.

آیا صحیح است که درزمان ظهور امام زمان (عج) افرادصالحی مانند مالک اشتر و شیخ عباس قمی و غیره زنده می شوند, و جزء یاران آن حضرت قرار می گیرند؟

پرسش

آیا صحیح است که درزمان ظهور امام زمان (عج) افرادصالحی مانند مالک اشتر و شیخ عباس قمی و غیره زنده می شوند, و جزء یاران آن حضرت قرار می گیرند؟

پاسخ

در برخی از ادله دینی آمده است که مومنین راستین و پاکباخته می‌توانند برای جهاد در رکاب مقدس امام عصر(عج)به دنیا آیند و در این راه مقدس شربت شهادت نوشند. در دعای عهد نیز این آرمان بزرگ به عنوان یکی از خواسته‌هایشیعیان آن حضرت آمده است: «اللهم ان حال بینی و بینه الموت الذی جعلته‌حتمامقضیا فاخرجنی من قبری موءتزراکفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوه الداعی فی الحاضر و البادی». یعنی. پروردگارا! اگر مرگ میان من و او فاصله‌انداخت مرا از قبر خویش بیرون آر درحالی که کفن

به تن کرده با سلاحی آماده...». {J

آیا حقیقت دارد که بعد از ظهور امام زمان(عج) و دوران امامت ایشان حضـرت علی(ع) دوباره رجعت می کند و یک دوره خلافت در زمین دارد؟

پرسش

آیا حقیقت دارد که بعد از ظهور امام زمان(عج) و دوران امامت ایشان حضرت علی(ع) دوباره رجعت می کند و یک دوره خلافت در زمین دارد؟

پاسخ

رجعت به معنـای بـازگشت است. و مقصود از آن در اصـطلاح علمـای شـیعه، بـازگشت عـده‌ای از اموات به دنیا، پس از ظهور امام زمان(عج) و قبل از فرا رسـیدن روز قیامت است. در این جا توجه به چند مطلب لازم است. الف) امکان رجعت: زنده شدن برخی از اموات، (رجعت) در امتهای پیشین واقع شده است و آیات قرآن و روایات بر آن دلالت دارد: ۱. رجعت عده‌ای از بنی اسرائیل: «و اذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون * ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلّکم تشکرون» و [یاد کنید] هنگامی را که گفتید ای موسـی هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه خدا را آشکارا ببینیم پس صاعقه شما را فراگرفت در حالی که می‌نگریستیـد * سـپس شـما را پس از مردنتان برانگیختیم، شایـد سپاسـگزاری کنید»، (بقره / ۵۵ و ۵۶). ۲. رجعت هزاران نفری که از شهر خود بیرون آمدند: «الم‌تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله لـذو فضـل علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشـکرون» آیا به کسانی که برای گریز از مرگ از شـهر خود بیرون آمدنـد در حالی که هزاران نفر بودنـد، ننگریستی. پس خـدا به آنان گفت بمیرید سـپس آنها را زنده ساخت. بی‌تردید خداوند بر مردم بخشـش فراوانی دارد و لکن بیشتر آنان سپاسـگزاری نمی‌کنند»، (بقره / ۲۴۳). ۳. رجعت و زنده شدن مردگان به دست عیسـی(ع): «و رسولا الی بنی اسـرائیل أنّی قد جئتکم بآیه من ربکم... و احی الموتی باذن الله» و [او را] فرسـتاده‌ای به سوی بنی اسرائیل [قرار داد که می‌گفت] من از طرف پروردگارتـان نشـانه‌ای برای شـما آورده‌ام... و مردگان را به اذن خـدا زنـده می‌کنم»، (آل عمران / ۴۹). آیات بسیاری که حاکی از رجعت در امت‌های گذشته است، (رجوع کنید به کتاب شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد، و رجعت علامه مجلسی). ب) اصل رجعت به این معنی، مطلبی مسلّم و ضروری نزد شیعه است، هر چند جزو اصول عقاید شمرده نمی‌شود. ج) مباحث مربوط به کیفیـات رجعت امری مسـلم و ضـروری نیست لکن برخی مطـالب از روایـات رجعت اسـتفاده می‌شود مثـل این که کسانی که در زمان حضـرت مهدی رجعت می‌کنند دو دسـته‌اند یک دسـته مؤمنان بسیار خالص به تعبیر روایات ممحّض در ایمانند، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، حدیث ۱) و یک دسـته بـدکاران بسـیار بد به تعبیر روایات ممحّض در شـرک، (همان مصدر). مؤمنان خالص برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسـیدن به ثواب نصرت و یاری امام زمان و طاغیان بسیار شرور برای عقوبت و انتقام گرفتن از آنان. در برخی روایات، اصـحاب کهف و سـلمان و ابوذر و مقداد و مالک اشتر جزو یاران رجعت یافته حضـرت مهدی(عج) شمرده شده است، (رجعت، علامه مجلسـی، کانون پژوهش اصـفهان، چاپ اول، ص ۴۵) و در برخی روایـات از رجعت حضـرت علی(ع) و امام حسـین(ع) سخن به میان آمده است، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، باب الرجعه احادیث ۲ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۳۰). اصل رجعت ائمه اطهار(ع) از مسـلمات است؛ اما آیا همه آن بزرگواران می‌آینـد یا منحصـر است به حضـرت امیر و سیدالشـهدا(ع)

www.noorfatemah.org

اختلافی است. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱ـ رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی ۲ـ رجعت، خادمی شیرازی ۳ـ رجعت، علامه مجلسی ۴ـ شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد

آیا رجعت در مورد پیامبر اکرم نیز صادق است ؟اگر پاسخ مثبت است پس عقلا در هنگام حضور نبی رهبری وصی نقض می شود آیا بدین گونه است ؟

پرسش

آیا رجعت در مورد پیامبر اکرم نیز صادق است ؟اگر پاسخ مثبت است پس عقلا در هنگام حضور نبی رهبری وصی نقض می شود آیا بدین گونه است ؟

پاسخ

چنان که در پرسش یکم روشن شد، بحث جزئیات رجعت: در روایات ذکر نشده است، اما می توان گفت: ۱- روایات متعددی اشعار دارند که پیامبر گرامی اسلام(ص) و بلکه پیامبران الهی و همچنین امیر مؤمنان و ائمه اطهار(ع) رجعت می کنند. ۲- اولین و نخستین کسی که رجعت می کند امام حسین(ع) است. ۳- زمان پس از ظهور حضرت مهدی(عج) مدت کوتاهی نیست بلکه مدت طولانی ای است و در آن پیامبر اکرم(ص) و امیر مؤمنان و ائمه اطهار(ع) حکومت می کنند. این حکومت به نوبت است. به عبارت دیگر ابتدا نوبت حکومت حضرت مهدی(عج) است و بعد از ایشان نوبت حکومت امام حسین(ع) می رسد و پس از آن نوبت حکومت پیامبر اکرم(ص) و بعد امیر مؤمنان(ع) است. ۴- همچنین از روایات بر می آید که پیامبر اکرم(ص) و امیر مؤمنان(ع)، یک رجعت ندارند. یک رجعت برای یاری رساندن به حضرت حجت(عج) و شکست سپاه شیطان است که در این رجعت همه انبیاء نیز هستند. رجعت بعدی پس از تشکیل حکومت جهانی اسلامی توسط حضرت مهدی(عج) است که پس از تشکیل و پیدایش این دولت، آنها از مواهب زمین بهره مند می شوند و حکومت می کنند. ۵- در رجعت اول، صرف یاری رساندن به حضرت حجت(عج) و شکست سپاه شیطان مطرح است. اما در رجعت دوم حکومت حضرت رسول الله(ص) مقدم است و آنگاه حکومت امیر مؤمنان و همه اینها پس از شهادت حضرت مهدی(عج) است. برای آگاهی بیشتر نگا: ظهور نور، علی سعادت پرور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، شرکت انتشارات احیاء کتاب، صص ۲۱۹ - ۲۵۸.

اگر باید امام را امام دیگر غسل دهد، حضرت را چه کسی غسل خواهد داد؟

پرسش

اگر باید امام را امام دیگر غسل دهد، حضرت را چه کسی غسل خواهد داد؟

پاسخ

آری مطابق برخی از روایات، امام را تنها امام بایـد غسل دهـد، از جمله امام رضا (ع) فرمود": إنّ الإمام لایغسّـله إلّا الإمام"؛ "امام را جز امـام غسل نمی‌دهـد {".پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۸۴. پـاورقی} بنابراین، قـدر مسلّم آن است که یکی از امامان معصوم باید حضـرت مهـدی (ع) را بعـد از رحلت غسل دهد. امّا کدام یک از آن بزرگواران مراسم تغسـیل وخاک‌سپاری را انجام می‌دهد؟ از روایات اسـتفاده می‌شود که امام حسـین (ع) بعد از رجعت، عهده‌دار این امر خواهد شد. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود...": جآء الحجّة الموت فیکون الذی یلی غسـله وکفنه وحنوطه وإیلاجه حفرته الحسـین ولایلی الوصـیّ إلّا الوصـیّ..."؛ "مرگ حجت فرا می‌رسد پس {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵۶، ح ۴۶. پاورقی} متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن او امام حسین (ع) است وکسی به جز وصـی متولّی امور وصـی نمی‌شود ".ونیز مطابق روایتی دیگر فرمود": فإذا استقرّت المعرفة فی قلوب المؤمنین أنّه الحسین (ع) جآء الحجّة الموت فیکون الذی یغسـله ویکفنه ویحنطه ویلحده فی حفرته الحسـین بن علی (ع) ولایلی الوصـیّ إلّا الوصیّ..."؛ "چون معرفت وایمان به امام حسـین (ع) در دل‌های مؤمنین {پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۰۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۳. پاورقی} اسـتقرار یافت، مرگ حضـرت حجّت فرا می‌رسـد، پس امام حسـین (ع) متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن ایشان خواهد شد، وهرگز غیر از وصیّ، وصیّ را تجهیز وآماده برای خاک‌سپاری نمی‌کند. "موضوع: مدّت حکومت عدل جهانی توحیدی

آیا رجعت عمومی وهمگانی است؟

پرسش

آیا رجعت عمومی وهمگانی است؟

پاسخ

در پاسـخ بـه ایـن پرسـش بایـد گفت: آنچه از روایـات اهـل بیت: اسـتفاده می‌شـود این است که: ۱ – رجعت هماننـد معـاد عمومی وهمگـانی نیست، بلکه مخصوص کسـانی است که ایمان محض وخالص یا کفر محض وخالص دارنـد. امام صادق (ع) فرمود": إنّ الرجعـة لیست بعامّـة وهی خاصّـة لایرجع إلّا من محض الإیمان محضاً أومحض الشـرک محضاً"؛ "رجعت عمومی نیست بلکه جنبه خصوصـی دارد. تنهـا {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹. پـاورقی} گروهی بازگشت می‌کننـد که ایمان خالص یا شـرک خالص دارند ".۲ – روایـاتی که اشـاره به بازگشت افراد به طور خصوص دارد. از امام صادق (ع) نقل شـده که فرمود": نخستین کسـی که زمین برای او شـکافته می‌شود وبه زمین بـاز می‌گردد، حسـین بن علی (ع) است.{"پاورقی . الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۶۰. پاورقی} ونیز از حضـرت نقـل شـده که فرمـود": نخسـتین کسـی که به دنیـا رجعت می‌کنـد حسـین بن علی (ع) است، او به قـدری حکومت می‌کند که از کثرت سنّ، ابروهایش روی دیدگانش می‌ریزد.{"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶. پاورقی}

رجعت مربوط به چه کسانی است

پرسش

رجعت مربوط به چه کسانی است

پاسخ

۱. رجعت در لغت به معنای بازگشت و در اصطلاح عبارت است از بازگشت بعضی مؤمنان خالص و برخی منافقان فاجر به این جهان پیش از بر پایی قیامت با توجه به این تعریف رجعت مخصوص مؤمنان خالص و منافقان فاجر است (بحارالانوار، علامه مجلسی (ره ج ۵۳، ص ۱۳۸، دار احیأ التراث العربی بیروت) این بازگشت به منظور دیدن حکومت عدالت گستر امام زمان (عج ، به وسیله گروه اول و به سزای اعمال خود رسیدن گروه دوم است که در برابر حق صف آرایی می کردند.(رجعت یا دولت کریمهٔ خاندان وحی محمد خادمی شیرازی ص ۱۵، مؤسسه نشر و تبلیغ) ۲. روشن است همه کسانی که پیش از ظهور قائم (عج آمده و رفته‌اند، برنمی گردند، بلکه گروهی از آن‌ها رجعت می کنند. همان گونه که قرآن کریم می‌فرماید": ویَومَ نَحشُرُ مِن کُلِّ اُمَّةٍ فَوجاً; (نمل ۸۳) روزی که از هر امتی گروهی را بر می‌انگیزیم " امام صادقدر این باره می‌فرمایند": و ان الرّجعه لیست بعامهٔ، و هی خاصّهٔ لایرجع الاّ مَن محض الایمان محضاً او محض الشرک محضاً ;رجعت همگانی نیست بلکه اختصاصی است تنها کسانی رجعت می کنند که مؤمن خالص باشند یا مشرک خالص(" تفسیر برهان ج ۲، ص ۴۰۸.) ۳. بر اساس روایاتی که در تفسیر آیه ۷۸ سورهٔ آل عمران از ائمه رسیده است همهٔ پیامبران رجعت می کنند ;برای مثال در کتاب شریف بحارالانوار آمده است" به خدا سوگند از زمان حضرت آدم تا رسول اکرمپیامبری مبعوث نشده جز این که خداوند آن‌ها را باز می گرداند، تا در برابر علی بن ابیطالبشمشیر بزنند ".۴. افزون بر مورد اشاره شده در بند قبل از نگاه روایات معصومان رجعت اشخاص زیر قطعی است حضرت اسماعیل عیسی خضر، رسول اکرم امیرمؤمنان امام حسین سایر امامان معصوم جمعی از اصحاب پیامبر۹، از جمله سلمان مقداد، جابربن عبداللّه انصاری ابودجانهٔ انصاری مالک اشتر، مفضل بن عمر، عمران بن اعین مؤمن آل فرعون یوشع بن نون و اصحاب کهف (برای مطالعه بیشتر ر.ک ۱. رجعت یا دولت کریمهٔ خاندان وحی محمد خادمی شیرازی مؤسسهٔ نشر و تبلیغ ۲. الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه الشیخ محمدبن الحسن الحر العاملی ترجمهٔ احمد جنتی انتشارات نوید، تهران ۱۳۶۲.)

۱–آیا حکومت امامان «علیهم السلام » بعد از امام عصر عج » وجود دارد؟

پرسش

۱–آیا حکومت امامان «علیهم السلام » بعد از امام عصر عج » وجود دارد؟

پاسخ

ج۱– این سوال شما در مورد یکی از اعتقادات خاص ویژه شیعیان در مورد حکومت حضرت مهدی عج » یعنی:« رجعت» می باشد . « رجعت» یکی از اصول اعتقادی شیعه است، بر اساس این اعتقادپیش از بر پایی قیامت گروهی از مؤمنان پاک سرشت و کافران زشت طینت پس از مرگ زنده شده و بار دیگر به دنیا بر میگردند و تا سرانجام نیک و بد خود را دریابند و حاکمیت نهایی دولت حق را مشاهده کنند . اما در مورد رجعت کنندگان دو دسته روایت داریم•: دسته ای از روایات دلالت بر بازگشت مؤمن خالص و کافر و مشترک خالص دارند •. دسته دیگر از روایات اشخاص را به طور خاص و جداگانه ذکر نموده اند. اما سوال شما که پیرامون دسته دوم است باید گفت که، طبق روایات پیامبران ، حضرت اسماعیل صادق الوعد , امام حسین « علیه السلام » ،حضرت

www.noorfatemah.org

عیسی ,حضرت خضر , حضرت رسول اکرم « صلی الله علیه واله » امیر المومنین «علیه السلام » و سایر امامان معصوم « علیهم السلام » وجمعی از اصحاب ، باوفای پیامبر « صلی الله علیه واله » : سلمان ,مقداد , جابربن عبد الله انصاری , مالک اشتر , مفضل بن عمر , و نیز اصحاب کهف و برخی دیگر رجعت خواهند کرد . اما با بررسی روایت رجعت استفاده می شود که نخستین کسی که برای فرمانروایی جهان رجعت می کند , حضرت امام حسین «علیه السلام » است چنانکه امام صادق «علیه السلام» فرموده است: نخستین کسی که زمین برای او شکافته می شود و به روی زمین رجعت می کند ، حسین بن علی «علیه السلام » است و نیز می فرماید: نخستین کسی که به دنیا رجعت می کند حسین بن علی «علیه السلام » است به قدری حکومت می کند که از کثرت سن ابروهایش روی دیدگانش می ریزد .

پس از رجعت کدام امام بر حکومت شایسته تر است؟ امام حسین یا امام زمان(ع)؟

پرسش

پس از رجعت کدام امام بر حکومت شایسته تر است؟ امام حسین یا امام زمان(ع)؟

پاسخ

بر حسب روایات، رجعت امام حسین(ع) پس از شهادت امام عصر(ع) است. بدین معنا که امام عصر(ع) ظهور می کنند و جهان .. را پر از عدل و داد می کنند و حکومت الهی را در سراسر گیتی بر پا می کنند. پس از درگذشت ایشان نوبت به رجعت امام حسین(ع) می رسد.

آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند و سالهای زیادی حکومت می کنند مثلا می گویند امام حسین تا زمانی حکومت می کند که می ابروی ایشان از بلندی جلوی چشمان ایشان را می گ

پرسش

آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند و سالهای زیادی حکومت می کنند مثلا می گویند امام حسین تا زمانی حکومت می کند که می ابروی ایشان از بلندی جلوی چشمان ایشان را می گیرد و ایشان با دست ابروها را بالا گرفته و به هر طرف نظر می کنند؟

پاسخ

(جهت استفاده) یکی از اعتقادات ویژه‌ای که شیعه دوازده امامی آن را باور دارد، عقیده به رجعت است. رجعت در لغت به معنای بازگشت است. معنی اصطلاحی رجعت از دیدگاه شیعه این است که خداوند (هم زمان با ظهور حضرت مهدی(عج)) شماری از

امت محمـد(ص) را پس از مرگشـان و پیش از قیامت بر می انگیزانـد واین باور از ویژگیهای مـذهب آل محمـد(ص) می باشـد که قرآن نیز بر درستی آن گواهی می دهـد.(۱) دانشـمند بزرگ شیعه، مرحوم سید مرتضی علم الهدی نیز عقیده بر رجعت از دیدگاه امامیه را چنین توضیح می دهد، باور شیعه امامیه این است که خداوند متعال به هنگام ظهور امام زمان (عج) گروهی از شیعیان راکه پیش از ظهور آن حضرت از دنیا رفته اندبه این جهان باز می گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل گردند. همچنین خداوند برخی از دشـمنان آن حضرت را زنده می کند تا از آنان انتقام گیرد، بدین صورت که آشکار شـدن حق و بلنـدی مرتبت پیروان حق را بنگرنـد و انـدوهگین شونـد.(۲) از دیدگاه دانشـمندان شیعه، هیچ گونه تردیدی در اصل «رجعت» وجود نـدارد و همه عالمان بزرگ شـیعی اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان اهل بیت بر شـمرده انـد. مرحوم علامه مجلسـی در کتاب گرانسـنگ بحار الانوار می فرماید: عقیده به رجعت، در تمام دوران ها مورد اتفاق مذهب شیعه بوده و این سخن چندان آشـکار است که کسی نمی تواند به انکار آن برخیزد.(۳) شـیخ مفید و سید مرتضی نیز اعتقاد به رجعت را نزد شیعه اجماعی شمرده‌اند.(۴) مرحوم شـیخ حر عاملی می فرماید: فراوانی شـمار نویسـندگانی از شیعه که روایات مربوط به رجعت را در کتاب های خویش گرد آورده انـد- که تعـداد آن از هفتاد کتاب بیشتر است - دلیل بر قطعی بودن اعتقاد به رجعت از دیـدگاه شـیعه است.(۵) شـیخ صـدوق نیز اعتقـاد به رجعت را از ویژگی هـای پیروان تشـیع دانسـته است.(۶) دانشـمندان شـیعه برای اثبـات رجعت به دلایل قرآنی، روایی و اجماع تمسک جسته اند که ما تنها به نقل نمونه هایی از این استدلال ها بسنده می کنیم: گواه روشن تحقق رجعت، پیش از هر چیز قرآن کریـم اسـت کـه در آیـه ۸۴ سوره نمـل می فرمایـد:(و یوم نحشـر من کـل امـهٔ افواجاً ممن یکـذب بآیاتنا فهم یوزعون)؛ روزی که از هر ملتی، گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می کردند، زنده می گردانیم. در این آیه شریفه که برای اثبات رجعت مورد اسـتناد ائمه(ع) (۷) و دانشـمندان شـیعه قرار گرفته است، سـخن از روزی است که تنهـا گروهی (و نه همه مردم) برانگیخته می شوند، در حالی که در قیامت بنا به تصریح قرآن کریم همه انسان ها برانگیخته می گردند، آنجا که می فرماید:(و یوم ینفـخ فی الصـور ففزع من فی السـموات و من فی الارض الا من شـاء الله و کـل اتوه آخرین)؛ روزی که در صور دمیـده شود، همه کسانی که در آسـمان ها و زمین هسـتند، مگر آن کس که خـدا را خواهـد، به شدت می ترساند و همگان با ذلت نزد او حاضـر می گردند.(۸) از مقایسه این دو آیه شریفه چنین به دست می آید که آیه نخست مربوط به روزی غیر از قیامت است و آن همان روزی است که در روایـات اهـل بیت به نـام «رجعت» معروف گردیـده است. اما دلیل اصـلی اثبات رجعت روایات بی شـماری است که بر وقوع آن صـحه می گذارد. مرحوم علامه مجلسی نام بیش از پنجاه تن از عالمان و محدثان شیعه را ذکر می کند که روایات رجعت را در کتاب های خویش آورده اند که اسامی برخی از آنها بدین قرار است: سـلیم بن قیس هلالی، حسن بن صـفار، علی بن ابراهیم قمی، ثقـهٔ الاسـلام کلینی، عیاشـی، کشـی، شـیخ صدوق، شیخ مفید، سـید مرتضـی، ابوالفتح کراجکی، نجاشـی، شـیخ طوسـی، ابن طاووس و ... . مرحوم علامه مجلسـی در باره روایات رجعت می فرمایـد: کسـی که به حقانیت ائمه اطهار(ع) ایمان دارد چگونه می تواند درباره مسأله متواتری که از آنان نقل شده و نزدیک به دویست روایت صـریح در این زمینه رسیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شـیعه آنها را در کتاب های خود آورده اند، تردید کند؟ به راستی اگر مسأله‌ای مثل رجعت را نتوان از امور متواتر دانست، پس در کـدامین موضوع می توان ادعـای تواتر نمود؟(۹) شـیخ حر عـاملی نیز روایات رجعت را فزون از شـمار دانسـته و در باره آن قائـل به تـواتر معنوی شـده است.(۱۰) مـا در ایـن مقـام تنهـا بـه نقـل دو روایـت از روایـات بی شـمار رجعـت می پرازیم: ۱. از امـام صـادق(ع) دربـاره آیه: (ربنا امتنا اثنتین و احییتنا اثنتین) پرسـش شـد، حضـرت در پاسـخ فرمود: ذلک فی الرجعهٔ؛ این آیه در مورد رجعت است.(۱۱) ۲. همچنین آن حضـرت فرمـود: لیس منـا من لم یؤمن بکرمنـا، هر کس به رجعت مـا ایمـان نداشـته باشـد، از ما نیست.(۱۲) افزون بر قرآن و روایات، شـمار فراوانی ازعالمان شیعه، عقیده به رجعت را در نزد امامیه اجماعی دانسته اند.(۱۳) حال با توجه به ادله قطعی ای که رجعت را به مثابه یک عقیـده درست ثابت می کنـد، بایستی دیـد هدف از رجعت چیست؟ آیا رجعت از

جمله معجزات پیامبر اکرم(ص) است؟ آیا رجعت از نشانه های ظهور مهدی(عج) و یا معجزات آن حضرت است؟ و یا اصلاً رجعت مسأله‌ای دیگر و یا هدفی دیگر در نظام آفرینش طرح ریزی شده است؟ گر چه ممکن است به جهت محدودیت علم و ادراک ما نتوان به طور قاطع غرض و هدف اصلی از رجعت را ذکر کرد، اما با توجه به مجموع احادیثی که در مورد رجعت به ما رسیده است شاید بتوان اهداف ذیل را از جمله مواردی دانست که لزوم تحقق رجعت را توجیه می کند: ۱. رجعت با هدف نشان دادن عزت اسلام و ذلت کفر و شرک از سوی خداوند صورت می گیرد، بدین معنا که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می پیوندد که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آنچه در آن است، یکسره در اختیار مؤمنان و خدا جویان قرار گرفته و کافران و ستم پیشگان خوار و ذلیل خواهند گشت. بدیهی است که چنین حادثه ای هر انسان دینداری را شادمان و خرسند و تبهکاران و کافران را به رنج و اندوه فرو خواهد برد. از این رو خداوند مهربان و حکیم، گروهی از مؤمنان راستین و شماری از کافران سرسخت را در آن روز به جهان باز می گرداند، تا آنان از دیدن شکوه و عظمت اسلام و حاکمیت مؤمنان به وجد آیند و کافران نیز بر اثر مشاهده شوکت و قدرت پیروان دین خدا خشمگین و اندوهناک گردند و همگان در یابند که وعده الهی تخلف ناپذیر است. ۲. گذشته از این که ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که تنها در هنگام سیطره کامل اسلام می توانند به آن مقامات برسند، می توان گفت: از آن جا که طبق روایات، کافرانی که رجعت می کنند از جمله افرادی هستند که بسیار در کفر خود سرسخت و لجوج بوده اند، رجعت آنان ممکن است با این هدف انجام گیرد که دست کم مقداری هر چند اندک، از جزای اعمال ننگین خود را در دنیا بچشند و تا حدودی پاسخگوی پاره ای از ظلم و ستم های بی حد خود باشند، هر چند مجازات اصلی در سرای آخرت به آنان خواهد رسید. با توجه به مطالب پیش گفته بایستی این نکته را هم یادآور شد که نه در روایات مربوط به رجعت و نه در گفتار بزرگان شیعه هیچ گونه ملازمه ای میان رجعت و معجزه بودن آن برای پیامبر اکرم(ص) نیامده است، مرحوم امین الاسلام طبرسی، ضمن اشاره به این سخن ملازمه میان رجعت و صحت نبوت پیامبر(ص) آن را باطل دانسته و فرموده است: نزد ما(شیعیان) بلکه اکثر امت اسلامی، ظهور معجزه به دست ائمه و اولیا نیز رواست.(۱۴) بنابراین به هنگام تحقق رجعت، می توان آن را از جمله معجزات حضرت ولی عصر(عج) به شمار آورد. پی‌نوشت: ۱. المسائل السرویه، شیخ مفید، ص ۳۲، المطبعة مهر، ناشر: المؤتمر العالمی. ۲. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵،تحقیق سید مهدی رجایی، ناشر: دار القرآن، ۱۴۰۵ هـ . ق، مطبعة السید الشهداء. ۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲، الطبعة الاولی، ۱۴۰۵ هـ . ق، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات بیروت. ۴. همان، ص ۱۳۶–۱۳۹. ۵. به نقل از همان، ص ۱۲۱. ۶. الایقاظ من الهجعه، باب دوم. ۷. بحار، ج ۵۳، ص ۵۳. ۸. سوره نحل، آیه ۸۷. ۹. بحار، ج۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲. ۱۰. الایقاظ من الهجعة، باب دوم، دلیل سوم. ۱۱. بحار، ج ۵۳، ص ۵۶. ۱۲. همان، ج ۵۳، ص ۹۲. ۱۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۳۹ – ۱۳۶. ۱۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۳.

آیا حضرت عیسی(ع) و اصحاب کهف در زمان امام زمان(عج) زنده می‌شوند؟

پرسش

آیا حضرت عیسی(ع) و اصحاب کهف در زمان امام زمان(عج) زنده می‌شوند؟

پاسخ

رجعت از معتقدات شیعه و به معنای بازگشت انسان بعد از مرگ به دنیا است. وقوع رجعت در دنیا امری ممکن است. بنابر آیات و روایات فراوان، رجعت در امت‌های گذشته واقع شده است. مانند رجعت بعد از صد سال،{۱} رجت جماعتی از بنی اسرائیل،{۲} زنده شدن کشته شده‌های بنی اسرائیل،{۳} و زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی/ در روایات آمده است: قال المأمون للرضا(ع) یا ابا الحسن ما تقول فی الرجعْ، فقال(ع) انَّها الحقُ قد کانت فی الاُمَم السّالِفَه و نطق القرآن و قد قال رسول الله(ص) یکون فی هذه الاُمْ کُلُّ ما کان فی الامم السالفْ خدو النعل بالنعل، و القَذّْ بالقذّْ{؛»۴} مأمون از امام رضا(ع) درباره رجت سؤال کرد، امام فرمد: رجعت حق است و در امت‌های گذشته بوده است. قرآن آن را بیان کرده است و پیامبر(ص) فرمود هر چه که در امت‌های گذشته بودهدر امت اسلام نیز خواهد بود؛ همان گونه که امت‌های گذشته آن را عمل کرده‌اند شما نیز عمل کنید. آیات و روایات متعددی در مورد رجعت در آخر الزمان و قبل از قیامت وجود دارد؛ مانند: (و یَوم نحشُرُ مِن کُلّ امَّ فَوجاً{؛»۵} خداوند روزی از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزد. برانگیختن در آیه، با برانگیختن در روز قیامت تفاوت دارد، چون طبق این آیه بعضی از افراد امت‌ها رجعت می‌کنند ولی در قیامت تمام افراد امت‌ها رجعت می‌کنند. پس مراد از این آیه، قیامت نیست. نیز در روایت آمده است: «عن ابی جعفر الثانی عن ابائه(ع) قال النبی لابی بن کعب، یخرُجُ مرن تِهامه حین تظهر الدلائل و العلامات و له کنوز لا ذهب و لا فضْ اِلّاخیول مطهمْ و رِجال مسوَّمه یجمع الله له من اقاصی البلا علی عدّْ اهل بدر ثلاث مائْ و ثلاثْ عشر رجلاًز معه صحیفْ مختومْ فیها عدداً صحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبائعهم و حلاهم و کناهم کدّادون مجدون فی طاعته{؛»۶} از امام جواد(ع) روایت شده که پیامبر به ابی بن کعب فرمود: وقتی دلائل و علامات ظهور حضرت مهدی(ع) ظاهر می‌شود، آن حضرت از سرزمینی به نام تهامه ظهور می‌کند. همراه آن حضرت گنج‌هایی است که نه طلا هستند و نه فضه، بلکه اسب‌هایی هستند که از تمام جهات نیکو هستند و همراه آن حضرت مردانی است که آموزش دیده‌اند، خداوند مردانی را از دورترین شهرها به تعداد اصحاب بدر، سیصد و سیزده نفر جمع می‌کند. همراه آن حضرت صحیفه‌ای مهر شده است که در آن تعداد اصحاب حضرت با نام‌های آنان و شهرها و قبائل و نیکی‌ها و کینه‌هایشان ثبت شده است و آنان کسانی هستند که زحمت‌ها و کوشش‌های فراوانی در پیروی و اطاعت از آن حضرت کشیده‌اند. این تعداد سیصد و سیزده نفر یاران حضرت مهدی(عج) هستند که هنگام ظهور حضرت مهدی همراه آن حضرت هستند. هنگام ظهور آن حضرت جهان پر از عدل و داد می‌شود و بعد از اینکه حضرت مهدی(عج) حکومت عدل را برقرار کردند بسیاری از انبیأ و رسل و اهل‌بیت و عده‌ای از مؤمنین و عده‌ای از مشرکین رجعت می‌کنند.{۷} همچنین بنابر روایات، هنگام حکومت حضرت مهدی(عج) اصحاب کهف رجعت می‌کنند و حضرت عیسی بن مریم(ع) از آسمان به زمین فرود می‌آیند و پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند. در پایان سه روایت در این‌باره تقدیم می‌نماییم: ۱. «عن ابی عبدالله(ع) قال یخرج منع القاسم من ظهر الکوفَه سبعَ و عشرون رجلاً خمسْ عشر من قوم(ع) الذین کانوا یهدون بالحق و به یعدلون و سبعْ من اهل کهف، و یوشع بن نون و مسلمان و ابو دجاجه الانصاری و المقداد و مالک الاشتر فیکونون بین یدیه انصاراً و حکاماً{؛»۸} امام صادق(ع) فرمود: بیست و هفت نفر مرد از پشت کوفه با حضرت مهدی(عج) خروج می‌کنند. پانزده نفر از قوم حضرت موسی(ع) که به سوی حق هدایت شدند و به واسطه حق عدالت می‌کنند؛ هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون، مسلمان، ابو دجاجه انصاری، مقداد و مالک اشتر که از فرمانروایان و یاران حضرت مهدی(ع) هستند. ۲. «قال الباقر(ع) انّ عیسی نیزن قبل یوم القیامه الی الدنیا فلا یبقی اهل ملْ یهودی و لا غیره الّامن به قبل موته و یصلّی خلف المهدی{؛»۹} امام باقر(ع) می‌فرماید: حضرت عیسی(ع) قبل از روز قیامت در آخر الزمان از آسمان به زمین فرود می‌آیند و تمام ملت یهود و غیر یهود به حضرت عیسی(ع) ایمان می‌آورند و پشت سر حضرت مهدی(عج) نماز می‌خوانند. ۳. «عن الرضا(ع) اذا خرج المهدی من ولدی نزل عیسی بن مریم(ع) فصلی خلفه{؛»۱۰} امام رضا(ع) می‌فرماید: زمانی که حضرت مهدی(ع) از نسل من ظهور می‌کند، حضرت عیسی بن مریم(ع) از آسمان به زمین فرود می‌آیند، سپس پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند. [۱].سوره بقره، آیه ۲۵۹/ [۲].همان، آیه ۵۶ – ۵۵/ [۳].همان، آیه ۷۳ – ۷۲/ [۴].سوره

آل عمران، آیـه ۴۹/ [۵].بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۵۹، چاپ بیروت، داراحیأ التراث العربی/ [۶].سوره نمل، آیه ۸۳/ [۷].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱/ [۸].همان، ج ۵۳، ص ۴۱ - ۳۹/ [۹].همان، ص ۹۱/ [۱۰].همان، ص ۵۱/

فلسفه رجعت

فلسفه رجعت چیست؟ بعد از ظهور امام زمان وقتی جهان پر از عدل شود، دیگر چه لزومی به رجعت و حکومت یک یک امامان (ع) است؟(پ)

پرسش

فلسـفه رجعت چیست؟ بعـد از ظهور امـام زمان وقتی جهان پر از عـدل شود، دیگر چه لزومی به رجعت و حکومت یک یک امامان (ع) است؟(پ)

پاسخ

۱ـ رجعت از عقایـد معروف شـیعه است، و مقصود از آن در فرهنـگ شـیعه، بـازگشت گروهی امت اسـلامی پس از ظهور حضـرت مهـدی(عـج) و قبـل از بر پایی قیامت به دنیا است. ۲ـ همـان گونه که اشاره شـد، در رجعت همه مردگان یا همـهٔ شـیعیان به دنیا باز نمی گردنـد، بلکه عـده ای مؤمنـان خـالص و کفـار و طاغیان بسـیار شـرور به این جهان باز می گردنـد.[۱] ۳ـ بـازگشت گروهی از صالحـان و یـا تبهکاران به این جهان امری شـگفت آوری نیست، زیرا در امت های پیشین نیز گروهی پس از مرگ بار دیگر زنـده شده و پس از مدتی برای بار دوم در گذشـته اند [۲] ماننـد زنده شدن عزیر پس از صد سال،[۳] و موارد دیگری که قرآن مجیـد از آن‌ها خبر داده است.[۴] ۴ـ در رجعت، بازگشت کننـدگان به امر پروردگار عالَم زنـده می شوند، هم چنان که در قیامت همگان به امر و قـدرت ذات اقـدس الله زنـده می گردند. اگر تعدادی به دست حضـرت عیسـی(ع) زنده شده اند، آن هم به اذن الهی و قدرت خدادادی بوده است. قرآن می‌فرماید("به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشـیدم... و هنگامی که به اذن و فرمان من مردگان را زنـده می کردی.["۵] بنـابراین چنانچه رجعت به دعای امام زمان(ع) صورت گیرد؛ باز به قـدرت خـدا انجام گرفته است؛ پس لازم نیست حتماً پیامبر باشـد، بلکه به وسـیلهٔ حجت الهی و به اذن خـدا نیز می‌توان صورت گیرد. ۵ـ پس از اعتقاد به رجعت که از عقاید شـیعه است، ممکن است از تفاصیل و علت واقعی آن آگاهی نداشته باشیم، و این هیچ گونه اشکال و سستی در عقیدهٔ ما ایجاد نمی کند. مثل این که به وجود ملائکه ایمان داریم، چون قرآن از آن خبر داده، ولی تعدادشان چقدر است، نحوهٔ زندگی شان چگونه است و کارهایشان به طور تفصیل چگونه است، اطلاع دقیق نداریم. ۶ـ ممکن است علت واقعی رجعت برای ما روشن نباشد، ولی با توجه به روایات رجعت، چنین به نظر می‌رسد که بازگشت دو گروه از مؤمنان و کافران به زندگی دنیا، به منظور تکمیل یک حلقهٔ تکاملی گروه اوّل" مؤمنان "و چشیدن کیفر دنیوی گروه دوم" کافران" است. به تعبیر دیگر: گروهی از مؤمنـان خـالص که در مسـیر تکامـل معنوی با موانعی در زنـدگی خود رو به رو شـده انـد و تکامل آن‌هـا ناتمـام مانـده است، حکمت الهی ایجـاب می کنـد که سـیر تکـاملی خود را از طریق بازگشت مجرّد به این جهان ادامه دهنـد؛ شاهـد و نـاظر حکـومت جهـانی حق و عـدالت باشـند؛ و در بنـای این حکـومت شـرکت جوینـد، چرا که شـرکت در تشـکیل چنین حکومـتی از بزرگ تریـن افتخـارات اسـت. به عکس گروهی از منافقـان و کـافران جبـار سرسـخت علاـوه بر کیفر خـاص خـود در رسـتاخیز بایـد مجازات هایی در این جهان، نظیر آن چه اقوام سرکشـی مانند فرعونیان و عاد و ثمود، و قوم لوط دیدند ببینند، و تنها

راه آن رجعت است.[۶] انسان معتقد به حکمت و عدل الهی، همان گونه که معتقد است باطن این عالم پاک و بر اساس عدالت و درستی بنیان شده، معتقد است روزی فرا می‌رسد که ظاهر تمام این عالم همانند باطن می‌شود و همان گونه که باطن آن بر اساس عدل در جریان است، ظاهر آن نیز این گونه می‌شود و برای تحقق چنین امری، کسانی که مصداق تمام و کمال ظلم و عدل بوده اند، برانگیخته می‌شوند تا حقیقت این عالم نمایانده شود. اگر ظالمان این دنیا را با کامیابی سپری کرده اند، گمان نرود که واقعاً پایان آن‌ها همین گونه استک زیرا می دانیم که قیامت، چیزی جز ظهور و تجسم این عالم نیست، پس باید سرانجام دنیای ظالمان و کافرانی که با کامیابی سپری کرده اند مانند معاویه، شکست و ذلت باشد، تا در قیامت، ذلت به صورت واقعی آشکار شود. به عبارت دیگر: همان گونه که برای مؤمنان باید مسیر تکاملی آن‌ها که با موانعی در دنیا رو به رو بوده اند، برداشته شود تا این مسیر به پایان خود و سیر تکاملی صعودی برسد، کافران خالص و ظالمان نیز باید به نهایت مسیر تکاملی نزولی خود برسند و حکومت و قدرتی که باعث شده که نهایت سیر نزولی آشکار نشود، آشکار شود و در قیامت طبق همین عذاب، یا نعمت الهی هویدا شود. باید توجه داشت هنوز کسانی مانند معاویه به عنوان انسان های درستکار نزد بسیاری از مسلمانان شناخته می‌شوند. البته این نکته که بیان شده، به عقل و دانش ما رسیده، امکان دارد مسایلی در فلسفه و علت آن بیان شده که دست نیافته ایم، یا بسیاری از مسایل طرح شود که اصولاً ـ فلسفه آن بیان نشده و یا عقل ما نتواند به علت واقعی آن‌ها دست یابد، امام آن‌ها را به حکم عقل و منطق قبول می کنیم چون از جایگاه خطا ناپذیر الهی صادر شده است. این مسئله در پایان توضیح داده می‌شود. ۷ـ برای رجعت چندین دلیل ذکر شده، حتی مرحوم شیخ حرعاملی در کتاب شریف "الایقاظ من الهجعه "دوازده دلیل بیان نموده است. در این جا به دو دلیل اکتفا می کنیم: الف) اجماع امامیه (شیعه). مرحوم سید مرتضی که از بزرگان شیعه است می گوید": خدا بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی را که قبلاً از دنیا رفته اند، به این جهان باز می گرداند. دلیل بر صحت این عقیده آن است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند، چرا که مسئلهٔ محالی نیست. دلیل بر اثبات این عقیده، اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن‌ها با این عقیده (رجعت) مخالفت نکرده است.["۷] البته گروهی از علمای شیعه رجعت را به این معنا قبول نداشته و رجعت را به معنای حکومت و دولت حضرت مهدی (ع) تفسیر کرده اند. ب) روایات. احادیث از ائمه اطهار(ع) در مورد رجعت فراوان است و به حد تواتر رسیده تا جایی که مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید": چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار ائمهٔ اهل بیت(ع) ایمان داشته باشد و روایات متواتر رجعت را نپذیرد؟ احادیث صریحی که شمار آن به حدود دویست حدیث می‌رسد که چهل و چند نفر از روایات موثّق، و علمای اعلام در بیش از پنجاه کتاب آورده اند.["۸] از امام صادق(ع) معنای آیه" و یوم نحشرِ من کلّ أمهٔ فوجاً؛ روزی که از هر امتی، گروهی را زنده می کنیم.["۹] سؤال شد، فرمود: مردم چه می گویند؟ مسائل گفت: مردم می گویند: آن روز قیامت است. حضرت فرمود: مگر در قیامت از هر امتی گروهی را زنده می کنند و بقیه را زنده نمی کنند؟ خیر (مردم اشتباه می کنند) این آیه مربوط به رجعت است (نه قیامت، زیرا در قیامت همه محشور می‌شوند، نه عده ای، در صورتی که این آیه از زنده شدن گروهی سخن می گوید).[۱۰] مأمون (خلیفه دانشمند عباسی) به حضرت رضا(ع) عرض کرد: دربارهٔ رجعت چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: رجعت درست است. بازگشت بعضی از مردگان در امت های پیشین سابقه داشته و قرآن شاهد آن است، و پیامبر(ص) فرمود": آن چه در امت های گذشته بوده، در امت من نیز خواهد بود.["۱۱] یادآوری: همان گونه که نیافتن چیزی دلیل بر نبودن آن نیست، نفهمیدن مطلبی هم دلیل بر درست نبودن آن نمی‌باشد. مطالب علمی بسیاری هست که ما نمی فهمیم، ولی نفهمیدن دلیل نمی شود که آن مطلب صحیح نباشد. در اعتقادات شرعی هم همین طور است، مثلاً فلسفهٔ مسح در وضو ممکن است برای ما روشن نباشد. این نشانه آن نیست که مسح سر یا پا علت ندارد. نیز باید توجه داشت که اگر مسئله ای برای ما حل نشد، به این معنی نیست که عقیدهٔ ما با قرآن یا سایر عقاید در تضاد است، زیرا می گوییم چون قرآن یا معصوم از این مسئله خبر داده می پذیریم، اگر چه برا ی ما هنوز فلسفهٔ آن حل نشده باشد، زیرا معتقدیم آن چه خدا یا پیامبر و امام از آن خبر داده

باشند، مسلّماً درست است، چون از مقام خطا ناپذیری صادر شده است، اگر چه کیفیت مسئله و فلسفه و اهداف آها را درک نکنیم. مسئلهٔ رجعت چیزی است که در امت های گذشته واقع شده و قرآن به صراحت از آن‌ها خبر داده است، و بنا به روایات شیعه، در امت اسلام هم واقع خواهد شد. این نه چیز محالی است که انسان را گیج کند و نه عدم اطلاع از جزئیات آن مسئله ای است که ایجاد خلل در عقیدهٔ ما کند، که خیال کنیم عقیدهٔ ما در تضاد با قرآن است. پس مسئلهٔ رجعت امری است ممکن و نفهمیدن فلسفهٔ آن مشکلی در عقیدهٔ ما ایجاد نمی کند. مانند بعضی از امور دیگر که از فلسفهٔ آن‌ها آگاهی نداریم، اما چون از منبع خطا ناپذیر آمده، به حکم عقل می پذیریم. مثلاً ابن سینا در کتاب شفا می‌گوید: اگر چه من با عقل خود نمی توانم معاد جسمانی را ثابت کنم، اما چون خبر دهنده صادقی (پیامبر اسلام) از آن خبر داده، می پذیرم (و این مسئله منطقی و عقلانی است). در در پایان اضافه می کنیم: آنچه در مورد امامان قطعی به نظر می رسد، اصل رجعت و شرکت در برپایی حکومت عدل جهانی است، اما اینکه آیا آنها هم به طور مستقل حکومت خواهند کرد یا به همراه امام زمان، یا پس از او حکومت خواهند کرد یا نه، و اصلاً حکومت می کنند، نیز ایا همه حکومت می کنند یا بعضی مانند حضرت امیر و امام حسین(ع) به طور قطعی نمی توان سخن گفت و روایات در این باره متعدد و مختلف است. پی نوشت ها : [۱]تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵. [۲]جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۲۴۱، ص ۱۲۹. [۳]بقره (۲) آیهٔ ۲۵۹. [۴]بقره (۲) آیهٔ ۵۵ و ۵۶ و ۷۲ و ۷۳ و ۲۴۳؛ آل عمران (۳) آیهٔ ۴۹. [۵]مائده (۵) آیهٔ ۱۱۰. [۶]تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹. [۷]شیخ عباس قمی(صاحب مفاتیح الجنان) سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱، مادهرجع. [۸]بحارالانوار، ج ۵۳. [۹]نمل (۲۷) آیهٔ۸۳. [۱۰]مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۶۳۲ (ماده: رجعت). [۱۱]مهدی موعود (ترجمهٔ ج ۵۱ تا ج ۵۳ بحارالانور، ص ۱۲۰۰).

هدف از رجعت قبل از رستاخیز عمومی انسانها چیست ؟

پرسش

هدف از رجعت قبل از رستاخیز عمومی انسانها چیست ؟

پاسخ

این موضوع جنبه همگانی ندارد , بلکه اختصاص به مومنان صالح العملی دارد که دریک مرحله عالی از ایمان قرار دارند , و همچنین کفار و طاغیان ستمگری که درمرحله منحطی که از کفر و ظلم قرار دارند چنین به نظر می رسد که بازگشت مجدد این دو گروه به زندگی دنیا به منظور تکمیل یک حلقه تکاملی گروه اول و چشیدن کیفردنیوی گروه دوم است .

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پرسش

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پاسخ

رجعت در لغت عرب به معنای بازگشت است و در اصطلاح , بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ و پیش از روز رستاخیز اطلاق می شود که همزمان با نهضت جهانی مهدی موعود علیه السلام صورت می گیرد و این حقیقت , نه با عقل منافات داردو نه با منطق وحی . از دیدگاه اسلام و آیین های دیگر الهی , جوهره انسان را روح مجرد وی تشکیل می دهد , که از آن به نفس نیز تعبیر می شود و بعد از فنای بدن , باقی می ماندو به حیات جاودانه خود ادامه می دهد . از سوی دیگر پروردگار بزرگ , از نظر قرآن , قادر مطلق است و هیچ مانعی ,توانایی او را محدود نمی سازد . با این دو مقدمه کوتاه , روشن می گردد که مساله رجعت , از دیدگاه عقل امری است ممکن ; زیرا با اندک تاملی معلوم می شود که بازگرداندن این گروه از انسانها ,به مراتب از آفرینش نخستین آنان , سهل تر است . بنابراین پروردگاری که در وهله اول آنان را آفریده است , بی تردید بر بازگرداندن مجدد آنان توانایی دارد . بر اساس منطق وحی , نمونه هایی از رجعت را در امتهای پیشین می توان یافت . قرآن مجید در این زمینه می فرماید : و اذ قلتم یا موسی لن نومن لک حتی نری اللّه جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون , ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون . (۱)- آنگاه که گفتید ای موسی ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا آن که خداوند بزرگ را آشکار ببینیم , پس صاعقه شما را دربرگرفت در حالی که نگاه می کردید . سپس شمارا پس از مرگتان برانگیختیم , باشد که سپاسگزاری نمایید . و در جای دیگر از زبان عیسی مسیح می فرماید : و احی الموتی باذن اللّه . (۲)- مردگان را به اذن خدای بزرگ , زنده می گردانم . قرآن کریم نه تنها بر امکان رجعت صحه می گذارد که وقوع و تحقق بازگشت جمعی ازانسانها را , پس از آن که از جهان رخت بربستند , تایید می کند , قرآن در دوآیه ای که اینک می آوریم به بازگرداندن گروهی از مردم پس از مرگ و پیش از برپایی قیامت , اشاره می کند . و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض تکلمهم ان الناس کانوابایاتنا لا یوقنون و یوم نحشر من کل امه فوجا ممکن یکذب بایاتنا فهم یوزعون . (۳)- و چون سخن (خدا) بر آنان واقع شود , موجودی را از بین آنان بیرون می آوریم که با مردم درباره این که گفتار ما را باور نداشتند , سخن گوید . و آن روز که از میان هر امت , جمعی از تکذیب کنندگان نشانه های ما را , برانگیزیم پس آنان بازداشته خواهند شد . برای زمینه سازی استدلال به این دو آیه شریفه بر مساله رجعت پیش از روز رستاخیز ,شایسته است نکات یاد شده در زیر مورد توجه قرار گیرد :۱ - مفسران اسلامی برآنند که این دو آیه , پیرامون قیامت سخن می گوید و آیه نخستین , یکی از نشانه های پیش از رستاخیز را بیان می کند ; چنانکه جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور از ابن ابی شیبه و او از حذیفه نقل می کند که خروج دابه از حوادث پیش از قیامت است . (۴)۲ - تردیدی نیست که در روز رستاخیز , همه انسانها محشور می گردند , نه یک گروه معین از میان هر امت , قرآن در مورد عمومیت و فراگیر بودن حشر انسانها چنین می فرماید : ذلک یوم مجموع له الناس . (۵)- آن , روزی است که همه مردم , گرد آورده می شوند . (۶)و در جای دیگر می فرماید : و یوم نسیر الجبال و تری اللارض بارزه و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا ۰ (۷)- و روزی که کوهها را به حرکت درآوردیم و زمین را آشکار ببینی و همه آنان راگردآوری نموده و هیچ کس را فرو گذار ننماییم . بنابراین , در روز قیامت , همه افراد بشر برانگیخته می شوند و این امر به جمع معینی اختصاص ندارد . ۳ - آیه دوم از دو آیه مذکور , به برانگیخته شدن گروه خاص و جمع معینی از امتهاتصریح می نماید نه همه انسانها زیرا این آیه شریفه می فرماید : و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بایاتنا ۰۰۰ . - و آن روز که از میان هر امت , گروهی از تکذیب کنندگان آیات خود را برخواهیم انگیخت . این جمله به روشنی بر عدم برانگیخته شدن همه انسانها گواهی می دهد . نتیجه : از این سه مقدمه کوتاه , به خوبی روشن می گردد که برانگیختن گروه خاصی از انسانهای تکذیب کننده آیات الهی , که از آیه دوم استفاده می شود , حادثه ای است که پیش از برپا شدن قیام , روی خواهد داد . زیرا حشر انسانها در روز رستاخیز , شامل

همه افراد بشر می گردد و به گروه خاصی محدود نمی شود . با این بیان , روشنی گفتار ما مبنی بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ وپیش از برپایی رستاخیز , به ثبوت می رسد و این پدیده همان رجعت است . بر این اساس , اهل بیت پیامبر که قرین قرآن و مفسران وحی الهی هستند , به روشنگری در این زمینه برخاستند و ما برای رعایت اختصار , به دو گفتار از آنان اشاره می کنیم :امام صادق علیه السلام می فرماید : ایام اللّه ثلاثه یوم القائم علیه السلام و یوم الکره و یوم القیامه . - ایام الهی , سه روز هستند روز قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز رجعت و روزرستاخیز . و در جای دیگر می فرماید : لیس منا من لم یومن بکرتنا .- کسی که بازگشت مجدد ما را به دنیا نپذیرد از ما نیست . شایسته است در اینجا به دو نکته مهم اشاره کنیم :۱ - فلسفه رجعت با اندیشه در انگیزه های رجعت , به دو هدف بلند از اهداف این پدیده , برخوردمی کنیم ; یکی نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکندگی کفر و دیگری دادن پاداش به انسانهای با ایمان و نیکوکار و کیفر نمودن کافران و ستمگران . ۲ - تفاوت بارز رجعت با تناسخ لازم به ذکر است که مساله رجعت از دیدگاه شیعه هرگز مستلزم اعتقاد به تناسخ نیست ; زیرا نظریه تناسخ بر انکار رستاخیز مبتنی است و جهان را در گردش دائم می داند که هر دوره ای تکرار دوره پیش از آن است . بر اساس این نظریه , روح هر انسانی پس از مرگ , بار دیگر به دنیا باز می گردد وبه بدن دیگری منتقل می شود . پس اگر روح در زمان گذشته از نیکوکاران بوده , دربدنی قرار می گیرد که دوران بعد را با خوشی می گذراند و اگر از بدکاران بوده ,به بدنی منتقل می شود که دوران بعد را با سختی ها سپری می کند . و این بازگشت درحکم رستاخیز او است در حالی که معتقدان به رجعت , به پیروی از شریعت اسلام ,به قیامت و معاد ایمان دارند و از سوی دیگر انتقال یک روح جدا شده از بدن را به بدن دیگر محال می دانند . (۸) و تنها برآنند که گروهی از انسانها , پیش از قیامت به این جهان باز می گردند و پس از برآورده شدن حکمتها و مصالح آن , بار دیگر به سرای جاودانی می شتابند تا در روز رستاخیز , همراه با دیگر انسانها برانگیخته شوند ؟ و هرگز یک روح , پس از جدا شدن از بدن , به بدین دیگری منتقل نمی گردد .

فلسفه رجعت چیست و برای کیست؟

پرسش

فلسفه رجعت چیست و برای کیست؟

پاسخ

آنچه از برخی آیات احادیث استفاده می‌شود این است که رجعت برای عده‌یی از مؤمنان محض و گروهی از کافران محض خواهد بود مؤمنان محض شکوه و عظمت حکومت عدل جهانی اسلام را می‌بینند و کافران محضر مرحله‌یی از انتقام و عقوبت الهی را در همین جهان دریافت خواهند کرد. « بخش پاسخ به سؤالات »

دلایل رجعت

دلایل رجعت

اشاره

پس از ظهور امام زمان(ع) آیا حضرت علی(ع) و دیگر امامان بازگشت نموده به ترتیب حکومت خواهند کرد؟

پرسش

دلایل رجعت پس از ظهور امام زمان(ع) آیا حضرت علی(ع) و دیگر امامان بازگشت نموده به ترتیب حکومت خواهند کرد؟

پاسخ

معنای لغوی و اصطلاحی رجعت: رجعت در لغت به معنای" بازگشت "و در اصطلاح به زنده شدن و بازگشت افرادی است قبل از قیامت.(۱) این عقیده مختص شیعه می‌باشد و بقیه فرقه‌های اسلامی به آن عقیده ندارند. حقیقت و فلسفه رجعت: شیعه را عقیده بر آن است که در هنگام ظهور حجت(عج) یا بعد از آن، ائمه معصومین(ع) و برخی مؤمنان درستکار که در مرحله عالی ایمان قرار دارند و در مسیر تکامل معنوی با موانعی مواجه شده‌اند و تکامل آن‌ها ناتمام مانده است، حکمت الهی ایجاب می‌کند که سیر تکاملی خویش را از طریق بازگشت به این جهان ادامه دهند. اینان می‌باید شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در بنای رفیع این حکومت شرکت جویند. هم چنین کفار و طاغیان ستمگری که در مرحله منحطّی از کفر و ظلم قرار دارند، رجعت می‌کنند تا علاوه بر کیفر خاص در رستاخیز، مجازات‌هایی در این جهان ببینند.(۲) ب: روایات امام صادق(ع) فرمود": رجعت عمومی نبوده، بلکه جنبه خصوصی دارد، و تنها کسانی که در بالاترین مرتبه ایمان و پایین‌ترین مراتب شرک قرار دارند، رجعت می‌نمایند.("۳) دلایل رجعت دلایل فراوانی بر رجعت اقامه شده است تا آن جا که برخی دوازده دلیل جمع آوری نموده‌اند که از سوی علمای شیعه اقامه شده است.(۴) برخی از آن ادله این است: الف) قرآن: شیخ حرّ عاملی ۶۵ آیه را ذکر نموده است که به طور مستقیم و یا به واسطه انضمام به احادیث وارده در ذیل آن‌ها بیانگر وقوع رجعت است.(۵) از جمله، این آیه است(": به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم.("۶) در بخری از تفاسیر وارد شده که منظور از" آیات "امیرالمؤمنین و ائمه(ع) هستند.(۷) ۱ – امام صادق(ع) فرمود: به خدا قسم این دنیا سپری نگردد تا این که خداوند مردگانی را زنده سازد و زنده‌ها را بمیراند و حق را به اهلش بازگرداند و دین خود را آنچنان که می‌خواهد بر پا دارد.(۸) ۲ – امام صادق فرمود": نخستین کسی که قبرش می‌شکافد و زنده شده و به دنیا برمی‌گردد، حسین به علی(ع) است.("۹) ۳ – امام باقر(ع) فرمود": پیغمبر اکرم(ص) و علی(ع) به دنیا رجعت می‌کنند.("۱۰) اما کیفیت بازگشت و همچنین حکومت آنان به صورت کامل مشخص نشده که آیا حکومت دارند و حکومت آن بزرگواران در زمان حضرت مهدی(عج) می‌باشد یا بعد از آن است. البته برخی اندیشوران با استفاده از روایات، به ترتیب میزان حکومت و ترتیب آن را بیان نموده‌اند.(۱۱) ادله فراوان دیگری نیز اقامه شده است که می‌توانید با رجوع به کتب ذیل آگاهی یابید: ۱ –تفسیر نمونه، ج۱۵، ص ۵۵۵. ۲ –رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی. ۳ – رجعت، محمد باقر بهبودی. ۴ – مهدی موعود، باب سی و چهارم، رجعت. پی‌نوشت‌ها: ۱ – دانشنامه قرن، ج ۱، ص ۱۰۹۷. ۲ – تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹. ۳ – بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹. ۴ – شیخ حر عاملی، الایقاظ من الهجعة، ص ۲۹ – ۷۲. ۵ – همان، ص ۷۲، تا ص ۹۷. ۶ – نمل (۲۷) آیه ۸۳. ۷ – تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم. ۸ – بحار، ج ۱۱، ص ۲۷. ۹ – مهدی موعود، ص ۱۱۸۶. ۱۰ – همان، ص ۱۱۸۷. ۱۱ – آیةاللّه احمدی شاهرودی، این گونه باور کنیم (سیری در

عقاید)، ص ۴۰۰ به بعد، چاپ بوستان کتاب، قم.

بـرخـی بـرای نفی و انکار رجعت چنین اقامه دلیل کرده اند : خداوند از آنجا که مهربانترین است و کمال بندگان خود را می خواهد وقتی کسـی را از دنیا می برد که اوبه همه کمالات خود دست پیدا کرده باشد و همه قوا و اسـتعدادش شکوفا شده به فعلیت رسیده باشد . بنابراین رجو

پرسش

برخی برای نفی و انکار رجعت چنین اقامه دلیل کرده انـد : خداونـد از آنجا که مهربـانترین است و کمـال بنـدگان خود را می خواهد وقتی کسی را از دنیا می برد که اوبه همه کمالات خود دست پیدا کرده باشد و همه قوا و اسـتعدادش شکوفا شده به فعلیت رسیده باشد . بنابراین رجوع چنین کسی به دنیا پس از مرگ برابر است با رجوع کمال و فعلیت به قوه و استعداد و چنین امری محال است . مگر آنکه مخبری صادق مثل خداونـد از آن خبر دهـد اما خداوند و اولیای او چنین خبری نداده اند . پس رجعت عقلامحال است .

پاسخ

اولا : اگر رجعت محال باشد با اخبار مخبری صادق ممکن نمی شود زیرا محال عقلی استثناء ناپذیر است . ثانیا : رجوع فعلیت به قوه محـال است . امـا در مورد رجعت چنین چیزی صـادق نیست زیرا می توان گفت همـانطور که اگر انسـانی در اثر تـصـادف پیش از گذراندن عمر طبیعی از دنیا برود به کمالات خود دست پیدا نکرده است یعنی اگـر باقی می ماند مسلماکمالات بیشتری تحصیل می کرد ; می توان گفت به کمال رسیدن همه اسـتـعـدادهـای بـرخی انسان ها نیز دارای شرایطی است که از آن جمله است گذراندن زندگی برزخی پس ازمرگ و برگشت به دنیا برای اتمام سیر کمالی . علاوه بر این , آیات قرآن نیز فی الجمله بر این مطلب دلالت دارند . [ام حسبتم ان تدخلوا الجنه و لما یاتکم مثل الذین خلوا من قبلکم (بقره – ۲۱۴)] . داستان پیامبرانی مانند ابراهیم , موسی , عیسی , عزیر و ارمیا نیز شاهد این مطلب اند .

قـرآن کـریـم کدام بازگشت به دنیا را نفی می کند ؟ و آیا نفی این بازگشت , منافاتی با اعتقاد به رجعت دارد ؟ چرا ؟

پرسش

قـرآن کـریـم کدام بازگشت به دنیا را نفی می کند ؟ و آیا نفی این بازگشت , منافاتی با اعتقاد به رجعت دارد ؟ چرا ؟

پاسخ

قـرآن کریم از کـافران و تبهکـاران نقل می کنـد که هنگامی که مرگشان فرا می رسـد یاعـذاب هلاک کننـده ای برایشان نازل می شود که آرزو می کننـد که ای کاش به دنیابرمی گشتیم و از اهل ایمان و نـیکوکاران می شـدیم , یا از خـدای متعال درخواست می

کنند که ما را به دنیا برگردان , تا گذشته خود را جبران کنیم , ولی چنین آرزوها و درخواستها , عملی نمی شود . حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فی ما ترکت کلا انهاکلمه هو قائلها (مومنون / ۹۹) ترجمه : تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد گوید : پرودگارا مرا برگردان ,شاید کار شایسته ای در موردی که ترک کرده ام انجام دهم . هرگز این سخنی است که او می گوید : (آرزویی است که هرگز عملی نمی شود) . او تقول حین تری العذاب لو ان لی کره فاکون من المحسنین (زمر / ۱۷) یا هنگامی که عذاب را می بیند گوید : ای کاش بازگشتی می داشتم تا از نیکوکاران شوم . اذ المجرمون ناکسوا رووسهم عند ربهم ربنا ابصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صالحاانا موقنون (سجده / ۱۲) هنگامی که بزهکاران سرهای خویش را نزد پروردگارشان فرو افکنده اند و گویند : پروردگارا اکنون دیدیم و شنیدیم پس ما را برگردان تاکار شایسته ای انجام دهیم اینک ما اهل یقین هستیم . از این آیات به خوبی استفاده می شود که عالم آخرت جای انتخاب راه و عمل به تکالیف نیست و حتی یقینی که هنگام مرگ یا در عالم آخرت حاصل می شود , تاثیری درتکامل انسان ندارد , و استحقاق پاداشی نمی آورد , از این رو کافران و گنهکاران آرزو می کنند که به دنیا برگردند تا اختیارا ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند , ولی درخواست آنها مردود می شود . و رد تقاضای آنها با رجعت منافات ندارد زیرا قرآن بازگشت کسانی را نفی می کند که عمری را با کفر و عصیان گذرانده اند و در حال مرگ آرزوی بازگشت به دنیا و جبران گناهان خود را دارند و نیز بازگشت از آخرت به دنیا را مطلقا نفی می کند و این به معنی نفی هرگونه بازگشت (از عالم برزخ) به دنیا نیست زیرا چنان که قبلا گفته شد , کسانی بوده اند که بعد از مرگ دوباره در همین دنیا زنده شده اند(مثل حضرت عزیز و اصحاب کهف) و طبق عقیده شیعیان , بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)نیز , کسانی به دنیا رجعت خواهند کرد .

چه روایاتی از معصومین رسیده که دلالت بر رجعت دوباره شهیدان به دنیا می کند؟

پرسش

چه روایاتی از معصومین رسیده که دلالت بر رجعت دوباره شهیدان به دنیا می کند؟

پاسخ

از برخی روایات چنین بر می آید که شهیدان بار دیگر به دنیا رجعت خواهند داشت. زراره گوید: «کرهتُ أن أسأل أبا جعفر(ع) عن الرّجعهٔ واستخفیت ذلک. قلت: لأسألنّ مسألهً لطیفهٔ أبلغ فیها حاجتی. فقلت: أخبرنی عمّن قتل أمات؟ قال: لا الموت موت والقتل قتل. قلت: ما أحد یقتل إلّا وقد مات؟ فقال: قول الله أصدق من قولک فرّق بینهما فی القرآن فقال: «أفإن مات أو قتل» وقال «ولئن متّم أو قتلتم لإلی الله تحشرون» لیس کما قلت یا زراره . الموت موت و القتل قتل. قلت: فإنّ الله یقول: «کل نفس ذائقهٔ الموت». قال: من قتل لم یذق الموت. ثم قال: لابدّ من أن یرجع حتّی یذوق الموت» (نور الثقلین ۱/۴۰۳)؛ [خوش نداشتم از امام باقر(ع) درباره مسأله رجعت مسقیماً بپرسم. آن را پنهان داشته با خود گفتم مسأله لطیف تری از او میپرسم که در ضمن آن نیازم (رجعت) برآورده شود. پس عرض کردم: به من خبر ده از کسی که کشته شده آیا مرده است؟ فرمود: نه، مردن، مردن است و کشته شدن کشته شدن. گفتم: کسی کشته نمی شود جز این که مرده است. فرمود: گفتار خداوند راست تر از گفتار توست. او (خداوند) میان این دو در قرآن فرق گذاشته و فرموده است: آیا کسی که بمیرد یا کشته شود و فرمود: اگر بمیرید یا کشته شوید به سوی خدا محشور خواهید

شـد. این گونه نیست که تو می گویی ای زراره. مردن، مردن است و کشـته شـدن کشـته شدن گفتم: خداوند می فرماید: هر نفسـی چشـندهٔ مرگ است. فرمود: کسـی که کشـته شود مرگ را نمی چشد. سـپس فرمود: ناچار باید برگردد (رجعت) تا مرگ را بچشد. امام باقر(ع) در روایت دیگری ضمن این که رجعت شهید را بیان داشته مصداق بارز «سبیل الله» را نیز معرفّی فرموده است: «سئل عن قول الله «ولئن قتلتُم فی سبیـل الله أو مُتّم» قـال: أتـدری یـا جـابر ما سبیل الله؟ فقلت لا و الله إلّا أن أسـمعه منک. قال سبیل الله علیّ(ع) وذریّته. فمن قتل فی ولایته قتل فی سبیل الله و من مات فی ولایته مات فی سبیل الله. لیس من یؤمن من هـذه الأُمّـهٔ إلّا وله قتلهٔ و میتهٔ. قـال: إنّه من قتل ینشـر حتی یموت و من مات ینشـر حتّی یقتل» (نور الثقلین ۱/ ۴۰۳)؛ [درباره گفتار حق تعالی و آیـهٔ «ولئن قتلتم فی سبیـل الله أو متّم» آل عمران/۱۵۷ سـئوال شـد. فرمود: ای جابر میـدانی سبیل الله چیست؟ گفتم نه به خدا جز این که از شـما بشـنوم. فرمود: سبیل الله علی(ع) و ذریّهٔ و تبار او هسـتند. کسـی که در راه «ولایت» او کشـته شود در راه خدا شـهید شده و کسی که در راه «ولایت» او بمیرد در راه خـدا مرده است. هیچ مؤمنی از این امّت (پیامبر(ص)) نیست جز این که بر او یک کشـته شدن و یک مردن است. کسی که کشته شود رجعت می کند تا بمیرد و کسی که بمیرد رجعت می کند تا شهید گردد.]

با توجه به این که در روایات آمده است، نخستین رجعت کننده امام حسین است، آیا دلیل قرآنی نیز بر تأیید این مطلب وجود دارد؟

پرسش

بـا توجه به این که در روایـات آمـده است، نخستین رجعت کننـده امـام حسـین است، آیـا دلیل قرآنی نیز بر تأییـد این مطلب وجود دارد؟

پاسخ

آیات قرآن کریم، بیان کنندهٔ کلیات احکام است و جزئیات آن به وسیلهٔ روایات معصومین: بیان شده است، لذا هر چند با استفاده از برخی آیـات، ماننـد: نمل، ۸۳ و... اصـل رجعـت ثـابت میشـود، امّـا اشارهـای به جزئیـات آن و این که نخسـتین رجعت کننـده امـام حسیناست، نشده است.(ر. ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۵، ص ۵۵۹، دارال.....Øالاسلامیه.)

رجعت را با استناد به کدام آیات اثبات می کنید؟

پرسش

رجعت را با استناد به کدام آیات اثبات می کنید؟

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می‌باشد و در اصـطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشـمندان شـیعه چنین است که می گوینـد، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضـرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران رجعت هر

یک از ائمه هدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و همچنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل‌بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده‌اند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا؛ رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند» (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱). در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می‌شود، امام حسین(ع) می‌باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع)؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می‌شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است». همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علی رجعت خواهند کرد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳ - سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۱۵). از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در میان امت‌های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است هر چه درامت‌های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰). و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند: اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل‌بیت(ع) قبل از قیام قیامت است. ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می‌افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می‌باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی‌شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود. خلاصه سخن : ۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می‌باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد. ۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان‌هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته‌اند به زندگی دنیوی باز می گردند، یکی از گروه‌هایی که رجعت می کنند، ائمه(ع) می‌باشند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم‌الدین طبسی ۲- رجعت، محمد باقر بهبودی

آیا رجعت برهان و دلیل عقلی دارد ؟

پرسش

آیا رجعت برهان و دلیل عقلی دارد ؟

پاسخ

دلایل رجعت، همگی نقلی هستند. عقل تنها فتوا می دهد که رجعت از نظر عقلی محال نیست. اما این که چنین اتفاقی می افتد باید به نقل مراجعه کرد. چنان که برای اثبات وجود تاریخی نادرشاه باید به دلایل تاریخی مراجعه کرد و عقل تنها فتوا می دهد که وجود شخصی به نام نادرشاه با آن ویژگی ها و خصوصیات خاص محال نیست. رجعت نیز اصلی دینی است که با دلایل نقلی اثبات می شود.

آیا چنین نیست که همه مردم اعم از خوب و بد در قیامت به سزا و جزای عمل خویش می رسند؟ پس چگونه است که مومنان خالص و ممحضین در شرک دوباره زنده می شوند تا با یکدیگر بجنگند؟ چرا چنین چیزی رخ می دهد؟ مگر آنان نتیجه کرده های خویش را از خدا دریافت نمی کنند؟ و در ن

پرسش

آیا چنین نیست که همه مردم اعم از خوب و بد در قیامت به سزا و جزای عمل خویش می رسند؟ پس چگونه است که مومنان خالص و ممحضین در شرک دوباره زنده می شوند تا با یکدیگر بجنگند؟ چرا چنین چیزی رخ می دهد؟ مگر آنان نتیجه کرده های خویش را از خدا دریافت نمی کنند؟ و در نهایت به بهشت یا جهنم نمی روند؟ Is it not that all people from good and bad will receive their award or punishment in the day of judgment? So how is it that the very faithful and the very moshrek will be brought to life again to fight with each other? Why would that be? Don't they get the result of what they did from Allah and eventually go to "Behesht" or "Jahannam"?

پاسخ

هدف اصلی از رجعت برای مومنان و مشرکان، انجام کارهای ناتمامی است که در دنیا داشتند و موفق به اجراء نشدند. یعنی مومنان خالص، در دنیا همه تلاششان این بوده است که دین حق را در زمین گسترش بدهند، اما با مخالفت طاغوت ها و دشمنان دین مواجه شدند و از پیاده کردن هدف خود، بازماندند. این هدف در حکومت حضرت مهدی سلام الله علیه تامین می شود و از باب اینکه خداوند متعال این مومنان را در اهدافشان خالص یافت، به آنها لطف می کند و آنها را مجددا به دنیا باز می گرداند تا بتواند در رکاب حضرت مهدی سلام الله علیه هدف خود را اجرا کنند. همچنین سران شرک و نفاق و کفر که جلوی دین حق را گرفتند می بایست در همین دنیا مجازات شوند و با پیروزی حق در همین دنیا تنبیه شوند، درست است در قیامت مجازات اصلی و اساسی را خواهند چشید، اما این منافاتی با خذلان و درد دنیوی ندارد با رجعت آنها و مجازاتشان در دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سزای اعمال بد خود را در دنیا می چشند. بنابراین رجعت هیچ منافاتی با جزای و پاداش عمل خوب و بد در قیامت ندارد. بله مومنان خالص در قیامت از ایمان خود کمال بهره را خواهند برد و سران شرک و نفاق و کفر نیز به عذاب ابدی گرفتار می شوند و این پاداش و جزای اصلی دو گروه مومن خالص و مشرک خالص است، اما دولت حضرت مهدی سلام الله علیه خلاصه همه آرزوهای پیامبران و اولیاء الهی و مومنان خالص است و در این دولت که اسلام و عدالت بسط کامل می یابد، مومنان خالص و مشرکان خالص نیز به حق خود در دنیا می رسند که اولی موفق می شود که به طور عینی پیاده شدن حق را ببیند و خود نیز در آن مشارکت داشته باشد و این هدف سراسر زندگیش بوده است. و دومی بعینه باطل و سراب بودن تمام تلاشهایش را در دنیا می بیند و این هم مجازاتی سنگین برای آنهاست.

آیا کسانی که به قیام در رجعت آورده می شوند کسانی هستند که مشکل نزاع و تعارض در مورد امامت و رهبری داشته اند؟ به عنوان مثال حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در برابر ابوبکر و عمر و عثمان با امام حسین و اصحابشان در برابر یزید و اصحابش و ... تا در امر رهبری همراه

پرسش

آیا کسانی که به قیام در رجعت آورده می شونـد کسانی هسـتند که مشـکل نزاع و تعارض در مورد امامت و رهبری داشـته انـد؟ به عنـوان مثـال حضـرت علی(ع) و حضـرت فـاطمه(س) در برابر ابـوبکر و عمر و عثمـان بـا امـام حسـین و اصـحابشان در برابر یزیـد و اصـحابش و ... تـا در امر رهبری همراه با کسانی که دعا می کننـد که بتواننـد به یاری آنها بشـتابند پیکار کننـد؟ آیا فلسـفه قیام این است؟ Would the people who are brought to the “gheeyam” for “rojaa” be the people who had problems and conflicts about leadership? For example would “Hazrate Imam Ali and Hazrate Fatima” vs “Abu-bakr, Umar and Usman” - “Imam Hossein and as-hab” vs “Yazid and as-hab” be there that all have to do with conflicts on leadership along with any other faithful people who pray and doa to be able to help? Is this the “falsafe” of “gheeyam”?“

پاسخ

جزئیات در رجعت روشن نیست، اجمالا مشخص است که سران ایمان و سران کفر و نفاق بازگردانده می شوند و رجعت دارند، اما کیفیت آن چگونه است و دقیقا چه کسانی رجعت می کننـد، برای ما مجهول است. بله مسـلم است که ائمه اطهار سـلام الله علیهم و برخی از اصـحاب پـاک باخته آنها و برخی از پیامبران پیشـین و یاران خالصـشان رجعت دارنـد. در جانب کفر و نفاق نیز از رجعت برخی افراد نام برده شده است. همچنین مسـلم است که رجعت مربوط به کسانی است که در ایمان خالص بوده و در جانب مخالف از سران و رهبران کفر و نفاق باشند.

آیا دلیل عقلی بر ضرورت رجعت وجود دارد؟

پرسش

آیا دلیل عقلی بر ضرورت رجعت وجود دارد؟

پاسخ

برخی از بزرگان برای اثبات ضرورت رجعت به ادله‌ای عقلی تمسک کرده‌اند. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: دلیل اول: قسر دائم یا اکثری محال است تقریر دلیل: الف. روح ونفس ناطقه، علاقه تام به بدن عنصری دارد ولذا هر گاه بعد از مرگ توجه آن به بـدن طبیعی به نحو کامل حاصل شود، زنـدگی جدید ممکن است. ب. هر حقیقت، خاصـیّت واثری دارد، لذا پیامبر وامام دارای قوه تکمیل وتعلیم نسبت به جمیع بشـر است تا روز قیامت. ج. در حکمت به اثبات رسیده که قسر دائمی یا اکثری محال است، یعنی هر طبیعت وحقیقتی، محال است که در هیچ وقت یا در اکثر اوقات از خاصـیتش محروم گردد. نتیجه اینکه رجوع پیامبر وامامان: به دنیا از آنجـا که در زمان حیاتشان نسـبت به تعلیم عموم بشـر به فعلیت نرسـیده، ضـروری است. دلیل دوم: ضـرورت تـداوم راه مصـلحان

تقریر دلیل: الف. هر شخص انقلابی که درصدد برپایی نهضتی بزرگ در سطح جامعه است، احتیاج به جانشینانی دارد که اصول ترسیم شده از ناحیه او را تبیین وتطبیق نمایند، ولذا بعد از پیامبر (ص) دوازده امام: منصوب شدند. ب. مطابق روایات شیعه وسنّی امامان بعد از پیامبر (ص) تا روز قیامت دوازده نفرند. ج. امام دوازدهم، حضرت مهدی (ع) بزرگ‌ترین قیام کننده جهانی است که با هدف برپایی حکومت عدل توحیدی در سطح جهان قیام خواهد نمود. د. این گونه قیام، نیاز به آمدن اشخاصی بعد از او دارد که ادامه دهنده راه او در زمینه تبیین وتطبیق منویات واصول نهضت او باشند که همانند او از مقام عصمت برخوردارند. نتیجه: ضرورت رجعت اهل بیت:. دلیل سوم: فطری بودن رجعت تقریر دلیل: الف. ضرورت حکومت عدل عالمی، فطری بشر است. ب. عمر حضرت بعد از ظهور عادی خواهد بود، زیرا اصل در عدم اعجاز است. ج. مطابق قاعده وروایات، مدت حکومت عدل توحیدی طولانی خواهد بود. د. باید کسانی باشند مثل خود حضرت که ادامه دهنده راه او هستند. نتیجه: ضرورت رجعت. غیر از این ادلّه عقلی، جهات دیگری وجود دارد که اعتقاد به رجعت را ضروری می‌سازد: ۱ - وجود روایات فراوان در موضوع رجعت. ۲ - رجعت، با مسأله امامت گره خورده واشاره به مظلومیّت اهل بیت: دارد. ۳ - رجعت، زمینه‌ساز اعتقاد به معاد است واعتقاد مردم را به قیامت کبرا هموار می‌سازد. ۴ - عقیده به رجعت، اثر ترتیبی در جامعه دارد، زیرا از آنجا که عصر ظهور به مانند بهشت روی زمین است که در آن انسان‌های بسیار خوب وبسیار بد رجعت می کنند، لذا این عقیده مشوّق انسان بر کار خوب است تا به این فضیلت یعنی زندگی در بهشت زمین در عصر ظهور با رجعت نایل آید.

آیا قرآن به رجعت کسانی به این دنیا اشاره نموده است؟

پرسش

آیا قرآن به رجعت کسانی به این دنیا اشاره نموده است؟

پاسخ

در قرآن به رجعت به معنای رجوع کسی به این دنیا در موارد زیادی اشاره شده است. اینک به برخی از نمونه‌های آن اشاره می کنیم: ۱ - خداوند متعال می‌فرماید: {أَلَمْ‌تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ المَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْياهُمْ"}؛ آیا ندیدید کسانی را که از ترس مرگ از دیار{پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۴۳. پاورقی} خود بیرون رفتند که هزاران تن بودند، خداوند فرمود: بمیرید، همه مردند سپس آنان را زنده کرد ".آیه اشاره به زنده شدن هفتاد هزار خانوار دارد که بر اثر طاعون از دنیا رفته بودند. {"پاورقی . درالمنثور، ج ۱، ص ۳۱۱ ؛ جامع البیان، ج ۲، ص ۷۹۷. پاورقی} ۲ - خداوند می‌فرماید: {فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها كَذلِكَ يُحْيِي اللَّهُ المَوْتى وَيُرِيكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ"}؛ پس دستور دادیم که پاره‌ای از اعضای آن گاورا بر بدن کشته بزنید تا{پاورقی . سوره بقره، آیه ۷۳. پاورقی} ببینید که خداوند این گونه مردگان را زنده خواهد نمود وقدرت کامل خویش را آشکار خواهد ساخت، شاید شما به خرد درآیید ".آیه مربوط به کشته بنی‌اسرائیل است که به قدرت خداوند زنده شد. {پاورقی . در المنثور، ج ۱، ص ۷۹ ؛ جامع البیان، ج ۱، ص ۵۰۹. پاورقی} ۳ - خداوند می‌فرماید: {وَإِذْ قُلْتُمْ يا مُوسى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ × ثُمَّ بَعَثْناكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ"}؛ وبه {پاورقی . سوره بقره،آیات ۵۵ù۵۶. پاورقی} یاد آرید وقتی را که گفتید: ای موسی! ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه خدا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه

سوزان بر شما فرود آمد وآن را به چشم خود مشاهده کردید. سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم، باشد که خدا را شکر گزارید ".آیه مربوط به برخی از قوم حضرت موسی (ع) است که تقاضای رؤیت خدا به چشم را کردند که این خواسته سبب نزول عذاب ومرگ آنان شد ولی خداوند بار دیگر آنها را زنده کرد. {پاورقی . درّ المنثور، ج ۱، ص ۷۰ ؛ کشاف، ج ۱، ص ۲۷. پاورقی} ۴ - ونیز می‌فرماید: {أَوْ كَالَّذِی مَرَّ عَلی قَرْیَةٍ وَهِیَ خاوِیَةٌ عَلی عُرُوشِها قالَ أَنّی یُحْیِی هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ"}؛ یا به مانند آن کسی که به{پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۵۹. پاورقی} دهکده‌ای گذر کرد که خراب وویران شده بود، گفت: به حیرتم که خداوند چگونه این مردگان را دوباره زنده خواهد کرد، پس خداوند او را صد سال میراند وسپس زنده‌اش کرد ".آیه مربوط به یکی از انبیای الهی است که پس از صد سال دوباره زنده شد. {پاورقی . کشاف، ج ۱، ص ۲۹۵ ؛ درالمنثور، ج ۱، ص ۳۳۱ ؛ جامع البیان، ج ۳، ص ۴۰. پاورقی} ۵ - خداوند از حضرت عیسی (ع) حکایت کرده که فرمود: {وَأُحْیِی المَوْتی بِإِذْنِ اللَّهِ"}؛ من مرده را به اذن خدا زنده می‌کنم {".پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۴۹. پاورقی} طبری می‌گوید": حضرت عیسی (ع) مردگان را با دعایش زنده می‌کرد. "مطابق{پاورقی . جامع البیان، ج ۳، ص ۳۷۵. پاورقی} روایات نبوی که هر آنچه در امت‌های پیشین اتفاق افتاده در این امت نیز واقع خواهد شد، مسأله رجوع به دنیا بعد از مرگ در این امت نیز امری واقع شدنی است.

آیا رجعت با عقل وفلسفه سازگاری دارد؟

پرسش

آیا رجعت با عقل وفلسفه سازگاری دارد؟

پاسخ

برخی معتقدند که رجعت با عقل وفلسفه ناسازگاری دارد: ۱ - اشکال عقلی ولی اللّه دهلوی می‌گوید: رجوع معصیت‌کاران به جهاتی است: الف. به جهت عذاب، که این ظلم است، زیرا عذاب آنها در آخرت است، وتکرار آن در دنیا ظلم به حساب می‌آید. ب. به جهت اذیت وآزار اوست، که در قبر تحقق یافته ولذا دوباره با رجعت عبث وبیهوده است. ج. به جهت اظهار خیانت آنها به مردم است، که این جهت در زمان وعصر آنها سزاوارتر است تا مردم آن عصر عبرت بگیرند. د. با رجعت نیکان لازم می‌آید که به جهت دو بار مردن اذیت شوند. {پاورقی . تحفه اثنی عشریه، ص ۴۸۴. پاورقی} اولاً: عذاب کافران وگناه‌کاران بعد از رجعت از جمله عقوبات آنها به حساب می‌آید که مصلحت اقتضا کرده بخشی از آن در این دنیا صورت پذیرد. پس محظور عقلی در بین نیست. ثانیاً: اظهار خیانت گناه‌کاران نسبت به مردمی که در عصر آنها نبوده‌اند نیز مؤثر است، واگر در عصر آنها این رجعت وعذاب صورت نگرفت به این جهت است که مردم به اجبار والجاء نیفتند. ثالثاً: مطابق روایات، مرگ ونزع روح نسبت به اولیای الهی خصوصاً انبیا واوصیا همانند استشمام بوی خوش است. ۲ - اشکال فلسفی می‌گویند: مرگ بدون استکمال حیات وخروج از قوه به فعل حاصل نمی‌شود. ورجوع به دنیا بعد از مرگ در حقیقت رجوع به قوّه بعد از فعلیّت است که در فلسفه بطلان آن به اثبات رسیده است. این اشکال در مرگ‌های طبیعی صادق است نه مرگ‌های اختراعی از قبیل قتل ومرض که حیات آنها در این موارد به فعلیت تامه نرسیده است.

آیا اعتقاد به رجعت برگرفته از یهود است؟

پرسش

آیا اعتقاد به رجعت برگرفته از یهود است؟

پاسخ

احمد امین مصری می‌گوید": یهود در قول واعتقاد به رجعت در تشیّع نیز تأثیر داشته است. {"پاورقی . فجر الاسلام، ص ۳۳. پاورقی} ۱ – این گونه نیست که اسلام با یهودیت در همه امور مخالف باشد، ولذا پیامبر اکرم (ص) در توصیف قرآن خطاب به آنان می‌فرماید: {مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ"}؛ این قرآن{پاورقی . سوره بقره، آیه ۴۱. پاورقی} تصدیق کننده چیزی است که با شماست". ونیز قرآن می‌فرماید: {کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ...}؛{پاورقی . بقره، آیه ۱۸۳. پاورقی"} روزه بر شما مکتوب شد آن گونه که بر امت‌های پیشین نوشته وفرض شده است ".۲ – اعتقاد به رجعت به تبع روایاتی است که از طرق اهل بیت عصمت وطهارت: رسیده است، روایاتی که فوق حدّ تواتر است.

آیا تمام احادیث رجعت از طرق شیعه وارد شده است؟

پرسش

آیا تمام احادیث رجعت از طرق شیعه وارد شده است؟

پاسخ

اسخ : برخی از اهل سنّت اشکال می‌کنند که احادیث رجعت تنها از طرق شیعه رسیده ولذا اعتباری ندارد. پاسخ: ۱ – روایات شیعه در باب رجعت از طریق اهل بیت عصمت وطهارت است که به نصّ قرآن وحدیث، کلامشان از عصمت برخوردار است، ولذا اعتقاد به آن حتی بر اهل سنّت نیز واجب است. ۲ – سرّ عدم طرح این مسأله در کتب اهل سنّت شاید به این جهت باشد که "رجعت "تجلّی امامت امامان شیعه است، ودر حقیقت اشاره به این نکته دارد که چون حقّ آنها غصب شده، لذا خداوند دوباره آنها را به دنیا ارجاع داده وبه ولایت کامل خواهد رسانید.

آیا قول به رجعت مستلزم تناسخ باطل است؟

پرسش

آیا قول به رجعت مستلزم تناسخ باطل است؟

پاسخ

برخی می گویند: رجعت همان تناسخی است که در علم کلام به اتّفاق آراء بطلان آن به اثبات رسیده است، زیرا با رجعت، روح انسان به بدن باز می گردد. این اشکال ناشی از سوء برداشت وعدم فهم دقیق معنای تناسخ است. تناسخ به معنای انتقال روح است در این دنیا از بدنی به بدن دیگر که مباین با بدن اول است واین عمل تا پایان عمر دنیا ادامه پیدا کند. در حالی که مورد رجعت در عصر وزمان خاصّی است که در مورد برخی از اموات اتّفاق خواهد افتاد ودر آن وقت روح آنها به جسمشان منتقل خواهد شد، آن گونه که در قیامت خواهد بود.

آیا قرآن مخالف قول به رجعت است؟

پرسش

آیا قرآن مخالف قول به رجعت است؟

پاسخ

دهلوی می گوید: مطابق برخی ازآیات، رجعت انسان به این دنیا امکان‌پذیر نیست زیرا خداوند متعال درخواست کسانی را که تقاضای رجوع به دنیا را نموده‌اند ردّ کرده است آنجا که می‌فرماید: {... قالَ رَبِّ ارْجِعُونِ × لَعَلِّی أَعْمَلُ صالِحاً فِیما تَرَکْتُ کَلّا إِنَّها کَلِمَةٌ هُوَ قآئِلُها وَمِنْ وَرآئِهِمْ بَرْزَخٌ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ"}؛ می گوید: پروردگار من! مرا باز {پاورقی . سوره مومنون،آیات ۹۹Ù۱۰۰. پاورقی} گردانید. شاید در آنچه ترک کردم [و کوتاهی کردم] عمل صالحی انجام دهم. [ولی به او می گویند:] چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید [و اگر باز گردد، کارش همچون گذشته است]، وپشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند ".پاسخ: ۱ - مورد بحث، رجعت گروهی خاص از مؤمنین وفاسقین است در حالی که آیه عموم واطلاق دارد، لذا می‌توان اطلاق آن را به اخبار متواتر رجعت برخی از افراد، تقیید زد. ۲ - ظهور آیه در تقاضای رجوع به دنیا قبل از مرگ وهنگام دیدن ملک الموت است نه بعد از مرگ، ومورد رجعت بعد از مرگ است. ۳ - آیه ظهور در عدم تحقق رجعت به دنیا با طلب کافر دارد، ومنافات ندارد که با امت‌های پیشین چنین اتّفاقی افتاده است. ۴ -آیات بسیاری نص در تحقق رجعت در این دنیا دارد، ولذا بر فرض ظهور آیه مورد نظر در عدم رجوع باید ظهور آن را تأویل نمود، زیرا نصّ مقدّم بر ظاهر است. ۵ - آیه اخصّ از مدّعی است، زیرا مربوط به درخواست رجعت از طرف کفّار است، در حالی که مورد بحث اعم است.

آیا اعتقاد به رجعت با قیامت و حشر مردگان سازگار است

پرسش

آیا اعتقاد به رجعت با قیامت و حشر مردگان سازگار است

پاسخ

رجعت از باورهای حتمی شیعه بوده در قرآن کریم هم به رویداد گذشته و هم وقوع آیندهٔ آن اشاره شده است آیاتی چون بقره ۵۶ ;نمل ۸۳ به امکان وقوع رجعت در آینده اشاره کرده نیز آیه‌های بقره ۲۵۹، ۲۴۳، ۵۵، ۲۱۴، ۷۳ و مائده ۱۱۰، از رویداد گذشته آن در امت‌های پیشین سخن گفته‌اند ;افزون بر آیات قرآن روایات معصومان نیز، به این موضوع اعتقادی شیعه اشاره کرده‌اند.(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ،ج ۱۵، ص ۵۵۵ به بعد، دارالکتب الاسلامیهٔ) ۲. از دلایل روی دادن رجعت ناتمام ماندن مراحل تکامل برخی انسان‌ها، آن هم به دلیل وقوع مرگ غیر طبیعی زودرس و تحمیلی مانند مردن بر اثر قتل یا مرض می‌باشد ;روشن است که در این صورت امکان دارد انسان برای گذراندن مراحل کمال ناتمام خود، برای یک دوره زمانی پس از زندگی اولی دنیایی‌اش آماده شده به همین منظور برای بار دیگر زنده شود، یا این که شرط سپری کردن مراحل تکامل او، فاصله شدن حیات برزخی باشد ;از این رو، پس از حصول شرط مزبور، به دنیا بازگردد.(تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ج ۲، ص ۱۰۷، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات) ۳. با توجه به ویژگی‌های روز قیامت که از جملهٔ آن‌ها، از میان رفتن همه جنبه‌های تخیّلی و وهم گونهٔ عالم و نمایان شدن کامل آیات الهی است که نشانهٔ آن فارغ شدن کامل خداوند از اسباب عالم است رخداد رجعت با ویژگی عالم جسمانی در ظرف خاص قیامت با مشکلی رو به رو نبوده نمی‌توان گفت مانعی بر سر راه آن است

اگر رجعت برای آن است که امامان و صالحان به پاداش زحمات‌شان برسند ;پس بهشت برای چیست

پرسش

اگر رجعت برای آن است که امامان و صالحان به پاداش زحمات‌شان برسند ;پس بهشت برای چیست

پاسخ

۱. در توجیه هدف از رجعت پیش از رستاخیز عمومی انسان‌ها، چنین گفته شده است با توجه به آن چه از روایات اسلامی استفاده می‌شود، این موضوع جنبهٔ عمومی نداشته بلکه به دو گروه خاص مربوط می‌شود ;یکی مؤمنان دارای عمل صالح که در مرحله‌ای عالی از ایمان قرار دارند، و دیگری کافران و سرکشان ستم‌گری که در مرحلهٔ پستی از کفر وظلم قرار گرفته‌اند ;هم چنان که در پاسخ به پرسش پیشین شما گفته شد، بازگشت دوبارهٔ گروه اول به زندگی دنیا، برای تکمیل حلقه تکامل آن‌هاست گروه دوم نیز، برای مجازات دنیوی و تحمّل کیفر آن بار دیگر به این دنیا باز می‌گردند.(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۵، ص ۵۵۹، دارالکتب الاسلامیهٔ) ۲. بازگشت مزبور به دنیا، نیز در زمان حضرت مهدیغ روی می‌دهد. گروه اوّل در کمال عزّت و افتخار، حکومت حق و عدالت این امام معصوم‌را خواهند دید، و گروه دوم نیز با خواری در حالی که با کیفر الهی رو به رو شده‌اند، موجب تشفّی و فروکش کردن خشم کسانی می‌شوند که مورد ظلم و ستم آنان قرار گرفته‌اند.(اوایل المقالات شیخ مفید، ;ص ۸۹.) ۳. از آن جا که این پاداش و کیفر برای دو گروه یاد شده غیر از پاداش و کیفر قیامت بوده و به دلایل کوتاهی که بد آن‌ها اشاره شد، حکمت الهی وقوع آن را ایجاب می‌کند ;از این رو، چنین رُخدادی با موضوع بهشت و دوزخ و پاداش و کیفر نهایی آن‌ها، هیچ گونه منافاتی نخواهد داشت همان گونه که هم اینک عالم برزخ و عالم ماده و دنیا، هر دو پا برجا بوده وجود یکی با دیگری

سازگـار اسـت البتـه این نکته از آیـات و روایـات فهم‌پـذیر است که پیش از قیـامت نسـل بشـر از بین می‌رود.(همـان ص ۱۰۸.) این موضوع نیز با زنـده شـدن برخی مردگان پیش از قیامت منافاتی ندارد. ۴. بـا توجه به مفهوم رجعت یعنی بازگشت برخی مردگان به دنیـا، این مطلب فهمیـده می‌شود که روز رجعت مرتبه‌ای از مراتب قیامت و پایین‌تر از رتبه آن است چرا که در این روز، هر چنـد به صورت نـاقص امکـان شـر و فسـاد وجود دارد. مفهوم روایـاتی از ائمه هم که می‌فرماینـد ایام اللّه ثلاثه یوم الظهور، یوم الکرّه و یوم القیامهٔ روزهای خداوند، سه روز است روز ظهور حضرت مهدیغ روز رجعت و روز قیامت همین معناست (همان ص ۱۰۹.)

آیا رجعت صحیح است ؟ آیا بازگشت ائمه «علیهم السلام » بعد از شهید شدن امام مهدی (عج) میباشد ؟

پرسش

آیا رجعت صحیح است ؟ آیا بازگشت ائمه «علیهم السلام » بعد از شهید شدن امام مهدی (عج) میباشد ؟

پاسخ

قبل از اینکه به پاسخ شما بپردازیم حدیثی از امام عصر (عج) را نقل می کنم امام مهدی (عج) نسبت به شیعیان خود می فرماید : ما در رعایت حال شـما کوتاهی نمی کنیم و یاد شـما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود گرفتاریها به شما رو می آورد و دشمنان شما را ریشه کن می کردنـد , از خدا بترسـید و ما را پشتیبانی کنید . « بحار الانوار , ج ۵۳ , ص ۱۷۵ » اما در مورد سوال شمانکات ذیـل قابـل ذکر است , در خواست می گردد چون این موضوع ا زمقوله هـای متفاوت کلامی , فلسـفی , عقلی , روایی و نقلی مورد بحث قرار گرفته حتما برای اطلاعات بیشتر و تنویر ذهن مبارک کتب ارجاعی را مطالعه کنید . رجعت از اصول اعتقادی اختصاصـی شیعه است و سـایر فرق به آن اعتقـادی ندارنـد . رجعت جنبه عمومی و همگـانی نـدارد. بلکه در مورد ائمه اطهار «علیهم السـلام » و مؤمنان خالص , کافران سـتمگر اختصاص می یابد . بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام » در مورد موافقان چون در مسیر آنان سد و مـوانعی ایجـاد شـده بود. لـذا برای ادامه طریق کمـال و برای مشـرکین خـالص که پست ترین درجه آنرا ندارنـد جهت رسـیدن به مجازات رجعت صـورت می گیرد . رجعت اختیـاری است و زمـان آن نیز ماننـد ظهور حضـرت مشـخص نیست . امـام صـادق علیه السـلام » می فرماینـد: که تمـامی پیـامبران « علیهم السـلام » در رکاب علی علیه السـلام » هنگام رجعت جنگ خواهنـد نمود . اولین شخصـی که به دنیا رجعت می کند به نقل از امام صادق « علیه السـلام » امام شـیعیان حضـرت امام حسین علیه السلام می باشد . ابن خالـد کابلی به نقل از امام سـجاد علیه السـلام » در تفسـیر آیه { ان الذی فرض علیک القران لرادک الی معاد }یعنی :آن کسـی که قرآن را برتو فرض کرد تو را به بازگشـتگاه بر می گرداند . می نویسد : پیامبر و علی « علیهم السـلام » و همه امامان به سوی شما باز می گردنـد . در ادعیه نیز به این مسـأله اشـاره شـده است . در زیـارت جـامعه می خوانیم { معترف بکم , مومن بـا یـابکم , مصـدق برجعتکم منتظرلامرکم و مرتقب لـدولتکم } یعنی :« من به شـما اعـتراف می کنم و ایمـان به بـازگشت شـما دارم و رجعت شـما را تصدیق می کنم و منتظر امر شما و چشم به راه دولت شما هستم . » خداوند اگر مرگی که بر همه بندگانت مسلم نموده ای میان من و ظهور مولایم جدایی بینداز با قدرت بی نهایتت مرا از قبر بیرون بیاور در حالی که کفنم را به خودم پیچیده , شمشـیرم را از غلاف در آورده , نیزه ام را بدست گرداندم تا دعوت کننده ای را که در شهر و صحرا بانک بر می آورد لبیک بگویم . « آیات ۸۳ ,سوره مبارکه نمل , آیه ۱, سوره مبارکه مدثر , ۳۶ سوره مبارکه فجر , آیه شریفه ۷۹ , سوره مبارکه ص , ۱۳ سوره مبارکه ذاریات , ۱۲

سوره مبارکه , نازعات , ۲۰ سوره مبارکه مائده , ۳۹ سوره مبارکه یونس , ۱۲۴ سوره مبارکه طه , ۹۵ سوره مبارکه انبیاء نیز به مورد رجعت اشاره کرده انـد . د رانتها به روایتی از امام رضا « علیه السـلام » در این مورد می پردازیم :حسن بن جهم گویـد روزی مأمون به امام رضا علیه السـلام » عرضه داشت ای ابا الحسن نظر شـما در مورد رجعت چیست ؟ حضـرت فرمودند : اعتقاد صحیحی است و این رجعت در امتهـای گذشـته بوده و قرآن هم در مورد آن سـخن گفته است (مثـل قصه عزیر : هنگامی که از ترس مرگ از خانه هایشان فرار کردنـد .....) و گوش به گوش (یعنی دقیقا آنچه در امتهای گذشـته رخ داده در این امت هم اتفاق می افتـد و یکی از آن موارد رجعت است . منـابع بیشتر برای مطالعه : ۱-مهدی موعود , ج۲, ترجمه و شـرحی از بحار الانوار علامه مجلسی , انتشارات جمکران ۲- رجعت بررسـی جامع مفهوم رجعت از دیـدگاه عقل و نقل , محمـد رضا ضـمیری ۳-الایقـاظ من المجعه بالبرهان علی الرجعه , الحرالعاملی ۴-رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی , محمد خادمی شیرازی ۵-رشحات البحار , شاه آبادی محمد علی ۶- الشیعه و الرجعه الحیدریه , محمد رضا طبسی

آیا درست است که بر این باور باشـیم که اعلام به رجعت صـحیح و روا نیست زیرا باعث اغرا به جهل مردم می‌گردد و عده‌ای کم ایمان را به گناه سوق می‌دهد که آنان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خود موکول کنند؟

پرسش

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست زیرا باعث اغرا به جهل مردم می گردد و عـده‌ای کم ایمان را به گناه سوق می‌دهد که آنان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خود موکول کنند؟

پاسخ

شبهه یـاد شـده را، بنا به نقل امین الاسـلام طبرسـی، ابوالقاسم بلخی مطرح کرده است.{۱} به نظر می‌رسـد که این شـبهه، در درجه نخست، از عدم درک درست مفهوم رجعت در نزد شـیعه ناشـی شده، زیرا چنین پنداشته شده که با تحقق رجعت، اولاً همه انسان‌ها دوبـاره به زنـدگی دنیوی بـاز می گردنـد. ثانیاً هماننـد مرحله نخست زنـدگی، انسان‌هـا پس از رجعت هم می‌تواننـد با پشـیمانی از گناهان گذشـته خود توبه کرده و خداونـد هم توبه آنان را خواهـد پذیرفت. در حالی که این پندار درست نیست. برای روشن شدن حقیقت رجعت که به پاسـخ شـبهه مـذکور نیز خواهد انجامید، توجه به مسایل ذیل ضـروری است: ۱. از دیدگاه شـیعه، رجعت تنها ویژه دو گروه است: کـافران سرسـخت که در کفر به طور کامـل فرو رفته‌انـد، و مؤمنـان راسـتین که به مراحـل والای ایمـان دسـت یافته‌اند و غیر از این دو گروه، کسـی دیگر به دنیا باز نخواهد گشت. مرحوم علامه مجلسی، پس از ذکر روایات رجعت و گفته‌های عالمـان بزرگ شـیعی تصـریح می کنـد: از دیـدگاه (شـیعیان) رجعت تنها به گروهی از مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در گرداب کفر و الحـاد اختصـاص دارد و غیر از این دو گروه، کسـی دیگر به دنیا باز نخواهـد گشت.{۲} مرحوم شـیخ مفید نیز در این مورد می‌فرماید: رجعت (وعده داده شده در روایات) تنها ویژه مؤمنان راستین و کافران سرسـخت از این امت است و شامل افراد امت‌های پیشین نیز نمی گردد.{۳} این مطلب به صـراحت در روایات مربوط به رجعت نیز آمـده است که ما در این جا تنها دو نمونه ازآن را نقـل می کنیم: الف) امـام صادق(ع) درباره افرادی که (همزمان با ظهور حضـرت مهـدی«عـج)» رجعت می کننـد، فرمود: «ان الرجعه لیست بعـامّه و هی خـاصه لا یرجع الّامن محض الایمان او محض الشـرک محضاً{؛«۴} رجعت مربـوط به همه مردم نمی‌شود، بلکه ویژه گروهی محدود است و جز مؤمنان راستین و مشـرکان فرو رفته در منجلاب کفر و شـرک، هیچ کس به دنیا باز نخواهد گشت.

www.noorfatemah.org

ب) از امام صادق(ع) درباره آیه (و یوم نحشر من کل امّه فوجاً)؛ و روزی که از هر ملت، گروهی را محشور می گردانیم - پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: مردم درباره این آیه چه می گویند؟ گفتند: آنان معتقدند که این آیه درباره قیامت است. حضرت فرمود: آیا در روز قیامت، از هر امت دسته‌ای برانگیخته و بقیه وانهاده می‌شوند؟! هرگز چنین نیست (بلکه در قیامت همه مردم محشور می گردند) این آیه، مربوط به رجعت است.{۵} با توجه به مطالب پیش گفته، دیگر جایی برای شبهه مذکور باقی نمی‌ماند، زیرا اولاً شمار افرادی که وعده رجعت درباره آنان داده شده، نسبت به تمام انسان‌ها، بسیار اندک است. ثانیاً، هیچ کس از افراد غیر معصوم را نمی‌توان به طور قطع مشمول حکم رجعت دانست و او را در شمار افرادی به حساب آورد که در دوران رجعت باز خواهند گشت، زیرا در مورد هر کس (به جز معصومان(علیهم السلام» می‌توان احتمال داد که جز افرادی نباشد که بدانان وعده رجعت داده شده است/ ۲. افزون بر این، برخی از عالمان شیعه گفته‌اند: از آن جا که از اهل خلاف و عصیان، تنها کافران سرسخت رجعت خواهند کرد، حالت مرگ برای این گونه افراد، حالت بی‌خبری و بی‌هوشی است و همانند کسی که به خواب رفته باشد، چیزی از حقایق آن جهان بر او آشکار نگشته، دوباره به همان حالت پیش از مرگ باز می گردند و اساساً سکرات موت چیزی را برای این گونه افراد روشن نمی کند، بلکه با مردن، در حالت بی‌خبری فرو می‌روند.{۶} علاوه بر این، حقایقی که در هنگام رجعت برای افراد روشن می گردد، بیش از حقایقی نیست که در روز رستاخیز بزرگ، برای افراد آشکار می گردد و در آن جا خداوند خبر داده است که اگر کافران را به دنیا بازگردانیم، باز هم بر کفر خود اصرار می‌ورزند و هرگز سر تسلیم فرود نمی‌آورند. در سوره انعام آیه ۲۸ - ۲۹ می‌فرماید، کاش می‌دیدی هنگامی که اینان در برابر آتش دوزخ قرار می گیرند، می گویند، کاش بار دیگر باز گردانده می‌شدیم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم و از زمره مؤمنان می‌بودیم. آری! اینان آنچه را پنهان داشته بودند، امروز آشکار ساختند و اگر باز گردند، باز هم به همان اعمال پیشین خود که از آن نهی شده بودند، باز می گردند، اینان دروغگویانند. بنابراین، آن چنان نیست که مخالفان رجعت گمان برده‌اند که کافران مورد نظر، با آشکار شدن حقایق، از اعمال بد خود پشیمان شوند و راه صلاح در پیش گیرند/ [۱].مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۴، الطبعه الاولی، ۱۴۱۵، مؤسسْ الاعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان/ [۲].بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸، مؤسسْ الوفا، بیروت - لبنان - ۱۴۰۳ ه‍ ق/ ۳].المسائل السرویْ، شیخ مفید، ص ۳۵، ناشر؛ المؤتمر العالمی/ [۴].بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹/ [۵].همان، ج ۵۳، ص ۵۳/ [۶].تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۳/

از آن جا که رجعت از نشانه‌ها و دلایل صحت نبوت است، ضرورت دارد رجعت همانند دیگر معجزات، در زمان حیات پیامبر(ص) رخ دهد، حال آن که می‌گویید: رجعت در زمان حضرت مهدی «عج» و در آخرالزمان روی می‌دهد؟

پرسش

از آن جا که رجعت از نشانه‌ها و دلایل صحت نبوت است، ضرورت دارد رجعت همانند دیگر معجزات، در زمان حیات پیامبر(ص) رخ دهد، حال آن که می گویید: رجعت در زمان حضرت مهدی «عج» و در آخرالزمان روی می‌دهد؟

پاسخ

یکی از اعتقادات ویژه‌ای که شیعه دوازده امامی آن را باور دارد، عقیده به رجعت است. رجعت در لغت به معنای بازگشت است. معنای اصطلاحی رجعت از دیدگاه شیعه این است که خداوند (هم زمان با ظهور حضرت مهدی «عج)» شماری از امت محمد(ص)

www.noorfatemah.org

را پس از مرگشان و پیش از قیامت برمی‌انگیزانـد و این باور از ویژگی‌های مـذهب آل محمـد(ص) می‌باشد که قرآن نیز بر درستی آن گواهی می‌دهد.{۱} دانشمند بزرگ شیعه، مرحوم سیدمرتضی علم الهدی نیز عقیده بر رجعت از دیدگاه امامیه را چنین توضیح می‌دهـد، بـاور شـیعه امـامیه این است که خداونـد متعـال به هنگام ظهور امام زمان«عـج» گروهی از شـیعیان را که پیش از ظهور آن حضـرت از دنیـا رفته‌انـد به این جهـان بازمی‌گردانـد تـا آنـان به پـاداش یـاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقـدس نایل گردند. همچنین خداوند برخی از دشـمنان آن حضـرت را زنده می‌کند تا از آنان انتقام گیرد، بدین صورت که آشـکار شدن حق و بلنـدی مرتبت پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.{۲} از دیدگاه دانشـمندان شیعه، هیچ گونه تردیدی در اصل «رجعت» وجود نـدارد و همه عالمان بزرگ شـیعی اعتقاد به رجعت را از ویژگی‌های پیروان اهل بیت برشـمرده‌اند. مرحوم علامه مجلسـی در کتاب گرانسـنگ بحارالانوار می‌فرماید: عقیده به رجعت، در تمام دوران‌ها مورد اتفاق مذهب شـیعه بوده و این سخن چندان آشکار است که کسـی نمی‌توانـد به انکـار آن برخیزد.{۳} شـیخ مفیـد و سیدمرتضـی نیز اعتقـاد به رجعت را نزد شـیعه اجماعی شـمرده‌اند.{۴} مرحوم شـیخ حرعـاملی می‌فرمایـد: فراوانی شـمار نویسـندگانی از شـیعه که روایـات مربوط به رجعت را در کتاب‌هـای خویش گرد آورده‌انـد – که تعداد آن از هفتاد کتاب بیشتر است – دلیل بر قطعی بودن اعتقاد به رجعت از دیدگاه شـیعه است.{۵} شیخ صدوق نیز اعتقاد به رجعت را از ویژگی‌های پیروان تشـیع دانسـته است.{۶} دانشـمندان شـیعه برای اثبات رجعت به دلایل قرآنی، روایی و اجمـاع تمسـک جسـته‌اند که ما تنها به نقل نمونه‌هایی از این اسـتدلال‌ها بسـنده می‌کنیم: گواه روشن تحقق رجعت، پیش از هر چیز قرآن کریم است که در آیه ۸۴ سوره نمل می‌فرماید: (و یوم نحشر من کل امه افواجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون)؛ روزی که از هر ملتی، گروهی از آنـان را که آیـات مـا را تکـذیب می‌کردنـد، زنـده می‌گردانیم. در این آیه شـریفه که برای اثبات رجعت مورد استناد ائمه(علیهم السلام){۷} و دانشـمندان شیعه قرار گرفته است، سخن از روزی است که تنها گروهی (و نه همه مردم) برانگیخته می‌شونـد، در حالی که در قیامت بنا به تصـریح قرآن کریم همه انسان‌ها برانگیخته می‌گردنـد، آنجا که می‌فرمایـد: (و یوم ینفـخ فی الصور ففزع من فی السـموات و من فی الارض الاّمن شأالله و کل اتوه د آخرین)؛ روزی که در صور دمیده شود، همه کسانی که در آسـمان‌ها و زمین هسـتند، مگر آن کس را که خـدا خواهـد، به شـدت می‌ترساند و همگان با ذلت نزد او حاضـر می‌گردند.{۸} از مقـایسه این دو آیه شـریفه چنین به دست می‌آیـد که آیه نخست مربوط به روزی غیر از قیامت است و آن همان روزی است که در روایات اهل بیت به نام «رجعت» معروف گردیده است. اما دلیل اصـلی اثبات رجعت روایات بی‌شـماری است که بر وقوع آن صحه می‌گذارد. مرحوم علامه مجلسـی نام بیش از پنجاه تن از عالمان و محدثان شیعه را ذکر می‌کند که روایات رجعت را در کتاب‌های خویش آورده‌اند که اسامی برخی از آنها بدین قرار است: سـلیم بن قیس هلدلی، حسن بن صـفار، علی بن ابراهیم قمی، ثقه الاسلام کلینی، عیاشـی، کشـی، شـیخ صدوق، شـیخ مفید، سـید مرتضی، ابوالفتح کراجکی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن طاووس و/// / مرحوم علامه مجلسـی درباره روایات رجعت می‌فرماید: کسـی که به حقانیت ائمه اطهار(علیهم السـلام) ایمان دارد، چگونه می‌تواند درباره مسـأله متواتری که از آنـان نقل شـده و نزدیک به دویست روایت صـریح در این زمینه رسـیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شیعه آنهـا را در کتاب‌هـای خود آورده‌انـد، تردیـد کنـد؟ به راستی اگر مسأله‌ای مثل رجعت را نتوان از امور متواتر دانست، پس در کدامین موضوع می‌توان ادعای تواتر نمود؟{۹} شیخ حرعاملی نیز روایات رجعت را فزون از شمار دانسته و درباره آن قایل به تواتر معنوی شده است.{۱۰} مـا در این مقـام تنهـا به نقل دو روایت از روایات بی‌شـمار رجعت می‌پردازیم: ۱. از امـام صادق(ع) درباره آیه: (ربنا اثنا اثنتین و احییتنا اثنتین) پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: ذلک فی الرجعه – این آیه در مورد رجعت است.{۱۱} ۲. همچنین آن حضـرت فرمود: لیس منا من لم یؤمن بکرّمنا، هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد، از ما نیست.{۱۲} افزون بر قرآن و روایات، شـمار فراوانی از عالمان شـیعه، عقیده به رجعت را در نزد امامیه اجماعی دانسـته‌اند.{۱۳} حـال با توجه ادله قطعی‌ای که رجعـت را به مثابه یـک عقیـده درست ثـابت می‌کنـد، بـایستی دیـد هـدف از رجعت چیست؟ آیـا رجعت از جمله معجزات پیـامبر

اکرم(ص) است؟ آیا رجعت از نشانه‌های ظهور مهدی«عج» و یا معجزات آن حضرت است؟ و یا اصلاً رجعت مسأله‌ای دیگر و یا هدفی دیگر در نظام آفرینش طرح‌ریزی شده است؟ گرچه ممکن است به جهت محدودیت علم و ادراک ما نتوان به طور قاطع غرض و هدف اصلی از رجعت را ذکر کرد، اما با توجه به مجموع احادیثی که در مورد رجعت به ما رسیده است شاید بتوان اهداف ذیل را از جمله مواردی دانست که لزوم تحقق رجعت را توجیه می‌کند: ۱. رجعت با هدف نشان دادن عزت اسلام و ذلت کفر و شرک از سوی خداوند صورت می‌گیرد، بدین معنا که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می‌پیوندند که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آنچه در آن است، یکسره در اختیار مؤمنان و خدا جویان قرار گرفته و کافران و ستم پیشگان خوار و ذلیل خواهند گشت. بدیهی است که چنین حادثه‌ای هر انسان دینداری را شادمان و خرسند و تبهکاران و کافران را به رنج و اندوه فرو خواهد برد. از این‌رو خداوند مهربان و حکیم، گروهی از مؤمنان راستین و شماری از کافران سرسخت را در آن روز به جهان بازمی‌گرداند، تا آنان از دیدن شکوه و عظمت اسلام و حاکمیت مؤمنان به وجد آیند و کافران نیز بر اثر مشاهده شوکت و قدرت پیروان دین خدا خشمگین و اندوهناک گردند و همگان دریابند که وعده الهی تخلف‌ناپذیر است. ۲. گذشته از این که ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که تنها در هنگام سیطره کامل اسلام می‌توانند به آن مقامات برسند، می‌توان گفت: از آن جا که طبق روایات، کافرانی که رجعت می‌کنند از جمله افرادی هستند که بسیار در کفر خود سرسخت و لجوج بوده‌اند، رجعت آنان ممکن است با این هدف انجام گیرد که دست‌کم مقداری هر چند اندک، از جزای اعمال ننگین خود را در دنیا بچشند و تا حدودی پاسخگوی پاره‌ای از ظلم‌ها و ستم‌های بی‌حد خود باشند، هر چند مجازات اصلی در سرای آخرت به آنان خواهد رسید. با توجه به مطالب پیش گفته بایستی این نکته را هم یادآور شد که نه در روایات مربوط به رجعت و نه در گفتار بزرگان شیعه هیچ گونه ملازمه‌ای میان رجعت و معجزه بودن آن برای پیامبر اکرم(ص) نیامده است، مرحوم امین الاسلام طبرسی، ضمن اشاره به این سخن ملازمه میان رجعت و صحت نبوت پیامبر(ص) آن را باطل دانسته و فرموده است: نزد ما (شیعیان) بلکه اکثر امت اسلامی، ظهور معجزه به دست ائمه و اولیا نیز رواست.{۱۴} بنابراین به هنگام تحقق رجعت، می‌توان آن را از جمله معجزات حضرت ولی‌عصر«عج» به شمار آورد. [۱].المسائل السرویه، شیخ مفید، ص ۳۲، المطبعه مهر، ناشر: المؤتمر العالمی شیخ مفید/ [۲].رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵، تحقیق سیدمهدی رجایی، ناشر: دارالقرآن، ۱۴۰۵ ه‌ق، مطبعْ السیدالشهدأ/ [۳].بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ - ۱۲۲، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ ه‌ ق، مؤسسْ الاعلمی للمطبوعات بیروت/ [۴].همان، ص ۱۳۶ - ۱۳۹/ [۵].به نقل از همان، ص ۱۲۱/ [۶].الایقاظ من الهجعه، باب دوم/ [۷].بحار، ج ۵۳، ص ۵۳/ [۸].سوره نحل، آیه ۸۷/ [۹].بحار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ - ۱۲۲/ [۱۰].الایقاظ من الهجعْ، باب دوم، دلیل سوم/ [۱۱].بحار، ج ۵۳، ص ۵۶/ [۱۲].همان، ج ۵۳، ص ۹۲/ [۱۳].همان، ج ۵۳، ص ۱۳۹ - ۱۳۶/ [۱۴].مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۳/

اینکه می گویند در زمان حضـرت مهدی (علیه السـلام) عدهایاز مردگان دوباره به دنیا بر می گردند و زنده می شوند آیا چنین چیزیممکن است؟

پرسش

اینکه می گوینـد در زمان حضرت مهـدی (علیه السـلام) عـدهایاز مردگان دوباره به دنیا بر می گردنـد و زنـده می شونـد آیا چنین چیزیممکن است؟

پاسخ

۱ – بلی ممکن است زیرا ما مسلمانان به معاد و رجعت عمومیدر آخرت معتقد هستیم و خداییکه قدرت دارد همه انسانها را در قیامت زنده کند می تواند برخیاز آنها را در همین دنیا دوباره زنده نماید/ ۲ – از آیات قرآن کریم استفاده می شود که خداوند بعضیاز انسانها را پس از مرگشان در همین دنیا زنده کرده است که ما به چند نمونه اشاره می کنیم و بهترین دلیل برایامکان هر چیزیواقع شدن آن است/ طولانی تغییری نکرده است، ای عزیز! نگاهی به استخوانهای پراکنده الاغ خویش کن که چگونه این استخوانهاپیراکنده را جمع می کنم و بر آنها گوشت می رویانم و آن را زنده می کنیم. وقتیکه چهارپا در برابر چشمان عزیز زنده شد گفت: می دانم که خداوند بر هر چیزیقادر است/ ب – در سوره بقره در داستان حضرت موسی (علیه السلام) می خوانیم گروهیاز بنی اسراییل را که بر اثر صاعقه کشته شده بودند مجدداً زنده کرد/ را متهم به قتل نمودند، نزاع و اختلاف بالا گرفت، موضوع را در نزد حضرت موسی (علیه السلام) مطرح کردند و او دستور داد گاویرا ذبح کنند و به بدن مقتول بزنند تا زنده شود و قاتل خویش را معرفینماید، قرآن در ادامه می فرماید و این چنین خداوند مردگان را زنده می کند/ د – حضرت عیسی (علیه السلام) زنده کردن مردگان را از معجزات خود می شمارد و می گوید": وَ اُحْیالمَوتیبِاِذنِ اللهِ «"و مردگان را به اذن خدا زنده می نمایم» بنابراین همان گونه که در این آیات ملاحظه فرمودید خداوند در امتهاپیشین گروهیرا در همین دنیا زنده کرده است و می تواند در زمان ظهور امام زمان(علیه السلام) نیز عدهایرا زنده نماید/ نماز اقتدا می کند و همان گونه که در آیات فوق ملاحظه نمودید یکیاز معجزات حضرت عیسی (علیه السلام) زنده کردن مردگان بوده است و دلیلنداریم که این معجزه را از او گرفته باشند پس ممکن است او افرادیرا به اذن پروردگار براییاریامام مهدی (علیه السلام) زنده نماید/ سلام) چنین قدرتیرا نداشته باشد؟ آیا بعید است که خود امام مهدی (علیه السلام) هم چنین قدرتیداشته باشد هر چند مقصود شیعه از رجعت زنده شدن مردگان است اما نسبت به این که آیا خداوند مستقیماً آنان را زنده می کند یا توسط شخصیآنان را زنده می نماید تأکیدیندارد/ ه در این مورد از ائمه اهلبیت(علیهم السلام) رسیده است و علمایشیعه در کتابهایفراوانیدرباره رجعت نوشتهاند و در آنها این روایات را ذکر نمودهاند از جمله علامه شیخ حرّ عامليمؤلف وسائل الشیعه کتابیدارد به نام ایقاظ الهجعه فیاثبات الرجعه که چاپ شده است/

منظور از این آیه سوره نمل آیه: ۸۳ که می فرماید مافوجی از شما را زنده می کنیم چیست؟

پرسش

منظور از این آیه سوره نمل آیه: ۸۳ که می فرماید مافوجی از شما را زنده می کنیم چیست؟

پاسخ

این آیه چنانکه از سؤال شما هم استفاده می شد که مربوط به قیامت نیست چون درباره ی قیامت در آیه دیگر چنین آمده است ترجمه – آنانرا محشور می سازیم پس از آنان هیچکس را فرو گذار نخواهیم کرد. بنابراین حضر در قیامت عمومی و همگانی است و ویژه گروهی خاص نیست. اما آیه مورد سؤال شما – این آیه چنانکه در روایات بسیاری آمده است مربوط به رجعت است بدان معنی که پس از ظهور امام دوازدهم(علیه السلام)خداوند متعال امامان دیگر را به این جهان برمی گرداند و آنان زمام حکومت را بدست می گیرند و بر جهانیان حکومت می کنند و گروهی از کسانی هم که نسبت به خدا آیات وی تکذیب می کردند نیز زنده

می شوند و اعتقاد به رجعت بطور اجمالی یکی از معتقدات اساسی شیعه است. برای اطلاع بیشتر می توانید به کتاب غیبت و رجعت نوشته آقای شیخ مجتبی قزوینی مراجعه فرمایید. (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۳۱ـ

چگونه می‌توان با استدلال به آیهٔ ۱۱ سورهٔ غافر]=مؤمن رجعت را اثبات کرد، چنان‌که برخی مفسّران چنین تفسیر نموده‌اند؟

پرسش

چگونه می‌توان با استدلال به آیهٔ ۱۱ سورهٔ غافر]=مؤمن رجعت را اثبات کرد، چنان‌که برخی مفسّران چنین تفسیر نموده‌اند؟

پاسخ

"قَالُواْ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ (مؤمن ۱۱) آن‌ها می گویند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی " چنان‌که خود در پرسش اشاره کرده‌اید، استدلال به این آیه شریفه برای اثبات رجعت توسط برخی مفسّران ارائه شده و علتی که باعث شده است همهٔ مفسّران به این استدلال روی نیاورند، این است که دربارهٔ" دو بار میراندن و" دو بار زنده گردانیدی ، احتمالات دیگری نیز داده شده است که متناسب با اثبات رجعت نیست فقط زمانی می‌توانیم ادعا کنیم این آیه متناسب با اثبات رجعت است که منظور از" دو بار میراندن این باشد که مرگ یک بار در این زندگی فعلی اتفاق بیفتد، سپس برای رجعت زنده شویم و بار دوم بعد از زندگی در عصر رجعت باشد. و منظور از" دو بار زنده گردانیدن هم این باشد که خداوند یک بار ما را در دنیا زنده گردانیده ـ که فعلاً ـ در آن به سر می‌بریم ـ سپس می‌میریم و بار دوّم ما را برای عصر رجعت زنده می کند ;چنین تفسیری با اثبات رجعت سازگار است ولی چون این آیهٔ شریفه دربارهٔ همهٔ کفّار سخن می گوید ـ و حال آن‌که رجعت دربارهٔ همهٔ کافران ثابت نشده است ـ از این رو این تفسیر مورد گفت و گو واقع شده است (ر.ک تفسیر نمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۰، ص ۴۳ ـ ۴۵، نشر دارالکتب الاسلامیهٔ)

چگونه آیهٔ ۲۸ سورهٔ بقره بر وقوع رجعت دلالت دارد؟

پرسش

چگونه آیهٔ ۲۸ سورهٔ بقره بر وقوع رجعت دلالت دارد؟

پاسخ

"كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنتُمْ أَمْوَتًا فَأَحْيَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُون (بقره ۲۸) چگونه به خداوند کافر می‌شوید، در حالی که شما اجسام بی‌روحی بودید و او شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، و بار دیگر شما را زنده می کند، سپس به سوی او باز می گردید ".در این آیهٔ شریفه سخن از یک مردن]=کنتم أمواتا[و یک میراندن]=یمیتکم و دو بار زنده گردانیدن است]=۱ـ فاحیاکم ۲ـ یحییکم تفسیری که مناسب با اثبات رجعت است این است که بگوییم منظور از" مردن در آیهٔ شریفه زمانی است که ما

هنوز به دنیا نیامـده‌ایم به همین جهت هم تعبیر به میراندن نفرمود ;زیرا میراندن بعد از حیات است ولی مرده بودن لازم نیست بعد از حیاتی باشد ;پس وقتی انسان به دنیا آمد"، زنده گردانیدن اوّل محقق می‌شود. و بعد از آن که خدا او را از این زندگی فعلی میراند "میراندنِ "آیه هم محقق می‌شود، پس تا این‌جا سه مرحله محقق شد". مردن" ، زنده گردانیدن" ، میراندن ; سپس می‌فرماید": شما را زنـده می گردانیم مقصود از این زنـده کردن همان رجعت است و در آخر می‌فرمایـد": ثمّ إلیه ترجعون ; یعنی بعد از آن به سوی خدا برمی گردید (اشاره به میراندن بعد از پایان رجعت . البته این آیهٔ شـریفه را به‌گونه‌های دیگر نیز می‌توان تفسیر کرد که مطابق با وقوع رجعت باشد، ولی به هر حال تطبیق آیه شـریفه بر مسئلهٔ رجعت مشکل است زیرا ۱. آیه دربارهٔ همهٔ کفّار سخن می گوید، در حالی که این مطلب ـ که رجعت دربارهٔ همهٔ کفّار باشد ـ مسلّم نیست ۲. آیه به صراحت می‌فرماید: بعد از مرگ یک حیات بیش‌تر نیست که طبعاً حیـات و زنـدگی آخرت است (ر.ک تفسیر نمونه آیـةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۱۶۴، نشر دارالکتب الاسلامیّهٔ)

سایر مواد

بعد از امام زمان عده ای از افراد صالح , از عالم برزخ فراخوانده می شوند و جزء یاران حضـرت می گردند. آیااعمال این افراد دوباره ثبت می گردد و در قیامت از آنها بازخواست می گردد؟ آیا دوباره درد جان کندن و فشار قبر دارند؟آیا گناه و عصیان در آن جامعه وجود دارد؟

پرسش

بعـد از امـام زمان عـده ای از افراد صالـح , از عالم برزخ فراخوانـده می شونـد و جزء یاران حضـرت می گردنـد. آیااعمال این افراد دوباره ثبت می گردد و در قیامت از آنها بازخواست می گردد؟ آیا دوباره درد جان کنـدن و فشار قبر دارنـد؟آیا گناه و عصـیان در آن جامعه وجود دارد؟

پاسخ

پس از ظهور حضـرت ولی عصـر(عج) عده ای بسیار محدود از اولیای خداوند که در طهارت روح , ایمان قلبی , اشتیاق به ظهور و سایر فضایل اخلاقی , منحصـر به فرد بوده اند, سـر از خاک بر می دارند و به جمع یاوران حضرت می پیوندند. عده ای از ایشان در رکاب حضـرت به شـهادت می رسـند و عـده ای به مرگ طبیعی از دنیا خواهنـدرفت . بـدین ترتیب آنها دوبار زنـدگی در جهان را تجربه خواهند کرد. از این روی تابع قانون آن خواهند بود. در نیتجه ,اعمال آنان مانند گذشـته ثبت و ضـبط می گردد. اما چون جز خیر از ایشان سـر نمی زند, بازخواست عذاب قیامت , جان کندن در حال احتضار و فشار قبر چندان برایشان معنا و مفهومی ندارد و مسـلّماً میـان حیـات و ممات آنان باانسان های معمولی تفاوت وجود دارد(). دربارهء وجود گناه در چنان جامعه ای بایـد بگوییم که متأسـفانه در آن جـامعه گنـاه و عصـیان وجود دارد, منتهی درحـد افراد و گروه هـا است , نه به طور وسـیع و عالم گیر. (پـاورقی ۱. تاریخ مابعد الظهور, سیدمحمد صدر, چاپ بیروت .

آن چنان که می‌گویند در موقع ظهور امام زمان(ع) ایشان از بعضـــی افراد، مانند دشـــمنان اسلام و قاتلان فاطمه زهرا(س) و قاتلان کربلا انتقام می‌گیرد، در صورتی که آن‌ها سال‌ها پیش مرده‌اند. این امر چگونه است؟ توضیح دهید.

پرسش

آن چنان که می گویند در موقع ظهور امام زمان(ع) ایشان از بعضی افراد، مانند دشمنان اسلام و قاتلان فاطمه زهرا(س) و قاتلان کربلا انتقام می گیرد، در صورتی که آن‌ها سال‌ها پیش مرده‌اند. این امر چگونه است؟ توضیح دهید.

پاسخ

این سؤال در خصوص رجعت است. از این رو لازم است حقیقت رجعت مورد بررسی قرار گیرد". رجعت "از عقاید معروف شیعه است و تفسیرش در یک عبارت کوتاه چنین است: بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) و در آستانه رستاخیز گروهی از مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان باز می گردند. گروه اوّل مدارجی از کمال را طی می کنند و گروه دوم کیفرهای شدیدی می‌بینند. مرحوم سید مرتضی از علمای شیعه می‌فرماید: خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی را که قبلاً از دنیا رفته‌اند، به این جهان باز می گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند و نیز گروهی از دشمنان سر سخت را باز می گرداند تا از آن‌ها انتقام گیرد. بعد می‌فرماید: دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن‌ها با این عقیده مخالفت نکرده است.(۱) البته از کلمات بعضی از قدمای علمای شیعه و همچنین از سخنان مرحوم طبرسی در مجمع البیان بر می‌آید که اقلیّت بسیار کوچکی از شیعه با این عقیده مخالف بودند و رجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهلبیت(ع) تفسیر می کردند، نه بازگشت اشخاص و زنده شدن مردگان، ولی مخالفت آن‌ها طوری است که لطمه‌ای به اجماع نمی‌زند.(۲) بدون تردید احیای گروهی از مردگان در این دنیا محال نیست، همان گونه که احیای جمیع انسان‌ها در قیامت کاملاً ـ ممکن است. عقل چنین امری را محال نمی‌بیند و قدرت خدا آنچنان وسیع و گسترده است که همه این امور در برابر آن سهل و آسان است. در قرآن مجید، وقوع وجعت اجمالاً در پنج مورد از امت‌های پیشین آمده است، از جمله این آیات؛ ۱- آیه ۲۴۳ سوره بقره است که در آن سخن از جمعیتی است که از ترس مرگ از خانه‌های خود بیرون رفتند. خداوند فرمان مرگ به آن‌ها و سپس آن‌ها را زنده کرد. (فقال لهم اللّه موتوا ثم أحیاهم).(۳) ۲- نیز به آیه ۲۶۱ سوره بقره استدلال شده که در آن سخن از پیامبری است که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیدارهای آن فرو ریخته بود و اجساد و استخوان‌های اهل آن در هر سو پراکنده شده بود و از خود پرسید: چگونه خداوند این‌ها را پس از مرگ زنده می کند؟ خدا او یکصد سال میراند و سپس زنده کرد و به او گفت: چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد: یکروز یا قسمتی از آن. فرمود: نه، بلکه یکصد سال بر تو گذشت. این پیامبر عُزیر باشد یا پیامبر دیگری، تفاوت نمی کند. مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ در همین دنیا است (فأماته اللّه مأة عام ثم بعثه). ۳- در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره درباره" بنی اسرائیل "می‌خوانیم که گروهی از آن‌ها بعد از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند و مردند، سپس خداوند آن‌ها را به زندگی برگرداند تا شکر نعمت او را به جا آوردند. (ثم بعثناکم مِن بعد موتکم لعلکم تشکرون). ۴- در آیه ۱۱۰ سوره مائده ضمن بر شمردن معجزات حضرت عیسی(ع) می‌خوانیم": و إذ تخرج الموتی بإذنی؛ تو مردگان را با فرمان من زنده می کردی. "این تعبیر نشان می‌دهد که مسیح(ع) از این معجزه خود (احیای مردگان) استفاده کرد، بلکه تعبیر به فعل مضارع (تخرج) دلیل بر تکرار آن است و این یک نوع رجعت برای بعضی محسوب می‌شود. ۵- در سوره بقره آیه ۷۳ در مورد کشته‌ای که در بنی اسرائیل برای پیدا کردن قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، می‌فرماید": دستور داده شد گاوی را با ویژگی‌هایی سر ببرند و بخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات باز گردد [و قاتل خود را معرفی کند و نزاع خاتمه یابد] (فقلنا اضربوه ببعضها کذالک یحیی اللّه الموتی و یریکم آیاته لعلّکم تعقلون)(۴) البته موارد دیگری را همچون داستان

اصحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، می‌توان در قرآن کریم مشاهده کرد. مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید: بیش از دویست حدیث داریم که چهل و چند نفر از راویان ثقات و علمای بزگوار در بیش از پنجاه کتاب آورده‌اند و این روایات وقوع رجعت را تأیید می‌کنند.(۵) امام صادق(ع) در حدیثی می‌فرماید": إنّ الرجعهٔ لیست بعامهٔ، و هی خاصهٔ، لایرجع إلا من محض الإیمان محضاً، أو محض الشرک مخصاً؛ رجعت عمومی نیست، بلکه جنبه خصوصی دارد. تنها گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرکت خالص دارند("۶) رجعت از معتقدات شیعه است و رایحه قیامت از آن استشمام می‌شود و با شواهد قرآن که ذکر شد، تحققق آن مشکل نیست و مهدی موعود(ع) انتقام خون‌های به ناحق ریخته را از اشقیا و دشمنان ائمه خواهد گرفت. (۱.تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵. پاورقی۲.همان، ص ۵۵۶. پاورقی۳ .تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶. پاورقی۴ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۷. پاورقی۵. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲. پاورقی۶ همان، ص ۳۹.

همه می‌گویند انتقام گیرنده خون امام حسین(ع)، امام زمان(ع) است. امام زمان(ع) از چه کسی انتقام خواهد گرفت؟ مگر قاتلان امام حسین(ع) به سزای اعمال خود نرسیدند؟

پرسش

همه می گویند انتقام گیرنده خون امام حسین(ع)، امام زمان(ع) است. امام زمان(ع) از چه کسی انتقام خواهد گرفت؟ مگر قاتلان امام حسین(ع) به سزای اعمال خود نرسیدند؟

پاسخ

در زیارت عاشورا و دعای ندبه موضوع خونخواهی حسین(ع) توسط امام زمان(ع) مطرح شده است": ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من أهل بیت محمد(ص. ")اگر داستان کربلا را از روز تاسوعا تا عصر عاشورا بدانیم و به آن به صورت یک حادثه بدون مقدمه و دنباله نظر افکنیم، البته یزید و ابن زیاد و عمر سعد که آن فاجعه خونین را به وجود آوردند، به سزای عمل ننگین خود رسیدند، اما اگر به این جریان تاریخ با دقت بیش‌تر بنگریم و کربلا را از آغاز تاریخ بشر تا وقتی که بشر هست، مورد مطالعه قرار دهیم و عاشورا را چند ساعت و چند روز و کربلا- را زمین مخصوص نپنداریم، بلکه هر روز را عاشورا و هر زمین را کربلا بدانیم، امام حسین(ع) را باید در طول تاریخ بشریت جستجو کنیم. حسین(ع) وارث خون هابیل، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد و علی است و تمام مصلحان بعد از عاشورا، وارث خون حسین(ع) می‌شوند. این زنجیره طولانی از آدم تا آخرالزمان ادامه پیدا می‌کند، تا به خونخواه و منتقم اصلی یعنی امام زمان(ع) می‌رسد. اینجا سخن از یزید و شمر و عمر سعد نیست، بلکه سخن از یزیدیان و ابن زیادها و شمرها در تاریخ بعد از حسین(ع) است که خون حسینیان را به زمین می‌ریزند. آخرین حلقه ظالمان و ستمگران که یزیدیان زمان هستند، به دست امام زمان(ع) کشته شده و انتقام این خون‌ها گرفته خواهد شد.

روایت شده که انتقام خون پدران خود را از کافران که به آنها ظلم کردند خواهم گرفت آیا مردگان آن زمان دوباره زنده می شوند و یا مقصود از کافران امروز هست؟

پرسش

روایت شده که انتقام خون پدران خود را از کافران که به آنها ظلم کردند خواهم گرفت آیا مردگان آن زمان دوباره زنده می شوند و یا مقصود از کافران امروز هست؟

پاسخ

روایات و احادیث در زمینهٔ انتقام گرفتن حضرت ولی عصر (عج) از دشمنان اهلبیت (ع) وجود دارد که نشان دهندهٔ این مطلب است که ایشان انقلاب عظیم اخلاقی برپا می کند و صلح واقعی به پا می دارد و ایشان سازمان تشکیلات دولت خود را بر اساس عدل و داد خواهند گذاشت و فرمانفرمایی خواهند فرمود و انتقام مظلومان را از بیدادگران خواهند گرفت. حضرت علی در مورد انتقام جویی حضرت از بنی امیه چنین می‌فرماید ": به خدا سوگند اگر شما را زیر سنگها پراکنده سازند خداوند شما را گرد خواهد آورد برای روزی که برای آنها برترین روزهاست. شما به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید اگر آنها ساکت شوند و در خانه نشستند شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبد و اگر از شما یاری طلبیدند به یاری آنها بشتابید که البته خدای متعال به دست مردی از اهل بیت ناگهان فرج عنایت خواهد کرد که پدرم فدای او باد..... خداوند او را به بنی امیه مسلط خواهد نمود تا آنها را زیر پاهایش پایمال سازد و با آنها چون سنگ آسیاب رفتار کند که: (آنها لعنت شده‌ها هستند، هر کجا یافت شوند دستگیر شده، کشته می‌شود چه کشته شدنی به این سنت خداست در مورد آنها که قبلاً آمدند و رفتند و هرگز برای سنت خدا تغییر و تبدیل نخواهی یافت) (۱) و.... در پایان این روایت این جمله به چشم می‌خورد که این سنت خدا برای آنها که قبلاً آمدند و رفتند. این جمله نشان دهنده این مطلب است که این انتقام جویی برای ظالمین گذاشته نیز می‌باشد که آنها دوباره رجعت کرده به دنیا باز گردانیده میشوند و انتقام خون اهل بیت را از آنها خواهند ستاند. روایت دیگری نیز از امام علی وارد شده که فرمود ": هنگامی که قائم ما ظاهر شود از کسانی که بدون علم فتوی داده‌اند انتقام می گیرند. وای بر آنها و پیروان آنها. آیا دین خدا ناقص بود که آنها تکمیل کردند؟ آیا در دین خدا انحرافی بود که آنه درست کردند؟ ..... آیا پیامبری بعد از رسول اکرم آمده که از او پیروی کرده‌اند "ایشان در مورد شکایت از دانشمندان می‌فرماید: دو گروه کمرم را شکست: ۱ـ دانشمندان گستاخ ۲ـ نادان زاهد مآب، دانشمندان گستاخ با رأی خود فتوی می‌دهند و احکام دین را دگرگون می‌سازند و نادان زاهد مآب با شیوهٔ غلط خود مردم را به گمراهی می کشند. (۲) این دو گروه که حضرت از آنها شکوفه دارد گروه‌هایی هستند که بعد از پیامبر اکرم با فتوی‌های غلط خود مردم را به گمراهی کشانند و هم چنین افرادی که در حال حاضر با فتواهای نادرست خود مردم را از اسلام بیزار می‌نمایند که با حضور حضرت حجت این گروه‌ها نیز از بین خواهند گرفت و حق مظلومان را از دست ظالمان این چنینی خواهند ستاند. امام محمد باقر از روز سختی که در انتظار جنایتکاران و ستمگران است سخن گفته می‌فرماید ": اگرمردم بدانند که مهدی به هنگام خروج ـ با ستمگران ـ چه می کند؟ بیشتر مردم دوست می‌دارند که او را درک نکنند و آن کشتار را نبینند آگاه باشید که او از قریش آغاز می کند و از آنها شمشیر دریافت می کند و به آنها خبر شمشیر منی‌دهند. بسیاری از مردم می گویند این از آل محمد بود ترحم می کرد ("۳) امام باقر در تفسیر آیه شریفه " فمهل الکافرین امهلهم رویداً "فرمود ": ای محمد کافران را مهلت بده مهلت دادی که اگر قائم قیام کند از ستمگران و جنایتگران قریش، بنی امیه، و هر قوم دیگر انتقام خواهد گرفت ("۴) از این احادیث و روایت چنین بر می‌آید که حضرت ولی عصر انتقام خون پدران خود را هم از کافران این زمان و هم از کافرانی که به ائمه ستم نمودند و محسن فاطمه را به شهادت رساندند را خواهند گرفت به امید فرج هر چه زودتر حضرت. منابع و مآخذ: ۱-احزاب. ۶۱،۶۳. منتخب الاثر، ص۲۳۸ ـ ۱۷۲، اصول کافی جلد ۲، صفحه۳۲۳ بشاره الاسلام، صفحه ۱۹۹ ـ نهج البلاغه، جلد۱، صفحه ۱۰۲۰۵، الحاوی الفتاوی، جلد۲، صفحه۱۴۶. ۲-الزام الناصب، صفحه۱۹۴ ـ بشاره اسلام صفحه ۷۵ ۳-بحارالانوار، جلد ۵۱ صفحه ۳۵۴. بشاره الاسلام، صفحه۲۷۷ ـ

www.noorfatemah.org

الزام الناصب، صفحه ۲۲۳ ۴-الزام الناصب، صفحه ۲۴۳ ـ بحار انوار، جلد۵۳، صفحه ۵۸ و ۱۲۰ مطالب جمع آوری شده از کتاب روزگارهایی، تألیف کامل سلیمان ، ترجمه: علی اکبر مهدی پور

اینکه میفرمایند امام زمان (عج) تشریف خواهند آورد و ظهور خواهند کرد و انتقام حضرت سید الشهداء و... و ائمه طاهرین را می گیرند خوب کسانیکه به ائمه ظلم کرده اند از رآس (خلفاء) تا آخر (سربازان حکومت) که همه مرده اند پس حضرت حجت از چه کسانی انتقام می گیرند؟

پرسش

اینکه میفرمایند امام زمان (عج) تشریف خواهند آورد و ظهور خواهند کرد و انتقام حضرت سید الشهداء و... و ائمه طاهرین را می گیرند خوب کسانیکه به ائمه ظلم کرده اند از رآس (خلفاء) تا آخر (سربازان حکومت) که همه مرده اند پس حضرت حجت از چه کسانی انتقام می گیرند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید نکات زیر قابل توجه به نظر می رسد: ۱ـ در بعضی موارد آمده که خداوند متعال آنها را برمی انگیزد (یعنی زنده می کند)(۱) ۲ـ در بعضی موارد نیز دارد که خود امام زمان (عج) زنده می کند. (۲) ۳ـ در نتیجه هیچ ابهامی وجود ندارد ـ چون می توان زنده کردن را هم به خداوند متعال نسبت داد و هم به امام زمان (عج) ـ چون اگر بگوییم خداوند متعال زنده کرده به این دلیل است که او بر همه چیز قادر است و همانطور که ما را در قیامت زنده می کند، آنجا نیز زنده خواهد کرد. و اگر بگوییم امام زمان (عج) زنده میکند به این دلیل که او نیز به امر الهی و قدرت او زنده می کند و زمانی که حضرت عیسی (ع) که سرباز و نوکر امام زمان (عج) است می تواند مرده زنده کند خود حضرت مهدی که حتماً می تواند. خداوند متعال همه ما را بصیر در دینش قرار دهد ان شاء الله منابع و مآخذ: ۱و ۲ـ کتاب مهدی منتظر، شیخ محمد جواد خراسانی، ص۱۹۵ به بعد

هدف از مخالفت اهل سنت با اعتقاد به رجعت چیست

پرسش

هدف از مخالفت اهل سنت با اعتقاد به رجعت چیست

پاسخ

"رجعت به عقیدهٔ امامیه و شیعیان عبارت از آن که خداوند متعال به هنگام ظهور امام زمان حضرت مهدیغ گروهی از شیعیان و مؤمنان راستین را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته‌اند، به دنیا باز می‌گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدّس نائل آیند و نیز برخی از دشمنان اهل‌بیت را زنده می‌کند تا از ایشان انتقام گرفته شود و بدین ترتیب

روشنی حق وبلندی مقام و مرتبه پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.(ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ص ۱۳۸، مؤسسهٔ الوفأ، بیروت) به همین خاطر اهل سنت اعتقاد به رجعت را مردود می‌دانند ;زیرا اگر چنین عقیده‌ای را بپذیرند، به معنای آن است که خلفای آن‌ها در اشتباه بوده و در گروه دشمنان اهل‌بیت قرار گرفته و حوادث و امور مربوط به رجعت بر آن‌ها تطبیق می‌شود، از این رو تلاش کرده‌اند که با استدلال‌هایی همچون مخالف بودن رجعت با سنت عمومی الهی بی هدف بودن رجعت و... عقیده به رجعت را بی اساس جلوه دهند ;غافل از آن که رجعت بر خلاف سنت عمومی الهی نبوده و در امت‌های گذشته نیز روی داده و شماری از انسان‌ها بعد از مردن به همین جهان بازگشته و دوباره رفته‌اند پس نمی‌توان مسأله رجعت را یک سنّت صد در صد کلی تخلف‌ناپذیر الهی دانست و افزون بر این بر رجعت اهدافی مترتب است از جمله ۱. رجعت به منظور مشاهدهٔ عزت اسلام و حق و از طرفی نشان دادن ذلّت کفر و دشمنی با اهل‌بیت پیامبر اکرم‌می‌باشد و نشانهٔ تحقق یافتن وعدهٔ الهی و حق بودن آن است ۲. با رجعت گناهکاران وکافران در دنیا عذاب‌ها و کیفرهایی را که می‌بایست ببینند، می‌بینند و کیفرهای دنیوی آن‌ها در سازندگی و عبرت‌آموزی انسان‌ها در دنیا نقش اساسی دارد. و موجب خواری و سرافکندگی کسانی می‌شود که روزگاری با ظلم و زور و حق‌کشی حکومت می‌کرده‌اند. و...(ر.ک رجعت از دیدگاه عقل قرآن حدیث حسن طارمی ص ۳ـ۷۰، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

آیا دوره ولایت بعد از امام زمان (عج)به پایان می رسد ؟

پرسش

آیا دوره ولایت بعد از امام زمان (عج)به پایان می رسد ؟

پاسخ

چنین نیست که پس از امام زمان(عج) دوره ولایت پایان پذیرد. ولایت در زمین آخرین چیزی که برداشته می شود و با برداشته شدن آن، بساط زمین و زمان نیز برداشته می شود و قیامت برپا می شود. اولا، طبق روایات پس از امام زمان(عج) ائمه اطهار(ع) و برخی پیامبران رجعت می کنند و با آنها ولایت امتداد می یابد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ظهور نور، علی سعادت پرور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، احیاء کتابف چاپ دوم ۱۳۸۰، صص ۲۱۹ – ۲۵۸). ثانیا، بر حسب روایات مکرر ائمه اطهار، امان زمین هستند که با نبود آنها زمین و زمان برچیده می شود. از طریق اهل سنت روایات متعددی درباره اهل بیت عصمت و طهارت نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱- در ینابیع الموده، ۱/۱۹: از رسول گرامی اسلام(ص) نقل می‌کند: النجوم امان لاهل السماء، فاذا ذهبت النجوم، ذهب السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذاذهب اهلی بیتی ذهب اهل الارض ؛ ستارگان امانی بر اهل آسمان‌ها است، هنگامی که ستارگان [از بین [بروند، آسمان هم [از بین[می‌رود و خاندان من، امان اهالی زمین است، هنگامی که خاندانم [از دنیا] بروند، اهالی زمین هم از بین می‌روند{M. ۲- در فرائد السعطین، ص ۲۰، از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند: ... و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذا ذهب اهل بیتی جاء اهل الارض من الایات ما کانوایوعدون... ؛ و خاندان من امان برای اهالی زمین هستند، پس هنگامی که خاندان من [از دنیا [بروند، برای اهالی زمین نشانه‌هایی که به آنهاوعده داده شده است، پیش می‌آید (یعنی قیامت برپا می‌شود){M. روایات در این باره در کتاب‌های اهل سنت بسیار است، که برای اطلاع بیشتر به کتاب

«الشیعهٔ والرجعه»، مرحوم شیخ محمدرضا طبسی، صص ۱۰ - ۹ مراجعه فرمایید. از طریق شیعه و در کتاب‌های روایی شیعه نیز روایات متعددی به این مضمون نقل شده است که فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱- الکافی، ۱/۱۷۹، از امام صادق(ع): او بقیت الارض بغیر امام ساعهٔ لساخت ؛ اگر زمین لحظه‌ای بدون امام باقی باشد، از هم می‌پاشد (زمین واهل آن هلاک می‌شوند) {۲ .M- بحارالانوار، ۲۳/۵، از امام صادق(ع): و لولا ما فی الارض منّا لساخت باهلها ؛ اگر در زمین یکی از ما [اهل بیت] نباشد، زمین با اهلش از هممی‌پاشد (و هلاک می‌شوند) {۳ .M- بحارالانوار، ۲۳/۲۹، از امام رضا(ع): لو خلق الارض طرفهٔ عین من حجهٔ لساخت باهلها ؛ اگر زمین چشم به هم زدنی از حجت خالی باشد، بااهالیش از هم پاشیده می‌شود {M. معنای روایت این است که چون امام انسان کامل است که حجت خدا بر روی زمین و خلیفه الهی بر روی زمین است و بلکه واسطه تمامی فیوضات و نعمتها بر موجودات مادی و از آن بالاتر امکانی است، اگر امام از دنیا رخت بر بندد و امامی پس از او نباشد که واسطه فیض الهی باشد، زمین و زمان از هم خواهد پاشید. زیرا در جای خود اثبات شده است که فیض الهی دائمی است و هیچگاه قطع نمی‌شود، اما این فیض به واسطه خلیفه الهی و حجت خدا به بندگان و موجودات می‌رسد و اگر امام نباشد و واسطه فیض رابطه‌اش با عالم طبیعت و مادی قطع شود، طبیعتا جهان مادی نیز از فیض محروم می‌شود. فیضی که باعث دوام و بقایش بوده است، دیگر به آن نخواهد رسید. بنابراین از هم خواهد پاشید. موجودات جهان مادی و عالم امکان که از آنها به ماسوی الله تعبیر می‌شود، فقر محض‌اند و در پیدایش و بقا خود نیازمند بی‌نیاز مطلق‌اند و در هر حال عین ربط و وابستگی به حق تعالی می‌باشند و بدون فیض الهی توانی برای ایستادگی و ادامه حیات و ابراز وجود ندارند و امام(ع) واسطه همه فیوضات الهی است و اگر او نباشد، تمامی جهان مادی بلکه عالم امکان از هم خواهد پاشید. «اگر نازی کند در دم فرو ریزد قالبها». برای روشن شدن رابطه امام و عالم امکان به این مثال توجه فرمایید. ساختمانی را در نظر بگیرید که از اجزا و مصالحی مختلف تشکیل شده و زیر ساخت و روبنایی دارد. اما تمام این ساختمان بر روی پایه‌هایی بنا شده است که قوام و دوام و استحکام ساختمان به این پایه‌هاست. اگر این پایه را بر دارند، در دم ساختمان بر روی ساکنانش خراب می‌شود. امام در جهان آفرینش به منزله ستونهای جهان است که اگر نباشد، جهان در دم فرو می‌ریزد. یا چراغی را در نظر بگیرید که نور افشانی می‌کند اما این نور خود را از منبع و سرچشمه یعنی جریان الکتریسیته‌ای که نیروگاه برق آن را تولید می‌کند، می‌گیرد. اما این جریان الکتریسیته از طریق سیمی که از نیروگاه کشیده شده، به چراغ متصل است یعنی در واقع، آن سیم واسطه فیض یعنی واسطه‌ی در رسیدن جریان برق به چراغ است. اگر این واسطه نباشد، چراغ خاموش می‌شود. امام(ع) واسطه‌ی فیض خداوند به ما سوی الله است. منظور از «الارض» در روایات مجموعه عالم امکان است. زیرا با دلیلی که اقامه شد امام واسطه فیض تمام عالم امکان و ما سوی الله است. آیات و روایاتی که اشاره به هفت آسمان و هفت زمین دارد، نیز موید همین مطلب است. اما مسلم است که هیچگاه جهان از حجت خالی نمی‌شود، بلکه حداکثر اینکه با درگذشت آخرین امام زمین و عالم مادی از حجت و واسطه فیض محروم می‌شود و بساط عالم مادی برچیده می‌شود و قیامت کبری بر پا می‌گردد. «یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات؛ (قیامت) روزی است که زمین به زمینی دیگر مبدل می‌شود و آسمان نیز همچنین»، (ابراهیم / ۴۸). شاید هم منظور از زمین همین زمین باشد که در این صورت کنایه است که زمین از حجت خالی نخواهد شد. به هرحال معنای «الارض» هر چه باشد، چه به معنای ظاهری آن باشد که همین کره خاکی در منظومه شمسی است و چه به معنای کل جهان مادی باشد که مجموعه آسمان و زمین است و چه به معنای عالم امکان و ما سوی الله باشد، معنای روایت روشن است که امام حجت و خلیفه الهی بر روی زمین و واسطه فیض الهی در عالم امکان است و بدون امام دوام فیض مختل می‌شود. البته امام به اجازه و اذن الهی واسطه فیض است و قدرت مستقلی در برابر قدرت الهی نیست. به عبارت دیگر او در طول حکمت و قدرت و فیض الهی قرار دارد نه در عرض آن و مجرای فیض الهی و مأمور دستورات الهی است. اصولاً هیچ موجودی در برابر خدای جهانیان کاره‌ای نیست و همگان بنده و فرمانبردار و مقهور اویند. زیرا تنها خداست که خدایی می‌کند و دیگران وابسته و متعلق به اویند و تنها سبب مستقل

اوست و حجت‌های الهی نیز از خود استقلالی ندارند و واسطه فیض از جانب او و به اجازه اویند. وقتی آخرین امام از دنیا برود، زمین از هم می‌پاشد و قیامت برپا می‌شود. این مطلب را برهان نیز تأیید می‌کند. زیرا امام، حجت خدا بر روی زمین و خلیفةالله (جانشین خدا) بر روی زمین و انسان کامل است و تمامی فیوضات و نعمت‌ها به واسطه امام(ع) بر موجودات زمینی و بلکه تمام موجودات امکانی می‌رسد. زیرا در جای خود اثبات شده است که فیض الهی دائمی است و هیچ‌گاه قطع نمی‌شود، اما این فیض به واسطه خلیفه الهی به بندگان می‌رسد و اگر آخرین امام رخت از دنیا بربندد، زمین و زمان از هم پاشیده می‌شوند. زیرا واسطه فیض، رابطه‌اش با عالم طبیعت و مادی قطع می‌شود، طبیعتا به جهانی مادی نیز فیضی که موجب دوام و بقایش باشد، نخواهد رسید و از هم خواهد پاشید. عالم ماده - و تمام موجودات امکانی - بدون فیض توانی برای ایستادگی و حیات ندارند زیرا همه وابسته و مرتبط به حضرت حق - جل و علا - هستند و اگر نازی کند در دم فرو ریزند، قالب‌ها. به این دلیل است که روایات ما تأکید دارند که اگر دو نفر در روی زمین باقی باشند، یکی از آنها امام و حجت خدا خواهد بود و آخرین کسی که رخت از دنیا برمی‌دارد، امام(ع) است، (ر.ک: اصول کافی، ص ۱۷۹ و ۱۸۰).

ما خود را باید از قیامت خیلی دور بدانیم زیرا می گویند که قیام حضرت مهدی قبل از قیامت است و ایشان سالها حکومت می کنند و بعد مسئله رجعت بعد از قیامت می تواند خیلی دور باشد.

پرسش

ما خود را باید از قیامت خیلی دور بدانیم زیرا می گویند که قیام حضرت مهدی قبل از قیامت است و ایشان سالها حکومت می کنند و بعد مسئله رجعت بعد از قیامت می تواند خیلی دور باشد.

پاسخ(قسمت اول)

قیامت فراتر از بعد زمانی است تا بدین شکل که شما تصور کرده اید، مسأله را نگاه نمایید و آنگاه احساس کنید که قیامت از ما خیلی دور است ، بلکه بر عکس قیامت هم اکنون هست و مادر قیامت خود قرار داریم ولی به دلیل آلودگی ها و تعلقات این حقیقت از ما محجوب است. برای فهم بیشتر و عمیق تر -حقیقت قیامت - به محضر قرآن شریف می رویم: قرآن وقیامت قرآن کریم با اشارات و نکات خاص خود ، حکایت ها و بیان های گوناگونی در روشن سازی حقیقت قیامت دارد که برای هر کس به حد فهم و درکش هدایت های لازم و در خور توجهی دارد؛ چرا که به فرموده رسول خدا (ص): «به درستی ما جماعت پیامبران مأموریم که با مردم به میزان عقل ها [و ادراکاتشان] سخن گوییم» («انا معاشر الانبیا امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم» بحار الانوار ، ج ۷۷، ص ۱۴۰) از این رو ، وحی و آنچه به زبان رسول خدا جاری می شود، چون برای مردم گفته می شود، به شکلی بیان گشته تا برای هر کسی به اندازه فهمش قابل استفاده باشد و به همین علت در قرآن اسراری است که هر فردی به اندازه سهم فکری و برداشت خود می تواند از آنها بهره مند گردد. قیامت نیز از جمله این موضوعات است که هر شخصی به اندازه عقل و خرد خود می تواند حقیقت آن را دریابد. آیات قرآن از زوایای متفاوت واقعیت قیامت را بیان و با لحن های گوناگون ابعاد، وقایع و مراتب موجود و مسائلی را که در آن خواهد گذشت، تشریح کرده است. یکی از این ابعاد آن است که قیامت باطن نظام هستی و دنیا بوده و این نظامی که ما شاهد آن هستیم و همچنین نظام برزخی و عوالم بالاتر ظاهر آن می باشند. از این رو، از دیدگاه قرآن قیامت هم اکنون هست، ولی در پشت پرده و در زیر حجاب و حجاب ها و بعدا پدید نمی آید ، بلکه بعدا با کنار رفتن و سائط و

www.noorfatemah.org

موانع آن حقیقت ظاهر و بارز میگردد. آیات قرآن با تعابیر گوناگونی این موضوع مهم و دقیق را برای بشر بیان کرده که به یک وجه می توان سه گروه و دسته از آیات را حکایت گر این امر دانست: دسته اول: یک سلسله آیات داریم که به صورت پرسش و پاسخ بوده و می کوشد تا این گمان غلط که قیامت را به صورت «بعد» زمانی تصور کرده و عالم آخرت را در طول این نظام می پنداشته اند، باطل سازد. برخی گمان می کردند که قیامت بعدا بر پا خواهد گردید و بعدا اتفاق خواهد افتاد، لذا از رسول خدا(ص) بر اساس این پندار واهی سوال می کردند که «بعدا چه رخ خواهد داد؟» و در پاسخ این ظن باطل، آیات قرآن متذکر می شوند که قیامت در آینده نیست، همین حالا ـ هم هست. البته پاسخ با دو لحن متفاوت، ولی با یک روح بیان شده است. در برخی پاسخ ها گفته می شود که: «قیامت الان هست و بعدا اتفاق نمی افتد» و در پاره ای پاسخ ها بیان می شودکه «قیامت بعد اتفاق می افتد ، یعنی بعدا ظهور می کند و بارز می شود» در اینجا به برخی از آیاتی که در این گروه جا می گیرند، اشاره می کنیم: ۱. «و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین، قل انما العلم عند الله و انما انا نذیر مبین، فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا و قیل هذا الذی کنتم به تدعون» (ملک ، ۲۷-۲۵) «و می گویند: اگر راست می گویید، این وعده کی خواهد بود؟» بگو! «علم [آن] فقط پیش خداست و من صرفا هشدار دهنده ای آشکارم.» و آنگاه که آن[لحظه موعود] را نزدیک بینید، چهره های کسانی که کافر شده اند در هم رود، و گفته شود؛ «این است، همان چیزی که آن را فرا می خواندید!» این که خداوند می فرماید؛ بگو! علم به این مسأله نزد خداست، منظور این نیست که اگر بعد باشد، شما نمی فهمید و نمی شود به شما فهماند و شما قدرت درک نخواهید داشت، بلکه مقصود آن است که قیامت هم اکنون هم هست، اما کی ظهور پیدا می کند؟ از قدرت درک شما خارج است. بله اگر حجاب ها کنار رود شما قیامت را همین حالاخواهید دید مثل کافرانی که در برزخ هستند چون یک حجاب یعنی نظام مادی از جلوی چشمانشان کناررفته است، به قیامت نزدیکترندو نزدیکی صحنه قیامت را دیده و از این رو چنان که خداوند متعال در این آیه فرمود، چهره هایشان در هم و مکدر می گردد. ما از آنجایی که در دنیا محجوب هستیم، آن نزدیکی را کم تر احساس می کنیم، اما وقتی به برزخ وارد شدیم و یک مرحله حجاب کنار رفت ظهور آن برایمان روشن تر می گردد، حتی کافران نیز قیامت را نزدیک دیده ، ناراحت اند. [دقت شود] ۲. «یسئلونک عن الساعه ایان مرسیها قل انما علمها عند ربی لا یجلیها لوقتها الا هو ثقلت فی السموات و الارض لاتاتیکم الا بغته یسئلونک کانک حفی عنها قل انما علمها عند الله و لکن اکثر الناس لا یعلمون»(اعراف ، ۱۸۷) «از تو درباره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو! «علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمان ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد» [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی . بگو! «علم، آن تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند.» این آیه نیز با تعبیر خاص خود اولا ، تعبیر به آشکار شدن قیامت کرده است، نه به وجود آمدن و پدید آمدن. ثانیا، مقصود از این تعبیر «علم آشکار شدQقیامت نزد خداست». آن است که اکثر مردم علمشان به آنجا که این زمان چه وقت ، نمی رسد. اگر آمدن قیامت یک مسأله زمانی و بعد زمانی بود، به هر کسی که بگویند ، یاد می گیرد که کی و چند سال یا سالهای بعد اتفاق می افتد. پس مشخص می شود که مسأله قیامت فراتر از بعد زمانی است و از درک انسان هاخارج است و تنها خداوند می داند . ۳. «یسئلک الناس عن الساعه قل انما علمها عندالله و ما یدریک لعل الساعه تکون قریبا» (احزاب، ۶۳) «مردم از تو درباره رستاخیز می پرسند ، بگو «علم آن فقط نزد خداست» و چه می دانی؟ شاید رستاخیز نزدیک باشد». این تعبیر که شاید رستاخیز و قیامت نزدیک باشد، یعنی این ظاهر به آن باطن نزدیک است و اشراف دارد، زیرا از آنجا که باطن محیط بر ظاهر است به آن نزدیک هم هست. [دقت کنید] ۴. «قل لایعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله و ما یشعرون ایان یبعثون بل ادراک علمهم فی الاخره بل هم فی شک منها بل هم منها عمون».(نمل، ۶۶-۶۶) «بگو: «هر که در آسمان ها و زمین است، جز خدا غیب را نمی شناسند و نمی دانند کی برانگیخته خواهند شد؟» [نه] بلکه علم آنان درباره آخرت نارساست؛ [نه] بلکه ایشان درباره آن، تردید دارند ، [نه] بلکه آنان در مورد آن کور دل اند.» این آیه به

صورت پرسش و پاسخ نبوده، ولی با لحن دیگری حقایق همان مفاد آیات قبل را بیان می کند که مردم علمشان به آخرت ناقص است، بلکه در شک اند و بالاتر، مردم نسبت به قیامت نابینایند؛ یعنی قیامت هست و آن ها نمی بینند، اگر کور دل نبودند نمی گفتند: «کی قیامت می آید؟» اگر چشم دلشان بینا بود ، می دیدند که قیامت الان هست و باطن این عالم و محیط بر آن است. ۵. «و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین، قل عسی ان یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون» (همان، ۷۲-۷۱) «و می گویند اگر راست می گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟» بگو: «شاید برخی از آنچه را به شتاب می خواهید در پی شما (و رقیب شما) باشد.» این که خداوند می فرماید: «شاید رقیب شما باشد» اولا، شایدهای خداوند مثل شاید های ما نیست، بلکه شاید حتمی است، ولی چرا یک مسأله تحقیقی به صورت شاید آمده؟ هر کسی به قدر فهم خودش برداشت می کند . ثانیا ، اینکه رقیب است؛ یعنی من که حالا هستم، قیامتم هم برپاست، باطن من که بهشتی ام یا جهنمی ام ، هم اکنون به عنوان رقیب با من هست، هی نگویید: «کی، کجا و چه وقت قیامت بر پا می گردد؟» قیامت شما با شماست، ولی در پشت حجاب و پرده و روزی که جنبه وجه الخلقی از میان برخاسته و جنبه وجه اللهی ظاهر گردد، این باطن، نمایان خواهد شد. البته اگر کسی در همین دنیا قیامتی شود. قیامت را خواهد دید. پس قیامت شو قیامت را ببین دیدن هر چیز را شرط است این تا نگردی او ندانی اش تمام خواه آن انوار باشد یا ظلام عقل گردی عقل را دانی کمال عشق گردی عشق را دانی ذبال (مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۷۵۸-۷۵۶) دسته دوم یک سری آیات در قرآن است که غیر از پرسش و پاسخ بوده و با لحنی خاص می گوید که قیامت در زیر پرده ها و حجاب ها قرار گرفته، روزی خواهد رسید که این حجاب ها کنار رفته، آنچه پشت پرده هست، ظاهر می شود. به بیان دیگر، این دسته از آیات این حقیقت رابیان می کند که قیام قیامت یعنی بر طرف شدن حجاب ها و کنار رفتن پرده ها و ظهور آنچه که هم اکنون در واقع هست و از ما محجوب. ۱. «و برزوا لله جمیعا»(ابراهیم، ۲۱) «و همگی در برابر خدا ظاهر می شوند.» این آیه با تعبیری خاص این واقعیت را بیان می دارد که انسان های خوب و بد بارز می شوند؛ یعنی وجه و جنبه الهی شان ظاهر می گردد که چگونه و چه ارتباطی با خداوند دارند و در مقام عبادت و عبودیت چه وضعیتی دارند . البته هم اکنون انسان بهشتی یا جهنمی چنین ارتباطی دارد و الان در واقع امر هر یک ازما نحوه ای ارتباط با خداوند داریم، ولی برای کسی که چشم دلش باز نگشته، این حقیقت درحجاب است و با نفخ دوم که جنبه وجه اللهی بارز گشته و جنبه وجه الخلقی کنار می رود، این باطن ظاهر می شود. از این رو ، خداوند تعبیر کرد به «برزوا» یعنی «بارز خواهند شد» پس الان هست، بعد ظاهرمی شود، نه این که الان نباشد و بعد به وجود بیاید. «بروز» یعنی «چیزی که بود و زیر پرده بود، آشکار شد» نه آنکه نبود و بعد ایجاد شد. و دقیقتر ، لحن آیه ای دیگر دلالت دارد که در روز قیامت همه هستی وموجودات برای خداوند عیان می شوند. «یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات و برزوا لله الواحد القهار»(همان، ۴۸) «روزی که زمین به غیر این زمین و آسمانها [به غیر این آسمانها] مبدل می گردد و در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند». یعنی زمین و آسمان آن جنبه وجه اللهی اش از پشت پرده بیرون آمده، بروز کرده و وجه قیامتی خودش را عیان می سازد. ۲. «و ازلفت الجنه للمتقین ، و برزت الجحیم للغاوین» (شعرا، ۹۱-۹۰) «و [آن روز] بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می گردد و جهنم برای گمراهان نمودار می شود.» این فراز به خوبی به این حقیقت اشاره دارد که با کنار رفتن پرده ها و حجاب ها، بهشت نزدیک می شود و باید توجه داشت که این نزدیکی ، نزدیکی مکانی نیست. مثلا در درون و باطن یک دانه ، درخت با آن شکل و شمایل خود هست و هر چه این دانه مراتب خاص خود را به سوی درخت شدن طی کند و هر چه موانع را کنار بزند، طهور و بروز درخت نزدیک می گردد. در این جا نزدیکی معنای مخصوص خود را دارد و به معنی قرب و بعد مکانی نمی باشد. همچنین می فرماید که جهنم هم برای گمراهان بارز و ظاهر می شود. پس بهشت و جهنم در روز قیامت ساخته نمی شود بلکه آن دو، هم اکنون هست و در روز قیامت عیان خواهد شد. ۳. «و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید، و جاءت کل نفس معها سائق و شهید، لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک غطائک فبصرک الیوم حدید»(ق، ۲۰-۲۱-۲۲) «و در صور دمیده شود، این است روز تهدید [من]. و هر کسی می آید [در حالی که] با او

سوق دهنده و گواهی دهنده ای است [به او می گویند:] «واقعا که از این [حال] سخت در غفلت بودی. و [لی] ما پرده ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده ات امروز تیز است.» این آیات به صراحت ، خطاب به انسان می گوید؛ آنچه در روز قیامت می بینی ، نه این که تازه به وجود آمده باشد، این ها بود، اما تو در غفلت به سر می بردی، ما تنها پرده را برداشتیم و تو آنچه را پشت پرده بود، دیدی. در آن روز چشمت تیزبین شده و چون وجه الخلقی از میان رفته و تو چشم وجه اللهی پیدا کرده ای، باطن این ظاهر را می بینی. ۴. «الهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر ، کلا سوف تعلمون ، ثم کلا سوف تعلمون، کلا لو تعلمون علم الیقین لترون الجحیم» (تکاثر ، ۱-۶) «تفاخر به بیش تر داشتن، شما را غافل داشت تا کارتان و پایتان به گورستان رسید. نه چنین است، زود اگر بدانید، باز هم نه چنین است، زود اگر بدانید. هرگزچنین نیست، اگر علم الیقین داشتید ، به یقین دوزخ را دیدید.» این آیات به روشنی این حقیقت را بازگو می کند که قیامت هم اکنون هست، ولی تعلقات انسانی مانند سبقت گرفتن و مسابقه دادن در تعلقات مادی و دنیوی ، آدمی را از دریافت آن، محجوب کرده است و اگر این حجاب مرتفع شود، هر کسی همین الآن قیامت خود و دیگران را به اندازه سعه وجودی خود، درک می کند، اما صد افسوس که تفاخر در بیش تر داشتن (تکاثر) شما را مشغول خود ساخته، شما را از آنچه باید بدانید و بیابید و برسید، باز داشته است و در واقع این حجاب است که مانع دیدن حقیقت قیامت می شود، نه آنکه قیامت بعدا به وجود بیاید. چون گهر در بحر گوید بحر کو و آن خیال چون صدف دیوار او گفتن آن کو حجابش می شود ابرتاب آفتابش می شود بند چشم اوست هم چشم بدش عین رفع سد او گشته سدش بند گوش او شده هم هوش او هوش با حق دار ای مدهوش او (مثنوی ، دفتر پنجم،ابیات ۱۰۸۰-۱۰۸۳) دسته سوم یک دسته از آیات نیز به باطن بودن قیامت و ظاهر شدنش در بعد و تحقق و وجودش در اکنون با این بیان خاص اشاره دارد که بهشتیان هم اکنون در بهشت اند و متنعم و جهنمیان هم اکنون در جهنم اند و معذب ، ولی این حقیقت در پشت پرده بوده، در قیامت با رفتن ظاهر و جنبه خلقی هستی، وجهه خدایی ظاهر گشته و این در نعمت یا عذاب بودن عیان خواهد شد. ۱. «ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم ، یصلونها یوم الدین و ما هم عنها بغائبین و ما ادریک ما یوم الدین، ثم ما ادریک ما یوم الدین ، یوم لاتملک نفس لنفس شیئا و الامر یومئذ لله»(انفطار، ۱۳-۱۹)

پاسخ(قسمت دوم)

«قطعا نیکان در بهشت اند و بی شک ، بد کاران در دوزخ اند ، روز جزا در آنجا در آیند و از آن (عذاب) دور نخواهند بود و تو چه دانی که روز جزا چیست؟ باز چه دانی که روز جزا چیست؟ روزی که کسی برای کسی هیچ اختیاری ...j.....و در آن روز، فرمان از آن خداست.» این آیات حکایتگر این حقیقت است که ابرار هم اکنون در نعیم اند و گناهکاران الان درجحیم اند و این باطن، در روز قیامت به ظهور خواهد رسید و آن را در قیامت در می یابند و آن عذاب و نعمت از آن ها غایب نیست، بلکه هم اکنون هست و بر آنها محیط، ولی ..... ها مانع از دیدن این حقیقت است. ۲. «ان جهنم کانت مرصادا»(نبا، ۲۱) «(...Лb جهنم (.....دیر باز) کمینگاهی بوده» این آیه می گوید که جهنمی که با تمام جزئیات خواهند دید ، در کمین هست؛ یعنی هست و در کمین است و ما از آن محجوبیم و این حقیقت بعد ظهور پیدا خواهد کرد. ۳. «انا اعتدنا للکافرین سلاسل و اغلالا و سعیرا»(انسان، ۴) «ما برای کافران زنجیرها و غل هاو آتشی فروزان آماده کرده ایم». یعنی این ها هم اکنون هست و آماده ولی بعدا ظاهر خواهد شد. ۴. «ان لدینا انکالا و جحیما و طعاما ذاغصه و عذابا الیما یوم ترجف الارض و الجبال و کانت الجبال کثیبا مهیلا» (مزمل ، ۱۲-۱۴) «درحقیقت پیش ما و (نزد ما، هم اکنون) زنجیرها و دوزخ و غذایی گلوگیر و عذابی پر درد است. (اما این حقیقت در پشت حجاب کی عیان می شود) روزی که زمین و کوه ها به لرزه در آیند و کوه ها بسان ریگ روان گردند.» پس عذاب الهی الان

هست و در روز قیامت ظاهر می گردد. نتیجه آنکه، این سه دسته آیات همگی با تعبیرهای متفاوت حکایتگر این حقیقت اند که قیامت و جنبه وجه اللهی هم اکنون هست، ولی از ما محجوب است. اما پس از نفخه اول که جنبه خلقی موجودات از میان می رود،با نفخه دوم و نفخه احیا جنبه وجه اللهی ظاهر و بارز خواهد گشت و با بالا رفتن حجاب ها، پرده ها و موانع خلقی حقیقت قائم بودن به حق منکشف و عیان خواهد شد. باید از این واقعیت استفاده کنیم و مراقب اعمال، افکار، اوصاف و عقاید خود باشیم؛ چرا که بر اساس این مسأله ، ما هم اکنون نحوه ای ارتباط با خداوند متعال داریم؛ یا در باطن امر در حال مخالفت با خداییم یا در حال عبادت؛ یا در باطن امر با خداوند در ستیز و دشمنی و جنگیم یا با حضرت حق در دوستی، محبت، اشتیاق و عشق. به این آیه توجه و در آن تدبر کنید: «یوم یکشف عن ساق و یدعون الی السجود فلا یستطیعون ، خاشعه ابصارهم ترهقهم ذله و قد کانوا یدعون الی السجود و هم سالمون»(قلم، ۴۳-۴۲) «روزی که کار ، زار [و رهایی دشوار] شود و به سجده فرا خوانده شوند و در خودتوانایی نیابند، دیدگان شان به زیر افتاده، خواری آنان را فرومی گیرد، در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می شدند و تندرست بودند.» این یک نمونه از صحنه های قیامت است که نشان می دهد، ما با باطن خود، لحظه به لحظه ارتباط داریم . یک حرکت خوب، یک فکر صحیح ، یک فعل خیر، یک ذکر قلبی در آن سوی قضیه با خداوند حسابی دارد. این آیه فقط نمونه ای ذکر کرده که در آن سو و در قیامت این ها را به سجده دعوت می کنند، اما این ها نمیتوانند سجده کنند؛یعنی چه و چرا؟ به این دلیل که در دنیا در حالی که از سلامتی برخوردار بودند و اراده داشتند، علی رغم دستور به سجده ، سجده نمیکردند، کسی که در ظاهر چنین است، در باطن و هنگام ظهور وجه اللهی این عمل هم قهرا نمی تواند سجده کند، چرا که اسیر شیطان بوده است. کسی که در این دنیا گناه می کند به حدی که زنگار بر دلش بسته می شود، در آن سو و در ظهور باطن ها از پروردگار متعال محجوب خواهد بود، چون آلودگی ها ، هواها ، اوهام و تعلق ها در باطن، حجاب دیدار روی حضرت حق است. «کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون»(مطففین، ۱۵) برای آنکه چنین نباشیم، بلکه در آن دسته و گروه قرار گیریم که در باطن امر به سوی خداوند متعال با عشق و اشتیاق و محبت در حرکت اند، باید مراقبه و دوام بر مراقبه داشته باشیم. این ها به ظاهر دو چیزند، ولی در حقیقت یک امرند، مراقبه برای دوام حضور در محضر پروردگار یک ضرورت و دستور است ، با یاد خدا و تنبه بر حضور در محضر اوست که خداوند نیز از انسان یاد می کند: «فاذکرونی أذکرکم ؛ یادم کنید، یادتان کنم»(بقره، ۱۵۲) باید با یاد او قلب را اسیر خدا گردانیم تا در هر حالی غافل نشویم. حضرت استاد علامه طباطبایی «قدس الله سره القدوسی ـ» که نعمتی بزرگ و گرانقدر بود و متأسفانه به جز تعداد معدودی ، کسی متوجه این نعمت عظیم نشد، حتی برخی از نزدیکان هم نفهمیدند که او چه گوهری بود. همه جا در قم رفت و آمد بود و سر و صدا مگر منزل علامه. درگوشه ای از کشور و در فراموش شده ترین منزل نعمتی برای مردم بود، با آنکه خیلی با مردم نبود ـ به درجه ای از مقامات روحی رسیده بود که در آخر عمر شریفشان با شوق و اشتیاق و عشق خاصی مرتب همین آیه شریفه را قرائت می فرمود: «فأذکرونی اذکرکم» خداوند روحش را شاد گرداند و ما را قدردان چنین وارستگانی قرار دهد که محو جمال یارند و فانی در او. دو مگو و دو مدان و دو مخوان بنده را در خواجه خود محو دان خواجه هم در نور خواجه آفرین فانی است و مرده و مات و دفین چون جدا بینی ز حق این خواجه را گم کنی هم متن و هم دیباچه را (مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۳۲۱۵-۳۲۱۷)

در رجعت اهل بیت تکلیف قبور و بارگاه و زیارت آنها چه می شود؟

پرسش

در رجعت اهل بیت تکلیف قبور و بارگاه و زیارت آنها چه می شود؟

پاسخ

اعتقـاد به رجعت که به معنای بازگشت گروهی از انسان ها پس از مرگ و پیش از روز رسـتاخیز است از مسـلمات بین امامیه اسـت چنـانچه شـیخ حر عـاملی [الایقـاظ من الهجعه] و مرحوم مظفر [ترجمه بـدایه المعـارف الهیه فی عقایـد الامامیه، ص ۳۳۷] دو تـن از دانشـمندان بزرگ شیعه می فرمایند رجعت از ضروریات مذهب امامیه است و علامه مجلسی [بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳] و علامه طباطبایی (تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۱۰) می فرماینـد: «روایات در این زمینه به حـد تواتر و بیش از پانصـد حدیث است» و آیت الله ابوالحسن رفیعی بر اثبـات رجعت علاـوه بر روایـات به آیات و ادله عقلی تمسک نموده (اثبات رجعت، ص ۲۲ – ۷). لکن نسبت به جزئیات رجعت که آیا مخصوص به مؤمنان است فقط یا انبیاء(ع) یا ائمه(ع) یا بعضـی ائمه(ع) در بین روایات اختلافاتی به چشم می خورد. و در رابطه بـا این که تکلیف قبور و بارگاه چه می شود. در روایاتی که مجموعه آنها را علامه مجلسـی در ج ۵۳ بحارالانوار نقل نموده چیزی بیان نشـده و به صورت قطعی نمی توان حکم کرد که چه رخ می دهـد لکن با توجه به یک نکته می توان در این زمینه مطلبی را حـدس زد و نکته این است که احترام و قـداستی که مـا برای این قبور و بارگـاه هـا قائل هستیم از جهت مرتبط بودن اینها با صاحبان قبور است و الا نفس آهن و چوب و طلا و نقره هیـچ قداستی ندارد. انگشتر و شمشیر و یا سایر وسائل یک شـخص بزرگ از آن جهت که مرتبط با آن شـخص است قداست پیدا می کند. حال چه آن شـخص زنده باشد یا خیر. لهذا می توان حدس قوی زد که این قبور و بارگـاه ها در آن زمان از آن جهت که قبلا محل دفن اجساد ائمه بوده باز هم دارای قـداست و احترام خواهد بود. چنانچه بیت المقدس ولو الان قبله مسلمین نیست لکن از آن جهت که قبلا قبله مسلمانان بوده دارای قداست است.

آیا امام زمان‌علیه‌السلام بعد از ظهور، از ابوبکر وعمر انتقام خواهد گرفت؟

پرسش

آیا امام زمان‌علیه‌السلام بعد از ظهور، از ابوبکر وعمر انتقام خواهد گرفت؟

پاسخ

مجلسـی به سـندش از بشـیر نبّال از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": هل تـدری أوّل ما یبـدء به القائم (ع)؟ قلت: لا. قال: یخرج هـذین رطبین غضّـین فیحرّقهمـا "؛ " ...آیا می‌دانی که{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶. پـاورقی} اولین کاری که قائم انجام می‌دهـد چیست؟ بشـیر گفت: خیر، حضـرت فرمود: آن دو نفر را در حـالی که تر وتازه هسـتند خارج کرده وهر دو را آتش خواهد زد. "...۱ – مجلسی؛ این حدیث را از کتاب فضل بن شاذان به سندش از بشیر نبّال نقل کرده است. ولی توثیقی در کتب رجال برای بشیر نبّال نرسیده، ولذا روایت از این جهت ضعیف‌السند بوده وقابل احتجاج نیست. ۲ – بر فرض صحت سند روایت، همان گونه که اشاره شـد مهم‌ترین کار امام مهدی (ع) اقامه حقّ وعدل است، واین عمل مصداق بارز آن به حساب می‌آید. ۳ – در روایت تصریح نشـده که مقصـود از آن دو نفر کیست، لـذا ممکن است که مقصـود برخی از خلفـای بنی‌امیّه یـا بنی‌عبـاس باشـند. ۴ – در صـورت

صحت حدیث، از آنجا که امام مهدی (ع) معصوم بوده وعمل او عین عدل وحق است باید اهل سنّت نسبت به این دو خلیفه تجدید نظر کرده وبا دید دیگری به آنان نظر کنند. ۵ - مکانی که این دو در آن دفن شده‌اند حجره پیامبر (ص) به حساب می‌آید، وهرگز حقّی نداشتند که در آن دفن شوند، واز آنجا که کار حضرت اقامه عدل است، لذا جسد آن دو را از آن مکان بیرون می‌آورد.

دعوت جهانیان به اسلام

این که گفته میشود: قرآن کامل نزد حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم ۷می باشد چیست ؟ آیا این قرآن ,تکاملی خاص از لحاظ علوم و اسرار نهانی قرآن کامل می باشد؟

پرسش

این که گفته میشود: قرآن کامل نزد حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم ۷می باشد چیست ؟ آیا این قرآن ,تکاملی خاص از لحاظ علوم و اسرار نهانی قرآن کامل می باشد؟

پاسخ

امام ۷کلام اللّه ناطق است , چنان که قرآن کلام اللّه صامت است . قرآن گرچه کلام خدا و خاموش است , اما حرف های بسیار دارد. به تعبیر روایات ظاهراً و باطناً(۱;) قرآن ظاهری و باطنی دارد و باطنش نیز باطن دیگری دارد. >در هر صورت اسرار نهفته ای در قرآن است که اگر کسی عالِم به اسرار آن باشد, آن ها را درک می کند. قرآن با همهء اسرار نهفته احتیاج به معلم و مفسّری دارد که با زیر وب م آن آشنا باشد. در روایات آمده است : وحی بر پیامبر۶نازل شد و حضرت آن را بر علی ۷املا می کرد و علی ۷آن ها رامی نوشت . علی ۷از خصوصیات آیات دربارهء زمان ها با خبر بود و به ظاهر و باطن آن و آنچه که تا روز قیامت نیازبشر است , آگاهی داشت .(۲) امام صادق ۷به بکیربن أعین فرمود: واللّه پوست و عروق من , پوست و عروق رسول خدا۶است . گوشت من گوشت او است . واللّه من می دانم آن چه را که در آسمان ها و زمین است و می دانم آن چه را در دنیا و آخرت است . ما اطلاعاتی از رسول خدا داریم که دیگران ندارند.(۳) باز امام صادق ۷فرمود: پیامبر هزار باب علم به علی ۷آموخت که از هر بابی هزار باب دیگر گشوده می شد.(۴) آری امامان به جز موّاج علم هستند و به اسرار قرآنی آگاهی دارند. از جملهء امامان , امام مهدی ۷آگاهی واطلاعات وسیع قرآنی را خواهد داشت و از الهامات الهی برخوردار خواهد بود. لذا قرآن را با تمام واقعیاتش برای مردم تبیین خواهد کرد وقرآن او همین قرآن خواهد بود. حضرت همان گونه که با ظلم و بیداد می جنگد و آن را تبدیل به عدل و داد می کند, دانایی و قرانگی را بر جهل ونادانی غالب می گرداند و جهان از نور عقل و دانش آکنده می گردد. او می آید تا نیروهای عقلانیِ تودها را تمرکزبخشد و خِرَدهای آنان را به کمال رساند. ایشان علوم و دانش هایی را که در طول اعصار و قرون در پشت پرده هامکنون مانده , پراکنده می سازد و تا اعمال وجود تک تک انسان ها اعم از زن و مرد گسترش می بخشد.(۵) (پاورقی ۱.با استفاده از تحریر الوسیله , ج ۱ ص ۵۳۶ جامع المسائل آیت اللّه فاضل لنکرانی , ج ۱ , ص ۹۰ (پاورقی ۲.همان , ج ۲۶ ص ۲۷ (پاورقی ۳.همان , ص ۲۸ (پاورقی ۴.همان . (پاورقی ۵.ویژه نامهء امام زمان , محلهء حوزه , شمارهء ۷۰ـ ۷۱ ص ۱۷۶

چرا قرآنی که به دست امام عصر(عج) است بین مسلمانان وجود ندارد؟

پرسش

چرا قرآنی که به دست امام عصر(عج) است بین مسلمانان وجود ندارد؟

پاسخ

قرآنی که نزد امام زمان (ع) است همان است که اکنون در دست مسلمانان دنیا است و آن قرآنی است که توسط جدّش امیرالمؤمنین(ع) تنظیم و جمع آوری شده است. قرآنی که علی(ع) نوشته نیز عین همین قرآنی است که الان در دست ما مسلمانان است، با سه تفاوتی که در پاسخ سؤال بعدی بیان شده و آن تفاوت ها، تفاوت در قرآن نیست بلکه مثل این می ماند که کسی تاریخ تولد فرزندش را در صفحهٔ اوّل قرآن یاد داشت کند، یا به اوّل یا آخر قرآن کشف الآیات یا قواعد تجویدی را اضافه نماید. شاید منظورتان، مطلبی باشد که در برخی کتاب ها نوشته شده و بعضی سخنرانان آن را بیان می کنند که وقتی حضرت ولی عصر(عج) ظهور کردند. انقلابی حقیقی چون زلزله ای فکری و فرهنگی به پا خواهد ساخت و قرآن حقیقی را حاکم خواهد نمود و ... . منظور از این گونه روایات و بیانات این است که وقتی حضرت ظهور کردند و در مقام تفهیم و تفسیر و تبیین قرآن بر می آیند و می خواهند حکومت الهی را بر پایهٔ قرآن پیاده کنند، جوامع بشری حتی جامعه های اسلامی و قرآنی به علت انحراف از فرهنگ اصیل قرآنی، می پندارند قرآنی که نزد حضرت است، قرآنی دیگر است، در صورتی که چنین نیست.

آیا بعد از ظهور، چهرهٔ واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پرسش

آیا بعد از ظهور، چهرهٔ واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پاسخ

سؤال مبهم است، زیرا نمی دانیم منظورتان از وضع دین که در جامعه شاهد آن هستید چیست. آیا منظورتان برخی از ناهنجاری های اجتماعی است که در جامعه مشاهده می کنید؟ منظورتان مشاهده نکردن جدی حضور دین در اعمال و افعال مسلمانان است؟ در هر صورت جوامع امروزِ متدینان، با جامعه ایده آلی که پیامبر اسلام بشارت آن را داده است، فاصله های زیادی دارد. شاید این فاصله به خاطر عمل نکردن به احکام نورانی اسلام باشد. چهره واقعی اسلامی بعد از ظهور امام زمان(عج) ظاهر خواهد شد، زیرا در زمان غیبت کبری بدعت هایی در دین گذاشته می شود؛ بسیاری از مفاهیم اسلام نزد بسیاری از مسلمانان دگرگون می شود؛ برخی از احکام آن به دست فراموشی سپرده می شود؛ توحید به انواع شرک ها آلوده می شود؛ قدر و منزل اهل بیت پیامبر(ص) میان گروه زیادی از مسلمانان ناشناخته می ماند؛ معیارهای ارزشی جامعه دگرگون می شود و چنان گرد و غبار تحریف چهرهٔ واقعی اسلام را می پوشاند که وقتی حضرت ظهور می کند و با بدعت ها مبارزه کرده، گردوغبار را از چهرهٔ اسلام بر طرف می سازد که عده ای تصور می کنند دین حضرت، اسلام جدیدی است که با اسلام متعارف زمان غیبت تفاوت دارد! در روایتی وارد شده است

که": وقتی حضرت قائم قیام کند، از نو مردم را به اسلام دعوت می کند و به دینی که آثارش محو شده و تودهٔ مردم از آن محروم مانده اند، رهبری می کند.("۱) این روایت در صدد بیان این مطلب نیست که حضرت مروّج آیینی غیر از آیین رسول الله است، چون علاوه بر آیات و روایات که اسلام را آخرین دین می داند، روایات فراوان دیگری حضرت را مدافع اسلام و سنت پیامبر معرفی کرده، از جمله راوی از امام صادق(ع) پرسید: رفتار حضرت مهدی(عج) چگونه است، حضرت فرمود": حضرت مهدی(عج) همان کاری را که رسول خدا انجام داده، انجام می دهد: انحرافات موجود را نابود می سازد، همان طور که پیامبر اکرم(ص) اساس جاهلیت را ویران ساخت، آن گاه اسلام را از نو بنا می کند.("۲) امیدواریم در برنامه های بعدی سؤال را واضح تر بیان کنید تا بهتر بتوانیم پاسخ بدهیم. پی نوشت ها: ۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰. ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

آیا بعد از ظهور، چهرهٔ واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پرسش

آیا بعد از ظهور، چهرهٔ واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پاسخ

سؤال مبهم است، زیرا نمی دانیم منظورتان از وضع دین که در جامعه شاهد آن هستید چیست. آیا منظورتان برخی از ناهنجاری های اجتماعی است که در جامعه مشاهده می کنید؟ منظورتان مشاهده نکردن جدی حضور دین در اعمال و افعال مسلمانان است؟ در هر صورت جوامع امروزِ متدینان، با جامعه ایده آلی که پیامبر اسلام بشارت آن را داده است، فاصله های زیادی دارد. شاید این فاصله به خاطر عمل نکردن به احکام نورانی اسلام باشد. چهره واقعی اسلامی بعد از ظهور امام زمان(عج) ظاهر خواهد شد، زیرا در زمان غیبت کبری بدعت هایی در دین گذاشته می شود؛ بسیاری از مفاهیم اسلام نزد بسیاری از مسلمانان دگرگون می شود؛ برخی از احکام آن به دست فراموشی سپرده می شود؛ توحید به انواع شرک ها آلوده می شود؛ قدر و منزل اهل بیت پیامبر(ص) میان گروه زیادی از مسلمانان ناشناخته می ماند؛ معیارهای ارزشی جامعه دگرگون می شود و چنان گرد و غبار تحریف چهرهٔ واقعی اسلام را می پوشاند که وقتی حضرت ظهور می کند و با بدعت ها مبارزه کرده، گردوغبار را از چهرهٔ اسلام بر طرف می سازد که عده ای تصور می کنند دین حضرت، اسلام جدیدی است که با اسلام متعارف زمان غیبت تفاوت دارد! در روایتی وارد شده است که": وقتی حضرت قائم قیام کند، از نو مردم را به اسلام دعوت می کند و به دینی که آثارش محو شده و تودهٔ مردم از آن محروم مانده اند، رهبری می کند.("۱) این روایت در صدد بیان این مطلب نیست که حضرت مروّج آیینی غیر از آیین رسول الله است، چون علاوه بر آیات و روایات که اسلام را آخرین دین می داند، روایات فراوان دیگری حضرت را مدافع اسلام و سنت پیامبر معرفی کرده، از جمله راوی از امام صادق(ع) پرسید: رفتار حضرت مهدی(عج) چگونه است، حضرت فرمود": حضرت مهدی(عج) همان کاری را که رسول خدا انجام داده، انجام می دهد: انحرافات موجود را نابود می سازد، همان طور که پیامبر اکرم(ص) اساس جاهلیت را ویران ساخت، آن گاه اسلام را از نو بنا می کند.("۲) امیدواریم در برنامه های بعدی سؤال را واضح تر بیان کنید تا بهتر بتوانیم پاسخ بدهیم. پی نوشت ها: ۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰. ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

چگونه امکان دارد دین اسلام در زمان حضرت مهدی عالمگیر شود؟

www.noorfatemah.org

پرسش

چگونه امکان دارد دین اسلام در زمان حضرت مهدی عالمگیر شود؟

پاسخ

اگر ستم گران از عدل و داد سخن میگویند و اگر جنگ افروزان و متجاوزان به ملّتهای ضعیف، وغارتگران بزرگ دنیا و دشمنان واقعی آسایش و امنیت مردم محروم صلح و همزیستی و خلع سلاح را پیشنهاد مینمایند. و اگر پایمال سازان حقوق بشر و عدالت و آزادی، حقوق بشر را عنوان میکنند و برای آن دلسوزی مینمایند، همه برای این است که فطرت بشر خواستار وجود حقیقی حکومت واحد و عدالت و صلح و امنیّت و احترام به حقوق بشر است و این همان دین فطرت است که واحد است و در آخرالزمان تحت رهبری آن موعود عزیز و محبوب انبیاء و اولیا و همهٔ مردان خدا، جهان را فرا میگیرد و دنیا به سوی قبول این دین و اهداف پاک و انسانی آن به پیش میرود و برای آنکه به ندای آن قرةالعین مصطفی و میوهٔ دل علی و زهرا جواب مثبت بدهد آماده میشود.

اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پرسش

اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پاسخ

درباره ی قرآنی که امام زمان (عج) می آورد سؤال کردید قرآنی که امام زمان (عج) می آورد با این قرآن هیچ تفاوتی ندارد جز اینکه آن قرآن همراه با تفسیر و تأویل آیات است بدین لحاظ که طبق روایات معتبر فقط حضرت علی(علیه السلام) کاتب خصوصی پیامبر اکرم بودند با اینکه کاتبان عمومی نیز وجود داشتند حضرت پیامبر اکرم، بر آیه ای را که جبرئیل نازل می کرد به حضرت علی(علیه السلام) املاء می فرمودند و آن چه که پیرامون آن آیه بود مانند تفسیر و توضیح و... حضرت علی(علیه السلام) به دستور پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)می نوشتند که در روایت آمده است که مجموع آن به طول ۷۰زارع می شد. بعد از وفات رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) حضرت علی(علیه السلام) آن را عرضه کردند و جواب شنیدند که حسبنا کتاب الله یعنی ما نیازی به این کتاب ندرایم و کتاب خداوند برای ما کفایت می کند. حضرت علی(علیه السلام) هم فرمودند دیگر این کتاب را نخواهید دید و این کتاب که به کتاب جامعه معروف است پس از حضرت در نزد فرزندان معصومش باقی ماند و اکنون در نزد حضرت ولی عصر(عج) می باشد که با ظهور آن حضرت این کتاب بر مؤمنین عرضه شده و با مضامین آن عمل می شود. و این همان است که پنداشتند حضرت قرآنی جدید می آورد در حالی که حضرت همان قرآن را با تفسیر و توضیح و بیان حکمتها و فلسفه های آن و فروعات آن... می آورند.

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد یعنی چه؟

پرسش

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد یعنی چه؟

پاسخ

براساس دلیلهای قطعی می دانیم که امام زمان((علیه السلام)) که ظاهر می شود همان شریعت اسلام را در سرتاسر جهان نشر می دهد و حکومت اسلام را در دنیا مستقر می سازد و اینکه در پاره یی از روایات آمده که امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد ممکن است منظور این باشد که مردم چون از عمل کردن و پیروی آیین اسلام دست کشیدند و یا بدعتهایی در آن به وجود آوردند وقتی امام زمان((علیه السلام)) اسلام واقعی را به مردم عرضه می کند برای مردم جدید و تازه خواهد بود چنان که در دعای ندبه درباره ی امام زمان((علیه السلام)) این تعبیر آمده: «این المد خرلت جدید الفرائض و السنن ;کجا است آن کس که برگزیده شده تا آیین و شریعت اسلام را تجدید نماید». (بخش پاسخ به سؤالات) ـ۴۰ـ

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پرسش

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پاسخ

از آیات و روایات استفاده می شود: مسلمانانی که از گناه خود توبه کنند و به دعوت حضرت مهدی (عج)لبیک بگویندو به واجبات دینی حقیقی خود عمل نمایند واگر کافرانی به دین اسلام ودین حق روی آورند مورد تعرض قرار نگرفته بلکه از ثمرات شیرین عدل و داد مهدی موعود بهره مندخواهند شد. آیت الله ابراهیم امینی می فرماید: (از اوضاع عمومی زمان ظهور می توان پیش بینی نمود که وقتی مهدی موعود(عج) ظاهر شدو حقایق اسلام را به مردم جهان عرضه داشت و برنامه انقلابی واصلاحی اسلام را به سمع آنان رسانید بسیاری از مردم اسلام را قبول می کنند و از قتل نجات پیدا می کنند.(امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، موسسه مطبوعاتی دارالفکر، ص ۲۸۹) سیره مهدی موعود (عج) : روش و سیره آن حضرت، روش وسیره جدش پیامبر(ص) خواهد بود. از تمامی انسانهایی که توفیق اطاعت حضرتش را داشته و به راه راست هدایت شوند از رحمت الهی بهره مند شده و به لمعات ابدی می رسند و آنانی که از اطاعت دین حق و دستورات دینی آن حضرت سرپیچی کنند وبه عناد و دشمنی با وی اقدام نمایند از بین خواهند رفت. لطفا برای اطلاعات بیشتر کتب زیر را مطالعه بفرمایید : ۱-امینی ابراهیم،دادگستر جهان ، موسسه مطبوعاتی دارالفکر

۲-صافی گلپایگانی لطف الله ،امامت ومهدویت، انتشارات جامعه مدرسین ۳-کورانی علی،عصرظهور،مترجم عباس جلالی،سازمان تبلیغات اسلامی ۴-سعادت پرورعلی،ظهور نور،مترجم وزیری فرد سید محمد جواد

تجدید دین توسط امام زمان چگونه است ؟

پرسش

تجدید دین توسط امام زمان چگونه است ؟

پاسخ

تحریف و دست برد از جریانت خطرناکیست که همه ادیان و متون کهن را تهدید کرده و آنرا آلوده گرداننده گر چه محور یترین مهمترین و اساسی ترین متن اسلام یعنی قران کریم به عنایتهای ویژه الهی از هرگونه تحریف در امان مانده است (ما قران را فرو فرستادیم و خود حافظ و پاسدار انیم - قران کریم) ولی بدون شک احادیث و سخنان پیامبر (ص) و امان (از تحریف در امان نبوده چنانکه تفسیر ها و برداشتها ی بشری از قران و وحی نیز دچار تحریف گردیده است که وجود مذهبها و تفسیرها مختلف از دین پیامد انست از این رهگذر یکی از اقدامات موثر امام زمان (ع) پس از ظهور پیراستن اسلام ناب محمدی و پالایش و شفاف نمودن آن از تحریف و آلودگیهاست که از آن در روایات تعبیر به تجدید دین گردیده است پرسش : منظور از دین و قران جدیدی که امام زمان (ع) می اورد چیست ؟ پاسخ ادیان اسمانی در حقیقت مانند اب زلال و شفافی هستند که از اسمان نازل می گردند که در اغاز مانند صفا و پاکی باران و روشنایی افتاب هستند ولی با تماس افکار منحط جاهلان و دستهای الوده مغرضان و امیختگی با عادات و خرافات گاهی چنان تحریف می‌شوند که جاذبه خود را از دست می‌دهند یکی از رسالتهای امام زمان (عج) پیراستن اسلام از این الودگی ها و خرافات و پیرایه ها و به تعبیر دیگر نوسازی بنای کاخ شکوهمند اسلام است از این رو در پاره ای از روایات از این نوسازی تعبیر به دین جدید شده است امام صادق (ع) می فرماید : (هنگامی که قایم خروج کند امر جدید و کتاب جدید و روش جدید با خود می اورد)،یعنی در ان زمان اسلام را انچنان از لابلای انبوه خرافات و تحریف ها و تفاسیر نادرست بیرون می اورد که گویی بنایی کاملا-نو و جدید ساخته است اما راجع به قران جدید دو گونه می توان توضیح داد یکی اینکه قران جدید همان قرانی است که امیر المومنین (ع) به همان صورت و ترتیب که در سال ۲۳ بر پیامبر نازل شده جمع اوری کرده است چنانکه امام محمد باقر فرموده است هنگامی که قایم ال محمد (ص) قیام کند خمیه ها یی نصب می کند برای کسانی که مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند . برگرفته از : ۱-معاد، استاد مطهری (ره) قران را همانطور که نازل شده به مردم تعلیم دهند این مشکلترین کارها ست زیرا ان قران به عکس قران فعلی جمع اوری شده را چنان از زوایای تحریفات معنوی و تفسیرها ی نادرست بیرون می کشد که می توان نام کتاب جدید بر ان گذاشت زیرا در غیر این صورت لازم می اید که یک کتاب اسمانی جدید بر نازل شود که این امر شدنی نیست برای اینکه در روایات ان حضرت به عنوان یک داعی و حافظ قران کریم معرفی شده است پیامبر اکرم (ص) می فرماید : (قائم از فرزندان من است ...، مردم را به پیروی من و ایین من وا می دارد و انها را به کتاب پروردگار دعوت می نماید .)

اینکه می‌گویند وقتی امام زمان (عج) ظهور می‌کنند، آنچنان دین اسلام را از پیرایه‌ها پاک می‌کنند که گویی دین جدیدی آورده‌اند، با

وجود مراجع عظام ما که سعی می‌کنند دین اسلام را به شکل درست آن مطرح نمایند، چگونه قابل جمع است؟ به عبارت دیگر با وجود مراجع تقلید

پرسش

اینکه می گویند وقتی امام زمان (عج) ظهور می کنند، آنچنان دین اسلام را از پیرایه‌ها پاک می کنند که گویی دین جدیدی آورده‌اند، با وجود مراجع عظام ما که سعی می کنند دین اسلام را به شکل درست آن مطرح نمایند، چگونه قابل جمع است؟ به عبارت دیگر با وجود مراجع تقلید و علماء دین بازهم آیا دین آنچنان دچار انحراف و پیرایه‌ها مختلف می‌شود که وقت امام زمان (عج) ظهور می کنند، اسلام را به شکل صحیح آن مطرح می‌نمایند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما خواهر گرامی باید گفت: در کل جهان اسلام که از هفتاد کشور تشکیل شده اند، جمعیتی یک میلیارد و دویست میلیونی را در خودش جای داده است. بیش از ۷۰ درصد این جمعیت را اهل تسنن تشکیل می دهند و جمعیت غالب آن بدور از معارف ناب اهل بیت می باشند. علمای اهل تسنن اسلامی را تبلیغ می کنند که منهای معارف اهل بیت است. با این حال بسیاری حدود الهی که بعد اجتماعی دین اسلام است تعطیل شده است، و به جای آن پیرایه های منحرف غربی وارد آن شده نمونه آن را در کشورهای مختلف اسلامی می توان دید گرایشهای وهابیت و دمکراسی غربی امروزه در برخی از کشورهای اسلامی نفوذ عجیبی کرده است. جمعیت تشیع تقریباً بیست تا بیست و پنج درصد جهان اسلام را تشکیل می دهد. درصد خیلی کمتری از اهل تسنن می باشند. باید دقت کرد جهان اسلام فقط مراجع بزرگوار ایران و یا عراق که نمی باشند بلکه تمام مسلمانان را شامل می شود. متأسفانه علوم ناب اسلامی را آن گونه که باید همه دولتهای اسلامی سعی در تبلیغ آن کنند انجام نمی دهند. بلکه برخی از دولتهای اسلامی سعی در خاموش کردن این نور الهی دارند نمونه آن گرایش برخی از دول اسلامی به اسرائیل و آمریکا می باشد. اگر ما تأملی در علوم و معارف ناب اهل بیت داشته باشیم و سپس آن را با معارف انحرافی اسلام آمریکایی مقایسه کنیم به فرق فاحش بین آن دو پی خواهیم برد. پس می توان از روایت این گونه برداشت کرد که: الف ـ خیلی از مسلمانان که گروه اهل تسنن را تشکیل می دهند چون اسلام رام نهای معارف اهل بیت می شناسند. برای همین توهم دین جدید را بعد از ظهور امام زمان (عج) پیدا می کنند. ب ـ با عملی شدن فرامین اسلام بعد از ظهور امام زمان (عج) خیلی از مشکلات جامعه حل می شود، و مردم در اثر پایبندی به اسلام به قله های مراجع بزرگوار تمام همت خود را صرف تبلیغ اسلام ناب می کنند و این همان اسلامی است که امام (عج) آن را عملی می کند ولی متأسفانه همین معارف امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی اجرا نمی شود و حتی از علومش آگاهی ندارند.

وقتی که امام زمان‌غ ظهور می‌کند، آیا مانند امامان دیگر، به تبلیغ دین می‌پردازد یا بدون هیچ فرصتی تمام بدکاران را از بین می‌برد و جایی برای اصلاح دیگران باقی نمی‌ماند؟

پرسش

وقتی که امام زمانغ ظهور می کند، آیا مانند امامان دیگر، به تبلیغ دین می‌پردازد یا بدون هیچ فرصتی تمام بدکاران را از بین می‌برد و جایی برای اصلاح دیگران باقی نمی‌ماند؟

پاسخ

توجّه به این نکته ضروری است که امام زمان(عج) براساس موازین قرآنی و دینی و برای گسترش معنویات و عدالت ظهور کرده بسیاری از مشکلات را حل می‌نماید و جز موارد خاصّی به سیرهٔ اهل‌بیت عمل می کند. آن‌چه دربارهٔ حکومت حضرت و فعالیّت جهانی‌اش می‌توان گفت این است که ۱. با ظهور حضرت عقل بشری به تکامل می‌رسد و حق را از باطل تشخیص می‌دهد و جامعه از جهل رهایی می‌یابد ;رشد عقلی و علمی به نحو چشم گیری تحقّق می‌یابد. امام صادق‌در این باره می‌فرماید: مقدار دانایی بشر، در دوران ظهور، و بعد از ظهور، قابل مقایسه نیست و از ۲۷ حرف علم تنها دو حرف آن قبل از ظهور، و ۲۵ حرف آن در زمان ظهور، کشف می‌شود.(بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۲، ص ۳۳۶.) ۲. رشد تربیتی انسان‌ها: آن حضرت انسان‌ها را از کوری و کری و گنگی در مسیر هدایت نجات می‌دهد و مانند پیامبراکرم مردم را تربیت و هدایت می کند". سلك بكم منهاج الرسول (همان ج ۵۱، ص ۱۲۳.) ۳. دین تحریف شده و خرافات را از بین می‌برد و حقیقت را بر مردم عرضه می کند. بر این اساس زمینهٔ انتخاب آگاهانه و آزادانهٔ مردم به وجود می‌آید و اگر کسی بعد از این همه فعالیّت و تلاش تن به حقّ ندهد و در مسیر حق‌پرستی قرار گیرد و مانع‌تراشی کند، حضرت با قاطعیّت موانع را از جلوی مسیر هدایت انسان‌ها برمی‌دارد ;در عین حال فرصت اصلاح برای همه وجود دارد و نقش حضرت هدایت و اصلاح مردم است و مبارزهٔ آن حضرت با کسانی است که مقابل راه حق بایستند. نکتهٔ دیگر آن‌که اگر کسی از اهل‌کتاب ـ حتّی بعد از روشن شدن حق ـ مسلمان نشد و مانعی در مسیر هدایت ایجاد نکرد، حضرت به آن‌ها کاری ندارد و آن‌ها به دین خود باقی می‌مانند و جبر و اکراهی در عقیده وجود ندارد. این مطلب را از قرآن مجید می‌توان فهمید که در آیاتی می‌فرماید: یهود و نصارا تا قیامت وجود دارند": فَاَغرَینا بَینَهُمُ العَداوهَ والبَغضاَ اِلیَ یَومِ القِیَمَهِ (مائده ۱۴)".(عصر زندگی محمد حکیمی ص ۶۰ ـ ۱۰۰، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم)

آیا صحیح است که امام زمانغبا دین جدید و قرآن کامل ظهور می‌کند؟

پرسش

آیا صحیح است که امام زمانغبا دین جدید و قرآن کامل ظهور می کند؟

پاسخ

آخرین دین و شریعت الهی دین و شریعت اسلام است که پیامبر اسلام آورد و پس از آن هیچ دین و شریعتی نخواهد آمد. و هر کس بگوید من دین جدید آورده‌ام دروغ می گوید. حضرت امام زمانغ با ظهورشان همان دین جدّشان را بیان و ترویج خواهد فرمود ;امّا در طول تاریخ تحریف تفسیر باطل و بدعت در دین اسلام به اندازه‌ای زیاد خواهد شد، هنگامی که آن حضرت ظهور نماید و دین حقیقی را بیان نماید، مردم خیال خواهند کرد آن‌حضرت دین جدید آورده است قرآنی که اکنون در دست مسلمانان

است از نظر کلمات و آیات کامل است و با قرآنی که در دست امام زمانغ می‌باشد تفاوتی ندارد. ولی به نظر عده‌ای از محققان و محدثان شیعه حضرت علی‌قرآن را بعد از پیامبر جمع‌آوری کرد و امامان یکی پس از دیگری آن را به عنوان سپردهٔ امامت در اختیار امام پس از خود قرار داده‌اند، تا به امام زمانغ رسیده است که آن را پس از ظهور خود به مردم ارائه خواهد فرمود.(تاریخ قرآن دکتر رامیار، ص ۴۱۰ ـ ۴۱۳، انتشارات امیرکبیر.) مصحف حضرت علی‌دارای ویژگی‌های ذیل بود: ۱. ضبط قرآن بنابر قرائت پیامبر۹ ;۲. ترتیب دقیق موضوع برحسب نزول ۳. در برداشتن توضیحاتی در حاشیه ذکر مناسبتی که موجب نزول آیه بود ;نام مکانی که آیه در آن‌جا نازل شد، ساعت نزول آیه نام افرادی که آیه دربارهٔ آنان نازل شده بود و...(آموزش علوم قرآن محمدهادی معرفت ج ۱، ص ۳۴۹، ترجمه ابومحمد وکیلی نشر: سازمان تبلیغات اسلامی) بنابراین قرآن فعلی هیچ‌گونه تفاوتی از نظر آیات و تعداد آنها ـ به جز داشتن توضیحات و ترتیب خاص ـ با مصحفی که حضرت ولی‌عصرغ بعد از ظهور خود، به مردم ارایه خواهند داد، ندارد.

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پرسش

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پاسخ

از آیات و روایات استفاده می شود که: مسلمانانی که از گناه خود توبه کنند و به دعوت حضرت مهدی (عج)لبیک بگویندو به واجبات دینی حقیقی خود عمل نمایند واگر کافرانی به دین اسلام ودین حق روی آورند مورد تعرض قرار نگرفته بلکه از ثمرات شیرین عدل و داد مهدی موعود بهره مندخواهند شد. آیت الله ابراهیم امینی می فرماید: (از اوضاع عمومی زمان ظهور می توان پیش بینی نمود که وقتی مهدی موعود(عج) ظاهر شدو حقایق اسلام را به مردم جهان عرضه داشت و برنامه انقلابی واصلاحی اسلام را به سمع آنان رسانید بسیاری از مردم اسلام را قبول می کنند و از قتل نجات پیدا می کنند.(امینی, ابراهیم, دادگستر جهان, موسسه مطبوعاتی دارالفکر, ص ۲۸۹) سیره مهدی موعود (عج) : روش و سیره آن حضرت، روش وسیره جدش پیامبر(ص)خواهد بود. از تمامی انسانهایی که توفیق اطاعت حضرتش را داشته و به راه راست هدایت شوند از رحمت الهی بهره مند شده و به لمعات ابدی می رسند و آنانی که از اطاعت دین حق و دستورات دینی آن حضرت سرپیچی کنند وبه عناد و دشمنی با وی اقدام نمایند از بین خواهند رفت. لطفا برای اطلاعات بیشتر کتب زیر را مطالعه بفرمایید : ۱-امینی ابراهیم,دادگستر جهان , موسسه مطبوعاتی دارالفکر ۲-صافی گلپایگانی لطف الله ,امامت ومهدویت,جامعه مدرسین ۳-کورانی علی,عصرظهور,مترجم عباس جلالی,سازمان تبلیغات اسلامی ۴-سعادت پرورعلی,ظهور نور,مترجم وزیری فرد سید محمد جواد

با امکان هدایت بشر از راه دعوت اخلاقی وتربیت انسانی، چرا امام زمان‌علیه‌السلام از شمشیر استفاده می‌کند؟

پرسش

با امکان هدایت بشر از راه دعوت اخلاقی وتربیت انسانی، چرا امام زمان‌علیه‌السلام از شمشیر استفاده می کند؟

پاسخ

از کارهای حتمی امام موعود (ع) جنگی تمام عیار با تمام انسان‌های خون آشام است. در مسأله جنگ ممکن است چنین انگاشته شود که هدایت انسان وساختن جامعه بشری با دعوت اخلاقی وتربیت درست، امکان‌پذیر است ونیازی به خونریزی وجنگ نیست. مطالعه تاریخ بشری –از روزی که تاریخی بر جای مانده است– به خوبی این واقعیت را آشکار می‌سازد که موانع راه رشد وتکامل انسان جز با قدرت وخونریزی از سر راه برداشته نمی‌شود، وتعالیم اخلاقی واصول تربیتی هر چند تأثیرهای ژرف وگسترده داشته است لیکن این تأثیرها در برخی از افراد نجیب انسانی بوده است، ودر طبقه سلطه‌طلب ودنیادار واستثمارگر که منابع اقتصادی، سیاسی ونظامی جامعه‌ها را در دست داشته ودارند، یا هیچ تأثیری نداشته و یا تأثیر آن تحوّل‌آفرین ودگرگون‌ساز نبوده است. برای تربیت وهدایت آنان باید عامل دیگری به کار می‌رفته است تا سدّ راه انسان‌ها نگردند وراه رشد را بر توده‌ها نبندند، تا همگان بتوانند بی‌هیچ‌گونه مانعی به راه رشد خویش ادامه دهند. از این رو مسأله جنگ وکاربرد نیروبه عنوان یک ضرورت برای دستیابی به هدف‌های انسانی مطرح می گردد. اسلام، با توجه به همین واقعیت‌ها جنگ را نه به عنوان هدف وآرمان بلکه به عنوان راه ووسیله برای تحقق توحید و عدل پذیرفته است. در قرآن کریم آمده است: {وَقاتِلُوهُمْ حَتّی لاتَکُونَ فِتْنَةٌ وَیَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ...}؛ {پاورقی . سوره بقره، آیه ۱۹۳. پاورقی"} با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد ودین، همه‌اش برای خدا گردد. "...از این رو پیامبر اسلام که" رحمة للعالمین "است فرمود": الخیر کلّه فی السیف وتحت ظلّ السیف، ولایقیم الناس إلّا السیف، والسیوف مقالید الجنّة والنار"؛ "تمام نیکی وخیر در{پاورقی . وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵. پاورقی} شمشیر است ودر زیر سایه شمشیر، ومردمان را جز شمشیر راست نمی کند. وشمشیرها کلیدهای بهشت ودوزخند ".امام باقر (ع) فرمود...": إنّ فی القائم من آل محمّد شبهاً من خمسة من الرسل... وأمّا شبهه من جدّه المصطفی فخروجه بالسیف وقتله أعداء اللّه وأعداء رسوله والجبّارین والطواغیت، وأنّه ینصر بالسیف والرعب"؛ " ...قائم آل محمد: شباهت‌هایی با پنج تن از پیامبران دارد... امّا{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۷. پاورقی} شباهت او به جدّ خود رسول اکرم (ص) قیام با شمشیر است وکشتن دشمنان خدا وپیامبرش، وجبّاران وسرکشان، او با شمشیر وترس [که در دل جباران افکنده می‌شود] مدد می گردد".

امام مهدی‌علیه‌السلام با کدام دین بر عالم حکومت می‌کند؟

پرسش

امام مهدی‌علیه‌السلام با کدام دین بر عالم حکومت می کند؟

پاسخ

دینی که خود امام مهـدی (ع) به آن متدّین است وبعد از ظهور با آن بر مردم حکومت می کند دین اسـلام است. این مدعا را با چند دلیل می‌توان به اثبات رسانـد: ۱ – از آنجـا که حضـرت مهـدی (ع) خاتم اوصـیای پیامبر اسـلام است، وقرار است به طور حتم او بر عالم حکومت کنـد، لذا به طور حتم دین حاکم در آن زمان، دین اسـلام است. ۲ – از آنجا که حکومت حضـرت مهدی (ع) مطابق روایات متواتره وصـحیحه، حکومت عدل در تمام زمینه‌هاست، وعدل کامل نیز منحصر در اسلام است، نتیجه می گیریم نظامی را که حضـرت مهـدی (ع) با آن حکومت خواهـد کرد، نظام اسـلام خواهـد بود. ۳ – مطـابق برخی از اخبـار، حضـرت مهـدی (ع) بر امت اسلامی حکومت خواهد کرد، این روایات به نوبه خود دلالت دارد که حکم او اسلامی بوده واحکام اجرایی او اسلامی خواهد بود. ترمـذی به سـند حسن از ابی‌سـعید خـدری از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود": همانا در میان امّت من مهدی است که خروج خواهـد کرد. {"...پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۶. پاورقی} ۴ – برخی از روایـات نیز به طور صـریح دلالت دارد بر اینکه حضرت مهدی (ع) احکام اسلام وسنت رسول خدا (ص) را بعد از ظهور به اجرا خواهد گذاشت: طبرانی در" المعجم الاوسط "ونیز ابونعیم اصـفهانی از ابی‌سـعید خـدری نقـل کرده‌انـد که گفت: از رسول خـدا (ص) شـنیدم که می‌فرمود: مردی از اهـل بیتم خروج می کنـد که به سـنت من قیام می‌نماید. {"...پاورقی . همان، ص ۱۳۱. پاورقی} ۵ – روایـاتی که به طور متواتر از رسول خـدا (ص) وائمه اهل بیت: وارد شـده که امام مهـدی (ع) زمین را پر از عـدل وداد خواهـد کرد. وعـدل کامل تنها در دین خاتم وکامل متجلّی است که همان دین اسلام است. نتیجه اینکه دینی که حاکم در عصر ظهور است همان دین اسلام می‌باشد.

در عصر ظهور کدامین مذهب حاکم است؟

پرسش

در عصر ظهور کدامین مذهب حاکم است؟

پاسخ

شکی نیست که اسلام آخرین دین بشر از جانب خداوند متعال است. لذا خداوند متعال پیامبر اکرم (ص) را به عنوان" خاتم النبیین" توصـیف کرده، آن حضـرت نیز تصـریح به این نمـوده که بعـد از خـود پیـامبری دیگر نخواهـد بـود. لکن سؤال این است که از بین مذاهب موجود کدامین مذهب از مذاهب اسلامی به اجرا در خواهد آمد. مطابقآیات وروایات فراوان دین حاکم در عصر ظهور دین اسلام است،{پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۳. پاورقی} ولی با ضمیمه کردن اینآیات به آیه اکمال پی می‌بریم که مذهب رایج در عصر ظهور همان مـذهب تشـیع است. خداونـد متعال می‌فرماید: {اَلیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِـیتُ لَکُمُ الإِسْـلاَمَ دِیناً"}؛ امروز دین شـما را کامل کردم ونعمت خود را بر شما تمام{پاورقی . سوره مائده، آیه ۳. پاورقی} نمودم واسلام را به عنوان آیین [جاودان] شـما پذیرفتم ".در آن روز چه اتفاق افتاده است که خداوند به سـبب آن دین خود را بر مردم کامل کرده ونعمت را بر آنان تمام نموده است، واسـلام را همراه با آن پـذیرفته است؟ کلیـد فهم این سؤال‌ها بررسـی شأن نزول آیه وروشن شدن مصداق کلمه" الیوم "در آیه شـریفه است. با مراجعه به روایات وبیان مفسّـرین در ذیل آیه فوق پی می‌بریم که شأن نزول آیه قضـیه‌ای است که در غدیر خم، روز هیجدهم ذی‌حجه اتفاق افتاده است. در آن روز پیامبر اکرم (ص) دست حضـرت علی (ع) را بلند کرده واو را به عنوان امام وخلیفه وجانشین بعد از خود معرّفی کرده است. پس دین مرضی خداوند در عصر ظهور که بر همه ادیان غالب خواهد

شـد، همـان دینی است که در مـذهب تشـیع یعنی پیروی از امـام علی (ع) ویـازده امـام معصوم از فرزنـدان او متبلور شـده است. لـذا خداونـد متعال در سوره نور می‌فرماید: {... وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ"...}؛ ودینی را که برای آنها پسـندیده است پیاده خواهـد نمـود {".پـاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پـاورقی} این دین پسـندیده همـان دینی است که در روز غـدیر خم بـا خـطّ ولاـیت مستدام است.

۱– بعضی افراد متأسفانه فکر میکنند که امام زمان (عج) در هنگام ظهور شمشیر به دست همه را از دم تیغ می گذرانند این موضوع آیا دلیلی برمظلومیت امام زمان نیست. زیرا وجود مبارک امام زمان سر شار از لطف ومهر است این اشتباه فکری را چگونه از ذهن مردم پاک کنیم ؟

پرسش

۱– بعضـی افراد متأسـفانه فکر میکنند که امام زمان (عج) در هنگام ظهور شمشیر به دست همه را از دم تیغ می گذرانند این موضوع آیا دلیلی برمظلومیت امام زمان نیست. زیرا وجود مبارک امام زمان سـر شار از لطف ومهر است این اشـتباه فکری را چگونه از ذهن مردم پاک کنیم ؟

پاسخ

ج۱– این فرمایش شـما کاملا صـحیح ودرست است متأسـفانه درمعرفی امام زمان (عج) بعضی از جوانب آن حضرت فقط بیان شده آن هم گاهی ازاوقات به صورت غیرکامل وبعضـی از خصوصـیات حضـرتش کلا فراموش شـده است. امام زمان (عـج) درقدم اول اولین صـفتش آن است که« رحمه للعالمین» است. یعنی: مایه مهر ولطف و رحمت برای تمام عالم همه سـر سـفره او نشسـته انـد وبه برکت او روزی می خورند که طفیل هستی عشـقند آدمیان, با کمال تأسف این جهات کمتر بازگو شده وفقط انتقام حضرتش گفته می شود تازه آن هم به صورت غیر صـحیح زیرا؛ حضـرت ازدشـمنانش انتقام می گیرد که در مقابلش بایسـتند یا به آباء واجـدادش ظلم کرده باشند. نه این که دوست خود را بکشد ویا کسی که امامت حضرتش را قبول دارد بخواهد او را ازبین ببرد.

دشمنان حضرت

اشاره

مگر در دوران امام زمان(ع) تمام افراد با صـلح و امنیت زندگی نمی کنند؟ پس چرا باید کسی پیدا شود و قاتل امام زمان(ع) باشد؟ آیا راست است که یک روحانی گفته که قاتل امام زمان(ع) به دنیا نیامـده است؟ زمانی که امام ظهور می کند چه کسانی از دم تیغ ایشان

پرسش

دشـمنان حضـرت مگر در دوران امام زمان(ع) تمام افراد با صـلح و امنیت زنـدگی نمی کنند؟ پس چرا باید کسـی پیدا شود و قاتل امام زمان(ع) باشـد؟ آیا راست است که یک روحانی گفته که قاتل امام زمان(ع) به دنیا نیامده است؟ زمانی که امام ظهور می کند

چه کسانی از دم تیغ ایشان می گذرند و به هلاکت می رسند؟

پاسخ

یکی از ویژگی های حکومت امام زمان(ع) برقراری امنیت جهانی است. البته برقراری امنیت بدان معنا نیست که در زمان حکومت امام زمان(ع) دشمن وجود نداشته باشد و امنیت جامعه را تهدید نمی کند. امام زمان(ع) با بهره گیری از امدادهای غیبی و راهکارهای مناسب به گونه ای امنیت برقرار می کند که تا آن زمان سابقه ندارد؛ ولی قدرت گرایان و جمود اندیشان و مخالفان حکومت که منافع آنان با حکومت جهانی در تضاد است، امنیت را تهدید می کنند و این تهدید ها از بین نمی رود. کیفیت مرگ امام زمان(ع) دقیقاً مشخص نیست که طبیعی است و یا به شهادت می رسد؟ هم چنین معلوم نیست که قاتل حضرت کیست؟ این که شخصی روحانی گفته که قاتل امام به دنیا نیامده است، مبتنی بر مدارک و دلیل نیست، زیرا اوّلاً معلوم نیست که امام زمان(ع) به مرگ طبیعی از دنیا می رود و یا به شهادت می رسد؟ این که قاتلامام به دنیا نیامده، فرع بر آن است که اثبات شود حضرت به شهادت می رسد. ثانیاً دلیل و مدرکی وجود ندارد که قاتل امام به دنیا آمده است. البته طبیعی است که قاتل امام به دنیا نیامده باشد، زیرا هنوز حضرت ظهور نکرده و مدت حکومت حضرت مشخص نیست، از این رو اگر حضرت قاتل داشته باشد، نباید متولد شده باشد. قضاوت دربارهٔ ابعاد زندگی امام زمان(ع) دلیل و مدرک می طلبد، از این رو اثبات این که قاتل امام کیست و هنوز به دنیا نیامده است، نیاز به مدرک دارد. امام زمان(ع) با چند گروه برخورد می کند که به برخی اشاره می شود: ۱- راحت طلبان: راحت طلبان که همیشه در صدد تأمین منافع خویش هستند، ادعای پیروی امام زمان(ع) را می کنند ولی حکومت جهانی امام را مخالف منافع خویش می دانند، از این رو با حضرت مخالفت نموده و حضرت نیز با آن ها برخورد می کند. امام صادق(ع) فرمود: "چه بسیار کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت، از او روی می گردانند.[۱] ۲- کافران و منافقان: در طول تاریخ کافران و منافقان با دین و دین مداری به مخالفت برخواسته و عدالت و آزادی را مخالف و متضاد با منافع خود دریافته اند؛ از این رو با دین و عدالت مخالفت نموده اند. کافران و منافقان به دلیل این که حکومت امام زمان(ع) را مخالف منافع خویش می دانند، با حکومت عدالت گرای امام زمان مخالفت می کنند و امام زمان(ع) با آنان مبارزه می نماید. امام صادق(ع) فرمود": إذا فرج القائم لم یبقِ مشرکٌ بالله العظیم و لا کافر، إلّا کره خروجه؛[۲] هنگامی که حضرت قائم ظهور کند، هر کافر و مشرک از ظهور او ناخشنود است. ۳- جمود اندیشان: جمود اندیشان و ظاهر گرایان از مهم ترین موانع احیای دین و حکومت جهانی امام هستند. جمود اندیشان را می توان به چند دسته تقسیم نمود که برخی روحانیون از آن دسته هستند و امام زمان(ع) با این گروه برخورد می کند. ۴- مستکبران: مستکبران جهان از مخالفان سرسخت حکومت جهانی امام زمان(ع) به حساب آمده و امام با آنان برخورد می کند. بیان این نکته ضروری است که شیوهٔ برخورد و مبارزه حضرت با مخالفان بر اساس عدالت و قانون است. امام با بیان اهداف حکومت و استراتژی حکومت جهانی خود همگان را به پذیرش حق و دین خدا فرا می خواند و مخالفان مذهبی خویش را به خاطر گرایش های مذهبی مجازات نکرده و با آن ها مبارزه نمی کند. امام زمان(ع) در ابتدا از آنان دعوت نموده و با آنان با خشونت رفتار نمی کند و با استدلال و منطق، مخالفان سیاسی و مذهبی را به حکومت خویش دعوت نمی کند. از سوی دیگر به ف رهنگ سازی و فرهنگ پروری پرداخته و به مردم رشد فرهنگی می دهد تا جمود اندیشان و ظاهر گرایان نیز با معارف واقعی دین و حکومت امام زمان آشنا شوند. هر گاه رفتار صلح آمیز امام با مخالفان تأثیر گذار شد، آن گاه حضرت با مخالفان برخورد می کند.

[۱] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۲. [۲] سید هاشم بحرانی البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۱.

چه کسانی با حضرت مهدی(عج) به مبارزه بر می خیزند؟

پرسش

چه کسانی با حضرت مهدی(عج) به مبارزه بر می خیزند؟

پاسخ

امام دشمنان سخت‌گیر و کینه توزی خواهد داشت به جز مستکبران بیدادگر، بیش‌ترین کارشکنی‌ها از جانب کسانی خواهد بود که ادعـای مـوافقت بـا امـام را دارنـد و خـود را از منتظران حضـرت می‌داننـد، اینـان پس از پیوسـتن به امـام چون کارهـا را بر وفق مراد نمی‌بیننـد و ناچارنـد از منافع نامشـروع خود درگذرنـد، با سـلاح دین و مذهب به جنگ امام می‌روند که به فرمودهٔ امام صادق (ع : "چه بسـیار از کسـانی که ادعـای پیروی او را دارنـد ولی پس از ظهور حضـرت از او روی می‌گردانند ".برخی از افراد و گروهـای مخالف حضرت عبارتنداز: ۱ـ راحت طلبان و خودپرستان که دین را به گونه‌ای توجیه می‌کنند که بارفاه خود در تزاهم نباشد، مانند جمعی از مسـلمانان مکه که پیش از هجرت به مـدینه به پیامبر گفته چون مورد آزار دشـمنانیم اگر اجازه دهی با آنان بجنگیم پیامبر فرمود: اکنون مـأمور به جنگ نیستیم فعلاً نماز بخوانیـد و زکات بدهیـد ولی پس از هجرت که مأمور به جهاد شدنـد، زبان اعتراض گشودنـد کـه خـدایا: چرا فرمـان جنـگ دادی و آن را مـدتی بـه تـأخیر نیانـداختی قرآن ریشهٔ ترس و وحشت آنـان را راحت‌طلبی می‌شمرد. ۲ـ متعجران و جوود گرایـان ماننـد آنان که وقتی دسـتور خوردن روزه در سـفر آمـد و پیامبر روزه‌اش را در حال مسافرت افطار کرد، تعددای کاسه از آش داغتر و مقدس آب گفتند: هر سـختی ثواب دارد و به روزه ادامه دادند. پیامبر با آنان برخورد کرد و آنـان را گناهکار نامیـد. حضـرت برای ایجاد عـدالت عمومی اموال نامشـروع را مصادره می‌کنـد و زمین‌هایی را که حکومت‌ها به ناروا به دوسـتان و آشـنایان خود هـدیه کرده‌انـد، به بیت المال بر می‌گردانند. نیز دست حرامخوار را از اموال عمومی کوتاه می‌کند. وی در اجرای عـدالت تا آن جا پیش می‌رود که راه را برافرادی که به زیارت مسـتحبی خانهٔ خدا می‌روند، بسـته و حج واجب را در اولویت قرار می‌دهد. شـیوها حرم سازی و مسـجد نمایی را نمی‌پسـند و مساجد را از تزیینات غیر ضـروری پاک می‌سازد. در تفسـیر قرآن اسـرار پنهـانی و رموزی را که بر مردم پنهـان مانـده آشـکار می‌سـازد و تحولاـت مهمی در عرصـهٔ فرهنگ و اجتماع به وجود می‌آورد. این گونه تحولات خواه ناخواه با منافع عـده‌ای سازگار نیست از این رو درصدد مخالفت با حضـرت بر می‌آیند. ۳ـ کافران و منافقـان نیز بـا حضـرت مخـالفت خواهنـد کرد. امـام صادق (ع فرمود": هنگامی که مهـدی (ع قیام کنـد، مشـرکان و کفار از قیام حضرت ناخشنودند، ماند سفیانی و دیگران و علیه حضرت اقدام می‌کنند".

آخرین نفری که امام از دشمنانش را خواهد کشت چه کسی است و آخرین نفری که از آدمیان می‌میرد چه کسی است مرد هست یا زن؟

پرسش

آخرین نفری که امام از دشـمنانش را خواهد کشت چه کسـی است و آخرین نفری که از آدمیان می‌میرد چه کسی است مرد هست یا زن؟

پاسخ

با پوزش فراوان از تأخیر در ارسال پاسخ شـما عزیز. درباره قسـمت اول پرسش شما مدرک دقیقی در دست نیست لکن در بعضی از روایات به آخرین گروهی که امام عصر (عج) با ایشان مبارزه می‌کند آمده است چنانکه در روایات زیر می‌فرماید": او نخستین قائم

از ما اهلبیت است که قیام می‌کند و به شما سخنانی می‌گوید که نمی‌توانید آنرا تحمل کنید. از این رهگذر در تپه‌های دستگرد علیه او خروج کرده با او می‌جنگید و شما را طعمه شمشیر می‌سازد و آن آخرین گروهی است که علیه او خروج می‌کنند ".با این حال از آغاز ظهور امام (عج) تا قیامت وقایعی رخ می‌دهد که عبارتند از: ۱. بر هم ریختن نظام کنونی جهان و میرش همگانی. ۲. گذراندن عالم برزخ. ۳. برانگیخته شدن از قبور. ۴. رفتن به دادگاه عدل الهی. ۵. حسابرسی و بررسی اعمال، عقاید، نیات. ۶. عبور از صراط و مواقف آن و ... با این وصف هنگام ظهور قیامت کبری نظام کنونی جهان و عالم مادی در پی وقوع یک سلسله رویدادهایی، همچون زلزله‌های عظیم، حرکت کوهها، خاموش شدن ستارگان و ... از بین می‌رود و همزمان با آن و از درون آن جهان قیامت و آخرت رخ می‌نماید. در این میان با یک تحول شدید همگانی انسانها قبض روح شده مرگ همگانی همه زمین را فرا می‌گیرد. بنابراین پرسش از اینکه آخرین فردی از آدمیان که می‌میرد زن است یا مرد صحیح نیست. در پایان توصیه ما به آن عزیز که ما را مورد لطف خویش قرار داده‌اند آن است که ذهن خود را متوجه پرسشهای اساسی کنند، پرسشهایی که عمق جان انسان سر بر می‌آورد او را به عوالم بلند مرتبه حیات رهنمون می‌شود. روز و شب فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتنم از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌روم؟ آخر ننمایی وطنم؟ برگرفته از: روزگار رهایی، کامل سلیمان
www. Nahad. net

آیا در زمان حضرت ولیعصر (عج) دشمنی با آن حضرت وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است پس آن حضرت توسط چه کسی شهید می‌شود؟

پرسش

آیا در زمان حضرت ولیعصر (عج) دشمنی با آن حضرت وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است پس آن حضرت توسط چه کسی شهید می‌شود؟

پاسخ

سفیانی از شخصیت‌های بنام در انقلاب حضرت مهدی (ع) است و از دشمنان سرسخت آن حضرت به شمار می‌رود و بنابه تصریح روایات خروج سفیانی از وعده‌های حتمی خداوند است امام زین‌العابدین می‌فرماید": امر قائم از سوی خداوند حتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند می‌باشد و قائم ظهور نمی‌کند مگر پس از مرگ سفیانی("۱) بین دانشمندان اسلامی اتفاق نظر است که وجه تسمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان بشمار می‌آید.(۲) و طبق روایات، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی غربی است. سفیانی درحالی که رهبری گروهی را به عهده دارد مانند شخص نصرانی صلیب بر گردن دارد و از سرزمین رومیان روی می‌آورد.(۳) خلاصه این که روایات سفیانی از تبار ابوسفیان است و از کینه توزترین فرد نسبت به اهل بیت (ع) می‌باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می‌شود و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می‌گیرد.مرحله تثبیت سلطه که شش ماه طول می‌کشد مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و حجاز می‌باشد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی (ع) جهات حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس و. و خروج او از آغاز تا انجام ۱۵ ماه به طول می‌انجام برای آگاهی بیشتر در این زمنیه ر. ک: ۱- دادگستر جهان، ابراهیم امینی ۲- عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی ۳- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حو. اگر اندکی به تاریخ بنگریم، خواهیم دید که در برابر پیامبران الهی (با وجود معجزات و دلایل روشن) عده‌ای لجاجت به خرج داده‌اند و به

خاطر منافع خود و یا هوس‌های دیگر با ایشان به جنگ و جدال پرداخته و چه بسا خون آنان را بر زمین ریخته‌اند. در آخرالزمان نیز موضوع به همین صورت است. حتی در برخی از اخبار وارد شده که عده‌ای از علمای دین نیز با آن حضرت مخالفت خواهند کرد. دجال نیز مظهر تمامی قدرت‌ها و شیطان‌هایی است که حکومت حق الهی را بر زمین نمی‌پذیرند. از همین‌رو از سر جنگ با حضرت درمی‌آیند و نهایتاً شکست می‌خوربراین در آن زمان نیز انسان، انسان است و فضای انتخاب باز است. از همین‌رو دنیاپرستان و. به رویارویی با حضرت اقدام خواهند کرد و طبیعی است عده‌ای نیز با آنان همراه خواهند شد. در این جا بعضی نظریات در مورد دجال که در کتاب دادگستر جهان، ابراهیم امینی آمده است برای شما نقل می‌کنیم: خروج دجال را یکی از علائم الظهور می‌شمارند و او را چنین توصیف می‌نمایند: مردی است کافر، یک چشم بیش ندارد آن هم در پیشانیش واقع شده و مانند ستاره‌ای می‌درخشد، در پیشانی وی نوشته: کافر است به طوری که هر باسواد و بی‌سواد آن راند. کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با او است. بر الاغ سفیدی سوار می‌شود که هر گامش یک میل راه است. آسمان به دستور وی باران می‌دهد و زمین گیاه می‌رویاند، اختیار گنج‌های زمین با او است. مرده را زنده می‌کند، با صدایی که تمام جهانیان می‌شنوند ندا می‌کند: خدای بزرگ شما هستم که شما را آفریده روزی می‌رسانم، به سوی من بشتابید. منابع و مآخذ: (۱) (رساله یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲) (۲) (رساله اول، باب ۲، آیه ۱۸) (۳) (رساله اول یوحنا، باب ۴، آیه ۳)

آیا نابودی اسرائیل قبل از ظهور امام زمانغ رخ می‌دهد یا به دست آن حضرت صورت می‌گیرد؟

پرسش

آیا نابودی اسرائیل قبل از ظهور امام زمانغ رخ می‌دهد یا به دست آن حضرت صورت می‌گیرد؟

پاسخ

بی تردید اسرائیل و صهیونیست‌ها نابود خواهند شد. در قرآن (اسرأ،۴ـ۷) آمده است که بنی اسرائیل دو بار در زمین فساد و سرکشی خواهند کرد. پس از فساد و سرکشی بزرگ نخست خداوند بندگانی نیرومند بر آنان مسلّط می‌کند و آنان را نابود می‌کنند. پس از این دوباره بنی اسرائیل نیرومند می‌شوند و فساد و سرکشی بزرگ دومی پیش می‌گیرند، در روایت آمده است که پس از فساد و سرکشی دوم به دست امام زمانغ نابود می‌شوند. بنابراین نابودی نهایی و ریشه کن شدن اسرائیل و صهیونیست پس از ظهور امام زمانغ است (ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱، ص ۴۵ـ۴۶، مؤسسهٔ الوفأ، بیروت)

منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت (امام زمان (عج)) چیست؟

اشاره

با سلام خدمت شما و تشکر می خواستم بپرسم آیا روایتی دال بر اینکه شیطان پس از ظهور شکلی جسمانی یافت و بدست حضرت کشته می شود وجود دارد یا خیر؟

پرسش

منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت (امام زمان (عج)) چیست؟ با سلام خدمت شما و تشکر می خواستم بپرسم آیا

روایتی دال بر اینکه شیطان پس از ظهور شکلی جسمانی یافت و بدست حضرت کشته می شود وجود دارد یا خیر؟

پاسخ

در قرآن مجید از شیطان نقل می کند که پس از این که - به دلیل عدم سجده بر انسان و تمرد از دستور الهی - رانده شد به خداوند عرض کرد: «قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون؛ شیطان گفت: پروردگارا مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده» (حجر، آیه ۳۶). شیطان در این درخواست دو مطلب از خداوند متعال خواسته است: ۱. به او مهلت داده شود. ۲. این مهلت تا قیامت و روز مبعوث شدن بندگان ادامه داشته باشد. پاسخ حضرت حق تعالی به درخواست او چنین است: «قال فانک من المنظرین، الی یوم الوقت المعلوم؛ فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم» (حجر، آیه ۳۷ و ۳۸). یعنی خداوند متعال به او مهلت داده است و درخواست اولی او را اجابت کرده است. اما درخواست دوم او را که خواسته بود تا روز قیامت مهلت داشته باشد اجابت نشده است بلکه تا روز و وقت معلوم به او مهلت داده شده است. اما پرسش این است که وقت معلوم چه زمانی است؟ در بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۱ از امام صادق(ع) روایتی دارد که «ابن وهب از امام درباره سرنوشت ابلیس در آیه مذکور آمده است پرسش می کند که این روز چه روز و زمانی است؟ امام می فرمایند: ای وهب آیا تصور می کنی که آن روز، زمانی است که خدا در آن روز مردم را مبعوث می کند (این چنین نیست) بلکه خداوند ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت می دهد. در آن زمان، حضرت ابلیس را محکم می گیرند، گردن او را می زند و آن روز زمان معلوم است». هدف اصلی انسان، سعادت است و سعادت در جامعه بشری با حکومت حضرت مهدی(عج) حاصل می شود که در آن زمان زمین پر از عدل و داد می شود و خبری از کفر و ظلم نیست. در آن زمان قلب ها از وسوسه های شیطانی پاک می شود و فساد نابود می گردد. در این روز ابلیس - رئیس شیطان ها - که کاری جز وسوسه و به انحراف کشاندن جامعه بشری ندارد به عنوان اصل فساد گردن زده می شود. پس منظور از کشته شدن ابلیس و شیطان به دست حضرت، به قتل رساندن شخص شیطان و پایان مهلتی است که به شیطان داده شده بود. البته قتل شیطان و ابلیس به معنای از بین رفتن همه شیاطین - به ویژه انسان های شیطان صفت نیست. زیرا تکلیف برقرار است و تکلیف دائرمدار اختیار خیر و شر است و برخی انسان ها هستند که نقش شیطان را بر عهده دارند. ضمن این که نفس اماره نیز است. اما رئیس شیطان ها - ابلیس - که نقش اساسی برای انحراف و گناه دارد از بین می رود. برای آگاهی بیشتر ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۶۹ - ۱۶۷ ذیل آیه ۳۸ سوره مبارکه حجر و ص ۱۸۴ ذیل بحث روایت از آیه مذکور مراجعه شود.

با توجه به روایاتی که طبق آنها امام زمان پس از ظهور جناب شیطان را می کشند پس این چگونه عدالتی است که مردمان پس از ظهور از فریبهای شیطان در امان خواهند ماند.

پرسش

با توجه به روایاتی که طبق آنها امام زمان پس از ظهور جناب شیطان را می کشند پس این چگونه عدالتی است که مردمان پس از ظهور از فریبهای شیطان در امان خواهند ماند.

پاسخ

۱. برخی از آیات قرآن که به طول زمان اغواگری شیطان پرداخته اند، به قرار زیرند: الف - قال انظرنی الی یوم یبعثون قال انک من المنظرین (اعراف ، ۱۴-۱۵) ؛ (ابلیس) گفت: مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند، مهلت ده (و زنده بگذار) ، (خداوند)

فرمود: تو از مهلت داده شدگانی » ب – قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم (حجر، ۳۶–۳۸) ؛ (ابلیس) گفت : پروردگار را ، مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار) ، فرمود تو از مهلت یافتگانی (اما نه تا روز رستاخیز ، بلکه) تا روز و وقت معینی.» ۲. مهلت خواستن ابلیس تا هنگام برانگیختن مردم از آن رو بود که وی تا بر پایی قیامت به اغواگری انسان ادامه دهد ولی خداوند در پاسخ به درخواست چنین مهلتی ، آن را نه تا زمان یاد شده ، بلکه تا روز معینی موافقت کرد. ۳. از این که ابلیس ، در ادامه آیات مذکور در سوره مبارک اعراف و حجر، آن هم دوباره گفت: «همه آنان را اغوا می کنم» گواه آن است او می دانست تا آخرین فرد از افراد بشر زنده بود، و به اغوای آنان دست رسی خواهد داشت؛ از این رو، پیداست که او از جمله «الی یوم الوقت المعلوم؛ تا روز وقت معلوم» فهمیده بوده که منظور از روز معلوم ، آخرین روز عمر بشر زندگی کننده بر روی زمین بوده ، و همین زمان، آخرین فرصتی است که او می تواند به کار اغوای خود ادامه دهد، روایاتی هم وجود داد که منظور ، همان روز نفخ اول است ، که تمامی آفریده ها می میرند.

کشتاری که در روایات مهدویت به آن اشاره شده به چه وقتی اشاره دارد؟

پرسش

کشتاری که در روایات مهدویت به آن اشاره شده به چه وقتی اشاره دارد؟

پاسخ

اخباری که در آنها، کشتار در حجم وسیعی را مطرح کرده‌اند بر دو قسم است: الف. قسمتی از آنها مربوط به ملاحم وفتنه‌های قبل ظهور است وهیچ گونه ارتباطی به دوران ظهور ندارد وتنها ناظر به اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور است. بیشتر این روایات از روایات مرسه اهل سنت است. ب. دسته‌ای دیگر از روایات مربوط به هنگامه ظهور وحکومت امام زمان (ع) است. این نوع روایات نیز بر دو گونه‌اند: ۱ – روایاتی که از طریق عامه واز نبویّات است وبیشتر آنها مشکل سندی دارد، به طوری که بعضی از آنها مرسل، وبرخی دیگر به پیامبر (ص) منتهی نمی‌شود، بلکه از افرادی مانند کعب‌الاحبار نقل شده که در زمان پیامبر مسلمان نبوده است. عمده این روایات از اسرائیلیات است که با اغراض مختلفی وارد کتاب‌های روایی شده‌اند. عالمی از اهل سنّت مانند ابن‌کثیر، هنگامی که به روایات امثال کعب‌الاحبار می‌رسد می گوید": خدا ما را از این همه اخبار دروغی که وارد تفسیرها وکتاب‌های روایی و... شده، بی‌نیاز کند. {"...پاورقی . تفسیر ابن‌کثیر، ج ۴، ص ۱۷. پاورقی} ۲ – روایاتی که از طرق اهل بیت: نقل شده ویا در کتاب‌های شیعه ذکر شده است. در این کتاب‌ها، اخبار منقول از اهل بیت: وبرخی دیگر که نقل شده به آن حضرت منتهی نمی‌شود.

حجم کشتارها وخونریزی‌ها در هنگام قیام حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه مقدار است؟

پرسش

حجم کشتارها وخونریزی‌ها در هنگام قیام حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه مقدار است؟

پاسخ

نمی‌توانیم ادعا کنیم که هنگام قیام امام زمان (ع) هیچ گونه قتل وکشتاری رخ نمی‌دهد؛ زیرا مسلّماً این واقعه عظیم بدون برطرف کردن خارها ودشمنان سر راه آن حضرت میسّر نخواهد شد. ولذا در روایات مشاهده می‌کنیم که اهل بیت: بر اصل قتل وخونریزی هنگام ظهور وقیام حضرت اشاره کرده‌اند. بشیر بن ابی‌اراکه نبّال می‌گوید: هنگامی که به مدینه وارد شدم به طرف منزل ابوجعفر امام باقر (ع) رفتم... عرض کردم: مرجئه می‌گویند: هنگامی که قیام قائم روی دهد همه کارها برای او هموار خواهد شد وبه اندازه یک ظرف حجامت هم خون نمی‌ریزد. حضرت فرمود... ": کلّا والّذی نفسی بیده حتّی نمسح وأنتم العرق والعلق؛{"...پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۸۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶. پاورقی"} هرگز چنین نیست، سوگند به آن که جانم به دست اوست کار به اینجا می‌انجامد که ما وشما عرق وخون بسته شده را پاک خواهیم کرد ".به این مضمون روایات دیگری نیز رسیده است. ولی از طرفی دیگر تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر اسلام (ص) وامامان اهل بیت: سعی داشته‌اند امور را به طور عادی واز مسیر طبیعی آن انجام دهند، وحتّی‌الامکان دست به شمشیر نبرند، زیرا هدف آنان ارشاد وهدایت مردم است، جز آنکه گسترش عدل در جامعه اقتضای کشت وکشتاری گر چه در حدّ محدود را دارد، وقرار نیست که تمام امور از طریق معجزه حلّ شود، ولی اندیشه افراطی نیز در این مسأله صحیح نیست وهرگز دلیلی عقلی وعقلایی ونقلی بر گستردگی کشتارها در حدّی وسیع وجود ندارد، خصوصاً آنکه مطابق ادعای برخی، از هر نه نفر هفت نفر یا از هر هفت نفر پنج نفر کشته می‌شوند.!

مطابق روایات شیعه، قتل‌ها در چه وقتی خواهد بود؟

پرسش

مطابق روایات شیعه، قتل‌ها در چه وقتی خواهد بود؟

پاسخ

با توجه به احادیث اهل بیت: پی خواهیم برد که جهان اندکی قبل از ظهور شاهد جنگ‌های خونین خواهد بود. ولذا می‌توان گفت که مردم با مشاهده ومواجهه با این جنگ‌ها به استقبال مصلحی عالمی خواهند رفت، وحضرت نیز از این موقعیت استفاده کرده وبا کمترین استقامتی از طرف مخالفین خود وظالمین، عالم را فتح خواهد کرد. امام صادق (ع) فرمود": لایکون هذا الأمر حتّی یذهب ثلث الناس. فقیل له: إذا ذهب ثلث الناس فما یبقی؟ فقال۷: أما ترضون أن تکونوا الثلث الباقی"؛ "؟این امر -قیام امام زمان (ع)- {پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵ù۶۵۶، باب ۵۷، ح ۲۹. پاورقی} واقع نمی‌شود تا اینکه دو سوّم مردم از بین بروند. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: اگر دو سوّم مردم از بین بروند، چه کسی باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود" : آیا راضی وخرسند نمی‌شوید که شما از یک سوم باقی مانده باشید ".زراره می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا ندای آسمانی حقیقت دارد؟ فرمود": إی واللّه حتی یسمعه کلّ قوم بلسانهم. وقال۷: لایکون هذا الأمر حتی یذهب تسعة أعشار الناس"؛ "آری به خدا سوگند، چنان است که هر قومی با زبان خودشان آن را{پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۷۴، باب ۱۴، ح ۵۴. پاورقی} می‌شنوند. آن حضرت فرمود": این امر محقّق نمی‌شود تا اینکه نُه دهم (۹۱۰) مردم از میان بروند ".سلیمان بن خالد می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود": قدّم القائم موتتان: موت أحمر وموت أبیض حتی یذهب من کلّ سبعة خمسة: الموت الأحمر، السیف، والموت الأبیض: الطاعون"؛ "قبل از قیام قائم دو نوع مرگ رخ می‌دهد، مرگ سرخ ومرگ سپید، تا{پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵، باب ۵۷، ح ۲۷. پاورقی} اینکه از هر هفت نفر پنج نفر از بین برود. مرگ سرخ با شمشیر ومرگ سپید با طاعون است ".با ملاحظه این احادیث واحادیث دیگر پی خواهیم برد که حجم وسیعی از کشتارها وخونریزی‌ها مربوط به دوران پیش از قیام حضرت مهدی (ع)

وقبل از ندای آسمانی است. گرچه برخی از روایات نیز از مجعولات واسرائیلیات بوده وبا اهداف وانگیزه‌های خاصّی مانند خدشه‌دار کردن چهره نهضت جهانی وحکومت حضرت مهدی (ع) ویا توجیه کشتارها در فتوحات و... وارد کتاب‌های روایی شده وکشتارهای زیادی را به امام زمان (ع) نسبت داده است. ونیز یک سری از آنها مرسل ومرفوعه است ومشکل سندی دارد. همانند روایتی را که فضل بن شاذان مرفوعاً از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود": یقتل القائم (ع) حتّی یبلغ السوق. فیقول له رجل من ولد أبیه"؛ "...حضرت قائم (ع) آن قدر از انسان‌ها{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷، باب ۲۷، ح ۲۰۳. پاورقی} را می‌کشد که تا ساق پا را خون فرا می‌گیرد، تا آنکه شخصی از فرزندان پدرش به او اعتراض شدید می‌کند. "...البته همچنان که اشاره شد این حدیث مرفوعه بوده ومشکل سندی دارد. واز طرفی محتوا ودلالتش ناتمام است، زیرا ممکن است که" سوق "که در روایت آمده مقصود از آن نام شهر یا محلّی همانند" سوق الاهواز "باشد. خصوصاً آنکه در حدیث مذکور سخن از خون به میان نیامده است. لذا چنین به نظر می‌رسد که" سوق "محل ومکان مخصوص باشد. ونیز برخی از روایات به جهات دیگری ضعف سند دارد: در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود...": وبه حدّی از ظالمان را خواهد کشت که جاهلان می‌گویند: اگر این مرد از ذریّه محمّد بود ترحم می‌کرد. "ولی این روایت از حیث سند مورد اشکال است؛ زیرا در سند آن احمد بن عثمان آدمی است که مجهول می‌باشد. {پاورقی . مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۶۵. پاورقی} زرّ بن حبیش می‌گوید: از علی (ع) شنیدم که می‌فرمود": خداوند به واسطه مردی از ما فتنه‌ها وآشوب‌ها را برطرف می‌سازد وآنان -فتنه‌گران- را خوار وذلیل می‌گرداند وبر آنان جز شمشیر وارد نمی‌کند. شمشیر بر دوش نهاده وهشت ماه به شدت مبارزه می‌کند تا اینکه می‌گویند: به خدا سوگند این از فرزندان فاطمه نیست، اگر از فرزندان فاطمه بود به ما رحم می‌کرد. {"پاورقی . کنز العمال، ج ۱، ص ۵۸۹. پاورقی} واز عیسی بن خشاب نقل شده که به امام حسین بن علی (ع) عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود": لا، ولکن صاحب الأمر الطرید الشرید الموتور بأبیه المکنّی بعمّه، یضع سیفه علی عاتقه ثمانیهٔ أشهر"؛ "خیر، ولی صاحب امر، رانده شده، دور افتاده،{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸، باب ۳۰، ح ۵. پاورقی} خونخواه پدرش ودارای کنیه عمویش می‌باشد. شمشیرش را هشت ماه بر دوش خود می‌نهد ".واز ابوبصیر نقل شده که فرمود: شنیدم که امام باقر (ع) می‌فرمود": یضع السیف علی عاتقه ثمانیهٔ أشهر هرجاً هرجاً حتّی یرضی اللّه. فقلت: فکیف یعلم رضی اللّه؟ قال: یلقی اللّه فی قلبه الرحمهٔ..."؛ "...شمشیر را هشت ماه بر دوش خود می‌نهد وبه شدّت مبارزه می‌کند تا{پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۱۶۴. پاورقی} اینکه خداوند راضی شود. عرض کردم: چگونه رضایت خدا را می‌داند؟ فرمود: خداوند در دل ایشان رحمت قرار می‌دهد ".این روایات از حیث سند ضعیف هستند، زیرا در سند اول ودوم عمر بن قیس وعیسی بن خشاب وجود دارند که هردو مجعولند. ودر سند روایت سوّم ابن ابی‌حمزه واقع شده که او هم مورد تضعیف قرار گرفته است. از طرفی دیگر ممکن است که مقصود از این احادیث، مدّت عملیات تهاجمی لشکریان حضرت باشد که در طول هشت ماه ادامه می‌یابد. این نکته نیز قابل توجه است که کاری بس عظیم که حضرت انجام می‌دهد یعنی همان گسترش حکومت عدل جهانی در سطح کره روی زمین اقتضای چنین قتل وکشتاری گر چه در حدّی محدود را دارد، زیرا با قیام حضرت هرگز ستمگران ساکت نخواهند بود، ولی این کشتارها را در مقابل قیام‌ها ونهضت‌های دیگر که ملاحظه می‌کنیم چندان قابل توجه نیست.

آیا بیشتر قتل‌ها که توسط حضرت انجام می‌گیرد از مسلمانان است؟

پرسش

آیا بیشتر قتل‌ها که توسط حضرت انجام می‌گیرد از مسلمانان است؟

پاسخ

برخی می گویند: مستفاد از روایات آن است که بیشتر قتل‌ها در محدوده بلاد اسلامی وبین مسلمانان اتفاق خواهد افتاد، سؤال این است: چگونه چنین خواهد شد با آنکه می‌دانیم مشرک وکافر از حقّ دورترند تا مسلمان، ولذا آنها به کشته شدن سزاوارترند تا مسلمان. اولاً: روایات دلالت ندارد بر اینکه کشتارها وقتل‌ها فقط در محدوده مسلمانان است وحضرت کسی از کفار را به قتل نمی‌رساند، بلکه ظاهر برخی از روایات عموم است که شامل هر معاندی که درصدد ایجاد مانع از برپایی حکومت حضرت است، می‌شود. ثانیاً: گر چه اسامی برخی از جماعاتی که توسط حضرت واصحابشان به قتل می‌رسند در روایات ذکر شده است، ولی این دلالت ندارد که قتل وکشتار در دسته‌ها وجماعات دیگر اتفاق نمی‌افتد وحضرت از کفار ومشرکان کسی را به قتل نمی‌رساند. ثالثاً: بر فرض که روایات، ظهور در اختصاص کثرت قتل‌ها در مسلمین داشته باشد، این امری غیرمنتظره نیست، بلکه مطابق با قواعد کلّی است؛ زیرا مطابق برخی از روایات، بسیاری از بلاد کفر تسلیم حضرت خواهند شد، وکثرت قتل در بین مسلمین به جهت پاک‌سازی آنان از عناصر نامطلوب است. در میان امت اسلامی حجّت در تمام جوانب برای مردم تمام شده است لذا از هیچ کس عذری پذیرفته نمی‌شود. توضیح این مطلب اینکه: یکی از مشکلاتی که امام مهدی (ع) با آن روبه‌رو می‌شود مشکل انحراف‌ها وبرداشت‌ها وتفسیرهای نادرستی است که در راه وروش‌های دین خدا واصول وفروع احکام الهی پدید آمده وقرن‌ها در ذهن جامعه اسلامی نفوذ ورسوخ کرده است. این موضوع، مانعی عظیم بر سر راه امام مهدی (ع) است. مانع کفر وبی‌دینی وبی‌اعتقادی در برابر این مانع امری ساده است. کفر به سلاحی مجهّز نیست وانسان بی اعتقاد حقّی را به نام اسلام واژگونه نیاموخته است، وبرای او اصل یا اصولی را نادرست تفسیر نکرده است، وچیزی را به شکل انحرافی ونادرست به نام دین خدا در ذهن جای نداده است، وآیه یا حدیثی را به دلخواه خویش معنی نکرده است. ولی با مسلمان ومدّعی خداشناسی که تعالیم دین یا بخش‌هایی از آن را به گونه‌ای انحرافی آموخته ومعنای بسیاری از احادیث وآیات قرآنی را واژگونه فهمیده است، وبه اصول ومبانی وراه وروش‌هایی پای‌بند ومعتقد است که در حقیقت ضدّ دین خدا وراه وروش پیامبران است، چگونه می‌توان روبه‌رو شد؟ بخشی از برنامه‌های کشتار گسترده وفراگیر امام مهدی (ع) در جامعه‌های اسلامی شاید به این علت باشد که مسلمانان با حربه اسلام انحرافی -که در حقیقت ضدّ اسلام است- به جنگ با امام بر می‌خیزند، وامام ناگزیر با قاطعیّت با آنان روبه‌رو می‌شود وکار آنان را یکسره می کند، البته در صورتی که از افکار واندیشه‌های نادرست خویش دست برندارند. امام صادق (ع) فرمود... ": وإنّ القائم یخرجون علیه فیتأوّلون علیه کتاب اللّه ویقاتلونه علیه"؛ "لیکن قائم [در هنگام رستاخیز خویش] با مردمی روبه‌رو می‌شود که رو در روی او {پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۹۷. پاورقی} می‌ایستند وآیه‌های کتاب خدا را در برابر او به نظر خود تأویل می کنند، ودر همین راستا با او به نبرد بر می‌خیزند".

اینکه امام زمان‌علیه‌السلام هنگام‌ظهوربر عرب شدید است به چه معناست؟

پرسش

اینکه امام زمان‌علیه‌السلام هنگام‌ظهوربر عرب شدید است به چه معناست؟

پاسخ

در غالب روایاتی که در آن سخن از سنت جدید، قضاوت جدید، امر جدید وکتاب جدید به میان آمده این تعبیر به چشم می‌خورد:

"علی العرب شدید، "معنای این جمله چیست. آنچه به ذهن می‌آید –والعلم عند اللّه تعالی– اینکه: حضرت مهدی (ع) قیام خود را از مکه که سرزمین عرب است شروع خواهد کرد. حضرت با برنامه‌ای اصلاحی وتوسعه همه جانبه، مقصد ومرام خویش را به پیش خواهد برد. طبیعی است که پیاده کردن این برنامه‌ها با مشکلات فراوانی همراه است، درگیری با سفیانی‌ها ودجّال‌ها ودیگر منحرفان که با برنامه‌های حضرت به مقابله برخواهند خاست، در همین منطقه خواهد بود. طبیعی است که با چنین شرایطی برنامه حضرت در عصر سختی پیاده خواهد شد. لذا عرب سختی‌های فراوانی از آن خواهد کشید، گرچه امام زمان (ع) از امکانات اعجازی نیز استفاده وبهره خواهند برد. شاهد این معنا اینکه در برخی از روایات ذیل جمله "علی العرب شدید "چنین آمده است": ویل للعرب من شرّ قد اقترب "یعنی وای بر عرب از شرّی که بر او نزدیک شده است. واین ممکن {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ح ۴۲. پاورقی} است که به جهت اظهار ترحّم بر آنها باشد.

آیا امام زمان‌علیه‌السلام در مقابله خود با منحرفان، از منحرفان شیعه شروع می‌کند؟

پرسش

آیا امام زمان‌علیه‌السلام در مقابله خود با منحرفان، از منحرفان شیعه شروع می‌کند؟

پاسخ

مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود": اگر قائم ما قیام کند از دروغ‌گویان شیعه شروع کرده، آنها را به قتل خواهد رساند. {"پاورقی . اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۸۹. پاورقی} در توجیه این حدیث می‌گوییم: اولاً: بعد از چشم‌پوشی از ضعف سند حدیث، می‌دانیم که کلمه" شیعه "فرقه امامیه، اسماعیلیه، زیدیه ودیگر فرقه‌های شیعی را شامل می‌شود، همان گونه که بر کسی که خود را به تشیّع نسبت داده ولی بعد از مدّتی از خطّ اهل بیت منحرف شده است اطلاق می‌گردد. ابوالخطاب، مغیرة بن سعید، احمد بن هلال عبرتایی، ابن ابی‌العزاقر ودیگر منحرفین که ادعای تشیّع داشتند، در حالی که اهل بیت: از آنها بی‌زار بودند از این دسته‌اند. لذا کشّی خبر فوق را تحت عنوان" ما روی فی محمّد بن ابی‌زینب "معروف به ابوالخطاب که فرقه خطابیه به او نسبت داده می‌شود، نقل کرده است. او کسی بود که احادیث زیادی از طرف امام در مورد لعن ونفرین او صادر شد واز خداوند طلب نمود که حرارت شمشیر را به او بچشاند. {پاورقی . همان، ص ۵۹۱. پاورقی} در نتیجه: مقصود از کذابین شیعه، همین افراد ویا فرقه‌های دیگر شیعه، غیر از امامیه‌اند که با نسبت‌های ناروا ودروغ، گروهی را منحرف کرده‌اند ولذا امامان شیعه آنها را لعن کرده وحکم به کفر آنها نموده واز آنها تبرّی جسته‌اند. وهنگام ظهور نیز امام زمان (ع) در ابتدا آنها را نابود خواهد کرد. ثانیاً: از آن جهت که حضرت مهدی (ع) مردم را دعوت به اسلام ناب محمّدی که در تشیّع اصیل متبلور است دعوت می‌کند، باید در مرتبه اوّل منحرفین از این راه اصیل را از بین برده، تا بتواند دیگران را به این راه وارد کند. کسانی که مقابله با آنها به مراتب سخت‌تر ودشوارتر از کفّار وصاحبان ادیان ومذاهب دیگر است. در نتیجه: حدیث فوق هرگز ربطی به راویان حدیث اهل بیت: ندارد، آن‌هایی که علوم اهل بیت را اخذ کرده وبا دقت تمام به دست آیندگان رساندند. آنان کسانی بودند که از طریق امامان شیعه مورد مدح وستایش قرار گرفتند که می‌توان در رأس آنها از زراره، محمّد بن مسلم، برید عجلی، ابوبصیر نام برد.

حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور با انحرافات فکری

اشاره

چگونه برخورد خواهد کرد؟

پرسش

حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور با انحرافات فکری چگونه برخورد خواهد کرد؟

پاسخ

یکی از مشکلاتی که امام مهدی (ع) با آن روبه‌رو می‌شود، مشکل انحراف‌ها وبرداشت‌ها وتفسیرهای نادرستی است که در راه وروش‌های دین خدا واصول وفروع احکام الهی پدید آمده وقرن‌ها در ذهن جامعه اسلامی نفوذ ورسوخ کرده است. این موضوع، مانع عظیمی بر سر راه امام مهدی (ع) است؛ زیرا کفر وکافر به سلاحی مجهّز نیست وانسان بی‌اعتقاد، حقّی را به نام اسلام واژگونه نیاموخته است وبرای او اصل یا اصولی را نادرست تفسیر نکرده وچیزی را به شکل انحرافی ونادرست به نام دین خدا در ذهن مردم جای نداده است وآیه یا حدیثی را به رأی ودلخواه خویش معنی نکرده است... این کار آسانی است، لیکن با مسلمان ومدّعی خداشناسی که تعالیم دین یا بخش‌هایی از آن را به گونه‌ای انحرافی آموخته ومعنای بسیاری از احادیث وآیات قرآنی را برعکس فهمیده است و... چگونه می‌توان روبه‌رو شد؟ وچه سان می‌توان به این طبقه فهماند که این افکار واندیشه‌ها وتفسیر وتأویل‌ها که آنان وجامعه وپیشوایان ومبلّغان مذهبی ایشان به نام دین آموزش داده‌اند وسال‌ها بلکه قرن‌ها گفته وتکرار کرده‌اند دین خدا نیست؟ در این جا مشکلاتی روی می‌دهد که در مورد کافران وبی‌اعتقادان وجود ندارد؟ این جریان یکی از موانع بزرگ بر سر راه امام مهدی (ع) است، زیرا در این جریان امام تنها با توده‌های ناآگاه رو در رو نیست، بلکه عاملین اصلی توجیه‌ها وتأویل‌ها وانحراف‌ها وتحریف‌ها نیز پشت سر آنان قرار دارند وهمواره به تحریک افکار وفتنه‌گری مشغول‌اند. عاملان اصلی برعکس تفسیر کردن قرآن وحدیث از سه جریان تشکیل می‌شوند: ۱ - روحانیان دنیادار ووابسته. ۲ . سرمایه‌داران واشراف. ۳ . حکومت‌های به ظاهر اسلامی. شاید بخشی از برنامه‌های کشتار گسترده وفراگیر امام مهدی (ع) در جامعه‌های اسلامی در این ارتباط باشد وبه این علت باشد که مسلمانان با حربه اسلام انحرافی -که در حقیقت ضدّ اسلام است- به جنگ با امام برمی‌خیزند، وامام ناگزیر با قاطعیّت با آنان روبه‌رو می‌شود، البته در صورتی که از افکار واندیشه‌های نادرست خویش دست برندارند. امام صادق (ع) فرمود": إنّ قآئمنا إذا قام استقبل من جهلهٔ الناس أشدّ ممّا استقبله رسول اللّه من جهّال الجاهليّهٔ. قلت: وكيف ذلك؟ قال: إنّ رسول اللّه (ص) أتى الناس وهم يعبدون الحجارهٔ والصخور والعيدان والخشب المنحوتهٔ، وأنّ قآئمنا إذا قام أتى الناس وكلّهم يتأوّل عليه كتاب اللّه ويحتجّ عليه به؛" ... "آزاری که قائم به هنگام رستاخیز خویش از جاهلان آخرالزمان بیند{پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۲۹۷. پاورقی} بسی سخت‌تر است از آن همه آزار که پیامبر (ص) از مردم جاهلیّت دید. راوی می‌گوید: گفتم این چگونه می‌شود؟ امام فرمود: پیامبر به میان مردم آمد در حالی که ایشان سنگ وصخره وچوب وتخته‌های تراشیده را می‌پرستیدند، وقائم ما که قیام کند مردمان همه از کتاب خدا برای وی دلیل می‌آورند وآیه‌های قرآن را تأویل وتوجیه می‌کنند ".مشکل امام زمان (ع)، مشکل توده‌های جاهل ونادانی است که در دوران عمر خود گرفتار بدآموزی‌های گسترده در تعالیم دین بوده‌اند وبه رهبری وراهنمایی تزویرگران عالم‌نما از سر جهل رو در روی امام ومنجی خویش می‌ایستند، وبا تحریک مدعیان دروغین علم دین با امام بر حقّ به ستیز برمی‌خیزند، ودرگیری با حربه تأویل قرآن خواهد بود. کوشش امام ورسالت او تطبیق درست ودقیق تعالیم قرآن بر مسائل حیات بشری ومشخّص کردن حدّ ومرزهای واقعی احکام اسلام است.

۱-ابلیس و شیاطین هنگام ظهور چه وضعیتی دارند ؟

پرسش

۱-ابلیس و شیاطین هنگام ظهور چه وضعیتی دارند ؟

پاسخ

ج۱- مقدمتاً کلام را با حدیثی از اما رضا «علیه السلام » در مورد وجود مقدس حضرت مهدی موعود « عج» زینت می بخشم : ریان بن اباصلت گوید : با امام رضا «علیه السلام » گفتم آیا شما صاحب الامر هستید ؟ فرمود : من صاحب الامر هتسم اما، آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد همچنان که پر از جور شده باشد نیستم، و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می بینی،و قائم کسی است که درسن شیوخی و منظر جوانان قیام کند و نیرومند باشد و به غایتی که اگر دستش به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را ا ز جای برکند و اگر بین کوهها فریاد بر آورد صخره های آن فرو پاشد عصای موسی «علیه السلام » و خاتم سلیمان با وست , او چهارمین از فرزندان من است خداوند، او را درستر خود نهان سازد، پس او را ظاهر کند و به واسطه او زمین را در عدل و داد آکنده سازد همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد . (کمال الدین و تمام النعمه) اما در مورد سوال شما پیرامون کشته شدن شیطان در« آخر الزمان» باید به استحضار حضرتعالی برسانم که بشر از سه جهت در همه حالات حتی در حکومت حضرت مورد تهدید واقع می شود .بشیطان ، اذنابش و شیاطین جنّی(جنیان) انسانهایی که دارای نفس پلیدی می شوند بعد از مدتی و پس از پیروی از شیطان رجیم خود نمونه ای از او خواهند شدند و از نیروهای اجرایی او در مقاصد پلیدش در بین بشر ،خواهند بود. لذا حتی پس از حکومت حضرت قائم هم هستند،عده ای که لیاقت بهرمندی از وجود حضرت را ندارندو در پی شهادت ایشان هستند. لذا، خود شما را دعوت به تهذیب نفس و خود سازی می کنم و پیشنهاد میدهم که حتما برای درک بیشتر این موضوع به تفاسیر قرآن جزء ۳۰ ، دو سوره معوذتین مراجع کنید . در مورد پاسخ شما دو حدیث متفاوت داریم که ضمن نوشتن آن دو به تجزیه و تحلیل نیز می پردازیم . « وهب بن» جمیع می گوید: از امام صادق علیه السلام» پرسیدم اینکه خداوند به شیطان فرمود :{ فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم } سوره حجر,آیه ۳۸ «توتا روز وقت معلوم ، از مهلت داده شدگانی.» این وقت معلوم چه زمانی است ؟ فرمود : آیا پنداشته ای این روز , روز قیامت است ؟ خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است . وقتی خداوند حضرتش را مبعوث می کند , حضرت به مسجد کوفه می رود , در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود ,با آنجا می آید،ومیگوید : ای وای بر من از امروز ! پس حضرت مهدی عج » موی پیشانی او را میگردو گردنش را میزند و آن هنگام روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد . و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام » هست که روز وقت معلوم که شود امیر المؤمنین علیه السلام »با اصحاب خود بر شیطان ولشکرش حمله کنند و محل جنگ ایشان در« روحاء» باشد که زمینی است از اراضی فرات ،قریب به کوفه , جنگ عظیمی کنند که مانند آن رخ نداده , گویا می بینیم لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام » را که صد قدم به عقب برگشته اند،حتی اینکه پای بعضی از ایشان در فرات رفته , ناگاه جبروت حق با ابرها و ملائکه به همراهی پیغمبر «صلی الله علیه واله » هبوط کنند و در دست پیامبر« صلی الله علیه واله »حربه ای باشد از نور , پس چو ن ابلیس به آن حضرت نگاه کند ،پشت کند و به عقب برگردد . لشکر وی به او بگویند کجا می روی ؟ اینک ما پیروز شدیم . پس بگوید:من می بینم ، آنچه شما نمی بینید، من می ترسم پروردگار عالمین را، پس پیامبر « صلی الله علیه واله » به او برسد و یک طعن به او در مابین دو شانه اش بزند که در آن طعنه هلاک او هلاک اصحاب او خواهد بود . اما تفسیر این روایات : ۱- جمع بین این روایات هیچ منافاتی

با هم نـدارد،لذا ممکن است امام علی « علیه السـلام » به کمک پیامبر « صـلی الله علیه واله » او را دسـتگیر و تحویل امام زمان «عج » نمایند . ۲- همچنین کشتن شیطان می تواند اینگونه نیز باشد که ریشه های فساد و عوامل انحراف و ظلم در عصر درخشان حکومت مهـدی «علیه السـلام » نـابود می گردد و به جـای آن عقل،ایمان، علم حکومت میکنـد. و قطع شـدن نفوذ شـیطان و مرگ تزویر می باشد . ۳- ازآنجائیکه در عصـر ظهور توبه بر داشته و بسته می شود. و زمین از لوث غیر شیعیان , فساد, شرک منافقان , ستم،ظلم,ربا , رشو ه,باطل , فقر , بیماری , معصیت , نادانی , پاک گردیده، و کلمه توحید در سراسرجهان حاکم و قرآن و احیاء و عقلها کامل , غمها زایل , عـدالت گسترده , طبیعت ایـذایی حیوانات سـلب , صـمیمیت ایجاد شده , دل با معرفت خدا نورانی وحدت کلمه ایجاد شـده و مؤمنان عزیز و .....لذاجز این نیست که شـیطان باید نابود شود، تا این صـفات و ویژگی در بشـر و طبیعت در دولت حضـرت مهـدی « عـج » ایجـاد شود . در پایان پیشـنهاد می شود برای مطالعات بیشتر و کسب حقایق به کتب و موضوعات ذیل مراجعه شود . ۱-مهـدی منتظر , حـاج شـیخ محمـد جواد خراسانی . ۲- تحقیـق و تعلیق , سـید جواد میر شـفیعی خوانسـاری ۳- روزگـار رهایی , (ترجمه یوم الخلاص) ، کامل سلیمان , ترجمه علی اکبر مهدی پور . ۴-تفسیر نمونه , المیزان , تفسیر جزء ۳۰ از دو سوره معوذتین , سوره حجر آیه ۳۸ ۵- مطالعه بحث رجعت مخصوصا پیرامون بازگشت ائمه اطهار بویژه حضـرت علی « علیه السـلام » به عنوان دابه الارض از کتب رجعت , محمدرضا ضمیری ۶- تفسیر عیاشی , ج ۲, ص ۲۴۳

امام زمان، به چه شکلی به مبارزه خواهند پرداخت؟

پرسش

امام زمان، به چه شکلی به مبارزه خواهند پرداخت؟

پاسخ

۱. چه اشـکالی دارد که شخصـی بـا شمشـیر ولی همراه بـا اعجـاز الهی که حضـرت را مساعـدت می‌کنـد بـا دشـمنان خود به مقابله بپردازد؟ که در آن صورت اسـلحه‌های مدرن به قدرت الهی از کار می‌افتد. ۲. ممکن است واژه‌ی شمشیر در اینجا کدی باشد برای معرفی تسـلیحات، یعنی امـام زمان با دشـمنانش وارد جنگ می‌شود و مقصود از شمشـیر، قوت و اسـلحه است زیرا مسـلمانان در آن عصـر یعنی قبل از هزار سال اسـلحه‌ای به جز شمشـیر نداشـته و به ذهن آنها چنین تسلیحاتی خطور نمی‌کرده است، لذا از «اسلحه» به شمشـیر تعبیر شـده است. بنابراین: امام زمان(عج) نیز با قدرت و اعجاز الهی و یا از راه تسـلط بر تسـلیحات موجود بر ضد مخالفان و ظالمان اسـتفاده می‌کنـد. و از طرفی می‌توان گفت: امام زمان(عـج) با تسـلط بر مراکز تصـمیم‌گیری و از کار انداختن وسایل جنگی آنهـا که بـا هسـته‌های مرکزی ارتبـاط دارد، تمـام آنهـا را از راه اعجاز یا از طریق عادی از کار می‌انـدازد و بر آنها غلبه می‌کنـد. ۳. مطـابق برخی روایـات، شمشـیرهای اصـحاب حضـرت از آهن است، ولی نه مثـل این آهن‌هایی که در دسترس ما قرار دارد، بلکه به گونه‌ای است که اگر یکی از آنان با شمشـیر خود به کوه بزنـد، آن را دو نیم می‌کند و به تعبیر دیگر، وسـیله‌ی دفاعی آنان به گونه است است که اسـلحه‌ی دشـمن هرگز بر آنها کارگر نیست.۵ لـذا ممکن است اسـلحه‌ای را که حضـرت و یارانش به کار می‌برند از وسایلی باشد که بتواند همه‌ی دسـتگاه‌های دشمنان را از کار بیندازد ولی در مقابل، هیچ دستگاهی بر آن کارگر نباشد، همان گونه که در این زمان برخی اسلحه‌های جدید را مشاهده می‌کنیم. ۴. رمز پیروزی امام زمان(عج) و سیطره‌ی آن حضرت بر جهان یکی از راه «اقبال عمومی مردم» به سوی ایشان است و دیگر از راه «ترس و رعبی» است که خداوند در قلوب مخالفان و ظالمان قرار می‌دهد تا تمام تسـلیحات خود را بر زمین گـذارده، فرار کرده یا تسـلیم می‌شوند، خصوصاً آنکه در ابتدای ظهور، وقتی مقداری از معجزات

حضرت را مشاهده کردند می‌فه.....ř‌که امداد الهی است و نمی‌توان با مشیت الهی مقابله کرد، بدین جهت تس‌Š...eحضرت می‌شوند و گروه اندکی نیز که به مخالفت و مقابله می‌پردازند شکست می‌خورند. ۵. معلوم نیست که در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) این تسلیحات خطرنà...در اختیار بشر باقی مانده باشد؛ زیرا ممکن است در اثر حوادث و آشوب‌ها و جنگ‌های جهانی که پیش از ظهور آن حضرت اتفاق می‌افتد این تسلیحات نابود شود. ۶. جنگ‌ها و کشتارهای بی‌رحمانه، نتیجه‌ی گمراهی و جهل و بی‌خردی بشر است. حال اگر در عصر ظهور، «عقل» مردم «کامل» شود، بر فرضی که سلاح‌های خطرناک در اختیار داشته باشند آن را بر ضد یکدیگر به کار نمی‌گیرند؛ و نیروهایی که آن سلاح را در اختیار دارند پی به حقانیت حضرت برده و همچنین با ایجاد رعب و وحشت که در دلشان قرارمی‌گیرد از به کار بردن آن بر ضد حضرت خودداری می‌کنند. ۷. در پایان به دو ویژگی که در جنگ با شمشیر نهفته است اشاره می‌کنیم: ۱. در جنگ با شمشیر می‌توان در کشتارها گزینشی عمل کرد به خلاف تسلیحات کشتار جمعی که عالم و جاهل و مقصر و بی‌تقصیر و گناهکار و بی‌گناه را همه و همه را با هم از بین می‌برد، که این از مرام و روش اولیای الهی به دور است. ۲. چنانچه در منابع فقه اسلامی آمده است در احکام جهاد دستور داریم که تا آنجا که ممکن است به محیط زیست آسیب نرسد، لذا جنگ با شمشیر در راستای این حکم شرعی می‌باشد به خلاف جنگ با ادوات نظامی مرسوم فعلی. لذا با توجه به این دو ویژگی بعید نیست که به قدرت الهی امام زمان، توانایی تسلیحاتی آنها ساقط شود و همه با ابزاری مانند شمشیر وارد جنگ شوند. ۱ .الغیبة، نعمانی، ص ۱۹۸. ۲ .البیان، ص ۹۶. ۳ .احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴. ۴ .بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸. ۵ .بصائر الدرجات، ص ۱۴۱.

امدادهای غیبی

چگونه ممکن است حضرت صاحب الزمان با سیصد و سیزده نفر دنیا را مسخر کند؟ آیا غلبه آن حضرت به طور اعجاز و خرق عادت است یا علل و عوامل ظاهری نیز غلبه و پیروزی آن جناب را ممکن میسازد؟

پرسش

چگونه ممکن است حضرت صاحب الزمان با سیصد و سیزده نفر دنیا را مسخر کند؟ آیا غلبه آن حضرت به طور اعجاز و خرق عادت است یا علل و عوامل ظاهری نیز غلبه و پیروزی آن جناب را ممکن میسازد؟

پاسخ

بر حسب روایات و احادیث شریفه، وقتی حضرت صاحب الامر(ع) ظاهر میشوند، نخست سیصد و سیزده نفر از خواص اصحاب آن حضرت در مکه معظمه حاضر به خدمتش میگردند و وقتی عدهٔ اصحاب و اجتماع کنندگان به ده هزار نفر رسید از مکه خارج میشوند. (رجوع شود به منتخب الاثر، ب ۵، ف ۷، ص ۴۷۵ و ۴۷۶) و اما غلبهٔ آن حضرت و حکومت جهانی اسلام، ممکن است بطور اعجاز و خرق عادت انجام یابد و ممکن است با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری باشد و ممکن است به هر دو نوع واقع شود، چنانکه پیشرفت و غلبهٔ پیغمبر اکرم(ص) و قوای اسلام به هردو نوع بود. اما بطور اعجاز و خرق عادت، محتاج به توضیح نیست که حصول چنین غلبهٔ مطلق برای آن حضرت، به خواست خداوند، امری است ممکن و معقول، و با وعدههای صریح و بشارتهای حتمی که در قرآن مجید و احادیث متواتر داده شده، بدون شبهه حاصل خواهد شد، و خداوند به مصداق آیهٔ: «کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلیلَةٍ

غَلَبَتْ فِئَةً كَثيرةً بِإِذْنِ اللهِ» بقره، آیهٔ ۲۴۹ [چه بسیارند گروه اندکی که به اذن خداوند، بر گروه بسیاری چیرگی مییابند.] آن حضرت، اصحابش و عموم بندگان شایسته خدا را بر تمام ملل، غالب و حاکم و وارث و مالک ارض قرار میدهد. و از لحاظ اسباب و علل ظاهری هم اگر موضوع را بررسی کنیم، حصول چنین فتح و غلبه و تشکیل آن حکومت الهی ممکن و عملی خواهد بود؛ زیرا آن حضرت در موقعی ظهور میکند که اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد.

آیا انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) به سهولت به پیروزی می رسد؟

پرسش

آیا انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) به سهولت به پیروزی می رسد؟

پاسخ

انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) گرچه براساس آنچه از روایات استفاده می شود با جنگ و خونریزی همراه است ولی از روایات نیز چنین به دست می آید که این انقلاب به زودی به پیروزی می رسد و دیگر نمی پاید که طاغوتها و ستمگران و قدرتهای باطل از بین می روند و حکومت عدل جهانی آن حضرت بر سرتاسر جهان حاکم می شود. نکته اش این است که اولا زمینه برای پیشرفت این انقلاب در جهان بسیار آماده خواهد بود ثانیاً آن حضرت از ناحیه ی خداوند از قدرت گسترده ای برخوردار است و امداد غیبی آن حضرت را یاری می کنند در نتیجه دست یافتن آن حضرت به پیروزی به طول نمی انجامد. و نیز از روایات به دست می آید که مدّت جنگهای حضرت مهدی((علیه السلام)) در مدّت ۸ ماه به پایان می رسد. «عن ابی بصر عن ابی جعفر((علیه السلام))... ثم یضع سنیه علی عاتقه ثمانیهٔ اشهر فلایزال یقتل اعداءاللّه حتی یرضی الله عزوجل ;ابوبصیر روایتی را از امام باقر((علیه السلام)) نقل می کند که در ادامه حدیث امام می فرماید: که مدّت ۸ ماه شمشیر را حضرت آماده نگه می دارند و از دشمنان خداوند آنقدر می کشد تا خداوند عزوجل خشنود می شوند.» (بخش پاسخ به سؤالات) پاورقی (۱)۱- کتاب مشحب الاثر، ص ۳۰۱ و کتاب بحار(از کمال الدین)، ج ۵۱، ص ۲۱۸. ـ۲۵ـ

آیا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج), همه سلاحها از کار می افتد؟

پرسش

آیا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج), همه سلاحها از کار می افتد؟

پاسخ

در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت : ۱)کلمه ((سیف)) که در روایات آمده , کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد. ۲) آنچه مسلم است سلاح های موجود دنیا به گونه ای است که نابود کننده هر کسی است

که در برد موثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان ((عج)) و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی ایمان را از بین می برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می آید بر ما پوشیده است . پس می توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایی به نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح ها تعلق گیرد.

خداوند متعال چه عنایتی به جهت پیروزی حضرت مهدی‌علیه‌السلام

اشاره

هنگام ظهور انجام خواهد داد؟

پرسش

خداوند متعال چه عنایتی به جهت پیروزی حضرت مهدی‌علیه‌السلام هنگام ظهور انجام خواهد داد؟

پاسخ

مطابق روایات، خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان (ع) امدادهای غیبی را به کمک آن حضرت خواهد فرستاد که از آن جمله است: ۱ - عنصر ناگهانی وغفلت دشمنان مطابق روایات، حضرت هنگامی ظهور می‌کنند که دشمنان، همه از ظهور او غافلند. ودر دانش نظامی این مطلب به خوبی روشن است که چقدر عنصر غفلت وناگهانی هجوم در پیروزی بر دشمن تأثیر دارد. امام زمان (ع) در توقیعی که به شیخ مفید؛ فرستاد فرمود..."؛ پس همانا امر ما به طور ناگهانی است. {"...پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴. پاورقی} ۲ - ایجاد رعب ووحشت یکی دیگر از راه‌های نفوذ بر دشمن که در علم نظامی از آن بهره‌گیری فراوان می‌شود ایجاد ترس وخوف ورعب در قلوب دشمن است، تا از این راه تسلیم گردند. نعمانی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "أمر اللَّه عزّوجلّ أن لاتستعجل به حتّی یؤیده [اللَّه] بثلاثهٔ [أجناد]: الملائکهٔ، والمؤمنین، والرعب"؛ "خداوند {پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۱۹۸. پاورقی} عزّوجلّ امر نمود تا به آن عجله نکنی تا اینکه او -مهدی (ع)- را به سه لشکر تأیید نماید: ملائکه، مؤمنین ووحشت ".۳ - جذب تمام مسلمین یکی دیگر از تأییدات الهی در حقّ حضرت آن است که به عنایت الهی از راهی قیام خود را شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است. از جمله آنکه: الف. ظهور خود را از مسجدالحرام شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است. ب. خطابه‌ای که در مسجدالحرام هنگام ظهورش می‌خواند به امور مشترک واتفاقی بین مسلمانان اشاره دارد. ج. قیام خود را با همان شعارهای رسول خدا (ص) شروع می‌کند. د. مطالبه خون امام حسین (ع) می‌کند. ۴ - تأیید از جانب ملائکه از جمله تأییدات الهی نسبت به حضرت مهدی (ع) کمک فرستادن ملائکه برای یاری حضرت وقتال به همراه حضرت بر ضدّ ظالمان است. گنجی شافعی به سند خود از علی بن ابی‌طالب (ع) در حدیثی در رابطه با مهدی (ع) نقل کرده که فرمود": خداوند او را با سه هزار از ملائکه یاری خواهد کرد.{"...پاورقی . البیان، ص ۹۶. پاورقی} قندوزی حنفی از کتاب

"اسعاف الراغبین "صبان نقل کرده که در روایات فراوان آمده است که هنگام ظهور حضرت بر بالای سر او فرشته‌ای ندا می‌دهد: "این خلیفه خداست او را متابعت وپیروی کنید... وهمانا خداوند متعال او را با سه هزار فرشته یاری خواهد کرد.{"...پاورقی . ینابیع الموده، ص ۵۶۳. پاورقی} نعمانی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": خداوند متعال او –مهدی (ع)– را با سه لشکر یاری خواهد کرد: با ملائکه.{"...پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۱۲۸. پاورقی} این تأیید به نوبه خود در توجه مردم به حضرت نقش به سزایی دارد، زیرا هنگامی که مخالفان مشاهده کنند که حضرت مشمول نصرت فرشتگان خداوند است ترس سراسر وجود آنها را فرا گرفته وپی به الهی بودن این قیام خواهند برد ودر نتیجه طوعاً یا کرهاً خود را تسلیم حضرت می‌کنند.{پاورقی . همان. پاورقی}

غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟

پرسش

غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟

پاسخ

اگر چه در روایات به یاران محدود حضرت یعنی ۳۱۳ نفر اشاره شده است، ولی پیروزی آنان بر مستکبران به رهبری حضرت مهدی (ع) از جهاتی دور از انتظار نیست زیرا: ۱ – در روایات به یاران دیگری در حدود ده هزار نفر نیز اشاره شده که بدون تحقق آنها حضرت مهدی (ع) ظهور نخواهد کرد. ۲ – غلبه حضرت بر جهان ممکن است از طریق اعجاز باشد، زیرا خداوند متعال ضمانت کرده تا گروه اندک را در صورت استقامت بر گروه زیاد پیروز گرداند. {پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۴۹. پاورقی} ۳ – از طریق علل واسباب عادی وظاهری نیز حصول چنین فتح وپیروزی امری دور از انتظار نخواهد بود، زیرا حضرت در موقعی ظهور خواهند کرد که اوضاع واحوال اجتماعی، اخلاقی وسیاسی کاملاً مساعد باشد. در آن موقع همه ملل به جهت سرخوردگی از نظام‌های مختلف وقتل وغارت‌ها به تنگ آمده‌اند، ولذا در انتظار چنین حکومتی به سر می‌برند، ومردم به مجرّد شنیدن خبر ظهور به آن حضرت وحکومتش روی خوش نشان می‌دهند، وایشان تنها با گروه خاصی درگیر خواهند شد. ۴ – از آنجا که جهان به مانند دهکده‌ای کوچک درآمده وهر چه از عمر آن بگذرد این ارتباط تنگ‌تر خواهد شد، لذا با به دست گرفتن نقطه‌های کلیدی وبا استعانت از خداوند متعال، حکومت جهانی حضرت تحقق خواهد یافت.

آیا پیروزی حضرت مهدی‌علیه‌السلام بر مخالفان وگسترش حکومتش همراه با اعجاز است؟

پرسش

آیا پیروزی حضرت مهدی‌علیه‌السلام بر مخالفان وگسترش حکومتش همراه با اعجاز است؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق سه احتمال وجود دارد: ۱ - اینکه نصرت حضرت وپیاده کردن حکومت جهانی تماماً با اعجاز وقدرت خارق‌العاده الهی باشد. ولی این احتمال از جهاتی قابل مناقشه است: الف. اگر اعجاز راه صحیحی برای دعوت الهی بود، حضرت می‌توانست در خلال غیبت صغرا از آن برای سیطره بر عالم استفاده کند. ب. با اعجاز احتیاج به تعداد زیادی از اصحاب نیست. ج. مطابق برخی روایات بین حضرت ومخالفینش جنگ وخونریزی شدیدی در خواهد گرفت، ودر صورت اعجاز تام، احتیاج به این کارها نیست. ۲ - اینکه خداوند متعال اراده کرده که حضرت مهدی (ع) به صورت عادی بر دشمنان خود غالب شده وحکومت عدل جهانی را گسترش دهد، بدون آنکه کوچک‌ترین کمکی از راه اعجاز در پیشبرد اهداف او بشود. این احتمال نیز خالی از اشکال نیست زیرا مطابق روایات، حضرت مهدی (ع) مورد عنایت وتأیید خاص الهی در جهت ظهورش خواهد بود. ۳ - با ردّ دو احتمال پیشین به این نتیجه می‌رسیم که نصرت حضرت به طور طبیعی وعادی خواهد بود، گر چه این نصرت همراه با تأییدات جزئی وخاصّی از جانب خداوند است، زیرا همان گونه که می‌دانیم بشر در عصر ظهور مورد ظلم وستم فراوان است، واز طرفی از حیث فرهنگی ورشد عقلانی، عموم بشر به بالاترین سطح خود رسیده است، ولذا به دنبال چنین رهبری الهی می گردد که با لبیک به دعوتش از او پیروی نماید. هرگز ابرقدرت‌ها با همه امکاناتی که دارند نمی‌توانند در مقابل اراده ملت‌ها بایستند. اگر مردم همگی یکپارچه ویک صدا فریاد برآورند، دشمنانشان به زانو در خواهند آمد. مگر نبود که در صدر اسلام چگونه مردم فوج فوج داخل اسلام شده ودعوت پیامبر را پذیرفتند؟ در عصر ظهور نیز هنگامی که مردم دنیا از وسایل ارتباط جمعی خبر قیام مصلحی جهانی را بشنوند به او گرویده واز او حمایت خواهند کرد، وکسی نمی‌تواند در صورت اقبال مردم با اراده آنها مقابله کند. گر چه هر کجا که مانعی خاص پیدا شده خداوند متعال به کمک او آمده واز حضرت حمایت خواهد نمود. ولذا در روایات آمده است که امام زمان (ع) با نصرت وترسی که در دل دشمنان می‌افتد حمایت خواهد شد. این ممکن است که به صورت عادی باشد؛ زیرا با نصرت مردم که به عنایت خداوند واقبال مردم است، چنان رعبی در دل دشمنان خواهد افتاد که همه امکانات خود را گذارده، فرار خواهند نمود. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید": هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند نام مبارکش بر سر زبان‌ها خواهد بود، ووجود مردم سرشار از عشق به مهدی است، به گونه‌ای که جز نام او هیچ نامی در یاد وزبان آنان نیست، وبا دوستی او روح خود را سیراب می کنند. {"پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۸. پاورقی}

آیا انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» به سهولت به پیروزی می‌رسد؟

پرسش

آیا انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» به سهولت به پیروزی می‌رسد؟

پاسخ

انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» گرچه براساس آنچه از روایات استفاده می‌شود با جنگ و خونریزی همراه است ولی از روایات نیز چنین به دست می‌آید که این انقلاب به زودی به پیروزی می‌رسد و دیگر نمی‌پاید که طاغوتها و ستمگران و قدرتهای باطل از بین می‌روند و حکومت عدل جهانی آن حضرت بر سرتاسر جهان حاکم می‌شود. نکته‌اش این است که اولاً زمینه برای پیشرفت این انقلاب در جهان بسیار آماده خواهد بود ثانیاً آن حضرت از ناحیه‌ی خداوند از قدرت گسترده‌ای برخوردار است و امداد غیبی آن

www.noorfatemah.org

حضرت را یاری می‌کنند در نتیجه دست یافتن آن حضرت به پیروزی به طول نمی‌انجامد. و نیز از روایات به دست می‌آید که مدّت جنگهای حضرت مهدی«علیه السلام» در مدّت ۸ ماه به پایان می‌رسد. «عن ابی بصر عن ابی جعفر«علیه السلام»... ثم یضع سنیه علی عاتقه ثمانیهٔ اشهر فلایزال یقتل اعداءاللّهُ حتی یرضی اللّه عزوجل؛ ابوبصیر روایتی را از امام باقر«علیه السلام» نقل می‌کند که در ادامه حدیث امام می‌فرماید: که مدّت ۸ ماه شمشیر را حضرت آماده نگه می‌دارند و از دشمنان خداوند آنقدر می‌کشد تا خداوند عزوجل خشنود می‌شوند.»(۲) ۲) کتاب مشحب‌الاثر، ص ۳۰۱ و کتاب بحار(از کمال‌الدین)، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

امدادهای غیبی چیست؟

پرسش

امدادهای غیبی چیست؟

پاسخ

منظوراز امدادهای غیبی ارتباط با دستگاه غیب است یعنی همان گونه که در زمان پیامبر«صلی الله علیه وآله» توسط ان حضرت ارتباط با عالم غیب از طریق وحی صورت می‌گرفت و بین پیغمبر و خداوند این رابطه وجود داشت پس از درگذشت پیامبر گرچه وحی شریعت در کار نخواهد بود ولی از طریق دیگر ارتباط مذکور از رهگذر امام محفوظ خواهد بود. و امام با جهان غیب ارتباط خواهد داشت.

حکومت حضرت

روش حکومت داری حضرت

با توجه به کمبود افراد صالح در همهٔ زمان ها چگونه امام مهدی (ع) عدالت را گسترش خواهد داد؟

پرسش

با توجه به کمبود افراد صالح در همهٔ زمان ها چگونه امام مهدی (ع) عدالت را گسترش خواهد داد؟

پاسخ

سنت قطعی الهی بر این مقرر شده، که روزی به وسیلهٔ امام زمان(ع) ، زمین لبریز از عدل و داد شود و مدینهٔ فاضله تشکیل گردد و همهٔ اقشار، مزهٔ شیرین عدل را بچشند و گمشدهٔ خود را در حکومت امامی که کلامش، راهش و حکومتش عدل است، بیابند و بالاخره با حاکم شدن عدالت در اقصی نقاط عالم وفا و آسایش را لمس کنند و در سایهٔ حکومت صالحان اجرا شدن احکام نورانی الهی را ناظر باشند تا جایی که زمین از قسط و عدل سیراب شود. حضرت بقیهٔ الله عدل کلی را در جهان ، با شرایط زیر پیاده می

فرماید: ۱ – آمادگی جامعهٔ بشری برای عدالت کلی. انسان فطرتا عدالت خواه است و عدالت را دوست دارد، همان گونه که زیبایی را فطرتا دوست دارد، به ویژه وقتی از ظلم و جور به تنگ آمد، تشنهٔ عدالت می شود. در زمان ظهور، عدالت محقق می شود. ۲ – در زمان ظهور عقل ها کامل می گردد و بشر به اندازه ای به رشد عقلی می رسد که قابلیت پیاده شدن عدل همکانی را پیدا می کند.(۱) ۳ – اجتماع یارانی (حداقل ۳۱۳ نفر) در ابتدای کار دور شمع وجود امام با ویژگی هایی از قبیل: الف) خداجویی و توحید که سرلوحهٔ خصال یاران مهدی است و وجودشان غرق جلوهٔ نور ایزدی است. ب) بصیرت و آگاهی . آنان چنان درایت و خردمندی دارند که در هر وضعی حق را از باطل باز می شناسند. پ) حفظ حدود الهی . یاران حضرت چنان خود ساخته اند که حتی در سخت ترین اوضاع دست از پا خطا نمی کنند و قانون الهی را نمی شکنند. ت) شجاعت. آنان دلیر مردان جنگ آوران میدان نبردند و دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن هراسی به دل راه نمی دهند. ایمان به هدف همهٔ وجودشان را تسخیر کرده است. ث) فرمان بری. آنان عاشقان مولای خودند تا جایی که در انجام دستورهای حضرت بر یکدیگر پیشی می گیرند. ج) زهد و ساده زیستی، زهد و عدم وابستگی به دنیا زینت کارگزاران مهدی است. یاران امام منتظر با داشتن چنین صفاتی چنان خود ساخته اند که اگر همهٔ دنیا به آنان پیشنهاد شود تا تخلف از فرمان امامشان کنند، نمی پذیرند.(۲) ۴ – در ابتدا کارگزاران مهدی موعود (عج) انسان های ساخته شده اند که ایمان به خدا روحشان را در خود گداخته و از نو ساخته است و خداترسی آنان مانع از تخلفشان می گردد. در مراحل بعد که انقلاب حضرت گسترش می یابد، کارگزاران بر اساس موازین درست و شایستگی های اصولی و لیاقت های افراد انتخاب می گردند. ۵ – پس از انتخاب مجریان لایق دولت مرکزی شدیدا آنان را تحت مراقب کامل قرار می دهد و همواره اعمال و رفتارشان زیر نظر است. مأموران مخفی و چشم و گوش های دولت مرکزی بیش از آن که مردم را زیر نظر بگیرند، به اعمال و کردار کارگزاران دولت می نگرند. و از متصدیان امور می خواهند که به موازین عدالت پای بند باشند وگرنه با برخورد شدید و نرمش ناپذیر مواجه خواهند شد.(۳) ۶ – امدادهای غیبی. همواره بشر برای پیمودن راه های دشوار محتاج امدادهای غیبی می باشد. در عصر ظهور حضرت امدادهای غیبی و نصرت های قائم آل محمد (ص) یالری می رسانند. نیز ملائکه ها و حضرت عیسی (ع) برای نصرت حضرت فرمود می آیند و باران های رحمت پی در پی نازل می شود و زمین گنج ها معدن ها و تمام منافعش را بیرون می ریزد. تمام نعمت ها فراوان می گردد، تا بدین وسیله خداوند سلطنت مهدی را در تمام زمین بگستراند.(۴) پی نوشت ها : ۱ – لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۶۰۷، حدیث ۱؛ مرتضی مطهری ، سیری در سیرهٔ ائمه (ع)، ص ۲۹۴. ۲ – مجلهٔ حوزه، شماره ۷۱ و ۷۰، ص ۲۹۹ و ۳۰۶. ۳ – محمد حکیمی ، عصر زندگی ، ص ۴۹ و ۵۰. ۴ – لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۳۶۰ و ۳۶۴ و ۵۸۹ و ۵۹۱.

آیا در دورهٔ ظهور، اساساً نیاز به حکومت هست، زیرا عقل های مردم تکمیل شده و علم پیشرفت کرده و عدالت فراگیر شده است؟ حکومت برای رفع نیاز بشر است که تأمین شده است. پس چه نیازی به حکومت است؟

پرسش

آیا در دورهٔ ظهور، اساساً نیاز به حکومت هست، زیرا عقل های مردم تکمیل شده و علم پیشرفت کرده و عدالت فراگیر شده است؟ حکومت برای رفع نیاز بشر است که تأمین شده است. پس چه نیازی به حکومت است؟

پاسخ

بی تردید حکومت به منظور اجرای قانون، برقراری امنیت، حاکمیت نظم و دفاع از حقوق انسان ها و ... شکل می گیرد، از این رو خردمندان بر ضرورت حکومت اتفاق نظر دارند. متأسفانه برخی از افراد جامعه به قانون احترام نگذاشته و منافع خویش را با عدالت و حاکمیتِ حق در تضاد می دانند، از این رو لازم است عامل بازدارنده وجود داشته باشد. از سوی دیگر جامعهٔ عدالت گرا و قانون مند، با منافع معاندان دین و دشمنان در تضاد بوده و هر لحظه ای حکومت را تهدید می کنند، از این رو برای دفاع از نظام الهی و حفظ امنیت حکومت ضرورت دارد. در هنگام تشکیل حکومت جهانی امام زمان(ع) به رغم آن که افکار عمومی آمادهٔ پذیرش حکومت جهانی است، ولی طیف وسیعی از دگم (جزم) اندیشان و منافقان و کافران با تشکیل حکومت جهانی به مخالفت می پردازند، از این رو امام زمان(ع) با بهره گیری از یاران باوفا و ایثار گر و با استفاده از سلاح های روز با آن ها می جنگند. متأسفانه برخی بعد از تشکیل حکومت جهانی امام زمان(ع) با حکومت عدالت مند حضرت مخالفت می کنند. معنای حاکمیت عدالت و حکومت جهانی امام زمان(ع) آن نیست که همگان به قانون احترام می گذارند و در جامعه اصلاً ناهنجاری ها و تضییع حقوق دیگران و قانون گریزی وجود ندارد، بلکه معنا این است که مردم رشد فکری پیدا کرده و در سایهٔ عدالت و اجرای قوانین الهی و حاکمیت دین با آرامش زندگی می کنند، ولی در عین حال عوامل تهدید کنندهٔ حکومت جهانی وجود دارد. از سوی دیگر وظیفهٔ حکومت تنها مبارزه با تجاوز و برقراری امنیت ... نیست، بلکه وظایف عمران و آبادی و بهره گیری از منابع طبیعی و مواهب الهی است که این عوامل نیاز به برنامه ریزی و سامان دهی دارد. بی تردید رشد عقل و پیشرفت علم نقش بنیادی در تشکیل جامعهٔ آرمانی دارد، ولی خرد و علم به تنهایی در موانع زدایی و اجرای قوانین کافی نیست. امروزه که تا اندازه ای بشر از رشد عقلی برخوردار بوده و علم پیشرفت کرده، نه تنها ناهنجاری ها کم نشده بلکه ظلم وحق کشی ها و قانون گریزی ها بیشتر شده است؛ از این رو حاکمیت عقلانیت و پیشرفت های علم از ضرورت حکومت نمی کاهد، زیرا علم از جنایت نمی کاهد و از دانش سوء استفاده می شود. در عصر حکومت امام زمان(ع) علم گرایی به اوج خود رسیده و امام با بهره گیری از فناوری و پیشرفت های علمی نظام عادلانه و مبتنی بر علم و عقل را به وجود می آورد، از این رو می توان گفت: حکومت جهانی امام زمانی حکومت خِرَد و دانش و دین مداری است.

چرا امام زمان‌علیه‌السلام بعد از ظهور به حکم داوود عمل می‌کند؟

پرسش

چرا امام زمان‌علیه‌السلام بعد از ظهور به حکم داوود عمل می‌کند؟

پاسخ

کلینی به سندش از امام باقر (ع) نقل کرده که خطاب به اباعبیده فرمود... ": یا أباعبیدهٔ! إذا قام قآئم آل محمّد (ص) حکم بحکم داوود وسلیمان لایسأل البیّنه..."؛ "ای اباعبیده! هر گاه{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۹۷. پاورقی} که قائم آل محمد: قیام کند به حکم داوود وسلیمان حکم خواهد کرد ولذا از دلیل و شاهد سؤال نمی‌کند ".نعمانی از ابان بن تغلب نقل کرده که گفت: من با جعفر بن محمّد (ع) در مسجد کوفه بودیم که او دست مرا گرفته بود وفرمود": ای ابان! زود است که خداوند سیصد وسیزده مرد را در این مسجد شما حاضر کند... آن گاه به منادی امر می‌کند که ندا دهد: این مهدی است که به حکم داوود وسلیمان قضاوت

خواهـد نمود؛ که در قضـاوتش از بیّنه سؤال نمی‌کنـد. {"پاورقی . الغیبـة، نعمانی، ص ۱۶۹. پاورقی} پاسخ: ۱ – ظـاهر روایات آن است که امام زمان (ع) بعـد از ظهور به علم خود در هر واقعه‌ای حکم می‌کنـد نه به بیّنه، بر خلاف آنچه که امامان سابق بر او انجام می‌دادند. شـیخ مفید؛ در کتاب المسائل می‌گوید": امام (ع) می‌تواند به علم خود حکم کند همان طوری که به ظاهر شـهادت‌ها نیز می‌توانـد چنین کنـد وهر گـاه شـهادت را باطـل ببینـد بر علم خود حکم خواهـد کرد. {"...پـاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۱۷۷. پاورقی} علامه مجلسی؛ در" مرآة العقول "می‌فرماید": واین اختلاف در سیره اهل بیت: از قبیل نسخ نیست تا کسی اشکال کند که بعـد از پیـامبر نسـخی نیست، بلکه یـا به اعتبـار تقیه در برخی موارد است ویـا به جهت اختلاـف اوضاع واحوال در زمان‌ها است."... {پـاورقی . مرآة العقول، ج ۴، ص ۳۰۱. پاورقی} ۲ – از آنجـا که وظیفه امـام زمان (ع) بعـد از ظهور پر کردن زمین از عـدل وداد است، لذا طبیعی است که به واقع حکم نماید تا اینکه حقوق به صاحبان اصلی‌اش باز گردد، ومقتضای آن این است که حضـرت به علم خود که از جانب خـدا به او الهام شده حکم نماید، واین همان حکم داوود است. ۳ – حکم حاکم به علمش، بدون اتکا بر بیّنه وقسم، نه تنهـا مورد اتفاق علمای شـیعه است بلکه برخی از علمای اهل سنّت نیز آن را جایز شـمرده‌اند. ابن قـدامه می‌گویـد..."؛ از احمد بنابر نقلی شنیده شده که حکم حاکم به علمش جایز است، واین قول ابویوسف وابوثور ورأی دوم شافعی واختیار مزنی است، زیرا پیامبر (ص) در موردی که ذکر می‌کنـد بدون بیّنه واقرار وتنها با علم به گفتار مدعی حکم صادر کرد. آن گاه می‌گوید: حاکم که به قول دو گواه حکم می‌کند به جهت غلبه بر ظن اوست، پس در مورد علم وقطع، اولی به جواز حکم است. ودیگر اینکه حاکم می‌توانـد در تعـدیل وجرح شـهود به علم خـود عمـل کنـد، پس در ثبـوت حقّ به طریـق اولی می‌توانـد به علم خـود حکم نمایـد." {پـاورقی . المغنی، ج ۱۱، ص ۴۰۱. پاورقی} نتیجه اینکه: هیـچ استبعادی نـدارد که حضـرت مهـدی (ع) در قضایا به علمی که از جانب خداوند به او الهام شده حکم نماید.

مقرّ حکومت امام مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور کجاست؟

پرسش

مقرّ حکومت امام مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور کجاست؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می‌شود که مقرّ حکومت وبه تعبیر دیگر پایتخت حکومت حضـرت مهـدی (ع) کوفه خواهد بود. ابوبصیر می‌گویـد: امـام صـادق (ع) فرمود": ای ابامحمّـد! گویـا می‌بینم که قائم آل‌محمّـد با خانواده‌اش در مسـجد سـهله فرود آمـده است. گفتم:آیـا خـانه او مسـجد سـهله است؟ فرمود: آری. {"...پاورقی . کافی، ج ۳، ص ۴۹۵ ؛ کامـل الزیـارات، ص ۳۰. پاورقی} امام صـادق (ع) از مسـجد سـهله یـاد کرد وفرمود": آن خـانه صـاحب مـا (حضـرت مهـدی (ع)) است، زمـانی که بـا خانـدانش در آنجا سکونت گزینـد. {"پاورقی . کافی، ج ۳، ص ۴۹۵ ؛ التهـذیب، ج ۳، ص ۲۵۲. پاورقی} امام باقر (ع) می‌فرمایـد": مهـدی (ع) قیام می‌کنـد وبـه سـوی کـوفه می‌رود ومنزلش را آنجـا قرار می‌دهـد. "ونیز آن حضـرت می‌فرمایـد": هنگـامی کـه قـائم مـا قیـام کند وبه {پـاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵. پـاورقی} کـوفه برود، هیـچ مؤمنی نیست مگر آنکه در آن شـهر در کنـار مهـدی (ع) سکونت می‌گزینـد یـا به آن شـهر می‌آیـد. {"پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۳۸۵. پـاورقی} حضـرت علی (ع) در این باره می‌فرمایـد:

"روزگاری فرا رسد که این جا (مسجد کوفه) نمازگاه ومصلای مهدی (ع) گردد. {"پاورقی . اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۲. پاورقی}

مقتضای قاعده عمومی در رابطه با مدت حکومت عدل توحیدی امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

مقتضای قاعده عمومی در رابطه با مدت حکومت عدل توحیدی امام زمان‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

مطابق قواعد عمومی، حدّ زمان لازم برای حکومت عدل جهانی توحیدی امام‌زمان (ع) باید وقت وسیعی باشد که بتواند اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا در آن مدّت زمان تحقق یابد. این مطلب را با مقدماتی کوتاه تقریر می کنیم: الف. هدف از خلقت ایجاد عبودیّت خالص در سطح کلّ جامعه است، عبودیت در سطح وسیعش به نحو استغراقی نه بدلی. خداوند متعال می‌فرماید: {وَما خَلَقْتُ الجِنَّ وَالإِنْسَ إِلّا لِيَعْبُدُونِ"}؛ من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند {".پاورقی . سوره ذاریات، آیه ۵۶. پاورقی} ب. حضرت مهدی (ع) با برپایی حکومت جهانی‌اش در پیاده نمودن این هدف سهم عظیمی دارد. ج. پیاده کردن این هدف عظیم احتیاج به زمان کافی دارد، زیرا اصل بر عدم معجزه است. نتیجه: بقای امام وحکومت او در مدت کافی برای تطبیق هدف عالی خلقت انسان ضروری است، زیرا هدف خلقت بشر بر دو نوع است: ۱ - هدف کلّی: برای مجموعه بشر که در نهایت باید به نحو عام استغراقی، تمام بشر به کمال برسند. ۲ - هدف مقطعی: که برای بشر در هر برهه زمانی متصوّر است وآن به نحو عام بدلی برای برخی از افراد بشر تحقق یافته است.

روایات مختلف در مورد مدت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام را چگونه توجیه می‌کنید؟

پرسش

روایات مختلف در مورد مدت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام را چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ

با توجه به روایات موجود درباره مدت حکومت حضرت مهدی (ع) سه قول وجود دارد: ۱ - ترجیح روایات هفت سال در مدت حکومت حضرت این قول شواهد ومؤیداتی نیز دارد: الف. چون از شهرت در عمل برخوردار است. ب. این روایات بنابر قول ابوالحسین آبرّی مستفیض یا متواتر است. {پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۱۶۲. پاورقی} ج. قیام وحکومت حضرت مهدی (ع) در مدت هفت سال فضیلتی برای آن حضرت است. د. روایات هفت سال به روایتی تقیید می‌خورد که هر سال از آن هفت سال را برابر ده سال می‌داند که مجموع آن هفتاد سال می‌شود، که در نتیجه مدت معقولی برای برپایی حکومت عدل جهانی است. ونیز ممکن

است که روایت فوق را حمل بر مبالغه در طولانی بودن مدت حکومت حضرت نمود، زیرا عدد هفتاد به جهت مبالغه به کار می‌رود. ۲ – حمل روایات به مرحله حیات وحکومت احتمال دوم آن است که روایات مختلف را بر دو مرحله حمل کنیم: الف. مرحله حیات امام زمان (ع) بعد از ظهور؛ که کمتر از ده سال است. ب. مرحله حکومت عدل جهانی توحیدی؛ که بیش از ده سال به طول خواهد انجامید. خصوصاً آنکه با رجعت هر یک از امامان قبل از برپایی قیامت وبعد از ظهور حضرت، حکومت عدل جهانی توحیدی ادامه خواهد یافت. ۳ – حمل بر مراحل شدّت وضعف ممکن است اختلاف مدت در حکومت حضرت را به مراحل قوت وضعف حمل نمود. سفارینی می گوید": بر فرض صحت تمام روایات می‌توان همه را این گونه حمل کرد که حکومت حضرت از حیث ظهور وقوت متفاوت است، مدت بیشتر را حمل بر تمام مدت حکومت از اول زمان بیعت تا آخر حکومت حمل می کنیم. ومدت زمان کمتر را بر حدّ اقلّ ظهور ومدت حدّ وسط را نیز بر حدّ وسط ظهور وقوّت حمل می کنیم. {"پاورقی . لوائح الانوار، ج ۲، ص ۷۹. پاورقی} خلاصه کلام سفارینی این است که ایشان مراحل حکومت حضرت را بر سه بخش تقسیم می کند: الف. مرحله ظهور وقوّت که در آن زمان، امور رتق وفتق می‌شود. (حدّ اقل). ب. مرحله تثبیت وآرامش. (حدّ وسط). ج. مرحله نهایی، ونهایت حکومت حضرت: (حدّ اکثر).

وسعت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه مقدار است؟

پرسش

وسعت حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه مقدار است؟

پاسخ

مطابق برخی ادله، حکومت حضرت مهدی (ع) بر کلّ کره زمین است زیرا: ۱ – هدف از خلقت، مطابق برخی ازآیات، رسیدن کلّ بشر به عبودیت کامل در تمام زمینه‌هاست. ۲ – در برخی ازآیات آمده است که حکومت حضرت تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت. ۳ – مطابق برخی روایات که به حدّ تواتر رسیده، حضرت مهدی (ع) تمام زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. ۴ – در برخی از روایات حکومت مهدی (ع) تشبیه به حکومت ذوالقرنین در گستردگی آن شده است. ۵ – همچنین در برخی روایات آمده است حضرت تمام مناطق روی زمین را فتح خواهد کرد. نعمانی به سندش از ابی‌حمزه ثمالی نقل کرده که از امام باقر (ع) شنیدم، فرمود... ": خداوند برای او –قائم آل محمّد:– روم وچین وترک ودیلم وسند وهند وکابل شاه وخزر... را فتح خواهد کرد."... {پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۱۲۲ù۱۲۳. پاورقی} ۶ – مطابق برخی روایات همه مردم روی زمین موحّد شده وزمین آباد خواهد شد. {پاورقی . ینابیع الموده، ص ۵۰۸. پاورقی}

روش حکومت امام زمان(عج) چگونه خواهد بود؟ رای مردم چه جایگاهی خواهد داشت؟

پرسش

روش حکومت امام زمان(عج) چگونه خواهد بود؟ رای مردم چه جایگاهی خواهد داشت؟

پاسخ

روش و مـدل حکومتی امام مهـدی(ع) نو، بدیع و بی نظیر است که بر اساس آن «دیگر هیچ سیاستی و حکومتی، جز حکومت حقه اسلامی و سیاست عادله قرآنی، در جهان جریان نیابد.»{۱} آنچه که درباره شیوه حکومت داری آن حضرت می‌توان بیان داشت، تکیه بر روایات بسیاری است که چشم انـدازی از حکـومت امـام را در ابعـاد اجتمـاعی، اقتصـادی و سیاسـی ارایه کرده است. به نمونه‌های ذیل بنگریـد: ۱. اوبخشـنده است، و بی دریغ، مـال و خواسته، به این و آن دهـد. نسبت به عمّـال و کارگزاران و ماموران دولت خویش بسیار سـختگیر باشـد، و بـا ناتوانان و مستمندان، بسیار مهربان.{۲} ۲. مهـدی حق هر حق داری را بگیرد و بـه او دهد.{۳} ۳. بـه همه مردم، حکمت و علم بیاموزنـد.{۴} ۴. مهـدی(ع)، به تاییـد الاـهی، خردهای مردمان را به کمال رسانـد، و در همگان فرزانگی پدید آورد.{۵} ۵. ظلم و سـتم را براندازد و سراسر زمین را از عدل و داد بیاکند.{۶} ۶. عدالت او چنان باشد که بر هیچ کس، در هیچ چیز، به هیچگونه، سـتمی نرود.{۷} ۷. همه مردم، در زمان مهـدی، توانگر و بی‌نیاز شوند.{۸} ۸. همه اموال جهان، در نزد مهـدی(ع) گرد آید.{۹} ۹. مهدی(ع) اموال را، به صورت مساوی، میان همگان تقسـیم می کند و کسـی را بر کسـی امتیاز ندهد.{۱۰} ۱۰. در روزگار او همگان به رفاه و آسایش و وفور نعمتی بی‌ماننـد دست یابند/ ۱۱. در جهان جای ویرانی نماند، مگر آنکه مهـدی(ع) آنجا را آباد سازد.{۱۱} ۱۲. در قضاوت‌ها و احکام مهـدی(ع)، و در حکومت وی، سـرسوزنی ظلم و بیداد بر کسـی نرود و رنجی بر دلی ننشـیند.{۱۲} ۱۳. مهـدی(ع) عـدالت را، همچنـانکه سـرما و گرمـا وارد خانه‌ها می‌شود، وارد خانه‌های مردمـان کنـد، و دادگری او همه جا را بگیرد.{۱۳} بـا تامـل در نکته‌هـای زیبای فوق، می‌توان به بخش دوم سؤال نیز پاسـخ گفت، آنجا که پرسشگر محترم از چگونگی نقش مردم در حکومت مهدی(ع) سؤال فرموده‌اند/ در طول تاریخ خواست عامه مردم، برپایی عدالت، برخورداری از رفاه، رهایی از سـتم و بهره‌مندی از امکانات عمومی به صورت عادلانه است، این خواست به حق، آنان را به تعیین دولت‌ها و کارگزاران می کشاند که بسیاری از دولتمردان بر خلاف خواست عامه مردم عمل کرده و منافع شخصی و گروهی خویش را بر مقدم بر هر چیزی می کردند با این وضعیت، هماره عطش عدالت خواهی در ضمیر انسانها وجود داشته است و خداوند نیز برای امیـد بخشـی به مردم، آمـدن چنین حکومتی را وعده فرموده است.{۱۴} حال وقتی آنان می‌نگرنـد که با آمدن مهدی(ع)، این وعـده الاـهی برای رهـایی مستضـعفان از چنـگ سـتمگران تحقق یـافته، حکومتی بـا شاخصه‌هـایی چون عـدالت، رفاه، امنیت و معنویت آمـده است، با جان و دل پذیرای چنین حاکمیتی خواهند بود/ بیا که رایت منصورِ پادشاه رسـیدنوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسـید جمال بخت ز روی ظفر نقاب انـداخت‌کمال عدل به فریاد دادخواه رسـید ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن‌قوافل دل و دانش ،که مرد راه رسـید کجـاست صوفی دجّـال چشمِ ملحـد شـکل‌بگو بسوز که مهـدیِّ دین پناه رسـید{۱۵} البتـه نقش مردم در حکومت در هر عصـر و دوره‌ای به شـیوه‌ی خـاص بوده است، در دوره‌ای با بیعت و در عصـری با رای مسـتقیم و غیر مسـتقیم، و در آینده نیز دگرگونی شـیوه‌ها نیز محتمل است/ [۱].المهدی الموعود المنتظر، نجم الدین جعفر العسـکری، ج ۱، ص ۲۵۵/ [۲].همان، ص ۲۷۶/ [۳].همان، ص ۲۷۹/ [۴].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲/ [۵].الکافی، ج ۱، (کتاب العقل، ح ۲۱)/ [۶].ر.ک: خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۳۳/ [۷].الکافی، ج ۴، ص ۴۲۷/ [۸].بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶/ [۹].همان، ج ۵۱، ص ۲۹/ [۱۰].خورشید مغرب، ص ۳۴/ [۱۱].همان ، ص ۳۴/ [۱۲].المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۲۸۰/ [۱۳].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲/ [۱۴].سوره قصص، آیه ۵/ [۱۵].حافظ شیرازی /

قیام مهدی (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه امکان‌پذیر است و این حکومت چه ویژگیهائی دارد؟

پرسش

قیام مهدی (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه امکان‌پذیر است و این حکومت چه ویژگیهائی دارد؟

پاسخ

در حالی که ایجاد حکومت واحد جهانی، بر بشر کنونی– که در اخلاق مادی فرورفته و معنویات و احساسات پاک او نسبت به انسان‌ها فروکش کرده- به صورت یک آرزوی خام و رویای طلائی درآمده است، احادیث اسلامی، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام را از ویژگی‌های قیام مهدی موعود علی‌السلام می‌داند. این بیانات الهی می‌رسانند در پرتو عدل حضرتش، جهان تحت لوای یک حکومت، یک دولت، یک قانون، یک قدرت درمی‌آید و بساط تمام ابرقدرتها و فرعونها و قارون‌ها و قارونک‌های زمان از بزرگ و کوچک برچیده می‌شود، و پرچم عدل و داد، در سراسر جهان به اهتزاز درآمده و صفا و صمیمیت و عشق به نوع بشر جهان را فرا می گیرد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:«اذا قام القائم ذهب دولة الباطل» (منتخب الاثر، ۴۷۱، نقل از روضه کافی). [آنگاه که امام قائم قیام کرد، حکومت‌های باطل نابود می‌شود]. باز در حدیث دیگر می‌فرماید:«یبلغ سلطانه المشرق و المغرب» (منتخب الاثر، ۴۸۲) [قدرت او شرق و غرب را فرا می گیرد]. باز امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه: «اَلَّذِینَ اِنْ مَکَّناهُمْ فِی اَلْاَرْضْ اَقامُوا الصَّلواهَ وَ آتَوُا الزَّکواهُ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْروفِ وَنَهَوا عَنِ الْمُنْکَرِ وَلِلّهِ عاقِبَهُ الاُمورِ» حج/۴۱ [آنانکه اگر در روی زمین به آنان قدرت دهیم، نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند، به نیکی‌ها امر کرده و از بدی‌ها نهی می کنند. و برای خدا است سرانجام امور] فرمود: این آیه بیانگر حکومت مهدی است. خدا او و یاران او را بر شرق و غرب زمین مسلط می گرداند. و دین خدا را آشکار می‌سازد و به وسیله او و یارانش بدعتها را می‌میرانند، همچنانکه بی‌خردان حق را میرانده بودند، تا آنجا که از ستم اثری دیده نمی‌شود، آنان مردم را به نیکی‌ها امر کرده و از بدی‌ها باز می‌دارند. و برای خدا است سرانجام امور (تفسیر برهان، ۳/۹۶، تفسیر نورالثقلین، ۳/۵۰۶) ویژگی‌های حکومت مهدوی هر یک از جملات حدیث گذشته، به اصلی از اصول حکومت واحد جهانی امام و یا به یک ویژگی از ویژگی‌های حکومت او اشاره می کند. شایسته است به متن این فرازها توجه شود: «یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها» [خداوند، سراسر جهان را از خاور و باختر در اختیار آنان قرار می‌دهد»، یعنی حکومت او، جهان شمول می گردد نه منطقه‌ای. «و یظهر الدین و یمیت الله به و باصحابه البدع و الباطل» [به وسیله او، دین خدا زنده و بدعت‌ها و باطل‌ها نابود می‌شود] یعنی قوانین حکومت او را، قوانین الهی که آئین خاتم اسلام است، تشکیل می‌دهد. و نیز می‌فرماید: «حتی لایری اثر من الظلم و یأمرون بالمعروف». [از ستم اثری دیده نمی‌شود و به نیکی‌ها امر می کنند]. یعنی دارای قدرت اجرائی گسترده‌ای می گردد، که هر نوع ستم را در سراسر جهان می‌زدایند و نیکی‌ها را گسترش می‌دهند. چنین ویژگی‌هائی فقط از آن حکومت جهان اسلام است و بس، که مهدی زمان، تحقق بخش آن است. یکی از ویژگی‌های حکومت امام، گسترش عمران و آبادی در سراسر جهان و تسلط بشر بر معادن زیرزمینی است. و بشر در پرتو عدل بر این تکامل دست می‌یابد. پیامبر گرامی در این مورد می‌فرماید: «در زمان مهدی، آب در جهان افزایش پیدا کرده و انهاری پدیده می‌آید و انهار و گنجها از دل زمین بیرون می‌آید» (منتخب الاثر، ص۴۷۳) ابن عباس که در دامن پیامبر گرامی و مکتب امام امیر المؤمنین صلی‌الله‌علیهماوآلهما پرورش یافته، دوران مهدی زمان را چنین توصیف می کند: «مهدی، روی زمین را از داد پر کرده، همچنانکه پیش از او از ستم پر می‌شود و زمین پاره‌های جگر خون را بیرون می‌ریزد». آنگاه به عنوان نمونه گفت:«ستونهائی از طلا و نقره» (منتخب الاثر، ۴۷۲) این گونه احادیث که با «تواتر معنوی» در کتابهای حدیث وارد شده است، از یک حکومت جهانی الهی توأم با تمدن عمیق و ریشه دار مادی گزارش می‌دهد، که در عصر

طلائی ظهور حضرت حجت‌بن‌الحسن صلوات‌الله‌علیه تحقق می‌پذیرد.

آیا خلافت بعضی کشورها دردوران دولت حجت"ارواحنافداه "به وسیلهٔ اصحاب ایشان اداره می شود؟اگر چنین است پس چرا درحکمت۱۹۰ نهج البلاغه ترجمهٔ دشتی می فرماید : شگفتا!آیا معیار خلافت، صحابی پیامبربودن است؟ صحابی پیامبر بودن وخویشاوندی ملاک نیست؟

پرسش

آیا خلافت بعضی کشورها دردوران دولت حجت"ارواحنافداه "به وسیلهٔ اصحاب ایشان اداره می شود؟اگر چنین است پس چرا درحکمت۱۹۰ نهج البلاغه ترجمهٔ دشتی می فرماید : شگفتا!آیا معیار خلافت، صحابی پیامبربودن است؟ صحابی پیامبر بودن وخویشاوندی ملاک نیست؟

پاسخ

درباره روش حکومت امام زمان"عج "واینکه امام"عج "برای اداره دنیا از چه نیروهایی استفاده می کنند روایات فراوانی از معصومین"ع "وارد شده است. ابتدا اینکه، ازآنجا که امام"عج "برای برافراشتن پرچم اسلام وحاکمیت قرآن درتمام دنیا ظهور خواهند کرد پس روش حکومتی ایشان براساس قرآن وسیره پیامبر"ص "وامامان"ع "خواهد بود. امام صادق"ع "می فرمایند : "امام زمان"عج "درحکومت خویش به سیره وروش پیامبر عمل می نمایند وبررفتار او رفتار می‌کنند""۱. "وخود پیامبر اکرم"ص" می فرمایند" : مهدی"عج "روش مرا دنبال می کند وهرگز از روش من بیرون نمی رود""۲ "وامام عصر"عج "برای ادارهٔ جهان استانداران ووزیرانی می گمارند که جز به مصالح اسلام ورضایت خدا به چیزی نمی اندیشند. چنانکه درروایات ترکیب دولت مهدی"عج "را ازپیامبران، جانشینان آنان، تقوی پیشگان وصالحان روزگار وامتهای پیشین واز سران وبزرگان پیامبر"ص "بیان می کند که نام برخی از آنها نیز درروایت آمده است. چند روایت : ۱. رسول خدا می فرمایند" : امام مهدی"عج "دقیقاً فرمان خدا را اجرا می کند با کسی حساب خوشاوندی ندارد وسنگی روی سنگ نگذارد""۳ "۲. امام علی"ع "درنهج البلاغه می فرمایند" : کسی برشما حکومت خواهد کرد که غیرازخاندان حکومت هاست، او مسؤولان وکارگزاران رابه جرم کردارزشتشان کیفر خواهد کرد. آنگاه است که مهدی"عج "به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه کدام است""...۴ "و دربرخی روایات نام تعدادی ازوزیران و استانداران حضرت را بیان کرده اند. ازآن جمله درروایتی آمده است : حضرت عیسی"ع، "اصحاب کهف، یوشع وصی موسی"ع، "مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی".۵ "پس همانطور که ازروایات فهمیده می شود، اصحاب امام عصر"عج "که مسؤولیت زمامداری امور را به دست می گیرند افراد باتقوا و مؤمن حقیقی هستند وهر کس این خصوصیات برجسته را داشته باشد جزء اصحاب امام زمان"عج "است".۶ "اما سؤال دوم شما درمورد حکمت ۱۹۰نهج البلاغه، که حضرت علی"ع "می فرمایند" واعجباه! اتکون الخلافهٔ بالصحابهٔ ولاتکون بالصحابهٔوالقرابهٔ ("شگفتا! آیا خلافت به صحابی بودن باشد ولی به صحابی بودن وخویشاوندی نباشد.) اول اینکه : حضرت علی"ع "می خواهد بفرماید خلافت وجانشینی رسول خدا"ص "فقط وتنها براساس اینکه ایشان صحابه پیامبر ویا خویشاوند ایشان است نیست، بلکه خلافت پیامبر"ص "امری الهی است که ازجانب خدا تعیین می شود وبه وسیله پیامبر"ص "به مردم ابلاغ می گردد وگرنه خیلی ازافراد صحابه وخویشاوندپیامبر بودند وهر کدام می توانستند ادعای خلافت کنند. ودوم اینکه : فرمایش حضرت علی"ع "درمورد عمر خلیفه دوم است که چون ابوبکربه عمر گفت : دست دراز کن که با تو بیعت کنم عمر به او گفت : تودرهمه جا ودرهمه سختیها مصاحب پیامبر"ص"بوده ای بنابراین

www.noorfatemah.org

تودست دراز کن ولذا سخن علی"ع "متوجه عمر است که اگر ابوبکر بخاطر مصاحبت با پیامبر"ص "استحقاق خلافت را دارد، چرا این را به کسی که علاوه بر مصاحبت با پیامبر"ص "جزء خویشاوندان آن حضرت است نسپردی؟ وسوم اینکه : برای تأیید سخن سید رضی (گردآورنده نهج البلاغه) بعد از حکمت فوق شعری را ازحضرت علی"ع "نقل می کند که ترجمه آن این است" : اگر با شورا کارآنان را دردست گرفته ای چه شورایی که رأی دهندگان آنجا نبودند واگر از خویشاوندان برمدعیان حجت آوردی، دیگری غیر ازتو، به پیامبر"ص"نزدیک وسزاوارتربود "که این شعر مولی"ع "هم متوجه ابوبکر وعمر است که دلیل به خلافت رسیدن خود را مصاحبت با پیامبر"ص "دانستند وحضرت علی"ع "می فرمایند" : کس دیگری (یعنی خود مولی)غیر ازلحاظ مصاحبت با پیامبر"ص، "از همه به او نزدیک تر وخویشاوند او می باشد، بنابراین برای خلافت ازهمه سزاوارتر است".۷ "پس همانطور که دوست عزیز ملاحظه کردید بین سؤال اول ودوم شما رابطه ای نیست زیرا سؤال اول درمورد کارگزاران حکومت مهدی"عج "می باشد که از افراد لایق ومؤمن هستند وتا کسی به درجه بالای ایمان واخلاص نرسد نمی تواند جزء اصحاب ویاران وکارگزار حکومت مهدوی"ع "شود. واما سؤال دوم شما که در مورد خطبهٔ ۱۹۰دررابطه با غصب خلافت بعد ازپیامبر"ص "می باشد، که دلیل آن را مصاحبت با پیامبر"ص "دانستند. (۱) بحار،ج۵۲،باب۲۸،ح۷۸ (۲) منتخب الاثر فی امرامام الثانی عشر،ص۴۹۱،باب۳،حدیث۲ (۳) تاریخ عصر غیبت،ص۲۵۸،به نقل از ملاحم لفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ازابن طلاووس،ص۱۰۸ (۴) نهج البلاغه ترجمه دشتی،خطبه ۱۳۸ (۵) چشم اندازی از حکومت مهدی، نجم الدین طبرسی،ص ۱۹۰ (۶) گفتمان مهدویت،ج۱،ص۱۵۲ ـ۱۵۳،خورشیدمغرب، محمد رضاحکیمی،ص۲۴۱،درساحل اندیشه، اکبر اسدعلیزاده،ص۲۲۷ وبحارالانوار، ج۱۳،ترجمه علی دوانی شرح نهج البلاغه ابن ابی اعدید،ج۷،ترجمه مهدی دامغانی،ص۴۰۷

آیا حجت ثانی عشر بر طبق دموکراسی جهانی، جهان را اداره خواهند کرد؟

پرسش

آیا حجت ثانی عشر بر طبق دموکراسی جهانی، جهان را اداره خواهند کرد؟

پاسخ

امام زمان(عج) براساس احکام نورانی اسلام و اندیشه سیاسی اسلام، جهان را اداره خواهند کرد و این روش براساس شایسته سالاری قرار دارد که بر سه پایه توحید، معنویت و عدالت، استوار است. روش دمکراسی به معنای حکومت و حاکمیت مردم از نظر نظری و عملی قابل پیاده شدن نیست زیرا در همه جوامعی که براساس نظام دمکراسی اداره می شود: اولا، همه مردم نه می توانند و نه اجازه دخالت در حکومت را دارند و در بهترین حالت اکثریت جامعه سرنوشت جامعه و حکومت را در دست دارند. ثانیا، نظام دمکراسی، در نهایت به حکومت گروه نخبه و صاحبان قدرت و سرمایه منجر می شود (فلسفه سیاست، اسدالله اشپنگلر، ترجمه هدایت الله فروهر، نشر نظر ۱۳۷۰، تهران). اما حکومت و دولت دینی مبتنی بر احکام اسلامی؛ حکومتی است که حاکم اصلی خداست و قانون الهی بر همه اشخاص حتی شخص امام جاری است و همه و از جمله امام مؤظفند بر طبق قانون خداوند حکم و رفتار کنند.

با تکمیل عقول در دوره امام زمان(ع) چه نیازی به حکومت می‌باشد؟

www.noorfatemah.org

پرسش

با تکمیل عقول در دوره امام زمان(ع) چه نیازی به حکومت می‌باشد؟

پاسخ

شاید نظر پرسشگر محترم به روایتی است که از امام باقر رسیده است که فرمود: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به أخلاقهم»؛{۱} هنگامی که قائم ما قیام می کند دست خود را بر سر بندگان قرار می‌دهد وبدین وسیله عقل‌های آنها را جمع کرده و اخلاقشان را به کمال نهایی خواهد رساند. ۱. می گوییم در روایت فجمع به عقولهم تعبیر شده است که شاید منظور شکوفایی خردها باشد و این مسأله چه ربطی به تکمیل عقل‌ها دارد و ممکن است حضرت بدین وسیله صاحبان عقل را در کنار یکدیگر جمع کند. ۲. بر فرض این که منظور تکمیل‌سازی خردها باشد می‌پرسیم آیا این مسأله شامل همه مردم خواهد شد، پاسخ منفی است؛ چرا که در آن دوران بسیاری از مردم هستند که با امام مخالف هستند اما به هیچ وجه جرأت مخالفت را ندارند پس تکمیل عقل‌ها این افراد را فرا نمی گیرد و اگر هم شامل گردد معلوم نیست که این تحول بزرگ را از برکات حکومت امام زمان بدانند؛ پس اولاً معلوم نیست این موهبت شامل همه افراد بشر بشود و در صورت شامل شدن چه بسیار افرادی هستند که از نعمت‌های الهی بهره می‌جویند ولی ناسپاسی می کنند و آیا برای کنترل و مهار این گونه افراد حکومت لازم نیست. ۳. مگر همه عقل‌ها پس از تکامل یکنواخت است و همه یک جور فکر می کنند تا هیچ گونه اختلافی پیدا نشود تا حکومتی بر آنها لازم نباشد. ۴. مگر هر که خرد او کامل گشت از هوای نفس هم آزاد می گردد که دیگر نیازی به رهبری مافوق خود را نداشته باشد. ۵. مگر کمال خرد عصمت می‌آورد که در جمع معصومان نیاز به حکومت نباشد زیرا آنها لغزش و مرتکب خلاف نمی‌شوند تا نیازی به حکومت بر آنها و کنترل ناهنجاری‌های آنان باشد. ۶. با در نظر گرفتن برخی از روایات که در زمان امام عصر(ع) بسیاری از پیامبران و معصومان خواهند آمد باید آنها تحت رهبری و حکومت امام زمان(ع) قرار نگیرند در حالی که برخی از پیامبران یا وزیر امام و یا تحت امر او می‌باشند همانند حضرت عیسی و دانیال و یونس و غیر آنان.{۲} ۷. آدمی به هر مرحله‌ای از کمال برسد که از پیامبر اسلام دانش او فراتر نمی‌رود در حالی که می‌بینیم خدای تعالی به پیامبرش می‌فرماید: «و قل رب زدنی علماً».{۳} چگونه ممکن است فرد و جامعه‌ای که شامل این موهبت الهی به وسیله امام زمان قرار گرفته باشد دیگر به او و رهبری‌اش نیاز نداشته باشد اگر چه برای درک کمالات بیشتر،آیا این سخن پذیرفتنی؟! [۱].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶. [۲].الخرایج و الجرایح، ج ۲، ص ۸۴۹. [۳].سوره طه، آیه ۱۱۴.

روش حکومت امام زمان(ع) چگونه خواهد بود؟ و نیز رأی مردم چه جایگاهی در حکومت آن حضرت خواهد داشت؟

پرسش

روش حکومت امام زمان(ع) چگونه خواهد بود؟ و نیز رأی مردم چه جایگاهی در حکومت آن حضرت خواهد داشت؟

پاسخ

تـا پیش از انقلاب کبیر فرانسه عموم کشورها به صورت رژیمهای سیاسـی متمرکز - پادشاهی - و بـدون نقش مردم اداره می‌شـد و تصـمیمات حکومتهـا به هر نحو که بود اجرا می‌گردیـد اما پس از انقلاب فرانسه حضور مردم به عنوان یک اصل در عرصه سیاسـی کشورهـا مورد تأییـد و تأکیـد قرار گرفت و نظامهای جمهوری تشـکیل شـد اما لازم به ذکر است که در بسـیاری از کشورها برپایی نظام جمهوری به معنای مشارکت فعال مردم نیست و حتی برخی از این حکومتها توسط زورمداران به نحوی مورد سوء استفاده قرار گرفتـه است؛ هر چنـد مردم و نیروهـای فکری جوامـع مختلـف نیز برای افزایش نقش مردم تلاشـهای بسـیار نمودهانـد. امـا در مـورد پرسـش شما به نظر می‌رسد، سوال در مورد ساختار سیاسی نظام حکومتی امام مهدی(ع) می‌باشد. در روایات آمده است: «ان رسول اللّه(ص) قـال: تملاـ الاـرض جوراً و ظلمـاً فیخرج رجـل من عترتی یملـک الارض سـبقاً او شـعاً فیملا الارض قسـطاً و عـدلا»؛ رسول خـدا(ص) فرمودند: زمین پر از ظلم و جور خواهد شد سـپس مردی از عترت و اهل بیت من حاکم زمین می‌شود و آن را پر از عدل و داد خواهد نمود. یکی از علامات ظهور امام زمان(ع) ظلم و سـتمی است که گریبانگیر مردم کره خاکی شده است و آن حضـرت برای گسترش عـدل و داد خواهـد آمـد لـذا می‌توان نتیجه گرفت که به طور یقین نظام حکومتی امام مهـدی(ع) با اکثریت نظامهای سیاسـی موجود در جهـان متفـاوت خواهـد بود و از آنجـایی که یکی از اهـداف امام(ع) برپایی عـدالت و مساوات برای عموم مردم می‌باشد لذا باید نوع حکومت و ساختار سیاسـی آن طوری باشد که به این هدف نایل آید. کادر سیاسی و اداره کنندگان جامعه در حکومت امام مهدی(ع) که همان اصـحاب آن حضـرت هستند پیش از زمان ظهور شناخته می‌شوند و بنابراین استانداران و حاکمان شرع و سایر افرادی که برای اجرای فرمانهای امام مهدی انتخاب شده‌اند نیروهایی هسـتند که دارای شـرایط انجام آن فرمانها هستند. آنان دارای شـرایط حکومت و قضاوت هسـتند، معلم قرآن‌اند، جهادگران واقعی هسـتند، در اطاعت خدا سختکوش‌اند و روزه دار و شب زنده داران‌اند؛ نیروهایی که در هیچ نظام سیاسـی یافت نمی‌شوند. در آن زمان وضع معیشتی مردم آن قدر مطلوب خواهد شـد که مسـتمندی وجود نخواهـد داشت تا سـهم خود را از بیت المال بگیرد و کسـی برای گرفتن سـهم خود نخواهـد رفت. اما در مورد جایگـاه رأی مردم در حکومت امـام مهـدی(ع) در روایـات آمـده که مردم در مکه مکرمه و بین رکن و مقـام بـا امام بیعت خواهند نمود؛ «فاذا رای الناس ذلک اتاه ابـهٔ ال الشام و عصاتب اهل العراق فیبا یعونه».{۱} بیعت مردم با امام(ع) مثل بیعت مردم با حضـرت رسول اکرم(ص) هنگام تشـکیل حکومت در مدینه منوره است همانطور که مردم در گزینش پیامبر به پیامبری نقشـی نداشته‌اند امام نیز از طرف خداونـد برگزیـده شـده و بیعت مردم با امام به منزله فعلیت بخشـیدن به حکومت ایشان است؛ یعنی این که تا زمانی که مردم با ایشان بیعت نکننـد و اظهار وفاداری ننمایند حکومت ظاهری به مرحله اجرا نخواهد رسـید. بیعت پیمان بر فرمانبرداری اسـت چنان که در آیه شریفه «ان الذین یبایعونک انما یبایعون اللّه...»؛{۲} کسانی که با تو بیعت کرده‌اند در واقع با خدا بیعت کرده‌اند. به آن اشاره شده است و این همان تعهدی است که مسـلمانان در مقابل پیامبر(ص) و امام مهدی(ع) پذیرفته‌اند تا وفادار باشند. منابع ۱ - ولاـیت فقیه، محمـد هادی معرفت. ۲ - تاریـخ غیبت کبرا، محمـد صدر. ۳ - روز رهایی، کامل سـلیمان. ۴ - دولهٔ المهدی، سـید باسم هاشمی. ۵ - تاریخ بعد از ظهور، محمد صدر. [۱]. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۳. [۲]. سوره فتح، آیه ۱۰.

بعد از آن که امام زمان(ع) ظهور کرد، چگونه بین مردم حکم می‌کند و محل حکومت وی کجا است؟

پرسش

بعد از آن که امام زمان(ع) ظهور کرد، چگونه بین مردم حکم می کند و محل حکومت وی کجا است؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می‌شود که امام زمان(ع) از مکه ظهور می‌کند[۱] و در شهر کوفه حکومت تشکیل می‌دهد و محل حکمرانی او مسجد جامع کوفه می‌باشد و محل تقسیم غنائم و بیت المال مسجد سهله است.[۲] امام باقر(ع) فرمود": گویا حضرت قائم(ع) را می نگرم که از مکه به همراه پنج هزار از فرشته در حالی که جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ و مؤمنان پیش روی او هستند، به نجف آمده و لشکر به شهرها می فرستد.["۳] از این روایات استفاده می‌شود که مرکز حکومت امام زمان(ع) شهر کوفه و مرکز داوری حضرت، مسجد جامع کوفه است. البته نمی توان محل داوری امام زمان(ع) را منحصر به مسجد جامع کوفه دانست، زیرا ساختار حکومت جهانی اقتضا می‌کند که مراکز متعددی جهت داوری وجود داشته باشد؛ ولی آنچه از آموزه های دینی استفاده می‌شود آن است که مرکز داوری امام زمان(ع) مسجد کوفه است. در خصوص چگونگی قضاوت امام زمان(ع) باید گفت: به گونهٔ معیّن نمی توان در این خصوص اظهار نظر نمود، زیرا روایات در این خصوص اختلاف دارند و تشکیل چنین حکومتی پیشینه نداشته است تا چگونگی قضاوت در آن مشخص باشد. به یک اعتبار دو دسته روایات در خصوص چگونگی حکومت، به ویژه داوری امام زمان(ع) وجود دارد که برخی از آن‌ها دلالت دارند که امام زمان(ع) بر خلاف سیره پیامبر(ص) داوری می‌کند.[۴] امام باقر(ع) فرمود": هنگامی که قائم ظهور می کند، شیوه های نو و کتاب جدید و روش های تازه می آورد، و در قضاوت روش جدیدی دارد."...۱[۵] امام صادق(ع) فرمود": إذا قام القائم جاء بأمرٍ غیر الّذی کان."۲[۶] دسته دوم از روایات دلالت دارند که امام زمان(ع) مانند پیامبر اسلام(ص) داوری می‌کند. امام صادق(ع) فرمود": راه و روش اوچون پیامبر(ص) است، یعنی هر چه را پیش از او باشد، ویران می کند، چنان که پیامبر [نظام] جاهلیت را ویران ساخت، و اسلام را از نو می سازد.["۷] این دودسته روایات به حسب ظاهر تعارض و اختلاف دارند. به نظر می‌رسد روایات دستهٔ دوم با روایات دستهٔ اوّل قابل جمع بوده و تعارض رفع می شود؛ زیرا روایات دستهٔ اوّل، ناظر بر آن است که قبل از ظهور امام زمان(ع) دستورهای دین فراموش شده و بدعت ها ظهور کرده و در تفسیر و تبیینِ معارف دین، تحریف صورت گرفته و تصور مردم از دین چیز دیگری است از این رو برخی تصور می کنند امام زمان(ع) دین جدید آورده است. امام زمان(ع) غبار از چهرهٔ دین بر می‌داد و بدعت زدایی می‌کند و اسلام را آن گونه که هست، تبیین و تفسیر می‌کند. تفسیر دین و اجرای آن توسط امام زمان(ع) موجب می‌شود که این فکر به وجود آید که بر خلاف سنت پیامبر عمل می‌کند، زیرا آنچه مردم از دین برداشت می کردند، بر خلاف چیزی است که امام زمان(ع) عمل می‌کند. بر این اساس روایات دستهٔ اوّل ناظر بر تفکر مردم نسبت به دین است، ولی روایات دستهٔ دوم ناظر بر ان است که دین شفاف شده و چهرهٔ غبار از دین برداشته است. در حقیقت روایات دوم مفسّر روایات دستهٔ اوّل است. واقعیت این است که امام زمان(ع) بر اساس سنت پیامبر داوری می کند، زیرا امام زمان(ع) همان دستورهای دین را اجرا می‌کند که پیامبر اسلام(ص) اجرا می نمود؛ در عین حال داوری امام زمان مبتنی بر سه شاخصهٔ زیر می‌باشد: الف) قاطعیت ب) بهره گیری از قوانین اسلامی ج) عدالت. [۱]شیخ مفید، ارشاد، (مترجم) ص ۳۵۳؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۹. [۲]مهدی موعود (ترجمهٔ ج ۱۳ بحارالأنوار)، ص ۱۱۵۹. [۳]شیخ مفید، پیشین، ص ۳۵۴؛ لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۵۷۵. [۴]ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱. [۵]همان، ص ۲۵۳. [۶]بحارالأنوار ج ۵۳، ص ۳۳۲. [۷]کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۳۱.

طبق احادیث در دورهٔ آخر الزّمان چه افرادی در جامعه حکومت خواهند کرد و آن افراد در کدام دیار حاکمند؟

پرسش

طبق احادیث در دورهٔ آخر الزّمان چه افرادی در جامعه حکومت خواهند کرد و آن افراد در کدام دیار حاکمند؟

پاسخ

اگر مراد از آخر الزّمان، قبل از ظهور حضرت ولی عصر(عج) می باشد یا بعد از ظهور؟ به یقین نمی توان گفت که قبل از ظهور چه حوادثی پیش خواهد آمد و چه افرادی در جامعه حکومت خواهند کرد. در روایات آمده است که باید آنقدر حکومت های رنگارنگ در جهان تأسیس شود و مرام ها و احزاب فریبنده به وجود آید تا نهایتاً بی لیاقتی آن ها ثابت شود و بشر از آن ها مأیوس گردد و تشنهٔ اصلاحات خدایی شود و برای پذیرفتن حکومت توحید آماده گردد. حضرت صادق(ع) فرمود": تا همهٔ اصناف مردم به حکومت نرسند، صاحب الأمر (عج) قیام نمی کند. برای این که وقتی حکومتش را تشکیل داد، کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، با عدالت رفتار می کردیم.["۱] امام باقر(ع) فرمود": دولت ما آخرین دولت است. هر خاندانی که لیاقت حکومت داشته باشند، قبل از ما به حکومت می رسند، تا وقتی حکومت ما تأسیس شد و رفتار آن را دیدند، نگویند: ما هم اگر به حکومت رسیده بودیم مانند آل محمد(ص) عمل می کردیم و این است معنای آیهٔ" والعاقبهٔ للمتّقین.["۲"] حوادث بعد از ظهور، یکی از مسائلی که جزء اعتقادات شیعیان محسوب می شود، رجعت می باشد. علامهٔ مجلسی ره در بحارالانوار، در این خصوص به آیات و روایاتی استناد می کند. از جمله مباحث مطرح در زمان رجعت، دولت آل محمد(ص) می باشد. روایاتی در این خصوص آورده شده است، که به بعضی اشاره می کنیم: حسن بن شاذان واسطی گفت: نامه ای به محضر امام رضا(ع) نوشتم و از ناسازگاری و تعدّی مردم واسط که از پیروان عثمان بودند، و به من آزار می رساندند، شکایت نمودم. امام(ع) مرقوم فرمود: "خداوند متعال از دوستان خود عهد و پیمان گرفته که در دولت باطل صبر پیشه سازند، بنابراین شما هم به حکم پروردگارت صبر کن، که چون سرور مردم [امام زمان(عج)] قیام کند، پیروان باطل را از قبر بیرون آورده و انتقام دوستان مظلوم ما را از آن ها بگیرد. در آن زمان است که می گویند": چه کسی ما را از گورمان بیرون آورد "؟این است آن روزی که خداوند وعده داده و فرستادگان خداوند راست گفتند.["۳] حتی این مسئله در زیارت های مختلف نیر مشاهده می شود. در زیارت جامعهٔ کبیره که شیخ صدوق ره در کتاب" من لا یحضره الفقیه "آن را به سند خود از موسی بن عبدالله نخعی از امام علی النقی(ع)، روایت کرده است، در فقره ای از زیارت مزبور می خوانیم که... ": و یحشرفی زمرتکم و یکرّ فی رجعتکم و یملّک فی دولیتکم...؛ یعنی خداوند مرا از آنان قرار دهد که از آثار شما (اهلبیت عصمت(ع)) پیروی می کند، و از راه شما می رود، و با هدایت شما هدایت می یابد، و در جمعیّت شما برانگیخته می گردد، و در رجعت با شما به دنیا بازگشت می کند، و در دولت شما به ریاست و دولت می رسد و در راحتی شما به شرافت نائل می گردد، و در روزگار (دولت شما) قدرت به هم می رساند، و فردا چشمش با دیدن شما روشن می شود. "نیز در زیارت وداع فرمود" : مکّننی فی دولتکم و أحیانا فی رجعتکم؛ یعنی خداوند مرا در دولت شما آل محمد(ص)) قدرت دهد، و به هنگام بازگشت شما به دنیا زنده کند. "حتی در کتاب تهذیب شیخ طوسی این روایت هم از شیخ صدوق نقل شده است و نیز در زیارت أربعین که از امام صادق(ع) روایت شده آمده است": من گواهی می دهم که مؤمن به شما هستم و به احکام دین خود و پایان اعمالم یقین به رجعت شما دارم."۱[۴] لذا در روایتی از کتاب منتخب البصائر به سند خود از محمد بن مسلم روایت می کند که از حمران بن اعین... شنیدم که می گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: نخستین کسی که قبرش شکافته می شود و زنده می شود و به دنیا بر می گردد، حسین بن علی(ع) است.[۵] شبیه به این روایت، روایتی است که حمران بن اعین از امام باقر(ع) نقل کرده است که فرمود: اوّل کسی که در رجعت به دنیا بر می گردد، امام حسین(ع) است، آنحضرت چندان سلطنت می کند که از پیری ابروانش روی دیدگانش را می گیرد.۲[۶] و نیز در روایت دیگری حمادبن عیسی از بکیر بن اعین به

سند خود از امام باقر(ع) روایت می کند که فرمود: پیغمبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) (برای سلطنت) به دنیا رجعت می کنند.[۷] در روایت دیگری امام صادق(ع) فرمود": آری والله خداوند از زمان آدم تا پیامبر خاتم(ص) هر پیغمبری را که مبعوث گردانید، دوباره به دنیا بر می گرداند، تا در رکاب حضرت علی(ع) جهاد کنند. "اتفاقاً در تفسیر عیاشی این روایت به سند دیگر هم از فیض بن ابی شیبه نقل شده است.[۸] این ها روایاتی است که به صورت کلّی از ائمه معصومین(ع) وارد شده است و ما از جزئیات حکومت آن ها و این که دقیقاً در کدام دیار حکومت کنند بی اطّلاعیم. [۱] علامه مجلسی ره، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲. [۲] همان، حدیث ۵۸. [۳] یس (۳۶) آیهٔ ۵۲. [۴] علامه مجلسی ره، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار (مهدی موعود) باب ۳۴، ص ۱۱۸۶ – ۱۲۳۷ با اقتباس و تلخیص و آیت الله ابراهیم امینی، دادگستر جهان ص ۲۴۰ ـ ۲۴۵. [۵] ترجمهٔ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۱۸۶ (چاپ دارالکتب الاسلامی). [۶] همان، ص ۱۱۹۰. [۷] همان، ص ۱۱۸۷. [۸] همان، ص ۱۱۸۹.

ویژگی‌های جامعه امام زمان (عج چیست

پرسش

ویژگی‌های جامعه امام زمان (عج چیست

پاسخ

یکی از اهداف بلند همهٔ انبیا و مصلحان ایجاد جامعه آرمانی و ایده آل است از این روبا موانع شکل گیری چنین جامعه‌ای مبارزه نموده و با ستمگران در ستیز بودند. برخی اندیشور ان مانند افلاطون مدینه فاضله" را مطرح کرده‌اند که به نظر می‌رسد جامعهٔ آرمانی باشد. از متون و آموزه‌های دینی استفاده می‌شود که امام زمان (ع بعد از ظهور، جامعه ای آرمانی تشکیل می‌دهد که دارای شاخصه‌های متعددی ا ست که به برخی اشاره می‌شود: ۱ ـ گسترش و حاکمیت عدالت یکی از شاخصه‌های مهم جامعه امام زمان (ع حاکمیت و گسترش عدالت است در آموزه‌های دینی عدالت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از این رو در برخی از روایات آمده است" بِالْعدلِ قامتْ السموات والارض . قرآن یکی از اهداف پیامبران را بر قراری قسط و عدالت بیان نموده است متأسفانه یکی از آسیب هایی که شدیداً جوامع را ـ در طول تاریخ ـ تهدید کرده ستم هایی است که بر انسان‌ها روا داشته شده امروزه نیز ظلم فضای همه جوامع را فرا گرفته است بعد از ظهور امام زمان (ع عدالت گسترش یافته و این مؤلفه در تمام ابعادش رعایت می‌شود. حاکمیت عدالت بدان معنا است که حکومت نسبت به مردم ظلم نمی‌کند وثروت‌های عمومی بر اساس عدالت توزیع می شود و قضاوت‌ها بر اساس عدالت شکل می‌گیرد و این خواست همهٔ انسان‌های حق گرا است امام زمان ع با بر قراری عدالت خواست انسان‌ها را بر آورده می‌کند. امام رضا (ع فرمود": خداوند زمین را به دست قائم (ع از هر ستمی پاک گرداند و از هر ستمی پاکیزه سازد... آن گاه که خروج کند، میزان عدل را میان مردم نهد، و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری ستمی کند. "در برخی روایات آمده است... " یملاها عدلاً کما ملئتْ ظلماً وجوراً. "...این روایت دو پیام مهم دارد: یکم وضعیت جوامع بشری قبل از ظهور امام زمان که جهان پر از ظلم است زیرا واژه" یملا "حکایت از گسترش ستم دارد. دوم وضعیت جامعه ی بشری بعد از ظهور امام زمان (ع را بیان می‌کند که پر از عدل است ۲ ـ بر قراری امنیت یکی از نیازهای مهم انسان امنیت است البته امنیت در ابعاد مختلف مانند امنیت اخلاقی امنیت اقتصادی امنیت حقوقی و... ظهور می‌کند. یکی از ویژگیهای جامعه آرمانی امام زمان (ع

حاکمیت امنیت در تمام ابعادش می‌باشد. در روایتی از امام صادق (ع در تفسیر آیهٔ" وعد اللّه الذین آمنوا منکم .. لیستخلفنهم فی الارض .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم امناً. "می‌فرماید": نزلتْ فی القائم و أصحابه . امام علی (ع فرمود": چون قائم ما قیام کند، کنیه‌ها از دلها بیرون رود، حتی حیوانات با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن با همهٔ زیب و زیور خویش از عراق در آید و تا شام برود و از هیچ چیز نترسد. "۳- حاکمیت دین و ارزشها یکی از ویژگی‌های جامعهٔ امام زمان (ع حاکمیت همه جانبهٔ دین و ارزش‌های اسلامی است قبل از ظهور امام زمان (ع بدعت‌ها ظهور نموده و عملاً ـ قوانین الهی فراموش شده و تحریف ها به اوج می‌رسد، از این رو بعد از اجرا و حاکمیت دین اسلام این نگرش به وجود می‌آید که امام زمان (ع دین جدید به وجود آورده است امام صادق (ع فرمود": راه و روش او، چون پیامبر (ص است یعنی هر چه پیش از او باشد و یران می‌کند، چنان که پیامبر(ص جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را نو می‌نمایند. "امام علی (ع فرمود": و یحیی میت الکتاب و السنّهٔ ؛ مهدی(ع کتاب و سنت مُرده و از میان رفته را زنده می‌کند. "در قرآن یکی از ویژگیهای حکومت امام زمان (ع حاکمیت دین بیان شده است ۴ ـ حکومت مستضعفان و صالحان یکی از شاخصه‌های مهم جامعه امام زمان (ع حکومت مستضعفان و صالحان است صالحان و مستضعفان و طبقات محروم در جامعه ی امام زمان حکومت می‌کنند. و این آرمان و ایده همهٔ انبیاء بوده است در آموزه‌های قرآن نیز به حاکمیت صالحان و طبقات محروم اشاره شده است" ما می‌خواهیم به مستضعفان زمین نیکی کنیم یعنی آنان را پیشوایان و وارثان زمین سازیم. ۵ ـ رفاه عمومی مدینهٔ فاضله اسلامی مدینه رفاه و آسایش همگانی است رفاه و تنعم بدان سان که نیاز مندی در جامعه نمی‌توان یافت پیامبر اسلام (ص فرمود": در امت مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به چنان نعمت و بر خورداری و رفاه دست یا بند که در هیچ زمانی دست نیافته باشد. "...۶ ـ رشد عقل و علم دورهٔ ظهور، دوران گسترش علم و دانایی است و جامعه ی امام زمان (ع مدینه العلم است با آمدن آن منجی حقیقی همان گونه که ستم جای خود را به عدل و دادری ٠ نمی‌دهد، دانایی و فرزانگی بدیل جهل و نادانی می‌گردد و جهال از دانش آکنده می‌شود. از سوی دیگر خرد و عقلانیت جهان را فرا می‌گیرد. عقل گرایی و خرد و رزی از شاخصه های جامعه امام زمان است البته گسترش علم در ابعاد گستردهٔ آن مانند پیشرفت صنعت و فناوری(تکنولوژی) ظهور می‌کند. پیشرفت و تکامل علم به اوج می‌رسد. پیامبر اسلام (ص فرمود": نهمین امام (از فرزندان امام حسین (ع) قائم است که خداوند به دست او سر زمین تاریک (زندگی را نورانی و روشن می‌کند، و از عدل آکنده می‌کند پس از (دوران ظلم علم و دانایی را فرا گیر می‌سازد، پس از (دوران جهل و نادانی . پاورقی: ۱ – محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۲۶. ۲ – حدید (۵۷) آیه ۲۵. ۳ – بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۳۱. ۴ – همان، ج۵۲، ص ۲۲۴. ۵ – نور (۲۴) آیه ۵۵. ۶ – کتاب الغیبه، ص ۲۴۰، ذیل ایه ۵۵ سوره نور. ۷ – منتخب الاثر، ص ۴۷۴. ۸ – کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۳۱. ۹ – نهج البلاغه فیض الاسلام ، خطبه ۱۳۸. ۱۰ – توبه (۹) آیه ۳۳. ۱۱ – محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۶۵. ۱۲ – قصص (۲۸) ، آیه ۵. ۱۳ – مجله حوزه ، ویزه نامه امام زمان، (ع) ، ص ۱۸۳ – ۱۷۴. ۱۴ – بحارالانوار، ج۵۱، ص ۷۸. ۱۵ – بحارالانوار، ج۷۵، ص ۵۱. ۱۶ – بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۳۶.

درباره مقایسه قیام عاشورای حسینی با انقلاب حضرت مهدی(ع) توضیح دهید.

پرسش

درباره مقایسه قیام عاشورای حسینی با انقلاب حضرت مهدی(ع) توضیح دهید.

پاسخ

انقلاب امام حسین(ع) و امام زمان(عج) در برخی از عوامل اشتراک و در برخی عناصر تفاوت دارند که با بیان برخی از آن‌ها عناصر اشتراک و تفاوت روشن خواهد شد. این نوشتار در دو بخش سامان یافته است: الف) عناصر اشتراک رهبری: یکی از عناصر مشترک این دو نهضت، عنصر رهبری است، یعنی در هر دو نهضت و قیام، امام و حجت خدا رهبر هستند. در حادثه‌ی عاشورا رهبر و قافله سالار آن امام حسین(ع) است و در نهضت جهانی امام زمان، رهبر آن امام زمان(عج) می‌باشد. اهداف: هر دو نهضت در اهداف نیز اشتراک دارند، زیرا هدف هر دو نهضت حاکمیت دین، ظلم ستیزی و بسط عدالت و به انجام رساندن وظیفه و مسئولیت الهی می‌باشد؛ چنانچه بارها امام حسین(ع) از حاکمیت دینی، (۱) برقراری عدالت و بازیابی ارزش‌ها و بدعت زدایی سخن گفت. امام حسین(ع) در نامه‌ای به مردم بصره نوشت... ": شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می کنم، زیرا در شرایطی قرار گرفته‌ایم که دیگر سنت پیامبر از میان رفته و جای آن را بدعت فرا گرفته است."(۲) امام علی(ع) درخصوص یکی از اهداف قیام امام زمان(ع) فرمود": یحی میت الکتاب و السنة؛(۳) مهدی(ع)، کتاب خدا و سنت مرده را زنده می کند. "پیش‌بینی: یکی دیگر عناصر اشتراک این دو نهضت در پیش گویی آن ظهور می کند: از برخی روایات استفاده می‌شود که معصومان(ع) از حادثه کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یاران او خبر داده‌اند.(۴) برخی از محدثان نوشته‌اند، هنگامی که ام‌سلمه همسر پیامبر(ص) از حرکت امام حسین(ع) آگاه شد، به حضور آمده، عرضه داشت: با حرکت خود به سوی عراق مرا محزون نگردان، زیرا از جدت رسول خدا شنیدم که فرمود: فرزندم حسین در خاک عراق و در محلی به نام کربلا کشته خواهد شد. امام در پاسخ فرمود": مادر! (گمان نکن که از این جریان تنها تو آگاه هستی) خود بهتر از تو می‌دانم که به ستم و دشمنی کشته خواهم شد و سرم از تن جدا می‌شود، اما خداوند بزرگ چنین خواسته است."(۵) در برخی روایات دیگر از غیبت، عوامل غیبت و تشکیل حکومت امام زمان(ع) پیش گویی شده و معصومان(ع) از غیبت حضرت خبر داده‌اند.(۶) یاران: یکی از عوامل اشتراک دو نهضت وجودیاران با وفا و شجاع می‌باشد. در حادثه‌ی کربلا- تعدادی از افراد بودند (که تا آخرین لحظه امام را همراهی کرده و سرانجام به شهادت رسیدند. آن‌ها کسانی بودند که امام حسین(ع) از آنان به عنوان بهترین و با وفاترین یاران یاد کرد.(۷) در نهضت امام زمان(ع) نیز افرادی هستند که از آنها به عنوان یاران خاصی یاد می‌شود که در برخی روایات تعداد آن ۳۱۳ نفر (۸) و در برخی روایات بیش‌تر یاد شده است.(۹) ب) عوامل تفاوت قیام امام حسین(ع) با قیام امام زمان(ع) تفاوت‌هائی دارد. شکست و پیروزی: یکی از تفاوت‌های این دو قیام در شکست و پیروزی ظهور می کند. متأسفانه قیام امام حسین(ع) به حسب ظاهر شکست خورد و حضرت و یاران او به شهادت رسیدند و اهل بیت او را به اسارت بردند، ولی امام زمان(ع) در نهضت جهانی خویش پیروز شده و به تشکیل حکومت جهانی پرداخته و جهان را پر از عدل و داد، می کند همان گونه که پر از ستم شده بود (۱۰) از سوی دیگر در زمان او دین حاکمیت یافته و حضرت درصدد انتقام گیری برای امام حسین(ع) و یاران برمی‌آید، چنان که امام حسین(ع) فرمود": فرزندم، علی! به خدا سوگند! خون من قرار نمی گیرد و آرام نمی‌یابد تا این که خداوند مهدی را برانگیزد و به خاطر خون من هفتاد هزار نفر از منافقان کافر و فاسق را بکشد."(۱۱) یکی از تفاوت‌های دو قیام در محدود بودن یا گستردگی آن‌ها ظهور می کند از آن جا که اراده خداوند بر آن تعلق گرفته که دین خدا بر جهان حاکم شود (۱۲) و صالحان و مستضعفان بر جهان حکومت کنند (۱۳)، نهضت امام زمان(ع) جهانی است؛ ولی نهضت امام حسین(ع) با توجه به زمینه و عوامل فرهنگی محدود بوده و در مقطع زمانی خاص صورت گرفت که می‌توان، از این به عنوان قیام و نهضت داخلی یاد نمود. مقدمه: یکی دیگر از تفاوت‌ها این است که قیام امام حسین(ع) بستر و زمینه ساز نهضت جهانی امام زمان(ع) می‌باشد. این گونه نهضت‌های اصلاحی بدان جهت صورت می گیرد که افکار عمومی به مرور زمان آماده پذیرش حکومت جهانی امام زمان شود. پی‌نوشت‌ها: ۱ - تحف العقول، ص ۱۶۸؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹. ۲ -

تاریخ طبری، حوادث سال ۶۱. ۳ – نهج‌البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸. ۴ – اثبات الوصیه، ص ۱۶۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۱؛ لهوف، ص ۲۳. ۵ – راوندی، خرائج، ص ۲۶؛ مدینهٔ المعاجز، ص ۲۴۴. ۶ – بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲. ۷ – مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ لهوف ص ۷۹. ۸ – لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۱۶۶؛ غیبهٔ نعمانی، ص ۳۱۵. ۹ – همان. ۱۰ – بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۷۱ – ۷۲. ۱۱ – مناقب ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۸۵؛ بحارالأنوار، ج ۴۵؛ ۲۹۹. ۱۲ – صف (۶۱) آیه ۹، ر. ک: شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۵۶. ۱۳ – نور (۲۴)، آیه ۵۵، قصص (۲۸)، آیه ۵، انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵، اعراف (۷)، آیه ۱۲۸.

آیا واقعاً امام زمان(ع) بعد از ظهور هزار سال عمر می کند؟

پرسش

آیا واقعاً امام زمان(ع) بعد از ظهور هزار سال عمر می کند؟

پاسخ

در خصوص مدت حکومت امام روایات متعددی وجود دارد و در مدت عمر حضرت بعد از ظهور اختلاف دارند. به همین دلیل مدت عمر حضرت دقیق معلوم نیست. مفضل بن عمر از امام صادق(ع) گزارش می دهد که حضرت فرمود": حکومت او دائمی و جاویدان است که هرگز سقوط نمی کند. فرمانروایی ابدی است که جز با اراده و مشیت خدا پایان نمی پذیرد و مدت آن را جز خدا نمی داند.("۱) پیامبر اسلام(ص) فرمود": مهدی در امت من به طور قطع خواهد بود، خواه عمرش کوتاه باشد و یا بلند. مدت حکومتش هفت، هشت، یا نُه سال به طول خواهد انجامید.("۲) در بعضی از روایات دیگر مدت حکومت حضرت هفده سال بیان شده است که هر سال آن معادل ده سال است.(۳) همچنین برخی روایات مدت حکومت امام را بیست،(۴) نوزده(۵)، سی و یا چهل سال ذکر کرده اند.(۶) در روایات دیگر آمده است که قائم مدت سیصد و نه سال حکومت می کند، به تعداد سال هایی که اصحاب کهف در غار درنگ کردند.(۷) مسلّم است که مدت حکومت حضرت از هفت سال کمتر نیست؛ زیرا هیچ روایتی مدت عمر حضرت را از هفت سال کمتر بیان نکرده است. مرحوم مجلسی باور دارد: روایاتی را که دربارهٔ مدّت حکومت امام زمان(ع) آمده باید توجیه کرد: برخی از روایات بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی طبق سال ها و روزهایی است که با آن ها آشنا هستیم و بعضی روایات طبق سال ها و ماه های زمان حضرت است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.(۸) پی نوشت ها: ۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶. ۲. همان، ج ۵۱، ص ۸۸. ۳. غیبت نعمانی، ص ۱۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۹. ۴. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۹۳. ۵. بحارالانوارع ج ۵۲، ص ۲۹۳. ۶. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱. ۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱. ۸. همان، ص ۲۸۰.

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پرسش

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پاسخ

موفقیت امام زمان(عج) در برقراری عدالت اجتماعی به چند چیز بستگی دارد: ۱ـ شرایط جهانی و مقتضیات زمان: ۱ـ۱ـ آمادگی جهانی به پذیرش عدل از این که پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) جامعه جهانی از ستم های فراوان به ستوه می آیند و همه فریاد دادخواهی سر می دهند. در این هنگام فرهنگ جوامع بشری پذیرای اجرای عدالت می باشد و شرایط مطلوبی برای برقراری و اجرای عدالت فراهم می گردد. ۱ـ۲ـ رشد عقلی: در زمان ظهور امام زمان(عج) عقل های مردم کامل می گردد و بشر به اندازه ای به رشد عقلی می رسد که درک می کند پیاده شدن عدالت به نفع اجتماع بشری است و خود در پرتو آن نفع می برد، که این عدل همگانی را می طلبد و شرایطی است برای پیاده شدن آن.(۱) در این دوره بشر در علوم و فنون به مرحله ای می رسد که در دوره های قبلی از دستیابی به آن ناتوان بودند، بدین جهت دورهٔ ظهور حضرت را دورهٔ گسترش علم نام نهاده اند.(۲) امام باقر(ع) فرمود: "هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمت بر سر بندگانش می کشد و خِرَد های آنان را به کمال می رساند و افکارشان پرورش پیدا می کند."(۳) ۱ـ۳ـ رشد معنویت و اخلاق فردی و جمعی: جامعهٔ آرمانی در صورتی شکل می گیرد که انسان ها به رشد معنوی و اخلاقی بالایی نایل شده باشند. در روایتی از امام علی(ع) امده است": و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحناء فی قلوب العباد؛(۴) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون برود. "حکومت حضرت مهدی(عج) در تهذیب نفس و تعالی اخلاق مردم نقش ایفا می کند، پیامبر(ص) فرمود": خداوند در آخرالزمان مردی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد."(۵) ۱ـ۴ـ وجود نیروهای انسانی لایق و کار آمد: شرط موفقیت و پیاده کردن یک ایده بزرگ و والا این است که مجریان لایقی برای آن کار باشند. حضرت مهدی(عج) کارگزارانی دارد که همانند یاران پیامبر(ص) در جنگ بدر لایق، مخلص، فداکار و مؤمن و پارسا هستند. وجود ۳۱۳ یار با تقوا یکی از زمینه های موفقیت حضرت در اجرای عدالت است. ۲ـ شیوهٔ حکومتی حضرت در پیروزی و برقراری عدالت نقش دارد. از جملهٔ شیوه های حکومتی حضرت عبارت است از: ۱ـ۲ـ اجرای قانون الهی با دو ویژگی مساوات و قاطعیت، ۲ـ۲ـ شایسته سالاری در امر حکومتی، ۳ـ۲ـ کنترل و نظارت در امور کارگزاران. پس از انتخاب مجریان لایق، دولت مرکزی آنان را تحت مراقبت کامل قرار می دهد و همواره اعمال و رفتارشان را زیر نظر می گیرد.(۶) ۳ـ امدادهای الهی: با جود آن همه زمینه ها و شرایط و تلاش های خالصانهٔ حضرت و کارگزارانش و شیوه های پسندیده حکومتی حضرت، خداوند هم کمکش می کند و جبههٔ حق را از نصرت و امدادهای غیبی خود بهره مند می سازد. پی نوشت ها: ۱. منتخب الاثر، لطف الله صافی، ص ۶۰۷؛ سیری در سیرهٔ ائمه، مرتضی مطهری، ص ۲۹۴. ۲. مجلهٔ حوزه (ویژه امام زمان)، ص ۲۰۷. ۳. همان، ص ۲۰۷. ۴. منتخب الاثر، ص ۴۷۴. ۵. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴. ۶. محمد رضا حکیمی، عصر زندگی، ص ۴۹ و ۵۰.

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پرسش

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پاسخ

در حالی که در اواخر قرن نوزدهم و بخشی از آغاز قرن بیستم , غرب در تب و تاب ناسیونالیسم و نژادپرستی فرو رفته بود , و موسولینی و هیتلر به بهانه برتری نژاد , جهان را به خاک و خون می کشیدند , و سیاستمداران به جای نجات انسانها , به فکر توسعه سلطه نژادی و قومی بودند , ناگهان اندیشه انترناسیونالیسم و لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در نظر برخی از دانشمندان غرب , قوت گرفت و طرحهائی در این مورد ارائه گردید . علت پیدایش این فکر - و با عبارت روشن تر , علت تجدید این اندیشه که در اقوام پیشین سابقه دیرینه دارد - همان هیولای مخوف جنگهای جهانی اول و دوم بود که به صورت وحشتناکی خود را نشان داد , و تنها در جنگ اول جهانی حدود ۹ میلیون نفرکشته شد و ۲۲ میلیون نفر معلول و ده میلیون نفر مفقود الاثر شدند , و تلفات جنگ دوم جهانی بسیار وحشناک تر از جنگ نخست بود . این نبردهای جهان , عملا ثابت کرد که وجود مرزهای مصنوعی میان ملت ها , عامل جنگ و نبرد و مایه خونریزی و بدبختی است , همچنانکه ناسیونالیسم افراطی و نژادپرستی همین عواقب مشابه را نیز دربردارد . تاسیس جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول - که در آن ۲۶ کشور عضویت داشتند - ویا تاسیس یک جامعه جهانی به نام سازمان ملل متحد , و اتحادیه های بین المللی وابسته به آن , پرتوی از فکر تاسیس حکومت واحد جهانی است که هنوز به صورت یک فکر و اندیشه در میان متفکران مطرح می باشد . گروهی از متفکران پیش بینی می کنند که ممکن است سازمان ملل متحد که به صورت یک پارلمان جهانی است , درآینده بصورت مرکز یک حکومت واحد جهانی را پی ریزی کرده اند , و در این مورد , ازیک قوه مقننه , و یک قوه مجریه , و یک قوه قضائیه گزارش می دهند .

ویژگیهای جامعه موعود که پس از ظهور حضرت مهدی (عج) ایجاد می‌شود چیست؟

پرسش

ویژگیهای جامعه موعود که پس از ظهور حضرت مهدی (عج) ایجاد می‌شود چیست؟

پاسخ

قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که بوسیله وحی اعلام شده و احدی نمی‌تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی را از آن کم کند که «حلال محمد(ص) حلال الی یوم القیامهٔ وحرام محمد(ص) حرام الی یوم القیامهٔ». باید همگان، خصوصاً هیئت حاکمه، در این خط مستقیم با احساس مسئولیت و تعهد قدم بردارند و هوی و سلیقه‌های شخصی یا گروهی خود را کنار بگذارند و به راست و چپ منحرف نشوند چنانکه در حدیث است از شخص رسول اکرم(ص) که می‌فرمایند: «لایکون العبد مؤمناً حتی یکون هواه تبعاً لما جئت و لاـ یزیغ عنه به». [بنده‌ای مؤمن نخواهد بود تا هوی و خواست او تابع آنچه من آورده‌ام، باشد و از آن مایل نشود.] جلوه های بسیاری از این احساس مسئولیت و خوف از خدا را در ارتباط با زمامداری و اداره اجتماع وحقوق مردم مخصوصاً محرومان و مستضعفان و طبقات بظاهر پائین اجتماع در زندگی رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع)، دنیا مشاهده کرد که با اینکه در اداء تکالیف و وظایف خود ذرّه‌ای کوتاهی ننموده‌اند، از این مسئولیت زمامداری بشدّت نگران بوده و می گریستند و نشان دادند که درنظام اسلام اگر زمامداری تکلیف و وظیفه نبود هیچ انگیزه‌ای صاحبان شرعی این مقام را به قبول آن بر نمی‌انگیخت. در اینجا در رابطه با زمامداری و مدیریتها در سطوح مختلف درسهای بسیار آموزنده در سیره پیغمبر و امیر المؤمنین علی(ع) داریم که متأسفانه بخاطر طولانی شدن کلام از بیان آنها معذوریم. حاکم و رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی مانند نظام مدینه در

عصر رسول اکرم(ص) و نظم کوفه در عصر امیر المؤمنین علی(ع) نائب خدا و خلیفهٔ الله است که عادل و معصوم از گناه خطا و عمل به هوای نفسانی است؛ در پرهیزکاری و رعایت حق و عدالت، در تصمیمات و عزل و نصب و تصرف در بیت المال الگو و نمونه و آئینه تمام نمای قوانین عدل و قسط اسلام است، صفتی که بر حسب دلائل محکم عقلی و نقلی که از جمله علامه حلّی(ره) در الفین، یکهزار دلیل بر آن اقامه فرموده است؛ باید امام و خلیفه خدا و رهبر جامعه به آن متّصف و متحلّی باشد و در این امت برای احدی غیر از فاطمه زهرا(س) و ائمه اثنی عشر(ع) که امامت و خلافت آنها برحسب صدها حدیث معتبر منصوص است، قابل اثبات نیست. و از جمله آیاتی که به آنها بر لزوم صلاحیت علمی، عملی و اخلاقی رهبر آن نظام منصوص، که یگانه نظام مشروع است استناد شده است، این آیات است: ۱ـ « أَفَمَنْ یَهْدی اِلَی الحَقّ اَحَقُّ اَن یُتَّبَعَ اَمَّن لا یَهِدّی اِلّا اَن یُهدی» یونس/۳۵ [آیا کسی که راه می‌نماید(مردم را) بسوی حق، سزاوارتر است که از او پیرو ی کنند یا کسیکه خود راه نمی‌یابد مگر آنکه راهنمایش کنند.] ۲ـ «هَلْ یَسْتَوِی الَّذینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ»زمر/۲ [آیا یکسانند آنانکه می‌دانند و آنانکه نمی‌دانند.] «وَ اذِ ابتَلی اِبراهیمَ رَبُّهُ بِکَلماتٍ فَاتَمَّهُنَّ قالَ اِنّی جاعِلُکَ لِلنّاس اِماماً قالَ وَ مِن ذُرّیَّتی قال لا یَنالُ عَهدی الظّالمینَ». بقره/۱۲۴ [(بیاد آور) زمانیکه آزمود ابراهیم را پروردگارش به اموری چند پس او بانجام رسانید آنها را، خدا گفت البته من قرار دادم ترا برای مردم پیشوا (در دین) ابراهیم گفت و از فرزندان من نیز (چنین فرما) خدا گفت نرسد عهد من (که امامت است) به ستمکاران.] بدیهی است مقام امام که اعظم مناصب و خلافت الله است بکسی اعطاء می‌شود که از همه صالحتر و عالمتر و پاکتر باشد و سوابق سوء و انحراف از حق در پرونده زندگیش ثبت نشده باشد. در این، نظام در گزینش برای مقامات پایین نیز همین اصل صلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر معیار است وبا وجود اصلح و الیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم مقامی اعطاء نمی‌شود. امتیازات نژادی و طبقه‌ای و صنفی و القاب و عناوین ظاهری در جامعه اسلامی که جامعه موعود جهانی و همگانی خواهد بود ملغی و بی‌اعتبار است؛ در برابر قانون همه با هم برابرند؛ عالم با جاهل، عادل با فاسق، والی و رئیس، و صاحب هر مقام سیاسی با هر شخص عادی و متعارف مساوی هستند؛ مثلاً حکم قتل عمد، قصاص و شبه عمد و خطا دیه است؛ قاتل هر کس که باشد و مقتول هم هرکس باشد و همچنین حکم خدا در مورد سارق با شرایطی که در فقه بیان شده، قطع دست است و حکم زانی رجم یا جلد است؛ سارق و زانی هر کس و فرزند هر کس و صاحب هر سابقه و وابسته به هر کس و هر فامیل باشد حکم هرگز، تفاوت نخواهد کرد. این ویژگی آن جامعه بزرگ اسلامی را در سیرهٔ شخص پیغمبر اکرم (ص) وامیر المؤمنین(ع) در جامعه اسلامی مدینه و کوفه ملاحظه کنید در این دو جامعه احکام اسلام نسبت به همگان علی السواء اجرا می‌شد. همانطور که در نماز جماعت فقیر در کنار غنی، سیاه در کنار سفید و بنده در کنار مولی یا در صف مقدم قرار می گرفت، در اجراء احکام سیاسی و انتظامی نیز به همه علی السواء نگاه می‌شد و حتی به مجالست و معاشرت با فقراء بیشتر رغبت نشان می‌دادند و آن را عامل تربیت و توانمندی روح و موجب تقرب بخدا می‌دانستند و به عکس مجالست با اغنیاء و توانگران و مرفهان را که نسبت به اسلام و مسلمین و اوضاع اجتماعی بی تفاوت بودند موجب دل مردگی و سقوط انسان می‌شمردند. در جامعهٔ جهانی اسلام تجمل گرایی و افراط در مصرف و خوش گذرانی و تکلف در پذیرایی‌ها و میهمانی ها و مراسم دیگر و لباس و پوشاک و مرکب و مسکن و ... مطرود است. اموری که درزمان ما عامل مهم دشواری زندگی و کمبود عوائد از هزینه و مخارج است که حتی در مراسمی که برای اموات برگزار می‌شود نیز رقابت در پذیرایی‌های کمرشکن رایج شده است، به طوری که مصیبت صاحب عزا دو چندان می‌شود! درحالی که هزارها جوان دختر و پسر بی همسر، به واسطهٔ فقر از زندگی زناشویی و تشکیل خانواده محروم هستند و مفاسد اجتماعی گوناگون آن، سعادت همهٔ جامعه و امنیت را تهدید می‌نماید، ملاحظه می‌شود که برخی مرفهان در مجللترین هتلها مبالغی که با آن می‌شود خانواده‌هایی را از فقر نجات داد صرف می‌نمایند، روشن است وقتی در جامعه این گونه امور افتخار و احترام آفرین باشد فسادهای بسیار گریبانگیر آن جامعه می‌شود. امنیت و صلح واقعی و آرامش از ویژگیهای دولت آقا امام زمان(عج) است، خوفها زایل می‌شود و جان و مال و

آبروی اشـخاص در ضـمان امـان قرار می گیرد و در سراسـر جهـان امـن عمـومی حـاکم می‌شـود و اختنـاق و اسـتبداد و اسـتکبار و استضـعاف که همه از آثـار حکومتهـای غیر الهی است از جهـان ریشه کن می گردد و حکومتهـای طواغیت به هر شـکل و هر عنوان برچیده می‌شود. از اخبار و روایات اسـتفاده می‌شود: «که به واسـطهٔ حضـرت ولی عصر (أرواحنا فداء) راهها آن قدر امن می‌شود که احدی حتی ضعیفترین مردم از مشرق به مغرب سفر می‌نماید، از احدی به او اذیت و آزار نمی‌رسد». (منتخب الاثر، ص ۳۰۸، ف ۲، ب ۴۳، ح ۲) در دولت آن حضـرت وضع اقتصـاد عمومی بهبود کامـل یـافته نعمتهـا فراوان و آبها مهار و زمینها آباد و حاصـلخیز و معادن ظاهر می‌شود تا جایی که فقیری که از بیت المال چیزی دریافت کنـد باقی نماند، و کسـی برای دریافت کمک مالی به خزانهٔ عمومی مراجعه ننماید و اگر اتفاقاً کسـی مراجعه کرد به خود او می گویند هر اندازه نیاز دارد دریافت کند که او هم پس از دریافت وجه از گرفتن پشـیمان می‌شود و در مقـام رد آن به خزانه بر می‌آیـد ولی از او قبول نمی‌شود. (منتخب الاثر، ص ۴۷۳، ف ۷، ب ۴) از ویژگیهای ممتاز دیگر آن جامعهٔ جهانی این است که همگان در آن موحد و خدا را به یگانگی پرستش می‌نمایند و شریکی برای او قرار نمی‌دهند، او را بی شریک و بی نظیر و واحد و یگانه و یکتا می‌شناسند. این یک امتیاز بزرگ و از ویژگیهای جامعه اسلامی است که در آن عصـر عزیز همه افراد به آن ممتـاز و سـرفراز می‌باشـند، همه حـق را می‌پرسـتند و در پرسـتش حق کسـی و چیزی را شریک او نمی کنند توحید خالص و سره و پاک از هر شائبه شـرک، حاکم می‌شود. مشـخصه دیگر که از بارزترین ویژگی‌های آن جـامعه موعود و دولت کریمه محسوب میشود، گسترش جهـانی قسط و عـدل است که د ر بیش از یکصـد خبر به آن تصـریح شـده است. از جمله در بعض روایات به این لفظ: «یَمْلَاءُها قسـطاً و عـدلاً کما مُلِئت جوراً و ظ...ęŘ...□ و به این لفظ: «یملاء الله به الأرض قسـطاً و عـدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً». و در روایاتی به این لفظ رسـیده است: «بعد ما ملئت جوراً و ظلماً» و در بعض دیگر به تقدیم ظلـم بر جـور. این الفـاظ مشـهور و معروف است و علمـای علم حـدیث شـیعه و سـنی در احـادیث بسـیار روایت کرده‌انـد و یکی از احـادیث که ماننـد احـادیثی که به آن اشاره شـد مشـهور نیست اما جالب و شایان توجه است، این عبارت Ə... «...یملأ ـ الله به الأرض نوراً بعـد ظلمتها وعدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها». (کمالالدین ۱/۲۶۰، ب ۲۴، ح ۵) [خدا زمین را به وسیلهٔ حضرت مه.....ع) پر از نور و روشـنائی می‌کنـد بعـد از تاریکی و ظلمت آن و پر از عـدل می‌کنـد بعد از جور و سـتم و پر از علم و دانایی می‌کند بعد از جهـل و نادانی.] البته روشن است که مقصود از تاریکی و ظلمتی که به آن در این حـدیث اشاره شـده است، تاریکی ظاهری که در اثر غروب آفتاب یا خاموشی‌های برق پیدا می‌شود نیست بلکه مقصود تاریکی‌هایی است که در آن روزگار در اثر دوری از معارف حقه و نداشـتن بینش صـحیح و گم کردن راه ارتباط با خدا، جامعه به آن مبتلا می‌شود. چنانکه مقصود از نور هم نور حسـی نیست بلکه نور معرفت خـدا و پیغمبر و امـام و درک حقـایق و نور عقـل و فطرت و وجـدان است. و همچنین مراد ا ز جهـل، جهل به علوم متعارفه و مبادی تمدن مادی و تکنولوژی نیست بلکه مراد همین جهلی است که امروز بر دنیای علم و صـنعت مستولی شده و روز به روز رو به افزایش است. و مراد از علـوم، علوم حقیقه و دانایی‌هـا و دانش‌هـائی است که به انسـان کمـال می‌بخشـد و او را از نظر به ظاهر این عالم به باطن آن می‌رساند و سبب خوف و خشیت از خداوند متعال می گردد.

مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی امر(ع) چگونه خواهد بود؟

پرسش

مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی امر(ع) چگونه خواهد بود؟

پاسخ

نظام امامت و مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی عصر صاحب الزمان (ارواحنا فداه) و توسط آن حضرت در روی کره زمین و در بین تمام ملل و اقوام و نژادها و مرد و زن و کوچک و بزرگ استقرار میابد و ظهور آن حضرت که ظهور مطلق و تمام عیار اسلام است ظهور مساوات جهانی اسلام نیز خواهد بود. عقیده به حکومت مهدی(ع) یعنی عقیده به مساوات و برابری انسانی و اسلامی که معتقد به مساوات باید آن را در ایام غیبت ایشان در هر سطحی که ممکن است اجرا کند؛ در خانواده در کوی و محله در شهر و مملکت در مطب دکتر در دکان نانوایی و گوشت فروشی و در مسجد و اداره در خرید و فروش در محل کار و پیشه همهجا و همهجا حتی در سلام و تواضع مساوات اسلامی و ترک تبعیض را باید اجرا نماید. معتقد به ظهور مساوات اسلام و ظهور مجری واقعی آن حضرت مهدی از نابرابریها رنج میبرد و از تبعیضات متنفر است و با واگذاردن کارها به نا اهلان که یک تبعیض بسیار خطرناک است، تا میتواند مبارزه مینماید.

دامنه حکومت امام زمان(عج) تا کجا می‌باشد؟ آیا همه دنیا مسلمان می‌شود؟

پرسش

دامنه حکومت امام زمان(عج) تا کجا می‌باشد؟ آیا همه دنیا مسلمان می‌شود؟

پاسخ

در احادیث استفاده می‌شود که وقتی مهدی موعود (عج) ظاهر شد و در جنگ پیروز گشت، و بر شرق و غرب جهان تسلط و سیطره یافت، تمام زمین به وسیله یک حکومت جهانی اسلامی اداره می‌شود. برای تمام بلاد و استان‌ها، استانداران لایقی را با برنامه کار و دستورات لازم گسیل می‌دارد و به واسطه کوشش و جدیّت آنان، تمام زمین آباد و معمور می گردد. {P – رجالی، پیشین، ص ۲۲۴. P} دانشمندان معتقدند که وضع کنونی جهان قابل دوام نیست و جهان بر سر دو راهی قرار گرفته: ۱ – تشکیل حکومت واحد جهانی ۲ – ادامه وضع فعلی و نابودی تدریجی ظهور اندیشه انترناسیونالیسم و قوت گرفتن آن مبنی بر لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی، دلیلی روشن بر نیاز جهان کنونی به یک حکومت واحد است. انیشتین می گوید: «یا باید حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی تشکیل شود و یا حکومت‌های ملی جداگانه فعلی همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشر گردد. برتراند راسل می گوید: چون هم اکنون خرابی جنگ بیش از قرون گذشته است، یا باید «حکومت واحد جهانی» را بپذیریم و یا بر عهد بربریّت برگردیم و به نابودی نژاد انسانی راضی شویم.» {P – صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷۱. P} در حالی که ایجاد حکومت واحد جهانی، بر بشر کنونی که در اخلاق مادی فرو رفته و معنویات و احساسات پاک او، نسبت به انسان‌ها فروکش کرده و به صورت یک آرزوی خام و... در آمده است، احادیث اسلامی، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام را از ویژگی‌های قیام مهدی موعود (عج) می‌داند. {P – رجالی، پیشین، ص ۲۲۳. P} امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «آنگاه که امام قائم قیام کند، حکومت‌های باطل نابود می‌شوند.» {P – صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۴۸۲. P} س – آیا امام عصر به شهادت می‌رسند و آیا شهادت ایشان دلالت بر عدم اصلاح مردم نیست؟ پاسخ: روایات قطعی و متواتری درباره شهادت یا درگذشت امام زمان (عج) وجود ندارد. برخی

روایات شهادت آن حضرت را تأیید می کنند از جمله: امام حسین (ع) می‌فرماید: هیچ یک از ما امامان نیست جز آنکه مسموم یا شهید می‌شود. روایتی هم شهادت امام زمان (عج) توسط یک زن را بیان می کند. برخی روایات دیگر در گذشتن آن حضرت را تأیید می کند از جمله روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است که در تفسیر آیه »ثم رددنا لکم الکرّة علیهم« می‌فرماید: مقصود زنده شدن دوباره امام حسین (ع) و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان (عج) است در حالی که کلاهخودهای طلایی بر سر دارند، به مردم رجعت و زنده شدن دوباره حضرت امام حسین (ع) را اطلاع می‌دهند، تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند و این در حالی است که حضرت مهدی (عج) در میان مردم است. هنگامی که همه مؤمنان امام حسین (ع) را شناخته و تأیید کردند که او حسین (ع) است، مرگ حضرت مهدی (عج) فرا خواهد رسید و دیده از جهان فرو می‌بندد. آن گاه امام حسین (ع) وی را غسل و کفن و حنوط می کند و به خاک می‌سپارد که هرگز امام را جز امام غسل نمی‌دهد. {P - صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۴۸۲. P} بنابر پاره‌ای از روایات حضرت ولی عصر (عج) هم بعد از رحلت یا شهادت رجعت می کنند و آن چه در روایات آمده است که قیام قیامت ۴۰ روز بعد از رحلت حضرت ولی عصر (عج) است مربوط به رحلت آن حضرت در رجعت است. {P - محمد خادمی شیرازی، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی (ع)، ج ۲، (قم: ناشر، ۱۴۱۱ ق) ص ۱۹۲. P} در صورت صحت شهادت آن حضرت این امر نشان می‌دهد که حکومت جهانی آن حضرت هم هنوز افراد اصلاح نشده‌ای هستند که گرچه دستشان از حکومت کوتاه است اما از توطئه دست برنداشته‌اند.

امام زمان(در کجا حکومت می کنند؟ و چند سال حکومت می کنند؟ آیا زمان فرا رسیدن قیامت رابطه ای با ظهور امام زمان(دارد؟

پرسش

امام زمان(در کجا حکومت می کنند؟ و چند سال حکومت می کنند؟ آیا زمان فرا رسیدن قیامت رابطه ای با ظهور امام زمان(دارد؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که فرمودید نکات زیر قابل توجه به نظر می رسد : ۱.در مورد مکان حکومت امام زمان(، اگر منظورتان حدود ملک و سلطنت آن حضرت می باشد، باید عرض کرد که حدود ملک و سلطنت او، همهٔ روی زمین است، از مشرق تا مغرب و روایات در این مورد بسیار است، مثل این روایت که حضرت امام زین‌العابدین(از پیغمبر اکرم (نقل می فرمایند که ایشان فرمودند : "جانشینان بعد از من دوازده نفرند، اول ایشان توئی یا علی(و آخر ایشان قائم(است، آنکه خداوند برای او مشارق و مغارب زمین را فتح می کند ("۱.) و اگر منظورتان از مکان حکومت آن بزرگوار، دارالملک و پایتخت آن حضرت است، عرض می شود که همانطور که در روایات آمده، دارالملک و پایتخت و حتی مسکن او و مساکن اصحاب او در کوفه می باشد.(۲) ۲. در مورد مدّت حکومت آن حضرت(باید عرض کرد که روایات بسیار مختلف و متفاوتی در این مورد آمده که نمی توان آنها را با هم جمع کرد و علّت اختلاف روایات هم، روایات اهل سنت می باشد(اخبار عامه)، که به خاطر اغراضی بوده است که یکی از آن اغراض صرف مخالفت بوده (اغراض دیگر را می توانید در کتاب مهدی منتظر(، ص۲۳۶ به بعد مشاهده بفرمایید.) البته آنچه که از همه بهتر است و بعضی از علماء شیعی آنرا تأیید می فرمایند و قرائن و شواهدی نیز در روایات اهل بیت(دارد، این است که مدّت حکومت آن

بزرگوار(همانند غیبت ایشان در اختیار خداوند است، و جز با اراده و مشیّت خداوند پایان نمی‌پذیرد و مدّت آن را جز خدای تبارک و تعالی نمی داند، همانطور که در حدیث مفضل حضرت صادق(فرمود : به اراده و مشیت خداست نمی داند کسی جز او.(۳) ۳. در مورد قسمت سوم سؤال شما عرض می شود که بله، چنین رابطه ای می باشد، بعد از ظهور حضرت مهدی(رجعت خواهد بود و بعد قیامت ـ اولین کسی که رجعت می نمایند حضرت حسین بن علی(خواهند بود ـ در این موارد اخبار و روایات زیادی می باشد، ولی به جهت طولانی نشدن ذکر نمی شود.(در صورت علاقهٔ شما به آن روایات، شما را به بعضی کتب ارجاع می‌دهیم)(۴) خداوند متعال همهٔ ما را از منتظرین واقعی و مخلص حضرتش قرار بدهد، انشاءا... منابع و مآخذ : ۱. همان، کتاب مهدی منتظر(، نوشتهٔ محمد جواد خراسانی "ره،"ص۲۲۳ ۲. ص۲۵۹ ۳. همان، ص۲۳۲و۲۳۳ ، و همچنین کتاب ظهور حضرت مهدی(از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، نوشته : سیداسدا...هاشمی شهیدی،ص۴۵۲ ۴. کتاب مجموعه زندگانی چهارده معصوم(، نوشته حسین عمادزاده، ص۶۵۷، و همچنین کتاب ظهور مهدی(از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص۴۵۱، که از کتاب بحارالانوار، ج۵۲،ص۳۱۲ و کتاب علل الشرایع، ج۱،ص۷، ط بیروت، نقل فرموده اند.

آقا چند سال بعد از ظهور زنده است ؟

اشاره

چند سال بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (عج) قیامت می شود؟

پرسش

آقا چند سال بعد از ظهور زنده است ؟ چند سال بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (عج) قیامت می شود؟

پاسخ

درباره مدت زمان حکومت امام زمان (عج) روایاتی در کتاب های معتبر فقهی آمده است که گویا با یکدیگر اختلاف دارند . شیخ مفید در ارشاد می نویسد: اخبار و روایات بسیاری در بیان مدت حکومت امام زمان (عج) و روزگار آن حضرت وارد شده است ازجمله روایت عبد الکریم خثعمی است که از حضرت صادق علیه السلام می پرسد: قائم آل محمد صلی الله علیه وآله چند سال حکومت میکند؟ ایشان می فرمایند: هفت سال و هر سال آن به اندازه ی ده سال از سال های شماست . بنابراین ، هفتاد سال حکومت می کند و زمانی که ظهور او فرا رسد، درماه جمادی الاخر وده روز از ماه رجب چنان بارانی می بارد که هیچ کس مانند آن را ندیده باشد . خدای متعال به برکت آن باران ، گوشت های مومنان و بدن های آنان را در قبرستان می رویاند. گویا می بینیم که به یاری قائم ماروی می آورند.۱ آیت الله صافی به نقل از منن الرحمن (ج۲، ص۴۲) می نویسد :امام زمان (عج) چهل سال بین مشرق و مغرب حکومت میکند، خوشا به حال کسی که آن روزها را درک کند و کلامش را بشنود.۲ ایشان از کتاب البیان به نقل از هیثم بن عبد الرحمن می نویسد : حضرت علی علیه السلام فرمود: مهدی(چهل سال بر مردم حکومت می کند . هم چنین در منتخب کنزالعمال از علی (نقل است که فرمود " :تلی المهدی (عج) امر الناس ثلاثین سنه اواربعین" ۳ نویسنده ی اعیان الشیعه از

ابی سعید خدری نقل کرده است که مدت حکومت آن حضرت هفت یا ده سال خواهد بود ولی معلوم نیست که دقیقا چند سال است . دراسعاف الراغبین آمده است : سال ظهور امام زمان (وتر است یعنی سالی که عدد فرداشته باشد نه زوج ، او پس از استقرار ده سال ، امارت می کند وده سال خلافت (بدون حکومت) وچهل سال سلطنت میکند و برخی ۲۱ سال وبعضی ۱۴ سال نوشته اند . ابن حجر درباره ی اختلاف روایات می گوید: منظور از هفت سال ، نهایت ظهور و استقرار حکومت وچهل سال مدت کشور داری و خلافت اوست ومراد از بیست سال وامثال علامه مجلسی می نویسد: اصبغ از حضرت علی (پرسید: پس از پایان غیبت او چه میشود؟ حضرت فرمود ": ثم یفعل الله ما یشاء " ...این سخن دلالت دارد بر این که مساله ی حکومت امام زمان (نیز از نظر مدت قابل بداء وتردید است . این قول را میتوان قوی تلقی کرد.۵ در برخی روایات از جمله روایت مفضل بن عمر گفته شده است که مدت حکومت حضرت مهدی (را کسی جز خدا نمی داند.۶ حضرت علی (درپاسخ به چنین پرسشی فرمود : این به خود او واگذار شده است پیامبر (با من عهد کرده است که آن حوادث (پس از ظهور را) به کسی جز حسن و حسین (نگویم.۷براساس آن چه در روایات دیده می شود مدت حکومت امام زمان (عج) از هفت سال تا ۴۰۰ سال است در بیشتر روایات ، اربعین (۴۰سال) آمده است وهر سال برابر ده سال محاسبه می شود. از روایات و نظریه های دانشمندان اسلامی ، گفته های گوناگونی به دست می آید ولی بااعتماد به روایاتی هم چون روایت مفضل وآنچه دربحارالانوارآمده است قول قوی این است که مدت حکومت آن حضرت را به خود او ومشیت خداوندواگذار کنیم ، زیرا ائمه (نیز از علم خداوند استفاده کرده اند.۸ جواب سوال دوم : دوست عزیز اعتقاد ماشیعیان براین است که هیچ گاه زمین بدون حجت و بدون انسان کامل نخواهد بود و پس از وفات امام زمان (رجعت حاصل میشود یعنی سایر ائمه (یکی پس از دیگری یا چند تا چند تا به این دنیا باز می گردند و وظایف امامت راعهده دار می شوند.۹ پس آنچه ازنظر شیعه قطعی است ، اصل رجعت می باشد که دست کم ، بعضی از ائمه (بر میگردند اما اینکه همه ائمه باز می گردند، یا نه ،کدام یک اول باز می گردند وکدام یک دوم ،هر یک چقدرعمر میکنند ،چگونه از دنیا میروند ومسایلی مانند آن هیچ کدام یقینی نیست .ما اینها را به عنوان اعتقادات یقینی به حساب نمی آوریم آنچه به عنوان اعتقاد شیعه معروف است واهل تسنن هم میدانند، این است که در آخر الزمان بعضی از کسانی که از دنیا رفته اند ، ازجمله بعضی از ائمه (به دنیا باز خواهند گشت. ۱۰ در بعضی از اخبار رجعت نیز آمده است " :عمر عالم صد هزار سال است هشتاد هزار سال از آن حکومت آل محمد(و بیست هزار سال حکومت دیگران است "تا اینکه در آخر می فرماید ":چهل روز مانده به انقراض عالم ، زمین از حجت خداخالی می گردد، وهرج ومرج عالم را فرا می گیرد و بعد از چهل روز در صور دمیده شده و قیامت برپا می گردد".۱۱ در روایت دیگری نیز اشاره به این مطلب شده است" :جابربن یزید جعفی گوید: ازامام باقر(شنیدم که می‌فرمود: به خدا سوگند! مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش بیش از سیصد ونه سال سلطنت می کند. عرض کردم : این کی خواهد بود ؟ فرمود : بعد از مرگ قائم (است . عرض کردم : قائم (در عالم خود چقدر می ماند؟ فرمود: نوزده سال ، آنگاه امام منتصر برای خونخواهی امام حسین (و یارانش قیام میکند. وی بی دینان را به قتل رسانده و به اسارت می برد، تا این که سفاح قیام میکند" .۱۲ دوست عزیز و گرامی ؛ آنچه مهم تر ازهمه این مطالب است ، این است که چه بکنیم که ظهور آن حضرت را درک کنیم وچگونه رفتار کنیم تا درلحظه ظهور مثل خیلی از انسانها منکر آن حضرت نشویم بلکه در رکاب آن حضرت وازسربازان او باشیم .انسان میتواند با کنترل در اعمال ، رفتار و گفتار خود به جایی برسد که تمام این سؤالات را از خود حضرت بپرسد. پس آنچه وظیفه ماست و باید ذهن و فکرما را به خود مشغول کند این است که چگونه اعمالمان مورد رضایت آن حضرت قرار بگیرد . امیدوارم خداوند متعال چنین توفیقی را به ما و شماو همه دوستداران ومنتظران امام زمان عجل ا... تعالی فرجه شریف عنایت کند. مآخذ : ۱. ارشاد، شیخ مفید، ص ۲۷۰ ۲. منتخب الاثر، لطف ا... صافی، ص ۶۱۷ ، ۶۱۸ ۳. همان ، ص ۶۱۷ ۴. همان ، ص ۶۱۸ ۵. بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج۵، ص ۱۳۵ ۶. دارالسلام، شیخ عراقی ، ص ۳۷۴ ۷. میزان الحکمه ، محمد ری شهری ، ج ۱ ، ص ۲۹۵ ۸. برای آگاهی بیشتر : دادگستر جهان ،

آیت ا... امینی ۹. تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص۵۲ و... ۱۰. تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص ۱۰۱ ۱۱. بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ ، روایت ع و ج ۵۱، ص۳۴۸ ۱۲. بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ حدیث ۳

آیا به محض ظهور امام زمان (عج) دنیا یکمرتبه متحول می شود یا از یک طرف جهان شروع می شود و به مرور زمان دنیا را متحول می کند؟

پرسش

آیا به محض ظهور امام زمان (عج) دنیا یکمرتبه متحول می شود یا از یک طرف جهان شروع می شود و به مرور زمان دنیا را متحول می کند؟

پاسخ

برای پاسخ به پرسش فوق باید به دو پرسش پاسخ دهیم. ۱ـ آیا تحول جامعه بشری پس از ظهور امام زمان (عج) دفعی و ناگهانی است یا تحول تدریجی بوده و به آرامی رخ می دهد و فراگیر می شود؟ یکی از آفات اعتقاد به ظهور موعود در میان شیعیان این است که ما از امام زمان (عج) و بطور کلی از انبیاء و ائمه معصوم (ع) شخصیت های اسطوره ایی و افسانه ایی بسازیم درحالیکه آنان هم مانند ما انسان هستند اما به افاضه الهی و جهد تمام خود، به مقام عصمت، نبوت و رسالت، ولایت و امامت دست یافته اند. بنابراین دعوت ها و نهضت های آنان پس از آغاز، تحت عنایات و الطاف و هدایت الهی، همراه با کوشش های بی نظیر آنان و پیروانشان، در بطن ظلم، فساد و فتنه، فراگیر شده و امواج انسانی را به خود جلب می نماید. ۲ـ تحول جامعه بشری پس از ظهور امام زمان (عج) از مکان و در زمانی خاص شروع می شود و سپس فراگیر می شود یا اینکه تحول بر روی زمین در مکانهای مختلف ظهور و به آرامی همه آحاد انسانی را در بر می گیرد؟ با توجه به روایات ائمه معصوم، حضرت مهدی (عج) در مکه معظمه، در کنار کعبه و حجر الاسود ظهور خواهند کرد. و صدای تکبیر (الله اکبر) آن حضرت، از آن نقطه بلافاصله به گوش همه جهانیان خواهد رسید. نکته قابل توجه در این روایت این است که نحوه ابلاغ و انتشار دعوت حضرت که از آن تعبیر به صدای تکبیر شده است، مشخص نیست. شاید علت این باشد که زمان ظهور حضرت وسایل ارتباط جمعی در سیر تحول و تکامل به جایی خواهند رسید که دعوت ایشان به آسانی و به سریعترین شکل ممکن به گوش جهانیان خواهد رسید.

آیا امام عصرغ، فرصت پیاده کردن تمام احکام نورانی قرآن را خواهد داشت یا خیر؟

پرسش

آیا امام عصرغ، فرصت پیاده کردن تمام احکام نورانی قرآن را خواهد داشت یا خیر؟

پاسخ

برادر گرامی! شرایط اعلام و اجرای برخی از احکام الهی، در زمان ظهور حضرت مهدیغ فراهم میشود و تحریفها و دگرگونیهایی

که پدید آمده، به دست مبارک آن حضرت، تصحیح و تعدیل میشود. در روایتی آمده است: لا یترک بدعهٔ الا ازالها و لا سنه الا احیاها ;بدعتی را بر جای نمیگذارد و سنتی نمیماند، مگر آن که آن را احیا میکند(".حکومت مهدی، نجم الدین طبسی، ص ۱۵۰، به نقل از القول المختصر، ص ۲۰.) از طرف دیگر، برخی از احکام شرعی، در شرایطی خاص و اضطراری و برای تقیه و عدم امکان اجرا، به صورت تعطیل در آمده، که در زمان حضرت مهدیغ، دیگر تقیه از بین رفته و همهٔ احکام اجرا خواهد شد. امام صادقمیفرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند، تقیه از بین میرود و حضرت شمشیر را از نیام میکشد.(اثبات الهداهٔ، ج ۳، ص ۵۶۴.) همچنین فرمود: هنگامی که حضرت قائم، ظهور کند، مردم را از نو به اسلام دعوت میکند، در حالی که اسلام، کهنه و نابود شده است.(بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.) نکته دیگری که قابل توجه است، آن که در زمان ظهور حضرت، طبق روایات، عقل جامعه بشری به کمال میرسد ;مردم از ظلم و ستم خسته میشوند و به عدالت روی میآورند، علم، به پیشرفت نهایی خود میرسد تا آن جا که حتی زنان، توان استنباط احکام فقهی را پیدا میکنند ;از این رو فهم و درک عمومی، خواست و ارادهٔ همهٔ انسانها، مبنی بر پذیرش عدالت کامل از سوی آن حضرت، این امکان را برای تسریع اجرای احکام نورانی قرآن، مهیا مینماید، لذا هم از لحاظ فهم احکام دین و هم از لحاظ برطرف شدن تقیه، حضرت، فرصت بسیار مناسبی را برای پیاده کردن احکام نورانی قرآن پیدا خواهد نمود و از لحاظ زمانی هم فرصت کافی در اختیار دارد که این مهم را به انجام برساند. روایاتی که به مدّت حکومت حضرت اشاره کرده، متفاوتند، اما مسلّم است که حضرت، توفیق پیاده کردن اسلام و قرآن را پیدا میکند و این، وعدهای است که روایات ما به شیعیان دادهاند که حضرت، زمانی که ظهور نماید، تمام احکام قرآن را مو به مو اجرا میکند و هیچ حکم معطل، باقی نمیگذارد. برای مطالعه بیشتر میتوانید به کتاب حکومت مهدی، نوشته آقای طبسی مراجعه نمایید.

با ذکر منبع ویژگی های حکومت مهدوی را بیان کنید.

پرسش

با ذکر منبع ویژگی های حکومت مهدوی را بیان کنید.

پاسخ

آیات و روایات در مورد ویژگیهای حکومت حضرت مهدی(ع) روشنگر و نویدبخش است و دلالت میکند بر مأموریت بزرگ آن حضرت(ع) که تغییر و تحول بنیادین در زندگی بشریت به وجود خواهد آورده در تمام سطوح زندگی پیشرفت و سیر نهایی خودشخواهد رسید، به مواردی از این ویژگیها اشاره میکنیم. ۱- پاکسازی زمین از وجود ستم و ستمکاران؛ زمین و زمینیان که با ظلم و ستم ستمگران و آه و ناله مظلومان خو گرفته است و زندگی انسانی که بر اساس قانون نزاع حق و باطل جریان دارد برای اولینبار ستم و ستمگری از قاموس بشری برچیده شده و این نزاع بهنفع حق رقم خواهد خورد. ۲- دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه (استخراج گنجهای زمین و تقسیم آن بین مردم). در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «در امت من مهدی قیام کند... و در زمان او به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند و این رفاهشامل تمامی انسانها خواهد بود چه نیکوکار و چه بدکار آسمان مکرر بر آنان ببارد و زمین چیزی از روییدنیهای خود را پنهان نسازد»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۸). خلاصه این که در زمان ظهور امام عصر(عج) تمامی سطح زمین را از سرسبزی و نشاط و طراوت بپوشاند. گنجها و

معادن زمین همگی مورد استخراج قرار گیرند و...، (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴). ۳- درگگونی علوم طبیعی و وسائل زندگی؛ در روایات مربوط به حضرت مهدی(عج) آمده است در زمان حکومت آن حضرت علوم در تمام ابعاد خود پیشرفت خواهد کرد. در روایتی از امام صادق(ع) وارد شده است که: «دانش بیست و هفت حرف (شاخه و برگ)است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی‌دانند و چون قائم قیام کند بیست و پنج حرف بقیه را برون آورده و در میان مردم منتشر سازد و بدین‌سان مجموع بیست و هفت جزء دانش را نشر می‌دهد، (بحارالانوار،ج ۵۲، ص ۳۳۶). بنابراین جامعه انساین در عصر حکومت مهدی(عج)، همان طوری که در تمام ساختارهای زندگی اجتماعی واقتصادی و علمی پیشرفت کرده و به تکامل می‌رسد هم‌چنین از نظر فرهنگی نیز جامعه‌ای خواهد بود که لبریز از عشق و محبت و دوستی است و اختلاف وکشمکش میان آنها وجود نخواهد داشت. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ۱- علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی ۲- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم ۳- امامت و مهدویت، آیت‌الله‌صافی گلپایگانی {J

مدت حکومت امام زمان چقدر خواهد بود؟

پرسش

مدت حکومت امام زمان چقدر خواهد بود؟

پاسخ

برخی مقدمات، برای پاسخ به این پرسش ضروری است. ۱. مراد از زمان حکومت امام زمان (عج مدتی است که ایشان رهبریِ حکومتِ سراسریِ عدل را عهده‌دار می‌باشد. پس ابتدای ظهور تا استقرار حکومت جهانی خارج از این زمان است. ۲. مدّت بقاء نظام مهدوی و حکومتی که امام مهدی (عج) می گسترانند و پایه‌گذاری می کنند، مدّتِ پس از وفات امام مهدی (عج) را نیز شامل می‌شود. به بیان دیگر، گاهی چنین پرسیده می‌شود که «آیا حکومتِ مهدوی پس از وفات ایشان تا قیامت باقی می‌ماند یا با وفات ایشان قیامت برپا می‌شود؟» و «اگر جهان پس از وفات ایشان باقی است آیا آن حکومت تا قیامت باقی می‌ماند یا حکومت منحرف و ظالم جایگزین آن می‌شود؟» پرسشِ فوق در خصوص مقدمه اول است. باید دانست بی‌شک امام مهدی (عج) به قدری در رأس حکومت باقی می‌مانند که حکومت سراسری، شایان بقا و ادامه باشد تا هدف خلقت خدا و آرزوی بزرگ بشر محقق شود. این قابلیت بقا قاعدتا شامل رشد و تکامل انسانها تأسیس نهادهای مختلف حکومتی مانند قضایی، قانونی، تربیتی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. پس عدالتِ فراگیر مفهومی است که نیاز به تلاشها و تمهید مقدمات فراوانی دارد که حضرت مهدی (عج) در زمان استقرار حکومت به آنها خواهند پرداخت. این مسائل را از کلیاتِ آیه‌های قرآنی و قواعد عامه شریعت می‌توان دریافت. امّا در خصوص اینکه مقدارِ آن به لحاظ تحدید به زمانِ معینی چه مقدار است، باید به روایتها و نصوص دینی مراجعه کرد. روایتها در این باره زیادند و گاهی مؤلفان و مهدی‌پژوهان را به حیرت واداشته است. همان گونه که مورد دقت و پرسشِ پرسشگر محترم نیز واقع شده است. بطور کلی روایتهای مذکور را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول روایتهایی که دلالت بر بقای امام مهدی (عج) در حکومت، در زمان ده سال یا کمتر دارند. دسته دوم: روایتهایی دلالت بر بقای امام عصر(عج) بر حکومت، در زمان بیش از ده سال دارند. روایت‌های دسته اول و دوم در مصادر عامه و خاصه آمده است؛(۱) ولی روایات دسته

اول، در مقایسه با دسته دوم از فراوانی بیشتری برخوردار است. از میان این دو دسته، دسته اول برتری دارد. به چند دلیل. دلیل اول: اخبار دسته دوم که عامه نقل کرده‌اند، از غیر معصومان ذکر شده است. مثلاً سیوطی در کتاب الحاوی‌للفتاوی(۲) روایات ۴۰ سال، ۳۰ سال و ۱۴ سال را نقل کرده که راویان آنها افرادی مانند زهری و دینار بن دینار هستند که قابل اثبات تاریخی نیست. دلیل دوم: برخی روایات دسته دوم، مدت طولانی و بی‌حدّی را بیان می‌کند(۳) که حمل بر مدت بقاء دولت امام مهدی(عج) پس از وفات ایشان می‌شود نه مدت حکومت شخصِ ایشان. دلیل سوم: روایت‌های دسته اول شهرت دارند. پس به طور کلی روایت‌های دسته اول، یعنی مدت حکومت کمتر از ۱۰ سال پذیرفته می‌شود. دربارهٔ تغییرات زمانی دوران ظهور حضرت (عج)، در برخی روایت‌ها اشاره‌هایی شده است که از آنها برداشت می‌شود که مدت زمان در آن دوره با توجه به بوجود آمدن تغییراتی در شرایط زمین و حرکت آن، طولانی‌تر خواهد شد. یعنی ظرف حوادثی که در آن دوره رخ می‌دهد به گونه‌ای است که اگر در ظرف حوادث شرایط عادی دنیا (پیش از ظهور) اتفاق افتد، مقدار حرکت و زمان آن طولانی‌تر خواهد بود. ابوبصیر از امام باقر (ع) در روایت طولانی چنین نقل می‌کند: «هنگامی که قائم به پا خیزد به کوفه برود و... پس مدت هفت سال بر آن اقامت می‌کند، ۷ سالی که هر سال آن برابر با ۱۰ سال از سالهای شماست. سپس خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد». (۴) همچنین عبدالکریم خثعمی می‌گوید از امام باقر (ع) درباره مدت حکومت قائم (ع) پرسیدم. فرمود: «او ۷ سال حکومت می‌کند، روزها وشبها طولانی می‌شود تا آنجا که یک سال از سالهای او به مقدار ۱۰ سال از سالهای شما می‌گردد. پس سالهای حکومتش ۷۰ سال از سالهایی است که شما می‌شمارید».(۵) پی‌نوشتها: ۱. روایات دسته اول از مصادر عام: مانند این روایت که امسلمه از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند: « پس در حکومت ۷ سال باقی می‌ماند»، ... ابوداود می‌گوید: برخی از راویان از هشام این زمان را ۹ سال ذکر می کنند. (حافظ ابی داود سلیمان بن اشعث بن اسحاق الازدی الجستانی, سنن ابی داود، مصر، طبعهٔ الاولی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ص ۴۲۳). روایات دسته اول از مصادر خاصّه: مانند این روایت که عبدالکریم خثعمی می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم قائم چه مقدار حکومت می‌کند؟ فرمود: «۷ سال از سالیانِ شما». (شیخ طوسی، الغیبهٔ، نجف، طبعهٔ الثانیهٔ، ۱۳۸۵ ق، ص ۵۲۰). روایتهای دسته دوم از مصادر عامه: مانند این روایت که حذیفهٔ بن یمان از رسول الله (ص) نقل کرد: «مهدی مردی از فرزندان من است.... ۲۰ سال حکومت می‌کند». (حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع المودّهٔ، نجف، طبعهٔ السابعهٔ، حیدریه، ۱۳۸۴ ق، ص ۵۲۰). روایتهای دسته دوم از مصادر خاصه: مانند این روایت از جابر جعفر که از امام باقر (ع) می‌پرسد: قائم چه مقدار در عالمش حکومت می‌کند؟ فرمود: «۹۰ سال». (شیخ طوسی، الغیبهٔ، ص ۲۸۶) . ۲. شیخ جلال الدین محمد سیوطی، الحاوی للفتاوی، (تحقیق و تعلیقه محمد محی‌الدین عبدالمجید)، مصر، طبعهٔ الثالثهٔ، السعادهٔ، ۱۹۵۹ م، ص ۱۵۵ به بعد. ۳. مانند این روایت از عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا (ع) از پدرانش از امیرمؤمنان (ع) از رسول خدا (ص) که می‌فرماید: «حکومتش دوام خواهد داشت تا روز و شب دوام دارد تا روز قیامت». (سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، بیروت، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۲، ص ۴۳۶، به نقل از شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمهٔ). ۴. شیخ مفید، الارشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد، ترجمه حاج سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، ج۲، ص ۳۵۹، ح ۸. ۵. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

بعد از ظهور امام زمان(ع) عالم به چه شکلی خواهد بود و ما کجا قرار خواهیم داشت و بعد از آن چه می شود و تا کی این زمین باقی است؟ بعد از ظهور آن امام اسلام چگونه است و در کجا زندگی می کنیم؟

پرسش

بعد از ظهور امام زمان(ع) عالم به چه شکلی خواهد بود و ما کجا قرار خواهیم داشت و بعد از آن چه می شود و تا کی این زمین

www.noorfatemah.org

باقی است؟ بعد از ظهور آن امام اسلام چگونه است و در کجا زندگی می کنیم؟

پاسخ

در حکومت حضرت مهدی(عج) فروپاشی و سقوط نظام جایگاهی ندارد و حکومت عدل جهانی به رهبری حضرت مهدی(عج) امام حسین(ع) و دیگر صالحان آستان الهی به قیام قیامت متصل خواهد شد و مهمترین حادثه هایی که اتفاق می افتد علاوه بر استقرار حکومت عدل الهی، رجعت پیامبران، امامان معصوم و تعدادی از مؤمنان و انتقام گیری از سران کفر و شرک است و چون مدت حکومت شخص مهدی (عج) و دیگر جانشینان او به طور دقیق روشن نیست، نمی توان فاصله زمانی دقیقی بین ظهور و حکومت حضرت و صحنه قیامت را معین کرد. مثلا درباره مدت حکومت آن جان جانان رقم های زیر در روایات بیان شده است: ۱- برخی روایات مدت حکومت کردن حضرت را ۷ سال بیان کرده اند (سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۵۲). ۲- برخی ۹ سال (جهان بعد از ظهور، محمد خادمی، ص ۱۷۳). ۳- برخی ۱۴ سال (فتن، ابن حماد، ص ۱۰۴، ت ۲۲۸ ه.ق، خطی، کتابخانه المتحف، انگستان). ۴- برخی ۱۹ سال (جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت، محمد خادمی شیرازی، چاپ صدر تابستان ۷۰،ص ۱۷۳ به نقل از عقد الدرر، ص ۲۳۹). ۵- برخی ۲۰ سال (جهان بعد از ظهور، محمد خادمی، ص ۱۶۳ - ۱۷۰). ۶- برخی ۳۰ سال (همان). ۷- برخی ۴۰ سال (فتن، ابن حماد، ص ۹۹). ۸- برخی ۷۰ سال (جهان بعد از ظهور، محمد خادمی). ۹- برخی ۱۴۰ سال (همان). ۱۰- برخی ۳۰۹ سال (غیبت، شیخ طوسی، ص ۲۸۳). ۱۱- حکومت حضرت مهدی(عج) جاوید است و مدت آن جز خدای تبارک و تعالی نمی داند (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۴). گفتنی است برای جمع کردن دلالت این روایات توجیهاتی ذکر کرده اند که به طور خلاصه به آنها اشاره می کنیم: ۱. ممکن است آغاز شکل گرفتن و پیاده شدن حکومت آن حضرت پنج سال یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهاییش بیش از سیصد سال باشد (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰). ۲. مرحوم مجلسی می فرمایند: روایاتی را که درباره مدت حکومت امام(ع) بیان شده است برخی بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی بر طبق سال ها و روزهایی است که ما با آن اشناییم و بعضی احادیث دیگر بر طبق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است (سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری، انتشارات زائر، ص ۳۷۰ - ۳۶۹ به نقل از مهدی انقلابی بزرگ، ص ۳۱۴). ۳. شاید پیامبر(ص) و ائمه(ع) عنایتی داشته اند که مدت دقیق حکومت را مشخص نکرده اند زیرا اگر به طور صریح و دقیق می فرمودند: «شش سال حکومت می کند جای این بود که مثلا فرقه ضاله بهایی آن را با ادعای سید علی محمد باب تطبیق کنند و غوغایی به راه بیندازند» (مهدی موعود، پاورقی، ص ۱۲۴۱). درباره شکل حکومت امام زمان(عج)، طریق انتخاب نمایندگان و یاران و نقش مردم در آن، روایات واضح و روشنی در دست نیست آنچه به صورت اجمال گفته شده است این است که: ۱ـ آن حضرت یارانی از گذشتگان دارد که در طول تاریخ لیاقت حضور در رکاب آن حضرت را یافته‌اند و رجعت می‌کنند. این گروه از یاران قطعا به انتخاب مردم تعیین نمی‌شوند. ۲ـ نوع حکومت امام زمان(عج) قطعا به صواب دید خود آن حضرت می‌باشد و قوانین و مقررات ثابت آن که همان احکام اسلام ناب است از سوی خداوند تشریع شده است. اما درباره ساختار و نحوه اجرایی آن اطلاع کافی در دست نیست که به چه صورتی خواهد بود. و به اجمال معلوم است که بهترین شیوه‌ها که تأمین کننده اهداف و بر اساس عدالت و حکمت و خیر بشریت است تشریع خواهد شد. آیات و روایات در مورد ویژگی های حکومت حضرت مهدی(عج) روشنگر و نویدبخش است و دلالت می کند بر مأموریت بزرگ آن حضرت(ع) که تغییر و تحول بنیادین در زندگی بشریت به وجود خواهد آورد تمام سطوح زندگی به پیشرفت و سیر نهایی خودش خواهد رسید, اکنون به مواردی از این ویژگی ها اشاره می کنیم . ۱- پاک سازی زمین از وجود ستم و

ستمکاران ; زمین و زمینیان که با ظلم و ستم ستمگران و آه و ناله مظلومان خو گرفته است و زندگی انسانی که بر اساس قانون نزاع حق و باطل جریان دارد برای اولین بار ستم و ستمگری از قاموس بشری برچیده شده و این نزاع به نفع حق رقم خواهد خورد. ۲- دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه (استخراج گنج های زمین و تقسیم آن بین مردم). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است : ((در امت من مهدی قیام کند... و در زمان او به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند و این رفاه شامل تمامی انسان ها خواهد بود چه نیکوکار و چه بدکار آسمان مکرر بر آنان ببارد و زمین چیزی از روییدنی های خود را پنهان نسازد))، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۸). خلاصه این که در زمان ظهور امام عصر(عج) تمامی سطح زمین را از سرسبزی و نشاط و طراوت بپوشاند. گنج ها و معادن زمین همگی مورد استخراج قرار گیرند و...، (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴). ۳- درگگونی علوم طبیعی و وسائل زندگی ; در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) آمده است در زمان حکومت آن حضرت علوم در تمام ابعاد خود پیشرفت خواهد کرد. در روایتی از امام صادق (ع) وارد شده است که : ((دانش بیست و هفت حرف (شاخه و برگ) است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی دانند و چون قائم قیام کند بیست و پنج حرف بقیه را برون آورده و در میان مردم منتشر سازد و بدین سان مجموع بیست و هفت جزئ دانش را نشر می دهد، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶). بنابراین جامعه انسانی در عصر حکومت مهدی (عج)، همان طوری که در تمام ساختارهای زندگی اجتماعی واقتصادی و علمی پیشرفت کرده و به تکامل می رسد هم چنین از نظر فرهنگی نیز جامعه ای خواهد بود که لبریز از عشق و محبت و دوستی است و اختلاف و کشمکش میان آنها وجود نخواهد داشت . برای آگاهی بیشتر ر.ک : ۱- علی کورانی , عصر ظهور، ترجمه : عباس جلالی ۲- چشم به راه مهدی , جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم ۳- امامت و مهدویت , آیت الله صافی گلپایگانی یکی از حوارث زمان ظهور و بعد از ظهور رجعت امامان معصوم (ع) و بعضی از اولیای خدا و همچنین بعضی از ظالمین و بدکاران است . رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می‌باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم‌چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل‌بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده‌اند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا؛ رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند» (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱). در رجعت، اولین کسی که زمین برای او شکافته می‌شود، امام حسین(ع) می‌باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع)؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می‌شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است». همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علی رجعت خواهند کرد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳ - سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۱۵). از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در میان امت‌های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است هر چه درامت‌های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان‌الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰). و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند: اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل‌بیت(ع) قبل از قیام قیامت است. ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری

نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می‌افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می‌باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی‌شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود. خلاصه سخن : ۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می‌باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد. ۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان‌هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته‌اند به زندگی دنیوی باز می‌گردند، یکی از گروه‌هایی که رجعت می‌کنند، ائمه(ع) می‌باشند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم‌الدین طبسی ۲- رجعت، محمد باقر بهبودی

وزیران دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام غالباً از چه قشری هستند؟

پرسش

وزیران دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام غالباً از چه قشری هستند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، وزیران دولت حضرت مهدی (ع) از قشر جوان هستند، گرچه تعداد قلیلی از پیرمردان نیز در میان آنها وجود دارد. ابویحیی حکیم بن سعید می‌گوید: از علی (ع) شنیدم که می‌فرمود": إنّ أصحاب القآئم شباب لا کهول فیهم إلّا کالکحل فی العین، أوکالملح فی الزاد وأقلّ الزاد الملح"؛ "همانا اصحاب{پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۸۴ ؛ الغیبة، نعمانی، ص ۳۱۵. پاورقی} قائم جوانانند وهرگز در میان آنها پیرمرد وجود ندارد مگر به مانند سرمه در چشم، یا همانند نمک در توشه، وکمترین توشه نمک است".

کارگزاران دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه کسانی هستند؟

پرسش

کارگزاران دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام چه کسانی هستند؟

پاسخ

در حکومتی که رهبری آن به عهده حضرت مهدی (ع) است، کارگزاران ومسؤولان حکومت او نیز باید از بزرگان ونیکان امت باشند. از این رو در روایات، ترکیب دولت حضرت مهدی (ع) را از پیامبران، جانشینان آنان، تقواپیشگان وصالحان روزگار معرفی می‌کند. در روایتی می‌خوانیم که حضرت عیسی (ع) به حضرت مهدی (ع) می‌گوید": همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام نه امیر وفرمانروا. {"پاورقی . ملاحم، ابن طاووس، ص ۸۳ ؛ الفتن، ابن حماد، ص ۱۶۰. پاورقی} همچنین در روایتی آمده است که حضرت عیسی (ع) وزیر حضرت قائم (ع) وپرده‌دار وجانشین آن حضرت است. {پاورقی . غایة المرام، ص ۶۹۷ ؛ حلیة الابرار، ج ۲،

ص ۶۲۰. پاورقی} ونیز در روایتی دیگر آمده است..."": آن گاه عیسی فرود می‌آید ومسئول دریافت اموال حضرت قائم (ع) می‌شود واصحاب کهف نیز در پشت سر او خواهندبود.{"پاورقی . همان. پاورقی} حضرت علی (ع) می‌فرماید..."": سپاهیان در پیشاپیش حضرت مهدی (ع) قرار می گیرند وقبیله هَمْدان وزیران او خواهند بود.{"پاورقی . عقدالدرر، ص ۹۷. پاورقی} ونیز در روایتی می‌خوانیم"": مردان الهی با مهدی (ع) همراه هستند، مردانی که به دعوت او پاسخ گفته‌اند واو را یاری می کنند. آنان وزیران ودولت‌مردان اویند که بار سنگین مسئولیت‌های حکومت را بر دوش دارند. {"پاورقی . وافی، ج ۲، ص ۱۱۴، به نقل از فتوحات مکیه ؛ نورالابصار، ص ۱۸۷. پاورقی}

آیا حکومت امام مهدی‌علیه‌السلام نژادی است؟

پرسش

آیا حکومت امام مهدی‌علیه‌السلام نژادی است؟

پاسخ

گر چه برخی ادیان محرّف وآیین‌های شبه دینی، معتقد به برتری برخی عناصر وانسان‌ها بر برخی دیگرند، لکن مطابق ادله‌ای که به آنها اشاره خواهیم کرد در حکومت ودولت حضرت مهدی (ع) نژادپرستی جایگاهی ندارد: ۱ - دعوت حضرت بر اساس احکام اسلامی است، ومی‌دانیم که اسلام به طور صریح نژادپرستی را نفی می کند، آنجا که می‌فرماید: {یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَأُنْثی وَجَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَقَبآئِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقیکُمْ"}؛ ای مردم! ما شما{پاورقی . حجرات /۱۳. پاورقی} را از یک مرد وزن آفریدیم وشما را از تیره‌ها وقبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [ولی] گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست ".اسلام دین عموم مردم در عصر ظهور است واختصاص به قوم ودسته خاصّی ندارد. خداوند می‌فرماید: {وَما أَرْسَلْناکَ إِلّا کآفَّةً لِلنّاسِ بَشِیراً وَنَذِیراً وَلکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لایَعْلَمُونَ"}؛ ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا بشارت دهی وبترسانی، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند {".پاورقی . سوره سبأ، آیه ۲۸. پاورقی} اسلام ملاک‌های جدیدی را برای برتری‌جویی قرار داده است که هیچ ارتباطی با نژادپرستی وعنصریّت ندارد: الف. علم: {قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لایَعْلَمُونَ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الأَلْبابِ"}؛ بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکّر می‌شوند {".پاورقی . سوره زمر، آیه ۹. پاورقی} ب. تقوا: {إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقیکُمْ"}؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست {".پاورقی . سوره حجرات، آیه ۱۳. پاورقی} ج. جهاد: {لایَسْتَوِی الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ غَیْرُ أُولِی الضَّرَرِ وَالْمُجاهِدِینَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِینَ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَی القاعِدِینَ دَرَجَةً["...}؛ هرگز] افراد با ایمانی که بدون بیماری وناراحتی از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال وجان خود جهاد کردند یکسان نیستند. خداوند مجاهدانی را که با مال وجان خود جهاد نمودند بر قاعدان [ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمّی بخشیده. {"...پاورقی . سوره نساء،آیات ۹۵Ù۹۶. پاورقی} ۲ - دعوت حضرت مهدی (ع) ودولت او جهانی است، واین نوع دعوت با نژادپرستی سازگاری ندارد. ۳ - مطابق برخی از روایات، دولت حضرت مهدی (ع) دولتی متعادل ومخالف با نژاد پرستی است: الف. روایاتی که دلالت دارد بر اینکه حکم حضرت بر عرب شدید است. واگر قرار بر حکومت نژادپرستی باشد این روایات متضافره بی‌معنا خواهد بود. {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۹، ص ۶۰. پاورقی} ب. روایاتی که

دلالت دارد بر اینکه اصحاب خالص حضرت از نژادهای مختلف واز کشورهای مختلف هستند. شیخ طوسی از ابی‌بصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که درباره اصحاب قائم (ع) فرمود": سیصد وسیزده نفر مرد به عدد اهل بدر از مکان‌های مختلف به سوی او می‌آیند. {"پاورقی . الغیبة، طوسی، ص ۲۸۴. پاورقی} ۴ - مطابق برخی از روایات، حضرت به سیره رسول خدا (ص) عمل خواهند نمود. ومی‌دانیم که سیره رسول خدا (ص) نفی هر گونه نژادپرستی بوده است.

آیا نوع حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام همانند سایر حکومت‌ها است؟

پرسش

آیا نوع حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام همانند سایر حکومت‌ها است؟

پاسخ

می‌توان به طور جزم ادعا کرد که نوع حکومت حضرت مهدی (ع) شبیه هیچ یک از حکومت‌های موجود در دنیا نیست زیرا: اولاً: حضرت مهدی (ع) قرار است در عصر ظهورش اسلام را به تمام معنا به عنوان برنامه حکومتی عادل پیاده کند، ومی‌دانیم که برنامه‌های اسلامی با هیچ یک از نظام‌های حکومتی جهان مطابقت ومشابهت کامل ندارد. ثانیاً: اساس وبنیاد حکومت‌های رایج در دنیا بر ظلم وتعدّی استوار است، حتّی حکومت دموکراسی که بر اساس رأی اکثریّت استوار است، در آن ظلم به اقلیتی است که حاکم وحکومت او را نپذیرفته است، در حالی که امام زمان (ع) یکی از اهداف اصلی حکومتش برچیدن ظلم وبی‌عدالتی وگسترش عدل وداد در سطح کلّ جامعه است. ثالثاً: همه نظام‌ها وقوانین موجود در جهان بر مادّیت واسقاط عنصر الهی در امور استوار است، خواه به صراحت تصریح کرده باشند همانند مارکسیست‌ها یا ضمناً همانند هر حکومتی دیگر، در حالی که نظام حکومتی حضرت مهدی (ع) بر پایه معنویّت وربط انسان به خدا وتربیت جسم وروح استوار است. لذا تمام قوانین حکومت حضرت، قوانین الهی خواهد بود. رابعاً: حکومت امام زمان (ع) نوع حکومتی است که تمام خواسته‌های مادی ومعنوی بشر را که در دوره‌های قبل وحکومت‌های پیشین برآورده نشده است تأمین خواهد کرد. ومردم را از یأس وناامیدی که از ناکامی حکومت‌های پیشین پدید آمده برطرف می‌سازد. ولذا در روایات آمده است": همانا دولت ما آخرین دولت است وبرای هیچ اهل بیتی دولتی نیست جز آنکه قبل از ما مالک حکومت خواهند شد، تا اینکه وقتی که سیره ما را دیدند نگویند: اگر ما مالک شده بودیم به مثل همین روش عمل می‌کردیم. وآن است گفتار خداوند متعال: {وَالعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ}. {پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۳۲. پاورقی}

امام زمان‌علیه‌السلام در مقابله با ستمگران واجرای حدود واحکام الهی چگونه رفتاری دارند؟

پرسش

امام زمان‌علیه‌السلام در مقابله با ستمگران واجرای حدود واحکام الهی چگونه رفتاری دارند؟

پاسخ

امام مهـدی (ع) در راه وروش خویش سازش‌ناپذیر است ودر اجرای حدود واحکام الهی ومبارزه با ستمگران قاطعیتی خدایی دارد. چشم پوشـی ومسامحه‌ای در راه وروش او نیست. از ملامت ملامت‌گران نمی‌هراسـد، از هیـچ مقام وقـدرتی نمی‌ترسـد، وبدون هیچ گونه ملاحظه‌ای تبهکاران را کیفر می‌دهد. قاطعیت، خصـلت همه رهبران راستین الهی است ودر امام مهدی (ع) این خصلت در حدّ اوج وکمال است. ومعیار پاک‌سازی اجتماعات بشـری همین است. امام باقر (ع) فرمود": قائم قیام می‌کند... بر اعراب سختگیر است وراه وروش او شمشـیر بوده ودر راه اجرای برنامه‌های الهی از ملامت ملامت‌گران بیم نمی‌کند.{"پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳. پاورقی} امام کاظم (ع) فرمود...": خداونـد برای دوازدهمین امام از خاندان ما هر دشواری را آسان می‌گرداند وبه دست او هر جبّار سرسختی نابود می‌شود وهر شیطان سرکشی هلاک می‌گردد.{"پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۹. پاورقی}

سرلوحه برنامه‌های حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پرسش

سرلوحه برنامه‌های حضرت مهدی‌علیه‌السلام چیست؟

پاسخ

گسترش عدالت در سراسر گیتی در رأس آرمان‌های انقلاب امام مهدی (ع) قرار دارد واز هدف‌های اساسی آن تحوّل عظیم جهانی است، چنـان که این اصـل از نخسـتین هـدف‌ها واصـلی‌ترین برنامه‌هـای همه پیـامبران بوده است، که در گذشـته تاریـخ، اجتماعـات ومردمان را بـدان فرا خوانده‌اند ودر راه تحقق آن فداکاری‌های فراوان کرده اند. می‌توان گفت بیشترین درگیری ومبارزه پیامبران بر سر اجرای عـدالت بوده است... . امام زمان (ع) در برابر طبقات آگاه وعالمان وروشـنفکرانی که بخواهنـد به گونه‌ای در برابر اجرای عدالت بایسـتند مقاومت می‌کند، وبا کسانی که با توجیه کلام خدا وتأویلآیات قرآن کریم، قصد تضـعیف مبانی انقلاب او را دارند درگیر می‌شـود وآنـان را از جلـو راه انقلاـب بر می‌دارد". عـدل "به معنـای رعـایت دقیـق حقّ وحقـوق مردم وبرابری همه آنهـا در برخورداری از حقوق ومنـافع مشـروع ومعقول خویش است، چنـان که" ظلم "زیر پـا نهـادن حق وحقوق دیگران ونابرابری وتبعیض است. عـدالت، زمینه حیـات اجتماعی تنها در بخش ویژه‌ای از جامعه نیست، بلکه در همه ابعاد حیات فردی واجتماعی، عامل اصـلی حیات وزنـدگی انسان، اصل عـدالت وعـدل است. عـدل حیات زنـدگی است وزنـدگی بی عـدالت مرگی است که حیات پنداشته می‌شود. امام حسـین (ع) فرمود": لو لم‌یبق من الـدنیا إلّا یوم واحـد لطوّل اللّه عزّوجلّ ذلک الیوم حتّی یخرج رجل من وُلدی فیملأها عـدلاً وقسـطاً کما ملئت جوراً وظلماً. کذلک سـمعت رسول اللّه یقول"؛ "اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را دراز گرداند تا{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸. پاورقی} مردی از فرزندان من قیام کند وزمین را از عدل وداد بیاکند، آن گونه که از ستم وبیداد آکنده باشد. این چنین از پیامبر (ص) شنیدم ".امام زمان در لحظات نخستین پس از تولد، دهان به سخن گشود وعرض کرد... ": اللّهمّ انجز لی ما وعدتنی وأتمم لی أمری وثبّت وطأتی واملأ الأرض بی عدلاً وقسطاً "؛ "خداوندا!{پاورقی . همـان، ج ۲، ص ۴۲۸ ؛ بحارالأـنوار، ج ۵۱، ص ۱۳. پـاورقی} بـه آنچـه بر من وعـده دادی وفـا کن، وامر مرا به کمـال برسـان، وگام‌های مرا اسـتوار بـدار، وزمین را به دست من آکنـده از عـدل وداد ساز ".امام علی (ع) درباره عصـر ظهور حضـرت مهدی (ع) می‌فرمایـد... ": لینزعنّ عنکم قضـاة السـوء ولیقبضن عنکم المراضـین ولیعزلنّ عنکم أُمرآء الجور ولیطهرنّ الأـرض من کـلّ غـاشٍ؛"

www.noorfatemah.org

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰. پاورقی..."} امام مهدی (ع) قاضیان زشت‌کار را کنار می‌گذارد ودست سازشکاران را از سرتان کوتاه می‌کند وحکمرانان ستم‌پیشه را عزل می‌نماید، وزمین را از هر نادرست وخائنی پاک می‌سازد".

حضرت مهدی‌علیه‌السلام در تقسیم اموال چگونه رفتار خواهد کرد؟

پرسش

حضرت مهدی‌علیه‌السلام در تقسیم اموال چگونه رفتار خواهد کرد؟

پاسخ

از جمله برنامه‌های حضرت مهدی (ع) اجرای اصل مساوات است. این اصل درآیات قرآن واحادیث پیامبر اکرم وامامان معصوم:، فراوان مورد تأکید قرار گرفته وابعاد وجوانب آن شکافته شده وتبیین گشته است. درباره دوران ظهور وتحقّق اصل مساوات وگسترش برادری وبرابری در سراسر اجتماعات، احادیثی رسیده است که از بیان ومحتوای آنها می‌توان کشف کرد که در دوران امام زمان (ع)، مساوات اجتماعی در سطحی بسیار عالی عینیت می‌یابد که شاید چگونگی آن وفراگیری وعمق نفوذ آن در این روزگاران برای ما -با ذهنیّت‌های موجود- پذیرفتنی نباشد. پیامبر اکرم (ص) فرمود": أبشرّکم بالمهدیّ یبعث فی أمّتی... یرضی عنه ساکن السمآء وساکن الأرض یقسم المال صحاحاً. فقال له رجل: وما صحاحاً؟ قال: التسویة بین الناس"؛ "به مهدی {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱. پاورقی} بشارتتان می‌دهم. او از میان امت من برانگیخته می‌شود... ساکنان آسمان وزمین از او خشنود خواهند بود. او مال را درست تقسیم می‌کند. مردی پرسید: درست چیست؟ فرمود: میان همه به طور مساوی".

ادیان در زمان حکومت حضرت

طبق آیه ۵۵ سوره آل عمران , یهود و نصاری تا دامنه قیامت در جهان خواهند بود وهمواره این دو مذهب به زندگی خود ادامه خواهند داد با اینکه در اخبار و روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می خوانیم که او همه ادیان را زیر نفوذ خوددرمی آورد ؟

پرسش

طبق آیه ۵۵ سوره آل عمران , یهود و نصاری تا دامنه قیامت در جهان خواهند بود وهمواره این دو مذهب به زندگی خود ادامه خواهند داد با اینکه در اخبار و روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می خوانیم که او همه ادیان را زیر نفوذ خوددرمی آورد ؟

پاسخ

در روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) آمده که هیچ خانه ای در شهر و بیابان نمی ماند مگر اینکه توحید در آن

نفوذ می کند , یعنی اسلام به صورت یک آیین رسمی همه جهان را فرا خواهد گرفت و حکومت به صورت یک حکومت اسلامی درمی آید , و غیر ازقوانین اسلام چیزی بر جهـان حـکومت نخواهد داشت و یا هیچ مانعی ندارد که اقلیتی ازیهود و نصاری در پناه حکومت حـضـرت مهدی با شرایط اهل ذمه وجود داشته باشد زیراحضرت مهدی مردم را به اجبار به اسلام نمی کشاند , و توسل او به قـدرت و نیروی نظامی برای بسط عـدالت و برانـداختن حکومت های ظلم و قرار دادن جهان در زیر پرچم عدالت اسـلام است نه برای اجبار به پذیرفتن این آیین , وگرنه آزادی و اختیارمفهومی نخواهد داشت .

از آیه ۱۴ سوره مائـده برمی آید که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب (و یایهود و نصاری هر دو) تـا پـایـان جهان در دنیا وجود خواهند داشت ولی از اخباراسـلامی چنین استفاده می شود که پس از ظهور مهدی (عج) در سرتاسر جهان یک آیین بیشتر نخواهد بود و آن آیین اس

پرسش

از آیه ۱۴ سوره مائـده برمی آید که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب (و یایهود و نصاری هر دو) تـا پـایـان جهان در دنیا وجود خواهنـد داشت ولی از اخباراسـلامی چنین اسـتفاده می شود که پس از ظهور مهدی (عج) در سرتاسـر جهان یک آیین بیشتر نخواهد بود و آن آیین اسلام است و این دو را چگونه می توان با هم جمع کرد ؟

پاسخ

مـمـکـن اسـت کـه مسیحیت (و یا مسیحیت و آیین یهود) به صورت یک اقلیت بسیار ضـعیف در جـهـان حـتی در عصـر مهدی باقی بمانـد زیرا در آن عصـر نیز آزادی اراده انسانها ازبین نمی رود و دیـن جـنـبـه اجباری پیـدا نمی کند اگرچه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می یابند و به آن می گروند و مهمتر از همه اینکه حکومت روی زمین یک حکومت اسلامی خواهد بود .

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسـبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پرسش

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسـبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پاسخ

اینکه در روایات آمده است مضـمون آن چنین است. وقتی قائم اهل بیت(علیهم السـلام) قیام کند، (امکانات را) بطور مساوی تقسیم می نمایـد و در رعیّت عـدالت را بر قرار می سازد، هر کس از وی اطاعت کنـد از خـدا اطاعت نموده و هر کس نافرمانی او را بکند

نافرمانی خدا را نموده است، تورات و دیگر کتابهای الهی را از غاری در انطاکیه خارج می سازد و بین یهودیان بر اساس احکام تورات و میان مسیحیان طبق احکام انجیل و بین اهل زبور و برپایه دستورات آن و بین مسلمانان براساس آیات قرآن داوری می کند(۱). ثانیاً: همان طور در پرسش شما بود، این علاوه بر مغایرت داشتن با آیهٔ شریفه با روایات دیگری که تصریح بر ایمان به مردم به دین اسلام را رد نیز مغایرت داده(۲)پس منظورمان است که گفته شد یعنی حضرت برای اثبات حقانیت قیام خودشان در برابر ادیان دیگر با کتاب آنها داوری می کنند البته با کتاب تحریف نشده که خود حضرت(علیه السلام) از مکان آن کتابها اطلاع دارند.

آیا ادیان دیگر هم در زمان حال واقعاً اعتباری دارند؟ منظور پیروان آنها که مثلاً مسیحیت چند برابر مسلمانان جهان جمعیت دارند راه اشتباه را طی می‌کنند و در آخرت و یا آخرالزمان (ظهور حضرت مهدی () جزء گمراهان به حساب می‌آیند با توجه به آیه ۸۵ سوره آل عمران: "هر

پرسش

آیا ادیان دیگر هم در زمان حال واقعاً اعتباری دارند؟ منظور پیروان آنها که مثلاً مسیحیت چند برابر مسلمانان جهان جمعیت دارند راه اشتباه را طی می‌کنند و در آخرت و یا آخرالزمان (ظهور حضرت مهدی () جزء گمراهان به حساب می‌آیند با توجه به آیه ۸۵ سوره آل عمران": هر کس دینی غیر از اسلام را برای خود برگزیند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود (و او در آخرت از زیانکاران است).

پاسخ

از نظر قرآن سعادت و رستگاری در گرو التزام جدی و حقیقی به دو چیز گرانبها است: ۱ـ تصحیح عقاید و ایمان راستین به حقایق دینی ۲ـعمل صالح و کنش بر اساس آنچه خداوند بشر را به آن مأمور کرده است. بنابراین فخرفروشی‌های پوچ و بی‌اساس برخی از ارباب ادیان را که به صرف مسیحی یا یهودی خواندن فرد چنین وانمود می کردند که رستگاری دوست از آن ایشان است و دیگران کاملاً از آن بی‌بهره‌اند مردود شمرده است. قرآن مجید اساساً عناوینی مانند یهودیت و نصرانیت را به رسمیت نمی‌شناسد و تنها اسلام و مسلمانی واقعی را به رسمیت شناخته و در آیات بسیاری پیامبران الهی را مسلمان دانسته است و مسلمانی، همان ایمان و پیروی از پیامبران الهی در عصر بعثت و بقای شریعت آنهاست نه زمان نسخ آن. از طرف دیگر قرآن مجید لازمه ایمان به خداوند را پیروی از رسولان او و در آخر، پیوستن به آخرین سفیر الهی می‌داند. در این راستا خداوند ایمان نیاوردن به پیامبر اکرم(و کتمان بشارتهای انجیل در این‌باره را در جای‌جای قرآن مورد عتاب و نکوهش قرار داده است و در دنباله آیه یاد شده این جریان را به منزله" اطفاء نور الهی "قلمداد کرده و عاملان آن را کافر خوانده است. خداوند حضرت محمد (را به سوی همه انسانها مبعوث ساخته و همگان را موظف به گرویدن به آیین خاتم گردانیده است. اما خیل عظیمی از پیروان ادیان دیگر که به آن اشاره کرده‌اید یا حقانیت اسلام برایشان روشن شده است، این گروه هیچ عذری در سرپیچی از اسلام نداشته و اگر به آن ایمان نیاورند قطعاً گرفتار عذاب ابدی خواهند شد؛ یا حقانیت اسلام را شناخته‌اند، لکن عمداً از بررسی و تحقیق در این مورد شانه خالی کرده‌اند، در حالیکه همه شرایط برای آنان فراهم بوده است، در این حال نیز عذاب الهی دامنگیر آنان است. یا ناآگاه بوده و در این راستا خود مقصر نیستند، بلکه اساساً غافل بوده و ندای اسلام را نشنیده‌اند و یا ابزارهای لازم را برای تحقیق در اختیار نداشته‌اند، در این حال

"مرجون لامرالله "بوده و در صورت درستکاری بر اساس آیین قبلی با فطرت الهی ممکن است خداوند بر آنان نظر رحمت کند. مراجعه کنید به آیات زیر از قرآن کریم: ۱. مائده/۶۲ ۲. آل عمران/۶۷ ۳. صف۷-۶ برگرفته از: www.Nahad.net

آیا بعد از ظهور امام زمان(عج) تنها دین اسلام باقی می ماند و بقیه ادیان امروزی نابود می شوند؟

پرسش

آیا بعد از ظهور امام زمان(عج) تنها دین اسلام باقی می ماند و بقیه ادیان امروزی نابود می شوند؟

پاسخ

ظاهر بعضی آیات این است که یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند. الف)- وَ مِنَ اَلَّذِینَ قالُوا إِنَّا نَصاری أَخَذْنا مِیثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّ مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ اَلْعَداوَةَ وَ اَلْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ اَلْقِیامَةِ. ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند، ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم.(۱). ب)- إِذْ قالَ اَللَّهُ یا عِیسی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَ. وَ جاعِلُ اَلَّذِینَ اِتَّبَعُوکَ فَوْقَ اَلَّذِینَ کَفَرُوا إِلی یَوْمِ اَلْقِیامَةِ. بیا وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و. و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم. (۲) ج)- وَ قالَتِ اَلْیَهُودُ یَدُ اَللَّهِ مَغْلُولَةٌ. غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا وَ أَلْقَیْنا بَیْنَهُمُ اَلْعَداوَةَ وَ اَلْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ اَلْقِیامَةِ. یهود گفتند دست خدا بسته است. و ما به کیفر آن قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم.(۳) در آیات فوق دشمنی و کینه‌توزی تا قیامت در بین یهود و نصارا مطرح شده است و همچنین برتری نصارا بر کفار تا قیامت آمده است و مقتضای ظاهر آیات این است که دین یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند. از بعضی روایات نیز همین مضمون استفاده می‌شود. عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه‌السلام. قلت فما یکون من اهل الذمة عنده قال یسالمهم کما سالمهم رسول الله صلی الله علیه و آله و یؤدون الجزیة عن یدوهم صاغرون. ابو بصیر گوید به امام صادق عرض کردم صاحب امر (مهدی علیه‌السلام) با اهل ذمه- یهود و نصارا- چه می‌کند فرمود: مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می‌کند وآنها جزیه می‌دهند.(۴) در مقابل این آیات و روایات، احادیثی وجود دارد که دلالت می‌کند به این که جز دین محمد دینی باقی نمی‌ماند.الف)- عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر (ع) روایت می‌کند که از حضرت تفسیر آیه وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی اَلسَّماواتِ وَ اَلْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ را سؤال کردم فرمود": آیه مذکور در شأن حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن حضرت ظاهر شد دین اسلام را بر یهود و نصارا و صائبین و کفار شرق و غرب عرضه می‌دارد. پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می‌کند و هر کس از قبول اسلاممتناع ورزد گردنش را می‌زند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند و.(".۵) ب)- جابر از امام باقر (ع) نقل می‌کند. ": خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می‌کند آن قدر جنگ می‌کند تا این که جز دین محمد دینی باقی نماند.("۶) ج)- همچنین امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه لِیُظْهِرَهُ عَلَی اَلدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ اَلْمُشْرِکُونَ* فرموده است: یکون ان لایبقی احد الا اقر بمحمد به طوری می‌شود که احدی باقی نمی‌ماند مگر این که به محمد ایمان بیاورد.(۷) چنان که ملاحظه می‌شود یک دسته احادیث موافق قرآن است و دسته دیگر مخالف قرآن، آنچه که موافق ظاهر قرآن است بر احادیث مخالف ظاهر قرآن مقدم است، وجمع بین این دو دسته از احادیث چنین است که صاحبان سایر ادیان الهی به برکت وجود نازنین امام زمان (عج) به حقیقت دین خد می رسند و ادیانی چون مسیحیت و یهود و ... از تحریفات پاک می

شونـد و با پاک شدن سایر ادیان الهی از تحریفات، هیچ نکته مخالفی بین آنها و شـرع مقدس اسـلام نخواهد بود و لذا با حفظ دین حقیقی مسیح و یهود اسلام را نیز خواهند پذیرفت.بنابراین یهود و نصارا در دوران حکومت حضرت مهدی (عج) باقی خواهند ماند واز عقاید شـرک‌آلود خود مانند تثلیث دست برمی‌دارند و تحت حمایت حکومت اسـلامی مهدوی به زندگی خود ادامه می‌دهند و دین اسـلام دین جهـانی و بر تمام دین‌ها غالب می گربرای آگاهی بیشتر ر. ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۳۰۵- ۳۰۸. منابع و مآخذ: ۱) مائده، آیه ۱۴ ۲) آل عمران، آیه ۵۵ ۳) مائده، آیه ۶۴ ۴) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱ ۵) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ ۶) همان، ص ۳۹۰ ۷) همان، ص ۳۴۶

آیا در زمان حکومت امام زمان(عج) یهودی و مسیحی و ... هم زندگی می کنند و آیا ایشان مامور به باطنند یا ظاهر؟

پرسش

آیا در زمان حکومت امام زمان(عج) یهودی و مسیحی و ... هم زندگی می کنند و آیا ایشان مامور به باطنند یا ظاهر؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شـما دوست عزیز عرض می شود که روایاتی در ارتباط با وجود یهودی در دوران حکومت حضـرت مهدی(وارد شـده، که در این مجـال کوتاه به بررسـی برخی از آنها می پردازیم. در روایتی از پیامبر اکرم(چنین آمـده است" : حضـرت موسـی صنـدوقچه مقـدس را از غـاری در انطـاکیه، و بخشـهای تورات را از کوهی در شـام بیرون آورده، بوسـیله آن کتـاب بـا یهودیـان به استـدلال می پردازد، و سـرانجام بسیاری از آنها اسلام می آورند ("۱.) صـندوقچه مقدس یا تابوت سـکینه، همان است که در قرآن کریم(۲) از آن یـاد شـده است. و مفسـران در تفسـیر آن گفته انـد که این صـندوق، که در آن میراث پیـامبران (وجود دارد، دلیل و نشانه ای است برای بنی اسـرائیل بر اینکه چه کسـی شایسـتگی فرمانروایی دارد. از اینرو فرشتگان آن را آورده، از میان جمعیت بنی اسـرائیل عبـور داده، آنگـاه در پیش روی طـالوت قرار می دهنـد. پس طـالوت آن را بـه داود، و او به سـلیمان، و او به وصـیّ خـود، عاصف بن برخیا تسـلیم می کنـد. و بنی اسـرائیل بعد از وصـیّ حضـرت سـلیمان، به علت اینکه از او فرمانبرداری ننموده، دیگری را اطاعت می کننـد، آن صـندوق را از دست می‌دهند.(۳) در روایتی دیگر از پیامبر اکرم(آمـده است" : صـندوق مقـدس از" دریاچه طبریه "به دست وی آشـکار می شود. و آن را آورده، در پیشـگاه او در بیت المقدس قرار می دهند. و چون یهودیان آن را مشاهده می کننـد، به جز انـدکی بقیه ایمان می‌آورند("۴.) البته در روایت دیگری گفته شـده که تعـداد سـی هزار یهودی به وی ایمـان می آورنـد، که این رقم نسـبت به کـل جمعیت آنـان انـدک است. حـال بـا ملاـحظه روایـات فوق، به این نتیجه می رسـیم که در زمـان حکومت حضـرت، بعضـی افراد به دین یهود باقی هسـتند. و درباره وجود مسـیحی در زمان حکومت حضـرت مهدیu نیز، روایاتی وجود دارد که دلالت بر این مسأله می کنـد. در روایتی چنین آمـده است که دنیای کفر با دسـتاویز قراردادن کیش نصـرانیت با امام درگیر می شونـد، و به دشـمنان امام کمک می رسانند، و به هنگام شـکست بدینشان پناه می برند.(۵) علاـوه بر روایات، آیه" و مِنَ الـذینَ قـالوُا اِنـا نَصاری اَخَـذْنا میثاقَهُمْ فَنَسَوُا حَظّاً ّمِمَّا ذُکِّرُوا بِه فَاَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ العَـداوَةَ وَ البَغْضاءَ اِلی یَومِ القِیامَـةِ و سَوْفَ یُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِما کانوُا یَصْنَعونَ ("۶) نیز، به این مطلب دلالت دارد. چنانچه در تفسـیر آن آمده است که از این آیه چنین اسـتنباط می شود که ممکن است مسـیحیت (یا مسـیحیت و آئین یهود) بصورت یک اقلیت بسـیار ضـعیف در جهان، حتی در عصر مهدیu باقی بماند. زیرا می

دانیم که در آن عصر نیز آزادی اراده انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. اگر چه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می پیمایند، و به آن می گروند. و مهمتر از همه اینکه حکومت روی زمین، یک حکومت اسلامی خواهد بود.(۷) همچنین از آیه" اذ قالَ اللهُ یا عیسی اِنّی مُتَوَفّیکَ و رافِعُکَ اِلیَّ و مُطَهِّرُکَ مِنَ الذینَ کَفَروا و جاعِلُ الذینَ اتَّبَعُوکَ فَوقَ الذینَ کَفَرُوا اِلی یَومِ القیمةِ ("۸)، استفاده می شود که کفار تا روز قیامت وجود دارند. (۹) و در روایتی نیز آمده است که حضرت از آنها جزیه می گیرند. (۱۰) و در پایان، در مورد پرسش از مأموریت امام مهدیu که آیا مأمور به ظاهر هستند یا باطن، گفته شده است که از اختصاصات حضرت مهدیu قضاوت اوست، که به علم خود قضاوت می کند. آن حضرت به مقتضی علم امامت و وحی قضاوت می کند؛ مانند داود وسلیمان، و بیّنه نطلبد. (۱۱) در حدیثی در این رابطه آمده است" : چون قائم u قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند. پس امر می کند بر کافر، پس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند. و می کشانند ایشان را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهد ("۱۲.)

بعد از ظهور امام زمانغ جهان چگونه است آیا مردم جهان همه مسلمان می‌شوند؟

پرسش

بعد از ظهور امام زمانغ جهان چگونه است آیا مردم جهان همه مسلمان می‌شوند؟

پاسخ

پس از این که امام زمانغ ظهور فرماید، دنیا آباد می‌شود و آن حضرتبا ظهور خود در راه برقراری عدالت با جباران و ستمگران مبارزه می کند و همهٔ آنان را به شکست و تسلیم وا می‌دارد و دنیا را پر از عدل و داد می کند ;چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: "وعد اللّه الّذین ءامنوا منکم و عملوا الصّـٰلحـٰت لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الّذین مِن قبلهم و لیمکننّ لهم دینهم الّذی ارتضیٰ لهم و لیبدّلنهم مِّن بعد خوفهم أمنا یعبدوننی لایشرکون بی شی ئ۱ (;...نور، ۵۵) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین]خود[قرار دهد ;همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین]خود[قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند،]تا[مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند "... .این آیه به دنبال آیات گذشته همین سوره که سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خداوند و پیامبر به میان آورده است همان موضوع را ادامه می‌دهد و نتیجه این اطاعت را که همان حکومت جهانی است بیان می کند و بر آن تأکید دارد. از مجموع این آیه بر می‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که ایمان و عمل صالح دارند، مژدهٔ استخلاف و حکومت روی زمین نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه جا، از میان رفتن تمام اسباب خوف ترس وحشت و ناامنی را داده است بسیاری از مفسران معتقدند: وعدهٔ الهی در این آیه اشاره به حکومت حضرت مهدی‌است و بی‌تردید حکومت امام مهدی‌مصداق کامل این آیه می‌باشد و این به معنای انحصار معنای آیه نیست (ر.ک تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۴، ص ۵۲۷ ـ ۵۳۲، دارالکتب الاسلامیهٔ) امام سجاد۷ در تفسیر این آیه فرمود": به خدا سوگند آن‌ها شیعیان ما هستند ;خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که" مهدی این امت است زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد("...ر.ک مجمع‌البیان طبرسی ، ج ۷، ص ۲۶۷، مؤسسه اعلمی

بیروت) در زمان حکومت حضرت مهدیغ تمام مردم از هر آیین و کیشی در فضایی آکنده از قسط و عدل رفاه و آسایش امن و امان بر اساس احکام و قوانین اسلامی محیط علم و دانش و حکومتی با مسؤولیت و اجرای توده‌های محروم و مستضعف جامعه خواهد بود و تمام انسان در کنار هم زندگی می کنند ;پس در زمان حکومت آن حضرت همه مردم مسلمان نمی‌شوند قرآن کریم نیز استمرار عداوت بین یهود و نصاریَ را تا روز قیامت می‌داند و می‌فرماید... ": فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ إِلَىَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ;... (مائده ۱۴) ... در میان آن‌ها]یهود و نصاری[تا دامنه قیامت عداوت و دشمنی افکندیم(" ..ر.ک تفسیر نمونه آیةالله مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۳۱۶، دارالکتب الاسلامیة / مجله حوزه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شماره ۴و۵، سال دوازدم حسین مسعودی ص ۱۷۱ـ۱۸۰، نشر دفتر تبلیغات اسلامی) گرچه ممکن است افرادی غیرمسلمان یا غیرصالح در جامعه یافت شوند. امّا حاکمیت و قدرت در سراسر جهان به دست مؤمنین و بندگان شایسته خداوند خواهد بود.

وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند آیا تمام مردم مسلمان می شوند یا اینکه کافر و پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهند داشت؟

پرسش

وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند آیا تمام مردم مسلمان می شوند یا اینکه کافر و پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهند داشت؟

پاسخ

ظاهر بعضی آیات این است که یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند. ۱- ((و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم فنسوا حظا "مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه والبغضاء الی یوم القیمه ;...ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند, ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم))، (مائده , آیه ۱۴). ۲- ((اذ قال الله یا عیسی ان متوفیک و... و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه ; ...بیا وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و... و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم))، (آل عمران , آیه ۵۵). ۳- ((وقالت الیهود یدالله مغلوله... والقینا بینهم العداه والبغضاء الی یوم القیمه ; ...یهود گفتند دست خدا بسته است ... و ما به کیفر آن قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم))، (مائده , آیه ۶۴). در آیات فوق دشمنی و کینه توزی تا قیامت در بین یهود و نصارا مطرح شده است و همچنین برتری نصارا بر کفار تا قیامت آمده است و مقتضای ظاهر آیات این است که دین یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند. از بعضی روایات نیز همین مضمون استفاده می شود. ((عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام ... قلت فما یکون من اهل الذمه عنده قال یسالمهم کما سالمهم رسول الله صلی الله علیه و آله و یوئدون الجزیه عن یدوهم صاغرون ; ...ابو بصیر گوید به امام صادق عرض کردم صاحب امر (مهدی علیه السلام) با اهل ذمه – یهود و نصارا – چه می کند فرمود: مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می کند وآنها جزیه می دهند, (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۱). در مقابل این آیات و روایات , احادیثی وجود دارد که دلالت می کند به این که جز دین محمد دینی باقی نمی ماند. ۱- عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر(ع) روایت می کند که از حضرت تفسیر آیه ((وله اسلم من فی السموات والارض طوعا "و کرها "و الیه یرجعون)) را سؤال کردم فرمود: ((آیه مذکور در شأن حضرت قائم نازل شده است . وقتی آن حضرت ظاهر شد دین اسلام را بر یهود و نصارا و صائبین و کفار شرق و غرب عرضه

می دارد. پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد, به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می کند و هر کس از قبول اسلام امتناع ورزد گردنش را می زنند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند و...)), (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۴۰). ۲- جابر از امام باقر(ع) نقل می کند: ((... خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می کند آن قدر جنگ می کند تا این که جز دین محمد دینی باقی نماند)), (همان , ص ۳۹۰). ۳- همچنین امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه ((لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون)) فرموده است : ((یکون ان لایبقی احد الا اقر بمحمد ;به طوری می شود که احدی باقی نمی ماند مگر این که به محمد ایمان بیاورد)), (همان , ص ۳۴۶). با توجه به آیات و روایات می توان به دو نتیجه رسید: ۱. منظور از ادامه زندگانی یهود و نصارا تا روز قیامت تا دوره آخر الزمان باشد و به جهت نزدیکی ظهور امام زمان(عج) و برپایی قیامت با یک تعبیر از آن یاد شده است چنانچه بسیاری از علایم آخر الزمان با عالم برپایی قیامت یکسان است. بنابراین یهود و نصارا تا آن دوران ادامه پیدا می کنند اما با ظهور امام زمان(عج) و اقتدا حضرت مسیح به ایشان پیروان حق طلب ادیان با حق آشنا می شوند و همه زیر پرچم امام زمان(عج) می آیند و کسانی که حق ستیزند از بین خواهند رفت. ۲. بنا بر دیدگاه دوم یهود و نصارا در دوران حکومت حضرت مهدی (عج) باقی خواهند ماند واز عقاید شرک آلود خود مانند تثلیث دست برمی دارند و تحت حمایت حکومت اسلامی مهدوی به زندگی خود ادامه می دهند و اما دین اسلام دین جهانی و بر تمام دین ها غالب می گردد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : دادگستر جهان , ابراهیم امینی , ص ۳۰۵ - ۳۰۸.

آیادر حکومت حضرت مهدی (ع)همه مردم جهان مسلمان می شوند؟

پرسش

آیادر حکومت حضرت مهدی (ع)همه مردم جهان مسلمان می شوند؟

پاسخ

در این زمینه دو دسته روایات وجود دارد. دسته اول، روایاتی است که ظاهر آنها وجود غیر مسلمان در دوران حکومت حضرت مهدی(عج) است مانند روایت ابی بصیر از امام صادق(ع) که می گوید: «به امام صادق(ع) عرض کردم در دوره آن حضرت (مهدی) با اهل ذمه چگونه رفتار می شود؟ فرمود: با آنها از سرآشتی و مسالمت رفتار می کند، همان گونه که پیامبر با آنان از سر مسالمت رفتار کرد.» {M ، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، روایت ۱۷۷، باب سیره و اخلاقه و خصائص زمانه. و روایات متعدد دیگر) دسته دوم، روایاتی است که ظهور دارد در اینکه در همه جا دین اسلام را بر پا خواهد کرد و همه مردم مسلمان خواهند شد، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، روایت ۸۹ و ۹۰؛ و ص ۳۹۰، روایت ۲۱۲؛ و ج ۵۳، ص ۳۳، روایت ۱ و روایات متعدد دیگر) مانند روایت امام حسن(ع) از امیرالمؤمنین(ع) که فرمود: «او زمین را از دادگری و روشنی و عقل و منطق و دلایل واضح و روشنگر، پر می کند و سر تا سر زمین تسلیم او می شوند به طوری که هر کافری ایمان می آورد و هر بدکاری نیکوکار می شود.»، (اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۴۱۴). به همین جهت، بین علما و دانشمندان در این زمینه، اختلاف نظر وجود دارد. به نظر می رسد، دو دسته روایات، مربوط به دو دوران از حکومت حضرت اشاره دارد. یعنی دسته اول، اشاره به سیره و روشن حضرت در بدو ظهور دارد. حضرت در ابتدای ظهور تنها کافرانی را که به ظلم و فساد در زمین مشغولند، منکوب کرده و از بین خواهند برد. اما با

کافرانی که از ظلم و جور و فساد به دورند و پذیرای حکومت دادگستر حضرتند، همانند سیره پیامبر اکرم(ص) از سر مسالمت رفتار می کنند. به تدریج با برقراری عدل و فراگیر شدن آن در سراسر زمین و میراندن باطل ها و بدعت ها و آشکار شدن نشانه ها و آیات حق و حقیقت، حجت های روشن الهی بر مردم تمام می شود و دیگر جای هیچ عذری برای کفر و شرک باقی نخواهد ماند. بنابراین در دوره ی تحکیم و تثبیت حاکمیت حضرت و از بین رفتن پرده های فریب و رسوا شدن باطل و آشکار شدن حق، همه مردم مسلمان می شوند و در آن دوره کفر و شرک و انکار، مصداق بارز ظلم و تعدی از حق خواهد بود که در حکومت عدل گستر حضرت، هیچ جایی نخواهد داشت. همچنان که روایت امام حسن(ع) از امیرالمؤمنین(ع) که در سطور بالا به آن اشاره شد، به وضوح بر این معنا، دلالت دارد. امام صادق(ع) ذیل آیه شریفه هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» ، (سوره توبه، آیه ۳۳) به مفضل فرمود: «ای مفضل، اگر پیغمبر(ص) بر همه دین ها غالب شده بود، از آتش پرستان، یهودیان، نصارا، ستاره پرستان، و از تفرقه و نفاق و شک و ... اثری نبود، اینکه خداوند فرموده است: «لیظهره علی الدین کله» مربوط به روز ظهور حضرت مهدی(عج) است. همچنین اینکه می فرماید: «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کله لله»، (سوره انفال، آیه ۳۹) مربوط به چنین روزی است»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۳، روایت ۱) نتیجه سخن: دسته اول روایات مربوط به ابتدای ظهور است و دسته دوم مربوط به دوره استقرار حکومت عدل حضرت و آشکار شدن حق و حقیقت است یعنی در دوره استقرار حکومت حضرت، دیگر هیچ کافری باقی نخواهد ماند. والله اعلم. منابع: ۱. ظهور نور، مؤلف: علی سعادت پرور، مترجم، محمدجواد وزیری فرد، دار الحدیث، ص ۲۰۴ ۲. مهدی منتظر، شیخ محمدجواد خراسانی، دار الحدیث، ص ۳۹۰.

آیا در زمان ظهور امام زمان تمام افراد از ادیان غیر از شیعه کافر شناخته می شوند؟

پرسش

آیا در زمان ظهور امام زمان تمام افراد از ادیان غیر از شیعه کافر شناخته می شوند؟

پاسخ

غیرمسلمانان از نظر فقه اسلامی به دوگروه کافر اهل کتاب و کافر غیر اهل کتاب تقسیم می گردند که هر گروه احکام ویژه ای دارند، و پیروان ادیانی همچون مسیحیت و یهود در زمره دسته اول می باشند. پس از نظر اسلام پیروان ادیان دیگر کافر شناخته می شوند. اما فرقه ها و مذاهب اسلامی از دیدگاه فقه امامیه(شیعه دوازده امامی) در زمره مسلمانان می باشند و هیچیک از آنان کافر بشمار نمی روند، مگر معدودی از فرقه ها که انکار ضروری دین را می نمایند، مانند خوارج و نواصب. ۱ با این توضیح می توان اینگونه سؤال نمود که آیا چنین حکمی بعد از ظهور امام زمان علیه السلام هم جاری است، یا مصداق کافر و مسلمان دچار دگرگونی می گردد؟ در پاسخ به این پرسش می توان گفت: با دقت در علّت و ملاک نظر دانشمندان شیعه امامیه در مورد اسلام برخی از مذاهب اسلامی و کفر برخی دیگر، می توان به پاسخ این پرسش دست یافت. زیرا آنچه سبب شده است که برخی از فرقه های به ظاهر مسلمان در زمره کافران قرار گیرند این است که آنان دست به انکار حقایق آشکار و ضروری اسلام همچون لزوم محبت و علاقه به خاندان پیامبر علیهم السلام زده اند، و انکار حقیقت آشکار و ضروری اسلام، بلکه هر دین و آیینی، به حکم عقل ملازم انکار همان دین است. از این رو پس از ظهور امام زمان (ع) و آشکار شدن حقانیت شیعه دوازده امامی با معجزات و دلایل

متقن علمی که توسط آن حضرت تبیین می گردد، ولایت و امامت دوازده گانه (ع) نیز همچون محبت آنان به مرور در زمره حقایق آشکار و ضروری اسلام جای خواهد گرفت، و منکران آن، منکران اسلام خواهند بود. پس به جرأت می توان گفت که بعد از ظهور آن حضرت و بر ملا شدن حقیقت که باعث گرایش جمعیت قریب به اتفاق پیروان مذاهب و ادیان دیگر به مذهب حق خواهد شد؛ گروه بسیار اندکی که زیر بار این حقیقت آشکار نروند در زمره کافران خواهند بود. از این روست که در روایت از امام صادق علیه السلام آمده است: «... پس هنگامیه که قائم علیه السلام ظهور نماید از هر به ظاهر مسلمانی که منکر ولایت است می خواهد که یا اقرار به اسلام یعنی ولایت نماید و یا همچون کافران اهل ذمّه، جزیه بپردازد. و در غیر این صورت گردن او را خواهد زد».۲ پی‌نوشت‌ها: ۱. یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، مؤسسه نشر اسلامی، ج (۱)، ص (۱۴۰). ۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ج (۵۲)، ص (۳۷۳) (به نقل از تفسیر فرات کوفی). و نیز مراجعه شود به روایت امام باقر(ع)، همان، ج (۵۲)، ص (۳۷۵) (به نقل از کافی).

ایا با ظهور امام زمان (ع) همه مسلمان شده و اختیار از مردم صلب می شود?

پرسش

ایا با ظهور امام زمان (ع) همه مسلمان شده و اختیار از مردم صلب می شود?

پاسخ

پرسش فوق دو بخش دارد: ۱. سلب اختیار از مردم در دوران ظهور؛ ۲ . مسلمان شدن همگان در آن دوره. در پاسخ به بخش نخست توجه پرسشگر محترم را به این اصل مسلّم و پذیرفته شده جلب می کنیم که انسان دراین دنیادارای اختیار است و بدون آن جایی برای تکلیف ، پاداش و عقاب باقی نمی‌ماند. لازمه تکلیف و امر و نهی ، پاداش و کیفر درباره بندگان ، داشتن اختیار آنان می‌باشد. آن چنان که از پاره‌ای از آیه‌های قرآن مجید(۱) ، برخی از روایت‌ها و براهین عقلی بدست می‌آید ، هدف خدای متعال از آفرینش انسان ، به مقام قرب و کمالات رسیدن او می‌باشد و این شایستگی از راه اختیار و اراده انسان بدست می‌آید . هرگاه اختیار از انسان گرفته شود، دیگر شایسته دریافت مقام قرب و رضوان خدا نمی‌باشد. مردم در سایه فاعلیت اختیاری که دارند، دارای مسؤولیت و تکلیف می‌شوند. به بیان دیگر هنگامی که انسان در مقام تزاحم میان خواست‌های گوناگون ، برای رسیدن به کمال و رضوان خدای متعال ، از خواست‌های زشت و حیوانی خود بگذرد ، شایسته قرب الهی و مستحق دریافت پاداش می‌شود. این اصل مسلم در دوران ظهور امام زمان (عج) نیز صادق است . از آن جا که با ظهور حجت حق (عج) عقل‌های مردم کامل می‌شود و زمینه‌های ارتکاب گناهان و جرایم کاهش می‌یابد یا از بین می‌رود ، جامعه آرمانی که در آن همه مردم موحد هستند و هیچ کس مشرک نیست، شکل می گیرد و این به معنی سلب اختیار از مردم نیست بلکه مردمان آن عصر ، با اراده و اختیار خود در برابر امیال درونی و وسوسه‌های شیطان مقاومت می کنند و به مقامی می‌رسند که امیال خود را کنترل می کنند و مرتکب معاصی و جرایم نمی‌شوند. زیرا آن چنان رشد کرده‌اند که به عاقبت نافرمانی از دستورهای خدای منان آگاه هستند . مانند فردی که آگاه است جامی که روبروی اوست ، جام زهر است و نوشیدن آن هلاک کننده ، پس با اختیار و اراده نمی‌نوشد. از این گذشته هر کار خیر یا هر پرهیز از ارتکاب کار شر که با اراده بیشتر و انتخاب آگاهانه‌تر و اختیار عالمانه‌تر همراه باشد، اثر بیشتری در تکامل روحی و

تقرب به درگاه الهی و جلب رضوان الهی خواهد داشت و استحقاق فزون تری را برای دریافت پاداش خواهد داشت. از این رو اولیای خدا آرزوی زندگی در دوران شکوفا و جامعه آرمانی امام مهدی (عج) را دارند و خدای سبحان مؤمنان محض را که این اشتیاق را داشته‌اند ، در دوران ظهور حجت‌الهی (عج) دوباره به دنیا بازمی‌گرداند تا با رجعت ، زمینه کمال آنان بیش از پیش فراهم آید. در پاسخ به بخش دوم یعنی مسلمان شدن همگان در عصر ظهور باید گفت از ابتدای ظهور تا استقرار حکومت سراسری عدل امام مهدی (عج) دوره‌های مختلفی سپری می‌شود . مثلا نعمانی از جابر از امام باقر(ع) نقل می‌کند که فرمود وقتی قائم قیام کند میان اهل تورات به تورات و میان اهل انجیل به انجیل حکم می‌کندو میان اهل زبور به زبور و میان اهل قرآن به قرآن (۲). این مربوط به مراحل آغازین ظهور است ولی تکامل بشر به حدی می‌رسد که همگان موحد می‌شوند و هیچ کس به خدا شرک نمی‌ورزد : وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی‌الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً(۳) ۱- ر.ک : آیه ۷ سوره هود ، آیه ۲ سوره ملک ، آیه ۷ سوره کهف و آیه ۵۶ سوره ذاریات . ۲- الغیبهٔ للنعانی ، ص ۱۲۴ ۳- نور، ۵۵.

آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده ومرام خواهند داشت؟

پرسش

آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده ومرام خواهند داشت؟

پاسخ

برای تشکیل جامعه واحد وامت واحده، یک موضوع ضروری است وآن جهان‌بینی واحد واعتقاد واحد است. در دوران ظهور وروزگار دولت عدل بنیاد مهدوی (ع) جهان‌بینی واحدی بر جهان حاکم می‌گردد وراه وروش وبرنامه‌ها یکی است، ویک‌پارچگی ویگانگی واقعی در عقیده ومرام پدید می‌آید، ومردمان همه یکدل ویک زبان به سوی سعادت وصلاح حرکت می‌کنند. امام مهدی (ع) که مصلحی حقیقی است وراه وروش او بر پایه قانون جاویدان حقّ وعدل استقرار دارد وبا فطرت وسرشت انسان‌ها هماهنگ وسازگار است، وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید وایدئولوژی اسلامی پی می‌ریزد وهمه انسان‌ها را در زیر شعار یگانه ودین واحد گرد می‌آورد. امام علی (ع) به مالک بن حمزه فرمود..."": در این زمان قائم ما قیام کند وهمه را بر یک مرام وعقیده گرد آورد. {"پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۲۰۶. پاورقی} امام صادق (ع) فرمود"": فواللّه یا مفضّل! لیرفع عن الملل والأدیان الاختلاف ویکون الدین کلّه للّه... "؛ "به خدا سوگند ای مفضّل! [امام قائم] از میان ملّت‌ها وآیین‌ها اختلاف را{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۴. پاورقی} برمی‌دارد ویک دین بر همه حاکم می‌گردد".

آیا در دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام جز مسلمان روی زمین باقی نمی‌ماند؟

پرسش

آیا در دولت حضرت مهدی‌علیه‌السلام جز مسلمان روی زمین باقی نمی‌ماند؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می‌شود که در عصر دولت حضرت مهدی (ع) جز مسلمان احدی روی زمین باقی نمی‌ماند. ابن‌بکیر می‌گوید: از حضرت ابوالحسن (ع) تفسیر آیه شریفه {وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمواتِ وَالأَرْضِ طَوْعاً وَکَرْهاً وَإِلَیْهِ یُرْجَعُونَ} را سؤال کردم، فرمود": أنزلت فی القائم (ع) إذا خرج فی الیهود والنصاری والصابئین والزنادقه وأهل الردّة والکفّار فی شرق الأرض وغربها، فعرض علیهم الإسلام، فمن أسلم طوعاً أمره بالصلوة والزکوة وما یؤمر به المسلم ویجب للّه علیه، ومن لم‌یسلم ضرب عنقه حتّی لایبقی فی المشارق والمغارب أحد إلّا وحّد اللّه"؛ "آیه {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰. پاورقی} مذکور در شأن قائم نازل شده است، وقتی آن جناب ظاهر شود دین اسلام را بر یهود ونصارا وصابئین وکفار شرق وغرب عرضه می‌دارد، پس هر کس با میل واختیار اسلام بیاورد او را به نماز وزکات وسایر واجبات امر می‌کند، وهر کس از قبول اسلام سرباز زند، گردنش را می‌زند، تا آنکه در شرق وغرب زمین جز موحد وخداپرست کسی باقی نمی‌ماند. "...ولی با مراجعه به روایات دیگر پی خواهیم برد که یهود ونصارا تا روز قیامت باقی خواهند ماند: ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم که صاحب‌الامر با اهل ذمه، یهود ونصارا چه خواهد کرد؟ فرمود... ": یسالمهم کما سالمهم رسول اللّه (ص)، ویؤدّون الجزیهٔ عن ید وهم صاغرون"؛ "...مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می‌کند، آنها هم با کمال تواضع {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱Ù۳۷۶. پاورقی} وخواری جزیه می‌دهند ".امام باقر (ع) فرمود": صاحب امر، مهدی نامیده شده به جهت آنکه تورات وسایر کتاب‌های آسمانی را از غاری که در انطاکیه واقع شده خارج می‌کند وبین اهل تورات به تورات واهل انجیل به انجیل واهل زبور به زبور واهل قرآن به قرآن حکم خواهد کرد. {"پاورقی . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۱۲۵. پاورقی} از آنجا که این دسته روایات که دلالت بر بقای یهود ونصارا تا روز قیامت دارد با ظاهرآیات قرآن مطابق است، لذا آن را بر طایفه اول از روایات مقدم می‌داریم. خداوند متعال می‌فرماید: {وَمِنَ الَّذِینَ قالُوا إِنّا نَصاری أَخَذْنا مِیثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظّاً مِمّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ العَداوَهَ وَالبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ القِیامَهِ"}؛ وما از کسانی که ادعای {پاورقی . سوره مائده، آیه ۱۴. پاورقی} نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند، ما هم دشمنی وکینه را تا قیامت در بینشان انداختیم ".ونیز می‌فرماید: {إِذْ قالَ اللّهُ یا عِیسی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرافِعُکَ إِلَیَّ وَمُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَجاعِلُ الَّذِینَ اتَّبَعُوکَ فَوْقَ الَّذِینَ کَفَرُوا إِلی یَوْمِ القِیامَهِ"}؛ یادآور زمانی را که {پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۵۵. پاورقی} خداوند فرمود: ای عیسی! همانا من تو را گرفته وبه سوی خویش برآرم واز کفّار دورت نمایم وپیروانت را تا قیامت بالادست ومسلط بر کفار گردانم ".از اینآیات وآیات دیگر استفاده می‌شود که یهود ونصارا تا روز قیامت باقی خواهند ماند، هر چند ممکن است در اقلیت باشند وبدون آنکه صاحب اختیار واقتدار گردند، در پناه دولت اسلامی جان ومال وآبروو ناموس آنها محفوظ باشد. در آیه اخیر دو نکته قابل توجه است: ۱- اینکه مقصود به" توفّی در آیه اخذ به قوت و تمام است نه مرگ آن گونه که علامه طباطبایی۲ از اهل لغت نقل کرده است. ۲- مقصود از متابعین حضرت عیسی (ع) که بر کفار تفوق داده شده‌اند کسانی هستند که در زمان آن حضرت و بعد از ایشان در خط توحید بوده و بعد از ظهور اسلام از پیامبر آن یعنی حضرت محمد (ص) پیروی کرده‌اند.

آیا در زمان حکومت امام زمان(یهودی و مسیحی و غیره ەکزندگی می کنند؟ و آیا ایشان مأمور به باطن یا مأمور به ظاهرند؟

پرسش

آیا در زمان حکومت امام زمان(یهودی و مسیحی و غیره هم زندگی می کنند؟ و آیا ایشان مأمور به باطن یا مأمور به ظاهرند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست عزیز عرض می شود که روایاتی در ارتباط با وجود یهودی در دوران حکومت حضرت مهدی(وارد شده، که در این مجال کوتاه به بررسی برخی از آنها می پردازیم. در رو.....از پیامبر اکرم(چنین آمده است" : حضرت موسی صندوقچه مقدس را از غاری در ا...Ù.....Ù...و بخشهای تورات را از کوهی در شام بیرون آورده، بوسیله Ó کتاب با یهودیان به استدلال می پردازد، و سرانجام بسیاری از آنها اسلام می آورند ("۱.) صندوقچه مقدس یا تابوت سکینه، همان است که در قرآن کریم(۲) از آن یاد شده است. و مفسران در تفسیر آن گفته اند که این صندوق، که در آن میراث پیامبران (وجود دارد، دلیل و نشانه ای است برای بنی اسرائیل بر اینکه چه کسی شایستگی فرمانروایی دارد. از اینرو فرشتگان آن را آورده، از میان جمعیت بنی اسرائیل عبور داده، آنگاه در پیش روی طالوت قرار می دهند. پس طالوت آن را به داود، و او به سلیمان، و او به وصیّ خود، عاصف بن برخیا تسلیم می کند. و بنی اسرائیل بعد از وصیّ حضرت سلیمان، به علت اینکه از او فرمانبرداری ننموده، دیگری را اطاعت می کنند، آن صندوق را از دست می دهند. (۳) در روایتی دیگر از پیامبر اکرم(آمده است" : صندوق مقدس از" دریاچه طبریه "به دست وی آشکار می شود. و آن را آورده، در پیشگاه او در بیت المقدس قرار می دهند. و چون یهودیان آن را مشاهده می کنند، به جز اندکی بقیه ایمان می آورند("۴.) البته در روایت دیگری گفته شده که تعداد سی هزار یهودی به وی ایمان می آورند، که این رقم نسبت به کل جمعیت آنان اندک است. حال با ملاحظه روایات فوق، به این نتیجه می رسیم که در زمان حکومت حضرت، بعضی افراد به دین یهود باقی هستند. و درباره وجود مسیحی در زمان حکومت حضرت مهدی(نیز، روایاتی وجود دارد که دلالت بر این مسأله می کند. در روایتی چنین آمده است که دنیای کفر با دستاویز قراردادن کیش نصرانیت با امام درگیر می شوند، و به دشمنان امام کمک می رسانند، و به هنگام شکست بدینشان پناه می برند.(۵) علاوه بر روایات، آیه" و مِنَ الذینَ قالوُا اِنا نَصاری اَخَذْنا میثاقَهُمْ فَنَسَوُا حَظّاً مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَاَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ العَداوَةَ وَ البَغْضاءَ اِلی یَومِ القِیامَةِ و سَوْفَ یُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِما کانوُا یَصْنَعونَ ("۶) نیز، به این مطلب دلالت دارد. چنانچه در تفسیر آن آمده است که از این آیه چنین استنباط می شود که ممکن است مسیحیت (یا مسیحیت و آئین یهود) بصورت یک اقلیت بسیار ضعیف در جهان، حتی در عصر مهدی(باقی بماند. زیرا می دانیم که در آن عصر نیز آزادی اراده انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. اگر چه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می پیمایند، و به آن می گروند. و مهمتر از همه اینکه حکومت روی زمین، یک حکومت اسلامی خواهد بود.(۷) همچنین از آیه" اذ قالَ اللهُ یا عیسی اِنّی مُتَوَفّیکَ و رافِعُکَ اِلیَّ و مُطَهِّرُکَ مِنَ الذینَ کَفَروا و جاعِلُ الذینَ اتَّبَعُوکَ فَوقَ الذینَ کَفَرُوا اِلی یَومِ القیمةِ ("۸)، استفاده می شود که کفار تا روز قیامت وجود دارند. (۹) و در روایتی نیز آمده است که حضرت از آنها جزیه می گیرند. (۱۰) و در پایان، در مورد پرسش از مأموریت امام مهدی(که آیا مأمور به ظاهر هستند یا باطن، گفته شده است که از اختصاصات حضرت مهدی(قضاوت اوست، که به علم خود قضاوت می کند. آن حضرت به مقتضی علم امامت و وحی قضاوت می کند؛ مانند داود وسلیمان، و بیّنه نطلبد. (۱۱) در حدیثی در این رابطه آمده است" : چون قائم (قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند. پس امر می کند بر کافر، پس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند. و می کشانند ایشان را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهد ("۱۲.) منابع و مآخذ : ۱. منتخب الاثر،ص۳۰۹ ۲. سوره مبارکهٔ بقره/آیه ۲۴۸ ۳. عصر ظهور، علی کورانی، ص۷۷و ۷۸ ۴. الملاحم و الفتن، ص۵۷ ۵. بحارالانوار،ج۵۲،ص۳۴۴ ۶. سوره مبارکهٔ مائده/آیه ۱۴؛ ترجمه" : و از کسانیکه ادعای نصرانیت (یاری مسیح) داشتند، (نیز) پیمان گرفتیم. ولی آنها قسمت قابل ملاحظه ای از آنچه به آنان تذکر داده

شده بود را بدست فراموشی سپردند. لذا در میان آنها تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم. و خداوند در آینده آنها را از آنچه انجام داده اند، (و نتایج آن) آگاه خواهد ساخت ".۷. تفسیر نمونه، ج۴،ص۳۱۹ ۸. سوره مبارکهٔ آل عمران/آیه ۵۵ ؛ ترجمه(" : یاد کن) هنگامی را که خدا گفت" : عیسی، من ترا برگرفته، به سوی خویش بالا می برم. و ترا از (آلایش) کسانیکه کفر ورزیده اند، پاک می گردانم. و تا روز رستاخیز، کسانی را که از تو پیروی کردند، فوق کسانیکه کافر شده‌اند، قرار خواهم داد " " ... ۹. بحارالانوار،ج۵۲،ص۳۷۵،روایت ۱۷۵ و... ۱۰. ۶۶۵ پرسش و پاسخ در محضر علامه طباطبائی، حسین رخ شاد، ص۱۱۷ ۱۱. مهدی منتظر،حاج شیخ محمد جواد خراسانی، محقق و تعلیق : سید جواد میر شفیعی خوانساری،ص۴۱۴ بحارالانوار،ج۵۲،ص ۳۲۰ / بحارالانوار،ج۲۷،ح۲۶

فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد در زمان امام زمان چه برخوردی با او می شود؟ چون شنیده ام که امام زمان با یهودیان جنگ می کند و آنها را از بین می برد.

پرسش

فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد در زمان امام زمان چه برخوردی با او می شود؟ چون شنیده ام که امام زمان با یهودیان جنگ می کند و آنها را از بین می برد.

پاسخ

(جهت استفاده) ظاهر بعضی آیات این است که یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند. ۱- ((و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم فنسوا حظا "مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه والبغضاء الی یوم القیمه ;...ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند, ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم))، (مائده , آیه ۱۴). ۲- ((اذ قال الله یا عیسی ان متوفیک و... و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه ; ...بیا وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و... و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم))، (آل عمران , آیه ۵۵). ۳- ((وقالت الیهود یدالله مغلوله... والقینا بینهم العداه والبغضاء الی یوم القیمه ; ...یهود گفتند دست خدا بسته است ... و ما به کیفر آن قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم))، (مائده , آیه ۶۴). در آیات فوق دشمنی و کینه توزی تا قیامت در بین یهود و نصارا مطرح شده است و همچنین برتری نصارا بر کفار تا قیامت آمده است و مقتضای ظاهر آیات این است که دین یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند. از بعضی روایات نیز همین مضمون استفاده می شود. ((عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام ... قلت فما یکون من اهل الذمه عنده قال یسالمهم کما سالمهم رسول الله صلی الله علیه و آله و یوئدون الجزیه عن یدوهم صاغرون ; ...ابو بصیر گوید به امام صادق عرض کردم صاحب امر (مهدی علیه السلام) با اهل ذمه - یهود و نصارا - چه می کند فرمود: مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می کند وآنها جزیه می دهند, (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۱). در مقابل این آیات و روایات , احادیثی وجود دارد که دلالت می کند به این که جز دین محمد دینی باقی نمی ماند. ۱- عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر(ع) روایت می کند که از حضرت تفسیر آیه ((وله اسلم من فی السموات والارض طوعا "و کرها "و الیه یرجعون)) را سؤال کردم فرمود: ((آیه مذکور در شأن حضرت قائم نازل شده است . وقتی آن حضرت ظاهر شد دین اسلام را بر یهود و نصارا و صائبین و کفار

www.noorfatemah.org

شرق و غرب عرضه می دارد. پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد, به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می کند و هر کس از قبول اسلام امتناع ورزد گردنش را می زند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند و...)), (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۴۰). ۲- جابر از امام باقر(ع) نقل می کند: ((... خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می کند آن قدر جنگ می کند تا این که جز دین محمد دینی باقی نماند)), (همان , ص ۳۹۰). ۳- همچنین امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه ((لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون)) فرموده است : ((یکون ان لایبقی احد الا اقر بمحمد ;به طوری می شود که احدی باقی نمی ماند مگر این که به محمد ایمان بیاورد)), (همان , ص ۳۴۶). با توجه به آیات و روایات می توان به دو نتیجه رسید: ۱. منظور از ادامه زندگانی یهود و نصارا تا روز قیامت تا دوره آخر الزمان باشد و به جهت نزدیکی ظهور امام زمان(عج) و برپایی قیامت با یک تعبیر از آن یاد شده است چنانچه بسیاری از علایم آخر الزمان با عالم برپایی قیامت یکسان است. بنابراین یهود و نصارا تا آن دوران ادامه پیدا می کنند اما با ظهور امام زمان(عج) و اقتدا حضرت مسیح به ایشان پیروان حق طلب ادیان با حق آشنا می شوند و همه زیر پرچم امام زمان(عج) می آیند و کسانی که حق ستیزند از بین خواهند رفت. ۲. بنا بر دیدگاه دوم یهود و نصارا در دوران حکومت حضرت مهدی (عج) باقی خواهند ماند واز عقاید شرک آلود خود مانند تثلیث دست برمی دارند و تحت حمایت حکومت اسلامی مهدوی به زندگی خود ادامه می دهند و اما دین اسلام دین جهانی و بر تمام دین ها غالب می گردد. برای آگاهی بیشتر ر.ک : دادگستر جهان , ابراهیم امینی , ص ۳۰۵ - ۳۰۸.

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می‌کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پرسش

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می‌کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پاسخ

اینکه در روایات آمده است مضمون آن چنین است. وقتی قائم اهل بیت‌علیهم السلام قیام کند، (امکانات را) بطور مساوی تقسیم می‌نماید و در رعیّت عدالت را بر قرار می‌سازد، هر کس از وی اطاعت کند از خدا اطاعت نموده و هر کس نافرمانی او را بکند نافرمانی خدا را نموده است، تورات و دیگر کتابهای الهی را از غاری در انطاکیه خارج می‌سازد و بین یهودیان بر اساس احکام تورات و میان مسیحیان طبق احکام انجیل و بین اهل زبور و برپایه دستورات آن و بین مسلمانان براساس آیات قرآن داوری می‌کند(۲۲). ثانیاً: همان طور در پرسش شما بود، این علاوه بر مغایرت داشتن با آیهٔ شریفه با روایات دیگری که تصریح بر ایمان به مردم به دین اسلام را رد نیز مغایرت داده(۲۳)پس منظورمان است که گفته شد یعنی حضرت برای اثبات حقانیت قیام خودشان در برابر ادیان دیگر با کتاب آنها داوری می‌کنند البته با کتاب تحریف نشده که خود حضرت‌علیه السلام از مکان آن کتابها اطلاع دارند. ۲۲) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱. ۲۳) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳ رفاعه از امام صادق‌علیه السلام نقل می‌کند که امام‌علیه السلام در مورد این آیه شریفه له اسلام من فی الموت و الارض طوعاً و کرها، فرمودند: زمانی که قائم آل محمدعلیه السلام ظهور می‌کند در زمین کسی باقی نمی‌ماند الااینکه شهادتین را می‌گوید را مسلمان می‌شود. (اذا قام القائم‌علیه السلام لایبقی

www.noorfatemah.org

الارض الا نوری فیها بشهادهٔ ان لااله الا اله و ان محمداًرسول الله).

علم و دانش در زمان حضرت

امام صادق(ع) در مورد پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی(عج) چه می‌فرماید؟

پرسش

امام صادق(ع) در مورد پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی(عج) چه می‌فرماید؟

پاسخ

در حدیثی از امام صادق (ع) چنین میخوانیم «اَلْعِلْمُ سَبْعَهٌ وَ عِشْرُون حَرَفاً فَجَمیعُ ما جائَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفان، فَلَمْ یَعْرِفِ النّاسُ حَتَّی الْیَوْمَ غَیرَ الْحَرْفَیْنِ، فَاِذا قامَ قائِمُنا اَخْرَجَ الْخَمْسَهَ وَ الْعِشْرینَ حَرْفاً؛ فَبَثّها فِی النّاسِ وَ ضَمَّ اِلَیْها الْحَرْفَیْنِ، حَتّی یَبُثَّها سَبْعَهٌ وَ عِشرینَ حَرْفاً» (بحارالانوار، ۵۲/۳۳۶.) [علم و دانش بیست و هفت حرف (بیست و هفت شعبه و شاخه) است؛ تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود، و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناختهاند، امّا هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و شعبه) دیگر را آشکار میسازد و در میان مردم منتشر میسازد و دو حرف را به آن ضمیمه میکند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد.] این روایت(۲) از امام صادق«علیه السلام» نقل شده مضمون آن این است که علم ۲۷ حرف است و تمام آنچه پیامبران آوردهاند دو حرف است بنابراین مردم تاکنون بیش از دو حرف از آن ۲۷ حرف را آگاه نشدهاند وقتی امام زمان«علیه السلام» ظاهر شود ۲۵ حرف دیگر را هم ظاهر نموده در میان مردم نشر میدهد و در آن زمان مردم اضافه بر آن دو حرف از تمام ۲۷ حرف آگاهی پیدا خواهند کرد و احتمالاً منظور از اینکه علم ۲۷ حرف است علمی است که مردم گنجایش و قابلیّت آن را داشته باشند والا میدانیم که پیامبران و امامان از علومی برخوردارند که هرگز فهمهای مردم عادّی گنجایش تحمّل آن را ندارد و احتمالاً ـ منظور این است که اگر ظرفیت انسانها را از نظر علم و آگاهی ۲۷ حرف بدانیم ۲ حرف آن تاکنون بیشتر نشر نشده و امام زمان ۲۵ حرف دیگر را هم نشر خواهد داد و این بیان نشر علوم و گسترش کثیر علوم را در زمان ظهور ولی عصر«علیه السلام» میرساند که چگونه مردم آن زمان از علم آگاهی گستردهای برخوردار خواهند شد که علاوه بر ۲ حرفی که تا آن زمان بوده اطّلاع و آگاهی مردم به بیش از ده برابر تمام آگاهیهای تا آن زمان افزایش خواهد یافت و اینکه ۲۷ حرف تعبیر شده احتمالاً از این جهت است که علوم از طریق حروف تعلیم میشود البته الفبای خاصّی در این حدیث مطرح نشده است. ۲) بحارالانوار، مرحوم علّامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۳.

در مورد پیشرفت هایی که در زمان امام زمان (عج) انجام می شود چه نظری دارید؟

پرسش

در مورد پیشرفت هایی که در زمان امام زمان (عج) انجام می شود چه نظری دارید؟

پاسخ

در روایتی از امام صادق(ع) وارد شده است که «دانش ۲۷ حرف است؛ پس تمام آنچه پیامبران با آن مبعوث شده‌اند، ۲ حرف (از دانش است) و مردم تا امروز تنها ۲ حرف از دانش را دار هستند، اما هنگامی که قائم ما(عج) قیام می‌کند، ۲۵ حرف دیگر را در میان مردم پراکنده می‌کند و با آن دو حرف اضافه می‌نماید تا اینکه دانش به ۲۷ حرف کامل می‌شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶) ظاهرا معنای این روایت و روایات مشابه این است که عقول و خردهای مردم در این زمان پیشرفت فراوانی می‌کند. زیرا در این دوره معنویت و تقوا بسط پیدا می‌کند و موانع علم‌آموزی و فهم و ادراک صحیح مسدود می‌گردد و تمامی مردم امکان می‌یابند با تقوا ـ عامل نگهداریانسان که باعث روشن‌بینی و فهم و درک بینا می‌شود به تمامی اسراری علوم نزدیک شوند. چنانچه در روایات حکومت امام زمان(عج) وارد شده است که در آن زمان زنان با قرآن سخن می‌گویند.

سرنوشت تکنولوژی، علوم و فنون پس از قیام حضرت ولی عصر(عج) چیست؟

پرسش

سرنوشت تکنولوژی، علوم و فنون پس از قیام حضرت ولی عصر(عج) چیست؟

پاسخ

در روایتی از امام صادق(ع) وارد شده است که «دانش ۲۷ حرف است؛ پس تمام آنچه پیامبران با آن مبعوث شده‌اند، ۲ حرف (از دانش است) و مردم تا امروز تنها ۲ حرف از دانش را دار هستند، اما هنگامی که قائم ما(عج) قیام می‌کند، ۲۵ حرف دیگر را در میان مردم پراکنده می‌کند و با آن دو حرف اضافه می‌نماید تا اینکه دانش به ۲۷ حرف کامل می‌شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶) ظاهرا معنای این روایت و روایات مشابه این است که عقول و خردهای مردم در این زمان پیشرفت فراوانی می‌کند. زیرا در این دوره معنویت و تقوا بسط پیدا می‌کند و موانع علم‌آموزی و فهم و ادراک صحیح مسدود می‌گردد و تمامی مردم امکان می‌یابند با تقوا ـ عامل نگهداریانسان که باعث روشن‌بینی و فهم و درک بینا می‌شود به تمامی اسراری علوم نزدیک شوند. چنانچه در روایات حکومت امام زمان(عج) وارد شده است که در آن زمان زنان با قرآن سخن می‌گویند. بنابراین دوران پس از ظهور حضرت، اوج شکوفایی علوم و فنون و صنعت و تکنولوژی خواهد بود.

رشد تکنولوژی پس از ظهور امام زمان(عج) به چه نحوه خواهد بود؟

پرسش

رشد تکنولوژی پس از ظهور امام زمان(عج) به چه نحوه خواهد بود؟

پاسخ

علم و دانش با تکامل انسان و گذشت زمان همواره سیر تکاملی و صعودی داشته و گردونه دانش بشر هرگز از حرکت و جنبش و ترقی باز نمی ماند. استفاده از تجارب گذشتگان و شکوفائی بیشتر استعدادها، برای بشر راهی جز رشد و حرکت و کمال در جهت علم و آگاهی و دانش باقی نگذاشته است و این از سنت های الهی و قوانین حاکم بر نظام هستی است و مشاهده و تجربه و وجدان همه انسانها بر این مطلب شاهد و گواه می باشد. آنچه مهم است استفاده و بهره وری عاقلانه و منطقی و منطبق بر معیارهای الهی و ارزش های اخلاقی از نعمت آگاهی و علم و دانش است. اگر علم و دانش در خدمت عقلانیت و خردورزی و خدامحوری و اخلاق باشد، ثمره آن بهبود وضع زندگی انسان ها و فراهم شدن زمینه سعادت و تکامل بهتر و سریعتر او می باشد و انسان با آگاهی از رمز و راز طبیعت و اسرار خلقت و مقایسه ناچیز بودن علم و آگاهی اش با رازهای ناگشوده عالم و بی کرانگی علم خداوند در برابر علم و قدرت خداوند و عظمت بی انتهای او بیشتر سر تواضع و خاکساری فرود می آورد و این آگاهی و دانش در خدمت پرورش اخلاق نیک و تهذیب نفس و پرورش انسان های با فضیلت و متعالی می گردد، ولی اگر علم و دانش در خدمت هوا و هوس و سلطه جوئی و قدرت طلبی انسان قرار گیرد، سد راه تکامل و تعالی و ترقی روحی و معنوی او می گردد و علم و دانشی که باید نور و روشنائی و رهگشا و زمینه ساز رشد و سعادت باشد، برای انسان مایه عذاب و آفت و بلا می گردد و روز به روز بر تکبر و زورگوئی و حق ستیزی و خود محوری او می افزاید. زمان ظهور امام زمان -عجل الله تعالی فرجه- نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد و نه تنها علم و دانش سیر صعودی و رو به جلو خود را طی می کند بلکه سرعت حرکت گردونه دانش بسیار زیادتر و بیشتر خواهد بود به گونه ای که با قبل از ظهور قابل مقایسه نمی باشد. در حدیثی از حضرت صادق -علیه السلام- در این باره آمده است: «العلم سبعه و عشرون حرفا، فجمیع ما جائت به الرسل حرفان، فلم یعرف الناس حتی الیوم غیر حرفین، فاذا قام قائمنا -علیه السلام- اخرج الخمسه و العشرین حرفا، فبثها فی الناس و ضم الیها الحرفین، حتی یبثها سبعه و عشرین حرفا» یعنی علم و دانش بیست و هفت حرف دارد، همه علوم و دانشی که پیامبران برای بشر آورده اند دو حرف از آن است و مردم تا امروز جز این دو حرف را نمی دانند، ولی هنگامی که حضرت قائم -علیه السلام- قیام کند، بیست و پنج حرف باقیمانده را ظاهر می سازد و در بین مردم منتشر می سازد و آن دو حرف اول را نیز به آن می افزاید تا بیست و هفت حرف گردد.(سفینه البحار، ج۲، ص۲۲۷، ماده «علم») مفاد این حدیث شریف کنایه از این است که علم و دانش در زمان ظهور آن ولی خدا به اوج قله خود می رسد و همه اسرار و علوم بر بشر به برکت وجود آن سرور گشوده می گردد و انسان ها چنان به اوج علم و آگاهی می رسند که تا آن زمان در بین انسان ها بی سابقه و بی نظیر بوده است. ولی نکته مهم این است که چون در آن زمان با هدایت و ارشاد و ولایت، آن انسان کامل و آرزوی همه دل های مشتاق بشر به نهایت نیروی عقلانی و قوه خرد ورزی می رسد، چنانچه روایاتی بر این مطلب دلالت دارد، لذا علم و دانش و فن آوری و صنعت و اختراعات، در خدمت عقلانیت و نیروی خرد آنها قرار می گیرد و زمینه سعادت واقعی و بهره وری شایسته از علم و دانش فراهم می گردد و دانش و پیشرفت علمی به جای آن که اسیر دست نیروی شهوت و غضب و رذایل نفسانی انسان باشد تحت فرمان عقل و منطق قرار می گیرد و جایگاه مناسب و در خور خود را می یابد. در روایتی از حضرت باقر -علیه السلام- می خوانیم: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رئوس العباد، فجمع بها عقولهم و کملت احلامهم» یعنی هنگام قیام و ظهور حضرت مهدی -علیه السلام- خداوند، دست لطف و عنایتش را بر سر مردم می کشد و در نتیجه عقل های پراکنده آنها جمع و متحد شده و خرد آنها کامل می گردد.(الشموس المضیئه، علی سعادت پرور، ص۱۷۶، ح۱۹) برای مطالعه بیشتر ر.ک: ۱. مهدی موعود(عج) ، ترجمه ج ۵۲ بحار الانوار، علی دوانی ۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی ۳. عصر ظهور، علی کورانی ۴. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی

آیا امام زمان به مردم علم مطلق را یاد می دهد و مردم بی نهایت را متوجه می شوند و یا باز هم مجهولاتی باقی می ماند.

پرسش

آیا امام زمان به مردم علم مطلق را یاد می دهد و مردم بی نهایت را متوجه می شوند و یا باز هم مجهولاتی باقی می ماند.

پاسخ

نخست باید دانست که علم از مقولات تشکیکی است و شدت و ضعف دارد و علم مطلق فقط از آن خداست و همه انسانها و حتی پیامبر اسلام که اشرف مخلوقات است به درگاه خداوند عرضه می دارد «رب زدنی علما؛ پروردگارا علم مرا فزونی بخش» (طه، آیه ۱۱۴). اما آنچه حتمی است رشد علمی انسانها در زمان ظهور بسیار خواهد بود. نکته دوم این که متعلق علم و آگاهی متفاوت است و رشته های فراوانی را شامل می شود آنچه حتمی است در زمان ظهور نسبت به حقانیت دین و قدرت حاکمه خداوند همه به یقین می رسند. برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم: ۱. از مجموع روایاتی که رویدادهای پس از ظهور حضرت مهدی(عج) را ذکر کرده اند، معلوم می شود که دنیای بشریت در آن هنگام، در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دست خوش دگرگونی های جدی قرار می گیرد، به گونه ای است که در زمینه های مزبور، دنیای مادی با ظرفیت های فوق العاده ای به بار می نشیند. ۲. بی تردید، نمایان شدن حقایق عالم همچون آگاهی از رمز و رازهای طبیعت، شناخت حق و باطل، پی بردن به اسرار آفرینش و... از جمله دگرگونی های یاد شده خواهد بود در این باره به چند روایت اشاره می شود: الف) امام محمد باقر(ع) فرمود: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم؛ زمانی که حضرت مهدی(عج) قیام می کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان قرار می دهد، در نتیجه عقل هایشان فزونی می گیرد و بردباریشان کامل می شود» (معجم احادیث الامام المهدی، ج۳، ص ۳۲۵). ب) امام صادق(ع) می فرماید: «اذا قام قائمنا اشرقت الارض بنور ربها واستغنی العباد عن ضوء الشمس و ذهبت الظلمه؛ هنگامی که قائم ما قیام می کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان از نور آفتاب بی نیاز شده، ظلمت برطرف می گردد» (ارشاد مفید، به نقل از آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۴۵). ۳. با توجه به احادیث مزبور و روایات مشابه آن، پیدایش دگرگونی علمی در مردم عصر ظهور، امری قطعی است؛ ولی در این باره که آیا میزان دگرگونی مزبور تا بدانجاست که دیگر هیچ مجهولی برای کسی باقی نماند، سخن به میان نیاورده اند. ۴. از برخی آیات قرآن، فهمیده می شود که دست یابی به حقایق اعمال مربوط به روز قیامت است: «و اشرقت الارض بنور ربها و وضع الکتاب...؛ [در روز قیامت] زمین به نور پروردگارش روشن می شود و نامه های اعمال را پیش می نهند...». مرحوم علامه طباطبایی می فرمایند: مراد از روشن شدن زمین به نور پروردگار که از ویژگی های روز قیامت است، کنار رفتن پرده ها و حجاب ها و نمایان شدن حقایق اشیاء و اعمال آدمیان، از خیر و شر اطاعت و نافرمانی و حق و باطل می باشد. آنگاه در تأیید این معنا به آیه ۲۲ سوره مبارکه «ق» استناد می فرمایند: «لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک غطائک فبصرک الیوم حدید؛ تو از این موضوع غافل بودی، ما از کنار چشمانت، پرده را کنار زدیم و امروز چشمت به خوبی می بیند».

منابع فقه عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع نقش امام زمان (عج) در تبیین احکام فقهی چیست؟ در دوره ایشان منابع فوق دگرگونی ای هم دارند؟

پرسش

منابع فقه عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع نقش امام زمان (عج) در تبیین احکام فقهی چیست؟ در دوره ایشان منابع فوق دگرگونی ای هم دارند؟

پاسخ

می‌دانیم هنگام ظهور و استقرار حکومت عالم‌گیر امام مهدی(عج) علوم متکامل می‌شود(۱. امام صادق(ع): «علم ۲۷ حرف است، تمام آن چه پیامبران آورده‌اند دو حرف ـ جزء ـ است ... هنگامی که قائم بپا خیزد، ۲۵ حرف به آن می‌افزاید و میان مردم آن را رواج می‌دهد.»(علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶) عقل‌های مردم کامل و اخلاقشان رشد پیدا خواهد کرد.(امام باقر(ع): «هنگامی که قائم ما بپاخیزد خدا دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد پس عقل‌های آنان جمع و اخلاقشان کامل می‌شود.»(همان)) به عبارتی آن مقدار که بشر امکان بروز استعدادهای عقلانی خود را وارد در آن زمان به مرحله فعلیت و بروز می‌رسد. از این رو اجتهاد و تفقه در دین در آن زمان رشد و پویایی بی‌نظیری پیدا خواهد کرد. نیازهای بشر که در قانون‌گذاری الهی دخیل است، با پیشرفت جامعه دگرگونی‌های چشمگیری پیدا می‌کند. پس با ظهور و بروز امام مهدی(عج) فهم مجتهدان از کتاب و سنت حقیقی خواهد بود. زیرا در دوران غیبت با تمسک به اصول در جاهایی که دلیل نقلی و صریح وجود ندارد، احکام بدست می‌آید و احکام، واقعیه نیستند بلکه ظاهریه‌اند یعنی تنها منجزیت دارند.(یعنی کشف تام و حقیقی از احکام واقعی وجود ندارد، بلکه تنها مکلّفان در مقام امتثال، معذریت و منجزیت دارند که به تکلیف طبق منابع موجود و اصول عمل کرده‌اند و مستحق عقاب و عذاب نخواهند بود.) اما با آمدن امام و ظهور ایشان در جامعه، امکان دستیابی به احکام واقعیه پیدا می‌شود. از این رو از امام تأویل به «ماءٍ معین؛ آب گوارا»(در احادیث ذیل آیه شریفه «إن أصبح ماءُکم غوراً فمن یأتکم بماءٍ معین»، ماء معین همان امام عصر(عج) دانسته شده است.) شده است. علی القاعده اجماع که کاشف از قول معصوم(ع) است با آمدن معصوم(ع) و وجود او کاربردی نخواهد داشت، عقل هم با تکامل و رشدی که پیدا خواهد کرد امکان کامل دستیابی به ملاکات واقعی احکام را پیدا خواهد کرد. چه این که از ویژگی‌های برجسته حکومت امام عصر(عج) حکم به واقع(امام صادق(ع): «هنگامی که قائم خاندان محمد بپا خیزد، میان مردم به مانند حکم داود، حکم می‌کند ـ حکم به واقع ـ و نیازی به شاهد و بیّنه ندارد.»(علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴)) و زدودن پیرایه‌ها از چهره دین است.(امام صادق(ع): «هنگامی که قائم ما بپا خیزد، مردم را مجدداً به اسلام دعوت می‌کند و به امری رهنمون می‌شود که مردم از آن منحرف شده‌اند.»(همان، ج ۵۱، ص ۳۰))

در عصر ظهور، رشد عقلی وتکامل علمی انسان چگونه است؟

پرسش

در عصر ظهور، رشد عقلی وتکامل علمی انسان چگونه است؟

پاسخ

نقش اصلی دعوت پیامبران در گسترش دانایی وآموزش وتجربه وتعلیم است وایمان از شاخه‌های دانایی وشناخت به شمار می‌رود. پیامبران به انسان‌ها راه ورسم زندگی، هدف ونتیجه آن را می‌آموختند. از سوی دیگر چون هدف از خلقت انسان، رشد وتکامل معرفت وشناخت اوست باید روزی این هدف تحقق یابد وروزگار دانش‌های راستین وپیروزی خرد بر مجهولات فرا رسد. از این رو در دوران ظهور که روزگار تحقق همه آرمان‌های انسانی والهی است، شناخت انسان به تکامل نهایی می‌رسد، ودر ابعاد گوناگون دانایی، از جهان‌شناسی، انسان‌شناسی وخداشناسی، عروج لازم را می‌یابد. در دوران امام زمان (ع)، همه مسائل بشری به هدف اصلی ومرز نهایی می‌رسد، وبشریّت در تلاش اعصار وقرون خویش به محضر استاد ومعلمی راه می‌یابد که نکته‌ای از دید ژرف‌نگر وحقیقت‌بین او پوشیده نیست وهدف او پرده‌برداری از حقایق ومجهولات است وتا سرحد امکان وتوان انسان‌ها، آنان را به اوج تکامل علمی می‌رساند. این موضوع از مهم‌ترین برنامه‌ها واقدام‌های حضرت مهدی (ع) است. واز این رهگذر دو محور اساسی تحقق می‌پذیرد: ۱ - با گسترش شناخت وکشف اسرار کائنات، پایه‌های خداشناسی استوار می‌گردد. ۲ - گسترش شناخت ودانایی، تشکیل جامعه انسانی وبسامان ومرفّه را ممکن می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) فرمود...": تاسعهم قائمهم الذی یملأ اللّه عزّوجلّ به الأرض نوراً بعد ظلمتها، وعدلاً بعد جورها، وعلماً بعد جهلها"؛ "...نهمین از آنان قائم است که خداوند به دست او {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰. پاورقی} سرزمین تاریک [زندگی] را نورانی وروشن می‌کند، واز عدل می‌آکند، پس از [دوران] ظلم، وعلم ودانایی را فراگیر می‌سازد پس از [دوران] جهل ونادانی. "...امام باقر (ع) فرمود": إذا قام قآئمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم وأکمل به احلامهم"؛ "قائم ما به هنگام رستاخیز خویش نیروهای عقلانی توده‌ها را تمرکز دهد {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶. پاورقی} وخردها ودریافت‌های خلق را به کمال رساند".

می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می گویند که و همچنین در کتابها نوشته شده که امام زمان با شمشیر قیام می کند، سؤال من این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مد

پرسش

می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می گویند که و همچنین در کتابها نوشته شده که امام زمان با شمشیر قیام می کند، سؤال من این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مدرن آیا جنگ امام زمان باز هم با سلاحهای سرد خواهد بود؟

پاسخ

در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت: ۱) کلمه «سیف» که در روایات آمده، کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان‌که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد. ۲) آنچه مسلم است سلاح‌های موجود دنیا به گونه‌ای است که نابود کننده هر کسی است که در برد مؤثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان «عج» و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی‌ایمان را از بین می‌برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می‌آید بر ما پوشیده است می‌توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح‌های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایی به نبرد برخیزند و اراده الهی بر از

www.noorfatemah.org

کار افتادن دیگر سلاح‌ها تعلق گیرد. سؤالاتی که درباره ابزار دفاعی آن حضرت قابل طرح است عبارتند از: ۱- آیا ابزار دفاعی آن حضرت سلاح سردی چون شمشیر خواهد بود یا نه ؟ ۲- مفاد روایات اسلامی کدام نظریه را تأیید می کند؟ ۳- آیا تکامل صنعتی و ماشینی در آن روزگار از بین خواهد رفت یا نه ؟ می گوییم برای یافتن پاسخ این سؤالات هم از منابع حدیث و هم از دلایل عقلی می توان کمک گرفت اما به نظر عقل : هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ترقی جامعه متوقف گردد. افزون بر آن یکی از پایه های استقرار حکومت واحد جهانی به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست . پس بعید نیست بگوییم همان گونه که قلم کنایه از علم و فرهنگ است. شمشیر هم کنایه از قدرت و نیروی نظامی می باشد. از همین جا می توانیم به این سخن اعتراف کنیم که نمی توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم . همین اندازه اجمالا می توانیم بگوییم یک سلاح برتر خواهد بود. هم چنان که می دانیم آن سلاح سلاحی نیست که گناهکار و بی گناه را با هم نابود کند. و اما به نظر احادیث : احادیثی که نقل شده , به نوبه خود هر کدام تکامل علوم را در ابعادی مختلف برای انسان گوشزد می کنند. از باب نمونه در کتاب منتخب الاثر عناوین ذیل را مشاهده می کنیم که همگی بر پیشرفت و رشد علوم آن روزگار دلالت می کنند: ۱- باب سوم در این که زمین , کنوز و معادن خود را اظهار می کند. در این باره ده حدیث است . از باب نمونه : موسی بن جعفر(ع) فرمود: برای آن حضرت گنجینه های زمین ظاهر می شود و هر امر دوری، برای ایشان نزدیک می گردد. ۲- باب چهارم : در این که برکات سماوی و ارضی و غیر این دو ظاهر می شوند و در آن ۱۲ حدیث است . از باب مثال : پیامبر(ص) فرمود: در زمان آخر امتم مهدی خروج می کند و حال آن که باران او را سیراب و زمین نباتاتش را بر وی عرضه می کند. ۳- باب یازدهم در این که زمین در دولت وی عمران می یابد. در این زمینه ۵ حدیث وارد شده است . از آن جمله : حضرت فرمود: روی زمین خرابی باقی نمی ماند مگر این که مهدی آن را آباد می کند. ۴- باب دوازدهم در این که امور در عصر ایشان تسهیل پیدا کرده و عقول مردم هم تکامل پیدا می کند و در آن ۷ حدیث نقل شده است . از باب نمونه امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم آل محمد(ص) مؤمنی که در مشرق است برادر خود را که در مغرب است می بیند. همین طور مؤمنی که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است , مشاهده می کند.

وضعیت مردم در زمان حکومت حضرت

با ظهور امام زمان ۷جهان پر از عدل و داد می شود. آیا در این دوره کسی مرتکب افعال قبیح و یا گناه می شود؟ امنیت , آرامش و راحتی انسان ها در زمان حکومت امام زمان ۷و عدم امنیت و سختی و مشقت انسان هایی که قبل از زمان ظهور حضرت زندگی می کنند, چگونه قابل توجیه اس

پرسش

با ظهور امام زمان ۷جهان پر از عدل و داد می شود. آیا در این دوره کسی مرتکب افعال قبیح و یا گناه می شود؟ امنیت , آرامش و راحتی انسان ها در زمان حکومت امام زمان ۷و عدم امنیت و سختی و مشقت انسان هایی که قبل از زمان ظهور حضرت زندگی می کنند, چگونه قابل توجیه است ؟

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . امام زمان ۷با ظهور خود جهان را پر ازعدل و داد می کند و جامعه ای متعالی و آرمانی را بنیان م یگذارد. جامعهء آرمانی و مدینهء فاضله ای که حضرت ایجادمی نماید, از ویژگی های زیر برخوردار است : ۱ حاکمیت فراگیر و جهانی دین خدا: ادارهء جامعهء بشری با سیاست و برنامهء دین خدا صورت می گیرد. در عصرظهور حضرت حجت ۷آرمان والای تشکیل جامعهء بزرگ بشری و خانوادهء انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی دیرینهء همهء پیامبران و امانان و مصلحان برآورده می شود.() (پاورقی ۳.محمد حکیمی , عصر زندگی و چگونگی آیندهء انسان و اسلام , ص ۱۶۱ ۲ مدینه عدل : هیچ ویژگی به اندازهء در حکومت امام زمان ۷روشنی و جلوه ندارد. آن قدرکه در روایات بر ویژگی عدالت گستری امام تأکید شده , بر سایر مسایل چنین الصرار و ابرامی نرفته است و این ,نشان از برجستگی این مهم در مدینهء فاضلهء اسلامی در عصر ظهور حضرت دارد. ۳ مدینهء رفاه و آسایش : مدینهء فاضلهء اسلامی , مدینهء رفاه و آسایش همگانی است . در این جامعهء آرمانی , سخن از کثرت مال , وفور نعمت ها, بارانهای پی در پی , سبکباری و رهایی از بارهای سنگین زندگی , آسودگی از رنج طلب و نیافتن , سخن از ادای قرض تمام بدهکاران و ادای دَین تمام مقروضان است . سخن از عمران و آبادی تمامی عرصه ءجهان است , به گونه ای که چون حضرت مهدی ۷قیام کند, همه خرابی ها آباد می شود.() (پاورقی ۱.مجله حوزه , شماره ۷۰ـ ۷۱ ص ۱۷۴ ۴ مدینهء امن و سلام : وعدهء خداوند مبنی بر این که وحشت و خوفِ مؤمنان را به امنیت و سلام تبدیل می کند, درزمان ظهور حضرت معنا و مصداق کامل می یابد و انسان ها در آن موعد شریف است که می توانند با قلبی آسوده , سربر بالین آرامش بگذارند و زندگی دنیا را دور از خطرهای دلهره آمیز ببینند.() (پاورقی ۲.همان , ص ۱۷۵ ۵ حکومت مستضعفان : تشکیل دولت مستضعفان و تحقق بخشیدن به آرمان والای حکومت مستضعفان , ازبرنامه های اصلی و اقدام های اساسی و تردید ناپذیر امام موعود۷است . در جامعه و نظامی که امام زمان ۷بنیان می نهد, زمام همهء امور در دست طبقات محروم است و مستضعفان به ادارهء جامعه می پردازند. تشکیل جامعهء آرمانی با ویژگی هایی که بر شمردیم , به این معنا نیست که در عصر ظهور حضرت , کسی مرتکب گناه و معصیت نمی شود, بلکه در آن دوران نیز افرادی به مخالفت با حضرت می پردازند. از این رو زندگی در آن عصربه معنای صالح بودن همهء انسان ها نیست . حضرت مهدی ۷به اصلاح جامعهء بشری می پردازد و حکومت صالحان را برقرار می کند. انسان های مؤمن که دل به خدا سپرده اند, از امنیت و آرامش بهره مند هستند ;عاشق حق و عدالت هستند و در هر عصری بر اساس تکلیفی که دارند, انجام وظیفه می کنند و اوامر الهی را انجام می دهند و نواهی را ترک می کنند. شکل گیری جامعهء امن در عصر ظهور حضرت مهدی ۷به این معنا نیست که انسان ها تکلیفی ندارند, بلکه در آن عصر نیز انسان های حق مدار و مؤمن حضرت همراه می شوند. شایان ذکر است انسان های مؤمن و خداجو که منتظران واقعی حضرت هستند, همیشه دعا می کنند از همراهان و یاران حضرت می باشند. کسی که توفیق پیدا کند وجامعهء اَمن زمان ظهور حضرت را درک کند, انسان سعادتمندی است . در هر عصر و زمانی , انسان مکلف به وظایف شرعی است کهبر عهدهء او است , و این راز و رمز سعادت ورستگاری انسان است , خواه در عصر غیبت باشد, خواه عصر ظهور حضرت را درک کند.() (پاورقی ۳.همان , محمد حکیمی , عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام .

هنگامی که امام زمان(ع) ظاهر شوند، باز مردم گناه خواهند کرد؟

پرسش

هنگامی که امام زمان(ع) ظاهر شوند، باز مردم گناه خواهند کرد؟

پاسخ

طبق مفاد آیات وروایت، عصر ظهور، عصر شکوفایی، عدالت اجتماعی و برقراری صلح و سازندگی و تکاملعلم و دین و امنیت و آرامش مردم وجامعه است. قرآن می‌فرماید": ما اراده کردیم بر آنانکه در زمین استضعاف و خوار شدند، منّت گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین و ملک و جاه گردانیم."(۱) رسول گرامی اسلام(ص)فرمود": اگر از روزگار مگر یک روز باقی نماند خداوند مردی از اهل بین مرا بر می‌انگیزد که زمین را از عدل پر کند، چنان که از ستم پر شده باشد."(۲) اما این که آیا در آن عصر کسی گناه می‌کند، پاسخ سؤال روشن است که تا انسان در دنیا وجود دارد، به سبب وجود شیطان و نفس اماره نمی‌تواند از گناه دوری کند؛ اگر چه می‌تواند با نفس اماره و شیطان مبارزه بکند، ما بشر همواره با فتنه و معصیت روبرو است. بعد از وقوع قیامت و حضور مؤمن در بهشت، گناهی سر نمی‌زند و ظلم و بدی دیده نمی‌شود. البته این لطف و منت بزرگ را خداوند بر بشر قرار داده است که روزی در دنیا شاهد آبادانی و حاکمیت عدل به دست صاحب العصر و الزمان باشد واین حقیقت را باید پذیرفت. به دلیل حضور مستقیم حضرت حجت میان مردم، جامعه و جوّ عمومی متأثر شده و عدل و دادش تمام زمین را فرا می‌گیرد و مردم با یکدیگر مهربان شده، با صدق و صفا زندگی می‌کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می‌گیرد و کسی در صدد اذیت و آزار دیگری نخواهد بود. وضع اقتصادی مردم خوب شده، به گونه‌ای که مستحق زکات یافت نمی‌شود، باران‌های نافع و سودمند پی در پی می‌بارد، تمام زمین سبز و خرم می‌شود؛ توجه مردم به خدا زیاد شده و دور گناهان نمی‌گردند. این‌ها نوید ظهور و حضور امام مهدی(عج) است. چون ثواب یا گناه دائر مدار انتخاب و اختیار است و این خمیره در جوهره انسان‌ها وجود دارد، پس تا زمانی که بشر وجود دارد، حُسن یا سوء اختیار با او همراه است و تا زمانی که دنیا وجود دارد، انسان جزئی از موجودات آن است و با اختیار خود زندگی می‌کند. وجود مقدس حضرت اگر چه باعث ایجاد مدینه فاضله خواهد شد و بی عدالتی که بزرگ‌ترین ظلم است، برچیده می‌شود. اما مردم در کردار خود به اقتضای اختیاری که دارند، یا راه ثواب می‌برند و یا خطا کار شده و جزء دشمنان دین و حضرت قرار می‌گیرند. پی نوشت‌ها: ۱ – قصص (۳۸)، آیه ۵. ۲ – منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، ج ۴، ص ۱۴۲.

در زمان حکومت حضرت مهدی(ع)زندگی مردم چگونه است؟

پرسش

در زمان حکومت حضرت مهدی(ع)زندگی مردم چگونه است؟

پاسخ

از احادیث استفاده می‌شود: وقتی مهدی موعود(ع) ظاهر شد و در جنگ پیروز گشت و بر شرق و غرب جهات تسلط یافت، تمام زمین به وسیله یک حکومت جهانی اسلامی اداره می‌شود، برای تمام بلاد و استان‌ها، استان داران لایقی را با برنامه کار و دستورهای لازم گسیل می‌داد. به واسطه کوشش و جدیت آنان، تمام زمین آباد و معمور می‌گردد. حضرت از دور، تمام حوادث و جریانات کشور پهناور را زیر نظر دارد و تمام نقاط زمین مانند کف دستی می‌گردد. اصحاب و یارانش نیز از فاصله‌های دور وی را مشاهده می‌نمایند و با او تکلم می‌کنند. عدل و دادش تمام زمین را فرا می‌گیرد. مردم با هم مهربان شده، با صدق و صفا زندگی

می‌کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می‌گیرد و کسی در صدد آزار دیگری نیست. وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می‌شود، به طوری که مستحق زکات پیدا نمی‌شود. باران‌های نافع پی در پی می‌بارد. تمام زمین سبز و خرم می‌گردد. برکات و محصولات زمین و توجه مردم به خدا زیاد می‌گردد. در امور راه سازی برنامه‌های جالبی را به مرحله اجرا می‌گذارند. در امر راه سازی به قدری جدیت می‌نمایند که حتی مساجدی را که سر راه ساخته شده، خراب می‌کنند. برای خیابان‌ها پیاده رو احداث می‌نمایند. به پیاده‌ها دستور می‌دهند از پیاده رو عبور کنند و به سواره‌ها امر می‌کنند در خیابان شرکت کنند. تمام پنجره هایی را که به کوچه باز شده، مسدود می‌سازد. ازآمدن ناودان در کوچه مانع می‌شوند. پیش آمدگی ساختمانی را خراب می‌کند در عصر مهدی(ع) عقول مردم کامل می‌گردد و سطح معلومات عمومی بالا- می‌رود. ایمان مردم کامل می‌گردد و کینه از دلشان بیرون می‌رود.(۱) پی نوشت‌ها: ۱ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۹.

بهرهٔ مردم دورهٔ ظهور از اجتهاد چگونه و به چه میزان است؟ آیا صحیح است بگوییم با توجه به تکمیل عقول و تهذیب نفوس، مردم و یا برخی از آن ها بهره ای از احکام واقعی می برند و بدون نیاز به امام معصوم(ع) به اطعام دسترسی پیدا می کنند؟

پرسش

بهرهٔ مردم دورهٔ ظهور از اجتهاد چگونه و به چه میزان است؟ آیا صحیح است بگوییم با توجه به تکمیل عقول و تهذیب نفوس، مردم و یا برخی از آن ها بهره ای از احکام واقعی می برند و بدون نیاز به امام معصوم(ع) به اطعام دسترسی پیدا می کنند؟

پاسخ

مقصود از اجتهاد چیست؟ اگر اجتهاد به معنای اصطلاح آن می باشد که عبارت است از استنباط احکام از منابع مشخص که مقلدان از مجتهدان تقلید کنند، اجتهاد بدین معنا در عصر ظهور امام زمان(ع) وجود ندارد و مردم عملاً از آن بهره نمی برند، زیرا اجتهاد بدین معنا، قرار گرفتن در برابر نص است. در عصر حضور، ائمه(ع) عهده دار بیان احکام الهی بوده و به احکام واقعی دسترسی داشته و از ظنّیات و گمان بهره نمی گیرند، بلکه هر چه را که بیان می کنند و احکامی را که صادر می کنند، نصّ بوده و نیاز به اجتهاد ندارد و معصومان به بیان احکام واقعی می پردازند و اجتهاد اصطلاحی نیست. در عصر پیامبر و ائمه(ع) دیگر نیز اجتهاد اصطلاحی وجود نداشته است. در عصر امام زمان(ع) به دلیل حضور امام معصوم(ع) اجتهاد اصطلاحی وجود ندارد، که فقیهان به اجتهاد و استنباط احکام پرداخته و دیگران از آن ها تقلید کنند. به دلیل حضور امام معصوم و بیان احکام واقعی توسط حضرت، عملاً- مردم احکام واقعی را از امام یاد گرفته و بدان عمل می کنند. رشد عقلی و تهذیب نفس مردم موجب نمی شود که مردم احکام را از امام زمان(ع) یاد نگیرند، زیرا بیان احکام الهی که ریشه در قرآن و سنت دارد، باید توسط امام تفسیر و تبیین گردد و امام زمان(ع) همان گونه که رهبری سیاسی مردم را بر عهده دارد، رهبری دینی مردم را نیز عهده دار است؛ یعنی حضرت احکام را بیان می کند. از سوی دیگر در عصر امام(ع) حضرت احکام الهی را آن گونه پیاده می کنند که گویا دین جدید ظهور نموده است.[۳۳] معنای دین جدید آن نیست که حضرت مکتب و آیین جدید را ارائه می دهد، بلکه حضرت با بدعت ها و انحراف ها مبارزه نموده و به گسترش دین می پردازد. طبیعی است معرفی دین واقعی نیاز دارد که امام زمان(ع) به بیان احکام بپردازد و احکام را تبیین کند. اگر اجتهاد بدان معنا باشد که مردم سعی کنند رشد فکری خویش را بالا برده و از آیات و سنت بیشتر و بهتر بهره وری نمایند، و در جایی که نص نیست و دسترسی به امام نداشته باشند، اجتهاد بدین معنا در زمان امام زمان(ع) نیز وجود دارد؛

www.noorfatemah.org

چنان که د رعصر پیامبر(ص) و دیگر ائمه نیز وجود داشت و معصومان(ع) به دیگران می آموختند که در صدد بهره گیری از آیات و سنت باشد. بر همین اساس امام صادق(ع) فرمود" : إنّما علینا إن نلقی إلیکم الاصول و علیکم أن تفرعوا.["۳۴] امام هشتم (ع) نیز فرمود": علینا إلقاء الاصول و علیکم التفریع.["۳۵] از این دو روایت استفاده می شود که هم در زمان حضور و هم در زمان غیبت می توان از آیات و روایات بهره گیری نمود و به تبیین احکام پرداخت. در زمان حضور معصومان(ع) به دلیل گستردگی قلمرو حکومت اسلامی و فراوانی شهر ها، ائمه(ع) نمی توانستند به تنهایی به بیان احکام الهی بپردازند، از این رو نمایندگانی را انتخاب می کردند که در شهر هاک به بیان احکام پرداخته و فتوا دهند. هر گاه آن ها با مشکلات علمی برخورد می کردند، از ائمه می پرسیدند. البته نمایندگان ائمه توان علمی خوبی داشته و قدرت بهره گیری احکام را از کتاب و سنت داشتند، از این رو امام علی(ع) هنگامی که قثم بن عباس را به عنوان فرماندار مکه برگزید به او فرمود" :افت المستفتی و علّم الجاهل؛[۳۶] استفتا کننده را فتوا ده و جاهل را یاد ده. "امام صادق(ع) به ابان بن ثغلب فرمود": در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا ده، زیرا دوست دارم مثل تو میان شیعیانم دیده شود.["۳۷] [۳۳] نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱. [۳۴] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۰ و ۴۱. [۳۵] همان، ص ۴۱۷. [۳۶] اسدالغابه، ج ۴، ص ۱۹۷. [۳۷] جامع الراوه، ج ۱، ص ۹.

درحدیث است وقت ظهور، امام زمان"عج "دست بر سر بندگان خدا می‌کشد و عقولشان کامل می‌شود. آیا ایمانشان نیز کامل می‌شود؟ آیا تمام رذائل اخلاقی آنان از بین می‌رود؟ آیا مؤمنان از هوای نفس به طور مطلق رها می‌شوند؟ آیا به تکامل می‌رسند و مؤمنان از نمونه بندگان خاص

پرسش

درحدیث است وقت ظهور، امام زمان"عج "دست بر سر بندگان خدا می‌کشد و عقولشان کامل می‌شود. آیا ایمانشان نیز کامل می‌شود؟ آیا تمام رذائل اخلاقی آنان از بین می‌رود؟ آیا مؤمنان از هوای نفس به طور مطلق رها می‌شوند؟ آیا به تکامل می‌رسند و مؤمنان از نمونه بندگان خاص می‌شوند؟ وجود حضرت باعث سیر الی الله مؤمنان می‌شود و در سلوک موفق می‌شوند؟

پاسخ

در روایات آمده است که در وقت ظهور، برکات خداوندی به بشر ارزانی داشته و دست رحمت ایزدی بر عقل‌های مردم کشیده می‌شود و مردم از نظر عقل و بصیرت در وضع مطلوب و بی مانندی قرار می‌گیرند. {P . لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰۷. طبیعی است که از این جهت ایمان مردم در وضع مطلوبی قرار می‌گیرد و رذایل اخلاقی مردم کاسته می‌شود چون هر چه آگاهی انسان از حقیقت عالم و زندگی و حقیقت رذایل و فضایل بیشتر شود آن مفاهیم آشکارتر شود، طبعاً انسان‌های بهتر در آن مسیر گام بر می‌دارند، بنابر این مؤمنان به جای دنباله روی از هواهای نفسانی به خِرَدورزی رو می‌آورند، و نسبت به گذشتگان، بیش‌تر در سیر تکاملی قرار می‌گیرند و جزء بندگان خاص می‌شوندو به برکت هدایت مهدوی به سیر و سلوک می‌پردازند. امّا می‌بایست توجه داشت که این سخن را نباید به معنای مطلق آن و برای تک تک انسان‌ها اراده نمود، چرا که تکامل مذکور ماهیت انسان را دگرگون نمی‌سازد. در عصر ظهور انسان‌ها از نظر ماهیت به فرشته تبدیل نمی‌شوند، بلکه بشرند و بشر همواره از دو گونه تمایلات و خصلت‌ها بهره‌مند است. در روایت آمده است که خداوند بشر را که آفرید، او را در مسیر دو راهی عقل و شهوت قرار داد، یعنی انسان همواره با دو جبهه عقلانی و شهوانی روبه رو است، همان چیزی که در روایات از آن به جنود عقل و جنود جهل یاد شده

است. {P . کلینی، کافی، ج ۱، کتاب عقل و جهل، ص ۲۰ – ۲۳. جنود عقل همان صفات و فضایل اخلاقی است که زیر مجموعه تمایلات عالی انسانی و عقل عملی است که آدمی را به سوی خوبی‌ها، سیر و سلوک و لقاءالله حرکت می‌دهد جنود جهل یا صفات و رذایل اخلاقی که زیر مجموعه یا خود غرایز و تمایلات حیوانی است، آدمی را به سوی بدی‌ها و سقوط می‌کشاند. بنابر این می‌گوییم: به مقتضای آیات و روایات، ماهیت بشر این گونه است: وقتی که در انسان، غرایز و تمایلات نفسانی وجود داشته باشد، طبیعی است که در برخی موارد به سوی بدی‌ها گام برداشته شود. تنها برخی از انسان‌ها که به مقام عصمت نایل شده‌اند، توانسته‌اند کاملاً هوای نفس خود را در کنترل عقلشان قرار دهند. این سخن هم عصر غیبت را شامل می‌شود و هم عصر ظهور را. هم در عصر غیبت انسان‌های خوب و مهذب یافت می‌شوند و هم در عصر ظهور انسان‌هایی پیدا می‌شوند که از برخی رذایل اخلاقی برخوردار باشند. تنها تفاوتی که وجود دارد. شدت و ضعف این خوبی‌ها و بدی‌ها در این دو دوره است؛ یعنی اگر در عصر غیبت ظلم و کجی‌ها و رذایل اخلاقی غالب است، در عصر ظهور عدل و انصاف و فضایل انسانی و اخلاقی غلبه دارد. غلبه خوبی‌ها به قدری چشمگیر است که گویی انگار ظلمی و رذیلتی وجود ندارد. همان گونه که در روایت آمده است که در عصر ظهور به برکت وجود امام مهدی" عج "زمین از ظلم و جور پاک می‌شود. {P . لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰۲.

درخصوص پیروزی مستضعفان در آخرالزمان توضیح دهید.

پرسش

درخصوص پیروزی مستضعفان در آخرالزمان توضیح دهید.

پاسخ

در اسلام از پیروزی حق بر باطل و عدالت بر ظلم سخن به میان آمده، پیروزی حق بر باطل با عبارات مختلف بیان شده است. گاهی از حاکمیت دین خدا بر جهان تعبیر شده است؛ (۱) برخی اوقات از حکومت صالحان و پارسایان گزارش شده است. (۲) و گاهی به پیروزی مستضعفان تصریح شده است.(۳) از متون دینی استفاده می‌شود پیروزی مستضعفان و حاکمیت دین حق در زمان ظهور امام زمان(ع) شکل گرفته و پیروزی آنها قطعی است.(۴) درخصوص چگونگی پیروزی مستضعفان باید گفت: امام زمان(ع) بعد از ظهور نخست به دعوت همگان پرداخته و مردم را به پذیرش حکومت جهانی فرا می‌خواند و برخی دعوت اما را اجابت می‌نمایند و امام را در تشکیل حکومت یاری می‌نمایند. عده‌ای دیگر با حضرت به مخالفت می‌پردازند. امام زمان(ع) با آن‌ها مبارزه کرده و بعد از شکست آن‌ها، به تشکیل حکومت موفق شده و مستضعفان به حکومت می‌رسند. در این جا به برخی از آیات اشاره می‌شود: "خداوند به مؤمنان شایسته وعده داده است که آنان را جانشینان خود قرار دهد("...۵) و آیه دیگر": و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین(۶)؛ اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم و آن‌ها را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم. "پی‌نوشت‌ها: ۱ – صف (۶۱) آیه ۹. ۲ – اعراف (۷) آیه ۱۲۸. ۳ – قصص (۲۸) آیه ۵. ۴ – شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۶. ۵ – نور، (۲۴) آیه ۵۵. ۶ – قصص، (۲۸) آیه ۵.

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می‌دانند مقصود از این تکامل چیست؟

پرسش

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می‌دانند مقصود از این تکامل چیست؟

پاسخ

مقصود از این تکامل، تکامل عقل، اندیشه و ایمان، و تکامل فرهنگی و صنعتی است. انقلاب جهانی امام علیه‌السلام و گرایش ملل جهان به حضرتش، و تحقق بخشیدن به حکومت واحد جهانی که یکی از اهداف حضرت بقیةالله ارواحنافداه است، بدون چنین تکاملی، امکان‌پذیر نیست. برخی از شرایط تحقق چنین حکومتی را با استفاده از احادیث بازگو می‌کنیم. الف) آمادگی جهانیان آمادگی جهانیان برای پذیرش چنین حکومتی، نخستین شرط ظهور امام و پی‌ریزی چنین حکومتی است. گذشت زمان، به بن بست رسیدن بشر در بسیاری از مشکلات، یأس و نومیدی انسان از سازمان‌ها و تشکیلات مادی، جامعه انسانی را برای پذیرش آن، آماده می‌سازد. یکی از نشانه‌های یأس و نومیدی انسان از چاره‌جوئی سازمان‌های مادی، همان است که در روایات اسلامی بطور متواتر وارد شده که پیش از ظهور امام، روی زمین را جور و ستم فرا می‌گیرد و فشار ظلم و تعدی، آن‌چنان بر دوش سنگینی می‌کند که انسان را برای پذیرش انقلابی دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی آماده می‌سازد. عملاً می‌فهمد که دوران چاره‌سازی برنامه‌های مادی به پایان رسیده، و بن‌بست جز بیک نیروی غیبی شکسته نخواهد شد. ب- تکامل خرد و اندیشه انسانی پی‌ریزی یک حکومت واحد جهانی و برقراری حکومت عدل و داد در کلیه شؤن، به زور سر نیزه و آتش توپ و تانک امکان نمی‌یابد. هر چند هر نوع حکومتی، به قوه و قدرت محتاج است، اما در عین حال، تنها قدرت و قوه اجرائی نیرومند، قادر بر قلع فساد و گسترش عدل و داد نیست، بلکه باید جامعه انسانی از نظر عقل و خرد و دانش و بینش، به پایه‌ای برسد که طبعاً خواهان برقراری حکومت حق و قانون و طرد و نابودی ظلم و طغیان گردد. و چنین حالتی جز در پرتو تکامل فرهنگ انسانی امکان ندارد. بسیاری از مشکلات در عصر ظهور امام علیه‌السلام، از این طریق حل خواهد شد. امام باقر علیه‌السلام بر این عنصر از عناصر پدیدآرنده حکومت جهانی امام زمان علیه‌السلام در حدیثی تصریح کرده، و می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم» (کافی، ۱/۲۵، طبع جدید) [آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمت و قدرت او را بر سربندگان می‌گذارد، به وسیله او خرد و اندیشه‌های انسانی به تکامل می‌رسد]. ظلم و ستم، تعدی به حقوق الهی و مردمی، زائیده جهل و نادانی، و دور افتادگی انسان از فرهنگ اصیل انسانی است. همچنین جهل و نادانی، مانع از ساختن زیر دریائی و یا سفاین فضائی و راه یافتن بشر به سطح ماه و اعماق دریاها نیست. فرهنگ انسانی، یک فرهنگ تمام عیار است که بخشی از آن را صنعت و اختراع تشکیل می‌دهد در حالی که ابعاد دیگر آن، به «شناخت خود و جامعه»، و «شناخت موقعیت خود در جهان» مربوط می‌شود. چنین شناختی، جز در پرتو تکامل عقول و اندیشه‌ها میسر نمی‌گردد. و در این موضع، انسان آنچنان وارسته از «خودخواهی» و «خودمحوری» می‌گردد. که عشق به کمال و حقیقت را بالاترین کمال می‌داند و تجاوز به حقوق انسان‌ها را نشانه ذلت و عجز و پستی می‌شمارد. ج- تکامل صنایع حکومت واحد جهانی، بدون تکامل صنعت— بالاخص وسائل ارتباط جمعی- امکان‌پذیر نیست، زیرا حکومتی که می‌خواهد ندای الهی را به اقصی نقاط جهان برساند و همه مردم جهان را از پیام خود آگاه سازد، نمی‌تواند بدون تکامل صنایع و وسائل ارتباط جمعی انجام وظیفه کند. حاکم الهی که باید پیام خدا را در یک شب به سراسر جهان ابلاغ کند و وظیفه مردم را در برابر حوادث و رویدادها روشن نماید، باید از وسائل تندرو، و دستگاههای گزارشگر قوی و نیرومندی برخوردار باشد. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی به این نوع از تکامل تصریح کرده است و می‌فرماید: «ان قائمنا اذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و

ابصارهم حتی لایکون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه» (منتخب الاثر، ص ۴۸۳. نقل از «روضه کافی») [آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند بر قدرت شنوائی و بینائی شیعیان، گسترش می‌بخشد، فاصله میان آنها و قائم را از میان برمی‌دارد. امام با آنان سخن می گوید، و آنان سخنان امام را می‌شنوند، و او را در جایگاه خود می‌بینند]. باز در حدیث دیگر فرمود: «ان المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق یری اخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی بالمشرق» (منتخب الاثر ۴۸۳. نقل از حق الیقین) [مؤمن در زمان قائم که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب است می‌بیند. و همچنین کسی که در مغرب زندگی می کند. برادر خود را که در شرق است، مشاهده می کند]. شاید این احادیث، اشاره به تکامل صنعتی، وسائط ارتباط جمعی– تلفن، تلگراف، رادیو و تلویزیون یا وسائل مدرن‌تری باشد، که تا آن روز در پهنه جهان پدید می‌آید، بعلاوه ابزاری که در نتیجه گسترش علم و بروز علوم مکتوم در آن روزگار بوجود خواهد آمد، ضمن آنکه می‌توان احتمال داد مراد از این گونه احادیث، بالا رفتن قدرت معنوی مؤمنین در آن زمان باشد. د- ارتش واحد جهانی هیچ حکومتی هر چه الهی و آسمانی باشد، بی نیاز از یک قدرت اجرائی نیست. در حکومت مهدی علیه‌السلام که به صورت واحد جهانی برقرار می گردد، به نیروهای فعال و سازنده و ارتش مؤمن جهانی نیاز مبرمی است که در راه هدف، از همه چیز بگذرند و در نتیجه شجاع‌تر از شیر و برنده‌تر از شمشیر باشند. و اگر در برخی از روایات، شماره آنان «سیصد و سیزده» نفر و در برخی دیگر «دوازده هزار نفر» احیاناً «پانزده هزار» معین شده است، هدف اشاره به سران آن ارتش مؤمن است که تحت فرمان امام علیه‌السلام انجام وظیفه می کنند، و رعب آنان قلوب دشمنان را پر می کند و در مقام مقابله، دشمن را شکست می‌دهند. و شعار رزمندگان حضرتش: «بمیران بمیران» است. و در راه انجام الهی، از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس ندارند (منتخب الاثر/۴۸۶) هـ - عمران و آبادی همه جا را فرا می گیرد از نظر آیات قرآن طهارت و پاکی مردم از گناه سبب می‌شود که درهای رحمت الهی به روی آنان گشوده شود، و همه جا را نعمت و رفاه فرا گیرد. دوران حکومت امام علیه‌السلام دوران پاکی، طهارت از گناه، و نزاهت از خلاف کاری‌ها است. از این جهت امیرمؤمنان علیه‌السلام درباره نتایج ظهور درخشان او چنین می‌فرماید: «تخرج الارض نبتها و تنزل السماء برکتها و تظهر له الکنوز یملک ما بین الخافقین اربعین عاماً» (منتخب الاثر، فصل نهم، ص ۴۸۷، حدیث ۲) [زمین گیاهان خود را ظاهر می‌سازد، درهای برکت آسمانی گشوده می‌شود گنج‌ها برای او آشکار می‌شود امام چهل سال تمام، بر جهان حکومت می کند]. به امید اینکه آن روز طلائی و نورانی را درک کنیم. و در آن روز جهان افروز، از اصحاب و یاران مولا- و اماممان حضرت بقیةالله-عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- باشیم.

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان((علیه السلام)) در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پرسش

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان((علیه السلام)) در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پاسخ

آزمایش انسانها توسط خداوند منان از سنّت های الهی می باشد که تخلف ناپذیر است و در هر برهه ای از زمان وجود دارد. آیاتی که در قرآن مجید می باشد و صراحت در این امر دارد که خلقت انسانها برای امتحان و آزمایش الهی است و می فرماید: «لنبلونکم

حتّی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلوا خبارکم(؛۱) ما همه شـما را قطعاً می آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شـما کیانند و اخبار شـما را بیازمائیم». و نیز آیات بسیار زیاد دیگری که دلالت صریح بر امتحان الهی دارد که مخصوص هر فردی در هر زمان و دوره ای است و هیـچ گاه این امر جدا از نظام الهی نمی باشد. حتّی در دوره حضـرت حجّهٔ((علیه السـلام)) این سنّت الهی جراین دارد تـا روز قیـامت که دیگر روز حسـاب است نه روز عمـل و امتحـان. پـاورقی ۱ - سوره محمّد((صـلی الله علیه وآله))، آیه ۳۱.

آیا مردمان زمان مهدی((علیه السلام)) همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟

پرسش

آیا مردمان زمان مهدی((علیه السلام)) همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟

پاسخ

یکی از برکاتی که پس از ظهور حضرت ولی عصر((علیه السلام)) ظاهر می شود این است که عقل ها کامل و علم و حکمت واقعی گسترده می شود و همه از آن بهره منـد می گردنـد از امیرالمؤمنینعلی((علیه السـلام)) روایت شـده است که(به کمیـل) فرمودنـد ای کمیـل هیـچ علمی نیست مگر این که من آن را افتتـاح او کردم و قـائم((علیه السـلام)) آن را ختم او می کنـد و نیز فرمود علم را در قلوب مؤمنین می انـدازد و نیز فرمود علم بیست و هفت حرف است آنچه تاکنون پیامبران بیان فرموده انـد دو حرف است پس مردم تا امروز هنوز بیش از دو حرف نشـناخته انـد و چون قائم((علیه السـلام)) قیام کنـد بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورد و آن دو حرف را به آنها ضمیمه کند تا اینکه تمام بیست و هفت حرف را نشر دهد. و از حضرت امام محمد باقر((علیه السلام)) روایت است که فرمود: هرگـاه قائم ما((علیه السـلام)) قیام کنـد دست خود را بر بنـدگان گـذارد پس به برکت آن عقل و هوش ایشان کامل می گردد.

در زندگی امروز ما برای کسب لذات معنوی باید از یک سری لذات مادی و جسمی بگذریم، اگر این امر لازمهٔ وجود انسان است پس در دورهٔ حکومت ولی عصر (عج) که رفاه و آسایش هست چگونه لذات، لذات معنوی می‌باشد؟

پرسش

در زندگی امروز ما برای کسب لذات معنوی باید از یک سری لذات مادی و جسمی بگذریم، اگر این امر لازمهٔ وجود انسان است پس در دورهٔ حکومت ولی عصر (عج) که رفاه و آسایش هست چگونه لذات، لذات معنوی می‌باشد؟

پاسخ

خداوند هرگز بهره‌گیری از مواهب زندگی را تحریم نکرده و داشتن اموال حلال و بهره‌مندی از آنان را عیب نمی‌شمارد دلیل این

مـدعا کلام قرآن است. قرآن می‌فرمایـد ": ای فرزنـدان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسـجد بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد (" ۱) آنگاه با لحن تندتری در پاسخ آنان که گمان می‌کنند تحریم زینتها و پرهیز از غـذاها و روزی‌هـای پـاک و حلال نشانه زهـد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است می‌پردازد و می‌فرمایـد ": ای پیامبر بگو چه کسی زینتهایی را که خدا برای بندگانش آفریده و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده؟ بگو اینها در زندگانی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده‌اند (هر چند دیگران نیز که از شایسـتگی لازم برخوردار نیسـتند از آن بهرمند می‌گردند) و در قیامت تماماً و به طور خـالص برای مؤمنان خواهـد بود ("...۲) در اسـتفاده از نعم الهی و بهره‌منـدی از لـذات مشـروع، و آنچه که مـورد نظر اسـلام است، رعـایت حـد اعتـدال و پرهیز از اسـراف و تجمل پرستی و شـکم بارگی است. اسـلام اسـتفاده از زیبایی‌های طبیعت، لباسـهای زیبا و تنـاسب و به کـار بردن عطر را نه تنهـا مجـاز می‌شـمارد، و سـفارش نیز می‌کنـد. امام حسن (ع) به هنگام نماز زیباترین لباس خود را می‌پوشید. در پاسخ کسانی که علت را سؤال کردند، فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، به همین جهت من لباس زیبا را برای راز و نیـاز بـا پروردگارم می‌پوشم و هم او دسـتور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسـجد برگیریـد (".۳) البته اسـلام زمانی هم که در جامعه افراد محروم و بینوا وجود داشـته باشـند، زینتهای متعادل را نیز نهی می‌کند.(۴) به طور کلی آنچه در اسـلام مـذموم است، دنیـا پرستی و و لـذات نامشـروع و زیاده طلبی‌های جنون آمیز و غیر منطقی است که گاه باعث می‌گردد انسان برای دستیابی به امور مادی مرتکب اعمال خلاف شـرع گردد، و یا به خاطر از دست دادن آنها دچار آشفتگی‌های روحی شود، و یا در صورت برخورداری دچار طغیان و سرکشـی و غرور گردد. از اینرو برخورداری از نعمات الهی و لـذات مادی در عصـر ولایت و حکومت حضـرت ولی عصـر (عـج) بـا آن گستردگی و فراوانی که در روایـات نقل گردیـده، هیـچ منافاتی با کسب معارف الهی و برخورداری از لـذات معنوی در آن روزگـار نـدارد. زیرا لـذات و نعمـات مـادی در صورتی که بـا اسـراف و طغیان و مفاخره همراه نباشد، خود پلی هستند برای شکوفایی عقلها و رشد و بالندگی خصلتهای نیکو و فضایل انسانی، آن گونه در آن عصر اتفاق خواهد افتـاد. امام باقر (ع) دربارهٔ ویژگی‌های آن زمان می‌فرمایـد ": همین که قائم قیام کنـد ثروت را مساوی تقسـیم و عـدالت را بین توده مردم اجرا می‌کنـد (".۵..... ") برکـات از آسـمان بر زمین فرو می‌ریزد و زمین بهترین حاصـل خود را برون می‌دهـد، درختـان تمام میوه خود را می‌آورند، محیط زمین سـر سبز و خرم و عطر آگین می‌شود (". ۶ ") مردم در حمایت قائم قرار می‌گیرند و عقلهایشان شکوفـا و خصـلتهای انسانی آنان کامل و بارور می‌گردد ("..... ۷ ") علم و حکمت چنـدان عمومی می‌شود که زنـان نیز بر اسـاس کتاب خدا و سنت رسول اکرم (ص) حکم می‌کنند ("....۸ ") مردم بر یکدیگر برتر جویی ندارند .... در برابر حق تسـلیم هستند .... و بر اساس آن داوری می‌کنند (".۹) منابع و مآخذ: ۱- اعراف ۳۱ ۲- اعراف ۳۲ ۳- وسایل جلد ۳ـ ابواب احکام الملا بس ـ بنقل از تفسـیر نمونه جلد ۶، صـفحه ۱۵۱ ۴- تفسـیر نمونه جلـد ۶ صـفحه ۱۵۲ ۵- شـناخت اسـلام ـ شـهید بهشتی ـ شـهید بـاهنر ـ گلزاده ـ صفحه ۲۵۱ ۶- همان ۷- همان ۸- همان

اقتصاد، عدالت و مدینه فاضله مهدوی چه ویژگیهایی دارد؟

پرسش

اقتصاد، عدالت و مدینه فاضله مهدوی چه ویژگیهایی دارد؟

پاسخ

آنچه که از روایات استفاده می‌شود وعده تحقق مدینه فاضله در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) به ما داده شده است، مدینه فاضله‌ای که پس از درگیری و جنگ‌هایی که حضرت با ترکان، یهودیان و سپس غربیان کرده و بر آنها غالب می‌شود و بر سرتاسر جهان تسلط می‌یابد، محقق می‌شود. شمارش ویژگی‌های مدینه فاضله که از کتب روایی نقل شده است، شما را در رسیدن به پاسخ پرسشتان یاری می‌کند بلکه افقی فراتر از پرسش در مقابل دیدگانتان می‌گشاید: ویژگی‌های مدینه فاضله در عصر ظهور: ۱-مدینه عدل: آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت گسترش حضرت مهدی تأکید شده بر سایر مسائل چنین حکمی نرفته است و این نشان از برجستگی این مهم در سازمان مدینه فاضله اسلامی در دوران ظهور دارد. ۲-مدینه رفاه: مدینه فاضله اسلامی مدینه رفاه و آسایش همگانی است رفاه و تنعم بدان‌سان که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه نمی‌توان یافت و یک دلیل مهم آن توزع عادلانه ثروت‌ها و منابع در زمان آن حضرت(ع) است. ۳-مدینه امن و سلام: آنچه از حجم زیادی از روایات ظهور برمی‌آید، نشان می‌دهد که مدینه فاضله اسلامی شهر امن و اسلام است آن هم امنیت در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن. ۴-مدینه تربیت: تربیت و پرورش روح انسان‌ها و توجه به اخلاق و فضائل روحی که از اساسی‌ترین برنامه‌های ظهور است در مدینه فاضله زمان حضور حضرت مهدی(عج) معنا یافته و محقق می‌شود مدینه‌ای که در آن سجایا و فضایل انسانی ظهور و بروز دارد. ۵-مدینه علم: دوره ظهور براساس روایات دوران گسترش علم و دانایی است و مدینه فاضله اسلامی مدینةالعلم است وی علاوه بر آن که از علوم زمان حمایت کرده و از آن سود می‌جوید، علوم و دانش‌هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده‌ها مکنون مانده، مطرح ساخته و آن را در سطح جهان گسترش می‌دهد. ۶-مدینه مستضعفان: حکومت در مدینه فاضله به دست توده‌های محروم و مستضعف جامعه است آنان که پیش از ظهور بار سنگین فقر و بیچارگی را تحمل کرده‌اند، در زمان ظهور حضرت به حق مسلم خویش در وراثت و پیشوایی زمین دست می‌یابند. برای اطلاع تفصیلی ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، سازمان تبلیغات اسلامی تهران، چاپ مکرر.

آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه می کند؟ اختیار چه می شود؟ به امید ظهور دولت حق

پرسش

آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه می کند؟ اختیار چه می شود؟ به امید ظهور دولت حق

پاسخ

در جواب سؤال فوق باید گفت که بعد از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه، مانند قبل از ظهور اختیار باقی است و برای انسان امکان گناه کردن می باشد و این مطلبی است مسلم از نظر ادله عقلی و نقلی. ادله عقلی: الف) انسان موجودی است که ذاتا مختار در افعالش می باشد که یک امر وجدانی است که اگر انسان در خود تأمل کند این مطلب را درک می کند. به قول مولوی: این که گوئی این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم و در قرآن کریم هم آیات متعددی ارشاد به این حکم عقل دارند مانند «و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» بگو حق از پروردگارتان است پس هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد انکار کند.(کهف، آیه ۲۹) و ما هیچ دلیلی بر اینکه بعد از ظهور ماهیت انسان متبدل می شود و از او سلب اختیار می شود نداریم علاوه بر اینکه به حکم عقل انقلاب و تبدل در ماهیت محال است. ب) یکی از اصول دین ما معاد است که ما معتقدیم

قیامت برای تمام افراد از اول هستی تا به آخر حتی برای پیامبران و ائمه(ع) ثابت است و هیچ استثنائی در بین نیست و روشن است که مسئله قیامت و ثواب و عقاب فرع صحت تکلیف است و تکلیف متفرع بر اختیار است. «ان الله عز و جل ارحم بخلقه من ان یجبر خلقه علی الذنوب ثم یعذبهم علیها» خداوند نسبت به بندگان خود رحیم تر از آن است که آنان را به گناه مجبور سازد و سپس آنان را کیفر دهد.(توحید شیخ صدوق، باب۵۹، حدیث۳ ص ۳۶۰ حدیث هم از امام باقر علیه السلام و هم از امام صادق علیه السلام نقل شده.) پس اگر معاد برای همه هست باید اختیار هم برای همه باشد. ادله نقلی: الف) خطابات در قرآن کریم یا با لفظ ناس (مردم) است مانند «یا ایها الناس» و یا با مؤمنین مانند «یا ایها الذین آمنوا» و لفظ ناس شامل تمام افراد می شود و هیچ دلیلی هم بر تخصص نداریم. و نسبت به خطاب «الذین آمنوا» یا افراد و انسانهای پس از ظهور ایمان می آوردند که مشمول این خطابات و تکالیف هستند و یا ایمان نمی آورند که باز هم نشانگر اختیار و امکان گناه برای آنان است و هیچ دلیلی بر تخصیص و خروج آن افراد از تحت این خطابات نداریم. ب) روایات که در این زمینه زیاد است. اولا روایاتی که به صورت عام دلالت می کند که شرع و دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت مستمر است و اینکه حلال و حرام دین اسلام تا قیامت استمرار دارد قال رسول الله صلی الله علیه و آله حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه.(اصول کافی ج۲ ص۱۷) پس حلال و حرام های دین اسلام تا قیامت استمرار دارند و روشن است که وجود حلال و حرام منوط بر اختیار انسان است. ثانیا روایاتی که به صورت خاص دلالت می کند که بعد از ظهور، احکام الهی باقی است در کتاب فی ظلال نهج البلاغه ج۲ ص۳۵۷ در ذیل کلام علی علیه السلام که فرمود «ثم لیشحذن فیها قوم ...» می گوید در سایه آموزش و تربیت امام زمان علیه السلام، علما و دانشمندانی بیرون می آیند که به حلا ل و حرام خدا و کتاب و نسبت به پیامبر به خوبی آگاهی دارند. پس در آن زمان هم حلال و حرامی می باشد و چنانچه گفته شد حلال و حرام متفرع بر اختیار است و در روایات دیگر که در این زمینه می توانید به کتاب مناهل الابرار فی تلخیص بحارالانوار حسین درگاهی، جلسه ۹ مراجعه فرمائید. شبهه ای که در این جا ممکن است مطرح شود این است که در روایات زیادی وارد شده که در زمان ظهور حضرت، جهان پر از عدل و داد می شود و ظلم و جور کلا مرتفع می شود. قال الباقر علیه السلام: «یملأ الارض عدلا»(مناهل الابرار، ج۹ ص۱۴۲) و اینکه در آن زمان هیچ ظلمی نمی شود، «و ارتفع فی ایامه الجور»(مجموعه آثار استاد مطهری، ج۱۸ ص۱۶۴) در زمان حضرت، ظلم کلا از بین می رود. خوب به مقتضای این روایات اگر زمان ظهور همه جا عدل است و هیچ ظلمی محقق نمی شود معنایش این است که امکان گناه نیست چون گناه بزرگترین ظلم است. لیکن در جواب می گوئیم این روایات نه فقط دلالت بر عدم امکان گناه و بی اختیار بودن انسان نمی کند بلکه کاملا عکس مطلب را اثبات یعنی دلالت بر وجود اختیار و امکان گناه می کند که این مطلب نیاز به توضیح دارد. اولا می دانیم که مقصود از عدل در این روایات عدل در مقابل ظلم است نه عدل تکوینی که در نظام هستی است که «بالعدل قامت السماوات و الارضون» (تفسیر صافی(الاصفی) ، ج ۲، ص ۱۲۴۱، ذیل آیه «ووضع المیزان» چاپ دفتر تبلیغات اسلامی). و این معنای از عدل، در جایی امکان تحقق دارد که امکان ظلم باشد چون به اصطلاح علما منطق رابطه ظلم و عدل رابطه ملکه و عدم ملکه است که در جائی می توان گفت فعل عادلانه است که امکان ظالمانه بودنش باشد و اگر در جائی امکان ظلم نباشد و انسان مجبور به یکطرف باشد دیگر اطلاق عدل معنا ندارد. پس اینکه معصومین علیهم السلام می فرمایند «یملأ الارض عدلا» خود دلالت دارد که امکان ظلم هم هست و چون اساسا موضوع عدل و ظلم تشریعی در افعال اختیاری انسان معنا دارد پس اختیار هم باقی است. نکته مهم دیگر این است که اختیار داشتن انسان بدین معنا نیست که حتما باید ظلم و گناه کند آنچه مثبت اختیار است امکان گناه و ظلم است نه تحقق گناه. ممکن است بفرمائید که اگر در آن زمان هم مثل این زمان امکان ظلم و گناه هست پس چرا ظلم نمی شود؟ در جواب می گوئیم جواب این سؤال به صورت بسیار زیبا در روایاتی که خصائص آن زمان را بیان می نماید وارد شده می دانیم که ریشه گناه غلبه کردن هوای نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بیندیشد هرگز گناه نمی کند و در روایات وارد

شـده که در آن زمـان عقل انسان ها کامل می گردد.(بحارالانوار ج۵۲ ص۳۳۶) و علی علیه السـلام می فرماید: «یعرض الهوی علی الهدی»(نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸) گفته شده منظور از هدی در اینجا بقرینه ما بعد کلام حضرت عقل است که خوبی و بدی افعال را درک می کنـد.(امامت و رهبری، محمد حسـین مختاری مازندرانی، ص۳۶۱) پس در آن زمـان چون عقول کامـل می شود و هوای نفس تابع عقل می گردد کسـی به کسـی ظلم نمی کنـد گرچه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است. البته هرچنـد ظلم به دیگران در حکومت عـدل حضـرت جائی ندارد اما گناه شخصـی و ظلم به نفس ممکن است. به ویژه رسـیدن به اوج کمال و فهم و ترقی در حکومت جهـانی حضـرت به تدریـج است نه یکباره لـذا در ابتـدای حکومت، اهل کتاب با اعتقاد خودشان تحت حکومت حضـرت زندگی می کنند و با آنان مدارا می شود و به تدریج آنان هم مسـلمان می شود. «اللهم ارنا الطلعه الرشیده و الغره الحمیده» (گوشه ای از دعای شریف عهد در مفاتیح الجنان)

در حکومتی که امام زمان به وجود خواهد آورد وضـعیت زنان چگونه خواهد بود آیا بر اساس اسـلامی است که علماء قدیم آن را تبلیغ می کردند که در آن نسبت به زنان بدگویی بسیار می کردند و زنان فعالیت های اجتماعی نداشتند و تحصیل برای آنها فقط در حد احکام شرعی و قرائت قرآ

پرسش

در حکومتی که امام زمان به وجود خواهـد آورد وضـعیت زنان چگونه خواهد بود آیا بر اساس اسـلامی است که علماء قدیم آن را تبلیغ می کردند که در آن نسـبت به زنان بدگویی بسـیار می کردند و زنان فعالیت های اجتماعی نداشـتند و تحصیل برای آنها فقط در حد احکام شـرعی و قرائت قرآن بود یا بر اساس این منطق اسـتکه زنان می توانند در امور مختلف جامعه مشارکت داشته باشند و در جامعه ای که فقط شایسته سالاری حاکم است نه مرد سالاری؟

پاسخ

روش حکومت امـام مهـدی(عـج) همـان روش حکومت پیامبر گرامی اسـلام(ص) و امیرمؤمنان(ع) است. با این تفاوت که مزاحمت هـایی که در آن زمـان بوده بر امـام زمـان(عـج) وارد نمی شود و همه مردم – اعم از مرد و زن – با توجه به شایسـتگی خود در نظام سراسـر عـدل و معنویت امام بارور می شونـد و امکان می یابنـد از حداکثر قدرت و توان خود بهره بردارند. بنابراین چنین جامعه ای شایسـته سالار است. البته آنچه درباره علماء قدیم بیان داشته اید، صرف تبلیغ سوء علیه آنهاست وگرنه بسیاری از دختران و همسران علماء گذشـته ما در حـد بالای معرفتی و علمی بوده انـد که این دختران و همسـران توسط همین علماء تربیت شـده بودنـد. اما بحث عدم فعالیت اجتماعی زنان؛ عوامل دیگری داشت که جای بحث آن اینجا نیست.

آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی هم گرایی دارد یا واگرایی?

پرسش

آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی هم گرایی دارد یا واگرایی?

پاسخ

برای رسیدن به پاسخی مناسب در این رابطه ابتدا می‌بایست ویژگی‌های جامعه مهدوی را از نظر گذراند آنچه در منابع و متون دینی و روایی ما در خصوص حکومت مهدوی وجود دارد گویای آن است که رکن اصلی و خمیرمایه بنیادین حرکت جهانی امام زمان(عج) گسترش همه جانبه و تقویت و توسعه توحید و یگانه‌پرستی و در کنار آن مبارزه فراگیر و مستمر با همه تفکرات و جریانات انحرافی و الحادی است. در نهضت مهدوی آموزه‌ها و تعالیم فراموش شده پیامبران الهی زنده شده و از پیرایه‌های خرافی و تحریف‌ها پاک می گردد. حکومتی یگانه و واحد بر اساس قوانین ومعیارهای الهی برپا می گردد و کلیه دستگاههای استبدادی در نهاد حکومت و قدرت زایل می گردد و از بین می‌رود. در حکومت مهدوی محرومان و مستضعفان و بندگان صالح و مؤمن خداوند از جایگاه رفیعی برخوردارند. نظام فرهنگی مرکب از ارزش‌ها و هنجارها، عقاید و باورها، آرمانها و... براساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت معصومین(ع) شکل می گیرد و همه اجزاء و عناصر اجتماعی متأثر از این نظام فرهنگی است. عدالت‌جوئی و عدالت‌خواهی و تلاش در راستای برقراری عدالت و رفع کلیه مظاهر ظلم و بی‌عدالتی از جمله ارکان حکومت امام زمان(عج) است. مبارزه همه جانبه و مستمر با منکرات و عوامل اجرائی و شیوع آن از جمله برنامه‌ها و سیاست‌های اصولی در حکومت جهانی مهدوی است. رشد و توسعه همه جانبه و فراگیر در همه ابعاد و شئون اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... بهره‌کشی از منابع طبیعی، توزیع عادلانه فرصت‌های اجتماعی و برقراری روابط صمیمانه و صلح‌آمیز همراه با عظمت و شوکت جامعه اسلامی در سطح بین‌الملل، ایجاد روابط صمیمانه و دوستی متقابل در بین افراد و در سطح فرد و... همه و همه از جمله خصوصیات و ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام است و رکن اصلی همه آنها را حکومت و مدیریت سیاسی واحد در سطح جهانی تشکیل می‌دهد. آنچه تا کنون بیان شد گویای آن است که درحکومت مهدوی همه متغیرها و الگوها برآمده از دین و در راستای تحقق و تحکیم بنیان‌های دینی می‌باشد که خصیصه اصلی جامعه مهدوی است. در موضوع جهانی شدن، متغیرها و الگوهایی را می‌توان به عنوان نمونه ذکر نمود؛ از جمله آنها شکسته شدن مرزهای ملی و فرهنگی و به جای آن تداخل آنها و تلاش در زمینه ایجاد و تفاهم بر اصول مشترک فرهنگی و دست کشیدن از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... افزایش ارتباطات و تعاملات جهانی و نزدیک کردن آن از حیث زمان و مکان به کمک وسایل و فن‌آوری‌های جدید ارتباطی و الکترونیکی، تبدیل نهادهای اجتماعی و ملی به نهادهای جهانی و توافق جهانی ملت‌ها بر باورها و ارزش‌های مشترک و یکسان‌سازی جهان‌بینی‌ها، کاهش و حذف سنت‌ها و عناصر اجتماعی هویت‌ساز، ایجاد و گسترش سازمانهای جهانی و تأکید بر نهادهای سیاسی ـ اقتصادی جهانی، ایجاد و تأکید بر روابط اقتصادی جهانی و پول جهانی به عنوان ابزار مبادله اقتصادی و... دقت و تأمل در فرآیند جهانی شدن و جهانی‌سازی مبتنی بر اصل حذف دین و باورها و سنت‌های دینی و به جای آن تأکید بر سکولاریسم، دموکراسی و پلورالیزم است. با توجه به بیان خصوصیت‌ها و ویژگی‌ها در دو نوع حکومت و نگرش، معلوم می گردد که این دو از جهاتی شبیه به یکدیگر و در نتیجه هم‌گرایی دارند. این هم‌گرایی و شباهت در اصل کل جهانی شدن و وحدت جهانی استوار است اما در تعیین محتوا و الگوها کاملاً مغایر با یکدیگرند زیرا آنچه امروزه به عنوان جهانی شدن مطرح است فی‌الواقع «غربی شدن» را تبلیغ و ترویج می‌کند. روش و مَنشی که بدنبال حذف دین و آموزه‌های دینی و ملی جوامع و فرهنگ‌های محلی و ملی است و به جای آن حاکمیت جهان‌بینی سکولار و عاری از این که از دستگاههای تبلیغاتی غرب به خورد جوامع و ملل داده می‌شود. بنابراین در تعیین محتوای جهانی شدن واگرایی جدی و اصولی وجود دارد.

آیا در عصر ظهور، زندگی بشر سامان می‌یابد؟

پرسش

آیا در عصر ظهور، زندگی بشر سامان می‌یابد؟

پاسخ

در زیارت نامه‌ها وروایاتی که درباره حضرت مهدی (ع) وعصر ظهور رسیده به زندگی اصیل ودرست انسان در پرتو فروغ جاودانه تعالیم امام مهدی (ع) اشاره رفته است. در زیارتی درباره حضرت مهدی (ع) می‌خوانیم... ": السلام علی ربیع الأنام ونضرة الایام"؛ "...سلام بر بهاران زندگی مردمان وطراوت روزگاران. {"...پاورقی . مفاتیح الجنان، ص ۵۳۱. پاورقی} امام حسین (ع) فرمود": منّا اثنیعشر مهدیّاً... وآخرهم التاسع من ولدی وهو القآئم بالحقّ، یحیی اللّه به الأرض بعد موتها"؛ " ...در خاندان ما دوازده مهدی است... آخر آنان نهمین {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷. پاورقی} فرزند من است که به حقّ قیام کند، وخداوند زمین مرده را به دست او زنده کند. "...امام صادق (ع) در تفسیر آیه {اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِی الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها...} فرمود": یعنی خداوند زمین را با عدل قائم در رستاخیز ظهور او زنده می گرداند، پس از آنکه از ستم فرمانروایان ضلالت مرده باشد. {"...پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۵. پاورقی}

وضعیت امنیت اجتماعی در عصر ظهور چگونه است؟

پرسش

وضعیت امنیت اجتماعی در عصر ظهور چگونه است؟

پاسخ

امنیت اجتماعی، امنیّت در بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی را شامل می‌شود. یعنی امنیت در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، دفاعی، فرهنگی و غیره. امنیت اجتماعی زمینه همه فعالیت‌های درست ومفید اجتماعی وشرط لازم رشد وتکامل فرد وجامعه است. امام مهدی (ع) پدید آورنده امنیّت اجتماعی است، امنیتی که بشریّت در تمام دوران تاریخ خود مانند آن را ندیده است. امام صادق (ع) در تفسیر آیه {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً...}، فرمود: این آیه درباره قائم ویارانش نازل شده {پاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پاورقی} است.

عصر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام از حیث رشد تربیتی چگونه است؟

پرسش

عصر ظهور حضرت مهدی‌علیه‌السلام از حیث رشد تربیتی چگونه است؟

پاسخ

تکامل تربیت وبلوغ روحی انسان از جمله برنامه‌های مهمّ قیام امام مهدی (ع) است. حضرت برنامه خود را از این نقطه زیربنایی آغاز می‌کند تا برنامه‌های دیگر او به شایستگی انجام یابد، وزمینه‌ها وشرایط وعوامل اصلی صلاح، شایستگی، بسامانی، رفاه، عدالت، دادگری، قانون‌شناسی، تعهدپذیری، مهرورزی، محبّت، ایثار وفداکاری در سطح جامعه‌ها پدیدار گردد. امام علی (ع) فرمود... ": ولو قد قام قآئمنا لذهبت الشحنآء من قلوب العباد"؛ "...چون قائم{پاورقی . منتخب الاثر، ص ۴۷۴. پاورقی} ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود ".امام باقر (ع) فرمود": إذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد... وأکمل به أخلاقهم؛{"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶. پاورقی"} هنگامی که قائم ما رستاخیز کند دستش را بر سر مردم می‌گذارد... واخلاق آنان را تکامل بخشد".

وضعیت مردم در عصر ظهور از حیث رفاه اقتصادی چگونه است؟

پرسش

وضعیت مردم در عصر ظهور از حیث رفاه اقتصادی چگونه است؟

پاسخ

از برنامه‌ها واقدام‌های امام مهدی (ع) پدید آوردن رفاه اقتصادی در سطح کلّ جامعه بشری است. بخش عظیم ومهمّی از مسائل عقب‌ماندگی ووابستگی وکمبود مواد غذایی به دو عامل بستگی دارد که با یکدیگر ارتباط دارند: ۱ – نظام اقتصادی استعمارگر حاکم بر جهان. ۲ – نظام سیاسی حاکم بر جامعه که همواره به زیان ملت‌های خود گام بر می‌دارند. در رستاخیز ظهور حضرت مهدی (ع) این بندها ودام‌ها از سر راه برداشته می‌شود، وعوامل سلطه بر فکر وفرهنگ واقتصاد وسیاست جهانی وکشورها نابود می‌گردد. احادیث درباره رفاه اقتصادی دوران ظهور بسیار است وشاید از جمله مسائلی باشد که بیشترین تأکید بر آن شده است، وشاید پس از اصل عدالت دومین موضوعی باشد که در آن دوران در جامعه‌ها پدید می‌آید. واین هر دو با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند؛ زیرا که اجرای عدالت برای از میان بردن روابط ظالمانه وغاصبانه آکل ومأکول است تا اقویا حقّ ضعیفان را نخورند وآنان را محروم نسازند. بنابراین، رفاه اقتصادی برای همه، با اجرای اصل عدالت اجتماعی وبرپایی قسط قرآنی امکان‌پذیر است، بلکه رفاه وبی‌نیازی، از میوه‌های درخت تناور عدل است، وامام با تحقق بخشیدن به اصول دادگری وعدالت اجتماعی، همگان را به زندگی درست وسازمان یافته می‌رساند. امام صادق (ع) می‌فرماید": إنّ قائمنا إذا قام أشرقت الأرض بنور ربّها،... ویطلب الرجل منکم من یصله بماله ویأخذ من زکاته لایوجد أحد یقبل منه ذلک. استغنی الناس بما رزقهم اللّه من فضله"؛ "هنگام رستاخیز قائم ما، زمین با نور خدایی بدرخشد... وشما به جست‌وجوی{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷. پاورقی} اشخاصی بر می‌آیید که مال یا زکات بگیرند، وکسی را نمی‌یابید که از شما قبول کند، ومردمان همه به فضل الهی بی‌نیاز می‌گردند".

پیامبراکرم (ص) فرمود": امّت من در زمان مهدی (ع) به نعمت‌هایی دست یابند که پیش از آن ودر هیچ دوره‌ای دست نیافته بودند. در آن روزگار، آسمان باران فراوان دهد، وزمین روییدنی را در دل خود نگاه ندارد. {"پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۸۲. پاورقی} در حدیثی دیگر پیامبر اکرم (ص) فرمود...": خداوند برای قائم (ع) گنج‌ها ومعادن زمین را آشکار می‌سازد. {"...پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۱۳. پاورقی} امام باقر (ع) فرمود... ": تطوی له الأرض... فلایبقی فی الأرض خراب إلّا قد عمر؛{"...پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱. پاورقی..."} زمین برای قائم ما در هم پیچیده می‌شود و... در زمین جای ناآبادی باقی نمی‌ماند. "...همچنین امام باقر (ع) فرمود": وتظهر له الکنوز..."؛ "...برای قائم ما گنج‌ها آشکار{پاورقی . کمال الدین ج ۱، ص ۳۳۱. پاورقی} می گردد."...

کثرت اموال در عصر ظهور از چه راهی حاصل می‌شود؟

پرسش

کثرت اموال در عصر ظهور از چه راهی حاصل می‌شود؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق چند احتمال وجود دارد: ۱ - اینکه کثرت اموال در دست مردم از راه معجزه وبه برکت وجود امام زمان (ع) در میان مردم باشد. این احتمال از جهاتی قابل مناقشه است: اولاً: این نظریه خلاف قانون معجزات است، زیرا قرار نیست که همه کارها با معجزه صورت پذیرد. سعادت انسان که عصر ظهور زمینه‌ساز آن است در این است که از راه طبیعی به کمال خود برسد. ثانیاً: سیاق روایات در این باب به تشکیل نظامی اقتصادی عادل اشاره دارد که بشر می‌تواند در پرتو آن درآمد کافی ووافر داشته باشد. واین معنا با اعجاز سازگاری ندارد. ۲ - اینکه وفور مال ونعمت‌ها به جهت گسترش زراعت وکشاورزی وتجارت است، گر چه الطاف خداوند متعال نیز در توفیر این گونه نعمت‌ها مؤثر است. ۳ - اینکه توفیر مال به جهت دسترسی وسیطره بر بانک‌های بزرگ در عالم باشد، به جهت آنکه بیشتر اموالی که در آنها نهفته‌اند، غصبی وحرام ونامشروع است، لذا حکومت عدل جهانی آنها را به طور مساوات بین مردم تقسیم می کند.

آیا در حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟

پرسش

آیا در حکومت حضرت مهدی‌علیه‌السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، اصلاحات حضرت مهدی (ع) فراگیر بوده وشامل همه افراد روی زمین خواهد شد. از امام حسن مجتبی

(ع) نقل شده که فرمود": خداوند در آخرالزمان مردی را برمی‌انگیزاند که کسی از منحرفان وفاسدان نمی‌ماند مگر اینکه اصلاح گردد.{"پاورقی . اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴. پاورقی} امام باقر (ع) می‌فرماید": هنگامی که حضرت قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان خدا می گذارد وخردهایشان را جمع کرده (تمرکز می‌بخشد ورشد می‌دهد)، اخلاقشان را کامل می کند.{"پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۵. پاورقی} رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه (س) می‌فرماید": خداوند از نسل این دو (حسن وحسین (علیهما السلام)) شخصی را برمی‌انگیزد که دژهای گمراهی را می گشاید ودل‌های سیاه قفل خورده را تسخیر می‌نماید.{"پاورقی . عقدالدرر، ص ۱۵۲ ؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۸. پاورقی}

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می‌دانند مقصود از این تکامل چیست؟

پرسش

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می‌دانند مقصود از این تکامل چیست؟

پاسخ

مقصود از این تکامل، تکامل عقل، اندیشه و ایمان، و تکامل فرهنگی و صنعتی است. انقلاب جهانی امام علیه‌السلام و گرایش ملل جهان به حضرتش، و تحقق بخشیدن به حکومت واحد جهانی که یکی از اهداف حضرت بقیةالله ارواحنافداه است، بدون چنین تکاملی، امکان‌پذیر نیست. برخی از شرایط تحقق چنین حکومتی را با استفاده از احادیث بازگو می کنیم. الف) آمادگی جهانیان آمادگی جهانیان برای پذیرش چنین حکومتی، نخستین شرط ظهور امام و پی‌ریزی چنین حکومتی است. گذشت زمان، به بن بست رسیدن بشر در بسیاری از مشکلات، یأس و نومیدی انسان از سازمان‌ها و تشکیلات مادی، جامعه انسانی را برای پذیرش آن، آماده می‌سازد. یکی از نشانه‌های یأس و نومیدی انسان از چاره‌جوئی سازمان‌های مادی، همان است که در روایات اسلامی بطور متواتر وارد شده که پیش از ظهور امام، روی زمین را جور و ستم فرا می گیرد و فشار ظلم و تعدی، آن‌چنان بر دوش سنگینی می کند که انسان را برای پذیرش انقلابی دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی آماده می‌سازد. عملاً می‌فهمد که دوران چاره‌سازی برنامه‌های مادی به پایان رسیده، و بن‌بست جز بیک نیروی غیبی شکسته نخواهد شد. ب- تکامل خرد و اندیشه انسانی پی‌ریزی یک حکومت واحد جهانی و برقراری حکومت عدل و داد در کلیه شؤن، به زور سر نیزه و آتش توپ و تانک امکان نمی‌یابد. هر چند هر نوع حکومتی، به قوه و قدرت محتاج است، اما در عین حال، تنها قدرت و قوه اجرائی نی□...ЛЬŞŘقادر بر قلع فساد و گسترش عدل و داد نیست، بلکه باید جامعه انسانی .....نظر عقل و خرد و دانش و بینش، به پایه‌ای برسد که طبعاً خواهان برقراری حکومت حق و قانون و طرد و نابودی ظلم و طغیان گردد. و چنین حالتی جز در پرتو تکامل فرهنگ انسانی امکان ندارد. بسیاری از مشکلات در عصر ظهور امام علیه‌السلام، از این طریق حل خواهد شد. امام باقر علیه‌السلام بر این عنصر از عناصر پدیدآرنده حکومت جهانی امام زمان علیه‌السلام در حدیثی تصریح کرده، و می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم» (کافی، ۱/۲۵، طبع جدید) [آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمت و قدرت او را بر سربندگان می گذارد، به وسیله او خرد و اندیشه‌های انسانی به تکامل می‌رسد]. ظلم و ستم، تعدی به حقوق الهی و مردمی، زائیده جهل و نادانی، و دور افتادگی انسان از فرهنگ اصیل انسانی است. همچنین جهل و نادانی، مانع از ساختن زیر دریائی و یا سفاین فضائی و راه یافتن بشر

به سطح ماه و اعماق دریاها نیست. فرهنگ انسانی، یک فرهنگ تمام عیار است که بخشی از آن را صنعت و اختراع تشکیل می‌دهد در حالی که ابعاد دیگر آن، به «شناخت خود و جامعه»، و «شناخت موقعیت خود در جهان» مربوط می‌شود. چنین شناختی، جز در پرتو تکامل عقول و اندیشه‌ها میسر نمی گردد. و در این موضع، انسان آنچنان وارسته از «خودخواهی» و «خودمحوری» می گردد. که عشق به کمال و حقیقت را بالاترین کمال می‌داند و تجاوز به حقوق انسان‌ها را نشانه ذلت و عجز و پستی می‌شمارد. ج- تکامل صنایع حکومت واحد جهانی، بدون تکامل صنعت— بالاخص وسائل ارتباط جمعی- امکان‌پذیر نیست، زیرا حکومتی که می‌خواهد ندای الهی را به اقصی نقاط جهان برساند و همه مردم جهان را از پیام خود آگاه سازد، نمی‌تواند بدون تکامل صنایع و وسائل ارتباط جمعی انجام وظیفه کند. حاکم الهی که باید پیام خدا را در یک شب به سراسر جهان ابلاغ کند و وظیفه مردم را در برابر حوادث و رویدادها روشن نماید، باید از وسائل تندرو، و دستگاههای گزارشگر قوی و نیرومندی برخوردار باشد. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی به این نوع از تکامل تصریح کرده است و می‌فرماید: «ان قائمنا اذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم حتی لایکون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه» (منتخب الاثر، ص ۴۸۳. نقل از «روضه کافی») [آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند بر قدرت شنوائی و بینائی شیعیان، گسترش می‌بخشد، فاصله میان آنها و قائم را از میان برمی‌دارد. امام با آنان سخن می گوید، و آنان سخنان امام را می‌شنوند، و او را در جایگاه خود می‌بینند]. باز در حدیث دیگر فرمود: «ان المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق یری اخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی بالمشرق» (منتخب الاثر ۴۸۳. نقل از حق الیقین) [مؤمن در زمان قائم که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب است می‌بیند. و همچنین کسی که در مغرب زندگی می کند. برادر خود را که در شرق است، مشاهده می کند]. شاید این احادیث، اشاره به تکامل صنعتی، وسائط ارتباط جمعی— تلفن، تلگراف، رادیو و تلویزیون یا وسائل مدرن‌تری باشد، که تا آن روز در پهنه جهان پدید می‌آید، بعلاوه ابزاری که در نتیجه گسترش علم و بروز علوم مکتوم در آن روزگار بوجود خواهد آمد، ضمن آنکه می‌توان احتمال داد مراد از این گونه احادیث، بالا رفتن قدرت معنوی مؤمنین در آن زمان باشد. د- ارتش واحد جهانی هیچ حکومتی هر چه الهی و آسمانی باشد، بی نیاز از یک قدرت اجرائی نیست. در حکومت مهدی علیه‌السلام که به صورت واحد جهانی برقرار می گردد، به نیروهای فعال و سازنده و ارتش مؤمن جهانی نیاز مبرمی است که در راه هدف، از همه چیز بگذرند و در نتیجه شجاع‌تر از شیر و برنده‌تر از شمشیر باشند. و اگر در برخی از روایات، شماره آنان «سیصد و سیزده» نفر و در برخی دیگر «دوازده هزار نفر» احیاناً «پانزده هزار» معین شده است، هدف اشاره به سران آن ارتش مؤمن است که تحت فرمان امام علیه‌السلام انجام وظیفه می کنند، و رعب آنان قلوب دشمنان را پر می کند و در مقام مقابله، دشمن را شکست می‌دهند. و شعار رزمندگان حضرتش: «بمیران بمیران» است. و در راه انجام الهی، از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس ندارند (منتخب الاثر/۴۸۶) هـ - عمران و آبادی همه جا را فرا می گیرد از نظر آیات قرآن طهارت و پاکی مردم از گناه سبب می‌شود که درهای رحمت الهی به روی آنان گشوده شود، و همه جا را نعمت و رفاه فرا گیرد. دوران حکومت امام علیه‌السلام دوران پاکی، طهارت از گناه، و نزاهت از خلاف کاری‌ها است. از این جهت امیرمؤمنان علیه‌السلام درباره نتایج ظهور درخشان او چنین می‌فرماید: «تخرج الارض نبتها و تنزل السماء برکتها و تظهر له الکنوز یملک ما بین الخافقین اربعین عاماً» (منتخب الاثر، فصل نهم، ص ۴۸۷، حدیث ۲) [زمین گیاهان خود را ظاهر می‌سازد، درهای برکت آسمانی گشوده می‌شود گنج‌ها برای او آشکار می‌شود امام چهل سال تمام، بر جهان حکومت می کند]. به امید اینکه آن روز طلائی و نورانی را درک کنیم. و در آن روز جهان افروز، از اصحاب و یاران مولا- و امامان حضرت بقیةالله-عجل الله تعالی‌فرجه‌الشریف‌وارواحنالتراب مقدمه الفداء- باشیم.

موضوع پرسش: ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت

اشاره

ـ انقلاب و تحقق آرمان هایش چگونه زمینه ساز ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی(می شود؟

پرسش

موضوع پرسش: ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت ـ انقلاب و تحقق آرمان هایش چگونه زمینه ساز ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی(می شود؟

پاسخ

اگر ما به سیستم آموزشی کشورمان و همچنین تمام کشورهای جهان نظری بیاندازیم، می بینیم که آموزش دانش‌آموزان در مقاطع مختلف، متناسب با سطح علمی و سن و سال دانش آموزان می باشد، مثلاً شما که در مقطع اول دبیرستان مشغول به تحصیل هستید، در ابتدا در کلاس اول دبستان، در درس ریاضی با اعداد آشنا شدید و بعد جمع و تفریق و سپس تقسیم و رادیکال و همینطور به مراتب که سال تحصیلی شما بالاتر رفت، به میزان اطلاعات شما افزوده شد و زمینهٔ فراگیری اطلاعات بیشتری برای شما فراهم شد. اگر در کلاس اول دبستان، قبل از اینکه با اعداد آشنا شوید، به شما تقسیم و رادیکال را درس بدهند، قطعاً قادر به یادگیری تقسیم و رادیکال نخواهید بود. جامعهٔ بشری نیز همینطور است، باید افراد جامعه به یک بلوغ فکری و معنوی مناسب، برای تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی(برسند. اگر جامعهٔ بشری به سطح لازم نرسد، امام علی(در آن جامعه، ۲۵ سال خانه نشین می شود و وقتی که به مردم می گوید از من هر سؤالی دارید بپرسید، قبل از اینکه از میانتان بروم، شخصی می‌پرسد که تعداد موهای ریش من چند تا است؟ و حضرت در جواب می گوید اگر من جواب بدهم، به چه درد تو خواهد خورد و یا اگر جامعه آمادهٔ آن حکومت جهانی نباشد، امام معصوم در مسلخ کربلا ذبح می شود. برای اینکه پاسخ شما را بطور کامل بدهیم، باید ابتدا ویژگیهای حکومت حضرت مهدی(را برایتان ذکر نماییم. امام زمان(جامعه اش بر این چند پایه استوار است : اول : بر نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه های ظلم و طغیان؛ نه اینکه فقط در ایران نباشد، بلکه در همهٔ دنیا نباشد، نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ ستمی در آن جامعه، دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار و اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و گردن کلفتی و قلدری، از عالم ریشه کن شود. دوم : بالا ـ رفتن سطح اندیشه انسان است، هم اندیشهٔ علمی انسان و هم اندیشهٔ اسلامی انسان. یعنی در دوران ولی عصر، شما باید نشانی از جهل و بیسوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. سوم : در آن روز همهٔ نیروهای طبیعت و همه نیروهای انسانی، استخراج می شود و چیزی در بطن زمین نمی ماند که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطّل طبیعی، این همه زمین هایی که می تواند انسان را تغذیه کند، این همه قوای کشف نشده مانند نیروهایی که قرنها در تاریخ بود، مثلاً ـ نیروی اتم و برق و الکتریسیته، که قرنها بر عمر جهان می گذشت و این نیروها در بطن طبیعت بود، ولی بشر آنها را نمی شناخت، بعد بتدریج استخراج شد. چهارم : محور در زمان امام زمان(، محور فضیلت و اخلاق است. هر کس که دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است، او مقدمتر و پیشتر است. ما ملّت ایران، انقلابی کرده ایم و انقلاب ما در راه آن هدفی که امام

زمـان(برای تأمین آن هـدف مبعوث می شود و ظاهر می شود، مقـدمه لازم و یک گام بزرگ بود. ما اگر این گام بزرگ را برنمی داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصـر(به عقب می افتـاد. مـا بـا این انقلاـب یک قـدم این بار را به منزل نزدیکتر کرده ایم. حال مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، باز هم یک قدم و یک قدم دیگر خود را به امام زمانشان نزدیکتر کنند. چطور؟ اولاً : هر چه می توانیم باید دایرهٔ این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم ـ مبالغه نمی کنیم که اسلام کامل است، اما بخشی از اسلام را این ملّت توانسته است در ایران پیاده کند ـ همین مقدار از اسلام را هر چه می توانیم در آفاق دیگر عالم گسترش دهیم. ثانیـاً : بایـد بتوانیم در درون جامعه خودمان، تقوا و فضـیلت و اخلاق و دینـداری و نزدیکی به خـدا را در خود تأمین کنیـم. در ایـن صـورت، پـایه و قاعـدهٔ ظهـور ولی عصـر(را مسـتحکمتر کرده ایم و هر چه بتـوانیم از لحـاظ کمیّت و کیفیّت مقـدار مسـلمانان مؤمن و مخلص را افزایش دهیم، باز به امام زمان وظهور ولی عصر نزدیکتر شده ایم. پس ما می توانیم قدم به قدم، جامعه خود و زمان و تاریـخ خود را به تاریـخ ظهور ولی عصـر (نزدیک کنیم. در مرحلـهٔ دیگر بایـد مقدمات را همانگونه فراهم بکنیم؛ ما باید با ظلم نسازیم و باید علیه ظلم حرکت قاطع بکنیم، هر نوع ظلمی و از هر کس. ما باید جهت خود را، جهت اقامهٔ حدود اسلامی قرار دهیم. درجامعـهٔ خودمان، نبایـد هیچگونه مجالی به گسترش قهر و غلبه بدهیم. باید تمام قوانین ما و مقرّرات مملکتی و اداری و نهادهای اجرایی، همه و همه از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوی اسلامی بشود و به اسلامی شدن روز به روز نزدیکتر بشود؛ این جهتی است که انتظار ولی عصر، به ما و به حرکت ما می دهد.(۱) منابع و مآخذ : دیدگاهها، حضرت آیت ا...خامنه ای، ص۲۱۸ ـ ۲۱۲

زمانی که امام مهدی ظهور نماید و بعد از آن حکومت جهانی تشکیل دهند دو مقوله امنیت و صلح جهانی چه وضعیتی پیدا می کنند به عبارت دیگر رابطه امام زمان با امنیت و صلح جهانی چگونه است.

پرسش

زمانی که امام مهـدی ظهور نمایـد و بعد از آن حکومت جهانی تشـکیل دهند دو مقوله امنیت و صـلح جهانی چه وضـعیتی پیدا می کنند به عبارت دیگر رابطه امام زمان با امنیت و صلح جهانی چگونه است.

پاسخ

امنیت مقوله ای است که دو پـایه دارد: ۱. پـایه خارجی که مقابله و برنامه ریزی در جهت مقابله با تهدیـدهای خارجی است. ۲. پایه داخلی که مقابله با آسیب های اجتماعی داخلی است. حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) بساط حکومت ها و دولت های مختلف که یکی یـا چنـد کشور قدرتمنـد باشـند و بقیه کشورهـا ضـعیف و زیر دست و به طور کامـل برچیـده می شود. بنابراین هیـچ گونه تهدیدی در روابط خارجی وجود ندارد و صلح جهانی مبتنی بر عدالت و معنویت در سراسر جهان برقرار می شود. در این حکومت، حاکمان و دولتمردان سراسر جهان و ملیت ها، نمایندگان و کارگزاران حضرت هستند. از سوی دیگر به دلیل برقراری کامل عدالت در سراسـر گیتی و از آنجـا که حکومت جهـانی براسـاس تـدبیر و عقل و معنویت اداره می شود. آسـیب های اجتماعی نیز در داخل جامعه بشـری به صـفر می رسد زیرا علت اساسی آسیب های اجتماعی ظلم اجتماعی با احساس ظلم است که در این حکومت منتفی است. بنابراین به دلیل اسـتقرار کامل معنویت و عدالت در سراسر جهان، بساط جنگ برچیده می شود و امنیت (خارجی و داخلی) و صلح جهانی جهان را پر می کند.

آیا مردمان زمان مهدی«علیه السلام» همه براساس عقل و فکر عمل می‌کنند؟

پرسش

آیا مردمان زمان مهدی«علیه السلام» همه براساس عقل و فکر عمل می‌کنند؟

پاسخ

یکی از برکاتی که پس از ظهور حضرت ولی عصر«علیه السلام» ظاهر می‌شود این است که عقل‌ها کامل و علم و حکمت واقعی گسترده می‌شود و همه از آن بهره‌مند می‌گردند از امیرالمؤمنین علی«علیه السلام» روایت شده است که(به کمیل) فرمودند ای کمیل هیچ علمی نیست مگر این که من آن را افتتاح او کردم و قائم«علیه السلام» آن را ختم او می‌کند و نیز فرمود علم را در قلوب مؤمنین می‌اندازد و نیز فرمود علم بیست و هفت حرف است آنچه تاکنون پیامبران بیان فرموده‌اند دو حرف است پس مردم تا امروز هنوز بیش از دو حرف نشناخته‌اند و چون قائم«علیه السلام» قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورد و آن دو حرف را به آنها ضمیمه کند تا اینکه تمام بیست و هفت حرف را نشر دهد. و از حضرت امام محمد باقر«علیه السلام» روایت است که فرمود: هرگاه قائم ما«علیه السلام» قیام کند دست خود را بر بندگان گذارد پس به برکت آن عقل و هوش ایشان کامل می‌گردد. « بخش پاسخ به سؤالات »

آیا حکومت جهانی امام زمان«علیه السلام» منافی با اراده و اختیار انسانها نیست؟

پرسش

آیا حکومت جهانی امام زمان«علیه السلام» منافی با اراده و اختیار انسانها نیست؟

پاسخ

در زمان حکومت عدل جهانی امام زمان«علیه السلام» نظر به اینکه بینش و آگاهی انسانها کامل می‌شود گرایش به کفر و نفاق و انحراف از مسیر حق و عدالت و ایمان کاهش می‌یابد و این منافات، با آزادی و اختیار آنان ندارد و چنانکه محیط فاسد و انحرافی در گرایشهای انحرافی انسانها مؤثر است محیط صالح و شایسته و بالا رفتن سطح شناخت و آگاهی در رشد و هدایت آنان تأثیر به سزائی دارد. « بخش پاسخ به سؤالات »

سایر موارد

منظور از این که بعد از ظهور امام زمان ۷زنان در خانه به روش پیامبر عمل می کنند چیست ؟نقش زنان در حکومت امام زمان ۷چیست ؟

پرسش

منظور از این که بعد از ظهور امام زمان ۷زنان در خانه به روش پیامبر عمل می کنند چیست ؟نقش زنان در حکومت امام زمان ۷چیست ؟

پاسخ

از دیدگاه اسلامی زنان می توانند هر نقشی در اجتماع داشته باشند و هر شغلی را می توانند انتخاب کنند, مانند مردان , مگر در چند مورد که در روایات اسلامی بدان ها اشاره یا تصریح شده است ; یکی مرجعیت وپیشوایی دینی است و دیگری پیشوایی و امامت در نماز جماعت و جمعه , و سومی قضاوت و حکم بین متخاصمین است . در بقیهء موارد مانند مردان , در اجتماع وظایف خود را انجام می دهند و اسلام مخالفتی ندارد, ولی محدود و مقیدبه این شرط که فساد و افسادی به وجود نیاید و عفت عمومی جامعه خدشه دار نشود. البته این شرط برای مردان نیز هست ; یعنی مردان در اجتماع نمی توانند فساد آفرینی داشته باشند و عفّت عمومی جامعه را خراب کنند. در زمان امام زمان ۷مانند زمان حضرت رسول ۶زنان نقشی را خواهند داشت که در زمان حضرت رسول داشته اند. اسلام با بی بندوباری و فساد و فحشا مخالف است و ظلم و تجاوز مردان بی عفت به زنان را روا نمی داند.در آزادی غربی و شرقی که از آن برای زنان دم می زنند, حیثیت زن که طبیعتاً ضعیف تر خلق شده است , از بین می رود و به آنان ظلم می شود و نظام خانواده از هم گسیخته می گردد و روح تعاطف و رحم و مروّت از بین می رود. امام باقر۷فرمود: .(۱) باز حضرت فرمود: .(۲) (پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۳۵۴ (پاورقی ۲.همان , ص ۳۵۱

دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را به چند دوره می توان تقسیم نمود؟

پرسش

دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را به چند دوره می توان تقسیم نمود؟

پاسخ

به طور مشخص دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را می توان به دو دوره تقسیم نمود: دورهء اوّل : وقتی حضرت مهدی ۷ظهور می کند, به جنگ با دشمنان دین می پردازد و به کمک یاران و دوستانش بر جهان مسلّط می شود و مخالفان دین را به هلاکت می رساند و تمام زمین را با حکومت جهان اسلامی اراده می کند و بنیان حکومت واحد جهانی را می گذارد. دورهء دوم ; عدل و داد تمام زمین را فرا می گیرد. مردم با هم مهربان شد, با صدق و صفا در کنار یکدیگر زندگی می کنند.امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسی در صدد آزار دیگری نیست . وضع اقتصادی مردم خوب می شود, به طوری که مستحق زکات پیدا نمی شود. باران های سودمند پی در پی می بارد. تمام زمین سبز و خرم گشته , برکات ومحصولات زمین زیاد می شود. توجه به مردم به خدا زیاد شده و به دنبال گناه نیستند. اسلام دین رسمی جهان شده , بانگ توحید از همه جا بلندمی شود. در آن زمان , ایمان مردم کامل می شود و کینه ها از دلشان بیرون می رود.(۱) علم و دانش در رستاخیز امام مهدی ۷به تکامل نهایی می رسد. امام با برنامه

هـایش که از دانش بیکران الهی اوبرخاسـته , همهء منـاطق زمین را آبـاد می کنـد. علوم و فنون بشـری در رسـتاخیزِ ظهور, با علوم و فنون در دوران پیش ازظهور, قابل مقایسه نیست . از این رو پیشرفت ها و رشد و تولید و سرمایه در آن دوران با دورهء دیگر همانند نیست وامام مهدی ۷در همهء زمینه ها به دانش بشـر تکامل می بخشد.(۲) در دوران ظهور حضـرت مهدی ۷چون نیکی و احسان و عـدل و انصـاف بر سراسـر گیتی پرتو می افکنـد و روابطانسـانی بر اصـل انصـاف و عـدل اسـتوار می گردد, مردمان همه به نیکی و نیکوکاری و پارسایی می گرایند و ظلم و سـتم را به یک سو می نهند. از این رو شایسته فضل بیش تر و رحمت بیش تر می گردند, در این دوره حکـومت صالحـان محقق می شود.(۳) (پـاورقی ۱.عبـدالرحمن انصـاری , در انتظار خورشـید ولایت , ص ۱۳۸و ۱۳۹ (پـاورقی ۲.محمد حکیمی , عصر زندگی , ص ۱۲۰ (پـاورقی ۳.همان , ص ۱۷۱

آیا امام زمان بعد از ظهور بر جهان حکمفرمایی می کنند یا بعد از ظهور قیامت بر پا می شود؟

پرسش

آیا امام زمان بعد از ظهور بر جهان حکمفرمایی می کنند یا بعد از ظهور قیامت بر پا می شود؟

پاسخ

بعد از ظهور امام زمان(ع) فوراً قیامت بر پا نمی شود بلکه حضـرت مدتی را در روی زمین سلطنت و حکومت می کند. البته روایات در رابطه بـا مـدت حکومت مختلفی است از پنـج سال تا ۳۰۹ سـال ذکر شـده است. این اختلاف شایـد اشاره به دوران های مختلف حکومت آن حضـرت باشـد: علامه مجلسـی می گوید: بعضـی از روایات بر جمیع مدت حکومت و بعضـی بر زمان اسـتقرار دولت، دلالت دارد.(۱) یکی از اعتقادات شیعه، مسئلهٔ رجعت است. رجعت در زمان ظهور و پس از ظهور امام زمان(ع) به وقوع می پیوندد. عقیـدهٔ شـیعه امامیه آن است که خداونـد متعال در موقع ظهور امام زمان(ع) مردمی از شـیعیان آن حضـرت را که قبلاً مرده بودند به دنیـا بر می گردانـد تا به ثواب یاری او و مساعـدت وی و مشاهـده دولت آن حضـرت فائز گردنـد. هم چنین مردمی از دشـمنان آن حرت را نیز زنده می گرداند تا از آن ها انتقام گیرد.(۲) بر این اساس در دعای عهد نیز می خوانیم: قبل از ظهور حضرت مردم را از قبر بیرون آور تـا در رکـاب حضـرت باشم. از روایات اسـتفاده می شود که بعضـی از امامان (ع) ماننـد امام حسـین(ع) به دنیا بر می گردد. امـام صـادق(ع) می فرمایـد": نخستین کسـی که قبرش می شـکافد و زنـده می شود و به دنیا بر می گردد حسـین بن علی(ع) است و این رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصـی به دنیا بر می گردند که یا مؤمن خالص و یا مشـرک محض باشند.("۳) پس از حکومت سـیصد سـاله و بیشتر مفاهیم دینی توسط معصومان، مجـدداً اوضاع دگرگون شـده حکومت های دینی و غیر دینی رخ می نماینـد. جباران زمام امر را به دست می گیرند حکومت های دینی از بین می روند و با گذشت زمان ارزش های اخلاقی وانسانی از میان می رود و فساد و بی بنـد و باری سـطح جهان را فرا می گیرد. روایات زیادی دربارهٔ علایم قیامت داریم که اشـراط الساعه اش می گوینـد و این احـادیث غیر از علایم ظهور امام عصـر(ع) است، چرا که بیشترین تأکیـد در علایم الظهور بر حاکمیت ظلم و جور است ولی در علایـم قیـامت بر فسـاد و بی بنـد و بـاری هـای اخلاقی و علنی شـدن مسایـل جنسـی در برابر چشم مردم است. در هر صورت ممکن است این وضعیت میلیونها سال طول بکشد تا قیامت بر پا گردد. عیاشی در تفسیر خود از جابر بن یزید جعفی روایت نموده که گفت شنیدم حضرت باقر(ع) می فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش سیصد و نه سال سلطنت می کند.

عرض کردم: این در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: بعد از مرگ قائم است. عرض کردم: حضرت قائم در عالم خود چقدر باقی می مانـد؟ فرمود: نوزده سال از موقع قیام تا هنگام مرگش. عرض کردم: آیا بعـد از مرگ قائم هرج و مرج می شود؟ فرمود: آری پنجاه سال. آن گاه امام منتصـر به دنیا باز می گردد برای خون خواهی خود و یارانش. وی بی دین ها را به قتل می رساند و به اسارت می برد. پس از ایشان امام سـفاح به دنیا بر می گردد پس تمام دشـمنان سـتمگر ما را می کشـد و تمام زمین را مالک می شودو خداوند کار او را اصـلاح می گرداند و سـیصد و نه سال سـلطنت می کند آن گاه امام فرمود: ای جابر می دانی امام منتصر و سفاح کیست؟ منتصـر حسین(ع) و سفاح، امیرالمؤمنین(ع) است.(۴) پی نوشت ها: ۱.منتخب الاثر، ص ۶۱۸. ۲.مهدی موعود، ص ۱۲۳۲. ۳.مهدی موعود، ص ۱۱۸۶. ۴.مهدی موعود، ص ۱۲۳۹.

با ظهور حضرت مهدی و شکست دادن باطل آیا زندگی ایشان تا قیامت ادامه دارد یا نه؟

پرسش

با ظهور حضرت مهدی و شکست دادن باطل آیا زندگی ایشان تا قیامت ادامه دارد یا نه؟

پاسخ

برخی مقـدمات، برای پاسخ به این پرسـش ضـروری است. ۱. مراد از زمـان حکومت امـام زمان (عـج مـدتی است که ایشان رهبریِ حکومتِ سراسـریِ عـدل را عهـده‌دار می‌باشـد. پس ابتدای ظهور تا اسـتقرار حکومت جهانی خارج از این زمان است. ۲. مدّت بقاء نظام مهـدوی و حکومتی که امام مهدی (عج) می گسترانند و پایه‌گذاری می کنند، مدّتِ پس از وفات امام مهدی (عج) را نیز شامل می‌شود. به بیـان دیگر، گاهی چنین پرسـیده می‌شود که «آیا حکومتِ مهـدوی پس از وفات ایشان تا قیامت باقی می‌مانـد یا با وفات ایشـان قیامت برپا می‌شود؟» و «اگر جهان پس از وفات ایشان باقی است آیا آن حکومت تا قیامت باقی می‌مانـد یا حکومت منحرف و ظالم جایگزین آن می‌شود؟» پرسـشِ فوق در خصوص مقـدمه اول است. باید دانست بی‌شک امام مهدی (عج) به قدری در رأس حکومت باقی می‌ماننـد که حکومت سراسـری، شایان بقا و ادامه باشـد تا هـدف خلقت خـدا و آرزوی بزرگ بشـر محقق شود. این قابلیت بقا قاعـدتا شامل رشـد و تکامل انسانها تأسیس نهادهای مختلف حکومتی مانند قضایی، قانونی، تربیتی، اجتماعی و اقتصادی می باشـد. پس عـدالتِ فراگیر مفهومی است که نیاز به تلاشـها و تمهیـد مقـدمات فراوانی دارد که حضـرت مهـدی (عـج) در زمان اسـتقرار حکومت به آنهـا خواهنـد پرداخت. این مسائـل را از کلیـاتِ آیه‌هـای قرآنی و قواعـد عامه شـریعت می‌توان دریافت. امّا در خصوص اینکه مقدارِ آن به لحاظ تحدید به زمانِ معینی چه مقدار است، باید به روایتها و نصوص دینی مراجعه کرد. روایتها در این باره زیادند و گاهی مؤلفان و مهدی‌پژوهان را به حیرت واداشـته است. همان گونه که مورد دقت و پرسـشِ پرسشگر محترم نیز واقع شـده است. بطور کلی روایتهای مذکور را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو دسـته تقسیم نمود: دسـته اول روایتهایی که دلالت بر بقـای امـام مهـدی (عـج) در حکومت، در زمـان ده سـال یـا کمتر دارنـد. دسـته دوم: روایتهـایی دلالـت بر بقای امام عصـر(عـج) بر حکومت، در زمـان بیش از ده سال دارنـد. روایت‌های دسـته اول و دوم در مصادر عامه و خاصه آمـده است؛(۱) ولی روایات دسته اول، در مقایسه با دسـته دوم از فراوانی بیشتری برخوردار است. از میان این دو دسـته، دسته اول برتری دارد. به چند دلیل. دلیل اول: اخبار دسـته دوم که عامه نقل کرده‌اند، از غیر معصومان ذکر شده است. مثلاً سـیوطی در کتاب الحاوی‌للفتاوی(۲) روایات ۴۰ سال،

۳۰ سال و ۱۴ سال را نقل کرده که راویان آنها افرادی مانند زهری و دینار بن دینار هستند که قابل اثبات تاریخی نیست. دلیل دوم: برخی روایات دسته دوم، مدت طولانی و بی‌حدّی را بیان می‌کند(۳) که حمل بر مدت بقاء دولت امام مهدی(عج) پس از وفات ایشان می‌شود نه مدت حکومت شخصِ ایشان. دلیل سوم: روایت‌های دسته اول شهرت دارند. پس به طور کلی روایت‌های دسته اول، یعنی مدت حکومت کمتر از ۱۰ سال پذیرفته می‌شود. دربارهٔ تغییرات زمانی دوران ظهور حضرت (عج)، در برخی روایت‌ها اشاره‌هایی شده است که از آنها برداشت می‌شود که مدت زمان در آن دوره با توجه به بوجود آمدن تغییراتی در شرایط زمین و حرکت آن، طولانی‌تر خواهد شد. یعنی ظرف حوادثی که در آن دوره رخ می‌دهد به گونه‌ای است که اگر در ظرف حوادث شرایط عادی دنیا (پیش از ظهور) اتفاق افتد، مقدار حرکت و زمان آن طولانی‌تر خواهد بود. ابوبصیر از امام باقر (ع) در روایت طولانی چنین نقل می‌کند: «هنگامی که قائم به پا خیزد به کوفه برود و... پس مدت هفت سال بر آن اقامت می‌کند، ۷ سالی که هر سال آن برابر با ۱۰ سال از سالهای شماست. سپس خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد». (۴) همچنین عبدالکریم خثعمی می‌گوید از امام باقر (ع) درباره مدت حکومت قائم (ع) پرسیدم. فرمود: «او ۷ سال حکومت می‌کند، روزها وشبها طولانی می‌شود تا آنجا که یک سال از سالهای او به مقدار ۱۰ سال از سالهای شما می‌گردد. پس سالهای حکومتش ۷۰ سال از سالهایی است که شما می‌شمارید».(۵) از آیات و روایات فراوانی بدست می‌آید که کسی جز خداوند متعال به زمان قیامت آگاه نیست، آیه (۱۸۷) سوره اعراف می‌فرماید: «درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند، کی فرا می‌رسد؟ بگو: علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد؛ (اما قیام قیامت حتی) در آسمانها و زمین، سنگین است؛ و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی‌آید. باز از تو سؤال می‌کنند، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن با خبری؛ بگو: علمش تنها نزد خداست؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند». آیه ۳۴ سوره لقمان و آیه ۶۳ سوره احزاب و برخی از آیات دیگر نیز بر همین حقیقت دلالت دارند. پس نمی‌توان زمان دقیق قیامت و پایان جهان مادی را تعیین نمود. از سوی دیگر برخی از روایات به توضیح و تشریح حوادث پس از شهادت امام زمان(عج) پرداخته‌اند. مهمترین این روایات، احادیث مربوط به رجعت است. این روایات چنان متنوع و فراوان می‌باشند که اعتقاد به رجعت را از باورهای مسلّم و شناخته شده شیعه قرار داده‌اند. هر چند این دسته از اخبار دارای اختلاف و تفاوت می‌باشند ولی اجمالاً یکی از نکاتی که از مجموعه عظیم روایات رجعت قابل استنباط می‌باشد اینست که بعد از شهادت امام عصر(عج)، دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام به زندگی و حیات مادی باز می‌گردند، و مسئولیت امامت و حاکمیت الهی خود را ادامه خواهند داد.(۶) برخی از روایات نیز گویای این نکته است که پس از حضرت مهدی(عج)، سلسله‌ای از فرزندان او حاکمیت الهی را بر عهده خواهند گرفت، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بعد از حضرت قائم علیه السلام، دوازده مهدی از نسل امام حسین علیه‌السلام ظهور خواهند نمود».(۷) دسته اخیراز روایات هیچ تعارضی با اخبار رجعت ندارند، زیرا بعید نیست ظهور دوازده مهدی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام در طول رجعت امامان معصوم علیهم‌السلام و پس از آن باشد. پس ظاهراً جهان مادی پس از شهادت حضرت مهدی(عج) به حیات خود تحت سیطره حکومت عدالت گستر الهی که بر جای مانده از انقلاب جهان امام عصر(عج) می‌باشد، ادامه خواهند داد، و هنگامه قیامت نیز بر کسی آشکار نمی‌باشد. از این رو امام مهدی(عج) مؤسس حکومت عدل جهانی خواهند بود و این حکومت پس از ایشان ادامه دارد و جهان پس از امام مهدی(عج) پایان نمی‌پذیرد. پی‌نوشت‌ها: پی‌نوشتها: ۱. روایات دسته اول از مصادر عام: مانند این روایت که امسلمه از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند: « پس در حکومت ۷ سال باقی می‌ماند»، ... ابوداود می‌گوید: برخی از راویان از هشام این زمان را ۹ سال ذکر می کنند. (حافظ ابی داود سلیمان بن اشعث بن اسحاق الازدی الجستانی, سنن ابی داود، مصر، طبعة الاولی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ص ۴۲۳). روایات دسته اول از مصادر خاصّه: مانند این روایت که عبدالکریم خثعمی می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم قائم چه مقدار حکومت می‌کند؟ فرمود: «۷ سال از سالیانِ شما». (شیخ طوسی، الغیبة، نجف، طبعة الثانیة، ۱۳۸۵ ق، ص ۵۲۰). روایتهای دسته دوم از مصادر عامه: مانند این روایت

که حذیفهٔ بن یمان از رسول الله (ص) نقل کرد: «مهدی مردی از فرزندان من است.... ۲۰ سال حکومت می‌کند». (حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع المودّة، نجف، طبعهٔ السابعهٔ، حیدریه، ۱۳۸۴ ق، ص ۵۲۰). روایتهای دسته دوم از مصادر خاصه: مانند این روایت از جابر جعفر که از امام باقر (ع) می‌پرسد: قائم چه مقدار در عالمش حکومت می‌کند؟ فرمود: «۹۰ سال». (شیخ طوسی، الغیبهٔ، ص ۲۸۶). ۲.شیخ جلال الدین محمد سیوطی، الحاوی للفتاوی، (تحقیق و تعلیقه محمد محی‌الدین عبدالمجید)، مصر، طبعهٔ الثالثهٔ، السعادهٔ، ۱۹۵۹ م، ص ۱۵۵ به بعد. ۳.مانند این روایت از عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا (ع) از پدرانش از امیرمؤمنان (ع) از رسول خدا (ص) که می‌فرماید: «حکومتش دوام خواهد داشت تا روز و شب دوام دارد تا روز قیامت». (سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، بیروت، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۲، ص ۴۳۶، به نقل از شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمهٔ). ۴.شیخ مفید، الارشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد، ترجمه حاج سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، ج۲، ص ۳۵۹، ح ۸. ۵.علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷. ۶.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، اسلامیه، تهران، ج ۵۳، باب رجعت، ص ۳۹ تا ۱۴۴، مرحوم مجلسی در این باب حدود ۱۶۲ روایت نقل کرده است. ۷.همان، ص ۱۴۸.

آثار ظهور امام زمان(عج) چیست؟

پرسش

آثار ظهور امام زمان(عج) چیست؟

پاسخ

یکی از خواست های بنیادین بشر خسته ی امروز، یافتن دور نمایی از آینده ای روشن و پر امید است که از بدو پیدایش انسان و هبوط حضرت آدم تاکنون، بشارت فرا رسیدن آن داده شده است: آینده ای درخشان که شکوه و عظمت آن دل های مالامال از انتظار و شوق را مدهوش خود کرده و همین جذابیت، بستر طرح پرسش های گوناگونی درباره ی آن شده است. یکی از این پرسش ها درباره ی آثار و تحولات ظهور و موعود ادیان است. باید گفت در این دوره بشر شاهد تحولات شگرفی در زمینه های مختلف خواهد شد که همگی در راستای تکامل جامعه ی بشری قرار دارند, لذا, نخست لازم است تصویر روشنی از واژه ی تکامل داشته باشیم و سپس به جنبه های مختلف آن بپردازیم. باید توجه داشت هر موجودی زمینه ها و استعدادهای وصول به فعلیت هایی را دارد که متناسب با آن و سازگار با طبیعت و سرشت و استعدادهای درونی اش هستند, از این رو کمال هر جیز عبارت است از: «رسیدن شیء به فعلیت و وضعیتی که با آن ملایم و سازگار باشد» (احمد واعظی, انسان از دیدگاه اسلامی، ص ۱۴۹, انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷). بنابراین, تکامل بشر و جامعه بشری به معنای شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن همه امکان ها و استعدادها و ظرفیتهای آن است. از طرفی باید توجه داشت که بشر و جامعه بشری دارای استعدادهای متعدد و متنوعی است که تکامل حقیقی با شکوفایی و به فعلیت رسیدن همه آنها تحقق می یابد. از آنجا که بشر موجودی دو بعدی است, برخی از این استعدادها و در نتیجه, برخی از این ابعاد تکامل, ناظر به زندگی مادی وبرخی دیگر, ناظر به بعد معنوی و اخلاقی بشر است. از این رو, تکامل حقیقی بشر, که وعده ی تحقق آن در عصر ظهور آورده شده است, همه ی جنبه های حیات بشری را در بر می گیرد و پاسخ گوی همه ی

نیازها و خواسته های وی, چه در دایره ی امور معنوی و چه در قلمرو امور مادی خواهد بود. در این مقاله می کوشیم تا دورنمایی از مهم ترین ابعاد جامعه ی بشری در آن عصر طلایی را به کمک احادیث و روایات به دست آوریم. ۱.تکامل فکری: در زمان ظهور و بر پایی دولت کریمه امام زمان(عج) سطح اندیشه و فکر مردم به نحو چشم گیری بالا- می رود. امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رئوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم ؛ وقتی که قائم ما قیام می کند, خدا دست لطفش را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل های پراکنده ی آنها را جمع می کند و اندیشه ی آنان را به حد کمال می رساند»(کلینی, الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه, چاپ چهارم، ج ۱, ص ۲۵). ۲. رشد معنویت و اخلاق: یکی دیگر از جنبه های تکامل بشری در عصر موعود را می توان در وادی معنویت و اخلاق جست و جو کرد. متأسفانه در دنیای کنونی در کنار توسعه ی صنایع و علوم, شاهد روند نزولی سیر بشریت در حوزه ی اخلاق بوده ایم, اما در آن دوران طلایی, رشد جنبه های مختلف حیات بشری, چه مادی و چه معنوی, متوازن خواهد بود. امام حسن(ع) می فرماید: خداوند در آخر الزمان مهدی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نیست, مگر این که اصلاح گردد (نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۰۶، به نقل از متن الرحمان، ج ۲، ص ۴۲ و اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴). حضرت امیرالمؤمنین(ع) از رخت بر بستن بدی ها و ناراحتی ها و جایگزین شدن خیر و نیکی به جای آن در این دوران خبر می دهد» (همان، ص ۲۳۰ به نقل از الشیعه و الرجعه، ج ۱ ، ص ۱۶۷). و در جای دیگر می فرماید: «و لذهب الشحنا من قلوب العباد؛ کینه توزی از دلهای بندگان خارج می شود» (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶). همه ی این امور از استقرار و بسط اخلاق و معنویت حکایت دارد. ۳. رشد علم و فرهنگ اسلامی: از دیگر موارد پیشرفت و تکامل بشری در این دوران، بالا رفتن آگاهی های دینی و مذهبی همگان است. امام باقر(ع) می فرماید: «در روزگار مهدی به اندازه ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش به طریق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کند» (همان، ج ۵۳، ص ۳۵۲). ۴. جهان شمولی اسلام (دین حق) یکی دیگر از جنبه های تکامل بشری در عصر موعود، رشد و توسعه و فراگیر شدن آیین حق (اسلام) خواهد بود. در این دوران، ادیان دروغین و ساخته ی اوهام بشری و نیز ادیان تحریف شده رخت بربسته و پرتو دین حق سراسر پهنای این کره ی خاکی را در خواهد نوردید. امام باقر(ع) در تفسیر آیه ی سی و سوم سوره ی توبه می فرماید: «در آن زمان کسی باقی نمی ماند، مگر آن که به رسالت محمد(ص) اعتراف و اقرار کند» (محمد بن مسعودعیاشی، تفسیر عیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ج ۲، ص ۸۷). ۵. شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی در پرتو تحول فرهنگی و اخلاقی بشر و رشد تقوا و نیکی ها، نعمت های الهی از هر سو بر بندگان سرازیر می شوند، زیرا این وعده ی تخلف ناپذیر پروردگار است: «لو ان اهل القری امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض؛ اگر مردم شهرها و دیارها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، ما برکات زمین و آسمان را بر آنان می گشاییم». در پرتو این عنایت الهی است که از آرزوهای دیرین بشری، که همان برچیده شدن و ریشه کن شدن فقر است، تحقق می یابد. پیامبر گرامی اسلام(ص) در این باره می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی ظهور کند ... اموال و زکات ها را در کوچه ها می برند، ولی کسی پیدا نمی شود که حاضر به دریافت آنها باشد» (نجم الدین طبسی، همان، ص ۲۲۲ به نقل از عقدالدرر، ص ۱۶۶). آری در این عصر طلایی، فقر رخت بربسته و هیچ ویرانه و ویرانه نشینی باقی نمی ماند. امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه های زمین برای او ظاهر می گردد و در سرتا سر جهان جای ویرانی نخواهد ماند، مگر این که آن را آباد خواهد ساخت» (امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ سوم، ص ۴۶۳). ۶.تکامل علمی و تکنولوژی و پیشرفت برق آسای علوم و فنون: در این عصر، پیشرفت تکنولوژی و علوم به گونه ای برق آسا و غیر قابل مقایسه با دنیای کنونی خواهد بود، به گونه ای که همه ی دستاوردهای خیره کننده ی جهان بشری کنونی و آینده در برابر آن بسیار اندک و ناچیز است. امام صادق(ع) در این باره می فرماید:دانش بیست و حرف(شاخه و شعبه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند دو

حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی دانند و چون قائم قیام کند، بیست و پنج حرف بقیه را بیرون می آورد و در میان مردم منتشر می سازد و بدین سان مجموعه ی بیست و هفت جزء دانش را نشر می دهد» (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۲، ص ۳۳۶). ما با مراجعه به روایات می توانیم به دورنمایی از برخی از پیشرفت های علمی و صنعتی دست یابیم که به آنها اشاره می کنیم. الف) پیشرفت صنایع و حل مسئله ی انرژی: امام صادق(ع) می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز می شوند» (علامه زین الدین علی بن یونس نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، نجف اشرف، انتشارات کتابخانه حیدریه، چاپ اول، بی تا). از این تعبیر چنین بر می آید که مسئله نور و انرژی آن چنان حل می شود که در روز و شب از پر قدرت ترین نورها، که می تواند جانشین آفتاب گردد، بهره می گیرند و این شاید در سایه ی استقرار یک سیستم تکامل یافته ی انرژی اتمی با تصفیه ی کامل از تشعشات زیانبار آن تحقق یابد، امری که در حال حاضر بزرگ ترین مشکل استفاده از این انرژی است (ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، انتشارات هدف، قم، ص ۲۷۷، بی تا). ب) پیشرفت پزشکی: در آن عصر هیچ بیماری بدون درمان باقی نمی ماند. امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می شود» (محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۵). و در برخی روایات از ریشه کن شدن بسیاری از بیماری ها خبر داده شده است که چه بسا تحقق آن در پرتو عنایات الهی قابل تفسیر باشد. امام سجاد(ع) در این باره می فرماید: «هنگامی که مهدی قیام کند، خداوند متعال هرگونه بیماری را از جامعه شیعیان برطرف می کند» (همان، ص ۳۱۷). ج) گسترش و پیشرفت وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی: یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر را می توان در حوزه ی وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی دانست که نمونه های فعلی آن در جامعه ی کنونی به صورت رادیو و تلویزیون و ماهواره ها و غیره است که گسترش و رشد مضاعفی پیدا خواهند کرد. امام صادق(ع) می فرماید: «در زمان قائم، شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می برد، برادر خود را که در مغرب است دریده و نیز آن که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق خواهد دید» (همان، ص ۳۹۱). و نیز می فرماید: «چون قائم ما قیام نماید, خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام(ع) پست و پیک وجود نداشته باشد, به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد» (همان، ص ۲۳۶) امام باقر(ع) نیز می فرماید: «چون قائم قیام کند, در هر منطقه ای از مناطق زمین, مردی را (به عنوان نماینده) می فرستد و می گوید: دستورالعمل تو در کف دست توست, چنانچه امری برایت پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکمش را ندانستی, به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آنچه در آن است عمل نما» (نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹). د) پیشرفت کشاورزی: یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر, رشد و توسعه کمی و کیفی دانش و محصولات کشاورزی است. امام علی(ع) در این باره می فرماید: (نجمالدین طبسی، همان، ص ۲۳۰، به نقل از الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷) «حضرت مهدی(عج) شرق و غرب زمین را تسخیر می کند... بدی ها و ناراحتی ها را بر طرف می کند و خیر و نیکی جای گزین آن می شود, به طوری که یک کشاورز از هر من (۳ کیلو) صد من محصول به دست می آورد, همان گونه که خدا فرمود: «در هر سنبلی صد دانه عمل می آید و خداوند برای هر کس که اراده نماید زیادتر می کند» (بقره، آیه ۲۶۱). البته این امر با دستاوردهای کنونی بشر در زمینه ی ژنتیک و کاربرد آن قابل هضم است. ۷.گسترش عدالت: یکی از تلخ کامی های بشر در طی قرن ها, فقدان عدالت فراگیر و حاکمیت ظلم و ستم و تبعیض بوده, امری که ناامیدی و سرخوردگی بشر تشنه عدالت را به دنبال داشته است, اما این وعده ی پروردگار است که در این عصر, برای نخستین بار در کل طول عمر زمین و زمینیان, بساط ظلم و ستم و تبعیض برچیده می شود و ذائقه ی بشر تشنه ی عدالت حلاوت شهد دل انگیز عدالت را خواهد چشید. امام جواد(ع) می فرماید: «یملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد پس از آن که از ظلم و ستم لبریز شده باشد» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه ال

البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۲۸۳، بی تا). در پرتو خورشید فروزان عدالت, هر صاحب حقی به حقش خواهد رسید و دستگاه قضاوت حضرت(عج) این امر را سامان خواهد داد. حضرت امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «پس از ظهور مهدی(عج) هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری باقی نمی ماند, مگر آن که حضرت آن را باز می ستاند و به صاحبش می دهد» (محمد باقر مجلسی، همان، ص ۲۲۴). ۸. امنیت عمومی یکی از مهم ترین مؤلفه های به وجود آمدن جامعه ای پیش رفته و پویا, استقرارامنیت همه جانبه و فراگیر و پایدار است, امری که به لحاظ اهمیت آن, در روایات ما نعمتی الهی معرفی شده است و این خواسته ی بشری به نحو فراگیر و همه جانبه تنها در عصر موعود متحقق خواهد شد. امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «در این زمان پیر زن ناتوانی از مشرق زمین به مغرب می رود, در حالی که هیچ کس متعرض او نمی شود». و در برخی از روایات دایره ی امنیت و حوزه ی آن, حتی فراتر از انتظارات معمول بشری تعریف شده است. امام علی(ع) می فرماید: «هرگاه قائم ما قیام کند آسمان باران خود را می بارد و درندگان با چارپایان از در آشتی وارد می شوند و با انسانها کاری ندارند,تا جایی که زنی از عراق به شام می رود, بدون این که ذره ای او را نگران سازد یا از درنده ای بترسد» (همان، ص ۳۱۶). این ها نمونه هایی از جنبه های تکامل بشری در عصر ظهور منجی عالم امکان است که دورنمایی از دورانی طلایی و لبریز از معنویت و رفاه است که پاسخ گوی همه ی خواسته ها و انتظارات بشر در طول اعصار متمادی و بسیار فراتر از آن می باشد, برهه ای از زمان که همه ی استعدادها ی بشر به فعلیت و شکوفایی خواهد رسید. به امید آن که دیدگان ما به قامت دل ربای موعود عصرها و نسل ها منور گردد.

چرا در عصر انبیای گذشته حکومت عدل جهانی تحقق نیافته است؟

پرسش

چرا در عصر انبیای گذشته حکومت عدل جهانی تحقق نیافته است؟

پاسخ

این سؤال گاهی به طریق دیگری نیز مطرح می‌شود که چرا حکومت عدل جهانی در پایان تاریخ وآخرالزمان اجرا می‌گردد؟ آیا این امر اتفاقی است یا اینکه وجه ودلیلی دارد؟ می‌گوییم: تکامل فرد ودر نتیجه ایجاد مجتمع کامل ونیز دولت وحکومت عدل در جامعه با دو عامل اساسی تحقق‌پذیر است: ۱ – عامل خارجی: به این معنا که هر فرد از افراد جامعه، معنای عدل وکمالی را که هدف خلقت در اوست بداند ونیز راهی را برای رسیدن به آن بیابد، واز آنجا که فهم بشر قاصر از درک این امور است لذا بشر در طول تاریخ محتاج به انبیا برای هدایت ورسیدن به اهداف خود بوده است. ۲ – عامل داخلی: که همان شعور بشر به این مسئولیّت وهدف بزرگ است. لذا برای رسیدن به هدف، تحقق این عامل داخلی در وجود انسان لازم است. این شعور به مسئولیّت تحقق نمی‌یابد مگر به اینکه: الف. عقل، اهمیّت اطاعت خداوند وخضوع وخشوع نسبت به او را درک کند. ب. بداند که اطاعت خدا ضامن حقیقی برای سعادت خود وجامعه وایجاد عدل مطلق در جامعه خواهد بود. ج. حقیقت عدل وقسط وآثار وبرکات آن را بداند. این عامل داخلی با انواعش از چند طریق قابل پیاده شدن است: ۱ – اینکه این ایمان واخلاص در افراد جامعه به صورت معجزه تحقق یابد. این احتمال با قانون معجزات منافات دارد، زیرا معجزه طریق انحصاری است، در حالی که برای رسیدن به نتیجه وهدف راه‌های دیگر غیر از طریق معجزه وجود دارد. ونیز با اختیار انسان –که کمال او در گروآن است– منافات دارد. ۲ – بشر

بـدون جبر وبا تجربه وارشاد به سـطحی عالی از فهم وشـعور برسـد تا بتوانـد آن هـدف عالی را با رهبری الهی پیاده کند. با ملاحظه حالات وخصوصـیات بشر پی می‌بریم که هنوز انسان به آن سطح عالی از فهم وشعور برای رسیدن به این هدف کامل نرسیده است، زیرا بشـر از ابتدای خلقت، دو شـرط اساسـی از شـرایط تطبیق عدل کامل را نداشـته است: الف. شـناخت عدل به صورت کامل. ب. آمـادگی برای فـداکاری در راه تطبیق وپیـاده کردن عـدالت بعـد از شـناخت آن. اگر بر فرض، بشـر شـرط اوّل را دارا باشـد، هنوز آمـادگی کامـل برای شـرط دوّم را پیـدا نکرده است. ولـذا حـتی در عصـر صـحابه رسول اکرم که آن را بهترین عصـر می‌داننـد آن حضـرت مشـکلاتی بـا صـحابه در زمینه فـداکاری آنان در راه اسـلام داشـته است. خداونـد متعال در اعتراض به جماعتی از صـحابه می‌فرمایـد: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ما لَکُمْ إِذا قِیلَ لَکُمُ انْفِرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ اثّاقَلْتُمْ إِلَی الْأَرْضِ أَرَضِیتُمْ بِالْحَیاةِ الـدُّنْیا مِنَ الْآخِرَةِ فَما مَتاعُ الْحَیـاةِ الـدُّنْیا فِی الْآخِرَةِ إِلّا قَلِیلٌ "}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌ایـد! چرا{پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۸. پاورقی} هنگامی که به شـما گفته می‌شود: به سوی جهاد در راه خـدا حرکت کنید بر زمین سـنگینی می‌کنید [و سـستی به خرج می‌دهید]؟! آیا به زنـدگی دنیا به جـای آخرت راضـی شده‌ایـد؟! با اینکه متاع زنـدگی دنیا، در برابر آخرت، جز انـدکی نیست ".حال به این نتیجه می‌رسیم که بشـر تـاکنون به شـروط اساسـی برای تشـکیل حکـومت جهـانی دست نیـافته وزمینه را برای ظهور فراهم نسـاخته است. سـید رضـا صـدر؛ می‌گویـد": روزی خواهد رسـید که بشـر قابلیت پیدا کند که دادگستری توانا وبینا بر او حکومت کند وقابلیّت پیدا کردن بشـر برای چنین حکومت عبارت است از تکامل او. بشـر تکامل نیافته شایستگی ولیاقت حکومت عدل را ندارد وآن را نمی‌پذیرد، واگر با جبر وزور بر او تحمیل شود نقض غرض خواهـد بود. جبر وزور ظلم است وظلم نردبان عـدل نخواهد بود. عدلی که به وسـیله ظلم برقرار شود عـدل نیست، هر چنـد نام عدل بر آن گذارند. بشـر تکامل نیافته حاکم عدل را نمی‌پسـندد ودوست می‌دارد که او برکنار شود. حضـرت علی (ع) می‌فرمایـد": این مردم از من ملول شده‌اند ومن هم از آنها ملول هسـتم، "سـپس در حقّ آنها نفرینی کرده، فرمود: "خـدایا مرا از اینها بگیر. "حکومت عدل بایستی با رضایت خلق برقرار شود، وآن وقتی است که بشـر خواسـتار آن باشد. بشـر وقتی خواسـتار حکـومت عـدل می‌شـود که خـوی حیـوانی تحت فرمـان خوی انسـانی او قرار گیرد. {"پـاورقی . راه مهـدی (ع)، ص ۵۴. پاورقی} در رو آیات نیز به جهتی دیگر اشاره شـده است. امام باقر (ع) فرمود": دولتنا آخر الـدول ولن‌یبقی أهل البیت لهم دولـة إلّا ملکوا قبلنا لئلّا یقولوا إذا رأوا سـیرتنا إذا ملکنا سرنا مثل سیرة هؤلآء وهو قول اللّه عزّوجلّ: {وَالعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ "}؛ "}دولت وحکومت ما آخرین دولت‌ها وحکومت‌هاست. حکومت برای هیچ اهل{پاورقی . الغیبة، طوسـی، ص ۴۷۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲، ح ۵۸. پاورقی} بیتی باقی نمی‌ماند مگر اینکه قبل از ما به حکومت رسـیده وآن را به نهایت رسانده است، به جهت آنکه هر گاه سیره ما را در حکومت مشاهده کردند نگویند: اگر ما نیز مالك وعهده‌دار حکومت بودیم این چنین حکومت می‌کردیم. اشاره به این معناست قول خداوند متعال که می‌فرماید: (وعاقبت برای پرهیزگاران است").

آیا حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور، مسجد الحرام ومسجد النبی را تغییر خواهد داد؟

پرسش

آیا حضرت مهدی‌علیه‌السلام بعد از ظهور، مسجد الحرام ومسجد النبی را تغییر خواهد داد؟

پاسخ

کلینی ومفید با سند خود از ابوبصیر واو نیز از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود": إنّ القائم (ع) إذا قام ردّ البیت الحرام إلی أساسه ومسجد الرسول إلی أساسه"؛ "...هنگامی که {پاورقی . کافی، ج ۴، ص۵۴۳ ؛ الارشاد، ص ۳۶۴. پاورقی} قائم قیام کند مسجدالحرام را به اساس خود باز می گرداند ونیز مسجد نبوی را به اساس خود باز می گرداند. "...۱ – شیخ مفید این روایت را مرسلاً از ابی‌بصیر نقل کرده وکلینی نیز با این سند آن را نقل نموده است": احمد بن محمّد، عمّن حدّثه، عن محمّد بن الحسین، عن وهیب بن حفص، عن ابی‌بصیر "...ومعلوم است که سند ارسال دارد؛ زیرا راوی از محمّد بن حسین مشخص نیست. شیخ طوسی؛ نیز در کتاب" الغیبة "حدیث فوق را نقل کرده ولی در سند آن علی {پاورقی . الغیبة، ص ۲۸۲. پاورقی} بن ابی‌حمزه بطائنی است که از سردمداران واقفی‌ها واز دشمنان امام رضا (ع) به حساب می‌آید. نتیجه اینکه: این روایت هیچ سند معتبری ندارد، که قابل احتجاج باشد. ۲ – حضرت مهدی (ع) کسی است که مورد اعتماد شیعه واهل سنّت است، وشیعه علاوه بر اعتماد، او را معصوم نیز می‌داند. او کسی است که مطابق روایات فریقین سیره‌ای پسندیده دارد وبعد از ظهورش زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. کسی که چنین اوصافی دارد هرگز شک وتردیدی در عملکرد او نخواهد شد، در صورتی که مسجد الحرام ومسجد النبی را برای مصالحی خراب کرده وبه اساس آن بازگرداند. ۳ – بر فرض صحت روایت ممکن است که توجیه آن این باشد: از آنجا که برخی از نواحی این دو مسجد به توسط سلاطین جور به جهت ریا ودیگر اهداف ویا با مال حرام وغصبی ساخته شده است، برای آنکه آثار ظالمین باقی نماند آنها را خراب می کند وبه جای اصلی آن باز می گرداند. ۴ – مطابق روایت صحیح مسلم، پیامبر (ص) قصد داشت که کعبه را خراب کرده واز نو بنا کند، ولی به جهت آنکه مردم تازه مسلمان بودند از این کار صرف نظر کرد. مسلم در صحیح خود از عبداللّه بن زبیر از عایشه نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود": یا عائشة! لولا ـ أنّ قومک حدیثو عهد بشرکٍ لهدمتُ الکعبة فالزقتها بالأرض، وجعلت لها بابین: باباً شرقیاً وباباً غربیاً وزدت فیها ستّة أذرع من الحجر، فإنّ قریشاً اقتصرتها حیث بنت الکعبة. "حدیث دیگری نیز مسلم در همین باب نقل کرده است، که برخی از سلاطین {پاورقی . صحیح مسلم، ج ۴، ص ۹۸. پاورقی} کعبه را خراب کرده، ودوباره بازسازی کردند. {پاورقی . همان. پاورقی}

آثار وبرکات ظهور حضرت چیست؟

پرسش

آثار وبرکات ظهور حضرت چیست؟

پاسخ

امتیازات ظهور حضرت مهدی (ع) بر چند نوع است: ۱ – یک نوع امتیاز همانند امتیاز وجود پیامبر وبودن انسان در عصر ایشان ودیگر امامان است. اگر ما در عصر آن حضرات بودیم چه آثار وبرکاتی بر ما مترتب می‌شد که الآن نیست، آن آثار وبرکات بر انسانِ در عصر ظهور نیز مترتب می گردد. ۲ – یک سری امتیازات دیگری است که مخصوص عصر ظهور حضرت مهدی (ع) است. عصر ظهور حضرت عصری است که بهشت واقعی برای مردم در روی زمین تحقق یافته وعصر طلایی به حساب می‌آید، عصری که حتی برای پیامبر (ص) نیز فراهم نشد، از همه جهت شرایط برای یک زندگی ایده‌آل فراهم است، عصری که در هیچ یک از نقاط عالم ظلم وتعدّی نخواهد بود... واین امتیاز واثر بسیار عالی است که انسان می‌تواند کسب کند.

۱- آیا زمانی که امام زمان «علیه السلام » ظهور کنند، دیگر انسانها نیاز به مادیات ندارند و زمان حکومت چگونه است ؟ اگر نیاز به مادیات نباشد دیگر کار کردن معنی ندارد پس وضع دنیا به چه صورتی خواهد بود ؟

پرسش

۱- آیا زمانی که امام زمان «علیه السلام » ظهور کنند، دیگر انسانها نیاز به مادیات ندارند و زمان حکومت چگونه است ؟ اگر نیاز به مادیات نباشد دیگر کار کردن معنی ندارد پس وضع دنیا به چه صورتی خواهد بود ؟

پاسخ

ظهور امام زمان «عج»مقتضیات زندگی نشئه دنیا را از میان نمی برده، درست است که کرامات بسیار آنحضرت و برکات بسیار الهی شامل حال زمینیان می شود، ولی اساس و اصول زندگی دنیا تغییر نمی کند . زندگی بر اساس تقوا است و در چار چوبه دنیا . پس انسانها باز هم برای تأمین معاش خویش تلاش می کنند،اما با این تفاوت که دیگر معیار و ملاک تلاشها تقوا است . مادیات دیگر سرور و شرافت زندگی ها نیست، بلکه صرفا وسیله ای است ،برای گذراندن دنیایی است ،که باید صرف کسب معارف عمیق الهی شود،تا بعد از مدتی کوتاه، فرد به سوی منشاء حقیقی خود باز گردد. مراد از مادیات صرف همت و الای انسانی است ،باری بدست آوردن مقاصد کوتاه و کم ارزش . بلکه باید چه در دوران غیبت و چه در دوران حضور، تلاش برای معاش در مسیر معاد باشد . امام علی «علیه السلام » در وصف اوضاع قبل از ظهور آن بزرگوار می فرماید : مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنها را ببیند خوشش آید و شگفت زده شود، ولی چون با آنان معاشرت کند مورد ستم قرار گیرد. { بشارت الاسلام ، ص ۷۵ } امام صادق علیه السلام » فرمودند : برای مردم روزگاری می رسد که تنها هم و غمشان شکم آنان ، تجملات زندگی شرف آنان ، همسر انشان قبله آنان ، پول و دینارشان آیین آنان است ، آنان بدترین خلایق هستند برای ایشان در نزد خدا ارج و مقامی نیست . { بحار ، ج ۷۴ ، ص ۱۶۶ } آری پس از ظهور تنها هم و غم انسانها پرداختن به امور جزئی دنیا نیست ؛ بلکه تعلیم و تعلم اسماءالله و اخلاق الهی و سیر و صعود به منازل رفیع ربانی اولین وآخرین هدف است و سایر مسائل دنیوی درخدمت این موضوع مبارک می باشد . چنین استدلالی که، چون نیاز به مادیات نیست پس کار کردن تعطیل است (۱) منحرف از طریق هدایت و شریعت امامت آن امام بزرگوار است. به مادیات نیازمندیم، زیرا در عالم ماده زندگی می کنیم و باید مقتضیات آن را فراهم کنیم ولی نه از روی ظلم و بی عدالتی و نه برای اهداف نا چیز و مبتذل ؛ بلکه برای بهره مند شدن از رفاه و امنیت عادلانه و برای پرواز بسوی آخرت همراه باسعادت . منابع : ۱-چشم اندازی به حکومت مهدی «عج» نجم الدین طبسی ۲- تمدن در عصر ظهور مهدی «عج» ، عباس المدرس ترجمه لطیف راشدی ۳- عصرزندگی ، محمود حکیمی

حکومت در زما حضرت ول عصر«علیه السلام» و جهان در آن عصر چگونه است؟

پرسش

حکومت در زما حضرت ول عصر«علیه السلام» و جهان در آن عصر چگونه است؟

پاسخ

آنچه از آیات و قرآن و احادیث در رابطه با زمان بعد از ظهور آن بزرگوار استفاده می‌کنیم آینده‌ای درخشان و روزگاری پر از نعمت و رفاه برای مردم آن دوران است ما برخی ویژگی‌های آن زمان را یادآور می‌شویم خود شما می‌توانید دورنمای زندگی رادر آن زمان تا حدّی در نظرتان مجسّم کنید. ۱. حکومت عدل جهانی حضرت بقیةاللّه«علیه السلام» در آن زمان در جهان گسترش پیدا می‌کند و تمام ظالمان و مستکبران و طاغیان که بر انسانها مسلّط بوده هر یک به گونه‌ای بر آنان ستم روا می‌داشته‌اند از بین می‌روند و زمین پر از عدل و داد می‌شود پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است. ۲. در حدیث آمده است که آنحضرت دست خود را بر سر انسانها می‌گذارد(شاید منظور گسترش سیطره حکومتی آن حضرت باشد) و عقلها بالا می‌رود و عقلها که بالا رفت موجبات نزاع و کدورت و کینه توزی و اختلاف انسانها از بین می‌رود. ۳. در حدیث آمده که تمام علم ۲۷ حرف است تمامام انبیاء و اولیا و رهبران الهی تاکنون ۲ حرف از این ۲۷ حفر را برای انسانها آورده‌اند(گویا زمینه برای بیشتر وجود نداشته است) با آمدن و ظهور آن حضرت آن دو حرف ضمیمه ۲۵ حرف دیگر در جهان نشر پیدا می‌کند طبیعی است که دنیا مدینه فاضله شود. ۴. زمین گنجهای خود را و معادن خود را بیرون می‌دهد و با بالا رفتن سطح دانش معادن شناسائی و اکتشاف و مورد استفاده قرار می‌گیرند. ۵. باران بسیار می‌بارد و زمین گیاهان خود را می‌رویانند طبیعی است که با این دو ویژگی صنعت و کشاورزی به شکوفایی بالایی دست پیدا می‌کند. ۶. با نابودی استکبار و طاغوتها زمین از استعمار و توطئه‌های آنان و مزاحمت و آزار و ستمهای آنان پاک سازی می‌شود طبعاً همه انسانها با آرامش از نعمتهای خداوند بهره‌برداری کرده به عبادت و بندگی خداوند که هدف از آفرینش آنان است مشغول می‌شوند. « بخش پاسخ به سؤالات »

جهان پس از حضرت

پس از ظهور امام زمان(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟

پرسش

پس از ظهور امام زمان(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟

پاسخ

جواب این پرسش مبتنی بر جهان بینی و نگرش ها است. بر اساس جهان بینی مادی، انسان ها مانند دیگر موجودات نظام هستی رشد نموده و زنده می شوند و می میرند، و مرگ هر انسانی آخرین مرحلهٔ زندگی است. برخی از مکاتب دیگر نسبت به آیندهٔ بشر دچار مشکل بوده و آیندهٔ مشخصی را ارائه نداده و عقیده دارند جهان به سوی نابودی و فساد حرکت می کند.[۲۰] برخی دیگر به انسان ها امید داده و نسبت به آیندهٔ بشر خوش بین اند. در آموزه های دینی، به ویژه تفکر شیعی، آیندهٔ انسان و حتی نظام هستی روشن بوده و مرگ نه تنها پایان زندگی است، بلکه زندگی بهتر و برتر آغاز می گردد. اسلام با طرح حکومت صالحان و متقیان، سیمای کلی وضعیت آیندهٔ بشر را معیّن نموده است. شهید مطهری می نویسد: از نظر قرآن، حکومت نهایی و حکومت حق و نابود شدن باطل مسلّم است و عاقبت از آنِ تقوا و متقیان است.[۲۱] در قرآن نیز آمده است": إنّ الارض یرثها عبادی الصالحون.["۲۲] و

":وعـد الله الّذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفهم فی الارض.["...۲۳] از منظر اسـلام همهٔ موجودات به سوی کمال مطلق در حرکت بوده و مسیر تکاملی را طی می کنند و برگشت همه به سوی خداوند است": إنّا لله و إنّا الیه راجعون.["۲۴] و": هو الاوّل و الإخر.["...۲۵] از آیات مـذکور اسـتفاده می شود که جامعه آرمانی تحقق پیدا خواهد کرد،[۲۶] که برخی از مشخصات آن بدین قرار است: ۱) حـاکمیت دین": هوالّذی أرسل رسوله بالهـدی و دین الحق لیظهره علی الـدّین کله.["...۲۷] ۲) حکومت صالحـان و پارسایـان": انّ الارض یرثها عبادی الصالحون.["...۲۸] ۳) برقراری عـدالت و گسترش آن": یملا الله به الارض قسـطاً و عـدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً.["۲۹] ۴) تشـکیل حکومت جهـانی. ۵) عمران زمیـن. ۶) بلوغ بشـریت و حـاکمیت عقلانـیت. ۷) حـداکثر بهره برداری از مواهب طبیعی. ۸) حاکمیت صـلح و از بین رفتن جنگ. ۹) حـاکمیت ارزش ها و از بین رفتن ناهنجاری ها. بعـد از تحقق حکـومت امـام زمـان(ع) و شـکل گیری جامعـهٔ آرمـانی، حکـومت حـق مـدار و خـدا محور ادامه پیـدا کرده و در سایـهٔ آن آرامش حاکمیت داشـته و آیندهٔ بشر در زمان حکومت امام زمان(ع) سعادتمند است. از برخی متون دینی استفاده می شود که حکومت امام مـدت ها ادامه پیـدا کرده و بعد از امام برخی معصومان(ع) نیز حکومت می کنند و سـرانجام قیامت خواهد شد. البته دقیقاً نمی توان بیـان نمود که حکومت امـام زمـان و معصومـان (ع) چگونه به قیـامت متصـل شـده و قیـامت چگونه شـکل می گیرد؛ آنچه از آیات اسـتفاده می شود آن است که نظام هستی به هم می خورد. در قرآن آمده است": إذاالشّمس کوّرت و إذاالنّجوم انکدرت؛[۳۰]در آن هنگـام که طومار خورشـید در هم پیچیـده شود و سـتارگان تاریک گردد. در آن هنگام که دریاها برافروخته شود[۳۱] و روزی که کوه هـا به لرزه در می آینـد.["...۳۲] [۲۰] مرتضـی مطهری، قیـام و انقلاب مهـدی، ص ۵۸ - ۵۹. [۲۱] مرتضـی مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۴۶. [۲۲] توبه (۹) آیهٔ ۳۳. [۲۳] نور (۲۴) آیهٔ ۵۵. [۲۴] بقره (۲) آیهٔ ۵۷. [۲۵] حدید (۵۷) آیه ۵۷. [۲۶] محمد تقی مصـباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۴. [۲۷] صف (۶۱) آیهٔ ۹. [۲۸] انبیا (۲۱) آیهٔ ۱۰۵. [۲۹] کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴. [۳۰] تکویر (۸۱) آیه۱ و ۲؛ معاد در قرآن، ج ۲، ص ۳۳. [۳۱] تکویر (۸۱) آیهٔ ۶؛ معاد در قرآن، ج ۲، ص ۳۱. [۳۲] مزمل (۷۳) آیهٔ ۱۴.

آیا بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت بر پا می شود؟ دربارهٔ ظهور و بعد از ظهور مقداری توضیح بفرمایید.

پرسش

آیا بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت بر پا می شود؟ دربارهٔ ظهور و بعد از ظهور مقداری توضیح بفرمایید.

پاسخ

بعـد از ظهور امام زمان(ع) فوراً قیامت بر پا نمی شود بلکه حضـرت مدتی را در روی زمین حکومت می کند. البته روایات در رابطه با مدت حکومت مختلف است از پنج سال تا ۳۰۹ سال ذکر شده است. این اختلاف شاید اشاره به دوران های مختلف حکومت آن حضرت باشد: علامه مجلسی می گوید: بعضی از روایات بر جمیع مدت حکومت و بعضی بر زمان استقرار دولت، دلالت دارد.[۱۱] یکی از اعتقـادات شـیعه، مسـئلهٔ رجعت است. رجعت در زمان ظهور و پس از ظهور امام زمان(ع) به وقوع می پیونـدد. عقیـدهٔ شـیعه امـامیه آن است که خداونـد متعـال در موقع ظهور امـام زمان(ع) مردمی از شـیعیان آن حضـرت را که قبلاً مرده بودنـد به دنیا بر می گرداند تا به ثواب یاری او و مساعدت وی و مشاهده دولت آن حضـرت فائق گردند. هم چنین مردمی از دشمنان آن حضرت را نیز

زنده می گرداند تا از آن ها انتقام گیرد.[۱۲] بر این اساس در دعای عهد نیز می خوانیم: قبل از ظهور حضرت مردم را از قبر بیرون آور تا در رکاب حضرت باشم. از روایات استفاده می شود که بعضی از امامان (ع) مانند امام حسین(ع) به دنیا بر می گردد. امام صادق(ع) می فرماید": نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده می شود و به دنیا بر می گردد حسین بن علی(ع) است و این رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصی به دنیا بر می گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند.["۱۳] پس از حکومت سیصد ساله معصومان، مجدداً اوضاع دگرگون شده حکومت های دینی و غیر دینی رخ می نمایند. جباران زمام امر را به دست می گیرند حکومت های دینی از بین می روند و با گذشت زمان ارزش های اخلاقی وانسانی از میان می رود و فساد و بی بند و باری سطح جهان را فرا می گیرد. روایات زیادی دربارهٔ علایم قیامت داریم که اشراط الساعه اش می گویند و این احادیث غیر از علایم ظهور امام عصر(ع) است، چرا که بیشترین تأکید در علایم الظهور بر حاکمیت ظلم و جور است ولی در علایم قیامت بر فساد و بی بند و باری های اخلاقی و علنی شدن مسایل جنسی در برابر چشم مردم است. در هر صورت ممکن است این وضعیت میلیونها سال طول بکشد تا قیامت بر پا گردد. عیاشی در تفسیر خود از جابر بن یزید جعفی روایت نموده که گفت شنیدم حضرت باقر(ع) می فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش سیصد و نه سال سلطنت می کند. عرض کردم: این در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: بعد از مرگ قائم است. عرض کردم: حضرت قائم در عالم خود چقدر باقی می ماند؟ فرمود: نوزده سال از موقع قیام تا هنگام مرگش. عرض کردم: آیا بعد از مرگ قائم هرج و مرج می شود؟ فرمود: آری پنجاه سال. آن گاه امام منتصر به دنیا باز می گردد برای خون خواهی خود و یارانش. وی بی دین ها را به قتل می رساند و به اسارت می برد. پس از ایشان امام سفاح به دنیا بر می گردد پس تمام دشمنان ستمگر ما را می کشد و تمام زمین را مالک می شودو خداوند کار او را اصلاح می گرداند و سیصد و نه سال سلطنت می کند آن گاه امام فرمود: ای جابر می دانی امام منتصر و سفاح کیست؟ منتصر حسین(ع) و سفاح، امیرالمؤمنین(ع) است.[۱۴] [۱۱] منتخب الاثر، ص ۶۱۸. [۱۲] مهدی موعود، ص ۱۲۳۲. [۱۳] مهدی موعود، ص ۱۱۸۶. [۱۴] مهدی موعود، ص ۱۲۳۹.

بعد از ظهور امام زمان(عج) حکومت دنیا چه وضعیتی دارد و حکومت حضرت و عالم تا چه زمانی بقا و دوام دارد؟

پرسش

بعد از ظهور امام زمان(عج) حکومت دنیا چه وضعیتی دارد و حکومت حضرت و عالم تا چه زمانی بقا و دوام دارد؟

پاسخ

الف) حکومت امام زمان (ع) جهانی است. همهٔ جهان در تسخیر و تحت فرمان آن حضرت است و مرزهای جغرافیایی برداشته می شود": و تشرق الراض بنور ربّه و یبلغ سلطانه المغرب و المشرق؛ زمین از نور پروردگارش روشن شود و سلطه و حاکمیت او بر شرق و غرب عالم سایه افکند.["۲] حکومت واحد جهانی با یک قانون و فرهنگ و زیر یک پرچم تحت عنوان دوله الزهرا اداره می شود. صلح و صفا و صمیمیت و امنیت چنان دامن گستر می گردد که در برخی روایات آمده است": یرضی بخلافته السّموات والارض؛[۳] اهل آسمان ها و زمین متفقاً از آن اظهار رضایت و خشنودی می کنند. "ازحکومت وی همهٔ فرشتگان و خاک نشینان خوششان می آید[۴] و برکاتش به همهٔ موجودات حتی به مردگان می رسد و خداوند به برکت ظهور حضرت و حکومت عدالت

گستر او گروهی از مردگان را که در عذاب به سر می برند نجات می دهد.[۵] ب) در مورد مدت حکومت حضرت اگر چه برخی روایات حد معیّنی را بیان کرده اند و دوران حکومت حضرت را به هفت یا نُه سال محدود نموده اند، لیکن این گون ه روایات در منابع اهل سنت ذکر شده، اما از منظر محققان اهل سنت تأیید نشده است. امام عده ای بدون تحقیق این گونه روایات را در کتب شیعی وارد نموده اند. هیچ روایتی از ائمه شیعه (ع) نرسیده که دوران حکومت حضرت را محدود کرده باشد. این گونه روایات علاوه بر ضعف سند، با روح آیات و محتوای روایات متواتری که وعده داده اند با ظهور و قیام حضرت، زحمات انبیا به ثمر می رسد و جهان پر از عدل می گردد، ناهماهنگ است.[۶] مقام معظم رهبری (حفظه ا... تعالی) در این باره می فرماید": بعضی خیال می کنند دوران ظهور حضرت بقیه ا... آخر دنیا است . من عرض می کنم دوران ظهور بقیه ا...(ع) اوّل دنیا است. اوّل شروع حرکت انسان در صراط مستقیم است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همهٔ امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جادهٔ وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم همهٔ انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده اند تا بشر را از کوره راه ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، مسیر تندتر، عمومی تر، موفق تر، بی ضایعات یا کم ضاعیات تر خواهد بود. دورهٔ ظهور، دوره ای است که بشریت می تواند نفس راحتی بکشد. می تواند راه خدا را طی کند. می تواند از همهٔ استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند.["۷] روایات تحدید کنندهٔ دوران حکومت امام زمان(ع) با دسته ای دیگر از روایات که با روح تعالیم قرآنی بیشتر توافق دارد، در تزاحم و تعارض است مفضل بن عمر می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: مدت خلافت حضرت قائم(ع) چه مقدار است. حضرت در جوابم آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سورهٔ هود را تا – عطاء غیر مجذوذ – تلاوت فرمود، سپس در توضیح آیه فرمود: منظور از" عطاء غیر مجذوذ "این است که آن نعمت و عطا از ایشان بریده نمی شود بلکه نعمتی است دایمی و مُلْکی است که نهایت ندارد و حکمی است که منقطع نمی گردد و امری است که باطل نمی شود، مگر به اراده و مشیّت حق تعالی و از آن اراده و مشیّت کسی جز ذات او، آگاه نیست.[۸] آیات مذکور بیانگر طولانی بودن نعمت های الهی برای اهل بهشت است. امام صادق(ع) با تلاوت آن و سپس تفسیر و تأویلش فرمود: همان گونه که نعمت های الهی از اهل بهشت منقطع نمی گردد مگر به ارادهٔ خداوند، مدت خلافت حضرت قائم نیز بسیار طولانی است و از پایان آن کسی جز خداوند آگاهی ندارد. [۲] گفتمان مهدویت، از انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی انتظار نور، چاپ ۱۳۸۰، صفحهٔ ۸۸. [۳] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۷، حدیث ۱۲۴۰ – ۱۲۴۸. [۴] همان. [۵] گفتمان مهدویت، ص ۱۵۱. [۶] تلخیص شده از گفتمان مهدویت، ص ۱۲۶. [۷] سخنرانی مقام معظم رهبری در مدرسهٔ فیضیه" حضور ولایت. ["۸] حسن بن محمد ولی ارومیه ای، مهدی موعود (ترجمهٔ ج ۱۳، بحارالانوار مجلسی) ج ۲، ص ۳۵۵ و ۴۱۲.

پس از ظهور حضرت مهدی(عج) جهان چگونه سپری خواهد شد؟ آیا پس از این مدت طولانی خواهد بود؟ آیا حکومتی بعد از حکومت حضرت مهدی(ع) وجود خواهد داشت؟

پرسش

پس از ظهور حضرت مهدی(عج) جهان چگونه سپری خواهد شد؟ آیا پس از این مدت طولانی خواهد بود؟ آیا حکومتی بعد از حکومت حضرت مهدی(ع) وجود خواهد داشت؟

پاسخ

وجود نازنین امام زمان(ع) ذخیره شـد، تا عدل و داد در زمین گسترده گردد، نه این که عمر جهان طولانی شود. البته ممکن است بر اثر پیدایش محیط صلح و صفا و برچیده شدن عوامل اضطراب و نگرانی های روحی، عمرها افزایش یابد، ولی مهم این است که در عصر ظهور حضرت حجت(عج) کیفیت زندگی خیلی بهتر خواهد شد. وقتی مهدی موعود(ع) ظاهر شد و در جنگ پیروز گشت و بر شرق و غرب جهان تسلط یافت، تمام زمین به وسیله یک حکومت جهانی اسلامی اداره می شود. برای تمام شهرها و استان ها کارمندان لایقی را با برنامه کار و دستورهای لازم گسیل می دارد. به واسطهٔ کوشش و جدیت آنان تمام زمین آباد می گردد. عدل و داد تمام زمین را فرا می گیرد و مردم با هم مهربان شده، با صدق و صفا زندگی می کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد. و کسی در صدد آزار دیگری نیست. وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می شودک به طوری که مستحق زکات پیدا نمی شود. تمام زمین بر اثر باران های پی در پی سبز و خرم می گردد. توجه به مردم به خدا زیاد می شود و گرد معاصی نمی گردند. دین اسلام جهانی شده و بانگ توحید از همه جا بلند می شود. عقل های مردم کامل می شود و سطح عمومی بالا می رود. در مورد حکومت بعد از حضرت مهدی(عج) مسلّم است که پس از ظهور حضرت تا پایان دنیا حکومت طاغوتی تشکیل نمی گردد، بلکه دولت آل محمد(ص) تشکیل می شود و تا انقراض عالم ادامه خواهد داشت. بعد از امام زمان(ع) امامان دیگر حکومت خواهند کرد؟ مرحوم شیخ مفید می فرماید": بعد از دولت قائم آل محمد دولتی نخواهد بود، مگر آن چه که در روایتی رسیده که اگر خدا بخواهد، اولاد قائم به جای وی می نشیند. این حدیث هم قاطع و اطمینان بخش نیست. غالب روایات می گوید: مهدی موعود چهل روز پیش از قیامت می میرد و در آن چهل روز هرج و مرج خواهد شد و علامت بیرون آمدن مردگان و رستاخیز برای حساب و پاداش اعمال آشکار خواهد شد. "طبق برخی از اخبار امیرمؤمنان علی(ع) و امام حسین(ع) پس از قائم(ع) حکومت خواهند کرد. حضرت باقر(ع) فرمود": به خدا قسم! بعد از مرگ قائم(ع) مردی از ما اهل بیت سیصد و نه سال سلطنت می کند. بعد از مرگ قائم پنجاه سال هرج و مرج می شود. آن گاه امام منتصر برای خون خواهی خود و یارانش به دنیا باز می گردد. بعد از امام منتصر، امام سفاح به دنیا بر می گردد و سیصد و نه سال سلطنت می کند. منتصر حسین(ع) و سفاح امیرمؤمنان (صلوات الله علیه) است. "بنابه بعضی روایات بعد از قائم(ع) دوازده مهدی خواهد بود. مرحوم علامه مجلسی در توجه این روایت فرموده: ممکن است مراد از دوازده مهدی، پیامبر اسلام(ص) و یازده امام غیر از قائم(ع) باشد، به این معنی که آن ها بعد از قائم به دنیا رجعت نموده و به نوبت سلطنت نمایند. نتیجه: روایاتی که مربوط به عصر بعد از ظهور مهدی(عج) است، متضاد می باشند و نمی توان جملگی آن ها را پذیرفت. بنابراین به طور یقین معلوم نیست که پس از امام زمان(ع) امامان دیگر حکومت خواهند کرد یا نه.

وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند، سرانجام انسان‌های گناهکار چه می‌شود؟

اشاره

آیا پس از ظهور امام زمان (عج) قیامت می‌شود یا زندگی دنیوی ادامه می‌یابد؟

پرسش

وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند، سرانجام انسان‌های گناهکار چه می‌شود؟ آیا پس از ظهور امام زمان (عج) قیامت می‌شود یا زندگی دنیوی ادامه می‌یابد؟

پاسخ

پرسش به دو سؤال مستقل قابل تقسیم است، از این رو پاسخ آنها در دو بخش سامان یافته است: بخش نخست: سرانجام گناهکاران در دوران ظهور پس از قرن‌ها انتظار و تحمل رنج‌های فراوان سرانجام روزگار ستم و تاریکی به سرمی‌آید و پرتو خورشید سعادت نمایان گشته و حضرت مهدی (عج) که با یاری خدا آثار ظلم و بیدادگری را از بین می‌برد ظهور می‌کند. حضرت جامعه بشری را چنان سامان می‌دهد که خشنودی خدا را در پی خواهد داشت. در این میان کسانی پیدا می‌شوند که با ایده‌های مختلف انقلاب امام را برنمی‌تابند و با حضرت مخالفت می‌کنند و در انقلاب ایشان کارشکنی می‌نمایند طبیعی است که باید با آنان با قاطعیت برخورد شود تا جامعه برای همیشه از شر آنان مصون بماند؛(۱) مفاد روایات این است که سیاست و استراتژی امام در برابر مخالفان و گناهکاران این است که نخست به هدایت و ارشاد آنان پرداخته و با ایشان مدارا می‌کند اما در صورت عدم تأثیر با آنان با قاطعیت برخورد می‌کند. تذکر چند نکته ۱ – دشمنان و مخالفان حضرت از گروه‌های مختلف هستند، از قبیل: اهل کتاب، فرقه‌های باطل و منحرف، مقدس نماها، ناصبی‌ها و منافقان. ۲ – برخورد حضرت با دشمنان یکسان نیست. عده‌ای را می‌کشد، برخی را تبعید می‌کند و بر بعضی حد جاری می‌کند. و از عده‌ای جزیه می‌گیرد. (۲) محمد بن مسلم روایت کرده است: به محضر امام باقر (ع) شرفیاب شدم تا درباره قائم آل محمد (عج) از حضرت بپرسم، پیش از آن که حرفی بزنم، حضرت فرمود: در قائم آل محمد (ص) شباهت هایی به پنج تن از پیامبران است و یکایک آن‌ها را برشمرد تا این که فرمود": شباهت او به جدش مصطفی (ص) ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول خدا (ص) و ستمکاران و طاغوت‌ها است. ("۳) امام باقر (ع) فرمود": هنگامی که قائم (ع) قیام کند، ایمان را بر تمام ناصبیان عرضه می‌کند. اگر ایمان را در حقیقت و واقع بپذیرند، آنان را رها می‌سازد وگرنه یا گردن آنان را می‌زند یا همان گونه که امروز اهل ذمه جزیه می‌پردازند، از آنان جزیه می‌گیرد و آنان را از شهرها به روستاهای دور دست تبعید می‌کند." (۴) امام صادق(ع) فرمود": حضرت قائم (ع) در وقت ظهور درباره بیشتر منافقان حد خدا را جاری می‌کند.("۵) البته امام زمان حساب و کتاب و میزان را که در قیامت بر پا می‌شود، در دنیا بر پا نمی‌کند، یعنی این گونه نیست که اگر کسی در خانه خود گناه کند یا عبادت خدا را به جا نیاورد، در دنیا به مجازات برساند. هم چنین این گونه نیست که هیچ کس دچار گناه و معصیت نشود و هیچ گناهکاری وجود نداشته باشد، بلکه مقصود این است که تمام حدود و مقررات و احکام الهی را پیاده می‌کند. بخش دوم: آیا پس از ظهور امام زمان قیامت می‌شود یا زندگی ادامه می‌یابد؟ قضاوت درباره استمرار حکومت تا قیامت و عدم استمرار مشکل است، زیرا مضمون روایات در این زمینه مختلف است؛ برخی از روایات می‌گوید حکومت امام زمان (عج) تا نزدیکی قیامت ادامه دارد، که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱" – حضرت حجت تا چهل روز پیش از قیامت زنده است و در این مدت هرج (و مرج) و نشانه‌های قیامت و خروج مردگان از قبرها برای حساب و جزا نمایان می‌شود؛ ولی علم واقعی آن پیش خدا است. ("۶) ۲ – اهل سنت روایت کرده‌اند که پیامبر (ص) فرمود": پایداری دین تا آن هنگام است که دوازده نفر از قریش (بر مردم حکومت و امامت کنند)، پس از گذشت دوران آنان زمین اهل خود را فرو می‌برد. ("۷) در حدیث دیگری که از آن حضرت رسیده و به همین مضمون است، در ادامه از پیامبر (ص) سؤال شد: پس از دوازدهمین امام چه خواهد شد؟ حضرت فرمود": سپس هرج (و مرج) خواهد شد. ("۸) در روایت دیگری پیامبر (ص) فرمود": پس از دوازدهمین امام روز گرفتاری و نفاق فرا می‌رسد.("۹) برخی دیگر از روایات به این مضمون است که شیعیانی والامقام امر هدایت جامعه اسلامی را عهده دار می‌شوند. ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید: از پدرت شنیدم که فرمود: بعد از حضرت قائم (ع) دوازده مهدی (و هدایتگر) خواهند آمد. امام صادق (ع) فرمود": پدرم فرموده است: دوازده مهدی و نفرموده است: دوازده امام بلی آنان گروهی از شیعیان ما هستند و مردم را به ولایت و شناخت حق ما فرا می‌خوانند.("۱۰) به نظر می‌رسد مرحوم سید مرتضی دسته دوم روایات را پسندیده، زیرا اظهار داشته": ممکن است پس از

حضرت مهدی (عج) عده‌ای از رهبران و امامان برای حفظ دین و مصالح مسلمان قیام کنند و امر هدایت جامعه را برعهده گیرند. این دیدگاه هیچ مخالفتی با اثنی عشری بودن ندارد؛ زیرا تکلیف ما این است که بدانیم این دوازده تن امام هستند و ما این را قائل هستیم و اعتقاد به آمدن عده‌ای از نخبگان پس از حکومت حضرت حجت ما را از اثنی عشری بودن خارج نمی‌کند. "پی نوشت‌ها: ۱ - چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، قم، ص ۱۴۸، ۱۳۷. ۲ - چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، قم، ص ۱۴۸، ۱۳۷. ۳ - کمال‌الدین و تمام النعمه، صدوق، مؤسسهٔ النشر الاسلامی، جزء ۱، ص ۳۲۷، ح ۷. ۴ - کافی، کلینی، دارصعب، ج ۸، ص ۲۲۷، ح ۲۸۸. ۵ - تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن الطوسی، دارالأضواء، بیروت، ج ۶، ص ۱۷۲، ح ۳۳۵. ۶ - روضهٔ الواعظین، محمد بن فتال، نیشابوری، منشورات دلیل ما، ج ۲، ص ۲۳، ح ۳۰. ۷ - تقریب المعارف فی الکلام، ابوالصلاح الحلبی، انتشارات جامع مدرسین، ص ۱۷۴. ۸ - تقریب المعارف. ۹ - مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، دارالأضواء، بیروت، ج ۱، ص ۳۵۳. ۱۰ - کمال الدین و تمام النعمهٔ، صدوق، جزء ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۶.

آیا بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) زندگی به پایان می‌رسد؟

پرسش

آیا بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) زندگی به پایان می‌رسد؟

پاسخ

در مورد بعد از ظهور حضرت مهدی(عج)؛ یعنی مدتی که حضرت مهدی (عج) حکومت می‌کند، نیز بعد از آن دوره تا برپایی قیامت، نمی‌توان پاسخ قاطع و روشنی از روایات به دست آورد، چرا که در لابلای روایات مدت حکومت حضرت مهدی(عج) نوزده سال و چند ماه،(۱) هفتاد سال،(۲) سیصد و نه سال،(۳) آمده است. در روایتی ذکر شده که بعد از حضرت مهدی(عج) فردی از اهل بیت سیصد و نه سال حکومت خواهد کرد.(۴) و بعد قیامت برپا خواهد شد، یا یکایک امامان(ع) رجعت و حکومت می‌کنند و سپس قیامت بر پا خواهد شد(۵) و... برخی از پژوهشگران اسلامی بیان داشته‌اند: در مورد مدت حکومت حضرت مهدی(عج) اگر چه برخی روایات حد معیّنی را بیان کرده‌اند و دوران حکومت حضرت را به هفت یا نه سال محدود نموده‌اند، لیکن این گونه روایات در منابع اهل سنّت ذکر شده، امّا عده‌ای بدون تحقیق این گونه روایات را در کتاب‌های شیعی وارد نموده‌اند. هیچ روایت صحیح السندی از امامان(ع) نرسیده است که دوران حکومت حضرت مهدی(عج) را محدود کرده باشد. این گونه روایات علاوه بر ضعف سند، با روح آیات و محتوای روایات متواتری (که وعده داده‌اند با ظهور و قیامت حضرت، زحمات انبیا به ثمر می‌رسد: و جهان پر از عدل می‌گردد) منافات دارد.(۶) مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید": بعضی خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیة اللّه آخر دنیا است. من عرض می‌کنم دوران ظهور بقیة اللّه(ع) اوّل دنیا است. اوّل شروع حرکت انسان در صراط مستقیم است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، مسیر تندتر، عمومی‌تر، موفق‌تر، بی ضایعات یا کم ضایعات‌تر خواهد بود. دوره ظهور، دوره‌ای است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد. می‌تواند راه خدا را طی کند. می‌تواند از همه استعدادهای موجود در عالم

طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند."(۷) روایات تعیین کننده دوران حکومت امام زمان(ع) با دسته‌ای دیگر از روایات که با روح تعالیم قرآنی بیشتر توافق دارد، در تزاحم و تعارض است. مفضل بن عمر می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مدت خلافت حضرت قائم(ع) چه مقدار است. حضرت در جوابم آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود را تا "عطاء غیر مجذوذ" تلاوت فرمود، سپس در توضیح آیه فرمود: منظور از "عطاء غیر مجذوذ "این است که آن نعمت و عطا از ایشان بریده نمی‌شود بلکه نعمتی است دایمی و مُلْکی است که نهایت ندارد و حکمی است که منقطع نمی گردد و امری است که باطل نمی‌شود، مگر به اراده و مشیّت حق تعالی و از آن اراده و مشیّت کسی جز ذات او، آگاه نیست.(۸) آیات مذکور بیانگر طولانی بودن نعمت‌های الهی برای اهل بهشت است. امام صادق(ع) با تلاوت آن و سپس تفسیر و تأویلش فرمود": همان گونه که نعمت‌های الهی از اهل بهشت منقطع نمی گردد مگر به اراده خداوند، مدت خلافت حضرت قائم نیز بسیار طولانی است و از پایان آن کسی جز خداوند آگاهی ندارد. "پی نوشت‌ها: ۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۳۳۱. ۲. مهدی موعود، ص ۷۶۷. ۳. همان، ص ۷۶۷. ۴. نعمانی، همان، ص ۳۳۲. ۵. مهدی موعود، ص ۸۵۱ به بعد. ۶. گفتمان مهدویّت، ص ۱۲۶. ۷. سخنرانی مقام معظم رهبری در مدرسه فیضیه (حضور ولایت). ۸. حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۵۵ و ۴۱۲.

جهان چگونه به اتمام می رسد؟(پ)

پرسش

جهان چگونه به اتمام می رسد؟(پ)

پاسخ

در نهایت جهان به سوی حاکمیت مستضعفان و گسترش اسلام در گیتی و استقرار آیین خدا و پیروزی حق بر باطل و تکامل انسان‌ها پیش می‌رود، تا این که حکومت جهان و اداره امور به دست حضرت ولی عصر(ع) می‌رسد و عدالت را حاکم می‌سازد. از نظر فلسفه تاریخ، جهان در نهایت به جایی ختم می‌شود که ظاهر آن همانند باطن پاک شود و حقیقت آشکار گردد. قرآن مجید می‌فرماید": ما در کتاب زبور پس از تورات چنین نوشتیم که در آینده صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود."(۱) اما زمان دقیق ظهور را کسی نمی‌داند و هر کس وقت ظهور را تعیین کند، درغگوست.(۲) پس از ظهور، حکومت جهانی تأسیس می‌شود. در مورد مدت حکومت، روایات مختلفی ذکر شده و در آن‌ها مدت: هفت، هشت، نه، ده، بیست و چهل سال ذکر شده است. در توجیه روایات مرحوم مجلسی می گوید: برخی روایات بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی طبق سال‌ها و روزهایی است که ما با آن آشناییم و بعضی طبق سال‌ها و ماه‌های روزگار حضرت است که طولانی می‌باشد.(۳) در بعضی روایات است که امام حسین(ع) به دنیا برمی گردد و رجعت امامان(ع) انجام می‌شود. امام زمان(ع) که از دنیا برود، امام حسین(ع) او را غسل می‌دهد و کفن می کند و نماز می گذارد و در لحد می‌نهد، زیرا امام را جز امام دیگر غسل نمی‌دهد و بر او نماز نمی‌خواند.(۴) در روایت دیگر است که امام حسین(ع) سیصد و نه سال پادشاهی بر تمام زمین خواهد کرد، پس از آن حضرت امیرالمؤمنین(ع) ظاهر می‌شود و نوبت پادشاهی آن حضرت می‌باشد.(۵) این مطلب اجماعی است از شیعیان که پیش از قیامت در زمان حضرت قائم(ع) جمعی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد، به دنیا برمی گردند، تا شاهد ظهور عدالت در دنیا

باشند و موجب سروری نیکان و کیفر و عذاب بدان دنیا شود. اما سایر مردم در قبرها می‌مانند تا روز قیامت که محشور شوند. از امام صادق(ع) نقل شده": از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد.("۶) پی‌نوشت‌ها: ۱ - انبیا(۲۱) آیه ۱۰۵. ۲ - میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۶. ۳ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰. ۴ - همان، ج ۵۳، ص ۱۰۳. ۵ - همان، ص ۱۰۰. ۶ - همان، ص ۹۲.

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پرسش

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پاسخ

موفقیت امام زمان(عج) در برقراری عدالت اجتماعی به چند چیز بستگی دارد: ۱ـ شرایط جهانی و مقتضیات زمان: ۱ـ۱ـ آمادگی جهانی به پذیرش عدل از این که پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) جامعه جهانی از ستم های فراوان به ستوه می آیند و همه فریاد دادخواهی سر می دهند. در این هنگام فرهنگ جوامع بشری پذیرای اجرای عدالت می باشد و شرایط مطلوبی برای برقراری و اجرای عدالت فراهم می گردد. ۱ـ۲ـ رشد عقلی: در زمان ظهور امام زمان(عج) عقل های مردم کامل می گردد و بشر به اندازه ای به رشد عقلی می رسد که درک می کند پیاده شدن عدالت به نفع اجتماع بشری است و خود در پرتو آن نفع می برد، که این عدل همگانی را می طلبد و شرایطی است برای پیاده شدن آن.(۱) در این دوره بشر در علوم و فنون به مرحله ای می رسد که در دوره های قبلی از دستیابی به آن ناتوان بودند، بدین جهت دورهٔ ظهور حضرت را دورهٔ گسترش علم نام نهاده اند.(۲) امام باقر(ع) فرمود: "هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمت بر سر بندگانش می کشد و خِرَد های آنان را به کمال می رساند و افکارشان پرورش پیدا می کند.("۳) ۳ـ۱ـ رشد معنویت و اخلاق فردی و جمعی: جامعهٔ آرمانی در صورتی شکل می گیرد که انسان ها به رشد معنوی و اخلاقی بالایی نایل شده باشند. در روایتی از امام علی(ع) امده است": و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحناء فی قلوب العباد؛(۴) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون برود. "حکومت حضرت مهدی(عج) در تهذیب نفس و تعالی اخلاق مردم نقش ایفا می کند، پیامبر(ص) فرمود": خداوند در آخرالزمان مردی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد.("۵) ۴ـ۱ـ وجود نیروهای انسانی لایق و کار آمد: شرط موفقیت و پیاده کردن یک ایده بزرگ و والا این است که مجریان لایقی برای آن کار باشند. حضرت مهدی(عج) کارگزارانی دارد که همانند یاران پیامبر(ص) در جنگ بدر لایق، مخلص، فداکار و مؤمن و پارسا هستند. وجود ۳۱۳ یار با تقوا یکی از زمینه های موفقیت حضرت در اجرای عدالت است. ۲ـ شیوهٔ حکومتی حضرت در پیروزی و برقراری عدالت نقش دارد. از جملهٔ شیوه های حکومتی حضرت عبارت است از: ۱ـ۲ـ اجرای قانون الهی با دو ویژگی مساوات و قاطعیت، ۲ـ۲ـ شایسته سالاری در امر حکومتی، ۳ـ۲ـ کنترل و نظارت در امور کارگزاران. پس از انتخاب مجریان لایق، دولت مرکزی آنان را تحت مراقبت کامل قرار می دهد و همواره اعمال و رفتارشان را زیر نظر می گیرد.(۶) ۳ـ امدادهای الهی: با جود آن همه زمینه ها و شرایط و تلاش های خالصانهٔ حضرت و کارگزارانش و شیوه های پسندیده حکومتی حضرت، خداوند هم کمکش می کند و جبههٔ حق را از نصرت و امدادهای غیبی خود بهره مند می سازد. پی نوشت ها: ۱. منتخب الاثر، لطف الله صافی، ص ۶۰۷؛ سیری در سیرهٔ ائمه، مرتضی مطهری، ص ۲۹۴. ۲. مجلهٔ حوزه (ویژه امام زمان)، ص ۲۰۷. ۳. همان،

ص ۲۰۷. ۴. منتخب الاثر، ص ۴۷۴. ۵. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴. ۶. محمد رضا حکیمی، عصر زندگی، ص ۴۹ و ۵۰.

بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) و به شهادت رسیدن ایشان، امامت جامعه به چه شکلی است؟

پرسش

بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) و به شهادت رسیدن ایشان، امامت جامعه به چه شکلی است؟

پاسخ

این که چگونه حضرت مهدی (ع از دنیا خواهد رفت آیا به مرگ طبیعی یا غیر طبیعی برخی روایات می گویند که حضرت مدتی حکومت خواهد کرد، سپس وفات خواهد کرد و مسلمانان بر او نماز خواهند گزارد. از روایات استفاده می‌شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران (با مشخصاتی که در روایات ذکر شده به شهادت خواهد رسید. اما این که بعد از فوت یا شهادت حضرت چه وقایعی رخ خواهد داد: در روایت مفضل از امام صادق (ع آمده است" در زمان حیات حضرت مهدی (عج رجعت یعنی زنده شدن برخی از خوبان و بدان به وقوع خواهد پیوست" بعد از این که سفیانی به دست لشکر حضرت مهدی (عج کشته شود، امام حسین (ع با ۱۲ هزار نفر از پاکان و ۷۲ نفر شهید کربلا زنده می‌شوند، سپس حضرت علی (ع و بعد رسول الله (ص زنده می‌شوند و حکومت می کنند. "رجعت و زنده شدن دوبارهٔ بعضی امامان گرچه در کتاب‌های روایی آمده است اما خالی از ابهامات نیست مرحوم علامهٔ طباطبایی فرمود: رجعت یکی از مراتب قیامت است گرچه از لحاظ ظهور حقایق به پایهٔ قیامت نمی‌رسد زیرا در رجعت که مرحله‌ای از دنیای مادی است امکان فساد هست ولی در قیامت ابداً فسادی نیست روز ظهور مهدی (عج در این خاصیت با روز رجعت شریک است زیرا در آن روز هم حق به طور کامل جلوه می کند ولی ظهورش از ظهور رجعت ضعیف‌تر است از امامان اهل بیت (ع روایت شده که ایام الله سه روز است روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت از این جا معلوم می‌شود که چرا برخی آیات هم به قیامت و هم به روز رجعت و ظهور حضرت مهدی (عج تفسیر شده است در هر صورت رجعت برخی از صالحان در زمان حضور حضرت مهدی و بعد از ایشان امکان عقلی دارد و دلیل متقنی بر انکار آن نیست گرچه برای فهم آن ابهاماتی وجود دارد. در مورد بعد از شهادت امام زمان روایات مختلف است. آیا قیامت واقع می شود یا این که پس از او برخی از ائمه مانند امام حسین و حضرت علی(ع) به حکومت می‌رسند یا حکومت و ولایت این امامان به همراه حکومت امام زمان خواهد بود؟ از روایات حکم قطعی در مورد هیچ کدام از این موارد به دست نمی‌آید.

بعد از شهادت امام عصر(عج) آیا امامان دیگری بعد از ایشان می‌آیند یا پیامبری به همراه ایشان می‌آید. اگر منابعی در این مورد می‌شناسید برای اینجانب بیان فرمایید.

پرسش

بعد از شهادت امام عصر(عج) آیا امامان دیگری بعد از ایشان می‌آیند یا پیامبری به همراه ایشان می‌آید. اگر منابعی در این مورد می‌شناسید برای اینجانب بیان فرمایید.

پاسخ

پاسخ این سؤال عیناً از کتاب یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) نقل می‌شود: بعد از شهادت امام زمان {P – علی رضا رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، قم: انتشارات نبوغ ۱۳۷۵، ص ۲۳۰. P} (عج) چه خواهد شد؟ در این رابطه ما با دو دسته از روایات مواجه هستیم: ۱ – روایاتی که مسأله رجعت امام حسین(ع) و امامان دیگر را بیان نموده‌اند، از جمله روایات امام صادق(ع) است که در ذیل آیه شریفه »ثُمَّ رَدَدْنا لَکُم الکَرَّةَ عَلَیهِم«می‌فرماید: {P – اسراء / ۶. P} مقصود زنده شدن دوباره حسین(ع) و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان(عج) است، در حالی که کلاهخودهایی طلایی به سر دارند، و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین(ع) را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند. این در حالی است که حضرت حجت در میان مردم است. چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت می‌رسد، پس حضرت امام حسین(ع) متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهند شد و هرگز غیر از وصی، وصیّ را تجهیز و آماده به خاک سپاری نمی‌کند. {P – علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۳. ۲ {P – روایاتی که می‌گویند: چون قائم آل محمّد(ص) از دنیا برود و یا شهید شود، چهل روز پس از آن قیامت بر پا می‌گردد و مردگان از گورها به در آیند و برای حساب و ج.....محشر آماده گردند و خداوند بر آنچه واقع می‌شود داناتر، و ولّی توفیق و ص.....Sاست. {P – شیخ مفید، ارشاد، ترجمه ساعدی، ص ۷۰۸. P} شیخ حرّ عاملی(ره) در کتاب شریف »ایقاظ« می‌نویسد: شاید چهل روز ایام هجرت باشد و این عدد اشاره به کمی دوران حضرتش باشد، چون مقدار زیادی را به هفتاد و مقدار کم را با اعداد کمتر معرفی می‌کنند و یا این که هر روزی برابر هزار سال باشد. چنانکه در قرآن می‌فرماید: »وَ اِنَّ یَوماً عِنْدَ رَبِّکَ کَاَلْفِ سَنَةٍ مِمّا تَعُدُّونَ« یک روز نزد پروردگارت مثل هزار سالی است که شما می‌شمارید.« {P – سجده / ۵. P} و شاید مراد از قیامت در روایات دسته دوّم، قیامت صغری، یعنی رجعت باشد، البته اطلاق قیامت بر رجعت منعی ندارد، ممکن است قیامت بر هر دو اطلاق شود. {P – شیخ حرّ عاملی، الایقاظ من الهجمه، ترجمه احمد جنّتی، ص ۴۰۰. P}

با توجه به اینکه زمین خالی از معصوم نباید باشد، بنابراین پس از حکومت حضرت مهدی (عج) چه خواهد شد؟ یک نظریه این است که ائمه احدی عشر یکی یکی حکومت خواهند کرد. آیا این نظریه یک توجیه عقلانی یا وحیانی دارد؟ اگر دارد پس از پایان حکومت ایشان (ع) سرنوشت بشر چه خ

پرسش

با توجه به اینکه زمین خالی از معصوم نباید باشد، بنابراین پس از حکومت حضرت مهدی (عج) چه خواهد شد؟ یک نظریه این است که ائمه احدی عشر یکی یکی حکومت خواهند کرد. آیا این نظریه یک توجیه عقلانی یا وحیانی دارد؟ اگر دارد پس از پایان حکومت ایشان (ع) سرنوشت بشر چه خواهد شد؟

پاسخ

این که زمین خالی از وجود معصوم (ع) نیست، سخن درستی است و در منابع دینی – روایی ما بر آن تأکید شده است. اما این که

پس از ظهور حضرت ولی عصر (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی توسط آن حضرت، چه خواهد شد؟ پاسخ اجمالی این است که سه چیز از جمله مسلمات دین اسلام و مکتب تشیع است: ۱- ظهور حضرت مهدی موعود (عج) و تشکیل حکومت جهانی و برقراری نظام عدل در سراسر گیتی ۲- برپایی قیامت و روز حسابرسی پس از ظهور امام عصر (عج) و وفات یا شهادت آن حضرت. ۳- فاصله طولانی بودن میان ظهور امام زمان (عج) و شروع قیامت، چون دوران امامت امام عصر (عج) پس از ظهور طولانی نیست. اما حکومت جهانی اسلام پس از او ادامه خواهد یافت. این سه مطلب قطعی و مورد اتفاق همه علما، حکما و متکلمان اسلامی و شیعی است. و آیات و روایات بی شماری آن را تأیید می‌کند. سخن، در مدت زمان پس از ظهور امام عصر (عج) و رفتن او تا پیش از شروع قیامت و نابودی این جهان است. همچنین اسلام دین خاتم، جاوید و جهانی است و دیگر دینی نخواهد آمد و تا قیامت باید در زمین استقرار و حاکمیت داشته باشد. مجموع این مطالب اقتضا می‌کند که اسلام پاسخی برای سؤال فوق (یعنی سرنوشت بشر پس از ظهور امام عصر (عج)) داشته باشد، در غیر این صورت، دینِ کامل و خاتم بودن و نیز جاوید و جهانی بودن اسلام، زیر سؤال رفته، مورد تردید واقع می‌شود. اما اسلام به این مسأله هم پاسخ صریح و روشنی داده است و در این راستا، مسأله »رجعت« را طرح و ارائه نموده است. در اینجا به اختصار مسأله رجعت تعریف و تبیین می‌شود. »رجعت« در لغت به معنای بازگشتن به جای نخستین است، و در اصطلاح کلامی و دینی، عبارت است از بازگشت {P - مفردات، راغب اصفهانی، ذیل ماده رجعت، ص ۱۸۸، چاپ بیروت. P} گروهی از اولیای خاص الهی و مؤمنان خالص، و نیز مشرکان، منافقان، ستمگران و طاغوت‌ها به این جهان پیش از شروع قیامت و در دوران پس از ظهور امام عصر (یا هم زمان با ظهور آن حضرت)، تا آن اولیای خاص و مؤمنان خالص فرصت بیابند و از آن مشرکان و ستمگران، که پیش از آن در دنیا به آن بزرگواران و سایر مردم مستضعف و مسلمان انواع ظلم، جنایت و قتل را روا داشته‌اند، انتقام بگیرند. {P - ر.ک. اعتقادات شیخ صدوق، ترجمه سید محمد علی قلعه کهنه، ص ۹۱ - ۹۵، انتشارات قدس رضوی، تهران؛ حق الیقین، علامه محمد باقر مجلسی، ج ۲، ص ۳۳۵، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران؛ تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶ - ۱۰۷، چاپ بیروت. برای تحقیق بیشتر به کتاب »تاریخ ما بعد الظهور« محمد صدر و یا بشارة الرجعه (یا بازگشت مردگان به دنیا)، سید هبت الله بهشتی لاری، رجوع کنید. P} توضیح آن که بنا بر اعتقاد و اجماع بسیاری از بزرگان علمای شیعه، مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ امین الاسلام طبرسی، سید بن طاووس و غیر آنان، پس از آن که حکومت الهی - اسلامی حضرت مهدی {P - ر.ک. اعتقادات صدوق، ترجمه سید محمد علی قلعه کهنه، ص ۹۱ و حق الیقین علامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۳۵. P} (عج) در سراسر جهان استقرار یافت؛ با توجه به این که از یک طرف مدت حکومت شخص حضرت مهدی (عج) محدود است، و از طرف دیگر استمرار حکومت اسلامی تا سرانجام این دنیا حتمی است، و این دولت کریمه اهل بیت پیامبر {P - حداکثر سیصد و نه سال است ر.ک. حق الیقین، علامه شبّر، ص ۲۲۹، دارالکتب الاسلامی، تهران و بحار الانوار، ج ۵۲، ص P ۳۹۰} (ص) آخرین دولت در دنیا می‌باشد، و نیز روایاتی که {P - ر.ک. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۱، چاپ بیروت و بهار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲. P} می‌گوید زمین در هیچ زمانی از حجت خدا خالی نخواهد بود؛ رجعت ائمه (ع) حتمی خواهد بود در زیارت »جامعه کبیره« {P - ر.ک. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۸ - ۱۷۴ و ۱۷۸ - ۱۸۰ و ۳۸۴ - ۳۸۵. P} و مانند آن بر رجعت ائمه (ع) پس از ظهور امام زمان (عج) تصریح شده است. بر اساس اعتقاد به موضوع رجعت، حداقل برخی ائمه معصوم (ع)، و بویژه حضرت امام علی (ع) و حضرت امام حسین (ع)، و برخی شیعیان پاک باخته و مؤمنان راستین که در راه دفاع از حریم ولایت و امامت همه گونه آزار و شکنجه روحی و جسمی، و نیزآوارگی و اسارت و شهادت مظلومانه را متحمل شده‌اند، به دنیا بر می‌گردند، و به موازات آن، گروهی از سردمداران شرک و نفاق و زورمندان خون آشام و یاران پر و پا قرص آنها که عاملان اصلی ظلم و جنایت در حق آن بندگان شایسته الهی به شمار می‌رفتند نیز به دنیا برگردانده می‌شوند تا به سزای اعمال ننگینشان برسند؛ هر چند کیفر نهایی و کامل آنها در روز جزا خواهد بود. دلایل رجعت دلیل عقلی بر اثبات اصل رجعت: در حکمت، فلسفه و کلام اثبات شده که جوهره

انسان را روح مجرد وی تشکیل می‌دهد که از آن به »نفس« نیز تعبیر می‌شود و بعد از فنای بدن، باقی می‌ماند و به حیات جاودانه خود ادامه می‌دهد. از سوی دیگر، بر اساس داده‌های دین و صریح قرآن کریم، خداوند متعال قادر مطلق بوده و بر هر کاری که اراده کند تواناست و هیچ چیز و هیچ کس، نمی‌تواند توانایی او را محدود کند. با این دو مقدمه کوتاه روشن می‌شود که مسأله رجعت از دیدگاه عقل امری است ممکن؛ زیرا با اندک تأملی معلوم می گردد که بازگرداندن این گروه از انسان‌ها، به مراتب از آفرینش نخستین آنان، آسان‌تر است. بنابراین، پروردگاری که در وهله نخست آنان را آفریده است، بی تردید بر بازگردان مجددشان نیز توانایی دارد. دلیل نقلی: آیات و روایات زیادی مسأله رجعت را تأیید کرده است؛ به طوری که علامه مجلسی حدود ۲۰۰ آیه و ۵۰۰ حدیث درباره رجعت را جمع آوری کرده است، سید نعمت الله جزایری نیز ۶۲۰ حدیث و شیخ حرملی در کتاب {P – بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۳۹ – ۱۴۴، چاپ بیروت P} {P – بشارة الرجعه یا بازگشت مردگان به دنیا، سید هبت الله بهشتی لاری، ص ۳۶، چاپ فاروس ایران. P} »الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه« ۶۰۰ حدیث روایت نموده است. فلسفه رجعت با اندیشه در انگیزه‌های رجعت (چنان که در خلال بحث نیز اشاره گردید)، به دو هدف بلند از اهداف این مسأله پی می‌بریم: ۱- نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکندگی کفار و ستمگران ۲- ظهور عدالت تامه الهی در همین دنیا و پیروزی نهایی حق بر باطل و کیفر کافران و ستمگران در همین دنیا و عزت و سربلندی اولیای الهی و مؤمنان راستین، طبق وعده الهی در قرآن {P – شیعه پاسخ می گوید، جعفر سبحانی، به ویژه ص ۵۱، نشر مشعر. P}

آیا امام زمان ما هم مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارد مهمتر از همه اینکه بعد از شهادت امام زمان چه می‌شود و تکلیف این جهان فعلی چه می‌شود و افراد گناهکار تا چند سال باید بسوزند که بخشیده شوند ؟

پرسش

آیا امام زمان ما هم مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارد مهمتر از همه اینکه بعد از شهادت امام زمان چه می‌شود و تکلیف این جهان فعلی چه می‌شود و افراد گناهکار تا چند سال باید بسوزند که بخشیده شوند ؟

پاسخ

سؤال شما برادر گرامی در واقع چهار سؤال است . سؤال اول : آیا امام زمان (عج) (و یا امامان و انبیاء) مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارند یا نه ! خیر ؛ امامان معصوم و انبیاء الهی فشار قبر و سؤال و پرسش ندارند حتی انسانهای مؤمن که در درجه عالی تقوا و ایمان قرار گرفته‌اند هم فشار قبر ندارند زیرا امام صادق (ع) می‌فرمایند چقدر اندکند افرادی که از فشار قبر رهایی یابند . (بحارالانوار ج۶ ص۲۶۱) ما در روایات داریم که اعتقاد واقعی به اهل بیت و پیروی از سیره آنها و برخی از کارها مثل نماز شب ، محبت اهل بیت (ع)، صلوات بر پیامبر (ص)، اخلاق پسندیده ، صدقه و... موجب نجات شخص از فشار قبر می‌شود . (سفینه البحار ج ۲ ص ۳۹۷ -۳۹۶) و نکته قابل توجه اینکه منظور از قبر و فشار آن این گودال تنگ و تاریک نیست بلکه مراد جایگاه روح انسان در عالم برزخ است . زیرا روح پس از دفن بدن و از شب اول قبر، زندگی برزخی را شروع می کند و برزخ هر انسانی از کنار قبرش ظاهر می گردد. از سوی دیگر تفهیم آغاز حیات برزخی برای زندگانی در صورتی معنا پیدا می‌کند که کلمه قبر به میان آید تا محسوس و ملموس گردد . از این رو واژهٔ قبر به کار رفته است . (ر.ک محمد باقر شریعتی سبزواری ، معاد در نگاه عقل و دین ص۲۸) سؤال دوم : بعد از شهادت امام زمان چه می‌شود ؟ برخی از روایات می گویند که بعد از امام زمان (عج) که زمین از

www.noorfatemah.org

حجت خالی نکشته و دوازده مهدی از اولاد امام حسین (ع) بین مردم زندگی می کنند که حجت خدا بر خلایق هستند . شیخ طوسی در کتاب غیبت روایت کرده که امام صادق (ع)در حدیثی فرمود : بعد از حضرت قائم (عج) دوازده مهدی از فرزندان حسین بن علی (ع) از ما اهل بیت می‌باشند . و ممکن است مقصود دوازده نفر از فرزندان امام حسین (ع) (یعنی سادات) هستندکه از هدایت یافتگان بوده و مردم را به حق دعوت می کنند . ولی برخی از علماء مثل مرحوم طبرسی و شیخ مفید می گویند بعد از دولت امام زمان (عج) دولت دیگری نیست و این گونه روایات که می گویند دوازده نفر بعد از امام زمان می‌آیند ضعیف و درست نمی‌باشد . و در خیلی از روایات آمده که امام زمان چهل روز قبل از قیامت به شهادت می‌رسند و سپس هرج و مرج شده و نشانه‌های قیامت پدید می‌آید . (مراجعه کنید به بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۴۵ و الایعاظ من الوجعه ص ۳۹۶ – ۳۹۷) سؤال سوم : تکلیف این جهان فعلی چه می‌شود ؟ طبق بیان قرآن کریم در روایات صحیحه از معصومین (ع) این جهان از بین می‌رود خورشید خاموش و کوهها متلاشی و دریاها خروشان و ستارگان از بین می‌روند و قرآن می گوید : که روز قیامت روزی است که زمین و آسمان عوض می‌شود به غیر آن (سوره ابراهیم آیه ۴۸) سؤال چهارم افراد گناهکار تا چند سال باید بسوزند تا بخشیده شوند ؟ اولاً باید گفته شود مراد از سال در روز قیامت سال دنیوی نیست و اصلاً در آن دنیا زمان و سال و دقیقه مطرح نیست و اگر هم در روایات بیان می‌شود که مثلا چند هزار سال منظورشان زمان طولانی است و برای اینکه ما بفهمیم و دیگر اینکه منظور شما از گناه چیست برخی انسانها برای همیشه در جهنم هستند و آنها کفار و مشرکان و یا کسانی که سراسر وجودشان را گناه و ظلم و ستم (مثل یزید و معاویه و . . .) فرا گرفته و از دستورات خدا سرپیچی می کنند ، هستند ولی کسانی که اهل نماز و دارای ایمان به خدا و اقرار به واجبات هستند هرگاه مرتکب گناهی شوند و بدون توبه از دنیا بروند قابل بخشش هستند و اینکه چند سال باید بسوزند تا بخشیده شوند معلوم نیست زیرا آتش مناسب با گناه افراد است یعنی برخی گناهان دارای عقوبت شدیدی است و برخی کمتر .

چند مدت بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (ع) قیامت می‌شود؟

پرسش

چند مدت بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (ع) قیامت می‌شود؟

پاسخ

اعتقاد ما شیعیان براین است که هیچ گاه زمین بدون حجت و بدون انسان کامل نخواهد بود و پس از وفات امام زمان (عج) رجعت حاصل میشود یعنی سایر ائمه (عج) یکی پس از دیگری یا چند تا چند تا به این دنیا باز می گردند و وظایف امامت را عهده دار می شوند.(۱) پس آنچه از نظر شیعه قطعی است، اصل رجعت می باشد که دست کم، بعضی از ائمه (ع) بر میگردند اما اینکه همه ائمه باز می گردند، یا نه، کدام یک اول باز می گردند و کدام یک دوم، هر یک چقدر عمر میکنند، چگونه از دنیا میروند و مسایلی مانند آن هیچ کدام یقینی نیست. ما اینها را به عنوان اعتقادات یقینی به حساب نمی‌آوریم آنچه به عنوان اعتقاد شیعه معروف است واهل تسنن هم میدانند، این است که در آخر الزمان بعضی از کسانی که از دنیا رفته اند، ازجمله بعضی از ائمه (ع) به دنیا باز خواهند گشت. (۲) در بعضی از اخبار رجعت نیز آمده است "عمر عالم صد هزار سال است هشتاد هزار سال از آن حکومت آل محمد (ع) و بیست هزار سال حکومت دیگران است "تا اینکه در آخر می فرماید "چهل روز مانده به انقراض عالم، زمین از حجت

خداخالی می گردد، و هرج و مرج عالم را فرا می گیرد و بعد از چهل روز در صور دمیده شده و قیامت بر پا می گردد(".۳) در روایت دیگری نیز اشاره به این مطلب شده است":جابربن یزید جعفی گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: به خدا سوگند! مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش بیش از سیصد و نه سال سلطنت می کند. عرض کردم: این کی خواهد بود؟ فرمود: بعد از مرگ قائم (عج) است. عرض کردم: قائم (عج) در عالم خود چقدر می ماند؟ فرمود: نوزده سال، آنگاه امام منتصر برای خونخواهی امام حسین (ع) و یارانش قیام میکند. وی بی دینان را به قتل رسانده و به اسارت می برد، تا این که سفاح قیام می کند(".۴)دوست عزیز و گرامی ؛ آنچه مهم تر ازهمه این مطالب است، این است که چه بکنیم که ظهور آن حضرت را درک کنیم و چگونه رفتار کنیم تا در لحظه ظهور مثل خیلی از انسانها منکر آن حضرت نشویم بلکه در رکاب آن حضرت و از سربازان او باشیم. انسان میتواند با کنترل در اعمال، رفتار و گفتار خود به جایی برسد که تمام این سؤالات را از خود حضرت بپرسد. پس آنچه وظیفه ماست و باید ذهن و فکر ما را به خود مشغول کند این است که چگونه اعمالمان مورد رضایت آن حضرت قرار بگیرد. امیدوارم خداوند متعال چنین توفیقی را به ما و شما و همه دوستداران و منتظران امام زمان عجل ا... تعالی فرجه شریف عنایت کند. منابع و مآخذ: ۱)تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص۵۲ و... ۲)تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص ۱۰۱ ۳)بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ ، روایت ع و ج ۵۱، ص۳۴۸ ۴) بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ حدیث ۳

درباره مقام امامان در روایات اهل سنت چه مطالبی آمده است ؟بعد از مرگ امام زمان(عج) چه اتفاقی می افتد؟ بر پیکر ایشان چه کسی نماز میخواند؟

پرسش

درباره مقام امامان در روایات اهل سنت چه مطالبی آمده است ؟بعد از مرگ امام زمان(عج) چه اتفاقی می افتد؟ بر پیکر ایشان چه کسی نماز میخواند؟

پاسخ

در رابطه با این سؤال با استناد به چند روایت پاسخ روشن می‌شود. از طریق اهل سنت روایات متعددی درباره اهل بیت عصمت و طهارت نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱- در ینابیع المودة، ۱/۱۹: از رسول گرامی اسلام(ص) نقل می کند: النجوم امان لاهل السماء، فاذا ذهبت النجوم، ذهب السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذا ذهب اهل بیتی ذهب اهل الارض ؛ ستارگان امانی بر اهل آسمان‌ها است، هنگامی که ستارگان [از بین [بروند، آسمان هم [از بین[می‌رود و خاندان من، امان اهالی زمین است، هنگامی که خاندانم [از دنیا] بروند، اهالی زمین هم از بین می‌روند{M. ۲- در فرائد السمطین، ص ۲۰، از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند: ... و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذا ذهب اهل بیتی جاء اهل الارض من الایات ما کانوایوعدون... ؛ و خاندان من امان برای اهالی زمین هستند، پس هنگامی که خاندان من [از دنیا [بروند، برای اهالی زمین نشانه‌هایی که به آنهاوعده داده شده است، پیش می‌آید (یعنی قیامت برپا می‌شود){M. روایات در این باره در کتاب‌های اهل سنت بسیار است، که برای اطلاع بیشتر به کتاب «الشیعة والرجعه»، مرحوم شیخ محمدرضا طبسی، صص ۱۰ - ۹ مراجعه فرمایید. از طریق شیعه و در کتاب‌های روایی شیعه نیز روایات متعددی به این مضمون نقل شده است که فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱- الکافی، ۱/۱۷۹، از امام صادق(ع): لو بقیت الارض بغیر امام ساعة لساخت ؛ اگر زمین لحظه‌ای بدون امام باقی باشد، از هم می‌پاشد (زمین واهل آن هلاک

www.noorfatemah.org

می‌شوند){۲ .M- بحارالانوار، ۲۳/۵، از امام صادق(ع): و لولا ما فی الارض منّا لساخت باهلها ؛ اگر در زمین یکی از ما [اهل بیت] نباشد، زمین با اهلش از هم‌می‌پاشد (و هلاک می‌شوند){۳ .M- بحارالانوار، ۲۳/۲۹، از امام رضا(ع): لو خلق الارض طرفهٔ عین من حجهٔ لساخت باهلها ؛ اگر زمین چشم به هم زدنی از حجت خالی باشد، بااهالیش از هم پاشیده می‌شود{M. با این روایات، پاسخ روشن شده است که وقتی آخرین امام از دنیا برود، زمین از هم می‌پاشد و قیامت برپا می‌شود. حال چه آخرین امامی که در دنیا زیست می‌کند، حضرت ولی الله الاعظم امام زمان(عج) باشد یا ائمه دیگر(ع) که رجعت کرده‌اند و لزومی ندارند که کسی براجساد مطهر آنها نماز بخواند. این مطلب را برهان نیز تأیید می‌کند. زیرا امام، حجت خدا بر روی زمین و خلیفهٔالله (جانشین خدا) بر روی زمین و انسان کامل است و تمامی فیوضات و نعمت‌ها به واسطه امام(ع) بر موجودات زمینی و بلکه تمام موجودات امکانی می‌رسد. زیرا در جای خود اثبات شده استکه فیض الهی دائمی است و هیچ‌گاه قطع نمی‌شود، اما این فیض به واسطه خلیفه الهی به بندگان می‌رسد و اگر آخرین امام رخت از دنیا بربندد، زمین و زمان از هم پاشیده می‌شوند. زیرا واسطه فیض، رابطه‌اش با عالم طبیعت و مادی قطع می‌شود، طبیعتا به جهانی مادی نیز فیضی کهموجب دوام و بقایش باشد، نخواهد رسید و از هم خواهد پاشید. عالم ماده – و تمام موجودات امکانی – بدون فیض توانی برای ایستادگی و حیات ندارند زیرا همه وابسته و مرتبط به حضرت حق – جل و علا – هستند و اگر نازی کند در دم فرو ریزند، قالب‌ها. به این دلیل است کهروایات ما تأکید دارند که اگر دو نفر در روی زمین باقی باشند، یکی از آنها امام و حجت خدا خواهد بود و آخرین کسی که رخت از دنیا برمی‌دارد، امام(ع) است، (ر.ک: اصول کافی، ص ۱۷۹ و ۱۸۰).{J

شنیدم که ما انسانهای کنونی (از آدم به بعد) از نسل هشتم انسانها هستیم آیا این مطلب صحیح است و آیا بعد از ظهور آقا امام زمان و تشکیل حکومت و برقراری عدالت در جهان ،قیامت برپا می شود یا اینکه نه ،همه انسانها از دنیا می روند و نسل دیگری با کتاب و پیامبر دیگری

پرسش

شنیدم که ما انسانهای کنونی (از آدم به بعد) از نسل هشتم انسانها هستیم آیا این مطلب صحیح است و آیا بعد از ظهور آقا امام زمان و تشکیل حکومت و برقراری عدالت در جهان ،قیامت برپا می شود یا اینکه نه ،همه انسانها از دنیا می روند و نسل دیگری با کتاب و پیامبر دیگری روی کار خواهد آمد و پیامبران و معصومین و قرآن کریم مخصوص این نسل انسان بوده و هستند.

پاسخ

اولاً علوم بشری به وقت قیامت دسترسی پیدا نخواهد کرد و علم آن تنها در نزد خداوند – و هر کس که او بخواهد – است. «یسئلونک عن الساعه ایان مرسیها قل انما علمها عند ربی لا یجلیها لوقتها الا هو، ثقلت فی السماوات والارض لا تأتیکم الا بغته یسئلونک کانک حفی عنها، قل انما علمها عندالله ولکن اکثر الناس لایعلمون؛ از تو درباره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو: علم آن، تنها نزد پروردگار من است جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است جز ناگهان به شما نمی رسد [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی بگو علم آن تنها نزد خدا است ولی بیشتر مردم نمی دانند» (اعراف، آیه ۱۸۷). ثانیا، بنا بر روایتی که از امام صادق(ع) نقل شده است: «ایام الله ثلاثه یوم یقوم القائم و یوم الکره و یوم القیامه؛ روزهای خداوند سه روز است، روز قیام حضرت مهدی، روز رجعت، روز قیامت» (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳، ح ۵۳). یعنی اقامه عدل به طور مطلوب و کامل در این سه زمان یعنی در زمان قیام حضرت مهدی، روز رجعت که

www.noorfatemah.org

حکومت به دست آل محمـد(ص) است و باز هم اقامه عدالت می شود که نمونه آن عدالت امیرالمؤمنین(ع) در دوران حکومت آن حضرت است و یکی هم قیامت. بنابراین پس از قیام حضرت مهدی(عج) و تشکیل حکومت توسط وی مسأله رجعت اتفاق می افتد. در خصوص زمان حکومت حضرت مهدی روایات متعدد است ولی روایتی نداریم که حکومت آن حضرت کوتاه باشد، در مجموع روایتی در این میان مرجح است که می گوید حضرت قیام می کندتا این که جهان را پر از عدل و نور خدا کند و زحمات انبیاء را به ثمر برساند. پس معقول نیست که مدتی کوتاه حکومت کند. مدت زمان رجعت نیز چندان مشخص نیست، تنها همین مقدار حائز اهمیت و اعتقاد به آن واجب است که براساس آیات و روایات، این امر محقق خواهد شد. رجعت در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح به بازگشت گروهی از مردگان به این جهان همزمان و پس از قیام جهانی حضرت مهدی(عج) اطلاق می شود. به اعتقاد اندیشمندان مسلمان رجعت، همان زندگی بعد از مرگ و پیش از قیامت است و تنها به گروهی از مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در کفر اختصاص دارد (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸ و نیز نگا: فلسفه و قرآن در زمینه المیزان، عباس مخبر دزفولی، ج ۳، صص ۴۷ – ۶۸). توجه داشته باشیم اعتقاد به رجعت به معنای انکار قیامت یا حتی انتقال نفوس نیست و در آنجا سخن از تکرار پیاپی تولدها و زندگی های متعدد در بدن های مختلف نیست. به دیگر سخن در عقیده رجعت هرگز روح انسان به جسم شخص دیگر منتقل نمی شود بلکه روح شخص رجعت کننده به جسم خود او تعلق می یابد. مقصود از رجعت بنا بر روایات مشاهده عزت اسلام و ذلت دشمنان است (نگا: علم الیقین، فیض کاشانی، ج ۲، فص ۹، صص ۱۰۰۱ – ۱۰۰۹). معتقدان به رجعت تنها بازگشت گروهی بس انگشت شمار به این جهان را به جهت برخی مصالح تجویز می کنند که پس از آن بار دیگر به سوی عالم آخرت شتافته در روز میعاد همراه دیگر انسان ها محشور خواهند شد. بنابراین پس از قیام حضرت مهدی و رجعت قیامت برپا خواهد شد ولی زمان این سه رویداد به طور مشخص معلوم نمی باشد.

برطبق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه واله » که فرموده اند { من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیت } بسیاری از علمای شیعه توانسته اند هم حقانیت امیر المؤمنین « علیه السلام » را اثبات نمایند و هم وجود مقدس آقا امام زمان , حال در روایت آمده که بعد از

پرسش

برطبق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه واله » که فرموده اند { من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیت } بسیاری از علمای شیعه توانسته اند هم حقانیت امیر المؤمنین « علیه السلام » را اثبات نمایند و هم وجود مقدس آقا امام زمان , حال در روایت آمده که بعد از ظهور آقا امام زمان و حکومت برزمین به دست پیرزنی شهید می شوند, پس بعد از این ماجرا تکلیف این حدیث بسیار مهم و متواتر چیست ؟

پاسخ

معنای حدیث فوق این است که انسان باید امام « علیه السلام » را « مفترض الطاعه» بداند یعنی : اطاعتش را واجب بداند در جمیع ابعاد وگرنه اسم و شخص را که کافر هم می تواند بداند واین تحقق نمی یابد مگر اینکه امام سابق و نَصَب او را به نص از امام سابق بشناسد و اگر به یکی از ائمه معرفت نباشد , معرفت او کامل نیست . بنابراین خود این سئوال اولا: به وسیله خود حضرت ولی عصر عج » پاسخ صریح داده میشود . و خیلی دور از ذهن و اشتباه ایست که فرض کنیم امام «علیه السلام» خودش محیط به علمی امامت خویش باشد ولی ندانند بعد از شهادت خود چه کسی را برای شیعیان تعریف کند . ثانیا: برطبق آیات قرآن و نیز تأویل آن در

احادیث کاملا صحیح , موضوعی وجود دارد بنام «رجعت» حتی در زیارت جامعه همه بوضوح به آن بر می خوریم : آیه ۸۲ سوره نمل اشاره به «رجعت» دارد {یوم نحشر من کل امه فوجا... } فردی به امام صادق « علیه السلام » عر ض کرد مردم گمان میکنند مراد از این آیه قیامت است . حضرت فرمودند: «آیا روز قیامت خدا از هر اُمتی گروهی را محشور می سازد و بقیه را رها می سازد ؟ خیر این زمان « رجعت» ما واقع خواهد شد. آیه ای که دال برقیامت است مثل این است : { و حشرنا هم فلم نغادر منهم احدا }(کهف ۴۷) مأمون از امام رضا « علیه السلام » پرسید ای ابو الحسن در باره «رجعت» چه می گویی ؟ حضرت فرمودند : مسأله ای ایست حق که در امتهای پیشین هم اتفاق افتاده و قرآن درباره آن سخن میگوید. (بحار ,ج ۵۳,ص ۵۹) آری بنابر این روایات و تأویلات قرآن ایاب و« رجعت» بازگشت گروهی از مردم است از عالم برزخ به دنیا چنانکه حضرت عیسی علیه السلام » مرده را زنده می کرد و برای همه از تعجب ساقط شد الا اینکه دانستند به امر خدا معجزه شدنی است و چنانکه حضرت ابراهیم «علیه السلام » درباره جمع شدن اجساد مردگان عملا به یقین رسیده و چنانکه اصحاب کهف بعد از سیصد سال خواب بیدرا شدند . هیچیک را نمی توان توجیه دنیوی کرد ولی فقط حقایقی است که اتفاق افتاده و شدنی است بعد از شهادت حضرت امام مهدی «علیه السلام » اول امام حسین علیه السلام » بعد حضرت امیر المومنین « علیه السلام » بعد از رسول خدا « صلی الله علیه واله » و بعد باقی ائمه « علیهم السلام » رجوع می نمایند . این مسئله رجعت به نقل از کتاب الانوار النعانیه سید نعمت الله جزایری موجود است البته رجعت از عقاید خاص علوی است و غیر از شیعه به آن اعتقاد ندارند چه که اصلا اهل اقامت نبوده اند که به آن قائل باشند – در آیه ۱۱ سوره مؤمن آمده است که گروهی می گویند : خدایا ما را دوباره میراندی و دوباره زنده کردی حضرت باقر « علیه السلام » می فرماید : این سخن خدای تعالی مخصوص اقوامی است که پس از مرگشان در «رجعت» واقع می شوند می توانید به کتاب امام مهدی «عج » از ولادت تا ظهور , سید محمد کاظم قزوینی و نیز کتاب در محضر علامه طباطبائی پرسشهاوپاسخها مراجعه کنید .

پس از ظهور ولی‌عصر(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می‌شود؟

پرسش

پس از ظهور ولی‌عصر(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می‌شود؟

پاسخ

بر اساس آیات و روایات تحولات بسیار زیادی را خواهند داشت. ۱. خداوند در آن روز وراثت زمین را به دست صالحان خواهد داد چنان‌چه می‌فرماید: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون».{۱} ۲. حکومت در روی زمین از دست نااهلان و حاکمان جائر خارج می‌گردد امام حسن مجتبی به هنگامی که در مداین زخمی شد به زید بن وهب آینده را چنین پیش‌بینی کرده «یبعث اللّه رجلاً فی آخر الزمان....و یظهره علی أهل الارض حتی یدینوا له طوعاً و کرهاً»؛{۲} خداوند مردی را در آخرالزمان بر می‌انگیزاند و او را بر اهل زمین ظاهر می‌گرداند که تمام مردم از روی اختیار یا اکراه از او اطاعت خواهند کرد. ۳. بسیاری از پیامبران الهی بار دیگر زنده شده و در زمین و در کنار مهدی موعود خواهند بود امام صادق(ع) می‌فرماید: «یقبل الحسین فی اصحابه الذین قتلوا معه و سبعون نبیاً...»؛{۳} امام حسین به همراه یارانی که در کربلا شهید شدند خواهند آمد در حالی که هفتاد پیامبر اورا همراهی می‌کنند. ۴. امیرمؤمنان در زمین چهل و چهار هزار سال حکومت خواهد کرد امام صادق(ع) فرمود: «و یملک امیرالمؤمنین اربع و اربعین الف

سنهٔ». {۴} ۵. مؤمنان واقعی بار دیگر خواهند آمد و در زمین خواهند بود و امام باقر(ع) می‌فرماید: «المؤمن لیخیّر فی قبره فاذا قام القائم فیقال قد قام صاحبک فان أحببت ان تلحق به فالحق...»؛ {۵} به هنگام ظهور امام زمان به مومن در قبرش خبر می‌کنند که امام تو قیام کرده است اگر دوست داری برخیز و به او ملحق شو. ۶. ابلیس به دست توانای پیامبر بر روی همین زمین کشته خواهد شد امام صادق(ع) ضمن حدیثی می‌فرماید: «و رسول اللّه بیده حربهٔ من نور فاذا نظر الیه ابلیس رجع القهقری...فلیحقه النبی فیطعنه بین کتفیه فیکون هلاکه و هلاک جمیع اشیاعه...»؛ {۶} در دست پیامبر حربه‌ای از نور است و زمانی که ابلیس نظر به پیامبر افکند به پشت سر بر می‌گردد پیامبر به دنبال او رفته و می‌رود و با آن چه که در دست دارد طعنه‌ای بر شانه‌اش می‌زند که نابودی و هلاک او و پیروانش خواهد بود. ۷. زمین در زمان ظهور گنجینه‌ها و دفینه‌های که از میلیون‌ها سال برای صاحب اصلی آن نگهداری شده یا خود ظاهر می‌کند و یا بر دست امام زمان از درون آن بیرون کشیده می‌شود امام حسن ضمن حدیثی می‌فرماید: «و تظهر له الکنوز»؛ {۷} گنج‌ها برای او ظاهر خواهند گشت. ۸. آن چه که تاکنون از زمین نروییده در آن زمان از همان زمین روییده خواهد شد هم چنین امام حسن(ع) می‌فرماید: «تخرج الارض برکتها»؛ {۸} ۹. دجال بر روی همین زمین کشته خواهد شد امام می‌فرماید: «و یظفره اللّه تعالی بالدجال فیصلبه علی کناسهٔ الکوفهٔ»؛ {۹} به وسیله لطف خداوند امام زمان(ع) بر دجال دست پیدا کرده و او را در محلی در کوفه به نام کناسهٔ به دار می‌آویزد. ۱۰- بهترین جاده‌ها و خیابان‌ها واتوبان‌ها و شهرها و خانه‌ها روی همین زمین احداث خواهد شد و به فرموده امام باقر(ع): «وفلا یبقی فی الارض خراب الّا قد عمر»؛ {۱۰} هیچ خرابی نخواهد ماند مگر آن که تبدیل به عمران و آبادانی خواهد شد و مسایل دیگر که در زمین رخ می‌نماید و اما پاسخ این که سرنوشت بشر چه خواهد شد؟ می گوییم که بسیار روشن است چرا که بشر در آن روز از نعمت هایی بهره‌مند خواهد شد که در طول تاریخ عالم چنین نعمتی را به چشم ندیده است. ۱. گسترش عدالت: بشر در آن روز از عدالت غیر قابل وصفی برخوردار خواهد بود چنان‌که در روایات بسیاری بر این مسأله تأکید شده و پیامبرصلی الله وعلیه وآله می‌فرماید: «یخرج رجل فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً»؛ {۱۱} مردی از خاندانم در آخر الزمان ظاهر می‌شود که نام او هم نام من و کنیه‌اش کنیه من می‌باشد او زمین را آکنده از عدل و داد می‌نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود. ۲. رؤیت یکدیگر از راه دور: هم‌چنین روایت شده که مؤمنان بدون هیچ حجاب و مانعی در شرق و غرب یکدیگر رااز راه دور می‌بینند امام صادق(ع) می‌فرماید: «ان المومن فی زمان القائم وهو بالمشرق لیری أخاه الذی بالمغرب». {۱۲} ۳. قدرت چهل نفر در یک نفر و در زمان ظهور ولی عصر(ع) خداوند به برکت آن حضرت به هر یک از شیعیان قدرت چهل مرد را عطا می‌کند امام صادق(ع) فرمود: «یعطی کل رجل منهم قوهٔ أربعین رجلاً». {۱۳} خلاصه در هیچ زمانی همانند آن روز بشر طعم آزادی و امنیت، آسایش، اتحاد و برابر ی و برادری نچشیده‌اند. اما افراد وگروه هایی که مخالف مهدی موعود و برقراری حکومت الهی می‌باشند دیگر هیچ جایگاهی در بین مردم نداشته و نخواهند داشت چرا که اگر حضرتعیسی بن مریم خود وزیر حضرت مهدی(ع) {۱۴} باشد و صلیب را خرد کند {۱۵} دیگر چه عذری برای نصاری و پیروان او خواهد بود. در آن زمان از بشر هیچ دینی جز دین اسلام پذیرفته نخواهد شد و همه باید تسلیم امام زمان شوند و همگان تسلیم خواهند شد مگر آن کوردلانی که هرگز دست از تعصب و لجاجت بر نداشته اعلام جنگ می‌کنند امام پس از مهلتی که به آن‌ها می‌دهد سرانجام زمین را از لوث وجود آنها پاک می‌کند که نگارنده به تفصیل در کتاب بامداد بشریت به آن پرداخته است. [۱].سوره قصص. [۲].احتجاج، ج ۲، ص ۱۱. [۳].مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۸. [۴].همان، ص ۲۶. [۵].لائل الامامهٔ،ص ۲۵۷ [۶].مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۶. [۷].احتجاج، ج ۲، ص ۱۱. [۸].اثبات الهداهٔ، ج ۳، ص ۵۲۴. [۹].المهذب البارع، ج ۱، ص ۱۹۴. [۱۰].کمال الدین الدین ج ۱ ص ۳۳۰،اعلام المهدی ص ۴۶۳ مجار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۱ [۱۱].تذکرهٔ الخواص، ص ۳۲۵. [۱۲].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱. [۱۳].الإختصاص، ص ۸. [۱۴].فتن ابن حماد، ص ۱۶۰؛ تاریخ بخاری، ج ۷، ص ۲۳۳. [۱۵].عبدالرزق، ج ۱۱، ص ۳۹۹؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۰.

دنیا بعد از ظهور آن حضرت چه طور خواهد شد؟ وضعیت دنیا قبل از ظهور حضرت چگونه است؟

پرسش

دنیا بعد از ظهور آن حضرت چه طور خواهد شد؟ وضعیت دنیا قبل از ظهور حضرت چگونه است؟

پاسخ

در احادیث معتبر، وضعیت دنیا قبل از ظهور امام زمان(عج) و بعد از آن ترسیم شده است/ الف) دنیای بعد از ظهور در احادیث می‌خوانیم: «هر گاه مهدی موعود(عج) ظهور کرد و در جنگ پیروز شد و بر شرق و غرب جهان تسلط و سیطره یافت، تمام زمین با یک حکومت جهانی اسلامی اداره می‌شود. آن حضرت برای تمام سرزمین‌ها، حاکمان لایقی را با برنامه و دستورهای لازم گسیل می‌نماید که به سبب جدیت و کوشش آنان تمام زمین آباد می‌گردد. حضرت مهدی(عج) از دور تمام حوادث و جریانات کشورها را در سراسر زمین زیر نظر دارد. در عصر ایشان تمام نقاط زمین آباد می‌گردد. اصحاب و یارانش نیز از فاصله‌های دور وی را مشاهده می‌کنند و با او سخن می‌گویند. عدل و دادش تمام زمین را فرا می‌گیرد. مردم با هم مهربان می‌شوند و با صدق و صفا زندگی می‌کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می‌گیرد و کسی در صدد آزار دیگری نیست. وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می‌شود، به طوری که مستحق زکات پیدا نمی‌شود. باران بسیار می‌بارد و محصولات زمین، زیاد می‌شود. توجه مردم به خدا زیاد می‌شود. دین اسلام، دین جهانی می‌شود، بانگ توحید همه جا بلند می‌شود. عقلهای مردم کامل می‌گردد و سطح معلومات عمومی بالا- می‌رود، به طوری که زنها در خانه خویش از عهده قضاوت بر می‌آیند/ امام صادق(ع) در خصوص یکی از ویژگیهای جهان پس از ظهور می‌فرماید: «علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده، اما تاکنون بیش از دو قسمت در دسترس بشر قرار نگرفته است. وقتی حضرت مهدی(عج) ظهور می‌کند بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می‌کند و در بین بشر پخش می‌نماید.{۱} ب) دنیای قبل از ظهور پیامبر گرامی اسلام(ص) در این خصوص می‌فرماید: «مهدی(عج) از فرزندان من است. برای او غیبت و حیرتی است که در آن مردمان بسیاری گمراه می‌شوند. آن گاه همانند شهاب ثاقب می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ هم چنان که پر از ظلم شده است.{۲} امام صادق(ع) علامتهای ظهور امام زمان(عج) و وضعیت دنیا را قبل از ظهور برای یکی از یاران خود چنین توصیف می‌کنند: «۱. هر گاه دیدی حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند. ۲. ظلم و ستم فرا گیر شود. ۳. همان طوری که قرآن فرموده بدعتهایی از روی هوا و هوس در آن آمده باشد. ۴. دین خدا عملاً تو خالی شود همانند ظرفی که آن را واژگون سازند. ۵. کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی‌شود و بدکاران بازخواست نمی‌شوند. ۶. مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند. (کنایه از همجنس بازی). ۷. افراد - به ظاهر - با ایمان سکوت کرده و حرفهایشان را نمی‌پذیرند. ۸. شخص بدکار دروغ می‌گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی‌کند. ۹. بچه‌ها به بزرگان احترام نمی‌کنند. ۱۰. قطع پیوند خویشاوندی شود و...{۳} [۱]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶/ [۲]. کمال الدین و اتمام النعمْ، شیخ صدوق ص ۲۷۸/ [۳]. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجایی تهرانی، ص ۱۶۹. به نقل از: بحارلانوار، ج ۵۱، ص ۹۳/

منظور از" مدت شمرده شده در آیه ۱۰۴ سورهٔ هود چیست آیا اشاره به مدت بعد از ظهور امام زمانغ دارد؟

پرسش

منظور از" مدت شمرده شده در آیه ۱۰۴ سورهٔ هود چیست آیا اشاره به مدت بعد از ظهور امام زمانغ دارد؟

پاسخ

قرآن کریم در این سوره دربارهٔ روز قیامت می‌فرماید": ذَلِکَ یَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَ ذَلِکَ یَوْمٌ مَّشْهُودٌ وَ مَا نُؤَخِّرُهُ إِلاَّ لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ(; هود،۱۰۳ـ۱۰۴)]آخرت همان روزی است که مردم در آن جمع می‌شوند، و روزی که همه آن را مشاهده می کنند، و ما آن را جز تا زمان محدودی تأخیر نمی‌اندازیم ; یعنی مجرمان مغرور نشوند و فکر نکنند که روز قیامت و مجازات آنان نسیه است و معلوم نیست کی فرا رسد، بلکه دنیا محدود است و به زودی قیامت فرا خواهد رسید": إِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیدًا وَ نَرَاهُ قَرِیبًا(; معارج ۶ـ۷) آن‌ها آن روز را دور می‌بینند، و ما آن را نزدیک می‌بینیم " واژه" معدود ("به معنای شمرده شده ، اشاره به نزدیکی رستاخیز است زیرا هر چیزی که قابل شمارش باشد و تحت عدد و شمارش واقع شود، محدود و تمام شدنی خواهد بود.(مجمع البیان طبرسی ج ۳، ص ۱۹۳، داراحیأ التراث العربی / التبیان ابوجعفر الطوسی ج ۶، ص ۶۵، مکتب الاعلام الاسلامی / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۲۳۱، دارالکتب الاسلامیهٔ") اجل معدود، "آن هنگامی است که دنیا تمام می‌شود و قیامت فرا می‌رسد.(الکاشف محمد جواد مغنیه ج ۴، ص ۲۶۹، دارالعلم للملایین بیروت) بنابراین آن وقت بعد از ظهور امام زمانغ و رجعت ائمه خواهد بود.

سایر موارد

قیام و ایستادن به هنگام شنیدن لقب امام زمان ۷واجب است ؟

پرسش

قیام و ایستادن به هنگام شنیدن لقب امام زمان ۷واجب است ؟

پاسخ

یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبتِ کبری برخاستن به محض شنیدن اسم مبارک حضرت امام زمان ۷است , خصوصاً اگر نام مقدس برده شود. و این جهت تعظیم آن وجود مقدس می باشد. این عمل دربین شیعیان حتی در زمان امام جعفر صادق ۷نیز معمول بود. کسی خدمت امام صادق ۷عرض کرد: علت چیست که مردم در موقع ذکر کلمهء قیام می کنند؟ حضرت جواب فرمود: که اشاره به دولت او و اظهار تأثر نسبت به غربت او است , یاد کند, آن جناب نیز به خاطر محبت زیادی که به دوستانش دارد, نظر لطفی به او خواهد کرد. سپس چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود, سزاوار است که به خاطر احترام ایشان به پا خیزد و تعجیل فرجش را ازخد بخواهد.(<۱) (پاورقی ۱.آیت اللّه لطف اللّه صافی گلپایگانی , منتخب الاءثر, ص ۶۴۰ شماره ۴ شیخ عباس قمی , منتهی الآمال ; ص ۴۸۸ عبدالرحمن انصاری , در انتظار خورشید ولایت , ص ۱۳۲

در روایت‌هـای متعـددی آمـده است که آخر زمـان زمانی است که خاتم پیامبران به پیامبری مبعوث شود، در حالی که این رسالت هزار و چهارصد سال است که آغاز شده و هنوز آخر زمان نرسیده است آیا در قرآن کریم به مدت و زمان آخر زمان تصریح شده است

پرسش

در روایت‌های متعددی آمده است که آخر زمان زمانی است که خاتم پیامبران به پیامبری مبعوث شود، در حالی که این رسالت هزار و چهارصد سال است که آغاز شده و هنوز آخر زمان نرسیده است آیا در قرآن کریم به مدت و زمان آخر زمان تصریح شده است

پاسخ

"آخر "به بخش پایانی هر مجموعه گفته می‌شود و" زمان در لغت بر وقت کم یا زیاد اطلاق می گردد از آن جا که مفهوم" آخر" نسبی است و در تاریخ انقراض دنیا، اختلاف فراوانی وجود دارد و قرآن نیز از تعیین وقت مشخص برای آن پرهیز کرده و]لقمان ۳۱ و ۳۴، احزاب ۳۳ و ۶۳، و زخرف ۴۳ و ۸۵[، محدودهٔ آن به دقت قابل اندازه‌گیری نیست با این حال با استفاده از روایات بعثت پیامبر خاتم را می‌توان سرآغاز دورهٔ" آخر الزمان دانست البته در بیش‌تر روایات آخر الزمان به دورهٔ پایانی که به ظهور حضرت مهدیغ نزدیک باشد، اطلاق شده است پایان نبوت و آمدن آخرین شریعت الهی که با ظهور پیامبر اکرم‌تحقق یافت نخستین نشانهٔ پایان تاریخ به شمار می‌رود ;از این رو مفسران مقصود از نشانه‌های قیامت را در آیهٔ": فَهَلۡ یَنظُرُونَ إِلاَّ السَّاعَةَ أَن تَأۡتِیَهُم بَغۡتَةً فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَا(;محمد،۱۸) آیا آن‌ها جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان فرا رسد، در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است "بعثت پیامبر اکرم‌دانسته‌اند که نسبت به عمر جهان فاصلهٔ بسیار کمی تا قیامت دارد. در آخرالزمان وقایع فراوان دیگری نیز، پیش‌بینی شده که بیش‌تر به دورهٔ پایانی آن (مقارن با ظهور حضرت مهدیغ مربوط می‌شود. نتیجه آن که الف ـ آخرالزمان امری نسبی است و زمان بعثت پیامبر اکرم‌تا پایان جهان را نسبت به عمر جهان در نظر گرفته‌اند. ب ـ زمان بعثت پیامبر اکرم آغاز آخر الزمان است اما این که چقدر طول می کشد و پایان آخرالزمان کی خواهد بود، مشخص نیست ج ـ در قرآن کریم اگرچه به مدت و زمان آخرالزمان تصریح نشده است اما از نشانه‌ها و حوادثی که قرآن بیان فرموده می‌توان به دورهٔ پایانی آخرالزمان که مقارن با ظهور حضرت مهدیغ است پی برد. در این جا به چند مورد از آن وقایع اشاره می کنیم ۱. بحران معنویت" اقۡتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمۡ وَهُمۡ فِی غَفۡلَةٍ مُّعۡرِضُونَ(; انبیأ،۱) حساب مردم به آنان نزدیک شده در حالی که در غفلتند و روی گردانند ".در این آیه مردم آخرالزمان به غفلت و اعراض از خداوند، متصف شده‌اند ;۲. وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار": فَاخۡتَلَفَ الۡأَحۡزَابُ مِن بَیۡنِهِمۡ فَوَیۡلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُواْ مِن مَّشۡهَدِ یَوۡمٍ عَظِیمٍ(; مریم ۳۷) ولی]بعد از او[گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند ;وای به حال کافران از مشاهدهٔ روز بزرگ " این آیه درباره ظهور فرقه‌های مختلف در جهان اسلام است که در آخرالزمان پدید آمده و سبب اختلاف‌های بسیار خواهد شد. ۳. ظهور دجال" لَخَلۡقُ السَّمَوَاتِ وَالۡأَرۡضِ أَکۡبَرُ مِنۡ خَلۡقِ النَّاسِ (غافر،۵۷) آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش انسان‌ها مهم‌تر است ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند ".برخی از مفسران این آیه را به ظهور دجال تفسیر کرده‌اند که در دید مردم بزرگ‌ترین موجود جلوه می کند، در حالی که خداوند، او را از بسیاری مخلوقات دیگر کوچک‌تر می‌شمارد ;سرانجام این پدیده به دست حضرت عیسیغ نابود خواهد شد. ۴. پدید آمدن گرفتاری‌ها و مشکلات" إِنۡ أَتَىٰکُمۡ عَذَابُهُۥ بَیَٰتًا أَوۡ نَهَارًا مَّاذَا یَسۡتَعۡجِلُ مِنۡهُ الۡمُجۡرِمُونَ(; یونس ۵۰) اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید، پس مجرمان برای چه عجله

می کنند" ";.فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَآءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ(; صافات ۱۷۷) اما هنگامی که عذاب ما در آستانهٔ خانه‌هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت " ۵. خروج سفیانی آیات سبأ، ۵۱ ;نحل ۴۵ و نسأ، ۴۷ دربارهٔ خروج سفیانی و لشکریانش می‌باشد ۶. ندای آسمانی آیات نحل ۱۶ ;ق ۴۱ـ۴۲ دربارهٔ آن آمده است ۷. ظهور منجی بزرگ بشر آیات اسرأ، ۸۱ ;بقره ۱۴۸; انعام ۸۹ و... بر این مطلب دلالت دارد. ۸. نزول حضرت عیسیغ آیات زخرف ۴۳ ;نسأ، ۱۵۹، مربوط به آن است ۹. خروج جنبنده‌ای از زمین آیه نمل ۸۲ به آن اشاره دارد ۱۰. نابودی قوم یأجوج و مأجوج به دست حضرت مهدیغ آیه انبیأ، ۹۶ در این‌باره آمده است ۱۱. رجعت آیات نمل ۸۳ ;غافر، ۱۱ ;سجده ۲۱ ;اسرأ، ۵ ;آل‌عمران ۸۱ ;قصص ۵، به این پدیده اشاره دارند. ۱۲. صلح و آرامش پایدار در سراسر جهان آیات نور، ۵ ;اعراف ۱۲۸، انفال ۳۹ ;انبیأ، ۱۰۵ ;اعراف ۱۳۷ و قصص ۵ به چنین وعده‌ای بزرگ اشاره دارد و...دیگر از نشانه‌های آخرالزمان است که در بخش پایانی آخرالزمان واقع خواهد شد.(ر.ک دائرةالمعارف قرآن کریم مرکز فرهنگ و معارف قرآن ج ۱، ص ۱۱۴ـ۱۲۴، بوستان کتاب قم)

آخرالزمان چیست و چه ارتباطی با ظهور حضرت مهدی(عج) دارد؟

پرسش

آخرالزمان چیست و چه ارتباطی با ظهور حضرت مهدی(عج) دارد؟

پاسخ

شکی نیست هر آغازی را انجام و هر شروعی را پایانی است جز ذات بی‌پایان خداوندی که هم آغاز است و هم انجام. زمان نیز مانند تمام مخلوقات الاهی از این قاعده مستثنا نیست. روزگاری بر دنیا سپری شده که دیباچه زندگی دنیایی به شمار می‌آید و زمانی نیز خواهد گذشت که پایان این کتاب خواهد بود. برگه‌های پایانی کتاب زندگی انسان در زمین «آخرالزمان» خوانده می‌شود. «آخرالزمان» اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ دنیا به چشم می‌خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت خاص برخوردار است. این اصطلاح معمولاً به روزگار پایانی دنیا و رویدادهایی که ممکن است در این بخش از زندگی دنیوی به وقوع پیوندد گفته می‌شود و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی‌هایی کرده‌اند؛ برای مثال در «انجیل» چنین آمده ست:«... و این را بدان که اوقاتِ صعب در زمان آخر خواهد رسید* زیرا که خواهند بود مردمِ خود دوست و زر پرست و مغرور و متکبر و کفر گو و نافرمان والدین و حق ناشناس و بی‌دین* و بی‌الفت و بی‌وفا و خبث کننده و بی‌پرهیز و بی‌حلم و با خوبان بی‌اعتنا* و خائن و کم حوصله و عبوس کننده و عیش را بر خدا ترجیح می‌دهند.»۱ قرآن مجید نیز در آیات فراوان به دوران آخرالزمان اشاره کرده است. در معارف ارزشمند اسلامی این اصطلاح در دومعنای کلی به کار رفته است: ۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام(ص) آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می‌یابد. از این رو آن پیامبر الاهی را پیامبر آخرالزمان نیز نامیده‌اند. ۲. مدت زمانی که باولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام(ص) حضرت مهدی(ع) آغاز می‌شود، زمان غیبت و ظهور را در برگرفته، با شروع قیامت به انجام می‌رسد. روایات اهل بیت(ع) نشان می‌دهد: الف) با سپری شدن این دوران بساط زندگی دنیوی برچیده می‌شود و مرحله‌ای جدید در نظام آفرینش آغاز می‌گردد. ب) آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می‌شود: دوران نخست که انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی رسیده، فساد اخلاقی و ستم همه جوامع بشری را فرا می‌گیرد و واپسین

امیدهای بشری به ناامیدی می گراید؛ و دوران دوم که عصر تحقق وعده‌های الاهی به پیامبران و اولیای خدا است و با قیام مصلح جهانی آغاز می‌شود. کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همه فرقه‌های بزرگ اسلام پذیرفته شده است؛ ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی موعود و نیز هویت مهدی موعود اختلاف نظر وجود دارد. شیعیان دوازده امامی حضرت مهدی(ع) و حکومت جهانی او را حسن ختام حیات بشر در کره زمین و او را همان موعود امت‌ها می‌دانند. در نظر آنان، با ظهور حضرت مهدی(ع) برخی از ائمه و نیکان و صالحان و نیز بدان و تبهکاران تحت عنوان «رجعت» به دنیا باز می گردند و زندگی دنیایی پایان می‌یابد. با گلگشتی در کلمات نورانی معصومان(ع) می‌توان واژه‌هایی را که بیانگر پیوند مهدویت و آخرالزمان است، یافت. این واژه‌ها عبارت است از: ۱. آخرالزمان (پایان زمان) امام صادق(ع)، پیشوای ششم راستگویان، فرمود: «رسول گرامی اسلام(ص) به علی(ع) فرمود: آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، یا رسول الله. آن حضرت فرمود: هم اینک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخرالزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد – همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده – از نسل تو و از فرزندان حسین(ع) است.»۲ ۲. «لا تذهب الدنیا » (دنیا به پایان نرسد) این تعبیر بیانگر حتمی بودن تحقق حوادثی است که پس از آن ذکر می‌شود. عبدالله بن مسعود می گوید: رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «دنیا به پایان نرسد مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می‌شود.» و روشن است دنیا به پایان نمی‌رسد مگر این که بخش پایانی‌اش (آخرالزمان) را پشت سر گذارد. ۳. « لا تقوم الساعة»(قیامت برپا نمی‌شود) پیامبر گرامی اسلام(ص)فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا این که قیام کننده‌ای به حق از خاندان ما قیام کند؛ و این هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید؛ و هر کس از او پیروی کند، نجات یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد... .»۴ ۴. « لا تنقضی الایام » (روزها منقضی نگردد) رسول خدا(ص) فرمود: «روزها منقضی نگردد تا این که مردی از اهل بیت من بر زمین حکومت کند که همنام من است.»۵ ۵. «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد »(اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند) امیرمؤمنان(ع) برفراز منبر در شهر کوفه چنین فرمود: «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد که مردی از خاندانم برانگیخته شود.»۶ ۶. « عند انقطاع من الزمان »(در بخش پایانی زمان) پیامبر اکرم(ص) فرمود: هنگام پایان زمان و آشکار شدن فتنه‌ها، مردی هست که به او مهدی گفته می‌شود و بخشش بسیار دارد.»۷ نشانه‌های آخرالزمان این محدوده زمانی نشانه‌هایی دارد که اصطلاحاً «علائم آخرالزمان» خوانده می‌شود. علاوه بر اصطلاح رایج «علائم آخرالزمان» در فرهنگ مسلمانان اصطلاح مشابه دیگری به نام «اشراط الساعه» وجود دارد. این اصطلاح که بیش‌تر نزد اهل سنت رایج است، به نشانه‌های وقوع قیامت اختصاص دارد؛ ولی روایاتی که ذیل این عنوان ذکر شده نشان می‌دهد بسیاری از نشانه‌های آن چون نشانه‌های آخرالزمان است و می‌توان بسیاری از نشانه‌های آخرالزمان را نشانه‌های قیامت دانست. همان گونه که اشاره شد آخرالزمان به دو بخش متفاوت تقسیم می‌شود. بر اساس روایات، بخش اول بسیار دشوار خواهد بود. بخشی از مشخصه‌های این عصر عبارت است از: ۱. گریز از دین پیامبر گرامی اسلام(ص) ویژگی‌های انسان‌های این دوران را این گونه برشمرده است: «زمانی بر مردم خواهد آمد که درهم‌های آن‌ها دینشان خواهد بود و همتشان شکم‌شان و قبله‌هاشان زنانشان. برای طلا و نقره رکوع و سجود به جای می‌آورند. آن‌ها همواره در حیرت و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسلمانی‌اند و نه بر مسلک نصرانی.»۸ ۲. دنیا پرستی رسول خدا فرمود:«زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان درون‌های مردم پلید می‌شود ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می گردد؛ به آنچه در پیشگاه خداوند است دل نمی‌بندند؛ کارشان ریا و تظاهر است؛ خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آن‌ها را به عذابی فراگیر دچار سازد. آن‌ها چون غریق خداوند را می‌خوانند؛ ولی خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند.»۹ ۳. آزمایش‌های بزرگ یکی دیگر از ویژگی‌های دوران آخرالزمان امتحاناتی است که انسان‌ها در این دوران پشت سر می گذارند. با این آزمون‌ها، مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: موفق‌ها و ناموفق‌ها. پیامبر اکرم(ص)، وقتی از چهره‌های موفق این دوران یاد می کند، با شگفتی به علی(ع) چنین

می‌فرماید: «ای علی، بدان شگفت آورترین مردم درایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین مردمی هستند که درآخرالزمان [با آن که پیامبر خود را ندیدند و از امام خود محجوبند، به نوشته که خطی سیاه بر صفحه‌ای سپید است، ایمان می‌آورند.» ۱۰ امیرمؤمنان علی(ع) نیز درباره نجات یافتگان این دوران می‌فرماید:«و آن زمانی است که از فتنه‌ها نجات نمی‌یابد مگر مؤمنانی که بی‌نام و نشانند. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند؛ و اگر غایب گردند، کسی سراغ آن‌ها را نمی گیرد. آن‌ها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه‌ها چراغ‌های هدایت و نشانه‌های روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه‌انگیز. نه در پی اشاعه [فحشایند] و نه مردمی سفیه و لغو گو! ایناننند که خداوند درهای رحمتش را به سوی‌شان باز می کند و سختی‌ها و مشکلاتی را از آن‌ها برطرف می‌سازد.» ۱۱ پی‌نوشت: ۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، نامه دوم پولس حواری به تیموثیوس، باب سوم. ۲. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، ص۳۵۷. ۳.کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص۱۸۲، ح۱۴۱. ۴. عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج۲، ص ۵۹. ۵. بشارة المصطفی لشیعه المرتضی، طبری آملی، ص۲۵۸ . ۶. کتاب الغیبة، ص۴۶ . ۷. کشف الغمة، اربلی، ج۳، ص ۲۶۰ . ۸. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج۱۱، ص۳۷۹. ۹. کافی، شیخ کلینی، ج۸، ص۳۰۶. ۱۰. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج۴، ص۳۶۶. ۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

به چه دلیل این زمان، آخرالزمان است؟

پرسش

به چه دلیل این زمان، آخرالزمان است؟

پاسخ

در روایات اسلامی برای دوره آخرالزمان علایم ونشانه‌هایی ذکر شده که با تحقق این علایم ونشانه‌ها، پی می‌بریم که هم اکنون در دوره آخرالزمان قرار داریم. اینک به برخی از این علایم ونشانه‌ها اشاره می کنیم: ۱ – گسترش ترس وناامنی امام باقر (ع) می‌فرماید: "لایقوم القائم الاّ علی خوف شدید"؛ "...حضرت قائم (ع) قیام {پاورقی . الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۵. پاورقی} نمی کند مگر در دورانی پر از بیم وهراس ".ونیز فرمود": مهدی (ع) هنگامی قیام می کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد." {پاورقی . ملاحم، ابن طاووس، ص ۷۷. پاورقی} ۲ – تهی شدن مساجد از هدایت پیامبر (ص) درباره وضعیّت مساجد در آخرالزمان می‌فرماید": مساجدهم عامرة وهی خراب من الهوی"؛ "مسجدهای آن زمان آباد وزیباست، ولی از هدایت وارشاد در آن {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۹۰. پاورقی} خبری نیست ".۳ – سردی عواطف انسانی رسول گرامی اسلام (ص) در این باره می‌فرماید": فلاالکبیر یرحم الصغیر ولاالقوی یرحم الضعیف، و حینئذ یأذن اللّه له بالخروج"؛ "در آن روزگار، بزرگترها به زیردستان وکوچکترها {پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۳۸۰. پاورقی} ترحّم نمی کنند وقوی بر ضعیف ترحّم نمی‌نماید. در آن هنگام خداوند به او [مهدی (ع)] اذن قیام وظهور می‌دهد ".۴ – گسترش فساد اخلاقی رسول‌خدا (ص) می‌فرماید": قیامت برپا نمی‌شود تا آنکه زنی را در روز روشن وبه طور آشکار گرفته، در وسط راه به او تعدی می کنند وهیچ کس این کار را نکوهش نمی کند." محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود": إذا تشبّه الرجال بالنساء، والنساء بالرجال، واکتفی الرجال بالرجال، والنساء بالنساء"؛ "هنگامی که مردها خود را شبیه زنان وزنان

خود{پاورقی . کمال الـدین، ج ۱، ص ۳۳۱. پـاورقی} را شبیه مردان کننـد. آن گـاه که مردان به مردان اکتفـا کرده وزنـان به زنان اکتفا کنند ".۵ – آرزوی کمی فرزند پیامبر اسـلام (ص) فرمود": رسـتاخیز بر پا نمی‌شود تا آنکه که کسـی پنج فرزند دارد آرزوی چهار فرزنـد کنـد. وآنکه چهار فرزنـد دارد می گویـد: کاش سه فرزند داشـتم، وصاحب سه فرزند آرزوی دو فرزند دارد. وآنکه دو فرزنـد دارد، آرزوی یـک فرزنـد بنمایـد. وکسـی که یـک فرزنـد دارد آرزو کنـد که کـاش فرزنـدی نـداشت. {"پاورقی . فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷. پاورقی} ۶ – مرگ‌های ناگهانی پیامبر اکرم (ص) فرمود": قیامت برپا نمی گردد، تا اینکه مرگ سفید ظاهر شود. گفتنـد: ای رسول خـدا! مرگ سـفید چیست؟ فرمود: مرگ ناگهـانی. {"پاورقی . الفائق، ج ۱، ص ۱۴۱. پاورقی} ۷ – جنگ وکشـتار امـام رضا (ع) فرمود": پیش از ظهور امام زمان (ع) کشـتارهای پیاپی وبی‌وقفه رخ خواهـد داد. {"پاورقی . الغیبـة، نعمانی، ص ۲۷۱. پاورقی}

مطابق‌قواعد، مدت حیات بشریّت بعداز ظهور چه‌مقداری باید باشد؟

پرسش

مطابق‌قواعد، مدت حیات بشریّت بعداز ظهور چه‌مقداری باید باشد؟

پاسخ

از آنجا که هدف خلقت انسان رسیدن به تکاملی است که لایق آن است، وعصر ظهور زمینه مساعدی برای رشد انسان برای رسیدن به کمال است، لذا بشـریّت بعد از اجتماع شـرایط تکامل در عصـر ظهور اسـتحقاق درجه‌ای جدید وعالی به جهت تطبیق عدل کامل در روی زمین را پیـدا می کنـد، جز آنکه این شـرایط وقابلیّت‌هـا هنگامی به بار می‌نشـیند واثر مطلوب خود را می گـذارد که بشـر در عصـر ظهور مـدت کافی زنـدگی کنـد تا در سایه حکومت عدل گستر الهی به نهایت کمال انسانی برسد، وبا عمری کوتاه هرگز به طور طبیعی نمی‌توانـد کمـال خود را به بـار بنشانـد، دلیـل این مطلب این است که: اولاً: هـدف از خلقت بشـر تنهـا تحقق وتشـکیل حکومت عالمی نیست تا با وجود آن ولو در برهه‌ای از زمان مقصود حاصل شـده باشـد، بلکه هـدف مهم واعلی از تشـکیل این نوع حکومت، پیاده شدن عبودیت به معنای وسـیع وگسترده آن در تمام شؤونات جامعه است که این به نوبه خود اقتضای عمری طولانی برای بشـر در عصـر ظهور را دارد. ثانیاً: بعید به نظر می‌رسد که زمان نتیجه‌گیری کوتاه‌تر از زمان مقدمات آن باشد. می‌دانیم که چه زمان‌های طولانی بشر خود را آماده روز موعود کرده وبه انتظار آن به سر می‌برد، مدت زمانی که می‌توان به درازای عمر بشریّت به حسـاب آورد وچه فـداکاری‌ها که برای تحقق این هـدف به کار رفته است، حال می‌توان طیّ این همه مقـدمات طولانی را به جهت رسیدن به مدّتی کوتاه در نتیجه‌گیری دانست. موضوع: رجعت

شبهات

کسانی هســتند در جامعه که هیچ گونه روایات را قبول ندارند به نظر شما ما از چه طرقی وجود امام زمان را برای آنها اثبات کنیم.مثلا بهانه می آورند که سایر ادیان نیز چنین روایاتی داشــته اند ولی هیچ یک به حقیقت نپیوسته مانند زردشت که سشیانت منجی آنهاست و آیا حضرت مه

پرسش

کسانی هستند در جامعه که هیچ گونه روایات را قبول ندارند به نظر شما ما از چه طرقی وجود امام زمان را برای آنها اثبات کنیم.مثلا بهانه می آورند که سایر ادیان نیز چنین روایاتی داشته اند ولی هیچ یک به حقیقت نپیوسته مانند زردشت که سشیانت منجی آنهاست و آیا حضرت مهدی همان منجی ادیان دیگر نیز هست یا هر دینی منجی خاص خود دارد؟

پاسخ

می‌دانیم هدایت به دو معنا است: نخست: ارائه طریق و نشان دادن راه؛ دوم: ایصال به مقصد و رساندن به هدف. تفاوت این دو، در این است که در هدایت به معنای نخست، هادی، تنها راه را به فرد نشان می‌دهد اما در هدایت به معنال دوم، نه تنها راه را به او نشان می‌دهد، بلکه دستِ او را می گیرد و به مقصد می‌رساند. پس طبق دو تعریف، اثر هدایت نیز دو گونه است؛ نخست: ممکن بودن رسیدن فرد به مقصد؛ دوم: رسیدن حتمی فرد به مقصد. توضیح: طبق تعریف نخست از هدایت، فرد ممکن است به هدف برسد و ممکن است به هدف نرسد؛ اما طبق تعریف دوم اثر هدایت، رسیدن قطعی به هدف است (البته اگر فرد همه شرایط را رعایت کند) از این رو همه پیامبران، دارای هدایت به معنی نخست ـ ارائه طریق ـ می‌باشند. انبیا، هادیان و حاملان وحی هستند. زیرا: ۱. «إنّک لاتهدی من اَحببتَ ولکنّ الله یهدی من یشاء؛ همانا تو ـ پیامبر ـ هر که را دوست داشته باشی نمی‌توانی به مقصد برسانی بلکه خدا هر که را بخواهد به مقصد می‌رساند.»(سوره قصص، آیه ۵۶.) که اشاره به مقام نبوت پیامبر دارد. ۲. «فَبَعثُ اللهُ النبیّینَ مُبشّرین ومنذرین؛ پس خدا پیامبران را برانگیخت (به عنوان) بشارت دهندگان و بیم دهندگان».(سوره بقره، آیه ۲۱۳.) در اینجا، وظیفه پیامبران تنها بشارت دادن و بیم دادن است؛ خواه مردمان بپذیرند و به هدف برسند و خواه نپذیرند و در گمراهی باقی بمانند، همان گونه که اکثر مردم در گمراهی ماندند. اما برخی از پیامبران علاوه بر هدایت به معنی نخست، دارای منصب هدایت به معنی دوم ـ رساندن به هدف ـ نیز می‌شوند. زیرا: ۱. «وجعلنا منهم أئمّةً یهدون بأمرنا؛ قرار دادیم برخی از ایشان ـ پیامبران ـ را امامانی که به امر ما ـ مردم را ـ می‌رسانند».(سوره سجده، آیه ۲۴.) ۲. «وجعلناهم أئمةً یهدون بأمرنا؛ و قرار دادیم آنان ـ برخی از انبیا ـ را امامانی که به امر ما ـ مردم را ـ می‌رسانند».(سوره انبیاء، آیه ۷۳.) ۳. «إذ إبتلی ابراهیم ربّه بکلماتٍ فأتمهنّ قال إنّی جاعلک للناس إماماً؛ و به یاد آر هنگامی که پروردگار ابراهیم را با کلمه‌هایی آزمود، پس ابراهیم آنها را تمام کرد ـ گذراند و درست انجام داد ـ فرمود: همانا من تو را برای مردم امام قرار دادم».(سوره بقره، آیه ۱۲۴.) ابراهیم پیامبر با یافتن سمت امامت (هدایت به معنای دوم) ارتقای مقام پیدا کرد. وی که پیش از آن تنها راه را به مردم نشان می‌داد، حالا ـ پس از امتحانات الهی، به مقام امامت و رساندن به مقصد می‌رسد. قطعاً خدا باید مقام تازه‌ای به او عطا کرده باشد؛ زیرا او مقام ارائه طریق را دارا بود و مقام جدید باید بالاتر باشد. امامان معصوم دوازده‌گانه دارای مقام هدایت به معنی دوم هستند، یعنی مردم را به سوی خدا می‌رسانند. این هدایت‌گری در دنیا و آخرت(از جمله هدایت‌هایی که امام برای شیعیان انجام می‌دهد، حضور نزد محتضر، حضور در شب اول قبر، عندالمسئله و شفاعت روز قیامت و توزیع نامه اعمال و... می‌باشد.) وجود دارد و برای انجام دادن آن نیازی به حضور جسمانی در جامعه نیست؛ بلکه تنها وجود امام روی زمین کافی است. پس غیبت و حضور در آن، یکسان است. حاصل آنکه وجود امام غایب که بیش از هزار سال سن داشته باشد نه مخالف عقل است(زیرا مستلزم هیچ محال عقلی نیست، چه این که با اراده خدا این امر ممکن، شدنی است.) و نه مخالف وحی است. و طبق مقدمه‌های پیش گفته، امام، هادی است و اثر هدایتش، فعلیت رسیدن هدایت شوندگان به هدف است. خالی نماندن زمین از حجت، آزمایش مردم و به تبع آن رشد خوبان، بیعت نکردن با ستمکاران و طاغوتها و... نیز از آثار وجود امام غایب است.

در روایت آمده , هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) دنیا از ظلم و جور پر است و در جایی دیگر آمده است که حضرت ظهور نمی کند جز آن که زمینهء آن فراهم شود, یعنی مردم آمادگی لازم را داشته باشند؟

پرسش

در روایت آمده , هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) دنیا از ظلم و جور پر است و در جایی دیگر آمده است که حضرت ظهور نمی کند جز آن که زمینهء آن فراهم شود, یعنی مردم آمادگی لازم را داشته باشند؟

پاسخ

منافاتی بین این دو مسئله وجود ندارد. از طرفی حضرت هنگام ظهور نیازمند پشتیبانی و همراهی یاران و مؤمنانی است که از قبل خود را ماده و زمینهء لازم را فراهم کرده اند. از طرفی دنیا آن اندازه از ظلم و فساد پرشود که نیاز به مصلحی داشته باشد که از جهان غیب ظهور خواهد کرد و به مدد غیبی و همراهی یاران خاصّی در این دنیا, جهان را از عدل و قسط پر خواهد کرد, زیرا اگر هر کدام از این دو فرضیه را رّد کنیم , فلسفه ظهور حضرت زیرسؤال می رود, چون اگر بگوییم ظلم و فساد تمام دنیا را فرا گرفته و حتی کم ترین یارو یاور در میان نمانده و زمینه ءظهور فراهم نشده است , پس حضرت باید با معجزه مردم را از باطل به طرف حق برگرداند و آیا خدا نمی تواند چنین کاری بکند؟ چه نیازی است که حضرت (عج) چنین کاری را بکنند؟ این که زمینهء ظهور با معجزه فراهم شود می تواندبدون اسباب ظاهری و حتی حضور مرحوم انجام پذیرد. در این صورت مصیبت بزرگ اشکال و ایراد در هر زمینه ای به وجود می آید. اگر بگوییم زمینهء ظهور حضرت فراهم شود و تمام مردم خوب شودند و در نیکی به یک دید سبقت گیرند, اگر چه در این صورت حضور مرحوم جلوه ءخاصی در بین مردم دار که هدایت های کلی جامعه به عهدهء او خواهد بود, ولی فلسفه غیبت علت ظهور حضرت کم رنگ می شود و شاید بعضی بگویند در جامعه ای که پر از عدل و داد است , نیازی به تصلی و مرشد نیست و مردم ,خود راه صلاح و نیکی را انتخاب مکنند. پس باید بپذیریم از طرفی مردم به ستوه آمده و از ظلم ظالمان جز به این ملجا و مادی شکایتی نمی تواند ببرند, چون فایده ای ندارد و از طرفی جمعی خود را برای یاری حضرت آماده کنند تادر هنگام ظهور در رکاب او قرار گیرند تا حضرت بتواند با استفاده از یارانش اهداف مقدس خود را اجرا کند. لازم است باز یادآور شود آن چه در احادیث رسیده , این است که در روزگار ظهور, سراسر جهان , آکنده از ستم و جور است . نه از بی دینی و کفر, یعنی چنان نیست که در هیچ جا, اهل اعتقاد و دین یافت نشوند, و کسی کلمه ای ازحق و اعتقاد و دیانت و احکام بر زبان نیاورد, بلکه مردم معتقد یافت می شوند و سخن از حق و ایمان گفته می شود ...در احادیث هست که مسلمانان در آخر الزمان , به وسیلهء مهدی , از فتنه ها و آشوب ها خلاصی می یابند, چنان که درآغاز اسلام , به وسیلهء پیامبر (ص) از شرک و گمراهی خلاصی یافتند. این بیان احادیث بسیار دیگر دلالت می کند که دین و متدیّنان در عصر ظهور هستند. آن چه نیست عدالت و مساوات و کمال عقلی و روابط انسانی است و مهدی (ع) این هارا تأمین می کند و دین را به بسیاری از مناطق دیگر جهان به کمک مؤمنان می رساند.(۱) اما روی دیگر قضیه , زمینه سازی و آمادگی جهت ظهور حضرت است . خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سرمی برد, باید خود صالح باشد. مگر قرآن کریم به صراحت نمی گوید: کند, جز خلق صالح تواند بود؟ پس خلقی که درانتظار ظهور مصلح به سر می برد, باید خود صالح باشد.(۲) نتیجه : اگر چه هیچ گونه ملازمه ای بین پرشدن دنیا از ظلم وجود و نیز فراهم شدن زمینهء ظهور در بین مردم وآمادگی ایشان از همه جهت وجود ندارد که در جمع بین دو روایت , دچار حیرت شویم آن را تأویل و تفسیر کنیم ازطرف جهان پر از ظلم و جور می شود تا دل های شکستهء مظلومان بیشتر به یاد منجی خود افتد. در طرف دیگر عده ای خود را آمادهء فداکاری و پشتیبانی حضرت می کنند. هیچ کس نباید منتظر ظهور معجزه باشد, تکلیف هیچ

www.noorfatemah.org

شخص درزمـان غیبت ساقط نمی شود. تکلیف تمام انسان ها در زمان غیبت انجام واجبات و ترک محرمات و نیز آشـنایی به احکام اسـلامی و ترویـج آن است . انتظار نیز از عبادات مورد سـفارش بسـیار است . انتظار وقتی معنی و مفهوم پیدامکند که عده ای منتظر باشـند آن کس که منتظر ورود شخصـی از دنیایی دیگر است , حتماً خود را آراسته و مزین به نیکی ها کرده است . آن طور که در روابط اجتماعی اگر به انتظار ورود دوستی می نشـینیم , لباس های نیکو پوشیده وخود را آماده می کنیم , از جهتی دیگر دنیا به طبع خود طرف داران خاصـی دارد که با چنگ و دنـدان آن را برای خودنگاه داشـته اند و به هر قیمتی برای حفظ آن دفاع خواهند کرد در این بین به مردم مظلوم مستضـعف ظلم های بسـیاری می شود که برای خلافی آنان بایـد امـدادی آسـمانی به کمک مردم زمینی چاره جو شود. (پـاورقی ۱- محمدرضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۴۱۸ با تلخیص . (پـاورقی ۲- همان , ص ۴۳۱ با تلخیص .

از طرفی گفته می شود: منتظران مصلح باید صالح باشند، و از طرفی دیگر گفته می شود: امام زمان(عج) زمانی ظهور می کند که جهان پر از ظلم شده باشد. کدام صحیح است؟ توضیح دهید.

پرسش

از طرفی گفته می شود: منتظران مصـلح بایـد صالح باشـند، و از طرفی دیگر گفته می شود: امام زمان(عج) زمانی ظهور می کند که جهان پر از ظلم شده باشد. کدام صحیح است؟ توضیح دهید.

پاسخ

هر دو جمله درست است؛ هم می بایست منتظران مصـلح، صالح باشند و هم حضرت مهدی(عج) هنگامی ظهور خواهد کرد که دنیا پر از ظلم و جور شـده باشـد. جملـهٔ اوّل درست است. چون منتظر مهـدی(عـج) به کسـی اطلاق می شود که خود را آمادهٔ پـذیرش رهنمودهـای حضـرت نموده باشـد؛ یعنی صالـح باشـد. قرآن می گویـد": إنّ الارض یرثهـا عبـادی الصـالحون؛(۱) حکـومت زمین سرانجام به دست بنـدگان صالـح ما خواهـد افتاد. "بنـدگان صالـح، همان قومی هسـتند که منتظر ظهور مهدی اند، همان انسان های پاکی که پیش از قیام مهدی(عج) اقتدا به مهدی می کنند و این جز با داشـتن صـلاح و عمل صالح ممکن نیست. کسـی که خواهان عدالت و پاکی و گسترش آن در زمین است، منتظر واقعی امام زمان است و کسـی می تواند خواهان واقعی عدالت و پاکی باشد که خود در این راه باشد. حال اگر کسـی بگوید: خلقی که در انتظار مصـلح به سـر می برد، اگر صالح باشد، چه نیازی به مصلح دارد؟ پاسخش این است که نمی گوییم جهان باید سراسر صالح باشد، تا نیازی به مصلح نداشته باشد، بلکه در این جهان آشفته، آن کس که در پی حضـرت مهدی(عج) است، می بایست همان گونه باشد. او نباید منحرف و غرق در فساد و تجاوز و سـتم باشد. فردی که مـدّعی است خواهان مصـلح جهانی است، اگر در ادعای خویش صادق باشـد، می بایست پرهیزکار باشد. کسـی که خواهان چیزی باشـد، مطمئناً به دنبال آن می رود. امّا جملـهٔ دوم، هم درست است که پیشوایان اسـلام فرمودنـد: حضـرت مهـدی(عـج) با ظهورش جهان را پر از عـدل می کند، همان گونه که پر از ظلم شده بود. (۱)(۲) یکی از نشانه های ظهور حضرت را زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب ها بیان نموده‌اند. علامهٔ مجلسـی در باب نشانه های ظهور، روایتی از امام صادق(ع) آورده که در آن بیش از صد نوع گناه و انحرافات اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت، دامنگیر جوامع اسـلامی می شود، پیش گویی شـده است. (۳) زیاد شدن این فسادها در بین مردم، نوعی فراگیر شدن ظلم و جور در جهان است. حال اگر گفته شود: با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و فساد، یکی از نشانه های ظهور است، پس چرا در پی اصـلاح باشـیم و قبل از ظهور حضـرت اصلاح معنا ندارد؟ پاسخ این است که: فراگیر شـدن ظلم به این معنا نیست که دیگر هیـچ افراد خوبی در جامعه نیسـتند، بلکه به معنای غلبه بـدی ها بر

خوبی ها است. سخن در محو و نابودی افراد مصلح نیست، بلکه زیاد شدن ظلم و گناه و کم شدن افراد صالح است. در همان زمان که همه جا را تباهی فرا گرفته و ابرهای تیره گناه سایه افکنده، افراد پاکباخته، متعهد و صالحی زمینهٔ قیام حضرت را آماده می سازند و در حمایت از آن منجی بزرگ، به جهاد بر می خیزند. حتی شاید انسان هایی که خواهان پاکی و عدالت باشند، بسیار باشد اما قدرت و تبلیغات و غلبه در دست کسانی باشد که فاسد اند و اگر چه اکثر انسان ها خواهان عدالت و پاکی و درستی و انسانیت هستند، اما توانایی تغییر را ندارند. شهید مرتضی مطهری می گوید: منظور از فراگیر شدن ستم آن است که هر یک از شقی و سعید، گروه حق و باطل، به نهایت کار خود می رسند. ستمکاران و بدکاران، به نهایت درجه بدی و نابکاری می رسند و نهیب آتش آنان همه را فرا می گیرد. در این هنگام که صالحان در مظلومیت و استضعاف به سر می برند و همهٔ راه های چاره بر آنان بسته می شود، مهدی(عج) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند. (۴)(۵) کوتاه سخن: در آموزه های دینی مردم به تقوا فرا خوانده شده اند. در تقوا عنصر مبارزه با ناپاکی ها و امر به معروف نهفته است و این حکایت از آن دارد که مبارزه با ظلم و صالح بودن مصلحان، با پر شدن جهان از ستم منافات ندارد. اگر جز آن بود، نمی بایست معصومان(ع) علیه ناهنجاری ها مبارزه می کردند و دیگران را به پارسایی فرا می خواندند. ۱. انبیاء (۲۱) آیهٔ ۱۰۵. ۲. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۳۶. ۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰. ۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۵۶ _ ۲۶۰. ۵. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶.

همچنین اگر همه مومنان خالص و مشرکان سرسخت به قیام پس از مرگ کشانده می شوند (و یا فرصت قیام به آنها داده می شود کدامیک صحیح است؟) پس چرا خداوند حضرت عیسی(ع) و مهدی(ع) را زنده نگهداشت و آنها را شهید نکرد و نمیراند، همانطور که در مورد هر انسان مومنی انجام می

پرسش

همچنین اگر همه مومنان خالص و مشرکان سرسخت به قیام پس از مرگ کشانده می شوند (و یا فرصت قیام به آنها داده می شود کدامیک صحیح است؟) پس چرا خداوند حضرت عیسی(ع) و مهدی(ع) را زنده نگهداشت و آنها را شهید نکرد و نمیراند، همانطور که در مورد هر انسان مومنی انجام می دهد که امکان رجعت دارد؟ Also, if all of the most faithful and the most moshrek would be brought to the gheyam (or will be given the opportunity to participate –which one?) after death, then why would Allah keep "Hazrate Eesa and Hazrate Mahdi" alive and not shaheed them or die them as he does to every other good faithful person that will also be given the opportunity of "rajaat"?

پاسخ

زنده نگه داشتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این دلیل است که زمین هیچگاه از حجت خالی نمی شود. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «به خداوند قسم، از زمانی که خدا آدم را قبض روح کرد، زمین را بدون پیشوا وانگذارد تا به وسیله او به سوی خدا هدایت شود، و او حجت خدا بر بندگانش است و هیچگاه زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد باقی نمی ماند» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، با ترجمه سیدجواد مصطفوی) امام علیه السلام واسطه فیض بین خداوند متعال و همه موجودات است و اگر امام نباشد این فیض به بندگان نمی رسد و بنابراین حتما یا به امامی معصوم که پیشوای جهانیان و حجت خداست، بر روی زمین باشد، به این دلیل در روایات موارد شده است که آخرین کسی که از دنیا می رود، حجت خداست، (همان، ص ۲۵۴)

۲. اما حضرت عیسی سلام الله علیه نیز زنده است و به نص آیه شریفه ۵۵ سوره مبارکه آل عمران: «یاد کن هنگامی را که خدا گفت: ای عیسی، من تو را برگرفته و به سوی خویش بالا- می برم...» برگرفتن ترجمه توفی است. یعنی خداوند همه وجود و هستی حضرت عیسی را برگرفت و نزد خود نگهداشت. چنانکه در سوره نساء آیه ۱۵۹ می فرمایند: «[یهودیان] یقینا او را به قتل نرسانند بلکه خداوند او را به جانب خود بالا برد». پس حضرت عیسی نزد خداوند متعال زنده است و تا زمانی که در پس ظهور حضرت مهدی علیه السلام به زمین بازگردد تا به واسطه او اهل کتاب، ایمان بیاورند، زنده می باشد. (برای اطلاع بیشتر نگا: تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۲۵_۲۲۴؛ ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران و ج ۵، ص ۱۴۱_۱۴۰ ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء) هدف از این امر هم آن است که او در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به زمین بازگردد و مردم و اهل کتاب را _ که طبق نص عهدین منتظر ظهور اویند_ به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت کند. بله خداوند می توانست او را مانند مومنان خالص دیگر بمیراند و بعدا دوباره زنده کند، اما حکمت بالغه الهی بر این تعلق گرفت که او زنده باشد و البته چنانکه ملاحظه کردید، او در دنیا زندگی نمی کند، بلکه در نزد و جانب الهی زندگی می کند.

شیخ ابن محمود در صفحه ۶ و ۱۲ رساله خود می‌نویسد: « یکی از علل ردّ احادیث مهدی این است که اینها با یکدیگر تناقض، تضاد، تفاوت و ناهماهنگی دارند! « چون برای جمع آوری آنها کوشش کنید از میان آنها بیست مهدی قد علم می‌کند که صفت هر یک با دیگری تفاوت دارد و این ب

پرسش

شیخ ابن محمود در صفحه ۶ و ۱۲ رساله خود می‌نویسد: « یکی از علل ردّ احادیث مهدی این است که اینها با یکدیگر تناقض، تضاد، تفاوت و ناهماهنگی دارند! « چون برای جمع آوری آنها کوشش کنید از میان آنها بیست مهدی قد علم می‌کند که صفت هر یک با دیگری تفاوت دارد و این به یقین دلیل آن است که پیامبر (ص) این احادیث را بر زبان جاری نساخته است. او برای توضیح ادعای خود مثالهایی می‌آورد و می‌گوید: یک مهدی هست که پیامبر (ص) درباره‌اش گفت: « هیچ مهدی پس از من نیست مگر عیسی ابن مریم » . ۲- شیخ ابن محمود در صفحه ۱۲ و ۱۳ پس از سخنانی در رابطه با انکار حدیث مهدی می‌گوید: « اما ای بسا بعضی‌ها بگویند که شیخ الاسلام ابن تیمیه به صحت ظهور مهدی اعتقاد دارد و او عالم فرزانه‌ای است که صحت دیدگاه و درایت آشکارش مورد گواه همگان است. در پاسخ باید بگویم: آری من نیز گفتار شیخ الاسلام را دیده‌ام که در آن ثبت شده که هفت حدیث به روایت ابی داود پیرامون مهدی آمده است. من هم در آغاز جوانی بر باور شیخ الاسلام بودم و از گفته هایش تأثیر پذیرفتم، ولی چون به چهل سالگی رسیدم و از علوم فنون مطلع گردیدم! با سستی‌ها، تضادها و اختلافهای آن آشنا و واقف شدم و بحمداللّه سرانجام این اعتقاد ناپسند از ذهنم پاک شد و کاملاً دریافتم که پس از پیامبر(ص) و کتاب خدا هیچ « مهدی » یی در کار نیست. » به این سخنان پاسخ دهید.

پاسخ

ابتدا لازم است درباره شیخ ابن محمود و اثرش توضیحاتی داده شود. «شیخ عبدالله بن زید المحمود» رییس دادگاههای شرعی قطر می‌باشد که یکی از نویسندگانی است که در ردّ امام مهدی(عج) اثری نوشته است. او نوشته‌اش را «لامهدی ینتظر بعد الرسول خیرالبشر؛ یعنی هیچ مهدی منتظری که پس از پیامبر اکرم(ص) برترین مردم باشد وجود ندارد، یا پس از پیامبر اکرم(ص) نباید انتظار هیچ مهدی را کشید» نام نهاد. او به پیروی برخی نویسندگان مغرض شبهاتی را درباره ردّ مهدویت وارد کرده است و خرافات

برخی نویسندگان دیگر را تکرار کرده است. در پاسخ به شبهه وی در بند ۱ پرسش باید گفت در بین احادیث امام مهدی(عج) که وی مدّعی تعارض بین آنهاست، احادیث صحیح، حسن، ضعیف و مجعول وجود دارد. می‌دانیم به احادیث ساختگی و ضعیف که در طول تاریخ توسط جاعلان حدیث ساخته شده نمی‌توان اعتماد نمود و قابلیت استناد علمی ندارد. اما در میان احادیث صحیح که درباره آنها دانشمندان شیعه اتفاق نظر دارند، نام شخصی برده می‌شود که در آخرالزمان هنگام نزول حضرت عیسی(ع) از آسمان و خروج دجال ظاهر می‌گردد. او ملقب به مهدی است که پیامبر اکرم(ص) در احادیثی نام وی را هم نام خود و نام پدرش را هم نام پدر خود می‌خواند.۱ از این رو ما به ادله عقلی نسبت به آن چه پیامبر اکرم(ص) از آن خبر داده و صحت آن بر ما ثابت شده، تعبد داریم و آن را باور می‌کنیم. از طرفی این روایت‌ها به طرق مختلف و مورد اعتماد اهل‌سنت نیز روایت شده و هیچ کس از بزرگان اهل‌سنت چنین برداشتی را از این دسته روایت‌ها نکرده است. که از هر حدیثی که نام مهدی در آن ذکر شده است، تعدد موصوفان به مهدی برداشت می‌شود پس این احادیث تضاد دارند و باید آنها را ردّ کرد! و این برداشت هیچ عالم سنی نبوده است. از طرفی اهل‌سنت حدیث «لامهدی الّا عیسی بن مریم»۲ را بدلیل تعارض با احادیث صحیح و معتبر درباره حضرت عیسی(ع) ضعیف و مردود می‌دانند. بر فرض صحت، برخی آن را جمله تعجبی در مقام انکار می‌دانند (یعنی چنین نیست که هیچ مهدی پس از عیسی نباشد)۳ و برخی می‌گویند نفی، نفی کمال است. یعنی هیچ مهدی کامل و معصومی نیست جز عیسی بن مریم.۴ (البته این دیدگاه اهل‌سنت است که امام را معصوم نمی‌داند، وگرنه شیعه، امام را معصوم می‌داند.) اما در پاسخ به بند ۲ از پرسش ارسالی باید گفت شیخ ابن محمود علاوه بر آن که تا پیش از ۴۰ سالگی راه بزرگان محدث پیش و پس از ابن تیمیه را می‌پیموده، این باور به دلایل عقلی و نقلی مستند است. علاوه بر آن، ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنة النبویة» قائل به صحت ظهور مهدی(عج) در آخرالزمان است و او نخستین کسی نیست که معتقد به صحت ظهور امام مهدی(عج) در آخرالزمان است. زیرا پیش از وی عالمان سنی مذهبی مانند عقیلی، قرطبی، بیهقی و... نیز بر همین دیدگاه بوده‌اند و آنان آگاه به علم صحت و سقم، درستی یا نادرستی احادیث نزد سنی مذهبان بوده‌اند.۵ پی‌نوشت‌ها: ۱. قال رسول الله(ص): لاتذهب الدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل‌بیتی یواطیء اسمه اسمی واسم ابیه اسم أبی. (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳ و البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۷.) ۲. ابن حجر الهیثمی، الصواعق المحرقه، ج ۱، ص ۴۳۳. ۳. ر.ك: سید محمد تقی المدرسی، الامام المهدی والایمان بالغیب، دار نشر المدرسی، قم، ص ۲۳۳. ۴. عالمان سنی مذهبی مانند قرطبی و ابن قیم بر این باورند. ۵. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب: مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل‌سنت، اثر سید هادی خسروشاهی مراجعه کنید که این پاسخ نیز برگرفته از همین اثر می‌باشد.

از برخی شنیده ام که اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات

پرسش

از برخی شنیده ام که اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات روز را جواب گوید چنین امامی امام قرآن نیست یعنی آن امام نیست که قرآن او را وصف نموده و پیروان قرآن باید وجود او را بپذیرند . در سوره شریفه انبیاء آنجا که درباره پیشوایان خدائی می فرماید : و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا (آنها را امامان قرار دادیم که بامر ما هدایت می کردند) و آنچه قرآن می گوید تنها مربوط بگذشته نیست بلکه برای اهل قرآن مسلمانان نیز هست چرا که مردم گذشته گذشتند و اگر مطالب قرآن اختصاص به آنها داشت برای این امت بازگوکردن آن

مطالب چه سود داشت ؟ این مطاب را نقد نموده و جوابش را بفرمایید؟

پاسخ

می‌دانیم هـدایت به دو معنا است: نخست: ارائه طریق و نشان دادن راه؛ دوم: ایصال به مقصـد و رساندن به هدف. تفاوت این دو، در این است که در هدایت به معنای نخست، هادی، تنها راه را به فرد نشان می‌دهد اما در هدایت به معنال دوم، نه تنها راه را به او نشان می‌دهـد، بلکه دستِ او را می گیرد و به مقصـد می‌رسانـد. پس طبق دو تعریف، اثر هـدایت نیز دو گونه است؛ نخست: ممکن بودن رسـیدن فرد به مقصد؛ دوم: رسـیدن حتمی فرد به مقصد. توضـیح: طبق تعریف نخست از هدایت، فرد ممکن است به هدف برسد و ممکن است به هدف نرسد؛ اما طبق تعریف دوم اثر هدایت، رسـیدن قطعی به هدف است (البته اگر فرد همه شرایط را رعایت کند) از این رو همه پیـامبران، دارای هـدایت به معنی نخست ـ ارائه طریق ـ می‌باشـند. انبیا، هادیان و حاملان وحی هسـتند. زیرا: ۱. «إنّک لاتهـدی من اَحببتَ ولکنّ الله یهـدی من یشاء؛ همانا تو ـ پیامبر ـ هر که را دوست داشـته باشـی نمی‌توانی به مقصد برسانی بلکه خدا هر که را بخواهـد به مقصـد می‌رسانـد.»(سوره قصـص، آیه ۵۶.) که اشـاره به مقـام نبوت پیـامبر دارد. ۲. «فَبَعثُ اللهُ النبیّینَ مُبشّـرین ومنـذرین؛ پس خـدا پیـامبران را برانگیخت (به عنوان) بشـارت دهنـدگان و بیم دهنـدگان».(سوره بقره، آیه ۲۱۳.) در اینجـا، وظیفه پیامبران تنها بشارت دادن و بیم دادن است؛ خواه مردمان بپذیرند و به هدف برسـند و خواه نپذیرند و در گمراهی باقی بمانند، همان گونه که اکثر مردم در گمراهی ماندنـد. اما برخی از پیامبران علاوه بر هـدایت به معنی نخست، دارای منصب هدایت به معنی دوم ـ رساندن به هدف ـ نیز می‌شوند. زیرا: ۱. «وجعلنا منهم أئمّةً یهدون بأمرنا؛ قرار دادیم برخی از ایشان ـ پیامبران ـ را امامانی که به امر ما ـ مردم را ـ می‌رسانند».(سوره سجده، آیه ۲۴.) ۲. «وجعلناهم أئمـةً یهدون بأمرنا؛ و قرار دادیم آنان ـ برخی از انبیا ـ را امامانی که به امر ما ـ مردم را ـ می‌رساننـد».(سوره انبیاء، آیه ۷۳.) ۳. «إذ إبتلی ابراهیم ربّه بکلمـاتٍ فـأتمهنّ قال إنّی جاعلک للناس إماماً؛ و به یاد آر هنگـامی که پروردگـار ابراهیم را با کلمه‌هایی آزمود، پس ابراهیم آنها را تمام کرد ـ گذرانـد و درست انجام داد ـ فرمود: همانا من تـو را برای مردم امـام قرار دادم».(سوره بقره، آیه ۱۲۴.) ابراهیم پیامبر با یافتن سـمت امامت (هـدایت به معنای دوم) ارتقای مقام پیـدا کرد. وی کـه پیش از آن تنهـا راه را بـه مردم نشـان می‌داد، حالا ـ پس از امتحانـات الهی، به مقـام امـامت و رسانـدن به مقصـد می‌رسـد. قطعاً خـدا بایـد مقام تازه‌ای به او عطا کرده باشـد؛ زیرا او مقام ارائه طریق را دارا بود و مقام جدید باید بالاتر باشد. امامان معصـوم دوازده‌گـانه دارای مقـام هـدایت بـه معنی دوم هسـتند، یعنی مردم را به سـوی خـدا می‌رساننـد. این هـدایت‌گری در دنیـا و آخرت(از جمله هدایت‌هایی که امام برای شـیعیان انجام می‌دهد، حضور نزد محتضر، حضور در شب اول قبر، عندالمسئله و شفاعت روز قیامت و توزیع نامه اعمال و... می‌باشد.) وجود دارد و برای انجام دادن آن نیازی به حضور جسمانی در جامعه نیست؛ بلکه تنها وجود امـام روی زمین کـافی است. پس غیبت و حضور در آن، یکسـان است. حاصـل آنکه وجود امـام غایب که بیش از هزار سال سن داشته باشد نه مخالف عقل است(زیرا مستلزم هیچ محال عقلی نیست، چه این که با اراده خدا این امر ممکن، شدنی است.) و نه مخالف وحی است. و طبق مقـدمه‌های پیش گفته، امام، هادی است و اثر هدایتش، فعلیت رسـیدن هدایت شوندگان به هدف است. خـالی نمانـدن زمین از حجت، آزمـایش مردم و به تبع آن رشـد خوبـان، بیعت نکردن با سـتمکاران و طاغوتها و... نیز از آثار وجود امام غایب است. ۱- غیبت در مقابل ظهور است نه حضور. امام زمان(عـج) غایبند به این معنی که در میان مردم آشـکار و شـناختنی نیست نه این که حاضـر نیسـتند. امـام(ع) در دوران غیبت در میـان مردم حاضـرند و مردم از ثمرات وجودی ایشـان بهره‌منـد و منتفع هسـتند امـا ایشان را نمی‌شناسـند. به تعبیر روایات «مردم در زمان غیبت از امام بهره‌منـد می‌شونـد هماننـد بهره بردن از خورشـید آن هنگامی که در پس ابرها نهان است»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱). ۲- غیبت و عدم ظهور ایشان در عین حال که فلسفه و حکمتی در آن است، منشأ و سبب محروم شـدن مـا از بسیاری از آثـار و نعمت‌هـایی است که در صـورت ظهـور حضـرت، از آن بهره‌مند

www.noorfatemah.org

می‌شدیم. یعنی مردم در دوران غیبت از آن دسته آثار حضرت که متوقف بر ظهور ایشان است، محرومند. مانند بهره‌مند شدن از حکومت عدالت‌گستر جهانی، و ایجاد مدینه فاضله‌ای که علم و فضیلت و کرامت‌های انسانی در آن به اوج شکوفایی می‌رسد. ۳- نتیجه دو مطلب فوق این است که: در دوران غیبت، انتفاع مردم از امام و ثمرات وجودی ایشان تا حدی است که با غیبت ایشان منافاتی نداشته باشد. خورشید پنهان در پشت ابرها، هر چند ظلمت شب را می‌درد و آثار وجودی زیادی می گذارد، اما به هر حال در پس ابرها نهان و برخی دیگر از آثار وجودی‌اش به عرصه ظهور نمی‌رسد. امام(ع) در عصر غیبت منشأ آثار زیادی هستند اما آثاری که در عین غایب بودن ممکن است صادر شود آثاری که منافات با غایب بودن ایشان و متوقف بر ظهور باشد، مترتب نمی گردد.

اول کسی که از مسلمانان در عقیده مهدویت تشکیک کرد چه کسی بود؟

پرسش

اول کسی که از مسلمانان در عقیده مهدویت تشکیک کرد چه کسی بود؟

پاسخ

در تاریخ آمده است، معاویه به جماعتی از بنی‌هاشم خطاب کرده گفت": اینکه شما گمان می کنید پادشاهی هاشمی ومهدی قائم از آن شما است عقیده‌ای باطل است، بلکه مهدی همان عیسی بن مریم است. امر خلافت به دست ما است تا آن را به او تسلیم کنیم. {"پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۳، ص ۲۵۶. پاورقی} ابن عباس از جمله کسانی بود که در آن جلسه حضور داشت، او در مقابل این تحریف تاریخی وبازی کردن با عقیده اسلامی سخت ایستاده، به معاویه گفت...": امّا اینکه گفتی ما گمان داریم که برای ما حکومتی است که مهدی حاکم آن است، جواب آن این است که گمان، شرک است همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید: {زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا}، در حالی که همه شهادت می‌دهند که برای ما ملک وحکومتی {پاورقی . سوره تغابن، آیه ۷، "کافران پنداشته‌اند که هرگز برانگیخته نمی‌شوند. "پاورقی} است. اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد خداوند متعال کسی را از ما می‌فرستد تا زمین را پر از عدل وداد کند همان گونه که پر از ظلم وجور شده باشد. وامّا اینکه می گویی: مهدی همان عیسی بن مریم است، عیسی کسی است که برای مقابله با دجّال فرستاده می‌شود، وهر گاه دجال او را ببیند نابود می‌شود، ولی امام از ما کسی است که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده ونماز می‌خواند. {"...پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۳، ص ۲۵۷. پاورقی}

آیا اعتقاد به مهدویت مردم را از عمل خیر باز می‌دارد؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت مردم را از عمل خیر باز می‌دارد؟

پاسخ

قبل از هر چیز باید عقیده به مهدویت وانتظار مهدی موعود (ع) را معنا کرد. اگر مقصود از عقیده مهدویت آن باشد که انسان به انتظار ظهور کسی بنشیند که به سبب فراگیر شدن ظلم با ظهورش به تنهایی همه امور را اصلاح می کند وما هیچ نقشی در ظهور او

نـداریم بلکه می‌توانیم با گسترش ظلم در ظهور او تعجیل کنیم، با این دیدگاه می‌توان گفت که اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل خیر بـاز می‌دارد. ولی اگر برداشت مـا از اعتقـاد به مهـدویت عقیـده به ظهور کسـی است که مـا می‌توانیم با زمینه سازی برای او در ظهورش تعجیـل کنیم واگر تـأخیر در آن شـده به جهت کوتـاهی مـا است، نه تنها این عقیـده انسان را از عمل باز نمی‌دارد بلکه در عمل کردن به خیر نیز تشویق خواهـد نمود، زیرا منتظران مصـلح، خود افرادی صالـح هسـتند. لـذا در روایات اسـلامی، انتظار فرج از مقوله عمل واز افضل اعمال امّت اسلامی به حساب آمده است.

چه ضرورت دارد انسانی در گذشته دور برای آینده‌ای دورتر به دنیا آمده باشد؟

پرسش

چه ضرورت دارد انسانی در گذشته دور برای آینده‌ای دورتر به دنیا آمده باشد؟

پاسخ

گاهی سؤال می‌شود اگر خداوند متعال اراده کرده که در پایان تاریخ بشر جهان را پر از عدل وداد کند، واین کار احتیاج به رهبری الهی دارد، چه ضـرورتی است که او را قبل از تشکیل حکومت عدل جهانی خلق کند؟ چرا او را در همان زمان که احتیاج به اوست خلق نمی‌کند؟ پاسخ: ۱ – از ادله عقلی ونقلی استفاده می‌شود که زمان، هیچ گاه نباید از حجت وولیّ خدا خالی باشد، هم از جهت فیض تشـریع وهم تکوین. این مطلب در جای خود به اثبات خواهد رسید. ۲ – علم جدید این مطلب را بدون اسـتثنا به اثبات رسانده که عالم بر اساس حرکت تـدریجی پایه‌گـذاری شده است. هر چیزی حرکت تدریجی خود را دارد، بدون آنکه این مطلب با قدرت خداونـد تنافی داشـته باشد. لذا خداوند متعال آسـمان‌ها وزمین را در مدت شـش روز آفرید نه در یک لحظه. آیا خداوند عاجز بود که در یک لحظه آنها را بیافریند؟ هرگز. چرا باید نطفه انسان نه ماه در شکم مادر بماند وشرایط طبیعی خود را طیّ کند تا تبدیل به انسانی مسـتوی الخلقه گردد؟آیا خداوند عاجز است که انسان را در یک لحظه ایجاد نماید؟ در مورد تشکیل حکومت عدل جهانی نیز همین حکم جاری است، خداونـد امور آن زمان را از پیش تدارک می‌بیند. ۳ – با فلسفه انتظار بیشتر هماهنگ است یعنی انتظار کسی که وجود دارد ولی غایب است بیشتر مؤثر است تا کسی که هنوز خلق نشده ودر آینده پا به هستی وجود می‌گذارد.

آیا خداوند نمی‌توانست حضرت‌مهدی‌علیه‌السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟

پرسش

آیا خداوند نمی‌توانست حضرت‌مهدی‌علیه‌السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟

پاسخ

اولاً: اعجاز، در نظام طبیعت وتکوین خلاف اصل است، مگر آنکه ضـرورتی اقتضا کند ودر مورد حضرت مهدی (ع) اراده خداوند بر این تعلّق گرفته که محافظت حضـرت از راه غیبت باشـد. ثانیاً: مصالـح ومفاسـد وتقدیرات الهی به تبع واقعیت‌های الهی تغییر پیدا می‌کنـد. خداونـد متعال ب……Jامـت اسـلامی یـازده امـام معصـوم بـه جهت هـدایتشان فرسـتاد، ولی یکی پس از د…Jb……آنـان را به شهادت رساندنـد وبا این عملکرد بـد وکارنامه سوئی که از خود نشان دادند تقد……خداونـد بر این تعلّق گرفت که امام دوازدهم را

تا مدّتی در پشت غیبت قرار دهد تا محرومیّت غیبت امام را احساس کنند و با ظهور حضرتش قدر او را بدانند. ثالثاً: مطابقآیات وروایات، یکی از سنّت‌های حتمی خداوند متعال مسأله امتحان امت‌هاست. امت اسلامی نیز از این قانون استثناپذیر نیست. وهر امّتی به نحوی امتحان خواهد شد. امتحان امت اسلامی در این عصر وزمان به غیبت امام زمان آنهاست، که آیا با این حالت بر دین ومذهب خود استقامت دارند یا خیر.

اگر امام ظاهر بود وبا ظالمان زمان خود مصالحه کرده وپیمان عدم تعرّض می‌بست، چه می‌شد؟

پرسش

اگر امام ظاهر بود وبا ظالمان زمان خود مصالحه کرده وپیمان عدم تعرّض می‌بست، چه می‌شد؟

پاسخ

کسانی که با مسأله مهدویت آشنایی دارند می‌دانند که برنامه حضرت با برنامه سایر امامان تفاوت اساسی دارد. امامان دیگر مأمور بودند که در ترویج دین تا سرحدّ امکان کوشش کنند، ولی مأمور به جنگ نبودند ولذا یک نوع بیعت ومتارکه جنگ وپیمان عدم تعرض وصلحی بین آنان با حاکمان عصر خود، بسته بودند. ولی سیره حضرت مهدی (ع) از ابتدا با روش دیگر امامان فرق می کند. قرار بر این است که حضرت به مجرد ظهور، دست به مقابله با ظالمان زده وظلم وبی‌عدالتی را از جامعه برکند وبه جای آن عدل وقسط را برپا نماید. لذا باید بیعت هیچ کسی بر ذمّه او نباشد، زیرا هر لحظه احتمال ظهور است. امام صادق (ع) فرمود": صاحب هذا الأمر تغیب ولادته عن هذا الخلق لئلّا یکون لأحد فی عنقه بیعة إذا خرج، ویصلح اللّه عزّوجلّ أمره فی لیلة"؛ "ولادت صاحب‌الامر مخفی می‌شود تا{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۹۶. پاورقی} وقتی که ظهور کند پیمان هیچ کس بر گردنش نباشد. خداوند امرش را در یک شب اصلاح می کند ".علاوه بر این، ستمکاران چون در هر لحظه احتمال قیامش را می‌دادند لذا منافع خود را در خطر دیده، به پیمان خود با حضرت مطمئن نمی‌شدند وچاره‌ای جز قتل وکشتن او نمی‌دیدند.

آیا این سخن ابن جوزی درست است که می‌گوید: « یهود می‌گوید: تا ظهور مسیح دجّال جهاد ساقط است و شیعه می‌گوید: تا خروج مهدی جهاد مشروع نیست؟

پرسش

آیا این سخن ابن جوزی درست است که می گوید: « یهود می گوید: تا ظهور مسیح دجّال جهاد ساقط است و شیعه می گوید: تا خروج مهدی جهاد مشروع نیست؟

پاسخ

هر گاه گفتاری که از یهود نقل میکند صحیح و پا برجا باشد، با گفتاری که از شیعه نقل میکند قابل مقایسه و اساسا" تشبیه درست نیست. زیرا یهود طبق نقل ابن جوزی می گویند: جهاد تا خروج مسیح دجال مشروع نیست و پس از خروج او، جهاد با او و نابود کردن وی لازم است. در حالی که شیعه می گوید: جهاد تا روزی که مهدی موعود به امر الهی از پرده غیبت بیرون آید مشروع نیست و پس از خروج او باید در رکاب ظفرمند او با منافقان و کافران جهاد کنند. این دو نوع اندیشه کاملا" با هم متفاوتند، زیرا

یهود دست از جهاد می کشد تا مسیح دجال خروج کند و پس از خرج او، جهاد می کند که او را نابود سازد، در حالی که شیعه دست از جهاد می کشد تا امام معصوم خروج کند و در خدمت او، نبرد نماید. این نوع سخن گفتن برای ابطال یکسان نگری او است ولی حقیقت چیز دیگر است و آن این که شیعه به دو نوع جهاد معتقد است: ۱. جهاد دفاعی ۲. جهاد ابتدایی، آن هم برای دعوت مشرکان و کافران به زیر پرچم اسلام. در جهاد نخست، حضور امام شرط نیست، در هر زمان و مکانی که مسلمانان مورد هجوم دشمن قرار گرفتند، باید از خود دفاع کنند. ولی در جهاد به صورت دوم، اذن امام شرط است، ملاک حضور و غیبت امام نیست بلکه ملاک اذن او است، در عصر امیرمؤمنان و امامان، هر نوع جهاد ابتدایی که به اذن و با امضای آنان صورت گرفته است، آن نوع از جهاد ابتدایی صحیح و احکام جهاد بر آن بار میشود، مثلاً یک پنجم غنایم متعلق به مقام امامت و باقیمانده میان سپاهیان تقسیم می شود، و در غیر اینصورت جزء انفال محسوب می شود، بنابراین آنچه را که به شیعه نسبت می دهد- گذشته از این که تشبیه، باطل است ـ اصل نسبت نیز از موضوعات است. گروهی از فقها اذن مجتهد جامع الشرائط را در جهاد ابتدائی کافی می دانند، بنا بر این باب جهاد به روی امت همیشه باز است.

در روایات آمده است که حضـرت مهدی(عج) با کتابی جدید(قرآن مجید) می آیند و کلاسهای تعلیم قرآن دایر می کنند. آیا این امر، بحث تحریف قرآن نیست؟قرآن حضرت مهدی(همان قرآن نوشته شده توسط علی(است.)

پرسش

در روایات آمده است که حضرت مهدی(عج) با کتابی جدید(قرآن مجید) می آیند و کلاسهای تعلیم قرآن دایر می کنند. آیا این امر، بحث تحریف قرآن نیست؟قرآن حضرت مهدی(همان قرآن نوشته شده توسط علی(است.)

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست ارجمند، عرض می شود که در ارتباط با مطلبی که فرموده اید، روایتی است به این مضمون، که امام محمد باقر(می فرمایند" : هرگاه قائم آل محمد(قیام کند، خیمه هایی نصب می کند، برای کسانی که قرآن را همانطور که نازل شده، به مردم تعلیم دهند، که در آن روز مشکلترین کارهاست. زیرا آن قرآن، به عکس قرآن فعلی جمع آوری شده است(".۱) در تفسیر این روایت گفته شده است : قرآنی که توسط امام زمان(آورده می شود، وآن را به مردم تعلیم می دهند، با قرآن فعلی این فرق را دارد که آن قرآن توسط مولای متقیان جمع آوری شده، به همان نحو که در مدّت ۲۳ سال نازل گردیده بود. ولی هیچکدام از این قرآنها، یعنی قرآن جمع آوری شده توسط علی(، و قرآن جمع آوری شده توسط عثمان بن عفان، از لحاظ کلام الهی کم و کاستی ندارد.(۲) و در ارتباط با مسأله تحریف قرآن باید گفت" : کسانی که اندک آشنایی با تاریخ اسلام و مسلمین داشته باشند، و از اهتمام رسول اکرم و جانشینان معصومش (به کتابت و ضبط قرآن آگاه باشند، و همچنین از اهتمام مسلمانان به حفظ کردن آیات قرآن مطّلع باشند، ـ بطوری که در یک جنگ عدد شهدایی که حافظ قرآن بودند، به هفتاد نفر رسید ـ و نیز نقل متواتر قرآن در طول ۱۴ قرن، و اهتمام به شمارش آیات و کلمات و حروف و مانند آن، باخبر باشند، چنین کسانی احتمال کمترین تحریف در این کتاب شریف را نخواهند داد. (۳) زیاد نشدن چیزی بر قرآن، مورد اجماع همه مسلمانان، بلکه همه آگاهان جهان است؛ چرا که اگر فرض شود مطلب تامی، یا یک کلمه یا آیه کوتاهی به قرآن افزوده شده، لازمه اش بهم خوردن نظم قرآن، و خارج شدن آن از حالت اعجاز آمیزش می باشد؛ و در این صورت قابل تقلید وآوردن مثل آن خواهد بود. و به همین دلیل کم شدن کلمات یا جملاتی که موجب خروج آیات از حالت اعجاز باشد نفی می گردد. بزرگان علمای اسلام، از شیعه و سنی نیز تصریح و تأکید

کرده انـد به اینکه همانگونه که چیزی بر قرآن کریم افزوده نشده، چیزی هم از آن کم نشده است؛ و برای این مطلب دلایل فراوانی آورده انـد. ولی متأسـفانه در اثر نقـل پـاره ای روایـات مجعول در کتب حـدیث فریقین، و برداشت نادرست از برخی روایات معتبر، بعضی احتمال داده اند و یا حتی تأیید کرده اند که آیاتی از قرآن کریم حذف شده است. اما علاوه بر وجود قرائن قطعی تاریخی بر مصونیت قرآن کریم از هرگونه تحریفی ـ خواه به زیاد کردن باشـد و خواه به حذف کردن ـ و علاوه بر اینکه حذفی که موجب بهم خوردن نظم اعجاز آمیز آن باشد، بوسـیله دلیل اعجاز نفی می شود، می توان مصونیت از حذف آیه یا یک سوره مسـتقل را از خود قرآن کریم اسـتفاده کرد. یعنی بعـد از آنکه ثابت شـد که همه قرآن موجود کلام خـداست، و چیزی برآن افزوده نشده، مفاد آیات آن به عنوان محکمترین دلایلی نقلی و تعبـدی حجت می شود؛ و یکی از مطـالبی که از آیات کریمه قرآن بـدست می آیـد، همین اسـت کـه خـدای متعـال، مصـونیت این کتـاب را از هرگـونه تحریفی، ضـمانت کرده است. این مطلب از آیه ۹ سوره مبارکـهٔ حجر اسـتفاده می شود، که می فرماید" : انانحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون "که در آیه با استفاده از اداوات تأکید، و هیأتی که دلالت بر اسـتمرار می کند، محفوظ بودن همیشـگی قرآن از هر گونه تحریفی، تضمین شده است. در پایان لازم است این نکته را خاطر نشان کنیم، که منظور از مصونیت قرآن شـریف از تحریف، این نیست که هر جـا کتـابی به نـام قرآن یافت شود، قرآن کامل و محفوظ از اشتباهات کتابتی و قرائتی باشد ... ، بکله منظور این است که قرآن کریم آن چنان در میان بشر باقی بماند که طالبان حقیقت، امکان دسترسـی به همهٔ آیات آن، بدانگونه که نازل شده است را داشـته باشـند. (۴) منابع و مآخـذ : ۱. ارشـاد، جابر جعفی از امام باقر(۲. مهدی موعود، علی دوانی، ص۱۱۲۱ ۳. آموزش عقاید (۱-۲-۳)، محمد تقی مصباح یزدی، ص۲۷۱ همان، ص۲۷۳-۲۷۴

اگر این درست است که در زمان غیبت امام عصر (عج) وظایف ما توسط علما و مجتهدین جامع الشرایط مشخص می شود پس دیگر نیازی به امام زمان عج) نیست ، عده ای اعتقاد دارند جهت هدایت عرفای بزرگ وجود حضرت صاحب الزمان لازم است میگویم آنها می توانند از روح زنده سا یر

پرسش

اگر این درست است که در زمان غیبت امام عصر (عـج) وظایف ما توسط علما و مجتهدین جامع الشـرایط مشـخص می شود پس دیگر نیازی به امام زمان عـج) نیست ، عـده ای اعتقاد دارنـد جهت هدایت عرفای بزرگ وجود حضـرت صاحب الزمان لازم اسـت میگویم آنهـا می تواننـد از روح زنـده سـا یر ائمه کمک بگیرنـد اگر بگوئیـد حکومت الهی می آورد دیگر عرفایی مثل امام خمینی نمی توانند با تمسک به ائمه حکومت اسلامی بر پا کنند پس نیاز ی به امام زمان نیست توضیح لازم را مرحمت فرمائید ؟

پاسخ

خداونـد برای رسانـدن احکـام و فرامین خویش به انسـان که موجب هـدایت ورسـتگاری وی می شود علاوه بر ارسال کتب و بعثت انبیاء حجت های خویش را نیز قرارداده است ، ائمه حجـج الهی هسـتند که د رجهت هدایت انسان به سوی خدا گام بر میدارند . در زمـان غیبت جزئی یا کلی امامان آنهایی که قـدر ت درک و اسـتنباط و انتقال احکام خداونـد و وسایل هـدایت بشـر را دارنـد ، می بـایست بـا تمسـک به قرآن و عترت به رسالت خویش عمل کننـد کاری که فقها در طول تاریـخ کرده انـد و یا نهضتی که حضـرت امـام(ره) در همین راسـتا بنیـان نهـاد) امـام زمـان (عـج) کارش هـدایت عرفای بزرگ و حتی بیان احکام شـرعیه نیست ، بلکه او حجت خدا بر روی زمین است و آنهایی که طالب هدایت اند بوسـیله اوست که هدایت کامل و بی نقص را دریافت می کنند. عزیز گرامی ! امام زمان (عـج)حتی برای ایجاد عـدالت هم نمی آید و باید توجه داشت که عظمتی همچون ً برقراری عدالت ً از « نتایج »

ظهـور حضـرت است نه هـدف نهـایی آن بقیهً الله الاـ عظم . انسـان به هـدایت حجت خـداست که خودرا ، هسـتی را ، خداونـد را ، وظایف وتکلیف خویش را و۰۰۰ می فهمد . من وشـما وهمه فقها ومراجع واولیاء خدا نیز از چشـمه وجود امام ، سـیرایی می چشند وبس . بااین توضـیح وقتی آثار مجاهـدت مؤمنانی همچون حضـرت امام (ره)رامی بینیم، بایـد بـدانیم که این همه نتایج مبارک از کسـی است که سـعی داشته با تفقه دردین رسالتش را انجام بدهد ، حال اگر حجت خدا که از فیض هدایت خداوند بهره مند است درمیان انسانها حاضر شود ، نتایج آن چه خواهد بود ! دعا کنید که چنین هدایت بزرگی درزمان حیات ما قرار دهد . انشاءالله

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می‌کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می‌باشند بهانه‌گیری کنند؟

پرسش

چه لزومی دارد مصـلح جهـان همان فرزنـد امام یازدهم باشـد؟ مگر خداونـد قادر نیست هر وقت اراده کنـد مصـلحی بیافرینـد؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می‌کند تا در موقع لزوم از آن اسـتفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می‌باشند بهانه‌گیری کنند؟

پاسخ

اولاً اعتقاد به امامت از دیـد اسـلام پس از اعتقاد به علم گسترده و غیر محدود حکمت خداوند است و خداوند براساس حکمتی که دارد امام زمان(عج) را زنده نگاه داشـته است هر موقع صلاح بداند وی را ظاهر می‌سازد و حکومت عدل جهانی را به دست وی در جهان مسـتقر می‌سازد ثانیاً اگر ظهور مصـلح به گونه‌ای دیگر انجام شود چون ما احاطه در راه به کمت و مصـلحت الهی نـداریم باز ممکن است گفته شود چرا به این گونه است به صورت دیگری نیست. ثالثاً: امام(عـج) تنها برای این زنـده نیست که زمانی خداوند وی را ظاهر سازد و جهان را پر عدل و داد کند بل که در حال حاضـر (حال غیبت) نیز امام نقش بزرگی را در جهان از نظر تکوینی از نظر تربیتهـا معنـوی نسـبت به افراد مسـتعد و لاـیق به عهـده دارد چه اینکه او واسـطه‌ی فیض در جهـان است و اگر گفته شود چرا خداونـد با این روش به افرادی که منتظر فرصت هسـتند میـدان داده است یادآور می‌شویم که خداونـد این جهان را اصولاً وسـیله‌ی تکامـل و آزمایش انسانها قرار داده است و تکامل انسانها از این طریق به وجود می‌آیـد بنابراین غیبت امام(عـج) چنانکه در احادیث آمده وسیله‌ای برای امتحان و آزمایش الهی می‌باشد.

یکی از نشانه های ظهور امام زمان فساد و تهاجم فرهنگی است، پس چرا با تهاجم فرهنگی مبارزه می شود؟ توضیح دهید.

پرسش

یکی از نشانه های ظهور امام زمان فساد و تهاجم فرهنگی است، پس چرا با تهاجم فرهنگی مبارزه می شود؟ توضیح دهید.

پاسخ

اسلام دین مبارزه با فساد و تباهی و دین امر به معروف و نهی از منکر است. وقتی که حضرت مهدی(ع) تشریف بیآورند، مهم ترین کار ایشان همین است. فساد را بر می دارد و خرافات را می زداید و زورگوریان را جای خودشان می نشاند و جلوی انواع گناهان را

می گیرد. اگر ما که از شیعیان و طرفداران حضرت هستیم، اهل گناه و فساد شویم و بگذاریم تهاجم فرهنگی ما و خانواده ها را تهدید کند و از خدا و دین دور سازد، آن وقت از دشمنان حضرت می شویم و وقتی که ایشان تشریف بیآورد، با ما مبارزه می کند. کسی که با امام زمانش بجنگد، اهل دوزخ خواهد بود. بنابراین یک مسلمان مؤمن در عین این که منتظر ظهور حضرت مهدی(ع) است و باید دعا کند که حضرت ظهور نماید و توفیق شهادت در رکابش را بیآبد، باید با ظلم و فساد و گناه مبارزه کند که این وظیفهٔ واجب همگان است. انتظار ظهور به معنای آمادگی و آماده باش است، نه به معنای گسترش دادن فساد و ظلم و جور. آیا این عاقلانه است که منتظران مهدی(ع) برای این که حضرت زودتر تشریف بیآورد، ظلم و فساد را گسترش بدهند و احیاناً خود نیز اهل فساد باشند؟! در این صورت آیا می توان گفت: این فرد منتظر ظهور عدالت است؟ ثانیاً: گسترش فساد و ظلم و تهاجم فرهنگی، علّت قیام حضرت نیست، بلکه علامت نزدیک شدن قیام است. علّت با علامت فرق دارد. علّت قیام حضرت مهدی(ع) اجازه و دستور خدا است. هر وقت که خدا صلاح بداند، به حضرت دستور خواهد داد قیام کند. البته قیام در زمانی خواهد بود که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد و همهٔ مردم دنبال فریاد رسی باشند. پس باید بین علّت و علامت فرق بگذاریم. اگر همه گناه کار شویم و بگذاریم فساد و گناه جامعه را فرا بگیرد، باز علّت و اسباب قیام حضرت را فراهم نکرده ایم، چون علت قیام حضرت اذن واجازهٔ خدا است.

خدای جهان حجت خود را غیب فرموده و در صحنه زندگی دیگر مردم را ملامت می فرمایدکه با وجود حجت من چرا ایمان نیاوردید ؟ مگر من بشما بوسیله حجت خود اتمام حجت نکردم ؟ مردم در عالم آخرت می توانند جواب دهند که خداوندا حجت تو یعنی دلیل البته در میان ما آمد ولی

پرسش

خدای جهان حجت خود را غیب فرموده و در صحنه زندگی دیگر مردم را ملامت می فرمایدکه با وجود حجت من چرا ایمان نیاوردید ؟ مگر من بشما بوسیله حجت خود اتمام حجت نکردم ؟ مردم در عالم آخرت می توانند جواب دهند که خداوندا حجت تو یعنی دلیل البته در میان ما آمد ولی غیب بود دلیل آوردی ولی دلیلت غیب بود آیا بدلیل غیبی که بکسی نرسیده می توان مردم را هدایت نمود و اتمام حجت کرد ؟ فسبحان اللّه عمایقول الجاهلون علوا کبیرا هر که چنین گفت خدا را نشناخت از اینجا میفهمیم که ریشه خرافات و اشتباهات عدم معرفت خداوند تعالی و مقام کبرای احدیت است .

پاسخ

از این آقا باید پرسید که آیا پیغمبری یا پیشوائی دیگر دینی سراغ دارد که وظیفه هدایت مردم را داشته باشد (و خاصه اگر ماموریتش ماموریت جهانی باشد مانندپیغمبر اکرم (ص) آنگاه با هر فرد فرد از امت درهر حرکت و سکون در هر معرفت وحکم حضورا و مشافهه تماس داشته خودش بیواسطه بهدایت و تعلیم وی درهر پیش آمدی بپردازد ؟جز اینکه در تبلیغ و دعوت و تعلیم و هدایت خود طریق عرف و عادت رعایت نموده روش عادی را پیش گیرد و آن اینست که با کسانی که در دسترس خودش قرار دارند تماس شفاهی حضوری بگیرد و با کسانی که غائب هستند از راه پیغام یا کتابت تماس گرفته هدایت شان نماید چنانکه در قرآن کریم می فرماید و اوحی الی هذا القرآن لانذرکم به و من بلغ انعام ۱۹ و وحی شده بمن این قرآن برای اینکه شما را و هر که رابرسد با آن بترسانم و با پیمودن این راه عادی امر دعوت و هدایت انجام گیرد . و بدیهی است که طبعا و در نتیجه مشتی از مردم بواسطه کندی فهم یا غفلت از دعوت یا دوری مکان یا عواملی از این قبیل از دریافت معارف و حکم دینی مثلا

محروم می مانند و در نتیجه از مسئولیت سختی که در رد دعوت است و از اجر و ثوابی که درقبول دعوت است بکنار می باشند و حساب شان حساب دیگری است چنانکه می فرماید : الا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین لا یجدون حیله و لا یهتدون سبیلا نساء ۹۸ (مگر مردان و زنان و بچه گانی که حیله ای نمی یابند و براهی هدایت نمی پذیرند و نیز می فرماید و اخرون مرجون لامرالله اما یعذبهم و اما یتوب علیهم توبه ۱۰۹و دیگرانی هستند که برای رسیدن امر خدا بتاخیر می افتند که عذابشان بنماید یاتوبه شان پذیرد .)آنگاه رسیدن دعوت رسول بکسانی که غائب هستند بوسیله پیغام یا کتابت و نظائر آنهاهدایت و اتمام حجت است و از ناحیه رسول انجام ماموریت و وظیفه رسالت می باشدو محرومیت دسته دیگر از دریافت معارف و احکام دینی استضغاف است که بنص قرآن کریم صاحبان آن معذور می باشند و خداوند با آنها معامله خاصی دارد . از آنچه گفته شد پاسخ این شبهه نیز روشن شد زیرا :طبق اخبار متواتری که از طرق عامه و خاصه از نبی اکرم (ص) و ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده که تاریخ حیات و سیره امام غائب (ع) را توضیح می دهد . آنحضرت فرزند امام حسن عسگری (ع) امام یازدهم شیعه اثنا عشری می باشد که در سال دویست و پنجاه و شش قمری در سامرا , متولد شده و نظر باینکه خلیفه وقت تصمیم جدی بقطع نسل امامان اهل بیت و خاتمه دادن به قضیه امامت شیعه گرفته بود بدستورپدر بزرگوارشان ولادت و وجود امام پنهانی بود و از غیر خواص شیعه کسی از ایشان خبری نداشت . و تا شش سال بهمین ترتیب بود و پس از آن در سال دویست و شصت قمری که حضرت عسگری فوت کردند امامت به آن حضرت انتقال یافت ولی باز آنحضرت در حال غیبت بسر می بردو وسیله تماسی که با شیعه داشت این بود که بقول علماء و محدثین اعتباریه ونائبهای خاصی داشت که بوسیله آنها توقیعاتی از آنحضرت صادر می شد و جواب سوالات داده می شد . این وضع که زمان غیبت صغری نامیده می شود تقریبا هفتاد سال طول کشید و چهار نفرنائب خاص یکی پس از دیگری آمدند و رفتند و بعد در نیابت خاصه بسته شد و غیبت کبری شروع شد و رابطه امام با مردم همان فقهاء و محدثین می باشند که امام بقول آنها اعتبار داده . و پس از انقضاء غیبت کبری طبق اخبار آنحضرت ظهور فرموده و زمام حکومت اسلامی رابدست گرفته و دنیا را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه با ظلم و جور پر شده باشد و پس از ظهور و تسلط بر دنیا با سیرت رسول اکرم (ص) در دعوت و هدایت عمل کند یعنی با حضار تماس حضوری و با غیر حضار با وسائل مناسب غیبت رفتار می نماید . با این معرفی که از تاریخچه حیات و سیرت امام غائب شده شبهه نویسنده نامه مندفع می شود زیرا کسی که با غیبت امام و نرسیدن حجت می خواهد حجت خدا را ابطال نمایدیا از کسانی است که در زمان غیبت امام زندگی می کرده در آن عهد وسائل ارتباطامام با مردم بواسطه نواب خاصه و عامه تامین می شد و حجت می رسید و یا از کسانی است که در زمان ظهور و بسط ید آن حضرت زندگی می کرده در آن عهد حجت خدا بحاضرین و غائبین می رسد و سیرت وی چنانکه گفته شد سیرت رسول خدا است . اگر گفته شود که با وجود حجیت قول فقها , و محدثین نیازی بوجود و امامت امام غائب نیست جواب می دهم که خود حجیت قول فقهاء و محدثین که در روایات است متوقف بوجود امام است وگرنه امام همان فقیه و محدث بود . از ذیل نامه پیداست که نویسنده مذهب تسنن را تایید می کند و بالخصوص بمذهب وهابیت میگراید که از شعب اشعریه است . مذهبی که صفات ذاتیه خدای متعال (حیات – علم – قدرت – سمع – بصر – اراده –کلام) را هفت تا می شمارد و زائد بر ذات و قدیم با قدم ذات می داند مذهبی که جزخدای متعال در عالم هستی علت فاعلی نمی داند . در صورتی که لازمه انحصار علت فاعلی در خدای متعال اینست که ما در عالم هستی نشانی از علت و معلول ندیده باشیم و رابطه ای میان دو چیز و دو پدیده ازپدیده های جهان جز جریان عادت وجود نداشته باشد و در این صورت راهی برای اثبات وجود خدای متعال نداریم زیرا مفهوم علت و معلول را نیافته ایم که در خدا اثبات نمائیم . و در صورتی که هفت تا صفات ذات را زائد بر ذات و قدیم باقدم ذات دانستن لازمه اش مستقل بودن ذات و صفات خدای متعال است و در نتیجه نه ذات علت صفات خواهد بود نه صفات علت ذات و علت همدیگر پس , هر یک از آنها بذات خود موجود و غیر محتاج بدیگری یعنی واجب الوجود –

می باشد و در نتیجه اثبات واجب الوجود اثبات مجموعه ایست از هشت تا واجب الوجود با اینحال این آقایان بعقیده خودشان وجود خدارا اثبات می کنند و موحدند و پیروان مذاهب اسلامی دیگر خاصه شیعه بعقیده شان مشرک فاعتبروا یا اولی الابصار .

می دانیم که یکی از وظائف مهم امام , هـدایت و رهبری است . و این در صورتی تحقق می پذیرد که امام در اختیار مردم باشد . حال اگر از دیده ها پنهان شد , چگونه می تواند به این وظیفه قیام کند ؟ .

پرسش

می دانیم که یکی از وظائف مهم امام , هدایت و رهبری است . و این در صورتی تحقق می پذیرد که امام در اختیار مردم باشد . حال اگر از دیده ها پنهان شد , چگونه می تواند به این وظیفه قیام کند ؟ .

پاسخ(قسمت اول)

از زمانی که امام قائم علیه السلام از دیده ها پنهان شده و در پس پرده غیبت زندگی خود را شروع کرده , انبوهی از پرسشها , پیرامون مسائل غیبت برای اذهان جستجوگرو کنجکاو مطرح بوده است . و نوع این پرسشها با یک نوع قدمت در کتابهای مربوط به امام زمان علیه السلام در قرن چهارم و پنجم اسلامی مطرح شده , و دانشمندان پاسخ های مناسبی به آنها داده اند . شیخ صدوق , یکی از محدثین عالی مقام شیعه است که در قرن چهارم می زیسته , ودر سال ۳۸۱ دیده از جهان بسته است . وی در کتاب کمال الدین پیرامون مسائل مربوط به غیبت , به تفصیل سخن گفته است . نه تنها صدوق بلکه محدث دیگری بنام نعمانی (شاگرد ثقه الاسلام کلینی متوفی ۳۲۹) که در قرن چهارم می زیسته است , در کتاب خود , به نام غیبت و همچنین استاد شیعه مرحوم شیخ طوسی (۳۸۵ – ۴۶۰ ه . ق) نیز در کتاب خود این مسائل را بازگو نموده و به تجزیه وتحلیل آنها پرداخته اند . بنابر این , این پرسشها درباره امام زمان – عجل اللّه تعالی فرجه – تازگی ندارد , بلکه بیش از هزار سال از عمر آنها می گذرد . طبعاپاسخ ها نیز تازگی نداشته و بسان پرسشها از عمر طولانی برخوردارند . چیزی که هست , پاسخ ها در طول زمان , آرایش خاصی پیدا کرده و با مقتضیات زمان هماهنگ شده است . از جمله سوالهای رایج درباره امام زمان صلوات اللّه علیه , مسئله فائده وجودامام غائب است . همگی می دانیم که اثر بارز وجود امام , هدایت و رهبری است . اکنون سوال می شود امامی که از نظرها غائب است چگونه می تواند هدایت کند ؟ به به عبارت دیگر , با توجه به این که قرآن هدایت را از ویژگیهای امام می شمارد ومی فرماید : و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا (۱) , چگونه می توان چنین وظیفه سنگینی را از امام پنهان , انتظار داشت ؟ به تعبیر دیگر , امام علیه السلام درهر حال رهبر و پیشوا است . و وجود یک رهبر در صورتی می تواند مفید باشد که تماس مداوم با پیروان خود داشته باشد . امام غائب و ناپیدا , چگونه می تواند نقش رهبری خود را ایفاء کند ؟ . زندگی امام (عج) در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است نه یک زندگی اجتماعی در نقش یک پیشوا با این حال , حق داریم بپرسیم این ذخیره الهی چه اثر عمومی برای مردم می تواند داشته باشد و مردم چه نوع بهره ای می توانند از وجود او ببرند ؟ . او به چشمه آب زلال حیات می ماند که در ظلمات باشد , و کسی را دسترسی به وجود اونباشد . اصولا مقصود از امام غائب که به معنای نامرئی تفسیر می شود , چیست ؟ آیا این به معنای یک وجود رویایی نیست ؟این سوال – بدون شک – سوال مهمی است . ولی اشتباه است که اگر گمان کنیم که به آن پاسخ داده نشده است . اما اجازه بدهید نخست به پاسخ جمله اخیر بپردازیم که مایه سوء تفاهم برای گروهی گردیده است و پس از روشن شدن آن به سراغ بقیه سوالهامی رویم . صریحا باید گفت : مفهوم غائب بودن امام (عج) چنانکه اشاره کرده ایم , هرگز این نیست که وجود امام (عج) در عصر غیبت , یک وجود نامرئی و رویائی است که به یک وجود خیالی و پنداری شبیه تر

از یک وجود عینی باشد . او از هر نظر یک زندگی طبیعی و عینی و خارجی دارد , پیوسته در میان مردم و درمیان جامعه ها رفت و آمد دارد , و در نقاط مختلف زندگی می کند . استثنائی که درزندگی آن حضرت هست , همین است که او از یک عمر طولانی برخوردار است , همین وبس . او به طور ناشناس در جامعه انسانی زندگی می کند , و هیچ روایت صحیحی درباره غیبت او جز این نگفته است . چقدر فرق است میان ناشناس و نامرئی . حال که این اشکال برطرف شد به سراغ این موضوع می رویم که می گویند : بسیار خوب ,فرار کرده و دست از نبرد کشیدند , و گروهی به فکر افتادند که به دشمنان بپیوندند . ولی وقتی خبر قتل پیامبر تکذیب شد و مسلمانان از حیات رهبر خود آگاه گردیدند وعده ای نیز پیامبر را با چشمان خود دیدند , لشکر از هم پاشیده , بار دیگر به دلگرمی وجود رهبر , از نقاط مختلف کوه احد , از میان کوهها و زیر صخره ها , دورپیامبر گرد آمدند و نبرد و دفاع را از سر گرفتند . خدای تعالی , این حقیقت رادر قرآن چنین بیان می فرماید : و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضراللّه شیئا و سیجزی اللّه الشاکرین . محمد پیامبری بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بوده اند . آیا اگر بمیرد ویا کشته شود , به دوران جاهلیت باز می گردید ؟ و هر کسی به دوران جاهلیت بازگردد به خدا زیانی نمی رساند , و خدا سپاسگزاران را پاداش می دهد (۱) . در میدانهای نبرد , تمام کوشش گروهی از سربازان زبده و فداکار , این است که پرچم , در برابر حملات دشمن همچنان سر پا و در اهتزاز باشد , در حالی که سربازان دشمن دائما می کوشند که پرچم مخالفان را سرنگون سازند , چرا که برقرار بودن پرچم , مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنها است . همچنین وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی , هر چند ظاهرا خاموش و ساکت باشد ,خون گرم پر حرارتی در عروق سربازان به حرکت درمی آورد , و آنها را به تلاش بیشتروامی دارد که فرمانده ما زنده است و پرچممان در اهتزاز . اما هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود , یک لشکر عظیم با کارآئی فوق العاده به یک باره متلاشی می گردد , گوئی آب سردی بر سر همه ریخته اند , بلکه گویا روح از تنشان بیرون رفته است . رئیس یک جمعیت یا یک کشور , مادام که زنده است , هر چند مثلا در سفر یا فرضا دربستر بیماری باشد , مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آنها است . ولی شنیدن خبررحلت او , گرد و غبار یاس و نومیدی را بر همه می پاشد . جمعیت شیعه , طبق عقیده ای که به وجود امام زنده دارد , هر چند او را در میان خود نبیند , خود را تنها نمی داند . او همواه انتظار بازگشت آن عزیز سفر کرده را – که قافله های دل همراه اوست –این چنین زندگی ممکن است برای یک فرد عادی قابل توجیه باشد . ولی آیا برای یک رهبر – آنهم یک رهبر بزرگ الهی – قابل قبول است ؟ . ما در اینجا , مسئله را ازجهات یاد شده در زیر مورد بررسی قرار می دهیم . ۱ – فائده اعتقاد به وجود رهبر , هر چند ناشناس باشد , از نظر محاسبات اجتماعی . ۲ – فوائد گوناگون امام غائب برای امت اسلامی . ۳ – حجت های مخفی و پنهان خدا از نظر قرآن و نهج البلاغه . ۱ – وجود رهبر مایه بقاء مکتب است . محاسبات عقلی و تجارب اجتماعی به روشنی ثابت می کند که اعتقاد به وجود رهبرزنده , اثر عمیقی در حفظ نظام و بقاء مکتب دارد . خواه این رهبر در دسترس مردم باشد , و یا به عللی دسترسی به او آسان نباشد . در هر دو حال اعتقاد به وجودرهبر حی , برای خود فوائدی دارد . اما آن جا که رهبر در دل جامعه قرار گیرد و به طور مستقیم بار قیادت و رهبری رابه دوش بکشد , جای سخن نیست . مهم آن جا است که رهبر به عللی از جامعه کناره گیری کند , ولی جامعه به حیات او , و بازگشت مجدد او اعتقاد داشته باشد . دراین صورت نیز , اعتقاد به وجود چنین رهبر , اثر عظیمی دارد که به آن اشاره می کنیم :در تاریخ ملل زنده جهان که مبارزات و نهضتهائی داشته اند , برای این مطلب نمونه های فراوانی وجود دارد که نشان می دهد تا آن رهبر از حیات و زندگی برخورداربوده است , هر چند از نزدیک موفق برهبری نمی شده , اما تشکیلات این گروه باقی وپایدار , می مانده است . اما لحظه ای که حیات و زندگی او به پایان می رسیده ,تفرقه و دو دستگی , تشتت قوا , پراکندگی و نابسامانی در میان جمعیت حکمفرمامی گردیده است . بهترین گواه برای این که وجود رهبر , حافظ و نگاهدارنده مکتب و مایه تشکل پیروان آن است , سرگذشت نبرد احد می باشد . در جنگ احد بر

اثر اشتباه و یااز روی غرض ورزی , ندائی در قلب لشکر بلند شد که : الا قد قتل محمد . محمد کشته شد . این خبر ناگوار , موقعی در میان مسلمانان منتشر شد که آنان مشغول مقابله با تجاوز و تعدی مهاجمان بودند . وقتی برای مسلمانان , مرگ رهبر قطعی شد , نظام و سازمان آنان چنان گسسته شد که هرکدام به گوشه ای گریختند و سپاه مسلمانان شکست سختی دید و هفتاد تن از آنها شهید گشت تا آنکه بر اثر پایمردی امیرالمومنین و دفاع جانانه از رسول اکرم مسلمانان فهمیدند آن خبر ناگوار حیله تبلیغاتی دشمن است . دوباره امیدوار شدند و بازگشتند و جمع پراکنده آنها تشکل یافت و توانستند جلوشکست کامل را بگیرند . در مورد امام زمان نیز وضع از همین قرار است . یعنی اطمینان به وجود رهبری آسمانی و مصلحی جهانی و به انتظار او بودن خود موجب امیدواری و تشکل و انسجام است . اثر روانی این طرز فکر در زنده نگهداشتن امید در دلها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن انقلاب بزرگ , کاملا قابل درک است . اما اگر این رهبر اصلا وجود خارجی نداشته باشد , و علاقه مندان مکتبش در انتظارتولد و پرورش او در آینده باشند , وضع بسیار فرق می کند . اگر یک نکته دیگر به این موضوع بیفزائیم , پاسخ شکل جدی تری به خود می گیرد و آن اینکه : طبق اعتقاد عمومی شیعه – که در روایات بسیار زیادی در منابع مذهبی آمده است – امام به طور مداوم , در دوران غیبت , مراقب حال پیروان خویش است , و طبق یک الهام الهی از وضع اعمال آنها آگاه می گردد . و به تعبیر روایات , همه هفته برنامه اعمال آنها به نظر او می رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنهاآگاه می گردد (۱) . این فکر سبب می شود که همه معتقدان در حالت آماده باش دائمی فرو روند . و به هنگام ورود در هر کار , توجه به آن نظارت عالی داشته باشند , اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست . اکنون درباره امام زمان علیه السلام این اصل را در نظر می گیریم . آیا اعتقاد به وجود امام حی و زنده و حاضر و ناظر و مستعد و آماده برای نهضت در حفظ وحدت جمعیت و تشکیلات بالاخص آماده کردن افراد برای نهضت و قیام بر ضد ظلم و جور , برضد استبداد و خودکامگی موثر نیست ؟ . هرگاه جمعیتی معتقد شود که رهبر آنان در قید حیات و زندگی بوده و پیوسته مترقب فرمان الهی است که از پس پرده غیب بیرون آید , بطور مسلم ناامید نمی شود , وحدت کلمه خود را از دست نمی دهد , در حفظ مکتب خویش می کوشد , و پیوسته برای هدف , به تهیه نیرو و انجام مقدمات می پردازد . ولی هرگاه به این جمعیت بگویند : شما فعلا بی رهبرید , رهبر شما در آینده دیده به جهان خواهد گشود , آن هم معلوم نیست کی متولد خواهد شد , نه تنها او متولدنگشته بلکه نیاکان او نیز هنوز دیده بجهان نگشودند , آیا در این جمعیت , روح انتظار سازنده , و نیرو و ساز و برگ لازم پیدا می شود ؟ آیا با چنین عقیده ای ,نظامات مادی و معنوی آنان بکار می افتد و یا اینکه این کار به قیمت از هم پاشیدگی افراد و محو و نابودی مکتب تمام می شود ؟برای توضیح بیشتر درباره اینکه امام زمان غایب چه نقشی می تواند در جامعه و در اندیشه های معتقد دانش داشته باشد , می گوئیم : ایمان به پیروزی نهایی وانتظار یک مصلح جهانی , اگر به مرحله شناخت و آگاهی سازنده برسد , منبع وسرچشمه حرکتها و نهضتها خواهد گشت . رهبر یک جنبش عدالت خواهی , حتی اگر در میان پیروان خویش نباشد , می تواند موجب فشردگی و بهم پیوستگی صفوف معتقدان به نهضت باشد . می بینیم که در نهضت استقلال هندوستان , با وجود آنکه گاندی از طرف دولت استعماری دستگیر شده و به زندان فرستاده می شود , نهضت عدم همکاری با دولت استعماری با شدت ادامه می یابد . مردم هند با اینکه گاندی را در میان خود نمی دیدند , ولی دنباله نهضت وی راادامه می دادند , زیرا که گاندی هنوز زنده بود و قدرت معنوی وی همچنان مردم هندرا بهم پیوند می داد . در جنگ داخلی اسپانیا , قبل از جنگ جهانی دوم , تا زمانی که رهبران جمهوری خواهان در زندان فرانکو بسر می بردند , نبرد در سراسر جبهه های جنگ ادامه داشت . ولی زمانی که چند تنی از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند , شکست در لشکرجمهوری خواهان پدید آمد . در جنگ دوم جهانی , هنگام محاصره شهر لنینگراد توسط ارتش نازی , سرما وقحطی , به حدی رسید که روزانه هزاران نفر می مردند و گرسنگی بیداد می کرد امامردم لنینگراد همچنان مقاومت می کردند . محاصره چهار سال تمام ادامه یافت . در این مدت , رادیو لنینگراد دائما

پیامهائی از طرف شورای مقاومت می خواند ومردم را به پایداری دعوت می کرد . روزهای آخر , بیش از دو سوم اعضای شورا ازگرسنگی مرده بودند , اما رادیو بدون آنکه خبر مرگ آنها را بمردم برساند ,همچنان نام آنان را در پایان اعلامیه ها می خواند . جالب اینجاست که به علت خاموشی برق , دو روز رادیو لنینگراد از کار افتاد , مردم بسیاری در اطراف اداره رادیو جمع شدند و می گفتند : ما آذوقه نمی خواهیم , فقط یکبار دیگر رادیو را بکاراندازید , تا ما بازهم اعلامیه های شورای مقاومت را بشنویم . این مدارک و شواهد نشان می دهد که حتی اگر رهبر جنبش و مقاومتی در میان مردم نباشد , وجود واقعی او می تواند الهام بخش معنوی و مایه امید و تحرک و یادآوری گردد . اما در مورد اینکه چرا خداوند امام را در موقع ظهور نیافرید , باید گفت که اگرچنین بود , اصولا عنوان انتظار ظهور مصلح , واقعیت خارجی پیدا نمی کرد , زیراانسانها می توانند در انتظار فردی باشند که به زنده بودن او معتقدند و هرگزنمی توان انسانی را به این دلخوش داشت که چند سال بعد ممکن است کسی بدنیا آید که نقش منجی را ایفاء خواهد کرد . در جهان متلاطم و پر اضطراب , در حالیکه انسان به یاس مطلق می رسد و فلسفه پوچی را بعنوان راه زندگی خویش می شناسد , چگونه می توان انسانها را به وجودنجات دهنده ای دلخوش داشت که سالها بعد تازه متولد خواهد شد ؟ آیا اصولاـ اعتقادبه وجود رهبری که سالهائی بعد متولد می گردد , می تواند موجب تبلور روح انتظارسازنده انسانها گردد ؟ انسان در شناخت دقایق و ظرایف حیات و برای آنکه در مسیرتکاملی به پیکار برخیزد , لازم است که از وجود رهبری زنده – حتی اگر غایب باشد –الهام گیرد . ۲ – فواید گوناگون امام زمان برای امت اسلامی اکنون وقت آن رسیده است که با دیگر فواید چشم گیر امام برای امت , از نزدیک آشنا شویم . ما این فوائد را تحت عنوان کلی او بسان خورشید در پس ابر است ,می آوریم و این فوائد همگی بیانگر حقیقت این تشبیه است . در احادیث متعدد وگوناگونی که در زمینه حکمت و فایده وجود امام علیه السلام در دوران غیبت به مارسیده , بسیار پر معنی و جالبی در یک عبارت کوتاه دیده می شود که می توان کلیدی باشد برای گشودن این رمز بزرگ . و آن اینکه از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در پاسخ این پرسش که وجود حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در عصر غیبت , چه فایده ای دارد , فرمود : ای والذی بعثنی بالنبوه انهم لینتفعون به و یستضیئون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشمس و ان جللها السحاب (۲) . آری سوگند بخدائی که مرا به نبوت برگزید , از او منتفع می شوند , و از نورولایتش در دوران غیبتش بهره می گیرند , همانگونه که از خورشید بهنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره می برند . برای فهم این کلید رمز , نخست باید نقش خورشید را بطور کلی , و به هنگامی که چهره تابناکش پشت ابرها پنهان می گردد , دریابیم . خورشید دارای دو نوع نورافشانی است : نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی , یا به تعبیر دیگر نورافشانی مستقیم و نورافشانی غیر مستقیم . در نورافشانی آشکار , اشعه آفتاب به خوبی دیده می شود , هر چند قشر ضخیم هوا که اطراف کره زمین را پوشانیده , همانند یک شیشه ضخیم کار می کند , شیشه ای که ازشدت تابش آفتاب می کاهد و آن را قابل تحمل می سازد , و نور آفتاب را تصفیه می کندو شعاعهای مرگبارش را خنثی و بی اثر می سازد , ولی به هر حال مانع از تابش مستقیم آفتاب نیست . ولی در تابش غیر مستقیم , ابرها همانند یک شیشه مات , نور مستقیم خورشید را گرفته پخش می کنند . گاهی اوقات وارد اطاقی می شویم که با لامپهای مات روشن شده , اطاق را روشن می بینیم , اما خود لامپ و شعاع اصلی و مستقیم آن بهیچوجه دیده نمی شوند ۰۰۰۰از سوی دیگر , نور آفتاب مهمترین نقش را در دنیای حیات و موجودات زنده دارد . نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پاشیده می شود , تنها انرژی زندگی بخش درگیاهان و حیوانات و انسان است . رشد و نمو موجودات زنده , تغذیه و تولید مثل آنها , حس و حرکت و جنبش , آبیاری زمینهای مرده , غرش امواج دریا , وزش حیات بخش بادها , ریزش دانه های زندگی آفرین باران و برف , صدای زمزمه آبشارها , نغمه های مرغان , زیبائی خیره کننده گلها , گردش خون در عروق انسان و طپش قلبها , عبور برق آسای اندیشه از لابلای پرده های مغز , و لبخند شیرینی که بر لب گلبرگها مانند یک کودک شیرخوار نقش می بندد ۰۰۰ همه و همه بطور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد وبدون آن , همه اینها به خاموشی

خواهنـد گرائیـد . این موضوع را بـا کمی دقت می توان دریـافت . حـال این سوال پیش می آیـد که آیا این برکات و آثار زنـدگی بخش , مخصوص زمانی نیست که نور بطور مستقیم می تابد ؟

پاسخ(قسمت دوم)

. پـاسـخ این سوال روشن است : نه ; بسیاری از این آثار در نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد . مـثـلا در کـشورهای یا شهرهـائی که چنـدین ماه از سال ابرهاسراسـر آسـمان را پوشانیـده انـد , آفتاب دیـده نمی شود , ولی گرما , نمو و رویش گیاهان , تولیـد انرژی لازم برای حیات , رسـیدن غلات و میوه ها خندیـدن گلها وشـکوفه ها وجود دارند . بنابر این تابش خورشـید از پشـت پرده ابرهـا , قسـمت مهمی از برکـات خود را دربردارد . و تنها قسـمتی از آثار که نیاز به تابش مسـتقیم دارد موجود نیست . مثلامی دانیـم تـابش آفتـاب , اثر حیـاتی خاصـی روی پـوست و سـایر جهـاز بـدن انسـان و موجـودات زنـده دارد . بـه هـمیـن دلیـل , در کشورهائی که از این نظر در محرومیت بسـر می برند ,در روزهای آفتابی , بـسـیـاری از مردم حمام آفتاب می گیرند و در برابر این نورحیـات بخش برهنه می گردنـد و بـا تمـام ذرات وجود خود – که تشـنه این هـدیه آسـمانی است – ذرات این نور را می مکنـد . تـابـش مسـتقیم آفتاب , علاوه بر اینکه روشـنائی و گرمای بیشتری می آفریند , اثر خاصی به خاطر هـمـان اشـعـه مـاورای بـنفش در کشـتن انواع میکروبهـا و سالم سازی محیط دارد که در نور غیر مسـتقیم دیـده نمی شود . از مجموع بحث قبل نتیجه می گیریم که : هر چنـد پرده هـای ابر , بعضـی از آثار آفتاب را می گیرد , ولی قسـمت مهمی از آن همچنان باقی می مانـد . این بود حال مشـبه به یعنی آفتـاب . اکنون بـاز می گردیم به وضع مشـبه یعنی وجود رهبران الهی در حال غیبت . اشـعه معنوی وجود امام علیه السـلام در حـالی که درپشت ابرهـای غیبت نهـان است , دارای آثار قابل مـلاحظه ای است که علی رغم تعطیل مسئله تعلیم و تربیت و رهبری مسـتقیم , حکمت وجود او را آشـکار می سـازد . به ملاـحظه اجمال این نوشـته , برخی از این آثار , در اینجا بیان می شود . الف – پاسداری از آئین الهی با گذشت زمان و آمیختن سلیقه ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گـرایـشـهـای مـخـتلف به سوی برنامه هـای ظـاهر فریب مکتبهـای انحرافی , و دراز شـدن دست مـفـسـده جـویـان بـه سـوی مـفـاهـیـم آسـمانی , اصالت پاره ای از این قوانین از دست می رود و دستخوش تغییرات زیانبخشی می گردد . ایـن آب زلال که از آسمان وحی نازل شده , با عبور از مغزهای این و آن تدریجا تیره و تار گشـته , صـفای نخستین خود را از دست می دهد . این نور پرفروغ , با عبور از شـیشه های ظلمانی افکار تاریـک , کمرنـگ تر می گردد . خلاـصه با آرایشـها و پیرایشـهای کوته بینانه افراد و افزودن شاخ و برگهای تازه به آن , چنان می شود که گاهی بازشناسـی مسائل اصلی , دچار اشکال می گردد . آن شاعر ,خطاب به پیامبر صلی اللّه علیه و آله می گوید :شرع تـو را در پـی آرایشـنـد دین تو را از پی پیرایشـندبس که فزودند بر آن برگ و بر گر تو ببینی نشـنـاسـی دگـربا این حال , آیا ضروری نیـسـت کـه در مـیان جمع مسـلمانان کسـی باشد که مفاهیم فناناپذیر تعالیم اسـلامی را در شـکل اصـلـیش حفظ و برای آیندگان نگهـداری کنـد ؟می دانیم در هر موسـسه مهمی , صـندوق نسوزی وجـود دارد کـه اسـنـاد مهم آن موسـسه را درآن نگهداری می کنند , تا از دسـتبرد دزدان محفوظ بماند . بـعلاوه هرگاه مثلا آتش سوزی در آنجا روی دهد , از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و حیثیت آن موسسه پیوندنزدیکی با حفظ آن اسناد و مدارک دارد . سـینه امام و روح بلندش , صندوق نسوز حفظ اسناد آئین الهی است که همه اصالتهـای نخستین و ویـژگیهـای آسـمانی این تعلیمـات را در خود نگاهـداری می کنـد , تـا دلائـل الهی و نشانه های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشـی نگرایـد . و این یکی دیگر از آثار وجود او , گذشـته از آثار دیگر است . ب – تـربـیت گروه منتظر آگاه بر خلاف آنچه بعضـی فکر می کننـد , رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریـده نیست . بـلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمی آید , گروه کوچکی از آماده ترین افراد – که سری پرشور از عـشـق خـدا , و دلی پر ایمان و اخلاصی فوق العاده برای تحقق بخشـیدن به آرمان اصـلاح جهان دارند – با حضرتش در ارتباطند . مـعـنی غیبت امام صلوات اللّه علیه , این نیست

www.noorfatemah.org

که آن حضرت به شکل یک روح نامرئی ویا شعاعی ناپیدا درمی آید . بلکه او از یک زندگی طبیعی آرام برخوردار است , بطورناشناخته در میان همین انسانها رفت و آمد دارد , دلهای بسیار آماده رابرمی گزیند و در اختیار می گیرد , بیش از پیش آماده می کند و می سازد . افرادمستعد , به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود , توفیق درک این سعادت را پیدامی کنند . بعضی چند لحظه و برخی چند ساعت یا چند روز , و جمعی سالها با حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در تماس نزدیک هستند . آنها کسانی هستند که آنچنان بر بال و پر دانش و تقوی قرار گرفته و بالا رفته اندکه همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز , بر فراز ابرها قرار می گیرند , آنجا که هیچگاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جهانبخش آفتاب نیست , در حالی که دیگران درزیر ابرها و در تاریکی و نور ضعیف بسر می برند . بدرستی حساب صحیح نیز همین است . من نباید در انتظار داشته باشم که آفتاب را به پائین ابرها بکشم تا چهره او را ببینم . چنین انتظاری , اشتباه بزرگ و خیال خام است . این منم که باید بالاتر از ابرها پرواز کنم , تا شعاع جاودانه آفتاب راجرعه جرعه بنوشم و سیراب گردم . بهر حال , تربیت این گروه یکی دیگر از حکمت های وجود آن حضرت در این دوران است . ج - نفوذ روحانی و ناآگاه می دانیم خورشید , یک سلسله اشعه نامرئی دارد که از ترکیب آنها با هم , هفت رنگ معروف پیدا می شود و یک سلسله اشعه نامرئی که بنام اشعه ماوراء بنفش و اشعه مادون قرمز نامیده شده است . همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی , خواه پیامبر باشد یا امام , علاوه بر تربیت تشریعی - که از طریق گفتار و رفتار وتعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد - یکنوع تربیت روحانی دارد , که از راه نفوذمعنوی در دلها و فکرها اعمال می شود . و می توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد . در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی کند , بلکه تنها جاذبه و کشش درونی موثر است . در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی , می خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف وآلوده , با یک تماس مختصر با آنها بکلی تغییر مسیر می دادند , و سرنوشتشان یکباره دگرگون می شد و به قول معروف با صد و هشتاد درجه بازگشت , راه کاملاتازه ای را انتخاب می کردند , یک مرتبه فردی پاک و مومن و فداکار از آب درمی آمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند . این دگرگونیهای تند و سریع و همه جانبه , این تحولات جهش آسا و فراگیر , آنهم بایک نگاه و برخورد - البته برای آنها که در عین آلودگی , یک نوع آمادگی نیزدارند - نتیجه جذبه ناخود آگاه است که گاهی از آن تعبیر به نفوذ شخصیت نیزمی شود . بسیاری این موضوع را در زندگی خود تجربه کرده اند که به هنگام برخورد با افرادی که روحهای بزرگ و عالی دارند , چنان بی اختیار و ناخودآگاه تحت تاثیر آنان قرارمی گیرند که حتی سخن گفتن در برابر آنها برایشان مشکل می شود , و خود را در میان هاله ای مرموز و غیر قابل توصیف از عظمت و بزرگی می بینند . البته ممکن است گاهی اینگونه امور را با تلقین و امثال آن توجیه کرد , ولی مسلما این تفسیر برای همه موارد صحیح نیست . بلکه راهی جز این ندارد که بپذیریم که این آثار , نتیجه شعاع اسرارآمیزی است که از درون ذات انسانهای بزرگ برمی خیزد . سرگذشتهای فراوانی در تاریخ پیشوایان بزرگ می بینیم که جز از این راه نمی توان آنها را تفسیر کرد , که در اینجا چند نمونه ذکر می کنیم . برخورد اسعد بن زراره بت پرست به پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در کنار خانه کعبه و تغییر جهش آسای طرز تفکر او , و یا آنچه دشمنان سرسخت پیامبر (ص) نام آن را سحر می گذاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او باز می داشتند (۱) . تاثیر پیام امام حسین صلوات اللّه علیه روی فکر زهیر در مسیر کربلا نقل شده ,تا آنجا که با شنیدن پیام امام حتی نتوانست لقمه ای را که در دست داشت به دهان بگذارد , و آنرا به زمین نهاد و حرکت کرد . کشش عجیب فوق العاده ای که حر بن یزید ریاحی در خود احساس می کرد , و با تمام شجاعتش همچون بید می لرزید , و همین کشش سرانجام او را به صف مجاهدان کربلاـ کشیدو به افتخار بزرگ شهادت نائل آمد . داستان جوانی که در همسایگی ابوبصیر زندگی داشت , و با ثروت سرشار خود -که از خودش خدمتی بدستگاه بنی امیه فراهم ساخته بود - به عیش و نوش و بی بندوباری پرداخته بود . و سرانجام با یک پیام امام صادق علیه السلام بکلی دگرگون شد ,و همه کارهای خود را به کناری نهاد و تمام اموالی را که از طریق نامشروع گردآورده بود , یا به صاحبش داد و یا در راه خدا انفاق کرد .

سرگذشت کنیز خواننده و زیبا و عشوه گری که هارون به گمان خام خود برای منحرف ساختن ذهن امام کاظم صلوات اللّه علیه به زندان اعزام داشته بود , و منقلب شدن روحیه او در یک مدت کوتاه , تا آنجا که قیافه و طرز سخن و منطق او هارون را به حیرت و وحشت افکند ۰۰۰۰همه و همه نشانه و نمونه هائی از همین تاثیر ناخودآگاه است که می توان آنراشعبه ای از ولایت تکوینی معصومین - اعم از پیامبر و امام (ع) - دانست , چرا که عامل تربیت و تکامل در اینجا الفاظ و جمله ها و راههای معمولی و عادی نیست ,بلکه جذبه معنوی و نفوذ روحانی , عامل اصلی محسوب می شود . همانگونه که گفتیم , پیامبران و امامان - بر اساس فضائل موهبتی - و رجال راستین و شخصیتهای بزرگ الهی - بر اساس فضائل اکتسابی - به تناسب میزان شخصیت خودهاله ای از این نفوذ ناخودآگاه در پیرامون خود ترسیم می کنند . و البته قلمروگروه اول با گروه دوم از نظر ابعاد و گستردگی قابل مقایسه نیست . وجود مبارک امام علیه السلام در پشت ابرهای غیبت نیز , این اثر را دارد که ازطریق شعاع نیرومند و پر دامنه نفوذ شخصیت خود , دلهای آماده را در نزدیک ودور , تحت تاثیر جذبه مخصوص قرار داده , به ترتیب و تکامل آنها می پردازد و ازآنها انسانهائی کامل تر می سازد . ما قطبهای مغناطیسی زمین را با چشم خودنمی بینیم , ولی اثر آنها روی عقربه های قطب نما , در دریاها راهنمای کشتیهاست ودر صحراها و آسمانها راهنمای هواپیما و وسائل دیگر است . در سرتاسر کره زمین ,از برکت این امواج , میلیون ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده , باوسائل نقلیه بزرگ و کوچک بفرمان همین عقربه ظاهرا کوچک از سرگردانی رهائی می یابند . آیا تعجب دارد اگر وجود مبارک امام - صلوات اللّه علیه - در زمان غیبت , باامواج جاذبه معنوی خود , افکار و جانهای زیادی را که در دور یا نزدیک قراردارند , هدایت کند , و از سرگردانی رهائی بخشد ؟ البته نباید فراموش کرد که امواج مغناطیسی زمین , روی هر آهن پاره بی ارزشی اثر نمی گذارد , بلکه روی عقربه های ظریف و حساسی که خاصیت آهنربائی یافته اند و یک نوع سنخیت و شباهت باقطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده اند , اثر می گذارند . همینطور دلهائی که راهی با امام علیه السلام دارند و شباهتی را در خود ذخیره نموده اند , تحت تاثیرآن جذبه روحانی قرار می گیرند . با در نظر گرفتن آنچه گفتیم , یکی دیگر از آثار و حکمت های وجود امام عجل اللّه تعالی فرجه در چنین دورانی آشکار می گردد . د - ترسیم هدف آفرینش هیچ عاقلی بی هدف گام برنمی دارد . هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد ,در مسیر هدفی قرار خواهد داشت . با این تفاوت که هدف در کار انسانها معمولا رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست , ولی در کار خدا , هدف متوجه دیگران ورفع نیازهای آنهاست , چرا که ذات او از هر نظری کامل است و عاری از هرگونه کمبود . و با این حال , انجام دادن کاری به نفع خود , درباره او مفهوم ندارد . حال به مثال , زیر توجه کنید . در زمینی مستعد و آماده , باغی پر گل و میوه احداث می کنیم . در لابلای درختان وبوته های گل , علف هرزه هائی می رویند . هر وقت به آبیاری آن درختان برومندمی پردازیم , علف هرزه ها نیز از پرتو آنها سیراب می شوند . در اینجا ما دو هدف پیدا می کنیم : هدف اصلی که آب دادن درختان میوه و بوته های گل است , و هدف تبعی یعنی آبیاری علف هرزه های بی مصرف . بدون شک , هدف تبعی نمی تواند انگیزه عمل گردد , و یا حکیمانه بودن آن را توجیه کند . مهم همان هدف اصلی است که جنبه منطقی دارد . حال فرض می کنیم بیشتر درختان باغ خشک شوند و تنها یک درخت باقی بماند , امادرختی که به تنهائی گلها و میوه هائی را که از هزاران درخت انتظار داریم , به مامی دهد . بدون تردید , برای آبیاری همان یک درخت هم که باشد , آبیاری و باغبانی را ادامه خواهیم داد , گو اینکه علف هرزه های زیادی نیز از آن بهره گیرند . و اگریک روز آن درخت نیز بخشکد , آنجاست که دست از آبیاری باغ می کشیم , هر چند علف هرزه ها بمیرند . آنها که در مسیر تکاملند , درختان و شاخه های پر بار هستند . آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلوده اند , علف هرزه های این باغند . مسلما این آفتاب درخشان , این مولکولهای حیات بخش هوا , این همه برکات زمین و آسمان برای آن آفریده نشده است که مشتی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگرمشغول شوند , و جز ظلم و ستم و جهل و فساد محصولی برای اجتماع آنها نباشد . نه , هرگز , هدف آفرینش نمی تواند

اینها باشد . این جهان و تمام مواهب آن , از دیدگاه یک فرد خداپرست - که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا آشناست - برای صالحان و پاکان آفریده شده است , همانگونه که سرانجام نیز بطور کامل از دست غاصبان به درآمده , و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت . ان الارض یرثها عبادی الصالحون (۴) . روزی زمین از آن صالحان خواهد بود . باغبان آفرینش , بخاطر همین گروه , فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می دهد . هر چند علف هرزه ها نیز به عنوان یک هدف تبعی سیراب گردند و بهره مند شوند , ولی بی شک هدف اصلی , آنها نیستند . و اگر - به فرض محال - روزی فرا رسید که آخرین نسل گروه صالحان از روی زمین برچیده شوند , آن روز دلیلی بر ادامه جریان این مواهب وجود نخواهد داشت . آن روز , آرامش زمین به هم می خورد و آسمان و برکات خود را قطع می نماید و زمین از دادن بهره به انسانها مضایقه خواهد کرد . از طرفی پیامبر و امام , حجت خدا ومقصد مهم از خلقت جهان و انسان هستند , یعنی همان گروهی که هدف اصلی آفرینش راتشکیل می دهند . به همین دلیل , وجود امام علیه السلام به تنهائی یا در راس گروه صالحان , توجیه کننده هدف آفرینش و مایه نزول هر خیر و برکت است , ریزش باران فیض و رحمت خدا است , اعم از اینکه در میان مردم آشکارا زندگی کند یا مخفی وناشناس بماند . درست است که افراد صالح دیگر نیز , هر کدام - در حد خود - هدفی هستند برای آفرینش , و یا به تعبیر دیگر بخشی از آن هدف بزرگ . ولی نمونه کامل این هدف ,همین انسانهای نمونه و مردان آسمانی می باشند , هر چند سهم دیگران نیز محفوظاست . و از اینجا این معنی روشن می شود که در پاره ای از روایات به این مضمون وارد شده که : بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء . از برکت وجود او (یعنی حجت و نماینده الهی) مردم روزی می برند و بخاطر هستی او آسمان و زمین بر پاست . با توضیحاتی که دادیم , معلوم می شود , که این موضوع , یک موضوع اغراق آمیز ,دور از منطق , و یا شرک آلود نمی باشد . همچنین عبارتی که به عنوان یک حدیث قدسی از خداوند متعال در کتب مشهور نقل شده که خطاب به پیامبرش می فرماید : لولاک لما خلقت الافلاک . اگر تو نبودی آسمانها را نمی آفریدم . بیان یک واقعیت است نه مبالغه , اما پیامبر , شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هر کدام بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می دهند . از مجموع آنچه در این فصل , تحت چهار عنوان گفته شد , نتایج زیر عاید می گردد :آنها که دور نشسته اند و وجود امام را در عصر غیبت , یک وجود شخصی و بدون بازده اجتماعی دانسته اند , و بر عقیده شیعه در این زمینه تاخت و تاز کرده اند که وجودچنین امامی چه نفعی برای رهبری و امامت خلق می تواند داشته باشد , آنچنان که آنها گفته اند نیست , و آثار وجودی امام در این حال نیز فراوان است (۵) .

پاسخ(قسمت سوم)

۳ - حجت های مخفی و پنهان خدا در قرآن و نهج البلاغه امام امیرمومنان علیه السلام در نهج البلاغه , برای خدا دو نوع حجت معرفی می کند : یکی حاضر و آشکار , و دیگری غایب و ناپیدا , آنجا که می فرماید : اللهم بلی لاتخلو الارض من قائم للّه بحجه اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا لئلاتبطل حجج اللّه و بیناته (۶) . بلی , خدایا , روی زمین هیچگاه از حجتهای تو خالی نمی ماند , حجتهائی که گاهی مرئی و آشکار , و گاهی از بیم مردم پنهان هستند , تا دلایل آئین الهی محو ونابود نشود . جمله لئلا تبطل حجج اللّه و بیناته بسیار قابل ملاحظه است و می رساند که رهبران الهی در پنهان و آشکار , وظیفه سنگین رهبری را انجام می دهند . و در همه حال ,در راهنمائی مردم می کوشند . مقصود امام از حجت خائف و مغمور کیست ؟ آیا جز آن پیشوای معصوم است که براثر نبودن شرایط مساعد , در پس پرده غیبت بسر می برد , تا روزی جهان برای نهضت او آماده گردد ؟پس از آگاهی از این دو نوع حجت که در کلام امیرمومنان به چشم می خورد , نظرخوانندگان را به گروهی از اولیاء الهی جلب می کنیم که آنان غایب و پنهان بودند ,و با این حال جامعه را هدایت می کردند و یا اینکه بصورت استتار و با پوشش خاصی به سازندگی افراد اشتغال داشتند , و یا اینکه نبی و ولی بودند ولی منتظر آن بودند که فرمان حق برسد , سپس انجام وظیفه کنند .

www.noorfatemah.org

برخی از افراد این گروه عبارتند از : الف – معلم موسی که در اخبار بنام خضر معرفی شده است . سلام اللّه علیها . ب – پیامبر گرامی اسلام – صلی اللّه علیه و آله – که سه سال از طریق سازندگی فردی هدایت می کرد . ج – حضرت موسی علیه السلام در مدت غیبت چهل روزه خود . د – حضرت یونس علیه السلام که مدتها در شکم ماهی پنهان از دیدگان بسر می برد . هـ – حضرت مسیح علیه السلام که در دوران کودکی نبی بود , ولی پس از سی سال به امر هدایت قیام نمود . الف – ولی غایب که معلم حضرت موسی بودقرآن مجید , ما را به مقام والای ولایت , و شئون و نحوه هدایتهای اولیاء رهبری نموده و به روشنی ثابت نموده که ممکن است یکی از مردان الهی , در عین اینکه ازنظرها پنهان باشد , به امر هدایت و ارشاد بپردازد . قرآن , رهبری را معرفی می کند که ناشناخته بود و آنها او را نمی شناختند . حتی رسول آن زمان نیز , با او آشنائی نداشت . و اگر آشنائی پیدا کرد , تنها بر اثرمعرفی الهی بود . این ولی و رهبر , همان است که خدای سبحان درباره او در قرآن چنین می فرماید : موسی و همراه او , بنده ای از بندگان ما را یافتند که مورد رحمت ما بوده و ازپیش خود به او علومی داده بودیم کسی که دارای چنین علم وسیع و گسترده ای است , و بصریح قرآن , نبی زمان و وصی وی از علم . او بهره مند می شوند , قطعا از اولیاء خدا بوده , و نه تنها از نظر علم و دانش وسیع تر بوده است , بلکه آنچنان روح قوی و نیرومندی داشته است که وقتی موسی به او می گوید : اجازه می دهی که من تو را همراهی کنم تا از علومی که بتو داده شده است به من بیاموزی ؟ . وی در پاسخ می گوید : تو نمی توانی با من صبر کنی , چگونه می توانی کارهائی را که از اسرار آنها خبر نداری تحمل نمائی ؟ (۷) . بی شک , این فرد از اولیاء خدا و از شخصیتهای والای الهی بوده است . بررسی حالات این ولی زمان و این فرزانه ناشناخته , در همان چند لحظه کوتاه از زندگی حساس او که با حضرت موسی گذرانده است , ما را به نکاتی رهبری می کند . از جمله : ۱ – این ولی زمان , به صورت ناشناس زندگی می کرد . کسی او را نمی شناخت . و اگرخدا او را معرفی نمی کرد , کسی با او آشنا نمی شد . بنابر این شرط ولی , این نیست که حتما مردم او را بشناسند . ۲ – این ولی الهی , با اینکه از دیدگان غایب و پنهان بود , هرگز از حوادث واوضاع زمان غفلت نداشت . و روی ولایت و اختیاراتی که از جانب خدا به او داده شده بود , در اموال و نفوس تصرف می کرد , و اوضاع را طبق مصالحی رهبری می نمود . اودر رهبری حوادث , بقدری دقیق بود که راضی نشد کشتی بینوایان که مایه زندگی آنان بود به دست فرمانروای ستمگری بیفتد , و با معیوب ساختن آن , از تصرف کشتی جلوگیری کرد . اختیارات او به اندازه ای بود که روی مصالحی توانست انسانی رابکشد , و دیواری را برای صیانت مال یتیم بپا دارد . ۳ – نکته جالب اینکه : نه تنها خود او ناشناخته بود , بلکه تصرفات او نیز ازدیدگاه مردم عادی پنهان بود . اگر مردم و صاحب کشتی از تصرف او آگاه بودند ,هرگز اجازه نمی دادند که او کشتی را سوراخ کند , زیرا از هدف مقدس او آگاهی نداشتند . اگر مردم شاهد قتل نفس او بودند , هرگز رهایش نمی کردند و ۰۰۰ ازاینکه او همه این کارهای شگفت آور را در دل اجتماع انجام داد و احدی متوجه کاراو نشد , می توان فهمید که نه تنها خود او پنهان بود , بلکه تصرف او در اوضاع وحوادث نیز بر مردم پنهان بود . آنها تنها اثر فعل او را می دیدند نه کار او را . ۴ – مهمتر از همه هدایت و رهبری او بود . او با داشتن مقام ولایت , وظایف خود راانجام می داد . گاهی با تصرف در اموال و نفوس یا ضبط و حراست اموال یتیمان , اثرولایت خود را ابراز می داشت و گاهی از طریق فردسازی و تعلیم افراد , به وظیفه خطیر ولایت عمل می نمود , و افرادی مانند موسی و همراه او را هدایت و رهبری می کرد . از زندگی حساس و تکان دهنده این ولی الهی , بخوبی می فهمیم که ولی زمان گاهی عیان و پیدا ; و زمانی مخفی و پنهان خواهد بود . واین امر بستگی به مصالح وقت و اوضاع زمان دارد . همچنانکه می فهمیم هدایت و رهبری – که وظیفه امام و ولی است – می تواند به دوصورت – آشکار و پنهان – انجام گیرد , و هرگز لازم نیست که امام شناخته شود تاهدایت کند , بلکه در حال اختفاء و پنهانی نیز به این وظیفه خطیر قیام می نماید .

نمی ماند . مسلمانان عموما و شیعه خصوصا در انتظار جهانگیر شدن اسلام هستند و عقیده دارند که مصلح حقیقی – امام عصر اروحنا فداه – باید دن

پرسش

مدتی است که در تمام دنیا گفتگو از خطرات جنگ سوم در میان است و این که اگر جنگ اتمی شروع شود , موجود زنده ای در جهان باقی نمی ماند . مسلمانان عموما و شیعه خصوصا در انتظار جهانگیر شدن اسلام هستند و عقیده دارند که مصلح حقیقی – امام عصر اروحنا فداه – باید دنیای فاسد را اصلاح کند منافات ندارد ؟

پاسخ

پیش بینی هایی که برای درگیر شدن جنگ اتمی می شود غالبا جنبه حدس و تخمین دارد وبا توجه به این که حوادث سیاسی تحت هیچ برنامه و قانونی نیست , غالبا قابل پیش بینی قطعی نمی باشد . قدر مسلم این است که در شرایط فعلی احتمال وقوع جنگ سوم هست و احتمال این که این جنگ اتمی باشد نیز بعید نیست ; اما هیچ کس بطور قطع نمی تواند بگوید که جنگ سوم اجتناب ناپذیر است , همچنان که بطور قطع نمی توان گفت این جنگ اتمی خواهد بود , زیرا ممکن است خداوند سهم بیشتری از عقل نصیب سران کشورهای جهان کند و با دور اندیشی بیشتر حوادث دنیا را مطالعه کنند و از دست زدن به اموری که آتش جنگ سوم را می افروزد , خودداری نمایند و یا لااقل استعمال سلاح اتمی را بکلی تحریم کنند . بنابر این , عقیده عموم مسلمانان و مخصوصا جمعیت شیعیان دنیا که طبق مدارک مسلم دینی در انتظار یک مصلح جهانی به سر می برند که از طرف آفریدگار جهان این ماموریت بزرگ را پیدا می کند و سرانجام صفحه زمین را از ظلم بیدادگری پاک می سازدو یک حکومت جهانی با یک تشکیلات صحیح به وجود می آورد , با این گونه حدثیاتی که درباره وقوع جنگ سوم می شود هیچ گونه منافاتی ندارد; زیرا همان طور که گفته شداین پیش بینی ها متکی به یک اساس قطعی و مسلم نیست و صرفا روی احتمالاتی است که از شرایط موجود به نظر می آید و همان طور که کرارا اشاره کرده ایم هیچ بعید نیست که اضطراب و ناراحتی و پریشانی فعلی , برای آماده شدن دنیای بشریت برای پذیرفتن این حکومت الهی باشد ; زیرا وقتی دنیای مادی ببیند که با اصول مادیگری نه تنهاقدرت اصلاح جامعه بشری را ندارد بلکه روز به روز وضع را وخیم تر و وحشتناک ترمی کند , ناچار تن به یک حکومت الهی در خواهد داد . اگر ما هم گاه گاهی از احتمال وقوع جنگ سوم جهانی صحبت کرده ایم , به این منظوربوده که اگر تنها مقدرات انسان به دست همین شرایط مادی باشد , چنین سرانجامی محتمل خواهد بود و احتمال آن کافی است که انسان را وادار به تجدید نظر در راهی که امروز پیش گرفته است بنماید .

هرگاه شرط ظهور حضرت مهدی (عج) گسترش فساد در روی زمین است , چرا با فسادمبارزه کنیم ؟ بلکه باید در گسترش فساد کوشش نماییم تا هر چه زودتر شرائط این نهضت آسمانی فراهم آید .

پرسش

هرگاه شرط ظهور حضرت مهدی (عج) گسترش فساد در روی زمین است , چرا با فسادمبارزه کنیم ؟ بلکه باید در گسترش فساد کوشش نماییم تا هر چه زودتر شرائط این نهضت آسمانی فراهم آید .

پاسخ

اولا : بـایـد تـوجه نمود که شـرط ظهور امام , هرگز منحصر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نـیـسـت ; بلکه هرگاه مردم جهان از نظر رشـد فکری و کمالات روحی به حـدی برسـندکه بتوانند ارزش وجود امام را درک نمایند و شایسـته رهبری او گردند , در این صورت امام (عـج) بـدون هیـچ قیـد و شـرطی ظهور نموده و از پس پرده غیب بیرون می آید . در کـتـابـهای عقاید و مذاهب بطور مبسوط و گسترده بحث و بررسی شده است که مانع اساسی برای غیبت امام , اخلاق و روحیات و عدم آمادگی جامعه انسانی ظهور و حکـومت آن حضـرت اسـت و اگر این مـانع برطرف گردد , دوران غیبت او سـپری خواهـد شـد . دانـشـمـنـد بزرگ و فیلسـوف عالیقـدر اسـلام مرحوم خواجه نصیر الـدین طوسـی در کتاب تجرید العقائد در این باره سه جمله کوتاه و پر مغز دارد که با توضیح مختصـری در اینجا نقل می کنیم : ۱ – وجوده لطف : وجود امـام معصوم – خواه آشـکار و خواه پنهـان – برای جامعه انسانی نعمت معنوی و وسـیـلـه نزدیکی به اطـاعت فرمـان پروردگار است ; زیرا رابطه هـدایت الهی میان خـدا و مردم , به وسـیله امام برقرار می گردد و بسـیاری از نعمتهای معنوی و مادی به خاطر امام به مردم می رسد , حتی هدایت معنوی امام نسـبت به افرادشایسته همیشگی است – اگرچه او را نبیننـد و نشناسـند . ۲ – و تـصـرفه لطف آخر : هرگـاه امـام از پس پرده غیبت بیرون آیـد و به راهنمایی ظاهری بپردازد و زمـام امـور را بـه دست بگیرد خود نعمت دیگری است ; در این موقع نه تنها یک گروه از وجود او بهره منـد می گردند; بلکه همه جامعه انسانی از وجوداو که مظهر عدل و داد و مجری دستورهای آسمانی و احکام الهی است , بهره مندخواهند بود . ۳ – و عـدمـه منـا : هرگـاه او از تصـرف در امـور مردم خـودداری می کنـد و در پس پرده غیبـت به سـر می برد و به بزرگـترین آمـال و آرزوی بشـر تحقق نمی بخشد , برای موانعی است که خود مردم بر سـر راه او بـه وجود آورده اند و علت اساسـی سلب این نعمت , خودمردم هسـتند و اگر خود مردم برای حکومت واحـد جهـانی – آن هم بر پـایه فضـیلت و اخلاق و عـدل و داد و رعایت حقوق و احکام اسـلامی – آمـادگـی پیدا کنند , بطور مسـلم آشکارخواهد شد و هیچ گاه از ناحیه خداوند کوتاهی از ابراز لطف نبوده , این خودمردمنـد که ظهور حکومت حقه الهی را به تاخیر انـداخته انـد . (۱)بـنابر این , توسـعه فساد و گسترش آلودگی , شـرط منحصر ظهـور امـام نیسـت کـه به جزآن , به فـکر راه دیگری نباشـیم و در پیـدایش آن تسـریع نمـاییم , بلکه راه نزدیکـتری دارد که همـان پیـدایش لیاقت و شایسـتگی در مردم است . و بـه عـبـارت دیـگـر , شـرط رهبری دو چیز است : ۱ – وجود رهبر ۲ – آمادگی مردم برای پـذیرش رهـبرمسـلما اگر شـرط دوم از نـاحیه مردم تحقـق یابـد , خداونـد شـرط اول را بلافاصـله ایجادخواهـد نمـود . ثـانـیـا : گسـترش فساد و آلودگی جامعه بشری هدف اصلی نیست , بلکه زمینه را برای ظهور حضرت مهدی (عج) و اصلاح جامعه انسانی فراهـم می سـازد ; زیرا هنگـامی کـه ظلم وجـور زمین را فـرا گرفت و بشـریت گرفتـار تبعیضـات نـاروا و مفاسـد گونـاگون گردید ومشـکلات طاقت فرسا گریبان انسانها را گرفت و تجارب مختلف نشان داد که انسان تنهابه اتکای نیروی خود و قوانینی کـه وضـع کـرده نـمی توانـد مشـکلات را ریشه کن سـازد وعـدالت اجتماعی را در سراسـر کره زمین مسـتقر نمایـد ; در این هنگام , آمادگی فکری کامل برای پـذیرش برنامه یک رهبر الهی پیـدا می کنـد که بیماریهای این بیمار خسـته را با نسـخه های آسـمانی خود درمان نماید و می فهمد که نقش دیگر و انقلاب برتری لازم است که به همه نابسامانیها خاتمه بخشد . اصـولا هیچ نهضت اصلاحی بدون یـک زمینه فکری قبلی انجـام نمی پـذیرد و اصل عرضه وتقاضا که یک اصل اقتصادی است , در عین حال , یک اصل اجتماعی نیز می باشـد و تـادرخواستی در مردم نباشـد , عرضـه هر نـوع کالای معنـوی و مـادی بی ارزش و بی ثمر خواهـدبود . ولـی آیـا زمـینه فکری و آمادگی روحی برای یک نهضت اصلاحی و جهانی , که منجر به برقراری حـکـومـت واحد جهانی , آن هم بر اساس عدل و داد و ارزشـهای اخلاقی و رعایت حقوق و مقررات اسـلام گردد کافی است , یا این زمینه فکری پشتوانه دیگری لازم داردکه این دگرگونی فکری را بـه صـورت انـقلابی خـارجی درآورد و هر نوع مـانع را از سـرراه نهضت بردارد و از این زمینه فکری حـداکثر

بهره برداری را بنماید . نه تنها تجارب بی شمار و آزمایشهای متوالی این مطلب را تصدیق می کند , بلکه روایات و احادیث زیادی که درباره نهضت این مصلح جهانی وارد شده است , آشکارامی رساند که انقلاب آخرین حجت الهی پس از پدید آمدن یک زمینه فکری , نیاز به قدرت و نیرو دارد که بتواند در پرتو آن قدرت , از زمینه های موجود بهره برداری کند وهر مانعی را که بر سر راه نهضت خود وجود دارد برطرف سازد و در احادیث اسلامی به وجود انصار و یاران و تعداد آنها و این که قیام حضرت مهدی (عج) توام با قدرت و نیرو خواهد بود , تصریح شده است . در این موقع ما باید برای تامین منظور دوم و تربیت اعوان و انصار و سربازان فداکار که جان به کف در راه آرمانهای الهی نبرد و فداکاری نمایند , در پرورش افراد صالح و جانباز بکوشیم و تا آنجا که امکانات اجازه می دهد , برای یک چنین نهضت وسیع جهانی , افرادی را تربیت کنیم که بتوانند آرمانهای جهانی آن حضرت رادر سرتاسر جهان تحقق بخشند و یک چنین هدف مقدسی در صورتی انجام می گیرد که مصلحان اجتماع دست روی دست نگذارند و از هیچ گونه اقدامی در راه تربیت افراد با ایمان دریغ نورزند . ثالثا : از همه اینها گذشته , ما باید موقعیت خود را در زمینه انقلاب حضرت مهدی (عج) مشخص کنیم ; بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم , از کسانی خواهیم بود که انقلاب حضرت مهدی (عج) برای درهم کوبیدن آنها صورت می گیرد و اگردرصدد اصلاح جامعه بکوشیم , از کسانی خواهیم بود که در ارتش انقلابی حضرت مهدی (عج) همکاری می کنند ; بنابر این , به فرض این که با کمک کردن به توسعه فساد ,ظهور حضرت مهدی (عج) را به پیش بیندازیم , وضع خود را بطور قطع به خطرانداخته ایم , مگر نه این است که حضرت مهدی (عج) برای کوتاه کردن دست فاسدان وبرچیدن بساط ظلم و فساد قیام می کند , ما چگونه می توانیم با گسترش فساد از انقلاب او بهره مند شویم ؟بنابر این , سکوت در برابر فساد و یا کمک به توسعه فساد – چه از لحاظ کلی و چه از نظر شخصی – برای ظهور حضرت مهدی (عج) صحیح نیست . بیشتر به نظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهند از زیر بار مسوولیتها فرار کنند و یا آلوده به هر فسادی شوند .

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش م

پرسش

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش مردم غرضی دارد که آن هدایت شایستگان مردم و تکامل آنها است و اگر راهنمای خدائی میان مردم نباشد این غرض حاصل نمی شود پس خلقت باید منتفی باشد اما اگر مراد از حجت امام غیبی بود در پنهان بودن او چه هدایت و راهنمائی هست که با نبودن آن هدایت زمین و زمان برهم خورد .

پاسخ

این اشکال مشترک الورود و بعینه بخود نویسنده وارد است زیرا اگر معنی حدیث این باشد که حجت نگهبان و حافظ کسانی است که به آن ایمان آورده و از آن پیروی می نماید فرق نمی کند مراد از حجت امام غائب علیه السلام باشد یا قرآن و کتاب آسمانی می گوید اکر حجت خدا که نگهبان اهل زمین است در حدیث امام غائب بود اهل خراسان و قزوین را از غائله زلزله

منهـدم کـننـده خراسان و قزوین که علاقه منـدان وپیروان وی بودنـد حفظ می کرد بالمقابله بایشان گفته مـی شود : اگر حجت خدا که نگهبـان اهـل زمین است در حـدیث قرآن کریم بود و قطعـا حین زلزله صـدهـا و هـزارهـاقرآن کـریـم در مـنـازل و خـانه هـای اهـل خراسـان و قزوین بود آنـان را از بلای نابودکننـده زلزله حفظ و حراست می کرد . از ایـنـجا معلوم می شود که فرو بردن زمین اهل خودش را کنایه از انقراض بنی نوع بشر و برچیده شـدن بـسـاط انـسانیت است و اتفاقا خود نویسنده هم ابتدا بهمین معنی تفسیر کرده ولی ذیلا از تفسیر اولی خود غفلت کرده است .

اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بـدانیم راهی مخالف بـا عـقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گویـد : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امـام خـود نـاپـدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشـکلات روز را جواب گوید چ

پرسش

اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف بـا عـقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امـام خـود نـاپـدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات روز را جواب گوید چنین امامی امام قرآن نیست یعنی آن امام نیست که قرآن او را وصف نموده و پیروان قرآن باید وجود او را بپذیرند . اگـر گفته شود قرآن در کجا اثر امام را هـدایت مردم دانسـته ؟ گویم : در سوره شـریفه انبیاء آنجا کـه درباره پیشوایان خدائی می فرمایـد : و جعلناهم ائمه یهـدون بامرنا (آنها را امامان قرار دادیم که بامر ما هدایت می کردند) و آنچه قرآن می گوید تنها مربوط بگذشـته نیست بلکه برای اهل قرآن مـسـلمانان نیز هست چرا که مردم گذشته گذشتند و اگر مطالب قرآن اختصاص به آنها داشت برای این امت بازگوکردن آن مطالب چه سود داشت ؟

پاسخ

مـقـدمه چنـد چیز را بایـد متـذکر بوده در نظر گرفت :اول اینکه هـدایت بمعنی راهنمائی و رهبری بـدو مـعـنی اطلاق می شود یکی بمعنی نشان دادن راه فقط که ارائه الطریق نامیـده می شود دوم رسانیـدن بمقصـد و هـدف که ایصال بمطلوب نامیـده می شود و اثر هدایت بمعنی اول امکان رسیـدن هـدایـت شونده است بمقصدیعنی ممکن است هدایت شونده هدایت کننده را بپذیرد و با پیمودن راهی که نشان داده شـده بمقصـد برسد و ممکن است نپذیرد و نرسد ولی هدایت بمعنی دوم فعلیت رسـیدن بمقصد را پیوسـته دارد خدای متعال می فرماید : انک لا تهدی من احببت و لکن اللّه یهدی مـن یـشاء قصص ۵۶ (تو نمی توانی هر که را خواستی بمقصد برسانی و لکن خـداهر که را بخواهد بمقصد می رساند) . دوم ایـنـکـه هدایت بمعنی ارائه الطریق در انبیاء و رسل که حاملان وحی و فرسـتادگان خداینـد و بـرای دعـوت مـبـعوثند لازمه نبوت و رسالت می باشـند و بدون اسـتثناء هدایت خاصـیت و اثر نبوت اسـت فبعث اللّه النبیین مبشرین و منذرین بقره ۲۱۳ رسلامبشرین و منذرین لئلا یکون للناس عـلـی اللّه حـجـه بعد الرسل نساء ۱۶۵ و آیات بی شـمار دیگری در قرآن در همین معنی است بلکه مومنین امت هم از این سـمت سـهمی دارند چنانکه می فرماید : قل هذه سبیلی ادعوا الی اللّه علی بـصـیـره انـا و مـن اتـبـعـنـی یـوسـف ۱۰۸ و نـیـز مـی فرمایـد : کنتم خیر امه اخرجت للناس تـامرون بالمعروف و تنهـون عن المنکر ۱۱۰ – روشـن است که امر بمعروف و نهی از منکر وهمچین دعـوت مصـداق هـدایت هسـتند و گرچه نـامش برده نشده است (آل عمران)سوم : اینکه اثر امامت و پیـشوائی چنانکه در نامه نیز اشاره شده , به صریح قرآن کریم هدایت و راهنمائی است چنـانکه می فرمایـد : و جعلنـاهم ائمه یهـدون بامرنـا انبیاء ۷۳ و می فرمایـد : و جعلنـا منهم ائمه یهـدون بامرنـا سـجده ۲۴ پس

اعطاءامامت اعطاء هدایت خواهد بود . چهارم : اینکه ابراهیم علیه السلام که بنص آیه شریفه : اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلك للناس اماما قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین بقره ۱۲۴ (و یادآور زمانی را که پروردگار ابراهیم او را با کلماتی امتحان کرد و ابراهیم آنها را تمام کرد (درست انجام داد) فرمود : بدرستی من ترا برای مردم پیشوا قرار می دهم گفت : و از ذریه من , فرمود عهد من (فرمان من) بستمکاران نمی رسد) پیشوای مردم قرار گرفته امامت و پیشوائی او در آخر عهدابراهیم علیه السلام بوده که امتحانات الهی را مانند آتش رفتن و اعتزال از قوم خود و مهاجرت بفلسطین و قربانی فرزندش اسماعیل بفرجام رسانیده و از عهده آنهابرآمده بوده چنانکه امتحان بودن قضیه قربانی اسماعیل (ع) در آیه کریمه : ان هذا لهوالبلاء المبین صافات ۱۰۶ (این قضیه یعنی قضیه قربانی اسماعیل امتحانی است آشکار) بیان می فرماید :حاصل اینکه ابراهیم علیه السلام پیش از رسیدن فرمان امامت مدتی نبی و رسول و یکی از پیامبران اولوالعزم بود و کتاب و شریعت داشت و بدعوت و هدایت مردم میپرداخت و این مطلب از لابلای آیات قرآنی مانند آفتاب روشن می باشد . با تامل وافی در این مقدمه روشن می شود که تفسیر هدایت که لازمه امامت است وگرفتن آن به معنی ارائه الطریق یکی از اغلاط رسوا کننده است زیرا آیه بقره و آیه سوره انبیاء در امامت ابراهیم علیه السلام صریحند و بنابر این معنی (ارائه الطریق) وقتی بابراهیم علیه السلام امامت می دهند که سمت هدایت بمعنی ارائه الطریق را بواسطه نبوت و رسالت بالفعل داشته و این تحصیل حاصل واضحی است وتحصیل حاصل محال است بطوری که حتی حیوانات با غریزه شعور حیوانی خود استحال آنرا میفهمند و اعتراض نویسنده نامه بشیعه که امامت امام غائب که هدایت بمعنی ارائه الطریق ندارد غیر معقول است غلطی غیر قابل اصلاح . پس ناگزیریم که هدایت امامت را در آیه بمعنی ایصال بمطلوب بگیریم آری سوق اعمال مردم بسوی خدا از حین صدور دنیوی تا حساب اخروی آنها در عهده امام علیه السلام است چنانکه روایاتی که از ائمه هدی علیهم السلام در ابواب مختلفه عوض اعمال وانعکاس اعمال اهل شهرها که بستونهای نوری که بالای آنها است و بعرش خداوندی وحضور ائمه پیش مختصر و در قبر عندالمسائله و دعوت مردم روز قیامت بتوسط امامشان و توزیع نامه های اعمال و اعراف و صراط و شفاعت وارد شده است همین معنی را متضمن است . واضح است که اداره امر اعمال امری است ملکوتی و ارتباطی به مسئله غیبت و حضورجسمانی ندارد و حال غیبت و حضور برایش متساوی است و این مطلب با این معنی منافات ندارد که امام از راه اینکه بحقایق معارف دین و حلال و حرام آن علم دارداگر حاضر و در دسترس و مبسوط الید باشد به آنچه از معارف بپرسند پاسخ دهد و یامشکلی که پیشش ببرند حل اشکال نماید .

خدائی که بتایید خود اراده دارد که در آینده جهان را از نور عدالت پر کند چه حاجت داشته که از هزار سال پیش کسی را ذخیره برای قرنهای بعد نماید مگرنمی توانسته نعوذ باللّه تعالی که در وقت مقتضی چنین انسانی و پیشوائی بوجودآورد ؟مگر خدای قدوس و توانا کار بیهوده

پرسش

خدائی که بتایید خود اراده دارد که در آین.....جهان را از نور عدالت پر کند چه حاجت داشته که از هزار سال پیش کسی را ذخیره برای قرنهای بعد نماید مگرنمی توانسته نعوذ باللّه تعالی که در وقت مقتضی چنین انسانی و پیشوائی بوجودآورد ؟مگر خدای قدوس و توانا کار بیهوده می فرماید ؟ مگر حساب خدا حساب بنده است که چون میوه زمستان در تابستان بدستم نمی آید آنرا از زمستان برای تابستان ذخیره می نمایم ؟

پاسخ

اولا لازمه قدرت مطلقه و توانائی نامتناهی خدای متعال اینست که هم کار تدریجی ومهلت دار و هم کار دفعی و فوری و بی مهلت تواند کرد گذشته از این امروزه بثبوت علمی رسیده که پیدایش و تکون موجودات و اجزاء این عالم مشهود که در آن زندگی می کنیم بدون استثناء بر اساس حرکت و تدریج استوار است و مهلت می خواهد و بدیهی است که اگر تدریج و مهلت در تحقق کاری با قدرت صاحب و کننده کار منافات داشته باشد در استحاله آن فرقی میان یک ساعت و هزار سال نیست و فاصله کم باشد یا زیادبا قدرت نمی سازد آنگاه باید گفت که اشکال مشترک الورود است و این نویسنده انگشت روی هر پدیده ای بگذارد و بهر موجودی اشاره کند و همه آفریده و مخلوق خداینـدتکون هر موجود مفروضی چون تدریجی است با قدرت مطلقه خداوندی نمی سازد چرا خداآسمانها و زمین را در شش روز آفرید نه در یک لحظه ؟ چرا تکون نبات و حیوان تحقق تدریجی دارد نه یک لحظه ؟ چرا نطفه انسان در نه ماه انسان تام می شود نه در یک لحظه ؟ چرا انواع معادن که انسان امروز باستخراج آنها توانا شده و می کند درهزارها سال قبل در شکم خاک برای بشر امروز ذخیره شده ؟ در حالیکه می فرماید خلق لکم ما فی الارض جمیعا بقره ۲۹ (هر آنچه را که در زمین هست برای شماآفرید .

آیا امام زمان همان غلام احمد قادیانی نیست ؟

پرسش

آیا امام زمان همان غلام احمد قادیانی نیست ؟

پاسخ

مسئله مهدی موعود, یکی از مسائل قطعی و مسلم اسلامی است , زیرا در قرآن کریم این مسئله به صورت یک نوید کلی و در کمال صراحت بیان شده است , یعنی هرکس به قرآن کریم مراجعه کند می بیند نتیجه ای که بر وجود مقدس حضرت حجت مترتب است , در آیات زیادی بعنوان امری که بطور قطع در آینده صورت تحقق خواهد گرفت , ذکر شده است , که تنها ما به ذکر دو آیه اکتفا می کنیم :آیه اول : ((و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون , مادر گذشته بعد از ذکر (که به گفته مفسران منظور تورات است) درزبور هم نوشتیم که زمین برای همیشه در اختیار ستمکاران وجباران نخواهد ماند, بلکه دولت صالحان که بر تمام زمین حکومت کند, در آینده محقق خواهد گشت . (۱)آیه دوم : یکی از آثار و نتایج وجود مقدس مهدی موعود (عج) , این است که دین مقدس اسلام , دین عمومی بشر خواهد شد و تمام ادیان دیگر از بین خواهند رفت ,قرآن کریم می فرماید: ((هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون , خداوند دین اسلام را به وسیله پیامبر(ص) فرو فرستادتا در نهایت آن را بر تمام دین های عالم پیروز گرداند, هر چند مشرکان را ناخوش آید).(۲) آیات دیگری نیز هر کدام مسئله مهدی موعود را به طوراشاره بیان فرموده است .همچنین در روایات اسلامی مسئله مهدویت از طریق اهل سنت , به طور متواتر نقل شده است , (روایاتی که اهل سنت در این زمینه دارند, اگر از روایات شیعه بیشتر نباشدکمتر نیست) چنان که بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت در زمینه وجود مقدس مهدی موعود دست به تالیف کتابی مستقل زده اند که از آن جمله اند:۱ ـ ابی نعیم اصفهانی , مولف کتابهای مناقب المهدی , لغت المهدی و اربعین حدیث فی المهدی . ۲ ـ ابن عقلانی صاحب کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر, ملاـ علی متقی هندی صاحب کتاب ((کنز العمال)) و ((البرهان فیما جا فی صاحب الزمان)), ابن قیم جوزی مولف کتاب المهدی , ملاـ علی قاری هندی صاحب کتاب الوردی فی اخبارالمهدی , محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی مولف کتاب البرهان فیما جا فی صاحب الزمان , حماد بن یعقوب

رواجنی مولف کتاب اخبار المهدی و جلال الدین سیوطی صاحب کتاب های العرف الوردی فی اخبار المهدی و علامات المهدی ...(۳) و بسیاری ازکتابهای دیگر که توسط علمای اهل تسنن در این باره نوشته شده است .در روایات متواتر نبوی , حضرت مهدی به عنوان امام دوازدهم از عترت پیامبر(ص), ازنسل حضرت زهرا(س) فرزند بلافصل امام حسن عسکری (ع) و کسی که جهان را پر ازعدل و داد می کند پس از جور و ستم لبریز شده باشد, و ... معرفی شده است .در کتاب عقدالدرر, شیخ یوسف بن علی الشافعی از ابی سعید خدری از پیامبر(ص)روایت کرده که فرمود: مهدی از اهل بیت است (۴) در کتاب العرف الوردی آمده است :نعیم بن حماد از قیس بن جابر صدفی نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: مردی از اهل بیت من جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه از ظلم لبریز شده باشد . (۵)سعید بن مسیب در سنن ابی داوود از ام سلمه نقل کرده است که از پیامبر اکرم (ص)شنیدیم که فرمود: مهدی از عترت من و از اولاد فاطمه (س) است . (۶) در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان در ضمن حدیثی طولانی از پیامبراکرم (ص) نقل شده که حضرت دستی بر شانه امام حسین (ع) زد و فرمود: من هذا مهدی الامه , مهدی امت از نسل این (امام حسین (ع) است . (۷)در فرائد السمطین حدیث مفصلی نقل شده که در آن آمده است : خداوند در صلب حسن بن علی النقی که ملقب به خالص است , نطفه مبارک و پاک و پاکیزه ای قرار دارد که هر مومنی که خداوند از او میثاق ولایت گرفته بدان راضی بوده و هر ملحد و منکری به آن کفر می ورزد . (۸)سبط بن جوزی در تذکره الخواص می گوید: امام مهدی از اولاد یازدهم ابو محمد حسن بن علی عسکری می باشد . (۹)از این رو, در طول تاریخ بازار ادعای مهدویت همواره گرم بوده و افراد فراوانی سعی کرده اند از این عقیده قطعی و مسلم اسلامی سو استفاده کرده و مصداق آن رابر خود منطبق کنند, از جمله مختار ثقفی که پس از حادثه جانسوز کربلا قصد داشت ازقاتلان شهدای کربلا انتقام بگیرد و حکومت اموی را براندازد, ولی از آنجا که بنی هاشم و شیعیان را از قبضه نمودن حکومت مایوس و نا امید دید چاره را دراستفاده ازعقیده مهدویت دانست تا به وسیله آن به اهداف مورد نظر خویش دست یابد.همچنین محمد بن حنفیه که همنام و هم کنیه رسول خدا(ص) بود (یعنی یکی از علائم مهدی موعود را در احادیث نبوی دارا بود) محمد را به عنوان مهدی و خودش را وزیرو فرستاده او معرفی کرد. بعدها خلفای عباسی , نیز از این عقیده سو استفاده کرده و حتی اسم یکی از خلفای خود را مهدی گذاشتند و چنان تبلیغ کردند که او انسان دادگر و خوب و عادلی است و او همان مهدی است . البته اشخاص فراوان دیگری در طول تاریخ ادعای مهدویت داشته اند که همین مسئله به خوبی نمایانگر قطعی بودن و قطعی دانستن عقیده به مهدی موعود در بین تمام مسلمانان از قرون اولیه اسلامی است .اما آن چه مسلم و بدیهی است , اینکه هیچ یک از این مدعیان دروغین مهدویت , درادعای خود صادق نبوده و نیستند, زیرا با توجه به تواتر احادیثی که مهدی را ازاولاد پیامبر(ص) و حضرت زهرا(س) و فرزند بلافصل امام حسن عسکری (ع) معرفی کرده ,در واقع مهدی شخصی (نه نوعی) با تمام مشخصات و علائم و نحوه ظهور او را مشخص کرده است و جایی برای ادعای کسانی که واجد شرایط و خصوصیات نیستند, باقی نگذاشته است . اللهم عجل فی فرجه .

آیا وجود و عدم امام ناپیدا و غایب برابر است؟

پرسش

آیا وجود و عدم امام ناپیدا و غایب برابر است؟

پاسخ

اصل وجود امام موجب دلگرمی و قوّت روح بندگان خدا و اهل الله و کسانی که سالک سبیل هدایت هستند میباشد و به عبارت دیگر یک نقطهٔ اتکاء برای سالکان سبیل الله است که اگر چه خدا نقطهٔ اتکای همه است و همه به خدا اتکال و اعتماد دارند ولی چنانچه وجود پیغمبر در جنگها و غزوات باعث یک دلگرمی و قوّت قلب خاص برای مجاهدین اسلام بود و نبودن ایشان تفاوت بسیار داشت که حتی شخصیّتی مثل حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «کُنّا اِذا حْمَرَّ الْبَأْسُ اِتَّقَینا بِرَسولِ الله(ص) فَلَمْ یَکُنْ أَحَدٌ مِنّا أَقْرَبَ اِلَی الْعَدُوِّ مِنْهُ». (نهج البلاغه، ص ۲۱۴ نهمین کلام از کلمات غریبه امام(ع)) [ما هرگاه آتش جنگ سرخ میشد (جنگ شدت مییافت) به رسول خدا(ص) پناه میبردیم و آن حضرت پیشاپیش همگان جهاد میکرد احدی از ما از او به دشمن نزدیکتر نبود.] خود این موضوع که امام حی و زنده داریم و ملجأ و پناهگاه و حافظ شریعت است، موجب قوّت قلب و استحکام روح و مانع از تسلط یأس و نومیدی بر سالکان و مجاهدان است و همواره از او مدد میگیرند و همّت میطلبند و این مسأله از نظر علم النفس بسیار اساسی و مهم است.

آیا ایمان به ظهور مهدی باعث ضعف و شکست روحیه، واگذاری امور به آینده، قبول تسلط کفار و سستی در انجام تکلیف است؟

پرسش

آیا ایمان به ظهور مهدی باعث ضعف و شکست روحیه، واگذاری امور به آینده، قبول تسلط کفار و سستی در انجام تکلیف است؟

پاسخ

خیر، هیچ کس نگفته چون مهدی ظهور میکند تکالیف ساقط و مسلمانان در برابر کفار و حملات آنها تکلیفی ندارند و باید دست روی دست بگذارند. هیچکس نگفته آیه: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ ما اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» انفال / ۶۰ و آیات راجع به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و دفاع از اسلام و وظایف اجتماعی و سیاسی را نباید اجرا کرد. کسی نگفته است: ایمان به ظهور مهدی برای افراد سست عنصر و ضعیف الاراده و بهانهجو و کسانی که ظلم و استعمار اجانب را در بلاد اسلام و خانه و وطن خود تحمل کردهاند عذر است. هرگز در یک خبر و روایت نرسیده که کارها را به آینده و ظهور مهدی واگذارید، بلکه به عکس، مسلمانان در اخبار و احادیث به صبر و ثبات و کوشش و استقامت و شدت تمسک به تعلیم.....و برنامههای قرآن تشویق شدهاند. همانطور که پیغمبر اعظم و □.....Řاول اسلام علی(ع) و صحابهٔ والا مقام به انتظار ظهور مهدی، خانه نشینی و کنارهگیری اختیار نکردند و برای اِعلای کلمهٔ اسلام آنی فارغ نبودند و از هیچ فداکاری و جان بازی خودداری نکردند، امروز هم مسلمانان همان وظایف را عهدهدار و همان مسؤولیتها را دارند و ایمان به ظهور مهدی و امام وقت نیز مؤید همین احساس مسئولیت است.

پاسخ ما به ادعای بعضی از مستشرقین مبنی بر طی کردن دورانهای مختلف قوت و ضعف توسط شیعه (مانند عصر آل بویه و صفویه و جنگهای سلیبی و حمله مغول) و عدم ظهور امام زمان با این وجود چیست؟

پرسش

پاسخ ما به ادعای بعضی از مستشرقین مبنی بر طی کردن دورانهای مختلف قوت و ضعف توسط شیعه (مانند عصر آل بویه و صفویه و جنگهای سلیبی و حمله مغول) و عدم ظهور امام زمان با این وجود چیست؟

پاسخ

در مسألهٔ آمادگی برای ظهور حضرت مهدی(ع) بایستی غیر از منطقهٔ حکومت«آل بویه» و «صفویه»، وضع سائر مناطق و امکانات بسیار دیگر را نیز در نظر گرفت، تا معلوم شود که این ظهور، در آن زمانها انجام پذیر نبوده است. علاوه بر آنکه حضور آن حضرت یک ظهوری است که حصول تمام شرایط و زمینه‌ها و وقت آن را ، فقط خدا می‌داند. همچنین از نظر جنگ و فتنه و فساد و بیدادگری و خونریزی، وضع منطقهٔ خاصی را نمی‌توان در نظر گرفت و شرایط ظهور را مساعد شمرد؛ زیرا که همیشه کم و بیش این حوادث بوده و هست، در منطقه‌ای حکومت شر و ظلم و فساد وجود دارد و در منطقهٔ دیگر حکومت بالنسبه معتدل‌تر به چشم می‌خورد. اینها مناسباتی نیست که در آن، برای آن، ظهور کلی عدل و آرامش و نظام اصلح صورت پذیر باشد. در«جنگهای صلیبی» ظلم و جور به اصطلاح عرفی، حتی در مناطق طرفین وجود نداشت، اگر چه ظلم و جور به معنی حقیقی وجود داشت ـ چون همهٔ آن حکومتها بر اساس استضعاف و استبداد بودند ـ اما رشد جوامع به حدّی نبود که آن را درک کنند. و سنگینی و فشاری را که آن حکومتها بر روح انسان دارد، احساس نمایند؛ و معدودی هم از مردمان آشنا با منطق حقیقی قرآن، اگر چه درک می‌کردند، ولی در اقلیت محض بودند و جنگهائی را هم که آتشش روشن بود، عدل و حق خواهی می‌شمردند. در«هجوم مغول» نیز وضع به همین گونه بود، تأسیس حکومت جهانی اسلام و انقلاب عظیم توحیدی آن، امکان پذیر نبود؛ و همان مردمی که گرفتار این حمله بودند، این مسائل عالی را درک نمی‌کردند. بر افرادی که به نسبت از اخیار شمرده می‌شدند، افکار ضعیف پرور و از بین برندهٔ شهامت و شجاعت و طرز تفکر درون گرای صوفیانه مسلط بود، که از عالم پهناور اسلام، حال مقاومت و دفاع از چنین یورشی را سلب کرده بود. چنانکه داستان قبتل شیخ«نجم الدین صوفی» در مسجد جامع و اهانتهائی که از جانب مغول به قرآن مجید و مقدسات اسلام شد، نمونه‌ای از این وضع اسفناک و افکار منحرف و راکد مسلمانان است. غرض اینکه، زمینه برای حکومت جهانی اسلام فراهم نبود؛ نه افکار و اندیشه‌ها و سطح بینش و بصیرت و رشد مردم آماده بود، و نه مردم، حاضر به فداکاری و همکاری در این سطح جهانی بودند. چنانکه گفتیم ما نمی‌توانیم این شرایط را از هر جهت به دست بیاوریم، و حصول تمام آن مقدمات را در یک عصر معین پیش بینی کنیم، که مثلاً در چند قرن و چند هزار سال فراهم می‌شود. و اینکه بشر باید چه کلاسها و مکتبهائی را ببیند و چه رژیمهائی را پشت سر بگذارد، از اینکه آنها بتوانند اصلاحات را در سطح واحد و به نفع تمام بشریت انجام دهند، مأیوس گردد و خود را برای استقبال از آن عصر علم و پاکی و عصر فضیلت و عدالت آماده کند.

ایرادهائی که مخالفان احادیث مهدی می‌گیرند چیست؟ و چه نقطه ضعفهایی دارد؟

پرسش

ایرادهائی که مخالفان احادیث مهدی می گیرند چیست؟ و چه نقطه ضعفهایی دارد؟

پاسخ

مجموع ایرادهای این گروه را میتوان در ۵ موضوع خلاصه کرد ۱ ـ اسناد اخبار مهدی معتبر نیست! ۲ ـ اخبار مزبور با عقل سازگار نمیباشد! ۳ ـ این اخبار مورد سوء استفاده مدّعیان مهدویّت قرار گرفته! ۴ ـ وجود این اخبار سبب رکود و سستی در جامعهٔ اسلامی میگردد! ۵ ـ این اخبار به سود شیعه و عقاید آنها تمام میشود! ضعف منطق مخالفان از این ایرادها استفاده میشود که مخالفت با احادیث مهدی یک چهرهٔ ظاهری دارد و آن به اصطلاح ضعف سند روایاتی است که در این زمینه نقل شده و یا ضعف دلالت آنها؛ و یک قیافهٔ واقعی که در پشت این چهره قرار گرفته و انگیزهٔ آن تعصّب خاصّ مذهبی و پارهای از مصلحت اندیشیهای بیدلیل

است و در هر حال منطق مخالفان در هر قسمت کاملاً سست است زیرا اولاً، احادیث مهدی را علاوه بر شیعه جمعی از معروفترین محدّثان اهل سنّت در کتبی که از معتبرترین و معروفترین کتب آنها محسوب میشود نقل کردهاند و جمع کثیری اعتراف به تواتر آنها نمودهاند؛ بنابراین، جای این نیست که در اسناد یک یک آنها بحث شود؛ زیرا شهرت و تواتر آنها ما را بی نیاز از ملاحظهٔ سند میکند؛ یعنی، طبق معیارهای سنجش حدیث این احادیث کاملاً قطعی است. از این گذشته، در میان احادیث مزبور احادیث صحیح و معتبری نیز هست که محدّثان اهل سنّت هم اعتراف به صحّت آنها کردهاند. عجیب این است که خود «ابن خلدون» نیز به این حقیقت معترف میباشد؛ زیرا او پس از این که چندین صفحه از کتاب خود را به ذکر احادیث مهدی اختصاص داده و در اسناد انها تا آنجا که میتواند تردید و تشکیک نموده، چنین میگوید «فهذه جملهٔ الاحادیث التی اخرجها الائمهٔ فی شأن المهدی و خروجه آخر الزمان و هی کما رأیت لم یخلص منها من النقد الا القلیل و الاقل منه» [این تمام احادیثی است که پیشوایان حدیث دربارهٔ مهدی و قیام او در آخر زمان نقل کردهاند، و همانگونه که مشاهده کردید جز کمی از آنها مصون از انتقاد نماندا] و به این ترتیب، لااقل اعتراف میکند که مقداری کمی از این احادیث صحیح و غیر قابل نقد است. بعلاوه، احادیث منحصر به این احادیث که ابن خلدون در کتاب خود آورده نیست؛ و لذا بعضی از دانشمندان اهل سنّت برای پاسخگویی به ابن خلدون و اثبات تواتر احادیث مهدی و عدم انحصار آنها به آنچه او در کتاب خود آورده، کتابی نوشتهاند. ثانیاً، در احادیث مزبور مطلبی بر خلاف عقل دیده نمیشود که سبب شود آنها را انکار کنیم، و هر قدر مضمون بعضی از آنها خلاف عادی به نظر برسد، بالاتر از معجزات انبیای سلف نیست؛ و استبعاد نمیتواند مانع از قبول آنها گردد. ثالثاً، آیا آگر این احادیث به نفع شیعه تمام شود، گناه شیعه یا گناه احادیث است؟! چه مانعی دارد حقیقتی از این راه روشنتر گردد؟! بعلاوه، احادیث مزبور اگر چه نظر شیعه را تأیید میکند، امّا در عین حال ملازمهٔ قطعی میان قبول آنها و قبول تشیّع نیست، چه بسیارند کسانی که قیام مهدی را پذیرفتهاند، ولی به عللی شیعه نیستند. رابعاً، درست است که از این احادیث سوءاستفاده شده، ولی کدام حقیقت است که در جهان مورد سوءاستفاده قرار نگرفته است؟! آیا مدعیان دروغین نبوّت یا الوهیّت و یا سایر مقامات معنوی در دنیا کم بودهاند؟! ایا ادیان ساختگی در جهان کم است؟! آیا ما باید همهٔ این حقایق را به جرم سوءاستفاده منحرفان کنار بزنیم؟! و مطلقاً منکر خداپرستی و نبوّت انبیا بشویم؟! خامساً، اعتقاد به قیام مهدی برای افرادی که حقیقت آنرا دریابند نه تنها موجب رکود و تنبلی نیست، بلکه مایهٔ امیدواری و دلگرمی در برابر مشکلات و حوادث سخت زندگی است؛ همانطور که اعتقاد به خدا و قدرت بیپایان او به انسان در برابر مشکلات نیرو میبخشد، و پناهگاه مطمئنّی در برابر عوامل یأس و نومیدی ایجاد میکند، اعتقاد به ظهور مهدی نیز چنین اثری دارد و اصولاً انتظار قیام مهدی یک عامل نیرومند حرکت و اصلاح جامعه است.

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پرسش

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پاسخ

نخیر، صحیح نیست زیرا که اندیشه و اعتقاد به مهدویت نشأت گرفته از اصل وحی و ارسال رسل است، و مهدویت یعنی حافظ شریعت و نگهبان او چون شریعت اسلام شریعت خائم است مهدویت نیز برای حفظ این شریعت می باشد تا زمانی که اراده خداوند تعلق بگیرد. و چون مهدویت بدون اصل نبوت مفهوم نیست باید دانست که هدف انبیاء و پیامبر خاتم اسلام همان رشد دادن به

انسانها و پرورش استعدادهای عظیم او و مهیا کردن و تربیت نمودن انسانهایی برای بهشت خداوند بوده است و بااین نگاه مؤمن حتی در متن رنجها و مشکلات به سازندگی و تربیت خودش تحت برنامه وحی می پردازد و اگر فرض کنیم در زندگی هیچ مشکلی وجود نداشته باشد باز نیاز به مهدی(عج) وجود دارد، زیر تربیت استعدادهای عظیم و ساخته شدن انسان برای منازل متعددی که در معاد در پیش دارد، ضرورت وجود یک معلمی که از غیب می داند و حافظ وحی و مربی انسانها و تکامل دهنده نفس انسانی می باشد و تکویناً بر من و نفس من احاطه دارد و از من به من نزدیک تر است (النبی اولی باالمومنین من انفسهم...) یعنی پیامبر از نفس مؤمنین بخودشان نزدیک تر است پس ضرورت وجود حضرت مهدی(عج) یک نیاز تربیتی و اعتقادی است و چون راه طولانی است (معاد) ضرورت وجود راهبر (نبی و وصی نبی) امری عقلی است زیرا که نشان دادن راه های طولانی تر و بزرگتر از سزح این جهان را وحی به عهده دارد و کسانی که وحی به آنها سپرده شده است عهده دار تربیت نفوص و ایجاد زمینه های مناسب برای این تربیت می باشد.

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقعی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد با انقلاب اسلامی ما منافاتی ندارد؟ با اینکه امید می رود که این انقلاب جهانی شود و بساط ستمگران را سرنگون سازد؟

پرسش

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقعی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد با انقلاب اسلامی ما منافاتی ندارد؟ با اینکه امید می رود که این انقلاب جهانی شود و بساط ستمگران را سرنگون سازد؟

پاسخ

با توجّه به شرائط کنونی گرچه در کشور اسلامی ما ایران این انقلاب اسلامی به وجود آمد و رژیم طاغوتی سرنگون گردید ولی چنانچه آن مطلب را که دنیا پر از ظلم و جور خواهد شد و در سطح جهانی در نظر بگیریم می بینیم اکنون آن مضمون صادق است و دنیا پر از ظلم و جور شده است و این انقلاب گرچه رژیم طاغوتی را ساقط کرد ولی هنوز آثار آن در کشور وجود دارد و در مجموع هنوز بسیاری ظلم ها و ستمها در سطح کشور وجود دارد که انشاالله به تدریج باید از بین برود. با این وصف باید از خداوند خواست و دعا کرد که این انقلاب اسلامی به ظهور امام زمان((علیه السلام)) و حکومت عدل جهانی آن حضرت بیانجامد و با ظهور آن گرامی تمام ستم ها و نابسامانیها از بین رفته و حکومت حق و عدالت جایگزین آن شود.

آیا لازمه این که وقتی جهان پر از ظلم وجود شد امام زمان((علیه السلام)) ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد می کند این نیست که ما امر به معروف و هر گونه حرکت اصلاحی را ترک کنیم؟

پرسش

آیا لازمه این که وقتی جهان پر از ظلم وجود شد امام زمان((علیه السلام)) ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد می کند این نیست که ما امر به معروف و هر گونه حرکت اصلاحی را ترک کنیم؟

پاسخ

از احادیث بسیار استفاده می شود این است که وقتی امام زمان((علیه السلام))ظاهر می شود جهان پر از ظلم و جور شده است و با حکومت وی دنیا پر از عدل و داد می گردد و از احادیث استفاده نمی شود که به مجرد پر شدن زمین از ظلم جور امام زمان((علیه السلام)) ظاهر می گردد. ظهور امام زمان یک وقت معین و ثابتی دارد تنها برخی از عوامل مانند دعا و آمادگی مردم ممکن است آن را جلو بیندازد و تلاش نکردن و دست از مبارزه با ظلم برداشتن موجب تسریع در ظهور امام زمان((علیه السلام)) نخواهد بود. بر این اساس وظائفی که در رابطه با امر به معروف و حرکتهای اصلاحی در کار است باید به آنها عمل شود. و اینکه امر به معروف می کنیم معنایش این نیست که خودمان قادر بر اصلاح در سطح کلّی جهانی باشیم چه اینکه امر به معروف در سطح جزئی که هر کسی خانواده اش یا افرادی را که با آنها در تماس است به کار نیک وادارد و از کار زشت باز دارد نتیجه اش اصلاح جزئی است و اقدام به این اصلاحات جزئی معنایش این نیست که ما قادر بر اصلاح کلی می باشیم و همچنین امر به معروف و اقامه نظام اسلامی در قلمرو خاص مانند انقلاب اسلامی ایران مستلزم قدرت بر ایجاد حکومت توحید در سطح جهانی نیست آری آن انقلاب می تواند زمینه را از نظر آگاهی و روشنگری در سطح گسترده و جهانی فراهم کند. از خدای بزرگ خواستاریم که این انقلاب اسلامی ما را به ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) و حکومت عدل جهانی آن حضرت متصل سازد.

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟

پرسش

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟

پاسخ

باید گفت جواب منفی است، زیرا که معصومین(علیهم السلام) که عدل قرآن و ثقل اصغر می باشند، آنچه که مورد نیاز بشر بوده است بیان فرموده اند و ثانیاً امام زمان(علیه السلام)که اکنون در غیبت بسر می برند این گونه نیست که هیچ نظارت و توجه و تصرفی در امور نداشته باشند بلکه آن بزرگوار علاوه بر تصرف ظاهری تصرف باطنی نیز دارد و حال که به حکمت الهی و خواست و مشیت خداوند آن وجود عزیز از نظرها پنهان می باشد ولی توجه و نظارت بر حفظ شریعت و حفظ قرآن و مصون ماندن دین حق از تحریف و بدعت و دفع شبهات و آنچه که امور مردم منوط به آن است را دارا می باشند و چون دین اسلام آخرین دین جهانی تا روز قیامت است مشیت حق تعلق گرفته است به اینکه ختم اوصیاء تا زمانی که اراده حق باشد در پرده پنهان مجری احکام و فرامین الهی و حافظ دین پیامبر و کتاب خداوند باشد و در این مدت طبق نقل بعضی از وقایع حتی در نحوه استنباط حکم و ریاست و زعامت مجتهدین و علمای بزرگ و ارشاد و توجه به بعض شئون مسلمین مستقیماً عنایاتی داشته و دارند. چنان که خودشان در پاسخ به بعض نواب خودشان فرمودند: «و امّا وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکا لإنتفاع با لشمس إذا غیبها عن الابصارِ السحاف ;نحوه و کیفیت استفاده و انتفاع از من، مانند نحوه استفاده از خورشید است زمانی که ابر آن را از دیده ها پنهان کرده باشد»(۱).

این که حدیثی آمده که امام زمان((علیه السلام)) پس از ظهورش کتب آسمانی را از غاری بیرون می آورد و براساس آنها میان اهل آنها حکم می کند آیا با آیه ۸۵ سوره آل عمران که اگر کسی دینی جز اسلام را بپذیرد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود منافات

پرسش

این که حدیثی آمده که امام زمان((علیه السلام)) پس از ظهورش کتب آسمانی را از غاری بیرون می آورد و براساس آنها میان اهل آنها حکم می کند آیا با آیه ۸۵ سوره آل عمران که اگر کسی دینی جز اسلام را بپذیرد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود منافات

پاسخ

مضمون حدیث مذکور با آیه منافات ندارد زیرا در حدیث نیامده که اهل آن کتب آسمانی اعمالشان مورد قبول است و روز قیامت از زیانکاران نخواهند بود مضمون حدیث این است که امام زمان((علیه السلام)) در میان اهل کتب بر اساس کتابهای آنها حکم می کند. ولی نکته قابل توجّه این است که در بسیاری از دعاها آمده است که امام زمان((علیه السلام))تمامکافران را که اسلام را نپذیرند از بین می برد حدیث مذکور چگونه با اینها سازگار است؟ پاسخی که در این زابطه به نظر می رسد این است که این حکومت که برای هر کسی از هل ادیان آسمانی براساس دین خودش قضاوت شود ممکن است در مراحل آغاز حکومت آن حضرت باشدو می دانیم که حقانیّت اسلام و پیامبری پیامبر اسلام و امامت امامان معصومین((علیهم السلام)) برا اثبات حقانیّت اسلام از آن کتابنها و آیات استفاده کند تا آنان براساس کتابهای خودشان حقانیّت اسلام را درک کرده مسلمان شوند.

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پرسش

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پاسخ

دلیلی که نیازمندی جامعه را به امام اثبات می کند همان دلیلی است که لزوم وجود پیامبر را اثبات می کند و دلیل در این مورد قاعده لطف است بدین معنی که آفرینش آنان از روی لطف و عنایت وی سرچشمه گرفته است و لطف خدا ایجاب می کند که برنامه برای آنان بفرستد و آنان را در وظایف خویش سرگردان نگذارد. و همانگونه که مردم بدون پیامبر از نظر برنامه سرگردان می مانند و نمی توانند عوامل سعادت و خوشبختی خویش را به درستی بفهمند بدون امام هم نمی توانند به درستی جزئیات سعادت خویش را در زندگی رهنمون گردند. بنابراین لطف ایجاب می کند که خداوند شخصی را بنام پیشوا و زعیم و رهبر پس از پیامبر برای آنان برگزیند در اینجا این سخن پیش می آید که پس چرا خداوند امام را غایب قرار داده است و چگونه این با دلیل مذکور سازگار است؟ پاسخ این است که علّت غیبت امام زمان آمده نبودن زمینه برای حکومت آن حضرت است و به عبارت روشن تر خداوند باعث نشده که امام زمان غایب گردد تا با لطف وی ناسازگار باشد بلکه چنان که محققین یادآور شدند این ماییم که زمینه

را برای غیبت وی آماده ساختیم و آنگاه که جهان خواستار حکومت وی گردد و آمادگی برای این مسئله در بشریّت به وجود آید وی به اذن خدا ظاهر گشته و عدالت و سایر دستورات الهی را در جامعه انسانی گسترش می دهد آن وقت این سخن پیش می آید که حال که اما زعیم کنونی به حسب ظاهر نیست چه کسی باید متصدّی زعامت شود؟ روشن است که در این صورت شایستگی فقهای عادل برای این مسئله بیش از دیگرانست و بر این اساس از ناحیه آن حضرت دستور داده شده که مردم در تکالیف خویش به فقهاء و مراجع دینی توجّه کنند و در حل اختلافات خویش آنان را حاکم قرار دهند.

در جایی خوانده ام هنگامی که امام زمان ظهور می کند از هر ۱۰۰۰ پسر یک دختر بدنیا خواهد آمد می خواستم بپرسم که چرا آمدن امام زمان این نوید را می دهد این که تبعیض آمیز است. مگر وجود دختر چه عیبی دارد؟ در همان احادیث خواندم امام زمان پسری را که به سن ۲۰ نرسیده

پرسش

در جایی خوانده ام هنگامی که امام زمان ظهور می کند از هر ۱۰۰۰ پسر یک دختر بدنیا خواهد آمد می خواستم بپرسم که چرا آمدن امام زمان این نوید را می دهد این که تبعیض آمیز است. مگر وجود دختر چه عیبی دارد؟ در همان احادیث خواندم امام زمان پسری را که به سن ۲۰ نرسیده و عالم در دین نشده می کشد و جزیه را از اهل کتاب برمی دارد. توضیح دهید.

پاسخ

در پاسخ شما باید عرض کنیم که ظهور و قیام و در نهایت حکومت حضرت بقیة ا"... عج "به منظور عمل به احکام و فرامین الهی، برقراری عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و ستم و نابودی ستم پیشگان، زدودن آثار کفر و شرک از جوامع بشری، اصلاح انحرافات دینی و عقیدتی و تربیتی در افکار و رفتار مردم، گسترش علم و دانش در همه ابعاد و جمیع ارکانش، و در نهایت شکوفایی عقلها و آبادانی زمین و واگذاری امور به اهلش می باشد. نبی مکرّم اسلام"ص، "امام مهدی" عج "را چنین توصیف می کند": او امامی است پرهیزگار، پاک و پیراسته، شادی آفرین، پسندیده، راهنما و ره یافته که به عدالت حکم می کند و بدان فرمان می دهد. خدایش را تصدیق می کند و خدا نیز او را تصدیق می نماید ("...۱) امام باقر" ع "می فرماید": او وقتی برای بسط عدالت برمی‌خیزد که جهان از ظلم و جور پر شده است "و نیز می فرماید": زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از جور و ستم پر شده بود ("۲.) بر این اساس آن بزرگواری که خود دشمن ظلم و تبعیض و انحراف و عامل وآمر به عدل و انصاف و راستی و درستی و برابری و رحمت و مودّت است و ظهور او در واقع نوید بخش حیات طیّبه، پس چگونه ممکن است که ظهور مقدسش با نوعی تبعیض و عدم تعادل در زاد و ولد اولاد ذکور و اُناث همراه باشد، و حتی اقدام به کشتن افرادی کند که نسبت به احکام دین بی اطلاع هستند و یا فرصت درک و فهم حقایق دین برای آنان فراهم نبوده است؟ جز این نیست که بگوییم چنین روایاتی از درجه اعتبار ساقط می باشد و نمی توان بدانها استنادکرد. از دیدگاه شیعه امامیه، احادیث و روایاتی قابل قبول است که سند آنها قطعی و از پیامبر" ص "و ائمه اهل بیت" ع "رسیده باشد، و حدیثی که مخالف قرآن باشد ارزشی ندارد. (۳) در خصوص ظهور و قیام امام مهدی" ع "نیز کم نیستند روایاتی که از نظر سند و محتوا ضعیفند و حتی روایات جعلی در این باره بسیار است. بنابراین در نقل مطالب در این خصوص نمی توان به هر حدیث و روایتی استناد کرد، بلکه باید دقت لازم را بکار برد و برای تشخیص صحت و سقم آنها به اهلش رجوع کرد. اما به فرض اینکه روایت مذکور صحیح باشد نیاز به توضیح دارد و آن اینکه ممکن است در اثر نبردهایی که در آن زمان به وقوع می پیوندد، تعداد مردان به نسبت بسیار کمتر از زنان گردد، لذا برای ایجاد تعادل، موازنه میان

تولـد فرزندان دختر و پسـر بدان صورت خواهد بود که در روایت مذکور ذکر گردیده. در مورد پیکار حضـرت ولی عصـر ـ ارواحنا فداه ـ با گمراهان و منحرفان و ظالمان، امام "ع "جز به فرمان خداوند و خشنودی و رضای پروردگار عمل نمی کند، و احدی را بی گنـاه و مظلوم مجـازات نخواهـد کرد، و بـا پیروان ادیان و مـذاهب دیگر نیز جز از طریق عـدل و انصاف وارد نخواهـد شـد. بنابراین تصور هر گونه تبعیض و سـتم و رفتاری خلاف عـدالت از سوی امام "ع "و یاران بزرگوارش به هنگام ظهور و یا دوران زمامـداری آن عزیز غـایب از نظر، بـدور از منطق قرآن و اسـلام است. منـابع و مآخـذ: ۱. بحار، ج۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۴ ۲. همان، رویات ۸۳ شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص۵۳

در روایت آمده زمانی که امام زمان (عج)ظهور میکند هر کســی که ایمان نیاورد را از دم تیغ شمشیر میگذراند. در این صورت این مطلب با "لاَ إِکْرَاهَ فِی الدِّین "چگونه تفسیر، تبیین و تعبیر میشود؟

پرسش

در روایت آمده زمانی که امام زمان (عج)ظهور میکند هر کسـی که ایمان نیاورد را از دم تیغ شمشـیر میگذراند. در این صورت این مطلب با" لاَ إِکْرَاهَ فِی الدِّین "چگونه تفسیر، تبیین و تعبیر میشود؟

پاسخ

مخالفـان امـامرا می تـوان به سه دسـته تقسـیم کرد: ۱. مخالفان سیاسـی و مـذهبی کهِ مسـلماناند ;۲. مخالفـانی که اهل کتابانـد ;۳. مخالفانی که معانـد ومسـتکبراناند. اما دسـته اول: با مروری بر روایات سـیرهٔ مهدی (عج) نشان میدهد، در نظام آن حضـرت، آزادیِ مـذهب وجود دارد، و مسـلمانی به جرم داشـتن عقیدهٔ مخالف، مجازات نمیشوند، و مخالفان مذهبی، حق اظهار عقیده دارند. ناگفته نمانـد، امامـدر همـهٔ مراحـلِ دعوت و فعـالیت، به تـبیین اهـداف و علـل اقـدامات خود میـپردازد، و نقطـهٔ ابهـامی را برای مردم بـاقی نمیگـذارد. مخالفـان سیاسـی و مـذهبی، بـا اسـتفاده از جـوّ آرامی کـه امامایجـاد میکنـد، بـه بیـان مواضع خـود میپردازنـد و جـواب میشنوند.(فروع کافی، کلینی، ;ج ۸، ص ۲۲۷، دارالتعارف، بیروت ;بحارالانوار، مجلسی، ;ج ۵۲، ص ۳۴۳ و ص ۳۸۷، مؤسسه الوفأ / وسائل الشـیعه، شیخ حرّ عاملی، ;ج ۱۱، ص ۵۵، داراحیأ التراث الاسـلامی.) اما دسـته دوم: از روایاتِ مستفیض استفاده میشود که، برخورد امـام مهـدی(عـج) بـا اهـل کتـاب، بر اسـاس کتـاب و سـنت است ;و هـدف آن حضـرت، احیای قوانین قرآن و روش پیامبر اکرم(ص)خواهـد بـود ;و گرفتن جزیه، از مقررات اسـلامی و بر اساس قرآن و سـنت اعمـال خواهـد شـد. بنـابراین، مقصـود از آیهٔ "لِیُظْهِرَهُو عَلَی الدِّینِ کُلِّه(;توبه،۳۳) تا آن را (دین اسلام را) بر هر چه دین است پیروز گرداند ".وحدت دین نیست ;بلکه حکومت جهانی واحـد است.(ر.ک، ارشاد، شـیخ مفیـد، ;ج ۲، ص ۳۸۳، مؤسـسه آلالـبیت / اعلام الوری، امین الاسـلام طبرسـی، ;ص ۴۴۵، دارالمعرفه، بیروت.) و اما دسـته سوم: بله، امام مهدی(عج) همهٔ مسـتکبران، مفسدان، کافران را که از دشـمنان اصلی امام هستند، در آن روزگار، بعد از اتمام حجت، ریشه کن خواهد کرد ;و به این وسیله، هر گونه الحاد و شرک را نابود کرده، و همه بازدارندههای پیشرفت اسلام را از میان خواهد برد، و تمام مردم جهان سر بر فرمان دستورهای ولیعصر امام مهدیغ خواهند برد. و شاید روایاتی که میفرمایند آن حضرت همهٔ دشمنان خود را از دم تیغ میگذراند این گروه از افراد باشند. با توجه به تفصیل فوق، اولاً: آیهٔ شریفهٔ" لاَ إِکْرَاهَ فِی الـدِّین "با آن چه در مطالب بالا گذشت تنافی ندارد. شدت عمل امامغ با دسـتهٔ سوم و با ناصبیها و معاندین امری عقلانی، شرعی و مطـابق بـا همـهٔ قوانین اجتماعی، انسانی و بینالمللی است. بـدیهی است، کسانی که با برقراری قسط و عـدل و برپائی مـدینهٔ فاضـلهٔ حضرت مهدیغ]که در سطح جهان بپا خواهد کرد[به ستیز برخیزند، آن حضرت آنها را از دم تیغ خواهد گذراند. تا بالاخره

بشر شیرینی زندگی خوش توأم با صفا، صمیمیت، برابری، مساوات و... و بدور از هر گونه بی عدالتی، ظلم، فساد، هوی و هوس و... همراه با معارف بلند اسلام و احکام و دستورات الهی را برای اولین بار تجربه کنند. ثانیاً: مفهوم" لاَ إِکْرَاهَ فِی الدِّین "این است که، هیچ کس توانایی عوض کردن اعتقاد قلبی افراد را ندارد ;زیرا، اکراه تنها در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدنی و مادی تأثیر میکند ;و اما اعتقادات قلبی، علل و اسباب آنها، از سنخ اعتقاد و ادراک است، و محال است که نتیجهٔ جهل، علم باشد ;یا این که مقدمات غیر علمی موجب تصدیق علمی گردد.(برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به آیات: اعراف، ۶۵و۷۳و۸۵ ;هود، ۱۴و۵۰و۶۱و۸۴ ;انبیأ، ۲۵و۸۷و۱۰۸ / ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۹، ص ۱۲۹ و ج ۱۲، ص ۷۳ و ج ۱۳، ص ۳۸۶ و ج ۲۷، ص ۴۴۵، دارالکتب الاسلامیهٔ / تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ;ج ۱۱، ص ۲۷۷، اسماعیلیان و فرهنگی علامه.);

امام زمان عج) اگر بیاید، حکومت اسلامی برقرار خواهد کرد. مراجع تقلید نیز حکومت ایران را اسلامی معرفی می‌کنند ;بنابراین این حکومت اسلامی است و دیگر نباید ظهور امام زمان را آرزو کرد؟ آیا ظهور امام زمان که از زمان‌های قدیم بیان شده صرفاً یک عقیده و امیدو

پرسش

امام زمان عج) اگر بیاید، حکومت اسلامی برقرار خواهد کرد. مراجع تقلید نیز حکومت ایران را اسلامی معرفی می کنند ;بنابراین این حکومت اسلامی است و دیگر نباید ظهور امام زمان را آرزو کرد؟ آیا ظهور امام زمان که از زمان‌های قدیم بیان شده صرفاً یک عقیده و امیدواری برای بشریت نمی‌باشد؟ حتی اگر قرآن نیز گفته باشد! و اصلاً چرا اسلام مخالفان ومنکرانش را مرتد و واجب القتل می‌خواند؟ چرا به فرض به سلمان رشدی اجازه نمی‌دهد حرف خویش را بزند و چرا اسلام و قرآن از افکار و انتقاد وحشت دارند؟

پاسخ

پیاده کردن حکومت اسلامی مراتب دارد ;مراجع تقلید و ولایت فقیه موظفند بخشی از آن را که در توان آنها است اجرا کنند و اجرای کامل آن بر عهده امام عصر است در واقع این حکومت مقدمه و زمینه‌ای است برای آن حکومت جهانی که ان شأ الله با ظهور حضرت حجت(عج) که امری قطعی است برپا خواهد شد. برای نزدیک شدن به ذهن وقتی یک بیمار اورژانس را می‌خواهند برای بیمارستانی با تجهیزاتی کافی بفرستند، ابتدا مقدماتی را فراهم می کنند، مثلاً به او سرم و یا اکسیژن وصل می کنند تا برای ادامهٔ درمان به بیمارستان برسد ;همچنین می‌توان یک اتاق تاریک را در نظر گرفت که برای مثال مدتی با لامپ و مانند آن روشن می‌شود و پس از مدتی نور آفتاب به درون آن می‌تابد و آن را کاملاً روشن می‌نماید. ـ ظهور امام زمانغ امر قطعی است و شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند ;بلکه بالاتر از آن مهدویت امری جهانی است و نشانه هایی از آن در دیگر ادیان الهی نیز آمده است و همه مستضعفان جهان روی چشمشان به جمال آن حضرت روشن می‌شود. در منابع روایی برای این ظهور قطعی نشانه هایی ذکر شده که شماری از آن‌ها به وقوع پیوسته و به طور کامل قابل تطبیق است برای آگاهی بیشتر ر.ک عصر ظهور، علی کورانی ترجمهٔ عباس جلالی مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی چ پنجم ، قم ۱۳۷۵ ش) و هرگونه تشکیک در آن خالی از پایه‌های علمی و منطقی است و در نتیجه پذیرفتنی نیست ـ مرتد به کسی می گویند که از دین اسلام به دیگر ادیان و یا لامذهبی تغییر جهت دهد ;به دیگر سخن اول معتقد به اسلام و مسلمان باشد و بعد از اسلام روی گرداند و دلیل مجازات او نیز عمل ناشایست او است توضیح این که مجازات مرتد به دلیل رویکرد مجرمانه او است این رویکرد از دو زاویه قابل بررسی است الف ـ انسان زیستی اجتماعی دارد

و برای ادامهٔ حیات خود در تقابل با جامعه است جامعه نیز بخشی از نیازهای او را برطرف می‌سازد و به او خدمت‌رسانی می کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ایجاد امنیت و ایجاد زمینهٔ زندگی سالم توأم با آرامش است در مقابل از او خدماتی می‌خواهد که دفاع از جامعه در مواقع ضروری و شرکت در خدمت رسانی متقابل که عاید دیگران می‌شود، از جملهٔ آن هاست یکی از الزامات مهم در این تعامل و پیمان دوجانبه بین فرد و جامعه احترام به کیان جامعه است در این صورت هر گونه انفصال یک جانبه از آن پیامدهایی را به دنبال دارد که عقل جمعی عقلای هر جامعه برای چنین انفصالی تعیین می کنند. دین مبین اسلام که مهم‌ترین برنامه‌های آن در چارچوب جامعه و حکومت اسلامی تحقق می‌پذیرد، در تعامل تنگاتنگی با افراد و پیروان خویش است و عقدی دو جانبه با آن‌ها دارد که پس از درآمدن به آن و بردوش گرفتن پیمان و بهره برداری از خدمات آن انفصال غیرمنطقی و یک جانبه را با پیامدهایی که عقل کل تعیین فرموده رو به رو است یادآور می‌شویم که اسلام اتصال و هم پیمان شدن بدون فکر و تأمل را بر نمی‌تابد و تقلید را در اصول نمی‌پذیرد و به همگان دستور می‌دهد آگاهانه و با تأمل و دقت و تحقیق و بررسی به پیمان با جامعه اسلامی درآیند تا رستگار شوند. اسلام با کسانی که در قید ادیان دیگرند، با شرایط خاصی پیمان و عقد دوجانبه می‌بندد و هرگز آن‌ها را به خاطر عقاید مجازات نمی کند. ب ـ از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که مجازات مرتد به خاطر ماهیت مجرمانه عمل مرتد و جلوگیری از پیامد ارتداد است نه به جهت تغییر عقیده بدون اظهار و ابراز آن پذیرش اسلام باید طبق منطق باشد ;کسی که آیینی همچون اسلام را بعد از تحقیق و پذیرش رها کند و به سوی آیین‌های دیگر برود، معمولاً انگیزه صحیح و موجهی ندارد، بنابراین عدول و بازگشت او به تخطئه و خیانت شبیه‌تر است تا به اشتباه و عدم درک حقیقت چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید": إنّ الّذین ارتدّوا علیَ أدبَرهم مِّن بعد ما تبیّن لهم الهدی الشّیطَن سوّل لهم و أملیَ لهم (محمّد، ۲۵) کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آن‌ها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است . و در آیه ۱۰۷ سوره نحل می‌فرماید": این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را بر آخرت ترجیح دادند. "...تعبیراتی که قرآن درباره مرتد به کار برده" شهدوًا أنّ الرّسول حقّ و جآءهم البیّنَت (آل‌عمران ۸۶") مِّن بعد ما تبیّن لهم الهدی (محمّد، ۲۵)، نشان دهندهٔ این است که این گونه افراد از روی عناد، لجاجت هتک مقدسات و مقابله با اسلام دست از دین برداشته‌اند و مؤید آن حوادث صدراسلام (اهل ردّه است که وقتی عدد مرتدین زیاد شد، آنان به قصد نابودی اسلام به مدینه حمله کرده و با مسلمانان وارد جنگ شدند.(ر.ک تاریخ اسلام دکتر حسن ابراهیم حسن ج ۱، ص ۳۴۴ ـ ۳۵۳، داراحیأالتراث العربی) علاوه بر آن اگر به افراد اجازه داده شود هر روز مایل باشند خود را مسلمان معرفی کنند و هر روز مایل نباشند انکار نمایند، به زودی جبهه داخلی کشور اسلام از هم متلاشی خواهد شد و راه نفوذ دشمنان و عوامل و ایادی آن‌ها باز خواهد گردید و هرج و مرج در جامعه اسلامی پدید خواهد آمد; چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید": جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به آن‌چه بر مؤمنان نازل شده در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز کافر شوید ;شاید آن‌ها (از آیین خود) باز گردند (".آل‌عمران ۷۲). البته ممکن است گاهی ارتداد فردی از حدود زبان تجاوز نکند و نه از روی قصد خیانت به مسلمانان بلکه بر اثر گرفتار شدن در دام شبهات از اسلام خارج شود; امّا بحث ما جنبهٔ کلی دارد و احکام تابع یک فرد و دو فرد نمی‌شود، بلکه مجموع افراد را به طور کلی باید در نظر گرفت از این جهت می‌توان گفت بازگشت یک فرد مؤمن به انکار و اعتراض (ارتداد) غالباً خالی از واکنش و تحریکات بر ضد نظام اسلام نخواهد بود. در این هنگام ارتداد یک فرد، به صورت هستهٔ فتنه در آمده و تحریکات و واکنش‌های او مایهٔ جذب دشمنان و مغرضان و ماجراجویان و افراد ضعیف‌الایمان گردیده و به ایجاد شورش منجر می‌شود. آیین مقدس اسلام جهت پیش‌گیری و ریشه‌کن ساختن چنین فتنه‌ها و فسادها دستور داده است که مرتد در پاره‌ای موارد کشته شود تا نظام دین و حکومت اسلام و آیین و کتاب او دستخوش چنین حوادث شوم نگردد و مغرضان با مکتب خدا بازی نکنند. بنابراین اسلام به خاطر جرمی که مرتد مرتکب شده و برای حفظ حقوق دیگران که در سایهٔ بقای دین و حکومت اسلامی و مبارزه با ایادی و عوامل بیگانه حاصل می‌شود، چنین

کیفری (اعـدام یا حبس و...) را برای مرتـد در نظر گرفته است و این حکم (مجازات مرتد) هیچ منافاتی با آیه" لا إکراه فی الدین و آزادی عقیـده نـدارد. در پایان لازم است یادآوری کنیم که اسـلام میان مرتد فطری (کسـی که از پدر و مادر مسـلمان متولد شده و پس از قبول اسـلام از اسـلام برگشـته است و مرتد ملّی (کسـی که پدر و مادر او به هنگام انعقاد نطفه‌اش مسلمان نبوده‌اند و او بعداً اسـلام را پذیرفته سـپس از آن برگشته و همچنین بین مرد مرتد و زن مرتد فرق گذاشته است مرد اگر مرتد فطری باشد، بدون قید و شرط اعدام می‌شود ;ولی اگر مرتد ملّی باشد، در صورت عدم بازگشت به اسـلام توبه کشـته می‌شود. این تفاوت شاید به خاطر این باشد که ضـرر ارتداد فردی که اصالتاً مسـلمان بوده است (مرتد فطری به مراتب بالاتر از فرد بیگانه است که غیر مسلمان بوده سپس مسـلمان شده است فرد اول به خاطر داشـتن ارتباطات قوی و نیرومند، روی فکر و ذهن خانواده‌های اسـلامی و ضعیف الایمان بیشتر می‌تواند اثر منفی بگذارد و بهتر می‌تواند بر ضد حکومت اسلام قیام و فعالیت کند ;در حالی که اثر منفی فرد دوم از آن کمتر است امّا زن مرتد (چه فطری و چه ملّی در اسـلام کشـته نمی‌شود و آن هم شاید به این جهت باشد که زن هر چند یک انسان کامل است امّـا بر اثر داشـتن عواطـف سـرشار، زودتر تحت تـأثیر قرار می‌گیرد و اگر چه زودتر به انحراف فکری کشـیده می‌شود، زودتر هم به سوی حق باز می‌گردد. همچنین برخی از محققان از فقها نیز فرموده‌اند: فردی که بر اثر تماس و ارتباط با گروه باطل شبهاتی در دل او پیدا شده کم‌کم صورت انکار به خود گرفته و باعث شده تا برخی از احکام ضروری دین را انکار کند، ولی به گونه‌ای است که اگر شـبهۀ او زایل شود، فوراً به آغوش حق باز می‌گردد، این طور فردی نیز کشـته نمی‌شود.(ر.ک پرسشـها و پاسـخها، اسـتاد جعفر سبحانی ص ۲۵۵ ـ ۲۶۰، انتشارات مؤسـسۀ سیدالشهدأ / مستمسک العروۀ آیت‌الله سیدمحسن طباطبایی حکیم ج ۱، ص ۳۷۸ ـ ۳۸۴، الطبعۀ الرابعۀ نجف اشـرف / تفسـیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی ج ۲، ص ۲۷۸ ـ ۲۸۱ و ج ۱۱، ص ۴۱۸ ـ ۴۲۱ و ص ۴۲۶ ـ ۴۲۷، دارالکتب الاسلامیۀ / المیزان علامه طباطبایی ج ۲، ص ۳۴۲ ـ ۳۴۷، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان / قاموس قرآن سیدعلی‌اکبر قرشی ج ۶، ص ۱۰۷ ـ ۱۰۸، دارالکتب الاسـلامیۀ) ـ پس از بیان معنای مرتـد و مجازات او، روشن می‌شود که هر کافری مرتـد نیست و از سوی دیگر، مجـازات هر کـافری قتـل نیست بلکه قتـل مختص به کافران حربی است یعنی کافرانی که علیه نظام اسـلامی و منافع آن روش‌های خصمانه دارند و به کیان اسلام و مسلمانان ضربه می‌زنند. ـ انتقاد نیز در اسلام آزاد است ولی باید بین انتقاد و توهین فرق گـذاشت و فرق آن نیز پوشـیده نیست منتقـد کسـی است که مسـتند به دلایـلی رأی طرف مقابـل را محترمانه به نقـد می‌کشـد، ولی توهین و مسـخره کردن عقایـد دیگران و به بازیچه گرفتن آنها در حکم محارب است و سـلمان رشـدی نیز نه از راه انتقادی عالمانه که از راه توهین و تمسـخر وارد شد و دین مبین اسـلام را هجمۀ ناسزاگویی‌ها و هتاکی‌های خود قرار داد. اینک ما می‌پرسیم که آیا می‌تـوانیم نـام" منتقـد "را بر چنیـن فردی گـذاشت روشـن اسـت کـه چنیـن فردی از دشـمنانی اسـت کـه خطر آن‌هـا کم‌تر از خطر سلاح‌های مرگبار نیست و آیا راهی جز مقابله با او وجود دارد؟ آیا هیـچ آیینی می‌پـذیرد که شخصـی به آن‌ها و معتقداتشان توهین کنـد؟ به راستی اگر کسـی از در انتقاد عالمانه و منطقی وارد شود، آیا کسـی می‌تواند جلوی او را بگیرد؟ چه بسـیارند منتقدانی که آرای خویش را آزادانه نوشـته ویا گفته‌اند و چه بسیار مباحثه هایی که در طول تاریخ در این خصوص رخ داده است بنابراین اسلام از انتقاد اسـتقبال می‌کنـد و به آن پاسـخ می‌گوید، ولی توهین و دشـمنی زبانی و به تمسـخر گرفتن را نمی‌پذیرد و به مقابله با آن بر می‌خیزد.

اگر وقتی امام زمان ظهورمی کند دین جدیدی می آورد که علامت حقانیت اوست پس چطورمی شود گفت اشخاصـی مثل علی محمد باب هم که چنین ادعایی می کنند دروغ می گویند؟

پرسش

اگر وقتی امام زمان ظهورمی کند دین جدیدی می آورد که علامت حقانیت اوست پس چطورمی شود گفت اشخاصی مثل علی محمد باب هم که چنین ادعایی می کنند دروغ می گویند؟

پاسخ

}اولاً، امام زمان(عج) قرآن و احکام جدید نمی‌آورند؛ بلکه به قدری بدعت‌ها در دین فراوان می گردد که وقتیحضرت دین اصلی را بیان می‌کنند برخی آن را دین جدید می‌پندارند؛ نه این که همه متدینین و همه فرقه‌ها چنینتیجه‌ای بگیرند. ثانیا، تنها علامت حقانیت امام زمان(عج)، دین جدید نیست تا هر کس دین تازه‌ای آورد؛ بگوییم که این همانمصلح آخر الزمان است. ده‌ها علامت و نشانه دیگر از نظر اجتماعی و فردی وجود دارد که تنها بر شخص امام زمانمنطبق است. ثالثا، امثال سید علی محمد باب، اساسا مدعی نبوت و دین جدید بوده‌اند نه این که اسلام اصیل را معرفی کرده باشند. رابعا، به غیر از سید علی محمد باب، از زمان غیبت و حتی قبل از آن تاکنون صدها نفر چنین ادعاهایی کرده‌اند.پس آیا باید آنها را پذیرفت؟!!{

آیا در نماز میت سن تکلیف شرط نیست و اگر هست پس چطور امام زمان (عج) بر پدر خویش نماز خواندند؟

پرسش

آیا در نماز میت سن تکلیف شرط نیست و اگر هست پس چطور امام زمان (عج) بر پدر خویش نماز خواندند؟

پاسخ

شروط مطرح در عبادات به ۳ دسته می‌باشد: ۱ـ شروطی که تنها شرط وجوب عبادت است نه شرط صحت آن مثل استطاعت در حج شما اگر مستطیع نباشید حج بر شما واجب نیست. ۲ـ شروطی که شرط صحت عبادت است نه وجوب آن مثل طهارت (وضو، غسل، تیمم) برای نماز که تنها شرط صحت است و بدون آن هم باز نماز واجب است. ۳ـ شروطی که هم شرط صحت است و هم شرط وجوب مثل وقت نماز مثلاً نماز ظهر قبل از اذان ظهر نه واجب است و نه صحیح است. بلوغ برای نماز میت (و هر نمازی) از نوع اول می‌باشد یعنی بلوغ شرط وجوب نماز است اما تقریبا همه فقها نماز غیر بالغ را صحیح می‌دانند. البته در نماز میت بحث دیگری هم مطرح است و آن کفایت نماز غیر بالغ است زیرا نماز میت واجب کفایی و اگر یک نماز صحیحاقامه شود تکلیف از دیگران ساقط می گردد حال این پرسش مطرح می گردد که نماز میت غیر بالغ کافی است و دیگر بر دیگران واجب نیست نماز میت بخوانند یا نه؟ نسبت به این موضوع فقها تردید کرده و احتیاطا حکم می‌کنند که بالغ هم نمازی بخواند. اما نسبت به نماز امامزمان(عج) بر پدر بزرگوارش(ع) اضافه باید نمود که نسبت به نماز میت بر ائمه(ع) حکم اختصاصی وجود دارد و آن لزوم اقامه نماز توسط امام(ع) است لذا با توجه به صحت نماز غیر بالغ و لزوم اقامه نماز توسط امام(ع)، نماز امام زمان(عج) بر امام حسن عسکری(ع) هم صحیح است وهم کافی است.{J

کتابشناسی

مهم‌ترین کتاب هایی که بتوان از آن‌ها درخصوص آرا و اندیشه‌های بزرگان و عالمان دین، چون سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله بهبهانی، شیخ فضل الله نوری، خیابانی، نواب صفوی، حضرت امام درخصوص اصلاحات در جامعه اسلامی را یاری جست. لطفاً نام ببرید و نام نویسنده آن

پرسش

مهم‌ترین کتاب هایی که بتوان از آن‌ها درخصوص آرا و اندیشه‌های بزرگان و عالمان دین، چون سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله بهبهانی، شیخ فضل الله نوری، خیابانی، نواب صفوی، حضرت امام درخصوص اصلاحات در جامعه اسلامی را یاری جست. لطفاً نام ببرید و نام نویسنده آن را ذکر فرمایید.

پاسخ

کتاب‌های ذیل جهت اطلاع شما معرفی می‌شود: ۱ - تفسیر آفتاب، محمد رضا حکیمی؛ ۲ - نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، استاد شهید مرتضی مطهری ۳ - سیره صالحان، ابوالفضل شکوری ۴ - بیدارگان اقالیم قبله، محمد رضا حکیمی ۵ - میرزای شیرازی، شیخ آقا بزرگ تهرانی ۶ - تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ۵ جلد، موسی نجفی ۷ - یک بررسی تحلیلی از زندگی سیاسی مدرس، سید صدرالدین ظاهری ۸ - نهضت امام خمینی (ره) سید حمید روحانی ۹ - تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال الدین مدنی

پیرامون ظهور امام زمان(ع) آیا روایت یا حدیثی که صریحاً به اصلاحات آن امام همام اشاره داشته باشد، موجود است؟ در صورت وجود، در کدام کتاب می‌توان آن را یافت؟

پرسش

پیرامون ظهور امام زمان(ع) آیا روایت یا حدیثی که صریحاً به اصلاحات آن امام همام اشاره داشته باشد، موجود است؟ در صورت وجود، در کدام کتاب می‌توان آن را یافت؟

پاسخ

امام زمان(ع) مصلح جهان بشریت است و اصلاح در این جا به معنای تغییر جزئی نیست، بلکه به معنای تغییر کلی در جهان بشریت و حاکم شدن عدل و داد به جای ظلم و جور است. آرمان اصلی حضرت مهدی(ع) تحقق عدالت و گسترش اصول دادگری در عالم است. در روایات مختلفی که از ائمه اطهار(ع) نقل شده است. این مضمون را بیان فرموده‌اند": یملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت صلماً و جوراً؛ امام زمان(ع) زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، همان گونه که از ستم و بیداد پر شده است."(۱) بعضی از منابع جهت شناخت امام زمان(ع) معرفی می‌شود: ۱ - قائم آل محمد(ص) و فلسفه غیبت، آیت الله خلیل کمره‌ای ۲ - دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی ۳ - نوید امن و امان، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی ۴ - جهانگشای عادل، سید جمال الدین دین پرور ۶ - قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، استاد شهید مرتضی مطهری ۷ - در فجر ساحل، محمد حکیمی ۸ - خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی ۹ - آینده بشریت از نظر مکتب ما، آیت الله سید محمود طالقانی ۱۰ - عصر زندگی، محمد حکیمی پی نوشت‌ها: ۱ - بحارالانوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳.

منابع مفید در مورد امام مهدی (عج) معرفی کنید؟

پرسش

منابع مفید در مورد امام مهدی (عج) معرفی کنید؟

پاسخ

پیرامون امام مهدی (ع) نیز کتابهای بسیار زیادی نوشته شده است . بخش زیادی از این کتابها در مجموعه ((کتابنامه حضرت مهدی (ع))) ۲ جلد, علی اکبر مهدی پور, انتشارات الهادی , قم , ۱۳۷۵ گردآوری شده است . به بعضی از منابع مفید اشاره می شود: ۱. پژوهشی پیرامون مهدی (عج) شهید صدر, انتشارات امید قم , این کتاب مجموعه کوچکی است که به پاسخ بعضی سوئالات پیرامون امام مهدی پرداخته است . ۲. بر ستیغ آرمان ها, سید محسن امین عاملی , انتشارات طور, تهران , ۱۳۶۴. ۳. امامت و مهدویت آیت الله لطف الله صافی , انتشارات اسلامی , قم , این کتاب در دو جلد شامل مجموعه مباحث آیت الله صافی پیرامون امام مهدی (عج) است . ۴. امام زمان در گفتار دیگران , علی دوانی , ندای ایمان , تهران , ۱۳۹۹ ه.'ق , این کتاب گفتار حدود ۱۱۵ عالم اهل سنت پیرامون مهدی را گردآوری کرده است . ۵. عصر ظهور, علی کورانی , عباس جلالی , انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی .

در داستان حضرت نرجس بعد از آمدن ایشان نزد امام هادی و عدم حضور ایشان در خانواده با چه عکس العملی مواجه شد؟ و سرنوشت خانواده ایشان از آن پس چه بود؟

پرسش

در داستان حضرت نرجس بعد از آمدن ایشان نزد امام هادی و عدم حضور ایشان در خانواده با چه عکس العملی مواجه شد؟ و سرنوشت خانواده ایشان از آن پس چه بود؟

پاسخ

اگر منظور از سؤال این است که پس از آمدن نرجس به سامراء و ورود ایشان به خانه امام هادی(ع)، خانواده نرجس چه عکس العملی نشان دادند؟ آیا آنان برای یافتن دخترشان تلاش کردند یا نکردند؟ آیا آنان فهمیدند که دخترشان به عنوان اسیر دستگیر شده و پس از رفتن به بغداد وکیل امام هادی(ع) او را خریده و امام هادی(ع) هم او را به عنوان همسر امام حسن عسکری(ع) انتخاب کرده است؟ و آیا خانواده امام هادی و امام حسن عسکری(ع) به خانواده نرجس خبر دادند که نرجس در میان ما است و یا خبر ندادند؟ اگر منظور شما به دست آوردن این اطلاعات است، در این صورت باید گفت: در منابع و مآخذ روایی و تاریخی در این زمینه ها اطلاعاتی به دست نیامده است. در این مآخذ فقط به این مطلب پرداخته اند که نوه پادشاه روم به نام ملیکه با نقشه ای که طراحی کرده بود، خود را به امام هادی و امام حسن عسکری(ع) رسانید و متعرض مسایل مربوط به خانواده ملیکه نشده اند جلد ۵۱ بحارالانوار، درباره امام زمان(عج) است. در صفحه ۶ و ۱۰ دو حدیث درباره آمدن ملیکه به خانه امام هادی(ع) آمده است و در این دو حدیث اشاره ای به سرنوشت خانواده ملیکه نشده است. شیخ عباس قمی در منتهی الامال ، ج ۲، چاپ هجرت، ص ۷۴۵ همین دو حدیث را آورده است وغیر از آن مطلب دیگری نیاورده است. برای اطمینان بیشتر به کتاب های دیگری مراجعه شد و در آنها هم چیزی درباره سرنوشت خانواده سلطنتی ملیکه نیامده است. کتاب ها عبارتند از: - منتخب الاثر، آیت الله صافی - ستارگان درخشان، ج ۱۴ - المهدی، سید صدرالدین صدر، ترجمه محمد جواد نجفی - مهدی موعود، سرگرد میرمسعود پادانا - خاتون عشق، زهرا زواریان - نرگس همدم خورشید، محمد باقر پورامینی - نرجس حیاتها و جهادها، محبه العتره البتول الربیعی (سه کتاب

آخر فقط درباره مادر حضرت صاحب العصر است). در پایان توجه شما را به این نکته جلب می کنم که مادر حضرت ولی عصر(عج) نام اصلیش ملیکه است و به نام نرجس معروف شده و نام های دیگری هم دارد مانند: سوسن، ریحانه، مریم، حکیمه، صقیل، صیقل و خمط و علت اصلی تعدد اسامی آن جناب این است که می خواستند به این وسیله او شناخته نشود تا از شر حکومت در امان بماند (نرجس حیاتها و جهادها، ص ۱۴).

کتابشناسی مهدویت کدام است؟

پرسش

کتابشناسی مهدویت کدام است؟

پاسخ

کتاب‌شناسی امام مهدی(عج) در قرآن ۱. المحجة فیما نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، ترجمه / سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، ۱۳۷۴، آفاق. ۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها ۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی. گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است ۳. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف. پیش گویی‌های قرآن در مورد نشانه‌های ظهور و روایات... ۴. طریق الی المهدی(عج) المنتظر، سعید ایوب، بیروت / الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی. آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد ۵. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی(عج)، تهران، ۱۳۶۰ هـ. فارسی و عربی. ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر(عج) از منابع اهل سنت ۶. سوره و العصر، حضر امام زمان(عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم / ۱۳۷۲ فارسی. ۷. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمدحسین رضوی، دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی. ۸. حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین. مجموعه آیات قرآن درباره مهدی(عج) با روایات آمده است ۹. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعفی، ۱۳۴۲، اصفهان. ۱۰. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی(عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش. ۱۱. غریب غیبت در قرآن، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه. ۱۲. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید. ۱۳. قاطع البیان فی الایات المولة بصاحب الزمان(عج)، فضل الله عابدی خراسانی، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق. ۲۰۲ آیه را تاویل و تطبیق کرده است ۱۴. القرآن یتحدث عن الامام المهدی(عج)، مهدی حسن علاء الدین، دارالاسلامیه، بیروت. ۱۵. ثورة المواطیئن للمهدی(عج)، مهدی حمد فتلاوی، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بیروت. بشارت‌های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدی(عج) ۱۶. مهدی(عج) در قرآن، رضا فیروز، ۱۳۷۸، تهران، رایحه. ۱۷. مهدویت از نظرقرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱. ۱۸. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر(عج)، مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸. چهل آیه و روایات مربوطه ۱۹. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر(عج)، ۱۳۸۱. ۲۰. الایات الباهره فی بقیة العترة الطاهرة او تفسیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان(عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سید داود میرصابری. ۲۱. سیمای امام زمان(عج) در آیینه قرآن، علی اکبر مهدی‌پور. ۱۴۰ آیه را جمع کرده است ۲۲. موسوعة المصطفی و العترة (۱۶) المهدی المنتظر، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰. ۱۴۴ آیه را با روایات آورده است ۲۳. الامام المهدی فی القرآن و السنة، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق، آستان قدس. کل آیات طبق سوره‌ها تا آخر قرآن مع روایات ۲۴. معجم احادیث الامام المهدی(عج)، موسسه المعارف الاسلامیه، الجزء الخامس،

الآیات المفسر. تحت اشراف شیخ علی الکورانی، ۱۴۱۱ ق، ۲۶۰ آیه را جمع کرده است ۲۵. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، بنیاد تهران. ۴۰ آیه ۲۶. سیمای نورانی امام زمان(عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری. ۲۷. سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، سید جواد رضوی، چاپ موعود.

کتابشناسی مهدویت

پرسش

کتابشناسی مهدویت

پاسخ

معرفی کتاب : با مطالعه یک یا چند کتاب نمی توان به اطلاعات جامع در مورد ابعاد مختلف شخصیتی و زندگانی امام دوازدهم ۷است یافت , اما مجموعهء چند کتاب ارزشمند ذیل اطلاعات و آگاهی وسیعی را دربارهء امام زمان ۷در اختیارشما قرار می دهد: ۱ مهدی موعود, ترجمهء ج ۱۳بحارالانوار علامهء مجلسی که توسط آقای علی دوانی انجام شده است ; ۲ عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام , اثر محمد حکیمی ; ۳ خورشید مغرب , اثر محمد رضا حکیمی ; ۴ ستارگان درخشان , اثر محمد جواد نجفی , ج ۱۴ قسمت اول و دوم ; ۵ مجله حوزه , شماره ۷۰ـ ۷۱ویژه امام زمان ۷ ۶ تاریخ عصر غیبت , تلخیص از سید مجید پور طباطبایی ; ۷ پیشوای دوازدهم , اثر هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق ; ۸ زندگانی نواب خاص امام زمان ۷ اثر علی غفار زاده ; ۹ روز رهایی , ترجمهء کتاب یوم الخلاص .

کتاب هایی در خصوص امام زمان ۷و انسان های با کرامت مرتبط با آن حضرت معرفی نمایید.

پرسش

کتاب هایی در خصوص امام زمان ۷و انسان های با کرامت مرتبط با آن حضرت معرفی نمایید.

پاسخ

برخی از کتاب ها و منابع در خصوص امام زمان ۷و یاران مرتبط باآن حضرت به قرار ذیل است : ۱ دادگستر جهان , ابراهیم امینی . ۲ جهانگشای عادل , سید جمال الدین دین پرور. ۳ نوید امن و امان , لطف اللّه صافی گلپایگانی . ۴ موعودی که جهان در انتظار اوست , علی دوانی . ۵ قائم آل محمد۶و فلسفهء غیبت , میزا خلیل کمره ای . ۶ مهدی موعود امم , محمد تقی شریعتی . ۷ خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی . ۸ در فجر ساحل , محمد حکیمی . ۹ آینده بشریت از نظر مکتب ما, سید محمود طالقانی . ۱۰ قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفهء تاریخ , شهید مرتضی مطهری . ۱۱ ستارگان درخشان , محمد جواد نجفی . ۱۲ نجم الثاقب , محدّث نوری . ۱۳ در انتظار خورشید ولایت , عبدالرحمن انصاری .

کتاب هایی که در مورد امام زمان علیه‌السلام نوشته شده چقدر قابل اعتمادند؟

پرسش

کتاب هایی که در مورد امام زمان علیه‌السلام نوشته شده چقدر قابل اعتمادند؟

پاسخ

در مورد حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب هایی فراوان نوشته شده است. برای شما کتاب هایی مانند: روزگار رهایی، از سلیمان کتانی؛ دادگستری جهان، اثر آیت اله ابراهیم امینی؛ خورشید مغرب، نوشته محمد رضا حکیمی و عصر زندگی از محمد حکیمی، خوب است و قابل اعتماد. امیدواریم موفق و از یاران امام عصر علیه‌السلام باشید.

در خصوص شناخت شخصیت امام زمان(ع) کتابی جامع، با قلمی شیوا و جذّاب معرفی نمایید.

پرسش

در خصوص شناخت شخصیت امام زمان(ع) کتابی جامع، با قلمی شیوا و جذّاب معرفی نمایید.

پاسخ

در خصوص ابعاد شخصیت امام زمان(ع) کتاب های متعددی تدوین شده است. در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود: ۱- دادگستر جهان، ابراهیم امینی؛ ۲- عصر ظهور، علی کورانی؛ ۳- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی؛ ۴- عصر زندگی، محمد حکیمی؛ ۵- سیرهٔ پیشوایان، مهدی پیشوایی؛ ۶- مجله حوزه، ویژهٔ امام زمان(ع) شمارهٔ ۷۰ - ۷۱؛ ۷- مهدی موعود، ترجمهٔ جلد سیزدهم بحارالانوار(مترجم علی دوانی). [۱] محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۰. [۲] مهدی پیشوایی، سیرهٔ پیشوایان، ص ۶۷۵ - ۶۷۶. [۳] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) ص ۹۷ به بعد. [۴] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

تعدادی از تألیفات و کتابهای محدّثین بزرگ شیعه در مورد امام مهدی و ظهور ایشان را ذکر کنید.

پرسش

تعدادی از تألیفات و کتابهای محدّثین بزرگ شیعه در مورد امام مهدی و ظهور ایشان را ذکر کنید.

پاسخ

کتاب المهدی تألیف عیسی‌بن‌مهران مستعطف از بزرگان قرن سوّم، کتاب قائم و غیبت فضل بن شاذان و غیبت عبدالله‌بن‌جعفرحمیری از اکابر قرن سوم، کتاب غیبت و ذکر القائم تألیف ابن اخی طاهر (متوفی۳۵۸) کتاب غیبت محمدبن‌قاسم‌بغدادی معاصر ابن همّام (متوفی۳۳۳)، اخبار القائم علان رازی کلینی دائی کلینی معروف (متوفی، ۳۳۹) اخبار المهدی تألیف جلودی (متوفی۳۳۲)، غیبت نعمانی از اعلام قرن چهارم، غیبت حسن بن حمزه مرعشی (متوفی۳۵۸)، دلائل خروج القائم تألیف ابی علی حسن بن محمد صفاری بصری از اعلام قرن سوّم، کتاب ذکر القائم من آل محمد(ص) تألیف احمد بن رمیح المروزی، اخبار القائم تألیف ابی علی احمد بن محمد الجرجانی از قدمای محدثین، الشفاء و الجلاء احمد بن علی رازیم ترتیب الدوله تألیف احمد بن حسین مهرانی، کمال الدین، کتاب غیبت کبیر تألیف صدوق (متوفی۳۸۱)، غیبت ابن جنید (متوفی۳۸۱)، غیبت مفید (متوفی۴۱۳)، غیبت سیّد مرتضی (متوفی۴۳۶)، غیبت شیخ طوسی (متوفی۴۶۰)، التاج الشرفی تألیف اسعد آبادی معاصر سید مرتضی، کتاب مانزل من القرآن فی صاحب الزمان، تألیف عبدالله‌بن عیاش (متوفی۴۰۱)، فرج کبیر، تألیف محمدبن هبةالله

طرابلسی شاگرد شیخ طوسی، برکات القائم، و تکمیل الایمان، بغیه‌الطالب، تبصرةالاولیاء، و کفایت‌المهدی، اخبارالقائم، اخبار ظهور المهدی الحجةالبالغة، تثبیت‌القرآن، حجت‌الخصام، الدرالمقصود، و اثبات الحجة، اتمام الحجة، اثبات وجود القائم، مولدالقائم، الحجة فیما نزل فی الحجة، الذخیره فی المحشر، السلطان المفرج عن الایمان، سرور اهل الایمان، جنی الجنتین، سیزدهم بحار، غیبت عوالم و صدها کتاب دیگر که ذکر نام آنها و اسمای مؤلفین موجب کمال تطویل خواهد شد.

آیا رجعت ایمه (ع) در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) صحت دارد؟

پرسش

آیا رجعت ایمه (ع) در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) صحت دارد؟

پاسخ

اصل رجعت ایمه اطهار (ع) از مسلمات است ؛ اماآیا همه آن بزرگواران می آیند یا منحصر است به حضرت امیر وسیدالشهدا (ع) اختلافی است . برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به کتب زیر : ۱- رجعت از نظرشیعه(نجم الدین طبسی) ۲- رجعت (خادمی شیرازی) ۳- رجعت (علامه مجلسی) ۴- شیعه و رجعت (سید محمد میرشاه ولد)؛

درباره علت غیبت امام زمان (عج) چند کتاب معرفی کنید؟

پرسش

درباره علت غیبت امام زمان (عج) چند کتاب معرفی کنید؟

پاسخ

درباره غیبت امام زمان (عج) ر.ک : ۱ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام،(مرتضی علم) ۲- ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی (عج)، (محمدباقر خالص) ۳- نور مهدی (عج) (چند تن از نویسندگان) ، ۴- مهدی موعود(عج)، (علی اکبر قرشی) ۵- مهدی(عج) در قرآن، (رضافیروز) ۶- کتابنامه حضرت مهدی (عج)، (علی اکبر مهدی پور) ۷- دانشمندان عامه ومهدی موعود(عج)،(علی دوانی) ۸- امام مهدی(عج) و منتظران ج ۱و۲(محمدحسین صفارزاده) ۹- فلسفه غیبت و علایم ظهور (میرزاخلیل کمره ای) ۱۰- هفت سوال پیرامون حضرت مهدی (عج) (عباس فجر دزفولی) ۱۱- حکومت عدل گستر (حسین حیدری کاشانی) ۱۲- دادگستر جهان (ابراهیم امینی) ۱۳- همه در انتظار اویند (حسین سعید) ۱۴- امامت و مهدویت ج ۱و۲ (آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی؛)

لطفاً کتابهای در رابطه با امام زمان (جهت شناخت بیشتر نسبت به آن حضرت، بویژه وقایع پس از ظهور آن حضرت را معرفی بفرمایید.

پرسش

لطفاً کتابهای در رابطه با امام زمان (جهت شناخت بیشتر نسبت به آن حضرت، بویژه وقایع پس از ظهور آن حضرت را معرفی

بفرمایید.

پاسخ

چند کتاب درباره امام زمان"عج،"سطح جوان ۱. زندگی وقیام حضرت مهدی، مؤلف سیدجمال الدین حجازی،ناشر نصر،تعداد صفحه ۹۰ ۲. آفتاب صبح امید، مؤلف صدر الدین هاشمی، انتشارات بدر،تعداد صفحه ۱۴۹ ۳. نوید امن وامان،مؤلف آیت ا...کافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه"س، "تعداد صفحه ۳۷۰ ۴. جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی"عج، "مؤلف سید محمد باقر صدر، ناشر نبأ، تعداد صفحه ۷۴ ۵. حضرت مهدی"عج "فروغ تابان ولایت، مؤلف محمد مهدی اشتهاردی، ناشر مسجد جمکران، تعداد صفحه ۳۵۰ ۶. درفجر ساحل، مؤلف محمد حکیمی، ناشر فجر،تعداد صفحه ۱۶۰ ۷. آینده جهان، مؤلف جلال برنجیان، ناشر مؤسسه تحقیقات وانتشارات طور،تعداد صفحه ۱۰۰ ۸. آشنایی با امام زمان"عج، "مؤلف علامه سید محسن امین، انتشارات طور، تعداد صفحه ۳۵۶ ۹. خورشید مغرب، مؤلف محمد حکیمی، دفترنشر فرهنگ اسلامی، تعداد صفحه۳۸۶ ۱۰. ۱۱۰ پرسش وپاسخ پیرامون امام زمان"عج "مؤلف علی رضا رجائی تهرانی، ناشر انتشارات نبوغ تعداد صفحه۲۸۴ ۱۱. پیشوای دوازدهم"عج "مؤلف تحریریه مؤسسه درراه حق، ناشر مؤسسه درراه حق، تعداد صفحه۹۵ ۱۲. کیست مهدی"عج، "مؤلف امیر اهریان، نشرجلی، تعداد صفحه۶۲

در حدیث است کسی که امام زمانش (عج) را نشناسد بدین جاهلیت مرده. حال ما امام زمان(عج) را باید بهتر بشناسیم. آیا می شود کمی در مورد زندگی امام بهتر توضیح داده شود؟

پرسش

در حدیث است کسی که امام زمانش (عج) را نشناسد بدین جاهلیت مرده. حال ما امام زمان(عج) را باید بهتر بشناسیم. آیا می شود کمی در مورد زندگی امام بهتر توضیح داده شود؟

پاسخ

برای اینکه با زندگی حضرت ونیز وظائف خودمان در زمان غیبت بیشتر آشنا شویم، چند کتاب را برای شما معرفی می‌نماییم که با مطالعه آنها می توانید حضرت را بهتر بشناسید چون در قالب چند کلمه نمی توان حضرت را معرفی نمود. ۱ـ منتهی الآمال، ج۲ ۲ـ غیبت نعمانی ۳ـ کمال الدین و کمال النعمه ۴ـ تشیع و انتظار ۵ـ مهدی موعود ۶ـ نجم الثاقب امیدواریم با مطالعهٔ این چند کتاب حضرت را بهتر بشناسید.

لطفاً کتابی راجع ویژگیهای منتظران که به زبان ساده نوشته شده باشد معرفی نمایید؟

پرسش

لطفاً کتابی راجع ویژگیهای منتظران که به زبان ساده نوشته شده باشد معرفی نمایید؟

پاسخ

چند کتاب درباره امام زمان"عج،"سطح جوان ۱.زندگی وقیام حضرت مهدی، مؤلف سیدجمال الدین حجازی،ناشر نصر،تعداد

صفحه ۹۰ ۲.آفتاب صبح امید، مؤلف صدر الدین هاشمی، انتشارات بدر،تعداد صفحه ۱۴۹ ۳.نوید امن وامان،مؤلف آیت ا...صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه"س، "تعداد صفحه ۳۷۰ ۴.جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی"عج، "مؤلف سید محمد باقر صدر، ناشر نبأ، تعداد صفحه ۷۴ ۵.حضرت مهدی"عج "فروغ تابان ولایت، مؤلف محمد مهدی اشتهاردی، ناشر مسجد جمکران، تعداد صفحه ۳۵۰ ۶.در فجر ساحل، مؤلف محمد حکیمی، ناشر فجر،تعداد صفحه ۱۶۰ ۷.آینده جهان، مؤلف جلال برنجیان، ناشر مؤسسه تحقیقات وانتشارات طور،تعداد صفحه ۱۰۰ ۸.آشنایی با امام زمان"عج، "مؤلف علامه سید محسن امین، انتشارات طور، تعداد صفحه ۳۵۶ ۹.خورشید مغرب، مؤلف محمد حکیمی، دفترنشر فرهنگ اسلامی، تعداد صفحه۳۸۶ ۱۰. ۱۱۰ پرسش وپاسخ پیرامون امام زمان"عج "مؤلف علی رضا رجائی تهرانی، ناشر انتشارات نبوغ تعداد صفحه۲۸۴ ۱۱.پیشوای دوازدهم"عج "مؤلف تحریریه مؤسسه درراه حق، ناشر مؤسسه درراه حق، تعداد صفحه۹۵ ۱۲.کیست مهدی"عج، "مؤلف امیر اهریان، نشرجلی، تعداد صفحه۶۲

لطفاً کتابی دربارهٔ ظهور امام زمانغ معرفی کنید. در مورد یارانی که از ایران انتخاب خواهند شد را بگویید.

پرسش

لطفاً کتابی دربارهٔ ظهور امام زمانغ معرفی کنید. در مورد یارانی که از ایران انتخاب خواهند شد را بگویید.

پاسخ

برخی از کتاب‌ها که دربارهٔ ظهور امام زمانغ و دیگر موضوعات را دربارهٔ امام زمانغ نوشته شده عبارتند از: ۱. عدالت‌گستر جهان آیت اللّه ابراهیم امینی انتشارات دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیهٔ قم ۲. مهدیغ انقلابی بزرگ آیت اللّه مکارم شیرازی انتشارات مطبوعاتی هدف قم ۳. مهدی موعود، (ترجمه ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳ بحارالانوار، ترجمه علی دوانی ، انتشارات اسلامیهٔ تهران ۴. بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱ـ۵۳، مؤسسهٔ الوفأ، بیروت ۵. عصر زندگی محمد حکیمی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۶. گفتمان مهدویت سلسله مقالات تهیه شده در مؤسسهٔ فرهنگی انتظار نور، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و... در برخی از روایات اسلامی آمده که برخی از اصحاب و یاران امام زمانغ از نقاط مختلف گوناگون ایران اسلامی هستند از جمله ابوبصیر در روایتی طولانی از حضرت امام صادق‌درخواست کرد که آن حضرت یاران قائم و مکان و جایگاه آن‌ها را بیان کند، آن حضرت‌بعد از ذکر توضیحات دربارهٔ این که تمام امامان معصوم از یاران قائم و ویژگی‌های آن خبر دارند، سپس به ذکر کشورها و شهرهایی که یاران امام زمانغ از آن سرزمین‌ها برمی‌خیزند کرد و فرمود: از دامغان دو نفر،...از دیلم چهار نفر، از مرو دوازده نفر، از بیروت نه نفر، از طوس پنج نفر، از سبحستان (سیستان سه نفر، از طالقان بیست و چهار نفر، از نیشابور دوازده نفر، از هرات دوازده نفر،...از ری چهار نفر، از طبرستان نه نفر، از قم هیجده نفر، از کرمانشاه دو نفر، از گرگان دوازده نفر و("...ر.ک دلائل الامامهٔ محمد بن جریر طبرسی ص ۳۰۷، دارالذخائر للمطبوعات قم) و...

کتابهایی در رابطه با رجعت امامان معرفی کنید

پرسش

کتابهایی در رابطه با رجعت امامان معرفی کنید

پاسخ

برای آگاهی بیشتر ر . ک : ۱- رجعت از نظر شیعه‌نجم الدین طبسی ۲- رجعت‌محمد خادمی شیرازی ۳- رجعت‌علامه محمد باقر مجلسی ۴- اسلام و رجعت‌عبدالوهاب فرید ۵- رجعت‌محمد باقر بهبودی ۶- بازگشت روح‌هادی معرفت ۷- رسائل و مقالات فلسفی‌رفیعی قزوینی ضمنا کتاب‌هایی که در مورد امام زمان(عج) بحث کرده‌اند، نوعا به این موضوع نیز پرداخته‌اند.

محل زندگی امام زمان کجاست

پرسش

محل زندگی امام زمان کجاست

پاسخ

الف) از مضمون بعضی روایات، استفاده می‌شود که امام زمان(عج) به صورت ناشناس در بین مردم زندگی می‌کنند و محل زندگی ایشان بر کسی معلوم نیست. ب) برای آگاهی بیشتر ر.ک: در این زمینه به کتاب‌های زیر مراجعه کنید: ۱- کتابنامه امام زمان محمدپور ۲- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی ۳- ترجمه منتخب الاثر آیت اللّه صافی ۴- مهدی موعود ترجمه علی دوانی ۵- وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّه صافی ۶- امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی ۷- علائم ظهور محمد علی علمی

آیا کتاب" ملاقات با امام زمان (عج ")را تایید می کنید, دراین صورت چه مقدماتی برای این ملاقات ها لازم است ؟

پرسش

آیا کتاب" ملاقات با امام زمان (عج ")را تایید می کنید, دراین صورت چه مقدماتی برای این ملاقات ها لازم است ؟

پاسخ

بطور یقین بوده اند در طول تاریخ تشیع انسان های با سعادت و برجستگانی که به زیارت سیمای مبارک حضرت در طول غیبت ایشان نائل آمده اند و این قضیه به طور اجمال و کلی مورد تأیید همگان می باشد ولی در مورد تک تک موارد مذکور در کتاب مورد نظر یا کتاب های دیگر شاید نتوان اظهار نظر قاطع و مشخصی کرد و بیشتر آنها تجربه های شخصی افراد است . از طرفی هم بوده اند بسیار افراد متقی و شایسته و مرضی امام زمان (عج) که یا به زیارت ایشان نائل نیامده و یا آن وجود مبارک را نشناخته اند. بنابراین آنچه که بر ما واجب و مورد انتظار و توقع آن جناب است تقوا و عمل به وظیفه و اجتناب از گناهان و انتظار فرج و دعا برای سلامتی وجود آن مولای کل است و بقیه مطلب با خداوند و صلاحدید اوست . شاید شما هم روزی به زیارت ایشان نائل شوید ان شاءالله.

چند کتاب درباره امام مهدی (عج) در قرآن معرفی کنید.

پرسش

چند کتاب درباره امام مهدی (عج) در قرآن معرفی کنید.

پاسخ

}برای این منظور می‌توانید به منابع زیر رجوع کنید: ۱) «معجم احادیث الامام مهدی» (علی تورانی) مراجعه کنید. بخش وسیعی از این کتاب به آیات مربوط به آنحضرت اختصاص دارد. ۲) سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، علامه سیدهاشم حسینی بحرانی، سیدمهدی حائری قزوینی. در این کتابیش از یکصد آیه مرتبط با امام زمان(عج) مورد بررسی قرار گرفته است. ۳) پیامبر قرآن (تفسیر موضوعی) ج ۱، آیةالله مکارم شیرازی.{

چه کسانی در طول تاریخ اسلام مهدویت را به شعر درآورده‌اند؟

پرسش

چه کسانی در طول تاریخ اسلام مهدویت را به شعر درآورده‌اند؟

پاسخ

یکی از علائم وقرائن قطعی بودن یک موضوع آن است که کار به جایی رسد که شعرا آن موضوع را به شعر در آورند. قضیه مهدویت از این قبیل است. شعرای اسلامی در طول تاریخ این قضیه را به شعر در آورده‌اند. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – امام علی (ع).{پاورقی . ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۷۵. پاورقی} ۲ – زید بن علی بن الحسین:.{پاورقی .بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۲۰۲، ح ۷۷. پاورقی} ۳ – امام صادق (ع).{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۳. پاورقی} ۴ – امام رضا (ع).{پاورقی . فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۵۹۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۹، ح ۹. پاورقی} ۵ – امام حسن عسکری (ع).{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۷۵. پاورقی} ۶ – ابن ابی الحدید معتزلی.{پاورقی . شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳۵. پاورقی} ۷ – محیی الدین بن عربی.{پاورقی . ینابیع المودة، ص ۴۱۶. پاورقی} ۸ – محمّد بن طلحه شافعی.{پاورقی . مطالب السؤول، ص ۱۵۲. پاورقی} ۹ – صدرالدین قونوی.{پاورقی . ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۴۰ ؛ الزام الناصب، ص ۹۵. پاورقی} ۱۰ – شیخ عبدالرحمن بسطامی.{پاورقی . ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۳۷. پاورقی} ۱۱ – فضل بن روز بهان.{پاورقی . اللآلی المنتظمة وادرر الثمینة، ص ۷۹ù۸۰. پاورقی} ۱۲ – محمّد بن طولون (م ۹۵۳ ه . ق).{پاورقی . الائمة الاثنی عشر، ص ۱۱۸. پاورقی} ۱۳ – کمیت بن زید اسدی.{پاورقی . تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۶۹۷. پاورقی}

تألیفات درباره مهدویت با چه روش‌هایی بوده است؟

پرسش

تألیفات درباره مهدویت با چه روش‌هایی بوده است؟

پاسخ

در موضوع مهدویت به روش‌های گوناگون ومتنوعی علمای فریقین دست به تألیف وتصنیف زده‌اند از قبیل: ۱ – روش روایی زیرا جزئیات قضیه مهدویت از مصادیق بارز ایمان به غیب به حساب می‌آید. این روش به نوبه خود از خصوصیاتی برخوردار است:

برخی تنها احادیثی را درباره مهدویت نقل کرده‌اند که تفسیر آیات قرآن به حساب می‌آمده وروایات تفسیری بوده‌اند. برخی نیز عموم احادیث مهدویت را در کتاب خود جمع‌آوری کرده‌اند. روش دوم نزد شیعه واهل سنّت هر کدام به نوبه خود به شیوه‌ای خاص تدوین شده است. نزد علمای شیعه امامیه تألیف موضوعی درباره مهدویت سه گونه بوده است: الف. استناد به احادیثی که از طرق شیعه نقل شده است. همانند کتاب" کفایة المهتدی فی معرفة المهدی (ع)"و"بحارالأنوار. "ب. تقویت وتأیید روایات شیعه به روایاتی که از طرق اهل سنّت نقل شده‌است. همانند تألیف علی بن عیسی اربلی در" کشف الغمه "وسید بن طاووس در" الطرائف" وشیخ حرّ عاملی در" اثبات الهداة. "ج. استناد به روایات اهل سنّت برای قبولاندن موضوع مهدویت به آنان بدون توجه به روایات شیعی، همانند کتاب" المهدی "از سید صدرالدین صدر، وکتاب" المهدی الموعود المنتظر "از نجم‌الدین عسکری. اهل سنّت نیز در این زمینه روش‌های مختلف حدیثی داشته‌اند از قبیل: الف. اکتفا به احادیث از طرق خود، همانند کتاب" اخبار المهدی "از عباد بن یعقوب رواجنی (م ۲۵۰ ه) 'وکتاب" جمع الاحادیث الوارده فی المهدی "از حافظ ابی‌بکر بن ابی خیثمه احمد بن زهیر نسائی (م ۲۷۹ ه). 'ب. نقل از مصادر شیعه واهل بیت:، همانند کتاب" الملاحم "از نعیم بن حماد (م ۲۲۸ ه) 'وکتاب" عقد الدرر فی اخبار المنتظر "از یوسف بن یحیی شافعی وکتاب" البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان "از متقی هندی. ج. اثبات عقیده امامیه در مسأله مهدویت با استناد به روایات اهل بیت:، همانند کتاب" ینابیع الموده "از قندوزی، وکتاب" فرائد السمطین "از جوینی شافعی. ۲ – روش برهانی وکلامی در این روش مؤلّف درصدد عرضه کردن مباحث مهدویت به صورت استدلالی وبرهانی است. این روش درصدد تثبیت ایمان به مهدویت ودفع شبهات در این موضوع است. کتاب‌های متعددی که شیخ مفید در این زمینه تألیف کرده همگی از این قبیل است. ونیز کتاب" المقنع فی الغیبة "از سید مرتضی و"بحث حول المهدی "از شهید سید محمّد باقر صدر را می‌توان از این قبیل به حساب آورد. ۳ – روش مقارنی از جمله تألیفاتی که در مورد موضوع مهدویت شاهد آن بوده وهستیم روش بحث مقارنی بین عقیده شیعه امامی ودیگر طوایف مسلمین است. این گونه بحث را در لابلای کتاب‌های شیخ مفید وسید مرتضی وشیخ طوسی به خوبی مشاهده می‌کنیم. واز جمله کتاب‌های مستقل در این زمینه کتاب" بیان الاشکال فیما حکی من امر المهدی من الأقوال "از ابو عبداللّه حمیدان بن یحیی قاسمی حسنی از علمای قرن هفتم است. ونیز از کتاب" مع المهدی المنتظر فی دراسة منهجیة مقارنة بین الفکر الشیعی والسنی "از شیخ مهدی فتلاوی وکتاب" المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة والامامیة "از نجم الدین عسکری می‌توان نام برد. ۴ – روش تحلیلی تاریخی در این روش مؤلفان درصدد ترسیم قضیه مهدویت از ابعاد گوناگون تاریخی آن می‌باشند که می‌توان از بارزترین این نوع تألیف به کتاب‌های شهید سید محمّد صدر"، تاریخ الغیبة الصغری، تاریخ الغیبة الکبری وتاریخ ما بعد الظهور "اشاره کرد. ۵ – روش مقارنی بین ادیان برخی دیگر درصدد عرضه موضوع مهدویت در سطحی وسیع‌تر برآمده واین موضوع مهم را در محدوده ادیان الهی دینی وشبه دینی مورد بحث وبررسی قرار داده‌اند، که از آن جمله می‌توان به کتاب" بشارات العهدین "از دکتر صادقی، وکتاب" المسیح الدجال "از سعید ایوب اشاره کرد. ۶ – روش تحلیل فلسفه تاریخ برخی دیگر از مؤلّفان مهدویت در این زمینه از زاویه فلسفه تاریخ ویا به تعبیر دیگر از دیدگاه تکامل تاریخ به موضوع مهدویت نگریسته‌اند، که از آن جمله به کتاب" قیام وانقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ "اثر شهید مطهّری؛ می‌توان اشاره کرد.

برای رفع حیرت از جامعه شیعی، علما واصحاب چه کارهایی انجام دادند؟

پرسش

برای رفع حیرت از جامعه شیعی، علما واصحاب چه کارهایی انجام دادند؟

پاسخ

شکی نیست که بعد از غیبت امام مهدی (ع) حیرت وشک جامعه شیعی را در سطح عوام مردم فرا گرفت، زیرا آنان امام خود را نمی‌دیدند، ولی با فداکاری وتبلیغ علما واصحاب، این حیرت برداشته شد. از جمله کارهایی که در این مدت انجام گرفت تألیف کتاب‌هایی متناسب با وضع موجود در جهت رفع حیرت بود، که از آن جمله می‌توان به این کتاب‌ها اشاره نمود: ۱ - کتاب "الغیبة" از محمّد بن ابراهیم نعمانی که بین سال ۳۳۳ تا ۳۴۲ هجری تألیف یافته است. ۲ - کتاب "الامامة والتبصرة من الحیرة "از علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ه). '۳ - کتاب" اکمال الدین واتمام النعمة "از محمّد بن علی بن بابویه (م ۳۸۶ه). '۴ - کتاب" الغیبة "از شیخ طوسی (م ۴۶۰ه). 'ودیگر کتاب‌ها. علی بن بابویه در مورد کتاب خود می گوید...": من در این کتاب اخباری را جمع نمودم که می‌تواند حیرت را برطرف سازد. {"...پاورقی . الامامة والتبصرة، ص ۹. پاورقی}

آیا در عصرهای مختلف، در جهت رفع حیرت در امر ولادت ووجود حضرت‌علیه‌السلام کتاب تألیف شده است؟

پرسش

آیا در عصرهای مختلف، در جهت رفع حیرت در امر ولادت ووجود حضرت‌علیه‌السلام کتاب تألیف شده است؟

پاسخ

بزرگان جامعه شیعه به پیروی از پیشینیان در راستای اهداف آنان که همان تثبیت ایمان مردم به ولادت ووجود امام زمان (ع) بود قدم گذاشته ودست به تألیفات گوناگون در این زمینه زدند که از آن جمله می‌توان به این تألیفات اشاره نمود: ۱ - ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی": کتاب الغیبة.{"پاورقی . رجال نجاشی، ص ۱۹، رقم ۲۱. پاورقی} ۲ - ابو اسحاق ابراهیم بن الأنماطی کوفی اسدی": کتاب الغیبة.{"پاورقی . همان، ص ۱۵، رقم ۱۳. پاورقی} ۳ - احمد بن حسین عبداللّه مهرانی آبی: "ترتیب الأدلة فیما یلزم خصوم الامامیة دفعه عن الغیبة والغائب.{"پاورقی . معالم العلماء، ص ۶۰، رقم ۱۱۳. پاورقی} ۴ - ابوالعباس احمد بن علی رازی": الشفاء والجلاء عن الغیبة.{"پاورقی . رجال نجاشی، ص ۹۷، رقم ۲۴۰. پاورقی} ۵ - ابوالحسن احمد بن محمّد بن عمران بن موسی معروف به ابن‌الجندی": الغیبة.{"پاورقی . همان، ص ۸۵، رقم ۲۰۶. پاورقی} ۶ - اشرف بن اعز معروف به تالج العُلی علوی حسینی": الغیبة.{"پاورقی . الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۵، رقم ۳۷۵. پاورقی} ۷ - ابو محمّد حسن بن حمزه معروف به طبری": الغیبة.{"پاورقی . رجال نجاشی، ص ۶۴، رقم ۱۵۰. پاورقی} ۸ - ابو محمّد حسن بن محمّد بن یحیی معروف به ابن اخی طاهر": کتاب الغیبة وذکر القائم.{"پاورقی . همان، رقم ۱۴۹. پاورقی} ۹ - ابوالحسن حنظلة بن زکریا تمیمی قزوینی": کتاب الغیبة.{"پاورقی . همان، ص ۱۴۷، رقم ۳۸۰. پاورقی} ۱۰ - ابوالحسن سلامة بن محمّد بن اسماعیل": کتاب الغیبة وکشف الحیرة.{"پاورقی . همان، ص ۱۹۲، رقم ۵۱۴. پاورقی} ۱۱ - ابوالفضل عباس بن هشام ناشری اسدی": کتاب الغیبة.{"پاورقی . همان، ص ۳۸۰، رقم ۷۴۱. پاورقی} ۱۲ - ابوالعباس عبداللّه بن جعفر بن حسین حمیری قمّی": کتاب الغیبة والتوقیعات.{"پاورقی . همان، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳. پاورقی} ۱۳ - ابو محمّد عبدالوهاب مادرائی": کتاب الغیبة.{"پاورقی . همان، ص ۲۴۷، رقم ۶۵۲. پاورقی} ۱۴ - شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان: او در زمینه امام زمان (ع) وموضوعات مربوط به آن حضرت تألیفات متعددی دارد از قبیل": کتاب الغیبة"، "المسائل العشرة فی الغیبة"، "مختصر فی الغیبة"، "النقض علی الطلحی فی الغیبة"، "جواب الفارقیین فی الغیبة. "ونیز در برخی از کتب خود به طور ضمنی بحث فراوانی از مهدویت نموده است از قبیل": الایضاح فی الامامة والغیبة، "الإرشاد فی معرفة حجج اللّه علی العباد"، "العیون والمحاسن"، "الجوابات فی خروج الامام المهدی (ع. ")۱۵ - ابوالقاسم علی بن حسین معروف به شریف مرتضی": المقنع فی الغیبة.{"پاورقی . همان، ص ۲۷۰Ù۲۷۱، رقم ۷۰۸. پاورقی} ۱۶ - علی بن محمد بن

علی بن عمر بن ریاح": کتاب الغیبهٔ.{"پاورقی . همان، ص ۲۶۰ù۲۵۹، رقم ۶۷۹. پاورقی} ۱۷ - ابو عبداللّه کاتب محمّد بن ابراهیم بن جعفر": کتاب الغیبهٔ. {"پاورقی . همان، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۳. پاورقی} ۱۸ - ابوعلی کاتب اسکافی محمّد بن احمد بن جنید: "ازالهٔ الران عن قلوب الاخوان فی الغیبهٔ.{"پاورقی . همان، ص ۳۸۵، رقم ۱۰۴۷. پاورقی} ۱۹ - ابوعبداللّه محمد بن احمد صفوانی: "کتاب الغیبهٔ وکشف الحیرهٔ.{"پاورقی . همان، ص ۳۹۳، رقم ۱۰۵۰. پاورقی} ۲۰ - محمد بن زید بن علی فارسی": کتاب الغیبهٔ.{"پاورقی . فهرست طوسی، ص ۱۵۹، رقم ۶۹۹. پاورقی} ۲۱ - ابوالفتح محمّد بن علی بن عثمان کراجکی": البرهان علی طول عمر صاحب‌الزمان "و"الاستطراف فی ذکر ما ورد فی الغیبهٔ فی الإنصاف.{"پاورقی . الذریعهٔ، ج ۱۶، ص۸۰ù۷۹. پاورقی} ۲۲ - ابوبکر محمّد بن قاسم بغدادی": کتاب الغیبهٔ.{"پاورقی . الذریعهٔ، ج ۳، ص ۹۲، رقم ۲۹۲ ؛ رجال نجاشی، ص ۳۸۱، رقم ۱۰۳۵. پاورقی} ۲۳ - ابوالنضر محمّد بن منصور عیاشی": کتاب الغیبهٔ.{"پاورقی . رجال نجاشی، ص ۳۵۳-۳۵۰، رقم ۹۴۴. پاورقی} ۲۴ - ابوالفرج مظفّر بن علی بن حسین همدانی": کتاب الغیبهٔ.{"پاورقی . الذریعهٔ، ج ۱۶، ص ۸۲، رقم ۴۰۶. پاورقی} اینها اسامی کتاب‌هایی بود که تا آخر قرن سوم هجری درباره رفع حیرت به طور مستقل نوشته شده است.

۱-لطفا چند کتاب تخصصی در رابطه با یاران حضرت مهدی «عج » ،خصال و ویژگیهای آقا «عج» معرفی فرمایید. (به غیر از جزوه خصال یاوران مهدی «عج انتشارات ارشاد خلاصه ی کتاب ما بعد الظهور و نشانه های یاران حضرت مهدی«عج» نوشته آقای محسن همتی.

اشاره

۲-کتابهای مستندی که

پرسش

۱-لطفا چند کتاب تخصصی در رابطه با یاران حضرت مهدی «عج » ،خصال و ویژگیهای آقا «عج» معرفی فرمایید. (به غیر از جزوه خصال یاوران مهدی «عج انتشارات ارشاد خلاصه ی کتاب ما بعد الظهور و نشانه های یاران حضرت مهدی«عج» نوشته آقای محسن همتی. ۲-کتابهای مستندی که یک دوره کامل امام شناسی و بویژه مهدی شناسی باشد را معرفی فرمایید ؟

پاسخ

ج۱- کتابهای زیر معرفی می شوند : ۱- خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی ۲- خصایص مهدی «عج » , محمد راجی ۳- امام مهدی «علیه السلام» از ولادت تا ظهور , سید محمد کاظم قزوینی ۴- رسالت جهانی حضرت مهدی « علیه السلام » , فریده گل محمدی ۵- ترجمه جلدسیزدهم بحارالانوار , انتشارات مسجد جمکران ۶- حضرت مهدی « علیه السلام » در بشارتهای آسمانی , محمد فقیه نیا ۷- آشنایی با امام زمان { از ترجمه اعیان الشیعه } , علامه سید محسن امین ۸- نشانه های پایان , علی فاطمیان

۲برای شناخت آقایمان امام زمان باید چه اعمالی انجام دهیم آیا فقط کتاب مطالعه کنیم یا نه؟ و چند کتاب در این مورد معرفی کنید.

پرسش

۲برای شناخت آقایمان امام زمان باید چه اعمالی انجام دهیم آیا فقط کتاب مطالعه کنیم یا نه؟ و چند کتاب در این مورد معرفی

کنید.

پاسخ

اگر علاقه‌منـد به مسائـل فکری هستیـد، بهتر است از سـری «جهـان‌بینی اسـلامی» شـهید مطهری آغـاز کنیـد. اگر به عرفان علاقه‌مند هستیـد، از کتابهـای علامه حسن زاده آملی ماننـد: «نامه‌ها و برنامه‌ها» و یا «ترجمه المراقبات» اسـتفاده کنیـد. اگر به اخلاق علاقه‌مند هستیـد، مطـالعه کتاب‌های علم اخلاق اسـلامی، «ترجمه جامع‌السـعادات»، «معراج السـعادة» و یا اخلاق «ترجمه الاخلاق» مرحوم شبّر و... توصیه می‌شود. درباره امام زمان نیز می‌توانید کتابهای زیر را مطالعه کنید: ۱ـ مجموعه‌ای از گفتار درباره امام زمان (عج) شهید صدر ۲ـ عصـر ظهور علی کورانی ۳ـ دانشـمندان عامه و مهـدی موعود (عـج) علی دوانی ۴ـ رسالت اسـلامی در عصـر غیبت محمد صدر ۵ـ مهدی موعود(عج) شـهید دسـتغیب ۶ـ سـیمای امـام زمان(عـج) تاج لنگرودی ۷ـ خورشـید مغرب محمـد رضـا حکیمی ۸ـ دادگستر جهان ابراهیم امینی

۱–از طریق چه کتابهای می توانیم در مور ـامام زمان «عج » اطلاعاتی بدست آوریم ؟

اشاره

۲–در قرآن در کدام سوره از امام زمان «عج» سخن به میان آمده است

پرسش

۱–از طریق چه کتابهای می توانیم در مورد امام زمان «عج » اطلاعاتی بدست آوریم ؟ ۲–در قرآن در کدام سوره از امام زمان «عج» سخن به میان آمده است

پاسخ

قال المهـدی «عـج » { اکثروا الـدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجهم } برای تعجیل در امر قیام و ظهور بسـیار دعا کنید که این خود بـاعث گشـایش در کارهـای شـما می شود. زائر گرامی در مورد سوال اول شـما کتابهـای فراوانی تحت عنوان کتابشناسـی ویژه امام مهدی «عج » نوشـته شده و یا مجلات معتبری چون ماهنامه موعود و فصلنامه انتظار به چاپ می رسد و یا ارشاداتی در کتاب آخرین امام، جناب اسـتاد بر دسیری می توان دید ما به اختصار و به عنوان نمونه کتب ذیل را برای مطالعه شما معرفی می کنیم . کتب قدیم و معتبر عصـر حاضر که بعضا حضرت عنایت ویژه ای به مؤلف یا کتب آنها داشته است که پیروان زندگی حضرت به طور کلی می باشد . ۱– بحار , جلد ۱۳, ۵۳ که در این عصـر تحت غنوان مهدی موعود به چاپ می رسد. ۲– غیبت نعمانی و غیبت شیخ طوسی . ۳– مکیال المکارم ۴– کمال الـدین و اتمام النعمه ,شـیخ صدوق ۵ – نجم الثـاقب مرحوم نوری ۲– در زمینه نواب خاص حضـرت , کتاب زندگی نواب خاص امام زمان «عج» , علی عقازاده ۳– در زمینه غیبت , کتاب غیبت امام عصر «عج» از محمد خادمی شیرازی ۴– در زمینه نشانه های ظهور , کتاب نشانه های ظهور محمد باقر داوودی ۵– درمورد عصر ظهور و نقش ایرانیان , عصر ظهور استاد تورانی، آینـده و آینـده سـازان , مرحوم دشتی ۶– در مورد جایگـاه زنـان در حکومت حضـرت , چشم انـدازی به حکومت مهـدی «عج»، اثر اسناد نجم الدین طبسی ۷– ادعیه معتبر پیرامون حضـرت , مکیال المکارم ، اثر استاد سید محمد تقی موسوی اصفهانی ۸– وظایف شـیعیان در عصر غیبت , ۹– راه وصال تالیف ، سـید محمد رضا حسـینی مطلق . ج۲– در قرآن کریم برای معرفی اشـخاص

الهی از سه شیوه استفاده شده است : ۱- با معرفی اسم. ۳-با معرفی عدد. ۴-با معرفی صفت●. معرفی از نوع اول : در مورد هیچ یک از ائمه در قرآن صورت نگرفته است .که دلایل متعدد و قابل قبولی دارد یکی ازآن موارد که بسیار روشن است این امت که باعث می شود کینه کفار و منافقان را بر انگیزاند و باعث می شود که آنها دست به تحریف قرآن بزنند. اما نام پیامبران و افراد دیگری مثل« ذی القرنین » و« ابی لهب» و... آمده است که این افراد در گذشته وجود داشته اند و تحریف نام آنها نفعی به حال کسی نداشت به همین جهت در دستبرد کینه توازن مصون ماندند● . معرفی نوع دوم: به وسیله عدد می باشد . مثلا کلمه « قمر» به معنی ماه داوزده بار در قرآن آمده یا« الیوم » ۳۶۰ بار ذکر شده در مورد ائمه به یک مورد اشاره می شود. اینکه ائمه دوازده نفرند در سوره بقره آیه ۱۶۰ اگر به تفاسیر مراجعه کنید، می بینید که در آنجا ذکر شده که مقصود از داوزده چشمه آب «ائمه اطهار» می باشند که چشمه زلال هداتیند و هر که از آن بهره گیرد نجات می یابد و سیراب می گردد و هر که از آن دوری کند تباه و هلاک خواهد شد . و گاهی معرفی از نوع سوم است که آیات فراوانی در این زمینه است. علامه مجلسی در بحار الانوار جلد ۱۳ بیش از ۲۰۰ آیه را که در باره قیام مهدی «عج » نام برده شده ذکر می کند. برای مثال سوره بقره آیه ۳ { الذین یؤمنون بالغیب } امام جعفر صادق علیه السلام » فرموده: که ایمان به غیب اعتقاد به قیام قائم «عج » می باشد. و در کتاب نجم الثاقب نیز آیاتی را همراه با تفاسیر آن بیان کرده ، به عنوان مثال از امام صادق « علیه السلام » در مورد تفسیر آیه شریف ۴۵ سوره حج که و بئر معطله قصرمشید } که این مثلی است برای آل محمد « صلی الله علیه واله » «بئر مطلعه» چاهی است که ا ز او آب کشیده نمی شود و آن امام است که غایب شده، یعنی؛ از علم ایشان استفاده نمی شود تا وقت ظهور به آنگونه ای که در عصر ائمه دیگر استفاده می شده . انشاء الله از یاران و منتظرانی واقعی حضرت باشید منتظر مکاتبات بعدی شما هسیتم. برای مطالعه بیشتر به کتابهای ذیل مراجعه کنید : ۱- علامه مجلسی ، بحار الانوار (یا مهدی موعود علی دوانی) ۲- نجم الثاقب

۱-آیا کتابهای که در مورد جزیزه خضراء نوشته شده است، کتابهای معتبری هستند یا غیر معتبر ؟

پرسش

۱-آیا کتابهای که در مورد جزیزه خضراء نوشته شده است، کتابهای معتبری هستند یا غیر معتبر ؟

پاسخ

ج۱- در مورد جزیزه خضراء در مجموع دونظر مختلف وجود دارد●. برخی‌آن را صحیح و معتبر و قابل استناد می دانند ●. بعضی دیگر آن را مجعول و شبیه به افسانه می دانند و می گویند ،استناد به آن درست نیست . دلایل صحت داستان جزیره خضرا ء طرفداران، صحت این داستان می گویند؛ اگر این داستان ، داستان ساختگی ،رمانی و افسانه ای بود هیچ گاه بزرگان ، مفاخر شیعه به آن توجه نمی کردند و در کتابهایشان آن را نقل نمودند . کسانی که این داستان را نقل کرده اند : ۱-«فضل بن یحیی» از علمای قرن هفتم که او داستان را بلاواسطه در حله در منزل سید فخر الدین حسن بن علی موسوی مازندرانی ، از زبان زین الدین ، علی بن فاضل مازندرانی شنید، سپس آنرا در کتابی به نام «الجزیره الخضراء » نگاشت و همین کتاب در آینده مأخذ و منبع کتب سایرین شد و اولین کتابی که در این مورد نوشته شده همین کتاب است. ۲- قاضی نور الله شوشتری درکتاب پر ارج مجالس المؤمنین آن را آورده است. ۳- محقق کرکی آن را به فارسی ترجمه کرده است. ۴- علامه مجلسی آن را در کتاب بحار الانوار درج کرده است. ۵- شیخ حر عاملی آن را در کتاب اثبات الهدی درج کرده است. و دهها نفر دیگر که این داستان را در کتابهای خود آوردند. طرفداران صحت این داستان می گویند ،اگر این داستان یک موضوع جعلی و افسانه ای بود این همه برزگان بر آن استناد

نمی کردند و آن را در کتاب خود درج نمی کردند . a.دلایل جعلی و افسانه ای بودن داستان جزیره خضرا ء : اولا : درست است که این داستان را بسیاری از بزرگان نقل کرده اند،ولی وقتی دقت شود،آن یک داستان و از یک شخص بیشتر نیست و قهرمان داستان تنها علی بن فاضل مازندرانی و منبع همه آنها کتاب فضل بن یحیی است . ثانیا : این داستان سند معتبری ندارد،زیرا داستان از یک کتاب خطی نا شناخته نقل شده که خود مرحوم مجلسی در باره اش می نویسد ، چون من این داستان را در کتب معتبر نیافتم ،باب جداگانه ای را به آن اختصاص دادم تا با مطالب کتاب مخلوط نشود. ثالثا : در متن داستان تناقضاتی دیده میشود ،چنانکه ملاحظه فرمودید در یک جا سید شمس الدین به راوی داستان گفت :من نایب خاص امام هستم و خودم آن حضرت را تا کنون ندیده ام و پدرم نیز آنجناب را ندیده ، لیکن سخنش را شنیده است، اما جدم هم خودش را دیده ، و هم حدیثش را شنیده است، اما همین سید شمس الدین در جای دیگر به راوی داستان گفت: من هر روز صبح جمعه برای زیارت امام به آن کوه می رویم و خوب است تو هم بروی و شفیع محمد هم به راوای داستان گفت: فقط سید شمس الدین و امثالش می توانند خدمت امام زمان مشرف شوند چنانکه ملاحظه می فرمایید این مطالب با هم تناقض دارند . رابعا : در داستان مذکور به تحریف قرآن تصریح شده که قابل قبول نیست و مورد انکار شدید علمای اسلام است. خامسا : موضوع اباحه خمس در زمان غیبت مطرح شده و مورد تأیید قرار گرفته ، که آن هم از نظر فقها مردود است . به هر حال داستان به طور رمانتیک تهیه شده که خیلی عجیب و غریب به نظر می رسد، یک نفر به نام زین الدین ازعراق به قصد تحصیل علوم به شام و از آنجا به همراه استادش به مصر و از آنجا به همراه استادش به اندلس (اسپانیا) سفر می کند، پس از طی این مسافت طولانی مریض می شود. استادش او را رها می کند و بعد از یهودی با شنیدن نام جزیره روافض آن چنان به دیدن آن مشتاق می شود که استادش را فراموش می کند به پیمودن راه و دور خطر ناک به جزیره را فضیها می رسد، در آن جا نام جزیره خضراء را می شنود ، با اینکه بنابود پس از چهارماه کشتی بیاید ،پس از چهل روز آمد و پس از یک هفته توقف او را به همراه خوددریا می برند و در وسط بحر ابیض آبهای سفیدی را می بینند که شیرین و گورا است. در انجام بر فرض چشم پوشی از همه این اشکالات نمی توانیم بپذیریم که سکونت حضرت دائما در آن جزیره هست ، اگر اصل این جزیره و داستان صحت داشته باشد ممکن است حضرت مدتی در آنجا مانده باشد و گرنه حضرت به طور نا شناس در بین مردم زندگی می کنند، لذا او را در جاهای مختلف دیده اند کما اینکه امام صادق «علیه السلام » فرموده اند. پس انحصار زندگی حضرت در جزیره خضرا ء صحیح نیست . منابع : ۱-تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری ۲-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی ۳-سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

موضوع کتاب نجم الثاقب چیست ؟ و مولف آن کیست ؟ و آیا مطالب آن صحیح است ؟

پرسش

موضوع کتاب نجم الثاقب چیست ؟ و مولف آن کیست ؟ و آیا مطالب آن صحیح است ؟

پاسخ

کتاب «نجم‌الثاقب» در احوالات امام زمان(عج) نوشته شده است. نویسنده آن عالم عامل مرحوم حاج میرزا حسین نوری است (متوفی ۱۳۲۰ ه.ق) ایشان در فن حدیث و آشنایی به روایات معصومین(ع) از نوادر روزگار بوده و تألیفات فراوانی دارد. مرحوم حاج شیخ عباس قمی صاحب «مفاتیح‌الجنان» یکی از شاگردان ایشان بوده است. البته آنچه نوشته شد، بدان معنا نیست که تمامی محتویات آن صحیح می‌باشد؛ چون بنای ایشان بر جمع‌آوری بوده است. بنابراین در پذیرش آنچه نوشته شده، بایستی دقت کرد.

سلام الله علیها
نور فاطمه زهرا
کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org